



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

مکتوب

مخارج الذکر

مربی - مانی

مؤلفی مشرفی

۱-۴

مکتوب

مکتوب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نهج الذكر: فارسی - عربی

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۴۱	نهج الذکر: فارسی - عربی
۴۱	مشخصات کتاب
۴۲	جلد ۱
۴۲	اشاره
۴۸	پیش گفتار
۴۸	اشاره
۴۹	روش تدوین کتاب
۵۳	سپاس و تقدیر
۵۴	بخش یکم: یاد کردن و فراموش کردن خدا
۵۴	اشاره
۵۶	درآمد
۵۶	واژه شناسی «ذکر»
۵۷	ذکر، در قرآن و حدیث
۶۰	معنای ذکر
۶۱	دشوارترین فریضه
۶۲	انواع ذکر
۶۳	عوامل ذکر
۶۳	۱. پیکار با موانع یاد خدا
۶۳	۲. تقویت خدانشناسی
۶۴	۳. یاد مرگ
۶۴	۴. دعا برای الهام شدن ذکر
۶۵	آداب ذکر
۶۵	مهم ترین موارد ذکر

۶۶ آثار و برکات ذکر گفتن انفرادی و اجتماعی
۶۸ فصل یکم: تشویق به یاد کردن از خدا
۶۸ ۱ / ۱ خدا را بسیار یاد کنید
۸۴ ۲ / ۱ ترغیب به یاد خدا در همه احوال
۹۷ ۳ / ۱ تشویق به یاد خدا در همه جا
۹۹ ۴ / ۱ یاد خدا ، در همه حال ، نیکوست
۱۰۱ ۵ / ۱ جایگاه یادکننده خدا
۱۱۹ ۶ / ۱ مردانِ یاد خدا
۱۳۰ ۷ / ۱ کلیدهای یاد خدا
۱۳۵ ۸ / ۱ گوناگون
۱۳۹ فصل دوم: ویژگی های یاد خدا
۱۳۹ ۱ / ۲ حکمت عبادت
۱۴۱ ۲ / ۲ وظیفه دل و زبان
۱۴۳ ۳ / ۲ وظیفه آسمانیان و زمینیان
۱۴۳ ۴ / ۲ برترین اعمال
۱۴۷ ۵ / ۲ پُراج ترین سخن
۱۴۹ ۶ / ۲ روشنایی ایمان
۱۴۹ ۷ / ۲ خوی پرهیزگاران
۱۴۹ ۸ / ۲ لَذت عاشقان خدا
۱۵۳ فصل سوم: معنای یاد خدا
۱۵۳ ۱ / ۳ حقیقت یاد خدا
۱۵۷ ۲ / ۳ کسانی که یاد کننده خدا به شمار می آیند
۱۵۷ ۳ / ۳ کسانی که بسیار یادکننده خدا به شمار می آیند
۱۶۱ ۴ / ۳ کسانی که یاد کردن از آنان ، عبادت است
۱۶۵ فصل چهارم: اقسام یاد خدا
۱۶۵ ۱ / ۴ یاد کردن زبانی، یاد کردن در مصیبت، و یاد کردن در مواجهه با حرام های خدا

- ۱۶۷ ----- یاد کردن خالص و یاد کردن صارف - ۲ / ۴
- ۱۶۷ ----- هفت گونه یاد کردن - ۳ / ۴
- ۱۶۹ ----- یاد کردن نهانی - ۴ / ۴
- ۱۷۳ ----- یاد کردن آشکار - ۵ / ۴
- ۱۷۹ ----- فصل پنجم: عوامل یاد خدا -
- ۱۷۹ ----- ۱ / ۵ شناخت -
- ۱۷۹ ----- ۲ / ۵ دوست داشتن -
- ۱۸۱ ----- ۳ / ۵ الهم -
- ۱۸۳ ----- ۴ / ۵ به یاد آوردن قبر -
- ۱۸۳ ----- ۵ / ۵ کار کردن برای خشنودی خدا -
- ۱۸۵ ----- ۶ / ۵ چند عامل دیگر -
- ۱۸۷ ----- فصل ششم: آفت های یاد خدا -
- ۱۸۷ ----- ۱ / ۶ وسوسه شیطان -
- ۱۸۹ ----- ۲ / ۶ عالم فریفته دنیا -
- ۱۸۹ ----- ۳ / ۶ دنیا دوستی -
- ۱۹۱ ----- ۴ / ۶ بدی کردار -
- ۱۹۳ ----- ۵ / ۶ درازی آرزو -
- ۱۹۳ ----- ۶ / ۶ پیروی از هوس -
- ۱۹۳ ----- ۷ / ۶ نگاه بیهوده -
- ۱۹۳ ----- ۸ / ۶ پرداختن به یاد مردم -
- ۱۹۵ ----- ۹ / ۶ ستیزه گری -
- ۱۹۵ ----- ۱۰ / ۶ عمل نکردن به علم -
- ۱۹۵ ----- ۱۱ / ۶ سرگرمی ها -
- ۱۹۵ ----- ۱۲ / ۶ نادانی -
- ۱۹۷ ----- ۱۳ / ۶ پُر خوری و غرور -
- ۱۹۹ ----- فصل هفتم: آداب یاد خدا -

- ۱۹۹ پاک بودن - ۱ / ۷
- ۲۰۱ خشوع - ۲ / ۷
- ۲۰۳ خلوص - ۳ / ۷
- ۲۰۳ پرهیزگاری - ۴ / ۷
- ۲۰۵ بزرگداشت - ۵ / ۷
- ۲۰۵ نشاط - ۶ / ۷
- ۲۰۷ فراموش کردن خود - ۷ / ۷
- ۲۰۷ شوق داشتن به دیدار - ۸ / ۷
- ۲۰۹ گوناگون - ۹ / ۷
- ۲۱۷ فصل هشتم: مهم ترین اوقات یاد خدا - ۱۰ / ۷
- ۲۱۷ بامدادان و شامگاهان - ۱ / ۸
- ۲۲۱ از اول تا سیزدهم ذی حجه - ۲ / ۸
- ۲۲۷ ماه رمضان - ۳ / ۸
- ۲۲۷ روز جمعه - ۴ / ۸
- ۲۲۹ هنگام جنگ - ۵ / ۸
- ۲۳۱ هنگام آهنگ کاری کردن و داوری و قسمت کردن - ۶ / ۸
- ۲۳۱ هنگام رعد و برق - ۷ / ۸
- ۲۳۳ هنگام غافل بودن مردم - ۸ / ۸
- ۲۳۷ در تنهایی - ۹ / ۸
- ۲۴۱ هنگام گفتن - ۱۰ / ۸
- ۲۴۳ هنگام خوردن - ۱۱ / ۸
- ۲۴۵ هنگام خوابیدن - ۱۲ / ۸
- ۲۴۵ دل شب - ۱۳ / ۸
- ۲۴۷ هنگام برخاستن - ۱۴ / ۸
- ۲۴۹ در مسجد - ۱۵ / ۸
- ۲۵۱ در مکه - ۱۶ / ۸

- ۲۵۱ در خانه ۱۷ / ۸
- ۲۵۳ در بازار ۱۸ / ۸
- ۲۵۵ در سفر ۱۹ / ۸
- ۲۵۵ هنگام گذر از کوه یا دشت ۲۰ / ۸
- ۲۵۷ با هر یاد کننده خدا ۲۱ / ۸
- ۲۵۹ فصل نهم: برکت های یاد خدا ۲۲ / ۸
- ۲۵۹ یاد کردن خدا از یاد کننده اش ۱ / ۹
- ۲۷۱ راندن شیطان ۲ / ۹
- ۲۷۹ آرامش دل ۳ / ۹
- ۲۸۱ گشایش سینه ۴ / ۹
- ۲۸۱ جلای دل ۵ / ۹
- ۲۸۵ شفای دل ۶ / ۹
- ۲۸۵ بهبود دل ۷ / ۹
- ۲۸۷ زنده شدن دل ۸ / ۹
- ۲۸۹ آبادی دل ۹ / ۹
- ۲۸۹ روشنایی دل ۱۰ / ۹
- ۲۹۱ حکمت دل ۱۱ / ۹
- ۲۹۳ راه نمای خُردها ۱۲ / ۹
- ۲۹۳ موفقیت در کارها ۱۳ / ۹
- ۲۹۵ روزی بدون سرمایه ۱۴ / ۹
- ۲۹۵ رهیدن از سختی ها و گرفتاری ها ۱۵ / ۹
- ۲۹۷ نیک نامی ۱۶ / ۹
- ۲۹۹ نیک کرداری ۱۷ / ۹
- ۲۹۹ زدودن گناهان ۱۸ / ۹
- ۲۹۹ تقویت ایمان ۱۹ / ۹
- ۳۰۱ نزدیک شدن به خدا ۲۰ / ۹

- ۳۰۳ ۲۱ / ۹ همدمی با خدا
- ۳۰۳ ۲۲ / ۹ محبوبیت در نزد خداوند
- ۳۰۵ ۲۳ / ۹ دیدار خدا
- ۳۰۸ ۲۴ / ۹ مصونیت از اشتباه
- ۳۰۸ ۲۵ / ۹ فرود آمدن فرشتگان
- ۳۱۷ ۲۶ / ۹ فرود آمدن رحمت
- ۳۱۷ ۲۷ / ۹ فرود آمدن آرامش
- ۳۱۹ ۲۸ / ۹ آموزش خداوند
- ۳۱۹ ۲۹ / ۹ تبدیل شدن بدی ها به خوبی ها
- ۳۲۱ ۳۰ / ۹ مباحثات کردن خداوند
- ۳۲۱ ۳۱ / ۹ درآمدن به باغ های بهشت
- ۳۲۳ ۳۲ / ۹ روشنایی در روز قیامت
- ۳۲۵ ۳۳ / ۹ پیشتازی در روز قیامت
- ۳۲۷ ۳۴ / ۹ خیر دنیا و آخرت
- ۳۲۹ فصل دهم: زیان های فراموش کردن خدا
- ۳۲۹ ۱ / ۱۰ فراموش شدن از جانب خدا
- ۳۳۱ ۲ / ۱۰ خود فراموشی
- ۳۳۱ ۳ / ۱۰ مسلط شدن شیطان
- ۳۳۳ ۴ / ۱۰ سنگ دلی
- ۳۳۵ ۵ / ۱۰ مردن دل
- ۳۳۵ ۶ / ۱۰ زندگی فلاکت بار
- ۳۳۷ ۷ / ۱۰ بدی دنیا و آخرت
- ۳۴۹ تحلیلی در باره برکات یاد خدا و زیان های فراموش کردن او
- ۳۴۹ ۱ . جامع ترین برکات یاد خدا
- ۳۵۰ ۲ . نقش یاد خدا در آفت زدایی از زندگی
- ۳۵۰ ۳ . نقش یاد خدا در سازندگی جان

- ۴ . نقش یاد خدا در پیدایی علم و حکمت و عصمت روانی ۳۵۱
- ۵ . نقش ذکر در نیکوکاری و خوش نامی ۳۵۱
- ۶ . نقش ذکر در تأمین رفاه مادی و حل مشکلات زندگی ۳۵۱
- ۷ . نقش ذکر در محبت ۳۵۲
- ۸ . نقش ذکر در تأمین خیر دنیا و آخرت ۳۵۲
- ۹ . زبان های فراموش کردن خدا ۳۵۳
- بخش دوم : بسمله (گفتنِ «بسم الله») ۳۵۵
- اشاره ۳۵۵
- درآمد ۳۵۷
- واژه شناسی «بسمله» ۳۵۷
- اشاره ۳۵۷
- ۱ . معنای «اسم» ۳۵۸
- ۲ . فرق اسم و صفت ۳۵۸
- ۳ . اتحاد اسم و صفت در باره خداوند ۳۵۸
- ۴ . معنای اسما و صفات الهی ۳۵۹
- ۵ . معنای ذکر «بسم الله» ۳۶۰
- ۶ . عظمت ذکر «بسم الله» ۳۶۲
- ۷ . فضیلت تعلیم «بسم الله» ۳۶۳
- ۸ . برکات ذکر «بسم الله» ۳۶۳
- ۹ . چه کاری را باید با «بسم الله» آغاز کرد؟ ۳۶۴
- فصل یکم: تفسیر «بسم الله الرحمن الرحیم» ۳۶۷
- ۱ / ۱ معنای «اسم» ۳۶۷
- ۲ / ۱ معنای الله ۳۷۵
- ۳ / ۱ معنای «بسم الله الرحمن الرحیم» ۳۸۳
- فصل دوم: ویژگی های «بسم الله الرحمن الرحیم» ۳۹۰
- ۱ / ۲ نزدیک ترین چیز به اسم اعظم است ۳۹۰

- ۳۹۲ ۲ / ۲ سرآغاز هر کتاب آسمانی است
- ۳۹۵ سخنی در باره آغاز شدن کتاب های آسمانی با «بسم الله»
- ۳۹۸ ۳ / ۲ نخستین چیزی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله ، نازل شد
- ۳۹۸ ۴ / ۲ با عظمت ترین آیه در کتاب خدا
- ۳۹۸ ۵ / ۲ تاج سوره ها
- ۴۰۲ ۶ / ۲ آغاز نماز
- ۴۱۰ فصل سوم: جایگاه های ذکر «بسم الله»
- ۴۱۰ ۱ / ۳ نگارش
- ۴۱۴ ۲ / ۳ بامداد و شامگاه
- ۴۱۶ ۳ / ۳ هنگام خارج شدن از منزل ، یا وارد شدن به آن
- ۴۱۸ ۴ / ۳ هنگام وضو گرفتن
- ۴۲۰ ۵ / ۳ هنگام ایستادن برای نماز
- ۴۲۲ ۶ / ۳ هنگام وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آن
- ۴۲۴ ۷ / ۳ هنگام ذبح کردن حیوان
- ۴۲۶ ۸ / ۳ هنگام خوردن و آشامیدن
- ۴۲۸ ۹ / ۳ هنگام خوابیدن
- ۴۳۰ ۱۰ / ۳ هنگام پوشیدن
- ۴۳۲ ۱۱ / ۳ هنگام قضای حاجت
- ۴۳۲ ۱۲ / ۳ هنگام هم بستر شدن
- ۴۳۴ ۱۳ / ۳ هنگام گرفتن سبیل
- ۴۳۶ ۱۴ / ۳ هنگام نشستن بر مرکب
- ۴۳۸ ۱۵ / ۳ هنگام سفر
- ۴۴۰ ۱۶ / ۳ در هر کاری
- ۴۴۶ فصل چهارم: آثار «بسم الله»
- ۴۴۶ ۱ / ۴ برکت یافتن
- ۴۴۶ ۲ / ۴ قرار گرفتن در پناه خدا

- ۴۵۰ شفا بخشی ۳ / ۴
- ۴۵۲ مستجاب شدن دعا ۴ / ۴
- ۴۵۲ تسبیحگویی کوه ها همراه کسی که «بسم الله» گوید ۵ / ۴
- ۴۵۲ کوچک شدن شیطان ۶ / ۴
- ۴۵۴ محفوظ ماندن از اشرار ۷ / ۴
- ۴۵۶ در امان ماندن از غرق شدن ۸ / ۴
- ۴۵۸ گرداندن بلا ۹ / ۴
- ۴۵۸ برطرف شدن وحشت ۱۰ / ۴
- ۴۵۸ سنگین شدن ترازوی اعمال ۱۱ / ۴
- ۴۶۰ رهیدن از آتش دوزخ ۱۲ / ۴
- ۴۶۲ فصل پنجم: آداب «بسم الله» گفتن
- ۴۶۲ ۱ / ۵ بلند گفتن
- ۴۶۲ الف سزاوارترین آیه به خواننده شدن با صدای بلند
- ۴۶۲ ب بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» توسط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله
- ۴۶۶ ج بلند گفتن آن در نماز، توسط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله
- ۴۶۸ د بلند گفتن «بسم الله» در نماز، توسط اهل بیت علیهم السلام
- ۴۷۳ ه بلند گفتن «بسم الله» از نشانه های ایمان است
- ۴۷۶ پژوهشی در باره جهر به «بسمله»
- ۴۷۶ ۱. جهر به «بسمله» در سنت نبوی صلی الله علیه و آله
- ۴۷۶ ۲. سنت جهر به «بسمله»، در عمل صحابه
- ۴۷۸ ۳. دگرگونی سنت جهر به «بسمله»
- ۴۷۹ ۴. ستیز اهل بیت با این بدعت
- ۴۸۱ ۲ / ۵ نیکو نوشتن «بسم الله»
- ۴۸۳ ۳ / ۵ احترام نهادن به نوشته «بسم الله»
- ۴۸۵ بخش سوم: تسبیح (گفتن «سبحان الله»)
- ۴۸۵ اشاره

۴۸۷	درآمد
۴۸۷	واژه شناسی «تسبیح»
۴۸۹	تسبیح ، در قرآن و حدیث
۴۹۱	تسبیحگوی حقیقی
۴۹۱	راز همراهی «تسبیح» و «تحمید»
۴۹۴	اهمیت ذکر «تسبیح»
۴۹۷	فصل یکم: تفسیر تسبیح
۵۰۵	فصل دوم: ویژگی های تسبیح
۵۰۵	۱ / ۲ نامی از نام های خدا
۵۰۷	۲ / ۲ گوهر نماز
۵۰۷	۳ / ۲ نماز هر چیزی
۵۰۹	۴ / ۲ خوراک فرشتگان
۵۱۱	۵ / ۲ نیایش بهشتیان
۵۱۳	۶ / ۲ لذت بردن بهشتیان از تسبیح زیورهایشان
۵۱۵	۷ / ۲ آواز بهشت
۵۱۵	۸ / ۲ میوه های بهشت
۵۱۷	فصل سوم: تشویق به تسبیحگویی
۵۱۷	۱ / ۳ فضیلت تسبیحگویی
۵۲۱	۲ / ۳ بسیار تسبیح گفتن
۵۲۵	۳ / ۳ تسبیح همراه با تحمید
۵۳۱	۴ / ۳ تشویق به خواندن مسبّحات
۵۳۵	فصل چهارم: برکات تسبیح گفتن
۵۳۵	۱ / ۴ رفع اندوه
۵۳۷	۲ / ۴ رفع ناداری
۵۳۹	۳ / ۴ آمرزش گناهان
۵۳۹	۴ / ۴ بهشت

فصل پنجم: اوقات تسبیح گفتن ۵۴۳

۱ / ۵ بامداد و شامگاه ۵۴۳

۲ / ۵ در اوقات شب و کرانه های روز ۵۵۱

۳ / ۵ پس از فرو شدن ستارگان ۵۵۵

۴ / ۵ در رکوع و سجود ۵۵۹

۵ / ۵ در پی سجود ۵۶۳

۶ / ۵ هنگام برخاستن از مجلس ۵۶۳

۷ / ۵ هنگام بار افکندن در سفر ۵۶۷

۸ / ۵ هنگام درآمدن به بازار ۵۶۷

۹ / ۵ هنگام شنیدن رعد ۵۶۹

فصل ششم: تسبیحات چهارگانه ۵۷۱

۱ / ۶ تشویق به گفتن تسبیحات چهارگانه ۵۷۱

۲ / ۶ فضیلت تسبیحات چهارگانه ۵۷۷

۳ / ۶ برکات تسبیحات چهارگانه ۵۸۵

۴ / ۶ ماندگاری تسبیحات چهارگانه ۵۹۱

جلد ۲ - ۵۹۴

اشاره ۵۹۴

ادامه بخش سوم : تسبیح (گفتن «سبحان الله») ۶۰۰

فصل هفتم: تسبیحات رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ۶۰۰

۱ / ۷ تسبیحات رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله ۶۰۰

۲ / ۷ تسبیحات رسیده از امام علی بن ابی طالب علیه السلام ۶۳۷

۳ / ۷ تسبیحات رسیده از فاطمه دخت پیامبر خدا ۶۴۹

۴ / ۷ تسبیحات رسیده از امام حسین علیه السلام ۶۵۱

۵ / ۷ تسبیحات رسیده از امام زین العابدین علیه السلام ۶۵۳

۶ / ۷ تسبیحات رسیده از امام باقر علیه السلام ۶۵۵

۷ / ۷ تسبیحات رسیده از امام صادق علیه السلام ۶۵۷

۶۷۷	۸ / ۷ تسبیحاتِ رسیده از امام کاظم علیه السلام
۶۷۷	۹ / ۷ تسبیحاتِ رسیده از امام رضا علیه السلام
۶۷۷	۱۰ / ۷ تسبیحاتِ رسیده از امام هادی علیه السلام
۶۷۹	۱۱ / ۷ گوناگون
۶۹۳	فصل هشتم: تسبیحات فاطمه علیها السلام
۶۹۳	۱ / ۸ فضیلت تسبیحات فاطمه علیها السلام
۶۹۷	۲ / ۸ آغاز تشریح تسبیحات فاطمه علیها السلام
۷۰۱	۳ / ۸ چگونگی تسبیحات فاطمه علیها السلام
۷۰۴	کیفیت تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام
۷۰۴	اشاره
۷۰۵	نظریه مشهور: تقدیم تحمید بر تسبیح
۷۰۶	دلیل نظریه مشهور
۷۰۷	نظریه دوم: تقدیم تسبیح بر تحمید
۷۰۸	نظریه سوم: تفصیل
۷۰۹	نظریه مختار
۷۱۱	فصل نهم: تسبیحگویی موجودات
۷۱۱	۱ / ۹ تسبیحگویی فرشتگان
۷۱۷	۲ / ۹ نام هایی که فرشتگان ، با آنها تسبیح می گویند
۷۱۹	۳ / ۹ ذکر فرشتگان در تسبیح
۷۲۱	۴ / ۹ تسبیحگویی هر موجود زنده ای
۷۳۰	۵ / ۹ ذکر تسبیح برخی جانوران
۷۳۹	۶ / ۹ تسبیحگویی هر موجودی
۷۴۶	۷ / ۹ نام هایی که موجودات با آنها تسبیح می گویند
۷۵۱	۸ / ۹ تسبیحگویی موجودات ، هم نوا با انسان
۷۵۵	۹ / ۹ اوقات تسبیحگویی موجودات
۷۵۵	۱۰ / ۹ معنای تسبیحگویی موجودات

۷۵۸	پژوهشی در باره تسبیح عمومی آفریده ها
۷۵۸	دسته اول : آیات و احادیثی که بر تسبیح فرشتگان دلالت دارند
۷۵۸	دسته دوم : احادیثی که بر تسبیح موجودات زنده دلالت دارند
۷۵۹	دسته سوم : آیات و احادیثی که دلالت دارند که همه آفریده ها ، اعم از . . .
۷۶۰	دسته چهارم : آیات و احادیثی که دلالت دارند که جمادات و برخی . . .
۷۶۰	دسته پنجم : احادیثی که در آنها تسبیح شماری از موجودات ، تفسیر شده است
۷۶۱	دیدگاه ها در باره تسبیح و تحمید عمومی موجودات
۷۶۱	۱ . زبان حال بودن آیات و احادیث تسبیح
۷۶۲	۲ . حقیقی بودن آیات و احادیث تسبیح
۷۶۸	دوام یا انقطاع تسبیح موجودات
۷۷۱	فصل دهم: تسبیح
۷۷۱	۱۰ / ۱ استفاده از تسبیح در گفتن تسبیحات
۷۷۹	۱۰ / ۲ فضیلت تسبیح ساخته شده از تربت امام حسین
۷۸۵	فصل یازدهم: چیزهایی که ثواب تسبیحگویی دارند
۷۸۵	۱ / ۱ گفتگوی علمی
۷۸۵	۱ / ۲ نفس کشیدن روزه دار
۷۸۷	۱ / ۳ نفس کشیدن شخص اندوهگین برای اهل بیت
۷۸۷	۱ / ۴ نفس کشیدن کسی که نیت خواندن نماز شب داشته ، اما خوابش برده است
۷۸۹	۱ / ۵ دغدغه کسی که خواستش خشنودی خداست
۷۸۹	۱ / ۶ ناله مؤمن
۷۹۱	بخش چهارم : تحمید (گفتن «الحمد لله»)
۷۹۱	اشاره
۷۹۳	درآمد
۷۹۳	واژه شناسی «حمد» و «تحمید»
۷۹۵	حمد و تحمید ، در قرآن و حدیث
۷۹۵	نکاتی در باره معنای حمد

- ۷۹۷ ----- مرز میان انسان و حیوان
- ۷۹۸ ----- راز محبوبیت حمد در نزد خدا
- ۸۰۱ ----- فصل یکم: تفسیر حمد
- ۸۰۱ ----- ۱ / ۱ سپاس گفتنِ نعمت ها
- ۸۰۳ ----- ۲ / ۱ اصل سپاس گزاری
- ۸۰۵ ----- ۳ / ۱ حقّ سپاس گزاری
- ۸۰۷ ----- ۴ / ۱ به جا آوردن سپاس گزاری کامل
- ۸۰۹ ----- ۵ / ۱ آغاز و فرجام سپاس گزاری
- ۸۱۱ ----- فصل دوم: تشویق به حمدگویی
- ۸۱۱ ----- ۱ / ۲ بهترین ستاینده و بهترین ستوده
- ۸۱۵ ----- ۲ / ۲ سزاوارترین کس به ستایش
- ۸۱۷ ----- ۳ / ۲ محبوب ترین چیزها نزد خدا
- ۸۱۹ ----- ۴ / ۲ سزاوارترین چیز به آغاز کردن با آن
- ۸۲۱ ----- ۵ / ۲ آغاز قرآن
- ۸۲۱ ----- ۶ / ۲ آغاز یاد خدا
- ۸۲۳ ----- ۷ / ۲ پُرکننده ترازوی اعمال
- ۸۲۳ ----- ۸ / ۲ نیایش بهشتیان
- ۸۲۵ ----- ۹ / ۲ برترین دعا
- ۸۲۷ ----- ۱۰ / ۲ بهای هر نعمتی
- ۸۲۷ ----- ۱۱ / ۲ برتر از نعمت
- ۸۲۹ ----- ۱۲ / ۲ ستایش بسیار گفتن
- ۸۳۱ ----- ۱۳ / ۲ ویژگی امتِ محمّد صلی الله علیه و آله
- ۸۳۷ ----- فصل سوم: برکت های حمد گفتن
- ۸۳۷ ----- ۱ / ۳ پایداری نعمت
- ۸۳۷ ----- ۲ / ۳ کامل شدن نعمت
- ۸۳۹ ----- ۳ / ۳ پذیرفته شدن دعا

- ۸۴۱ ۴ / ۳ درختکاری در بهشت
- ۸۴۳ فصل چهارم: اوقات حمدگویی خدا
- ۸۴۳ ۱ / ۴ پیش از طلوع و غروب خورشید
- ۸۴۵ ۲ / ۴ بامداد و شامگاه
- ۸۴۷ ۳ / ۴ هنگام برخورد کردن از نعمتی
- ۸۵۳ ۴ / ۴ بر خوی ها و کردارهای نیک
- ۸۵۵ ۵ / ۴ بر دوست داشتن اهل بیت
- ۸۵۷ ۶ / ۴ بر سلامت نوزاد
- ۸۵۹ ۷ / ۴ هنگام بلا و بیماری
- ۸۶۳ ۸ / ۴ هنگام مشاهده آسیب دیده
- ۸۶۵ ۹ / ۴ هنگام دیدن جنازه
- ۸۶۵ ۱۰ / ۴ هنگام گرفتاری و اندوه
- ۸۶۷ ۱۱ / ۴ در خوشی و ناخوشی
- ۸۶۹ ۱۲ / ۴ هنگام وارد شدن به مسجد
- ۸۶۹ ۱۳ / ۴ در پی نمازها
- ۸۷۱ ۱۴ / ۴ در سجده
- ۸۷۱ ۱۵ / ۴ پس از خواندن سوره فاتحه در نماز
- ۸۷۱ ۱۶ / ۴ پس از خواندن «حاء میم»ها
- ۸۷۳ ۱۷ / ۴ هنگام ختم قرآن
- ۸۷۵ ۱۸ / ۴ آغاز سخن
- ۸۷۵ ۱۹ / ۴ پس از خوردن و آشامیدن
- ۸۸۵ ۲۰ / ۴ هنگام خوابیدن
- ۸۸۷ ۲۱ / ۴ هنگام بیدار شدن
- ۸۸۹ ۲۲ / ۴ هنگام دیدن خواب خوش
- ۸۸۹ ۲۳ / ۴ پس از عطسه زدن
- ۸۹۳ ۲۴ / ۴ هنگام پوشیدن جامه نو

- ۸۹۵ ۲۵ / ۴ هنگام نگاه کردن در آینه
- ۸۹۵ ۲۶ / ۴ هنگام قضای حاجت
- ۸۹۹ ۲۷ / ۴ هنگام سفر و هنگام سوار شدن
- ۹۰۱ ۲۸ / ۴ هنگام دیدن هلال ماه
- ۹۰۳ ۲۹ / ۴ هنگام افطار کردن
- ۹۰۳ ۳۰ / ۴ در موقف (عرفات)
- ۹۰۳ ۳۱ / ۴ هنگام اجابت شدن دعا
- ۹۰۵ ۳۲ / ۴ هنگام سخنرانی
- ۹۰۵ ۳۳ / ۴ هنگام خطبه ازدواج
- ۹۰۵ ۳۴ / ۴ هنگام استفاده از بخور و عطر
- ۹۰۷ ۳۵ / ۴ در هر کار مهم
- ۹۰۹ ۳۶ / ۴ بر هر حال و وضعی
- ۹۱۳ فصل پنجم: حمدهای رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام
- ۹۱۳ ۱ / ۵ حمدهای رسیده از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله
- ۹۳۵ ۲ / ۵ حمدهای رسیده از امام علی بن ابی طالب علیه السلام
- ۹۸۳ ۳ / ۵ ستایش های رسیده از فاطمه زهرا علیها السلام
- ۹۸۹ ۴ / ۵ ستایش های رسیده از امام حسن مجتبی علیه السلام
- ۹۹۷ ۵ / ۵ ستایش های رسیده از امام حسین علیه السلام
- ۱۰۰۱ ۶ / ۵ ستایش های رسیده از امام زین العابدین علیه السلام
- ۱۰۲۱ ۷ / ۵ ستایش های نقل شده از امام باقر علیه السلام
- ۱۰۲۵ ۸ / ۵ ستایش های نقل شده از امام صادق علیه السلام
- ۱۰۳۹ ۹ / ۵ ستایش های نقل شده از امام کاظم علیه السلام
- ۱۰۳۹ ۱۰ / ۵ ستایش های نقل شده از امام رضا علیه السلام
- ۱۰۴۱ ۱۱ / ۵ ستایش های نقل شده از امام جواد علیه السلام
- ۱۰۴۳ ۱۲ / ۵ ستایش های نقل شده از امام هادی علیه السلام
- ۱۰۵۰ ۱۳ / ۵ ستایش های نقل شده از امام حسن عسکری علیه السلام

- ۱۰۵۰ ----- ۱۴ / ۵ ستایش های نقل شده از امام مهدی علیه السلام
- ۱۰۶۱ ----- بخش پنجم: تهلیل (گفتن «لا إله إلا الله»)
- ۱۰۶۱ ----- اشاره
- ۱۰۶۲ ----- درآمد
- ۱۰۶۲ ----- واژه شناسی «تهلیل»
- ۱۰۶۳ ----- تهلیل ، در قرآن و حدیث
- ۱۰۶۳ ----- اهمیت ذکر «تهلیل»
- ۱۰۶۵ ----- شرط بهره گیری از برکات تهلیل
- ۱۰۶۷ ----- فصل یکم: ترغیب به گفتن «لا إله إلا الله»
- ۱۰۶۷ ----- ۱ / ۱ آغاز ایمان
- ۱۰۶۷ ----- ۲ / ۱ نو کردن ایمان
- ۱۰۶۹ ----- ۳ / ۱ نامی از نام های خدا
- ۱۰۶۹ ----- ۴ / ۱ گفتار پرهیزگاری
- ۱۰۷۱ ----- ۵ / ۱ سرور اذکار
- ۱۰۷۳ ----- ۶ / ۱ برترین اعمال
- ۱۰۷۳ ----- ۷ / ۱ برترین علم
- ۱۰۷۵ ----- ۸ / ۱ برترین سخن
- ۱۰۷۵ ----- ۹ / ۱ راست ترین سخن
- ۱۰۷۵ ----- ۱۰ / ۱ بهترین عبادت
- ۱۰۷۹ ----- ۱۱ / ۱ همدم مؤمن
- ۱۰۷۹ ----- ۱۲ / ۱ کلید آسمان ها
- ۱۰۷۹ ----- ۱۳ / ۱ شعار مسلمانان در هنگام گذشتن از صراط
- ۱۰۸۱ ----- ۱۴ / ۱ همتا ندارد
- ۱۰۸۵ ----- ۱۵ / ۱ گوناگون
- ۱۰۹۱ ----- فصل دوم: شرط های گفتن «لا إله إلا الله»
- ۱۰۹۱ ----- ۱ / ۲ اخلاص

- ۱۰۹۴ ----- ولایت ۲ / ۲
- ۱۰۹۸ ----- کردار نیک ۳ / ۲
- ۱۱۰۰ ----- دوری کردن از حرام ها ۴ / ۲
- ۱۱۰۲ ----- فصل سوم: برکت های «لا إله إلا الله» -----
- ۱۱۰۲ ----- نابود کردن گناهان ۱ / ۳
- ۱۱۰۹ ----- مصون ماندن از شیطان ۲ / ۳
- ۱۱۰۹ ----- دفع بلا ۳ / ۳
- ۱۱۰۹ ----- در امان ماندن از خواری ۴ / ۳
- ۱۱۱۱ ----- رهیدن از آتش ۵ / ۳
- ۱۱۱۱ ----- رفتن به بهشت ۶ / ۳
- ۱۱۱۵ ----- عزّت ۷ / ۳
- ۱۱۱۵ ----- رستگاری ۸ / ۳
- ۱۱۱۷ ----- خیر دنیا و آخرت ۹ / ۳
- ۱۱۱۹ ----- فصل چهارم: تهلیل های پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام -----
- ۱۱۱۹ ----- توحیدگویی های رسیده از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ۱ / ۴
- ۱۱۳۱ ----- توحیدگویی های رسیده از امام علی علیه السلام ۲ / ۴
- ۱۱۳۷ ----- توحیدگویی های رسیده از فاطمه زهرا علیها السلام ۳ / ۴
- ۱۱۳۷ ----- توحیدگویی های رسیده از امام حسن علیه السلام ۴ / ۴
- ۱۱۳۹ ----- توحیدگویی های رسیده از امام حسین علیه السلام ۵ / ۴
- ۱۱۳۹ ----- توحیدگویی های رسیده از امام زین العابدین علیه السلام ۶ / ۴
- ۱۱۴۳ ----- توحیدگویی های رسیده از امام باقر علیه السلام ۷ / ۴
- ۱۱۴۵ ----- توحیدگویی های رسیده از امام صادق علیه السلام ۸ / ۴
- ۱۱۵۱ ----- توحیدگویی های رسیده از امام کاظم علیه السلام ۹ / ۴
- ۱۱۵۳ ----- توحیدگویی های رسیده از امام رضا علیه السلام ۱۰ / ۴
- ۱۱۵۵ ----- توحیدگویی های رسیده از امام عسکری علیه السلام ۱۱ / ۴
- ۱۱۵۷ ----- توحیدگویی های رسیده از امام مهدی علیه السلام ۱۲ / ۴

۱۱۵۸	جلد ۳
۱۱۵۸	اشاره
۱۱۶۴	بخش ششم: تکبیر (گفتن «الله أكبر»)
۱۱۶۴	اشاره
۱۱۶۶	درآمد
۱۱۶۶	واژه شناسی «تکبیر»
۱۱۶۷	تکبیر، در قرآن و حدیث
۱۱۶۸	تفسیر «تکبیر»
۱۱۷۰	اهمیت ذکر «تکبیر»
۱۱۷۱	جایگاه تکبیر
۱۱۷۴	فصل یکم: تفسیر «الله أكبر»
۱۱۸۵	فصل دوم: فضیلت «الله أكبر» گفتن و تشویق به آن
۱۱۹۱	فصل سوم: جایگاه های گفتن «الله أكبر»
۱۱۹۱	۱ / ۳ اذان
۱۱۹۱	۲ / ۳ نماز
۱۱۹۵	۳ / ۳ جهاد
۱۱۹۷	۴ / ۳ کسب پیروزی
۱۱۹۹	۵ / ۳ شب عروسی
۱۲۰۱	۶ / ۳ اعیاد
۱۲۰۹	۷ / ۳ دیدن ماه نو
۱۲۱۱	۸ / ۳ هنگام سوار شدن
۱۲۱۱	۹ / ۳ هنگام بالا رفتن بر بلندی
۱۲۱۵	۱۰ / ۳ هنگام رمی جفّرات
۱۲۱۵	۱۱ / ۳ روزهای تشریق
۱۲۱۹	۱۲ / ۳ هنگام دیدن جنازه
۱۲۱۹	۱۳ / ۳ هنگام ترس

- ۱۲۲۱ ۱۴ / ۳ هنگام زیارت آرامگاه های اهل بیت علیهم السلام
- ۱۲۲۳ ۱۵ / ۳ هنگام به چشم آمدن چیزی
- ۱۲۲۳ ۱۶ / ۳ هنگام نگرستن در آینه
- ۱۲۲۳ ۱۷ / ۳ هنگام خرید کالا
- ۱۲۲۵ ۱۸ / ۳ هنگام خارج شدن از خانه
- ۱۲۲۷ فصل چهارم: آداب تکبیر گفتن در نماز
- ۱۲۳۳ فصل پنجم: تکبیرهای رسیده از اهل بیت علیهم السلام
- ۱۲۳۹ بخش هفتم: حوقله و استثناء (گفتن «لا حول و لا قوه إلا بالله» و «إن شاء الله»)
- ۱۲۳۹ اشاره
- ۱۲۴۱ درآمد
- ۱۲۴۱ واژه شناسی «حوقله»
- ۱۲۴۱ حوقله ، در قرآن و حدیث
- ۱۲۴۱ اشاره
- ۱۲۴۲ ۱ . معانی «حوقله»
- ۱۲۴۴ ۲ . استثنا به مشیت الهی
- ۱۲۴۵ ۳ . نقش ذکر «حوقله» در زندگی
- ۱۲۴۵ ۴ . خطر براءت از حول و قوه الهی
- ۱۲۴۷ فصل یکم: تفسیر «لا حول ولا قوه إلا بالله»
- ۱۲۴۷ ۱ / ۱ خودداری از معصیت و توانایی بر طاعت ، جز با یاری خود خدا نیست
- ۱۲۵۱ ۲ / ۱ تنها مالک چیزی هستی که خداوند ، ما را مالک آن کرده است
- ۱۲۵۱ ۳ / ۱ وا گذاشتن کار به خدا
- ۱۲۵۳ فصل دوم: ویژگی های «لا حول ولا قوه إلا بالله»
- ۱۲۵۳ ۱ / ۲ گنج سخن
- ۱۲۵۳ ۲ / ۲ سخن اهل آسمان ها
- ۱۲۵۵ ۳ / ۲ دری از درهای بهشت
- ۱۲۵۵ ۴ / ۲ نهالی از نهال های بهشت

- ۱۲۵۷ ----- گنجی از گنج های بهشت ----- ۵ / ۲
- ۱۲۶۱ ----- گنجی از گنج های عرش ----- ۶ / ۲
- ۱۲۶۳ ----- تسبیح حاملان عرش ----- ۷ / ۲
- ۱۲۶۳ ----- گوناگون ----- ۸ / ۲
- ۱۲۶۷ ----- فصل سوم: برکت های «لا حول ولا قوه إلا بالله» ----- ۱۲۶۷
- ۱۲۶۷ ----- ۱ / ۳ پابندگی نعمت ها ----- ۱۲۶۷
- ۱۲۷۱ ----- ۲ / ۳ آمرزش گناهان ----- ۱۲۷۱
- ۱۲۷۳ ----- ۳ / ۳ برآوردن حوایج ----- ۱۲۷۳
- ۱۲۷۵ ----- ۴ / ۳ از بین بردن وسوسه و خیالات ----- ۱۲۷۵
- ۱۲۷۹ ----- ۵ / ۳ فرو نشانیدن خشم ----- ۱۲۷۹
- ۱۲۷۹ ----- ۶ / ۳ ایمن ماندن از اندوه و نگرانی ----- ۱۲۷۹
- ۱۲۸۴ ----- ۷ / ۳ از بین بردن فقر ----- ۱۲۸۴
- ۱۲۸۶ ----- ۸ / ۳ دفع چشم زخم ----- ۱۲۸۶
- ۱۲۸۸ ----- ۹ / ۳ گرداندن انواع بلا ----- ۱۲۸۸
- ۱۳۰۲ ----- فصل چهارم: خطر برائت جستن از نیرو و توان خدا ----- ۱۳۰۲
- ۱۳۰۹ ----- فصل پنجم: مهم ترین اوقات گفتن «لا حول ولا قوه إلا بالله» ----- ۱۳۰۹
- ۱۳۰۹ ----- ۱ / ۵ هنگام اذان ----- ۱۳۰۹
- ۱۳۰۹ ----- ۲ / ۵ پس از نماز صبح ----- ۱۳۰۹
- ۱۳۱۱ ----- ۳ / ۵ هنگام بیرون رفتن از خانه ----- ۱۳۱۱
- ۱۳۱۵ ----- ۴ / ۵ هنگام وارد شدن به مسجد ----- ۱۳۱۵
- ۱۳۱۵ ----- ۵ / ۵ در بازار ----- ۱۳۱۵
- ۱۳۱۷ ----- فصل ششم: «لا حول ولا قوه إلا بالله» های رسیده از اهل بیت علیهم السلام ----- ۱۳۱۷
- ۱۳۲۸ ----- فصل هفتم: تشویق به گفتن : «ان شاء الله = اگر خدا بخواهد» ----- ۱۳۲۸
- ۱۳۲۸ ----- ۱ / ۷ گفتن «اگر خدا بخواهد» در گفتار ----- ۱۳۲۸
- ۱۳۳۵ ----- ۲ / ۷ نوشتن «اگر خدا بخواهد» ، در نوشتار ----- ۱۳۳۵
- ۱۳۳۷ ----- ۳ / ۷ نکوهش ترک «اگر خدا بخواهد» ----- ۱۳۳۷

۱۳۴۱	فصل هشتم: فراموش کردن «اگر خدا بخواهد» و با تأخیر گفتن آن
۱۳۴۷	فصل نهم: گوناگون
۱۳۵۳	بخش هشتم: استعاده (گفتنی «أعوذ بالله»)
۱۳۵۳	اشاره
۱۳۵۵	درآمد
۱۳۵۵	واژه شناسی «استعاده»
۱۳۵۶	استعاده ، در قرآن و حدیث
۱۳۵۶	اشاره
۱۳۵۷	۱ . حقیقت استعاده
۱۳۵۸	۲ . نقش استعاده در زندگی
۱۳۵۹	۳ . مهم ترین ادب استعاده
۱۳۶۱	فصل یکم: تشویق به پناه بردن به خدا و متوسل شدن به او
۱۳۶۱	۱ / ۱ پناه خواستن برای خود
۱۳۶۹	۲ / ۱ پناه خواستن برای دیگران
۱۳۷۵	فصل دوم: آداب پناه بردن
۱۳۷۵	۱ / ۲ شناخت کسی که به او پناه برده می شود
۱۳۷۵	الف خدا ، دژ پناهندگان
۱۳۷۷	ب پناه درماندگان
۱۳۸۳	ج پناهی جز خدا نیست
۱۳۸۷	د زیانکار شدن آن که از غیر خدا پناه جوید
۱۳۸۹	۲ / ۲ خواستن و کوشیدن
۱۳۹۱	۳ / ۲ ترک شهوت
۱۳۹۱	۴ / ۲ متوسل شدن به این نام ها
۱۳۹۷	۵ / ۲ گرد هم آمدن
۱۳۹۷	۶ / ۲ عبارت پناه خواهی
۱۳۹۹	۷ / ۲ چگونگی پناه بردن

- فصل سوم: برکت های پناه بردن به خدا - ۱۴۰۳
- ۱ / ۳ جای گرفتن در دژ خداوند - ۱۴۰۳
- ۲ / ۳ بهره مند شدن از رحمت خدا - ۱۴۱۱
- ۳ / ۳ ایمن ماندن از شیطان - ۱۴۱۳
- ۴ / ۳ بستن درهای گناه و نافرمانی خدا - ۱۴۱۹
- ۵ / ۳ مصون ماندن از توطئه دشمنان - ۱۴۲۱
- ۶ / ۳ دفع بلا - ۱۴۲۳
- ۷ / ۳ فرو نشانیدن خشم - ۱۴۲۳
- ۸ / ۳ رفع غم و اندوه - ۱۴۲۵
- ۹ / ۳ درمان بیماری ها - ۱۴۲۷
- ۱۰ / ۳ دفع گزند گزندگان و جنبندگان و درندگان - ۱۴۳۵
- ۱۱ / ۳ رفع ترس و بی خوابی - ۱۴۴۱
- ۱۲ / ۳ دفع گزند هر گزندرسانی - ۱۴۴۳
- ۱۳ / ۳ رهیدن از آتش - ۱۴۴۵
- فصل چهارم: چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد - ۱۴۴۷
- ۱ / ۴ شیطان - ۱۴۴۷
- ۲ / ۴ شیطان های انس و جن - ۱۴۵۵
- ۳ / ۴ نفس بد فرما - ۱۴۵۹
- ۴ / ۴ پیشوایان ستم و کجروی - ۱۴۶۳
- ۵ / ۴ نادانی - ۱۴۶۷
- ۶ / ۴ دانش بی سود - ۱۴۶۹
- ۷ / ۴ شرک - ۱۴۷۱
- ۸ / ۴ فتنه های گم راه کننده - ۱۴۷۱
- ۹ / ۴ گم راهی پس از ره یافتن - ۱۴۷۵
- ۱۰ / ۴ خوی های زشت - ۱۴۷۷
- الف تکبیر - ۱۴۷۷

- ب ریا ۱۴۷۷
- ج آزمندی و فزون خواهی ۱۴۸۱
- د بخل ۱۴۸۳
- ه سرمستی توانگری ۱۴۸۳
- و دشمنی با دوستان خدا و دوستی با دشمنان او ۱۴۸۵
- ز چند خصلت دیگر ۱۴۸۵
- ۴ / ۱۱ کردارهای زشت ۱۴۸۷
- الف ستم و حق کشی ۱۴۸۷
- ب انواع گناهان ۱۴۸۷
- ج پافشاری در گناه ۱۴۹۱
- ۴ / ۱۲ بهره مند نشدن از کارهای نیک ۱۴۹۳
- ۴ / ۱۳ گزند هر گزند رسانی ۱۴۹۵
- الف دوست بد ۱۴۹۵
- ب همسایه بد ۱۴۹۵
- ج همسر بد ۱۴۹۷
- د ستم هر ستمگری ۱۴۹۷
- ه گزند دشمنان ۱۴۹۹
- و شرّ بندگان ۱۵۰۵
- ز گزند چشم ۱۵۰۷
- ح شرّ اعضا و اندام ها ۱۵۰۹
- ط گزند چارپایان زمین و گزندگان ستمی آن ۱۵۰۹
- ی گزند دنیا ۱۵۱۱
- ک بیماری های بد ۱۵۱۳
- ل بلای طاقت فرسا ۱۵۱۵
- م تاراج شدن ۱۵۱۵
- ن ناداری ۱۵۱۷

- س چیره شدن بدهکاری ۱۵۲۱
- ع خواری و رسوایی ۱۵۲۳
- ف این چند چیز ۱۵۲۵
- ص بدفرجامی کارها ۱۵۲۹
- ق همه بدی ها ۱۵۳۱
- ۱۴ / ۴ ناخشنودی خدا ۱۵۳۷
- ۱۵ / ۴ مرگ بد ۱۵۴۱
- ۱۶ / ۴ عذاب قبر ۱۵۴۳
- ۱۷ / ۴ عذاب آتش ۱۵۴۹
- فصل پنجم: اوقات پناه بردن به خدا ۱۵۵۵
- ۱ / ۵ هنگام خواندن قرآن ۱۵۵۵
- ۲ / ۵ هنگام خواندن آیات عذاب ۱۵۵۷
- ۳ / ۵ آغاز نماز ۱۵۶۱
- ۴ / ۵ پس از هر نماز ۱۵۶۵
- ۵ / ۵ دعای قنوت نماز وتر ۱۵۷۱
- ۶ / ۵ دعای قنوت نماز عید فطر و قربان ۱۵۷۳
- ۷ / ۵ پس از تَبیک گویی [در حج] ۱۵۷۳
- ۸ / ۵ پس از زیارت اهل بیت ۱۵۷۳
- ۹ / ۵ و هنگام این چند کار ۱۵۷۵
- الف سخنرانی ۱۵۷۵
- ب خرید دام ۱۵۷۹
- ج وارد شدن به بازار ۱۵۷۹
- د شستن دست ها ۱۵۸۱
- ه روغن زدن ۱۵۸۱
- و ازدواج ۱۵۸۱
- ز آمیزش ۱۵۸۳

- ح زادن فرزند ۱۵۸۳
- ط عقیقه کردن ۱۵۸۵
- ی پوشیدن جامه نو ۱۵۸۷
- ک بیرون رفتن از خانه ۱۵۸۷
- ل رفتن به سفر ۱۵۹۱
- م فرود آمدن مسافر ۱۵۹۳
- ن وارد شدن مسافر به شهر یا روستا ۱۵۹۵
- س بازگشت مسافر ۱۵۹۷
- ع دیدن ماه نو ۱۵۹۹
- ف دیدن گرفتاران و آسیب دیدگان ۱۶۰۱
- ص خاکسپاری مرده ۱۶۰۱
- ۱۰ / ۵ و هنگام این چند حالت ۱۶۰۳
- الف حالت خشم ۱۶۰۳
- ب حالت خفتن ۱۶۰۳
- ج بیدار شدن از خواب ۱۶۰۹
- د دیدن خواب ناخوش ۱۶۱۱
- ه ترس و دلهره ۱۶۱۸
- و مصیبت ۱۶۱۸
- ز بیماری ۱۶۲۰
- ح فرا رسیدن مرگ ۱۶۲۴
- ۱۱ / ۵ و در این چند وقت ۱۶۲۴
- الف پیش از طلوع و غروب خورشید ۱۶۲۴
- ب هر بام و شام ۱۶۲۶
- ج هر روز ۱۶۳۲
- د روز جمعه ۱۶۳۴
- ه شب شنبه ۱۶۳۴

۱۶۳۴	و روز دوشنبه
۱۶۳۶	ز ماه رمضان
۱۶۳۸	ح روز عرفه
۱۶۴۰	ط روز جنگ
۱۶۴۲	ی هنگام وزیدن تندبادها
۱۶۴۶	ک هنگام شنیدن بانگ برخی جانوران
۱۶۴۸	۱۲ / ۵ و این چند مکان
۱۶۴۸	الف عرفات
۱۶۵۰	ب کعبه
۱۶۵۲	ج مسجد
۱۶۵۴	د گرمابه
۱۶۵۶	ه بازار
۱۶۵۸	و مستراح
۱۶۶۴	فصل ششم: پناه خواهی های نقل شده از اهل بیت علیهم السلام
۱۶۶۴	۱ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۶۸۵	۲ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از امام علی علیه السلام
۱۶۹۷	۳ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از فاطمه زهرا علیها السلام
۱۶۹۹	۴ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از امام زین العابدین علیه السلام
۱۷۱۹	۵ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از امام باقر علیه السلام
۱۷۲۳	۶ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از امام صادق علیه السلام
۱۷۴۳	۷ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از امام کاظم علیه السلام
۱۷۴۷	۸ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از امام رضا علیه السلام
۱۷۴۹	۹ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از امام جواد علیه السلام
۱۷۵۱	۱۰ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از امام هادی علیه السلام
۱۷۵۳	۱۱ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از امام مهدی علیه السلام
۱۷۵۵	۱۲ / ۶ پناه خواهی های جامع

۱۷۵۸	جلد ۴
۱۷۵۸	مشخصات کتاب
۱۷۵۹	اشاره
۱۷۶۵	بخش نهم: استغفار (آمزش خواهی از خدا)
۱۷۶۵	اشاره
۱۷۶۷	درآمد
۱۷۶۷	واژه شناسی «استغفار»
۱۷۶۹	استغفار ، در قرآن و حدیث
۱۷۶۹	۱ . روح استغفار
۱۷۷۱	۲ . معنای غفران الهی
۱۷۷۱	۳ . نقش استغفار در زندگی مادی و معنوی
۱۷۷۵	فصل یکم: حقیقت آمزش خواهی
۱۷۷۵	۱ / ۱ معنای آمزش خواهی
۱۷۷۹	۲ / ۱ نکوهش آمزش خواهی غیر حقیقی
۱۷۸۳	فصل دوم: تشویق به آمزش خواهی و برحذر داشتن از وا نهادن آن
۱۷۸۳	۱ / ۲ تشویق به آمزش خواهی
۱۷۹۱	۲ / ۲ تشویق به آمزش خواهی بسیار
۱۷۹۱	الف بسیار آمزش خواستن پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۷۹۷	ب بسیار آمزش خواستن امام کاظم علیه السلام
۱۷۹۷	۳ / ۲ فضیلت شخص آمزش خواه
۱۸۰۶	۴ / ۲ بر حذر داشتن از ترک آمزش خواهی
۱۸۱۲	فصل سوم: ویژگی های آمزش خواهی
۱۸۱۲	۱ / ۳ بهترین پرستش
۱۸۱۲	۲ / ۳ بهترین نیایش
۱۸۱۴	۳ / ۳ جامع ترین نیایش
۱۸۱۴	۴ / ۳ برترین توشل

- ۱۸۱۶ ۵ / ۳ حربه گنهگار
- ۱۸۱۶ ۶ / ۳ میانجی گنهگار
- ۱۸۱۸ فصل چهارم: برکت های آموزش خواهی
- ۱۸۱۸ ۱ / ۴ آموزش خدا
- ۱۸۲۲ ۲ / ۴ ننوشتن گناهان
- ۱۸۲۶ ۳ / ۴ پاک کردن گناهان
- ۱۸۳۲ ۴ / ۴ صیقل دادن دل ها
- ۱۸۳۲ ۵ / ۴ دور کردن شیطان
- ۱۸۳۴ ۶ / ۴ ایمنی از عذاب و بلاها
- ۱۸۳۸ ۷ / ۴ زدودن غم و اندوه
- ۱۸۴۰ ۸ / ۴ برطرف ساختن سختی ها
- ۱۸۴۵ ۹ / ۴ گشایش روزی
- ۱۸۵۱ ۱۰ / ۴ بسیاری دانش و دارایی
- ۱۸۵۱ ۱۱ / ۴ پرداخته شدن بدهی ها
- ۱۸۵۳ ۱۲ / ۴ روزی شدن فرزند
- ۱۸۵۹ ۱۳ / ۴ همراه بودن با اهل بیت علیهم السلام
- ۱۸۶۱ فصل پنجم: اوقات مناسب برای آموزش خواهی
- ۱۸۶۱ ۱ / ۵ سحرگاهان
- ۱۸۶۷ ۲ / ۵ دعای قنوت نماز و تر
- ۱۸۷۱ ۳ / ۵ هنگام سپری شدن یک سوم شب
- ۱۸۷۱ ۴ / ۵ یک سوم آخر هر شب
- ۱۸۷۳ ۵ / ۵ روز پنجشنبه
- ۱۸۷۳ ۶ / ۵ شب جمعه
- ۱۸۷۵ ۷ / ۵ روز جمعه
- ۱۸۷۷ ۸ / ۵ پیش از غروب در عرفات
- ۱۸۷۷ ۹ / ۵ روز قربان

- ۱۸۷۹ ----- ۱۰ / ۵ بامدادان و شامگاهان
- ۱۸۸۱ ----- ۱۱ / ۵ ماه رجب ، بویژه شب نیمه آن
- ۱۸۸۳ ----- ۱۲ / ۵ ماه شعبان ، بویژه شب نیمه آن
- ۱۸۸۷ ----- ۱۳ / ۵ ماه رمضان
- ۱۸۹۳ ----- فصل ششم: مواقع مناسب برای آموزش خواهی
- ۱۸۹۳ ----- ۱ / ۶ پیش از خواب
- ۱۸۹۵ ----- ۲ / ۶ بعد از بیدار شدن
- ۱۸۹۷ ----- ۳ / ۶ آغاز سخنرانی
- ۱۸۹۹ ----- ۴ / ۶ در محل مُلتَزَم
- ۱۹۰۱ ----- ۵ / ۶ هنگام بالا رفتن از صفا
- ۱۹۰۱ ----- ۶ / ۶ در پایان مجلس
- ۱۹۰۵ ----- ۷ / ۶ هنگام ستایش مردم
- ۱۹۰۷ ----- ۸ / ۶ حسادت
- ۱۹۰۹ ----- ۹ / ۶ به هم رسیدن
- ۱۹۰۹ ----- ۱۰ / ۶ خداحافظی
- ۱۹۰۹ ----- ۱۱ / ۶ بیرون رفتن برای سفر
- ۱۹۱۳ ----- فصل هفتم: عبادت هایی که سزاوار است در آنها طلب آموزش کرد
- ۱۹۱۳ ----- ۱ / ۷ وضو
- ۱۹۱۳ ----- ۲ / ۷ بیرون رفتن برای نماز
- ۱۹۱۵ ----- ۳ / ۷ وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آن
- ۱۹۱۵ ----- ۴ / ۷ آغاز کردن نماز
- ۱۹۱۷ ----- ۵ / ۷ در میان نماز
- ۱۹۱۹ ----- ۶ / ۷ در سجده
- ۱۹۲۱ ----- ۷ / ۷ میان دو سجده
- ۱۹۲۱ ----- ۸ / ۷ هنگام قنوت
- ۱۹۲۳ ----- ۹ / ۷ در پی نمازها

- ۱۰ / ۷ در پی تسبیح گفتن ۱۹۲۷
- ۱۱ / ۷ حج و عمره ۱۹۳۳
- ۱۲ / ۷ نماز باران ۱۹۳۳
- ۱۳ / ۷ زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۹۳۵
- ۱۴ / ۷ طواف خانه خدا ۱۹۳۷
- ۱۵ / ۷ کوچیدن از عرفات به مشعر ۱۹۳۷
- ۱۶ / ۷ کوچیدن از مشعر به مینا ۱۹۳۹
- فصل هشتم: آموزش خواهی برای دیگران ۱۹۴۱
- ۱ / ۸ کسانی که باید برایشان ، آموزش خواست ۱۹۴۱
- الف پدر و مادر ۱۹۴۱
- ب مردان و زنان مؤمن ۱۹۴۳
- ج گنهکار ۱۹۴۷
- د غیبت شونده: ۱۹۴۹
- ه شخص در حال مرگ و مُرده ۱۹۴۹
- ۲ / ۸ کسانی که نباید برایشان آموزش خواست ۱۹۵۳
- الف - مشرک و کافر ۱۹۵۳
- ب منافق ۱۹۵۷
- ۳ / ۸ کسانی که باید از آنان ، درخواست آموزش خواهی کرد ۱۹۵۹
- الف پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۹۵۹
- ب پدر ۱۹۶۱
- ج مؤمن پرهیزگار گم نام ۱۹۶۳
- د حاجی ۱۹۶۳
- ۴ / ۸ کسانی که پیامبر و اهل بیت علیهم السلام او برایشان طلب آموزش کرده اند ۱۹۶۵
- الف مسلمانان ۱۹۶۵
- ب پیروان امام علی علیه السلام ۱۹۶۷
- ج مؤذن ۱۹۶۷

- د حاجی ۱۹۶۹
- ه زائران قبر حسین علیه السلام ۱۹۶۹
- ۵ / ۸ کسانی که فرشتگان ، برایشان آمرزش می خواهند ۱۹۶۹
- الف مؤمنان در زمین ۱۹۶۹
- ب دانشجو ۱۹۷۳
- ج مؤذن ۱۹۷۳
- د خادم مسجد ۱۹۷۵
- ه هر مسلمانی که ماه رمضان را درک کند ۱۹۷۵
- و روزه دار ۱۹۷۷
- ز نمازگزار ۱۹۷۷
- ح درود فرستنده بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام ۱۹۸۱
- ط زائر امیر مؤمنان علیه السلام ۱۹۸۳
- ی زائر امام حسین علیه السلام ۱۹۸۳
- ک یاد کنندگان از موضوع امامت ۱۹۸۵
- ل پیروان و دوستداران علی علیه السلام ۱۹۸۵
- م برآورنده نیاز مؤمن ۱۹۸۷
- ن کسی که خانواده اش را شاد کند ۱۹۸۹
- س عیادت کننده از بیمار ۱۹۸۹
- ع تشییع کننده جنازه مؤمن ۱۹۹۱
- ف قرائت کننده قرآن ۱۹۹۱
- ص یاد کننده از خدا در هنگام خوابیدن ۱۹۹۳
- ق کسی که شب را پاک و با وضو به سر برد ۱۹۹۳
- ر کسی که حلال بخورد ۱۹۹۵
- ش کسی که در روز جمعه ، ناخن هایش را بگیرد و ۱۹۹۵
- ۶ / ۸ کسانی که همه موجودات ، برایشان آمرزش می طلبند ۱۹۹۵
- الف جوینده دانش ۱۹۹۵

- ب عالمی که به علم خویش ، عمل کند ۱۹۹۷
- ج آموزگار خوبی ها ۱۹۹۹
- د مؤذن ۱۹۹۹
- ه کسی که سیزده روز از ماه شعبان را روزه بگیرد ۱۹۹۹
- فصل نهم: آموزش خواهی های رسیده از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام ۲۰۰۱
- ۱ / ۹ آموزش خواهی های پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۰۰۱
- ۲ / ۹ آموزش خواهی امام علی علیه السلام ۲۰۰۶
- الف پاره ای از دعاهای ایشان ۲۰۰۶
- ب برخی از آموزش خواهی های ایشان در سحرگاهان ۲۰۰۸
- ج از آموزش خواهی های ایشان در قنوت نماز و تر ۲۰۵۲
- د از دعای ایشان بعد از نماز مغرب ۲۰۶۶
- ه از دعای ایشان در هنگام گرفتار سختی و اندوهی شدن ۲۰۶۸
- ۳ / ۹ آموزش خواهی های فاطمه زهرا علیها السلام ۲۰۷۰
- ۴ / ۹ آموزش خواهی های امام زین العابدین علیه السلام ۲۰۷۰
- ۵ / ۹ آموزش خواهی های امام صادق علیه السلام ۲۰۷۲
- ۶ / ۹ آموزش خواهی های امام کاظم علیه السلام ۲۰۸۴
- ۷ / ۹ آموزش خواهی خضر علیه السلام ۲۰۸۶
- ۸ / ۹ سرور آموزش خواهی ها ۲۰۸۶
- ۹ / ۹ گوناگون ۲۰۸۸
- بخش دهم: صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او و بر دیگر پیامبران علیهم السلام ۲۱۰۱
- اشاره ۲۱۰۱
- درآمد ۲۱۰۳
- واژه شناسی «صلاه» ۲۱۰۳
- صلاه ، در قرآن و حدیث ۲۱۰۵
- ۱ . معنای صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۱۰۵
- ۲ . پیام سیاسی درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۱۰۶

- ۳ . حکمت درود فرستادن بر همه انبیا علیهم السلام ۲۱۰۷
- ۴ . مهم ترین برکات درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۱۰۷
- فصل یکم: تفسیر صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۱۰۹
- فصل دوم: فضیلت صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او و تشویق به آن ۲۱۱۳
- ۱ / ۲ ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام ۲۱۱۳
- ۲ / ۲ ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام در روز و شب جمعه ۲۱۲۳
- ۳ / ۲ ارزش صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام در هنگام دعا ۲۱۲۷
- ۴ / ۲ ارزش صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام در نوشتار ۲۱۲۹
- ۵ / ۲ رسیدن صلوات مؤمنان به پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۱۳۱
- ۶ / ۲ نکوهش صلوات نفرستادن در هنگام برده شدن نام پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۱۳۵
- ۷ / ۲ پذیرفته نشدن نماز کسی که بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام صلوات نفرستد ۲۱۳۷
- فصل سوم: آداب صلوات فرستادن بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ۲۱۴۱
- ۱ / ۳ ضمیمه کردن خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به پیامبر در صلوات ۲۱۴۱
- ۲ / ۳ نهی از صلوات فرستادن به طور ناقص ۲۱۴۹
- ۳ / ۳ صلوات فرستادن با صدای بلند ۲۱۵۱
- فصل چهارم: برکت های صلوات فرستادن بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام ۲۱۵۳
- ۱ / ۴ درود فرستادن خدا بر فرستنده صلوات ۲۱۵۳
- ۲ / ۴ درود پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۱۵۵
- ۳ / ۴ درود فرستادن فرشتگان و همه خلایق ۲۱۵۷
- ۴ / ۴ آموزش گناهان ۲۱۵۹
- ۵ / ۴ آسایش ۲۱۶۳
- ۶ / ۴ رشد یافتن فرستنده صلوات ۲۱۶۳
- ۷ / ۴ پذیرفته شدن دعا ۲۱۶۳
- ۸ / ۴ بر آورده شدن حاجت ۲۱۶۷
- ۹ / ۴ کارسازی در دنیا و آخرت ۲۱۶۷
- ۱۰ / ۴ زدوده شدن نفاق ۲۱۶۹

۲۱۷۱ روشنائی روز رستاخیز
۲۱۷۱ رهایی از هراس های رستاخیز
۲۱۷۳ سنگین کردن ترازوی اعمال
۲۱۷۳ شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۱۷۵ رفتن به بهشت
۲۱۷۷ فصل پنجم: صلوات فرستادن بر پیامبران علیهم السلام
۲۱۸۵ فصل ششم: صلوات های رسیده از پیشوایان بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام
۲۱۸۵ ۱ / ۶ صلوات های رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۱۸۸ ۲ / ۶ صلوات های رسیده از امام علی علیه السلام
۲۱۹۸ ۳ / ۶ صلوات های رسیده از فاطمه زهرا علیها السلام
۲۲۰۶ ۴ / ۶ صلوات رسیده از امام مجتبی علیه السلام
۲۲۰۶ ۵ / ۶ صلوات رسیده از امام حسین علیه السلام
۲۲۰۶ ۶ / ۶ صلوات های رسیده از امام زین العابدین علیه السلام
۲۲۲۹ ۷ / ۶ صلوات های رسیده از امام باقر علیه السلام
۲۲۲۹ ۸ / ۶ صلوات های رسیده از امام صادق علیه السلام
۲۲۵۵ ۹ / ۶ صلوات های رسیده از امام کاظم علیه السلام
۲۲۶۱ ۱۰ / ۶ صلوات های رسیده از امام رضا علیه السلام
۲۲۶۳ ۱۱ / ۶ صلوات رسیده از امام جواد علیه السلام
۲۲۶۵ ۱۲ / ۶ صلوات های رسیده از امام هادی علیه السلام
۲۲۷۹ ۱۳ / ۶ صلوات های رسیده از امام حسن عسکری علیه السلام
۲۲۷۹ اشاره
۲۲۸۱ الف صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۲۸۴ ب صلوات بر امیر مؤمنان علی علیه السلام
۲۲۸۴ ج صلوات بر فاطمه زهرا علیها السلام
۲۲۸۴ د صلوات بر امام حسن و امام حسین علیهما السلام
۲۲۸۹ ه صلوات بر امام زین العابدین علیه السلام

- ۲۲۸۹ ----- و درود بر امام باقر علیه السلام
- ۲۲۸۹ ----- ز صلوات بر امام صادق علیه السلام
- ۲۲۹۱ ----- ح صلوات بر امام کاظم علیه السلام
- ۲۲۹۱ ----- ط صلوات بر امام رضا علیه السلام
- ۲۲۹۳ ----- ی صلوات بر امام جواد علیه السلام
- ۲۲۹۳ ----- ک صلوات بر امام هادی علیه السلام
- ۲۲۹۵ ----- ل صلوات بر امام حسن عسکری علیه السلام
- ۲۲۹۵ ----- م صلوات بر ولی امر منتظر علیه السلام
- ۲۲۹۸ ----- ۱۴ / ۶ صلوات های رسیده از امام مهدی علیه السلام
- ۲۳۷۵ ----- فهرست منابع و مآخذ
- ۲۳۹۹ ----- فهرست تفصیلی
- ۲۴۰۷ ----- درباره مرکز

سرشناسه: محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -

عنوان و نام پدیدآور: نهج الذکر: فارسی - عربی / محمدی ری شهری؛ باهمکاری رسول افقی؛ ترجمه حمیدرضا شیخی.

مشخصات نشر: قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۷ -

مشخصات ظاهری: ج.

فروست: پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ ۱۵۴.

شابک: ۲۵۰۰۰ ریال: دوره: ۱۳۰۲-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۱: ۱۳۰۳-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۲: ۱۳۰۴-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸؛
ج. ۳: ۱۳۰۵-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۴: ۱۳۰۶-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری.

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: ج. ۲، ۳ و ۴ (چاپ اول: ۱۳۸۷).

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: ذکر -- احادیث

موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۴

شناسه افزوده: افقی، رسول، ۱۳۴۵ -

شناسه افزوده: شیخی، حمیدرضا، ۱۳۳۷ -، مترجم

رده بندی کنگره: BP۱۳۶/۹ م/۱۳۸۷ ۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۸۱۸۴۹

جلد ۱

اشاره

پیش‌گفتاریاد خدا، رمز خودسازی و سازندگی و صعود به قله کمالات انسانی است. یاد خدا، بهترین سرمایه تأمین سعادت فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، و دنیا و آخرت است و در یک جمله: یاد خدا، یاد خویش است و فراموشی او، فراموشی خود! برای بهره‌برداری از این سرمایه عظیم، آگاهی نسبت به ارزش و اهمیت آن، و شناخت روش‌ها، آداب، آفات و آثار آن از منظر قرآن و احادیث، لازم و ضروری است. برای تأمین شناخت‌های بایسته در این باره، تلاش‌های ارزنده و فراوانی صورت گرفته است؛ امّا همان‌گونه که در مقدمه کتاب نهج الدعاء بیان شد، با عنایت به نیاز روزافزون تشنگان معارف اسلام ناب، بویژه مراکز پژوهشی و پژوهشگران علوم اسلامی، میدان برای تلاش بیشتر و ارائه مجموعه‌هایی کاربردی‌تر، باز است. نهج‌الذکر، حرکتی نوین در جهت رسیدن به این آرمان بلند است که با نظمی نوین و سهل‌الوصول و درآمدها و تحلیل‌هایی کارآمد، در ده‌بخش، در خدمت فرهیختگان و تشنگان معارف زلال اسلامی قرار می‌گیرد. در این کتاب، افزون بر تبیین مسائل کلی مربوط به یاد خدا، در باره ده عنوان

روش تدوین کتاب

از بارزترین مصادیق ذکر در قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام به تفصیل مطالبی ارائه می گردد. این اذکار، عبارت اند از: «بَسْمَلَه»، «تسبیح»، «تحمید»، «تهلیل»، «تکبیر»، «حَوْقَلَه»، «استثناء»، «استعاذه»، «استغفار» و «صلوات» بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان.

روش تدوین کتابروش ما در بررسی و کاوش و مستندسازی مباحث در این مجموعه، متکی به عناصر زیر است: ۱. از دیدگاه ما، احادیثی که از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده اند، در واقع، حدیث پیامبر خدایند، همان گونه که امام رضا علیه السلام فرمود: **إِنَّا عَنِ اللَّهِ وَ عَنِ رَسُولِهِ نُحَدِّثُ**. (۱) ما از طرف خدا و پیامبر او سخن می گوئیم. و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: **حَدِيثِي حَدِيثُ أَبِي، وَ حَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ حَيْدِي، وَ حَدِيثُ حَيْدِي حَدِيثُ الْحُسَيْنِ، وَ حَدِيثُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدِيثُ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ حَدِيثُ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، وَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ**. (۲) سخن من، سخن پدرم است و سخن پدرم، سخن جدّم است و سخن جدّم، سخن حسین است و سخن حسین، سخن حسن است و سخن حسن، سخن امیر مؤمنان و سخن امیر مؤمنان، سخن پیامبر خداست و

۱- رجال الکشی: ج ۲ ص ۴۹۰ ش ۴۰۱، بحار الأنوار: ج ۲ ص ۲۵۰ ح ۶۲.

۲- الکافی: ج ۱ ص ۵۳ ح ۱۴، الإرشاد: ج ۲ ص ۱۸۶، منیه المرید: ص ۳۷۳، بحار الأنوار: ج ۲ ص ۱۷۹ ح ۲۸. نیز، ر. ک: اهل بیت در قرآن و حدیث: ج ۱ ص ۲۶۱ (حدیث آنها همان حدیث پیامبر خداست).

سخن پیامبر خدا ، سخن خداوند متعال است . به همین دلیل ، در این کتاب ، از همه احادیث روایت شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او ، یکسان بهره گرفته شده است . ۲ . کوشیده ایم تا در حدّ توان ، همه روایات مربوط به هر موضوع را از منابع گوناگون شیعه و اهل سنّت ، به طور مستقیم ، استخراج و گردآوری کنیم و با بهره گیری از نرم افزارهای رایانه ای ، آنها را روی برگه های مخصوص ، تنظیم نماییم تا زمینه گزینش کامل ترین ، موثّق ترین و کهن ترین آنها فراهم آید . در مورد استفاده از دعاها نیز جز در مواردی اندک ، تنها از ادعیه ای که مستند به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام هستند ، بهره گرفته ایم . ۳ . سعی کرده ایم از آوردن روایات تکراری پرهیز نماییم ، جز در این موارد : الف آن جا که نکته مهمّی در تفاوت واژه ها و اصطلاحات ، نهفته بوده است ؛ ب در مواردی که متن حدیث ، در متون شیعه و اهل سنّت ، تفاوت داشته است ؛ ج آن جا که متن حدیث ، بیش از یک سطر نبوده و مربوط به دو باب بوده است . ۴ . در مواردی که متن های رسیده از پیامبر خدا و امامان علیهم السلام ، متعدّد بوده اند ، حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله در متن ، و نشانی روایات ائمه علیهم السلام با ذکر عنوان و منبع ، در پانویس می آید ، مگر آن که حدیث آنان ، نکته تازه ای داشته باشد که در این صورت ، آن حدیث نیز در متن ، آورده می شود . ۵ . در هر موضوع ، پس از ذکر آیات مربوط به آن ، روایات پیشوایان ، به

ترتیب زمانی (از پیامبر خدا تا امام مهدی علیه السلام) آورده می‌شوند، مگر آن که روایتی در تفسیر آیات یاد شده باشد (که در این صورت، پیش از روایات دیگر می‌آید)، یا آن که تناسب موضوعی روایات، ترتیب دیگری را ایجاب کند. ۶. در آغاز هر روایت، تنها نام پیامبر صلی الله علیه و آله یا امامی را آورده ایم که حدیث از او نقل شده است، مگر آن که راوی، فعل آنان را نقل کرده باشد، یا سؤال و جوابی در میان باشد و یا راوی، سخنی را در متن حدیث آورده باشد که کلام پیامبر صلی الله علیه و آله یا آن امام نیست. ۷. به دلیل تعدد نام‌ها و لقب‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام، نام واحدی را برای هر یک از آنان برگزیده ایم که به صورت ثابت، در اوّل روایت می‌آید و بر شخص مورد نظر، دلالت می‌کند. ۸. در پانویشت‌ها، منابع احادیث، به ترتیب معتبرترین آنها تنظیم شده‌اند؛ لیکن گاه به دلیلی که بر محققان پوشیده نیست (از جمله: پرهیز از تکرار، اختلاف منابع یا راوی و یا شخصی که از او روایت شده)، این ترتیب را پس از نخستین منبع، مراعات نکرده ایم. ۹. هر گاه دسترسی به منابع اولیه ممکن باشد، حدیث مستقیماً از آنها نقل می‌شود. آن گاه، نشانی بحار الأنوار (در احادیث شیعه) و کنز العمال (در احادیث اهل سنت) به عنوان دو منبع اساسی و جامع حدیث شیعه و اهل سنت، افزوده می‌شود. ۱۰. پس از ذکر منابع، گاه با نشانه «ر. ک.»، به منابع دیگر ارجاع داده می‌شود؛ چرا که در مواردی متن ارجاعی، با متن نقل شده تفاوت بسیار دارد؛ ولی در عین حال، با متن اصلی و موضوع بحث، مرتبط است.

۱۱. ارجاع به ابواب دیگر این کتاب، به جهت تناسب و اشتراک محتوایی میان احادیث آنهاست. ۱۲. هدف از «درآمد»هایی که برای فصل های کتاب، نوشته شده یا توضیحات و استنتاج هایی که در پی احادیث آمده است، ارائه چشم انداز کلی روایات آن بخش یا آن فصل است. گاه هم به توضیح و تبیین برخی از مفاهیم دشوار و پیچیده احادیث، پرداخته شده است. ۱۳. مهم ترین نکته در این شیوه، کوشش در حدّ توان برای تأیید اطمینان آور صدور احادیث هر باب از معصوم است که به کمک قرائن عقلی و نقلی برای اثبات محتوای احادیث، صورت پذیرفته است. ۱۴. یکی از آداب مهمّ نقل حدیث، چگونگی نسبت دادن آن به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است. کلینی در الکافی از امام علی علیه السلام روایت کرده است: إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ؛ فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ. (۱) هنگامی که حدیثی را نقل می کنید، آن را به کسی نسبت دهید که آن را روایت نموده، که اگر درست باشد، به سود شماست و اگر دروغ باشد، بر عهده راوی است. بنا بر این، برای رعایت احتیاط، توصیه اکید داریم که کسانی که می خواهند از این کتاب یا سایر کتب روایی، حدیثی برای دیگران نقل کنند، آن را مستقیماً به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نسبت ندهند؛ بلکه حدیث را از طریق منبعی که آن را روایت کرده است، به آنان منسوب نمایند. برای نمونه، نگویند: «پیامبر صلی الله علیه و آله چنین

سپاس و تقدیر

فرمود» یا: «امام علیه السلام چنین فرمود»؛ بلکه بگویند: «فلان کتاب، از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت کرده است» و یا بگویند: «از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت شده است».

سپاس و تقدیر خداوند منان را سپاس گزارم که به ما توفیق تدوین این مجموعه نورانی و روشنگر را عنایت فرمود و از همه همکاران عزیز و بزرگوارم در «پژوهشکده علوم و معارف حدیث» که در گردآوری، تدوین، ارزیابی، تصحیح، ویرایش و نشر آن مساعدت کرده اند، صمیمانه تشکر می‌کنم، بویژه از فضیله ارجمند، آقایان رسول افقی که این کتاب با تلاش ایشان به ثمر رسید و احسان سرخه ای که در تهیه بخشی از متون اولیه آن، همکاری داشت و از خداوند مهربان، پاداشی درخور فضل حضرتش برای آنان، مسئلت دارم. رَبَّنَا! تَقَبَّلْ مِنَّا؛ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. وَاجْعَلْ لِسَانَنَا بِذِكْرِكَ لَهْجًا وَقُلُوبَنَا بِحُبِّكَ مُتَمِيمًا. محمّدی ری شهری هشتم مرداد ۱۳۸۵ چهارم رجب ۱۴۲۷

بخش یکم: یاد کردن و فراموش کردن خدا

اشاره

بخش یکم: یاد کردن و فراموش کردن خدا شامل: در آمد فصل یکم: تشویق به یاد کردن از خدا فصل دوم: ویژگی های یاد خدا فصل سوم: معنای یاد خدا فصل چهارم: اقسام یاد خدا فصل پنجم: عوامل یاد خدا فصل ششم: آفت های یاد خدا فصل هفتم: آداب یاد خدا فصل هشتم: مهم ترین اوقات یاد خدا فصل نهم: برکت های یاد خدا فصل دهم: زیان های فراموش کردن خدا

واژه‌شناسی «ذکر»

درآمدواژه‌شناسی «ذکر» واژه‌شناسان برای ماده «ذکر»، دو معنا بیان کرده‌اند: یکی «یادکرد» در مقابل «فراموشی»، و دیگری «نری» در مقابل «مادگی». ابن فارس، در این باره می‌گوید: ذال و کاف و راء، دو اصل را تشکیل می‌دهد که همه کلمات این ماده، از این دو اصل، متفرع می‌شوند. «مُذکر»، یعنی زنی که پسر زاییده است... «ذکور البقل»، یعنی گیاهان علفی سبتر، مانند اسطوخودوس... اصل دیگر به معنای یادآوری است، در مقابل فراموش کردن و از یاد بردن. سپس یادکرد زبانی نیز بر این معنا حمل شده و می‌گویند: «اجعله منک علی ذکر» به ضم ذال، یعنی: او را فراموش مکن. (۱) راغب اصفهانی، در تبیین معنای «ذکر» در مقابل «نسیان» می‌گوید: معنای ذکر، حالتی است برای نفس که انسان به سبب آن، می‌تواند آنچه را آموخته، ج در ذهنج نگه دارد و از این جهت، مانند «حفظ» است؛ منتها حفظ به معنای به یاد سپاری است، و ذکر به معنای یادآوری. معنای دیگر «ذکر»، حاضر کردن چیزی در دل یا آوردن آن به زبان است.

۱- معجم مقایس اللغة: ج ۲ ص ۳۵۸.

ذکر، در قرآن و حدیث

لذا گفته می‌شود: ذکر، دو گونه است: ذکر قلبی و ذکر زبانی (لسانی)، و هر یک از این دو نیز بر دو گونه است: یکی یادآوری چیزی است که فراموش شده است، و دیگری به معنای ادامه حفظ و به یادسپاری است. به هر گفته‌ای نیز ذکر می‌گویند. (۱) ریشه یابی واژه ذکر، نشان می‌دهد که اصل در معنای آن، «یاد» در مقابل «فراموشی» است و استعمال آن در معانی دیگر، بدان مناسبت است که مورد استعمال، دارای خصوصیتی است که موجب یاد و توجه انسان به آن می‌شود، چنان که به پسر، از آن جهت «ذکر» و «مذکر» گفته شده که موجب زنده ماندن و بقای یاد و نام پدر می‌گردد.

ذکر، در قرآن و حدیث کلمه «ذکر» در قرآن و احادیث اسلامی کاربردهای فراوانی دارد؛ ۲ لیکن آنچه در

۱- مفردات ألفاظ القرآن: ص ۳۲۸.

این جا مورد بررسی است ، «یاد خداوند متعال» در مقابل «نسیان» و یا «غفلت» از اوست . بر پایه آیات و احادیثی که در این بخش خواهد آمد ، یاد خدا ، فلسفه همه عبادات ، هدف همه برنامه های تکامل آفرین اسلام ، و بهترین و سازنده ترین اعمال جوارحی و جوانحی است ، چنان که از پیامبر خدا روایت شده است : إِنَّهُ لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَلَا أَنْجَى لِعَبْدٍ مِنْ كُلِّ سَيِّئَةٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ . (۱)

هیچ کاری در نزد خداوند متعال، محبوب تر، و در رهانیدن بنده از هر گونه بدی، در دنیا و آخرت، مؤثرتر از یادکرد خدا نیست. بر این اساس، یاد خدا، تنها عبادتی است که در مقررات دینی، حدّ و مرزی برای آن معین نشده؛ بلکه در هر حال و در هر زمان و در هر مکانی مطلوب است و هر چه بیشتر، بهتر: قَالَ الصّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ حِدٌّ يَنْتَهَى إِلَيْهِ إِلَّا الذِّكْرُ؛ فَلَيْسَ لَهُ حِدٌّ يَنْتَهَى إِلَيْهِ، فَوَضَّ اللَّهُ عِزَّ وَ جَلَّ الْفَرَائِضَ فَمَنْ أَدَاهُنَّ فَهُوَ حُدُّهُنَّ، وَ شَهْرَ رَمَضَانَ فَمَنْ صَامَهُ فَهُوَ حُدُّهُ، وَ الْحَجَّ فَمَنْ حَجَّ فَهُوَ حُدُّهُ، إِلَّا الذِّكْرُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عِزُّ وَ جَلُّ لَمْ يَرْضَ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ، وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ حِدًّا يَنْتَهَى إِلَيْهِ. ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلاً». (۱) فَقَالَ: لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عِزَّ وَ جَلَّ لَهُ حِدًّا يَنْتَهَى إِلَيْهِ. قَالَ: وَ كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ كَثِيرَ الذِّكْرِ، لَقَدْ كُنْتُ أَمْشِي مَعَهُ وَ إِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ، وَ أَكَلُ مَعَهُ الطَّعَامَ وَ إِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ، وَ لَقَدْ كَانَ يُحَدِّثُ الْقَوْمَ وَ مَا يَشْعَلُهُ ذِكْرُكَ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ، وَ كُنْتُ أَرَى لِسَانَهُ لَازِقًا بِحَنَكِهِ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. وَ كَانَ يَجْمَعُنَا فَيَأْمُرُنَا بِالذِّكْرِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ. وَ يَأْمُرُ بِالْقِرَاءَةِ مَنْ كَانَ يَقْرَأُ مِنَّا وَ مَنْ كَانَ لَا يَقْرَأُ مِنَّا أَمْرَهُ بِالذِّكْرِ. (۲) امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ چیزی نیست، مگر این که حدّ و نهایی دارد که بدان پایان می پذیرد، بجز یاد خدا که آن را حد و پایانی نیست. خداوند، فرایض (نمازهای واجب) را قرار داد. پس هر که آنها را به جا آورد، این خود، حدّ آنهاست. ماه رمضان را قرار داد که هر کس روزه آن را بگیرد، این، حدّ آن است و حج را قرار داد که هر کس حج بگذارد، این، حدّ آن است؛ مگر یاد خدا که خداوند به اندک از آن، رضایت نداده و برای آن، مرزی که به آن منتهی شود، قرار نداده است.

۱- احزاب: آیه ۴۱ و ۴۲.

۲- ر. ک: ص ۴۰ ح ۳۱.

معنای ذکر

امام صادق علیه السلام سپس این آیه را تلاوت کرد: «ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را یاد کنید، یاد کردی بسیار، و هر بام و شام، او را تسبیح گویند» و فرمود: خداوند عز و جل برای آن، حد و مرزی که بدان پایان پذیرد، قرار نداد. ج همچنین فرمود: پدرم بسیار ذکر می گفت. من با ایشان راه می رفتم و ایشان، ذکر خدا می گفت. با ایشان غذا می خوردم و ایشان، ذکر خدا می گفت. گاه با مردم سخن می گفت و در عین حال، این کار، او را از یاد خدا باز نمی داشت. او را می دیدم که زبانش بر کامش چسبیده است و «لا إله إلا الله» می گوید. ما را جمع می کرد و دستور می داد ذکر بگویم تا آن که آفتاب، طلوع می کرد. به کسانی از ما که قرآن خواندن بلد بودند، دستور می داد آن را قرائت کنند و به آنهایی که قرائت بلد نبودند، دستور می داد ذکر بگویند.

معنای ذکر حقیقت ذکر، عبارت است از توجه دل به آفریدگار جهان و احساس این واقعیت که جهان، محضر خداست و انسان، در حضور اوست، و این معنا تحقق نمی یابد، مگر با دو شرط: یکی معرفت حقیقی نسبت به خداوند متعال، و دیگری توجه به او. به بیان روشن تر، تا انسان، آفریدگار حقیقی جهان را نشناسد، نمی تواند او را یاد کند. بنا بر این، کسانی که چیزی غیر از معبود حقیقی را عبادت می کنند، در واقع، او را یاد نکرده اند؛ بلکه پندار خود را یاد کرده اند: «إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ . (۱) این جبتانج، جز نام هایی بیش نیستند که شما و پدرانتان نام گذاری کرده اید،

دشوارترین فریضه

و خدا بر حَقَّانیت آنها هیچ دلیلی نفرستاده است. آنان، جز از گمان و آنچه که دلخواهشان است، پیروی نمی کنند». هنگامی که انسان، خدای حقیقی را شناخت و خود را در محضر او دید، نخستین اثر یاد خداوند متعال، فرمانبری از اوست. از این رو، هر چه معرفت انسان نسبت به آفریدگار خود بیشتر گردد و بیشتر به یاد او باشد، اطاعتش از حضرت حق، افزون تر می شود. بنا بر این، انجام دادن واجبات الهی و ترک محرمات، نشانه معرفت حقیقی و ذکر حقیقی است و کسی که با زبان ذکر می گوید، ولی کردارش با گفتار او هماهنگ نیست، غافل و ناسی (فراموشکار) شمرده می شود، نه ذاکر؛ چنان که از پیامبر خدا روایت شده است: مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ، وَ إِنْ قَلَّتْ صِيَامُهُ وَ تِلَاوَتُهُ . وَ مَنْ عَصَى اللَّهَ فَقَدْ نَسِيَ اللَّهَ، وَ إِنْ كَثُرَتْ صِيَامُهُ وَ تِلَاوَتُهُ لِلْقُرْآنِ . (۱) کسی که از خدا اطاعت کند، در واقع او را یاد کرده است، هر چند نماز و روزه و قرآن خواندنش اندک باشد، و کسی که خدا را نافرمانی کند، در واقع، خدا را فراموش کرده است، هر چند نماز و روزه و تلاوت قرآنش بسیار باشد. این تفسیر از ذکر، روشن می کند که حقیقت ذکر، توجه قلبی برآمده از معرفت حقیقی خدا و همراه با مسئولیت شناسی است.

دشوارترین فریضه‌نکته قابل تأمل، این که احادیث اهل بیت علیهم السلام ذکر را به مفهومی که بیان شد، دشوارترین فریضه ای می دانند که در هر حال، انجام دادن آن، لازم است، (۲) بدین

۱- ر. ک: ص ۱۰۸ ح ۱۶۶.

۲- ر. ک: ص ۱۰۹ (حقیقت یاد خدا).

انواع ذکر

معنا که شخص مؤمن، باید نفس خود را چنان تربیت کند که ذکر، ملکه او گردد؛ یعنی یاد خدا به گونه ای در جانش نفوذ کند که وقتی گناهی برای او پیش می آید، یاد خدا مانع از انجام دادن آن شود و انواع ذکرها مقدمه پیدایش این حالت معنوی است.

انواع ذکر ذکر، گاه به اعتبار ابزارها و راه آن، به: ذکر زبان، ذکر قلب، ذکر نفس، ذکر روح، ذکر عقل، ذکر معرفت و ذکر سیر، تقسیم می شود. (۱) گاه نیز به اعتبار همراهی دل با زبان، به: ذکر خالص که در آن، قلب، همراه زبان ذاکر است و ذکر صارف ۲ که در آن، ذاکر، تنها یاد دیگران را نفی می نماید؛ اما یاد خدا در عمق دل وی وارد نمی گردد، تقسیم می شود (۲). گاه نیز به اعتبار موقعیت ذکر، به: یاد خدا هنگام انجام دادن واجبات، یاد خدا هنگام ترک محرمات، یاد خدا هنگام مصائب و مشکلات زندگی، یاد خدا هنگام خشم، یاد خدا هنگام شادی (۳) و ... تقسیم می شود. همچنین گاهی ذکر، به اعتبار آگاهی دیگران از آن، به: ذکر جلی (۴) و ذکر

۱- ر. ک: ص ۱۲۳ (هفت گونه یاد کردن).

۲- ر. ک: ص ۱۲۳ (یاد کردن خالص و یاد کردن صارف).

۳- ر. ک: ص ۱۲۱ (یاد کردن زبانی، یاد کردن در ...).

۴- ر. ک: ص ۱۲۹ (یاد کردن آشکار).

عوامل ذکر

۱. پیکار با موانع یاد خدا

۲. تقویت خدانشناسی

خَفَى (۱) تقسیم می شود .

عوامل ذکر مهم ترین مسئله در این بخش ، شناخت اسباب و عوامل ذکر و عوامل تداوم آن در زندگی است . آنچه با الهام از قرآن و احادیث اسلامی در تبیین این مسئله می توان گفت ، این است که مهم ترین عوامل یاد خدا و تداوم آن ، از این قرارند :

۱ . پیکار با موانع یاد خدانخستین اقدام لازم برای تحصیل ذکر و تداوم آن ، آفت زدایی از ذکر و مبارزه با موانع یاد خداست . بر پایه ره نموده های قرآن و احادیث اسلامی ، هر کاری که قدرت تعقل را در انسان ضعیف و ناکارآمد می کند (مانند : دنیاپرستی ، شرابخواری ، قماربازی ، سرگرمی های نامشروع ، آرزوی دراز و پُرخوری) ، موجب سلطه یافتن شیطان بر مجاری ادراکی انسان و مانع از یاد خدا بودن است . (۲)

۲ . تقویت خدانشناسی از آفت زدایی از ذکر ، هر اقدامی که به تقویت بنیه خدانشناسی انسان بینجامد ، به تداوم یاد او کمک می کند ؛ زیرا خداوند متعال ، کمال و جمال مطلق است . از این رو ، هر چه بر معرفت انسان نسبت به او افزوده شود ، بر محبتش افزوده می گردد و هر چه او را بیشتر دوست داشته باشد ، بیشتر به یاد اوست : **مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا لِهَجِّ بَدَّ كَرِهَ** . (۳) هر کس چیزی را دوست داشته باشد ، مشتاق یاد اوست .

۱- ر . ک : ص ۱۲۵ (یاد کردن نهانی) .

۲- ر . ک : ص ۱۴۳ (آفت های یاد خدا) .

۳- ر . ک : ص ۱۳۴ ح ۲۱۴ .

۳. یاد مرگ**۴. دعا برای الهام شدن ذکر**

عاشق ، نمی تواند به یاد معشوق خود نباشد . از این رو ، شیرینی یاد محبوب ، در کام اهل معرفت ، شیرین تر از خواب است :
 سَهْرُ الْعُيُونِ بِذِكْرِ اللَّهِ خُلْصَانُ الْعَارِفِينَ ، وَحُلْوَانُ الْمُقَرَّبِينَ . (۱) بیداری چشم ها به یاد خدا ، عشق و علاقه عارفان و شیرینی
 مقربان است . و چنان که در حدیث قدسی آمده است : كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي فَإِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي . أَلَيْسَ كُلُّ مُحِبِّ
 يُحِبُّ خَلْوَةَ حَبِيبِهِ !؟ (۲) دروغ می گوید کسی که مدعی است مرا دوست دارد ، اما چون شب می شود ، می خوابد . مگر نه
 این است که هر عاشقی دوست دارد با معشوقش خلوت کند؟!

۳. یاد مرگ در کنار آفت زدایی از یاد خدا و تقویت بنیه خداشناسی ، یاد مرگ و پیامدهای آن نیز می تواند در توجه بیشتر
 انسان به خداوند متعال ، مؤثر باشد . (۳)

۴. دعا برای الهام شدن ذکر یکی از مهم ترین عوامل ذکر ، الهام است . به تعبیری که در حدیث نبوی آمده ، الهام شدن ذکر
 خدا به دل ، بزرگ ترین نعمت الهی است : مَا مَنَّ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى عِبَادِهِ بِمِثْلِ أَنْ يُلْهِمَهُمْ ذِكْرَهُ . (۴)

۱- ر. ک : ص ۱۹۸ ح ۳۲۷ .

۲- الأُمَالِي ، صدوق : ص ۴۳۸ ح ۵۷۷ ، بحار الأنوار : ج ۱۳ ص ۳۲۹ . نیز ، ر. ک : أعلام الدين : ص ۲۶۳ ، إرشاد القلوب :
 ص ۹۳ ، عيون الأخبار ، ابن قتيبه : ج ۲ ص ۳۰۰ .

۳- ر. ک : ص ۱۳۹ (به یاد آوردن قبر) .

۴- ر. ک : ص ۱۳۶ ح ۲۱۶ .

آداب ذکر

مهم ترین موارد ذکر

خداوند متعال به بندگانش نعمتی نداده که چون الهام کردنِ یاد خود به آنان باشد. یکی از بزرگان اهل معرفت می فرمود: «تلاش کنید که خداوند متعال، خود، ذکرش را به شما الهام کند. الهام ذکر، همه لوازم آن و از جمله تداوم ذکر را به همراه دارد». بر اساس ره نموده‌های اهل بیت علیهم السلام، دعا، یکی از مؤثرترین تلاش‌ها برای دستیابی به الهام ذکر و چشیدن حلاوت آن است. لذا پیشوایان اسلام، ضمن دعا، مکرر از خداوند متعال می‌خواهند که ذکر خود را به قلب آنها الهام نماید، چنان که در روایتی از امام علی علیه السلام آمده: **إِلَهِي! وَالْهَمْنِي وَالْهَمْنِي بِذِكْرِكَ إِلَى ذِكْرِكَ**. (۱) خداوند! با یادت، در من شیدایی به یاد خودت را الهام کن.

آداب ذکر یاد خدا کردن، آدابی دارد که رعایت آنها برای بهره‌گیری بیشتر از برکات ذکر، ضروری است. مهم‌ترین این آداب، عبارت‌اند از: طهارت، خشوع، خلوص، تعظیم، نشاط، فراموش کردن خواسته‌های نفسانی، شوق نسبت به دیدار قلبی خدا، و از همه مهم‌تر، پرهیز از گناه. (۲)

مهم‌ترین موارد ذکر نیکو بودن یاد خدا، اختصاص به زمان، مکان و حال خاصی ندارد؛ بلکه ذکر در هر حالی نیکوست؛ اما با این وصف، در موارد خاصی یاد خدا مورد تأکید قرار

۱- ر. ک: ص ۱۳۶ ح ۲۱۹.

۲- آیات و احادیثی که دلالت بر تبیین آداب یاد شده دارند، در فصل هفتم آمده‌اند.

آثار و برکات ذکر گفتن انفرادی و اجتماعی

گرفته است و این، بدان معناست که یاد خدا در این موارد، ضرورت بیشتری دارد و آثار و برکات آن برای زندگی فردی و اجتماعی انسان، بیشتر است. این موارد عبارت اند از: ۱. بامدادان و شامگاهان، ۲. از اوّل تا سیزدهم ماه ذی حجه، ۳. ماه رمضان، ۴. روز جمعه، ۵. هنگام جنگ، ۶. هنگام آهنگ کاری کردن، داوری و قسمت کردن، ۷. هنگام رعد و برق، ۸. هنگام غافل بودن مردم، ۹. در تنهایی، ۱۰. هنگام گفتن، ۱۱. هنگام خوردن، ۱۲. هنگام خواب، ۱۳. دل شب، ۱۴. هنگام برخاستن، ۱۵. در مسجد، ۱۶. در مکه، ۱۷. در خانه، ۱۸. در بازار، ۱۹. در سفر، ۲۰. هنگام گذر از کوه یا دشت، ۲۱. با هر یاد کننده خدا. (۱)

آثار و برکات ذکر گفتن انفرادی و اجتماعی خدا، آثار و برکات فراوانی برای زندگی فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، و دنیوی و اخروی انسان دارد. در فصل نهم از این بخش، ۳۴ اثر برجسته یاد خدا مطرح شده که شماری از آنها آثار ذکر انفرادی و شماری دیگر برکات ذکر جمعی است. (۲) به دلیل اهمیت این موضوع، در پایان این بخش، آثار و برکات یاد خدا و همچنین زیان های فراموشی او، ضمن تحلیلی به طور مستقل مورد بررسی قرار خواهند گرفت. (۳)

۱- ر. ک: ص ۱۷۱ ۲۱۱.

۲- ر. ک: ص ۲۱۳ ۲۷۹.

۳- ر. ک: ص ۳۰۱ (تحلیلی درباره برکات یاد خدا و زیان های فراموش کردن او).

الفصل الأول: الحث على ذكر الله ١ / الحث على كثرة الذكر الكتاب «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا* وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً
وَ اَصِيلاً» . (١)

«وَ اذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَ اَصِيلاً» . (٢)

«فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» . (٣)

«قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي ءَايَةً قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْرًا وَ اذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَ سَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْرَةِ» . (٤)

«قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي * وَ اجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي * هَرُونَ
أَخِي * اشدُّ بِهِ أَزْرَى * وَ أَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي * كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا * وَ نَذْكُرَكَ كَثِيرًا» . (٥)

١- الأجزاء : ٤١ و ٤٢ .

٢- الإنسان : ٢٥ .

٣- الجمعة : ١٠ .

٤- آل عمران : ٤١ .

٥- طه : ٣٤ ٢٤ .

فصل یکم: تشویق به یاد کردن از خدا

۱ / ۱ خدا را بسیار یاد کنید

فصل یکم: تشویق به یاد کردن از خدا / ۱ خدا را بسیار یاد کنید قرآن «ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را یاد کنید، یاد بیسیار، و صبح و شام، او را به پاکی بستاید» .

«و نام پروردگارت را بامدادان و شامگاهان، یاد کن» .

«و چون نماز گزارده شد، در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جویا شوید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که شما رستگار گردید.»

«گفت: «پروردگارا! برای من، نشانه ای قرار ده» . فرمود: «نشانه ات این است که سه روز با مردم، جز به اشاره، سخن نگوئی؛ و پروردگارت را بسیار یاد کن و شبانگاه و بامدادان [او را] تسبیح گوی» .»

«گفت: «پروردگارا! سینه ام را گشاده گردان و کارم را برای من آسان ساز، و از زبانم گره بگشای، [تا] سخنم را بفهمند، و برای من، دست یاری از کسانم قرار ده؛ هارون، برادرم را . پشتم را به او استوار کن و او را شریک کارم گردان تا تو را فراوان تسبیح گوئیم، و بسیار به یاد تو باشیم» .»

«وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ * أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ * وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ * إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ». (١)

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَدِّعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدِّعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالًا يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا». (٢)

الحديثسنن الترمذى عن أبى سعيد الخدرى: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله سُبَّحَ: أَيُّ الْعِبَادِ أَفْضَلُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟ قَالَ: «وَالَّذِ كَرِيْنَ اللَّهَ كَثِيرًا وَ الذِّ كَرَتِ» (٣). (٤)

رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ، فَقَدْ بَرِيَ مِنَ النَّفَاقِ. (٥)

عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ لَمْ يُكْثِرْ ذِكْرَ اللَّهِ، فَقَدْ بَرِيَ مِنَ الْإِيمَانِ. (٦)

عنه صلى الله عليه و آله: ذِكْرُ اللَّهِ عَلَمُ الْإِيمَانِ، وَبِرَاءَةٌ مِنَ النَّفَاقِ، وَحِصْنٌ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَحِرْزٌ مِنَ النَّارِ. (٧)

١- الشعراء: ٢٢٤ ٢٢٧.

٢- النساء: ١٤٢.

٣- الأحزاب: ٣٥.

٤- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٤٥٨ ح ٣٣٧٦، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٥١ ح ١١٧٢٠، مشكاة المصابيح: ج ١ ص ٦٩٩ ح ٢٢٨٠، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٥ ح ١٧٥٩ وفيه صدره.

٥- المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٨٦ ح ٦٩٣١، المعجم الصغير: ج ٢ ص ٧٧، الفردوس: ج ٣ ص ٥٦٤ ح ٥٧٦٨ كلها عن أبى هريره، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٥ ح ١٨٢٧.

٦- الدرر المنتور: ج ٦ ص ٦٢٠ نقلاً عن الطبرانى فى المعجم الأوسط عن أبى هريره.

٧- تنبيه الغافلين: ص ٣٩٥ ح ٥٩٨ عن أنس؛ مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٢٨٥ ح ٥٨٦٨ نقلاً عن القطب الراوندى فى لب اللباب.

«و شاعران را گم راهان پیروی می کنند. آیا ندیده ای که آنان در هر وادی ای سرگردان اند؟ و آنان اند که چیزهایی می گویند که انجام نمی دهند؛ مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را بسیار به یاد آورده اند و پس از آن که مورد ستم قرار گرفته اند، یاری خواسته اند. و کسانی که ستم کرده اند، به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه، برخوردار خواهند گشت».

«منافقان، با خدا نیرنگ می کنند و حال آن که او با آنان، نیرنگ خواهد کرد، چون به نماز ایستند، با کسالت می ایستند [و] با مردم، ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند».

حدیثسنن الترمذی به نقل از ابو سعید خُدری: از پیامبر خدا سؤال شد: در روز رستاخیز، کدام بنده نزد خداوند، منزلت والاتری دارد؟ فرمود: «آن مردان و زنانی که خدا را بسیار یاد می کنند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که خدا را بسیار یاد کند، از نفاق، رها شده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که بسیار یاد خدا نکند، از ایمان، دور شده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاد خدا، نشانه ایمان، مایه رهیدن از نفاق، دژی در برابر شیطان، و نگه دارنده از آتش است.

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا كُتِبَتْ لَهُ بَرَاءَتَانِ : بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ ، وَبَرَاءَةٌ مِنَ النِّفَاقِ . (١)

الإمام على عليه السلام :أُرْبَعٌ لَا تَصِيرُ إِلَّا لِلْعَجَبِ : طُولُ الصَّمْتِ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ ، وَقَلَّةُ الشَّيْءِ ، وَالْتَوَاضُعُ ، وَذِكْرُ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّ كَثِيرًا ؛ فَإِنَّهُ مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ تَعَالَى بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ ، وَبَرَاءَةً مِنَ النِّفَاقِ . (٢)

عنه عليه السلام :أَفِيضُوا فِي ذِكْرِ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ ؛ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الذِّكْرِ ، وَهُوَ أَمَانٌ مِنَ النِّفَاقِ ، وَبَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ ، وَتَذَكِيرٌ لِصَاحِبِهِ عِنْدَ كُلِّ خَيْرٍ يَقْسِمُهُ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ ، وَلَهُ دَوِيٌّ تَحْتَ الْعَرْشِ . (٣)

رسول الله صلى الله عليه و آله :مَنْ عَجَزَ مِنْكُمْ عَنِ اللَّيْلِ أَنْ يُكَابِدَهُ (٤) ، وَبِخَلَ بِالْمَالِ أَنْ يُنْفِقَهُ ، وَجَبْنَ عَنِ الْعَيْدِ أَنْ يُجَاهِدَهُ ، فَلْيَكْثِرْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ . (٥)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ ، أَظَلَّهُ اللَّهُ فِي جَنَّتِهِ . (٦)

عنه صلى الله عليه و آله :أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّ ، حَتَّى يَقُولَ الْمُنَافِقُونَ : إِنَّكُمْ مُرَاؤُونَ . (٧)

- ١- الكافي : ج ٢ ص ٥٠٠ ح ٣ عن داوود بن سرحان عن الإمام الصادق عليه السلام .
- ٢- الجعفریات : ص ٢٣٥ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام .
- ٣- تحف العقول : ص ١٤٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢٩٠ ح ٢ .
- ٤- مكابده الأمر : معاناه مشقته ، وكابدت الأمر : إذا قاسيت شدته (لسان العرب : ج ٣ ص ٣٧٦ «كبد»).
- ٥- شعب الإيمان : ج ١ ص ٢٩١ ح ٥٠٨ ، المعجم الكبير : ج ١١ ص ٧٠ ح ١١١٢١ وليس فيه «وبخل بالمال أن ينفقه» وكلاهما عن ابن عبيّاس ، كنز العمّال : ج ١ ص ٤٢٩ ح ١٨٥٢ ؛ الأمالى للشجرى : ج ١ ص ٢٥٦ نحوه ، مستدرک الوسائل : ج ٥ ص ٢٩٥ ح ٥٠٩٣ نقلًا عن درر اللآلى وكلاهما عن ابن عباس .
- ٦- الكافي : ج ٢ ص ١٢٢ ح ٤ و ص ٥٠٠ ح ٥ كلاهما عن داوود الحمّار ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٩١ عن عبد الرحمن بن الحجاج وكلها عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ١٢٧ ح ٢٦ .
- ٧- الزهد لابن حنبل : ص ١٣٤ ، الزهد لابن المبارك : ص ٣٦٢ ح ١٠٢٢ وفيه «يظنّ» بدل «يقول» وكلاهما عن أبي الجوزاء ، المعجم الكبير : ج ١٢ ص ١٣١ ح ١٢٧٨٦ ، حليه الأولياء : ج ٣ ص ٨١ كلاهما عن ابن عباس نحوه ، كنز العمّال : ج ١ ص ٤١٤ ح ١٧٥٤ و ص ٤٣٩ ح ١٨٩٨ و ١٨٩٧ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بسیار یاد خدا کند، دو برات برایش نوشته شود: یکی برات رهایی از آتش، و دیگری برات رهایی از نفاق.

امام علی علیه السلام: چهار چیز است که پایانشان جز خوشایندی نیست: دم فرو بستن بسیار، مگر از خوبی؛ تنگ دستی با فروتنی؛ و فراوان یاد خداوند عز و جل نمودن؛ زیرا کسی که بسیار یاد خدا کند، خداوند متعال برایش برات آزادی از آتش و برات آزادی از نفاق می نویسد.

امام علی علیه السلام: خداوند عز و جل را بسیار یاد کنید؛ زیرا که یاد خدا بهترین یاد است، و مایه ایمنی از نفاق و رهایی از آتش است و صاحبش (ذاکر) را در هنگام هر خیری که خداوند عز و جل قسمت می کند، به یاد خدا می آورد، و یاد خدا در زیر عرش، طنین می افکند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از شما که نمی تواند رنج شب خیزی را تحمل کند و از خسیسی نمی تواند مالی انفاق کند و از جهاد کردن با دشمن می ترسد، پس خدا را بسیار یاد کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که خدا را بسیار یاد کند، خداوند عز و جل او را در سایه سار بهشتش جای دهد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل را فراوان یاد کنید تا جایی که منافقان بگویند: شما ریاکارید.

عنه صلى الله عليه وآله: أَكثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ فَلَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ وَلَا أَنْجَى لِعَبْدِهِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (١)

مسند ابن حنبل عن أبي سعيد الخدري عن رسول الله صلى الله عليه وآله: اسْتَكَثَرُوا مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ. قِيلَ: وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْمَلَّةُ. قِيلَ: وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟... قَالَ: التَّكْبِيرُ، وَالتَّهْلِيلُ، وَالتَّسْبِيحُ، وَالتَّحْمِيدُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (٢)

المعجم الكبير عن مربع عن أم أنس أنها قالت لرسول الله صلى الله عليه وآله: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي! قَالَ: أَهْجِرِي الْمَعَاصِيَ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ الْهَجْرَةِ، وَحَافِظِي عَلَى الْفَرَائِضِ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ الْجِهَادِ، وَأَكْثَرِي مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّكَ لَا تَأْتِينَ (٣) اللَّهَ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ كَثْرَةِ ذِكْرِهِ. (٤)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يَقْبَلُ تَوْبَةَ عَبْدِهِ مَا لَمْ يُغْرِغْ (٥). تَوَبُوا إِلَى رَبِّكُمْ قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا، وَبَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ الزَّائِكَةِ قَبْلَ أَنْ تُشْغَلُوا، وَصَلُوا الَّذِي بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ بِكَثْرَةِ ذِكْرِكُمْ إِيَّاهُ. (٦)

- ١- شعب الإيمان: ج ١ ص ٣٩٥ ح ٥٢١ عن معاذ بن جبل، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٦ ح ١٨٣٦.
- ٢- مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٥٠ ح ١١٧١٣، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٩٤ ح ١٨٨٩، مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ١٣٢ ح ١٣٧٩، تفسير الطبري: ج ٩ الجزء ١٥ ص ٢٥٥، تفسير ابن كثير: ج ٥ ص ١٥٩، كنز العمال: ج ١٥ ص ٩٥١ ح ٤٣٦٥٤.
- ٣- في المصدر: «لا تأتي»، والصواب ما أثبتناه كما في المصادر الأخرى.
- ٤- المعجم الكبير: ج ٢٥ ص ١٢٩ ح ٣١٣، المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٢١ ح ٦٧٣٥ و ص ٥١ ح ٦٨٢٢، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٤٥ ح ٣٩٣٥ نقلاً عن الترغيب في الذكر.
- ٥- ما لم، يُغْرِغُ: أي ما لم تبلغ روحه حُلُقومه، فيكون بمنزلة الشيء الذي يتغرغره المريض؛ والغرغره: أن يجعل المشروب في الفم ويردّد إلى أصل الحلق ولا يُبلع (النهاية: ج ٣ ص ٣٦٠ «غرغره»).
- ٦- الدعوات: ص ٢٣٧ ح ٦٥٩، مستدرک الوسائل: ج ٦ ص ١٠ ح ٦٢٩٤ نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب وليس فيه «إنّ الله يقبل توبه عبده ما لم يغرغره»، بحار الأنوار: ج ٦ ص ١٩ ح ٥١٠٨ و ج ٨١ ص ٢٤٠ ح ٢٦.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در همه حال ، خداوند عز و جل را بسیار یاد کنید ؛ زیرا هیچ عملی نزد خداوند محبوب تر و برای بنده ، نجات بخش تر از یاد خدا در دنیا و آخرت نیست .

مسند ابن حنبل به نقل از ابو سعید خُدری : پیامبر خدا فرمود : «ماندگارهای نیک ، بسیار انجام دهید» . گفته شد : ماندگارهای نیک ، چیستند ، ای پیامبر خدا؟ فرمود : «آیین» . گفته شد : آیین چیست ، ای پیامبر خدا ؟ فرمود : «گفتن الله اکبر و لا إله إلا الله و سبحان الله و الحمد لله و لا حول و لا قوه إلا بالله» .

المعجم الکبیر به نقل از مربع : اُمّ انس به پیامبر خدا گفت : مرا سفارشی نما ، ای پیامبر خدا ! فرمود : «از گناهان دوری کن ، که این ، برترین هجرت است و واجبات را پاس بدار ، که این ، برترین جهاد است و بسیار یاد خدا باش ؛ زیرا نزد خداوند ، چیزی که برایش محبوب تر از بسیاری یاد او باشد ، نیست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، توبه بنده اش را تا آن گاه که به جان دادن نیفتاده است ، می پذیرد . [پس] پیش از آن که بمیرید ، به درگاه پروردگارتان توبه کنید و پیش از آن که از کارهای نیک باز مانید ، به آنها مبادرت ورزید و با یاد کردن بسیار از خداوند ، میان خود و او رابطه برقرار کنید .

تهذيب الكمال عن سعيد بن مسيب: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله، أخبرني بجلساء الله يوم القيامة، قال: هم الخائفون، الخاضعون، المتواضعون، الذاكرون لله كثيرا. (١)

مسند ابن حنبل عن معاذ عن رسول الله صلى الله عليه وآله، قال: إن رجلاً سأله فقال: أي المجاهدين أعظم أجراً؟ قال: أكثرهم لله تبارك وتعالى ذكراً. ثم ذكر لنا الصلاة، والزكاة، والحج، والصدقة، كل ذلك رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: أكثرهم لله تبارك وتعالى ذكراً. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ألا أخبركم بخير أعمالكم لكم، وأرفعها في درجاتكم، وأزكاها عند مليككم، وخير لكم من الدينار والدرهم، وخير لكم من أن تلقوا عدوكم فتقتلوهم ويقتلوكم؟ فقالوا: بلى! فقال: ذكر الله عز وجل كثيرا. (٣)

عنه عليه السلام: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وآله، فقال: من خير أهل المسجد؟ فقال: أكثرهم لله ذكراً. (٤)

١- تهذيب الكمال: ج ٣١ ص ١٧٣، حليه الأولياء: ج ٨ ص ١٤٣.

٢- مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٣٠٩ ح ١٥٦١٤، المعجم الكبير: ج ٢٠ ص ١٨٦ ح ٤٠٧، تفسير ابن كثير: ج ٦ ص ٤١٦، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٨ ح ١٨٤٦ وراجع الزهد لابن المبارك: ص ٥٠١ ح ١٤٢٩.

٣- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٩ ح ١، المحاسن: ج ١ ص ١٠٩ ح ٩٦ كلاهما عن ابن القداح، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٧ ح ٢٩.

٤- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٩ ح ١، عدّه الداعي: ص ٢٣٤ وليس فيه «لله» وكلاهما عن ابن القداح، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦١ ح ٤٢.

تهذیب الکمال به نقل از سعید بن مسیب: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! مرا از همشینان خدا در روز رستاخیز، خبر بده. فرمود: «همشینان خدا، عبارت اند از: بیمناکان، فروتنان، خاکساران، و آنان که بسیار خدا را یاد می کنند».

مسند ابن حنبل به نقل از مُعَاذ: مردی از پیامبر خدا پرسید: پاداش کدام مجاهدان، بزرگ تر است؟ فرمود: «آنان که بیشتر خداوند تبارک و تعالی را یاد کنند». پرسید: پاداش کدام روزه داران، بزرگ تر است؟ فرمود: «آنان که بیشتر خداوند تبارک و تعالی را یاد کنند». به همین سان [آن مرد] از نماز و زکات و حج و صدقه (/ زکات) پرسید و هر بار، پیامبر خدا می فرمود: «آنان که بیشتر خداوند تبارک و تعالی را یاد کنند».

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «آیا به شما از بهترین اعمالتان که از همه اعمالتان بلند پایه تر و نزد خداوند گارتان، پاکیزه تر و برایتان از [انفاق] درهم و دینار بهتر است و از این که با دشمنان رو به رو شوید و بکشید و کشته شوید، با ارزش تر است، خبر ندهم؟». گفتند: چرا. فرمود: «یاد کردن بسیار از خداوند عز و جل».

امام صادق علیه السلام: مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: بهترین اهل مسجد کیست؟ فرمود: «آن که بیشتر خدا را یاد کند».

الإمام علي عليه السلام: إعلموا أنّ الجهاد الأكبر جهاد النفس، فاشتغلوا بجهاد أنفسكم تسعدوا، وارفضوا القول والقيّل تسلّموا، وأكثرُوا ذكر الله تغمّوا. (١)

عنه عليه السلام: قد أبلغ الله عز وجل إليكم بالوعد، وفصل لكم القول، وعلمكم السنّة، وشرح لكم المناهج؛ ليزيح العلة، وحثّ على الذكر، ودلّ على النّجاة، وإنّه من انتصيح لله واتّخذ قوله دليلاً هدايةً للتي هي أقوم، ووفّقه للرّشاد، وسدّدته ويسره للحسنى، فإنّ جار الله آمن محفوظ، وعدوه خائف مغرور، فاحترسوا من الله عز وجل بكثرته الذكر. (٢)

عنه عليه السلام من كتابه إلى محمّد بن أبي بكر: فإنّ أحبّ إخواني إلى أكثرهم لله ذكرا، وأشدّهم منه خوفاً. وأنا أرجو أن تكون منهم إن شاء الله. (٣)

عنه عليه السلام: إنّ أولياء الله لأكثر الناس له ذكرا، وأدومهم له شكرا، وأعظمهم على بلائه صبرا. (٤)

عنه عليه السلام: إنّ من أحبّ عباد الله إليه عبداً أعانته الله على نفسه، فاستشعر (٥) الحزن، وتجلّبب (٦) الخوف، فزهر مصباح الهدى في قلبه، وأعدّ القرى ليومه النازل به، فقرب على نفسه البعيد، وهون الشديّد، نظر فأبصر، وذكر فاستكثر. (٧)

- ١- غرر الحكم: ح ١١٠٠٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٥٢ ح ١٠١٨٣.
- ٢- الكافي: ج ٨ ص ٣٨٩ ح ٥٨٦ عن محمّد بن الحسين عن أبيه عن جدّه عن أبيه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٦٨ ح ٣٤.
- ٣- تحف العقول: ص ١٧٧، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٥٨٦ ح ٧٣٣.
- ٤- غرر الحكم: ح ٣٥٧١، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٥٥ ح ٣٣٧٦.
- ٥- استشعر فلان الخوف: أضمره (تاج العروس: ج ٧ ص ٣٦ «شعر»). أي جعل الخوف شعاراً له (بحار الأنوار: ج ٢ ص ٥٧).
- ٦- تجلّبب المرأة: لبست الجلباب؛ وهو ما يغطّي البدن من ثوب وغيره (المصباح المنير: ص ١٠٤ «جلبب»).
- ٧- نهج البلاغه: الخطبه ٨٧، أعلام الدين: ص ١٢٧ وفيه «فأكثر» بدل «فاستكثر»، بحار الأنوار: ج ٢ ص ٥٦ ح ٣٦.

امام علی علیه السلام: بدانید که جهاد بزرگ، جهاد با نفس است. پس به جهاد با نفس های خویش پردازید تا سعادت مند شوید و قیل و قال را وانهید تا به سلامت مانید، و خدا را بسیار یاد کنید تا سود برید.

امام علی علیه السلام: خداوند عز و جل پیام را به شما ابلاغ کرده و حقیقت را برایتان روشن ساخته و راه و رسم را به شما آموخته و راه ها را برایتان هویدا کرده است تا عذر و بهانه را از میان بردارد، و به یاد او کردن [و دوری از غفلت]، تشویق کرده و راه نجات را نشان داده است. هر کس پند خداوند را گوش کند و سخن او را راه نمای خود گیرد، خداوند، به درست ترین راه، ره نمونش می شود و به طریق حق، توفیقش می دهد و راه نمایی می کند و او را برای کار نیک، آماده می سازد؛ زیرا پناهنده به خدا در امان و محفوظ است و دشمن او، ترسان و فریب خورده است. پس با بسیاری یاد [خدا] خویشتن را از [عذاب] خداوند ننگه دارید.

امام علی علیه السلام از نامه ایشان به محمد بن ابی بکر: محبوب ترین برادرانم نزد من، آن کس است که بیشتر به یاد خدا باشد و از خداوند، بیشتر بترسد، و من امیدوارم که تو به خواست خدا از جمله ایشان باشی.

امام علی علیه السلام: اولیای خداوند، بیش از هر کس به یاد خدا هستند و پیوسته، او را سپاس می گویند و بر بلای او شکیباترین اند.

امام علی علیه السلام: از جمله محبوب ترین بندگان خدا نزد او، آن بنده ای است که خداوند، او را در برابر نفسش یاری کرده است، و او جامه اندوه در پوشیده و ردای ترس [از خدا] به تن کرده است. پس چراغ هدایت در دلش روشن شده و برای آن روزی که میهمان او می شود (مرگ و پس از مرگ)، سفره پذیرایی (اعمال صالح) را آماده ساخته و دور (یعنی مرگ و قیامت) را نزدیک می بیند و سختی ها را بر خود آسان کرده، می نگرد و می بیند، و [خدا را] یاد می کند و فراوان یاد می کند.

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ : اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُكْتَبُ ذِكْرُكَ ، وَيَتَابَعُ شُكْرُكَ ، وَيَلْزَمُ عِبَادَتَكَ . (١)

عنه عليه السلام فِي صِفَةِ الْمُؤْمِنِ : خَاشِعًا قَلْبُهُ ، ذَاكِرًا رَبَّهُ . . . مُحْكَمًا أَمْرُهُ ، كَثِيرًا ذِكْرُهُ . (٢)

عنه عليه السلام : الْمُؤْمِنُ . . . وَقَوْرٌ ذَكُورٌ . (٣)

عنه عليه السلام مِمَّا كَانَ يوصى بِهِ أَصْحَابُهُ : أَوْصِيكُمْ بِالْخَشْيَةِ مِنَ اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ . . . وَلَيْكُنْ نَظْرُكُمْ عِبْرًا ، وَصِمْتُكُمْ فِكْرًا ، وَقَوْلُكُمْ ذِكْرًا . (٤)

الإمام الباقر عليه السلام فِي ذِكْرِ صِفَاتِ شِعْبَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ : مَا كَانُوا يُعْرَفُونَ . . . إِلَّا بِالتَّوَّاضِعِ ، وَالتَّخَشُّعِ ، وَالأَمَانَةِ ، وَكَثْرَةِ ذِكْرِ اللَّهِ . (٥)

الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام : أَكْثَرُوا مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ . (٦)

١- فلاح السائل : ص ٤٣٩ ح ٣٠٢ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١١٣ ح ١ .

٢- الكافي : ج ٢ ص ٢٣٠ ح ١ عن عبد الله بن يونس عن الإمام الصادق عليه السلام ، صفات الشيعة : ص ٩٩ ح ٣٥ ، الأمل للصدوق : ص ٦٦٨ ح ٨٩٧ كلاهما عن عبد الرحمن بن كثير الهاشمي عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام ، كنز الفوائد : ج ١ ص ٩١ عن نوف البكالي وليس فيه «محكما أمره» ، التمهيص : ص ٧٢ ح ١٧٠ ، بحار الأنوار : ج ٦٧ ص ٣٤٤ ح ٥١ .

٣- الكافي : ج ٢ ص ٢٢٧ ح ١ عن عبد الله بن يونس عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٦٧ ص ٣٦٥ ح ٧٠ .

٤- تحف العقول : ص ٣٩٠ عن الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ١ ص ١٤٢ ح ٣٠ وج ٧٨ ص ٣٠٥ ح ١ .

٥- الكافي : ج ٢ ص ٧٤ ح ٣ ، صفات الشيعة : ص ٩٠ ح ٢٢ ، الأمل للطوسي : ص ٧٣٥ ح ١٥٣٥ ، مستطرفات السرائر : ص ١٤٣ ح ١٠ وفيه «الإنباه» بدل «الأمانه» وكلها عن جابر ، تحف العقول : ص ٢٩٥ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٧٥ ح ٢٨ .

٦- الكافي : ج ٢ ص ٥٠٦ ح ٢ ، عُدَّة الداعي : ص ٢٤٦ ، ثواب الأعمال : ص ١٨ ح ١٣ كلها عن فضيل ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٠٢ ح ٣٨ و ص ٢١٩ ح ٣ .

امام علی علیه السلام از دعای ایشان پس از نماز عشا: بار خدایا! مرا از آنانی قرار ده که فراوان یاد تو می کنند و پیایی، سپاس تو می گویند و پیوسته به عبادت تو می پردازند.

امام علی علیه السلام در توصیف مؤمن: دلش خاشع است، پروردگارش را یاد می کند... کارش استوار است و بسیار ذکر می گوید.

امام علی علیه السلام: مؤمن... باوقار و همواره به یاد خداست.

امام علی علیه السلام از اندرزهایی که به یارانش می داد: شما را به ترس از خدا در نهان و آشکار، سفارش می کنم... و باید نگاه کردنتان، عبرت آموز باشد و سکوتتان، توأم با اندیشیدن و سخنتان، یاد خدا باشد.

امام علی علیه السلام در بیان صفات پیروان اهل بیت علیهم السلام: شناخته نمی شوند... مگر با فروتنی و خاکساری و امانتداری و بسیار یاد خدا بودن.

امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: ذکر «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» را بسیار بگویید؛ زیرا هیچ چیز نزد خداوند عز و جل محبوب تر از گفتن «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» نیست.

الإمام الصادق عليه السلام لما قيل له من أكرم الخلق على الله؟ : أكثرهم ذكرا لله ، وأعملهم بطاعته . (١)

الكافي عن ابن القداح عن الإمام الصادق عليه السلام : ما من شىء إلا وله حد ينتهي إليه إلا الذكر ؛ فليس له حد ينتهي إليه ، فرض الله عز وجل الفرائض فمن أداهن فهو حدهن ، وشهر رمضان فمن صامه فهو حده ، والحج فمن حج فهو حده ، إلا الذكر ؛ فإن الله عز وجل لم يرض منه بالقليل ، ولم يجعل له حدا ينتهي إليه . ثم تلا هذه الآية : «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» (٢) . فقال : لم يجعل الله عز وجل له حدا ينتهي إليه . قال : وكان أبى عليه السلام كثير الذكر ، لقد كنت أمشى معه وإنه ليدكر الله ، وأكل معه الطعام وإنه ليدكر الله ، ولقد كان يحدث القوم وما يشغل ذلك عن ذكر الله ، وكنت أرى لسانه لازقا بحنكه يقول : لا إله إلا الله . وكان يجمعنا فيأمرنا بالذكر حتى تطلع الشمس . ويأمر بالقراءة من كان يقرأ منا ومن كان لا يقرأ منا أمره بالذكر . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام : أنصف الناس من نفسك ، وواسهم فى مالك ، وارض لهم بما ترضى لنفسك ، واذكر الله كثيرا ، وإياك والكسل والضجر . (٤)

- ١- المحاسن : ج ٢ ص ٤٣٢ ح ٢٤٩٩ ، تحف العقول : ص ٣٦٤ ، مشكاة الأنوار : ص ١١٢ ح ٢٥٧ ، جامع الأحاديث للقمي : ص ٢٠٤ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٦٤ ح ٤٣ .
- ٢- الأحزاب : ٤١ و ٤٢ .
- ٣- الكافي : ج ٢ ص ٤٩٨ ح ١ ، عده الداعى : ص ٢٣٣ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٦١ ح ٤٢ .
- ٤- الأموال للمفيد : ص ١٨٢ ح ٤ ، الزهد للحسين بن سعيد : ص ١٩ ح ٤٣ كلاهما عن عجلان أبى صالح ، مشكاة الأنوار : ص ١٤٢ ح ٣٤١ عن علاء بن صالح وليس فيه «وإياك والكسل والضجر» ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٢٢٧ ح ٩٩ .

امام صادق علیه السلام در پاسخ به این پرسش که: گرامی ترین بندگان نزد خداوند کیست؟: آن که بیشتر به یاد خدا باشد و در طاعت او بیشتر بکوشد.

الکافی به نقل از ابن قَدّاح: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر چیزی حدّ و مرزی دارد که در آن جا به پایان می رسد، مگر یاد خدا که آن را حدّ و مرزی پایان پذیر نیست. خداوند عز و جل فرایض را واجب گردانید و هر کس آنها را به جای آورد، همان، حدّ آنهاست. ماه رمضان را واجب گردانید و هر کس این ماه را روزه بدارد، همان، حدّ اوست. حج را واجب گردانید و هر کس حج بگزارد، همان، حدّ اوست؛ بجز یاد خدا که خداوند عز و جل به اندک از آن رضایت نداده و برایش حدّی که در آن جا پایان پذیرد، قرار نداده است». سپس این آیه را تلاوت فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید، و بام و شام، او را به پاکی بستابید». سپس فرمود: «خداوند عز و جل برای ذکر، حدّی پایان پذیر، قرار نداده است. پدرم [امام زین العابدین علیه السلام] بسیار [خدا را] یاد می کرد. من به همراه او می رفتم و او یاد خدا می کرد. با او غذا می خوردم و می دیدم که خدا را یاد می کند. با مردم، سخن (برایشان حدیث) می گفت؛ ولی این کار، او را از یاد خدا باز نمی داشت. من زبانش را می دیدم که پیوسته به کامش چسبیده و لا إله إلا الله می گوید. ما را جمع می کرد و دستور می داد تا طلوع آفتاب، ذکر بگوییم و به هر یک از ما که قرآن خواندن بلد بودیم، می فرمود که قرآن بخوانیم و به آن که قرآن خواندن نمی دانست، دستور می داد ذکر بگوید.

امام صادق علیه السلام: با مردم، به انصاف باش و در دارایی خود، شریکشان گردان و برای ایشان، آن بپسند که برای خود می پسندی، و خدا را فراوان یاد کن و از تنبلی و بی حوصلگی پرهیز.

عنه عليه السلام: قَالَ اللَّهُ عز و جل لِمُوسَى عليه السلام: اجْعَلْ لِسَانَكَ مِنْ وَرَاءِ قَلْبِكَ تَسْلَمَ ، وَأَكْثِرْ ذِكْرِي بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ . (١)

الكافي عن علي بن عيسى رفعه: إِنَّ مُوسَى عليه السلام نَجَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ، فَقَالَ لَهُ فِي مُنَاجَاتِهِ : يَا مُوسَى . . . أَكْثِرْ ذِكْرِي بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ تَغْنَمَ . (٢)

إرشاد القلوب: كَانَ مِمَّا نَجَى بِهِ الْبَارِي تَعَالَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ . . . يَا دَاوُدُ! إِذَا جَنَّ عَلَيْكَ اللَّيْلُ فَانظُرْ إِلَى ارْتِفَاعِ النُّجُومِ فِي السَّمَاءِ، وَسَبِّحْنِي وَأَكْثِرْ مِنْ ذِكْرِي ، حَتَّى أَذُكِّرَكَ . (٣)

راجع: ص ٩٨ (خصائص الذكر / أفضل الأعمال) و ص ١١٢ (من يعدد كثير الذكر) .

١ / ١٢ الْحَثُّ عَلَى ذِكْرِ اللَّهِ فِي كُلِّ حَالٍ الْكِتَابُ «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (٤) .

١- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٨ ح ١٠، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٣٤٣ ح ٢٣ .

٢- الكافي: ج ٨ ص ٤٢ ح ٨، تحف العقول: ص ٤٩٣، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٣٣٥ ح ١٣ .

٣- إرشاد القلوب: ص ٨٦ .

٤- آل عمران: ١٩٠ و ١٩١ .

۱ / ۲ ترغیب به یاد خدا در همه احوال

امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل به موسی علیه السلام فرمود: «زبان‌ت را در پسِ دلت قرار ده تا به سلامت مانی، و شب و روز، فراوان از من یاد کن».

الکافی به نقل از علی بن عیسی، که سند حدیث را به یکی از اهل بیت علیهم السلام رسانده است: خداوند تبارک و تعالی با موسی علیه السلام مناجات کرد و در مناجاتش به او فرمود: «ای موسی! ... شب و روز، مرا بسیار یاد کن تا سود ببری».

إرشاد القلوب: از جمله سخنانی که آفریدگار متعال در گفتگوش با داوود علیه السلام فرمود، این بود که: «... ای داوود! چون شب بر تو فرا رسد، به برآمدن ستارگان در آسمان، بنگر و مرا به پاکی بستای و فراوان، مرا یاد کن تا من نیز تو را یاد کنم».

ر. ک: ص ۹۹ (ویژگی های یاد خدا / برترین اعمال). و ص ۱۱۳ (کسانی آنان که بسیار یاد کننده خدا به شمار می آیند).

۱ / ۲ ترغیب به یاد خدا در همه احوالقرآن «مسلماً در آفرینش آسمان ها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، برای خردمندان، نشانه هایی [قانع کننده] است؛ همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته، و به پهلو آرمیده، یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند [که: «پروردگارا! اینها را بیهوده نیافریده ای. منزه می تو! پس ما را از عذاب آتش دوزخ، در امان بدار»].

«فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَقَعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا» . (١)

الحدِيثُ مَعَانِي الْأَخْبَارِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» (٢)، قَالَ: يُطَاعُ فَلَا يُعْصَى، وَيُذَكَّرُ فَلَا يُنْسَى، وَيُشْكَرُ فَلَا يُكْفَرُ. (٣)

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَأَلَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ رَبَّهُ... قَالَ: يَا رَبِّ، أَيُّ عِبَادِكَ أَتَقَى؟ قَالَ: الَّذِي يَذْكُرُ وَلَا يَنْسَى. (٤)

عَدَّةُ الدَّاعِي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعٌ لَا يُصَيَّبُهُنَّ إِلَّا مُؤْمِنٌ: الصَّمْتُ؛ وَهُوَ أَوَّلُ الْعِبَادَةِ، وَالتَّوَضُّعُ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، وَذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَقَلَّةُ الشَّيْءِ يَعْنِي قَلَّةَ الْمَالِ. (٥)

تَارِيخُ الطَّبْرِيِّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: سَأَلَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ: أَيُّ رَبِّ، أَيُّ عِبَادِكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ؟ قَالَ: الَّذِي يَذْكُرُنِي وَلَا يَنْسَانِي. (٦)

الإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... يَا أَحْمَدُ، إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَكُونَ أَوْرَعَ النَّاسِ فَازْهَيْدِ فِي الدُّنْيَا وَارْغَبْ فِي الْآخِرَةِ. فَقَالَ: إِلَهِي، كَيْفَ أَرْهَيْدُ فِي الدُّنْيَا؟ فَقَالَ: خُذْ مِنَ الدُّنْيَا حَفْنًا مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَاللِّبَاسِ، وَلَا تَدْخِرْ لِعَدِّ، وَدُمَّ عَلَى ذِكْرِي. قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ... يَا أَحْمَدُ، هَلْ تَدْرِي أَيُّ عَيْشٍ أَهْنَأُ وَأَيُّ حَيَاةٍ أَبْقَى؟ قَالَ: اللَّهُمَّ لَا. قَالَ: أَمَّا الْعَيْشُ الْهَنِيءُ فَهُوَ الَّذِي لَا يَفْتَرُّ صَاحِبُهُ عَنْ ذِكْرِي، وَلَا يَنْسَى نِعْمَتِي، وَلَا يَجْهَلُ حَقِّي، يَطْلُبُ رِضَايَ لَيْلَهُ وَنَهَارَهُ. (٧)

١- النساء: ١٠٣.

٢- آل عمران: ١٠٢.

٣- معاني الأخبار: ص ٢٤٠ ح ١، الزهد للحسين بن سعيد: ص ١٧ ح ٣٧، تفسير العياشي: ج ١ ص ١٩٤ ح ١٢٠، المحاسن: ج ١ ص ٣٢٣ ح ٦٤٨، تحف العقول: ص ٣٦٢، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٢٩٢ ح ٣١.

٤- صحيح ابن حبان: ج ١٤ ص ١٠١ ح ٦٢١٧ عن أبي هريره، الدرر المنتور: ج ٣ ص ٥٤١ نقلًا عن كتاب العلم عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٩٩ ح ٤٣٥٤٩.

٥- عدَّة الداعِي: ص ٢٣٤، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٢ ح ٤٢.

٦- تاريخ الطبري: ج ١ ص ٣٧١، الدرر المنتور: ج ٥ ص ٤١٩ نقلًا عن ابن جرير وابن المنذر وابن أبي حاتم والخطيب وابن عساكر عن ابن عباس؛ بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٢٨١ ح ١ نقلًا عن البيضاوي.

٧- إرشاد القلوب : ص ١٩٩ و ٢٠٤ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢١ و ٢٨ ح ٤ .

«و چون نماز را به جای آوردید، خدا را [در همه حال] ایستاده و نشسته و بر پهلو آرمیده، یاد کنید. پس چون آسوده خاطر شدید، نماز را [به طور کامل] به پا دارید؛ زیرا نماز بر مؤمنان، در اوقات معین، مقرر شده است.» .

حدیث معانی الأخبار به نقل از ابو بصیر: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم: «از خدا پروا کنید، چنان که حقّ پروا کردن از اوست». فرمود: «یعنی این که فرمانش بُرده شود و نافرمانی نشود، و همواره به یاد باشد و فراموش نشود، و سپاس گزاری شود و ناسپاسی نگردد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: موسی علیه السلام از پروردگارش پرسید ... و گفت: ای پروردگار! پرهیزگارتین بندگانت کیست؟ فرمود: «کسی که به یاد من باشد و فراموشم نکند» .

عده الداعی: پیامبر خدا فرمود: «چهار چیز است که جز مؤمن، کسی به آنها دست نمی یابد: سکوت که آغازین عبادت است؛ فروتنی برای خداوند پاک و بلندمرتبه؛ یاد کردن خدا در همه حال؛ و کم چیز بودن» یعنی دارایی اندک داشتن .

تاریخ الطبری به نقل از ابن عباس: موسی علیه السلام از پروردگارش عز و جل پرسید و گفت: ای پروردگار من! کدام بنده ات نزد تو محبوب تر است؟ فرمود: «آن که به یاد من باشد و فراموشم نکند» .

امام علی علیه السلام در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جلفرمود: «... ای احمد! اگر دوست داری که پارساترین انسان ها باشی، پس به دنیا زاهد و به آخرت، راغب باش». پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: خداوندا! چگونه نسبت به دنیا زاهد باشم؟ فرمود: «از دنیا مُشتی آب و غذا و لباس بردار و برای فردا اندوخته مکن و همواره به یاد من باش». خداوند عز و جل فرمود: «... ای احمد! آیا می دانی که کدام زندگی، گواراتر و کدام حیات، ماندگارتر است؟». پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: بار خدایا! نه. فرمود: «زندگی گوارا، آن زندگی ای است که صاحبش از یاد کرد من، سست نشود و نعمت مرا فراموش نکند و حقّ مرا نادیده نگیرد و شب و روز، خشنودی مرا بجوید» .

عنه عليه السلام مِنْ وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كُنْ لِلَّهِ ذَاكِرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ . (١)

عنه عليه السلام : عَلَيْكَ بِزُورِ الْحَلَالِ ، وَحُسْنِ الْبِرِّ بِالْعِيَالِ ، وَذِكْرِ اللَّهِ فِي كُلِّ حَالٍ . (٢)

عنه عليه السلام : الْمُؤْمِنُ دَائِمُ الذِّكْرِ ، كَثِيرُ الْفِكْرِ ، عَلَى النِّعَمِ شَاكِرٌ ، وَفِي الْبَلَاءِ صَابِرٌ . (٣)

عنه عليه السلام : بِدَوَامِ ذِكْرِ اللَّهِ تَنْجَابُ (٤) الْغَفْلَةُ . (٥)

عنه عليه السلام : مُدَاوِمَةُ الذِّكْرِ خُلْصَانُ الْأَوْلِيَاءِ (٦) . (٧)

١- الأمالى للمفيد : ص ٢٢٢ ح ١ ، الأمالى للطوسى : ص ٨ ح ٨ كلاهما عن الفجيع العقيلي عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٥٢ ح ٧ .

٢- غرر الحكم : ح ٦١٣١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٣٤ ح ٥٦٩٣ .

٣- غرر الحكم : ح ١٩٣٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٨ ح ١٤٧٩ وفيه «دائم الفكر وكثير الذكر» .

٤- انجاء السحاب عن المدينة : أى انجمع وتقبض بعضه إلى بعض وانكشف عنها (النهاية : ج ١ ص ٣١٠ «جوب»).

٥- غرر الحكم : ح ٤٢٦٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٨٨ ح ٣٨٦٤ .

٦- فلانٌ خلصى كما تقول خدنى وخلصانى : أى خالصى ؛ إذا خلصت مودتُهُما ، وهم خلصانى ، يستوى فيه الواحد والجماعه (لسان العرب : ج ٧ ص ٢٨ «خلص»).

٧- غرر الحكم : ح ٩٧٥٧ .

امام علی علیه السلام از سفارش ایشان به پسرش امام حسن علیه السلام: در همه حال، به یاد خدا باش.

امام علی علیه السلام: بر تو باد چنگ زدن به حلال، خوش رفتاری با خانواده، و یاد خدا در همه حال!

امام علی علیه السلام: مؤمن، همواره به یاد خداست، بسیار می اندیشد، بر نعمت سپاس گزار است و در گرفتاری، شکیباست.

امام علی علیه السلام: با مداومت بر یاد خداست که غفلت، زدوده می شود.

امام علی علیه السلام: مداومت بر یاد خدا، دوست صمیمی اولیاست.

عنه عليه السلام مِنْ وَصِيَّتِهِ لِكَمِيلِ بْنِ زِيَادٍ: يَا كَمِيلُ، إِنَّ ذُنُوبَكَ أَكْثَرُ مِنْ حَسَنَاتِكَ، وَغَفْلَتَكَ أَكْثَرُ مِنْ ذِكْرِكَ، وَنِعَمَ اللَّهِ عَلَيْكَ أَكْثَرُ مِنْ عَمَلِكَ. يَا كَمِيلُ، إِنَّكَ لَا تَخْلُو مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدَكَ وَعَافِيَتِهِ إِيَّاكَ، فَلَا تَخُلْ مِنْ تَحْمِيدِهِ، وَتَمْجِيدِهِ، وَتَسْبِيحِهِ، وَتَقْدِيسِهِ، وَشُكْرِهِ، وَذِكْرِهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ. (١)

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ الْمَعْرُوفِ بِدُعَاءِ كَمِيلٍ: يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ، وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً، وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً، حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأُورَادِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاجِدًا، وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا. يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي، يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكُوتُ أَحْوَالِي، يَا رَبِّ يَا رَبِّ، قُوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي، وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي، وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي حَشِيَّتِكَ، وَالِدَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ، حَتَّى أُسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ، وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ، وَأَشْتاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُسْتَقِينَ، وَأَدْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ، وَأَخَافَكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ، وَأَجْتَمِعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ. (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لِيَكُنْ أَحَدُكُمْ رَطْبًا مِنْ ذِكْرِ رَبِّي، فَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ. (٣)

مسند ابن حنبل عن عبد الله بن بسر: أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَعْرَابِيَانِ، فَقَالَ أَحَدُهُمَا: مَنْ خَيْرُ الرَّجَالِ يَا مُحَمَّدُ؟ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ طَالَ عُمُرُهُ، وَحَسَنَ عَمَلُهُ. وَقَالَ الْآخَرُ: إِنَّ شَرَائِعَ الْإِسْلَامِ قَدْ كَثُرَتْ عَلَيْنَا، فَبَابَ تَتَمَسُّكَ بِهِ جَامِعٌ. قَالَ: لَا يَزَالُ لِسَانُكَ رَطْبًا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (٤)

١- تحف العقول: ص ١٧٤، بشاره المصطفى: ص ٢٨ عن كميل بن زياد، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٧٣ ح ١.

٢- مصباح المتهجد: ص ٨٤٩، الإقبال: ج ٣ ص ٣٣٦ وفيه «المبادرين» بدل «البارزين» وكلاهما عن كميل.

٣- إرشاد القلوب: ص ٩٥.

٤- مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٢١٠ ح ١٧٦٩٦ وص ٢١٤ ح ١٧٧١٤، السنن الكبرى: ج ٣ ص ٥١٩ ح ٦٥٢٦، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٥٨ ح ٣٣٧٥، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٤٦ ح ٣٧٩٣، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٧٣ ح ١٨٢٢ وليس في الثلاثة الأخيره صدره، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٧ ح ١٨٤١؛ الأمالی للشجرى: ج ١ ص ٢٥٥.

امام علی علیه السلام از سفارش ایشان به کمیل بن زیاد: ای کمیل! گناهان تو بیش از کارهای نیک توست، و غفلتت بیش از متذکر بودنت، و نعمت های خدا به تو بیش از عمل توست. ای کمیل! تو از نعمت های خدا و عافیت او برکنار نیستی. پس هیچ گاه از ستایشگویی او و یاد کردنش به بزرگی و پاکی و قداست، و از سپاس گزاری اش، برکنار مباش و همواره او را یاد کن.

امام علی علیه السلام از دعای ایشان، معروف به «دعای کمیل»: ای پروردگار، ای پروردگار، ای پروردگار! به حق تو و به مقام قدست، و به بزرگ ترین صفات و نام هایت، از تو درخواست می کنم که اوقات شب و روز مرا به یاد خودت، آباد گردانی و پیوسته، در خدمت خودت قرارم دهی و اعمالم را به درگاہت بپذیری تا آن که همه اعمال و اورادم یک ورد شوند و تا ابد، در خدمت تو باشم. سرورم، ای آن که تکیه ام به اوست، ای آن که از احوال خویش به او شکرگواه می کنم، ای پروردگار، ای پروردگار! اندام های مرا در خدمت به خودت، نیرومند گردان و دلم را در عقیده، استوار بدار و در ترس از خودت، به من کوشایی بخش و پیوسته مرا در خدمت خویش بدار، تا در میدان های مسابقه دهندگان، به سوی تو بدوانم و در میان پیشی گیرندگان به کوی تو بشتابم و در میان مشتاقان، شوق نزدیک شدن به تو، جانم را فرا گیرد و چونان نزدیک شدن اخلاص مندان، به تو نزدیک شوم و آن سان که اهل یقین از تو می ترسند، از تو بترسم و در کنار و پناه تو، با مؤمنان گرد آیم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر یک از شما باید از یاد پروردگارش تر و تازه باشد. بنا بر این، از غافلان مباش.

مسند ابن حنبل به نقل از عبد الله بن بسر: دو بادیه نشین به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند. یکی از آن دو گفت: ای محمد! بهترین مردان، چه مردی است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آن مردی که عمرش دراز و کردارش نیک باشد». دیگری گفت: احکام اسلام بر ما افزون شده است. دستور العملی بده که جامع باشد و ما به آن، چنگ زنییم. فرمود: «همواره زبانت از یاد خداوند عز و جل تر و تازه باشد».

كنز العمّال عن معاذ: أَخْرَجُ كَلَامَ فَارَقْتُ عَلَيْهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ الْعَمَلِ خَيْرٌ وَأَقْرَبُ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْ تُمَسِّيَ وَتُصْبِحَ وَلِسَانُكَ رَطْبٌ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (١)

الزهد لابن المبارك عن عبد الله بن بسر: قَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَيُّ الْعَمَلِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: لَا يَزَالُ لِسَانُكَ رَطْبًا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ. (٢)
رسول الله صلى الله عليه وآله: مَرَرْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي بِرَجُلٍ مَغِيبٍ فِي نَوْرِ الْعَرْشِ؛ فَقُلْتُ: مَنْ هَذَا! مَلَكٌ؟ قِيلَ: لَا، قُلْتُ: نَبِيٌّ؟ قِيلَ: لَا، قُلْتُ: مَنْ هُوَ؟ قَالَ: هَذَا رَجُلٌ كَانَ فِي الدُّنْيَا لِسَانَهُ رَطْبًا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ، وَقَلْبُهُ مُعَلَّقًا بِالْمَسَاجِدِ، وَلَمْ يَسْتَسِبَّ (٣) لِوَالِدَيْهِ قَطُّ. (٤)

صحيح ابن حبان عن معاذ بن جبل: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ؟ قَالَ: أَنْ تَمُوتَ وَلِسَانُكَ رَطْبٌ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ. (٥)

-
- ١- كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٤٢ ح ٣٩٢٩ وج ١ ص ٤٤٠ ح ١٩٠٣ وج ٨ ص ٣١٩ ح ٢٣٠٩٩ وفي الأخيرين بزياده «وإلى رسوله» بعد «إلى الله» وكلها نقلاً عن ابن النجار.
 - ٢- الزهد لابن المبارك: ص ٣٢٨ ح ٩٣٥، التاريخ الكبير: ج ١ ص ٤١٦ ح ١٣٢٨ وليس فيه صدره.
 - ٣- لم يَسْتَسِبَّ لِوَالِدَيْهِ: أى لم يعرضهما للسب ويجره إليهما؛ بأن يسب أبوى غيره فيسب أبويه مجازاة له (أنظر النهايه: ج ٢ ص ٣٣٠ «سب»).
 - ٤- الأولياء لابن أبي الدنيا: ص ٩٢ ح ٩٥ عن أبي المخارق.
 - ٥- صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ١٠٠ ح ٨١٨، المعجم الكبير: ج ٢٠ ص ٩٣ ح ١٨١ وص ١٠٦ ح ٢٠٨ وص ١٠٧ ح ٢١٢، عمل اليوم والليله لابن السني: ص ٦ ح ٢، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٤٧ ح ٣٩٣٩ نقلاً عن ابن شاهين وابن النجار.

کنز العمال به نقل از مُعَاذ: آخرین سخنی که با آن از پیامبر خدا جدا شدم، این بود که گفتم: ای پیامبر خدا! کدام عمل، بهتر و نزد خداوند، مقرب تر است؟ فرمود: «این که صبح و شام، زبانت از یاد خداوند عز و جل تر و تازه باشد».

الزهد، ابن مبارک به نقل از عبد الله بن بَسر: مردی گفت: ای پیامبر خدا! کدام عمل، برتر است؟ فرمود: «این که زبانت، پیوسته از یاد خدا تر و تازه باشد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شبی که مرا به معراج بردند، به مردی برخوردیم که در نور عرش، گم بود. گفتم: این کیست؟ فرشته است؟ گفته شد: «نه». گفتم: پیامبر است؟ گفته شد: «نه». گفتم: او کیست؟ گفتند: «این، مردی است که در دنیا زبانش از یاد خدا تر و تازه، و دلش آویخته به مسجدها بود و هرگز برای پدر و مادرش ناسزا نخرید». (۱)

صحيح ابن حبان به نقل از مُعَاذ بن جبل: از پیامبر خدا پرسیدم: کدامین اعمال نزد خدا محبوب تر است؟ فرمود: «این که تا دم مرگ، زبانت از یاد خدا تر و تازه باشد».

۱- یعنی به پدر و مادر دیگران، ناسزا نگفت تا آنها نیز، متقابلاً، به پدر و مادر او ناسزا بگویند یا به این معناست که با اعمال ناشایست خود، موجب نفرین فرستادن مردم به پدر و مادرش نشد.

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الَّذِينَ لَا تَزَالُ أَسْتَتُهُمْ رَطْبَهُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ، يَدْخُلُ أَحَدُهُمُ الْجَنَّةَ وَهُوَ يَضْحَكُ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا يَنْزِلُ بِأَحَدِكُمْ الْمَوْتُ إِلَّا وَقُوهُ رَطْبٌ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ، لَا يَخْلُونَ قَلْبُ أَحَدِكُمْ أَبَدًا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ. (٢)

الإمام علي عليه السلام في الحكم المنسوبه إليه: أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَنْ تَمُوتَ وَلِسَانُكَ رَطْبٌ بِذِكْرِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ. (٣)

عنه عليه السلام: لِسَانُ الْبِرِّ مُسْتَهْتَرٌ (٤) بِدَوَامِ الذِّكْرِ. (٥)

عنه عليه السلام في الحكم المنسوبه إليه: مُيِّخُ الْإِيمَانِ التَّقْوَى وَالْوَرَعُ، وَهُمَا مِنْ أَعْمَالِ الْقُلُوبِ، وَأَحْسَنُ أَعْمَالِ الْجَوَارِحِ أَلَّا تَزَالَ مَالًا فَآكَ بِذِكْرِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ. (٦)

عنه عليه السلام في الدعاء: اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ يُسَبِّحُونَ لَكَ آنَاءَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا يَفْتُرُونَ. (٧) اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ لَا يَمْلُونَ ذِكْرَكَ، وَلَا يَسْأَمُونَ عَنْ عِبَادَتِكَ، وَيُسَبِّحُونَ لَكَ وَلَكَ يَسْجُدُونَ. اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ يَذْكُرُونَكَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ. (٨)

١- مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٢٩٥ ح ٥٩٠٤ نقلًا عن درر اللآلی عن أبي الدرداء؛ المصنّف لابن أبي شیبہ: ج ٧ ص ٧٢ ح ٨ و ج ٨ ص ١٦٨ ح ٨ و ص ٢٣٦ ح ٧، الزهد لابن حنبل: ص ١٦٩ کلّها عن أبي الدرداء من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه وآله، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٧ ح ١٨٣٩ و ص ٤٤٠ ح ١٩٠٤.

٢- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١١٦.

٣- شرح نهج البلاغه: ج ٢٠ ص ٣٤٧ ح ٩٨٤ وراجع جامع الأخبار: ص ١١٦ ح ٢٠٨.

٤- يقال: أهرت فلان بكذا واستهتر فهو مهتر ومستهتر: أى مولع به لا يتحدّث بغيره، ولا يفعل غيره (النهاية: ج ٥ ص ٢٤٢ «هتر»).

٥- غرر الحكم: ح ٧٦١٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤١٩ ح ٧٠٩٩.

٦- شرح نهج البلاغه: ج ٢٠ ص ٣٤٧ ح ٩٨٨.

٧- الفتّره: الانكسار والضعف (لسان العرب: ج ٥ ص ٤٣ «فتر»).

٨- الدرر الواقية: ص ٢٢٩ و ص ١٤١ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ١٦٩ ح ٤.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آنان که زبان هایشان پیوسته از یاد خدا تر و تازه باشد، هر یک از ایشان، خندان وارد بهشت می شوند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مبادا مرگ به سراغ یکی از شما بیاید، مگر آن که دهانش از یاد خدا تر و تازه باشد! مبادا دل هر یک از شما از یاد خدا تهی باشد!

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: برترین اعمال، این است که تا دم مرگ، زبانت به یاد خداوند پاک، تر و تازه باشد.

امام علی علیه السلام: زبان نیکوکاران، شیفته مداومت بر یاد خداست.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: مغز ایمان، پرهیزگاری و پارسایی است، و این دو از اعمال دل اند. بهترین اعمال جوارح، این است که همواره، دهانت را به ذکر خداوند پاک، پُر کنی.

امام علی علیه السلام در دعا: بار خدایا! مرا از آنانی قرار ده که در اوقات شب و روز، تسبیح تو را می گویند و سست نمی شوند. بار خدایا! مرا از آنانی قرار ده که از یاد تو خسته نمی شوند و از عبادتت به ستوه نمی آیند و پیوسته، تو را تسبیح می گویند و سجده ات می کنند. بار خدایا! مرا از آنانی قرار ده که ایستاده و نشسته و خفته، تو را یاد می کنند.

الزهد لابن مبارك عن عبد الله بن سلام: إِنَّ مُوسَى صَيَلَمَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ لِرَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ: يَا رَبُّ! مَا الشُّكْرُ الَّذِي يَتَّبِعِي لَكَ؟
قال: يا موسى! لا يزال لسانك رطبا من ذكرى. (١)

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ أَبْنَاءَ الْآخِرَةِ... لا يَمْلُونَ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ. (٢)

مصباح الشريعة فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام: أَفْضَلُ الْوَصَايَا وَالزُّمُّهَا أَنْ لَا تَنْسَى رَبَّكَ، وَأَنْ تَذْكُرَهُ دَائِمًا، وَلَا تَعْصِيَهُ، وَتَعْبُدَهُ قَاعِدًا وَقَائِمًا، وَلَا تَغْتَرَّ بِنِعْمَتِهِ، وَأَشْكُرَهُ أَبَدًا. (٣)

١ / ٣ الحثُّ على ذِكْرِ اللَّهِ فِي كُلِّ مَكَانٍ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أذْكَرُ اللَّهِ حَيْثُمَا كُنْتَ. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله في وَصِيَّتِهِ لِمَعَاذِ بْنِ جَبَلٍ: أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَصِدْقِ الْحَدِيثِ، وَالْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ... وَأَذْكَرُ رَبِّكَ عِنْدَ كُلِّ شَجَرٍ وَحَجَرٍ. (٥)

١- الزهد لابن المبارك: ص ٣٣٠ ح ٩٤٢، شعب الإيمان: ج ٤ ص ١٠٤ ح ٤٤٢٨، الدر المنثور: ج ١ ص ٣٧٠ نقلًا عن ابن أبي شيبة وابن أبي الدنيا.

٢- تحف العقول: ص ٢٨٧ عن جابر الجعفي، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٦٥ ح ٢.

٣- مصباح الشريعة: ص ٤٠٢، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٠٠ ح ٢٧.

٤- كنز العمال: ج ١ ص ٤٤٣ ح ١٩١٣ نقلًا عن الترغيب في الذكر عن أبي ذر.

٥- تحف العقول: ص ٢٦، نزهة الناظر: ص ٣٠ ح ٩٢، إرشاد القلوب: ص ٧٣ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٢٧

ح ٣٣ وراجع المعجم الكبير: ج ٢٠ ص ١٥٩ ح ٣٣١ وص ١٧٥ ح ٣٧٤ وشعب الإيمان: ج ١ ص ٤٠٥ ح ٥٤٨ والزهد لهناد: ج

٢ ص ٥٢١ ح ١٠٧٤ وص ٥٣١ ح ١٠٩٢.

۱ / ۳ تشویق به یاد خدا در همه جا

الزهد ، ابن مبارک به نقل از عبد الله بن سلام : موسی که دروذهای خداوند بر او باد به پروردگارش عز و جل گفت : ای پروردگار من ! آن سپاسی که سزاوار توست ، چیست؟ فرمود : «ای موسی! این که زبانت ، پیوسته به ذکر من ، تر و تازه باشد»

امام باقر علیه السلام : آخرت گرایان ... از یاد خدا ، خسته و بیزار نمی شوند .

مصباح الشریعه در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است : برترین و ضرورترین توصیه ها این است که : پروردگارت را فراموش نکنی و همواره به یاد او باشی و نافرمانی اش نکنی ، و ایستاده و نشسته ، او را بندگی نمایی و به نعمتش مغرور نشوی و همواره ، سپاس گزارش باشی .

۱ / ۳ تشویق به یاد خدا در همه جایپامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر جا که هستی ، به یاد خدا باش .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به مُعَاذ بن جَبَل : سفارش می کنم تو را به خداپرورایی ، راستگویی ، وفای به عهد ... و این که در کنار هر درخت و سنگی به یاد پروردگارت باش .

عنه صلى الله عليه و آله لِمَخْنَفِ بْنِ يَزِيدٍ : يَا مَخْنَفُ . . . أَذْكَرَ اللَّهُ عِنْدَ كُلِّ حَجَرٍ وَمَدْرٍ (١) ، يَشْهَدُ لَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : يَا أَبَا بَكْرٍ ، إِذَا رَأَيْتَ النَّاسَ يُسَارِعُونَ فِي الدُّنْيَا فَعَلَيْكَ بِالْآخِرَةِ ، وَاذْكَرِ اللَّهَ عِنْدَ كُلِّ حَجَرٍ وَمَدْرٍ يَدْعُوكَ (٣) إِذَا ذَكَرْتَهُ ، وَلَا تُحَقِّرَنَّ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ؛ فَإِنَّ صَغِيرَ الْمُسْلِمِينَ عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرٌ . (٤)

الإمام علي عليه السلام : أَذْكَرُوا اللَّهَ فِي كُلِّ مَكَانٍ فَإِنَّهُ مَعَكُمْ . (٥)

لقمان عليه السلام لِإِبْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ : يَا بُنَيَّ ، أَقْتَلِ الْكَلَامَ ، وَاذْكَرِ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ مَكَانٍ ؛ فَإِنَّهُ قَدْ أَنْذَرَكَ ، وَحَيَّدَكَ ، وَبَصَّرَكَ ، وَعَلَّمَكَ . (٦)

١ / ٤ ذَكَرَ اللَّهُ حَسَنَ عَلِيٍّ كُلِّ حَالٍ الإمام الباقر عليه السلام : مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ الَّتِي لَمْ تُغَيَّرْ أَنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَ رَبَّهُ فَقَالَ : إِلَهِي إِنَّهُ يَأْتِي عَلَيَّ مَجَالِسُ أُعْزُكَ وَأُجَلِّكَ أَنْ أَذْكَرَكَ فِيهَا! فَقَالَ : يَا مُوسَى ، إِنَّ ذِكْرِي حَسَنٌ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ . (٧)

١- المَدْرُ : قِطْعُ الطِينِ الْيَابِسِ (القاموس المحيط : ج ٢ ص ١٣١ «مدر»).

٢- كنز العمال : ج ١٥ ص ٨٥٣ ح ٤٣٣٩٣ نقلاً عن أبي نعيم عن مخنف بن يزيد ، الفردوس : ج ٥ ص ٤٠٣ ح ٨٥٥٨ عن مخيف بن زيد وفيه «مضر» بدل «مدر».

٣- في كنز العمال : «يذكرك» بدل «يدعوك» .

٤- الفردوس : ج ٥ ص ٣٠٢ ح ٨٢٥٦ عن الإمام علي عليه السلام ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٨٥١ ح ٤٣٣٨٥ نقلاً عن السلمى وج ١٦ ص ٢٣٧ ح ٤٤٢٩٧ .

٥- الخصال : ص ٦١٣ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص ١٠٣ وليس فيه «فإنه معكم» ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٥٤ ح ١٦ .

٦- الاختصاص : ص ٣٣٦ ، بحار الأنوار : ج ١٣ ص ٤٢٧ ح ٢٢ نقلاً عن النوادر لجعفر بن الحسين وكلاهما عن الأوزاعي .

٧- الكافي : ج ٢ ص ٤٩٧ ح ٨ ، عده الداعي : ص ٢٣٩ كلاهما عن أبي حمزة ، تهذيب الأحكام : ج ١ ص ٢٧ ح ٦٨ ، عوالي اللآلي : ج ٢ ص ١٩٠ ح ٧٨ كلاهما عن سليمان بن خالد عن الإمام الصادق عليه السلام ، الدعوات : ص ١٨ ح ٦ والثلاثة الأخيره نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٦٠ ح ٤١ .

۱ / ۴ یاد خدا، در همه حال، نیکوست

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مِخَنَف بن یزید: ای مِخَنَف! ... نزد هر سنگ و کلوخی خدا را یاد کن تا روز قیامت، به سود تو گواهی دهد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای ابو بکر! هر گاه دیدی مردم در دنیا می شتابند، تو به آخرت روی آور و خدا را نزد هر سنگ و کلوخی یاد کن؛ زیرا هر گاه او را یاد کنی، او نیز تو را یاد می کند. هرگز هیچ مسلمانی را کوچک مشمار؛ زیرا کوچکِ مسلمانان هم نزد خدا بزرگ است.

امام علی علیه السلام: خدا را در هر مکانی یاد کنید؛ زیرا او با شماست.

لقمان علیه السلام در اندرز به پسرش: پسر! کم سخن گو و خداوند عز و جل را در همه جا یاد کن، که او به تو هشدار داده و بر خَدَرَت داشته و بینایت نموده و آگاه و دانایت ساخته است.

۱ / ۴ یاد خدا، در همه حال، نیکوست: تمام باقر علیه السلام: در توراتِ تحریف نشده، نوشته شده است که موسی علیه السلام از پروردگارش پرسید و گفت: معبود من! گاه وضعیتی برایم پیش می آید که من، تو را ارجمندتر و گرامی تر از آن می دانم که در آن وضعیت، تو را یاد کنم! خداوند فرمود: «ای موسی! یاد من، در هر حالی نیکوست».

عنه عليه السلام لِمُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ : يَا مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمٍ ، لَا تَدْعَنَّ ذِكْرَ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ ، وَلَوْ سَمِعْتَ الْمُنَادِيَ يُنَادِي بِالْأَذَانِ وَأَنْتَ عَلَى الْخَلَاءِ ، فَادْكُرِ اللَّهَ عِزًّا وَجَلُوقْلُ كَمَا يَقُولُ الْمُؤَذِّنُ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام : لَا بَأْسَ بِذِكْرِ اللَّهِ وَأَنْتَ تَبُولُ ؛ فَإِنَّ ذِكْرَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلُّ حَسَنٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ ، فَلَا تَسْأَمُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ . (٢)

تهذيب الأحكام عن زراره ومحمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام ، قال : قُلْتُ : الْحَائِضُ وَالْجُنْبُ يَقْرَأْنَ شَيْئًا؟ قَالَ : نَعَمْ ، مَا شَاءَ إِلَّا السَّجْدَةَ ، وَيَذْكُرَانِ اللَّهَ تَعَالَى عَلَى كُلِّ حَالٍ . (٣)

راجع : ص ٤٢ (الحث على ذكر الله في كل حال) .

١ / هَفْضُ الذَّاكِرِ الْكِتَابِ «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَنَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَشِيعِينَ وَالْخَشِيعَاتِ وَالْمُتَّصِينَ بِدَقِّهِ وَالْمُتَّصِينَ بِدَقِّهِ وَالصَّامِينَ وَالصَّامَاتِ وَالْحَفِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَفِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» . (٤)

١- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٢٨٨ ح ٨٩٢ ، علل الشرائع : ص ٢٨٤ ح ٢ عن محمد بن مسلم وليس فيه «المؤذن» ، بحار الأنوار : ج ٨٤ ص ١٧٦ ح ٦ .

٢- . الكافي : ج ٢ ص ٤٩٧ ح ٦ ، عده الداعي : ص ٢٣٩ كلاهما عن الحلبي ، بحار الأنوار : ج ٨٠ ص ١٩٠ ح ٤٧ .

٣- . تهذيب الأحكام : ج ١ ص ٢٧ ح ٦٧ ، الاستبصار : ج ١ ص ١١٥ ح ٣٨٤ ، علل الشرائع : ص ٢٨٨ ح ١ ، بحار الأنوار : ج ٨١ ص ٤٤ ح ٩ .

٤- . الأحزاب : ٣٥ .

۱ / ۵ جایگاه یادکننده خدا

امام باقر علیه السلام به محمّد بن مسلم: ای محمّد بن مسلم! یاد خدا را در هیچ حال وا مگذار. اگر در آبریزگاه بودی و بانگ اذان مؤذن را شنیدی، خدا را یاد کن و هر چه مؤذن می گوید، تو نیز بازگو.

امام صادق علیه السلام: در حال ادرار کردن هم ذکر خدا گفتن عیبی ندارد؛ چرا که یاد خداوند عز و جل در هر حالی خوب است. بنا بر این، از ذکر خدا خسته مشو.

تهذیب الأحکام به نقل از زراره و محمّد بن مسلم: به امام [باقر علیه السلام] گفتم: آیا حائض و جنب، می توانند قرآن بخوانند؟ فرمود: «آری؛ هر اندازه خواستند، بجز [آیات] سجده را، و می توانند در هر شرایطی خدا را یاد کنند».

ر. ک: ص ۴۳ (ترغیب به یاد کردن از خدا در همه احوال).

۱ / ۵ جایگاه یادکننده خدا قرآن «مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان باایمان، و مردان و زنان عبادت پیشه، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان شکّیا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان صدقه دهنده، و مردان و زنان روزه دار، و مردان و زنان پاک دامن، و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می کنند، خدا برای [همه] آنان، آمرزشی و پاداشی بزرگ، فراهم ساخته است».

«الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» . (١)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله لأبي رزين : يا أبا رزين ، إذا خلوت فحرّك لسانك بذكر الله عز وجل ، فإنك لا تزال في صلاة ما ذكرت ربك ؛ إن كنت في علايته فكصلاه العالنيه ، وإن كنت خاليا فكصلاه الخلوه . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : لا تزال مصليا قانتا ما ذكرت الله قائما وقاعدا ، أو في سوقك ، أو في ناديك (٣) ، أو حيث كنت . (٤)

الإمام الباقر عليه السلام : لا يزال المؤمن في صلاه ما كان في ذكر الله عز وجل ؛ قائما كان أو جالسا أو مضطجعا ، إن الله تعالى يقول : «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا تُسَبِّحَنَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (٥) . (٦)

١- .المعارج : ٢٣ .

٢- .أسد الغابه : ج ٦ ص ١٠٦ ، حليه الأولياء : ج ١ ص ٣٦٦ كلاهما عن عبد الرحمن بن عوف .

٣- .النادي : المنتدى ؛ وهو مجلس القوم ما داموا مجتمعين فيه (المعجم الوسيط : ج ٢ ص ٩١٢ «ندا»).

٤- .شعب الإيمان : ج ١ ص ٤١٢ ح ٥٦٩ عن يحيى بن أبي كثير ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٤٦ ح ١٩٢٧ .

٥- .آل عمران : ١٩١ .

٦- .الأمالى للمفيد : ص ٣١٠ ح ١ ، الأمالى للطوسى : ص ٧٩ ح ١١٦ ، تفسير العياشى : ج ١ ص ٢١١ ح ١٧٢ وص ٢١٤ ح ١٨٥

كلها عن أبي حمزة الثمالى ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٥٩ ح ٣٤ .

«همان کسانی که بر نمازشان پایداری می کنند» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ابو رزین : ای ابو رزین! هر گاه خلوت کردی ، زبانت را به ذکر خداوند عز و جل بجنبان ؛ زیرا تا زمانی که ذکر پروردگارت را بگویی ، پیوسته در حال نمازی . اگر در آشکار باشی ، مانند نماز آشکار است ، و اگر در خلوت باشی ، مانند نماز در خلوت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : تا زمانی که خدا را یاد کنی ، ایستاده باشی یا نشسته ، در بازار یا در انجمن و یا هر کجای دیگر که باشی ، پیوسته در حال نماز و عبادتی .

امام باقر علیه السلام : مؤمن ، تا زمانی که خدا را یاد کند ، ایستاده باشد یا نشسته و یا دراز کشیده ، پیوسته در حال نماز است . خداوند متعال می فرماید : «آنان که خدا را ، ایستاده و نشسته و به پهلو خفته ، یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند ، [می گویند :] ای پروردگار ما ! تو این همه را بیهوده نیافریده ای . منزهی تو! پس ما را از عذاب آتش [دوزخ] ، ننگه دار» .

رسول الله صلى الله عليه وآله قال: «اللَّهُ عز وجل: عَبْدِي، أَنَا عِنْدَ ظَنِّكَ بِي، وَأَنَا مَعَكَ إِذَا ذَكَرْتَنِي». (١)

عنه صلى الله عليه وآله: «إِنَّ اللَّهَ عز وجل يَقُولُ: أَنَا مَعَ عَبْدِي إِذَا هُوَ ذَكَرَنِي وَتَحَرَّكَتْ بِي شَفْتَاةً». (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: «مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ الَّتِي لَمْ تُغَيَّرْ أَنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَ رَبَّهُ فَقَالَ: يَا رَبِّ، أَقْرَبُ أَنْتَ مِنِّي فَأُنَادِيكَ، أَمْ بَعِيدٌ فَأُنَادِيكَ؟ فَأَوْحَى إِلَيْهِ: يَا مُوسَى، أَنَا جَلِيسٌ مَن ذَكَرَنِي. فَقَالَ مُوسَى: فَمَنْ فِي سِتْرِكَ يَوْمَ لَا سِتْرَ إِلَّا سِتْرُكَ؟ فَقَالَ: الَّذِينَ يَذْكُرُونِي فَأَذْكُرُهُمْ، وَيَتَحَابُّونَ فِيَّ فَأُحِبُّهُمْ، فَأَوْلِيَّكَ الَّذِينَ إِذَا أَرَدْتُ أَنْ أُصِيبَ أَهْلَ الْأَرْضِ بِسَوْءٍ ذَكَرْتُهُمْ فَدَفَعْتُ عَنْهُمْ بِهِمْ». (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: «إِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا نَجَى رَبَّهُ قَالَ: يَا رَبِّ أَبْعِدْ أَنْتَ مِنِّي فَأُنَادِيكَ، أَمْ قَرِيبٌ فَأُنَادِيكَ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ إِلَيْهِ: أَنَا جَلِيسٌ مَن ذَكَرَنِي. فَقَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَبِّ إِنِّي أَكُونُ فِي حَالٍ أُجَلِّكَ أَنْ أذْكَرَكَ فِيهَا! فَقَالَ: يَا مُوسَى، أذْكَرْنِي عَلَى كُلِّ حَالٍ». (٤)

- ١- المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٧٤ ح ١٨٢٨ عن أنس، تاریخ بغداد: ج ٢ ص ٤٣ وج ٧ ص ١٠٩ كلاهما عن أبي هريره، كنز العمال: ج ٣ ص ١٣٥ ح ٥٨٤٧ وص ١٣٧ ح ٥٨٥٩.
- ٢- سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٤٦ ح ٣٧٩٢، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٦٤٧ ح ١٠٩٦٨، تاریخ دمشق: ج ٧ ص ٥٢ كلها عن أبي هريره وص ٥٣ وفيهما «ما ذكرني» بدل «إذا هو ذكرني»، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٧٣ ح ١٨٢٤ كلاهما عن أبي الدرداء، كنز العمال: ج ١ ص ٤٣٣ ح ١٨٦٩.
- ٣- عدّه الداعي: ص ٢٣٥، الكافي: ج ٢ ص ٤٩٦ ح ٤ عن أبي حمزه الثمالي عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٣٤٢ ح ٢٠.
- ٤- التوحيد: ص ١٨٢ ح ١٧، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ١٢٧ ح ٢٢ كلاهما عن داوود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، علل الشرائع: ص ٢٨٤ ح ١ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٢٨ ح ٥٨ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٧٥ ح ٦؛ حليه الأولياء: ج ٦ ص ٤٢ عن كعب وزاد فيه «قال: وماهي؟ قال: الجنابه والغائط» قبل «فقال: يا موسى اذكرني».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای عز و جل فرمود: «بنده من! من ، آن جایم که تو به من گمان ببری ، و هر گاه مرا یاد کنی ، من با تو هستم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای عز و جل می فرماید: «من با بنده خویش هستم ، هر آن گاه که او مرا یاد کند و لبانش به یاد من بجنبد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در تورات تحریف نشده ، نوشته شده است که موسی علیه السلام از پروردگارش پرسید و گفت: ای پروردگار من! آیا تو به من نزدیکی تا با تو نجوا کنم ، یا دوری تا آوازت دهم؟ خداوند به او وحی فرمود: «ای موسی! من ، همنشین کسی هستم که مرا یاد کند» . موسی علیه السلام گفت: در آن روز که پرده ای جز پرده تو نیست ، چه کسی در پرده توست؟ فرمود: «آنان که مرا یاد می کنند و من ، یادشان می کنم و برای من ، یکدیگر را دوست می دارند و من نیز دوستشان می دارم . اینان ، کسانی هستند که هر گاه بخواهم به زمینیان گزندی برسانم ، به یاد ایشان می رفتم و به خاطر آنان ، گزند را از زمینیان می گردانم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: موسی بن عمران علیه السلام آن گاه که با پروردگارش به راز و نیاز پرداخت ، گفت: ای پروردگار من! آیا تو از من دوری تا که آوازت دهم ، یا نزدیکی تا آهسته بخوانمت؟ خداوند عز و جل به او وحی فرمود: «من ، همنشین کسی هستم که مرا یاد کند» . موسی علیه السلام گفت: ای پروردگار من! [گاه] در وضعیتی هستم که تو را ارجمندتر از آن می دانم که در آن وضع ، یادت کنم! فرمود: «ای موسی! در هر وضعیتی مرا یاد کن» .

عنه صلى الله عليه وآله قال موسى عليه السلام: يا رَبِّ ، أَقْرَبُ أَنْتَ [فَ] أُنَاجِيكَ ، أمْ بَعِيدُ [فَ] (١) أُنَادِيكَ؟ فَإِنِّي أُحِسُّ حِسَّ صَوْتِكَ وَلَا أَرَاكَ! فَإِنَّ أَنْتَ؟ فَقَالَ اللَّهُ : خَلَقَكَ ، وَأَمَامَكَ ، وَعَنْ يَمِينِكَ ، وَعَنْ شِمَالِكَ . يَا مُوسَى ! إِنِّي جَلِيسُ عَبْدِي حِينَ يَذْكُرُنِي ، وَأَنَا مَعَهُ إِذَا دَعَانِي . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله قال الله تعالى : يَا بَنَى آدَمَ ، إِنَّكَ إِذَا مَا ذَكَرْتَنِي شَكَرْتَنِي ، وَإِذَا نَسَيْتَنِي كَفَرْتَنِي . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله مَنْ ذَكَرَهُ فَقَدْ شَكَرَهُ ، وَمَنْ كَتَمَهُ فَقَدْ كَفَرَهُ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله : مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُومُ بِفَلَاةٍ مِنَ الْأَرْضِ يُرِيدُ الصَّلَاةَ ، إِلَّا تَرَحَّرَتْ لَهُ الْأَرْضُ . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله : مَا مِنْ صَبَاحٍ وَلَا رَوَاحٍ (٦) إِلَّا وَبِقَاعِ الْأَرْضِ يُنَادِي بَعْضُهَا بَعْضًا : يَا جَارَهُ ، هَلْ مَرَّ بِكَ الْيَوْمَ ذَاكِرٌ لِلَّهِ تَعَالَى ، أَوْ عَبْدٌ وَضَعَ جَبْهَتَهُ عَلَيْكَ سَاجِدًا لِلَّهِ؟ فَمِنْ قَائِلِهِ : لَا ، وَمِنْ قَائِلِهِ : نَعَمْ . فَإِذَا قَالَتْ : نَعَمْ ، اهْتَزَّتْ وَانْشَرَحَتْ ، وَتَرَى أَنَّ لَهَا فَضْلًا عَلَى جَارَتِهَا . (٧)

١- ما بين المعقوفين أثبتناه في هذا المورد وفي سابقه من كنز العمال .

٢- الفردوس : ج ٣ ص ١٩٢ ح ٤٥٣٣ عن ثوبان مولى رسول الله صلى الله عليه وآله ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٣٣ ح ١٨٧١ .

٣- حليه الأولياء : ج ٤ ص ٣٣٨ ، المعجم الأوسط : ج ٧ ص ٢٠٠ ح ٧٢٦٥ وفيه «إذا ذكرتني» ، تاريخ بغداد : ج ١٢ ص ١١ ، الفردوس : ج ٣ ص ١٨١ ح ٤٤٩١ وفيهما «وما نسيتني» وكلها عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٤٤ ح ١٩١٥ وج ٣ ص ٢٥٦ ح ٦٤٢٧ .

٤- مستدرک الوسائل : ج ٥ ص ٢٩٦ ح ٥٩٠٥ نقلاً عن تفسير أبي الفتوح الرازي .

٥- مسند أبي يعلى : ج ٤ ص ١٤٨ ح ٤٠٩٦ ، تنبيه الغافلين : ص ٥٣٧ ح ٨٦٨ كلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٢٣ ح ١٨١٧ نقلاً عن أبي الشيخ في كتاب العظمة .

٦- الرّوَّاحُ : نقيضُ الصِّباح ، وهو اسمٌ للوقت من زوال الشمس إلى الليل (الصَّحاح : ج ١ ص ٣٦٨ «روح»).

٧- مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٧٣ ح ٢٦٦١ ، أعلام الدين : ص ١٩٧ كلاهما عن أبي ذرٍّ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٨٤ ح ٣ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: موسی علیه السلام گفت: ای پروردگار من! آیا تو نزدیکی تا آهسته بخوانمت، یا دوری که صدایت بزخم؟ زیرا من، همهمه صدای تو را می شنوم؛ اما نمی بینم! پس تو کجایی؟ خداوند فرمود: «پشت سر تو، و پیش روی تو، و در سمت راست و سمت چپ تو. ای موسی! من، آن گاه که بنده ام مرا یاد کند، همنشین اویم و هر گاه مرا بخواند، با او هستم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای متعال فرمود: «ای پسر آدم! تو هر گاه مرا یاد کنی، سپاسم گفته ای و هر گاه فراموشم کنی، ناسپاسی ام کرده ای».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که خدا را یاد کند، در واقع، سپاسش گفته است و هر که یادش نکند، در واقع، ناسپاسی اش کرده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که در بیابانی از زمین به قصد نماز بایستد، مگر آن که زمین برایش آراسته می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ صبحگاه و شبانگاهی نیست، مگر آن که قطعات زمین به یکدیگر می گویند: «ای همسایه! آیا امروز، یادکننده خدای متعال بر تو گذشت، یا بنده ای که پیشانی خویش را برای سجده خداوند متعال بر تو بگذارد؟». پس یکی می گوید: «نه» و دیگری می گوید: «چرا». اگر بگوید: «چرا»، به وجد می آید و شادمان می شود و خود را بر هم کنارش برتر می بیند.

عنه صلى الله عليه و آله :عَلَامَةُ حُبِّ اللَّهِ حُبُّ ذِكْرِ اللَّهِ ، وَعَلَامَةُ بُغْضِ اللَّهِ بُغْضُ ذِكْرِ اللَّهِ . (١)

الإمام على عليه السلام :ذَا كَرَّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مُجَالِسُهُ . (٢)

عنه عليه السلام :ذِكْرُ اللَّهِ قُوَّةُ النَّفْسِ ، وَمُجَالَسَةُ الْمَحْبُوبِ . (٣)

عده الداعى عنهم عليهم السلام: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ قِيَعَانَا (٤) ، فَإِذَا أَخَذَ الذَّاكِرُ فِي الذِّكْرِ أَخَذَتِ الْمَلَائِكَةُ فِي عَرَسِ الْأَشْجَارِ ، فَرُبَّمَا وَقَفَ بَعْضُ الْمَلَائِكَةِ ، فَيَقَالُ لَهُ : لِمَ وَقَفْتَ؟ فيقول : إِنَّ صَاحِبِي قَدْ فَتَرَ يَعْنِي عَنِ الذِّكْرِ . (٥)

إحياء علوم الدين :فى أخبار داوود عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ : يَا دَاوُودُ ، أبلغ أهل أرضى أنى حبيب لمن أحببى ، وجليس لمن جالسنى ، ومونس لمن أنس بذكرى ، وصاحب لمن صاحبنى ، ومختار لمن اختارنى ، ومطيع لمن أطاعنى . (٦)

شعب الإيمان عن أبى سعيد الخدرى :قيل : يا رسول الله ، أى الناس أعظم درجة؟ قال : الذَّاكِرِينَ اللَّهَ . (٧)

- ١- شعب الإيمان : ج ١ ص ٣٦٧ ح ٤١٠ ، معجم السفر : ص ١٩٣ ح ٦١٧ كلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج ١ ص ٤١٧ ح ١٧٧٦ ؛ جامع الأخبار : ص ٣٥٢ ح ٩٧٩ ، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٢٥٢ ح ٣٢ .
- ٢- غرر الحكم : ح ٥١٥٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٥٦ ح ٤٧٤٠ .
- ٣- رر الحكم : ح ٥١٦٦ وح ٣٢٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٦٢ ح ١٦٠٠ وفيهما «الذكر مجالسه المحبوب» .
- ٤- القاع : أرض واسعة سهله مطمئنه مستويه حُرّه ، لا حُزونه فيها ولا ارتفاع ولا انهباط ، والجمع : أقواع وأقوع وقيعان (لسان العرب : ج ٨ ص ٣٠٤ «قوع»).
- ٥- عده الداعى : ص ٢٣٩ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٦٣ ح ٤٢ .
- ٦- إحياء علوم الدين : ج ٤ ص ٤٦٩ ، مسكن الفؤاد : ص ٢٧ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٢٦ ح ٢٨ .
- ٧- شعب الإيمان : ج ١ ص ٤١٩ ح ٥٨٩ ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٢٦ ح ١٨٣٥ وص ٤١٥ ح ١٧٥٩ نحوه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نشانه دوست داشتن خدا ، دوست داشتن یاد خداست ، و نشانه بیزاری از خدا ، بیزاری از یاد خداست .

امام علی علیه السلام : یاد کننده خدای سبحان ، همنشین اوست .

امام علی علیه السلام : یاد خدا ، خوراک جان ها ، و همنشینی با محبوب است .

عده الداعی از معصومان علیهم السلام : در بهشت ، دشت هایی است که هر گاه یاد کننده [ی خدا] شروع به ذکر گفتن کند ، فرشتگان ، شروع به کاشتن درخت می کنند . گاه فرشته ای دست از کار می کشد . به او گفته می شود : چرا دست از کار کشیدی؟ می گوید : دوستم باز ایستاد (یعنی از گفتن ذکر خدا) .

إحیاء علوم الدین : در خبرهای داوود علیه السلام آمده است : خدای متعال فرمود : «ای داوود! به اهل زمینم برسان که من ، دوستدار کسی هستم که دوستم بدارد ، و همنشین کسی هستم که با من همنشینی کند ، و مونس کسی هستم که با یاد من ، انس گیرد ، و یار کسی هستم که یار من باشد ، و برگزیننده کسی هستم که مرا برگزیند ، و فرمان بردار کسی هستم که از من فرمان برد» .

شُعَبُ الْإِيمَانِ به نقل از ابو سعید خُدَری : گفته شد : ای پیامبر خدا ! کدام یک از مردمان ، درجه اش بالاتر است ؟ فرمود : «یاد کنندگان خدا» .

الإمام علي عليه السلام: ذَاكِرُ اللَّهِ مِنَ الْفَائِزِينَ . (١)

عنه عليه السلام: أَهْلُ الذِّكْرِ ، أَهْلُ اللَّهِ وَخَاصَّتُهُ . (٢)

إرشاد القلوب: قَالَ سُبْحَانُهُ فِي بَعْضِ كُتُبِهِ : أَهْلُ ذِكْرِي فِي ضِيَاغَتِي . (٣)

الإمام علي عليه السلام في ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : ... يَا مُحَمَّدُ ! وَجَبْتَ مَحَبَّتِي لِلْمُتَحَابِّينَ فِيَّ ، وَوَجَبْتَ مَحَبَّتِي لِلْمُتَعَاظِفِينَ فِيَّ ، وَوَجَبْتَ مَحَبَّتِي لِلْمُتَوَاصِلِينَ فِيَّ ، وَوَجَبْتَ مَحَبَّتِي لِلْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيَّ ... نَعِيمُهُمْ فِي الدُّنْيَا ذِكْرِي وَمَحَبَّتِي وَرِضَائِي عَنْهُمْ . (٤)

مسند ابن حنبل عن أبي سعيد الخدري عن رسول الله صلى الله عليه وآله : يَقُولُ الرَّبُّ عَزَّ وَجَلَّ : سَيَعْلَمُ أَهْلُ الْجَمْعِ الْيَوْمَ مَنْ أَهْلُ الْكَرَمِ . فَقِيلَ : وَمَنْ أَهْلُ الْكَرَمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟ قَالَ : أَهْلُ الذِّكْرِ فِي الْمَسَاجِدِ . (٥)

رسول الله صلى الله عليه وآله : خِيَارُ أُمَّتِي فِيمَا أَتْبَانِي الْمَلَأُ الْأَعْلَى : قَوْمٌ يَضْحَكُونَ جَهْرًا فِي سَعَةِ رَحْمَةِ رَبِّهِمْ عَزَّ وَجَلَّ ، وَيَبْكُونَ سِرًّا مِنْ خَوْفِ شِدَّةِ عَذَابِ رَبِّهِمْ عَزَّ وَجَلَّ ، يَذْكُرُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ فِي الْبُيُوتِ الطَّيِّبَةِ الْمَسْجِدِ ، وَيَدْعُوهُ بِالِسْمَاتِ رَغْبًا وَرَهْبًا . (٦)

١- غرر الحكم : ح ٥١٦٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٥٦ ح ٤٧٤٢ .

٢- غرر الحكم : ح ١٤٦٧ .

٣- إرشاد القلوب : ص ٨٢ ، أعلام الدين : ص ٢٧٩ ، عدّه الداعي : ص ٢٣٨ وفيهما «نعمتي» بدل «ضياغتي» ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٤٢ ح ١٠ .

٤- إرشاد القلوب : ص ١٩٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢٢ ح ٦ .

٥- مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ١٥١ ح ١١٧٢٢ ، مسند أبي يعلى : ج ٢ ص ١٣٨ ح ١٣٩٩ ، صحيح ابن حبان : ج ٣ ص ٩٨ ح ٨١٦ وفيه «أهل مجالس الذكر في المساجد» .

٦- المستدرک علی الصحیحین : ج ٣ ص ١٩ ح ٤٢٩٤ ، شعب الإيمان : ج ١ ص ٤٧٨ ح ٧٦٥ كلاهما عن عياض بن سليمان ، كنز العمال : ج ١ ص ١٦٢ ح ٨١٥ وج ٢ ص ٢٧ ح ٣٠٠٠ .

امام علی علیه السلام: یادکننده خدا، از کامیابان است.

امام علی علیه السلام: اهل ذکر، اهل خدا و خاصگان اویند.

إرشاد القلوب: خداوند سبحان، در یکی از کتاب هایش فرموده است: «اهل یاد من، در میهمانی من هستند».

امام علی علیه السلام در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله: خدای متعال فرمود: «... ای محمد! آنان که برای من یکدیگر را دوست بدارند، مستوجب محبت من هستند. آنان که برای من به یکدیگر مهر ورزند، مستوجب محبت من هستند. آنان که برای من با یکدیگر پیوند زنند، مستوجب محبت من هستند. آنان که بر من توکل کنند، مستوجب محبت من هستند... نعمت و خوشی آنان در دنیا، یاد من و محبت من و خشنودی من از آنان است».

مسند ابن حنبل به نقل از ابو سعید خُدَری پیامبر خدا فرمود: «[در روز قیامت] خداوند عز و جل می فرماید: امروز، به زودی اهل محشر خواهند دانست که اهل کرم کیان اند». گفته شد: اهل کرم کیان اند، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «آنان که در مسجدها به ذکر خدا می پردازند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین امت من، آن گونه که ساکنان عالم بالا به من خبر داده اند، مردمانی هستند که در گستره رحمت پروردگار خویش، آشکارا می خندند و نهانی از ترس عذاب سخت پروردگارشان می گریند. بام و شام، در خانه های پاک، مسجدها، پروردگارشان را یاد می کنند، و از سر امید و بیم با زبان های خویش، او را می خوانند.

الإمام على عليه السلام في وصفِ الْمُتَّقِينَ: فَمِنْ عَلامِهِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرى لَهُ قُوَّةً في دِينٍ... يَعْمَلُ الأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ وَهُوَ عَلى وَحِدٍ، يُمَسى وَهُمُّهُ الشُّكْرُ، وَيُصْبِحُ وَهُمُّهُ الذِّكْرُ... إِنْ كانَ في الغافِلِينَ كُتِبَ في الذَّاكِرِينَ، وإِنْ كانَ في الذَّاكِرِينَ لَمْ يُكْتَبَ مِنَ الغافِلِينَ. (١)

عنه عليه السلام في وصفِ شيعتِهِ: صَفَرُ الوُجُوهِ مِنَ التَّهَجُّدِ، عُمُشُ (٢) العيونِ مِنَ البِكاِءِ، ذُبُلُ الشِّفاهِ مِنَ الذِّكْرِ. (٣)

عنه عليه السلام: المُؤْمِنُ... حَتَّى قَلْبُهُ، ذَاكِرٌ لِسانَهُ. (٤)

عنه عليه السلام في وصفِ مَنْ هُوَ مِنْ شيعتِهِ: يُصْبِحُ وَشُغْلُهُ الذِّكْرُ، وَيُمَسى وَهُمُّهُ الشُّكْرُ... خاشِعاً قَلْبُهُ، ذَاكِرًا رَبَّهُ... بَيْنًا صَبْرُهُ، كَثِيرًا ذِكْرُهُ. (٥)

عنه عليه السلام: طوبى لِنَفْسٍ أَدَّتْ إلى رَبِّها فَرَضَها، وَعَرَكَتْ بِجَنبِها بؤسَها (٦)، وَهَجَرَتْ في اللَّيْلِ غُمُضَها (٧)... في مَعَشِرٍ أَسَهَرَ عيونَهُمْ خَوْفُ مَعادِهِمْ، وَتَجافَتَ عَن مَضاجِعِهِمْ جُنوبُهُمْ، وَهَمَمَتْ بِذِكْرِ رَبِّهِمْ شِفاهُهُمْ، وَتَقَشَّعَتْ (٨) بِطُولِ اسْتِغْفارِهِمْ ذُنوبَهُمْ، «أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنْ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (٩). (١٠)

١- نهج البلاغه: الخطبه ١٩٣، التمهيص: ص ٧٢ ح ١٧٠، تحف العقول: ص ١٦١ وليس فيه «وإن كان في الذَّاكِرِينَ...»، روضه الواعظين: ص ٤٨١، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٣١٦ ح ٥٠؛ مطالب السؤل: ص ٥٣ وليس فيه «يعمل الأعمال الصالحة وهو على وجل».

٢- العمّش: ضعف البصر، مع سيلان الدمع في أكثر الأوقات (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٢٨٠ «عمش»).

٣- الأمالى للطوسى: ص ٥٧٦ ح ١١٨٩ عن نوف بن عبد الله البكالى، مشكاة الأنوار: ص ١٢٧ ح ٢٩٣ عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «إن شيعه على خمص البطون، ذبل الشفاه من الذِّكْرِ»، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ١٧٧ ح ٣٤.

٤- مطالب السؤل: ص ٥٣؛ بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٦ ح ٩٢.

٥- مطالب السؤل: ص ٥٤ عن نوف البكالى؛ التمهيص: ص ٧٢ ح ١٧٠، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٩ ح ٩٦.

٦- «وعَرَكَتْ بِجَنبِها بؤسَها»: أى صبرت على بؤسِها والمشقه التى تنالها. يقال: قد عَرَكَ فلانٌ بِجَنبِ الأذى: أى أغضى عنه وصبر عليه (شرح نهج البلاغه: ج ١٦ ص ٢٩٥).

٧- الغمض: النوم (لسان العرب: ج ٧ ص ١٩٩ «غمض»).

٨- انقشع السحاب: إذا انكشف. وتَقَشَّعَ مثله (المصباح المنير: ص ٥٠٣ «انقشع»). أى تفرقت عنهم ذنوبهم وزالت وانكشفت كما يتقشع السحاب.

٩- المجادله: ٢٢.

١٠- نهج البلاغه: الكتاب ٤٥، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٤٧٦ ح ٦٨٦.

امام علی علیه السلام در توصیف پرهیزگاران: از جمله نشانه های هر یک ایشان، آن است که در دین نیرومندش می بینی ... کارهای نیک می کند و با این حال، بیمناک است، شب خود را می آغازد، در حالی که هم و غمّش سپاس گزاری [از خداوند] است، و صبح خویش را آغاز می کند، در حالی که هم و غمّش یاد خداست ... اگر در جمع غافلان باشد، از شمار یاد کنندگان [خدا] نوشته شود و اگر در جمع یاد کنندگان باشد، از شمار غافلان، نوشته نمی شود [زیرا در هر دو صورت، به یاد خداست].

امام علی علیه السلام در توصیف پیروانش: از شب زنده داری، رخسارشان زرد شده است، از [بسیاری] گریه، چشمانشان کم سو شده است و از یاد خدا، لبانشان خشکیده است.

امام علی علیه السلام: مؤمن ... دلش زنده و زبانش گویا به ذکر خداست.

امام علی علیه السلام در توصیف کسی که از پیروان اوست: شب خود را با ذکر [خدا] به صبح می رساند و روز خود را در حالی به شب می برد که هم و غمّش سپاس گزاری است ... دلش خاشع است، پیوسته به یاد پروردگار خویش است ... شکیبایی اش آشکار است، بسیار به یاد خداست.

امام علی علیه السلام: خوشا به حال آن کس که وظیفه خویش را نسبت به پروردگارش به جای آورد و در برابر سختی ها، شکیبایی ورزید و شب هنگام، از خواب دوری کرد ... در میان گروهی که ترس از معاد، خواب را از چشمان آنان رُوده است و از بسترهایشان، پهلو تهی دارند، و لب هایشان به یاد پروردگارشان زمزمه می کند و با آمرزش خواهی های طولانی، گناهانشان زدوده شده است. «اینان، حزب خدا هستند، و راستی که حزب خدا رستگارانند».

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ أبنَاءَ الآخِرَةِ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ ، الْعَامِلُونَ ، الرَّاهِدُونَ ، أَهْلُ الْعِلْمِ وَالْفِقْهِ ، وَأَهْلُ فِكْرِهِ وَعَاتِبَارِهِ وَاخْتِبَارِهِ ، لَا يَمَلُّونَ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ . (١)

عنه عليه السلام: الآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ ، وَالدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ وَزَوَالٍ ، وَلَكِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا أَهْلُ غَفْلَةٍ ، وَكَأَنَّ الْمُؤْمِنِينَ هُمُ الْفُقَهَاءُ ؛ أَهْلُ فِكْرِهِ وَعِبْرَةٍ ، لَمْ يُصَيِّمَهُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ مَا سَجِعُوا بِآذَانِهِمْ ، وَلَمْ يُعْمِهِمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ مَا رَأَوْا مِنَ الزَّيْنَةِ بِأَعْيُنِهِمْ ، فَفَازُوا بِثَوَابِ الآخِرَةِ ، كَمَا فَازُوا بِذَلِكَ الْعِلْمِ . (٢)

الإمام علي عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةَ ذِي لُبٍّ شَغَلَ التَّفَكُّرُ قَلْبَهُ ، وَأَنْصَبَ (٣) الْخَوْفُ بَدَنَهُ ، وَأَسْهَرَ التَّهَجُّدُ غِرَارَ نَوْمِهِ (٤) ، وَأَظْمَأَ الرَّجَاءُ هَوَاجِرَ (٥) يَوْمِهِ ، وَظَلَفَ الرَّهْدُ شَهَوَاتِهِ (٦) ، وَأَوْجَفَ الذُّكْرُ بِلِسَانِهِ (٧) . (٨)

١- تحف العقول : ص ٢٨٧ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٦٥ ح ٢ .

٢- الكافي : ج ٢ ص ١٣٣ ح ١٦ عن جابر ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٣٦ ح ١٧ ؛ البدايه والنهائيه : ج ٩ ص ٣١٠ عن جابر نحوه .

٣- النَّصَبُ : التَّعَبُ (النهائيه : ج ٥ ص ٦٢ «نصب»).

٤- غِرَارُ النَّوْمِ : قِلْتُهُ (النهائيه : ج ٣ ص ٣٥٦ «غرر»).

٥- هَوَاجِرُ : جَمْعُ هَاجِرٍ ؛ وَهِيَ اشْتِدَادُ الْحَرِّ نِصْفَ النَّهَارِ (النهائيه : ج ٥ ص ٢٤٦ «هجر»).

٦- ظَلَفَ الرَّهْدُ شَهَوَاتِهِ : أَي كَفَّهَا وَمَنَعَهَا (النهائيه : ج ٣ ص ١٥٩ «ظلف»).

٧- أَوْجَفَ الذُّكْرُ بِلِسَانِهِ : أَي حَرَّكَهُ مَسْرَعًا (النهائيه : ج ٥ ص ١٥٧ «وجف»).

٨- نهج البلاغه : الخطبه ٨٣ ، غرر الحكم : ح ٦٦٠٠ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٤٢٦ ح ٤٤ .

امام باقر علیه السلام: فرزندان آخرت ، آنان اند که ایمان دارند و عمل می کنند و به دنیا ، دل نبسته اند و اهل دانش و فهم ، و اهل اندیشیدن و عبرت گرفتن و آزمودن هستند ، و از یاد خدا خسته نمی شوند .

امام باقر علیه السلام: آخرت ، سرای ماندن است و دنیا ، سرای نابودی و رفتن . اما اهل دنیا غافل اند و گویا تنها مؤمنان اند که می فهمند و اهل اندیشیدن و پند آموختن اند . آنچه با گوش هایشان شنیده اند ، آنان را از یاد خداوند عز و جل ، گرنساخته است ، و هر زرق و برقی که چشمانشان دیده ، از یاد خدا کورشان نگردانیده است . از این رو ، به پاداش آخرت رسیده اند ، چنان که به این دانش رسیده اند .

امام علی علیه السلام: بندگان خدا! از خدا پروا دارید ، به سان پروا داشتن خردمندی که اندیشیدن ، دل او را به خود داشته است و ترس [از خدا و معاد] پیکرش را به رنج افکنده است و شب زنده داری ، خواب از چشم او زبوده است و به امید [ثواب] ، روزهای داغ را به تشنگی [روزه] گذرانیده است و بی رغبتی به دنیا ، جلو خواهش های او را گرفته است و یاد خدا ، پیوسته زبانش را به حرکت در آورده است .

الإمام زين العابدين عليه السلام: قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَبِّ، مَنْ أَهْلَكَ الَّذِينَ تُظَلُّهُمْ فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ؟ قَالَ: فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: الطَّاهِرَةُ قُلُوبُهُمْ، وَالتَّوْبَةُ (١) أَيْدِيهِمْ، الَّذِينَ يَذْكُرُونَ جَلَالِي إِذَا ذَكَرُوا رَبَّهُمْ. (٢)

الإمام علي عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ صَمَتَ إِلَّا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ. (٣)

الإمام الصادق عليه السلام مِنْ دُعَاءِ عَلَّمَهُ أَبُو بَصِيرٍ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَّابِينَ وَعَمَلَهُمْ... وَعَمَلَ الذَّاكِرِينَ وَيَقِينَهُمْ. (٤)

مستدرک الوسائل عن لبّ اللباب: قَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إلهي مَنْ أَهْلَكَ؟ قَالَ: الْمُتَحَابِّونَ فِي الدُّنْيَا؛ يَعْمُرُونَ مَسَاجِدِي، وَيَسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ، الَّذِينَ إِذَا ذُكِرْتُ ذَكَرُوا، وَالَّذِينَ يُنَبِّئُونَ (٥) إِلَى ذِكْرِي كَمَا تُنَبِّئُ السُّورُ إِلَى أَوْكَارِهَا، وَالَّذِينَ إِذَا اسْتُحِلَّتْ مَحَارِمِي غَضِبُوا. (٦)

راجع: ص ٢٦٠ (بركات الذكر / نزول الملائكة).

١- تَرَبَّ الرَّجُلُ: إِذَا افْتَقَرَ، أَيْ لَصِقَ بِالتَّرَابِ (النَّهْيَاة: ج ١ ص ١٨٤ «ترب»).

٢- المحاسن: ج ١ ص ٧٩ ح ٤٥ عن عبد الله بن ميمون القدّاح، مشكاة الأنوار: ص ٢٥٣ ح ٧٤٨ كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٣٥١ ح ٤٢؛ الزهد لابن حنبل: ص ٩٥، الأولياء لابن أبي الدنيا: ص ٥٣ ح ٣٧ كلاهما عن عطاء بن يسار نحوه.

٣- غرر الحكم: ح ٥٩٣٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣١٣ ح ٥٤٧٥.

٤- الكافي: ج ٢ ص ٥٩٣ ح ٣٣ عن أبي بصير، مصباح المتهدّد: ص ٢٧٨ ح ٣٨٣، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣٠٣ ح ١٠.

٥- أناب يُنَبِّئُ إِنْابَةً: أَقْبَلَ وَرَجَعَ (النَّهْيَاة: ج ٥ ص ١٢٣ «نوب»).

٦- مستدرک الوسائل: ج ١٢ ص ٢٢٤ ح ١٣٩٤٥ نقلًا عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.

امام زین العابدین علیه السلام: موسی بن عمران گفت: ای پروردگار من! خانواده تو که در آن روزی که سایه ای جز سایه تو نیست، آنان را در سایه عرش در می آوری، کیستند؟ خداوند به او وحی فرمود: «پاک دلانِ تهی دست؛ آنان که هر گاه پروردگار خویش را یاد کنند، به یاد شکوه من می افتند».

امام علی علیه السلام: خوشا آن که زبانش را جز از یاد خدا فرو بندد!

امام صادق علیه السلام از دعایی که به ابو بصیر آموخت: بار خدایا! از تو درخواست می کنم گفتار و کردار توبه کنندگان را... و کردار و یقین یادکنندگان را.

مستدرک الوسائل به نقل از لبّ اللباب: موسی علیه السلام گفت: معبودا! خانواده تو چه کسانی هستند؟ فرمود: «آنان که در دین با یکدیگر دوستی می ورزند، مسجدهای مرا [از وجود و ذکر خود] آباد می کنند و سحر گاهان، آمرزش می طلبند؛ آنان که هر گاه یاد من به میان آید، یاد کنند و آنان که به یاد من باز آیند، چنان که عقاب ها به لانه هایشان باز می گردند. آنان که هر گاه حرام های من روا شمرده شود، به خشم می آیند».

ر. ک: ص ۲۶۱ (برکت های یاد خدا / فرود آمدن فرشتگان).

١ / ٦ رجال الذكر الكتاب «في بُيوتِ أذنِ الله أن تُرفعَ ويُذكرَ فيها اسمه يُسبحُ له فيها بالغُدُوِّ وَالْأَصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلهِيهِمْ تِجْرَةٌ وَلَا يَبِيعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» . (١)

الحديث عليه الأولياء عن عقبه بن عامر: كُنَّا نَتَنَاوَبُ الرَّعِيَةَ ، فَلَمَّا كَانَ نَوْبِي سَرَحْتُ (٢) إِبْلَى فَجِئْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَخْطُبُ ، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ : يُجْمَعُ النَّاسُ فِي صَيْعِيدٍ وَاحِدٍ ، يَنْفُذُهُمْ (٣) الْبَصِيرُ وَيُسْمِعُهُمُ الدَّاعِيَ ، ثُمَّ ينادي مُنَادٍ : سَيَعْلَمُ أَهْلُ الْجَمْعِ لِمَنِ الْعِزُّ وَالْكَرْمُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ . ثُمَّ يَقُولُ : أَيْنَ الَّذِينَ كَانَتْ «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا» (٤) الْآيَةَ . ثُمَّ يُنادي : سَيَعْلَمُ أَهْلُ الْجَمْعِ لِمَنِ الْعِزُّ وَالْكَرْمُ . ثُمَّ يَقُولُ : أَيْنَ الَّذِينَ كَانَتْ «لَا تُلهِيهِمْ تِجْرَةٌ وَلَا يَبِيعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ . ثُمَّ يَقُولُ : أَيْنَ الْحَمَادُونَ الَّذِينَ كَانُوا يَحْمَدُونَ اللَّهَ ؟ (٥)

١- .النور : ٣٦ و ٣٧ .

٢- .سَرَحْتُ الْمَاشِيَةَ : أَخْرَجْتُهَا بِالْغَدَاةِ إِلَى الْمَرْعَى (لسان العرب : ج ٢ ص ٤٧٨ «سرح»).

٣- .يُقَالُ : نَفَذَ فِي بَصَرِهِ : إِذَا بَلَغَنِي وَجَاوَزَنِي (النهاية : ج ٥ ص ٩١ «نفذ»).

٤- .السجده : ١٦ .

٥- .حليه الأولياء : ج ٢ ص ٩ ، مسند إسحاق بن راهويه : ج ٥ ص ١٨٠ ح ٢٣٠٥ ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص ٤٥٧ ح ١٥٨١ كلاهما عن أسماء بنت يزيد نحوه ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٨٥٢ ح ٤٣٣٩١ و ٤٣٣٩٢ .

۱ / ۶ مردانِ یاد خدا

۱ / ۶ مردانِ یاد خدا قرآن «در خانه هایی که خدا رخصت داده که رفعت یابند و نامش در آنها یاد شود. در آنها، هر بامداد و شامگاه، مردانی او را نیایش می کنند که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، باز نمی دارد [و] از روزی که دل ها و دیده ها در آن زیر و رو می شود، می هراسند».

حدیث‌الحلیه الأولیاء به نقل از عقبه بن عامر: ما به نوبت، شبانی می کردیم و چون نوبت من شد، شترانم را در چراگاه رها ساختم و نزد پیامبر خدا که خطبه می خواند، آمدم. شنیدم که می فرماید: «[در روز رستاخیز،] مردم در بیابانی چنان هموار، گرد می آیند که چشم، همه آنها را می بیند و صدای جارزننده، به همه آنها می رسد. سپس جارزننده ای سه بار جار می زند که: به زودی، اهل محشر خواهند دانست که عزّت و بزرگواری، از آن کیست! . سپس می گوید: کجایند آنان که «پهلوهایشان را از بسترهایشان جدا می کنند و با بیم و امید، پروردگارشان را می خوانند و از آنچه روزی شان داده ایم، انفاق می کنند»؟ . آن گاه بانگ می زند که: به زودی، اهل محشر خواهند دانست که عزّت و بزرگواری، از آن کیست! . سپس سه بار می گوید: کجایند آنان که «نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا باز نمی دارد؟» . آن گاه می گوید: کجایند ستاینده گانی که خدا را می ستودند؟» .

الإمام علي عليه السلام من كلام قاله عند تلاوته : «يَسْبُحُ لَهُ فِيهَا بِالْعُدْوِ وَالْأَصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تَجْرَهُ وَ لَا يَبِيعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» :
 إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى جَعَلَ الذُّكْرَ جِلَاءً لِلْقُلُوبِ ، تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْرِ (١) ، وَتُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ (٢) ، وَتَنفَادُ بِهِ بَعْدَ الْمُعَانَدَةِ .
 وَمَا بَرِحَ لِلَّهِ عَزَّتْ آوَاهُ فِي الْبُرْهَةِ بَعْدَ الْبُرْهَةِ ، وَفِي أَرْوَاحِ الْفَتَرَاتِ (٣) ، عِبَادٌ نَاجَاهُمْ فِي فِكْرِهِمْ ، وَكَلَمَهُمْ فِي ذَاتِ عُقُولِهِمْ ،
 فَاسْتَصَبَحُوا بِنُورٍ يَقْظُهُ فِي الْأَبْصَارِ وَالْأَسْمَاعِ وَالْأَفْتِدَةِ ، يُذَكِّرُونَ بِأَيَّامِ اللَّهِ ، وَيُخَوِّفُونَ مَقَامَهُ ، بِمَنْزِلَةِ الْأَدْلَةِ فِي الْفَلَوَاتِ (٤) ، مَنْ
 أَخَذَ الْقَصْدَ (٥) حَمِدُوا إِلَيْهِ طَرِيقَهُ ، وَبَشَّرُوهُ بِالنَّجَاهِ ، وَمَنْ أَخَذَ يَمِينًا وَشِمَالًا ذَمُّوا إِلَيْهِ الطَّرِيقَ ، وَخَذَرُوهُ مِنَ الْهَلَكَةِ ، وَكَانُوا
 كَذَلِكَ مَصَابِيحَ تِلْكَ الظُّلُمَاتِ ، وَأَدْلَةً تِلْكَ الشُّبُهَاتِ . وَإِنَّ لِلذُّكْرِ لَأَهْلًا ، أَخَذُوهُ مِنَ الدُّنْيَا بَدَلًا ، فَلَمْ تَشْغَلْهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْهُ
 ، يَقْطَعُونَ بِهِ أَيَّامَ الْحَيَاةِ ، وَيَهْتَفُونَ بِالزَّوْجِرِ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ فِي أَسْمَاعِ الْغَافِلِينَ ، وَيَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ وَيَأْتَمِرُونَ بِهِ ، وَيَنْهَوْنَ عَنِ
 الْمُنْكَرِ وَيَتَنَاهَوْنَ عَنْهُ ، فَكَأَنَّمَا قَطَعُوا الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَهُمْ فِيهَا ، فَشَاهِدُوا مَا وَرَاءَ ذَلِكَ ، فَكَأَنَّمَا أَطْلَعُوا غُيُوبَ أَهْلِ الْبَرْزَخِ فِي
 طُولِ الْإِقَامَةِ فِيهِ ، وَحَقَّقَتِ الْقِيَامَةُ عَلَيْهِمْ عِدَاتِهَا ، فَكَشَفُوا غِطَاءَ ذَلِكَ لِأَهْلِ الدُّنْيَا ، حَتَّى كَأَنَّهُمْ يَرُونَ مَا لَا يَرَى النَّاسُ ، وَيَسْمَعُونَ
 مَا لَا يَسْمَعُونَ . فَلَوْ مَثَلْتَهُمْ لِعَقْلِكَ فِي مَقَاوِمِهِمْ (٦) الْمَحْمُودَةِ ، وَمَجَالِسِهِمْ الْمَشْهُودَةِ ، وَقَدْ نَشَرُوا دَوَابِينَ أَعْمَالِهِمْ ، وَفَرَّغُوا
 لِمُحَاسِنِهِمْ أَنْفُسَهُمْ عَلَى كُلِّ صَغِيرَةٍ وَكَبِيرَةٍ أَمَرُوا بِهَا فَفَصَّرُوا عَنْهَا ، أَوْ نَهَوْا عَنْهَا فَفَرَّطُوا فِيهَا ، وَحَمَلُوا ثِقَلَ أَوْزَارِهِمْ ظُهُورَهُمْ ،
 فَضَعُفُوا عَنِ الْإِسْتِقْلَالِ بِهَا ، فَتَشَجُّوا (٧) تَشِيحًا ، وَتَجَاوَبُوا نَحِيبًا ، يَعِجُونَ إِلَى رَبِّهِمْ مِنْ مَقَامِ نَدَمٍ وَاعْتِرَافٍ لَرَأَيْتَ أَعْلَامَ هُدًى ،
 وَمَصَابِيحَ دُجَى ، قَدْ حَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ ، وَتَنَزَّلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ ، وَفَتِحَتْ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ ، وَأَعِدَّتْ لَهُمْ مَقَاعِدَ الْكِرَامَاتِ ،
 فِي مَقْعِدِ أَطْلَعِ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِيهِ ، فَرَضَتِ سَيِّعِيَهُمْ ، وَحَمِدَ مَقَامَهُمْ . يَتَنَسَّمُونَ (٨) بِدُعَائِهِ رَوْحَ (٩) التَّجَاوُزِ . رَهَائِنُ فَاقِهِ إِلَى فَضْلِهِ ،
 وَأَسَارَى ذَلِّهِ لِعَظَمَتِهِ . جَرَّحَ طُولَ الْأَسَى قُلُوبَهُمْ ، وَطُولَ الْبُكَاءِ عِيُونَهُمْ . لِكُلِّ بَابٍ رَغْبَةٌ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ يَدٌ قَارِعَةٌ ، يَسْأَلُونَ مَنْ لَا
 تَضِيقُ لَدَيْهِ الْمَنَادِحُ (١٠) ، وَلَا يَخِيبُ عَلَيْهِ الرَّاغِبُونَ . فَحَاسِبِ نَفْسَكَ لِنَفْسِكَ ، فَإِنَّ غَيْرَهَا مِنَ الْأَنْفُسِ لَهَا حَاسِبٌ غَيْرُكَ . (١١)

١- الوقره : هي المره من الوقر ؛ ثقل السمع (النهايه : ج ٥ ص ٢١٣ «وقر»).

٢- العشوه : المره من العشا ؛ أى سوء البصر بالليل والنهار ، أو العمى (القاموس المحيط : ج ٤ ص ٣٦٢ «عشا»).

٣- الفتره : ما بين الرسولين من رسل الله تعالى من الزمان الذى انقطعت فيه الرساله (النهايه : ج ٣ ص ٤٠٨ «فتر»).

٤- الفلاه : القفر أو المفازه لا ماء فيها ، أو الصحراء الواسعه (القاموس المحيط : ج ٤ ص ٣٧٥ «فلا»).

٥- القصد : الرشد . قصد فى الأمر قصدا : توسط وطلب الأسد ، ولم يُجاوز الحدّ (المصباح المنير : ص ٥٠٥ «قصد»).

٦- جمع مقام (بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٣٢٨).

٧- نشج الباكي يشجُ نشيجا : غصّ بالبكاء فى حلقه من غير انتحاب (القاموس المحيط : ج ١ ص ٢٠٩ «نشج»).

٨- التَّسِيمُ : نَفْسُ الرِّيحِ إِذَا كَانَ ضَعِيفًا كَالنَّسِيمِ . وَتَنَسَّمَ : تَنَفَّسَ . وَتَنَسَّمَ النَّسِيمَ : تَشَمَّمَهُ (القاموس المحيط : ج ٤ ص ١٨٠ «نسم»).

٩- الرُّوحُ : الرَّاحَةُ وَالرَّحْمَةُ وَنَسِيمُ الرِّيحِ (القاموس المحيط : ج ١ ص ٢٢٤ «روح»). أى يدعوون ويتوقعون بدعائه تجاوزه عن ذنوبهم (بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٣٢٩).

١٠- النُّدْح : الأرض الواسعه ، والمنادح : المفاوز (الصحاح : ج ١ ص ٤٠٩ «ندح»).

١١- نهج البلاغه : الخطبه ٢٢٢ ، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٣٢٥ ح ٣٩ .

امام علی علیه السلام از سخن ایشان در هنگام تلاوت این آیه: «و در آنها، هر بامداد و شامگاه، مردانی نیایش می کنند که نه تجارتی و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا باز نمی دارد» : خداوند پاک و والا، یاد [خود] را جلا دهنده دل ها قرار داد، به طوری که به سبب آن، دل های ناشنوا، شنوا، و دل های نابینا، بینا، و دل های سرکش، رام می شوند. خداوند که نعمت هایش گران سنگ است، در هر برهه ای و در هر دوره ای، همواره بندگانی داشته که با آنان، در ژرفای اندیشه شان نجوا کرده، و در اندرون خردهایشان، با ایشان سخن گفته است و در نتیجه، نور بیداری، در چشم و گوش و دل های آنان، فروزان گشته بوده است. [آنان] روزهای خدا را [به مردم] یادآور می شدند و از مقام او می ترسیدند، چونان راه نمایان در بیابان ها که هر کس راه راست را در پیش می گرفت، راهش را می ستودند و نوید رهایی و نجاتش می دادند، و هر که را به راست و چپ می رفت، راهش را می نکوهیدند و از نابودی بر حذرش می داشتند. آری. این چنین، چراغ هایی در آن تاریکی ها و راه نمایانی در آن شبها بودند. یاد خدا، اهلی دارد که آن را به جای این دنیا گرفته اند و از این رو، نه تجارتی و نه خرید و فروشی، آنان را از یاد خدا باز نمی دارد. [آنان] روزهای زندگی را با یاد خدا می گذرانند و عوامل باز دارنده از حرام های خدا را در گوش بی خبران، فریاد می زنند و به دادگری فرمان می دهند و خود به این فرمان، عمل می کنند، و از زشتی ها باز می دارند و خود، از آنها باز می ایستند. پس، با آن که در دنیا به سر می برند، گویا دنیا را در نوردیده و به آخرت رسیده اند و فراسوی دنیا را مشاهده کرده اند، و گویا بر احوال نهان برزخیان که روزگار درازی است در آن به سر می برند، پی برده اند، و [گویا] قیامت، وعده های خویش را برای ایشان، تحقق بخشیده است. پس، پرده آن را برای اهل دنیا کنار زده اند، تا جایی که گویا چیزهایی را می بینند که مردم نمی بینند و چیزهایی را می شنوند که مردم نمی شنوند. اگر آنان را در ذهن خود، مجسم نمایی که با وجود آن مقام های پسندیده و جایگاه های شکوهمندشان، کارنامه های خویش را گشوده اند و به حساب اعمال خود، رسیدگی می کنند، از هر عمل خُرد و کلانی که می بایست انجام می دادند و نداده اند، یا از انجام دادن آنها نهی شده اند، ولی آنها را به جا آورده اند، و بار گناهان خویش بر پشت می کشند و از حمل آنها ناتوان اند، و هق هق کنان، می گریند و زارزان، هم نوایی می کنند و از سر پشیمانی و اعتراف [به گناهان]، به درگاه پروردگارشان فریاد کمک خواهی سر می دهند، آنان را نشانه های راهیابی و چراغ های تاریکی ها خواهی یافت که فرشتگان، آنان را در میان گرفته اند و آرامش بر ایشان فرود آمده است و درهای آسمان، به رویشان گشوده شده و کرسی های کرامت ها در جایی که خداوند از آن جا بر ایشان اشراف دارد، آماده شده است و [خداوند] از تلاش آنان خرسند است و مقام ایشان را ستوده است. [آنان] با نیایش به درگاهش نسیم عفو و بخشش را استشمام می کنند، گروگانِ نیازمندی به فضل اویند، و در برابر عظمتش اسیرانی ذلیل اند. درازیِ اندوه، دل هایشان را ریش ساخته و گریه های طولانی، چشمانشان را خسته کرده است. به هر دری به درگاه خداوند، دست نیاز و زاری می کوبند و از او که عرصه های فراخ بخشایش، تنگی ندارد و هیچ خواهنده ای از درگاهش نومید باز نمی گردد، درخواست می کنند. پس، تو خود به حساب خویش رسیدگی کن، که دیگران، خود حسابرسی دارند.

الإمام الصادق عليه السلام فى قوله تعالى : «رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ» : هُمُ الرِّجَالُ مِنْ بَيْنِ الرِّجَالِ عَلَى الْحَقِيقَةِ ؛ لِأَنَّ اللَّهَ حَفِظَ سِيرَاتِهِمْ عَنِ الرُّجُوعِ إِلَى غَيْرِهِ ، فَلَا تَشْغَلُهُمُ الدُّنْيَا وَزَهْرَتُهَا ، وَلَا الْآخِرَةُ وَنَعِيمُهَا عَنِ اللَّهِ تَعَالَى ، لِأَنَّهُمْ فِي بَسَاتِينِ الْأَنْسِ . (١)

١- إحقاق الحقّ : ج ١٢ ص ٢٧٣ نقلاً عن نزّهه المجالس .

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند متعال: «مردانی که نه تجارتی و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا باز نمی دارد»: اینان، در میان دیگر مردان، مردان راستین اند؛ زیرا خداوند، درون های آنان را از پرداختن به غیر خود، نگه داشته است. از این رو، نه دنیا و زرق و برق آن، و نه آخرت و نعمت های آن، آنان را از یاد خداوند بزرگ، باز نمی دارد؛ چرا که در بوستان های اُنس به سر می برند.

تنبيه الخواطر: جاء في تفسير قوله تعالى: «لَا تُلْهِبِهِمْ تِجْرَهُ وَ لَا يَبِيعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» أَنَّهُمْ كَانُوا حَدَادِينَ وَخَرَّازِينَ ، فَكَانَ أَحَدُهُمْ إِذَا رَفَعَ الْمِطْرَقَةَ أَوْ غَرَزَ الْإِشْفَى (١) فَيَسْمَعُ الْأَذَانَ ، لَمْ يُخْرِجِ الْإِشْفَى مِنَ الْمَغْرَزِ ، وَلَمْ يَضْرِبْ بِالْمِطْرَقَةِ وَرَمَى بِهَا ، وَقَامَ إِلَى الصَّلَاةِ (٢) .

الكافي عن الحسين بن بشار عن رجل رفعه في قول الله عز و جل : «رِجَالٌ لَا تُلْهِبُهُمْ تِجْرَهُ وَ لَا يَبِيعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» قَالَ : هُمُ التُّجَّارُ الَّذِينَ لَا تُلْهِبُهُمْ تِجَارَةٌ وَ لَا يَبِيعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عز و جل ، إِذَا دَخَلَ مَوَاقِيتُ الصَّلَاةِ أَدَّوْا إِلَى اللَّهِ حَقَّهُ فِيهَا . (٣)

الكافي عن أسباط بن سالم: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَسَأَلْنَا عَنْ عُمَرَ بْنِ مُسْلِمٍ مَا فَعَلَ؟ فَقُلْتُ : صَالِحٌ ، وَلَكِنَّهُ قَدْ تَرَكَ التُّجَارَةَ . فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَمَلُ الشَّيْطَانِ ثَلَاثًا أَمَا عَلِمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اشْتَرَى عَمِيرًا أَتَتْ مِنَ الشَّامِ فَاسْتَفْضَلَ فِيهَا مَا قَضَى دِينَهُ ، وَقَسَمَ فِي قَرَابَتِهِ؟! يَقُولُ اللَّهُ عز و جل : «رِجَالٌ لَا تُلْهِبُهُمْ تِجْرَهُ وَ لَا يَبِيعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» إِلَى آخِرِ الْآيَةِ يَقُولُ الْقُصَّاصُ : إِنَّ الْقَوْمَ لَمْ يَكُونُوا يَتَّجِرُونَ ، كَذَبُوا! وَلَكِنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا يَدْعُونَ الصَّلَاةَ فِي مِيقَاتِهَا ، وَهُوَ أَفْضَلُ مِمَّنْ حَضَرَ الصَّلَاةَ وَلَمْ يَتَّجِر . (٤)

رسول الله صلى الله عليه و آله: قَالَ اللَّهُ عز و جل : إِنَّ أَوْلِيَاءِي مِنَ عِبَادِي وَأَحِبَّائِي مِنَ خَلْقِي الَّذِينَ يُذَكِّرُونَ بِذِكْرِي ، وَأُذَكِّرُ بِذِكْرِهِمْ . (٥)

١- الإِشْفَى : المِثْقَب (لسان العرب : ج ١٤ ص ٤٣٨ «شفي»).

٢- تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٤٣ .

٣- الكافي : ج ٥ ص ١٥٤ ح ٢١ ، بحار الأنوار : ج ٨٣ ص ٤ .

٤- الكافي : ج ٥ ص ٧٥ ح ٨ ، تهذيب الأحكام : ج ٦ ص ٣٢٦ ح ٨٩٧ .

٥- حليه الأولياء : ج ١ ص ٦ عن عمرو بن الجموح ، المعجم الأوسط : ج ١ ص ٢٠٣ ح ٦٥١ عن عمرو بن الحمق وسقط منه «قال الله عز و جل» ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٤٠ ح ١٩٠٢ .

تنبيه الخواطر: در تفسیر این سخن خداوند متعال: «نه تجارتی و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا باز نمی دارد»، آمده است که: اینان، آهنگر و چرمدوز بودند و هر یک از ایشان، اگر پتک را بالا برده و یا درفش را در چرم فرو برده بود و صدای اذان را می شنید، درفش را بیرون نمی کشید و پتک را فرود نمی آورد و آن را به کناری می انداخت و به نماز می ایستاد.

الکافی به نقل از حسین بن بشّار، از مردی که سند حدیث را به یکی از اهل بیت علیهم السلام رسانده است، در باره این سخن خداوند عز و جل: «مردانی که نه تجارتی و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا باز نمی دارد»: آنان، بازرگانانی هستند که تجارت و داد و ستد، از یاد خدا بازشان نمی دارد. هر گاه وقت نماز شود، به گزاردن حقّ خدا (نماز) می پردازند.

الکافی به نقل از أسباط بن سالم: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم. پرسید: «از عمر بن مسلم، چه خبر؟». گفتم: خوب است؛ امّا تجارت را رها کرده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «کار شیطان است! (سه بار). مگر نمی داند که پیامبر صلی الله علیه و آله [کالای] کاروانی را که از شام آمده بود، خرید و در آن، چندان سود کرد که قرضش را پرداخت و [باقی مانده اش را] در میان خویشاوندانش تقسیم کرد؟ خداوند عز و جل می فرماید: «مردانی که نه تجارتی و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، باز نمی دارد [و] از روزی که دل ها و دیده ها در آن زیر و رو می شود، می هراسند». ناقلان می گویند: این مردان، تجارت نمی کرده اند. دروغ می گویند! [اینان داد و ستد و تجارت می کرده اند؛] امّا نماز در وقت را رها نمی کرده اند و چنین کسی، بهتر از کسی است که تجارت نمی کند و در نماز، حاضر می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل فرموده است: «اولیای من از بندگانم و دوستان من از آفریدگانم، کسانی هستند که هر گاه یاد من به میان آید، از آنان نیز یاد می شود و هر گاه یاد آنان به میان آید، از من نیز یاد می شود».

الإمام الحسين عليه السلام: سَأَلْتُ أَبِي عَنِ مَجْلِسِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقَالَ : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يَجْلِسُ وَلَا يَقُومُ إِلَّا عَلَى ذِكْرِ . (١)

مستدرك الوسائل عن أبي سعيد الخدرى: لَمَّا نَزَلَ قَوْلُهُ تَعَالَى : «اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» (٢) اِسْتَعْلَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى ، حَتَّى قَالَ الْكُفَّارُ : إِنَّهُ جُنٌّ . (٣)

صحيح مسلم عن عائشه: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَذْكُرُ اللَّهَ عَلَى كُلِّ أَحْيَانِهِ . (٤)

الإمام الهادى عليه السلام فى الزياره الجامعه الكبيره: وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا ، فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَتهُ ، وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ ، وَأَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ . (٥)

عدّه الداعى: يُرَوَى عَنِ سَيِّدِنَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ لَمَّا كَانَ يَفْرَغُ مِنَ الْجِهَادِ ، يَتَفَرَّغُ لِتَعْلِيمِ النَّاسِ وَالْقَضَاءِ بَيْنَهُمْ ، فَإِذَا يَفْرَغُ مِنْ ذَلِكَ اِسْتَعْلَى فِي حَائِطٍ (٦) لَهُ يَعْمَلُ فِيهِ بِيَدِهِ ، وَهُوَ مَعَ ذَلِكَ ذَاكِرٌ لِلَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ . (٧)

١- الطبقات الكبرى: ج ١ ص ٤٢٤؛ المناقب لابن شهر آشوب: ج ١ ص ١٤٧ .

٢- الأحزاب: ٤١ .

٣- مستدرك الوسائل: ج ٥ ص ٢٩٦ ح ٥٩٠٥ نقلاً عن تفسير أبي الفتوح الرازى .

٤- صحيح مسلم: ج ١ ص ٢٨٢ ح ١١٧ ، سنن أبي داود: ج ١ ص ٥ ح ١٨ ، سنن ابن ماجه: ج ١ ص ١١٠ ح ٣٠٢ ، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٣٤٢ ح ٢٤٤٤٤ ، كنز العمال: ج ٧ ص ٦٥ ح ١٧٩٨٠ .

٥- تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٩٧ ح ١٧٧ ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٦١١ ح ٣٢١٣ كلاهما عن موسى بن عبد الله النخعى ، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٢٧٤ ح ١ عن موسى بن عمران النخعى ، البلد الأمين: ص ٢٩٩ ، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٣٤٤ ح ٣٠ و ج ١٠٢ ص ١٢٩ ح ٤ وفى الثلاثة الأخيره «أدمتم ذكره» .

٦- الحائط: البستان من النخيل إذا كان عليه حائط؛ وهو الجدار (النهايه: ج ١ ص ٤٦٢ «حوط»).

٧- عدّه الداعى: ص ١٠١ ، إرشاد القلوب: ص ٢١٨ ، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ١٦ ح ٧٠ .

امام حسین علیه السلام: از پدرم [امام علی علیه السلام] در باره نشستن پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم . فرمود: «پیامبر خدا ، نمی نشست و بر نمی خاست ، مگر با یاد کردن از خدا» .

مستدرک الوسائل به نقل از ابو سعید خُدَری : چون این سخن خداوند متعال : «خدا را بسیار یاد کنید» نازل شد ، پیامبر خدا ، چندان سرگرم یاد خداوند متعال شد که کافران گفتند : او دیوانه شده است!

صحیح مسلم به نقل از عایشه : پیامبر صلی الله علیه و آله در همه اوقاتش ، خدا را یاد می کرد .

امام هادی علیه السلام در زیارت «جامعه کبیره» : و پلیدی را از شما زدود و پاکِ پاکتان نمود . پس شما نیز در برابر مقام پُرشکوه او تعظیم کردید و منزلتش را بزرگ داشتید و بزرگواری اش را ارج نهادید و پیوسته ، به یاد او پرداختید .

عده الداعی : در باره سِرورمان امیر مؤمنان ، روایت شده است که چون از جهاد فراغت می یافت ، به آموزش دادن مردم و قضاوت میان آنان می پرداخت و چون از این کار می آسود ، در باغ خرمایی که داشت ، به کار می پرداخت و در همان حال ، ذکر خداوند عز و جل می گفت .

الإمام الرضا عليه السلام في زيارته الإمام الحسين عليه السلام: السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِنِ ذِكْرِ اللَّهِ . (١)

راجع: ص ٤٠ ح ٣١ .

١ / ٧ مفاتيح الذكر رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ مِنَ النَّاسِ مَفَاتِيحَ لِذِكْرِ اللَّهِ ؛ إِذَا رُؤُوا ذَكَرَ اللَّهُ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله في قوله تعالى: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (٣): يُذَكِّرُ اللَّهُ بِرُؤْيَيْهِمْ . (٤)

نوادير الأصول عن ابن عباس: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ؟ قَالَ: الَّذِينَ إِذَا رُؤُوا ذَكَرَ اللَّهُ . (٥)

رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَا أُبَيِّنُكُمْ بِخِيَارِكُمْ؟ ... خِيَارُكُمْ الَّذِينَ إِذَا رُؤُوا ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ . (٦)

نوادير الأصول عن أنس: قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيْنَا أَفْضَلُ كَيْ نَتَّخِذَهُ جَلِيسًا مُعَلِّمًا؟ قَالَ: الَّذِينَ إِذَا رُؤُوا ذَكَرَ اللَّهُ لِرُؤْيَيْهِمْ . (٧)

-
- ١- الكافي: ج ٤ ص ٥٧٨ ح ٢، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ١٠٢ ح ١٧٨، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٦٠٨ ح ٣٢١٢ كلاهما في زيارته الإمام الكاظم عليه السلام وكلها عن علي بن حسان، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٤٠٧ ح ٦٦ .
 - ٢- المعجم الكبير: ج ١٠ ص ٢٠٥ ح ١٠٤٧٦ عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٩ ح ١٧٨٩ .
 - ٣- يونس: ٦٢ .

- ٤- المعجم الكبير: ج ١٢ ص ١١ ح ١٢٣٢٥ عن ابن عباس، مجمع الزوائد: ج ١٠ ص ٨٠ ح ١٦٧٧٨ نقلاً عن الطبراني وفيه «بذكرهم» بدل «برؤيتهم»، الدرر المنتورة: ج ٤ ص ٣٧٠ نقلاً عن ابن أبي شيبة وأبي الشيخ وابن مردويه عن سعيد بن جبير .
- ٥- نوادر الأصول: ج ١ ص ٣٠٢، الأولياء لابن أبي الدنيا: ص ٤٨ ح ٢٧ عن سعيد بن جبير، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٨ ح ١٧٨٣ .

- ٦- سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٧٩ ح ٤١١٩، مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ٤٤٢ ح ٢٧٦٧٠ وص ٤٤٣ ح ٢٧٦٧٢، حليه الأولياء: ج ١ ص ٦ كلها عن أسماء بنت يزيد، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٩ ح ١٧٨٨ وص ٤٤٠ ح ١٩٠١ .
- ٧- نوادر الأصول: ج ١ ص ٣٠٤، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٩ ح ١٧٨٤ .

۱ / ۷ کلیدهای یاد خدا

امام رضا علیه السلام در زیارت امام حسین علیه السلام: سلام بر جایگاه های یاد خدا!

ر. ک: ص ۴۱ ح ۳۱.

۱ / ۷ کلیدهای یاد خدا پیامبر خدا علیه السلام: برخی از مردمان، کلیدهای یاد خدایند. دیدن آنان، یادآور خداست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خداوند متعال: «هان! اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه اندوهگین می شوند»: با دیدن آنها، انسان به یاد خدا می افتد.

نوادر الأصول به نقل از ابن عباس: گفته شد: ای پیامبر خدا! اولیای خدا کیستند؟ فرمود: «کسانی که دیدن آنها، یادآور خداست».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آیا به شما از بهترینتان خبر ندهم؟ ... بهترین شما، آنانی هستند که هر گاه دیده شوند، خداوند عز و جل به یاد می آید.

نوادر الأصول به نقل از انس: گفتند: ای پیامبر خدا! برترین ما، چه کسی است تا او را همنشین و آموزگار خود بگیریم؟ فرمود: «کسانی که هر گاه دیده شوند، دیدنشان، آدمی را به یاد خدا می اندازد».

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا إِذَا رُؤُوا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: قَالَتِ الْحَوَارِيُّونَ لِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رُوحَ اللَّهِ مَنْ نُجَالِسُ؟ قَالَ: مَنْ يُذَكِّرُكُمْ اللَّهَ رُؤْيَتَهُ، وَيَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقَهُ، وَيُرَغِّبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ . (٢)

الأمامي للطوسي عن ابن عباس: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ الْجُلَسَاءِ خَيْرٌ؟ قَالَ: مَنْ ذَكَرَكُمْ بِاللَّهِ رُؤْيَتَهُ، وَزَادَكُمْ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقَهُ، وَذَكَرَكُمْ بِالْآخِرَةِ عَمَلُهُ . (٣)

الإمام علي عليه السلام: قَوْلُوا الْخَيْرَ تُعَرَفُوا بِهِ، وَاعْمَلُوا الْخَيْرَ تَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ، وَلَا تَكُونُوا عُجَلًا (٤) مَذَابِيعَ (٥)، فَإِنَّ خِيَارَكُمْ الَّذِينَ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهِمْ ذَكَرَ اللَّهُ، وَشَرَارُكُمْ الْمَشَاوُونَ بِالنَّمِيمَةِ، الْمُفَرَّقُونَ بَيْنَ الْأَجْبَةِ، الْمُبْتَغُونَ لِلْبِرِّ آءِ الْمَعَايِبِ . (٦)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا رَأَى أَخَاهُ، كَانَ حَيَاةً لِدِينِهِ إِذَا ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ (٧) . (٨)

١- الزهد لابن المبارك: ص ٣٤٠ ح ٩٥٨ عن الحسن .

٢- الكافي: ج ١ ص ٣٩ ح ٣ عن الفضل بن أبي قره عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص ٤٤، بحار الأنوار: ج ١ ص ٢٠٣ ح ١٨ نقلاً عن عوالي اللآلي؛ كنز العمال: ج ٩ ص ١٧٨ ح ٢٥٥٨٨ نقلاً عن العسكري في الأمثال عن ابن عباس نحوه .

٣- الأمامي للطوسي: ص ١٥٧ ح ٢٦٢، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ١٨٦ ح ٣؛ نوادر الأصول: ج ١ ص ٣٠٣ عن عبد الله بن عمرو، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٩ ح ١٧٨٧ و ج ٩ ص ٢٨ ح ٢٤٧٦٤ وفيه «خير جلسائكم من يذكركم» .

٤- عُجَلًا: جمع عَجُول .

٥- مَذَابِيعُ: جمع مَذْيَاعٍ؛ وهو الذي لا يكتفم السرّ، والإذاعه ضدها التقية (مجمع البحرين: ج ١ ص ٦٥٠ «ذيع»).

٦- الكافي: ج ٢ ص ٢٢٥ ح ١٢ عن أبي الحسن الأصبهاني عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٨١ ح ٢٩.

٧- «إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ»: أي ذلك المسلم أو الأخ. ويمكن أن يُقرأ على المجهول فيشملهما (مرآة العقول: ج ٢٦ ص ٤١٩).

٨- الكافي: ج ٨ ص ٣١٦ ح ٤٩٦ عن أبي خديجه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، بندگانی دارد که مشاهده آنها ، یادآور خداوند متعال است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حواریان به عیسی علیه السلام گفتند : ای روح خدا ! با چه کسی همنشینی کنیم؟ فرمود : «با کسی که دیدن او ، شما را به یاد خدا می اندازد و سخنش ، بر دانش شما می افزاید و کردارش ، شما را به آخرت ، راغب می سازد» .

الأمالی ، طوسی به نقل از ابن عباس : گفته شد : ای پیامبر خدا ! کدام همنشین ، خوب تر است ؟ فرمود : «کسی که مشاهده او ، شما را به یاد خدا بیاندازد و گفتارش ، بر دانش شما بیفزاید و کردارش ، آخرت را به یاد شما آورد» .

امام علی علیه السلام : نیک بگوئید تا بدان شناخته شوید ، و نیک انجام دهید تا از اهل آن باشید ، و شتابکار و سخن پراکن مباشید ؛ زیرا بهترین شما ، کسانی هستند که دیدن آنها خدا را به یاد می آورد ، و بدترینتان ، سخن چنان اند ؛ آنان که میان دوستان ، جدایی می افکنند و برای بی گناهان ، عیب می تراشند .

امام صادق علیه السلام : مسلمان ، هر گاه برادرش را ببیند ، چنانچه خداوند عز و جل را یاد کند ، مایه زنده شدن دین او می شود .

الإمام الرضا عليه السلام: كَانَ نَفْسُ خَاتَمِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ حَرْفَيْنِ اشْتَقَّهُمَا مِنَ الْإِنْجِيلِ : طوبى لِعَبْدٍ ذَكَرَ اللَّهَ مِنْ أَجَلِهِ ، وَوَيْلٌ لِعَبْدٍ نُسِيَ اللَّهُ مِنْ أَجَلِهِ . (١)

١ / النّوادرُ رسول الله صلى الله عليه وآله : خَيْرُ سَاعَاتِ الْمُؤْمِنِ حِينَ يَذْكُرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله فى وَصْفِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ : تَنَعَّمَ النَّاسُ بِالدُّنْيَا ، وَتَنَعَّمُوا بِذِكْرِ اللَّهِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ خِيَارَ عِبَادِ اللَّهِ الَّذِينَ يُرَاعُونَ (٤) الشَّمْسَ ، وَالْقَمَرَ ، وَالنُّجُومَ ، وَالْأَطْلَلَ ؛ لِذِكْرِ اللَّهِ . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله : مَا تَوَطَّنَ رَجُلٌ مُسْلِمٌ الْمَسَاجِدَ لِلصَّلَاةِ وَالذِّكْرِ ، إِلَّا تَبَشَّشَ (٦) اللَّهُ لَهُ كَمَا يَتَبَشَّشُ أَهْلُ الْغَائِبِ بِغَائِبِهِمْ إِذَا قَدِمَ عَلَيْهِمْ . (٧)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ لِكُلِّ سَاعٍ غَايَةً ، وَغَايَةُ ابْنِ آدَمَ الْمَوْتُ ، فَعَلَيْكُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ يُسَيِّئُ لَكُمْ (٨) وَيُرَغِّبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ . (٩)

١- الأُمالى للصدوق : ص ٥٤٢ ح ٧٢٦ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ٢ ص ٥٥ ح ٢٠٦ كلاهما عن الحسين بن خالد الصيرفى ، بحار الأنوار : ج ١١ ص ٦٣ ح ١ .

٢- الفردوس : ج ٢ ص ٤٣ ح ٢٢٤٤ عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمال : ج ٤ ص ٣٥٥ ح ١٠٨٧١ .

٣- إرشاد القلوب : ص ١٣٥ .

٤- راعى النجوم : راقبها ، وانتظر مغيبها (القاموس المحيط : ج ٤ ص ٣٣٥ «رعى»). أى يراعون الشمس والقمر و... ويراقبونها لمعرفة أوقات الصلوات والعبادات.

٥- المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ١١٥ ح ١٦٣ ، السنن الكبرى : ج ١ ص ٥٥٨ ح ١٧٨١ ، الدعاء للطبرانى : ص ٥٢٤ ح ١٨٧٦ كلها عن ابن أبى أوفى ، كنز العمال : ج ٧ ص ٦٨٣ ح ٢٠٩٠٢ .

٦- البش : فرح الصديق بالصدق ، واللطف فى المسأله ، والإقبال عليه ، وقد بَشَّشْتُ به أَبَشُّ . وهذا مَثَلٌ ضربه لتلقيه إياه بَرَّه وتقريبه وإكرامه (النهاية : ج ١ ص ١٣٠ «بشش»).

٧- سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٢٦٢ ح ٨٠٠ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٢٢٠ ح ٨٣٥٨ ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ٣٣٢ ح ٧٧١ وليس فيه «والذكر» وكلها عن أبى هريره ، كنز العمال : ج ٧ ص ٥٧٩ ح ٢٠٣٤١ .

٨- كذا فى المصدر ، وفى فيض القدير ج ٢ ص ٦٤٥ ح ٢٤١٢ : «يُسَيِّئُ لَكُمْ» وهو الأنسب . والمراد أن ذكر الله عز و جل ينسيكم هموم الدنيا (أنظر لسان العرب : ج ١٤ ص ٣٩٤ «سلا»).

٩- أسد الغابه : ج ١ ص ٥٥٠ ، كنز العمال : ج ١ ص ٤١٦ ح ١٧٦٥ و ج ١٥ ص ٥٥٠ ح ٤٢١٣١ كلاهما نقلاً عن البغوى وكلها

عن جلاس بن عمرو .

۸ / ۱ گوناگون

امام رضا علیه السلام: نقش انگشتی عیسی علیه السلام، دو جمله بود که آنها را از انجیل گرفته بود: «خوشا به حال بنده ای که به واسطه او، خداوند به یاد آورده می شود! و بدا به حال بنده ای که به واسطه او خداوند، فراموش می گردد!».

۸ / ۱ گوناگون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین اوقات مؤمن، زمانی است که خداوند عز و جل را یاد می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در وصف اولیای خدا: مردم، به دنیا خوش اند و آنان به یاد خدا خوش اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین بندگان خدا، آنان اند که برای یاد کردن خدا، خورشید و ماه و ستارگان و سایه ها را زیر نظر دارند. (۱)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مرد مسلمانی در مسجدها برای نماز و یاد خدا اقامت گزیند، خداوند، از وجود او چنان شاد می شود که کسانِ مسافر از باز گشتن مسافرشان به نزد خود، شادمان می شوند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر دَونده ای، خطّ پایانی دارد و خطّ پایان آدمیزاد، مرگ است. پس بر شما باد یاد خدا، که کار شما را سهولت می بخشد (۲) و به آخرت، راغب می گرداند!

۱- یعنی برای شناخت اوقات نماز و عبادات، طلوع و غروب خورشید و ماه و ستارگان را زیر نظر دارند.

۲- در فیض القمیر، «شما را آرامش می بخشد» آمده که این، مناسب تر است و مقصود، این است که یاد خداوند، غم و تشویش های دنیا را از یاد شما می برد.

عنه صلى الله عليه و آله : تَحَابُّوا بِذِكْرِ اللَّهِ وَرُوحِهِ (١) . (٢)

الإمام على عليه السلام : الذِّكْرُ أَفْضَلُ الْغَنِيمَتَيْنِ . (٣)

عنه عليه السلام : كُنْ لِلَّهِ مُطِيعًا ، وَبِذِكْرِهِ آنَسًا ، وَتَمَثَّلْ فِي حَالِ تَوَلِّيكَ عَنْهُ إِقْبَالَهُ عَلَيْكَ ؛ يَدْعُوكَ إِلَى عَفْوِهِ ، وَيَتَغَمَّدُكَ بِفَضْلِهِ . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام في خُطْبِهِ يَذْكُرُ فِيهَا حَالَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْأَيْمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ : فَبَلَّغَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا أُرْسِلَ بِهِ ، وَصَيَّدَعَ (٥) بِمَا أَمَرَ ، وَأَدَّى مَا حُمِّلَ مِنْ أَثْقَالِ النَّبُوَّةِ ، وَصَيَّرَ لِرَبِّهِ ، وَجَاهِدَ فِي سَبِيلِهِ ، وَنَصَّيْحَ لِأُمَّتِهِ ، وَدَعَاهُمْ إِلَى النَّجَاهِ ، وَحَثَّهُمْ عَلَى الذِّكْرِ . (٦)

-
- ١- قال السيد الرضى رحمه الله في ذيل الحديث : «أراد بالروح هاهنا القرآن، تشبيها له بالروح القائمة بالحيوان المصحَّح له لانتفاع الأبدان». والمعنى : تحابُّوا بذكر الله وبقراءته . وراجع النهايه : ج ٢ ص ٢٧٢ «روح» .
 - ٢- المجازات النبويه : ص ٤٣ ح ٢٤ .
 - ٣- غرر الحكم : ح ١٦٧٢ .
 - ٤- نهج البلاغه : الخطبه ٢٢٣ ، غرر الحكم : ح ٧١٨٧ ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ١٩٢ ح ٥٩ .
 - ٥- يقال: صَدَعْتُ بِالْحَقِّ ؛ إِذَا تَكَلَّمْتَ بِهِ جَهَارًا (الصحيح: ج ٣ ص ١٢٤٢ «صدع») .
 - ٦- الكافي : ج ١ ص ٤٤٥ ح ١٧ عن إسحاق بن غالب ، بحار الأنوار : ج ١٦ ص ٣٦٩ ح ٨٠ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با یاد خدا و با روح او (۱) یکدیگر را دوست بدارید .

امام علی علیه السلام: یاد خدا ، بهترین غنیمت است .

امام علی علیه السلام: فرمان بُردار خدا و همدمِ یاد او باش و در آن حال که از او روی می گردانی ، روی آوردن او را به خود ، در نظر آور . او تو را به عفو خویش فرا می خواند و در فضل خویش ، غوطه وَرَت می سازد .

امام صادق علیه السلام در سخنرانی ای که در آن از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام یاد می کند : پیامبر خدا ، پیامی را که برای آن فرستاده شده بود ، ابلاغ کرد و مأموریتش را اجرا نمود و بارهای نبوت را که بر دوش او نهاده شده بود ، به منزل رساند و برای پروردگارش ، شکیبایی ورزید و در راه او جهاد کرد و امتش را راه نمایی نمود و آنان را به نجات ، فرا خواند و به یاد خدا تشویقشان کرد .

۱- سید رضی رحمه الله ، در ذیل این حدیث می گوید : «مقصود از روح در این جا قرآن است ، از باب تشبیه آن به روح که جانداران را زنده می دارد و باعث می شود که بدن ها قابل استفاده باشند» و معنایش این است که با یاد خدا و قرآن او ، یکدیگر را دوست بدارید . نیز ، ر . ک : النهایه : ذیل «روح» .

الفصل الثانی : خصائص الذكر ٢ / ١ حکمہ العبادہ الكتاب «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» . (١)

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» . (٢)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّمَا جُعِلَ الطَّوْفُ بِالْبَيْتِ ، وَبَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ ، وَرَمَى الْجِمَارِ ؛ لِإِقَامِهِ ذِكْرَ اللَّهِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّمَا فُرِضَتِ الصَّلَاةُ ، وَأُمِرَ بِالْحَجِّ وَالطَّوْفِ ، وَأُشْعِرَتِ الْمَنَاسِكُ ؛ لِإِقَامِهِ ذِكْرَ اللَّهِ . (٤)

١- طه : ١٤ .

٢- العنكبوت : ٤٥ . وراجع : بركات الذكر / ذكر الله لذاكره .

٣- سنن أبي داوود : ج ٢ ص ١٧٩ ح ١٨٨٨ ، مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٣٣١ ح ٢٤٤٠٥ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٦٣٠ ح ١٦٨٥ ، السنن الكبرى : ج ٥ ص ٢٣٦ ح ٩٦٤٦ كلها عن عائشه ، كنز العمال : ج ٥ ص ٤٩ ح ١٢٠٠٥ .

٤- عوالي اللآلى : ج ١ ص ٣٢٣ ح ٦٠ .

فصل دوم: ویژگی های یاد خدا

۱ / ۲ حکمت عبادت

فصل دوم: ویژگی های یاد خدا ۱ / ۲ حکمت عبادتقرآن «و به یاد من ، نماز برپا دار» .

«و نماز را بر پا دار، که نماز از کار زشت و ناپسند ، باز می دارد، و قطعاً یاد خدا بالاتر است» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :طواف کعبه ، و [سعی] میان صفا و مروه ، و رَمی جَمَرات ، برای زنده داشتن یاد خدایند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :واجب گشتن نماز ، و دستور گزاردن حج و طواف ، و تعیین مناسک [حج] ، در واقع برای زنده داشتن یاد خدایند .

الإمام الرضا عليه السلام فيما جَمَعَهُ الْفَضْلُ بْنُ شاذَانَ مِنْ كَلَامِهِ فِي عِلَلِ الْفَرَائِضِ : إِنْ قَالَ قَائِلٌ : لِمَ أَمَرَ اللَّهُ الْعِبَادَ وَنَهَاهُمْ؟ قِيلَ : لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ بَقَاؤُهُمْ وَصِيْلًا لَهُمْ إِلَّا بِالْأَمْرِ وَالنَّهْيِ ، وَالْمَنْعِ عَنِ الْفَسَادِ وَالتَّغَاصُّبِ . فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ : لِمَ تَعَبَّدَهُمْ؟ قِيلَ : لِئَلَّا يَكُونُوا نَاسِينَ لِتَذِكْرِهِ ، وَلَا تَارِكِينَ لِأَدْبِهِ ، وَلَا لَاهِينَ عَنِ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ ، إِذْ (١) كَانَ فِيهِ صِيْلًا لَهُمْ وَفَسَادُهُمْ وَقَوَامُهُمْ ، فَلَوْ تَرَكُوا بَعْغِيْرَ تَعَبُّدٍ لَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمْدُ ، وَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ . (٢)

٢ / ٢ فَرِيضَةٌ عَلَى الْقَلْبِ وَاللِّسَانِ لِإِمَامٍ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَعْلَمُوا أَنَّهُ [اللَّهُ] عَزَّ وَجَلَّ لَنْ يَرْضَى عَنْكُمْ بِشَيْءٍ سَخِطَهُ عَلَى مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ ، وَلَنْ يَسَخَطَ عَلَيْكُمْ بِشَيْءٍ رَضِيَهُ مِمَّنْ كَانَ قَبْلَكُمْ ، وَإِنَّمَا تَسِيرُونَ فِي أَثَرِ بَيِّنٍ ، وَتَتَكَلَّمُونَ بِرَجْعِ قَوْلٍ قَدَّ قَالَهُ الرَّجَالُ مِنْ قَبْلِكُمْ ، قَدَّ كَفَاكُمْ مَوْوَنَهُ دُنْيَاكُمْ ، وَحَثَّكُمْ عَلَى الشُّكْرِ ، وَافْتَرَضَ مِنَ السِّنِّيْتِكُمْ الدُّكْرَ . (٣)

عنه عليه السلام في بيان ما فرض الله سبحانه على جوارح الإنسان : فَأَمَّا مَا فَرَضَ عَلَى الْقَلْبِ مِنَ الْإِيمَانِ : فَالْإِقْرَارُ ، وَالْمَعْرِفَةُ ، وَالْعَقْدُ عَلَيْهِ ، وَالرِّضَا بِمَا فَرَضَهُ عَلَيْهِ ، وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِهِ ، وَالدُّكْرُ ، وَالتَّفَكُّرُ . (٤)

١- في المصدر : «إذا» ، والتصويب من بحار الأنوار.

٢- علل الشرائع : ص ٢٥٦ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ٢ ص ١٠٣ ح ١ كلاهما عن الفضل بن شاذان ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٦٣ ح ١ .

٣- نهج البلاغة : الخطبه ١٨٣ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٣١٩ ح ٣ .

٤- بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٧٤ ح ٢٩ نقلًا عن تفسير النعماني : ج ٩٣ ص ٥٠ .

۲ / ۲ وظیفه دل و زبان

امام رضا علیه السلام از سخنان ایشان در باره علت واجبات که فضل بن شاذان ، آنها را گردآوری کرده است : اگر کسی بگوید : «چرا خدا ، به بندگان امر و نهی کرده است؟» ، گفته می شود : چون ماندگاری و درستی آنان ، جز با امر و نهی و جلوگیری از تباهی و تجاوز به یکدیگر ، ممکن نیست . اگر کسی بگوید : «چرا از آنان عبادت خواسته شده است ؟» ، گفته می شود : تا او را فراموش نکنند و تعالیمش را وا نهند و از امر و نهی او غافل نشوند ؛ چرا که درستی و تباهی و پایداری آنان ، در گرو این است ، و اگر بدون [دستور به] عبادت ، رها می شدند ، پس از گذشت زمانی دراز ، سنگ دل می شدند .

۲ / ۲ وظیفه دل و زبان امام علی علیه السلام : بدانید که خداوند عز و جل هرگز آنچه را از پیشینیان شما نپسندیده است ، از شما نیز نخواهد پسندید و هرگز آنچه را از مردمان پیش از شما پسندیده است ، از شما ناپسند نمی دارد . شما در راهی روشن ، گام برمی دارید [که گذشتگان شما رفته اند] و همان سخنی را وا گویه می کنید که مردان پیش از شما گفته اند . خداوند ، روزی دنیای شما را عهده دار شده و به سپاس گزاری تشویقتان کرده است و یاد کردن [از خود] را بر زبان هایتان واجب ساخته است .

امام علی علیه السلام در بیان وظایفی که خدای سبحان بر عهده اعضای انسان نهاده است : آنچه بر دل واجب ساخته ، ایمان است که عبارت است از : اقرار ، و شناخت ، و اعتقاد به او ، و خرسندی به آنچه بر آن ، واجب ساخته است ، و گردن نهادن به فرمان او ، و یاد کردن از او ، و اندیشیدن .

الإمام الحسن عليه السلام: «لَعَلَّموا أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا ، وَلَيْسَ بِنَارِكُمْ سِيدِي (١) . . . قَدْ كَفَأَكُمْ مَوْوَنَهُ الدُّنْيَا ، وَفَرَّغَكُمْ لِعِبَادَتِهِ ، وَحَتَّكُمْ عَلَى الشُّكْرِ ، وَافْتَرَضَ عَلَيْكُمْ الذِّكْرَ . (٢)

٢ / ٣ قَرِيضَةٌ عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الدُّعَاءِ : يَا اللَّهُ ، يَا مَنْ وَجَبَ ذِكْرُهُ عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ . (٣)

٢ / ٤ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلَا إِنَّ خَيْرَ أَعْمَالِكُمْ ، وَأَذْكَاهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ ، وَأَرْفَعَهَا عِنْدَ رَبِّكُمْ فِي دَرَجَاتِكُمْ ، وَخَيْرَ مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ الشَّمْسُ ؛ ذِكْرُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى . (٤)

سنن ابن ماجه عن أبي الدرداء عن رسول الله صلى الله عليه وآله : أَلَا أُبَيِّتُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ ، وَأَرْضَاهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ ، وَأَرْفَعَهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ ، وَخَيْرٍ لَكُمْ مِنْ إِعْطَاءِ الذَّهَبِ وَالْوَرِقِ (٥) ، وَ مِنْ أَنْ تَلْقَوْا عَدُوَّكُمْ فَتَضْرِبُوا أَعْنَاقَهُمْ وَيَضْرِبُوا أَعْنَاقَكُمْ؟ قَالُوا : وَمَا ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! قَالَ : ذِكْرُ اللَّهِ . (٦)

-
- ١- الشُّدِّي : المَهْمَل (الصَّحاح : ج ٦ ص ٢٣٧٤ «سدا»).
 - ٢- تحف العقول : ص ٢٣٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١١٠ ح ٥ .
 - ٣- البلد الأمين : ص ٤٢٠ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٦٥ ح ١ .
 - ٤- إرشاد القلوب : ص ٦٠ .
 - ٥- الورق : الفضة (النهاية : ج ٥ ص ١٧٥ «ورق»).
 - ٦- سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٤٥ ح ٣٧٩٠ ، الموطأ : ج ١ ص ٢١١ ح ٢٤ ، مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ١٦٤ ح ٢١٧٦١ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٦٧٣ ح ١٨٢٥ کلها عن أبي الدرداء ، كنز العمال : ج ١ ص ٤١٦ ح ١٧٦٧ ؛ الكافي : ج ٢ ص ٤٩٩ ح ١ ، المحاسن : ج ١ ص ١٠٩ ح ٩٦ كلاهما عن ابن القداح عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه وفيهما «ذكر الله كثيرا» ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٥٧ ح ٢٩ .

۳ / ۲ وظیفه آسمانیان و زمینیان

۴ / ۲ برترین اعمال

امام حسن علیه السلام: بدانید که خداوند، شما را بیهوده نیافریده و سرخود، رهایتان نکرده است... روزی شما را در دنیا بر عهده گرفته و شما را برای عبادتش فراغت بخشیده و به شکرگزاری، تشویقتان کرده و یاد کردن [از خود] را بر شما واجب ساخته است.

۳ / ۲ وظیفه آسمانیان و زمینیان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعا: ای خدا، ای آن که یادش بر آسمانیان و زمینیان، واجب است!

۴ / ۲ برترین اعمال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آگاه باشید که بهترین اعمال شما و پاک ترین آنها در نزد مالکتان، و بلند مرتبه ترین آنها در پیشگاه پروردگارتان و بهترین چیزی که خورشید بر آن طلوع کرده، یاد خداوند پاک و بلندمرتبه است.

سنن ابن ماجه به نقل از ابو درداء: پیامبر خدا فرمود: «آیا شما را از بهترین اعمالتان و پسندیده ترین آنها در نزد مالکتان، و بلندمرتبه ترین آنها که برایتان از انفاق کردن زر و سیم و [حتی] از این که با دشمنتان رو به رو شوید و گردن آنها را بزنید و گردنتان را بزنند، بهتر است، آگاهتان نسازم؟». گفتند: آن چیست، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «یاد خدا».

رسول الله صلى الله عليه وآله في مَوْعِظَتِهِ لِابْنِ مَسْعُودٍ : لا- تَخْتَرِ عَلَى ذِكْرِ اللَّهِ شَيْئًا ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ : «وَلَمَذِكُرِ اللَّهُ أَكْبَرُ» (١) ،
وَيَقُولُ : «فَاذْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ» (٢) . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : لَذِكْرِ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ، خَيْرٌ مِنْ حَطْمِ الشُّيُوفِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ (٤) . (٥)

كنز العمال عن معاذ عن رسول الله صلى الله عليه وآله : أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ عَلَى كُلِّ حَالٍ ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَلَا أَنْجَى لِعَبْدٍ مِنْ كُلِّ سَبِيلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ . قِيلَ : وَلَا الْقِتَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ؟ قَالَ : لَوْلَا ذِكْرُ اللَّهِ لَمْ يُؤْمَرْ بِالْقِتَالِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَلَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى مَا أَمَرُوا بِهِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى مَا كَتَبَ اللَّهُ الْقِتَالَ عَلَى عِبَادِهِ ، فَإِنَّ ذِكْرَ اللَّهِ تَعَالَى لَا يَمْنَعُكُمْ مِنَ الْقِتَالِ فِي سَبِيلِهِ ، بَلْ هُوَ عَوْنٌ لَكُمْ عَلَى ذَلِكَ قالوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَإِنَّ ذِكْرَ اللَّهِ لَا يَكْفِينَا مِنَ الْجِهَادِ ! قَالَ : وَلَا الْجِهَادُ يَكْفِي مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ ، وَلَا يَصْلُحُ الْجِهَادُ إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ ، وَإِنَّمَا الْجِهَادُ شُعْبَةٌ مِنْ شُعَبِ ذِكْرِ اللَّهِ ، وَطُوبَى لِمَنْ أَكْثَرَ فِي الْجِهَادِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ ، وَكُلُّ كَلِمَةٍ بِسَبْعِينَ أَلْفَ حَسَنَةٍ ، كُلُّ حَسَنَةٍ بِعَشْرِ ، وَعِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْمَزِيدِ مَا لَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ . (٦)

١- العنكبوت : ٤٥ .

٢- البقرة : ١٥٢ .

٣- مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٥٨ ح ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٠٧ ح ١ .

٤- قال الصدوق قدس سره : يعنى : فمن ذكر الله عز وجل بالغدو ، ويذكر ما كان منه في ليله من سوء عمله ، واستغفر الله وتاب إليه ، فإذا انتشر في ابتغاء ما قسم الله له انتشر وقد حطت عنه سيئاته وغفرت له ذنوبه . وإذا ذكر الله عز وجل بالآصال وهيا العشيّات راجع نفسه فيما كان منه في يومه ذلك ؛ من سرف على نفسه ، وإضاعه لأمر ربه ، فإذا ذكر الله عز وجل واستغفر الله تعالى وأناب ، راح إلى أهله وقد غفرت له ذنوب يومه . وإنما تحمد الشهادة أيضا إذا كانت من تائب إلى الله استغفر من معصية الله عز وجل (معاني الأخبار : ص ٤١١) .

٥- معاني الأخبار : ص ٤١١ ح ١٠٠ عن أنس ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٩٨ ح ٦١ ؛ المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٧ ص ٧٢ ح ٥ و ج ٨ ص ٢٣٥ ح ٢ كلاهما عن ابن عمر من دون إسناد إليه صلى الله عليه وآله ، الفردوس : ج ٣ ص ٤٥٤ ح ٥٤٠٢ عن أنس وفيها «بالغداة والعشيّ» ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٢٦ ح ١٨٣٨ .

٦- كنز العمّال : ج ٢ ص ٢٤٣ ح ٣٩٣١ نقلاً عن ابن صصرى في أماليه ، وص ٢٤٦ ح ٣٩٣٧ نقلاً عن ابن شاهين في الترغيب في الذكر نحوه وليس فيه من «قالوا : يا رسول الله ، فإن ذكر الله ...» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اندرز به ابن مسعود: هیچ چیز را بر یاد خدا ترجیح مده؛ چرا که خداوند می فرماید: «و قطعاً یاد خدا بالاتر است» و می فرماید: «پس یادم کنید تا یادتان کنم، و سپاسم گوئید و ناسپاسی ام مکنید».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاد کردن از خداوند در بام و شام، از شکستن شمشیرها (۱) در راه خدا بهتر است. (۲)

کنز العمال به نقل از معاذ: پیامبر خدا فرمود: «در هر حالی، خداوند عز و جلا بسیار یاد کنید؛ زیرا هیچ عملی نزد خداوند متعال، محبوب تر و در رهنیدن بنده از هر بدی ای در دنیا و آخرت، کارگرتراز یاد خدا نیست». گفته شد: حتی جنگیدن در راه خدا؟ فرمود: «اگر به خاطر یاد خدا نبود، به جنگ در راه خدا دستور داده نمی شد و اگر همه مردم به یاد خداوند متعال که بدان فرمان داده شده اند می بودند، خداوند جنگیدن را بر بندگانش واجب نمی ساخت. یاد خداوند متعال، مانع شما از جنگ در راه او نمی شود؛ بلکه کمک شما در این راه است...». گفتند: ای پیامبر خدا! یاد خدا [به تنهایی کافی نیست و] ما را از جهاد، بی نیاز نمی کند! فرمود: «جهاد هم شما را از یاد خدا بی نیاز نمی کند و جهاد، جز با یاد خدا، ارزشی ندارد. جهاد، در واقع، شاخه ای از شاخه های یاد خداست. خوشا به حال کسی که در جهاد، بسیار یاد خدا کند! هر کلمه ای [از ذکر خدا] برابر با هفتاد هزار کار نیک است و هر کار نیک، ده برابر به شمار می آید [و ده پاداش دارد]، و پاداش خداوند، چندان فراوان است که جز خود او، کسی از عهده شمارش آن بر نمی آید».

۱- یعنی: آن قدر شمشیر بزنی که شمشیر، در هم شکسته شود.

۲- شیخ صدوق قدس سره می گوید: منظور، این است که هر کس خداوند عز و جل را در بامدادان، یاد کند و عمل بد شبش را به یاد آورد و از خداوند، آمرزش بخواهد و توبه نماید و آن گاه در پی روزی تقدیر شده خدا برود، گناهانش فرو می ریزند و آمرزیده می شود، و هر گاه شامگاهان، خدا را به یاد آورد و در باره وضعیتی که در روز از زیاده روی و تباه کردن فرمان پروردگارش داشته، به خود آید و خدای عز و جل را به یاد آورد و از آن خدای والا، آمرزش بخواهد و به درگاه او بنالد، به خانواده اش باز می گردد، در حالی که گناهان آن روزش آمرزیده شده اند. شهادت هم، وقتی از سوی شخص توبه کننده به پیشگاه خداوند و آمرزش خواه از نافرمانی خداوند عز و جل باشد، ستوده است.

الإمام الباقر عليه السلام: ما من شئٍ أحبُّ إلى الله من الذكرِ والشُّكرِ . (١)

راجع : ص ٢٦ (الحثُّ على كثرة الذكر) .

٢ / ٥ أشرف الحديث رسول الله صلى الله عليه و آله : أشرف الحديث ذكرُ الله . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ أشرفَ الحديثِ ذكرُ الله تعالى ، ورأسَ الحكمة طاعته ، وأصدقَ القولِ وأبلغَ الموعظةِ وأحسينَ القَصصِ كتابُ الله . (٣)

الإمام علي عليه السلام : إنَّ أحسنَ الحديثِ ذكرُ الله . (٤)

١- الدرّ المنثور : ج ١ ص ٣٦٨ نقلاً عن ابن أبي شيبه .

٢- تفسير القمى : ج ١ ص ٢٩١ ، الاختصاص : ص ٣٤٢ عن أبي عبد الله البرقي ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٣٣ ح ٤٣ ؛ الدرّ المنثور : ج ٢ ص ٦٩٢ نقلاً عن البيهقي في الدلائل ، كنز العمّال : ج ١٥ ص ٩١٩ ح ٤٣٥٨٧ نقلاً عن أبي نصر السجزي في الإبانة .

٣- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٤٠٢ ح ٥٨٦٨ ، الأمالى للصدوق : ص ٥٧٦ ح ٧٨٨ كلاهما عن أبي الصباح الكناني عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١١٤ ح ٨ .

٤- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٥٢١ ح ١٤٨٤ ، أعلام الدين : ص ١٠٠ وفيه «أنصتوا إلى ذكر الله فإنّه أحسن الحديث» .

۲ / ۵ پُراج ترین سخن

امام باقر علیه السلام: هیچ چیزی نزد خدا، محبوب تر از یاد او و سپاس گزاری [از او] نیست .

ر . ک : ص ۲۷ (خدا را بسیار یاد کنید) .

۲ / ۵ پُراج ترین سخنیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پُراج ترین سخن ، یاد خداوند است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پُراج ترین سخن ، یاد خداوند متعال است ، و سرآمد حکمت [و خردمندی] ، فرمان بُرداری از اوست ، و راست ترین گفته و رساترین پند و نیکوترین داستان ، کتاب خداست .

امام علی علیه السلام : نیکوترین سخن ، یاد خداست .

٢ / ٦ نورُ الإيمانِ للإمامِ عليٍّ عليه السلام: ذِكْرُ اللَّهِ نُورُ الْإِيمَانِ . (١)

٢ / ٧ شَيْمَهُ الْمُتَّقِينَ للإمامِ عليٍّ عليه السلام: ذِكْرُ اللَّهِ شَيْمَهُ (٢) الْمُتَّقِينَ . (٣)

عنه عليه السلام: ذِكْرُ اللَّهِ سَجِيَّةٌ كُلُّ مُحْسِنٍ ، وَشَيْمَةٌ كُلُّ مُؤْمِنٍ . (٤)

٢ / ٨ لَذَّةُ الْمُجْتَبِينَ رسولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فى دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ: يَا مَنْ ذِكْرُهُ حُلُوٌّ ، يَا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ . (٥)

عنه صلى الله عليه و آله فى الدُّعَاءِ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مَشْغُولِينَ بِأَمْرِكَ . . . شَاكِرِينَ عَلَى نِعْمَائِكَ ، مُتَلَذِّذِينَ بِذِكْرِكَ . (٦)

الإمامِ عليٍّ عليه السلام: الذِّكْرُ لَذَّةُ الْمُجْتَبِينَ . (٧)

١- غرر الحكم: ح ٥١٦١ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٥ ح ٤٧١٦ .

٢- الشَّيْمَةُ: الخُلُقُ (الصحاح: ج ٥ ص ١٩٦٤ «شيم»).

٣- غرر الحكم: ح ٥١٦٣ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٥ ح ٤٧١٣ .

٤- غرر الحكم: ح ٥١٧٣ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٦ ح ٤٧٤٤ .

٥- البلد الأمين: ص ٤٠٦ ، المصباح للكفعمى: ص ٣٤٠ ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٩٠ .

٦- جامع الأخبار: ص ٣٦٤ ح ١٠١٣ ، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣٦٠ ح ١٦ .

٧- غرر الحكم: ح ٦٧٠ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٢ ح ٥٤٥ .

۲ / ۶ روشنایی ایمان

۲ / ۷ خوی پرهیزگاران

۲ / ۸ لذت عاشقان خدا

۲ / ۶ روشنایی ایمان امام علی علیه السلام: یاد خدا، روشنایی ایمان است.

۲ / ۷ خوی پرهیزگاران امام علی علیه السلام: یاد خدا کردن، خوی پرهیزگاران است.

امام علی علیه السلام: یاد خدا کردن، خصلت هر نیکوکار و خوی هر مؤمنی است.

۲ / ۸ لذت عاشقان خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای «جوشن کبیر»: ای آن که یادش شیرین است! ای آن که احسانش فراگیر است!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعا: خداوندا! ما را به کار خودت سرگرم بدار... و [ما را] بر نعمت هایت، سپاس گزار و از یادت، لذت برنده قرار بده.

امام علی علیه السلام: یاد خدا، لذت عاشقان است.

عنه عليه السلام: ذِكْرُ اللَّهِ مَسْرَهُ كُلِّ مُتَّقٍ ، وَلَذَهُ كُلُّ مَوْقِنٍ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا دَاوُدُ ، بِي فَافْرَحْ ، وَبِذِكْرِي فَتَلَذَّذْ ، وَبِمُنَاجَاتِي فَتَنَعَّمْ ، فَعَنْ قَرِيبٍ أُخْلِى الدَّارَ مِنَ الْفَاسِقِينَ ، وَأَجْعَلُ لِعَنْتِي عَلَى الظَّالِمِينَ . (٢)

١- غرر الحكم : ح ٥١٧٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٥٦ ح ٤٧٤٥ .

٢- الأمالى للصدوق : ص ٢٦٣ ح ٢٨٠ عن يونس بن زبيان ، روضه الواعظين : ص ٥٠٥ ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٣٤ ح ٣ .

امام علی علیه السلام: یاد خدا، مایه شادی هر پرهیزگار و لذت هر اهل یقینی است .

امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل به داوود علیه السلام وحی فرمود که: «ای داوود! به من شاد باش و از یاد من لذت ببر و به راز و نیاز با من خوش باش؛ چرا که به زودی، خانه را از نابه کاران، خالی می گردانم و لعنتم را بر ستمکاران قرار می دهم» .

الفصل الثالث: تفسير الذكر ٣ / ١ حقيقته الذكر رسول الله صلى الله عليه وآله: من أطاع الله فقد ذكر الله، وإن قلت صلاته وصيامه وتلاوته. ومن عصى الله فقد نسي الله، وإن كثرت صلاته وصيامه وتلاوته للقرآن. (١)

عنه صلى الله عليه وآله في وصيته لعلي عليه السلام: يا علي، ثلاث لا تطيقها هذه الأمة: الموساة للأخ في ماله، وإنصاف الناس من نفسه، وذكر الله على كل حال، وليس هو: «سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر»، ولكن إذا ورد على ما يحرم عليه خاف الله عز وجل عنده وتركه. (٢)

١- معاني الأخبار: ص ٣٩٩ ح ٥٦ عن مسعدة بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، الاختصاص: ص ٢٤٨، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٦ ح ٢٢؛ المعجم الكبير: ج ٢٢ ص ١٥٤ ح ٤١٣، أسد الغابة: ج ٥ ص ٤٠٣ كلاهما عن واقد مولى رسول الله صلى الله عليه وآله، الزهد لابن المبارك (الملحقات): ص ١٧ ح ٧٠ عن خالد بن أبي عمران، حليه الأولياء: ج ١٠ ص ٣٨٧ عن عبد الله بن مسعود وليس فيه «ومن عصى الله...».

٢- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٥٨ ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الخصال: ص ١٢٥ ح ١٢٢ عن أنس بن محمد عن أبيه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام.

فصل سوم: معنای یاد خدا

۳ / ۱ حقیقت یاد خدا

فصل سوم: معنای یاد خدا ۳ / ۱ حقیقت یاد خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از خدا فرمان برد، در حقیقت، از خدا یاد کرده است، اگر چه نماز و روزه و قرآن خواندنش اندک باشد، و هر کس خدا را نافرمانی کند، در حقیقت، او را فراموش کرده است، اگر چه نماز و روزه و تلاوت قرآنش بسیار باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام: ای علی! سه چیز است که این امت، طاقت آنها را ندارد: کمک مالی کردن به برادر خویش، انصاف داشتن با مردم، و به یاد خدا بودن در همه حال، و آن، گفتن «سبحان الله و الحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر» نیست؛ بلکه این است که هر گاه با آنچه بر او حرام گشته است رو به رو شود، از خداوند عز و جل بترسد و آن را مرتکب نشود.

معانى الأخبار عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام: من أشد ما عمِلَ العبادُ: إنصافُ المرءِ من نفسه ، ومواساةُ المرءِ أخاه ، وذكرُ الله على كُلِّ حالٍ . قال : قلتُ : أصلحك الله ، وما وجهُ ذكرِ الله على كُلِّ حالٍ؟ قال : يذكُرُ اللهَ عندَ المعصيةِ بهِ يَهُمُّ بها ، فيحولُ ذكرُ اللهِ بينَهُ وبينَ تلكَ المعصيةِ بهِ ، وهو قولُ الله عز و جل : «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (١) . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: من أشد ما فرضَ الله على خَلْقِهِ ذِكْرُ اللَّهِ كَثِيرًا ثُمَّ قَالَ : لا أعنى : «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» وإن كانَ مِنْهُ ، ولكن ذِكْرَ اللَّهِ عِنْدَ مَا أَحَلَّ وَحَرَّمَ ؛ فَإِن كَانَ طَاعَةً عَمِلَ بِهَا ، وَإِن كَانَ مَعْصِيَةً تَرَكَهَا . (٣)

الكافي عن عبد الأعلى بن أعين : كَتَبَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا يَسْأَلُونَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَشْيَاءَ ، وَأَمْرُونِي أَنْ أَسْأَلَهُ عَنْ حَقِّ الْمُسْلِمِ عَلَى أَخِيهِ ، فَسَأَلْتُهُ فَلَمْ يُجِبْنِي ، فَلَمَّا جِئْتُ لِأَوْدَعَهُ ، فَقُلْتُ : سَأَلْتُكَ فَلَمْ تُجِبْنِي؟! فَقَالَ : إِنِّي أَخَافُ أَنْ تَكْفُرُوا ! (٤) إِنَّ مِنْ أَشَدِّ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ ثَلَاثًا : إِنْصَافُ الْمَرْءِ مِنْ نَفْسِهِ حَتَّى لَا يَرْضَى لِأَخِيهِ مِنْ نَفْسِهِ إِلَّا بِمَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ مِنْهُ ، وَمُوَاسَاةُ الْأَخِ فِي الْمَالِ ، وَذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ ، لَيْسَ «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ» ، وَلَكِنْ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَيَدْعُهُ . (٥)

- ١- الأعراف : ٢٠١ . وطيفُ الشيطان وطائفه : إمامه بمس أو وسوسه (المصباح المنير : ص ٣٨٣ «طاف»).
- ٢- معانى الأخبار : ص ١٩٢ ح ٢ ، الخصال : ص ١٣١ ح ١٣٨ ، جامع الأحاديث للقمي : ص ١٨٩ ، تحف العقول : ص ٣٧٨ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٣٧٩ ح ٣٦ .
- ٣- الكافي : ج ٢ ص ٨٠ ح ٤ عن أبي عبيده وص ١٤٥ ح ٨ ، معانى الأخبار : ص ١٩٣ ح ٣ كلاهما عن الحسن (الحسين) البزار ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٨٧ ، بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ٢٩ ح ٢٠ .
- ٤- قال المجلسي قدس سره : قوله عليه السلام : «أن تكفروا» ، قيل : أى تخالفوا بعد العلم ، وهو أحد معانى الكفر . وأقول : لعل المراد به أن تشكروا فى الحكم أو فينا ؛ لعظمته وصعوبته . أو تستخفوا به وهو مظنه الكفر (مرآة العقول : ج ٩ ص ٣٢).
- ٥- الكافي : ج ٢ ص ١٧٠ ح ٣ وص ١٤٤ ح ٣ عن جارود أبى المنذر وفى ذيله «لكن إذا ورد عليك شىء أمر الله عز و جل به أخذت به ، أو إذا ورد عليك شىء نهى الله عز و جل عنه تركته» وص ١٤٥ ح ٩ ، معانى الأخبار : ص ١٩٢ ح ١ كلاهما عن أبى أسامة زيد الشحام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٢٤٢ ح ٤١ .

معانی الأخبار به نقل از ابو بصیر: امام باقر علیه السلام فرمود: «از جمله سخت ترین کارهای بندگان، سه چیز است: انصاف داشتن، کمک مالی کردن انسان به برادر خویش، و به یاد خدا بودن در همه حال». گفتم: به سلامت باشید! به یاد خدا بودن در همه حال، به چه معناست؟ فرمود: «در هنگام رو به رو شدن با گناه و تصمیم به انجام دادن آن، خدا را به یاد آورد. پس یاد خدا، میان او و آن گناه، حائل می شود. این است سخن خداوند عز و جل که می فرماید: «آنان که پرهیزگاری می کنند، چون وسوسه ای از شیطان به آنان برسد، خدا را یاد می کنند و به ناگاه، بینا می شوند».

امام صادق علیه السلام: از سخت ترین چیزهایی که خداوند بر بندگانش واجب ساخته، بسیار یاد کردن خداست. مقصودم، «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر» نیست، هر چند این هم یاد خداست. مقصودم، به یاد آوردن خدا در هنگام مواجه شدن با حلال و حرام اوست، که اگر فرمان بود، آن را به کار ببندد و اگر نافرمانی بود، رهاش کند.

الکافی به نقل از عبد الأعلى بن أعین: برخی از شیعیان، ما نامه نوشتند و از امام صادق علیه السلام سؤالاتی کردند و به من مأموریت دادند که از ایشان در باره حقّ مسلمان بر برادرش بیرسم. من پرسیدم: «آیا ایشان پاسخم را نگفت. چون برای خداحافظی خدمت ایشان رفتم، گفتم: از شما سؤالی کردم؛ اما پاسخم را ندادید! فرمود: «می ترسم کافر شوید! (۱) همانا از سخت ترین وظایفی که خداوند بر عهده خلقتش نهاده، سه چیز است: انصاف داشتن آدمی به طوری که از جانب خود برای برادرش همان چیزی را بپسندد که از جانب او برای خود می پسندد، و شریک کردن برادرش در مال خود، و به یاد خدا بودن در همه حال. یاد خدا هم [فقط] گفتن «سبحان الله و الحمد لله» نیست؛ بلکه به این معناست که هنگام مواجه شدن با آنچه خدا بر او حرام کرده است، به یاد او باشد و آن حرام را وا نهد».

۱- علامه مجلسی قدس سره می گوید: این که فرمود: «[می ترسم] کافر شوید»، به قولی، یعنی بعد از دانستن، خلاف آن عمل کنید، و این، یکی از معانی کفر است. من می گویم: شاید مراد، این باشد که: [می ترسم] در حکم یا در باره ما شک کنید؛ چرا که حقّی بزرگ و دشوار است، یا به این معناست که [می ترسم] آن را سبک بشمارید، و این خود، از مصادیق کفر است.

الإمام عليّ عليه السلام: لا تذكّر الله سبحانه ساهياً ، ولا تنسه لاهياً ، واذكره كاملاً يوافق فيه قلبك لسانك ، ويطبّق إضمارك إعلانك ، ولن تذكره حقيقة الذكر حتى تنسى نفسك في ذكرك ، وتفقدّها في أمرك . (١)

٣ / ٢ من يعدّ ذاكر الإمام عليّ عليه السلام : سامع ذكر الله ذاكر . (٢)

الإمام الباقر عليه السلام : أيما مؤمن حافظ على صلاه الفريضة فصلّاها لوقتها فليس هو من الغافلين ، فإن قرأ فيها بمئه آيه فهو من الذّاكرين . (٣)

٣ / ٣ من يعدّ كثير الذكر رسول الله صلى الله عليه و آله : من استيقظ من الليل وأيقظ امرأته فصلياً ركعتين جميعاً ، كتب من الذّاكرين الله كثيراً والذّاكرات (٤) . (٥)

١- غررالحكم : ح ١٠٣٥٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٢٥ ح ٩٥٦٧ .

٢- غرر الحكم : ح ٥٥٧٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٨٣ ح ٥٠٩٢ .

٣- المحاسن : ج ١ ص ١٢٣ ح ١٣٥ عن زراره ، بحار الأنوار : ج ٨٣ ص ٢٠ ح ٣٤ وج ٨٥ ص ٤١ ح ٢٨ .

٤- إشاره إلى الآية ٣٥ من سورة الأحزاب .

٥- سنن أبي داود : ج ٢ ص ٧٠ ح ١٤٥١ ، سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٤٢٤ ح ١٣٣٥ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٢ ص

٤٥٢ ح ٣٥٦١ ، السنن الكبرى : ج ٢ ص ٧٠٦ ح ٤٦٤٥ كلّها عن أبي سعيد الخدرى وأبي هريره ، كنز العمال : ج ٧ ص ٧٨٤ ح

٢١٤٠٠ ؛ مجمع البيان : ج ٨ ص ٥٦١ عن أبي سعيد الخدرى ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ١٥٨ ح ٤٤ .

۲ / ۳ کسانی که یادکننده خدا به شمار می آیند**۳ / ۳ کسانی که بسیار یادکننده خدا به شمار می آیند**

امام علی علیه السلام: نه خدای سبحان را با بی توجهی یاد کن و نه از او غافل شو و [به کلی] فراموشش کن؛ بلکه با تمام وجودت او را یاد کن، آن سان که دلت با زبانت هم نوا باشد و نهانت با آشکارت، سازگار. تو حقیقتاً به یاد خدا نخواهی بود، مگر آن گاه که خودت را در یادی که می گویی، از یاد بیری و در وقت ذکر گفتن، خویشتن را گم کنی [و فانی در مذکور شوی].

۲ / ۳ کسانی که یادکننده خدا به شمار می آیند امام علی علیه السلام: شنونده یاد خدا [نیز] یادکننده خداست.

امام باقر علیه السلام: هر مؤمنی که نماز واجب را پاس بدارد و آن را به وقتش بخواند، از غافلان نیست و اگر در آن نماز یکصد آیه بخواند، از یادکنندگان است.

۳ / ۳ کسانی که بسیار یادکننده خدا به شمار می آیند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در شب، بیدار شود و همسرش را هم بیدار کند و هر دو، دو رکعت نماز بخوانند، در شمار مردان و زنانی نوشته می شوند که بسیار یاد خدا می کنند. (۱)

۱- اشاره است به آیه ۳۵ از سوره احزاب.

الإمام علي عليه السلام: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي السَّرِّ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ، إِنَّ الْمُنَافِقِينَ كَانُوا يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَلَانِيَةً وَلَا يَذْكُرُونَهُ فِي السَّرِّ ، فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : «يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» (١) . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام حِينَ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» (٣) مَا هَذَا الذِّكْرُ الْكَثِيرُ؟ : مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ الذِّكْرَ الْكَثِيرَ . (٤)

عنه عليه السلام :تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : «اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» . (٥)

عنه عليه السلام :تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» (٦) . (٧)

عنه عليه السلام :مَنْ بَاتَ عَلَى تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ ، كَانَ مِنَ الذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ . (٨)

تهذيب الأحكام عن ابن بكير :قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» مَاذَا الذِّكْرُ الْكَثِيرُ؟ قَالَ : أَنْ يُسَبَّحَ فِي دُبْرِ الْمَكْتُوبَةِ ثَلَاثِينَ مَرَّةً . (٩)

١- النساء : ١٤٢ .

٢- الكافي : ج ٢ ص ٥٠١ ح ٢ ، الدعوات : ص ٢٠ ح ١٤ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٦٠ ح ٤١

٣- الأحزاب : ٤١ .

٤- معاني الأخبار : ص ١٩٣ ح ٥ عن محمد بن مسلم ، المقنعة : ص ١٤٠ وفيه «من سبَّح في عقب كل فريضة تسبيح الزهراء فاطمة صلوات الله عليها...» ، مجمع البيان : ج ٨ ص ٥٦٨ عن زرارة وحرمان ابني أعين ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ٣٣١ ح ٨ و ص ٣٣٥ ح ٢٢ .

٥- الكافي : ج ٢ ص ٥٠٠ ح ٤ عن زرارة بن أعين ، تأويل الآيات الظاهرة : ج ٢ ص ٤٥٤ ح ١٥ عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام .

٦- البقرة : ١٥٢ .

٧- معاني الأخبار : ص ١٩٤ ح ٥ عن محمد بن مسلم ، تفسير العياشي : ج ١ ص ٦٧ ح ١٢٢ عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٥٥ ح ١٩ .

٨- مجمع البيان : ج ٨ ص ٥٦١ ، بحار الأنوار : ج ٢٢ ص ١٧٦ و ج ٨٥ ص ٣٣٥ ح ٢٢ و ج ٨٧ ص ١٧٤ .

٩- تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ١٠٧ ح ٤٠٥ ، قرب الإسناد : ص ١٦٩ ح ٦٢١ وفيه «ما أدنى» بدل «ماذا» ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٤ ح ٢٥ .

امام علی علیه السلام: هر که خداوند عز و جل را در نهان یاد کند، خدا را بسیار یاد کرده است. منافقان، خداوند را در آشکار، یاد می کردند؛ اما در نهان، یادش نمی کردند. پس خداوند عز و جل فرمود: «و با مردم، ریا می کنند و خدای را یاد نمی کنند، مگر اندکی».

امام صادق علیه السلام در پاسخ این سؤال که: «یاد بسیار» در این سخن خداوند عز و جل: «خدا را یاد کنید، یادی بسیار» چیست؟: کسی که تسبیح فاطمه علیهاالسلام را بگوید، خدا را بسیار یاد کرده است.

امام صادق علیه السلام: تسبیح فاطمه زهرا علیهاالسلام از جمله همان «یاد بسیار» است که خداوند عز و جل فرموده: «خدا را یاد کنید، یادی بسیار».

امام صادق علیه السلام: تسبیح فاطمه علیهاالسلام از جمله یاد بسیار خداست که خداوند عز و جل فرموده: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم».

امام صادق علیه السلام: هر کس شب در هنگام خوابیدن، تسبیح فاطمه علیهاالسلام را بگوید، از شمار مردان و زنانی است که بسیار یاد خدا می گویند.

تهذیب الأحکام به نقل از ابن بکیر: به امام صادق علیه السلام گفتم: مقصود از «یاد بسیار» در این سخن خداوند عز و جل: «خدا را یاد کنید، یادی بسیار» چیست؟ فرمود: «این که در پایان نماز واجب، سی مرتبه سبحان الله بگوید».

الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «اذكروا الله ذكراً كثيراً»: إذا ذكر العبد ربه في اليوم مئة مرة، كان ذلك كثيراً. (١)

راجع: ص ٢٦ (الحث على كثرة الذكر).

٣ / ٤ من ذكره عبادته رسول الله صلى الله عليه وآله: ذكر الله عز وجل عبادته، وذكرى عبادته، وذكر علي عبادته، وذكر الأئمة من ولده عبادته. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: ذكر علي عبادته. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: ذكر الأنبياء من العباد، وذكر الصالحين كفارة، وذكر الموت صدقة، وذكر القبر يقربكم من الجنة. (٤)

١- النوادر للأشعري: ص ١٣٧ ح ٣٥٧ عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٠ ح ٣٨.

٢- الاختصاص: ص ٢٢٤ عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج ٣٦ ص ٣٧٠ ح ٢٣٤ وج ٩٤ ص ٦٩ ح ٥٨.

٣- الفردوس: ج ٢ ص ٢٤٤ ح ٣١٥١، المناقب لابن المغازلي: ص ٢٠٦ ح ٢٤٣ كلاهما عن عائشة، كنز العمال: ج ١١ ص ٦٠١ ح ٣٢٨٩٤؛ مائه منقبه: ص ١٢٣ ح ٦٨، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٣ ص ٢٠٢ كلاهما عن عائشة، بحار الأنوار: ج ٣٨ ص ١٩٩.

٤- كنز العمال: ج ١١ ص ٤٧٧ ح ٣٢٢٤٧ وج ١٥ ص ٨٦٤ ح ٤٣٤٣٨ كلاهما نقلاً عن الفردوس، و ص ٩١٨ ح ٤٣٥٨٤ نقلاً عن الديلمي نحوه وكلها عن معاذ بن جبل، كشف الخفاء: ج ١ ص ٤١٩ ح ١٣٤٥.

۳ / ۴ کسانی که یاد کردن از آنان ، عبادت است

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند متعال : «خدا را یاد کنید ، یادی بسیار» : هر گاه بنده در روز ، صد مرتبه پروردگارش را یاد کند ، این ، همان [یاد] بسیار است .

ر . ک : ص ۲۷ (خدا را بسیار یاد کنید) .

۳ / ۴ کسانی که یاد کردن از آنان ، عبادت استپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل را یاد کردن ، عبادت است . مرا یاد کردن ، عبادت است . علی را یاد کردن ، عبادت است ، و امامان از نسل او را یاد کردن ، عبادت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : علی را یاد کردن ، عبادت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : یاد کردن از پیامبران ، عبادت است . یاد کردن از نیکان ، عبادت است . یاد کردن از مرگ ، صدقه است ، و یاد کردن از قبر ، شما را به بهشت ، نزدیک می کند .

عنه صلى الله عليه و آله :عند ذكر الصالحين تنزل (١) الرحمة . (٢)

الإمام على عليه السلام من كتابه لمحمد بن أبي بكر وأهل مصر لما ولأه عليهم : يا عباد الله ! إن اتقيتم الله، وحفظتم نبيكم في أهل بيته ؛ فقد عبدتموه بأفضل ما عبد ، وذكرتموه بأفضل ما ذكر ، وشكرتموه بأفضل ما شكر ، وأخذتم بأفضل الصبر والشكر ، واجتهدتم بأفضل الاجتهاد . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام :شيعتنا الرُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ، الَّذِينَ إِذَا خَلَوْا ذَكَرُوا اللَّهَ ، (إِنَّ ذِكْرَنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ) (٤) إِنَّا إِذَا ذُكِرْنَا ذُكِرَ اللَّهُ ، وَإِذَا ذُكِرَ عَدُوُّنَا ذُكِرَ الشَّيْطَانُ. (٥)

عنه عليه السلام لداوود بن سرحان :يا داوود ، أبلغ موالى عنى السلام ، وأنى أقول : رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَمَعَ مَعَ آخَرَ فَتَذَاكَرَا أَمْرَنَا ، فَإِنَّ تَالِثَهُمَا مَلَكٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُمَا ، وَمَا اجْتَمَعَ اثْنَانِ عَلَى ذِكْرِنَا إِلَّا بَاهَى اللَّهُ تَعَالَى بِهِمَا الْمَلَائِكَةَ . فَإِذَا اجْتَمَعْتُمْ فَاسْتَعْلُوا بِالذِّكْرِ ؛ فَإِنَّ فِي اجْتِمَاعِكُمْ وَمُذَاكَرَتِكُمْ إِحْيَاءَنَا ، وَخَيْرُ النَّاسِ مِنْ بَعْدِنَا مَنْ ذَاكَرَ بِأَمْرِنَا ، وَدَعَا إِلَى ذِكْرِنَا . (٦)

١- في بحار الأنوار : «ينزل» ، وما أثبتناه من كشف الخفاء .

٢- بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٣٤٩ ح ١٥ نقلًا عن مجموعته بخط بعض الأفاضل ؛ كشف الخفاء : ج ٢ ص ٧٠ ح ١٧٧٢ .

٣- الأمالى للمفيد : ص ٢٦٣ ح ٣ ، الأمالى للطوسى : ص ٢٧ ح ٣١ كلاهما عن أبي إسحاق الهمداني ، تحف العقول : ص ١٧٨ ، بشاره المصطفى : ص ٤٥ ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٥٤٤ .

٤- ما بين الهلالين لا يوجد في بحار الأنوار ، و الظاهر زيادته أو كونه نسخه بدل عما بعده .

٥- الكافي : ج ٢ ص ١٨٦ ح ١ عن على بن أبي حمزه ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٢٥٨ ح ٥٥ .

٦- الأمالى للطوسى : ص ٢٢٤ ح ٣٩٠ ، بشاره المصطفى : ص ١١٠ وليس فيه «وما اجتمع اثنان على ذكرنا إلا باهى الله تعالى بهما الملائكة» وكلاهما عن معتب مولى الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ١ ص ٢٠٠ ح ٨ و ج ٧٤ ص ٣٥٤ ح ٣١ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در هنگام یاد کردن از نیکان، رحمت نازل می شود.

امام علی علیه السلام از نامه ایشان به محمد بن ابی بکر و مردم مصر، آن گاه که او را به حکومت بر ایشان گماشت: ای بندگان خدا! اگر از خدا پروا دارید و [حق و حرمت] خاندان پیامبرتان را نگه دارید، بی گمان، خدا را به بهترین وجه بندگی کرده اید و به بهترین وجه، یادش نموده اید و به بهترین وجه، سیاسش گفته اید و به برترین مرتبه شکیب و سپاس، دست یازیده اید و به برترین کار و تلاش پرداخته اید.

امام صادق علیه السلام: شیعیان ما، با یکدیگر مهربان اند. آنان اند که در خلوت و تنهایی خویش، خدا را یاد می کنند. یاد کردن از ما، یاد کردن از خداست. هر گاه از ما یاد شود، از خدا یاد شده است و هر گاه از دشمن ما یاد شود، از شیطان یاد شده است.

امام صادق علیه السلام به داوود بن سرحان: ای داوود! سلام مرا به دوستانم برسان و از قول من به آنان بگو: خدا رحمت کند آن بنده ای را که با دیگری گرد آید و از کار ما سخن بگویند؛ زیرا که سومین آن دو، فرشته ای است که برایشان آموزش می طلبد! هرگز دو نفر با هم گرد نیامدند و از ما یاد نکردند، مگر آن که خداوند متعال، به آن دو، بر فرشتگان، مباحات کرد. پس هر گاه با هم جمع شدید، به یاد کردن [از ما] پردازید؛ زیرا در گردهمایی و گفتگوی شما، زنده شدن [یاد و نام و مکتب] ماست. بهترین مردمان، پس از ما، کسی است که در باره کار ما گفتگو کند و به یاد کردن از ما فرا بخواند.

الفصل الرابع: أقسام الذكر ٤ / الذكر باللسان والذكر عند المصيبة وعند ما حرّم اللّهُ رسول اللّهُ صلى الله عليه وآله : الذكر
ذکران : ذکر اللّهُ باللسان فحسّن ، و ذکر اللّهُ عند ما حرّم عليك فتمسك نفسك عنه فذلك أفضل . (١)

الإمام عليّ عليه السلام : الذكر ذكران : ذكر اللّهُ عز وجل عند المصيبة ، وأفضل من ذلك ذكر اللّهُ عند ما حرّم عليك فيكون
حاجزا . (٢)

عنه عليه السلام في الحكم المنسوبه إليه : الذكر ذكران : أحدهما ذكر اللّهُ وتحميده ، فما أحسنه وأعظم أجره ! والثاني ذكر اللّهُ
عند ما حرّم اللّهُ ، وهو أفضل من الأوّل . (٣)

١- الفردوس : ج ٢ ص ٢٤٩ ح ٣١٧٢ عن أنس .

٢- الكافي : ج ٢ ص ٩٠ ح ١١ ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٦ ، مشكاة الأنوار : ص ١١٢ ح ٢٥٨ كلّها عن الأصمغ بن نباته ،
تحف العقول : ص ٢١٦ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٦٤ ح ٤٣ .

٣- شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٣٤٧ ح ٩٨٥ .

فصل چهارم: اقسام یاد خدا

۴ / ۱ یاد کردن زبانی، یاد کردن در مصیبت، و یاد کردن در مواجهه با حرام های خدا

فصل چهارم: اقسام یاد خدا ۴ / ۱ یاد کردن زبانی، یاد کردن در مصیبت، و یاد کردن در مواجهه با حرام های خدا صلی الله علیه و آله
یاد کردن [از خدا]، دو گونه است: یاد کردن از خدا با زبان، که خوب است؛ و به یاد خدا بودن در هنگام رو به رو شدن با
آنچه بر تو حرام کرده است و خویشنداری از ارتکاب آن، که این، برتر است.

امام علی علیه السلام: یاد کردن از خدا، دو گونه است: یاد خدا کردن در هنگام مصیبت، و از این برتر، یاد خدا کردن در
هنگام رو به رو شدن با حرام های اوست؛ زیرا تو را از ارتکاب آنها باز می دارد.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: یاد خدا، دو گونه است: یکی بردن نام خدا و ستودن اوست، و چه
نیکوست این یاد و چه بزرگ است پاداش آن! و دوم، به یاد خدا بودن در هنگام مواجه شدن با آنچه خدا حرام کرده است،
و این، برتر از اولی است.

٤ / ٢ ذِكْرٌ خَالِصٌ وَذِكْرٌ صَارِفٌ صَارِفٌ مَصْبَاحُ الشَّرِيعَةِ فِيمَا نَسَبَهُ إِلَى الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الذِّكْرُ ذِكْرَانِ : ذِكْرٌ خَالِصٌ بِمُوَافَقِهِ الْقَلْبِ ، وَذِكْرٌ صَارِفٌ (١) يَنْفَى ذِكْرَ غَيْرِهِ . كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنِّي لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ ؛ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ . فَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ يَجْعَلْ لِذِكْرِهِ مِقْدَارًا عِنْدَ عِلْمِهِ بِحَقِيقَتِهِ سَابِقَهُ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مِنْ قَبْلِ ذِكْرِهِ لَهُ ، فَمَنْ دَوَّنَهُ أَوْلَى . فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذْكُرَ اللَّهَ ، فَلْيَعْلَمْ أَنَّهُ مَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهُ الْعَبْدَ بِالتَّوْفِيقِ لِذِكْرِهِ ، لَا يَقْدِرُ الْعَبْدُ عَلَى ذِكْرِهِ . (٢)

٤ / ١٣ الأذكارُ السَّبْعَةُ الخصال عن عبد الله بن حامد رفعه إلى بعض الصالحين عليهم السلام : الذِّكْرُ مَقْسُومٌ عَلَى سَبْعَةِ أَعْضَاءٍ : اللِّسَانِ ، وَالرُّوحِ ، وَالنَّفْسِ ، وَالْعَقْلِ ، وَالْمَعْرِفَةِ ، وَالسِّرِّ ، وَالْقَلْبِ . وَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهَا يَحْتَاجُ إِلَى الْإِسْتِقَامَةِ . فَأَمَّا اسْتِقَامَةُ اللِّسَانِ فَصِدْقُ الْإِقْرَارِ ، وَاسْتِقَامَةُ الرُّوحِ صِدْقُ الْإِسْتِغْفَارِ ، وَاسْتِقَامَةُ الْقَلْبِ صِدْقُ الْإِعْتِدَارِ ، وَاسْتِقَامَةُ الْعَقْلِ صِدْقُ الْإِعْتِبَارِ ، وَاسْتِقَامَةُ الْمَعْرِفَةِ صِدْقُ الْإِفْتِخَارِ ، وَاسْتِقَامَةُ السِّرِّ السُّرُورُ بِعَالَمِ الْأَسْرَارِ ، وَاسْتِقَامَةُ الْقَلْبِ صِدْقُ الْيَقِينِ وَمَعْرِفَةُ الْجَبَّارِ . فَذِكْرُ اللِّسَانِ الْحَمْدُ وَالثَّنَاءُ ، وَذِكْرُ النَّفْسِ الْجَهْدُ وَالْعَنَاءُ ، وَذِكْرُ الرُّوحِ الْخَوْفُ وَالرَّجَاءُ ، وَذِكْرُ الْقَلْبِ الصُّدْقُ وَالصَّفَاءُ ، وَذِكْرُ الْعَقْلِ التَّعْظِيمُ وَالْحَيَاءُ ، وَذِكْرُ الْمَعْرِفَةِ التَّسْلِيمُ وَالرِّضَاءُ ، وَذِكْرُ السِّرِّ عَلَى رُؤْيِهِ اللَّقَاءُ (٣) . (٤)

١- في الطبعة المعتمدة : «وذِكْرٌ صَادِقٌ» ، والأصح ما أثبتناه كما في نسخه أخرى و بحار الأنوار .

٢- مصباح الشريعة : ص ٥٠ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٥٩ ح ٣٣ .

٣- في مشكاة الأنوار : «وذِكْرُ السِّرِّ الرُّؤْيَةُ وَاللِّقَاءُ» .

٤- الخصال : ص ٤٠٤ ، مشكاة الأنوار : ص ١١٣ ح ٢٤١ ، روضه الواعظين : ص ٤٢٧ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٥٣ ح ١٤ .

۴ / ۲ یاد کردن خالص و یاد کردن صارف

۴ / ۳ هفت گونه یاد کردن

۴ / ۲ یاد کردن خالص و یاد کردن صارف مصباح الشریعه در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است: یاد کردن از خدا، دو گونه است: یکی یاد کردن خالص که با دل، سازگار و همراه است؛ و دیگری یاد کردن صارف (۱) که یاد جز او را از دل می‌زداید، چنان که پیامبر خدا فرمود: «من، ثنای تو را شمارش نمی‌توانم کرد. تو چنانی که خود در ثنای خویش گفته‌ای». بنا بر این [حتی] پیامبر خدا، برای یاد کردن از خداوند، حدی تعیین نکرد؛ چون به راستی می‌دانست که پیش از آن که او به یاد خدا باشد، خداوند عز و جل به یاد او بوده و هست. پس دیگران به طریق اولی نمی‌توانند [برای یاد کردن از خدا، حدی تعیین کنند]. پس هر که می‌خواهد خدای متعال را یاد کند، باید بداند که اگر خداوند توفیق یاد کردن از خود را به بنده ندهد، بنده، قادر به یاد کردن از او نیست.

۴ / ۳ هفت گونه یاد کردن الخصال به نقل از عبد الله بن حامد، از یکی از اهل بیت علیهم السلام: یاد [خدا] میان هفت عضو، تقسیم شده است: زبان، روان، نفس (/تن)، خرد، شناخت، درون، و دل. و هر یک از اینها را درستی باید. درستی زبان، به اقرار راستین است. درستی روان، به آموزش خواهی راستین است. درستی نفس، (۲) به پوزش خواهی راستین است. درستی خرد، به پند آموختن راستین است. درستی شناخت، به افتخار راستین است. درستی درون، به شاد بودن به جهان نهان هاست، و درستی دل، به یقین راستین و شناخت [خدای] جبار است. پس، یاد کردن به زبان، ستایش و تمجید [خدا] است و یاد کردن به نفس (/تن)، کوشش و رنج بردن است و یاد کردن به روان، بیم و امید است و یاد کردن به دل، راستی و یک دلی است و یاد کردن به خرد، بزرگداشت و شرم [از خدا] است و یاد کردن به شناخت، گردن نهادن و خرسندی است و یاد کردن به درون، دیدار [و] ملاقات اوست.

۱- در باره ذکر صارف، ر.ک: ص ۲۱ (پانوش ۲).

۲- به قرینه ذکر «استقامه القلب» در ادامه متن حدیث، یا باید این جا «النفس» باشد و در استنساخ، خطایی رخ داده باشد و یا مراد از «القلب»، همان نفس و جان باشد.

٤ / الذِّكْرُ الْخَفِيُّ الْكِتَابُ «وَأَذْكَرُ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَفْلِينَ» .

(١)

الحديث للإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: لَا يَكْتُبُ الْمَلَكُ إِلَّا مَا سَمِعَ ، وَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : «وَأَذْكَرُ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً» فَلَا يَعْلَمُ ثَوَابَ ذَلِكَ الذِّكْرِ فِي نَفْسِ الرَّجُلِ غَيْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِزُّهُ وَجَلَلَتْ عِزَّتُهُ . (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله : «وَأَذْكَرُ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ» يَعْنِي مُسْتَكِينًا «وَخِيفَةً» يَعْنِي خَوْفًا مِنْ عَذَابِهِ «وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ» يَعْنِي دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقِرَاءَةِ «بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» يَعْنِي بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ . (٣)

١- الأعراف : ٢٠٥.

٢- الكافي : ج ٢ ص ٥٠٢ ح ٤ ، الزهد للحسين بن سعيد : ص ٥٣ ح ١٤٤ وليس فيه «لعظمته» ، عده الداعي : ص ٢٤٤ ، تفسير العياشي : ج ٢ ص ٤٤ ح ١٣٤ وفيه «اسمع نفسه» بدل «سمع» وكلها عن زرارة ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٥٩ ح ٣٦ وص ٣٤٢ ح ١١.

٣- تفسير العياشي : ج ٢ ص ٤٤ ح ١٣٥ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٥٩ ح ٣٧.

۴ / ۴ یاد کردن نهانی

۴ / ۴ یاد کردن نهانیقرآن «و در دل خویش، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان، با زاری و ترس و بی صدای بلند، یاد کن و از غافلان مباش» .

حدیثامام باقر یا امام صادق علیهماالسلام: فرشته، جز آنچه را می شنود، نمی نویسد، و خداوند عز و جلفرموده است: «و پروردگارت را در دل خویش با زاری و ترس، یاد کن». پس [اندازه] پاداش این یاد کردن درونی آدمی را به خاطر عظمتی که دارد، کسی جز خداوند عز و جل نمی داند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «و پروردگارت را در دل خویش با تضرع، یاد کن» یعنی با حال خواری «و ترس»، یعنی ترس از عذاب او، «و بی صدای بلند»، یعنی آهسته تر از قرائت، «در بامدادان و شامگاهان»، یعنی در صبح و شب.

الكافي عن العلاء بن كامل: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «وَأَذْكَرُ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ» عِنْدَ الْمَسَاءِ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُحْيِي وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». قَالَ: قُلْتُ: بِيَدِهِ الْخَيْرُ! قَالَ: إِنَّ بِيَدِهِ الْخَيْرَ، وَلَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ لَكَ، عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَ«أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ» حِينَ تَطْلُعُ الشَّمْسُ وَحِينَ تَغْرُبُ، عَشْرَ مَرَّاتٍ. (١)

الأمالي للطوسي عن أبي ذرٍّ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَبَا ذَرٍّ، أَذْكَرُ اللَّهَ ذِكْرًا خَامِلًا. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الذِّكْرُ الْخَامِلُ؟ قَالَ: الذِّكْرُ الْخَفِيُّ. (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: خَيْرُ الذِّكْرِ الْخَفِيُّ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: الذِّكْرُ (٤) الَّذِي لَا يَسْمَعُهُ الْحَفَظُ يَزِيدُ عَلَى الذِّكْرِ الَّذِي يَسْمَعُهُ الْحَفَظُ سَبْعِينَ ضِعْفًا. (٥)

مسند أبي يعلى عن عائشه: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُفَضِّلُ الذِّكْرَ الْخَفِيَّ الَّذِي لَا يَسْمَعُهُ الْحَفَظُ سَبْعِينَ ضِعْفًا يَقُولُ: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَجَمَعَ اللَّهُ الْخَلَائِقَ لِحِسَابِهِمْ، وَجَاءَتِ الْحَفَظَةُ بِمَا حَفِظُوا وَكَتَبُوا، قَالَ اللَّهُ لَهُمْ: أَنْظَرُوا هَلْ بَقِيَ لَكُمْ مِنْ شَيْءٍ؟ فَيَقُولُونَ: رَبَّنَا مَا تَرَكْنَا شَيْئًا مِمَّا عَلَّمْنَاهُ وَحَفِظْنَاهُ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَيْنَاهُ وَكَتَبْنَاهُ! فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ: إِنَّ لَكَ عِنْدِي خَبْنًا (٦) لَا تَعْلَمُهُ وَأَنَا أَجْزِيكَ بِهِ؛ وَهُوَ الذِّكْرُ الْخَفِيُّ. (٧)

- ١- الكافي: ج ٢ ص ٥٢٧ ح ١٧، تفسير العياشي: ج ٢ ص ٤٥ ح ١٣٦ عن الحسين بن المختار وزاد فيه «من همزات الشياطين، وأعوذ بك رب أن يحضرون، إن الله هو السميع العليم، عشر مرّات» بعد «العليم»، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٦١ ح ٣٠.
- ٢- الأمالي للطوسي: ص ٥٣٠ ح ١١٦٢، عدّه الداعي: ص ٢٤٣، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٥٦، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٤٢ ح ١١؛ الزهد لابن المبارك: ص ٥٠ ح ١٥٥ عن ضميره بن حبيب، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٥ ح ١٧٥٧.
- ٣- مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٣٦٤ ح ١٤٧٧ و ص ٣٨١ ح ١٥٥٩، مسند أبي يعلى: ج ١ ص ٣٤٥ ح ٧٢٧، شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٠٧ ح ٥٥٢ كلّها عن سعد بن مالك وح ٥٥٤، صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ٩١ ح ٨٠٩ كلاهما عن سعد بن أبي وقاص، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٧ ح ١٧٧١.
- ٤- في الفردوس: «الذكر الخفي الذي...».
- ٥- شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٠٧ ح ٥٥٥، الفردوس: ج ٢ ص ٢٤٩ ح ٣١٧٠ كلاهما عن عائشه، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٤ ح ١٧٥٠ و ص ٤٤٧ ح ١٩٢٩.
- ٦- الخَبْنُ: المُدْخَرُ (المعجم الوسيط: ج ١ ص ٢١٣ «خبأ»).
- ٧- مسند أبي يعلى (طبعه دار الثقافة العربيّه): ج ٨ ص ١٨٢ ح ٤٧٣٨.

الکافی به نقل از علاء بن کامل: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: «در هنگام شب، پروردگارت را در دل خویش، با زاری و ترس و بی صدای بلند، یاد کن» [و بگو]: «معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست. پادشاهی و ستایش، از آن اوست. زنده می کند و می میراند، و می میراند و زنده می کند، و او بر هر چیزی تواناست». من گفتم: خیر، در دست اوست. (۱) فرمود: «البته که خیر، در دست اوست؛ امّا چنان که به تو گفتم، بگو. ده بار [این جملات را بگو] و نیز هنگام طلوع و غروب خورشید، ده بار [بگو]: به خدای شنوای دانا پناه می برم».

الأمالی، طوسی به نقل از ابو ذر: پیامبر خدا فرمود: «ای ابو ذر! خدا را با یاد خامل، یاد کن». گفتم: یاد خامل چیست؟ فرمود: «یاد کردن نهانی».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین یاد کردن [از خدا]، یاد کردن نهانی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاد کردن نهانی [از خدا] که [حتی] فرشتگان نگهبان [انسان]، آن را نشنوند، هفتاد بار بهتر از آن یاد کردنی است که فرشتگان نگهبان بشنوند.

مُسْنَدُ أَبِي يَعْلَى به نقل از عایشه: پیامبر خدا، یاد کردن نهانی را که [حتی] فرشتگان نگهبان آن را نمی شنوند، هفتاد بار [بر یاد کردن آشکار از خدا] برتری می داد و می فرمود: «چون روز قیامت شود و خداوند، خلاق را برای حسابرسی گرد آورد و فرشتگان نگهبان، آنچه را حفظ کرده اند و نوشته اند، بیاورند، خداوند به ایشان می فرماید: ببینید آیا چیزی از [اعمال] او باقی مانده است؟. آنان می گویند: ای پروردگار ما! هر آنچه از او داشته ایم و حفظ کرده ایم، شمارش کرده و نوشته ایم. پس خداوند تبارک و تعالی به او می گوید: تو در نزد من، اندوخته ای داری که خودت از آن، بی خبری و برای آن، پاداشت می دهم، و آن، یاد کردن نهانی است».

۱- یعنی: این جمله را بر سخن امام علیه السلام افزودم.

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ سَيَكْتُمُوا فَكَانَ سَيَكْتُمُهُمْ ذِكْرًا ، وَنَظَرُوا فَكَانَ نَظَرُهُمْ عَجَبَةً ، وَنَطَقُوا فَكَانَ نَطَقُهُمْ حِكْمَةً . (١)

الإمام علي عليه السلام في صفه المؤمن: حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ ، وَبِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ . . . قَلْبُهُ بِذِكْرِ اللَّهِ مَعْمُورٌ . (٢)

راجع: ص ١٩٠ (أهم مواطن الذكر / عند الخلوه) وص ٢١٤ ح ٣٥٥ ٣٦٠ .

٤ / ١٥ الذكْرُ الْجَيِّدُ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: طَوْبِي لِمَنْ شَغَلَ قَلْبُهُ بِالْفِكْرِ ، وَلِسَانُهُ بِالذِّكْرِ . (٣)

عنه عليه السلام: اشْغَلُوا أَنْفُسَكُمْ بِالطَّاعَةِ ، وَأَلْسِنَتَكُمْ بِالذِّكْرِ ، وَقُلُوبَكُمْ بِالرِّضَا فِيمَا أَحَبَبْتُمْ وَكَرِهْتُمْ . (٤)

١- الكافي: ج ٢ ص ٢٣٧ ح ٢٥ عن عيسى النهري عن الإمام الصادق عليه السلام، الأمالي للصدوق: ص ٣٨٠ ح ٤٨٢ عن

عيسى النهري عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، مشكاة الأنوار: ص ٢٢٢ ح ٦١٥ وفيهما

بزياده «فكروا وتكلموا فكان كلامهم» بعد «سكوتهم»، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٢٨٨ ح ٢٣ .

٢- ذكره الخواص: ص ١٣٨ عن ابن عباس؛ بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٧٣ ح ٤١ .

٣- غررالحكم: ح ٥٩٤٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣١٤ ح ٥٤٩٩ .

٤- غررالحكم: ح ٢٤٩٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٨٧ ح ٢٠٨٠ .

۴ / ۵ یاد کردن آشکار

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اولیای خدا، سکوت می کنند و سکوتشان یاد [خدا] است، و می نگرند و نگریستنشان توأم با عبرت آموختن است، و سخن می گویند و سخنشان حکمت است.

امام علی علیه السلام در توصیف مؤمن: اندوه او در دلش است و شادی او در چهره اش ... دل او به یاد خدا، آباد است.

ر. ک: ص ۱۹۱ (مهم ترین اوقات یاد خدا / در تنهایی) و ص ۲۱۵ ح ۳۵۵، ۳۶۰.

۴ / ۵ یاد کردن آشکار امام علی علیه السلام: خوشا به حال کسی که دلش را به اندیشیدن، مشغول داشت و زبانش را به یاد خدا.

امام علی علیه السلام: جان های خویش را به طاعت، مشغول دارید و زبان هایتان را به ذکر و دل هایتان را به رضایت از آنچه خوش دارید و خوش نمی دارید.

عنه عليه السلام: لِيَكُنْ جُلُّ كَلَامِكُمْ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَا أُدَلِّكُمْ عَلَىٰ أَبْخَلِ النَّاسِ ، وَأَكْسَلِ النَّاسِ ، وَأَسْرَقِ النَّاسِ أَمَا أَكْسَلُ النَّاسِ : فَعَبْدٌ صَحِيحٌ فَارِغٌ لَا يَذْكُرُ اللَّهَ بِشَفِّهِ وَلَا بِلِسَانٍ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ بِهِ عِيْسَىٰ بَنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : . . . يَا عِيْسَى ، أَحْيِ ذِكْرِي بِلِسَانِكَ ، وَلِيَكُنْ وُدِّي فِي قَلْبِكَ يَا عِيْسَى ، إِيَّاكَ عَلَىٰ نَفْسِكَ فِي الصَّلَاةِ ، وَأَنْقُلْ قَدَمَيْكَ إِلَىٰ مَوَاضِعِ الصَّلَاةِ ، وَأَسْمِعْنِي لَذَاذَةَ نُطْقِكَ بِذِكْرِي ، فَإِنَّ صَنِيعِي إِلَيْكَ حَسَنٌ . (٣)

الإمام علي عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ الْمَعْرُوفِ بِدُعَاءِ كَمِيلٍ : وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا (٤) ، وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِيًّا (٥) . (٦)

الإمام زين العابدين عليه السلام فِي الدُّعَاءِ : وَأَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَحُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ لِسَانِي . (٧)

١- الخصال: ص ٦٢٠ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص ١١٠، بحار الأنوار: ج ١٠ ص ٩٩ ح ١.

٢- عدّه الداعي: ص ٣٤، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٣٧، إرشاد القلوب: ص ٨٠، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٠٢ ح ٣٩.

٣- الأمالي للصدوق: ص ٦٠٧ ح ٨٤١ عن أبي بصير، الكافي: ج ٨ ص ١٣٢ ح ١٠٣ عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٣٨، تحف العقول: ص ٤٩٧ وفيها «الخلوات» بدل «الصلاه»، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٩٠ ح ١٤.

٤- لهج بالشئ: إذا وَلِعَ به (النهاية: ج ٤ ص ٢٨١ «لهج»).

٥- متيم: أي معبد مذلل. وتيمه الحب: إذا استولى عليه (النهاية: ج ١ ص ٢٠٣ «تيم»).

٦- مصباح المتهجد: ص ٨٥٠ ح ٩١٠، الإقبال: ج ٣ ص ٣٣٧ كلاهما عن كميل، المصباح للكفعمي: ص ٧٤٣، البلد الأمين: ص ١٩١.

٧- الصحيفه السجاديّه: ص ٩٨ الدعاء ٢٣.

امام علی علیه السلام: باید بیشترین گفتار شما ، یاد خداوند عز و جل باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آیا بخیل ترین و تنبل ترین و دزدترین مردم را به شما شناسانم؟ ... تنبل ترین مردم ، آن بنده تن درست و بیکاری است که با لب و زبان ، ذکر خدا نگوید .

امام صادق علیه السلام: از جمله اندرزهای خداوند تبارک و تعالی به عیسی بن مریم علیه السلام این بود که : « ... ای عیسی! یاد مرا با زبانت ، زنده بدار و محبتم را در دلت بدار ... ای عیسی! در نماز ، بر حال خویشتن ، گریه کن و به سوی جایگاه های نماز ، گام بردار و لذت زبان گشودنت به یاد مرا به من بشنوان ؛ چرا که من با تو نیکی کرده ام» .

امام علی علیه السلام از دعای ایشان معروف به «دعای کمیل» : زبانم را پیوسته به یاد خودت ، گویا کن و دلم را اسیر محبتت گردان .

امام زین العابدین علیه السلام در دعا : زبانم را به ستایش و سپاس و یاد و ثناگویی شایسته ات ، گویا کن .

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلِ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي ، وَالتَّوَرَّ فِي بَصِيرِي ، وَالتَّنْصِيحَةَ فِي صَدْرِي ، وَذَكَرَكَ بِاللَّيْلِ وَالتَّهَارِ عَلَيَّ لِسَانِي . (١)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلِ التَّوَرَّ فِي بَصِيرِي ، وَالتَّبْصِيرَةَ فِي دِينِي ، وَالتَّقِينَ فِي قَلْبِي ، وَالتَّخْلَاصَ فِي عَمَلِي ، وَالتَّسَعَةَ فِي رِزْقِي ، وَذَكَرَكَ بِاللَّيْلِ وَالتَّهَارِ عَلَيَّ لِسَانِي ، وَالتَّشْكُرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي . (٢)

راجع : ص ٤٢ (الحثَّ على ذكر الله في كلِّ حال) .

-
- ١- تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٧٥ ح ٢٣٣ ، المقنعه : ص ١٧٦ ، مصباح المتهجد : ص ٥٤٧ ح ٦٣٧ ، الإقبال : ج ١ ص ١٠١ ، المصباح للكفعمي : ص ٧٥٢ ، بحار الأنوار : ج ٩٧ ص ٣٧٤ ح ١ .
 - ٢- فلاح السائل : ص ٢٥١ ح ١٥٣ عن وهب بن عبد ربه ، جمال الأسبوع : ص ١٣٦ عن أبي بصير ، الإقبال : ج ٢ ص ٢٣٠ ، العدد القويّه : ص ٣٢٢ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، المناقب لابن شهر آشوب : ج ٢ ص ٢٨٧ عن الإمام عليّ عليه السلام وكلّهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٨٦ ح ٦ .

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و در دلم یقین، و در دیده ام روشنایی، و در سینه ام خلوص قرار بده و زبانم را شب و روز به یاد خودت گویا ساز.

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! در نگاهم روشنایی، و در دینم بینش، و در دلم یقین، و در کردارم اخلاص، و در روزی ام گشایش قرار ده و زبانم را شب و روز به یاد خودت گویا گردان و همواره تا زنده ام، مرا سپاس گزار خودت بدار.

ر. ک: ص ۴۳ (ترغیب به یاد خدا در همه احوال).

الفصل الخامس : أسباب الذكر ٥ / المعرفة للإمام علي عليه السلام : سَهَّرَ الْعُيُونَ بِذِكْرِ اللَّهِ خُلَصَانُ الْعَارِفِينَ ، وَحُلْوَانُ الْمُقَرَّبِينَ .
(١)

إرشاد القلوب : كَانَ مِمَّا نَجَى بِهِ الْبَارِي تَعَالَى دَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ... يَا دَاوُودُ ، إِنَّ الْعَارِفِينَ كَحَلْوَا أَعْيُنَهُمْ بِمِرْوَدِ (٢) السَّهْرِ ، وَقَامُوا لَيْلَهُمْ يَسْهَرُونَ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ مَرْضَاتِي . (٣)

٥ / ٢ المَحَبَّةُ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا لَهَجَ بِذِكْرِهِ . (٤)

مصباح الشريعة فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام : حُبُّ اللَّهِ إِذَا أَضَاءَ عَلَى سِرِّ عَبْدٍ أَخْلَاهُ عَنْ كُلِّ شَاغِلٍ ، وَكُلُّ ذِكْرِ سِوَى اللَّهِ تَعَالَى ظُلْمَةٌ . (٥)

١- غرر الحكم : ح ٥٦١٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٨٦ ح ٥١٦٣ وفيه «ودأب» بدل «وحلوان» .

٢- المِرْوَدُ : المِيلُ الَّذِي يُكْتَحَلُ بِهِ (تاج العروس : ج ٤ ص ٤٦٦ «رود») .

٣- إرشاد القلوب : ص ٨٦ .

٤- غرر الحكم : ح ٧٨٥١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٣ ح ٨١١٨ .

٥- مصباح الشريعة : ص ٥٢١ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٢٣ ح ٢٣ .

فصل پنجم: عوامل یاد خدا

۵ / ۱ شناخت

۵ / ۲ دوست داشتن

فصل پنجم: عوامل یاد خدا / ۵ / ۱ شناخت امام علی علیه السلام: شب زنده داری با یاد خدا ، یار دمساز عارفان و شیرینی مقربان است .

إرشاد القلوب: از جمله نخواستارهای آفریدگار بزرگ با داوود علیه السلام این بود که : «... ای داوود! عارفان ، چشمان خود را با میل شب زنده داری ، سرمه می کشند و شب هایشان را نمی خوابند و با این کار ، خشنودی مرا می طلبند» .

۵ / ۲ دوست داشتن امام علی علیه السلام: هر که چیزی را دوست بدارد ، نام آن ، همواره ورد زبانش می شود .

مصباح الشریعه در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است : عشق به خدا ، هر گاه درون بنده ای را روشن گرداند ، او را از هر هوسای تهی می کند . هر یادی جز یاد خداوند بزرگ ، تاریکی است .

٥ / ١٣ للإلهامرسول الله صلى الله عليه و آله : ما من يوم ولا ليله ولا ساعه إلا والله فيه صِدَقَةٌ يَمُنُّ بها على من يشاء من عباده ، وما من الله تعالى على عباده بمثل أن يُلهمهم ذكره . (١)

الإمام على عليه السلام : الذِّكْرُ لَيْسَ مِنْ مَرَامِمْ اللِّسَانِ ، وَلَا مِنْ مَنَاسِمِ ٢ الفِكْرِ ، وَلَكِنَّهُ أَوَّلُ مِنَ الْمَذْكُورِ ، وَثَانٍ مِنَ الذَّاكِرِ . (٢)
 عنه عليه السلام : اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ ، وَأَسْتَشْفَعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ ، وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدَيِّنِي مِنْ قُرْبِكَ ، وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ ، وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ . (٣)

الإمام على عليه السلام : إلهي ، وَأَلْهِمَنِي وَلَهَا بِذِكْرِكَ إِلَى ذِكْرِكَ . (٤)

الإمام زين العابدين عليه السلام في المُنَاجَاةِ الْإِنْجِيلِيَّةِ : سَيِّدِي ، قَدْ ذَكَرْتُكَ بِالذِّكْرِ الَّذِي أَلْهِمْتَنِيهِ . (٥)

عنه عليه السلام : إلهي ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ . . . أَلْهِمَّتُهُ ذِكْرَكَ ، وَأَوْزَعَتْهُ شُكْرَكَ . (٦)

١- تفسير القرطبي : ج ٩ ص ٣٤٧ ، الدرّ المثلث : ج ١ ص ٣٦٣ نقلاً عن ابن أبي الدنيا ، كنز العمال : ج ٧ ص ٨٠٨ ح ٢١٥١٠
 نقلاً عن البزار وكلها عن أبي ذرّ وص ٨٠٩ ح ٢١٥١١ نقلاً عن المعجم الكبير عن أبي الدرداء .

٢- غررالحكم : ح ٢٠٩١ .

٣- مصباح المتهجد : ص ٨٤٥ ح ٩١٠ ، الإقبال : ج ٣ ص ٣٣٢ كلاهما عن كميل ، المصباح للكفعمي : ص ٧٣٨ ، البلد الأمين : ص ١٨٨ .

٤- الإقبال : ج ٣ ص ٢٩٨ عن ابن خالويه ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٩٨ ح ١٣ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي .

٥- بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٦٧ ح ٢٢ نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .

٦- بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٤٨ ح ٢١ نقلاً عن بعض الكتب .

۵ / ۳ الهام

۵ / ۳ الهام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ روز و شبی و ساعتی نیست، مگر این که خداوند در آن، صدقه ای دارد و آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد، عطا می کند و خداوند متعال به بندگانش، چیزی چونان الهام کردن یادش عطا نکرده است.

امام علی علیه السلام: خدا را یاد کردن، نه از آداب زبان است و نه از راه های اندیشه؛ بلکه نخست از یاد شونده (خدا) است و سپس از یاد کننده. (۱)

امام علی علیه السلام: بار خدایا! با یاد تو، به درگاه تو تقرب می جویم و تو را شفیع خویش در پیشگاهت قرار می دهم و به بخشندگی ات، از تو می خواهم که مرا به مقام قُربت نزدیک گردانی و سپاس گذاری از خودت را در دلم افکنی و یاد خودت را به من الهام فرمایی.

امام علی علیه السلام: معبودا! شیفستگی یاد پیایی خودت را در دلم افکن.

امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات انجلیه»: آقای من! با یادی که تو آن را به من الهام فرمودی، یاد تو کردم.

امام زین العابدین علیه السلام: معبودا! ما را از کسانی قرار ده ... که یادت را به آنان الهام فرمودی و سپاس گذاری از خودت را در دل آنان افکندی.

۱- یعنی این، خداوند متعال است که به بنده توفیق می دهد و اسباب یاد خود را برای بنده فراهم می آورد. پس ذکر، در مرتبه اول، از جانب خود خداست و سپس از بنده که به آن می پردازد و بر زبانش می آورد.

عنه عليه السلام في مُناجَاهِ الذَّاكِرِينَ : إلهي ، فَأَلْهَمْنَا ذِكْرَكَ فِي الْخَلَاءِ (١) وَالْمَلَأَ ، وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، وَالْإِعْلَانِ وَالْإِسْرَارِ ، وَفِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ . (٢)

عنه عليه السلام في مُناجَاهِ الْعَارِفِينَ : إلهي ، مَا أَلَدَّ خَوَاطِرَ الْإِلْهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَى الْقُلُوبِ! (٣)

عنه عليه السلام في زيارته أمير المؤمنين عليه السلام المعروفه بزيارته أمين الله : اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ ، مَوْلَعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ . (٤)

٥ / ٤ ذِكْرُ الْقَبْرِ سَعْدِ السَّعُودِ : مِنْ زَبُورِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ . . . : لَوْ تَفَكَّرْتُمْ فِي خُشُونَةِ الثَّرَى (٥) ، وَوَحْشَةِ الْقَبْرِ وَظُلْمَتِهِ ، لَقَلَّ كَلَامُكُمْ ، وَكَثُرَ ذِكْرُكُمْ وَاشْتِغَالُكُمْ لِي . (٦)

٥ / ١٥ عَمَلٌ بِمَرْضَاهُ اللَّهُ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : . . . مَنْ عَمِلَ بِرِضَائِي أَلْزِمْتُهُ ثَلَاثَ خِصَالٍ : أَعْرَفْتُهُ شُكْرًا لَا يُخَالِطُهُ الْجَهْلُ ، وَذَكَرًا لَا يُخَالِطُهُ النِّسْيَانُ ، وَمَحَبَّةً لَا يُؤَثِّرُ عَلَيَّ مَحَبَّتِي مَحَبَّةَ الْمَخْلُوقِينَ . (٧)

١- . كذا ، والمنصوص عليه في اللغة : «الخلَاء».

٢- . بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٥١ ح ٢١ نقلاً عن بعض الكتب.

٣- . بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٥١ ح ٢١ نقلاً عن بعض الكتب.

٤- . كامل الزيارات : ص ٩٢ ح ٩٣ عن أبي علي مهدي بن صدقه الرقي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، مصباح المنتهجين : ص ٧٣٨ ح ٨٢٩ ، الإقبال : ج ٢ ص ٢٧٣ ، المزار للشهيد الأول : ص ١١٥ والثلاثة الأخيرة عن جابر الجعفي ، المصباح للكفعمي : ص ٦٣٩ والأربعة الأخيرة عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج ١٠٠ ص ٢٦٤ ح ٢ .

٥- . في المصدر : «خسوفه الثرى» ، والتصويب من بحار الأنوار.

٦- . سعد السعود : ص ٤٧ ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٤٤ .

٧- . إرشاد القلوب : ص ٢٠٤ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢٨ ح ٦ .

۴ / ۵ به یاد آوردن قبر

۵ / ۵ کار کردن برای خشنودی خدا

امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات ذاکران»: معبودا! یاد خودت را در تنهایی و در میان جمع، و در شب و روز، و در آشکار و نهان، و در آسایش و سختی به ما الهام فرما.

امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات عارفان»: معبودا! چه لذتبخش است گذر نام و یاد تو بر دل‌ها!

امام زین العابدین علیه السلام در زیارت امیر مؤمنان علیه السلام، معروف به «زیارت امین الله»: بار خدایا! جان مرا به تقدیرت مطمئن، به قضایت خرسند، و به یاد و مناجاتت آزمند گردان.

۴ / ۵ به یاد آوردن قبر سعد السعود: از زبور داوود علیه السلام... است که: «اگر در باره درشتی خاک [گور] و تنهایی و تاریکی قبر می اندیشیدید، بی گمان، کمتر سخن می گفتید و بیشتر مرا یاد می کردید و به من سرگرم می شدید».

۵ / ۵ کار کردن برای خشنودی خدا امام علی علیه السلام در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل فرمود: «... هر کس برای خشنودی من کار کند، سه ویژگی را به او می دهم: شُکری را به او می شناسانم که جهل با آن آمیخته نباشد، یادی را به او می شناسانم که فراموشی با آن نباشد، و محبتی را به او می شناسانم که هیچ گاه محبت به مخلوق را بر محبت من برنگزیند».

٥ / ٦ / تِلْكَ الْخِصَالُ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَأَلَ رَبَّهُ سُبْحَانَهُ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ فَقَالَ : ... إلهي كَيْفَ أَزْهَيْدُ فِي الدُّنْيَا؟ فَقَالَ : خُذْ مِنَ الدُّنْيَا حَفْنًا (١) مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَاللَّبَاسِ ، وَلَا تَدْخِرْ لِعَمَلٍ ، وَدُمَّ عَلَى ذِكْرِي . فَقَالَ : يَا رَبِّ كَيْفَ أَدُومُ عَلَى ذِكْرِكَ؟ فَقَالَ : بِالْخَلْوَةِ عَنِ النَّاسِ ، وَبُغْضِكَ الْحُلُوقِ وَالْحَامِضِ ، وَفِرَاقِ بَطْنِكَ وَبَيْتِكَ مِنَ الدُّنْيَا . (٢)

١- حَفَنْتُ لِفُلَانٍ حَفْنَةً : أُعْطِيْتُهُ قَلِيلًا (الصحاح : ج ٥ ص ٢١٠٢ «حفن»).

٢- إرشاد القلوب : ص ١٩٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢١ ح ٦.

۵ / ۶ چند عامل دیگر

۵ / ۶ چند عامل دیگر امام علی علیه السلام در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله : در شب معراج ، پیامبر صلی الله علیه و آله از خداوند سبحان پرسید : ... معبودا ! چگونه به دنیا زهد ورزم؟ فرمود : «از دنیا ، مشتی غذا و آب و لباس برگیر و [چیزی] برای فردا ذخیره مکن و بر یاد من ، مداومت کن» . [پیامبر صلی الله علیه و آله] گفت : پروردگارا ! چگونه بر یاد تو مداومت ورزم؟ فرمود : «با خلوت گزیدن از مردم ، و خوش نداشتن شیرین و ترش ، و تهی داشتن شکم و خانه ات از دنیا» .

الفصل السادس: آفات الذكر ٦ / ١ وسوسه الشيطان الكتاب «استتحوذ عليهم الشيطان فأنسأهم ذكر الله أولئك حزب الشيطان ألا إن حزب الشيطان هم الخسرون». (١)

«إنما يريد الشيطان أن يوقع بينكم العداوة والبغضاء في الخمر والميسر ويصدكم عن ذكر الله وعن الصلوة فهل أنتم متتهون». (٢)

الحديث للإمام علي عليه السلام: كل ما ألهى عن ذكر الله فهو من إبليس. (٣)

عنه عليه السلام: كل ما ألهى عن ذكر الله فهو من الميسر. (٤)

١- المجادلة: ١٩.

٢- المائدة: ٩١.

٣- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٧٠.

٤- الأمالي للطوسي: ص ٣٣٦ ح ٦٨١ عن عبد الله بن علي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص

١٥٧ ح ٢.

فصل ششم: آفت های یاد خدا

۶ / ۱ وسوسه شیطان

فصل ششم: آفت های یاد خدا / ۶ / ۱ وسوسه شیطانقرآن «شیطان ، بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است . آنان ، حزب شیطان اند. آگاه باش که حزب شیطان ، همان زیانکاران اند» .

«همانا شیطان می خواهد با شراب و قمار (بُرد و باخت) ، میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز ، باز دارد. پس آیا شما دست بر می دارید؟» .

حدیثامام علی علیه السلام :هر آنچه از یاد خدا غافل گرداند ، از ابلیس است .

امام علی علیه السلام :هر آنچه از یاد خدا غافل گرداند ، از بُرد و باخت است .

الإمام الصادق عليه السلام: مَا اجْتَمَعَ مِنْ أَصْحَابِنَا جَمَاعَةً فِي ذِكْرِ اللَّهِ أَوْ فِي شَيْءٍ مِنْ ذِكْرِنَا ، إِلَّا بَعَثَ إِبْلِيسُ شَيْطَانًا فِي عُنُقِهِ شَرِيطٌ لِيُفَرِّقَ جَمَاعَتَهُمْ . (١)

عنه عليه السلام: مَا قَعَدَ قَوْمٌ قَطُّ يَذْكُرُونَ اللَّهَ تَعَالَى ، إِلَّا بَعَثَ إِلَيْهِمْ إِبْلِيسُ شَيْطَانًا يَقَطُّعُ حَدِيثَهُمْ عَلَيْهِمْ . (٢)

٦ / ١٢ العالم المفتون بالدنيا الإمام الكاظم عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قُلْ لِعِبَادِي لَا يَجْعَلُوا بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ عَالِمًا مَفْتُونًا بِالدُّنْيَا ؛ فَيَصُدُّهُمْ عَنِ ذِكْرِي وَعَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي وَمُنَاجَاتِي ، أُولَئِكَ قُطَاعُ الطَّرِيقِ مِنْ عِبَادِي ، إِنَّ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَالَوَةَ مَحَبَّتِي وَمُنَاجَاتِي مِنْ قُلُوبِهِمْ . (٣)

٦ / ٣ حُبُّ الدُّنْيَا الْكِتَابُ «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَسِرُونَ» . (٤)

١- شرح الأخبار: ج ٣ ص ٤٥٩ ح ١٣٤٤ عن علي بن حمزة.

٢- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٧٩ عن هشام ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٠ ح ٤٠ نقلاً عن الأمالى للطوسي عن هشام بن سالم.

٣- تحف العقول: ص ٣٩٧ عن هشام بن الحكم ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣١٢ ح ١.

٤- المنافقون: ٩.

۶ / ۲ عالم فریفته دنیا

۶ / ۳ دنیا دوستی

امام صادق علیه السلام: هیچ گاه گروهی از یاران ما برای یاد کردن از خدا یا برای یاد کردن از ما گرد نمی آیند، مگر آن که ابلیس، شیطانی شلاق به گردن را می فرستد تا جمع آنان را پیرا کند.

امام صادق علیه السلام: هرگز عده ای برای یاد کردن از خداوند متعال گرد هم نمی نشینند، مگر آن که ابلیس، شیطانی نزد آنان می فرستد تا رشته سخن آنان را قطع کند.

۶ / ۲ عالم فریفته دنیا امام کاظم علیه السلام: خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی فرمود: «به بندگانم بگو که: عالم فریفته دنیایی را میان من و خود، قرار ندهند؛ چرا که آنان را از یاد من و از راه محبت من و راز و نیاز با من، باز می دارد. اینان، راهزنان بندگان من هستند. کمترین کاری که من با ایشان می کنم، این است که شیرینی محبتم و راز و نیاز با خودم را از دل هایشان می گیرم».

۶ / ۳ دنیا دوستی قرآن «ای کسانی که ایمان آورده اید! [زنهار] اموال شما و فرزندانتان، شما را از یاد خدا غافل نگرداند و کسانی که چنین کنند، آنان، زیانکاران اند».

«فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا». (١)

راجع: سورة ص، الآية ٣٢.

الحديث للإمام الصادق عليه السلام من دُعَائِهِ عِنْدَ وَدَاعِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ لَا تَشْغَلْنِي فِي الدُّنْيَا عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَلَا يَأْكُثِرُ فِيهَا فَتْلِهَيْنِي عَجَائِبُ بَهْجَتِهَا، وَتَفْتِنِي زَهْرَتُهَا. (٢)

٤ / ٦ سوء العمَل الكتاب «كَلَّا بَلْ رَانَ (٣) عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ * كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمِئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ». (٤)

الحديث للإمام علي عليه السلام: مَنْ صَدَىٰ بِالْإِثْمِ، عَشَا (٥) عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (٦)

١- النجم: ٢٩.

٢- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٩٨ ح ٣٢٠٠، كامل الزيارات: ص ٤٣٦ ح ٦٦٩ كلاهما عن يوسف الكناسي وص ٤٣٩ ح ٦٧٠ عن أبي حمزة الثمالي نحوه، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ٢٨١ ح ١ وراجع تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٦٨ ح ١٩ والمزار للمفيد: ص ١٢٩ ومصباح المتهجد: ص ٧٢٨ ح ٨١٩ والمزار للشهيد الأول: ص ١٣٨.

٣- أي غلب على قلوبهم كسب الذنوب كما يرين الخمر على عقل السكران، والرَّيْنُ: الحجاب الكثيف (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٧٦١ «رين»).

٤- المطففين: ١٤ و ١٥.

٥- قال الطريحي: قوله تعالى: «وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ» (الزخرف: ٣٦): أي يُظْلِمُ بَصْرَهُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ، كَأَنَّ عَلَيْهِ غِشَاوَهُ. يقال: عَشَوْتُ إِلَى النَّارِ: إِذَا اسْتَدَلَّتْ عَلَيْهَا بَبْصَرٍ ضَعِيفٍ. وقيل: يُعْرِضُ عَنْهُ (مجمع البحرين: ج ٢ ص ١٢٢٠ «عشا»). وفي بحار الأنوار: «أعشى».

٦- الخصال: ص ٦٣٣ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ١٠ ص ١١٢.

۶ / ۴ بدی کردار

«پس، از هر که از یاد ما روی بر تافته و جز زندگی دنیا را نخواسته ، روی برتاب» .

ر . ک : ص : آیه ۳۲ .

حدیث امام صادق علیه السلام از دعای ایشان هنگام وداع با قبر امام حسین علیه السلام: بار خدایا! مرا در دنیا از شکر نعمت غافل مگردان و نه چندان در دنیا بر نعمتم بیفزای که خرمی شگفت آن ، مرا سرگرم سازد و زرق و برقص مرا بفریبد .

۶ / ۴ بدی کردار قرآن «نه چنین است ؛ بلکه آنچه مرتکب می شدند ، بر دل هایشان زنگار نشانده است . زهی پندار! آنان در آن روز، از پروردگارشان ، سخت در پرده اند» .

حدیث امام علی علیه السلام: هر که [دلش] از گناه زنگار بگیرد ، نسبت به یاد خداوند عز و جل کور می شود .

٦ / ٥ طول الأمل للإمام علي عليه السلام: اعلموا أن الأمل يسهي العقل ، وينسي الذكر . (١)

٦ / ٦ اتباع الشهوة للإمام علي عليه السلام: ليس في المعاصي أشد من اتباع الشهوة ، فلا تطيعوها فيشغلكم عن الله . (٢)

٦ / ٧ فضول النظر للإمام علي عليه السلام: ليس في البدن شيء أقل شكريا من العين ، فلا تعطوها سؤلها فتشغلكم عن ذكر الله عز

و جل . (٣)

٦ / ٨ الاشتغال بذكر الناس للإمام علي عليه السلام: من اشتغل بذكر الناس ، قطع الله سبحانه عن ذكره . (٤)

عنه عليه السلام: إذا رأيت الله يؤنسك بخلقه ، ويوحشك من ذكره ، فقد أبغضك . (٥)

١- نهج البلاغه : الخطبه ٨٦ .

٢- غرر الحكم : ح ٧٥٢٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤١١ ح ٦٩٨٩ وفيه «فيقطعكم» بدل «فيشغلكم».

٣- الخصال : ص ٦٢٩ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص

١١٩ ، غرر الحكم : ح ٧٥١٩ وفيه «الجوارح» بدل «البدن» ، بحار الأنوار : ج ١٠ ص ١٠٧ ح ١ .

٤- غرر الحكم : ح ٨٢٣٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٤٥ ح ٧٨٣٣ .

٥- غرر الحكم : ح ٤٠٤١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٣٥ ح ٣٠٧١ .

۶ / ۵ درازی آرزو

۶ / ۶ پیروی از هوس

۶ / ۷ نگاه بیهوده

۶ / ۸ پرداختن به یاد مردم

۶ / ۵ درازی آرزو امام علی علیه السلام: بدانید که آرزو، خرد را غافل می کند و یاد خدا را به فراموشی می سپارد.

۶ / ۶ پیروی از هوس امام علی علیه السلام: در میان گناهان، [گناهی] بدتر از پیروی کردن از هوس نیست. پس، آن را فرمان نبرید که شما را از خدا باز می دارد.

۶ / ۷ نگاه بیهوده امام علی علیه السلام: در بدن، عضوی کم سپاس تر از چشم نیست. پس، خواهش آن را بر آورده نسازید؛ چرا که شما را از یاد خدا باز می دارد.

۶ / ۸ پرداختن به یاد مردم امام علی علیه السلام: هر که به یاد مردم پردازد، خداوند سبحان، او را از یاد خودش محروم می سازد.

امام علی علیه السلام: هر گاه دیدی که خداوند، تو را با خلقش مانوس و از یاد خودش بیگانه ساخته است، بی گمان، تو را دشمن داشته است.

٩ / ٦ الخُصومَةُ للإمام الصادق عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَالْخُصومَةَ فِي الدِّينِ؛ فَإِنَّهَا تَشَعَلُ الْقَلْبَ عَن ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (١)

١٠ / ٦ عَيْدَمُ الْعَمَلِ بِالْعِلْمِ عَدَّةُ الدَّاعِي: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَهْوَنَ مَا أَنَا صَانِعٌ بِعَبْدٍ غَيْرِ عَامِلٍ بِعِلْمِهِ، مِنْ سَبْعِينَ عُقُوبَةً بَاطِنِيَّةً؛ أَنْ أُخْرِجَ مِنْ قَلْبِهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِي. (٢)

١١ / ٦ الْمَلَاهِيَا لِلإمام الصادق عليه السلام: الْمَلَاهِيُ الَّتِي تَصُدُّ عَن ذِكْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَكْرُوهُةٌ؛ كَالْغِنَاءِ وَضَرْبِ الْأوتارِ. (٣)

١٢ / ٦ الْجَهْلُ تَحْفُ الْعُقُولِ فِي ذِكْرِ مَسَائِلِ شَمْعُونَ الرَّاهِبِ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَالَ شَمْعُونَ: فَأَخْبَرَنِي عَن أَعْلَامِ الْجَاهِلِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يُحِبُّ اللَّهُ وَلَا يُرَاقِبُهُ، وَلَا يَسْتَحْيِي مِنَ اللَّهِ وَلَا يَذْكُرُهُ. (٤)

-
- ١- الأُمالي للصدوق: ص ٥٠٣ ح ٦٩١، الكافي: ج ٢ ص ٣٠١ ح ٨ وليس فيه «في الدين»، كشف الغمّة: ج ٢ ص ٣٩٨ وليس فيهما «عن ذكر الله» وكلّهما عن عنبسه العابد، بحار الأنوار: ج ٢ ص ١٢٨ ح ٦.
 - ٢- عدّه الداعي: ص ٦٩، مصباح الشريعة: ص ٣٤٥ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٢ ص ٣٢ ح ٢٥.
 - ٣- الخصال: ص ٦١٠ ح ٩ عن الأعمش، تحف العقول: ص ٤٢٣ عن الإمام الرضا عليه السلام وليس فيه «مكروهه»، بحار الأنوار: ج ١٠ ص ٢٢٩ ح ١.
 - ٤- تحف العقول: ص ١٨، بحار الأنوار: ج ١ ص ١١٩ ح ١١.

۹ / ۶ ستیزه گری

۱۰ / ۶ عمل نکردن به علم

۱۱ / ۶ سرگرمی ها

۱۲ / ۶ نادانی

۹ / ۶ ستیزه گری امام صادق علیه السلام: از ستیزه گری در دین پرهیزید؛ زیرا دل را از یاد خداوند عز و جلباز می دارد .

۱۰ / ۶ عمل نکردن به علم ۴۹۸۸. عنه علیه السلام: عدّه الداعی: خداوند به داوود علیه السلام وحی فرمود که: «از میان هفتاد کیفر درونی، کمترین کاری که با بنده عمل نکننده به علمش می کنم، این است که شیرینی یادم را از دلش بیرون می برم»
۱۱ / ۶ سرگرمی ها ۴۹۸۷. امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام: سرگرمی هایی که از یاد خداوند تبارک و تعالی باز می دارند، ناپسندند، مانند: آوازه خوانی و تار زدن. ۱۲ / ۶ نادانی ۴۹۹۰. الإمام علیّ علیه السلام (فی تعظیم الله جلّ جلاله) تحف العقول در بیان پرسش های شمعون راهب از پیامبر صلی الله علیه و آله: شمعون گفت: مرا از نشانه های نادان، خبر ده .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «... خدا را دوست ندارد و از او حساب نمی برد و از خدا شرم نمی کند و او را در یاد ندارد» .

٦ / ١٣ البِطْنَةُ وَالْعِرَّةُ ٤٩٩١. امام على عليه السلام (در یادکرد عظمت خداوند عز و جل) الإمام زين العابدين عليه السلام: اَعْلَمَ وَيَحِيكَ يَا بَنَ آدَمَ! إِنَّ قَسْوَةَ الْبِطْنَةِ (١) ، وَكِظَّةَ الْمَلَأَةِ (٢) ، وَسُيُكْرَ الشَّبَّعِ ، وَغِرَّةَ الْمُلْكِ (٣) ، مِمَّا يُبْطُ وَيُبطِئُ عَنِ الْعَمَلِ ، وَيُنْسِي الذُّكْرَ (٤) .

-
- ١- البطنه : امتلاء البطن من الطعام (لسان العرب : ج ١٣ ص ٥٣ «بطن»).
 - ٢- الكِظَّةُ : غَمٌّ وَغِلظَةٌ يجدها في بطنه وامتلاء (لسان العرب : ج ٧ ص ٤٥٧ «كظظ»).
 - ٣- غِرَّةٌ : أى اغترار(النهاية : ج ٣ ص ٣٥٥ «غرر»).
 - ٤- تحف العقول : ص ٢٧٣ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٢٩ ح ١.

۶ / ۱۳ پُرخوری و غرور

۶ / ۱۳ پُرخوری و غرور ۴۹۹۴. عنه عليه السلام (فِي الْمَخْلُوقَاتِ) امام زين العابدين عليه السلام: بدان ای بیچاره آدمیزاد که پُرخوری و سنگینی معده و مستیِ سیری و غرور قدرت ، از عوامل باز دارنده و کند کننده عمل اند و یاد خدا را به فراموشی می سپارند .

الفصل السابع: آداب الذكر ٧ / الطهارة الكتاب «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ». (١)

«يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا». (٢)

١- المائدة: ٦.

٢- النساء: ٤٣. جدير بالذكر أنّ الآيتين تدلّان على وجوب الطهارة في الصلاة لا في مطلق الذكر.

۷ / ۱ پاک بودن

فصل هفتم: آداب یاد خدا ۷ / ۱ پاک بودن قرآن «ای کسانی که ایمان آورده اید! چون به [عزم] نماز برمی خیزید، صورتتان را و دست هایتان را تا آرنج بشوید و سرهای خودتان را و پاهایتان را تا برآمدگی پیشین، مسح کنید و اگر جُئِب بودید، خود را پاک کنید (غسل نمایید) و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد، یا با زنان نزدیکی کرده اید و آبی نیافتید، پس با خاکی پاک، تیمم کنید و از آن، به صورت و دست هایتان بکشید. خدا نمی خواهد بر شما تنگ بگیرد؛ لیکن می خواهد شما را پاک، و نعمتش را بر شما تمام گرداند، باشد که سپاس [او] بگزارید».

«ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال مستی، به نماز، نزدیک نشوید، تا زمانی که بدانید چه می گوئید، و [نیز] در حال جنابت مگر این که راهگذر باشید تا این که غسل کنید. و اگر بیمارید، یا در سفرید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد، یا با زنان آمیزش کرده اید و آب نیافته اید، پس بر خاکی پاک، تیمم کنید و صورت و دست هایتان را مسح نمایید، که خدا بخشنده و آمرزنده است».

الحديث ٥٠٠١. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إني كرهت أن أذكر الله عز وجل إلا على طهر. (١) / ٧
 ١٢ الخشوع الكتاب «ألم يأن للذين آمنوا أن تخشع قلوبهم لذكر الله وما نزل من الحق ولما يكتفون أو تواتر الكتب من قبل
 فقال عليهم الأمد ففسدت قلوبهم وكثير منهم فسيقون». (٢)

«وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ * الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ». (٣)

«وَأَذْكُر رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِنَ الْغَافِلِينَ». (٤)

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ». (٥)

الحديث ٥٠٠٥. الإمام علي عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: قال الله عز وجل لموسى عليه السلام: أكثر ذكرى بالليل
 والنهار، وكن عند ذكرى خاشعاً، وعند بلائى صابراً، واطمئن عند ذكرى، واعدنى ولا تشرك بى شيئاً، إلى المصير. (٦)

١- سنن أبي داود: ج ١ ص ٥ ح ١٧، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٢٧٢ ح ٥٩٢ كلاهما عن المهاجر بن قنفذ،
 كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٦ ح ١٨٣٤.

٢- الحديد: ١٦.

٣- الحج: ٣٤ و ٣٥. والمخبتين: أى المتواضعين (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٢٧٢ «خبت»).

٤- الأعراف: ٢٠٥. والأصيل: العشى؛ وهو ما بعد صلاة العصر إلى الغروب، والجمع: أصل وأصال (المصباح المنير: ص ١٦
 «أصل»).

٥- الأنفال: ٢.

٦- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٧ ح ٩، عدّه الداعى: ص ٢٣٤ وفيه صدره إلى «خاشعاً»، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٣٤٣ ح ٢٢ وراجع
 تحف العقول: ص ٤٩١.

۲ / ۷ خشوع

حدیث ۵۰۰۴. امام علی علیه السلام (به هنگام دیدن هلال ماه) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : من خوش ندارم که خداوند عز و جل را یاد کنم ، مگر آن که باطهارت باشم . ۲ / ۷ خشوعقرآن «آیا برای کسانی که ایمان آورده اند ، هنگام آن نرسیده که دل هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده ، نرم [و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش ، بدانها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار ، بر آنان به درازا کشید و دل هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند؟» .

«و فروتنان را بشارت ده ؛ همانان که چون خدا یاد شود، دل هایشان خشیت می یابد و [آنان که] بر هر چه بر سرشان آید ، صبر پیشه گان اند و بر پا دارندگان نمازند و از آنچه روزی شان داده ایم ، انفاق می کنند» .

«و در دل خویش، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان ، با تضرع و ترس، بی صدای بلند، یاد کن و از غافلان مباش» .

«مؤمنان، همان کسانی اند که چون خدا یاد شود ، دل هایشان می ترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود ، بر ایمانشان می افزاید و بر پروردگار خود ، توکل می کنند» .

حدیث ۵۰۰۷. امام علی علیه السلام (درباره مخلوقات) امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جل به موسی علیه السلام فرمود : «در شب و روز ، مرا بسیار یاد کن و هنگام یاد کردن از من ، خاشع و در بلایم ، شکبیا باش و به گاه یاد کردن از من ، آرام باش و مرا بندگی کن و چیزی را انباز من مدار . حرکت ، به سوی من است» .

٥٠٨. امام على عليه السلام: الكافي عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام: فيما وَعَظَ اللَّهُ عز و جل بِهِ عيسى عليه السلام : يا عيسى ... إعلم أن دُنْيَاكَ مُؤَدِّيَتُكَ إِلَيَّ ، وَأَتَى آخِذُكَ بِعِلْمِي ، فَكُنْ ذَلِيلَ النَّفْسِ عِنْدَ ذِكْرِي ، خَاشِعَ الْقَلْبِ حِينَ تَذْكُرُنِي ، يَقْظَانَ عِنْدَ نَوْمِ الْغَافِلِينَ . (١) ٧ / ٣ الخلوص ٥٠١١. امام على عليه السلام (در حکمتی منسوب به ايشان) الإمام على عليه السلام : اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا خَالِصًا ؛ تَحْيُوا بِهِ أَفْضَلَ الْحَيَاةِ ، وَتَسْلُكُوا بِهِ طَرِيقَ النَّجَاةِ . (٢) ٧ / ٤ التَّقْوَى ٥٠١٤. الإمام الحسين عليه السلام : رسول الله صلى الله عليه و آله : لا يَقْبَلُ اللَّهُ ذِكْرَهُ إِلَّا مِمَّنِ اتَّقَى وَطَهَّرَ قَلْبَهُ ، وَأَكْرَمُوا اللَّهَ أَنْ يَرَى مِنْكُمْ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ . (٣) ٥٠١٥. جامع الأخبار : عنه صلى الله عليه و آله : وَيَلُ لِمَنْ يُكْتَبُ ذِكْرُ اللَّهِ بِلسَانِهِ ، وَيَعْصِي اللَّهَ فِي عَمَلِهِ . (٤) .

-
- ١- الكافي : ج ٨ ص ١٣١ ح ١٠٣ .
 - ٢- الكافي : ج ٨ ص ١٧ ح ٣ عن محمد بن إسماعيل الهمداني عن الإمام الكاظم عليه السلام ، تحف العقول : ص ٢٠٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٣٩ ح ١٦ .
 - ٣- كتر العمال : ج ٢ ص ٢٤٣ ح ٣٩٣١ نقلاً عن ابن صبرى فى أماليه عن معاذ .
 - ٤- الفردوس : ج ٤ ص ٤٠٠ ح ٧١٦٠ عن ابن عمر ، كتر العمال : ج ١٦ ص ١٦ ح ٤٣٧٣٨ .

۳ / ۷ خلوص

۴ / ۷ پرهیزگاری

۵۰۱۶. الإمام علیّ علیه السلام (مِنْ مُنَاجَاتِهِ فِي شَهْرِ شَعْبَانَ) الكافي به نقل از علی بن اسباط ، از امامان علیهم السلام : از جمله اندر زهای خداوند عز و جل به عیسی علیه السلام این بود که : «ای عیسی ! ... بدان که دنیایت ، تو را به سوی من می کشاند و من با علم خویش ، بر تو احاطه دارم . پس در هنگام یاد کردن از من ، فروتن باش و آن گاه که مرا یاد می کنی ، دلت خاشع باشد و آن گاه که غافلان در خواب [غفلت] اند ، تو بیدار باش» . ۳ / ۷ خلوص ۵۰۱۵. جامع الأخبار : امام علی علیه السلام : خدا را خالصانه یاد کنید تا بدین وسیله ، به بهترین وجه ، زندگی کنید و راه نجات را بیوید . ۴ / ۷ پرهیزگاری ۵۰۱۸. الإمام علیّ علیه السلام (مِنْ دُعَاءِ عَلَّمَهُ نَوْفًا الْبِكَالِيِّ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، ذکر خویش را نمی پذیرد ، مگر از کسی که پرهیزگار و پاک دل باشد . حرمت خدا را نگه دارید و کاری نکنید که از شما آن عملی را ببیند که از آن ، نهیتان کرده است . ۵۰۱۹. عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : وای بر کسی که با زبانش ذکر خدا بسیار بگوید و در عمل ، معصیت او کند !

٥٠٢٠. نور البراهين عن كَمِيل (لِعلِّي عليه السلام) عنه صلى الله عليه وآله :الذَّاكِرُ بِلا- عَمَلٍ ، كَالرَّامِي بِلا- وَتَرٍ . (١) / ٧ /
٥٠١٩. التعظيمُ ٥٠١٩. امام على عليه السلام :رسول الله صلى الله عليه وآله في وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرِّ الغِفَارِيِّ : يا أبا ذَرِّ ، لِيُعْظِمَ جِلالُ اللهِ في
صِدْرِكَ ، فَلَا تَذْكُرُهُ كَمَا يَذْكُرُهُ الجاهِلُ عِنْدَ الكَلْبِ : «اللَّهُمَّ أَخْزِهِ» ، وَعِنْدَ الخِنْزِيرِ : «اللَّهُمَّ أَخْزِهِ» . (٢) ٥٠٢٠. نور البراهين:عنه
صلى الله عليه وآله مِنْ دُعائِهِ عَقِيبَ كُلِّ رَكَعَتَيْنِ مِنَ نَوافِلِ الرُّوَالِ : وَارزُقْنِي الرِّهْبَةَ مِنْكَ ، وَالرِّغْبَةَ إِلَيْكَ ، وَالخُشُوعَ لِمَكَ ،
وَالوَقَارَ والحِياءَ مِنْكَ ، وَالتَّعْظِيمَ لِتَذْكَرَكَ ، وَالتَّقْدِيسَ لِمَجْدِكَ أَيَّامَ حَيَاتِي ، حَتَّى تَتَوَفَّانِي وَأَنْتَ عَنِّي راضٍ . (٣) ٥٠٢١. الإمام
الصادق عليه السلام :مصباح الشريعة فيما نَسَبَهُ إِلَى الإمامِ الصَّادِقِ عليه السلام : إِنَّ العَبْدَ إِذا ذَكَرَ اللهُ تَعَالَى بِالتَّعْظِيمِ خالِصاً ؛
ارْتَفَعَ كُلُّ حِجَابٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللهِ مِنْ قَبْلِ ذَلِكِ . . . وَإِذا غَفَلَ عَن ذِكْرِ اللهِ ؛ كَيْفَ تَراهُ بَعْدَ ذَلِكِ مَوْقُوفاً مَحْجُوباً ، قَدْ قَسَا وَأَظْلَمَ
مُنْذُ فارَقَ نَورَ التَّعْظِيمِ . (٤) / ٧ / النِّشاطُ ٥٠٢٣. الإمام على عليه السلام (مِنْ دُعائِهِ عَلَّمَهُ نَوْفاً البِكالِيَّ) الإمامِ عَلِيِّ عليه السلام مِنْ
دُعائِهِ يَومَ صِفِّينَ : وَأَسأَلَ لَكَ أَنْ تُرْزُقَنِي . . . قُوَّةً في عِبادَتِكَ ، وَنشاطاً لِذِكْرِكَ ما اسْتَعَمَّرْتَنِي في أَرْضِكَ . (٥) .

-
- ١- جامع الأحاديث للقمي : ص ٧٩.
 - ٢- مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٧٠ ح ٢٦٦١ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٥٨ ، أعلام الدين : ص ١٩٦ كلها عن أبي ذرّ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٨٢ ح ٣.
 - ٣- فلاح السائل : ص ٢٥٥ ح ١٥٤ عن عبد الله بن الحسن بن الحسن بن الحسن بن الحسين بن عليّ عنها السلام ، مصباح المتعبد : ص ٤٢ ح ٥١ ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٦٥ ح ١٩.
 - ٤- مصباح الشريعة : ص ٢٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٥٥ ح ٢٥.
 - ٥- مهج الدعوات : ص ١٣٠ عن محمد بن النعمان الأحول عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٢٣٩ ح ٩.

۷ / ۵ بزرگداشت

۷ / ۶ نشاط

۵۰۲۲. الکافی (به نقل از محمد بن یزید رفاعی ، بدون ذکر سلسله) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ذکر گوی بی عمل ، مانند کسی است که با کمان بی چله تیراندازی می کند . ۷ / ۵ بزرگداشت ۵۰۲۵. الإمام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش های ایشان به ابو ذر غفاری : ای ابو ذر! باید که شکوه خداوند در سینه ات بزرگ باشد . او را چنان یاد مکن که شخص نادان در هنگام دیدن سگ ، یاد می کند که : «خدا یا! به حسابش برس» یا در هنگام دیدن خوک که : «خدا یا! به حسابش برس» . ۵۰۲۴. امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعای ایشان پس از هر یک از نافله های دو رکعتی ظهر : بیم از خودت را ، و امید به خودت را ، و گرنش در برابر خودت را ، و آزرم و شرم از خودت را ، و بزرگداشت یادت را ، و مقدس دانستن مقام با عظمت را ، در تمام مدت عمرم ، روزی ام فرما تا آن که چون جان مرا می ستانی ، از من راضی باشی . ۵۰۲۵. امام علی علیه السلام : مصباح الشریعه در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است : هر گاه بنده ، خداوند متعال را با بزرگی و اخلاص یاد کند ، هر حجابی که پیش از آن ، میان او و خدا بوده است ، کنار می رود ... و هر گاه از یاد خدا غافل شود ، او را چگونه می بینی ؟ در حبس و حجاب است و بر اثر جدا شدن از نور عظمت [خدا] ، سخت و تاریک شده است . ۷ / ۶ نشاط ۵۰۲۸. الإمام علی علیه السلام : امام علی علیه السلام از دعای ایشان در روز صفین : از تو درخواست می کنم که ... نیرومندی در عبادت و بانشاط بودن در یادت را روزی ام کنی ، تا زمانی که در زمینت ، زنده ام می داری .

٥٠٢٩. عنه عليه السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام من دُعائه يوم الأربعاء: اجعل قوتى فى طاعتك، ونشاطى فى عبادتك، ورغبتى فى ثوابك. (١) ٥٠٢٦. امام على عليه السلام (در وصف خدای عز و جل) عنه عليه السلام فى المناجاة الإنجيلية: أسألك من الشهادة أفسدتها، ومن العبادة أنشدتها. (٢) ٧ / ٧ نسيان النفس ٥٠٢٩. امام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام: لا تذكر الله سبحانه ساهيا، ولا تنسه لاهيا، واذكره كاملاً. يوافق فيه قلبك لسانك، ويطابق إضمارك إعلانك، ولن تذكره حقيقة الذكر حتى تنسى نفسك فى ذكرك، وتفقدتها فى أمرك. (٣) ٧ / ٨ الشوق إلى اللقاء ٥٠٣٢. عنه عليه السلام (أيضا) الإمام الرضا عليه السلام: من ذكر الله ولم يشق إلى لقائه، فقد استهزأ بنفسه. (٤).

- ١- المصباح للكفعمى: ص ١٦٩، البلد الأمين: ص ١٣٢، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٢٠٠ ح ٣١.
- ٢- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥٥ ح ٢٢ نقلاً عن كتاب أنيس العابدين.
- ٣- غررالحكم: ح ١٠٣٥٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٢٥ ح ٩٥٦٧.
- ٤- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١١١، كنز الفوائد: ج ١ ص ٣٣٠ عن أيوب بن نوح وفيه «يستبق» بدل «يشق»، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٥٦ ح ١١.

۷ / ۷ فراموش کردن خود**۷ / ۸ شوق داشتن به دیدار**

۵۰۳۳. عنه علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در روز چهارشنبه: نیروی مرا در طاعتت، و نشاطم را در عبادتت، و رغبتم را به ثوابت قرار ده. ۵۰۳۴. الإمام علی علیه السلام (مُخَاطَبَا اللّٰهَ - عَزَّ وَجَلَّ) امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات إنجیلیّه»: از گواهی دادن، عادلانه ترین آن را، و از عبادت، بانشاط ترینش را از تو درخواست می کنم. ۷ / ۷ فراموش کردن خود ۵۰۳۲. امام علی علیه السلام (در وصف خدای عز و جل) امام علی علیه السلام: خداوند سبحان را نه با بی توجهی یاد کن و نه از سرِ غفلت، فراموشش کن؛ بلکه او را کامل یاد نما، آن سان که دلت با زبانت، هم نوا باشد و نهانت با آشکارت، سازگار. تو به راستی به یاد خدا نخواهی بود، مگر آن گاه که خودت را در [هنگام] یاد کردنت [از خدا]، از یاد ببری و در وقت ذکر گفتن، خویشتن را گم کنی. ۷ / ۸ شوق داشتن به دیدار ۵۰۳۵. عنه علیه السلام: امام رضا علیه السلام: کسی که خدا را یاد کند و مشتاق دیدارش نباشد، در واقع، خویش را ریشخند کرده است.

٧ / ٩ الثَّوَادِرُ ٥٠٣٨. عنه عليه السلام: الدرّ المنثور عن جابر: إِنَّ رَجُلًا - كَانَ يَرْفَعُ صَوْتَهُ بِالذِّكْرِ ، فَقَالَ رَجُلٌ : لَوْ أَنَّ هَذَا خَفَضَ صَوْتَهُ !

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : دَعُهُ فَإِنَّهُ أَوَْاهٌ . (١) ٥٠٣٩. عنه عليه السلام (مُخَاطِبًا اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ) مسند ابن حنبل عن عقبه بن عامر: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِرَجُلٍ يُقَالُ لَهُ ذُو الْبِجَادِينَ : «إِنَّهُ أَوَْاهٌ» ، وَذَلِكَ أَنَّهُ كَانَ رَجُلًا كَثِيرَ الذِّكْرِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْقُرْآنِ ، وَيَرْفَعُ صَوْتَهُ فِي الدُّعَاءِ . (٢) ٥٠٣٥. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله من صفات المؤمنين أن يكون جوال الفكر ، جهوري الذكر (٣) . (٤) ٥٠٣٦. امام على عليه السلام (خطاب به خدای عز و جل) عنه صلى الله عليه وآله : أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى دَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قُلْ لِلظَّالِمِينَ لَا يَذْكُرُونِي ، فَإِنِّي أَذْكُرُ مَنْ ذَكَرَنِي ، وَإِنَّ ذِكْرِي إِيَّاهُمْ أَنْ أَلْعَنَهُمْ . (٥) ٥٠٣٧. امام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام: طوبى لمن أخلص لله العبادَةَ وَالِدُّعَاءَ ، وَلَمْ يَشْغَلْ قَلْبُهُ بِمَا تَرَى عَيْنَا ، وَلَمْ يَنْسَ ذِكْرَ اللَّهِ بِمَا تَسْمَعُ أُذُنَا ، وَلَمْ يَحْزَنْ صَدْرُهُ بِمَا أُعْطِيَ غَيْرُهُ . (٦) .

١- الدرّ المنثور: ج ٤ ص ٣٠٥ نقلًا عن ابن مردويه.

٢- مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ١٤٩ ح ١٧٤٦٠.

٣- في المصدر: «جوهري الذكر»، وما أثبتناه من بحار الأنوار. قال العلامة المجلسي قدس سره: «جوال الفكر» أي فكره في الحركة دائما. «جوهري الذكر» في القاموس: كلام جهوري: أي عال، أي يعلن ذكر الله، أو ذكره عال في الناس. وفي بعض النسخ: «جوهري» وكأنه كناية عن خلوص ذكره ونفاسته، والظاهر أنه تصحيف (بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٣١٣).

٤- التمهيص: ص ٧٤ ح ١٧١، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٣١٠ ح ٤٥.

٥- الفردوس: ج ١ ص ١٤١ ح ٤٩٨، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٤٦٦ ح ٩ وج ٨ ص ١١٥ ح ٩، الزهد لابن حنبل: ص ٩٢، شُعب الإيمان: ج ٦ ص ٥٥ ح ٧٤٨٣ كلّها عن ابن عباس وفي الأربعة الأخيره من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه وآله، كنز العمال: ج ٣ ص ٥٠٢ ح ٧٦١٥ نقلًا عن ابن عساكر؛ فلاح السائل: ص ٩٤ ح ٣٠ عن داوود الرقي عن الإمام الصادق عليه السلام، جامع الأخبار: ص ٤٣٧ ح ١٢٣١، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٣ كلاهما عن ابن عباس من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٣١٩ ح ٤٢ وراجع عدّه الداعي: ص ١٢٩.

٦- الكافي: ج ٢ ص ١٦ ح ٣ عن علي بن أسباط عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٢٢٩ ح ٥.

۷ / ۹ گوناگون ۵۰۴۰. عنه عليه السلام (في تنزيه الله شَيْبَحَانَهُ) الدرّ المنثور به نقل از جابر : مردی با صدای بلند ، ذکر می گفت که مردی گفت : کاش صدایش را پایین بیاورد!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «رهایش کن . او نالنده (۱) است» . ۵۰۴۱. عنه عليه السلام : مسند ابن حنبل به نقل از عقبه بن عامر : پیامبر صلی الله علیه و آله در باره مردی که او را «ذو البجادین» می گویند ، فرمود : «او نالنده است» ، بدان سبب که او مردی بود که با خواندن قرآن ، بسیار یاد خداوند عز و جل می نمود و با صدای بلند ، دعا می کرد . ۵۰۴۲. عنه عليه السلام (في تنزيه الله شَيْبَحَانَهُ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از صفات مؤمن ، آن است که اندیشه ای پویا دارد و با صدای بلند ، ذکر می گوید . ۵۰۴۳. عنه عليه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل به داوود علیه السلام وحی فرمود که : «به ستمکاران بگو که از من یاد نکنند ؛ زیرا هر که مرا یاد کند ، من نیز او را یاد می کنم ، و یاد کردن من از ستمکاران ، این است که لعنتشان می کنم» . ۵۰۴۴. عنه عليه السلام : امام علی علیه السلام : خوشا آن که عبادت و دعا را برای خدا خالص گرداند و دلش را به آنچه چشمانش می بیند ، مشغول نسازد و به خاطر آنچه گوش هایش می شنود ، یاد خدا را به فراموشی نسپارد و به خاطر آنچه به دیگران داده شده است ، سینه اش را اندوهگین نکند!

۱- واژه «أواه» در عربی ، به معنای : آوخ گوی ، لابه کننده به درگاه خدا ، و بسیار دعاکننده است .

٥٠٤٥. عنه عليه السلام: المصنّف لعبد الرزاق عن أبي قلابه: ذَكَرَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلٌ ، فَقَالَ لَهُ (١): «فِيهِ خَيْرٌ» ، قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، خَرَجَ مَعَنَا حَاجًّا ، فَإِذَا نَزَلْنَا لَمْ يَزَلْ يُصَلِّي حَتَّى نَرْتَحِلَ ، وَإِذَا ارْتَحَلْنَا لَمْ يَزَلْ يَقْرَأُ وَيَذْكُرُ حَتَّى نَنْزِلَ .

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : فَمَنْ كَانَ يَكْفِيهِ عَلَفَ نَاقَتِهِ وَصُنِعَ طَعَامِهِ؟

قالوا: كُنَّا!

قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : كُلُّكُمْ خَيْرٌ مِنْهُ . (٢) ٥٠٤٠. امام على عليه السلام (در تنزيه خدای عز و جل) مصباح الشريعة فيما نسبته إِلَى الإِمَامِ الصِّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ كَانَ ذَاكِرًا لِلَّهِ عَلَى الْحَقِيقَةِ فَهُوَ مُطِيعٌ ، وَمَنْ كَانَ غَافِلًا عَنْهُ فَهُوَ عَاصٍ . وَالطَّاعَةُ عِلْمُهُ الْهِدَايَةُ ، وَالْمَعْصِيَةُ عِلْمُهُ الصَّلَاةُ ، وَأَصْلُهُمَا مِنَ الذِّكْرِ وَالْعَقْلِ .

فَاجْعَلْ قَلْبَكَ قِبَلَهُ لِلْسَانِكِ ، لَا تُحَرِّكْهُ إِلَّا بِإِشَارَةِ الْقَلْبِ ، وَمُؤَافَقَةِ الْعَقْلِ ، وَرِضَى الْإِيمَانِ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَالِمٌ بِسِرِّكَ وَجَهْرِكَ ، وَهُوَ عَالِمٌ بِمَا فِي الصُّدُورِ فَضْلًا عَنْ غَيْرِهِ .

وَكُنْ كَالنَّازِعِ رُوحَهُ أَوْ كَالوَاقِفِ فِي الْعَرَضِ الْأَكْبَرِ ، غَيْرَ شَاغِلٍ نَفْسِكَ عَمَّا عَنَّاكَ مِمَّا كَلَّفَكَ بِهِ رَبُّكَ ؛ فِي أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ وَوَعْدِهِ وَوَعِيدِهِ . وَاعْسِلْ قَلْبَكَ بِمَاءِ الْحُزْنِ ، وَلَا تَشْغَلْهَا بِدُونِ مَا كَلَّفَكَ .

وَاجْعَلْ ذِكْرَ اللَّهِ مِنْ أَجْلِ ذِكْرِهِ لَكَ ؛ فَإِنَّهُ ذَكَرَكَ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنْكَ ، فَذِكْرُهُ لَكَ أَجَلٌ وَأَشْهَى وَأَتَمُّ مِنْ ذِكْرِكَ لَهُ وَأَسْبَقُ .

وَمَعْرِفَتِكَ بِذِكْرِهِ لَكَ يورثُكَ الْخُضُوعَ ، وَالِاسْتِحْيَاءَ ، وَالْإِنْكَسَارَ ، وَيَتَوَلَّدُ مِنْ ذَلِكَ رُؤْيَاهُ كَرَمِهِ وَفَضْلِهِ السَّابِقِ ، وَتَخَلُّصُ لَوْجِهِ ، وَتَصَعُّرُ عِنْدَ ذَلِكَ طَاعَاتِكَ وَإِنْ كَثُرَتْ فِي جَنْبِ مَنَنِهِ .

وَرُؤْيَاكَ ذِكْرَكَ لَهُ تَوْرِثُكَ الرِّبَاءَ ، وَالْعُجْبَ ، وَالسَّفَهَ ، وَالْغِلْظَةَ فِي خَلْقِهِ ، وَاسْتِكْنَارَ الطَّاعَةِ ، وَنَسْيَانَ كَرَمِهِ وَفَضْلِهِ ، وَلَا يَزِدَادُ بِذَلِكَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا ، وَلَا يَسْتَجِلِبُ بِهِ عَلَى مُضِيِّ الْأَيَّامِ إِلَّا وَحْشَةً .

وَالذِّكْرُ ذِكْرَانِ ؛ ذِكْرٌ خَالِصٌ بِمُؤَافَقَةِ الْقَلْبِ ، وَذِكْرٌ صَارِفٌ (٣) يَنْفَى ذِكْرَ غَيْرِهِ ، كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنِّي لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ ؛ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ .

فَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ يَجْعَلْ لِذِكْرِهِ مِقْدَارًا عِنْدَ عِلْمِهِ بِحَقِيقَتِهِ سَابِقَهُ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مِنْ قَبْلِ ذِكْرِهِ لَهُ ، فَمَنْ دَوَّنَهُ أَوْلَى .

فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذْكُرَ اللَّهَ ، فَلْيَعْلَمْ أَنَّهُ مَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهُ الْعَبْدَ بِالتَّوْفِيقِ لِذِكْرِهِ ، لَا يَقْدِرُ الْعَبْدُ عَلَى ذِكْرِهِ . (٤) .

- ٢- .المصنّف لعبد الرزّاق : ج ١١ ص ٢٤٤ ح ٢٠٤٤٢ ؛ مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٥٦٤ ح ١٩٥٥ ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٢٧٤ ح ٢٨ .
- ٣- .في الطبعه المعتمده : «وذكر صادق» ، والأصح ما أثبتناه كما في نسخه أخرى وبحار الأنوار .
- ٤- .مصباح الشريعه : ص ٤٣ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٥٨ ح ٣٣ .

۵۰۴۱. امام علی علیه السلام: المصنّف ، عبد الرزّاق به نقل از ابو قلابه : نزد پیامبر صلی الله علیه و آله از مردی سخن به میان آمد و گفته شد : او مردی نیک است . [سپس] گفته شد : ای پیامبر خدا ! یک بار ، او با ما ره سپار حج شد و هر گاه در جایی فرود می آمدیم ، او پیوسته نماز می خواند تا کوچ می کردیم . در راه نیز پیوسته قرآن می خواند و ذکر می گفت تا باز در منزلی فرود می آمدیم .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «پس ، چه کسی شترش را علف می داد و برای خود او غذا تهیه می کرد ؟» .

گفتند : همه ما .

فرمود : «همه شما از او نیک ترید» . ۵۰۴۲. امام علی علیه السلام (در تنزیه خدای عز و جل) مصباح الشریعه در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است : کسی که حقیقتاً به یاد خداوند باشد ، فرمان بردار خداست و کسی که از خدا غافل باشد ، نافرمان است . فرمان برداری ، نشانه ره یافتگی است و نافرمانی ، نشانه گم راهی ، و ریشه این هر دو ، یاد [خدا] و غفلت [از او] است .

پس ، دلت را قبله زیانت قرار ده و آن را جز با اشارت دل و موافقت خرد و رضایت ایمان ، مَجْنَبان ؛ چرا که خداوند ، به نهران و آشکار تو داناست و به آنچه در سینه هاست ، آگاه است ، چه رسد به آنچه در غیر سینه هاست [و از اعمال ظاهر است] .

و همانند کسی باش که در حال جان کندن است ، یا همانند کسی که در صحنه بزرگ [قیامت برای حسابرسی] ایستاده است ، و خویشتن را از وظیفه ای که پروردگارت بر عهده تو نهاده است (یعنی امر و نهی و وعده و تهدیدش) ، غافل مدار و دلت را با آب اندوه بشوی و آن را به غیر تکلیفی که بر تو نهاده است ، مشغول مدار .

به یاد خدا باش ، از آن روی که او به یاد توست . او تو را یاد می کند ، با آن که بی نیاز از توست . پس ، یاد کردن او از تو ، ارزشمندتر و خواستنی تر و کامل تر و پیش تر از یاد کردن تو از اوست .

آگاهی تو از این که او به یاد توست ، موجب فروتنی و شرمندگی و شکسته نفسی تو می شود ، و از این [آگاهی] ، مشاهده کرم او و لطف ازلی اش زاده می شود و [در این صورت] ، برای او خالص می شوی و طاعات ، هر چند بسیار باشند ، در برابر نعمت ها و الطاف او به نظرت خرد می آیند .

و این که به یاد او بودنت را در نظر آوری ، موجب ریا و خودپسندی و گستاخی و درشتی با خلق او و بسیار دیدن طاعت و فراموش کردن لطف و کرم او می شود و اینها ، جز بر دور شدن از خداوند نمی افزاید و با گذشت ایام ، جز تنهایی [و جدا شدن مردم از او را] به بار نمی آورد .

یاد خدا ، دو گونه است : یکی یاد خالص که با دل ، سازگار است ؛ و یاد صارف که یاد جز او را از دل می زداید ، چنان که پیامبر خدا فرمود : «من ، ثنای تو را شمارش نمی توانم کرد . تو چنانی که خود در ثنای خویش گفته ای» .

پس ، پیامبر خدا برای یاد خدا ، اندازه ای قرار نداد ؛ چون به راستی می دانست که پیش از آن که او به یاد خدا باشد ، خداوند عز و جل به یاد اوست . پس ، دیگران ، حتماً نمی توانند [برای یاد خدا اندازه ای تعیین کنند] .

بنا بر این ، هر که می خواهد خدای متعال را یاد کند ، باید بداند که اگر خداوند ، توفیق یاد کردن از خود را به بنده ندهد ، بنده ، قادر به یاد کردن از او نیست . .

الفصل الثامن: أهم مواطن الذكر ٨ / العداة والعشيئالكتاب «وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعِشْيِ يُرِيدُونَ
وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا». (١)

«وَ اذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعِشْيِ وَالْأَيْبِ». (٢)

«وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْأَصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ». (٣)

«وَ لِلَّهِ يَشْجُدُ مِنَ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ ظَلَّلَهُمْ بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ». (٤)

١- الكهف: ٢٨.

٢- آل عمران: ٤١.

٣- الأعراف: ٢٠٥.

٤- الرعد: ١٥.

فصل هشتم: مهم ترین اوقات یاد خدا

۸ / ۱ بامدادان و شامگاهان

فصل هشتم: مهم ترین اوقات یاد خدا ۸ / ۱ بامدادان و شامگاهانقرآن «و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می خوانند [و] خشنودی او را می خواهند، شکیبایی پیشه کن و دو دیده ات را از آنان بر مگیر که زیور زندگی دنیا را بجویی ، و از آن کس که قلبش را از یاد خود ، غافل ساخته ایم و از هوس خود ، پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده روی است، اطاعت مکن» .

«و پروردگارت را بسیار یاد کن و شبانگاه و بامدادان ، [او را] تسبیح گوی» .

«و در دل خویش، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان ، با تضرّع و ترس، بی صدای بلند، یاد کن و از غافلان مباش» .

«و هر که در آسمان ها و زمین است ، خواه و ناخواه ، و [نیز] سایه هایشان، بامدادان و شامگاهان، برای خدا سجده می کنند» .

الحديث ٥٠٥٢. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: قال الله عز وجل: يَا بَنِي آدَمَ، اذْكُرْنِي بَعْدَ الْفَجْرِ سَاعَةً، وَاذْكُرْنِي بَعْدَ الْعَصْرِ سَاعَةً، أَكْفِكَ مَا أَهَمَّكَ. (١) ٥٠٥٣. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: لَأَنَّ أَذْكَرَ اللَّهِ مَعَ قَوْمٍ بَعْدَ صِيْلَاهِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا. وَلَأَنَّ أَذْكَرَ اللَّهِ مَعَ قَوْمٍ بَعْدَ صِيْلَاهِ الْعَصْرِ إِلَى أَنْ تَغِيْبَ الشَّمْسُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا. (٢) ٥٠٥٤. عنه صلى الله عليه وآله: لَأَنَّ أَجْلِسَ مَعَ قَوْمٍ يَذْكُرُونَ اللَّهَ بَعْدَ صِيْلَاهِ الصُّبْحِ إِلَى أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ. (٣) ٥٠٥٥. عنه صلى الله عليه وآله: ذِكْرُ اللَّهِ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، أْبْلَغُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِمَّنْ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ. (٤) ٥٠٥٦. عنه صلى الله عليه وآله: ذِكْرُ اللَّهِ مَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَ عَنْ جَابِرٍ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ إِبْلِيسَ إِتْمَا يَبِثُّ جُنُودَ اللَّيْلِ مِنْ حِينِ تَغِيْبِ الشَّمْسِ إِلَى مَغِيْبِ الشَّفَقِ، وَيَبِثُّ جُنُودَ النَّهَارِ مِنْ حِينِ يَطْلُعُ الْفَجْرُ إِلَى مَطْلَعِ الشَّمْسِ.

وَذَكَرَ أَنَّ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ:

أَكثَرُوا ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي هَاتَيْنِ السَّاعَتَيْنِ، وَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ، وَعَوَّذُوا صِيْلَاهُ غَارَكُمْ فِي هَاتَيْنِ السَّاعَتَيْنِ، فَإِنَّهُمَا سَاعَتَا غَفْلَةٍ. (٥).

- ١- تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٣٨ ح ٥٣٦، ثواب الأعمال: ص ٦٩ ح ٣ كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٣٢٩ ح ٩٦٥، الأمل للصدوق: ص ٣٩٨ ح ٥١٤ عن وهب بن وهب القاضي عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفي الثلاثة الأخيره «الغداه» بدل «الفجر»، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣١٩ ح ٣؛ الجامع الصغير: ج ٢ ص ٢٤٤ ح ٦٠٥٥ نقلاً عن أبي نعيم في الحليه عن أبي هريره نحوه.
- ٢- شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٠٩ ح ٥٥٩ عن أنس، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢١ ح ١٧٩٩.
- ٣- السنن الكبرى: ج ٨ ص ٦٨ ح ١٥٩٦٠ وص ١٣٩ ح ١٦١٨٠، مسند أبي يعلى: ج ٤ ص ١٥٣ ح ٤١١١، مسند الطيالسي: ص ٢٨١ ح ٢١٠٤، الفقيه والمتفقه: ج ١ ص ١١، تفسير ابن كثير: ج ٥ ص ١٤٨، كنز العمال: ج ٢ ص ١٥٣ ح ٣٥٥١ نقلاً عن شعب الإيمان وكلها عن أنس نحوه.
- ٤- جامع الأحاديث للقمي: ص ٧٩، تفسير العياشي: ج ١ ص ٢٤٠ ح ١١٩ عن الحسين بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «بعد طلوع الفجر» بدل «ما بين طلوع الفجر إلى طلوع الشمس»، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٧٣ ح ٢١٧٩ عن الإمام على عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٢٩ ح ٢.
- ٥- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥٠١ ح ١٤٤٠، الكافي: ج ٢ ص ٥٢٢ ح ٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٧٣ ح ٢١٨٠، عدّه الداعي: ص ٢٤٢ كلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٤٥ ح ٢.

حدیث ۵۰۵۸. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل فرمود: «ای پسر آدم! پاسی پس از سپیده دم، مرا ذکر گوی و پاسی پس از عصر، مرا ذکر گوی تا خواسته های تو را برآورده سازم». ۵۰۵۹. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: این که خدای را به همراه عده ای، پس از نماز صبح تا بر آمدن آفتاب یاد کنم، برایم از دنیا و آنچه در آن است، خوش تر است، و این که خدای را به همراه عده ای پس از نماز عصر تا غروب آفتاب یاد کنم، برایم از دنیا و آنچه در آن است، خوش تر است. ۵۰۵۴. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: این که با عده ای که پس از نماز صبح تا طلوع خورشید به ذکر خدا می پردازند، بنشینم، برایم محبوب تر از هر آن چیزی است که آفتاب بر آن طلوع می کند. ۵۰۵۵. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پرداختن به ذکر خدا از طلوع فجر تا طلوع خورشید، برای به دست آوردن روزی، مؤثرتر از سفر [تجارت] است. ۵۰۵۶. امام علی علیه السلام: کتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از جابر: امام باقر علیه السلام فرمود: «ابلیس، سپاهیان شب را، از آن هنگام که خورشید غروب می کند تا ناپدید شدن شفق، [همه جا] پخش می کند و سپاهیان روز را، از آن هنگام که سپیده می دمَد تا سر زدن آفتاب، [همه جا] پخش می کند».

امام باقر علیه السلام فرمود که پیامبر خدا می فرمود: «در این دو هنگام، خداوند عز و جلا بسیار یاد کنید و از شرّ ابلیس و سپاهیانش به خدای عز و جل پناه ببرید و کودکانتان را نیز در این دو وقت، در پناه خدا در آورید؛ چرا که این دو وقت، اوقات غفلت اند».

٥٠٥٧. امام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا تَغَيَّرَتِ الشَّمْسُ فَادْكُرِ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ ، وَإِنْ كُنْتَ مَعَ قَوْمٍ يَشْغَلُونَكَ فَقُمْ وَادْعُ . (١) راجع : ص ٣٦٠ و ٤٨٨ (الصباح والمساء) و ج ٢ ص ٢٣٢ (الصباح والمساء) .

٨ / ٢ ذُو الْحِجَّةِ إِلَى الْيَوْمِ الثَّالِثِ عَشَرَ الْكِتَابِ «وَأذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» . (٢)

«وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ * لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَيْمِهِ الْأَنْعَمِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا أَمْرَ الْفَقِيرِ» . (٣)

١- الكافي : ج ٢ ص ٥٢٤ ح ٩ ، فلاح السائل : ص ٣٨٢ ح ٢٥٣ ، محاسبه النفس لابن طاووس : ص ٢٦ كلها عن شهاب بن عبد ربّه ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٤٥ ح ٣ .

٢- البقره : ٢٠٣ .

٣- الحج : ٢٧ و ٢٨ . والضامر من الفرس : الخفيف اللحم من الأعمال لا من الهزال (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٥١٢ «ضمر»).
والفج : الطريق الواسع بين جبلين . أى مسلك بعيد غامض (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٣٦٣ «فجج»).

۸ / ۲ از اوّل تا سیزدهم ذی حجّه

۵۰۶۴. عنه عليه السلام: امام صادق عليه السلام: هر گاه خورشید غروب کرد، به ذکر خداوند عز و جل پرداز و اگر با عدّه ای بودی که تو را از ذکر خدا باز می دارند، از نزدشان برخیز و به دعا پرداز. ر. ک: ص ۳۶۱ و ۴۸۹ (بامداد و شامگاه) و ج ۲ ص ۲۳۳ (بامداد و شامگاه).

۸ / ۲ از اوّل تا سیزدهم ذی حجّه قرآن «و خدا را در روزهایی معین، یاد کنید. پس هر کس شتاب کند [و اعمال را] در دو روز [انجام دهد]، گناهی بر او نیست و هر که تأخیر کند [و اعمال را در سه روز انجام دهد]، گناهی بر او نیست. [این اختیار]، برای کسی است که [از محرمات] پرهیز کرده باشد. و از خدا پروا کنید و بدانید که نزد او آورده می شوید».

«و در میان مردم، برای [ادای] حج، بانگ برآور تا [زائران] پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری که از هر راه دوری می آیند به سوی تو روی آورند تا شاهد منافع خویش باشند و نام خدا را در روزهای معلومی بر دام های زبان بسته ای که روزی آنان کرده است، ببرند. پس، از آنها بخورید و به درمانده مستمند بخورانید».

«فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَسَكَكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِن خَلْقٍ» . (١)

«لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِن كُنْتُمْ مِّن قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ» . (٢)

الحديث ٥٠٦٦. امام علي عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: قال أبي: قال علي عليه السلام: «اذكروا الله في أيام معلومات» (٣)؛ قال: قال: عشر ذى الحجة، و «أيام معدودت» (٤)؛ قال: أيام التشريق. (٥) ٥٠٦٧. امام علي عليه السلام: عنه عليه السلام في قول الله عز وجل: «واذكروا الله في أيام معدودت»: هي أيام التشريق؛ كانوا إذا أقاموا بمني بعد النحر تفاخروا، فقال الرجل منهم: كان أبي يفعل كذا وكذا، فقال الله جل ثناؤه: «فإذا أفضتكم من عرفات [فاذكروا الله عند المشعر الحرام واذكروه كما هداكم وإن كنتم من قبله لمن الضالين * ثم أفيضوا من حيث أفاض الناس واستغفروا الله إن الله غفور رحيم * فإذا قضيتكم منسككم] (٦) فاذكروا الله كذكركم ءاباءكم أو أشد ذكرا» .

قال: والتكبير: «الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله والله أكبر، الله أكبر، ولله الحمد، الله أكبر على ما هدانا، الله أكبر على ما رزقنا من بهيمة الأنعام» . (٧)

١- البقرة: ٢٠٠.

٢- البقرة: ١٩٨.

٣- إشاره إلى الآية ٢٨ من سورة الحج: «وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ» .

٤- إشاره إلى الآية ٢٠٣ من سورة البقرة: «واذكروا الله في أيام معدودت» .

٥- تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٤٤٧ ح ١٥٥٨، قرب الإسناد: ص ١٧ ح ٥٥ كلاهما عن حماد بن عيسى، تفسير القمي: ج ١ ص ٧١ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٣٠٧ ح ١٢ وراجع معاني الأخبار: ص ٢٩٧ ح ٣١ .

٦- ذكر في المصدر أول الآية وآخرها وأتمناها للفائدة .

٧- الكافي: ج ٤ ص ٥١٦ ح ٣ عن منصور بن حازم وراجع دعائم الإسلام: ج ١ ص ٣٢١ وبحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٣١٣ ح

«و چون آداب ویژه حجّ خود را به جای آوردید، همان گونه که پدران خود را به یاد می آورید، یا با یاد کردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید. و از مردم، کسی است که می گوید: «پروردگارا! به ما در همین دنیا عطا کن» و حال آن که برای او در آخرت، نصیبی نیست».

«بر شما گناهی نیست که [در سفر حج، فضل پروردگارتان (روزی خویش) را بجوئید. پس چون از عرفات کوچ نمودید، خدا را در مشعر الحرام، یاد کنید. و یادش کنید، چنان که شما را که پیش تر از بی راهان بودید، فرا راه آورد».

حدیث ۵۰۶۸. امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام: پدرم [امام باقر علیه السلام] فرمود که علی علیه السلام در باره [فرمان الهی] «خداوند را در روزهایی معلوم» یاد کنید (۱)، فرمود: یعنی در دهه ذی حجّه، و در باره «روزهای تعیین شده» (۲) فرمود: یعنی ایام تشریق. (۳) امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل: «و خدا را در روزهایی معین، یاد کنید»: مقصود، ایام تشریق است. [مردم در جاهلیت،] آن گاه که پس از قربانی کردن، در منا می ایستادند، بر یکدیگر فخر می فروختند. یکی از ایشان گفت: پدر من، چنین و چنان می کرد. پس خداوند عز و جل فرمود: «پس چون از عرفات کوچ نمودید، خدا را در مشعر الحرام یاد کنید، و یادش کنید، چنان که شما را که پیش تر از بی راهان بودید، فرا راه آورد. پس، از همان جا که [انبوه] مردم روانه می شوند، شما نیز روانه شوید و از خداوند، آمرزش بخواهید، که خدا آمرزنده مهربان است. و چون آداب ویژه حجّ خود را به جای آوردید، همان گونه که پدران خود را به یاد می آورید، یا با یاد کردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید» (۴).

و خدا را به بزرگی یاد کردن، این گونه است: «خدا بزرگ است. خدا بزرگ است. معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ است. خدا بزرگ است و ستایش، خدای راست. خدا بزرگ است که ما را راه نمایی کرد. خدا بزرگ است که از حیوانات بی زبان، روزی ما فرمود».

- ۱- اشاره است به آیه ۲۸ از سوره حج: «و نام خدا را در روزهایی معلوم ... بیاورند».
- ۲- اشاره است به آیه ۲۰۳ از سوره بقره: «و خدا را در روزهایی معین یاد کنید».
- ۳- به روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی حجّه، «ایام التشریق» می گویند.
- ۴- در مصدر، اول و آخر آیه آمده و ما، آن را به طور کامل آوردیم.

٥٠٧٠. الخصال (به نقل از شَرِيحِ بْنِ هَانِي) مستطرفات السرائر عن الحلبي: سَأَلْتُهُ [الإمامَ الصَّادِقَ عليه السلام] عَنِ قَوْلِ اللَّهِ: «فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا»، قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كَانَ الْمُشْرِكُونَ يَفْتَخِرُونَ بِمِنَى إِذَا كَانَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ، فَيَقُولُونَ: كَانَ أَبُوْنَا كَذَا، وَكَانَ أَبُوْنَا كَذَا، فَيَذْكُرُونَ فَضْلَهُمْ، فَقَالَ: «فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا». (١) ٥٠٧١. الإمام علي عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من أيامٍ أعظمُ عند الله ولا أحبُّ إليه من العملِ فيهنَّ من هذه الأيامِ العَشْرِ، فأكثرُوا فيهنَّ مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ وَالتَّحْمِيدِ. (٢) ٥٠٧٢. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: ما من أيامٍ أفضلَ عند الله، ولا العملُ فيهنَّ أحبُّ إلى الله عز وجل من هذه الأيامِ العَشْرِ، فأكثرُوا فيهنَّ مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ وَذِكْرِ اللَّهِ؛ فَإِنَّهَا أَيَّامُ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ وَذِكْرِ اللَّهِ، وَإِنَّ صِيَامَ يَوْمٍ مِنْهَا يَعْدِلُ بِصِيَامِ سَنَةٍ، وَالْعَمَلُ فِيهِنَّ يُضَاعَفُ سَبْعِمِائَةٍ ضِعْفٍ. (٣) ٥٠٧٣. عنه عليه السلام: الإمام علي عليه السلام في يَوْمِ النَّحْرِ: إِنَّ هَذَا يَوْمٌ حُرْمَتُهُ عَظِيمَةٌ، وَبَرَكَتُهُ مَأْمُولَةٌ، وَالْمَغْفِرَةُ فِيهِ مَرْجُوءَةٌ، فَأَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ تَعَالَى، وَاسْتَغْفِرُوهُ وَتَوَبُوا إِلَيْهِ، إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ. (٤).

- ١- مستطرفات السرائر: ص ٣٥ ح ٥٠، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٣١١ ح ٣٢.
- ٢- مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٣٦٥ ح ٥٤٤٧، شعب الإيمان: ج ٣ ص ٣٥٤ ح ٣٧٥٠ وح ٣٧٥١ وكلها عن ابن عمر، المعجم الصغير: ج ٢ ص ٤٥ عن ابن عباس نحوه، كنز العمال: ج ١٢ ص ٣١٨ ح ٣٥١٩٢.
- ٣- شعب الإيمان: ج ٣ ص ٣٥٦ ح ٣٧٥٨ عن ابن عباس، كنز العمال: ج ١٢ ص ٣١٨ ح ٣٥١٩٤.
- ٤- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥٢٠ ح ١٤٨٤، مصباح المتهجد: ص ٦٦٤ ح ٧٣٠ عن جندب وفيه «وتعرضوا لثوابه بالتوبه والإنابه والخضوع...» بدل «واستغفروه وتوبوا إليه إنَّه هو التَّوَابُ الرَّحِيمُ»، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ١٠٠ ح ٤.

۵۰۷۴. عنه عليه السلام (في قولِ الْمُؤَدِّنِ : أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا ا) مستطرفات السرائر به نقل از حلبی : از ایشان (امام صادق علیه السلام) در باره این سخن خداوند : «همان گونه که پدران خود را به یاد می آورید، یا با یاد کردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید» پرسیدم . فرمود : «مشرکان ، در ایام تشریق ، در منا بر یکدیگر می نازیدند و می گفتند : پدر ما چنین بود ! پدر ما چنان بود ! و از امتیازات آنان یاد می کردند . پس خداوند فرمود : «همان گونه که پدران خود را به یاد می آورید، یا با یاد کردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید» . ۵۰۷۱. امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ ایامی نزد خدا با عظمت تر ، و عمل کردن در آنها نزد او محبوب تر از این ده روز نیست . پس ، در این روزها خداوند را به یگانگی و بزرگی و ستودگی ، بسیار یاد کنید . ۵۰۷۲. امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ ایامی نزد خدا برتر ، و عمل کردن در آنها نزد خداوند عز و جلمحبوب تر از این ده روز نیست . پس ، در این روزها خدا را به یگانگی و بزرگی ، فراوان یاد کنید و نام او را بسیار ببرید ؛ چرا که این روزها ، روزهای تهلیل و تکبیر و ذکر خداست . روزه یک روز از این ده روز ، با روزه یک سال ، برابری می کند و عمل در این روزها هفتصد برابر می شود . ۵۰۷۳. امام علی علیه السلام : امام علی علیه السلام در روز قربان : امروز ، روزی محترم و بابرکت است و در این روز ، به آمرزش امید می رود . پس خدای متعال را بسیار یاد کنید و از او آمرزش بطلبید و به درگاهش توبه کنید ، که او آمرزگار و مهربان است . .

٨ / ٣ شَهْرُ رَمَضَانَ ٥٠٧٦. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: ذَاكِرُ اللَّهِ فِي رَمَضَانَ مَغْفُورٌ لَهُ ، وَسَائِلُ اللَّهِ فِيهِ لَا يُخَيَّبُ . (١) ٥٠٧٥. امام على عليه السلام (در یکی از سخنرانی هایش) عنه صلى الله عليه وآله: رَمَضَانُ شَهْرُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اسْتَكْبَرُوا فِيهِ مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّمْجِيدِ وَالتَّسْبِيحِ . (٢) ٨ / ٤ يَوْمُ الْجُمُعَةِ الْكِتَابُ «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» . (٣)

الحديث ٥٠٧٨. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: تَسْبِيحُهُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ ، أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ تَسْبِيحِهِ فِي غَيْرِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ . (٤) راجع: ج ٤ ص ٣٤٢ (قيمة الصلاة على النبي وآله يوم الجمعة وليلتها) .

١- المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٢٢٦ ح ٧٣٤١، شعب الإيمان: ج ٣ ص ٣١١ ح ٣٦٢٧ كلاهما عن عمر بن الخطاب، كنز العمال: ج ٨ ص ٤٦٤ ح ٢٣٦٧٦.

٢- النوادر للأشعري: ص ١٧ ح ٢ عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٦ ص ٣٨١ ح ٦

٣- الجمعة: ٩.

٤- الفردوس: ج ٣ ص ٣٨٣ ح ٥١٦٦ عن أنس، كنز العمال: ج ٧ ص ٧١٩ ح ٢١٠٧٩.

۸ / ۳ ماه رمضان

۸ / ۴ روز جمعه

۸ / ۳ ماه رمضان ۵۰۸۲. عنه عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یادکننده خدا در رمضان، آمرزیده می شود و درخواست کننده از خدا در این ماه، ناکام نمی شود. ۵۰۸۳. عنه عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رمضان، ماه خداوند تبارک و تعالی است. در این ماه، ذکر «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» و «الحمد لله» و تمجید (۱) و «سبحان الله»، بسیار بگویند. ۸ / ۴ روز جمعه قرآن «ای کسانی که ایمان آورده اید! چون برای نماز جمعه ندا در داده شد، به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را وا گذارید. این برای شما بهتر است، اگر بدانید».

حدیث ۵۰۸۴. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یک بار تسبیح گفتن خدا در روز جمعه، فضیلتش از هزار تسبیح در غیر روز جمعه، بیشتر است. ر. ک: ج ۴ ص ۳۴۳ (ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او در روز و شب جمعه).

۱- مقصود از تمجید، گفتن هر گونه ذکری است که در آن، حمد و ثنا و شکر و تعظیم خداوند باشد (ر. ک: جواهر الکلام: ج ۱۱ ص ۲۰۹، ثواب الأعمال: ص ۱۳۱۴). م.

٨ / ٥ عِنْدَ الْقِتَالِ الْكِتَابَ «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فَتَهُ فَاثْبُتُوا وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». (١).

الحديث ٥٠٨٦. امام على عليه السلام: سنن الترمذى عن عماره بن زعكره: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: إِنَّ عَبْدِي كُلَّ عَبْدِي: الَّذِي يَذْكُرُنِي وَهُوَ مُلَاقٍ قِرْنَهُ يَعْنِي عِنْدَ الْقِتَالِ. (٢) ٥٠٨٧. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: التَّسْبِيحُ مِنَ الْغَازِي سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ. (٣) ٥٠٨٨. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ كَبَّرَ تَكْبِيرَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ، كَانَتْ كَصَيِّ خَرِّهِ فِي مِيزَانِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَثْقَلَ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ. وَمَنْ قَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» رَافِعًا صَوْتَهُ بِهَا، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا رِضْوَانَهُ الْأَكْبَرَ، وَمَنْ يَكْتُبُ لَهُ رِضْوَانَهُ الْأَكْبَرَ جَمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَسَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (٤) ٥٠٨٩. امام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام: إِذَا لَقِيتُمْ عَدُوَّكُمْ فِي الْحَرْبِ فَأَقِلُّوا الْكَلَامَ، وَادْكُرُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، وَلَا تُؤَلُّوهُمْ الْأَدْبَارَ فَتَسْخَطُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، وَتَسْتَوْجِبُوا غَضَبَهُ. (٥) راجع: ص ١٠٠ ح ١٥٣.

١- الأنفال: ٤٥.

٢- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٧٠ ح ٣٥٨٠، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٦ ح ١٧٦٤.

٣- الفردوس: ج ٢ ص ٧٦ ح ٢٤٢٥ عن معاذ بن جبل، كنز العمال: ج ٤ ص ٣٤٠ ح ١٠٧٩٧.

٤- تنبيه الغافلين: ص ٤٩٩ ح ٧٨٨ عن ابن عمر.

٥- الكافي: ج ٥ ص ٤٢ ح ٥ عن مفضل بن عمر ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال: ص ٦١٧ ح ١٠

عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، تحف العقول: ص ١٠٧، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٣١٧

ح ١٠١٦ عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٤ ح ١٦.

۸ / ۵ هنگام جنگ

۸ / ۵ هنگام جنگقرآن «ای کسانی که ایمان آورده اید! چون با گروهی برخورد می کنید، پایداری ورزید، و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که رستگار شوید».

حدیث ۵۰۹۶. عنه علیه السلام: سنن الترمذی به نقل از عماره بن زَعَكْرَه: از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید: «خداوند عز و جل می فرماید: بنده تمام عیار من، کسی است که در هنگام رو در رو شدن با هماوردش» در هنگام جنگ، «مرا یاد کند» ۵۰۹۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سبحان الله گفتن رزمنده [ی راه خدا]، برابر با هفتاد هزار کار نیک است و هر کار نیک هم، ده برابر پاداش دارد. ۵۰۹۱. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در راه خدا تکبیری بگوید، روز قیامت، آن تکبیر در ترازوی [اعمال] او، چونان کوهی خواهد بود سنگین تر از آسمان ها و زمین و هر آنچه در آسمان ها و زمین است. و هر کس در راه خدا با صدای بلند بگوید: «لا إله إلا الله و الله أكبر»، خداوند، در ازای آن، بزرگ ترین خشنودی اش را برای او می نویسد و هر که خداوند، بزرگ ترین خشنودی خود را برای او بنویسد، او را با محمد و ابراهیم و دیگر پیامبران علیهم السلام گرد می آورد. ۵۰۹۲. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: هر گاه در جنگ با دشمن رو در رو شدید، سختتان را کوتاه کنید و خدا را یاد کنید و به دشمنان پشت نکنید، که [با این کار]، خداوند تبارک و تعالی را می رنجانید و موجب خشم او می شوید. ر. ک: ص ۱۰۱ ح ۱۵۳.

٨ / ٦ عِنْدَ الْهَمِّ وَالْحُكُومَةِ وَالْقِسْمَةِ ٥٠٩٦. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: أَذْكَرَ اللَّهُ عِنْدَ هَمِّكَ إِذَا هَمَمْتَ ، وَعِنْدَ لِسَانِكَ إِذَا حَكَمْتَ ، وَعِنْدَ يَدِكَ إِذَا قَسَيْمْتَ . (١) ٨ / ٧ عِنْدَ الصَّاعِقَةِ ٥٠٩٩. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا سَمِعْتُمُ الرَّعْدَ فَادْكُرُوا اللَّهَ ، فَإِنَّهُ لَا يُصِيبُ ذَاكِرًا . (٢) ٥١٠٠. عنه عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الصَّاعِقَةَ تُصِيبُ الْمُؤْمِنَ وَالْكَافِرَ ، وَلَا تُصِيبُ ذَاكِرًا . (٣) ٥١٠١. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام: إِنَّ الصَّاعِقَةَ لَا تُصِيبُ ذَاكِرًا لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ . (٤) ٥١٠٢. عنه عليه السلام: الكافي عن بريد بن معاوية عن الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الصَّوَاعِقَ لَا تُصِيبُ ذَاكِرًا .

قَالَ: قُلْتُ: وَمَا الدَّاكِرُ؟ قَالَ: مَنْ قَرَأَ مِنْهُ آيَةٌ . (٥) ٥١٠٣. عنه عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: يَمُوتُ الْمُؤْمِنُ بِكُلِّ مِيتَةٍ إِلَّا الصَّاعِقَةَ ، لَا تَأْخُذُهُ وَهُوَ يَذْكُرُ اللَّهَ عِزٌّ وَجَلٌّ . (٦) ٥١٨٧. امام على عليه السلام: الكافي عن أبي بصير: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ مِيتَةِ الْمُؤْمِنِ ، قَالَ: يَمُوتُ الْمُؤْمِنُ بِكُلِّ مِيتَةٍ ؛ يَمُوتُ غَرْقًا ، وَيَمُوتُ بِالْهَيْدَمِ ، وَيُيْتَلَى بِالسَّبْعِ ، وَيَمُوتُ بِالصَّاعِقَةِ ؛ وَلَا تُصِيبُ ذَاكِرَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ . (٧) .

١- .كنز الفوائد: ج ٢ ص ٣١ ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٧١ ح ٧.

٢- .المعجم الكبير: ج ١١ ص ١٣٢ ح ١١٣٧١ عن ابن عباس ، كنز العمال: ج ٦ ص ١٥٦ ح ١٥٢٠٩.

٣- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥٤٤ ح ١٥١٦ ، علل الشرائع: ص ٤٦٣ ح ٧ عن معاوية بن عمّار ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٧ ح ٢٦ ؛ حليه الأولياء: ج ٣ ص ١٨١ عن زياد بن خيثمة عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «الصواعق» بدل «إِنَّ الصاعقه» و«غير المؤمن» بدل «الكافر».

٤- .الأمالى للصدوق: ص ٥٥٠ ح ٧٣٤ عن عبد الله بن حمّاد ، المحاسن: ج ١ ص ٤٥٩ ح ١٠٦٢ وليس فيه «لله عز و جل» ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٦ ح ٢٢٣١ ، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ١٤٧ ح ٤.

٥- .الكافي: ج ٢ ص ٥٠٠ ح ٢ ، بحار الأنوار: ج ٥٩ ص ٣٨٥ ح ٣٤.

٦- .الكافي: ج ٢ ص ٥٠٠ ح ١ عن أبي الصباح الكناني ، عدّه الداعي: ص ٢٣٢ ، بحار الأنوار: ج ٥٩ ص ٣٨٠ ح ٢٢.

٧- .الكافي: ج ٢ ص ٥٠٠ ح ٣ ، بحار الأنوار: ج ٥٩ ص ٣٨٥ ح ٣٥.

۸ / ۶ هنگام آهنگ کاری کردن و داوری و قسمت کردن

۸ / ۷ هنگام رعد و برق

۸ / ۶ هنگام آهنگ کاری کردن و داوری و قسمت کردن ۵۱۹۱. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه آهنگ کاری کردی، خداوند را در هنگام تصمیم خود یاد کن، و هر گاه خواستی داوری کنی، خدا را با زبانت یاد کن، و هر گاه خواستی [چیزی را] قسمت کنی، خدا را در کار دستت یاد آور شو. ۸ / ۷ هنگام رعد و برق ۵۱۸۸. الإمام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه صدای رعد شنیدید، ذکر خدا بگویید؛ زیرا رعد به کسی که ذکر بگوید، آسیب نمی زند. ۵۱۸۷. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام: صاعقه، به مؤمن و کافر اصابت می کند؛ اما به آن که ذکر خدا بگوید، اصابت نمی کند. ۵۱۸۶. امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام: صاعقه به یادکننده خداوند عز و جل اصابت نمی کند. ۵۱۸۵. امام علی علیه السلام: الکافی به نقل از برید بن معاویه: امام صادق علیه السلام فرمود: «صاعقه ها به کسی که ذکر خدا می گوید، گزند نمی رسانند».

گفتم: ذاکر، چه کسی است؟

فرمود: «کسی که صد آیه بخواند». ۵۱۸۴. امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام: مؤمن به هر نوع مُردنی می میرد، مگر به صاعقه. صاعقه، مؤمن را که در حال ذکر خداوند عز و جل باشد، نمی گیرد. ۵۱۸۳. امام علی علیه السلام: الکافی به نقل از ابو بصیر: از امام صادق علیه السلام در باره نوع مُردن مؤمن پرسیدم. فرمود: «مؤمن به هر مرگی می میرد: غرق می شود، زیر آوار می رود، طعمه درندگان می شود، با صاعقه می میرد؛ اما صاعقه به یادکننده خداوند عز و جل اصابت نمی کند».

٨ / ٨ عِنْدَ غَفْلَةِ النَّاسِ ٥١٨٠. إمام علي عليه السلام: المعجم الكبير عن عصمه بن مالك عن رسول الله صلى الله عليه وآله: أَحَبُّ الْعَمَلِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سُبْحَةُ الْحَدِيثِ... قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا سُبْحَةُ الْحَدِيثِ؟

قَالَ: الْقَوْمُ يَتَحَدَّثُونَ وَالرَّجُلُ يُسَبِّحُ. (١) ٥١٨٦. الإمام علي عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ أَحَبَّ السُّبْحَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سُبْحَةُ الْحَدِيثِ... فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا سُبْحَةُ الْحَدِيثِ؟

قَالَ: يَكُونُ النَّاسُ فِي خَوْضٍ بِهَا وَبَاطِلًا وَلَهْوًا، فَنَعِمَ (٢) الرَّجُلُ عِنْدَ ذَلِكَ، فَيَدْعُو اللَّهَ تَعَالَى وَيَذْكُرُهُ وَيُسَبِّحُهُ. (٣) ٥١٨٥. عنه عليه السلام: الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ أَحَبَّ السُّبْحَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سُبْحَةُ الْحَدِيثِ... قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا سُبْحَةُ الْحَدِيثِ؟

قَالَ: الرَّجُلُ يَسْمَعُ حِرْصَ الدُّنْيَا وَبَاطِلَهَا فَيَغْتَمُّ عِنْدَ ذَلِكَ، فَيَذْكُرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ. (٤) ٥١٨٤. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: ذَاكِرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْغَافِلِينَ كَالْمُقَاتِلِ عَنِ الْفَارِيزِ، وَالْمُقَاتِلُ عَنِ الْفَارِيزِ لَهُ الْجَنَّةُ. (٥).

١- المعجم الكبير: ج ١٧ ص ١٨٥ ح ٤٩٦، الفردوس: ج ١ ص ٣٦٧ ح ١٤٧٨ وليس فيه «قلنا: يا رسول الله، وما سبحة الحديث؟ قال»، كنز العمال: ج ١٦ ص ١٠١ ح ٤٤٠٦٠.

٢- وفي نسخه: «فيغم».

٣- الجعفریات: ص ٢٢٣ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.

٤- معاني الأخبار: ص ٢٥٨ ح ١ عن السكوني، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٣٢٥ ح ٢.

٥- الكافي: ج ٢ ص ٥٠٢ ح ٢ عن السكوني، عدّه الداعي: ص ٢٤٢ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: ج ١ ص ١١٠ ح ٩٩ عن السكوني عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام وفيه «في» بدل «عن» في كلا الموضعين و «نزوله الجنة» بدل «له الجنة»، جامع الأحاديث للقمي: ص ٧٩ وليس فيه «والمقاتل عن الفاريزين»، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٧٣ ح ٢٦٦١ عن أبي ذرّ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٨ ح ٣٢.

۸ / ۸ هنگام غافل بودن مردم

۸ / ۸ هنگام غافل بودن مردم ۵۱۸۱. عنه عليه السلام: المعجم الكبير به نقل از عصمه بن مالك: پیامبر خدا فرمود: «محبوب ترین کار در نزد خداوند عز و جل، تسبیح سخن است...».

گفتیم: ای پیامبر خدا! تسبیح سخن چیست؟

فرمود: «این که عده ای سرگرم سخن گفتن باشند و انسان، تسبیح بگوید». ۵۱۸۰. عنه عليه السلام: امام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «محبوب ترین تسبیح در نزد خداوند عز و جلتسبیح سخن است...».

گفته شد: ای پیامبر خدا! تسبیح سخن چیست؟

فرمود: «[وقتی] مردم، غرق در یاوه و باطل و غفلت خود هستند، چه نیکوست که در این میان، آدمی مشغول دعا و ذکر و تسبیح خدا شود!». ۵۱۷۹. امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام به نقل از پدراناش علیهم السلام: پیامبر خدا فرمود: «محبوب ترین تسبیح در نزد خداوند عز و جل، تسبیح سخن است...».

گفته شد: ای پیامبر خدا! تسبیح سخن چیست؟

فرمود: «این که انسان، سخنانی در باره آزمندی به دنیا و [زرق و برق] باطل آن بشنود و از شنیدن آنها اندوهناک شود و خداوند عز و جل را یاد کند». ۵۱۷۸. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن که در میان غافلان به یاد خداوند عز و جل باشد، همانند کسی است که به جای فراریان می جنگد و کسی که به جای فراریان بجنگد، [پاداش] بهشت دارد.

٥١٧٧. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: ذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ بِمَنْزِلَةِ الصَّابِرِ فِي الْفَارِينَ . (١) ٥١٧٦. امام على عليه السلام: شعب الإيمان عن ابن عمر عن رسول الله صلى الله عليه وآله: ذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ مِثْلُ الَّذِي يُقَاتِلُ عَنِ الْفَارِينَ ، وَذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ مِثْلُ الشَّجَرَةِ الْخَضْرَاءِ فِي وَسْطِ الشَّجَرِ الَّذِي قَدْ تَحَاتَّتْ (٢) ؛ يَعْنِي مَنَ الصَّرِيبِ (٣) . (٤) ٥١٧٥. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: ذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ كَالْمُقَاتِلِ عَنِ الْفَارِينَ ، وَذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ كَالْمِصْبَاحِ فِي الْبَيْتِ الْمُظْلَمِ ، وَذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ يُعْرِفُهُ اللَّهُ مَقْعَدَهُ وَلَا يُعَذِّبُ بَعْدَهُ ، وَذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ بَعْدَدُ كُلِّ فَصِيحٍ فِي السُّوقِ وَأَعْجَمِيٍّ ، وَذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ نَظْرَةً لَا يُعِدُّبُهُ اللَّهُ بَعْدَهَا أَبَدًا ، وَذَاكِرُ اللَّهِ فِي السُّوقِ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ نَوْرٌ يَوْمَ (٥) يَلْقَى اللَّهُ . (٦) ٥١٧٤. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: ذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ كَالَّذِي يُقَاتِلُ عَنِ الْفَارِينَ ، وَذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ مِثْلُ الْمِصْبَاحِ فِي الْبَيْتِ الْمُظْلَمِ ، وَذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ مِثْلُ الشَّجَرَةِ الْخَضْرَاءِ فِي وَسْطِ الشَّجَرِ ، وَذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ يُعْرِفُهُ اللَّهُ مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ ، وَذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ بَعْدَدُ كُلِّ فَصِيحٍ وَأَعْجَمِيٍّ ، فَالْفَصِيحُ بَنُو آدَمَ وَالْأَعْجَمِيُّ الْبُهَائِمُ . (٧) .

- ١- المعجم الكبير: ج ١٠ ص ١٦ ح ٩٧٩٧ ، حليه الأولياء: ج ٤ ص ٢٦٨ ، الفردوس: ج ٢ ص ٢٤٢ ح ٣١٣٩ كلها عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٥ ح ١٨٣١ .
- ٢- تحاتت: أي تساقط (النهاية: ج ١ ص ٣٣٧ «حتت»).
- ٣- الصَّرِيب: هو الجليد (النهاية: ج ٣ ص ٨٠ «ضرب»).
- ٤- شعب الإيمان: ج ١ ص ٤١١ ح ٥٦٥ ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٣٠ ح ١٨٥٧ .
- ٥- في المصدر: «... يوم القيامة يلقى الله» ، والصواب ما أثبتناه كما في كنز العمال. ولعل «القيامة» نسخه بدل «يلقى الله» .
- ٦- شعب الإيمان: ج ١ ص ٤١٢ ح ٥٦٧ عن عبد الله بن عمر ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٣٠ ح ١٨٥٦ .
- ٧- حليه الأولياء: ج ٦ ص ١٨١ عن ابن عمر ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٥ ح ١٨٣٢ .

۵۱۷۳. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که در میان غافلان به یاد خدا باشد، به سان کسی [در میدان جهاد] است که دیگران می‌گریزند و او پایداری می‌کند. ۵۱۷۲. امام علی علیه السلام: شعب الایمان به نقل از ابن عمر: پیامبر خدا فرمود: «کسی که در میان غافلان به یاد خداوند باشد، همانند کسی است که دیگران می‌گریزند و او می‌رزد. کسی که در میان غافلان به یاد خدا باشد، همانند درختی سرسبز است در میان درختانی که برگ‌هایشان از سرمای شدید، ریخته باشد». ۵۱۷۱. امام علی علیه السلام (در تمجید خداوند عز و جل) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاد کننده خدا در میان غافلان، همچون رزمنده در مقایسه با فراریان است. یاد کننده خدا در میان غافلان، همچون چراغ در اتاق تاریک است. آن که خدا را در میان غافلان یاد می‌کند، خداوند جایگاه او [در بهشت] را به وی می‌شناساند و از آن پس، او عذاب نمی‌شود. یاد کننده خدا در میان غافلان، به شمار همه انسان‌ها و بهایم در بازار، مزد دارد. خداوند به یاد کننده خدا در میان غافلان، نظری می‌افکند و از آن پس، هرگز او را عذاب نمی‌کند. و کسی که در بازار به یاد خدا باشد، در روزی که خدا را دیدار می‌کند، به عدد هر تار مویی نوری دارد. ۵۱۷۹. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاد کننده خدا در جمع غافلان، مانند کسی است که دیگران می‌گریزند و او می‌جنگد. یاد کننده خدا در جمع غافلان، مانند چراغ در اتاق تاریک است. یاد کننده خدا در جمع غافلان، مانند درخت سرسبز در میان درختان [خشکیده] است. آن که خدا در جمع غافلان یاد می‌کند، خداوند جایگاه او در بهشت را به وی می‌شناساند. آن که یاد کننده خدا در جمع غافلان یاد می‌کند، خداوند به عدد هر گویا و گنگی، گناهانش را می‌آمرزد. گویا، آدمیان اند و گنگ، جانوران..

٥١٧٨. عنه عليه السلام: الإمام عليّ عليه السلام في الحِكمِ المنسوبِ إليه: ذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ كَالشَّجَرَةِ الْخَضِرَاءِ فِي وَسَيْطِ الْهَشِيمِ (١)، وَكَالِدَارِ الْعَامِرَةِ بَيْنَ الرَّبُوعِ الْخَرِبَةِ. (٢) ٥١٧٧. عنه عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: الذَّاكِرُ لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ فِي الْغَافِلِينَ كَالْمُقَاتِلِ فِي الْمُحَارِبِينَ (٣). (٤) ٥١٧٦. عنه عليه السلام: يَا أَهْلَ الْإِيمَانِ وَمَحَلَّ الْكِتْمَانِ، تَفَكَّرُوا وَتَذَكَّرُوا عِنْدَ غَفْلَةِ السَّاهِينَ. (٥) ٥١٧٥. عنه عليه السلام: الإمام عليّ عليه السلام في ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... يَا أَحْمَدُ، إِنَّ أَهْلَ الْخَيْرِ وَأَهْلَ الْآخِرَةِ ... أَعْيُنُهُمْ بَاكِيَةٌ، وَقُلُوبُهُمْ ذَاكِرَةٌ؛ إِذَا كُتِبَ النَّاسُ مِنَ الْغَافِلِينَ كُتِبُوا مِنَ الذَّاكِرِينَ. (٦) راجع: ص ٢٠٦ (في السوق).

٨ / ٩ عِنْدَ الْخَلْوَةِ ٥١٧١. الإمام عليّ عليه السلام (في تَمَجِيدِ اللَّهِ) رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا خَلَوْتَ فَأَكْثِرْ ذِكْرَ اللَّهِ. (٧)

-
- ١- الهشيم من النبات: اليابس المتكسر (النهاية: ج ٥ ص ٢٦٤ «هشم»).
 - ٢- شرح نهج البلاغه: ج ٢٠ ص ٣٤٧ ح ٩٨٣.
 - ٣- قوله: «في المحاربين»: أي الهاربين، أو الحاضرين في الحرب الذين لم يحاربوا. وفي بعض النسخ: «في الهاربين» (مرآة العقول: ج ١٢ ص ١٤٣).
 - ٤- الكافي: ج ٢ ص ٥٠٢ ح ١ عن الحسين بن المختار، عدّه الداعي: ص ٢٤٢ وفيه «عن الهاربين» بدل «في المحاربين».
 - ٥- تحف العقول: ص ٣٧٣، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٥٨ ح ١٤١.
 - ٦- إرشاد القلوب: ص ٢٠١، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٤ ح ٦.
 - ٧- جامع الأخبار: ص ٥١٢ ح ١٤٣٥.

۸ / ۹ در تنهایی

۵۱۷۰. امام صادق علیه السلام: امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: یاد کننده خدا در میان غافلان، همانند درخت (/ بوته) سرسبز در میان گیاهان خشکیده، و همانند خانه آباد در میان خانه های ویران است. ۵۱۶۹. امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام: یاد کننده خدا در جمع غافلان، همانند رزم آور (۱) در میان جنگجویان است. ۵۱۶۸. امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام: ای اهل ایمان و ای رازداران! بیندیشید و آن گاه که فراموشکاران در غفلت اند، شما یاد آور [خدا] باشید. ۵۱۶۷. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام در یاد کرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله: خدای متعال فرمود: «... ای احمد! نیکان و آخرت گرایان... دیدگانشان [همواره] گریان است و دل هایشان یاد آور [خدا]. آن گاه که مردم از غافلان نوشته می شوند، آنان از یاد کنندگان قلمداد می شوند.» ر. ک: ص ۲۰۷ (در بازار).

۸ / ۹ در تنهایی ۵۱۶۸. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه تنها شدی، خدا را بسیار یاد کن.

۱- در فرهنگ قدیم عرب، «المقاتل (رزم آور)» به کسی گفته می شد که پیش از شروع جنگ دو سپاه، برای رزم تن به تن با برجستگان سپاه مقابل، پیشگام شود.

٥١٦٧. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله ذاكِرُ اللَّهِ خَالِيَا، كَبَارِزٍ إِلَى الْكَافِرِ فِي الصُّفُوفِ خَالِيَا (١). (٢) ٥١٦٦. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله سَبْعَةٌ يُظَلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: . . . وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ خَالِيَا فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ. (٣) ٥١٦٥. امام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام: إِشْحَنَ (٤) الْخَلْوَةَ بِالذِّكْرِ، وَاصْحَبَ النَّعْمَ بِالشُّكْرِ. (٥) ٥١٦٤. امام على عليه السلام: عنه عليه السلام: كُنْ فِي الْمَلَأِ وَقُورًا، وَكُنْ فِي الْخَلَا (٦) ذَكُورًا. (٧) ٥١٦٣. امام على عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام: تَعَرَّضَ لِرِقَّةِ الْقَلْبِ بِكَثْرَةِ الذِّكْرِ فِي الْخَلَوَاتِ. (٨) ٥١٦٢. امام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: شِيعَتُنَا الَّذِينَ إِذَا خَلَوْا ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا. (٩) ٥١٦١. امام على عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبًا، فِيمَا نَاجَى اللَّهُ تَعَالَى بِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ لَهُ:

يا موسى . . . أَذْكَرْنِي فِي خَلَوَاتِكَ وَعِنْدَ سُرُورٍ لَدَيْكَ، أَذْكَرَكَ عِنْدَ غَفَلَاتِكَ. (١٠).

- ١- خالیا الأولى : أى محلّ خالٍ لا- يطلع عليه فيه إلّا الله والحفظه. وخاليا الثانية : أى ليس معه أحد . فذكر الله فى الخلوات يعدل فى الثواب جوده بنفسه فى القتال فى الفلوات (فيض القدير : ج ٣ ص ٧٤٨) .
- ٢- الفردوس : ج ٢ ص ٢٤٣ ح ٣١٤٢ عن ابن عباس ، كثر العمّال : ج ١ ص ٤٢٦ ح ١٨٣٣ نقلًا عن الشيرازى فى الألقاب.
- ٣- صحيح البخارى : ج ١ ص ٢٣٤ ح ٦٢٩ ، صحيح مسلم : ج ٢ ص ٧١٥ ح ٩١ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٤٤٠ ح ٩٦٧١ ، السنن الكبرى : ج ٤ ص ٣١٩ ح ٧٨٣٦ كلّها عن أبى هريره ، سنن الترمذى : ج ٤ ص ٥٩٨ ح ٢٣٩١ عن أبى هريره أو عن أبى سعيد الخدرى ، كثر العمّال : ج ١٥ ص ٩٠٤ ح ٤٣٥٦١ ؛ الخصال : ص ٣٤٣ ح ٧ عن أبى سعيد الخدرى أو عن أبى هريره وزاد فى آخره «من خشيه الله عز و جل» ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٣٣٠ ح ١٢.
- ٤- اشحنّ : أى املاً ؛ من شحنَ السفينه : ملاًها (أنظر القاموس المحيط : ج ٤ ص ٢٣٩ «شحن»).
- ٥- غرر الحكم : ح ٢٣٧٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٨٤ ح ٢٠٣٧.
- ٦- كذا ، و المنصوص عليه فى اللغة : «الخلا».
- ٧- غرر الحكم : ح ٧١٤٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٩٣ ح ٦٦٥٨.
- ٨- تحف العقول : ص ٢٨٥ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٦٤ ح ١.
- ٩- الكافى : ج ٢ ص ٤٩٩ ح ٢ ، عدّه الداعى : ص ٢٣٤ كلاهما عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٦٢ ح ٤٢.
- ١٠- الأمالى للمفيد : ص ٢١٠ ح ٤٦ ، الأمالى للصدوق : ص ٣٢٧ ح ٣٨٤ كلاهما عن حبيب السجستانى ، إرشاد القلوب : ص ١٠٥ عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٦٥ ، بحار الأنوار : ج ١٣ ص ٣٢٨ ح ٦.

۵۱۶۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاد کننده خدا در تنهایی، همانند کسی است که به تنهایی بر صف کافران، حمله ور شود. ۵۱۵۹. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هفت نفرند که خداوند، آنان را در آن روزی که سایه ای جز سایه او نیست، در سایه خویش در می آورد: ... و مردی که در تنهایی، خدا را یاد کند و دیدگانش اشکبار شود. ۵۱۶۵. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: تنهایی را با یاد خدا پُر کن و نعمت ها را با سپاس گذاری همراه ساز. ۵۱۶۴. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: در جمع، باوقار باش و در تنهایی، ذکر گو. ۵۱۶۳. عنه علیه السلام: امام باقر علیه السلام: با ذکر گفتن بسیار در تنهایی هایت، رقت قلب بجوی. ۵۱۶۲. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام: شیعیان ما، آنان اند که هر گاه خلوت کنند، خدا را فراوان یاد می کنند. ۵۱۶۱. عنه علیه السلام: امام باقر علیه السلام: در تورات نوشته شده است که از جمله سخنانی که خدای متعال در مناجات با موسی گفت، این بود که به او فرمود: «ای موسی! ... در تنهایی ات و در هنگام شادی لذت هایت، مرا یاد کن تا من نیز در گاه غفلت هایت به یاد تو باشم» . .

٥١٦٠. عنه عليه السلام: الكافي عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام: فيما وَعَظَ اللَّهُ عز و جل بِهِ عيسى عليه السلام: ... يا عيسى ، أَطِب لِي قَلْبَكَ ، وَأَكْثِر ذِكْرِي فِي الْخَلَوَاتِ . (١) راجع : ص ١٢٤ (الذكر الخفي) و ص ٢١٤ ح ٣٥٥ ٣٦٠ .

٨ / ١٠ عِنْدَ الْكَلَامِ ٥١٥٦. امام علي عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: كَلُّ كَلَامٍ لَا يُبْدَأُ فِي أَوَّلِهِ بِذِكْرِ اللَّهِ فَهُوَ أَبْتَرٌ . (٢) ٥١٥٥. امام علي عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: كَلُّ كَلَامٍ لَا يُذَكَّرُ اللَّهُ فِيهِ فَيُبْدَأُ بِهِ وَيُصَلَّى عَلَيَّ فِيهِ ، فَهُوَ أَقْطَعُ أَكْتَعُ (٣) مَمْحُوقٌ (٤)

مِنْ كَلِّ بَرَكَةٍ . (٥) ٥١٥٤. امام علي عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: كَلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِذِكْرِ اللَّهِ أَقْطَعُ . (٦) ٥١٠٤. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: أَوْصَانِي رَبِّي بِتَسْعٍ : ... وَأَنْ يَكُونَ صِيَمَتِي فِكْرًا ، وَمَنْطِقِي ذِكْرًا ، وَنَظْرِي عِبْرًا . (٧) .

-
- ١- الكافي : ج ٨ ص ١٤١ ح ١٠٣ وج ٢ ص ٥٠٢ ح ٣ وفيه «ألن» بدل «أطب» ، تحف العقول : ص ٥٠٠ ، أعلام الدين : ص ٢٣٣ ، عدّه الداعي : ص ٢٤ وفيه «أذل» بدل «أطب» ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٢٩٨ ح ١٤ .
 - ٢- عمل اليوم والليله للنسائي : ص ٣٤٦ ح ٤٩٧ عن الزهري ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٢٨١ ح ٨٧٢٠ عن أبي هريره وفيه «كل كلام أو أمر ذي بال لا يفتح...» ، المصنّف لعبد الرزاق : ج ١١ ص ١٦٣ ح ٢٠٢٠٨ وفيه «كل حديث ذي بال» .
 - ٣- أكتع : أي ناقص أبت (النهايه : ج ٤ ص ٢٠٤ «كنع») . وفي كترالعمّال : «أكتع» و هو تصحيف .
 - ٤- الممّحق : النقص والمحو والإبطال (النهايه : ج ٤ ص ٣٠٣ «محق») .
 - ٥- كترالعمّال : ج ٣ ص ٢٦٣ ح ٦٤٦٣ نقلًا عن أحمد بن محمد بن ميمون في فضائل علي عن أبي هريره .
 - ٦- سنن الدارقطني : ج ١ ص ٢٢٩ ح ٢ عن أبي هريره .
 - ٧- تحف العقول : ص ٣٦ ، مشكاه الأنوار : ص ١١٦ ح ٢٧٢ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٣٨ ح ٨ .

۸ / ۱۰ هنگام گفتن

۵۱۰۵. عنه علیه السلام (فی دُعَاءِ عَلَّمَهُ كُمَيْلَ بْنِ زِيَادٍ) الكافی به نقل از علی بن اسباط ، از امامان علیهم السلام: از اندرزهای خداوند عز و جل به عیسی علیه السلام این بود که : « ... ای عیسی! دلت را برای من پاک گردان و در تنهایی ها مرا بسیار یاد کن. » ر . ک : ص ۱۲۵ (یاد کردن نهانی) و ص ۲۱۵ ح ۳۵۵ ۳۶۰ .

۸ / ۱۰ هنگام گفتن ۵۱۰۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گفتاری که با نام خدا آغاز نشود ، بی فرجام است . ۵۱۰۱. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گفتاری که با یاد خدا آغاز نگردد و در آن ، بر من درود فرستاده نشود ، گفتاری بُریده و بی فرجام و تهی از هر برکتی است . ۵۱۰۲. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کار مهمی که با نام خدا آغاز نشود ، ناقص است . ۵۱۰۳. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پروردگارم مرا به نُه چیز ، سفارش فرمود : ... و این که سکوتم همراه با اندیشیدن ، و سخنم همراه با ذکر گفتن ، و نگاهم عبرت آموز باشد .

٥١٠٤. امام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام: الْمُؤْمِنُ إِذَا نَظَرَ اعْتَبَرَ ، وَإِذَا سَكَتَ تَفَكَّرَ ، وَإِذَا تَكَلَّمَ ذَكَرَ ، وَإِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ ، وَإِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ . (١) ٥١٠٥. امام على عليه السلام (در دعایی كه به كميل بن زياد آموخت) عنه عليه السلام: العاقل إذا سَكَتَ فَكَّرَ ، وَإِذَا نَطَقَ ذَكَرَ ، وَإِذَا نَظَرَ اعْتَبَرَ . (٢) ٥١٠٦. الإمام على عليه السلام: عنه عليه السلام: العاقل مَنْ عَقَلَ (٣) لِسَانَهُ إِلَّا عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ . (٤) ٥١٠٧. عنه عليه السلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، اللَّهُمَّ بِذِكْرِكَ أَسْتَفْتِحُ مَقَالِي ، وَبِشُكْرِكَ أَسْتَنْجِحُ سُؤَالِي . (٥) ٥١٠٨. الإمام على عليه السلام: الإمام زين الأَكَلِ ٥١٠٦. امام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام: اذْكُرُوا اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ عَلَى الطَّعَامِ ، وَلَا تَلْغَطُوا (٧)

؛ فَإِنَّهُ نِعْمَةٌ مِنَ نِعَمِ اللَّهِ ، وَرِزْقٌ مِنَ رِزْقِهِ ، يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهِ شُكْرُهُ وَذِكْرُهُ وَحَمْدُهُ . (٨) .

- ١- غرر الحكم : ح ٢٠٧٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٦٣ ح ١٦٣٣ .
- ٢- غرر الحكم : ح ١٨١٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٤ ح ١٣٩٩ .
- ٣- عَقَلَهُ : حَبَسَهُ (لسان العرب : ج ١١ ص ٤٥٩ «عقل»).
- ٤- غرر الحكم : ح ١٧٤١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٢ ح ١٣٥٩ .
- ٥- الإرشاد : ج ١ ص ٢٩٧ ، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٤٥ ح ٦ .
- ٦- بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٥٣ ح ٢٢ نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .
- ٧- اللَّغَطُ وَيُحَرِّكُ : الصَّوْتُ وَالْجَلْبَةُ (القاموس المحيط : ج ٢ ص ٣٨٣ «لغط»).
- ٨- الكافي : ج ٦ ص ٢٩٦ ح ٢٣ ، المحاسن : ج ٢ ص ٢١٣ ح ١٦٣٥ كلاهما عن محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : ص ١٠٧ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٦٦ ص ٣٧٤ ح ٢١ .

۸ / ۱۱ هنگام خوردن

۵۱۰۷. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: مؤمن ، هر گاه بنگرد ، عبرت می گیرد ، هر گاه سکوت کند ، می اندیشد ، هر گاه سخن بگوید ، ذکر خدا می گوید ، هر گاه به او عطا شود ، سپاس گزاری می کند ، و هر گاه گرفتار شود ، شکیبایی می ورزد . ۵۱۰۸. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: خردمند ، هر گاه خاموش بماند ، می اندیشد ، هر گاه سخن بگوید ، ذکر می گوید ، و هر گاه بنگرد ، پند می آموزد . ۵۱۰۹. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: خردمند ، کسی است که زبانش را جز از یاد خدا فرو می بندد . ۵۱۱۰. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: هر سخنی که در آن یاد از خدا نباشد ، سخنی یاوه است . ۵۱۱۱. عنه علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام: به نام خدای مهرگستر مهربان . بار خدایا! با نام تو ، گفتارم را آغاز می کنم و با سپاس گزاری از تو ، برآورده شدن درخواستم را می جویم . ۸ / ۱۱ هنگام خوردن ۵۱۱۴. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: هنگام غذا [خوردن] ، خداوند عز و جل را یاد کنید و هیاهو نکنید ؛ چرا که آن ، نعمتی از نعمت های خدا و روزی ای از روزی های اوست و در برابر آن ، وظیفه دارید که از خداوند ، سپاس گزاری کنید و از او یاد نمایید و ستایش او گوید .

٨ / ١٢ عِنْدَ النَّوْمِ ٥١١٧. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَصْبَاحُ الشَّرِيعَةِ فِيمَا نَسَبَهُ إِلَى الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اجْعَلْ كُلَّ نَوْمِكَ آخِرَ عَهْدِكَ مِنَ الدُّنْيَا، وَادْكُرِ اللَّهَ بِقَلْبِكَ وَلِسَانِكَ، وَخَفِ اطَّلَاعَهُ عَلَى سِرِّكَ. (١) ٨ / ١٣ جَوْفُ اللَّيْلِ ٥١٥٣. إِمَامٌ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْإِمَامُ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَهْرُ الْعُيُونِ بِذِكْرِ اللَّهِ فُرْصَةُ السُّعْدَاءِ، وَنُزْهُهُ الْأَوْلِيَاءِ. (٢) ٥١٥٢. إِمَامٌ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ (خَطَابٌ بِهِ خَدَاوَنَدٌ عَزَّ وَجَلَّ) عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَهْرُ اللَّيْلِ بِذِكْرِ اللَّهِ غَنِيمَةُ الْأَوْلِيَاءِ، وَسَجِيَّةُ (٣) الْأَتْقِيَاءِ. (٤) ٥١٥٨. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَهْرُ الْعُيُونِ بِذِكْرِ اللَّهِ خُلُصَانُ الْعَارِفِينَ، وَحُلْوَانُ (٥) الْمُقَرَّبِينَ. (٦) ٥١٥٧. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ سَهْرُ الْعُيُونِ بِذِكْرِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ. (٧) ٥١٥٦. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْإِمَامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّعَاءِ: إِلَهِي وَمَوْلَايَ وَغَايَةَ رَجَائِي، أَشْرَقَتْ مِنْ عَرَشِكَ عَلَى أَرْضِيكَ وَمَلَأْتِكُنِيكَ وَسُدَّكَ سَمَاوَاتِكَ، وَقَدْ انْقَطَعَتِ الْأَصْوَاتُ، وَسَكَنَتِ الْحَرَكَاتُ، وَالْأَحْيَاءُ فِي الْمَضَاجِعِ كَالْأَمْوَاتِ، فَوَجِدَتْ عِبَادَتَكَ فِي شَتَّى الْحَالَاتِ: فَمِنْهُ خَائِفٌ لَجَأَ إِلَيْكَ فَأَمَّتَهُ... وَنَاسِكٌ أَفْنَى بِذِكْرِكَ لَيْلَهُ فَأَحْظَيْتَهُ، وَبِالْفَوْزِ جَازَيْتَهُ... إِلَهِي فَبِحَقِّ الْإِسْمِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَبْتَ، وَالْحَقِّ الَّذِي إِذَا أُقْسِمَتْ بِهِ أُوجِبْتَ، وَبِصَلْوَاتِ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَةِ، وَالْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ خَافَ فَأَمَّتَهُ... وَأَفْنَى بِذِكْرِكَ لَيْلَهُ فَأَحْظَيْتَهُ، وَبِالْفَوْزِ جَازَيْتَهُ. (٨).

- ١- مصباح الشريعة: ص ٢٥٤، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٨٩ ح ١٨.
- ٢- غرر الحكم: ح ٥٦٤٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٥ ح ٥١٥٦.
- ٣- سَجِيَّةٌ: أَي طَبِيعَةٌ مِنْ غَيْرِ تَكْلُفٍ (النَّهَائِيَّةُ: ج ٢ ص ٣٤٥ «سجاء»).
- ٤- غرر الحكم: ح ٥٦١٤.
- ٥- أَي لَدَّهُ؛ حَلَالِي الشَّيْءِ: لَدَّ (المصباح المنير: ص ١٤٩ «حلا»).
- ٦- غرر الحكم: ح ٥٦١٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٦ ح ٥١٦٣ وفيه «دأب» بدل «حلوان».
- ٧- غرر الحكم: ح ٣١٤٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ١١٢ ح ٢٤٢٨.
- ٨- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٣٠ ح ١٩ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي.

۸ / ۱۲ هنگام خوابیدن ۵۱۵۳. الإمام علیّ علیه السلام: مصباح الشریعه در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است: هر خُفَّتت را آخرین دیدارت از دنیا بدان، و با دل و زبانت خدا را یاد کن، و از آگاهی او بر نهانت بترس. ۸ / ۱۳ دل شب ۵۱۵۰. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: شب زنده داری با یاد خدا، فرصت نیک بختان و تفرّج دوستان خداست. ۵۱۴۹. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: شب خیزی با یاد خدا، غنیمت دوستان [خدا] و خوی خداترسان است. ۵۱۴۸. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: شب زنده داری با یاد خدا، دوست صمیمی عارفان و شیرینی مقربان است. ۵۱۴۷. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: برترین عبادت، شب زنده داری با یاد خداوند سبحان است. ۵۱۴۶. امام علی علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام در دعا: معبودا، سرورا، و ای فرجامین امید من! تو از فراز عرشت بر زمین ها و فرشتگان و ساکنان آسمان هایت تاییدی. صداها خاموش شده و جُنُب و جُوش ها آرام گرفته و زندگان در بسترها چونان مردگان، افتاده اند، و بندگانت را در حالت های گونه گونه یافته ای: یکی ترسان است و به تو پناه آورده و تو در امانش داشته ای ... دیگری عابدی است که شب خویش را به یاد تو سپری کرده و تو بهره مندش ساخته ای و رستگاری و کامیابی را پاداشش داده ای ... معبودا! پس به حقّ آن نامی که هر گاه بپدان خوانده شوی، پاسخ می دهی و به حقّ آن کسی که هر گاه به او سوگند داده شوی، می پذیری، و با دروذهای خاندان هدایتگر [پیامبر صلی الله علیه و آله] و فرشتگان مقرب، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و مرا از آنانی قرار ده که ترسیدند و تو در امانشان داشتی ... و شب خود را به یاد تو گذراندند و تو بهره مندشان ساختی و رستگاری و کامیابی را پاداششان دادی.

٥١٤٥. امام على عليه السلام: الكافي عن سليمان بن خالد عن الإمام الباقر عليه السلام: إن شئت أخبرتك بأبواب الخير؟ قلت: نعم، جعلت فداك!

قال: الصوم جنة، والصدقة تذهب بالخطيئة، وقيام الرجل في جوف الليل يذكر (١) الله. ثم قرأ عليه السلام: «تتجافى جنوبهم عن المضاجع» (٢). (٣) ٨ / ١٤ عند القيام ٥١٤٩. عنه عليه السلام: سنن الترمذي عن ابن عمر: قلما كان رسول الله صلى الله عليه وآله يقوم من مجلس حتى يدعو بهؤلاء الدعوات لأصحابه:

اللهم اقسم لنا من خشيتك ما يحول بيننا وبين معاصيك، ومن طاعتك ما تبلغنا به جنتك، ومن اليقين ما تهوون به علينا مصيبات الدنيا، ومتعنا بأسماعنا وأبصارنا وقوتنا ما أحييتنا، واجعله الوارث منا، واجعل ثأرنا على من ظلمنا، وانصُرنا على من عادانا، ولا تجعل مصيبتنا في ديننا، ولا تجعل الدنيا أكبر همنا، ولا مبلغ علمنا، ولا تسلط علينا من لا يرحمنا. (٤).

١- في المحاسن وبحار الأنوار: «يذكر».

٢- السجده: ١٦.

٣- الكافي: ج ٢ ص ٢٤ ح ١٥، المحاسن: ج ١ ص ٤٥١ ح ١٠٣٩ نحوه، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٩٢ ح ٧٠.

٤- سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٢٨ ح ٣٥٠٢، الزهد لابن المبارك: ص ١٤٤ ح ٤٣١ نحوه، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٠٣ ح ٣٧٦٤ وراجع المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٧٠٩ ح ١٩٣٤.

۸ / ۱۴ هنگام برخاستن

۵۱۴۸. عنه عليه السلام: الكافي به نقل از سلیمان بن خالد امام باقر علیه السلام فرمود: «اگر می خواهی ، تو را از دروازه های نیکی آگاه سازم» .

گفتم : آری ، فدایت شوم!

فرمود : «روزه ، سپر [در برابر شهوات و آتش دوزخ] است . صدقه ، گناه را می زداید و شب زنده داری انسان با یاد خدا [نیز گناه را می زداید]» .

ایشان سپس این آیه را خواند : «پهلوهایشان ، از خوابگاه ها جدا می گردد» . ۸ / ۱۴ هنگام برخاستن ۵۱۴۵. الإمام علی علیه السلام: سنن الترمذی به نقل از ابن عمر : کمتر پیش می آمد که پیامبر خدا از مجلسی برخیزد و برای یارانش چنین دعا نکند : «بار خدایا ! چنان ترسی از خود ، قسمت ما کن که مانع ما از نافرمانی کردن تو شود ، و [نیز] چنان طاعتی از خود که با آن ، ما را به بهشتت رسانی ، و چنان یقینی که با آن ، [تحمل] مصیبت های دنیا را بر ما آسان گردانی ، و ما را تا زمانی که زنده می داری ، از شنوایی و بینایی و نیروییمان برخوردار بدار و آنها را وارث ما گردان (تا آخر عمر ، برایمان باقی بدار) ، و انتقام ما را از کسی که به ما ستم کرده است ، بستان ، و بر ضد کسی که با ما دشمنی می کند ، یاری مان رسان ، و مصیبت ما را در دینمان قرار مده ، و دنیا را بزرگ ترین خواست ما و نهایت شناخت ما مگردان ، و کسی را که به ما رحم نمی کند ، بر ما مسلط مساز» .

٥١٤٤. امام على عليه السلام: منيه المرید: إِنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا فَرَّغَ مِنْ حَدِيثِهِ وَأَرَادَ أَنْ يَقُومَ مِنْ مَجْلِسِهِ ، يَقُولُ : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا مَا أَخْطَأْنَا وَمَا تَعَمَّدْنَا ، وَمَا أَسْرَرْنَا وَمَا أَعْلَنَّا ، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا ، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ . (١) ٥١٤٣. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكْتَالَ بِالْمِكْيَالِ الْأَوْفَى مِنَ الْأَجْرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، فَلْيَكُنْ آخِرُ كَلَامِهِ فِي مَجْلِسِهِ : «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ * وَ سَلَّمَ عَلَى الْمُرْسَلِينَ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (٢) . (٣) راجع : ص ٥١٢ (أوقات التسييح / عند القيام من المجلس) . و ج ٤ ص ١٤٠ (ما ينبغي فيه الاستغفار من الأحوال / ختام المجالس) .

٨ / ١٥ في المسجد ٥١٣٩. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله في وصيته لأبي ذر الغفاري: يا أبا ذر، كلُّ جُلوسٍ في المسجدِ لغوٌ إلا ثلاثة: قراءةٌ مُصلِّ ، أو ذِكرُ اللهِ ، أو سائلٌ عنِ علمٍ . (٤) .

١- منيه المرید : ص ٢٢٠ ، بحار الأنوار : ج ٢ ص ٦٣ ح ١٣ .

٢- الصافات : ١٨٠ ١٨٢ .

٣- مجمع البيان : ج ٨ ص ٧٢٢ عن الأصبغ بن نباته عن الإمام على عليه السلام ، الكافي : ج ٢ ص ٤٩٦ ح ٣ عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام ، عدّه الداعى : ص ٢٤١ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ٤٦٨ ح ٢٠ ؛ حليه الأولياء : ج ٧ ص ١٢٣ عن الأصبغ بن نباته عن الإمام على عليه السلام .

٤- مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٧٥ ح ٢٦٦١ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٦٢ كلاهما عن أبي ذر ، بحار الأنوار : ج ٨٣ ص ٣٧٠ ح ٣٠ وراجع الفردوس : ج ٣ ص ٢٥٨ ح ٤٧٦٤ وكنز العمال : ج ٧ ص ٦٧١ ح ٢٠٨٤٠ .

۸ / ۱۵ در مسجد

۵۱۴۴. عنه عليه السلام: مُنِيَةُ الْمُرِيد: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه سخنش را به پایان می رساند و می خواست از جایش برخیزد، می گفت: «بار خدایا! گناهای را که به خطا یا عمد، و در نهان یا آشکار، از ما سر زده است و تو بدانها داناتر از ما هستی، بر ما ببخشای. تویی که مقدم می داری و تویی که وا پس می نهی. معبودی جز تو نیست». ۵۱۴۳. عنه عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که می خواهد در روز رستاخیز، برترین پیمانۀ مزد را دریافت کند، آخرین سخنش در مجلسش این باشد: «منزه است پروردگار تو، پروردگار شکوهمند، از آنچه وصف می کنند! و درود بر فرستادگان! و ستایش، ویژه خدا، پروردگار جهانیان است». ر. ک: ص ۵۱۳ (اوقات تسبیح گفتن / هنگام برخاستن از مجلس) و ج ۴ ص ۱۴۱ (مواقع مناسب برای آموزش خواهی / در پایان مجلس).

۸ / ۱۵ در مسجد ۵۱۳۹. عنه عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به ابو ذر غفاری: ای ابو ذر! هر نشستی در مسجد، بیهوده است، مگر برای سه کار: قرآن خواندن نماز گزار، یا ذکر خدا گفتن، یا پرسیدن در باره دانشی.

٥١٣٨. امام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَأَثْنِ عَلَيْهِ ، وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (١) ٥١٣٧. امام على عليه السلام: الإمام الصادق والإمام العسكري عليهما السلام فيما يُقَالُ عِنْدَ دُخُولِ الْمَسْجِدِ : اللَّهُمَّ افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِتَذَكَّرَكَ . (٢) ٥١٣٦. امام على عليه السلام (در دعایى كه به كميل بن زياد آموخت) الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ دَخَلَ سَوْقًا أَوْ مَسْجِدًا جَمَاعَةً فَقَالَ مَرَّةً وَاحِدَةً : «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» عَدَلَتْ لَهُ حَجَّةً مَبْرُورَةً . (٣) ١٦ / ٨ . الإمام على عليه السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام: تَسْبِيحُهُ بِمَكَّةَ ، أَفْضَلُ مِنْ خَرَاكِ الْعِرَاقِينَ يُنْفَقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . (٤) ١٧ / ٨ . امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَثَلُ الْبَيْتِ الَّذِي يُذَكَّرُ اللَّهُ فِيهِ ، وَالْبَيْتِ الَّذِي لَا يُذَكَّرُ اللَّهُ فِيهِ ، مَثَلُ الْحَيِّ وَالْمَيِّتِ . (٥) .

- ١- تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٦٥ ح ٢٣٣ عن أبي بصير.
- ٢- فلاح السائل: ص ١٨٣ ح ٢٩١، جمال الأسبوع: ص ١٥٠ عن رجاء بن يحيى بن سامان العبرثاني الكاتب عن الإمام العسكري عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٧ ح ٢١.
- ٣- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ١٩٩ ح ٣٧٥٣، المحاسن: ج ١ ص ١١١ ح ١٠٢ كلاهما عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٩ ح ٤ و ج ٧٦ ص ١٧٣ ح ٦.
- ٤- تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٤٦٨ ح ١٦٤٠ عن خالد بن عماد القلانسي عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٢٧ ح ٢٢٥٨ وفيه «تعديل» بدل «أفضل من»، المحاسن: ج ١ ص ١٤٤ ح ١٩٥ عن الإمام الصادق عليه السلام، وفيه «تسبيح» بدل «تسبيحه» و«يعدل» بدل «أفضل من»، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٨٢ ح ٣٣.
- ٥- صحيح مسلم: ج ١ ص ٥٣٩ ح ٢١١، مسند أبي يعلى: ج ٦ ص ٤١٠ ح ٧٢٦٩، الفردوس: ج ٤ ص ١٤٣ ح ٦٤٤٢ كلها عن أبي موسى، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٤ ح ١٨٢٠؛ مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٥ ح ٢٢٢٦.

۸ / ۱۶ در مکه

۸ / ۱۷ در خانه

۵۱۳۳. امام علی علیه السلام (خطاب به خداوند عز و جل) امام صادق علیه السلام: هر گاه وارد مسجد شدی، حمد و ثنای خدا بگو و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست. ۵۱۳۲. امام علی علیه السلام: امام صادق و امام عسکری علیهما السلام در باره آنچه هنگام وارد شدن به مسجد گفته می شود: بار خدایا! گوش های دلم را برای یاد خودت بگشای. ۵۱۳۱. امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام: هر کس وارد بازاری یا مسجد قومی شود و یک بار بگوید: «گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست، و خدا، بسی بزرگ است، و ستایش فراوان، خدای راست، و خدا را هر بام و شام، به پاکی می ستایم، و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر از خدای بلندمرتبه و باعظمت. و درود خدا بر محمد و خاندان او باد!»، این برای او با یک حج پذیرفته شده، برابری می کند. ۸ / ۱۶ در مکه ۵۱۲۸. امام علی علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام: یک بار تسیح گفتن در مکه، برتر از انفاق کردن خراج دو عراق [عرب و عجم] در راه خداست. ۸ / ۱۷ در خانه ۵۱۳۳. عنه علیه السلام (مُخَاطِبَا اللّٰهِ - عَزَّ وَجَلَّ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حکایت خانه ای که در آن خدا یاد می شود و خانه ای که در آن خدا یاد نمی شود، حکایت زنده و مرده است.

٥١٣٢. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْبَيْتَ الَّذِي يُذَكَّرُ فِيهِ اسْمُ اللَّهِ ، لِيُضَىءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضَىءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ . (١) ٥١٣١. عنه عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: الْبَيْتُ الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَيُذَكَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ ، تَكْتُمُ بَرَكَتَهُ ، وَتَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ ، وَتَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ ، وَيُضَىءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضَىءُ الْكَوَاكِبُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ .

وإنَّ الْبَيْتَ الَّذِي لَا يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ ، وَلَا يُذَكَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ ، تَقِلُّ بَرَكَتُهُ ، وَتَهْجُرُهُ الْمَلَائِكَةُ ، وَتَحْضُرُهُ الشَّيَاطِينُ . (٢) ٨ / ١٨ فِي السُّوقِ ٥١٢٨. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ فِي السُّوقِ مُخْلِصًا عِنْدَ غَفْلَةِ النَّاسِ وَشُغْلِهِمْ بِمَا هُمْ فِيهِ ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ ، وَيَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْفِرَةً لَمْ تَخْطُرْ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ . (٣) ٥١٢٧. الإمام علي عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَقَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ ، وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ ، وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ . (٤) .

- ١- .كنز العمال : ج ١ ص ٤٢٤ ح ١٨١٨ نقلاً عن أبي نعيم في المعرفه عن سابط.
- ٢- .الكافي : ج ٢ ص ٦١٠ ح ٣ ، عدّه الداعي : ص ٢٣٣ من دون إسنادٍ إلى الإمام علي عليه السلام وكلاهما عن ابن الفداح عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٦١ ح ٤٢.
- ٣- .عدّه الداعي : ص ٢٤٢ ، بحار الأنوار : ج ١٠٣ ص ١٠٢ ح ٤٧.
- ٤- .سنن الترمذی : ج ٥ ص ٤٩١ ح ٣٤٢٨ ، سنن الدارمی : ج ٢ ص ٧٤٧ ح ٢٥٩٢ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٧٢٢ ح ١٩٧٤ وفيه «و بنی له بیتا فی الجنّه» بدل «و رفع له ألف ألف درجه» ، حلیه الأولیاء : ج ٢ ص ٣٥٥ کلّها عن عمر بن الخطّاب ، کنز العمال : ج ٤ ص ٤٨ ح ٩٤٤٣.

۸ / ۱۸ در بازار

۵۱۲۶. امام علی علیه السلام (در دیوان منسوب به ایشان) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خانه ای که در آن ، نام خدا برده می شود ، برای اهل آسمان ، چنان پرتوافشان است که ستارگان برای اهل زمین ، پرتوافشان اند .۵۱۲۵. امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :خانه ای که در آن قرآن خوانده و نام خداوند عز و جل برده شود ، برکتش فراوان می شود و فرشتگان در آن ، حاضر می شوند و شیاطین از آن ، دور می شوند و برای اهل آسمان ، چنان می درخشد که اختران برای اهل زمین می درخشند .

و خانه ای که در آن قرآن خوانده نمی شود و نام خداوند عز و جل در آن برده نمی شود ، برکتش کم می شود و فرشتگان از آن ، دور و شیاطین در آن ، حاضر می شوند . ۸ / ۱۸ در بازار ۵۱۲۲. امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در بازار ، آن گاه که مردم در غفلت [از خدا] به سر می برند و سرگرم کار خویش اند ، از سرِ اخلاص ، خدا را یاد کند ، خداوند ، هزار ثواب برایش می نویسد و در روز رستاخیز ، او را می آمرزد ؛ آمرزشی که به دل هیچ بشری خطور نکرده باشد .۵۱۲۱. امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که چون به بازار درآید ، بگوید : «معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست . پادشاهی و ستایش ، از آن اوست . زنده می کند و می میراند و خود ، زنده نامیراست . خیر ، در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست» ، خداوند به خاطر این ، برای او هزار هزار ثواب می نویسد و هزار هزار گناه از او پاک می کند و هزار هزار بار درجه اش را بالا می برد .

٥١٢٠. امام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام: أَكثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّ إِذَا دَخَلْتُمُ الْأَسْوَاقَ عِنْدَ اشْتِغَالِ النَّاسِ ؛ فَإِنَّهُ كَفَّارَةٌ لِلذُّنُوبِ ، وَزِيَادَةٌ فِي الْحَسَنَاتِ ، وَلَا تُكْتَبُوا فِي الْغَافِلِينَ . (١) ٥١٢٦. عنه عليه السلام (في الديوان المنسوب إليه) الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ عِزُّهُ وَجَلُّ فِي الْأَسْوَاقِ ، غَفَرَ لَهُ بِعَدَدِ أَهْلِهَا . (٢) راجع : ص ١٨٦ (عند غفله الناس) و ص ٢٠٤ ح ٣٣٧ .

٨ / ١٩ فِي السَّفَرِ ٥١٢٢. عنه عليه السلام: الإمام على عليه السلام مِنْ وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ : إَعْلَمَنَّ أَنَّ مُرُوءَةَ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ مُرُوءَتَانِ : مُرُوءَةٌ فِي حَضْرٍ ، وَمُرُوءَةٌ فِي سَفَرٍ . . .

وَأَمَّا مُرُوءَةُ السَّفَرِ : فَيَزِدُ الزَّادَ ، وَقَلُّهُ الْخِلَافُ عَلَى مَنْ صَيَّبَكَ ، وَكَثْرُهُ ذِكْرُ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّهُ كَمَلُّ مَصْعَدٍ وَمَهَيِّطٌ وَنُزُولٌ وَقِيَامٌ وَقُعُودٌ . (٣) ٨ / ٢٠ عِنْدَ الْمُرُورِ بِالْجَبَلِ أَوْ بِقَاعِ الْأَرْضِ ٥١١٩. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا مَرَّ بِالْجَبَلِ فَذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَهُ ، شَمَخَ يَوْمئِذٍ عَلَى الْجِبَالِ فَخَرًا حَيْثُ يُذَكَّرُ اللَّهُ عِنْدَهُ . (٤) .

-
- ١- الخصال : ص ٦١٤ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص ١٠٤ ، بحار الأنوار : ج ١٠٣ ص ٩٦ ح ١٩ .
 - ٢- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ٢٠٠ ح ٣٧٥٦ .
 - ٣- الخصال : ص ٥٤ ح ٧١ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ١ ص ٢٠٠ ح ٥ .
 - ٤- الفردوس : ج ١ ص ١٩٦ ح ٧٣٩ عن أنس .

۵۱۱۸. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: هر گاه به بازارها وارد می شوید و مردم سرگرم کارند، خدای عز و جل را بسیار یادآور شوید؛ زیرا این کار، گناهان را می زداید و بر حسنات می افزاید و از غافلان نوشته نمی شوید. ۵۱۱۷. امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام: هر که در بازارها ذکر خداوند عز و جل بگوید، به شمار اهل آنها از گناهانش آمرزیده می شود. ر. ک: ص ۱۸۷ (هنگام غافل بودن مردم) و ص ۲۰۵ ح ۳۳۷.

۸ / ۱۹ در سفر ۵۱۱۳. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام از سفارش ایشان به فرزندش محمد بن حنفیه: بدان که رادمردی مسلمان، دو گونه است: رادمردی در غیر سفر و رادمردی در سفر.

رادمردی در سفر، عبارت است از: بخشیدن توشه [به هم سفر]، کمتر ناسازگاری کردن با آن که هم سفر توست، فراوان یاد کردن از خداوند عز و جل در هر فراز و نشیبی و فرود آمدنی و برخاست و نشستی. ۸ / ۲۰ هنگام گذر از کوه یا دشت ۵۲۴۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده، هر گاه از کوهی گذر کند و نام خدا را ببرد، آن کوه، فخرکنان، دیگر کوه ها را تحقیر می کند که نزد او خدا یاد شده است.

٥٢٣٩. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: ما من صباح ولا زواح (١) إلّا وبقاع الأرض تُنادى بَعْضُهَا بَعْضًا: يا جازة هل مرَّ بِكَ اليومَ عَبْدٌ صالحٌ صِلَى عَلَيْكَ أو ذَكَرَ اللهُ؟ فَإِنْ قَالَتْ: نَعَمْ! رَأَتْ لَهَا بِذَلِكَ عَلَيْهَا فَضلاً. (٢) ٥٢٣٨. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: ما من عَبْدٍ سَلَكَ وادياً فَيَسْطُ كَفَّيْهِ فَيَذْكُرُ اللهُ وَيَدْعُو، إلّا مَلَأَ اللهُ ذَلِكَ الوادِيَ حَسَنَاتٍ، فَلْيَعْظُمَ ذَلِكَ الوادِيَ أو لِيَصْغُرْ. (٣) ٨ / ٢١ مع كُلِّ ذاكِرٍ ٥٢٤٢. عنه عليه السلام: علل الشرائع عن زراره: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ما أَقُولُ إِذَا سَمِعْتُ الأَذَانَ؟ قالَ: أَذْكَرُ اللهُ مَعَ كُلِّ ذاكِرٍ. (٤).

-
- ١- الرّواح: نقيض الصباح، وهو اسم للوقت من زوال الشمس إلى الليل (الصحاح: ج ١ ص ٣٦٨ «روح»).
 - ٢- المعجم الأوسط: ج ١ ص ١٧٧ ح ٥٦٢، حليه الأولياء: ج ٦ ص ١٧٤ كلاهما عن أنس، كنز العمّال: ج ٧ ص ٢٩٠ ح ١٨٩٢٩.
 - ٣- ثواب الأعمال: ص ١٨٣ ح ١ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، جامع الأحاديث للقمي: ص ١١٩، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٩٢ ح ١٥.
 - ٤- علل الشرائع: ص ٢٨٤ ح ٣، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٧٦ ح ٦.

۸ / ۲۱ با هر یاد کننده خدا

۵۲۴۱. عنه عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ صبح و عصری نیست، مگر آن که هر یک از قطعات زمین، دیگری را ندا می دهد که: ای همسایه، آیا امروز، بنده ای شایسته بر تو گذشت که روی تو نماز بگذارد یا خدا را یاد کند؟ اگر بگوید: «آری»، او این را دلیل برتری آن قطعه بر خود می بیند. ۵۲۴۰. عنه عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که از وادی ای گذر کند و دو دستش را بگشاید و خدا را یاد کرده و دعا کند، مگر آن که خداوند، آن وادی را از ثواب می آکند، خواه آن وادی، بزرگ باشد یا کوچک. ۸ / ۲۱ با هر یاد کننده خدا ۵۲۳۷. عنه عليه السلام: علل الشرائع به نقل از زراره: به امام باقر علیه السلام گفتم: هر گاه اذان را می شنوم، چه بگویم؟

فرمود: «با هر یاد کننده ای، تو نیز خدا را یاد کن».

الفصل التاسع: بركات الذكر ٩ / اذكُرُ اللهَ لِذاكِرهَا لِكِتَابِ «فَاذْكُرُونِي اذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ» . (١)

الحديث ٥٢٣٠. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ أُعْطِيَ اَرْبَعًا أُعْطِيَ اَرْبَعًا اَرْبَعًا ، وَتَفْسِيرُ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : مَنْ أُعْطِيَ الذِّكْرَ ذَكَرَهُ اللَّهُ ؛ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ : «اذْكُرُونِي اذْكُرْكُمْ» (٢) ٥٢٣٥. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه و آله : «اذْكُرُونِي اذْكُرْكُمْ» يَقُولُ : اذْكُرُونِي يَا مَعْشَرَ الْعِبَادِ بِطَاعَتِي ، اذْكُرْكُمْ بِمَغْفِرَتِي . (٣) ٥٢٣٤. الإمام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه و آله : قَالَ اللَّهُ : اذْكُرُونِي بِطَاعَتِي اذْكُرْكُمْ بِمَغْفِرَتِي ، فَمَنْ ذَكَرَنِي وَهُوَ مُطِيعٌ فَحَقَّ عَلَيَّ أَنْ اذْكُرَهُ بِمَغْفِرَتِي ، وَمَنْ ذَكَرَنِي وَهُوَ لِي عَاصٍ فَحَقَّ عَلَيَّ أَنْ اذْكُرَهُ بِمَقْتٍ . (٤)

١- البقره : ١٥٢.

٢- شُعب الإيمان : ج ٤ ص ١٢٦ ح ٤٥٢٩ ، الدر المنثور : ج ١ ص ٣٦٠ نقلًا عن الطبراني وابن مردويه وكلاهما عن عبد الله بن مسعود.

٣- الفردوس : ج ٣ ص ١٥٠ ح ٤٤٠٥ عن ابن عباس.

٤- الدر المنثور : ج ١ ص ٣٦٠ نقلًا عن ابن لال والديلمي وابن عساكر عن أبي هند الداري .

فصل نهم: برکت های یاد خدا

۹ / ۱ یاد کردن خدا از یاد کننده اش

فصل نهم: برکت های یاد خدا / ۹ یاد کردن خدا از یاد کننده اشقرآن «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم؛ و شکرانه ام را به جای آرید؛ و با من ، ناسپاسی نکنید» .

حدیث ۵۲۲۷. امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به هر کس چهار چیز داده شود ، چهار چیز دیگر نیز عطا می شود ، و تفسیر این در کتاب خداوند عز و جل آمده است . به هر کس یاد کردن از خدا داده شود ، خداوند نیز او را یاد می کند ؛ زیرا خداوند می فرماید : «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم» ... ۵۲۲۶. امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله [در باره آیه] «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم» : ای گروه بندگان! با فرمانبری از من ، مرا یاد کنید تا من هم با آمرزش خود ، شما را یاد کنم . ۵۲۲۵. امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند می فرماید : «با اطاعت از من ، مرا یاد کنید تا من نیز با آمرزش خود ، شما را یاد کنم . پس ، هر که مرا یاد کند و فرمان بُردار باشد ، بر من است که با آمرزش خویش ، او را یاد کنم ، و هر که مرا یاد کند ، در حالی که نافرمان است ، بر من است که با خشم [خویش] ، او را یاد کنم» .

٥٢٢٤. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه و آله: قَالَ سُبْحَانَهُ: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» بِنِعْمَتِي ، وَاذْكُرُونِي بِالطَّاعَةِ وَالْعِبَادَةِ أَذْكُرْكُمْ بِالنَّعْمِ وَالْإِحْسَانِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ . (١) ٥٢٢٩. عنه عليه السلام (لَمَّا سُئِلَ عَنِ مَشِيئَةِ اللَّهِ وَإِرَادَتِهِ) عنه صلى الله عليه و آله: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: إِذَا ذَكَرْتَنِي عَبْدِي خَالِيًا ذَكَرْتُهُ خَالِيًا ، وَإِنْ ذَكَرْتَنِي فِي مَلَأٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنَ الْمَلَأِ الَّذِي ذَكَرْتَنِي فِيهِ . (٢) ٥٢٠٨. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه و آله: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي ، وَأَنَا مَعَهُ إِذَا ذَكَرْتَنِي ؛ فَإِنْ ذَكَرْتَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي ، وَإِنْ ذَكَرْتَنِي فِي مَلَأٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْهُمْ . (٣) ٥٢٠٧. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه و آله: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: لَا يَذْكُرْنِي عَبْدِي فِي نَفْسِهِ إِلَّا ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ مِنْ مَلَائِكَتِي ، وَلَا يَذْكُرْنِي فِي مَلَأٍ إِلَّا ذَكَرْتُهُ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى . (٤) ٥٢١١. عنه عليه السلام (فِي دُعَاءِ عَلَّمَهُ كَمِيلَ بْنَ زِيَادٍ) الْمُحَاسِنُ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: إِبْنِ آدَمَ ، أَذْكُرْنِي فِي نَفْسِكَ أَذْكُرَكَ فِي نَفْسِي . إِبْنِ آدَمَ ، أَذْكُرْنِي فِي خَلَاءٍ أَذْكُرَكَ فِي خَلَاءٍ . إِبْنِ آدَمَ ، أَذْكُرْنِي فِي مَلَأٍ أَذْكُرَكَ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْ مَلِئِكَ .

وقال: ما من عبدٍ يذكُرُ اللهَ في مَلَأٍ مِنَ النَّاسِ ، إِلَّا ذَكَرَهُ اللهُ في مَلَأٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ . (٥) .

- ١- .عده الداعي : ص ٢٣٨ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٦٣ ح ٤٢ .
- ٢- .الفردوس : ج ٣ ص ١٧٢ ح ٤٤٥٨ ، شُعب الإيمان : ج ١ ص ٤٠٦ ح ٥٥١ نحوه ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٣٢ ح ١٨٦٦ نقلًا عن الطبراني وكلها عن ابن عباس .
- ٣- .صحيح البخاري : ج ٦ ص ٢٦٩٤ ح ٦٩٧٠ ، صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٠٦١ ح ٢ ، سنن الترمذي : ج ٥ ص ٥٨١ ح ٣٦٠٣ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٥٥ ح ٣٨٢٢ ، شُعب الإيمان : ج ١ ص ٤٠٦ ح ٥٥٠ كلها عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ١ ص ٢٢٥ ح ١١٣٥ .
- ٤- .المعجم الكبير : ج ٢٠ ص ١٨٢ ح ٣٩١ عن معاذ بن أنس ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٢٠ ح ١٧٩٦ .
- ٥- .المحاسن : ج ١ ص ١١٠ ح ٩٨ ، عوالي اللآلي : ج ١ ص ١٢٥ ح ٥٩ عن أبي هريره نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٥٨ ح ٣١ .

۵۲۱۰. عنه علیه السلام (فِي الْحِكْمِ الْمُنْسُوبَةِ إِلَيْهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند سبحان می فرماید: «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم» با نعمت بخشیدنم به شما. و مرا از طریق فرمانبری و بندگی، یاد کنید تا من نیز از طریق نعمت ها و نیکی و مهربانی و خشنودی [خویش]، شما را یاد کنم. ۵۲۰۹. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل می فرماید: «هر گاه بنده ام مرا در خلوت یاد کند، من او را در خلوت یاد می کنم، و اگر در میان جمع یاد کند، من او را در میان جمعی بهتر از آن جمع که او مرا یاد کرده است، یاد می کنم». ۵۲۰۸. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال می فرماید: «من آن گونه ام که بنده ام نسبت به من گمان می برد، و هر گاه مرا یاد کند، من با او هستم. پس اگر در درونش مرا یاد کند، من نیز در درونم او را یاد کنم، و اگر در میان جمعی مرا یاد کند، من او را در میان جمعی بهتر از آنان، یادش می کنم». ۵۲۰۷. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای متعال می فرماید: «هر گاه بنده ام در تنهایی اش مرا یاد کند، من در میان جمعی از فرشتگانم یادش می کنم، و هر گاه در میان جمعی یادم کند، من در میان جمع برین (رَفِيقِ اعْلَى)، (۱) یادش می کنم». ۵۲۰۶. امام علی علیه السلام: المحاسن به نقل از بشیر دهان امام صادق علیه السلام فرمود: «خدای متعال می فرماید: ای پسر آدم! مرا در درونت یاد کن، تو را در درونم یاد کنم. ای پسر آدم! مرا در خلوت یاد کن، تو را در خلوت، یاد می کنم. ای پسر آدم! مرا در میان جمع یاد کن، من تو را در میان جمعی بهتر از جمع تو، یاد می کنم».

[سپس] فرمود: «هیچ بنده ای نیست که در میان جمعی از مردم خدا را یاد کند، مگر آن که خداوند در میان جمعی از فرشتگان، از او یاد می کند».

۱- مقصود، پیامبران یا پیامبران و صدیقان و شهیدان یا فرشتگان مقرب اند. م.

٥٢٠٥. امام على عليه السلام (در نامه اش به قيصر) الكافي عن ابن فضال رفعه ، قال : قَالَ اللَّهُ عز و جل لِعِيسَى عليه السلام : يا عيسى ، أَذْكَرْنِي فِي نَفْسِكَ أَذْكَرَكَ فِي نَفْسِي ، وَأَذْكَرْنِي فِي مَلَأِ (كَ) أَذْكَرَكَ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْ مَلَأِ الْآدَمِيِّينَ . (١) ٥٢٠٤. امام على عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : قَالَ اللَّهُ عز و جل : مَنْ ذَكَرَنِي سِتْرًا ذَكَرْتُهُ عَلَانِيَةً . (٢) ٥٢٠٣. امام على عليه السلام : رسول الله صلى الله عليه و آله : « وَ لَمَّا ذَكَرَ اللَّهُ أَكْبَرُ » (٣) ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى إِيَّاكُمْ أَكْبَرُ مِنْ ذِكْرِكُمْ إِيَّاهُ . (٤) ٥٢٠٢. امام على عليه السلام : الإمام الباقر عليه السلام في قوله تعالى : « وَ لَمَّا ذَكَرَ اللَّهُ أَكْبَرُ » : يَقُولُ : ذَكَرَ اللَّهُ لِأَهْلِ الصَّلَاةِ أَكْبَرُ مِنْ ذِكْرِهِمْ إِيَّاهُ ، أَلَا تَرَى أَنَّهُ يَقُولُ : « أَذْكَرُونِي أَذْكَرُكُمْ » ؟ (٥) ٥٢٠١. امام على عليه السلام : مستدرک الوسائل : قَالَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ : أَعْطَيْتُ أُمَّتَكَ مَا لَمْ أُعْطِهِ أُمَّةً مِنْ الْأُمَّمِ .

فَقَالَ : وَمَا ذَاكَ يَا جَبْرِئِيلُ ؟

قَالَ : قَوْلُهُ تَعَالَى : « فَأَذْكَرُونِي أَذْكَرُكُمْ » ، وَلَمْ يَقُلْ هَذِهِ لِأَخِي مِنْ الْأُمَّمِ . (٦) ٥٢٠٦. عنه عليه السلام : رسول الله صلى الله عليه و آله لِقِسْرَةَ بِنْتِ رِوَاسِ الْكِنْدِيِّيَّةِ : أَيَا قِسْرَةَ ! أَذْكَرِي اللَّهَ عِنْدَ الْخَطِيئَةِ يَذْكَرُكَ عِنْدَ الْمَغْفِرَةِ ، وَأَطِيعِي زَوْجَكَ يَكْفِكَ شَرَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَبِرِّي وَالِدَيْكَ يَكْثُرُ خَيْرٌ بَيْتِكَ . (٧) .

١- الكافي : ج ٢ ص ٥٠٢ ح ٣ وج ٨ ص ١٣٨ ح ١٠٣ عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٤٣ عن أبي عبد الله عليه السلام ، تحف العقول : ص ٤٩٨ ، أعلام الدين : ص ٢٣٢ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٦٠ ص ٣٠٠ ح ١٠ .

٢- الكافي : ج ٢ ص ٥٠١ ح ١ ، عدّه الداعي : ص ٢٤٤ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٣٤٢ ح ١١ .

٣- العنكبوت : ٤٥ .

٤- الفردوس : ج ٤ ص ٤٠٦ ح ٧١٧٨ ، الدر المنثور : ج ٦ ص ٤٦٦ نقلاً عن ابن السني وابن مردويه وكلاهما عن ابن عمر .

٥- تفسير القمي : ج ٢ ص ١٥٠ عن أبي الجارود ، بحار الأنوار : ج ٨٢ ص ١٩٩ .

٦- مستدرک الوسائل : ج ٥ ص ٢٨٦ ح ٥٨٧١ نقلاً عن مجموعه الشهيد قدس سره .

٧- الإصابه : ج ٨ ص ٢٨٧ ، أسد الغابه : ج ٧ ص ٢٣٧ كلاهما عن قسره بنت رواس الكنديه ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٨٥٢ ح

٤٣٣٨٨ نقلاً عن أبي نعيم عن بسره .

۵۲۰۵. عنه عليه السلام (في كتابه إلى قيصِر) الكافي به نقل از ابن فضال ، در حدیثی که سندش را به یکی از اهل بیت علیهم السلام رسانده است : خداوند عز و جل به عیسی علیه السلام فرمود : «ای عیسی! مرا در دلت یاد کن تا من نیز در دلم تو را یاد کنم ، و در میان جمع یادم کن ، تا من نیز در میان جمعی بهتر از آدمیان ، تو را یاد کنم». ۵۲۰۴. الإمام علی علیه السلام : امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جل فرموده است : «هر کس در نهان مرا یاد کند ، من در آشکار ، یادش می کنم» ۵۲۰۳. عنه عليه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «و قطعاً یاد خدا بالاتر است» ، [یعنی] یاد کرد خداوند متعال از شما ، بزرگ تر از یاد کرد شما از اوست . ۵۲۰۲. عنه عليه السلام : امام باقر علیه السلام در باره این سخن خداوند متعال : «و قطعاً یاد خدا بالاتر است» : یاد کرد خدا از نماز گزاران ، بزرگ تر از یاد کرد ایشان از اوست . نمی بینی که می فرماید : «پس مرا یاد کنید ، تا شما را یاد کنم» ؟ ۵۲۰۱. عنه عليه السلام : مستدرک الوسائل : جبرئیل علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : خدای متعال می فرماید : «به امت تو چیزی عطا کرده ام که به هیچ امتی عطا نکرده ام» .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : آن چیست ، ای جبرئیل؟

گفت : «این فرموده او : «پس مرا یاد کنید ، تا شما را یاد کنم» ، و این را به هیچ یک از امت ها نفرموده است» . ۵۲۰۰. امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به قسره دختر رواس کندی : ای قسره! به گناه گناه به یاد خدا باش تا او نیز به گناه آمرزش به یاد تو باشد ، و از شوهرت اطاعت کن تا خداوند ، تو را از گزند دنیا و آخرت ، ننگه دارد ، و به پدر و مادرت نیکی کن تا خیر [و برکت] خانه ات افزون شود . .

٥١٩٩. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: مِمَّا اجْتَمَعَ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ، إِذَا ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فَيَمَنُّ اللَّهُ عِنْدَهُ .
 (١) ٥١٩٨. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَسْكَنَ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ . . . فَنَادَاهُمُ الرَّبُّ : عِبَادِي ، اِرْفَعُوا رُؤُوسَكُمْ فَإِنَّهَا لَيْسَتْ بِدَارِ عَمَلٍ وَلَا- دَارِ نَصَبٍ ، إِنَّمَا هِيَ دَارُ جَزَاءٍ وَثَوَابٍ ، وَعِزَّتِي مَا خَلَقْتُهَا إِلَّا مِنْ أَجْلِكُمْ ، وَمَا مِنْ سَاعَةٍ ذَكَرْتُمُونِي فِيهَا فِي دَارِ الدُّنْيَا إِلَّا ذَكَرْتُكُمْ فَوْقَ عَرْشِي . (٢) ٥١٩٧. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: اِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا يَنْسَى مَن ذَكَرَهُ ، وَلَا- يَخْذُلُ مَن نَصَّ رَهْ . (٣) ٥١٩٦. امام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام: مَن ذَكَرَ اللَّهَ ذَكَرَهُ . (٤) ٥٢٠٠. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام: مِنْ حُطْبِهِ لَهُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ : اذْكُرُوا اللَّهَ يَذْكُرْكُمْ ؛ فَإِنَّهُ ذَاكِرٌ لِمَنْ ذَكَرَهُ ، وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ رَحْمَتِهِ وَفَضْلِهِ ؛ فَإِنَّهُ لَا- يَخِيبُ عَلَيْهِ دَاعٍ دَعَاهُ . (٥) ٥١٩٩. عنه عليه السلام: الإمام الحسن عليه السلام لِرَجُلٍ بَرِيءٍ مِنْ عِلِّهِ كَانَتْ بِهِ : إِنَّ اللَّهَ قَدْ ذَكَرَكَ فَادْكُرْهُ ، وَأَقَالَكَ فَاشْكُرْهُ . (٦) ٥١٩٨. عنه عليه السلام: الإمام الحسين عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ : يَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ ، أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ . (٧) ٥١٩٧. عنه عليه السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ لِدَوَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ : أَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ [الْعِبَادَ] بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ وَتَرغيبِكَ الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ ، عَلَى مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِكْهُ أَبْصَارُهُمْ ، وَلَمْ تَعِهِ أَسْمَاعُهُمْ ، وَلَمْ تَلْحَقْهُ أَوْهَامُهُمْ ، فَقُلْتَ : « اذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ » ، وَقُلْتَ : « لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ » (٨) . . . فَذَكَرُواكَ بِمَنِّكَ ، وَشَكَرُواكَ بِفَضْلِكَ . (٩) .

- ١- التاريخ الكبير: ج ١ ص ٣٨٣ الرقم ١٢٢٦ عن أبي سعيد الخدري.
- ٢- الدرّ المنثور: ج ٧ ص ٦٠٧ نقلاً عن ابن جرير عن أنس.
- ٣- تاريخ المدينة: ج ٢ ص ٥٩٨ عن محمد بن إسحاق عن مشيخه بنى عامر.
- ٤- غرر الحكم: ح ٧٧٥٨.
- ٥- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٣٢ ح ١٢٦٣ ، مصباح المتهجد: ص ٣٨٤ ح ٥٠٩ ، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٣٩ ح ٦٨.
- ٦- تحف العقول: ص ٢٣٤ و ص ٢٨٠ عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٠٦ ح ٨.
- ٧- الإقبال (طبعة دار الكتب الإسلامية): ص ٣٥٠ ، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٢٦ ح ٣.
- ٨- إبراهيم: ٧.
- ٩- الصحيفه السّجّاديه: ص ١٧٣ الدعاء ٤٥.

۵۱۹۶. الإمام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ گروهی برای یاد کردن از خداوند عز و جل گرد هم نیامدند، مگر آن که خداوند از آنان در میان کسانی که نزد او هستند، از ایشان یاد کرد. ۵۱۹۵. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، هر گاه اهل بهشت را در بهشت جای دهد... پروردگار، ایشان را بانگ می دهد که: «ای بندگان من! سرهایتان را بلند کنید؛ زیرا این جا دیگر سرای عمل و خانه رنج [و زحمت] نیست، بلکه سرای مزد و پاداش است. به عزّت سوگند که این را جز به خاطر شما نیافریدم. هیچ لحظه ای در سرای دنیا نبود که در آن از من یاد کنید، مگر آن که من نیز در فراز عرشم از شما یاد کردم». ۵۱۹۴. الإرشاد (هنگامی که روحانی ای یهودی، پرسید که: آیا خدا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدانید که خداوند، کسی را که به یاد او باشد، فراموش نمی کند، و کسی را که یاری اش دهد، و او نمی گذارد. ۵۱۹۵. الإمام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: هر که به یاد خدا باشد، خدا به یاد اوست. ۵۱۹۴. الإرشاد (عِنْدَمَا سَأَلَ جِبْرِيْهُوْدِيُّ عَنِ اللّٰهِ اَهُ) امام علی علیه السلام از خطبه ایشان در روز جمعه: به یاد خدا باشید تا به یاد شما باشد؛ زیرا هر کس به یاد او باشد، خدا نیز به یاد اوست، و از خداوند، از رحمت و فضلش درخواست کنید؛ زیرا هیچ کس نیست که از او بخواهد و از درگاهش نومید برگردد. ۵۱۹۳. امام علی علیه السلام: امام حسن علیه السلام به مردی که از بیماری بهبود یافته بود: خداوند به یاد تو بوده است، پس به یاد او باش؛ و تو را بخشیده است، پس از او سپاس گزاری کن. ۵۱۹۲. امام علی علیه السلام: امام حسین علیه السلام از دعای ایشان در روز عرفه: ای آن که جامه های هیبتش را بر قامت دوستانش پوشانده است و از این رو، در پیشگاه او به آمرزش خواهی ایستاده اند! تو پیش از آن که یاد کنندگان از تو یاد کنند، از آنان یاد می کنی. ۵۱۹۱. امام علی علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام از دعای وداع ایشان با ماه رمضان: تو آنی که با سخنان غیبی ات و با ترغیبات که سعادت بندگان در آنهاست، آنان را به چیزی (حقایق غیبی) راه نمایی کردی که اگر آن را از ایشان پوشیده می داشتی، نه دیدگان نشان آن را در می یافت، و نه گوش هایشان می شنید، و نه اندیشه هایشان به آنها می رسید. پس فرمودی: «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم؛ و شکرانه ام را به جای آرید؛ و با من ناسپاسی نکنید»، و فرمودی: «اگر سپاس گزارید، افزونتان دهم و اگر ناسپاسی کنید، بی گمان، عذاب من سخت است... و بندگان هم به لطف تو یادت کردند، و به فضل تو سپاس گفتند...»

٥١٩٠. امام على عليه السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْأَوَّلِ قَبْلَ الْإِنْشَاءِ وَالْإِحْيَاءِ ، وَالْآخِرِ بَعْدَ فَنَاءِ الْأَشْيَاءِ ، الْعَلِیْمِ الَّذِی لَا یَنْسِی مَنْ ذَكَرَهُ ، وَلَا یَنْقُصُ مَنْ شَكَرَهُ ، وَلَا یُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ ، وَلَا یَقْطَعُ رَجَاءَ مَنْ رَجَاهُ .
 (١) ٥١٨٩. امام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ : مَنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ مِنَ النَّاسِ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ . (٢) ٥١٨٨. امام على عليه السلام: عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبًا : يَا بَنَ آدَمَ ، أَذْكَرَنِي حِينَ تَغْضَبُ أَذْكَرَكَ عِنْدَ غَضَبِي ؛ فَلَا - أَمْحَقُّكَ فِيمَنْ أَمْحَقُ . وَإِذَا ظَلَمْتَ بِمَظْلَمَةٍ فَارْضَ بِانْتِصَارِي لَكَ ؛ فَإِنَّ انْتِصَارِي لَكَ خَيْرٌ مِنْ انْتِصَارِكَ لِنَفْسِكَ .
 (٣) ٥٢٩٠. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رِسَالَتِهِ إِلَى جَمَاعَةٍ مِنْ شِيعَتِهِ وَأَصْحَابِهِ : أَكْثَرُوا ذَكَرَ اللّٰهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، فَإِنَّ اللّٰهَ أَمَرَ بِكَتْرِهِ الذِّكْرَ لَهُ ، وَاللّٰهُ ذَاكِرٌ لِمَنْ ذَكَرَهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَعَلِمُوا أَنَّ اللّٰهَ لَمْ يَذْكُرْهُ أَحَدٌ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا ذَكَرَهُ بِخَيْرٍ . (٤) ٥٢٨٩. امام على عليه السلام (در سخنانی اش در مسجد كوفه) عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ دُعَائِهِ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ : وَادْكَرَنِي يَا رَبِّ بِرِضَاكَ ، وَلَا تَنْسِنِي حِينَ تَنْشُرُ رَحْمَتَكَ ، وَأَقْبِلْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ . (٥) .

- ١- المصباح للكفعمي : ص ١٣٨ ، البلد الأمين : ص ٨٧ ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ١٣٤ ح ٢ .
- ٢- الكافي : ج ٢ ص ٤٩٨ ح ١٣ ، المحاسن : ج ١ ص ١١٠ ح ٩٨ عن بشير الدهان ، عدّه الداعي : ص ٢٣٣ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٥٨ ح ٣١ . وراجع : ص ٧٥ (الذكر الخفي) و ص ٧٧ (الذكر الجلي) .
- ٣- الكافي : ج ٢ ص ٣٠٤ ح ١٠ عن إسحاق بن عمار .
- ٤- الكافي : ج ٨ ص ٧ ح ١ عن إسماعيل بن جابر وإسماعيل بن مخلد السراج ، تحف العقول : ص ٣١٤ .
- ٥- الإقبال : ج ٢ ص ١٢٧ عن سلمه بن الأكوع ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٢٤٦ ح ٤ .

۵۲۸۹. عنه علیه السلام (فی حُطْبَتِهِ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ) امام زین العابدین علیه السلام: به نام خدای مهر گستر مهربان . ستایش ، خداوند را که پیش از آن که چیزی بیافریند و حیاتی خلق کند ، وجود داشته است ، و پس از نیستی همه چیزها خواهد بود ؛ آن دانایی که هر کس را به یاد او باشد ، فراموش نمی کند ، و از [نعمت] آن کس که سپاسش گوید ، نمی کاهد ، و آن کس را که بخواندش ، نومید نمی گرداند ، و امید آن کس را که به او امید بندد ، قطع نمی کند . ۵۲۸۸. امام علی علیه السلام (هنگامی که از مردم خواست برای بار دوم به جنگ با) امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جل فرموده است : «هر آن که مرا در جمعی از مردم یاد کند ، او را در جمعی از فرشتگان ، یاد می کنم» . ۵۲۸۸. عنه علیه السلام (عِنْدَمَا اسْتَنْهَضَ النَّاسَ فِي حَرْبِ مُعَاوِيَةَ) امام صادق علیه السلام : در تورات نوشته است : «ای فرزند آدم! در زمانی که به خشم می آیی، به یاد من باش تا در هنگام خشمم به یاد تو باشم و تو را با آنان که نابود می کنم ، نابود نکنم ؛ و هر گاه به تو ستمی شد ، به انتقام گیری من برای رضایت ده ؛ زیرا من برای تو انتقام بگیرم ، برایت بهتر است تا تو خود ، انتقام خویش را بگیری» . ۵۲۸۷. امام علی علیه السلام : امام صادق علیه السلام در نامه اش به گروهی از پیروان و یارانش : تا می توانید ، در هر ساعتی از ساعات شبانه روز ، فراوان یاد خدا گوید ؛ زیرا که خداوند فرمان داده است او را بسیار یاد کنند ، و آن کس از مؤمنان که به یاد خدا باشد ، خدا نیز به یاد اوست ؛ و بدانید که هیچ یک از بندگان مؤمن خدا او را یاد نمی کند ، مگر آن که خداوند از او به نیکی یاد نماید . ۵۲۸۶. امام علی علیه السلام (در تشویق به شناخت خدای متعال و یگانه دانستن او) امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در روز عرفه : ای پروردگار من ! از من با خشنودی ات یاد کن ، و آن گاه که رحمتت را پخش می کنی ، مرا از یاد مبر ، و روی مبارکت را به من بنما . .

٥٢٨٧. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام كَانَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ اذْكُرْنِي بِرَحْمَتِكَ وَلَا تَذْكُرْنِي بِخَطِيئَتِي، وَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ، إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ. (١) ٥٢٨٦. عنه عليه السلام (فِي الْحَثِّ عَلَى مَعْرِفَتِهِ تَعَالَى وَالتَّوْحِيدِ) مَصْبَاحُ الشَّرِيعَةِ فِيمَا نَسَبَهُ إِلَى الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اجْعَلْ ذِكْرَ اللَّهِ مِنْ أَجْلِ ذِكْرِهِ لَكَ؛ فَإِنَّهُ ذَكَرَكَ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنْكَ، فَذِكْرُهُ لَكَ أَجَلٌ وَأَشْهَى وَأَتَمُّ مِنْ ذِكْرِكَ لَهُ وَأَسْبَقُ.

وَمَعْرِفَتِكَ بِذِكْرِهِ لَكَ يورثُكَ الخُضُوعَ، وَالِاسْتِحْيَاءَ، وَالْإِنْكَسَارَ، وَيَتَوَلَّدُ مِنْ ذَلِكَ رُؤْيَاهُ كَرَمِهِ وَفَضْلِهِ الشَّابِقِ، وَتَخْلُصُ لِرُؤْيَاهُ، وَتَصْعُقُ عِنْدَ ذَلِكَ طَاعَاتُكَ وَإِنْ كَثُرَتْ فِي جَنْبِ مَنَنِهِ.

وَرُؤْيَاكَ ذِكْرَكَ لَهُ تَوْرِثُكَ الرِّيَاءَ، وَالْعُجْبَ، وَالسَّفَهَ، وَالغِلْظَةَ فِي خَلْقِهِ، وَاسْتِكْثَارَ الطَّاعَةِ وَنِسْيَانَ كَرَمِهِ وَفَضْلِهِ، وَلَا يَزِدَادُ بِذَلِكَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا، وَلَا يَسْتَجْلِبُ بِهِ عَلَى مُضَيِّ الأَيَّامِ إِلَّا وَحْشَةً. (٢) ٥٢٨٥. امام على عليه السلام: الزهد للحسين بن سعيد عن زيد بن علي: أوحى الله عز وجل إلى نبيه داوود عليه السلام: إذا ذكرني عبدى حين يغضب، ذكرته يوم القيامة في جميع خلقي، ولا أمحقه فيما أمحق. (٣) ٥٢٨٥. الإمام علي عليه السلام: الكافي عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام: فيما وعظ الله عز وجل به عيسى عليه السلام: ... يا عيسى، كن رحيمًا مترحمًا، وكن كما تشاء أن يكون العباد لك، وأكثر ذكر الموت ومفارقة الأهلين، ولا تله فإن الله يفسد صاحبه، ولا تغفل فإن الغافل منى بعيد، واذكرني بالصالحات حتى أذكرك. (٤).

-
- ١- الكافي: ج ٢ ص ٥٨٦ ح ٢٤ عن ابن أبي يعفور، مصباح المتهجد: ص ٢٧٤، جمال الأسبوع: ص ١٤١ ح ١٧ كلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣٠٠ ح ١٠.
 - ٢- مصباح الشريعة: ص ٤٧.
 - ٣- الزهد للحسين بن سعيد: ص ٢٨ ح ٦٧، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٢٦٦ ح ١٨.
 - ٤- الكافي: ج ٨ ص ١٣١ ح ١٣٤، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٩١ ح ١٤.

۵۲۸۴. امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام: بار خدایا! با لطف و رحمت خود، از من یاد کن و با گناه من، مرا یاد مکن، و از من بپذیر، و از فضلت بر من بیفزای. به [درگاه] تو التماس می کنم. ۵۲۸۳. امام علی علیه السلام: مصباح الشریعه در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است: خدای را از آن روی یاد کن که او تو را یاد کرده است؛ چه، او با آن که از تو بی نیاز است، یادت کرده است. پس یاد کردن او از تو، مهم تر و خواستنی تر و کامل تر و پیش تر از یاد تو برای اوست.

این که بدانی او تو را یاد می کند، خود، برایت فروتنی و شرمساری و شکسته نفسی به بار می آورد، و این خود، باعث می گردد که بزرگواری و لطف پیشین او را نسبت به خودت بینی و به او اخلاص و رزق، و در این هنگام، طاعت هایت، هر اندازه بسیار باشد، در کنار نواخت های او کوچک می آید.

ولی اگر یاد کرد خویش از او را در نظر آوری، این، برایت خودنمایی و خودپسندی و نابخردی و درستی کردن با خلق او، و افزون شمردن طاعت خویش و از یاد بردن بزرگواری و لطف او را به بار آورد، و بدین سان، جز بردوری تو از خدا افزوده نمی گردد، و با گذشت روزها، جز تنهایی به دست نمی آید. ۵۲۸۴. عنه علیه السلام: الزهد، حسین بن سعید به نقل از زید بن علی: خداوند عز و جل به پیامبرش داوود علیه السلام وحی فرمود: «هر گاه بنده ام، در آن هنگام که خشمگین می شود، مرا یاد کند، من به روز رستاخیز در میان همه آفریدگانم از او یاد می کنم و با آنان که هلاکشان می کنم، وی را به هلاکت نمی رسانم». ۵۲۸۳. عنه علیه السلام: الکافی به نقل از علی بن اسباط، از امامان علیهم السلام: از پندهای خداوند عز و جل به عیسی علیه السلام این بود که: «... ای عیسی! مهربان و مهرخواه (۱) باش، و چنان باش که می خواهی بندگان [من] نسبت به تو باشند، و از مرگ و جدا شدن از خویشان، بسیار یاد کن، و سرگرم مشو؛ زیرا سرگرمی صاحبش را تباه می کند، و غافل مباش؛ زیرا شخص غافل، از من دور است، و با کارهای نیک مرا یاد کن تا من نیز تو را یاد کنم».

۱- یعنی از خداوند برای مردم، طلب مهر و رحمت کن.

٥٢٨٢. امام على عليه السلام: جامع الأخبار: أوحى الله تعالى إلى عيسى بن مريم عليه السلام: يا عيسى، إني لا أنسى من ينساني، فكيف أنسى من يذكرني! أنا لا أبخل على من عاصني، فكيف أبخل على من يطيعني! (١) ٥٢٨١. امام على عليه السلام: لقمان عليه السلام في مواعظه لابنه: يا بُنَيَّ، ومن ذا الذي ذكره فلم يذكره! (٢) ٥٢٨٠. امام على عليه السلام: مسكن الفؤاد: أوحى الله تعالى إلى بعض الصديقين: إن لي عبادة من عبادي يحبوني وأحبهم، ويشتاقون إليّ وأشتاق إليهم، ويذكرونني وأذكركم، فإن أخذت طريقهم أحببتك، وإن عدلت عنهم مقتك. (٣) ٩ / ٢ طرد الشيطان الكتاب «إن الذين اتقوا إذا مسهم طائف من الشيطان تذكروا فإذا هم مبصرون». (٤)

«وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَهُ أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاشْتَعَفُوا بِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ». (٥)

الحديث ٥٢٧٨. عنه عليه السلام: تفسير العياشي عن علي بن أبي حمزة عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سألته في قول الله (٦): «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» ما ذلك الطائف؟ فقال: هو السيئ يهمل العبد به، ثم يذكر الله فيبصر ويتقصر (٧). (٨).

- ١- جامع الأخبار: ص ٥٠٩ ح ١٤١٧.
- ٢- الاختصاص: ص ٣٣٧.
- ٣- مسكن الفؤاد: ص ٢٨، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٢٦ ح ٢٨.
- ٤- الأعراف: ٢٠١.
- ٥- آل عمران: ١٣٥.
- ٦- في بحار الأنوار: «عن قول الله».
- ٧- أقصر فلان عن الشيء يقصر إقصارا: إذا كف عنه وانتهى. وأقصرت عن الشيء: كفت ونزعت مع قدره عليه (لسان العرب: ج ٥ ص ٩٧ «قصر»).
- ٨- تفسير العياشي: ج ٢ ص ٤٤ ح ١٢٩، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٠١ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٢٨٧ ح ١٤.

۹ / ۲ راندن شیطان

۵۲۷۷. امام علی علیه السلام: جامع الأخبار: خدای متعال به عیسی بن مریم علیه السلام وحی فرمود که: «ای عیسی! من [حتی] کسی را که فراموش کند، فراموش نمی کنم. پس چگونه کسی را که به یاد من است، فراموش کنم؟! من [حتی] به کسی که نافرمانی ام کند، بخل نمی ورزم. پس چگونه به کسی که فرمانم می برد، بخل ورزم؟!». ۵۲۷۶. امام علی علیه السلام: لقمان علیه السلام در اندرزهایش به پسرش: پسر عزیزم! کیست که او (خدا) را یاد کرد و او یادش نکرد؟! ۵۲۷۵. امام علی علیه السلام (خطاب به خداوند عز و جل) مسکن الفؤاد: خدای متعال به یکی از صدیقان وحی فرمود که: «مرا در میان بندگانم، بندگانی است که دوستم می دارند و دوستشان می دارم، و مشتاق من اند و من، مشتاق آنانم، و مرا یاد می کنند و من، یادشان می کنم. پس اگر راه آنان در پیش گیری، تو را نیز دوست دارم، و اگر از راه آنان منحرف شوی، دشمنی می دارم». ۹ / ۲ راندن شیطانقرآن «در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد، [خدا را] به یاد می آورند و به ناگاه، بینا می شوند».

«و آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می آورند و برای گناهانشان آمرزش می خواهند، و چه کسی جز خدا گناهان را می آمرزد؟ و بر آنچه مرتکب شده اند، با آن که می دانند [که گناه است]، پافشاری نمی کنند».

حدیث ۵۲۷۳. عنه علیه السلام: تفسیر العیاشی به نقل از علی بن ابی حمزه: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند که: «در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد، [خدا را] به یاد می آورند و به ناگاه، بینا می شوند» پرسیدم که: این وسوسه چیست؟

فرمود: «مقصود، گناه است که بنده قصد آن می کند، سپس به یاد خدا می افتد و چشمش باز می شود و خودداری می ورزد».

٥٢٧٢. امام على عليه السلام: الكافي عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «إِذَا مَسَّهُمْ طَيْفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» ؟

قال : هُوَ الْعَبْدُ يَهُمُّ بِالذَّنْبِ ثُمَّ يَتَذَكَّرُ فَيَمْسِكُ ، فَذَلِكَ قَوْلُهُ : «تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» . (١) ٥٢٧١. امام على عليه السلام : تفسير القمى : «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَيْفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» ؛ قال : وإذا ذَكَرَهُمُ الشَّيْطَانُ الْمَعَاصِيَّ وَحَمَلَهُمْ عَلَيْهَا ، يَذْكُرُونَ اللَّهَ فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ . (٢) ٥٢٧٠. امام على عليه السلام : رسول الله صلى الله عليه وآله : إذا سَمِعَ الشَّيْطَانُ ذَكَرَ اللَّهِ ، ذَهَبَ حَتَّى يَكُونَ كَمَكَانِ الرُّوحَاءِ (٣) . (٤) ٥٢٦٩. امام على عليه السلام : عنه صلى الله عليه وآله : عَلَى كُلِّ قَلْبٍ جَائِمٌ (٥) مِّنَ الشَّيْطَانِ ، فَإِذَا ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ خَنَسَ الشَّيْطَانُ وَذَابَ ، وَإِذَا تَرَكَ الذِّكْرَ التَّقَمَّهُ الشَّيْطَانُ فَجَذَبَهُ وَأَغْوَاهُ وَاسْتَزَلَّهُ وَأَطْعَاهُ . (٦) .

١- الكافي : ج ٢ ص ٤٣٤ ح ٧ ، تفسير العياشى : ج ٢ ص ٤٣ ح ١٢٨ عن زيد بن أبى أسامه وص ٤٤ ح ١٣٠ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٢٧٣ .

٢- تفسير القمى : ج ١ ص ٢٥٣ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٢٧٣ .

٣- الرُّوحَاءُ : موضع بين الحرمين على ثلاثين أو أربعين ميلاً من المدينة ، وقريه من رحبه الشام (القاموس المحيط : ج ١ ص ٢٢٥ «الرُّوحُ»). والمراد أنه ينأى بعيداً .

٤- مسند أبى يعلى : ج ٢ ص ٤٧١ ح ٢٢٨٩ عن جابر .

٥- يَجِيئُ فِي الْأَرْضِ : أى يلزمها ويلتصق بها ، وَجِئَ الطَّائِرُ جِئَ ، وَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الثُّبُوكِ لِلْإِبِلِ (النهايه : ج ١ ص ٢٣٩ «جئ»). .

٦- عدّه الداعى : ص ١٩٢ ، إرشاد القلوب : ص ٦١ وفيه «خادم» بدل «جائم» ، أعلام الدين : ص ٢٧٩ وفيه «خاتم» بدل «جائم» ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٤١ ح ٤٢ .

۵۲۶۸. امام علی علیه السلام: الکافی به نقل از ابو بصیر: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم که: «در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد، [خدا را] به یاد آورند و به ناگاه، بینا می شوند». .

فرمود: «مقصود، این است که بنده، آهنگ گناه می کند؛ اما یادآور [خدا] می شود (به خود می آید) و خودداری می ورزد. این است فرموده او که: «[خدا را] به یاد آورند و به ناگاه، بینا می شوند». ۵۲۶۷. امام علی علیه السلام: تفسیر القمی: [در باره آیه] «در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد، [خدا را] به یاد آورند و به ناگاه بینا می شوند»، فرمود: «هر گاه شیطان، آنان را به یاد گناهان بیندازد و بر آنها وادارشان کند به یاد خدا می افتند و به ناگاه، بینا می شوند». ۵۲۷۲. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان، هر گاه نام و یاد خدا را بشنود، تا محلّ روحاء (۱) دور می شود. ۵۲۷۱. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان، بر روی هر دلی بختک انداخته است. هر گاه آن دل، نام خدا را یاد کند، شیطان، وا پس می رود و ذوب می شود، و هر گاه یاد خدا را وا نهد، شیطان او را فرو می بلعد و به سوی خود می کشد و فریبش می دهد و می لغزاند و به سرکشی می افکند. .

۱- محلّی میان مکه و مدینه در سی و یا چهل میلی مدینه است و نیز روستایی در رجه شام است. به هر حال، مراد، جای دور دست است.

٥٢٧٠. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الشَّيْطَانَ وَاضِعَ خَطْمَهُ (١) عَلَى قَلْبِ ابْنِ آدَمَ ، فَإِنْ ذَكَرَ اللَّهُ حَسَنًا ، وَإِنْ نَسِيَ التَّقَمَّ قَلْبَهُ ؛ فَذَلِكَ الْوَسْوَاسُ الْخَنَّاسُ . (٢) ٥٢٦٩. الإمام علي عليه السلام: علل الشرائع عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : سَأَلْتُهُ عَنِ الْخَنَّاسِ ؟ قَالَ : إِنَّ إبليسَ يَلْتَقِمُ الْقَلْبَ ؛ فَإِذَا ذَكَرَ اللَّهُ حَسَنًا ، فَلِذَلِكَ سُمِّيَ الْخَنَّاسُ . (٣) ٥٢٦٨. عنه عليه السلام : رسول الله صلى الله عليه وآله : إِذَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ تَعَالَى ، اعْتَزَلَ الشَّيْطَانُ وَالْدُّنْيَا عَنْهُمْ ، فَيَقُولُ الشَّيْطَانُ لِلدُّنْيَا : أَلَا تَرِينَ مَا يَصْنَعُونَ؟

فَتَقُولُ الدُّنْيَا : دَعُهُمْ ، فَلَوْ قَدْ تَفَرَّقُوا أَخَذْتُ بِأَعْنَاقِهِمْ . (٤) ٥٢٦٧. عنه عليه السلام : فضائل الأشهر الثلاثة عن عبد الرحمن بن هبيرة : كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمًا ، فَقَالَ : رَأَيْتُ الْبَارِحَةَ عَجَائِبًا ! قَالَ : فَقُلْنَا : يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا رَأَيْتَ ، حَدَّثْنَا فِدَاكَ أَنْفُسَنَا وَأَهْلُونَا وَأَوْلَادُنَا؟

فَقَالَ : ... رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَمِدَ احْتَوَشَتْهُ الشَّيَاطِينُ ، فَجَاءَهُ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَفَنَجَّاهُ مِنْ بَيْنِهِمْ . (٥) ٥٢٦٦. الإمام علي عليه السلام : رسول الله صلى الله عليه وآله : إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ ، فَذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ ، قَالَ الشَّيْطَانُ : لَا مَبِيتَ لَكُمْ وَلَا عَشَاءَ .

وَإِذَا دَخَلَ فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ ، قَالَ الشَّيْطَانُ : أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ . وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ طَعَامِهِ ، قَالَ : أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ وَالْعَشَاءَ . (٦) .

- ١- الخطم في السباع : مقادير أنوفها وأفواهاها (النهاية : ج ٢ ص ٥٠ «خطم»).
- ٢- مسند أبي يعلى : ج ٤ ص ٢٢٢ ح ٤٢٨٥ ، شعب الإيمان : ج ١ ص ٤٠٣ ح ٥٤٠ ، حليه الأولياء : ج ٦ ص ٢٦٨ ، مكائد الشيطان لابن أبي الدنيا : ص ٤٣ ح ٢٢ كلها عن أنس وليس فيها «فذلك الوسواس الخناس» ، كنز العمال : ج ١ ص ٤١٨ ح ١٧٨٢ ؛ بحار الأنوار : ج ٦٣ ص ١٩٤.
- ٣- علل الشرائع : ص ٥٢٦ ح ١ ، بحار الأنوار : ج ٦٣ ص ١٩٧ ح ٧.
- ٤- أعلام الدين : ص ٢٧٣ ، إرشاد القلوب : ص ٦٠ ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ١٨٩ ح ١٨.
- ٥- فضائل الأشهر الثلاثة : ص ١١٢ ح ١٠٧ ، الأمل للصدوق : ص ٣٠١ ح ٣٤٢ عن عبد الرحمن بن سمره ، روضه الواعظين : ص ٤٢٨ وفيه ذيله فقط ، بحار الأنوار : ج ٧ ص ٢٩٠ ح ١ ؛ المعجم الكبير : ج ٢٥ ص ٢٨٢ ح ٣٩ عن عبد الرحمن بن سمره نحوه ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٩٢٦ ح ٤٣٥٩٢.
- ٦- صحيح مسلم : ج ٣ ص ١٥٩٨ ح ١٠٣ ، سنن أبي داود : ج ٣ ص ٣٤٧ ح ٣٧٦٥ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٧٩ ح ٣٨٨٧ ، مسند ابن حنبل : ج ٥ ص ١١٥ ح ١٤٧٣٥ نحوه وكلها عن جابر بن عبد الله ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٣٩٦ ح ٤١٥٣٤.

۵۲۶۵. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان، پوزه خود را بر روی دل آدمی نهاده است. هر گاه آدمی یاد خدا کند، شیطان، وا پس می رود، و هر گاه فراموش کند، دل او را فرو می بلعد. این است [معنای] وسوسه گر و پس رونده. ۵۲۶۴. امام علی علیه السلام: علل الشرائع به نقل از ابو بصیر: از امام صادق علیه السلام در باره معنای «خنّاس» پرسیدم. فرمود: «ابلیس، دل را فرو می بلعد، و هر گاه خدا یاد شود، وا پس می رود. پس، بدین سبب، او را خنّاس (وا پس رونده) نامیده اند. ۵۲۶۳. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه عده ای گرد آیند و به یاد خدای متعال پردازند، شیطان و دنیا از ایشان کناره می گیرند، و شیطان به دنیا می گوید: نمی بینی چه می کنند؟ دنیا می گوید: مهم نیست؛ زیرا پراکنده که شدند، گردنشان را می گیرم. ۵۲۶۲. امام علی علیه السلام: فضائل الأشهر الثلاثة به نقل از عبد الرحمان بن هبیره: روزی نزد پیامبر خدا بودیم که فرمود: «دیروز عجایبی دیدم!».

گفتیم: چه دیدی، ای پیامبر خدا؟ خودمان و زنان و فرزندانمان به فدایت! برایمان باز گو.

فرمود: «... مردی از امتم را دیدم که اهریمنان، او را در میان گرفته اند، و یاد خداوند عز و جل به یاری او آمده، از میان اهریمنان نجاتش داد». ۵۲۶۶. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مرد وارد خانه اش شود و در هنگام ورودش و در هنگام غذا خوردنش نام خدا را بَرَد، شیطان می گوید: «شب و شام، مرگتان باد!».

و هر گاه وارد شود و هنگام ورودش نام خدا را نَبَرَد، شیطان می گوید: «شب بر شما خوش!» و هر گاه در هنگام غذا خوردنش نام خدا را نَبَرَد، شیطان می گوید: «شب و شام، گوارایتان باد!»..

٥٢٦٥. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: ثلاثه معصومون من إبليس وجنوده: الذاكرون لله، والباكون من خشية الله، والمستغفرون بالأسحار. (١) ٥٢٦٤. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إن الله أمر يحيى بن زكريا بخمس كلمات أن يعمل بها ويأمر بني إسرائيل أن يعملوا بها... فقال: ... أمركم أن تذكروا الله؛ فإن مثل ذلك كمثلي رجل خرج العيد في أثره سراعاً، حتى إذا أتى على حصن حصين فأحرز نفسه منهم؛ كذلك العبد لا يحرز نفسه من الشيطان إلا بما يذكر الله. (٢) ٥٢٦٣. عنه عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: ذكر الله مطردة الشيطان. (٣) ٥٢٦٢. الإمام علي عليه السلام: عنه عليه السلام: ذكر الله رأس مال كل مؤمن، وربحه السلامة من الشيطان. (٤) ٥٢٦١. امام علي عليه السلام: عنه عليه السلام: ذكر الله دعامة الإيمان، وعصمه من الشيطان. (٥) ٥٢٦٠. امام علي عليه السلام (وقتي از عدل پرسیده شد) الإمام زين العابدين عليه السلام: اللهم بذكرك أستهيذ وأعتصم، وبركنك ألوذ وأتحرّم. (٦).

- ١- إرشاد القلوب: ص ١٩٦ عن ابن عباس؛ كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٤١ ح ٤٣٣٤٣ نقلاً عن أبي الشيخ في الثواب نحوه.
- ٢- سنن الترمذي: ج ٥ ص ١٤٨ ح ٢٨٦٣، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٩٠ ح ١٧١٧٠، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٥٨٣ ح ١٥٣٤، صحيح ابن حبان: ج ١٤ ص ١٢٤ ح ٦٢٣٣ كلها عن الحارث الأشعري نحوه، كنز العمال: ج ١٥ ص ٩١٤ ح ٤٣٥٧٧.
- ٣- غرر الحكم: ح ٥١٦٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٥ ح ٤٧١٧.
- ٤- غرر الحكم: ح ٥١٧١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٦ ح ٤٧٤٦.
- ٥- غرر الحكم: ح ٥١٧٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٦ ح ٤٧٤٧.
- ٦- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥٣ ح ٢٢ نقلاً عن كتاب أنيس العابدين.

۵۲۶۱. عنه عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه دسته اند که از اهریمن و سپاهش مصون اند: یادکنندگانِ خدا، گریه کنندگانِ از بیم خدا، و آمرزش خواهانِ در سحرگاهان. ۵۲۶۰. عنه عليه السلام (وَسُئِلَ عَنِ الْعَدْلِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند به یحیی پسر زکریا، پنج فرمان داد که هم خود به کار ببندد و هم به بنی اسرائیل بفرماید که به کارشان بندند... پس فرمود: «... شما را فرمان می دهم که خدا را یاد کنید؛ زیرا داستان یاد خدا کردن، داستان آن مردی است که دشمن در پی او شتابان روان گشته است، و او به دژی استوار می رسد و خود را از گزند دشمن، نگه می دارد. بنده نیز خویشان را از گزند شیطان، نگه نمی دارد، مگر با یاد و نام خدا. ۵۲۵۹. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: یاد خدا، مایه رانده شدن شیطان است. ۵۲۵۸. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: یاد خدا، سرمایه هر مؤمنی است، و سود آن، به سلامت ماندن از شیطان. ۵۲۵۷. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: یاد خدا، ستون ایمان و نگه دارنده از شیطان است. ۵۲۵۶. امام علی علیه السلام (به هنگامی که از معنای سخن آنان که می گویند: «ل» امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! به یاد تو پناهنده و متوسل می شوم، و به کُنْجِ حمایت تو می گریزم و پناه می آورم..

٥٢٥٥. امام على عليه السلام: مصباح الشريعة فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام: لا يَتَمَكَّنُ الشَّيْطَانُ بِالْوَسْوَسَةِ مِنَ الْعَبْدِ إِلَّا وَقَدْ أَعْرَضَ عَيْنَ ذِكْرِ اللَّهِ ، وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ ، وَأَسْكَنَ إِلَى نَهْيِهِ ، وَنَسِيَ إِطْلَاعَهُ عَلَى سِرِّهِ . (١) ٥٢٥٩. عنه عليه السلام: مصباح الشريعة فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام: إذا أتاك الشيطانُ مَوْسوساً لِيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ الْحَقِّ وَيُنْسِيكَ ذِكْرَ اللَّهِ ، فَاسْتَعِذْ مِنْهُ بِرَبِّكَ وَرَبِّهِ ؛ فَإِنَّهُ يُؤَيِّدُ الْحَقَّ عَلَى الْبَاطِلِ ، وَيَنْصُرُ الْمَظْلُومَ ، بِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ : «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَنٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (٢) . وَلَنْ تَقْدِرَ عَلَى هَذَا وَمَعْرِفِهِ إِيَابَهُ وَمَذَاهِبِ وَسْوَسَاتِهِ إِلَّا بِدَوَامِ الْمُرَاقَبَةِ وَالْإِسْتِقَامَةِ عَلَى بَسَاطَةِ الْخِدْمَةِ وَهَيْبَةِ الْمُطَّلَعِ وَكَثْرَةِ الذِّكْرِ ، وَأَمَّا الْمُهْمِلُ لِأَوْقَاتِهِ فَهُوَ صَيِّدُ الشَّيْطَانِ . (٣) ٩ / ٣ / ٣ / ٣ . «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» . (٤)

الحديث ٥٢٥٣. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنِّي لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ . . . نُودِيْتُ : . . . يَا مُحَمَّدُ ، وَمَنْ كَثُرَتْ هُمُومُهُ مِنْ أُمَّتِكَ فَلْيَدْعُنِي سِرًّا ، وَلْيَقْعَلْ : . . . وَبِذِكْرِكَ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ قَلْبَ قَلْبِي مِنَ الْهُمُومِ إِلَى الرُّوحِ وَالِدَّعَةِ ، وَلَا تَشْغَلْنِي عَنْ ذِكْرِكَ بِتَرْكِكَ مَا بِي مِنَ الْهُمُومِ ، إِنِّي إِلَيْكَ مُتَضَرِّعٌ . (٥) .

١- مصباح الشريعة: ص ٢٢٥ ، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ١٢٤ ح ٢.

٢- النحل: ٩٩.

٣- مصباح الشريعة: ص ٢٢٧ ، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ١٢٤ ح ٢.

٤- الرعد: ٢٨.

٥- البلد الأمين: ص ٥٠٦ عن الإمام الباقر عن الإمام عليّ عليهما السلام ، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣٠٩ ح ١ .

۹ / ۳ آرامش دل

۵۲۵۲. امام علی علیه السلام: مصباح الشریعه در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است: شیطان، نمی تواند بنده را وسوسه کند، مگر آن که خدا را از یاد ببرد و فرمان او را سبک شمرده، و به نهی او روی آورده و فراموش کرده باشد که خداوند، از درون او آگاه است. ۵۲۵۱. امام علی علیه السلام: مصباح الشریعه در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است: هر گاه شیطان، وسوسه کنان نزد تو آمد تا از راه حق، بیرونت ببرد و یاد خدا را فراموش گرداند، از او به آن که پروردگار تو و اوست، پناه ببر، زیرا خداوند، حق را در برابر باطل کمک می کند، و ستم دیده را یاری می رساند، بنا به این فرموده خودش: «چرا که او را بر کسانی که ایمان آورده اند و به پروردگارشان توکل می کنند، تسلطی نیست». تو هرگز بر این کار؛ توانا نمی شوی و آمدن او و راه های وسوسه اش را نمی شناسی، مگر با مراقبت پیوسته و پایداری بر بساط خدمت و ترس از مرگ و رستخیز و بسیاری یاد خدا؛ اما آن که اوقات خویش را به غفلت بگذراند، شکار شیطان است. ۹ / ۳ آرامش دل قرآن «همان کسانی که ایمان آورده اند و دل هایشان به یاد خدا آرام می گیرد. آگاه باش که با یاد خدا، دل ها آرامش می یابد».

حدیث ۵۲۵۰. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در آن شبی که به آسمان (معراج) برده شدم ... به سویم ندا آمد که: «... ای محمد! هر آن کس از امت تو که دغدغه هایش بسیار شود، در نهان، مرا بخواند و بگوید: ... و با یاد توست که دل ها آرام می گیرد. ای دگرگون کننده دل ها و دیده ها! دل مرا از دغدغه ها به آسودگی و آرامش، دگرگون ساز و مگذار که دغدغه ها مرا از یاد تو باز بدارد. به تو التماس می کنم».

٥٢٤٩. امام على عليه السلام (دربارہ سخن خدای متعال : {Q} «ما وقتى چیزى را ار (الإمام على عليه السلام : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ : «أَلَمْ يَجِدِ اللَّهُ تَطْمِئِنَّ الْقُلُوبُ» قَالَ : ذَاكَ مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ، وَأَحَبَّ أَهْلَ بَيْتِي صَادِقًا غَيْرَ كَاذِبٍ ، وَأَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ شَاهِدًا وَغَائِبًا ، أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ يَتَحَابُّونَ . (١) ٥٢٤٨. امام على عليه السلام : عنه عليه السلام : ذَكَرَ اللَّهُ جِلَاءَ الصُّدُورِ ، وَطَمَأْنِينَ الْقُلُوبِ . (٢) ٩ / ٤ / ١٤ انشراح القلب الكتاب «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أَوْلَيْتَكَ فِي ضَلَلٍ مُبِينٍ» . (٣)

الحديث ٥٢٤٩. عنه عليه السلام (فى قوله تعالى : {Q} «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَأَيْنَاهُ أَنْ نُصَلِّحَ بِهِ شَأْنًا» قَالَ : الذِّكْرُ يَشْرَحُ الصِّدْرَ . (٤) ٩ / ٥ جِلَاءَ الْقَلْبِ ٥٢٤٦. عنه عليه السلام : رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ سَقَالَهُ (٥) ، وَإِنَّ سَقَالَه الْقُلُوبُ ذِكْرَ اللَّهِ ، وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَنْجَى مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ . (٦) .

- ١- . كنز العمال : ج ٢ ص ٤٤٢ ح ٤٤٤٨ نقلًا عن ابن مردويه.
- ٢- . غرر الحكم : ح ٥١٦٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٥٦ ح ٤٧٤٣.
- ٣- . الزمر : ٢٢.
- ٤- . غرر الحكم : ح ٨٣٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٢ ح ٥٤٢.
- ٥- . السَّقْلُ هو مثل الصَّقْلِ للسياق والثوب ونحوهما بالسين والصاد جميعا ، صَقَلَهُ صَقْلًا وَصِقَالًا : جَلَاهُ (تاج العروس : ج ١٤ ص ٣٤٩ «سقل» وج ١٥ ص ٤٠٥ «صقل»).
- ٦- . شُعب الإيمان : ج ١ ص ٣٩٦ ح ٥٢٢ عن عبد الله بن عمر ، تنبيه الغافلين : ص ٣٩٧ ح ٦٠١ وفيه «لكلِّ شَيْءٍ صِقَالٌ ، وَصِقَالُ الْقَلْبِ ذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى» فقط ، الترغيب والترهيب : ج ٢ ص ٣٩٦ ح ١٠ ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٢٨ ح ١٨٤٨.

۵۲۴۵. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: چون این آیه: «آگاه باش که با یاد خدا، دل ها آرام می گیرد» نازل شد، پیامبر خدا فرمود: «این برای کسی است که خدا و پیامبر او را دوست بدارد و اهل بیت مرا صادقانه و نه به دروغ، دوست بدارد و مؤمنان را در حضور و غیاب، دوست بدارد. آگاه باشید که با یاد خداست که یکدیگر را دوست می دارند». ۵۲۴۴. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: یاد خدا، جلا دهنده سینه ها و آرام بخش دل هاست. ۹ / ۴ گشایش سینه (۱) قرآن «پس آیا کسی که خدا، سینه اش را برای [پذیرش] اسلام، گشاده و [در نتیجه] برخوردار از نوری از جانب پروردگارش است [همانند فرد تاریک دل است؟]. پس وای بر آنان که از سخت دلی، یاد خدا نمی کنند. اینان اند که در گم راهی آشکارند».

حدیث ۵۳۱۱. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: یاد خدا، سینه را گشایش می بخشد. ۹ / ۵ جلای دل ۵۳۱۲. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر چیزی را صیقل دهنده ای است و صیقل دهنده دل ها یاد خداست. هیچ چیز مانند یاد خدا، آدمی را از عذاب خدا نجات نمی دهد.

۱- مقصود، همان: شرح صدر، ظرفیت روحی، تحمّل و آرامش دل است. م.

٥٣١٣. عنه عليه السلام: الإمام عليّ عليه السلام من كلام له عند تلاوته: «يَسْبِجُ لَهُ فِيهَا بِالْعُدْوِ وَالْأَصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِمُهُمْ تَجْرَهُ وَ لَا يَبِيعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (١): إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى جَعَلَ الذِّكْرَ جِلَاءً لِلْقُلُوبِ ، تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْرِهِ ، وَتُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوِهِ ، وَتَنْقَادُ بِهِ بَعْدَ الْمُعَانَدِهِ . (٢) ٥٣١٤. عنه عليه السلام (مُخَاطِبًا اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ) الكافي عن صباح الحداء عن أبي أسامه: زاملتُ (٣) أبا عبد الله عليه السلام فقال لي: اقرأ، قال: فافتتحتُ سورةً من القرآن فقرأتها، فرقَّ وبكى .

ثُمَّ قَالَ: يَا أبا أُسَامَةَ، ارْعُوا قُلُوبَكُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَاحْذَرُوا النَّكْتَ (٤)، فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى الْقَلْبِ تَارَاتٌ أَوْ سَاعَاتٌ الشُّكِّ مِنْ صَبَاحٍ لَيْسَ فِيهِ إِيْمَانٌ وَلَا كُفْرٌ، شَبَهَ الْخِرْقَةَ الْبَالِيَةَ أَوْ الْعِظْمَ النَّخِرِ .

يا أبا أسامه، أليس رُبَّمَا تَفَقَّدْتَ قَلْبَكَ فَلَا تَذْكُرُ بِهِ خَيْرًا وَلَا شَرًّا، وَلَا تَدْرِي أَيْنَ هُوَ؟

قُلْتُ لَهُ: بَلَى، إِنَّهُ لَيُصِيبُنِي وَأَرَاهُ يُصِيبُ النَّاسَ!

قَالَ: أَجَلٌ، لَيْسَ يَعْرِى مِنْهُ أَحَدٌ، قَالَ: فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَادْكُرُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، وَاحْذَرُوا النَّكْتَ، فَإِنَّهُ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا نَكَتَ إِيْمَانًا، وَإِذَا أَرَادَ بِهِ غَيْرَ ذَلِكَ نَكَتَ غَيْرَ ذَلِكَ .

قُلْتُ: مَا غَيْرُ ذَلِكَ جُعِلَتْ فِدَاكَ، مَا هُوَ؟

قَالَ: إِذَا أَرَادَ كُفْرًا نَكَتَ كُفْرًا . (٥) .

١- .النور: ٣٦ و ٣٧.

٢- نهج البلاغه: الخطبه ١٢٢، غرر الحكم: ح ٣٥٧٣ ولم يذكر فيه الآيه الشريفه، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٢٥ ح ٣٩.

٣- الزمیل: الرفیق فی السفر الذی یعینک علی أمورک (لسان العرب: ج ١١ ص ٣١٠ «زمل»).

٤- ارعوا قلوبكم: من الرعايه؛ أى احفظوها بذكره تعالى من وساوس الشيطان. والنكت: ما يُلقيه الشيطان فى القلب من الوسوس والشبهات (مرآه العقول: ج ٢٦ ص ٣٩) .

٥- الكافي: ج ٨ ص ١٦٧ ح ١٨٨، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٥٩ ح ٣٨.

۵۳۱۵. عنه عليه السلام (فِي الدُّعَاءِ) امام علی علیه السلام از سخن ایشان به هنگام تلاوت «در آن [خانه] ها هر بامداد و شامگاه ، او را نیایش می کنند ؛ مردانی که نه تجارت ، و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا، به خود مشغول نمی دارد» : خداوند پاک و بلندمرتبه ، یاد [خود] را جلا دهنده دل ها قرار داد . با یاد او دل های ناشنوا شنوا می شوند و دل های نابینا بینا می گردند و دل های ستیزه گر ، رام می شوند . ۵۳۱۶. عنه عليه السلام : الکافی به نقل از صباح حدّاء ، از ابو أسامه : با امام صادق علیه السلام در سفری همراه شدم ، به من فرمود : «چیزی از قرآن [بخوان]» .

من شروع به قرائت سوره ای از قرآن کردم . ایشان متأثر شد و گریست . سپس فرمود : «ای ابو أسامه! از دل های خود با یاد خداوند عز و جل مواظبت کنید و مراقب نکته (۱) باشید ؛ زیرا بارها (/ ساعاتی) (۲) بر دل می گذرد که نه ایمان در اوست و نه کفر ؛ همانند خرّقه کهنه یا استخوان پوسیده .

ای ابو أسامه! آیا نه این است که گاه دلت را گم می کنی و هیچ نیک و بدی با آن یاد نمی کنی و نمی دانی کجاست؟» .

گفتم : چرا . این حالت به من دست می دهد و به گمانم ، دیگران هم دچارش می شوند .

فرمود : «آری . هیچ کس از این حالت ، خالی نیست . پس چون چنین شد ، خدای عز و جل را یاد کنید و مراقب نکته باشید ؛ زیرا هر گاه او خیر بنده ای را بخواهد ، نکته ایمان ایجاد می کند و هر گاه جز آن برایش بخواهد ، نکته جز آن ، ایجاد می نماید» .

گفتم : فدایت شوم ! مقصود از «جز آن» چیست ؟

فرمود : «هر گاه کفر بخواهد ، نکته کفر ایجاد می کند» . .

۱- . تعبیر «نُکْت» که در متن عربی حدیث آمده ، به معنای زدن چوبی بر زمین و خراش دادن زمین است . مراد از نکت ، وارد شدن چیز فاسدی مانند کفر و نفاق در دل است که دل را تحت تأثیر قرار دهد . نکته به معنای نقطه (یعنی چرک و لک)، از همین اصل معنایی است .

۲- . تردید از صباح است .

٥٣١٧. عنه عليه السلام: الإمام عليّ عليه السلام: الذِّكْرُ جِلَاءُ البَصَائِرِ ، ونورُ السَّرَائِرِ . (١) / ٩ / ٦ شِفَاءُ القَلْبِ ٥٣١٤. امام علي عليه السلام (خطاب به خدای عز و جل) رسول الله صلى الله عليه وآله : ذِكْرُ اللَّهِ شِفَاءُ القُلُوبِ . (٢) / ٥٣١٥. امام علي عليه السلام (در دعایش) عنه صلى الله عليه وآله : عَلَيكُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ ، وَإِيَّاكُمْ وَذِكْرَ النَّاسِ فَإِنَّهُ دَاءٌ . (٣) / ٥٣١٦. امام علي عليه السلام : ذِكْرُ اللَّهِ دَوَاءٌ أَعْلَلِ النَّفُوسِ . (٤) / ٥٣١٨. تفسير القمّي : عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ المَعْرُوفِ بِدُعَاءِ كَمِيلٍ : يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ . (٥) / ٩ / ٧ صَلَاحُ القَلْبِ ٥٣١٩. امام علي عليه السلام (در دعایش) الإمام عليّ عليه السلام : أَصْلُ صَلَاحِ القَلْبِ اشْتِغَالُهُ بِذِكْرِ اللَّهِ . (٧) .

- ١- غرر الحكم : ح ١٣٧٧.
- ٢- كنز العمال : ج ١ ص ٤١٤ ح ١٧٥ نقلاً عن الديلمي عن أنس.
- ٣- تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٨.
- ٤- شعب الإيمان : ج ١ ص ٤٥٩ ح ٧١٧ عن مكحول ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٢٦ ح ١٨٣٧.
- ٥- غرر الحكم : ح ٥١٦٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٥٥ ح ٤٧١٤.
- ٦- مصباح المتهجد : ص ٨٥٠ ح ٩١٠ ، الإقبال : ج ٣ ص ٣٣٧ كلاهما عن كميل ، البلد الأمين : ص ١٩١.
- ٧- غرر الحكم : ح ٣٠٨٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٢٠ ح ٢٧٣٦.

۹ / ۶ شفای دل

۹ / ۷ بهبود دل

۵۳۲۰. الإمام علی علیه السلام (فی صِفَةِ خَلْقِ آدَمَ علیه السلام) امام علی علیه السلام: یاد خدا، جلادهنده دیدگان و روشنایی درون هاست. ۹ / ۶ شفای دل ۵۳۲۲. عنه علیه السلام (فی صِفَةِ خَلْقِ آدَمَ مِنْ طَیْنِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاد خدا، شفای دل هاست. ۵۳۲۱. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدا را یاد کنید، که یاد خدا درمان است، و مردم را یاد نکنید، که آن، درد [و بیماری] است. ۵۳۲۲. امام علی علیه السلام (در ویژگی آفرینش آدم علیه السلام از خاک (پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاد خدا، درمان است و یاد مردم، درد. ۵۳۲۳. الإمام علی علیه السلام (مِنْ خُطْبِهِ یَصِفُ فِيهَا خَلْقَةَ الْإِنْسَانِ) امام علی علیه السلام: یاد خدا، داروی دردهای جان هاست. ۵۳۲۴. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام از دعای ایشان، معروف به «دعای کمیل»: ای کسی که نامش دوا و یادش شفاست. ۹ / ۷ بهبود دل ۵۳۲۳. امام علی علیه السلام (از سخنرانی ای که در آن، خلقت آدم علیه السلام ر) امام علی علیه السلام: ریشه بهبود دل، پرداختن آن به یاد خداست.

٥٣٢٤. امام على عليه السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ ، وَفِرَاغِ أَسْرَارِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ ، وَانْطِلَاقِ السَّيِّئَاتِنَا فِي وَصْفِ مَنِّتِكَ . (١) ٥٣٢٥. امام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام: مُدَاوِمَةُ الذِّكْرِ قُوَّةُ الْأَرْوَاحِ ، وَمِفْتَاحُ الصَّلَاحِ . (٢) ٩ / ٨ حَيَاةُ الْقَلْبِ ٥٣٢٧. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله يَذْكُرُ اللَّهَ تَحْيَا الْقُلُوبَ ، وَيُنْسِيَانِهِ مَوْتَهَا . (٣) ٥٣٢٨. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله في وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ : نَبَّهْ بِالذِّكْرِ قَلْبِيكَ ، وَجَافِ (٤) عَنِ النَّوْمِ جَنَبِيكَ ، وَاتَّقِ اللَّهَ رَبَّكَ . (٥) ٥٣٢٩. الإمام على عليه السلام (في بَيَانِ عَجَائِبِ خَلْقِ الطَّاوُوسِ) الإمام على عليه السلام: فِي الذِّكْرِ حَيَاةُ الْقُلُوبِ . (٦) ٥٣٢٨. امام على عليه السلام: عنه عليه السلام: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَحْيَا اللَّهُ قَلْبَهُ ، وَنَوَّرَ عَقْلَهُ وَوَبَّهْ . (٧) ٥٣٢٩. امام على عليه السلام (در بيان شگفتی آفرینش طاووس) عنه عليه السلام: الذِّكْرُ نُورُ الْعَقْلِ ، وَحَيَاةُ النَّفْسِ ، وَجَلَاءُ الصُّدُورِ . (٨) ٥٣٣٠. الإمام على عليه السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام في دُعَاءِ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ : مَوْلَايَ ، بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي ، وَبِمُنَاجَاةِكَ بَرَّدَتِ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّي . (٩) .

- ١- .الصحيحه السجاديّه : ص ٣٧ الدعاء ٥.
- ٢- .غرر الحكم : ح ٩٨٣٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٨٧ ح ٩٠٠٦.
- ٣- .تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٢٠.
- ٤- .جفا جنبه عن الفراش وتجافى : نبا عنه ولم يطمئن عليه. وجافيت جنبى عن الفراش فتجافى (لسان العرب : ج ١٤ ص ١٤٨ «جفا»).
- ٥- .تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١١٧.
- ٦- .غرر الحكم : ح ٦٤٤٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٥٤ ح ٥٩٩١.
- ٧- .غرر الحكم : ح ٨٨٧٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٨ ح ٨٣٠١ وفيه «استنار» بدل «نور».
- ٨- .غرر الحكم : ح ١٩٩٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٦٠ ح ١٥٢٣.
- ٩- .مصباح المتهدّد : ص ٥٩٢ ح ٦٩١ ، الإقبال : ج ١ ص ١٦٨ كلاهما عن أبي حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٨٩ ح ٢.

۹ / ۸ زنده شدن دل

۵۳۳۰. امام علی علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست ، و سلامت دل های ما را صیرف یاد عظمت خودت گردان ، و فراغت تن هایمان را صیرف سپاس گزاری نعمت هایت ، و گویایی زبان هایمان را صیرف بیان نوازش هایت گردان . ۵۳۳۱. الإمام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: مداومت بر یاد خدا ، خوراک جان ها ، و کلید بهبود [و درستی] است . ۹ / ۸ زنده شدن دل ۵۳۳۲. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : با یاد خدا ، دل ها زنده اند ، و با فراموش کردن او می میرند . ۵۳۳۳. الإمام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به ابو ذر : دلت را با یاد [خدا] بیدار بدار ، و پهلویت را از [بستر] خواب ، دور گردان ، و از پروردگارت ، خدای یگانه ، پروا داشته باش . ۵۳۳۴. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: یاد خدا ، حیاتبخش دل هاست . ۵۳۳۳. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: هر که خدای سبحان را یاد کند ، خداوند ، دلش را زنده می گرداند ، و خرد و مغزش را روشن می سازد . ۵۳۳۴. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: یاد خدا ، روشنایی خرد ، و زندگی بخش جان ها ، و جلا دهنده سینه هاست . ۵۳۳۵. الإمام علی علیه السلام (من خُطِبَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَصِفُ فِيهَا الْعَرَّ) امام زین العابدین علیه السلام در دعای ابو حمزه ثمالی : آقای من! با یاد توست که دلم زندگی می کند ، و با راز و نیاز با توست که درد ترس را در من ، فرو نشانده ای .

۵۳۳۶. عنه عليه السلام (مِنْ حُطْبِهِ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَصِفُ فِيهَا النَّبَا) الإمام الكاظم عليه السلام: اللَّهُمَّ ... صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَحْيِ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ ، وَاجْعَلْ ذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً ، وَعُيُوبَنَا مَسْتُورَةً ، وَفِرَائِضَنَا مَشْكُورَةً ، وَنَوَافِلَنَا مَبْرُورَةً ، وَقُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً . (۱) ۵۳۳۵. امام علي عليه السلام (در سخنرانی اش که در آن ، عرب پیش از بعثت پیامبر) الإمام المهدي عليه السلام : إلهي وأسألُكَ بِاسْمِكَ ... أَنْ تُصَلِّمَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ... وَتُغْنِي فَقْرِي ، وَتَجْبُرَ كَسْرِي ، وَتُحْيِي قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ . (۲) ۹ / ۹ عِمَارَةُ الْقَلْبِ ۵۳۳۷. امام علي عليه السلام (در سخنرانی اش که در آن ، روز گارش را به «بیداد») الإمام علي عليه السلام مِنْ وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَيُّ بُنَى وَلُزُومِ أَمْرِهِ ، وَعِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ . (۳) ۵۳۳۸. نهج البلاغه: عنه عليه السلام: إلهي ... أَنَادِيكَ بِقَلْبٍ قَرِيحٍ ، وَأُنَاجِيكَ بِدَمْعِ سَفُوحٍ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ قُوَّتِي ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جُرْأَتِي ، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ مِنْ جَهْلِي ، وَأَتَعَلَّقُ بِعُرَى أَسْبَابِكَ مِنْ ذَنْبِي ، وَأَعْمُرُ بِذِكْرِكَ قَلْبِي . (۴) ۹ / ۱۰ نُورُ الْقَلْبِ ۵۳۳۹. امام علي عليه السلام (در سخنرانی اش که در آن ، منافقان را توصیف کرده) الإمام علي عليه السلام: اسْتَدِيمُوا الذِّكْرَ فَإِنَّهُ يُنِيرُ الْقَلْبَ ، وَهُوَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ . (۵) .

-
- ۱- مصباح المتهجد: ص ۵۹ ح ۹۲ ، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۵۳ ح ۵۸ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي عن معاوية بن وهب البجلي.
 - ۲- مهج الدعوات: ص ۳۴۳ ، بحار الأنوار: ج ۹۵ ص ۲۷۳ ح ۳۴.
 - ۳- نهج البلاغه: الكتاب ۳۱ ، تحف العقول: ص ۶۸ ، المناقب لابن شهر آشوب: ج ۴ ص ۳۷ ، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۲۱۷ ح ۲ ؛ كنز العمال: ج ۱۶ ص ۱۶۸ ح ۴۴۲۱۵ نقلاً عن وكيع والعسکری فی المواعظ.
 - ۴- بحار الأنوار: ج ۸۷ ص ۲۴۶ ح ۵۶ نقلاً عن اختيار ابن الباقي.
 - ۵- غرر الحكم: ح ۲۵۳۶ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ۹۲ ح ۲۱۷۲.

۹ / ۹ آبادی دل

۱۰ / ۹ روشنایی دل

۵۳۴۰. الإمام علیّ علیه السلام (وَقَدْ ذُكِرَ عِنْدَهُ اخْتِلَافُ النَّاسِ) امام کاظم علیه السلام: بار خدایا! ... بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست ، و دل های ما را با یاد خودت زنده بدار ، و گناهانمان را آمرزیده دار ، و عیب هایمان را بپوش ، و واجباتی را که به جا آورده ایم ، پاداش ده و مستحباتمان را بپذیر و دل هایمان را به یاد خودت آبادان ساز . ۵۳۴۱. عنه علیه السلام: امام مهدی علیه السلام: معبودا! به نام تو از تو درخواست می کنم ... که بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستی ... و نیازمندی مرا به بی نیازی مبدّل سازی ، و شکستگی ام را ببندی ، و دلم را به یاد خودت زنده داری . ۹ / ۹ آبادی دل ۵۳۴۲. عنه علیه السلام: امام علیّ علیه السلام از سفارش های ایشان به فرزندش حسن علیه السلام: تو را ای پسرم به ترس از خدا ، و پایبندی به فرمان او ، و آباد کردن دلت به یاد او سفارش می کنم . ۵۳۴۳. الإمام علیّ علیه السلام: امام علیّ علیه السلام: معبودا! ... با دلی ریش ، صدایت می زنم و با اشکی ریزان ، آهسته می خوانمت و از نیروی خویش به تو پناه می برم و از گستاخی خویش به تو پناه می برم و از نادانی خویش به تو پناه می آورم و از گناهان خود به دستگیره های رشته های تو چنگ می زنم و دلم را به یاد تو آباد می گردانم . ۹ / ۱۰ روشنایی دل ۵۳۴۶. نهج البلاغه: امام علیّ علیه السلام: بر یاد خدا مداومت ورزید ، که این کار ، هم دل را نورانی می کند ، و هم برترین عبادت است .

٥٣٤٢.امام على عليه السلام: عنه عليه السلام: دَوَامُ الذِّكْرِ يُنِيرُ الْقَلْبَ وَالفِكْرَ . (١) ٥٣٤٣.امام على عليه السلام: عنه عليه السلام: مَنْ كَثُرَ ذِكْرُهُ اسْتَنَارَ لُبُّهُ . (٢) ٥٣٤٤.امام على عليه السلام: عنه عليه السلام: تَمَرَةُ الذِّكْرِ اسْتِنَارَةُ الْقُلُوبِ . (٣) ٥٣٤٥.امام على عليه السلام: عنه عليه السلام: الذِّكْرُ نُورٌ وَرُشْدٌ . النَّسِيَانُ ظُلْمَةٌ وَفَقْدٌ . (٤) ٥٣٤٦.نهج البلاغه: عنه عليه السلام: عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ ؛ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ . (٥) ٥٣٤٧.الإمام على عليه السلام: عنه عليه السلام: الذِّكْرُ يُؤْنِسُ اللَّبَّ ، وَيُنِيرُ الْقَلْبَ ، وَيَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ . (٦) ٥٣٤٧.امام على عليه السلام: عنه عليه السلام: ذِكْرُ اللَّهِ يُنِيرُ البَصَائِرَ ، وَيُؤْنِسُ الضَّمَائِرَ . (٧) ٩ / ١١ حِكْمَةُ الْقَلْبِ ٥٣٤٩.الإمام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام: مَرِنَ أَلْزَمَ قَلْبِيهِ فِكْرًا ، وَلِسَانَهُ الذِّكْرَ ، مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهُ إِيمَانًا وَرَحْمَةً ، وَنُورًا وَحِكْمَةً . (٨) ٥٣٥٠.عنه عليه السلام: الكافي عن السندي عن الإمام الباقر عليه السلام: ما أَخْلَصَ الْعَبْدُ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا أَوْ قَالَ : ما أَجْمَلَ عَبْدٌ ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا إِلَّا زَهَّدَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الدُّنْيَا ، وَبَصَّرَهُ دَاءَهَا وَدَوَاءَهَا ؛ فَأَثَبَتْ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ ، وَأَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ (٩) . (١٠) .

- ١- غرر الحكم : ح ٥١٤٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٥٠ ح ٤٦٨٣ .
- ٢- غرر الحكم : ح ٩١٢٣ .
- ٣- غرر الحكم : ح ٤٦٣١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٠٨ ح ٤١٧٠ .
- ٤- غرر الحكم : ح ٦٠٢ و ٦٠٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٠ ح ١٢٩٠ و ١٢٩١ .
- ٥- غرر الحكم : ح ٦١٠٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٣٥ ح ٥٧٢٨ .
- ٦- غرر الحكم : ح ١٨٥٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٥ ح ١٤٢٩ .
- ٧- غرر الحكم : ح ٥١٦٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٥٥ ح ٤٧٢٠ .
- ٨- إرشاد القلوب : ص ١٠٠ .
- ٩- جدير بالذكر أنّ الروايه الأولى دالّه على أنّ الذكر المرافق للفكر هو الموجب لحصول الحكمه ، وأمّا الروايه الثانيه فإنّها إنّما تدلّ على عنوان الباب فيما لو كان قول الإمام هو : «ما أَجْمَلَ عَبْدٌ ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا» .
- ١٠- الكافي : ج ٢ ص ١٦ ح ٦ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٢٤٠ ح ٨ .

۱۱ / ۹ حکمت دل

۵۳۵۱. عنه عليه السلام: امام علي عليه السلام: مداومت بر یاد خدا، دل و اندیشه را روشن می گرداند. ۵۳۵۲. عنه عليه السلام: امام علي عليه السلام: هر که بسیار یاد خدا کند، دلش روشنایی می گیرد. ۵۳۵۳. عنه عليه السلام (في وصيته لبنيه) امام علي عليه السلام: ثمره یاد خدا، نورانی شدن دل هاست. ۵۳۵۴. الاختصاص عن الأصْبَغ بن نُباته: امام علي عليه السلام: یاد خدا، روشنایی و رهیابی است، و فراموشی [او] تاریکی و گم راهی است. ۵۳۴۹. امام علي عليه السلام: امام علي عليه السلام: بر تو باد یاد خدا؛ زیرا یاد خدا، روشنایی دل است. ۵۳۵۰. امام علي عليه السلام: امام علي عليه السلام: یاد خدا، اندیشه را رام و دل را روشن می کند و رحمت [الهی] را فرود می آورد. ۵۳۵۱. امام علي عليه السلام: امام علي عليه السلام: یاد خدا، روشنایی بخش بینش ها، و رام کننده درون هاست. ۱۱ / ۹ حکمت دل ۵۳۵۴. الاختصاص (به نقل از أصْبَغ بن نُباته) امام علي عليه السلام: هر که دلش را با اندیشیدن و زبانش را با یاد خدا همراه سازد، خداوند، دلش را از ایمان و مهر و روشنایی و حکمت، آکنده می سازد. ۵۳۵۵. الإمام علي عليه السلام: الكافي به نقل از سندی: امام باقر عليه السلام فرمود: «بنده، چهل روز ایمان به خداوند عز و جل را خالص نگردانید» یا فرمود: «هیچ بنده ای چهل روز خداوند عز و جل را به خوبی یاد نکرد، مگر آن که خداوند عز و جل او را به دنیا زاهد گرداند و درد و درمان دنیا را به او نمایاند و حکمت را در دلش استوار کرد و زبانش را به آن، گویا ساخت».

٩ / ١٢ هِدَايَةُ الْعُقُولِ ٥٣٥٦. امام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام: الذِّكْرُ هِدَايَةُ الْعُقُولِ ، وَتَبَصُّرُهُ النَّفْسِ . (١) ٥٣٥٧. الإمام على عليه السلام: عنه عليه السلام: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ اسْتَبَصَّرَ . (٢) ٥٣٥٨. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام: لَا هِدَايَةَ كَالذِّكْرِ . (٣) ٩ / ١٣ نَجَاحُ الْأُمُورِ ٥٣٦١. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: أذْكَرُ اللَّهِ ؛ فَإِنَّهُ عَوْنٌ لِمَكَ عَلَى مَا تَطَلَّبُ . (٤) ٥٣٦٢. عنه عليه السلام: الإمام على عليه السلام: خَيْرٌ مَا اسْتَنْجَحْتَ بِهِ الْأُمُورَ ذِكْرُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ . (٥) ٥٣٦٣. نهج البلاغه عن مالك بن دحيه عنه عليه السلام: ذِكْرُ اللَّهِ تُسْتَنْجَحُ بِهِ الْأُمُورُ ، وَتُسْتَيْرُ بِهِ السَّرَائِرُ . (٦) .

- ١- غرر الحكم : ح ١٤٠٣.
- ٢- غرر الحكم : ح ٧٨٠٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٢٩ ح ٧٢٩٧.
- ٣- غرر الحكم : ح ١٠٤٦٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٣٦ ح ٩٨٢٨.
- ٤- تنبيه الغافلين : ص ٤٧١ ح ٧٣٢ عن عماره ، شرح نهج البلاغه : ج ١٥ ص ٦٥ ، كنز العميال : ج ١ ص ٤١٥ ح ١٧٥٥ نقلاً عن ابن عساكر عن عطاء بن أبي مسلم ؛ بحار الأنوار : ج ٢١ ص ٦٠ ح ١١.
- ٥- غرر الحكم : ح ٤٩٨٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٣٨ ح ٤٥٢٧.
- ٦- غرر الحكم : ح ٥١٦٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٥٥ ح ٤٧١٨.

۹ / ۱۲ راه نماي خَردها

۹ / ۱۳ موفقيت در کارها

۹ / ۱۲ راه نماي خَردها ۵۳۵۹. امام علي عليه السلام: امام علي عليه السلام: ياد خدا، مایه هدايت خَردها و بصيرت جان هاست
۵۳۶۰. امام علي عليه السلام: امام علي عليه السلام: هر که خدا را ياد کند، هدايت می شود. ۵۳۶۱. امام علي عليه السلام: امام
علي عليه السلام: هيچ هدايتی مانند ياد خدا نيست. ۹ / ۱۳ موفقيت در کارها ۵۳۶۴. الإمام علي عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله
عليه و آله: خدا را ياد کن؛ زیرا ياد خدا، تو را در آنچه می طلبی، کمک می کند. ۵۳۶۵. عنه عليه السلام: امام علي عليه
السلام: بهترین وسيله موفقيت تو در کارها، ياد خداوند سبحان است. ۵۳۶۶. عنه عليه السلام (فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ) امام
علي عليه السلام: ياد خدا، مایه موفقيت در کارها و نورانيت درون هاست .

٩ / ١٤ الرِّزْقُ بِغَيْرِ بِضَاعِهِ ٥٣٦٩. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: اتَّخَذُوا ذِكْرَ اللَّهِ تِجَارَةً ، يَأْتِكُمُ الرِّزْقُ بِغَيْرِ بِضَاعِهِ (١) . (٢) ٥٣٦٤. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: مَن أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ رَزَقَهُ اللَّهُ . (٣) ٩ / ١٥ النَّجَاهُ مِنْ الشَّدَائِدِ ٥٣٦٧. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلُّ أَحَدٍ يَمُوتُ عَطْشَانَ ، إِلَّا ذَاكَرَ اللَّهَ . (٤) ٥٣٦٨. امام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام: ذِكْرُ اللَّهِ طَارِدُ اللَّأْوَاءِ (٥) وَالْبُؤْسِ . (٦) ٥٣٦٩. امام على عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام: لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ مُوسَى : . . . إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ لَمْ يَفْتَرِ لِسَانَهُ عَن ذِكْرِكَ ، وَالتَّصْرُوعَ وَالِاسْتِعَانَةَ لَكَ فِي الدُّنْيَا؟

قَالَ : يَا مُوسَى ، أُعِينُهُ عَلَى شَدَائِدِ الْآخِرَةِ . (٧) ٥٣٧٠. عنه عليه السلام: الإمام الهادي عليه السلام: لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ مُوسَى : . . . إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ ذَكَرَكَ بِلسَانِهِ وَقَلْبِهِ؟
قَالَ : يَا مُوسَى ، أُظِلُّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِظِلِّ عَرْشِي ، وَأَجْعَلُهُ فِي كَنَفِي . (٨) .

- ١- في المصدر: «من بضاعه»، والتصويب من فيض القدير: ج ٣ ص ٤٦٥.
- ٢- الفردوس: ج ٢ ص ١١٩ ح ٢٦٢٤، فردوس الأخبار: ج ٢ ص ١٩٣ ح ٢٤٤٦ وفيه «من غير طاعه» بدل «بغير بضاعه» وكلاهما عن الإمام على عليه السلام.
- ٣- دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١١٦ ح ٣٨٥، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٢٥ ح ١٢.
- ٤- الدعوات: ص ٢٣٧ ح ٦٦٠، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٤٠ ح ٢٦.
- ٥- اللأواء: الشده وضيق المعيشه (النهايه: ج ٤ ص ٢٢١ «الأي»).
- ٦- غرر الحكم: ح ٥١٧٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٥ ح ٤٧١٥.
- ٧- فضائل الأشهر الثلاثة: ص ٨٨ ح ٦٨ عن زياد بن المنذر، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٤١٢ ح ١٣١.
- ٨- الأمالي للصدوق: ص ٢٧٦ ح ٣٠٧ عن عبدالعظيم بن عبد الله الحسنى، روضه الواعظين: ص ٤٢٨، مشكاه الأنوار: ص ١١٤ ح ٢٦٥ كلاهما عن موسى عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٦ ح ٢٣؛ البدايه والنهايه: ج ٩ ص ٢٨٧ عن وهب عن موسى عليه السلام.

۹ / ۱۴ روزی بدون سرمایه

۹ / ۱۵ رهیدن از سختی ها و گرفتاری ها

۹ / ۱۴ روزی بدون سرمایه ۵۳۷۳. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاد خدا را [سرمایه] تجارت قرار دهید تا روزی، بی کالا و سرمایه به شما برسد. ۵۳۷۴. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که خدا را بسیار یاد کند، خداوند، روزی اش می دهد. ۹ / ۱۵ رهیدن از سختی ها و گرفتاری ها ۵۳۷۷. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر شخصی تشنه می میرد، مگر ذکرگوی خدا. ۵۳۷۸. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: یاد خدا، دور کننده تنگ دستی و بینوایی است. ۵۳۷۰. امام علی علیه السلام: امام باقر علیه السلام: چون خداوند با موسی بن عمران علیه السلام سخن گفت، موسی گفت: ... معبودا! پاداش کسی که در دنیا زبانش از یاد تو و التماس و کمک جستن از تو سست نشود، چیست؟

فرمود: «ای موسی! او را در سختی های آخرت، کمک می کنم». ۵۳۷۱. امام علی علیه السلام: امام هادی علیه السلام: آن گاه که خداوند عز و جل با موسی بن عمران علیه السلام سخن گفت، موسی گفت: معبودا! پاداش کسی که با زبان و دلش تو را یاد کند، چیست؟

فرمود: «ای موسی! روز قیامت، او را در سایه عرشم در می آورم و در پناه خویش می گیرم».

٥٣٧٢. امام على عليه السلام: عنه عليه السلام في الدعاء: يا مَنْ تُحَلُّ بِأَسْمَائِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ، وَيَا مَنْ يُقَلُّ بِذِكْرِهِ حُدُّ الشَّدَائِدِ، وَيَا مَنْ يُدْعَى بِأَسْمَائِهِ الْعِظَامِ مِنْ ضَيْقِ الْمَخْرَجِ إِلَى مَحَلِّ الْفَرَجِ. (١) راجع: ص ١٠٠ ح ١٥٣.

٩ / ١٦ حَسُنَ الذِّكْرُ ٥٣٧٦. امام على عليه السلام (در حكمت های منسوب به ایشان) رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ؛ فَإِنَّهُ رَوْحُكَ (٢) فِي السَّمَاءِ، وَذِكْرُكَ فِي الْأَرْضِ. (٣) ٥٣٧٧. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَذِكْرِ اللَّهِ كَثِيرًا؛ فَإِنَّهُ ذِكْرٌ لَكَ فِي السَّمَاءِ، وَنُورٌ لَكَ فِي الْأَرْضِ. (٤) ٥٣٧٨. امام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام: مَنْ اشْتَغَلَ بِذِكْرِ اللَّهِ، طَيَّبَ اللَّهُ ذِكْرَهُ. (٥).

١- مُهَجُّ الدَّعَوَاتِ: ص ٣٢٥ عن اليسع بن حمزه، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢٢٩ ح ٢٧.

٢- الرَّوْحُ: الرَّاحَةُ وَالرَّحْمَةُ (القاموس المحيط: ج ١ ص ٢٢٤ «روح»).

٣- مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٦٣ ح ١١٧٧٤ عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٢٦ ح ٤٣٢٨٤.

٤- الخصال: ص ٥٢٥ ح ١٣، معاني الأخبار: ص ٣٣٤ ح ١ كلاهما عن أبي ذر، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٤ ح ١٥؛ المعجم الكبير: ج ٢ ص ١٥٧ ح ١٦٥١، الفردوس: ج ٣ ص ٣١ ح ٤٠٦٨ كلاهما عن أبي ذر، كنز العمال: ج ١٥ ص ٩٠٩ ح ٤٣٥٧٢.

٥- غرر الحكم: ح ٨٢٣٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٥ ح ٧٨٣٢.

۹ / ۱۶ نیک نامی

۵۳۷۹. الإمام علی علیه السلام: امام هادی علیه السلام در دعا: ای آن که گره های ناملايمات با نام های او باز می شوند! ای آن که تیزی سختی ها با یاد او کُند می شود! و ای آن که با خواندن نام های بزرگش از تنگنا به گشایش، راه بُرده می شود! ر. ک: ص ۱۰۱ ح ۱۵۳.

۹ / ۱۶ نیک نامی ۵۳۸۳. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر تو باد یاد خدا و تلاوت قرآن؛ زیرا این کار، مایه خوش بویی تو در آسمان و نیک نامی ات در زمین است. ۵۳۸۴. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر تو باد تلاوت قرآن و یاد کردن بسیار از خدا؛ زیرا این کار در آسمان، برای نام و در زمین، برای نور است. ۵۳۷۹. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: هر که به یاد خدا سرگرم شود، خداوند، نام و یاد او را خوش می گرداند.

٩ / ١٧ حُسْنُ الْعَمَلِ ٥٣٨٢. امام على عليه السلام (در سفارشش به شريح بن هانى ، هنگامى كه او را د) الإمام على عليه السلام
 مَنْ عَمَرَ قَلْبَهُ بِدَوَامِ الذِّكْرِ ، حَسِبَتْ أفعالُهُ فِي السِّرِّ وَالْجَهْرِ . (١) ٩ / ١٨ كَفَّارَةُ السَّيِّئَاتِ ٥٢٩٠. امام على عليه السلام :رسول الله
 صلى الله عليه و آله :كابدوا (٢) اللَّيْلَ بِالصَّلَاةِ ، وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا ؛ يُكْفِرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ . (٣) ٥٢٩١. عنه عليه السلام :الإمام على
 عليه السلام :عَوَّدَ نَفْسِيكَ الْإِسْتِهْتَارَ بِالذِّكْرِ وَالْإِسْتِغْفَارِ ، فَإِنَّهُ يَمَحُو عَنْكَ الْحَوْبَةَ (٤) ، وَيُعْظِمُ لِسْكَ الْمَثُوبَةِ . (٥) ٩ / ١٩ قُوَّةُ
 الْإِيمَانِ ٥٢٩٢. امام على عليه السلام :رسول الله صلى الله عليه و آله :وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ ! إِنَّ الْقُرْآنَ وَالذِّكْرَ لَيُنْبِتَانِ الْإِيمَانَ فِي
 الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الْعُشْبَ . (٦) .

- ١- .غرر الحكم : ح ٨٨٧٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٨ ح ٨٢٩٧ .
- ٢- .كابدت الأمر : إذا قاسيت شدته (الصحيح : ج ٢ ص ٥٣٠ «كبر») .
- ٣- .الأمالى للمفيد : ص ١٨٩ ح ١٦ عن جابر بن عبد الله الأنصارى ، بحار الأنوار : ج ٨٢ ص ٢٢٣ ح ٤٥ .
- ٤- .الحوبه : الإثم (القاموس المحيط : ج ١ ص ٥٨ «حوب») .
- ٥- .غرر الحكم : ح ٦٢٣٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٤٠ ح ٥٧٩٢ وفيه «الاستكثار بالاستغفار» بدل «الاستهتار بالذكر والاستغفار» .
- ٦- .كنز العمال : ج ١٥ ص ٢٢١ ح ٤٠٦٧٠ نقلًا عن الديلمى عن أنس .

۱۷ / ۹ نیک کرداری**۱۸ / ۹ زدودن گناهان****۱۹ / ۹ تقویت ایمان**

۱۷ / ۹ نیک کرداری ۵۲۹۵. حلیه الأولیاء عن التُّعمان بن سَعَد: امام علی علیه السلام: هر که دلش را پیوسته به یاد خدا آباد بدارد ، کردارهایش در نهان و آشکار ، نیک می شود . ۱۸ / ۹ زدودن گناهان ۵۲۹۵. حلیه الأولیاء (به نقل از نعمان بن سعد) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رنج شب زنده داری با نماز را تحمّل کنید ، و خدای را بسیار یاد کنید تا گناهانتان را از شما بزداید . ۵۲۹۶. الإمام علیّ علیه السلام (مِنْ خُطْبِهِ لَهُ يَصِفُ فِيهَا خَلْقَ الْعَالَمِ) امام علی علیه السلام : خویشتن را به دل دادن به یاد خدا و استغفار ، خود ده ؛ زیرا این کار ، گناه را از تو می زداید و پاداش بزرگی نصیبت می کند . ۱۹ / ۹ تقویت ایمان ۵۲۹۷. امام علی علیه السلام (در سخنرانی اش در وصف آسمان) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سوگند به آن که جانم در دست اوست ، [تلاوت] قرآن و یاد [خدا] ، ایمان را در دل می رویانند ، چنان که آب ، گیاه را می رویاند!

٩ / ٢٠ التَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ ٥٢٩٨. امام على عليه السلام (از سخنرانی ای درباره توحید که در آن ، آفرینش آس) کتزالعمال عن خالد بن الوليد : جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال : إني سأئلك عما في الدنيا والآخرة ، فقال له : سل عما بدا لك . . قال : أحب أن أكون أحص الناس إلى الله تعالى .

قال : أكثر ذكر الله ، تكن أحص العباد إلى الله تعالى . (١) ٥٢٩٩. امام على عليه السلام (خطاب به خدای عز و جل) مصباح الشريعة فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام : إعراب القلوب أربعة أنواع : رفَع وفتح وخفض ووقف .

فرَفَع القلب في ذكر الله ، وفتح القلب في الرضا عن الله ، وخفض القلب في الاشتغال بغير الله ، ووقف القلب في الغفلة عن الله .

الأ- ترى أن العبد إذا ذكر الله تعالى بالتعظيم خالصا ، ارتفع كل حجاب بينه وبين الله من قبل ذلك . . . وإذا غفل عن ذكر الله كيف تراه بعد ذلك موقوفا محجوبا ، قد قسا وأظلم منذ فارق نور التعظيم .

فعلامة الرفع ثلاثه أشياء : وجود الموافقه ، وفقد المخالفه ، ودوام الشوق

وعلامة الوقف ثلاثه أشياء : زوال حلاوه الطاعه ، وعدم مراره المعصيه ، والتباس علم الحلال بالحرام . (٢) .

١- .كتزالعمال : ج ١٦ ص ١٢٧ ح ٤٤١٥٤ نقلاً عن أبي العباس المستغفرى .

٢- .مصباح الشريعة : ص ٢٠ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٥٥ ح ٢٥ .

۹ / ۲۰ نزدیک شدن به خدا

۹ / ۲۰ نزدیک شدن به خدا ۵۳۰۲. کنز العمّال عن حَبَّه العُرْنِيّ: كنز العمّال به نقل از خالد بن ولید: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: می خواهم در باره دنیا و آخرت از شما بپرسم.

به او فرمود: «آنچه می خواهی، بپرس...».

گفت: دوست می دارم که خاص ترین مردم نزد خدای متعال باشم.

فرمود: «خدا را بسیار یاد کن تا خاص ترین بندگان نزد خدای متعال باشی». ۵۳۰۳. الإمام علیّ علیه السلام (فی جوابِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فِيمَا سَأَلَهُ) مصباح الشریعه در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است: اِعرابِ دلِ ها چهار تاست: رفع و فتح و جرّ و وقف.

رفع دل، در یاد خداست؛ فتح دل، در خشنودی از خداست؛ جرّ دل، در پرداختن به غیر خداست؛ و وقف دل، در غفلت از خداست.

مگر نمی بینی که بنده هر گاه، از سرِ اخلاص، خدای متعال را به بزرگی یاد کند، هر حجابی که پیش از آن میان او و خدا بوده است، مرتفع می شود... و هر گاه از یاد خدا غافل گردد، چگونه پس از آن، متوقّف می شود و در حجاب می ماند؟ از آن زمان که از نور بزرگداشت [خدا] جدا شد، دلش سخت و تاریک شد.

پس، علامت رفع، سه چیز است: بودن سازگاری، نبود ناسازگاری، و دوام شوق...

و علامت وقف، سه چیز است: از میان رفتن شیرینی فرمان برداری، نبود تلخی نافرمانی، و در آمیختن علم حلال به علم حرام.

٩ / ٢١ الأنس بالله ٥٣٠٢. كنز العمّال (به نقل از حبه عرنی) الإمام علی علیه السلام: الذکر مفتاح الأنس (١) ٥٣٠٣. امام علی علیه السلام (در پاسخ یکی از مردم شام که پرسیده بود : آسمان د) عنه علیه السلام: ذاکر الله مؤانسه (٢) ٥٣٠٤. الإمام علی علیه السلام (فی صفه الملائکه علیهم السلام) رسول الله صلی الله علیه و آله فی دعاء الجوشن الکبیر: یا أنیس الذاکرین . (٣) ٥٣٠٤. امام علی علیه السلام (در وصف فرشتگان) الإمام علی علیه السلام: اللهم إناک آنس الآسین لأولیائک ، وأحضرهم بالكفایه للمتوکلین علیک ، تُشاهدُهم فی سرائرهم ، وتطلع علیهم فی ضمائرهم ، وتعلم مبلغ بصائرهم ، فأسرارهم لک مکشوفه ، وقلوبهم إلیک ملهوفه ، إن أوحشتهم الغربه آنسهم ذکرک . (٤) ٥٣٠٥. عنه علیه السلام (فی خلق الملائکه) عدّه الداعی: فی بعض الأحادیث القدسیه: أیما عبد اطلع علی قلبه فرأیت الغالب علیه التمسک بجزری ، تولیت سیاسته ، وکنت جلیسه ومُحادثه وأنیسه . (٥) ٩ / ٢٢ حُبُّ الله ٥٣٠٦. امام علی علیه السلام (خطاب به خدای عز و جل) رسول الله صلی الله علیه و آله: من أكثر ذکر الله عز و جل أحبّه الله . (٦) ٥٣٠٧. عنه علیه السلام (أيضا) عنه صلی الله علیه و آله فی وصیته لأبی ذرّ: یا أبا ذرّ ، إن أحبکم إلی الله جل ثناؤه أكثرکم ذکرا له . (٧) .

- ١- غرر الحکم: ح ٥٤١ ، عیون الحکم والمواعظ: ص ٤٠ ح ٨٨٦.
- ٢- غرر الحکم: ح ٥١٦٠ ، عیون الحکم والمواعظ: ص ٢٥٦ ح ٤٧٤١.
- ٣- البلد الأمين: ص ٤١٠ ، المصباح للكفعمی: ص ٣٤٦ ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٩٥ ح ٣.
- ٤- نهج البلاغه: الخطبه ٢٢٧ ، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٢٩ ح ٤٠.
- ٥- عدّه الداعی: ص ٢٣٥ ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٢ ح ٤٢.
- ٦- الکافی: ج ٢ ص ٤٩٩ ح ٣ عن داوود بن سرحان ، الزهد للحسین بن سعید: ص ٥٥ ح ١٤٨ عن عبد الرحمن بن الحجاج وکلاهما عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٢٥ ح ١١ ؛ کنز العمّال: ج ٣ ص ٢٤١ ح ٦٣٥٠ نقلًا عن الدارقطنی فی الأفراد عن عائشه.
- ٧- مکارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٧٥ ح ٢٦٦١ عن أبی ذرّ ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٨٦ ح ٣.

۲۱ / ۹ همدمی با خدا

۲۲ / ۹ محبوبیت در نزد خداوند

۲۱ / ۹ همدمی با خدا ۵۳۰۹. عنه علیه السلام (فی صِفَةِ الْأَرْضِ وَدَحْوِهَا عَلَى الْمَاءِ) امام علی علیه السلام: یاد خدا، کلید همدمی است. ۵۳۰۸. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: یاد کننده خدا، همدم اوست. ۵۲۰۹. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای «جوشن کبیر»: ای همدمِ ذاکران. ۵۲۱۰. امام علی علیه السلام (در حکمت های منسوب به ایشان) امام علی علیه السلام: بار خدایا! تو برای دوستانت نزدیک ترین همدمانی، و برای کارسازی توکل کنندگان به تو، آماده ترینی، در نهان هایشان، آنان را می بینی و از درون هایشان آگاهی و اندازه بینش هایشان را می دانی. پس رازهای ایشان، برای تو آشکار است و دل هایشان، آرزومندِ توست. اگر وحشت تنهایی فرایشان گیرد، یاد تو همدمشان می شود. ۵۲۱۱. امام علی علیه السلام (در دعایی که به کَمیل بن زیاد آموخت) عَدَّة الدَّاعِي: در یکی از احادیث قدسی آمده است: «هر بنده ای که بر دلش نظر افکنم و بسینم که تَمَسِّک به یاد من بر آن چیره است، تربیت او را خود بر عهده می گیرم و همنشین و همسخن و همدم او می شوم». ۲۲ / ۹ محبوبیت در نزد خداوند ۵۲۱۴. الإمام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که خداوند عز و جل را بسیار یاد کند، خداوند، او را دوست می دارد. ۵۲۱۵. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به ابو ذر: ای ابو ذر! محبوب ترین شما نزد خداوند عز و جل کسی است که بیشتر به یاد او باشد.

٥٢١٦. عنه عليه السلام (مُخَاطِبَا اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ) عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَحَبُّهُمْ [النَّاسِ] إِلَى اللَّهِ أَكْثَرُهُمْ ذِكْرًا. (١) ٥٢١٧. عنه عليه السلام (فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ) الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُؤَنِّسُكَ بِذِكْرِهِ، فَقَدْ أَحَبَّكَ. (٢) ٥٢١٢. إمام علي عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله قال: قال موسى عليه السلام: يَا رَبِّ، وَدِدْتُ أَنِّي أَعْلَمُ مَنْ تُحِبُّ مِنْ عِبَادِكَ فَأَجِبْهُ!

قَالَ: إِذَا رَأَيْتَ عَبْدِي يُكَيِّزُ مِنْ ذِكْرِي، فَأَنَا أَذِنْتُ لَهُ فِي ذَلِكَ، فَأَجِبْهُ، وَإِذَا رَأَيْتَ عَبْدِي لَا يَذْكُرُنِي، فَأَنَا حَجَبْتُهُ عَنْ ذَلِكَ، وَأَنَا أَبْغَضُهُ. (٣) ٩ / ٢٣ لِقَاءَ اللَّهِ ٥٢١٥. إمام علي عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله يقول الله تعالى: إِذَا كَانَ الْغَالِبُ عَلَى عَبْدِي الْإِسْتِغَالَ بِي جَعَلْتُ نَعِيمَهُ وَلَدَّتْهُ فِي ذِكْرِي، فَإِذَا جَعَلْتُ نَعِيمَهُ وَلَدَّتْهُ فِي ذِكْرِي وَعَشِيَّتْ قُنِي وَعَشِيَّتْ قُنِي، فَإِذَا عَشِيَّتْ قُنِي وَعَشِيَّتْ قُنِي رَفَعْتُ الْحِجَابَ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ، وَصِرْتُ مَعَالِمًا (٤) بَيْنَ عَيْنَيْهِ لَا يَسْهَوُ إِذَا سَهَا النَّاسُ؛ أَوْلَيْكَ كَلَامُهُمْ كَلَامُ الْأَنْبِيَاءِ، أَوْلَيْكَ الْأَبْطَالُ حَقًّا، أَوْلَيْكَ الَّذِينَ إِذَا أَرَدَتْ بِأَهْلِ الْأَرْضِ عُقُوبَةً وَعَذَابًا ذَكَرْتَهُمْ فَصَرَفَتْ ذَلِكَ عَنْهُمْ. (٥).

١- إرشاد القلوب: ص ١٣٣.

٢- غرر الحكم: ح ٤٠٤٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٣٥ ح ٣٠٧٠.

٣- تاريخ دمشق: ج ٦١ ص ١٤٧ ح ١٢٥٦٥، الفردوس: ج ٣ ص ١٩٢ ح ٤٥٣٤ كلاهما عن عمر، كنز العمال: ج ١ ص ٤٣٣ ح ١٨٧٠؛ الدعوات: ص ٢٠ ح ١٨ وليس فيه «قال موسى عليه السلام»، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٠ ح ٤١.

٤- المعلم: الأثر يستدل به على الطريق (الصحاح: ج ٥ ص ١٩٩١ «علم»). وفي كنز العمال: «... وصيرت ذلك تغالبا عليه، لا يسهو...».

٥- حليه الأولياء: ج ٦ ص ١٦٥ عن الحسن، كنز العمال: ج ١ ص ٤٣٣ ح ١٨٧٢.

۲۳ / ۹ دیدار خدا

۵۲۱۶. امام علی علیه السلام (خطاب به خدای عز و جل) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: محبوب ترین مردم نزد خدا، کسی است که بیشتر از او یاد کند. ۵۲۱۷. امام علی علیه السلام (در حکمت های منسوب به ایشان) امام علی علیه السلام: هر گاه دیدی که خداوند سبحان، تو را با یادش مأنوس ساخته است، بی گمان، دوستت دارد. ۵۲۱۸. الإمام علی علیه السلام (فی دُعَاءِ عَلمَهُ كَمَيْلَ بْنِ زِيَادٍ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: موسی علیه السلام گفت: ای خدای من! دوست دارم بدانم از بندگانت چه کسی را دوست داری تا من نیز دوستش بدارم.

خداوند فرمود: «هر گاه دیدی که بنده ام مرا بسیار یاد می کند، من اجازه [و توفیق] این کار را به او داده ام. پس او را دوست می دارم؛ و هر گاه دیدی که بنده ام مرا یاد نمی کند، من او را از این کار مانع شده ام، و من، دشمنش می دارم». ۹. ۲۳ / دیدار خدا ۵۲۲۱. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال می فرماید: «هر گاه غالب حالات بنده ام پرداختن به من باشد، خوشی و لذت او را در یاد کردنش از من قرار دهم، و هر گاه خوشی و ذلتش را در یادم قرار دهم، او عاشق من می شود و من، عاشق او می شوم، و هر گاه او عاشق من شود و من عاشق او، پرده میان خودم و او را کنار می زنم و نشانه هایی فرا چشم او می شوم، به طوری که هر گاه مردم اشتباه کنند، او اشتباه نمی کند. این گونه بندگان، سخنشان، سخن پیامبران است. اینان، پهلوانان حقیقی هستند. اینان، کسانی هستند که هر گاه بخواهم زمینیان را کیفر و عذاب کنم، به یاد ایشان می افتم و کیفر و عذاب را از مردمان می گردانم».

٥٢٢٢. عنه عليه السلام: إحياء علوم الدين: فى أخبار داوود عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَيْهِ . . . : يا داوود! إِنِّي خَلَقْتُ قُلُوبَ الْمُشْتَاقِينَ مِنْ رِضْوَانِي ، وَتَعَمَّتْهَا بِنُورٍ وَجْهِي

فَقَالَ دَاوُودُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا رَبِّ! بِمِ نَالُوا هَذَا مِنْكَ؟

قَالَ : بِحُسْنِ الظَّنِّ ، وَالْكَفِّ عَنِ الدُّنْيَا وَأَهْلِهَا ، وَالْخَلَوَاتِ بِي ، وَمُنَاجَاتِهِمْ لِي . وَإِنَّ هَذَا مَنْزِلٌ لَا يَنَالُهُ إِلَّا مَنْ رَفَضَ الدُّنْيَا وَأَهْلَهَا ، وَلَمْ يَشْتَغَلْ بِشَيْءٍ مِنْ ذِكْرِهَا ، وَفَرَّغَ قَلْبَهُ لِي ، وَاخْتَارَنِي عَلَى جَمِيعِ خَلْقِي ، فَعِنْدَ ذَلِكَ أُعْطِفُ عَلَيْهِ وَأُفْرِغُ نَفْسَهُ ، وَأَكْشِفُ الْحِجَابَ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ ؛ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَيَّ نَظَرَ النَّاطِرِ بِعَيْنِهِ إِلَى الشَّيْءِ . (١) ٩ / ٢٤ العِصْمَةُ مِنَ السُّهُوِّ ٥٢١٩. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: إِذَا عَلِمْتُ أَنَّ الْغَالِبَ عَلَى عَبْدِي الْإِشْتِغَالَ بِي ، نَقَلْتُ شَهْوَتَهُ فِي مَسْأَلَتِي وَمُنَاجَاتِي ، فَإِذَا كَانَ عَبْدِي كَذَلِكَ فَأَرَادَ أَنْ يَسْهُوَ حُلْتُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَنْ يَسْهُوَ ، أَوْلَيْتُكَ أَوْلِيَائِي حَقًّا ، أَوْلَيْتُكَ الْأَبْطَالَ حَقًّا . (٢) راجع : ص ٢٥٨ ح ٤٧١ .

٩ / ٢٥ تَزُولُ الْمَلَائِكَةُ ٥٢٢٣. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً يَطُوفُونَ فِي الطَّرِيقِ يَلْتَمِسُونَ أَهْلَ الذِّكْرِ ، فَإِذَا وَجَدُوا قَوْمًا يَذْكُرُونَ اللَّهَ تَنَادَوْا : هَلُمَّوَا إِلَى حَاجَتِكُمْ . فَيُحْفَوْنَهُمْ بِأَجْنَحَتِهِمْ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا .

فَيْسَأَلُهُمْ رَبُّهُمْ وَهُوَ أَعْلَمُ مِنْهُمْ : مَا يَقُولُ عِبَادِي؟ تَقُولُ : يُسَبِّحُونَكَ ، وَيُكَبِّرُونَكَ ، وَيَحْمَدُونَكَ ، وَيُمَجِّدُونَكَ . فَيَقُولُ : هَلْ رَأَوْنِي؟ فَيَقُولُونَ : وَاللَّهِ مَا رَأَوْكَ! فَيَقُولُ : وَكَيْفَ لَوْ رَأَوْنِي؟ يَقُولُونَ : لَوْ رَأَوْكَ كَانُوا أَشَدَّ لَكَ عِبَادَةً ، وَأَشَدَّ لَكَ تَمَجُّدًا ، وَأَكْثَرَ لَكَ تَسْبِيحًا .

يَقُولُ : فَمَا يَسْأَلُونَنِي؟ [يَقُولُونَ] (٣) يَسْأَلُونَكَ الْجَنَّةَ . يَقُولُ : وَهَلْ رَأَوْنَا؟ يَقُولُونَ : لَا وَاللَّهِ يَا رَبِّ مَا رَأَوْنَا . يَقُولُ : فَكَيْفَ لَوْ أَنَّهُمْ رَأَوْنَا؟ يَقُولُونَ : لَوْ أَنَّهُمْ رَأَوْنَا كَانُوا أَشَدَّ عَلَيْهَا حِرْصًا ، وَأَشَدَّ لَهَا طَلْبًا ، وَأَعْظَمَ فِيهَا رَغْبَةً .

قَالَ : فَمِمَّ يَتَعَوَّدُونَ؟ يَقُولُونَ : مِنَ النَّارِ . يَقُولُ : وَهَلْ رَأَوْنَا؟ يَقُولُونَ : لَا وَاللَّهِ يَا رَبِّ مَا رَأَوْنَا . يَقُولُ : فَكَيْفَ لَوْ رَأَوْنَا؟ يَقُولُونَ : لَوْ رَأَوْنَا كَانُوا أَشَدَّ مِنْهَا فِرَارًا ، وَأَشَدَّ لَهَا مَخَافَةً .

فَيَقُولُ : فَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ .

يَقُولُ مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ : فِيهِمْ فَلَانٌ لَيْسَ مِنْهُمْ ، إِنَّمَا جَاءَ لِحَاجَتِهِ!

قَالَ : هُمْ الْجُلَسَاءُ لَا يَشْقَى بِهِمْ جَلِيسُهُمْ . (٤) .

١- إحياء علوم الدين: ج ٤ ص ٤٧٠؛ المحجبه البيضاء: ج ٨ ص ٥٩.

٢- عدّه الداعى: ص ٢٣٥، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٢ ح ٤٢.

٣- سقط ما بين المعقوفين من المصدر، وأثبتناه من المصادر الأخرى .

٤- صحیح البخاری : ج ٥ ص ٢٣٥٣ ح ٦٠٤٥ ، صحیح مسلم : ج ٤ ص ٢٠٦٩ ح ٢٥ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٦٧٢ ح ١٨٢١ ، سنن الترمذی : ج ٥ ص ٥٧٩ ح ٣٦٠٠ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٥٦ ح ٧٤٢٨ کلاهما عن أبی هریره أو عن أبی سعید الخدری وکلها نحوه ، کنز العمال : ج ١ ص ٤١٣ ح ١٧٤٧ .

۹ / ۲۴ مصونیت از اشتباه

۹ / ۲۵ فرود آمدن فرشتگان

۵۲۲۴. عنه علیه السلام: إحياء علوم الدين: در اخبار داوود علیه السلام آمده است: خدای متعال به او وحی فرمود که ...: «ای داوود! من، دل های مشتاقان را از خشنودی خود آفریدم، و آنها را از نور چهره ام برخوردار کردم...».

داوود علیه السلام گفت: بار پروردگارا! از چه رو، بدین مقام از تو دست یافتند؟

فرمود: «از نیک گمانی، و دست شستن از دنیا و دنیاخواهان، و خلوت ها و راز و نیازهایشان با من. این، منزلتی است که بدان نمی رسد، مگر کسی که دنیا و دنیاخواهان را رها کند و هیچ یاد آن نکند و دلش را برای من، خالی گرداند و مرا بر همه آفریدگانم برگزیند. در این صورت است که بدو روی می کنم و جانش را [از ماسوای خود] تهی می سازم و پرده میان خود و او را برمی دارم تا مرا چنان [عیان] بیند که بیننده با چشم خود، چیزی را بیند». ۹ / ۲۴ مصونیت از اشتباه ۵۲۲۷. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند سبحان فرمود: «هر گاه بدانم که بنده ام غالباً به یاد من است، خواست او را به درخواست و راز و نیاز با خودم منتقل می کنم، و هر گاه بنده ام چنین [همواره خواهان درخواست از من و راز و نیاز با من] باشد، اگر بخواهد اشتباه کند، مانع اشتباه کردنش می شوم. اینان، اولیای حقیقی من اند. اینان، پهلوانان حقیقی اند». ر. ک: ص ۲۵۹ ح ۴۷۱.

۹ / ۲۵ فرود آمدن فرشتگان ۵۳۸۷. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، فرشتگانی دارد که در گذرگاه ها در جستجوی اهل ذکر می گردند و هر گاه گروهی را بینند که ذکر خدا می گویند، صدا می زنند که: بیاید حاجتتان را بگیری، و با بال های خود، آنان را تا آسمان زیرین در میان می گیرند.

پروردگارشان با آن که خود از فرشتگان بهتر می داند از آنان می پرسد: «بندگانم چه می گویند؟».

فرشتگان می گویند: تو را به پاکی و بزرگی می ستایند و سپاست می گویند و تمجیدت می کنند.

خداوند می فرماید: «آیا مرا دیده اند؟».

فرشتگان می گویند: به خدا سوگند که تو را ندیده اند!

خداوند می فرماید: «اگر مرا دیده بودند، چه می کردند؟».

فرشتگان می گویند: اگر تو را دیده بودند، بیشتر بندگی ات می کردند و بزرگت می داشتند و تسبیحت می گفتند.

خداوند می فرماید: «از من چه می خواهند؟».

[فرشتگان گویند:] از تو بهشت می خواهند .

خداوند می فرماید : «آیا آن را دیده اند؟» .

فرشتگان می گویند : نه ، به خدا سوگند ای پروردگار ، آن را ندیده اند .

خداوند می فرماید : «پس اگر آن را دیده بودند ، چه می کردند؟» .

فرشتگان می گویند : اگر آن را دیده بودند ، به آن ، آزمندتر و طالب تر و راغب تر می بودند .

خداوند می فرماید : «از چه پناه می برند؟» .

فرشتگان می گویند : از آتشِ دوزخ .

خداوند می فرماید : «آیا آن را دیده اند؟» .

فرشتگان می گویند : نه به خدا سوگند ای پروردگار ، آن را ندیده اند .

خداوند می فرماید : «پس اگر آن را دیده بودند ، چه می کردند؟» .

فرشتگان می گویند : اگر آن را دیده بودند ، از آن گریزان تر و بیمناک تر می بودند .

خداوند می فرماید : «پس ، گواه باشید که آنان را آمرزیدم» .

فرشته ای از فرشتگان می گوید : در میان ایشان ، فلانی است که از آنان نیست ؛ بلکه برای حاجتی آمده است .

خداوند می فرماید : «آنان ، همنشین اند و به برکت آنان ، همنشینان ، محروم نمی شوند» .

٥٣٨٨. عنه عليه السلام: المعجم الصغير عن ابن عباس: مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِعَبْدِ اللهِ بْنِ رَوَاحَةَ الْأَنْصَارِيِّ وَهُوَ يُدَكِّرُ أَصْحَابَهُ ، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَمَا إِنَّكُمْ الْمَلَأُ الَّذِينَ أَمَرَنِي اللهُ أَنْ أَصْبِرَ نَفْسِي مَعَكُمْ ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ : «وَاصْبِرْ نَفْسِكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعَشِيِّ» إِلَى قَوْلِهِ : «وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا» (١) ، أَمَا إِنَّهُ مَا جَلَسَ عِدَّتُكُمْ إِلَّا جَلَسَ مَعَهُمْ عِدَّتُهُمْ مِنَ الْمَلَائِكَةِ ، إِنْ سَبَّحُوا اللَّهَ سَبَّحُوهُ ، وَإِنْ حَمِدُوا اللَّهَ حَمِدُوهُ ، وَإِنْ كَبَّرُوا اللَّهَ كَبَّرُوهُ ، ثُمَّ يَصْعَدُونَ إِلَى الرَّبِّ وَهُوَ أَعْلَمُ مِنْهُمْ ، فَيَقُولُونَ : يَا رَبَّنَا ، عِبَادُكَ سَبَّحُواكَ فَسَبَّحْنَا ، وَكَبَّرُواكَ فَكَبَّرْنَا ، وَحَمَدُواكَ فَحَمَدْنَا .

فَيَقُولُ رَبُّنَا : يَا مَلَائِكَتِي ، أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ .

فَيَقُولُونَ : فِيهِمْ فُلَانٌ وَفُلَانٌ الْخَطَاءُ!

فَيَقُولُ : هُمْ الْقَوْمُ لَا يَشْقَى بِهِمْ جَلِيسُهُمْ . (٢) .

١- الكهف : ٢٨ .

٢- المعجم الصغير : ج ٢ ص ١٠٩ ، حليه الأولياء : ج ٥ ص ١١٧ عن عمر بن ذر عن أبيه ، الدر المنثور : ج ٥ ص ٣٨١ نقلاً عن ابن مردويه .

۵۳۸۹. عنه عليه السلام: المعجم الصغير به نقل از ابن عباس: پیامبر صلی الله علیه و آله بر عبد الله بن رواحه انصاری گذشت که یارانش را پند می داد. پیامبر خدا فرمود: «هان! شما، همان گروهی هستید که خداوند به من فرمود تا خودم را با شما بدارم». سپس این آیه را خواند: «و با کسانی که پروردگارش را صبح و شام می خوانند» تا: «و [اساس] کارش بر زیاده روی است». [و افزود: «هان! هر تعداد از شما گرد هم بنشینند، به همان شمار، از فرشتگان با آنان می نشینند. اگر آنان خدا را تسبیح گویند، آن فرشتگان نیز او را تسبیح می گویند، و اگر خدا را سپاس گویند، آن فرشتگان نیز او را سپاس می گویند، و اگر خدا را به بزرگی یاد کنند، آنان نیز او را به بزرگی یاد می کنند. سپس به درگاه پروردگارش می روند و به او که البته از آنان بهتر می داند، می گویند: ای پروردگار ما! بندگانت، تو را تسبیح گفتند و ما نیز [هم صدا با آنان] تو را تسبیح گفتیم. آنان، تو را به بزرگی یاد کردند و ما نیز به بزرگی یاد کردیم. آنان، تو را سپاس گفتند و ما نیز سپاس گفتیم.

پس پروردگار ما می گوید: ای فرشتگان من! گواه باشید که آنان را آمرزیدم.

فرشتگان می گویند: فلان و بهمان گنه کار هم در میان ایشان بود!

خداوند می فرماید: آنان، جماعتی هستند که به برکت ایشان، همنشینان محروم نمی شود... .

٥٣٩٠. الإمام علي عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَمْرُونَ عَلَى حَلْقِ الذُّكْرِ ، فَيَقُومُونَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ ، وَيَبْكُونَ لُبْكَائِهِمْ ، وَيُؤْمِنُونَ لِتَدْعَائِهِمْ ، فَمَازَا صَبَّحُوا [إِلَى] (١) السَّمَاءِ ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى : يَا مَلَائِكَتِي أَيْنَ كُنْتُمْ؟ وَهِيَ أَعْلَمُ فَيَقُولُونَ : يَا رَبَّنَا إِنَّا حَضَرْنَا مَجْلِسًا مِنْ مَجَالِسِ الذُّكْرِ ، فَرَأَيْنَا أَقْوَامًا يُسَبِّحُونَكَ وَيُمَجِّدُونَكَ وَيُقَدِّسُونَكَ ، وَيَخَافُونَ نَارَكَ .

فَيَقُولُ اللَّهُ سُبحَانَهُ : يَا مَلَائِكَتِي ، إِزُوهَا عَنْهُمْ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ ، وَأَمَتُّهُمْ مِمَّا يَخَافُونَ .

فَيَقُولُونَ : رَبَّنَا ، إِنَّ فِيهِمْ فُلَانًا وَإِنَّهُ لَمْ يَذْكُرْكَ!

فَيَقُولُ : قَدْ غَفَرْتُ لَهُ بِمَجَالِسَتِهِ لَهُمْ ؛ فَإِنَّ الذَّاكِرِينَ مَنْ لَا يَشْقَى بِهِمْ جَلِيسُهُمْ . (٢) .

١- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .

٢- عدّه الداعى : ص ٢٤١ ، أعلام الدين : ص ٢٨٠ ، إرشاد القلوب : ص ٦١ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ٤٦٨ ح ٢٠ .

۵۳۹۱. عنه علیه السلام (فی وَصِيَّتِهِ لِلْإِمَامِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : فرشتگان بر مجالس ذکر [خدا] می گذرند و بر فراز سر ایشان می ایستند و با گریستن آنان می گریزند و برای دعایشان «آمین» می گویند . و چون به آسمان بر شوند ، خدای متعال با آن که خود بهتر می داند می پرسد : «کجا بودید ، ای فرشتگان من؟» .

فرشتگان می گویند : ای پروردگار ما ! در مجلسی از مجلس های ذکر ، حاضر شدیم . مردمانی را دیدیم که تو را به پاکی و بزرگی و قداست می ستایند و از آتش تو بیمناک اند .

خدای سبحان می فرماید : «ای فرشتگان من! آتش را از آنان ، دور گردانید و گواه باشید که ایشان را آمرزیدم ، و از آنچه بیمناک اند ، در امانشان داشتم» .

فرشتگان می گویند : ای پروردگار ما ! فلانی هم در میان ایشان بود و او ذکر تو را نمی گفت .

خداوند می فرماید : «او را هم به سبب همنشینی اش با ایشان آمرزیدم ؛ زیرا ذاکران ، کسانی هستند که به برکت آنان ، همنشینان محروم نمی شود» . .

٥٣٨٥. امام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ لِمَلَائِكَتِهِ عِنْدَ انْصِرَافِ أَهْلِ مَجَالِسِ الذِّكْرِ وَالْعِلْمِ إِلَى مَنَازِلِهِمْ: أُكْتُبُوا ثَوَابَ مَا شَاهَدْتُمُوهُ مِنْ أَعْمَالِهِمْ. فَيَكْتُبُونَ لِكُلِّ وَاحِدٍ ثَوَابَ عَمَلِهِ، وَيَتْرَكُونَ بَعْضَ مَنْ حَضَرَ مَعَهُمْ فَلَا يَكْتُبُونَهُ.

فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَا لَكُمْ لَمْ تَكْتُبُوا فُلَانًا أَلَيْسَ كَانَ مَعَهُمْ، وَقَدْ شَهِدْتُمُوهُ؟ فَيَقُولُونَ: يَا رَبِّ، إِنَّهُ لَمْ يَشْرَكَ مَعَهُمْ بِحَرْفٍ، وَلَا تَكَلَّمَ مَعَهُمْ بِكَلِمَةٍ!

فَيَقُولُ الْجَلِيلُ جَلَّ جَلَالُهُ: أَلَيْسَ كَانَ جَلِيسَهُمْ؟ فَيَقُولُونَ: بَلَى يَا رَبِّ.

فَيَقُولُ: أُكْتُبُوهُ مَعَهُمْ، إِنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَشْقَى بِهِمْ جَلِيسُهُمْ. فَيَكْتُبُوهُ مَعَهُمْ.

فَيَقُولُ تَعَالَى: أُكْتُبُوا لَهُ ثَوَابًا مِثْلَ ثَوَابِ أَحَدِهِمْ. (١) ٥٣٨٦. امام على عليه السلام: الكافي عن عباد بن كثير: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي مَرَرْتُ بِقَاصِّ يَقُصُّ وَهُوَ يَقُولُ: هَذَا الْمَجْلِسُ الَّذِي لَا يَشْقَى بِهِ جَلِيسٌ.

قَالَ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هِيَ هَاتِي، هِيَ هَاتِي، أَخْطَأْتُ أَسْتَاهُهُمُ الْخُفْرَةَ (٢). إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً سَيَّاحِينَ سَوَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، فَإِذَا مَرُّوا بِقَوْمٍ يَذْكُرُونَ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، قَالُوا: قِفُوا فَقَدْ أَصَبْتُمْ حَاجَتَكُمْ، فَيَجْلِسُونَ فَيَتَفَقَّهُونَ مَعَهُمْ، فَإِذَا قَامُوا عَادُوا مَرْضَاهُمْ، وَشَهِدُوا جَنَائِزَهُمْ، وَتَعَاهَدُوا غَائِبَهُمْ، فَذَلِكَ الْمَجْلِسُ الَّذِي لَا يَشْقَى بِهِ جَلِيسٌ. (٣).

١- عوالي اللآلي: ج ٤ ص ٨ ح ٢٩، بحار الأنوار: ج ١ ص ٢٠٢ ح ١٥.

٢- الإخطاء: الذهاب إلى خلاف الصواب مع قصد الصواب، أو مطلقاً عمداً وغير عمد، والأستاه: جمع الإيست؛ وهي حلقة الدبر. والمراد بالحفرة: الكنيف الذي يتعوط فيه، وكأن هذا كان مثلاً سائراً يضرب لمن استعمل كلاماً في غير موضعه أو أخطأ خطأ فاحشاً. وقد يقال: شَبَّهتُ أَفْوَاهَهُمُ بِالْأَسْتَاهِ تَفْضِيحاً لَهُمْ (مرآة العقول: ج ٩ ص ٨٤).

٣- الكافي: ج ٢ ص ١٨٦ ح ٣، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٢٥٩ ح ٥٧.

۵۳۸۷. امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام: چون اهل مجلس های ذکر و علم به خانه هایشان باز گردند ، خداوند عز و جله فرشتگانش می فرماید : «ثواب اعمالی را که از ایشان دیده اید ، بنویسید» .

فرشتگان ، برای هر یک ثواب عملش را بنویسند و یکی را که در انجمن آنان حاضر بوده اند ، وا می نهند و برایش چیزی نمی نویسند .

خداوند عز و جل می فرماید : «چرا برای فلانی نوشتید ؟ مگر نه این که با آنان بود و در جمعشان حضور داشت؟» .

فرشتگان می گویند : «ای پروردگار ما ! او حتّی یک حرف با آنان شریک نشد و یک کلمه با ایشان هم سخنی نکرد .

خداوند عز و جل می فرماید : «آیا نه این که با آنان ، همنشین بود ؟» .

فرشتگان می گویند : چرا ، ای پروردگار ما !

پس ، خدای متعال می فرماید : «برای او نیز ثوابی چون ثواب یکی از آنان بنویسید» . ۵۳۸۸. امام علی علیه السلام: الکافی به نقل از عباد بن کثیر : به امام صادق علیه السلام گفتم : من بر داستان سیرایی (نقلی) گذشتم که داستان نقل می کرد و می گفت : این است آن مجلسی که هر کس در آن بنشیند ، محروم نمی شود .

امام صادق علیه السلام فرمود : «هیئات ، هیئات ! سوراخ دعا را گم کرده اند . خداوند را بجز گرامی فرشتگانِ نویسنده [ی اعمال بندگان] ، فرشتگانی است که دوره می گردند و چون بر مردمی بگذرند که از محمّد و خاندان او یاد می کنند ، می گویند : [همین جا] بایستید که به مراد خود رسیدید . پس می نشینند و با آنان دانش می آموزند ، و چون برخیزند ، از بیماران آنان عیادت می کنند و در تشییع جنازه مردگانشان حاضر می شوند و از سفره رفته شان سرکشی می کنند . این است آن مجلسی که هر که در آن بنشیند ، محروم نمی شود» . .

٩ / ٢٦ تَزُولُ الرَّحْمَةُ ٥٣٩١. امام علي عليه السلام (در سفارشش به امام حسن عليه السلام) المستدرک علی الصحیحین عن أبي عثمان: كَانَ سَلْمَانٌ فِي عِصَابِهِ (١) يَذْكُرُونَ اللَّهَ، فَمَرَّ بِهِمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَجَاءَهُمْ قَاصِدًا حَتَّى دَنَا مِنْهُمْ، فَكَفَّوْا عَنِ الْحَدِيثِ إِعْظَامًا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

فَقَالَ: مَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ؟ فَإِنِّي رَأَيْتُ الرَّحْمَةَ تَنْزِلُ عَلَيْكُمْ، فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُشَارِكَكُمْ فِيهَا! (٢) ٥٣٩٢. عنه عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: بِذِكْرِ اللَّهِ تُسْتَنْزَلُ الرَّحْمَةُ . (٣) ٩ / ٢٧ تَزُولُ السَّكِينَةُ ٥٣٩٥. الإمام علي عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا يَقْعُدُ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا حَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ، وَنَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ . (٤) .

-
- ١- العِصَابَةُ: الجماعة من الناس من العِشره إلى الأربعين، ولا واحد لها من لفظها (النهاية: ج ٣ ص ٢٤٣ «عصب»).
 - ٢- المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٢١٠ ح ٤١٩، الدر المنثور: ج ٥ ص ٣٨٢ نقلًا عن الزهد لابن حنبل عن ثابت نحوه، كنز العمال: ج ١ ص ٤٤٧ ح ١٩٣٢.
 - ٣- غرر الحكم: ح ٤٢٠٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٨٨ ح ٣٨٥٦.
 - ٤- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٧٤ ح ٣٩، سنن الترمذی: ج ٥ ص ٤٦٠ ح ٣٣٧٨ نحوه، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٤٥ ح ٣٧٩١، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٨٤ ح ١١٨٧٥ کلها عن أبي هريره وأبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٤ ح ١٨٢٢ و ١٨٢٤؛ مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٥ ح ٢٢٢٧، مشكاة الأنوار: ص ١١٤ ح ٢٦٤، روضه الواعظین: ص ٤٢٨ .

۹ / ۲۶ فرود آمدن رحمت

۹ / ۲۷ فرود آمدن آرامش

۹ / ۲۶ فرود آمدن رحمت ۵۳۹۸. عنه علیه السلام: المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو عثمان : سلمان با گروهی نشسته بود و از خدا یاد می کردند . پیامبر خدا بر آنان گذشت و به سوی ایشان آمد . چون نزدیک آنان رسید ، به احترام پیامبر خدا از سخن گفتن ، باز ایستادند .

فرمود : «چه می گفتید؟ زیرا دیدم رحمت بر شما فرو می بارد و دوست داشتم من نیز در آن [رحمت] با شما شریک شوم»
۵۳۹۹. عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام : با یاد خدا ، رحمت فرو می آید . ۹ / ۲۷ فرود آمدن آرامش ۵۳۹۴. امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ گروهی برای یادکردن از خداوند عز و جل نشستند ، مگر آن که فرشتگان ، آنان را در میان گرفتند و رحمت ، آنها را فرو پوشاند و آرامش ، بر آنان فرود آمد و خداوند ، در جمع کسانی که نزد او هستند ، از ایشان یاد کرد .

٥٣٩٥. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: مَجَالِسُ الذِّكْرِ تَنْزِلُ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَتَحْفُفُ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ، وَتَغْشَاهُمُ الرَّحْمَةُ، وَيَذْكُرُهُمُ الرَّبُّ تَعَالَى عَلَى عَرْشِهِ. (١) ٩ / ٢٨ غُفْرَانُ اللَّهِ ٥٣٩٨. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ عَلَى ذِكْرِ فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ إِلَّا قِيلَ لَهُمْ: قوموا مغفوراً لكم. (٢) راجع: العنوان الآتي (تبديل السيئات الحسنات).

٩ / ٢٩ تبدلُ السَّيِّئَاتِ الْحَسَنَاتِ ٥٤٠٢. الإمام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا جَلَسَ قَوْمٌ مَجْلِسًا يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ فَيَقُومُونَ حَتَّى يُقَالَ لَهُمْ: قوموا؛ قَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ، وَبُدِّلَتْ سَيِّئَاتُكُمْ حَسَنَاتٍ. (٣) ٥٤٠٣. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ قَوْمٍ اجْتَمَعُوا يَذْكُرُونَ اللَّهَ لَا يُرِيدُونَ بِذَلِكَ إِلَّا وَجْهَهُ، إِلَّا نَادَاهُمْ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَنْ قَوْمُوا مَغْفُورًا لَكُمْ، فَقَدْ بُدِّلَتْ سَيِّئَاتُكُمْ حَسَنَاتٍ. (٤) ٥٤٠٠. امام على عليه السلام (در نامه اش به مالک اشتر، هنگامی که او را به حکم) عنه صلى الله عليه وآله: مَا جَلَسَ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا نَادَى بِهِمْ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: قوموا؛ فَقَدْ بُدِّلَتْ سَيِّئَاتُكُمْ حَسَنَاتٍ، وَغُفِرَ لَكُمْ جَمِيعًا.

وما قَعَدَ عِدَّةً مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ يَذْكُرُونَ اللَّهَ، إِلَّا قَعَدَ مَعَهُمْ عِدَّةً مِنَ الْمَلَائِكَةِ. (٥).

- ١- تاريخ بغداد: ج ٣ ص ١٢٨، حليه الأولياء: ج ٥ ص ١١٨ كلاهما عن أبي هريره وأبي سعيد الخدرى، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٤ ح ١٨٢١.
- ٢- الإصابة: ج ٣ ص ١٧٥ عن سهيل بن الحنظليه، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٢ ح ١٨٠٩.
- ٣- المعجم الكبير: ج ٦ ص ٢١٢ ح ٦٠٣٩، شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٥٤ ح ٦٩٥، أسد الغابه: ج ٢ ص ٥٧٢ نحوه وكلها عن سهيل بن حنظله، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٢ ح ١٨٠٨.
- ٤- مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٨٦ ح ١٢٤٥٦، مسند أبى يعلى: ج ٤ ص ١٦١ ح ٤١٢٧، حليه الأولياء: ج ٣ ص ١٠٨ كلها عن أنس، شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٠١ ح ٥٣٤ عن عبد الله بن مغفل وليس فيه «لا يريدون بذلك إلا وجهه»، كنز العمال: ج ١ ص ٤٣٨ ح ١٨٩١.
- ٥- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٦ ح ٢٢٣٣، عدّه الداعى: ص ٢٣٨، مشكاه الأنوار: ص ١١٤ ح ٢٦٤، روضه الواعظين: ص ٤٢٨، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٢ ح ٤٢.

۹ / ۲۸ آموزش خداوند

۹ / ۲۹ تبدیل شدن بدی ها به خوبی ها

۵۴۰۱. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر انجمن های یاد خدا، آرامش فرود می آید. فرشتگان، آنان را در میان می گیرند. رحمت، آنها را فرو می پوشاند و خداوندگار متعال، در عرش خود، از ایشان یاد می کند. ۹ / ۲۸ آموزش خداوند ۵۴۰۴. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ گروهی برای یادکردن از خدا جمع نشدند، مگر آن که چون پراکنده شدند، به ایشان گفته می شود: «برخیزید که آمرزیده شدید». ر. ک: عنوان بعدی (تبدیل شدن بدی ها به خوبی ها).

۹ / ۲۹ تبدیل شدن بدی ها به خوبی ها ۵۴۰۸. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ گروهی برای ذکر خداوند عز و جل گرد هم نمی نشینند، مگر آن که چون بخواهند برخیزند، به ایشان گفته می شود: «برخیزید، که خداوند، گناهان شما را آمرزید و بدی هایتان به خوبی تبدیل شده است». ۵۴۰۹. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مردمی برای ذکر خدا گرد هم آیند و قصدشان از این کار، فقط رضای خدا باشد، مُنادی ای از آسمان، ندایشان می دهد که: «برخیزید که آمرزیده شدید؛ زیرا بدی های شما به نیکی تبدیل شد». ۵۴۰۴. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ گروهی برای ذکر خدا نمی نشینند، مگر این که [در پایان آن مجلس،] مُنادی ای از آسمان به آنان ندا می دهد: «برخیزید که بدی هایتان به خوبی بدل شده و همه شما آمرزیده شدید».

و هیچ تعدادی از زمینیان برای ذکر خدا نمی نشینند، مگر این که تعدادی از فرشتگان نیز با آنان می نشینند.

٩ / ٣٠ أمباهاة الله ٥٤٠٧. امام على عليه السلام: صحيح مسلم عن معاوية: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَرَجَ عَلَى حَلْقِهِ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ: مَا أَجْلَسَكُمْ؟ قَالُوا: جَلَسْنَا نَذْكُرُ اللَّهَ وَنَحْمَدُهُ عَلَى مَا هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ بِهِ عَلَيْنَا.

قَالَ: اللَّهُ مَا أَجْلَسَكُمْ إِلَّا ذَاكَ؟ قَالُوا: وَاللَّهِ مَا أَجْلَسْنَا إِلَّا ذَاكَ!

قَالَ: أَمَا إِنِّي لَمْ أَسْتَحْلِفْكُمْ تَهْمَةً لَكُمْ، وَلَكِنَّهُ أَتَانِي جِبْرِيلُ فَأَخْبَرَنِي أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَهَيِّئُ بِكُمْ الْمَلَائِكَةَ. (١) / ٩ / ١٣١ الدُّخُولُ فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ ٥٤١٠. الإمام علي عليه السلام: سنن الترمذي عن أنس عن رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا مَرَرْتُمْ بِرِيَاضِ الْجَنَّةِ فَارْتَعُوا. قَالَ: وَمَا رِيَاضِ الْجَنَّةِ؟

قَالَ: حَلَقُ الذُّكْرِ. (٢).

١- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٧٥ ح ٤٠، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٦٠ ح ٣٣٧٩، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٤٩، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ١٤ ح ١٦٨٣٥، صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ٩٦ ح ٨١٣، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٧٤ ح ١٨، كنز العمال: ج ١ ص ٤٣٧ ح ١٨٨٣.

٢- سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٣٢ ح ٣٥١٠، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٣٠٢ ح ١٢٥٢٥، حليه الأولياء: ج ٦ ص ٢٦٨، كنز العمال: ج ١ ص ٤٣٧ ح ١٨٨٥؛ منيه المرید: ص ١٠٦، مشكاة الأنوار: ص ١١٤ ح ٢٦٤، روضه الواعظين: ص ٤٢٨.

۹ / ۳۰ مَبَاهَاتِ كِرْدَنِ خَدَاوَنْد

۹ / ۳۱ دَرِ آمَدَنِ بَه بَاغِ هَايِ بَهْشْتِ

۹ / ۳۰ مَبَاهَاتِ كِرْدَنِ خَدَاوَنْد ۵۴۱۳. اَلْاِمَامُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَحِيحُ مُسْلِمٍ بَه نَقْلِ اَز مَعَاوِيَه : پِيَامْبِرِ خَدَا بَر حَلْقَه اِي اَز يَارَانَش كِذْشْت . فَرْمُود : «بِرَايِ چِه كِرْدِ هَم نَشِسْتَه اِيْد؟» .

كِفْتَنْد : نَشِسْتَه اِيْم وَ خَدَا رَا يَادِ مِي كَنِيم وَ اُو رَا بَر نَعْمَتِ اِسْلَامِ كِه بَه مَا دَادِ وَ مَا رَا بَدَانِ رِه نَمُونِ شَد ، سِيَاَسِ مِي كَوِيْم .

فَرْمُود : «شَمَا رَا بَه خَدَا ، فِقْطِ بِرَايِ هَمِيْنِ نَشِسْتَه اِيْد؟» .

كِفْتَنْد : بَه خَدَا كِه فِقْطِ بِرَايِ هَمِيْنِ نَشِسْتَه اِيْم!

فَرْمُود : «بَدَانِيْدِ كِه مَن ، اَز سِرِّ بَدِ كِمَانِي بَه شَمَا سُو كَنْدَتَانِ نَدَادِم ؛ بَلَكِه جَبْرِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَزْدِمِ اَمْدِ وَ مَرَا خَبَرَ دَادِ كِه خَدَاوَنْد عَزِ وَ جَلِ بَه وَ جُودِ شَمَا بَر فَرَشْتِگَانِ مَبَاهَاتِ مِي كَنْد» . ۹ / ۳۱ دَرِ آمَدَنِ بَه بَاغِ هَايِ بَهْشْتِ ۵۴۱۱. اِمَامِ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : سَنَنِ التِّرْمِذِي : پِيَامْبِرِ خَدَا فَرْمُود : «هَر گَاهِ بَه بَاغِ هَايِ بَهْشْتِ كِذْرِ كَرْدِيْدِ ، بَه گِشْتِ بِيْرْدَازِيْدِ» .

اَنْسِ كِفْتِ : بَاغِ هَايِ بَهْشْتِ ، كِدَامِ اَنْدِ؟

فَرْمُود : «اَنْجَمَنِ هَايِ يَادِ خَدَا» .

٥٤١٢. امام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: بَادِرُوا إِلَى رِيَاضِ الْجَنَّةِ . قَالُوا: وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: حَلَقُ الذُّكْرِ . (١) ٥٤١٣. امام على عليه السلام: عَدَّ الدَّاعِيَ: رُوِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَرَجَ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: ارْتَعُوا فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: مَجَالِسُ الذُّكْرِ ، أُغْدُوا وَرُوحُوا وَاذْكُرُوا . (٢) ٥٤١٤. امام على عليه السلام: المستدرك على الصحيحين عن جابر بن عبد الله: خَرَجَ عَلَيْنَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ لِلَّهِ سَرَايَا مِّنَ الْمَلَائِكَةِ تَحُلُّ وَتَقِفُ عَلَى مَجَالِسِ الذُّكْرِ فِي الْأَرْضِ ، فَارْتَعُوا فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ .

قالوا: وأين رياض الجنة؟

قَالَ: مَجَالِسُ الذُّكْرِ ، فَاغْدُوا وَرُوحُوا فِي ذِكْرِ اللَّهِ ، وَذَكِّرُوهُ أَنْفُسَكُمْ . (٣) ٩ / ٣٢ نور يوم القيامة ٥٤١٧. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ ذَاكِرَ اللَّهِ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَهُ نُورٌ كَنُورِ الشَّمْسِ ، أَوْ بُرْهَانٌ كَبُرْهَانِ الشَّمْسِ . (٤) .

- ١- الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ: ص ٤٤٤ ح ٥٩٢ عن الحسين بن علي بن الحسين عن أبيه الإمام زين العابدين عن الإمام الحسين عليهما السلام، معاني الأخبار: ص ٣٢١ ح ١ عن علي بن الحسن عن أبيه الإمام الحسن عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٤٠٩ ح ٥٨٨٨، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٦ ح ٢٠.
- ٢- عَدَّ الدَّاعِيَ: ص ٢٣٨، أعلام الدين: ص ٢٧٥، إرشاد القلوب: ص ٦٠ وفيه «الذكر غدوا وروحوا فاذكروا» بدل «مجالس الذكر اغدوا وروحوا واذكروا»، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٣ ح ٤٢.
- ٣- المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٦٧٢ ح ١٨٢٠، مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ٣٤٥ ح ١٨٦٠ وص ٤٢٨ ح ٢١٣٥، المعجم الأوسط: ج ٣ ص ٦٧ ح ٢٥٠١ نحوه، كتر الأعمال: ج ١ ص ٤٣٤ ح ١٨٧٧ وص ٤٣٧ ح ١٨٨٢؛ مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٧٨ ح ٢١٩٤ نحوه.
- ٤- معجم السفر: ص ١١٢ ح ٣٣٣ عن أنس.

۹ / ۳۲ روشنایی در روز قیامت

۵۴۱۸. الإمام علیّ علیه السلام: امام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «به سوی باغ های بهشت بشتابید».

گفتند: باغ های بهشت، کدام اند؟

فرمود: «انجمن های یاد خدا». ۵۴۱۹. الإمام علیّ علیه السلام: عدّه الداعی: روایت شده است که پیامبر خدا بر یارانش در آمد و فرمود: «در باغ های بهشت، گردش کنید».

گفتند: ای پیامبر خدا! باغ های بهشت، کدام اند؟

فرمود: «انجمن های یاد خدا. بام و شام، خدا را یاد کنید». ۵۴۲۰. عنه علیه السلام (فی وَصْفِ الدُّنْیَا) المستدرک علی الصحیحین به نقل از جابر بن عبد الله: پیامبر صلی الله علیه و آله بر یارانش در آمد و فرمود: «ای مردم! خداوند، دسته هایی از فرشتگان دارد که در مجالس ذکر روی زمین، فرود می آیند. پس در باغ های بهشت، گشت بزنید».

گفتند: باغ های بهشت، کجاست؟

فرمود: «مجالس ذکر [خدا]. پس بام و شام، به ذکر خدا پردازید و او را به خود، یاد آور شوید». ۹ / ۳۲ روشنایی در روز قیامت ۵۴۱۶. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاد کننده خدا، روز قیامت، در حالی می آید که روشنایی ای چون روشنایی خورشید، یا دلیلی چون دلیل آفتاب دارد.

٥٤١٧. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: لَيُبْعَثَنَّ اللَّهُ أَقْوَامًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي وُجُوهِهِمُ النَّوْرُ عَلَى مَنَابِرِ اللَّوْثِ، يَغِطُّهُمْ النَّاسُ، لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ؛ هُمُ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ قَبَائِلِ شَتَّى وَبِلَادٍ شَتَّى، يَجْتَمِعُونَ عَلَى ذِكْرِ اللَّهِ يَذْكُرُونَهُ. (١) / ٩ / ٣٣ سَبَقُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ٥٤٢٠. امام على عليه السلام (در توصيف دنيا) سنن الترمذى عن أبى هريره: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَبَقَ الْمُفْرَدُونَ، قَالُوا: وَمَا الْمُفْرَدُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْمُسْتَهْتَرُونَ فِي ذِكْرِ اللَّهِ (٢)؛ يَضَعُ الذِّكْرُ عَنْهُمْ أَثْقَالَهُمْ، فَيَأْتُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ خِفَافًا. (٣) ٥٤٢١. امام على عليه السلام (خطاب به پسرش محمد بن حنفیه) مسند ابن حنبل عن أبى هريره: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَبَقَ الْمُفْرَدُونَ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنِ الْمُفْرَدُونَ؟ قَالَ: الَّذِينَ يُهْتَرُونَ فِي ذِكْرِ اللَّهِ. (٤) ٥٤٢٢. عنه عليه السلام: صحيح مسلم عن أبى هريره: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسِيرُ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ، فَمَرَّ عَلَى جَبَلٍ يُقَالُ لَهُ: جُمْدَانُ، فَقَالَ: سَيَرُوا، هَذَا جُمْدَانُ، سَبَقَ الْمُفْرَدُونَ. قَالُوا: وَمَا الْمُفْرَدُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الذَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتُ. (٥).

- ١- كُنز العمال: ج ١ ص ٤٣٨ ح ١٨٩٣ نقلًا عن المعجم الكبير عن أبى الدرداء.
- ٢- يُقَالُ: أَهْتَرَ فُلَانٌ بِكَذَا وَاسْتَهْتَرَ فَهُوَ مُهْتَرٌ بِهِ وَمُسْتَهْتَرٌ: أَى مَوْلَعٌ بِهِ لَا يَتَحَدَّثُ بغيره وَلَا يَفْعَلُ بغيره (النهاية: ج ٥ ص ٢٤٢ «هتر»).
- ٣- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٧٧ ح ٣٥٩٦، كُنز العمال: ج ١ ص ٤١٧ ح ١٧٧٣.
- ٤- مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢١٠ ح ٨٢٩٧، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٦٧٣ ح ١٨٢٣، التاريخ الكبير: ج ٨ ص ٤٤٨ ح ٣٦٥١، كُنز العمال: ج ٢ ص ٢٤٤ ح ٣٩٣٣.
- ٥- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٦٢ ح ٤، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٣٨٥ ح ٩٣٤٣ وفيه «جدان» بدل «جمدان» فى كلا الموضوعين، كُنز العمال: ج ١ ص ٤١٧ ح ١٧٧٤.

۹ / ۳۳ پیشتازی در روز قیامت

۵۴۲۳. عنه علیه السلام (فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، در روز قیامت ، مردمانی را برمی انگیزد که چهره هایی نورانی دارند و بر منبرهایی از مرواریدند و مردم بر آنان ، رشک می برند . آنان ، نه پیامبرند و نه شهید . آنان ، مردمانی از هر قبیله و آبادی اند که برای خدا یکدیگر را دوست می دارند ، برای یادکرد خدا گرد هم می آیند و از او یاد می کنند ۹ / ۳۳ پیشتازی در روز قیامت ۵۴۲۶. عنه علیه السلام (فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام) سنن الترمذی به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا فرمود : «تنهایان ، پیشی گرفتند» .

گفتند : تنهایان کیستند ، ای پیامبر خدا؟

فرمود : «سوداییان یاد خدا . یاد خدا ، بارهای گران (گناهان) آنان را از دوش ایشان برمی دارد و روز رستاخیز ، سبک بار [از گناه] می آیند . ۵۴۲۲. امام علی علیه السلام : مسند ابن حنبل به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا فرمود : «تنهایان ، پیشی می گیرند» .

گفتند : ای پیامبر خدا ! تنهایان کیان اند؟

فرمود : «آنان که سودازده یاد خدایند» . ۵۴۲۳. امام علی علیه السلام (در حکمت های منسوب به ایشان) صحیح مسلم به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا در راه مکه می رفت و بر کوهی به نام جُمدان گذشت . فرمود : «به پیش! این ، جُمدان است . تنهایان ، پیشتازند» .

گفتند : تنهایان ، کیستند ، ای پیامبر خدا؟

فرمود : «مردان و زنانی که فراوان ، خدا را یاد می کنند» .

٩ / ٣٤ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ٥٤٢٦. امام علي عليه السلام (در سفارشش به پسرش حسن عليه السلام) رسول الله صلى الله عليه وآله
 مَنْ أُعْطِيَ لِسَانًا ذَاكِرًا ، فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (١) ٥٤٢٧. الإمام علي عليه السلام : عنه صلى الله عليه وآله : قَالَ اللَّهُ عَزَّ
 وَجَلَّ : إِذَا أَرَدْتُ أَنْ أَجْمَعَ لِلْمُسْلِمِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، جَعَلْتُ لَهُ قَلْبًا خَاشِعًا ، وَلِسَانًا ذَاكِرًا ، وَجَسَدًا عَلَى الْبَلَاءِ صَابِرًا ، وَزَوْجَةً
 مُؤْمِنَةً . (٢) ٥٤٢٨. الإمام علي عليه السلام : الإمام زين العابدين عليه السلام : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَبَبِّهْنِي لِتَذَكْرِكَ فِي
 أَوْقَاتِ الْعَفَلِ ، وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهَلَّةِ ، وَانْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً ، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .
 (٣) ٥٤٢٩. الإمام الصادق عليه السلام : ثَلَاثَةٌ لَا يُصِيبُونَ إِلَّا خَيْرًا : أَوْلُو الصَّمْتِ ، وَتَارِكُو الشَّرِّ ، وَالْمُكْتَرُونَ ذِكْرَ
 اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . (٤) .

-
- ١- الكافي : ج ٢ ص ٤٩٩ ح ١ عن أبي القداح عن الإمام الصادق عليه السلام .
 - ٢- الكافي : ج ٥ ص ٣٢٧ ح ٢ عن بريد بن معاوية العجلي عن الإمام الباقر عليه السلام ، دعائم الإسلام : ج ٢ ص ١٩٤ ح ٧٠٥ ، مشكاة الأنوار : ص ٤٨١ ح ١٦٠٠ عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما نحوه وراجع الجعفریات : ص ٢٣٠ والمعجم الكبير : ج ١١ ص ١٠٩ ح ١١٢٧٥ .
 - ٣- الصحيفه السجاديّه : ص ٨٧ الدعاء ٢٠ .
 - ٤- نزّهه الناظر : ص ١٠٨ ح ١٦ .

۹ / ۳۴ خیر دنیا و آخرت

۹ / ۳۴ خیر دنیا و آخرت ۵۴۲۷. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به هر کس زبانی ذکر داده شود، خیر دنیا و آخرت داده شده است. ۵۴۲۸. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل فرمود: «هر گاه بخواهم خیر دنیا و آخرت را به مسلمانی بدهم، به او دلی خاشع و زبانی ذکرگو و تنی شکبیا در برابر بلا و همسری باایمان، عطا می کنم». ۵۴۲۹. امام علی علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و در اوقات غفلتم، مرا متوجه یاد خودت گردان و در ایام فرصتم، مرا در طاعتت به کار گیر، و برای رسیدن به محبتت، راهی هموار برایم بگشای و بدین سان، خیر دنیا و آخرت را به تمامی عطایم فرما. ۵۴۳۰. امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام: سه دسته اند که جز خوبی نمی بینند: خاموشی گزینان، ترک کنندگان بدی، و آنان که بسیار خداوند عز و جل را یاد می کنند.

الفصل العاشر: مزار النسيان ١٠ / انسيان الله الكتاب «الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنْفِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ». (١)

الحديث ٥٤٣٧. عنه عليه السلام: الإمام علي عليه السلام في قوله تعالى: «نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ»: إِنَّمَا يَعْنِي نَسُوا اللَّهَ فِي دَارِ الدُّنْيَا، لَمْ يَعْمَلُوا بِطَاعَتِهِ، فَنَسِيَهُمْ فِي الآخِرَةِ؛ أَي لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ فِي ثَوَابِهِ شَيْئًا فَصَارُوا مَنْسِيَيْنَ مِنَ الْخَيْرِ. (٢) ٥٤٣٢. امام علي عليه السلام: عيون أخبار الرضا عليه السلام عن عبد العزيز بن مسلم: سَأَلْتُ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ»، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَنْسَى وَلَا يَنْسَهُ، وَإِنَّمَا يَنْسَى وَيَنْسَهُو المَخْلُوقُ المُحَدَّثُ، أَلَا تَسْمَعُهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا» (٣) ! وَإِنَّمَا يُجَازَى مَنْ نَسِيَهُ وَنَسِيَ لِقَاءَ يَوْمِهِ بِأَنْ يُنْسِيَهُمْ أَنْفُسَهُمْ، كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»، وَقَالَ تَعَالَى: «فَالْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا» (٤)؛ أَي تَنْزَكُّهُمْ كَمَا تَرْكُوا الإِسْتِعْدَادَ لِقَاءِ يَوْمِهِمْ هَذَا. (٥).

١- التوبة: ٦٧.

٢- التوحيد: ص ٢٥٩ ح ٥، تفسير العياشي: ج ٢ ص ٩٦ ح ٨٦ نحوه وكلاهما عن أبي معمر السعداني، الاحتجاج: ج ١ ص ٥٦٤ ح ١٣٧، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٩٩ ح ١.

٣- مريم: ٦٤.

٤- الأعراف: ٥١.

٥- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ١٢٥ ح ١٨، التوحيد: ص ١٦٠ ح ١، بحار الأنوار: ج ٤ ص ٦٤ ح ٤.

فصل دهم: زیان های فراموش کردن خدا

۱۰ / ۱ فراموش شدن از جانب خدا

فصل دهم: زیان های فراموش کردن خدا ۱۰ / ۱ فراموش شدن از جانب خدا قرآن «مردان و زنانِ دو چهره، [همانند] یکدیگرند. به کار ناپسند، و ا می دارند و از کار پسندیده، باز می دارند و دست های خود را [از انفاق] فرو می بندند. خدا را فراموش کردند. پس [خدا هم] فراموششان کرد. در حقیقت، این منافقان اند که فاسق اند» .

حدیث ۵۴۳۹. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «خدا را فراموش کردند و خدا هم آنان را فراموش کرد». یعنی آنان در سرای دنیا، خدا را فراموش کردند و طاعتش ننمودند، و خدا هم در آخرت، آنان را فراموش کرد؛ یعنی در پاداش خود، بهره ای برای آنان قرار نداد و در زمره فراموش شدگان از خیر در آمدند. ۵۴۴۰. الإمام علی علیه السلام: عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از عبد العزیز بن مسلم: از امام رضا علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم: «خدا را فراموش کردند و خدا هم آنان را فراموش کرد» .

فرمود: «خداوند متعال، فراموش یا اشتباه نمی کند؛ بلکه مخلوقِ حادث است که دچار فراموشی و اشتباه می شود. آیا سخن خداوند عز و جل را نشنیده ای که می فرماید: «و پروردگار تو فراموشکار نیست»؛ اما خداوند، کسی را که او و روز دیدار او را فراموش کند، چنین سزا می دهد که خودشان را از یادشان می برد، چنان که خداوند عز و جل فرموده است: «و مانند آن کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و خدا هم خودشان را از یادشان بُرد. اینان، همان نافرمان اند»، و فرموده است: «پس امروز، ما ایشان را از یاد می بریم، چنان که ایشان، دیدار این روزشان را از یاد بردند»؛ یعنی همچنان که آنان، آماده شدن برای دیدار با چنین روزی را رها کردند، ما نیز [ایشان را] امروز، رها می کنیم .

١٠ / ٢ نِسْيَانُ النَّفْسِ الْكَتَابِ «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ». (١)

الحديث ٥٤٣٩. امام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام: مَنْ نَسِيَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ ، أَنْسَاهُ اللَّهَ نَفْسَهُ وَأَعْمَى قَلْبَهُ . (٢) / ١٠ / ٣ سُلْطَةُ الشَّيْطَانِ الْكَتَابِ «وَمَنْ يَعِشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ * وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنََّّهُمْ مُّهْتَدُونَ * حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ * وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ» (٣) . (٤)

١- الحشر: ١٩.

٢- غرر الحكم: ح ٨٨٧٥ وح ٧٧٩٧ نحوه، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٨ ح ٨٣٠٠.

٣- قال العلامة الطباطبائي قدس سره: أى من تعامى عن ذكر الرحمن ونظر إليه نظر الأعشى جئنا إليه بشيطان، وقد عبّر تعالى عنه فى موضع آخر بالإرسال فقال: «أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيْطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوَزُّؤُهُمْ أَزًّا» (مريم: ٨٣)، وإضافه الذكر إلى الرحمن للإشارة إلى أنه رحمه (الميزان فى تفسير القرآن: ج ١٨ ص ١٠٢).

٤- الزخرف: ٣٦ ٣٩.

۱۰ / ۲ خود فراموشی

۱۰ / ۳ مسلط شدن شیطان

۱۰ / ۲ خود فراموشیقرآن» و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد . آنان ، همان نافرمانان اند» .

حدیث ۵۴۴۹. الإمام علیّ علیه السلام: امام علی علیه السلام: هر که خدای سبحان را فراموش کند ، خداوند ، خود او را از یادش می برد و دلش را کور می گرداند . ۱۰ / ۳ مسلط شدن شیطانقرآن» و هر کس از یاد [خدای] رحمان ، دل بگرداند، بر او شیطانی می گماریم تا برای وی دمسازی باشد . و مسلماً آنها ، ایشان را از راه ، باز می دارند و [ایشان] می پندارند که راه یافتگان اند تا آن گاه که او [با دمسازش] به حضور ما آید، [خطاب به شیطان] می گوید: «ای کاش میان من و تو، فاصله خاور و باختر بود، که چه بد دمسازی هستی!» و امروز ، هرگز [پشیمانی] برای شما سود نمی بخشد ؛ چون ستم کردید . در حقیقت، شما در عذاب، مشترک خواهید بود» . (۱)

۱- . علامه طباطبایی قدس سره می گوید : یعنی کسی که از یاد خدای مهربان ، خود را به کوری زند و به او چونان شخص کم بینا بنگرد ، به سوی او شیطانی بیاوریم . در جایی دیگر با عبارت «بفرستیم» یاد کرده و فرموده است : «آیا ندیدی که ما بر کافران ، شیاطینی فرستادیم که به جناندنی ، می جنابندشان» (مریم : آیه ۸۳) . اضافه ذکر به رحمان ، اشاره به آن است که این ذکر و یاد ، رحمت است (المیزان فی تفسیر القرآن : ج ۱۸ ص ۱۰۲) .

الحديث ٥٤٤٨. امام على عليه السلام: مصباح الشريعة فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام: لا يَتَمَكَّنُ الشَّيْطَانُ بِالْوَسْوَسَةِ مِنَ الْعَبْدِ إِلَّا وَقَدْ أَعْرَضَ عَيْنَ ذِكْرِ اللَّهِ، وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ، وَأَسْكَنَ (١) إِلَى نَهْيِهِ، وَنَسِيَ إِطْلَاعَهُ عَلَى سِرِّهِ. (٢) ١٠ / ٤ قَسْوَهُ الْقَلْبِ ٥٤٥١. امام على عليه السلام: الكافي عن علي بن عيسى رفعه: إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ نَاجَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ لَهُ فِي مُنَاجَاةِهِ: ... يَا مُوسَى، لَا تَنْسِنِي عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَلَا تَفْرَحَ بِكَثْرَةِ الْمَالِ؛ فَإِنَّ نِسْيَانِي يُقْسِي الْقُلُوبَ، وَمَعَ كَثْرَةِ الْمَالِ كَثُرَ الذُّنُوبُ. (٣) ٥٤٥٢. الإمام علي عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُوسَى، لَا تَفْرَحَ بِكَثْرَةِ الْمَالِ، وَلَا تَدْعَ ذِكْرِي عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ تُنْسِي الذُّنُوبَ، وَإِنَّ تَرَكَ ذِكْرِي يُقْسِي الْقُلُوبَ. (٤).

١- في بحار الأنوار: «و سكن».

٢- مصباح الشريعة: ص ٢٢٥، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ١٢٤ ح ٢.

٣- الكافي: ج ٨ ص ٤٢ ٤٥ ح ٨، تحف العقول: ص ٤٩٣، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٣٣٤ ح ١٣.

٤- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٧ ح ٧ عن السكوني، علل الشرائع: ص ٨١ ح ٢ عن علي بن جعفر عن الإمام الكاظم عنه عليهما السلام، الخصال: ص ٣٩ ح ٢٣ عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهما السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٠ ح ١.

۱۰ / ۴ سنگ دلی

حدیث ۵۴۵۴. عنه علیه السلام: مصباح الشریعه در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است: شیطان نمی تواند بنده را وسوسه کند، مگر آن که او از یاد خدا روی گردانیده و فرمان او را سبک شمرده باشد و نهی او را مرتکب شود و آگاه بودن خداوند از نهان و درون وی را فراموش کرده باشد. ۱۰ / ۴ سنگ دلی ۵۴۵۷. عنه علیه السلام: الکافی به نقل از علی بن عیسی، که سند حدیث را به یکی از اهل بیت علیهم السلام می رساند: خداوند تبارک و تعالی با موسی علیه السلام نجواکنان سخن گفت و در نجواهایش به او فرمود: «... ای موسی! مرا در هیچ حالی از یاد مبر و به فراوانی دارایی خود، شادمان مشو؛ زیرا از یاد بردن من، دل ها را سخت می گرداند. فراوانی ثروت، فراوانی گناه را به همراه دارد». ۵۴۵۸. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل به موسی علیه السلام وحی فرمود که: «ای موسی! به دارایی بسیار، شادمان مشو و یاد مرا در هیچ حال، فرو مگذار؛ زیرا دارایی بسیار، [زشتی] گناهان را از یاد می برد، و فرو نهادن یاد من، دل ها را سخت می گرداند».

٥٤٥٢. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله لا تُكثِرُوا الكَلَامَ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ كَثْرَةَ الكَلَامِ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ قَسْوَةٌ لِلْقَلْبِ، وَإِنَّ أَبْعَدَ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ الْقَلْبُ الْقَاسِي. (١) ٥٤٥٣. امام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ الْمَسِيحُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَقُولُ: لَا تُكثِرُوا الكَلَامَ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ، فَإِنَّ الَّذِينَ يُكثِرُونَ الكَلَامَ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ قَاسِيَةٌ قُلُوبُهُمْ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ. (٢) ١٠ / ٥ مَوْتُ الْقَلْبِ ٥٤٥٦. امام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: فيما نَجَى اللَّهُ بِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: يَا مُوسَى، لَا تَنْسِيَنِي عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ فَإِنَّ نِسْيَانِي يُمِيتُ الْقَلْبَ. (٣) ١٠ / ٦ ضَنْكُ الْمَعِيشَةِ الْكِتَابُ «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى * قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا * قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى * وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى». ٤

١- سنن الترمذی: ج ٤ ص ٦٠٧ ح ٢٤١١، شُعب الإيمان: ج ٤ ص ٢٤٥ ح ٤٩٥١، الفردوس: ج ٥ ص ٦٥ ح ٧٤٧٥ كُلُّهَا عَنِ ابْنِ عَمْرِو، كَنْزُ الْعَمَالِ: ج ١ ص ٤٢٧ ح ١٨٤٠؛ الْأَمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ: ص ٣ ح ١ عَنِ ابْنِ عَمْرِو، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧١ ص ٢٨١ ح ٢٨.

٢- الكافي: ج ٢ ص ١١٤ ح ١١ عَنِ عَمْرِو بْنِ جَمِيعٍ، الْأَمَالِيُّ لِلْمَفِيدِ: ص ٢٠٩ ح ٤٣ عَنِ ابْنِ سَنَانَ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧١ ص ٣٠١ ح ٧٥؛ الْمَوْطَأُ: ج ٢ ص ٩٨٦ ح ٨ عَنِ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحْوَهُ.

٣- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٨ ح ١١، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ١٣ ص ٣٤٤ ح ٢٤.

۵۴۶۱. الإمام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در غیر یاد خدا پُرگویی نکنید؛ زیرا پُرگویی در غیر یاد خدا، سنگ دلی می آورد، و دورترین مردم از خدا هم شخص سنگ دل است. ۵۴۶۲. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام: مسیح علیه السلام می فرمود: «در غیر یاد خدا، سخن بسیار مگوئید؛ زیرا آنان که در جز یاد خدا سخن بسیار می گویند، دل هایشان سخت است؛ اما خودشان نمی دانند». ۱۰ / ۵ مردن دل ۵۴۵۹. امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام: از جمله سخنان نجوا آمیزی که خدا با موسی علیه السلام گفت، این بود که: «ای موسی! مرا در هیچ حال، فراموش مکن؛ زیرا فراموش کردن من، دل را می میراند». ۱۰ / ۶ زندگی فلاکت بار «و هر کس از یاد من، دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت، و روز رستاخیز، او را نابینا محسور می کنیم. می گوید: «پروردگارا! چرا مرا نابینا محسور کردی با آن که بینا بودم؟». می فرماید: «همان طور که نشانه های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی، امروز، همان گونه فراموش می شوی». و این گونه، هر که را به افراط گراییده و به نشانه های پروردگارش نگرویده است، سزا می دهیم؛ و قطعاً شکنجه آخرت، سخت تر و پایدارتر است». (۱)

۱- .علامة طباطبایی قدس سره می گوید: «فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»، یعنی زندگی سخت و تنگ؛ زیرا کسی که پروردگارش را فراموش کند و از یاد او ببرد، تنها چیزی که برایش می ماند، این است که به دنیا بچسبد و آن را تنها مطلوب خود قرار دهد که برای آن بکوشد و در جهت زندگی اش و توسعه آن و برخورداری از آن، اهتمام ورزد و به آن مقدار از معاش که به او داده شده، کم باشد یا بسیار، بسنده نکند؛ زیرا هر چه به دست آورد و مالک شود، بدان قانع نمی شود و بیشتر و بیشتر می خواهد و نقطه پایانی برای خواسته اش نیست. بنا بر این، هیچ گاه از آنچه به دست می آورد، خرسند نمی شود و به بیشتر از آن دل می بندد. از طرف دیگر، نگرانی و غم و اندوه و تشویش و اضطراب و ترس از دچار شدن به بلاها و روی آوردن ناملایمات، از قبیل مرگ و بیماری و آفت و حسادت بدخواهان و مکر مکاران و به نتیجه نرسیدن تلاش و جدا شدن از عزیزان، بر وی هجوم می آورند، در حالی که اگر مقام پروردگارش را بشناسد و پیوسته به یاد او باشد و فراموشش نکند و یقین کند که نزد پروردگارش حیاتی ناآمیخته با مرگ و ملکی زوال ناپذیر و عزتی دور از ذلت و شادمانی و سرور و رفعت و کرامتی بی اندازه و بی پایان خواهد داشت. نیز یقین خواهد کرد که دنیا، سرای گذر است و زندگی دنیا در برابر با زندگی آخرت، چند صباحی بیشتر نیست. آری! اگر اینها را بداند، آن گاه نفسش به آنچه از دنیا برایش مقدر شده است، خرسند و قانع خواهد شد و به همان زندگی و معاشی که داده شده، بسنده خواهد کرد، بدون آن که در زندگی اش احساس تنگی و سختی کند (المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۱۴ ص ۲۲۵).

١٠ / ٧ شَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرِهَا الْكِتَابُ «قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ * رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ * قَالَ
 اخْسَوْا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ * إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَامَنَّا فَاعْفُ لَنَا وَارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّحِيمِينَ * فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ
 سِخْرِيًّا حَتَّى أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَ كُنْتُمْ مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ». (١)

۱۰ / ۷ بدی دنیا و آخرت

۱۰ / ۷ بدی دنیا و آخرت قرآن «می گویند: «پروردگارا! شقاوت ما بر ما چیره شد و ما مردمی گم راه بودیم . پروردگارا! ما را از این جا بیرون بر . پس اگر باز هم [به بدی] برگشتیم، در آن صورت ، ستمگر خواهیم بود» . می فرماید: «[بروید] در آن ، گم شوید و با من ، سخن مگویید» . در حقیقت، دسته ای از بندگان من بودند که می گفتند: «پروردگارا! ایمان آوردیم. بر ما ببخشای و به ما رحم کن [که] تو بهترین مهربانانی» . و شما آنان (مؤمنان) را به ریشخند گرفتید، تا [با این کار] یاد مرا از خاطرتان بُردند و شما بر آنان می خندیدید» .

«قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَتَّبِعِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَ لَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَ ءَابَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَ كَانُوا قَوْمًا بُورًا». (١)

«وَ عَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا * الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنِ ذِكْرِي وَ كَانُوا لَا يَسْمَعُونَ سَمْعًا». (٢)

«وَ أَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا * وَ أَلْوَسَ يَتَقَمُّوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لِأَسْفَقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا * لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ مَنْ يُعْرِضْ عَنِ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا». (٣)

«قُلْ مَنْ يَكْلُؤْكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنِ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ». (٤)

الحديث ٥٤٦٩. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه و آله: ما من ساعة تمرُّ بابنِ آدَمَ لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ فِيهَا ، إِلَّا تَحَسَّرَ عَلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٥) ٥٤٧٠. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه و آله: نَزَلَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَيَّ ، وَقَالَ لِي : يَا مُحَمَّدُ ! رَبُّكَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ ، وَيَقُولُ لَكَ : كُلُّ سَاعَةٍ تَذْكُرُنِي فِيهَا فَهِيَ لَكَ عِنْدِي مِذْخَرَةٌ ، وَكُلُّ سَاعَةٍ لَا تَذْكُرُنِي فِيهَا فَهِيَ مِنْكَ ضَائِعَةٌ . (٦) ٥٤٧١. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه و آله: لَيْسَ يَتَحَسَّرُ أَهْلُ الْجَنَّةِ كَتَحَسَّرِهِمْ عَلَى سَاعَةٍ مِنْ نَهَارٍ مَضَتْ فِي دَارِ الدُّنْيَا لَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ . (٧)

١- الفرقان : ١٨.

٢- الكهف : ١٠٠ و ١٠١.

٣- الجن : ١٧ ١٥.

٤- الأنبياء : ٤٢ . والكلاءة : حفظ الشيء و تَبَقِيَّتُهُ (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٧٢٥ «كلاً»).

٥- شعب الإيمان : ج ١ ص ٣٩٢ ح ٥١١ ، حليه الأولياء : ج ٥ ص ٣٦٢ كلاهما عن عائشه نحوه ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٢٤ ح ١٨١٩ .

٦- إرشاد القلوب : ص ٤٩.

٧- الفردوس : ج ٣ ص ٤٠٨ ح ٥٢٤٤ عن معاذ بن جبل.

«می گویند: «منزهی تو! ما را نسزد که جز تو، دوستی برای خود بگیریم؛ ولی تو، آنان و پدرانشان را برخوردار کردی تا [آن جا که] یاد [تو] را فراموش کردند و گروهی هلاک شده بودند» .

«و آن روز، جهنم را آشکارا به کافران بنماییم؛ [به] همان کسانی که چشمان [بصیرت] آنها از یاد من در پرده بود، و توانایی شنیدن [حق را] نداشتند» .

«ولی منحرفان، هیزم جهنم خواهند بود و اگر [مردم] در راه درست، پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان می نوشانیم تا در این باره، آنان را بیازماییم، و هر کس از یاد پروردگار خود دل بگرداند، وی را در قید عذابی [روز] افزون در آورد» .

«بگو: «چه کسی شما را شب و روز از [عذاب] رحمان حفظ می کند؟» . [نه ؛] بلکه آنان از یاد پروردگارشان روی گردان اند» .

حدیث ۵۴۷۷. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر لحظه ای که بر آدمی بگذرد و در آن یاد خدا نکند، روز قیامت بر آن لحظه افسوس می خورد. ۵۴۷۲. امام علی علیه السلام (در حکمت های منسوب به ایشان) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل علیه السلام بر من فرود آمد و گفت: ای محمد! پروردگارت به تو سلام می رساند و می فرماید: «هر لحظه ای که در آن [مرا] یاد می کنی، آن لحظه برای تو در نزد من ذخیره می شود، و هر لحظه ای که در آن یاد من نکنی، آن لحظه از تو تباه شده است». ۵۴۷۳. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اهل بهشت، آن گونه که برای ساعتی از روز که در دنیا گذشته و یاد خدا نکرده اند، افسوس می خورند، برای چیز دیگری افسوس نمی خورند . .

٥٤٧٤. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: لَيْسَ يَتَحَسَّرُ أَهْلُ الْجَنَّةِ إِذَا عَلِيَ سَاعَهُ مَرَّتْ بِهِمْ لَمْ يَذْكُرُوا فِيهَا .
 (١) ٥٤٧٥. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَعِدَ مَقْعِدًا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ فِيهِ كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ تِرَةً (٢) ، وَمَنْ اضْطَجَعَ مَضْجَعًا لَا يَذْكُرُ اللَّهَ فِيهِ كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ تِرَةً . (٣) ٥٤٧٦. امام على عليه السلام (در حكمت های منسوب به ايشان)
 عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ اضْطَجَعَ مَضْجَعًا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ فِيهِ كَانَ عَلَيْهِ تِرَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَمَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ فِيهِ كَانَ عَلَيْهِ تِرَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَمَنْ مَشَى مَمَشًى لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ فِيهِ كَانَ عَلَيْهِ تِرَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٤) ٥٤٧٧. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: ما مِنْ قَوْمٍ اجْتَمَعُوا فِي مَجْلِسٍ فَلَمْ يَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ ، وَلَمْ يُصَلُّوا عَلَى نَبِيِّهِمْ ، إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً وَوَبَالًا عَلَيْهِمْ . (٥) ٥٤٧٨. الإمام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: ما جَلَسَ قَوْمٌ مَجْلِسًا لَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ فِيهِ وَلَمْ يُصَلُّوا عَلَى نَبِيِّهِمْ إِلَّا كَانَ عَلَيْهِمْ تِرَةٌ ، فَإِنْ شَاءَ عَذَّبَهُمْ وَإِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُمْ . (٦) ٥٤٧٩. الإمام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: ما مِنْ قَوْمٍ يَقُومُونَ مِنْ مَجْلِسٍ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ فِيهِ ، إِلَّا قَامُوا عَنْ مِثْلِ جِيفَةِ حِمَارٍ ، وَكَانَ لَهُمْ حَسْرَةٌ . (٧) .

- ١- المعجم الكبير : ج ٢٠ ص ٩٤ ح ١٨٢ ، شعب الإيمان : ج ١ ص ٣٩٢ ح ٥١٢ و ٥١٣ ، عمل اليوم والليله لابن السني : ص ٧ ح ٣ كلها عن معاذ بن جبل ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٢٢ ح ١٨٠٦ .
- ٢- تِرَةٌ : أى نقصا ، والهاء فيه عوض من الواو المحذوفه ؛ يقال : وَتَرَهُ يَتَرُهُ تِرَةً . وقيل : أراد بالتُّره هاهنا التَّبِعَهُ (النهايه : ج ٥ ص ١٤٩ «وتر»).
- ٣- سنن أبي داوود : ج ٤ ص ٢٦٤ ح ٤٨٥٦ وص ٣١٤ ح ٥٠٥٩ مع تقديم وتأخير وكلاهما عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ٩ ص ١٤٢ ح ٢٥٤٢٢ وراجع مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٤٢٦ ح ٩٥٨٩ وصحيح ابن حبان : ج ٣ ص ١٣٣ ح ٨٥٣ .
- ٤- شعب الإيمان : ج ١ ص ٤٠٣ ح ٥٤٣ عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٤١ ح ٤٣٩٤٤ .
- ٥- الكافي : ج ٢ ص ٤٩٧ ح ٥ ، عدّه الداعي : ص ٢٣١ وزاد فى آخره «يوم القيامة» وكلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام ، الجعفریات : ص ٢١٥ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٦١ ح ٤٢ .
- ٦- سنن الترمذى : ج ٥ ص ٤٦١ ح ٣٣٨٠ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٥٣٣ ح ١٠٢٨١ ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ٦٧٤ ح ١٨٢٦ كلاهما نحوه وكلها عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ٩ ص ١٤٩ ح ٢٥٤٦٢ .
- ٧- سنن أبي داوود : ج ٤ ص ٢٦٤ ح ٤٨٥٥ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٣٤٠ ح ٩٠٦٢ ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ٦٦٨ ح ١٨٠٨ ، تاريخ بغداد : ج ٩ ص ٣٨٨ كلها عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ٩ ص ١٣٥ ح ٢٥٣٧٢ .

۵۴۸۰. الإمام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اهل بهشت، افسوس نمی خورند، مگر برای لحظاتی که بر آنان گذشته و در آن لحظات، خدا را یاد نکرده اند. ۵۴۸۱. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در مجلسی بنشیند و در آن خدا را یاد نکند، این، از جانب خداوند برای او کاستی به حساب می آید، و هر که در بستری بخوابد و در آن خدا را یاد نکند، بر او از جانب خدا، کاستی به شمار می آید. ۵۴۸۲. الإمام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در بستری بخوابد و در آن، خدا را یاد نکند، روز قیامت، آن خفتن، مایه افسوس او خواهد شد، و هر کس در مجلسی بنشیند و در آن خدا را یاد نکند، روز قیامت، آن مجلس، مایه افسوس او خواهد شد، و هر کس در راهی برود و در آن، خدا را یاد نکند، روز قیامت، آن رفتن، مایه افسوس او خواهد شد. ۵۴۷۸. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه عده ای در مجلسی گرد آیند و نام خداوند عز و جل را نبرند و بر پیامبرشان درود نفرستند، آن مجلس، مایه افسوس و گزند آنان خواهد شد. ۵۴۷۹. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه گروهی در مجلسی بنشینند و در آن مجلس، نام خدا را نبرند و بر پیامبرشان درود نفرستند، آن مجلس، مایه افسوس آنان خواهد شد. اگر خدا خواست، عذابشان می کند و اگر خواست، می بخشدشان. ۵۴۸۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه عده ای مجلسی را به پایان برند که در آن، نام خدا برده نشده است، چنان است که از سر لاشه الاغی برخاسته اند و برایشان مایه افسوس خواهد شد. .

٥٤٨١. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: ما جلس قوم مجلساً لا يذكرون الله فيه ، إلا كان عليهم حسرة يوم القيامة وإن كانوا من أهل الجنة ، يرون ثواب كل مجلس ذكروا الله فيه ولا يرون ثواب ذلك المجلس ، فيكون عليهم حسرة .
 (١) ٥٤٨٢. امام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: ما من مجلس يجتمع فيه أبرار وفجار ، فيقومون على غير ذكر الله عز وجل ، إلا كان حسرة عليهم يوم القيامة . (٢) ٥٤٨٣. عنه عليه السلام: ما اجتمع في مجلس قوم لم يذكروا الله عز وجل ولم يذكرونا ، إلا كان ذلك المجلس حسرة عليهم يوم القيامة .

ثم قال: قال أبو جعفر عليه السلام: إن ذكرنا من ذكر الله ، وذكرنا من ذكر الشيطان . (٣) ٥٤٨٤. الإمام على عليه السلام: داود عليه السلام في مناجاته: إذا رأيتني أجاور مجالس الدائرين إلى مجالس الغافلين فأكسر رجلي ؛ فإنها نعمة تمنع بها علي . (٤) ٥٤٨٥. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: أو أوحى إلي قيل لي: أعلم أن الساعة التي لا تذكرني فيها ليست لك ، ولكنها عليك . (٥) .

١- الدر المثور: ج ٧ ص ٢٤١ نقلاً عن ابن مردويه عن أبي هريره.

٢- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٦ ح ١ عن الفضيل بن يسار ، عنه الداعي: ص ٢٣٢ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٦٨ ح ٢٠ .

٣- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٦ ح ٢ ، عنه الداعي: ص ٢٤١ كلاهما عن أبي بصير ، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٦٨ ح ٢٠ .

٤- ربيع الأبرار: ج ٢ ص ٢٤٧ .

٥- الزهد لابن المبارك: ص ٣٢٨ ح ٩٣٦ عن حسان بن عطيه.

۵۴۸۶. الإمام علیّ علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه گروهی در مجلسی بنشینند و در آن، خدا را یاد نکنند، آن مجلس در روز قیامت، برایشان مایه افسوس است، اگر چه اهل بهشت باشند و ثواب هر مجلسی را که در آن یاد خدا کرده اند، خواهند دید؛ ولی ثواب آن مجلس را نمی بینند و از این رو، مایه افسوس آنان می شود. ۵۴۸۷. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام: هیچ مجلسی نیست که در آن، نیکان و بدان، گرد هم آیند و بی یاد خداوند عز و جل از آن برخیزند، مگر آن که در روز قیامت، آن مجلس، مایه افسوس آنان می شود. ۵۴۸۸. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام: هر گاه گروهی در مجلسی گرد آیند و از خداوند عز و جل و از ما یاد نکنند، آن مجلس، در روز قیامت، مایه افسوس آنان می شود ...

[پدرم] امام باقر علیه السلام فرمود: «یاد کردن از ما، یاد کردن از خداست، و یاد کردن از دشمن ما، یاد کردن از شیطان است». ۵۴۸۹. عنه علیه السلام: داوود علیه السلام در مناجاتش: هر گاه مرا دیدی که از مجالس یاد کنندگان [خدا] به مجالس غافلان [از یاد خدا] رفتم، پایم را بشکن؛ زیرا این کار، لطفی است که به من می کنی. ۵۴۸۳. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به من گفته شد (/ به من وحی شد) که: بدان آن ساعتی که در آن از من یاد نکنی، آن ساعت به سود تو نیست؛ بلکه به زیان توست ..

٥٤٨٤. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: أوحى الله تعالى إلى داوود عليه السلام: يا داوود، كُلُّ سَاعَةٍ لَا تَذْكُرُنِي فِيهَا عَدِمَتْهَا مِنْ سَاعَةٍ. (١) ٥٤٨٥. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ تَخَيَّلَ وَاخْتَالَ وَنَسِيَ الْكَبِيرَ الْمُتَعَالِ، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ تَجَبَّرَ وَاعْتَدَى وَنَسِيَ الْجَبَّارَ الْأَعْلَى، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ سَيَّهَا وَلَهَا وَنَسِيَ الْمَقَابِرَ وَالْبِلَى، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ عَتَا وَطَغَى وَنَسِيَ الْمُبْتَدَا وَالْمُنْتَهَى، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَخْتَلُ الدُّنْيَا بِالدِّينِ (٢)، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَخْتَلُ الدِّينَ بِالشُّبُهَاتِ، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ طَمَعٌ يَقْوَدُهُ، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ هَوَى يُضِلُّهُ، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ رَغَبٌ يَذُلُّهُ. (٣) ٥٤٨٦. امام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام: إلهي إنَّه مِن لَسَمٍ يَشْغَلُهُ الْوُلُوعُ بِذِكْرِكَ، وَلَمْ يَزُوهِ السَّفَرُ بِقُرْبِكَ، كَانَتْ حَيَاتُهُ عَلَيْهِ مَيْتَةً، وَمَيْتَتُهُ عَلَيْهِ حَسْرَةً. (٤) ٥٤٨٧. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله في مَوْعِظَتِهِ لِابْنِ مَسْعُودٍ: يَا بَنَ مَسْعُودٍ، قَالَ تَعَالَى: «وَمَنْ يَعِشْ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ * وَإِنَّهُمْ لَيُصَدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ * حَتَّى إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَلَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ». (٥)

يَابْنَ مَسْعُودٍ، إِنَّهُمْ لَيَعْبُونَ عَلَى مَنْ يَقْتَدِي بِسِيَّتِي وَفَرَائِضِ اللَّهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّى أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ * إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ» (٦). (٧).

- ١- إرشاد القلوب: ص ٤٩، سعد السعود: ص ٤٨ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ١٥ ص ٢٤٠ ح ٥٨.
- ٢- يَخْتَلُ الدُّنْيَا بِالدِّينِ: أى يطلب الدنيا بعمل الآخرة؛ يقال: خَتَلَهُ يَخْتَلُهُ؛ إِذَا خَدَعَهُ وَرَاوَعَهُ (النهاية: ج ٢ ص ٩ «ختل»).
- ٣- سنن الترمذى: ج ٤ ص ٦٣٢ ح ٢٤٤٨، المعجم الكبير: ج ٢٤ ص ١٥٦ ح ٤٠١، المستدرک على الصحيحين: ج ٤ ص ٣٥١ ح ٧٨٨٥، شعب الإيمان: ج ٦ ص ٢٨٧ ح ٨١٨١ كلها عن أسماء بنت عميس الخثعمية نحوه، كنز العمال: ج ١٦ ص ٩٧ ح ٤٤٠٥٤ وراجع النوادر للراوندى: ص ١٤٥ ح ١٩٨.
- ٤- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٩٥ ح ١٢ نقلًا عن الكتاب العتيق الغروى عن نوف البكالى.
- ٥- الزخرف: ٣٦ ٣٨.
- ٦- المؤمنون: ١١٠ و ١١١.
- ٧- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٥١ ح ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٠٢ ح ١.

۵۴۸۸. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی فرمود که: «ای داوود! هر ساعتی که در آن از من یاد نکنی، آن ساعت را تلف کرده ای». ۵۴۸۹. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بد بنده ای است بنده ای که خودبین و متکبر باشد و خدای بزرگ و بلندمرتبه را فراموش کند. بد بنده ای است آن بنده ای که گردن فراز و متجاوز باشد و خدای جبار والا را فراموش کند. بد بنده ای است آن بنده ای که فراموشکار و غافل باشد و قبرستان و پوسیده شدن [جسم خود] را فراموش کند. بد بنده ای است آن بنده ای که سرکشی و طغیان کند و آغاز و فرجام [خود] را فراموش کند. بد بنده ای است آن بنده ای که دین را وسیله رسیدن به دنیا قرار دهد. بد بنده ای است آن بنده ای که با شبههها در کمین دین بنشیند. بد بنده ای است آن بنده ای که طمع، جلودار او باشد. بد بنده ای است آن بنده ای که هوس، گم راهش کند. بد بنده ای است آن بنده ای که خواهش، خوارش کند. ۵۴۹۰. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: معبودا! کسی که وَّلَع یاد تو، او را به خود مشغول نسازد و به جوار قرب تو رخت سفر برنهد، زندگی اش برای او مرگ است، و مُردنش مایه حسرت او. ۵۴۹۱. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اندرزش به ابن مسعود: ای پسر مسعود! خدای متعال فرموده است: «و هر که از یاد [خدای] مهربان، روی گرداند، بر او شیطانی بر گمارم که همنشین وی باشد. و آنان، ایشان را از راه، باز می دارند و گمان می برند که ره یافته اند، تا آن که چون نزد ما آید، می گوید: ای کاش میان من و تو، دوری خاور و باختر بود. پس چه بد همنشینی است!». .

ای پسر مسعود! آنان بر کسی که از سنّت من و واجبات خدا پیروی کند، خُرده می گیرند. خداوند متعال فرموده است: «پس ایشان را به ریشخند گرفتید تا آن که یادم را از خاطر شما بردند و شما بر آنان می خندیدید. من امروز به سبب شکیبی که کردند، به آنان پاداش دادم، و آنان رستگارند». .

٥٤٩٢. عنه عليه السلام: علل الشرائع عن المفضل بن عمر: سألتُ أبا عبدِ اللهِ جعفرَ بنَ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ عليه السلامَ عَنِ العِشْقِ ، فَقالَ : قُلُوبٌ خَلَّتْ مِنْ ذِكْرِ اللهِ ، فَأَذاقَها اللهُ حُبَّ غَيرِهِ . (١).

١- علل الشرائع : ص ١٤٠ ح ١ ، الأمالى للصدوق : ص ٧٦٥ ح ١٠٢٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٥٨ ح ١ .

۵۴۹۳. عنه عليه السلام: علل الشرائع به نقل از مفضل بن عمر: از ابو عبد الله امام صادق عليه السلام در باره عشق پرسیدم .
فرمود: «دل هایی هستند که از یاد خدا تهی شده اند و خداوند هم محبت غیر خود را به آنها چشانیده است» . .

تحلیلی در باره برکات یاد خدا و زیان های فراموش کردن او

۱. جامع ترین برکات یاد خدا

تحلیلی در باره برکات یاد خدا و زیان های فراموش کردن او چنان که گفتیم ، یاد خدا ، رمز خودسازی و سازندگی ، و کلید ارتقا به سوی کمالات و مقامات انسانی است . یاد خدا ، بهترین سرمایه تأمین رفاه فردی و اجتماعی ، مادی و معنوی ، و دنیوی و اخروی است و در یک جمله : یاد خدا ، یاد خویش است و از یاد بُردن او ، از یاد بُردن خود! آنچه را در قرآن و احادیث اسلامی برای تبیین این حقیقت آمده ، در چند عنوان می توان خلاصه کرد :

۱. جامع ترین برکات یاد خداوند متعال ، وعده قطعی داده است که هر کس او را یاد کند ، او نیز متقابلاً یاد کننده خود را یاد می نماید ، و این ، جامع ترین برکت ذکر است : «فَاذْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ . (۱) مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم» . همه آثار و برکات ذکر ، در جمله «أذْكَرُكُمْ ؛ تا شما را یاد کنم» خلاصه شده است و بی تردید ، یاد کردن خداوند متعال از یاد کننده خود ، به معنای توجه علمی به او نیست ؛ چرا که توجه علمی (آگاهی داشتن) او به همه چیز و همه کس ،

۲. نقش یاد خدا در آفت زدایی از زندگی

۳. نقش یاد خدا در سازندگی جان

یکسان است؛ بلکه مقصود، یاد کردن با نعمت و رحمت و احسان و رضوان است (۱) و بدین سان، مراتب نعمت و رحمت متقابل الهی نسبت به یاد کننده خود، متناسب با مراتب ذکر اوست. هر چه ذکر، عمیق تر و گسترده تر باشد، برکات الهی، ذاکر را بیشتر فرا خواهد گرفت. بر این اساس، همه آثار و برکات ذکر که در عنوان دوم به بعد از فصل نهم آمده است، در واقع، تبیین چگونگی یاد کردن خدا از یاد کننده خود و تشریح نعمت هایی است که در نتیجه ذکر، عاید ذاکر می گردد.

۲. نقش یاد خدا در آفت زدایی از زندگینخستین اثر یاد کردن متقابل خداوند از ذاکر، آفت زدایی از زندگی اوست. همه آیات و احادیثی که می گویند ذکر، شیطان را از انسان دور می کند، گناهان را پاک می کند و بلکه به حَسِنَات تبدیل می نماید، بیماری های جان را درمان می کند و دل را سالم می سازد، (۲) در واقع، تبیین کننده نقش ذکر در رفع آسیب های زندگی اند.

۳. نقش یاد خدا در سازندگی جانناثر دیگر ذکر، سازندگی جان و پرورش روح است. آدمی در پرتو یاد خدا، دلش آرام می گیرد، سینه اش گشاده می گردد، روحش صیقل می یابد و جانش زنده و قلبش آباد می شود (۳) و بدین سان، به کمالات والای معنوی و مقامات بلند انسانی دست می یابد.

۱- ر. ک: فصل نهم، باب ۱ و ۲۶.

۲- ر. ک: فصل نهم، باب های ۲، ۶، ۷، ۱۸، ۲۸ و ۳۰.

۳- ر. ک: به فصل نهم، باب های ۳، ۴، ۵، ۸، ۹ و ۲۷.

۴. نقش یاد خدا در پیدایی علم و حکمت و عصمت روانی

۵. نقش ذکر در نیکوکاری و خوش نامی

۶. نقش ذکر در تأمین رفاه مادی و حل مشکلات زندگی

۴. نقش یاد خدا در پیدایی علم و حکمت و عصمت روانیاد خدا، دل را نورانی می کند و انسان در پرتو این نورانیت، به علم، نور و حکمت حقیقی دست می یابد و در نتیجه، به نیروی بینش و بصیرت الهی مجهز می گردد و حقایقی را دریافت می کند که از مجاری تعلیم و تعلم، قابل تحصیل نیستند و در این هنگام، ایمان او به حقایق غیبی تقویت می گردد و به مرتبه یقین می رسد و یقین، او را به مرز عصمت، نزدیک می گرداند. (۱)

۵. نقش ذکر در نیکوکاری و خوش نامیاد خدا، هنگامی که در جان نفوذ کند، خودخواهی را که به گفته امام خمینی قدس سره، «اصل اصول فتنه ها» (۲) و ریشه رذایل اخلاقی است از بین می برد و جای خود را به خدا خواهی می دهد و بدین سان، همه کارهای انسان، نیکو می گردد و انسان نیکوکار، در دنیا و آخرت، خوش نام خواهد بود. (۳)

۶. نقش ذکر در تأمین رفاه مادی و حل مشکلات زندگیاد خدا، علاوه بر این که کلید رسیدن به کمالات معنوی است، موجب گشایش در کارها و حل مشکلات زندگی و تأمین نیازهای مادی نیز هست؛ زیرا ذکر، تقوا می آفریند و خداوند متعال، تأمین نیازها و حل مشکلات انسان های

۱- ر. ک: فصل نهم، باب های ۱۰۱۲ و ۲۴.

۲- ر. ک: صحیفه امام: ج ۲۰ ص ۱۵۴، نامه امام خمینی قدس سره به فرزندش حاج سید احمد خمینی، مورخ پانزدهم ربیع اول ۱۴۰۷: «... فرزندم! از خودخواهی و خودبینی به در آی که این، ارث شیطان است... و بدان که تمام گرفتاری های بنی آدم، از این ارث شیطانی است که اصل اصول فتنه است». ظاهراً مقصود امام از «اصول فتنه»، اخلاق رذیله است که ریشه در خودخواهی و خودبینی و انانیت انسان دارد.

۳- ر. ک: فصل نهم، باب های ۱۶ و ۱۷.

۷. نقش ذکر در محبت

۸. نقش ذکر در تأمین خیر دنیا و آخرت

پرهیزگار را تضمین کرده است. (۱) به سخن دیگر، یکی از مصادیق یاد کردن خدا از یاد کننده خود، تأمین نیازها و حل مشکلات اوست. (۲)

۷. نقش ذکر در محبت بزرگ ترین برکت یاد خدا و مهم ترین ثمره آن، محبت خداست. ذکر، در نخستین گام، ذاکر را از آلودگی های اخلاقی و عملی پاک می کند و زمینه نزدیک شدن او به بساط قرب الهی را فراهم می سازد و در گام دوم، انسان را به پروردگار خود، نزدیک می نماید و به تدریج، انسان با خدا انس می گیرد و به او عشق می ورزد و در گام سوم، محبت حقیقی، زمینه کمال معرفت و دیدار قلبی خدا را که مقصد اعلاای عارفان است فراهم می سازد و ذاکرانی که به این مقصد رسیده اند، پیشتاز نیکان در قیامت اند. (۳)

۸. نقش ذکر در تأمین خیر دنیا و آخرت در آغاز این مقال، توضیح دادیم که جامع ترین برکت ذکر، یاد کردن متقابل خداوند متعال از یاد کننده خویش است و در ادامه آن، با الهام گرفتن از قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام یادکرد متقابل خداوند را به آفت زدایی از زندگی، سازندگی جان، رسیدن به علم و حکمت و عصمت روانی، نیکوکاری و خوش نامی، تأمین رفاه مادی و در نهایت، دستیابی به کیمیای محبت خدا و مقصد اعلاای انسانیت، تفسیر کردیم. اکنون می گوئیم که جامع ترین تفسیر یاد متقابل خداوند، تأمین خیر دنیا و

۱- ر. ک: فصل نهم، باب های ۱۳۱۵.

۲- «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛ و هر که از خدا پروا کند، خدا برای او گشایشی فراهم می سازد و از جایی که گمان نمی برد، او را روزی می بخشد» (طلاق: آیه ۲ و ۳).

۳- ر. ک: فصل نهم، باب های ۲۰ ۲۳ و ۳۳ و ۳۴.

۹. زیان های فراموش کردن خدا

آخرت ذاکر است. این تفسیر را از کلام دقیق و زیبای امام زین العابدین علیه السلام در صحیفه سجادیه در مقام نیایش، اخذ کردیم که در پایان دعای «مکارم الأخلاق»، گویی به عنوان فشرده خواست های خود از خداوند متعال، در این دعا می فرماید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتُبَّهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهَلَّةِ، وَانْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (۱) بار خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و در اوقات غفلت، مرا به یاد خودت متوجه گردان و در روزهای مهلت (زندگی)، مرا به طاعتت برگمار و مرا در راهی آسان و هموار به سوی محبتت ببر و با آن محبت، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل گردان. از این سخن نورانی می توان چنین استنباط کرد که اگر بیماری غفلت در انسان درمان شود و یاد خدا در دل او تداوم یابد، یاد حقیقی خدا، زمینه ساز فرمائبری مطلق از اوست و بدین سان، انسان می تواند با یاری پروردگار، به آسانی به کیمیای محبت او دست یابد و با این کیمیا، خیر دنیا و آخرت خود را کامل نماید. (۲)

۹. زیان های فراموش کردن خدا همان گونه که جامع ترین برکت یاد خدا، یاد کردن متقابل پروردگار از ذاکر است، خطرناک ترین زیان فراموشی خداوند متعال، فراموشی متقابل فراموشکار

۱- ر. ک: ص ۲۷۸ ح ۴۹۹.

۲- برای توضیح بیشتر در این زمینه، ر. ک: دوستی در قرآن و حدیث، ص ۴۳۱ (تحقیقی در باره بنیاد محبت خدا).

از جانب خداوند متعال است که به معنای رها کردن فراموشکار و قطع رحمت از او خواهد بود. هنگامی که انسان به حال خود رها شود، دچار خودفراموشی می‌گردد: «نَسُوا اللَّهَ فَاُنْسَاهُمْ اَنْفُسِهِمْ» (۱) [به کلی] خدا را فراموش کردند، خدا هم نفوس آنان را از یادشان برد. در این حال، شیطان بر آدمی مسلط می‌گردد و او را به کارهای ناشایست، و او را در اثر گناه، آینه دلش زنگار می‌گیرد و به قساوت قلب، مبتلا می‌شود. زندگی، بر چنین انسانی، سخت و تنگ می‌گردد و انواع بدی‌ها، مصیبت‌ها و گرفتاری‌های دنیا و آخرت، او را احاطه می‌نمایند. (۲)

۱- حشر: آیه ۱۹.

۲- ر. ک: ص ۲۸۱ (زیان‌های فراموش کردن خدا).

بخش دوم : بسمله (گفتنِ «بسم الله»)

اشاره

بخش دوم: بسمله: (گفتنِ «بسم الله») شامل: در آمد فصل یکم: تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» فصل دوم: ویژگی های «بسم الله الرحمن الرحيم» فصل سوم: جایگاه های ذکر «بسم الله» فصل چهارم: آثار «بسم الله» فصل پنجم: آداب «بسم الله» گفتن

درآمدواژه‌شناسی «بِسْمَلَه» واژه «بِسْمَلَه»، مصدری است که از جمله «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» گرفته شده است و به همین جهت، به آن، مصدر جعلی یا منحوت گفته می‌شود؛ مانند «حوقله» که مصدر جعلی «لا- حول و لا- قوه إلّا بالله» است و «هیلله» که مصدر جعلی «لا إله إلّا الله» است. بنا بر این، معنای کلمه «بِسْمَلَه»، گفتن یا نوشتنِ ذکر «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» است. ابن سِتِّکِیت می‌گوید: گفته می‌شود: من «بِسْمَلَه» را افزودم؛ یعنی: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» را بسیار گفتم. (۱) اما مقصود ما از «بِسْمَلَه» در عنوان بخش دوم این کتاب، اشاره به متونی است که در باره تفسیر «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» و ویژگی‌ها، فضایل، کاربردها و آداب گفتن این ذکر مبارک، وارد شده است. البته پیش از آن، توجه به این نکات، سودمند است:

۱. معنای «اسم»**۲. فرق اسم و صفت****۳. اتحاد اسم و صفت در باره خداوند**

۱. معنای «اسم» در باره ریشه واژه «اسم»، اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را برگرفته از «وَسْم» به معنای علامت می دانند و برخی آن را مشتق از «سَيْمُو» به معنای علو و رفعت گفته اند؛ ولی با این وصف، می پذیرند که از لحاظ معنای لغوی به مفهوم نشانه است. (۱)

۲. فرق اسم و صفتصفت، دو معنا دارد. گاه به معنای مصدر «وصف» است و گاه به معنای اسم مصدر، یعنی علامت و نشانه ای که یکی از ویژگی های موصوف را بیان می کند. بنا بر معنای دوم، اسم و صفت، هر دو به معنای علامت و نشانه مسما و موصوف اند و تنها تفاوت آنها این است که اسم، شامل هر گونه علامتی می شود؛ اما صفت، علامت خاص است و در اصطلاح، نسبت میان آنها عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر صفتی اسم نیز هست و هر اسمی صفت نیست. مثلاً «زید» اسم است؛ ولی صفت نیست؛ لیکن «عالم»، هم اسم است و هم صفت.

۳. اتحاد اسم و صفت در باره خداوند در احادیث اسلامی، اسم و صفت، در مورد خداوند متعال، یک معنا دارند. مثلاً «سمیع» و «بصیر» در برخی از احادیث، به عنوان صفت معرفتی شده اند (۲) و در برخی از احادیث به عنوان اسم (۳) و برخی از احادیث، تصریح می کنند که اسما و

۱- ر. ک: الإنصاف فی مسائل الخلاف بین النحویین: ج ۶ ص ۱۶، المصباح المنیر: ص ۲۹۰، لسان العرب: ج ۱۴ ص

۴۰۱، مشکل إعراب القرآن: ج ۱۰ ص ۶.

۲- التوحید: ص ۱۴۶ ح ۱۴.

۳- التوحید: ص ۱۸۷.

۴. معنای اسما و صفات الهی

صفات خداوند ، تفاوتی ندارند ، چنان که از امام باقر علیه السلام نقل شده است: **إِنَّ الْأَسْمَاءَ صِفَاتٌ وَصَفَ بِهَا نَفْسَهُ** . (۱) نام حاج ی خدا ج ، صفاتی هستند که خداوند ، با آنها خود را وصف کرده است . و نیز امام رضا علیه السلام در پاسخ محمد بن سنان که از «اسم» پرسیده بود ، فرمود : **صِفَةٌ لِمَوْصُوفٍ** (۲) . (۳) صفتی است برای یک موصوف . بر این اساس ، از منظر احادیث اسلامی ، همه نام های خداوند (أَسْمَاءُ اللَّهِ) ، صفات اویند و همه صفات خداوند ، نام های او . به سخن دیگر ، ظاهرا خداوند متعال ، اسم جامد و غیر مشتق که فقط علامت باشد ، ندارد و در همه اسمای او ، صفتی از صفات الهی لحاظ شده و حتی نام «الله» ، ریشه اشتقاق دارد . (۴)

۴. معنای اسما و صفات الهینکته بسیار دقیقی که در احادیث اهل بیت علیهم السلام در تبیین معنای اسما و صفات الهی آمده ، این است که آنها هویتی جدا از ذات مقدس الهی ندارند ، چنان که از امام

۱- ر . ک : ص ۳۱۸ ح ۵۳۰ .

۲- علماء مجلسی می گوید : جمله «صفتی است برای یک موصوف» ؛ یعنی نشانه و علامتی است که بر یک ذات ، دلالت می کند . پس اسم ، غیر از ذات است . یا به این معناست که : نام های خداوند متعال ، دلالت بر صفاتی دارند که بر او صدق می کنند . یا مراد از اسم در این جا همان است که پیش تر بدان اشاره کردیم ؛ یعنی مفهوم کلی ای که لفظ برای آن وضع می شود (مرآة العقول : ج ۲ ص ۳۱) .

۳- ر . ک : ص ۳۱۸ ح ۵۲۹ .

۴- ر . ک : ص ۳۱۸ ح ۵۳۱ .

۵. معنای ذکر «بسم الله»

رضا علیه السلام روایت شده است: **أَسْمَاؤُهُ تَعْبِيرٌ، وَأَفْعَالُهُ تَفْهِيمٌ، وَذَاتُهُ حَقِيقَةٌ.** (۱) نام های او تعبیرند و افعالش برای تفهیم و ذاتش حقیقت است. همچنین امام رضا علیه السلام می فرماید: **الِاسْمُ غَيْرُ الْمُسَمَّى، فَمَنْ عَبَدَ الْإِسْمَ دُونَ الْمَعْنَى فَقَدْ كَفَرَ وَ لَمْ يَعْبُدْ شَيْئًا، وَ مَنْ عَبَدَ الْإِسْمَ وَ الْمَعْنَى فَقَدْ كَفَرَ وَ عَبَدَ اثْنَيْنِ، وَ مَنْ عَبَدَ الْمَعْنَى دُونَ الْإِسْمِ فَذَاكَ التَّوْحِيدُ.** (۲) نام، غیر از نامور است. پس هر که نام را پرستد و نه معنا را، او کافر است و چیزی را نپرستیده است، و هر که نام و معنا را پرستد، او کافر است و دو چیز را پرستیده است، و هر که معنا را پرستد، نه نام را، این یکتاپرستی است. بنا بر این، استعمال اسمای الهی، از یک سو نباید به گونه ای باشد که فاقد مفهوم و معنا باشد تا موجب تعطیل معرفت خداوند متعال گردد، چنان که از سوی دیگر، نباید برای آنها مفهومی جدا از ذات باری تعالی تصور کرد تا به تشبیه و شرک منتهی گردد؛ بلکه اسما و صفات الهی، چیزی جز تعبیر از ذات واجد همه کمالات و فاقد تمام کاستی ها نیستند.

۵. معنای ذکر «بسم الله» بر پایه آنچه شیخ صدوق در تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» از امام رضا علیه السلام روایت کرده است، ذکر «بسم الله»، در حقیقت، به معنای «نشان بندگی خدا را بر خود گذاشتن» است. متن روایت، چنین است:

۱- ر. ک: ص ۳۲۲ ح ۵۳۴.

۲- ر. ک: ص ۳۲۰ ح ۵۳۱.

مَعْنَى قَوْلِ الْقَائِلِ : «بِسْمِ اللَّهِ» ، أَى أُسْمُ عَلَى نَفْسِي سَمَهُ مِنْ سِمَاتِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ وَ هِيَ الْعِبَادَةُ . (۱) وقتی گوینده می گوید : «به نام خدا» ، یعنی : نشان و داغی از نشان ها و داغ های خداوند عز و جلرا بر خود می نهم که همان بندگی باشد . این تفسیر زیبا و دقیق ، بدان معناست که تنها کسی می تواند در گفتن این ذکر هنگام انجام دادن کارها صادق باشد که حقیقتاً خود را مستقل نداند ، بلکه بنده خدا بداند ؛ چرا که این ذکر ، نشانه بندگی است . به تعبیر دیگر ، کسی می تواند صادقانه «بِسْمِ اللَّهِ» بگوید که باور کرده باشد هیچ توان و نیرویی برای انجام دادن کار ، جز از جانب خداوند متعال نیست : «و لا حول و لا قوه إلا بالله» . چنین کسی به بیان منقول از امیر مؤمنان در تفسیر «بِسْمِ اللَّهِ» ، می تواند بگوید : بِهَذَا الْإِسْمِ أَعْمَلُ هَذَا الْعَمَلَ . (۲) با این نام ، این کار را به انجام می رسانم . اما کسی که برای خداوند متعال در کار خود ، نقشی قائل نیست ، نمی تواند علامت بندگی بر خود بگذارد و ذکر شریف «بِسْمِ اللَّهِ» را صادقانه بر زبان جاری سازد . گفتنی است که در برخی از منابع ، در تفسیر «بِسْمِ اللَّهِ» از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود : لَوْ شِئْتُ لَأَوْقَرْتُ سَبْعِينَ بَعِيرًا مِنْ بَاءِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (۳)

۱- ر. ک : ص ۳۳۰ ح ۵۳۸ .

۲- ر. ک : ص ۳۳۰ ح ۵۳۹ .

۳- عوالی اللّٰهالی : ج ۴ ص ۱۰۲ ح ۱۵۰ ، إحقاق الحق : ج ۷ ص ۵۹۵ نقلاً عن الشعرائی فی لطائف المنن ، وفیه «... لکم ثمانین بعیراً من معنی الباء» .

۶. عظمتِ ذکر «بسم الله»

اگر می خواستم ، هفتاد شتر را از تفسیر بای «بسم الله الرحمن الرحيم» بار می کردم . اما در برخی روایات ، به جای «من باء بسم الله الرحمن الرحيم» ، عبارت «فی تفسیر فاتحه الكتاب» (۱) آمده است که در این صورت ، ارتباطی با این بحث ندارد ؛ لیکن هر دو روایت ، فاقد سند معتبرند و از این دو روایت ضعیف تر ، حدیثی است که به امام علی علیه السلام نسبت داده شده که فرمود : *أَنَا التَّقِطَةُ الَّتِي تَحْتَ الْبَاءِ الْمَبْسُوطَةِ* . (۲) من ، همان نقطه زیر بای کشیده هستم .

۶. عظمتِ ذکر «بسم الله» در احادیث اسلامی ، شش ویژگی برجسته برای «بسم الله الرحمن الرحيم» آمده است . این ویژگی ها عبارت اند از : ۱ . نزدیک ترین نام خدا به اسم اعظم است ؛ ۲ . همه کتاب های آسمانی ، با این نام آغاز شده اند ؛ ۳ . نخستین سخنی است که بر پیامبر خدا نازل شد ؛ ۴ . ارجمندترین آیه قرآن است ؛ ۵ . تاج سوره های قرآن است ؛ (۳)

۱- المناقب ، ابن شهر آشوب : ج ۲ ص ۴۳ .

۲- مشارق أنوار الیقین : ص ۲۱ . در ینابیع المودّه : ج ۱ ص ۲۱۳ ح ۱۵ آمده : «در الدُّرِّ الْمُنْتَظَمِ آمده است : همه اسرار کتاب های آسمانی ، در قرآن آمده و همه آنچه در قرآن هست ، در سوره فاتحه آمده است و همه آنچه در سوره فاتحه هست ، در «بسم الله» آمده است و همه آنچه در «بسم الله» آمده است ، در نقطه زیر باء هست . امام علی علیه السلام فرموده است : «و من ، نقطه زیر باء [بسم الله] هستم» .

۳- به استثنای سوره توبه .

۷. فضیلت تعلیم «بسم الله»**۸. برکات ذکر «بسم الله»**

۶. جزئی از نماز است. هر چند حکمت و حقیقت این ویژگی ها، برای ما به طور کامل معلوم نیست؛ لیکن بی تردید، این ویژگی ها نشان دهنده عظمت این ذکر و نقش مؤثر و تعیین کننده آن در خودسازی و سازندگی است. همچنین آداب گفتن (۱) و نوشتن و تأکید در برخورد توأم با احترام با نوشته این ذکر، دلیل دیگری بر اهمیت آن است.

۷. فضیلت تعلیم «بسم الله» عظمت این ذکر و نقش آن در خودسازی و سازندگی، ایجاب می کند که تعلیم آن، از فضیلت فوق العاده ای برخوردار باشد. از این رو، شگفت آور نیست که پیامبر خدا می فرماید: **إِنَّ الْمُعَلَّمَ إِذَا قَالَ لِلصَّبِيِّ: قُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، فَقَالَ الصَّبِيُّ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، كَتَبَ اللَّهُ بَرَاءَةً لِلصَّبِيِّ، وَ بَرَاءَةً لِلْمُعَلِّمِ، وَ بَرَاءَةً لِأَبَوَيْهِ مِنَ النَّارِ.** (۲) معلم، هر گاه به کودک بگوید: **بگو: «بسم الله الرحمن الرحيم»** و کودک بگوید: **«بسم الله الرحمن الرحيم»**، خداوند، یک برات آزادی از دوزخ برای کودک، یکی برای معلم و یکی برای پدر و مادر او می نویسد.

۸. برکات ذکر «بسم الله» ذکر «بسم الله» در آغاز هر کار، همان طور که نشانه عبودیت ذاکر است، صبغه

۱- ر. ک: ص ۴۰۹ (آداب «بسم الله گفتن»).

۲- تفسیر القرطبی: ج ۱ ص ۳۳۶، الکشف و البیان (تفسیر الثعلبی): ج ۱ ص ۹۱؛ مجمع البیان: ج ۱ ص ۹۰، جامع الأخبار: ص ۱۱۹ ح ۲۱۴، بحار الأنوار: ج ۹۲ ص ۲۵۷ ح ۵۲.

۹. چه کاری را باید با «بسم الله» آغاز کرد؟

الهی بودن کار را نیز می‌رساند، بدین معنا که این ذکر، کار را در جهت اهداف خداپسند قرار می‌دهد و از این رو، کاری که با «بسم الله» آغاز شود، رنگ الهی می‌گیرد و چون خداوند متعال، باقی و مبدأ برکات است، آن کار نیز باقی و پر برکت و سودمند خواهد بود، چنان که در حدیث قدسی آمده است: إِذَا قَالَ الْعَبْدُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: يَبْدَأُ عَبْدِي بِاسْمِي، وَحَقُّ عَلَيَّ أَنْ أُتَمِّمَ لَهُ أُمُورَهُ، وَأُبَارِكَ لَهُ فِي أَحْوَالِهِ... (۱) هر گاه بنده بگوید: «به نام خداوند مهرگستر مهربان» خداوند جلّ جلاله می‌فرماید: «بنده ام به نام من آغاز کرد. بر من است که کارهایش را برای او تمام گردانم و به او در احوالش برکت دهم...». بر این اساس، آنچه در فصل چهارم در تبیین خواص «بسم الله» آمده (مانند: پناهجویی، درمان، اجابت دعا، تسبیح گفتن کوه‌ها همراه با ذاکر، حقیر شدن شیطان، مصونیت از شرّ اشرار، مصونیت از غرق شدن، دفع بلا و وحشت، سنگین شدن میزان عمل و رهایی از آتش دوزخ)، همه این امور در حقیقت، تبیین و تفصیل برکات این ذکر مبارک است. البته باید توجه داشت که این برکات، در صورتی تحقق خواهند یافت که ذاکر، صادقانه این ذکر را بر زبان جاری سازد و هر چه صداقت او در گفتن این ذکر بیشتر شود، برکات بیشتری نصیب او خواهد شد.

۹. چه کاری را باید با «بسم الله» آغاز کرد؟ با عنایت به آنچه در تبیین برکات «بسم الله» بدان اشارت رفت، گفتن این ذکر در آغاز هر کاری نیکوست. از امام علی علیه السلام روایت شده است:

فَكُلُّ أَمْرٍ يَعْمَلُهُ يَبْدَأُ فِيهِ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَإِنَّهُ يُبَارَكُ لَهُ فِيهِ . (۱) هر کاری را که ج آدمی ج انجام می دهد ، چنانچه با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز کند ، در آن کار به او برکت داده می شود . لیکن در موارد خاصی ، گفتن این ذکر از اهمیت و برکت بیشتری برخوردار است و آن ، مواردی است که در فصل سوم ، به تفصیل خواهد آمد .

الفصل الأول: تفسير البسملة ١ / امعنى الاسم ٥٥١٥. امام على عليه السلام: الكافي عن محمد بن سنان عن الإمام الرضا عليه السلام، قال: سألته عن الاسم ما هو؟ قال: صفة لموصوف (١). (٢) ٥٥١٦. امام على عليه السلام: الكافي عن عبد الرحمن بن أبي نجران: كتبت إلى أبي جعفر عليه السلام أو قلت له: جعلني الله فداك! نعبد الرحمن الرحيم الواحد الأحد الصمد؟ قال: فقال: إن من عبد الاسم دون المسمى بالأسماء شرك وكفر وجحد ولم يعبد شيئا، بل عبد الله الواحد الأحد الصمد المسمى بهذه الأسماء دون الأسماء، إن الأسماء صفات وصف بها نفسه. (٣) ٥٥١٧. امام على عليه السلام: الكافي عن هشام بن الحكم عن الإمام الرضا عليه السلام عندما سأله عن أسماء الله واشتقاقها: يا هشام، الله مشتق من إله، والإله يقتضى مألوها، والاسم غير المسمى، فمن عبد الاسم دون المعنى فقد كفر ولم يعبد شيئا، ومن عبد الاسم والمعنى فقد كفر (٤). وعبد اثنين، ومن عبد المعنى دون الاسم فذاك التوحيد، أفهمت يا هشام؟ قال: فقلت: زدني! قال:

إن لله تسعة وتسعين اسما، فلو كان الاسم هو المسمى لكان كل اسم منها إله، ولكن الله معني يدل عليه بهذه الأسماء، وكلها غيره. يا هشام، الخبز اسم للمأكل، والماء اسم للمشروب، والثوب اسم للملبوس، والنار اسم للمحرق، أفهمت يا هشام فهما تدفع به وتناضل (٥) به أعداءنا والمتخذين مع الله جل وعز غيره؟ قلت: نعم، قال: فقال: نفعك الله به وتبتك يا هشام.

قال هشام: فوالله ما قهرني أحد في التوحيد حتى قمت مقامى هذا. (٦).

١- قال العلامة المجلسي قدس سره: قوله عليه السلام: «صفة لموصوف»، أي سمه وعلامه تدل على ذات فهو غير الذات، أو المعنى أن أسماء الله تعالى تدل على صفات تصدق عليه، أو المراد بالاسم هنا ما أشرنا إليه سابقا، أي المفهوم الكلبي الذي هو موضوع اللفظ (مرآة العقول: ج ٢ ص ٣١).

٢- الكافي: ج ١ ص ١١٣ ح ٣، التوحيد: ص ١٩٢ ح ٥، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ١٢٩ ح ٢٥، بحار الأنوار: ج ٤ ص ١٥٩ ح ٣.

٣- الكافي: ج ١ ص ٨٧ ح ٣.

٤- في التوحيد والموضع الآخر من الكافي: «فقد أشرك».

٥- أناضل: أي أجادل وأخاصم وأدافع. وفلان يناضل عن فلان: إذا رامى عنه وحاجج، وتكلم بعذره، ودفع عنه (النهاية: ج ٥ ص ٧٢ «نضل»).

٦- الكافي: ج ١ ص ٨٧ ح ٢ وص ١١٤ ح ٢، التوحيد: ص ٢٢٠ ح ١٣ وفيه «تنافر أعداءنا والملحدون في الله والمشركون» بدل «تناضل به أعداءنا والمتخذين مع الله جل وعز»، الاحتجاج: ج ٢ ص ٢٠٣ ح ٢١٦، بحار الأنوار: ج ٤ ص ١٥٧ ح ٢.

فصل یکم: تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم»

۱ / ۱ معنای «اسم»

فصل یکم: تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» ۱ / ۱ معنای «اسم» ۵۵۲۱. الإمام علی علیه السلام: الکافی به نقل از محمد بن سنان: از امام رضا علیه السلام در باره نام پرسیدم. فرمود: «صفتی است برای یک موصوف». (۱) ۵۵۲۲. عنه علیه السلام: الکافی به نقل از عبد الرحمان بن ابی نجران: به امام باقر علیه السلام نوشتم (/به ایشان گفتم): خداوند، مرا فدایت کند! ما بخشنده مهربان، یگانه یکتای بی نیاز را می پرستیم؟

فرمود: «هر که نام را به جای نامیده شده به نام ها بپرستد، مشرک و کافر و منکر است و چیزی نپرستیده است؛ بلکه تو خدای یگانه یکتای بی نیازی را که نامیده شده به این نام هاست، عبادت کن، نه نام ها را. نام ها، صفاتی هستند که او با آنها صفات خود را بیان کرده است». ۵۵۲۳. الإمام علی علیه السلام: الکافی به نقل از هشام بن حکم: امام رضا علیه السلام، آن گاه که از ایشان، در باره نام های خدا و اشتقاق آنها پرسید، فرمود: «ای هشام! الله، برگرفته از إله (پرستیدن) است، و إله، مقتضی مألوه (پرستش شونده) ای است. نام، غیر از نامور است. پس هر که نام، نه معنا [و ذات] را بپرستد، کافر است و در حقیقت، چیزی را نپرستیده است. هر که نام و معنا (ذات)، هر دو را بپرستد، کافر است و دو چیز پرستیده است، و هر که معنا را بپرستد، نه نام را، این، توحید است. فهمیدی ای هشام؟».

گفتم: بیشتر توضیح بده.

فرمود: «خداوند، نود و نه نام دارد. بنا بر این، اگر نام همان نامور باشد، برای هر نامی از این نام ها خدایی خواهد بود؛ اما خدا معنایی (ذاتی) است که این نام ها همگی بر او دلالت دارند، ولی همه این نام ها غیر از اوست (هیچ کس از این نام ها او نیست).

ای هشام! نان، نامی است برای خوردنی، و آب، نامی است برای نوشیدنی، و پوشاک، نامی است برای پوشیدنی، و آتش، نامی است برای آنچه سوزنده است [؛ ولی هیچ یک از این نام ها مصداق خارجی خود نیستند]. فهمیدی ای هشام، آن چنان که بتوانی پاسخ دشمنان ما و کسانی را که غیر خداوند عز و جلا با او شریک می گردانند، بدهی و با آنان، مبارزه کنی؟».

گفتم: آری.

فرمود: «ای هشام! خداوند، تو را با این توضیحات، سود دهد و استوارت بدارد!».

به خدا سوگند، از زمانی که از آن مجلس برخاستم، دیگر کسی در بحث توحید، مرا شکست نداد.

۱- درباره شرح این حدیث، ر. ک: ص ۳۱۱ (پانوشت ۲).

٥٥٢٤. عنه عليه السلام: الكافي عن الفتح بن يزيد الجرجاني عن أبي الحسن عليه السلام، قال: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، لَوْ كَانَ كَمَا يَقُولُ الْمُشَبِّهُهُ لَمْ يُعْرِفِ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِ، وَلَا الْمُنْشِئُ مِنَ الْمُنْشَأِ، لَكِنَّهُ الْمُنْشِئُ، فَزَقَّ بَيْنَ مَنْ جَسَمَهُ وَصَوْرَهُ وَأَنْشَأَهُ، إِذْ كَانَ لَا يُشَبِّهُهُ شَيْءٌ، وَلَا يُشَبَّهُهُ هُوَ شَيْئًا.

قُلْتُ: أَجَلُ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ، لَكِنَّكَ قُلْتَ: الْأَحَدُ الصَّمَدُ، وَقُلْتَ: لَا يُشَبِّهُهُ شَيْءٌ، وَاللَّهُ وَاحِدٌ وَالْإِنْسَانُ وَاحِدٌ، أَلَيْسَ قَدْ تَشَابَهَتْ الْوَاحِدَاتِيهِ؟ قَالَ:

يَا فَتْحُ، أَحَلَّتْ تَبْتِكَ اللَّهُ! إِنَّمَا التَّشْبِيهُ فِي الْمَعَانِي، فَأَمَّا فِي الْأَسْمَاءِ فَهِيَ وَاحِدَةٌ وَهِيَ دَالَّةٌ عَلَى الْمُسَمَى، وَذَلِكَ أَنَّ الْإِنْسَانَ وَإِنْ قِيلَ وَاحِدٌ فَإِنَّهُ يُخْبِرُ أَنَّهُ جُتَّةٌ وَاحِدَةٌ وَلَيْسَ بِاثْنَيْنِ، وَالْإِنْسَانُ نَفْسُهُ لَيْسَ بِوَاحِدٍ؛ لِأَنَّ أَعْضَاءَهُ مُخْتَلِفَةٌ وَأَلْوَانُهُ مُخْتَلِفَةٌ، وَمَنْ أَلْوَانُهُ مُخْتَلِفَةٌ غَيْرَ وَاحِدٍ، وَهُوَ أَجْزَاءٌ مُجْزَأَةٌ لَيْسَتْ بِسِوَاءٍ؛ دَمُهُ غَيْرَ لَحْمِهِ، وَلَحْمُهُ غَيْرَ دَمِهِ، وَعَصَبُهُ غَيْرَ عُرْوِقِهِ، وَشَعْرُهُ غَيْرَ بَشَرِهِ، وَسَوَادُهُ غَيْرُ بَيَاضِهِ، وَكَذَلِكَ سَائِرُ جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَالْإِنْسَانُ وَاحِدٌ فِي الْإِسْمِ لَا (١) وَاحِدٌ فِي الْمَعْنَى، وَاللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ هُوَ وَاحِدٌ لَا وَاحِدَ غَيْرُهُ، لَا اخْتِلَافَ فِيهِ وَلَا تَفَاوُتَ وَلَا زِيَادَةَ وَلَا نُقْصَانَ... (٢).

١- في المصدر: «ولا» بدل «لا»، والتصويب من المصادر الأخرى.

٢- الكافي: ج ١ ص ١١٨ ح ١، التوحيد: ص ١٨٥ ح ١، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ١٢٧ ح ٢٣ وفيهما «كفوا أحد منشئ الأشياء ومجسم الأجسام ومصور الصور، لو كان كما يقولون لم يعرف»، بحار الأنوار: ج ٤ ص ١٧٣ ح ٢.

۵۵۲۵. الإمام علی علیه السلام: الکافی به نقل از فتح بن یزید جرجانی: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرماید: «و اوست ریزین آگاه، شنوای بینا، یگانه یکتای بی نیاز. نه فرزندی دارد و نه خود، فرزند کسی است و هیچ کس، همتای او نیست. اگر او چنان باشد که تشبیه کنندگان می گویند، آن گاه، نه آفریننده از آفریده شناخته می شود، و نه پدیدآورنده از پدیدآورده، در حالی که او پدیدآورنده است. او کسی را که جسم داده و کسی را که صورت داده و کسی را که پدید آورده، تفاوت گذاشته است؛ زیرا هیچ چیز به او نمی ماند و او نیز به چیزی مانند نیست».

گفتم: همین طور است، فدایت شوم! اما فرمودی: «یکتای بی نیاز» و فرمودی: «هیچ چیز به او نمی ماند»، در حالی که می گوئیم: خدای واحد و انسان واحد. آیا نه این است که در واحد بودن، همانندند؟

فرمود: «سخن ناشدنی ای گفتی. ای فتح! خدایت استوار بدارد! تشبیه، فقط در حوزه معانی است؛ اما در نام ها [و لفظ] همه یکی هستند و نام ها بر نامور، دلالت دارند. توضیح این که وقتی گفته شود: انسان واحد، در واقع، گزارش می شود که او یک فرد است و نه دو فرد؛ اما خود انسان، واحد (بسیط) نیست؛ چرا که اندام ها و رنگ هایش گونه گونه است، و کسی که رنگ هایش گونه گونه باشد، واحد نیست و دارای اجزای جدا از هم و نایکسان است، خون او غیر از گوشت اوست، و گوشتش غیر از خونس، و عصبش غیر از رگ هایش، و مویش غیر از پوستش، و سیاهی اش غیر از سفیدی اش. دیگر مخلوقات نیز همین گونه اند. پس انسان در نام [و لفظ]، واحد است، در معنا [و حقیقت]، واحد نیست، در حالی که خداوند عز و جل یکتاست و جز او یکتایی نیست. هیچ دوگونگی و تفاوت و فزونی و کاستی ای وجود ندارد...»

٥٥٢٦. عنه عليه السلام: الكافي عن ابن رثاب عن الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ عَبَدَ اللَّهَ بِالتَّوَهُّمِ فَقَدَ كَفَرَ ، وَمَنْ عَبَدَ الإِسْمَ دُونَ المعنى فَقَدَ كَفَرَ ، وَمَنْ عَبَدَ الإِسْمَ وَالمَعْنَى فَقَدَ أَشْرَكَ ، وَمَنْ عَبَدَ المعنى بِإيقاعِ الأسماءِ عَلَيْهِ بِصِفَاتِهِ الَّتِي وَصَفَ بِهَا نَفْسَهُ ، فَقَدَ عَلَيْهِ قَلْبُهُ وَنَطَقَ بِهِ لِسَانُهُ فِي سِرَائِرِهِ وَعَلَانِيَتِهِ ؛ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَقًّا .

وفي حديثٍ آخَرَ : أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا . (١) ٥٥٢١. امام على عليه السلام :الإمام الرضا عليه السلام مِنْ كَلَامِهِ فِي التَّوْحِيدِ : أَسْمَاؤُهُ تَعْبِيرٌ ، وَأَفْعَالُهُ تَفْهِيمٌ ، وَذَاتُهُ حَقِيقَةٌ . (٢) .

-
- ١- الكافي : ج ١ ص ٨٧ ح ١ ، التوحيد : ص ٢٢٠ ح ١٢ ، عدّه الداعي : ص ٣١٥ ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ١٦٦ ح ٧ .
 - ٢- التوحيد : ص ٣٦ ح ٢ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ١ ص ١٥١ ح ٥١ كلاهما عن محمّد بن يحيى والقاسم بن أيوب العلوي ، الاحتجاج : ج ٢ ص ٣٦١ ح ٢٨٣ ، تحف العقول : ص ٦٣ عن الإمام على عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ٢٢٨ ح ٣ .

۵۵۲۲. امام علی علیه السلام: الکافی به نقل از ابن رثاب: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر که خدا را با به وهم در آوردنش بپرستد، کافر است، و هر کس نام بدون معنا (ذات) را بپرستد، کافر است، و هر کس نام و معنا، هر دو را بپرستد، مشرک است، و هر کس معنا را بپرستد، با اطلاق کردن نام ها بر او با همان صفاتی که خود، خویشتن را بدانها وصف کرده است، و به این، اعتقاد قلبی داشته باشد و در نهان ها و آشکارش آن را به زبان آورد، چنین کسانی پیروان راستین امیر مؤمنان هستند» .

و در حدیثی دیگر آمده است که فرمود: «چنین کسانی، مؤمن راستین هستند». ۵۵۲۳. امام علی علیه السلام: امام رضا علیه السلام از گفتار ایشان در باره توحید: نام های او برای بیان است، و افعالش برای فهماندن، و ذاتش حقیقت است . .

١ / ٢مَعْنَى اللَّهِ ٥٥٢٦. إمام على عليه السلام: الإمام الكاظم عليه السلام لَمَّا سُئِلَ عَن مَعْنَى اللَّهِ: اسْتَوَلَى عَلَى مَا دَقَّ وَحِيلَ .
 (١) ٥٥٢٧. الإمام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام فى جواب الزنديق حين سألَهُ: فَمَا هُوَ؟ هُوَ الرَّبُّ ، وَهُوَ الْمَعْبُودُ ،
 وَهُوَ اللَّهُ ، وَلَيْسَ قَوْلِي : «اللَّهُ» إِثْبَاتَ هَذِهِ الْحُرُوفِ : أَلِفٍ وَلَا مٍ وَهَاءٍ ، وَلَا رَاءٍ وَلَا بَاءٍ ، وَلَكِنْ أَرْجِعُ (٢) إِلَى مَعْنَى وَشَىءٍ خَالِقِ
 الْأَشْيَاءِ وَصَانِعِهَا ، وَنَعَتِ هَذِهِ الْحُرُوفِ ، وَهُوَ الْمَعْنَى سُمِّيَ بِهِ اللَّهُ ، وَالرَّحْمَنُ ، وَالرَّحِيمُ ، وَالْعَزِيزُ ، وَأَشْبَاهُ ذَلِكَ مِنْ أَسْمَائِهِ ، وَهُوَ
 الْمَعْبُودُ حَيْلٌ وَعَزٌّ . (٣) ٥٥٢٨. عنه عليه السلام: الإمام العسكرى عليه السلام فى تفسير «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» : اللَّهُ هُوَ الَّذِي
 يَتَأَلَّهُ إِلَيْهِ عِنْدَ الْحَوَائِجِ وَالشَّدَائِدِ كُلُّ مَخْلُوقٍ عِنْدَ انْقِطَاعِ الرَّجَاءِ مِنْ كُلِّ مَنْ هُوَ دُونَهُ ، وَتَقَطُّعِ الْأَسْبَابِ مِنْ جَمِيعِ مَا سِوَاهُ ، يَقُولُ :
 بِسْمِ اللَّهِ ؛ أَى اسْتَعِينُ عَلَى أُمُورِي كُلِّهَا بِاللَّهِ الَّذِي لَا تَحِقُّ الْعِبَادَةُ إِلَّا لَهُ ، الْمُغِيثِ إِذَا اسْتُغِيثَ ، وَالْمُجِيبِ إِذَا دُعِيَ .

وَهُوَ مَا قَالَ رَجُلٌ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، ذُنُنِي عَلَى اللَّهِ مَا هُوَ؟ فَقَدَّ أَكْثَرَ عَلَيَّ الْمُجَادِلُونَ وَحَيَّرُونِي!
 فَقَالَ لَهُ : يَا عَبْدَ اللَّهِ ، هَلْ رَكِبْتَ سَفِينَةً قَطُّ؟ قَالَ : نَعَمْ .

قَالَ : فَهَلْ كَسِرَ بِكَ حَيْثُ لَا سَفِينَةَ تُنَجِّيكَ وَلَا سِبَاحَةَ تُغْنِيكَ؟ قَالَ : نَعَمْ .

قَالَ : فَهَلْ تَعَلَّقَ قَلْبُكَ هُنَالِكَ أَنَّ شَيْئًا مِنَ الْأَشْيَاءِ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُخَلِّصَكَ مِنْ وَرَطْبِكَ؟ فَقَالَ : نَعَمْ .

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَذَلِكَ الشَّيْءُ هُوَ اللَّهُ الْقَادِرُ عَلَى الْإِنجَاءِ حَيْثُ لَا مُنْجِيَ ، وَعَلَى الْإِغَاثَةِ حَيْثُ لَا مُغِيثَ .

ثُمَّ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَلَرُبَّمَا تَرَكَ بَعْضُ شَيْعَتِنَا فِي افْتِتَاحِ أَمْرِهِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَيَمْتَحِنُهُ اللَّهُ بِمَكْرُوهِ لِيُبَيِّهَهُ عَلَى
 شُكْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ ، وَيَمَحَقَ عَنْهُ وَصَمَهُ (٤) تَقْصِيرَهُ عِنْدَ تَرْكِهِ قَوْلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ .

قَالَ : وَقَامَ رَجُلٌ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَقَالَ : أَخْبِرْنِي مَا مَعْنَى «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؟

فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا قَامَ إِلَيْهِ فَقَالَ : يَا
 أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، أَخْبِرْنِي عَنِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مَا مَعْنَاهُ؟

فَقَالَ : إِنَّ قَوْلَكَ «اللَّهُ» أَعْظَمُ اسْمٍ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ ؛ وَهُوَ الْإِسْمُ الَّذِي لَا يَتَّبَعِي أَنْ يُسَمَّى بِهِ غَيْرُ اللَّهِ ، وَلَمْ يَتَسَمَّ بِهِ مَخْلُوقٌ .

فَقَالَ الرَّجُلُ : فَمَا تَفْسِيرُ قَوْلِهِ : «اللَّهُ»؟

قَالَ : هُوَ الَّذِي يَتَأَلَّهُ إِلَيْهِ عِنْدَ الْحَوَائِجِ وَالشَّدَائِدِ كُلُّ مَخْلُوقٍ عِنْدَ انْقِطَاعِ الرَّجَاءِ مِنْ جَمِيعِ مَنْ دُونَهُ ، وَتَقَطُّعِ الْأَسْبَابِ مِنْ كُلِّ مَنْ
 سِوَاهُ ، وَذَلِكَ أَنَّ كُلَّ مُتَرَتِّسٍ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا وَمُتَعَطِّمٍ فِيهَا ، وَإِنْ عَظَّمَ غِنَاؤُهُ وَطُغْيَانَهُ ، وَكَثُرَتْ حَوَائِجُ مَنْ دُونَهُ إِلَيْهِ ، فَإِنَّهُمْ
 سَيَحْتَاجُونَ حَوَائِجَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا هَذَا الْمُتَعَطِّمُ ، وَكَذَلِكَ هَذَا الْمُتَعَطِّمُ يَحْتَاجُ حَوَائِجَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا ، فَيَنْقَطِعُ إِلَى اللَّهِ عِنْدَ

ضُرُورَتِهِ وَفَاقَتِهِ ، حَتَّى إِذَا كُفِيَ هَمُّهُ عَادَ إِلَى شَرِّكَهِ . أَمَا تَسْمَعُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ : «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمْ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ» (٥) .

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِعِبَادِهِ : أَيُّهَا الْفُقَرَاءُ إِلَى رَحْمَتِي ، إِنِّي قَدْ أَلَزَمْتُكُمْ الْحَاجَةَ إِلَيَّ فِي كُلِّ حَالٍ ، وَذَلَّلَهُ الْعُبُودِيَّةَ فِي كُلِّ وَقْتٍ ، فَالِيَّ فَافْزِعُوا فِي كُلِّ أَمْرٍ تَأْخُذُونَ فِيهِ وَتَرْجُونَ تَمَامَهُ وَبُلُوغَ غَايَتِهِ ، فَإِنِّي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أُعْطِيَكُمْ لَمْ يَقْدِرْ غَيْرِي عَلَى مَنَعِكُمْ ، وَإِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَمْنَعُكُمْ لَمْ يَقْدِرْ غَيْرِي عَلَى إِعْطَائِكُمْ ، فَأَنَا أَحَقُّ مَنْ سُئِلَ ، وَأُولَى مَنْ تُضَرَّعُ إِلَيْهِ .

فَقُولُوا عِنْدَ افْتِتَاحِ كُلِّ أَمْرٍ صَغِيرٍ أَوْ عَظِيمٍ : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ؛ أَيِ اسْتَعِينُ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ بِاللَّهِ الَّذِي لَا يَحِقُّ الْعِبَادَةُ لِغَيْرِهِ ، الْمُغِيثِ إِذَا اسْتُعِثَ ، الْمُجِيبِ إِذَا دُعِيَ ، الرَّحْمَنِ الَّذِي يَرْحَمُ بِبَسْطِ الرِّزْقِ عَلَيْنَا ، الرَّحِيمِ بِنَا فِي أَدْيَانِنَا وَدُنْيَانَا وَآخِرَتِنَا ، خَفَّفَ عَلَيْنَا الدِّينَ وَجَعَلَهُ سَهْلًا خَفِيفًا ، وَهُوَ يَرْحَمُنَا بِتَمْيِيزِنَا مِنْ أَعْدَائِهِ .

ثُمَّ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ حَزَنَهُ أَمْرٌ تَعَاطَاهُ فَقَالَ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وَهُوَ مُخْلِصٌ لِلَّهِ يُقْبَلُ بِقَلْبِهِ إِلَيْهِ ، لَمْ يَنْفَكْ مِنْ إِحْدَى اثْنَتَيْنِ : إِمَّا يَبْلُوغُ حَاجَتَهُ فِي الدُّنْيَا ، وَإِمَّا يُعِيدُ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَيُدْخِرُ لَمَدِيهِ ، وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلْمُؤْمِنِينَ . (٦) .

- ١- الكافي : ج ١ ص ١١٤ ح ٣ ، التوحيد : ص ٢٣٠ ح ٤ وفيه «سألته» ، معاني الأخبار : ص ٤ ح ١ ، المحاسن : ج ١ ص ٣٧٢ ح ٨١٢ وفيه «عن معنى قول الله : «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»» ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ١٨١ ح ٦ .
- ٢- ويمكن ضبطها أيضا بهذا الشكل : ولكن ارجع ...
- ٣- الكافي : ج ١ ص ٨٤ ح ٦ ، التوحيد : ص ٢٤٥ كلاهما عن هشام بن الحكم .
- ٤- الوصم : العيب والعار . يقال : ما في فلان وصمه (الصحاح : ج ٥ ص ٢٠٥٢ «وصم»).
- ٥- الأنعام : ٤٠ و ٤١ .
- ٦- التوحيد : ص ٢٣٠ ح ٥ ، معاني الأخبار : ص ٤ ح ٢ وفيه إلى «حيث لا مغيث» ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص ٢١ ح ٥ و ٦ و ٧ و ٨ و ٩ كلها عن محمد بن زياد ومحمد بن سيار ، بحار الأنوار : ج ٩٢ ص ٢٣٢ ح ١٤ و ص ٢٤٠ ح ٤٨ .

۱ / ۲ معنای الله

۱ / ۲ معنای الله ۵۵۳۱. الإمام علی علیه السلام: امام کاظم علیه السلام در پاسخ به پرسش در باره معنای الله: [یعنی] هر ریز و درشتی در قبضه قدرت اوست. ۵۵۳۲. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام در پاسخ به زندقی که از ایشان پرسید: پس او (خداوند) چیست؟: او پروردگار است. او معبود است. او الله است. مقصودم از «الله»، حروف الف و لام و ها، و [مقصودم از رب] حروف راء و باء نیست؛ بلکه مقصود، معنا و آن وجودی است که آفریننده و سازنده موجودات و مصداق این حروف [و کلمات] است. او معنا [و ذاتی] است که الله و رحمان و رحیم و عزیز و مانند این نام‌ها بر او نهاده شده است. او معبود عز و جل است. ۵۵۲۷. امام علی علیه السلام: امام عسکری علیه السلام در تفسیر «بسم الله الرحمن الرحیم»: الله، آن موجودی است که هر آفریده‌ای به هنگام نیازها و سختی‌ها، آن‌گاه که امیدش از هر آنچه جز اوست، قطع و رشته‌ها از ما سوای او به کلی بُریده می‌شود، به او پناه می‌برد، می‌گوید: «بسم الله»؛ یعنی در همه کارهایم از آن خدایی کمک می‌جویم که پرستش، جز حقّ او نیست؛ همو که هر گاه فریادخواهی شود، به فریاد می‌رسد، و هر گاه او را بخوانند، پاسخ می‌دهد.

این، همان چیزی است که مردی به امام صادق علیه السلام گفت: ای فرزند پیامبر خدا! مرا به خدا راه نمایی کن که چیست؟ زیرا مجادله‌کنندگان، بر من هجوم آورده‌اند و سرگشته‌ام ساخته‌اند!

به او فرمود: «ای بنده خدا! آیا هرگز سوار کشتی شده‌ای؟».

گفت: آری.

فرمود: «آیا شده که کشتی ات درهم شکند و نه کشتی دیگری باشد که نجات دهد، و نه شنا کردن به کارت آید؟».

گفت: آری.

فرمود: «آیا در آن هنگام، از دلت گذشته است که موجودی از موجودات می‌تواند تو را از نابودی برهاند؟».

گفت: آری.

فرمود: «آن موجود، همان خداست که می‌تواند آن‌گاه که نجات بخشی نیست، نجات دهد و آن‌گاه که فریادرسی نیست، به فریادت برسد».

سپس فرمود: «گاه یکی از شیعیان ما در آغاز کار خود بسم الله الرحمن الرحیم نمی‌گوید و خداوند، او را به رنجی گرفتار می‌سازد تا او را متوجه سپاس‌گزاری و ستایش از خداوند تبارک و تعالی گرداند و لکه ننگ کوتاهی در گفتن بسم الله

الرحمن الرحيم را از او بزداید» .

مردی نیز رو به امام زین العابدین علیه السلام کرد و گفت : مرا از معنای «بسم الله الرحمن الرحيم» خبر ده که چیست؟

فرمود : پدرم از برادرش حسن ، از پدرش امیرمؤمنان برآیم نقل کرد که مردی خطاب به امیرمؤمنان گفت : ای امیرمؤمنان ! به من بگو که معنای بسم الله الرحمن الرحيم چیست؟

[امیر مؤمنان] فرمود : «کلمه الله بزرگ ترین نام از نام های خداوند عز و جل است . این ، نامی است که جز بر خدا نسزد و بر کسی ننهاد ، و هیچ مخلوقی بدان نامیده نمی شود» .

مرد گفت : تفسیر [و معنای] کلمه «الله» چیست؟

فرمود : «یعنی موجودی که هر مخلوقی در وقت نیازها و سختی ها ، آن گاه که از هر آنچه جز اوست ، قطع امید شود و رشته ها از ما سوای او به کلی بُریده گردد ، به او پناه می برد ؛ چرا که هر رئیسی و هر بزرگی در این دنیا ، هر اندازه هم توانگر و قدرتمند باشد و فرودستانش به او نیازمند باشند ، باز این فرودستان ، نیازهایی خواهند داشت که آن بزرگ ، از عهده برآوردن آنها بر نمی آید . خود آن بزرگ نیز نیازهایی پیدا می کند که قادر به تأمین آنها نیست . در این صورت ، دست نیاز و درویشی به سوی خدا بر می دارد ؛ امّا چون خواسته اش برآورده شد ، به شرک خویش باز می گردد . نشنیده ای که خداوند عز و جلمی فرماید : «بگو : آیا دیده اید اگر عذاب خدا ، یا رستاخیز آیدتان ، آیا جز خدا را می خوانید ، اگر راستگوئید؟ نه ، که تنها او را می خوانید و او اگر بخواهد اندوهی را که او را بدان می خوانید ، از شما باز گشاید و آنچه را شریک قرار می دهید ، از یاد ببرید» .

پس ، خداوند عز و جل به بندگانش می فرماید : «ای نیازمندان به رحمت من ! شما را در هر حال ، نیازمند خودم ، و در هر زمان ، بنده خوار خودم قرار داده ام . پس در هر کاری که در پیش می گیرید و به اتمام آن و رسیدن به نهایتش چشم امید بسته اید ، به من متوسّل شوید ؛ زیرا من اگر بخواهم به شما عطا کنم ، هیچ کس نمی تواند مانع شود ، و اگر بخواهم مانع شوم ، هیچ کس نمی تواند به شما عطا کند . پس من ، سزاوارترین کس هستم برای این که از او چیزی بخواهند ، و شایسته ترین کس هستم برای این که به او التماس شود .

بنا بر این ، در آغاز هر کاری ، کوچک یا بزرگ ، بسم الله الرحمن الرحيم بگویید ؛ یعنی در این کار ، از خدایی کمک می گیریم که بندگی ، سزاوار غیر از او نیست ؛ همو که هر گاه از وی فریادخواهی شود ، به فریاد می رسد ، و هر گاه خواننده شود ، پاسخ می دهد . بخشنده ای که از سر مهر ، سفره روزی را بر ما گسترده است ؛ مهربانی که در دین ما و دنیا و آخرتمان با ما مهربان است . دین را بر ما سُبُک گرفت و آن را آسان قرار داد ، و با جدا ساختن ما از دشمنان خود ، به ما رحم می آورد» .

سپس فرمود : «پیامبر خدا فرمود : هر که را پیشامدی اندوهگین گرداند و از روی اخلاص و توجّه قلبی به خداوند بگوید : بسم الله الرحمن الرحيم ، از دو حال خارج نخواهد بود : یا در دنیا به حاجتش می رسد ، یا این که نزد پروردگارش برای او به

حساب می آید و برایش ذخیره می شود؛ و البته آنچه نزد خداست، برای مؤمنان، بهتر و ماندگارتر است.» .

ص: ۳۲۹

..

راجع: ص ٣٣٠ ح ٥٤٠ و ص ٣٣٢ ح ٥٤١. موسوعه العقائد الإسلاميه: ج ٣ (معرفه الله / القسم الثالث / الفصل الأول: أسماء الله / معنى «الله»).

١ / ٣ معنى بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ٥٥٣١. امام على عليه السلام: التوحيد عن الحسن بن على بن فضال: سَأَلْتُ الرِّضَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ «بِسْمِ اللّٰهِ»، قَالَ: مَعْنَى قَوْلِ الْقَائِلِ: «بِسْمِ اللّٰهِ» أَيْ أَسْمُ عَلَى نَفْسِي سِتْمَةً مِنْ سِتْمَاتِ اللّٰهِ عِزِّ وَجَلْوَاهِي الْعِبَادَةُ.

قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: مَيَّا السَّمَةُ؟ فَقَالَ: الْعَلَامَةُ. (١) ٥٥٣٢. امام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: لَقَدْ دَخَلَ عَبْدُ اللّٰهِ بْنُ يَحْيَى عَلِيَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: ... يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مَا تَفْسِيرُ «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ»؟

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَقْرَأَ أَوْ يَعْمَلَ عَمَلًا وَيَقُولُ «بِسْمِ اللّٰهِ»: أَيْ بِهَذَا الْإِسْمِ أَعْمَلُ هَذَا الْعَمَلَ، فَكُلُّ أَمْرٍ يَعْمَلُهُ يَبْدَأُ فِيهِ بِ «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» فَإِنَّهُ يُبَارِكُ لَهُ فِيهِ. (٢) ٥٥٣٣. معاني الأخبار عن صفوان بن يحيى عن حدّثه عن الإمام الصادق عليه السلام: أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ»؟ فَقَالَ: الْبَاءُ بِهَاءِ اللّٰهِ، وَالسَّيْنُ سَيْنَاءِ اللّٰهِ، وَالْمِيمُ مُلْكُ اللّٰهِ. قَالَ:

قُلْتُ: اللّٰهُ؟

قَالَ: الْأَلِفُ آلاءُ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنَ النَّعْمِ بِوِلَايَتِنَا، وَاللَّامُ إِزَامُ اللّٰهِ خَلْقَهُ وَوِلَايَتِنَا. قُلْتُ: فَالِهَاءُ؟

فَقَالَ: هَوَانٌ لِمَنْ خَالَفَ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ. قُلْتُ: الرَّحْمٰنُ؟

قَالَ: بِجَمِيعِ الْعَالَمِ. قُلْتُ: الرَّحِیْمُ؟

قَالَ: بِالْمُؤْمِنِينَ خَاصَّةً. (٣).

١- التوحيد: ص ٢٢٩ ح ١، معاني الأخبار: ص ٣ ح ١، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ٢٦٠ ح ١٩، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٣٠ ح ٩.

٢- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ٢٥ ح ٧، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٤٢ ح ٤٨.

٣- معاني الأخبار: ص ٣ ح ٢، التوحيد: ص ٢٣٠ ح ٣، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٣١ ح ١٢.

۱ / ۳ معنای «بسم الله الرحمن الرحيم»

ر. ک: ح ۵۴۰ و ح ۵۴۱. دانش نامه عقاید اسلامی: ج ۵ (خداشناسی / بخش سوم / فصل یکم: معنای «اسماء الله» / معنای «الله»).

۱ / ۳ معنای «بسم الله الرحمن الرحيم» ۵۵۳۷. الإمام علی علیه السلام: التوحید به نقل از حسن بن علی بن فضال: از امام رضا علیه السلام در باره «بسم الله» پرسیدم. فرمود: «وقتی کسی می گوید: بسم الله، یعنی سِمه ای از سِمت خداوند بر خود می نهم و آن، سِمه بندگی است». (۱)

گفتم: «سِمه» چیست؟

فرمود: «نشانه». ۵۵۳۳. امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام: عبد الله بن یحیی بر امیرمؤمنان وارد شد و گفت: ... ای امیر مؤمنان! تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» چیست؟

فرمود: «بند، هر گاه بخواند بخواند (۲) یا کاری انجام دهد و بسم الله بگوید، معنایش این است که من با این نام، این کار را انجام می دهم. پس، هر کاری را که انجام می دهد، با بسم الله الرحمن الرحيم آغاز کند، در آن کار به او برکت داده می شود». ۵۵۳۴. امام علی علیه السلام: معانی الأخبار به نقل از صفوان بن یحیی، از کسی که از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: از امام [صادق علیه السلام] در باره «بسم الله الرحمن الرحيم» سؤال شد. فرمود: «باء، به معنای بهای (نورائیت / زیبایی) خداست، سین به معنای سنای (رفعت) خدا، میم به معنای مُلک (سلطنت و مالکیت) خدا».

گفتم: «الله» چه؟

فرمود: «الف به معنای آلاء (نعمت های) خدا که نعمت ولایت ما را به خلقش ارزانی داشته است، لام به این معناست که خداوند، خلقش را به ولایت ما ملزم ساخته است».

گفتم: «هاء» چه؟

فرمود: «اشاره به هوان (خواری) کسی که با محمد و خاندان محمد که دروهای خدا بر ایشان باد، مخالف است».

گفتم: «الرحمن» چه؟

فرمود: «به معنای رحمتش نسبت به همه عالم».

گفتم: «الرحيم» چه؟

فرمود: «به معنای رحمتش در خصوص مؤمنان» .

-
- ۱- امام علیه السلام ، کلمه «اسم» را برگرفته از ماده «وَسَم» دانسته است که مصدر آن «سَمِه» است ، به معنای نشانه و داغ .
 - ۲- مقصود ، خواندن قرآن است و شاید هم اعمّ از آن باشد .

٥٥٣٥. امام على عليه السلام: الكافي عن عبد الله بن سنان: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ تَفْسِيرِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، قَالَ:

الْبَاءُ بِهَاءِ اللَّهِ، وَالسُّيْنُ سَيْنَاءُ اللَّهِ، وَالْمِيمُ مَجْدُ اللَّهِ وَرَوَى بَعْضُهُمْ: الْمِيمُ مُلْكُ اللَّهِ، وَاللَّهُ إِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ، الرَّحْمَنُ بِجَمِيعِ خَلْقِهِ، وَالرَّحِيمُ بِالْمُؤْمِنِينَ خَاصَّةً (١). ٢.

١- الكافي: ج ١ ص ١١٤ ح ١، التوحيد: ص ٢٣٠ ح ٢، معانى الأخبار: ص ٣ ح ١، تفسير القمى: ج ١ ص ٢٨ عن أبى بصير، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٣١ ح ١١.

۵۵۳۶. امام علی علیه السلام: الکافی به نقل از عبد الله بن سنان: از امام صادق علیه السلام در باره تفسیر «بسم الله الرحمن الرحیم» پرسیدم. فرمود: «باء، [اشاره به] بهای خداست، سین، به سنای خدا، میم، به مجد (شکوه و بزرگواری) خدا».

برخی روایت کرده اند [که فرمود]: «میم، به مُلک خدا [اشاره دارد] و الله، به این که او معبود هر چیزی است و رحمان، به مهربانی او با همه خلقش، و رحیم، به مهربانی اش با مؤمنان»..

٥٥٣٧. امام علي عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سُنَّهُ اللَّهِ ، سَيَبَقَتْ رَحْمَةُ اللَّهِ غَضَبَهُ .
(١) راجع : موسوعه العقائد الإسلاميه : ج ٣ (معرفه الله / القسم الثالث : التعرف على أسماء الله) .

١- الاختصاص : ص ٤٥ ، بحار الأنوار : ج ٩ ص ٣٣٨ ح ٢٠ .

۵۵۳۹. عنه عليه السلام (فِي الْحَكْمِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، قانون خداست .
رحمت خدا بر غضب او پیشی دارد . ر . ک : دانش نامه عقاید اسلامی : ج ۵ (خداشناسی / بخش سوم : آشنایی با نام های الهی) .

الفصل الثاني : خصائص البسملة ٢ / ١ أقرب شئ إلى الاسم الأعظم ٥٥٤٤. عنه عليه السلام (في الحكيم المنسوب إليه)
المستدرک علی الصحیحین عن ابن عبّاس : إنّ عثمان بن عفّان سأل رسول الله صلى الله عليه وآله عن «بسم الله الرحمن
الرحيم» ، فقال : هو اسم من أسماء الله ، وما بينه وبين اسم الله الأكبر إلّا كما بين سواد العين وبياضها من القرب . (١) ٥٥٣٨. امام
علي عليه السلام : الإمام الباقر عليه السلام : «بسم الله الرحمن الرحيم» أقرب إلى اسم الله الأعظم من ناظر العين إلى بياضها .
(٢) ٥٥٣٩. امام علي عليه السلام (در حکمت های منسوب به ایشان) الإمام علي عليه السلام في معنى بسم الله الرحمن الرحيم :
إنّ قولك «الله» أعظم اسم من أسماء الله ... (٣) .

- ١- .المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٧٣٨ ح ٢٠٢٧ ، الدرّ المنتور : ج ١ ص ٢٣ نقلاً عن البيهقي في شعب الإيمان
والخطيب في تاريخه ، كنز العمال : ج ٢ ص ٢٩٦ ح ٤٠٤٧ نقلاً عن ابن النجار .
- ٢- .تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ٢٨٩ ح ١١٥٩ عن عبد الله بن يحيى الكاهلي عن الإمام الصادق عليه السلام ، عيون أخبار الرضا
عليه السلام : ج ٢ ص ٥ ح ١١ عن محمد بن سنان ، تفسير العياشي : ج ١ ص ٢١ ح ١٣ عن إسماعيل بن مهراّن وكلاهما عن
الإمام الرضا عليه السلام ، تحف العقول : ص ٤٨٧ عن الإمام العسكري عليه السلام وفيها «سواد» بدل «ناظر» ، بحار الأنوار : ج
٩٢ ص ٢٣٣ ح ١٥ .
- ٣- .التوحيد : ص ٢٣١ ح ٥ ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص ٢٧ ح ٩ كلاهما عن محمد بن زياد
ومحمد بن سيّار عن الإمام العسكري عن الإمام زين العابدين عن الإمام الحسين عن الإمام الحسن عليهم السلام ، بحار الأنوار :
ج ٩٢ ص ٢٣٢ ح ١٤ وص ٢٤٤ ح ٤٨ . أنظر تمام الحديث في ص ١٨٢ ح ٥٣٧ .

فصل دوم: ویژگی های «بسم الله الرحمن الرحيم»

۲ / ۱ نزدیک ترین چیز به اسم اعظم است

فصل دوم: ویژگی های «بسم الله الرحمن الرحيم» ۲ / ۱ نزدیک ترین چیز به اسم اعظم است ۵۵۴۳. امام علی علیه السلام (در حکمت های منسوب به ایشان) المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابن عباس : عثمان بن عفان از پیامبر خدا ، در باره «بسم الله الرحمن الرحيم» پرسید . ایشان فرمود : «نامی از نام های خداست و نزدیکی آن به نام اعظم خدا ، چونان نزدیکی سیاهی چشم به سفیدی آن است» . ۵۵۴۴. امام علی علیه السلام (در حکمت های منسوب به ایشان) امام باقر علیه السلام : «بسم الله الرحمن الرحيم» ، به اسم اعظم خدا نزدیک تر از مردمک چشم به سفیدی آن است . ۵۵۴۵. الإمام علی علیه السلام (فیما أوصی إلی ابنه الحسن علیه السلام) امام علی علیه السلام در باره معنای «بسم الله الرحمن الرحيم» : کلمه «الله» ، بزرگ ترین نام از نام های خداست .

٥٥٤٦. ربيع الأبرار: الإمام الصادق عليه السلام في قولِ الله عز و جل : «وَلَقَدْ آتَيْنَكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» (١) : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» هُوَ اسْمُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ، وَالسَّبْعُ الْمَثَانِي أُمَّ الْكِتَابِ، يُثْنَى بِهَا فِي كُلِّ صَلَاةٍ. (٢) ٥٥٤٧. الإمام علي عليه السلام: مُهَجُّ الدَّعَوَاتِ عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ عَمْرٍاءَ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» اسْمُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ أَوْ قَالَ: الْأَعْظَمُ. (٣) ٥٥٤٥. امام علي عليه السلام (در سفارش به پسرش حسن عليه السلام) الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، لَا- حَوْلَ وَلَا- قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» مِنْهُ مَرَّةٌ، كَانَ أَقْرَبَ إِلَى اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ مِنْ سَوَادِ الْعَيْنِ إِلَى بَيَاضِهَا، وَإِنَّهُ دَخَلَ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمِ. (٤) ٢ / ٢٠٢. كتاب سماوي ٥٥٤٨. الإمام الصادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مِفْتَاحُ كُلِّ كِتَابٍ. (٥) ٥٥٤٩. الإمام علي عليه السلام (فِي الْحِكْمِ الْمُنْسُوبَةِ إِلَيْهِ) الإمام الباقر عليه السلام: أَوَّلُ كُلِّ كِتَابٍ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، فَإِذَا قَرَأْتَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَلَا تُبَالِي أَنْ لَا تَسْتَعِيدَ، وَإِذَا قَرَأْتَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سَتَرْتِكَ فِيمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ. (٦).

١- الحِجْر : ٨٧ .

٢- مستدرک الوسائل : ج ٤ ص ١٥٧ ح ٤٣٦٢ نقلاً عن كتاب التنزيل والتحرير للسيارى ، بحار الأنوار : ج ٩٢ ص ٢٣٦ .

٣- مُهَجُّ الدَّعَوَاتِ : ص ٣٧٩ عن معاوية بن عمّار ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٢٣ ح ١ .

٤- مُهَجُّ الدَّعَوَاتِ : ص ٣٧٩ عن سليمان بن جعفر الحميري ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٦٢ ح ٤١ .

٥- الجامع لأخلاق الراوى وآداب السامع : ج ١ ص ٤٠٧ ح ٥٤٧ عن فرات بن أحنف عن الإمام الباقر عليه السلام ، كنز العمال : ج ١ ص ٥٥٥ ح ٢٤٩٠ .

٦- الكافي : ج ٣ ص ٣١٣ ح ٣ عن فرات بن أحنف .

۲ / ۲ سرآغاز هر کتاب آسمانی است

۵۵۵۰. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل: «ما به تو سبع مثنائی و قرآن بزرگ را دادیم»: «بسم الله الرحمن الرحيم»، بزرگ ترین نام خداست و سَبْعِ مَثَانِي، همان «ام الكتاب» (سوره فاتحه) است که در هر نمازی، دو بار خوانده می شود. ۵۵۵۱. عنه علیه السلام: مهج الدعوات به نقل از معاویه بن عمّار: امام صادق علیه السلام فرمود: «بسم الله الرحمن الرحيم اسم اکبر خداست» یا فرمود: «اسم اعظم خداست». ۵۵۵۲. الإمام علیّ علیه السلام: امام رضا علیه السلام: هر کس بعد از نماز صبح، صد مرتبه بگوید: «بسم الله الرحمن الرحيم، لا حول ولا قوه الا بالله العلیّ العظیم»، به نام اعظم خدا نزدیک تر از سیاهی چشم به سفیدی آن باشد. نام اعظم خدا، داخل در این جمله است. ۲ / ۲ سرآغاز هر کتاب آسمانی است. ۵۵۵۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «بسم الله الرحمن الرحيم»، سرآغاز هر کتاب [آسمانی] است. ۵۵۵۱. امام علی علیه السلام: امام باقر علیه السلام: آغاز هر کتابی که از آسمان فرود آمده، «بسم الله الرحمن الرحيم» بوده است. پس هر گاه «بسم الله الرحمن الرحيم» گفتی، دیگر باکی نیست که استعاذه (أعوذ بالله من الشيطان الرجيم) نگویی؛ زیرا هر گاه «بسم الله الرحمن الرحيم» بگویی، تو را از [گزند] آنچه میان آسمان و زمین است، می پوشاند.

٥٥٥٢. امام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: ما نَزَلَ كِتَابٌ مِّنَ السَّمَاءِ إِلَّا وَأَوَّلُهُ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». .
(١) ٥٥٥٣. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام: ما أنزل الله من السماء كتابا إلّا وفاتحته «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، وإنما كان يُعْرَفُ
انقضاء السورة بنزول «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ابتداءً لِلأخرى . (٢) .

-
- ١- .المحاسن: ج ١ ص ١١١ ح ١٠٣ عن صفوان الجمال ، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٣٤ ح ١٧ .
 - ٢- .تفسير العياشى: ج ١ ص ١٩ ح ٥ عن صفوان الجمال ، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٣٦ ح ٢٩ وراجع السنن الكبرى: ج ٢ ص ٦٣ ح ٢٣٧٦ .

۵۵۵۴. عنه عليه السلام (فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ) امام صادق عليه السلام: هیچ کتابی از آسمان نازل نشده ، مگر آن که آغازش «بسم الله الرحمن الرحيم» است . ۵۵۵۵. عنه عليه السلام : امام صادق عليه السلام : خداوند ، هیچ کتابی از آسمان فرو نفرستاد ، مگر این که آغازش «بسم الله الرحمن الرحيم» بود ، و پایان یافتن هر سوره و آغاز شدن سوره ای دیگر ، با نازل شدن «بسم الله الرحمن الرحيم» دانسته می شد . .

سخنی در باره آغاز شدن کتاب های آسمانی با «بسم الله»

سخنی در باره آغاز شدن کتاب های آسمانی با «بسم الله» ظاهراً نباید تردید کرد که همه کتاب های آسمانی، با نام خدا آغاز شده اند؛ ولی آیا جمله «بسم الله» در آغاز کتاب های آسمانی، با پسوند «الرحمن الرحيم» بوده یا نه؟ در این باره، دو دسته روایت وجود دارد: دسته اول، روایاتی که تصریح می کنند همه کتاب های آسمانی، با جمله «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع شده اند، مانند روایاتی که ملاحظه شد. دسته دوم، روایاتی که تصریح می کنند آیه «بسم الله الرحمن الرحيم»، قبل از پیامبر خدا بر هیچ پیامبری جز سلیمان علیه السلام نازل نشده است، (۱) مانند این روایت از امام علی علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ خَصَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَشَرَّفَهُ بِهَا وَلَمْ يُشْرِكْ مَعَهُ فِيهَا أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِهِ مَا خَلَا سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَإِنَّهُ أَعْطَاهُ مِنْهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَحْكِي عَنْ بَلْقَيْسٍ حِينَ قَالَتْ: «أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

۱- الأُمالي، صدوق: ص ۲۴۱ ح ۲۵۵، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ۵۹۱ ح ۳۵۳، المعجم الأوسط: ج ۱ ص ۱۹۶ ح ۶۲۵، سنن الدارقطني: ج ۱ ص ۳۱۰ ح ۲۹، فضائل القرآن، ابو عبيد: ص ۲۱۶، الدر المنثور: ج ۱ ص ۲۰ (به نقل از ابن مردويه و بيهقي در شعب الإيمان).

الرَّحِيمِ» (۱). (۲) خداوند «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را به محمّد صلی الله علیه و آله اختصاص داد و او را به آن ، مفتخر ساخت و هیچ یک از پیامبرانش را در آن ، شریک او نکرد ، بجز سلیمان علیه السلام را که به او نیز «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» عطا کرد ، آن جا که به نقل از بلقیس می فرماید : «نامه ای از گروهی به من رسیده است . آن نامه از سلیمان است و جدر آن آمده است:ج بسم الله الرحمن الرحيم» . گفتنی است که از نظر سند ، هر دو دسته روایات ، ضعیف هستند ؛ اما از نظر دلالت ، می توان میان این دو دسته روایات ، بدین شکل جمع کرد که امام علیه السلام فرموده باشد : «أَوَّلُ كُلِّ كِتَابٍ نُزِّلَ مِنَ السَّمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ ؛ آغاز هر کتابی که از آسمان نازل شده ، بسم الله است» ، ولی راوی پنداشته که مقصود امام ، آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است ؛ اما با توجه به تعدّد روایات دسته اول ، بعید به نظر می رسد که همه راویان ، مرتکب چنین اشتباهی شده باشند . وجوه دیگری نیز برای جمع دلالتی این دو دسته روایت ، گفته شده که از این وجه ، ضعیف ترند .

۱- نمل : آیه ۲۹ و ۳۰ .

۲- عیون أخبار الرضا علیه السلام : ج ۱ ص ۳۰۱ ح ۶۰ ، الأمالی ، صدوق : ص ۲۴۰ ح ۲۵۵ ، مجمع البیان : ج ۱ ص ۸۸ ، التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام : ص ۲۹ ح ۱۰ ، بحار الأنوار : ج ۹۲ ص ۲۲۷ ح ۵ .

٢ / ٣ أول ما نزل على النبي صلى الله عليه وآله خصائص البسملة ٥٥٥٣. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله كان جبرئيل عليه السلام إذا جاءني بالوحي أول ما يلقى عليّ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (١) ٥٥٥٤. امام على عليه السلام (در حكمت های منسوب به ايشان) الدر المنثور عن ابن عباس: أول ما نزل جبرئيل عليه السلام على محمد صلى الله عليه وآله قال له جبرئيل عليه السلام: «بِسْمِ اللَّهِ» يا محمد، يقول: اقرأ بذكر الله، و «اللَّهُ» ذو الألوهية والمعبودية على خلقه أجمعين، و «الرَّحْمَنِ» الفعلاين من الرحمه، و «الرَّحِيمِ» الرقيق الرقيق بمن أحب أن يرحمه، والبعيد الشديد على من أحب أن يضعف عليه العذاب. (٢) ٢ / ٤ أعظم آية في كتاب الله ٥٥٥٧. امام على عليه السلام: تفسير العياشي عن سليمان الجعفرى: سئل أبو الحسن عليه السلام: أي آية أعظم في كتاب الله؟ فقال: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (٣) ٥٥٥٨. امام على عليه السلام: السنن الكبرى عن ابن عباس: إن الشيطان استرق من أهل القرآن أعظم آية في القرآن: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (٤) ٢ / ٥ تيجان السور ٥٥٦١. عنه عليه السلام: صحيح مسلم عن أنس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أنزلت عليّ آية سورة، فقرأ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»... (٥).

- ١- سنن الدارقطني: ج ١ ص ٣٠٥ ح ١٣ عن ابن عمر.
- ٢- الدر المنثور: ج ١ ص ٢٣ نقلاً عن ابن جريج وابن أبي حاتم.
- ٣- تفسير العياشي: ج ١ ص ٢١ ح ١٤، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٣٨ ح ٣٧.
- ٤- السنن الكبرى: ج ٢ ص ٧٣ ح ٢٤١٣.
- ٥- صحيح مسلم: ج ١ ص ٣٠٠ ح ٥٣، سنن النسائي: ج ٢ ص ١٣٤، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٦٤ ح ٢٣٨٠، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤١٨ ح ٣٩١٢٧؛ تفسير فرات: ص ٦١٠ ح ٧٦٧.

۲ / ۳ نخستین چیزی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله ، نازل شد

۲ / ۴ با عظمت ترین آیه در کتاب خدا

۲ / ۵ تاج سوره ها

۲ / ۳ نخستین چیزی که بر پیامبر ، نازل شد ۵۵۶۲. الإمام علی علیه السلام (مِنْ وَصِيَّهِ لَهُ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جبرئیل علیه السلام هر گاه برایم وحی می آورد ، نخستین چیزی که بر من می افکند ، «بسم الله الرحمن الرحيم» بود . ۵۵۶۲. امام علی علیه السلام (در سفارش به پسرش حسن علیه السلام که به هنگام با) الدرّ المنتور به نقل از ابن عباس : نخستین بار که جبرئیل علیه السلام بر محمد صلی الله علیه و آله فرود آمد ، به او گفت : «بسم الله» ای محمد ، یعنی : با نام خدا بخوان و «الله» ، یعنی کسی که الیه و معبود همه خلق است . «الرحمن» ، بر وزن «فعلان» است از رحمت ، و «الرحيم» ، یعنی نرم خو و مهربان است با کسی که دوست دارد به او رحم کند، و دور و سختگیر است نسبت به کسی که دوست دارد عذابش را دو چندان سازد . ۲ / ۴ با عظمت ترین آیه در کتاب خدا ۵۵۶۴. نهج البلاغه : تفسیر العیاشی به نقل از سلیمان جعفری : از ابو الحسن علیه السلام (۱) سؤال شد : با عظمت ترین آیه در کتاب خدا ، کدام آیه است ؟

فرمود : «بسم الله الرحمن الرحيم» . ۵۵۶۴. نهج البلاغه (بخشی از سخنرانی امام علی علیه السلام که حاوی در) السنن الكبرى به نقل از ابن عباس : شیطان ، با عظمت ترین آیه قرآن را از اهل قرآن دزدید : «بسم الله الرحمن الرحيم» را . ۲ / ۵ تاج سوره ها ۵۵۶۵. امام علی علیه السلام (در سخنی که به ره سپردن در راه روشن ، پند می دهد) صحیح مسلم به نقل از آنس : پیامبر خدا فرمود : «لَخْتِيْ پيش ، سوره ای بر من فرود آمد ، و خواند : «بسم الله الرحمن الرحيم ...» .

۱- منظور امام کاظم یا امام رضا علیهما السلام است .

۵۵۶۶. نهج البلاغه: رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا قرأ جبريل عليه السلام «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» عَلِمْتُ أَنَّ السُّورَةَ قَدْ خُتِمَتْ . (۱) ۵۵۶۷. الإمام علي عليه السلام (مِنْ خُطْبِهِ لَهُ ، وَهِيَ مِنَ الْخُطْبِ الْعَجِيبِ) المعجم الكبير عن ابن عباس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا نَزَلَتْ عَلَيْهِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» عَلِمَ أَنَّ السُّورَةَ قَدْ خُتِمَتْ ، وَاسْتَقْبَلَ الْأُخْرَى . (۲) ۵۵۶۷. امام علي عليه السلام (در خطبه ای که از سخنرانی های شگفت اوست و «غَرَا» المستدرک علی الصحیحین عن ابن عباس: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يَعْلَمُ خَتَمَ السُّورَةِ حَتَّى تَنْزِلَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (۳) ۵۵۶۸. الإمام علي عليه السلام (مِنْ خُطْبِهِ لَهُ فِي صِفَةِ الضَّالِّ) المستدرک علی الصحیحین عن ابن عباس: كَانَ الْمُسْلِمُونَ لَا يَعْلَمُونَ انْقِضَاءَ السُّورَةِ حَتَّى تَنْزِلَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، فَبِإِذَا نَزَلَتْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» عَلِمُوا أَنَّ السُّورَةَ قَدْ انْقَضَتْ . (۴) ۵۵۶۸. امام علي عليه السلام (در سخنرانی اش در توصیف گم راه) أسباب نزول القرآن عن عبد الله بن مسعود: كُنَّا لَا نَعْلَمُ فَصْلَ مَا بَيْنَ السُّورَتَيْنِ حَتَّى تَنْزِلَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (۵) .

- ۱- معجم السفر: ص ۳۴۱ ح ۱۱۴۳، المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۳۵۵ ح ۸۴۴ نحوه وکلاهما عن ابن عباس .
- ۲- المعجم الكبير: ج ۱۲ ص ۶۴ ح ۱۲۵۴۵، مجمع الزوائد: ج ۲ ص ۲۸۲ ح ۲۶۳۴ نقلاً عن البرار نحوه .
- ۳- المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۳۵۶ ح ۸۴۵، سنن أبي داود: ج ۱ ص ۲۰۹ ح ۷۸۸، السنن الكبرى: ج ۲ ص ۶۳ ح ۲۳۷۷ وفيهما «لا يعرف فصل» بدل «لا يعلم ختم»، المعجم الكبير: ج ۱۲ ص ۶۴ ح ۱۲۵۴۴، أسباب نزول القرآن: ص ۲۱ ح ۱۶ .
- ۴- المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۳۵۶ ح ۸۴۶، السنن الكبرى: ج ۲ ص ۶۳ ح ۲۳۷۸، فضائل القرآن لأبي عبيد: ص ۲۱۷ عن سعيد بن جبير نحوه .
- ۵- أسباب نزول القرآن: ص ۲۱ ح ۱۷، الدر المنثور: ج ۱ ص ۲۰ .

۵۵۶۹. الإمام علیّ علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه جبرئیل علیه السلام «بسم الله الرحمن الرحیم» می گفت ، می فهمیدم که سوره [ی قلی] پایان یافته است . ۵۵۶۹. امام علی علیه السلام: المعجم الكبير به نقل از ابن عباس : پیامبر خدا ، هر گاه «بسم الله الرحمن الرحیم» بر او نازل می شد ، در می یافت که سوره ، پایان یافته و سوره دیگری آغاز شده است . ۵۵۷۰. الإمام علیّ علیه السلام: المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابن عباس : پیامبر صلی الله علیه و آله زمانی به پایان یافتن سوره پی می برد که «بسم الله الرحمن الرحیم» نازل می شد . ۵۵۷۰. امام علی علیه السلام: المستدرک علی الصحیحین : مسلمانان ، پایان یافتن سوره را نمی دانستند تا آن که «بسم الله الرحمن الرحیم» نازل می شد ، و چون «بسم الله الرحمن الرحیم» نازل می شد ، می فهمیدند که سوره به پایان رسیده است . ۵۵۷۱. الإمام علیّ علیه السلام: أسباب نزول القرآن به نقل از عبد الله بن مسعود : ما جدایی میان دو سوره را نمی دانستیم ، مگر آن گاه که «بسم الله الرحمن الرحیم» نازل می شد . .

٥٥٧١. امام على عليه السلام: أسباب نزول القرآن عن عبد الله بن عمر: نزلت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» في كُلِّ سُورَةٍ .
 (١) ٥٥٧٢. الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام: الإمام الصادق عليه السلام: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» تَبْجَانُ السُّورِ . (٢) ٢ /
 ٦ مُفْتَتِحُ الصَّلَاةِ ٥٥٧٣. امام صادق عليه السلام: سنن الترمذى عن ابن عباس: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَفْتَتِحُ صَلَاتَهُ بِ «بِسْمِ
 اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (٣) ٥٥٧٤. عنه عليه السلام: الكشف والبيان عن أبي هريره: كُنْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالنَّبِيُّ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُحَدِّثُ أَصْحَابَهُ ، إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ يُصَلِّي ، وَافْتَتَحَ الصَّلَاةَ وَتَعَوَّذَ ، ثُمَّ قَالَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ، فَسَمِعَ النَّبِيُّ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ :

يَا رَجُلُ! قَطَعْتَ عَلَى نَفْسِكَ الصَّلَاةَ ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مِنَ الْحَمْدِ ؛ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ تَرَكَ آيَةَ ، وَمَنْ
 تَرَكَ آيَةَ مِنْهُ فَقَدْ قَطَعْتَ عَلَيْهِ صِلَاتَهُ؟! (٤) ٥٥٧٥. المناقب لابن شهر آشوب: الإمام الباقر عليه السلام عن جابر بن عبد الله
 الأنصارى: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِي : كَيْفَ تَقْرَأُ إِذَا قُمْتَ فِي الصَّلَاةِ؟

قُلْتُ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ، قَالَ : قُلْ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» . (٥) .

-
- ١- أسباب نزول القرآن: ص ٢١ ح ١٨ .
 - ٢- نثر الدر: ج ١ ص ٣٥٢ .
 - ٣- سنن الترمذى: ج ٢ ص ١٤ ح ٢٤٥ ، سنن الدارقطنى: ج ١ ص ٣٠٤ ح ٨ وص ٣٠٥ ح ١١ ، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٧٠ ح ٢٤٠٣ كلاهما عن ابن عمر .
 - ٤- الكشف والبيان (تفسير الثعلبى): ج ١ ص ١٠٤ ، الدر المنثور: ج ١ ص ٢١ وفيه «أفسد» بدل «قَطَعْتَ» .
 - ٥- دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٥٩ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٤٨ ح ٤٢ ؛ سنن الدارقطنى: ج ١ ص ٣٠٢ ح ٣ عن الحسين بن موسى عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام على عليهم السلام وص ٣٠٨ ح ٢٢ عن الجهم بن عثمان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عن جابر .

۲ / ۶ آغاز نماز

۵۵۷۶. الخرائج والجرائح عن ابن مسعود: أسباب نزول القرآن به نقل از عبد الله بن عمر: «بسم الله الرحمن الرحيم»، با هر سوره ای نازل شده است. ۵۵۷۷. عیون أخبار الرضا علیه السلام عن أبي الصلت الهروامام صادق علیه السلام: «بسم الله الرحمن الرحيم»، تاج سوره هاست. ۲ / ۶ آغاز نماز ۵۵۷۶. الخرائج والجرائح (به نقل از ابن مسعود) سنن الترمذی به نقل از ابن عباس: پیامبر صلی الله علیه و آله نمازش را با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز می کرد. ۵۵۷۷. عیون أخبار الرضا علیه السلام (به نقل از ابا صیلت هروی) الکشف والبیان به نقل از ابو هریره: با پیامبر صلی الله علیه و آله بودم و ایشان برای یارانش سخن می گفت که مردی وارد شد و به نماز ایستاد و نمازش را بست و استعاذه کرد و سپس گفت: «الحمد لله رب العالمین».

پیامبر صلی الله علیه و آله شنید و فرمود: «ای مرد! نمازت را قطع کردی. مگر نمی دانی که «بسم الله الرحمن الرحيم»، جزء حمد است. پس هر که آن را ترک کند، در واقع، آیه ای را ترک کرده است، و هر کس آیه ای از حمد را ترک کند، نمازش منقطع شده است؟!». ۵۵۷۸. سیر أعلام النبلاء عن أبي الأسود: امام باقر علیه السلام به نقل از جابر بن عبد الله انصاری: پیامبر خدا به من فرمود: «هر گاه به نماز می ایستی، قرائتت را چگونه می خوانی؟».

گفتم: [می گویم:] «الحمد لله رب العالمین».

فرمود: «بگو: «بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمین»».

٥٥٧٩. تاريخ الخلفاء عن أبي الأسود الدؤلي: رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا قرأتم «الحمد لله» فاقروا: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، إنَّهَا أُمَّ الْقُرْآنِ، وَأُمَّ الْكِتَابِ، وَالسَّبْعِ الْمَثَانِي، وَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» إحداهما. (١) ٥٥٧٨. سير أعلام النبلاء (به نقل از ابو الأسود) عنه صلى الله عليه وآله كان يقول: «الحمد لله رب العالمين» سبع آيات، إحداهن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، وَهِيَ السَّبْعُ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنُ الْعَظِيمُ، وَهِيَ أُمَّ الْقُرْآنِ، وَهِيَ فَاتِحَةُ الْكِتَابِ. (٢) ٥٥٧٩. تاريخ الخلفاء (به نقل از ابو الأسود دؤلي) عنه صلى الله عليه وآله: من ترك «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فقد ترك آية من كتاب الله. (٣) ٥٥٨٠. شعب الإيمان عن صعصعة بن صوحان: سنن الدارقطني عن أبي هريره: إنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا قَرَأَ وَهُوَ يُؤْمِنُ النَّاسَ، افْتَتَحَ الصَّلَاةَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (٤) ٥٥٨٠. شعب الإيمان (به نقل از صعصعة بن صوحان) المستدرک علی الصحیحین عن أم سلمه: إنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَرَأَ فِي الصَّلَاةِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَعَدَّهَا آيَةً، «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» آيَتَيْنِ، «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ثَلَاثَ آيَاتٍ، «مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ» أَرْبَعَ آيَاتٍ، وَقَالَ هَكَذَا: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» وَجَمَعَ خَمْسَ أَصَابِعِهِ. (٥) ٥٥٨١. المناقب لابن شهر آشوب: الدر المنثور عن أم سلمه: قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ * إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ»، وَقَالَ: هِيَ سَبْعٌ يَا أُمَّ سَلَمَةَ. (٦).

- ١- سنن الدارقطني: ج ١ ص ٣١٢ ح ٣٦، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٦٧ ح ٢٣٩٠ كلاهما عن أبي هريره، كنز العمال: ج ٧ ص ٤٣٧ ح ١٩٦٦٥.
- ٢- السنن الكبرى: ج ٢ ص ٦٧ ح ٢٣٨٩، مجمع الزوائد: ج ٢ ص ٢٨٢ ح ٢٦٣٥ نقلاً عن المعجم الأوسط وكلاهما عن أبي هريره، كنز العمال: ج ١ ص ٥٦٠ ح ٢٥١٩.
- ٣- الكشف والبيان (تفسير الثعلبي): ج ١ ص ١٠٤ عن طلحة بن عبيدالله، الدر المنثور: ج ١ ص ٢١.
- ٤- سنن الدارقطني: ج ١ ص ٣٠٦ ح ١٧، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٦٩ ح ٢٣٩٦ عن منصور بن أبي مزاحم عن جدّه.
- ٥- المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٣٥٦ ح ٨٤٨، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٦٦ ح ٢٣٨٥، صحيح ابن خزيمة: ج ١ ص ٢٤٨ ح ٤٩٣ نحوه.
- ٦- الدر المنثور: ج ١ ص ١٢ نقلاً عن ابن الأنباري في المصاحف.

۵۵۸۱. المناقب ، ابن شهر آشوب : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه « الحمد لله » را [در نماز] می خوانید ، « بسم الله الرحمن الرحيم » را هم بخوانید . سوره حمد ، أم القرآن و أم الكتاب (۱) و سبع مثنائی (۲) است ، و « بسم الله الرحمن الرحيم » ، یکی از آن هفت تاست . ۵۵۸۲. تاج العروس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سوره حمد ، هفت آیه دارد ، یکی از آنها « بسم الله الرحمن الرحيم » است . این سوره ، سبع مثنائی ، قرآن عظیم ، أم القرآن و فاتحه الكتاب (۳) است . ۵۵۸۳. تاج العروس (فی بیان الأقوال فی وجه تسمیه علم ال) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس « بسم الله الرحمن الرحيم » را ترک گوید ، آیه ای از کتاب خدا را ترک گفته است . ۵۵۸۴. البدایه و النهایه عن ابن خَلکان و غیره : سنن الدارقطنی به نقل از ابو هریره : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه نماز جماعت را برای مردم می خواند ، قرائت نماز را با « بسم الله الرحمن الرحيم » آغاز می کرد . ۵۵۸۵. الإمام علی علیه السلام : المستدرک علی الصحیحین به نقل از أم سلمه : پیامبر خدا در نماز « بسم الله الرحمن الرحيم » را خواند و آن را یک آیه شمرد ، « الحمد لله رب العالمین » را آیه دوم ، « الرحمن الرحيم » را آیه سوم ، « مالک يوم الدين » را آیه چهارم ، و « ایاک نعبد و ایاک نستعین » که گفت ، پنج انگشتش را جمع کرد . ۵۵۸۶. المناقب لابن شهر آشوب عن الرضا عن آبائه علیهم السالدر المثنور به نقل از أم سلمه : پیامبر خدا خواند : « به نام خداوند بخشنده مهربان . ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است . بخشنده مهربان است . صاحب روز جزاست . تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می خواهیم . ما را به راه راست . راه نمایی کن ؛ راه آنان که به ایشان نعمت دادی ، نه آنان که مورد خشم قرار گرفته اند و نه گم راهان » ، و فرمود : « این ، شد هفت آیه ، ای أم سلمه! » .

۱- أم الكتاب ، یعنی : أم القرآن ؛ مادر قرآن ؛ اصل قرآن .

۲- سبع مثنائی ، یعنی : هفت بند ؛ هفت آیه ؛ هفت ثنا .

۳- فاتحه الكتاب ، یعنی : سرآغاز قرآن .

٥٥٨٢. تاج العروس: الإمام علي عليه السلام: إِنَّ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آيَةٌ مِنْ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ ، وَهِيَ سَبْعُ آيَاتٍ تَمَامُهَا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (١) ٥٥٨٣. تاج العروس (در بيان دیدگاه ها در مورد علت نام گذاری علم «ن» الإمام الحسين عليه السلام : قیلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، أَخْبِرْنَا عَنْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» أَهِيَ مِنْ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ ؟

فَقَالَ : نَعِيمٌ ، كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقْرَأُهَا وَيَعِيدُهَا آيَةً مِنْهَا ، وَيَقُولُ : فَاتِحَةُ الْكِتَابِ هِيَ السَّبْعُ الْمَثَانِي . (٢) ٥٥٨٤. البدايه والنهائيه (به نقل از ابن خلكان و ديگران) سنن الدار قطنى عن عبد خير : سُئِلَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ السَّبْعِ الْمَثَانِي ، فَقَالَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ» ، فَقِيلَ لَهُ : إِنَّمَا هِيَ سِتُّ آيَاتٍ ! فَقَالَ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آيَةٌ . (٣) ٥٥٨٥. امام على عليه السلام: السنن الكبرى عن سعيد بن جبیر: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ : «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي» قَالَ : فَاتِحَةُ الْكِتَابِ . قِيلَ لِابْنِ عَبَّاسٍ : فَأَيْنَ السَّابِعَةُ؟ قَالَ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (٤) .

١- .عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ٣٠٢ ح ٦٠ ، الأمالى للصدوق: ص ٢٤٠ ح ٢٥٥ كلاهما عن محمد بن زياد ومحمد بن سيار عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأخبار: ص ١٢٢ ح ٢٢٧ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، مجمع البيان: ج ١ ص ٨٨ ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ٢٩ ح ١٠ عن الإمام الحسن عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٤٨ ح ٤٠ وج ٩٢ ص ٢٢٧ ح ٥ .

٢- .عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ٣٠١ ح ٥٩ عن محمد بن زياد ومحمد بن سيار عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام ، الأمالى للصدوق: ص ٢٤٠ ح ٢٥٤ ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ٥٩ ح ٣٠ ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٦٠ ح ٤٧ وج ٩٢ ص ٢٢٧ ح ٣ .

٣- .سنن الدارقطنى: ج ١ ص ٣١٣ ح ٤٠ ، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٦٦ ح ٢٣٨٨ ، كنز العمالي: ج ٢ ص ٢٩٦ ح ٤٠٤٨ وص ٥٩٠ ح ٤٨٠٠ .

٤- .السنن الكبرى: ج ٢ ص ٦٦ ح ٢٣٨٧ وزاد في آخره «وروى ذلك عن علي عليه السلام» ، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٧٣٧ ح ٢٠٢٤ ، المصنّف لعبد الرزّاق: ج ٢ ص ٩٤ ح ٢٦٢٩ عن عطاء نحوه .

۵۵۸۶. المناقب ، ابن شهر آشوب : امام علی علیه السلام : «بسم الله الرحمن الرحيم» ، آیه ای از فاتحه الكتاب است ، فاتحه الكتاب ، هفت آیه دارد و «بسم الله الرحمن الرحيم» ، یکی از آنهاست . ۵۵۸۷. تاریخ دمشق : امام حسین علیه السلام : به امیر مؤمنان گفته شد : ای امیر مؤمنان ! بفرما که آیا «بسم الله الرحمن الرحيم» ، جزء فاتحه الكتاب است ؟

فرمود : «آری . پیامبر خدا ، آن را [در قرائت نماز] می خواند و آیه ای از «حمد» به شمار می آورد و می فرمود : فاتحه الكتاب ، هفت آیه است » . ۵۵۸۷. تاریخ دمشق : سنن الدارقطنی به نقل از عبد خیر : از علی علیه السلام در باره سبع مثنائی سؤال شد . فرمود : «سوره حمد است» .

گفته شد : آن که شش آیه است!

فرمود : « بسم الله الرحمن الرحيم هم آیه است » . ۵۵۸۸. الإمامه والسیاسه (فی ذکر قُدمِ ابنِ أبی مِحْجَنٍ عَلَی مُعَاوِیَهِ) السنن الکبری به نقل از سعید بن جبیر : از ابن عباس در باره آیه «و هر آینه به تو ، آن هفت آیه را دادیم» ، نقل شده که گفت : مقصود ، فاتحه الكتاب است .

به ابن عباس گفته شد : پس کو آیه هفتم؟

گفت : «بسم الله الرحمن الرحيم» . .

٥٥٨٩. مَرُوجُ الذَّهَبِ (فِي ذِكْرِ لَمَعٍ مِنْ كَلَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامِ) الكافي عن معاوية بن عمّار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا قُمْتُ لِلصَّلَاةِ أَقْرَأُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِي فَاتِحَةِ الْقُرْآنِ؟ قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: فَإِذَا قَرَأْتُ فَاتِحَةَ الْقُرْآنِ أَقْرَأُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مَعَ السُّورَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ. (١).

١- الكافي: ج ٣ ص ٣١٢ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٦٩ ح ٢٥١، الاستبصار: ج ١ ص ٣١١ ح ١١٥٥.

۵۵۹۰. نثر الدرّ عن محمّد بن الحنفیه (فی وصفِ عَلِيٍّ عليه السلام) الکافی به نقل از معاویه بن عمّار : به امام صادق علیه السلام گفتم : هر گاه به نماز می ایستم ، در سوره فاتحه قرآن ، «بسم الله الرحمن الرحيم» را هم بخوانم؟

فرمود : «آری» .

گفتم : و هر گاه سوره فاتحه را خواندم ، «بسم الله الرحمن الرحيم» را نیز با سوره بخوانم؟

فرمود : «آری» ..

الفصل الثالث: مواضع البسملة ٣ / الكتابها لكتاب «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (١).

الحديث ٥٥٩٢. ابن أبي الحديد (در شرح نهج البلاغه) رسول الله صلى الله عليه وآله : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مِفْتَاحُ كُلِّ كِتَابٍ. (٢) ٥٥٩٣. البيان والتبيين (فى بَيَانِ قَوْلِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ «قِيمَةُ كُلِّ» الدَّرِّ الْمُنْتَوِرِ عَنِ الشَّعْبِيِّ: كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يَكْتُبُونَ «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ»، فَكَتَبَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَوَّلَ مَا كَتَبَ «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ»، حَتَّى نَزَلَتْ: «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مُرْسَاهَا» (٣) فَكَتَبَ «بِسْمِ اللَّهِ».

ثُمَّ نَزَلَتْ: «ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ» (٤) فَكَتَبَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ».

ثُمَّ أَنْزَلَتْ آيَةُ التِّي فِي طَس: «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَكَتَبَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (٥).

- ١- النمل: ٣٠.
- ٢- الجامع لأخلاق الراوى وآداب السامع: ج ١ ص ٤٠٧ ح ٥٤٧ عن فرات بن أحنف عن الإمام الباقر عليه السلام، كنز العمال: ج ١ ص ٥٥٥ ح ٢٤٩٠.
- ٣- هود: ٤١.
- ٤- الإسراء: ١١٠.
- ٥- الدر المنثور: ج ٦ ص ٣٥٤ نقلاً عن عبد الرزاق وابن سعد وابن أبي شيبة وابن المنذر وابن أبي حاتم.

فصل سوم: جایگاه های ذکر «بسم الله»

۳ / ۱ نگارش

فصل سوم: جایگاه های ذکر «بسم الله» ۳ / ۱ نگارش قرآن «آن، [نامه ای] از طرف سلیمان است و [مضمون آن] این است: به نام خداوند مهز گستر مهربان» .

حدیث ۵۵۹۸. تذکره الخواص: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «بسم الله الرحمن الرحيم»، سرآغاز هر کتابی است ۵۵۹۵. المناقب، ابن شهر آشوب به نقل از جاحظ در کتاب الدر المنثور به نقل از شعبی: مردم جاهلیت می نوشتند: «به نام تو، ای خداوند!». پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در نخستین نبشته اش، نوشت: «به نام تو، ای خداوند!»، تا آن که آیه «رفتن و لنگر انداختنش، به نام خداست» نازل شد. از آن پس پیامبر صلی الله علیه و آله می نوشت: «بسم الله» .

سپس آیه «خدا را بخوانید یا رحمان را» نازل شد و از آن پس، پیامبر صلی الله علیه و آله می نوشت: «بسم الله الرحمن» .

سپس آیه ای که در سوره نمل است، نازل شد: «این، [نامه ای] از طرف سلیمان است و آن، چنین است: به نام خداوند مهز گستر مهربان» . از آن پس، پیامبر خدا می نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم» .

٥٥٩٦. المناقب ، ابن شهر آشوب (در توصيف على عليه السلام) صحيح البخارى عن المسور بن مخرمه ومروان فى ذكر خبر صلح الجديبيه : جاء سهيل بن عمرو ، فقال [للنبي صلى الله عليه وآله] : هات اكتب بيننا وبينكم كتابا ، فدعا النبي صلى الله عليه وآله الكاتب ، فقال النبي صلى الله عليه وآله : « بسم الله الرحمن الرحيم » . قال سهيل : أما الرحمن ، فوالله ما أدري ما هو؟! ولكن اكتب « باسمك اللهم » كما كنت تكتب .

فقال المسلمون : والله لا نكتبها إلا « بسم الله الرحمن الرحيم » .

فقال النبي صلى الله عليه وآله : اكتب « باسمك اللهم » . (١) ٥٥٩٧. مطالب السؤال (در شمارش انواع دانش هاى كه پيامبر خدا به وى آم) المراسيل عن أبى مالك : كان النبي صلى الله عليه وآله يكتب « باسمك اللهم » ، فلما نزلت : « إنه من سليمان وإنه بسم الله الرحمن الرحيم » كتبها . (٢) ٥٥٩٨. تذكره الخواص : تحف العقول عن داود الصرمى : أمرنى سيدى [الإمام الهادى عليه السلام] بحوائج كثيره ، فقال عليه السلام لى : قل : كيف تقول؟ فلم أحفظ مثلما قال لى ، فمدّ الدواة وكتب : « بسم الله الرحمن الرحيم أذكره إن شاء الله ، والأمر بيد الله » ، فتبسمت . فقال عليه السلام : ما لك؟ قلت : خير . فقال : أخبرنى؟

قلت : جعلت فداك ، ذكرت حديثا حدثنى به رجل من أصحابنا عن جدك الرضا عليه السلام ، إذا أمر بحاجه كتب : « بسم الله الرحمن الرحيم أذكره إن شاء الله » فتبسمت . (٣) .

١- صحيح البخارى : ج ٢ ص ٩٧٧ ح ٢٥٨١ ، السنن الكبرى : ج ٩ ص ٣٦٨ ح ١٨٨٠٧ ، المعجم الكبير : ج ٢٠ ص ١٣ ح ١٣ ، مسند ابن حنبل : ج ١ ص ١٨٧ ح ٦٥٦ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٢ ص ١٦٦ ح ٢٦٥٧ كلاهما عن عبد الله بن شداد نحوه .

٢- المراسيل : ص ٨٦ ح ٢ .

٣- تحف العقول : ص ٤٨٣ ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٥٠ ح ٦ .

۵۵۹۹. شرح نهج البلاغه: صحیح البخاری به نقل از مسوّر بن مخرمه و مروان ، در نقل ماجرای صلح حدیبیه : سهیل بن عمرو آمد و [به پیامبر صلی الله علیه و آله] گفت : بیا تا میان خود و شما پیمانی بنویسیم .

پیامبر صلی الله علیه و آله کاتب را فرا خواند و فرمود : «بسم الله الرحمن الرحيم» .

سهیل گفت : به خدا سوگند که من نمی دانم رحمان چیست . بلکه همچنان که پیش تر می نوشتی ، بنویس : «به نام تو ، ای خداوند!» .

مسلمانان گفتند : به خدا سوگند ، جز «بسم الله الرحمن الرحيم» نمی نویسیم .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «بنویس : به نام تو ، ای خداوند!» . ۵۵۹۹. شرح نهج البلاغه :المراسیل به نقل از ابو مالک : پیامبر صلی الله علیه و آله [در مکتوباتش] می نوشت : «به نام تو ، ای خداوند!» ؛ اما چون این آیه نازل شد : «این ، [نامه ای] از طرف سلیمان است و آن ، چنین است : «به نام خداوند مهز گستر مهربان» . از آن پس ، پیامبر صلی الله علیه و آله همین (بسم الله الرحمن الرحيم) را می نوشت . ۵۶۰۰.الإمام علی علیه السلام (فی خُطْبِهِ خُطْبَهَا ارْتِجَالًا خَالِيَةً مِنْ آل) تحف العقول به نقل از داوود صرمی : سرورم [امام هادی علیه السلام] دستورهایی بسیاری به من داد که انجام بدهم . سپس به من فرمود : «بگو که چه می گویی؟» .

ولی من عین آنچه را به من فرموده بود ، به یاد نداشتم . لذا دوات را برداشتم و نوشت : «به نام خداوند مهز گستر مهربان . به خواست خدا ، به یادم خواهد ماند و کارها در دست خداست» .

من لبخندی زدم . ایشان فرمود : «چه شد؟» .

گفتم : خیر است .

فرمود : «به من بگو» .

گفتم : فدایت شوم ! به یاد حدیثی افتادم که مردی از یارانمان ، از جدّ شما امام رضا علیه السلام برایم گفت و آن این که هر گاه دستور کاری را می داد ، می نوشت : «به نام خداوند مهز گستر مهربان . به خواست خدا ، یادم خواهد ماند» . لذا لبخند زدم . .

٥٦٠٠. امام على عليه السلام (در سخنرانی (خطبه) ای که به پداهه و بدون نقطه ای) تحف العقول: كَانَ [الإمام الرضا] عليه السلام إذا أراد أن يكتب تذكرات حوائجِه ، كَتَبَ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَذْكَرُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» ، ثُمَّ يَكْتُبُ مَا يُرِيدُ . (١) ٥٦٠١. أنساب الأشراف عن الشعبي: كشف الغمّة: رُوِيَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّيَّادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِمَوْلَاهُ نَافِذٍ : إِذَا كَتَبْتَ رُقْعَةً أَوْ كِتَابًا فِي حَاجَةٍ ، فَأَرَدْتَ أَنْ تُنْجِحَ حَاجَتَكَ الَّتِي تُرِيدُ ، فَارْتَبِ رَأْسَ الرُّقْعَةِ بِقَلَمٍ غَيْرِ مَدِيدٍ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، إِنَّ اللَّهَ وَعِدَ الصَّيَّابِرِينَ الْمَخْرَجَ مِمَّا يَكْرَهُونَ ، وَالرُّزْقَ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ ، جَعَلْنَا اللَّهَ وَإِيَّاكُمْ مِنَ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» .

قَالَ نَافِذٌ : فَكُنْتُ أَفْعَلُ ذَلِكَ فَتُنْجِحُ حَوَائِجِي . (٢) ٥٦٠١. أنساب الأشراف (به نقل از شعبي) مستدرک الوسائل عن بعض الرواه من أصحابنا: قَالَ : مِنْ حَقِّ الْقَلَمِ عَلَى مَنْ أَخَذَهُ ، إِذَا كَتَبَ أَنْ يَبْدَأَ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . (٣) راجع : ص ٤٢٦ (آداب البسملة / تجويد الكتابه) .

٣ / ١٢ الصَّبَاحُ وَالْمَسَاءُ ٥٦٠٤. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله من وصاياه لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ ، أَعِدْ بِاسْمِ اللَّهِ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ بَارَكَ لِمُتَى فِي بُكُورِهَا . (٤) .

- ١- تحف العقول : ص ٤٤٣ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٣٣٥ ح ١٢ .
- ٢- كشف الغمّة : ج ٢ ص ٣٧٤ ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٥٠ ح ٨ .
- ٣- مستدرک الوسائل : ج ٨ ص ٤٣٤ ح ٩٩١٨ نقلاً عن التنزيل والتحريف للسيارى .
- ٤- تاريخ بغداد : ج ٣ ص ٥٤ ح ٩٩٧ عن عبدالعظيم بن عبد الله الحسنى عن الإمام الجواد عن آباءه عليهم السلام ، كنز العمال : ج ٧ ص ٨١٥ ح ٢١٥٣٧ ؛ الأمالى للطوسى : ص ١٣٦ ح ٢٢٠ وفيه «على اسم الله» بدل «باسم الله» ، جامع الأحاديث للقمي : ص ١٢٢ كلاهما عن عبدالعظيم بن عبد الله الحسنى ، كشف الغمّة : ج ٣ ص ١٣٥ عن أحمد بن علي بن ثابت وكلها عن الإمام الجواد عن آباءه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٧٨ ح ٥٠ .

۵۶۰۵. عنه عليه السلام: تحف العقول: [امام رضا عليه السلام] هر گاه می خواست کارهای خود را یادداشت کند ، می نوشت : «به نام خداوند مهر گستر مهربان . به خواست خدا ، به یادم خواهد ماند» . سپس مطالب خود را می نوشت . ۵۶۰۳. امام علی علیه السلام : کشف الغمّه: روایت شده است که امام صادق علیه السلام به غلامش نافذ فرمود : «هر گاه کاغذی یا نامه ای برای حاجتی نوشتی و خواستی به حاجت خود برسی ، در بالای کاغذ ، با قلمی ناآغشته به مرگب بنویس : به نام خداوند مهر گستر مهربان . خدا به شکیبایان وعده داده است که از آنچه ناخوش دارند ، نجات یابند و از جایی که گمان نمی کنند ، روزی داده شوند . خدا ما و شما را از آن کسانی قرار دهد که نه بیمی به آنان می رسد و نه اندوهگین می شوند» .

نافذ می گوید : از آن پس ، من به این دستور ، عمل می کردم و حاجت هایم برآورده می شد . ۵۶۰۴. امام علی علیه السلام : مستدرک الوسائل به نقل از یکی از راویان شیعه : یکی از حقوق قلم بر کسی که آن را به دست می گیرد ، این است که هر گاه چیزی می نویسد ، با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز کند . ر . ک : ص ۴۲۷ (آداب بسم الله گفتن / نیکو نوشتن «بسم الله» . «)

۳ / ۲ بامداد و شامگاه ۵۶۰۷. تصنیف نهج البلاغه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام : ای علی! بامدادان ، با نام خدا در پی کار خود بیرون شو ؛ زیرا خداوند برای امت من ، در بامدادان نشان برکت نهاده است .

٥٦٠٨. بحار الأنوار (في تفسير قوله تعالى : { Q } « وَ لَبِثُوا ف) الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ : «أَبْتَدِئُ يَوْمِي هَذَا بَيْنَ يَدَي نِسْيَانِي وَعَجَلْتِي بِاسْمِ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ» ، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ الْعَبْدُ أَجْرَاهُ مِمَّا نَسِيَ فِي يَوْمِهِ . (١) ٥٦٠٩. تهذيب الأحكام عن عبيده السلماني عن أمير المؤمنين (حيث سُئِلَ عن رَجُلٍ مَاتَ وَخَلَّفَ زَوْجَةً وَأ) عنه عليه السلام : مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ : «أَبْتَدِئُ فِي يَوْمِي هَذَا بَيْنَ يَدَي نِسْيَانِي وَعَجَلْتِي بِاسْمِ اللَّهِ» ، أَجْرَاهُ عَلَيَّ مَا نَسِيَ مِنْ طَعَامٍ أَوْ شَرَابٍ . (٢) ٥٦٠٧. تصنيف نهج البلاغه : عنه عليه السلام : لَا تَدْعُ أَنْ تَقُولَ : «بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ» فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ إِصْرًا لِكُلِّ سُوءٍ . (٣) ٣ / ١٣ الخروج من البيت والدخول فيه ٥٦١٠. المصنّف لابن أبي شيبه عن سفيان عن رجل لم يسمه رسول الله صلى الله عليه وآله : إِذَا خَرَجَ الرَّجُلُ مِنْ بَيْتِهِ فَقَالَ : «بِاسْمِ اللَّهِ» ، قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ لَهُ : سَلِمْتَ . فَإِذَا قَالَ : «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» ، قَالَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ : كُفَيْتَ . فَإِذَا قَالَ : «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ» ، قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ لَهُ : وَقِيَتْ . (٤) ٥٦١١. الاستيعاب عن زر بن حبيش : الإمام الباقر عليه السلام : مَنْ قَالَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ : «بِاسْمِ اللَّهِ ، حَسْبِيَ اللَّهُ ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ» ، كَفَاهُ اللَّهُ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ وَآخِرَتِهِ . (٥) .

- ١- الكافي : ج ٢ ص ٥٢٣ ح ٥ عن محمد بن مسلم ، الأصول الستة عشر : ص ١٥١ عن محمد بن مسلم عن الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٨٨ ح ٤٩ .
- ٢- دعائم الإسلام : ج ٢ ص ١١٨ ح ٣٩٤ ، بحار الأنوار : ج ٦٦ ص ٣٨٤ ح ٥٠ .
- ٣- المقنع : ص ٥٤٣ ، الدعوات : ص ٨٥ ح ٢١٨ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٨٣ ح ٤٥ .
- ٤- قرب الإسناد : ص ٦٦ ح ٢١١ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ١٦٨ ح ١٠ .
- ٥- الكافي : ج ٢ ص ٥٤١ ح ٣ ، المحاسن : ج ٢ ص ٩٠ ح ١٢٣٩ ، الأمان : ص ١٠٦ كلها عن أبي حمزة الثمالي ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٢٤٠ ح ٢١ .

۳ / ۳ هنگام خارج شدن از منزل ، یا وارد شدن به آن

۵۶۱۰. المصنّف ، ابن ابی شیبّه (به نقل از سفیان ، از مردی که نام وی را نیاورده) امام صادق علیه السلام : علی بن حسین درودهای خدا بر آن دو هر گاه صبح خود را آغاز می کرد ، می فرمود : «امروز خود را ، پیش از فراموش کردنم و شتاب ورزیدنم ، با نام خدا و به خواست خدا آغاز می کنم» . پس هر گاه بنده چنین کند ، او را از آنچه در آن روز فراموش کند ، بسنده باشد . (۱) ۵۶۱۱. الاستیعاب به نقل از زرّ بن حُبیب : امام صادق علیه السلام : هر کس هنگام صبح بگوید : «امروز خود را پیش از فراموشی و شتابکاری ام ، به نام خدا آغاز می کنم» ، همین ذکر ، او را برای آنچه [از ذکر بسم الله] در هنگام خوردن یا نوشیدن فراموش کند ، کفایت می نماید . ۵۶۱۲. الإمام علیّ علیه السلام : امام صادق علیه السلام : گفتن ذکر «به نام خدا و به یاری خدا» را در هر بامداد و شامگاه ، ترک مکن ؛ زیرا این ذکر ، هرگونه بدی و گزند را می گرداند . ۳ / ۳ هنگام خارج شدن از منزل ، یا وارد شدن به آن ۵۶۱۳. امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه شخص در هنگام خارج شدن از خانه اش بگوید : «به نام خدا» ، فرشتگان به او می گویند : به سلامت !

هر گاه بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به مدد خداوند» ، فرشتگان به او می گویند : خدا یارت باد !

و هر گاه بگوید : «به خدا توکل کردم» ، فرشتگان می گویند : خدا نگهدارت باد ! ۵۶۱۴. عنه علیه السلام (حیث کان جالسا علی نهر الفرات و یبده) امام باقر علیه السلام : هر کس در هنگام بیرون رفتن از منزلش بگوید : «به نام خدا . خدا مرا بس است . به خدا توکل می کنم . بار خدایا! در همه کارهایم ، از تو خیر و خوبی درخواست می کنم ، و از خواری در دنیا و عذاب آخرت ، به تو پناه می آورم» ، خداوند غم ها و نگرانی های دنیا و آخرت او را بر طرف می سازد .

۱- . یعنی : پیش از آن که دچار فراموشی شود و بدون بردن نام خدا به کار دیگری بشتابد ، در همان آغاز صبح ، بگوید : «با نام خدا و به خواست خدا» . پس هر گاه این جمله را بگوید ، چنانچه در طول روز یادش برود قبل از کاری «بسم الله» بگوید ، همان که در آغاز روز گفته است ، برایش کفایت می کند و جای گزین مواردی خواهد شد که فراموش کند .

٥٦١٤. امام على عليه السلام (هنگامی که کنار نهر فرات نشسته بود و در دستش چ) الإمام الصادق عليه السلام: إذا دَخَلْتَ مَنْزِلَكَ ، فَقُلْ : «بِاسْمِ اللَّهِ ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ» ، وَسَلِّمْ عَلَى أَهْلِكَ . وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ أَحَدٌ فَقُلْ : «بِاسْمِ اللَّهِ وَسَلَامٍ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» ؛ فَإِذَا قَالَ ذَلِكَ فَزَيَّ الشَّيْطَانُ مِنْ مَنْزِلِهِ . (١) ٥٦١٥. الإمام على عليه السلام: الإمام الرضا عليه السلام: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ قَالَ : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ ، لَا - بِحَوْلِ مِنِّي وَلَا قُوَّتِي ، بَلْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا رَبِّ ، مُتَعَرِّضًا لِرِزْقِكَ ، فَأَتْنِي بِهِ فِي عَافِيهِ . (٢) راجع: ج ٣ ص ١٤٨ (أهمّ مواضع الحوقله / عند الخروج من البيت) .

٣ / ١٤ الوُضوءُ ٥٦١٦. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه و آله من وصاياه لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا عَلِيُّ ، إِذَا تَوَضَّأْتَ فَقُلْ : «بِاسْمِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَمَامَ الْوُضُوءِ ، وَتَمَامَ الصَّلَاةِ ، وَتَمَامَ رِضْوَانِكَ ، وَتَمَامَ مَغْفِرَتِكَ» ، فَهَذَا زَكَاةُ الْوُضُوءِ . (٣) ٥٦١٧. امام على عليه السلام (در شگفتی آفرینش هستی) عنه صلى الله عليه و آله : إِنْ قَالَ [الْعَبْدُ] فِي أَوَّلِ وُضُوئِهِ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، طَهَّرَتْ أَعْضَاؤُهُ كُلَّهَا مِنَ الذُّنُوبِ . (٤) .

- ١- .الأصول الستة عشر : ص ٧١ عن جابر ، مشكاة الأنوار : ص ٣٤١ ح ١٠٩٣ ، جامع الأخبار : ص ٢٣١ ح ٥٩٢ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ١١ ح ٤٦ .
- ٢- .الكافي : ج ٢ ص ٥٤٢ ح ٧ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ٢ ص ٦ ح ١١ ، المحاسن : ج ٢ ص ٩١ ح ١٢٤١ كلها عن محمد بن سنان ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ١٦٩ ح ١٣ و ص ١٧١ ح ٢١ .
- ٣- .جامع الأخبار : ص ١٦٥ ح ٣٩٤ ، بحار الأنوار : ج ٨٠ ص ٣١٧ ح ٩ .
- ٤- .التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص ٥٢١ ، بحار الأنوار : ج ٨٠ ص ٣١٦ ح ٧ .

۳ / ۴ هنگام وضو گرفتن

۵۶۱۸. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام: هر گاه وارد خانه خویش شدی ، بگو : «به نام خدا . گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست ، و محمد که درود خدا بر او و بر خاندانش باد فرستاده خداست» و بر خانواده خود نیز سلام کن و اگر کسی در خانه نبود ، بگو : «به نام خدا ، و درود بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله . درود بر ما و بر بندگان شایسته خدا» . پس هر گاه کسی چنین بگوید ، شیطان از خانه اش می گریزد . ۵۶۱۹. الإمام علیّ علیه السلام: امام رضا علیه السلام: پدرم [امام کاظم] علیه السلام هر گاه از خانه اش بیرون می آمد ، می گفت : «به نام خداوند مهز گستر مهربان . با توش و توان خدا بیرون می آیم . نه با توش و توانی از خویش ، که با توش و توان تو ای پروردگار من ، در جستجوی روزی تو می روم . پس آن را با عافیت به من عطا فرما» . ر . ک : ج ۳ ص ۱۴۹ (مهم ترین اوقات گفتن «لا حول ولا قوه الا بالله» / هنگام بیرون رفتن از خانه) .

۳ / ۴ هنگام وضو گرفتن ۵۶۲۱. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام : ای علی! هر گاه وضو می گیری ، بگو : «به نام خدا . بار خدایا! از تو درخواست می کنم وضوی کامل و نماز کامل و خشنودی کامل و آمرزش کامل را» ؛ زیرا این [ذکر] ، زکات وضوست . ۵۶۲۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه [بنده] در آغاز وضویش بگوید : «به نام خداوند مهز گستر مهربان» ، همه اعضایش از گناهان پاک می شود .

٥٦٢١. امام على عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام: إِذَا قُمْتَ بِاللَّيْلِ مِنْ مَنَامِكَ فَقُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدِهِ وَأَعْبَدَهُ

ثُمَّ اسْتَكَّ وَتَوَضَّأَ ، فَإِذَا وَضَعْتَ يَدَكَ فِي الْمَاءِ ، فَقُلْ : بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ .

فَإِذَا فَرَّغْتَ فَقُلْ : الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . (١) ٥٦٢٢. الإمام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام: لَا يَتَوَضَّأُ الرَّجُلُ حَتَّى يُسَمِّيَ ؛ يَقُولُ قَبْلَ أَنْ يَمَسَّ الْمَاءَ : بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ . (٢) ٥٦٢٣. تاريخ دمشق عن عُمَيْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ وَلَمْ يُسَمِّ ، كَانَ لِلشَّيْطَانِ فِي وُضُوئِهِ شَرْكَ ، وَإِنْ أَكَلَ أَوْ شَرِبَ أَوْ لَبَسَ ، وَكُلُّ شَيْءٍ صَدَّ نَعْمَهُ يَتَّبِعِي لَمْهُ أَنْ يُسَمِّ عَلَيهِ ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ كَانَ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شَرْكَ . (٣) ٣ / ٥ القِيَامُ إِلَى الصَّلَاةِ ٥٦٢٣. تاريخ دمشق (به نقل از عُمَيْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ) الإمام الباقر عليه السلام: إِذَا قُمْتَ (٤) إِلَى صِيَلَاتِكَ فَقُلْ : «بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ ، وَإِلَى اللَّهِ ، وَمِنَ اللَّهِ ، وَمَا شَاءَ اللَّهُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ زُورِ بَيْتِكَ ، وَعُمَارِ مَسَاجِدِكَ ، وَافْتَحْ لِي بَابَ تَوْبَتِكَ ، وَأَعْلِقْ عَنِّي بَابَ مَعْصِيَتِكَ وَكُلَّ مَعْصِيَةٍ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ ، اللَّهُمَّ أَقْبِلْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ ، جَلَّ ثَنَاؤُكَ» ، ثُمَّ افْتَتِحِ الصَّلَاةَ بِالتَّكْبِيرِ . (٥) .

- ١- الكافي: ج ٣ ص ٤٤٥ ح ١٢ ، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٢٣ ح ٤٦٧ و ج ١ ص ٧٦ ح ٤١ نحوه وكلها عن زراره ، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ١٨٨ ح ٥ .
- ٢- الخصال: ص ٦٢٨ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، المحاسن: ج ١ ص ١١٨ ح ١٢٠ عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام وليس فيه «باسم الله وبالله» ، تحف العقول: ص ١١٧ ، بحار الأنوار: ج ٨٠ ص ٣١٤ ح ١ .
- ٣- المحاسن: ج ٢ ص ٢١١ ح ١٦٢٩ عن الفضيل ، بحار الأنوار: ج ٦٣ ص ٢٠٣ ح ٢٧ .
- ٤- أي إذا أردت القيام (مرآة العقول: ج ١٥ ص ٤٠٣) .
- ٥- الكافي: ج ٣ ص ٤٤٥ ح ١٢ ، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٢٣ ح ٤٦٧ كلاهما عن زراره ، دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٦٧ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٣٧٧ ح ٣٠ .

۳ / ۵ هنگام ایستادن برای نماز

۵۶۲۴. امام علی علیه السلام: امام باقر علیه السلام: هر گاه شب [برای نماز] از خواب برخاستی ، بگو: «سپاس خداوند را که روح مرا به من باز گرداند تا او را ستایش و عبادت کنم ...» .

سپس مسواک بزن و وضو بگیر ، و چون دستت را در آب گذاشتی ، بگو: «به نام خدا و به یاری خدا . بار خدایا ! مرا از توبه کاران و از اهل طهارت و پاکی قرار ده» .

و چون وضویت را تمام کردی ، بگو: «سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است» . ۵۶۲۵. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: انسان نباید بدون بردن نام خدا وضو بگیرد ؛ پیش از آن که دست به آب بزند ، بگوید: «به نام خدا و به یاری خدا . بار خدایا ! مرا از توبه کنندگان و از اهل طهارت و پاکی قرار ده» . ۵۶۲۶. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام: هر گاه یکی از شما وضو بگیرد و نام خدا را نبرد ، شیطان در وضوی او شریک می شود . هنگام خوردن یا آشامیدن یا پوشیدن و هر کاری که انجام می دهد ، باید نام خدا را ببرد ؛ زیرا اگر چنین نکند ، شیطان با او شریک می شود . ۳ / ۵ هنگام ایستادن برای نماز ۵۶۲۹. عنه علیه السلام: امام باقر علیه السلام: هر گاه به نماز ایستادی ، بگو: «به نام خدا و به یاری خدا و به سوی خدا و از جانب خدا ، آنچه خدا خواهد . هیچ توش و توانی نیست مگر به مدد خدا . بار خدایا ! مرا از زیارت کنندگان خانه ات و آباد کنندگان مسجدهایت قرار ده ، و در توبه ات را برایم بگشای ، و در نافرمانی ات و هر نوع گناه و نافرمانی را بر من ببند . سپاس خدای را که مرا از مناجات کنندگانش قرار داد . بار خدایا ! با وجه خودت ، به من رو کن . بزرگ است ثنای تو» . سپس نماز را با تکبیر آغاز کن .

٣ / ٦ دُخُولِ الْمَسْجِدِ وَالْخُرُوجِ مِنْهُ ٥٦٢٦. امام علي عليه السلام: فاطمه عليها السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ يَقُولُ: بِاسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ ذُنُوبِي، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ.

وإذا خَرَجَ يَقُولُ: بِاسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ ذُنُوبِي، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ. (١) ٥٦٢٧. امام علي عليه السلام: عنها عليها السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ يَقُولُ: بِاسْمِ اللَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ.

وإذا خَرَجَ قَالَ: بِاسْمِ اللَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ. (٢) ٥٦٢٨. امام علي عليه السلام: المصنّف لعبد الرزاق عن المطّلب بن عبد الله بن حنطب: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ قَالَ: بِاسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَسَهِّلْ لِي أَبْوَابَ رِزْقِكَ. (٣).

١- دلائل الإمامة: ص ٧٥ ح ١٤ عن فاطمة الصغرى عن الإمام الحسين عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٣ ح ١٤ وفيه «اللهم صلّ على محمد وآل محمد» في كلا الموضعين.

٢- سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٢٥٣ ح ٧٧١، مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ١٥٩ ح ٢٦٤٧٩، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ١ ص ٣٧٣ ح ١ وج ٧ ص ١٢٣ ح ١، مسند أبي يعلى: ج ٦ ص ١٦٧ ح ٦٧٢١ كلّها عن عبد الله بن الحسن عن أمه فاطمة بنت الحسين عليه السلام، كنز العمال: ج ٨ ص ٣٢١ ح ٢٣١٠٩.

٣- المصنّف لعبد الرزاق: ج ١ ص ٤٢٦ ح ١٦٦٦، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ١ ص ٣٧٣ ح ٢ وج ٧ ص ١٢٣ ح ٢ وليس فيهما «باسم الله».

۳ / ۶ هنگام وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آن

۳ / ۶ هنگام وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آن ۵۶۳۱. المستدرک علی الصحیحین عن أبی الطفیل: فاطمه علیها السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه وارد مسجد می شد، می گفت: «به نام خدا. بار خدایا! بر محمد رحمت فرست، گناهانم را بیامرز و درهای رحمت را به رویم بگشای».

و هر گاه از مسجد خارج می شد، می گفت: «به نام خدا. بار خدایا! بر محمد رحمت فرست، گناهانم را بیامرز و درهای فضل و بخشش را بر من بگشای». ۵۶۳۲. الإمام علی علیه السلام: فاطمه علیها السلام: پیامبر خدا هر گاه وارد مسجد می شد، می گفت: «به نام خدا، و درود بر پیامبر خدا. بار خدایا! گناهانم را بیامرز و درهای رحمت را برای من بگشای».

و هر گاه از مسجد بیرون می آمد، می گفت: «به نام خدا، و درود بر پیامبر خدا. بار خدایا! گناهانم را بیامرز و درهای بخشش را برایم بگشای». ۵۶۳۱. المستدرک علی الصحیحین (به نقل از ابو طفیل) المصنّف، عبد الرزاق به نقل از عبد المطلب بن عبد الله بن حنطب: پیامبر خدا هر گاه وارد مسجد می شد، می گفت: «به نام خدا. بار خدایا! درهای رحمت را بر من بگشای و راه های روزی ات را برایم آسان گردان».

٥٦٣٢. امام على عليه السلام: جامع الأخبار: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ يَضَعُ رِجْلَهُ الْيُمْنَى وَيَقُولُ : بِاسْمِ اللَّهِ ، وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ .

و إِذَا خَرَجَ ، يَضَعُ رِجْلَهُ الْيُسْرَى وَيَقُولُ : بِاسْمِ اللَّهِ ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . (١) ٥٦٣٣. عنه عليه السلام (مِنْ حُطْبِهِ لَهُ ذَكَرَ فِيهَا الْفِتْنَةَ ، ثُمَّ) الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ قَالَ : بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ . (٢) ٥٦٣٤. عنه عليه السلام: تهذيب الأحكام عن سماعة: إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ فَقُلْ : بِاسْمِ اللَّهِ ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ، إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ، رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي ، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ .

و إِذَا خَرَجْتَ فَقُلْ مِثْلَ ذَلِكَ . (٣) ٣ / ١٧ الذَّبْحُ الْكِتَابُ «فَكُلُّوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَتِهِ مُؤْمِنِينَ» . (٤) .

الحديث ٥٦٣٥. الأمامي ، طوسی (به نقل از عبايه بن ربعی) الإمام على عليه السلام: إِذَا ذَبَحَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ : بِاسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ . (٥) .

١- .جامع الأخبار: ص ١٧٥ ح ٤١٧ ، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٦ ح ١٩ .

٢- .مسند زيد: ص ١٥٤ ، دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٥٠ ، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٣ ح ١٢ .

٣- .تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٢٦٣ ح ٧٤٤ ، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢١ ح ٨ .

٤- .الأنعام: ١١٨ .

٥- .دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١٧٤ ح ٦٢٧ ، بحار الأنوار: ج ٦٥ ص ٣٢٨ ح ٤١ .

۳ / ۷ هنگام ذبح کردن حیوان

۵۶۳۶. بصائر الدرجات (به نقل از سیّلام) جامع الأخبار: پیامبر خدا هر گاه وارد مسجد می شد ، ابتدا پای راستش را می گذاشت و می گفت : «به نام خدا . به خدا توکل کردم ، و نیرو و توانی نیست مگر به مدد خدا» .

و هر گاه از مسجد خارج می شد ، نخست پای چپش را بیرون می گذاشت و می گفت : «به نام خدا . به خدا پناه می برم از شیطان رانده شده» . ۵۶۳۷. الکافی (به نقل از زراره) امام علی علیه السلام در ذکر هنگام ورود به مسجد : به نام خدا و به یاری خدا . درود و رحمت و برکات خدا ، بر تو ای پیامبر ! درود بر ما و بر بندگان شایسته خدا . ۵۶۳۸. الاستیعاب عن سعید بن المسیب : تهذیب الأحکام به نقل از سماعه : هر گاه داخل مسجد شدی ، بگو : «به نام خدا ، و درود بر پیامبر خدا . خدا و فرشتگانش بر محمّد و خاندان محمّد درود می فرستند . درود و رحمت و برکات خدا ، بر ایشان باد . پروردگارا ! گناهان مرا بیامرز و درهای بخششت را بر من بگشای» . در هنگام خارج شدن نیز همین را بگو . ۳ / ۷ هنگام ذبح کردن حیوان قرآن «پس ، اگر به آیات او ایمان دارید ، از آنچه نام خدا [به هنگام ذبح] بر آن برده شده است ، بخورید» .

حدیث ۵۶۴۱. الصراط المستقیم : امام علی علیه السلام : هر گاه یکی از شما [حیوانی را] ذبح می کند ، بگوید : «به نام خدا ، و خدا بزرگ است» .

٣ / ٨ الأكل والشرب ٥٦٤٣. نهج البلاغه: رسول الله صلى الله عليه وآله من وصاياه لعلي عليه السلام: يا علي، إذا أكلت فقل: «باسم الله»، وإذا فرغت فقل: «الحمد لله»؛ فإن حافظيك لا يبرحان يكتبان لك الحسنات حتى تبعده عنك. (١) ٥٦٤٤. الأما لي للسيد المرتضى: رسول الله صلى الله عليه وآله من أكل الفاكهه وبدأ بياسم الله لم تضره. (٢) ٥٦٤٢. نهج البلاغه: عنه صلى الله عليه وآله: زينوا موايدكم بالقل؛ فإنها مطردة للشياطين مع التسميه. (٣) ٥٦٤٣. نهج البلاغه: الإمام علي عليه السلام: من أكل طعاما فسّمى الله على أوله، وحمد الله على آخره، لم يسأل عن نعيم ذلتك الطعام كائنا ما كان. (٤) ٥٦٤٤. الأما لي، سيد مرتضى: الكافي عن داوود بن فرقد: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: كيف أسّمى على الطعام؟

فقال: إذا اختلفت الآئيه، فسّم على كل إناء.

قلت: فإن نسيت أن أسّمى؟

قال: تقول: باسم الله على أوله وآخره. (٥) ٥٦٤٥. نهج البلاغه: مكارم الأخلاق: كان النبي صلى الله عليه وآله إذا شرب بدأ فسّمى وحسا حسوه وحسوتين، ثم يقطع فيحمد الله، ثم يعود فيسّمى، ثم يزيد في الثائيه، ثم يقطع فيحمد الله، فكان له صلى الله عليه وآله في شربه ثلاث تسميات وثلاث تحميدات، ويمص الماء مصا ولا يعبّه عبّا. (٦) (٧).

- ١- المحاسن: ج ٢ ص ٢١٠ ح ١٦٢٦ عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٧١ ح ١٢.
- ٢- بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ١١٩ ح ١٠ نقلاً عن مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٣٦٨ ح ١٢١٣ عن ابن عباس وقد سقطت لفظه «باسم الله» من النسخه المطبوعه التي عندنا.
- ٣- طب النبي صلى الله عليه وآله: ص ١١، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٣٨٢ ح ١٢٧٩، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٣٠٠؛ الفردوس: ج ٢ ص ٢٩٢ ح ٣٣٣٣ عن أبي أمامه، كنز العمال: ج ١٥ ص ٢٤٦ ح ٤٠٧٨١.
- ٤- قرب الإسناد: ص ٩٠ ح ٣٠٢ عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، الكافي: ج ٦ ص ٢٩٤ ح ١٤ عن عبد الرحمن العرزمي عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٦٨ ح ٢.
- ٥- الكافي: ج ٦ ص ٢٩٥ ح ٢٠، تهذيب الأحكام: ج ٩ ص ٩٩ ح ٤٣١، المحاسن: ج ٢ ص ٢٢٠ ح ١٦٦٢، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٧٩ ح ٤٤.
- ٦- العبّ: شرب الماء من غير مصّ، وقيل: أن يشرب الماء دغرقه؛ أي أن يصب الماء مره واحده، وقيل: العبّ الجرع (لسان العرب: ج ١ ص ٥٧٢ «عب»).
- ٧- مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٧٦ ح ١١٣، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٤٧٢ ح ٥٤.

۳ / ۸ هنگام خوردن و آشامیدن

۳ / ۸ هنگام خوردن و آشامیدن ۵۶۴۸. عنه علیه السلام (فی جوابِ سائلٍ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام: ای علی! هر گاه شروع به خوردن می کنی، بگو: «به نام خدا» و چون تمام کردی، بگو: «سپاس خدای را»؛ زیرا [اگر چنین کنی]، دو [فرشته] نگهبان تو، تا آن گاه که غذا را از خودت دفع کنی، پیوسته برایت ثواب می نویسند. ۵۶۴۹. خصائص الأئمه عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس میوه ای بخورد و به نام خدا شروع کند، آن میوه به او زیان نمی رساند. ۵۶۴۵. نهج البلاغه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سفره هایتان را با سبزی بیاراید؛ زیرا سبزی ها، همراه با بردن نام خدا، شیاطین را دور می کنند. ۵۶۴۶. الغارات (به نقل از ابو عمرو کندی، در بیان پرسش های اب) امام علی علیه السلام: هر کس غذایی بخورد و در آغاز آن، نام خدا را ببرد و در پایانش خدا را سپاس بگوید، در باره نعمت آن غذا هر چه باشد، بازخواست نخواهد شد. ۵۶۴۷. امام علی علیه السلام در هنگامی که ابن کوّاء گفت: کافی به نقل از داوود بن فزّقد: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: هنگام غذا، چگونه بسم الله بگویم؟

فرمود: «اگر ظرف ها متعدّد بود، برای هر ظرف غذایی، بسم الله بگو».

گفتم: اگر فراموش کردم که بسم الله بگویم، چه؟

فرمود: «می گویی: به نام خدا برای آغاز و پایان این [غذا]». ۵۶۴۸. امام علی علیه السلام (در پاسخ پرسش کننده ای) مکارم الأخلاق: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام آشامیدن، نخست نام خدا را می گفت و یکی دو جرعه می نوشید. سپس قطع می کرد و خدا را سپاس می گفت. آن گاه، دوباره نام خدا را می برد و در مرتبه سوم بیشتر می نوشید. سپس قطع می کرد و خدا را سپاس می گفت. ایشان در هنگام آشامیدنش، سه بار بسم الله و سه بار الحمد لله می گفت. آب را جرعه جرعه می آشامید و یکباره سر نمی کشید.

٥٦٤٩. خصائص الأئمة عليهم السلام بالإمام الصادق عليه السلام: إذا شرب أحدكم الماء فقال: «بِسْمِ اللَّهِ» ثُمَّ شَرِبَ ، ثُمَّ قَطَعَهُ فَقَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» ، ثُمَّ شَرِبَ فَقَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ» ، ثُمَّ قَطَعَهُ فَقَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» ، ثُمَّ شَرِبَ فَقَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ» ، ثُمَّ شَرِبَ فَقَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» ؛ سَبَّحَ ذَلِكَ الْمَاءَ لَهُ مَا دَامَ فِي بَطْنِهِ إِلَى أَنْ يَخْرُجَ . (١) ٥٦٥٠. تذكره الخواص عن ابن المسيب: الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لِيَشْرَبَ الشَّرْبَةَ مِنَ الْمَاءِ فَيُوجِبُ اللَّهُ لَهُ بِهَا الْجَنَّةَ! ... إِنَّهُ لَيَأْخُذُ الْإِنَاءَ فَيَضَعُهُ عَلَى فِيهِ فَيَسْمَى ثُمَّ يَشْرَبُ ، فَيَنْحِيهِ وَهُوَ يَشْتَهِيهِ ، فَيَحْمَدُ اللَّهَ ، ثُمَّ يَعُودُ فَيَشْرَبُ ، ثُمَّ يَنْحِيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ ، ثُمَّ يَعُودُ فَيَشْرَبُ ، ثُمَّ يَنْحِيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ ؛ فَيُوجِبُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا لَهُ الْجَنَّةَ . (٢) راجع : ص ٣٩٦ ح ٦٥٣ .

٣ / ١٩ التَّوْمُ ٥٦٥٢. الفضائل لابن شاذان: رسول الله صلى الله عليه و آله: إذا قال العبد عند منامه: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، يَقُولُ اللَّهُ: مَلَائِكَتِي! أَكْتُبُوا بِالْحَسَنَاتِ نَفْسَهُ إِلَى الصَّبَاحِ . (٣) .

-
- ١- الكافي: ج ٦ ص ٣٨٤ ح ٣ ، المحاسن: ج ٢ ص ٤٠٦ ح ٢٤٢٢ كلاهما عن عمر (عمرو) بن يزيد ، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٤٦٩ ح ٣٨ .
 - ٢- الكافي: ج ٢ ص ٩٦ ح ١٦ عن أبي بصير ، معاني الأخبار: ص ٣٨٥ ح ١٧ ، المحاسن: ج ٢ ص ٤٠٦ ح ٢٤٢١ كلاهما عن عبد الله بن سنان نحوه ، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٤٦٣ ح ١٥ .
 - ٣- جامع الأخبار: ص ١٢٠ ح ٢١٨ ، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٥٨ ح ٥٢ .

۳ / ۹ هنگام خوابیدن

۵۶۵۲. الفضائل ، ابن شادان : امام صادق علیه السلام : هر گاه فردی از شما خواست آب بنوشد ، بگوید : «به نام خدا» و سپس بیاشامد . آن گاه ، قطع کند و بگوید : «سپاس ، خدای را» . سپس بیاشامد و بگوید : «به نام خدا» . آن گاه ، قطع کند و بگوید : «سپاس ، خدای را» . سپس بیاشامد و بگوید : «به نام خدا» . آن گاه ، قطع کند و بگوید : «سپاس ، خدای را» . [اگر چنین کند ، [آن آب از زمانی که در شکم او جای می گیرد ، تا زمانی که دفع شود ، تسبیح [خدا] می گوید . ۵۶۵۳. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : گاه ، مردی از شما جرعه ای آب می نوشد و خداوند ، بدان سبب ، بهشت را بر او واجب می گرداند! ... [بدین سان که] ظرف را بر می دارد و بر دهانش می گذارد و نام خدا را می برد و آن گاه می آشامد . سپس آن را از دهانش دور می کند با آن که هنوز آب میل دارد و خدا را سپاس می گوید . سپس دوباره شروع به آشامیدن می کند و باز ظرف را دور می کند و خدا را سپاس می گوید ، و سه باره شروع به آشامیدن می کند و باز دور می برد و خدا را سپاس می گوید . پس خداوند عز و جل به سبب این کارش ، بهشت را بر او واجب می گرداند . ر . ک : ص ۳۹۷ ح ۶۵۳ .

۳ / ۹ هنگام خوابیدن ۵۶۵۷. فضائل الصحابه لابن حنبل عن حمید بن عبد الله بن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه بنده در هنگام خوابیدن بگوید : «به نام خداوند مهر گستر مهربان» ، خداوند می فرماید : «فرشتگان من! نفس های او را تا صبح ، ثواب بنویسید» .

٥٦٥٣. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلى الله عليه و آله كان يقول عند منامه : باسم الله أموت وأحيا وإلى الله المصير ، اللهم آمين روعتي ، وأستر عورتى ، وأد عتى أمانتى . (١) ٥٦٥٤. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : الإمام على عليه السلام : إذا أراد أحدكم النوم فليضع يده اليمنى تحت خده الأيمن ، وليقل : «باسم الله ، وضعت جنبي لله ، على مله إبراهيم ودين محمد وولايه من افترض الله طاعته ، ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن» . فمن قال ذلك عند منامه حفظ من اللص ، والمغبر ، واليهدم ، واستغفرت له الملائكة . (٢) ٥٦٥٥. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : الإمام الباقر عليه السلام : إذا توسد الرجل يمينه ، فليقل : «باسم الله ، اللهم إني أسلمت نفسي إليك ، ووجهي إليك ، وفوضت أمري إليك ، وألجأت ظهري إليك ، توكلت عليك رهبة منك ورغبة إليك ، لا ملجأ ولا منجى منك إلا إليك ، آمنت بكتابك الذي أنزلت ، وبرسولك الذي أرسلت» . ثم يسبح تسبيح فاطمة الزهراء عليها السلام . (٣) ١٠ / ٣ / ١٠ / ١٠. المستدرک علی الصحیحین عن عبد الله [بن مسعود] : الإمام الباقر عليه السلام حين سئل عن الرجل يلبس الثوب الجديد : يقول : باسم الله وبالله ، اللهم اجعله ثوب يمين وتقوى وبرك ، اللهم ارزقني فيه حسن عبادتك ، وعملاً بطاعتك ، وأداء شكر نعمتك ، الحمد لله الذي كساني ما أوارى به عورتى ، وأتجمل به في الناس . (٤) .

- ١- مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٩٣ ح ١٧٥ ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٢٠٢ ح ١٩ .
- ٢- الخصال : ص ٦٣١ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص ١٢٠ وزاد في ذيله «حتى ينتبه» ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ١٩١ ح ١ .
- ٣- تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ١١٦ ح ٤٣٥ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٤٦٩ ح ١٣٥١ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٤٣ ح ٢٠٩٧ كلها عن محمد بن مسلم ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ١٩٥ ح ١٢ .
- ٤- مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٢٢٢ ح ٦٥٤ ، الكافي : ج ٦ ص ٤٥٨ ح ١ عن محمد بن مسلم وليس فيه «باسم الله وبالله» .

۳ / ۱۰ هنگام پوشیدن

۵۶۵۹. صحیح البخاری عن عمر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در ذکر هنگام خوابیدن: به نام خدا می میرم و زندگی می کنم ، و حرکت به سوی خداست. بار خدایا! ترس مرا به آرامش تبدیل فرما و عییم را بپوشان و امانتم را از طرف من بپرداز ، ۵۶۶۰. المناقب لابن شهر آشوب عن عمر: امام علی علیه السلام: هر گاه یکی از شما خواست بخوابد ، دست راستش را زیر گونه راستش بگذارد و بگوید: «به نام خدا ، پهلویم را برای خدا [بر زمین] نهادم ، در حالی که بر آیین ابراهیم و دین محمد و پیروی و دوستی کسی هستم که خداوند ، فرمانبری از او را واجب گردانیده است . آنچه خدا بخواهد ، همان می شود و آنچه نخواهد ، نمی شود» .

هر کس این را در هنگام خوابش بگوید ، از دزد و غارت و رفتن زیر آوار ، محفوظ می ماند و فرشتگان برایش آمرزش می طلبند . ۵۶۶۱. شرح نهج البلاغه : امام باقر علیه السلام: هر گاه کسی گونه راست خود را بر بالین نهاد ، بگوید: «به نام خدا . بار خدایا! خودم را تسلیم تو کردم و رو به سوی تو نمودم . کارم را به تو وا نهادم و تو را پشت و پناهم قرار دادم و از سر بیم و امید به تو ، بر تو توکل کردم . هیچ پناهی و گریزی از تو نیست ، مگر به سوی خود تو . به کتابت که نازل کردی و به پیامبرت که فرستادی ، ایمان آوردم» . سپس تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را بگوید . ۳ / ۱۰ هنگام پوشیدن ۵۶۵۹. صحیح البخاری (به نقل از عمر) امام باقر علیه السلام در پاسخ به سؤال در باره کسی که جامه نو می پوشد : بگوید: «به نام خدا و به یاری خدا . بار خدایا! این جامه را برکت و تقوا و برکت قرار ده . بار خدایا! در این جامه ، حُسن عبادتت ، و به کار بستن طاعتت ، و گزاردن شکر نعمتت را روزی من فرما . سپاس ، خدای را که بر من چیزی پوشاند که با آن ، برهنگی ام را بپوشانم و در میان مردم ، آراسته گردم» .

٣ / ١١ التَّخْلِى ٥٦٦٢. امام باقر عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه و آله: إِذَا انْكَشَفَ أَحَدُكُمْ لِيَوَلِّ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ ، فَلْيَقُلْ : «بِاسْمِ اللَّهِ» ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يُعْضُّ بِصَيْرِهِ . (١) ٥٦٦٣. المناقب لابن شهر آشوب عن ابن عباس: الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا دَخَلْتَ الْمَخْرَجَ فَقُلْ : بِاسْمِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ ، الرَّجْسِ النَّجْسِ ، الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . (٢) ٥٦٦٤. تاريخ الطبرى عن المقداد: فلاح السائل عن أبى خديجه: إِنَّ عَمْرَو بْنَ عُبَيْدٍ ، وَوَصِلَ بَنَ عَطَاءٍ ، وَبَشِيرَا الرَّحَالِ سَأَلُوا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ حَدِّ الْخَلَاءِ إِذَا دَخَلَهُ الرَّجُلُ ، فَقَالَ :

إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءُ قَالَ : «بِاسْمِ اللَّهِ» ، فَإِذَا جَلَسَ يَقْضَى حَاجَتُهُ قَالَ : «اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي الْأَذَى ، وَهَنِّئْنِي طَعَامِي» ، فَإِذَا قَضَى حَاجَتَهُ قَالَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَمَاطَ عَنِّي الْأَذَى ، وَهَنَّأَنِي طَعَامِي» . (٣) ٣ / ١٢ الجِماع ٥٦٦٣. المناقب ، ابن شهر آشوب (به نقل از ابن عباس) رسول الله صلى الله عليه و آله من وصاياه لِعَلِّيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا عَلِيُّ ، إِذَا جَامَعْتَ فَقُلْ : «بِاسْمِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ ، وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنِي» ، فَإِنْ قَضَى أَنْ يَكُونَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ ، لَمْ يَضُرَّهُ الشَّيْطَانُ أَبَدًا . (٤) .

- ١- تهذيب الأحكام : ج ١ ص ٣٥٣ ح ١٠٤٧ عن محمد بن الحسين عن الحسن بن علي عن أبيه عن آبائه عليهم السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٢٥ ح ٤٣ عن الإمام الباقر عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص ٣٠ ح ١ عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام ، وفيهما بزياده «عنه حتى يفرغ» ، بحار الأنوار : ج ٨٠ ص ١٧٦ ح ٢٢ .
- ٢- الكافي : ج ٣ ص ١٦ ح ١ ، تهذيب الأحكام : ج ١ ص ٢٥ ح ٦٣ كلاهما عن معاوية بن عمّار ، فلاح السائل : ص ١١٨ ح ٥٤ عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج ٨٠ ص ١٧٩ ح ٢٧ .
- ٣- فلاح السائل : ص ١١٩ ح ٥٦ ، بحار الأنوار : ج ٨٠ ص ١٧٩ ح ٢٨ .
- ٤- تحف العقول : ص ١٢ ، الكافي : ج ٥ ص ٥٠٣ ح ٣ عن أبى القداح عن الإمام الصادق عن الإمام علي عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٦٦ ح ٥ ؛ صحيح البخارى : ج ٣ ص ١١٩٣ ح ٣٠٩٨ ، صحيح مسلم : ج ٢ ص ١٠٥٨ ح ١١٦ ، سنن الترمذى : ج ٣ ص ٤٠١ ح ١٠٩٢ كلها عن ابن عباس نحوه ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٣٤٥ ح ٤٤٨٤٧ .

۳ / ۱۱ هنگام قضای حاجت**۳ / ۱۲ هنگام هم بستر شدن**

۳ / ۱۱ هنگام قضای حاجت ۵۶۶۶. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما برای ادرار کردن یا کار دیگری، کشف عورت کرد، بگوید: «به نام خدا». در این صورت، شیطان چشم خود را می بندد. ۵۶۶۷. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام: هر گاه وارد آبریز گاه شدی، بگو: «به نام خدا». بار خدایا! از آن ناپاکِ ناپاکِ کننده، پلید آلوده، شیطانِ رانده شده، به تو پناه می برم. ۵۶۶۸. الإمام علی علیه السلام: فلاح السائل به نقل از ابو خدیجه: عمرو بن عبید و واصل بن عطا و بشیر رَحال، از امام صادق علیه السلام در باره آداب وارد شدن به خلا پرسیدند.

فرمود: «هر گاه شخص وارد خلا شد، بگوید: به نام خدا، و چون برای قضای حاجت نشست، بگوید: بار خدایا! ناراحتی را از من ببر و غذایی را که خورده ام، گوارایم ساز، و چون قضای حاجت کرد، بگوید: سپاس، خدای را که ناراحتی را از من دور ساخت و غذایی را که خورده ام، گوارایم ساخت.» ۳ / ۱۲ هنگام هم بستر شدن ۵۶۶۹. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام: ای علی! هر گاه هم بستر شدی، بگو: «به نام خدا. خدایا! ما را از شیطان دور بدار و شیطان را از آنچه روزی من کرده ای، دور بدار». پس اگر مقدر شد که از شما فرزندی به دنیا آید، هرگز شیطان به او گزندی نمی زند.

٥٦٧٠. الإمام الصادق عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: إذا أراد الرَّجُلُ أن يُجامِعَ أهله ، فَلْيَسِّمِ اللَّهَ وَيَدْعُوهُ بِمَا قَدَرَ عَلَيْهِ . .
 (١) ٥٦٧١. الإمام الباقر عليه السلام: تفسير العياشي عن سليمان الجعفرى: سَمِعْتُ أبا الحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ: إِذَا أَتَى أَحَدُكُمْ أَهْلَهُ فَلْيَكُنْ قَبْلَ ذَلِكَ مُلَاطِفَةً؛ فَإِنَّهُ أَبْرُّ (٢) لِقَلْبِهَا ، وَأَسْلُ (٣) لِسَخِيمَتِهَا (٤) ، فَإِذَا أَفْضَى إِلَى حَاجَتِهِ قَالَ: «بِاسْمِ اللَّهِ» ثَلَاثًا ، فَإِنْ قَدَرَ أَنْ يَقْرَأَ أَيَّ آيَةٍ حَضَرَتْهُ مِنَ الْقُرْآنِ فَعَلَّ ، وَإِلَّا قَدْ كَفَتُهُ التَّسْمِيَةُ . (٥) ٣ / ١٣ أَخَذَ الشَّارِبُ ٥٦٦٩. امام على عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ أَخَذَ مِنْ أَظْفَارِهِ وَشَارِبِهِ كُلِّ جُمُعَةٍ وَقَالَ حِينَ يَأْخُذُ: «بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ ، وَعَلَى سُنَّتِهِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» ، لَمْ يَسْقُطْ مِنْهُ قَلَامَةٌ وَلَا جُزْأَةٌ (٦) إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عِتْقَ نَسَمِهِ . (٧) .

- ١- دعائم الإسلام: ج ٢ ص ٢١١ ح ٧٧٤ .
- ٢- فى تفسير البرهان: ج ١ ص ٩٩ ح ٢٤٦ «ألين» .
- ٣- السَّلُّ: انتزاعك الشيء وإخراجه فى رفق (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٣٩٦ «سلل»).
- ٤- السَّخِيمَةُ: الحِقْدُ (النهاية: ج ٢ ص ٣٥١ «سخم»).
- ٥- تفسير العياشى: ج ١ ص ٢١ ح ١٤ ، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٣٨ ح ٣٧ .
- ٦- جَزَّ الصَّوْفَ وَالشَّعَرَ: قَطَعَهُ . وَالْجُزْأَةُ: مَا جُرَّ مِنْهُ (لسان العرب: ج ٥ ص ٣١٩ و ٣٢٠ «جزز»).
- ٧- الكافى: ج ٦ ص ٤٩١ ح ٩ ، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٢٣٧ ح ٦٢٧ ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ١٢٦ ح ٣٠٣
 كلها عن عبد الرحيم القصير ، الخصال: ص ٣٩١ ح ٨٧ عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام ، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ١٥٣ ح ٤٠٣ وفى الثلاثة الأخيره «على سنه محمد وآل محمد» .

۳ / ۱۳ هنگام گرفتن سیل

۵۶۷۰. امام صادق علیه السلام: امام صادق علیه السلام: هر گاه مرد خواست با همسرش نزدیکی کند، نام خدا را ببرد و هر دعایی که توانست، بخواند. ۵۶۷۱. امام باقر علیه السلام: تفسیر العیاشی به نقل از سلیمان جعفری: از ابو الحسن علیه السلام (۱) شنیدم که می فرماید: «هر گاه یکی از شما خواست با همسرش هم بستر شود، نخست نوازش کند؛ زیرا این کار، در به دست آوردن دل او و از بین بردن نفرت و تکدر خاطرش، بیشترین تأثیر را دارد. و چون کارش را انجام داد، سه بار بگوید: به نام خدا و اگر توانست هر آیه ای از قرآن را که به ذهنش می رسد بخواند، این کار را بکند و اگر نتوانست، همان بردن نام خدا برایش کافی است». ۳ / ۱۳ هنگام گرفتن سیل ۵۶۷۴. الإمام الصادق علیه السلام: امام باقر علیه السلام: هر کس هر جمعه ناخن ها و سیلش را بگیرد و هنگام گرفتن آنها بگوید: «به نام خدا و به یاری خدا و بر سنت محمد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله»، هیچ چیده ناخن یا مویی از او بر زمین نمی افتد، مگر آن که خداوند به ازای آن، [ثواب] آزاد کردن یک برده را برایش می نویسد.

۱- مقصود، امام کاظم یا امام رضا علیهما السلام است.

٥٦٧٤. امام صادق عليه السلام: مكارم الأخلاق: إذا أخذ الشارب يقول (١): بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مَلِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (٢) ٣ / ١١٤ الرُّكُوبُ ٥٦٧٤. الإمام الباقر عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ إِذَا رَكِبَ الدَّابَّةَ: بِاسْمِ اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَتُودُوا أَنْ تُلْكُمُ الْجَنَّةَ أَوْ رَتَّمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (٣) و «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ» (٤)؛ حَفِظْتَ لَهُ نَفْسَهُ وَدَابَّتُهُ حَتَّى يَنْزَلَ . (٥) ٥٦٧٧. الإمام الباقر عليه السلام: الأُمَالِي لِلطُّوسِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبِيعَةَ الْأَسَدِيِّ: رَكِبَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَلَمَّا وَضَعَ رِجْلَهُ فِي الرَّكَابِ قَالَ : «بِاسْمِ اللَّهِ» ، فَلَمَّا اسْتَوَى عَلَى الدَّابَّةِ قَالَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا وَحَمَلَنَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ، وَرَزَقَنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ ، وَفَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا ، «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ» . (٦) ٥٦٧٦. امام باقر عليه السلام: الأمان عن صفوان الجمال: إِنَّهُ [أَيْ الصَّادِقَ] عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا رَكِبَ الْجَمَلَ قَالَ : بِاسْمِ اللَّهِ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ» . (٧) .

١- فى هامش المصدر: «كذا ورد الحديث ، وهو مبثور...».

٢- مكارم الأخلاق: ج ١ ص ١٥٧ ح ٤٢٣ ، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١١٢ ح ١٤ .

٣- الأعراف: ٤٣ .

٤- الزخرف: ١٣ . ومقرنين: أى مطيقين ، من أقرن له: إذا أطاقه (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٤٧٢ «قرن»).

٥- الكافي: ج ٦ ص ٥٤٠ ح ١٧ ، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ١٦٥ ح ٣٠٩ ، ثواب الأعمال: ص ٢٢٨ ح ١ ، المحاسن: ج ٢ ص ٤٧٠ ح ٢٦٣١ كلها عن إبراهيم بن عبد الحميد عن الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٩٦ ح ٢٥ .

٦- الأُمَالِي لِلطُّوسِيِّ: ص ٥١٥ ح ١١٢٦ ، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٩٥ ح ٢٣ .

٧- الأمان: ص ١٠٩ ، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٩٨ ح ٣٤ .

۳ / ۱۴ هنگام نشستن بر مرکب

۵۶۷۷. امام باقر علیه السلام: مکارم الأخلاق: در هنگام کوتاه کردن سیبل ، بگوید : «به نام خدا و به یاری خدا و بر آیین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله » . ۳ / ۱۴ هنگام نشستن بر مرکب ۵۶۷۹. الإرشاد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس هنگام سوار شدن بر مرکب ، بگوید : «به نام خدا . هیچ توش و توانی نیست ، مگر به مدد خدا . «خدا را سپاس که ما را به این [مسیر] ، ره نمون شد ، و اگر خدا ما را راه نمایی نمی کرد ، ما خود ، هدایت نمی یافتیم . در حقیقت ، فرستادگانِ پروردگار ما حق را آوردند . و به آنان ندا داده می شود که این، همان بهشتی است که آن را به [پاداش] آنچه انجام می دادید ، میراث یافته اید» و «منزه است خدایی که این را رام ما ساخت و ما بر آن ، توانا نبودیم» ، ، خودش و چارپایش ، تا زمانی که پیاده شود ، محفوظ خواهند بود . ۵۶۷۹. الإرشاد: الأمالی ، طوسی به نقل از علی بن ربیعہ اسدی : امام علی علیه السلام بر مرکب نشست . چون پایش را در رکاب نهاد ، گفت : «به نام خدا» و چون روی مرکب قرار گرفت ، گفت : «سپاس ، خدای را که گرامی مان بداشت و در خشکی و آب ، ما را حمل کرد و از خوراکی های پاکیزه روزی مان داد و ما را بر بسیاری از آفریدگانش بسی برتری داد . «منزه است خدایی که این [مرکب] را رام ما ساخت و ما بر آن توانا نبودیم» . ۵۶۸۰. الإمام الصادق علیه السلام: الأمان به نقل از صفوان جمّال : هنگامی که امام صادق علیه السلام بر شتر نشست ، گفت : «به نام خدا . هیچ توش و توانی نیست ، جز به مدد خدا . «منزه است خدایی که این را رام ما کرد و ما بر آن توانا نبودیم ، و ما به سوی پروردگار خود ، باز می گردیم» . « .

٥٦٨٠. امام صادق عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا خَرَجْتَ مِنْ بَيْتِكَ تُرِيدُ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ، فَادْعُ دُعَاءَ الْفَرَجِ . . . فَإِذَا جَعَلْتَ رِجْلَكَ فِي الرَّكَابِ فَقُلْ : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، بِاسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ . . . (١) ٣ / ١٥ السَّفَرُ ٥٦٨٢. الإمام الصادق عليه السلام: المزار الكبير في ذكر ما يقال عند الخروج للسفر: وتقول أيضا ما روى عن سيدنا رسول الله صلى الله عليه وآله أنه قال: جاءني جبرئيل عليه السلام فقال: ربُّك يُقرُّك السَّلامَ ويقولُ لَكَ: يا مُحَمَّدُ! مَنْ أَرَادَ مِنْ أُمَّتِكَ أَنْ أَحْفَظَهُ فِي سَفَرِهِ ، وَأُوذِّيَهُ سَالِمًا ، فَلْيَقُلْ : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ

فَإِذَا وَضَعْتَ رِجْلَكَ عَلَى بَابِكَ لِلخُرُوجِ فَقُلْ : بِاسْمِ اللَّهِ ، آمَنْتُ بِاللَّهِ ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ ، مَا شَاءَ اللَّهُ ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (٢) ٥٦٨٢. امام صادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله كان إذا وضع رجله في العرزة (٣) وهو يريد السفر يقول: باسم الله، اللهم أنت الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ ، اللَّهُمَّ ازْوَلْنَا الْأَرْضَ ، وَهَيِّؤْ عَلَيْنَا السَّفَرَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ (٤) ، وَمِنْ كَأَبِهِ الْمُتَقَلِّبِ ، وَمِنْ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ . (٥) .

- ١- الكافي: ج ٤ ص ٢٨٤ ح ٢ ، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٥٠ ح ١٥٤ كلاهما عن معاوية بن عمَّار .
- ٢- المزار الكبير: ص ٤٩ ، المزار للمفيد: ص ٦٢ وفيه من «فإذا وضعت...» ، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٦٣ ح ٥٧ .
- ٣- العرزة: ركاب الرحل (لسان العرب: ج ٥ ص ٣٨٦ «عرز»).
- ٤- وَعَثَاءُ السَّفَرِ: أي شدته ومشقته. وأصله من الوعث، وهو الرمل، والمشى فيه يشتد على صاحبه ويشق (النهاية: ج ٥ ص ٢٠٦ «وعث»).
- ٥- الموطأ: ج ٢ ص ٩٧٧ ح ٣٤ ، سنن أبي داود: ج ٣ ص ٣٣ ح ٢٥٩٨ ، المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ١٠٩ ح ٢٤٨٤ كلاهما عن أبي هريره ، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٥٥٠ ح ٢٣١١ عن ابن عتيَّاس ، السنن الكبرى: ج ٥ ص ٤١٠ ح ١٠٣٠٣ عن عبد الله بن سرجس وكلها نحوه ، كنز العمال: ج ٦ ص ٧١٤ ح ١٧٥٣٦ .

۳ / ۱۵ هنگام سفر

۵۶۸۳. المستدرک علی الصحیحین عن ابن عباس: امام صادق علیه السلام: هر گاه به خواست خدا، از خانه ات به قصد حج و عمره خارج شدی، دعای فَرَج را بخوان... و چون پایت را در رکاب نهادی، بگو: «به نام خداوند مهرگستر مهربان. به نام خدا، و خدا بزرگ است...». ۳ / ۱۵ هنگام سفر ۵۶۸۴. مسند ابن حنبل (به نقل از ابو ظبیان جنبی) المزار الکبیر در بیان ذکریایی که هنگام رفتن به سفر گفته می شود: و نیز همان چیزی را می گویی که از سِرِّ رومان، پیامبر خدا، روایت شده است که فرمود: «جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و گفت: پروردگارت به تو سلام می رساند و می گوید: ای محمّد! هر کس از امت تو که می خواهد در سفرش از او محافظت کنم و او را به سلامت برسانم، بگوید: به نام خداوند مهرگستر مهربان. به خدا توکل کردم...»

و آن گاه که برای بیرون رفتن، پایت را دم در گذاشتی، بگو: به نام خدا. به خدا ایمان دارم. بر خدا توکل کردم. هر چه خدا خواهد. توش و توانی نیست، مگر به مدد خدا. ۵۶۸۵. سنن أبی داوود عن ابن عباس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه به قصد سفر، پایش را در رکاب می گذاشت، می فرمود: به نام خدا. بار خدایا! تویی همراه در سفر، و جانشین [هر مسافری] در میان خانواده [اش]. بار خدایا! زمین را برای ما در هم بیچان (راهمان را کوتاه ساز)، و سفر را بر ما آسان گردان. بار خدایا! از سختی سفر و از اندوه بازگشت و از [روبه رو شدن با] صحنه بد در اموال و خانواده، به تو پناه می برم.

٥٦٨٦. الإمام الحسين عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله لِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ: إِذَا تَوَجَّهْتَ إِلَى سَبِيلِ الْحَجِّ ، ثُمَّ رَكِبْتَ رَاحِلَتَكَ ، ثُمَّ قُلْتَ : «بِاسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ» ، ثُمَّ مَضْتَ رَاحِلَتَكَ ، لَمْ تَضَعْ خُفًا وَلَمْ تَرْفَعْ خُفًا إِلَّا كُتِبَ لَكَ حَسَنَةٌ ، وَمُحِيَ عَنْكَ سَيِّئَةٌ .
 (١) ٥٦٨٥. سنن أبي داود (به نقل از ابن عباس) الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا خَرَجْتَ مِنْ بَيْتِكَ تُرِيدُ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَادْعُ دُعَاءَ الْفَرَجِ . . . ثُمَّ قُلْ : اللَّهُمَّ كُنْ لِي جَارًا مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ، وَمِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ، ثُمَّ قُلْ : «بِاسْمِ اللَّهِ دَخَلْتُ ، وَبِاسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْدَمُ بَيْنَ يَدَي نِسْيَانِي وَعَجَلْتِي بِاسْمِ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ فِي سَفَرِي هَذَا» . (٢) ٣ / ١٦ كُلُّ أَمْرٍ ٥٦٨٧. المناقب ، ابن شهر آشوب: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ ابْتَدَأَ بِأَمْرِ وَقَالَ : «بِاسْمِ اللَّهِ» ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ .
 (٣) ٥٦٨٨. المناقب للخوارزمي عن أبي الأسود: عنه صلى الله عليه وآله: كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِبِاسْمِ اللَّهِ فَهُوَ أَجْذَمٌ (٤) .
 (٥) ٥٦٨٩. كتاب من لا يحضره الفقيه عن محمد بن عمرو بن سعيد الإمام الصادق عليه السلام: أَغْلِقُوا أَبْوَابَ الْمَعْصِيَةِ بِالِاسْتِعَاذَةِ ، وَافْتَحُوا أَبْوَابَ الطَّاعَةِ بِالتَّسْمِيَةِ . (٦) .

- ١- تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٢٠ ح ٥٧ ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٠٣ ح ٢١٣٨ كلاهما عن محمد بن قيس عن الإمام الباقر عليه السلام ، روضه الواعظين: ص ٣٩٤ .
- ٢- الكافي: ج ٤ ص ٢٨٤ ح ٢ ، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٥٠ ح ١٥٤ كلاهما عن معاوية بن عمار .
- ٣- كنز العمال: ج ١٠ ص ١٦٤ ح ٢٨٨٥٤ نقلاً عن الرافعي عن الإمام علي عليه السلام .
- ٤- الجذم: القطع (المصباح المنير: ص ٩٤ «جذم»).
- ٥- تلخيص الحبير: ج ١ ص ٧٦ ح ٧٠ عن أبي هريره ، تفسير الفخر الرازي: ج ١ ص ٢١٣ ، إحياء علوم الدين: ج ١ ص ٣٠٥ وفيهما «فهو أبت» ، كنز العمال: ج ١ ص ٥٥٥ ح ٢٤٩١ نقلاً عن عبدالقادر الرهاوي في الأربعين وفيه «فهو أقطع» .
- ٦- الدعوات: ص ٥٢ ح ١٣٠ ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣١٣ ح ١٧ .

۳ / ۱۶ در هر کاری

۵۶۸۸. المناقب ، خوارزمی (به نقل از ابو أسود) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مردی از انصار : هر گاه آهنگ سفر حج کردی و بر شترت نشستی و گفتی : «به نام خدا و ستایش ، خدای را» و سپس شترت حرکت کرد ، با هر سیمی که بگذارد و بردارد ، برای تو یک ثواب نوشته می شود و یک گناه از تو پاک می گردد . ۵۶۸۹. کتاب من لایحضره الفقیه (به نقل از محمّد بن عمرو بن سعید ، که سند روایت) امام صادق علیه السلام : چون به خواست خدا ، از خانه ات به قصد حج و عمره خارج شدی ، دعای فرج را بخوان ... و سپس بگو : «بار خدایا ! مرا از هر زورگوی سرکشی و از هر شیطان متمردی ، در پناه خود بگیر» . سپس بگو : «به نام خدا داخل شدم ، و به نام خدا خارج شدم ، و در راه خدا [سفر می کنم] . بار خدایا ! در این سفرم ، پیش از آن که فراموش کنم یا شتاب ورزم ، می گویم : به نام خدا و آنچه خدا خواهد» . ۳ / ۱۶ در هر کاری ۵۶۹۲. الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس کاری را با «بسم الله» آغاز کند ، خداوند ، او را می آمرزد . ۵۶۹۰. امام رضا علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کار با اهمیتی که با نام خدا آغاز نشود ، بی دنباله (ناتمام) است . ۵۶۹۱. امام باقر علیه السلام : امام صادق علیه السلام : درهای گناه را با پناه بردن به خدا [و گفتن «اعوذ بالله»] ببندید ، و درهای طاعت را با بردن نام خدا باز کنید .

٥٦٩٢. امام صادق عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: قولوا عند افتتاح كُفْلٍ أمرٍ صَغيرٍ أو عَظيمٍ: بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ .
 (١) ٥٦٩٣. الإمام الصادق عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: لا- تَدْعُ «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وَإِنْ كَانَ بَعْدَهُ شِعْرٌ .
 (٢) ٥٦٩٣. امام صادق عليه السلام: عنه عليه السلام: لَزُبْنَا تَرَكَ فِي افْتِتَاحِ أَمْرٍ بَعْضُ شَيْعَتِنَا «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، فَيَمْتَحِنُهُ اللّهُ بِمَكْرُوهِ ؛ لِئَيَّبَهُ عَلَى شُكْرِ اللّهِ تَعَالَى وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ ، وَيَمْحُو عَنْهُ وَصَمَهُ تَقْصِيرِهِ عِنْدَ تَرَكَهِ قَوْلَ : «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» .

لَقَدْ دَخَلَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَحْيَى عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَيْنَ يَدَيْهِ كُرْسِيٌّ ، فَأَمَرَهُ بِالْجُلُوسِ عَلَيْهِ ، فَجَلَسَ ، فَمَالَ بِهِ حَتَّى سَقَطَ عَلَى رَأْسِهِ ، فَأَوْضَحَ (٣) عَنْ عَظْمِ رَأْسِهِ وَسَالَ الدَّمَ ، فَأَمَرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَاءٍ فَغَسَلَ عَنْهُ ذَلِكَ الدَّمَ .

ثُمَّ قَالَ : أَدُنْ مِنِّي ، فَدَنَا مِنْهُ ، فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى مَوْضِعِ حَتِّهِ وَقَدْ كَانَ يَجِدُ مِنَ أَلْمَا مَا لَا صَبْرَ لَهُ مَعَهُ وَمَسَحَ يَدَهُ عَلَيْهَا ، وَتَفَلَّ فِيهَا ، فَمَا هُوَ إِلَّا أَنْ فَعَلَ ذَلِكَ حَتَّى انْدَمَلَ (٤) ، وَصَارَ كَأَنَّهُ لَمْ يُصِبْهُ شَيْءٌ قَطُّ .

ثُمَّ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا عَبْدَ اللَّهِ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ تَمْحِيصَ ذُنُوبِ (٥) شَيْعَتِنَا فِي الدُّنْيَا بِمَحْنِهِمْ ، لِتَسَلَّمَ لَهُمْ طَاعَاتُهُمْ وَيَسْتَحِقُّوا عَلَيْهَا ثَوَابَهَا

فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَحْيَى : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، قَدْ أَفَدْتَنِي وَعَلَّمْتَنِي ، فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ تُعَرِّفَنِي ذَنْبِي الَّذِي امْتَحِنْتُ بِهِ فِي هَذَا الْمَجْلِسِ حَتَّى لَا أَعُودَ إِلَى مِثْلِهِ .

قَالَ : تَرَكَكَ حِينَ جَلَسْتَ أَنْ تَقُولَ : «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، فَجَعَلَ اللّهُ ذَلِكَ لِسَهْوِكَ عَمَّا نُدِبْتَ إِلَيْهِ تَمْحِيصًا بِمَا أَصَابَكَ .
 أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَدَّثَنِي عَنِ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، أَنَّهُ قَالَ : كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يُذَكَّرْ «بِاسْمِ اللّهِ» فِيهِ فَهُوَ أَبْتَرٌ؟!

فَقُلْتُ : بَلَى يَا أَبَى أَنْتَ وَأُمِّي ، لَا أَتْرُكُهَا بَعْدَهَا .

قَالَ : إِذَنْ تُحَصِّنَ بِذَلِكَ وَتَسْعَدَ . (٦) .

١- التوحيد : ص ٢٣٢ ح ٥ عن محمد بن زياد ومحمد بن سيار عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص ٢٨ ح ٩ عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدّه عن الإمام الحسن عنه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٢ ص ٢٣٣ ح ١٤ .

٢- الكافي : ج ٢ ص ٦٧٢ ح ١ عن جميل بن درّاج .

٣- الموضحة : الشجّة التي تُبدى وَضَحَ العظام (القاموس المحيط : ج ١ ص ٢٥٥ «وضح»).

٤- اندمل : برئ (القاموس المحيط : ج ٣ ص ٣٧٧ «دمل»).

٥- تمحيصُ الذنوب : إزالتها (النهاية : ج ٤ ص ٣٠٢ «محص»).

٦- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص ٢٢ ح ٧ ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٣٠٥ ح ١ .

۵۶۹۴. الکافی عن عاصم بن حمزه السلولی: امام علی علیه السلام: در شروع هر کاری، کوچک یا بزرگ، بگوئید: «بسم الله الرحمن الرحيم». ۵۶۹۴. الکافی (به نقل از عاصم بن حمزه سلولی) امام صادق علیه السلام: گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» را وا مگذارید، هر چند پیش از خواندن شعری. ۵۶۹۵. الإرشاد: امام صادق علیه السلام: گاه یکی از شیعیان ما، در آغاز کاری، گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» را ترک می گوید و از این رو، خداوند، او را به امر ناخوشایندی گرفتار می سازد تا وی را متوجه سپاس گزاری از خداوند بزرگ و ثنای او گرداند و لگه ننگ تقصیر در ترک «بسم الله الرحمن الرحيم» را از او بزدايد.

یک بار عبد الله بن یحیی نزد امیر مؤمنان رفت. جلو ایشان چهارپایه ای بود و به عبد الله فرمود که روی آن چهارپایه بنشیند. تا عبد الله نشست، چهارپایه کج شد و او به سر افتاد و سرش شکست و خون جاری شد. امیر مؤمنان دستور داد آب آوردند و خونش را شست. سپس فرمود: «نزدیک من بیا».

عبد الله نزدیک شد. ایشان دستش را بر شکاف سر او که از شدت درد آن، تاب نمی آورد نهاد و بر آن، دست کشید و در آن، آب دهان انداخت. بلافاصله، زخم سر به هم آمد، به طوری که انگار اصلاً صدمه ای ندیده است.

سپس امیر مؤمنان فرمود: «ای عبد الله! ستایش، خدا را که زدودن گناهان شیعیان ما را در دنیا با ایجاد رنج و گرفتاری برای آنان قرار داد تا همچنان طاعت هایشان برقرار بماند و برای آنها پاداش داده شوند...».

عبد الله بن یحیی گفت: ای امیر مؤمنان! مرا آگاه کردی و آموختی. اکنون اگر صلاح می دانی، به من بفرما که چه گناهی مرتکب شده بودم که به سبب آن، در این مجلس تنبیه شدم، تا دیگر آن را تکرار نکنم.

امیر مؤمنان فرمود: «وقتی نشستی، نگفتی: بسم الله الرحمن الرحيم. پس خداوند، این تنبیه را برای غفلت تو از کاری قرار داد که به آن فرا خوانده شده ای، تا با این وسیله، تو را [از این گناه] پاک گرداند. مگر نمی دانی که پیامبر خدا برایم گفت که خداوند عز و جل فرمود: هر کار مهمی که در آن، بسم الله گفته نشود، ناقص است؟!».

عبد الله بن یحیی گفت: بله، پدر و مادرم به فدایت! از این پس، آن را ترک نمی کنم.

امیر مؤمنان فرمود: «در این صورت، محفوظ و خوش بخت خواهی بود»..

ص: ٣٩٠

راجع: ص ٣٢٨ ح ٥٣٧.

ص: ٣٩١

ر. ك: ص ٣٢٩ ح ٥٣٧.

.

الفصل الرابع: آثار البسملة ٤ / ١١ البركة ٥٦٩٨. المناقب لابن شهر آشوب عن سلمه بن عبد الرحمن: رسول الله صلى الله عليه وآله قال الله عز وجل: قَسَمْتُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي، فَانصَفْتُهَا لِي وَانصَفْتُهَا لِعَبْدِي، وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ. إِذَا قَالَ الْعَبْدُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» قَالَ اللَّهُ حَيْلَ جَلَالُهُ: يَدَأُ عَبْدِي بِاسْمِي، وَحَقُّ عَلَيَّ أَنْ أَتَمِّمَ لَهُ أُمُورَهُ، وَأُبَارِكَ لَهُ فِي أَحْوَالِهِ... (١) / ٤ / الإعتصام ٥٦٩٩. الكافي (به نقل از زادن) الإمام علي عليه السلام في وصيته لِكُمَيْلٍ: يَا كُمَيْلُ، سَمِّ كُلَّ يَوْمٍ بِاسْمِ اللَّهِ، وَقُلْ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ. (٢).

-
- ١- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ٣٠٠ ح ٥٩، الأمالي للصدوق: ص ٢٣٩ ح ٢٥٣ كلاهما عن محمد بن زياد ومحمد بن سيار عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٢٦ ح ٣ و ج ٨٥ ص ٥٩ وراجع شعب الإيمان: ج ٢ ص ٤٤٧ ح ٢٣٦٢ و كنز العمال: ج ٢ ص ٢٩٩ ح ٤٠٥٥.
- ٢- تحف العقول: ص ١٧١، بشاره المصطفى: ص ٢٥ عن كميل، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٦٨ ح ١ و ص ٤١٤ ح ٣٨.

فصل چهارم: آثار «بسم الله»

۴ / ۱ برکت یافتن

۴ / ۲ قرار گرفتن در پناه خدا

فصل چهارم: آثار «بسم الله» ۴ / ۱ برکت یافتن ۵۷۰۲. الإمام الرضا علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل فرمود: «[سوره] فاتحه الكتاب را میان خودم و بنده ام قسمت کرده ام؛ نصفش از آن من است و نصفش از آن بنده ام، و آنچه بنده ام بخواهد، به او می دهم».

هر گاه بنده بگوید: «به نام خداوند مهر گستر مهربان»، خداوند عز و جل می فرماید: «بنده ام به نام من آغاز کرد و بر من است که کارهای او را برایش تمام گردانم و در احوالش به او برکت دهم...». ۴ / ۲ قرار گرفتن در پناه خدا ۵۷۰۲. امام رضا علیه السلام: امام علی علیه السلام در سفارش هایش به کمیل: ای کمیل! هر روز، نام خدا را ببر و بگو: «هیچ توش و توانی نیست، مگر به یاری خدا» و به خدا توکل کن.

٥٧٠٣. المُقنع: عنه عليه السلام: إِنَّ اسْمَ اللَّهِ فَاتِقٌ لِلرُّتُوقِ (١)، وَخَائِطٌ لِلخُرُوقِ (٢)، وَمُسَهَّلٌ لِلوُعُورِ، وَجُنَّةٌ عَنِ الشُّرُورِ، وَحِصْنٌ مِنْ مِحْنِ الدُّهُورِ، وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ، وَأَمَانٌ يَوْمَ النُّشُورِ. (٣) ٥٧٠٤. الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام: بِاسْمِ اللَّهِ كَلِمَةُ الْمُعْتَصِمِينَ (٤)، وَمَقَالَهُ الْمُتَحَرِّزِينَ (٥) ٥٧٠٤. امام باقر يا امام صادق عليهما السلام: عنه عليه السلام: بِاسْمِ اللَّهِ اسْتَعْنَتْ، وَبِاسْمِ اللَّهِ اسْتَجَرْتُ، وَبِهِ اعْتَصَمْتُ، وَمَا تَوَفَّقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ. (٦) ٥٧٠٥. الكافي عن الأصبغ بن نباته: الإمام العسكري عليه السلام: اِحْتَجَبْتُ بِحِجَابِ اللَّهِ . . . وَاحْتَطَّتْ عَلَيَّ نَفْسِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَمَالِي وَمَا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ عِنَايَتِي بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. (٧) ٥٧٠٦. الإرشاد: الإمام زين العابدين عليه السلام: اُعِيذُ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي، وَجَمِيعَ مَا تَلَحُّقُهُ عِنَايَتِي، وَجَمِيعَ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدِي، بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. (٨) ٥٧٠٥. الكافي (به نقل از اصبغ بن نباته) عنه عليه السلام: بِاسْمِ اللَّهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ، بِاسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَسْتَدْفِعُ كُلَّ مَكْرُوهِ أَوَّلُهُ سَخَطُهُ، وَأَسْتَجْلِبُ كُلَّ مَحْبُوبٍ أَوَّلُهُ رِضَاؤُهُ، وَآخِثِمُ (٩)

لِي مِنْكَ بِالْغُفْرَانِ يَا وَلِيَّ الْإِحْسَانِ (١٠).

١- الرُّتُقُ: ضِدُّ الْفَتْقِ، وَهُوَ الْاِلْتِمَامُ (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٦٧٢ «رتق»).

٢- الْخَرَقُ: الشَّقُّ (النهاية: ج ٢ ص ٢٦ «خرق»).

٣- مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٣٠٤ ح ٥٩٢٧ نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

٤- قال المجلسى قدس سره: «كلمه المعتصمين» المضبوط فى النسخ الرفع، أى التسميه كلمه المعتصمين باللّٰه يفتتحون بها فى كلّ أمر، ويحتمل أن يكون خبر «باسم الله» من غير تقدير، وهو بعيد، ولعلّ الجوّ أظهر صفة للاسم (بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٢٤١).

٥- البلد الأمين: ص ١٠٠، المصباح للكفعمى: ص ١٤٤، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٥٢ ح ١١.

٦- مُهْجِ الدَّعَوَاتِ: ص ٣٥٦، البلد الأمين: ص ٥٤٩، المصباح للكفعمى: ص ٢٩١، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٧٤ ح ١.

٧- مُهْجِ الدَّعَوَاتِ: ص ٦٣، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٦٣ ح ١.

٨- مُهْجِ الدَّعَوَاتِ: ص ٢٦، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٣٦ ح ٥.

٩- فى البلد الأمين و بحار الأنوار: «فآخِثِمُ».

١٠- المصباح للكفعمى: ص ١٦٤، البلد الأمين: ص ١٢٣، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٨٨ ح ٢٥.

۵۷۰۶.الإرشاد: امام علی علیه السلام: نام خدا، رفو کننده پارگی هاست، و دوزنده چاک ها، و هموار کننده ناهمواری ها، و سپر بدی ها، و سنگر در برابر رنج های روزگار، و شفابخش بیماری های سینه ها، و [مایه] امان در روز رستاخیز. ۵۷۰۷. شرح الأخبار عن محمد بن یحیی: امام زین العابدین علیه السلام: به نام خدا که سخن پناهجویان است (۱) و گفتار حمایت خواهان. ۵۷۰۸. الإمام الصادق علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام: از نام خدا کمک گرفتم، و خود را در پناه نام خدا در آوردم، و به نام او چنگ زدم، و جز از خدا توفیق نجویم، و به او توکل کردم. ۵۷۰۷. شرح الأخبار (به نقل از محمد بن یحیی) امام عسکری علیه السلام: خود را در پس پرده خدا پوشاندم... و خودم و همسر و فرزندانم و اموالم و هر آنچه را مورد توجه من است، در پناه «بسم الله الرحمن الرحيم» قرار دادم. ۵۷۰۸. امام صادق علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام: خودم و همسر و اموالم و فرزندانم و همه آنچه را مورد توجه من است، و همه نعمت هایی را که از خدا دارم، در پناه «بسم الله الرحمن الرحيم» در می آورم. ۵۷۰۹. الإمام الباقر علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام: به نام خدا که بهترین نام هاست و به نام خدا که پروردگار زمین و آسمان است، هر ناخوشایندی را که در رأس آنها ناخشنودی خود اوست از خودم دور می کنم و هر امر دوست داشتنی ای را که در رأس آنها خشنودی خود اوست به سوی خود می کشانم. عمر مرا به آمرزش ختم فرما، ای صاحب احسان! .

۱- .علامة مجلسی قدس سرهمی گوید: «كلمة المعتصمين»، در نسخه ها به رفع «هاء»، ضبط شده است، یعنی: «بُردن نام خدا، سخن کسانی است که به خدا پناه می آورند و در هر کاری، به آن آغاز می کنند». احتمال هم دارد که خبر «بسم الله» باشد، بدون آن که چیزی را در تقدیر بگیریم. اما شاید جز آن، ظهور بیشتری داشته باشد که در این صورت، صفت اسم است.

٤ / ٣ الشفاء ٥٧١٠. الكافي (به نقل از ابن ابی لیلی) رسول الله صلى الله عليه و آله : لَوْ قَرَأْتَ : «بِاسْمِ اللَّهِ» ؛ تَحْفَظُكَ الْمَلَائِكَةُ إِلَى الْجَنَّةِ ، وَهُوَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ . (١) ٥٧١١. الإمام الصادق عليه السلام :الإمام على عليه السلام :«بِاسْمِ اللَّهِ» شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ ، وَعَوْنٌ لِكُلِّ دَوَاءٍ . (٢) ٥٧١١. امام صادق عليه السلام :عنه عليه السلام في وصيته لِكُمَيْلٍ : يا كُمَيْلُ ، إِذَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ فَسَمِّ بِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ ، وَهُوَ الشِّفَاءُ مِنْ جَمِيعِ الْأَسْوَاءِ . (٣) ٥٧١٢. الإمام الصادق عليه السلام :الإمام المهدي عليه السلام في دُعَاءٍ لَهُ : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، بِاسْمِ اللَّهِ دَوَاءً ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ شِفَاءً . (٤) ٥٧١٢. امام صادق عليه السلام :المصنّف لابن أبي شيبه عن أبيه ربه :دَخَلَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَا أَشْتَكِي ، فَقَالَ : أَلَا أُرْقِيكَ بِرُقِيهِ (٥) عَلَّمَنِيهَا جَبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : بِاسْمِ اللَّهِ أُرْقِيكَ ، وَاللَّهُ يَشْفِيكَ مِنْ كُلِّ إِرْبٍ (٦) يُؤْذِيكَ ، وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (٧) ، وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ . (٨) .

- ١- مستدرک الوسائل : ج ٤ ص ٣٨٩ ح ٤٩٩٥ نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب عن عبد الله بن مسعود وراجع بحار الأنوار : ج ٩٢ ص ٢٥٨ ح ٥٢ .
- ٢- نزهة الناظر : ص ٤٢ ، إرشاد القلوب : ص ٣٦٦ نحوه ، بحار الأنوار : ج ١٠ ص ٦٠ ح ٤ وج ٩٢ ص ٢٥٩ ح ٥٣ ؛ تفسير القرطبي : ج ١ ص ١٠٧ .
- ٣- بشاره المصطفى : ص ٢٥ عن كميل ، تحف العقول : ص ١٧١ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢٦٧ ح ١ وص ٤١٢ ح ٣٨ .
- ٤- بحار الأنوار : ج ٥٣ ص ٢٢٦ نقلاً عن البلد الأمين .
- ٥- الرُّقِيَّةُ : العوذة التي يُرْقَى بها صاحب الآفة كالحُمى والصَّرَع وغير ذلك من الآفات (النهاية : ج ٢ ص ٢٥٤ «رقى») .
- ٦- الإِرْبُ : الدَّهَاءُ وَالتُّنْكَرُ (النهاية : ج ١ ص ٣٦ «أرب») .
- ٧- العُقْدُ : جمع عُقْدَةٍ ؛ وهى ما تعقده الساحرة ، وأصله من العزيمه (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٥٧٧ «عقد») .
- ٨- المصنّف لابن أبي شيبه : ج ٧ ص ٧٨ ح ٦ وص ٧٩ ح ١٦ عن أبي سعيد الخدرى وج ٥ ص ٤٤٣ ح ٦ عن عباده بن الصامت وح ٩ عن أبي سعيد الخدرى وكلها نحوه ، كنز العمال : ج ١٠ ص ١٠٥ ح ٢٨٥٣٤ ؛ مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٢٤٦ ح ٢٥٩٥ ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ١٧ ح ١٦ .

۴ / ۳ شفا یافتن ۵۷۱۵. الکافی عن الحسن بن كثير عن أبيه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر «بسم الله» بگویی، فرشتگان، تو را تا بهشت محافظت می کنند و آن، شفای هر دردی است. ۵۷۱۳. امام کاظم علیه السلام (به نقل از پدرانیش، درباره امام علی علیه السلام) امام علی علیه السلام: «بسم الله»، شفای هر دردی و کمک هر دارویی است. ۵۷۱۴. امام باقر علیه السلام: امام علی علیه السلام در سفارش هایش به کمیل: ای کمیل! هر گاه خواستی غذا بخوری، نام خدا را ببر؛ چرا که با وجود نام او، هیچ دردی آسیب نمی رساند و در آن، شفای همه بدی ها [و دردها] هست. ۵۷۱۵. الکافی (به نقل از حسن بن كثير، از پدرش) امام مهدی علیه السلام در یکی از دعاهایش: به نام خداوند مهر گستر مهربان. «به نام خدا»، داروست و «ستایش، خدای را» شفاست. ۵۷۱۶. الخرائج والجرائح: المصنّف، ابن ابی شیبّه به نقل از ابو هُرَیره: پیامبر خدا، نزد من که بیمار بودم، آمد و فرمود: «آیا تو را با تعویذی که جبرئیل علیه السلام آن را به من آموخت، افسون کنم؟ تو را با نام خدا افسون می کنم. خدا، تو را از هر دردی که رنجت می دهد، و از گزند دمندهگان در گره ها (جادوگران)، و از گزند هر حسودی؛ آن گاه که حسادت ورزد، (۱) شفا می دهد».

۱- یا: از گزند هر شورچشمی، آن گاه که چشم زخم زند.

٥٧١٦. الخرائج و الجرائح: الإمام الصادق عليه السلام: حَمَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَأَتَاهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَوَّذَهُ ، فَقَالَ : بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ يَا مُحَمَّدُ ، وَبِاسْمِ اللَّهِ أَشْفِيكَ ، وَبِاسْمِ اللَّهِ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يُعْيِيكَ ، بِاسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَافِيكَ ، بِاسْمِ اللَّهِ تُخَذُّهَا فَلْتَهْنِيكَ ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَلَا- أَقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ، لَتَيَبَّرَنَّ بِإِذْنِ اللَّهِ . (١) ٤ / الإجابة ٥٧١٧. امام صادق عليه السلام : رسول الله صلى الله عليه و آله : لا- يُرَدُّ دُعَاءُ أَوَّلِهِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (٢) ٤ / ٥ تَسْبِيحُ الْجِبَالِ مَعَ مَنْ يَقْرَأُهَا ٥٧٢٠. الإمام الصادق عليه السلام : رسول الله صلى الله عليه و آله : مَنْ قَرَأَ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مَوْقِنًا سَبَّحَتْ مَعَهُ الْجِبَالُ ، إِلَّا أَنَّهُ لَا يُسْمَعُ ذَلِكَ مِنْهَا . (٣) ٤ / ٦ تَصَاغُرُ الشَّيْطَانِ ٥٧٢١. شرح الأخبار عن جابر بن عبد الله بن يحيى : مسند ابن حنبل عن أبي تميمه الهجيمي عَمَّنْ كَانَ رَدِيفَ (٥) النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : كُنْتُ رَدِيفَهُ عَلَى حِمَارٍ فَعَتَرَ الْحِمَارُ ، فَقُلْتُ : تَعَسَّ الشَّيْطَانُ .

فَقَالَ لِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : لا- تَقُلْ : تَعَسَّ الشَّيْطَانُ ؛ فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ : تَعَسَّ الشَّيْطَانُ تَعَاظَمَ الشَّيْطَانُ فِي نَفْسِهِ ، وَقَالَ : صَرَغَتْهُ بِقُوَّتِي ، فَإِذَا قُلْتَ : «بِاسْمِ اللَّهِ» ، تَصَاغَرَتْ إِلَيْهِ نَفْسُهُ حَتَّى يَكُونَ أَصْغَرَ مِنْ ذُبَابٍ . ٦ .

- ١- الكافي : ج ٨ ص ١٠٩ ح ٨٨ عن بكر بن محمد الأزدي ، قرب الإسناد : ص ٤٢ ح ١٣٤ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٢٤٣ ح ٢٥٨٥ وفيهما «يعنيك» بدل «يعييك» ، طب الأئمة لابني بسطام : ص ٣٨ ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٦٥ ح ٤٤ وراجع كنز العمال : ج ١٠ ص ٧١ ح ٢٨٤٠٧ .
- ٢- ربيع الأبرار : ج ٢ ص ٣٣٦ ؛ الدعوات : ص ٥٢ ح ١٣١ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٣١٣ ح ١٧ .
- ٣- الدر المنثور : ج ١ ص ٢٦ نقلاً عن أبي نعيم والديلمي عن عائشه .
- ٤- الرديف : الذي تحمله خلفك على ظهر الدابة (المصباح المنير : ص ٢٢٤ «ردف»).
- ٥- مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ٣٤٩ ح ٢٠٦١٤ و ٢٠٦١٥ نحوه ، سنن أبي داوود : ج ٤ ص ٢٩٦ ح ٤٩٨٢ نحوه ، المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ٣٢٤ ح ٧٧٩٢ ، كنز العمال : ج ١ ص ٢٤٧ ح ١٢٤٤ .

۴ / ۴ مستجاب شدن دعا**۴ / ۵ تسبیحگویی کوه ها همراه کسی که «بسم الله» گوید****۴ / ۶ کوچک شدن شیطان**

۵۷۲۲. الإمام الباقر علیه السلام: امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، تب کرد. جبرئیل علیه السلام نزد ایشان آمد و او را افسون کرد و گفت: «به نام خدا، تو را افسون می کنم، ای محمد! و به نام خدا، شفایت می دهم. به نام خدا از هر دردی که تو را رنج می دهد، به نام خدا و خدا، شفا دهنده توست. به نام خدا، این را بگیر که تو را به سلامت می دارد. به نام خداوند مهر گسترِ مهربان. سوگندی نخورم به جایگاه های ستارگان. به خواست خدا، حتما بهبود می یابی». ۴ / ۴ مستجاب شدن دعا ۵۷۲۱. شرح الأخبار (به نقل از جابر بن عبد الله بن یحیی) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دعایی که با «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز گردد، رد نمی شود. ۴ / ۵ تسبیحگویی کوه ها همراه کسی که «بسم الله» می گوید ۵۷۲۴. یکی از معصومان علیهم السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از سرِ یقین بگوید: «بسم الله الرحمن الرحیم»، کوه ها هم صدا با او تسبیح خدا می گویند؛ اما تسبیحگویی آنها شنیده نمی شود. ۴ / ۶ کوچک شدن شیطان ۵۷۲۶. الکافی عن أحمد بن محمد بن خالد رفعه إلى الإمام عمسند ابن حنبل به نقل از ابو تمیمه هجیمی، از کسی که در ترک پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود: من پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله بر الاغی نشسته بودم که ناگاه، الاغ، سکنندری خورد. من گفتم: مرگ بر شیطان!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مگو: مرگ بر شیطان؛ زیرا هر گاه بگویی: مرگ بر شیطان، شیطان در خودش احساس بزرگی و غرور می کند و می گوید: من با قدرت خود، آن [الاغ] را زمین زدم. اما اگر بگویی: به نام خدا، شیطان، چنان احساس کوچکی می کند که انگار از مگس هم کوچک تر است».

٥٧٢٦. الكافي (به نقل از احمد بن محمد بن خالد ، كه سند روايت) كنز العمال عن أسامه بن زيد :بينا رسول الله صلى الله عليه و آله على بعله شهباء (١) ، وأنا ردفه ، إذ عثرت البعلة ، فقلت : تعس إبليس ، ف ضرب رسول الله صلى الله عليه و آله على منكبي ، فقال :

يا أسامه ، لا تقل هكذا ؛ فإن لابليس عند ذلك نخره (٢) ، يقول : ذكرني ونسي ربه ، ولكن قل : باسم الله . (٣) ٤ / ١٧ الاحتجاز من الأشرار ٥٧٢٨. الكافي عن الحسن :الإمام الصادق عليه السلام للمفضل بن عمر : يا مفضل ، احتجز من الناس كلهم ب «بشيم الله الرحمن الرحيم» وب «قل هو الله أحد» ، اقرأها عن يمينك وعن شمالك ومن بين يديك ومن خلفك ومن فوقك ومن تحتك ، فإذا دخلت على سلطان جائر فاقراها حين تنظر إليه ثلاث مرات ، واعقد بيدك اليسرى ، ثم لا تفارقها حتى تخرج من عنده . (٤) ٥٧٢٩. الكافي عن الحارث بن حصيره :الإمام الحسين عليه السلام في المناجاة : اجعلني اللهم في حرزك وفي جزبك . . باسم الله استشفيت ، وباسم الله استكفيت ، وعلى الله توكلت ، وبه استعنت ، وإليه استعديت على كل ظالم ظلم ، وغاشم غشم ، وطارق طرق ، وزاجر زجر ، «فأله خير حفظاً وهو أرحم الراحمين» (٥) . (٦) .

١- الشهباء في الألوان : البياض الذي غلب على السواد (الصحاح : ج ١ ص ١٥٩ «شهب»).

٢- نخر : مد الصوت في خياشيمه (القاموس المحيط : ج ٢ ص ١٣٩ «نخر»).

٣- كنز العمال : ج ٣ ص ٨٨٨ ح ٩٠٤١ نقلاً عن الخطيب في المتفق والمفترق .

٤- الكافي : ج ٢ ص ٦٢٤ ح ٢٠ ، عدّه الداعي : ص ٢٧٥ وفيه «احتجب» بدل «احتجز» وكلاهما عن المفضل بن عمر ، بحار الأنوار : ج ٩٢ ص ٣٥١ ح ٢٢ .

٥- يوسف : ٦٤ .

٦- مهبج الدعوات : ص ٣٥٦ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٣٧٤ ح ١ .

۴ / ۷ محفوظ ماندن از اشرار

۵۷۲۸. الکافی (به نقل از حسن) کنز العمال به نقل از أسامه بن زید: پیامبر خدا بر استری خاکستری سوار بود و من در ترک وی نشسته بودم که ناگاه، استر، سِکندری خورد. من گفتم: مرگ بر ابلیس!

پیامبر خدا بر شانه من زد و فرمود: «ای أسامه! چنین مگو؛ زیرا ابلیس با شنیدن این حرف، خُرناسی می کشد [و باد به غبغب می اندازد] و می گوید: مرا یاد کرد و پروردگارش را از یاد برد؛ بلکه بگو: به نام خدا». ۴ / ۷ محفوظ ماندن از اشرار ۵۷۳۱. الخرائج والجرائح: امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر: ای مفضل! با «بسم الله الرحمن الرحيم» و [سوره] «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، خود را از [گزند] همه مردم، محفوظ بدار. آن را از سمت راست و سمت چپ و پیش رو و پشت سر و بالای سر و پایین پایت [در شش جهت خود] بخوان، و هر گاه بر سلطان ستمگری وارد شدی، با دیدن او، سه بار آن (سوره توحید) را بخوان و با دست چپ بشمار و سپس انگشتانت را همچنان بسته نگه دار (۱) تا زمانی که از نزد او خارج شوی. ۵۷۳۰. أنساب الأشراف (به نقل از مقدم) امام حسین علیه السلام در نیایش: بار خدایا! مرا در پناه و در دسته خودت قرار ده ... با «به نام خدا»، شفا می جویم. با «به نام خدا» بندگی می جویم و بر خدا توکل می کنم و از او کمک می طلبم، و از او در برابر هر ستمگری که ستم کند و هر بیدادگری که بیداد کند و هر کوبنده ای که بکوبد و هر بازدارنده ای که باز دارد، یاری می جویم «که خدا بهترین نگهدار است و او مهربان ترین مهربانان است».

٤ / ١٨ الأمان من العرق الكتاب «وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» . (١)

الحديث ٥٧٣٣. المناقب ، ابن شهر آشوب : رسول الله صلى الله عليه و آله : أمانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْعَرْقِ إِذَا رَكِبُوا فِي السَّفِينَةِ أَنْ يَقُولُوا : «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» ، «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» (٢) إلى آخر الآيَةِ . (٣) ٥٧٣٤. امام حسين عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : أمانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْعَرْقِ إِذَا هُمْ رَكِبُوا السُّفْنَ فَقَرَأُوا : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ السَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» ، «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» . (٤) .

١- هود : ٤١ .

٢- الزمر : ٦٧ .

٣- عمل اليوم والليله لابن السنى : ص ١٧٦ ح ٥٠٠ ، مسند أبى يعلى : ج ٦ ص ١٨١ ح ٦٧٤٨ ، الدعاء للطبرانى : ص ٢٥٥ ح ٨٠٣ كلها عن طلحه بن عبيدالله عن الإمام الحسين عليه السلام ، كنز العمال : ج ٦ ص ٧٠٩ ح ١٧٥١٣ .

٤- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٣٧٠ ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو و أنس بن محمّد عن أبيه عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام على عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٣٣ ح ٢٦٥٦ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٥٨ ح ٣ ؛ المعجم الكبير : ج ١٢ ص ٩٧ ح ١٢٦٦١ ، المعجم الأوسط : ج ٦ ص ١٨٤ ح ٦١٣٦ كلاهما عن ابن عباس وفيهما «أن يقولوا باسم الله الملك» بدل «فقرؤوا بسم الله الرحمن الرحيم» .

۴ / ۸ در امان ماندن از غرق شدن

۴ / ۸ در امان ماندن از غرق شدن قرآن «و [نوح] گفت: «در آن سوار شوید. به نام خداست روان شدنش و لنگر انداختنش . بی گمان ، پروردگار من ، آمرزنده مهربان است» .

حدیث ۵۷۳۷.الفتوح (در یادکرد علی علیه السلام ، پس از آن که چند بار) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه اُمّت من در کشتی نشینند و بگویند : «رفتن و لنگر افکندنش به نام خداست . بی گمان ، پروردگارم ، آمرزگار و مهربان است» «و خدا را چنان که سزای اوست ، ارج نهادند» تا آخر آیه ، از غرق شدن در امان خواهند بود .۵۷۳۸.الغارات :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه [کسانی از] اُمّت من ، سوار کشتی شوند و بخوانند : «به نام خداوند مهر گستر مهربان . «و خدای را چنان که سزای اوست ، ارج نهادند . در روز رستاخیز ، سراسر زمین در مشیت اوست و آسمان ها در هم پیچیده به دست اویند . او منزّه است و برتر از آنچه شریک آورند» . «رفتن و لنگر انداختنش به نام خداست . بی گمان ، پروردگارم ، آمرزگار و مهربان است» ، از غرق شدن ، در امان خواهند بود .

٩ / ٤ - صَرَفُ الْبَلَاءِ ٥٧٣٩. الإرشاد (به نقل از وليد بن حارث و راوی ديگر) الإمام علي عليه السلام: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ، أَلَا أَعَلَّمَيْكَ كَلِمَاتٍ؛ إِذَا وَقَعَتْ فِي وَرَطِهِ أَوْ بَلِيَّتِهِ فَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَصْرِفُ بِهَا عَنْكَ مَا يَشَاءُ مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ. (١) / ٤ / ١٠. دَفْعُ الْوَحْشَةِ ٥٧٤١. نهج البلاغه: الكافي عن سليمان الجعفرى: قُلْتُ لَهُ [أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام]: إِنِّي صَاحِبُ صَيْدِ السَّبْعِ، (٢) وَأَنَا أُبَيْتُ فِي اللَّيْلِ فِي الْخَرَابَاتِ وَأَتَوَحَّشُ، فَقَالَ لِي:

قُلْ إِذَا دَخَلْتَ: «بِسْمِ اللَّهِ أُدْخِلُ» وَأَدْخِلْ رِجْلَكَ الْيُمْنَى، وَإِذَا خَرَجْتَ فَأَخْرِجْ رِجْلَكَ الْيُسْرَى، وَسَمِّ اللَّهَ؛ فَإِنَّكَ لَا تَرَى مَكْرُوهًا. (٣) / ٤ / ١١. ثِقَلُ الْمِيزَانِ ٥٧٤٢. الإرشاد (به نقل از جميع بن عمير) رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أُمَّتِي يَأْتُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُمْ يَقُولُونَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، فَتَثْقُلُ حَسَنَاتُهُمْ فِي الْمِيزَانِ، فَتَقُولُ الْأُمَّمُ: مَا أَرْجَحَ مَوَازِينَ أُمَّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟!

فَتَقُولُ الْأَنْبِيَاءُ: إِنَّ ابْتِدَاءَ كَلَامِهِمْ ثَلَاثَةٌ أَسْمَاءٍ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ؛ لَوْ وُضِعَتْ فِي كَفِّهِ الْمِيزَانِ، وَوُضِعَتْ سَيِّئَاتُ الْخَلْقِ فِي كَفِّهِ أُخْرَى، لَرَجَحَتْ حَسَنَاتُهُمْ. (٤).

١- الكافي: ج ٢ ص ٥٧٣ ح ١٤ عن بكير، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٥٩ ح ٢٣٩١ نحوه، عدّه الداعي: ص ٢٦٤ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٩٤ ح ٢٤؛ الفردوس: ج ٥ ص ٣٢٤ ح ٨٣٢٣.

٢- صاحب صيد السبع: أي أصيد السبع (مرآة العقول: ج ١٢ ص ٤٣٨).

٣- الكافي: ج ٢ ص ٥٧٠ ح ٤، المحاسن: ج ٢ ص ١١٩ ح ١٣٢٥، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٤٨ ح ٣٩ وج ٩٥ ص ١٤٣ ح ٨.

٤- ربيع الأبرار: ج ٢ ص ٣٣٦.

۴ / ۹ گرداندنِ بلا

۴ / ۱۰ برطرف شدن وحشت

۴ / ۱۱ سنگین شدن ترازوی اعمال

۴ / ۹ گرداندنِ بلا ۵۷۴۵. المعجم الأوسط عن زاذان: امام علی علیه السلام: پیامبر خدا به من فرمود: «ای علی! آیا چند کلمه ای به تو نیاموزم؟ هر گاه در مشکلی سخت یا بلایی افتادی، بگو: به نام خداوند مهرگسترِ مهربان. هیچ توش و توانی نیست، مگر به مدد خدای بلندمرتبه و بزرگ؛ زیرا خداوند به برکت این دعا، آنچه از انواع بلا که خواهد، از تو می گرداند». ۴ / ۱۰ برطرف شدن وحشت ۵۷۴۵. المعجم الأوسط (به نقل از زاذان) الکافی به نقل از سلیمان جعفری: به امام [ابو الحسن علیه السلام] گفتم: (۱) من، شکارچی حیوانات درنده هستم و شب ها در ویرانه ها می خوابم و دچار وحشت می شوم.

فرمود: «هر گاه وارد [ویرانه ای] شدی، بگو: به نام خدا وارد می شوم و پای راستت را داخل بگذار و هنگامی که بیرون می آیی، نخست پای چپت را بیرون بگذار و نام خدا را بیر. در این صورت، ناراحتی نخواهی دید». ۴ / ۱۱ سنگین شدن ترازوی اعمال ۵۷۴۶. فضائل الصحابه، ابن حنبل (به نقل از زاذان، از مردی که برای او نقل کرد) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ائمت در روز قیامت، در حال گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» وارد می شوند، و کارهای نیکشان، در ترازو سنگین می شود. ائمت های دیگر می گویند: ترازوهای [اعمال] ائمت محمد، چه سنگین است!

پیامبران می گویند: آغاز سخنشان، سه نام از نام های خدا بود که اگر آن سه نام در یک کفه ترازو نهاده شوند و بدی ها و گناهان خلاق در کفه دیگر، باز کفه خوبی های آنان می چربد.

٤ / ١٢ النَّجَاهُ مِنَ النَّارِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا مَرَّ الْمُؤْمِنُ عَلَى الصَّرَاطِ فَيَقُولُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» طَفِئَتْ لَهَبُ النَّيرانِ، وَتَقُولُ: جُزِيَ يَا مُؤْمِنُ، فَإِنَّ نوركَ قَدْ أَطْفَأَ لَهَبِي! (١)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَجِّيَهُ اللَّهُ مِنَ الزَّبَانِيهِ التَّسْعَةَ عَشَرَ، فَلْيَقْرَأْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَإِنَّهَا تَسْعَةَ عَشَرَ حَرْفًا، لِيَجْعَلَ اللَّهُ كُلَّ حَرْفٍ مِنْهَا جُنَّةً (٢) مِنْ وَاحِدٍ مِنْهُمْ. (٣)

١- جامع الأخبار: ص ١٢٠ ح ٢١٩، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٥٨ ح ٥٢.

٢- الجُنَّة: الوقاية (النهاية: ج ١ ص ٣٠٨ «جنن»).

٣- جامع الأخبار: ص ١١٩ ح ٢١٥، مجمع البيان: ج ١ ص ٩٠ كلاهما عن عبد الله بن مسعود، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٥٧ ح ٥٢؛ الدر المنثور: ج ١ ص ٢٦ نقلًا عن وكيع والثعلبي وراجع المناقب لابن شهر آشوب: ج ٣ ص ٤٠١.

۴ / ۱۲ رهیدن از آتش دوزخ

۴ / ۱۲ رهیدن از آتش دوزخ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مؤمن بر صراط بگذرد و بگوید: «به نام خداوند مهر گسترِ مهربان»، زبانه آتش خاموش می شود و می گوید: عبور کن ای مؤمن! زیرا نور تو، زبانه مرا خاموش کرد!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس می خواهد که خداوند، او را از نگهبانانِ نوزده گانه دوزخ نجات دهد، «بسم الله الرحمن الرحیم» را بخواند؛ زیرا این ذکر، نوزده حرف است، تا خداوند، هر حرفی از آن را سپر او در برابر یکی از آن نگهبانان دوزخ قرار دهد.

الفصل الخامس: آداب البسملة ٥ / الإجهاراً أحق ما أجهر به الإمام الصادق عليه السلام: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» أحق ما أجهر به (١)، وهى الآية التى قال الله عز وجل: «وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَ لَوْ عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا» (٢). (٣)

ب إجهار النبي صلى الله عليه وآله بها فى القراءة للإمام الباقر عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا تَهَجَّدَ بِالْقُرْآنِ تَسْمَعُ لَهُ قُرَيْشٌ بِحُسْنِ صَوْتِهِ (٤)، وَكَانَ إِذَا قَرَأَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَرَوَا عَنْهُ (٥).

١- جَهَرَ الْكَلَامَ وَبِالْكَلَامِ: أَعْلَنَ بِهِ، كَأَجْهَرَ (القاموس المحيط: ج ١ ص ٣٩٤ «جهر»). وَجَهَرَ بِالْقَوْلِ: رَفَعَ بِهِ صَوْتَهُ (الصحاح: ج ٢ ص ٦١٨ «جهر»).

٢- الإِسْرَاءُ: ٤٦.

٣- تَفْسِيرُ الْقَمَى: ج ١ ص ٢٨ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ، تَفْسِيرُ الْعِيَاشَى: ج ٢ ص ٢٩٥ ح ٨٦ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٨٥ ص ٨٢ ح ٢٥.

٤- فِى بَحَارِ الْأَنْوَارِ: «لِحُسْنِ قِرَاءَتِهِ».

٥- تَفْسِيرُ الْقَمَى: ج ٢ ص ٢٠ عَنْ أَبِي حَمزَةَ الثَّمَالِي، بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج ٨٥ ص ٨٢ ح ٢٥.

فصل پنجم: آداب «بسم الله» گفتن

۵ / ۱ بلند گفتن

الف سزاوارترین آیه به خوانده شدن با صدای بلند ب بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» توسط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

فصل پنجم: آداب «بسم الله» گفتن ۵ / ۱ بلند گفتن سزاوارترین آیه به خوانده شدن با صدای بلند امام صادق علیه السلام: «بسم الله الرحمن الرحيم»، سزاوارترین چیز به خوانده شدن با صدای بلند است، و آن، همان آیه ای است که خداوند عز و جل فرموده است: «و هر گاه در قرآن، پروردگارت را بر یکتایی اش یاد کنی، از سر بیزاری، پشت می کنند و می گریزند».

ب بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم»، توسط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله امام باقر علیه السلام: هر گاه پیامبر خدا، نیمه های شب [در نماز] قرآن تلاوت می کرد، به سبب صوت نیکویش، قریش به آن گوش می دادند، و چون «بسم الله الرحمن الرحيم» را می خواند، از او می گریختند.

المستدرک علی الصحیحین عن أبی هریره: كَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَجْهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (١)

الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَجْهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» يَرْفَعُ بِهَا صَوْتَهُ ، فَإِذَا سَمِعَهَا الْمُشْرِكُونَ وَلَوْ مُدْبِرِينَ ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ : «وَ إِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْ عَلَىٰ أَدْبَرِهِمْ نُفُورًا» . (٢)

تفسير العياشي عن زيد بن علي: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَكَرَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَقَالَ: تَدْرِي مَا نَزَلَ فِي «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؟ فَقُلْتُ: لَا! فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ ، وَكَانَ يُصَلِّي بِفِنَاءِ الْكَعْبَةِ فَرَفَعَ صَوْتَهُ ، وَكَانَ عُتْبَةُ بْنُ رَبِيعَةَ ، وَشَيْبَةُ بْنُ رَبِيعَةَ ، وَأَبُو جَهْلٍ بْنُ هِشَامٍ ، وَجَمَاعَةٌ مِنْهُمْ يَسْتَمِعُونَ قِرَاءَتَهُ . قَالَ: وَكَانَ يُكَيِّزُ قِرَاءَةَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَيَرْفَعُ بِهَا صَوْتَهُ . قَالَ: فَيَقُولُونَ: إِنَّ مُحَمَّدًا لَيُرَدُّ اسْمَ رَبِّهِ تَرْدَادًا ، إِنَّهُ لَيُحِبُّهُ! فَيَأْمُرُونَ مَنْ يَقُومُ فَيَسْتَمِعُ عَلَيْهِ ، وَيَقُولُونَ: إِذَا جَازَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَأَعْلِمْنَا حَتَّى نَقُومَ فَنَسْتَمِعَ قِرَاءَتَهُ ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِي ذَلِكَ: «وَ إِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ» بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «وَ لَوْ عَلَىٰ أَدْبَرِهِمْ نُفُورًا» . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: كَتَمُوا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، فَنِعِمَّ وَاللَّهِ الْأَسْمَاءُ كَتَمُوهَا ، كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ إِلَى مَنْزِلِهِ وَاجْتَمَعَتْ عَلَيْهِ قُرَيْشٌ يَجْهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وَيَرْفَعُ بِهَا صَوْتَهُ ، فَتَوَلَّى قُرَيْشٌ فِرَارًا ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكَ: «وَ إِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَ لَوْ عَلَىٰ أَدْبَرِهِمْ نُفُورًا» . (٤)

- ١- المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٣٥٧ ح ٨٥٠ ، سنن الدارقطني: ج ١ ص ٣١٠ ح ٣٢ عن عائشه ، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٦٩ ح ٢٣٩٧ وزاد فی آخره «فترك الناس ذلك» ، كنز العمال: ج ٨ ص ١١٦ ح ٢٢١٦٤ .
- ٢- تفسير العياشي: ج ١ ص ٢٠ ح ٦ ، مستدرک الوسائل: ج ٤ ص ١٦٧ ح ٤٣٩٦ نقلًا عن أحمد بن محمد أبي عبد الله السيارى فى كتاب التنزيل والتحرير وكلاهما عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٨٢ ح ٢٤ .
- ٣- تفسير العياشى: ج ٢ ص ٢٩٥ ح ٨٥ ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٧٣ ح ٣ .
- ٤- الكافي: ج ٨ ص ٢٦٦ ح ٣٨٧ عن هارون ؛ الدر المنثور: ج ٥ ص ٢٩٨ نقلًا عن البخارى فى تاريخه عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه ، كنز العمال: ج ٢ ص ٤٥٤ ح ٤٤٨٦ نقلًا عن ابن النجار عن الإمام الباقر عليه السلام .

المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو هُرَیره : پیامبر خدا ، «بسم الله الرحمن الرحيم» را بلند می گفت .

امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا ، «بسم الله الرحمن الرحيم» را با صدای بلند می گفت و قریش با شنیدن آن می گریختند . پس خداوند عز و جل این آیه را فرو فرستاد : «و هر گاه در قرآن ، پروردگارت را بر یکتایی اش یاد کنی ، از سر بیزاری ، پشت می کنند و می گریزند» .

تفسیر العیاشی به نقل از زید بن علی : خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم . امام علیه السلام «بسم الله الرحمن الرحيم» گفت و سپس فرمود : «می دانی در باره بسم الله الرحمن الرحيم چه نازل شده است؟» . گفتم : خیر . فرمود : «پیامبر خدا ، قرآن را خوش تر از هر کس می خواند . ایشان در جلو کعبه نماز می گزارد و با صدای بلند می خواند . عتبه بن ربیع و شیبه بن ربیع و ابوجهل بن هشام و گروهی از ایشان (کافران) به خواندن او گوش می دادند . پیامبر صلی الله علیه و آله بسم الله الرحمن الرحيم را بسیار می خواند و آن را با صدای بلند می گفت . [قریش] می گفتند : محمد ، نام خدایش را فراوان تکرار می کند و عاشق اوست! سپس کسی را مأمور می کردند که برخیزد و به نماز خواندن پیامبر صلی الله علیه و آله گوش کند ، و می گفتند : هر گاه «بسم الله الرحمن الرحيم» را رد کرد ، به ما خبر ده تا برخیزیم و به قرائتش گوش دهیم . پس ، خداوند در این باره نازل کرد : «و هر گاه در قرآن پروردگارت را به یکتایی اش یاد کنی (یعنی : بسم الله الرحمن الرحيم بگویی) ، از سر بیزاری ، پشت می کنند و می گریزند» .

امام صادق علیه السلام : «بسم الله الرحمن الرحيم» را پنهان داشتند ، (۱) و به خدا سوگند که بهترین نام ها را پنهان داشتند . پیامبر خدا ، هر گاه وارد خانه اش می شد و قریش گرد او جمع می شدند ، با صدای بلند «بسم الله الرحمن الرحيم» می گفت و قریش می گریختند . پس خداوند عز و جل این آیه را فرو فرستاد : «و هر گاه در قرآن ، پروردگارت را به یکتایی اش یاد کنی ، از سر بیزاری ، پشت می کنند و می گریزند» .

۱- مقصود از پنهان داشتن ، ترک کردن آن در سوره و آن را جزء سوره نشمردن است .

تفسير فرات عن عمرو بن شمر: سألت جعفر بن محمد عليه السلام: إني أؤم قومي فأجهز بـ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، قال: نعم، فأجهز بها؛ قد جهز بها رسول الله صلى الله عليه وآله. ثم قال: إن رسول الله صلى الله عليه وآله كان من أحسن الناس صوتاً بالقرآن، فإذا قام من الليل يصلي جاء أبو جهل والمشركون يستمعون قراءته، فإذا قال: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وضعوا أصابعهم في آذانهم وهربوا، فإذا فرغ من ذلك جاؤوا فاستمعوا، وكان أبو جهل يقول: إن ابن أبي كبشه ليردد اسم ربه، إنّه ليحبه! فقال جعفر عليه السلام: صدق وإن كان كذوباً. قال: فأنزل الله: «وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَخِيدَهُ وَلَوْ عَلَىٰ أَذْرِهِمْ نُفُورًا» وهو «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (١)

ج إجهار النبي صلى الله عليه وآله بها في الصلاة لإمام علي عليه السلام: إن النبي صلى الله عليه وآله كان يجهز في المكتوبات بـ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (٢)

عنه عليه السلام: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يجهز بـ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» في السورتين جميعاً. (٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله: أمنى جبرئيل عليه السلام عند الكعبة، فجهز بـ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (٤)

١- تفسير فرات: ص ٢٤١ ح ٣٢٧، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٨٤ ح ٢٩.

٢- المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٤٣٩ ح ١١١١، سنن الدارقطني: ج ١ ص ٣٠٣ ح ٤ كلاهما عن أبي الطفيل، كنز العمال: ج ٨ ص ١١٦ ح ٢٢١٦٦.

٣- سنن الدارقطني: ج ١ ص ٣٠٢ ح ٢ عن عمر بن علي بن أبي طالب.

٤- سنن الدارقطني: ج ١ ص ٣٠٩ ح ٢٧ عن النعمان بن بشير.

ج بلند گفتن آن در نماز، توسط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

تفسیر فرات به نقل از عمرو بن شمر: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: من، پیش نماز قوم خود می شوم. آیا «بسم الله الرحمن الرحیم» را بلند بگویم؟ فرمود: «آری. آن را بلند بگو. پیامبر خدا، آن را بلند می گفت». سپس فرمود: «پیامبر خدا، قرآن را خوش تر از هر کسی می خواند. هر گاه شب برای نماز بر می خاست، ابو جهل و مشرکان می آمدند و به قرآن خواندن او، خوب گوش می دادند و چون بسم الله الرحمن الرحیم می گفت، انگشتانشان را در گوش هایشان می گذاشتند و می گریختند، و آن را که تمام می کرد، دوباره می آمدند و گوش می دادند. ابوجهل می گفت: پسر ابو کبشه (یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله)، نام خدایش را تکرار می کند و عاشق اوست!». امام صادق علیه السلام فرمود: «او راست می گفت، هر چند آدم بسیار دروغگویی بود. پس خداوند فرو فرستاد: «و هر گاه در قرآن پروردگارت را به یکتایی اش یاد کنی، از سر بیزاری، پشت می کنند و می گریزند»؛ و آن یعنی بسم الله الرحمن الرحیم بود».

ج بلند گفتن آن در نماز، توسط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و الهامام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله در نمازهای واجب، «بسم الله الرحمن الرحیم» را بلند می گفت.

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا، «بسم الله الرحمن الرحیم» را در هر دو سوره [ی نماز]، با صدای بلند، قرائت می کرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل علیه السلام در کنار کعبه، پیش نماز من شد و «بسم الله الرحمن الرحیم» را با صدای بلند گفت.

سنن الدارقطني عن الحكم بن عمير: صَلَّىتْ خَلْفَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَجَهَرَ فِي الصَّلَاةِ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ؛ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ ، وَفِي صَلَاةِ الْغَدَاةِ وَصَلَاةِ الْجُمُعَةِ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا صَلَّى بِالنَّاسِ جَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (٢)

المستدرک علی الصحیحین عن أنس: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَجْهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (٣)

المغنی: عَنِ أَنَسٍ أَنَّهُ صَلَّى وَجَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، وَقَالَ : أَقْتَدَى بِصَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (٤)

رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَّمَنِي جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الصَّلَاةَ ، فَقَامَ فَكَبَّرَ لَنَا ، ثُمَّ قَرَأَ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِيمَا يُجْهَرُ بِهِ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ . (٥)

د إجهار أهل البيت عليهم السلام بها في الصلاة السنن الكبرى عن الشعبي: رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَصَلَّيْتُ وَرَاءَهُ ، فَسَمِعْتُهُ يَجْهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (٦)

مسند زيد: زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يَجْهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (٧)

١- سنن الدارقطني: ج ١ ص ٣١٠ ح ٣١ ، كنز العمال: ج ٨ ص ١١٨ ح ٢٢١٧٩ نقلاً عن أبي نعيم .

٢- تفسير العياشي: ج ٢ ص ٢٩٥ ح ٨٧ عن منصور بن حازم ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٧٤ ح ٣ .

٣- المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٣٥٨ ح ٨٥٣ ، الدر المنثور: ج ١ ص ٢٢ نقلاً عن الطبراني والدارقطني والبيهقي في شعب الإيمان .

٤- المغنی لابن قدامه: ج ١ ص ٥٢٢ .

٥- سنن الدارقطني: ج ١ ص ٣٠٧ ح ١٨ عن أبي هريرة .

٦- السنن الكبرى: ج ٢ ص ٧٠ ح ٢٤٠١ ، كنز العمال: ج ٨ ص ١١٨ ح ٢٢١٧٧ .

٧- مسند زيد: ص ١٠٤ .

د بلند گفتن «بسم الله» در نماز، توسط اهل بیت علیهم السلام

سنن الدارقطنی به نقل از حکم بن عمیر: پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله به نماز ایستادم. در نماز، «بسم الله الرحمن الرحیم» را بلند گفت، [همچنین] در نماز شب و در نماز صبح و نماز جمعه.

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، هر گاه با مردم نماز می خواند، «بسم الله الرحمن الرحیم» را بلند می گفت.

المستدرک علی الصحیحین به نقل از آنس: شنیدم که پیامبر خدا «بسم الله الرحمن الرحیم» را با صدای بلند می گوید.

المغنی: روایت شده است که آنس، نماز خواند و «بسم الله الرحمن الرحیم» را بلند گفت و اظهار داشت: من به نماز پیامبر خدا اقتدا می کنم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل علیه السلام نماز را به من آموخت. او ایستاد و برای ما تکبیر [نماز] گفت. سپس در هر رکعت از نمازهایی که بلند خوانده می شوند، «بسم الله الرحمن الرحیم» را بلند گفت.

د بلند گفتن «بسم الله» در نماز، توسط اهل بیت علیهم السلام: به نقل از شعبی: علی بن ابی طالب علیه السلام را دیدم و پشت سر او به نماز ایستادم. شنیدم که «بسم الله الرحمن الرحیم» را با صدای بلند گفت.

مسند زید: زید بن علی، از پدرش [امام زین العابدین علیه السلام]، از جدش [امام حسین علیه السلام]، از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده است که ایشان (علی علیه السلام)، «بسم الله الرحمن الرحیم» را با صدای بلند می گفت.

الكافي عن صفوان الجمال: صَلَّىتْ خَلَفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيَّامًا ، فَكَانَ إِذَا كَانَتْ صَلَاةٌ لَا يُجَهَّرُ فِيهَا ، جَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، وَكَانَ يَجَهَّرُ فِي السُّورَتَيْنِ جَمِيعًا . (١)

الأمالى للطوسى عن أبى حفص الصائغ: صَلَّىتْ خَلَفَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَجَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (٢)

قرب الإسناد عن حنان بن سدير: صَلَّىتْ خَلَفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَغْرِبَ ، فَتَعَوَّذَ جِهَارًا : أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونِ ، ثُمَّ جَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (٣)

الإمام الرضا عليه السلام: الإِجْهَارُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِي جَمِيعِ الصَّلَوَاتِ سُنَّةٌ . (٤)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبى الضحاک: بَعَثَنِي الْمَأْمُونُ فِي إِشْخَاصِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْمَدِينَةِ . . . فَكُنْتُ مَعَهُ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَرَوْ ، فَوَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ رَجُلًا كَانَ أَتَقَى لِلَّهِ تَعَالَى مِنْهُ . . . وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَجَهَّرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِي جَمِيعِ صَلَوَاتِهِ ؛ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام: اجْتَمَعَ آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَلَى الْجَهْرِ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (٦)

دعائم الإسلام: رُوِيَ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَنْ عَلِيِّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَنَّهُمْ كَانُوا يَجَهَّرُونَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِيمَا يُجَهَّرُ فِيهِ بِالْقِرَاءَةِ مِنَ الصَّلَوَاتِ فِي أَوَّلِ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَأَوَّلِ السُّورَةِ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ ، وَيُخَافَتُونَ بِهَا فِيمَا تُخَافَتْ فِيهِ تِلْكَ الْقِرَاءَةُ مِنَ السُّورَتَيْنِ جَمِيعًا . وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اجْتَمَعْنَا وَوُلِدَ فَاطِمَةٌ عَلَيْهَا السَّلَامُ عَلَى ذَلِكَ (٧) . (٨)

- ١- الكافي: ج ٣ ص ٣١٥ ح ٢٠ ، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٦٨ ح ٢٤٦ .
- ٢- الأمالى للطوسى: ص ٢٧٣ ح ٥١٣ ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٧٩ ح ١٧ .
- ٣- قرب الإسناد: ص ١٢٤ ح ٤٣٦ ، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٢٨٩ ح ١١٥٨ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣٥ ح ٢٥ وص ٧٩ ح ١٦ .
- ٤- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ١٢٣ ح ١ عن الفضل بن شاذان ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٧٥ ح ٦ .
- ٥- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ١٨٠ ح ٥ ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٧٩ ح ١٥ .
- ٦- تفسير روض الجنان: ج ١ ص ٥٠ عن الإمام الرضا عن أبيه عليهما السلام .
- ٧- قال العلامة الحلّي قدس سره في تذكره الفقهاء: «يجب الجهر بالبسملة في مواضع الجهر ، ويستحب في مواضع الإخفات في أوّل الحمد وأوّل السورة عند علمائنا ... وقال الشافعي: يستحب الجهر بها قبل الحمد والسورة في الجهرية والإخفائية ، وبه قال عمر وابن زبير وابن عباس وابن عمر وأبو هريرة وهو مذهب عطاء وطاووس وسعيد بن جبير ومجاهد ... وقال الثوري والأوزاعي

وأبو حنيفة وأحمد وأبو عبيد : لا يجهر بها بحال ... وقال النخعي : الجهر بها بدعه. وقال مالك : المستحب أن لا يقرأها. وقال ابن أبي ليلى ، والحكم وإسحاق : إن جهرت فحسن ، وإن أخفيت فحسن» (ولمزيد الاطلاع على هذه الأقوال ومصادرها راجع تذكره الفقهاء : ج ٣ ص ١٥٢ و ١٥٣).

٨- دعائم الإسلام : ج ١ ص ١٦٠ ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ٨١ ح ٢٢ .

کافی به نقل از صفوان جمّال: چند روز پشت سرِ امام صادق علیه السلام نماز خواندم. ایشان، در نمازی هم که بلند خوانده نمی شود، «بسم الله الرحمن الرحيم» را بلند می گفت، و در هر دو سوره، بلند می گفت.

الأمالی، طوسی به نقل از ابو حفص صائغ: پشت سرِ امام صادق علیه السلام نماز خواندم، و او «بسم الله الرحمن الرحيم» را با صدای بلند گفت.

قرب الإسناد به نقل از حنّان بن سَدیر: نماز مغرب را پشت سرِ امام صادق علیه السلام خواندم. بلند گفت: «به خدای شنوای دانا پناه می برم از شیطانِ رانده شده؛ و به خدا پناه می برم از این که شیاطین، نزد من بیایند». سپس «بسم الله الرحمن الرحيم» را هم با صدای بلند گفت.

امام رضا علیه السلام: بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» در همه نمازها، سنّت [و مستحب] است.

عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از رجاء بن ابی ضحّاک: مأمون، مرا فرستاد تا علی بن موسی [الرضا علیه السلام] را از مدینه [به خراسان] بیاورم... من از مدینه تا مرو با ایشان بودم. به خدا سوگند، مردی خداترس تر از او ندیدم... در همه نمازهایش، در شب و روز، «بسم الله الرحمن الرحيم» را بلند می گفت.

امام صادق علیه السلام: خاندان محمد صلی الله علیه و آله بر بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم»، هم داستان اند.

دعائم الإسلام: برای ما روایت شده است که پیامبر خدا و علی و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد که درودهای خدا بر همه ایشان باد در نمازهایی که قرائت در آنها بلند خوانده می شود، در آغاز «فاتحه الكتاب» و آغاز سوره، در هر رکعتی، «بسم الله الرحمن الرحيم» را بلند می گفتند، و در نمازهایی که هر دو سوره در آنها آهسته خوانده می شود، آن را آهسته می گفتند. و امام زین العابدین علیه السلام فرموده است: «ما فرزندان فاطمه علیها السلام بر این، هم داستانییم» (۱).

۱- علامه حلی رحمه الله در تذکره الفقهاء می گوید: در نمازهایی که با صدای بلند خوانده می شوند، بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم»، واجب است، و در نمازهای آهسته، از نظر علمای امامیه، بلند گفتن آن در اوّل حمد و اوّل سوره مستحب است... شافعی می گوید: بلند گفتن «بسم الله» قبل از حمد و سوره در نمازهای بلند و آهسته، هر دو، مستحب است. عمر و ابن زبیر و ابن عباس و ابن عمر و ابو هریره و عطا و طاووس و ابن جبیر و مجاهد، همین نظر را دارند...؛ اما ثوری و أوزاعی و ابوحنیفه و احمد و ابو عییند گفته اند: در هیچ حال، نباید آن را با صدای بلند گفت... نخعی گفته است: بلند گفتن آن، بدعت است. مالک می گوید: مستحب است که «بسم الله»، بلند قرائت نشود. ابن ابی لیلی، حکم و اسحاق گفته اند: چه بلند گفته شود و چه آهسته، در هر دو صورت، نیکوست (ر. ک: تذکره الفقهاء: ج ۳ ص ۱۵۲).

ه الإجهارُ بِهَا مِنْ عِلَامَاتِ الْإِيمَانِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي حَدِيثٍ ذَكَرَ فِيهِ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا خَلَقَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَشَفَ لَهُ عَنْ بَصِيرَتِهِ فَنَظَرَ إِلَى أَنْوَارِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي جَانِبِ الْعَرْشِ ، إِلَى أَنْ قَالَ : قَالَ [إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ] : إِلَهِي وَسَيِّدِي ، وَأَرَى عِدَّةَ أَنْوَارٍ حَوْلَهُمْ لَا يُحْصَى عِدَّتَهُمْ إِلَّا أَنْتَ! قَالَ : يَا إِبْرَاهِيمُ ، هَؤُلَاءِ شِيعَتُهُمْ وَمُحِبُّوهُمْ . قَالَ : إِلَهِي وَسَيِّدِي ، بِمَ يُعْرَفُ شِيعَتُهُمْ وَمُحِبُّوهُمْ؟ قَالَ : يَا إِبْرَاهِيمُ ، بِصَلَاةِ الْإِحْدَى وَالْخَمْسِينَ ، وَالْجَهْرِ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، وَالْقُنُوتِ قَبْلَ الرُّكُوعِ ، وَسَجْدَتِي الشُّكْرِ ، وَالتَّحَنُّمِ بِالْيَمِينِ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: إذا كان يوم القيامة يُقبلُ قومٌ على نَجَائِبِ (٢) مِنْ نُورٍ يُنَادُونَ بِأَعْلَى أَصْوَاتِهِمْ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ ، وَأُورَثْنَا أَرْضَهُ نَتَبَوَّأُ (٣) مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ ، فَتَقُولُ الْخَلَائِقُ : هَذِهِ زُمْرَةُ الْأَنْبِيَاءِ ، فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : هَؤُلَاءِ شِيعَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، فَهُمْ (٤) صَفَوَاتِي مِنْ عِبَادِي ، وَخَيْرَتِي مِنْ بَرِيَّتِي ، فَتَقُولُ الْخَلَائِقُ : إِلَهَنَا وَسَيِّدُنَا ، بِمَا نَالُوا هَذِهِ الدَّرَجَةَ؟ فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ : بِتَحَنُّمِهِمْ بِالْيَمِينِ ، وَصِيْلَاتِهِمْ إِحْدَى وَخَمْسِينَ ، وَإِطْعَامِهِمُ الْمَسْكِينِ ، وَتَعْفِيرِهِمُ الْحَبِيبِينَ ، وَجَهْرِهِمْ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (٥)

- ١- الفضائل : ص ١٣٣ عن عبد الله بن أبي وقاص ، بحار الأنوار : ج ٣٦ ص ١٥١ ح ١٣١ وج ٨٥ ص ٨٠ ح ٢٠ .
- ٢- النَّجِيبُ : الْفَاضِلُ مِنْ كُلِّ حَيَوَانَ ، وَالْجَمْعُ : النَّجْبَاءُ ؛ وَالْأُنْثَى : النَّجِيبَةُ ، وَالْجَمْعُ : النَّجَائِبُ (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٧٤٩ «نجب»).
- ٣- أي نزل منازلها حيث نهوى (مجمع البحرين : ج ١ ص ٢٠٠ «بوأ»).
- ٤- في المصدر : «فهو» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- ٥- تأويل الآيات الظاهرة : ج ٢ ص ٥٢٤ ح ٣٨ نقلاً عن الكراچكي في كنز الفوائد ، بحار الأنوار : ج ٣٦ ص ٦٩ ح ١٦ وج ٨٥ ص ٧٩ ح ١٩ .

ه بلند گفتن «بسم الله» از نشانه های ایمان است

ه بلند گفتن «بسم الله» از نشانه های ایمان است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی که در آن فرمود: خداوند عز و جل چون ابراهیم را آفرید، پرده از دیده اش کنار زد و او انوار محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او را در کنار عرش دید، ...: [ابراهیم علیه السلام] گفت: معبودا و سرورا! پیرامون ایشان، نورهایی می بینم که شمار آنها را کسی جز تو نمی داند. خداوند فرمود: «ای ابراهیم! آنها پیروان و دوستداران ایشان اند». ابراهیم علیه السلام گفت: معبودا و سرورا! پیروان و دوستداران ایشان، به چه شناخته می شوند؟ فرمود: «ای ابراهیم! به پنجاه و یک [رکعت] نماز، (۱) و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم و قنوت خواندن پیش از رکوع، و گزاردن سجده شکر [در پایان نماز]، و انگشتی را در دست راست کردن».

امام صادق علیه السلام: چون روز رستاخیز شود، مردمانی سوار بر ماده شترانی نژاده از نور می آیند و بانگ برمی دارند که: ستایش، خدای را که به وعده اش با ما وفا کرد و زمینش را به ما میراث داد تا در هر جای از بهشت که بخواهیم، ساکن شویم. پس خلائق می گویند: «اینان، گروه پیامبران اند»؛ اما از جانب خداوند عز و جل بانگ می آید که: «اینان، پیروان علی بن ابی طالب اند. اینان، بندگان برگزیده من و آفریدگان منتخب من هستند». خلائق می گویند: ای معبود ما و ای سرور ما! از چه سبب به این مقام رسیده اند؟ از جانب خداوند، ندا می آید که: «از برای انگشتی در دست راست، گزاردن پنجاه و یک رکعت نماز، غذا دادن به مستمندان، نهادن پیشانی بر خاک [در سجده]، و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم».

الإمام العسكري عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنِّي خَصَّصْتُكَ وَعَلَيَا وَحُجَجِي مِنْهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَشِيعَتِكُمْ بَعَشْرَ خِصَالٍ إِلَى أَنْ قَالَ: وَالْجَهْرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (١)

الإمام العسكري عليه السلام: عِلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ: صَلَاةُ الْخَمْسِينَ، وَزِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ، وَالتَّخْتُّمُ فِي الْيَمِينِ، وَتَعْفِيرُ الْجَبِينِ، وَالْجَهْرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (٢)

-
- ١- مستدرک الوسائل: ج ٤ ص ١٨٨ ح ٤٤٥٤ نقلاً عن الهدايه للحسين بن حمدان .
 - ٢- تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٥٢ ح ١٢٢، المزار للمفيد: ص ٥٣، مصباح المتهجد: ص ٧٨٨، الإقبال: ج ٣ ص ١٠٠، روضه الواعظين: ص ٢١٥ وفيها «صلاه إحدى وخمسين» بدل «صلاه الخمسين»، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ١٠٦ ح ١٧ .

امام عسکری علیه السلام: خداوند عز و جل به جدم پیامبر خدا وحی فرمود که: «من، تو و علی را و حجت هایم را از نسل او تا روز قیامت و [نیز] پیروان شما را، به ده خصلت، ممتاز گردانیدم» تا آن که فرمود: «و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم».

امام عسکری علیه السلام: نشانه های مؤمن، پنج چیز است: [گزاردن] پنجاه رکعت نماز [در شبانه روز]، [خواندن] زیارت اربعین، انگشتری را در دست راست کردن، پیشانی بر خاک نهادن [در برابر خدا]، و بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم».

۱. جهر به «بَسْمَلَه» در سنّت نبوی صلی الله علیه و آله**۲. سنّت جهر به «بَسْمَلَه»، در عمل صحابه**

پژوهشی در باره جهر به «بَسْمَلَه» در مورد جهر به «بَسْمَلَه» (بلند گفتن «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ») در نماز، چند نکته قابل توجه است:

۱. جهر به «بَسْمَلَه» در سنّت نبوی صلی الله علیه و آله مستفاد از احادیث مستفیض (۱) و غیر قابل تردید اهل سنّت و شیعیان اهل بیت علیهم السلام، این است که پیامبر خدا و اهل بیت او، «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» را در همه نمازها حتّی نمازهای اخفاتی (۲)، به جهر می خواندند. (۳) از این رو، همه فقیهان امامیه بر وجوب جهر به بَسْمَلَه در نمازهای صبح و شب و جمعه و بر مطلوبیت آن در نمازهای اخفاتی، اجماع دارند.

۲. سنّت جهر به «بَسْمَلَه»، در عمل صحابه علاوه بر امیر مؤمنان، دیگر صحابه و حتّی خلفای سه گانه نیز این سنّت را رعایت می نمودند. در نقل های معتبر از جمعی از صحابه و تابعیان آمده است که پشت سر پیامبر خدا و امیر مؤمنان، ابو بکر و عمر و عثمان، نماز خواندند و آنان، همگی بَسْمَلَه را به جهر می خواندند. از جمله صحابیانی که جهر به بَسْمَلَه

۱- مستفیض، به حدیثی اطلاق می شود که پایین تر از حدّ «تَوَاتُر» است؛ اما راویان متعدّد در هر طبقه دارد.

۲- مقصود، نمازهایی هستند که باید با «اخفات (آهستگی)» خوانده شوند، نه با «جهر (بلند خواندن)».

۳- کثرت این احادیث، در حدّی است که بعید نیست به حدّ تَوَاتُر نیز برسند.

از آنان نقل شده، عمار، انس، عبد الله بن مسعود، عبد الله بن عمر، عبد الله بن زبیر، عایشه، ابو بکر، عمر، عثمان، حکم بن عمیر، عامر بن واثله لیثی (ابو طفیل)، نعمان بن بشیر، عبید بن رفاعه و ابو هریره هستند. در مقابل، باید برخی نقل ها را که به پیامبر صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان، انس، خلفای سه گانه و ابن عباس نسبت داده اند که اصلاً نماز را بدون بسمله و یا به اخفات می خوانده اند، تلاش هایی برای توجیه بدعت بنی امیه شمرد، چنان که در ادامه این تحلیل، روشن خواهد شد. علاوه بر کثرت و قوت غیر قابل قیاس احادیث دسته اول، از جمله شواهد آن، روایاتی هستند که اعتراض عمومی اهل مدینه را در مقابل معاویه در تغییر سنت جهر و ترک بسمله نقل می کنند. وقتی معاویه در زمان حکومتش به ترک این سنت و سیره اقدام می کند، با اعتراض فراگیر صحابه و تابعیان حاضر در مدینه مواجه می گردد. شافعی در کتاب الأم و دارقطنی و بیهقی در کتاب های سنن خود، در باره ترک سنت و سیره جهر به «بسم الله الرحمن الرحيم» توسط معاویه و اعتراض عمومی به این کار او، نقل کرده اند که: معاویه به مدینه آمد و نماز جماعت را برای مردم خواند و «بسم الله الرحمن الرحيم» را نخواند و هر گاه به سجده می رفت و سر بر می داشت، تکبیر نمی گفت. چون نمازش را سلام داد، مهاجران و انصار، صدایی زدند که: «ای معاویه! از نمازت دزدیدی! بسم الله الرحمن الرحيم و تکبیر، کجا رفت؟». از آن پس، چون نماز خواند، در أم القرآن (سوره حمد) و سوره بعد از آن، «بسم الله الرحمن الرحيم» گفت و هنگامی که برای رفتن به سجده خم شد، «الله اکبر» گفت. (۱) حاکم نیشابوری نیز پس از نقل این روایت در کتاب مستدرک، آن را صحیح می شمارد. (۲)

۱- ر. ک: الدر المنثور: ج ۱ ص ۲۰.

۲- المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۲۳۳.

۳. دگرگونی سنت جهر به «بسمله»

ملاحظه می کنید که با حذف «بسم الله الرحمن الرحيم» از سوره های نماز، صحابیان و تابعیان، فریاد بر می آورند. این، نشانگر آن است که علاوه بر این که جزئیت «بسم الله الرحمن الرحيم» برای سوره حمد و دیگر سوره ها از مسلمات در نزد صحابیان بوده است، جهر به آن نیز از سنت مستمر شمرده می شده است؛ زیرا اگر خلفای پیشین نیز پایبند به جهر به بسمله نبودند، معاویه با چنان اعتراضی عمومی روبه رو نمی شد و هم بهانه ای برای توجیه عمل خود داشت.

۳. دگرگونی سنت جهر به «بسمله» مطابق نقل محدثان شیعه و اهل سنت، التزام به جهر به بسمله تا اوایل زمان حکومت بنی امیه ادامه داشت و این بدعت در زمان حکومت سلاطین اموی پیدا شد. نخستین کسی که سنت جهر به بسمله را به اخفات تغییر داد، عمرو بن سعید بن عاص، حاکم اموی مدینه بود. بیهقی از زُهری نقل می کند که: از سنت نماز، این بود که «بسم الله الرحمن الرحيم» قرائت شود و نخستین کسی که بسم الله الرحمن الرحيم را آهسته خواند، عمرو بن سعید بن عاص، حاکم مدینه بود. او فردی خجالتی بود. [\(۱\)](#) البته چنان که از روایت شافعی و دارقطنی و بیهقی دانستید، نخستین کسی که اقدام به ترک «بسم الله الرحمن الرحيم» در نماز کرد، معاویه بود؛ ولی پس از مواجهه با اعتراض عمومی صحابیان و تابعیان مدینه، عقب نشینی نمود؛ لیکن این سیاست، توسط زمامداران و حاکمان اموی ادامه یافت. علامه امینی، پس از نقل خبر بالا می گوید: این احادیث، نشان می دهند که از زمان نزول قرآن، بسمله همچنان جزئی

۴. ستیز اهل بیت با این بدعت

از سوره شمرده می شده است و اَمّت ، با آن ، این گونه رفتار می کرده اند و بدان ، باور قلبی داشته اند. به همین دلیل ، زمانی که معاویه آن را جدر ذوقارج ترک کرد ، مهاجران و انصار گفتند : «او از نماز ، دزدیده است» و معاویه هم دلیلی بر این که بسمله جزئی از سوره نیست ، نیاورد ؛ بلکه نمازش را اعاده کرد و این بار بسم الله گفت ، و یا در بقیّه نمازش به آن ، پایبندی نشان داد . در صورتی که اگر در آن روز ، قولی در خصوص این که بسمله جزئی از سوره نیست ، وجود می داشت ، قطعاً معاویه به آن احتجاج می کرد ؛ اما چنین قولی بعدها ساخته شد تا عمل معاویه و دیگر امویان امثال او که با وجود روشن شدن راه از بیراهه ، همچنان از او پیروی کردند ، توجیه گردد . (۱)

۴. ستیز اهل بیت علیهم السلام با این بدعت از احادیث اهل بیت علیهم السلام به روشنی برمی آید که آنان برای ادای تکلیف خود در تبیین احکام الهی و نیز برای حراست از سنت نبوی صلی الله علیه و آله و ستیز با بدعت حذف بسمله و یا اخفات (آهسته گفتن) آن ، بر بیان حکم واقعی آن ، تأکید و اصرار مضاعفی داشته اند . در این جهت ، آنان ، جهر به «بسم الله الرحمن الرحیم» را به عنوان یکی از شعارهای اهل بیت علیهم السلام و پیروانشان برشمردند ؛ بلکه وضوح سنت بودن جهر به بسمله را (در مقابل بدعت حذف یا اخفات آن) ، در حدّ وضوح حرمت خمر و باطل بودن مسح بر کفش (به جای مسح بر پا) دانستند و تقیّه را در این موارد ، روا نشمردند . (۲)

۱- الغدير: ج ۱۰ ص ۲۰۱ .

۲- امام صادق علیه السلام می فرماید : «التقیّه دینی و دین آبائی، إلیّ فی ثلاث: فی شرب المسکر، والمسح علی الخفین، و ترک الجهر ببسم الله الرحمن الرحیم؛ تقیّه کردن، آیین من و آیین پدرانم است؛ مگر در سه چیز: در نوشیدن شراب، مسح کردن [هنگام وضو] بر کفش ها، و ترک بلند خواندن بسم الله الرحمن الرحیم [در نماز]» (دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۱۱۰).

٥ / ٢ تجويدُ الكتابِ آدابِ البسملة رسول الله صلى الله عليه وآله : إذا كتبت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَبَيِّنِ السَّيْنَ فِيهِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله في بيان آدابِ كتابه البسملة : لا تَمُدَّ الباءَ إِلَى الميمِ حَتَّى تَرَفَعَ السَّيْنَ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام : أُكْتُبُ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مِنْ أَجْوَدِ كِتَابِكَ ، وَلَا تَمُدُّ الباءَ حَتَّى تَرَفَعَ السَّيْنَ . (٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله : إِذَا كَتَبَ أَحَدُكُمْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَلْيَمُدَّ الرَّحْمَنَ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ كَتَبَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَجَوَّدَهُ تَعْظِيمًا لِلَّهِ ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ . (٥)

الإمام علي عليه السلام : تَنَوَّقَ (٦) رَجُلٌ فِي «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَغُفِرَ لَهُ . (٧)

١- تاريخ بغداد : ج ١٢ ص ٣٤٠ ، تاريخ دمشق : ج ١٦ ص ٣٨٢٦ ، البدايه والنهائيه : ج ١٠ ص ١٩٥ ، الفردوس : ج ١ ص ٢٧٨ ح ١٠٨٧ كلها عن زيد بن ثابت ، كنز العمال : ج ١٠ ص ٢٤٤ ح ٢٩٣٠٠ ؛ منيه المريد : ص ٣٥٠ عن زيد بن ثابت ، بحار الأنوار : ج ٩٢ ص ٣٤ ح ٤ .

٢- منيه المريد : ص ٣٥٠ عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج ٩٢ ص ٣٤ ح ٤ ؛ الدر المنثور : ج ١ ص ٢٧ نقلًا عن السلفي في جزء له عن ابن عباس .

٣- الكافي : ج ٢ ص ٦٧٢ ح ٢ عن سيف بن هارون مولى آل جعده ، مشكاة الأنوار : ص ٢٥٠ ح ٧٣٤ عن هارون مولى آل أبي جعده .

٤- منيه المريد : ص ٣٥٠ عن أنس ، بحار الأنوار : ج ٩٢ ص ٣٤ ح ٤ ؛ الفردوس : ج ١ ص ٢٩٦ ح ١١٦٨ عن أنس ، كنز العمال : ج ١٠ ص ٢٤٤ ح ٢٩٢٩٩ نقلًا عن الخطيب في الجامع .

٥- منيه المريد : ص ٣٥١ ، بحار الأنوار : ج ٩٢ ص ٣٤ ح ٤ ؛ الدر المنثور : ج ١ ص ٢٧ نقلًا عن أبي نعيم في تاريخ أصبهان وابن اشته في المصاحف عن أنس .

٦- تنوَّق وتتيق : تجوَّد وبالغ (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٨٥٠ «نوق»).

٧- شعب الإيمان : ج ٢ ص ٥٤٦ ح ٢٦٦٧ عن قيس بن أبي حازم ، كنز العمال : ج ٢ ص ٢٩٦ ح ٤٠٤٥ ؛ منيه المريد : ص ٣٥١ ، بحار الأنوار : ج ٩٢ ص ٣٥ ح ٤ .

۵ / ۲ نیکو نوشتن «بسم الله»

۵ / ۲ نیکو نوشتن «بسم الله» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه «بسم الله الرحمن الرحيم» می نویسی ، «سین» آن را واضح بنویس .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان شیوه نوشتن «بسم الله» : «باء» را تا «میم» نکش ؛ بلکه «سین» را بالا ببر (دندانۀ دار کن)

امام صادق علیه السلام: «بسم الله الرحمن الرحيم» را به نیکوترین شکل بنویس ، و باء را [تا میم] نکش ؛ بلکه سین را بالا ببر (دندانۀ بده) .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما «بسم الله الرحمن الرحيم» نوشت ، «الرحمن» را بکشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس «بسم الله الرحمن الرحيم» بنویسد و آن را ، به احترام خداوند ، نیکو بنویسد ، خدا او را می آمرزد .

امام علی علیه السلام: مردی در نوشتن «بسم الله الرحمن الرحيم» دقت به خرج داد و نیکو نوشت و بدین سبب ، آمرزیده شد .

منه المريد: رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ لِبَعْضِ كُتَّابِهِ: أَلِقِ (١) الدَّوَاءَ، وَحَرِّفِ (٢) الْقَلَمَ، وَأَنْصِبِ البَاءَ، وَفَرِّقِ السَّيْنَ، وَلَا تُعَوِّرِ الميمَ، وَحَسِّنِ اللهُ، وَمُدِّ الرَّحْمَنَ، وَجَوِّدِ الرَّحِيمَ، وَضَعِ قَلَمَكَ عَلَى أُذُنِكَ الْيُسْرَى؛ فَإِنَّهُ أَذَكَرُ لَكَ (٣).

٥ / ٣ إكْرَامُ الْمَكْتُوبِ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ رَفَعَ قِرطاسًا مِنَ الْأَرْضِ مَكْتُوبًا عَلَيْهِ «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» إِجْلَالًا لِلَّهِ وَلَا سِمَةَ عَنْ أَنْ يُدَاسَ، كَانَ عِنْدَ اللهِ مِنَ الصَّادِقِينَ، وَخُفِّفَ عَنْ وَالدِّيهِ وَإِنْ كَانَا مُشْرِكِينَ (٤).

الدرّ المنثور عن عمر بن عبد العزيز: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَّ عَلَى كِتَابٍ فِي الْأَرْضِ، فَقَالَ لِفَتًى مَعَهُ: مَا فِي هَذَا؟ قَالَ: «بِسْمِ اللهِ»، قَالَ: لِعَنْ مَنْ فَعَلَ هَذَا، لَا تَضَعُوا «بِسْمِ اللهِ» إِلَّا فِي مَوْضِعِهِ (٥).

١- لاقَ الدَّوَاءَ وَأَلْفَهَا: أَصْلَحَ مَدَادَهَا ج وَالْمَدَادُ: الْجَبْرَجُ فَلَاقَتْ الدَّوَاءَ؛ لَصِقَ الْمَدَادُ بِصُوفِهَا (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٢٨١ «لاق»).

٢- تحريفُ القلم: قَطُّهُ مُحَرِّفًا (الصحيح: ج ٤ ص ١٣٤٣ «حرف»).

٣- منه المريد: ص ٣٤٩، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٣٤ ح ٤؛ الشفا بتعريف حقوق المصطفى: ص ٤٤٨ ح ١٠٩٣، أدب الإملاء والاستملاء: ج ٢ ص ٥٨٨ ح ٥٠٧، تفسير القرطبي: ج ١٣ ص ٣٥٣، كنز العمال: ج ١٠ ص ٣١٤ ح ٢٩٥٦٦ نقلًا عن الديلمي وكلها عن معاوية.

٤- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٣٢ عن أنس، إرشاد القلوب: ص ١٨٥؛ ربيع الأبرار: ج ٢ ص ٣٣٥، الدرّ المنثور: ج ١ ص ٢٩ نقلًا عن الخطيب في تالي التلخيص وكلاهما عن أنس.

٥- الدرّ المنثور: ج ١ ص ٢٩ نقلًا عن أبي داود في مراسيله.

۵ / ۳ احترام نهادن به نوشته «بسم الله»

منیه المرید: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که به یکی از نویسندگان فرمود: «دوات را لایقه کن و قلم را کج بُرش بزن، [سیر] بآء را بالا- بکش، سین را دندانان دار بنویس، میم را کور مکن، الله را خوش بنویس، الرحمن را بکش و الرحیم را نیکو بنویس و قلمت را بر پشت گوشت بگذار، که این کار، برای به یاد ماندنت بهتر است».

۵ / ۳ احترام نهادن به نوشته «بسم الله» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس کاغذی را که بر آن «بسم الله الرحمن الرحیم» نوشته شده و روی زمین افتاده است، به احترام خداوند و جلوگیری از پای مال شدن نام او، از زمین بردارد، نزد خداوند، از صدیقان به شمار می آید و [عذاب] برای پدر و مادرش سبک می شود؛ اگر چه مشرک بوده باشند.

الدرّ المنثور به نقل از عمر بن عبد العزیز: پیامبر صلی الله علیه و آله به نوشته ای که روی زمین افتاده بود، برخورد. به جوانی که همراهش بود، فرمود: «در این، چه نوشته است؟». گفت: بسم الله. فرمود: «ملعون است کسی که این کار را کرده است. بسم الله را جز در جایگاهش قرار ندهید».

ص: ٤٣٠

..

بخش سوم : تسبیح (گفتن «سبحان الله»)

اشاره

بخش سوم: تسبیح : (گفتن سبحان الله) شامل: در آمدفصل یکم: تفسیر تسبیحفصل دوم: ویژگی های تسبیحفصل سوم: تشویق به تسبیحگوییفصل چهارم: برکات تسبیح گفتنفصل پنجم: اوقات تسبیح گفتنفصل ششم: تسبیحات چهارگانهفصل هفتم: تسبیحات رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلامفصل هشتم: تسبیحات فاطمهفصل نهم: تسبیحگویی موجوداتفصل دهم: تسبیحفصل یازدهم: چیزهایی که ثواب تسبیح گویی دارند

ص: ۴۳۲

..

واژه‌شناسی «تسبیح»

درآمدواژه‌شناسی «تسبیح» واژه «تسبیح»، مصدر است از ریشه «سبح». این کلمه، در اصل به معنای حرکت سریع در آب است و از آن جا که لازمه حرکت سریع، دور شدن از مبدأ حرکت و نزدیک شدن به مقصد است، این ماده در باره دور شدن چیزی نیز به کار می‌رود. از این باب، کاربرد «تسبیح» در مورد خداوند متعال، به معنای تنزیه و دور شمردن او از انواع کاستی‌ها و ناشایستگی‌ها، و نزدیکی تسبیحگو به خداوند متعال و سهولت فرمانبری از اوست. راغب اصفهانی، در این باره می‌گوید: سَبَّحَ، به معنای حرکت سریع در آب و هواست، چنان که گفته می‌شود: «سَبَّحَ سَبَّحًا وَسَبَّاحَةً». این معنا، به عاریت گرفته شده است برای حرکت ستارگان در فلک، مانند: «وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ»؛ (۱) و هر ستاره‌ای در فلکی جو مداریح می‌شتابد» و نیز برای دویدن اسب، مانند: «وَالسَّيِّحَاتِ سَبَّحًا»؛ (۲) سوگند به اسبان دونده، و برای سرعت

۱- انبیا: آیه ۳۳.

۲- نازعات: آیه ۳.

حرکت در کار ، مانند : «إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْعًا طَوِيلًا»؛ (۱) و برای تو در روز ، تلاش بسیار است . «تسبیح» به معنای وارسته دانستن خداوند متعال است و اصل آن ، به معنای سرعت حرکت در عبادت خداوند متعال است . (۲) به نظر می رسد که کثرت استعمال تسبیح در تنزیه خداوند متعال ، این واژه را در این معنا تثبیت نموده است . از این رو ، ابن فارس ، معنای اصلی مادّه «سبح» را به دو اصل برگردانده است : مادّه «سبح» دو اصل دارد : یکی از آن دو ، به معنای عبادت است و دیگری به معنای تلاش و کوشش . اصل اوّل ، سُبِحَحه است به معنای «نماز» و به نماز نافله و نه واجب اختصاص دارد . فقها می گویند : «مسافر ، دو نماز را جمع می کند و میان آن دو ، سبحة نمی گزارد» ؛ یعنی : میان آن دو ، نماز نافله نمی خواند . از همین باب است «تسبیح» که به معنای پیراسته دانستن خداوند بزرگ از هر بدی و عیبی است . «تنزیه» به معنای «دور کردن» است . عرب می گوید : «سبحان من کذا» ؛ یعنی : دور است از او فلان چیز ... و قومی گفته اند: به معنای اظهار شگفتی از کسی است که فخر می کند . این ، به معنای قبلی هم نزدیک است ؛ زیرا در واقع ، دور دانستن او از فخر فروشی است . یکی از صفات خداوند عز و جل «سُبُوح (تسبیح شده)» است که مُشْتَق از همان معنایی است که گفتیم (وارسته دانستن خداوند از هر چیزی که شایسته او نیست) . «سُبُحات» نیز که در حدیث آمده ، به معنای شکوه و عظمت خداوند است .

۱- مزمل : آیه ۷ .

۲- مفردات ألفاظ القرآن : ص ۳۹۲ .

تسییح ، در قرآن و حدیث

اصل دیگر ، سَبَّح و سَبَّاحه است به معنای شنا کردن در آب . (۱) و «سبحان» ، علم جنس و اسم مصدر است به معنای تسییح . خلیل بن احمد فراهیدی ، در بیان معنای «سبحان الله» می گوید : سبحان الله ، یعنی : منزّه و وارسته دانستن خداوند از هر چیزی که سزاوار نیست به آن چیز وصف شود . منصوب بودن «سبحان» ، به اعتبار قرار گرفتن در موضع فعل است ، به معنای «تسییحاً لله» ؛ یعنی : خدا را پاک و منزّه می دارم . (۲) فیروزآبادی در القاموس آورده : سبحان الله ، یعنی : منزّه دانستن خداوند از این که زن و فرزندی داشته باشد . کلمه «سبحان» ، معرفه است و نصب آن ، بنا بر مصدر است . یعنی : خداوند را از هر عیب و بدی ای تبرئه می کنم . یا به معنای شتافتن به سوی او ، یا چالاکی در عبادت اوست . «سبحان من کذا» ، یعنی : تعجب می کنم از آن . (۳)

تسییح ، در قرآن و حدیث در قرآن کریم ، ماده «سبح» و برگرفته های آن ، ۹۲ بار به کار رفته است . در این کتاب آسمانی و نیز در احادیث اسلامی ، کلمه «تسییح» در معنای تنزیه استعمال شده است . ابن اثیر می گوید : کلمه تسییح ، به صورت های مختلف ، در حدیث ، تکرار شده است . تسییح در اصل ، به معنای منزّه و پاک و مبّرّ دانستن از نقایص و

۱- معجم مقاییس اللّغه : ج ۳ ص ۱۲۵ .

۲- ترتیب العین : ص ۳۵۷ .

۳- القاموس المحیط : ج ۱ ص ۲۲۶ .

کاستی هاست و سپس توسعاً، در موارد نزدیک به این معنا نیز به کار رفته است. گاه تسبیح، مجازاً بر دیگر انواع ذکر (مانند: تحمید و تمجید و غیره) نیز اطلاق می شود. گاه به نماز نافله نیز «سُبْحَهُ» می گویند و گفته می شود: «قَضَيْتُ سُبْحَتِي؛ نافله ام را به جا آوردم». (۱) در احادیث فصل نخست این بخش، ضمن تأیید مفهوم لغوی «تسبیح» در تفسیر این ذکر، به نکاتی قابل توجه اشاره شده است، مانند این که: ۱. عَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ بَنِي آدَمَ يَكْذِبُونَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَقَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ»، بَرَاءَةً مِمَّا يَقُولُونَ. (۲) خداوند می دانست که آدمیان بر او دروغ می بندند. از این رو، برای تبرئه خود از آنچه آنها می گویند، فرمود: «سُبْحَانَ اللَّهِ». ۲. [سُبْحَانَ اللَّهِ]، أَنْفَقَ لِلَّهِ، أَمَا تَرَى الرَّجُلَ إِذَا عَجِبَ مِنَ الشَّيْءِ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ. (۳) سبحان الله، وارسته دانستن خداوند است. مگر نمی بینی که آدمی هر گاه از چیزی تعجب کند، می گوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ!»؟! ۳. إِذَا قَالَ الْعَبْدُ: «سُبْحَانَ اللَّهِ» فَقَدْ أَنْفَقَ لِلَّهِ، وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَنْصُرَهُ. (۴) هر گاه بنده بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ»، خداوند را تنزیه کرده است و بر خداست که او را یاری کند. ۴. هُوَ تَعْظِيمٌ جَلَالِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَتَنْزِيهُهُ عَمَّا قَالَ فِيهِ كُلُّ مُشْرِكٍ، فَإِذَا قَالَهَا الْعَبْدُ صَلَّى عَلَيْهِ كُلُّ مَلَكٍ. (۵)

۱- النهایه فی غریب الحدیث: ج ۲ ص ۳۳۱.

۲- ر. ک: ص ۴۴۴ ح ۷۰۹.

۳- ر. ک: ص ۴۴۶ ح ۷۱۲.

۴- ر. ک: ص ۴۴۲ ح ۷۰۸.

۵- ر. ک: ص ۴۴۶ ح ۷۱۳.

تسبیحگوی حقیقی

راز همراهی «تسبیح» و «تحمید»

سبحان الله، بزرگداشت شکوه خداوند و وارسته دانستن او از هر آن چیزی است که هر مشرکی در باره او می گوید. پس هر گاه بنده این جمله را بگوید، هر فرشته ای بر او درود می فرستد. ۵. إِذَا قُلْتَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» رَفَعَتِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَمَّا يَقُولُ الْعَادِلُونَ بِهِ. (۱) هر گاه بگویی: «سبحان الله و بحمده»، در واقع، خداوند تبارک و تعالی را از آنچه مشرکان در حق او می گویند، برتر دانسته ای. آنچه در این احادیث، در تبیین و تفسیر «تسبیح» آمده، در مجموع، حاکی از آن است که مفهوم این ذکر، تنزیه توأم با تعظیم خداوند متعال است.

تسبیحگوی حقیقی پایه آنچه در تفسیر «تسبیح» بدان اشاره شد، هر کسی شایسته آن نیست که تسبیحگو شمرده شود. تسبیحگوی حقیقی، کسی است که باور کرده که خداوند متعال در ذات و صفات و افعال، هیچ گونه کاستی ای ندارد و عظمت این معنا را درک نموده است. بنا بر این، کسی که حتی در دل، بر مقدرات الهی اعتراض دارد، نمی تواند در گفتن ذکر تسبیح، صادق باشد.

راز همراهی «تسبیح» و «تحمید» با تأمل در مفهوم حقیقی «تسبیح»، راز همراهی این ذکر و ذکر «تحمید» در قرآن (۲) و دعاها روشن می گردد و این که چرا فرشتگان، همراه تسبیح خداوند منان، او را حمد می کنند:

۱- ر. ک: ص ۴۴۸ ح ۷۱۵.

۲- ر. ک: بقره: آیه ۳۰، رعد: آیه ۱۳، حجر: آیه ۹۸ و اسراء: آیه ۴۴.

«وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ . (۱) و فرشتگان را می بینی که حلقه زنان بر گرد عرش ، پروردگار خود را تسبیح می گویند و می ستایند» . و خداوند متعال به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می دهد : «وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ . (۲) هر شام و بام ، به سپاس ، خداوندگارت را تسبیحگویی باش» . و نیز می فرماید : «وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ . (۳) و آن گاه که بر می خیزی ، به سپاس ، پروردگارت را تسبیح گوی» . همچنین قرآن ، در مورد ذکر «رعد» آورده است : «وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ . (۴) و رعد ، او را به سپاس ، تسبیح می گوید» . بلکه همه چیز در جهان آفرینش ، در کنار تسبیح حق تعالی ، او را تحمید نیز می نماید : «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ . (۵) هیچ چیزی نیست ، مگر آن که او را به سپاس ، تسبیح می گوید ؛ اما شما تسبیح آنها را نمی فهمید» .

۱- زمر: آیه ۷۵. نیز، ر. ک: غافر: آیه ۷۰، شورا: آیه ۵، بقره: آیه ۳۰.

۲- غافر: آیه ۵۵.

۳- طور: آیه ۴۸.

۴- رعد: آیه ۱۳.

۵- اسراء: آیه ۴۴.

توضیح ، این که تسبیح ، تنزیه خداوند متعال در ذات و صفات و افعال ، از همه کاستی ها و ناشایستگی هاست و تحمید ، ستایش خداوند متعال است بر واجد بودن همه کمالات در ذات و صفات و افعال . تردیدی نیست که وجود همه کمالات در حضرت حق ، به تنزیه او از همه کاستی ها باز می گردد . بنا بر این ، تحمید ، در واقع ، نوع خاصی از تسبیح است ، با این تفاوت که تسبیح ، ستودن خداوند به صفات جلال است ؛ ولی تحمید ، ستودن او به صفات جمال است ، و همراه شدن تسبیح و تحمید ، ستودن خداوند متعال به صفات جلال و جمال در کنار هم است . به بیان دیگر ، تحمید ، مُلازم تسبیح است ، همان گونه که صفات ثبوتیه حضرت حق ، مستلزم صفات سلبيه او هستند و با قرار گرفتن تحمید در کنار تسبیح ، تنزیه خداوند متعال از همه کاستی ها با توصیف او به همه کمالات ، همراه می گردد . نکته دیگر ، این که نه تنها تحمید ، نوع خاصی از تسبیح است ، بلکه تهلیل و تکبیر نیز چنین اند ؛ زیرا تهلیل ، تنزیه خداوند متعال از شریک است و تکبیر ، تنزیه او از توصیف افراد جاهل و از تحدید . لذا هنگامی که شخصی نزد امام صادق علیه السلام تکبیر گفت ، امام علیه السلام از او پرسید : «اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ ؛ خدا بزرگ تر از چه چیز است ؟» . آن شخص پاسخ داد : از همه چیز . امام علیه السلام فرمود : «حَدِّدْتَهُ ؛ او را محدود کردی!» . آن مرد گفت : چگونه بگوییم؟

اهمیت ذکر «تسبیح»

امام علیه السلام فرمود: «قل: اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُوصَفَ؛ (۱) بگو: خدا بزرگ تر از آن است که وصف شود». بنا بر این، تحمید و تهلیل و تکبیر، ریشه در تسبیح دارند و این اذکار، هر چند از نظر مفهوم متفاوت اند، لیکن از وحدت مصداقی برخوردارند و از این رو، به این چهار ذکر در نماز، «تسبیحات اربعه» اطلاق می گردد. (۲) همچنین در تسبیح فاطمه علیها السلام «تکبیر» و «تحمید»، تسبیح نامیده می شوند. (۳)

اهمیت ذکر «تسبیح» افزون بر آنچه در تبیین حقیقت تسبیح گذشت، آیات و احادیثی که در باره فضیلت تسبیح (۴) و اوقات (۵) و ویژگی های آن آمده اند، (۶) خصوصا این ویژگی که تسبیح، جوهر و روح نماز، (۷) و خود، نماز همه موجودات (۸) است، حکایت از اهمیت و نقش ویژه ای دارند که این ذکر در نظام هستی و سازندگی انسان و نزدیک کردن او به آفریدگار جهان دارد. آثار و برکات این ذکر، به قدری است که احادیث اسلامی برای تبیین اهمیت

-
- ۱- الکافی: ج ۱ ص ۱۱۷ ح ۸، التوحید: ص ۳۱۳ ح ۱، معانی الأخبار: ص ۱۲ ح ۲، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۳۶۶ ح ۲۰.
 - ۲- ر. ک: ص ۵۱۷ (تسبیحات چهار گانه).
 - ۳- ر. ک: ج ۲ ص ۸۷ (تسبیحات فاطمه).
 - ۴- ر. ک: ص ۴۶۳ (فضیلت تسبیحگویی).
 - ۵- ر. ک: ص ۴۸۹ (اوقات تسبیح گفتن).
 - ۶- ر. ک: ص ۴۵۱ (ویژگی های تسبیح).
 - ۷- ر. ک: ص ۴۵۳ (جوهر نماز).
 - ۸- ر. ک: ص ۴۵۳ (نماز هر چیزی).

و ارزش اموری مانند: تعلیم علم، فضیلت روزه، اندوهگین شدن برای مصایب اهل بیت علیهم السلام و ...، پاداش آنها را به ثواب تسبیح، تشبیه کرده اند. (۱)

۱- ر. ک: ج ۲ ص ۱۷۳ (چیزهایی که ثواب تسبیح گویی دارند).

الفصل الأول: تفسير التسيب الكتاب «سُبْحَنَ اللَّهُ عَمَّا يُصِفُونَ * إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ». (١)

«سُبْحَنَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ». (٢)

الحديث المستدرک علی الصحیحین عن طلحه بن عبید الله: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ تَفْسِيرِ: «سُبْحَانَ اللَّهِ»، قَالَ: هُوَ تَنْزِيَهُ اللَّهِ عَنِ كُلِّ سَوْءٍ. (٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا قال العبد: «سُبْحَانَ اللَّهِ» فَقَدْ أَنْفَ (٤) لِلَّهِ، وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَنْصُرَهُ. (٥)

١- الصافات: ١٥٩ و ١٦٠ .

٢- الصافات: ١٨٠ .

٣- المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٨٠ ح ١٨٤٨، كتر العمال: ج ١ ص ٤٧٤ ح ٢٠٦١ نقلاً عن الديلمي .

٤- أَنْفَ مِنَ الشَّيْءِ مِنْ بَابِ تَعَبٍ يَأْنِفُ أَنْفًا: إِذَا كَرِهَهُ وَعَزَفَتْ نَفْسُهُ عَنْهُ... قَالَ بَعْضُ الشَّارِحِينَ: الْأَنْفُ فِي الْأَصْلِ: الضَّرْبُ عَلَى الْأَنْفِ لِيَرْجِعَ، ثُمَّ اسْتَعْمَلَ لِتَبْعِيدِ الْأَشْيَاءِ، فَيَكُونُ هُنَا بِمَعْنَى رَفَعِ اللَّهِ عَنِ مَرْتَبَةِ الْمَخْلُوقِينَ بِالْكَلْبِيِّ، لِأَنَّهُ تَنْزِيَهُ عَنِ صِفَاتِ الرِّذَائِلِ وَالْأَجْسَامِ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ج ١ ص ٨٩ «أنف»).

٥- المحاسن: ج ١ ص ١٠٦ ح ٩٠ عن محمد بن مروان عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٣ ح ١٩ .

فصل یکم: تفسیر تسبیح

فصل یکم: تفسیر تسبیح قرآن «خدا منزّه است از آنچه در وصف می آورند ، به استثنای بندگان پاک دل خدا» .

«منزّه است پروردگار تو، پروردگار شکوهمند، از آنچه وصف می کنند» .

حدیثالمستدرک علی الصحیحین به نقل از طلحه بن عبید الله : از پیامبر خدا ، در باره معنای «سبحان الله» پرسیدم . فرمود :
«یعنی وارسته دانستن خداوند از هر عیب [و بدی]» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه بنده بگوید : «پاکا خداوند!» ، خدا را [از مرتبه مخلوق ،] وارسته دانسته است و بر خداست که او را یاری بخشد .

الإمام الحسن عليه السلام: جاء نَفَرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَسَأَلَهُ أَعْلَمْتُمْ فَقَالَ لَهُ : أَخْبِرْنِي عَنْ تَفْسِيرِ : سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ . فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : عَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ بَنِي آدَمَ يَكْذِبُونَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، فَقَالَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ» ؛ بَرَاءَةٌ مِمَّا يَقُولُونَ . وَأَمَّا قَوْلُهُ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ» ؛ فَإِنَّهُ عَلِمَ أَنَّ الْعِبَادَ لَا يُؤَدُّونَ شُكْرَ نِعْمَتِهِ فَحَمِدَ نَفْسَهُ قَبْلَ أَنْ يَحْمِدَهُ الْعِبَادُ ، وَهُوَ أَوَّلُ كَلَامٍ ، لَوْلَا ذَلِكَ لَمَا أَنْعَمَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى أَحَدٍ بِنِعْمَتِهِ . وَقَوْلُهُ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» يَعْنِي وَحْدَانِيَّتَهُ ، لَا يَقْبَلُ الْأَعْمَالُ إِلَّا بِهَا ، وَهِيَ كَلِمَةُ التَّقْوَى ، يُثْقَلُ اللَّهُ بِهَا الْمَوَازِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . وَأَمَّا قَوْلُهُ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» ، فَهِيَ كَلِمَةُ أَعْلَى الْكَلِمَاتِ وَأَحْبُّهَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ؛ يَعْنِي أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَكْبَرَ مِنْهُ ، وَلَا تَصِحُّ الصَّلَاةُ إِلَّا بِهَا لِكَرَامَتِهَا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، وَهُوَ الْإِسْمُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ . قَالَ الْيَهُودِيُّ : صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ . فَمَا جَزَاءُ قَائِلِهَا؟ قَالَ : إِذَا قَالَ الْعَبْدُ : «سُبْحَانَ اللَّهِ» ، سَبَّحَ مَعَهُ مَا دُونَ الْعَرْشِ ، فَيُعْطَى قَائِلُهَا عَشْرَ أَمْثَالِهَا . وَإِذَا قَالَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ» ، أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعَمِ الدُّنْيَا مَوْصُولًا بِنِعَمِ الْآخِرَةِ ، وَهِيَ الْكَلِمَةُ الَّتِي يَقُولُهَا أَهْلُ الْجَنَّةِ إِذَا دَخَلُوهَا ، وَيَنْقَطِعُ الْكَلَامُ الَّذِي يَقُولُونَهُ فِي الدُّنْيَا مَا خَلِمَا الْحَمْدُ لِلَّهِ ؛ وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى : «دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (١) . وَأَمَّا قَوْلُهُ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ، فَتَمَنُّهَا الْجَنَّةُ ؛ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى : «هَلْ جَزَاءُ الْإِنْسَانِ إِلَّا الْإِنْسَانُ» (٢) قَالَ : هَلْ جَزَاءُ مَنْ قَالَ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» إِلَّا الْجَنَّةُ . فَقَالَ الْيَهُودِيُّ : صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ . (٣)

١- .يونس : ١٠ .

٢- .الرحمن : ٦٠ .

٣- .علل الشرائع : ص ٢٥١ ح ٨ عن الحسن بن عبد الله عن آبائه ، الأمامي للصدوق : ص ٢٥٥ ح ٢٧٩ عن الحسن بن عبد الله عن أبيه عن جدّه الحسن عليه السلام ، الاختصاص : ص ٣٤ عن الحسين بن عبد الله عن أبيه عن جدّه عن آبائه عن الإمام الحسين عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩ ص ٢٩٤ ح ٥ .

امام حسن علیه السلام: گروهی از یهود به نزد پیامبر خدا آمدند. داناترین آنان از ایشان سؤال کرد و گفت: مرا از معنای «پاکا خدا، و ستایشش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است (سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله أكبر)» آگاه کن. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند عز و جل می دانست که آدمی زادگان بر خداوند عز و جل دروغ می بندند. از این رو فرمود: پاکا خدا!، برای تبرئه کردن خود از آنچه [در باره او] می گویند. و این که فرمود: ستایش، خدای را به این خاطر است که می دانست بندگان، نعمت های او را سپاس نمی گزارند. از این رو، پیش از آن که بندگان، او را سپاس گویند، خود، خویشتن را سپاس گفت، و این، آغازین سخن است. اگر نبود این سپاس گزاری، بی گمان، خداوند متعال، نعمت خویش را به هیچ کس ارزانی نمی داشت. و عبارت معبودی جز خدا نیست، به معنای یکتایی اوست. اعمال را جز با این عقیده (توحید) نمی پذیرد، و این عبارت، کلمه پرهیزگاری است. در روز رستاخیز، خداوند با این عقیده، ترازوها [ای اعمال] را سنگین می کند. و جمله خدا بزرگ تر است، عالی ترین سخن و محبوب ترین سخن در نزد خداوند عز و جل است؛ یعنی هیچ چیزی بزرگ تر از او نیست، و نماز، جز با آن، درست نیست؛ زیرا که این سخن، در نزد خداوند عز و جل سخنی ارجمند است، و عزیزترین و ارجمندترین نام است». یهودی گفت: درست گفتی، ای محمد! پاداش گوینده اینها چیست؟ فرمود: «هر گاه بنده بگوید: پاکا خدا!، همه آفریدگان زیر عرش، هم صدا با او تسبیح می گویند و ده برابر آن به گوینده اش پاداش داده می شود، و هر گاه بگوید: ستایش، خدای را، خداوند، نعمت های دنیا را و در پی آن، نعمت های آخرت را به او ارزانی می دارد. این، جمله ای است که اهل بهشت، هر گاه وارد آن شوند، می گویند، و همه سخنانی که در دنیا می گفتند، قطع می شود، بجز جمله ستایش، خدای را. خدای متعال، در این باره فرموده است: «نیایششان در آن: پاکا تو بار خدایا، و درودشان در آن: سلام، و واپسین نیایششان این است که: ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است»، و اما جمله معبودی جز خدا نیست، بهایش بهشت است. خداوند متعال می فرماید: «آیا سزای نیکی کردن، جز نیکی کردن است؟». آیا سزای کسی که می گوید: معبودی جز خدا نیست، چیزی جز بهشت است؟». یهودی گفت: درست گفتی، ای محمد!

الإمام علي عليه السلام بعد أن بين معنى الركوع: ومعنى قوله: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»؛ ف «سُبْحَانَ اللَّهِ»: أَنْفَهُ لِلَّهِ عِزُّ وَجَلُّ، و«رَبِّي»: خَالِقِي، و«الْعَظِيمِ»: هُوَ الْعَظِيمُ فِي نَفْسِهِ، غَيْرُ مَوْصُوفٍ بِالصَّغَرِ، وَعَظِيمٌ فِي مُلْكِهِ وَسُلْطَانِهِ، وَأَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَوْصَفَ، تَعَالَى اللَّهُ. (١)

عنه عليه السلام بعد أن بين معنى السجود: ومعنى قوله: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى»؛ ف «سُبْحَانَ اللَّهِ»: أَنْفَهُ لِلَّهِ، و«رَبِّي»: خَالِقِي، و«الْأَعْلَى»: أَي عَالٍ-وَأَرْتَفَعَ فِي سَمَاوَاتِهِ حَتَّى صَارَ الْعِبَادُ كُلُّهُمْ دُونَهُ، وَقَهَرَهُمْ بِعِزَّتِهِ، وَمِنْ عِنْدِهِ التَّدْبِيرُ، وَإِلَيْهِ تَعَرُّجُ الْمَعَارِجِ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام لهشام بن الحكم وقد سأله عن تفسير سبحان الله: أَنْفَهُ لِلَّهِ، أَمَا تَرَى الرَّجُلَ إِذَا عَجِبَ مِنَ الشَّيْءِ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ. (٣)

التوحيد عن يزيد بن الأصم: سَأَلَ رَجُلٌ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ، فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مَا تَفْسِيرُ: سُبْحَانَ اللَّهِ؟ قَالَ: إِنَّ فِي هَذَا الْحَائِطِ رَجُلًا كَانَ إِذَا سُئِلَ أَتَبًا، وَإِذَا سَكَتَ ابْتَدَأَ. فَدَخَلَ الرَّجُلُ؛ فَإِذَا هُوَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ، مَا تَفْسِيرُ: سُبْحَانَ اللَّهِ؟ قَالَ: هُوَ تَعْظِيمُ جَلَالِ اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ، وَتَنْزِيهُهُ عَمَّا قَالَ فِيهِ كُلُّ مُشْرِكٍ، فَإِذَا قَالَهَا الْعَبْدُ صَلَّى عَلَيْهِ كُلُّ مَلِكٍ. (٤)

- ١- بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ١١٦ ح ٢٥ نقلًا عن العلل لمحمد بن علي بن إبراهيم .
- ٢- بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ١٣٩ ح ٢٤ نقلًا عن العلل لمحمد بن علي بن إبراهيم .
- ٣- الكافي: ج ٣ ص ٣٢٩ ح ٥، معاني الأخبار: ص ٩ ح ١ عن هشام بن عبد الملك وفيه صدره إلى «أنفه لله» .
- ٤- التوحيد: ص ٣١٢ ح ١، معاني الأخبار: ص ٩ ح ٣، بحار الأنوار: ج ٤٠ ص ١٢١ ح ١٠ .

امام علی علیه السلام پس از بیان معنای رکوع: معنای جمله «پاکا پروردگار بزرگ من، و ستایشش، او را!»، این است: «پاکا خدا!»، وارسته دانستن خداست. «پروردگار من»، یعنی: آفریدگار من. «بزرگ»، یعنی: ذاتا بزرگ است و به خُردی وصف نمی شود، و پادشاهی و سلطنتش نیز با عظمت است، و بزرگ تر از آن است که به وصف در آید. خدا، برتر است.

امام علی علیه السلام پس از بیان معنای سجود: معنای جمله «پاکا پروردگار برتر من!»، این است: «پاکا»، وارسته دانستن خداست. «پروردگار من»، یعنی آفریدگار من. «برتر»، یعنی در آسمان هایش بلندمرتبه و رفیع است و همه بندگان، فرودست او و مقهور عزت اویند، و تدبیر [عالم] از جانب اوست، و همه صعودها به سوی اوست.

امام صادق علیه السلام در پاسخ پرسش هشام بن حکم از معنای «پاکا خدا!»: وارسته دانستن خداست. نمی بینی که آدمی هر گاه از چیزی شکفت زده می شود، می گوید: «سبحان الله!»؟!

التوحید به نقل از یزید بن اَصَم: مردی از عمر بن خطاب سؤال کرد و گفت: ای امیر مؤمنان! معنای «پاکا خدا (سبحان الله)» چیست؟ عمر گفت: در این باغ، مردی است که هر گاه از او سؤال شود، پاسخ می دهد، و هر گاه سکوت شود، او خود آغاز به پاسخگویی می کند. مرد، وارد باغ شد. دید [که آن مرد،] علی بن ابی طالب علیه السلام است. گفت: ای ابو الحسن! معنای «پاکا خدا!» چیست؟ فرمود: «بزرگداشت عظمت خداوند عز و جل است، و وارسته دانستن او از آنچه هر مشرکی در باره اش بگوید. پس، هر گاه بنده این جمله را بگوید، هر فرشته ای بر او درود می فرستد».

الكافي عن هشام الجواليقي: سألتُ أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عز وجل: «سُبْحَانَ اللَّهِ» (١) ما يعنى به؟ قال: تنزيهه. (٢)

الإمام زين العابدين عليه السلام: إذا قلت: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» رفعت الله تبارك وتعالى عما يقول العادلون به. (٣)

تفسير القمى عن إسماعيل الجعفى عن الإمام الباقر عليه السلام فى وصف معراج النبى صلى الله عليه وآله: فلما انتهى به إلى سدرة المنتهى تخلف عنه جبرئيل عليه السلام، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: «يا جبرئيل، فى هذا الموضع تخذلى؟! فقال: تقدم أمامك، فوالله لقد بلغت مبلغاً لم يبلغه أحد من خلق الله قبلك. «فرأيت من نور ربى، وحال بينى وبينه السبحة». قلت: وما السبحة (٤) جعلت فداك؟ فأوماً بوجهه إلى الأرض وأوماً بيده إلى السماء وهو يقول: جلال ربى ثلاث مرات (٥).

١- جاءت كثيراً فى القرآن الكريم، وبعنوان المثل أنظر: الأنبياء: ٢٢، المؤمنون: ٩١، النمل: ٨، القصص: ٦٨.

٢- الكافي: ج ١ ص ١١٨ ح ١١، التوحيد: ص ٣١٢ ح ٣، معانى الأخبار: ص ٩ ح ٢، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٧ ح ٢.

٣- الخصال: ص ٢٩٩ ح ٧٢ عن أبى حمزه الثمالى، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٨ ح ٦.

٤- فى المصدر: «السبحة» فى كلا الموضعين، والتصويب من بحار الأنوار وتفسير نور الثقلين وتفسير الصافى. وقال المجلسى قدس سره: لعل المراد بالسبحة تنزهه وتقديسه تعالى؛ أى حال بينى وبينه تنزهه عن المكان والرؤية، وإلا فقد حصل غايه ما يمكن من القرب. قال الجزرى: سُبْحَاتِ اللَّهِ: جلاله وعظمته، وهى فى الأصل جمع سُبْحَةٍ (بحار الأنوار: ج ١٨ ص ٣٧٤).

٥- تفسير القمى: ج ٢ ص ٢٤٣، بحار الأنوار: ج ١٨ ص ٣٧٣ ح ٧٩.

الکافی به نقل از هشام جوالیقی: از امام صادق علیه السلام در باره معنای این سخن خداوند عز و جل «پاکا خدا!» پرسیدم. فرمود: «منزّه دانستن اوست».

امام زین العابدین علیه السلام: هر گاه بگویی: «پاکا خدا، و ستایش، او را!»، خداوند تبارک و تعالی را از آنچه مشرکان می گویند، برتر دانسته ای.

تفسیر القمّی به نقل از اسماعیل جعفی، در وصف معراج پیامبر صلی الله علیه و آله: امام باقر علیه السلام فرمود: «چون جبرئیل علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله را به سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى (آخرین درخت سِدْر) رساند، واپس ایستاد. پیامبر خدا فرمود: «ای جبرئیل! در چنین جایی مرا تنها می گذاری؟!». [جبرئیل علیه السلام] گفت: تو پیش برو؛ زیرا به خدا سوگند، به جایی رسیده ای که هیچ مخلوقی پیش از تو به آن جا نرسیده است. پس، از نور پروردگارم دیدم و سُبْحَه، میان من و او حایل گشت». گفتم: سُبْحَه (۱) چیست، فدایت شوم؟ [امام علیه السلام] با صورتش به زمین و با دستش به آسمان اشاره کرد و سه بار فرمود: «شکوه پروردگارم».

۱- علامه مجلسی قدس سره می گوید: شاید مراد از «سُبْحَه»، تنزّه و تقدّس خداوند متعال است؛ یعنی منزّه بودن او از مکان و دیده شدن، میان من و او حایل گشت، و گرنه حدّ اعلاّی قرب، حاصل شده است. جزری می گوید: «سُبْحَاتُ اللَّهِ»، یعنی جلال و عظمت خداوند. سُبْحَات، جمع «سُبْحَه» است.

الفصل الثانی : خصائص التَّسْبِيحِ ٢ / ١ اسمٌ من أسماءِ اللّهِ رسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إِنَّ لِلّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا ... وهى : اللّهُ ، الإِلهُ ... السُّبُوحُ (١) . (٢)

تفسير العياشى عن زيد الشحام عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : سَأَلْتُهُ عَنِ التَّسْبِيحِ ، فَقَالَ : هُوَ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللّهِ ، وَدَعْوَى أَهْلِ الْجَنَّةِ . ٣

كنز العمال عن ابن عباس : قَالَ عُمَرُ : أَمَّا الْحَمْدُ فَقَدْ عَرَفْنَاها ؛ فَقَدْ تَحَمَدُ الْخَلَائِقُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا ، وَأَمَّا «لَا إِلَهَ إِلَّا اللّهُ» قَدْ عَرَفْنَاها ؛ فَقَدْ عُبِدَتِ الْإِلَهَةُ مِنْ دُونِ اللّهِ ، وَأَمَّا «اللّهُ أَكْبَرُ» فَقَدْ يُكَبَّرُ الْمُصَلِّى ، وَأَمَّا «سُبْحَانَ اللّهِ» فَمَا هُوَ؟ فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ : اللّهُ أَعْلَمُ ، فَقَالَ عُمَرُ : قَدْ شَقِي عُمَرُ إِنْ لَمْ يَكُنْ يَعْلَمُ ، إِنَّ اللّهُ أَعْلَمُ . فَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، اسْمٌ مَمْنُوعٌ أَنْ يَنْتَحِلَهُ أَحَدٌ مِنَ الْخَلَائِقِ ، وَإِلَيْهِ مَفْرَعُ الْخَلْقِ ، وَأَحَبُّ أَنْ يُقَالَ لَهُ . فَقَالَ عُمَرُ : هُوَ كَذَلِكَ . (٣)

١- قال الشيخ الصدوق قدس سره : السُّبُوحُ : هو اسم مبنى على فُعُول ، وليس فى كلام العرب فَعُولٌ إلّا سَبَّوحٌ وقَدَّوسٌ ، ومعناهما واحد ، وسبحان الله تنزيها له عن كلّ ما لا ينبغى أن يوصف به ، ونصبه لأنّه فى موضع فعل على معنى تسبيحا لله ؛ يريد : سَبَّحْتُ تسبيحا لله ، ويجوز أن يكون نصبا على الظرف ، ومعناه : نَسَبِحُ لله وَسَبَّحُوا لله (التوحيد : ص ٢٠٧) .

٢- التوحيد : ص ١٩٤ ح ٨ ، الخصال : ص ٥٩٣ ح ٤ كلاهما عن سليمان بن مهران عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام على عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ١٨٦ ح ١ .

٣- كنز العمال : ج ٢ ص ٥٦٤ ح ٤٧٣٨ نقلاً عن ابن ماجه فى تفسيره وابن أبى حاتم وابن مردويه .

فصل دوم: ویژگی های تسبیح

۲ / ۱ نامی از نام های خدا

فصل دوم: ویژگی های تسبیح ۲ / ۱ نامی از نام های خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند تبارک و تعالی نود و نه نام دارد ... و آنها عبارت اند از : الله ، اله ، ... سُبُوح . (۱)

تفسیر العیاشی به نقل از زید شَحَام : از امام صادق علیه السلام در باره تسبیح پرسیدم . فرمود : «یاد کردِ نامی از نام های خدا (سبحان) و [نیز] نیایش اهل بهشت است» . (۲)

کنز العمال به نقل از ابن عباس : عُمَر گفت : معنای «سپاس (حمد)» را می دانیم . مردم ، یکدیگر را سپاس می گویند . معنای «معبودی جز خدای یگانه نیست» را هم می دانیم ؛ چرا که خدایانی به جای خداوند یگانه ، پرستیده می شدند . «خدا بزرگ تر است» هم معلوم است . نمازگزار ، «الله اکبر» می گوید ؛ امّا «پاکا خدا! (سبحان الله)» ، به چه معناست؟ مردی از میان جمعیت گفت : خدا ، داناتر است . عمر گفت : بدبخت عمر ، اگر نداند که خدا داناتر است! علی علیه السلام فرمود : «ای امیر مؤمنان! [سبحان الله] ، نامی است که هیچ یک از خلائق ، حق ندارد آن را بر خود نهد . خلق به او پناه می برند ، و [خدا] دوست دارد که این نام به او گفته شود» . عمر گفت : همین طور است .

۱- . شیخ صدوق قدس سره می گوید : «سُبُوح» ، اسم است به وزن «فُعُول» ، و در کلام عرب ، جز سُبُوح و قُدُوس بر این وزن نیامده است ، و این هر دو به یک معناست . «سبحان الله» ، یعنی منزّه و وارسته است خداوند ، از هر آنچه که شایسته نیست بدان وصف شود .

۲- . علامه طباطبایی قدس سره می گوید : مراد امام علیه السلام از «تسبیح» ، عبارت «سبحان الله» است ، که معنای اسمی آن ، دلالت بر منزّه بودن خداوند متعال دارد .

٢ / ٢ جوهْرُ الصَّلَاةِ المناقب لابن شهر آشوب عن أبي حازم: قَالَ رَجُلٌ لِرَئِيسِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَعْرِفُ الصَّلَاةَ؟ فَحَمَلْتُ عَلَيْهِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَهَلًا- يَا أَبَا حَازِمٍ فَإِنَّ الْعُلَمَاءَ هُمُ الْعُلَمَاءُ الرَّحْمَاءُ. ثُمَّ وَاجَهَ السَّائِلَ فَقَالَ: نَعَمْ أَعْرِفُهَا! فَسَأَلَهُ عَنْ أَفْعَالِهَا وَتُرُوكِهَا وَفَرَائِضِهَا وَنَوَافِلِهَا، حَتَّى بَلَغَ قَوْلَهُ: مَا افْتِاحُهَا؟ قَالَ: التَّكْبِيرُ، قَالَ: مَا بُرْهَانُهَا؟ قَالَ: الْقِرَاءَةُ، قَالَ: مَا خُشُوعُهَا؟ قَالَ: النَّظَرُ إِلَى مَوْضِعِ السُّجُودِ، قَالَ: مَا تَحْرِيمُهَا؟ قَالَ: التَّكْبِيرُ، قَالَ: مَا تَحْلِيلُهَا؟ قَالَ: التَّسْلِيمُ، قَالَ: مَا جَوْهَرُهَا؟ قَالَ: التَّسْبِيحُ. (١)

٢ / ٣ صَلَاةُ كُلِّ شَيْءٍ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ نُوحًا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ قَالَ لِابْنِهِ: إِنِّي قَاصٌّ عَلَيْكَ الْوَصِيَّةَ: أَمْرُكَ بِإِثْنَتَيْنِ، وَأَنْهَاكَ عَنْ اثْنَتَيْنِ: أَمْرُكَ بِ«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»؛ فَإِنَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ وَالْأَرْضِ السَّبْعَ لَوْ وُضِعَتْ فِي كَفِّهِ، وَوُضِعَتْ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» فِي كَفِّهِ، رَجَحَتْ بِهِنَّ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». وَلَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ وَالْأَرْضِ السَّبْعَ كُنَّ حَلْقَةً مَبْهَمَةً، فَصَيَّمْتَهُنَّ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». وَ«سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ»؛ فَإِنَّهَا صَلَاةُ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِهَا يُرْزَقُ الْخَلْقُ. (٢) وَأَنْهَاكَ عَنِ الشِّرْكِ، وَالْكَبْرِ. (٣)

١- المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ١٣٠، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٤٤ ح ٣٥.

٢- قال العلامة الطباطبائي قدس سره: قد ظهر ممّا قدّمناه في معنى تسبيح الأشياء الارتباط المشار إليه في الرواية بين تسبيح كلّ شيء وبين رزقه، فإنّ الرزق يقدر بالحاجه والسؤال وكلّ شيء إنّما يسبح الله تعالى بالإشارة بإظهار حاجته ونقصه إلى تنزّهه تعالى من ذلك (الميزان في تفسير القرآن: ج ١٣ ص ١٢٠).

٣- مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٥٧٥ ح ٦٥٩٤، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ١١٣ ح ١٥٤ نحوه وكلاهما عن عبد الله بن عمرو، كنز العمال: ج ١٦ ص ١٠٧ ح ٤٤٠٧٨.

۲ / ۲ گوهر نماز

۲ / ۳ نماز هر چیزی

۲ / ۲ گوهر نماز المناقب ، ابن شهر آشوب به نقل از ابو حازم : مردی به امام زین العابدین علیه السلام گفت : نماز می دانی؟! من به او حمله کردم . امام علیه السلام فرمود : «آرام باش ، ای ابو حازم ! عالمان ، بردبار و مهربان اند» . سپس ، رو به پرسنده کرد و فرمود : «آری ؛ می دانم!» . مرد از اعمال نماز و مبطلات و واجبات و مستحبات آن پرسید ، تا به این جا رسید که گفت : شروع نماز چیست؟ فرمود : «تکبیر» . گفت : برهانش چیست؟ فرمود : «قرائت» . گفت : خشوعش چیست؟ فرمود : «نگاه کردن به محلّ سجده» . گفت : وارد شدن به حریم نماز ، چگونه است؟ فرمود : «با تکبیر [الإحرام]» . گفت : خارج شدن از آن به چیست؟ فرمود : «به سلام دادن» . گفت : گوهرش چیست؟ فرمود : «سبحان الله» .

۳ / ۲ نماز هر چیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چون زمان رحلت پیامبر خدا نوح علیه السلام رسید ، به پسرش گفت : به تو وصیت می کنم . به دو چیز ، فرمانت می دهم و از دو چیز ، بازت می دارم . فرمانت می دهم به این که : «معبودی جز خدای یکتا نیست» ؛ چرا که اگر هفت آسمان و هفت زمین را در یک کفه و «معبودی جز خدای یکتا نیست» را در کفه دیگر بگذارند ، کفه «معبودی جز خدای یکتا نیست» ، بر آنها می چربد . و اگر هفت آسمان و هفت زمین ، حلقه ای در هم پیچیده باشند ، [عقیده] «معبودی جز خدای یکتا نیست» ، آن را در هم می شکنند . و [فرمانت می دهم به] «پاکا خدا ، و ستایش ، او را!» ؛ زیرا این [جمله] ، نماز هر موجودی است و خلق ، به واسطه آن ، روزی داده می شوند . (۱) و آن دو چیز که از آنها بازت می دارم : شرک و تکبر است .

۱- .علامه طباطبایی قدس سره می گوید : روزی ، بر پایه نیاز و درخواست ، مقدر می شود و هر موجودی با اظهار نیازمندی و نقص خود ، اشاره به این دارد که خداوند متعال ، از این دو ، منزّه و مبراست و از این طریق ، حق تعالی را تسبیح می گوید .

٢ / ٤ طَعَامُ الْمَلَائِكَةِ لِاخْتِصَاصِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي مَسَائِلِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : قَالَ : فَأَخْبِرْنِي عَنْ جَبْرَائِيلَ فِي زَيِّْ الْإِنَاثِ أَمْ فِي زَيِّْ الذُّكُورِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : فِي زَيِّْ الذُّكُورِ لَيْسَ فِي زَيِّْ الْإِنَاثِ . قَالَ : فَأَخْبِرْنِي مَا طَعَامُهُ وَشَرَابُهُ؟ قَالَ : طَعَامُهُ التَّسْبِيحُ ، وَشَرَابُهُ التَّهْلِيلُ (١) . قَالَ : صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ . (٢)

١- أي يتقَوون بالتسبيح والتهليل كما يتقوى الإنسان بالطعام والشراب ولا يبقى بدونهما (بحار الأنوار: ج ٥٩ ص ٢٥٤).

٢- الاختصاص: ص ٤٥، بحار الأنوار: ج ٥٩ ص ٢٥٣ ح ١٦.

۲ / ۴ خوراک فرشتگان

۲ / ۴ خوراک فرشتگان اختصاص به نقل از ابن عباس ، در باره پرسش های عبد الله بن سلام از پیامبر صلی الله علیه و آله : [عبد الله پرسید : مرا از جبرئیل ، خبر ده که آیا در هیئت زنان است یا در هیئت مردان؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «در هیئت مردان است ، نه در هیئت زنان» . گفت : مرا از خوراک و نوشاکش خبر ده . فرمود : «خوراکش سبحان الله است ، و نوشاکش لا إله إلا الله» . (۱) گفت : درست گفتی ، ای محمد !

۱- یعنی فرشتگان با تسیح و تهلیل ، نیرو می گیرند ، چنان که انسان با آب و غذا نیرو می گیرد و بدون این دو ، زنده نمی ماند .

٢ / ٥٥ دُعَاءُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْكِتَابِ «دَعَوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَأَخْرَجُوا مِنْهَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (١) ٢

۲ / ۵ نیایش بهشتیان

۲ / ۵ نیایش بهشتیانقرآن «نیایش آنان در آن جا «خدایا! تو منزه‌ی» و درودشان در آن جا سلام است، و پایان نیایش آنان ، این که: «ستایش ، ویژه پروردگار جهانیان است» .

الحديث للإمام علي عليه السلام في خطبه له: جَعَلَ اللَّهُ الْعَاقِبَةَ لِلتَّقْوَى ، وَالْجَنَّةَ لِأَهْلِهَا مَأْوَى ، دُعَاؤُهُمْ فِيهَا أَحْسَنُ الدُّعَاءِ «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» ، دُعَاؤُهُمْ الْمَوْلَى عَلَى مَا آتَاهُمْ «وَأَخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» . (١)

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَكُونُ لَهُ مِنَ الْجِنَانِ مَا أَحَبَّ وَاشْتَهَى ، يَتَنَعَّمُ فِيهِنَّ كَيْفَ يَشَاءُ ، وَإِذَا أَرَادَ الْمُؤْمِنُ شَيْئًا أَوْ اشْتَهَى إِنَّمَا دَعَاؤُهُ فِيهَا إِذَا أَرَادَ أَنْ يَقُولَ : «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» ، فَإِذَا قَالَهَا تَبَادَرَتْ إِلَيْهِ الْخُدَمُ بِمَا اشْتَهَى مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونَ طَلَبَهُ مِنْهُمْ أَوْ أَمَرَ بِهِ ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ» يَعْنِي الْخُدَامَ ، قَالَ : «وَأَخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» . (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: أَهْلُ الْجَنَّةِ . . . يُلْهَمُونَ التَّسْبِيحَ وَالتَّحْمِيدَ كَمَا يُلْهَمُونَ النَّفْسَ . (٣)

٢ / التَّبَادُؤُا أَهْلِ الْجَنَّةِ بِتَسْبِيحِ الْحَلِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَتَنَعَّمُ بِتَسْبِيحِ الْحَلِيِّ عَلَيْهِ فِي الْجَنَّةِ ، فِي كُلِّ مَفْصَلٍ مِنَ الْمُؤْمِنِ فِي الْجَنَّةِ ثَلَاثَةٌ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ وَلُؤْلُؤٍ . (٤)

١- الكافي: ج ٨ ص ١٧٣ ح ١٩٣ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٥٠ ح ٣٠ .

٢- الكافي: ج ٨ ص ١٠٠ ح ٦٩ عن محمد بن إسحاق المدني ، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٦١ ح ٩٨ .

٣- سنن الدارمي: ج ٢ ص ٧٩٢ ح ٢٧٢٣ ، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ١٢١ ح ١٤٧٧٥ نحوه وكلاهما عن جابر ، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٦٩ ح ٣٩٢٩٤ .

٤- ربيع الأبرار: ج ٤ ص ٢٦ .

۲ / ۶ لذت بردن بهشتیان از تسبیح زیورهایشان

حدیث امام علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش: خداوند، فرجام را برای پرهیزگاری قرار داده است و بهشت را برای پرهیزگاران. نیایش آنان در بهشت، بهترین نیایش است: «پاکی تو، ای خداوند!». نیایششان به درگاه سِرورشان برای آنچه به ایشان داده نیز این است: «و واپسین نیایش آنان، این است: ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است».

امام باقر علیه السلام: برای مؤمن از باغ های بهشت، هر آنچه دوست بدارد و دلش بخواهد، خواهد بود و از آنها هر گونه که بخواهد، بهره مند خواهد شد. هر گاه مؤمن، چیزی را اراده کند یا دلش بخواهد، سخنش در آن جا، در وقت خواستن آن چیز، این است که بگوید: «پاکی تو، ای خداوند!»، و چون این جمله را بگوید، خدمتکاران، آنچه را که هوس کرده است، برایش می آورند، بدون این که آن چیز را از آنان طلبیده یا دستورش را داده باشد. خداوند عز و جل می فرماید: «نیایش آنان در آن جا پاکی تو، ای خداوند! است و درودشان در آن جا سلام است»؛ یعنی [درود] خدمتکاران. می فرماید: «و واپسین نیایش آنان، این است: ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشتیان، ... همان گونه که نفس کشیدن به آنان الهام می شود، «سبحان الله» و «الحمد لله» به ایشان الهام می شود.

۲ / ۶ لذت بردن بهشتیان از تسبیح زیورهایشان امام صادق علیه السلام: مؤمن در بهشت، از زیور تسبیح، برخوردار است. در بند بند مؤمن در بهشت، سه دستبند زرین و سیمین و مروارید است.

٢ / ٧ غِنَاءُ الْجَنَّةِ لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي يُعْجِبُنِي الصَّوْتُ الْحَسَنُ، أَفِي الْجَنَّةِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ؟ قَالَ: نَعَمْ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، إِنَّ اللَّهَ لَيَأْمُرُ لِمَنْ أَحَبَّ ذَلِكَ مِنْهُمْ بِشَجَرٍ يُسْمَعُهُ صَوْتًا بِالتَّسْبِيحِ، مَا سَمِعَتِ الْأَذَانُ بِأَحْسَنَ مِنْهُ قَطُّ. (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَشَجَرًا يَنْصَبُ قُبُقًا بِالتَّسْبِيحِ بِصِيَوَاتٍ لَمْ يَسْمَعْ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ بِمِثْلِهِ، يُثْمَرُ ثَمَرًا كَالزُّمَانِ. (٢)

٢ / ٨ ثَمَارُ الْجَنَّةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَ الرَّحْمَنِ رَأَى الْجَنَّةَ فِيمَا يَرَى النَّائِمُ، فَأَصْبَحَ فَقَصَّهَا عَلَى قَوْمِهِ، فَقَالَ: يَا قَوْمُ! إِنِّي رَأَيْتُ الْبَارِحَةَ فِيمَا يَرَى النَّائِمُ جَنَّةَ عَرْضِهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِمُحَمَّدٍ وَأُمَّتِهِ، حَدَائِقُهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْجَارُهَا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، وَثَمَارُهَا سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ. (٣)

١- الغارات: ج ١ ص ٢٤٢، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٥٤٧ ح ٧٢٠.

٢- المحاسن: ج ١ ص ٢٨٨ ح ٥٦٩ عن الحارث بن محمد الأحول عمن حدّثه عن الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام، تأويل الآيات الظاهرة: ج ٢ ص ٤٤١ ح ١ عن الحارث بن محمد الأحول عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٣٨ ح ٥٠.

٣- كتر العَمَال: ج ١٢ ص ١٧٧ ح ٣٤٥٤٩ نقلًا عن مسند البرّار عن أبي أمامه.

۲ / ۷ آواز بهشت

۲ / ۸ میوه های بهشت

۲ / ۷ آواز بهشتامام علی علیه السلام: مردی گفت: ای پیامبر خدا! من، آواز خوش را دوست می دارم. آیا در بهشت هم آواز خوش هست؟ فرمود: «آری. سوگند به آن که جانم در دست اوست، خداوند، برای آن کس از اهل بهشت که آواز خوش را دوست دارد، به درختی فرمان می دهد تا آواز تسییح بخواند، با صدایی چنان خوش که هرگز گوش ها زیباتر از آن را نشنیده اند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست، در بهشت، درختی است که با چنان صوتی آواز تسییح سر می دهد که هیچ بشری، از آغاز تا پایان عالم، مانند آن را نشنیده است، و میوه هایی چون انار می دهد.

۲ / ۸ میوه های بهشتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ابراهیم خلیل الرحمان، بهشت را در عالم خواب دید. صبح که شد، آن را برای قوم خود تعریف کرد و گفت: ای قوم! دیشب در عالم خواب، بهشتی را دیدم که پهنای آن [به پهنای] آسمان ها و زمین بود و برای محمّد و ائمت او آماده شده بود. باغ هایشان، گواهی دادن به یگانگی خداوند بود و درختانش، گواهی دادن به پیامبری محمّد، و میوه هایش، «پاکا خدا، و ستایش، خدای را!».

الفصل الثالث: الحث على التسييح ٣ / أفضل التسييح رسول الله صلى الله عليه وآله من كلام له يصف فيه إخوانه الذين يأتون من بعده: لو أن أحدا منهم يسبح تسيحاً خيراً له من أن يصير له جبال الدنيا ذهباً. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: من سبَّح تسيحاً، ومنح منحه (٢) لبن، أو هدى زقاقاً (٣)، كان له كعدل نسمة. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: إذا قال العبد: «سبحان الله»، قال الله: صدق عبدى، سبحانى وبحمدى، لا ينبغي التسيح إلا لى. (٥)

١- التحصين لابن فهد: ص ٢٥ ح ٤٠.

٢- منحه اللبن: أن يعطيه ناقة أو شاة ينتفع بلبنها ويعيدها. وكذلك إذا أعطاه لينتفع بوبرها وصوفها زماناً ثم يردها (النهاية: ج ٤ ص ٣٦٤ «منح»).

٣- فى المصدر: «... منحه منحه لبن أو هدى دفافا...»، والتصويب من كنز العمال. قال ابن الأثير: الزقاق بالضم: الطريق، يريد من دل الضال أو الأعمى طريقه (النهاية: ج ٢ ص ٣٠٦ «زقق»).

٤- شعب الإيمان: ج ٢ ص ٥٠٧ ح ٢٥٤٤ عن أبى أيوب، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٣١ ح ٣٨٩٠.

٥- كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٦ ح ٢٠٢٩ نقلاً عن الديلمى عن أبى الدرداء.

فصل سوم: تشویق به تسبیحگویی

۳ / ۱ فضیلت تسبیحگویی

فصل سوم: تشویق به تسبیحگویی ۳ / ۱ فضیلت تسبیحگویی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از گفتار ایشان در وصف برادرانش که پس از او می آیند: اگر یکی از آنان، یک تسبیح بگوید، برایش بهتر از آن است که همه کوه های دنیا برای او طلا شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس یک تسبیح بگوید، یا دَهشِ شیری (۱) عطا کند، یا کوچه ای را نشان دهد، (۲) ثوابش برابر با آزاد کردن برده ای است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه بنده بگوید: «سبحان الله»، خداوند می فرماید: راست گفت بنده ام. منزهم من و ستایش، مراست. تسبیح، جز مرا نسزد.

-
- ۱- دَهشِ شیر، به این معناست که شخصی ماده شتر یا گوسفندی در اختیار کسی بگذارد تا برای مدتی از شیر و گُرک و پشم آن استفاده کند و سپس آن را به صاحبش برگرداند.
 - ۲- یعنی گم شده ای یا نایبایی را راه نمایی کند.

الإمام الصادق عليه السلام: ما يَعْلَمُ عِظَمَ ثَوَابِ الدُّعَاءِ وَتَسْبِيحِ الْعَبْدِ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ نَفْسِهِ ، إِلَّا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى . (١)

عنه عليه السلام: ما مِنْ كَلِمَةٍ أَحْفُ عَلَى اللِّسَانِ مِنْهَا وَلَا أْبْلَغُ مِنْ «سُبْحَانَ اللَّهِ» . (٢)

عنه عليه السلام: مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ مِثْلَهُ مَرَّةً كَانَ أَفْضَلَ النَّاسِ ذَلِكَ الْيَوْمَ ، إِلَّا مَنْ قَالَ مِثْلَ قَوْلِهِ . (٣)

عنه عليه السلام لَمَّا قِيلَ لَهُ : إِنَّ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ خِفَّةَ عَارِضِيهِ (٤) : وما فى هذا مِنَ السَّعَادَةِ؟! إِنَّمَا السَّعَادَةُ خِفَّةُ مَاضِيهِ (٥) بِالتَّسْبِيحِ . (٦)

عده الداعى فيما يُحكى عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُودَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : إِنَّهُ مَرَّ بِحِزَابٍ فَقَالَ : لَقَدْ أُوتِيَ ابْنُ دَاوُودَ مُلْكَاً عَظِيماً! فَأَلْقَاهُ الرِّيحُ فِي أُذُنِهِ ، فَنَزَلَ وَمَشَى إِلَى الْحِزَابِ وَقَالَ : إِنَّمَا مَشَيْتُ إِلَيْكَ لِنَّا تَتَمَنَّى مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ . ثُمَّ قَالَ : لَتَسْبِيحُهُ وَاحِدَةٌ يَقْبَلُهَا اللَّهُ تَعَالَى خَيْرٌ مِمَّا أُوتِيَ آلُ دَاوُودَ . وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ : لِأَنَّ ثَوَابَ التَّسْبِيحِ يَبْقَى ، وَمُلْكُ سُلَيْمَانَ يَفْنَى . (٧)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : . . . يَا عَيْسَى ، تَيَقَّظْ وَلَا تَيَاسَ مِنْ رَوْحِي ، وَسَبِّحْنِي مَعَ مَنْ يُسَبِّحُنِي ، وَبَطِّبِ الْكَلَامَ فَقَدْسُنِي . (٨)

- ١- .فلاح السائل : ص ٩٢ ح ٢٦ عن ابن أبي عمير عن بعض أصحابنا ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٣١٩ ح ٢٥ .
- ٢- .الكافي : ج ٣ ص ٣٢٩ ح ٥ ، مستطرفات السرائر : ص ٩٦ ح ١٢ وليس فيه «منها» وكلاهما عن هشام بن الحكم ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٣ ح ٢٣ .
- ٣- .المحاسن : ج ١ ص ١٠٧ ح ٩١ عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٣ ح ٢٠ .
- ٤- .قال ابن الأثير : العارضُ من اللّحيه : ما يَنْبُتُ عَلَى عُرْضِ اللَّحْيِ فَوْقَ الذَّقْنِ ، وَقِيلَ : أَرَادَ بِخِفَّةِ الْعَارِضِينَ خِفَّةَ اللَّحْيِ ، وَمَا أَرَاهُ مَنَاسِباً (النّهاية : ج ٣ ص ٢١٢ «عرض»).
- ٥- .الماضِغان : أصول اللّحيين عند منبت الأضراس (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٧٠٢ «مضغ»).
- ٦- .علل الشرائع : ص ٥٨٠ ح ١١ ، معانى الأخبار : ص ١٨٣ ح ١ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٥٣ ح ١٣ .
- ٧- .عده الداعى : ص ٢٤٦ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٤ ح ٢٦ .
- ٨- .الأمالى للصدوق : ص ٦٠٦ ٦١٠ ح ٨٤٢ عن أبي بصير ، الكافي : ج ٨ ص ١٣٧ ح ١٠٣ عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٢٩٤ ح ١٤ .

امام صادق علیه السلام: عظمت ثواب دعا و تسبیحی را که بنده میان خود و خودش انجام می دهد، جز خدای تبارک و تعالی کسی نمی داند.

امام صادق علیه السلام: هیچ کلمه ای بر زبان، سُبُک تر و رساتر از «سبحان الله» نیست.

امام صادق علیه السلام: هر کس صد مرتبه «سبحان الله» بگوید، در آن روز، برترین مردم است، مگر آن که کسی دیگر نیز هم اندازه او [سبحان الله] بگوید.

امام صادق علیه السلام چون به ایشان گفته شد: از خوش بختی مرد، این است که گونه هایش سُبُک باشد (۱): در این، چه خوش بختی ای است؟! خوش بختی، در این است که دو فک او به تسبیح گفتن، سُبُک [و جنبان] باشد.

عده الداعی: می گویند سلیمان بن داوود علیه السلام بر کشتگری گذشت. کشتگر [با خود] گفت: چه سلطنت باشکوهی به پسر داوود داده شده است! باد، سخن او را به گوش سلیمان رساند. سلیمان، پیاده شد و به نزد کشتگر رفت و گفت: «به نزد تو آمدم تا [بگویم]: چیزی را که از توان تو بیرون است، آرزو نکنی». سپس گفت: «گفتن یک تسبیح که خدای متعال آن را بپذیرد، از هر آنچه به خاندان داوود داده شده، بهتر است». و در حدیثی دیگر آمده است [که گفت]: «زیرا ثواب تسبیح، باقی می ماند و مُلک سلیمان از میان می رود».

امام صادق علیه السلام: از جمله اندرزهای خداوند تبارک و تعالی به عیسی بن مریم علیهما السلام این بود که: «... ای عیسی! بیدار باش و از رحمت من، نومید مشو، و همراه با تسبیحگویان، مرا تسبیح گوی و با سخنان پاک، تقدیسم کن».

۱- یعنی «تُنُک ریش» باشد، نه دارای ریش انبوه.

بحار الأنوار: في صَاحِبِهِ إِدْرِيسَ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَسَبَّحَانِي سُبْحَانِي وَطُوبَى لِمَنْ سَبَّحَنِي ، وَقُدُّوسٌ أَنَا وَطُوبَى لِمَنْ قَدَّسَنِي .
(١)

قصص الأنبياء في ذِكْرِ الْعَشْرِ آيَاتِ الَّتِي نَزَلَتْ عَلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ : هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ الْعَزِيزِ الْقَهَّارِ لِعَبْدِهِ وَرَسُولِهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ ، أَنْ سَبَّحَنِي وَقَدَّسَنِي ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي ، وَلَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا ، وَاشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ . (٢)

٣ / ٢ كَثْرَةُ التَّسْبِيحِ الْكِتَابِ «وَسَبَّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى» . (٣)

الحديث للإمام علي عليه السلام في ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : ... يَا أَحْمَدُ ، لَيْسَ كُلُّ مَنْ قَالَ : «أَحِبُّ اللَّهَ» أَحَبَّنِي ، حَتَّى يَأْخُذَ قُوَّتَا ... وَيَشْغَلَ بِذِكْرِ اشْتِغَالًا ، وَيُكْثِرَ التَّسْبِيحَ دَائِمًا (٤) .

١- بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٤٥٨ .

٢- قصص الأنبياء (عرائس المجالس): ص ٢٠٤ .

٣- طه: ١٣٠ .

٤- إرشاد القلوب: ص ١٩٩ ٢٠٥ ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٠ ح ٦ .

۲ / ۳ بسیار تسبیح گفتن

بحار الأنوار: در صحیفه ادریس پیامبر علیه السلام، آمده است: «متزهم من، متزهم، و خوشا به حال آن که مرا تسبیح گوید! مقدّم من، و خوشا به حال آن که مرا تقدیس کند!».

قصص الأنبياء در بیان آیات دهگانه ای که بر موسی علیه السلام نازل شد: به نام خداوند مهرگستر مهربان. این نبشته ای است از سوی خداوند، آن پادشاه مقتدر شکست ناپذیر چیره [بر عالم هستی]، به بنده اش و فرستاده اش موسی بن عمران: مرا تسبیح گوی و تقدیس کن. معبودی جز من نیست. پس مرا بندگی کن و چیزی را انباز من مگردان، و از من و پدر و مادرت سپاس گزاری نما. حرکت به سوی من است.

۲ / ۳ بسیار تسبیح گفتنقرآن» پس بر آنچه می گویند، شکبیا باش و پیش از بر آمدن آفتاب و قبل از فرو شدن آن، با ستایش پروردگارت، [او را] تسبیح گو. و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پرداز. باشد که خشنود گردی».

حدیثامام علی علیه السلام در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله: خدای متعال فرمود: «... ای احمد! نه هر که گفت: خدا را دوست دارم مرا دوست دارد، مگر آن گاه که خوراکی برگیرد... و همواره به یاد من پردازد و پیوسته تسبیح بسیار گوید».

الإمام زين العابدين عليه السلام: إِنَّمَا شِيعَتُنَا . . . خُمُصُ (١) الْبَطُونِ ، ذُبُلُ الشَّفَاهِ ، قَدَمَ هَيَجَتِ (٢) الْعِبَادَةَ وَجُوهَهُمْ ، وَأَخْلَقَ (٣) سَهْرَ اللَّيَالِي وَقَطَعَ الْهَوَاجِرَ جُثَّتَهُمْ ، الْمَسْبُحُونَ إِذَا سَكَتَ النَّاسُ ، وَالْمُصَلُّونَ إِذَا نَامَ النَّاسُ ، وَالْمَحْزُونُونَ إِذَا فَرِحَ النَّاسُ . (٤)

ثواب الأعمال عن يونس بن يعقوب: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ قَالَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ» مِنْهُ مَرَّةً ، كَانَ مِمَّنْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؟ قَالَ : نَعَمْ . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام فى أوصافِ الْمُؤْمِنِينَ الْكَامِلِينَ : فَهُمْ الْحَفِيُّ عَيْشُهُمْ ، الْمُنْتَقِلَةَ دِيَارُهُمْ مِنْ أَرْضٍ إِلَى أَرْضٍ ، الْخَمِيصَةَ بَطُونُهُمْ مِنَ الصِّيَامِ ، الذُّبْلَةَ شِفَاهُهُمْ مِنَ التَّسْبِيحِ ، الْعُمَشُ (٦) الْعِيُونَ مِنَ الْبُكَاءِ . (٧)

عنه عليه السلام: قَالَ لِقَمَانُ لِبَنِيهِ : . . . عَلَيْكَ بِالتَّسْبِيحِ مَا دُمْتَ عَامِلًا ، وَعَلَيْكَ بِالِدُّعَاءِ مَا دُمْتَ خَالِيًا . (٨)

- ١- رجل خُمُصَانٍ وَخَمِيصٍ : إِذَا كَانَ ضَامِرَ الْبَطْنِ (النهاية : ج ٢ ص ٨٠ «خمص»). وقال المجلسى قدس سره : خماص البطن كناية عن قلة الأكل ، أو كثرة الصوم ، أو العفة (بحار الأنوار : ج ٦٨ ص ١٨٨) .
- ٢- قال العلامة المجلسى قدس سره : فى القاموس : هَاجَ يَهِيْجُ : نَارٌ ، كَاهِتَاجٌ وَتَهَيَّجٌ ، وَأَثَارٌ ، وَأَهَاجُهُ : أَيْبَسُهُ . وَكَأَنَّ تَحْتَمَلِ النِّسْخَةَ الْبَاءَ الْمَوْحَدَةَ جَهَبَجْتَجٌ ؛ مِنْ قَوْلِهِمْ : هَبَّجَهُ تَبْهِيْجًا : وَرَمَمَهُ (بحار الأنوار : ج ٦٨ ص ١٦٩ وأنظر : القاموس المحيط : ج ١ ص ٢١٣ «هاج» وص ٢١١ «هيج»).
- ٣- خَلَقَ الثَّوْبُ : بَلَى ، وَأَخْلَقَ الثَّوْبُ مِثْلَهُ ، وَأَخْلَقْتُهُ أَنَا ؛ يَتَعَدَّى وَلَا يَتَعَدَّى (الصحاح : ج ٤ ص ١٤٧٢ «خلق»).
- ٤- صفات الشيعة : ص ١٠٣ ح ٤٠ عن حمران بن أعين عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٦٨ ص ١٦٩ ح ٣٠ .
- ٥- ثواب الأعمال : ص ٢٧ ح ١ ، عدّه الداعى : ص ٢٤٦ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٢ ح ١٥ .
- ٦- الْعُمَشُ : ضَعْفُ الْبَصْرِ مَعَ سِيلَانِ الدَّمْعِ فِي أَكْثَرِ الْأَوْقَاتِ (القاموس المحيط : ج ٢ ص ٢٨٠ «عمش»).
- ٧- الْأَصُولُ السِّتَّةُ عَشْرَ : ص ٦ عن زيد الزرّاد ، بحار الأنوار : ج ٦٧ ص ٣٥١ ح ٥٤ .
- ٨- الكافى : ج ٨ ص ٣٤٨ ح ٥٤٧ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٢٩٨ ح ٢٥٠٥ ، المحاسن : ج ٢ ص ١٢٦ ح ١٣٤٨ كلّها عن حمّاد (بن عيسى أو ابن عثمان) ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٢٧٢ ح ٢٨ .

امام زین العابدین علیه السلام: پیروان ما ... شکم تهی و پژمرده لب اند. (۱) عبادت، رخساره های آنان را خشکانیده، و شب زنده داری و روزه داری در روزهای داغ، پیکرهایشان را فرسوده است. آن گاه که مردم خاموش اند، آنان تسبیحگویند، و آن زمان که مردم غنوده اند، آنان نماز گزارند، و آن هنگام که مردم شادند، آنان اندوهناک اند.

ثواب الأعمال به نقل از یونس بن یعقوب: به امام صادق علیه السلام گفتم: هر کس صد مرتبه «سبحان الله» بگوید، از آنان است که خدا را بسیار یاد کرده است؟ فرمود: «آری».

امام صادق علیه السلام در اوصاف مؤمنان کامل: آنان، پابرهنه [و درویشانه] می زیند، خانه به دوش اند، شکم هایشان از روزه داری خشکیده، لبانشان از تسبیحگویی ترک خورده، و چشمانشان از گریه [به درگاه خدا] کم سو گشته است.

امام صادق علیه السلام: لقمان به پسرش گفت: «... آن گاه که مشغول کاری هستی، همواره تسبیح گوی، و در خلوت (1) هنگام بیکاری) خویش به دعا مشغول شو».

۱- کنایه از کم خوری یا روزه گرفتن بسیار است.

٣ / ٣ التَّسْبِيحُ مَعَ التَّحْمِيدِ الْكِتَابُ «وَلَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّكَ يَضَعُ يَدَاكَ بِمَا يَقُولُونَ * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ * وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ». (١)

«فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ * وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ ادْبُرِ النُّجُومِ». (٢)

«وَ اصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ * وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ ادْبُرِ النُّجُومِ». (٣)

«إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا حَمَزُوا سَجْدًا وَ سَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ هُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ». (٤)

«دَعَاؤُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَ آخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (٥)

الحدیث رسول الله صلى الله عليه و آله : ما أوحى إليّ أن أجمع المالَ وأكونَ منَ التَّاجِرِينَ ، ولكن أوحى إليّ أن : «سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ * وَ اعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ». (٦)

١- .الحجر : ٩٧ ٩٩ .

٢- .بق : ٣٩ و ٤٠ .

٣- .الطور : ٤٨ و ٤٩ .

٤- .السجده : ١٥ .

٥- .يونس : ١٠ .

٦- .تفسير القرطبي : ج ١٠ ص ٦٤ ، الدر المنثور : ج ٥ ص ١٠٥ كلاهما عن أبي مسلم الخولاني والأخير عن ابن مسعود أيضا ، كنز العمّال : ج ٣ ص ٢٤٥ ح ٦٣٧٤ نقلاً عن الحاكم في تاريخه عن أبي ذرّ ؛ الأمالي للطوسي : ص ٥٣١ ح ١١٦٢ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٦٩ ح ٢٦٦١ كلاهما عن أبي ذرّ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ٤٧ ح ٥٧ .

۳ / ۳ تسبیح همراه با تحمید

۳ / ۳ تسبیح همراه با تحمید قرآن «و قطعاً می دانیم که سینه تو از آنچه می گویند ، تنگ می شود . پس با ستایش پروردگارت ، [او را] تسبیح گوی و از سجده کنندگان باش ، و پروردگارت را پرستش کن تا این که مرگ تو فرا رسد» .

«و بر آنچه می گویند ، شکبیا باش و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن ، به ستایش پروردگارت، [او را] تسبیح گوی . و پاره ای از شب و به دنبال سجود [به صورت تعقیب و نافله] او را تسبیح گوی» .

«و در برابر دستور پروردگارت ، شکیبایی پیشه کن که تو خود ، در حمایت مایی ؛ و هنگامی که [از خواب] بر می خیزی ، به نیایش پروردگارت تسبیح گوی و [نیز] پاره ای از شب، و در [هنگام] فرو شدن ستارگان ، تسبیحگویی او باش» .

«تنها کسانی به آیات ما می گروند که چون آن [آیات] را به ایشان یادآوری کنند، سجده کنان به روی در می افتند، و به ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند و آنان ، بزرگی نمی فروشند» .

«نیایش آنان در آن جا ، « خدایا! تو منزّهی » است و درودشان در آن جا سلام است، و واپسین نیایش آنان ، این است که: « ستایش ، ویژه پروردگار جهانیان است»» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به من وحی نشد که دارایی گرد آورم و از بازرگانان شوم ؛ بلکه به من وحی شد که : «با ستایش پروردگارت ، [او را] تسبیح گوی و از سجده کنندگان باش، و پروردگارت را پرستش کن تا این که مرگ تو فرا رسد» .

عنه صلى الله عليه وآله: أَكْثَرُ مِنْ قَوْلِ الْقَرِينَتَيْنِ : سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» فِي يَوْمٍ مِثْلَ مَرَّةٍ ، حُطَّتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا يَدَعُ رَجُلٌ مِنْكُمْ أَنْ يَفْعَلَ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلًّا أَلْفَ حَسَنَةٍ حِينَ يُصْبِحُ ؛ يَقُولُ : «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» مِثْلَ مَرَّةٍ فَإِنَّهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ ، فَإِنَّهُ لَنْ يَعْمَلَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِثْلَ ذَلِكَ فِي يَوْمٍ مِنَ الذُّنُوبِ ، وَيَكُونُ مَا عَمِلَ مِنْ خَيْرٍ سِوَى ذَلِكَ وَأَفْرَأ . (٣)

المستدرک علی الصحیحین عن أبی طلحة الأنصاری: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ قَالَ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» دَخَلَ الْجَنَّةَ ، وَوَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ . وَمَنْ قَالَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» مِثْلَهُ ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَأَرْبَعًا وَعِشْرِينَ حَسَنَةً . قَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِذَا لَا يَهْلِكُ مِنَّا أَحَدٌ ! قَالَ : بَلَى ، إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَجِيءُ بِالْحَسَنَاتِ لَوْ وُضِعَتْ عَلَى جَبَلٍ أَثْقَلَتْهُ ، ثُمَّ تَجِيءُ النُّعْمُ فَتِيذْهُبُ بِتِلْكَ ، ثُمَّ يَتَطَاوَلُ الرَّبُّ بَعْدَ ذَلِكَ بِرَحْمَتِهِ . (٤)

مسند ابن حنبل عن ربيعه بن كعب: كُنْتُ أُخْدِمُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَقُومُ لَهُ فِي حَوَائِجِهِ نَهَارِي أَجْمَعُ ، حَتَّى يُصَلِّيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ ، فَأَجْلِسُ بِبَابِهِ إِذَا دَخَلَ بَيْتَهُ ، أَقُولُ : لَعَلَّهَا أَنْ تَحْدُثَ لِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَاجَةٌ ، فَمَا أَزَالَ أَسْمَعُهُ يَقُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : سُبْحَانَ اللَّهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ، حَتَّى أَمَلَّ فَأَرْجِعَ أَوْ تَغْلِبَنِي عَيْنِي ، فَأَرْقُدُ . (٥)

١- .كنز العمال : ج ١ ص ٤٦١ ح ١٩٩٧ نقلاً عن الحاكم في تاريخه عن الإمام علي عليه السلام .

٢- .صحيح البخارى : ج ٥ ص ٢٣٥٢ ح ٦٠٤٢ ، صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٠٧١ ح ٢٨ ، سنن الترمذى : ج ٥ ص ٥١١ ح ٣٤٦٦ وفيه «غفرت له ذنوبه» بدل «حطت خطاياها» ، الموطأ : ج ١ ص ٢٠٩ ح ٢١ كلها عن أبى هريره ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٦٠ ح ١٩٩١ ؛ مستدرک الوسائل : ج ٥ ص ٣٢٤ ح ٥٩٩٦ نقلاً عن درر الالكي .

٣- .مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ١٧٣ ح ٢١٨٠٠ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٦٩٦ ح ١٨٩٧ كلاهما عن أبى الدرداء ، كنز العمال : ج ٢ ص ٢٣٦ ح ٣٩٠٨ .

٤- .المستدرک علی الصحیحین : ج ٤ ص ٢٧٩ ح ٧٦٣٨ ، كنز العمال : ج ١ ص ٦١ ح ٢١٠ .

٥- .مسند ابن حنبل : ج ٥ ص ٥٧١ ح ١٦٥٧٩ ، المعجم الكبير : ج ٥ ص ٥٧ ح ٤٥٧٦ نحوه ، تاريخ دمشق : ج ٤ ص ٣١٩ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: این دو کلمه به هم بسته را بسیار بگویید: «پاکا خدا، و ستایش، او را!». .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در یک روز صد مرتبه بگوید: «پاکا خدا، و ستایش، او را!». ، گناهانش فرو می ریزند، هر چند به اندازه کف دریا باشند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ یک از شما این را ترک نکند که وقتی صبح خود را می آغازد، هزار کار نیک برای خداوند عز و جل انجام داده است؛ [این که] یک صد مرتبه بگوید: «پاکا خدا، و ستایش، او را!». . این، برابر با هزار کار نیک است؛ زیرا به خواست خدا، هرگز در یک روز، این اندازه گناه نخواهد کرد، و بجز این، کارهای نیک فراوان دیگری هم هست که انجام دهد.

المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو طلحه انصاری: پیامبر خدا فرمود: «هر کس بگوید: معبودی جز خدای یکتا نیست (لا إله إلا الله)، به بهشت می رود و بهشت بر او واجب می گردد، و هر کس یکصد مرتبه بگوید: پاکا خدا، و ستایش، او را!، خداوند برایش هزار و بیست و چهار ثواب می نویسد». گفتند: ای پیامبر خدا! در این صورت، هیچ یک از ما هلاک [و جهنمی] نخواهد شد! فرمود: «آری. فردی از شما چندان کار نیک به جای می آورد که اگر بر کوهی نهاده شوند، آن را گران بار می کنند؛ اما سپس نعمت ها می آیند و آنها را از بین می برند، و سپس بار دیگر، رحمت خداوند سر بر می دارد» .

مسند ابن حنبل به نقل از ربیع بن کعب: من به پیامبر خدا خدمت می کردم و تمام روزم را به رفع نیازهای ایشان می پرداختم تا آن که پیامبر خدا، نماز عشا را می خواند، و چون به خانه اش می رفت، من جلو در می نشستم؛ چرا که می گفتم: شاید پیامبر خدا کاری داشته باشد. می شنیدم که ایشان، آن قدر «پاکا او، پاکا او، پاکا او و ستایش، او را! (سبحان الله، سبحان الله، سبحان الله و بحمده)» می گفت که من، خسته می شدم و بر می گشتم، یا خواب مرا می گرفت و می خوابیدم.

٥٧٤٨. رسول الله صلى الله عليه وآله: صحيح مسلم عن أبي ذر: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ألا أخبرك بأحب الكلام إلى الله؟ قلت: يا رسول الله أخبرني بأحب الكلام إلى الله! فقال: إن أحب الكلام إلى الله: سبحان الله وبحمده. (١) ٥٧٤٩. عنه صلى الله عليه وآله: سنن الترمذى عن أبي ذر أنه قال لرسول الله صلى الله عليه وآله: بأبي أنت يا رسول الله، أئى الكلام أحب إلى الله عز وجل؟ قال: ما اصطفى الله لملائكته؛ سبحان ربى وبحمده، سبحان ربى وبحمده. (٢) ٥٧٥٠. الإمام الصادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: كلمتان خفيفتان على اللسان، ثقيلتان فى الميزان، حبيبتان إلى الرحمن: سبحان الله العظيم، سبحان الله وبحمده. (٣) ٥٧٤٨. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: قولوا: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» مِنْ قَالَهَا مَرَّةً كُتِبَتْ لَهُ عَشْرًا، وَمَنْ قَالَهَا عَشْرًا كُتِبَتْ لَهُ مِائَةٌ، وَمَنْ قَالَهَا مِائَةً كُتِبَتْ لَهُ أَلْفًا، وَمَنْ زَادَ زَادَهُ اللَّهُ، وَمَنْ اسْتَغْفَرَ غُفِرَ اللَّهُ لَهُ. (٤).

- ١- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٩٣ ح ٨٥، سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٧٦ ح ٣٥٩٣، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ١٢٦ ح ٢١٥٨٥ كلاهما نحوه، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٦ ح ٢٠٢٦.
- ٢- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٧٦ ح ٣٥٩٣، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٩٣ ح ٨٤، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٧٣ ح ٢١٣٧٨ و ص ١٢٦ ح ٢١٥٨٥، الدعاء للطبرانى: ص ٤٧٨ ح ١٦٧٧ و ١٦٧٨ كلها نحوه، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٦٨٠ ح ١٨٤٦، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٣ ح ٢٠١٠.
- ٣- صحيح البخارى: ج ٥ ص ٢٣٥٢ ح ٦٠٤٣ و ج ٦ ص ٢٤٥٩ ح ٦٣٠٤، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٧٢ ح ٣١، سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥١٢ ح ٣٤٦٧، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٥١ ح ٣٨٠٦، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١٢ ح ٧١٧٠ كلها عن أبى هريره، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٢ ح ٢٠٠٧.
- ٤- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥١٣ ح ٣٤٧٠ عن ابن عمر، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٣ ح ٢٠١٤.

۵۷۴۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: صحیح مسلم به نقل از ابو ذر: پیامبر خدا فرمود: «آیا تو را از محبوب ترین سخن نزد خداوند آگاه نکنم؟».

گفتم: ای پیامبر خدا! مرا از محبوب ترین سخن نزد خداوند، آگاه ساز.

فرمود: «محبوب ترین سخن نزد خداوند، پاکا خدا، و ستایش، او را! است». ۵۷۵۰. امام صادق علیه السلام: سنن الترمذی به نقل از ابو ذر: به پیامبر خدا گفتم: پدرم به فدایت، ای پیامبر خدا! کدام سخن نزد خداوند، محبوب تر است؟

فرمود: «همان که خدا برای فرشتگانش برگزید: پاکا پروردگار من، و ستایش، او را! پاکا پروردگار من، و ستایش، او را!» ۵۷۵۱. فتح الباری عن ابن عباس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو سخن است که بر زبان سبک اند، در ترازوی اعمال [سنگین اند و نزد خداوند مهربان، محبوب اند: «پاکا خدای بزرگ! پاکا خدا و ستایش، او را!». ۵۷۵۲. المناقب لابن شهر آشوب: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: صد بار بگوئید: «پاکا خدا، و ستایش، او را!»، که هر کس یک بار این سخن را بگوید، ده بار برایش نوشته می شود، و هر که ده بار بگوید، صد بار برایش نوشته می شود، و هر کس صد بار بگوید، هزار بار برایش نوشته می شود، و هر کس بیشتر بگوید، خداوند بیشتر برایش می نویسد، و هر کس آمرزش بطلبد، خداوند او را می آمرزد..

٥٧٥١.فتح الباری (به نقل از ابن عباس) عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ قَالَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَةٍ ، وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ ، وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ ، وَمَنْ زَادَ زَادَهُ اللَّهُ ، وَمَنْ اسْتَغْفَرَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ . (١) ٥٧٥٢.المناقب ، ابن شهر آشوب :الإمام زين العابدين عليه السلام :مَنْ قَالَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» مِنْ غَيْرِ تَعَجُّبٍ ، كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مِنْهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ ، وَمَحَا عَنْهُ ثَلَاثَةَ آلَافِ سَيِّئَةٍ ، وَرَفَعَ لَهُ ثَلَاثَةَ آلَافِ دَرَجَةٍ . (٢) ٥٧٥٣.الإمام الصادق عليه السلام (فى زيارته الإمام علي عليه السلام) الإمام الصادق عليه السلام :مَنْ قَالَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَلَاثَةَ آلَافِ حَسَنَةٍ ، وَرَفَعَ لَهُ ثَلَاثَةَ آلَافِ دَرَجَةٍ ، وَخَلَقَ مِنْهَا طَائِرًا فِي الْجَنَّةِ يُسَبِّحُ اللَّهَ وَكَانَ أَجْرُ تَسْبِيحِهِ لَهُ . (٣) ٥٧٥٤.فتح الباری عن عروه بن الزبير :عنه عليه السلام :مَنْ قَالَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ» مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ ، مَحَا اللَّهُ عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ ، وَأَثْبَتَ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ ، وَكَتَبَ لَهُ أَلْفَ شَفَاعَةٍ ، وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ ، وَخَلَقَ لَهُ مِنْ تِلْكَ الْكَلِمَةِ طَائِرًا أَبْيَضَ (يَطِيرُ) وَيَقُولُ : «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ» إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَيُكْتَبُ لِقَائِهَا . (٤) ٣ / ٤الحثُّ على قراءة المُسَبِّحاتِ ٥٧٥٣.امام صادق عليه السلام (در زیارت امام علی علیه السلام) الإمام الباقر عليه السلام :مَنْ قَرَأَ الْمُسَبِّحاتِ (٥) كُلَّهَا قَبْلَ أَنْ يَنَامَ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمَ ، وَإِنْ مَاتَ كَانَ فِي جِوَارِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (٦) .

- ١- معانى الأخبار : ص ٤١١ ح ٩٨ عن أنس ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٧٨ ح ٧ .
- ٢- كشف الغمّة : ج ٢ ص ٣١٣ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٣ ح ٢٤ .
- ٣- ثواب الأعمال : ص ٢٧ ح ١ عن عبد الله بن سنان ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٢ ح ١٧ .
- ٤- فلاح السائل : ص ٣٨٨ ح ٢٦٤ عن محمد بن طلحة ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٧٠ ح ٣٩ .
- ٥- هى سورة الحديد والحشر والصف والجمعه والتغابن .
- ٦- الكافى : ج ٢ ص ٦٢٠ ح ٣ ، ثواب الأعمال : ص ١٤٦ ح ٢ كلاهما عن جابر ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٢٠١ ح ١٤ .

۳ / ۴ تشویق به خواندن مسَبَّحات

۵۷۵۴. فتح الباری (به نقل از عروه بن زبیر) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس بگوید : «پاکا خدا ، و ستایش ، او را!» ، خداوند ، برایش هزار هزار نیکی [و پاداش] می نویسد و هزار هزار بدی را از او می زُداید و او را هزار هزار درجه بالا می برد ، و هر که بیشتر بگوید ، خداوند به او بیشتر می دهد ، و هر کس آمرزش بطلبد ، خداوند او را می آمرزد . ۵۷۵۵. امام علی علیه السلام : امام زین العابدین علیه السلام : هر کس نه از روی تعَجَب ، (۱) بگوید : «پاکا خدای بزرگ ، و ستایش ، او را!» ، خدای متعال برایش یک صد هزار نیکی می نویسد و سه هزار بدی از او می زُداید و سه هزار درجه بالا-ایش می برد . ۵۷۵۶. المناقب ، خوارزمی (به نقل از مجاهد) امام صادق علیه السلام : هر کس بگوید : «پاکا خدا ، و ستایش ، او را! پاکا خدای بزرگ ، و ستایش ، او را!» ، خداوند برایش سه هزار نیکی می نویسد و سه هزار درجه بالا-ایش می برد ، و از آن [جمله] پرنده ای در بهشت می آفریند که خدای را تسبیح گوید و مزد تسبیحش برای آن کس باشد . ۵۷۵۷. الإرشاد : امام صادق علیه السلام : هر کس ، نه از روی تعَجَب ، بگوید : «پاکا خدا ، و ستایش ، او را! پاکا خدای بزرگ!» ، خداوند ، هزار گناه را از او پاک می کند و هزار نیکی برایش ثبت می کند و هزار شفاعت برایش می نویسد و هزار درجه او را بالا- می بُرد ، و از آن جمله پرنده ای سپید برایش می آفریند [که پرواز کند] و تا روز قیامت بگوید : «پاکا خدا ، و ستایش ، او را! پاکا خدای بزرگ!» و اینها برای گوینده اش نوشته می شود . ۳ / ۴ تشویق به خواندن مسَبَّحات ۵۷۵۷. الإرشاد : امام باقر علیه السلام : هر کس پیش از آن که بخوابد ، همه مسَبَّحات (۲) را بخواند ، نمی میرد تا آن که قائم علیه السلام را درک کند ، و اگر بمیرد ، در جوار محمّد پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد بود .

۱- یعنی برای تسبیح و تحمید خدا بگوید ؛ چون این جمله را در هنگام تعَجَب کردن از چیزی هم به زبان می آورند .

۲- یعنی سوره هایی که اوّل آنها «سَبَّح» یا «یُسَبَّح» است که عبارت اند از سوره های : حدید ، حشر ، صف ، جمعه و تغابن .

٥٧٥٨. امام صادق عليه السلام: سنن أبي داوود عن العرياض بن ساريه: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقْرَأُ الْمُسَبِّحَاتِ قَبْلَ أَنْ يَرُقُدَ . وَقَالَ : إِنَّ فِيهِنَّ آيَةً أَفْضَلَ مِنْ أَلْفِ آيَةٍ . (١).

١- .سنن أبي داوود : ج ٤ ص ٣١٣ ح ٥٠٥٧ ، سنن الترمذى : ج ٥ ص ١٨١ ح ٢٩٢١ وص ٤٧٥ ح ٣٤٠٦ ، السنن الكبرى : ج ٥ ص ١٦ ح ٨٠٢٦ ، مسند ابن حنبل : ج ٦ ص ٨٦ ح ١٧١٦٠ ؛ مجمع البيان : ج ٩ ص ٣٤٥ .

۵۷۵۹. البدایه و النهایه (به نقل از عمرو بن ثابت) سنن أبی داوود به نقل از عرباض بن ساریه : پیامبر خدا ، پیش از آن که به رخت خواب برود ، مسبّحات را می خواند و می فرمود : «در این سوره ها آیه ای است که از هزار آیه برتر است» . .

الفصل الرابع: بركات التسييح ٤ / أزوال الحزن الكتاب «فلولاً أنه كان من المسبحين * للبت في بطنه إلى يوم يُعْتُونَ». ١

«وَذَا النُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُعَظِمًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ». (١)

الحديث ٥٧٦٤. الإرشاد عن أسماء بنت عميس وأم سلمة زوج النبي ص رسول الله صلى الله عليه وآله: لقد كان دعاء أخى يونس عَجَبًا أَوْلُهُ تَهْلِيلٌ ، وَأَوَاسِطُهُ تَسْبِيحٌ ، وَآخِرُهُ إِقْرَارٌ بِالذَّنْبِ : «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» .

ما دعا به مهمومٌ ولا مغمومٌ ولا مكروبٌ ولا مديونٌ في يومٍ ثلاثٍ مرَّاتٍ إلَّا استُجِيبَ لَهُ . (٢) .

١- الأنبياء : ٨٧ و ٨٨ .

٢- الفردوس : ج ٣ ص ٤٣٢ ح ٥٣٢٥ عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٢١ ح ٣٤٢٨ .

فصل چهارم: برکات تسبیح گفتن

۴ / ۱ رفع اندوه

فصل چهارم: برکات تسبیح گفتن ۴ / ۱ رفع اندوهقرآن «و اگر او (یونس) از زمره تسبیح کنندگان نبود، قطعاً تا روزی که برانگیخته می شوند، در شکم آن [ماهی] می ماند» .

«و ذوالنون» را [یاد کن] آن گاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم، تا در [دل] تاریکی ها ندا در داد که: «معبودی جز تو نیست . پاکا تو! راستی که من از ستمکاران بودم» . پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم، و مؤمنان را [نیز] این چنین نجات می دهیم» .

حدیث ۵۷۶۸. عنه علیه السلام (یَوْمَ الشُّورَى) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دعای برادرم یونس ، [دعایی] شگفت بود : آغازش «لا- إله إلا الله » ، میانش تسبیح خدا ، و پایانش اقرار به گناه بود : «معبودی جز تو نیست . پاکا تو! راستی که من از ستمکاران بودم» . هر نگران یا غمناک یا دردمند یا بدهکاری ، سه بار در روز این دعا را بخواند ، دعایش مستجاب می شود .

٥٧٦٩. كتاب من لا يحضره الفقيه عن جويريه بن مسهر: عنه صلى الله عليه وآله: هذه الآية مَفْرُوعٌ لِلْأَنْبِيَاءِ «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» نادى بها يونس في ظلمته بطن الحوت. (١) ٥٧٦٧. امام على عليه السلام (در احتجاجش بر ابو بكر) الإمام الصادق عليه السلام: أَرْبَعٌ لِأَرْبَعٍ... وَالرَّابِعَةُ لِلْغَمِّ وَالْهَمِّ: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَكَ: «فَأَسِئْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ لَتُكَلِّمَنَّكَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ». (٢) ٥٧٦٨. امام على عليه السلام (در روز شورا) عنه عليه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ اغْتَمَّ كَيْفَ لَا يَفْرُغُ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: «لَمَّا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» فَأَيُّ سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ: «فَأَسِئْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ لَتُكَلِّمَنَّكَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ». (٣) ٤ / ٢ زوال الفقر ٥٧٧١. وقعه صفين عن عبد خير: الإمام على عليه السلام: مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً، دَفَعَ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ الْبَلَاءِ؛ أَيْسَرُهَا الْفَقْرُ. (٤).

- ١- الفردوس: ج ٤ ص ٣٣١ ح ٦٩٥٩، الدر المنثور: ج ٥ ص ٦٦٩ نقلاً عن ابن مردويه وكلاهما عن أبي هريره.
- ٢- تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ١٧٠ ح ٣٢٩ عن كرام.
- ٣- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٩٢ ح ٥٨٣٦، الخصال: ص ٢١٨ ح ٤٣، الأمالى للصدوق: ص ٥٥ ح ١٩ كلها عن محمد بن حرمان، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٧٨٤ ح ١.
- ٤- الخصال: ص ٥٠٥ ح ٢ عن سعيد بن علاقه، مشكاة الأنوار: ص ٢٣٠ ح ٦٤٥، روضه الواعظين: ص ٤٩٩، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٨ ح ٩.

۴ / ۲ رفع ناداری

۵۷۷۰. بصائر الدرجات (به نقل از ابو جارود) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : این آیه ، پناهگاه پیامبران بوده است : «معبودی جز تو نیست . پاکا تو ! راستی که من از ستمکاران بودم» . یونس در تاریکی شکم ماهی ، این دعا را خواند . ۵۷۷۱. وقعه صیفین (به نقل از عبد خیر) امام صادق علیه السلام : چهار آیه برای چهار چیز است ... و آیه چهارم ، برای غم و اندوه است : «معبودی جز تو نیست . پاکا تو ! راستی که من از ستمکاران بودم» . خداوند سبحان ، فرموده است : «پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم ، و مؤمنان را [نیز] این چنین نجات می دهیم» . ۵۷۷۲. الإرشاد : امام صادق علیه السلام : در شگفتم از کسی که اندوهگین است ، که چرا به این سخن خدای متعال پناه نمی برد : «معبودی جز تو نیست . پاکا تو ! راستی که من از ستمکاران بودم» ؛ چرا که شنیدم خداوند عز و جل می فرماید : «پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم ، و مؤمنان را [نیز] این چنین نجات می دهیم» . ۴ / ۲ رفع ناداری ۵۷۷۳. بشاره المصطفی (به نقل از عبد الله بن عباس) امام علی علیه السلام : هر کس هر روز ، سی مرتبه خدا را تسبیح بگوید ، خداوند ، هفتاد نوع بلا را از او دفع می کند که آسان ترین آنها ناداری است .

٥٧٧٤.الإرشاد عن السيد الحميري: الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ» ثَلَاثِينَ مَرَّةً، اسْتَقْبَلَ الْغِنَى وَاسْتَدْبَرَ الْفَقْرَ، وَقَرَعَ بَابَ الْجَنَّةِ. (١) ٤ / ٣ غُفْرَانُ الذُّنُوبِ ٥٧٧٥. المناقب، ابن شهر آشوب (به نقل از قدامه سعدى) الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ صَلَّى صَلَاةً مَكْتُوبَةً، ثُمَّ سَبَّحَ فِي دُبُرِهَا ثَلَاثِينَ مَرَّةً، لَمْ يَبْقَ عَلَى بَدَنِهِ شَيْءٌ مِنَ الذُّنُوبِ إِلَّا تَنَاثَرَ. (٢) ٤ / ٤ الْجَنَّةُ ٥٧٧٨. المناقب لابن شهر آشوب عن السروجي: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» غُرِسَتْ لَهُ نَخْلَةٌ فِي الْجَنَّةِ. (٣) ٥٧٧٦. المناقب، ابن شهر آشوب (به نقل از عونى) عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَلَا- مُؤْمِنَةٍ إِلَّا وَلِمَهُ وَكَيْلٌ فِي الْجَنَّةِ، إِنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ بَنَى لِمَهُ الْقُصُورَ، وَإِنْ سَبَّحَ غَرَسَ لِمَهُ الْأَشْجَارَ، وَإِنْ كَفَّفَ كَفَّفَ. (٤) ٥٧٧٧. المناقب، ابن شهر آشوب (به نقل از ابن حماد) عنه صلى الله عليه وآله: قَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... إلهي أريدُ من أشجارِ الجنَّةِ وثمارِها.

قَالَ: ذَلِكَ لِمَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ. (٥) ٥٧٧٨. المناقب، ابن شهر آشوب (به نقل از سروجى) عنه صلى الله عليه وآله: لَمَّا عُرِجَ بى إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ، مَرَرْتُ عَلَى قَصْرِ مِنْ لُؤْلُؤِهِ بَيْضَاءُ، فَقُلْتُ: لِمَنْ هَذَا يَا حَبِيبِي جَبْرَائِيلُ؟

قَالَ: لِمَنْ يَقْرَأُ كُلَّ يَوْمٍ: «سُبْحَانَ اللَّهِ بَعْدَ مَا خَلَقَ، سُبْحَانَ اللَّهِ بَعْدَ مَا هُوَ خَالِقٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (٦).

-
- ١- الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ: ص ٣٥٥ ح ٤٣٦ عن حماد بن واقد، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٧ ح ٥.
 - ٢- الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ: ص ٣٤٥ ح ٤١٦ عن هشام بن سالم، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢١ ح ١٩.
 - ٣- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥١١ ح ٣٤٦٤، السنن الكبرى للنسائى: ج ٦ ص ٢٠٧ ح ١٠٦٦٣، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٦٨٠ ح ١٨٤٧ وليس فيهما «وبحمده»، صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ١٠٩ ح ٨٢٦ كلها عن جابر، كنز العمال: ج ١ ص ٤٥٩ ح ١٩٨٨.
 - ٤- الفردوس: ج ٤ ص ٢٧ ح ٦٠٨٠ عن أنس، كنز العمال: ج ١ ص ٥٤٩ ح ٢٤٥٨.
 - ٥- الإقبال: ج ١ ص ٣٤٥، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٤٥ ح ٣.
 - ٦- بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٥٣ ح ٥٧ نقلاً عن اختيار ابن الباقي.

۴ / ۳ آموزش گناهان

۴ / ۴ بهشت

۵۷۷۹. البدایه والنهایه عن حبيب بن أوس {-۱-}: امام صادق علیه السلام: هر کس سی مرتبه بگوید: «پاکا خدا، و ستایش، او را! پاکا خداوند بزرگ!»، به توانگری روی می آورد و به ناداری پشت می کند و در بهشت را می کوبد. ۴ / ۳ آموزش گناهان ۵۷۷۹. البدایه والنهایه (به نقل از حبيب بن اوس {-۱-}) امام صادق علیه السلام: هر کس نماز واجبی را بخواند و سپس در پی آن، سی مرتبه «سبحان الله» بگوید، همه گناهان از بدن او فرو می ریزند. ۴ / ۴ بهشت ۵۷۸۲. کامل الزیارات عن أبي عبد الله الجدلی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بگوید: «پاکا خدای بزرگ، و ستایش، او را!»، یک خرمائین برایش در بهشت کاشته می شود. ۵۷۸۳. الإرشاد عن إسماعیل بن زیاد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مرد و زن مؤمنی نیست، مگر آن که در بهشت نماینده ای دارد. هر گاه قرآن بخواند، آن نماینده برایش کاخ ها می سازد، و هر گاه تسبیح بگوید، برایش درختان می کارد، و هر گاه [از خواندن قرآن و تسبیح گویی] باز ایستد، آن نماینده نیز [از ساختن و کاشتن] باز می ایستد. ۵۷۸۴. الإرشاد عن جویریة بن مسهر العبدی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: موسی علیه السلام گفت: ... معبودا! از درختان و میوه های بهشت می خواهم.

خداوند فرمود: «اینها برای کسی است که در شب قدر، تسبیح بگوید». ۵۷۸۲. کامل الزیارات (به نقل از ابو عبد الله جدلی) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون به آسمان چهارم برده شدم، بر کاخی گذشتم که از مروارید سپید بود. گفتم: جبرئیل عزیزم! این، از آن کیست؟

گفت: از آن کسی که هر روز پانزده مرتبه بگوید: «پاکا خداوند، به شمار آنچه آفرید! پاکا خداوند، به شمار آنچه تا روز رستاخیز می آفریند!». و ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است.

الفصل الخامس : أوقات التسيح ٥ / الصُّبْحُ وَالْمَسَاءُ الْكِتَابُ «فَسُبِّحَنَّ اللَّهُ حِينَ تُمَسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ * وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ» . (١)

«فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سُبِّحُوا بُكْرَةً وَ عَشِيًّا» . (٢)

«فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ» . (٣) . (٤)

«فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ» . ٥ . (٥)

١- الروم : ١٧ و ١٨ .

٢- مريم : ١١ .

٣- أى نزهه سبحانه مصاحباً لحمده على جميع آلائه ، مستمراً متوالياً بتوالى الأيام ، أو فى كل صباح ومساء ، وكونه بالعشى والإبكار على المعنى الأول من قبيل الكناية . وقيل : المراد به صلاتا الصبح والعصر (الميزان فى تفسير القرآن : ج ١٧ ص ٣٤١)

٤- غافر : ٥٥ .

٥- النور : ٣٦ و ٣٧ .

فصل پنجم: اوقات تسبیح گفتن

۵ / ۱ بامداد و شامگاه

فصل پنجم: اوقات تسبیح گفتن ۵ / ۱ بامداد و شامگاه قرآن «پاکا خدا، آن گاه که شب را آغاز می کنید و آن گاه که صبح می کنید! و ستایش، از آن اوست در آسمان ها و زمین و شامگاهان و وقتی که به نیم روز می رسید» .

«پس، از محراب، بر قوم خویش در آمد و ایشان را آگاه گردانید که روز و شب، به نیایش پردازید» .

«پس شکیبایی کن که وعده خدا حق است، و برای گناهت آمرزش بخواه و به ستایش پروردگارت، شامگاهان و بامدادان، ستایشگر باش» .

«در خانه هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت آنها] رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود. در آن [خانه] ها هر بامداد و شامگاه، مردانی او را نیایش می کنند که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی دارد، و از روزی که دل ها و دیده ها در آن زیر و رو می شود، می هراسند» .

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» (١). (٢).

«إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا * لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» . (٣)

«قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي ءَايَةً قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْرًا وَاذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ» . (٤)

«إِنَّا سَخَرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ» . (٥)

راجع : ص ١٧٠ (أهم مواطن الذكر / الغداه والعشى) .

١- التسييح هو التنزيه ، وهو مثل الذكر لا يتوقف على اللفظ وإن كان التلفظ بمثل «سبحان الله» بعض مصاديق التسييح .
والبكره : أول النهار ، والأصيل : آخره بعد العصر ، وتقييد التسييح بالبكره والأصيل لما فيهما من تحوّل الأحوال فيناسب تسييحه وتنزيهه من التغيير والتحوّل ، وكلّ نقص طار ، ويمكن أن يكون البكره والأصيل معا كناية عن الدوام ؛ كالليل والنهار في قوله :
«يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» (فصلت : ٣٨) (الميزان في تفسير القرآن : ج ١٦ ص ٣٢٨) .

٢- الأحزاب : ٤١ و ٤٢ .

٣- الفتح : ٨ و ٩ .

٤- آل عمران : ٤١ .

٥- ص : ١٨ .

«ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را یاد کنید، یادی بسیار . و صبح و شام ، او را به پاکی بستاید» .

«[ای پیامبر!] ما تو را [به سَمَتِ] گواه و بشارتگر و هشداردهنده ای فرستادیم تا به خدا و فرستاده اش ایمان آورید و او را یاری کنید و ارج نهید، و خدا را بامدادان و شامگاهان ، به پاکی بستاید» .

«گفت: پروردگارا! برای من نشانه ای قرار ده . فرمود: «نشانه ات این است که سه روز با مردم، جز به اشاره سخن نگویی؛ و پروردگارت را بسیار یاد کن، و شبانگاه و بامدادان ، [او را] تسبیح گوی»» .

«ما کوه ها را با او مسخر ساختیم [که] شامگاهان و بامدادان ، خداوند را نیایش می کردند» .

ر . ک : ص ۱۷۱ (مهم ترین اوقات یاد خدا / بامدادان و شامگاهان) .

الحديث ٥٧٩٧. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله في موعظته لابن مسعود: يَا بَنَ مَسْعُودِ ، اصْبِرْ مَعَ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ وَيُسَبِّحُونَهُ وَيُهَلِّلُونَهُ وَيَحْمَدُونَهُ وَيَعْمَلُونَ بِطَاعَتِهِ وَيَدْعُونَهُ بُكْرَةً وَعَشِيًّا ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ : « وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَ لَمَّا تَعِدُوا عَيْتَكُمْ عَنْهُمْ » (١) . « مَا عَلَيْكَ مِنْ حَسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ » (٢) . (٣) ٥٧٩٨. أنساب الأشراف عن جنذب بن عبد الله الأزدي : عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ سَبَّحَ عِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ سَبْعِينَ تَسْبِيحًا ، غُفِرَ لَهُ سَائِرُ عَمَلِهِ . (٤) ٥٧٩٩. شرح نهج البلاغه عن زياد بن فلان : عنه صلى الله عليه وآله : أَلَا أُخْبِرُكُمْ لِمَ سَمَى اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَهُ الَّذِي وَفَى؟ لِأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ كُلَّمَا أَصْبَحَ وَأَمْسَى : « فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ » حَتَّى يُتِمَّ الْآيَةَ . (٥) ٥٨٠٠. الإمام على عليه السلام (مِنْ خُطْبَتِهِ لِأَهْلِ الْكُوفَةِ) الإمام على عليه السلام : مَنْ قَالَ حِينَ يُمَسَى ثَلَاثَ مَرَّاتٍ : « فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ * وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ » لَمْ يَفْتَهُ خَيْرٌ يَكُونُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ ، وَ صُرِفَ عَنْهُ جَمِيعُ شَرِّهَا .

وَمَنْ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ حِينَ يُصْبِحُ ، لَمْ يَفْتَهُ خَيْرٌ يَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ ، وَ صُرِفَ عَنْهُ جَمِيعُ شَرِّهِ . (٦) ٥٧٩٨. أنساب الأشراف (به نقل از جنذب بن عبد الله الأزدي) رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ قَالَ : « سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ » مِنْهُ مَرَّةً قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ ، وَمِنْهُ قَبْلَ غُرُوبِهَا ، كَانَ أَفْضَلَ مِنْ مِئَةِ بَدَنِهِ (٧) . (٨) .

١- الكهف : ٢٨ .

٢- الأنعام : ٥٢ .

٣- مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٥٧ ح ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٠٧ ح ١ .

٤- الفردوس : ج ٣ ص ٥٢٣ ح ٥٦٣٤ عن معاوية بن حيدة ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٧٣ ح ٢٠٥٧ .

٥- مستدرک الوسائل : ج ٥ ص ٣٩٤ ح ٦١٧١ نقلاً عن درر اللآلی عن سهل .

٦- ثواب الأعمال : ص ١٩٩ ح ١ ، الأمالی للصدوق : ص ٦٧٤ ح ٩١٢ كلاهما عن الحارث ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٨١ ح ٢٢١٠ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٥٣ ح ١٩ .

٧- البدنه تقع على الجمل والناقه والبقره ، وهى بالإبل أشبه . وسميت بدنه لعظمتها وسمنها (النهايه : ج ١ ص ١٠٨ «بدن»).

٨- كنز العمال : ج ٢ ص ١٦٦ ح ٣٥٩٤ نقلاً عن الديلمي عن ابن عمرو .

حدیث ۵۸۰۰. امام علی علیه السلام (در سخنرانی برای کوفیان) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اندرزش به ابن مسعود: ای پسر مسعود! همگام با آنان که خدا را یاد می کنند و او را به پاکی و یگانگی می ستایند و ستایشش می کنند و فرمانش می برند و هر بام و شام، او را می خوانند، شکیبایی کن؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: «و با آنان که بام و شام پروردگارشان را می خوانند و خشنودی او را می جویند، شکیبایی کن، و چشمانت از آنان در نگذرد (نادیده شان مگیر)»، «نه از حساب آنان بر عهده تو، چیزی است، و نه از حساب تو بر عهده آنان چیزی است تا آنها را برانی و از ستمکاران باشی». ۵۸۰۱. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس هنگام غروب آفتاب، هفتاد تسبیح بگوید، همه اعمالش آمرزیده می شود. ۵۸۰۲. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آیا به شما خبر ندهم که چرا خداوند، ابراهیم را دوست وفادار خود نامید؟ چون هر بامداد و شامگاه می گفت: «پاکا خدا، آن گاه که شب می کنی و آن گاه که صبح می کنی!» تا پایان آیه ۵۸۰۳. معانی الأخبار عن أبي الطفيل عن الإمام علي عليه السلام: هر کس زمانی که شب را می آغازد، سه مرتبه بگوید: «پاکا خدا، آن گاه که شب را می آغازید و آن گاه که صبح می کنی!» و ستایش، از آن اوست در آسمان ها و زمین و در شامگاهان و وقتی که به نیم روز می رسید، هیچ خیری را در آن شب از دست نمی دهد، و همه بدی های (گزندهای) آن شب، از او دفع می شود.

و هر کس زمانی که صبح خود را می آغازد، چنین بگوید، هیچ خیری را در آن روز از دست نمی دهد و همه بدی های (گزندهای) آن روز نیز از او دفع می شود. ۵۸۰۴. الإمام علي عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس پیش از طلوع و غروب آفتاب، صد مرتبه بگوید: «پاکا خداوند، و ستایش، او را!»، [پاداشش] از صد شتر قربانی برایش بهتر است ..

٥٨٠١. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ وَحِينَ يُمَسِي: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» مِثْلَ مَرَّةٍ، لَمْ يَأْتِ أَحَدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَفْضَلِ مِمَّا جَاءَ بِهِ، إِلَّا أُخِذَ قَالٌ مِثْلَ مَا قَالَ أَوْ زَادَ عَلَيْهِ. (١) ٥٨٠٢. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» أَلْفَ مَرَّةٍ، فَقَدِ اشْتَرَى نَفْسَهُ مِنَ اللَّهِ، وَكَانَ آخِرَ يَوْمِهِ عَتِيقًا مِنَ النَّارِ. (٢) ٥٨٠٣. معاني الأخبار (به نقل از ابو طفيل) عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ» مَرَّةً إِذَا أَصْبَحَ وَمَرَّةً إِذَا أَمَسَ، بَعَثَ اللَّهُ مَلَكًا إِلَى الْجَنَّةِ مَعَهُ مِكَسَاحٌ (٣) مِنَ الْفِضَّةِ، وَيَكْسِجُ لَهُ مِنْ طِينِ الْجَنَّةِ، وَهُوَ مِسْكٌ أَذْفَرُ، ثُمَّ يَغْرِسُ لَهُ غَرْسًا، ثُمَّ يُحِيطُ عَلَيْهِ حَائِطًا، ثُمَّ يُيَوِّبُ عَلَيْهِ بَابًا، ثُمَّ يُغْلِقُهُ، ثُمَّ يَكْتُبُ عَلَى الْبَابِ: هَذَا بُسْتَانُ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ. (٤) ٥٨٠٤. امام على عليه السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام في المناجاة الإنجيلية: وَأودِعْ نُفُوسَنَا خَوْفَ الْمُشْفِقِينَ مِنْ سَوْءِ الْحِسَابِ، وَرَجَاءِ الْوَائِقِينَ بِتَوْفِيرِ الثَّوَابِ، فَلَا نَعْتَرِ بِالْإِمْهَالِ، وَلَا نُقْصِرَ فِي صَالِحِ الْأَعْمَالِ، وَلَا نَفْتَرِ (٥) مِنَ التَّسْبِيحِ بِحَمْدِكَ فِي الْغُدُوِّ وَالْأَصَالِ. (٦) راجع: ج ٢ ص ٢٣٠ (قبل طلوع الشمس وقبل غروبها) و ص ٢٣٢ (الصباح والمساء).

- ١- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٧١ ح ٢٩، سنن الترمذی: ج ٥ ص ٥١٣ ح ٣٤٦٩، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٣٠٤ ح ٨٨٤٣ كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ٢ ص ١٣٩ ح ٣٤٩٩.
- ٢- بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٨١ ح ٤٤ نقلًا عن الشهيد رحمه الله؛ كنز العمال: ج ٢ ص ١٥٨ ح ٣٥٦٨ نقلًا عن الخرائطي في مكارم الأخلاق وليس فيه «وكان آخر يومه عتيقا من النار» وكلاهما عن ابن عباس.
- ٣- كَسَحَ: كَنَسَ. وَالْمِكَسَحَةُ: الْمَكْنَسَةُ (القاموس المحيط: ج ١ ص ٢٤٥ «كسح»).
- ٤- فلاح السائل: ص ٣٨٧ ح ٢٦٣ عن أنس، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٧٠ ح ٣٩.
- ٥- الْفَتْرَةُ: الْإِنْكَسَارُ وَالضَّعْفُ. وَفَتْرُ الشَّيْءِ وَالْحَرُّ وَفُلَانٌ: سَكَنَ بَعْدَ حَدِّهِ، وَوَلَانَ بَعْدَ شِدَّةِهِ (لسان العرب: ج ٥ ص ٤٣ «فتر»).
- ٦- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥٧ ح ٢٢ نقلًا عن كتاب أنيس العابدين.

۵۸۰۶. عنه عليه السلام (مِنْ حُطْبِهِ لَهُ يَصِفُ فِيهَا آخِرَ الزَّمَانِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در آغاز روز و در آغاز شب ، صد مرتبه «پاکا خدا ، و ستایش ، او را!» بگوید ، در روز قیامت ، هیچ کس عملی برتر از آنچه او آورده است ، نمی آورد ، مگر کسی که او نیز صد مرتبه یا بیشتر این جمله را گفته باشد . ۵۸۰۵. امام علی علیه السلام (در خطبه ای که در آن ، زمان آینده را توصیف می کن) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس ، چون صبح کند ، هزار بار بگوید : «پاکا خدا ، و ستایش ، او را!» ، خویشتن را از خدا خریده است و واپسین روزش ، [روز] آزادی از آتش خواهد بود . ۵۸۰۶. امام علی علیه السلام (در خطبه ای که در آن ، آخر زمان را توصیف می کند) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در شروع صبح و شب ، یک مرتبه بگوید : «پاکا خدا ، و ستایش ، او را ! پاکا خدای بزرگ!» ، خداوند ، فرشته ای را به بهشت می فرستد که جارویی از نقره دارد و [فرشته] از گل بهشت که مُشکی بسیار خوش بوست ، برای او جارو می کند و سپس نهالی برایش می کارد و بر گرد آن دیواری می کشد و بر آن دیوار ، دری نصب می کند و سپس بر آن قفلی می زند و آن گاه بر آن در می نویسد : «این باغِ فلانی ، پسر فلانی است» . ۵۸۰۷. عنه عليه السلام : امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات انجلیه» : [ترسی چون] ترسِ ترسندگانِ از سختی حساب [قیامت] و [امیدی چون] امید آنان که به فراوانی پاداش [آخری] اعتماد دارند ، در جان ما قرار ده تا فریب مهلت [عمری که به ما داده ای] را نخوریم ، و در کارهای نیک ، کوتاهی نورزیم ، و از تسبیح و ستایش در صبح و شام ، سست نشویم . ر . ک : ج ۲ ص ۲۳۱ (اوقات حمد گویی خدا / پیش از طلوع و غروب آفتاب ، و نیز : بامداد و شامگاه).

٥ / ٢٠ أثناء الليل وأطراف النهار الكتاب «فأصبر على ما يقولون و سبح بحميد ربك قبل طلوع الشمس وقبل غروبها ومن أنىء الليل فسبح وأطراف النهار لعلك ترضى» ١ . (١)

«فأصبر على ما يقولون و سبح بحميد ربك قبل طلوع الشمس وقبل الغروب * و من الليل فسبحه و أدبر السجود» . (٢)

«فأصبر لحكم ربك و لا تطع منهم آثماً أو كفوراً * و اذكر اسم ربك بكرة وأصيلاً * و من الليل فاسجد له و سبحه ليلاً طويلاً»
٤ . (٣)

١- طه : ١٣٠ .

٢- ق : ٣٩ و ٤٠ .

٣- الإنسان : ٢٤ ٢٦ .

۵ / ۲ در اوقات شب و کرانه های روز

۵ / ۲ در اوقات شب و کرانه های روز قرآن «پس بر آنچه می گویند ، شکبیا باش، و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن، با ستایش پروردگارت ، [او را] تسبیح گوی . و پاره ای از ساعات شب و حوالی روز (۱) را به نیایش پرداز، باشد که خشنود گردی» .

«و بر آنچه می گویند ، شکبیا باش ، و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن ، به ستایش پروردگارت ، [او را] تسبیح گوی . و پاره ای از شب و به دنبال سجود [به صورت تعقیب و نافله] او را تسبیح گوی» .

«پس در برابر فرمان پروردگارت شکبایی کن، و از آنان ، گناهکار یا ناسپاس گزار را فرمان مبر ، و نام پروردگارت را بامدادان و شامگاهان یاد کن ، و بخشی از شب را در برابر او سجده کن و شب [های] دراز، او را به پاکی بستای» . ۲

۱- آیا منظور از دو سوی روز ، قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب آن است ، یا جز این است؟ سخنان مفسران درباره آن متفاوت است ، همان گونه که آنان در باره مراد از «تسبیح» هم اختلاف دارند . تسبیحی که در آیه آمده ، مطلق است و از جهت لفظی دلالت ندارد که مراد ، نمازهای یومیه باشد ، هر چند بسیاری از مفسران ، اصرار دارند که مراد از تسبیح ، نماز است . (ر.ک : المیزان فی تفسیر القرآن : ج ۱۴ ص ۲۳۵ و تفسیر نمونه : ج ۱۳ ص ۳۳۷ و دیگر تفاسیر .

الحديث ٥٨١٤. امام على عليه السلام (در یادکرد بنی امیه) رسول الله صلى الله عليه و آله فى قوله تعالى : « وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ » : قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ : صِيْلَاةُ الصُّبْحِ ، وَقَبْلَ الْغُرُوبِ : صِيْلَاةُ الْعَصْرِ . (١) ٥٨١٥. عنه عليه السلام : الخصال عن إسماعيل بن الفضل : سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : « وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا » ، فَقَالَ : فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَقُولَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا عَشْرَ مَرَّاتٍ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، يُحْيِي وَيُمِيتُ ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

قَالَ : فَقُلْتُ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، يُحْيِي وَيُمِيتُ ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي .

فَقَالَ : يَا هَذَا ، لَا شَكَّ فِي أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي وَيُمِيتُ ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي ، وَلَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ . (٢) ٥٨١٦. عنه عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام لَمَّا سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى : « وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ » : تَقُولُ حِينَ تُصْبِحُ وَحِينَ تُمَسِي عَشْرَ (٣) مَرَّاتٍ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، يُحْيِي وَيُمِيتُ ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (٤) ٥٨١٧. عنه عليه السلام (فى بنى أمية) عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : « وَ مِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا » : أَمْرُهُ أَنْ يُصَلِّيَ فى سَاعَاتِ مِنَ اللَّيْلِ ، فَفَعَلَ صلى الله عليه و آله . (٥) .

١- المعجم الأوسط : ج ٧ ص ١١٤ ح ٧٠١٤ عن جرير بن عبد الله .

٢- الخصال : ص ٤٥٢ ح ٥٨ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٥٠ ح ١٥ .

٣- فى المصدر : «عشرات» ، والتصويب من بحار الأنوار .

٤- مجمع البيان : ج ٩ ص ٢٢٥ ، بحار الأنوار : ج ٨٢ ص ٣٢٨ .

٥- دعائم الإسلام : ج ١ ص ٢١١ ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ١٥٩ ح ٤٧ .

حدیث ۵۸۱۹. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خداوند: «و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن، با ستایشِ پروردگارت، [او را] تسبیح گوی:» «پیش از بر آمدن آفتاب»، نماز صبح، و «پیش از فرو شدن آن» نماز عصر است. ۵۸۲۰. عنه علیه السلام: الخصال به نقل از اسماعیل بن فضل: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم: «و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن، با ستایشِ پروردگارت، [او را] تسبیح گوی.»

فرمود: «بر هر مسلمانی واجب است که پیش از طلوع آفتاب و نیز پیش از غروب آن، ده مرتبه بگوید: معبودی جز خدا نیست. یگانه و بی انباز است. پادشاهی و ستایش، از آن اوست. زنده می کند و می میراند، و خود، زنده نامیراست. خوبی، همه در دست اوست و او بر هر چیز، چیره است.»

من گفتم: معبودی جز خدا نیست. یگانه و بی انباز است. پادشاهی و ستایش، از آن اوست. زنده می کند و می میراند، و می میراند و زنده می کند. (۱)

فرمود: «ای مرد! شکی نیست که خدا، زنده می کند و می میراند، و می میراند و زنده می کند؛ اما چنان بگو که من می گویم». ۵۸۲۱. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام در پاسخ سؤال از این سخن خداوند متعال: «و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن، با ستایشِ پروردگارت، [او را] تسبیح گوی:» چون صبح کردی و نیز آن گاه که وارد شب شدی، ده مرتبه بگو: معبودی جز خدا نیست. یگانه و بی انباز است. پادشاهی و ستایش، از آن اوست. زنده می کند و می میراند، و او بر هر چیز، چیره است. ۵۸۱۵. امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل: «و لختی از شب، او را سجده کن و شبی دراز، تسبیحش گوی:» به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان داد که در ساعاتی از شب، نماز بخواند و پیامبر صلی الله علیه و آله انجام داد.

۱- یعنی «می میراند و زنده می کند» را من اضافه کردم.

٥٨١٦. امام على عليه السلام: مجمع البيان فى قوله تعالى: «وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا»: رُوِيَ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سَأَلَهُ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ وَقَالَ: مَا ذَلِكَ التَّسْبِيحُ؟ قَالَ: صِيْلَةُ اللَّيْلِ. (١) ٥٨١٧. امام على عليه السلام (درباره بنى اميه) بحار الأنوار: فى صِيْحْفِ إِدْرِيسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَيَأْتِي يَا أَخْنُوخَ عَمَّا يَقْرَأُ بِكَ مِنَ اللَّهِ، ذَلِكَ أَنْ تُؤْمِنَ بِرَبِّكَ مِنْ كُلِّ قَلْبِكَ، وَتَبُوءَ (٢) بِعَذَابِكَ، وَبَعْدَ ذَلِكَ تَلْزَمَ رَحْمَةَ الْخَلْقِ، وَحُسْنَ الْخُلُقِ، وَإِيْتَارَ الصُّدُقِ، وَأَدَاءَ الْحَقِّ، وَالْجُودَ مَعَ الرِّضَا بِمَا يَأْتِيكَ مِنَ الرِّزْقِ، وَإِكْتَارَ التَّسْبِيحِ بِالْعَشَايَا وَالْأَسْحَارِ وَأَطْرَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ. (٣) ٥ / ٣ إِدْبَارُ النُّجُومِ الْكِتَابِ «وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ * وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَرَ النُّجُومِ» ٤.

١- مجمع البيان: ج ١٠ ص ٦٢٦، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ٣٢٩ وج ٨٧ ص ١٣٥.

٢- أبوءُ بذنبي: أى التَّزِمُ وأرجع وأفرُّ، وأصل البواء: اللزوم (النهاية: ج ١ ص ١٥٩ «بوأ»).

٣- بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٤٥٩.

۵ / ۳ پس از فرو شدن ستارگان

۵۸۲۲. المناقب لابن شهر آشوب ، عن الأعمش بروایته ، عن رجمجمع البیان در باره سخن خداوند متعال : «و شبی دراز ، تسبیحش گوی» : روایت شده است که احمد بن محمد ، از امام رضا علیه السلام در باره این آیه پرسید و گفت : مراد از این تسبیح چیست؟

فرمود : «نماز شب» . ۵۸۲۳. الإمام الحسن علیه السلام : بحار الأنوار : در صُحُف ادریس علیه السلام آمده است : «ای اُخنوخ! از آنچه تو را به خدا نزدیک می گرداند ، پرسید . پاسخ این است که : با تمام قلبت به پروردگارت ایمان آورده ، به گناهات اعتراف کنی و پس از آن به این صفات ، آراسته باشی : مهربانی با خلق ، نیک خوئی ، ترجیح دادن راستی و راستگویی ، گزاردن حق ، و بخشیدن رضایت مندانه از رزقی که به تو می رسد ، و بسیار تسبیح گفتن در شامگاهان و سحرگاهان و کرانه های شب و روز (/ در طول شب و روز)» . ۵ / ۳ پس از فرو شدن ستارگان قرآن «و در برابر دستور پروردگارت ، شکیبایی پیشه کن که تو خود در حمایت مایی ، و هنگامی که [از خواب] بر می خیزی ، به نیایش پروردگارت تسبیح گوی . و [نیز] پاره ای از شب در پی فرو شدن ستارگان ، تسبیحگویی او باش» . ۱

الحديث ٥٨٢٤. امام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: « وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَرَ النُّجُومِ »: هُوَ الْوَتْرُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ . (١) ٥٨٢٥. الإيضاح (به نقل از مينا (هم پيمان عبد الرحمان بن عوف)) عنه عليه السلام في قوله تعالى: « وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَرَ النُّجُومِ »: أَمَرَهُ أَنْ يُصَلِّيَ مِنَ اللَّيْلِ . (٢) ٥٨٢٦. الخرائج و الجرائح (به نقل از عوف بن مروان) رسول الله صلى الله عليه و آله : إِدْبَارُ النُّجُومِ : الرَّكْعَتَانِ قَبْلَ الْفَجْرِ ، وَإِدْبَارُ الشُّجُودِ : الرَّكْعَتَانِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ . (٣) ٥٨٢٧. مروج الذهب : الإمام على عليه السلام : أَوْتَرْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَوَّلَ اللَّيْلِ وَأَوْسَطَ اللَّيْلِ وَ آخِرَ اللَّيْلِ ، فَتَبَّتْ الْأُمُرُ وَاسْتَقَرَّ عَلَى إِدْبَارِ النُّجُومِ . (٤) .

١- دعائم الإسلام : ج ١ ص ٢٠٤ ، بحار الأنوار : ج ٨٣ ص ١٣٤ ح ١٠٥ .

٢- دعائم الإسلام : ج ١ ص ٢١٠ ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ١٥٩ ح ٤٧ .

٣- سنن الترمذی : ج ٥ ص ٣٩٣ ح ٣٢٧٥ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٤٦٦ ح ١١٩٨ كلاهما عن ابن عباس ، كترالعمال : ج ٢ ص ١١ ح ٢٩٢٩ ؛ الكافي : ج ٣ ص ٤٤٤ ح ١١ عن زراره عن الإمام الباقر عليه السلام ، تفسير القمى : ج ٢ ص ٣٣٣ عن أبي نصر عن الإمام الرضا عليه السلام وفيه «أربع ركعات بعد المغرب» بدل «الركعتان بعد المغرب» ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٨٨ ح ٥ .

٤- كترالعمال : ج ٨ ص ٦٥ ح ٢١٨٩٥ نقلاً عن المصنّف لابن أبي شيبه .

حدیث ۵۸۲۸. مقاتل الطالبتین عن السائب: امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «و [نیز] پاره ای از شب و در پی فرو شدن ستارگان، تسبیحگویی او باش» : مقصود، تک رکعت آخر شب است. ۵۸۲۹. الإرشاد عن سويد بن غفله: امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «و [نیز] پاره ای از شب و در پی فرو شدن ستارگان، تسبیحگویی او باش»: به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود که نماز شب بخواند. ۵۸۲۸. مقاتل الطالبتین (به نقل از سائب) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [مقصود از] «در پی فرو شدن ستارگان»، دو رکعت نماز پیش از سپیده دم است و [مقصود از] «و در پی سجود»، دو رکعت پس از مغرب است. ۵۸۲۹. الإرشاد (به نقل از سويد بن غفله) امام علی علیه السلام: پیامبر خدا، در آغاز شب و در میان شب و در پایان شب، یک رکعت [نماز] خواند؛ اما این نماز، در نهایت، محدود به زمان فرو شدن ستارگان شد. .

٥ / ١٤ الرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ ٥٨٣١. الإمام علي عليه السلام (في وصف مروان بن الحَكَمِ) تهذيب الأحكام عن عقبه بن عامر الجهني : لَمَّا نَزَلَتْ : «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اجْعَلُوهَا فِي رُكُوعِكُمْ ، فَلَمَّا نَزَلَتْ «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْأَعْلَى» قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اجْعَلُوهَا فِي سُجُودِكُمْ . (١) ٥٨٣٢. عنه عليه السلام (لِمَرَوَانَ بْنِ الْحَكَمِ يَوْمَ الْجَمَلِ وَقَدْ بَايَ) الدعاء للطبراني عن حذيفة : إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ فِي سُجُودِهِ : سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى . (٢) ٥٨٣١. امام علي عليه السلام (در توصيف مروان بن حَكَمِ) صحيح مسلم عن عائشه : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ : سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ . (٣) ٥٨٣٢. امام علي عليه السلام (در روز جمل به هنگام بيعت كردن مروان بن حَكَمِ با ا) سنن أبي داوود عن عوف بن مالك الأشجعي : قُمْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَيْلَةَ فَقَامَ فَقَرَأَ سُورَةَ الْبَقَرَةِ ؛ لَا يَمُرُّ بِآيَةِ رَحْمَةِ إِلَّا وَقَفَ فَسَأَلَ ، وَلَا يَمُرُّ بِآيَةِ عَذَابٍ إِلَّا وَقَفَ فَتَعَوَّذَ ، قَالَ : ثُمَّ رَكَعَ بِقَدْرِ قِيَامِهِ ، يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ : «سُبْحَانَ ذِي الْجَبَرُوتِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ» ، ثُمَّ سَجَدَ بِقَدْرِ قِيَامِهِ ، ثُمَّ قَالَ فِي سُجُودِهِ مِثْلَ ذَلِكَ ، ثُمَّ قَامَ فَقَرَأَ بِآلِ عِمْرَانَ ، ثُمَّ قَرَأَ سُورَةَ سُورَةَ . (٤) .

- ١- تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ٣١٣ ح ١٢٧٣ ، علل الشرائع : ص ٣٣٣ ح ٦ ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ١٠٥ ح ١٢ ؛ سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٢٨٧ ح ٨٨٧ ، سنن الدارمي : ج ١ ص ٣١٨ ح ١٢٨٠ ، مسند ابن حنبل : ج ٦ ص ١٤١ ح ١٧٤١٩ .
- ٢- الدعاء للطبراني : ص ١٩١ ح ٥٨٩ وح ٥٨٦ عن جبير بن مطعم ، سنن أبي داوود : ج ١ ص ٢٣٠ ح ٨٧١ ، سنن الترمذي : ج ٢ ص ٤٨ ح ٢٦٢ ، سنن الدارمي : ج ١ ص ٣١٨ ح ١٢٨١ ، مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٧٣ ح ٢٣٣٠٠ .
- ٣- صحيح مسلم : ج ١ ص ٣٥٣ ح ٢٢٣ ، مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٢٧٧ ح ٢٤١١٨ ، السنن الكبرى : ج ٢ ص ١٥٨ ح ٢٦٨٣ ، كنز العمال : ج ٨ ص ٢٢٧ ح ٢٢٦٧٢ نقلاً عن المصنّف لعبد الرزاق .
- ٤- سنن أبي داوود : ج ١ ص ٢٣١ ح ٨٧٣ ، سنن النسائي : ج ٢ ص ٢٢٣ ، مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٢٥٦ ح ٢٤٠٣٥ ، السنن الكبرى : ج ٢ ص ٤٣٩ ح ٣٦٨٩ ، كنز العمال : ج ٨ ص ١٦٠ ح ٢٢٣٨٤ .

۵ / ۴ در رکوع و سجود

۵ / ۴ در رکوع و سجود ۵۸۳۵. الإمام علی علیه السلام: تهذیب الأحکام به نقل از عقبه بن عامر جُهَنی: چون «نام پروردگار بزرگت را به پاکی بستای» نازل شد، پیامبر خدا به ما فرمود: «آن را در رکوع خود قرار دهید. و چون «نام پروردگار برترت را به پاکی بستای» نازل شد، پیامبر خدا به ما فرمود: «این را در سجود خود قرار دهید». ۵۸۳۳. امام علی علیه السلام (درباره مروان بن حکم) الدعاء، طبرانی به نقل از حذیفه: پیامبر صلی الله علیه و آله در سجده اش می گفت: «پاکا پروردگار برتر من!». ۵۸۳۴. تاریخ دمشق (از ابو سلیمان) صحیح مسلم به نقل از عایشه: پیامبر خدا، در رکوع و سجده اش می گفت: «پاک و مقدّس است پروردگار فرشتگان و روح!». ۵۸۳۵. امام علی علیه السلام: سنن اَبی داوود به نقل از عوف بن مالک اشجعی: شبی با پیامبر خدا [برای نماز] برخاستم. ایشان، سوره بقره را خواند و به هر آیه رحمتی که می رسید، درنگ می کرد و از خداوند درخواست [رحمت] می کرد، و بر هر آیه عذابی که می رسید، درنگ می کرد و [از آن به خدا] پناه می برد. سپس به اندازه قیامش در رکوع می ماند و می گفت: «پاکا پروردگار جبروت و پادشاهی و بزرگی و عظمت!». سپس به سجده می رفت و به اندازه قیامش در سجود می ماند و در آن نیز همین را می گفت. سپس بر می خاست و [در قرائت رکعت دوم، سوره] آل عمران را و آن گاه، سوره ای را از پی سوره ای می خواند.

٥٨٣٦. الإمام علي عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: أمرني جبرئيل عليه السلام عن ربي عز وجل أن أقرأ القرآن قائماً ، وأن أحمده راعياً ، وأن أسبحه ساجداً ، وأن أدعوه جالساً . (١) ٥٨٣٧. دلائل النبوه للبيهقي عن حبيب بن أبي ثابت: الإمام الصادق عليه السلام: إن الله العزيز الجبار عزج بنبيته صلى الله عليه وآله إلى سيمائه . . . فقال الله: . . . طأطئ يديك واجعلها على ركبتيك فانظر إلى عرشي .

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: فنظرت إلى عظمه ذهبت لها نفسي وغشي عني ، فلهمت أن قلت: «سبحان ربي العظيم وبحمده» لعظم ما رأيت ، فلما قلت ذلك تجلى الغشي عني ، حتى قلتها سبعا فرجعت إلى نفسي كما كانت ، فمن أجل ذلك صار في الركوع: سبحان ربي العظيم وبحمده .

فقال: ارفع رأسك ، فرفعت رأسي فنظرت إلى شيء ذهب منه عقلي ، فاستقبلت الأرض بوجهي ويدي ، فلهمت أن قلت: «سبحان ربي الأعلى وبحمده» لعلو ما رأيت ، فقلتها سبعا فرجعت إلى نفسي ، كلما قلت واحدة منها تجلى عني الغشي فقعدت . (٢) ٥٨٣٦. امام علي عليه السلام: الكافي عن أبان بن تغلب: دخلت على أبي عبد الله عليه السلام وهو يصلي ، فعادت له في الركوع والسجود ستين تسبيحه . (٣) ٥٨٣٧. دلائل النبوه ، بيهقي (به نقل از حبيب بن ابى ثابت) الكافي عن أبي بكر الحضرمي: قال أبو جعفر عليه السلام: تدرى أي شيء حد الركوع والسجود؟ قلت: لا .

قال: تسبيح في الركوع ثلاث مرات «سبحان ربي العظيم وبحمده» ، وفي السجود «سبحان ربي الأعلى وبحمده» ثلاث مرات ، فمن نقص واحدة نقص ثلث صلاته ، ومن نقص اثنين نقص ثلثي صلاته ، ومن لم يسبح فلا صلاة له . (٤) .

١- الدعوات: ص ٤٧ ح ١١٥ ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣١٣ ح ١٧ .

٢- علل الشرائع: ص ٣١٢ و ٣١٥ ح ١ عن الصباح المزني (السدی) وسدير الصيرفي ومحمد بن النعمان الأحول وعمر بن أذينة ، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ٢٤١ ح ١ .

٣- الكافي: ج ٣ ص ٣٢٩ ح ٢ ، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٢٩٩ ح ١٢٠٥ ، عوالي اللآلي: ج ٣ ص ٩٣ ح ٩٩ ، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٥٠ ح ٨٠ .

٤- الكافي: ج ٣ ص ٣٢٩ ح ١ ، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٥٧ ح ٦١٥ ، الاستبصار: ج ١ ص ٣٢٤ ح ١٢١٣ .

۵۸۳۸. مقاتل الطالبيين عن موسى بن أبي النعمان: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل علیه السلام از جانب پروردگارم به من دستور داد که قرآن را ایستاده [در قیام نماز] بخوانم، و در رکوع، او را ستایش گویم، و در سجده، تسبیحش گویم، و نشسته [در قعود]، او را بخوانم. ۵۸۳۹. تاریخ دمشق عن مالک بن دینار عن الحسن: امام صادق علیه السلام: خداوند عزیز جبار، پیامبرش را به سوی آسمان خود، بالا برد... و خدا فرمود: «... دو دست خود را خم نما و بر زانوانت بگذار و بر عرش من بنگر».

پیامبر خدا فرمود: «پس، چنان عظمتی دیدم که جانم برفت و از هوش رفتم. پس، به من الهام شد و گفتم: پاکا پروردگار بزرگ من، و ستایش، او را!، از عظمتی که دیدم. چون این را گفتم، به هوش آمدم و باز به من الهام شد و این جمله را هفت بار گفتم و جانم، چونان قبل، به من باز گشت. از همین رو، در رکوع گفته می شود: پاکا پروردگار بزرگ من، و ستایش، او را!».

سپس خداوند فرمود: سیرت را بالا بگیر. و من، سرم را بلند کردم و چیزی دیدم که عقل از سرم برفت. پس با صورت و دستانم به زمین افتادم. به من الهام شد و گفتم: پاکا پروردگار برین من، و ستایش، او را!، از بلندای مرتبتی که دیدم. این جمله را هفت بار گفتم و جانم به من باز گشت. هر بار که آن را می گفتم، بیهوشی، بیشتر از من برطرف می شد. پس نشستم». ۵۸۴۰. الکامل للمبرّد (فی ذکر ولادته علی بن عبد الله بن) الکافی به نقل از ابان بن تغلب: بر امام صادق علیه السلام در آمدم. به نماز ایستاده بود. شمردم. دیدم در رکوع و سجود، شصت تسبیح گفت. ۵۸۳۸. مقاتل الطالبيين (به نقل از موسی بن ابی نعمان) الکافی به نقل از ابو بکر خضرمی: امام باقر علیه السلام فرمود: «می دانی حد رکوع و سجود چیست؟». گفتم: خیر.

فرمود: «در رکوع، سه مرتبه می گویی: پاکا پروردگار بزرگ من، و ستایش، او را! و در سجود نیز سه مرتبه می گویی: پاکا پروردگار برین من، و ستایش، او را! . پس هر که یکی کم بگوید، یک سوم نمازش را کم کرده است، و هر که دو تا را کم بگوید، دو سوم نمازش را کم کرده است، و هر که اصلاً تسبیح نگوید، او را نمازی نیست».

٥ / ٥ أدبارُ السُّجودِ الكتاب «فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ * وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ أَدْبَرَ السُّجُودِ» (١) . (٢)

الحديث ٥٨٤١. امام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام لَمَّا سئِلَ عَن قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ : « وَ أَدْبَرَ السُّجُودِ » : هِيَ السُّنَّةُ بَعْدَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ ، وَ لَا تَدْعَاهَا فِي سَيِّفَرٍ وَ لَا حَضَرٍ . (٣) ٥ / ٦ عِنْدَ الْقِيَامِ مِنَ الْمَجْلِسِ ٥٨٤٤. عنه عليه السلام: سنن أبي داوود عن أبي برزّه الأسلمي : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ بِأَخْرِهِ (٤) إِذَا أَرَادَ أَنْ يَقُومَ مِنَ الْمَجْلِسِ : سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ . (٥) .

١- قوله : « وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ ... » أمر بتنزيهه تعالى عَمَّا يَقُولُونَ مصاحبا للحمد ، ومحضه له إثبات جميل الفعل له ونفى كل نقص وشين عنه تعالى ، والتسبيح قبل طلوع الشمس يقبل الانطباع على صلاة الصبح ، والتسبيح قبل الغروب يقبل الانطباع على صلاة العصر أو عليها وعلى صلاة الظهر ... قوله تعالى : « وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ أَدْبَرَ السُّجُودِ » أى : ومن الليل فسبحه فيه ، ويقبل الانطباع على صلاتي المغرب والعشاء ، قوله تعالى : « وَ أَدْبَرَ السُّجُودِ » الأدبار : جمع دبر ؛ وهو ما ينتهي إليه الشيء وبعده ، وكأن المراد بأدبار السجود : بعد الصلوات ، فَإِنَّ السُّجُودَ آخِرَ الرَّكْعَةِ مِنَ الصَّلَاةِ فَيَنْطَبِقُ عَلَى التَّعْقِيبِ بَعْدَ الصَّلَاةِ (الميزان فى تفسير القرآن : ج ١٨ ص ٣٦٠) .

٢- بق : ٣٩ و ٤٠ .

٣- دعائم الإسلام : ج ١ ص ٢٠٩ ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٨٧ ح ١ .

٤- بأخره : أى فى آخر جلوسه . ويجوز أن يكون فى آخر عمره (النهاية : ج ١ ص ٢٩ «أخر») .

٥- سنن أبي داوود : ج ٤ ص ٢٦٥ ح ٤٨٥٩ ، سنن الدارمى : ج ٢ ص ٧٣٦ ح ٢٥٥٩ ، مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ١٩٠ ح ١٩٨٣٣ ، مسند أبي يعلى : ج ٦ ص ٤٦١ ح ٧٣٨٩ ، المصنّف لابن أبى شيبة : ج ٧ ص ٤٩ ح ١ ، كنز العمال : ج ٩ ص ٢٢٥ ح ٢٥٧٦٠ .

۵ / ۵ در پی سجود**۵ / ۶ هنگام برخاستن از مجلس**

۵ / ۵ در پی سجود قرآن «و بر آنچه می گویند، شکیبایی کن، و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن، به ستایش پروردگارت، [او را] تسبیح گوی. و پاره ای از شب و به دنبال سجود [به صورت تعقیب و نافله]، او را تسبیح گوی». ۱

حدیث ۵۸۴۷. کشف الیقین: امام علی علیه السلام در پاسخ پرسش از این سخن خداوند عز و جل: «و در پی سجود»: این [تسبیح گفتن پس از سجود]، بعد از نماز مغرب، سنت است، و آن را در سفر و غیر سفر، ترک مکن. ۵ / ۶ هنگام برخاستن از مجلس ۵۸۴۸. امام علی علیه السلام (در خطبه ای که در آن، اوضاع آینده مردم را بیان م) سنن اَبی داوود به نقل از ابو برزه اسلمی: پیامبر خدا، در پایان، (۱) هر گاه می خواست از مجلس برخیزد، می گفت: «پاکا تو ای خداوند و ستایش، تو را! گواهی می دهم که معبودی جز تو نیست. از تو آمرزش می طلبم و به درگاہت توبه می کنم».

۱- «در پایان»، یعنی در پایان نشستش. احتمال هم دارد که به معنای «پایان عمرش» باشد.

٥٨٤٩. عنه عليه السلام (في وصفِ مَدِينَةِ البَصْرَةِ) المستدرك على الصحيحين عن عائشه : ما كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُومُ مِنْ مَجْلِسٍ إِلَّا قَالَ : سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبِّي وَبِحَمْدِكَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ .

فَقُلْتُ لَهُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَكْثَرَ مَا تَقُولُ هَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ إِذَا قُمْتَ!

قَالَ : لَا يَقُولُهُنَّ مِنْ أَحَدٍ حِينَ يَقُومُ مِنْ مَجْلِسِهِ ، إِلَّا غُفِرَ لَهُ مَا كَانَ مِنْهُ فِي ذَلِكَ الْمَجْلِسِ . (١) ٥٨٥٠. نهج البلاغه (من كلام له عليه السلام في ذم أهل البصر) رسول الله صلى الله عليه وآله : كَفَّارَةُ الْمَجْلِسِ أَنْ يَقُولَ الْعَبْدُ : سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . (٢) ٥٨٤٩. امام على عليه السلام (در توصيف شهر بصره) عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ قَالَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ» فَقَالَهَا فِي مَجْلِسٍ ذَكَرَ كَانَتْ كَالطَّابَعِ يُطْبَعُ عَلَيْهِ ، وَمَنْ قَالَهَا فِي مَجْلِسٍ لَعُو ، كَانَتْ كَفَّارَةً لَهُ . (٣) ٥٨٥٠. نهج البلاغه (از كلام امام عليه السلام در مذمت مردم بصره ، پ) عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ جَلَسَ فِي مَجْلِسٍ فَكَثُرَ فِيهِ لَغَطُهُ (٤) ، فَقَالَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ مِنْ مَجْلِسِهِ ذَلِكَ : «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ» ؛ إِلَّا غُفِرَ لَهُ مَا كَانَ فِي مَجْلِسِهِ ذَلِكَ . (٥) .

- ١- .المستدرك على الصحيحين : ج ١ ص ٦٧٤ ح ١٨٢٧ ، كنز العمال : ج ٧ ص ١٥٣ ح ١٨٤٧٩ .
- ٢- .المعجم الكبير : ج ١٠ ص ١٦٤ ح ١٠٣٣٣ عن عبد الله بن مسعود ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٣٠٠ ح ٨٨٢٦ عن أبي هريره وليس فيه «أشهد أن لا إله إلا الله» ، كنز العمال : ج ٩ ص ١٤١ ح ٢٥٤١٧ ؛ عوالي اللآلي : ج ٢ ص ٢٦ ح ٦٠ عن سعيد بن جبیر نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ٤٦٧ ح ١٧ نقلًا عن خطّ الشهيد قدس سره .
- ٣- .المستدرك على الصحيحين : ج ١ ص ٧٢٠ ح ١٩٧٠ ، المعجم الكبير : ج ٢ ص ١٣٩ ح ١٥٨٦ كلاهما عن جبیر ، كنز العمال : ج ٩ ص ١٤٢ ح ٢٥٤١٩ .
- ٤- .أراد به الهواء من القول وما لا طائل تحته من الكلام ، فأحلّ ذلك محلّ الصوت والجلبه الخاليه عن الفائده (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٦٣٦ «لغط»).
- ٥- .سنن الترمذی : ج ٥ ص ٤٩٤ ح ٣٤٣٣ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٥٥٤ ح ١٠٤٢٠ كلاهما عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ٩ ص ١٤٢ ح ٢٥٤١٨ .

۵۸۵۱. الإمام علی علیه السلام (فیما یُخبرُ بهِ عَنِ الْمَلَا حِمِ بِالْبَصْرَةِ) المستدرک علی الصحیحین به نقل از عایشه : پیامبر خدا ، از هیچ مجلسی بر نمی خاست ، مگر آن که می گفت : «پاکا تو ای خداوند و ای پروردگار من و ستایش ، تو را! معبودی جز تو نیست . از تو آمرزش می طلبم و به درگاہت توبه می آورم» .

من به ایشان گفتم : ای پیامبر خدا ! چه بسیار این کلمات را هنگام برخاستن از جا می گویی!

فرمود : «هر کس هنگامی که از جایش بر می خیزد ، این کلمات را بگوید ، هر خطایی که از او در آن مجلس سر زده است ، آمرزیده می شود» . ۵۸۵۲. نهج البلاغه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کفّاره مجلس ، این است که بنده بگوید : «پاکا تو ای خداوند و ستایش ، تو را ! گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست . از تو آمرزش می طلبم و به درگاہت توبه می کنم» . ۵۸۵۱. امام علی علیه السلام (در سخنانی که از فتنه های بصره خبر داد) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس جملات «پاکا خدا ، و ستایش ، او را ! پاکا تو ای خداوند و ستایش ، تو را ! گواهی می دهم که معبودی جز تو نیست . از تو آمرزش می طلبم و به درگاہت توبه می کنم» را در مجلسی که در آن ذکر خداست ، بگوید ، همانند مہری است که بر آن مجلس زده می شود ، و هر کس آن را در مجلسی که به بیهودگی می گذرد ، بگوید ، کفّاره آن مجلس خواهد بود . ۵۸۵۲. نهج البلاغه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در مجلسی بنشیند که در آن بیهوده گویی بسیار شود ، چنانچه پیش از آن که از آن مجلس برخیزد ، بگوید : «پاکا تو ای خداوند و ستایش ، تو را ! گواهی می دهم که معبودی جز تو نیست . از تو آمرزش می طلبم و به درگاہت توبه می کنم» ، آنچه از او در آن مجلس سر زده است ، آمرزیده می شود . .

٥٨٥٣. الإمام عليّ عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام: من أراد أن يكتالَ بِالمِكيالِ الأوفى ، فَلْيَقُلْ إذا أرادَ أن يَقومَ مِن مَجْلِسِهِ :
 «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ، وَسِعَ لَأمٌ عَلَى الْمُرْسِيِّ لَمِينَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . (١) ٥ / ٧ عِنْدَ الْهَبُوطِ فِي
 الشَّفْرِ ٥٨٥٤. امام علي عليه السلام (در خطبه ای که در آن ، از پیامبر خدا یاد کرده اس) الإمام الصادق عليه السلام : كَانَ رَسُولُ
 اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي سَفَرِهِ إِذَا هَبَطَ سَبَّحَ ، وَإِذَا صَعِدَ كَبَّرَ . (٢) ٥ / ٨ عِنْدَ دُخُولِ السُّوقِ ٥٨٥٧. الإمام الصادق عن آبائه
 عليهم السلام : رسول الله صلى الله عليه وآله : السُّوقُ دَارُ سَهْوٍ وَغَفْلَةٍ ، فَمَنْ سَبَّحَ فِيهَا تَسْبِيحَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا أَلْفَ حَسَنَةٍ ،
 وَمَنْ قَالَ : «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» كَانَ فِي جِوَارِ اللَّهِ حَتَّى يُمَسِّيَ . (٣) ٥٨٥٥. الغيبة ، نعماني (به نقل از ابو وائل) الإمام
 الصادق عليه السلام : إِذَا دَخَلْتَ السُّوقَ فَقُلْ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ مَا يَنْطِقُونَ ، تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، «سُبْحَانَ
 اللَّهِ عَدَدَ مَا يَلْعُونَ ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا يَنْطِقُونَ ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا يَسُومُونَ ، تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» . (٤) .

-
- ١- الكافي : ج ٢ ص ٤٩٦ ح ٣ عن أبي بصير ، عدّه الداعي : ص ٢٤١ عن الإمام الصادق عليه السلام ، عوالي اللآلي : ج ٢ ص
 ٢٦ ح ٦١ عن الإمام عليّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ٤٦٨ ح ٢٠ .
 ٢- الكافي : ج ٤ ص ٢٨٧ ح ٢ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٢٧٣ ح ٢٤٢٠ كلاهما عن معاوية بن عمّار ، مكارم
 الأخلاق : ج ١ ص ٥٥٣ ح ١٩٠٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٢٥٤ ح ٤٨ .
 ٣- الفردوس : ج ٢ ص ٣٤٤ ح ٣٥٥٧ عن الإمام عليّ عليه السلام ، كنز العمال : ج ٤ ص ٢٨ ح ٩٣٣٠ .
 ٤- مستدرک الوسائل : ج ١٣ ص ٢٦٣ ح ١٥٣٠٣ نقلاً عن كتاب عبد الله بن يحيى الكاهلي .

۵ / ۷ هنگام بار افکندن در سفر**۵ / ۸ هنگام در آمدن به بازار**

۵۸۵۶. کمال الدین (به نقل از حسین بن خالد ، از امام رضا علیه السلام) امام باقر علیه السلام: هر که می خواهد که با پیمانۀ پُر [مزد] بگیرد ، هر گاه خواست از جای خود بلند شود ، بگوید : «پاکا پروردگار تو ، پروردگار عزّت ، از آنچه در وصف او می گویند ! و درود بر فرستادگان [الهی] ! و ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است». ۵ / ۷ هنگام بار افکندن در سفر ۵۸۵۹. الإمام علیّ علیه السلام (مِنْ خُطْبِهِ لَهُ يَوْمَئِذٍ فِيهَا إِلَى الْمَلَأِجِمِ) امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا ، در سفرش هر گاه بار می افکند ، تسبیح می گفت و چون راه می افتاد ، تکبیر می گفت . ۵ / ۸ هنگام در آمدن به بازار ۵۸۶۰. الإمام الصادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بازار ، سرای فراموشی و غفلت است . پس ، هر که در آن یک تسبیح بگوید ، خداوند در برابر آن ، برایش هزار هزار ثواب می نویسد ، و هر که بگوید : «هیچ توش و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، تا شب در پناه خداوند خواهد بود . ۵۸۶۰. امام صادق علیه السلام: امام صادق علیه السلام: هر گاه به بازار وارد شدی . سه بار بگو : «معبودی جز خدا نیست ، به شمار آنچه می گویند . آفرین بر خداوند ، که بهترین آفرینندگان است!» ، «پاکا خداوند ، به شمار آنچه به زبان می آورند ! پاکا خداوند ، به شمار آنچه می گویند ! پاکا خداوند ، به شمار آنچه نشان می نهند ! آفرین بر خداوند ، که پروردگار جهانیان است!» .

٥ / ٩ عِنْدَ سِمَاعِ الرَّعْدِ ٥٨٦٢. الإمام علي عليه السلام (فِي خُطْبَتِهِ الْمُسَمَّاهِ بِالْقَاصِصَةِ) رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا سَمِعْتُمْ الرَّعْدَ فَسَبِّحُوا وَلَا تُكَبِّرُوا . (١) ٥٨٦٣. الإمام علي عليه السلام : إِذَا سَمِعَ الرَّعْدَ قَالَ : سُبْحَانَ مَنْ سَبَّحَتْ لَهُ . (٢) ٥٨٦٢. الإمام علي عليه السلام (در خطبه قاصعه) شرح الأخبار عن عيسى بن عبد الله بن عمر : كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَسَمِعَ الرَّعْدَ ، فَقَالَ : سُبْحَانَ مَنْ سَبَّحَتْ لَهُ . (٣) ٥٨٦٣. الإمام علي عليه السلام : تَفْسِيرُ الْعِيَّاشِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ دَاوُدَ : كُنَّا عِنْدَهُ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] فَارْتَعِدَتِ السَّمَاءُ فَقَالَ هُوَ : سُبْحَانَ مَنْ يُسَبِّحُ لَهُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ ، وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ (٤) . (٥) ٥٨٦٤. الإمام علي عليه السلام : كِتَابٌ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَ : رُوِيَ : يَتَبَغَى لِمَنْ سَمِعَ صَوْتَ الرَّعْدِ أَنْ يَقُولَ : سُبْحَانَ مَنْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ ، وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ . (٦) .

- ١- . كُنْتَ الْعَمَّالَ : ج ٦ ص ١٥٦ ح ١٥٢٠٨ نَقْلًا عَنْ أَبِي دَاوُدَ فِي مَرَاثِلِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ .
- ٢- . كُنْتَ الْعَمَّالَ : ج ٦ ص ١٧٠ ح ١٥٢٣٨ نَقْلًا عَنْ ابْنِ جَرِيرٍ .
- ٣- . شرح الأخبار : ج ١ ص ٢٣١ ح ٢٢٠ ، المناقب للكوفي : ج ١ ص ٢٢١ ح ١٤٠ و ج ٢ ص ٣٨٤ ح ٨٥٨ كلاهما عن عبد الله .
- ٤- . تضمين للآية ١٣ من سورة الرعد .
- ٥- . تفسير العيَّاشي : ج ٢ ص ٢٠٧ ح ٢٢ ، بحار الأنوار : ج ٥٩ ص ٣٧٩ ح ١٩ و ج ٩٥ ص ٣٤٨ ح ٤ .
- ٦- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٥٢٦ ح ١٤٩٨ .

۵ / ۹ هنگام شنیدن رعد

۵ / ۹ هنگام شنیدن رعد ۵۸۶۷. الکافی عن حَبَّه العرنی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه صدای رعد شنیدید ، تسبیح بگویید و تکبیر نگوید . ۵۸۶۴. امام علی علیه السلام : امام علی علیه السلام هر گاه صدای رعد می شنید ، می گفت : پا کا آن که تو [ای رعد] او را به پاکی ستودی ! ۵۸۶۵. امام علی علیه السلام : شرح الأخبار به نقل از عیسی بن عبد الله بن عمر : نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم که صدای رعد شنید . گفت : «پا کا آن که تو او را به پاکی ستودی!» . ۵۸۶۶. فضائل الصحابه ، ابن حنبل (به نقل از سعید بن جبیر) تفسیر العیاشی به نقل از یونس بن عبد الرحمان ، از داوود : نزد ایشان (امام صادق علیه السلام) نشسته بودیم که آسمان ، غُرش کرد . فرمود : «پا کا آن خدایی که رعد و فرشتگان ، از ترس او ، تسبیح و ستایشش می کنند!» . (۱) ۵۸۶۷. الکافی (به نقل از حَبَّه عُرْنی) کتاب من لا یحضره الفقیه : روایت شده است که : سزاوار است کسی که صدای رعد را می شنود ، بگوید : «پا کا آن خدایی که رعد و فرشتگان ، از ترس او ، تسبیح و ستایشش می کنند!» .

الفصل السادس: التسيحات الأربعة ٦ / الحث على التسيحات ٥٨٧٠. الإمام الباقر عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله ما سبحت ولا سبّحت الأنبياء قبلي بأفضل من: سبحان الله، والحمد لله، ولا إله إلا الله، والله أكبر. (١) ٥٨٦٩. الاختصاص (به نقل از اصبح بن نباته) المعجم الكبير عن عمران بن الحصين: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أما يستطيع أحدكم أن يعمل كل يوم مثل أحد عملاً؟ قالوا: يا رسول الله، ومن يستطيع أن يعمل كل يوم مثل أحد عملاً؟!

قال: كلكم يستطيعه. قالوا: يا رسول الله، ماذا؟

قال: «سبحان الله» أعظم من أئيد، و«لا إله إلا الله» أعظم من أئيد، و«الحمد لله» أعظم من أئيد، و«الله أكبر» أعظم من أئيد. (٢) ٥٨٧٠. امام باقر عليه السلام: مكارم الأخلاق عن عبد الله بن مسعود عن رسول الله صلى الله عليه وآله: يابن مسعود، والذي بعثني بالحق نبياً، إن من يدع الدنيا ويقبل على تجارته الآخرة، فإن الله تعالى يتجزه له من وراء تجارته، ويربح الله تجارته، يقول الله تعالى: «رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة يخافون يوماً تتقلب في القلوب والأبصار» (٣)

فقال ابن مسعود: بأبي أنت وأمي يا رسول الله، كيف لي بتجارته الآخرة؟

فقال صلى الله عليه وآله: لا تريحن لسانك عن ذكر الله، وذلك أن تقول: «سبحان الله»، والحمد لله، ولا إله إلا الله، والله أكبر، فهذه التجارة المربحة. وقال الله تعالى: «يؤجون تجرة لن تبور * ليؤفيهم أجورهم ويريدهم من فضله» (٥). (٤).

١- الفردوس: ج ٤ ص ٧٠ ح ٦٢١٩ عن أبي هريره، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٤ ح ٢٠١٥.

٢- المعجم الكبير: ج ١٨ ص ١٧٥ ح ٣٩٨، كنز العمال: ج ١ ص ٤٧٠ ح ٢٠٤٦.

٣- النور: ٣٧.

٤- في المصدر: «سبحانه»، وهو تصحيف ظاهر.

٥- فاطر: ٢٩ و ٣٠.

٦- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٥٦ ح ٢٦٦٠، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٠٦ ح ١.

فصل ششم: تسبیحات چهار گانه

۶ / ۱ تشویق به گفتن تسبیحات چهار گانه

فصل ششم: تسبیحات چهار گانه ۶ / ۱ تشویق به گفتن تسبیحات چهار گانه ۵۸۷۳. الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نه من و نه پیامبران پیش از من، تسبیحی نگفته ایم که برتر از: «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است» باشد. ۵۸۷۲. امام علی علیه السلام: المعجم الکبیر به نقل از عمران بن حصین: پیامبر خدا فرمود: «آیا هر یک از شما نمی تواند هر روز، عملی به بزرگی [کوه] اُحُد انجام دهد؟».

گفتند: ای پیامبر خدا! چه کسی می تواند هر روز عملی به اندازه اُحُد انجام دهد؟!

فرمود: «همه شما می توانید».

گفتند: چگونه، ای پیامبر خدا؟!

فرمود: «پاکا خدا!، بزرگ تر از اُحُد است. معبودی جز خدا نیست، بزرگ تر از اُحُد است. ستایش، خدای را، بزرگ تر از اُحُد است، و خدا بزرگ تر است، بزرگ تر از اُحُد است. ۵۸۷۳. امام جواد علیه السلام (به نقل از پدرانش عليهم السلام) مکارم الأخلاق به نقل از عبد الله بن مسعود: پیامبر خدا فرمود: «ای پسر مسعود! سوگند به آن که مرا به حق برانگیخت، هر کس دنیا را وا نهد و به تجارت آخرت، روی آورد، خداوند متعال، تاجر او خواهد بود و به تجارتش سود می دهد. خداوند متعال می فرماید: «مردانی که هیچ تجارتی و داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و پرداخت زکات، باز نمی دارد و از آن روزی می ترسند که در آن روز، دل ها و دیدگان بر می گردند».

گفت [م]: پدر و مادرم به فدایت، ای پیامبر خدا! چگونه تجارت آخرت کنم؟

فرمود: «زبان را از یاد خدا آسوده مدار و پیوسته بگو: پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است. این است تجارت سود آور. خدای متعال فرموده است: «امید به تجارتی دارند که نابود نمی شود. تا مزدشان را درست دهد و از فزونی خویش بر آنها بیفزاید».

٥٨٧٤. الإمام الرضا عليه السلام: مسند ابن حنبل عن ابن أبي أوفى: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله، إني لا أستطيع أخذ شيء من القرآن، فعلمني ما يُجزئني.

قال: قُل: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (١) ٥٨٧٥. التوحيد عن الأصمغ بن نباته: سنن الترمذى عن أبي هريره: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا مررتُم برياضِ الجنَّةِ فارتعوا. (٢)

قُلْتُ: يا رسول الله وما رياضُ الجنَّةِ؟

قال: المساجد.

قُلْتُ: وما الرِّتْعُ يا رسول الله؟

قال: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ. (٣)

-
- ١- مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٤٧ ح ١٩١٣٢، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٥٣٢ ح ٣٩٧٨ وح ٣٩٧٧ وفيه «لا أحسن القرآن» بدل «لا أستطيع أخذ شيء من القرآن»، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٢٠ ح ٤٩٠٧ نقلاً عن المصنّف لعبد الرزاق.
 - ٢- الرِّتْعُ: التَّنْعَم. أراد برياضِ الجنَّةِ ذكر الله، وشبّه الخوض فيه بالرتع في الخضب (النهاية: ج ٢ ص ١٩٤ «رتع»).
 - ٣- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٣٢ ح ٣٥٠٩، الفردوس: ج ٥ ص ٣٠٥ ح ٨٢٦٧ نحوه، كنز العمال: ج ٧ ص ٦٥١ ح ٢٠٧٣٩.

۵۸۷۴. امام رضا علیه السلام: مسند ابن حنبل به نقل از ابن ابی اوفی: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من نمی توانم چیزی از قرآن بخوانم. پس مرا چیزی بیاموز که آن را جبران کند.

فرمود: «بگو: پاکا خدا، و سپاس خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است، و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا». ۵۸۷۵. التوحید (به نقل از اصبع بن نباته) سنن الترمذی به نقل از ابو هریره: پیامبر خدا فرمود: «چون بر باغ های بهشت گذشتید، بچرید».

گفتم: ای پیامبر خدا! باغ های بهشت کدام اند؟

فرمود: «مسجدها».

گفتم: چریدن چیست، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «[گفتن] پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا، بزرگ تر است»..

٥٨٧٦. علل الشرائع عن تميم بن جذيم: رسول الله صلى الله عليه وآله: قولوا: «لا إله إلا الله والله أكبر»، وقولوا: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ»، وقولوا: «تَبَارَكَ اللَّهُ»؛ فَإِنَّهُنَّ خَمْسٌ لَا يَعْدِلُهُنَّ شَيْءٌ، عَلَيْهِنَّ فَطَرَ اللَّهُ مَلَائِكَتَهُ، وَمِنْ أَجْلِهُنَّ رَفَعَ سَمَاءَهُ، وَدَحَا أَرْضَهُ، وَبِهِنَّ جَبَلٌ (١) إِنْسِيَةٌ وَجَنَّةٌ، وَفَرَضَ عَلَيْهِمْ فَرَائِضَهُ. (٢) ٥٨٧٧. الخرائج والجرائع عن أنس: الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ بَخَلَ مِنْكُمْ بِمَالٍ أَنْ يُنْفِقَهُ، وَبِالْجِهَادِ أَنْ يَحْضُرَهُ، وَبِاللَّيْلِ أَنْ يُكَابِدَهُ، فَلَا يَبْخُلُ بِسُبْحَانَ اللَّهِ، [وَالْحَمْدُ لِلَّهِ] (٣) وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (٤) ٥٨٧٦. علل الشرائع (به نقل از تميم بن جذيم) عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبي الضحّاك في خبر مسير الإمام الرضا عليه السلام إلى خراسان: كَانَ فِي الطَّرِيقِ يُصَلِّي فَرَائِضَهُ رَكَعَتَيْنِ رَكَعَتَيْنِ إِلَّا الْمَغْرِبَ... وَكَانَ يَقُولُ بَعْدَ كُلِّ صَلَاةٍ يُقَصِّرُهَا: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» ثَلَاثِينَ مَرَّةً، وَيَقُولُ: هَذَا تَمَامُ الصَّلَاةِ. (٥) ٥٨٧٧. الخرائج والجرائع (به نقل از أنس) الإمام العسكري عليه السلام: يَجِبُ (٦) عَلَى الْمُسَافِرِ أَنْ يَقُولَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ يُقَصِّرُ فِيهَا: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» ثَلَاثِينَ مَرَّةً؛ لِتَمَامِ الصَّلَاةِ. (٧).

- ١- جَبَلُ اللَّهِ الخلق: خَلَقَهُمْ. وَجَبَلُهُ عَلَى الشَّيْءِ: طَبَعَهُ (لسان العرب: ج ١١ ص ٩٨ «جبل»).
- ٢- كُنْتَ الْعَمَالَ: ج ٢ ص ٢٤٣ ح ٣٩٣١ نقلاً عن ابن صصري في أماليه وص ٢٢٤ ح ٣٨٥٨ نقلاً عن الديلمي وكلاهما عن معاذ.
- ٣- ما بين المعقوفين سقط من الطبعه المعتمده للمصدر، وأثبتناه من بحار الأنوار.
- ٤- المحاسن: ج ١ ص ١٠٧ ح ٩٣ عن داوود بن الحصين، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٢ ح ١٦.
- ٥- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ١٨٢ ح ٥، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٥٩ ح ٢٨.
- ٦- قوله: «يجب» يريد به شدّه الاستحباب (المعتبر: ج ٢ ص ٤٨٤).
- ٧- تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٢٣٠ ح ٥٩٤ عن سليمان بن حفص المروزي.

۵۸۷۸. إرشاد القلوب عن الحارث الأعور الهمدانی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بگوئید: «معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ تر است». بگوئید: «پاکا خدا و ستایش، خدای را!»، و بگوئید: «بلندمرتبه است خدا»؛ زیرا اینها پنج کلمه اند که هیچ چیز با آنها برابری نمی کند. خداوند، فرشتگانش را بر اینها سرشته است، و برای اینها آسمانش را برافراشت و زمینش را گسترانید، و آدمیان و جنیان خویش را بر اینها سرشت، و واجباتش را بر آنان، واجب گردانید. ۵۸۷۹. الإرشاد عن حکیم بن جبیر: امام صادق علیه السلام: هر کس از شما از انفاق کردن مالی، و شرکت کردن در جهاد، و شب زنده داری دریغ ورزد، [لا اقل] از گفتن «پاکا خدا، [و ستایش خدای را]، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است، و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، دریغ نوزد. ۵۸۷۸. إرشاد القلوب (به نقل از حارث اعور همدانی) عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از رجاء بن ابی ضحاک، در خبر عزیمت امام رضا علیه السلام به خراسان: در راه، نمازهای واجبش را دورکعتی (یعنی شکسته و به قصر) می خواند، بجز نماز مغرب را... و بعد از هر نمازی که شکسته می خواند، سی مرتبه می گفت: «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است» و می فرمود: «این، کامل کننده نماز است». ۵۸۷۹. الإرشاد (به نقل از حکیم بن جبیر) امام عسکری علیه السلام: بر مسافر است (۱) که در پی هر نمازی که شکسته می خواند، برای آن که نماز کامل شود، سی مرتبه بگوئید: «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا، بزرگ تر است»..

٦ / ٢ أفضل التَّسْبِيحَاتِ ٥٨٨٠. شرح نهج البلاغه (به نقل از حكيم بن جبير) رسول الله صلى الله عليه و آله : أفضل الكلام أربع : سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ . (١) ٥٨٨١. الأغاني (به نقل از مدائني) عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اخْتَارَ مِنَ الْكَلَامِ أَرْبَعَهُ ، وَمِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَهُ . . . فَأَمَّا خَيْرُهُ مِنَ الْكَلَامِ : فَ«سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» ، فَمَنْ قَالَهَا عَقِيبَ كُلِّ صَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ ، وَمَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ ، وَرَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ . (٢) ٥٨٨٢. شرح نهج البلاغه عن أحمد بن الحسن الميثمي : عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى مِنَ الْكَلَامِ أَرْبَعًا : «سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» ، فَمَنْ قَالَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ» كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرِينَ حَسَنَةً ، أَوْ حَطَّ عَنْهُ عَشْرِينَ سَيِّئَةً ، وَمَنْ قَالَ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» فَمِثْلُ ذَلِكَ ، وَمَنْ قَالَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» مِنْ قَبْلِ نَفْسِهِ ، كُتِبَتْ لَهُ ثَلَاثُونَ حَسَنَةً ، وَحُطَّ عَنْهُ ثَلَاثُونَ سَيِّئَةً . (٣) ٥٨٨٢. شرح نهج البلاغه (به نقل از احمد بن حسن ميثمي) عنه صلى الله عليه و آله : ما سَبَّحْتُ وَلَا سَبَّحَ الْأَنْبِيَاءُ قَبْلِي بِأَفْضَلٍ مِنْ : سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ . (٤) ٥٨٨٣. المناقب لابن شهر آشوب : عنه صلى الله عليه و آله : لِمَآنَ أَقُولُ : «سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ . (٥) .

- ١- صحیح البخاری : ج ٦ ص ٢٤٥٩ ح ٦٣٠٢ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٥٣ ح ٣٨١١ عن سمره بن جندب وزاد فيه «لا يضرك بأيهن بدأت» قبل «سبحان الله» ، مسند ابن حنبل : ج ٥ ص ٥٢٥ ح ١٦٤١٢ عن أبي صالح عن بعض أصحاب رسول الله صلى الله عليه و آله ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٦٠ ح ١٩٩٤ .
- ٢- النوادر للراوندى : ص ٢٦٠ ح ٥٢٦ عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج ٩٧ ص ٤٧ ح ٣٤ ؛ كنز العمال : ج ١ ص ٤٦٣ ح ٢٠١١ نقلًا عن المعجم الكبير عن أبي الدرداء نحوه وفيه صدره فقط .
- ٣- مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ١٦٦ ح ٨٠١٨ ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ٦٩٣ ح ١٨٨٦ كلاهما عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٦١ ح ١٩٩٩ .
- ٤- الفردوس : ج ٤ ص ٧٠ ح ٦٢١٩ عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٦٤ ح ٢٠١٥ .
- ٥- صحیح مسلم : ج ٤ ص ٢٠٧٢ ح ٣٢ ، سنن الترمذی : ج ٥ ص ٥٧٨ ح ٣٥٩٧ كلاهما عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٦٣ ح ٢٠٠٨ .

۶ / ۲ فضیلت تسبیحات چهار گانه

۶ / ۲ فضیلت تسبیحات چهار گانه ۵۸۸۵. فضائل الصحابه لابن حنبل عن ابن عباس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برترین سخنان ، این چهار کلمه است: «پاکا خدا ، و ستایش خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است». ۵۸۸۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند تبارک و تعالی از میان سخنان ، چهار سخن را برگزید ، و از فرشتگان ، چهار فرشته را آن چهار سخن برگزیده اش ، عبارت اند از: «پاکا خدا ، و ستایش خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است». پس هر که این چهار کلمه را در تعقیب هر نمازی بگوید ، خداوند برایش ده ثواب می نویسد و ده گناه از او پاک می کند و ده درجه او را بالا می برد. ۵۸۸۵. فضائل الصحابه ، ابن حنبل (به نقل از ابن عباس) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند ، از میان سخنان ، چهار سخن را برگزید: «پاکا خدا ، و ستایش خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است». پس ، هر که بگوید: «پاکا خدا!» ، خداوند ، بیست کار نیک برایش می نویسد یا بیست گناه از او می ریزد . به همین سان ، هر که بگوید: «خدا بزرگ تر است» ، و به همین سان ، هر که بگوید: «معبودی جز خدا نیست» ، و هر که از پیش خود بگوید: «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» ، سی کار نیک برایش نوشته می شود و سی گناه از او فرو می ریزد. ۵۸۸۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نه من و نه پیامبران پیش از من ، خداوند را به تسبیحی برتر از «پاکا خدا ، و ستایش خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است» ، تسبیح نگفته ایم. ۵۸۸۷. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گفتن «پاکا خدا ، و ستایش خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است» ، نزد من محبوب تر از تمام آن چیزی است که خورشید بر آن طلوع می کند .

٥٨٨٨. الأماي للطوسى عن سلمان: عنه صلى الله عليه وآله: التَّسْبِيحُ نِصْفُ الْمِيزَانِ ، وَالْحَمْدُ يَمْلُؤُهُ ، و«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» لَيْسَ لَهَا دُونَ اللَّهِ حِجَابٌ حَتَّى تَخْلُصَ إِلَيْهِ . (١) ٥٨٨٩. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: التَّسْبِيحُ نِصْفُ الْمِيزَانِ ، وَالْحَمْدُ يَمْلُؤُهُ ، وَالتَّكْبِيرُ يَمْلَأُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ . (٢) ٥٨٩٠. الأماي للطوسى عن أنس بن مالك: عنه صلى الله عليه وآله: خَمْسٌ مَا أَثْقَلَهُنَّ فِي الْمِيزَانِ : سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، وَالْوَلَدُ الصَّالِحُ يُتَوَفَّى لِمُسْلِمٍ فَيَصْبِرُ وَيَحْتَسِبُ . (٣) ٥٨٨٦. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ مِنْهُ مَرَّةً : «سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» كُتِبَ اسْمُهُ فِي دِيْوَانِ الصَّادِقِينَ ، وَلَهُ ثَوَابُ الصَّادِقِينَ ، وَلَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ نُوْرٌ عَلَى الصِّرَاطِ ، وَيَكُونُ فِي الْجَنَّةِ رَفِيقَ الْخَضِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (٤) ٥٨٨٧. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» قَالَ اللَّهُ : أَسَلَمَ عَبْدِي وَاسْتَسَلَّمَ . (٥) .

- ١- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٣٦ ح ٣٥١٨ عن عبد الله بن عمرو ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٢ ح ٢٠٠١ .
- ٢- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٣٦ ح ٣٥١٩ ، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٣٧ ح ٢٣١٣٥ ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٤ ح ٢٠١٩ ؛ الكافى: ج ٢ ص ٥٠٦ ح ٣ عن السكونى عن الإمام الصادق عن الإمام علىّ عليهما السلام ، الجعفرىات: ص ١٦٩ عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الدعوات: ص ٥٤ ح ١٣٦ ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٥ ح ٢١ .
- ٣- الخصال: ص ٢٦٧ ح ١ عن أبى سالم راعى رسول الله صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ١١٥ ح ٤ ؛ مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٣٢٠ ح ١٥٦٦٢ عن أبى سلام عن مولى رسول الله صلى الله عليه وآله ، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٦٩٢ ح ١٨٨٥ عن أبى سلمى وليس فيهما «فيسبر» ، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٨٥ ح ٦٥٧٩ .
- ٤- جامع الأخبار: ص ١٤٠ ح ٢٩٣ ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٣ ح ١٩ .
- ٥- المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٦٨١ ح ١٨٥٠ عن أبى هريره ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٨ ح ٢٠٣٦ .

۵۸۸۸.الأمالی، طوسی (به نقل از سلمان) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تسبیح، نصف ترازو [ای اعمال] است و حمد، آن را پُر می کند، و میان «معبودی جز خدا نیست» و خداوند، هیچ حجابی (مانعی) نیست و به خدا می رسد. ۵۸۸۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تسبیح، نصف ترازو [ای اعمال] است، و حمد، آن را پُر کند، و تکبیر، از زمین تا آسمان را می آکند. ۵۸۹۰.الأمالی، طوسی (به نقل از انس بن مالک) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج چیز است که در ترازو [ای اعمال] بسی سنگینی می کند: پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است، و فرزند شایسته ای که از مسلمانی بمیرد و او شکیب ورزد و در راه خدا حساب کند. ۵۸۹۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس صد مرتبه بگوید: «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است»، نامش در دفتر مؤمنان راستین نوشته می شود، و پاداش مؤمنان راستین برایش خواهد بود، و به ازای هر حرفی [از این جملات]، او را در [هنگام گذشتن از] صراط، نوری خواهد بود، و در بهشت، هم نشین خضر علیه السلام است. ۵۸۹۲. عنه صلی الله علیه و آله (فی علی علیه السلام) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بگوید: «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است، و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، خداوند می فرماید: «بنده ام تسلیم شد و گردن نهاد». ..

٥٨٩٣. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الحسن عليه السلام فى ذكر أسئلته اليهودى للنبي صلى الله عليه وآله: قال: أخبرنى يا محمد عن الكلمات التى اختارهن الله لآبى إبراهيم حيث بنى البيت؟

قال النبي صلى الله عليه وآله: نعم؛ سبحان الله، والحمد لله، ولا إله إلا الله، والله أكبر. (١) ٥٨٩٤. عنه صلى الله عليه وآله: علل الشرائع: روى عن الصادق عليه السلام أنه سئل: لِمَ سُمِّيتِ الكعبة كعبة؟ قال: لأنها مربَّعة.

فقيل له: ولم صارت مربَّعة؟ قال: لأنها بجذاء البيت المعمور وهو مربَّع.

فقيل له: ولم صار البيت المعمور مربَّعا؟ قال: لأنه بجذاء العرش وهو مربَّع.

فقيل له: ولم صار العرش مربَّعا؟ قال: لأن الكلمات التى بنى عليها الإسلام أربع، وهى: سبحان الله، والحمد لله، ولا إله إلا الله، والله أكبر. (٢) ٥٨٩١. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: ألا أخبركم عن وصيه نوح ابنه حين حضره الموت؟

قال: إني واهب لك أربع كلمات، هن قيام السموات والأرض، وهن أول كلمات دخول على الله، وآخر كلمات خروج (٣) من عنده، ولو وزن بهن أعمال بنى آدم لوزنتهن، فاعمل بهن، واستمسك بهن حتى تلقانى: سبحان الله وبحمده، ولا إله إلا الله، والله أكبر.

والذى يقسم به نوح، لو أن السموات والأرض وما فيهن وما تحتهن يوزن بهن هؤلاء الكلمات لوزنتهن. (٤) ٥٨٩٢. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله (درباره على عليه السلام) عنه صلى الله عليه وآله: إذا قلت: «سبحان الله» فقد ذكرت الله فذكرك، وإذا قلت: «الحمد لله» فقد شكرت الله فزادك، وإذا قلت: «لا إله إلا الله» فهى كلمه التوحيد التى من قالها غير شاك ولا مرتاب ولا متكبر ولا جبار أعتقه الله من النار. (٥).

١- الأمالى للصدوق: ص ٢٥٥ ح ٢٧٩ عن عبد الله، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٦ ح ١.

٢- علل الشرائع: ص ٣٩٨ ح ٢، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ١٩٠ ح ٢١١٠ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٥٨ ص ٥ ح ٢.

٣- فى كنز العمال: «... أول كلمات دخولا على الله، وآخر كلمات خروجاً...».

٤- الفردوس: ج ١ ص ١٣٢ ح ٤٦٦ عن معاذ بن أنس، كنز العمال: ج ١ ص ٤٧١ ح ٢٠٤٧.

٥- كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٦ ح ٢٠٣٠ نقلاً عن الحاكم فى تاريخه عن الحكم بن عمير الشمالى.

۵۸۹۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام حسن علیه السلام در بیان پرسش های مرد یهودی از پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای محمد! مرا از آن کلماتی خبر ده که وقتی ابراهیم علیه السلام کعبه را ساخت، خداوند، آنها را برای او برگزید.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آری. پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است»
۵۸۹۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: علل الشرائع: روایت شده است که از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چرا کعبه را کعبه نامیده اند؟

فرمود: «چون چهار گوش است».

گفته شد: چرا چهار گوش ساخته شده است؟

فرمود: «چون رو به روی بیت المعمور است و بیت المعمور، چهار گوش است».

گفته شد: چرا بیت المعمور، چهار گوش شده است؟

فرمود: «چون کلماتی که اسلام بر آنها بنا شده، چهار تاست و آنها عبارت اند از: پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است» ۵۸۹۵. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آیا شما را از وصیت نوح علیه السلام به فرزندش در هنگام وفات، خبر ندهم؟ او گفت: «من، چهار کلمه به تو می بخشم که برپایی آسمان ها و زمین به آنهاست، و نخستین کلمات برای وارد شدن بر خداوند و آخرین کلمات خارج شدن از نزد او هستند، و اگر اعمال [همه] آدمیان با آنها وزن شود، باز، اینها سنگین ترند. پس، این کلمات را به کار بند و به آنها چنگ در زن تا آن گاه که مرا دیدار کنی (یعنی تا پایان عمر): پاکا خدا، و ستایش او را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است».

سوگند به آن کسی که نوح علیه السلام بدو سوگند می خورد، اگر آسمان ها و زمین و هر آنچه در آنها و در زیر آنهاست، با این کلمات وزن شوند، این کلمات از آنها سنگین تر (/ هموزن آنها) خواهند بود. ۵۸۹۶. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بگویی: «پاکا خدا!»، در واقع، خدا را یاد کرده ای. پس او هم تو را یاد می کند. و هر گاه بگویی: «ستایش، خدای را»، در واقع از خدا سپاس گزاری کرده ای. پس او هم بر نعمت تو می افزاید. و هر گاه بگویی: «معبودی جز خدا نیست»، این گفتار توحید است و هر کس آن را بگوید و دچار شک و دودلی و تکبر و غرور نباشد، خداوند، او را از آتش دوزخ می رهاند.

٥٨٩٧. تاريخ دمشق عن جابر: رسول الله صلى الله عليه وآله: كَلِمَاتٌ إِذَا قَالَهُنَّ الْعَبْدُ وَضَعَهُنَّ الْمَلَكُ فِي جَنَاحِهِ ثُمَّ عَرَجَ بِهِنَّ ، فَلَا يَمُرُّ عَلَى مَلَأٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَّا صَلَّوْا عَلَيْهِنَّ وَعَلَى قَائِلِهِنَّ ، حَتَّى تَوْضَعَ بَيْنَ يَدَيِ الرَّحْمَنِ : سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . و«سُبْحَانَ اللَّهِ» بَرَاءَةٌ عَنِ الشُّوْءِ . (١) ٥٨٩٨. الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» صَدَّ بِهَا مَلَكٌ إِلَى السَّمَاءِ ، فَلَا يَمُرُّ بِهَا عَلَى مَلَأٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَّا اسْتَغْفَرُوا لِقَائِلِهَا ، حَتَّى يَجِيءَ بِهَا إِلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ . (٢) ٥٨٩٥. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: شعب الإيمان عن أنس: جاء أعرابي إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله علمني خيراً . فَأَخَذَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِيَدِهِ فَقَالَ : قُلْ : سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ .

قَالَ : فَعَقَدَ الْأَعْرَابِيُّ عَلَى يَدِهِ وَمَضَى ، فَتَفَكَّرَ ، ثُمَّ رَجَعَ فَتَبَسَّمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، قَالَ : تَفَكَّرَ الْبَائِسُ فَجَاءَ! فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ! «سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» هَذَا لِلَّهِ ، فَمَا لِي؟

فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا أَعْرَابِيُّ ، إِذَا قُلْتَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ» قَالَ اللَّهُ : صَدَقْتَ . وَإِذَا قُلْتَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ» قَالَ اللَّهُ : صَدَقْتَ . وَإِذَا قُلْتَ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» قَالَ اللَّهُ : صَدَقْتَ . وَإِذَا قُلْتَ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» قَالَ اللَّهُ : صَدَقْتَ . وَإِذَا قُلْتَ : «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي» قَالَ اللَّهُ : قَدْ فَعَلْتُ . وَإِذَا قُلْتَ : «اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي» قَالَ اللَّهُ : فَعَلْتُ . وَإِذَا قُلْتَ : «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي» قَالَ اللَّهُ : قَدْ فَعَلْتُ .

قَالَ : فَعَقَدَ الْأَعْرَابِيُّ عَلَى سَبْعٍ فِي يَدِهِ ثُمَّ وَلَّى . (٣) .

- ١- المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٩٣ ح ١ عن موسى بن طلحة ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٨ ح ٢٠٣٧ .
- ٢- مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٣٢٧ ح ٦٠٠٧ نقلاً عن درر اللآلی عن عبد الله بن مسعود .
- ٣- شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٣١ ح ٦١٩ ، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٣٦ ح ٣٩١١ .

۵۸۹۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چند کلمه است که هر گاه بنده بگوید، فرشته آنها را بر بال خویش می نهد و بالایشان می برد و بر هر گروهی از فرشتگان که بگذرد، بر آن کلمات و بر گوینده شان درود می فرستند، تا آن که در برابر خدای مهربان، نهاده می شوند. آن کلمات اینهاست: «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است، و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا». «پاکا خدا!»، و ارسته دانستن [او] از بدی [و نقص] است. ۵۸۹۷. تاریخ دمشق (به نقل از جابر) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بگوید: «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است»، فرشته ای این کلمات را به آسمان می برد، و بر هر گروهی از فرشتگان که می گذرد، برای گوینده آنها آموزش می طلبند، تا آن که فرشته، آن کلمات را به نزد پروردگار جهانیان ببرد. ۵۸۹۸. امام باقر علیه السلام (به نقل از پدرانش) شُعَبُ الْإِيمَانِ به نقل از آنس: بادیه نشینی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! به من کار نیکی بیاموز.

پیامبر صلی الله علیه و آله دست او را گرفت و فرمود: «بگو: پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است».

بادیه نشین [این چهار جمله را] با انگشتانش شمرد و رفت؛ اما به فکر فرو رفت و سپس برگشت. پیامبر صلی الله علیه و آله لبخندی زد و فرمود: «بینوا، فکر کرد و آمد!».

[بادیه نشین] گفت: ای پیامبر خدا! «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است»، اینها از آن خدایند. برای من چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای بادیه نشین! هر گاه بگویی: پاکا خدا!، خداوند می فرماید: راست گفتی. و هر گاه بگویی: ستایش خدای را، خداوند می فرماید: راست گفتی. و هر گاه بگویی: معبودی جز خدا نیست، خداوند می فرماید: راست گفتی. و هر گاه بگویی: خدا بزرگ تر است، خداوند می فرماید: راست گفتی. و هر گاه بگویی: بار خدایا! مرا بیامرز، خداوند می فرماید: آمرزیدم. و هر گاه بگویی: بار خدایا! بر من رحمت آور، خداوند می فرماید: آوردم. و هر گاه بگویی: بار خدایا! به من روزی ده، خداوند می فرماید: دادم».

بادیه نشین، با انگشتانش هفت تا [جمله را] شمرد و سپس رفت..

٦ / ٣٠ كاتُ التَّسْبِيحَاتِ ٥٩٠١. عنه صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: ما عَلَى الْأَرْضِ رَجُلٌ يَقُولُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» إِلَّا كُفِّرَتْ عَنْهُ ذُنُوبُهُ، وَلَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبِيدِ الْبَحْرِ. (١) ٥٨٩٩. المناقب، خوارزمي (به نقل از ابو بَرَزَه) سنن ابن ماجه عن أبي الدرداء: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَيْكَ بِ «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» فَإِنَّهَا يَعْنِي يَحْطُطَنَّ (٢) الْخَطَايَا كَمَا تَحْطُ الشَّجَرَةُ وَرَقَهَا. (٣) ٥٩٠٠. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: تاريخ دمشق عن أبي سلمه بن عبد الرحمن: جَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذاتَ يَوْمٍ فَأَخَذَ عُودًا يَابِسًا فَحِطَّ وَرَقَهُ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ قَوْلَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ» تَحْطُ الْخَطَايَا كَمَا يُحِطُّ وَرَقُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ. خُذْهُنَّ يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ قَبْلَ أَنْ يُحَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُنَّ، فَإِنَّهُنَّ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ، وَهُنَّ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ. (٤) ٥٩٠١. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: مسند ابن حنبل عن أنس: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخَذَ غُصْنَا فَنَفَضَهُ فَلَمْ يَنْتَفِضْ، ثُمَّ نَفَضَهُ فَلَمْ يَنْتَفِضْ، ثُمَّ نَفَضَهُ فَنَفَضَهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» تَنْفِضُ الْخَطَايَا كَمَا تَنْفِضُ الشَّجَرَةُ وَرَقَهَا. (٥).

- ١- مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٥٥١ ح ٦٤٨٩، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٨٢ ح ١٨٥٣ كلاهما عن عبد الله بن عمرو، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٢٧ ح ٣٨٧٣ نقلًا عن الفارسی فی الأربعین عن أبي هريره نحوه.
- ٢- فی كنز العمال: «فإنهنَّ يحططنَّ».
- ٣- سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٥٣ ح ٣٨١٣، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٢ ح ٢٠٠٤ وفيه «فإنهنَّ» بدل «فإنها يعنى».
- ٤- تاريخ دمشق: ج ٤٧ ص ١٥٠، كنز العمال: ج ١٦ ص ٢٤٧ ح ٤٣٢٤ و ج ١ ص ٤٦٧ ح ٢٠٣٣ كلاهما عن أبي الدرداء.
- ٥- مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٣٠٤ ح ١٢٥٣٦.

۶ / ۳ برکات تسبیحات چهار گانه

۶ / ۳ برکات تسبیحات چهار گانه ۵۹۰۴. رسول الله صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ مردی در روی زمین نیست که بگوید : «معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است ، و پا کا خدا ، و ستایش خدای را ، و هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ، مگر آن که گناهانش آمرزیده می شود ، حتی اگر از کف دریا بیشتر باشد . ۵۹۰۵. المستدرک علی الصحیحین عن بریده : سنن ابن ماجه به نقل از ابو درداء : پیامبر خدا به من فرمود : «بر تو باد گفتن پا کا خدا ، و ستایش خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است ؛ زیرا اینها گناهان را می ریزند ، آن سان که برگ های درخت می ریزند» . ۵۹۰۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : تاریخ دمشق به نقل از ابو سلمه بن عبد الرحمان : روزی پیامبر خدا نشسته بود و شاخه ای خشکیده برداشت و برگ های آن را فرو ریخت . سپس فرمود : «گفتار معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است ، و ستایش خدای را ، و پا کا خداوند! ، گناهان را فرو می ریزد ، همچنان که برگ های این شاخه فرو می ریزد .

ای ابو درداء ! پیش از آن که از گفتن این کلمات محروم شوی (از دنیا بروی) ، آنها را بگیر ؛ زیرا اینها اعمال نیک ماندگارند و از گنج های بهشت اند» . ۵۹۰۳. امام علی علیه السلام : مسند ابن حنبل به نقل از انس : پیامبر خدا ، شاخه ای برداشت و آن را تکان داد ؛ آه برگ هایش نریخت . دوباره تکان داد . باز برگ هایش نریخت . سه باره تکانش داد و این بار ، برگ هایش ریخت . پس فرمود : «گفته پا کا خدا ، و ستایش خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است ، گناهان را فرو می ریزد ، همچنان که درخت ، برگ های خود را فرو می ریزاند» .

٥٩٠٤. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رسول الله صلی الله علیه و آله : «سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» فِي ذَنْبِ الْمُسْلِمِ مِثْلَ الْأَكْلَةِ (١) فِي جَنْبِ ابْنِ آدَمَ . (٢) ٥٩٠٥. المستدرک علی الصحیحین (به نقل از بریده) عنه صلی الله علیه و آله : لَقِيتُ إِبْرَاهِيمَ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي ، فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ ، أَقْرَى أُمَّتِكَ مِنِّي السَّلَامَ ، وَأَخْبِرُهُمْ أَنَّ الْجَنَّةَ طَيِّبَةُ الثَّرْبِ عَذْبَةُ الْمَاءِ ، وَأَنَّهَا قِيعَانٌ (٣) ، وَأَنَّ غِرَاسِيهَا : سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ . (٤) ٥٩٠٦. سنن الترمذی عن بریده : سنن ابن ماجه عن عثمان بن أبي سوده عن أبي هريره : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَّ بِهِ وَهُوَ يَغْرَسُ غَرْسًا ، فَقَالَ : يَا أَبَا هُرَيْرَةَ! مَا الَّذِي تَغْرَسُ؟ قُلْتُ : غِرَاسًا لِي ، قَالَ : أَلَا أُذَلِّكَ عَلَى غِرَاسٍ خَيْرٍ لَكَ مِنْ هَذَا؟ قَالَ : بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ!

قَالَ : قُلْ : «سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» يُغْرَسُ لَكَ بِكُلِّ وَاحِدَةٍ شَجْرَةٌ فِي الْجَنَّةِ . (٥) ٥٩٠٧. مسند الروياني عن بریده : الإمام الباقر عليه السلام : مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرَجُلٍ يَغْرَسُ غَرْسًا فِي حَائِطٍ لَهُ ، فَوَقَّفَ لَهُ وَقَالَ : أَلَا أُذَلِّكَ عَلَى غَرْسٍ أَثْبَتَ أَصْلًا ، وَأَسْرَعَ إِبْنَاعًا ، وَأَطْيَبَ ثَمَرًا وَأَبْقَى؟ قَالَ : بَلَى ، فَذَلَّنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ !

فَقَالَ : إِذَا أَصْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ قُلْ : «سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» فَإِنَّ لَكَ إِنْ قُلْتَهُ بِكُلِّ تَسْبِيحِهِ عَشْرَ شَجَرَاتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ أَنْوَاعِ الْفَاكِهَةِ ، وَهِنَّ مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ . (٦) .

- ١- الأكله كفرحه : داء جيقعج فيالعضو يأتكل منه (القاموس المحيط : ج ٣ ص ٣٢٩ «أكل»).
- ٢- الفردوس : ج ٢ ص ٣٣٧ ح ٣٥٢٤ عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٦٤ ح ٢٠٢٠ .
- ٣- قيعان : جمع قاع ؛ وهو المكان المستوى الواسع في وطأه من الأرض (النهايه : ج ٤ ص ١٣٢ «قيع»).
- ٤- سنن الترمذی : ج ٥ ص ٥١٠ ح ٣٤٦٢ عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٦٠ ح ١٩٨٩ ؛ الدعوات : ص ٤٦ ح ١١٣ وزاد في آخره «ولا حول ولا قوه إلا بالله ، فأمر أمتك فليكثروا من غرسها» ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٧٤ ح ٢١ .
- ٥- سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٥١ ح ٣٨٠٧ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٦٩٣ ح ١٨٨٧ ، تاريخ بغداد : ج ٤ ص ٤٠٠ وليس فيه «ولا إله إلا الله» .
- ٦- الكافي : ج ٢ ص ٥٠٦ ح ٤ ، المحاسن : ج ١ ص ١٠٧ ح ٩٢ كلاهما عن ضريس الكناسی ، روضه الواعظین : ص ٤٠٥ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٥٧ ح ٢٧ .

۵۹۰۸. تفسیر فرات عن سلیم بن قیس عن الإمام علی علیه السّلام خدا صلی الله علیه و آله: [تأثیر جملات] «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است» در گناهان مسلمان، همانند خوره در بدن آدمیزاد است. ۵۹۰۶. سِنِن التَّرْمِذِي (به نقل از بُریده) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شبی که به معراج بُرده شدم، ابراهیم علیه السلام را دیدم. به من گفت: «ای مُحَمَّد! از جانب من به اُمت سلام برسان و به آنان بگو که: بهشت، خاکی پاک و آبی گوارا دارد و دشتستانی است که نهال هایش عبارت اند از: پاکا خدا! و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است.» ۵۹۰۷. مُسْنَدُ الرُّوْيَانِي (به نقل از بُریده) سنن ابن ماجه به نقل از عثمان بن ابی سوده، از ابو هریره: من مشغول نهالکاری بودم که پیامبر خدا بر من گذشت. فرمود: «ای ابو هریره! چه می کاری؟».

گفتم: برای خودم نهال می کارم.

فرمود: «آیا تو را به نهالی راه نمایی نکنم که برایت از این نهال ها بهتر باشد؟».

گفت [م]: چرا، ای پیامبر خدا!

فرمود: «بگو: پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است. به ازای هر یک از اینها یک درخت در بهشت برایت کاشته می شود.» ۵۹۰۸. تفسیر فرات (به نقل از سُلَیْم بن قیس، از امام علی علیه السلام) امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا بر مردی که در بوستانش مشغول نهالکاری بود، گذشت. ایستاد و فرمود: «آیا تو را به نهالی ره نمون نشوم که ریشه اش استوارتر است و زودتر به بار می نشیند و میوه اش خوش تر و ماندگارتر است؟».

مرد گفت: چرا، راه نمایی ام کن، ای پیامبر خدا!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چون صبح و شب خود را آغاز کردی، بگو: پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است؛ چرا که اگر اینها را بگویی، برای هر تسییحی، ده درخت از انواع میوه ها در بهشت برایت خواهد بود، و اینها کارهای نیکِ ماندگارند»..

٥٩٠٩. الإمام الحسن عليه السلام: عنه عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله من قال: «سُبْحَانَ اللَّهِ» غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجْرَةً فِي الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجْرَةً فِي الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجْرَةً فِي الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجْرَةً فِي الْجَنَّةِ.

فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ شَجْرَنَا فِي الْجَنَّةِ لَكَثِيرٌ!

قَالَ: نَعَمْ، وَلَكِنْ إِيَّاكُمْ أَنْ تُرْسَلُوا عَلَيْهَا نِيرَانًا فَتَحْرِقُوهَا، وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَمَّا تُبْطِلُوا أَعْمَلَكُمْ» (١). (٢) ٥٩١٠. رسول الله صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ سَبَّحَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (٣) تَسْبِيحَةً، أَوْ حَمِدَهُ تَحْمِيدَةً، أَوْ هَلَّلَهُ تَهْلِيلَةً، أَوْ كَبَّرَهُ تَكْبِيرًا، غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجْرَةً فِي الْجَنَّةِ، أَصْلُهَا يَأْقُوتٌ أَحْمَرٌ، مُكَلَّلَةٌ بِالذَّرِّ، طَلْعُهَا كَثْدَى الْأَبْكَارِ، أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَأَلْيَنُ مِنَ الزُّبْدِ. (٤) ٥٩١١. عنه صلى الله عليه وآله: عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ، دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ فِيهَا قِيعَانًا يَقْقَأُ (٥) مِنْ مِسْكِ، وَرَأَيْتُ فِيهَا مَلَائِكَةً يَبْنُونَ لِبَنَةِ مَنْ ذَهَبَ وَلِبَنَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَرُبَّمَا أَمْسَكُوا.

فَقُلْتُ لَهُمْ: مَا لَكُمْ رُبَّمَا بَنَيْتُمْ وَرُبَّمَا أَمْسَكْتُمْ؟ قَالُوا: حَتَّى تَأْتِيَنَا النَّفَقَةُ.

قُلْتُ: وَمَا نَفَقَتُكُمْ؟ قَالُوا: قَوْلُ الْمُؤْمِنِ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ»؛ فَإِذَا قَالَهُنَّ بَنَيْنَا، وَإِذَا سَبَّحْتُمْ وَأَمْسَكْتُمْ أَمْسَكْنَا. (٦).

١- محمد: ٣٣.

٢- ثواب الأعمال: ص ٢٦ ح ٣ عن أبي الجارود، الأمالى للصدوق: ص ٧٠٥ ح ٩٦٨ عن أبي الجارود عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٨ ح ٣.

٣- في كنز العمال: «اللَّهُ» وهو الأنسب.

٤- المعجم الكبير: ج ٦ ص ٢٦٦ ح ٦١٧٦ عن سلمان الفارسي، كنز العمال: ج ١ ص ٤٧٤ ح ٢٠٥٩.

٥- اليقظ: المتناهي في البياض (النهاية: ج ٥ ص ٢٩٩ «يقظ»).

٦- الأمالى للطوسي: ص ٤٧٤ ح ١٠٣٥، عدّه الداعي: ص ٢٤٩ كلاهما عن حمّاد بن عثمان عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تفسير القمّي: ج ٢ ص ٥٣ عن جميل وج ١ ص ٢١ عن حمّاد وفيه «تفق» بدل «يقظا» وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٨٣ نقلًا عن تفسير النعماني.

۵۹۰۹. امام حسن علیه السلام: امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «هر کس بگوید: پاکا خدا!، خدا به ازای آن، یک درخت در بهشت برایش می‌کارد، و هر کس بگوید: ستایش، خدای را، خداوند به ازای آن، درختی در بهشت برایش می‌کارد، و هر کس بگوید: معبودی جز خدا نیست، خداوند به ازای آن، درختی در بهشت برایش می‌کارد، و هر کس بگوید: خدا بزرگ‌تر است، خداوند به ازای آن، درختی در بهشت برایش می‌کارد».

مردی از قریش گفت: ای پیامبر خدا! پس درختان بسیاری در بهشت خواهیم داشت.

فرمود: «آری؛ امّا زنه‌ار که آتش‌هایی نفرستید و آنها را نسوزانید؛ چرا که خداوند عز و جل می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا فرمان ببرید و از پیامبر، فرمان ببرید و اعمال خود را باطل مگردانید»». ۵۹۱۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خداوند عز و جل را یک تسبیح یا یک حمد بگوید یا یک «لا إله إلا الله» یا یک «الله أكبر» بگوید، خداوند به ازای آن، برای او در بهشت، درختی می‌کارد که ریشه‌اش یاقوت سرخ است و خودش مزین به مروارید، و شکوفه‌هایش، چونان پستان دخترکان: شیرین تر از عسل و نرم تر از مُشک. ۵۹۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شبی که به معراج برده شدم، به بهشت در آمدم و در آن، دشت‌هایی بسیار سپید از مُشک دیدم، و در آن دشت‌ها فرشتگانی را دیدم که خشتی از زر و خشتی از سیم بر هم می‌نهند، و گاه دست از کار می‌کشند. به آنان گفتم: «از چه رو، گاه می‌سازید و گاه می‌ایستید؟». گفتند: تا این که هزینه به ما برسد.

گفتم: «هزینه تان چیست؟».

گفتند: این سخن مؤمن: «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ‌تر است». هر گاه اینها را بگوید، ما مشغول ساختن می‌شویم، و چون ساکت شود و از گفتن باز ایستد، ما نیز [از ساختن] باز می‌ایستیم..

٥٩١٢. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ، فَرَأَيْتُ قَصْرًا مِنْ يَاقُوتِهِ حَمْرَاءَ يُرَى دَاخِلُهَا مِنْ خَارِجِهَا، وَخَارِجُهَا مِنْ دَاخِلِهَا؛ مِنْ ضِيَائِهَا، وَفِيهَا بَيْتَانِ مِنْ دُرٍّ وَزَبَرْجَدٍ، فَقُلْتُ: يَا جِبْرَائِيلُ، لِمَنْ هَذَا الْقَصْرُ؟ فَقَالَ: هَذَا لِمَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ، وَأَدَامَ الصِّيَامَ، وَأَطْعَمَ الطَّعَامَ، وَتَهَجَّدَ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ.

فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَفِي أُمَّتِكَ مَنْ يُطِيقُ هَذَا؟ فَقَالَ: أَدُنُّ مِنِّي يَا عَلِيُّ، فَدَنَا مِنِّي، فَقَالَ: أَتَدْرِي مَا إِطَابَهُ الْكَلَامُ؟ قَالَ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: مَنْ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ. (١) ٦ / ٤ بَقَاءُ التَّسْبِيحَاتِ ٥٩١٥. عنه صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: أَكْثَرُوا مِنْ قَوْلِ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ»؛ فَإِنَّهُنَّ يَأْتِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَهُنَّ مُقَدَّمَاتٌ وَمُؤَخَّرَاتٌ وَمُعَقَّبَاتٌ، وَهُنَّ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ. (٢).

١- تفسير القمّي: ج ١ ص ٢١ عن حمّاد، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٨٢ نقلًا عن تفسير النعماني؛ كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٨٥ ح ٤٣٥٠٨ نقلًا عن الخطيب عن ابن عباس نحوه.

٢- ثواب الأعمال: ص ٢٣ ح ١ و ص ٢٦ ح ٢، تفسير العياشي: ج ٢ ص ٣٢٧ ح ٣٢ وليس فيه «أكثروا من قول» وكلها عن أبي بصير، جامع الأخبار: ص ١٤١ ح ٢٩٩ كلها عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧١ ح ١٢؛ شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٢٦ ح ٦٠٧ عن عبد الله بن مسعود نحوه، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٧ ح ٢٠٣٢.

۶ / ۴ ماندگاریِ تسبیحات چهارگانه

۵۹۱۶. عنه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا فرمود : «شبی که به آسمان برده شدم ، به بهشت در آمدم . کاخی دیدم از یاقوت سرخ و از بس نورانی بود ، درونش از بیرون دیده می شد و بیرونش از درونش . در آن ، دو اتاق از مروارید و زبرجد بود . گفتم : ای جبرئیل ! این کاخ ، از آن کیست؟

گفت : این ، از آن کسی است که سخن نیک بگوید و پیوسته روزه بدارد و اطعام کند و شب ها که مردم خواب اند ، او به عبادت پردازد» .

امیر مؤمنان گفت : ای پیامبر خدا! در امت تو کیست که تاب این کارها را داشته باشد؟

فرمود : «نزدیک من بیا ، ای علی!» .

علی علیه السلام نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله آمد . به او فرمود : «آیا می دانی سخن نیک چیست؟» .

علی علیه السلام گفت : خدا و پیامبرش بهتر می دانند .

فرمود : «گفتنِ پاکا خدا ، و ستایشِ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است » . ۶ / ۴ ماندگاریِ تسبیحات چهارگانه ۵۹۱۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جمله «پاکا خدا ، و ستایشِ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است» را بسیار بگویید ؛ زیرا در روز قیامت ، این کلمات [چونان لشکری] با مقدمه و مؤخره و دنباله می آیند ؛ و اینها ماندگارهای نیک اند .

٥٩١٥. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :المستدرک علی الصحیحین عن أبی سعید الخدری :إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ :إِسْتَكْبَرُوا مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ .

قيل : وما هُنَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ : الْمَلَّةُ .

قيل : وما هِيَ؟ قَالَ : التَّكْبِيرُ ، وَالتَّهْلِيلُ ، وَالتَّسْبِيحُ ، وَالتَّحْمِيدُ ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (١) ٥٩١٦. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِأَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ : أَرَأَيْتُمْ لَوْ جَمَعْتُمْ مَا عِنْدَكُمْ مِنَ الثِّيَابِ وَالْأَنْبِيَةِ ، ثُمَّ وَضَعْتُمْ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ أَكُنْتُمْ تَرَوْنَهُ يَبْلُغُ (٢) السَّمَاءَ؟ قَالُوا : لا يَا رَسُولَ اللَّهِ ، قَالَ : أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ أَصْلُهُ فِي الْأَرْضِ وَفَرَعُهُ فِي السَّمَاءِ؟ قَالُوا : بلى يَا رَسُولَ اللَّهِ!

قَالَ : يَقُولُ أَحَدُكُمْ إِذَا فَرَّغَ مِنْ صِيَلَاتِهِ الْفَرِيضَةِ : «سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلا إِلَهَ إِلا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» ثَلَاثِينَ مَرَّةً ؛ فَإِنَّ أَصْلَهُنَّ فِي الْأَرْضِ وَفَرَعُهُنَّ فِي السَّمَاءِ ، وَهُنَّ يَدْفَعْنَ الْهَدْمَ ، وَالْحَرَقَ ، وَالْعَرَقَ ، وَالتَّرْدَى فِي الْبِئْرِ ، وَأَكَلَ السَّبْعِ ، وَمِيَتَّهَ السَّوْءِ ، وَالْبَلِيَّةِ الَّتِي تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى الْعَبْدِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ ، وَهُنَّ الْبَاقِيَاتُ . (٣) ٥٩١٧. الإمام الصادق عليه السلام :المستدرک علی الصحیحین عن أبی هريره :قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : خُذُوا جُنَّتَكُمْ . قُلْنَا : يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ عُدُوِّ قَدْ حَضَرَ؟

قَالَ : لا ، جُنَّتَكُمْ مِنَ النَّارِ . قُولُوا : «سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلا إِلَهَ إِلا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ»؛ فَإِنَّهُنَّ (٤) يَأْتِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُنْجِيَاتٍ وَمُقَدِّمَاتٍ ، وَهُنَّ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتِ . (٥) .

١- .المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٦٩٤ ح ١٨٨٩ ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ١٥٠ ح ١١٧١٣ نحوه ، مسند أبی يعلى : ج ٢ ص ١٣٢ ح ١٣٧٩ ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٩٥١ ح ٤٣٦٥٤ .

٢- .في المصدر : «تبلغ» ، والتصويب من المصادر الأخرى .

٣- .ثواب الأعمال : ص ٢٦ ح ٣ ، تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ١٠٧ ح ٤٠٦ نحوه وكلاهما عن أبی بصير ، معاني الأخبار : ص ٣٢٤ ح ١ ، عوالي اللآلي : ج ١ ص ٣٥٠ ح ٢ عن رسول الله صلی الله علیه و آله وفيهما زياده «الصالحات» بعد «الباقيات» ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٣٠ ح ٣٥ .

٤- .في المصدر : «فإنها» ، والتصويب من المصادر الأخرى .

٥- .المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٧٢٥ ح ١٩٨٥ ، شعب الإيمان : ج ١ ص ٤٢٥ ح ٦٠٦ وزاد فيه «معقبات» بعد «مقدمات» وفيه «محببات» بدل «منجيات» ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٢٤٨ ح ٤٤٣٢٦ ؛ تفسير العياشي : ج ٢ ص ٣٢٧ ح ٣٢ عن أبی بصير عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلی الله علیه و آله ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٧٢ ح ١٨ .

۵۹۱۸. رسول الله صلى الله عليه و آله :المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو سعید خُدَری : پیامبر خدا فرمود : «ماندگارهای نیک خود را بسیار نمایید» .

گفته شد : اینها چیستند ، ای پیامبر خدا؟

فرمود : «ملت» .

گفته شد : ملت چیست؟

فرمود : «الله أكبر ، ولا إله إلا الله ، و سبحان الله ، و الحمد لله ، و لا حول و لا قوه إلا بالله » .۵۹۱۹. رسول الله صلى الله عليه و آله :امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا ، روزی به یارانش فرمود : «به نظر شما ، اگر آنچه از پوشاک و ظروف دارید ، گرد آورید و سپس هر یک از آنها را بر روی دیگری بگذارید ، آیا فکر می کنید به آسمان برسند؟» .

گفتند : خیر ، ای پیامبر خدا !

فرمود : «آیا شما را به چیزی ره نمون نشوم که ریشه اش در زمین و شاخسارش در آسمان است؟» .

گفتند : چرا ، ای پیامبر خدا!

فرمود : «هر یک از شما پس از به جا آوردن نماز واجبش ، سی مرتبه بگوید : پاکا خدا ، و ستایش خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است . ریشه اینها در زمین و شاخسارشان در آسمان است . اینها از رفتن زیر آوار ، و سوخته شدن ، و غرق شدن ، و افتادن در چاه ، و طعمه درنده شدن ، و مرگ دل خراش ، و بلایی که در آن روز از آسمان بر بنده نازل می شود ، جلوگیری می کنند . اینها همان ماندگارهایند» .۵۹۲۰. عنه صلى الله عليه و آله :المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو هُرَیره : پیامبر خدا فرمود : «سپر خود را بگیرید» .

گفتند : ای پیامبر خدا ! دشمنی حمله کرده است؟

فرمود : «نه ، سپر در برابر آتش است . بگویید : پاکا خدا ، و ستایش خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است ؛ زیرا اینها روز قیامت ، نجاتبخش و پیش برنده اند . اینها ماندگارهای نیک اند» . .

جلد ۲

اشاره

ص: ۱

الفصل السابع: التسيحات المأثورة ٧ / التسيحات المأثورة عن النبي صلى الله عليه وآلهمسند ابن حنبل عن عبد الله: إن النبي صلى الله عليه وآله كان مما يكثر أن يقول: سُبْحَانَكَ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي. فَلَمَّا نَزَلَتْ: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» (١) قَالَ: سُبْحَانَكَ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. (٢)

سنن الترمذى عن أبي هريره: إن النبي صلى الله عليه وآله كان إذا أهدمته الأُمُرُ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ، فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ. (٣)

كنز العمال عن عائشه عن رسول الله صلى الله عليه وآله: يَا عَائِشَةُ، أَلَا أَعْلَمُ بِكَ كَلِمَاتٍ تَعْدِلُ أَوْ أَفْضَلُ مِنْ تَسْبِيحِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؟ تَقُولِينَ: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ، وَأَضْعَافَ مَا يُسَبِّحُهُ جَمِيعُ خَلْقِهِ، كَمَا يُحِبُّ وَكَمَا يَرْضَى وَكَمَا يَتَّبِعِي لَهُ. (٤)

١- النصر: ١.

٢- مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٤٣ ح ٣٧١٩ وص ١٧٦ ح ٤٣٥٦ نحوه وص ٧٩ ح ٣٨٩١، الدعاء للطبرانى: ص ١٩٢ ح ٥٩٤، مسند الطيالسى: ص ٤٥ ح ٣٣٩ والثلاثة الأخيره عن أبي عبيده عن أبيه.

٣- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٤٩٦ ح ٣٤٣٦، كنز العمال: ج ٧ ص ٦٩ ح ١٧٩٩٩.

٤- كنز العمال: ج ٢ ص ٢٣٨ ح ٣٩١٧ نقلاً عن الدارقطنى فى الإفراذ عن عائشه.

ادامه بخش سوم : تسبیح (گفتن «سبحان الله»)

فصل هفتم: تسبیحات رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام

۷ / ۱ تسبیحات رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله

فصل هفتم: تسبیحات رسیده از پیامبر و اهل بیت ۷ / ۱ تسبیحات رسیده از پیامبرمسند ابن حنبل به نقل از عبد الله : پیامبر صلی الله علیه و آله این جملات را زیاد می گفت : «پاکی تو ای پروردگار ما و سپاس ، تو را . بار خدایا! مرا بیامرز» ؛ اما چون [آیه] «آن گاه که یاری خدا و پیروزی آید» نازل شد ، می گفت : «پاکی تو ای پروردگار ما و سپاس ، تو را . بار خدایا! مرا بیامرز ، که به راستی ، تو توبه پذیر و مهربانی» .

سنن الترمذی به نقل از ابو هریره : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه مشکلی برایش پیش می آمد ، سرش را به سوی آسمان بر می داشت و می گفت : «پاكا خداوند بزرگ!» .

کنز العمال به نقل از عایشه : پیامبر خدا فرمود : «ای عایشه ! آیا تو را کلماتی نیاموزم که با تسبیحگویی اهل آسمان ها و زمین ، برابر یا از آن برتر است؟ می گویی : پاكا خداوند بزرگ و سپاس او را ، چندین برابر آنچه همه آفریدگانش او را تسبیح می گویند ، آن سان که او خود ، دوست دارد و آن سان که او می پسندد و آن سان که سزاوار اوست!» .

السنن الكبرى عن ربيعه بن كعب الأسلمي: كُنْتُ أُبَيْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآتِيَهُ بِوَضُوءِهِ وَحَاجَّتِهِ ، فَكَانَ يَقُومُ مِنَ اللَّيْلِ وَيَقُولُ : «سُبْحَانَ رَبِّيَ وَبِحَمْدِهِ ، سُبْحَانَ رَبِّيَ وَبِحَمْدِهِ» الْهَوِيُّ (١) ، «سُبْحَانَ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، سُبْحَانَ رَبِّ الْعَالَمِينَ» الْهَوِيُّ . (٢)

البلد الأمين عن الإمام الباقر عن الإمام عليّ عليهما السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ . . . نُوذِيْتُ . . . يَا مُحَمَّدُ ، وَمَنْ أَرَادَ مِنْ أُمَّتِكَ أَنْ أَرْفَعَ صِيْلَاتَهُ مُضَاعَفَةً ، فَلْيُقَلِّ خَلْفَ كُلِّ صِيْلَةٍ افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ : . . . وَأَنْتَ وَلِيُّ التَّسْبِيحِ كُلِّهِ ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، فَلَكَ التَّسْبِيحُ كُلُّهُ بِكُلِّ تَسْبِيحٍ أَنْتَ لَهُ وَلِيُّ . (٣)

حليه الأولياء عن عبد الرحمن بن قرط: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَيْلَةَ أُسْرِي بِهِ مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى ، وَكَانَ بَيْنَ زَمْرَمَ وَالْمَقَامِ ، وَجَبْرِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ ، وَطَارَا بِهِ حَتَّى بَلَغَ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ ، فَلَمَّا رَجَعَ قَالَ : سَمِعْتُ تَسْبِيحًا فِي السَّمَاوَاتِ الْعُلَى مِنْ ذِي الْمَهَابَةِ (٤) مُشْفِقَاتٍ لِذِي الْعُلَى بِمَا عَلَا ، سُبْحَانَ الْعُلَى الْأَعْلَى ، سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى . (٥)

ثواب الأعمال عن أبي سعيد الخدري عن رسول الله صلى الله عليه وآله في ذكر ما يَسْتَوْجِبُ بِهِ الْعَبْدُ ثَوَابَ أَعْمَالِ شَهْرِ رَجَبٍ : يُسَبِّحُ اللَّهَ كُلَّ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَجَبٍ إِلَى تَمَامِ ثَلَاثِينَ يَوْمًا بِهَذَا التَّسْبِيحِ مِثَّةَ مَرَّةٍ : سُبْحَانَ إِلَهِ الْجَلِيلِ ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَتَّبَعِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ ، سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ ، سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ . (٦)

- ١- الْهَوِيُّ بِالْفَتْحِ : الْحَيْنَ الطَّوِيلَ مِنَ الزَّمَانِ ، وَقِيلَ : هُوَ مَخْتَصٌّ بِاللَّيْلِ (النَّهْيَةُ : ج ٥ ص ٢٨٥ «هوا»).
- ٢- السَّنَنِ الْكُبْرَى : ج ٢ ص ٦٨٤ ح ٤٥٦٨ ، سَنَنِ ابْنِ مَاجَهَ : ج ٢ ص ١٢٧٧ ح ٣٨٧٩ ، سَنَنِ النَّسَائِيِّ : ج ٣ ص ٢٠٩ كلاهما نحوه ، الدَّعَاءُ لِلطَّبْرَانِيِّ : ص ٢٤٥ ح ٧٦٨ ، كَنْزُ الْعَمَالِ : ج ٨ ص ١٣ ح ٢١٦٥٣ نقلًا عن ابن زنجويه .
- ٣- الْبَلَدُ الْأَمِينُ : ص ٥١٥ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٩٥ ص ٣٢٤ ح ١ .
- ٤- كَذَا فِي الْمَصْدَرِ ، وَفِي كَنْزِ الْعَمَالِ : «سَمِعْتُ تَسْبِيحًا فِي السَّمَاوَاتِ الْعُلَى مَعَ تَسْبِيحٍ كَثِيرٍ : سَبَّحْتَ السَّمَاوَاتِ الْعُلَى مِنْ ذِي الْمَهَابَةِ...» .
- ٥- حَلِيهِ الْأَوْلِيَاءُ : ج ٢ ص ٧ ، كَنْزُ الْعَمَالِ : ج ١٠ ص ٣٦٨ ح ٢٩٨٤٥ .
- ٦- ثَوَابُ الْأَعْمَالِ : ص ٨٣ ح ٤ ، الْأَمَالِيُّ لِلصَّدُوقِ : ص ٦٣٢ ح ٨٤٤ ، مِصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ : ص ٨١٧ ح ٨٨١ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٩٧ ص ٣١ ح ١ .

السنن الکبریٰ به نقل از ربیعہ بن کعب اسلمی : من شب ها با پیامبر خدا به سر می بردم و برای ایشان آب وضو و مایحتاج ایشان را می آوردم . پاسی از شب بر می خاست و لختی دراز می گفت : «پاکا پروردگار من و سپاس ، او را! پاکا پروردگار من و سپاس ، او را!» و لختی دراز می گفت : «پاکا پروردگار جهانیان ! پاکا پروردگار جهانیان!» .

البلد الامین به نقل از امام باقر ، از امام علی علیهما السلام : پیامبر خدا فرمود : «شبی که به آسمان برده شدم ... ، به من ندا آمد که : ... ای محمد! هر آن کس از ائمت تو که می خواهد نمازش را چند برابر بالا برم ، در پس هر نمازی که بر او واجب گشته است ، بگوید : ... و تو ، صاحب هر تسیحی . پس معبودی جز تو نیست . هر آنچه تسیح است و هر گونه تسیحی ، مختصّ توست و تو صاحب آنی .» .

حلیه الأولیاء به نقل از عبد الرحمان بن قرط : شبی که پیامبر خدا از مسجد الحرام به مسجد الأقصی برده شد ، میان زمزم و مقام بود و جبرئیل علیه السلام در سمت راست او و میکائیل علیه السلام در سمت چپش بودند و او را پرواز دادند تا آن که به آسمان هفتم رسید . چون باز گشت ، فرمود : «در آسمان های برین شنیدم که [آسمان ها] در حالی که از بلند مرتبگی آن خداوندگارِ والایی بیمناک بودند ، خداوندِ باهیت را تسیح می کردند : پاکا آن بلندمرتبه برتر ! پاکا و برینا او!» .

ثواب الأعمال به نقل از ابو سعید خُدَری ، از پیامبر خدا ، در بیان اعمالی که با انجام دادن آنها بنده در ماه رجب ، مستوجب پاداش می شود : در هر روز از ماه رجب تا پایان سی روز ، صد مرتبه خداوند را با این تسیح بستانید : «پاکا معبود بزرگ ! پاکا آن که تسیح ، جز او را نسزد ! پاکا آن عزیزترین ارجمندترین ! پاکا آن که جامه عزّت در پوشیده و همو شایسته آن است!» .

سنن أبي داود عن سعد بن أبي وقاص عن رسول الله صلى الله عليه وآله في بيان أفضل التَّسْبِيحِ : سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي السَّمَاءِ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي الْأَرْضِ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ بَيْنَ ذَلِكَ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا هُوَ خَالِقٌ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِثْلَ ذَلِكَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِثْلَ ذَلِكَ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ . (١)

السنن الكبرى للنسائي عن محمد بن سعد بن زراره عن أبي أمامه الباهلي : أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَّ بِهِ وَهُوَ يُحَرِّكُ شَفْتَيْهِ فَقَالَ : مَاذَا تَقُولُ يَا أبا أمامة؟ قَالَ : أَذْكُرُ رَبِّي ، قَالَ : أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَفْضَلِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِكَ اللَّيْلِ مَعَ النَّهَارِ وَالنَّهَارِ مَعَ اللَّيْلِ؟ أَنْ تَقُولَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِثْلَ مَا خَلَقَ ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِثْلَ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِثْلَ مَا خَلَقَ ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا أَحْصَى كِتَابُهُ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ مِثْلَ كُلِّ شَيْءٍ» ، وَتَقُولَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ . (٢)

سنن النسائي عن ابن عباس عن جويرية بنت الحارث : أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَّ عَلَيْهَا وَهِيَ فِي الْمَسْجِدِ تَدْعُو ، ثُمَّ مَرَّ بِهَا قَرِيبًا مِنْ نِصْفِ النَّهَارِ ، فَقَالَ لَهَا : مَا زِلْتِ عَلَيَّ حَالِكِكِ؟ قَالَتْ : نَعَمْ ، قَالَ : أَلَا أَعْلَمُكَ بِعِنَى كَلِمَاتٍ تَقُولِينَهَا : سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رِضَا نَفْسِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رِضَا نَفْسِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رِضَا نَفْسِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ . (٣)

- ١- سنن أبي داود : ج ٢ ص ٨١ ح ١٥٠٠ ، سنن الترمذي : ج ٥ ص ٥٦٣ ح ٣٥٦٨ ، صحيح ابن حبان : ج ٣ ص ١١٨ ح ٨٣٧ ، الدعاء للطبراني : ص ٤٩٤ ح ١٧٣٨ ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٦٩ ح ٢٠٤٣ .
- ٢- السنن الكبرى للنسائي : ج ٦ ص ٥٠ ح ٩٩٩٤ ، صحيح ابن حبان : ج ٣ ص ١١٢ ح ٨٣٠ ، صحيح ابن خزيمة : ج ١ ص ٣٧١ ح ٧٥٤ ، مسند الرؤياني : ج ٢ ص ٢٨٩ ح ١٢٢٥ ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٧٠ ح ٢٠٤٤ .
- ٣- سنن النسائي : ج ٣ ص ٧٧ ، صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٠٩١ ح ٧٩ ، سنن الترمذي : ج ٥ ص ٥٥٦ ح ٣٥٥٥ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٥١ ح ٣٨٠٨ ، مسند ابن حنبل : ج ١٠ ص ٢٣١ ح ٢٦٨٢٠ ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٩٣ ح ٣٧٠٩ .

سنن أبی داوود به نقل از سعد بن ابی وقاص ، از پیامبر خدا ، در بیان برترین تسبیحات : پاکا خدا ، به شمار آنچه در آسمان آفریده است! پاکا خدا ، به شمار آنچه در زمین آفریده است! پاکا خدا ، به شمار آنچه میان این دو ، آفریده است! پاکا خدا ، به شمار آنچه می آفریند ! و خدا بزرگ تر است به همین شماره ها ، و سپاس خدای را به همین شماره ها ، و معبودی جز خدا نیست به همین شماره ها ، و هیچ نیرو و توانی نیست جز به یاری خدا به همین شماره ها .

السنن الکبری ، نسائی به نقل از محمد بن سعد بن زراره ، در باره ابو امامه باهلی : پیامبر صلی الله علیه و آله بر او (ابو امامه) گذشت ، در حالی که لبانش را می جنبانید . فرمود : «چه می گویی ، ای ابو امامه؟» . گفت : ذکر پروردگارم را می گویم . فرمود : «آیا تو را به چیزی خبر ندهم که اگر شب و روز و روز و شب ، این ذکر را بگویی ، بهتر یا بیشتر باشد؟ می گویی : پاکا خدا ، به شمار آنچه آفریده است ! پاکا خدا ، به مقدار آنچه آفریده است ! پاکا خدا ، به شمار آنچه در آسمان و زمین است ! پاکا خدا ، به مقدار آنچه در آسمان ها و زمین است ! پاکا خدا ، به مقدار آنچه آفریده است ! پاکا خدا ، به شمار آنچه کتابش شماره کرده است ! و پاکا خدا ، به مقدار هر چیزی! و می گویی : سپاس ، خدای را به همین شمار .» .

سنن النسائی به نقل از ابن عباس ، در باره جویریّه دختر حارث : پیامبر صلی الله علیه و آله بر او که در مسجد به دعا مشغول بود ، گذشت . نزدیک نیم روز باز بر او [که همچنان دعا می کرد ،] گذشت . به او فرمود : «هنوز این جا هستی؟» . گفت : آری . فرمود : «آیا تو را کلماتی نیاموزم که آنها را بگویی ؟ [بگو :] پاکا خدا به شمار آفریدگانش ! پاکا خدا به شمار آفریدگانش ! پاکا خدا ، چندان که خشنود شود ! پاکا خدا ، چندان که خشنود شود ! پاکا خدا ، چندان که خشنود شود ! پاکا خدا به وزن عرشش ! پاکا خدا به وزن عرشش ! پاکا خدا به وزن عرشش ! پاکا خدا به وزن عرشش ! پاکا خدا به گستره کلماتش ! پاکا خدا به گستره کلماتش !» .

كنز العمال عن أنس عن رسول الله صلى الله عليه وآله: «مَنْ قَالَ حِينَ يُصَلِّيُ الْغَدَاةَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رِضَا نَفْسِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ»، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِثْلَ ذَلِكَ؛ فَذَلِكَ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يُجَمَعَ لَهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، وَيَدَأُبُ الْمَلَائِكَةُ أَيَّامًا يَكْتُبُونَ، وَلَا يُحْصَوْنَ مَا قَالَ. (١)

مُهْج الدعوات عن إبراهيم بن أبي يحيى عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله: «سُبْحَانَ اللَّهِ فِي عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَا، سُبْحَانَ اللَّهِ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَا، سُبْحَانَ اللَّهِ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ مُنْتَهَى رِضَا فِي عِلْمِهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَحَقُّ لَهُ ذَلِكَ... سُبْحَانَ اللَّهِ تَسْبِيحًا لَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ، قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَمَعَ كُلِّ أَحَدٍ، وَبَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ. (٢)

كنز العمال عن الإمام عليّ عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُنْسَأَ (٣) فِي عُمُرِهِ، وَيُنْصَرَّ عَلَى عَدُوِّهِ، وَيُوسَعَ عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ، وَيُوقَى مِيتَةَ السَّوَاءِ، فَلْيَقُلْ حِينَ يُمَسِي وَحِينَ يُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: سُبْحَانَ اللَّهِ مِلَّاءَ الْمِيزَانِ، وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ، وَمَبْلَغَ الرِّضَا، وَزِينَةَ الْعَرْشِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِلَّاءَ الْمِيزَانِ، وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ، وَمَبْلَغَ الرِّضَا، وَزِينَةَ الْعَرْشِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِلَّاءَ الْمِيزَانِ، وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ، وَمَبْلَغَ الرِّضَا، وَزِينَةَ الْعَرْشِ. (٤)

١- كنز العمال: ج ٢ ص ١٥٥ ح ٣٥٥٧ نقلاً عن ابن عساكر.

٢- مهج الدعوات: ص ١٧٠، كامل الزيارات: ص ٣٩٩ ح ٦٣٩ عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الصادق عليه السلام وذكره في زياره الإمام الحسين عليه السلام، المصباح للكفعمي: ص ٣٦٨، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣٨٦ ح ٢٨.

٣- النسب: التأخير (النهاية: ج ٥ ص ٤٤ «نسأ»).

٤- كنز العمال: ج ٢ ص ٦٣٥ ح ٤٩٥٥ نقلاً عن الديلمي ونظام الدين المسعودي في الأربعين.

کنز العمال به نقل از آنس: پیامبر خدا فرمود: «هر کس چون نماز صبح را خواند، بگوید: پاکا خدا به شمار آفریدگانش! پاکا خدا، چندان که خشنود شود! پاکا خدا به وزن عرشش! و سپاس، خدای را به همین اندازه، و معبودی جز خدا نیست به همین اندازه، این برای او بهتر است از این که آنچه بین مشرق و مغرب است، برایش جمع شود، و فرشتگان، روزها سرگرم نوشتن خواهند بود و آنچه را گفته است، شماره نتوانند».

مُهَجِّج الدَّعَوَاتِ به نقل از ابراهیم بن ابی یحیی، از امام صادق، از پدرش، از جدش، از امام علی علیه السلام، از پیامبر خدا: پاکا خدا در علم او به منتهای رضایتش! پاکا خدا بعد از علم او به منتهای رضایتش! پاکا خدا همراه با علم او به منتهای رضایتش! و سپاس، خدای را به همه سپاس هایش بر همه نعمت هایش. پاکا خدا و سپاس، او را به منتهای رضایتش در علمش! و خدا بزرگ تر است و حقّ اوست که چنین باشد... پاکا خدا، چندان که جز او، شمار آن را نداند، پیش از هر کس، و همراه با هر کس، و پس از هر کس!

کنز العمال به نقل از امام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «هر آن کس که خوش دارد بر عمرش افزوده شود و بر دشمنش یاری شود و به روزی اش گشایش داده شود و از مُردنِ بد حفظ شود، چون شب و صبح خود را می آغازد، سه مرتبه بگوید: پاکا خدا به پُریِ ترازو[ی اعمال] و نهایت علم، و به مقدار رضایت و به وزن عرش! معبودی جز خدا نیست به پُریِ ترازو و نهایت علم، و به مقدار رضایت و به وزن عرش. و خدا بزرگ تر است به پُریِ ترازو و نهایت علم، و به مقدار رضایت و به وزن عرش».

الكافي عن أحمد بن الحسن الميثمي رفعه ، قال : كَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا وُضِعَتْ الْمَائِدَةُ بَيْنَ يَدَيْهِ قَالَ :
 سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ مَا أَحْسَنَ مَا تَبْتَلِينَا ، سُبْحَانَكَ مَا أَكْثَرَ مَا تُعْطِينَا ، سُبْحَانَكَ مَا أَكْثَرَ مَا تُعَافِينَا ، اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيْنَا وَعَلَى قُرَّاءِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ . (١)

فلاح السائل عن رسول الله صلى الله عليه وآله فيما عَلَّمَهُ أمير المؤمنين عليه السلام لِحِفْظِ مَا يَسْمَعُهُ : سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى
 أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِاللَّوَانِ الْعَذَابِ ، سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ . (٢)

البلد الأمين عن رسول الله صلى الله عليه وآله مِمَّا دَعَا بِهِ اللَّيْلَةَ التَّاسِعَةَ عَشَرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ : سُبْحَانَ مَنْ لَا يَمُوتُ ، سُبْحَانَ مَنْ
 لَا يَزُولُ ، سُبْحَانَ مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ ، سُبْحَانَ مَنْ لَا تَسْقُطُ وَرَقَةٌ إِلَّا يَعْلَمُهَا ، وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ
 إِلَّا يَعْلَمُهُ وَقَدَرِهِ ، سُبْحَانَكَ سَبْعًا مَا أَعْظَمَ شَأْنَهُ وَأَجَلَ سُلْطَانَتِهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاجْعَلْنَا مِنْ عِتْقَائِكَ وَسُعْدَائِهِ خَلْقِكَ
 بِمَغْفِرَتِكَ ، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ . (٣)

-
- ١- الكافي : ج ٦ ص ٢٩٣ ح ٨ ، المحاسن : ج ٢ ص ٢١٥ ح ١٦٤٥ وفيه «أثبت لنا» بدل «تبتلينا» ، بحار الأنوار : ج ٦٦ ص ٣٧٥ ح ٢٩ .
 - ٢- فلاح السائل : ص ٣٠٤ ح ٢٠٦ ، عدّه الداعي : ص ٥٤ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٩ ح ٨ .
 - ٣- البلد الأمين : ص ١٩٨ ، الإقبال : ج ١ ص ٣٤٩ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٧٨ ح ٢ .

الکافی به نقل از احمد بن حسن میثمی ، که سند حدیث را به پیامبر صلی الله علیه و آله رسانده است : پیامبر خدا هر گاه سفره برایش پهن می شد ، می گفت : «پاکی تو ای خداوند و چه نیکو ما را می نوازی! پاکی تو و چه بسیار به ما عطا می کنی! پاکی تو و چه بسیار ما را عافیت می بخشی! بار خدایا! برای ما و برای مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان فقیر ، گشایش عطا فرما» .

فلاح السائل به نقل از پیامبر خدا ، در دعایی که به امیر مؤمنان برای حفظ کردن آنچه می شنود ، آموخت : پاکی خدایی که بر اهل مملکتش تعدی نمی کند ! پاکی خدایی که زمینیان را به عذاب های گونه گون ، گرفتار نمی کند ! پاکی خدای رؤوف مهربان !

البلد الامین به نقل از پیامبر خدا ، از دعایی که شب نوزدهم ماه رمضان می خواند : پاکی خدایی که نمی میرد ! پاکی خدایی که از بین نمی رود ! پاکی خدایی که هیچ پوشیده ای بر او پوشیده نیست ! پاکی خدایی که هیچ برگی نمی افتد ، جز این که او بدان علم دارد ، و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین و هیچ تر و خشکی نیست ، مگر آن که به علم و تقدیر اوست ! پاکی او (هفت مرتبه)! چه بزرگ است مقام او و چه شکوهمند است سلطنتش! بار خدایا ! بر محمد و خاندان او درود فرست و ما را از آزادشدگان ، و از برخورداران از آمرزش قرار ده ، که به راستی ، تو آمرزگار و مهربانی .

سنن الترمذى عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه و آله فيما كان يدعو به بعد الصلاة: سُبْحَانَ الَّذِي تَعَطَّفَ الْعِزَّ وَقَالَ بِهِ ، سُبْحَانَ الَّذِي لَبَسَ الْمَجْدَ وَتَكَرَّمَ بِهِ ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَبْتَغِي التَّسْبِيحَ إِلَّا لَهُ ، سُبْحَانَ ذِي الْفَضْلِ وَالنُّعْمِ ، سُبْحَانَ ذِي الْمَجْدِ وَالكَرَمِ ، سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ . (١)

المعجم الكبير عن عبد الله بن مسعود عن رسول الله صلى الله عليه و آله :مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ مَا لَمْ يَدْعُ بِائْتِمٍ ، أَوْ قَطِيعِهِ رَجِمَ إِلَّا اسْتَجِيبَ لَهُ : سُبْحَانَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَرْشُهُ ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْأَرْضِ مُوْطِئُهُ ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْبَحْرِ سَبِيلُهُ ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْقُبُورِ قَضَاؤُهُ ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي النَّارِ سِلْطَانُهُ ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْهَوَاءِ رَوْحُهُ ، سُبْحَانَ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاءَ ، سُبْحَانَ الَّذِي وَضَعَ الْأَرْضَ ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا مَنجى مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ . (٢)

المصباح للكفعمى عن رسول الله صلى الله عليه و آله فى دُعَاءٍ مَأْثُورٍ أَمَرَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله أَنْ يَدْعُوَ بِهِ بَعْدَ صِيَامِ الْأَيَّامِ الْبَيْضِ : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْمُهِيمُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمُصَوِّرُ الْحَكِيمُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْبَصِيرُ الصِّادِقُ . سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاسِعُ اللَّطِيفُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الشَّكُورُ الْحَكِيمُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمُبْدِئُ الْمُعِيدُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ . سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ السَّيِّدُ الصَّمِيدُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ الْآخِرُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْغَفُورُ الْغَافِرُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَكِيلُ الْكَافِي ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْكَرِيمُ الْعَظِيمُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمُغِيثُ الدَّائِمُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمُتَعَالَى الْحَقُّ . سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْبَاعِثُ الْوَارِثُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْبَاقِي الرَّؤُوفُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْقَرِيبُ الْمُجِيبُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الشَّهِيدُ الْمُنْعَمُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْقَاهِرُ الرَّازِقُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَسِيبُ الْبَارِئُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْغَنِيُّ الْوَفِيُّ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ . سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ التَّوَّابُ الْوَهَّابُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْقَدِيمُ الْفَعَّالُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْقَوِيُّ الْقَائِمُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ . سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَفِيُّ الْكَرِيمُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْفَاطِرُ الْخَالِقُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْفَتَّاحُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الدِّيَّانُ الشَّكُورُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الصَّادِقُ الْعَدْلُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الظَّاهِرُ الطُّهْرُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الرَّفِيعُ الْبَاقِي . سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَتْرُ الْهَادِي ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَلِيُّ النَّصِيرُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْكَفِيلُ الْمُسْتَعَانُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْغَالِبُ الْمُعْطَى ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْعَالِمُ الْمُعْظَمُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمُحْسِنُ الْمُجْمَلُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمُنْعَمُ الْمُفْضَلُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْفَاضِلُ الصِّادِقُ . سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ خَيْرُ النَّاصِرِينَ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ خَيْرُ الْفَاطِرِينَ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ . سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ،

فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنجِي الْمُؤْمِنِينَ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطَّاهِرِينَ . (٣)

-
- ١- سنن الترمذى : ج ٥ ص ٤٨٤ ح ٣٤١٩ ، تهذيب الكمال : ج ٨ ص ٤٢٥ نحوه ، كترالعمال : ج ٢ ص ١٧٢ ح ٣٤١٨ ؛ عوالى اللآلى : ج ١ ص ١٩٤ ح ٢٨٣ .
 - ٢- المعجم الكبير : ج ١٠ ص ٢٢٧ ح ١٠٥٥٤ ، كترالعمال : ج ٥ ص ٧٥ ح ١٢١١١ ؛ الإقبال : ج ٢ ص ٥٦ ، المصباح للكفعمى : ص ٨٧٦ وراجع : الدرود الواقيه : ص ١١٢ و ص ١٩٩ .
 - ٣- المصباح للكفعمى : ص ٣٧٤ ، البلد الأمين : ص ٣٥١ ، بحار الأنوار : ج ٩٧ ص ٢٤١ .

سنن الترمذی به نقل از ابن عباس ، از پیامبر خدا ، در دعایی که ایشان بعد از نماز می خواند : پاكا خدایى كه ردای عزت بر دوش افكند و آن را ویژه خویش گردانید ! پاكا خدایى كه جامه مجد و كرامت در پوشید ! پاكا خدایى كه تسبیح ، جز او را نسزد ! پاكا خداوندگار بخشش و نعمت ها ! پاكا خداوندگار بزرگی و ارجمندی ! پاكا خداوندگار شكوه و كرامت !

المعجم الكبير به نقل از عبد الله بن مسعود : پیامبر خدا فرمود : «هر كس در شامگاه عَرَفَه این دعا را بخواند به شرط آن كه برای گناهی یا بریده شدن پیوند خویشاوندی دعا نکند دعایش مستجاب می شود : «پاكا خدایى كه آسمان ، تختگاه اوست ! پاكا خدایى كه زمین ، زیر پای اوست ! پاكا خدایى كه راهش در دریاهاست ! پاكا خدایى كه قضایش در گورها جاری است ! پاكا خدایى كه رحمتش در بهشت است ! پاكا خدایى كه سلطنتش در آتش [دوزخ] است ! پاكا خدایى كه هوا ، مظهر لطافت اوست ! پاكا خدایى كه آسمان را بر افراشت ! پاكا خدایى كه زمین را فرو نهاد ! پاكا خدایى كه از او نتوان رهید ، جز با گریختن به سوی خود او!» .

المصباح ، كفعمی به نقل از پیامبر خدا ، در دعایی كه به ایشان دستور داده شد آن را بعد از روزه «ایام البیض» بخواند : به نام خداوند مهر گستر مهربان . پاكا تو ! تو پروردگار عرش بزرگی . پاكا تو ! تو خدای مهر گستر مهربانی . پاكا تو ! تو خدای پروردگار جهانیانی . پاكا تو ! تو خدا و پادشاه و مقدسی . پاكا تو ! تو خدای پاك و ایمنی بخشی . پاكا تو ! تو خدای عزتمند و نگهبانی . پاكا تو ! تو خدای آفریننده و پدید آورنده ای . پاكا تو ! تو خدای صورتگر حكیمی . پاكا تو ! تو خدای شنوا و دانایی . پاكا تو ! تو خدای بینا و راستگویی . پاكا تو ! تو خدای زنده و پاینده ای . پاكا تو ! تو خدای فراگیر و ریزینی . پاكا تو ! تو خدای والا- و بزرگی . پاكا تو ! تو خدای آمرزگار و مهربانی . پاكا تو ! تو خدای قردردان و حكیمی . پاكا تو ! تو خدای پسندیده و بزرگواری . پاكا تو ! تو خدای آغاز کننده و باز گرداننده ای (/ باز آفرینی) . پاكا تو ! تو خدای یكتا و یگانه ای . پاكا تو ! تو خدای آقا و مقصود عالمیانی . پاكا تو ! تو خدای آغازین و انجامینی . پاكا تو ! تو خدای آشكار و پنهانی . پاكا تو ! تو خدای آمرزگار و آمرزنده ای . پاكا تو ! تو خدای كار گزار و بسنده ای . پاكا تو ! تو خدای کریم و با عظمتی . پاكا تو ! تو خدای دادرس و پایداری . پاكا تو ! تو خدای بلند مرتبه و حقی . پاكا تو ! تو خدای برانگیزنده و وارثی . پاكا تو ! تو خدای مانا و دلسوزی . پاكا تو ! تو خدای عزتمند و پسندیده ای . پاكا تو ! تو خدای هستی كه نزدیک و اجابت کننده است . پاكا تو ! تو خدای جمع کننده و گستراننده ای . پاكا تو ! تو خدای گواه و نعمت بخشی . پاكا تو ! تو خدای چیره و روزی دهنده ای . پاكا تو ! تو خدای حسابرس و پدید آورنده ای . پاكا تو ! تو خدای بی نیاز و وفا کننده ای . پاكا تو ! تو خدای توانا و قدرتمندی . پاكا تو ! تو خدای توبه پذیر و بخشنده بی توقعی . پاكا تو ! تو خدای زنده کننده و میراننده ای . پاكا تو ! تو خدای پُر مهر و بنده نوازی . پاكا تو ! تو خدای دیرین و پُر كاری (آنچه خواهی ، انجام می دهی) . پاكا تو ! تو خدای نیرومند و برپایی . پاكا تو ! تو خدای رثوف و مهربانی . پاكا تو ! تو خدای باوفا و کریمی . پاكا تو ! تو خدای شكافنده و آفریننده ای . پاكا تو ! تو خدای عزتمند و گشاینده ای . پاكا تو ! تو خدای جزا دهنده و سپاسمندی . پاكا تو ! تو خدای دانا به نمان هایی . پاكا تو ! تو خدای راستگو و دادگری . پاكا تو ! تو خدای پاك و پاكیزه ای . پاكا تو ! تو خدای والا و مانایی . پاكا تو ! تو خدای تك و راه نمایی . پاكا تو ! تو خدای حمایتگر و یآوری . پاكا تو ! تو خدای هستی كه كفالت می كنی و از تو یاری می جویند . پاكا تو ! تو خدای چیره و عطا کننده ای . پاكا تو ! تو خدای دانا و با عظمتی . پاكا تو ! تو خدای نیکو كار

و احسان بخشی . پاكا تو ! تو خدای نعمت دهنده و بادهشی . پاكا تو ! تو خدای صاحب فضل و راستینی . پاكا تو ! تو خدایی و بهترین داوری . پاكا تو ! تو خدایی و بهترین فیصله دهنده ای . پاكا تو ! تو خدایی و بهترین وارثانی . پاكا تو ! تو خدایی و بهترین یاری دهندگانی . پاكا تو ! تو خدایی و بهترین آمرزندگانی . پاكا تو ! تو خدایی و بهترین شکافندگانی . پاكا تو ! تو خدایی و بهترین روزی دهندگانی . پاكا تو ! تو خدایی و سریع ترین حسابرسی . پاكا تو ! تو خدایی و بهترین آفرینندگانی . پاكا تو ! تو خدای عزتمند و فرزانه ای . پاكا تو ! تو خدایی و مهربان ترین مهربانانی . پاكا تو ! تو خدایی و معبودی جز تو پروردگار عرش بزرگ نیست . پاكا تو ! تو خدایی و معبودی جز تو نیست . «پاکی تو ! من از ستمکاران بودم . پس ، دعای او را اجابت کردیم و از اندوهش رهایی دادیم و ما این گونه ، مؤمنان را می رهاییم» . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خداوند والا و بزرگ و درود بر سرورمان محمد ، و خاندان پاک او .

المصباح للكفعمي عن رسول الله صلى الله عليه وآله في الدعاء المسمى بدعاء المَجْبِرِ : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، سُبْحَانَكَ يَا اللَّهُ تَعَالَى يَا رَحْمَنُ (١) ، سُبْحَانَكَ يَا رَحِيمُ تَعَالَى يَا كَرِيمُ ، سُبْحَانَكَ يَا مَلِكُ تَعَالَى يَا مَالِكُ ، سُبْحَانَكَ يَا قُدُّوسُ تَعَالَى يَا سَلَامُ ، سُبْحَانَكَ يَا مُؤْمِنُ تَعَالَى يَا مُهَيِّمُنُ ، سُبْحَانَكَ يَا عَزِيزُ تَعَالَى يَا جَبَّارُ ، سُبْحَانَكَ يَا مُتَكَبِّرُ تَعَالَى يَا مُتَجَبِّرُ . سُبْحَانَكَ يَا خَالِقُ تَعَالَى يَا بَارِئُ ، سُبْحَانَكَ يَا مُصَوِّرُ تَعَالَى يَا مُفَدِّرُ ، سُبْحَانَكَ يَا هَادِي تَعَالَى يَا بَاقِي ، سُبْحَانَكَ يَا وَهَّابُ تَعَالَى يَا تَوَّابُ ، سُبْحَانَكَ يَا فَتَّاحُ تَعَالَى يَا مُرْتَاخُ (٢) ، سُبْحَانَكَ يَا سَيِّدِي تَعَالَى يَا مَوْلَايَ ، سُبْحَانَكَ يَا قَرِيبُ تَعَالَى يَا رَقِيبُ ، سُبْحَانَكَ يَا مُبْدِيُ تَعَالَى يَا مُعِيدُ ، سُبْحَانَكَ يَا حَمِيدُ تَعَالَى يَا مُجِيدُ ، سُبْحَانَكَ يَا قَدِيمُ تَعَالَى يَا عَظِيمُ . سُبْحَانَكَ يَا غَفُورُ تَعَالَى يَا شَكُورُ ، سُبْحَانَكَ يَا شَاهِدُ تَعَالَى يَا شَهِيدُ ، سُبْحَانَكَ يَا حَنَّانُ تَعَالَى يَا مَنَّانُ ، سُبْحَانَكَ يَا بَاعِثُ تَعَالَى يَا وَارِثُ ، سُبْحَانَكَ يَا مُحْيِي تَعَالَى يَا مُمِيتُ ، سُبْحَانَكَ يَا شَفِيقُ تَعَالَى يَا رَفِيقُ ، سُبْحَانَكَ يَا أُنِيسُ تَعَالَى يَا مُؤْنِسُ ، سُبْحَانَكَ يَا جَلِيلُ تَعَالَى يَا جَمِيلُ ، سُبْحَانَكَ يَا خَبِيرُ تَعَالَى يَا بَصِيرُ ، سُبْحَانَكَ يَا خَفِيُّ (٣) تَعَالَى يَا مَلِيٌّ (٤) . سُبْحَانَكَ يَا مَعْبُودُ تَعَالَى يَا مَوْجُودُ ، سُبْحَانَكَ يَا غَفَّارُ تَعَالَى يَا قَهَّارُ ، سُبْحَانَكَ يَا مَذْكَورُ تَعَالَى يَا مَشْكُورُ ، سُبْحَانَكَ يَا جَوَادُ تَعَالَى يَا مَعَادُ ، سُبْحَانَكَ يَا جَمَالُ تَعَالَى يَا جَلَالُ ، سُبْحَانَكَ يَا سَابِقُ تَعَالَى يَا رَازِقُ ، سُبْحَانَكَ يَا صَادِقُ تَعَالَى يَا خَالِقُ . سُبْحَانَكَ يَا سَمِيعُ تَعَالَى يَا سَرِيعُ ، سُبْحَانَكَ يَا رَفِيعُ تَعَالَى يَا بَدِيعُ ، سُبْحَانَكَ يَا فَعَّالُ تَعَالَى يَا مُتَعَالٍ ، سُبْحَانَكَ يَا قَاضِي تَعَالَى يَا رَاضِي ، سُبْحَانَكَ يَا قَاهِرُ تَعَالَى يَا ظَاهِرُ ، سُبْحَانَكَ يَا عَالِمُ تَعَالَى يَا حَاكِمُ ، سُبْحَانَكَ يَا دَائِمُ تَعَالَى يَا قَائِمُ . سُبْحَانَكَ يَا عَاصِمُ تَعَالَى يَا قَاسِمُ ، سُبْحَانَكَ يَا غَنِيُّ تَعَالَى يَا مُغْنِي ، سُبْحَانَكَ يَا وَفِيُّ تَعَالَى يَا قَوِيُّ ، سُبْحَانَكَ يَا كَافِي تَعَالَى يَا شَافِي ، سُبْحَانَكَ يَا مُتَقَدِّمُ تَعَالَى يَا مُؤَخَّرُ ، سُبْحَانَكَ يَا أَوَّلُ تَعَالَى يَا آخِرُ ، سُبْحَانَكَ يَا ظَاهِرُ تَعَالَى يَا بَاطِنُ ، سُبْحَانَكَ يَا رَجَاءُ تَعَالَى يَا مُرْتَجَى ، سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْمَنِّ تَعَالَى يَا ذَا الطَّوْلِ ، سُبْحَانَكَ يَا حَيُّ تَعَالَى يَا قَيُّومُ . سُبْحَانَكَ يَا وَاحِدُ تَعَالَى يَا أَحَدُ ، سُبْحَانَكَ يَا سَيِّدُ تَعَالَى يَا صَيِّدُ ، سُبْحَانَكَ يَا قَدِيرُ تَعَالَى يَا كَبِيرُ ، سُبْحَانَكَ يَا وَالِي تَعَالَى يَا مُتَعَالِي (٥) ، سُبْحَانَكَ يَا عَلِيُّ تَعَالَى يَا أَعْلَى ، سُبْحَانَكَ يَا وَلِيُّ تَعَالَى يَا مَوْلَى ، سُبْحَانَكَ يَا ذَارِيُّ (٦) تَعَالَى يَا بَارِئُ ، سُبْحَانَكَ يَا خَافِضُ تَعَالَى يَا رَافِعُ ، سُبْحَانَكَ يَا مُقْسِطُ تَعَالَى يَا جَامِعُ ، سُبْحَانَكَ يَا مُعِزُّ تَعَالَى يَا مُذِلُّ . سُبْحَانَكَ يَا حَافِظُ تَعَالَى يَا حَافِظُ ، سُبْحَانَكَ يَا قَادِرُ تَعَالَى يَا مُقْتَدِرُ ، سُبْحَانَكَ يَا عَلِيمُ تَعَالَى يَا حَلِيمُ ، سُبْحَانَكَ يَا حَكِيمُ تَعَالَى يَا حَكِيمُ ، سُبْحَانَكَ يَا مُعْطَى تَعَالَى يَا مَانِعُ ، سُبْحَانَكَ يَا ضَارُّ تَعَالَى يَا نَافِعُ ، سُبْحَانَكَ يَا مُجِيبُ تَعَالَى يَا حَسِيبُ . سُبْحَانَكَ يَا عَادِلُ تَعَالَى يَا فَاضِلُ ، سُبْحَانَكَ يَا لَطِيفُ تَعَالَى يَا شَرِيفُ ، سُبْحَانَكَ يَا رَبُّ تَعَالَى يَا حَقُّ ، سُبْحَانَكَ يَا مَا جِدُ تَعَالَى يَا وَاحِدُ ، سُبْحَانَكَ يَا عَفُوُّ تَعَالَى يَا مُنْتَقِمُ ، سُبْحَانَكَ يَا وَاسِعُ تَعَالَى يَا مُوسِعُ ، سُبْحَانَكَ يَا رَوْوْفُ تَعَالَى يَا عَطُوفُ ، سُبْحَانَكَ يَا فَرْدُ تَعَالَى يَا وَتَرُ . سُبْحَانَكَ يَا مُقِيَّتُ تَعَالَى يَا مُحِيطُ ، سُبْحَانَكَ يَا وَكِيلُ تَعَالَى يَا عَدْلُ ، سُبْحَانَكَ يَا مُبِينُ تَعَالَى يَا مُتِينُ ، سُبْحَانَكَ يَا بُرُّ تَعَالَى يَا وَدُودُ ، سُبْحَانَكَ يَا رَشِيدُ تَعَالَى يَا مُرْشِدُ ، سُبْحَانَكَ يَا نُورُ تَعَالَى يَا مُنَوَّرُ ، سُبْحَانَكَ يَا نَصِيرُ تَعَالَى يَا نَاصِرُ ، سُبْحَانَكَ يَا صَبُورُ تَعَالَى يَا صَابِرُ ، سُبْحَانَكَ يَا مُحْصِي تَعَالَى يَا مُنْشَى ، سُبْحَانَكَ يَا سُبْحَانَ تَعَالَى يَا دَيَّانُ ، سُبْحَانَكَ يَا مُغِيثُ تَعَالَى يَا غِيَاثُ ، سُبْحَانَكَ يَا فَاطِرُ تَعَالَى يَا حَاضِرُ ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ . سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْعِزِّ وَالْجَمَالِ تَبَارَكَتْ يَا ذَا الْجَبْرُوتِ وَالْجَلَالِ ، سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ، فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . (٧)

- ١- يقول عند آخر كل اسمين من أسمائه اللذين هما الفاصله : أجرنا من النار يا مجير .
- ٢- الارتياح من الله : الرحمه (مجمع البحرين : ج ٢ ص ٧٥١ «روح») . وقال المولى هادى السبزوارى قدس سره : الارتياح : الابتهاج، إن جعل اسم المفعول فهو مبتهَج به لأهله ، بل لغيرهم وإن لم يستشعروا، وإن جعل اسم الفاعل فهو مبتهَج بذاته وبآثار ذاته بما هي آثار ذاته (شرح الأسماء الحسنی : ص ٦١٦) .
- ٣- فى البلد الأمين : «يا حَفِيٌّ» .
- ٤- المَلَى : من لا يفتقر إلى الغير لا فى ذاته ولا فى صفاته (شرح الأسماء الحسنی : ج ١ ص ٨٩) .
- ٥- فى البلد الأمين : «تعاليت يا عالى» .
- ٦- ذرأ الله الخلق : إذا خلقهم (النهايه : ج ٢ ص ١٥٦ «ذرأ») .
- ٧- المصباح للكفعمى : ص ٣٥٩ ، البلد الأمين : ص ٣٦٢ .

المصباح ، کفعمی به نقل از پیامبر خدا ، در دعای نامور به «دعای مُجیر» : به نام خدای مهرگستر مهربان . پاکی تو ، ای خدا ؛ برینی تو ، ای مهرگستر (۱) ! پاکی تو ، ای مهربان ؛ برینی تو ، ای بزرگوار ! پاکی تو ، ای پادشاه ؛ برینی تو ، ای مالک ! پاکی تو ، ای قلدوس ؛ برینی تو ، ای بی گزند ! پاکی تو ، ای ایمنی بخش ؛ برینی تو ، ای نگهبان [عالم] ! پاکی تو ، ای عزتمند ؛ برینی تو ، ای جبار ! پاکی تو ، ای صاحب کبریا ؛ برینی تو ، ای فرازمند ! پاکی تو ، ای آفریننده ؛ برینی تو ، ای پدید آورنده ! پاکی تو ، ای صورتگر ؛ برینی تو ، ای تقدیر کننده ! پاکی تو ، ای راه نما ؛ برینی تو ، ای مانا ! پاکی تو ، ای بخششگر ؛ برینی تو ، ای توبه پذیر ! پاکی تو ، ای گشاینده ؛ برینی تو ، ای آرام ! پاکی تو ، ای آقای من ؛ برینی تو ، ای سرور من ! پاکی تو ، ای نزدیک ؛ برینی تو ، ای ناظر ! پاکی تو ، ای آغاز کننده ؛ برینی تو ، ای باز گرداننده (بازآفرین) ! پاکی تو ، ای ستوده ؛ برینی تو ، ای صاحب مجد ! پاکی تو ، ای دیرین ؛ برینی تو ، ای بزرگ ! پاکی تو ، ای آمرزگار ؛ برینی تو ، ای قدردان ! پاکی تو ، ای حاضر ؛ برینی تو ، ای گواه ! پاکی تو ، ای مهرورز ؛ برینی تو ، ای بنده نواز ! پاکی تو ، ای برانگیزنده ؛ برینی تو ، ای ارث برنده ! پاکی تو ، ای زنده کننده ؛ برینی تو ، ای میراننده ! پاکی تو ، ای دلسوز ؛ برینی تو ، ای بانرمش ! پاکی تو ، ای همدم ؛ برینی تو ، ای مونس ! پاکی تو ، ای شکوهمند ؛ برینی تو ، ای زیبا ! پاکی تو ، ای آگاه ؛ برینی تو ، ای بینا ! پاکی تو ، ای پنهان ؛ برینی تو ، ای ملامال (/ بی نیاز) ! پاکی تو ، ای معبود ؛ برینی تو ، ای موجود ! پاکی تو ، ای آمرزنده ؛ برینی تو ، ای چیره شونده ! پاکی تو ، ای آن که یادش می کنند ؛ برینی تو ، ای آن که سپاسش می گویند ! پاکی تو ، ای بخشنده بی چشمداشت ؛ برینی تو ، ای پناهگاه ! پاکی تو ، ای همه زیبایی ؛ برینی تو ، ای همه شکوه ! پاکی تو ، ای پیشین ؛ برینی تو ، ای روزی ده ! پاکی تو ، ای راستگو ؛ برینی تو ، ای آفریدگار ! پاکی تو ، ای شنوا ؛ برینی تو ، ای پُرسرعت ! پاکی تو ، ای بلندمرتبه ؛ برینی تو ، ای نوآفرین ! پاکی تو ، ای کسی که هر آنچه بخواهی ، انجام می دهی ؛ برینی تو ، ای والا- ! پاکی تو ، ای داور ؛ برینی تو ، ای خشنود ! پاکی تو ، ای چیره ؛ برینی تو ، ای آشکار ! پاکی تو ، ای دانا ؛ برینی تو ، ای حاکم ! پاکی تو ، ای همیشگی ؛ برینی تو ، ای پابرجا [و قائم به ذات خود] ! پاکی تو ، ای نگهدار ؛ برینی تو ، ای قسمت کننده ! پاکی تو ، ای بی نیاز ؛ برینی تو ، ای بی نیاز کننده ! پاکی تو ، ای وفا کننده ؛ برینی تو ، ای نیرومند ! پاکی تو ، ای کفایت کننده ؛ برینی تو ، ای شفا دهنده ! پاکی تو ، ای پیش افکننده ؛ برینی تو ، ای به تأخیر افکننده ! پاکی تو ، ای نخستین ؛ برینی تو ، ای واپسین ! پاکی تو ، ای پیدا ؛ برینی تو ، ای نهان ! پاکی تو ، ای امید ؛ برینی تو ، ای آن که به او امید می بندند ! پاکی تو ، ای صاحب نعمت ؛ برینی تو ، ای توانمند ! پاکی تو ، ای زنده ؛ برینی تو ، ای برپا دارنده (/ قائم به ذات خود) ! پاکی تو ، ای یکتا ؛ برینی تو ، ای یگانه ! پاکی تو ، ای آقا ؛ برینی تو ، ای مقصد حاجات ! پاکی تو ، ای توانا ؛ برینی تو ، ای بزرگ ! پاکی تو ، ای فرمان روا ؛ برینی تو ، ای والا- ! پاکی تو ، ای بلندمرتبه ؛ برینی تو ، ای برتر ! پاکی تو ، ای حمایتگر ؛ برینی تو ، ای سرور ! پاکی تو ، ای آفریننده نسل ها ؛ برینی تو ، ای آفریننده جانداران ! پاکی تو ، ای پایین آورنده ؛ برینی تو ، ای بالا- برنده ! پاکی تو ، ای دادگر ؛ برینی تو ، ای گرد آورنده ! پاکی تو ، ای عزتبخش ؛ برینی تو ، ای خوار کننده ! پاکی تو ، ای نگهدار ؛ برینی تو ، ای حفظ کننده ! پاکی تو ، ای توانا ؛ برینی تو ، ای قدرتمند ! پاکی تو ، ای همیشه دانا ؛ برینی تو ، ای بردبار ! پاکی تو ، ای حکم کننده ؛ برینی تو ، ای حکیم ! پاکی تو ، ای عطا کننده ؛ برینی تو ، ای منع کننده ! پاکی تو ، ای زیان رسان ؛ برینی تو ، ای سودرسان ! پاکی تو ، ای جواب دهنده ؛ برینی تو ، ای حسابرس ! پاکی تو ، ای دادگر ؛ برینی تو ، ای صاحب فضل ! پاکی تو ، ای لطیف ؛ برینی تو ، ای ارجمند ! پاکی تو ، ای پروردگار ؛ برینی تو ،

ای حق! پاکی تو، ای صاحب مجد؛ برینی تو، ای یکتا! پاکی تو، ای باگذشت؛ برینی تو، ای انتقام گیرنده! پاکی تو، ای گسترده؛ برینی تو، ای گستراننده! پاکی تو، ای رثوف؛ برینی تو، ای باعطوفت! پاکی تو، ای طاق؛ برینی تو، ای تک! پاکی تو، ای غذا دهنده (/نگهبان)؛ برینی تو، ای در میان گیرنده! پاکی تو، ای کارگزار؛ برینی تو، ای داد! پاکی تو، ای روشن (/روشنگر)؛ برینی تو، ای استوار! پاکی تو، ای نیکوکار؛ برینی تو، ای بامحبت! پاکی تو، ای رشید؛ برینی تو، ای ارشاد کننده! پاکی تو، ای روشنایی؛ برینی تو، ای روشنایی بخش! پاکی تو، ای یاور؛ برینی تو، ای یاری رسان! پاکی تو، ای پُرشکیب؛ برینی تو، ای شکیب! پاکی تو، ای آمار گیرنده؛ برینی تو، ای ایجاد کننده! پاکی تو، ای پاک؛ برینی تو، ای جزا دهنده! پاکی تو، ای دادرس؛ برینی تو، ای کمک! پاکی تو، ای شکافنده؛ برینی تو، ای حاضر! ما را از آتش، پناه ده، ای پناه دهنده! پاکی تو، ای صاحب عزت و زیبایی! خجسته ای تو، ای صاحب قدرت و شکوه! پاکی تو، ای آن که معبودی جز تو نیست! «پاکی تو. من از ستمکاران بودم. پس، دعای او را اجابت کردیم و از اندوهش رهانیدیم و ما این گونه، مؤمنان را می رهانیم» و درود خدا بر محمّد و همه خاندان او باد، و سپاس، خدای را که پروردگار جهانیان است. خدا ما را بس است و او نیکو کارگزاری است. و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای بلندمرتبه و باعظمت.

۱- در پایان هر بند دعا که شامل دو نام از نام های خداوند است، می گویی: «ما را از آتش، در پناه خویش گیر، ای پناه دهنده!».

البلد الأمين: دُعَاءُ التَّهْلِيلِ مَرُورِيٌّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ بِسْمِلِ وَقُلْ: ... سُبْحَانَ اللهِ ثَلَاثًا بَعْدَ كُلِّ تَسْبِيحٍ سَبَّحَهُ الْمُسَبِّحُونَ... وَسُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يُقَادَرُهُ (١) شَيْءٌ، سُبْحَانَ اللهِ الْحَكِيمِ الْكَبِيرِ الْخَالِقِ، سُبْحَانَ الْحَنَّانِ الْمَنَّانِ، سُبْحَانَ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ، سُبْحَانَ الْخَالِقِ الْبَارِي، سُبْحَانَ الصَّادِقِ الْبَادِي، سُبْحَانَ الْمُصَوِّرِ الْكَافِي، سُبْحَانَ الشَّافِي الْمُعَافِي، سُبْحَانَ مَنْ لَا يُعَادِلُهُ شَيْءٌ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يُحَادُّهُ شَيْءٌ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْلَمُهُ شَيْءٌ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يُغَيِّرُهُ شَيْءٌ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَقَهَّرُهُ شَيْءٌ فِي مُلْكِهِ. سُبْحَانَ مَنْ لَا يَحْدُهُ الْحَادُّونَ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَصِفُهُ الْوَاصِفُونَ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يُسَبِّهُهُ الْمُسَبِّهُونَ، سُبْحَانَ مَنْ لَا أَبَ لَهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا قَرِينَ لَهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا شَبِيهَ لَهُ، سُبْحَانَ الْقَادِرِ الْمُقْتَدِرِ، سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْمُتَعَالِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَفُوتُهُ شَيْءٌ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ، سُبْحَانَ مَنْ لَا تُدْرِكُهُ الْعُيُونُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا تُخَالِطُهُ الظُّنُونُ، سُبْحَانَ مُنْشِئِ الْأَشْيَاءِ بِمَشِيئَتِهِ، سُبْحَانَ الْمُدَبِّرِ بَتَدْبِيرِهِ، سُبْحَانَ مَنْ جَلَّ عَنِ الْأَشْيَاءِ وَالْعَرْشِ بِإِنْشَائِهِ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْشَأَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ بِقُدْرَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْشَأَ السَّمَاوَاتِ الْعُلَى، سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ الْحُجُبَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَسْتَعِينَ بِأَحَدٍ، سُبْحَانَ خَالِقِ سُورَةِ النَّوْرِ، سُبْحَانَ مَنْ أَقَامَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ وَلَا مَعِينٍ، سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ الْعَرْشَ وَانْفَرَدَ بِتَقْدِيرِ الْأَشْيَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ عَجَائِبَ خَلْقِهِ مِنْ غَيْرِ شَرِيكَ مَعَهُ، وَجَلَّ عَنِ الْأَشْيَاءِ فَلَا يُدْرِكُهُ شَيْءٌ، سُبْحَانَ الْخَالِقِ الْمُصَوِّرِ، لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. سُبْحَانَ مَنْ أَثْبَتَ الْأَرْضَ بِقُدْرَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ الْخَلْقَ بِعَظَمَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْشَأَ الرِّيَّاحَ وَرُسُلَهَا حَيْثُ يَشَاءُ، سُبْحَانَ مَنْ لَمْ يَقْطَعْ رِزْقَهُ عَنْ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ، سُبْحَانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ بِأَنْوَاعِ اللُّغَاتِ، سُبْحَانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ الْجَنَّةُ بِغَرَائِبِ التَّسْبِيحِ، سُبْحَانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ النَّيرانُ بِأَغْلَالِهَا، سُبْحَانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ الْجِبَالُ بِأَكْنافِهَا (٢)، سُبْحَانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ الْأَشْجَارُ عِنْدَ تَوْرِيدِ أَوْرَاقِهَا، سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ. يَا رَبِّ ثَلَاثًا يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ، وَيَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ، وَيَا مُعْتِقَ الرِّقَابِ مِنَ الْعَذَابِ، سُبْحَانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ الْبِحَارُ عِنْدَ تَلَاطُمِ أَمْوَاجِهَا، سُبْحَانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ الذَّرُّ فِي مَسَاكِنِهَا، سُبْحَانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ الرِّيَّاحُ عِنْدَ هُبُوبِ جَرْيَانِهَا، سُبْحَانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ الْحَيْتَانُ فِي قَرَارِ بَحَارِهَا، سُبْحَانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ الْجِنَّ بِلُغَاتِهَا، سُبْحَانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ بَنُو آدَمَ عَلَى اخْتِلَافِ لُغَاتِهَا، سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ، سُبْحَانَ الْجَلِيلِ الْجَمِيلِ. يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ، يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ، يَا سِتَّارَ الْعُيُوبِ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَكَانٌ، يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، يَا عَظِيمَ الشَّانِ، يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنِ شَأْنٍ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. يَا دَائِمٌ، يَا قَائِمٌ، يَا قَدِيمٌ، يَا مَلِكٌ، يَا قَدُوسٌ، يَا سَلَامٌ، يَا مُؤْمِنٌ، يَا مُهَيِّمٌ، يَا عَزِيزٌ، يَا جَبَّارٌ، يَا مُتَكَبِّرٌ، يَا خَالِقٌ، يَا بَارِئٌ، يَا مُصَوِّرٌ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. (٣)

١- في مستدرک الوسائل: ج ٢ ص ٢٤٠ ح ١٨٧٨: «لا يغادره».

٢- أكناف الجبل والوادي: نواحيهما حيث تنضم إليه (تاج العروس: ج ١٢ ص ٤٦٦ «كنف»).

٣- البلد الأمين: ص ٣٧٤.

البلد الامین در بیان دعای تهلیل روایت شده از پیامبر صلی الله علیه و آله : به نام خدا بگو و بگو : ... پا کا خدا (سه مرتبه) به شمار هر تسبیحی که تسبیح کنندگانش می گویند ... و پا کا آن که چیزی همانند او نیست ! پا کا آن که چیزی هم توان او نیست ! پا کا خدای حکیم و بزرگ و آفریننده ! پا کا مهرورز بنده نواز ! پا کا بردبار بزرگوار ! پا کا آفریدگار جان آفرین ! پا کا راستگوی آفریننده [ی خلق] از نیستی ! پا کا صورتگر کفایت کننده ! پا کا شفا دهنده عافیت بخش ! پا کا آن که چیزی همسنگ او نیست ! پا کا آن که هیچ چیزی با او ضدیت نتواند کرد ! پا کا آن که هیچ چیزی به او علم پیدا نتواند کرد ! پا کا آن که هیچ چیزی تغییرش نتواند داد ! پا کا آن که هیچ چیزی او را در پادشاهی اش مقهور نتواند کرد ! پا کا آن که تعریف کنندگان تعریفش نتوانند کرد ! پا کا آن که وصف کنندگان ، از عهده وصفش بر نخواهند آمد ! پا کا آن که تشبیه کنندگان ، او را تشبیه نتوانند کرد ! پا کا آن که پدری ندارد ! پا کا آن که همسری ندارد ! پا کا آن که هیچ همانندی ندارد ! پا کا توانای قدرتمند ! پا کا والای برین ! پا کا آن که هیچ چیزی از او فوت نمی شود ! پا کا آن که چیزی بر او پوشیده نیست ! پا کا آن که دیدگان ، او را در نمی یابند ! پا کا آن که در گمان ها نمی گنجد ! پا کا آن که موجودات را به خواست خویش پدید می آورد ! پا کا گرداننده [ی کار عالم] به تدبیر خویش ! پا کا آن که از موجودات و عرش ، برتر است ؛ چرا که خود ، ایجاد کننده آنهاست ! پا کا آن که شب و روز را با قدرت خویش آفرید ! پا کا آن که آسمان های بالا را آفرید ! پا کا آن که حجاب ها را آفرید ، بی آن که از کسی کمک بگیرد ! پا کا آفریننده شدت نور ! پا کا آن که آسمان ها را بی هیچ ستونی و کمکی برپا داشت ! پا کا آن که عرش را آفرید و به تنهایی ، چیزها را اندازه گیری کرد ! پا کا آن که مخلوقات شگفتش را آفرید ، بی آن که [در این کار] هیچ شریک و دستیاری داشته باشد ، و از همه چیز ، برتر است و هیچ چیز ، او را در نمی یابد ! پا کا آفریننده صورتگر ، که نام های نیکو ، همه از آن اوست ! آنچه در آسمان ها و زمین است ، او را به پاکی می ستاید و او عزتمند و استوار کار است . پا کا آن که زمین را با قدرت خویش ، استوار داشت ! پا کا آن که مخلوقات را با عظمت خویش آفرید ! پا کا آن که بادها را پدید آورد و آنها را هر جا که بخواهد ، روانه می سازد ! پا کا آن که روزی خویش را از هیچ آفریده اش نمی برد ! پا کا آن که فرشتگان به زبان های گونه گونه تسبیحش می گویند ! پا کا آن که بهشت ، او را با ستایش های شگفت ، تسبیح می گوید ! پا کا آن که آتش ها [ی دوزخ] ، او را با کند و زنجیرهایشان تسبیح می گویند ! پا کا آن که کوه ها او را با کرانه هایشان تسبیح می گویند ! پا کا آن که درختان ، با جوانه زدن و گل دادن برگ هایشان ، او را تسبیح می گویند ! پا کا و برینا او از آنچه برایش انباز می آورند ! ای پروردگار (سه مرتبه) ! ای خداوند خداوندان ، و ای سبب ساز ، و ای آزاد کننده بندگان از عذاب ! پا کا آن که دریاها با خروش خیزاب هایشان ، او را تسبیح می گویند ! پا کا آن که مورچگان در لانه هایشان ، او را تسبیح می گویند ! پا کا آن که بادها با وزش جریان هایشان ، او را تسبیح می گویند ! پا کا آن که ماهیان در بستر دریاها او را تسبیح می گویند ! پا کا آن که پریان به زبان های خویش ، تسبیحش می گویند ! پا کا آن که آدمیان به زبان های گونه گونه تسبیحش می گویند ! پا کا آن ایستاده پاینده ! پا کا آن شکوهمند زیبا ! ای دانای نهران ها ! ای آمرزنده گناه ها ! ای پوشاننده عیب ها ! ای آن که هیچ جایی بر او پوشیده نیست ! ای آن که هر روزی [و آنی] ، در کاری است ! ای بلندمرتبه ! ای آن که هیچ کاری ، او را از کاری دیگر باز نمی دارد ! ای شکوهمند گرامی ! ای پاینده ! ای ایستاده ! ای دیرین ! ای پادشاه ! ای پاک ! ای بی گزند ! ای ایمنی بخش ! ای نگهبان [عالم] ! ای عزتمند ! ای قدرتمند ! ای بزرگ منش ! ای آفریننده ! ای پدید آورنده [ی جانداران ، بدون الگو] ! ای صورتگر ! ای آن که هیچ چیزی همانندش نیست و او شنوا و

بیناست! معبودی جز تو نیست . پاکی تو و من ، از ستمکاران بوده ام .

مُهَيَّجِ الدَّعَوَاتِ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي دُعَائِهِ لِلْوَقَايَةِ مِنَ الْمَحْذُورَاتِ : سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ تَقُولُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ سُبْحَانَهُ مِنْ إِلَهٍ مَا أَمْلَكُهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ مَلِكٍ مَا أَدْرَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ قَدِيرٍ مَا أَعْظَمَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ عَظِيمٍ مَا أَجَلَّهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ جَلِيلٍ مَا أَمَجَدَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ مَاجِدٍ مَا أَرَأَفَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ رَوْوفٍ مَا أَعَزَّهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ عَزِيزٍ مَا أَكْبَرَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ كَبِيرٍ مَا أَدَمَّهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ قَدِيمٍ مَا أَعْلَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ عَالٍ مَا أَسْنَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ سَيْنِيٍّ مَا أَبْهَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ بَهِيٍّ مَا أَنْوَرَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ مُنِيرٍ مَا أَظْهَرَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ ظَاهِرٍ مَا أَخْفَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ خَفِيٍّ مَا أَعْلَمَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ عَلِيمٍ مَا أَخْبَرَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ خَبِيرٍ مَا أَكْرَمَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ كَرِيمٍ مَا أَلْطَفَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ لَطِيفٍ مَا أَبْصَرَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ بَصِيرٍ مَا أَسْمَعَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ سَمِيعٍ مَا أَحْفَظَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ حَفِيزٍ مَا أَمْلَأَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ مَلِيٍّ مَا أَوْفَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ وَفِيٍّ مَا أَغْنَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ غَنِيٍّ مَا أَعْطَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ مُعْطٍ مَا أَوْسَعَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ وَاسِعٍ مَا أَجْوَدَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ جَوَادٍ مَا أَفْضَلَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ مُفْضِلٍ مَا أَنْعَمَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ مُنْعِمٍ مَا أَسَيَّدَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ سَيِّدٍ مَا أَرْحَمَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ رَحِيمٍ مَا أَشَدَّهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ شَدِيدٍ مَا أَقْوَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ قَوِيٍّ مَا أَحْكَمَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ حَكِيمٍ مَا أَبْطَشَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ بَاطِشٍ مَا أَقْوَمَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ قَيُّومٍ مَا أَحْمَدَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ حَمِيدٍ مَا أَدْوَمَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ دَائِمٍ مَا أَبْقَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ بَاقٍ مَا أَفْرَدَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ فَرْدٍ مَا أَوْحَدَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ وَاحِدٍ مَا أَصَمَدَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ صَمَدٍ مَا أَمْلَكَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ مَالِكٍ مَا أَوْلَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ وَلِيٍّ مَا أَعْظَمَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ عَظِيمٍ مَا أَكْمَلَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ كَامِلٍ مَا أَنْتَمَّهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ تَامٍّ مَا أَعْجَبَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ عَجِيبٍ مَا أَفْخَرَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ فَاخِرٍ مَا أَبَعَدَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ بَعِيدٍ مَا أَقْرَبَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ قَرِيبٍ مَا أَمْنَعَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ مَانِعٍ مَا أَغْلَبَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ غَالِبٍ مَا أَعْفَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ عَفُوٍّ مَا أَحْسَنَتْهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ مُحْسِنٍ مَا أَجْمَلَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ جَمِيلٍ مَا أَقْبَلَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ قَابِلٍ مَا أَشْكُرَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ شَكُورٍ مَا أَغْفَرَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ غَفُورٍ مَا أَكْبَرَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ كَبِيرٍ مَا أَجْبَرَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ جَبَّارٍ مَا أَدَيْتَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ دَيَّانٍ مَا أَقْضَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ قَاضٍ مَا أَمْضَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ مَاضٍ مَا أَنْفَذَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ نَافِذٍ مَا أَرْحَمَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ رَحِيمٍ مَا أَخْلَقَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ خَالِقٍ مَا أَفْهَرَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ قَاهِرٍ مَا أَمْلَكَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ مَلِكٍ مَا أَدْرَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ قَادِرٍ مَا أَرْفَعَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ رَفِيعٍ مَا أَشْرَفَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ شَرِيفٍ مَا أَرْزَقَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ رَازِقٍ مَا أَقْبَضَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ قَابِضٍ مَا أَبْسَطَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ بَاسِطٍ مَا أَهْدَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ هَادٍ مَا أَصَدَّقَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ صَادِقٍ مَا أَبْدَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ بَادِيٍّ مَا أَقْدَسَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ قُدُّوسٍ مَا أَظْهَرَهُ (مَا أَظْهَرَهُ) ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ ظَاهِرٍ (ظَاهِرٍ) مَا أَرْكَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ زَكِيٍّ مَا أَبْقَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ بَاقٍ مَا أَعْوَدَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ عَوَادٍ مَا أَفْطَرَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ فَاطِرٍ مَا أَرْعَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ رَاعٍ مَا أَعْوَنَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ مُعِينٍ مَا أَوْهَبَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ وَهَّابٍ مَا أَتَوَّبَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ تَوَّابٍ مَا أَسْخَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ سَخِيٍّ مَا أَبْصَرَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ بَصِيرٍ مَا أَسْلَمَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ سَلِيمٍ مَا أَشْفَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ شَافٍ مَا أَنْجَاهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ مُنْجٍ مَا أَبْرَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ بَارٍّ مَا أَطْلَبَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ طَالِبٍ مَا أَدْرَكَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ مُدْرِكٍ مَا أَشَدَّهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ شَدِيدٍ مَا أَعْطَفَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ مُتَعَطِّفٍ مَا أَعْدَلَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ عَادِلٍ مَا أَتَقَّنَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ مُتَقِنٍ مَا أَحْكَمَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ حَكِيمٍ مَا أَكْفَلَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ كَفِيلٍ مَا أَشْهَدَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ شَهِيدٍ مَا أَحْمَدَهُ ، وَسُبْحَانَ هُوَ اللَّهُ الْعَظِيمُ وَبِحَمْدِهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ الْحَمْدُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، دَافِعِ كُلِّ بَلِيٍّ ، وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ

١- .مُهَج الدعوات : ص ١٠٩ ، المصباح للكفعمي : ص ٣٦١ ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٣٦٧ ح ٢٢ .

مهج الدعوات به نقل از امام علی علیه السلام ، از پیامبر خدا ، در دعای ایشان برای محفوظ ماندن از خطرات : پاکا و سپاسا خدای بزرگ را (این را سه مرتبه می گویی) ! پاکا معبودی چنین فرمان روا! پاکا فرمان روایی چنین توانا! پاکا توانایی چنین بزرگ! پاکا بزرگی چنین شکوهمند! پاکا شکوهمندی چنین بزرگوار! پاکا بزرگواری چنین مهربان! پاکا مهربانی چنین ارجمند! پاکا ارجمندی چنین بزرگ! پاکا بزرگی چنین دیرین! پاکا دیرینی چنین والا-! پاکا والایی چنین بلندمرتبه! پاکا بلندمرتبه ای چنین زیبا! پاکا زیبایی چنین تابناک! پاکا تابناکی چنین هویدا! پاکا هویدایی چنین پنهان! پاکا پنهانی چنین دانا! پاکا دانایی چنین آگاه! پاکا آگاهی چنین گرامی! پاکا گرامی ای چنین لطیف! پاکا لطیفی چنین بینا! پاکا بینایی چنین شنوا! پاکا شنوایی چنین یادسپار! پاکا یاد سپارنده ای چنین وفادار! پاکا وفاداری چنین توانگر! پاکا توانگری چنین دهنده! پاکا دهنده ای چنین گشاده دست! پاکا گشاده دستی چنین بخشنده! پاکا بخشنده ای چنین افزون ده! پاکا افزون دهی چنین بنده نواز! پاکا بنده نوازی چنین آقا! پاکا آقایی چنین مهربان! پاکا مهربانی چنین پُرتوان! پاکا پُرتوانی چنین نیرومند! پاکا نیرومندی چنین استوار! پاکا استواری چنین حمله ور! پاکا حمله وری چنین پابرجا! پاکا پابرجایی چنین ستوده! پاکا ستوده ای چنین پاینده! پاکا پاینده ای چنین مانا! پاکا مانایی چنین یکتا! پاکا یکتایی چنین یگانه! پاکا یگانه ای چنین بی نیاز! پاکا بی نیازی چنین مالک! پاکا مالکی چنین حمایتگر! پاکا حمایتگری چنین بزرگ! پاکا بزرگی چنین کامل! پاکا کاملی چنین تمام! پاکا تمامی چنین شگفت انگیز! پاکا شگفت انگیزی چنین نازنده! پاکا نازنده ای چنین دور! پاکا دوری چنین نزدیک! پاکا نزدیکی چنین دست نیافتنی! پاکا دست نیافتنی ای چنین چیره! پاکا چیره ای چنین باگذشت! پاکا باگذشتی چنین نیکوکار! پاکا نیکوکاری چنین احسانگر! پاکا احسانگری چنین پذیرنده! پاکا پذیرنده ای چنین سپاسدار! پاکا سپاسداری چنین آمرزگار! پاکا آمرزگاری چنین بزرگ! پاکا بزرگی چنین باجبروت! پاکا باجبروتی چنین سزا دهنده! پاکا سزا دهنده ای چنین حکم کننده! پاکا حکم کننده ای چنین امضا کننده! پاکا امضا کننده ای چنین اجرا کننده! پاکا اجرا کننده ای چنین مهربان! پاکا مهربانی چنین آفریننده! پاکا آفریننده ای چنین قهار! پاکا قهاری چنین پادشاه! پاکا پادشاهی چنین قدرتمند! پاکا قدرتمندی چنین بلندپایه! پاکا بلندپایه ای چنین ارجمند! پاکا ارجمندی چنین روزی ده! پاکا روزی دهی چنین گیرنده! پاکا گیرنده ای چنین گستراننده! پاکا گستراننده ای چنین هدایتگر! پاکا هدایتگری چنین راستگو! پاکا راستگویی چنین آغازگر! پاکا آغازگری چنین مقدس! پاکا مقدسی چنین آشکار (/ پاک)! پاکا آشکاری (/ پاک) چنین وارسته! پاکا وارسته ای چنین مانا! پاکا مانایی چنین باز گرداننده! پاکا باز گرداننده ای چنین آفریننده! پاکا آفریننده ای چنین سرپرست! پاکا سرپرستی چنین کمک کننده! پاکا کمک کننده ای چنین دِهشگر! پاکا دِهشگری چنین توبه پذیر! پاکا توبه پذیری چنین سخاوتمند! پاکا سخاوتمندی چنین بینا! پاکا بینایی چنین سالم! پاکا سالمی چنین شفابخش! پاکا شفابخشی چنین نجاتبخش! پاکا نجاتبخشی چنین نیکی کننده! پاکا نیکی کننده ای چنین جوینده! پاکا جوینده ای چنین رسنده! پاکا رسنده ای چنین زورمند! پاکا زورمندی چنین مهرورز! پاکا مهرورزی چنین دادگر! پاکا دادگری چنین استوارساز! پاکا استوارسازی چنین مُحکم کار! پاکا محکمکاری چنین ضمانت کننده! پاکا ضمانت کننده ای چنین گواه! پاکا گواهی چنین پسندیده! پاکا و پاکا خدای بزرگ! و سپاس ، خدای را . معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ ترین است و سپاس ، از آن خداست . هیچ توش و توانی نیست ، جز به یاری خداوند والا و بزرگ که دور کننده هر بلایی است ، و او مرا بس است و نیکو کارگزاری است او .

رجال الكشي عن سعيد بن المسيب: كَانَ الْقَوْمُ لَا يَخْرُجُونَ مِنْ مَكَّةَ ، حَتَّى يَخْرُجَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَخَرَجَ وَخَرَجَتْ مَعَهُ ، فَنَزَلَ فِي بَعْضِ الْمَنَازِلِ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ ، فَسَبَّحَ فِي سُجُودِهِ ، فَلَمْ يَبْقَ شَجَرٌ وَلَا مَدْرٌ إِلَّا سَبَّحُوا مَعَهُ ، فَفَزَعْنَا ، فَرَفَعَ رَأْسَهُ ، فَقَالَ : يَا سَعِيدُ ، أَفَزَعَتْ؟ قُلْتُ : نَعَمْ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! فَقَالَ : هَذَا التَّسْبِيحُ الْأَعْظَمُ ، حَدَّثَنِي أَبِي ، عَنْ حَيْدِي ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ : لَا يَبْقَى الذُّنُوبُ مَعَ هَذَا التَّسْبِيحِ ، فَقُلْتُ : عَلَّمْنَا . وَفِي رِوَايَةِ عَلِيِّ بْنِ زَيْدٍ ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ ، أَنَّهُ الْإِمَامَ زَيْنَ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ [سَبَّحَ فِي سُجُودِهِ ، فَلَمْ يَبْقَ حَوْلَهُ شَجَرَةٌ وَلَا مَدْرَةٌ إِلَّا سَبَّحَتْ بِتَسْبِيحِهِ ، فَفَزَعْتُ مِنْ ذَلِكَ وَأَصْحَابِي ، ثُمَّ قَالَ : يَا سَعِيدُ ، إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ لَمَّا خَلَقَ جِبْرَائِيلَ ، أَلْهَمَهُ هَذَا التَّسْبِيحَ ، فَسَبَّحَتْ السَّمَاوَاتُ وَمَنْ فِيهِنَّ لِتَسْبِيحِهِ الْأَعْظَمِ ، وَهُوَ اسْمُ اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ الْأَكْبَرِ . . . وَالتَّسْبِيحُ هُوَ هَذَا : سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَحَنَانِيكَ ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَعَالَيْتَ ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَالْعِزُّ إِزَارُكَ ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَالْعَظَمَةُ رِذَاؤُكَ وَيُقَالُ سِرْبَالُكَ ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَالْكَبْرِيَاءُ سُلْطَانُكَ ، سُبْحَانَكَ مِنْ عَظِيمِ مَا أَعْظَمَكَ ! سُبْحَانَكَ سُبِّحَتْ فِي الْأَعْلَى ، سُبْحَانَكَ تَسْمَعُ وَتَرَى مَا تَحْتَ الثَّرَى ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ شَاهِدُ كُلِّ نَجْوَى ، سُبْحَانَكَ مَوْضِعُ كُلِّ نَجْوَى (١) ، سُبْحَانَكَ حَاضِرُ كُلِّ مَلَأٍ ، سُبْحَانَكَ عَظِيمُ الرَّجَاءِ ، سُبْحَانَكَ تَرَى مَا فِي قَعْرِ الْمَاءِ ، سُبْحَانَكَ تَسْمَعُ أَنْفَاسَ الْحَيْتَانِ فِي قُعُورِ الْبِحَارِ ، سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ السَّمَاوَاتِ ، سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ الْأَرْضِينَ ، سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ ، سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ الظُّلْمَةِ وَالنُّورِ ، سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ الْفَيْءِ وَالْهَوَاءِ ، سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ الرِّيحِ كَمْ هِيَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ ، سُبْحَانَكَ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ ، سُبْحَانَكَ عَجَبًا لِمَنْ عَرَفَكَ كَيْفَ لَا يَخَافُكَ ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . (٢)

١- في بحار الأنوار: «شكوى» .

٢- رجال الكشي: ج ١ ص ٣٣٣ ح ١٨٧ و ١٨٨ ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٢٦ ح ٤٦ .

رجال الکشی: سعید بن مسیب ، روایت کرد که : مردم از مکه خارج نمی شدند تا علی بن الحسین ، مهتر عبادت پیشگان علیه السلام ، خارج شود . ایشان بیرون رفت و من هم با ایشان بیرون رفتم . ایشان در یکی از منزلگاه ها فرود آمد و دو رکعت نماز خواند و در سجودش تسبیح گفت و هیچ بوته و کلوخی نبود ، مگر آن که هم صدا با او تسبیح گفتند . ما به وحشت افتادیم . ایشان سرش را [از سجده] برداشت و فرمود : «وحشت کردی ، ای سعید؟» . من گفتم : آری ، ای فرزند پیامبر خدا! فرمود : «این ، تسبیح اعظم است . پدرم ، از جدّم ، از پیامبر خدا برایم نقل کرد که فرمود : با این تسبیح ، گناهان ، باقی نمی مانند» . گفتم : به ما بیاموزید . در روایت علی بن زید از سعید بن مسیب آمده است که امام زین العابدین علیه السلام در سجود خود تسبیح گفت و هیچ بوته و کلوخی پیرامون ایشان نبود ، مگر این که با تسبیح ایشان ، تسبیح گفت . من و همراهانم از این حادثه وحشت زده شدیم . ایشان سپس فرمود : «ای سعید! خداوند عز و جل چون جبرئیل را آفرید ، این تسبیح را به او الهام فرمود و با این تسبیح اعظم او ، آسمان ها و آسمانیان ، تسبیح گفتند . این ، بزرگ ترین نام خداوند عز و جل است ...» . تسبیح ، این است : پاکی تو ای خداوند و مهربانی تو . پاکی تو ای خداوند و برینی تو . پاکی تو ای خداوند که عزّت ، جامه توست . پاکی تو ای خداوند که بزرگی ، ردای توست (و به قولی : تن پوش توست) . پاکی تو ای خداوند که کبریا سلطنت توست . پاکی تو ای بزرگ و چه بزرگی تو! پاکی تو که در [عالم] بالا تسبیحت می گویند . پاکی تو که آنچه را زیر زمین است ، می شنوی و می بینی . پاکی تو که گواه بر هر نجوایی . پاکی تو که جایگاه هر نجوایی . پاکی تو که در هر جمعی حاضری . پاکی تو که امید بزرگی . پاکی تو که آنچه را در قعر آب است ، می بینی . پاکی تو که نفّس های ماهیان در اعماق دریاها را می شنوی . پاکی تو که وزن آسمان ها را می دانی . پاکی تو که وزن زمین ها را می دانی . پاکی تو که وزن خورشید و ماه را می دانی . پاکی تو که وزن تاریکی و روشنی را می دانی . پاکی تو که وزن سایه و هوا را می دانی . پاکی تو که وزن باد را می دانی که به وزن چه ذره ای است . پاکی تو . مقدّسی ، مقدّسی ، مقدّسی . پاکی تو . شگفتا از کسی که تو را بشناسد و از تو نهراسد ! پاکی تو ای خداوند و سپاس ، تو را . پاکی خدای والا و بزرگ !

مستدرک الوسائل عن النوفلى بإسناده عن رسول الله صلى الله عليه وآله فى خبر المَلِكِ الَّذِى يُسَبِّحُ اللَّهَ كَثِيرًا ، إِذْ قَالَ : أَى رَبِّ ، هَلْ مِمَّنْ خَلَقْتَ يُسَبِّحُكَ تَسْبِيحِي؟ قَالَ : نَعَمْ يُونُسُ . قَالَ : فَسَيَلُّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَلْ هُوَ يُونُسُ بْنُ مَتَّى؟ قَالَ : لَا- ، وَلَكِنْ عَبْدٌ يُقَالُ لَهُ يُونُسُ قَالَ الْمَلِكُ : أَى رَبِّ ائْذَنْ لِي فِي زِيَارَتِهِ وَلِقَائِهِ . قَالَ : نَعَمْ ، فَقَصَّيْدَهُ الْمَلِكُ ، فَقَالَ : إِنِّي مَعَ مَا تَرَى مِنْ كَثْرَةِ خَلْقِي ، سَأَلْتُ رَبِّي هَيْلَ شَيْءٍ يُسَبِّحُهُ تَسْبِيحِي؟ قَالَ : نَعَمْ ، يُونُسُ ، فَمَا تَسْبِيحُكَ؟! قَالَ : أَقُولُ إِذَا أَصْبَحْتُ وَإِذَا أَمْسَيْتُ عَشْرَ مَرَّاتٍ : الْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، أضعافَ ما حَمَدَهُ وَسَبَّحَهُ وَهَلَّلَهُ وَكَبَّرَهُ جَمِيعَ خَلْقِهِ ، كَمَا يُحِبُّ وَيَرْضَى ، وَكَمَا يَتَّبِعِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ ، وَعِزِّ جَلَالِهِ ، وَمِدَادِ كَلِمَاتِهِ . (١)

٧ / ١٢ التَّسْبِيحَاتُ الْمَأْثُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَعَهُ صَفِيْنُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عُبَيْدِ بْنِ أَبِي الْكَنْوَدِ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : سُبْحَانَ (٢) ذِي الطُّوْلِ وَالنَّعْمِ ، سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْإِفْضَالِ . (٣)

نهج البلاغه عن الإمام علي عليه السلام : سُبْحَانَكَ خَالِقًا وَمَعْبُودًا بِحُسْنِ بَلَائِكَ عِنْدَ خَلْقِكَ! (٤)

إثبات الوصية عن الإمام علي عليه السلام : سُبْحَانَكَ مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ ، وَبَايَنْتَ كُلَّ شَيْءٍ ، فَأَنْتَ الَّذِي لَا يَفْقِدُكَ شَيْءٌ ، وَأَنْتَ الْفَعَّالُ لِمَا تَشَاءُ . (٥)

١- مستدرک الوسائل : ج ٥ ص ٣٩٤ ح ٦١٧٢ نقلًا عن درر اللآلی .

٢- فى شرح نهج البلاغه و بحار الأنوار : «سبحان الله...» .

٣- وقعه صفين : ص ١٣٤ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٩٣ ح ١٤ ؛ شرح نهج البلاغه : ج ٣ ص ١٦٧ .

٤- نهج البلاغه : الخطبه ١٠٩ ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ٣١٨ ح ٤٣ ؛ العقد الفريد : ج ٣ ص ١٢٩ نحوه .

٥- إثبات الوصية : ص ١٣٧ ، بحار الأنوار : ج ٢٥ ص ٢٨ ح ٤٦ .

۲ / ۷ تسبیحات رسیده از امام علی بن ابی طالب علیه السلام

مستدرک الوسائل به نقل از نوفلی ، در باره فرشته ای که خدا را بسیار تسبیح می گوید : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «فرشته گفت : ای پروردگار من! آیا از میان آفریدگانت ، کسی هست که تو را چون من تسبیح گوید ؟ [خدا] فرمود : آری ؛ یونس» . از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد : آیا او همان یونس بن مَتی است ؟ فرمود : «نه ؛ بلکه بنده ای است که به او یونس می گویند . فرشته گفت : ای پروردگار من! مرا اجازت فرما تا او را زیارت و دیدار کنم . [خدا] فرمود : باشد . پس فرشته به نزد او رفت و گفت : من با وجود این همه خلقم که می بینی ، از پروردگارم پرسیدم : آیا موجودی هست که چونان من ، او را تسبیح گوید ؟ و او فرمود : آری ؛ یونس . مگر تو چه تسبیحی می گویی؟! یونس گفت : من در آغاز بامداد و شامگاه ، ده مرتبه می گویم : سپاس ، خدای را ، و پاکا خدا ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است ، چند چندان آنچه همه آفریدگانش او را سپاس می گویند و به پاکی و یگانگی و بزرگی اش می ستایند ، آن سان که او دوست دارد و می پسندد و آن سان که سزایند ذات پاک او و شکوه بی مانند او و گستردگی کلمات اوست » .

۲ / ۷ تسبیحات رسیده از امام علی بن ابی طالب علیه السلام به نقل از عبد الرحمان بن عبید بن ابی کنود ، از امام علی علیه السلام : پاکا خداوند بخشنده (/ قدرت) و نعمت ها ! پاکا خداوند توانایی و دهبش !

نهج البلاغه به نقل از امام علی علیه السلام : پاکا تو آفریدگار و معبودی که آفریدگانت را خوش می نوازی!

إثبات الوصیة به نقل از امام علی علیه السلام : پاکا تو که هر چیزی را [از خود] آکنده ای و [در عین حال] از هر چیزی جدایی ! تویی آن که هیچ چیزی تهی از تو نیست ، و تو آنی که آنچه بخواهی ، انجام می دهی .

الأمالى للطوسى عن زيد بن على عن الإمام زين العابدين عليه السلام عن الإمام على عليه السلام: سُبْحَانَهُ مِنْ لَطِيفِ خَبِيرٍ ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ . (١)

كنز الفوائد عن الإمام على عليه السلام: سُبْحَانَهُ مَنْ إِذَا تَنَاهَتْ الْعُقُولُ فِي وَصْفِهِ كَانَتْ حَائِزَةً عَنِ دَرَكِ السَّبِيلِ إِلَيْهِ ، وَتَبَارَكَ مَنْ إِذَا غَرِقَتِ الْفِطْنُ فِي تَكْيِيفِهِ لَمْ يَكُنْ لَهَا طَرِيقٌ إِلَيْهِ غَيْرَ الدَّلَالَةِ عَلَيْهِ . (٢)

نهج البلاغه عن الإمام على عليه السلام: سُبْحَانَ الَّذِي بَهَرَ الْعُقُولَ عَنْ وَصْفِ خَلْقِ جَلَاءَ لِلْعُيُونِ ، فَأَدْرَكَتُهُ مُحْدودًا مُكُونًا ، وَمَوْلَانَا ، وَأَعَجَزَ الْأَلْسُنَ عَنْ تَلْخِصِ صِفَتِهِ ، وَقَعِدَ بِهَا عَنْ تَأْدِيَةِ نَعْتِهِ . وَسُبْحَانَ مَنْ أَدْمَجَ قَوَائِمَ الذَّرَّةِ (٣) وَالْهَمَجِ (٤) إِلَى مَا فَوْقَهُمَا مِنْ خَلْقِ الْحَيْتَانِ وَالْفَيْلِ ، وَوَأَى (٥) عَلَى نَفْسِهِ أَنْ لَا يَضْطَرِبَ شَيْخٌ مِمَّا أَوْلَجَ فِيهِ الرُّوحَ ، إِلَّا وَجَعَلَ الْحِمَامَ مَوْعِدَهُ ، وَالْفَنَاءَ غَايَتَهُ . (٦)

العقد الفريد عن الإمام على عليه السلام: سُبْحَانَهُ مَا أَجَلَ شَأْنَهُ وَأَعْظَمَ سُلْطَانَهُ! تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ الْعُلَى وَمَنْ فِي الْأَرْضِ السُّفْلَى ، لَهُ التَّسْبِيحُ وَالْعِظْمَةُ ، وَالْمُلْكُ وَالْقُدْرَةُ ، وَالْحَوْلُ وَالْقُوَّةُ ، يَقْضَى بِعِلْمِهِ ، وَيَعْفُو بِحِلْمِهِ ، قُوَّةٌ كُلُّ ضَعِيفٍ ، وَمَفْرَعٌ كُلُّ مَلْهُوفٍ ، وَعِزٌّ كُلُّ ذَلِيلٍ ، وَوَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ ، وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ ، وَكَاشِفُ كُلِّ كَرْبَةٍ ، الْمُطَّلِعُ عَلَى كُلِّ خَفِيَةٍ ، الْمُحْصَى لِكُلِّ سِرِيرَةٍ ، يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ الصُّدُورُ ، وَمَا تُرْخَى عَلَيْهِ السُّتُورُ . (٧)

١- الأمالى للطوسى : ص ٧٠٥ ح ١٥٠٩ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٨٨ ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ٣١٩ ح ٤٤ وج ٧٨ ص ٣٥ ح ١١٦ .

٢- كنز الفوائد : ج ٢ ص ١٠٧ ، إرشاد القلوب : ص ١٦٩ وزاد فيه «وكفى قوله تعالى : «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» .

٣- الذَّرُّ : النمل الأحمر الصغير ، واحدها ذرّة (النهاية : ج ٢ ص ١٥٧ «ذرر») .

٤- الْهَمَجُ : واحده الْهَمَجُ ؛ وهو ذباب صغير يسقط على وجوه الغنم والحمير ، وقيل : هو البعوض (النهاية : ج ٥ ص ٢٧٣ «همج») .

٥- الْوَأَى : الوعد ، وعدّاه بَعَى ؛ لِأَنَّهُ أَعْطَاهُ مَعْنَى : جَعَلَ عَلَى نَفْسِهِ (النهاية : ج ٥ ص ١٤٤ «وأى») .

٦- نهج البلاغه : الخطبة ١٦٥ ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٣٢ ح ١ .

٧- العقد الفريد : ج ٣ ص ١٢٧ ، جواهر المطالب : ج ١ ص ٣٣٢ نحوه .

الأمالی ، طوسی به نقل از زید بن علی ، از امام زین العابدین علیه السلام ، از امام علی علیه السلام : پاکا خدایی چنین لطیف و آگاه ، که هیچ چیزی همانند او نیست و شنوا و بیناست !

کنز الفوائد به نقل از امام علی علیه السلام : پاکا آن که هر گاه خردها در وصفش به اوج رسند ، از درک راه رسیدن به او سرگشته می مانند ! بزرگا آن که هر گاه اندیشه ها در چونی اش غرقه شوند ، راهی به او نمی یابند جز نشانی از او .

نهج البلاغه به نقل از امام علی علیه السلام : پاکا خدایی که خردها را از وصف آفریده ای [چون طاووس] که برای دیدگان ، آشکارش نموده است ، درمانده ساخته است ، چندان که آن را [صرفاً] آفریده ای محدود و فراهم آمده [از اجزا] و رنگارنگ در یابند ، و زبان ها را از بیان وصفش ناتوان ، و از به جا آوردن نعتش ، فلج کرده است ! پاکا خدایی که اندام های موران و ریزه مگسان تا موجودات بزرگی چون نهنگ ها و فیلان را ترکیب کرده و با خویش عهد کرده است که هیچ کالبدی که در آن روح دمیده است ، از هم نجنبد [و نپاشد] ، مگر آن که مرگ را وعده گاه آن و نیستی را فرجامش قرار دهد !

العقد الفرید به نقل از امام علی علیه السلام : پاکا او ! وه که چه پُرشکوه است جایگاه او ، و چه بزرگ است پادشاهی اش ! آسمان های زبرین و هر آن که در زمین زیرین است ، او را به پاکی می ستایند . پاکی و بزرگی ، پادشاهی و توانایی ، نیرو و زورمندی ، او را سزد . به دانایی ، حکم می کند و به بردباری می بخشاید . نیروی هر ناتوانی است و پناه هر غمناکی و عزتبخش هر خواری و صاحب هر نعمتی و دارنده هر خوبی ای و زداینده هر اندوهی . آگاه از هر پوشیده ای است و شمارنده هر [عمل] نهانی . آنچه را سینه ها پنهان می دارند و آنچه در پس پرده ها پنهان اند ، می داند .

نهج البلاغه عن الإمام علي عليه السلام: سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَ شَأْنُكَ! سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَ مَا نَرَى مِنْ خَلْقِكَ! وَمَا أَصْغَرَ كُلَّ عَظِيمِهِ فِي جَنْبِ قُدْرَتِكَ! وَمَا أَهْوَلَ مَا نَرَى مِنْ مَلَكُوتِكَ! وَمَا أَحْقَرَ ذَلِكَ فِيمَا غَابَ عَنَّا مِنْ سُلْطَانِكَ! وَمَا أَسْجَعَ نِعَمَكَ فِي الدُّنْيَا! وَمَا أَصْغَرَهَا فِي نِعَمِ الْآخِرَةِ. (١)

مُهْجِ الدَّعَوَاتِ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ مَا أَعْظَمَكَ وَأَحْلَمَكَ وَأَكْرَمَكَ! وَسِعَ بِفَضْلِكَ حِلْمَكَ تَمَرُّدَ الْمُسْتَكْبِرِينَ ، وَاسْتَعْرَقَتْ نِعَمَتُكَ شُكْرَ الشَّاكِرِينَ ، وَعَظُمَ حِلْمُكَ عَنِ إِحْصَاءِ الْمُحْصِينَ ، وَجَلَّ طَوْلُكَ عَنِ وَصْفِ الْوَاصِفِينَ . . سُبْحَانَكَ! فَبِكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ ، وَبِحَقِّكَ أَقْسِمُ ، وَمِنْكَ أَهْرُبُ إِلَيْكَ ، بِنَفْسِي اسْتَخَفَفْتُ عِنْدَ مَعْصِيَتِي لَا بِنَفْسِكَ ، وَبِجَهْلِي اغْتَرَرْتُ لَا بِحِلْمِكَ ، وَحَقِّي أَضَعْتُ لَا عَظِيمَ حَقِّكَ ، وَنَفْسِي ظَلَمْتُ ، وَلِرَحْمَتِكَ الْآنَ رَجَوْتُ ، وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ ، وَإِلَيْكَ أَنْبَتُ وَتَضَرَّعْتُ ، فَارْحَمِ إِلَيْكَ فَقْرِي وَفَاقَتِي ، وَكَبُوتِي لِحُرِّ (٢) وَجْهِي ، وَخَيْرَتِي فِي سِوَاهِ ذُنُوبِي ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. (٣)

التوحيد عن الحصين بن عبد الرحمن عن أبيه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عن الإمام علي عليه السلام: سُبْحَانَ الَّذِي لَا يُؤْوِدُهُ خَلْقٌ مَا ابْتَدَأَ ، وَلَا تَدْبِيرٌ مَا بَرَأَ ، وَلَا مِنْ عَجْزٍ وَلَا فَتْرَةٍ بِمَا خَلَقَ اِكْتَفَى. (٤)

١- نهج البلاغه: الخطبه ١٠٩، بحار الأنوار: ج ٤ ص ٣١٨ ح ٤٣؛ العقد الفريد: ج ٣ ص ١٢٨ نحوه .

٢- حرّ الوجه: ما أقبل عليك منه. وقيل: الخد (لسان العرب: ج ٤ ص ١٨٣ «حرر»).

٣- مهج الدعوات: ص ١٤٥، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٣٢ ح ٨.

٤- التوحيد: ص ٤٣ ح ٣، الكافي: ج ١ ص ١٣٥ ح ١، الغارات: ج ١ ص ١٧٤ وفيه «فتور» بدل «فتره»، بحار الأنوار: ج ٤ ص ٢٧٠ ح ١٥؛ العقد الفريد: ج ٣ ص ١٢٥ نحوه .

نهج البلاغه به نقل از امام علی علیه السلام: پاکا تو و چه بزرگ است مقام تو! پاکا تو و چه بزرگ است آنچه از آفریدگانت می بینیم! و چه خُرد است هر بزرگی در کنار توانایی تو! و چه سهمگین است آنچه از ملکوت تو می بینیم! و چه خُرد است اینها در برابر آنچه از پادشاهی ات بر ما ناپیداست! و چه سرشار است نعمت هایت در دنیا! و چه خُرد است این نعمت ها در برابر نعمت های آخرت!

مهج الدعوات به نقل از امام علی علیه السلام: پاکا و سپاست باد! وه که چه بزرگ و بردبار و بزرگواری تو! بردباری ات از سر بخشایندگی ات، سرکشی گردن فرازان را فرا گرفته است و نعمتت، سپاس سپاس گزاران را غرقه ساخته است. و بردباری ات، بیش از آن است که آمارگیران، آمارش کنند و توانایی ات (/بخشندگی ات)، برتر از آن است که وصف کنندگان، وصفش کنند... پاکا تو! به وسیله تو، خویشتن را به تو نزدیک می گردانم و به حقّ تو سوگند می خورم و از تو، به خودِ تو می گریزم. آن گاه که نافرمانی تو می کنم، در حقیقت، خویشتن را خوار داشته ام، نه تو را، و به نادانی خویش غرّه گشته ام، نه به بردباری تو، و حقّ خود را تباه ساخته ام، نه حقّ بزرگ تو را، و به خود ستم کرده ام. اکنون به رحمت تو امید بسته ام و به تو ایمان دارم و بر تو توکل می کنم و به درگاه تو، توبه و لابه می نمایم. پس به فقر و نیازم به تو، رحم آور و به روسیاهی ام، و به سرگردانی ام در شرمساری گناهانم، که تو مهربان ترین مهربانانی.

التوحید به نقل از حصین بن عبد الرحمان، از پدرش، از امام صادق علیه السلام، از پدرانش علیهم السلام، از امام علی علیه السلام: پاکا خدایی که آفریدن آنچه از هیچ آفرید و تدبیر آنچه بی الگو خلق کرد، به رنجش نیفکند و بسنده کردنش به آنچه آفرید، از سر ناتوانی و سستی نبود!

نهج البلاغه عن الإمام علي عليه السلام من حُطِبِهِ لَهُ فِي صِفَةِ الْأَرْضِ : سُبْحَانَ مَنْ أَمْسَدَ كَهَا بَعْدَ مَوْجَانِ مِيَاهِهَا ، وَأَجْمَدَهَا بَعْدَ رُطُوبِهِ أَكْنَفِهَا ؛ فَجَعَلَهَا لِخَلْقِهِ مَهَادَا ، وَبَسَّطَهَا لَهُمْ فِرَاشَا ، فَوْقَ بَحْرِ لُجِّيٍّ (١) رَاكِدٍ لَا- يَجْرِي ، وَقَائِمٍ لَا يَسْرِي ، تُكْرِكِرُهُ (٢) الرِّيَّاحُ الْعَوَاصِفُ ، وَتَمَخَّضُهُ (٣) الْعَمَامُ الدَّوَارِفُ (٤) . (٥)

شرح نهج البلاغه عن الإمام علي عليه السلام في الحِكمِ الْمَنسُوبِ إِلَيْهِ : سُبْحَانَ مَنْ نَدَعُوهُ لِحِظْنَا فَيَسْرِعُ ، وَيَدْعُونَا لِحِظْنَا فَنُبْطِي . خَيْرُهُ إِلَيْنَا نَازِلٌ ، وَشَرُّنَا إِلَيْهِ صَاعِدٌ ، وَهُوَ مَالِكٌ قَادِرٌ . (٦)

شرح نهج البلاغه عن الإمام علي عليه السلام أيضا : سُبْحَانَ الْوَاحِدِ الَّذِي لَيْسَ غَيْرُهُ ، سُبْحَانَ الدَّائِمِ الَّذِي لَا نَفَادَ لَهُ ، سُبْحَانَ الْقَدِيمِ الَّذِي لَا ابْتِدَاءَ لَهُ ، سُبْحَانَ الْغَنِيِّ عَنِ كُلِّ شَيْءٍ ، وَلَا شَيْءَ مِنَ الْأَشْيَاءِ يُغْنِي عَنْهُ! (٧)

نهج البلاغه عن الإمام علي عليه السلام : سُبْحَانَ مَنْ لَا- يَخْفَى عَلَيْهِ سَيَاوُدُ عَسَقٍ (٨) دَاجٍ (٩) ، وَلَا- لَيْلٍ سَاجٍ (١٠) ، فِي بُقَاعِ الْأَرْضِينَ الْمُتَطَاطِنَاتِ ، وَلَا فِي يَفَاعِ الشُّفَعِ (١١) الْمُتَجَاوِرَاتِ ، وَمَا يَتَجَلَّجَلُ (١٢) بِهِ الرَّعْدُ فِي أَفْقِ السَّمَاءِ ، وَمَا تَلَاشَتْ عَنْهُ بُرُوقُ الْعَمَامِ . (١٣)

١- لُجِّيٌّ : أَي عَظِيمٌ ، مَنسُوبٌ إِلَى اللَّجَّةِ ؛ وَهِيَ مَعْظَمُ الْبَحْرِ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ : ج ٣ ص ١٦٢٢ «لُجج»).

٢- الْكُرْكُرَةُ : تَصْرِيْفُ الرِّيحِ السَّحَابِ إِذَا جَمَعَتْهُ بَعْدَ تَفَرُّقٍ (لِسَانُ الْعَرَبِ : ج ٥ ص ١٣٧ «كُرر»).

٣- تَمَخَّضُهُ : مِنْ مَخَّضَتِ اللَّبَنُ ؛ إِذَا حَرَّكَتَهُ لِتَأْخُذِ زَبَدِهِ (شَرْحُ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ : ج ١١ ص ٥٩).

٤- الْعَمَامُ الدَّوَارِفُ : أَي الشُّحْبُ الْمَوَاطِرُ (شَرْحُ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ : ج ١١ ص ٦٠).

٥- نَهْجُ الْبَلَاغَةِ : الْخُطْبَةُ ٢١١ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٥٧ ص ٣٩ ح ١٥ .

٦- شَرْحُ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ : ج ٢٠ ص ٣٤٨ ح ٩٩٠ .

٧- شَرْحُ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ : ج ٢٠ ص ٣٤٨ ح ٩٩٧ .

٨- الْعَسَقُ : ظُلْمَةُ اللَّيْلِ (النِّهَايَةُ : ج ٣ ص ٣٦٦ «عسق»).

٩- دَجَا اللَّيْلُ : إِذَا تَمَّتْ ظُلْمَتُهُ وَأَلْبَسَ كُلَّ شَيْءٍ (النِّهَايَةُ : ج ٢ ص ١٠٢ «دجا»).

١٠- سَاجٍ : اسْمُ فَاعِلٍ مِنْ سَجَا بِمَعْنَى رَكَدَ وَاسْتَقَرَّ ، وَالْمُرَادُ : لَيْلٌ رَاكِدٌ ظَلَامَةٌ ، مُسْتَقَرٌّ قَدْ بَلَغَ غَايَتَهُ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ : ج ٢ ص ٨٢٢ «سجا»).

١١- الْيَفَاعُ : الْمَشْرِفُ مِنَ الْأَرْضِ وَالْجَبَلِ ، وَكُلُّ شَيْءٍ مُرْتَفِعٍ فَهُوَ يَفَاعٌ . وَالشُّفَعُ : جَمْعُ السِّفَعِ : السَّوَادُ (لِسَانُ الْعَرَبِ : ج ٨ ص ١٥٧ «شفع» وَص ٤١٤ «يفع»).

١٢- الْجَلْجَلَةُ : صَوْتُ الرَّعْدِ (الْقَامُوسُ الْمَحِيْطُ : ج ٣ ص ٣٥٠ «جل»).

١٣- نَهْجُ الْبَلَاغَةِ : الْخُطْبَةُ ١٨٢ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٤ ص ٣١٤ ح ٤٠ وَج ٧٧ ص ٣٠٩ ح ١٣ .

نهج البلاغه به نقل از امام علی علیه السلام، از خطبه ایشان در وصف زمین: پاکا خدایی که زمین دست خوش آب های خروشان را محکم نگه داشت، و آن را که کرانه هایش نمناک بود، خشکانید. پس برای آفریدگان خود، گهواره ای قرارش داد و برایشان فرشی هموار گسترانیدش، بر روی دریایی سهمگین و آرام که روان نمی شود، و ایستاده که حرکت نمی کند؛ دریایی که بادهای توفنده به خروشش می آورند و ابرهای بارنده به جنبشش می اندازند.

شرح نهج البلاغه به نقل از امام علی علیه السلام، در حکمت های منسوب به ایشان: پاکا خدایی که او را به سود خویش می خوانیم و شتابان پاسخمان می دهد، و او ما را به سودمان فرا می خواند و ما در اجابت او، کندی می کنیم! خوبی های او به سوی ما فرو می آیند و بدی های ما به درگاهش بالا می روند، و او مالکی تواناست.

شرح نهج البلاغه به نقل از امام علی علیه السلام: پاکا یگانه ای که جز او [خدایی] نیست! پاکا پاینده ای که او را پایانی نیست! پاکا دیرینی که او را آغازی نیست! پاکا بی نیاز از هر چیز! و هیچ چیز، از او بی نیاز نمی کند [و جای او را نمی گیرد].

نهج البلاغه به نقل از امام علی علیه السلام: پاکا خدایی که هیچ سیاهی شب تاری، و هیچ شب سیه فام آرامی، در هیچ نقطه پستی از زمین، و در هیچ یک از رشته کوه های تیره گون، و نه غرّش تندر در کرانه آسمان، و نه جهش آذرخش ابرها، بر او پوشیده نیست.

مصباح المتهجد عن الإمام الصادق عليه السلام في ذكر تسييح أمير المؤمنين عليه السلام بعد صلاته : سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ ، سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ ، سُبْحَانَ مَنْ لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ ، سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يُشَارِكُ أَحَدًا فِي أَمْرِهِ ، سُبْحَانَ مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ . (١)

كامل الزيارات عن أبي سعيد المدائني : دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ : ... جُعِلْتُ فِدَاكَ ، عَلَّمَنِي تَسِيحَ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ . قَالَ : نَعَمْ يَا أَبَا سَعِيدٍ ، تَسِيحُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَفْنَى مَا عِنْدَهُ ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا يُشْرِكُ أَحَدًا فِي حُكْمِهِ ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ . (٢)

فلاح السائل عن الإمام علي عليه السلام من دُعَائِهِ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ : سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ «فَسُبِّحْنَ اللَّهَ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ» * وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ» (٣) سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْعِبروتِ ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْقَائِمِ الدَّائِمِ ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ ، سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى ، سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى ، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ . (٤)

-
- ١- مصباح المتهجد : ص ٢٩٢ ح ٤٠٣ ، جمال الأسبوع : ص ١٦٣ ، المصباح للكفعمي : ص ٥٣٩ ، كامل الزيارات : ص ٤١٣ ح ٦٣٩ وفيه «يشاور» بدل «يشارك» ، بحار الأنوار : ج ٩١ ص ١٧٢ ح ٥ .
 - ٢- كامل الزيارات : ص ٣٨٤ ح ٦٣١ ، بحار الأنوار : ج ١٠١ ص ١٦٧ ح ١٧ .
 - ٣- الروم : ١٧ و ١٨ .
 - ٤- فلاح السائل : ص ٣٥٦ ح ٢٤٠ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٨٤ ح ١٠ .

مصباح المتهجد به نقل از امام صادق علیه السلام، در بیان تسبیح امیر مؤمنان علیه السلام بعد از نمازش: پاکای خدایی که نشانه هایش نابود نمی شوند! پاکای خدایی که گنجینه هایش کاستی نمی گیرند! پاکای خدایی که سربلندی اش از میان نمی رود! پاکای خدایی که آنچه نزد اوست، پایان نمی پذیرد! پاکای خدایی که عمرش به سر نمی آید! پاکای خدایی که هیچ کس را در کار خود، انباز نمی سازد! پاکای خدایی که جز او معبودی نیست!

کامل الزیارات به نقل از ابو سعید مدائنی: بر امام صادق علیه السلام در آمدم و گفتم: ... قربانت گردم! تسبیح علی و فاطمه علیهما السلام را به من بیاموز. فرمود: «باشد، ای ابو سعید! تسبیح علی علیه السلام، این است: پاکای خدایی که گنجینه هایش پایان نمی گیرند! پاکای خدایی که نشانه هایش از میان نمی روند! پاکای خدایی که آنچه نزد اوست، نابود نمی شود! پاکای خدایی که هیچ کس را در فرمان روایی خود، انباز نمی گرداند! پاکای خدایی که سربلندی اش از بین نمی رود! پاکای خدایی که عمرش به سر نمی آید! پاکای خدایی که جز او معبودی نیست!».

فلاح السائل به نقل از امام علی علیه السلام، از دعای ایشان پس از نماز عصر: پاکای خدا و سپاس، خدای را و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ است، و هیچ توش و توانی نیست، جز به یاری خدای بلندمرتبه و بزرگ! پاکای خداوند در هر بام و شام! پاکای خداوند در هر شامگاه و پگاه! «پس پاکای خدا، آن گاه که شام می کنید و آن گاه که بام می کنید! ستایش، او راست در آسمان ها و زمین، و در شامگاه و آن گاه که به نیم روز در می آید». پاکای پروردگار تو، پروردگار عزت، از آنچه در وصف او می گویند! و درود بر فرستادگان [الهی]، و سپاس، خدای را که پروردگار جهانیان است. پاکای خداوندگار مُلک و ملکوت! پاکای خداوندگار عزت و قدرت! پاکای زنده ای که هرگز نمی میرد! پاکای خداوند پابرجا و پایدار! پاکای زنده پاینده! پاکای والای برین! پاکای برینا او! پاکای مقدّسا پروردگار فرشتگان و روح!

البلد الأمين عن الإمام على عليه السلام: سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ الدُّنْيَا لِلْفَنَاءِ وَالْبَيْوَدِ ، وَالْآخِرَةَ لِلْبَقَاءِ وَالْخُلُودِ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْقُصُهُ مَا أُعْطِيَ فَأَسْنَى وَإِنْ جَارَ الْمَدَى فِي الْمُنَى وَبَلَغَ الْغَايَةَ الْقُصْوَى ، وَلَا يَجُورُ فِي حُكْمِهِ إِذَا قَضَى ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَا يَزُدُّ مَا قَضَى ، وَلَا يَصْرِفُ مَا أَمْضَى ، وَلَا يَمْنَعُ مَا أُعْطِيَ ، وَلَا يَهْفُو وَلَا يَنْسَى وَلَا يَعْجَلُ ، بَلْ يُمَهِّلُ وَيَعْفُو وَيَغْفِرُ وَيَرْحَمُ وَيَصْبِرُ ، وَلَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ . (١)

جمال الأسبوع عن عبد الله بن عطاء عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام عن الإمام على عليه السلام : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْغَدُوِّ وَالْآصَالِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ ، وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ ، يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ، وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تَخْرُجُونَ ، سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، سُبْحَانَ الَّذِي لَهُ الْعِزَّةُ وَالْكَرَمُ ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَتَّبِعِيهِ التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ ، سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ يَوْمٍ عِلْمَهُ ، سُبْحَانَ ذِي الطَّوْلِ وَالْفَضْلِ ، سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنَّعْمِ ، سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ ، سُبْحَانَ ذِي الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَالْجَبْرُوتِ ، سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ، سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْحَيِّ الْمُهَيِّمِ الْقُدُوسِ ، سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ ، سُبْحَانَ رَبِّي الْعَظِيمِ ، سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى ، سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى ، سُبُوْحٌ وَقُدُوسٌ رَبُّنَا وَرَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ . سُبْحَانَ الدَّائِمِ غَيْرِ الْغَافِلِ ، سُبْحَانَ الْعَالِمِ بَغَيْرِ تَعْلِيمٍ ، سُبْحَانَ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى ، سُبْحَانَ الَّذِي يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَلَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ . (٢)

١- البلد الأمين : ص ٩٢ ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ١٣٩ ح ٧ .

٢- جمال الأسبوع : ص ٢٨٠ ، مُهَجَّجُ الدَّعَوَاتِ : ص ١٨٥ عن معاوية بن وهب عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام وص ١٨٨ ، البلد الأمين : ص ٢٤ ، مصباح المتهجد : ص ٨٤ ح ١٤١ ، فلاح السائل : ص ١٨٨ ح ٢٦٥ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ٧٥ ح ١ .

البلد الأمين به نقل از امام علی علیه السلام: پاکا خدایی که دنیا را از بهر نیستی و نابودی آفرید، و آخرت را از برای ماندن و جاودانگی! پاکا خدایی که هر چه دهد و بسیار هم می دهد، اگرچه از اندازه آرزو فراتر دهد و دهش را به اوج رساند، باز چیزی از او کم نمی شود، و آن گاه که داوری کند، در حکم خویش ستم روا نمی دارد! پاکا خدایی که آنچه را حکم کند، بر نمی گرداند، و آنچه را امضا کند، لغو نمی گرداند، و آنچه را بدهد، جلو نمی گیرد، و دچار لغزش و فراموشی و شتاب نمی شود؛ بلکه مهلت می دهد و می بخشاید و می آمرزد و مهر می آورد و شکیب می ورزد، و از آنچه انجام می دهد، بازخواست نمی شود، در حالی که مردمان، بازخواست می شوند!

جمال الأسبوع به نقل از عبد الله بن عطا، از امام باقر، از پدران علیهم السلام، از امام علی علیه السلام: به نام خداوند مهرگستر مهربان. به نام خدا و به یاری خدا. پاکا خدا و سپاس، خدای را و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ است و هیچ توش و توانی نیست، مگر به یاری خداوند والا- و بزرگ. پاکا خدا در طول شب و روز! پاکا خدا در بامدادان و عصرگاهان! پاکا خدا در شبانگاه و صبحگاه! پاکا خدا، آن گاه که شام می کنید و آن گاه که صبح می کنید! و ستایش، او راست در آسمان ها و زمین، و در شبانگاه و آن گاه که به نیم روز در می آید. زنده را از مرده بیرون می آورد و مرده را از زنده بر می کشد، و زمین را پس از مردنش زنده می گرداند و شما نیز این گونه بیرون می آید. پاکا پروردگارت، پروردگار عزت، از آنچه در وصفش می گویند! و درود بر فرستادگان [الهی]، و سپاس، خدای را که پروردگار جهانیان است. پاکا پروردگار تو، پروردگار عرش (اورنگ) بزرگ! هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خداوند والا و بزرگ. پاکا خدایی که عزت و بزرگواری، از آن اوست! پاکا خدایی که تسبیح، جز او را نسزد! پاکا خدایی که علم او، آمار هر روزی را دارد! پاکا خداوند مُلک و ملکوت! پاکا خداوند بزرگی و عظمت و قدرت! پاکا پادشاه زنده ای که هرگز نمی میرد! پاکا پادشاه زنده نگه دارنده مقدس! پاکا ایستاده همیشگی! پاکا زنده پاینده! پاکا پروردگار بزرگ من! پاکا پروردگار برین من! پاکا و برینا او! پاک و مقدس است پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و روح. پاکا خداوندی که همیشگی است و هیچ گاه، غافل نیست! پاکا خداوندی که داناست، بی آن که تعلیم گرفته باشد! پاکا آفریننده دیدنی ها و نادیدنی ها! پاکا خدایی که دیدگان را در می یابد و دیدگان، او را در نمی یابند! و البته او ریزین و آگاه است.

٧ / ٣٣ التَّسْبِيحَاتُ الْمَأْثُورَةُ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ فَالْحِ السَّائِلِ عَنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنْ دُعَائِهَا بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ : سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ جَوَارِحَ الْقُلُوبِ ، سُبْحَانَ مَنْ يُحْصِي عَدَدَ الذُّنُوبِ ، سُبْحَانَ مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ . (١)

فَالْحِ السَّائِلِ عَنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنْ دُعَائِهَا بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ : سُبْحَانَ مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ ، سُبْحَانَ مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ ، سُبْحَانَ مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِأَمْرِهِ وَمُلْكِهِ ، سُبْحَانَ مَنْ انْقَادَتْ لَهُ الْأُمُورُ بِأَرْزَمَتِهَا (٢) . (٣)

١- فلاح السائل : ص ٣٥٧ ح ٢٤١ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٨٥ ح ١١ .

٢- زَمَّتْ النَّاقَةَ أَرْزَمَهَا ، وَالزَّمَامَ الْخَيْطَ الَّذِي فِي أَنْفِهَا ، وَالْجَمْعُ أَرْزَمَةٌ (العين : ص ٣٥١ «زمم»). أَرْزَمَتَهَا : لَفْظَةٌ مُسْتَعَارَةٌ مِنْ انْقِيَادِ الْإِبِلِ بِأَرْزَمَتِهَا مَعَ قَائِدِهَا (شرح نهج البلاغة : ج ٨ ص ٢٧٢) .

٣- فلاح السائل : ص ٤٤٠ ح ٣٠٣ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١١٥ ح ٢ .

۳ / ۷ تسبیحاتِ رسیده از فاطمه دخت پیامبر خدا

۳ / ۷ تسبیحاتِ رسیده از فاطمه ، دختر پیامبر خدا فلاح السائل به نقل از فاطمه علیهاالسلام ، از دعای ایشان پس از نماز عصر : پاکای خدایی که دستاوردهای دل ها را می داند ! پاکای خدایی که تعداد گناهان را شماره می کند ! پاکای خدایی که هیچ پنهانی در زمین و در آسمان بر او پوشیده نیست !

فلاح السائل به نقل از فاطمه علیهاالسلام ، از دعای ایشان بعد از نماز عشا : پاکای خدایی که هر موجودی در برابر عظمت او ، پست است ! پاکای خدایی که هر موجودی در برابر عزّت او ، خوار است ! پاکای خدایی که هر موجودی در برابر فرمان او و پادشاهی اش ، فرمان بردار است ! پاکای خدایی که زمام همه کارها در دست اوست !

كامل الزيارات عن أبي سعيد المدائني: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ: ... جُعِلْتُ فِدَاكَ ، عَلَّمَنِي تَسْبِيحَ عَلِيِّ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ . قَالَ : نَعَمْ يَا أَبَا سَعِيدٍ . . . تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ : سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ (١) الْعَظِيمِ ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ (٢) ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ ، سُبْحَانَ ذِي الْبَهْجَةِ وَالْجَمَالِ ، سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا (٣) ، وَوَقَعَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ . (٤)

راجع: ص ٨٦ (تسبيحات فاطمه عليها السلام).

٧ / ١٤ التَّسْبِيحَاتُ الْمَأْثُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِيِّ الْإِقْبَالِ عَنِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ دُعَائِهِ يَوْمَ عَرَفَةَ : سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِيٍّ مُعِيدٍ حَمِيدٍ مُجِيدٍ ، وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَعَظُمَتْ آلَاؤُكَ ، فَأَيُّ أَنْعَمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصَى عَدَدًا أَوْ ذَكَرًا . . . سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا ، فَسُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْحَقِّ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ تَسْبِيحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ . (٥)

١- الباذخ: العالی (النهاية: ج ١ ص ١١٠ «بذخ»).

٢- ناف الشيء: إذا طال وارتفع (النهاية: ج ٥ ص ١٤١ «نيف»).

٣- الصفا: جمع صفاه؛ وهى الصخره والحجر الأملس (النهاية: ج ٣ ص ٤١ «صفا»).

٤- كامل الزيارات: ص ٣٨٤ ح ٦٣١، جمال الأسبوع: ص ١٧١ عن المفضل بن عمر وزاد فى آخره «سبحان من هو هكذا ولا هكذا غيره»، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ١٦٧ ح ١٧ وج ٩١ ص ١٨١ ح ٨ وراجع: مصباح المتهجد: ص ٣٠١ وص ٦٧١ والإقبال: ج ٢ ص ٤٤ والمصباح للكفعمي: ص ٥٣٩.

٥- الإقبال: ج ٢ ص ٧٦، البلد الأمين: ص ٢٥٢، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢١٧ ح ٣.

۷ / ۴ تسبیحات رسیده از امام حسین علیه السلام

کامل الزیارات به نقل از ابو سعید مدائنی : خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و گفتم : ... قربانت کردم ! تسبیح علی و فاطمه علیهما السلام را به من بیاموز . فرمود : «باشد ، ای ابو سعید! ... تسبیح فاطمه علیها السلام این است : پاکا خداوندگار شُکوه و بلندمرتبه و باعظمت ! پاکا خداوندگار عزّت و والامقام و بارفعت ! پاکا پادشاه سرفراز دیرین ! پاکا خداوندگار بهجت و زیبایی ! پاکا آن که ردای روشنایی و وقار در پوشیده است ! پاکا آن که ردّ پای موران بر تخته سنگ و جایگاه فرود آمدن پرندگان هوا را می بیند!» .

ر . ک : ص ۸۷ (تسبیحات فاطمه علیها السلام) .

۷ / ۴ تسبیحات رسیده از امام حسینا لإقبال به نقل از امام حسین علیه السلام ، از دعای ایشان در روز عرفه : پاکا تو ، پاکا تو که آغازگر [خلق] و باز گرداننده ای ، ستوده و بزرگواری ، و نام هایت مقدّس و نعمت هایت بزرگ است ! پس ، کدامین نعمت تو را ای معبود من بر شمارم ، یا نام برم ... ؟ پاکا او ، پاکا او ، پاکا او که اگر در آسمان ها و زمین ، جز خدای یگانه ، خدایانی دیگر بودند ، بی گمان ، آسمان ها و زمین ، تباہ می شدند و از هم می پاشیدند ! پس ، پاکا خدای یگانه راستین یکتای بی نیازی که نه زاده ای دارد و نه زاده کسی است و هیچ کس همتا و همسرش نیست ... ! آسمان ها و زمین و هر آن کس که در آنهاست ، تو را به پاکی می ستایند ، و هیچ موجودی نیست ، مگر آن که تو را تسبیح و سپاس می گوید .

٧ / ١٥ التَّسْبِيحَاتُ الْمَأْثُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِ يَتَّحِفُ الْعُقُولَ عَنِ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ الْإِعْتِرَافَ بِالنَّعْمَةِ لَهُ حَمْدًا ، سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ الْإِعْتِرَافَ بِالْعَجْزِ عَنِ الشُّكْرِ شُكْرًا . (١)

الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ عَنِ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُبْحَانَكَ! أَخْشَى خَلْقِكَ لَكَ أَعْلَمُهُمْ بِكَ ، وَأَخْضَعُهُمْ لَكَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِكَ ، وَأَهْوَنُهُمْ عَلَيْكَ مَنْ أَنْتَ تَرْزُقُهُ وَهُوَ يَعْبُدُ غَيْرَكَ . سُبْحَانَكَ! لَا يَنْقُصُ سُلْطَانَكَ مَنْ أَشْرَكَ بِكَ وَكَذَّبَ رُسُلَكَ ، وَلَيْسَ يَسْتَطِيعُ مَنْ كَرِهَ قَضَاءَكَ أَنْ يَزِدَّ أَمْرَكَ ، وَلَا يَمْتَنِعُ مِنْكَ مَنْ كَذَّبَ بِقُدْرَتِكَ ، وَلَا يَفُوتُكَ مَنْ عَبَدَ غَيْرَكَ ، وَلَا يَعْمُرُ فِي الدُّنْيَا مَنْ كَرِهَ لِقَاءَكَ . سُبْحَانَكَ! مَا أَعْظَمَ شَأْنَكَ ، وَأَفْهَرُ سُلْطَانَكَ ، وَأَشَدُّ قُوَّتَكَ ، وَأَنْفَذَ أَمْرَكَ . سُبْحَانَكَ! قَضَيْتَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ الْمَوْتَ ؛ مَنْ وَحَدَكَ وَمَنْ كَفَرَ بِكَ ، وَكُلُّ ذَائِقِ الْمَوْتِ ، وَكُلُّ صَائِرٍ إِلَيْكَ . (٢)

الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ عَنِ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُبْحَانَكَ! مَا أَجَلُ شَأْنِكَ ، وَأَسْنَى فِي الْأَمَاكِينِ مَكَانَكَ ، وَأَصْدَعَ بِالْحَقِّ فُرْقَانَكَ . (٣) سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفِ مَا أَلْطَفَكَ ، وَرَوْوفِ مَا أَرَأَفَكَ ، وَحَكِيمِ مَا أَعْرَفَكَ . سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِكِ مَا أَمْنَعَكَ ، وَجَوَادِ مَا أَوْسَعَكَ ، وَرَفِيعِ مَا أَرْفَعَكَ ، ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ ، وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ . سُبْحَانَكَ! بَسَّطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ ، وَعُرِفَتْ الْهِدَايَةُ مِنْ عِنْدِكَ ، فَمَنْ التَّمَسَّكَ لِذِيْنِ أَوْ دُنْيَا وَجَدَكَ . سُبْحَانَكَ! خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ ، وَخَشَعَ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ ، وَانْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ لِمَكَ كُلُّ خَلْقِكَ . سُبْحَانَكَ! لَا تُحَسُّ وَلَا تُجَسُّ وَلَا تُمَسُّ ، وَلَا تُكَادُ وَلَا تُمَاطُ (٤) ، وَلَا تُنَازِعُ وَلَا تُجَارِي وَلَا تُمَارِي (٥) ، وَلَا تُخَادِعُ وَلَا تُمَازِرُ . سُبْحَانَكَ! سَبِيلَكَ حَيْدُ (٦) ، وَأَمْرَكَ رَشْدٌ ، وَأَنْتَ حَتَّى صَيِّمٌ . سُبْحَانَكَ! قَوْلُكَ حُكْمٌ ، وَقَضَاؤُكَ حَتْمٌ ، وَإِرَادَتُكَ عَزْمٌ . سُبْحَانَكَ! لَا رَادَ لِمَشِيَّتِكَ ، وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ . سُبْحَانَكَ! بَاهِرَ الْآيَاتِ ، فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ ، بَارِيَّ النَّسَمَاتِ . (٧)

١- تحف العقول : ص ٢٨٣ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٤٢ ح ٣٧ .

٢- الصحيفه السجاديّه : ص ٢٢١ الدعاء ٥٢ .

٣- الفرقان : القرآن ، وكلّما فُزِقَ به بين الحقّ والباطل (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٣٨٧ «فرق»).

٤- ما ط في حكمه : أي جاز (الصحاح : ج ٣ ص ١١٦٢ «ميط»).

٥- التمارى والمماراه : المجادله على مذهب الشكّ والريبه (النهايه : ج ٤ ص ٣٢٢ «مرا»).

٦- الطريق الجدد : أي الواضح (العين : ص ١٢٩ «جدد»).

٧- الصحيفه السجاديّه : ص ١٨٧ الدعاء ٤٧ ، الإقبال : ج ٢ ص ٨٩ نحوه ، المصباح للكفعمي : ص ٨٨٨ .

۷ / ۵ تسبیحات رسیده از امام زین العابدین علیه السلام

۷ / ۵ تسبیحات رسیده از امام زین العابدین علیه السلام به نقل از امام زین العابدین علیه السلام: پاكا خدایى كه اعتراف به نعمتش را ، سپاس گزاری از خویش قرار داد ! پاكا خدایى كه اعتراف به ناتوانی از سپاس گزاری [اش] را ، سپاس قرار داد !

الصحیفه السجادیّه به نقل از امام زین العابدین علیه السلام: پاكا تو كه از آفریدگانك ، آن كه تو را بیشتر شناسد ، از تو بیشتر می ترسد ، و آن كه تو را بیشتر فرمان برد ، خضوعش در برابر تو بیشتر است ، و آن كسى نزد تو خوارتر است كه تو روزی اش دهی و او غیر تو را بندگی كند ! پاكا تو ، كه آن كه برای تو انباز آورد و فرستادگانك را تكذیب كند ، از سلطنت تو هیچ نتواند كاست ، و آن كه قضای تو را خوش ندارد ، نتواند فرمانت را رد كند ، و آن كه منكر قدرت تو شود ، خویشتن را از تو در امان نتواند داشت ، و آن كه غیر تو را بندگی كند ، از چنگك تو نتواند گریخت ، و آن كه دیدار تو را ناخوش دارد ، نتواند تا ابد در دنیا زندگی كند ! پاكا تو! وه كه چه بزرگ است مقام تو ، و چه كوبنده است قدرت تو ، و چه بسیار است نیروی تو ، و چه روان است فرمان تو! پاكا تو كه مرگك را بر همه آفریدگانك رقم زدی : چه آن كه به یگانگی تو بار آورده باشد یا به تو كفر ورزد ! همگان طعم مرگك را می چشند ، و همگان ره سپار كوی تو اند .

الصحیفه السجادیّه به نقل از امام زین العابدین علیه السلام: پاكا تو! وه كه چه بزرگ است مقام تو ، و چه بلند است جایگاه تو در میان جای ها ، و چه آشكار كننده حق است قرآن تو! پاكا تو ، ای لطیف ! وه كه چه لطیفی تو! پاكا تو ، ای رثوف ! وه كه چه رثوفی تو! پاكا تو ، ای حكیم ! وه كه چه دانایی تو! پاكا تو ، ای پادشاه ! وه كه چه دست نیافتنی هستی تو! پاكا تو ، ای بخشنده ! وه كه چه گشاده دستی تو! پاكا تو ، ای بلندمرتبه ! وه كه چه بلندمرتبه ای تو! خداوندگار شكوه و بزرگی و كبریایی تو ، و سزամند سپاسی تو . پاكا تو كه دستت به نیكى ها گشاده است و راه راست ، از نزد تو شناخته شده است ! پس هر آن كس كه دین یا دنیا را از تو بخواهد ، می یابد . پاكا تو كه هر آن كه در قلمرو دانش تو جای دارد ، فرمان بردار توست ، و هر آنچه فروتر از اورنگك توست ، در برابر عظمت تو خاشع است ، و همه آفریدگانك در برابر تو سر تسلیم فرو دارند ! پاكا تو كه نه در حواس درونی و نه بیرونی نمی گنجی و نه به لمس در می آیی ! با تو حيله نتوانند كرد و مورد ستم قرار نمی گیری . یارای ستیز با تو نیست و مغلوب ناشدنی هستی و جدال ، در تو راه ندارد . نه فریب داده می شوی و نه كسى را یارای مكر با توست . پاكا تو كه راهت روشن است ، و فرمانت خردمندانه و هدایتگر ، و تو زنده ای و بی نیاز ! پاكا تو كه سِيخنت حكم است ، و قضایت حتمی ، و خواستنت تصمیم استوار . پاكا تو كه هیچ كس نمی تواند جلو خواست تو را بگیرد ، و كلمات را دگرگون سازد ! پاكا تو ، ای نشانه هایت روشن ، ای آفریننده آسمان ها ، ای پدیدآورنده جانداران !

٧ / ٦ التَّسْبِيحَاتُ الْمَأْثُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْكَافِي عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الشَّمَالِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُبْحَانَ اللَّهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهُ شَيْئًا، وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُسَبَّحَ. (١)

فَلَا حِ السَّائِلُ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِمَّا عَلَّمَهُ لِلْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَقُولَ عَقِيبَ الْفَرَائِضِ: سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْجَبْرُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى، سُبْحَانَ رَبِّي الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ. (٢)

١- الكافي: ج ٢ ص ٥٨٨ ح ٢٦، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٧٦ ح ٢٣٤، مُهَجُّ الدَّعَوَاتِ: ص ٢١٦، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٦٨ ح ٣.

٢- فلاح السائل: ص ٣٠٦ ح ٢٠٨، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١١ ح ٩.

۷ / ۶ تسبیحات رسیده از امام باقر علیه السلام

۷ / ۶ تسبیحات رسیده از امام باقر الکافی به نقل از ابو حمزه ثُمالی ، از امام باقر علیه السلام : پاکا خدا ، هر اندازه که چیزی او را به پاکی می ستاید ، و آن سان که خدا خود ، دوست دارد به پاکی ستوده شود !

فلاح السائل به نقل از امام باقر علیه السلام ، در دعایی که به امام صادق علیه السلام آموخت تا در تعقیبات نمازهای واجب بگوید : پاکا خداوندگار مُلک و ملکوت ! پاکا خداوندگار عزّت و قدرت ! پاکا خداوندگار کبریا و عظمت ! پاکا زنده ای که هرگز نمی میرد ! پاکا پروردگار برین من ! پاکا پروردگار بزرگ من ! پاکا خدا و سپاس ، او را !

تفسير العياشى عن داوود: كُنَّا عِنْدَهُ [أَيِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ أَوْ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِمَا السَّلَام] فَارْتَعِدَتْ السَّمَاءُ فَقَالَ هُوَ: سُبْحَانَ مَنْ يُسَبِّحُ لَهُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ، وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ. (١)

٧ / ٧ التَّسْبِيحَاتُ الْمَيَّاثُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ الدَّعَوَاتُ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَام: سُبْحَانَ مَنْ لَا يَسْتَأْنِسُ بِشَيْءٍ أَبْقَاهُ، وَلَا يَسْتَوْجِشُ مِنْ شَيْءٍ أَفْنَاهُ. (٢)

فلاح السائل عن معاوية بن وهب عن الإمام الصادق عليه السلام فيما يُقَالُ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ: سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يُخَيِّبُ سَائِلَهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُغْشَى، وَلَا - بَوَّابٌ (٣) يُرْشَى، وَلَا تَرْجُمَانٌ (٤) يُنَاجَى، سُبْحَانَ مَنْ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ فَلَقَ (٥) الْبَحْرَ لِمُوسَى، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ الْعَطَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ. (٦)

١- تفسير العياشى: ج ٢ ص ٢٠٧ ح ٢٢، بحار الأنوار: ج ١ ص ٢١٨ ح ٣٨ وج ٥٩ ص ٣٧٩ ح ١٩.

٢- الدعوات: ص ٢٤٠ ح ٦٧٢، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ١٧٢ ح ٦ وج ٩٥ ص ٣٦٢ ح ٢٠.

٣- رجل بَوَّابٌ: لازمٌ للباب وحرفته البوابه (لسان العرب: ج ١ ص ٢٢٣ «بواب»).

٤- التَّرْجُمَانُ: هو الذى يترجم الكلام؛ أى ينقله من لغة إلى أخرى (النهاية: ج ١ ص ١٨٦ «ترجم»).

٥- الْفَلَقُ: الشَّقُّ (النهاية: ج ٣ ص ٤٧١ «فلق»).

٦- فلاح السائل: ص ٢٧٣ ح ١٦٥، مصباح المتهجد: ص ٢٩، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٦٤، المصباح للكفعمى: ص ٢٢ والثلاثة الأخيره من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٧٨ ح ٩.

۷ / ۷ تسبیحات رسیده از امام صادق علیه السلام

تفسیر العیاشی به نقل از داوود : نزد ایشان (امام باقر یا امام صادق علیهما السلام) بودیم که آسمان غرّید . فرمود : «پاکا آن که رعد و فرشتگان ، از بیمش ، او را تسبیح و سپاس می گویند!» .

۷ / ۷ تسبیحات رسیده از امام صادق علیه السلام : پاکا خدایی که با چیزی که نگه داشته ، انس نمی گیرد ، و از چیزی که نابودش ساخته ، نمی هراسد!

فلاح السائل به نقل از معاویه بن وهب ، از امام صادق علیه السلام ، در نیایش میان اذان و اقامه : پاکا آن که نشانه هایش از بین نمی روند ! پاکا آن که از یاد نمی برد هر آن که را یادش کند ! پاکا آن که گدای در گاهش را نومید نمی گرداند ! پاکا آن که او را پرده داری نیست تا [حاجتمندان در گاهش ، نخست] بر او در آیند ، و او را در بانی نیست که رشوه اش دهند ، و او را ترجمانی نیست که با او راز گویند [و از طریق او با خداوند ، سخن بگویند] ! پاکا آن که نیکوترین نام ها را برای خویش برگزید ! پاکا آن که دریا را برای موسی شکافت ! پاکا آن که هر چه بیشتر دَهِش کند ، بر بزرگواری و بخشندگی اش افزون تر می شود ! پاکا آن که چنین است و جز او کسی چنین نیست!

الكافي عن أبي سعيد المدائني: قال لي أبو عبد الله عليه السلام: ألا أعلمك شيئاً تقوله في صلاة جعفر؟ فقلت: بلى، فقال: إذا كنت في آخر سجده من الأربع ركعات، فقل إذا فرغت من تسبيحك: سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ، سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَتَّبِعِي التَّسْبِيحَ إِلَّا لَهُ، سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ، سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنَّعْمِ، سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالكَرَمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ، وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ، وَاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ الثَّمَامِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا وَعَدْلًا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا. (١)

جمال الأسبوع عن أبان عن الإمام الصادق عليه السلام: يقول [أي المصلي] في آخر ركعه من صلاة جعفر بن أبي طالب: سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ، سُبْحَانَ مَنْ تَعَظَّمَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ، سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ، سُبْحَانَ ذِي الْفَضْلِ وَالطَّوْلِ، سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنَّعْمِ، سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْأَمْرِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْجَبْرُوتِ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ. سُبْحَانَ مَنْ سَبَّحَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ بِأَكْنَافِهَا، سُبْحَانَ مَنْ سَبَّحَتْ لَهُ الْأَرْضُونَ وَمَنْ عَلَيْهَا، سُبْحَانَ مَنْ سَبَّحَتْ لَهُ الطَّيْرُ فِي أَوْكَارِهَا، سُبْحَانَ مَنْ سَبَّحَتْ لَهُ السَّبَّاحُ فِي آجَامِهَا، سُبْحَانَ مَنْ سَبَّحَتْ لَهُ حَيْثَانُ الْبَحْرِ وَهَوَامُّهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَتَّبِعِي التَّسْبِيحَ إِلَّا لَهُ، سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ. يَا ذَا النُّعْمَةِ وَالطَّوْلِ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ، يَا ذَا الْقُوَّةِ وَالكَرَمِ، أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ، وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ، وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ الثَّمَامِ كُلِّهَا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا. (٢)

١- الكافي: ج ٣ ص ٤٦٧ ح ٦، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٨٧ ح ٤٢٥ وفيه «الأمر» بدل «الكرم»، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٢٠٥ ح ٩.

٢- جمال الأسبوع: ص ١٨٣، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ١٩٤ ح ٢.

الکافی به نقل از ابو سعید مدائنی: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «آیا تو را چیزی نیاموزم که آن را در نماز جعفر [طیار] بگویی؟». گفتم: چرا. فرمود: «هر گاه در سجده آخر رکعت چهارم قرار گرفتی، چون تسبیح را تمام کردی، بگو: پاکای خدایی که جامه عزّت و وقار، در پوشیده است! پاکای خدایی که ردای شکوه و بزرگی بر تن کرده و بدان آراسته است! پاکای خدایی که تسبیح، جز او را نسزد! پاکای خدایی که دانش او، هر چیزی را شماره کرده است [و بر همه چیز، احاطه علمی دارد]! پاکای خداوندگار نواخت و نعمت ها! پاکای خداوندگار توانایی و بزرگواری! بار خدایا! از تو درخواست می کنم. به حقّ عرش که مظهر عزّت و قدرت توست، و به حقّ کتابت که پایانه رحمت توست، و به حقّ بزرگ ترین نامت و به حقّ کلمات تامّه ات که از سر راستی و داد و برابری کامل گشته اند، بر محمّد و خاندان او درود فرست و فلان و بهمان حاجت مرا برآورده ساز.»

جمال الأسبوع به نقل از ابان، از امام صادق علیه السلام: [نماز گزار] در آخرین رکعت نماز جعفر بن ابی طالب می گوید: «پاکای خدای یگانه یکتا! پاکای خدای یکتای بی نیاز! پاکای خدایی که نه زاده ای دارد و نه خود، زاده کسی است، و هیچ کس همتای او نیست! پاکای خدایی که نه همسری دارد و نه فرزندی! پاکای آن که جامه عزّت و وقار، در پوشیده است! پاکای آن که ردای شکوه بر تن دارد و بدان آراسته است! پاکای آن که علمش هر چیزی را شماره [و احاطه] کرده است! پاکای خداوندگار فزون دهی و بخشندگی! پاکای خداوندگار نواخت و نعمت! پاکای خداوندگار توانایی و فرمان! پاکای خداوندگار مُلک و ملکوت! پاکای خداوندگار عزّت و قدرت! پاکای آن که زنده است و هرگز نمی میرد! پاکای آن که آسمان، کران تا کران، تسبیحش می گوید! پاکای آن که زمین ها و زمینیان، تسبیحش می گویند! پاکای آن که پرندگان، در آشیانه هایشان تسبیحش می گویند! پاکای آن که درندگان، در بیشه هایشان تسبیحش می گویند! پاکای آن که ماهیان و کرم ها و خزندگان دریا تسبیحش می گویند! پاکای آن که تسبیحگویی، جز او را نسزد! پاکای آن که دانش او، هر چیزی را شماره [و احاطه] کرده است! ای خداوندگار نعمت و دَهِش! ای خداوندگار نواخت و بخشش! ای خداوندگار توانایی و بزرگواری! از تو درخواست می کنم به حقّ عرش که مظهر عزّت و قدرت توست، و به حقّ کتابت که پایانه رحمت توست، و به حقّ بزرگ ترین نامت و به حقّ همگی کلمات تامّت، که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و فلان و بهمان حاجت مرا برآوری.»

الدروع الواقية عن الإمام الصادق عليه السلام في دُعاء اليوم الثاني عشر من كل شهر: سُبْحَانَ الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ عَرْشُهُ ، سُبْحَانَ مَنْ فِي الْأَرْضِ بَطْنُهُ ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ سَبِيلُهُ ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ سَيِّطَوَاتُهُ ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْأَرْضِ شَأْنُهُ ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْقُبُورِ قِضَاؤُهُ ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي النَّارِ نِقْمَتُهُ وَعِذَابُهُ ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ . سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَفُوتُهُ هَارِبٌ ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا مَلْجَأَ مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ «فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ * وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ * يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْمَاءَ بَعِيدَ مَوْتِهَا وَ كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ» (١) ، «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبْرُهُ تَكْبِيرًا» (٢) ، سُبْحَانَهُ عَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً سِرْمَدًا أَبَدًا كَمَا يَتَّبَعِي لِعَظَمَتِهِ وَمَنْهُ ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَبِحَمْدِكَ . سُبْحَانَ اللَّهِ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ الْحَقُّ ، سُبْحَانَ الْقَابِضِ الْبَاسِطِ ، سُبْحَانَ الضَّارِّ النَّافِعِ ، سُبْحَانَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ ، سُبْحَانَ الْقَاضِي بِالْحَقِّ ، سُبْحَانَ الرَّفِيعِ الْأَعْلَى ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ ، الْأَوَّلِ الْآخِرِ ، الظَّاهِرِ الْبَاطِنِ ، الَّذِي هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ، سُبْحَانَ الَّذِي هُوَ هَكَذَا وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ . سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا يَسْهُو ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ شَدِيدٌ لَا يَضْعَفُ ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ رَقِيبٌ لَا يَغْفُلُ ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ ، سُبْحَانَ الدَّائِمِ الْقَائِمِ ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَاكَ لَا شَرِيكَ لَكَ ، سُبْحَانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ الْجِبَالُ الرِّوَاسِي بِأَصْوَاتِهَا تَقُولُ : سُبْحَانَ رَبِّي الْعَظِيمِ ، سُبْحَانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ الْأَشْجَارُ بِأَصْوَلِهَا تَقُولُ : سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْحَقِّ ، سُبْحَانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ يَقُولُونَ : سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ الْحَيِّ الْحَلِيمِ وَبِحَمْدِهِ . سُبْحَانَ مَنْ اعْتَرَّتْ بِالْعَظَمَةِ ، وَاحْتَجَبَ بِالْقُدْرَةِ ، وَامْتَنَّ بِالرَّحْمَةِ ، وَعَلَا فِي الرَّفْعَةِ ، وَدَنَا فِي الْحَيَاةِ ، وَلَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ خَافِيَاتُ السَّرَائِرِ ، وَلَمْ يُوَارِ عَنْهُ لَيْلٌ دَاجٍ ، وَلَا بَحْرٌ عَجَاجٌ ، وَلَا حُجُبٌ وَلَا أَزْوَاجٌ ، أَحَاطَ بِكُلِّ الْكُلِّ عِلْمًا ، وَوَسِعَ الْمُدُنِينَ رَأْفَةً وَحِلْمًا ، وَأَبْدَعَ مَا بَرَأَ إِتْقَانًا وَصِينَعًا ، نَطَقَتْ الْأَشْيَاءُ الْمُبْهَمَةَ عَنْ قُدْرَتِهِ ، وَشَهِدَتْ مُبْدِعَهُ بِوَحْدَانِيَّتِهِ . (٣)

١- الروم : ١٧ ١٩ .

٢- الإسراء : ١١١ .

٣- الدروع الواقية : ص ١١٢ وص ١٩٩ عن الإمام علي عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٧ ص ١٥٣ .

الدُّرُوعِ الْوَاقِيَةِ بِهِ نَقَلَ مِنْهُ امَامُ صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فِي دَعَايِ رُؤُوسِ دَوَاذِمِمْ هَرِّ مَاهٍ : يَا كَا أَنْ كَهْ فِي آسْمَانِ هَاسْتِ تَخْتِ [جَهَانْدَارِي] اَوْ ! يَا كَا أَنْ كَهْ فِي زَمِينِ اسْتِ قَدْرْتِ اَوْ ! يَا كَا أَنْ كَهْ فِي خَشْكِي وَ دَرِياسْتِ رَاهِ اَوْ ! يَا كَا أَنْ كَهْ فِي آسْمَانِ ، سِيْطْرَهْ دَارْدِ ! يَا كَا أَنْ كَهْ فِي زَمِينِ ، مَنْزَلْتِ دَارْدِ ! يَا كَا أَنْ كَهْ فِي كُورْهَاسْتِ قَضَايِ اَوْ ! يَا كَا أَنْ كَهْ آتَشِ ، مَظْهَرِ خَشْمِ وَ عَذَابِ اَوْسْتِ ! يَا كَا أَنْ كَهْ بَهْشْتِ ، جَايْكَاهِ رَحْمْتِ اَوْسْتِ ! يَا كَا كَسِي كَهْ هِيْجِ كُورِزَنْدَهْ اِيْ اَزْ چَنْكَِ اَوْ نَتَوَانْدِ كُورِيْخْتِ ! يَا كَا كَسِي كَهْ اَزْ اَوْ جِزْ بَهْ خَوْدِ اَوْ ، پَنَاهِ نَتَوَانْ بَرْدِ ! يَا كَا أَنْ زَنْدَهْ اِيْ كَهْ هَرْ كُزْ نَمِيْ مِيرْدِ ! «پَسْ ، يَا كَا خُدَا ، أَنْ كَاهِ كَهْ بَهْ شَبْ فِي مِيْ آيِيدِ وَ أَنْ كَاهِ كَهْ صَبْحِ رَا مِيْ آغَايِيدِ ! وَ سَتَايِشِ ، اَوْ رَاسْتِ فِي آسْمَانِ هَا وَ زَمِينِ وَ عَصْرْكَاهِ وَ أَنْ كَاهِ كَهْ بَهْ نِيمِ رُؤُوسِ فِي مِيْ آيِيدِ . زَنْدَهْ رَا اَزْ مَرْدَهْ بِيْرُونِ مِيْ آوَرْدِ وَ مَرْدَهْ رَا اَزْ زَنْدَهْ بِيْرُونِ مِيْ آوَرْدِ وَ زَمِينِ رَا بَعْدِ اَزْ مَرْدَنْشِ زَنْدَهْ مِيْ كُورْدَانْدِ وَ شَمَا نِيْزِ اَيْنِ سَانِ بِيْرُونِ آوَرْدَهْ مِيْ شُوِيْدِ» . «سَتَايِشِ ، خُدَايِيْ رَا كَهْ نَهْ فَرِزَنْدِيْ بَرِ كُورْفْتَهْ اسْتِ وَ نَهْ فِي جَهَانْدَارِي ، شَرِيْكَيْ دَارْدِ وَ نَهْ نَاتَوَانْ بُوْدَهْ كَهْ حَامِيْ اِيْ بَرِ كُورْدِ . پَسْ ، اَوْ رَا بَسِيْ بَزْرْكَِ دَارِ» . يَا كَا اَوْ ، چَنْدِيْنِ وَ چَنْدِ بَرَابَرِ شَمَارِ هَرِ چِيْزِيْ ، يَا كَا بُوْدْنِيْ هَمِيْشْكَيْ وَ بِيْ پَايَانِ ، أَنْ سَانِ كَهْ سَزَاوَارِ بَزْرْكَيْ وَ بَنْدَهْ نَوَازيْ اَوْسْتِ ! يَا كَا تُوْ كَهْ مَعْبُوْدِيْ جِزْ تُوْ نِيْسْتِ وَ سِپَاسِ ، تُوْ رَا ! يَا كَا خُدَايِ بَرْدَبَارِ بَزْرْكَوَارِ ! يَا كَا خُدَايِ الْوَالَا وَ بَزْرْكَِ ! يَا كَا أَنْ كَهْ اَوْسْتِ حَقِّ ! يَا كَا أَنْ كَهْ جَمْعِ كَنْنَنْدَهْ وَ پَهْنِ كَنْنَنْدَهْ اسْتِ ! يَا كَا أَنْ كَهْ زِيَانِ رَسَانِ وَ سُوْدَرْسَانِ اسْتِ ! يَا كَا أَنْ بَزْرْكَِ وَ بَزْرْكَِ تَرِ ! يَا كَا أَنْ دَاوَرِ بَهْ حَقِّ ! يَا كَا أَنْ بَلَنْدَمَرْتَبَهْ بَرْتَرِ ! يَا كَا خُدَايِ بَزْرْكَِ ، آغَازِ وَ اَنْجَامِ ، پِيْدا وَ نَهَانِ ؛ اَوْ كَهْ بَرِ هَرِ چِيْزِيْ تَوَانِاسْتِ وَ بَهْ هَرِ چِيْزِيْ دَانِاسْتِ ! يَا كَا أَنْ كَهْ تَنْهَا اَوْ چَنْبِيْنِ اسْتِ وَ جِزْ اَوْ كَسِيْ چَنْبِيْنِ نِيْسْتِ ! يَا كَا أَنْ كَهْ هَمِيْشْكَيْ اسْتِ وَ هَرْ كُزْ سَهْوِ نَمِيْ كَنْدِ ! يَا كَا أَنْ كَهْ نِيْرَوْمَنْدِ اسْتِ وَ سَسْتِيْ نَمِيْ كُورْدِ ! يَا كَا أَنْ كَهْ مَرَاقَبِيْ اسْتِ كَهْ هَرْ كُزْ غَفْلْتِ نَمِيْ كَنْدِ ! يَا كَا أَنْ كَهْ زَنْدَهْ اِيْ اسْتِ كَهْ هَرْ كُزْ نَمِيْ مِيرْدِ ! يَا كَا پَايَنْدَهْ پَا بَرْجَا ! يَا كَا زَنْدَهْ جَاوِيْدَانِ ! يَا كَا أَنْ كَهْ خَوَابِ وَ چَرْتِ ، اَوْ رَا فَرَا نَمِيْ كُورْدِ ! يَا كَا تُوْ كَهْ مَعْبُوْدِيْ جِزْ تُوْ نِيْسْتِ وَ يِگَاْنَهْ اِيْ وَ بِيْ اَنْبَازيْ ! يَا كَا أَنْ كَهْ كُوْهْ هَايِ اسْتُوَارِ ، بَا صَدَا هَايِشَانِ ، بَهْ پَاكِيْ اَشِ مِيْ سَتَايِيْنْدِ وَ مِيْ كُوِيْنْدِ : «يَا كَا پَرُوْرْدِ كَارِ بَزْرْكَِ مَنْ !» ! يَا كَا أَنْ كَهْ دَرِخْتَانِ ، بَا رِيْشَهْ هَايِشَانِ ، بَهْ پَاكِيْ اَشِ مِيْ سَتَايِيْنْدِ وَ مِيْ كُوِيْنْدِ : «يَا كَا پَا دِشَاهِ رَاسْتِيْنِ !» ! يَا كَا أَنْ كَهْ آسْمَانِ هَا وَ زَمِينِ ، بَهْ پَاكِيْ اَشِ مِيْ سَتَايِيْنْدِ وَ مِيْ كُوِيْنْدِ : «يَا كَا خُدَايِ بَزْرْكَِ وَ زَنْدَهْ وَ بَرْدَبَارِ وَ سِپَاسِ ، اَوْ رَا !» ! يَا كَا أَنْ كَهْ بَهْ بَزْرْكَيْ ، مِيْ نَازْدِ ، وَ دَرِ حِجَابِ تَوَانَايِيْ ، نَهَانِ اسْتِ ، وَ اَزْ سَرِ مَهْرِ ، بَنْدَهْ نَوَازِ اسْتِ ، وَ دَرِ اَوْجِ بَلَنْدِيْ اسْتِ ، وَ دَرِ زَنْدِ كِيْ ، نَزْدِيْكَِ اسْتِ ، وَ نَهَانِيْ هَايِ دَرُوْنِ هَا بَرِ اَوْ پُوْشِيْدَهْ نِيْسْتِ وَ نَهْ شَبْ تَارِ ، چِيْزِيْ رَا اَزْ اَوْ پَنْهَانِ مِيْ دَارْدِ ، نَهْ دَرِيَايِ خَرُوْشَانِ وَ نَهْ پَرْدَهْ هَا وَ نَهْ جَفْتِ هَا ! بَهْ هَمَهْ چِيْزِ هَمَهْ دَانِاسْتِ ، وَ رَأْفْتِ وَ بَرْدَبَارِيْ اَشِ ، كَنْهَكَارَانِ رَا فَرَا كُورْفْتَهْ اسْتِ ، وَ آفَرِيْدَهْ هَايِشِ رَا اسْتُوَارِ وَ بَهْ سَامَانِ آفَرِيْدَهْ اسْتِ .

مَوْجُوْدَاتِ بِيْ زَبَانِ ، اَزْ تَوَانَايِيْ اَوْ سَخْنِ مِيْ كُوِيْنْدِ وَ دَمَادَمِ بَهْ يِگَاْنِ كِيْ اَشِ كُوَاهِيْ مِيْ دَهْنْدِ .

بحار الأنوار عن الإمام الصادق عليه السلام: سُبْحَانَ اللَّهِ بِمَا سَبَّحَهُ بِهِ خَلْقُهُ... وَسُبْحَانَ اللَّهِ بِمَا سَبَّحَهُ بِهِ عَرْشُهُ وَمَنْ تَحْتَهُ... وَسُبْحَانَ اللَّهِ بِمَا سَبَّحَهُ بِهِ مَلَائِكَتُهُ... وَسُبْحَانَ اللَّهِ بِمَا سَبَّحَهُ بِهِ أَهْلُ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَمَا فِيهَا... وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ جُمْلَةً لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا بِقُوَّةٍ وَلَا بِحِسَابٍ... سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ الْحَصَى وَالنَّوَى وَالتُّرَابِ وَالْجَنِّ وَالْإِنْسِ... وَسُبْحَانَ اللَّهِ تَسْبِيحًا لَا يَكُونُ بَعْدَهُ فِي عِلْمِهِ تَسْبِيحٌ... سُبْحَانَ اللَّهِ أَبَدَ الْأَبَدِ، وَبَعْدَ الْأَبَدِ، وَقَبْلَ الْأَبَدِ. (١)

الإقبال عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام: تُسَبِّحُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ (٢): الأَوَّلُ: سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ (٣)، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ السَّمِيعِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ أَسْمَعُ مِنْهُ، يَسْمَعُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ، وَيَسْمَعُ مَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَيَسْمَعُ الْأَيْنِينَ وَالشُّكُورَى، وَيَسْمَعُ السَّرَّ وَأَخْفَى، وَيَسْمَعُ وَسَاوِسَ الصُّدُورِ، وَلَا يُصَمُّ سَمِعُهُ صَوْتٌ. الثاني: سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْبَصِيرِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ أَبْصَرَ مِنْهُ، يُبْصِرُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ، وَيُبْصِرُ مَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَلَا تَعْشَى بَصِيرَةُ الظُّلْمَةِ، وَلَا يُسْتَتَرُ مِنْهُ بَسْتَرٌ، وَلَا يُوَارَى مِنْهُ جِدَارٌ، وَلَا يَغِيبُ عَنْهُ بَرٌّ وَلَا بَحْرٌ، وَلَا يَكُنُّ (٤) مِنْهُ جَبَلٌ مَا فِي أَصْلِهِ، وَلَا قَلْبٌ مَا فِيهِ، وَلَا جَنْبٌ مَا فِي قَلْبِهِ، وَلَا يَسْتَتِرُ مِنْهُ صَيْغِيرٌ وَلَا كَبِيرٌ، وَلَا يَسْتَخْفَى مِنْهُ صَيْغِيرٌ لَصَةِ غَرِّهِ، وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ، هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. الثالث: سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يُنْبِئُ السَّحَابَ الثَّقَالَ، وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ، وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ، وَيُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرَى بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ، وَيُنَزِّلُ الْمَاءَ مِنَ السَّمَاءِ بِكَلِمَاتِهِ، وَيُنْبِتُ النَّبَاتَ بِقُدْرَتِهِ، وَيَبْسُطُ الرِّزْقَ بِعِلْمِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَا يَعْرُبُ (٥) عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ. الرابع: سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ، وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ، سِوَاءَ مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ، وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ (٦) بِالنَّهَارِ، لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى وَيَعْلَمُ مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ، وَيُقِرُّ (٧) فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى. الخامس: سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ، تُوْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ، وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تُوَلِّجُ

اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ وَتُورِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ، وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ . السَّادِسُ : سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا ، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى ، سُبْحَانَ اللَّهِ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي عِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ ، وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ ، وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقِهِ إِلَّا يَعْلَمُهَا ، وَلَا حَيَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا - رَطْبٍ وَلَا - يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ . السَّابِعُ : سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا ، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى ، سُبْحَانَ اللَّهِ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُحْصَى مَدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ ، وَلَا - يَجْزَى بِالْآيَةِ الشَّاكِرُونَ الْعَابِدُونَ ، وَهُوَ كَمَا قَالَ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ ، وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ كَمَا أَنْتَى عَلَى نَفْسِهِ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ . الثَّامِنُ : سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا ، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى ، سُبْحَانَ اللَّهِ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا عَمَّا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا ، وَلَا يَشْغَلُهُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا عَمَّا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ، وَلَا يَشْغَلُهُ عِلْمُ شَيْءٍ عَنْ عِلْمِ شَيْءٍ ، وَلَا يَشْغَلُهُ خَلْقُ شَيْءٍ عَنْ خَلْقِ شَيْءٍ ، وَلَا حِفْظُ شَيْءٍ عَنْ حِفْظِ شَيْءٍ ، وَلَا يُسَاوِيهِ شَيْءٌ وَلَا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ . التَّاسِعُ : سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا ، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى ، سُبْحَانَ اللَّهِ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي أَعْجَنَ مَثْنَى وَثَلَّثَ وَرُبِعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ » (٨) . العَاشِرُ : سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا ، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى ، سُبْحَانَ اللَّهِ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي «يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (٩) ، سُبْحَانَ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ . (١٠)

- ١- بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٤٤٢ ح ٤٤ نقلاً عن أصل قديم من مؤلفات قدماء الأصحاب رضى الله عنهم .
- ٢- وزاد المؤلف (السيد ابن طاووس قدس سره) هنا: ونذكر فيه زياده من روايه جدى أبى جعفر الطوسى .
- ٣- برأ النَّسَمه: أى خَلَق ذات الروح (النهايه: ج ٥ ص ٤٩ «نسم»).
- ٤- الْكِنُّ: السُّتْره، والجمع: أكنان. قال الله تعالى: «وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا». وَكَانَتْ الشَّيْء: (الصَّحاح: ج ٦ ص ٢١٨٨ «كنن»).
- ٥- أى لا يغيب عن علمه ولا يخفى . يقال: عَزَبَ الشَّيْءُ عَنِّي: بَعُدَ عَنِّي وَغَاب (مجمع البحرين: ج ٢ ص ١٢٠٦ «عزب»).

- ٦- .سارِبٌ بالنهار : أى بارز بالنهار يراه كلُّ أحدٍ ؛ من : سَـرَبَ فى الأَرْضِ سُـرُوباً : إذا برز وذهب على وجه الأرض (مجمع البحرين : ج ٢ ص ٨٣٢ «سرب»).
- ٧- .فى الطبعه المعتمده : «وتقرّ» ، والتصويب من طبعه دار الكتب الإسلاميه .
- ٨- .فاطر : ١ و ٢ .
- ٩- .المجادله : ٧ .
- ١٠- .الإقبال : ج ١ ص ٢٠٨ ، مصباح المتهدّج : ص ٦١٦ ح ٦٩٨ ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ١٠٥ .

بحار الأنوار به نقل از امام صادق علیه السلام : تسبیح می گویم خدا را به آنچه آفرید گانش او را بدان تسبیح می گویند ... و تسبیح می گویم خدا را به آنچه عرش او و همه موجوداتی که فرودست عرش اویند ، او را بدان تسبیح می گویند ... و تسبیح می گویم خدا را به آنچه فرشتگانش او را بدان تسبیح می گویند ... و تسبیح می گویم خدا را به آنچه اهل آخرت و دنیا و هر آنچه در آخرت و دنیاست ، او را بدان تسبیح می گویند ... و تسبیح می گویم خدا را و خدا بزرگ تر است ، آن سان که به شمار و توان و حساب نمی آید ... و تسبیح می گویم خدا را به شمار ریگ ها و هسته ها و خاک و پری و آدمی ... و تسبیح می گویم خدا را ، تسبیحی که از آن بالاتر در علم او تسبیحی نباشد ... و تسبیح می گویم خدا را برای همیشه همیشه و پس از همیشه و پیش از همیشه .

الإقبال به نقل از ابو بصیر ، از امام صادق علیه السلام : در هر روز از ماه رمضان ، این تسبیحات [دهگانه] را می گویی : اول . پاكا خدای جان آفرین ! پاكا خدای صورتگر ! پاكا خدایی که آفریننده همه جفت هاست ! پاكا خدای آفریننده تاریکی ها و روشنایی ! پاكا خدای شکافنده دانه و هسته ! پاكا خدایی که آفریننده هر چیز است ! پاكا خدایی که آفریننده دیدنی ها و نادیدنی هاست ! پاكا خدا ، به گستره کلماتش ! پاكا خدایی که پروردگار جهانیان است ! پاكا خدایی که شنواست و شنواتر از او چیزی نیست ، که از زبر عرشش آنچه را در زیر هفت زمین است ، می شنود ، و آنچه را در اعماق تاریک خشکی و دریاست ، می شنود ، و ناله و شکوه را می شنود ، و نهان و نهان تر را می شنود ، و وسوسه های سینه ها را می شنود ، و هیچ صدایی ، گوش او را [از شنیدن] کر نمی سازد ! دوم . پاكا خدای جان آفرین ! پاكا خدای صورتگر ! پاكا خدایی که آفریننده همه جفت هاست ! پاكا خدای پدید آورنده تاریکی ها و روشنایی ! پاكا خدای شکافنده دانه و هسته ! پاكا خدایی که آفریننده همه چیز است ! پاكا خدایی که آفریننده دیدنی ها و نادیدنی هاست ! پاكا خدا ، به گستره کلماتش ! پاكا خدایی که پروردگار جهانیان است ! پاكا خدایی که بیناست و چیزی بیناتر از او نیست ؛ او که از فراز عرش خویش آنچه را در زیر هفت زمین است ، می بیند ، و آنچه را در تاریکی های خشکی و دریاست ، می بیند ، و دیدگان ، او را در نمی یابند و او دیدگان را در می یابد و ریزین و آگاه است ، و تاریکی ، جلو دید او را نمی گیرد ، و هیچ پرده ای ، چیزی را از او نمی پوشاند ، و هیچ دیواری مانع دیدن او نمی شود ، و هیچ بیابانی و دریایی ، از او پنهان نمی ماند ، و هیچ کوهی آنچه را در بُن خویش دارد ، از او نهفته نمی تواند بدارد ، و نه هیچ دلی آنچه را که در درون خویش دارد ، و نه هیچ سینه ای آنچه را که در قلبش دارد ! هیچ ریز و درشتی از او در پرده نیست ، و هیچ موجود ریزی به خاطر ریزی اش بر او پوشیده نیست ، و هیچ چیزی در زمین و در آسمان از او پنهان نیست ! اوست که شما را در زهدان ها ، آن گونه که خود بخواهد ، صورت می بخشد . معبودی جز او نیست که توانمند است و فرزانه . سوم . پاكا خدای جان آفرین ! پاكا خدای صورتگر ! پاكا خدایی که آفریننده همه جفت هاست ! پاكا خدای پدید آورنده تاریکی ها و روشنایی ! پاكا خدایی که شکافنده دانه ها و هسته هاست ! پاكا خدایی که آفریننده همه چیز است ! پاكا خدایی که آفریننده دیدنی ها و نادیدنی هاست ! پاكا خدا ، به گستره کلماتش ! پاكا خدایی که پروردگار جهانیان است ! پاكا خدایی که ایجاد کننده ابرهای گرانبار است و تُندر و فرشتگان ، از بیم او تسبیح و سپاسش می گویند ، و آذرخش ها را می فرستد و آنها را بر هر که بخواهد ، فرو می زند ، و بادها را مژده رسان پیشاپیش رحمت خود روانه می سازد ، و با کلمات خویش از آسمان ، آب فرو می باراند ، و به نیروی خویش ، گیاهان را می رویاند ، و به دانش

خویش، روزی را می گستراند! پاکا خدایی که به اندازه ذره ای و کوچک تر و بزرگ تر از آن، در زمین و آسمان، بر او پوشیده نیست و همه در کتابی روشن نگاشته است! چهارم. پاکا خدای جان آفرین! پاکا خدای صورتگر! پاکا خدایی که آفریننده همه جفت هاست! پاکا خدایی که پدید آورنده تاریکی ها و روشنایی است! پاکا خدایی که شکافنده دانه ها و هسته هاست! پاکا خدایی که آفریننده همه چیز است! پاکا خدایی که آفریننده دیدنی ها و نادیدنی هاست! پاکا خدا، به گستره کلماتش! پاکا خدا که پروردگار جهانیان است! پاکا خدایی که آنچه را هر ماده ای باردار است و آنچه را زهدان ها می کاهند و یا می افزایند، می داند و هر چیزی در نزد او به اندازه است، و دانای نهران و آشکار است، و بزرگ و برین است، و فرقی نمی کند که کسی از شما آهسته سخن بگوید یا بلند، در پناه تاریکی شب باشد، یا در روشنایی روز! او راست پیگیران (فرشتگان مراقب اعمال) از پیش آن بنده و از پس او که به فرمان خدا نگهداری اش می کنند! پاکا خدایی که زندگان را می میراند و مردگان را زنده می گرداند و آنچه را زمین از آنان می کاهد [و می پوساند]، می داند و در زهدان ها، آنچه را بخواهد، تا سررسیدی معلوم بر جای می دارد! پنجم. پاکا خدای جان آفرین! پاکا خدای صورتگر! پاکا خدایی که آفریننده همه جفت هاست! پاکا خدایی که پدید آورنده تاریکی ها و روشنایی است! پاکا خدایی که شکافنده دانه ها و هسته هاست! پاکا خدایی که آفریننده هر چیزی است! پاکا خدایی که آفریننده دیدنی ها و نادیدنی هاست! پاکا خدا، به گستره کلماتش! پاکا خدایی که پروردگار جهانیان است! پاکا خدایی که دارنده مُلک و پادشاهی است! به هر که بخواهی، مُلک می دهی و از هر که بخواهی، مُلک می گیری، و هر که را بخواهی، عزیز می کنی و هر که را بخواهی، خوار می سازی. خوبی، همه در دست توست و تو بر هر چیز، توانایی. شب را در دل روز می ببری و روز را در دل شب می ببری، و زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده بیرون می کنی، و هر که را بخواهی، بی حساب، روزی می دهی. ششم. پاکا خدای جان آفرین! پاکا خدای صورتگر! پاکا خدایی که آفریننده همه جفت هاست! پاکا خدایی که پدید آورنده تاریکی ها و روشنایی است! پاکا خدایی که شکافنده دانه ها و هسته هاست! پاکا خدایی که آفریننده هر چیزی است! پاکا خدایی که آفریننده دیدنی ها و نادیدنی هاست! پاکا خدا، به گستره کلماتش! پاکا خدایی که پروردگار جهانیان است! پاکا خدایی که خزانه های (/ کلیدهای) غیب، در نزد اوست و از آنها کسی جز او آگاه نیست، و آنچه را در خشکی و آب است، می داند، و هیچ برگی نمی افتد، جز این که او آن را می داند، و هیچ دانه ای در تاریکی های دل زمین نیست، مگر این که آن را می داند و هیچ تری و خشکی نیست، مگر آن که همگی در کتابی روشن، ثبت است! هفتم. پاکا خدای جان آفرین! پاکا خدای صورتگر! پاکا خدایی که آفریننده همه جفت هاست! پاکا خدایی که پدید آورنده تاریکی ها و روشنایی است! پاکا خدایی که شکافنده دانه ها و هسته هاست! پاکا خدایی که آفریننده هر چیزی است! پاکا خدایی که آفریننده دیدنی ها و نادیدنی هاست! پاکا خدا، به گستره کلماتش! پاکا خدایی که پروردگار جهانیان است! پاکا خدایی که گویندگان، از عهده ستایش او بر نمی آیند، و سپاس گزارانِ عبادت پیشه از تلافی نعمت های او ناتوان اند، و او چنان است که خود، گفته است و برتر از آن است که ما [در وصفش] می گوییم! خداوند پاک، آن گونه است که خود، خویشتن را ستوده است و [بندگان] به چیزی از علم او دست نمی یابند، مگر آن اندازه که او خود بخواهد. اورنگ [جهاندار] او آسمان ها و زمین را در بر گرفته است و نگهداری آنها بر او گران نمی آید، و او بلندمرتبه و بزرگ است. هشتم. پاکا خدای جان آفرین! پاکا خدای صورتگر! پاکا خدایی که آفریننده همه جفت هاست! پاکا خدایی که پدید آورنده تاریکی ها و روشنایی است! پاکا خدایی که شکافنده دانه ها و هسته هاست! پاکا خدایی که آفریننده هر موجودی است! پاکا خدایی که آفریننده هر دیدنی و نادیدنی است! پاکا خدا، به گستره کلماتش! پاکا خدایی که پروردگار جهانیان

است! پاکا خدایی که آنچه را در زمین، اندر می شود و آنچه را که از آن به در می آید و آنچه را از آسمان فرود می آید و آنچه را در آن بر می شود، می داند، و آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه در آسمان بر می شود، او را از آنچه در زمین اندر می شود و آنچه از آن به در می آید، او را از آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه به آسمان بر می شود، باز نمی دارد، و آنچه در زمین اندر می شود و آنچه از آن به در می آید، او را از دانستن چیزی دیگر باز نمی دارد و آفریدن چیزی، او را از آفریدن چیزی دیگر باز نمی دارد و نگهداری از چیزی، او را از نگهداری از چیزی دیگر باز نمی دارد، و هیچ چیزی همتای او نیست، و هیچ چیزی همانندش نیست، و شنوا و بیناست! نهم. پاکا خدای جان آفرین! پاکا خدای صورتگر! پاکا خدایی که آفریننده همه جفت هاست! پاکا خدایی که پدید آورنده تاریکی ها و روشنایی است! پاکا خدایی که شکافنده دانه ها و هسته هاست! پاکا خدایی که آفریننده هر موجودی است! پاکا خدایی که دیدنی و نادیدنی است! پاکا خداوند، به گستره کلماتش! پاکا خدایی که پروردگار جهانیان است! پاکا خدایی که «شکافنده آسمان ها و زمین است، پیک کننده فرشتگان بالدار، دو دو، سه سه، و چهار چهار است. در آفرینش، هر چه بخواهد، می افزاید. همانا خدا بر هر چیزی تواناست. هر رحمتی که خدا بر مردم بگشاید، آن را بازدارنده ای نیست و آنچه باز دارد، دیگر آن را فرستنده ای نیست، و اوست عزیز و حکیم». دهم. پاکا خدای جان آفرین! پاکا خدای صورتگر! پاکا خدایی که آفریننده همه جفت هاست! پاکا خدایی که پدید آورنده تاریکی ها و روشنایی است! پاکا خدایی که شکافنده دانه ها و هسته هاست! پاکا خدایی که آفریننده هر موجودی است! پاکا خدایی که آفریننده هر دیدنی و نادیدنی است! پاکا خدا، به گستره کلماتش! پاکا خدایی که پروردگار جهانیان است! پاکا خدایی که «آنچه را در آسمان ها و زمین است، می داند. هیچ سه کس با هم نجوا نمی کنند، مگر این که او چهارمینشان است، و نه پنج نفر، مگر این که او ششمینشان است، و نه کمتر از این و نه بیشتر، مگر این که هر جا باشند، او با ایشان است. سپس در روز رستاخیز، آنها را از آنچه به جا آورده اند، آگاه می سازد، که خدا به هر چیزی داناست!» پاکا خدایی که به لطف او، کارهای نیک، انجام می پذیرند!

٧ / ٨ التَّسْبِيحَاتُ الْمَأْثُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ الْكَاطِمِ الْكَافِي عَنْ هَلْقَامِ بْنِ أَبِي هَلْقَامٍ: أَتَيْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ عَلَّمَنِي دُعَاءً جَامِعًا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَوْجِزَ، فَقَالَ: قُلْ فِي دُبُرِ الْفَجْرِ إِلَى أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ. (١)

٧ / ٩ التَّسْبِيحَاتُ الْمَأْثُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ الرِّضَا التَّوْحِيدِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ، وَأَتَقَنَ مَا خَلَقَ بِحِكْمَتِهِ، وَوَضَعَ كُلَّ شَيْءٍ مِنْهُ مَوْضِعَهُ بِعِلْمِهِ، سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ (٢) وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. (٣)

٧ / ١٠ التَّسْبِيحَاتُ الْمَأْثُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ الْهَادِي التَّوْحِيدِ عَنْ بَشْرِ بْنِ بَشَّارِ الْأَسَدِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُبْحَانَ مَنْ لَا يُحَدُّ وَلَا يوصَفُ، وَلَا يُشَبَّهُهُ شَيْءٌ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. (٤)

١- الكافي: ج ٢ ص ٥٥٠ ح ١٢.

٢- خائنه الأعين: أي ما يخونون فيه من مسارقه النظر إلى ما لا يحل، والخائنه بمعنى الخيانة (النهاية: ج ٢ ص ٨٩ «خون»).

٣- التوحيد: ص ١٣٧ ح ١٠، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ١١٨ ح ٩، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٨٠ ح ٤ و ج ٤ ص ١٨٥ ح ٢٠.

٤- التوحيد: ص ١٠١ ح ١٣ و ح ١٢ عن محمد بن علي القاساني و ص ١٠٠ ح ٩، الكافي: ج ١ ص ١٠٢ ح ٥ كلاهما عن إبراهيم بن محمد الهمداني.

۷ / ۸ تسبیحاتِ رسیده از امام کاظم علیه السلام

۷ / ۹ تسبیحاتِ رسیده از امام رضا علیه السلام

۷ / ۱۰ تسبیحاتِ رسیده از امام هادی علیه السلام

۷ / ۸ تسبیحاتِ رسیده از امام کاظم علیه السلام به نقل از هلقام بن ابی هلقام : خدمت ابو ابراهیم (امام کاظم علیه السلام) رسیدم و گفتم : قربانت گردم ! مرا دعایی جامع دنیا و آخرت بیاموز که مختصر باشد . فرمود : «در پی نماز صبح تا طلوع خورشید بگو : پاکای خدای بزرگ و سپاس ، او را ! از خدا آمرزش می طلبم و از فضل او درخواست می کنم» .

۷ / ۹ تسبیحاتِ رسیده از امام رضا علیه السلام به نقل از فضل بن شادان ، از امام رضا علیه السلام : پاکای خدایی که آفرینش را با توانایی خویش آفرید ، و آنچه را آفرید ، با حکمت خویش استوار آفرید ، و هر چیزی از آن را با دانش خویش در جایگاه خود نهاد ! پاکای خدایی که نگاه های خیانت آمیز چشم ها را و هم آنچه را سینه ها در خود نهان می دارند ، می داند ، و هیچ چیزی همانندش نیست و او شنوا و بیناست !

۷ / ۱۰ تسبیحاتِ رسیده از امام هادی علیه السلام به نقل از بشر بن بشار اسدی ، از امام هادی علیه السلام : پاکای خدایی که نه به حد [و تعریف] در می آید و نه به وصف ، و چیزی همانند او نیست ، و هیچ چیزی همتایش نیست ، و شنوا و بیناست !

الكافي عن حمزه بن محمد: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنِ الْجِسْمِ وَالصُّورَةِ فَكَتَبَ: سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ؛ لَا جِسْمٌ وَلَا صُورَةٌ. (١)

١١ / ٧ النُّوَادِرُ الكافي عن كثير بن كلثمه عن أحدهما عليهما السلام في قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ» (٢): قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفِرْ لِي وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَتُبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. (٣)

الأُمَالِي عن ابن عباس في حَدِيثٍ ذَكَرَ فِيهِ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا بَعَثَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ تَعَرَّضَ لَهُ الشَّيْطَانُ فَوَسَّوَسَ لَهُ، إِلَى أَنْ قَالَ: فَأَعْظَمَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَلِكَ مِنْ قَوْلِ إِبْلِيسَ الْكَافِرِ اللَّعِينِ، فَقَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُبْحَانَ اللَّهِ مِثْلَ سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضِيهِ، وَمِدَادِ كَلِمَاتِهِ، وَزِينَةِ عَرْشِهِ، وَرِضَا نَفْسِهِ. قَالَ: فَلَمَّا سَمِعَ إِبْلِيسُ لَعْنَةَ اللَّهِ ذَلِكَ ذَهَبَ عَلَى وَجْهِهِ لَا يَمْلِكُ مِنْ نَفْسِهِ شَيْئًا، حَتَّى وَقَعَ فِي اللَّجَّةِ الْخَضْرَاءِ. (٤)

١- الكافي: ج ١ ص ١٠٤ ح ٢، التوحيد: ص ٩٧ ح ٣ كلاهما عن حمزه بن محمد بن وص ١٠٢ ح ١٦ عن سهل بن زياد عن بعض أصحابنا.

٢- البقرة: ٣٧.

٣- الكافي: ج ٨ ص ٣٠٤ ح ٤٧٢، تفسير القمى: ج ١ ص ٤٤ عن أبان بن عثمان عن الإمام الصادق عليه السلام، قصص الأنبياء: ص ٥٣ ح ٢٩ عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «الكلمات التي تلقى بهن آدم عليه السلام ربه وتاب عليه قال: ...» وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ١١ ص ١٧٨ ح ٢٥.

٤- الأُمَالِي للصدوق: ص ٢٧٣ ح ٣٠٠، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨١ ح ١٤ و ج ٩٥ ص ١٣٦ ح ٢.

الکافی به نقل از حمزه بن محمد: به ابو الحسن (امام هادی علیه السلام) نوشتم و در باره جسم و صورت [داشتن خداوند]، از ایشان پرسیدم. ایشان نوشت: «پاکا آن که چیزی همانندش نیست، که نه جسم است و نه صورت!».

۱۱ / ۷ گوناگون الکافی به نقل از کثیر بن کُثْمَه، از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام، در باره این سخن خداوند عز و جل: «پس، آدم از پروردگارش کلماتی را فرا گرفت»: [آن کلماتی که آدم از خداوند فرا گرفت، اینهاست که] گفت: معبودی جز تو نیست. پاکی تو ای خداوند و سپاس، تو را. من بد کردم و به خویش ستم نمودم. پس مرا بیامرز که تو بهترین آمرزندگان. معبودی جز تو نیست. پاکی تو ای خداوند و سپاس، تو را. من بد کردم و به خویش ستم نمودم. پس مرا بیامرز و بر من مهر آور که تو مهربان ترین مهربانانی. معبودی جز تو نیست. پاکی تو ای خداوند و سپاس، تو را. من بد کردم و به خویش ستم نمودم. پس توبه ام را بپذیر که تو توبه پذیری مهربانی.

الأمالی، صدوق به نقل از ابن عباس، در حدیثی که در آن گفت: چون خداوند، عیسی علیه السلام را به پیامبری فرستاد، شیطان بر او ظاهر شد و به وسوسه کردن او پرداخت...، تا آن که گفت: این سخن ابلیس کافر ملعون، بر عیسی علیه السلام گران آمد. پس عیسی علیه السلام گفت: «پاکا خدا به گنجایش آسمان ها و زمین هایش، و به گستره کلماتش، و به وزن عرشش، و چندان که خشنود شود!». ابلیس که خدایش لعنت کناد چون این سخن را شنید، راه خویش گرفت و بی خود از خود برفت تا در ژرفنای دریا (/ بحر اخضر) فرو افتاد.

الدعوات: تَسْبِيحُ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْأَيْمَةُ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: تَسْبِيحُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنَ الشَّهْرِ: سُبْحَانَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رِضَا، سُبْحَانَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ خَلْقِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ مَلَأَ سَمَاوَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ مَلَأَ أَرْضِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِثْلَ ذَلِكَ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِثْلَ ذَلِكَ. تَسْبِيحُ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْيَوْمِ الثَّانِي: سُبْحَانَ مَنْ تَعَالَى جَدُّهُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ إِلَى غَيْرِ غَايَةٍ يَدُومُ بَقَاؤُهُ، سُبْحَانَ مَنْ اسْتَنَارَ بِنُورِ حِجَابِهِ دُونَ سَمَائِهِ، سُبْحَانَ مَنْ قَامَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ بِإِلَاعَمِهِ، سُبْحَانَ مَنْ تَعَظَّمَ بِالْكَبْرِيَاءِ وَالنُّورِ سَنَاؤُهُ، سُبْحَانَ مَنْ تَوَحَّدَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ فَلَا إِلَهَ سِوَاهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ (١) الْبَهَاءَ وَالْفَخْرَ رِذَاؤُهُ، سُبْحَانَ مَنْ اسْتَوَى عَلَى عَرْشِهِ بِوَحْدَانِيَّتِهِ. تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ: سُبْحَانَ مَنْ اسْتَنَارَ بِالْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ، سُبْحَانَ مَنْ احْتَجَبَ فِي سَبْعِ سَمَاوَاتٍ فَلَا عَيْنٌ تَرَاهُ، سُبْحَانَ مَنْ أَذَلَّ الْخَلَائِقَ بِالْمَوْتِ وَأَعَزَّنَفْسَهُ بِالْحَيَاةِ، سُبْحَانَ مَنْ بَقِيَ وَيَفْنَى كُلُّ شَيْءٍ سِوَاهُ، سُبْحَانَ مَنْ اسْتَخْلَصَ الْحَمْدَ لِنَفْسِهِ وَارْتَضَاهُ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الْعَلِيمِ، سُبْحَانَ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ، سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ. تَسْبِيحُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْيَوْمِ الرَّابِعِ: سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مُطَّلِعٌ عَلَى خَوَازِنِ الْقُلُوبِ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مُحْصِي عَدَدَ الذُّنُوبِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، سُبْحَانَ الْمُطَّلِعِ عَلَى السَّرَائِرِ عَالِمِ الْخَفِيَّاتِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ السَّرَائِرُ عِنْدَهُ عَلَانِيَةٌ، وَالْبُاطِنُ عِنْدَهُ ظَاهِرٌ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ. تَسْبِيحُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْيَوْمِ الْخَامِسِ: سُبْحَانَ الرَّفِيعِ الْأَعْلَى، سُبْحَانَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا يَكُونُ هَكَذَا غَيْرُهُ، وَلَا يَقْدِرُ أَحَدٌ قُدْرَتَهُ، سُبْحَانَ مَنْ أَوَّلُهُ عِلْمٌ لَا يَوْصَفُ، وَآخِرُهُ عِلْمٌ لَا يَبِيدُ، سُبْحَانَ مَنْ عَلَا فَوْقَ الْبَرِّيَّاتِ بِالْإِلَهِيَّةِ فَلَا عَيْنٌ تُدْرِكُهُ، وَلَا عَقْلٌ يَمْتَلِكُهُ، وَلَا وَهْمٌ يُصَوِّرُهُ، وَلَا لِسَانَ يَصِفُهُ بِغَايَةِ مَا لَهُ مِنَ الْوَصْفِ، سُبْحَانَ مَنْ عَلَا فِي الْهَوَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ قَضَى الْمَوْتَ عَلَى الْعِبَادِ، سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْمُقْتَدِرِ، سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ الْبَاقِي الدَّائِمِ. تَسْبِيحُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْيَوْمِ السَّادِسِ: سُبْحَانَ مَنْ أَشْرَقَ نُورُهُ كُلَّ ظُلْمَةٍ، سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ بِقُدْرَتِهِ كُلَّ قَدَرٍ، سُبْحَانَ مَنْ احْتَجَبَ عَنِ الْعِبَادِ بِطَرَائِقِ نَفْسِهِمْ فَلَا شَيْءَ يَحْجُبُهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ. تَسْبِيحُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْيَوْمِ السَّابِعِ: سُبْحَانَ الْخَالِقِ الْبَارِيءِ، سُبْحَانَ الْقَادِرِ الْمُقْتَدِرِ، سُبْحَانَ (٢) الْبَاعِثِ الْوَارِثِ، سُبْحَانَ مَنْ خَضَعَتْ لَهُ الْأَشْيَاءُ، سُبْحَانَ مَنْ يُسَبِّحُ (٣) الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ. تَسْبِيحُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْيَوْمِ الثَّامِنِ: سُبْحَانَ مَنْ هُوَ عَظِيمٌ لَا يُرَامُ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَلْهُو، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَافِظٌ لَا يَنْسَى، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ عَالِمٌ لَا يَسْهُو، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مُحِيطٌ بِخَلْقِهِ لَا يَغِيبُ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مُحْتَجِبٌ لَا يُرَى، سُبْحَانَ مَنْ اسْتَتَرَ بِالضِّيَاءِ فَلَا شَيْءَ يُدْرِكُهُ، سُبْحَانَ مَنْ النُّورُ مَنَارُهُ، وَالضِّيَاءُ بِهَاؤُهُ، وَالْبَهْجَةُ جَمَالُهُ، وَالْجَلَالُ عِزُّهُ، وَالْعِزَّةُ قُدْرَتُهُ، وَالْقُدْرَةُ صِفَتُهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ. تَسْبِيحُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْيَوْمِ التَّاسِعِ: سُبْحَانَ مَنْ مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسُهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَغْشَى الْأَمَدَ نُورُهُ، سُبْحَانَ مَنْ أَشْرَقَ كُلَّ ظُلْمَةٍ بِضَوْئِهِ، سُبْحَانَ مَنْ يَدِينُ لِدِينِهِ كُلِّ دِينٍ وَلَا يُدَانُ لِغَيْرِ دِينِهِ دِينٌ، سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ كُلَّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ لِخَالِقِيَّتِهِ حُدٌّ، وَلَا لِقَادِرِيَّتِهِ نَفَادٌ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ. تَسْبِيحُ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْيَوْمِ الْعَاشِرِ وَالْحَادِي عَشَرَ: سُبْحَانَ خَالِقِ النُّورِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الظُّلْمَةِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الْمِيَاهِ، سُبْحَانَ خَالِقِ السَّمَاوَاتِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الْأَرْضِينَ، سُبْحَانَ خَالِقِ الرِّيَاحِ وَالنَّبَاتِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الثَّرَى وَالْفَلَوَاتِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ. تَسْبِيحُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْيَوْمِ الثَّانِي عَشَرَ وَالثَّلَاثِ عَشَرَ: سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يُؤَاخِذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِأَلْوَانِ الْعَذَابِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ. تَسْبِيحُ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ النَّقِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْيَوْمِ الرَّابِعِ عَشَرَ وَالْخَامِسِ عَشَرَ: سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا يَسْهُو، سُبْحَانَ مَنْ

هُوَ قَائِمٌ لَا يَلْهُو ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ غَنِيٌّ لَا يَفْتَقِرُ ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ . تَسْبِيحُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْيَوْمِ السَّادِسِ عَشَرَ
وَالسَّابِعِ عَشَرَ : سُبْحَانَ مَنْ هُوَ فِي عُلُوِّهِ دَانٍ ، وَفِي دُنُوِّهِ عَالٍ ، وَفِي إِسْرَاقِهِ مُنِيرٌ ، وَفِي سُلْطَانِهِ قَوِيٌّ ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ . تَسْبِيحُ
صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْيَوْمِ الثَّامِنِ عَشَرَ إِلَى آخِرِ الشَّهْرِ : سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رِضَا نَفْسِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ
مِدَادَ كَلِمَاتِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ . (٤)

-
- ١- .في المصدر : «ليس» ، والتصويب من بحار الأنوار .
 - ٢- .في المصدر : «سبحانه» ، والتصويب من بحار الأنوار .
 - ٣- .في المصدر : «تَسْبِيحٌ» ، والتصويب من بحار الأنوار .
 - ٤- .الدعوات : ص ٩٠ ح ٢٢٨ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٢٠٥ ح ٣ .

الدعوات: تسبیحات پیامبر و امامان که درود و سلام بر ایشان باد [چنین اند]: تسبیح پیامبر صلی الله علیه و آله در آغازین روز هر ماه: پاکا خدا، بدان شمار که خوشنود شود! پاکا خدا، به شمار کلماتش! پاکا خدا، به شمار آفریدگانش! پاکا خدا، به وزن اورنگش! پاکا خدا، به گنجایی آسمان هایش! پاکا خدا، به گنجایی زمینش! پاکا خدا، به همه این اندازه ها! سپاس، خدای را به همه این اندازه ها، و معبودی جز خدا نیست به همه این اندازه ها، و خدا بزرگ تر است به همه این اندازه ها. تسبیح امام علی علیه السلام در روز دوم [هر ماه]: پاکا خدایی که والاست عظمت او و مقدّس است نام های او! پاکا خدایی که مانایی اش را پایانی نیست! پاکا خدایی که فرودست آسمانش، از روشنایی حجاب او، روشنایی گرفته است! پاکا خدایی که آسمان ها بی هیچ ستونی برایش افراشته شدند! پاکا خدایی که به بزرگی خویش، می نازد و روشنایی اش خیره کننده است! پاکا خدایی که در یگانگی، یکتاست و معبودی جز او نیست! پاکا خدایی که جامه فرهی در پوشیده و نازش و غرور، ردای اوست! پاکا خدایی که به یگانگی، بر اورنگ خویش قرار گرفته است! تسبیح فاطمه علیها السلام در روز سوم: پاکا خدایی که به نور نیرو و توان، روشن است! پاکا خدایی که در پس پرده هفت آسمان، نهان است و هیچ چشمی او را نمی بیند! پاکا خدایی که آفریدگان را مقهور مرگ ساخت و خویشتن را به زندگی سرفراز داشت! پاکا خدایی که می ماند و هر چیزی غیر از او نیست می شود! پاکا خدایی که ستایش را ویژه خویش گردانید و آن را برای خود برگزید! پاکا آن زنده دانا! پاکا آن بردبار بزرگوار! پاکا آن پادشاه پاک! پاکا آن بلندمرتبه بزرگ! پاکا و سپاسا خدای را! تسبیح امام حسن علیه السلام در روز چهارم: پاکا خدایی که از خزانه های دل ها آگاه است! پاکا خدایی که عدد گناهان را بر می شمارد! پاکا خدایی که هیچ پنهانی در آسمان ها و زمین بر او پوشیده نیست! پاکا آگاه از درون ها و دانای نهان ها! پاکا خدایی که هموزن ذره ای، چه در زمین و چه در آسمان، از او پنهان نیست! پاکا خدایی که نهان ها برایش آشکارند و ناپیداها برایش پیدا! پاکا خدا و سپاس، او را! تسبیح امام حسین علیه السلام در روز پنجم: پاکا فرازند برین! پاکا بزرگ و بزرگ تر! پاکا خدایی که تنها او چنین است و جز او کسی چنین نیست، و هیچ کس، توانایی او را ندارد! پاکا خدایی که آغازش علمی است و صف ناشدنی و انجامش نیز علمی است نیستی ناپذیر! پاکا خدایی که با خداوندگاری اش فراتر از همه آفریدگان است، پس نه هیچ چشمی او را می بیند، و نه خردی، مانندی برایش می یابد، و نه هیچ وهمی، تصوّرش می نماید، و نه هیچ زبانی می تواند او را تا نهایت وصفی که دارد، وصفش کند! پاکا خدایی که در هوا بلند است! پاکا خدایی که مرگ را بر بندگان، رقم زده است! پاکا پادشاه قدرتمند! پاکا پادشاه مقدّس! پاکا مانای پایا! تسبیح امام زین العابدین علیه السلام در روز ششم: پاکا آن که نورش هر تاریکی ای را روشن ساخته است! پاکا آن که به قدرت خویش، هر قدرتی را مقدر ساخت! پاکا آن که از جان های بندگان، در پرده است و هیچ چیز، حجاب او نمی شود! پاکا خدا و سپاس، او را! تسبیح امام باقر علیه السلام در روز هفتم: پاکا آفریننده پدید آورنده! پاکا توانای قدرتمند! پاکا خدایی که برانگیزنده و وارث است! پاکا آن که موجودات در برابرش خاضع اند! پاکا آن که تندر و فرشتگان، از بیمش تسبیح او می گویند! پاکا خدای بزرگ و سپاس، او را! تسبیح امام صادق علیه السلام در روز هشتم: پاکا آن که بزرگ است و دست کسی به آستانش نمی رسد! پاکا آن که نگهبان است و هرگز غفلت نمی کند! پاکا آن که نگهدار است و هرگز فراموش نمی کند! پاکا آن که دانایی است که هرگز اشتباه نمی کند! پاکا آن که بر آفریدگان خویش احاطه دارد و هرگز غایب نیست! پاکا آن که در پرده است و دیده نمی شود! پاکا آن که در پس پرده روشنایی، نهان است و هیچ چیزی او را در نمی یابد! پاکا آن که مناره

اش ، از نور است ، و روشنائی ، قره اوست ، و خزّمی ، جمال اوست ، و شکوهمندی ، عزّت اوست ، و عزّت ، قدرت اوست ، و قدرت ، صفت اوست ! پاكا خدا و سپاس ، او را ! تسبیح امام كاظم علیه السلام در روز نهم : پاكا آن كه پاکی اش روزگار را آکنده است ! پاكا آن كه زمان ، روشنائی او را فرو نمی پوشاند ! پاكا آن كه هر تاریکی ای را به نور خویش ، روشن ساخته است ! پاكا آن كه هر دینی ، پیرو دین اوست ، و هیچ دینی ، پیرو غیر دین او نیست ! پاكا آن كه هر چیزی را با قدرت خویش آفرید ! پاكا آن كه آفرینندگی اش را مرزی نیست ، و نیرویش را پایانی نه ! پاكا خدای بزرگ و سپاس ، او را ! تسبیح امام رضا علیه السلام در روز دهم و یازدهم : پاكا آفریننده روشنائی ! پاكا آفریننده تاریکی ! پاكا آفریننده آب ها ! پاكا آفریننده آسمان ها ! پاكا آفریننده زمین ها ! پاكا آفریننده بادها و گیاهان ! پاكا آفریننده زندگی و مرگ ! پاكا آفریننده خاک و بیابان ها ! پاكا خدا و سپاس ، او را ! تسبیح امام جواد علیه السلام در روز دوازدهم و سیزدهم : پاكا آن كه بر اهل مملكت خود ، ستم نمی كند ! پاكا آن كه زمینیان را به عذاب های رنگارنگ ، عذاب نمی كند ! پاكا خدا و سپاس ، او را ! تسبیح امام هادی علیه السلام در روز چهاردهم و پانزدهم : پاكا آن كه همیشگی است و هرگز دست خوش سهو (اشتباه) نمی شود ! پاكا آن كه نگهبان است و هرگز غافل نمی شود ! پاكا آن كه بی نیاز است و هرگز نیازمند نمی شود ! پاكا خدا و سپاس ، او را ! تسبیح امام عسکری علیه السلام در روز شانزدهم و هفدهم : پاكا آن كه در عین بلندی ، پایین (/ نزدیک) است ، و در عین پائینی ، بلند است ، و در نورانیتش تابان است ، و در سلطنتش نیرومند است ! پاكا خدا و سپاس ، او را ! تسبیح صاحب الزمان علیه السلام در روز هجدهم تا آخر ماه : پاكا خدا به شمار آفریدگانش ! پاكا خدا ، چندان كه خرسند شود ! پاكا خدا ، به گستره کلماتش ! پاكا خدا به وزن عرشش ! و سپاس ، خدای را به همین اندازه ها .

المصباح للكفعمي عن ابن عباس يرفعه: مَنْ قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ كُلَّ يَوْمٍ مَرَّةً وَاحِدَةً ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ ، وَمَحَا عَنْهُ مِنْ السَّيِّئَاتِ وَرَفَعَ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ ، وَأُثِّبَتْ لَهُ مِنَ الشَّفَاعَاتِ كَذَلِكَ ، وَهُوَ : سُبْحَانَ مَنْ هُوَ بَاقٍ لَا يَفْنَى ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ عَالِمٌ لَا يَنْسَى ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَافِظٌ لَا يَنْغُلُ ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَيُّومٌ لَا يَنَامُ ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَلِيمٌ لَا يَلْهُو ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مَلِكٌ لَا يُرَامُ ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ عَزِيزٌ لَا يُضَامُ ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ بَصِيرٌ لَا يَرْتَابُ ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ وَاسِعٌ لَا يُكَلِّفُ ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مُحْتَجِبٌ لَا يُرَى ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا . (١)

المصباح للكفعمي: قُلْ كُلَّ يَوْمٍ مَرَّةً (٢): سُبْحَانَ الدَّائِمِ الْقَائِمِ ، سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ ، سُبْحَانَ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ ، سُبْحَانَ الْفَرْدِ الصَّمِيدِ ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ، سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ ، سُبْحَانَ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ ، سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى ، سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى . (٣)

كنز العميال عن أنس عن رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ كُلَّ يَوْمٍ مَرَّةً : «سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ ، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ ، سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى ، سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى» لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى مَكَانَهُ مِنَ الْجَنَّةِ أَوْ يُرَى لَهُ . (٤)

١- المصباح للكفعمي: ص ١٢٥ ذكره في الحاشية ، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٦ ح ٩ وراجع قصص الأنبياء: ص ١٢٢ ح ١٢٤ .
٢- زاد في بحار الأنوار نقلاً عن المصدر: «تسبيح جبرئيل عليه السلام ، من قاله كل يوم مره في سنه كامله لم يموت حتى يرى مقعده من الجنة» .

٣- المصباح للكفعمي: ص ١٢٠ ، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٦ ح ٩ .

٤- كنز العمال: ج ٢ ص ٢٣٠ ح ٣٨٨٦ نقلاً عن ابن شاهين في الترغيب وابن عساكر .

المصباح ، کفعمی به نقل از ابن عباس ، که سند حدیث را به پیامبر صلی الله علیه و آله رسانده است : هر کس در هر روز ، یک مرتبه این جملات را بگوید ، خداوند برایش هزار هزار ثواب می نویسد و به همین اندازه از او گناه می زداید و درجاتش را بالا می برد و برایش شفاعت می نگارد . آن جملات ، اینها هستند : «پاکا آن که ماناست و هرگز نیست نمی شود ! پاکا آن که داناست و هرگز فراموش نمی کند ! پاکا آن که نگهدار است و هرگز غافل نمی شود ! پاکا آن که همواره برپاست و هرگز نمی خوابد ! پاکا آن که نگهبان است و هرگز اشتباه نمی کند ! پاکا آن که بردبار است و هرگز سرگرم نمی شود ! پاکا آن که پادشاهی است که هرگز آهنگ او نمی شود ! پاکا آن که نیرومند است و هرگز مقهور نمی شود ! پاکا آن که بیناست و هرگز تردید نمی کند ! پاکا آن که گشایشگر است و هرگز به زحمت نمی افکند ! پاکا آن که در پرده است و دیده نمی شود ! و درود و سلام خدا بر گزیده او از میان خلقش ، محمد ، و خاندان پاک و پاکیزه او» .

المصباح ، کفعمی : هر روز ، یک مرتبه بگو (۱) : «پاکا آن پاینده پابرجا ! پاکا آن پابرجای پاینده ! پاکا آن یگانه یکتا ! پاکا آن تک بی نیاز ! پاکا آن زنده همیشه بیدار ! پاکا خدا و سپاس ، او را ! پاکا آن زنده ای که هرگز نمی میرد ! پاکا آن پادشاه مقدس ! پاکا پروردگار فرشتگان و روح ! پاکا آن والای برین ! پاکا و برینا او!» .

کنز العمال به نقل از آنس ، از پیامبر خدا : هر کس روزی یک مرتبه بگوید : «پاکا آن پابرجای پاینده ! پاکا آن زنده همیشه بیدار ! پاکا آن زنده ای که هرگز نمی میرد ! پاکا خدای بزرگ و سپاس ، او را ! پاکا و مقدسا پروردگار فرشتگان و روح ! پاکا آن والای برین ! پاکا و برینا او!» ، نمی میرد تا آن که جایگاه خود در بهشت را ببیند ، یا به او نمایانده شود .

۱- در بحار الأنوار به نقل از مأخذ ، افزوده است : «تسیح جبرئیل علیه السلام . هر کس این تسیح را روزی یک مرتبه ، به مدت یک سال کامل بگوید ، نمی میرد تا آن که جایگاه خود را در بهشت ببیند» .

المصباح للكفعمي: يُسْتَحَبُّ أَنْ يُصَلِّيَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ رَكَعَتَيْنِ ، بِالْحَمْدِ فِيهَا وَالتَّوْحِيدِ ثَلَاثًا ، فَإِذَا سَلَّمَ قَالَ : «سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَفِيظٌ لَا يَغْفُلُ ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ رَحِيمٌ لَا يَعْجَلُ ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو» ثُمَّ يَقُولُ التَّسْبِيحَاتِ الْأَرْبَعَ سَبْعًا ، ثُمَّ يَقُولُ : «سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ ، يَا عَظِيمَ اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ» ثُمَّ يُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَشْرًا . مَنْ صَلَّى غَفَرَ اللَّهُ لَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ ذَنْبٍ . (١)

الكافي عن محمد بن عيسى بإسناده عن الصالحين عليهم السلام في ذكر أعمال العشر الأواخر من شهر رمضان: تقول في الليله العاشره: الحمد لله لا شريك له، الحمد لله كما يتبعي لكرم وجهه وعز جلاله وكما هو أهله، يا قدوس يا نور القدس، يا سُبُوْحُ يَا مُنْتَهَى التَّسْبِيحِ . (٢)

١- المصباح للكفعمي: ص ٧٤٦ أورده في الهامش .

٢- الكافي: ج ٤ ص ١٦٤ ح ٤، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٠٥ ح ٢٦٥، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ١٦٤ ح ٢٠٣٢ عن محمد بن أبي عمير عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «يا نور يا قدوس، يا نور يا قدوس» بدل «يا قدوس يا نور القدس»، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٧٠ .

المصباح ، کفعمی : مستحب است که شخص در هر شب ماه رمضان ، دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، یک حمد و سه بار سوره توحید بخواند و چون سلام داد ، بگوید : «پاکا آن که نگهدار است و هرگز غفلت نمی کند ! پاکا آن که مهربان است و شتاب نمی کند ! پاکا آن که نگهبان است و هرگز اشتباه نمی کند ! پاکا آن که پاینده است و هرگز سرگرم نمی شود!» ، سپس هفت مرتبه تسبیحات چهارگانه را بگوید و آن گاه بگوید : «پاکی تو ، پاکی تو . ای بزرگ! گناه بزرگ مرا بیامرز» ، سپس ده مرتبه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او صلوات بفرستد . هر کس این نماز را بخواند ، خداوند ، هفتاد هزار گناه او را می آمرزد .

الکافی به نقل از محمد بن عیسی ، از امامان علیهم السلام ، در بیان اعمال دهه آخر ماه رمضان : در شب دهم می گویی : «سپاس ، خدایی را که انبازی ندارد ! سپاس ، خدای را ، چنان که زینده ذات بزرگوار و عزت شکوه اوست و چنان که او اهل آن است ! ای مقدس ، ای نور قدس ، ای منزّه ، ای نهایت تسبیح!» .

الفصل الثامن: تسييح فاطمه ٨ / أفضل تسييح فاطمه عليها السلام الباقر عليه السلام: ما عبد الله بشيء من التَّحْمِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ ، وَلَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ (١) رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام لأبي هارونَ المَكْفُوفِ : يَا أَبَا هَارُونَ ، إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاةِ ، فَالزَّمَهُ ؛ فَإِنَّهُ لَمْ يَلْزَمَهُ عَبْدٌ فَشَقِيَ . (٣)

عنه عليه السلام : مَنْ بَاتَ عَلَى تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ ، كَانَ مِنَ الذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ (٤) . (٥)

١- نَحَلْتَهُ : أَعْطَيْتَهُ شَيْئًا مِنْ غَيْرِ عَوَظٍ بِطِيبِ نَفْسٍ (المصباح المنير : ص ٥٩٥ «نحل»).

٢- الكافي : ج ٣ ص ٣٤٣ ح ١٤ عن عقبه ، تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ١٠٥ ح ٣٩٨ عن صالح بن عقبه ، عوالي اللآلي : ج ١ ص ٣٣٣ ح ٩١ ، بحار الأنوار : ج ٤٣ ص ٦٤ ح ٥٦ .

٣- الكافي : ج ٣ ص ٣٤٣ ح ١٣ ، تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ١٠٥ ح ٣٩٧ ، ثواب الأعمال : ص ١٩٦ ح ١ ، الأُمالي للصدوق : ص ٦٧٥ ح ٩١٤ كلَّها عن أبي هارون المَكْفُوفِ ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ٣٢٨ ح ٣ .

٤- إشاره إلى الآية ٣٥ من سورة الأحزاب .

٥- مجمع البيان : ج ٨ ص ٥٦١ ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ١٧٤ .

فصل هشتم: تسبیحات فاطمه علیها السلام

۸ / ۱ فضیلت تسبیحات فاطمه علیها السلام

فصل هشتم: تسبیحات فاطمه ۸ / ۱ فضیلت تسبیحات فاطمه علیها السلام باقر علیه السلام: خداوند به ستایشی برتر از تسبیح فاطمه علیها السلام عبادت نشده است، و اگر چیزی برتر از آن وجود داشت، بی گمان، پیامبر خدا آن را به فاطمه علیها السلام پیشکش می کرد.

امام صادق علیه السلام به ابو هارون مکفوف: ای ابو هارون! ما کودکان خود را، همچنان که به خواندن نماز فرمان می دهیم، به خواندن تسبیحات فاطمه علیها السلام فرمان می دهیم. پس به آن، چنگ در زن؛ زیرا هر بنده ای به آن چنگ زند، بدبخت نمی شود.

امام صادق علیه السلام: هر کس شب را با گفتن تسبیحات فاطمه علیها السلام بخوابد، از شمار مردان و زنانی است که بسیار یاد خدا می کنند. (۱)

۱- اشاره است به آیه ۳۵ از سوره احزاب.

- عنه عليه السلام: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» (١). (٢).
- تأويل الآيات الظاهرة عن إسماعيل بن عمار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» مَا حُدُّهُ؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَّمَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَنْ تُكَبِّرَ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً، وَتُسَبِّحَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً، وَتُحَمِّدَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِاللَّيْلِ مَرَّةً وَبِالنَّهَارِ مَرَّةً، فَقَدْ ذَكَرْتَ اللَّهَ كَثِيرًا. (٣).
- الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي دُبُرِ الْمَكْتُوبَةِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَبْسُطَ رِجْلَيْهِ، أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ. (٤).
- عنه عليه السلام: مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِي دُبُرِ الْفَرِيضَةِ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ الْمِئَةَ مَرَّةً، وَأَتْبَعَهَا بِ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» غَفَرَ اللَّهُ لَهُ. (٥).
- عنه عليه السلام: مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَبْلَ أَنْ يَثْنِيَ (٦) رِجْلَيْهِ مِنْ صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، وَلْيَبْدَأْ بِالتَّكْبِيرِ (٧).

-
- ١- الأجزاء: ٤١.
 - ٢- الكافي: ج ٢ ص ٥٠٠ ح ٤ عن زراره، معاني الأخبار: ص ١٩٣ ح ٥ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣٣١ ح ٨.
 - ٣- تأويل الآيات الظاهرة: ج ٢ ص ٤٥٤ ح ١٦.
 - ٤- فلاح السائل: ص ٢٩٧ ح ١٩٤ عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣٣٢ ح ١٣.
 - ٥- الكافي: ج ٣ ص ٣٤٢ ح ٧، المحاسن: ج ١ ص ١٠٦ ح ٨٧ وزاد فيه «قبل أن يثنى رجليه» بعد «الفريضة»، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣٣٥ ح ٢٣.
 - ٦- قال العلامة المجلسي قدس سره: «أن يثنى» أي عن القبلة، أو مطلق التغير عن هيئته الصلاة كما قيل، وقال في النهاية: أراد قبل أن يصرف رجله عن حالته التي عليها في التشهد (مرآة العقول: ج ١٥ ص ١٧٣).
 - ٧- الكافي: ج ٣ ص ٣٤٢ ح ٦، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٠٥ ح ٣٩٥، ثواب الأعمال: ص ١٩٦ ح ٤ كلها عن عبد الله بن سنان، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٩ ح ٢٠٦٣، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣٣٢ ح ١١.

امام صادق علیه السلام: تسبیحات فاطمه زهرا علیهاالسلام ، از مصادیق آن یاد بسیار است که خداوند عز و جلفرموده است : «خدا را بسیار یاد کنید» .

تأویل الآيات الظاهرة به نقل از اسماعیل بن عمّار : به امام صادق علیه السلام گفتم : این که خداوند عز و جل فرموده : «خدا را بسیار یاد کنید» ، اندازه این یاد بسیار چیست؟ فرمود : «پیامبر خدا به فاطمه آموخت که سی و چهار مرتبه الله اکبر ، سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله بگوید . پس ، هر گاه در شب ، یک مرتبه و در روز نیز یک مرتبه این تسبیحات را بگویی ، خدا را بسیار یاد کرده ای» .

امام صادق علیه السلام: هر کس پس از اتمام نماز واجب ، پیش از آن که پاهایش را بگشاید [و از حالت دو زانو خارج شود] ، تسبیحات فاطمه علیهاالسلام را بگوید ، خداوند ، بهشت را بر او واجب می گرداند .

امام صادق علیه السلام: هر کس در تعقیبات نماز واجب ، صد مرتبه تسبیحات فاطمه زهرا علیهاالسلام را بخواند و در پی آن ، «لا إله إلا الله» بگوید ، خداوند او را می آمرزد .

امام صادق علیه السلام: هر کس پس از نماز واجب ، پیش از آن که پاهایش را [از حالت تشهد] خارج سازد ، تسبیحات فاطمه زهرا علیهاالسلام را بگوید ، خداوند او را می آمرزد ، و باید از تکبیرات آغاز کند .

عنه عليه السلام: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ ، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةِ أَلْفِ رَكَعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ . (١)

مشكاه الأنوار: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَلَّمَهُ فَلَمْ يَسْمَعْ كَلَامَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَشَكَا إِلَيْهِ نِقْلًا فِي أُذُنَيْهِ ، فَقَالَ لَهُ : مَا يَمْنَعُكَ أَوْ أَيْنَ أَنْتَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ؟ فَقَالَ لَهُ : جُعِلَتْ فِدَاكَ ، وَمَا تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ؟ فَقَالَ : تُكَبِّرُ اللَّهُ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ ، وَتُحَمِّدُ اللَّهُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ ، وَتُسَبِّحُ اللَّهُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ ، تَمَامَ الْمِئَةِ . قَالَ : فَمَا فَعَلْتَ ذَلِكَ إِلَّا يَسِيرًا ، حَتَّى ذَهَبَ عَنِّي مَا كُنْتُ أَجِدُهُ . (٢)

٨ / ٢ يَدِيءُ تَشْرِيعِهَا لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَجُلٍ مِنْ بَنِي سَعْدِ : أَلَا أَحِبُّكَ عَنِّي وَعَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ؟ إِنَّهَا كَانَتْ عِنْدِي فَاسْتَقَّتْ بِالْقَرْبِيِّ حَتَّى أَثَّرَ فِي صَدْرِهَا ، وَطَحَنَتْ بِالرَّحِي حَتَّى مَجَلَّتْ يَدَاهَا ، وَكَسَحَتْ الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابُهَا ، وَأَوْقَدَتْ تَحْتَ الْقَدْرِ حَتَّى دَكَنْتْ (٣) ثِيَابُهَا ، فَأَصَابَهَا مِنْ ذَلِكَ ضَرٌّْ شَدِيدٌ . فَقُلْتُ لَهَا : لَوْ أَتَيْتِ أَبَاكَ فَسَأَلْتِهِ خَادِمًا يَكْفِيكَ حَرَ (٤) مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ . فَأَتَتِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَوَجَدَتْ عِنْدَهُ حُدَاثًا (٥) فَاسْتَحْيَتْ فَانصَرَفَتْ ، فَعَلِمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهَا قَدْ جَاءَتْ لِحَاجَتِهِ ، فَعَدَا عَلَيْنَا . . . ثُمَّ قَالَ : يَا فَاطِمَةُ مَا كَانَتْ حَاجَتِكَ أَمْسٍ عِنْدَ مُحَمَّدٍ؟... فَقُلْتُ : أَنَا وَاللَّهِ أُخْبِرُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنَّهَا اسْتَقَّتْ بِالْقَرْبِيِّ حَتَّى أَثَّرَ فِي صَدْرِهَا ، وَجَزَّتْ بِالرَّحِي حَتَّى مَجَلَّتْ يَدَاهَا ، وَكَسَحَتْ الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابُهَا ، وَأَوْقَدَتْ تَحْتَ الْقَدْرِ حَتَّى دَكَنْتْ ثِيَابُهَا ، فَقُلْتُ لَهَا : لَوْ أَتَيْتِ أَبَاكَ فَسَأَلْتَهُ خَادِمًا يَكْفِيكَ حَرَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ! قَالَ : أَفَلَا أَعْلَمُكُمْ مَا هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنَ الْخَادِمِ؟ إِذَا أَخَذْتُمَا مِنْمَا كُفِّرَا أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً ، وَسَبَّحَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً ، وَاحْمَدَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً . (٦)

- ١- الكافي : ج ٣ ص ٣٤٣ ح ١٥ ، ثواب الأعمال : ص ١٩٦ ح ٣ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٢٩ ح ٢٠٦٢ كلها عن أبي خالد القمّاط ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ٣٣١ ح ٩ .
- ٢- مشكاه الأنوار : ص ٤٨٣ ح ١٦٠٩ ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ٣٣٤ ح ٢١ .
- ٣- دَكَنَ الثوبُ : إِذَا اتَّسَخَ وَاغْبَرَّ لَوْنُهُ (النهاية : ج ٢ ص ١٢٨ «دكن»).
- ٤- الْحَارَّ مِنَ الْعَمَلِ : شَأْفُهُ وَشَدِيدُهُ (القاموس المحيط : ج ٢ ص ٨ «حرر»).
- ٥- حُدَاثًا : أَي جَمَاعَهُ يَتَحَدَّثُونَ ، وَهُوَ جَمْعٌ عَلَى غَيْرِ قِيَاسٍ (النهاية : ج ١ ص ٣٥٠ «حدث»).
- ٦- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٣٢٠ ح ٩٤٧ ، علل الشرايع : ص ٣٦٦ ح ١ عن أبي الورد بن ثمامه ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٢٨ ح ٢٠٦١ ، بحار الأنوار : ج ٤٣ ص ٨٢ ح ٥ ؛ سنن أبي داود : ج ٣ ص ١٥٠ ح ٢٩٨٨ ، مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٣٢٢ ح ١٣١٢ كلاهما عن ابن أعبد نحوه ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٥٠٨ ح ٤١٩٨٥ .

۸ / ۲ آغاز تشریح تسبیحات فاطمه علیها السلام

امام صادق علیه السلام: گفتن تسبیحات فاطمه علیها السلام در هر روز پس از هر نمازی، نزد من محبوب تر از خواندن هزار رکعت نماز در هر روز است.

مشکاه الأنوار: مردی بر امام صادق علیه السلام در آمد و ایشان با او سخن گفت؛ اما او سخن امام صادق علیه السلام را نشنید و از سنگینی گوش هایش به امام علیه السلام شکایت کرد. [امام علیه السلام] فرمود: «چرا تسبیحات فاطمه علیها السلام را نمی خوانی؟». مرد گفت: فدایت شوم! تسبیحات فاطمه چیست؟ فرمود: «سی و چهار مرتبه الله اکبر می گویی، سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و سه مرتبه سبحان الله، که مجموعاً می شود صد تا». آن مرد گفت: مدت کوتاهی که این کار را انجام دادم، سنگینی گوشم از بین رفت.

۸ / ۲ آغاز تشریح تسبیحات فاطمه علیها السلام امام علی علیه السلام به مردی از بنی سعد: آیا از خودم و از فاطمه زهرا برایت نگویم؟ زمانی که فاطمه علیها السلام در خانه من بود، آن قدر با مشک آب کشید که بر سینه اش رد انداخت، و چندان دستاس کرد که دستانش تاول زد، و از بس خانه را جارو کرد، جامه هایش گردآلود شده بود، و چندان دیگدان برافروخت که لباس هایش سیاه شده بود. و از این کارها رنج و گزند شدیدی به او رسید. من به او گفتم: کاش نزد پدر خویش شوی و از او خدمتکاری بخواهی تا از رنج این همه کار بیاسایی! او نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت. دید عده ای خدمت ایشان نشسته اند و گفتگو می کنند. شرم کرد و برگشت. پیامبر صلی الله علیه و آله دانست که او برای کاری آمده است. صبح روز بعد، نزد ما آمد... سپس فرمود: «ای فاطمه! دیروز تو را با محمد چه کار بود؟». من گفتم: ای پیامبر خدا! من به شما می گویم. او از بس با مشک آب کشیده، بر سینه اش رد انداخته است و از بس دستاس چرخانده، دستانش تاول زده است و از بس خانه جارو کرده، جامه هایش گردآلود گشته و از بس زیر دیگ آتش افروخته، جامه هایش سیاه شده است. من به او گفتم: کاش نزد پدر خویش شوی و از او خدمتکاری بخواهی تا از رنج این همه کار، بیاسایی! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «می خواهی چیزی به شما بیاموزم که از خدمتکار برایتان بهتر است؟ هر گاه به بستر خواب رفتید، سی و چهار الله اکبر بگویید و سی و سه سبحان الله و سی و سه الحمد لله».

عنه عليه السلام: إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ شَكَتَ مَا تَلْقَى مِنْ أَثَرِ الرَّحَى ، فَأَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَبِيًّا ، فَانْطَلَقَتْ فَلَمْ تَجِدْهُ ، فَوَجَدَتْ عَائِشَةَ فَأَخْبَرَتْهَا ، فَلَمَّا جَاءَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخْبَرَتْهُ عَائِشَةُ بِمَجِيءِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ ، فَجَاءَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَيْنَا وَقَدْ أَخَذْنَا مَضَاجِعَنَا ، فَذَهَبْتُ لِأَقُومَ فَقَالَ : عَلَى مَكَانِكُمَا ، فَقَعَدَ بَيْنَنَا حَتَّى وَجَدْتُ بَرْدَ قَدَمَيْهِ عَلَى صَدْرِي ، وَقَالَ : أَلَا أَعْلَمُكُمْ خَيْرًا مِمَّا سَأَلْتُمَانِي؟ إِذَا أَخَذْتُمَا مَضَاجِعَكُمْ تُكَبِّرَانِ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ ، وَتُسَبِّحَانِ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ ، وَتُحَمِّدَانِ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ ، فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ خَادِمٍ . (١)

١- صحیح البخاری: ج ٣ ص ١٣٥٨ ح ٣٥٠٢، صحیح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٩١ ح ٨٠، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٢٨٧ ح ١١٤١
كلها عن ابن أبي لیلی، کنز العمال: ج ١٥ ص ٥٠٤ ح ٤١٩٨٠ وراجع المعجم الكبير: ج ٢٣ ص ٣٣٩ ح ٧٨٧.

امام علی علیه السلام: فاطمه علیها السلام از رنجی که بر اثر دستاس کردن به او رسیده بود، شکوه کرد. در این میان، شماری اسیر نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند. فاطمه نزد ایشان رفت؛ اما ایشان را نیافت. عایشه را دید و داستان را به او گفت. پیامبر صلی الله علیه و آله که آمد، عایشه آمدن فاطمه علیها السلام را به اطلاع ایشان رساند. ما در بستر خواب بودیم که پیامبر صلی الله علیه و آله نزد ما آمد. خواستم از جا بلند شوم که فرمود: «بلند نشوید». ایشان در میان ما نشست، به طوری که خنکی پاهایش را بر سینه خود حس کردم، و فرمود: «آیا شما دو تن را چیزی نیاموزم که از آنچه از من خواستید، بهتر است؟ هر گاه به بستر خود رفتید، سی و چهار مرتبه الله اکبر بگویید و سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله. این برای شما بهتر از هر خدمتکاری است».

٨ / ٣ كَيْفِيَّتُهُ الْكَافِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِزَادَةَ: دَخَلْتُ مَعَ أَبِي عَلِيٍّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَسَأَلَهُ أَبِي عَنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ . فَقَالَ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» حَتَّى أَحْصَاهَا أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ مَرَّةً ، ثُمَّ قَالَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ» حَتَّى بَلَغَ سَبْعًا وَسِتِّينَ ، ثُمَّ قَالَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ» حَتَّى بَلَغَ مِئَةً ، يُحْصِيهَا بِيَدِهِ جُمْلَةً وَاحِدَةً . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: في تسبيح فاطمة صلى الله عليها ، يُبدأ بالتكبير أربعاً وثلثين ، ثم التَّحْمِيدُ ثلاثاً وثلثين ، ثم التَّسْبِيحُ ثلاثاً وثلثين . (٢)

الكافي عن داوود بن فرقد عن أخيه: أَنَّ شِهَابَ بْنَ عَبْدِ رَبِّهِ سَأَلَهُ أَنْ يَسْأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ : قُلْ لَهُ : إِنَّ امْرَأَةً تَفَزَعُنِي فِي الْمَنَامِ بِاللَّيْلِ . فَقَالَ : قُلْ لَهُ : اجْعَلْ مِسْبَاحًا (٣) ، وَكَبِّرِ اللَّهَ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً ، وَسَبِّحِ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً ، وَاحْمَدِ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ ، وَقُلْ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ ، وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ عَشْرَ مَرَّاتٍ . (٤)

الكافي: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يُسَبِّحُ فَاطِمَةَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا ، فَيَصِلُهُ وَلَا يَقْطَعُهُ . (٥)

١- الكافي: ج ٣ ص ٣٤٢ ح ٨ ، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٠٥ ح ٤٠٠ ، المحاسن: ج ١ ص ١٠٦ ح ٨٨ ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣٣٣ ح ١٤ .

٢- الكافي: ج ٣ ص ٣٤٢ ح ٩ ، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٠٦ ح ٤٠١ وليس فيه «في تسبيح فاطمة عليها السلام» وكلاهما عن أبي بصير ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣٣٩ .

٣- المسبَّح: ما يُسَبِّحُ بِهِ وَيُعَدُّ بِهِ الْأَذْكَارُ (هامش المصدر) .

٤- الكافي: ج ٢ ص ٥٣٦ ح ٧ .

٥- الكافي: ج ٣ ص ٣٤٢ ح ١٢ .

۸ / ۳ چگونگی تسبیحات فاطمه علیها السلام

۸ / ۳ چگونگی تسبیحات فاطمه علیها السلام کافی به نقل از محمد بن عذافر: با پدرم خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم. پدرم از ایشان در باره تسبیحات فاطمه علیها السلام پرسید. فرمود: «الله أكبر» و سی و چهار مرتبه آن را گفت. سپس فرمود: «الحمد لله» تا رسید به شصت و هفت مرتبه. سپس فرمود: «سبحان الله» تا به صد رسید، و اینها را با دستش یکی یکی می شمرد.

امام صادق علیه السلام در باره تسبیحات فاطمه علیها السلام: با سی و چهار «الله أكبر» آغاز می شود، سپس سی و سه «الحمد لله» گفته می شود، و بعد، سی و سه «سبحان الله».

الکافی به نقل از داوود بن فرقد، در باره برادرش: شهاب بن عبد ربّه، از او خواست که از امام صادق علیه السلام پرسد و گفت: [از طرف من] به ایشان بگو: شب ها که می خوابم، زنی به خوابم می آید و مرا می ترساند. [امام علیه السلام] فرمود: «به او بگو: تسبیحی بساز و [با آن]، سی و چهار مرتبه الله أكبر بگو و سی و سه مرتبه سبحان الله و سه مرتبه الحمد لله و ده مرتبه بگو: معبودی جز خدا نیست. یگانه است و بی انباز. پادشاهی و ستایش، از آن اوست. زنده می کند و می میراند، و می میراند و زنده می گرداند. خوبی، همه، در دست اوست و گردش شب و روز، برای اوست و او بر هر چیزی تواناست».

الکافی به نقل از محمد بن جعفر، از کسی دیگر که نامش را برد: امام صادق علیه السلام تسبیحات فاطمه را که درود خدا بر او باد پیوسته می گفت و گفتن آن را قطع نمی کرد.

مسند ابن حنبل عن أبي الدرداء: أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ذَهَبَ الْأَغْنِيَاءُ بِالْأَرْضِ وَالْآخِرَةَ؛ نَصِيْلِي وَيُصِيْلُونَ، وَنَصَوْمٌ وَيَصُومُونَ، وَيَتَصَيَّدُونَ وَلَا نَتَصَيَّدُ! قَالَ: أَلَا أُدُلُّكَ عَلَى شَيْءٍ إِنْ أَنْتَ فَعَلْتَهُ لَمْ يَسْبِقْكَ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَكَ وَلَمْ يُدْرِكْكَ أَحَدٌ بَعْدَكَ، إِلَّا مَنْ فَعَلَ الَّذِي تَفْعَلُ دُبْرَ كُلِّ صِيْلَةٍ؟! ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً، وَثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً، وَأَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً (١).

مسند ابن حنبل عن زيد بن ثابت: أَمَرْنَا [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] أَنْ نُسَبِّحَ فِي دُبْرِ كُلِّ صِيْلَةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً، وَنُحَمِّدَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً، وَنُكَبِّرَ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً (٢).

راجع: ص ٨٨ ح ٩٣٣ و ص ٩٠ ح ٩٣٨.

-
- ١- مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ١٦٦ ح ٢١٧٦٨، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٤٣ ح ٤٩٧٥ نقلاً عن المصنّف لعبد الرزاق.
 - ٢- مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ١٥٤ ح ٢١٧١٦، سنن الدارمي: ج ١ ص ٣٣٢ ح ١٣٢٨، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٣٨٣ ح ٩٢٨ كلاهما نحوه.

مسند ابن حنبل به نقل از ابو دردا : خدمت پیامبر خدا رسیدم و گفتم : ای پیامبر خدا ! توانگران ، دنیا و آخرت را از آن خود کردند . ما نماز می خوانیم ، آنها هم نماز می خوانند . ما روزه می گیریم و آنها هم روزه می گیرند . آنها صدقه (/ زکات) می دهند ؛ ولی ما [چون نداریم ،] صدقه نمی دهیم! [پیامبر صلی الله علیه و آله] فرمود : «آیا تو را به چیزی راهنمایی نکنم که اگر آن را انجام دهی ، نه از گذشتگان ، کسی بر تو پیشی می گیرد و نه پس از تو ، کسی به پایت می رسد ، مگر آن کسی که همان کاری را انجام دهد که تو بعد از هر نمازی انجام می دهی که سی و سه مرتبه سبحان الله ، سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و چهار مرتبه الله اکبر می گویی؟!» .

مسند ابن حنبل به نقل از زید بن ثابت : پیامبر خدا به ما دستور داد که بعد از هر نمازی ، سی و سه «سبحان الله» بگوییم ، سی و سه «الحمد لله» ، و سی و چهار «الله اکبر» .

ر . ک : ص ۸۹ ح ۹۳۳ و ص ۹۱ ح ۹۳۸ .

کیفیت تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام

اشاره

کیفیت تسبیح فاطمه زهرا احادیث فراوانی بر استحباب ذکر تسبیحات فاطمه زهرا علیها السلام تأکید کرده اند. این احادیث، میان شیعه و اهل سنت، مستفیض است و در کتب اربعه شیعه و برخی از صحاح و مسانید مشهور اهل سنت به طریق های مختلف، نقل شده است. آنچه از این احادیث فهمیده می شود، آن است که استحباب این تسبیح که از مصادیق ذکر کثیر دانسته شده، (۱) منحصر به تعقیب نمازهای واجب و یا هر نمازی نیست؛ بلکه هنگام خواب و یا برای رفع پاره ای مشکلات نیز مفید است. (۲) همه این احادیث، اتفاق دارند که تسبیحات فاطمه زهرا علیها السلام از ترکیب سه ذکر «الله اکبر»، «الحمد لله» و «سبحان الله» به وجود آمده و عطای پُر ارزش پیامبر خدا به دختر بزرگوارش فاطمه علیها السلام است. همچنین در تعداد مجموعی و اختصاصی هر یک از این اذکار، اتفاق نظر است و همه روایات، تعداد ذکر «الله اکبر» را ۳۴ بار، «الحمد لله» را ۳۳ بار و «سبحان الله» را نیز ۳۳ بار دانسته اند که مجموع آنها یکصد می شود.

۱- ر. ک: ص ۸۷ ح ۹۳۱ ۹۳۳ و نیز ج ۱ ص ۱۱۵ ح ۱۷۶ ۱۷۹.

۲- الکافی: ج ۲ ص ۵۳۶ ح ۷.

نظریه مشهور: تقدیم تحمید بر تسبیح

تنها اختلاف جزئی، در ترتیب این سه جزء است. احادیث شیعی به اتفاق، «الله اکبر» را ذکر آغازین می دانند (۱) و برخی احادیث اهل سنت، آن را ذکر پایانی می شمردند (۲) و برخی دیگر که در منابع معتبرتری هستند، در این بخش با احادیث شیعی همسو و همگون هستند. (۳) از این رو، این اختلاف به آسانی قابل حل است. اختلاف دیگر، در حوزه احادیث شیعی و در ترتیب «الحمد لله» و «سبحان الله» است. مشهور احادیث شیعی، «الحمد لله» را بر «سبحان الله» مقدم می دارند (۴) و تنها چند حدیث معدود، عکس آن را ابراز می دارند و بر همین اساس، بیشتر فقها، ترتیب معمولی و رایج کنونی، یعنی «الله اکبر»، «الحمد لله» و «سبحان الله» را ذکر کرده اند، هر چند برخی از آنان، قائل به تخییر شده و هر دو ترتیب را مجاز و مطابق با سنت دانسته اند.

نظریه مشهور: تقدیم تحمید بر تسبیح علامه حلی در کتاب المختلف که اختلاف فتاوی فقیهان شیعه را بررسی می کند، می گوید: مشهور در تسبیح زهرا علیها السلام این است که نخست «الله اکبر» گفته می شود، سپس «الحمد لله» و بعد، «سبحان الله». این را شیخ جطوسیج در النهایه و المبسوطو

۱- ر. ک: وسائل الشیعه: ج ۶ ص ۴۴۴ (باب ۱۰)، و الحدائق الناضره: ج ۸ ص ۵۱۵ ۵۱۹.

۲- ر. ک: مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۲۲۷ ح ۸۳۸ و ص ۳۰۵ ح ۱۲۲۸ و ج ۸ ص ۱۶۶ ح ۲۱۷۶۸، تاریخ بغداد: ج ۳ ص ۲۴، المستدرک علی الصحیحین: ج ۳ ص ۱۶۵ ح ۴۷۲۴ و....

۳- ر. ک: صحیح البخاری: ج ۳ ص ۱۳۵۸ ح ۳۵۰۲، صحیح مسلم: ج ۴ ص ۲۰۹۱ ح ۸۰، سنن أبی داوود: ج ۳ ص ۱۵۰ ح ۲۹۸۷، مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۲۸۷ ح ۱۱۴۱.

۴- ر. ک: ص ۹۵ (چگونگی تسبیحات فاطمه علیها السلام).

دلیل نظریه مشهور

[شیخ] مفید در المَقْنَعَه و سَلَّار و ابن بَرَّاج و ابن ادریس ، ذکر کرده اند. (۱) مراجعه مستقیم به کتاب های فقهی نیز همین گفته را نتیجه می دهد. (۲) همچنین شیخ بهایی ، در مفتاح الفلاح ، آن را مشهور دانسته و گفته است : آنچه در تعقیبات مشهور است و به آن عمل می شود ، مقدّم داشتن «الحمد لله» بر «سبحان الله» است. (۳) محدّث بحرانی نیز در الحدائق الناضره ، پس از ذکر همه احادیث و در پایان جمع بندی دلالتی و سندی خود ، قول مشهور و معتضد به اخبار را تقدیم تحمید بر تسبیح دانسته است. (۴) شیخ محمّد حسن نجفی نیز در کتاب گران سنگ جواهر الکلام ، چنین نوشته است : آنچه در میان اصحاب ، شهرت بسیار دارد و بلکه در وسایل الشیعه آمده است که شیعه به آن عمل می کرده اند ، این است که نخست ، سی و چهار «الله أكبر» گویند . سپس سی و سه «الحمد لله» و بعد ، سی و سه «سبحان الله» . در فتاوا و احادیث ، در این باره اختلافی نمی یابیم ، بجز خبر علل الشرائع که به زودی آن را ذکر خواهیم کرد. (۵)

دلیل نظریه مشهور استدلال قول مشهور ، ساده و روشن است . احادیث بسیاری بر مدّعی آن دلالت

- ۱- .المختلف : ج ۲ ص ۱۸۲ .
- ۲- .ر. ك : النهايه : ص ۸۵ ، المبسوط : ج ۱ ص ۱۱۷ ، المقنعه : ص ۱۱۰ ، المراسم العلویّه : ص ۷۳ ، المهذب : ج ۱ ص ۹۶ ، السرائر : ج ۱ ص ۲۳۳ ، إصباح الشیعه بمصباح الشریعه : ص ۷۸ .
- ۳- .مفتاح الفلاح : ص ۲۱۳ .
- ۴- .الحدائق الناضره : ج ۸ ص ۵۲۳ .
- ۵- .جواهر الکلام : ج ۱۰ ص ۳۹۹ . گفتنی است حدیث علل الشرائع ، مطابق با احادیث اهل سنّت است و در اسناد آن نیز راویان اهل سنّت موجودند .

نظریه دوم: تقدیم تسبیح بر تحمید

دارند که با یک شمارش ساده، می توان فزونی آنها را بر احادیث قول دیگر، نشان داد. افزون بر این، اسناد احادیث دالّ بر قول مشهور، در مقایسه با احادیث دیگر، از قوّت بیشتری برخوردار است و از این رو، حتّی اگر این دو دسته احادیث مختلف را با هم متعارض بدانیم که خواهیم گفت چنین نیست، باز هم بنا به شهرت روایی و قوّت سندی، ترجیح با قول مشهور خواهد بود. (۱)

نظریه دوم: تقدیم تسبیح بر تحمید دلیل این قول، آن است که برخی فقیهان متقدّم، مانند شیخ صدوق و پدرش، ابن جُنید و شیخ طوسی (در برخی از کتاب هایش)، به گاه بیان کیفیت تسبیحات فاطمه زهرا علیها السلام تسبیح را بر تحمید، مقدّم کرده اند (۲) و چون این فقیهان به روزگار ائمه علیهم السلام نزدیک بوده و خود محدّث نیز بوده اند، می توان قول آنان را ردّی بر قول مشهور دانست. در پاسخ به این گفته، می توانیم تصریح شیخ صدوق و شیخ طوسی را بیاوریم که آنان، هر دو شکل ترتیب مشهور و غیر مشهور را جایز دانسته اند و مقصودشان از ذکر ترتیب غیر مشهور، آن بوده است که بگویند ترتیب مشهور، لازم الرعایه و انحصاری نیست و هر دو کیفیت، مشروع و مطابق با سنّت است. برخی فقیهان متأخّر، مانند صاحب جواهر نیز این نظر را دارند و حتّی آن را به علامه حلّی و فیض کاشانی نیز نسبت داده اند. (۳)

-
- ۱- شیخ یوسف محدّث بحرانی برای تقویت نظریه مشهور، به دلیل دیگری نیز تمسّک کرده که خالی از ضعف نیست (ر. ک: جواهر الکلام: ج ۱۰ ص ۴۰۲).
 - ۲- الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: ص ۱۱۵، الهدایه: ص ۱۴۱، الاقتصاد: ص ۲۶۴. نیز، ر. ک: المختلف: ج ۲ ص ۱۸۲، المبسوط: ج ۱ ص ۱۱۷.
 - ۳- جواهر الکلام: ج ۱۰ ص ۴۰۴.

نظریه سوم : تفصیل

دلیل صاحب جواهر، آن است که در مسائل مستحب، اختلاف در میان احادیث، به تعارض نمی انجامد تا نیاز به ترجیح یا تخییر پیش آید؛ بلکه در این گونه موارد، تأکید بر یک سو، به منظور معرفی فرد احسن و اکمل است، نه ردّ جواز و مشروعیت طرف دیگر. صاحب جواهر می افزاید: ای بسا گفته امام صادق علیه السلام اشاره به این دارد، آن جا که فرمود: «وَتُبَدَأُ بِالتَّكْبِيرِ؛ بِاللَّهِ أَكْبَرُ شُرُوعُ شُود» و در باره بقیه سکوت کرد. (۱) یعنی آنچه مهم است، آغاز با تکبیر است و چون امام علیه السلام از بیان ترتیب میان حمد و تسبیح خودداری ورزیده، پس ترتیب آن دو، مهم نیست و آنچه محمّد بن عذافر از فعل امام صادق علیه السلام گزارش داده که امام علیه السلام تحمید را بر تسبیح مقدّم داشته است، (۲) جز جواز و حدّا کثر، استحباب آن را اثبات نمی کند و دلالتی بر حتمیت آن و طرد کیفیت دیگر ندارد.

نظریه سوم: تفصیلگفتنی است نظریه دیگری نیز در این میان مطرح است و آن، تفصیل است؛ یعنی اختصاص کیفیت مشهور «تقدیم تحمید بر تسبیح» به تعقیب نماز و اختصاص کیفیت غیر مشهور «تقدیم تسبیح بر تحمید» به هنگام خواب است. شیخ بهایی، این تفصیل را با استفاده از اجماع مرگّب، رد کرده است؛ (۳) اما فقیهان دیگر مانند محدّث بحرانی و صاحب جواهر، این رد را نپسندیده و مسئله

۱- جواهر الکلام: ج ۱۰ ص ۴۰۴.

۲- الکافی: ج ۳ ص ۳۴۲ ح ۸.

۳- مفتاح الفلاح: ص ۲۱۸.

نظریه مختار

را محلّ تمسّک به این گونه دلیل ها ندانسته اند . (۱) دلیل بهتر در ردّ این تفصیل ، مراجعه به احادیث است ؛ زیرا در میان احادیث مشهور ، حدیثی داریم که همان کیفیت مشهور را برای گفتن این ذکر قبل از خواب ، اثبات می کند و در میان احادیث غیر مشهور نیز حدیث مختص به تعقیب نماز داریم . به عبارت دیگر ، این جمع بندی در احادیث ، قابل اجرا نیست و احادیث مشهور ، مطلق هستند و هر دو حالت را در بر می گیرند .

نظریه مختار بر اساس آنچه گذشت ، می توان گفت نظر اتّفاقی عالمان شیعه در شروع کردن با تکبیر که موافق قول محدّثان مشهور اهل سنّت (مانند : بخاری ، مسلم نیشابوری و ابو داوود) است بر نظر دیگر محدّثان اهل سنّت که قائل به عکس آن و اختتام به تکبیر هستند ترجیح دارد ؛ اما در باره اختلاف دیگر (یعنی تقدیم تحمید بر تسبیح) ، لزومی به انحصار در شکل و کیفیت مشهور نیست و هر دو شکل ، مشروع است ، هر چند با توجه به کثرت احادیث و فتاوی فقیهان ، می توان ترتیب مشهور را بهتر دانست .

۱- . جواهر الکلام : ج ۱۰ ص ۴۰۳ ، الحدائق الناضره : ج ۸ ص ۵۲۱ .

الفصل التاسع : تسييح الموجودات ٩ / ١ ما يدلُّ على تسييح الملائكها الكتاب «و ترى الملائكة حافين من حول العرش يسبحون بحمد ربهم» . (١)

«تكاد السموات يتفطرن من فوقهن والملائكة يسبحون بحمد ربهم ويسبحون لئن الله هو الغفور الرحيم» . (٢)

«فإن استكبروا فالذين عند ربك يسبحون له بالليل والنهار وهم لا يسئمون» . (٣)

«إن الذين عند ربك لا يشتمون عن عبادته ويسبحونه وله يسجدون» . ٤

١- الزمر : ٧٥ .

٢- الشورى : ٥ .

٣- فصلت : ٣٨ .

فصل نهم: تسبیحگویی موجودات

۹ / ۱ تسبیحگویی فرشتگان

فصل نهم: تسبیحگویی موجودات ۹ / ۱ تسبیحگویی فرشتگانقرآن «و فرشتگان را می بینی که پیرامون عرش به ستایش پروردگار خود تسبیح می گویند و میانشان به حق داوری می گردد و گفته می شود: «سپاس، ویژه پروردگار جهانیان است».

«چیزی نمانده که آسمان ها از فرازشان بشکافند و [حال آن که] فرشتگان به سپاس پروردگارشان تسبیح می گویند و برای کسانی که در زمین هستند آمرزش می طلبند. آگاه باش، در حقیقت خداست که آمرزنده مهربان است» .

«پس اگر کبر ورزیدند، کسانی که در پیشگاه پروردگار تواند شبانه روز او را نیایش می کنند و خسته نمی شوند» .

«به یقین، کسانی که نزد پروردگار تو هستند، از پرستش او تکبر نمی ورزند و او را به پاکی می ستایند و برای او سجده می کنند» . (۱)

۱- پروردگار تو هستند و از زمره آنان خارج نشوی . بدین سان روشن می شود که مراد از «کسانی که نزد پروردگار تو هستند» آن گونه که بسیاری از مفسران گفته اند تنها فرشتگان نیستند ، زیرا معنا ندارد بگوییم پروردگارت را چنین یاد کن ؛ زیرا فرشتگان این گونه یادش می کنند ؛ بلکه مراد همه مقربان در پیشگاه خدای تعالی هستند ؛ چرا که لفظ و عبارت «نزد پروردگار تو» مفید حضور و عدم غیبت است . از آیه چنین پیداست که قرب و نزدیکی به خداوند به سبب یاد کردن از اوست ؛ زیرا با ذکر خدا حجب میان او و بنده کنار می رود ، و گرنه همه موجودات در نسبت به او یکسانند و هیچ گونه اختلافی از نظر قرب یا بعد و یا مانند اینها ، بین آنها نیست (المیزان فی تفسیر القرآن : ج ۸ ص ۳۸۳) .

«وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ * يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ» (١). (٢)
 «وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ * وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ» . (٣)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى مَلَكَ تَحْتَ الْعَرْشِ يُسَبِّحُهُ بِجَمِيعِ اللُّغَاتِ الْمُخْتَلِفَةِ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله : رَبُّنَا تَبَارَكَ وَتَعَالَى اسْمُهُ إِذَا قَضَى أَمْرًا سَبَّحَ حَمَلَهُ الْعَرْشِ ، ثُمَّ سَبَّحَ أَهْلَ السَّمَاءِ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ، حَتَّى يَبْلُغَ التَّسْبِيحُ أَهْلَ هَذِهِ السَّمَاءِ الدُّنْيَا . (٥)

الإمام علي عليه السلام لِنُوفِ الْبِكَالِيِّ : انْقَطَعَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ ؛ فَإِنَّهُ يَقُولُ : . . . جَعَلْتُ آمَالَ عِبَادِي مُتَّصِلَةً بِي ، وَجَعَلْتُ رَجَاءَهُمْ مَذْخُورًا لَهُمْ عِنْدِي ، وَمَلَأْتُ سَمَاوَاتِي مِمَّنْ لَا يَمَلُّ تَسْبِيحِي . (٦)

١- والمراد بقوله : «وَمَنْ عِنْدَهُ» المخصوصون بموهبه القرب والحضور ، وربما انطبق على الملائكة المقربين ، وقوله : «يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ» بمنزله التفسير لقوله : «وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ» ؛ أى لا يأخذهم عيى وكلال ، بل يسبحون الليل والنهار من غير فتور ، والتسبيح بالليل والنهار كناية عن دوام التسبيح من غير انقطاع . يصف تعالى حال المقربين من عباده والمكرمين من ملائكته ، أنهم مستغرقون فى عبوديته ، مكبون على عبادته ، لا يشغلهم عن ذلك شاغل ولا يصرفهم صارف (الميزان فى تفسير القرآن : ج ١٤ ص ٢٦٤) .

٢- الأنبياء : ١٩ و ٢٠ .

٣- الصافات : ١٦٥ و ١٦٦ .

٤- إرشاد القلوب : ص ١٩٣ ، مستدرک الوسائل : ج ٦ ص ٧٥ ح ٦٤٧٤ .

٥- صحيح مسلم : ج ٤ ص ١٧٥١ ح ١٢٤ ، سنن الترمذى : ج ٥ ص ٣٦٢ ح ٣٢٢٤ ، مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٤٦٨ ح ١٨٨٣ ، السنن الكبرى : ج ٨ ص ٢٣٨ ح ١٦٥١٢ ، كنز العمال : ج ٦ ص ٧٤٨ ح ١٧٦٧٤ .

٦- بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٩٥ ح ١٢ نقلاً عن الكتاب العتيق الغرورى عن نوف البكالى .

«و از آن [و مملوک] اوست هر آن که در آسمانها و زمین است و کسانی که در نزد اویند از بندگی اش گردنکشی نکنند و درمانده نمی شوند . شب و روز تسبیح می گویند و سست نمی شوند» . (۱)

«و ما آن صف کشندگانیم . ما آن تسبیح گویانیم» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال ، فرشته ای را در زیر عرش آفریده است که به همه زبان های گونه گون ، او را تسبیح می گوید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پروردگار ما که نامش خجسته و بلند است ، هر گاه به کاری فرمان دهد ، حاملان عرش ، تسبیح می گویند . سپس آسمانیان فرودست آنان ، تسبیح می گویند ، تا برسد به تسبیحگویی ساکنان این آسمان زیرین .

امام علی علیه السلام به نوف بکالی : سراسر ، به خدای پاک ، رو کن ؛ زیرا او می فرماید : « ... آرزوهای بندگانم را پیوسته به خودم قرار داده ام ، و امیدشان را نزد خود ، برای آنان اندوخته ام و آسمان هایم را از کسانی که از تسبیحگویی من خسته نمی شوند ، آکنده ام» .

۱- مراد از «نزد اویند» کسانی است که از موهبت قرب و حضور برخوردار گشته اند ، و ممکن است بر فرشتگان مقرب منطبق باشد . جمله «شب و روز تسبیح می گویند و سست نمی شوند» به منزله تفسیر جمله «و درمانده نمی شوند» است ، یعنی آنان را ضعف و خستگی نمی گیرد ، بلکه شب و روز ، بدون سستی ، تسبیح می گویند . شب و روز تسبیح گفتن کنایه از دوام و بی وقفه بودن تسبیح است . خداوند متعال حال بندگان مقرب و فرشتگان ارجمندش را چنین وصف می کند که آنان غرق در عبودیت او هستند و سرگرم عبادتش می باشند و هیچ عاملی آنها را از این کار باز نمی دارد (المیزان فی تفسیر القرآن : ج ۱۴ ص ۲۶۴) .

عنه عليه السلام في حُطْبِهِ يَذْكُرُ فِيهَا خَلْقَ الْمَلَائِكَةِ : ثُمَّ فَتَقَّ مَا بَيْنَ السَّمَاوَاتِ الْعُلَى ، فَمَلَأَهُنَّ أَطْوَارًا مِنْ مَلَائِكَتِهِ ، مِنْهُمْ سُجُودٌ لَا يَرْكَعُونَ ، وَرُكُوعٌ لَا يَنْتَضِبُونَ ، وَصَافُونَ لَا يَتَزَايِلُونَ ، وَمُسَبِّحُونَ لَا يَسْأَمُونَ . (١)

الإمام زين العابدين عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْعَرْشَ أَرْبَعًا لَمْ يَخْلُقْ قَبْلَهُ إِلَّا ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ : الْهَوَاءَ وَالْقَلَمَ وَالنُّورَ ، ثُمَّ خَلَقَهُ مِنْ أَنْوَارٍ مُخْتَلِفَةٍ ، فَمِنْ ذَلِكَ النُّورِ نَوْرٌ أَخْضَرُ اخْضَرَّتْ مِنْهُ الْخُضْرَةُ ، وَنَوْرٌ أَصْفَرُ أَصْفَرَتْ مِنْهُ الصُّفْرَةُ ، وَنَوْرٌ أَحْمَرٌ أَحْمَرَتْ مِنْهُ الْحُمْرَةُ ، وَنَوْرٌ أَبْيَضٌ وَهُوَ نَوْرُ الْأَنْوَارِ ، وَمِنْهُ ضَوْءُ النَّهَارِ . ثُمَّ جَعَلَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ طَبَقٍ ، غَلِظَ كُلُّ طَبَقٍ كَأَوَّلِ الْعَرْشِ إِلَى أَسْفَلِ الشَّافِلِينَ ، لَيْسَ مِنْ ذَلِكَ طَبَقٌ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهِ وَيُقَدِّسُهُ بِأَصْوَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ ، وَالسِّينَةُ غَيْرُ مُشْتَبَهَةٍ ، وَلَوْ أُذِنَ لِلِّسَانِ مِنْهَا فَاسْمَعَ شَيْئًا مِمَّا تَحْتَهُ لَهَدَمَ الْجِبَالَ وَالْمِدَائِنَ وَالْحُصُونَ ، وَلَخَسَفَ الْبِحَارَ وَلَأَهْلَكَ مَا دُونَهُ . لَهُ ثَمَانِيَةُ أَرْكَانٍ ، عَلَى كُلِّ رُكْنٍ مِنْهَا مِنَ الْمَلَائِكَةِ مَا لَا يُحْصَى عَدَدُهُمْ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ، يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ، وَلَوْ حَسَّ (٢) شَيْءٌ مِمَّا فَوْقَهُ ، مَا قَامَ لِذَلِكَ طَرْفَةٌ عَيْنٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْإِحْسَاسِ الْجَبْرُوتِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظْمَةِ وَالْقُدُسِ وَالرَّحْمَةَ ثُمَّ الْعِلْمَ ، وَلَيْسَ وَرَاءَ هَذَا مَقَالٌ . (٣)

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي الصَّلَاةِ عَلَى حَمَلِهِ الْعَرْشِ : فَصَلِّ عَلَيْهِمْ ، وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ ؛ مِنْ سُكَّانِ سَمَاوَاتِكَ ، وَأَهْلِ الْأَمَانَةِ عَلَى رِسَالَتِكَ ، وَالَّذِينَ لَا تَدْخُلُهُمْ سَأَمَةٌ مِنْ دُؤُوبٍ ، وَلَا إِعْيَاءٌ مِنْ لُغُوبٍ ، وَلَا فُتُورٌ ، وَلَا تَشْغَلُهُمْ عَنْ تَسْبِيحِكَ الشَّهَوَاتُ . (٤)

١- نهج البلاغه : الخطبه ١ ، بحار الأنوار : ج ٥٧ ص ١٧٧ ح ١٣٦ .

٢- في تفسير القمى : «ولو أحس حسَّ شيء» .

٣- التوحيد : ص ٣٢٥ ح ١ ، تفسير القمى : ج ٢ ص ٢٣ كلاهما عن أبي الطفيل ، الاختصاص : ص ٧٢ عن الفضيل بن يسار وكلها عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٥٨ ص ٢٤ ح ٤١ و ٤٢ .

٤- الصحيفه السجاديّه : ص ٢٧ الدعاء ٣ ، بحار الأنوار : ج ٥٩ ص ٢١٧ ح ٨٥ .

امام علی علیه السلام در سخنرانی ای که در آن از آفرینش فرشتگان یاد می کند: سپس میان آسمان های بلند، فاصله انداخت و آن فاصله ها را از فرشتگان گونه گون، آکنده ساخت: گروهی همواره در سجده اند و رکوع نمی کنند، گروهی پیوسته در رکوع اند و راست نمی شوند، گروهی همواره صف کشیده اند و از جای خود، تکان نمی خورند، و گروهی پیوسته تسبیح می گویند و خسته نمی شوند.

امام زین العابدین علیه السلام: خداوند عز و جل عرش را در مرتبه چهارم آفرید و پیش از آن، تنها سه چیز آفریده بود: هوا و قلم و نور. آن گاه، آن (عرش) را از نورهای گونه گون، خلق کرد. یکی از آن نورها، نور سبز است که رنگ سبز، از آن سبز شد، و دیگری نور زرد که زردی از آن زرد گشت، و دیگری نور سرخ، که سرخی از آن سرخ گشت، و دیگری نور سفید، که نور نورهاست و روشنایی روز، از آن است. سپس آن (عرش) را هفتاد هزار طبقه قرار داد که سبب تبری هر طبقه به اندازه از فراز عرش تا پایین ترین طبقات زمین است و هیچ طبقه ای از آن نیست، مگر این که با صداهای گوناگون و زبان های گویا، پروردگار خویش را تسبیح و سپاس و تقدیر می گوید. و اگر به هر زبانی از آنها اجازه داده شود تا چیزی از آنچه در زیر آن است [به گوش جهانیان] بشنوند، کوه ها و شهرها و قلعه ها را ویران می کند و دریاها را فروکش کند و هر آنچه را در فرود اوست، نابود می گرداند. عرش را هشت رُکن است و در هر رُکنی از آن، فرشتگانی است که شمار آنها را جز خداوند عز و جل کسی نمی داند و شب و روز، تسبیح می گویند و سستی نمی ورزند، و اگر چیزی (طبقه ای از آن طبقات یا فرشته ای از آن فرشتگان) آنچه را بالادست اوست، حس کند، چشم بر هم زدن دوام نمی آورد. میان او (فرشته یا طبقه) و احساس، [سراسر] قدرت است و بزرگی و عظمت و پاکی و مهر و سپس، علم. و فراتر از این، هیچ نمی توان گفت.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در باره درود فرستادن بر حاملان عرش: پس [خدایا!] بر آنها درود فرست، و هم بر فرشتگانی که فروتر از آنهایند: آنان که ساکنان آسمان های تو و امین بر پیام های تو آند؛ همانان که بی وقفه [در ستایش تو] می کوشند و هیچ گونه خستگی و ماندگی و سستی به آنان راه نمی یابد، و شهوات، آنان را از تسبیحگویی تو باز نمی دارد.

الإمام الصادق عليه السلام: ما من ثمره ولا شجره ولا غرسه ، إلا ومعها ملكٌ يُسبِّحُ اللهَ ويُقدِّسه ويُهَلِّلهُ . (١)

٩ / ١٢ الأسماء التي تُسبِّحُ بِهَا الْمَلَائِكَةُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي دُعَاءِ الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى : أَسَأَ لُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تُسَبِّحُ لَكَ بِهِ الْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ حَوْلَ الْعَرْشِ وَالْأَرْضِينَ يَا اللَّهُ ، وَأَسَأَ لُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تُسَبِّحُ لَكَ بِهِ الْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ خَلَقْتَهُمْ مِنْ ضِيَاءِ ذَلِكَ الْإِسْمِ يَا اللَّهُ ، وَأَسَأَ لُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تُسَبِّحُ لَكَ بِهِ الْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ خَلَقْتَهُمْ مِنَ الرَّحْمَةِ يَا اللَّهُ ، وَأَسَأَ لُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُسَبِّحُ لَكَ بِهِ الْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ خَلَقْتَهُمْ مِنَ الظُّلْمَةِ يَا اللَّهُ ، وَأَسَأَ لُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُسَبِّحُ لَكَ بِهِ الْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ خَلَقْتَهُمْ مِنَ الْبَرْدِ يَا اللَّهُ ، وَأَسَأَ لُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُسَبِّحُ لَكَ بِهِ الْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ خَلَقْتَهُمْ مِنَ النَّارِ ، وَأَلْفَتْ بَيْنَهُمْ بَعْظَمَهُ ذَلِكَ الْإِسْمِ ، لَا تُذِيبُ النَّارُ الثَّلْجَ ، وَلَا يُطْفِئُ الثَّلْجُ النَّارَ يَا اللَّهُ ، وَأَسَأَ لُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُسَبِّحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ خَلَقْتَهُمْ مِنَ النُّورِ فَيَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمُ النُّورُ بِذَلِكَ الْإِسْمِ يَا اللَّهُ ، وَأَسَأَ لُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَهُ مِنْ تَسْبِيحِ ذَلِكَ الْإِسْمِ وَبِهِ يَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ تَسْبِيحًا تَخْلُقُ مِنْهُ مَلَائِكَةً يُسَبِّحُونَكَ وَيُقَدِّسُونَكَ وَيُهَلِّلُونَكَ وَيُكَبِّرُونَكَ وَيَمَجِّدُونَكَ بِذَلِكَ الْإِسْمِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ يَا اللَّهُ . (٢)

١- بحار الأنوار: ج ٨٠ ص ١٩٥ ح ٥٣ نقلاً عن العلل لمحمد بن علي بن إبراهيم بن هاشم .

٢- البلد الأمين: ص ٤١٤ ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٥٧ ح ١ .

۹ / ۲ نام هایی که فرشتگان ، با آنها تسبیح می گویند

امام صادق علیه السلام: هیچ میوه ای و درختی و نهالی نیست ، مگر این که با آن ، فرشته ای است که خداوند را تسبیح و تقدیس می گوید و به یگانگی اش می ستاید .

۹ / ۲ نام هایی که فرشتگان ، با آنها تسبیح می گویند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای «أَسْمَاءُ الْحُسْنَى» : بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که فرشتگان پیرامون عرش و زمینان ، با آن نام ، تو را تسبیح می گویند . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که فرشتگانی که آنها را از نور آن نام آفریده ای ، با آن تو را تسبیح می گویند . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که فرشتگانی که آنها را از رحمت آفریده ای ، با آن نام ، تو را تسبیح می گویند . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که فرشتگانی که آنها را از تاریکی آفریده ای ، با آن نام ، تو را تسبیح می گویند . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که فرشتگانی که آنها را از عذب آفریده ای ، با آن نام ، تو را تسبیح می گویند . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که فرشتگانی که آنها را از سرما آفریده ای ، با آن نام ، تو را تسبیح می گویند . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که فرشتگانی که آنها را از برف و آتش آفریده ای و با عظمت آن نام ، میانشان اُلْفَت افکنده ای ، آن سان که نه آتش ، برف را آب می کند و نه برف ، آتش را خاموش می کند ، با آن نام ، تو را تسبیح می گویند . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که فرشتگانی که آنها را از نور آفریده ای و به سبب آن نام ، از دهان هایشان نور خارج می شود ، با آن نام ، تو را تسبیح می گویند . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که آن را از تسبیح آن نام آفریده ای و به سبب آن از دهان های آنان (فرشتگان) تسبیحی خارج می شود که از آن تسبیح ، فرشتگانی می آفرینی که آن فرشتگان با آن نام ، تو را تا روز قیامت ، تسبیح و تقدیس می کنند و به یگانگی و بزرگی و شکوه مندی می ستایند .

عنه صلى الله عليه وآله أيضا : أسأ لك باسمك الذى خلقت به إسرائيل وعظمت خلقتك بذلك الاسم فهو يسبحك به إلى يوم القيامة يا الله . . . وأسأ لك باسمك الذى يسبح لك به إسرائيل فيقطع تسيحته على جميع الملائكة عبادتهم لاستماعهم إلى طيب صوته وتسيحه بذلك الاسم يا الله ، وأسأ لك باسمك الذى يسبح لك به عزرائيل فى مقامه بين يديك بذلك الاسم يا الله ، وأسأ لك باسمك الذى يسبح لك به إسرائيل فى مقامه بين يديك بذلك الاسم يا الله ، وأسأ لك باسمك الذى يسبح لك به إسرائيل فتخلق من كل لفظه من تسيحه ملكا يسبحك بذلك الاسم إلى يوم القيامة يا الله . (١)

٩ / ٣ ذكر الملائكة فى التسيح رسول الله صلى الله عليه وآله : إن لله فى سماء الدنيا ملائكة خشوعا لا يرفعون رؤوسهم حتى تقوم الساعة . . . أما أهل السماء الدنيا فيقولون : سبحان ذى الملك والملكوت . وأما أهل السماء الثانية فيقولون : سبحان الحى الذى لا يموت . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : إن فى السماء الرابعة ملك يقول فى تسيحه : سبحان من دل هذا الخلق القليل [أى أصحاب اليمين] من هذا العالم الكثير ، على هذا الفصل الجليل . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام لما سئل عن الملكين هاروت وماروت ، وما يقول الناس بأنهما يعلمان الناس السحر : إنهما موضع ابتلاء وموقف فتنه ، تسيحهما اليوم : لو فعل الإنسان كذا وكذا لكان كذا ، ولو يعالج بكذا وكذا لصار كذا . (٤)

١- البلد الأمين : ص ٤١٧ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٦١ ح ١ .

٢- المستدرک على الصحيحين : ج ٣ ص ٩٤ ح ٤٥٠٢ عن عبد الله بن عمر ، كنز العمال : ج ١٠ ص ٣٦٥ ح ٢٩٨٣٤ .

٣- بحار الأنوار : ج ٢٦ ص ٢٩٥ ح ٥٧ نقلًا عن مشارق الأنوار عن جابر عن الإمام الصادق عليه السلام وراجع بشاره المصطفى : ص ٨٥ .

٤- الاحتجاج : ج ٢ ص ٢٢١ ح ٢٢٣ ، بحار الأنوار : ج ٥٩ ص ٣٢٦ ح ١٢ .

۳ / ۹ ذکر فرشتگان در تسبیح

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای «أَسْمَاءُ الْحُسْنَى»: بار خدایا! از تو درخواست می‌کنم به آن نامت که با آن، اسرافیل علیه السلام را آفریدی و با آن نام، او را با عظمت آفریدی و او با آن نام، تا روز قیامت، تو را تسبیح می‌گوید... بار خدایا! از تو درخواست می‌کنم به آن نامت که اسرافیل علیه السلام با آن نام، تو را تسبیح می‌گوید، چنان تسبیحی که همه فرشتگان، عبادت خود را قطع می‌کنند تا به صدای خوش او و تسبیح‌گویی اش با آن نام، گوش دهند. بار خدایا! از تو درخواست می‌کنم، به آن نامت که عزرائیل علیه السلام در پیشگاه تو با آن نام، تو را تسبیح می‌گوید. بار خدایا! از تو درخواست می‌کنم به آن نامت که جبرئیل علیه السلام در پیشگاه تو با آن نام، تو را تسبیح می‌گوید. بار خدایا! از تو درخواست می‌کنم به آن نامت که اسرافیل علیه السلام با آن نام، تو را تسبیح می‌گوید و از هر لفظی از تسبیح او فرشته ای می‌آفرینی که تا روز قیامت. با آن نام، تو را تسبیح می‌گوید.

۳ / ۹ ذکر فرشتگان در تسبیح پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، در آسمان دنیا فرشتگانی دارد که پیوسته در خشوع اند و تا روز قیامت، سرهایشان را بلند نمی‌کنند... و اهل آسمان دنیا (پایین) می‌گویند: «پاکا پروردگار مُلک و ملکوت!» و اهل آسمان دوم می‌گویند: «پاکا زنده ای که هرگز نمی‌میرد!».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در آسمان چهارم، فرشته ای است که در تسبیحش می‌گوید: پاکا آن که از میان این انبوه خلایق، این خلقِ اندک (یعنی: اصحاب یمین) را به این بخشش بزرگ، ره نمون شد.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش از دو فرشته هارون و ماروت، و این که مردم می‌گویند: این دو به مردم، جادوگری می‌آموختند: آن دو برای امتحان و آزمایش بودند و در آن روز، تسبیحشان این بود که: اگر انسان، چنین و چنان کند، چنین می‌شود و اگر دست به فلان و بهمان کار بزند، چنان می‌شود.

كمال الدين عن داوود بن فرقد: قال لى بعض أصحابنا: أخبرنى عن الملائكة أينامون؟ قلت: لا أدرى، فقال: يقول الله عز و جل: «يَسْبِغُونَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ» (١). ثم قال: ألا أظرفك عن أبى عبد الله عليه السلام فيه بشىء؟ فقلت: بلى! فقال: سئل عن ذلك فقال: ما من حى إلا وهو ينام ما خلما الله وحده عز و جل، والملائكة ينامون. فقلت: يقول الله عز و جل «يَسْبِغُونَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ»؟ فقال: أنفاسهم تسبيح. (٢)

٩ / ٤ ما يدل على تسبيح كل حيالكتاب «ألم تر أن الله يسبح له من فى السموات والأرض والطير صمى كل قذ علم صماتة و تسبيحه و الله عليهم بما يفعلون». (٣)

الحديث رسول الله صلى الله عليه و آله: حصنوا أموالكم بالزكاه، فإنه ما يصاد ما صيد من الطير إلا بتضييعهم التسبيح. (٤)

عنه صلى الله عليه و آله: ما صيد صيد ولا قطعت شجرة إلا بتضييع من التسبيح، وكل شىء من الخلق يسبح حتى يتغير عن أعلى خلقه التى خلقها الله (٥)، وإن كنتم تسمعون نقض جدركم وسقفكم فإنما هو تسبيح. (٦)

١- الأنبياء: ٢٠.

٢- كمال الدين: ص ٦٦٦ ح ٨، بحار الأنوار: ج ٥٩ ص ١٨٥ ح ٢٨.

٣- النور: ٤١.

٤- قرب الإسناد: ص ١١٧ ح ٤١٠ عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج ٩٦ ص ١١ ح ١٣.

٥- فى كنز العمال: «عن الخلقه التى خلقه الله».

٦- الفردوس: ج ٤ ص ١٢١ ح ٦٣٧٥ عن عمر بن الخطاب، كنز العمال: ج ١ ص ٤٤٥ ح ١٩١٩ نقلاً عن أبى نعيم عن أبى هريره.

۹ / ۴ تسبیحگویی هر موجود زنده ای

کمال الدین به نقل از داوود بن فرقد: یکی از شیعیان به من گفت: به من بگو که آیا فرشتگان می خوابند؟ گفتم: نمی دانم. گفت: خداوند عز و جل فرماید: «شب و روز، بی وقفه، تسبیح می گویند». سپس گفت: می خواهی در این باره، طرفه سخنی از امام صادق علیه السلام به تو هدیه کنم؟ گفتم: آری. گفت: همین سؤال از ایشان پرسیده شد. فرمود: «هیچ موجود زنده ای نیست، مگر این که می خوابد، بجز خدای یکتا. فرشتگان هم می خوابند». من گفتم: خداوند عز و جل می فرماید: «شب و روز، بی وقفه، تسبیح می گویند». فرمود: «نفس هایشان، تسبیح است».

۹ / ۴ تسبیحگویی هر موجود زنده ایقرآن «آیا ندانسته ای که هر که [و هر چه] در آسمان ها و زمین است، برای خدا تسبیح می گویند، و پرندگان [نیز] در حالی که در آسمان، پر گشوده اند [تسبیح او می گویند]؟ همه ستایش و نیایش خود را می دانند؛ و خدا به آنچه می کنند، داناست».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از دارایی هایتان، با پرداخت زکات، محافظت کنید؛ زیرا هیچ پرنده شکار شده ای شکار نشد، مگر این که تسبیحگویی خود را وانهاد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ صیدی شکار نمی شود و هیچ درختی قطع نمی شود، مگر به سبب ترک تسبیح، و هر چیزی در آفرینش، تسبیح می گوید تا آن گاه که از بالاترین خلقتش که خداوند آن را آفریده است، تغییر کند [و از بین برود]. اگر صدای فرو شکستن دیوارها و سقف خانه هایتان را می شنیدید، می فهمیدید که تسبیح می گویند.

عنه صلى الله عليه وآله: ما صيدَ مصيدٌ إلَّا بِنَقْصٍ مِنْ تَسْبِيحٍ . . . ولا عُضِدَ مِنْ شَجَرِهِ وَشَيْجِهِ يَعْنِي شَجَرَهُ تُقَطَّعُ إلَّا بِنَقْصٍ فِي تَسْبِيحٍ ، وَلَا دَخَلَ عَلَى امْرِئٍ مَكْرُوهٌ إلَّا بِذَنْبٍ ، وَمَا عَفَا اللَّهُ عَنْهُ أَكْثَرُ . (١)

الدرّ المنثور عن عائشه عن رسول الله صلى الله عليه وآله: صَوْتُ الدَّيْكِ صَلَاتُهُ ، وَضَرْبُهُ بِجَنَاحَيْهِ سُجُودُهُ وَرُكُوعُهُ . ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ : «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» (٢) . (٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله: آجَالُ الْبَهَائِمِ كُلُّهَا ، وَخَشَاشِ (٤) الْأَرْضِ وَالِدَّوَابِّ كُلِّهَا فِي التَّسْبِيحِ ، فَإِذَا انْقَضَى تَسْبِيحُهَا قَبِضَ اللَّهُ أَرْوَاحَهَا ، وَلَيْسَ إِلَى مَلِكِ الْمَوْتِ فِي ذَلِكَ شَيْءٌ (٥) . (٦)

الإمام الصادق عليه السلام: لَا يُصَادُ مِنَ الطَّيْرِ إلَّا مَا ضَيَّعَ تَسْبِيحَهُ . (٧)

١- تاريخ دمشق: ج ١٨ ص ٢٣٩ ح ٤٢٣٧ عن روح بن حبيب، كنز العمال: ج ١ ص ٤٤٤ ح ١٩١٨ وج ٢ ص ٢٥٤ ح ٣٩٥٥ .

٢- الإسراء: ٤٤ .

٣- الدرّ المنثور: ج ٥ ص ٢٨٩ نقلاً عن ابن مردويه وأبي نعيم .

٤- خَشَاشِ الْأَرْضِ: أَى هَوَاقِمِهَا وَحَشَرَاتِهَا ، الْوَاحِدَةُ خَشَاشَةٌ (النهاية: ج ٢ ص ٣٣ «خشش»).

٥- قال العلّامة الطباطبائى قدس سره: لعلّ المراد من قوله: «وليس إلى ملك الموت منها شيء»، أنّه لا يتصدّى بنفسه قبض أرواحها وإنّما يباشرها بعض الملائكة والأعوان، والملائكة أسباب متوسّطه على أَى حال (الميزان فى تفسير القرآن: ج ١٣ ص ١٢٢).

٦- الفردوس: ج ١ ص ٤١٨ ح ١٦٩٥ عن أنس، كنز العمال: ج ١ ص ٤٤٥ ح ١٩٢١ نقلاً عن الضعفاء الكبير وأبى الشيخ .

٧- الكافى: ج ٣ ص ٥٠٥ ح ١٥، المحاسن: ج ١ ص ٤٥٩ ح ١٠٦٢ كلاهما عن إسحاق عمّن سمعه، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ١٢ ح ١٥٩٥، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٩٣ ح ٧٣ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ صیدی شکار نمی شود، مگر به سبب کاستن از تسبیحش ... و هیچ شاخه ای از درختی با تبر جدا نمی شود، مگر به سبب کاستن از تسبیحش، و به هیچ انسانی گزند نمی رسد، مگر به سبب گناهی [که انجام می دهد]، و البته آنچه خدا از او بخشیده، بیشتر است.

الدّر المنثور به نقل از عایشه: پیامبر خدا فرمود: «بانگ خروس، نماز اوست و بال زدنش، سجود و رکوع او». سپس این آیه را قرائت کرد: «و هیچ چیز نیست، مگر آن که او را تسبیح و ستایش می گوید، اما شما تسبیح آنان را نمی فهمید».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عمر همه چارپایان و همه خزندگان و جنندگان زمینی، در گرو تسبیحگویی آنهاست. پس هرگاه تسبیحگویی شان به سر آید، خداوند، جان آنها را می گیرد و فرشته مرگ را در این کار، دستی نیست. (۱)

امام صادق علیه السلام: از پرندگان شکار نمی شود، مگر آن پرنده ای که تسبیحگویی اش را فرو نهاده باشد.

۱- علامه طباطبایی قدس سرهمی گوید: شاید مراد از جمله «و فرشته مرگ را در این کار، دستی نیست»، این باشد که او شخصا آنها را قبض روح نمی کند، بلکه برخی فرشتگان و دست یاران، این کار را انجام می دهند. در هر حال، فرشتگان، اسباب واسطه اند.

عنه عليه السلام: أَقْسِمُ بِالَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ وَبَسَطَ الرِّزْقَ ، إِنَّهُ مَا ضَاعَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا بَتَرَكَ الزُّكَاةَ ، وَمَا صِيدَ صَيْدٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا بَتَرَكَهُ التَّسْبِيحُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ . (١)

عنه عليه السلام: مَا مِنْ طَيْرٍ يُصَادُ فِي الْبَرِّ وَلَا فِي الْبَحْرِ ، وَلَا يُصَادُ شَيْءٌ مِنَ الْوَحْشِ إِلَّا بِتَضْيِيعِهِ التَّسْبِيحُ . (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَوْ فَهَّمَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ تَسْبِيحَ الْوَحْشِ وَالطُّيُورِ وَالسَّبَاعِ وَالْجِبَالِ لَطَارَتِ الْأَفْتِدَةُ ، وَلَكِنْ أَكَنَّ (٣) ذَلِكَ عَنْكُمْ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ النَّمْلَ يُسَبِّحُنَ . (٥)

فاطمه عليها السلام في الدعاء: الْحَمْدُ لِلَّهِ... الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَبَتَّ الصَّالِحَاتُ ، وَبِشُكْرِهِ تَسْتَوْجِبُ الزِّيَادَاتُ ، وَبِأَمْرِهِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ ، وَبِعِزَّتِهِ اسْتَقَرَّتِ الرَّاسِيَاتُ ، وَسَبَّحَتِ الْوَحْشُ فِي الْفَلَوَاتِ ، وَالطُّيْرُ فِي الْوُكُنَاتِ (٦) . (٧)

الإمام علي عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمَّا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَخْلُقَ الْخَيْلَ قَالَ: ...إِنِّي سَأَجْعَلُ عَلَى ظَهْرِكِ رَجَالًا- يَسْبِغُونِي وَيَحْمِدُونِي وَيُهَلِّلُونِي وَيُكَبِّرُونِي . ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا مِنْ تَسْبِيحَةٍ وَتَهْلِيلَةٍ وَتَكْبِيرَةٍ يُكَبِّرُهَا صَاحِبُهَا فَتَسْمَعُهُ ، إِلَّا تُجِيبُهُ بِمِثْلِهَا . (٨)

١- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٧ ح ١٥٧٩ عن معتب مولى الإمام الصادق عليه السلام، عوالمى اللآلى: ج ١ ص ٣٧٠ ح ٧٤.

٢- تفسير القمى: ج ٢ ص ١٠٧، تفسير العياشى: ج ٢ ص ٢٩٤ ح ٨٣ كلاهما عن إسحاق بن عمار، بحار الأنوار: ج ٤ ص ٢٤ ح ١.

٣- كَنَّ الشَّيْءَ وَأَكَّنَهُ: سَتَرَهُ وَأَخْفَاهُ (لسان العرب: ج ١٣ ص ٣٦٠ «كن»).

٤- الفردوس: ج ٣ ص ٣٦٩ ح ٥١٢٠ عن معاذ بن جبل.

٥- الدرّ المنتور: ج ٥ ص ٢٩٠ نقلاً عن ابن مردويه عن أبى هريره.

٦- الوُكُنَاتُ بضم الكاف وفتحها وسكونها: جمع وُكُنَةٍ بالسكون وهى عُشُّ الطائرِ وَوُكْرُهُ. وقيل: الوُكُنَاتُ: مواقع الطير حيثما وقعت (النهاية: ج ٥ ص ٢٢٢ «وكن»).

٧- فلاح السائل: ص ٤٤٠ ح ٣٠٣، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١١٥ ح ٢.

٨- بحار الأنوار: ج ٤٤ ص ١٥٦ ح ٧ نقلاً عن حياه الحيوان عن تاريخ نيسابور للحاكم؛ كنز العمال: ج ٤ ص ٤٦٥ ح ١١٣٨٢ نقلاً عن الحاكم فى تاريخه والثعلبى فى تفسيره والديلمى وليس فيه من «ثم قال...».

امام صادق علیه السلام: سوگند می خورم به آن که آفرینش را آفرید و روزی را گسترانید که هیچ مالی در خشکی و دریا، تلف نمی شود، مگر به سبب نپرداختن زکات، و هیچ صیدی در خشکی و دریا شکار نمی شود، مگر بدان سبب که در آن روز، تسبیح را ترک گفت.

امام صادق علیه السلام: هیچ پرنده ای در خشکی و دریا شکار نمی شود و هیچ حیوانی صید نمی گردد، مگر به سبب ترک تسبیحگویی اش.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر خداوند عز و جل تسبیحگویی وحوش و پرندگان و درندگان و کوه ها را به آنان می فهماند، بی گمان، دل ها از جاکنده می شدند؛ لیکن خداوند، تسبیحگویی آنها را از شما پوشیده داشته است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مورچگان هم تسبیح [خدا را] می گویند.

فاطمه علیها السلام در دعا: ستایش، خداوند را... که با لطف و نعمت او کارهای نیک، انجام می پذیرد و سپاس گزاری اش، موجب افزونی نعمت ها می شود و به فرمان او، آسمان ها بر پایند و به قدرت او، کوه ها پابرجاست و ددان در بیابان ها و مرغان در کاشانه هایشان، او را تسبیح می گویند.

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «چون خداوند خواست اسب را بیافریند، فرمود: ... به زودی بر پشت تو مردانی را سوار می کنم که مرا تسبیح و ستایش می گویند و مرا به یگانگی و بزرگی یاد می کنند». سپس فرمود: «و هر تسبیح و لا إله إلا الله و الله اکبر ی که صاحب آن اسب بگوید و اسب بشنود، او نیز همانند آن را در پاسخش می گوید».

الإمام الصادق عليه السلام في الدواب: لا تُعَنَّوا على ظهورها، أما يستحي أحدكم أن يُعنى على ظهر دابته وهي تُسبح؟! (١)

عنه عليه السلام: للدابة على صاحبها ستة حقوق: ... ولا يضربها في وجهها فإنها تُسبح. (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تضربوا الدواب على وجوهها؛ فإنها تُسبح بحمد الله. (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: من اتخذ في بيته طيراً فليتخذ ورشانا (٤)؛ فإنه أكثر شيء ذكراً لله عز وجل (٥) وأكثر تسبيحاً، وهو طيرٌ يُجئنا أهل البيت (٦).

رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تشبوا الضفدع؛ فإن صوته تسبيحٌ وتقديسٌ وتكبيرٌ. (٧)

- ١- المحاسن: ج ٢ ص ٤٦٩ ح ٢٦٢٥، بحار الأنوار: ج ٦٤ ص ٢٠٦ ح ٩.
- ٢- الكافي: ج ٦ ص ٥٣٧ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ١٦٤ ح ٣٠٣، المحاسن: ج ٢ ص ٤٦٨ ح ٢٦٢٤ كلها عن السكوني، بحار الأنوار: ج ٦٤ ص ٢٠٥ ح ٨.
- ٣- الكافي: ج ٦ ص ٥٣٨ ح ٤ عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٨٦ ح ٢٤٦٥ عن إسماعيل بن أبي زياد بإسناده، الخصال: ص ٣٣٠ ح ٢٨ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٦٤ ص ٢٠١ ح ١.
- ٤- الورشان: الحمام الأبيض (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٩٢٦ «ورش»)، الورشان: نوع من الحمام البري، أكد اللون فيه بياض فوق ذنبه (المنجد: ص ٨٩٦ «ورش»).
- ٥- في المصدر: «... شيئاً لذكر الله»، والتصويب من بحار الأنوار.
- ٦- الكافي: ج ٦ ص ٥٥٠ ح ١ عن أبي بكر الحضرمي، بحار الأنوار: ج ٦٥ ص ٢١ ح ٣٠.
- ٧- الدرّ المنثور: ج ٥ ص ٦٣٩ نقلاً عن ابن المنذر عن أنس؛ بحار الأنوار: ج ٦٤ ص ٤٨ ح ٢٥.

امام صادق علیه السلام در باره چارپایان : سوار بر آنها آواز نخوانید . آیا هر یک از شما شرم نمی کند که بر پشت چارپایی آواز بخواند ، در حالی که او [خدا را] تسبیح می گوید؟!

امام صادق علیه السلام : چارپا را بر صاحبش شش حق است : ... و دیگر آن که به صورت او نزند ؛ زیرا آن حیوان ، [خدا را] تسبیح می گوید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به صورت چارپایان نزنید ؛ چرا که آنها خدا را تسبیح و ستایش می گویند .

امام صادق علیه السلام : هر کس خواست در خانه اش پرنده ای نگه دارد ، کبوتر سفید نگهداری کند ؛ زیرا این پرنده ، بیش از هر پرنده ای ذکر خدا و تسبیح او را می گوید و پرنده ای است که ما اهل بیت را دوست می دارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به قورباغه ناسزا نگویند ؛ زیرا که آواز او ، تسبیح و تقدیس و تکبیر [خدا] است .

٩ / ٥ ذكر تسيح بعض الحيوانات المناقب لابن شهر آشوب عن محمد بن وهبان والفتاك: مضينا بغابه فإذا بأسد بارك في الطريق وأشباهه خلفه، فلويت ببدابتي لأرجع، فقال [الإمام علي] عليه السلام: إلى أين؟... فإذا بالأسد قد أقبل نحوه فتبصص (١) بذبنيه وهو يقول: السلام عليك يا أمير المؤمنين ورحمه الله وبركاته، يابن عم رسول الله. فقال: وعليك السلام يا أبا الحارث، ما تسيحك؟ فقال: أقول: سبحان من ألبسني المهابة، وقذف في قلوب عباده مني المخافة. (٢)

الإمام علي عليه السلام: إذا التقى الجمعان، ومشى الرجال إلى الرجال بالسيوف، يرفع الفرس رأسه فيقول: سبحان الملك القدوس. ويقول الحمار في نهيقه: اللهم العن العشارين، ويقول الديك في نعيقه بالأسحار: اذكروا الله يا غافلين. ويقول الضفدع في نقيقه: سبحان المعبود في لجج البحار. ويقول الدراج في صياحه: الرحمن على العرش استوى. وتقول القبيرة (٣) في صفيرها: اللهم العن مبعضي آل محمد. (٤)

الخرائج والجرائح عن محمد بن إبراهيم التيمي عن الإمام الحسين عليه السلام: إذا صاح النسر فإنه يقول: يابن آدم، عش ما شئت فأجزه الموت. وإذا صاح البازي يقول: يا عالم الخفيات ويا كاشف البليات. وإذا صاح الطاووس يقول: مولاي، ظلمت نفسي واغتررت بزيتي فأغفر لي. وإذا صاح الدراج يقول: الرحمن على العرش استوى. وإذا صاح الديك يقول: من عرف الله لم ينس ذكره. وإذا قرقت الدجاجة تقول: يا إله الحق أنت الحق، وقولك الحق يا الله يا حق. وإذا صاح الباشق (٥) يقول: آمنت بالله واليوم الآخر. وإذا صاحته الحداة (٦) تقول: توكل على الله ترزق. وإذا صاح العقاب يقول: من أطاع الله لم يشق. وإذا صاح الشاهين (٧) يقول: سبحان الله حقًا حقًا. وإذا صاحته البومة تقول: البعد من الناس أنس. وإذا صاح الغراب يقول: يا رازق ابعث بالرزق الحلال. وإذا صاح الكركي (٨) يقول: اللهم احفظني من عدوى. وإذا صاح اللقلق يقول: من تخلى من الناس نجيا من أذاهم. وإذا صاحته البطة تقول: غفرانك يا الله غفرانك. وإذا صاح الهدهد يقول: ما أشقى من عصى الله. وإذا صاح القمرى (٩) يقول: يا عالم السر والنجوى يا الله. وإذا صاح الدبسي (١٠) يقول: أنت الله لا إله سواك يا الله. وإذا صاح العقعق (١١) يقول: سبحان من لا يخفى عليه خافية. وإذا صاح البيغاء يقول: من ذكر ربّه غفر ذنبه. وإذا صاح العصفور يقول: أستغفر الله مما يسخط الله. وإذا صاح البلبل يقول: لا إله إلا الله حقًا حقًا. وإذا صاحته القبجة (١٢) تقول: قرب الحق قرب. وإذا صاحته السماناه (١٣) تقول: يابن آدم ما أغفلك عن الموت. وإذا صاح السوذنيق (١٤) يقول: لا إله إلا الله، محمد وآله خير الله. وإذا صاحته الفاخته تقول: يا واحد يا أحد، يا فرد يا صمد. وإذا صاح الشقراق (١٥) يقول: مولاي أعتقني من النار. وإذا صاحته القبيرة تقول: مولاي تب على كل مذبذب من المؤمنين. وإذا صاح الورشان يقول: إن لم تغفر ذنبي شقيت. وإذا صاح الشفنين (١٦) يقول: لا قوة إلا بالله العلي العظيم. وإذا صاحته النعامه تقول: لا معبود سوى الله. وإذا صاحته الخطافه (١٧) فإنها تقرأ سورة الحمد وتقول: يا قابل توبه التوابين يا الله لك الحمد. وإذا صاحته الزرافه تقول: لا إله إلا الله وحده. وإذا صاح (١٨) الحميل يقول: كفى بالموت واعظا. وإذا صاح الحدي يقول: عاجلني الموت فقل ذنبي. وإذا زار الأسد يقول: أمر الله مهمم مهمم. وإذا صاح الثور يقول: مهلاً مهلاً يابن آدم، أنت بين يدي من يرى ولا يرى وهو الله. وإذا صاح الفيل يقول: لا يغنى عن الموت قوة ولا حيلة. وإذا صاح الفهد يقول: يا عزيز يا جبار يا متكبر يا الله. وإذا صاح الجمل يقول: سبحان من ذل الجبارين سبحانه. وإذا صاح الفرس يقول: سبحان ربنا سبحانه. وإذا صاح الذئب يقول: ما حفظ الله فلن يضيع أبدا. وإذا صاح ابن آوى يقول: الويل الويل للمذبذب المصير. وإذا صاح الكلب يقول: كفى بالمعاصي ذلاً. وإذا

صَاحَ الْأَرْنَبُ يَقُولُ : لَا تُهْلِكْنِي يَا اللَّهُ لَكَ الْحَمْدُ . وَإِذَا صَاحَ الثَّعْلَبُ يَقُولُ : الدُّنْيَا دَارٌ غُرُورٍ . وَإِذَا صَاحَ الْغَزَالُ يَقُولُ : نَجِّنِي مِنَ الْأَذَى . وَإِذَا صَاحَ الْكَرْكَدُنُّ يَقُولُ : أَغْنِنِي وَإِلَّا هَلَكْتُ يَا مَوْلَايَ . وَإِذَا صَاحَ الْإِيْلُ يَقُولُ : حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ حَسْبِيَ . وَإِذَا صَاحَ النَّيْمُ يَقُولُ : سُبْحَانَ مَنْ تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ سُبْحَانَهُ . وَإِذَا سَبَّحَتْ الْحَيَّةُ يَقُولُ : مَا أَشْقَى مَنْ عَصَاكَ يَا رَحْمَنُ . وَإِذَا سَبَّحَتْ الْعَقْرَبُ يَقُولُ : الشَّرُّ شَيْءٌ وَحَشٌّ . ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَلَهُ تَسْبِيحٌ يَحْمَدُ بِهِ رَبَّهُ . ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ : «وَأِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» (١٩) . (٢٠)

- ١- يقال : بصبص الكلب بذنبه : إذا حرّكه ، وإنما يفعل ذلك من طمع أو خوف (النهاية : ج ١ ص ١٣١ «بصبص»).
- ٢- المناقب لابن شهر آشوب : ج ٢ ص ٣٠٣ ، بحار الأنوار : ج ٤١ ص ٢٤٢ ح ١٢ .
- ٣- القُتْبِرَةُ والقُتْبِرَةُ والقُتْبِرَةُ : عصفوره دائمه التغريد (المنجد : ص ٦٠٥ «قبر»).
- ٤- الاختصاص : ص ١٣٦ عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج ٦٤ ص ٣٥ ح ١٢ .
- ٥- الباشق : طائر من أصغر الجوارح (المنجد : ص ٤٠ «بشق»).
- ٦- الجِدَاهُ : طائر من الجوارح ينقض على الجُرذَانِ والدواجن والأطعمه ونحوها (المعجم الوسيط : ج ١ ص ١٥٩ «حدأ»).
- ٧- الشاهين : طائر من جنس الصقر طويل الجناحين (المنجد : ص ٤٠٧ «شهن»).
- ٨- الكُرْكُي : طائر كبير ، أغبر اللون ، طويل العنق والرجلين ، أبتَر الذنب ، قليل اللحم ، يأوى إلى الماء أحيانا (المعجم الوسيط : ج ٢ ص ٧٨٤ «كرك»).
- ٩- القُمْرِيُّ : ضرب من الحمام حسن الصوت (المنجد : ص ٦٥٣ «قمر»).
- ١٠- الدُّبْسِيُّ : طائر صغير ، والدُّبْسَةُ : لون بين السواد والحُمْرَة (النهاية : ج ٢ ص ٩٩ «دبس»).
- ١١- العَقِيقُ : طائر على شكل الغراب ، أو هو الغراب ، وكانت العرب تتشائم به (المنجد : ص ٥١٧ «عقق»).
- ١٢- القَبِيجُ : واحد القَبِيجِ ؛ وهو طائر يشبه الحجل (المنجد : ص ٦٠٤ «قبج»).
- ١٣- السُّمَانِيُّ : الواحد سُماناه ، نوع من الطيور القواطع ، من رتبة الدجاجيات ، ويسمى : السَّلْوِيُّ (المنجد : ص ٣٥٢ «سمن»).
- ١٤- السَّوْدَانِيُّ وَيُضَمُّ أَوْلُهُ وَالسَّيْدَانِيُّ وَالسَّوْدَانِيُّ وَالسَّوْدَانِيُّ وَالسَّوْدَانِيُّ : الصقر أو الشاهين (القاموس المحيط : ج ٣ ص ٢٤٤ «سذق»).
- ١٥- الشُّقْرَاقُ : طائر يكون في أرض الحرم في منابت النخيل كقدر الهدهد ، مرقط بحمره وخضره وبياض وسواد (لسان العرب : ج ١٠ ص ١٨٦ «شقرق»).
- ١٦- الشُّفْنِينُ بكسر الشين : وهو متولد بين نوعين مأكولين ، وعدّه الجاحظ في أنواع الحمام ، وبعضهم يقول : الشُّفْنِينُ هو الذى تسميه العامّة : اليمام (حياه الحيوان : ج ٢ ص ٥٣).
- ١٧- الخُطَّافُ : طائر يُشبه السنونو ، طويل الجناحين ، قصير الرجلين ، أسود اللون (المنجد : ص ١٨٧ «خطف»).
- ١٨- فى المصدر : «صاحت» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- ١٩- الإسراء : ٤٤ .
- ٢٠- الخرائج والجرائح : ج ١ ص ٢٤٨ ح ٥ ، بحار الأنوار : ج ٦٤ ص ٢٧ ح ٨ .

۹ / ۵ ذکر تسبیح برخی جانوران

۹ / ۵ ذکر تسبیح برخی جانوران المناقب ، ابن شهر آشوب به نقل از محمد بن وهبان و قَتَاك : به جنگلی رفتیم . ناگاه به شیری برخوردیم که در راه ، خوابیده بود و بچه هایش پشت سر او بودند . سر اسبم را کج کردم که برگردم . [امام علی علیه السلام فرمود : «کجا؟ ...» . ناگهان ، شیر از جا برخاست و به سوی ایشان آمد و شروع به جنبانیدن دُم خود کرد و گفت : سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ، ای امیر مؤمنان ، ای پسر عموی پیامبر خدا ! فرمود : «و بر تو سلام ، ای ابا حارث ! تسبیح تو چیست؟» . شیر گفت : می گویم : پا کا آن که جامه هیبت بر من پوشاند و ترس از مرا در دل بند گانش افکند !

امام علی علیه السلام : هر گاه دو سپاه ، رویاروی شوند و سپاهیان با شمشیرهایشان به سوی یکدیگر بیایند ، اسب ، سرش را بلند می کند و می گوید : پا کا پادشاه پاک ! الاغ ، با عَرَعَر خویش می گوید : خدایا ! باجگیران را لعنت کن . خروس ، با بانگ خویش در سحرگاهان می گوید : خدا را یاد کن ، ای بی خبران ! قورباغه ، با قور قور خویش می گوید : پا کا معبود در اعماق دریاها ! دُرّاج ، با آواز خویش می گوید : آن مهر گستر ، بر اورنگ قرار گرفته است ؛ و چکاوک ، با جیکاجیک خویش می گوید : خدایا ! دشمنان خاندان محمد را لعنت فرما .

الخرائج والجرائح به نقل از محمد بن ابراهیم تیمی ، از امام حسین علیه السلام : آن گاه که کَرکَس بانگ می زند ، می گوید : «ای پسر آدم ! هر اندازه می خواهی ، زندگی کن که فرجامش مرگ است . و آن گاه که باز بانگ می زند ، می گوید : ای دانایِ نهران ها و ای زُداينده گرفتاری ها ! و آن گاه که طاووس بانگ می زند ، می گوید : سِروروا ! به خویشتن ، ستم کردم و به زیبایی خویش ، غزه گشتم . پس مرا بیامرزش ! و آن گاه که دُرّاج بانگ می زند ، می گوید : آن مهر گستر ، بر اورنگ خویش قرار گرفته است . و آن گاه که خروس بانگ می دهد ، می گوید : هر که خدا را شناخت ، یاد او را فراموش نکرد . و آن گاه که مرغ ، قُدُقُد می کند ، می گوید : ای معبود حق ! تو حَقّی و سخن تو حق است ، ای خدا ، ای حق ! و آن گاه که قرقی بانگ می زند ، می گوید : به خدا و روز واپسین ، ایمان دارم . و آن گاه که زَعَن بانگ می زند ، می گوید : به خدا توکل کن تا روزی داده شوی . و آن گاه که عَقَاب بانگ می زند ، می گوید : هر که از خدا فرمان بَرَد ، به رنج و بدبختی نمی افتد . و آن گاه که شاهین بانگ می زند ، می گوید : پا کا خدا که حقّ است ، حقّ است ! و آن گاه که بوم بانگ می زند ، می گوید : دوری از مردم ، مایه آرامش است . و آن گاه که کلاغ ، قاز قار می کند ، می گوید : ای روزی ده ! روزی حلال بفرست . و آن گاه که دُرنا بانگ می زند ، می گوید : بار خدایا ! مرا از دشمنم ننگه دار . و آن گاه که لَک لَک بانگ می زند ، می گوید : هر که از مردم کناره گیرد ، از آزار آنان بَرهید . و آن گاه که مرغابی بانگ می زند ، می گوید : مرا ببخشای ، ای خدا ، ببخشای ! و آن گاه که هُدَید بانگ می زند ، می گوید : چه در رنج و بدبختی است آن که خدا را نافرمانی کند ! و آن گاه که قُمَری بانگ می زند ، می گوید : ای دانای راز و نجوا ، ای خدا ! و آن گاه که یا کریم بانگ می زند ، می گوید : تویی خدا و معبودی جز تو نیست ، ای خدا ! و آن گاه که زاغ بانگ می زند ، می گوید : پا کا آن که هیچ پوشیده ای بر او پوشیده نیست ! و آن گاه که طوطی بانگ می زند ، می گوید : هر که پروردگار خویش را یاد کند ، خداوند

گناهِش را می‌آمزد. و آن‌گاه که گنجشک، جیک جیک می‌کند، می‌گوید: از خدا آمرزش می‌خواهم از آنچه خدا را به خشم می‌آورد! و آن‌گاه که بلبل می‌خواند، می‌گوید: معبودی جز خدا نیست. بر حق است، بر حق و آن‌گاه که کبک، بانگ می‌دهد، می‌گوید: حق، نزدیک است، نزدیک! و آن‌گاه که بلدرچین می‌خواند، می‌گوید: ای پسر آدم! چه قدر تو از مرگ، غافل! و آن‌گاه که چرخ شکاری بانگ می‌زند، می‌گوید: معبودی جز خدا نیست. محمّد و خاندان او برگزیدگانِ خداوند. و آن‌گاه که فاخته بانگ می‌زند، می‌گوید: ای یگانه، ای یکتا، ای تک، ای بی‌نیاز! و آن‌گاه که سبزه‌قبا آواز می‌دهد، می‌گوید: سرورم! مرا از آتش، آزاد گردان. و آن‌گاه که چکاوک، آواز می‌دهد، می‌گوید: سرورم! توبه هر گنهکار مؤمنی را بیامرز! و آن‌گاه که قُمری آواز می‌دهد، می‌گوید: اگر گناهم را نیامرزی، بدبخت می‌شوم. و آن‌گاه که بوتیمار می‌خواند، می‌گوید: هیچ‌توانی نیست، مگر به مدد خدای بلند مرتبه و بزرگ. و آن‌گاه که شتر مرغ، بانگ می‌دهد، می‌گوید: معبودی جز خدا نیست. و آن‌گاه که پرستو می‌خواند، سوره حمد را می‌خواند و می‌گوید: ای پذیرنده توبه توبه کاران، ای خدا! ستایش، تو راست! و آن‌گاه که زرافه بانگ سر می‌دهد، می‌گوید: معبودی جز خدای یگانه نیست. و آن‌گاه که بَرّه آواز می‌دهد، می‌گوید: بهترین پند دهنده، مرگ است. و آن‌گاه که بزغاله آواز می‌دهد، می‌گوید: هر چه مرگ زودتر به سراغم بیاید، گناهام کمتر خواهد بود. و آن‌گاه که شیر نعره می‌زند، می‌گوید: فرمان خدا، مهم است، مهم. و آن‌گاه که گاو نر، بانگ سر می‌دهد، می‌گوید: آرام باش، آرام، ای پسر آدم، که تو در پیشگاه کسی هستی که می‌بیند و خود، دیده نمی‌شود و او همان خداست! و آن‌گاه که فیل بانگ می‌زند، می‌گوید: هیچ قدرت و چاره‌ای جلو مرگ را نمی‌تواند بگیرد. و آن‌گاه که یوز پلنگ بانگ می‌زند، می‌گوید: ای عزیز، ای جبار، ای متکبر، ای خدا! و آن‌گاه که شتر بانگ می‌زند، می‌گوید: پاکا خوار کننده گردن فرازان، پاکا او! و آن‌گاه که اسب، شیهه می‌کشد، می‌گوید: پاکا پروردگار ما، پاکا او! و آن‌گاه که گرگ، زوزه می‌کشد، می‌گوید: آنچه را که خدا نگه دارد، هرگز تباه نمی‌شود. و آن‌گاه که شغال بانگ می‌زند، می‌گوید: وای و وای بر گنهکاری که به گناه خویش، ادامه دهد! و آن‌گاه که سگ بانگ می‌زند، می‌گوید: برای خواری آدمی همین بس که گناه کند! و آن‌گاه که خرگوش، بانگ می‌زند، می‌گوید: مرا هلاک مگردان، ای خدا! ستایش تو راست! و آن‌گاه که روباه بانگ می‌زند، می‌گوید: دنیا، سرای فریب است. و آن‌گاه که آهو بانگ می‌زند، می‌گوید: مرا از آزار برهان! و آن‌گاه که کرگدن بانگ می‌زند، می‌گوید: کم‌کم کن؛ وگرنه، نابود می‌شوم، سرور! و آن‌گاه که گوزن بانگ می‌زند، می‌گوید: خدا مرا بس است و نیکو پشیمانی است! او، مرا بس است! و آن‌گاه که پلنگ بانگ می‌زند، می‌گوید: پاکا آن که به قدرت، توانمند است، پاکا او! و آن‌گاه که مار تسیح می‌گوید، می‌گوید: چه بدبخت است آن که نافرمانی ات کند، ای مهرگستر! و آن‌گاه که عقرب تسیح می‌گوید، می‌گوید: بدی، چیز وحشتناکی است. سپس فرمود: «هر چیزی که خداوند آفریده است، ذکر تسیحی دارد که با آن، پروردگارش را سپاس و ستایش می‌گوید. آن‌گاه، این آیه را تلاوت کرد: «و هیچ چیز نیست، مگر آن که او را تسیح و سپاس می‌گوید؛ اما شما تسیح آنها را نمی‌فهمید».

حليه الأولياء عن أبي حمزه الثمالى: قَالَ لِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَسَمِعَ عَصَافِيرَ يَصِيحْنَ فَقَالَ: تَدْرِي يَا أَبَا حَمَزَةَ مَا يَقُلْنَ؟ قُلْتُ: لَا! قَالَ: يُسَبِّحَنَّ (١) رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ، وَيَطْلُبَنَّ قُوَّةَ يَوْمِهِنَّ. (٢)

تاريخ بغداد عن ثابت بن أبي صفية: كُنَّا مَعَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُلُوسًا فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ مَرَّ بِنَا عَصَافِيرُ يَصِيحْنَ، فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتَدْرُونَ مَا تَقُولُ هَذِهِ الْعَصَافِيرُ؟ قُلْنَا: لَا! قَالَ: أَمَا إِنِّي مَا أَقُولُ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبَ، وَلَكِنْ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «إِنَّ الطَّيْرَ إِذَا أَصْبَحَتْ سَبَّحَتْ رَبَّهَا، وَسَأَلَتْهُ قُوَّةَ يَوْمِهَا»؛ وَإِنَّ هَذِهِ تُسَبِّحُ رَبَّهَا، وَتَسْأَلُهُ قُوَّةَ يَوْمِهَا. (٣)

١- في المصدر: «تُسَبِّحَنَّ»، والصواب ما أثبتناه.

٢- حليه الأولياء: ج ٣ ص ١٨٧؛ بصائر الدرجات: ص ٣٤١ ح ١ و ٢ كلاهما عن أبي حمزه الثمالى عن الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ١٨٥، بحار الأنوار: ج ٤٦ ص ٢٦١.

٣- تاريخ بغداد: ج ١١ ص ٩٨، كنز العمال: ج ٣ ص ٣٩١ ح ٧٠٩٢.

حلیه الأولیاء به نقل از ابو حمزه ثمالی: امام باقر علیه السلام صدای جیک جیک گنجشکانی را شنید. به من فرمود: «ای ابو حمزه! می دانی اینها چه می گویند؟». گفتم: خیر. فرمود: «می گویند: [پروردگار عز و جل مرا تسبیح می گویند و روزی روزانه خود را می طلبند].»

تاریخ بغداد به نقل از ثابت بن ابی صفیه: با امام زین العابدین علیه السلام در مسجد پیامبر خدا نشسته بودیم که تعدادی گنجشک، جیک جیک کنان، بر ما گذشتند. امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «آیا می دانید این گنجشکان، چه می گویند؟». گفتیم: خیر. فرمود: «من نمی گویم که غیب می دانم؛ اما از پدرم شنیدم که فرمود: از امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که فرمود: از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید: پرنده گان چون صبح شود، پروردگار خویش را تسبیح می گویند و خوراک آن روز خود را از او درخواست کنند. اینها نیز پروردگار خود را تسبیح می گویند و روزی روز خود را از او می طلبند.»

٩ / ٦ ما يَدُلُّ عَلَى تَسْبِيحِ كُلِّ شَيْءٍ الْكِتَابِ «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا». (١)

«سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ». (٢)

«وَيَسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَدِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ». (٣)

الحديث الكافي عن علي بن عيسى رفعه: إن موسى عليه السلام نجاه الله تبارك وتعالى فقال له في مناجاته: . . . يا موسى ، متى ما دعوتني ورجوتني فأني سأغفر لك على ما كان منك ، السماء تسبح لي وجلا ، والملائكة من مخافتني مشفقون ، والأرض تسبح لي طمعا ، وكل الخلق يسبحون لي داخرون (٤) . (٥)

حليه الأولياء عن عبد الرحمن بن قرط : إن رسول الله صلى الله عليه وآله ليلة أسرى به من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى وكان بين زمزم والمقام ، وجبريل عن يمينه وميكائيل عن يساره ، وطارا به حتى بلغ السماوات السبع ، فلما رجع قال : سمعت تسبيحا في السماوات العلى ، من ذى المهابة مشفقات لذي العلى بما علا ، سبحان العلى الأعلى سبحانه وتعالى . (٦)

١- الإسراء : ٤٤ .

٢- الحديد : ١ . وراجع الحشر : ١ ، الصف : ١ ، الجمعة : ١ ، التغابن : ١ .

٣- الرعد : ١٣ .

٤- ذخّر الرجل : ذلّ وصغر ؛ وهو الذى يفعل ما يؤمر به شاء أو أبى صاغرا قميئا (لسان العرب : ج ٤ ص ٢٧٨ «دخر»).

٥- الكافي : ج ٨ ص ٤٢ ح ٨ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٣١ ح ٧ .

٦- حليه الأولياء : ج ٢ ص ٧ ، كنز العمال : ج ١٠ ص ٣٦٨ ح ٢٩٨٤٥ وج ١٢ ص ٤١٦ ح ٣٥٤٥٥ .

۹ / ۶ تسبیح‌گویی هر موجودی

۹ / ۶ تسبیح‌گویی هر موجودی قرآن «آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست ، او را تسبیح می‌گویند . و هیچ چیز نیست ، مگر این که در حال ستایش، تسبیح او می‌گوید ؛ ولی شما تسبیح آنها را در نمی‌یابید. به راستی که او همواره بردبار [و] آمرزنده است !» .

«فرمان روایی آسمان‌ها و زمین ، از آن اوست: زنده می‌کند و می‌میراند، و او بر هر چیزی تواناست» .

«رعد، به ستایش او، و فرشتگان [جملگی] از بيمش تسبیح می‌گویند، و صاعقه‌ها را فرو می‌فرستند و با آنها هر که را بخواهد، مورد اصابت قرار می‌دهد، در حالی که آنان ، در باره خدا مجادله می‌کنند ؛ و او سخت کيفر است» .

حدیث‌الکافی به نقل از علی بن عیسی ، در حدیثی که سند آن را به اهل بیت علیهم السلام رسانده است : خداوند تبارک و تعالی با موسی علیه السلام نجوا کرد و در نجوایش به او فرمود : « ... ای موسی! هر گاه مرا بخوانی و به من امیدوار باشی ، آنچه را هم پیش تر از تو سر زده است ، خواهم آمرزید . آسمان ، از بیم من ، مرا تسبیح می‌گوید و فرشتگان ، از من در ترس و هراس به سر می‌برند و زمین ، از سرِ طمع ، مرا تسبیح می‌گوید و همه آفرینش ، زبونه مرا تسبیح می‌گویند» .

حلیه الأولیاء به نقل از عبد الرحمان بن قرط : شبی که پیامبر خدا از مسجد الحرام به مسجد الأقصی بُرده شد ، میان زمزم و مقام بود . جبرئیل علیه السلام در سمت راست و میکائیل علیه السلام در سمت چپ ، ایشان را پرواز دادند تا آن که هفت آسمان را پیمود ، و چون بازگشت فرمود : «در آسمان‌های بالا- تسبیحی شنیدم نسبت به آن پروردگار شُکوه و هیبت . آسمان‌هایی که از بلندمرتبگی خداوند بلندی ، بیمناک بودند [، تسبیحشان این بود :] پاکا والای برین ! پاکا و برینا او !

بحار الأنوار عن ابن مئويه: وَجَدْتُ هَذِهِ الصُّحُفَ بِالسُّورِيَّةِ (١) مِمَّا أَنْزَلَتْ عَلَى إِدْرِيسَ النَّبِيِّ أَخْنُوخَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: . . . لَهُ سَبَّحَتْ السَّمَاوَاتُ الْعُلَى ، وَالْأَرْضُونَ الشُّفْلَى ، وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى ، بِاللِّسَنِ فُصِحَّ وَعُجِمَ ، وَآثَارٍ نَاطِقَةٍ وَبُكْمٍ ، تَلُوْحٌ لِلْعَارِفِينَ مَوَاقِعَ تَسْبِيحِهَا ، وَلَا يَخْفَى عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَوَاطِعَ تَقْدِيسِهَا . (٢)

الإمام زين العابدين عليه السلام في المناجاة الإنجيلية: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، الَّذِي عَمَّ الْخَلَائِقَ جَدْوَاهُ ، وَتَمَّ حُكْمِيَهُ فَيَمَنَ أَضَلَّ مِنْهُمْ وَهَيَّدَاهُ ، وَأَحَاطَ عِلْمًا بِمَنْ أَطَاعَهُ وَعَصَاهُ ، وَاسْتَوْلَى عَلَى الْمُلْكِ بَعِزُّ أَيْدِي فَجَوَاهُ ، فَسَبَّحَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَأَكْنَفُهَا ، وَالْأَرْضُ وَأَطْرَافُهَا ، وَالْجِبَالُ وَأَعْرَاقُهَا ، وَالشَّجَرُ وَأَغْصَانُهَا ، وَالْبِحَارُ وَحَيْثَانُهَا ، وَالنُّجُومُ فِي مَطَالِعِهَا ، وَالْأَمْطَارُ فِي مَوَاقِعِهَا ، وَوُحُوشُ الْأَرْضِ وَسَبَابِعُهَا ، وَمَدَدُ الْأَنْهَارِ وَأَمْوِجُهَا ، وَعَيْذُ الْمِيَاهِ وَأَجَاجُهَا ، وَهُبُوبُ الرِّيحِ وَعَجَاجُهَا ، وَكُلُّ مَا وَقَعَ عَلَيْهِ وَصَفٌ وَتَسْمِيَةٌ ، أَوْ يُدْرِكُهُ حَيْدٌ يَحْيِيهِ ، مِمَّا يُتَصَوَّرُ فِي الْفِكْرِ ، أَوْ يُتَمَثَّلُ بِجِسْمٍ أَوْ قَدْرٍ ، أَوْ يُنْسَبُ إِلَى عَرَضٍ أَوْ جَوْهَرٍ ، مِنْ صَغِيرٍ حَقِيرٍ أَوْ خَطِيرٍ كَبِيرٍ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام في الدعاء: يَا مَنْ سَبَّحَ لَهُ ظُلْمَةُ اللَّيْلِ وَضَوْءُ النَّهَارِ ، وَمَا عَلَى الْأَرْضِ وَقَعِرَ الْبَحْرُ . (٤)

١- المراد بها السريانيته التي كانت لغة السوريين (أنظر بحار الأنوار: ج ١٦ ص ١٤٤) .

٢- بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٤٥٣ .

٣- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥٩ ح ٢٢ نقلًا عن كتاب أنيس العابدين .

٤- الدعوات: ص ١١٩ ح ٢٧٦ ، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢٨٠ ح ١ .

بحار الأنوار به نقل از ابن مَتّویه: این نبشته ها را به زبان سُیریانی یافتیم که از جمله چیزهایی بود که بر آخنوخ پیامبر (ادریس علیه السلام) فرود آمده بود: «... آسمان های زَبَرین و زمین های زَبَرین و آنچه در میان آنهاست و آنچه زیر زمین است، با زبان هایی روشن و ناروشن، و نشانه هایی گویا و گنگ، او را تسبیح می گویند، جایگاه های تسبیحشان برای خداشناسان، روشن است و فروغ های تقدیستان، بر خداباوران، پوشیده نیست».

امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات انجلیه»: گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست؛ همو که عطایش، همه خلائیق را، فرا گرفته است و فرمان او در باره هر آن کس از آنان که گم راهشان کرد یا هدایتشان نمود، جاری است، و می داند که چه کس فرمانش می برد و کدامین کس، نافرمانی اش می کند، و با قدرتی جاویدان بر عالم هستی پادشاهی می کند. پس آسمان ها و کران تا کران آنها و زمین و سویاسویش، و کوه ها و ریشه هایشان، و درختان و شاخسارشان، و دریاها و ماهی هایشان، و ستارگان در طلوع گاه هایشان، و باران ها در جایگاه هایشان، و ددان و درندگان زمین، و رودها و خیزابه هایشان، و آب های شیرین و شور و وزش بادها و گرد و غبارهایشان، و هر آنچه که وصفی و نامی گیرد، یا در مرز و اندازه ای گنجد، از آنچه در ذهن به تصوّر آید، یا در قالب جسم یا اندازه در آید، یا به عَرَض یا جوهری نسبت داده شود، خُرد و ناچیز باشد یا مهم و سترگ، همگی او را تسبیح می گویند.

امام صادق علیه السلام در دعا: ای آن که تاریکی شب و روشنایی روز، و هر آنچه بر روی زمین و در قعر دریاست، تسبیحش می گویند!

الإمام الباقر عليه السلام: إِذَا أُخْرِجَ أَحَدُكُمْ الْحِصَاةَ مِنَ الْمَسْجِدِ ، فَلْيُرُدَّهَا مَكَانَهَا أَوْ فِي مَسْجِدٍ آخَرَ؛ فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ . (١)

تاريخ بغداد عن عائشه: دَخَلَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لِي : يَا عَائِشَةُ اغْسِمِي هَذَيْنِ الْبُرْدَيْنِ . (٢) فَقُلْتُ : يَا أَبَى وَأُمَى يَا رَسُولَ اللَّهِ ، بِالْأَمْسِ غَسَلْتُهُمَا! فَقَالَ لِي : أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الثَّوْبَ يُسَبِّحُ ، فَإِذَا اتَّسَخَ انْقَطَعَ تَسْبِيحُهُ . (٣)

الخرائج والجرائح عن عبد الله: لَقَدْ كُنَّا نَأْكُلُ الطَّعَامَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَحْنُ نَسْمَعُ التَّسْبِيحَ مِنَ الطَّعَامِ . (٤)

المناقب لابن شهر آشوب عن ابن عباس: قَدِمَ مُلُوكٌ حَضَرَمَوْتَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالُوا : كَيْفَ نَعْلَمُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ؟ فَأَخَذَ كِفًّا مِنْ حِصْيٍ فَقَالَ : هَذَا يَشْهَدُ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ ، فَسَبَّحَ الْحِصَى فِي يَدِهِ ، وَشَهِدَ أَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (٥)

المناقب لابن شهر آشوب عن علقمه وابن مسعود: كُنَّا نَجْلِسُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَسْمَعُ الطَّعَامَ يُسَبِّحُ وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ . وَأَتَاهُ مِكْرَزُ الْعَامِرِيِّ وَسَأَلَهُ آيَةً ، فَدَعَا تِسْعَ حَصِيَّاتٍ (٦) فَسَبَّحْنَ فِي يَدِهِ . (٧)

- ١- تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٢٥٦ ح ٧١١ ، علل الشرايع: ص ٣٢٠ ح ١ كلاهما عن وهب بن وهب عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٢٣٧ ح ٧١٧ ، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٧ ح ٨١ .
- ٢- البردَيْنِ : مثني بُرْدٌ ؛ وهو ثوب مخطَّط (القاموس المحيط: ج ١ ص ٢٧٦ «برد»).
- ٣- تاريخ بغداد: ج ٩ ص ٢٤٥ عن الأصبغ بن نباته عن الإمام الحسن عليه السلام ، كنز العمال: ج ٩ ص ٢٧٨ ح ٢٦٠٠٩ .
- ٤- الخرائج والجرائح: ج ١ ص ٤٧ ح ٦٢ ، بحار الأنوار: ج ١٧ ص ٣٨٩ ح ٥٨ .
- ٥- المناقب لابن شهر آشوب: ج ١ ص ٩٠ ، بحار الأنوار: ج ١٧ ص ٣٧٩ ح ٤٩ .
- ٦- في المصدر: «حصات» والتصويب من بحار الأنوار .
- ٧- المناقب لابن شهر آشوب: ج ١ ص ٩٠ ، بحار الأنوار: ج ١٧ ص ٣٧٩ ح ٤٩ .

امام باقر علیه السلام: هر گاه یکی از شما ریگی از مسجد بیرون بُرد، آن را به جایش یا به مسجدی دیگر باز گرداند؛ زیرا آن ریگ، [خدا را] تسبیح می گوید.

تاریخ بغداد به نقل از عایشه: پیامبر خدا، نزد من آمد و فرمود: «ای عایشه! این دو بُرد را بشوی». من گفتم: پدر و مادرم به فدایت، ای پیامبر خدا! دیروز، آنها را شسته ام! فرمود: «مگر نمی دانی که لباس، تسبیح می گوید و هر گاه کثیف شود، تسبیحش قطع می گردد؟».

الخرائج والجرائح به نقل از عبد الله: ما با پیامبر صلی الله علیه و آله غذا می خوردیم و از غذا، صدای تسبیح می شنیدیم.

المناقب، ابن شهر آشوب به نقل از ابن عباس: شاهان خَضِرَموت، خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ما از کجا بدانیم که تو فرستاده خدا هستی؟ مثنی ریگ برداشت و فرمود: «اینها گواهی می دهند که من، فرستاده خدا هستم». پس ریگ ها در دست ایشان، تسبیح گفتند و گواهی دادند که او فرستاده خداست.

المناقب، ابن شهر آشوب به نقل از علقمه و ابن مسعود: ما با پیامبر صلی الله علیه و آله می نشستیم و پیامبر خدا، غذا تناول می کرد و ما از آن غذا، صدای تسبیح می شنیدیم. مکرز عامری، نزد ایشان آمد و نشانه ای [بر صدق دعوی نبوت] خواست. پیامبر صلی الله علیه و آله نه عدد ریگ را صدا زد و آنها در دست ایشان، تسبیح گفتند.

دلائل النبوه عن أبي ذر: كُنَّا جُلُوسًا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَأَخَذَ حَصِيَّاتٍ فِي كَفِّهِ فَسَبَّحَنَ ، ثُمَّ وَضَعَهُنَّ فِي الْأَرْضِ فَسَكَتَنَ ، ثُمَّ أَخَذَهُنَّ فَسَبَّحَنَ . (١)

الخرائج والجرائح عن أنس: إِنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخَذَ كَفًّا مِنَ الْحَصَى فَسَبَّحَنَ فِي يَدِهِ ، ثُمَّ صَبَّهِنَّ فِي يَدِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَبَّحَنَ فِي يَدِهِ حَتَّى سَمِعْنَا التَّسْبِيحَ فِي أُيْدِيهِمَا ، ثُمَّ صَبَّهِنَّ فِي أُيْدِينَا فَمَا سَبَّحَتْ فِي أُيْدِينَا . (٢)

طب الأئمة عن الحارث بن المغيرة: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثِقَلًا أَجِدُهُ فِي فُؤَادِي ، وَكَثْرَةَ التُّخْمَةِ مِنْ طَعَامِي . فَقَالَ : تَنَاوَلْ مِنْ هَذَا الرُّمَانِ الحُلْوِ ، وَكُلَّهُ بِشَحْمِهِ فَإِنَّهُ يَدْبِغُ المَعِدَةَ دَبْغًا ، وَيَشْفِي التُّخْمَةَ ، وَيَهْضِمُ الطَّعَامَ ، وَيُسَبِّحُ (٣) فِي الجَوْفِ . (٤)

رسول الله صلى الله عليه وآله في فضل التمر البرني (٥): مَنْ بَاتَ وَفِي جَوْفِهِ مِنْهُ وَاحِدَةٌ ، سَبَّحَتْ سَبْعَ مَرَّاتٍ . (٦)

الإمام زين العابدين عليه السلام في مناجاته: أَنْتَ المُسَبِّحُ فِي كُلِّ مَكَانٍ ، وَالمَعْبُودُ فِي كُلِّ زَمَانٍ . (٧)

٩ / ٧ الأسماء التي تُسَبِّحُ الأشياءَ بهارِ رسولِ الله صلى الله عليه وآله في دُعَاءِ الأَسْمَاءِ الحُسْنَى : أَسَأَ لُكَّ بِاسْمِكَ الَّذِي يُسَبِّحُ لَكَ بِهِ كُلُّ شَيْءٍ بُلْغَاتٍ مُخْتَلَفَةٍ يَا اللَّهُ . . . أَسَأَ لُكَّ بِاسْمِكَ الَّذِي يُسَبِّحُ لَكَ بِهِ البرقُ الخاطِطُ وَالصَّوَاعِقُ القَاصِفَةُ يَا اللَّهُ ، وَأَسَأَ لُكَّ بِاسْمِكَ الَّذِي تُسَبِّحُ لَكَ بِهِ الرِّيحُ العَاصِفَاتُ فِي مَجَارِيهَا يَا اللَّهُ ، وَأَسَأَ لُكَّ بِاسْمِكَ الَّذِي يَنْزِلُ بِهِ مَعَ كُلِّ قَطْرَةٍ مَلَكٌ مِنَ السَّمَاءِ يُسَبِّحُكَ بِهِ وَلَا- يَرْجِعُ إِلَى يَوْمِ القِيَامَةِ يَا اللَّهُ . . . أَسَأَ لُكَّ بِاسْمِكَ الَّذِي تُسَبِّحُ لَكَ بِهِ الضَّفَادِعُ فِي البِحَارِ وَالأَنْهَارِ وَالعُذْرَانِ بِألْوَانِ صِفَاتِهَا وَاختِلَافِ لُغَاتِهَا يَا اللَّهُ . . . أَسَأَ لُكَّ بِاسْمِكَ يَا إِلَهَ إِلَا أَنْتَ ، المَخزُونِ المَكُونِ الَّذِي لَا يَعْرِفُهُ أَحَدٌ إِلَّا بِالآيَاتِ الواضِحَاتِ ، وَالدَّلَالَاتِ البَيِّنَاتِ ، وَالعَلَامَاتِ الظَّاهِرَاتِ ، مِنْ عَجَائِبِ الخَلْقِ مِنَ النَّارِ وَالتُّورِ وَالظُّلُمَاتِ ، وَالسَّحَابِ المُنْتَابِقَاتِ ، وَالرِّيحِ الذَّارِيَاتِ ، وَالأَعْيُنِ الجَارِيَاتِ ، وَالنُّجُومِ المُسَبِّحَاتِ ، وَجَلَامِيدِ (٨) الأَهْوِيَةِ المُتَرَكَمَاتِ بَيْنَ الأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ ، وَالعُيُونِ المُنْفَجِرَاتِ ، وَالأَنْهَارِ الجَارِيَاتِ ، وَالبِحَارِ وَمَا فِيهِنَّ مِنَ الأَمَمِ المُخْتَلِفَاتِ ، كُلُّ يُسَبِّحُ لَكَ بِذَلِكَ الإِسْمِ العَظِيمِ ، الَّذِي لَا تُفْنِي عَجَابِيهِ لِمَا عَظَمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَكَبَّرْتَهُ . وَأَسَأَ لُكَّ بِاسْمِكَ يَا اللَّهُ الَّذِي يُسَبِّحُ لَكَ بِهِ الجِبَالُ الرَّاكِبَاتِ بِأَمْرِكَ يَا اللَّهُ ، وَأَسَأَ لُكَّ بِاسْمِكَ الَّذِي يُسَبِّحُ لَكَ بِهِ الأَشْجَارُ المُخَضَّرَاتُ النَّضِرَاتُ ، وَالأوراقُ الزَّاهِرَاتُ وَالأَغْصَانُ المُثْمِرَاتُ وَالثَّمَرَاتُ الطَّيِّبَاتُ ، كُلُّ يُسَبِّحُ لَكَ بِذَلِكَ الإِسْمِ يَا اللَّهُ ، وَأَسَأَ لُكَّ بِاسْمِكَ الَّذِي يُسَبِّحُ لَكَ بِهِ العُيُونُ الوَاقِفَاتُ بِقُدْرَتِكَ يَا اللَّهُ ، وَأَسَأَ لُكَّ بِاسْمِكَ الَّذِي يُسَبِّحُ لَكَ بِهِ النَّخْلُ البَاسِقَاتُ يَا اللَّهُ . . . وَأَسَأَ لُكَّ بِاسْمِكَ الَّذِي يُسَبِّحُ لَكَ بِهِ النُّجُومُ بِعَظَمَتِكَ يَا اللَّهُ . (٩)

- ٢- الخرائج والجرائح : ج ١ ص ٤٧ ح ٦١ ، بحار الأنوار : ج ١٧ ص ٣٧٧ ح ٤٢ .
- ٣- فى المصدر : «تسبح» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- ٤- طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص ١٣٤ ، بحار الأنوار : ج ٦٦ ص ١٦٤ ح ٤٩ .
- ٥- البرنئى : نوع جيّد من التمر مُدَوَّر أحمر مُشَرَّبٌ بصفره (المعجم الوسيط : ج ١ ص ٥٢ «برن»).
- ٦- المحاسن : ج ٢ ص ٣٤٤ ح ٢١٨٦ ، بحار الأنوار : ج ٦٦ ص ١٣٤ ح ٣٥ .
- ٧- بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٥١ نقلاً عن بعض الكتب .
- ٨- يقال : ألقى عليه جلاميده : أى ثقله. والجلمود فى الأصل الصخر (القاموس المحيط : ج ١ ص ٢٨٤ «جلمد»).
- ٩- البلد الأمين : ص ٤١٣ وص ٤١٥ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٥٦ ح ١ وص ٢٥٩ . أنظر تمام الدعاء من المصدر .

۹ / ۷ نام هایی که موجودات با آنها تسبیح می گویند

دلایل النبوه به نقل از ابو ذر: با پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که ایشان، چند عدد ریگ در دستش گرفت و ریگ ها تسبیح گفتند. سپس آنها را به زمین گذاشت و ریگ ها ساکت شدند و دوباره آنها را برداشت و باز، تسبیح گفتند.

الخرائج و الجرائح به نقل از آنس: پیامبر صلی الله علیه و آله مُشتی ریگ برداشت و ریگ ها در دست ایشان، تسبیح گفتند. سپس آنها را در دست علی علیه السلام ریخت. در دست او نیز تسبیح گفتند و ما تسبیحگویی آنها را در دست هر دوی ایشان شنیدیم. سپس آنها را در دست های ما ریخت، اما در دستان ما تسبیح نگفتند.

طَبُّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از حارث بن مغیره: به امام صادق علیه السلام از احساس سنگینی در دلم (معهده ام) و ثقل کردن زیاد از غذایم شکایت کردم. فرمود: «از این انار شیرین، برگیر و آن را با همان پیه آن، تناول کن؛ زیرا معده را کاملاً پاک می کند و سنگینی [معهده] و سوء هاضمه را از بین می برد و غذا را هضم می کند و در شکم، تسبیح می گوید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در ارزش خرماي بَرْنِي (۱): هر کس شب بخوابد و یک دانه از این خرما در اندرونش باشد، آن یک دانه، هفت مرتبه تسبیح می گوید.

امام زین العابدین علیه السلام در مناجاتش: تو آنی که همه جا تو را به پاکی می ستایند و همیشه بندگی ات می کنند.

۹ / ۷ نام هایی که موجودات با آنها تسبیح می گویند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای «أَسْمَاءُ الْحُسْنَى»: از تو درخواست می کنم به آن نامت که با آن، هر موجودی با زبان های گوناگون، تو را تسبیح می گوید، ای خدا!... از تو درخواست می کنم به آن نامت که با آن، برق جهنده و آذرخش های غُرَّان، تو را تسبیح می گویند، ای خدا! از تو درخواست می کنم به آن نامت که با آن، بادهای توفنده با وزیدن های خود، تو را تسبیح می گویند، ای خدا! از تو درخواست می کنم به آن نامت که به سبب آن، همراه هر قطره ای از آسمان، فرشته ای فرود می آید که با آن نام، تو را تسبیح می گوید و تا روز قیامت، باز نمی گردد، ای خدا!... از تو درخواست می کنم به آن نامت که با آن، غوک ها در دریاها و رودها و برکه ها، با صفات گوناگون و زبان های مختلف، تو را تسبیح می گویند، ای خدا!... از تو درخواست می کنم به آن نامت، ای آن که معبودی جز تو نیست؛ همان نام در گنجینه و پنهانی که هیچ کس آن را نمی داند، مگر با معجزات روشن و دلایل آشکار، و نشانه های پیدا: از شگفتی های آفرینش، چون آتش و روشنایی و تاریکی ها و ابرهای لایه لایه، و بادهای گردافشان و چشمه های روان و اختران مهاری شده، و سنگینی هواهای فشرده شده میان زمین ها و آسمان ها، و چشمه های جوشان، و رودهای روان، و دریاها و جانداران گونه گون آنها، همگی با آن نام بزرگ، تو را تسبیح می گویند؛ همان نامی که چون عظمت و ارجمندی و کرامت و بزرگی اش بخشیده ای، شگفتی هایش را پایانی نیست. و از تو درخواست می کنم ای خدا به آن نامت که کوه های افرشته به فرمان تو با آن نام، تسبیح می گویند، ای خدا! از تو درخواست می کنم به آن نامت که رودهای روان به فرمان تو، با آن نام، تو را تسبیح می گویند، ای خدا! از تو درخواست

می‌کنم به آن نامت که دریا‌هایی ملامال که گرداگرد زمین را گرفته‌اند، با آن نام، تو را تسبیح می‌گویند، ای خدا! از تو درخواست می‌کنم با آن نامت که درختان سرسبز خرم، و برگ‌های شاداب و شاخساران میوه‌ده و میوه‌های لذیذ، همگی با آن نام، تو را تسبیح می‌گویند، ای خدا! از تو درخواست می‌کنم به آن نامت که چشمه‌های را کد به قدرت تو با آن نام، تو را تسبیح می‌گویند، ای خدا! از تو درخواست می‌کنم به آن نامت که خرما بُن‌های قامت‌افراشته با آن نام، تو را تسبیح می‌گویند، ای خدا!... و از تو درخواست می‌کنم به آن نامت که ستارگان، با آن نام، تو را به پاکی و بزرگی می‌ستایند، ای خدا!

۱- برنی، نوعی از خرما‌ی مرغوب است که به شکل دایره و به رنگ سرخ‌مایل به زرد است.

٩ / ٨ تَسْبِيحُ الْأَشْيَاءِ مَعَ الْإِنْسَانِ الْكِتَابُ «وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ * إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعُشِيِّ وَاللَّيْلِ شِرَاقٍ * وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ» . (١)

«فَفَهَّمْنَهَا سُلَيْمَانَ وَ كَلَّمَآءَاتِنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَ سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَ الطَّيْرَ وَ كُنَّا فَعَلِينَ» . (٢)

«وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَجِبَالُ أُوْبِي مَعَهُ وَ الطَّيْرَ وَ أَنَّا لَهُ الْحَدِيدَ» . (٣)

الحديث تفسير القمى : «وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَجِبَالُ أُوْبِي مَعَهُ» أَى سَبَّحَى لِلَّهِ «وَ الطَّيْرَ . . .» . قَالَ : كَانَ دَاوُدُ إِذَا مَرَّ فِي الْبَرَارِ يَقْرَأُ الزَّبُورَ تُسَبِّحُ الْجِبَالُ وَ الطَّيْرُ وَ الْوُحُوشُ مَعَهُ . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام فى ذكر داوود عليه السلام : أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيْهِ الزَّبُورَ ، وَعَلَّمَهُ صَنَعَةَ الْحَدِيدِ فَلَيَّنَّهُ لَهُ ، وَأَمَرَ الْجِبَالَ وَ الطَّيْرَ أَنْ تُسَبِّحَ مَعَهُ ، وَأَعْطَاهُ صَوْتًا لَمْ يُسْمَعْ بِمِثْلِهِ حُسْنًا . (٥)

١- ص : ١٧ ١٩ . والأيدِ بغير ياء : القوه (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٩٩٠ «يدى») .

٢- الأنبياء : ٧٩ .

٣- سبأ : ١٠ .

٤- تفسير القمى : ج ٢ ص ١٩٩ ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٣ ح ٧ .

٥- كمال الدين : ص ١٥٥ ح ١٧ عن محمد بن عماره ، تفسير العياشى : ج ١ ص ١٣٥ ح ٤٤٥ عن محمد الحلبى ، بحار الأنوار : ج ١٣ ص ٤٤٦ ح ١٠ .

۹ / ۸ تسبیحگویی موجودات ، هم نوا با انسان

۸ / ۹ تسبیحگویی موجودات ، هم نوا با انسانقرآن «بر آنچه می گویند ، شکیبایی کن، و داوود، بنده ما را که دارای امکانات [متعدد] بود ، به یاد آور . آری. او بسیار بازگشت کننده [به سوی خدا] بود . ما کوه ها را با او مسخر ساختیم [که] شامگاهان و بامدادان ، خداوند را نیایش می کردند . و پرندگان را از هر سو [بر او] گرد [آوردیم] . همگی [به نوای دل نوازش] به سوی او بازگشت کننده [و خدا را ستایشگر] بودند» .

«پس آن [داوری] را به سلیمان فهمانیدیم و به هر یک [از آن دو] حکمت و دانش ، عطا کردیم . و کوه ها را با داوود و پرندگان ، به نیایش وا داشتیم، و ما کننده [ی این کار] بودیم» .

«و به راستی ، داوود را از جانب خویش ، مزیتی عطا کردیم. [و گفتیم:] «ای کوه ها! با او [در تسبیح خدا] هم صدا شوید، و ای پرندگان ! [هماهنگی کنید]» و آهن را برای او نرم گردانیدیم» .

حدیثتفسیر القمی : «وبه راستی ، داوود را از جانب خویش ، مزیتی عطا کردیم . [و گفتیم :] «ای کوه ها! با او [در تسبیح خدا] هم صدا شوید» ، یعنی خدا را تسبیح گوید «و ای پرندگان ! [هماهنگی کنید]» ، فرمود : «داوود ، هر گاه در بیابان ها می رفت و زبور می خواند ، کوه ها و پرندگان و جانوران نیز هم صدا با او تسبیح می گفتند» .

امام صادق علیه السلام در یاد کرد از داوود علیه السلام : خداوند تبارک و تعالی زبور را بر او فرو فرستاد و صنعت آهن را به او آموخت و آن را برایش نرم ساخت و به کوه ها و پرندگان فرمود تا هم نوا با او تسبیح گویند و وی را صدایی بخشید که به زیبایی آن ، شنیده نشده بود .

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا كَانَ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّ جَسَدَهُ وَثِيَابَهُ وَكُلَّ شَيْءٍ حَوْلَهُ يُسَبِّحُ . (١)

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ كُلَّ شَيْءٍ عَلَيْكَ تُصَلِّي فِيهِ يُسَبِّحُ مَعَكَ ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَقِيَمَتِ الصَّلَاةُ لَبَسَ نَعْلَيْهِ وَصَلَّى فِيهِمَا . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسْجِدِ ، لَمْ يَضَعْ رِجْلًا عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ الْأَرْضُ إِلَى السَّابِعِ . (٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله لِبَلَالٍ : يَا بَلَالُ! إِنَّ الصَّائِمَ تُسَبِّحُ عِظَامُهُ وَتَسْتَغْفِرُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ مَا أَكَلَ عِنْدَهُ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ شَرِبَ شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ فَتَجَرَّعَهُ فِي ثَلَاثِ جُرْعٍ ؛ يُسَمِّي اللَّهُ تَعَالَى فِي أَوَّلِهِ وَيَحْمَدُهُ فِي آخِرِهِ ، لَمْ يَزَلِ الْمَاءُ يُسَبِّحُ فِي بَطْنِهِ حَتَّى يَخْرُجَ . (٥)

الإمام زين العابدين عليه السلام: إِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ ، لَمْ يَضَعْ رِجْلَهُ عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ مِنَ الْأَرْضِ ، إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ إِلَى الْأَرْضَيْنِ السَّابِعِ . (٦)

راجع: ج ١ ص ٣٩٨ (تسييح الجبال مع من يقرؤها) .

١- .علل الشرايع : ص ٣٣٦ ح ٢ عن طلحة بن زيد عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهما السلام ، المناقب لابن شهر آشوب : ج ٢ ص ٣٧٧ ، بحار الأنوار : ج ٨٢ ص ٢١٣ ح ٢٥ .

٢- .علل الشرايع : ص ٣٣٦ ح ١ عن عبد الله بن ميمون القداح عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٣ ص ٢٧٤ ح ٢ .

٣- .تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٢٥٥ ح ٧٠٦ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٢٣٣ ح ٧٠١ ، ثواب الأعمال : ص ٤٦ ح ١ عن محمد بن مروان ، بحار الأنوار : ج ٨٤ ص ١٣ ح ٩١ .

٤- .سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٥٥٦ ح ١٧٤٩ عن بريده ، كنز العمال : ج ٩ ص ٢٤٨ ح ٢٥٨٧٠ .

٥- .كنز العمال : ج ١٥ ص ٢٩١ ح ٤١٠٥٢ نقلًا عن الرافعي في تاريخه ويحيى بن منده في الطبقات عن الحسن .

٦- .الخصال : ص ٥١٨ ح ٤ عن حمزان بن أعين عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ١ ص ١٦٨ ح ١٦ و ج ٤٦ ص ٦٢ ح ١٩ .

امام علی علیه السلام: انسان، هر گاه به نماز بایستد، بدن او و جامه هایش و هر آنچه پیرامون او هستند، تسبیح می گویند.

امام باقر علیه السلام: هر چیزی که بر تن توست و در آن، نماز می خوانی، هم صدا با تو تسبیح می گوید. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه نماز بر پا می شد، نعلین (۱) خود را می پوشید و با آنها نماز می خواند.

امام صادق علیه السلام: هر کس به سوی مسجد برود، بر هیچ تر و خشکی پای نهد، مگر آن که زمین تا زمین هفتم، برایش تسبیح می گویند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به بلال: ای بلال! شخص روزه دار، زمانی که در حضور او غذایی خورده می شود، استخوان هایش تسبیح می گویند و فرشتگان، برایش آمرزش می طلبند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس آبی بنوشد و آن را با سه جرعه بیاشامد و در آغازش نام خدا را ببرد و در پایانش خدا را ستایش کند، آن آب در شکم او، تا زمانی که خارج شود، تسبیح می گوید.

امام زین العابدین علیه السلام: جوینده دانش، هر گاه از خانه اش خارج شود، پایش را بر هیچ تر و خشکی در روی زمین نمی گذارد، مگر این که آن زمین تا زمین هفتم، برایش تسبیح گویند.

ر. ک: ج ۱ ص ۳۹۹ (تسبیحگویی کوه ها همراه کسی که «بسم الله» گوید).

۱- نعلین، به پا پوش های مخصوص می گفتند که همانند جوراب بود.

٩ / ٩ أوقاتُ تَسْبِيحِ الْأَشْيَاءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعٌ قَبْلَ الظُّهْرِ بَعْدَ الزَّوَالِ تُحَسَّبُ بِمِثْلِهِنَّ فِي صَلَاةِ السَّحْرِ ، وَلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَيُسَبِّحُ اللَّهُ تِلْكَ السَّاعَةَ . (١)

الإمام الحسن عليه السلام: جَاءَ نَفَرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَأَلَهُ أَعْلَمُهُمْ عَنْ مَسَائِلَ ، فَكَانَ مِمَّا سَأَلَهُ أَنَّهُ قَالَ : أَخْبِرْنِي عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِأَيِّ شَيْءٍ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَذِهِ الْخَمْسَ الصَّلَوَاتِ فِي خَمْسِ مَوَاقِيتَ عَلَى أُمَّتِكَ فِي سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ الشَّمْسَ عِنْدَ الزَّوَالِ لَهَا حَلَقَةٌ تَدْخُلُ فِيهَا ، فَإِذَا دَخَلَتْ فِيهَا زَالَتِ الشَّمْسُ ، فَيَسْبُحُ كُلُّ شَيْءٍ دُونَ الْعَرْشِ بِحَمْدِ رَبِّي حَيْلَ جَلَالِهِ ، وَهِيَ السَّاعَةُ الَّتِي يُصَلِّي عَلَيَّ فِيهَا رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ ، فَفَرَضَ اللَّهُ عَلَيَّ وَعَلَى أُمَّتِي فِيهَا الصَّلَاةَ (٢)

حليه الأولياء عن عمرو بن عبسة عن رسول الله صلى الله عليه وآله: ما تَسْتَقِلُّ (٣) الشَّمْسُ فَيَقِي شَيْءٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ إِلَّا سَبَّحَ اللَّهُ بِحَمْدِهِ ، إِلَّا مَا كَانَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَأَعْيَابِ بَنِي آدَمَ . قَالَ : فَسَأَلْتُهُ عَنْ أَعْيَابِ بَنِي آدَمَ . قَالَ : الْكُفَّارُ شِرَارُ الْخَلْقِ ، أَوْ شِرَارُ خَلْقِ اللَّهِ . (٤)

٩ / ١٠ معنى تَسْبِيحِ الْأَشْيَاءِ تَفْسِيرَ الْعِيَّاشِيِّ عَنْ زُرَّارِهِ : سَيَأْتِي أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ» فَقَالَ : إِنَّا نَرَى (٥) أَنَّ تَنْقُضَ الْحَيْطَانِ تَسْبِيحُهَا . (٦)

- ١- .سنن الترمذى : ج ٥ ص ٢٩٩ ح ٣١٢٨ عن عمر ، كنز العمال : ج ٧ ص ٣٧٥ ح ١٩٣٥٨ .
- ٢- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٢١١ ح ٦٤٣ ، علل الشرايع : ص ٣٣٧ ح ١ عن الحسن بن عبد الله عن آبائه ، الأملى للصدوق : ص ٢٥٦ ح ٢٧٩ عن الحسن بن عبد الله عن أبيه ، بحار الأنوار : ج ٧ ص ١٢٧ ح ٧ .
- ٣- .استقلت الشمس : ارتفعت وتعالّت (النهاية : ج ٤ ص ١٠٤ «قل»).
- ٤- .حليه الأولياء : ج ٦ ص ١١١ .
- ٥- .فى المصدر : «ماترى أن تنقض...» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- ٦- .تفسير العياشى : ج ٢ ص ٢٩٤ ح ٨١ ، بحار الأنوار : ج ٦٠ ص ١٧٧ ح ٥ .

۹ / ۹ اوقات تسبیحگویی موجودات

۱۰ / ۹ معنای تسبیحگویی موجودات

۹ / ۹ اوقات تسبیحگویی موجودات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار [رکعت نافله] پیش از نماز ظهر که پس از زوال [خورشید] خوانده شود، با همین تعداد رکعت در نمازِ سحر، برابری می کند. هیچ موجودی نیست، مگر آن که در این ساعت، خداوند را تسبیح می گوید.

امام حسن علیه السلام: جمعی از یهود، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و عالم ترین آنها، پرسش هایی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید. از جمله پرسش هایی که کرد، این بود که گفت: مرا خبر ده که به چه دلیل، خداوند عز و جل این نمازهای پنجگانه را در پنج وقت از اوقات شبانه روز، بر امت واجب ساخت؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خورشید، در هنگام زوالش، حلقه ای (۱) دارد که به آن در می آید، و چون به آن در آمد، خورشید، زوال می یابد، و همه موجودات زیر عرش پروردگرم عز و جل را تسبیح و ستایش می گویند. این لحظه (زوال)، ساعتی است که پروردگرم عز و جل در آن ساعت، بر من درود می فرستد. از این رو، در این ساعت، نماز را بر من و امتم واجب ساخت ...»

حلیه الأولیاء به نقل از عمرو بن عَبَّسه: از پیامبر خدا فرمود: «چون خورشید بالا آید (/ به اوج و قلّه خود برسد)، هیچ چیزی از مخلوقات خدا نباشد، مگر آن که خدای را تسبیح و ستایش گوید، بجز موجودات شیطانی و آدمیانِ کودن. از ایشان، در باره آدمیانِ کودن پرسیدم. فرمود: «کافران، که بدترین خلق (یا: بدترین خلق) خدایند.»

۱۰ / ۹ معنای تسبیحگویی موجودات تفسیر العیاشی به نقل از زُراره: از امام باقر علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم: «و هیچ چیز نیست، مگر آن که خدا را تسبیح و ستایش می گوید». فرمود: «ما فرو ریختن دیوارها را تسبیحگویی آنها می دانیم.»

۱- احتمالاً مراد، دایره نصف النهار است. م.

الكافي عن داوود الرقي عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» قَالَ : تَنْقُضُ الْجَدْرَ تَسْبِيحُهَا . (١)

الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام : أَنَّهُ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ : فَمَاذَا قَالَ أَبِي وَأُمِّي ، إِنِّي أُجِدُّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ : «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» ! فَقَالَ لَهُ : هُوَ كَمَا قَالَ (٢) ، فَقَالَ لَهُ : أَتَسْبِيحُ الشَّجَرَةَ الْيَابِسَةَ؟ فَقَالَ : نَعَمْ ، أَمَا سَمِعْتَ خَشَبَ الْبَيْتِ كَيْفَ يُنْقِضُ (٣) ؟ وَذَلِكَ تَسْبِيحُهُ ، فَسُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ . (٤)

تفسير القمي : وَقَوْلُهُ : «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ» ؛ فَحَرَكَهُ كُلُّ شَيْءٍ تَسْبِيحُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . (٥)

بحار الأنوار عن محمد بن علي بن إبراهيم في كتاب العلل : بُكَاءُ السَّمَاءِ أَحْمَرَارُهَا مِنْ غَيْرِ غَيْمٍ ، وَبُكَاءُ الْأَرْضِ زَلَازِلُهَا ، وَتَسْبِيحُ الشَّجَرِ حَرَكَتُهَا مِنْ غَيْرِ رِيحٍ ، وَتَسْبِيحُ الْبِحَارِ زِيَادَتُهَا وَنُقْصَانُهَا ، وَتَسْبِيحُ الشَّجَرِ نُمُوهُ وَنُشُوؤُهُ . وَقَالَ أَيْضًا : ظَلُّهُ يُسَبِّحُ اللَّهَ . (٦)

- ١- الكافي : ج ٦ ص ٥٣١ ح ٤ ، المحاسن : ج ٢ ص ٤٦٢ ح ٢٥٩٨ عن أبي بصير ، تفسير العياشي : ج ٢ ص ٢٩٣ ح ٧٩ عن أبي الصباح وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٦٠ ص ١٧٧ ح ٢ .
- ٢- في المصدر : «كمال» بدل «كما قال» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- ٣- التَّنْقِيزُ : الصَّوْتُ . وَنَقِيزُ السَّقْفِ : تحريك حَشْبِهِ (النهاية : ج ٥ ص ١٠٧ «نقض»).
- ٤- تفسير العياشي : ج ٢ ص ٢٩٤ ح ٨٤ عن مسعدة بن صدقة ، بحار الأنوار : ج ٦٠ ص ١٧٧ ح ٦ .
- ٥- تفسير القمي : ج ٢ ص ٢٠ ، بحار الأنوار : ج ٦٠ ص ١٧٩ ح ١٠ .
- ٦- بحار الأنوار : ج ٦٠ ص ١٧٨ ح ٧ .

الكافی به نقل از داوود رقی: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم: «هیچ چیز نیست، مگر آن که او را تسبیح و ستایش می گوید؛ اما شما تسبیح آنها را نمی فهمید». فرمود: «فرو ریختن دیوارها، تسبیحگویی آنهاست».

امام صادق در باره پدرش علیه السلام: مردی خدمت ایشان رسید و گفت: پدر و مادرم به فدایت! خداوند، در کتابش می فرماید: «هیچ چیز نیست، مگر آن که او را تسبیح و ستایش می گوید؛ اما شما تسبیح آنها را نمی فهمید». امام علیه السلام به او فرمود: «همین طور است که فرموده است». مرد گفت: آیا درخت خشکیده هم تسبیح می گوید؟ فرمود: «آری. نمی شنوی که چوب های خانه چگونه صدا می دهد؟ همین، تسبیح اوست. پس پا کا خدا در همه حال!».

تفسیر القمی: «و هیچ چیز نیست، مگر آن که او را تسبیح و ستایش می گوید». جنیدن هر چیزی، تسبیحگویی خداوند عز و جل است.

بحار الأنوار به نقل از محمد بن علی بن ابراهیم در کتاب العلل: گریه کردن آسمان، عبارت است از شرح شدن آن بدون آن که امری در آن باشد، و گریه کردن زمین، عبارت از لرزیدن آن است. تسبیحگویی درخت، عبارت است از جنیدن آن، بدون آن که بادی بوزد. تسبیحگویی دریاها، عبارت است از افزایش و کاهش (/ جزر و مد) آنها. و تسبیحگویی درخت، عبارت است از نشو و نمای آن. و نیز فرمود: «سایه آن [درخت] هم خدا را تسبیح می گوید».

پژوهشی در باره تسبیح عمومی آفریده ها

دسته اول: آیات و احادیثی که بر تسبیح فرشتگان دلالت دارند

دسته دوم: احادیثی که بر تسبیح موجودات زنده دلالت دارند

پژوهشی در باره تسبیح عمومی آفریده هاتسبیح آفریده های جهان ، به تکرار، مورد تأکید قرآن و احادیث اسلامی است . بر پایه آنچه در فصل نهم گذشت ، آیات و احادیثی را که در این زمینه وارد شده اند ، می توان به پنج دسته تقسیم کرد :

دسته اول: آیات و احادیثی که بر تسبیح فرشتگان دلالت دارند گفتنی است که در قرآن ، تنها توضیحی که در باره تسبیح فرشتگان آمده ، این است که آنها دائماً مشغول تسبیح خداوند و هیچ گاه دچار سُستی و خستگی نمی شوند ؛ اما در احادیث، توضیحات بیشتری به چشم می خورد ، مانند این که برخی از آنها با همه لغات مختلف ، تسبیح خدا می گویند و یا این که شماری از آنها با صداهای گوناگون و زبان های مختلف خدا را تسبیح می کنند . همچنین به اسمایی که فرشتگان به وسیله آنها خدا را تسبیح می کنند ، اشاره شده و نیز اذکار خاصّ برخی از فرشتگان ، مشخص گردیده است . (۱)

دسته دوم: احادیثی که بر تسبیح موجودات زنده دلالت دارند احادیثی که در این زمینه وارد شده اند ، دلالت دارند که انواع حیوانات و همه

دسته سوم: آیات و احادیثی که دلالت دارند که همه آفریده ها ، اعم از ...

جنبندگان و انواع درختان ، تسبیحی دارند که با ترک و تزییع آن ، در ادامه دادن به حیات خود ، با مشکل مواجه می شوند ، تا جایی که هر صیدی که در دام صیاد گرفتار می شود و هر درختی که قطع می گردد ، تسبیح خود را تزییع کرده است . همچنین حیات انواع بهایم و همه جنبندگان زمین ، در گرو تسبیح آنهاست و هنگامی که تسبیح آنها پایان یابد ، خداوند آنها را قبض روح می کند و ملک الموت در قبض روح آنها نقشی ندارد . البته این ، بدان معنا نیست که اراده انسان در پایان دادن حیات موجودات زنده بی تأثیر است ؛ بلکه در صورت صحت این احادیث ، ظاهراً مقصود ، آن است که تداوم و یا تزییع تسبیح ، یکی از عوامل مؤثر در سرنوشت آنهاست .

دسته سوم : آیات و احادیثی که دلالت دارند که همه آفریده ها ، اعم از موجودات زنده و جمادات ، تسبیحگویی خدایندروشن ترین آیه ای که با صراحت دلالت دارد که همه آفریده ها اعم از موجودات زنده و جمادات ، تسبیحگویی خداینند ، این آیه شریف است : « تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَأَنْفَقَهُنَّ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا . (۱) آسمان های هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست ، او را تسبیح می گویند و هیچ چیز نیست ، مگر این که در حال ستایش ، تسبیح او می گوید ؛ ولی شما تسبیح آنها را در نمی یابید . به راستی که او همواره بردبار [و] آمرزنده است . » احادیث اهل بیت علیهم السلام ، ضمن تبیین و تأکید بر آنچه در این آیه آمده ،

دسته چهارم: آیات و احادیثی که دلالت دارند که جمادات و برخی ...
دسته پنجم: احادیثی که در آنها تسبیح شماری از موجودات، تفسیر شده است

توضیحاتی در باره تسبیح شماری از جمادات و نیز اسمایی که به وسیله آنها تسبیح می گویند، ارائه کرده اند. همچنین در شماری از احادیث، برای تسبیح عمومی موجودات، اوقات خاصی ذکر شده است.

دسته چهارم: آیات و احادیثی که دلالت دارند که جمادات و برخی حیوانات، همراه شماری از انسان ها، خدا را تسبیح می کنند از نمونه های این دسته می توان به تسبیح کوه ها و پرندگان با داوود علیه السلام، و تسبیح بدن و لباس نمازگزار با وی اشاره کرد.

دسته پنجم: احادیثی که در آنها تسبیح شماری از موجودات، تفسیر شده است احادیثی که تسبیح شماری از حیوانات را تفسیر کرده اند، (۱) احادیثی که از ذکر گویی سنگ ریزه ها در دست پیامبر صلی الله علیه و آله خبر داده اند (۲) و یا احادیثی که در باره تسبیح دیوار و چوب و تسبیح درخت وارد شده اند، (۳) از این دسته اند. بر پایه این آیات و احادیث، سراسر جهان آفرینش را شور و شعور ذکر الهی فرا گرفته است و همه آفریده ها اعم از فرشتگان، آسمان ها، کهکشان ها، ستارگان، زمین و آنچه در زمین و آسمان هاست، هر یک به گونه ای مشغول حمد و تسبیح آفریدگار خود هستند.

۱- ر. ک: ص ۱۲۳ (ذکر تسبیح برخی جانوران).

۲- ر. ک: ص ۱۳۵ ح ۹۹۳ ۹۹۰.

۳- ر. ک: ص ۱۴۵ ح ۱۰۱۳ ۱۰۰۹.

۱. زبان حال بودن آیات و احادیث تسبیح

دیدگاه‌ها در باره تسبیح و تحمید عمومی موجودات مسئله اصلی، این است که مقصود از تسبیح و تحمید همه موجودات، چیست. آیا حیوانات، گیاهان و جمادات، شعور دارند و آفریدگار خود را می‌شناسند که او را تسبیح بگویند؟ آیا مقصود از تسبیح عمومی موجودات، چیزی غیر از مفهوم ظاهری آن است؟ و به تعبیر دیگر، آیا نسبت دادن تسبیح و تحمید به همه موجودات، حقیقت است یا مجاز؟ در پاسخ این سؤال، دو نظر وجود دارد:

۱. زبان حال بودن آیات و احادیث تسبیح جمعی با بعید شمردن وجود شعور و معرفت در همه موجودات، ظواهر آیات و احادیثی را که بر تسبیح و تحمید همه موجودات دلالت دارند، تأویل کرده‌اند و گفته‌اند که مقصود، زبان «حال» آنهاست، نه زبان «قال» آنها. امین الدین طبرسی در تفسیر آیه ۴۴ از سوره اسراء می‌گوید: معنای تسبیح در این جا، دلالت کردن بر یکتایی و دادگری خداست و این که او در الوهیت و خدایی، شریک ندارد، و این به منزله تسبیح لفظی است، و چه بسا که تسبیح از طریق دلالت، قوت بیشتری داشته باشد؛ چون منجر به علم می‌شود «و هیچ چیزی نیست، مگر آن که او را با ستایش، تسبیح می‌گویند»، یعنی هیچ موجودی از موجودات نیست، مگر این که با آفرینش خود، خداوند متعال را تسبیح و ستایش می‌گوید؛ چرا که هر موجودی، جز خدای قدیم، حادث است و به بزرگداشت خدا فرا می‌خواند؛ زیرا نیازمند به سازنده‌ای دارد که خود، مصنوع صنع خویش نباشد. بنا بر این، موجود حادث، دلیل بر موجودی قدیم است که از ماسوای خویش بی‌نیاز است و آنچه بر موجودات حادث می‌گذرد، بر او نمی‌گذرد. (۱)

۲. حقیقی بودن آیات و احادیث تسییح

۲. حقیقی بودن آیات و احادیث تسییح جمعی از محققان، ضمن رد استبعاد اهل تأویل، ظاهر مفاد آیات و احادیث مورد بحث را پذیرفته اند (۱) و معتقدند که همه موجودات، دارای مرتبه ای از شعور و معرفت اند و همه آنها حقیقتاً آفریدگار خود را تسییح و تحمید می گویند. علامه طباطبایی در تفسیر آیه مورد اشاره می گوید: تسییح به معنای تنزیه با گفتار کلامی است و حقیقت کلام هم عبارت است از کشف ما فی الضمیر با نوعی اشاره و دلالت به آن. منتها انسان چون نتوانست تمام آنچه را که می خواهد و در ضمیر خویش دارد، از طریق تکوین بیان کند، لاجرم به استفاده از الفاظ یعنی اصواتی که برای دلالت بر معانی وضع شده اند، پناه برد و با آنها ما فی الضمیر خود را بیان کرد و بدین ترتیب، این شیوه برای تفهیم و تفهیم، مرسوم شد. البته گاه برای بیان برخی مقاصد خود، از اشاره دست و سر و غیره و همچنین نوشتن یا نصب علامت کمک گرفت. به طور کلی، هر چیزی که معنای مورد نظری را بیان کند، گفتار و کلام است، و اگر موجودی با وجود خویش این معنا را برساند، این خود، گفتار و سخن گفتنی از جانب اوست، هر چند با صوت شنیدنی و لفظ وضع شدنی نباشد. دلیل بر این سخن، آن است که قرآن کریم، کلام و گفتار و امر و نهی و امثال اینها را که معنای کشف [و بیان] مقاصد دارند، به خدای متعال نسبت می دهد، در صورتی که اینها از نوع گفتار و کلامی نیستند که ما انسان ها که با زبان های گوناگون سخن می گوئیم، با آن آشنا هستیم؛ اما خداوند سبحان آنها را گفتار و کلام نامیده است.

۱- یکی از اصول مسلم تفسیر قرآن، این است که نمی توان از ظاهر الفاظ آیات آن عدول کرد، مگر در صورت وجود حکم قطعی بر خلاف آن معنای ظاهر، یا وجود دلیل نقلی معتبر بر عدم اراده آن. بنا بر این، تنها با بعید به نظر رسیدن مفاد ظاهری آیات قرآن، نمی توان آنها را تأویل کرد.

در این موجودات که ما مشاهده می‌کنیم، یعنی آسمان و زمین و هر آنچه در آسمان و زمین است، خصوصیتی وجود دارد که آشکارا از یکتایی خداوندگارشان و وارستگی او از هر عیب و نقصی پرده برمی‌دارد. بنا بر این، خداوند پاک را تسبیح می‌گویند. آن خصوصیت، این است که این موجودات، فی‌نفسه، در ذات و صفات و احوال خود، نیازمند محض و محتاج صرف به خداوند متعال هستند و همین نیازمندی، قوی‌ترین دلیل بر وجود کسی است که این موجودات به او نیاز دارند و بدون او از خود هیچ ندارند و هرگز از او جدا نمی‌شوند. پس، هر یک از این موجودات، با نیاز وجودی خویش و نقصی که در ذات خود دارد، از ایجادکننده خود که وجودش کامل و ذاتش کاستی ندارد، خبر می‌دهد. همچنین با ارتباطی که با دیگر موجودات دارد و از آنها برای کامل ساختن وجود خویش و رفع نقایص ذاتش کمک می‌گیرد، بیان می‌دارد که او به وجود آورنده‌ای دارد که خداوندگار اوست و در هر چیزی تصرف می‌کند و گرداننده کار، اوست... شاید بگویی: صرف پرده برداشتن از منزه بودن، تسبیح نامیده نمی‌شود؛ بلکه زمانی به آن تسبیح می‌گویند که توأم با قصد باشد و قصد کردن هم از توابع حیات است، در حالی که اغلب این موجودات، فاقد حیات اند، مانند زمین و آسمان و انواع جمادات. پس چاره‌ای نیست، جز آنکه تسبیحگویی آنها را حمل بر مجاز کنیم؛ یعنی تسبیح آنها عبارت است از: دلالت کردن این موجودات بر حسب وجودشان، بر منزه بودن پروردگارشان. در پاسخ می‌گوییم: سخن خداوند متعال، این معنا را می‌فهماند که علم در همه موجودات، با جریان خلقت، جریان دارد. پس هر موجودی به مقدار بهره‌اش از وجود، بهره‌ای از علم دارد. البته لازمه این مطلب، آن نیست که همه موجودات، از نظر علم، یکسان باشند یا علم همه آنها از یک جنس و یک نوع باشد یا همه آنچه را که انسان می‌داند، هر یک از آنها نیز بدانند و یا انسان به علمی

که نزد آن موجودات است، پی ببرد. [در این باره که علم در همه موجودات عالم، ساری و جاری است] خداوند متعال، به نقل از اعضای انسان می فرماید: «قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ (۱)؛ گفتند ما را همان خدایی گویا کرد که هر چیزی را گویا کرده است» و می فرماید: «فَعَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ انْتِيبَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَالٍ عَيْنَ (۲)؛ پس به آسمان ها و زمین فرمود: دلخواه یا ناخواه بیاید. آن دو گفتند: به دلخواه آمدیم». آیاتی که این معنا را می رسانند، بسیارند. و چون چنین است، هیچ آفریده ای در عالم هستی نیست، مگر آن که وجود خود را به نوعی، ادراک می کند و می خواهد با وجود خود، خویشتن نیازمند و ناقص خود را که در بی نیازی و کمال پروردگارش قرار دارد، اظهار نماید. بنا بر این، او خداوندگار خود را تسبیح می گوید و او را از داشتن شریک و از هر گونه نقص و کاستی که به وی نسبت داده می شود، منزّه و مبرا می دارد. بدین سان، روشن می شود که بر حمل تسبیح [آسمان ها و زمین] در آیه مورد بحث بر دلالت مجازی، دلیلی وجود ندارد؛ زیرا مجاز، در صورتی جایز است که حمل بر حقیقت، ناممکن باشد. نظیر این سخن، سخن بعضی دیگر است که گفته اند: تسبیح بعضی از این موجودات، همچون فرشتگان و انسان های مؤمن، تسبیح زبانی و حقیقی است و تسبیح بعضی دیگر از آنها تسبیح به زبان حال و مجازی است، مانند موجودات بی جان که با وجود خود، بر هستی خداوند، دلالت دارند. لفظ تسبیح در این آیه بر سیل عموم مجاز به کار رفته است. ضعیف بودن این سخن، پیش تر روشن شد. حقیقت، آن است که تسبیح همه موجودات، تسبیحی حقیقی و گفتاری

۱- فصلت: آیه ۲۱.

۲- فصلت: آیه ۱۱.

است ، منتها گفتاری بودن آن ، چنان که پیش تر اشاره شد ، مستلزم این نیست که حتماً با الفاظ قراردادی و اصوات شنیدنی باشد . در آخر جلد دوم این کتاب ، سخنی در باره «کلام» گذشت که در این جا سودمند است . پس ، این فرموده خداوند متعال که : «تَسْبِيحٌ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ ؛ آسمانهای هفتگانه و زمین و هر که در آنهاست ، او را تسبیح می گویند» ، تسبیح حقیقی را برای آنها اثبات می کند ؛ یعنی این که آسمان های هفتگانه و زمین و هر که در آنهاست ، با وجود خود و با ارتباطشان با دیگر موجودات هستی سخن می گویند و بیان می دارند که پروردگارشان از آنچه مشرکان به او نسبت می دهند ، یعنی داشتن شریک و جهات نقص ، منزّه است . و این سخن او که : «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ ؛ هیچ چیزی نیست مگر آن که او را با ستایش ، تسبیح می گوید» تسبیحگویی را به هر موجودی تعمیم می دهد . جمله قبلی هم با برشمردن آسمان های هفتگانه و زمین و هر موجودی که در آنهاست ، همین معنا را بیان کرد ؛ اما در این آیه ستایش خداوند را بر تسبیح اضافه فرمود . پس می فهماند که هر موجودی ، همچنان که خداوند متعال را تسبیح می گوید ، او را ستایش هم می کند و او را بر صفات و افعال زیبایش ثنا می گوید . همان طور که در هر یک از این موجودات ، چیزی از نیاز و نقص وجود دارد که به خود او باز می گردد و چیزی از صنع زیبای خداوند و نعمت او در آنها وجود دارد که منشأ آن ، خداست و از جانب او عطا شده است و همان گونه که ظاهر ساختن این موجودات در عرصه وجود ، خود ، به معنای اظهار نیازمندی و نقص آنها و نیز پرده برداشتن از منزّه بودن پروردگارشان از نیاز و نقص است که این ، همان تسبیح است ، ظاهر ساختن این موجودات نیز اظهار فعل زیبای خداوندگار آنهاست که خود ، حکایت از اوصاف زیبای او دارد و این ، همان حمد موجودات است ؛ زیرا حمد ، چیزی نیست ، جز ستایش برای فعل زیبای اختیاری . بنا بر این ، موجودات ، خداوند را هم تسبیح می گویند و هم

حمد می کنند. این است معنای این سخن خداوند که: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ؛ هیچ چیزی نیست، مگر آن که او را تسبیح و حمد می گوید»... و این خود، بهترین گواه است بر این که مراد از تسبیح در آیه، صرف دلالت کردن موجودات به نفی شریک و جهات نقص از خداوند متعال نیست؛ زیرا این خطاب که: «وَلَكِنْ لَمَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ؛ لیکن شما تسبیح آنها را نمی فهمید»، یا خطاب به مشرکان است و یا به همه مردم، اعم از مؤمن و مشرک، در حالی که مشرکان هم، به هر حال، دلالت اشیا بر سازنده شان را می فهمند، در صورتی که این آیه می گوید نمی فهمند و فهمیدن را از آنها نفی می کند. نباید به این سخن بعضی ها گوش داد که می گویند: خطاب به مشرکان است؛ چون به خاطر تدبیر نکردن آنها در آیات و کمتر بهره مند شدنشان از آنها فهمشان به منزله عدم فرض شده است. همچنین نباید به این ادعا اعتنا کرد که می گوید: چون مشرکان برخی از مقصودهای تسبیح را نمی فهمیدند، از باب غلبه، به منزله کسانی تلقی شده اند که تمام آن را نمی فهمند. به این ادعا نباید توجه کرد؛ زیرا وجود فهم را عدم فرض کردن یا بعض را همه قرار دادن، با مقام احتجاج سازگار نیست، در حالی که خداوند سبحان در آیه قبلی، مشرکان را مخاطب قرار داده که به حجّتش در باره تنزیه توجه کنند و انگهی، کلام خداوند متعال، این نوع مسامحه از باب تغلیب و مانند آن را بر نمی تابد... پس، حقیقت آن است که تسبیحی که آیه شریف، آن را برای هر موجودی ثابت می داند، تسبیح به معنای حقیقی آن است. در کلام خداوند متعال به تکرار، این معنا برای آسمان ها و زمین و هر موجودی که در آسمان ها و زمین است، اثبات شده است و در این میان، مواردی وجود دارد که جز تسبیح حقیقی را بر

نمی‌تابد، مانند این آیه شریف: «وَسَيَخْرُجُنَا مَعَ دَاوُودَ الْجَبَّالِ يُسَبِّحُنَ وَالطَّيْرَ (۱)؛ و کوه‌ها و پرندگان را همراه با داوود به نیایش و داشتیم» و این سخن او که: «إِنَّا سَيَخْرُجُنَا الْجَبَّالُ مَعَهُ يُسَبِّحُنَ بِالْعَشِيِّ وَاللَّيْلِ شَرِيقٍ (۲)؛ ما کوه‌ها را با او مسخر ساختیم که شامگاهان و بامدادان، خدا را نیایش می‌کردند» و نزدیک به این آیه است این سخن خداوند که: «يَجْبَلُ أُوْبِي مَعَهُ وَ الطَّيْرَ (۳)؛ ای کوه‌ها! با او [در تسبیح خدا] همصدا شوید و ای پرندگان! [شما نیز هم‌نوا شوید]». معنا ندارد که اینها را حمل بر تسبیح آنها به زبان حال کرد. و سخن خدا که: «إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا؛ همانا او بردبار و آمرزگار است»، یعنی: خداوند، مهلت می‌دهد و در کیفر دادن، شتاب نمی‌ورزد و کسی را که به درگاه او توبه کند و باز گردد، می‌آمرزد. این دو صفت بر منزه بودن خداوند متعال از هر گونه نقصی دلالت دارند؛ زیرا لازمه بردباری، این است که بیم از دست دادن چیزی را نداشته باشد و لازمه آمرزش، این است که از آمرزیدن و افاضه رحمت، متضرر نشود. پس، پادشاهی و خداوندگاری او، هیچ نقص و زوالی نمی‌پذیرد. بعضی در توجیه این که آیه شریف به این دو صفت ختم شده است، گفته‌اند که: اشاره است به این که انسان در ناتوانی‌اش از فهم این تسبیحی که همه موجودات و حتی خودش (با تمام ارکان وجودش) با رساترین بیان، دائماً به آن مشغول‌اند، خطاکار است و سزاوار است که به سبب این خطاکاری، مؤاخذه شود؛ لیکن خداوند سبحان به واسطه بردباری و آمرزگار بودنش، در مجازات کردن او شتاب نمی‌کند و اگر بخواهد، عفو می‌کند. این توجیه، البته توجیه خوبی است و لازمه‌اش این است که انسان، توانایی آن

۱- انبیاء: آیه ۷۹.

۲- ص: آیه ۱۸.

۳- سبأ: آیه ۱۰.

دوام یا انقطاع تسبیح موجودات

را داشته باشد که این تسبیح را از خودش و از دیگر موجودات بفهمد ... (۱) همچنین ایشان در تبیین احادیثی که در باره متن تسبیح اشیا آمده ، می گوید : روایات در باره تسبیحگویی موجودات ، متنوع و فراوان است . و شاید فهم این روایات برای بعضی مشتبه شده باشد و پنداشته باشند که این تسبیح عمومی ، از قبیل لفظ و صوت است و همه اشیا برای خود زبان یا زبان هایی دارند که همانند زبان ما آدمیان ، دارای کلماتی وضع شده برای معانی ای هستند و برای نشان دادن و بیان ما فی الضمیر به کار می روند ، منتها حواس ما این زبان یا زبان ها را درک نمی کنند . این پندار ، نادرست است . (۲) چکیده مطالبی که در تبیین تسبیح حقیقی اشیا گذشت ، به صورت زیبایی در این اشعار به زبان فارسی آمده است : گر تو را از غیب ، چشمی باز شد با تو ذرات جهان ، همراز شد نطق آب و نطق خاک و نطق گل هست محسوس حواس اهل دل جمله ذرات ، در عالم ، نهانبا تو می گویند روزان و شبان ما سمیعیم و بصیر و باهشیمبا شما نامحرمان ، ما خامشیم از جمادی ، سوی جان جان شوید غلغل اجزای عالم بشنوید فاش ، تسبیح جمادات آیدتوسوسه تأویل ها بزدایدت . (۳)

دوام یا انقطاع تسبیح موجوداتو آخرین نکته ، این که مقتضای برخی از آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام ، این

۱- المیزان فی تفسیر القرآن : ج ۱۳ ص ۱۰۸ ۱۱۲ .

۲- المیزان فی تفسیر القرآن : ج ۱۳ ص ۱۲۳ .

۳- مثنوی معنوی مولوی ، دفتر سوم .

است که تسبیح برخی از اشیا وقت خاصی دارد، چنان که کوه ها همراه با داوود علیه السلام شبانگاه و هنگام طلوع آفتاب، خداوند متعال را تسبیح می کردند: «إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ» (۱) ما کوه ها را با او مسخر ساختیم که شامگاهان و بامدادان، خداوند را تسبیح گویند». همچنین احادیثی دلالت دارند که هنگام ظهر، لحظه ای است که همه اشیا، خداوند متعال را تسبیح می کنند (۲). نیز در حدیثی آمده است: هنگامی که لباس چرک می شود، تسبیحش قطع می گردد. این احادیث و احادیث مشابه آنها، ممکن است اشاره به این باشد که تسبیح اشیا، دائمی نیست. البته این احتمال هم وجود دارد که موجودات، چند نوع تسبیح داشته باشند که برخی از آنها دائم و برخی غیر دائم باشد.

۱- ص: آیه ۱۸ . ر. ک: ص ۱۴۱ (تسبیحگویی موجودات هم نوا با انسان).

۲- ر. ک: ص ۱۴۵ (اوقات تسبیحگویی موجودات).

الفصل العاشر: السبحة ١٠ / ١١ استعمال السبحة في التسيير رسول الله صلى الله عليه وآله: نِعَمَ الْمِدْكُزُّ السُّبْحَةُ ، وَإِنَّ أَفْضَلَ مَا يُسْجَدُ عَلَيْهِ الْأَرْضُ وَمَا أُثْبِتَتْهُ الْأَرْضُ . (١)

الأمالى للطوسى عن أنس: رَكِبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ بَغْلَتَهُ ، فَانْطَلَقَ إِلَى جَبَلِ آلِ فُلَانٍ ، وَقَالَ : يَا أَنْسُ خُذِ الْبَغْلَةَ وَانْطَلِقْ إِلَى مَوْضِعِ كَذَا وَكَذَا ، تَجِدُ عَلَيَّ جَالِسًا يُسَبِّحُ بِالْحَصَى ، فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ ، وَاحْمِلْهُ عَلَى الْبَغْلَةِ وَأْتِ بِهِ إِلَيَّ . فَذَهَبَتْ فَوَجَدْتُ عَلَيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَحَمَلْتُهُ عَلَى الْبَغْلَةِ فَأَتَيْتُ بِهِ إِلَيْهِ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَتْ سُبْحَتُهَا مِنْ خَيْطِ صُوفٍ مُفْتَلٍ مَعْقُودٍ ، عَلَيْهِ عَدَدُ التَّكْبِيرَاتِ ، وَكَانَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ تُدِيرُهَا بِيَدَيْهَا تَكْبِيرٌ وَتَسْبِيحٌ ، حَتَّى قُتِلَ حَمَزَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، فَاسْتَعْمَلَتْ تَرْبَتَهُ ، وَعَمِلَتْ التَّسَابِيحَ فَاسْتَعْمَلَهَا النَّاسُ . فَلَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ، وَجَدَّ عَلَى قَاتِلِهِ الْعَذَابَ عُدَلِ بِالْأَمْرِ إِلَيْهِ فَاسْتَعْمَلُوا تَرْبَتَهُ ؛ لِمَا فِيهَا مِنَ الْفَضْلِ وَالْمَرْبِيَةِ . (٣)

-
- ١- الفردوس: ج ٤ ص ٢٥٩ ح ٦٧٦٥ عن الإمام علي عليه السلام ، كنز العمال: ج ٧ ص ٥٣١ ح ٢٠١٠٩ .
 - ٢- الأمالى للطوسى: ص ٣١٣ ح ٦٣٧ ، تأويل الآيات الظاهرة: ج ١ ص ٣٧٨ ح ١٥ ، بحار الأنوار: ج ٣٥ ص ٣٢ ح ٢٩ .
 - ٣- المزار الكبير: ص ٣٦٦ ح ١١ عن محمد الثقفى ، المزار للمفيد: ص ١٥٠ ح ١ ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٠ ح ٢٠٦٥ كلاهما عن إبراهيم بن محمد الثقفى ومن دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣٣٣ ح ١٦ .

۱۰ / ۱ استفاده از تسبیح در گفتن تسبیحات

فصل دهم: تسبیح ۱۰ / ۱ استفاده از تسبیح در گفتن تسبیحات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تسبیح ، نیکو یادآورنده ای است ! زمین و آنچه از زمین می روید ، بهترین چیزهایی هستند که بر آنها سجده می شود .

الأمالی ، طوسی به نقل از آنس : روزی پیامبر خدا ، بر شتر خود نشست و به سوی خاندان فلان ، ره سپار شد و [به من] فرمود : «ای آنس ! شتر را بردار و به فلان و بهمان جا برو . علی را می بینی که نشسته است و با دانه های ریگ ، تسبیح می گوید . سلام مرا به او برسان و سوار بر شترش کن و به نزد من بیاور» . من ، رفتم و علی را همان گونه که پیامبر خدا فرموده بود ، یافتم . پس او را بر شتر سوار کردم و نزد ایشان بردم .

امام صادق علیه السلام : تسبیح فاطمه ، دختر پیامبر خدا ، عبارت بود از یک نخ پشمی تاخته شده که به تعداد تکبیرات ، در آن ، گره خورده بود و با دست خود ، آن را می چرخاند و تکبیر و تسبیح می گفت ، تا آن که حمزه بن عبد المطلب ، کشته شد و فاطمه علیها السلام از خاک [مزار] او برداشت و تسبیح هایی ساخت و مردم ، آنها را مورد استفاده قرار دادند ؛ اما پس از کشته شدن حسین که دروذهای خدا بر او باد و دمامد بر قاتلان عذاب باد ، تربت او جایگزین شد و مردم از خاک [مزار] او تسبیح ساختند ؛ زیرا تربت حسین علیه السلام را فضیلت و امتیاز است .

الإمام الكاظم عليه السلام: لا تَسْتَعْنِي شَيْعَتُنَا عَنْ أَرْبَعٍ : خُمْرِهِ (١) يُصَالِي عَلَيْهَا ، وَخَاتَمِ يَتَخَتَّمُ بِهِ ، وَسِوَاكِ يَسْتَاكُ بِهِ ، وَسُبْحِهِ مِنْ طِينِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهَا ثَلَاثٌ وَثَلَاثُونَ حَبَّةً ؛ مَتَى قَلَّبَهَا ذَاكِرًا لِلَّهِ ، كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ حَبَّةٍ أَرْبَعُونَ حَسَنَةً ، وَإِذَا قَلَّبَهَا سَاهِيًا يَعْبَثُ بِهَا ، كُتِبَ لَهُ عِشْرُونَ حَسَنَةً . (٢)

عنه عليه السلام: لا يَخْلُو الْمُؤْمِنُ مِنْ خَمْسَةٍ : سِوَاكِ ، وَمِشْطٍ ، وَسَجَّادِهِ (٣) ، وَسُبْحِهِ فِيهَا أَرْبَعٌ وَثَلَاثُونَ حَبَّةً ، وَخَاتَمِ عَقِيْقٍ . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: تَكُونُ السُّبْحَةُ بِخِيُوْطِ زُرْقٍ ، أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ خَرْزَةً (٥) ، وَهِيَ سُبْحَةٌ! مَوْلَاتِنَا فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ ، لَمَّا قُتِلَ حَمْزُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَمِلَتْ مِنْ طِينِ قَبْرِهِ سُبْحَةً تُسَبِّحُ بِهَا بَعْدَ كُلِّ صَلَاةٍ . (٦)

-
- ١- الخُمْرَةُ : حَصِيْرٌ صَغِيْرَةٌ قَدْرٌ مَا يُسَجَّدُ عَلَيْهِ (المصباح المنير: ص ١٨٢ «خمر»).
 - ٢- تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٧٥ ح ١٤٧ ، روضه الواعظين: ص ٤٥١ ، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ١٣٢ ح ٦١ .
 - ٣- السَّجَّادَةُ : الخُمْرَةُ الَّتِي يُسَجَّدُ عَلَيْهَا (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٨١٨ «سجد»).
 - ٤- مصباح المتهجد: ص ٧٣٥ ، المزار للمفيد: ص ١٥٢ ح ٧ كلاهما عن عبيدالله بن عليّ الحلبي ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٩ ح ٢٠٦٤ ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣٣٤ ح ١٧ .
 - ٥- الخَرْزُ : فصوص من حجاره واحدتها خَرْزَةٌ ، والخَرْزُ بالتحريك: الذي ينظم (لسان العرب: ج ٥ ص ٣٤٤ «خرز»).
 - ٦- بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣٤١ ح ٣٢ نقلًا عن المزار بخط محمد بن محمد بن الحسين بن معيّه .

امام کاظم علیه السلام: شیعه ما، از چهار چیز، بی نیاز نیست: بوریاجه ای که بر آن، نماز می گزارد، انگشتی که در انگشت می کند، مسواکی که با آن مسواک می زند، و تسبیحی از گل قبر ابا عبد الله علیه السلام که سی و سه دانه داشته باشد و هر گاه آن را بچرخاند و ذکر خدا بگوید، به تعداد هر دانه آن، چهل ثواب برایش نوشته می شود، و هر گاه بی هدف و بدون گفتن ذکری آن را بچرخاند، بیست ثواب برایش نوشته می شود.

امام کاظم علیه السلام: مؤمن، همیشه پنج چیز با خود دارد: مسواک، شانه، سجاده، تسبیحی با سی و چهار دانه، و انگشتی عقیق.

امام صادق علیه السلام: تسبیح باید دارای رشته کبود و سی و چهار مُهره باشد. این، همان تسبیح بی بی مان فاطمه زهرا علیها السلام است که چون حمزه علیه السلام کشته شد، از گل قبر او تسبیحی ساخت و بعد از هر نماز، با آن تسبیح می گفت

عنه عليه السلام: السُّبْحُ الزُّرْقُ (١) في أيدي شيعتنا مثل الخيوطِ الزُّرْقِ في أكسيتهِ بنى إسرائيل ، إنَّ الله عز و جل أوحى إلى موسى عليه السلام أن مُرِّبِنِ إِسْرَائِيلَ أَنْ يَجْعَلُوا فِي أَرْبَعَةِ جَوَانِبِ الْخَيْوِطِ الزُّرْقِ ، وَيَذْكُرُونَ بِهَا إِلَهَ السَّمَاءِ . (٢)

الحاوي: عَن جَابِرٍ ، عَنِ امْرَأَةٍ حَدَّثَتْهُ عَن فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهَا كَانَتْ تُسَبِّحُ بِخَيْطٍ مَعْقُودٍ فِيهَا . (٣)

البدايه والنهايه: عَن أَبِي صَيْفِيَّةَ مَوْلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنَّهُ كَانَ يَوْضَعُ لَهُ نَطْعَ (٤) وَيُجَاءُ بِزَبِيلٍ فِيهِ حَصَى فَيَسْبِغُ بِهِ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ ثُمَّ يُرْفَعُ ، فَإِذَا صَلَّى الْأُولَى سَبَّحَ حَتَّى يُمَسِيَ . (٥)

الزهد لابن حنبل عن القاسم بن عبد الرحمن: كَانَ لِأَبِي الدَّرْدَاءِ نَوَى مِنْ نَوَى الْعَجْوَةِ (٦) . . . فِي كَيْسٍ ، وَكَانَ إِذَا صَيَّلَى الْعَدَاةَ أَقْعَى عَلَى فِرَاشِهِ ، فَأَخَذَ الْكَيْسَ فَأَخْرَجَهُنَّ وَاحِدَةً وَاحِدَةً يُسَبِّحُ بِهِنَّ ، فَإِذَا نَفِدْنَ أَعَادَهُنَّ وَاحِدَةً وَاحِدَةً كُلُّ ذَلِكَ يُسَبِّحُ بِهِنَّ . (٧)

الدعوات: رُوِيَ أَنَّهُ لَمَّا حُمِلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى يَزِيدَ عَلَيْهِ اللَّعْنَةُ هَمَّ بِضَرْبِ عُنُقِهِ ، فَوَقَّفَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُوَ يُكَلِّمُهُ لِيَسْتَنْطِقَهُ بِكَلِمَةٍ يَوْجِبُ بِهَا قَتْلَهُ ، وَعَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُجِيبُهُ حَسَبَ مَا يُكَلِّمُهُ ، وَفِي يَدِهِ سُبْحَةٌ صَغِيرَةٌ يُدِيرُهَا بِأَصَابِعِهِ وَهُوَ يَتَكَلَّمُ ، فَقَالَ لَهُ يَزِيدُ عَلَيْهِ مَا يَسْتَحِقُّهُ : أَنَا أَكَلَّمُكَ وَأَنْتَ تُجِيبُنِي وَتُدِيرُ أَصَابِعَكَ بِسُبْحَةٍ فِي يَدِكَ ، فَكَيْفَ يَجُوزُ ذَلِكَ؟! فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَدَّثَنِي أَبِي عَن جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنَّهُ كَانَ إِذَا صَيَّلَى الْعَدَاةَ وَانْفَتَلَ (٨) لَا يَتَكَلَّمُ حَتَّى يَأْخُذَ سُبْحَةً بَيْنَ يَدَيْهِ ، فَيَقُولُ : «اللَّهُمَّ إِنِّي أَصَبَحْتُ أُسَبِّحُكَ ، وَأُحْمَدُكَ ، وَأُهَلِّلُكَ ، وَأُكَبِّرُكَ ، وَأُمَجِّدُكَ بَعْدَ مَا أُدِيرُ بِهِ سُبْحَتِي» وَيَأْخُذُ السُّبْحَةَ فِي يَدِهِ وَيُدِيرُهَا وَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا يُرِيدُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِالتَّسْبِيحِ ، وَذَكَرَ أَنَّ ذَلِكَ مُحْتَسَبٌ لَهُ وَهُوَ حِرْزٌ إِلَى أَنْ يَأْوِيَ إِلَى فِرَاشِهِ ، فَإِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ الْقَوْلِ ، وَوَضَعَ سُبْحَتَهُ تَحْتَ رَأْسِهِ ، فَهِيَ مَحْسُوبَةٌ لَهُ مِنَ الْوَقْتِ إِلَى الْوَقْتِ ، فَفَعَلْتُ هَذَا اقْتِدَاءً بِجَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ . فَقَالَ لَهُ يَزِيدُ عَلَيْهِ اللَّعْنَةُ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى : لَسْتُ أَكَلِّمُ أَحَدًا مِنْكُمْ إِلَّا وَيُجِيبُنِي بِمَا يَفُوزُ بِهِ! وَعَفَا عَنْهُ وَوَصَلَهُ وَأَمَرَ بِإِطْلَاقِهِ . (٩)

١- قال العلامة المجلسي رحمه الله: الظاهر كون حبات السبح زرقا، ويحتمل أن يكون المراد كون خيطها كذلك كما قيل (بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ١٣٤).

٢- المزار الكبير: ص ٣٦٨ ح ١٧، المزار للمفيد: ص ١٥٢ ح ٦ وفيه «التسبيح» بدل «السبح»، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ١٣٤ ح ٦٨.

٣- الحاوي للسيوطي: ج ٢ ص ١٤٠ نقلًا عن الطبقات الكبرى.

٤- النطع بالكسر وبالفتح وبالتحريك: بساط من الأديم [أي الجلد] (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٨٩ «نطع»).

٥- البدايه والنهايه: ج ٥ ص ٣٢٢، الحاوي للسيوطي: ج ٢ ص ١٤٠.

٦- العجوة: نوع من تمر المدينة؛ أكبر من الصيحاني، يضرب إلى السواد، من عرس النبي صلى الله عليه وآله (النهايه: ج ٣

ص ١٨٨ «عجا» .

٧- الزهد لابن حنبل : ص ١٧٥ .

٨- انْفَتَلَ فلانٌ عن صَلاتِهِ : أى انصَرَفَ (لسان العرب : ج ١١ ص ٥١٤ «فتل»).

٩- الدعوات : ص ٦١ ح ١٥٢ ، بحار الأنوار : ج ١٠١ ص ١٣٦ ح ٧٨ .

امام صادق علیه السلام: تسبیح های کبود رنگ، (۱) در دستان شیعیان ما، همچون نخ های کبود رنگ در کیسه های بنی اسرائیل است. خداوند عز و جل به موسی علیه السلام وحی فرمود که: «بنی اسرائیل را بفرما تا در چهار جانب کیسه هایشان نخ های کبودی قرار دهند که با آنها، خدای آسمان را یاد کنند».

الحاوی به نقل از جابر: زنی از فاطمه دختر حسین علیه السلام برایش گفت که او (فاطمه) با رشته نخی گره دار، تسبیح می گفت.

البدایه والنهایه: از ابو صفیه، غلام پیامبر، نقل شده است که برای ایشان، سفره چرمینی نهاده می شد و زنبیلی که در آن مقداری ریگ بود، می آوردند و تا نیم روز با آن ریگ ها تسبیح می گفت. سپس آن را بر می داشتند، و چون نماز اول را می خواند، باز مشغول تسبیح گفتن می شد تا عصر می شد.

الزهد، ابن حنبل به نقل از قاسم بن عبد الرحمان: ابو درداء، مقداری هسته خرماي عَجْوَه (۲) ... در کیسه ای داشت و چون نماز صبح را می خواند، روی تشک خود، چمباتمه می زد و کیسه را بر می داشت و ریگ ها را یکی یکی بیرون می آورد و با آنها تسبیح می گفت و تمام که می شدند، یکی یکی، آنها را داخل کیسه می انداخت و تسبیح می گفت.

الدعوات: روایت شده است که چون امام زین العابدین علیه السلام را نزد یزید لعین بردند، بر آن شد تا ایشان را گردن زند. از این رو، ایشان را در برابر خود، ایستاده نگه داشت و شروع به سخن گفتن با ایشان کرد و قصدش آن بود که امام علیه السلام را وادار به گفتن سخنی کند تا به بهانه آن، کُشتن وی را واجب شمارد. امام زین العابدین علیه السلام به مقتضای سخنان یزید، پاسخ او را می داد و در همان حال، تسبیح کوچکی در دست داشت و آن را با انگشتانش می چرخاند. یزید که بر او باد آنچه سزاوار آن است، به ایشان گفت: من با تو سخن می گویم و تو در حالی که تسبیح می چرخانی، پاسخم را می دهی؟ چگونه این رواست؟! فرمود: «پدرم برایم نقل کرد که جدّم که درود خدا بر او و خاندانش باد چون نماز صبح را می خواند و آن را به پایان می بُرد، سخن نمی گفت و تسبیحی به دست می گرفت و می گفت: بار خدایا! من، صبح کردم، در حالی که تو را تسبیح و ستایش می گویم و تو را به یگانگی و بزرگی، می ستایم و تو را تمجید می گویم، به تعداد آنچه از این تسبیح می چرخانم. آن گاه، تسبیح به دست می گرفت و آن را می چرخاند و بدون آن که ذکر تسبیح بگوید، هر صحبتی که می خواست، می کرد و فرمود که این برای او [ثواب و ذکر] حساب می شود و مایه امان اوست تا آن که به بستر خواب برود، و چون به بستر می رفت، همانند آن تسبیح [بالا] را می گفت و سپس تسبیحش را زیر سرش می گذاشت و این برایش از این وقت تا آن وقت به حساب می آمد. من هم با اقتدا به جدّم این کار را می کنم. یزید که دمامم بر او لعنت باد، گفت: نشد با یکی از شما سخن بگویم و او پاسخی که با آن خود را بَرهاند، به من ندهد! و از [ریختن خون] ایشان، گذشت و به او پاداش داد و امر کرد تا آزادش کنند.

۱- .علامه مجلسی می گوید : ظاهراً مراد ، کبود بودن مُهره های تسیح است . احتمال هم دارد که مراد ، کبود بودن نخ آن باشد ، چنان که بعضی چنین گفته اند .

۲- .عَجَوَه : گونه ای از خرماى مدینه است که از خرماى صیححانى ، درشت تر است و رنگش به سیاهی می زند . درخت این نوع خرما ، از کشته های پیامبر صلی الله علیه و آله است .

١٠ / ٢ فضل الشُّبْحِ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ سَبَّحَ بِشُبْحِهِ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَسْبِيحًا ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَرْبَعِينَ حَسَنَةً ، وَمَحَا عَنْهُ أَرْبَعِينَ سَيِّئَةً ، وَقُضِيََتْ لَهُ أَرْبَعِينَ حَاجَةً ، وَرُفِعَ لَهُ أَرْبَعِينَ دَرَجَةً . (١)

عنه عليه السلام: مَنْ أَدَارَ الْحُجْبِرَ (٢) مِنْ تُرْبِهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاسْتَغْفَرَ بِهِ مَرَّةً وَاحِدَةً ، كُتِبَ لَهُ بِالْوَاحِدَةِ سَبْعُونَ مَرَّةً ، وَإِنْ أَمْسَكَ الشُّبْحَةَ فِي يَدِهِ وَلَمْ يُسَبِّحْ بِهَا فَفِي كُلِّ حَبَّةٍ سَبْعَ مَرَّاتٍ . (٣)

١- بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣٤١ ح ٣٢ نقلًا عن المزار بخط محمد بن محمد بن الحسين بن معية .

٢- في مصباح المتهجد: «الحجر» .

٣- المزار للمفيد: ص ١٥٠ ح ٢ ، مصباح المتهجد: ص ٧٣٥ ، المزار الكبير: ص ٣٦٧ ح ١٢ ، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ١٣٦

۱۰ / ۲ فضیلت تسبیح ساخته شده از تربت امام حسین

۱۰ / ۲ فضیلت تسبیح ساخته شده از تربت امام حسینامام صادق علیه السلام: هر کس با تسبیحی که از گل قبر حسین علیه السلام ساخته شده است ، یک تسبیح بگوید ، خداوند برایش چهارصد ثواب می نویسد و چهار صد گناه را از او پاک کند و چهار صد حاجتش را برآورده می سازد و چهار صد درجه بر او می افزاید .

امام صادق علیه السلام: هر کس تسبیح ساخته شده از تربت حسین علیه السلام را بچرخاند و با آن یک مرتبه استغفار بگوید ، برای هر بار آن ، هفتاد بار نوشته شود ، و اگر تسبیح را در دستش بگیرد و با آن ذکر نگوید ، برای هر دانه آن ، هفت بار نوشته می شود .

عنه عليه السلام: مَنْ اتَّخَذَ سُبْحَهُ مِنْ تَرْبِهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، إِنْ سَبَّحَ بِهَا وَإِلَّا سَبَّحَتْ فِي كَفِّهِ ، وَإِذَا حَرَكَهَا وَهُوَ سَاهٍ كُتِبَ لَهُ تَسْبِيحُهُ ، وَإِذَا حَرَكَهَا وَهُوَ ذَاكِرٌ لِلَّهِ تَعَالَى كُتِبَ لَهُ أَرْبَعِينَ تَسْبِيحَهُ . (١)

عنه عليه السلام وَقَدْ سُئِلَ عَنِ اسْتِعْمَالِ التُّرْبَتَيْنِ مِنْ طِينِ قَبْرِ حَمْرَةَ وَقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالتَّفَاضُلِ بَيْنَهُمَا : السُّبْحَةُ الَّتِي هِيَ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تُسَبِّحُ بِيَدِ الرَّجُلِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُسَبِّحَ . (٢)

تهذيب الأحكام عن محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري: كَتَبْتُ إِلَى الْفَقِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ : هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُسَبِّحَ الرَّجُلُ بِطِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهَلْ فِيهِ فَضْلٌ؟ فَأَجَابَ وَقَرَأْتُ التَّوْقِيعَ ، وَمِنْهُ نَسِخْتُ : يُسَبِّحُ بِهِ ، فَمَا فِي شَيْءٍ مِنَ التَّسْبِيحِ أَفْضَلُ مِنْهُ ، وَمَنْ فَضَّلَهُ أَنْ الْمُسَبِّحَ يَنْسَى التَّسْبِيحَ وَيُدِيرُ السُّبْحَةَ فَيَكْتُبُ لَهُ ذَلِكَ التَّسْبِيحُ . (٣)

مكارم الأخلاق: زُوِيَ أَنَّ الْحَوْرَ الْعَيْنَ إِذَا أَبْصِرْنَ بِوَاحِدٍ مِنَ الْأَمْلاِكِ يَهْبِطُ إِلَى الْأَرْضِ لِأَمْرِ مَا ، يَسْتَهْدِينَ مِنْهُ السُّبْحَ وَالتُّرْبَ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (٤)

-
- ١- بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣٤٠ ح ٣٢ نقلًا عن المزار بخط محمد بن محمد بن الحسين بن معيه .
 - ٢- المزار الكبير: ص ٣٦٧ ح ١٤ ، المزار للمفيد: ص ١٥١ ح ٤ كلاهما نقلًا عن كتاب الحسن بن محبوب ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٠ ح ٢٠٦٦ ، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ١٣٣ ح ٦٦ .
 - ٣- تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٧٥ ح ١٤٨ ، الاحتجاج: ج ٢ ص ٥٨٣ ح ٣٥٧ وفيه «القبر» بدل «قبر الحسين عليه السلام» ، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ١٣٢ ح ٦٢ .
 - ٤- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٠ ح ٢٠٦٧ ، المزار للمفيد: ص ١٥١ ح ٥ ، المزار الكبير: ص ٣٦٨ ح ١٦ ، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ١٣٤ ح ٦٧ .

امام صادق علیه السلام: هر کس تسبیحی از تربیت حسین علیه السلام در دست گیرد، اگر با آن تسبیح گفت [که گفته]؛ و گرنه، آن تسبیح، خود، در دست او تسبیح می گوید، و اگر آن را بچرخاند و ذکر می نگوید، برایش یک تسبیح نوشته شود، و چنانچه آن را بچرخاند و ذکر خدای متعال را گوید، خداوند برایش چهل تسبیح می نویسد.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش از به کار بردن تسبیح ساخته شده از تربت حمزه و تربت حسین علیه السلام و فرق میان آن دو: تسبیحی که از گل قبر حسین علیه السلام باشد، خود، در دست انسان، تسبیح می گوید، بدون آن که شخص، تسبیح بگوید.

تهذیب الأحکام به نقل از محمّد بن عبد الله بن جعفر حمیری: به فقیه (امام زمان علیه السلام) نوشتم و پرسیدم: آیا جایز است که انسان، با گل قبر حسین علیه السلام تسبیح بگوید و آیا در آن، فضیلتی است؟ ایشان نوشت و من، آن توفیق را خواندم و از روی آن، نسخه برداشتم که: «[آری]، تسبیح بگوید؛ زیرا هیچ تسبیحی برتر از آن نیست و در فضیلت آن، همین بس که شخص اگر آن را بچرخاند و فراموش کند که تسبیح بگوید، برایش تسبیح نوشته می شود».

مکارم الأخلاق: روایت شده است که حور العین، هر گاه فرشته ای را ببینند که برای کاری به زمین فرود می رود، از او تقاضا می کنند که تسبیح و خاک قبر حسین علیه السلام را برایشان هدیه بیاورد.

الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَدَارَ الطِّينَ مِنَ التُّرْبَةِ فَقَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» مَعَ كُلِّ حَبِّهِ مِنْهَا، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا سِتَّةَ آلَافٍ حَسَنَةٍ، وَمَحَا عَنْهُ سِتَّةَ آلَافٍ سَيِّئَةٍ، وَرَفَعَ لَهُ سِتَّةَ آلَافٍ دَرَجَةٍ، وَأَثْبَتَ لَهُ مِنَ الشَّفَاعَةِ مِثْلَهَا. (١)

الاحتجاج في ذكر مسائل الحميري للإمام المهدي عليه السلام: وسأل: هل يجوز أن يُدير السُّبْحَةَ بِيَدِهِ الْيَسَارِ إِذَا سَبَّحَ، أَوْ لَا يَجُوزُ؟ فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَجُوزُ ذَلِكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (٢)

١- المزار الكبير: ص ٣٦٧ ح ١٣، المزار للمفيد: ص ١٥١ ح ٣ كلاهما عن محمد بن علي، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ١٣٣ ح ٦٥.

٢- الاحتجاج: ج ٢ ص ٥٨٤ ح ٣٥٧، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣٢٧ ح ١.

امام رضا علیه السلام: هر کس تسبیح تربت [حسین علیه السلام] را بچرخاند و بگوید: «سبحان الله، والحمد لله، ولا إله إلا الله، والله أكبر؛ پاكا خدا، و ستایش، خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا، بزرگ تر است!»، با [گفتن] هر دانه ای از آن، خداوند، شش هزار نیکی برایش می نویسد و شش هزار بدی را از او پاک کند و شش هزار درجه او را بالا می برد، و همین اندازه برایش شفاعت ثبت می کند.

الاحتجاج در یادکرد پرسش های جمیری از امام مهدی علیه السلام: و پرسید: آیا جایز است که شخص، وقتی تسبیح می گوید، تسبیح را با دست چپ بچرخاند یا جایز نیست؟ ایشان در پاسخ نوشت: «جایز است، و ستایش خدای را که پروردگارِ جهانیان است».

الفصل الحادى عشر: ما فيه ثواب التسييح ١١ / ١ مِدَارَسَةُ الْعِلْمِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ؛ فَإِنَّ تَعَلُّمَهُ حَسِبْتَهُ، وَمِدَارَسَتَهُ تَسْبِيحٌ، وَالْبَحْثُ عَنْهُ جِهَادٌ. (١)

١١ / ٢ نَفْسُ الصَّائِمِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الصَّيَامُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ، وَنَوْمُ الصَّائِمِ عِبَادَةٌ، وَنَفْسُهُ تَسْبِيحٌ، وَمَنْ أَصْبَحَ صَائِمًا سَبَّحَتْ لَهُ أَعْضَاؤُهُ، وَأَضَاءَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ نُورًا، وَاسْتَعْفَرَ لَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ، فَإِنْ سَبَّحَ أَوْ هَلَّلَ تَلَقَّاهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَكْتُبُونَهَا إِلَى أَنْ تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ (٢). (٣)

١- تحف العقول: ص ٢٨، الأمالى للصدوق: ص ٧١٣ ح ٩٨٢، روضه الواعظين: ص ١٣ كلاهما عن الإمام على عليه السلام، بحار الأنوار: ج ١ ص ١٦٦ ح ٧؛ الفردوس: ج ٢ ص ٤١ ح ٢٢٣٧ عن معاذ بن جبل نحوه، كنز العمال: ج ١٠ ص ١٦٧ ح ٢٨٨٦٧.

- ٢- تواری: استتر. قال تعالى: «حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» (ص: ٣٢) (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٨٦٦ «ورى»).
- ٣- كنز العمال: ج ١٥ ص ٩١١ ح ٤٣٥٧٤ نقلًا عن أبي نصر عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام.

فصل یازدهم: چیزهایی که ثواب تسبیحگویی دارند

۱ / ۱۱ گفتگوی علمی

۱۱ / ۲ نفس کشیدن روزه دار

فصل یازدهم: چیزهایی که ثواب تسبیحگویی دارند ۱ / ۱۱ گفتگوی علمپيامبر خدا صلی الله علیه و آله :علم بیاموزید ؛ زیرا که آموختن علم ، کار نیک است و مباحثه آن (گفتگو در باره آن) ، تسبیح است و جستجوی آن ، جهاد .

۱۱ / ۲ نفس کشیدن روزه دار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه ، سپری در برابر آتش است و خواب روزه دار ، عبادت است و نفس کشیدن او ، تسبیح است . هر کس روز خود را با روزه داری آغاز کند ، اندام هایش برای او تسبیح می گویند و آسمان ها برایش نورانی می شوند و هر فرشته ای در آسمان ، برایش آمرزش می طلبد ؛ و اگر «سبحان الله» یا «لا إله إلا الله» بگوید ، هفتاد هزار فرشته آنها را می گیرند و برایش می نویسند تا آن گاه که غروب شود .

عنه صلى الله عليه و آله :صَمَّتِ الصَّائِمِ تَسْبِيحًا ، وَنَوْمُهُ عِبَادَةٌ ، وَدُعَاؤُهُ مُسْتَجَابٌ ، وَعَمَلُهُ مُضَاعَفٌ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : ما مِنْ عَبْدٍ أَصْبَحَ صَائِمًا ، إِلَّا فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ ، وَسَبَّحَتْ أَعْضَاؤُهُ ، وَاسْتَعْفَرَ لَهُ أَهْلُ السَّمَاءِ الدُّنْيَا ، إِلَى أَنْ يُوَارَى بِالْحِجَابِ . (٢)

١١ / ٣ / نَفْسُ الْمَهْمُومِ لِأَهْلِ النَّبِيِّ وَالصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : نَفْسُ الْمَهْمُومِ لَنَا الْمَغْتَمِّ لِظُلْمِنَا تَسْبِيحًا ، وَهَمُّهُ لِأَمْرِنَا عِبَادَةً ، وَكَيْفَانُهُ لِسِرِّنَا جِهَادًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ . (٣)

١١ / ٤ / نَفْسُ النَّائِمِ النَّوَى لِصَلَاةِ اللَّيْلِ وَالصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ الْعَبْدَ لَيَنْوِي مِنْ نَهَارِهِ أَنْ يُصَلِّيَ بِاللَّيْلِ فَتَغْلِبُهُ عَيْنُهُ فَيَنَامُ ، فَيُثَبِّتُ اللَّهُ لَهُ صَلَاتَهُ ، وَيَكْتُبُ نَفْسَهُ تَسْبِيحًا ، وَيَجْعَلُ نَوْمَهُ عَلَيْهِ صَدَقَةً . (٤)

-
- ١- الفردوس : ج ٢ ص ٣٩٧ ح ٣٧٤١ عن ابن عمر ، كنز العمال : ج ٨ ص ٤٤٩ ح ٢٣٦٠٢ ؛ كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٧٦ ح ١٧٨٣ ، ثواب الأعمال : ص ٧٥ ح ٣ عن أحمد و كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام مع تقديم وتأخير وفيهما «متقبل» بدل «مضاعف» ، بحار الأنوار : ج ٩٦ ص ٢٥٣ ح ٢١ .
 - ٢- شعب الإيمان : ج ٣ ص ٢٩٩ ح ٣٥٩١ عن عائشه ، كنز العمال : ج ٨ ص ٤٥٥ ح ٢٣٦٣٠ .
 - ٣- الكافي : ج ٢ ص ٢٢٦ ح ١٦ عن عيسى بن أبي منصور ، الأمالي للمفيد : ص ٣٣٨ ح ٣ ، بشاره المصطفى : ص ١٠٥ كلاهما عن أبان بن تغلب وليس فيهما «لنا المغتم» ، بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ٨٣ ح ٣٣ .
 - ٤- علل الشرائع : ص ٥٢٤ ح ١ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٢٠٦ ح ١٨ .

۱۱ / ۳ نفس کشیدن شخص اندوهگین برای اهل بیت

۱۱ / ۴ نفس کشیدن کسی که نیت خواندن نماز شب داشته ، اما خوابش برده است

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سکوت روزه دار ، تسبیح است و خوابش ، عبادت است و دعایش ، مستجاب است و عملش ، دو چندان به شمار می آید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که روز خود را با روزه آغاز کند ، مگر آن که درهای آسمان ، به رویش باز می شوند و اعضای بدنش ، تسبیح می گویند و اهل آسمان پایین ، برایش آمرزش می طلبند تا آن گاه که آفتاب ، غروب کند .

۱۱ / ۳ نفس کشیدن شخص اندوهگین برای اهل بیتامام صادق علیه السلام :کسی که برای ما اندوهگین و از ستمی که بر ما رفته ، غمگین باشد ، نفس کشیدنش ، تسبیح است و دغدغه اش برای کار ما ، عبادت است و پوشیدن راز ما توسط او ، جهاد در راه خداست .

۱۱ / ۴ نفس کشیدن کسی که نیت خواندن نماز شب داشته ، اما خوابش برده استامام صادق علیه السلام :بنده ، در روز نیت می کند که شب ، نماز [شب] بخواند ، اما خوابش می برد . خداوند ، نمازش را برای او ثبت می کند و نفس کشیدنش را تسبیح می نویسد و خوابش را برای او ، صدقه قرار می دهد .

١١ / ٥ هـ مَن كَانَ هَوَاهُ فِي رِضَا اللّٰهِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: إِنِّي لَسْتُ كُلَّ كَلَامِ الْحَكِيمِ أَتَقَبَّلُ، إِنَّمَا أَتَقَبَّلُ هَوَاهُ وَهَمُّهُ؛ فَإِنْ كَانَ هَوَاهُ وَهَمُّهُ فِي رِضَايَ، جَعَلْتُ هَمَّهُ تَقْدِيرًا وَتَسْبِيحًا. (١)

١١ / ٦ هـ أُنِينُ الْمُؤْمِنِ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أُنِينُ الْمُؤْمِنِ تَسْبِيحٌ، وَصِيَاخُهُ تَهْلِيلٌ، وَنَوْمُهُ عَلَى الْفِرَاشِ عِبَادَةٌ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْمَيُّومِينَ إِذَا حُمَّ حُمِّيٌّ وَاحِدَةً تَنَازَرَتْ الذُّنُوبُ مِنْهُ كَوَرَقِ الشَّجَرِ فَإِنَّ عَلَى فِرَاشِهِ فَأَنِينُهُ تَسْبِيحٌ وَصِيَاخُهُ تَهْلِيلٌ وَتَقَلُّبُهُ عَلَى فِرَاشِهِ كَمَنْ يَضْرِبُ بِسَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ. (٣)

١- الكافي: ج ٨ ص ١٦٦ ح ١٨٠ عن إسماعيل بن محمد.

٢- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٦٤ ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعا، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٢٧ ح ٢٦٥٦ كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٧ ص ٥٤ ح ٣؛ تاريخ بغداد: ج ٢ ص ١٩١ عن أبي هريره وفيه «المريض» بدل «المؤمن»، كنز العمال: ج ٣ ص ٣١١ ح ٦٧٠٥.

٣- عدّه الداعي: ص ١١٦، إرشاد القلوب: ص ٤٣ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، ثواب الأعمال: ص ٢٢٨ ح ٣، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٧٠ ح ٢٤١٨ كلاهما عن يوسف بن إسماعيل بإسناد له ومن دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٠٥ ح ١٠.

۱۱ / ۵ دغدغه کسی که خواستش خشنودی خداست

۱۱ / ۶ ناله مؤمن

۱۱ / ۵ دغدغه کسی که خواستش خشنودی خداست امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل می فرماید: «چنین نیست که من ، همه سخنان شخص حکیم را بپذیرم ؛ بلکه تنها خواست و دغدغه او را می پذیرم . پس اگر خواست و دغدغه اش خشنودی من باشد ، دغدغه او را تقدیس و تسبیح ، به شمار می آورم .

۱۱ / ۶ ناله مؤمن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ناله مؤمن ، تسبیح است و فریادش ، «لا- إله إلا الله» است و خوابیدن او در بسترش ، عبادت .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مؤمن ، هر گاه تب کند ، گناهایش ، همانند برگ درخت ، فرو می ریزد و اگر در بسترش [از درد و تب] ناله کند ، ناله او تسبیح است و فریاد زدنش [از درد] ، «لا إله إلا الله» است و غلت خوردنش (/ به خود پیچیدنش) در بستر ، همانند کسی است که در راه خدا ، شمشیر زند .

بخش چهارم: تحمید (گفتن «الحمد لله»)

اشاره

بخش چهارم: تحمید (گفتن «الحمد لله») شامل: درآمد فصل یکم: تفسیر حمد فصل دوم: تشویق به حمد گویفصل سوم: برکت های حمد گفتن فصل چهارم: اوقات حمد گویی خدافصل پنجم: حمد های رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام

واژه‌شناسی «حمد» و «تحمید»

درآمدواژه‌شناسی «حمد» و «تحمید» واژه «تحمید»، از ریشه «حمد» به معنای ستایش (در مقابل «ذم» به معنای نکوهش) است. این ماده (حمد)، هنگامی که به باب تفعیل برود، معمولاً بر مبالغه دلالت می‌کند و از این رو، «محمّد» به معنای «بسیار ستوده» است. گاهی نیز باب تفعیل، ناظر به معنای نسبت است و در این کاربرد، تحمید به معنای نسبت دادن حمد و ستودگی به خداوند است. خلیل بن احمد فراهیدی، «حمد» و «تحمید» را چنین معنا می‌کند: حمد، نقیض ذمّ (نکوهش) است. گفته می‌شود: «بلوته فأحمدته»، یعنی: او را آزمودم و او را ستودنی و پسندیده کردار یافتم و او را بر آنها ستودم... «تحمید»، یعنی ستودن بسیار خداوند با ستایش‌های نیکو... «حمد»، یعنی: ثنا گفتن. (۱) ابن فارس نیز در تبیین معنای «حمد» می‌گوید: واژه «حمد»، یک کلمه و دارای یک اصل معنایی است و بر معنای خلاف ذمّ

(نکوهش) دلالت دارد. گفته می‌شود: «حَمَدْتُ فُلَانًا أَحْمَدُهُ»، و «رَجُلٌ مَحْمُودٌ وَمَحْمَدٌ»، یعنی کسی که صفات و خصلت های پسندیده فراوان دارد... و به همین دلیلی که ذکر کردیم، پیامبر ما «مَحْمَدٌ» نامیده شده است. (۱) برخی از لغت شناسان در مقام فرق میان «حمد» و «مدح» گفته اند که حمد، اخصّ از مدح است؛ زیرا مدح، مربوط به صفت جمیل اختیاری و غیر اختیاری می‌شود؛ ولی حمد، تنها مربوط به صفت جمیل اختیاری است. (۲) راغب اصفهانی، در تبیین تفاوت میان حمد و مدح و شکر می‌گوید: حمد کردن خداوند متعال به معنای ثنا گفتن و ستودن او به فضیلت است. حمد، اخصّ از مدح و اعم از شکر است؛ چون در باره اعمال و رفتار نیکی که به اختیار از انسان سر می‌زند و برای صفات و خصالی که در او نهاده شده است، کلمه مدح به کار می‌رود. برای مثال، انسان به خاطر قامت بلند و زیبایی چهره اش مدح می‌شود، چنان که برای بخشندگی و سخاوت و دانش، مدح می‌گردد، در صورتی که حمد، مربوط به دومی می‌شود، نه اولی، و شکر هم جز در برابر نعمت، گفته نمی‌شود. پس هر شکری حمد است؛ ولی هر حمدی شکر نیست. نیز هر حمدی مدح است، اما هر مدحی حمد نیست. (۳) گفتنی است که در باره وجود فرق میان معنای حمد و مدح، اتفاق نظر وجود ندارد. علاقه مندان به پژوهش در این زمینه، می‌توانند به منابع لغت و تفسیر، مراجعه نمایند. (۴)

۱- معجم مقایس اللغه: ج ۲ ص ۱۰۰.

۲- ر. ك: الصحاح: ج ۲ ص ۴۶۶.

۳- مفردات ألفاظ القرآن: ص ۲۵۶.

۴- ر. ك: معجم الفروق اللغویة: ص ۲۰۳ ۲۰۱، تفسیر الكشّاف: ج ۱ ص ۵، تفسیر الفخر الرازی: ج ۱۲ ص ۱۵۰.

حمد و تحمید، در قرآن و حدیث

نکاتی در باره معنای حمد

حمد و تحمید، در قرآن و حدیث در قرآن کریم، ستایش خداوند متعال در ۴۳ آیه به صورت های مختلف، مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. خداوند متعال، در چهارده آیه، خود را ستوده، (۱) در سیزده آیه به حمد و ثنای خود امر فرموده است (۲) (شش بار بدون تسبیح و هفت بار همراه با تسبیح). در شانزده آیه نیز از زبان انبیاء (۳) مؤمنان (۴)، فرشتگان، (۵) اهل بهشت، (۶) اهل قیامت، (۷) رعد (۸) و همه اشیا، (۹) ستایش خداوند آمده است. افزون بر این، در هفده (۱۰) آیه از خداوند متعال با صفت «حمید» یاد شده است. گفتنی است که واژه «تحمید» در قرآن به کار نرفته است؛ ولی در احادیث اسلامی این واژه نیز کاربرد دارد، هر چند به فراوانی کاربرد «حمد» نیست.

نکاتی در باره معنای حمد در باره معنای «حمد» در قرآن و حدیث، چند نکته قابل توجه است: ۱. در قرآن و حدیث، این واژه در فضیلت ذاتی خداوند به کار رفته است،

- ۱- ر. ک: فاتحه: آیه ۱، انعام: آیه ۱ و ۴۵، نحل: آیه ۷۵، اسراء: آیه ۱۱۱، کهف: آیه ۱، قصص: آیه ۷۰، روم: آیه ۱۸، سبأ: آیه ۱، فاطر: آیه ۱، صافات: آیه ۱۸۲، زمر: آیه ۲۹، غافر: آیه ۶۵، جاثیه: آیه ۳۶.
- ۲- ر. ک: اسراء: آیه ۱۱۱، مؤمنون: آیه ۲۸، نمل: آیه ۵۹ و ۹۳، عنکبوت: آیه ۶۳، لقمان: آیه ۲۵، حجر: آیه ۹۸، طه: آیه ۱۳۰، فرقان: آیه ۵۸، غافر: آیه ۵۵، ق: آیه ۳۹، طور: آیه ۴۸، نصر: آیه ۳.
- ۳- ر. ک: ابراهیم: آیه ۳۹، نمل: آیه ۱۵.
- ۴- ر. ک: توبه: آیه ۱۱۲، سجده: آیه ۱۵.
- ۵- ر. ک: بقره: آیه ۳۰، زمر: آیه ۷۵، غافر: آیه ۷، شوری: آیه ۵.
- ۶- ر. ک: اعراف: آیه ۴۳، یونس: آیه ۱۰، فاطر: آیه ۳۴، زمر: آیه ۷۴.
- ۷- ر. ک: اسراء: آیه ۵۲.
- ۸- ر. ک: رعد: آیه ۱۳.
- ۹- ر. ک: اسراء: آیه ۴۴، تغابن: آیه ۱.
- ۱۰- ر. ک: بقره: آیه ۲۶۷، نساء: آیه ۱۳۱، هود: آیه ۷۳، ابراهیم: آیه ۱ و ۸، حج: آیه ۲۴ و ۶۴، لقمان: آیه ۱۲ و ۲۶، سبأ: آیه ۶، فاطر: آیه ۱۵، فصلت: آیه ۴۲، شوری: آیه ۲۸، حدید: آیه ۲۴، ممتحنه: آیه ۶، تغابن: آیه ۶، بروج: آیه ۸.

مانند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ». (۱) ۲. ستایش خداوند متعال، برآیند شناخت و معرفت اوست. از این رو، حقیقت حمد الهی و کمال آن، ارتباط مستقیم با میزان معرفت دارد. هر چه معرفت نسبت به جمال و کمال حق تعالی بیشتر شود، ستایش ستایشگر، کامل تر می گردد. بنا بر این، کامل ترین و بهترین ستایشگر خداوند متعال، خود اوست؛ زیرا هیچ کس مانند او، ذات اقدسش را نمی شناسد. از این رو، خداوند متعال، نه تنها سزاوارترین ستایش شده است، بلکه سزاوارترین ستایشگر خویش نیز هست، چنان که در دعا می خوانیم: «یا خیرَ حامِدٍ و مَحْمودٍ؛ ای بهترین ستاینده و ستوده شده!». (۲) ۳. تفسیر حمد به شکر و مفاهیمی مشابه آن در احادیث، تفسیر به اعم است. این تفسیر، بی تردید به این معنا نیست که خداوند را بدون در نظر گرفتن نعمت هایش نمی توان ستود. ۴. مقصود احادیثی که «حمد» را به «حق شکر» یا «تمام شکر» یا «وفای شکر» تفسیر کرده اند، شکر زبانی است، بدین معنا که اگر کلمه «حمد» با معرفت بر زبان جاری گردد، وظیفه زبان در شکرگزاری حقیقتاً انجام شده است. بنا بر این، تفسیر ذکر شده، ضرورت شکر عملی بر نعمت های الهی را که در احادیث دیگر مورد تأکید قرار گرفته است، نفی نمی کند؛ بلکه حمد صادقانه، ایجاب می نماید که حمد کننده، عملاً نیز سپاس گزار نعمت های الهی باشد.

۱- اسراء، آیه ۱۱۱.

۲- ر. ک: ص ۱۹۹ (بهترین ستاینده و بهترین ستوده).

مرز میان انسان و حیوان

مرز میان انسان و حیوان در قرآن و احادیث اسلامی، نکات بسیار مهمی در باره حمد و ستایش خداوند متعال و آثار و برکات آن آمده که همه، حاکی از اهمیت این ذکر و نقش سازنده آن در سازندگی انسان است. این نکات در پنج فصل ارائه خواهد شد. در این جا تنها به نکته بسیار لطیفی که در بیان امام زین العابدین علیه السلام آمده است، اشاره می کنیم و آن، این که «حمد»، مرز میان انسان و حیوان است و اگر این فاصله برداشته شود، انسان ها از مرز انسانیت، خارج و وارد حریم چارپایان می گردند. متن فرمایش ایشان که در نخستین نیایش صحیفه سجادیه آمده، چنین است: ستایش، از آن خداوندی است که اگر بندگانش را از شناخت حمدش در برابر نعمت های پی در پی که به آنان داده و نعمت های آشکاری که به آنان روا داشته، باز می داشت، از نعمت هایش بهره می گرفتند، بی آن که ستایشش کنند و از روزی اش به فراوانی استفاده می کردند، بدون آن که شکر آن را به جا آورند. و هر گاه چنین می شد، آنان از مرز انسانیت، خارج و به حیوانیت وارد می شدند و مصداق کلامی می شدند که خداوند در سخن محکمش فرموده است: «آنان چارپایانی بیش نیستند؛ بلکه گم راه ترند» (۱). (۲) به بیان دیگر، سپاس گذاری، از سپاهیان عقل است و ناسپاسی، از سپاهیان جهل، چنان که امام صادق علیه السلام در تبیین سپاهیان عقل و جهل می فرماید: وَ الشُّكْرُ وَ ضِدُّهُ الْكُفْرَانُ. (۳) شکر که ضد آن، کفران است.

۱- فرقان، آیه ۴۴.

۲- ر. ک: ص ۳۹۷ ح ۱۳۹۵.

۳- ر. ک: دانش نامه عقاید اسلامی، ج ۱ ص ۳۳۱ ح ۳۱۱.

راز محبوبیت حمد در نزد خدا

چارپایان ، چون عقل ندارند ، سپاس گزاری را نمی فهمند . به دراز گوش هر چه خدمت کنی و نعمت دهی ، تشکر نخواهد کرد ؛ اما عقل ، انسان را به سپاس گزاری از ولی نعمت خود ، دعوت می کند . بی تردید ، هر نعمتی که به انسان برسد ، از جانب خداست : «وَمَا بِكُمْ مِّنْ نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ . (۱) و هر نعمتی که دارید ، از خداست» . بر این اساس ، از منظر عقل ، هیچ کس شایسته تر از خداوند متعال برای حمد و شکر نیست . از این رو ، امام علی علیه السلام می فرماید : لَوْ لَمْ يَتَوَعَّدِ اللَّهُ عَلِيَّ مَعْصِيَتِهِ لَكَانَ يَجِبُ أَلَّا يُعْصَى شُكْرًا لِنِعْمِهِ . (۲) حتی اگر خداوند بر نافرمانی اش بیم نمی داد ، باز واجب بود که به خاطر سپاس گزاری از نعمت هایش ، نافرمانی نشود . بنا بر این ، هر چه انسان از عقل بیشتری برخوردار باشد و از حیوانات بیشتر فاصله بگیرد ، حمد و شکر زبانی و عملی او نسبت خداوند متعال ، افزون تر می گردد و هر چه به مرز حیوانیت نزدیک تر شود ، از حمد و شکر او کاسته می شود .

راز محبوبیت حمد در نزد خدا با تأمل در نکته ای که گذشت ، راز محبوبیت حمد در نزد خداوند متعال ، روشن

۱- نحل ، آیه ۵۳ .

۲- نهج البلاغه : حکمت ۲۹۰ . نیز ، ر. ک : میزان الحکمه با ترجمه فارسی : شکر / وجوب شکر مُنِعِم .

می شود؛ چرا که در چند حدیث تأکید شده که خداوند، ستایش خود را دوست دارد؛ بلکه ستایش او محبوب ترین چیز نزد خداست. (۱) همچنین به این سؤال پاسخ داده می شود که: چرا خداوند، ستایش خود را دوست دارد، با این که غنی بالذات است و نیازی به ستایش دیگران ندارد. راز محبوبیت حمد در نزد خداوند متعال، این است که او می خواهد انسان ها هر چه بیشتر از عقل خود استفاده کنند و از چارپایان، فاصله بگیرند و بدین ترتیب به فلسفه آفرینش خود نزدیک تر شوند، و بی تردید، رسیدن انسان به این مقصد، جز از طریق سپاس گزاری زبانی و عملی از آفریدگار و مُنعم حقیقی خود، امکان پذیر نیست.

۱- ر. ک: ص ۲۰۵ (محبوب ترین چیزها نزد خدا).

الفصل الأول: تفسير الحمد ١ / أشكر النعم ٥٩٤٥. عنه صلى الله عليه وآله (فى على عليه السلام) الإمام على عليه السلام فى الحكم المنسوبه إليه: الحمد شكر. (١) ٥٩٤٦. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام فى كتابه إلى ملك الروم حين سأله عن تفسير فاتحه الكتاب: أميا قوله: «الحمد لله رب العالمين» فذلك ثناء منّا على ربنا تبارك وتعالى بما أنعم علينا (٢) ٥٩٤٧. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الرضا عليه السلام: إن قوله عز وجل: «الحمد لله» إنما هو أداء لما أوجب الله عز وجل خلقه من الشكر، وشكر لما وفق عبده من الخير. (٣) ٥٩٤٨. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الجواد عليه السلام: جاء رجل إلى الرضا عليه السلام فقال له: يابن رسول الله، أخبرنى عن قول الله عز وجل: «الحمد لله رب العالمين» ما تفسيره؟

فقال: لقد حدثنى أبى عن جدى عن الباقر عن زين العابدين عن أبيه عليهم السلام: إن رجلاً جاء إلى أمير المؤمنين عليه السلام فقال: أخبرنى عن قول الله عز وجل: «الحمد لله رب العالمين» ما تفسيره؟

فقال: «الحمد لله» هو أن عزف عبادة بعض نعمه عليهم جُملاً؛ إذ لا يقدرُونَ على معرفه جميعها بالتفصيل؛ لأنها أكثر من أن تحصى أو تعرف، فقال لهم: قولوا: الحمد لله على ما أنعم به علينا رب العالمين، وهم الجماعات من كل مخلوق من الجمادات والحيوانات؛ وأما الحيوانات فهو يقبلها (٤) فى قدرته، ويغذوها من رزقه، ويحوطها بكنفه، ويدبر كل ما منها بمصلحته

وأما الجمادات فهو يمسكها بقدرته؛ ويمسك المتصل منها أن يتهافت، ويمسك المتهافت منها أن يتلاصق، ويمسك السماء أن تقع على الأرض إلا بإذنه، ويمسك الأرض أن تنخسف إلا بأمره، إنه بعباده رؤوف رحيم. (٥).

- ١- شرح نهج البلاغه: ج ٢٠ ص ٢٤١ ح ٥١ وراجع الدر المنثور: ج ١ ص ٣٠.
- ٢- إرشاد القلوب: ص ٣٦٦، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام: ص ٣١ ح ١١ عن الإمام العسكرى عن الإمام الرضا عن آباءه عن الإمام زين العابدين عنه عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٥٩ ح ٥٣ و ج ١٠ ص ٦١ ح ٤.
- ٣- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٣١٠ ح ٩٢٦، علل الشرايع: ص ٢٦٠ ح ٩ كلاهما عن الفضل بن شاذان، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٥٤ ح ٤٦.
- ٤- فى المصدر: «يقبلها»، والتصويب من المصدرين الآخرين.
- ٥- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ٢٨٢ ح ٣٠، بشاره المصطفى: ص ٢١٢ كلاهما عن محمد بن زياد ومحمد بن سيار عن الإمام العسكرى عن الإمام الهادى عليهما السلام، علل الشرايع: ص ٤١٦ ح ٣ عن محمد بن زياد ومحمد بن سيار، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام: ص ٣٠ ح ١١ كلاهما عن الإمام العسكرى عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٢٦ ص ٢٧٤ ح ١٧ و ج ٩٢ ص ٢٢٤ ح ٢.

۱ / ۱ سپاس گفتنِ نعمت ها

فصل یکم: تفسیر حمد ۱ / ۱ سپاس گفتنِ نعمت ها ۵۹۵۲. المناقب للخوارزمی عن أبي برزہ: امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: حمد، نوعی سپاس گزاری است. ۵۹۵۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام در نامه اش به پادشاه روم که از ایشان، در باره تفسیر «فاتحه الكتاب» پرسیده بود: اما سخن خداوند «ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است»، سپاس گزاری ماست از پروردگارمان تبارک و تعالی برای نعمت هایی که به ما ارزانی داشته است. ۵۹۵۴. عنه صلی الله علیه و آله: امام رضا علیه السلام: سخن خداوند: «ستایش خدای را»، در واقع، به جا آوردن وظیفه سپاس گزاری است که خداوند عز و جل بر عهده خلقش نهاده است و شکر گزاری برای کار نیکی است که خداوند، توفیق انجام دادن آن را به بنده اش داده است. ۵۹۵۵. عنه صلی الله علیه و آله: امام جواد: مردی نزد امام رضا علیه السلام آمد و گفت: ای فرزند پیامبر خدا! مرا از تفسیر سخن خداوند عز و جل که: «ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است»، آگاه فرما که تفسیرش چیست؟

فرمود: «پدرم، از جدّم، از باقر، از زین العابدین، از پدرش علیهم السلام برایم حدیث کرد که: مردی نزد امیر مؤمنان آمد و گفت: مرا از تفسیر سخن خداوند که: «ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است»، آگاه فرما.

فرمود: «ستایش، خدای را»، یعنی این که خداوند، به بندگانش برخی از نعمت هایی را که به آنها داده است، مختصرا شناسانده است؛ زیرا بندگان نمی توانند تمام نعمت های او را به تفصیل بشناسند؛ چه، این نعمت ها بیشتر از آن است که شماره شوند یا شناخته گردند. از این رو، به آنان فرمود: بگویید: ستایش، خداوند را به سبب نعمت هایی که پروردگار جهانیان، به ما ارزانی داشته است.

جهانیان، عبارت اند از: جماعتی از هر مخلوقی، از بی جان و جاندار. جانداران را با قدرت خویش، جا به جا می کند و از روزی خویش، آنها را تغذیه می کند و آنها را در پناه خود، نگهداری می کند و هر یک را بنا بر مصلحتش، اداره می نماید.

و موجودات بی جان را با قدرت خویش، نگه می دارد و آنهایی را که به یکدیگر پیوسته اند، از فرو پاشیدن، حفظ می کند و آنها را که از هم جدایند، از به هم پیوستن، نگه می دارد. آسمان را از این که بر زمین افتد (مگر با اجازه خود او)، حفظ می کند و زمین را از این که فرو ریزد (مگر با اجازه خود او) نگه می دارد، چرا که او نسبت به بندگانش، رئوف و مهربان است.

١ / ٢ رَأْسُ الشُّكْرِ ٥٩٥٨. المستدرک علی الصحیحین عن بریدہ: رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» رَأْسُ الشُّكْرِ ، ما شَكَرَ اللَّهُ عَبْدٌ لَا يَحْمَدُهُ . (١).

١- نوادر الأُصول: ج ١ ص ٤١٢، الآداب للبيهقي: ص ٤٥٩ ح ١٠٢٩، الفردوس: ج ٢ ص ١٥٥ ح ٢٧٨٤ كلاهما عن عبد الله بن عمرو، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٥٥ ح ٦٤١٩.

۱ / ۲ اصل سپاس گزاری

۱ / ۲ اصل سپاس گزاری ۵۹۶۱. تفسیر فرات عن سلیم بن قیس عن الإمام علیّ علیه السّلامبر خدا صلی الله علیه و آله : «ستایش ، خدای را» ، اصل سپاس گزاری است و بنده ای که خدا را سپاس نگوید ، او را ستایش نکرده است .

١ / ٣ حَقُّ الشُّكْرِ ٥٩٦٤. عنه صلى الله عليه وآله :الإمام على عليه السلام :بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سِرِّيَّةً (١) فَقَالَ :
اللَّهُمَّ إِنَّ لَكَ عَلَيَّ إِنْ رَدَدْتَهُمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ أَنْ أَشْكُرَكَ أَحَقَّ الشُّكْرِ .

قَالَ : فَمَا لَبِثُوا أَنْ جَاؤُوا كَذَلِكَ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى سَابِغِ نَعَمِ اللَّهِ . (٢) ٥٩٦٥. عنه صلى الله
عليه وآله : كتاب الشكر عن كعب بن عجرة :بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعَثًا مِنَ الْأَنْصَارِ وَقَالَ : إِنْ سَلَّمَهُمُ اللَّهُ جَلًّا وَعَزًّا
وَعَنَّمَهُمْ فَإِنَّ لِلَّهِ عَلَيَّ فِي ذَلِكَ شُكْرًا .

قَالَ : فَلَمْ يَلْبَثُوا أَنْ عَنِمُوا وَسَلِمُوا ، فَقَالَ بَعْضُ أَصْحَابِهِ : سَمِعْنَاكَ تَقُولُ : إِنْ سَلَّمَهُمُ اللَّهُ وَعَنَّمَهُمْ فَإِنَّ عَلَيَّ فِي ذَلِكَ شُكْرًا لِلَّهِ
جَلًّا وَعَزًّا!

قَالَ : قَدْ فَعَلْتُ؛ قَدْ قُلْتُ : اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ شُكْرًا ، وَلَكَ الْمَنُّ فَضْلًا . (٣) ٥٩٦٦. تاريخ دمشق عن أبي ذرٍّ :مكارم الأخلاق :نَفَرَتْ
بَغْلَةٌ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ ، فَقَالَ : لَئِنْ رَدَّهَا اللَّهُ عَلَيَّ لَأَشْكُرَنَّهُ حَقَّ شُكْرِهِ .

فَلَمَّا أَخَذَهَا قَالَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، ثُمَّ قَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ : «شُكْرًا لِلَّهِ» . (٤) ٥٩٦٧. رسول الله صلى الله عليه وآله
آله :الكافي عن حماد بن عثمان :خَرَجَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْمَسْجِدِ وَقَدْ ضَاعَتْ دَابَّتُهُ ، فَقَالَ : لَئِنْ رَدَّهَا اللَّهُ عَلَيَّ لَأَشْكُرَنَّ
اللَّهَ حَقَّ شُكْرِهِ . قَالَ : فَمَا لَبِثَ أَنْ أُتِيَ بِهَا ، فَقَالَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ .

فَقَالَ لَهُ قَائِلٌ : جُعِلَتْ فِدَاكَ ، أَلَيْسَ قُلْتَ : لَأَشْكُرَنَّ اللَّهُ حَقَّ شُكْرِهِ؟!

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَلَمْ تَسْمَعْنِي قُلْتُ : الْحَمْدُ لِلَّهِ؟ (٥) .

١- السَّرِيَّةُ : طائفة من الجيش يبلغ أقصاها أربعمئة تُبْعَثُ إِلَى الْعَدُوِّ ، وَجَمْعُهَا السَّرَايَا ، سَمَّوْا بِذَلِكَ لِأَنَّهُمْ يَكُونُونَ خِلَاصَهُ
الْعَسْكَرِ وَخِيَارَهُمْ ؛ مِنْ الشَّيْءِ السَّرِيِّ : النَفِيسِ (النهاية : ج ٢ ص ٣٦٣ «سرى»).

٢- مشكاة الأنوار : ص ٧٠ ح ١١٨ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢١٤ ح ١٧ .

٣- الشكر لابن أبي الدنيا : ص ٥٣ ح ١٠٥ ، المعجم الكبير : ج ١٩ ص ١٤٤ ح ٣١٦ ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٦٢ ح ٦٤٦٠ .

٤- مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٧٨ ح ٢١٩٧ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢١٥ ح ١٨ .

٥- الكافي : ج ٢ ص ٩٧ ح ١٨ ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ٣٣ ح ١٣ ، الشكر لابن أبي الدنيا : ص ٥٤ ح ١٠٦ ، صفه الصفوه : ج

٢ ص ٦٥ ، حليه الأولياء : ج ٣ ص ١٨٦ كلها عن محمد بن مسعر نحوه .

۱ / ۳ حق سپاس گزاری

۱ / ۳ حق سپاس گزاری ۵۹۷۰. الإمام الصادق علیه السلام: امام علی علیه السلام: پیامبر خدا، گردانی را اعزام کرد و گفت: «بار خدایا! با تو پیمان می بندم که اگر اینان را به سلامت و با غنیمت باز گردانی، تو را به سزամندترین سپاس گزاری، سپاس گویم».

دیری نگذشت که سپاهیان، آن چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله خواسته بود، باز گشتند. پس پیامبر خدا گفت: «ستایش، خدای را بر نعمت های سرشار او». ۵۹۷۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: کتاب الشکر به نقل از کعب بن عجره: پیامبر خدا، سپاهی از انصار را روانه ساخت و فرمود: «اگر خداوند عز و جل ایشان را سالم و با دست پُر باز گرداند، برای آن، خداوند را بر عهده من، سپاسی خواهد بود».

دیری نگذشت که سپاهیان، با غنیمت و سالم، باز آمدند. یکی از اصحاب ایشان گفت: از شما شنیدم که گفتی: «اگر خداوند، ایشان را سالم و با دست پُر، باز گرداند؛ برای آن خداوند عز و جل را بر عهده من، سپاسی خواهد بود».

فرمود: «این کار را کردم. گفتم: بار خدایا! به شکرانه آن، تو را سپاس می گویم و تو را بر ما، منت و لطفی است». ۵۹۷۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: مکارم الأخلاق: قاطر امام باقر علیه السلام، در راه مکه و مدینه، رم کرد و گریخت. ایشان فرمود: «اگر خداوند، آن را به من باز گرداند، او را چنان که سزاوار سپاس گزاری از اوست، سپاس خواهم گفت».

پس چون آن را گرفت، سه بار گفت: «ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است».

سپس سه بار گفت: «ستایش، خدای را». ۵۹۷۳. عنه صلی الله علیه و آله: الکافی به نقل از حماد بن عثمان: امام صادق علیه السلام از مسجد بیرون آمد. دید که مرکبش گم شده است. فرمود: «اگر خدا آن را به من باز گرداند، خدای را چنان که حق سپاس گزاری اوست، سپاس خواهم گفت».

طولی نکشید که آن را آوردند. امام علیه السلام فرمود: «ستایش، خدای را».

گوینده ای گفت: فدایت شوم! مگر نفرمودی: «خدای را چنان که حق سپاس گزاری اوست، سپاس خواهم گفت»؟!

امام صادق علیه السلام فرمود: «مگر نشنیدی که گفتم: ستایش، خدای را؟!».

٥٩٧٤. المناقب للخوارزمي عن أبي علقمه (مولى بنى هاشم) الكافي عن أبي بصير: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ لِلشُّكْرِ حَيْدٌ إِذَا فَعَلَهُ الْعَبْدُ كَانَ شَاكِرًا؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: مَا هُوَ؟ قَالَ: يَحْمَدُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ عَلَيْهِ فِي أَهْلِ وَمَالٍ، وَإِنْ كَانَ فِيمَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ فِي مَالِهِ حَقٌّ آدَاهُ. (١) / ١٤ / وَفَاءُ الشُّكْرِ وَتَمَامُهُ ٥٩٧٧. الفضائل عن أنس بن مالك: رسول الله صلى الله عليه وآله: التَّوْحِيدُ تَمَنُّ الْجَنَّةِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَفَاءُ شُكْرِ كُلِّ نِعْمَةٍ. (٢) ٥٩٧٨. رسول الله صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام: شُكْرُ النِّعْمَةِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ، وَتَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الرَّجُلِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (٣) ٥٩٧٩. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام زين العابدين عليه السلام: مَنْ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ كُلِّ نِعْمَةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ. (٤).

-
- ١- الكافي: ج ٢ ص ٩٦ ح ١٢، تفسير العياشي: ج ١ ص ٦٧ ح ١٢٠ عن سماعة بن مهران نحوه، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٢٩ ح ٧.
- ٢- الأمامي للطوسي: ص ٥٧٠ ح ١١٧٨ عن محمد بن علي بن الحسين عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٧٠، أعلام الدين: ص ٢٠٨؛ الدرر المنتور: ج ١ ص ٣٢ نقلاً عن الخطيب في تالي التلخيص من طريق ثابت عن أنس مرفوعاً.
- ٣- الكافي: ج ٢ ص ٩٥ ح ١٠ عن ميسر، مشكاة الأنوار: ص ٧١ ح ١٢١، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٤٠ ح ٢٩.
- ٤- الخصال: ص ٢٩٩ ح ٧٢ عن أبي حمزة الثمالي، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١١٤ ح ٢٣١٦، روضه الواعظين: ص ٥١٨ وفيهما «الحمد لله الذي هداني»، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٤٤ ح ٤٥ وج ٩٣ ص ١٩٣ ح ٥.

۱ / ۴ به جا آوردن سپاس گزاری کامل

۵۹۸۰. المعجم الكبير عن ابن عمر: الكافي به نقل از ابو بصير: به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا برای سپاس گزاری از خدا ، حدی هست که هر گاه بنده آن را به جا آورد ، سپاس گزار باشد؟
فرمود: «آری» .

گفتم: آن حد چیست؟

فرمود: «خدای را بر هر نعمتی که با خانواده و اموالش به او داده است ، ستایش گوید و اگر در اموالی که به او ارزانی داشته ، حقی داشته باشد ، آن را پردازد». ۱ / ۴ به جا آوردن سپاس گزاری کامل ۵۹۸۳. الأملی للطوسی عن أبي ذرّ: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : توحید ، بهای بهشت است و ستایش خدا گفتن ، سپاس گزاری کامل از هر نعمتی است . ۵۹۸۴. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : شکرانه نعمت ، دوری کردن از حرام هاست و شکر تمام ، گفتن مرد که : «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است». ۵۹۸۵. عنه صلی الله علیه و آله (لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام) امام زین العابدین علیه السلام : هر کس بگوید : «ستایش ، خدای را» ، شکر هر نعمتی را که خداوند عز و جل به او داده ، به جا آورده است .

٥٩٨٦. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام: شُكِرَ كُلُّ نِعْمَةٍ وَإِنْ عَظُمَتْ أَنْ تَحْمَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهَا .
 (١) ٥٩٨٧. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: ما أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بِنِعْمَةٍ صَغُرَتْ أَوْ كَبُرَتْ فَقَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» إِلَّا أَدَّى شُكْرَهَا . (٢) ٥٩٨٨. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ إِذَا أَصْبَحَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ يَوْمِهِ ، وَمَنْ قَالَهَا إِذَا أَمْسَى فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ لَيْلَتِهِ . (٣) ٥٩٨٩. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعَ مَرَّاتٍ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ كَانَتْ أَوْ هِيَ كَانَتْ» ، فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ مَا مَضَى وَشُكْرَ مَا بَقِيَ . (٤) ١ / ٥ مِفْتَاحُ الشُّكْرِ وَخَاتَمُهُ ٥٩٩٢. رسول الله صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ: يَا رَبُّ مَا جَزَاءُ مَنْ حَمِدَكَ؟ قَالَ: الْحَمْدُ مِفْتَاحُ الشُّكْرِ وَخَاتَمُ الشُّكْرِ ، وَالْحَمْدُ يُعْرَجُ بِهِ إِلَى عَرْشِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . (٥) .

- ١- الكافي: ج ٢ ص ٩٥ ح ١١ ، الخصال: ص ٢١ ح ٧٣ كلاهما عن عمر بن يزيد ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٠ ح ٣ .
- ٢- الكافي: ج ٢ ص ٩٦ ح ١٤ عن صفوان الجمال ، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٢ ح ٩ .
- ٣- الكافي: ج ٢ ص ٥٠٣ ح ٥ ، عدّه الداعي: ص ٢٤٥ كلاهما عن أبي مسعود ، ثواب الأعمال: ص ١٣ ح ١ عن أبي مسعود ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٧٩ ح ٢١٩٩ ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٦٢ ح ٤٠ وص ٢٥٤ ح ٢٤ ؛ كنز العمال: ج ٢ ص ١٣٦ ح ٣٤٨٦ .
- ٤- ثواب الأعمال: ص ٢٤ ح ١ ، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢ ح ٣ وج ٩٣ ص ٢١١ ح ١٠ .
- ٥- الفردوس: ج ١ ص ٢٢٣ ح ٨٥٧ ، تاريخ دمشق: ج ٦ ص ٢٤٢ ح ١٥١٦ نحوه وكلاهما عن أنس ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٩ ح ٢٠٤٢ .

۱ / ۵ آغاز و فرجام سپاس گزاری

۵۹۹۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: سپاس هر نعمتی، هر چند آن نعمت بزرگ باشد، این است که خداوند عز و جل را بر آن، ستایش گویی. ۵۹۹۴. عنه صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: هر نعمتی، کوچک یا بزرگ، که خداوند به بنده ای ارزانی می دارد، اگر بنده بگوید: «ستایش، خدای را»، بی گمان، شکر آن نعمت را به جا آورده است. ۵۹۹۵. کنز الفوائد عن سهل بن سعید: امام صادق علیه السلام: هر کس چون صبح کند، چهار مرتبه بگوید: «ستایش، خدای را که پروردگارِ جهانیان است»، شکر آن روزش را به جا آورده است، و هر کس چون شب کند، همین گونه بگوید، شکر آن شب خود را نیز به جا آورده است. ۵۹۹۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: هر کس در هر روز، هفت مرتبه بگوید: «ستایش، خدای را بر هر نعمتی که به من داده یا خواهد داد»، [\(۱\)](#) بی گمان، شکر نعمت های گذشته و آینده را به جا آورده است. ۱ / ۵ آغاز و فرجام سپاس گزاری ۵۹۹۹. الإمام الباقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ابراهیم علیه السلام از پروردگارش عز و جل پرسید: پروردگارا! پاداش کسی که تو را ستایش گوید، چیست؟

فرمود: «ستایش، آغازِ سپاس گزاری و فرجامِ سپاس گزاری است. ستایش، به سوی عرش پروردگار جهانیان، بالا برده می شود».

۱- یا: «هر نعمتی که در گذشته داشته ام و یا اکنون دارم».

الفصل الثاني : الحث على التَّحْمِيدِ ٢ / ١ خَيْرٌ حَامِدٍ وَمَحْمُودٍ الْكِتَابُ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ» . (١)

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ» . (٢)

«وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» . (٣)

راجع : الفاتحة: ١، النحل: ٧٥، الكهف: ١، فاطر: ١، الصافات: ١، الزمر: ٢١، غافر: ٦٥، الروم: ١٨، التغابن: ١، الجاثية: ٣٦.

الحديث ٦٠٠٩. عنه صلى الله عليه و آله : رسول الله صلى الله عليه و آله في دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ : يَا خَيْرَ حَامِدٍ وَمَحْمُودٍ ، يَا خَيْرَ شَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ . (٤)

١- . الأنعام : ١ .

٢- . سبأ : ١ .

٣- . القصص : ٧٠ .

٤- . البلد الأمين : ص ٤١٠ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٣٩٦ .

فصل دوم: تشویق به حمدگویی

۲ / ۱ بهترین ستاینده و بهترین ستوده

فصل دوم: تشویق به حمدگویی ۲ / ۱ بهترین ستاینده و بهترین ستودهقرآن «ستایش، خدایی را که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنایی را پدید آورد. با این همه، کسانی که کفر ورزیده اند، [غیر او را] با پروردگار خود، برابر می کنند».

«ستایش، خدایی را که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، از آن اوست، و در آخرت [نیز] ستایش، از آن اوست، و هم اوست سنجیده کار آگاه».

«و اوست خدا [بی که] جز او معبودی نیست. در این [سرای] نخستین و در آخرت، ستایش، از آن اوست، و فرمان، او راست و به سوی او بازگردانیده می شوید».

ر. ک: فاتحه: آیه ۱، نحل: آیه ۷۵، کهف: آیه ۱، فاطر: آیه ۱، صافات: آیه ۱۸۲، زمر: آیه ۲۱، غافر: آیه ۶۵، روم: آیه ۱۸، تغابن: آیه ۱، جاثیه: آیه ۳۶.

حدیث ۶۰۱۹. المناقب لابن المغازلی عن أبي هريرة: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای «جوشن کبیر»: ای بهترین ستاینده و ستوده شده! ای بهترین گواهی دهنده و گواهی شده!

٦٠٢٠. المناقب لابن شهر آشوب عن عبد الله بن موسى: عنه صلى الله عليه وآله في دُعاء الجوشن الكبير: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا أَحَدُ يَا وَاحِدُ ، يَا شَاهِدُ يَا مَاجِدُ يَا حَامِدُ . (١) ٦٠٢١. رسول الله صلى الله عليه وآله: الإمام على عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ وَلَهُ الْحَمْدُ افْتَتِحَ الْحَمْدَ لِنَفْسِهِ ، وَخَتَمَ أَمْرَ الدُّنْيَا وَمَحَلَّ الآخِرَةَ بِالْحَمْدِ لِنَفْسِهِ ، فَقَالَ : «وَقَضَى بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (٢) . (٣) ٦٠٢٢. عنه صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُمَهِّلُ الظَّالِمَ حَتَّى يَقُولَ : أَهْمَلَنِي ، ثُمَّ إِذَا أَخَذَهُ أَخَذَهُ رَابِعَةً ... إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَمِدَ نَفْسَهُ عِنْدَ هَلَاكِ الظَّالِمِينَ ، فَقَالَ : «فَقَطَعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (٤) . (٥) ٦٠٢٣. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ بَقَاءَ الظَّالِمِينَ فَقَدْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصِيَ اللَّهَ ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَمِدَ نَفْسَهُ عَلَى هَلَاكِ الظَّالِمِينَ ، فَقَالَ : «فَقَطَعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» . (٦) ٦٠٢٤. عنه صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: في جواب اليهودي الذي سأله عن تفسير «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ...» : أَمَا قَوْلُهُ «الْحَمْدُ لِلَّهِ» فَإِنَّهُ عَلِمَ أَنَّ الْعِبَادَ لَا يُؤَدُّونَ شُكْرَ نِعْمَتِهِ فَحَمِدَ نَفْسَهُ قَبْلَ أَنْ يَحْمَدُوهُ وَهُوَ أَوَّلُ الْكَلَامِ ، لَوْلَا ذَلِكَ لَمَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ بِنِعْمَتِهِ . (٧) .

١- البلد الأمين: ص ٤٠٥ ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٨٨ .

٢- الزمر: ٧٥ .

٣- الكافي: ج ١ ص ١٤١ ح ٧ ، التوحيد: ص ٣٢ ح ١ وفيه «افتتح الكتاب بالحمد لنفسه» وكلاهما عن الحارث الأعور ، بحار الأنوار: ج ٤ ص ٢٦٦ ح ١٤ .

٤- الأنعام: ٤٥ .

٥- كثر الفوائد: ج ١ ص ١٣٥ ، أعلام الدين: ص ٣١٥ عن الإمام العسكري عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٣٢١ ح ٥٠ وص ٣٢٢ ح ٥١ .

٦- الكافي: ج ٥ ص ١٠٨ ح ١١ ، معاني الأخبار: ص ٢٥٣ كلاهما عن فضيل بن عياض ، تفسير القمّي: ج ١ ص ٢٠٠ ، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣٠٤ ح ١٥ .

٧- الأمالي للصدوق: ص ٢٥٥ ح ٢٧٩ عن الحسن بن عبد الله عن أبيه عن الإمام الحسن عليه السلام ، الاختصاص: ص ٣٤ ، بحار الأنوار: ج ٩ ص ٢٩٤ ح ٥ و ج ٩٣ ص ١٦٧ ح ١ .

۶۰۲۵. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای «جوشن کبیر»: بار خدایا! از تو درخواست می کنم به حقّ نامت، ای یگانه، ای یکتا، ای گواه، ای بزرگوار، ای ستاینده! ۶۰۲۶. عنه صلی الله علیه و آله (لِإِلَهِي عَلَيْهِ السَّلَام) امام علی علیه السلام: خداوند که ستایشش باد، ستایش را برای خویش، آغاز کرد و کار دنیا و سرای آخرت را با ستایش خویش، پایان بخشید و فرمود: «و میان ایشان، به درستی داوری گردید و گفته شد: ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است». ۶۰۲۷. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای متعال، ستمکار را چندان مهلت می دهد که می گوید: «با من، کاری ندارد»، سپس چون او را کیفر دهد، کیفری سخت می دهد... خدای متعال، آن گاه که ستمکاران را نابود گرداند، خویشتن را ستایش می گوید. فرموده است: «پس ریشه آن گروهی که ستم کردند، برگنده شد. و ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است». ۶۰۲۸. أعلام الدین عن أبي ذرّ: امام صادق علیه السلام: هر که بقای ستمگران را دوست بدارد، در واقع، دوست داشته که خداوند، نافرمانی شود؛ [چرا که] خدای متعال، خویشتن را بر نابود کردن ستمگران، ستایش گفته و فرموده است: «پس ریشه آن گروهی که ستم کردند، برگنده شد. و ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است». ۶۰۲۹. الإمام علیّ علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ مردی یهودی که از ایشان، در باره تفسیر «پاکا خدا، و ستایش، خدای را!...» پرسید: سخن خداوند: «ستایش، خدای را»، چون می دانست که بندگان، شکر نعمت های او را به جا نمی آورند، لذا پیش از آن که آنان او را ستایش گویند، خود خویشتن را ستایش گفت، و این، آغازِ گفتار است. اگر این ستایش نبود، خداوند به هیچ کس نعمتش را ارزانی نمی داشت..

٢ / ٢ أَحَقُّ مَنْ حَمِدَ الْكِتَابَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» . (١)

«فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» . (٢)

«وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنَ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» . (٣)

«وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» . (٤)

«وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِيرُهُ تَكْبِيرًا» . (٥)

«وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيَرِيكُمْ ءَايَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَ مَا رُبُّكَ بَعْفَلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» . (٦)

«دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَ ءَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» . (٧)

١- الفاتحه : ٢ ، الصافات : ١٨٢ ، الزمر : ٧٥ ، غافر : ٦٥ .

٢- الجاثية : ٣٦ .

٣- العنكبوت : ٦٣ .

٤- لقمان : ٢٥ .

٥- الإسراء : ١١١ .

٦- النمل : ٩٣ .

٧- يونس : ١٠ .

۲ / ۲ سزاوارترین کس به ستایش

۲ / ۲ سزاوارترین کس به ستایشقرآن «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» .

«پس سپاس ، از آن خداست ، پروردگارِ آسمان ها و پروردگار زمین، پروردگار جهانیان» .

«و اگر از آنان بپرسی: «چه کسی از آسمان، آبی فرو فرستاده و زمین را پس از مرگش به وسیله آن ، زنده گردانیده است؟» ،
حتماً خواهند گفت: «خدا» . بگو: «ستایش ، از آن خداست ، با این همه، بیشترشان نمی اندیشند» .

«و اگر از آنها بپرسی: «چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده است؟» ، مسلماً خواهند گفت: «خدا» . بگو: «ستایش از آن
خداست» ؛ ولی بیشترشان نمی دانند» .

«و بگو: «ستایش ، خدایی را که نه فرزندی گرفته ، و نه در جهاننداری شریکی دارد ، و نه خوار بوده که [نیاز به] دوستی
داشته باشد» . و او را بسیار بزرگ شمار» .

«و بگو: «ستایش ، از آن خداست. به زودی ، آیاتش را به شما نشان خواهد داد و آن را خواهید شناخت» . و پروردگار تو ، از
آنچه می کنید ، غافل نیست» .

«نیایش آنان در آن جا «سبحانک اللهم ؛ خدایا! تو منزهی!» و درودشان در آن جا ، سلام است، و پایان نیایش آنان ، این
است که: «الحمد لله رب العالمین ؛ ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» .

«وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمَلِينَ» . (١)

«وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تَتْلُوا الْجَنَّةَ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» . (٢)

الحديث ٦٠٥٣. عنه صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: الحمدُ رداءُ الرحمن . (٣) ٦٠٥٤. عنه صلى الله عليه وآله: يا من شكره فوزٌ للشاكرين ، يا من حمده عزٌ للحامدين . . . يا أجلّ مشكورٍ شكرٍ ، يا أعزّ مذكورٍ ذكّرٍ ، يا أعلى محمودٍ حمّدٍ . (٤) ٦٠٥٥. رسول الله صلى الله عليه وآله: الإمام عليّ عليه السلام: لا يحمد حامدٌ إلّا ربّه ، ولا يلم لائمٌ إلّا نفسه . (٥) ٦٠٥٦. المعجم الكبير عن فاطمه عليها السلام بنت رسول الله الإمام الحسن عليه السلام فى وصيّة: لا إله إلّا الله وحده لا شريك له . . . وإنّه أولى من عبده وأحقّ من حمده . (٦) ٢ / ٣ أحبّ الأشياء إلى الله ٦٠٥٩. شرح الأخبار عن أبى أيوب الأنصارى: رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من شىء أحبّ إلى الله من الحمد . (٧)

١- الزمر : ٧٤ .

٢- الأعراف : ٤٣ .

٣- إحياء علوم الدين : ج ٤ ص ١٢٠ ، المغنى عن حمل الأسفار : ج ٢ ص ١٠٢٠ ح ٣٧١٠ وزاد فيه «لم أجد له أصلاً . وفى الصحيح من حديث أبى هريره : الكبرياء رداؤه» ، تفسير ابن كثير : ج ١ ص ٣٨ ، الدر المنثور : ج ١ ص ٣١ كلاهما عن الضحاك من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه وآله ؛ المحجّه البيضاء : ج ٧ ص ١٤٣ .

٤- البلد الأمين : ص ٤٠٩ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٣٩٤ .

٥- نهج البلاغه : الخطبه ١٦ ، الغارات : ج ٢ ص ٥٩٦ عن الكلبي ، غرر الحكم : ح ١٠١٥٠ وح ١٠١٥٢ ، بحار الأنوار : ج ٣٢ ص ١١ ح ٤ .

٦- الأمالى للطوسى : ص ١٥٩ ح ٢٦٧ عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج ٤٤ ص ١٥١ ح ٢٢ .

٧- مسند أبى يعلى : ج ٤ ص ٢٠٦ ح ٤٢٤٠ ، تفسير الثعالبي : ج ٢ ص ٤٤٢ وزاد فيه «وأبلغ الحمد الحمد لله على كل حال» ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٣٢ ح ٥٨٣٣ نقلاً عن شعب الإيمان وكلّها عن أنس .

۲ / ۳ محبوب ترین چیزها نزد خدا

«و می گویند: «ستایش ، خدایی را که وعده اش را بر ما راست گردانید و سرزمین [بهشت] را به ما میراث داد». از هر جای آن باغ [پهناور] که بخواهیم ، جای می گزینیم . چه نیک است پاداش عمل کنندگان !» .

«و هر گونه کینه ای را از سینه هایشان می زداییم. از زیر [قصرهای] شان ، نهرها جاری است و می گویند: «ستایش ، خدایی را که ما را بدین [راه] ، هدایت نمود، و اگر خدا ما را هدایت نمی کرد ، ما خود هدایت نمی یافتیم. در حقیقت، فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند». و به آنان ندا داده می شود که : «این ، همان بهشتی است که آن را به [پاداش] آنچه انجام می دادید ، میراث یافته اید» .

حدیث ۶۰۶۳. عنه صلی الله علیه و آله (حِينَ قَدِمَ عَلَيْهِ وَفَدُّ أَهْلَ الطَّائِفِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ستایش ، ردای [خدای] مهربان است . ۶۰۶۴. تاریخ بغداد عن عبد الله بن العباس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای آن که سپاسش مایه رستگاری سپاس گزاران است ! ای آن که ستایشش مایه ارجمندی ستاینندگان است ! ... ای شکوهمندترین سپاس داشته ای که سپاس گفته اند ! ای ارجمندترین یاد شده ای که از او یاد شده است ! ای برترین ستوده ای که ستایش شده است ! ۶۰۶۵. المحاسن والمساوی عن ابن عباس : امام علی علیه السلام : هیچ ستاینده ای ستایش نمی کند ، مگر خداوند خویش را ، و هیچ نکوهنده ای نکوهش نمی کند ، مگر خویشتن را . ۶۰۶۶. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام حسن علیه السلام در وصیتش : معبودی جز خدا نیست که یگانه است و بی شریک ... و سزاوارترین کس به پرستش است و شایسته ترین کس به ستایش . ۲ / ۳ محبوب ترین چیزها نزد خدا ۶۰۶۹. أسد الغابه عن أبي الضحاک الأنصاری : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ چیزی نزد خدا ، محبوب تر از ستایش [او] نیست .

٦٠٧٠. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: ليس شئ أحب إليّ الحمد من الله تعالى ، ولذلك أثنى على نفسه فقال: «الحمد لله». (١) ٦٠٧١. سنن الترمذي عن أنس بن مالك: عنه صلى الله عليه وآله: ما أحد أحب إليّ الحمد من الله عز وجل . (٢) ٦٠٧٢. خصائص أمير المؤمنين عن أنس بن مالك: عنه صلى الله عليه وآله: إن الله عز وجل يحب أن يُحمداً . (٣) ٦٠٧٣. تاريخ دمشق عن أنس بن مالك: مسند ابن حنبل عن الأسود بن سريع: قلتُ: يا رسول الله ، ألا أنشدك محامداً حمداً بها ربّي تبارك وتعالى؟

قال: أما إن ربك عز وجل يحب الحمد . (٤) ٦٠٧٤. شرح الأخبار عن أبي أيوب الأنصاري: تفسير ابن كثير عن ابن عباس: قال عمر: قد علمنا سبحانه الله ، ولا إله إلا الله ، فما الحمد لله؟

فقال عليّ عليه السلام: كلمه رضى بها الله لنفسه . (٥) ٢ / ٤٠٤ / ٤٠٥. المستدرک علی الصحیحین عن أسماء بنت عميس: الإمام عليّ عليه السلام: إن أحق ما ابتدأ به المبتدئون ، ونطق به الناطقون ، وتفوة به القائلون: حمد الله وثناء عليه بما هو أهله ، والصلاة على النبي صلى الله عليه وآله . (٦) .

- ١- تفسير الطبري: ج ١ الجزء ١ ص ٦٠ عن الأسود بن سريع .
- ٢- تفسير التبيان: ج ٧ ص ٣٠٥ ، مجمع البيان: ج ٧ ص ١٢٥ ، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ٩٢ ؛ المعجم الكبير: ج ١٠ ص ١٧٨ ح ١٠٣٧٨ عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال: ج ٣ ص ٣٨٧ ح ٧٠٧٨ .
- ٣- المعجم الكبير: ج ١ ص ٢٨٣ ح ٨٢٥ عن الأسود بن سريع ، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٥٣ ح ٦٤٠٩ وص ٢٦١ ح ٦٤٥٢ .
- ٤- مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٣٠٣ ح ١٥٥٨٦ ، الأدب المفرد: ص ٢٥٥ ح ٨٦١ نحوه ، المستدرک علی الصحیحین: ج ٣ ص ٧١٢ ح ٦٥٧٥ ، المعجم الكبير: ج ١ ص ٢٨٢ ح ٨٢٤٨٢٠ ، الطبقات الكبرى: ج ٧ ص ٤٢ وزاد فيه «أو قال: ما من شيء أحب إليه الحمد من الله» ، كنز العمال: ج ٣ ص ٨٥٥ ح ٨٩٤٧ .
- ٥- تفسير ابن كثير: ج ١ ص ٣٨ ، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٥٤ ح ٣٩٥٦ نقلاً عن ابن أبي حاتم .
- ٦- تاريخ دمشق: ج ٣٩ ص ١٩٨ ، المناقب للخوارزمي: ص ٢٩٩ ح ٢٩٦ وفيه «أحسن» بدل «أحق» وكلاهما عن أبي ذر ، كنز العمال: ج ٥ ص ٧١٧ ح ١٤٢٤٢ .

۴ / ۲ سزاوارترین چیز به آغاز کردن با آن

۶۰۷۸. الإصابه عن معاذة الغفاریه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ چیز نزد خداوند متعال، دوست داشتنی تر از ستایش نیست. از همین رو، خود، خویشان را ستوده و فرموده است: «ستایش، خدای را». ۶۰۷۹. المناقب لابن شهر آشوب عن بریده: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس به اندازه خداوند عز و جل دوستدار ستایش نیست. ۶۰۸۰. مسند ابن حنبل عن النعمان بن بشیر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل دوست دارد که ستایش شود. ۶۰۸۱. المستدرک علی الصحیحین عن جمیع بن عمیر: مسند ابن حنبل به نقل از اسود بن سریع: گفتم: ای پیامبر خدا! آیا شعری که در ستایش پروردگار تبارک و تعالی سروده ام، برایت نخوانم؟

فرمود: «بدان که پروردگار تو عز و جل، ستایش را دوست دارد. ۶۰۸۲. سنن الترمذی عن جمیع بن عمیر التیمی: تفسیر ابن کثیر به نقل از ابن عباس: عمر گفت: معنای «پاکا خدا، و معبودی جز خدا نیست!» را می دانیم، «ستایش، خدای را» به چه معناست؟

علی علیه السلام فرمود: «این، سخنی است که خداوند، آن را برای خود پسندیده [و ویژه گردانیده] است». ۴ / ۲ سزاوارترین چیز به آغاز کردن با آن ۶۰۸۵. سنن الترمذی عن بریده: امام علی علیه السلام: سزاوارترین چیزی که آغاز کنندگان، با آن آغاز می کنند و نطق کنندگان، به آن نطق می کنند و گویندگان، آن را به زبان می آورند، ستایش و ثنای خداست به اوصافی که او شایسته آنهاست، و صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله است.

٦٠٨٦. خصائص أمير المؤمنين عن ابن بريده: رسول الله صلى الله عليه وآله: كُتِبَ كَلَامُ لَا يُبَدَأُ فِيهِ بِالْحَمْدِ لِلَّهِ فَهُوَ أَجْزَمٌ .
 (١) ٦٠٨٧. مسند الروياني عن بريده: عنه صلى الله عليه وآله: كُتِبَ أَمْرٌ ذِي بَالٍ لَا يُبَدَأُ فِيهِ بِحَمْدِ اللَّهِ وَالصَّلَاةِ عَلَيَّ فَهُوَ أَقْطَعُ أَبْتَرُ ،
 مَمْحُوقٌ (٢) مِنْ كُتْلٍ بَرَكَه . (٣) ٢ / ٥ مِفْتَاحُ الْقُرْآنِ ٦٠٩٠. عنه صلى الله عليه وآله (لِعَلِّيَّ عَلَيْهِ السَّلَام) الإمام الرضا عليه السلام
 فِي خُطْبِهِ لَهُ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَمِدَ فِي الْكِتَابِ نَفْسَهُ ، وَافْتَتَحَ بِالْحَمْدِ كِتَابَهُ ، وَجَعَلَ الْحَمْدَ أَوَّلَ جَزَاءِ مَحَلِّ نِعْمَتِهِ ، وَآخِرَ دَعْوَى
 أَهْلِ جَنَّتِهِ . (٤) ٢ / ٦ مِفْتَاحُ الذِّكْرِ ٦٠٩٣. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام علي عليه السلام فِي خُطْبِهِ لَهُ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ
 الْحَمْدَ مِفْتَاحًا لِذِكْرِهِ ، وَسَبَابًا لِلْمَزِيدِ مِنْ فَضْلِهِ ، وَدَلِيلًا عَلَى آلَائِهِ وَعَظْمَتِهِ . (٥) .

-
- ١- سنن أبي داود: ج ٤ ص ٢٦١ ح ٤٨٤٠ عن أبي هريره ، المعجم الكبير: ج ١٩ ص ٧٢ ح ١٤١ عن كعب نحوه ، كنز العمال
 ج ١ ص ٥٥٩ ح ٢٥١١ .
 - ٢- المَحْقُ: النقص والمحو والإبطال (النهايه: ج ٤ ص ٣٠٣ «محق»).
 - ٣- كنز العمال: ج ١ ص ٥٥٨ ح ٢٥١٠ نقلًا عن الرهاوى عن أبي هريره .
 - ٤- الكافي: ج ٥ ص ٢٧٣ ح ٧ عن معاوية بن حكيم ، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٤٤٩ ح ١٥٤١ وفيه «جزاء أهل طاعته» بدل
 «آخر دعوى أهل جنته» ، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ٢٦٤ ح ٤ .
 - ٥- نهج البلاغه: الخطبه ١٥٧ .

۲ / ۵ آغاز قرآن**۲ / ۶ آغاز یاد خدا**

۶۰۹۴. الإمام علیّ علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر سخنی که با ستایش خدا آغاز نشود، آن سخن، ناقص است
 ۶۰۹۵. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کار مهمی که با ستایش خدا و صلوات فرستادن بر من آغاز نشود،
 آن کار، بُریده [و بی دنباله] و از هر برکتی، تُهی است. ۲ / ۵ آغاز قرآن ۶۰۹۸. عنه علیه السلام: امام رضا علیه السلام در یکی
 از سخنرانی هایش: ستایش، خدای را که در قرآن، خویشتن را ستوده است، و کتاب خود را با ستایش، گشوده است و
 ستایش را نخستین پاداشِ سرای نعمتش [بهشت] و واپسین نیایش اهل بهشتش قرار داده است. ۲ / ۶ آغاز یاد خدا ۶۱۰۱. الإمام
 علیّ علیه السلام: امام علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش: ستایش، خدای را که ستایش را آغاز یاد خویش قرار داد، و
 وسیله افزونی احسانش، و راه نما بر نعمت ها و بزرگی اش.

٢ / ٧ يَمَلُّ الميزانَ ٦١٠٤. الإمام الصادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: «لا إله إلا الله» نصف الميزان، و«الحمد لله» تَمَلُّهُ. (١) ٦١٠٥. تاريخ دمشق عن ابن طاووس عن أبيه: عنه صلى الله عليه وآله: التَّسْبِيحُ نِصْفُ الميزانِ، وَالحَمْدُ يَمَلُّهُ، وَالتَّكْبِيرُ يَمَلُّ ما بَيْنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ. (٢) ٦١٠٦. عيون أخبار الرضا عن الحسن بن علي بن فضال عن الإِتْفِيسِرِ القَمِّيِّ عن سليمان بن داوود رفعه قال: جاء رجلٌ إلى عَلِيِّ بنِ الحُسَيْنِ عليه السلام فَسَأَلَهُ عَن مَسائِلَ . . . فَقَالَ الرَّجُلُ: لا إله إلا الله .

فَقَالَ عَلِيُّ بنُ الحُسَيْنِ عليه السلام: وَأنا أَقولُ: «لا- إله إلا الله»، فَإِذا قالَ أَحَدُكُمْ: «لا إله إلا الله»، فَلْيَقُلْ: «الحَمْدُ لله رَبِّ العالَمِينَ»؛ فَإِنَّ اللهَ يَقولُ: «هُوَ الحَيُّ لا إله إلا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الحَمْدُ لله رَبِّ العالَمِينَ» (٣). (٤) ٢ / ٨ دَعَوَى أَهلِ الجَنَّةِ الكِتابِ «إِنَّ الدِّينَ ءَأَمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيْمَنِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ المَأْنَهُرُ فِي جَنَّةِ النَّعِيمِ * دَعَوَاهُمْ فِيهَا سُبْحانَكَ اللهُمَّ وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَ ءَأخِرُ دَعَوَاهُمْ أَنْ الحَمْدُ لله رَبِّ العالَمِينَ». (٥)

- ١- الأُمالي للمفيد: ص ٢٤٦ ح ١، الأُمالي للطوسي: ص ١٩ ح ٢١ كلاهما عن شَدَّادِ بنِ أوسٍ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٩٤ ح ٩؛ الفردوس: ج ٥ ص ٩ ح ٧٢٨٢ عن شَدَّادِ بنِ أوسٍ، كنز العمال: ج ١ ص ٦٤ ح ٢٢٨.
- ٢- الدعوات: ص ٥٤ ح ١٣٦، الكافي: ج ٢ ص ٥٠٦ ح ٣ عن السكوني عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٥ ح ٢١؛ سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٣٦ ح ٣٥١٩، سنن الدارمي: ج ١ ص ١٧٧ ح ٦٥٩، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٤ ح ٢٠١٩.
- ٣- غافر: ٦٥.
- ٤- تفسير القمّي: ج ٢ ص ٢٦٠، الدعوات: ص ١٦٤ ح ٤٥٤ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٠٨ ح ١٣.
- ٥- يونس: ٩ و ١٠.

۲ / ۷ پُرکننده ترازوی اعمال

۲ / ۸ نیایش بهشتیان

۲ / ۷ پُرکننده ترازوی اعمال ۶۱۱۳. شرح نهج البلاغه عن ابن عتیاس (مِنْ كَلَامِهِ لِثُمَّانَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «معبودی جز خدا نیست» ، نیمی از ترازو [ی اعمال] است ، و «ستایش ، خدای را» آن را پر می کند . ۶۱۱۴. الإمام علی علیه السلام (مِنْ كَلَامِهِ فِي شَأْنِ الْحَكَمِيِّنَ وَذَمِّ أَهْلِ ا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : تسبیح ، نیمی از ترازو [ی اعمال] است ، و حمد آن را پر می کند ، و تکبیر از آسمان تا زمین را آکنده می سازد . ۶۱۱۵. عنه علیه السلام (مِنْ كِتَابٍ لَهُ إِلَى عَقِيلٍ) تفسیر القمی به نقل از سلیمان بن داوود ، در حدیثی که سند آن را به امام زین العابدین علیه السلام رسانده است : مردی خدمت امام زین العابدین علیه السلام آمد و از ایشان سؤالاتی پرسید ... مرد گفت : معبودی جز خدا نیست .

امام زین العابدین علیه السلام فرمود : من نیز می گویم : «معبودی جز خدا نیست» . هر گاه یکی از شما گفت : «معبودی جز خدا نیست» ، بگوید : «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» ؛ چرا که خداوند می فرماید : «اوست زنده ، معبودی جز او نیست ، پس او را بخوانید در حالی که دین [خود] را برای وی ناب گردانیده اید . ستایش ، از آن خداست که پروردگار جهانیان است» . ۲ / ۸ نیایش بهشتیانقرآن «کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، پروردگارشان به پاس ایمانشان آنان را هدایت می کند ، [و] در باغ های [پُر ناز و] نعمت، از زیر [پای] آنان نهرها روان خواهد بود . نیایش آنان در آن جا «سبحانک اللهم ؛ خدایا! تو پاک و منزهی» و درودشان در آن جا سلام است، و پایان نیایش آنان این است که: «الحمد لله رب العالمین ؛ ستایش ، ویژه پروردگار جهانیان است» .

الحديث ٦١٢١. تاريخ دمشق عن ابن عباس: رسول الله صلى الله عليه وآله لما سُئِلَ عَنْ جَزَاءِ مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ». .
 : إذا قال العبدُ: «سُبْحَانَ اللَّهِ» سَبَّحَ مَعَهُ مَا دُونَ الْعَرْشِ، فَيُعْطَى قَائِلُهَا عَشْرَ أَمْثَالِهَا، وَإِذَا قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمِ
 الدُّنْيَا مَوْصُولًا بِنِعْمِ الْآخِرَةِ، وَهِيَ الْكَلِمَةُ الَّتِي يَقُولُهَا أَهْلُ الْجَنَّةِ إِذَا دَخَلُوهَا، وَيَنْقَطِعُ الْكَلَامُ الَّذِي يَقُولُونَهُ فِي الدُّنْيَا مَا خَلَا الْحَمْدَ
 لِلَّهِ؛ وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «دَعُواهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّاتِهِمْ فِيهَا سَلَامٌ وَأَخْرَجُوا عَنْهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» .
 (١) ٦١٢٢. رسول الله صلى الله عليه وآله والإمام عليّ عليه السلام في الْحِكْمِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ: مِنْ شَرَفِ هَذِهِ الْكَلِمَةِ وَهِيَ الْحَمْدُ لِلَّهِ
 أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَهَا فَاتِحَةَ كِتَابِهِ، وَجَعَلَهَا خَاتِمَةَ دَعْوَى أَهْلِ جَنَّتِهِ؛ فَقَالَ: «وَأَخْرَجُوا عَنْهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (٢) ٢ /
 ٩. أَفْضَلُ الدُّعَاءِ ٦١٢٥. عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (فِي عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَفْضَلُ الدُّعَاءِ الْحَمْدُ لِلَّهِ .
 (٣) .

- ١- . علل الشرايع : ص ٢٥١ ح ٨ ، الأمالى للصدوق : ص ٢٥٥ ح ٢٧٩ كلاهما عن الحسن بن عبد الله عن آبائه عن جدّه الإمام
 الحسن عليه السلام ، الاختصاص : ص ٣٤ عن الحسين بن عبد الله عن أبيه عن جدّه عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه الإمام
 الحسين عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩ ص ٢٩٥ ح ٥ و ج ٩٣ ص ١٦٧ ح ١ .
- ٢- . شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٣٤٧ ح ٩٨٢ .
- ٣- . سنن الترمذى : ج ٥ ص ٤٦٢ ح ٣٣٨٣ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٤٩ ح ٣٨٠٠ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص
 ٦٧٦ ح ١٨٣٤ و ص ٦٨٢ ح ١٨٥٢ ، صحیح ابن حبان : ج ٣ ص ١٢٦ ح ٨٤٦ ، عمل اليوم والليله للنسائي : ص ٤٨١ ح ٨٣١ كلّها
 عن جابر بن عبد الله ، كنز العمال : ج ١ ص ٤١٤ ح ١٧٤٨ ؛ جامع الأحاديث للقمي : ص ٢٥٨ عن ابن عباس .

۲ / ۹ برترین دعا

حدیث ۶۱۲۷. عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به سؤال از پاداش کسی که بگوید : پاکا خدا و ستایش خدای را ... : هر گاه بنده بگوید : «پاکا خدا» ، هر آنچه زیر عرش است ، با او تسیح می گوید و به گوینده آن ، ده برابرش عطا می شود ، و هر گاه بگوید : «ستایش خدای را» ، خداوند نعمت های دنیا را به او ارزانی می دارد و به نعمت های آخرت وصل می کند . این [ذکر] ، جمله ای است که اهل بهشت هر گاه وارد آن شوند ، می گویند . هر سخنی که در دنیا می گویند ، قطع خواهد شد ، بجز گفته «ستایش خدای را» . خدای تعالی می فرماید : «نیایششان در آن جا «پاکی تو ای خداوند!» است ، و درودشان در آن جا «سلام» است ، و آخر نیایش آنان این است که : «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» . ۶۱۲۸. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : از ارجمندی این سخن یعنی «ستایش ، خدای را» است که خداوند متعالی آن را آغاز کتابش ، و پایان نیایش بهشتیانش قرار داده است ، و می فرماید : «و پایان نیایش آنان ، این است که : «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» . ۲ / ۹ برترین دعا ۶۱۳۱. کنز الفوائد عن أبي هريرة : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برترین دعا ، گفتن «ستایش خدای را» است .

٦١٣٢. خصائص أمير المؤمنين عن سعد بن أبي وقاص: الكافي عن المفضل: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ ، عَلَّمَنِي دُعَاءً جَامِعًا ، فَقَالَ لِي : اِحْمَدِ اللَّهَ فَإِنَّهُ لَا يَبْقَى أَحَدٌ يُصَلِّي إِلَّا دَعَا لَكَ ، يَقُولُ : سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ . (١) / ٢ / ١٠ ثَمَّنُ كُلَّ نِعْمَةٍ ٦١٣٥. عنه صلى الله عليه وآله : رسول الله صلى الله عليه وآله : الْحَمْدُ لِلَّهِ تَمِّنُ كُلَّ نِعْمَةٍ . (٢) / ٢ / ١١ أَفْضَلُ مِنْ التَّعْمَةِ ٦١٣٨. مسند ابن حنبل عن عبد الله بن بريده : رسول الله صلى الله عليه وآله : ما مِنْ عَبْدٍ يُنْعِمُ [اللَّهُ] عَلَيْهِ نِعْمَةً إِلَّا كَانَ الْحَمْدُ أَفْضَلَ مِنْهَا . (٣) ٦١٣٩. الإرشاد (في خَبَرِ سَبِيِّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نِسَاءً مِنْ) عنه صلى الله عليه وآله : ما أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ فَحَمِدَ اللَّهُ عَلَيْهَا ، إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْحَمْدُ أَفْضَلَ مِنْ تِلْكَ النِّعْمَةِ وَإِنْ عَظُمَتْ . (٤) ٦١٤٠. رسول الله صلى الله عليه وآله : ما أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَقَالَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ» إِلَّا كَانَ الَّذِي أُعْطَاهُ أَفْضَلَ مِمَّا أَخَذَ . (٥) .

- ١- الكافي : ج ٢ ص ٥٠٣ ح ١ ، عده الداعي : ص ٢٤٥ عن الفضل ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٧٩ ح ٢٢٠٢ ، بحار الأنوار : ج ٨٤ ص ١٩٢ .
- ٢- الدرّ المنثور : ج ١ ص ٣٢ نقلاً عن ابن شاهين في السنه ، الفردوس : ج ٢ ص ٧٤ ح ٢٤١٥ وفيه «الحمد» بدل «الحمد لله» وكلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج ١ ص ٥٢ ح ١٥٧ وص ٧٧ ح ٣٠٧ .
- ٣- شعب الإيمان : ج ٤ ص ٩٨ ح ٤٤٠٤ عن جابر ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٦٤ ح ٦٤٧٠ نقلاً عن المعجم الكبير وفيه «... نعمه فيحمد الله إلا كان ...»
- ٤- المعجم الكبير : ج ٨ ص ١٩٣ ح ٧٧٩٤ عن أبي أمامه ، شعب الإيمان : ج ٤ ص ٩٨ ح ٤٤٠٥ عن الحسن وفيه «كان حمد الله تعالى أعظم منها كائنه ما كانت» ، الدرّ المنثور : ج ٦ ص ٣٤٤ نقلاً عن ابن أبي حاتم عن عمر بن عبد العزيز نحوه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٥٣ ح ٦٤٠٥ وص ٢٦٣ ح ٦٤٦٧ .
- ٥- سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٥٠ ح ٣٨٠٥ ، شعب الإيمان : ج ٤ ص ٩٨ ح ٤٤٠٣ نحوه وكلاهما عن أنس ، الزهد لهناد : ج ٢ ص ٣٩٩ ح ٧٧٦ عن الحسن ، نواتر الأصول : ج ٢ ص ١٣٧ وفيهما «من نعمه صغيره ولا كبيره فحمد الله عليها» بدل «نعمه فقال : الحمد لله» ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٥٣ ح ٦٤٠٤ وص ٢٦٤ ح ٦٤٦٩ .

۲ / ۱۰ بهای هر نعمتی

۲ / ۱۱ برتر از نعمت

۶۱۴۱. عنه صلی الله علیه و آله (فی عَلَیِّ علیه السلام) الکافی به نقل از مُفَضَّل : به امام صادق علیه السلام گفتیم : فدایت شوم ! دعایی جامع به من بیاموز . فرمود : «خدا را ستایش گوی ؛ زیرا [در این صورت] هر کسی که نماز می خواند ، برای تو دعا می کند ؛ [چون در نمازش] می گوید : خدا بشنود [و بپذیرد] سخن کسی را که ستایش او گوید . ۲ / ۱۰ بهای هر نعمتی ۶۱۴۴. رسول الله صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ستایش خدا ، بهای هر نعمتی است . ۲ / ۱۱ برتر از نعمت ۶۱۴۷. عنه صلی الله علیه و آله (لِعَلِیِّ علیه السلام) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ بنده ای نیست که خداوند به او نعمتی دهد ، مگر این که سپاس [آن نعمت] ، برتر از خود آن نعمت است . ۶۱۴۸. الإصابه عن ابن الزبیر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند به هر بنده ای نعمتی دهد و او خدا را بر آن نعمت سپاس گوید ، آن سپاس ، برتر از خود آن نعمت است ؛ هر چند آن نعمت ، بزرگ باشد . ۶۱۴۹. کشف الغمّه عن مقاتل بن سلیمان (فی قَوْلِهِ تَعَالَى : { Q } «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ») پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند به هر بنده ای نعمتی دهد و او بگوید : «ستایش ، خدای را» ، آنچه [بنده] به خدا داده ، برتر از چیزی است که گرفته است .

٦١٥٠. تفسير القرطبي للإمام الصادق عليه السلام: ما أنعم الله على عبدٍ ينعمه بالغة ما بلغت فحمد الله عليها ، إلا كان حمدُهُ لله أفضل من تلك النعمة وأعظم وأوزن . (١) ٦١٥١. رسول الله صلى الله عليه وآله :الإمام الرضا عليه السلام :من حمد الله على النعمة فقد شكره ، وكان الحمد أفضل من تلك النعمة . (٢) ٦١٥٢. عنه صلى الله عليه وآله :رسول الله صلى الله عليه وآله :لو أن الدنيا كلها لقمية واحدة ، فأكلها العبد المسلم ثم قال : «الحمد لله» ، لكان قوله ذلك خيرا لله من الدنيا وما فيها . (٣) ٦١٥٣. الأمامي للطوسي عن أنس بن مالك :عنه صلى الله عليه وآله :لو أن الدنيا كلها بحذافيرها (٤) في يد رجلٍ من أمتي ، ثم قال : «الحمد لله» ، لكان الحمد لله أفضل من ذلك . (٥) ١٢ / ٢ / ١٢ كثره الحمد ٦١٥٦. عنه صلى الله عليه وآله (لعلي عليه السلام) رسول الله صلى الله عليه وآله :إن أفضل عباد الله يوم القيامة الحمادون . (٦) ٦١٥٧. مسند أبي يعلى عن سعد بن أبي وقاص :عنه صلى الله عليه وآله :يُحشَرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ فَيَسْمِعُهُمُ الدَّاعِيَ وَتُبِعْدُهُمْ (٧) البصير ، ثم يقوم مُنادٍ فينادي يَقُولُ : سَيَعْلَمُ أَهْلُ الْجَمْعِ الْيَوْمَ مَنْ أَوْلَى بِالْكَرَمِ . فيقول : أَيْنَ الَّذِينَ يَحْمَدُونَ اللَّهَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ؟ فيقومون وهم قليلون فيدخلون الجنة بغير حساب . (٨) .

- ١- ثواب الأعمال : ص ٢١٦ ح ١ عن الهيثم بن واقد ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٧٨ ح ٢١٩٦ ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ٥١ ح ٧٢ وراجع مشكاة الأنوار : ص ٦٦ ح ٩٦ .
- ٢- الكافي : ج ٢ ص ٩٦ ح ١٣ عن معمر بن خلاد ، مشكاة الأنوار : ص ٧١ ح ١٢٢ ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ٣١ ح ٨ و ج ٩٣ ص ٢١٤ ح ١٧ .
- ٣- الأمامي للطوسي : ص ٦١٠ ح ١٢٦٠ عن جابر بن عبد الله ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢١٦ ح ٢٠ .
- ٤- الحذافير : الجوانب . وقيل : الأعلى ، واحدا حذفا (النهاية : ج ١ ص ٣٥٦ «حذف»).
- ٥- نوادر الأصول : ج ٢ ص ١٠ ، تاريخ دمشق : ج ٥٤ ص ١٦ ح ١١٣٢٢ ، تفسير القرطبي : ج ١ ص ١٣١ كلها عن أنس ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٥٣ ح ٦٤٠٦ .
- ٦- المعجم الكبير : ج ١٨ ص ١٢٤ ح ٢٥٤ ، مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ٢٠٨ ح ١٩٩١٦ كلاهما عن عمران بن حصين ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٥٤ ح ٦٤١٤ .
- ٧- في المصادر الأخرى : «وينفذهم البصر» .
- ٨- مسند إسحاق بن راهويه : ج ٥ ص ١٨٠ ح ٢٣٠٥ ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص ٤٥٧ ح ١٥٨١ كلاهما عن أسماء بنت يزيد ، حليه الأولياء : ج ٢ ص ٩ عن عقبه بن عامر نحوه ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٨٥٢ ح ٤٣٣٩١ و ٤٣٣٩٢ .

۲ / ۱۲ ستایشِ بسیارِ گفتن

۶۱۵۸. الأمالی للطوسی عن زرّ بن حبیش: امام صادق علیه السلام: خداوند به هر بنده ای نعمتی دهد هر چه و هر اندازه که باشد و او خدا را بر آن، سپاس گوید، این سپاسگویی او برای خدا، برتر و بزرگ تر و سنگین تر از خود آن نعمت است. ۶۱۵۹. مسند ابن حنبل عن عمرو بن شاس الأسلمی: امام رضا علیه السلام: هر کس خدا را بر نعمت حمد گوید، هر آینه از او سپاس گزاری کرده است، و این حمد، برتر از خود آن نعمت است. ۶۱۶۰. التاریخ الکبیر عن عمرو بن شاس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر همه دنیا یک لقمه شود و بنده مسلمان آن را بخورد و سپس بگوید: «ستایش، خدای را»، این گفته او برایش از دنیا و هر آنچه در دنیاست، بهتر باشد. ۶۱۶۱. المناقب للخوارزمی عن عمرو بن خالد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر همه دنیا، سراسر، در دست مردی از امت من باشد، و او [بر این نعمت] بگوید: «ستایش، خدای را»، هر آینه این ستایش خدا، برتر از آن [همه نعمت] است. ۲ / ۱۲ ستایشِ بسیارِ گفتن ۶۱۶۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برترین بندگان خدا در روز رستاخیز، ستایشگران اند. ۶۱۶۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روز رستاخیز، مردمان در بیابانی صاف و پهناور گرد آورده می شوند، به طوری که صدا و نگاه به همه آنها می رسد. سپس بانگ دهنده ای بر می خیزد و بانگ می زند: «امروز این جمعیت خواهند دانست که چه کسی به گرامیداشت، سزاوارتر است». آن گاه گوید: کجایند آنان که خوشی و ناخوشی خداوند را سپاس و ستایش می گفتند؟». پس این کسان که اندک شمارند، برمی خیزند و بدون حسابرسی به بهشت می روند.

٦١٦٦. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام على عليه السلام: أوصيكم أيها الناس بتقوى الله، وكثره حمده على آلائه إليكم، ونعمائه عليكم، وبلائه لديكم. (١) ٦١٦٧. عنه صلى الله عليه وآله: تهذيب الكمال عن معاوية بن قرة: ما سمع رسول الله صلى الله عليه وآله حامدا لله إلا ما دة (٢) الحمد. (٣) ٢ / ١٣ صفة أمه محمد الكتاب «التائبون العابدون الحامدون السائحون الر كعون السجدون المأمرون بالمعروف والنهون عن المنكر والحفظون لحدود الله وبشیر المؤمنين». (٤)

الحديث ٦١٧٣. الإمام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام بعد أن ذكر أن الله عز وجل أنزل على رسوله قوله: «التائبون العابدون الحامدون...». فبشیر (٥) النبي صلى الله عليه وآله المجاهدين من المؤمنين الذين هداه صفتهم وحليتهم بالشهادة والجنة، وقال: «التائبون» من الذنوب، «العابدون» الذين لا يعبدون إلا الله ولا يشركون به شيئا، «الحامدون» الذين يحمدون الله على كل حال في الشدة والرخاء. (٦).

- ١- نهج البلاغه: الخطبه ١٨٨.
- ٢- فلان يماذ فلانا: أي يماطله ويؤاذبه (لسان العرب: ج ٣ ص ٣٩٦ «مدد»).
- ٣- تهذيب الكمال: ج ١٤ ص ٣٢٣ ح ٣١٧٣، المراسيل: ص ١٠١ ح ٢.
- ٤- التوبه: ١١٢.
- ٥- في الطبعه المعتمده: «ففسر»، والتصويب من بعض نسخ المصدر.
- ٦- الكافي: ج ٥ ص ١٥ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ١٣٠ ح ٢٢٤ كلاهما عن أبي عمرو الزبيرى، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٥٥.

۲ / ۱۳ ویژگی امت محمد صلی الله علیه و آله

۶۱۷۴. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : ای مردم! سفارش می کنم شما را به پروا داری از خدا ، و او را ستایش بسیار گفتن برای نواخت ها و نعمت ها و نیکی هایش به شما . ۶۱۷۵. الإمام علی علیه السلام : تهذیب الکمال به نقل از معاویه بن قره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه می شنید کسی خدا را می ستاید ، با او در ستایش گفتن ، هم صدا می شد . ۲ / ۱۳ ویژگی امت محمد صلی الله علیه و آله : همان توبه کنندگان ، پرستندگان ، ستایشگران ، روزه داران ، رکوع کنندگان ، سجده کنندگان ، وادارندگان به کارهای پسندیده ، بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات خدایند . و مؤمنان را بشارت ده .»

حدیث ۶۱۸۱. عنه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام پس از آن که فرمود : خداوند عز و جل این آیه را بر پیامبرش فرو فرستاد : «توبه کنندگان ، پرستندگان ، ستایشگران ...» : پس پیامبر صلی الله علیه و آله مؤمنان مجاهد را که به این صفات آراسته بودند ، به شهادت و بهشت بشارت داد و فرمود : «توبه کنندگان» از گناهان ، «پرستندگان» یعنی کسانی که تنها خدا را می پرستند و چیزی را شریک او [در پرستش] قرار نمی دهند ، «ستایشگران» یعنی کسانی که در هر حالی ، در سختی و آسایش ، خدا را سپاس و ستایش می گویند .

٦١٨٢. رسول الله صلى الله عليه وآله: الإمام علي عليه السلام في جواب حبر (١) من أخبار اليهود لما سأله: أخبرني عما فضل الله به أمه محمد صلى الله عليه وآله على سائر الأمم: لقد فضل الله تبارك وتعالى أمته على سائر الأمم بأشياء كثيرة... منها أنه يقال يوم القيامة: لیتقدم (٢) الحامدون، فتقدم أمه محمد صلى الله عليه وآله قبل الأمم، وهيو مكتوب: أمه محمد هم الحامدون؛ يحمدون الله تبارك وتعالى على كل منزله، [و] (٣) يكبرونه على كل حال، مناديهم في جوف السماء، لهم دوي كدوي النحل. (٤) ٦١٨٣. عنه صلى الله عليه وآله: بحار الأنوار عن كعب: نجد مكتوبا [أى فى التوراه]: محمد رسول الله، لا فظ ولا غليظ، ولا صخب ولا ضج، ولا بأسواق، (٥) بالأسواق، ولا يجرى بالسبيته السبيته، ولكن يعفو ويعفر، أمته الحامدون، يكبرون الله على كل نجد (٦)، ويحمدونه فى كل منزل. (٧) ٦١٨٤. عنه صلى الله عليه وآله: وقع صفين عن حبه العرنى عن كتاب كتبه أصحاب عيسى عليه السلام، عرضه راهب بليخ على أمير المؤمنين فى صفه أمه محمد: أمته الحامدون الذين يحمدون الله على كل نشز (٨)، وفى كل صعود وهبوط، تدل ألسنتهم بالتهليل والتكبير والتسبيح، وينصره الله على من ناواه. (٩).

- ١- الحبر: العالم. والحبر بالفتح لغة فيه (المصباح المنير: ص ١١٧ «حبر»).
- ٢- قوله: «ليتقدم» سقط من الطبعة المعتمدة، وأثبتناه من طبعه دار الأسوه وبحار الأنوار.
- ٣- الزيادة من بحار الأنوار.
- ٤- إرشاد القلوب: ص ٤١٢ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٣٥٠ ح ٣٣.
- ٥- الصخب والسخب: الضج، واضطراب الأصوات للخصام (النهاية: ج ٣ ص ١٤ «صخب»).
- ٦- النجد: ما ارتفع من الأرض (النهاية: ج ٥ ص ١٩ «نجد»).
- ٧- بحار الأنوار: ج ١٥ ص ٢٤٠ ح ٥٩ نقلاً عن المنتقى فى مولود المصطفى، وص ٢١٣ وج ٦٤ ص ٢٣٩ كلاهما نحوه.
- ٨- النشز: المكان المرتفع من الأرض (القاموس المحيط: ج ٢ ص ١٩٤ «نشز»).
- ٩- وقع صفين: ص ١٤٧، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٤٢٦؛ البدايه والنهايه: ج ٧ ص ٢٥٥.

۶۱۸۵. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام در پاسخ به یکی از عالمان یهود که از وی در باره چیزی پرسید که خداوند به سبب آن ، اَمتِ محمّد صلی الله علیه و آله را بر دیگر اَمت ها برتری داده است : خداوند تبارک و تعالی به سبب چیزهای بسیاری ، اَمت او را بر دیگر اَمت ها برتری و امتیاز داده است ... از جمله ، آن که در روز رستاخیز گفته می شود : «ستایشگران پیش آیند» ، پس اَمتِ محمّد صلی الله علیه و آله جلوتر از دیگر اَمتها قرار می گیرند ، در حالی که نوشته شده است : «اَمتِ محمّد ، همان ستایشگران اند . خداوند تبارک و تعالی را برای هر وضعی ، سپاس و ستایش می گویند و در هر حالی ، او را به بزرگی یاد می کنند . بانگ زننده آنها ، در دل آسمان است . همه ای چونان همه زنبوران عسل دارند» ۶۱۸۶. عنه صلی الله علیه و آله : بحار الأنوار به نقل از کعب : [در تورات] نوشته شده است : «محمّد پیامبر خداست . نه خشن است و نه درشت خوی ، و نه در کوچه و بازار هياهو به راه می اندازد . بدی را به بدی پاسخ نمی دهد ؛ بلکه می بخشد و گذشت می کند . اَمت او ستایشگران اند که خداوند را در هر بلندایی به بزرگی یاد می کنند ، و در هر منزلگاهی او را می ستایند» ۶۱۸۷. عنه صلی الله علیه و آله : وقعه صفین به نقل از حَبّه عَرَنی ، از نوشته ای که یاران (حواریون) عیسی علیه السلام آن را نوشته بودند و در وصف اَمتِ محمّد صلی الله علیه و آله بود و راهب بلیخ ، آن را بر امیر مؤمنان عرضه داشت : اَمت او ، بس ستایشگرند و خدا را بر هر بلندی ای و در هر فراز و نشیبی می ستایند ، زبان هایشان به «لا- إله الا الله» و «الله اکبر» و «سبحان الله» گویاست و خداوند ، او (پیامبر صلی الله علیه و آله) را بر هر کسی که با او دشمنی کند ، یاری می بخشد . .

٦١٨٨. ينابيع المودّة عن جابر رفعه: رسول الله صلى الله عليه وآله: أَخَذَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِالنُّبُوَّةِ مِيثَاقِي . . . وَشَقَّ لِي اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ ، فَذُو الْعَرْشِ مَحْمُودٌ وَأَنَا مُحَمَّدٌ ، وَوَعَدَنِي بِالْحَوْضِ وَالْكَوْثَرِ ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي أَوَّلَ شَافِعٍ وَأَوَّلَ مُشَفِّعٍ ، ثُمَّ أَخْرَجَنِي مِنْ خَيْرِ قَرْنٍ لِأُمَّتِي وَهُمْ الْحَمَادُونَ ، يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ . (١).

١- .تاريخ دمشق : ج ٣ ص ٤٠٨ ، الدرّ المنثور : ج ٦ ص ٣٣٢ نقلًا عن ابن مردويه وكلاهما عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ١١ ص ٤٢٨ ح ٣٢٠١٠ وج ١٢ ص ٤٢٨ ح ٣٥٤٨٩ .

۶۱۸۹.طبقات الحنابلة عن محمد بن منصور: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند تبارک و تعالی از من پیمان نبوت گرفت ... و از نام های خود، نامی را برای من برگرفت؛ پروردگار عرش، محمود (سپاس و ستایش شده) است و من محمد (ستوده) . وعده ام داد که حوض کوثر را بر من ببخشد، و مرا نخستین شفاعت کننده قرار دهد و نخستین کسی که شفاعتش پذیرفته می شود. سپس مرا از میان بهترین نسل امتم پدید آورد؛ نسلی که ستایشگرند؛ به نیکی ها فرمان می دهند و از زشتی ها باز می دارند ..

الفصل الثالث: بركات الحمد ٣ / ادوأم النعمه ١٩٣٦. تاريخ دمشق عن ثابت عن أنس: رسول الله صلى الله عليه وآله: الحمد على النعمه أمان لزوالها. (١) ١٩٤٦. علل الشرائع عن أبي أيوب الأنصاري: الإمام الصادق عليه السلام لسفيان الثوري: يا سفيان، إذا نعم الله عليك بنعمه فأحببت بقاءها ودوامها فأكثر من الحمد والشكر عليها؛ فإن الله عز وجل قال في كتابه: «لئن شكرتم لأزيدنكم» (٢). (٣) ٣ / ٢ كمال النعمه ١٩٧٦. عنه صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا قال العبد: ... «الحمد لله رب العالمين» قال الله جل جلاله: حمدي عبدي وعلم أن النعم التي له من عندي، وأن البلاء التي دفعت عنه فبطولي (٤)، أشهدكم أنني أضيف له إلى نعم الدنيا نعم الآخرة، وأدفع عنه بلاء الآخرة كما دفعت عنه بلاء الدنيا. (٥).

١- الفردوس: ج ٢ ص ١٥٥ ح ٢٧٨٣، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٥٥ ح ٦٤٢١ نقلاً عن شعب الإيمان وكلاهما عن عمر.

٢- إبراهيم: ٧.

٣- حليه الأولياء: ج ٣ ص ١٩٣، تهذيب الكمال: ج ٥ ص ٨٥، سير أعلام النبلاء: ج ٦ ص ٢٦١؛ كشف الغمه: ج ٢ ص ٣٦٨ كلها عن مالك بن أنس، العبد القوي: ص ١٤٩ ح ٦٩، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٠٠ ح ٢٩ وص ٢٢٦ ح ٩٦ وراجع الأمالي للطوسي: ص ٤٨٠ ح ١٠٤٨.

٤- الطول: الفضل والقدرة. وتطول عليه: امتن (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٩ «طول»). وفي الأمالي: «فتطولي».

٥- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ٣٠٠ ح ٥٩، الأمالي للصدوق: ص ٢٣٩ ح ٢٥٣ كلاهما عن محمد بن زياد ومحمد بن سيار عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٢٦ ح ٣.

فصل سوم: برکت های حمد گفتن

۳ / ۱ پایداری نعمت

۳ / ۲ کامل شدن نعمت

فصل سوم: برکت های حمد گفتن ۳ / ۱ پایداری نعمت ۶۲۰۱. تاریخ دمشق عن عباده بن الصامت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: سپاس گذاری برای نعمت، مایه حفظ آن از نابودی است. ۶۲۰۲. کتاب من لا یحضره الفقیه: امام صادق علیه السلام به سفیان ثوری: ای سفیان! هر گاه خداوند عز و جل نعمتی به تو ارزانی داشت و دوست داشتی که آن نعمت، باقی و پایدار بماند، خداوند را بر آن نعمت، بسیار ستایش و سپاس بگو؛ زیرا خداوند عز و جل در کتابش فرموده است: «اگر سپاس گذاری کنید، بر نعمت شما بیفزایم». ۳ / ۲ کامل شدن نعمت ۶۲۰۵. عنه صلی الله علیه و آله و سلم: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: هر گاه بنده بگوید: ... «سپاس و ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است»، خداوند عز و جل می فرماید: «بنده ام مرا ستود و دانست که نعمت هایی که نزد اوست، از جانب من است و بلاهایی که از او دور کرده ام، به لطف من است. شما را گواه می گیرم که نعمت های آخرت را نیز بر نعمت های دنیای او بیفزایم، و همچنان که بلاهای دنیا را از او دور کرده ام، بلاهای آخرت را نیز از او دور گردانم».

٦٢٠٦. سنن الترمذى عن أم سلمة: الإمام الصادق عليه السلام: ما أنعم الله على عبدٍ من نِعَمِهِ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ ، وَحَمِدَ اللَّهَ ظَاهِرًا بِلِسَانِهِ ، فَتَمَّ كَلَامُهُ؛ حَتَّى يُؤَمَّرَ لَهُ بِالْمَزِيدِ . (١) ٦٢٠٧. الإمام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام: مَنْ جَعَلَ الْحَمْدَ خِتَامَ النُّعْمِ ، جَعَلَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مِفْتَاحَ الْمَزِيدِ . (٢) ٦٢٠٨. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام فى خُطْبِهِ لَهُ : أَحْمَدُهُ اسْتِثْمَامًا لِنِعْمَتِهِ ، وَاسْتِسْلَامًا لِعِزَّتِهِ ، وَاسْتِعْصَامًا مِنْ مَعْصِيَتِهِ . . . فَإِنَّهُ أَرْجَحُ مَا وُزِنَ ، وَأَفْضَلُ مَا خُزِنَ . (٣) ٣ / ٣ إجابته الدعاء ٦٢١١. رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِتَحْمِيدِ اللَّهِ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ ، ثُمَّ يُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، ثُمَّ لِيَدْعُ بِمَا شَاءَ . (٤) .

١- الكافي : ج ٢ ص ٩٥ ح ٩ عن إسحاق بن عمّار عن رجلين من أصحابنا ، تفسير القمى : ج ١ ص ٣٦٨ ، تفسير العياشى : ج ٢ ص ٢٢٢ ح ٣ عن أبي عمر المداينى ، مشكاة الأنوار : ص ٦٨ ح ١٠٨ و ص ٧١ ح ١٢٦ كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ٤٠ ح ٢٨ و ص ٤٢ ح ٣٦ .

٢- غررالحكم : ح ٨٨٩٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٦٣ ح ٨٤١٧ .

٣- نهج البلاغه : الخطبه ٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٣٣١ ح ١٩ ؛ مطالب السؤل : ص ٥٨ .

٤- عمل اليوم والليلة لابن السنى : ص ٤٥ ح ١١٣ ، سنن أبى داود : ج ٢ ص ٧٧ ح ١٤٨١ ، مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٢٤٥ ح ٢٣٩٩٢ ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ٣٥٤ ح ٨٤٠ و ص ٤٠١ ح ٩٨٩ ، صحيح ابن حبان : ج ٥ ص ٢٩٠ ح ١٩٦٠ ، السنن الكبرى : ج ٢ ص ٢١١ ح ٢٨٥٤ وفيها «إذا صلّى» بدل «إذا دعا» وكلّها عن فضاله بن عبيد ، كنز العمال : ج ٢ ص ٧٣ ح ٣١٨٧ .

۳ / ۳ پذیرفته شدن دعا

۶۲۱۲. عنه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : هر بنده ای که خداوند نعمتی به او عطا کند و او در دل خویش آن نعمت را [از او] بشناسد و به زبانش آشکارا خدا را سپاس و ستایش بگوید ، به محض آن که سخنش به پایان رسد ، دستور داده می شود که بر نعمتش افزوده گردد . ۶۲۱۳. سنن الترمذی عن أبي سعيد الخدري : امام علی علیه السلام : هر کس پایانِ نعمت را سپاس [خدا] قرار دهد ، خداوند که منزه است ، آن [سپاس] را آغاز افزایش [نعمت] قرار می دهد . ۶۲۱۴. تاریخ دمشق عن أبي سعيد الخدري (فی قَوْلِهِ تَعَالَى : { Q } «وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي ...») امام علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش : او را می ستایم که خواهان کامل شدنِ نعمت او هستیم ، و گردن نهادن در برابر قدرتش ، و مصون ماندن از نافرمانی اش ... ؛ زیرا ستایش خدا ، سنگین ترین عمل در ترازوی اعمال و بهترین اندوخته است . ۳ / ۳ پذیرفته شدن دعا ۶۲۱۷. المستدرک علی الصحیحین عن أبي ذرّ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه یکی از شما دعا کرد ، با حمد و ثنای الهی آغاز کند ، سپس بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات فرستد و آن گاه ، هر دعایی خواست ، به جا آورد .

٦٢١٨. تاريخ دمشق عن جابر: الإمام علي عليه السلام: السُّؤالُ بَعْدَ المَدْحِ ، فَا مَدَّحُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ اسْأَلُوا الحَوَائِجَ ، أَثْنَوْا عَلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَجَلَّوْا مَدْحَهُ قَبْلَ طَلْبِ الحَوَائِجِ . (١) ٦٢١٩. الدر المنثور عن ابن مسعود: الدعاء المأثور: رُوِيَ أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِجَعْفَرِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَلَّمَنِي دُعَاءً أَرْجُو إِجَابَتَهُ .

قال : أَكْثَرَ مِنْ حَمْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ ، وَادْعُهُ بِمَا شِئْتَ .

فَقَالَ الرَّجُلُ : وَمَا الحَمْدُ مِنَ الدُّعَاءِ؟

فَقَالَ : إِنَّ جَمِيعَ مَنْ فِي الأَرْضِ مِنَ المُسْلِمِينَ يَدْعُونَ لِيَلَهُمْ وَنَهَارَهُمْ أَنْ يَسْتَجِيبَ لِلْحَامِدِينَ ، فَمَا ظَنُّكَ بِمَنْ يَشْفَعُ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ جَمِيعَ المُسْلِمِينَ؟

قال : وَكَيْفَ ذَلِكَ؟

قال : أَلَيْسَ يَقُولُونَ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ يَرَكَعُونَهَا : سَمِّعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمَدَهُ؟ فَعَلَيْكَ بِحَمْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَسْتَجِبِ اللَّهُ دُعَاءَكَ . (٢) ٣ / ٤ غَرَسَ الجَنَّةَ ٦٢٢٢. الإمام الحسين عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ : «الحَمْدُ لِلَّهِ» غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجْرَةً فِي الجَنَّةِ . (٣)

١- الخصال: ص ٦٣٥ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص ١٢٣ وليس فيه «وامدحوه»، بحار الأنوار: ج ١٠ ص ١١٣ ح ١ وج ٩٣ ص ٣٠٨ ح ٧.

٢- الدعاء المأثور وآدابه: ص ٤٨.

٣- ثواب الأعمال: ص ٢٦ ح ٣ عن أبي الجارود عن الإمام الباقر عليه السلام، الأمالي للصدوق: ص ٧٠٥ ح ٩٦٨ عن أبي الجارود، عدّه الداعي: ص ٢٤٨ عن محمد بن خالد البرقي وكلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٨ ح ٣ وراجع المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٩٣ ح ١٨٨٧.

۳ / ۴ درختکاری در بهشت

۶۲۲۳. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : درخواست بعد از ستایش است ؛ پس نخست خداوند عز و جل را بستاید و سپس حاجت هایتان را بخواهید . پیش از درخواست حاجت ها ، خداوند عز و جل را ثنا و مدح گوید . ۶۲۲۴. تاریخ دمشق عن میثم : الدعاء المأثور : روایت شده است که مردی به امام صادق علیه السلام گفت : دعایی به من بیاموزید که به اجابت آن امیدوار باشم .

فرمود : «نخست ، خداوند را که منزّه است ستایش بسیار بگو و [سپس] آنچه می خواهی ، دعا کن» .

مرد گفت : ستایش ، چه ربطی به دعا دارد؟

فرمود : «همه مسلمانان روی زمین ، شب و روز دعا می کنند که دعای ستایشگران ، پذیرفته شود . حال ، چه خیال می کنی در باره کسی که همه مسلمانان ، نزد خداوند برای او شفاعت می کنند؟» .

مرد گفت : این [دعا و شفاعت] ، چگونه است ؟

فرمود : «مگر نه این است که در هر رکعتی که رکوع به جا می آورند [و بلند می شوند] ، می گویند : خدا دعای هر کسی را که ستایش او می کند ، بپذیرد ؟ پس خداوند عز و جل را بستای تا [مشمول این دعا شوی و] خدا دعای تو را مستجاب کند» . ۳ / ۴ درختکاری در بهشت ۶۲۲۷. عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس بگوید : «ستایش ، خدای را» ، خداوند به سبب آن ، یک درخت در بهشت برای او می کارد .

الفصل الرابع: مواضع الحمد ٤ / اقبل طلوع الشمس وقبل غروبها الكتاب «فاضبر على ما يقولون و سببح بحمد ربك قبل طلوع الشمس وقبل غروبها ومن اناء ايل فسبح و اطراف النهار لعلك ترضى». (١)

«فاضبر على ما يقولون و سببح بحمد ربك قبل طلوع الشمس و قبل الغروب». (٢)

الحديث ٦٢٣٥. أسد الغابه (في بسر بن أرطاه) الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: كان النبي صلى الله عليه وآله يقف عند طلوع كل فجر على باب علي وفاطمة عليهما السلام فيقول: الحمد لله المحسن المجمل المنعم المفضل، الذي ينعمته تيم الصالحات، سمع سامع بحمد الله ونعمته وحسن بلائه عندنا. (٣) ٦٢٣٦. أسد الغابه عن أبي عمر (في بسر بن أرطاه) الإمام الباقر عليه السلام: من قال حين يطلع الفجر: «لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، يحيى ويميت ويحيى وهو حي لا يموت، بيده الخير وهو على كل شيء قدير» عشر مرات، و«صلى الله على محمد وآل محمد» عشر مرات، وسبح خمسا وثلاثين مرة، وهلل خمسا وثلاثين مرة، وحمد الله خمسا وثلاثين مرة؛ لم يكتب في ذلك الصباح من الغافلين، وإذا قالها في المساء لم يكتب في تلك الليلة من الغافلين. (٤)

١- طه: ١٣٠.

٢- بق: ٣٩.

٣- الأمل للصدوق: ص ٢٠٨ ح ٢٣٠ عن السكوني، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٤٦ ح ٦.

٤- الكافي: ج ٢ ص ٥٣٤ ح ٣٥ عن أبي عبيدة الحذاء، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٩٥ ح ٥٦.

فصل چهارم: اوقات حمدگویی خدا

۴ / ۱ پیش از طلوع و غروب خورشید

فصل چهارم: اوقات حمدگویی خدا ۴ / ۱ پیش از طلوع و غروب خورشید قرآن «پس بر آنچه می گویند ، شکبیا باش و پیش از بر آمدن آفتاب و قبل از فرو شدن آن، با ستایش پروردگارت ، [او را] تسبیح بگو ، و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پرداز ؛ باشد که خوشنود گردی» .

«و بر آنچه می گویند ، صبر کن و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از غروب، به ستایش پروردگارت تسبیح بگو» .

حدیث ۶۲۴۴. شرح نهج البلاغه عن عبد الرحمن بن السائب : امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام هر سپیده دم ، بر در خانه علی و فاطمه علیهما السلام می ایستاد و می فرمود : «سپاس و ستایش ، خدای نیکوکار نیک کردار نعمت بخش افزون ده را ؛ خدایی که با نعمت های او ، کارهای نیک انجام می پذیرد . شنونده بشنود ستایش خدا را و لطف او و احسانش را بر ما [اهل بیت]» . ۶۲۴۵. الأغانی عن زیاد بن أبیه (لِحُجْرِ بْنِ عَدِيٍّ) امام باقر علیه السلام : هر کس هنگامی که سپیده می دمد ، ده مرتبه بگوید : «معبودی جز خدا نیست . یگانه است و بی انباز . پادشاهی و ستایش از آن اوست . زنده می کند و می میراند ، می میراند و زنده می کند و خود ، زنده نامیراست . [همه] خوبی ، در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست » و ده مرتبه بگوید : «درود خدا بر محمد و آل محمد باد» و سی و پنج مرتبه «سبحان الله» و سی و پنج مرتبه «لا إله إلا الله» و سی و پنج مرتبه «الحمد لله» بگوید ، در آن صبحگاه از غافلان نوشته نخواهد شد ، و هر گاه اینها را شب هنگام بگوید ، در آن شب ، در شمار غافلان نوشته نمی شود .

٦٢٤٦. سير أعلام النبلاء (في زياد ابن أبيه) الإمام الصادق عليه السلام: تقول إذا طلع الفجر: الحمد لله فالحق الإصباح ، سبحان الله ربّ المساء والصباح ، اللهم صبح آل محمد ببركته وعافيه وسروره وقوره عين ، اللهم إنك تنزل بالليل والنهار ما تشاء ، فأنزل علي وعلى أهل بيتي من بركته السماوات والأرض رزقا حلالا طيبا واسد ما تغنني به عن جميع خلقك . (١) ٤ / ٢ الصباح والمساء الكتاب «فاضبر إن وعد الله حق واستغفر لذنبك وسبح بحمد ربك بالعشي والأبكر» . (٢)

الحديث ٦٢٥٢. شرح نهج البلاغه عن أبي غسان البصرى: رسول الله صلى الله عليه وآله: من قال حين يصبح: «الحمد لله الذي تواضع كل شيء لعظمته»، كتبت له عشر حسنات . (٣)

١- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥٠١ ح ١٤٣٨ عن عمّار الساباطى ، مصباح المتهجد: ص ١٩٩ ح ٢٨٢ ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٦٣ ح ٢١٥٤ كلاهما نحوه من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٣٥٦ ح ٢٣ .

٢- غافر: ٥٥ .

٣- المعجم الكبير: ج ٢٣ ص ٣٧٠ ح ٨٧٥ عن أم سلمه ، كنز العمال: ج ٢ ص ١٥٨ ح ٣٥٧٠ .

۴ / ۲ بامداد و شامگاه

۶۲۵۳. تاریخ الطبری عن حمید بن مسلم (فی بیانِ ما جرى بَعْدَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ عليه ال) امام صادق علیه السلام : چون سپیده دمید ، می گویی : «سپاس و ستایش ، خدایی را که شکافنده صبح است . پاکا خدایی که پروردگار شام و بام است . بار خدایا ! صبحگاهانِ خاندانِ محمد را با برکت و عافیت و شادمانی و خوشی ، همراه ساز . بار خدایا ! تو در شب و روز ، آنچه بخواهی ، فرو می فرستی ؛ پس ، از برکات آسمان ها و زمین ، برای من و خانواده ام روزی حلال و پاک و گسترده ای فرو فرست ، آن سان که با آن مرا از همه خَلقت بی نیاز گردانی» . ۴ / ۲ بامداد و شامگاه قرآن «پس صبر کن ، که وعده خدا حق است و برای گناهت آمرزش بخواه و به سپاس پروردگارت ، شامگاهان و بامدادان ، ستایشگر باش» .

حدیث ۶۲۵۹. المعجم الکبیر عن علی بن ابی طلحه مولى بنی أمیه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس هنگامی که صبح خود را می آغازد ، بگوید : «سپاس و ستایش ، خدایی را که همه چیز در برابر عظمت او فروتنی می کند» ، برایش [ثواب] ده کار نیک نوشته می شود .

٦٢٦٠. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: ما من عبد يقول إذا أصبح: «الحمد لله ربّي لا أشرك به شيئا، وأشهد أن لا إله إلا الله» إلّا ظلّ يُغفرُ له ذنوبه حتّى يمسي، وإن قالها إذا أمسى باتّ يُغفرُ له ذنوبه حتّى يصبح. (١) ٦٢٦١. الإمام عليّ عليه السلام (لِعَمَارِ بْنِ يَاسِرٍ وَقَدْ سَمِعَهُ يُرَاجِعُ الْم) الإمام عليّ عليه السلام: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِذَا أَصْبَحَ وَطَلَعَتِ الشَّمْسُ يَقُولُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا طَيِّبًا عَلَى كُلِّ حَالٍ» يَقُولُ (٢) ثَلَاثِينَ وَسِتِّينَ مَرَّةً شُكْرًا. (٣) ٦٢٦٢. الغارات عن جندب بن عبد الله: عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حُسْنِ الْمَسَاءِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حُسْنِ الْمَبِيتِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حُسْنِ الصَّبَاحِ»، فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ لَيْلَتِهِ وَيَوْمِهِ. (٤) ٤ / ٣ عِنْدَ النَّعْمَةِ ٦٢٦٥. شرح نهج البلاغه: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ نِعْمَةً فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ تَعَالَى، وَمَنْ اسْتَبَطَّ عَلَيْهِ الرِّزْقَ فَلْيَسْتَغْفِرِ اللَّهَ، وَمَنْ حَزَنَهُ أَمْرٌ فَلْيَقْلُ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (٥) ٦٢٦٦. الإصابه عن المغيرة بن شعبه: عنه صلى الله عليه وآله: ما أنعم الله على عبد من نعمه فقال: «الحمد لله» إلّا وقد أدى شكرها، فإن قالها الثانية جدّد الله له ثوابها، فإن قالها الثالثة غفر الله له ذنوبه. (٦).

- ١- المعجم الكبير: ج ١ ص ٢٣٢ ح ٦٣٥، الطبقات الكبرى: ج ٧ ص ٨٨ وفيه «ما من عبد مسلم» وكلاهما عن أبان المحاربي، كنز العمال: ج ٢ ص ١٦٣ ح ٣٥٨٤.
- ٢- كذا في الأمالي، وفي المصادر الأخرى: «يقولها».
- ٣- الأمالي للطوسي: ص ٥٩٧ ح ١٢٤٠ عن يعقوب بن شعيب عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، أعلام الدين: ص ٢١٦، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٧٦، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٦ ح ١٩. وراجع: ص ٤٤١ ح ١٢٨٤.
- ٤- شعب الإيمان: ج ٤ ص ٩٥ ح ٤٣٨٨ عن الحسين بن عبد الله بن ضميره عن أبيه عن جدّه، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٣٥ ح ٤٩٥٣.
- ٥- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٤٦ ح ١٧١ عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن الإمام عليّ عليهم السلام، كفايه الأثر: ص ٢٩٥ عن زيد بن عليّ عن أبيه عن جدّه عليهم السلام؛ كنز العمال: ج ٣ ص ٢٥٩ ح ٦٤٤٢ نقلًا عن شعب الإيمان وج ١٥ ص ٨٤٨ ح ٤٣٣٧٢.
- ٦- المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٨٨ ح ١٨٧١، شعب الإيمان: ج ٤ ص ٩٨ ح ٤٤٠٢ وفيه «حدّد» بدل «جدّد» وكلاهما عن جابر.

۴ / ۳ هنگام برخوردار شدن از نعمتی

۶۲۶۷. شرح نهج البلاغه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر بنده ای که چون صبح کند، بگوید: «سپاس و ستایش، خدای را که پروردگار من است و هیچ چیز را انباز او نمی گردانم، و گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست»، گناهان او تا شب هنگام، همچنان آمرزیده می شود و اگر این جمله را شب هنگام بگوید، گناهانش همچنان آمرزیده می شود، تا آن که صبح شود. ۶۲۶۸. الغارات عن الكلبي: امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز، چون صبح می شد و خورشید طلوع می کرد، می فرمود: «سپاس و ستایش، خدایی را که پروردگار جهانیان است؛ ستایشی بسیار و پاک و در همه حال». [این را] سیصد و شصت مرتبه، از سر شکرگزاری می گفت. ۶۲۶۹. الکامل فی التاریخ (فی ذکر البیعه لیزید بولایه العهده) امام علی علیه السلام: هر کس چون صبح کند، بگوید: «خدا را سپاس و ستایش، که شب به خوبی گذشت. خدا را سپاس و ستایش، که شب را به خوبی سپری کردیم. خدا را سپاس و ستایش، که روزی خوب آغاز شد»، شکر آن شب و روز خود را به جا آورده است. ۴ / ۳ هنگام برخوردار شدن از نعمتی ۶۲۷۲. تاریخ دمشق (فی وصف الولید بن عقبه) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خداوند متعال به او نعمتی ارزانی داشت، باید خدای متعال را سپاس بگوید. هر کس احساس کرد در رسیدن روزی به او، کندی شده است، از خداوند آمرزش بطلبد. هر کس اندوهی به او رسید، بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به مدد خدا». ۶۲۷۳. الإمام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه خداوند به بنده ای نعمتی دهد و او بگوید: «ستایش، خدای را»، هر آینه شکر آن نعمت را به جا آورده است، و اگر آن را دوباره بگوید، خداوند ثواب آن را دوباره به او می دهد، و اگر سه باره آن را بگوید، خداوند گناهانش را می آمرزد.

٦٢٧٤. الغارات (فى وَصْفِ الْوَلِيدِ بْنِ عُقْبَةَ) عنه صلى الله عليه و آله : ما مِنْ نِعَمَةٍ وَإِنْ تَقَادَمَ عَهْدُهَا تَذَكَّرَهَا الْعَبْدُ فَقَالَ : « الْحَمْدُ لِلَّهِ » ، إِلَّا حَيَّدَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَهُ كَيَوْمِ وَجَدَهَا . (١) ٦٢٧٥. شرح نهج البلاغه : عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ ظَهَرَتْ عَلَيْهِ النُّعْمَةُ ، فَلْيُكْثِرْ ذِكْرَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ . (٢) ٦٢٧٦. تاريخ دمشق عن عبد الله بن مسعود عن رسول الله صلعه صلى الله عليه و آله : مَنْ تَظَاهَرَتْ عَلَيْهِ النُّعْمُ فَلْيُثِقِلْ : الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . (٣) ٦٢٧٧. تاريخ دمشق عن علقمه : عنه صلى الله عليه و آله : أُرْبِعْ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَتْ فِي نَوْرِ اللَّهِ عِزٌّ وَ جَلٌّ الْأَعْظَمُ وَمَنْ إِذَا أَصَابَ خَيْرًا قَالَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . (٤) ٦٢٧٨. مروج الذهب : عنه صلى الله عليه و آله : عَجِبْتُ لِلْمُسْلِمِ إِذَا أَصَابَهُ خَيْرٌ حَمِدَ اللَّهَ وَشَكَرَ ، وَإِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ احْتَسَبَ وَصَبَرَ ، الْمُسْلِمُ يُوجِرُ فِي كُلِّ شَيْءٍ ، حَتَّى فِي اللَّقْمَةِ يَرْفَعُهَا إِلَى فِيهِ . (٥) ٦٢٧٩. الغارات عن مغیره الضبى : عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ أَصْبَحَ وَلَا يَذْكُرُ أَرْبَعَةَ أَشْيَاءَ أَخَافُ عَلَيْهِ زَوَالَ النُّعْمَةِ ، أَوْلَاهَا أَنْ يَقُولَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَزَّفَنِي نَفْسَهُ وَلَمْ يَتْرُكْنِي عُيْمَانَ الْقَلْبِ . وَالثَّانِي يَقُولُ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . وَالثَّلَاثُ يَقُولُ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ رِزْقِي فِي يَدَيْهِ ، وَلَمْ يَجْعَلْ رِزْقِي فِي أَيْدِي النَّاسِ . وَالرَّابِعُ يَقُولُ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَتَرَ ذُنُوبِي وَعُيُوبِي وَلَمْ يَفْضَحْنِي بَيْنَ النَّاسِ . (٦) .

- ١- الدعوات : ص ٢٨٦ ح ١٣ ، بحار الأنوار : ج ٨٢ ص ١٣٢ ح ١٦ .
- ٢- الكافي : ج ٨ ص ٩٣ ح ٦٥ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٣٦ كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن : ج ١ ص ١١٤ ح ١١٣ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٩٠ ح ٢٧ و ص ٢١٢ ح ١٢ .
- ٣- الأُمالي للصدوق : ص ٦٥١ ح ٨٨٥ عن محمد بن جعفر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، روضه الواعظين : ص ٥١٩ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٦ ح ٦ .
- ٤- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ١٧٥ ح ٥١٤ ، الخصال : ص ٢٢٢ ح ٤٩ عن عمرو بن أبي المقدم عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام صلى الله عليه و آله ، ثواب الأعمال : ص ١٩٨ عن علي بن أبي علي اللهبى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، تحف العقول : ص ٤٠ وليس فيهما «رب العالمين» ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٢١ ح ١٣ .
- ٥- مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٣٧٥ ح ١٥٣١ ، مسند الطيالسى : ص ٢٩ ح ٣١١ ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص ٧٨ ح ١٤٣ ، تاريخ دمشق : ج ٤٥ ص ٣٩ ح ٩٨٤٦ كلها عن سعد بن أبي وقاص ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٩٧ ح ٦٦٣٧ .
- ٦- الدعوات : ص ٨١ ح ٢٠٤ عن الإمام علي عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٨٢ ح ٤٥ .

۶۲۸۰. شرح نهج البلاغه (فی بیانِ عَلَّهِ شِدَّةِ بُغْضِ الْوَلَدِ عَلَيَّ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ نعمتی هر چند دیری بر آن گذشته باشد نیست که بنده آن را به یاد آورد و بگوید: «سپاس خدای را»، مگر آن که خداوند ثواب آن [سپاس گزاری] را، همانند روزی که آن نعمت را به دست آورده است، مجدداً به او عطا می فرماید. ۶۲۸۱. رسول الله صلی الله علیه و آله (فی وَصِيَّتِهِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به هر کس نعمتی داده شد، ذکر «الحمد لله» را زیاد بگوید. ۶۲۸۲. الإمام علی علیه السلام (فی کلامٍ لَهُ فِي التَّظَلُّمِ وَالتَّشَكُّي مِنَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به هر کس پیاپی نعمت داده شد، بگوید: «سپاس و ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است». ۶۲۸۳. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار خصلت است که در هر کس وجود داشته باشند، در نور اعظم خداوند عز و جل غوطه ور است: ... و کسی که هر گاه به خوبی و نعمتی می رسد، بگوید: «سپاس، خدای را که پروردگار جهانیان است». ۶۲۸۴. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در شگفتی از مسلمانان که هر گاه خوبی و نعمتی به او می رسد، خدا را ستایش و سپاس می گوید، و هر گاه مصیبتی به او می رسد، در راه خدا حساب می کند و شکیبایی می ورزد. به مسلمانان برای هر چیزی، حتی برای لقمه ای که به طرف دهانش می برد، اجر و پاداش داده می شود. ۶۲۸۵. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس صبح کند و چهار چیز را یاد نکند، برایش از آن می ترسم که نعمتش زوال آید: نخست آن که بگوید: «سپاس و ستایش، خدایی را که خودش را به من شناساند و مرا کور دل رها نکرد». دوم این که بگوید: «سپاس و ستایش، خدایی را که مرا از امت محمد صلی الله علیه و آله قرار داد». سوم این که بگوید: «سپاس و ستایش، خدایی را که روزی ام را در دست خودش قرار داد و روزی مرا در دست مردم قرار نداد». و چهارم این که بگوید: «سپاس و ستایش، خدایی را که گناهان و عیب های مرا پوشاند و در نزد مردم، رسوایم نساخت» . .

٦٢٨٦. عنه عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: يا كميل، قل عند كل شئدته: «لا حول ولا قوة إلا بالله» تكفها، وقل عند كل نعمته: «الحمد لله» تزدد منها. (١) ٦٢٨٧. عنه عليه السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام: أحسن ضجبه نعمه الله بحمد الله عليها على كل حال. (٢) ٦٢٨٨. عنه عليه السلام (من كتاب له إلى أخيه عقيل) الإمام الصادق عليه السلام: إذا أنعم الله على أحد بنعمه فليحمد الله عز وجل. (٣) ٦٢٨٩. الإمام علي عليه السلام: عنه عليه السلام لسفيان الثوري: يا سفيان، إذا جاءك ما تحب فأكثر من «الحمد لله»، وإذا جاءك ما تكره فأكثر من «لا حول ولا قوة إلا بالله»، وإذا استبطأت الرزق فأكثر من الاستغفار. (٤) ٦٢٩٠. عنه عليه السلام (لما بلغه اتهام بني أمية له يا) مكارم الأخلاق عن إسحاق بن عمار: خرجت مع أبي عبد الله عليه السلام وهو يحدث نفسه، ثم استقبل القبلة فسجد طويلاً، ثم ألق خده الأيمن بالتراب طويلاً، قال: ثم مسح وجهه ثم ركب، فقلت له: بأبي أنت وأمي لقد صنعت شيئاً ما رأيته قط.

قال: يا إسحاق إنني ذكرت نعمته من نعم الله عز وجل علي فأحببت أن أدلل نفسي.

ثم قال: يا إسحاق ما أنعم الله على عبد بنعمه فشكرها بسجده يحمد الله فيها ففرغ منها (٥)، حتى يؤمر (٦) له بالمزيد من الدارين. (٧).

١- تحف العقول: ص ١٧٤، بشاره المصطفى: ص ٢٧، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٩ ح ٦٥؛ مطالب السؤول: ص ٥٥.

٢- تحف العقول: ص ٢٦٥ ح ٢٨، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ١٦ ح ٢.

٣- الأمالي للطوسي: ص ٤٨٠ ح ١٠٤٨ عن عبد العزيز بن محمد الدراوردي، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٠ ح ٦.

٤- حليه الأولياء: ج ٣ ص ١٩٦، تاريخ دمشق: ج ٥٢ ص ١٩٩ كلاهما عن نصر بن كثير، تهذيب الكمال: ج ٥ ص ١٩ عن نصير بن كثير؛ كشف الغمّة: ج ٢ ص ٣٩٧ عن نصر بن كثير، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ١٩٨ ح ١٤ نقلاً عن خط الشهيد قدس سره.

٥- في بحار الأنوار: «ما أنعم الله على عبد بنعمه فعرّفها بقلبه وجهر بحمد الله عليها ففرغ عنها».

٦- في المصدر: «يؤمن»، والتصويب من بحار الأنوار.

٧- مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٦٥ ح ١٩٥٧، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٠٧ ح ٢٠.

۶۲۹۱. الأغانی عن الحارث بن حبیث: امام علی علیه السلام به کمیل بن زیاد: ای کمیل! در هنگام هر سختی و گرفتاری ای بگو: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به مدد خدا» تا آن سختی، از تو برطرف شود، و هنگام به دست آوردن هر نعمتی بگو: «سپاس، خدای را» تا آن نعمت بر تو افزون شود. ۶۲۹۲. الکامل فی التاریخ عن أبی الزناد: امام زین العابدین علیه السلام: با ستایش همیشگی خداوند بر نعمتش، همنشین خوبی برای نعمت هایش باش. ۶۲۹۳. فرحه الغری عن هشام بن السائب الکلبی عن أبیه: امام صادق علیه السلام: هر گاه خداوند به کسی نعمتی داد، خدای عز و جل را سپاس گوید. ۶۲۹۴. الإمام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام به سفیان ثوری: ای سفیان! هر گاه چیزی به تو رسید که دوست داری، بسیار بگو: «خدای را سپاس»، و هر گاه چیزی به تو رسید که ناخوش می داری، بسیار بگو: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به مدد خدا»، و هر گاه در رسیدن روزی کندی دیدی، زیاد استغفار کن. ۶۲۹۵. وقعه صفین عن لیث بن سلیم: مکارم الأخلاق به نقل از اسحاق بن عمار: با امام صادق علیه السلام بیرون شدم، دیدم با خویش سخن می گوید. سپس رو به قبله کرد و سجده ای طولانی به جا آورد و سپس گونه راست خود را زمانی دراز، بر خاک چسبانید. آن گاه، دست بر صورتش کشید و بر مرکب سوار شد. من به ایشان گفتم: پدر و مادرم فدایت باد! شما کاری انجام دادید که هرگز ندیده بودم.

فرمود: «ای اسحاق! به یاد نعمتی از نعمت های خداوند عز و جل به خود، افتادم و خواستم [در برابرش] اظهار خواری کنم».

سپس فرمود: «ای اسحاق! هر گاه خداوند به بنده ای نعمتی بدهد و او به شکرانه آن، سجده ای به جا آورد و در آن سجده خداوند را سپاس و ستایش بگوید، به محض تمام کردن سجده اش، دستور داده می شود که در هر دو سرا بر نعمت او بیفزایند» . .

٦٢٩٦. الغارات عن سعيد الأشعري: الكافي عن علي بن الحكم عن دعبل بن علي: أَنَّهُ دَخَلَ عَلِيَّ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَأَمَرَ لَهُ بِشَيْءٍ فَأَخَذَهُ وَلَمْ يَحْمَدِ اللَّهَ ، قَالَ : فَقَالَ لَهُ : لِمَ لَمْ تَحْمَدِ اللَّهَ؟!

قَالَ : ثُمَّ دَخَلْتُ بَعْدُ عَلِيَّ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَأَمَرَ لِي بِشَيْءٍ فَقُلْتُ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ» ، فَقَالَ لِي : تَأَدَّبْتَ . (١) راجع : ص ١٩٤ ح ١٠٥١ .

٤ / ٤ على محاسن الأخلاق والأفعال الكتاب «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ» . (٢)

الحديث ٦٣٠٣. المناقب لابن شهر آشوب: رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ لَمْ يَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى مَا عَمِلَ مِنْ عَمَلٍ صَالِحٍ وَحَمِدَ نَفْسَهُ ، قَلَّ شُكْرُهُ وَحَبِطَ عَمَلُهُ . (٣) .

١- الكافي : ج ١ ص ٤٩٦ ح ٨ ، كشف الغمّة : ج ٣ ص ١٥٣ ، بحار الأنوار : ج ٥٠ ص ٩٣ ح ٦ .

٢- النمل : ١٥ .

٣- تفسير الطبري : ج ٥ الجزء ٨ ص ٢٠٦ ، تفسير ابن كثير : ج ٣ ص ٤٢٣ وفيه «فقد كفر» بدل «قل شكره» ، الإصابه : ج ٧ ص ٢٢١ كلّها عن عبدالعزيز الشامي عن أبيه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٦٥ ح ٦٤٧٨ .

۴ / ۴ بر خوی ها و کردارهای نیک

۶۳۰۴. أنساب الأشراف عن عبد الله بن فائد وسحيم بن حفص: الكافي به نقل از علی بن حکم: دعبل بن علی، به نزد امام رضا علیه السلام رفت و ایشان فرمود تا چیزی [به عنوان صله و پاداش] به او بدهند. دعبل آن را گرفت، ولی خدا را سپاس نگفت. امام رضا علیه السلام به او فرمود: «چرا خدا را سپاس نگفتی؟!».

دعبل می گوید: پس از آن، خدمت امام جواد علیه السلام رسیدم. او نیز دستور داد به من چیزی عطا شود و من گفتم: سپاس، خدای را.

امام جواد علیه السلام فرمود: ادب آموخته ای. ر. ک: ص ۱۹۵ ح ۱۰۵۱.

۴ / ۴ بر خوی ها و کردارهای نیکقرآن «و به راستی، به داوود و سلیمان دانشی عطا کردیم و آن دو گفتند: «ستایش، خدایی را که ما را بر بسیاری از بندگان باایمانش برتری داده است»».

حدیث ۶۳۱۱. الإرشاد (فی بیان مَظْلُومِیِّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيهِ أَل) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بر هر کار نیکی که می کند، خدای را حمد و سپاس نگوید و خویشان را بستاید، ناسپاسی کرده است و آن کارش بر باد می رود.

٦٣١٢. الأغانى عن ابن شهاب بن عبد الله: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلشَّيْطَانِ لَمَمَةً بِابْنِ آدَمَ وَلِلْمَلَكِ لَمَمَةٌ ، فَأَمَّا لَمَمَةُ الشَّيْطَانِ فَايَعَادُ بِالشَّرِّ وَتَكْذِيبُ بِالحَقِّ ، وَأَمَّا لَمَمَةُ الْمَلَكِ فَايَعَادُ بِالخَيْرِ وَتَصْدِيقُ بِالحَقِّ ، فَمَنْ وَجَدَ ذَلِكَ فَلْيَعْلَمْ أَنَّهُ مِنَ اللَّهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ ، وَمَنْ وَجَدَ الأُخْرَى فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ . (١) ٦٣١٣. الكامل للمبرّد عن أبي العباس: الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا أَحْسَبْتُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ ، وَإِذَا أَسَأْتُمْ فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ . (٢) ٦٣١٤. لسان الميزان: الكافى عن عبد الله بن بكير عن الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّا لَنَحِبُّ مَنْ كَانَ عَاقِلًا - فَهَمَّا فَفِيهَا حَلِيمًا مُدَارِيًا صَبُورًا صِدُوقًا وَفِيَا ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَصَّ الأَنْبِيَاءَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ بِمَكَارِمِ الأَخْلَاقِ ، فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ ، وَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِيَسْأَلَهُ إِيَّاهَا .

قَالَ : قُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا هُنَّ؟ قَالَ : هُنَّ الوَرَعُ ، وَالْقَنَاعَةُ ، وَالصَّبْرُ ، وَالشُّكْرُ ، وَالْحِلْمُ ، وَالْحَيَاءُ ، وَالسَّخَاءُ ، وَالشَّجَاعَةُ ، وَالغَيْرَةُ ، وَالْبِرُّ ، وَصِدْقُ الحَدِيثِ ، وَأَدَاءُ الأَمَانَةِ . (٣) ٤ / ٥ على حُبِّ أَهْلِ البَيْتِ ٦٣١٧. عنه عليه السلام: الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ البَيْتِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ تَعَالَى عَلَى أَوَّلِ النُّعْمِ . قِيلَ : وَمَا أَوَّلُ النُّعْمِ؟ قَالَ : طِيبُ الوِلَادَةِ ؛ وَلَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ . (٤) .

- ١- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٢١٩ ح ٢٩٨٨ ، صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ٢٧٨ ح ٩٩٧ ، مسند أبى يعلى: ج ٥ ص ١٩ ح ٤٩٧٨ وليس فيهما «بابن آدم» و «فليعلم أنه من الله» وكلها عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال: ١ ص ٢٤٦ ح ١٢٤٠ .
- ٢- مشكاة الأنوار: ص ٦٦ ح ٩٥ ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٣ ح ١٧ .
- ٣- الكافى: ج ٢ ص ٥٦ ح ٣ ، الأمالى للمفيد: ص ١٩٢ ح ٢٢ ، تحف العقول: ص ٣٦٢ ، التمهيد: ص ٦٨ ح ١٦٢ ، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٩٧ ح ٨٦ .
- ٤- معانى الأخبار: ص ١٦١ ح ١ ، علل الشرايع: ص ١٤١ ح ١ ، الأمالى للطوسى: ص ٤٥٦ ح ١٠١٨ ، الأمالى للصدوق: ص ٥٦٢ ح ٧٥٤ كلها عن الحسين بن زيد ، بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ١٤٦ ح ٣ .

۴ / ۵ بر دوست داشتن اهل بیت

۶۳۱۸. المستدرک علی الصحیحین عن أبی صادق: قال عَلِيُّيَامبر خدا صلی الله علیه و آله: هم شیطان به آدمی القا می کند و هم فرشته؛ القای شیطان، وعده بد دادن است و تکذیب حق، ولی القای فرشته، وعده نیک دادن است و تصدیق حق. پس هر کس این [القای فرشتگانی] را در خود یافت، بداند که از جانب خداست و خدا را سپاس بگوید، و هر کس آن [القای شیطانی] را احساس کرد، از شیطان به خدا پناه ببرد. ۶۳۱۹. خصائص الأئمه علیهم السلام عن میثم التمار: امام صادق علیه السلام: هر گاه کار نیک کردید، خدا را سپاس بگویید، و هر گاه بدی [و گناه] کردید، از خدا آمرزش بخواهید. ۶۳۲۰. الإمام الباقر علیه السلام: الکافی به نقل از عبد الله بن بکیر: امام صادق علیه السلام فرمود: «ما کسی را که خردمند و فهمیده و دانا و بردبار و بامدارا و شکیبیا و راستگو و وفادار باشد، دوست می داریم. خداوند عز و جل خوی های والا را به پیامبران علیهم السلام ارزانی داشته است؛ پس هر کس این خوی ها در او هست، خداوند را بر آنها سپاس بگوید و هر کس این خوی ها را ندارد، آنها را از خداوند عز و جل ملتمسانه بخواهد».

گفتم: فدایت شوم! این خوی ها چیستند؟

فرمود: «پارسایی، قناعت، شکیبایی، سپاس گزاری، بردباری، حیا، بخشندگی، شجاعت، غیرت، نیکوکاری، راستگویی و امانتداری». ۴ / ۵ بر دوست داشتن اهل بیت ۶۳۲۳. الإمام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام از پدراناش علیهم السلام: پیامبر خدا فرمود: «هر که ما خاندان را دوست دارد، خدای تعالی را بر نخستین نعمت، سپاس بگوید».

گفته شد: نخستین نعمت چیست؟

فرمود: «پاک زادگی. ما را دوست ندارد، مگر کسی که پاک زاده باشد».

٦٣٢٤. المناقب لابن شهر آشوب: الإمام علي عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا علي، من أحبني وأحبك وأحب الأئمة من ولدك فليحمد الله على طيب مولده، فإنه لا يحبنا إلا مؤمن طابت ولادته، ولا يبغضنا إلا من خبثت ولادته. (١) ٦٣٢٥. الكامل في التاريخ: معاني الأخبار عن أبي محمد الأنصاري عن الإمام الباقر عليه السلام: من أصبح يجد برد حبنا على قلبه، فليحمد الله على بادئ النعم، قيل: وما بادئ النعم؟ قال: طيب المولد. (٢) ٦٣٢٦. المستدرک على الصحيحين عن عبد الله بن ظالم: المحاسن عن أبي عبد الله المدائني: قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا برّد على قلب أحدكم حُبنا فليحمد الله على أولى النعم، قلت: على فطره الإسلام؟ قال: لا، ولكن على طيب المولد؛ إنّه لا يحبنا إلا من طابت ولادته. (٣) ٤ / ٦ على سلامه المولود ٦٣٢٩. المناقب لابن المغازلي عن أبي معاوية هشيم بن بشير الكافي عن محمد بن سنان عمّن حدّثه، قال: كان علي بن الحسين عليه السلام إذا بشر بالولد لم يسأل أذكر هو أم أنثى حتى يقول: أسوي؟ فإن كان سويًا قال: الحمد لله الذي لم يخلق مني شيئًا مشوّهًا. (٤).

- ١- علل الشرايع: ص ١٤١ ح ٣، الأمالي للصدوق: ص ٥٦٢ ح ٧٥٦، بشاره المصطفى: ص ١٧٧ وفيهما «من» بدل «مؤمن» وكلها عن زيد بن علي عن الإمام زين العابدين عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ١٤٦ ح ٥.
- ٢- معاني الأخبار: ص ١٦١ ح ٢، علل الشرايع: ص ١٤١ ح ٢، الأمالي للصدوق: ص ٥٦٢ ح ٧٥٥، بشاره المصطفى: ص ١٧٧، بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ١٤٦ ح ٤.
- ٣- المحاسن: ج ١ ص ٢٣٢ ح ٤٢٠، بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ١٥٢ ح ٢٢.
- ٤- الكافي: ج ٦ ص ٢١ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٧ ص ٤٣٩ ح ١٧٥٤، بحار الأنوار: ج ١٠٤ ص ١٢٣ ح ٦٨.

۴ / ۶ بر سلامت نوزاد

۶۳۳۰. مروج الذهب: امام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «ای علی! هر کس مرا و تو را و امامان از نسل تو را دوست داشته باشد، باید خدای را بر پاک زادگی خویش سپاس بگوید؛ زیرا تنها کسی ما را دوست دارد که مؤمن و پاک زاده باشد، و تنها کسی ما را دشمنان می دارد که ناپاک زاده باشد». ۶۳۳۱. الغارات عن الواقدی: معانی الأخبار به نقل از ابو محمد انصاری: امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس خنکای مهر ما را در دل خویش می یابد، خدای را بر نخستین نعمت سپاس گوید».

گفته شد: نخستین نعمت چیست؟

فرمود: «پاک زادگی». ۶۳۳۲. الإمام الباقر علیه السلام: المحاسن به نقل از ابو عبد الله مدائنی: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر گاه خنکای مهر ما بر دل یکی از شما نشست، پس خدای را بر نخستین نعمت سپاس گوید».

گفتم: بر [داشتن نعمت] آیین اسلام؟

فرمود: «خیر، بر حلال زادگی؛ [چرا که] ما را دوست نمی دارد مگر آن کس که حلال زاده باشد». ۴ / ۶ بر سلامت نوزاد ۶۳۳۵. أنساب الأشراف عن عمر بن علی: الکافی به نقل از محمد بن سنان، از کسی که برایش نقل کرده بود: هر گاه به امام زین العابدین علیه السلام مژده [به دنیا آمدن] فرزند می دادند، نمی پرسید که پسر است یا دختر؛ بلکه نخست می پرسید: «آیا سالم است؟» و اگر سالم بود، می فرمود: «سپاس، خدای را که از من، فرزندی معیوب نیافرید».

٧ / ٤ عِنْدَ الْبَلَاءِ ٦٣٣٨. مَرُوجُ الْذَهَبِ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا مَرَضَ الْعَبْدُ بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ مَلَكَينِ فَقَالَ: أَنْظِرَا مَاذَا يَقُولُ لِعُودِهِ، فَإِنْ هُوَ إِذَا جَاؤُوهُ حَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ رَفَعَا ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَهُوَ أَعْلَمُ.

فَيَقُولُ: لِعَبْدِي عَلِيٍّ، إِنْ تَوَفَّيْتُهُ أَنْ أُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ، وَإِنْ أَنَا شَفَّيْتُهُ أَنْ أُبَدِّلَ لَهُ لَحْمًا خَيْرًا مِنْ لَحْمِهِ، وَدَمًا خَيْرًا مِنْ دَمِهِ، وَأَنْ أُكْفِرَ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ. (١) ٦٣٣٩. الْمَنَاقِبُ لِابْنِ الْمَغَازِلِيِّ عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ: الْكَافِي عَنْ الْعِزْرَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ اشْتَكَى لَيْلَةً فَقَبَّلَهَا بِقَبُولِهَا، وَأَدَّى إِلَى اللَّهِ شُكْرَهَا، كَانَتْ كَعِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً.

قَالَ أَبِي: فَقُلْتُ لَهُ: مَا قَبُولُهَا؟

قَالَ: يَصْبِرُ عَلَيْهَا وَلَا يُخَبِّرُ بِمَا كَانَ فِيهَا، فَإِذَا أَصْبَحَ حَمِدَ اللَّهَ عَلَى مَا كَانَ. (٢) ٦٣٤٠. تَارِيخُ الطَّبْرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ: انْطَلِقُوا إِلَى عَبْدِي فَصُوبُوا عَلَيْهِ الْبَلَاءَ صَبًا، فَيَأْتُونَهُ فَيَصُوبُونَ عَلَيْهِ الْبَلَاءَ، فَيَحْمِدُ اللَّهُ فَيَرْجِعُونَ، فَيَقُولُونَ: يَا رَبَّنَا صَبَبْنَا عَلَيْهِ الْبَلَاءَ صَبًا كَمَا أَمَرْتَنَا، فَيَقُولُ: ارْجِعُوا فَيَأْتِي أَحِبُّ أَنْ أَسْمَعَ صَوْتَهُ. (٣) ٦٣٤١. الْمُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحِينَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْجَدَلِيِّ: عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: إِنْ عَبَدِي الْمُؤْمِنَ عِنْدِي بِمَنْزِلَةِ كُلِّ خَيْرٍ؛ يَحْمَدُنِي وَأَنَا أَنْزِعُ نَفْسَهُ مِنْ بَيْنِ جَنَّتَيْهِ. (٤).

- ١- الموطأ: ج ٢ ص ٩٤٠ ح ٥ عن عطاء بن يسار، كنز العمال: ج ٣ ص ٣١٠ ح ٦٧٠٤ نقلًا عن الدارقطني في الغرائب وابن صخر في عوالي مالك عن أبي هريرة.
- ٢- الكافي: ج ٣ ص ١١٦ ح ٥، مشكاة الأنوار: ص ٤٨٨ ح ١٦٣٠ عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهما السلام.
- ٣- المعجم الكبير: ج ٨ ص ١٦٦ ح ٧٦٩٧، شعب الإيمان: ج ٧ ص ١٤٩ ح ٩٨٠١ وليس فيه «فيصوبون عليه البلاء» وكلاهما عن أبي أمامة، كنز العمال: ج ٣ ص ٣٣٥ ح ٦٨٢١.
- ٤- مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢٤٥ ح ٨٥٠٠، الشكر لابن أبي الدنيا: ص ٤٦ ح ٨٤، شعب الإيمان: ج ٤ ص ١١٨ ح ٤٤٩٤ كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ١٥ ص ٥٦١ ح ٤٢١٧٣.

۴ / ۷ هنگام بلا و بیماری

۴ / ۷ هنگام بلا و بیماری ۶۳۴۴.العقد الفريد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بنده بیمار شود، خداوند بزرگ دو فرشته به سوی او می فرستد و می فرماید: «بنگرید که به عیادت کنندگان چه می گوید».

پس اگر او هنگامی که عیادت کنندگان نزد او می آیند، خدا را سپاس گفت و ستود، آن سپاس و ستایش او را به درگاه خداوند عز و جل بالا می برند، و البته او خود داناتر است [که آن بنده چه گفته است].

پس خداوند می فرماید: «بنده ام بر من این حق را دارد که اگر جانش را ستاندم، او را به بهشت ببرم و اگر شفایش دادم، گوشت و خونی بهتر از گوشت و خون او [که از او کم شده است]، عوضش بدهم و گناهانش را بزدایم». ۶۳۴۵.أسد الغابه عن شهر بن حوشب: الکافی به نقل از عزمی، از پدرش: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس شبی دردمند شود و آن شب را به جان بپذیرد، و شکر آن شب را به درگاه خدا بگزارد، [پاداشش] همانند شصت سال عبادت است».

گفتم: پذیرفتن آن چگونه است؟

فرمود: «بر آن [درد]، شکیب ورزد و آنچه را بر او گذشته است، به کسی نگوید و چون صبح شد، خدای را بر هر آنچه بوده است، سپاس گوید». ۶۳۴۶.مسند الرویانی عن ابن بریده عن أبیه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [گاه] خداوند عز و جل به فرشتگان می فرماید: «به سوی بنده ام بروید و باران بلا و گرفتاری را بر او فرو بریزید».

فرشتگان نیز نزد وی می روند و بر او بلا فرو می ریزند؛ اما او خدا را سپاس می گوید. پس فرشتگان باز می گردند و می گویند: ای پروردگارا! ما همچنان که فرمودی، او را بلا باران کردیم.

خداوند می فرماید: «بر گردید [و ادامه دهید]؛ زیرا من دوست دارم صدای [سپاس گفتن] او را بشنوم». ۶۳۴۷.شرح نهج البلاغه عن أشعث بن سوار: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل می فرماید: «بنده مؤمنم، در نزد من به منزله همه خوبی هاست؛ در آن حال که من جان او را از بدنش می گنم، او مرا سپاس و ستایش می گوید».

٦٣٤٨. مسند ابن حنبل عن قطبه بن مالك: الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِبِأَفْضَلِ مَكَانٍ ثَلَاثًا إِنَّهُ لِيَتَلِيهِ بِالْبَلَاءِ ثُمَّ يَنْزِعُ نَفْسَهُ عُضْوًا عُضْوًا مِنْ جَسَدِهِ ، وَهُوَ يَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ . (١) ٦٣٤٩. صحيح مسلم عن عامر بن سعد بن أبي وقاص عن أبيه: الإمام الصادق أو الإمام الكاظم عليهما السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَعَجَبُ مِنَ الرَّجُلِ يَمُوتُ وَلَعْدُهُ وَهُوَ يَحْمَدُ اللَّهَ ، فَيَقُولُ : يَا مَلَائِكَتِي ، عَبْدِي أَخَذْتُ نَفْسَهُ وَهُوَ يَحْمَدُنِي . (٢) ٦٣٥٠. الأمامي للطوسي عن ابن عباس: الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا قُبِضَ وَلَدُ الْمُؤْمِنِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ (٣) بِمَا قَالَ الْعَبْدُ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ : قَبَضْتُمْ وَلَدَ فُلَانٍ؟ فَيَقُولُونَ : نَعَمْ رَبَّنَا ، قَالَ : فَيَقُولُ : فَمَا قَالَ عَبْدِي؟ قَالُوا : حَمِدَكَ وَاسْتَرْجَعَ ، فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : أَخَذْتُمْ ثَمَرَةَ قَلْبِهِ وَقَرَّةَ عَيْنِهِ فَحَمِدْتَنِي وَاسْتَرْجَعْتُمْ! ابْنُوا لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَسَيَمُوهُ بَيْتَ الْحَمْدِ . (٤) ٦٣٥١. المصنّف لابن أبي شيبة عن أبي بكر بن خالد بن عرْفَطِهَا الإمام زين العابدين عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ عِنْدَ الْمَرَضِ : اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَنْصَرِفْ فِيهِ مِنْ سَلَامِهِ بِيَدِنِي ، وَلَمَّا كَلَّمْتُ عَلَى مَا أَحْدَثْتُمْ بِي مِنْ عِلْمِي فِي جَسَدِي ، فَمَا أَدْرِي يَا إِلَهِي أَيُّ الْحَالِينَ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ ، وَأَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ . (٥) .

- ١- الكافي : ج ٢ ص ٢٥٤ ح ١٣ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٢٠٤ عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٦٧ ص ٢١١ ح ١٥ .
- ٢- الكافي : ج ٣ ص ٢٢٠ ح ٩ عن عبد الرحمن بن الحجاج ، المحجّج البيضاء : ج ٨ ص ٢٨٧ عن الإمام الصادق عليه السلام .
- ٣- قوله «والله أعلم» : هذا لرفع توهم أنّ سؤاله تعالى لعدم علمه بل هو أعلم من ملائكته بما قاله ، ولكن يسأل ذلك لكثير من المصالح ، منها إظهار جوده وفضله على ملائكته وعلى غيرهم بإخبار الأنبياء والحجج عليهم السلام ، والأمر بإعطاء الثواب واستعمال الملائكة فيما يستحقون به القرب ، وغير ذلك ممّا لا يحيط به عقولنا (مرآة العقول : ج ١٤ ص ١٧١) .
- ٤- الكافي : ج ٣ ص ٢١٨ ح ٤ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ١٧٧ ح ٥٢٣ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨٢ ص ١١٩ ح ١١ ؛ سنن الترمذی : ج ٣ ص ٣٤١ ح ١٠٢١ ، السنن الكبرى : ج ٤ ص ١١٤ ح ٧١٤٦ كلاهما عن أبي موسى الأشعري ، مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ١٧١ ح ١٩٧٤٦ عن الضحاك بن عبد الرحمن بن أبي موسى الأشعري والثلاثة الأخيره نحوه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٨١ ح ٦٥٥٢ .
- ٥- الصحيفه السّجّاديّه : ص ٦٥ الدعاء ١٥ .

۶۳۵۲. مروج الذهب عن ابن أبي نجیح: امام صادق علیه السلام: مؤمن در نزد خداوند عز و جل ، برترین جایگاه را دارد (سه بار این جمله را فرمود). خدا او را به بلا [بیماری] گرفتار می کند و سپس جانش را از اندام های بدنش یکایک می ستاند ؛ ولی او خدای را بر این کار سپاس می گوید و می ستاید . ۶۳۵۳. تاریخ دمشق عن عائشه بنت سعد: امام صادق علیه السلام یا امام کاظم علیه السلام: خداوند عز و جل در شگفت می شود از مردی که فرزندش می میرد و او خدا را سپاس می گوید . از این رو ، به فرشتگان می فرماید : «ای فرشتگان من! من جان این بنده ام را گرفتم ؛ ولی او مرا سپاس و ستایش می گوید» . ۶۳۵۴. جواهر المطالب: امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا فرمود : «هر گاه جان فرزند مؤمن گرفته شود ، خداوند تبارک و تعالی با این که خود بهتر می داند آن بنده اش چه گفته (۱) ، به فرشتگانش می فرماید : «جان فرزند فلانی را گرفتید ؟» .

فرشتگان می گویند : آری ، ای پروردگار ما !

خداوند می فرماید : «بنده ام چه گفت ؟» .

می گویند : تو را ستود و گفت : انا لله و انا الیه راجعون .

خداوند تبارک و تعالی می فرماید : «شما میوه دل و نور دیده او را گرفتید ، ولی او مرا ستود و گفت : انا لله و انا الیه راجعون ! [پس] برایش در بهشت ، خانه ای بسازید و آن را خانه ستایش بنامید» . ۶۳۵۵. السننه عن عبد الرحمن بن الیلمانی: امام زین العابدین علیه السلام در دعا به هنگام بیماری : بار خدایا ! تو را سپاس بر تن درستی ای که همواره از آن برخوردار بوده ام ، و تو را سپاس بر این بیماری ای که در تن من پدید آورده ای .

معبود من! نمی دانم که کدام یک از این دو حالت ، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر ، و کدام یک از این دو وقت ، بر ستایش تو شایسته تر است . .

۱- عبارت «خود بهتر می داند» ، برای رفع توهم است . یعنی سؤال خداوند متعال ، برای این نیست که نمی داند ؛ نه ، او خود بهتر از فرشتگان می داند که بنده چه گفته است ، بلکه این سؤال را بنا بر مصالح فراوانی می پرسد ؛ از جمله ، نشان دادن جود و فضل خود به فرشتگان و غیر فرشتگان ، از طریق خبر دادن پیامبران و حجّت های الهی ، و یا دادن دستور پاداش و به کار گرفتن فرشتگان در کاری که به سبب آن ، سزاوار قرب می شوند ، و دیگر مصالحی که ما از آنها آگاهی نداریم (مرآه العقول: ج ۱۴ ص ۱۷۱) .

٦٣٥٦. مسند ابن حنبل عن عبد الله بن ظالم المازني: الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ ذَكَرَ مُصِيبَتَهُ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ ، فَقَالَ : «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، اللَّهُمَّ آجِرْنِي عَلَى مُصِيبَتِي ، وَأَخْلِفْ عَلَيَّ أَفْضَلَ مِنْهَا» ، كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ مَا كَانَ عِنْدَ أَوَّلِ صَدَمِهِ . (١) ٦٣٥٧. مسند ابن حنبل عن رياح بن الحارث: عنه عليه السلام مِمَّا كَانَ يَقُولُهُ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْ مُصِيبَتِي فِي دِينِي ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ شَاءَ أَنْ يَجْعَلَ مُصِيبَتِي أَعْظَمَ مِمَّا كَانَتْ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى الْأَمْرِ الَّذِي شَاءَ أَنْ يَكُونَ فَكَانَ . (٢) ٤ / ٨ عِنْدَ رُؤْيِهِ الْمُبْتَلَى ٦٣٦٠. شرح نهج البلاغه عن سعيد بن جبیر: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الْبَلَاءِ فَاحْمَدُوا اللَّهَ ، وَلَا تُسْمِعُوهُمْ فَإِنَّ ذَلِكَ يَحْزُنُهُمْ . (٣) ٦٣٦١. تاريخ يعقوبى (فى حَوَادِثِ سَنَةِ ٤٤ هـ) عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ رَأَى صَاحِبَ بَلَاءٍ فَقَالَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَفَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا» إِلَّا عَوفَى مِنْ ذَلِكَ الْبَلَاءِ كَاتِبًا مَا كَانَ مَا عَاشَ . (٤) .

- ١- الكافي: ج ٣ ص ٢٢٤ ح ٦ عن داوود بن رزين ، مسكن الفؤاد: ص ١٠٢ عن داوود بن زربي ، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ١٤٣ ح ٢٦ .
- ٢- الكافي: ج ٣ ص ٢٦٢ ح ٤٢ ، تحف العقول: ص ٣٨١ ، الدعوات: ص ٢٨٦ ح ١٤ وليس فيه من «والحمد لله على الأمر...» ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٦٨ ح ١٨٣ وج ٨٢ ص ١٣٣ ح ١٦ .
- ٣- الكافي: ج ٢ ص ٩٨ ح ٢٣ عن حفص بن عمر عن الإمام الصادق عليه السلام ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٥٦ ح ٢٣٨٤ ، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٤ ح ١٨ وج ٩٣ ص ٢١٨ ح ٥؛ كنز العمال: ج ٢ ص ١٤٢ ح ٣٥١٠ نقلاً عن ابن النجار عن جابر نحوه .
- ٤- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٤٩٣ ح ٣٤٣١ عن عمر وح ٣٤٣٢ وفيه «لم يصبه ذلك البلاء» بدل «إلا عوفى...» ، الشكر لابن أبي الدنيا: ص ٨٥ ح ١٨٧ وفيه «فقد أدى شكر تلك النعمة» بدل «إلا عوفى من...» كلاهما عن أبي هريره ، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٨١ ح ٣٨٩٢ ، المعجم الأوسط: ج ٥ ص ٢٨٣ ح ٥٣٢٤ كلاهما عن ابن عمر ، كنز العمال: ج ٢ ص ١٤٢ ح ٣٥١٢ وح ٣٥١١ ؛ طب الأئمة لابنى بسطام: ص ١١٢ عن الإمام الباقر عليه السلام وليس فيه ذيله .

۴ / ۸ هنگام مشاهده آسیب دیده

۶۳۶۲. رجال الکشی عن عاصم بن أبي النجود عن شهد ذلک امام صادق علیه السلام: هر کس ، حتی پس از مدتی ، به یاد مصیبتش بیفتد و بگوید : «ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم ، و سپاس ، خدای را که پروردگار جهانیان است . بار خدایا ! مرا بر این مصیبتم پاداش ده ، و بهتر از آن را برایم جای گزین فرما» ، مزدی همانند آنچه در آغاز مصیبت به او داده شده ، عطایش می شود . ۶۳۶۳. الأذکیاء : امام صادق علیه السلام در دعایی که هنگام مصیبت دیدن می گفت : سپاس ، خدایی را که مصیبت مرا در دینم قرار نداد . سپاس ، خدایی را که اگر می خواست ، مصیبتم را بزرگ تر از آنچه پیش آمد ، قرار می داد . سپاس ، خدای را بر این کار (مصیبت) که او خواست بشود و شد . ۴ / ۸ هنگام مشاهده آسیب دیده ۶۳۶۶. أنساب الأشراف عن الأعمش : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه آسیب دیدگان را دیدید ، خدا را [بر سلامت خود] سپاس بگویید ، اما طوری که آنها نشنوند ؛ زیرا این کار ، آنها را اندوهگین می سازد . ۶۳۶۷. الأذکیاء : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس چون گزند دیده ای را ببیند ، بگوید : «سپاس ، خدای را که مرا از آنچه تو را بدان مبتلا ساخت ، به سلامت داشت و مرا بر بسیاری از آفریدگانش برتری بخشید» ، قطعاً تا زنده است ، از آن گزند به سلامت خواهد ماند ؛ هر گزندی که خواهد ، باشد .

٦٣٦٨. الطبقات الكبرى عن سعد بن محمد بن الحسن بن عطيه الإمام الباقر عليه السلام: تقول ثلاث مَرَاتٍ إذا نظرت إلى المبتلى من غير أن تُسمِعَهُ: الحمد لله الذي عافاني ممّا ابتلاكَ بِهِ ولو شاءَ فَعَلَّ . (١) / ٤ / ٩ عند رؤيته الجنّازة ٦٣٧١. شرح نهج البلاغه: الكافي عن أبي حمزة: كان عليُّ بنُ الحسينِ عليه السلام إذا رأى جنازةً قد أُقبِلت ، قال: الحمد لله الذي لم يجعلني من السّوادِ المُخترَمِ (٢) . (٣) راجع: ج ٣ ص ٦٠ (مواضع التكبير / رؤيه الجنّازة) .

١٠ / ٤ عند الهَمِّ وَالْحُزْنِ ٦٣٧٥. بحر المعارف: الإمام عليّ عليه السلام: عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا نَزَلَ بِي كَرَبٌ أَنْ أَقُولَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . (٤) .

١- الكافي: ج ٢ ص ٩٧ ح ٢٠ عن أبي بصير ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٥٦ ح ٢٣٨٣ ، الأمالى للصدوق: ص ٣٣٩ ح ٤٠٢ عن العيص بن القاسم ، طب الأئمة لابني بسطام: ص ١١٢ عن حنان بن إبراهيم وفي ذيله «ولو شاء أن يفعل فعل ، والحمد لله الذي لم يفعل ، ولا يُسمعه فيعاقب» ، روضه الواعظين: ص ٥١٩ والثلاثة الأخيره عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٤ ح ١٥ وج ٩٣ ص ٢١٧ ح ٢ .

٢- يقال: اخترمهم الدهر: أي اقتطعهم واستأصلهم . والسواد: جملة الناس (النهاية: ج ٢ ص ٢٧ «خرم» وص ٤١٩ «سود») .

٣- الكافي: ج ٣ ص ١٦٧ ح ١ ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ١٧٧ ح ٥٢٥ ، تهذيب الأحكام: ج ١ ص ٤٥٢ ح ١٤٧٢ ، الدعوات: ص ٢٦٠ ح ٧٤٠ ، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٦٦ ح ٢٤ .

٤- مسند ابن حنبل: ج ١ ص ١٩٦ ح ٧٠١ عن عبد الله بن جعفر ، كنز العمال: ج ٧ ص ٦٩ ح ١٨٠٠٠ .

۴ / ۹ هنگام دیدن جنازه

۴ / ۱۰ هنگام گرفتاری و اندوه

۶۳۷۶. ربیع الأبرار: امام باقر علیه السلام: هر گاه چشمت به آسیب دیده ای افتاد ، به طوری که او نشنود ، سه مرتبه بگو : «سپاس ، خدای را که مرا از آنچه تو را بدان مبتلا ساخت ، به سلامت داشت ، در حالی که اگر او می خواست ، [با من نیز] چنین می کرد». ۴ / ۹ هنگام دیدن جنازه ۶۳۷۹. سیر أعلام النبلاء عن أبي الأسود: الكافي به نقل از ابو حمزه : امام زین العابدین علیه السلام هر گاه می دید که جنازه ای را می آورند ، می فرمود : «سپاس ، خدای را که مرا از زمره نابود شدگان قرار نداد» . ر . ک : ج ۳ ص ۶۱ (جایگاه های گفتن «الله اکبر» / هنگام دیدن جنازه) .

۴ / ۱۰ هنگام گرفتاری و اندوه ۶۳۸۳. وقعه صفین: امام علی علیه السلام: پیامبر خدا به من آموخت که هر گاه مرا اندوهی می رسد ، بگویم : «معبودی جز خدای بردبار بزرگوار نیست . پاکا خدا و خجسته باد خدایی که پروردگار عرش بزرگ است ، و ستایش ، خدایی را که پروردگار جهانیان است» .

١١ / ٤ فِي السَّرَائِ وَالضَّرَائِ ٦٣٨٦. سنن الترمذى عن أبي ذرّ: رسول الله صلى الله عليه وآله: أَوَّلُ مَنْ يُدْعَى إِلَى الْجَنَّةِ الْحَمَادُونَ؛ الَّذِينَ يَحْمَدُونَ اللَّهَ عَلَى السَّرَائِ وَالضَّرَائِ . (١) ٦٣٨٧. مسند ابن حنبل عن بريده: الإمام على عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَتَاهُ أَمْرٌ يَسْرُهُ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَبَتُّمُ الصَّالِحَاتُ»، وَإِذَا أَتَاهُ أَمْرٌ يَكْرَهُهُ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ». (٢) ٦٣٨٨. أنساب الأشراف: الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَتَاهُ مَا يُحِبُّ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمَلِ»، وَإِذَا أَتَاهُ مَا يَكْرَهُهُ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ»، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ. (٣) ٦٣٨٩. أنساب الأشراف عن كميل بن زياد: عنه عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ أَمْرٌ يَسْرُهُ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هَذِهِ النَّعْمَةِ»، وَإِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ أَمْرٌ يَغْتَمُّ بِهِ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ». (٤) ٦٣٩٠. تاريخ يعقوبى: الإمام الحسين عليه السلام من حُطْبِهِ لَهُ يَوْمَ تَاسُوعَاءَ: أَثْنَى عَلَى اللَّهِ أَحْسَنَ الثَّنَاءِ، وَأَحْمَدُهُ عَلَى السَّرَائِ وَالضَّرَائِ... (٥).

- ١- المعجم الكبير: ج ١٢ ص ١٥ ح ١٢٣٤٥، المعجم الصغير: ج ١ ص ١٠٣، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٦٨١ ح ١٨٥١، شُعب الإيمان: ج ٤ ص ٩١ ح ٤٣٧٣، حليه الأولياء: ج ٥ ص ٦٩ كَلَّهَا عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، كَنْزُ الْعَمَالِ: ج ٣ ص ٢٥٤ ح ٦٤١٠؛ مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٧٧ ح ٢١٩٣، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٥ ح ١٨.
- ٢- الأمالى للطوسى: ص ٥٠ ح ٦٤ عن داوود بن سليمان الغازى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، جامع الأخبار: ص ٥١٢ ح ١٤٣٦ مع تقديم وتأخير، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٤٦ ح ٥٦؛ المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٦٧٨ ح ١٨٤٠ عن عائشه، تاريخ بغداد: ج ٣ ص ١٣١ عن ابن عباس، حليه الأولياء: ج ٣ ص ١٥٧ عن أبي هريره وكلاهما نحوه، كَنْزُ الْعَمَالِ: ج ٢ ص ٦٧١ ح ٥٠٢٧.
- ٣- مشكاة الأنوار: ص ٧٠ ح ١١٩، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٤ ح ١٧.
- ٤- الكافى: ج ٢ ص ٩٧ ح ١٩ عن المثنى الحنّاط، مشكاة الأنوار: ص ٧٠ ح ١٢٠، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٣ ح ١٤ و ج ٩٣ ص ٢١٤ ح ١٧.
- ٥- الإرشاد: ج ٢ ص ٩١، إعلام الورى: ج ١ ص ٤٥٥، روضه الواعظين: ص ٢٠٢ كَلَّهَا عَنْ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، بحار الأنوار: ج ٤٤ ص ٣٩٢؛ تاريخ الطبرى: ج ٥ ص ٤١٨ عن شريك العامرى عن الإمام زين العابدين عليه السلام.

۴ / ۱۱ در خوشی و ناخوشی

۴ / ۱۱ در خوشی و ناخوشی ۶۳۹۳. أنساب الأشراف عن قتاده: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین کسانی که به بهشت فراخوانده می شوند، ستایش گران اند؛ همانان که در خوشی و ناخوشی، خدا را سپاس و ستایش می گویند. ۶۳۹۴. أنساب الأشراف عن إبراهيم التیمی عن أبيه: امام علی علیه السلام: پیامبر خدا هر گاه حادثه خوشایندی برایش پیش می آمد، می فرمود: «سپاس، خدایی را که به لطف و نعمت او، کارهای نیک صورت می پذیرد» و هر گاه حادثه ناخوشایندی برایش پیش می آمد، می فرمود: «سپاس، خدای را بر هر حالی». ۶۳۹۵. الأمالی للطوسی عن عبد الرحمن بن أبي عمره الأنصاری امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا هر گاه برایش چیزی پیش می آمد که دوست داشت، می فرمود: «سپاس، خدای نیکوکار احسانگر را» و هر گاه برایش چیزی پیش می آمد که دوست نمی داشت، می فرمود: «سپاس، خدای را بر هر حالی، و سپاس خدای را بر این حال». ۶۳۹۶. الکافی عن أبي جعفر الخثعمی: امام صادق علیه السلام: هر گاه برای پیامبر خدا حادثه ای پیش می آمد که خوش حالش می کرد، می فرمود: «سپاس، خدای را بر این نعمت» و هر گاه حادثه ای برایش پیش می آمد که او را اندوهگین می ساخت، می فرمود: «سپاس، خدای را بر هر حالی». ۶۳۹۷. الإمام الصادق علیه السلام: امام حسین علیه السلام در خطبه روز تاسوعا: خدای را به نیکوترین ثنا می ستایم، و در خوشی و ناخوشی، او را سپاس می گویم ...

١٢ / ٤ عند دخول المسجد ٦٤٠٠. رجال النجاشي عن أبي رافع: الإمام الصادق عليه السلام: إذا دخلت المسجد فاحمد الله وأثن عليه ، وصل على النبي صلى الله عليه وآله . (١) ١٣ / ٤ عقيب الصلوات ٦٤٠٣. تاريخ الطبري عن أبي قتاده (لعلي عليه السلام في حرب الجمل) وقعه صفين عن عمر بن سعد في ذكر خروج الإمام علي عليه السلام إلى صفين : ثم خرج حتى نزل على شاطيء نرس بين موضع حمام أبي بردة وحمام عمر ، فصلى بالناس المغرب ، فلما انصرف قال : الحمد لله الذي يوليح الليل في النهار ، ويوليح النهار في الليل ، والحمد لله كلما وقب ليل وعسق ، والحمد لله كلما لاح نجم وحقق . (٢) ٦٤٠٤. الإمام علي عليه السلام (في وصف أبي موسى الأشعري) الإمام الصادق عليه السلام : من قال إذا صلى المغرب ثلاث مرات : « الحمد لله الذي يفعل ما يشاء ولا يفعل ما يشاء غيره » أعطى خيرا كثيرا . (٣) ٦٤٠٥. مروج الذهب (في ذكر حرب الجمل) مصباح المتهجد عن معاوية بن عمار (٤) : مصباح المتهجد عن معاوية بن عمار (٥) : تقول بعد الفجر : ... الحمد لله رب العالمين كثيرا كما هو أهله ومستحقه ، وكما يتبغى لكرمه وجهه وعز جلاله ، على إدبار الليل وإقبال النهار ، الحمد لله الذي ذهب بالليل مظلمة بقدرته وجاء بالنهار مبصرا برحمته . ٦ .

- ١- تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ٦٥ ح ٢٣٣ عن أبي بصير .
- ٢- وقعه صفين : ص ١٣٤ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١١٢ ح ١٠ .
- ٣- الكافي : ج ٢ ص ٥٤٥ ح ٢ عن الصباح بن سيابة ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٣٢٦ ح ٩٥٧ ، تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ١١٥ ح ٤٣٠ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١١٢ ح ١٢ .
- ٤- كذا ورد في المصدر مضمرا ، والمروي عنه هو الإمام الصادق عليه السلام كما في مكارم الأخلاق وفلاح السائل .
- ٥- مصباح المتهجد : ص ٢١٨ ح ٣٣١ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٦٩ ح ٢١٧٢ ، بحار الأنوار : ج ٨٣ ص ١١٣ ح ٢١ .

۴ / ۱۲ هنگام وارد شدن به مسجد

۴ / ۱۳ در پی نمازها

۴ / ۱۲ هنگام وارد شدن به مسجد ۶۴۰۸. تاریخ دمشق عن أبي يحيى حَكِيم: امام صادق عليه السلام: هر گاه وارد مسجد شدی ، خدای را سپاس و ستایش بگو و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست . ۴ / ۱۳ در پی نمازها ۶۴۱۱. الطبقات الكبرى عن أبي بُرده [بن أبي موسى] : وقعه صَفَّين به نقل از عمر بن سعد در بیان حرکت امام علی علیه السلام به سوی صَفَّين : سپس ره سپار شد تا آن که در کرانه نرس ، (۱) بین حَمَام ابو برده و حَمَام عمر ، فرود آمد و نماز مغرب را به جماعت خواند . پس چون نمازش را تمام کرد ، فرمود : «سپاس ، خدایی را که شب را در کام روز فرو می برد و روز را در کام شب . سپاس ، خدای را تا هر آن گاه که [در عالم] شبی تیره شود و به سپیده گراید . سپاس ، خدای را تا هر آن گاه که ستاره ای بدرخشد و غروب کند» . ۶۴۱۲. تاریخ دمشق عن عبد الله بن المبارك : امام صادق عليه السلام: هر کس که چون نماز مغرب را خواند ، سه مرتبه بگوید : «سپاس ، خدایی را که آنچه بخواهد ، انجام می دهد و جز او هیچ کس نیست که آنچه بخواهد ، انجام دهد» ، خیر بسیار به او داده شده است . ۶۴۱۳. الجمل (فی ذکر حرب) مصباح المتهجد به نقل از معاویه بن عَمَّار : پس از نماز صبح ، می گویی : «... سپاس فراوان ، خدای را که پروردگار جهانیان است ؛ چنان سپاسی که او اهل و سزاوار آن است ، و آن سان که سزایند ذات بزرگوار و عزت بشکوه اوست ؛ [سپاس] بر سپری شدن شب و روی آوردن روز . سپاس ، خدایی را که با قدرت خویش ، شب تار را بُرد و به رحمت خویش ، روز روشن را آورد» .

۱- . کانالی که نرسی پسر بهرام ، در بیرون کوفه حفر کرده و از فرات منشعب می شود .

٤ / ١٤ في السُّجُودِ ٦٤١٦. وقعه صفين (بعد ذكر دعوته الإمام عليه السلام أهل أ) فلاح السائل: إن مولانا علي بن الحسين كان يقول صلوات الله عليهما إذا سجد ، يقول منته مره : « الحمد لله شكرا » ، وكلما قال عشر مرات قال : « شكرا للمجيب » ، ثم يقول : « يا ذا المن الدائم الذي لا ينقطع أبدا ، ولا يحصيه غيره ، ويا ذا المعروف الذي لا ينفد أبدا ، يا كريم يا كريم يا كريم » . (١) / ٤ / ١٥ بعد قراءه الفاتحه في الصلاه ٦٤١٩. عيون الأخبار عن السكن: الإمام الصادق عليه السلام: إذا قرأت الفاتحه ففرغت من قراءتها فقل : الحمد لله رب العالمين . (٢) / ٤ / ١٦ بعد قراءه الحواميم ٦٤٢٢. تاريخ دمشق عن إبراهيم: الإمام الصادق عليه السلام: الحواميم رياحين القرآن ، فإذا قرأتها فاحمدوا الله واشكروه كثيرا لحفظها وتلاوتها ، إن العبد ليقوم ويقرأ الحواميم ، فيخرج من فيه أطيّب من المسك الأذفر والعتبر ، وإن الله عز وجل ليرحم تاليتها وقارنها . (٣) .

-
- ١- فلاح السائل : ص ٣٦٥ ح ٢٤٣ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢١٤ ح ٢٧ .
 - ٢- مجمع البيان : ج ١ ص ١٠٩ عن فضيل بن يسار ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ٦٠ ح ٤٨ .
 - ٣- ثواب الأعمال : ص ١٤١ ح ١ عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج ٩٢ ص ٣٠١ ح ١ .

۴ / ۱۴ در سجده

۴ / ۱۵ پس از خواندن سوره فاتحه در نماز

۴ / ۱۶ پس از خواندن «حاء میم»ها

۴ / ۱۴ در سجده ۶۴۲۵. وقعه صفین عن الأشعث بن قیس (مِنْ خُطْبَتِهِ فِي أذْرِبِجَانَ بَعْدَ بَيْعِهِ النَّاسِ) فلاح السائل: سرورمان امام زین العابدین که درودهای خدا بر آن دو باد هر گاه به سجده می رفت ، صد مرتبه می گفت : «ستایش ، خدای را» و پس از هر ده مرتبه ، یک مرتبه می گفت : «ستایش اجابت کننده را» . سپس می فرمود : «ای صاحب نعمت همیشگی که هرگز قطع نمی شود و جز او هیچ کس شمارش آن را نتواند ! و ای صاحب احسانی که هرگز پایان نمی پذیرد ، ای بزرگوار ، ای بزرگوار ، ای بزرگوار ، ای بزرگوار !» . ۴ / ۱۵ پس از خواندن سوره فاتحه در نماز ۶۴۲۸. الإمام الصادق علیه السلام : امام صادق علیه السلام : هر گاه سوره فاتحه را خواندی ، در پایان آن بگو : «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» . ۴ / ۱۶ پس از خواندن «حاء میم»ها ۶۴۳۱. شرح نهج البلاغه : امام صادق علیه السلام : «حاء میم»ها گل پونه های قرآن اند ؛ پس هر گاه آنها را خواندید ، خداوند را برای حفظ کردن و خواندن آنها ، ستایش و سپاس بسیار بگویید . بنده بر می خیزد و «حاء میم»ها را می خواند ، پس بویی خوش تر از مشک تُند و عنبر از دهان او خارج می شود ، و خداوند عز و جل به تلاوت کننده و قرائت کننده آنها رحم می آورد .

١٧ / ٤ عِنْدَ خَتَمِ الْقُرْآنِ ٦٤٣٤. رسول الله صلى الله عليه و آله :الإمام زين العابدين عليه السلام: كَانَ [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ] إِذَا خَتَمَ الْقُرْآنَ حَمِدَ اللَّهَ بِمَحَامِدِهِ وَهُوَ قَائِمٌ ، ثُمَّ يَقُولُ : الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ» (١) ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَكَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ ، وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَكَذَبَ الْمُشْرِكُونَ بِاللَّهِ مِنَ الْعَرَبِ وَالْمَجُوسِ وَالْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ ، وَمَنْ ادَّعَى لِلَّهِ وَلَدًا أَوْ صَاحِبَةً أَوْ نِدًّا أَوْ شَبِيهَا أَوْ مِثْلًا أَوْ سَمِيًّا أَوْ عَدَلًا ، فَأَنْتَ رَبُّنَا أَعْظَمُ مِنْ أَنْ تَتَّخِذَ شَرِيكًا فِيمَا خَلَقْتَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا ، اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ، وَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا * قَيِّمًا» قَرَأَهَا إِلَى قَوْلِهِ «إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا» (٢) ، «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ * يَعْلَمُ مَا يَلْتَجِ فِي الْأَرْضِ» (٣) الْآيَةَ ، وَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (٤) الْآيَتَيْنِ ، وَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَّمَ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى ءاللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ» (٥) ، بَلِ اللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى وَأَحْكَمُ وَأَكْبَرُ وَأَجَلُّ وَأَعْظَمُ مِمَّا يُشْرِكُونَ ، وَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (٦) ، صَدَقَ اللَّهُ وَبَلَّغَتْ رُسُلُهُ وَأَنَا عَلَى ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ وَالثَّرْسَلِينَ ، وَارْحَمْ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ ، مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، وَاخْتِمْ لَنَا بِخَيْرٍ وَافْتِحْ لَنَا بِخَيْرٍ وَبَارِكْ لَنَا فِي الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ ، وَانْفَعْنَا بِالْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ ، رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . (٧) .

١- .الأُنْعَام : ١ .

٢- .الكهف : ٥١ .

٣- .سبأ : ١ و ٢ .

٤- .فاطر : ١ .

٥- .النمل : ٥٩ .

٦- .لقمان : ٢٥ .

٧- .كثر العَمَال : ج ٢ ص ٣٤٩ ح ٤٢٢٠ نقلًا عن شعب الإيمان .

۴ / ۱۷ هنگام ختم قرآن

۴ / ۱۷ هنگام ختم قرآن ۶۴۳۷. حلیه الأولیاء عن أصبغ بن زید: امام زین العابدین علیه السلام: [پیامبر خدا صلی الله علیه و آله] هر گاه قرآن را به پایان می رساند، بر می خاست و خدا را به انواع ستایش ها می ستود. سپس می فرمود: «سپاس و ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است و «ستایش، خدایی را که آسمان و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنایی را پدید آورد، ولی با این حال، کافران برای پروردگار خویش همتا می آورند». معبودی جز خدا نیست. همتا آوران برای خدا، دروغ می گویند و در گم راهی شدید به سر می برند. معبودی جز خدا نیست. دروغ است سخن آنان که برای خدا انباز می آورند؛ از عرب و مجوس و یهود و نصارا و صائین و هر کس که برای خدا فرزندی یا همسری یا همتایی یا همانندی یا همسانی یا همنامی یا لنگه ای قایل شود. زیرا تو ای پروردگار ما! بزرگ تر از آنی که در آنچه آفریده ای، شریکی برگیری. ستایش، خدایی را که همسر و فرزندی نگرفته است و در جهانداری، شریکی ندارد. خوار و ناتوان نبوده که پشتیبانی داشته باشد، و او را بسی بزرگ دار. خدا بسی بزرگ است، و سپاس و ستایش فراوان، او راست. پا کا خدا در هر بام و شام، و «سپاس و ستایش، خدایی را که این کتاب را بر بنده اش فرو فرستاد و در آن هیچ کژی نهاد. کتابی راست است...» (این آیات را خواند، تا) «جز دروغ نگویند». «ستایش، خدایی را که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، از آن اوست و سپاس او راست در سرای پسین، و او حکیم و آگاه است. آنچه را در زمین فرو رود، می داند...» (تا آخر آیه خواند) و «ستایش، خدایی را که شکافنده آسمان ها و زمین است...» (تا دو آیه خواند) و «ستایش، خدای را و درود بر آن بندگانش که خود برگزیده است. آیا خدا بهتر است یا آنچه شریکش می کنند؟!». البته که خدا بهتر و ماندگارتر و حکیم تر و بزرگ تر و شکوهمندتر است و برتر از آن چیزی است که شریک او می دارند، و «ستایش، از آن خداست، اما بیشترشان نمی دانند». راست فرمود خدا، و فرستاد گانش پیام او را رساندند، و من نیز از شمار گواهان بر آنان هستم.

بار خدایا! بر همه فرشتگان و فرستادگان درود فرست. بر بندگان مؤمن در آسمان ها و زمین، رحم فرما. پایان و آغاز کار ما را نیک گردان. در قرآن بزرگ، برای ما برکت قرار ده و ما را از آیات و این پند حکیمانه [ی قرآن]، بهره مند گردان. خداوندا! از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی».

٤ / ١٨ بدء الكلام ٦٤٤٠. الأمل للطوسي: رسول الله صلى الله عليه وآله: كَلُّ كَلَامٍ ذِي بَالٍ لَا يُبَدَأُ فِيهِ بِالْحَمْدِ لِلَّهِ فَهُوَ أَقْطَعُ .
 (١) ٦٤٤١. حليه الأولياء عن أصبغ بن زيد: عنه صلى الله عليه وآله: كَلُّ كَلَامٍ لَا يُبَدَأُ فِيهِ بِالْحَمْدِ لِلَّهِ فَهُوَ أَجْذَمُ . (٢) ٤ / ١٩ بعد
 الأكل والشرب ٦٤٤٤. تاريخ بغداد عن عبد الله بن عماره بن القداح: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَشْبَعُ مِنَ الطَّعَامِ
 وَالشَّرَابِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ؛ فَيُعْطِيهِ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا لَا يُعْطَى الصَّائِمَ ، إِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ . (٣) ٦٤٤٥. علل الشرائع عن
 أبي الزبير المكي: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ لَيَرْضَى عَنِ الْعَبْدِ أَنْ يَأْكُلَ الْأَكْلَةَ فَيَحْمَدُ اللَّهَ عَلَيْهَا ، أَوْ يَشْرَبَ الشَّرْبَةَ فَيَحْمَدُ
 عَلَيْهَا . (٤) .

- ١- المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٦ ص ٢٦٣ ح ٣ عن أبي هريره؛ عدّه الداعي: ص ٢٤٥، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٣١ وليس
 فيهما «ذى بال»، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٦ ح ٢١ .
- ٢- سنن أبي داوود: ج ٤ ص ٢٦١ ح ٤٨٤٠ عن أبي هريره، المعجم الكبير: ج ١٩ ص ٧٢ ح ١٤١ عن كعب نحوه، كنز العمال
 : ج ١ ص ٥٥٩ ح ٢٥١١ .
- ٣- المحاسن: ج ٢ ص ٢١٤ ح ١٦٤١ عن جابر بن يزيد الجعفي عن الإمام الباقر عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٦٦ ح ٩٩
 وفيه «ما يعطى الصائم» بدل «مالا يعطى الصائم»، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٧٥ ح ٢٦ و ج ٩٣ ص ٢١٤ ح ١٧ .
- ٤- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٩٥ ح ٨٩، سنن الترمذی: ج ٤ ص ٢٦٥ ح ١٨١٦، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٣٥ ح ١٢١٦٩،
 المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٥ ص ٥٦٣ ح ١ كلّها عن أنس، كنز العمال: ج ١٥ ص ٢٤٥ ح ٤٠٧٧٨ .

۴ / ۱۸ آغاز سخن

۴ / ۱۹ پس از خوردن و آشامیدن

۴ / ۱۸ آغاز سخن ۶۴۴۸. رجال الکشی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر سخن جدی ای که با ستایش خدا آغاز نشود، آن سخن بریده و ناتمام است. ۶۴۴۹. وقعه صفین: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گفتاری که با ستایش خدا آغاز نشود، آن گفتار بی دنباله است. ۴ / ۱۹ پس از خوردن و آشامیدن ۶۴۵۲. الإرشاد عن جنذب بن عبد الله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن می خورد و می آشامد و سپس حمد خدا می گوید و در نتیجه، خداوند به او مزدی می دهد که به روزه دار نمی دهد. خداوند، قدر دانی داناست و دوست دارد که حمد شود. ۶۴۵۳. الإرشاد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند از بنده می پسندد که غذایی بخورد و او را بر آن سپاس گوید، یا نوشیدنی ای بیاشامد و او را بر آن سپاس گوید.

٦٤٥٤. شرح نهج البلاغه عن حبه العرنى: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ لَيَدْخُلُ الْعَبْدَ الْجَنَّةَ بِالْأَكْلَةِ أَوْ الشَّرْبَةِ يَحْمِدُهُ عَلَيْهَا .
 (١) ٦٤٥٥. الطبقات الكبرى عن علباء بن أحمر: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ طَعَامًا ثُمَّ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي هَذَا مِنْ رِزْقِهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَقُوَّةٍ»، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ . (٢) ٦٤٥٦. شرح الأخبار عن أبي الحجاج: عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا رُفِعَتِ الْمَائِدَةُ فَقُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً مَشْكُورَةً . (٣) ٦٤٥٧. الأمالى للمفيد عن جميل بن صالح الإقبال: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَحْمَدُ اللَّهَ بَيْنَ كُلِّ لِقْمَتَيْنِ . (٤) ٦٤٥٨. الأمالى للطوسى عن ربيعة بن ناجذ (بَعْدَ غَارِهِ سُفْيَانَ بْنَ عَوْفٍ الْغَامِدِيِّ وَآسَ) سنن الترمذى عن أبي أمامه: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا رُفِعَتِ الْمَائِدَةُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ ، يَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ . (٥) ٦٤٥٩. تاريخ يعقوبيسنن أبي داوود عن أبي سعيد الخدرى: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا فَرَّغَ مِنْ طَعَامِهِ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَجَعَلَنَا مُسْلِمِينَ . (٦) ٦٤٦٠. وقعه صفين عن عبد الله بن شريك: صحيح البخارى عن أبي أمامه: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا رُفِعَتْ مَائِدَتُهُ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ ، غَيْرَ مَكْفِيٍّ وَلَا مُودَعٍ وَلَا مُسْتَغْنَى عَنْهُ ، رَبُّنَا . (٧) .

- ١- سير أعلام النبلاء: ج ١٩ ص ٢٥٩ ، تاريخ دمشق: ج ٥٥ ص ٣٩٩ كلاهما عن أنس ، كترالعمال: ج ٣ ص ٢٥٨ ح ٦٤٣٧ .
- ٢- الإقبال: ج ١ ص ٢٤٤ ، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٤ ح ٢ ؛ سنن أبي داوود: ج ٤ ص ٤٢ ح ٤٠٢٣ وفيه «... ما تقدم من ذنبه وما تأخر» ، سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٠٨ ح ٣٤٥٨ ، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٠٩٣ ح ٣٢٨٥ ، كترالعمال: ج ١٥ ص ٢٣٩ ح ٤٠٧٤٤ .
- ٣- مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٣١٠ ح ٩٩١ ، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٨١ ح ٤٧ .
- ٤- الإقبال: ج ١ ص ٢٤٥ نقلاً عن تاريخ نيسابور فى ترجمه حسن بن بشير ياسناده ، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٤ ح ٢ .
- ٥- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٠٧ ح ٣٤٥٦ ، المستدرک على الصحيحين: ج ٤ ص ١٥١ ح ٧١٩٢ ؛ الجعفریات: ص ١٦٠ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام .
- ٦- سنن أبي داوود: ج ٣ ص ٣٦٦ ح ٣٨٥٠ ، سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٠٨ ح ٣٤٥٧ ، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٠٩٢ ح ٣٢٨٣ ، السنن الكبرى للنسائى: ج ٦ ص ٨٠ ح ١٠١٢١ ، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٦٥ ح ١١٢٧٦ وص ١٩٤ ح ١١٩٣٤ ، كترالعمال: ج ٧ ص ١٠٤ ح ١٨١٧٩ .
- ٧- صحيح البخارى: ج ٥ ص ٢٠٧٨ ح ٥١٤٢ ، سنن أبي داوود: ج ٣ ص ٣٦٦ ح ٣٨٤٩ ، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٢٨٣ ح ٢٢٢٦٢ ، السنن الكبرى للنسائى: ج ٤ ص ٢٠١ ح ٦٨٩٧ ، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٧١٠ ح ١٩٣٥ ، كترالعمال: ج ٧ ص ١٠٤ ح ١٨١٧٨ .

۶۴۶۱. الإمام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند بنده را به سبب خوردن یا آشامیدن که بر آن او را سپاس گوید، به بهشت می برد. ۶۴۶۲. الأغانی عن المجالد بن سعید الهمدانی، والصقعب بن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس غذایی بخورد و سپس بگوید: «ستایش، خدای را که این را از روزی خود، بدون آن که مرا در آن توش و توانی باشد، خورانید»، گناهان گذشته او آمرزیده می شود. ۶۴۶۳. الطبقات الکبری (فی ذکر أحوال حُجرِ بنِ عَدیِّ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه سفره جمع شد، بگو: «سپاس و ستایش، خدایی را که پروردگار جهانیان است».

بار خدایا! این را نعمتی سپاس داشته قرار ده». ۶۴۶۴. تاریخ الطبری عن أبي إسحاق: الاقبال: پیامبر خدا میان هر دو لقمه، خدا را سپاس می گفت. ۶۴۶۵. الأغانی: سنن الترمذی به نقل از ابو امامه: پیامبر خدا هر گاه سفره را از برابرش برمی داشتند، می گفت: «سپاس، خدای را». ۶۴۶۶. الأغانی: سنن ابی داوود به نقل از ابو سعید خُدری: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه از خوردن فراغت می یافت، می فرمود: «سپاس، خدایی را که به ما غذا و آب داد و ما را مسلمان قرار داد». ۶۴۶۷. الأغانی: صحیح البخاری به نقل از ابو امامه: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه سفره اش برچیده می شد، می فرمود: «سپاس، خدای را؛ سپاسی فراوان و پاک و با برکت، که او را خود، نیازی نیست، و طاعتش را کنار نتوان نهاد، و از او بی نیازی نباشد. تو پروردگار ما هستی».

٦٤٦٨. الأغانى عن أبي مخنف عن رجاله: مسند ابن حنبل عن نعيم بن سلامه عن رجل من بنى سليم وكانت له صُحْبَةٌ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا فَرَّغَ مِنْ طَعَامِهِ قَالَ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ، أَطَعَمْتَ وَسَقَيْتَ وَأَشْبَعْتَ وَأَرَوَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ غَيْرَ مَكْفُورٍ وَلَا مُؤَدَّعٍ وَلَا مُسْتَغْنَى عَنْكَ. (١) ٦٤٦٩. تاريخ يعقوبى: مكارم الأخلاق: كَانَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا وُضِعَتِ الْمَائِدَةُ بَيْنَ يَدَيْهِ، قَالَ: بِاسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً مَشْكُورَةً نَصِلُ بِهَا نِعْمَةَ الْجَنَّةِ. (٢) ٦٤٧٠. الأغانى عن عبد الملك بن نوفل: سنن أبى داوود عن أبى أيوب الأنصارى: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَكَلَ أَوْ شَرِبَ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَ وَسَقَى وَسَوَّغَهُ، وَجَعَلَ لَهُ مَخْرَجًا. (٣) ٦٤٧١. تاريخ يعقوبى: الشكر عن أنس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَكَلَ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي وَسَقَانِي وَهَيَّدَانِي، وَكُلُّ بَلَاءٍ حَسَنٍ أَبْلَانِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الرَّزَاقِ ذِي الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، اللَّهُمَّ لَا تَنْزِعْ مِنَّا صَالِحًا أَعْطَيْتَنَا، وَلَا صَالِحًا رَزَقْتَنَا، وَاجْعَلْنَا لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ. (٤) ٦٤٧٢. تاريخ الطبرى عن ابن سيرين (فى مُعَاوِيَةَ) الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا شَرِبَ الْمَاءَ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَقَانَا عَذْبًا زَلَالًا بِرَحْمَتِهِ، وَلَمْ يَسْقِنَا مِلْحًا أَجَا (٥) بِذُنُوبِنَا. (٦).

- ١- مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٣١٠ ح ١٨٠٩٣، أسد الغابه: ج ٦ ص ٣٨٨، تاريخ دمشق: ج ٦٢ ص ١٧٢ ح ١٢٧٥٩، المعجم الكبير: ج ٣ ص ٢٦٨ ح ٣٣٧٢ عن الحارث بن الحارث، كنز العمال: ج ٧ ص ١٠٤ ح ١٨١٨٠ و ج ١٥ ص ٤٣٢ ح ٤١٧١١؛ الإقبال: ج ١ ص ٢٤٥، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٥ ح ٢.
- ٢- مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٦٨ ح ٧٩ و ص ٣٠٩ ح ٩٨٧ وليس فيه «باسم الله»، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٨٠ ح ٤٧.
- ٣- سنن أبى داوود: ج ٣ ص ٣٦٦ ح ٣٨٥١، صحيح ابن حبان: ج ١٢ ص ٢٤ ح ٥٢٢٠، عمل اليوم والليله للنسائى: ص ٢٦٤ ح ٢٨٥، المعجم الكبير: ج ٤ ص ١٨٢ ح ٤٠٨٢، الشكر لابن أبى الدنيا: ص ٧٩ ح ١٧١، كنز العميال: ج ٧ ص ١٠٣ ح ١٨١٧٦.
- ٤- الشكر لابن أبى الدنيا: ص ٧٩ ح ١٧٠.
- ٥- الأجاج: الماء المِلْح الشديد الملوحة (النهايه: ج ١ ص ٢٥ «أجيج»).
- ٦- المحاسن: ج ٢ ص ٤٠٦ ح ٢٤٢٠، قرب الإسناد: ص ٢١ ح ٧١ كلاهما عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام، الكافى: ج ٦ ص ٣٨٤ ح ٢ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٤٥٩ ح ٦؛ الدعاء للطبرانى: ص ٢٨٠ ح ٨٩٩ عن فضيل بن عياض عن الإمام الصادق عليه السلام، الشكر لابن أبى الدنيا: ص ٤١ ح ٧٠، حليه الأولياء: ج ٨ ص ١٣٧ كلاهما عن جابر والثلاثة الأخيره عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله و آله، كنز العمال: ج ٧ ص ١١١ ح ١٨٢٢٦.

۶۴۷۳. الإمام علی علیه السلام (فی کتابه إلی حذیفه بن الیمان) مسند ابن حنبل به نقل از نعیم بن سلامه ، از مردی از بنی سلیم که صحابی بود : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه از خوردن دست می کشید ، می فرمود : «بار خدایا ! تو را سپاس که غذا و آب دادی و سیر و سیرابمان نمودی . پس تو را سپاس ، که تو را ناسپاسی نشاید ، طاعتت را کنار نتوان نهاد ، و از تویی نیازی ای نخواهد بود . ۶۴۷۴. الأمالی للطوسی عن حذیفه : مکارم الاخلاق : هر گاه برای پیامبر صلی الله علیه و آله سفره نهاده می شد ، می فرمود : «به نام خدا . بار خدایا ! این را نعمتی سپاس داشته قرار ده که با آن به نعمت بهشت برسیم» . ۶۴۷۵. مروج الذهب : سنن أبی داوود به نقل از ابو ایوب انصاری : پیامبر خدا هر گاه می خورد یا می آشامید ، می فرمود : «سپاس ، خدایی را که غذا و آب داد و آن را گوارا ساخت ، و برایش برون رفتی قرار داد» . ۶۴۷۶. الأمالی للطوسی عن أبی راشد : الشکر به نقل از انس : پیامبر خدا هر گاه چیزی می خورد ، می فرمود : «سپاس و ستایش ، خدایی را که به من غذا و آب داد و هدایتم فرمود ، و هر نعمتی نیکی را به من ارزانی داشت . سپاس و ستایش ، خدای روزی ده نیرومند استوار را . بار خدایا ! هر خوبی ای را که به ما عطا کردی و هر خوبی ای را که به ما روزی نمودی ، از ما مگیر و ما را از سپاس گزارانت قرار ده» . ۶۴۷۷. مجمع الزوائد عن سیار أبی الحکم : امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا هر گاه آب می نوشید ، می فرمود : «سپاس و ستایش ، خدایی را که به مهر خویش ، ما را آبی گوارا و زلال نوشانید ، و به کیفر گناهانمان ، به ما آب شور و تلخ ننوشاند» . .

٦٤٧٨. تاريخ الطبرى عن الجارود بن أبى سبره: مكارم الأخلاق: كَانَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا شَرِبَ يَبْدَأُ فَيَسْمِي ، وَحَسَا حَسَوَةً وَحَسَوَتَيْنِ ، ثُمَّ يَقَطِّعُ فَيَحْمَدُ اللَّهَ ، ثُمَّ يَعُودُ فَيَسْمِي ، ثُمَّ يَزِيدُ فِي الثَّلَاثَةِ ، ثُمَّ يَقَطِّعُ فَيَحْمَدُ اللَّهَ ، فَكَانَ لَهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي شُرْبِهِ ثَلَاثُ تَسْمِيَّاتٍ ، وَثَلَاثُ تَحْمِيدَاتٍ . (١) ٦٤٧٩. سير أعلام النبلاء: كتاب من لا يحضره الفقيه: عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ إِذَا طَعِمَ قَالَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكَفَانَا وَأَيَّدَنَا وَأَوَانَا وَأَنْعَمَ عَلَيْنَا وَأَفْضَلَ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ . (٢) ٦٤٨٠. الإمام على عليه السلام (مِنْ كَلَامِهِ حِينَ دَخَلَ الْبَصْرَةَ) المحاسن عن أبى بصير: تَعَدَّيْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَلَمَّا يَا وَضِعَتِ الْمَائِدَةُ قَالَ : بِاسْمِ اللَّهِ . فَلَمَّا فَرَّغَ قَالَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا ، وَرَزَقَنَا وَعَافَانَا ، وَمَنْ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَجَعَلْنَا مُسْلِمِينَ . (٣) ٦٤٨١. تاريخ اليعقوبى: الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسًا ، إِذَا أَتَاهُ أَخُوهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَلِيٍّ يَسْتَأْذِنُ لِعَمْرٍو بْنِ عَبِيدٍ وَبَشِيرِ الرَّحَالِ وَوَاصِلٍ ، فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَجَلَسُوا ، فَقَالُوا : يَا أَبَا جَعْفَرٍ ، لِكُلِّ شَيْءٍ حَدٌّ يَنْتَهَى إِلَيْهِ ؟ فَقَالَ : نَعَمْ ، مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَلَهُ حَدٌّ يَنْتَهَى إِلَيْهِ .

قَالَ : فَدَعَا بِالْمَاءِ فَأَتَانِي بِكَوْزٍ ، فَقَالُوا : يَا أَبَا جَعْفَرٍ هَذَا الْكَوْزُ مِنْ شَيْءٍ ؟ فَقَالَ : نَعَمْ ، فَقَالُوا : مَا حَيْدُهُ ؟ قَالَ : إِذَا شَرِبْتَهُ الرَّجُلُ تَنَفَّسَ عَلَيْهِ ثَلَاثَةٌ أَنْفَاسٍ ، كُلَّمَا تَنَفَّسَ حَمِدَ اللَّهَ ... ثُمَّ يَقُولُ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَقَانِي مَاءً عَيْدَبَا فُرَاتَا بِرَحْمَتِهِ ، وَلَمْ يَجْعَلْهُ مِلْحًا أَجَا جَا بِدُنُوبِي . (٤) .

-
- ١- مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٧٦ ح ١١٣ ، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٢٤٦ .
 - ٢- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٣٥٨ ح ٤٢٦٦ ، المحاسن: ج ٢ ص ٢١٦ ح ١٦٤٦ ، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٣١٠ ح ٩٨٨ ، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٧٦ ح ٣٠ .
 - ٣- المحاسن: ج ٢ ص ٢١٧ ح ١٦٤٩ ، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٧٧ ح ٣٣ .
 - ٤- المحاسن: ج ٢ ص ٤٠٥ ح ٢٤١٨ عن سالم بن مكرم وص ٢٣٥ ح ١٧٢١ عن أبى سلمه ، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٣٢٤ ح ١٠٣٨ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٤٦٨ ح ٣٦ .

۶۴۸۲. رجال الکشی عن أبي إسحاق: مكارم الأخلاق: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه می آشامید ، نخست «بسم الله» می گفت و یک یا دو جرعه می نوشید . سپس قطع می کرد و خدا را سپاس می گفت و دوباره «بسم الله» می گفت [و می نوشید] . آن گاه در نوبت سوم ، همین کار را می کرد و باز ، نوشیدن را قطع می کرد و خدا را سپاس می گفت .

بدین ترتیب ، ایشان هنگام نوشیدن ، سه مرتبه «بسم الله» و سه مرتبه حمد خدا می گفت . ۶۴۸۳. أصحاب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام عن عبد الرکتاب من لا يحضره الفقيه به نقل از ابو حمزه : امام زين العابدين عليه السلام هر گاه غذا می خورد ، می فرمود : «سپاس و ستایش ، خدایی را که به ما غذا و آب داد و نیازمان را برآورد ، و ما را یاری و سرپناه داد و از نعمت و فضل خویش ، به ما ارزانی داشت . سپاس و ستایش ، خدایی را که خوراک می دهد و خود خوراک نمی خورد» . ۶۴۸۴. تاریخ الطبری : المحاسن به نقل از ابو بصیر : با امام باقر علیه السلام ناهار خوردم . چون سفره انداختند ، فرمود : «به نام خدا» و چون دست کشید ، فرمود : «سپاس و ستایش ، خدایی را که به ما غذا و آب داد ، ما را روزی و عافیت بخشید ، نعمت وجود محمّد صلی الله علیه و آله را به ما ارزانی داشت ، و ما را مسلمان قرار داد» . ۶۴۸۵. وقعه صفین : امام صادق علیه السلام : پدرم علیه السلام نشسته بود که برادرش عبد الله بن علی بر ایشان وارد شد و برای عمرو بن عبید و بشیر رحال و واصل ، اجازه شرفیابی خواست . آن سه آمدند و نشستند و سپس گفتند : ای ابا جعفر! آیا برای هر چیزی حدّ و مرزی است که به آن ، پایان بپذیرد؟

فرمود : «آری . هیچ چیزی نیست ، مگر آن که حدّ و مرزی دارد که به آن منتهی می شود» .

در این هنگام ، پدرم آب خواست و کوزه ای آب برایش آوردند . آنها گفتند : ای ابا جعفر! آیا این کوزه هم چیز است؟

فرمود : «آری» .

گفتند : حدّ و مرز آن چیست؟

فرمود : «حدّش این است که هر گاه شخص از آن می نوشد ، با سه نفس بیاشامد و در هر نفس ، خدا را سپاس بگوید ... سپس بگوید : سپاس و ستایش ، خدایی را که به مهر خویش ، ما را آبی گوارا و شیرین نوشاند ، و به سبب گناهانمان ، این آب را شور و تلخ نگردانید» . .

٦٤٨٦. وقع صنفين: الإمام الصادق عليه السلام: يا سنان، من قدم إليه طعاماً فأكله فقال: «الحمد لله الذي رزقنيهِ بلا حولٍ ولا قُوَّةٍ مِنِّي» عُفِّرَ لَهُ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ ، أَوْ قَالَ : قَبْلَ أَنْ يُرْفَعَ طَعَامُهُ . (١) ٦٤٨٧. الكامل في التاريخ: الكافي عن داوود بن كثير: تَعَشَّيْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَتَمَةً ، فَلَمَّا فَرَّغَ مِنْ عَشَائِهِ حَمِدَ اللَّهَ . (٢) ٦٤٨٨. الأخبار الطوال (في ذِكْرِ مَجِيءِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى) الكافي عن عبيد بن زرار: أَكَلْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ طَعَامًا فَمَا أَحْصَى كَمَّ مَرَّةً قَالَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي أَشْتَهِيهِ . (٣) ٦٤٨٩. حليه الأولياء عن بلال بن المنذر (بَعْدَ شَهَادَةِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ) كُنْزُ الْفَوَائِدِ : ذَكَرُوا أَنَّ أَبَا حَنِيفَةَ أَكَلَّ طَعَامًا مَعَ الْإِمَامِ الصِّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّا رَفَعَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدَهُ مِنْ أَكْلِهِ ، قَالَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، اللَّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَمِنْ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

فَقَالَ أَبُو حَنِيفَةَ : يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَجَعَلْتَ مَعَ اللَّهِ شَرِيكَاً؟ فَقَالَ لَهُ : وَيْلَكَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ : «وَمَا نَقْمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ» (٤) ، وَيَقُولُ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ : «وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مِاءَ آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ» (٥) .

فَقَالَ أَبُو حَنِيفَةَ : وَاللَّهِ لَكَأَنِّي مَا قَرَأْتُهُمَا قَطُّ . (٦) .

- ١- .المحاسن: ج ٢ ص ٢١٢ ح ١٦٣٣ عن عبد الله بن سنان عن أبيه ، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٧٣ ح ١٩ .
- ٢- .الكافي: ج ٦ ص ٣٠٠ ح ٢ ، المحاسن: ج ٢ ص ٢٢٧ ح ١٦٨٩ ، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٤٧ ح ٢٧ .
- ٣- .الكافي: ج ٦ ص ٢٩٥ ح ١٧ ، المحاسن: ج ٢ ص ٢١٨ ح ١٦٥٣ ، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٧٨ ح ٣٧ .
- ٤- .التوبة: ٧٤ .
- ٥- .التوبة: ٥٩ .
- ٦- .كنز الفوائد: ج ٢ ص ٣٦ ، بحار الأنوار: ج ١٠ ص ٢١٦ ح ١٧ .

۶۴۹۰. الأمالی للطوسی عن بنت رُشید الهَجْرِي عن رُشید الهامام صادق علیه السلام به پدر عبد الله بن سنان: ای سنان! هر کس که چون برایش غذایی آوردند، آن را بخورد و سپس بگوید! «سپاس و ستایش، خدایی را که این را، بدون توش و توانی از جانب من، روزی ام کرد»، پیش از آن که از جا برخیزد یا فرمود: پیش از آن که غذایش را جمع کنند، گناهانش آمرزیده می شود. ۶۴۹۱. الإرشاد عن زیاد بن النضر الحارثی: الکافی به نقل از داوود بن کثیر: شبی نزد امام صادق علیه السلام شام خوردم. چون شام خود را تمام کرد، خدا را حمد گفت. ۶۴۹۲. میزان الاعتدال عن زر بن حُبیش: الکافی به نقل از عبید بن زراره: یک بار با امام صادق علیه السلام غذا خوردم. نشمردم که چند مرتبه فرمود: «سپاس، خدایی را که مرا نسبت به این غذا، با اشتها قرار داد». ۶۴۹۳. سیر أعلام النبلاء (فی ذکر زیاد بن أبیه) کنز الفوائد: گفته اند که ابو حنیفه یک بار با امام صادق علیه السلام غذا خورد. چون امام، دست از غذا کشید، فرمود: «ستایش، خدایی را که پروردگار جهانیان است. بار خدایا! این از [نعمت]، تو و از پیامبر توست».

ابوحنیفه گفت: ای ابو عبد الله! آیا برای خدا شریک قرار می دهی؟

امام صادق علیه السلام به او فرمود: «وای بر تو! خداوند متعال در کتاب خود می فرماید: «و به عیبجویی برنخاستند، مگر [بعد از آن که خدا و پیامبرش از فضل خود، آنان را بی نیاز گردانند]»، و در جای دیگر می فرماید: «و [قطعا برایشان بهتر بود] اگر آنان بدانچه خدا و پیامبرش به ایشان داده اند، خشنود می گشتند و می گفتند: خدا ما را بس است. به زودی، خدا و پیامبرش از کرم خود به ما می دهند».

ابو حنیفه گفت: به خدا قسم، گویا هرگز این دو آیه را نخوانده ام..

راجع : ص ٣٠٤ ح ١٢٥٨.

٤ / ٢٠ عند النّوم ٦٤٩٧. الاستيعاب: رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ قَالَ إِذَا أُوِيَ إِلَى فِرَاشِهِ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَفَانِي وَأَوَانِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي وَسَقَانِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيَّ فَأَفْضَلَ، اللَّهُمَّ! إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ تُنَجِّنِي مِنَ النَّارِ» فَقَدْ حَمَدَ اللَّهُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ. (١) ٦٤٩٨. تاريخ دمشق عن الشعبي: صحيح مسلم عن أنس: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا أُوِيَ إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكَفَانَا وَأَوَانَا، فَكَمْ مِمَّنْ لَا كَافِيَ لَهُ وَلَا مُؤْوِيَ. (٢) ٦٤٩٩. شرح نهج البلاغه: الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أُوِيَ إِلَى فِرَاشِهِ، قَالَ: «اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ أَحْيَا وَبِاسْمِكَ أَمُوتُ»، فَإِذَا قَامَ مِنْ نَوْمِهِ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَمَا أَمَاتَنِي، وَإِلَيْهِ النُّشُورُ». (٣).

١- المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧٣٠ ح ٢٠٠١، عمل اليوم والليله لابن السنی: ص ٢٥٢ ح ٧٢٠، شعب الإيمان: ج ٤ ص ٩٣ ح ٤٣٨٢ وليس فيه من «اللهم إنني أسألك بعزتك أن تنجيني من النار» وكلها عن أنس، كنز العمال: ج ١٥ ص ٣٤٧ ح ٤١٣٢٢.

٢- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٨٥ ح ٦٤، سنن أبي داود: ج ٤ ص ٣١٢ ح ٥٠٥٣، سنن الترمذی: ج ٥ ص ٤٧٠ ح ٣٣٩٦، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٣٠٧ ح ١٢٥٥٣، كنز العمال: ج ٧ ص ١١٤ ح ١٨٢٤١.

٣- الكافي: ج ٢ ص ٥٣٩ ح ١٦ عن ابن القداح، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٨٠ ح ١٣٨٧، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ١٧٣ ح ٤؛ صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٢٧ ح ٥٩٥٥ نحوه، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ١٠٢ ح ٢٣٤٢٩ كلاهما عن حذيفه، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٨٣ ح ٥٩ عن البراء، كنز العمال: ج ٧ ص ١١٣ ح ١٨٢٣٥.

ر. ك: ص ۳۰۵ ح ۱۲۵۸.

۴ / ۲۰ هنگام خوابیدن ۶۵۰۳. شرح نهج البلاغه عن علي بن محمد المدائني: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس هنگامی که به بسترش می رود، بگوید: «ستایش، خدایی را که مرا کفایت کرد و سرپناهم داد. سپاس، خدایی را که مرا خوراک و آب داد. سپاس، خدایی را که بر من منت نهاد و مورد عنایت قرارم داد. بار خدایا! به حق عزتت، از تو می خواهم که مرا از آتش نجات بخشی»، خداوند را با همه سپاس و ستایش های تمامی خلق، ستوده است. ۶۵۰۴. أنساب الأشراف: صحیح مسلم به نقل از انس: پیامبر خدا هر گاه به بسترش می رفت، می فرمود: «ستایش، خدایی را که به ما خوراک و آب داد و ما را کفایت نمود و سرپناهمان داد؛ زیرا بسا کسی که نه کفایت کننده ای دارد و نه پناه دهنده ای». ۶۵۰۵. أسد الغابه: امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا هر گاه به بسترش می رفت، می گفت: «بار خدایا! به نام تو زنده ام و به نام تو می میرم»، و چون از خواب بر می خاست، می گفت: «ستایش، خدایی را که مرا، پس از آن که میرانید، زنده گردانید، و رستاخیز به سوی اوست».

٦٥٠٦. نهج البلاغه: الإمام الباقر عليه السلام: إِذَا قُمْتَ بِاللَّيْلِ مِنْ مَنَامِكَ فَقُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدَةَ وَأَعْبَدَهُ .
 (١) ٦٥٠٧. تاريخ الخلفاء: كتاب من لا يحضره الفقيه عن أبي عبيده الحذاء عن الإمام الباقر عليه السلام ، قال : قُلْتُ : جُعِلْتُ
 فِدَاكَ إِنْ أَنَا قُمْتُ فِي آخِرِ اللَّيْلِ أَى شَيْءٍ أَقُولُ إِذَا قُمْتُ؟

فَقَالَ : قُلْ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَإِلِهِ الْمُرْسَلِينَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَيُوتَ وَيَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ» ؛ فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَهَا
 ذَهَبَ عَنْكَ رِجْزُ الشَّيْطَانِ وَوَسْوَاسُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى . (٢) ٤ / ٢١ عِنْدَ الإِسْتِيقَاطِ ٦٥١٠. تاريخ دمشق عن عمرو بن نعمة: رسول
 الله صلى الله عليه وآله: إِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي ، وَعَافَانِي فِي جَسَدِي ، وَأُذِنَ لِي بِذِكْرِهِ .
 (٣) ٦٥١١. مروج الذهب: مكارم الأخلاق: كَانَ مِمَّا يَقُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا اسْتَيْقَظَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَوْتِي ، إِنْ
 رَبِّي لَغَفُورٌ شَكُورٌ . (٤) راجع: ص ٣٠٢ ح ١٢٥٥ .

١- .الكافي: ج ٢ ص ٥٣٨ ح ١٢ و ج ٣ ص ٤٤٥ ح ١٢ ، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٢٣ ح ٤٦٧ كلها عن زراره ، بحار الأنوار
 ج ٨٧ ص ١٧٣ ح ٣ .

٢- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٨٢ ح ١٣٩١ ، علل الشرايع: ص ٣٦٥ ح ٤ ، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ١٩٣ ح ٨ .
 ٣- .عمل اليوم والليله لابن السني: ص ٨ ح ٩ ، الأذكار للنووي: ص ٢٦ كلاهما عن أبي هريره ، كنز العمال: ج ٧ ص ٧٨٩ ح
 ٢١٤١٨ .

٤- .مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٩٤ ح ١٨٠ ، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٠٢ ح ١٩ .

۴ / ۲۱ هنگام بیدار شدن

۶۵۱۳. تاریخ دمشق عن هشام بن محمد عن أبيه: امام باقر عليه السلام: هر گاه شب از خواب برخاستی، بگو: «ستایش، خدای را که روحم را به من بازگردانید تا او را ستایش و پرستش کنم». ۶۵۱۴. تاریخ الطبری عن مسلمة والهدلی وغيرهما: کتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از ابو عیبه حذاء: به امام باقر علیه السلام گفتم: قربانت کردم! اگر آخر شب از خواب برخاستم، وقتی بر می خیزم، چه بگویم؟

فرمود: بگو: «ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان و معبود پیامبران است. سپاس و ستایش، خدای را که مردگان را زنده می گرداند و هر کسی را که در گورهاست، بر می انگیزد»؛ زیرا هر گاه این جملات را بگویی، به خواست خداوند متعال، پلیدی و وسوسه های شیطان از تو دور می شوند. ۴ / ۲۱ هنگام بیدار شدن ۶۵۱۷. مروج الذهب: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما از خواب بیدار شد، بگوید: «سپاس، خدای را که رحم را به من برگرداند، و بدنم را سالم بداشت، و به من اجازه [و توفیق] داد که یاد او کنم». ۶۵۱۸. المعجم الکبیر عن الحسن: مکارم الاخلاق: از جمله دعاهایی که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام برخاستن از خواب می گفت، این بود: «سپاس، خدای را که مرا، پس از مردنم، زنده گردانید. راستی که پروردگار من، آمرزنده و سپاس گزار است». ر. ک: ص ۳۰۳ ح ۱۲۵۵.

٢٢ / ٤ عند رُؤْيِهِ الرُّؤْيَا الحَسَنَةَ ٦٥٢٢. الطبقات الكبرى عن ملحان بن ثروان: رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا رأى أحدكم الرُّؤْيَا يُحِبُّهَا، فَإِنَّهَا مِنَ اللَّهِ، فَلْيَحْمِدِ اللَّهَ عَلَيْهَا وَلْيُحَدِّثْ بِهَا، وَإِذَا رَأَى غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا يَكْرَهُ، فَإِنَّمَا هِيَ مِنَ الشَّيْطَانِ، فَلْيَسْتَعِذْ مِنْ شَرِّهَا، وَلَا يَذْكُرْهَا لِأَحَدٍ فَإِنَّهَا لَنْ تَضُرَّهُ. (١) ٦٥٢٣. تاريخ بغداد عن حميد بن هلال: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ رَأَى فِي مَنَامِهِ خَيْرًا فَلْيَحْمِدِ اللَّهَ وَلْيَشْكُرْهُ، وَمَنْ رَأَى غَيْرَ ذَلِكَ فَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ فَلَا يَذْكُرْهَا فَإِنَّهَا لَا تَضُرُّهُ. (٢) ٤ / ٢٣ بعد العَطَسِ ٦٥٢٦. الطبقات الكبرى عن إبراهيم: رسول الله صلى الله عليه وآله: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامَ وَنَفَخَ فِيهِ الرُّوحَ، عَطَسَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَلْهَمَ أَنْ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (٣) ٦٥٢٧. البرصان والعرجان: عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ فَحَمِدَ اللَّهَ فَشَمَّتُوهُ (٤)، وَإِنْ لَمْ يَحْمِدِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَلَا تُشَمَّتُوهُ. (٥) ٦٥٢٨. الإمام الصادق عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ»، وَلْيَقُلِ الَّذِي يَرُدُّ عَلَيْهِ: «يَرْحَمُكَ اللَّهُ»، وَلْيَقُلْ هُوَ: «يَهْدِيكُمُ اللَّهُ وَيُصَلِّحُ بِالْكُم». (٦).

١- صحيح البخارى: ج ٦ ص ٢٥٨٢ ح ٦٦٣٨، سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٠٥ ح ٣٤٥٣، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٩ ح ١١٠٥٤، المستدرک على الصحيحين: ج ٤ ص ٤٣٤ ح ٨١٨١ كلها عن أبى سعيد الخدرى، كتر العمال: ج ١٥ ص ٣٦٥ ح ٤١٣٩٦.

٢- كتر العمال: ج ١٥ ص ٣٧٣ ح ٤١٤٣٧ نقلاً عن الدارقطنى فى الإفرد عن أبى هريره.

٣- بشاره المصطفى: ص ٦٨ عن عبد الله بن مسعود، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ١٣٠ ح ٦١ وراجع الاختصاص: ص ٤٥.

٤- التشميت بالشين والسين: الدعاء بالخير والبركه (النهايه: ج ٢ ص ٤٩٩ «شمت»).

٥- مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ١٦٥ ح ١٩٧١٦، الأدب المفرد: ص ٢٧٧ ح ٩٤١، المستدرک على الصحيحين: ج ٤ ص ٢٩٥ ح ٧٦٩٠ كلها عن أبى موسى، كتر العمال: ج ٩ ص ١٦٠ ح ٢٥٥١٩.

٦- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٨٣ ح ٢٧٤١ عن أبى أيوب، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٢٤ ح ٣٧١٥ وليس فيه «على كل حال»، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٢٥٥ ح ٩٧٣ كلاهما عن عبد الرحمن بن أبى ليلى عن الإمام على عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، كتر العمال: ج ٩ ص ١٥٩ ح ٢٥٥١٥ وراجع شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢٨ ح ٩٣٤١.

۴ / ۲۲ هنگام دیدن خواب خوش

۴ / ۲۳ پس از عطسه زدن

۴ / ۲۲ هنگام دیدن خواب خوش ۶۵۳۱. الإمام عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام (فِي كِتَابِهِ إِلَى سَعْدِ بْنِ مَسْعُودٍ الثَّقَفِيِّ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه کسی از شما خواب خوشایندی دید، آن خواب از جانب خداست، پس خدا را بر آن بستاید و آن را بازگو نماید؛ ولی هر گاه خواب ناخوشایندی دید، آن خواب از جانب شیطان است، پس، از شرّ آن خواب به خدا پناه برد و آن را برای کسی بازگو نکند؛ در این صورت، هرگز به او گزندى نخواهد زد. ۶۵۳۲. الغارات (فِي ذِكْرِ غَارِهِ سُفْيَانَ بْنِ عَوْفِ عَلِيٍّ الْأَنْبَا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خواب خوشی دید، خدا را بر آن بستاید و او سپاس بگوید، و هر کس غیر آن دید، به خدا پناه برد و آن را برای کسی نگوید؛ در این صورت، به او گزندى نخواهد زد. ۴ / ۲۳ پس از عطسه زدن ۶۵۳۵. الغارات عن أبي عبد الرحمن السلمی (أَيْضًا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون خداوند آدم علیه السلام را آفرید و در او جان دمید، آدم علیه السلام عطسه زد. در این هنگام، به او الهام شد که بگوید: «ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است». ۶۵۳۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما عطسه کرد و خدا را حمد گفت، برایش دعای خیر کنید؛ (۱) ولی اگر خداوند عز و جل را حمد نگفت، برایش دعا نکنید. ۶۵۳۷. حلیه الأولیاء عن أبي الأسود وزاذان الکندی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما عطسه کرد، بگوید: «ستایش، خدای را بر هر حالی»، و دیگری در جوابش بگوید: «خدا تو را رحمت کند»، و او بگوید: «خدا هدایتتان کند و خاطرتان را شاد گرداند».

۱- مثلاً بگویند: «عافیت باشد»، یا: «بِرَحْمَتِكَ اللَّهُ».

٦٥٣٨. الأماي للطوسي عن منصور بن بزرج: مسند ابن حنبل عن عبد الله بن جعفر: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا عَطَسَ حَمِدَ اللَّهَ، فَيُقَالُ لَهُ: «يَرْحَمُكَ اللَّهُ»، فيقول: «يَهْدِيكُمُ اللَّهُ وَيُصَلِّحُ بِالْكُم». (١) ٦٥٣٩. المستدرک علی الصحیحین عن عوف بن أبي عثمان التَّهْدِيرُ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ فَقَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: «رَبِّ الْعَالَمِينَ»، فَإِذَا قَالَ: «رَبِّ الْعَالَمِينَ»، قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: «رَحِمَكَ اللَّهُ». (٢) ٦٥٤٠. الطبقات الكبرى عن النعمان بن حميد: عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا عَطَسَ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ ثُمَّ سَكَتَ لِعَلِّهِ تَكُونُ بِهِ، قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ عَنْهُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، فَإِنْ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: «يَغْفِرُ اللَّهُ لَكَ». (٣) ٦٥٤١. مروج الذهب (في ذكر سلمان الفارسي) مسند ابن حنبل عن أبي هريره: عَطَسَ رَجُلَانِ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَحَدُهُمَا أَشْرَفَ مِنَ الْآخَرِ، فَعَطَسَ الشَّرِيفُ فَلَمْ يَحْمِدِ اللَّهَ، فَلَمْ يُشَمِّتْهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَطَسَ الْآخَرُ فَحَمِدَ اللَّهَ فَشَمِّتَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

قَالَ: فَقَالَ الشَّرِيفُ: عَطَسْتُ عِنْدَكَ فَلَمْ تُشَمِّتْنِي، وَعَطَسَ هَذَا عِنْدَكَ فَشَمِّتَهُ! قَالَ: فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ هَذَا ذَكَرَ اللَّهَ فَذَكَرْتَهُ، وَإِنَّكَ نَسِيتَ اللَّهَ فَنَسَيْتُكَ. (٤).

-
- ١- مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٤٣٧ ح ١٧٤٨، الدعاء للطبراني: ص ٥٥١ ح ١٩٨٠، كنز العمال: ج ٩ ص ٢٢٩ ح ٢٥٧٧٩.
 - ٢- المعجم الكبير: ج ١١ ص ٣٥٨ ح ١٢٢٨٤، المعجم الأوسط: ج ٣ ص ٣٤٩ ح ٣٣٧١ كلاهما عن ابن عباس، كنز العمال: ج ٩ ص ١٦٠ ح ٢٥٥٢١.
 - ٣- الكافي: ج ٢ ص ٦٥٦ ح ١٩، الأماي للصدوق: ص ٣٧٧ ح ٤٧٦ كلاهما عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٦٢ ح ٢٣٩٩، روضه الواعظين: ص ٥١٩، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٥٣ ح ٤.
 - ٤- مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢١٩ ح ٨٣٥٤، الأدب المفرد: ص ٢٧٤ ح ٩٣٢، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٢٩٤ ح ٧٦٨٩ وفيهما «جلس» بدل «عطس»، كنز العمال: ج ٩ ص ٢٣٠ ح ٢٥٧٨٤.

۶۵۴۲. الطبقات الکبری عن ابي سفیان عن أشیاخه: مسند ابن حنبل به نقل از عبد الله بن جعفر: پیامبر خدا هر گاه عطسه می کرد، خدا را حمد می گفت، پس به او گفته می شد: «خداوند تو را بیامرزد» و او می گفت: «خداوند هدایتان کند و خاطرتان را شاد گرداند». ۶۵۴۳. المعجم الکبیر عن بقیره (امرأه سَلِمَان) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما عطسه کند و بگوید: «سپاس، خدای را»، فرشتگان می گویند: «که پروردگار جهانیان است»، و هر گاه بگوید: «[سپاس، خدای را] که پروردگار جهانیان است»، فرشتگان می گویند: «خدا تو را رحمت کند». ۶۵۴۴. الطبقات الکبری عن عطاء بن السائب: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مسلمانی عطسه کند و به هر علتی سکوت نماید [و الحمد لله نگوید]، فرشتگان از طرف او می گویند: «سپاس، خدای را که پروردگار جهانیان است»، و اگر بگوید: «سپاس، خدای را که پروردگار جهانیان است»، فرشتگان می گویند: «خدا تو را بیامرزد». ۶۵۴۵. الإمام علی علیه السلام (فی کتابه إلی سلیمان بن صردٍ وَهُوَ بِالْج) مسند ابن حنبل به نقل از ابو هریره: دو مرد در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله عطسه کردند که یکی از آن دو، شریف تر از دیگری بود. آن شریف چون عطسه کرد، حمد خدا نگفت و پیامبر صلی الله علیه و آله هم در جوابش دعا نکرد، و دیگری چون عطسه کرد، حمد خدا گفت و پیامبر صلی الله علیه و آله هم برایش دعا کرد.

آن شریف گفت: من در حضور شما عطسه کردم و دعایم نکردید؛ ولی این مرد عطسه کرد و دعایش کردید!

پیامبر خدا فرمود: «این، خدا را یاد کرد و من هم از او یاد کردم؛ ولی تو خدا را فراموش کردی و من هم تو را فراموش کردم»..

٦٥٤٦. وقعته صفين عن عون بن أبي جحيفة: الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ إِذَا سَجَّ عَاطِسًا: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ، مَا كَانَ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ»، لَمْ يَرَفِ فِيهِ سُوءًا. (١) ٦٥٤٧. وقعته صفين عن عبد الرحمن بن عبيد بن أبي الكنود: عنه عليه السلام: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ وَهُوَ عَلَى خَلَاءٍ فَلْيَحْمِدِ اللَّهَ فِي نَفْسِهِ. (٢) ٤ / ٢٤ عِنْدَ لُبْسِ الثُّوبِ الْجَدِيدِ ٦٥٥٠. الإمام علي عليه السلام (وَقَدْ تُوْفِّي سَيِّهْلُ بْنُ حُنَيْفٍ الْأَنْصَارِيُّ ب) رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ لَبَسَ ثُوبًا جَدِيدًا فَقَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي، وَأَتَجَمَّلُ بِهِ فِي حَيَاتِي» ... كَانَ فِي كَنْفِ اللَّهِ (٣) ٦٥٥١. الطبقات الكبرى (فِي ذِكْرِ صَعَصَعَةَ بْنِ صُوحَانَ) عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ مِنْ أُمَّتِي مَنْ يَأْتِي الشُّوقَ فَيَبْتَاعُ القَمِيصَ بِنِصْفِ دِينَارٍ أَوْ ثُلُثِ دِينَارٍ فَيَحْمِدُ اللَّهَ إِذَا لَبَسَهُ، فَلَا يَبْلُغُ رُكْبَتَيْهِ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُ. (٤) ٦٥٥٢. الأمامي للطوسي عن صعصعة بن صوحان: تاريخ بغداد عن ابن عباس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... إِذَا لَبَسَ ثُوبًا جَدِيدًا حَمَدَ اللَّهَ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، وَكَسَا الخَلِقَ. (٥) ٦٥٥٣. تاريخ اليعقوبي عن صعصعة بن صوحان (بَعْدَ خِلَافَةِ الإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَكَارِمُ الأَخْلَاقِ: كَانَ [رَسُولُ اللَّهِ] صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا لَبَسَ ثُوبًا جَدِيدًا قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا يُوَارِي عَوْرَتِي، وَأَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ»، وَكَانَ إِذَا نَزَعَهُ نَزَعَهُ مِنْ مَيَاسِرِهِ أَوَّلًا، وَكَانَ مِنْ فِعْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا لَبَسَ الثُّوبَ الْجَدِيدَ حَمَدَ اللَّهَ. (٦).

- ١- مَكَارِمُ الأَخْلَاقِ: ج ٢ ص ١٦٣ ح ٢٤٠٢، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٥١ ح ١.
- ٢- قَرَبُ الإِسْنَادِ: ص ٧٤ ح ٢٣٩ عن مسعدة بن صدقة، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٥٣ ح ٦.
- ٣- سَنَنِ التِّرْمِذِيِّ: ج ٥ ص ٥٥٨ ح ٣٥٦٠، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٦ ص ٥٩ ح ٢ و ج ٧ ص ١٢٢ ح ١، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ٣٦ ح ١٨ كلّها عن عمر، كنز العمال: ج ١٥ ص ٢٩٧ ح ٤١٠٨٩.
- ٤- المَعْجَمُ الكَبِيرُ: ج ٨ ص ٢٤٦ ح ٧٩٦٥ عن أبي أمامه، كنز العمال: ج ١٥ ص ٢٩٨ ح ٤١٠٩١؛ مشكاة الأنوار: ص ٦٦ ح ٩٨ وفيه «ركبته» بدل «ركبته»، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٣ ح ١٧.
- ٥- تاريخ بغداد: ج ٨ ص ٤١٤، تاريخ دمشق: ج ١٨ ص ٨٦ الرقم ٤١٩٣، كنز العمال: ج ٧ ص ١١٧ الرقم ١٨٢٦١.
- ٦- مَكَارِمُ الأَخْلَاقِ: ج ١ ص ٨٨ ح ١٥٦ و ١٥٧، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٢٥١.

۴ / ۲۴ هنگام پوشیدن جامه نو

۶۵۵۴. الغارات عن الأسود بن قیس: امام صادق علیه السلام: هر کس وقتی عطسه کسی را شنید ، بگوید : «سپاس ، خدای را بر هر حالی ، از کار دنیا و آخرت ، و درود خدا بر محمّد و خاندان او» ، در دهانش بدی و گزندى نبیند . ۶۵۵۵. تاریخ یعقوبی : امام صادق علیه السلام : پدرم علیه السلام می فرمود : «هر گاه کسی از شما در مستراح بود و عطسه کرد ، در دلش خدا را حمد بگوید» . ۴ / ۲۴ هنگام پوشیدن جامه نو ۶۵۵۸. مروج الذهب عن الحارث بن مسمار البهرانی : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس که هنگام پوشیدن جامه ای نو ، بگوید : «سپاس ، خدای را که به من جامه ای پوشاند تا با آن ، برهنگی خویش را بپوشانم و در زندگی ام بدان آراسته باشم» ، ... در پناه خدا باشد . ۶۵۵۹. دیوان المعانی عن محمد بن عبّاد : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آن کس از امت من که به بازار رود و پیراهنی به نیم دینار یا یک سوم دینار بخرد و چون آن را پوشید ، حمد خدا بگوید ، هنوز آن پیراهن به زانوانش نرسیده ، آمرزیده می شود . ۶۵۶۰. تاریخ الطبری عن الشعبي (فی ذکر قیام الکوفیین علی سعید بن الع) تاریخ بغداد به نقل از ابن عبّاس : پیامبر خدا ... هر گاه جامه جدیدی می پوشید ، خدا را حمد می گفت و دو رکعت نماز می خواند ، و جامه کهنه را [به فقرا] می پوشاند . ۶۵۶۱. رجال الکشی عن عاصم بن أبی النّجود عمّن شهد ذلك : مکارم الاخلاق : پیامبر خدا هر گاه جامه جدیدی می پوشید ، می گفت : «ستایش ، خدای را که جامه ای به من پوشاند تا برهنگی مرا بپوشاند و با آن در میان مردم ، آراسته باشم» .

و هر گاه آن را از تن می کند ، نخست از سمت چپ خود در می آورد . شیوه ایشان چنین بود که هر گاه لباس نوی می پوشید ، خدا را حمد می گفت .

٦٥٦٢.العقد الفريد:الأمالى للطوسى عن أبى مطر:كُنْتُ بِالْكُوفَةِ ، فَمَرَّ عَلَيَّ رَجُلٌ فَقَالُوا : هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ ، فَتَبِعْتُهُ فَوَقَفَ عَلَيَّ خِيَاطٌ فَاشْتَرَى مِنْهُ قَمِيصًا بِثَلَاثَةِ دَرَاهِمٍ فَلَبِسَهُ ، فَقَالَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَتَرَ عَوْرَتِي ، وَكَسَانِي الرِّيشَ ، ثُمَّ قَالَ : هَكَذَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ إِذَا لَبَسَ قَمِيصًا . (١) / ٤ / ٢٥عِنْدَ النَّظْرِ فِي الْمِرْآةِ ٦٥٦٥.الكامل فى التاريخ:الشكر عن أنس:كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا نَظَرَ وَجْهَهُ فِي الْمِرْآةِ قَالَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَوَّى خَلْقِي فَعَدَّلَهُ ، وَكَرَّمَ صُورَةَ وَجْهِهِ وَحَسَّنَهَا ، وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ . (٢) ٦٥٦٦.خصائص الأئمة عليهم السلام:الإمام على عليه السلام:إِذَا نَظَرَ أَحَدُكُمْ فِي الْمِرْآةِ فَلْيَتَّقِلْ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَأَحْسَنَ خَلْقِي ، وَصَوَّرَنِي فَأَحْسَنَ صُورَتِي ، وَزَانَ مِنِّي مَا شَانَ مِنْ غَيْرِي ، وَأَكْرَمَنِي بِالْإِسْلَامِ . (٣) / ٤ / ٢٦عِنْدَ التَّخْلِى ٦٥٦٩.الاستيعاب:رسول الله صلى الله عليه وآله:إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ مِنَ الْخَلَاءِ فَلْيَتَّقِلْ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي مَا يُؤْذِينِي ، وَأَمْسَكَ عَلَيَّ مَا يَنْفَعُنِي . (٤) .

-
- ١- الأمالى للطوسى : ص ٣٨٧ ح ٨٤٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٩ ص ٣١٩ ح ١ .
 - ٢- الشكر لابن أبى الدنيا : ص ٥٩ ح ١١٩ ، المعجم الأوسط : ج ١ ص ٢٤٠ ح ٧٨٧ وفيه «صور» بدل «كرم» ، كنز العمال : ج ٦ ص ٦٩٣ ح ١٧٤٤٢ .
 - ٣- الخصال : ص ٦١٢ ح ١٠ عن أبى بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص ١٠٢ ، بحار الأنوار : ج ١٠ ص ٩١ ح ١ .
 - ٤- المصنّف لابن أبى شيبه : ج ١ ص ١٢ ح ٦ و ج ٧ ص ١٤٩ ح ٥ كلاهما عن طاووس ، كنز العمّال : ج ٩ ص ٣٥٠ ح ٢٦٣٩٠ .

۴ / ۲۵ هنگام نگاه کردن در آینه

۴ / ۲۶ هنگام قضای حاجت

۶۵۷۰. تاریخ یعقوبی: الأمالی، طوسی به نقل از ابو مطر: در کوفه بودم که مردی بر من گذشت. گفتند: این، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب است که درود خدا بر او باد.

من دنبال وی به راه افتادم. نزد خیاطی ایستاد و پیراهنی به سه درهم از او خرید و آن را پوشید و گفت: «ستایش، خدای را که برهنگی مرا پوشاند و جامه زیبا بر تن من کرد». سپس فرمود: «پیامبر خدا هر گاه پیراهنی می پوشید، این گونه می فرمود». ۴ / ۲۵ هنگام نگاه کردن در آینه ۶۵۷۳. الإمام علیّ علیه السلام (فی کتابه إلی قیس بن سعدٍ عامله علی أ) الشکر به نقل از آنس: پیامبر خدا هر گاه چهره خود را در آینه می دید، می فرمود: «سپاس، خدای را که مرا درست و به اندام آفرید، و چهره ام را خوش و نیکو گردانید، و از مسلمانان قرارم داد». ۶۵۷۴. تاریخ یعقوبی عن غیاث: امام علی علیه السلام: هر گاه کسی از شما در آینه نگریست، بگوید: «سپاس، خدای را که مرا آفرید و خوش آفرید، و مرا صورت بخشید و نیکو صورتم بخشید، و آنچه را در غیر من زشت داشت، در من زیبا داشت، و مرا به اسلام مفتخر کرد». ۴ / ۲۶ هنگام قضای حاجت ۶۵۷۷. مختصر تاریخ دمشق عن المدائنی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه یکی از شما از مستراح بیرون آمد، بگوید: «سپاس و ستایش، خدای را که آنچه را مایه آزار و زیان من است، از من خارج ساخت، و آنچه را به سود من است، در بدنم نگه داشت».

٦٥٧٨. الجمل عن أبي مخنف لوط بن يحيى: سئنا ابن ماجه عن أنس: كان النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا خَرَجَ مِنَ الْخَلَاءِ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذَى وَعَافَانِي. (١) ٦٥٧٩. وقعه صفين: عمل اليوم والليله عن أنس: كان رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا خَرَجَ مِنَ الْغَائِطِ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْسَنَ إِلَيَّ فِي أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ. (٢) ٦٥٨٠. الإمام علي عليه السلام (من كتاب لهُ إلى عبد الله بن عباس و) عمل اليوم والليله عن ابن عمر: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ قَالَ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»، وَإِذَا خَرَجَ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ [الَّذِي] (٣) أَذَقَنِي لَمَذَّتَهُ، وَأَبْقَى فِيَّ قُوَّتَهُ، وَأَذْهَبَ عَنِّي أَذَاهُ». (٤) ٦٥٨١. مختصر تاريخ دمشق عن سفيان بن عيينه: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ نُوحًا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَقُمْ مِنْ خَلَاءٍ قَطُّ إِلَّا قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذَقَنِي لَذَّتَهُ، وَأَبْقَى مَنَفَعَتَهُ فِي جَسَدِي، وَأَخْرَجَ عَنِّي أَذَاهُ. (٥) ٦٥٨٢. رجال الكشي عن الحارث: دعائم الإسلام: رُوينا عن علي عليه السلام أَنَّهُ كَانَ إِذَا دَخَلَ الْمَخْرَجَ لِقَضَاءِ الْحَاجَةِ، قَالَ: «بِاسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ الْخَبِيثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»، فَإِذَا خَرَجَ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي فِي جَسَدِي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَمَاطَ عَنِّي الْأَذَى». (٦) ٦٥٨٣. رجال الكشي عن الشعبي: الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا دَخَلْتَ الْمَخْرَجَ: فَقُلْ: «بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ الْخَبِيثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، اللَّهُمَّ كَمَا أَطْعَمْتَنِي فِي عَافِيهِ فَأَخْرِجْهُ مِنِّي فِي عَافِيهِ» فَإِذَا فَرَّغْتَ فَقُلْ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَمَاطَ عَنِّي الْأَذَى، وَهَتَأَنِي مَسَاغَ طَعَامِي وَشَرَابِي». (٧).

- ١- سنن ابن ماجه: ج ١ ص ١١٠ ح ٣٠١، كنز العمال: ج ٧ ص ٤٤ ح ١٧٨٧٠.
- ٢- عمل اليوم والليله لابن السني: ص ١٣ ح ٢٤، كنز العمال: ج ٧ ص ٤٤ ح ١٧٨٧١.
- ٣- ما بين المعقوفين سقط من المصدر، وأثبتناه من كنز العمال.
- ٤- عمل اليوم والليله لابن السني: ص ١٣ ح ٢٥، كنز العمال: ج ٧ ص ٤٥ ح ١٧٨٧٧.
- ٥- الشكر لابن أبي الدنيا: ص ٦٢ ح ١٢٧، تاريخ دمشق: ج ٦٢ ص ٢٧٢ ح ١٢٨١٠ كلاهما عن عائشه، كنز العمال: ج ٩ ص ٣٥٩ ح ٢٦٤٥٢ نقلاً عن شعب الإيمان والديلمي؛ بحار الأنوار: ج ٨٠ ص ١٨٩ ح ٤٥ نقلاً عن خط الشهيد قدس سره نحوه.
- ٦- دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٠٤، بحار الأنوار: ج ٨٠ ص ١٩٣ ح ٥١.
- ٧- دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٠٤، فلاح السائل: ص ١١٨ ح ٥٤ و ص ١٢٠ ح ٥٨ كلاهما عن أبي بصير نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٠ ص ١٩٣ ح ٥١.

۶۵۸۴. الإمام علی علیه السلام (مِنْ كِتَابٍ لَهُ إِلَى بَعْضِ عُمَّالِهِ) سنن ابن ماجه به نقل از آنس : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه از مستراح خارج می شد ، می گفت : «سپاس و ستایش ، خدای را که رنج را از من دور کرد و مرا عافیت بخشید» ۶۵۸۵. عیون الأخبار : عمل الیوم واللیل به نقل از آنس : پیامبر خدا هر گاه از مستراح خارج می شد ، و می گفت : «ستایش ، خدا را که در آغاز و پایان آن [خوراکی ها] ، به من نیکی فرمود» . ۶۵۸۶. تاریخ الطبری : عمل الیوم واللیل به نقل از ابن عمر : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه وارد مستراح می شد ، می گفت : «بار خدایا ! از پلید نجسِ ناپاکِ ناپاک کننده ، شیطان رانده شده ، به تو پناه می برم» ، و هر گاه خارج می شد ، می گفت : «ستایش ، خدای را که لذتش را به من چشانند و نیرویش را در من باقی گذاشت ، و رنج و گزندش را از من دور ساخت» . ۶۵۸۷. تاریخ یعقوبی : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نوح علیه السلام همیشه پس از قضای حاجت ، می گفت : «ستایش ، خدای را که لذت آن [غذا] را به من چشانند ، و سودش را در بدنم نگه داشت ، و رنج و گزندش را از من بیرون برد» . ۶۵۸۸. وقعه صفین عن عبد الرحمن بن عبد الله : دعائم الإسلام : از علی علیه السلام برایمان روایت شده است که ایشان هر گاه برای قضای حاجت وارد آبریزگاه می شد ، می گفت : «به نام خدا . بار خدایا ! من از پلیدِ نجسِ ناپاک ، شیطان رانده شده ، به تو پناه می برم» ، و چون بیرون می آمد ، می گفت : «سپاس و ستایش ، خدا را که تنم را سالم بداشت ، و ستایش ، خدا را که رنج و گزند را از من دور ساخت» . ۶۵۸۹. وقعه صفین عن عمرو بن شمر : امام صادق علیه السلام : هر گاه وارد آبریزگاه شدی ، بگو : «به نام خدا و به یاری خدا . به خدا پناه می برم از پلیدِ نجسِ ناپاکِ ناپاک کننده ، شیطانِ رانده شده . بار خدایا ! همان گونه که آن [غذا] را به سلامت خوراکم ساختی ، به سلامت هم از بدنم خارج ساز» . و چون فراغت یافتی ، بگو : «ستایش ، خدای را که رنج و گزند را از من ببرد ، و غذا و آب را برای من گوارا ساخت» . .

٢٧ / ٤ عِنْدَ السَّفَرِ وَعِنْدَ الرُّكُوبِ ٦٥٩٢. الغارات عن أبي روق: كنتُ العَمَالُ عن عائشه: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَرَادَ سَفْرًا تَوَضَّأَ فَأَسْبَغَ الوُضُوءَ ، ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ ، وَيَقُولُ فِي مَجْلِسِهِ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي وَلَمْ أَكُ شَيْئًا ، رَبِّ أَعْنِي عَلَى أَهْوَالِ الدَّهْرِ وَبَوَائِقِ الدَّهْرِ وَكُرْبَاتِ الآخِرَةِ وَمُصِيبَاتِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ . رَبِّ ، فِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي ، [وَفِي أَهْلِي فَاخْلُفْنِي ، وَفِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ فِي ذَلِكَ . (١) ٦٥٩٣. الغارات عن أبي الودَّاع: الأُمَالِي لِلطُّوسِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبِيعَةَ الأَسَدِيِّ: رَكَبَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَلَمَّا وَضَعَ رِجْلَهُ فِي الرِّكَابِ قَالَ : «بِاسْمِ اللَّهِ» فَلَمَّا اسْتَوَى عَلَى الدَّابَّةِ قَالَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا وَحَمَلَنَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ، وَرَزَقَنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ ، وَفَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا ، «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ» (٢) « ثُمَّ سَبَّحَ اللَّهُ ثَلَاثًا ، وَحَمِدَ اللَّهُ ثَلَاثًا ، وَكَبَّرَ اللَّهُ ثَلَاثًا ، ثُمَّ قَالَ : «رَبِّ اغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» ، ثُمَّ قَالَ : فَعَلَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَذَا وَأَنَا رَدِيفُهُ . (٣) ٦٥٩٤. رجال الكشي: كنتُ العَمَالُ عَنْ هَلَالِ بْنِ خُبَابٍ: إِنَّ عَلِيًّا أَتَى بِمَدَائِهِ فَلَمَّا وَضَعَ رِجْلَهُ فِي الرِّكَابِ قَالَ : «بِاسْمِ اللَّهِ» ، فَلَمَّا اسْتَوَى عَلَى ظَهْرِهَا قَالَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَعَلَّمَنَا الْقُرْآنَ ، وَمَنْ عَلَّمَنَا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَجَعَلَنَا فِي خَيْرِ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ . اللَّهُمَّ لَا تُطِيرْ إِلَّا طَيْرُكَ ، وَلَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرُكَ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» . (٤) .

١- . كنتُ العَمَالُ : ج ٦ ص ٧٣٢ ح ١٧٦١٥ نقلًا عن الديلمي .

٢- . الزخرف : ١٣ .

٣- . الأُمَالِي لِلطُّوسِي : ص ٥١٥ ح ١١٢٦ ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٢٩٥ ح ٢٣ ؛ صحيح ابن حبان : ج ٦ ص ٤١٤ ح ٢٦٩٧ نحوه .

٤- . كنتُ العَمَالُ : ج ٩ ص ١٩٦ ح ٢٥٦٤٤ .

۴ / ۲۷ هنگام سفر و هنگام سوار شدن

۴ / ۲۷ هنگام سفر و هنگام سوار شدن ۶۵۹۷. الإمامه والسیاسه (فی ذکرِ حَرْبِ صِفِّینَ وَاِخْتِلافِ أَصْحابِ الإِما) کنز العمال به نقل از عایشه : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه می خواست سفر کند ، وضویی شاداب می ساخت . سپس دو رکعت نماز می خواند و همان طور که رو به قبله نشسته بود ، می گفت : «ستایش ، خدایی را که من نبودم و او مرا آفرید . پروردگارا ! مرا در برابر هراس ها و فجایع روزگار ، و رنج و اندوه های آخرت و صدمات شب ها و روزها ، یاری رسان . پروردگارا ! در سفرم مرا نگه دار و جانشین من در میان خانواده ام باش ، و به آنچه روزی ام کرده ای ، برکت ده» . ۶۵۹۸. وقعه صفین : الأمالی ، طوسی به نقل از علی بن ربیعہ اسدی : امام علی علیه السلام سوار بر مرکب شد و چون پای خود را در رکاب نهاد ، فرمود : «به نام خدا» و چون بر مرکب نشست ، فرمود : «ستایش ، خدایی را که ما را گرمی داشت و در خشکی و دریا حمل و نقل کرد و از روزی های پاکیزه و حلال ، روزی مان داد و ما را بر بسیاری از آنچه آفریده است ، بسی برتری بخشید . «منزه است آن کسی که این [مرکوب] را رام ما ساخت ، در حالی که ما بر آن توانا نبودیم» . سپس سه بار خداوند را تسبیح و سه بار حمد و سه بار تکبیر گفت و آن گاه فرمود : «پروردگارا ! مرا بیامرز که گناهان را کسی جز تو نمی آمرزد» .

سپس فرمود : «من در ترک پیامبر خدا نشسته بودم که ایشان این گونه عمل کرد» . ۶۵۹۹. الجمل (فی ذکرِ أحداثِ ما قَبَلَ حَرْبِ الجَمَلِ) کنز العتال به نقل از هلال بن خباب : مرکبی را برای علی علیه السلام آوردند [که سوار شود] . چون پا در رکاب نهاد ، گفت : «به نام خدا» ، و چون بر پشت آن نشست ، گفت : «ستایش و سپاس ، خدایی را که ما را به اسلام هدایت کرد و قرآن را به ما آموخت ، و نعمت وجود محمّد صلی الله علیه و آله را به ما ارزانی داشت ، و ما را در بهترین امتی که برای مردم پدیدار شده است ، قرار داد . بار خدایا ! فالی جز فال تو نیست ، [\(۱\)](#) و خیری جز خیر تو نیست ، و معبودی جز تو نیست» .

۱- یا : سرنوشتی نیست جز سرنوشتی که تو رقم بزنی .

٦٦٠٠. تاريخ الطبري عن جعفر بن حذيفة: الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَرَادَ الْخُرُوجَ إِلَى بَعْضِ أَمْوَالِهِ، اشْتَرَى السَّلَامَةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِمَا تَيْسَّرَ لَهُ، وَيَكُونُ ذَلِكَ إِذَا وَضَعَ رِجْلَهُ فِي الرِّكَابِ، فَمَاذَا سَلَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَانصَبَ رَفًّا، حَمِدَ اللَّهُ تَعَالَى وَشَكَرَهُ، وَتَصَدَّقَ بِمَا تَيْسَّرَ لَهُ. (١) ٦٦٠١. وقعه صفين عن المحلل بن خليفة: عنه عليه السلام عند الركوب: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ، وَعَلَّمَنَا الْقُرْآنَ، وَمَنْ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ، وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (٢) ٤ / ٢٨ عِنْدَ رُؤْيِهِ الْهِلَالَ ٦٦٠٤. وقعه صفين: عمل اليوم والليله عن عبد الله بن مطرف: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... إِذَا رَأَى الْهِلَالَ قَالَ: هِلَالٌ خَيْرٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ذَهَبَ بِشَهْرِ كَذَا وَكَذَا، وَجَاءَ بِشَهْرِ كَذَا وَكَذَا. (٣).

- ١- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٧٠ ح ٢٤٠٨، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٢١ ح ١٨١٥، المحاسن: ج ٢ ص ٨٦ ح ١٢٢٦ كلها عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٣١ ح ٩.
- ٢- المحاسن: ج ٢ ص ٩٢ ح ١٢٤٣ عن عبد الله بن عطاء، المزار للمفيد: ص ٦٣، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٢٩ ح ١٨٤٠ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وفيهما «سبحان الذي سَخَّرَ» بدل «والحمد لله الذي سَخَّرَ»، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٩٦ ح ٢٦.
- ٣- عمل اليوم والليله لابن السني: ص ٢٢٩ ح ٦٤٧، سنن أبي داود: ج ٤ ص ٣٢٤ ح ٥٠٩٢، المصنّف لعبد الرزاق: ج ٤ ص ١٦٩ ح ٧٣٥٣، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٢ ص ٥١٠ ح ١١ وج ٧ ص ١٢١ ح ٦ كلها عن قتاده نحوه، الدعاء للطبراني: ص ٢٨٢ ح ٩٠٥ عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج ٧ ص ٧٩ ح ١٨٠٤٧ وص ٧٧ ح ١٨٠٤٠؛ الدروع الواقيه: ص ٣٧، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٣٧٦ ح ١.

۴ / ۲۸ هنگام دیدن هلال ماه

۶۶۰۵. وقعه صفین عن زید بن وهب (فی ذِکْرِ وَقَعِهِ صِفِّینَ) امام باقر علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام هر گاه می خواست به یکی از املاک خود برود ، چون پایش را در رکاب می گذاشت ، با [دادن] هر مقدار [صدقه] که برایش میسر بود ، سلامت خود را از خداوند عز و جل می خرید و وقتی خداوند عز و جل او را به سلامت باز می گرداند ، خدای تعالی را ستایش و سپاس می گفت و باز هر اندازه که برایش میسر بود ، صدقه می داد . ۶۶۰۶. وقعه صفین: امام باقر علیه السلام هنگام سوار شدن بر مرکب : سپاس و ستایش ، خدایی را که به اسلام هدایتمان کرد و قرآن را به ما آموخت ، و نعمت وجود محمد صلی الله علیه و آله را به ما ارزانی داشت . ستایش ، خدایی را که این [مرکب] را رام ما ساخت ، در حالی که ما بر آن توانا نبودیم ، و ما به سوی پروردگاران باز می گردیم . (۱) و ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است . ۴ / ۲۸ هنگام دیدن هلال ماه ۶۶۰۹. عنه علیه السلام: عمل الیوم واللیلہ به نقل از عبد الله بن مطرف : پیامبر خدا ... هر گاه هلال ماه را می دید ، می فرمود : «هلال خوبی است . ستایش ، خدایی را که ماه فلان و بهمان را برد و ماه فلان و بهمان را آورد» .

۱- این جملات ، اقتباسی است از آیه ۱۳ سوره زخرف .

٢٩ / ٤ عِنْدَ الْإِفْطَارِ ٦٦١٢. عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : عَمَلُ الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ عَنْ مُعَاذٍ : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَفْطَرَ قَالَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعَانَنِي فَصِيْمَتٌ ، وَرَزَقَنِي فَأَفْطَرْتُ . (١) ٦٦١٣. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (فِي وَصْفِ عَمِّيَارِ) الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : تَقُولُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ الْإِفْطَارِ إِلَى آخِرِهِ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعَانَنَا فَصَمْنَا ، وَرَزَقَنَا فَأَفْطَرْنَا ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا ، وَأَعِنَّا عَلَيْهِ ، وَسَيِّئْنَا فِيهِ ، وَتَسَلِّمْنَا فِيهِ ، وَتَسَلِّمْنَا فِيهِ ، وَتَسَلِّمْنَا فِيهِ ، وَتَسَلِّمْنَا فِيهِ ، وَتَسَلِّمْنَا فِيهِ ، وَتَسَلِّمْنَا فِيهِ ، وَتَسَلِّمْنَا فِيهِ . (٢) ٤ / ٣٠ عِنْدَ الْمَوْقِفِ (عُرْفَاتٍ) ٦٦١٦. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا آتَيْتَ الْمَوْقِفَ (٣) فَاسْتَقْبِلِ الْبَيْتَ . . . ثُمَّ تَحَمِّدُ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ عَلى كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَ عَلَيْكَ ، وَتَذْكُرُ أَنْعَمَهُ وَاحِدَةً وَاحِدَةً مَا أَحْصَيْتَ مِنْهَا ، وَتَحَمِّدُهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ عَلَيْكَ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ ، وَتَحَمِّدُ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ عَلَى مَا أَبْلَاكَ ، وَتَقُولُ : اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعَمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعِدَدٍ وَلَا تُكَافَى بِعَمَلٍ . (٤) ٤ / ٣١ عِنْدَ الْإِجَابَةِ ٦٦١٩. عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا عَرَفَ الْإِجَابَةَ مِنْ نَفْسِهِ ، فَشَفِيَ مِنْ مَرَضٍ أَوْ قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ يَقُولُ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَّزْتَهُ وَجَلَّالَهُ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ . (٥) .

- ١- عمل اليوم واللييلة لابن السني : ص ١٦٩ ح ٤٧٩ ، تاريخ بغداد : ج ١٢ ص ٧٥ ، الأذكار للنووي : ص ١٧٢ ، كنز العمال : ج ٧ ص ٨١ ح ١٨٠٥٨ .
- ٢- الكافي : ج ٤ ص ٩٥ ح ٢ ، تهذيب الأحكام : ج ٤ ص ٢٠٠ ح ٥٧٧ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ١٠٦ ح ١٨٥١ ، المقنع : ص ٣١٩ كلها عن أبي بصير ، الهداية : ص ١٨٧ ، بحار الأنوار : ج ٩٦ ص ٣١١ ح ٥ .
- ٣- يعني عرفات .
- ٤- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٥٤١ ح ٣١٣٤ عن أبي بصير .
- ٥- المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٧٣٠ ح ١٩٩٩ عن عائشه ، كنز العمال : ج ٦ ص ٧١٩ ح ١٧٥٦٠ .

۴ / ۲۹ هنگام افطار کردن**۴ / ۳۰ در موقف (عرفات)****۴ / ۳۱ هنگام اجابت شدن دعا**

۴ / ۲۹ هنگام افطار کردن ۶۶۲۲. الأمالی للطوسی عن عمّار: عمل الیوم واللیلہ به نقل از معاذ: پیامبر خدا هر گاه افطار می کرد، می گفت: «ستایش، خدای را که کمکم کرد تا روزه گرفتم، و روزی ام داد و افطار کردم». ۶۶۲۳. أنساب الأشراف عن أبي مخنف: امام صادق علیه السلام: در هر شب ماه رمضان تا پایان آن، هنگام افطار کردن می گویی: «ستایش، خدای را که به ما کمک کرد تا روزه گرفتیم، و روزی مان داد و افطار کردیم. بار خدایا! از ما بپذیر و ما را بر [گرفتن روزه] این ماه کمک فرما، و ما را در آن به سلامت دار و به خوشی و عافیت، آن را از ما تحویل بگیر. ستایش، خدای را که یک روز از ماه رمضان را بر ما سپری کرد». ۴ / ۳۰ در عرفات (عرفات) ۶۶۲۶. الکامل فی التاریخ (فی ذکر حربِ صِفِّینَ) امام صادق علیه السلام: چون به موقف (عرفات) آمدی، رو به خانه [ی خدا] کن... سپس خداوند عز و جل را برای هر نعمتی که به تو عطا کرده است، حمد می گویی و نعمت های او را یکایک، تا جایی که می توانی برشماری، یاد می کنی، و او را بر هر نعمتی از زن و فرزند یا مال که به تو ارزانی داشته است حمد می گویی و بر لطف و احسان هایی که به تو کرده است، او را می ستایی و می گویی: «بار خدایا! ستایش، تو را بر نعمت هایی که به شمار نمی آیند و با عمل جبران نمی شوند». ۴ / ۳۱ هنگام اجابت شدن دعا ۶۶۲۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چرا هر یک از شما هر گاه اجابت دعایی را احساس می کند و از مرضی شفا می یابد یا از سفری می آید، نمی گوید: «سپاس و ستایش، خدای را که با قدرت و شکوه او، کارهای نیک انجام می پذیرد».

راجع : ص ٢٩٦ ح ١٢٤٦ .

٤ / ٣٢ عِنْدَ الْخَطَابَةِ ٦٦٣٣. الكامل فى التاريخ: الإمام زين العابدين عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا خَطَبَ حَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ. (١) ٤ / ٣٣ عِنْدَ خُطْبَةِ التَّرْوِيجِ ٦٦٣٦. الإمام الكاظم عليه السلام: الكافى عن ابن العزرمى عن أبيه: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُرَوِّجَ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ، أَحْمَدُهُ وَأَسْتَعِينُهُ وَأُؤْمِنُ بِهِ وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ... فَإِنَّ اللَّهَ لَهُ الْحَمْدُ عَلَى غَابِرِ مَا يَكُونُ وَمَاضِيهِ، وَلَهُ الْحَمْدُ مُفْرَدًا وَالشَّانِءُ مُخْلِصًا بِمَا مِنْهُ كَانَتْ لَنَا نِعْمَةٌ مَوْثِقَةٌ وَعَلَيْنَا مُجَلَّلَةٌ وَإِلَيْنَا مُتَرَيِّنَةٌ. (٢) ٤ / ٣٤ عِنْدَ التَّبَخُّرِ وَالتَّعَطُّرِ ٦٦٣٩. تاريخ الطبرى بن أبيه (فى ذِكْرِ طَلَبِ زِيَادِ بْنِ أَبِيهِ وَمُتَابَعَتِهِ أَص) الْأَمَانُ: رَوَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ بُخُورِهِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تِمُّ الصَّالِحَاتُ، اللَّهُمَّ طَيِّبْ عَرْفَنَا، وَذَكِّ رَوَائِحِنَا، وَأَحْسِنْ مُنْقَلَبَنَا، وَاجْعَلِ التَّقْوَى زَادَنَا، وَالْجَنَّةَ مَعَادَنَا، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ عَافِيَتِكَ إِنَّا نَاوِيئُكَ لَنَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (٣).

١- الأمالى للمفيد: ص ٢١١ ح ١ عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٢٥٦ ح ٣٦.

٢- الكافى: ج ٥ ص ٣٧١ ح ٤ و ٢ و ٣ كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام وراجع المستدرک على الصحيحين: ج ٤ ص ٢٢.

٣- الأمان: ص ٣٦، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٤٣ ح ٢.

۴ / ۳۲ هنگام سخنرانی

۴ / ۳۳ هنگام خطبه ازدواج

۴ / ۳۴ هنگام استفاده از بخور و عطر

ر . ک : ص ۲۹۷ ح ۱۲۴۶ .

۴ / ۳۲ هنگام سخنرانی ۶۶۴۳. رجال الطوسی : امام زین العابدین علیه السلام : پیامبر خدا هر گاه خطبه می خواند ، [نخست ،] حمد و ثنای خدا می گفت . ۴ / ۳۳ هنگام خطبه ازدواج ۶۶۴۶. الاستیعاب : الکافی به نقل از ابن عذر می از پدرش : امیر مؤمنان علیه السلام هر گاه می خواست خطبه عقد بخواند ، می فرمود : «ستایش ، خدای را . او را می ستایم و از او یاری می طلبم و به او ایمان دارم و بر او توکل می کنم . گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست ، و گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده اوست ... خدای را سپاس ، بر آنچه آید و بر آنچه گذشته است . ستایش بی مانند و ثنای ناب و خالص ، او را بر نعمت های دل پذیری که به ما داده و ما را در آنها غوطه ور ساخته و بدان آراسته مان گردانیده است» . ۴ / ۳۴ هنگام استفاده از بخور و عطر ۶۶۴۹. الطبقات الکبری : الأمان : روایت شده است که پیامبر خدا هنگام استعمال بخور ، می گفت : «ستایش ، خدای را که با لطف و نعمت او کارهای نیک به انجام می رسد . بار خدایا ! ما را خوش بو گردان ، رایحه های ما را معطر ساز ، بازگشت ما را نیکو بدار ، تقوا را ره توشه ما ساز و بهشت را بازگشتگاه ما ، و میان ما و عافیت بخشی و کرامت نسبت به ما ، جدایی مینداز ، که تو بر هر چیز توانایی» .

٤ / ٣٥ كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ ٦٦٥٢. الاستيعاب: رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِحَمْدِ اللَّهِ فَهُوَ أَقْطَعُ (١).
 (٢) ٦٦٥٣. الاستيعاب: عنه صلى الله عليه وآله: كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِحَمْدِ اللَّهِ وَالصَّلَاةِ عَلَيَّ فَهُوَ أَقْطَعُ أَبْتَرُ ، مَمْحُوقٌ (٣)
 مِنْ كُلِّ بَرَكَةٍ . (٤).

- ١- عمل اليوم والليله للنسائي : ص ٣٤٥ ح ٤٩٤ ، سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٦١٠ ح ١٨٩٤ ، صحيح ابن حبان : ج ١ ص ١٧٣ ح ١ وص ١٧٥ ح ٢ ، سنن الدارقطني : ج ١ ص ٢٢٩ ح ١ ، السنن الكبرى : ج ٣ ص ٢٩٦ ح ٥٧٦٨ كلها عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ١ ص ٥٥٨ ح ٢٥٠٩ وج ٣ ص ٢٦٣ ح ٦٤٦٢ وح ٦٤٦٤ ؛ المجازات النبويه : ص ٢٤٤ ح ١٩٧ .
- ٢- قال الشريف الرضوي قدس سره في ذيل الحديث : هذا القول مجاز ، وإنما شبه عليه الصلاه والسلام الأمر الذي تهتم الإفاضه فيه ، وتمس الحاجة إلى الكلام عليه ، إذا لم ينظر فيه حمد الله سبحانه وتعالى ، بالأقطع اليد من حيث كان قالصا عن السبوغ ، وناقصا عن البلوغ. ومما يقوى ذلك ما رواه أبوهريره أيضا قال : قال عليه الصلاه والسلام : «الخطبه التي ليس فيها شهاده كاليد الجذماء» ، فأقام عليه الصلاه والسلام نقصان الخطبه ، مقام نقصان الخلقه ، ومما يشبه هذا الخبر الحديث الآخر الذي ذكره أبوعبيد القاسم بن سلام في كتابه غريب الحديث وهو قوله عليه الصلاه والسلام : «من تعلم القرآن ثم نسيه لقي الله سبحانه وهو أجزم» ، قال : والأجزم : المقطوع اليد (المجازات النبويه : ص ٢٤٤) .
- ٣- المحقق : النقص والمحو والإبطال (النهايه : ج ٤ ص ٣٠٣ «محق»).
- ٤- كنز العمال : ج ١ ص ٥٥٨ ح ٢٥١٠ نقلاً عن الرهاوى عن أبي هريره .

۴ / ۳۵ در هر کار مهم

۴ / ۳۵ در هر کار مهم ۶۶۵۶.الإرشاد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کار مهمی که با حمد خدا آغاز نشود، کاری بریده [و ناتمام] خواهد بود. ۱۶۶۵۷.الإمام الهادی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کار مهمی که با حمد خدا و صلوات فرستادن بر من آغاز نشود، کاری بی دنباله و ناقص خواهد بود و از هر برکتی تهی است.

٤ / ٣٦ على كُـلِّ حَالٍ ٦٦٦٠. تاريخ بغداد عن عروه: رسول الله صلى الله عليه وآله يُحَشِّرُ النَّاسَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ فَيَسْمِعُهُمُ الدَّاعِيَ وَتُبِعْدُهُمْ (١) البَصِيرُ ، ثُمَّ يَقُومُ مُنَادٍ فَيُنَادِي يَقُولُ : سَيَعْلَمُ أَهْلُ الْجَمْعِ الْيَوْمَ مَنْ أَوْلَى بِالْكَرَمِ . فَيَقُولُ : أَيْنَ الَّذِينَ يَحْمَدُونَ اللَّهَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ؟ فَيَقُومُونَ وَهُمْ قَلِيلُونَ فَيَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ . (٢) ٦٦٦١. الاستيعاب: الاحتجاج عن ابن عباس في خبر احتجاج النبي صلى الله عليه وآله مع أربعين رجلاً من اليهود: قالوا [اليهود]: إبراهيم عليه السلام خير منك!

قال: ولم ذاك؟

قالوا: لأن الله اتخذته خليلاً!

قال النبي صلى الله عليه وآله: إن كان إبراهيم عليه السلام خليلاً، فأنا محمد حبيبه.

قالوا: ولم سميت محمدًا؟

قال: سمياني الله محمدًا وشق اسمي من اسمه؛ هو المحمود وأنا محمد، وأمّتي الحامدون على كُـلِّ حَالٍ (٣) ٦٦٦٢. تاريخ الإسلام عن موسى بن عقبه: رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا سأل أحدكم ربه مسألة فتعزّفت الاستجابة فليقل: «الحمد لله الذي بعزّته وجلاله تنمّ الصالحات»، ومن أبطأ عنه من ذلك شيء فليقل: «الحمد لله على كل حال». (٤).

١- في المصادر الأخرى: «وينفذهم البصر».

٢- مسند إسحاق بن راهويه: ج ٥ ص ١٨٠ ح ٢٣٠٥، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ٤٥٧ ح ١٥٨١ كلاهما عن أسماء بنت يزيد، حليه الأولياء: ج ٢ ص ٩ عن عقبه بن عامر نحوه، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٥٢ ح ٤٣٣٩١ و ٤٣٣٩٢.

٣- الاحتجاج: ج ١ ص ١١٠ ح ٢٩، بحار الأنوار: ج ٩ ص ٢٩٠ ح ٣ و ج ١٦ ص ٣٢٨ ح ٢٥.

٤- الأسماء والصفات للبيهقي: ج ١ ص ٣٤٢ ح ٢٧٤، الدعوات الكبير: ج ٢ ص ٨٦ ح ٣٢٤ وفيه «الإجابة» بدل «الاستجابة» وكلاهما عن أبي هريره، إحياء علوم الدين: ج ١ ص ٤٦١ عن ابن مسعود وفيه «بنعمته» بدل «بعزّته وجلاله»، كنز العمال: ج ٢ ص ٧٢ ح ٣١٨٢.

۴ / ۳۶ بر هر حال و وضعی

۴ / ۳۶ بر هر حال و وضعی ۶۶۶۵. سیر أعلام النبلاء عن أحمد بن البرقی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در روز رستاخیز، مردمان در بیابانی یکدست گرد آورده می شوند، آن سان که صدا و نگاه به همه آنها می رسد. آن گاه، بانگ دهنده ای بر می خیزد و بانگ می زند و می گوید: «به زودی، امروز اهل محشر پی خواهند برد که چه کسی به گرامیداشت سزاوارتر است». سپس می گوید: «کجایند آنان که در خوشی و ناخوشی، خداوند را سپاس و ستایش می گفتند؟».

پس ستایشگران که شمارشان اندک است، برمی خیزند و بی حسابرسی، به بهشت می روند. ۶۶۶۶. تاریخ الطبری عن الزهري: الاحتجاج به نقل از ابن عباس در خبر احتجاج پیامبر صلی الله علیه و آله با چهل مرد از یهود: یهودیان گفتند: ابراهیم علیه السلام از تو بهتر است!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چرا؟».

گفتند: چون خداوند، او را دوست صمیمی خویش گرفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر ابراهیم علیه السلام دوست او بود، من، محمد، حیب او هستم».

گفتند: چرا محمد نامیده شده ای؟

فرمود: «خداوند، مرا محمد نامید و نام مرا از نام خودش برگرفت: او محمود (ستایش شده) است و من محمد (ستوده). امت من در همه حال، خدای را می ستایند». ۶۶۶۷. تاریخ الطبری عن سهل بن سعد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه کسی از شما از پروردگارش درخواستی کرد و اجابت دید، بگوید: «ستایش، خدایی را که با قدرت و شکوه او کارهای نیک به انجام می رسد»، و هر کس در اجابت در خواستش کندی دید، بگوید: «سپاس، خدای را در هر حال».

٦٦٦٨.الإمام عليّ عليه السلام (في كتاب كَتَبَهُ لِأَهْلِ مِصْرَ مَعَ قَيْسِ بْنِ) رسول الله صلى الله عليه وآله في الدعاء: اللَّهُمَّ انْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي ، وَعَلَّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي ، وَزِدْنِي عِلْمًا . الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ حَالِ أَهْلِ النَّارِ . (١) ٦٦٦٩.الكامل في التاريخ:الدعاء للطبراني عن حبيب بن أبي ثابت: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا جَاءَ الْأَمْرُ يُعْجِبُهُ وَيَسْرِرُهُ قَالَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنْعِمِ الْمُفْضِلِ الَّذِي يَنْعَمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ»، وَكَانَ يَقُولُ فِيمَا يَكْرَهُهُ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ» . (٢)راجع : ص ٢٥٤ (في السَّراءِ والضَّرَّاءِ) . ص ٢٦٢ (بدء الكلام) .

-
- ١- سنن الترمذى : ج ٥ ص ٥٧٨ ح ٣٥٩٩ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٦٠ ح ٣٨٣٣ كلاهما عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٨١ ح ٣٦٣٨ ؛ منيه المرید : ص ٢١٠ وفيه «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ...» بدل «وأعوذ بالله من حال أهل النار» .
 - ٢- الدعاء للطبراني : ص ٥٠١ ح ١٧٧٠ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٧ ص ٩٠ ح ١ عن حبيب عن بعض أشياخه من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه وآله ، كنز العمال : ج ٢ ص ٦٧١ ح ٥٠٢٨ .

۶۶۷۱. تاریخ الطبری عن أبي مخنف: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعا: بار خدایا! مرا از آنچه به من آموخته ای، بهره مند گردان و چیزی را به من بیاموز که سودم بخشد، و بر دانش من بیفزای. ستایش، خدا را بر هر حالی، و پناه می برم به خدا از حال و روز اهل آتش. ۶۶۷۲. تاریخ الطبری عن أبي مخنف: الدعاء، طبرانی به نقل از حبیب بن ابی ثابت: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه برایش حادثه ای دلخواه و خوشایند پیش می آمد، می فرمود: «ستایش، خداوند نعمت ده احسان بخش را که با لطف و نعمت او کارهای نیک، انجام می پذیرد»، و در پیشامدهای ناخوشایند، می فرمود: «ستایش، خدای را بر هر حالی». ر. ک: ص ۲۵۵ (در خوشی و ناخوشی)، ص ۲۶۳ (آغاز سخن).

الفصل الخامس: المحامد المأثوره ٥ / ١ المحامد المأثوره عن مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ ٦٦٧. تاريخ يعقوبى عن غياث: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» أُرِيَعَ مَرَّاتٍ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: سَيَلُّ تُعْطَى. (١) ٦٦٨. تاريخ الطبرى عن الزهرى: الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَحْمِدُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً وَسِتِّينَ مَرَّةً، عِيدَدَ عُرُوقِ الْجَسَدِ، يَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ. (٢) ٦٧٩. وقعه صفين عن قيس بن سعد (قَبْلَ حَرْبِ صِفِّينَ) عمل اليوم والليله عن أنس: كُنْتُ جَالِسًا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْحَلَقَةِ، إِذْ جَاءَ رَجُلٌ فَسَلَّمَ عَلَيَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى الْقَوْمِ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، فَرَدَّ عَلَيَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ.

فَلَمَّا جَلَسَ الرَّجُلُ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، كَمَا يُحِبُّ رَبُّنَا وَيَرْضَى.

فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَيْفَ قُلْتَ؟ فَرَدَّ عَلَيَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا قَالَ.

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَقَدْ ابْتَدَرَهَا (٣) عَشْرَةَ أَمْلا-كِ كُلُّهُمْ حَرِيصٌ عَلَيَّ أَنْ يَكْتُبُوهَا، فَبَادَرُوا كَيْفَ يَكْتُبُونَهَا حَتَّى رَفَعُوهُ إِلَى ذِي الْعِزَّةِ، فَقَالَ: أَكْتُبُوهَا كَمَا قَالَ عَبْدِي. (٤).

١- الدعاء للطبرانى: ص ٤٩١ ح ١٧٢٦ عن أبى أمامه.

٢- الكافى: ج ٢ ص ٥٠٣ ح ٣ عن أبى الحسن الأنبارى، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٧٧ ح ٢١٩١ وليس فيه «فى كل يوم»، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٢٥٧ ح ٣٩ وج ٨٧ ص ١٠ ح ١٩.

٣- ابتدر القوم أمرا: أى بادر بعضهم بعضا إليه أيهم يسبق إليه فيغلب عليه (لسان العرب: ج ٤ ص ٤٨ «بدر»).

٤- عمل اليوم والليله للنسائى: ص ٢٨٩ ح ٣٤١، السنن الكبرى للنسائى: ج ٦ ص ٩٢ ح ١٠١٧٣، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٣١٧ ح ١٢٦١٢، عمل اليوم والليله لابن السنى: ص ١٥٧ ح ٤٤٤.

فصل پنجم: حمد‌های رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام

۵ / ۱ حمد‌های رسیده از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

فصل پنجم: حمد‌های رسیده از پیامبر و اهل بیت ۵ / ۱ حمد‌های رسیده از پیامبر خدا ۶۶۸۳. الإرشاد عن المغیره: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس چهار مرتبه بگوید: «ستایش، خدای را که خداوند جهانیان است»، خداوند عز و جل می فرماید: درخواست کن تا خواسته ات به تو داده شود. ۶۶۸۴. تنبیه الخواطر: امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا در هر روز، سیصد و شصت مرتبه به شمار رگ‌های بدن، خدا را می ستود و می گفت: «ستایش فراوان و در همه حال، خدای را که پروردگار جهانیان است». ۶۶۸۵. المناقب للخوارزمی عن أبي هانئ بن معمر السدوسی (فی ذکر غلبه جُندِ مُعاویةَ عَلی المَاءِ) عمل الیوم و اللیله به نقل از آنس: با پیامبر خدا در جمعی نشسته بودم که مردی آمد و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و جماعت سلام کرد و گفت: سلام بر شما.

پیامبر صلی الله علیه و آله در جوابش گفت: «سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد».

آن مرد چون نشست، گفت: سپاس، خدای را؛ سپاسی فراوان و پاکیزه و با برکت؛ آن سان که پروردگار ما دوست دارد و می پسندد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چه گفتی؟».

مرد آنچه را گفته بود، برای پیامبر صلی الله علیه و آله تکرار کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، ده فرشته برای نوشتن این جمله، همگی، سراسیمه به سوی آن شتافتند. ماندند که چگونه آن را بنویسند، تا این که آن را نزد خداوند عزیز بردند. خداوند فرمود: آن را همان گونه که بنده ام گفت، بنویسید».

٦٦٨٦. تاريخ دمشق عن أبي حذيفة إسحاق بن بشر (في ذكر وقعه اليرموك) رسول الله صلى الله عليه وآله : «الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ» فَقَدْ شَغَلَ كُتَابَ السَّمَاوَاتِ ، فَيَقُولُونَ : اللَّهُمَّ لَا نَعْلَمُ الْغَيْبَ!

فَيَقُولُ اللَّهُ : أَكْتُبُهَا كَمَا قَالَهَا عَبْدِي ، وَعَلَى ثَوَابِهَا . (١) ٦٦٨٧. وقعه صفين عن سنان بن مالك (في مُوَاجَهَةِ مُقَدَّمَةِ الْجَيْشِ قَبْلَ حَرْبِ ص) البلد الأمين : دُعَاءُ التَّهْلِيلِ مَرُورِيٌّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : بِسْمِلٍ وَقُلْ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثَلَاثًا . . . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ثَلَاثًا بَعْدَ كُلِّ تَحْمِيدٍ حَمْدُهُ الْحَامِدُونَ . . . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عِنْدَ انْقِطَاعِ الْأَحْوَالِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بَعْدَ كُلِّ مَنْ حَمَدَهُ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بَعْدَ مَنْ لَمْ يَحْمَدْهُ . (٢) ٦٦٨٨. شرح نهج البلاغه (في وَصْفِ الْأَشْتَرِ) رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ قَالَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا مَا عَلِمْنَا مِنْهَا وَمَا لَمْ نَعْلَمْ ، عَلَى كُلِّ حَالٍ ، حَمْدًا يُوَازِي نِعْمَهُ وَيُكَافِي مَزِيدَهُ ، عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ» ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : بِالْغِيبِ عَبْدِي فِي رِضَايَ ، وَأَنَا مُبَلِّغُ عَبْدِي رِضَاةً مِنَ الْجَنَّةِ . (٣) ٦٦٨٩. سير أعلام النبلاء : الإمام علي عليه السلام : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ حِينَ يَسْتَقِيطُ مِنْ مَنَامِهِ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَنِي مِنْ مَرَقَدِي هَذَا ، وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا تُجِنُّ (٤) مِنْهُ الْبُحُورُ ، وَلَا تَكُنُّ (٥) مِنْهُ الشُّنُورُ ، وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَا فِي الصُّدُورِ . (٦) .

- ١- .عده الداعي : ص ٢٤٥ عن الإمام الصادق عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص ٢٨ ح ١ عن زيد الشحام عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢١٢ ح ١١ وص ٢١٦ ح ٢١ .
- ٢- .البلد الأمين : ص ٣٧٤ .
- ٣- .مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٧٩ ح ٢٢٠١ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٩١٥ ح ١٨ .
- ٤- .أجنه : ستره ، وكل ما ستر عنك فقد جن عنك (القاموس المحيط : ج ٤ ص ٢١٠ «جن»).
- ٥- .الكنن : وقاء كل شيء وستره (القاموس المحيط : ج ٤ ص ٢٦٤ «كنن»).
- ٦- .مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٥١ ح ٢١٢٦ ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٢٠٣ ح ٢٠ .

۶۶۹۰. شرح نهج البلاغه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بگوید: «ستایش، خدای را چنان که او شایسته آن است»، نویسندگان آسمان ها را به تکاپو می اندازد و آنها می گویند: بارخدا یا! ما که غیب نمی دانیم!

و خداوند می فرماید: «آن را همان گونه که بنده ام گفت، بنویسید. ثوابش با من». ۶۶۹۱. وقعه صفین: البلد الأمين: دعای «لا اله الا الله» که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده، چنین است که پس از بسم الله، بگو: «معبودی جز خدا نیست (سه مرتبه) ... و سپاس خدای را (سه مرتبه)؛ به شمار هر سپاسی که سپاسگویان در سپاس از او گویند ... و سپاس خدای را بر هر حالی [و وضعی]، و سپاس خدای را در هنگام برطرف شدن حالات، و سپاس خدای را به شمار همه کسانی که سپاسش گویند، و سپاس خدای را به شمار همه کسانی که سپاسش نمی گویند». ۶۶۹۲. الإمام علی علیه السلام (من کتابه إلی مالک بن کعب الأرحبی) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بگوید: «ستایش، خدای را به همه ستایش هایش؛ چه آن ستایش ها که می دانیم و چه آنها که نمی دانیم، بر هر حالی [و وضعی]، ستایشی به موازات نعمت هایش و برابر با افزون دهی هایش به من و به همه خلقتش»، خداوند تبارک و تعالی می فرماید: بنده ام در خشنودسازی من کوشید من نیز بنده ام را به جایی از بهشت می رسانم که خشنودش سازد. ۶۶۹۳. الإمام علی علیه السلام (فی کتابه إلی کعب بن مالک {۱-}) امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، هر گاه از خواب بیدار می شد، می گفت: «ستایش، خدایی را که مرا از این خوابم بیدار ساخت؛ در حالی که اگر می خواست، آن را تا روز رستاخیز قرار می داد. ستایش، خدای را که شب و روز را از پی یکدیگر قرار داد، برای هر آن کس که بخواهد پند گیرد یا بخواهد سپاس گزاری کند. ستایش، خدایی را که شب را پوشش قرار داد و خواب را مایه آرامش و روز را هنگام تکاپو. «معبودی جز تو نیست. پاکی تو، من از ستمکاران بودم». سپاس، خدای را که دریاها چیزی را از [چشم] او نمی پوشانند (از اعماق دریاها خبر دارد) و پرده ها چیزی را از او پنهان ندارد و آنچه در سینه هاست، بر او پوشیده نیست» ..

٦٦٩٤. الإمام علي عليه السلام (في كتابه إلى كعب بن مالك) رسول الله صلى الله عليه وآله : من رأى يهوديًا أو نصرانيًا أو مجوسيًا أو أحدًا على غير ملة الإسلام فقال : « الحمد لله الذي فضّلني عليك بالإسلام دينا ، وبالقرآن كتابا ، وبمحمّد نبيًا ، وبعلي إماما ، وبالمؤمنين إخوانا ، وبالكعبة قبله » ، لم يجمع الله بينه وبينه في النار أبدا . (١) ٦٦٩٥. الغارات عن عبد الله بن حوزة الأزدي عنه صلى الله عليه وآله : الحمد لله الذي كان في أوليته وحدائيا ، وفي أزليته متعظما بالإلهية ، متكبّرا بكبريائه وجبروته ، ابتداء ما ابتدأ ، وأنشأ ما خلق على غير مثال كان سبق بشيء مما خلق . (٢) ٦٦٩٦. أنساب الأشراف : المستدرک علی الصحيحين عن أبي هريره : دعا رجل من الأنصار من أهل قباء النبي صلى الله عليه وآله فانطلقنا معه ، فلما طعم وغسل يديه أو قال يده قال : الحمد لله الذي يطعم ولا يطعم ، من علينا فهدانا ، وأطعمنا وسقانا ، وكلّ بلاء حسن أبلانا ، الحمد لله غير مودّع ولا مكافأ ، ولا مكفور ولا مستغنى عنه ، الحمد لله الذي أطعم من الطعام ، وسقى من الشراب ، وكسا من الثرى ، وهدي من الضلالة ، وبصر من العمياء ، وفضل على كثير ممن خلق تفضيلا ، الحمد لله رب العالمين . (٣) .

- ١- الأمالى للصدوق : ص ٣٣٩ ح ٤٠١ ، ثواب الأعمال : ص ٤٤ ح ١ كلاهما عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، قرب الإسناد : ص ٧٠ ح ٢٢٧ عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عن علي عليه وآله ، وليس فيه «وبعلي إماما» ، روضه الواعظين : ص ٥١٨ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢١٧ ح ١ .
- ٢- التوحيد : ص ٤٤ ح ٤ عن إسحاق بن غالب عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ٢٨٧ ح ١٩ .
- ٣- المستدرک علی الصحيحين : ج ١ ص ٧٣١ ح ٢٠٠٣ ، صحيح ابن حبان : ج ١٢ ص ٢٣ ح ٥٢١٩ وليس فيه «الحمد لله غير مودّع ... ولا مستغنى عنه» ، السنن الكبرى للنسائي : ج ٦ ص ٨٢ ح ١٠١٣٣ ، الدعاء للطبراني : ص ٢٨٠ ح ٨٩٦ ، الشكر لابن أبي الدنيا : ص ٢٠ ح ١٥ .

۶۶۹۷. تاریخ الطبری (بَعْدَ أَنْ ذَكَرَ خُطْبَةَ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس یهودی یا نصرانی یا مجوسی و یا کسی را که بر غیر آیین اسلام است ، ببیند و بگوید : «سپاس ، خدای را که مرا به سبب داشتن دین اسلام و کتاب قرآن و پیامبری محمّد و امامت علی و برادران مؤمن و قبله ای چون کعبه ، بر تو برتری داد» ، خداوند هرگز او را با آن شخص در آتش دوزخ گرد نمی آورد. ۶۶۹۸. صحیح مسلم عن جابر بن عبد الله الأنصاری (فِي ذِكْرِ حَجَّةِ الْوَدَاعِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سپاس ، خدای را که از همان آغاز ، یکتا بود ، و از ازل به خدایی اش نازان ، و به بزرگی و عظمتش بالان . آنچه را ابداع کرد ، بی مقدمه آفرید و آنچه را خلق کرد ، بی هیچ نمونه پیشینی آفرید. ۶۶۹۹. أسد الغابه (فِي ذِكْرِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ) المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو هریره : مردی از انصار ، از اهالی قُبا ، پیامبر صلی الله علیه و آله را دعوت کرد و ما هم با ایشان رفتیم . چون غذایش را خورد و دستانش یا : دستش را شست ، گفت : «سپاس ، خدایی را که خوراک می دهد و خود خوراک نمی خورد . بر ما منت نهاد و هدایتمان فرمود و غذا و آیمان داد و به هر نعمت و نوازشی ، ما را نواخت . سپاس ، خدای را که نه با او بدرود گفته شود و نه پاداش خواهد و نه ناسپاسی شود و نه می توان از او بی نیازی جُست . ستایش ، از آن خداوند است که [بندگانِ خود را] از غذا خوراند و از آشامیدنی نوشاند و از برهنگی پوشاند و از گم راهی [رهانید و] هدایت نمود و از کوز دلی ، بصیرت عطا فرمود و بر بسیاری از آفریده های خویش ، برتری چشمگیر داد . ستایش ، خداوند را که پروردگار جهانیان است» . .

٦٧٠٠. أسد الغابه (فى ذِكْرِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ) مسند الرويانى عن أبى أمامه الباهلى : رَأَى النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَا أَحْرَكَ شَفَتِي ، فَقَالَ : لِمَ تُحَرِّكُ شَفَتَيْكَ ؟ فَقُلْتُ : أذْكُرُ اللَّهَ .

قَالَ : أَفَلَا أَدُلُّكَ عَلَى شَيْءٍ هُوَ أَكْثَرُ مِنْ ذِكْرِكَ اللَّيْلِ مَعَ النَّهَارِ وَالنَّهَارِ مَعَ اللَّيْلِ ؟ قَالَ : قُلْتُ : بَلَى ، يَا نَبِيَّ اللَّهِ .

قَالَ : قُلْ : الْحَمْدُ لِلَّهِ عَيَّدَ مَا خَلَقَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِلْءَ مَا خَلَقَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا أَحْصَى كِتَابُهُ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِلْءَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ مِلْءَ مَا خَلَقَ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا أَحْصَى كِتَابُهُ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ مِلْءَ كُلِّ شَيْءٍ . (١) ٦٧٠١. شرح نهج البلاغه : رسول الله صلى الله عليه وآله : الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى آيَاتِهِ ، وَأَحْمَدُهُ عَلَى نِعْمَائِهِ ، وَأَشْكُرُهُ عَلَى بَلَائِهِ ، وَأُؤَمِّنُ بِقَضَائِهِ ، الَّذِي لَا هَادِيَ لِمَنْ أَضَلَّ ، وَلَا خَاذِلَ لِمَنْ نَصَرَ ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ الْمُصْطَفَى وَأَمِينُهُ الْمُرْتَضَى ، ائْتَجَبَهُ وَحَبَّاهُ ، وَاخْتَارَهُ وَارْتَضَاهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا صَادِقًا لَيْسَ بَعْدَهُ كُفْرٌ ، وَرَحْمَةً أَنَالَ بِهَا شَرَفَ كَرَامَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، تَبَارَكَتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ ، تَمَّ نَوْرُكَ رَبِّي فَهَدَيْتَ ، وَعَظَّمْتَ حِلْمِيكَ رَبِّي فَغَفَوْتَ فَلَمَكَ الْحَمْدُ ، وَجْهَكَ أَكْرَمُ الْوُجُوهِ وَجَاهُكَ أَفْضَلُ الْجَاهِ ، وَعَطَيْتَنِيكَ أَرْفَعُ الْعَطَايَا (٢) وَأَهْنُوْهَا ، تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ ، وَتُعْصَى رَبَّنَا فَتَغْفِرُ لِمَنْ تَشَاءُ ، تُجِيبُ دَعْوَةَ الْمُضْطَرِّ إِذَا دَعَاكَ ، وَتَكْشِفُ الضَّرَّ ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ ، وَتَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ ، لَا يُحْصَى نِعْمَاءُكَ أَحَدٌ ، رَبَّنَا فَلَمَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا أَبَدًا لَا يُحْصَى عَدْدُهُ ، وَلَا يُضْمَحَلُّ سَرْمَدُهُ ، حَمْدًا كَمَا حَمَدَ الْحَامِدُونَ مِنْ عِبَادِكَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ . (٣) .

١- .مسند الرويانى : ج ٢ ص ٢٩١ ح ١٢٣٣ ، مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٢٧٠ ح ٢٢٢٠٦ ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ٦٩٤ ح ١٨٩١ ، المعجم الكبير : ج ٨ ص ٢٣٩ ح ٧٩٣٠ و ص ٢٩٢ ح ٨١٢٢ کلها نحوه ، کنز العمال : ج ٢ ص ٢٥٦ ح ٣٩٦٢ .

٢- .فى المصدر : «العتاء» ، والتصویب من بحار الأنوار .

٣- .مُهْجَ الدَّعَوَاتِ : ص ٢١٤ عن وهب بن إسماعيل عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٣٢٥ ح ٦٩ .

۶۷۰۲. الإمام علی علیه السلام (فی ذکر مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ وَالتَّفْجِيعِ) مسند رویانی به نقل از ابو امامه باهلی : پیامبر صلی الله علیه و آله که دید من لبانم را می جنبانم ، فرمود : «چرا لبانت را می جنبانی؟» .

گفتم : ذکر خدا می گویم.

فرمود : «آیا تو را به چیزی ره نمون نشوم که اگر شب تا روز و روز تا شب ذکر بگویی ، باز هم آن بیشتر است؟» .

گفتم : چرا ، ای پیامبر خدا!

فرمود : «بگو : سپاس ، خدای را به شمار آنچه آفریده . سپاس ، خدای را به اندازه همه آنچه آفریده . سپاس ، خدای را به شمار آنچه در آسمان ها و زمین است . سپاس ، خدای را به شمار آنچه کتاب او شماره کرده است . سپاس ، خدای را به شمار همه موجودات . سپاس ، خدای را به اندازه همه موجودات . منزّه باد خدای ، به شمار آنچه آفریده . منزّه باد خدای ، به اندازه آنچه آفریده . منزّه باد خدای ، به شمار آنچه در آسمان ها و زمین است . منزّه باد خدای ، به شمار آنچه کتاب او شماره کرده است . منزّه باد خدای ، به شمار همه موجودات . منزّه باد خدای ، به اندازه همه موجودات» . ۶۷۰۳. رجال الکشی عن أمير بن علي عن الإمام الرضا عليه السلام خدا صلی الله علیه و آله : سپاس ، خدای را بر دهش هایش . او را بر نعمت هایش می ستایم و بر نواخت هایش سپاس می گویم و به فرمانش گردن می نهم ؛ خدایی که هر که را او گم راه کند ، کس نتواند هدایت نماید و هر که را او یاری دهد ، بی یاور نباشد . گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست و این که محمّد ، بنده او و فرستاده برگزیده او و امانتدار پسندیده اوست ؛ او را دستچین کرد و به او عطا نمود ، او را برگزید و پسندید . درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد .

بار خدایا ! من از تو درخواست می کنم : ایمانی راستین که پس از آن ، هرگز به کفر نگریم ؛ و رحمتی که با آن به افتخار کرامت تو در دنیا و آخرت نایل آیم . خجسته ای تو ای پروردگار ما ! و برینی تو . روشنایی تو ای پروردگار من ! پُر درخشید ، پس هدایت نمودی . بردباری تو ای پروردگار من ! بس عظیم است و از این روست که می بخشایی ، پس تو را سپاس . روی تو ، گرامی ترین روی هاست ، پایگاه تو برترین پایگاه است و آنچه تو عطا کنی ، بهترین و گواراترین عطاهاست . از تو ای پروردگار ما ! اطاعت می شود ، پس تو قدردانی می کنی و از تو ای پروردگار ما ! نافرمانی می شود ؛ اما تو آن کسی را که بخواهی ، می بخشی . دعای درمانده را آن گاه که بخواندت اجابت می کنی ، رنج و گزند را می زدایی ، بیمار را شفا می بخشی ، و گناه بزرگ را می آمرزی . هیچ کس نمی تواند نعمت های تو را بشمارد .

پس ای پروردگار ما ! تو را سپاس ؛ سپاسی ابدی که تعدادش شمردنی نباشد و زمان آن به سر نیاید ؛ سپاسی به سان سپاس بندگان سپاس گزارت ، از اولین تا آخرین آنها . .

٦٧٠٤. تاريخ الطبري عن الزهري: عنه صلى الله عليه وآله: الحمد لله على ما ألقى وأبلى، وله الحمد في الآخرة والأولى، والله لو تقطعت أعضائي، وسالت مقلتي على صدرى، لن أقوم لله عز وجل بشكر عشر العشير من نعمه واحده من جميع نعمه التي لا يحصيها العادون، ولا يبلغ حد نعمه منها على جميع حمد الحامدين. (٣) ٦٧٠٦. رجال الكشي: عنه صلى الله عليه وآله: الحمد لله في علمه منتهى رضاء، الحمد لله بعد علمه منتهى رضاء، الحمد لله مع علمه منتهى رضاء... الحمد لله بجميع محامده على جميع نعمه، وسبحان الله وبحمده منتهى رضاء في علمه، والله أكبر وحق له ذلك... الحمد لله تحميدا لا يحصيه غيره قبل كل أحد ومع كل أحد وبعد كل أحد، ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم تمجيدا لا يحصيه غيره، قبل كل أحد ومع كل أحد وبعد كل أحد. (٤) ٦٧٠٧. أسد الغابة: الإمام الصادق عليه السلام: إن رسول الله صلى الله عليه وآله دعا الله عز وجل يوم الأحزاب فقال: الحمد لله وحده لا شريك له، الحمد لله الذي أذعوه فيجيبني وإن كنت بطيئا حين يدعوني، الحمد لله الذي أسأله فيعطيني وإن كنت بخيلا حين يستقرضني، والحمد لله الذي أستعفيه فيعافيني وإن كنت متعرضا للذي نهاني عنه، والحمد لله الذي أدخل به كلما شئت في سرى، وأضع عنده ما شئت من أمرى من غير شفيع، فيقضى لى ربى حاجتى. (٥).

- ١- أسبغ الله النعمة: أتمها (القاموس المحيط: ج ٣ ص ١٠٧ «سبغ»).
- ٢- مشكاة الأنوار: ص ٧٠ ح ١١٨ عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٤ ح ١٧؛ كنز العمال: ج ٣ ص ٧٣٦ ح ٨٦١٥ نقلا عن شعب الإيمان عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله.
- ٣- فتح الأبواب: ص ١٧١ عن الزهري عن الإمام زين العابدين عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٤٦ ص ٥٧ ح ١٠.
- ٤- مہج الدعوات: ص ١٧٠ عن إبراهيم بن أبي يحيى عن الإمام الصادق عن أبيه عن جده عن الإمام علي عليهم السلام وبأسانيد أخرى، المصباح للكفعمي: ص ٣٦٨ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، كامل الزيارات: ص ٣٩٩ ح ٦٣٩ عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الصادق عليه السلام وذكره في زياره الإمام الحسين عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣٨٧ ح ٢٨.
- ٥- مہج الدعوات: ص ٩٦ عن ابن سنان وص ٢٣٤ وص ٢٣٦ كلاهما نحوه عن الإمام الصادق عليه السلام لما استدعاه المنصور إلى الكوفة، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢١٣ ح ٩ وص ٢٨٣ وص ٢٨٦.

۶۷۰۸. المناقب للخوارزمی عن مجزأه السدوسی (فی ذکر أحداث حرب الجمل) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سپاس ، خدای را بر نعمت های سرشارش . ۶۷۰۹. الجمل : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سپاس و ستایش ، خدای را بر لطف و احسانش ، و ستایش او را در آخرت و دنیا . سوگند به خدا که اگر [از شدت عبادت] اعضای بدنم از هم بریده شوند و تخم چشم هایم آب شوند و بر سینه ام فرو ریزند ، هرگز نخواهم توانست شکر یک هزارم یک نعمت از نعمت های بی شمار خداوند عز و جل را به جا آورم ، و همه ستایش ستایشگران ، به حدّ یکی از نعمت هایی که او به من داده ، نمی رسد . ۶۷۱۰. مروج الذهب : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ستایش ، خدای را در علم او ؛ تا نهایت رضایتش . ستایش ، خدای را بعد از علم او ؛ تا نهایت رضایتش . ستایش ، خدای را همراه با علم او ؛ تا نهایت رضایتش ستایش ، خدای را با همه ستایش هایش بر همه نعمت هایش . منزه است خدا و ستایش او را ؛ تا نهایت رضایتش در علم او . خدا بزرگ تر است و این ، حق اوست ستایش ، خدای را ستایشی که هیچ کسی جز او ، آن را شماره نتواند ؛ پیش از هر کس و با هر کس و پس از هر کس . هیچ توش و توانی نیست مگر به مدد خدای والا و بزرگ ، [و سزاوار اوست آن] بزرگداشتی که کسی جز او ، آن را شماره نتواند ؛ پیش از هر کس و با هر کس و پس از هر کس . ۶۷۱۱. الغارات عن عبد الله بن قعین (بعد ما اشتری مصقله أساری بنی ناجیه) امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا در روز جنگ احزاب ، به درگاه خداوند عز و جل دعا کرد و گفت : «سپاس و ستایش ، خدای یگانه و بی انباز را . سپاس و ستایش ، خدایی را که می خوانمش و او پاسخ می دهد ؛ اگرچه آن گاه که او مرا می خواند ، من در پاسخش کندی می ورزم . سپاس و ستایش ، خدایی را که از او درخواست می کنم و او به من عطا می کند ؛ اگرچه آن گاه که او از من قرض می طلبد ، من دریغ می ورزم . سپاس و ستایش ، خدایی را که از او عافیت می طلبم و او عافیت می بخشد ؛ گرچه من به چیزی می پردازم که او مرا از آن نهی کرده است . سپاس و ستایش ، خدایی را که هر گاه بخواهم ، در نهانم با او خلوت می کنم و هر کاری که داشته باشم ، بی هیچ واسطه ای ، با او در میان می گذارم ، و پروردگار من حاجتم را برآورده می سازد» ..

٦٧١٢. تاريخ يعقوبى: رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ مِلَّاءَ السَّمَاوَاتِ وَمِلَّاءَ الْأَرْضِ ، وَمِلَّاءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ . (١) ٦٧١٣. الإمام على عليه السلام (مِنْ كِتَابِهِ إِلَى مَصْقَلِهِ بْنِ هُبَيْرَةَ الشَّيْ) الإمام على عليه السلام: قَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ ، فَلَمَّا قَالَ : سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ ، قَالَ : اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ وَرَفَعَ صَوْتَهُ يُسَمِعُهُمْ مِلَّاءَ السَّمَاوَاتِ وَمِلَّاءَ الْأَرْضِ ، وَمِلَّاءَ مَا بَيْنَهُمَا ، أَهْلَ الْمَجْدِ وَالْتِنَاءِ ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أُعْطِيَ ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ (٢) مِنْكَ الْجَدُّ . (٣) ٦٧١٤. الغارات عن ذهل بن الحارث: صحيح البخارى عن رفاعه بن رافع الزرقى: كُنَّا يَوْمًا نُصَلِّي وَرَاءَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرَّكْعَةِ ، قَالَ : «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» ، قَالَ رَجُلٌ وَرَاءَهُ : رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ .

فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ : مَنْ الْمُتَكَلِّمُ؟ قَالَ : أَنَا ، قَالَ : رَأَيْتَ بَضْعَهُ وَثَلَاثِينَ مَلَكًا يَتَدَرُونَهَا ، أَيُّهُمْ يَكْتُبُهَا أَوَّلًا . (٤) .

- ١- صحيح مسلم: ج ١ ص ٣٤٦ ح ٢٠٣ ، مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٥٢ ح ١٩١٦٠ كلاهما عن ابن أبى أوفى ، سنن الترمذى: ج ٥ ص ٤٨٥ ح ٣٤٢١ عن عبيدالله بن أبى رافع عن الإمام على عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «والأرضين وملاء ما بينهما» بدل «وملاء الأرض» ، سنن النسائى: ج ٢ ص ١٩٨ عن ابن عباس ، كنز العمال: ج ٨ ص ١٢٦ ح ٢٢٢٢٠ .
- ٢- الجَدُّ : الحِطُّ والسَّعَادَةُ والغِنَى ، أَى لَا يَنْفَعُ ذَا الْغِنَى مِنْكَ غِنَاهُ ، وَإِنَّمَا يَنْفَعُهُ الْإِيمَانُ وَالطَّاعَةُ (النهاية: ج ١ ص ٢٤٤ «جدد»).
- ٣- الجعفرىات: ص ٢٢١ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام .
- ٤- صحيح البخارى: ج ١ ص ٢٧٥ ح ٧٦٦ ، سنن أبى داود: ج ١ ص ٢٠٤ ح ٧٧٠ ، سنن النسائى: ج ٢ ص ١٩٦ ، مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ١٩ ح ١٩٠١٨ ، السنن الكبرى: ج ٢ ص ١٣٦ ح ٢٦١٠ ، كنز العمال: ج ٧ ص ٤٥٣ ح ١٩٧٤٨ .

۶۷۱۵. شرح نهج البلاغه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا، ای پروردگار ما! سپاس و ستایش، تو را به اندازه گستره آسمان ها و گستره زمین، و به گستره هر چیزی جز اینها که تو خواهی. ۶۷۱۶. الغارات عن عبد الله بن قعین (فی ذکر حرب بنی ناصیه) امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست و دو رکعت نماز خواند و چون گفت: «سمع الله لمن حمده»، با صدای بلند که دیگران بشنوند گفت: «خدایا، ای پروردگار ما! ستایش، تو را به اندازه گستره آسمان ها و گستره زمین و گستره میان این دو. ای سزاملد بزرگی و ثنا، بار خدایا! آنچه تو دهی، هیچ چیز نتواند مانع آن شود، و آنچه را تو منع کنی [و ندهی]، کسی نتواند دهد، و دارایی هیچ ثروتمندی، او را از تو بی نیاز نکند. ۶۷۱۷. الغارات عن کعب بن قعین: صحیح البخاری به نقل از رفاعه بن رافع زرقی: روزی پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله نماز می خواندیم. چون سرش را از رکوع برداشت، فرمود: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ (خداوند، ستایش ستایشگر خویش را شنید)».

یک نفر از مأمومان گفت: رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ (خداوندا! تو را ستایش، ستایشی پاک و بابرکت).

پیامبر صلی الله علیه و آله چون نمازش را تمام کرد، فرمود: «گوینده، که بود؟».

مرد گفت: من.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سی و اندی فرشته را دیدم که به طرف آن دویدند و هر یک سعی داشت زودتر از دیگری آن را بنویسد»..

٦٧١٨. الغارات عن أبي عبد الرحمن السلمى (فى ذكر عزم الإمام عليه السلام على حرب) جمال الأسبوع : عن مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَلَوِيِّ الْعَرِيضِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سِتْرٌ قَلَّ مَا عُثِرَ عَلَيْهِ وَذَكَرَ تَمَامَ الْحَدِيثِ فِيهِ : يَا مُحَمَّدُ! وَمَنْ أَحَبَّ مِنْ أُمَّتِكَ رَحْمَتِي وَبَرَكَاتِي وَرِضْوَانِي وَتَعَطُّفِي وَقَبُولِي وَوَلَايَتِي وَإِجَابَتِي ، فَلْيَقُلْ حِينَ تَزُولُ الشَّمْسُ أَوْ يَزُولُ اللَّيْلُ :

«اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ ، جُمَلَتُهُ وَتَفْسِيرُهُ ، كَمَا اسْتَحَمَدْتَ فِيهِ إِلَى أَهْلِهِ الَّذِينَ خَلَقْتَهُمْ لَهُ وَأَلْهَمْتَهُمْ ذَلِكَ الْحَمْدَ كُلَّهُ ، اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ كَمَا جَعَلْتَ الْحَمْدَ رِضَاكَ عَمَّنْ بِالْحَمْدِ رَضِيَتْ عَنْهُ لِيَشْكُرَ مَا بِهِ مِنْ نِعْمَتِكَ ، اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ كَمَا رَضِيَتْ بِهِ لِنَفْسِكَ وَقَضَيْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ ، حَمْدًا مَرْعُوبًا (١) عِنْدَ أَهْلِ الْخَوْفِ مِنْكَ لِمَهَابَتِكَ ، وَمَرْهُوبًا عِنْدَ أَهْلِ الْعِزَّةِ بِكَ لِسَيِّطَوَاتِكَ ، وَمَشْكُورًا عِنْدَ أَهْلِ الْإِنْعَامِ مِنْكَ لِإِنْعَامِكَ ، سُبْحَانَكَ رَبَّنَا مُتَكَبِّرًا فِي مَنَزَلِهِ قَدْ تَدَهَدَهَتْ (٢) أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ ، وَتَحَيَّرَتْ عُقُولُهُمْ عَنْ بُلُوغِ عِلْمِ جَلَالِهَا ، تَبَارَكَتْ فِي مَنَازِلِكَ الْعُلَى كُلِّهَا ، وَتَقَدَّسَتْ فِي الْآلَاءِ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا ، يَا أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ ، لِلْفَنَاءِ خَلَقْتَنَا وَأَنْتَ الْكَائِنُ لِلْبَقَاءِ ، فَلَا تُفْنِي وَنَحْنُ لَا نَبْقَى ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ بِنَا وَنَحْنُ أَهْلُ الْغُرَّةِ بِكَ وَالْغَفْلَةِ عَنْ شَأْنِكَ ، فَأَنْتَ الَّذِي لَا تَغْفُلُ وَلَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ ، بِحَقِّكَ يَا سَيِّدِي ، أَجْرَنِي مِنْ تَحْوِيلِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فِي الدِّينِ وَالْدُّنْيَا يَا كَرِيمٌ» ، فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِكَ كَفَيْتُهُ كُلَّ الَّذِي أَكْفَى عِبَادِي الصَّالِحِينَ . (٣) .

١- فى مصباح المتهجد وفلاح السائل والبلد الأمين : «مرغوبا فيه» بدل «مرعوبا» .

٢- دَهْدَةٌ الشَّيْءِ : قَلَبَ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ (القاموس المحيط : ج ٤ ص ٢٨٤ «دهده») .

٣- جمال الأسبوع : ص ٢٥٣ ، مصباح المتهجد : ص ٣١ ح ٣٤ ، فلاح السائل : ص ١٩٤ ح ١١٠ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، البلد الأمين : ص ٥١١ ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٣١٨ ح ١ .

۶۷۱۹. الأمالی للطوسی عن عبد الرحمن بن جندب عن أبيه: جمال الأسبوع به نقل از محمد بن حسین علوی عریضی ، از پدرش ، از جدش: امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام روایت کرد که فرمود: «پیامبر خدا را سَرّی بود که کمتر کسی به آن ، دست یافت» و آن حضرت تمام حدیث را ذکر کرد و از جمله در آن آمده بود: «ای محمّد! هر کس از اَمّت تو که رحمت و برکات و خشنودی و عنایت مرا و پذیرش و ولایت و اجابت مرا دوست دارد [و آنها را می خواهد] ، هنگام زوال خورشید یا زوال شب بگوید:

خدایا! پروردگارا! ستایش ، همه از آنِ توست ، خلاصه اش و تفصیلش ، که تو خود ، از اهل ستایش خواسته ای تا تو را بستایند ؛ همانان که برای ستایشگری ، خلقشان کردی و همه ستایشگری ها را به آنان الهام فرمودی . خدایا! پروردگارا! ستایش ، همه از آنِ توست که تو ستایش را مایه خشنودی ات از آن کسی قرار دادی که از او پسندیدی که تو را بستاید و بدان وسیله نعمت های تو را سپاس گوید . خدایا! پروردگارا! ستایش ، همه از آنِ توست که تو خود آن را برای خویشتن پسندیده ای و بندگانت را نیز بدان فرمان داده ای ؛ ستایشی که خائفان از تو ، از هیبت تو آن را بیمناکانه می گویند ، و عزّتمندان به واسطه تو ، از خشم و قهر تو آن را با هراس می گویند ، و برخورداران از نعمت تو ، برای سپاس از نعمت هایت بر زبانش می آورند . پاکی تو ، ای پروردگار ما! تو در چنان پایگاهی از کبریایی که دیده بینندگان فرو می غلتد [و تاب دیدن آن را نمی آورد] و خردهایشان از درک شُکوه آن ، سرگشته می ماند . آفرینت باد با این همه جایگاه های والایی که داری ، و تقدیست باد در الطاف و نعمت هایی که در آنی! ای سزاملد کبریا و بزرگی! ای که معبودی جز تو خداوند بزرگ نیست! تو ما را برای فنا شدن آفریدی و تو خود ، وجودی جاویدانی . پس نه تو فانی می شوی و نه ما باقی می مانیم . تو به ما دانایی و ما بر تو گستاخیم و از مقام تو غافل . پس ، تو آنی که دست خوش غفلت نمی گردی و چرت و خواب ، هرگز تو را فرا نمی گیرد . به حقانیت [سوگندت می دهم] سِروروا که هر آن نعمت که در دین و دنیا به من ارزانی داشته ای ، از من نگیری ، ای بزرگوار!». .

پس هرگاه این جملات را گفت ، همه حاجت هایی را که برای بندگان شایسته ام برآورده می سازم ، از بهر او برآورده می نمایم . .

٦٧٢٠. تاريخ يعقوبى (فى ذكر أحداث ما بعد استخلاف عُثْمَانَ) رسول الله صلى الله عليه وآله :اللَّهُمَّ . . . لا أحصى ثناءً عَلَيْكَ ، أنتَ كما أثبتت على نفسك . (١) ٦٧٢١. الغارات عن الأعمش :عنه صلى الله عليه وآله :اللَّهُمَّ لا أستطيع ثناءً عَلَيْكَ وَلَوْ حَرَصْتُ ، وَلَكِنْ أَنْتَ كَمَا أَثْبِتَ عَلَى نَفْسِكَ . (٢) ٦٧٢٢. تاريخ يعقوبى عن غياث :الكافى عن أحمد بن محمد بن خالد رفعه :أتى جبرئيل عليه السلام إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال له : إِنَّ رَبَّكَ يَقُولُ لَكَ : إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْبُدَنِي يَوْمًا وَلَيْلَةً حَقَّ عِبَادَتِي فَارْفَعْ يَدَيْكَ إِلَيَّ وَقُل :

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا مَعَ خُلُودِكَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لَهُ دُونَ عِلْمِكَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيئَتِكَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا جَزَاءَ لِفَائِلِهِ إِلَّا رِضَاكَ .

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ ، وَلَمَكَ الْمَنْ كُلُّهُ ، وَلَمَكَ الْفَخْرُ كُلُّهُ ، وَلَمَكَ الْبُهَاءُ كُلُّهُ ، وَلَمَكَ النُّورُ كُلُّهُ ، وَلَمَكَ الْعِزَّةُ كُلُّهَا ، وَلَكَ الْجَبْرُوتُ كُلُّهَا ، وَلَكَ الْعِظَمَةُ كُلُّهَا ، وَلَكَ الدُّنْيَا كُلُّهَا ، وَلَكَ الْآخِرَةُ كُلُّهَا ، وَلَكَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ كُلُّهُ ، وَلَكَ الْخَلْقُ كُلُّهُ ، وَبِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ ، وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ ، عَلَانِيَتُهُ وَسِرُّهُ .

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا أَبَدًا ، أَنْتَ حَسَنُ الْبَلَاءِ ، جَلِيلُ الثَّنَاءِ ، سَابِغُ النِّعَمَاءِ ، عَدْلُ الْقَضَاءِ ، جَزِيلُ الْعَطَاءِ ، حَسَنُ الْآلَاءِ ، إِلَهٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَهُ مَنْ فِي السَّمَاءِ .

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي السَّبْعِ الشُّدَادِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْأَرْضِ الْمِهَادِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ طَاقَةَ الْعِبَادِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ سِعَةَ الْبِلَادِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْجِبَالِ الْأَوْتَادِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى ، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ، «وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَلَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» (٣) .

سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ، كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ ، سُبْحَانَكَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ ، وَتَبَارَكْتَ وَتَقَدَّسَتْ ، خَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِكَ ، وَقَهَرْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِعِزَّتِكَ ، وَعَلَوْتَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ بِارْتِفَاعِكَ ، وَغَلَبْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِقُوَّتِكَ ، وَابْتَدَعْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِحِكْمَتِكَ وَعِلْمِكَ ، وَبَعَثْتَ الرُّسُلَ بِكُتُبِكَ ، وَهَدَيْتَ الصَّالِحِينَ بِإِذْنِكَ ، وَأَيَّدْتَ الْمُؤْمِنِينَ بِبَصْرِكَ ، وَقَهَرْتَ الْخَلْقَ بِسُلْطَانِكَ .

لا- إله إلا أنت ، وَحَدَّكَ لا- شريك لك ، لا- نَعْبُدُ غَيْرَكَ ، ولا- نَسْأَلُ إِلَّا إِيَّاكَ ، ولا نَرْعُبُ إِلَّا إِلَيْكَ ، أَنْتَ مَوْضِعُ شَكْوَانَا ، وَمُنْتَهَى رَغْبَتِنَا ، وَإِلَهُنَا وَمَلِكُنَا . (٤) .

١- . صحيح مسلم : ج ١ ص ٣٥٢ ح ٢٢٢ عن عائشه ، سنن الترمذى : ج ٥ ص ٥٦١ ح ٣٥٦٦ ، سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٣٧٣ ح ١١٧٩ ، مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٢٠٨ ح ٧٥١ وص ٢٥١ ح ٩٥٧ كلها عن عبد الرحمن بن الحارث بن هشام عن الإمام على عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، كنز العمال : ج ٨ ص ٢٢٦ ح ٢٢٦٦٨ ؛ الكافى : ج ٣ ص ٣٢٤ ح ١٢ عن أبى بصير عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «لا أبلغ مدحك» بدل «لا أحصى» ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٥٩ ح ٣٣

نقلًا عن مصباح الشريعة عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله .

٢- .السنن الكبرى للنسائي : ج ٦ ص ٢٢٢ ح ١٠٧٢٧ ، المعجم الأوسط : ج ٢ ص ٢٨٣ ح ١٩٩٢ كلاهما عن إبراهيم بن عبد الله بن عبد القاري عن الإمام عليّ عليه السلام ، كنز العمال : ج ٢ ص ٦٧٧ ح ٥٠٤٩ ؛ مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٩٣ ح ١٧٤ ، بحار الأنوار : ج ١٦ ص ٢٥٣ ح ٣٥ وج ٧٦ ص ٢٠٢ ح ١٩ .

٣- .الزمر : ٦٧ .

٤- .الكافي : ج ٢ ص ٥٨١ ح ١٦ .

۶۷۲۳. الأخبار الطوال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا!... من از عهده ثنای تو بر نمی آیم. تو چنانی که خود، خویشتن را ستوده ای. ۶۷۲۴. الإرشاد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! من هر چه بکوشم، باز ثنای تو گفتن نتوانم کرد؛ بلکه تو چنانی که خود، خویشتن را ستوده ای. ۶۷۲۵. رجال الکشی عن حمزه بن میثم: الکافی به نقل از احمد بن محمد بن خالد، در حدیثی که سند آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله رسانده است: جبرئیل علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و به او گفت: پروردگارت به تو می فرماید: «هر گاه خواستی روزی و شبی، مرا چنان که در خور عبادت من است، عبادت کنی، دستانت را به سوی من بردار و بگو:

بار خدایا! ستایشت باد، ستایشی جاودان به جاودانگی خودت، و ستایشت باد، ستایشی بی پایان به بی پایانی علمت، و ستایشت باد، ستایشی که آن را سرآمدی جز مشیت تو نباشد، و ستایشت باد، ستایشی که برای گوینده اش پاداشی جز خشنودی تو نباشد!

بار خدایا! ستایش، همه از آن توست، و نعمت، همه از آن تو، و نازش، همه از آن تو، و شکوه و درخشندگی، همه از آن تو، و روشنایی، همه از آن تو، و عزت، سراسر از آن تو، و اقتدار، همه از آن تو، و بزرگی، همه از آن تو، و دنیا همه از آن تو، و آخرت، همه از آن تو، و شب و روز، همه از آن تو، و آفرینش، همه از آن تو، و خوبی ها همه در دست تو، و همه کارها، آشکار و نهانش، سراسر به تو باز می گردد.

بار خدایا! ستایشت باد، ستایشی ابدی. خوش است نواخت تو، بزرگ است ثنای تو، سرشار است نعمت های تو، به داد است حکم تو، فراوان است دهش تو، نیکوست نعمت های تو. تویی معبود آن که در زمین است و معبود آن که در آسمان است.

بار خدایا! ستایشت باد در هفت آسمان استوار، و ستایشت باد در زمین گهوارسان، و ستایشت باد به فراخور توان بندگان، و ستایشت باد به گستره شهرها و آبادی ها، و ستایشت باد در کوه های میخ آسا، و ستایشت باد در شب، آن گاه که همه جا را فرو می پوشاند، و ستایشت باد در روز، آن گاه که آشکار می شود، و ستایشت باد در آخرت و دنیا، و ستایشت باد در دوگانه ها (سوره حمد) و قرآن بزرگ، و پاکا خدا و ستایش، او راست! «و به روز رستاخیز، زمین، سراسر در مشت اوست، و آسمان ها در دست او [طوماروار] در هم پیچیده اند. منزّه و برتر است او، از آنچه برایش انباز می آورند».

پاکا خدا و ستایش، او راست! هر چیزی نابود می شود، جز روی [و ذات] او. پاکی تو ای پروردگار ما و والایی و خجسته و مقدّسی تو. همه چیز را به قدرتت آفریدی، و همه چیز را به اقتدارت مقهور ساختی، و با رفعتت بر فراز هر چیزی جای داری، و به نیرویت بر هر چیزی چیره گشته ای، و با حکمت و دانشت هر چیزی را ابداع کردی، و پیامبرانت را با کتاب هایت فرستادی، و نیکان را به اذن خودت هدایت فرمودی، و مؤمنان را با نصرتت یاری دادی، و مخلوقات را مقهور سلطنت خویش کردی.

معبودی جز تو نیست . یگانه ای و بی انباز . جز تو را بندگی نمی کنیم ، و جز از تو ، درخواست نمی نماییم ، و جز از تو خواهش نمی کنیم . تو مرجع شکایت ما هستی ، و منتهای خواست ما ، و معبود ما و پادشاه ما . .

٦٧٢٦. خصائص الأئمة عليهم السلام عن ابن ميثم التمار: رسول الله صلى الله عليه وآله: اللهم لك الحمد على حسن بلائك وصنيعك ، ولك الحمد على الإسلام والسنة ، يا رب كما هديتهم لدينك وعلمتهم كتابك فاهدنا وعلمنا ، ولك الحمد على حسن بلائك وصنيعك عندي خاصة ، كما خلقتني فأحسنت خلقي ، وعلمتني فأحسنت تعليمي ، وهديتني فأحسنت هدايتي ، فللك الحمد على إنعامك علي قديما وحديثا . (١) ٦٧٢٧. رجال الكشي عن سدير عن أبيه أبي حكيم: عنه صلى الله عليه وآله: اللهم لك الحمد على مرّد نوازل البلاء ، وتوالى سبوغ النعماء ، وملمات الصّراء وكشف نوائب اللأواء (٣) ، ولك الحمد على هنيء عطائك ومحمود بلائك وجليل آلائك ، ولك الحمد على إحسانك الكثير وخيرك العزيز وتكليفك اليسير ودفع العسير ، ولمك الحمد يا رب على تميمرك قليل الشكر ، وإعطائك وافر الأجر ، وحطك مثقل الوزر ، وقبولك ضيق العذر ، ووضعك بهظ (٤) الإصر (٥) ، وتسهيلك موضع الوعر ، ومنعك مفضع الأمر ، ولمك الحمد على البلاء المصروف ، ووافر المعروف ، ودفع المخوف ، وإذلال العسوف (٦) ، ولك الحمد على قله التكليف ، وكثرة التخفيف ، وتقويه الضعيف ، وإغاثه اللّهيّ ، ولك الحمد على سبغه إمهالك ، ودوام إفضالك ، وصرف إمحالك (٧) ، وحميد أفعالك ، وتوالى نوالك ، ولك الحمد على تأخير معاجله العقاب ، وترك مغافصه (٨) العذاب ، وتسهيل طريق المآب ، وإنزال غيث السحاب (٩) .

- ١- الإقبال : ج ٢ ص ٥٥ عن الإمام الصادق عليه السلام .
- ٢- الملمّة : النازلة الشديدة من شدائد الدهر ونوازل الدنيا (لسان العرب : ج ١٢ ص ٥٥٠ «لمم»).
- ٣- اللأواء : الشده وضيق المعيشه (النهايه : ج ٤ ص ٢٢١ «الأي»).
- ٤- بهظه الأمر : غلبه وثقل عليه وبلغ به مشقه (القاموس المحيط : ج ٢ ص ٣٩٣ «بهظ»).
- ٥- الإصر : الإثم والعقوبه (النهايه : ج ١ ص ٥٢ «أصر»).
- ٦- العسوف : الظلوم (القاموس المحيط : ج ٣ ص ١٧٥ «عسف»).
- ٧- المخل : الشده والجذب وانقطاع المطر (القاموس المحيط : ج ٤ ص ٤٩ «مخل»).
- ٨- غافصه : فاجأه وأخذه على غره (القاموس المحيط : ج ٢ ص ٣١٠ «غفص»).
- ٩- مهبج الدعوات : ص ٣١٦ ، البلد الأمين : ص ٥٢٠ كلاهما عن محمّد بن الحارث النوفلي عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام ، المصباح للكفعمي : ص ٥٤٦ ، الدعوات : ص ٧١ ح ١٧٠ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١١٩ ح ١٧ وص ١٧٤ ح ١ .

۶۷۲۸. الإصابه عن المبرّد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! تو را ستایش به خاطر لطف و احسانت، و تو را ستایش به خاطر اسلام و آیین آن. ای پروردگار من! همان گونه که آنان را به دینت هدایت فرمودی و کتابت را به ایشان آموختی، ما را نیز هدایت فرما و به ما نیز تعلیم ده.

و تو را ستایش به خاطر لطف و احسان خاصّی که به من نموده ای، که مرا آفریدی و نیکو آفریدی، و به من علم آموختی و نیکو آموختی، و هدایتم کردی و خوش هدایتم کردی. پس تو را ستایش به خاطر نعمت های دیرین و جدیدی که به من ارزانی داشته ای. ۶۷۲۹. الإمام الصادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! تو را ستایش به خاطر جلوگیری از فرود بلاها، و بارش پیاپی نعمت ها، و [جلوگیری از] مصیبت های فلاکتبار، و برطرف کردن رنج سختی های روزگار. تو را ستایش به خاطر دهش گوارایت و نواختن نیکویت و نعمت های بزرگت. تو را ستایش به خاطر احسان فراوانت و خیر سرشارت و تکلیف آسان دادن و برداشتن تکلیف دشوار. تو را ستایش ای پروردگار به بار نشانیدن سپاس گزاری اندک، و دادن مزد بسیار، و فرو افکندن بار گران [گناه از دوش ما] و پذیرفتن اندک پوزش، و برداشتن بندهای سنگین، و هموار کردن راه های دشوار [و ناهموار]، و جلوگیری از امور وحشتناک. تو را ستایش به خاطر بلاهای دفع شده، و نیکی های فراوان، و دفع امور خوفناک و خوار کردن ستمگر. تو را ستایش به خاطر اندک بودن تکلیف، و بسیاری تخفیف (سبک کردن تکالیف)، و تقویت کردن ناتوان، و یاری دادن به گرفتار. تو را ستایش به خاطر مهلت دهی گسترده ات، و لطف پایداریت، و برطرف کردن سختی ها و خشک سالی هایت، و کارهای ستودنی ات و دهش های پیاپی ات. تو را ستایش به خاطر تأخیر در مجازات، و ترک غافلگیری در عذاب، و آسان ساختن راه بازگشت، و فرو ریزاندن باران ابرها.

٦٧٣٠. الاستيعاب عن أبي عمر: عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي بِلَائِكَ وَصِيَّ نِيْعِكَ إِلَى خَلْقِكَ . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي بِلَائِكَ وَصِيَّ نِيْعِكَ إِلَى أَهْلِ بُيُوتِنَا . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي بِلَائِكَ وَصِيَّ نِيْعِكَ إِلَى أَنْفُسِنَا خَاصَّةً . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَا هَدَيْتَنَا ، وَلَكَ الْحَمْدُ بِمَا أَكْرَمْتَنَا ، وَلَكَ الْحَمْدُ بِمَا سَتَرْتَنَا ، وَلَكَ الْحَمْدُ بِالْقُرْآنِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ بِالْأَهْلِ وَالْمَالِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ بِالْمُعَافَاهِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى ، وَلَكَ الْحَمْدُ إِذَا رَضِيَتْ يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَيَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ .

اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ صِيْلَمَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ . (١) .

١- الدعاء للطبراني : ص ٤٩٠ ح ١٧٢٥ عن أنس ، كنز العمال : ج ٢ ص ٦٩٢ ح ٥١٠٠ .

۶۷۳۱.المستدرک علی الصحیحین عن محمد بن عمر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوندا! تو را ستایش به خاطر لطف و احسانت به آفریدگانت. خداوندا! تو را ستایش به خاطر لطف و احسانت به خانواده های ما. خداوندا! تو را ستایش به خاطر لطف و احسانت به خود ما. خداوندا! تو را ستایش که ما را هدایت فرمودی، و تو را ستایش که ما را گرمی داشتی، و تو را ستایش که [عیب های] ما را پوشاندی، و تو را ستایش به خاطر [نعمت] قرآن، و تو را ستایش به خاطر خانواده و اموال [که به ما ارزانی داشتی]، و تو را ستایش به خاطر عافیت [که به ما بخشیدی]، و تو را ستایش، چندان که خوشنود شوی، و تو را ستایش، آن گاه که خوشنود شوی، ای سزامنند تقوا و ای اهل آمرزش!

خدایا! «پروردگارا! در دنیا به ما نیکی و در آخرت نیز به ما نیکی عطا فرما و از عذاب آتش، نگاهمان بدار» (سه مرتبه). خداوندا! درووها و برکت ها و آمرزش و خوشنودی ات را بر محمد و خاندان محمد، قرار ده.

٦٧٣٢.الإصابة عن المرزباني: عنه صلى الله عليه وآله: رَبَّنَا فَلَكَ الْحَمْدُ حَمدا أبدا لا يُحصى عَدَدُهُ ، ولا يَضْمَحَلُّ (١) سَرْمَدُهُ (٢) ، حَمدا كَمَا حَمَدَ الْحَامِدُونَ مِنْ عِبَادِكَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ . (٣) ٥ / ٢ الْمَحَامِدُ الْمَأْثُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ٦٧٣٥.وقعه صفين عن عبد الرحمن بن عبيد بن أبي الكنود: الإمام علي عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ قَبْلَ كُلِّ أَوَّلٍ ، وَالْآخِرِ بَعْدَ كُلِّ آخِرٍ ، وَبِأَوَّلِيَّتِهِ وَحِبِّ أَنْ لَا - أَوَّلَ لَهُ ، وَبِآخِرِيَّتِهِ وَحِبِّ أَنْ لَا - آخِرَ لَهُ . (٤) ٦٧٣٦.وقعه صفين عن هاشم بن عتبة (في جواب استنفار علي عليه السلام قبل ح) عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ فَلَا شَيْءَ قَبْلَهُ ، وَالْآخِرِ فَلَا شَيْءَ بَعْدَهُ ، وَالظَّاهِرِ فَلَا شَيْءَ فَوْقَهُ ، وَالْبَاطِنِ فَلَا شَيْءَ دُونَهُ . (٥) ٦٧٣٧.تاريخ خليفه بن خياط: عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ أَوَّلَ مَحْمُودٍ ، وَآخِرَ مَعْبُودٍ ، وَأَقْرَبَ مَوْجُودٍ ، الْبَدِيءِ (٦) بِلا- معلوم لايزلتيه ولا- آخِرٍ لِأَوَّلِيَّتِهِ ، وَالْكَائِنِ قَبْلَ الْكَوْنِ بِغَيْرِ كِيَانٍ ، وَالْمَوْجُودِ فِي كُلِّ مَكَانٍ بِغَيْرِ عِيَانٍ ، وَالْقَرِيبِ مِنْ كُلِّ نَجْوَى بِغَيْرِ تَدَانٍ . (٧) .

- ١- اضمحل: ذهب وانحل (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٥ «ضمحل»).
- ٢- السَّرْمَدُ: الدائم الذي لا ينقطع (النهاية: ج ٢ ص ٣٦٣ «سرمد»).
- ٣- مُهَجَّ الدَعَوَاتِ: ص ٢١٥ عن وهب بن إسماعيل عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٣٢٦ ح ٦٩ .
- ٤- نهج البلاغه: الخطبه ١٠١ ، بحار الأنوار: ج ٥٧ ص ٢٦ ح ٢ .
- ٥- نهج البلاغه: الخطبه ٩٦ ، الإقبال: ج ٢ ص ٢٩٤ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٣١١ ح ٣ .
- ٦- البدئيء: الأول (الصحاح: ج ١ ص ٣٥ «بدأ»).
- ٧- مُهَجَّ الدَعَوَاتِ: ص ١٤٤ ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٣١ ح ٨ .

۵ / ۲ حمدهای رسیده از امام علی بن ابی طالب علیه السلام

۶۷۳۸. وقعه صفین عن یوسف و أبی روق: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای پروردگار ما! ستایشت باد، ستایشی جاویدان که شمارش به حساب نمی آید و عمرش به سر نمی آید؛ ستایشی آن سان که همه بندگان ستاینده ات، از آغاز تا انجام، ستوده اند! ۵ / ۲ حمدهای رسیده از امام علی بن ابی طالب امام علی علیه السلام: ستایش، خدایی را که آغازین است و پیش از هر آغازین، و پسین است و پس از هر پسینی. از آن روی که آغازین است، باید که او را آغازی نباشد و از آن روی که پسین است، باید که وی را پس (بعدی) نباشد.

امام علی علیه السلام: ستایش، خدایی را که آغازین است، پس چیزی پیش از او نبوده و نیست، و واپسین است، پس چیزی پس از او نیست، و آشکار است، پس چیزی فراتر [و آشکارتر] از او نیست، و نهان است و چیزی نهان تر از او نیست.

امام علی علیه السلام: ستایش، خدای را که نخستین ستایش شده و واپسین معبود و نزدیک ترین موجود است. آغازین است، بی آن که ازلیت معلوم باشد، و نه برای اول بودنش، پایانی. پیش از عالم بوده است، بی آن که حادث شده باشد، و در هر مکانی هست، بی آن که به چشم آید، و به هر نجوایی نزدیک است، بی آن که نزدیکی [مکانی] داشته باشد.

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ أَحَقُّ مَحْمُودٍ بِالْحَمْدِ وَأَوْلَاهُ بِالْمَجْدِ ، إلهَا وَاحِدًا صَيِّمًا ، أَقَامَ أَرْكَانَ الْعَرْشِ فَأَشْرَقَ بِضَوْئِهِ شُعَاعَ الشَّمْسِ ، خَلَقَ فَأَتَقَنَ ، وَأَقَامَ فَذَلَّتْ لَهُ وَطَأَهُ الْمُسْتَمَكِنُ . (١)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ أَحَقُّ مَن خُشِيَ وَحُمِدَ ، وَأَفْضَلُ مَن اتَّقَى وَعُبِدَ ، وَأَوْلَى مَن عَظَّمَ وَمُجِدَّ ، نَحَمِدُهُ لِعَظِيمِ غَنَائِهِ ، وَجَزِيلِ عَطَائِهِ ، وَتَظَاهِرِ نِعْمَائِهِ ، وَحُسْنِ بَلَائِهِ . (٢)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ أَهْلِ الْحَمْدِ وَوَلِيِّهِ ، وَمُنْتَهَى الْحَمْدِ وَمَحَلُّهُ ، الْبَيْدَى الْبَيْدِيعِ (٣) ، الْأَحْيَلُ الْأَعْظَمُ ، الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ ، الْمَتَوَحِّدُ بِالْكِبْرِيَاءِ ، وَالْمُتَفَرِّدُ بِالْأَلَاءِ ، الْقَاهِرُ بِعِزِّهِ ، وَالْمَسْلُطُ بِقَهْرِهِ ، الْمُمْتَنِعُ بِقُوَّتِهِ ، الْمُهَيِّمُ (٤) بِقُدْرَتِهِ ، وَالْمُتَعَالَى فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ بِجَبْرُوتِهِ ، الْمَحْمُودُ بِامْتِنَانِهِ وَيَاحْسَانِهِ ، الْمُنْفَضُّ بِعَطَائِهِ وَجَزِيلِ فَوَائِدِهِ ، الْمَوْسِعُ بِرِزْقِهِ ، الْمُسْبِغُ بِنِعْمِهِ . نَحَمِدُهُ عَلَى آيَاتِهِ وَتَظَاهِرِ (٥) نِعْمَائِهِ ، حَمْدًا يَزُنُّ عَظَمَةَ جَلَالِهِ ، وَيَمَلَأُ قَدْرَ آيَاتِهِ وَكِبْرِيَاءِهِ . (٦)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ حَقُّ قَدْرِهِ ، مُتَّبِعِينَ أَمْرَهُ ، وَأَحْمَدُهُ كَمَا أَحَبَّ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ كَمَا انْتَسَبَ . (٧)

١- بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ١٤ ح ٦ نقلًا عن ابن ميثم .

٢- الكافي: ج ٨ ص ١٧٥ ح ١٩٤ عن محمد بن النعمان أو غيره عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٥٣ ح ٣١ .

٣- البديع: هو الخالق المخترع لا عن مثال سابق، فعيل بمعنى مفعول، يقال: أبدع فهو مُبدِع (النهاية: ج ١ ص ١٠٦ «بديع»).

٤- المُهَيِّمُ: هو الرقيب . وقيل: الشاهد . وقيل: المؤتمن . وقيل: القائم بأمر الخلق (النهاية: ج ٥ ص ٢٧٥ «هيمن»).

٥- تَظَاهِرِ نِعْمَائِهِ: أى تتابعها (مرآة العقول: ج ٢٦ ص ٥٦).

٦- الكافي: ج ٨ ص ١٧٣ ح ١٩٤ عن محمد بن النعمان أو غيره عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٥٠ ح ٣١ .

٧- الكافي: ج ١ ص ٢٩٩ ح ٦، بحار الأنوار: ج ٤٢ ص ٢٠٦ ح ١١ .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدایی را که سزوارترین ستایش شده به ستایش است و شایسته ترین موجود به تمجید ؛ همان معبود یگانه و بی نیاز . پایه های عرش را برافراشت و با نور آن ، پرتو خورشید ، تابان گشت . آفرید و استوار آفرید ، و برافراشت و گام نیرومند ، در برابرش خوار گشت.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدایی را که سزوارترین کسی است که ترسیده و ستایش شود ، و برترین کسی است که از او پروا دارند و بندگی اش کنند ، و شایسته ترین کسی است که به بزرگی و عظمت ، یادش کنند. او را می ستاییم که بس بی نیاز است و دَهشش فراوان است و نعمت هایش پیاپی است و خوش بنده پرور است.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که سزایست ستایش و صاحب آن است ، و منتهای ستایش و جایگاه آن است . آغازگر است و ابداع کننده ، شکوه مندترین است و بزرگ ترین ، و ارجمندترین و گرامی ترین . کبریا منحصر به اوست و نعمت ها مختص اوست . با عزتتش مقهور می سازد و با قهرش تسلط دارد و به نیرویش توانمند است و به قدرتتش استیلا دارد و به جبروتش بر هر چیزی برتری دارد . به نواخت و نیکی اش ستوده می شود و با دَهش و سود رسانی های بسیارش ، مورد لطف قرار می دهد و روزی اش را می گستراند و نعمت هایش را سرشار می گرداند. او را بر موهبت هایش و نعمت های پیاپی اش می ستاییم ؛ ستایشی که با عظمت شُکوه او هموزنی کند و با اندازه نعمت های او و کبریایش برابری نماید.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را ، چنان که در خور اوست ، در حالی که پیرو فرمان او هستیم ، و او را چنان که دوست دارد ، می ستایم ، و معبودی جز خدای یکتای یگانه بی نیاز نیست ، چنان که او [خود ، این اوصاف را در سوره توحید] به خویشتن نسبت داده است.

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْخَافِضِ الرَّافِعِ ، الضَّارِّ النَّافِعِ ، الْجَوَادِ الْوَاسِعِ ، الْجَلِيلِ ثَنَاؤُهُ ، الصَّادِقِ أَسْمَاؤُهُ ، الْمُحِيطِ بِالْغُيُوبِ وَمَا يَخْطُرُ عَلَى الْقُلُوبِ . (١)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْعِبَادِ ، وَسَاطِحِ الْمِهَادِ (٢) ، وَمُسِيلِ الْوَهَادِ (٣) ، وَمُخْصِبِ النَّجَادِ (٤) ؛ لَيْسَ لِأَوْلِيَّتِهِ ابْتِدَاءٌ ، وَلَا لِأَزَلَّتِيهِ انْقِضَاءٌ . (٥)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ ذِي الْقُدْرَةِ وَالسُّلْطَانِ ، وَالرَّأْفَةِ وَالْإِمْتِنَانِ ، أَحْمَدُهُ عَلَى تَتَابُعِ النَّعْمِ ، وَأَعُوذُ بِهِ مِنَ الْعَذَابِ وَالنَّقَمِ . (٦)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْمَدُهُ وَأَسْتَعِينُهُ وَأَسْتَهْدِيهِ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الضَّلَالَةِ ، مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ . (٧)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَظْهَرَ مِنْ آثَارِ سُلْطَانِهِ وَجَلَالِ كِبْرِيَاءِهِ مَا حَيَّرَ مُقَلِّ (٨) الْعُقُولِ مِنْ عَجَائِبِ قُدْرَتِهِ ، وَرَدَعَ خَطَرَاتِ هَمَاهِمِ (٩) النَّفُوسِ عَنْ عِرْفَانِ كُنْهِ (١٠) صِفَتِهِ . (١١)

- ١- الكافي : ج ٨ ص ١٧٠ ح ١٩٣ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٣٤٧ ح ٣٠ .
- ٢- سطحه : بسطه . والمهاد : الأرض (القاموس المحيط : ج ١ ص ٢٢٨ «سطح» وص ٣٣٩ «مهد»).
- ٣- الوَهْدَه : الأرض المنخفضة . الجمع وَهَادٍ (القاموس المحيط : ج ١ ص ٣٤٧ «وهد»).
- ٤- النَّجَاد : جمع نَجْدٍ : ما أَشْرَفَ مِنَ الْأَرْضِ وَارْتَفَعَ وَاسْتَوَى وَصَلَبَ وَغَلُظَ (تاج العروس : ج ٥ ص ٢٦٨ «نجد»).
- ٥- نهج البلاغه : الخطبه ١٦٣ ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ٣٠٦ ح ٣٥ وج ٥٧ ص ٢٧ ح ٣ .
- ٦- مصباح المتهجد : ص ٣٨٤ ح ٥١٠ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٩ ص ٢٣٤ ح ٦٧ .
- ٧- الغارات : ج ٢ ص ٧٢٨ ، وقعه صفين : ص ١٠ كلاهما عن سليمان بن المغيرة عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٣٢ ص ٣٥٦ ح ٣٣٧ ؛ شرح نهج البلاغه : ج ٣ ص ١٠٨ .
- ٨- الْمُقْلَه : شحمه العين التي تجمع البياض والسواد . والمَقْلُ : النَّظْرُ (الصحاح : ج ٥ ص ١٨٢٠ «مقل»).
- ٩- الهمهمة : الكلام الخفي (لسان العرب : ج ١٢ ص ٦٢٢ «همم»).
- ١٠- الكُنْه : جوهر الشيء وغايته وقدره ووقته ووجهه (القاموس المحيط : ج ٤ ص ٢٩٢ «كنه»).
- ١١- نهج البلاغه : الخطبه ١٩٥ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٣١٤ ح ١٥ .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدایی را که پست کننده و بالا-برنده است ، زیان بخش و سودرسان است ، بخشنده و گشاینده است ، ثنایش بزرگ است ، نام هایش راست اند ، و به غیب ها و به آنچه بر دل ها می گذرد ، احاطه دارد.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدایی را که آفریننده بندگان است ، و گستراننده زمین ، و جاری کننده سیلاب در زمین های پست و رویاننده گیاهان در زمین های بلند . آغازین بودنش را سرآغازی نیست و پسین بودنش را پایانی نه.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که صاحب قدرت و سلطنت ، و مهرورز و بنده نواز است . او را بر پیایی بودن نعمت هایش می ستایم ، و از عذاب و کیفرها به او پناه می برم.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که او را می ستایم و از او کمک می جویم و از او راهنمایی می خواهم ، و پناه می برم به خدا از گم راهی ، که هر کس خدا هدایتش کند ، کس گم راهش نتواند کرد ، و هر که [خدا] گم راهش کند ، کس هدایتش نتواند نمود.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که از نشانه های سلطنتش و شکوه عظمتش ، آن آشکار نمود که دیدگان خردها را از شگفتی های قدرتش حیرت زده ساخت ، و اندیشه ها را از شناخت کُنه حقیقت او باز داشت.

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْعَمَ عَلَيَّ بِالْإِسْلَامِ ، وَعَلَّمَنِي الْقُرْآنَ ، وَحَبَّبَنِي إِلَى خَيْرِ الْبَرِيَّةِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ ؛ إِحْسَانًا مِنْهُ [إِلَى] (١) ، وَفَضْلًا مِنْهُ عَلَيَّ . (٢)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَخْلَصَ (٣) الْحَمْدَ لِنَفْسِهِ ، وَاسْتَوْجَبَهُ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِهِ ، الَّذِي نَاصِيَتُهُ كُلُّ شَيْءٍ بِيَدِهِ ، وَمَصِيرُ كُلِّ شَيْءٍ إِلَيْهِ . (٤)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ مَصَائِرُ الْخَلْقِ ، وَعَوَاقِبُ الْأَمْرِ ، نَحْمِدُهُ عَلَى عَظِيمِ إِحْسَانِهِ ، وَتَبِيرِ بُرْهَانِهِ ، وَنَوَامِي (٥) فَضْلِهِ وَامْتِنَانِهِ ؛ حَمْدًا يَكُونُ لِحَقِّهِ قَضَاءً ، وَلِشُكْرِهِ أَدَاءً ، وَإِلَى ثَوَابِهِ مُقَرَّبًا ، وَلِحُسْنِ مَزِيدِهِ مُوجِبًا . وَنَسْتَعِينُ بِهِ اسْتِعَانَهُ رَاحَ لِفَضْلِهِ ، مُؤَمِّلِينَ لِنَفْعِهِ ، وَاثِقِينَ بِدَفْعِهِ . (٦)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي انْحَسِرَتِ الْأَوْصَافُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهِ ، وَرَدَعَتِ الْعَظَمَةُ الْعُقُولَ فَلَمْ تَجِدْ مَسَاغًا إِلَى بُلُوغِ غَايَةِ مَلَكُوتِهِ . (٧)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَّنَ خَفِيَّاتِ الْأُمُورِ ، وَدَلَّتْ عَلَيْهِ أَعْلَامُ الظُّهُورِ ، وَامْتَنَعَ عَلَى عَيْنِ الْبَصِيرِ ، فَلَا عَيْنَ مَنْ لَمْ يَرَهُ تَنْكِرُهُ ، وَلَا قَلْبَ مَنْ أَثْبَتَهُ يُبْصِرُهُ . (٨)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَوَحَّدَ بِصُنْعِ الْأَشْيَاءِ ، وَفَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَرَايَا عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ سَبَقَهُ فِي إِنْشَائِهَا ، وَلَا إِعَانَةَ مُعِينٍ عَلَيَّ ابْتِدَاعِهَا . (٩)

١- ما بين المعقوفين أثبتناه من إعلام الورى .

٢- الأمالى للصدوق : ص ١٥٧ ح ١٥٠ ، بشاره المصطفى : ص ١٥٥ وليس فيه «وعلمنى القرآن» ، كنز الفوائد : ج ٢ ص ١٧٩ ، إعلام الورى : ج ١ ص ٣٦٦ وفيهما «من» بدل «أنعم» وكلها عن جابر بن عبد الله الأنصارى ، بحار الأنوار : ج ٦٨ ص ١٣٧ ح ٧٥

٣- فى جواهر المطالب : «اختص» بدل «استخلص» .

٤- العقد الفريد : ج ٣ ص ١٢٠ ، جواهر المطالب : ج ١ ص ٣٤٤ .

٥- نَمَى الشَّيْءُ يَنْمُو وَيَنْمُو : إِذَا زَادَ وَارْتَفَعَ (النهاية : ج ٥ ص ١٢١ «نما») .

٦- نهج البلاغه : الخطبه ١٨٢ عن نوف البكالى ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ٣١٣ ح ٤٠ .

٧- نهج البلاغه : الخطبه ١٥٥ ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ٣١٧ ح ٤٢ وج ٦٤ ص ٣٢٣ ح ٢ .

٨- نهج البلاغه : الخطبه ٤٩ ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ٣٠٨ ح ٣٦ .

٩- إثبات الوصية : ص ١٣٥ ، بحار الأنوار : ج ٢٥ ص ٢٦ ح ٤٦ وج ٥٧ ص ١٧١ ح ١١٨ .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که نعمت اسلام را به من ارزانی داشت و قرآن را به من آموخت و مرا نزد بهترین انسان ها ، خاتم پیامبران و سرور رسولان ، محبوب ساخت ، و این ، احسانی بود از جانب او (خداوند) به من ، و لطفی از سوی او بر من .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که ستایش را به خویش ویژه گردانید و آن را بر همه آفریدگانش واجب گردانید ؛ خدایی که کاکل هر چیزی ، در دست اوست و حرکت هر چیزی به سوی اوست .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که بازگشت خَلق و فرجام کارها به سوی اوست . او را بر بزرگی احسانش ، و روشن بودن برهانش ، و فزونی های بخشش و دَهشش می ستاییم ، ستایشی که حَقّ او را بگذارد ، و سپاس او را به جا آورد ، و به پاداش او نزدیک گرداند ، و موجب افزایش بخشش او گردد . و از او کمک می جوئیم ، چونان کمک جستن کسی که به فضل او امیدوار است ، و به سودرسانی اش آرزومند ، و به پرداختنش مطمئن .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که وصف ها از کُنه شناخت او فرو مانده اند و عظمت او ، خِردها را [از درکش] باز داشته است و [خِردها] راهی برای رسیدن به نهایت سلطنت او نیافتند .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که دانا به امور نهان است ، و نشانه های آشکار ، بر [هستی] او دلالت دارند ، و مشاهده اش با چشم سر ، محال است . پس نه چشم کسی که او را ندیده است ، انکارش تواند کرد ، و نه دل کسی که [وجود] او را اثبات کرده است ، تواندش دید .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که به تنهایی ، موجودات را ساخت و انواع آدمیان را بدون نمونه ای که پیش تر آفریده شده باشد ، آفرید و در ایجاد آنها از هیچ کمک کننده ای کمک نگرفت .

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْأَرْضَ كِفَاتًا (١)، أحياءً وأمواتا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْهَا خَلْقًا، وفيها يُعِيدُنَا، وَعَلَيْهَا يَحْشُرُنَا. (٢)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مِفْتَاحًا لِذِكْرِهِ، وَسَبَبًا لِلْمَزِيدِ مِنْ فَضْلِهِ، وَدَلِيلًا عَلَى آلائِهِ وَعَظَمَتِهِ. (٣)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى حَامِدِيهِ طَرِيقًا مِنْ طُرُقِ الْإِعْتِرَافِ بِلَاهُوتِيَّتِهِ وَصِدْمَاتِيَّتِهِ وَرَبِّيَّاتِيَّتِهِ وَفَرْدَانِيَّتِهِ، وَسَبَبًا إِلَى الْمَزِيدِ مِنْ رَحْمَتِهِ، وَمَحَجَّةً لِلطَّالِبِ مِنْ فَضْلِهِ، وَكَمَنَ فِي إِبْطَانِ اللَّفْظِ حَقِيقَةَ الْإِعْتِرَافِ لَهُ بِأَنَّهُ الْمُنْعَمُ عَلَى كُلِّ حَمْدٍ بِاللَّفْظِ وَإِنْ عَظُمَ. (٤)

عنه عليه السلام: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ» (٥)، لا نُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا، وَلَا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيًّا. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ * يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَ هُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ» (٦). كَذَلِكَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ (٧). . . . نَحْمَدُهُ كَمَا حَمَدَ نَفْسُهُ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَسْتَهْدِيهِ. (٨)

- ١- الكيفات: الموضوع الذي يُكفَّت فيه شيء؛ أي يُضْمَم (الصحيح: ج ١ ص ٢٦٣ «كفت»).
- ٢- وقعه صَفِين: ص ٥٣١ عن عبد الرحمن بن جندب، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ١٧٩ ح ٢٤؛ شرح نهج البلاغه: ج ٢٠ ص ٢٥٧ ح ١٤ وفيه «وعليها ممشانا وفيها معاشنا وإليها يعيدنا» بدل «وفيها يُعِيدُنَا وعليها يحشُرُنَا».
- ٣- نهج البلاغه: الخطبة ١٥٧.
- ٤- مصباح المتهجد: ص ٧٥٢ ح ٨٤٣، الإقبال: ج ٢ ص ٢٥٥ كلاهما عن الفيض بن محمّد بن عمر، المصباح للكفعمي: ص ٩١٩ كلُّها عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ١١٢ ح ٨ نقلًا عن مصباح الزائر.
- ٥- الأنعام: ١. ويعدلون: أي يجعلون له عدليًا، فصار كقوله: «هُم بِهِ مُشْرِكُونَ». وقيل: يعدلون بأفعاله عنه وينسبونها إلى غيره، وقيل: يعدلون بعبادتهم عنه تعالى (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٥٥٣ «عدل»).
- ٦- سبأ: ١ و ٢.
- ٧- إشاره للآية ٦٥ من سورة الحجّ.
- ٨- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥١٤ ح ١٤٨٢، مصباح المتهجد: ص ٦٥٩ ح ٧٢٨ عن جندب بن عبد الله الأزدي عن أبيه، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٢٩ ح ٥.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که زمین را جایگاه قرار داد ، هم برای مردگان و هم برای زندگان . ستایش ، خدای را که ما را از زمین آفرید و به آن بازمان می گرداند و بر آن ، محشورمان می کند.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که ستایش را سرآغاز یادش قرار داد ، و سبب افزونی بخشش ، و دلیل بر نعمت ها و بزرگی اش.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که ستایش را بی آن که نیازی به ستاینده گانش داشته باشد راهی از راه های اعتراف به خدایی و بی نیازی و پروردگاری و یکتایی اش قرار داد و سببی برای افزونی رحمتش و جاده ای برای جوینده فضلش ، و در دل لفظ [ستایش] ، اعتراف به این حقیقت را نهاد که هر حمد ستایش زبانی ، هر چند بزرگ باشد ، خود ، نعمتی از جانب اوست.

امام علی علیه السلام: «ستایش ، خدای را که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنایی را پدید آورد . با این حال ، کافران برای پروردگار خویش ، همتا می آورند». چیزی را شریک او نمی گردانیم و جز او ، سیروری را بر نمی گزینیم . «ستایش ، خدای را که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است ، از آن اوست ، و در آخرت [نیز] ستایش ، از آن اوست ، و اوست استوار کار آگاه . آنچه را که در زمین فرو می رود و آنچه را از آن برون می آید و آنچه را از آسمان ، فرود می آید و آنچه را در آن بالا می رود ، می داند ، و او مهربان و آمرزگار است». چنین است خدا . معبودی جز او نیست و بازگشت ، به سوی اوست . ستایش ، خدای را که آسمان را نگه می دارد از این که بر زمین افتد ، مگر به اذن خود او . خدا به مردم ، رئوف و مهربان است (۱) ... او را می ستاییم و چنان که خودش را ستوده و آن سان که شایسته آن است ، و از او کمک و آمرزش و راهنمایی می جوییم.

۱- اشاره است به آیه ۶۵ از سوره حج .

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَنَا فِي عُلُوِّهِ ، وَعَلَا فِي دُنُوِّهِ ، وَتَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِجَلَالِهِ ، وَاسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ ، وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ . وَأَحْمَدُهُ مُقَصِّرًا عَنْ كُنْهِ شُكْرِهِ ، وَأَوْمِنُ بِهِ إِذْعَانًا لِرُبُوبِيَّتِهِ . وَأَسْتَعِينُهُ طَالِبًا لِعِصْمَتِهِ . وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ مُفَوِّضًا إِلَيْهِ .
(١)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَعَ الْإِسْلَامَ فَسَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ ، وَأَعَزَّ أَرْكَانَهُ عَلَى مَنْ غَالَبَهُ ، فَجَعَلَهُ أَمِنًا لِمَنْ عَلَقَهُ . (٢)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا بِحَوْلِهِ ، وَدَنَا بِطَوْلِهِ ، مَانِحٌ كُلَّ غَنِيمَةٍ وَفَضِلٍ ، وَكَاشِفٌ كُلَّ عَظِيمَةٍ وَأَزَلٍ (٣) ، أَحْمَدُهُ عَلَى عَوَاطِفِ كَرَمِهِ ، وَسَوَابِغِ نِعَمِهِ ، وَأَوْمِنُ بِهِ أَوَّلًا بِأَدْيَا ، وَأَسْتَهْدِيهِ قَرِيبًا هَادِيًا ، وَأَسْتَعِينُهُ قَاهِرًا قَادِرًا ، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ كَافِيًا نَاصِرًا . (٤)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ، كَانَ حَيًّا بِلَا كَيْفٍ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كَانٌ ، وَلَا كَانَ لِكَانِهِ كَيْفٌ ، وَلَا كَانَ لَهُ أَيْنٌ ، وَلَا كَانَ فِي شَيْءٍ ، وَلَا كَانَ عَلَى شَيْءٍ ، وَلَا ابْتَدَعَ لِكَانِهِ مَكَانًا . (٥)

-
- ١- مصباح المتهجد: ص ٣٨٥ ح ٥١٢ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٣٤ ح ٦٧ .
 - ٢- نهج البلاغه: الخطبه ١٠٦ ، الأمالى للمفيد: ص ٢٧٥ ح ٣ ، الأمالى للطوسى: ص ٣٧ ح ٤٠ كلاهما عن قبيصه بن جابر الأسدى وفيهما «من حاربه وجعله عزًا لمن والاه» بدل «من غالبه فجعله أَمِنًا لمن علقه» ، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ٣٤٧ ح ١٧ .
 - ٣- الأزل: الشده والضيق (النهايه: ج ١ ص ٤٦ «أزل»).
 - ٤- نهج البلاغه: الخطبه ٨٣ .
 - ٥- الكافى: ج ٨ ص ٣١ ح ٥ عن أبى الهيثم بن التيهان ، بحار الأنوار: ج ٢٨ ص ٢٤٠ ح ٢٧ .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که در عین بلندمرتبتگی ، نزدیک است و در عین نزدیکی ، بلندمرتبه ، و هر چیزی در برابر شکوه او پست است ، و هر چیزی در برابر عزّت او سر تسلیم دارد ، و هر چیزی در برابر قدرت او خاضع است . او را می ستاییم ، در حالی که از گزاردن حقیقت ستایش او ناتوانیم ، و به او ایمان داریم و به پروردگاری اش معترفیم ، و از او کمک می جوئیم و خواهان نگهداری او هستیم ، و بر او توکل می کنیم و کارهایمان را به او وا می گذاریم .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که اسلام را مقرر داشت و آبشخورهای آن را برای کسی که بدان وارد شود ، [هموار و] آسان ساخت و پایه های آن را در برابر کسی که در شکست آن بکوشد ، استوار داشت ، و آن را برای کسی که بدان بیاویزد ، جایگاه امن قرار داد .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که به سبب نیرویش در اوج است و به سبب بخشش و احسانش [به خلق] نزدیک است ، و بخشنده هر سود و دهبشی است و زداینده هر سختی و رنجی . او را می ستاییم به خاطر احسان های پیاپی اش ، و نعمت های سرشارش ، و به او ایمان دارم که اول است و آشکار ، و از او راهنمایی می طلبم که نزدیک است و راهنما ، و از او کمک می خواهم که چیره است و توانا ، و بر او توکل می کنم که کفایت کننده است و یاری ده .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که معبودی جز او نیست . زنده ای بی چون بود ، و بود و هستی اش را حدوثی (/ وجودی زاید بر ذاتش) نبود ، و هستی اش چگونگی نداشت ، و او را مکانی نبود ، و در چیزی جای نداشت ، و بر روی چیزی نبود ، و برای وجود خویش ، مکانی ایجاد نکرد .

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا تُدْرِكُهُ الشَّوَاهِدُ ، وَلَا تَحْوِيهِ الْمَشَاهِدُ ، وَلَا تَرَاهُ النَّوَاضِرُ ، وَلَا تَحْجُبُهُ السَّوَاتِرُ ، الدَّالُّ عَلَى قَدَمِهِ بِحُدُوثِ خَلْقِهِ ، وَبِحُدُوثِ خَلْقِهِ عَلَى وُجُودِهِ ، وَبِاشْتِبَاهِهِمْ عَلَى أَنْ لَا شَبَهَ لَهُ . (١)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا تُوَارِي عَنْهُ سَمَاءٌ سَمَاءً ، وَلَا أَرْضٌ أَرْضًا . (٢)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ ، وَلَا مِنْ شَيْءٍ كَوَّنَ مَا قَدْ كَانَ ، الْمُسْتَشْهَدُ بِحُدُوثِ الْأَشْيَاءِ عَلَى أَرْزَلَتِهِ ، وَبِمَا وَسَمَهَا بِهِ مِنَ الْعَجْزِ عَلَى قُدْرَتِهِ ، وَبِمَا اضْطَرَّهَا إِلَيْهِ مِنَ الْفَنَاءِ عَلَى دَوَامِهِ . (٣)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُبْرَمُ (٤) مَا نَفَضَ ، وَلَا يُنْقَضُ مَا أُبْرِمَ ، وَلَوْ شَاءَ مَا اخْتَلَفَ اثْنَانِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ . (٥)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ ، وَلَا يُحْصَى نِعْمَاءُهُ الْعَادُونَ ، وَلَا يُؤَدَّى حَقُّهُ الْمُجْتَهِدُونَ ، الَّذِي لَا يُدْرِكُهُ بَعْدُ الْهَمَمُ ، وَلَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفِطْنِ ، الَّذِي لَيْسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ ، وَلَا نَعْتٌ مَوْجُودٌ ، وَلَا وَقْتُ مَعْدُودٌ ، وَلَا أَجَلٌ مَمْدُودٌ ، فَطَرَ الْخَلَائِقَ بِقُدْرَتِهِ ، وَنَشَرَ الرِّيَّاحَ بِرَحْمَتِهِ ، وَوَتَّدَ بِالصُّخُورِ مَيِّدَانَ (٦) أَرْضِهِ . (٧)

١- نهج البلاغه: الخطبه ١٨٥، الاحتجاج: ج ١ ص ٤٨٠ ح ١١٧، بحار الأنوار: ج ٤ ص ٢٤١ ح ٩.

٢- نهج البلاغه: الخطبه ١٧٢.

٣- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ١٢١ ح ١٥، التوحيد: ص ٦٩ ح ٢٦ كلاهما عن الهيثم بن عبد الله الرماني عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، نهج البلاغه: الخطبه ١٨٥، الاحتجاج: ج ١ ص ٤٨٠ ح ١١٧ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٤ ص ٢٢١ ح ٢.

٤- أْبْرَمَ الْأَمْرَ: أَحْكَمَهُ (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٧٨ «برم»).

٥- وقعه صفين: ص ٢٢٥ عن يزيد بن وهب، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٤٦٤ ح ٤٠٣؛ تاريخ الطبري: ج ٥ ص ١٣، الكامل في التاريخ: ج ٢ ص ٣٧٢ كلاهما نحوه، شرح نهج البلاغه: ج ٥ ص ١٨٢ كلاهما عن زيد بن وهب.

٦- مَيِّدَانُ: مَصْدَرُ مَا يَمِيدُ: إِذَا مَالَ وَتَحَرَّكَ (النهايه: ج ٤ ص ٣٧٩ «ميد»).

٧- نهج البلاغه: الخطبه ١، الاحتجاج: ج ١ ص ٤٧٣ ح ١١٣، بحار الأنوار: ج ٤ ص ٢٤٧ ح ٥ و ج ٧ ص ٣٠٠ ح ٧.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که حواس ، او را در نمی یابند ، و جای ها فرایش نمی گیرند ، و دیدگان ، او را نمی بینند ، و پرده ها او را نمی پوشانند . حادث بودن آفریدگانش را دلیل قدیم بودن خود قرار داد ، و پیدایش خلقش را دلیل بر وجود خویش ، و همانندی آنها را دلیل بر این که او را همانندی نیست.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که هیچ آسمان و زمینی ، آسمان و زمین دیگری را از او پوشیده نمی دارد.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که نه خود از چیزی پدید آمده است و نه موجودات را از چیزی آفرید ؛ او که حدوث موجودات را گواه بر ازلی بودن خویش ، و داغ ناتوانی را که بر آنها نهاد ، شاهد قدرت خود ، و نیستی گریزناپذیر آنها را دلیل بر پابندی خود قرار داد .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که آنچه را او شکسته ، کس نتواند بست و آنچه را او بسته ، کس نتواند شکست ، و اگر او می خواست ، هرگز دو تن از این امت ، با یکدیگر ناساز نمی شدند.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که گویندگان از پس ستایش او بر نمی آیند ، و شمارندگان ، از شمارش نعمت های او ناتوان اند ، و کوشندگان ، حق او را نمی گزارند ؛ او که اندیشه های بلند ، به او نمی رسند ، و هوش های ژرف ، به او دست نمی یابند ؛ او که او را مرز و اندازه ای نیست ، و در وصف نمی گنجد ، و در زمان نمی آید ، و او را عمری و سرآمدی معین نیست . آفریدگان را با قدرتش آفرید ، و بادها را به رحمتش پراکند ، و جنبش زمینش را به وسیله کوه ها مهار کرد.

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَحْوِيهِ مَكَانٌ وَلَا يَحُدُّهُ زَمَانٌ ، عَلَا بِطَوْلِهِ وَدَنَا بِحَوْلِهِ ، سَابِقَ كُلِّ غَنِيمَةٍ وَفَضْلٍ ، وَكَاشَفَ كُلَّ عَظِيمَةٍ وَأَزَلَّ . أَحَمَدُهُ عَلَى جُودِ كَرَمِهِ وَسَيُوبِغِ نِعَمِهِ ، وَأَسْتَعِينُهُ عَلَى بُلُوغِ رِضَاةِ وَالرِّضَا بِمَا قَضَاهُ ، وَأُؤْمِنُ بِهِ إِيْمَانًا ، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ إِيْقَانًا . (١)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَفِرُّهُ (٢) الْمَنْعُ وَالْجُمُودُ ، وَلَا يُكَدِّيه (٣) الْإِعْطَاءُ وَالْجُودُ ، إِذْ كُلُّ مُعْطٍ مُنْتَقِصٌ سِوَاهُ ، وَكُلُّ مَانِعٍ مَذْمُومٌ مَا خَلَاهُ ، وَهُوَ الْمَنَانُ بِفَوَائِدِ النَّعْمِ . (٤)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَلَا تَنْقُضِي عَجَائِبُهُ ، لِأَنَّهُ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ مِنْ إِحْدَاثِ بَدِيعٍ لَمْ يَكُنْ . (٥)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَبَسَ الْعِزَّ وَالْكَبْرِيَاءَ وَاخْتَارَهُمَا لِنَفْسِهِ دُونَ خَلْقِهِ ، وَجَعَلَهُمَا حِمَى (٦) وَحَرَمًا عَلَى غَيْرِهِ ، وَاصْطَفَاهُمَا لِجَلَالِهِ ، وَجَعَلَ اللَّعْنَةَ عَلَى مَنْ نَازَعَهُ فِيهِمَا مِنْ عِبَادِهِ . (٧)

١- الأُمَالِي لِلطُّوسِي : ص ٦٨٤ ح ١٤٥٦ عن ابن عَبَّاس ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٣٧٣ ح ٣٦ .

٢- لَا يَفِرُّهُ : أَي لَا يُكَيِّدُهُ ؛ مِنْ الْوَافِرِ : الْكَثِيرِ (النَّهَائِيه : ج ٥ ص ٢١٠ «وَفِرٌّ»).

٣- أَكْدَى : بِخَلِّ أَوْ قَلَّ خَيْرِهِ أَوْ قَلَّ عَطَاءَهُ (الْقَامُوسُ الْمَحِيْطُ : ج ٤ ص ٣٨٢ «كَدَى»).

٤- نَهْجُ الْبَلَاغَةِ : الْخُطْبَةُ ٩١ ، التَّوْحِيدُ : ص ٤٩ ح ١٣ نَحْوَهُ وَكِلَاهُمَا عَنْ مَسْعُودِ بْنِ صَدَقَةَ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ٢٧٤ ح ١٦ .

٥- الْكَافِي : ج ١ ص ١٤١ ح ٧ ، التَّوْحِيدُ : ص ٣١ ح ١ كِلَاهُمَا عَنْ الْحَارِثِ الْأَعْمُورِ ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ٢٦٥ ح ١٤ .

٦- الْحِمَى : الْمَكَانُ الَّذِي لَا يُقْرَبُ وَلَا يُجْتَرَأُ عَلَيْهِ (الْمَصْبَاحُ الْمُنِيرُ : ص ١٥٣ «حِمَى»).

٧- نَهْجُ الْبَلَاغَةِ : الْخُطْبَةُ ١٩٢ ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٤٦٥ ح ٣٧ وَج ٦٣ ص ٢١٤ ح ٤٩ .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که هیچ مکانی ، در برگیرنده او نیست و زمان محدودش نمی کند . با توان خود ، برتری یافت و با نیرویش [به خلق] نزدیک شد . منشأ هر سود و بخششی است و برطرف کننده هر سختی و رنجی . او را بر بخشش های بی چشمداشتش و فراوانی نعمت هایش می ستایم ، و برای رسیدن به خشنودی او و خرسندی به حکمش ، از او کمک می جویم ، و به او ایمان کامل دارم و با یقین ، به او توکل می کنم .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که دریغ ورزیدن و نبخشیدن چیزی ، بر دارایی او نمی افزاید ، و دَهِش و بخشش نیز از او نمی کاهد؛ زیرا هر دهنده ای از آنچه دارد ، کاسته می شود جز او ، و هر دریغ کننده ای در خور نکوهش است مگر او ، و اوست عطا کننده نعمت های سودمند .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که هرگز نمی میرد و شگفتی هایش پایان نمی پذیرد؛ زیرا او هر روز [و هر لحظه] در کار پدید آوردن چیزی بدیع است که پیش تر نبوده است .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که ردای عزّت و کبریا در پوشید و این دو را ویژه خویش گردانید و نه آفریدگانش ، و آنها را بر غیر خود ، قدغن و حرام گردانید ، و آنها را برای شُکوه خویش برگزید ، و بر آن کس از بندگانش که برابر این دو با او بستیزند ، لعنت فرستاد .

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ أَكُنْ عِنْدَهُ مَنَسِيًّا . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَثْبَتَنِي عِنْدَهُ فِي صِيحْفِهِ الْأَبْرَارِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ . (١)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ تَسْبِقْ لَهُ حَالٌ حَالًا ، فَيَكُونُ أَوْلًا قَبْلَ أَنْ يَكُونَ آخِرًا ، وَيَكُونُ ظَاهِرًا قَبْلَ أَنْ يَكُونَ بَاطِنًا . (٢)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْلُ مِنْ فَضْلِهِ الْمُقِيمُونَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ ، وَلَمْ يُجَازِهِ لِأَصْغَرِ نِعْمِهِ الْمُجْتَهِدُونَ فِي طَاعَتِهِ ، الْغَنِيُّ الَّذِي لَا يَضُنُّ بَرِّزِقِهِ عَلَى جَاحِدِهِ ، وَلَا يَنْقُصُ عَطَايَاهُ أَرْزَاقَ خَلْقِهِ . (٣)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَعَ الْأَوْهَامَ أَنْ تَنَالَ إِلَّا وُجُودَهُ ، وَحَجَبَ الْعُقُولَ أَنْ تَتَخَيَّلَ ذَاتَهُ؛ لِامْتِنَاعِهَا مِنَ الشَّبَهِ وَالتَّشَاكُلِ ، بَلْ هُوَ الَّذِي لَا يَتَفَاوَتُ فِي ذَاتِهِ ، وَلَا يَتَّبَعُضُ بِتَجْزِئِهِ الْعِيدِ فِي كَمَالِهِ . . . نَحْمِدُهُ بِالْحَمْدِ الَّذِي ارْتِضَاهُ مِنْ خَلْقِهِ ، وَأَوْجَبَ قَبُولَهُ عَلَى نَفْسِهِ . (٤)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَصَرَ وَرَلَّيْهُ ، وَخَذَلَ عَدُوَّهُ ، وَأَعَزَّ الصَّادِقَ الْمُحِقَّ ، وَأَذَلَّ الْكَاذِبَ الْمُبِطَّلَ . (٥)

١- الكافي : ج ٤ ص ١٨٣ ح ٧ عن محمد بن عمران عن الإمام الصادق عليه السلام ، الإرشاد : ج ١ ص ٣٣٦ وفيه «الحمد لله الذي كنت في كتبه مذكورا» بدل «الحمد لله الذي أثبتني...» ، وقعه صفين : ص ١٤٨ عن حبه العرنى ، شرح الأخبار : ج ٢ ص ٣٦٨ ح ٧٣٠ عن أبي الزبير وكلها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٣٨ ص ٦٢ ح ١٣ وج ٤٠ ص ٢٩٠ ح ٦٤ .

٢- نهج البلاغه : الخطبه ٦٥ ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ٣٠٨ ح ٣٧ .

٣- مهج الدعوات : ص ١٤٤ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٢٣٢ ح ٨ .

٤- الكافي : ج ٨ ص ١٨ ح ٤ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، التوحيد : ص ٧٣ ح ٢٧ ، الأمالي للصدوق : ص ٣٩٩ ح ٥١٥ كلاهما عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدّه عنه عليهم السلام وفيهما «أعجز» بدل «منع» ، تحف العقول : ص ٩٢ وفيه «أعدم» بدل «منع» ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ٢٢١ ح ١ .

٥- الإرشاد : ج ١ ص ٢٥٩ ، الأمالي للمفيد : ص ١٢٧ ح ٥ عن عبد الرحمن بن عبيد بن الكنود ، وقعه صفين : ص ٤ عن عبد الرحمن بن عبيد بن أبي الكنود وغيره وفيه «الناكث» بدل «الكاذب» ، بحار الأنوار : ج ٣٢ ص ٣٥١ ح ٣٣٤ وح ٣٣٥ ؛ شرح نهج البلاغه : ج ٣ ص ١٠٣ وفيه «الناكث» بدل «الكاذب» .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که در نزد او فراموش نشده نبوده ام. ستایش ، خدای را که نام مرا نزد خود ، در دفتر نیکان نگاشت ، و ستایش ، خدای شکوهمند ارجمند را.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که هیچ حالتی از او ، بر حالت دیگرش پیشی نداشته است ، آن سان که مثلاً آغاز بودنش بر او پس بودنش پیشی داشته باشد و آشکار بودنش بر نهان بودنش.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که مرتکبان نافرمانی او نیز از لطفش بی بهره نیستند ، و کوشندگان در طاعتش کوچک ترین نعمت او را جبران نتوانند کرد ؛ توانگری که روزی اش را [حتی] از مُنکرانش دریغ نمی ورزد ، و دَهِش های او ، از روزی های خلقتش چیزی نمی کاهد .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که وهم ها را از رسیدن جز به هستی اش (۱) باز داشته ، و خردها را از تخیل کردن در ذاتش در پرده داشته است ؛ زیرا خردها نتوانند برای او همانند و همشکلی بیابند ؛ بلکه او کسی است که در ذاتش تفاوتی نیست ، و کمالاتش تجزیه عددی نمی پذیرند ... او را می ستاییم با آن ستایشی که از خَلق خویش پسندیده ، و پذیرش آن را بر خود ، واجب ساخته است .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که دوست خود را یاری داد و دشمنش را وا نهاد ، و راستگوی بر حق را عزّت بخشید و دروغگوی باطل گرا را خوار ساخت.

۱- همین قدر می دانند که او هست ؛ اما ذات او و چند و چونش را هرگز در نمی یابند.

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَّتَ الْأَجَالَ، وَقَدَّرَ أَرْزَاقَ الْعِبَادِ، وَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا. (١)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَيَّدَنَا مِنَ الضَّلَالَةِ، وَبَصَّرَنَا مِنَ الْعَمَى، وَمَنَّ عَلَيْنَا بِالْإِسْلَامِ، وَجَعَلَ فِيْنَا التُّبُوَّةَ، وَجَعَلَنَا التُّجْبَاءَ (٢). (٣)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ أَوَّلُ كُلِّ شَيْءٍ وَبَدِيَّةُ، وَمُنْتَهَى كُلِّ شَيْءٍ وَوَلِيَّةُ، وَكُلُّ شَيْءٍ خَاشِعٌ لَهُ، وَكُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ، وَكُلُّ شَيْءٍ ضَارِعٌ إِلَيْهِ، وَكُلُّ شَيْءٍ مُسْتَكِينٌ لَهُ. خَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ، وَكَلَّتْ دُونَهُ الصِّفَاتُ، وَضَلَّتْ دُونَهُ الْأَوْهَامُ، وَحَارَتْ دُونَهُ الْأَحْلَامُ، وَانْحَسَرَتْ دُونَهُ الْأَبْصَارُ، لَا يَقْضَى فِي الْأُمُورِ غَيْرُهُ، وَلَا يَيْتَمُ شَيْءٌ مِنْهَا دُونَهُ. (٤)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ أَوَّلُ بِلَا بَدَىٍّ مِمَّا (٥)، وَلَا-بَاطِنٍ فِيهَا، وَلَا يَزَالُ مَهْمَا (٦)، وَلَا-مُمَازِجٍ مَعَ مَا، وَلَا خِيَالٍ وَهْمَا، لَيْسَ بِشَبَحٍ فَيُرَى، وَلَا بِجِسْمٍ فَيَنْجَزَأُ، وَلَا بِبَدَىٍّ غَايَةٍ فَيَتَنَاهَى، وَلَا بِمُحَدَّثٍ فَيُبْصِرُ، وَلَا بِمُسْتَبْرٍ فَيُكْشَفُ، وَلَا بِبَدَىٍّ حُجْبٍ فَيُحْوَى، كَانَ وَلَا أَمَاكِنَ تَحْمِلُهُ أَكْنَافُهَا (٧)، وَلَا حَمَلَةً تَرْفَعُهُ بِقُوَّتِهَا، وَلَا كَانَ بَعْدَ أَنْ لَمْ يَكُنْ. (٨)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا وَقَبَ (٩) لَيْلٌ وَغَسَقَ (١٠)، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا لَاحَ نَجْمٌ وَخَفَقَ. (١١)

- ١- دستور معالم الحكم : ص ٧٢ .
- ٢- النجيب : الكريم الحسيب ، الجمع نجباء (القاموس المحيط : ج ١ ص ١٣٠ «نجب»).
- ٣- الإرشاد : ج ١ ص ٢٢٩ ، أعلام الدين : ص ٩٤ ، بحار الأنوار : ج ٢ ص ٣١ ح ١٩ .
- ٤- العقد الفريد : ج ٣ ص ١٢٧ ، جواهر المطالب : ج ١ ص ٣٣٢ نحوه .
- ٥- بدىء : على فعيل ، أى لا يقال : بدأ الأشياء ممّا؟ (بحار الأنوار : ج ٤ ص ٢٩٥) .
- ٦- مهما هنا : ظرف زمان جىء به لتعميم الأزمان ؛ أى لا يزول أبدا (بحار الأنوار : ج ٤ ص ٢٩٥) .
- ٧- الكَنَفُ : الجانب والناحية (القاموس المحيط : ج ٣ ص ١٩٢ «كنف»).
- ٨- التوحيد : ص ٧٨ ح ٣٤ عن مسلم بن أوس ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ٢٩٤ ح ٢٢ .
- ٩- وَقَبَ الشَّيْءُ : دخل (الصحاح : ج ١ ص ٢٣٤ «وقب»).
- ١٠- غَسَقَ اللَّيْلُ : شَدَّ ظِلْمَتَهُ (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٦٠٦ «غسق»).
- ١١- وقعه صفين : ص ١٣٤ عن عبد الرحمن بن عبيد بن أبى الكنود ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١١٢ ح ١٠ وج ٣٢ ص ٤١٨ ح ٣٧٥ ؛ شرح نهج البلاغه : ج ٣ ص ١٦٧ .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که عمرها را مشخص ساخت و روزی های بندگان را تعیین کرد و برای هر چیزی ، اندازه ای قرار داد.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که از گم راهی ، به راهنمان آورد و از کوری ، بینایمان ساخت و نعمت اسلام را به ما ارزانی داشت و پیامبری را در میان ما نهاد و ما را از بزرگ زادگان قرار داد.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که اول و آغاز هر چیز است ، و پایان و فرجام هر چیز . هر چیزی در برابر او خاشع است ، و هر چیزی به او قائم است ، و هر چیزی در برابر او خاضع است ، و هر چیزی در پیشگاه او خوار است . صداها در برابر او به خاموشی می گرایند ، اوصاف در توصیف او در می مانند ، اوهام در او سرگشته می شوند ، خردها در باره او حیران می مانند ، و نگاه ها از مشاهده او ناتوان اند . در کارها جز او کسی حکم نمی راند ، و هیچ کاری بدون اذن او انجام نمی گیرد.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که اولین است ، بدون آن که از چیزی آغاز شده باشد ، و نه در چیزی نهان باشد ، و نه هیچ گاه به سر آید ، و نه با چیزی آمیخته باشد ، و نه در خیال و وهم بگنجد . نه کالبد است تا که دیده شود ، نه جسم است تا که تجزیه شود ، نه دارای نقطه پایانی است تا که به آن منتهی شود ، نه پدیدار است تا که دیده شود ، نه پوشیده است تا که آشکار گردانیده شود ، و نه دارای پرده هاست تا که در پرده داشته شود . بی آن که در مکانی باشد ، یا حاملانی باشند که با نیروی خود ، او را بردارند ، و چنین نبود که نبوده و بود شده باشد .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که شب را در دل روز فرو برد و روز را در دل شب . ستایش ، خدای را تا آن گاه که شبی در آید و عالم را در تاریکی فرو برد . و ستایش ، خدای را تا هر آن گاه که ستاره ای طلوع و غروب کند.

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، الَّذِي لَمْ يَضُرَّهُ بِالْمَعْصِيَةِ الْمُتَكَبِّرُونَ ، وَلَمْ يَنْفَعَهُ بِالطَّاعَةِ الْمُتَعَبِّدُونَ . (١)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ سَابِغِ النَّعْمِ وَمُفْرِجِ الْهَمِّ وَبَارِي النَّسَمِ ، الَّذِي جَعَلَ السَّمَاوَاتِ لِكُرْسِيِّهِ عِمَادًا ، وَالْجِبَالِ لِلْأَرْضِ أوتادا ، وَالْأَرْضَ لِلْعِبَادِ مِهَادًا . (٢)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمِهِ الْفَاضِلِهِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ؛ الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ ، وَعَلَى حُجَجِهِ الْبَالِغِهِ عَلَى خَلْقِهِ؛ مَنْ عَصَاهُ وَأَطَاعَهُ ، وَإِنْ يَعْفُ فَيَفْضِلُ مِنْهُ ، وَإِنْ يُعَذِّبُ فِيمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ، وَمَا اللَّهُ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ . أَحْمَدُهُ عَلَى حُسْنِ الْبَلَاءِ ، وَتَظَاهُرِ النَّعْمَاءِ ، وَأَسْتَعِينُهُ عَلَى مَا نَابَنَا (٣) مِنْ أَمْرِ دِينِنَا ، وَأَوْمِنُ بِهِ وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ ، وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا . (٤)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ عَنِ شَبِّهِ الْمَخْلُوقِينَ ، الْغَالِبِ لِمَقَالِ الْوَاصِفِينَ ، الظَّاهِرِ بِعَجَائِبِ تَدْبِيرِهِ لِلنَّاطِرِينَ ، الْبَاطِنِ بِجَلَالِ عِزَّتِهِ عَنِ فِكْرِ الْمُتَوَهِّمِينَ . (٥)

١- .مُهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص ١٤٤ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٢٣١ ح ٨ .

٢- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٥٢٧ ح ١٥٠١ ، تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ١٥١ ح ٣٢٨ ، مصباح المتعبد : ص ٥٢٧ ح ٦١١ وفيه «المرساه» بدل «لكرسيه» وليس فيهما «للأرض» ، بحار الأنوار : ج ٥٨ ص ٦ ح ٣ وج ٩١ ص ٢٩٣ ح ٢ .
٣- .نَابَهُ يَنْوِبُهُ : إِذَا قَصَدَهُ مَرَّةً بَعْدَ مَرَّةٍ . وَالنَّائِبُ : مَا يَنْوِبُ الْإِنْسَانَ ؛ أَي يَنْزِلُ بِهِ مِنَ الْمَهْمَاتِ وَالْحَوَادِثِ (النَّهَائِيَّةِ) : ج ٥ ص ١٢٣ «نوب» .

٤- .الْأَمَالِيُّ لِلصَّدُوقِ : ص ٤٩٠ ح ٦٦٨ ، وَقَعَهُ صَفِيْنٌ : ص ٣١٣ نَحْوَهُ وَكِلَاهُمَا عَنْ جَابِرٍ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، بحار الأنوار : ج ٣٢ ص ٦١٦ ح ٤٨٢ .

٥- .نَهْجُ الْبَلَاغَةِ : الْخُطْبَةُ ٢١٣ ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ٣١٩ ح ٤٥ .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است ؛ خدایی که گردن فرازان با نافرمانی خود ، زیانی به او نمی رسانند ، و عبادت پیشگان با فرمانبری خود ، سودی به او نمی رسانند.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای نعمت ده غم زدای جان آفرین را ؛ آن که آسمان ها را تکیه گاه تخت (سلطنت) خویش ، و کوه ها را میخ برای زمین ، و زمین را بستری برای بندگان قرار داد .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را به خاطر نعمت های افزون او بر همه آفریدگانش از نیک و بد ، و به خاطر حجت های رسای او بر [همه] خلقش از نافرمان و فرمان بردار ، و اگر ببخشاید ، از فضل اوست و اگر عذاب کند ، به سبب کردار خود آنان است ، و خدا هرگز به بندگان ، ستم نمی کند . او را می ستایم به خاطر احسان ها و نعمت های پیاپی اش ، و از او بر این پیشامد که در کار دین ما رخ داده است ، یاری می جویم ، و به او ایمان دارم و بر او توکل می نمایم ، و کافی است که خدا وکیل باشد.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که از همانندی با مخلوقات ، برتر ، و از گفتار وصف کنندگان ، بالاتر است و به سبب شگفتی های تدبیرش ، برای بینندگان ، آشکار است ، و به سبب شکوه عزتتش ، از اندیشه اندیشه گران ، نهان .

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ غَيْرَ مَقْنُوطٍ مِنْ رَحْمَتِهِ ، وَلَا مَخْلُوقٍ مِنْ نِعْمَتِهِ ، وَلَا مَا يُوسِّسُ مِنْ مَغْفِرَتِهِ ، وَلَا مُسْتَنْكَفٍ عَنْ عِبَادَتِهِ ، الَّذِي لَا تَبْرَحُ مِنْهُ رَحْمَةٌ ، وَلَا تُفْقَدُ لَهُ نِعْمَةٌ . (١)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ حَمْدُهُ ، وَالْغَالِبِ جُنْدُهُ ، وَالْمُتَعَالَى جَدُّهُ . (٢) أَحْمَدُهُ عَلَى نِعْمِهِ التَّوَامِ (٣) وَآلَائِهِ الْعِظَامِ . الَّذِي عَظَّمَ حِلْمُهُ فَعَفَا ، وَعَدَلَ فِي كُلِّ مَا قَضَى ، وَعَلِمَ مَا يَمْضَى وَمَا مَضَى ، مُبْتَدِعِ الْخَلَائِقِ بَعْلِمِهِ ، وَمُنْشِئِهِمْ بِحُكْمِهِ ، بَلَا اقْتِدَاءٍ وَلَا تَعْلِيمٍ . (٤)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ الْخَلْقِ ، وَخَالِقِ (٥) الْإِصْبَاحِ ، وَمُنْشِرِ (٦) الْمَوْتَى ، وَبَاعِثِ مَنْ فِي الْقُبُورِ . (٧)

عنه عليه السلام لَمَّا بَلَغَهُ عَنْ أَهْلِ الشَّامِ مَا يُؤْذِيهِ مِنَ الْكَلَامِ : الْحَمْدُ لِلَّهِ ، قَدِيمًا وَحَدِيثًا مَا عَادَانِي الْفَاسِقُونَ فَعَادَاهُمْ اللَّهُ . (٨)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْكَائِنِ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ كُرْسِيُّ أَوْ عَرْشٌ أَوْ سَمَاءٌ أَوْ أَرْضٌ أَوْ جَانٌّ أَوْ إِنْسٌ ، لَا يُدْرِكُ بِهِمْ ، وَلَا يُقَدَّرُ بِهِمْ ، وَلَا يَشْغَلُهُ سَائِلٌ ، وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ ، وَلَا يُنْظَرُ بَعِينٍ ، وَلَا يُحِيدُ بِأَيْنٍ ، وَلَا يُوَصِّفُ بِالْأَزْوَاجِ ، وَلَا يُخْلَقُ بِعِلَاجٍ ، وَلَا يُدْرِكُ بِالْحَوَاسِّ ، وَلَا يُقَاسُ بِالنَّاسِ . (٩)

- ١- نهج البلاغه: الخطبه ٤٥، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨١ ح ٤٢ وص ١٣٤ ح ١٣٩ .
- ٢- تعالى جَدُّكَ : أى علا جلالك وعظمتك. والجَدُّ: الحَظُّ والسعادة والغنى (النهايه: ج ١ ص ٢٤٤ «جدد»).
- ٣- تَوَامٌ : جمع تَوَامٍ ؛ وهو المولود مع غيره فى بطن (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٨٢ «توأم»). وهو مجاز عن الكثير أو المتواصل .
- ٤- نهج البلاغه: الخطبه ١٩١ .
- ٥- فى البدايه والنهايه : «وفالق» بدل «وخالق» .
- ٦- نَشَرَ الْمَيِّتَ : إذا عاش بعد الموت . وَأَنْشَرَهُ اللَّهُ : أى أحياه (النهايه: ج ٥ ص ٥٤ «نشر»).
- ٧- تحف العقول: ص ١٤٩ ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٨٩ ح ٢ ؛ البدايه والنهايه: ج ٧ ص ٣٠٨ .
- ٨- الإرشاد: ج ١ ص ٢٦٤ ، وقعه صفين: ص ٣٩١ عن زيد بن وهب نحوه ، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٣٩١ ح ٣٦١ ؛ تاريخ الطبرى: ج ٥ ص ٤٥ ، شرح نهج البلاغه: ج ٨ ص ٥٤ كلاهما عن زيد بن وهب نحوه .
- ٩- نهج البلاغه: الخطبه ١٨٢ ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣١٠ ح ١٣ .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که از رحمتش نومیدی نیست ، و از نعمتش بی بهرگی نیست ، و از آمرزشش یاسی نیست ، و از عبادتش سر باز زدنی نیست ؛ آن که رحمتش همواره برجاست و نعمتش را زوال نیست .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که آفریدگان هم ستایش او می گویند ، و لشکرش پیروز است ، و عظمتش بس پُرشکوه است . او را بر نعمت های پی در پی و الطاف بزرگش می ستایم ؛ آن که بسی بردبار است و از این رو گذشت می کند ، و در هر آن حکمی که داده ، دادگری کرده است ، و به آنچه می گذرد و گذشته است ، داناست . با دانش خود ، آفریدگان را ابداع کرد و به فرمان خویش ، پدیدشان آورد ، بی آن که از کسی پیروی کند یا آموزش ببیند.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که آفریننده خلائق است ، و پدید آورنده صبحگاهان ، و زنده کننده مردگان ، و برانگیزنده در گور خفتگان.

امام علی علیه السلام آن گاه که خبر سخنان آزار دهنده شامیان در باره او به وی رسید : ستایش ، خدای را ! در گذشته و اکنون ، همواره نابه کاران با من دشمنی کرده اند و خدا هم آنان را دشمن داشته است .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که پیش از آن که کرسی و عرش و آسمان و زمین و پری و آدمی وجود داشته باشند ، او بوده است . او هرگز به وهم نمی آید و در فهم نمی گنجد ، و هیچ درخواست کننده ای مشغولش نمی دارد [به طوری که از دیگری غفلت کند] ، و هر چه ببخشد ، چیزی از او کم نمی شود ، و با هیچ چشمی دیده نمی شود و در مکانی ، محدود نمی گردد ، و به جفت داشتن وصف نمی شود و با ابزار نمی آفریند ، و با حواس ، درک نمی شود و با مردم ، قیاس نمی گردد .

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا وَقَبَ لَيْلٌ وَغَسَقَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا لَاحَ نَجْمٌ وَخَفَقَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ غَيْرَ مَفْقُودِ الْإِنْعَامِ ، وَلَا مُكَافِئِ الْإِفْضَالِ . (١)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ اللَّابِسِ الْكِبْرِيَاءِ بِلا تَجَسُّدٍ ... نَحْمَدُهُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعْمَائِهِ كُلِّهَا ، وَنَسْتَهْدِيهِ لِمَرَاشِدِ أُمُورِنَا ، وَنَعُوذُ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا ، وَنَسْتَغْفِرُهُ لِلذُّنُوبِ الَّتِي سَلَفَتْ مِنَّا . (٢)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَجَلِّي لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ ، وَالظَّاهِرِ لِقُلُوبِهِمْ بِحُجَّتِهِ ، خَلَقَ الْخَلْقَ مِنْ غَيْرِ رُؤْيِهِ (٣) ، إِذْ كَانَتْ الرُّؤْيَاتُ لَا تَلِيْقُ إِلَّا بِذَوِي الضَّمَائِرِ ، وَلَيْسَ بِذِي ضَمِيرٍ فِي نَفْسِهِ . (٤)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَوَحِّدِ بِالْقَدَمِ وَالْأَرْزَلِيَّةِ ، الَّذِي لَيْسَ لَهُ غَايَةٌ فِي دَوَامِهِ وَلَا لَهُ أَوْلِيَّةٌ ، أَنْشَأَ ضُرُوبَ الْبَرِيَّةِ لَا مِنْ أُصُولٍ كَانَتْ بِدِيَّةً (٥) ، وَارْتَفَعَ عَنْ مُشَارَكَةِ الْأَنْدَادِ ، وَتَعَالَى عَنِ اتِّخَاذِ صَاحِبِهِ وَأَوْلَادِهِ ، هُوَ الْبَاقِي مِنْ غَيْرِ مُدَّةٍ ، وَالْمُنَشِئُ لَا بِأَعْوَانٍ . (٦)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُخْتَصِّ بِالتَّوْحِيدِ ، الْمُتَقَدِّمِ بِالْوَعِيدِ ، الْفَعَّالِ لِمَا يُرِيدُ ، الْمُحْتَجِبِ بِالنُّورِ دُونَ خَلْقِهِ ، ذِي الْأَفْقِ الطَّامِحِ (٧) ، وَالْعَزِّ الشَّامِخِ ، وَالْمَلِكِ الْبَازِخِ (٨) ، الْمَعْبُودِ بِالْآلَاءِ ، رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ . أَحْمَدُهُ عَلَى حُسْنِ الْبَلَاءِ ، وَفَضْلِ الْعَطَاءِ ، وَسَوَابِغِ النَّعْمَاءِ ، وَعَلَى مَا يَدْفَعُ رَبُّنَا مِنَ الْبَلَاءِ ، حَمْدًا يَسْتَهْلُ لَهُ الْعِبَادُ ، وَيَنْمُو بِهِ الْبِلَادُ . (٩)

١- نهج البلاغه: الخطبة ٤٨، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٤٢٠ ح ٣٨٦.

٢- التوحيد: ص ٣٣ ح ١، الكافي: ج ١ ص ١٤٢ ح ٧ كلاهما عن الحارث الأعور، بحار الأنوار: ج ٤ ص ٢٦٦ ح ١٤.

٣- الرُّؤْيِيَّة: التَّفَكُّرُ فِي الْأَمْرِ (الصَّحاح: ج ٦ ص ٢٣٦٤ «رؤى»).

٤- نهج البلاغه: الخطبة ١٠٨.

٥- أى خلق ما خلق ابتداءً من غير أصل، مع غايه الإتقان والإحكام وصور ما صور بعلمه من غير مثال على نهايه الحُسن (بحار الأنوار: ج ٤ ص ٢٩٦).

٦- الأمالى للطوسى: ص ٧٠٤ ح ١٥٠٩، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٨٨ كلاهما عن زيد بن علي عن الإمام زين العابدين عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٤ ص ٣١٩ ح ٤٤ و ج ٧٨ ص ٣٤ ح ١١٦.

٧- طَمَحَ بصره إليه: ارتفع، وكل مرتفع طامح (القاموس المحيط: ج ١ ص ٢٣٨ «طمح»).

٨- الباذخ: العالى (النهاية: ج ١ ص ١١٠ «بذخ»).

٩- الكافي: ج ٥ ص ٣٦٩ ح ١ عن علي بن رثاب عن الإمام الصادق عليه السلام، علل الشرائع: ص ١١٩ ح ١ عن إسحاق بن غالب عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٣١ ص ٤٦٤ ح ٤.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را تا هر آن گاه که شبی فرارسد و به تاریکی فرو شود ، و ستایش ، خدای را تا هر آن گاه که ستاره ای بر آید و غروب کند ، و ستایش ، خدای را که نعمتش تمامی ندارد و احسانش را جبران نتوان کرد.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که جامه بزرگی در پوشید ، بی آن که جسم باشد ... او را با همه ستایش هایش ، به خاطر تمامی نعمت هایش می ستاییم ، و در کارهای خود ، از او راهنمایی می جوییم ، و از کردارهای بد خویش ، به او پناه می بریم ، و از گناهان گذشته مان از او آمرزش می جوییم .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که با آفرینش خود ، بر آفریدگانش آشکار گشت ، و با حجت [و آثار قدرت [خویش بر دل های آنان هویدا شد . آفریدگان را ، بدون هیچ اندیشه ای آفرید ؛ چرا که اندیشه کردن ، جز کار دارندگان اندیشه نیست ، و او در درون خود ، اندیشه ندارد (از داشتن اندیشه ، مبراست) .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که در دیرینگی و بی آغازی ، یگانه است ؛ آن که نه پایداری اش را پایانی است و نه او را آغازی است . انواع آفریدگان را ایجاد کرد نه از اصولی نخستین ، و از داشتن انباز برتر است ، و از داشتن زن و فرزند ، مبراست . اوست مانای بی مدّت و پدید آورنده بدون یاری.

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که یگانگی ویژه اوست ؛ آن که پیشاپیش بیم داده است ، و آنچه بخواهد ، انجام می دهد ، و با نور خویش از خلقش در پرده است ، و دارای افق بلند است و عزّت در اوج و پادشاهی فرازمند ، و به نعمت هایش پرستیده می شود ، پروردگار زمین و آسمان است . او را به خاطر احسانش ، و دهبش فراینده اش ، و نعمت های سرشارش ، و برای آنچه از [رنج و]بلا که پروردگار ما دور می گرداند ، می ستاییم ، ستایشی که بندگان برای او سر می دهند ، و آبادی ها به سبب آن رشد می نمایند.

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَعْرُوفِ مِنْ غَيْرِ رُؤْيِيهِ ، وَالْخَالِقِ مِنْ غَيْرِ مَنْصَبِهِ . (١) خَلَقَ الْخَلَائِقَ بِقُدْرَتِهِ ، وَاسْتَعْبَدَ الْأَرْبَابَ بِعِزَّتِهِ ،
وَسَادَ الْعُظَمَاءَ بِجُودِهِ . (٢)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُلْهِمِ عِبَادَهُ حَمْدَهُ ، وَفَاطِرِهِمْ عَلَى مَعْرِفِهِ رَبُّوبِيَّتِهِ ، الدَّالُّ عَلَى وُجُودِهِ بِخَلْقِهِ ، وَبِحُدُوثِ خَلْقِهِ عَلَى
أَزْلِهِ ، وَبِاشْتِيَاهِهِمْ عَلَى أَنْ لَا شِبَهَ لَهُ . (٣)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ النَّاشِرِ فِي الْخَلْقِ فَضْلَهُ ، وَالْبَاسِطِ فِيهِمْ بِالْجُودِ يَدَهُ ، نَحْمَدُهُ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ ، وَنَسْتَعِينُهُ عَلَى رِعَايَةِ
حُقُوقِهِ . (٤)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ ، نَحْمَدُهُ تَسْبِيحًا وَتُجْدُدُهُ تَمَجِيدًا ، نُكَبِّرُ عَظَمَتَهُ لِعِزِّ جَلَالِهِ وَجَهِّهِ ، وَنُهَلِّلُهُ تَهْلِيلًا- مُوَحِّدًا مُخْلِصًا ،
وَنَشْكُرُهُ فِي مُصَانَعِهِ (٥) الْحُسْنَى ، أَهْلَ الْحَمْدِ وَالثَّنَاءِ الْأَعْلَى . (٦)

١- النَّصَبُ: الإعياء من العناء ، نَصَبَ الرَّجُلُ نَصَبًا: أَعْيَا وَتَعَبَ ، وَعَيْشٌ نَاصِبٌ: فِيهِ كَدٌّ وَجَهْدٌ (لسان العرب: ج ١ ص ٧٥٨ «نصب»).

٢- نهج البلاغه: الخطبه ١٨٣ .

٣- الكافي: ج ١ ص ١٣٩ ح ٥ عن إسماعيل بن قتيبه عن الإمام الصادق عليه السلام ، التوحيد: ص ٥٦ ح ١٤ عن فتح بن يزيد الجرجاني عن الإمام الرضا عليه السلام ، نهج البلاغه: الخطبه ١٥٢ وليس فيه «الملهم عباده حمده وفاطرهم على معرفه ربوبيته» ، بحار الأنوار: ج ٤ ص ٢٨٤ ح ١٧ وج ٥٧ ص ١٦٦ ح ١٠٥ .

٤- نهج البلاغه: الخطبه ١٠٠ .

٥- كذا في المصدر ، وفي بحار الأنوار: «مصانعه» ، والظاهر أنها جمع مصنع ؛ مصدر ميمي من الصُّنْع. قال ابن منظور: الصُّنْعُ: مصدر قولك صنع إليه معروفا (لسان العرب: ج ٨ ص ٢١٢ «صنع»).

٦- الغارات: ج ١ ص ١٥٦ عن أبي زكريا ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢ ح ٥٠ .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که بی آن که دیده آید ، شناخته می شود ، و بدون رنج و زحمت می آفریند . آفریدگان را به قدرت خویش آفرید ، و خدا یگانان را به عزّت خود به بندگی کشید ، و با جود خویش ، بر بزرگان ، آقایی ورزید .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که ستایش خود را به بندگانش الهام فرمود ، و شناخت ربوبیتش را در نهادِ آنان نهاد ، و آفریدگانش را دلیل بر هستیِ خود داشت ، و حدوثِ خَلْقش را دلیل بر ازلی بودن خود ، و همانندی آنها را دلیل بر این که او را همانندی نیست .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که فضل خود را در میان خلق گستراند ، و دست خود را به دَهِش در میان آنان گشود . او را به خاطر همه کارهایش می ستاییم ، و در پاسداشت حقوقش ، از او کمک می جوییم .

امام علی علیه السلام: ستایش خدای را . او را به پاکی می ستاییم و به بزرگی یادش می کنیم ، و عظمت او را بزرگ می داریم که ذاتی پُر ارج و شُکوه دارد ، و از سر اخلاص و یکتاپرستی ، او را به یگانگی وصف می کنیم و نیکوکاری اش را سپاس می گزاریم ، که او سزایست ستایش و برترین ثناست .

عنه عليه السلام بَعَدَ التَّحْكِيمِ وَمَا بَلَغَهُ مِنْ أَمْرِ الْحَكَمِينَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ وَإِنْ أَتَى الدَّهْرُ بِالْخَطْبِ الْفَادِحِ ، وَالْحَدِيثِ الْجَلِيلِ . (١)

عنه عليه السلام : الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الْفَرْدِ الْمُتَفَرِّدِ الَّذِي لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ ، وَلَا مِنْ شَيْءٍ خَلَقَ مَا كَانَ . (٢)

عنه عليه السلام : الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْحَمْدَ بِالنَّعْمِ ، وَالنَّعْمَ بِالشُّكْرِ . نَحْمَدُهُ عَلَى آيَاتِهِ ، كَمَا نَحْمَدُهُ عَلَى بَلَائِهِ ، وَنَسْتَعِينُهُ عَلَى هَذِهِ النَّفُوسِ الْبِطَاءِ عَمَّا أَمَرَتْ بِهِ ، السَّرَاعِ إِلَى مَا نُهَيْتَ عَنْهُ . وَنَسْتَغْفِرُهُ مِمَّا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ ، وَأَحْصَاهُ كِتَابَتُهُ . (٣)

عنه عليه السلام : الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلِيِّ الْحَمْدِ وَمُنْتَهَى الْكَرَمِ ، لَا تُدْرِكُهُ الصِّفَاتُ ، وَلَا يُحَدُّ بِاللُّغَاتِ ، وَلَا يُعْرَفُ بِالْغَايَاتِ . (٤)

عنه عليه السلام : الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَلِيِّ الْحَمِيدِ الْحَكِيمِ الْمَجِيدِ ، الْفَعَالِ لِمَا يُرِيدُ ، عَلَّامِ الْغُيُوبِ ، وَسَيِّتَارِ الْغُيُوبِ ، خَالِقِ الْخَلْقِ ، وَمُنْزِلِ الْقَطْرِ ، وَمُدَبِّرِ الْأَمْرِ ، رَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَالْدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (٥)

١- نهج البلاغه : الخطبه ٣٥ ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٣٠٢ ح ٥٥٣ وص ٣٢١ ح ٥٦٨ ؛ تاريخ الطبرى : ج ٥ ص ٧٧ عن عبد الملك بن أبى حُرّه .

٢- الكافى : ج ١ ص ١٣٤ ح ١ عن الإمام الصادق عليه السلام ، التوحيد : ص ٤١ ح ٣ عن الحصين بن عبد الرحمن عن أبيه عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، الغارات : ج ١ ص ١٧٠ عن إبراهيم بن إسماعيل الشكرى ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ٢٦٩ ح ١٥ وج ٥٧ ص ١٦٤ ح ١٠٣ ؛ العقد الفريد : ج ٣ ص ١٢٥ .

٣- نهج البلاغه : الخطبه ١١٤ .

٤- الكافى : ج ٨ ص ٣٦٠ ح ٥٥١ عن الأصبغ بن نباته ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٣٦٣ ح ٣٣ .

٥- مصباح المتهدّد : ص ٣٨٠ ح ٥٠٨ عن زيد بن وهب ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٤٢٧ ح ١٢٦٣ ، بحار الأنوار : ج ٨٩ ص ٢٣٧ ح ٦٨ .

امام علی علیه السلام بعد از جریان حکمیت و شنیدن عملکرد آن دو حکم: ستایش، خدای را، هر چند روزگار، رویداد جانکاه و پیشامد سخت پیش آورد.

امام علی علیه السلام: ستایش، خدای یگانه یکتای بی نیاز تک منحصر به فرد را که نه خود از چیزی پدید آمده است، و نه آنچه را هست، از چیزی آفرید.

امام علی علیه السلام: ستایش، خدای را که ستایش را به نعمت ها، و نعمت ها را به سپاس گذاری پیوند داده است. او را بر نعمت هایش می ستاییم، چنان که بر بلایش می ستاییم، و در برابر این نفعهایی که در انجام دادن آنچه بدان فرمان یافته اند، کندی می ورزند و به انجام دادن آنچه از آن نهی شده اند، می شتابند، از او یاری می جوئیم، و برای گناهانی که او می داند و کتابش (لوح محفوظ) آنها را ثبت کرده است، از او آمرزش می طلبیم.

امام علی علیه السلام: ستایش، خدای را که صاحب ستایش و منتهای بزرگواری است. اوصاف، از عهده توصیف او بر نمی آیند، و با زبان و کلمات، تعریف نمی شود، و به غایت ها شناخته نمی گردد.

امام علی علیه السلام: ستایش، خدای را که حمایتگر و ستوده و استوارکار و بزرگوار است و آنچه بخواهد، انجام می دهد. دانای نهران ها، و پوشاننده عیب هاست. آفریننده خلق و فرو فرستنده باران و تدبیر کننده کارهاست و پروردگار آسمان و زمین و دنیا و آخرت است.

عنه عليه السلام في ذم العاصين من أصحابه: أحمد الله على ما قضى من أمر، وقدر من فعل، وعلى ابتلائي بكم. (١)

عنه عليه السلام بعد انصرافه من صقين: أحمد الله استتماما لنعمة، واستسلاما لعزته، واستعصاما من معصيته، وأستعينه فاقه إلى كفايته، إنه لا يضل من هداة. (٢)

عنه عليه السلام: أحمد الله بخالص حمده المخزون، بما حمده به الملائكة والنبيون، حمدا لا يحصى له عدد، ولا يتقدمه أمد، ولا يأتي بمثله أحد. أو من به، وأتوكل عليه وأستهديه وأستكفيه. (٣)

عنه عليه السلام: أحمد الله حمدا أستريده في نعمته، وأستجير به من نعمته، وأتقرب إليه بالتصديق لنيي المصطفى لوحيه، المتخير لرسالته، المختص بشفاعته، القائم بحقه، محمد صلى الله عليه وآله وعلى أصحابه، وعلى النبيين والمرسلين والملائكة أجمعين، وسلم تسليمًا. (٤)

عنه عليه السلام: أحمد الله شكرا لنعامه، وأستعينه على وظائف حقوقه، عزيز الجند، عظيم المجد. (٥)

عنه عليه السلام: أحمد الله مقصرا عن كنه شكره، وأؤمن به إذعانا لرؤيته، وأستعينه طالبا لعصمته، وأتوكل عليه مؤوضا (٦) إليه. (٧)

١- نهج البلاغه: الخطبه ١٨٠، الغارات: ج ١ ص ٢٩١ عن جنبد بن عبد الله، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٥٦٤ ح ٧٢٢؛ تاريخ الطبرى: ج ٥ ص ١٠٧ عن عبد الله بن فقيم.

٢- نهج البلاغه: الخطبه ٢، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٣١ ح ١٩؛ مطالب السؤل: ص ٥٨.

٣- الكافي: ج ٨ ص ١٧١ ح ١٩٣ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٤٧ ح ٣٠.

٤- مهبج الدعوات: ص ١٤٥، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٣٢ ح ٨.

٥- نهج البلاغه: الخطبه ١٩٠.

٦- فوض إليه الأمر: أى رده إليه وجعله الحاكم فيه (النهاية: ج ٣ ص ٤٧٩ «فوض»).

٧- مصباح المتبجد: ص ٣٨٥ ح ٥١٢ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٣٤ ح ٦٧.

امام علی علیه السلام در نکوهش یاران نافرمانش : خدای را می ستایم به خاطر هر امری که واجب فرمود ، و به خاطر هر کاری که مقدر نمود ، و به خاطر گرفتار ساختن من به شما.

امام علی علیه السلام در پی بازگشت از صفین : او را می ستایم از بهر کامل گردانیدن نعمتش ، و گردن نهادن در برابر قدرتش ، و نگه داشتن از نافرمانی اش ، و از او کمک می جویم که نیازمند حمایت و کارسازی او هستم؛ زیرا کسی را که او هدایت کند ، گم راه نمی شود.

امام علی علیه السلام : او را می ستایم با ستایش ناب و اندوخته اش ، با ستایشی که فرشتگان و پیامبران ، او را بدان ستودند ؛ ستایشی که به شماره نمی آید ، و زمان بر آن پیشی نمی گیرد ، و هیچ کس چنان ستایشی نخواهد آورد . به او ایمان دارم ، و بر او توکل می نمایم ، و از او راهنمایی و کفایت می جویم.

امام علی علیه السلام : او را می ستایم ستایشی که بر نعمتش به من بیفزاید ، و با آن از خشم و کيفرش به او پناه برم . و به او تقرب می جویم با تصدیق کردن پیامبرش ، که او را برای وحی خویش برگزید ، و از بهر رساندن پیامش انتخابش کرد ، و شفاعتش را به او ویژه گردانید ، و بر پا دارنده حقّ اوست ، [یعنی] محمّد که درود و سلام خدا بر او و بر خاندانش و بر یارانش ، و بر پیامبران و رسولان و فرشتگان ، همگی باد .

امام علی علیه السلام : او را می ستایم به شکرانه نعمت هایش ، و از او کمک می جویم برای ادای حقوقش ؛ او که لشکرش شکست ناپذیر است ، و خود ، بسی بزرگ و پُرشکوه است.

امام علی علیه السلام : او را می ستایم ، در حالی که از رسیدن به عمق سپاس گزاری اش ناتوانم ، و به او ایمان دارم و به پروردگاری اش معترفم ، و از او کمک می جویم و خواهان نگهداری اویم ، و بر او توکل می کنم و کارم را به او وا می گذارم.

عنه عليه السلام: أَحَمِدُهُ وَأَسْتَعِينُهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ بِهِ مِنِّي لَا يَعْرِفُ كُنْهَهُ غَيْرُهُ ، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ تَوَكُّلَ الْمُسْتَسْلِمِ لِقُدْرَتِهِ ، الْمُتَبَرِّى مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ إِلَّا إِلَيْهِ . (١)

عنه عليه السلام: حَمَدْتُ مَنِ عَظَمَتْ مَنَّتُهُ ، وَسَبَّغَتْ نِعْمَتُهُ ، وَسَبَّغَتْ رَحْمَتُهُ ، وَتَمَّتْ كَلِمَتُهُ ، وَنَفَدَتْ مَشِيئَتُهُ ، وَبَلَغَتْ حُجَّتُهُ ، وَعَدَلَتْ قَضِيَّتُهُ . حَمَدْتُ حَمْدَ مُقَرَّرٍ بِرُبُوبِيَّتِهِ ، مُتَخَضِّعٍ لِعِبَادِيَّتِهِ ، مُتَنَصِّلٍ مِنْ خَطِيئَتِهِ ، مُعْتَرِفٍ بِتَوْحِيدِهِ مُسْتَعِينٍ مِنْ وَعِيدِهِ مُؤَمِّلٍ مِنْ رَبِّهِ مَغْفِرَةً تُنَجِّيهِ يَوْمَ يُشْغَلُ عَنْ فَصِيلَتِهِ (٢) وَيَبِيهِ . وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَرْشِدُهُ (٣) وَنُؤْمِنُ بِهِ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ ، وَشَهِدْتُ لَهُ بِضَمِيرٍ مُخْلِصٍ مُوقِنٍ ، وَفَرَدْتُهُ تَفْرِيدًا مُؤْمِنٍ مُتَقِنٍ ، وَوَحَّدْتُهُ تَوْحِيدًا مُدْعِنٍ ، لَيْسَ لَهُ شَرِيكَ فِي مُلْكِهِ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ فِي صُنْعِهِ ، جَلَّ عَنْ مُشِيرٍ وَوَزِيرٍ ، وَتَنَزَّهَ عَنِ مِثْلِ وَنَظِيرٍ . عَلِمَ فَسْتَرَ ، وَبَطَّنَ فَخَبَّرَ ، وَمَلَكَ فَفَقَّهَرَ ، وَعَصَبِي فَعَفَّرَ ، وَعَبَدَ فَشَكَرَ ، وَحَكَمَ فَعَدَلَ ، وَتَكَرَّمَ وَتَفَضَّلَ ، لَمْ يَزَلْ وَلَا- يَزُولُ ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ، وَهُوَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَبَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ ، رَبُّ مُتَفَرِّدٌ بِعِزَّتِهِ ، مُتَمَلِّكٌ (٤) بِقُوَّتِهِ ، مُتَقَدِّسٌ بِعُلُوِّهِ ، مُتَكَبِّرٌ بِسِيَمُوهِ ، لَيْسَ يُدْرِكُهُ بَصَرٌ ، وَلَمْ يُحِطْ بِهِ نَظْرٌ ، قَوِيٌّ مَنِيعٌ ، بَصِيرٌ سَمِيعٌ ، عَلِيٌّ حَكِيمٌ ، رُوُوفٌ رَحِيمٌ ، عَزِيزٌ عَلِيمٌ . عَجَزَ فِي وَصْفِهِ مَنْ يَصِفُهُ ، وَضَلَّ فِي نَعْتِهِ مَنْ يَعْرِفُهُ ، قَرَبَ فَبَعِيدَ ، وَبَعِيدَ فَقَرَبَ ، يُجِيبُ دَعْوَةَ مَنْ يَدْعُوهُ ، وَيَرْزُقُ عَبْدَهُ وَيَجْبُوهُ . ذُو لُطْفٍ خَفِيٍّ ، وَبَطْشٍ قَوِيٍّ ، وَرَحْمَةٍ مُوسِيِعَةٍ ، وَعُقُوبَةٍ مُوجِعَةٍ ، رَحْمَتُهُ جَنَّةٌ عَرِيضَةٌ مُوَبِّقَةٌ ، وَعُقُوبَتُهُ جَحِيمٌ مُؤَصِّدَةٌ مُوَبِّقَةٌ (٥) . (٦)

١- العقد الفريد: ج ٣ ص ١٢٠ ، جواهر المطالب: ج ١ ص ٣٤٤ .

٢- فَصِيلَتُهُ : عَشِيرَتُهُ وَرَهْطُهُ الْأَدْنُونُ (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٣٩٧ «فصل»).

٣- فِي شَرْحِ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ : «وَنَسْتَعِينُهُ» بَعْدَ «وَنَسْتَرْشِدُهُ» .

٤- فِي شَرْحِ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ وَبِحَارِ الْأَنْوَارِ : «مُتَمَلِّكٌ» بَدَلَ «مُتَمَلِّكٌ» .

٥- مُوَبِّقَةٌ : مُهْلِكَةٌ ، وَالْمُؤَبِّقُ : وَادٍ فِي جَهَنَّمَ (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٩٠٠ «وبق»).

٦- الْمَصْبَاحُ لِلْكَفَعَمِيِّ : ص ٩٦٨ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٧٧ ص ٣٤٠ ح ٢٨ ؛ شَرْحُ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ : ج ١٩ ص ١٤٠ نَحْوَهُ ، كَنْزُ الْعَمَالِ : ج ١٦ ص ٢٠٩ ح ٤٤٢٣٤ .

امام علی علیه السلام: او را به خاطر نعمت هایی که ارزانی داشته است و جز خود او، کسی از گنه آنها آگاه نیست، می ستایم و از او کمک می طلبم، و به او توکل می کنم، چونان توکل کردن کسی که در برابر قدرت او، سر تسلیم فرود آورده است، و برای خویشتن هیچ نیرو و توانی نمی شناسد جز به مدد او.

امام علی علیه السلام: می ستایم کسی را که منتش بزرگ و نعمتش سرشار است، و رحمتش [بر خشم و عذابش] پیشی دارد، و سخنش تمام و خواستش نافذ است، و حجتش رسا و حکمش دادگرانه است. [او را] می ستایم، چونان ستایش کسی که به پروردگاری او معترف است، به بندگی اش گردن نهاده است، از گناهش دست شسته است، به یگانگی او معترف است، از تهدید او به او پناه می برد، از پروردگارش به آمرزش، امید بسته است که در آن روزی که [از شدت هول و هراس] از دودمان و فرزندانش باز می ماند، او را نجات بخشد. و از او کمک و راهنمایی می طلبیم، و به او ایمان داریم و بر او توکل می کنیم، و با ضمیری مخلص و یقین مند به وجود او گواهی می دهیم، و او را تک می دانم چونان تک دانستن مؤمن استوار ایمان، و او را یگانه می دانم چونان یگانه دانستن بنده معترف. در جهاننداری شریکی ندارد، و در ساخت عالم، یآوری نداشته است. والاتر از آن است که مشاور و دستیاری داشته باشد، و برتر از آن است که او را مانند و همتایی باشد. می داند و می پوشاند، و از نهان است و خبردار است، و پادشاهی چیره گر است، و نافرمانی می شود و می آمرزد، و عبادت می شود و قدردانی می کند، و حکمش دادگرانه است، و بزرگوار و با فضل است، و همواره بوده و هرگز نابود نمی شود، و هیچ چیزی همانند او نیست، و پیش از هر چیز و پس از هر چیز است. پروردگاری است که در عزتمندی یگانه است، با نیرویش پادشاهی می کند، در بلندای قدسیت است، در اوج کبریاست. هیچ دیده ای او را در نمی یابد، و هیچ نگاهی او را در میان نمی گیرد. نیرومند و دست نیافتنی است. بینا و شنواست. بلندمرتبه و استوار کاراست. دلسوز و مهربان است. عزتمند و داناست. وصف کننده اش در وصف او درمی ماند، و شناسنده اش در شناساندن او سرگشته می ماند. نزدیک است و دور، و دور است و نزدیک. صدای هر که را که بخواندش، پاسخ می دهد، و بنده اش را روزی می دهد و بخشش می کند. دارای لطف نهان است، و قهری شدید، و مهری فراگیر، و کیفی دردآور. مهرش، بهشتی پهناور و زیباست، و کیفرش، دوزخی فرو بسته و هلاکتبار.

عنه عليه السلام: نَحْمَدُهُ عَلَى مَا أَخَذَ وَأَعْطَى ، وَعَلَى مَا أْبَلَى وَابْتَلَى ، الْبَاطِنَ لِكُلِّ خَفِيَّةٍ ، وَالْحَاضِرَ لِكُلِّ سِرِّيْرَةٍ ، الْعَالِمَ بِمَا تُكِنُّ الصُّدُورُ ، وَمَا تَخُونُ الْعُيُونُ . (١)

عنه عليه السلام: نَحْمَدُهُ عَلَى مَا وَفَّقَ لَهُ مِنَ الطَّاعَةِ ، وَذَادَ (٢) عَنْهُ مِنَ المَعَصِيَةِ ، وَنَسَأَ لَهُ لِمَنْتِهِ تَمَامًا ، وَبِحَبْلِهِ اعْتَصَمًا . (٣)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ ، عَلَى حُسْنِ صُنْعِكَ إِلَيَّ وَتَعَطُّفِكَ عَلَيَّ ، وَعَلَى مَا وَصَلْتَنِي بِهِ مِنْ نوركَ ، وَتَدَارَكْتَنِي بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَأَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ . (٤)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ ، عَلَى مَا خَصَصْتَنِي بِهِ مِنْ مَوَاهِبِ الرِّغَائِبِ ، وَمَا وَصَلَ إِلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ السَّيَاحِ ، وَمَا أَوْلَيْتَنِي بِهِ مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ ، وَبَيَّوَأْتَنِي بِهِ مِنْ مَطْنَةِ الْعَيْدِ ، وَأَنْلَتَنِي مِنْ مَنِّكَ الْوَاصِلِ إِلَيَّ ، وَمِنْ الدَّفَاعِ عَنِّي ، وَالتَّوْفِيقِ لِي ، وَالْإِجَابَةِ لِدُعَائِي حِينَ أُنَاجِيكَ دَاعِيًا . (٥)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ حَمْدِي لَكَ مُتَوَاصِلٌ ، وَثَنَائِي عَلَيْكَ دَائِمٌ مِنَ الدَّهْرِ إِلَى الدَّهْرِ ، بِالْوَانِ التَّسْبِيحِ وَفُنُونِ التَّقْدِيسِ خَالِصًا لِذِكْرِكَ ، وَمَرْضِيًا لَكَ ، بِنَاصِحِ التَّوْحِيدِ وَمَحْضِ التَّحْمِيدِ . . . اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مُتَوَاتِرًا مُتَوَالِيًا مُتَّسِقًا مُسْتَوْتِقًا ، يَدُومُ وَلَا يَبِيدُ ، غَيْرَ مَفْقُودٍ فِي الْمَلَكُوتِ ، وَلَا مَطْمُوسٍ فِي الْعَالَمِ ، وَلَا مُنْتَقِصٍ فِي الْعِرْفَانِ ، فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا تُحْصَى مَكَارِمُهُ ، فِي اللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ ، وَفِي الصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ (٦) ، وَفِي الْبَرِّ وَفِي الْبَحْرِ ، بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ، وَالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ، وَالظَّهْرِ وَالْأَسْحَارِ . (٧)

- ١- نهج البلاغه : الخطبه ١٣٢ .
- ٢- الذُّود : السُّوقِ وَالطَّرْدِ وَالذَّفْعِ (القاموس المحيط : ج ١ ص ٢٩٣ «ذود»).
- ٣- نهج البلاغه : الخطبه ١٩٤ ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ١٧٦ ح ٦ .
- ٤- مُهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص ١٢٥ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٢٣٤ ح ٩ .
- ٥- مُهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص ١٣٩ عن ابن عبَّاسٍ وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ وَص ١٤٨ عن ابن عبَّاسٍ وَص ١٦١ ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٢٤٢ ح ٣١ وَص ٢٤٨ ح ٣٢ .
- ٦- أَسْفَرَ الصُّبْحُ : إِذَا انْكَشَفَ وَأَضَاءَ (النهايه : ج ٢ ص ٣٧٢ «سفر»).
- ٧- مُهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص ١٦٣ وَص ١٣٩ عن ابن عبَّاسٍ وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ وَص ١٤٩ عن ابن عبَّاسٍ ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٢٤٢ ح ٣١ وَص ٢٤٨ ح ٣٢ .

امام علی علیه السلام: او را به خاطر گرفتن ها و دادن هایش ، و به خاطر نوازش ها و سختی هایش می ستایم ؛ او که دانای هر نهانی است ، و حاضر در هر نهادی ، و آگاه به رازهای سینه ها و نگاه های دزدانه (خیانتکارانه) دیدگان .

امام علی علیه السلام: او را می ستاییم که توفیق فرمانبری داد ، و از نافرمانی دورمان داشت ، و از او می خواهیم که نعمتش را [بر ما] تمام گرداند ، و به ریسمانش چنگ در زنیم.

امام علی علیه السلام: بار خدایا! تو را می ستایم ، و تو سزاوار ستایشی برای نیکی کردنت به من ، و مهرورزی ات بر من ، و برای آن که مرا به نور خودت وصل کردی (/ از نور خودت به من بخشیدی) ، و با مهر خویش مرا دریافتی ، و مرا در نعمت غوطه ور ساختی.

امام علی علیه السلام: بار خدایا! تو را می ستایم ، و تو سزاوار ستایشی ، برای مواهب خوشایندی که به من ارزانی داشتی ، و فضل فراوانت که به من رساندی ، و نیکی ای که به من نمودی ، و جایگاه عدلی که مرا در آن جای دادی ، و نعمت مستمری که به من بخشیدی ، و دفاعی که از من کردی ، و توفیقی که به من دادی ، و پذیرفتن دعایم آن گاه که نجواکنان ، تو را خواندم.

امام علی علیه السلام: بار خدایا! پیوسته تو را می ستایم ، و همواره و در سرتاسر عمر ، تو را ثنا می گویم ، به انواع تسبیح و همه گونه تقدیس ، آن سان که خالص برای یاد تو و پسند درگاه تو باشد ، با توحید ناب و ستایش گویی خالص بار خدایا! ستایشت باد ، ستایشی پیاپی و به هم پیوسته و رشته وار و استوار ؛ ستایشی که بیاید و نابود نشود ، و در ملکوت گم نگردد ، و در عالم از میان نرود ، و در شناخت [تو] کم نیاید . ستایشت باد ، ستایشی که خوبی هایش به شماره نیاید ، در شب ، آن گاه که پشت می کند ، و در روز ، آن گاه که برمی دمد ، و در خشکی و در دریا ، و در بامدادان و عصرگاهان ، و شب هنگام و صبح زود ، و نیم روز و سحرگاهان.

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمداً كَمَا أَنْتَ أَهْلُهُ ، حَمداً تَضَعُ لَهُ السَّمَاءُ كَنَفِيهَا ، وَتُسَبِّحُ لَكَ الْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهَا. (١) اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمداً يَزِيدُ وَلَا يَبِيدُ . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمداً سَرْمَداً (٢) دائماً أبداً ، لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَلَا نَفَادَ ، وَلَكَ يَتَبَغَى وَإِلَيْكَ يَنْتَهَى ، حَمداً يَصْعَدُ أَوَّلُهُ وَلَا يَنْفَدُ آخِرُهُ . اللَّهُمَّ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ وَمَعِيَ وَفِيَّ وَقَبْلِي وَبَعْدِي وَأَمَامِي وَفَوْقِي وَتَحْتِي وَلَدَيَّ ، وَإِذَا مِتُّ وَقُبِرْتُ وَبَقِيْتُ فَرِداً وَحِيداً ثُمَّ فَنِيْتُ ، وَلَكَ الْحَمْدُ إِذَا نُشِرْتُ وَبُعِثْتُ يَا مَوْلَايَ . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمَاتِكَ كُلِّهَا ، حَتَّى يَنْتَهَى الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ عِرْقٍ سَاكِنٍ [وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ عِرْقٍ مُتَحَرِّكٍ] (٣) ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ نَوْمَةٍ وَيَقْظَةٍ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ أَكْلَةٍ وَشَرْبَةٍ ، وَنَفْسٍ وَبَطْشَةٍ ، وَقَبْضَةٍ وَبَسْطَةٍ ، وَلِحَظَةٍ وَطَرْفَةٍ ، وَعَلَى كُلِّ مَوْضِعٍ شَعْرَةٍ وَعَلَى كُلِّ حَالٍ . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ ، وَلَكَ الشُّكْرُ كُلُّهُ ، وَلَكَ الْمَجْدُ كُلُّهُ ، وَلَمَكَ الْمُلْكُ كُلُّهُ ، وَلَمَكَ الْجُودُ كُلُّهُ ، وَبِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ ، وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ ، عَلَانِيَتُهُ وَسِرُّهُ ، وَأَنْتَ مُنْتَهَى الشَّانِ كُلِّهِ . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمداً خَالِداً مَعَ خُلُودِكَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمداً لَا مُنْتَهَى لَهُ دُونَ عِلْمِكَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمداً لَا أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيَّتِكَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمداً لَا أَجْرَ لِقَائِهِ إِلَّا رِضَاكَ . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بَاعِثَ الْحَمْدِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَاثَرَ الْحَمْدِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ يَدِيحَ الْحَمْدِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُبْتَدِعَ الْحَمْدِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُنْتَهَى الْحَمْدِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُبْتَدِئَ الْحَمْدِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُشْتَرِيَ الْحَمْدِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَلِيُّ الْحَمْدِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ مَالِكُ الْحَمْدِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ قَدِيمَ الْحَمْدِ (٤) ، وَلَكَ الْحَمْدُ صَادِقَ الْوَعْدِ ، وَفِيَّ الْعَهْدِ ، عَزِيزَ الْجُنْدِ ، قَائِمَ الْمَجْدِ (٥) ، وَلَكَ الْحَمْدُ رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ ، مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ ، مُنْزِلَ الْآيَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ ، عَظِيمَ الْبَرَكَاتِ ، مُخْرِجَ النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ ، وَمُخْرِجَ مَنْ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ، مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ ، وَجَاعِلَ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ غَافِرَ الذَّنْبِ ، وَقَابِلَ التَّوْبِ ، شَدِيدَ الْعِقَابِ ، ذَا الطُّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ نَجْمٍ فِي السَّمَاءِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ قَطْرَةٍ نَزَلَتْ مِنَ السَّمَاءِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ قَطْرَةٍ فِي الْبِحَارِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِي جَوْفِ الْأَرْضِينَ وَأَوْزَانِ مِيَاهِ الْبِحَارِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى عِدَدِ مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحْصَى كِتَابُكَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الْوَرَقِ وَالشَّجَرِ وَالْحَصَى وَالنُّورِ وَالنَّارِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ وَالْبَهَائِمِ وَالسَّبَاعِ وَالْهَوَامِّ ، حَمداً كَثِيراً طَيِّباً مُبَارَكاً فِيهِ ، كَمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَى ، وَكَمَا يَتَبَغَى لِكَرَمِ وَجْهِكَ وَعِزِّ جَلَالِكَ مِنْ الْحَمْدِ مُبَارَكاً فِيهِ أَبَداً . (٦)

١- زاد في بحار الأنوار هنا : «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمداً يَصْعَدُ أَوَّلُهُ وَلَا يَنْفَدُ آخِرُهُ» .

٢- السَّرْمَدُ : الدائم الذي لا ينقطع (النهاية : ج ٢ ص ٣٦٣ «سرمد») .

٣- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .

٤- في بحار الأنوار : «ولك الحمد ولي الحمد ، ولك الحمد مبتدئ الحمد» بدل «ولك الحمد مبتدئ الحمد ... قديم الحمد» .

٥- في بحار الأنوار : «قديم المجد» .

٦- .جمال الأسبوع : ص ٢٨٢ عن عبد الله بن عطاء عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدّه الإمام الحسين عليهم السلام ، مُهَج الدعوات : ص ١٨٧ عن معاوية بن وهب عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام وص ١٨٩ ، البلد الأمين : ص ٢٥ كلاهما عن الإمام الحسين عنه عليهما السلام ، مصباح المتهدّج : ص ٨٦ ح ١٤١ ، فلاح السائل : ص ٣٨٩ ح ٢٦٥ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ٧٦ ح ١ .

امام علی علیه السلام: بار خدایا! تو را ستایش ؛ ستایشی چونان که تو سزای آنی ؛ ستایشی که آسمان ، کرانه هایش را برای آن فرود آورد ، و زمین و زمینیان برایت تسبیح گویند. بار خدایا! تو را ستایش ؛ ستایشی که افزون شود و نابود نشود . بار خدایا! تو را ستایش ، ستایشی پیوسته و همیشگی و ابدی که آن را قطع شدن و پایان پذیرفتنی نباشد ، و شایسته تو باشد و به تو منتهی شود ؛ ستایشی که آغازش [به سوی تو] فراز آید و آخرش تمام نشود. بار خدایا! تو را ستایش [؛ ستایشی] بر دوش من و با من و در من و پیش از من و پس از من و پیش روی من و بالای من و پایین من و نزد من ، و آن گاه که می میرم و در گور می شوم و تک و تنها می مانم و سپس نابود می شوم ، و تو را ستایش ، آن گاه که زنده و برانگیخته می شوم ، ای آقای من ! بار خدایا! تو را ستایش و تو را سپاس ، به خاطر همه ستایش هایت بر همه نعمت هایت ، چندان که ستایش ، به آنچه تو دوست داری و می پسندی ، منتهی شود. بار خدایا! تو را ستایش به خاطر هر رگ آرامی ، و تو را ستایش به خاطر هر رگ جنبانی ، و تو را ستایش به خاطر هر خفتنی و بیدار شدنی ، و تو را ستایش به خاطر هر خوردنی و نوشیدنی ، و دم زدنی و جنبشی ، و بستنی و گشادنی ، و نیم نگاهی و پلک زدنی ، و به خاطر هر جایگاه مویی و به خاطر هر حالی . بار خدایا! ستایش ، سراسر از آنِ توست و سپاس ، سراسر از آنِ توست ، و بزرگی ، سراسر از آنِ توست ، و پادشاهی ، سراسر از آنِ توست ، و بخشندگی ، سراسر از آنِ توست ، و خوبی ، همه در دست توست ، و کارها ، از آشکار و نهان ، سراسر به تو باز می گردند ، و تو پایانه همه کارهایی. بار خدایا! تو را ستایش ، ستایشی جاویدان به جاودانگی خودت؛ و تو را ستایش ، ستایشی که نهایت آن را تنها تو بدانی؛ و تو را ستایش ، ستایشی که آن را سرآمدی نباشد ، مگر آن که تو بخواهی؛ و تو را ستایش ، ستایشی که گوینده اش را مزدی جز خشنودی تو نباشد. بار خدایا! تو را ستایش به خاطر بردباری ات ، با آن که [گناهان ما را] می دانی ، و تو را ستایش به خاطر بخشودنت ، با آن که قدرت [بر انتقام] داری. بار خدایا! تو را ستایش که ایجاد کننده ستایشی ، و تو را ستایش که وارث ستایشی ، و تو را ستایش که پدید آورنده ستایشی ، و تو را ستایش که ابداع کننده ستایشی ، و تو را ستایش که منتهای ستایشی ، و تو را ستایش که آغاز (/ آغازگر) ستایشی ، و تو را ستایش که خریدار ستایشی ، و تو را ستایش که صاحب ستایشی ، و تو را ستایش که مالک ستایشی ، و تو را ستایش که دیرین ستایشی ، و تو را ستایش که راست وعده ای، وفا کننده به عهد و پیمانی ، لشکرت نیرومند است ، [و] همواره شکوهمندی . و تو را ستایش که بالا برنده درجاتی ، اجابت کننده دعاهایی ، فرو فرستنده آیات از فراز هفت آسمانی ، پُربرکتی ، بیرون آورنده روشنایی از دل تاریکی هایی ، بیرون برنده مردمان از تاریکی ها به سوی نوری ، تبدیل کننده بدی ها به نیکی هایی، و قرار دهنده درجات برای نیکی هایی . بار خدایا! تو را ستایش که آمرزنده گناهی ، پذیرنده توبه ای، سخت کیفری ، نیرومندی و معبودی جز تو نیست و بازگشت ، به سوی توست. بار خدایا! تو را ستایش ، در شب ، آن گاه که همه جا را فرو می پوشاند ؛ و تو را ستایش ، در روز ، آن گاه که آشکار می شود ؛ و تو را ستایش ، در آخرت و دنیا. بار خدایا! تو را ستایش به شمار هر ستاره ای در آسمان ، و تو را ستایش به شمار هر فرشته ای در آسمان ، و تو را ستایش به شمار هر قطره ای که از آسمان فرو می بارد ، و تو را ستایش به شمار هر قطره ای که در دریاست ، و تو را ستایش به شمار آنچه در دل زمین هاست و به وزن آب های دریاها ، و تو را ستایش به شمار هر آنچه در روی زمین است ، و تو را ستایش به شمار آنچه کتاب تو ثبت کرده است ، و تو را ستایش به شمار هر آنچه در حیطة علم توست ، و تو را ستایش به شمار برگ ها و درختان و ریگ ها و هسته ها و خاک ، و تو را ستایش به شمار آدمیان و پریان و چارپایان و درندگان و خزندگان ؛ ستایشی فراوان و پاک و خجسته ، آن سان که تو ای

پروردگار ما دوست می داری و می پسندی ، و آن سان که در خورِ روی بزرگوار و شکوه عزتمند توست ؛ ستایشی خجسته و ابدی.

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا تَأْخُذُ وَتُعْطَى ، وَعَلَى مَا تُعَافَى وَتَبْتَلَى ؛ حَمْدًا يَكُونُ أَرْضَى الْحَمْدِ لَكَ ، وَأَحَبُّ الْحَمْدِ إِلَيْكَ ، وَأَفْضَلُ الْحَمْدِ عِنْدَكَ ؛ حَمْدًا يَمَلَأُ مَا خَلَقْتَ ، وَيَبْلُغُ مَا أَرَدْتَ ؛ حَمْدًا لَا يُحْجِبُ عَنْكَ ، وَلَا يُقْصِرُ دُونَكَ ؛ حَمْدًا لَا يَنْقَطِعُ عِدَدُهُ ، وَلَا يَفْنَى مَدَدُهُ . فَلَسْنَا نَعْلَمُ كُنْهَ عَظَمَتِكَ ، إِلَّا أَنَا نَعْلَمُ أَنَّكَ حَيٌّ قَيُّومٌ ، لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ . لَمْ يَنْتَه إِلَيْكَ نَظْرٌ ، وَلَمْ يُدْرِ كَكَ بَصِيرٌ . أَدْرَكَتْ الْأَبْصَارَ ، وَأَحْصَيْتِ الْأَعْمَالَ (١) ، وَأَخَذْتَ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ . وَمَا الَّذِي نَرَى مِنْ خَلْقِكَ ، وَنَعَجِبُ لَهُ مِنْ قُدْرَتِكَ ، وَنَصِيْفُهُ مِنْ عَظِيمِ سُلْطَانِكَ ! وَمَا تَعَيَّبَ عَنَّا مِنْهُ ، وَقَصِيْرَتِ أَبْصَارُنَا عَنْهُ ، وَانْتَهَتْ عُقُولُنَا دُونَهُ ، وَحَالَتِ سُتُورُ الْغُيُوبِ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ أَعْظَمُ . فَمَنْ فَرَّغَ قَلْبَهُ وَأَعْمَلِ فِكْرَهُ ؛ لِيَعْلَمَ كَيْفَ أَقَمْتَ عَرْشَكَ ، وَكَيْفَ ذَرَأْتَ خَلْقَكَ ، وَكَيْفَ عَلَّقْتَ فِي الْهَوَاءِ سَمَاوَاتِكَ ، وَكَيْفَ مَدَدْتَ عَلَى مَوْرِ (٢) الْمَاءِ أَرْضَكَ ، رَجَعَ طَرْفُهُ حَسِيرًا (٣) ، وَعَقَلَهُ مَبْهُورًا ، وَسَمِعُهُ وَالِهَا ، وَفِكْرَهُ حَائِرًا . (٤)

١- في نسخه: «الأعمار» .

٢- المور: الموج ، والاضطراب ، والتحرُّك (تاج العروس: ج ٧ ص ٤٩٦ «مور») .

٣- حَسْرَ بصره: أى كَلَّ وانقطع نظره من طول مدى وما أشبه ذلك ، فهو حسير (لسان العرب: ج ٤ ص ١٨٨ «حسر») .

٤- نهج البلاغه: الخطبه ١٦٠ .

امام علی علیه السلام: بار خدایا! تو را ستایش به خاطر آنچه می ستانی و می دهی ، و عافیت می بخشی و مبتلا می کنی ؛ ستایشی که پسندیده ترین ستایش برای تو باشد ، و محبوب ترین ستایش در پیشگاه تو ، و برترین ستایش در نزد تو؛ ستایشی که آنچه را تو آفریده ای [جهان خلقت را] مالا مال سازد ، و به آن اندازه که تو می خواهی ، برسد ؛ ستایشی که از تو محبوب نماند ، و از پیشگاه تو منع نشود ؛ ستایشی که شمار آن قطع نشود ، و مدت آن به سر نیاید. ما عمق عظمت تو را نمی دانیم ؛ بلکه همین قدر می دانیم که تو زنده ای بیدار (/ جاویدان) هستی که هیچ گاه چرت و خوابت نمی گیرد ، هیچ نگاهی به تو نمی رسد، و هیچ دیده ای تو را نمی بیند، [ولی تو] دیدگان را در می یابی، و کردارها را شماره و ثبت می کنی، و کاکل ها و پاها [ی مجرمان و گنهکاران] را می گیری . (۱) چه بزرگ است آنچه از آفرینش تو می بینیم ، و از قدرتی که در آن به کار برده ای ، به شگفت می آییم ، و آن را از بزرگی سلطنت تو می شماریم! در حالی که آنچه از آفرینش تو از ما پنهان است ، و دیدگان ما آن را نمی بیند ، و خردهایمان به آستان آن نمی رسد ، و میان ما و آن ، پرده های غیب حایل گشته اند، بیشتر است. پس ، هر کس دل خویش را فارغ گرداند و اندیشه اش را به کار اندازد تا که بداند چگونه عرش خود را برپا داشتی ، و چگونه آفریدگانت را آفریدی ، و چگونه آسمان هایت را در هوا معلق داشتی ، و چگونه زمینت را بر روی موج آب گسترانیدی ، نگاهش خسته [و درمانده] ، و خردش خیره ، و گوشش گیج ، و اندیشه اش سرگشته می شود .

۱- . اشاره است به آیه شریف ۴۱ از سوره الرحمن : «يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمِهِمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَصِي وَالْأُقْدَامِ» .

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ ، وَلَكَ الْمُلْكُ كُلُّهُ ، وَبِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ ، وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ ، عَلَانِيَتُهُ وَسِرُّهُ ، وَأَنْتَ مُنْتَهَى الشَّأْنِ كُلُّهُ . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى غُفْرَانِكَ بَعْدَ غَضَبِكَ . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ ، مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ ، مُنَزِّلَ الْبَرَكَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ ، مُعْطِيَ السُّؤَالَاتِ (١) ، وَمُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِالْحَسَنَاتِ ، وَجَاعِلَ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ ، وَالْمُخْرِجِ إِلَى النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ ، غَافِرِ الذَّنْبِ ، وَقَابِلِ التَّوْبِ ، شَدِيدِ الْعِقَابِ ، ذَا الطَّلَوِ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَغُرُوبِهَا ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى عَدَدًا ، وَلَا تَنْقُضِي مَدَدًا سَرْمَدًا . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِيمَا مَضَى ، وَلَكَ الْحَمْدُ فِيمَا بَقِيَ .

(٢)

١- في المصدر: «السؤالات»، والتصويب من بحار الأنوار .

٢- فلاح السائل: ص ٣١٠ ح ٢١١ ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٦٤ ح ٣ .

امام علی علیه السلام: بار خدایا! ستایش ، سراسر تو را ، و پادشاهی ، سراسر تو را ، و خوبی ، سراسر در دست توست ، و کارها سراسر ، از آشکار و نهان ، به تو باز می گردند ، و تو منتهای همه چیزی. بار خدایا! تو را ستایش به خاطر بخشودنت پس از قدرتت [و مسلط شدن] ، و تو را ستایش به خاطر آمرزیدنت پس از خشم گرفتنت. بار خدایا! تو را ستایش که بالا برنده درجاتی ، اجابت کننده دعاهایی ، فرو فرستنده برکت ها از فراز هفت آسمانی ، دهنده درخواست هایی ، تبدیل کننده بدی ها به خوبی هایی ، قرار دهنده درجات برای نیکی هایی ، و برون برنده از تاریکی ها به سوی روشنایی هستی. بار خدایا! تو را ستایش که آمرزنده گناهی ، پذیرنده توبه ای ، سخت کیفری ، توانمندی (/ بخشنده ای) ، معبودی جز تو نیست و بازگشت ، به سوی توست. بار خدایا! تو را ستایش ، در شب ، آن گاه که [عالم را] فرو می پوشاند ؛ و تو را ستایش ، در روز ، آن گاه که روشن می شود ؛ و تو را ستایش ، در آخرت و دنیا. بار خدایا! تو را ستایش ، در شب ، آن گاه که تاریک می شود ؛ و تو را ستایش ، در روز ، آن گاه که بر می دمید ؛ و تو را ستایش ، به گاه بر آمدن خورشید و فرو شدن آن ؛ و تو را ستایش به خاطر نعمت هایت که به شماره نمی آیند ، و زمان و مدّشان به سر نمی آید. بار خدایا! تو را ستایش ، در آنچه گذشت ، و تو را ستایش ، در آنچه باقی مانده است .

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمَدْتَ بِهِ نَفْسَكَ ، وَحَمَدَكَ بِهِ الْحَامِدُونَ ، وَمَجْدَكَ بِهِ الْمَمَجِّدُونَ ، وَكَبْرَكَ بِهِ الْمُكَبِّرُونَ ، وَعَظَمَكَ بِهِ الْمُعْظَمُونَ ، حَتَّى يَكُونَ لَكَ مِنِّي وَحْدِي فِي كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ وَأَقْلٍ مِنْ ذَلِكَ مِثْلُ حَمْدِ جَمِيعِ الْحَامِدِينَ ، وَتَوْحِيدِ أَصْنَافِ الْمُؤَحِّدِينَ الْمُخْلِصِينَ ، وَتَقْدِيسِ أَجْبَائِكَ الْعَارِفِينَ ، وَتَنَاءِ جَمِيعِ الْمُهَلِّلِينَ ، وَمِثْلُ مَا أَنْتَ عَارِفٌ بِهِ وَمَحْمُودٌ بِهِ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ مِنَ الْحَيَوَانِ وَالْجَمَادِ . (١)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ . . . وَتَقَاصِرَ وَوَسِعَ قَدْرَ الْعُقُولِ عَنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ ، وَانْقَطَعَتِ الْأَلْفَاظُ عَنْ مِقْدَارِ مَحَاسِنِكَ ، وَكَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ إِحْصَاءِ نِعَمِكَ ، فَإِذَا وَلَجْتَ بِطُرُقِ الْبَحْثِ عَنْ نِعَمِكَ بَهَرْتَهَا (٢) حَيْرَهُ الْعَجْزِ عَنْ إِدْرَاكِ وَصْفِكَ ، فَهِيَ تَرَدُّدٌ فِي التَّقْصِيرِ عَنْ مُجَاوِزِهِ مَا حَدَدَتْ لَهَا ؛ إِذْ لَيْسَ لَهَا أَنْ تَتَجَاوَزَ مَا أَمَرَتْهَا ، فَهِيَ بِالْإِقْتِدَارِ عَلَى مَا مَكَّنَتْهَا تَحْمَدُكَ بِمَا أَنْهَيْتَ إِلَيْهَا ، وَالْأَلْسُنُ مُتَبَسِّطَةٌ بِمَا تُمَلَى عَلَيْهَا ، وَلَكَ عَلَى كُلِّ مَنْ اسْتَعْبَدْتَ مِنْ خَلْقِكَ أَلَّا يَمْلُؤُوا مِنْ حَمْدِكَ وَإِنْ قَصُرَتْ الْمَحَامِدُ عَنْ شُكْرِكَ عَلَى مَا أَسَدَيْتَ (٣) إِلَيْهَا مِنْ نِعَمِكَ ، فَحَمَدَكَ بِمَبْلَغِ طَاقِهِ جُهْدِهِمُ الْحَامِدُونَ ، وَاعْتَصَمَ بِرَجَاءِ عَفْوِكَ الْمُقْصِرُونَ ، وَأَوْجَسَ (٤) بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ الْخَائِفُونَ ، وَقَصَّيْدَ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ الطَّالِبُونَ ، وَانْتَسَبَ إِلَى فَضْلِكَ الْمُحْسِنُونَ ، وَكُلُّ يَتَفَقَّأُ فِي ظِلَالِ تَأْمِيلِ عَفْوِكَ ، وَيَتَضَاءَلُ بِالذُّلِّ لِخَوْفِكَ ، وَيَعْتَرِفُ بِالتَّقْصِيرِ فِي شُكْرِكَ . فَلَمْ يَمْنَعَكَ صُدُوفُ مَنْ صَدَفَ (٥) عَنْ طَاعَتِكَ ، وَلَا عُكُوفُ مَنْ عَكَفَ عَلَى مَعْصِيَتِكَ ، أَنْ أَسْبَغْتَ عَلَيْهِمُ النِّعَمَ ، وَأَجَزَلْتَ لَهُمُ الْقِسْمَ ، وَصَرَفْتَ عَنْهُمْ النِّقَمَ ، وَخَوَّفْتَهُمْ عَوَاقِبَ النَّدَمِ ، وَضَاعَفْتَ لِمَنْ أَحْسَنَ ، وَأَوْجَبْتَ عَلَى الْمُحْسِنِينَ شُكْرَ تَوْفِيقِكَ لِلْإِحْسَانِ ، وَعَلَى الْمُسِيءِ شُكْرَ تَعْطُفِكَ بِالْإِمْتِنَانِ ، وَوَعَدْتَ مُحْسِنَهُمْ بِالزِّيَادَةِ فِي الْإِحْسَانِ مِنْكَ . فَشَيْبَانُكَ تُثِيبُ عَلَى مَا يَدُوُّهُ مِنْكَ ، وَانْتِسَابُهُ إِلَيْكَ ، وَالْقُوَّةُ عَلَيْهِ بِكَ ، وَالْإِحْسَانُ فِيهِ مِنْكَ ، وَالتَّوَكُّلُ فِي التَّوْفِيقِ لَهُ عَلَيْكَ . فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدٌ مَنْ عَلِمَ أَنَّ الْحَمْدَ لَكَ ، وَأَنَّ بَدَأَهُ مِنْكَ وَمَعَادَهُ إِلَيْكَ ، حَمْدًا لَا يَقْصُرُ عَنْ بُلُوغِ الرِّضَا مِنْكَ ، حَمْدٌ مَنْ قَصَدَكَ بِحَمْدِهِ ، وَاسْتَحَقَّ الْمَزِيدَ لَهُ مِنْكَ فِي نِعْمِهِ ، وَلَكَ مُؤَيَّدَاتٌ مِنْ عَوْنِكَ ، وَرَحْمَةٌ تُخْصُّ بِهَا مَنْ أَحْبَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ . (٦)

- ١- .مُهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص ١٦٥ وَص ١٤٠ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ وَص ١٥٠ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٩٥ ص ٢٤٤ ح ٣١ وَص ٢٥٠ ح ٣٢ .
- ٢- .بَهْرَةٌ : قَهْرُهُ وَعِلَاؤُهُ وَغَلْبُهُ (لِسَانُ الْعَرَبِ : ج ٤ ص ٨١ «بهر»).
- ٣- .أَسَدَى إِلَيْهِ : أَحْسَنَ (الْقَامُوسُ الْمَحِيطُ : ج ٤ ص ٣٤١ «سدى»).
- ٤- .أَوْجَسَ الْقَلْبَ فَرَعًا : أَحْسَبَ بِهِ (لِسَانُ الْعَرَبِ : ج ٦ ص ٢٥٣ «وجس»).
- ٥- .صَدَفَ عَنِّي : أَعْرَضَ (الصَّحَاحُ : ج ٤ ص ١٣٨٤ «صدف»).
- ٦- .مُهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص ١٥٤ وَقَالَ الْمُؤَلَّفُ قَدَسَ سِرُّهُ فِي صَدْرِهِ : «وَكَانَ يَدْعُو بِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْبَاقِرَ وَالصَّادِقَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٩٥ ص ٤٠٣ ح ٣٤ .

امام علی علیه السلام: بار خدایا! تو را ستایش ، به مانند ستایشی که تو خود ، خویشتن را با آن ستوده ای و ستاینندگان ، تو را با آن ستوده اند و تمجید کنندگان ، تو را با آن ، تمجید کرده اند و بزرگ شمارندگان ، تو را با آن ، بزرگ شمرده اند و تعظیم کنندگان ، تو را با آن ، به عظمت یاد کرده اند، تا آن که تو را از جانب من ، به تنهایی ، در هر نگاهی و در کمتر از آن ، [ستایشی] به اندازه ستایش همه ستاینندگان باشد ، و [نیز] به اندازه توحید گویی همه توحید گویانِ مُخلص ، و تقدیسِ دوستانِ عارف ، و ثنای تمام «لا إله إلا الله» گویان ، و به آن اندازه که تو خود ، آن را می دانی و توسط همه آفریدگانت ، از جاندار و بی جان ، با آن ، ستایش می شوی.

امام علی علیه السلام: بار خدایا! ... خردها از ثنای تو عاجزند ، و کلمات از بیان اندازه خوبی های تو ناتوان اند ، و زبان ها از بر شمردن نعمت های تو الکن اند . هر گاه خردها در راه های جستجو از نعمت های تو در آیند ، در حیرتِ ناتوانی از رسیدن به وصف تو فرو می مانند ، و از حدّ و مرزی که تو برای آنها نهاده ای ، فراتر نمی روند؛ زیرا خردها را نشاید که از آنچه تو فرمانشان داده ای ، تجاوز کنند . پس با همان قدرتی که تو به آنها داده ای ، بدان اندازه که تو تعیین فرموده ای ، ستایش می گویند ، و زبان ها به آنچه تو برایشان دیکته می کنی ، گشاده اند، و تمام آفریدگانت که از آنها خواسته ای تو را بندگی کنند ، در برابر تو وظیفه دارند که از ستایش خسته نشوند ، هر چند ستایش ها از گزاردن شکر تو برای نعمت هایی که داده ای ، قاصرند . پس ، ستایشگران ، به اندازه توان خویش ، تو را ستایش می کنند و تقصیرمندان ، به بخشش تو امید می بندند و بیمناکان ، از خداوند گاری تو هراسان اند و طلب کنندگان ، به زاری و التماس از تو روی می آورند و نیکوکاران ، [نیکوکاری] خود را به فضل تو نسبت می دهند و هر کس در سایه سار امید به بخشایش تو بیارمد ، و از ترس تو خواری نماید ، و به تقصیر در سپاس گزاری از تو انحراف کند ، پس ، روی گردانی آن که از طاعت تو روی گردانیده و پافشاری آن که در معصیت تو پافشاری می کند ، مانع تو از آن نشود که نعمت ها [یت] را بر آنان سرشار سازی و بهره ها [یشان] را فراوان گردانی و خشم و عذاب ها [یت] را از آنان بگردانی و ایشان را از عواقب پشیمانی بترسانی ، و به آن که نیکی کرد ، دو چندان [پاداش] دهی ، و بر نیکوکاران واجب گردانی که در برابر توفیق نیکوکاری ات سپاس گزاری کنند ، و بر بدکار واجب سازی که مهربانی و بنده نوازی ات را سپاس گویند ، و به نیکوکارشان وعده داده ای که بر نیکی خویش [به ایشان] بیفزایی. پس پاکی تو ، که برای چیزی پاداش می دهی که آغاز آن ، از خود توست و به تو منتسب است و نیروی انجام دادن آن را نیز خودت داده ای و نیکی کردن در آن ، از جانب توست و برای توفیق در انجام دادن آن ، به تو توکل شده است. پس تو را ستایش ؛ ستایش کسی که می داند ستایش ، از آن توست و آغازش از تو و بازگشتش به توست ؛ ستایشی که تو را پسند افتد و خشنود سازد ؛ ستایش کسی که با ستایش خود ، تو را می جوید و سزاوار است که از جانب تو ، نعمتش افزون گردد ، و تو به هر یک از خلق خویش که دوستش می داری ، کمک ها می رسانی و مهر می ورزی.

راجع: الدرود الواقيه: ص ١٧١ ٢٥٨ (أدعيه الأيام من اليوم الأول إلى اليوم الثلاثين للإمام علي عليه السلام).

٥ / ٣ المحامد الماثوره عن فاطمة الزهراء فاطمه عليها السلام: الحمد لله الذي بنعمته بلغت ما بلغت من العلم به والعمل له والرغبة إليه والطاعة لأمره، والحمد لله الذي لم يجعلني جاحدا لشيء من كتابه، ولا متحيرا في شيء من أمره، والحمد لله الذي هداني إلى دينه ولم يجعلني أعبد شيئا غيره. (١)

عنها عليها السلام: الحمد لله الذي لا يحصى مدحته القائلون، والحمد لله الذي لا يحصى نعماءه العادون، والحمد لله الذي لا يؤدى حقه المجتهدون... والحمد لله الذي لا يدرك العالمون علمه، ولا يستخف جاهلون حلمه، ولا يبلغ المادحون مدحته، ولا يصف الواصفون صفته، ولا يحسن الخلق نعتة. والحمد لله ذي الملك والملكوت، والعظمة والجبروت، والعز والكبرياء، والجلال والبهاء، والمهابه والجمال، والعزه والقدره، والحوال والقوه، والمنه والغلبه، والفضل والطول، والعديل والحق، والعلی والرّفعة والمجد، والفضيله والحكمه، والغناء والسعه، والبسط والقبض، والحلم والعلم، والحجه البالغه والنعمه السابغه، والثناء الحسن الجميل والآلاء الكريمه، ملك الدنيا والآخره والجنه والنار وما فيهن تبارك وتعالى. الحمد لله الذي علم أسرار الغيوب، وأطلع على ما تجن (٢) القلوب، فليس عنه مذهب ولا مهرب. الحمد لله المتكبر في سلطانه، العزيز في مكانه، المتجبر في ملكه، القوي في بطشه، الرفيع فوق عرشه، المطلع على خلقه، والبالغ لما أراد من علمه. الحمد لله الذي بكلماته قامت السماوات الشداد، وثبتت الأرضون المهاد، وانتصبت الجبال الرواسي الأوتاد، وجرت الرياح اللواقح، وسار في جو السماء السحاب، ووقفت على حدودها البحار، ووجلت القلوب من مخافته، وانقمت الأرباب لربوبيته. تبارك يا محصي قطر المطر وورق الشجر، ومحيي أجساد الموتى للحشر. (٣)

١- فلاح السائل: ص ٣١٢ ح ٢١٢، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٦٦ ح ٤.

٢- أجنه: ستره (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٢١٠ «جنن»).

٣- فلاح السائل: ص ٤٢٠ ح ٢٩٠، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٠٢ ح ٨.

۵ / ۳ ستایش های رسیده از فاطمه زهرا علیها السلام

ر. ك: الدرّوع الواقیه : ص ۱۷۱ ۲۵۸ (أدعیه الأيام من الیوم الأوّل إلى الیوم الثلثین ، للإمام علی علیه السلام) .

۳ / ۵ ستایش های رسیده از فاطمه زهرا علیها السلام: ستایش ، خدایی را که با نعمت [و لطف] خود او بود که این شناخت او و عمل برای او و شوق به او و اطاعت فرمان او رسیدم. ستایش ، خدایی را که مرا منکر چیزی از کتابش ، و سرگشته و دو دل در چیزی از فرمانش قرار نداد . ستایش ، خدایی را که مرا به دینش هدایت فرمود و کاری نکرد که چیزی جز او را بپرستم.

فاطمه علیها السلام: ستایش ، خدایی را که گویندگان ، از پس ستایش او بر نیایند . ستایش ، خدایی را که شمارندگان ، توان شمردن نعمت های او را ندارند . ستایش ، خدایی را که کوشندگان [در طاعت و عبادت] ، حقّ او را ادا نتوانند کرد ستایش ، خدایی را که دانایان دانش او را در نیابند ، نادانان بردباری [و حوصله] او را به سر نیارند ، ستایشگران به ستایش او نرسند ، وصف کنندگان ویژگی اش را توصیف نکنند ، و خلاق از عهده نعت او ، به خوبی بر نیایند. ستایش ، خدایی را که صاحب مُلک و ملکوت است و صاحب عظمت و قدرت ، ارجمندی و کبریا ، شکوه و تابندگی ، هیبت و زیبایی ، عزّت و قدرت ، نیرو و توان ، نعمت و چیرگی ، بخشش و دهش ، داد و حق ، والایی و بلندی و بزرگی ، فضیلت و حکمت ، بی نیازی و وسعت ، گستراندن و جمع کردن ، بردباری و دانایی ، حجت رسا و نعمت سرشار ، ثنای زیبا و نیکو ، و احسان های کریمانه ؛ همو که بر دنیا و آخرت و بهشت و دوزخ و هر چه در آنها باشد ، فرمان رواست ؛ همو که خجسته و والا است. ستایش ، خدایی را که اسرار غیب ها را می داند و از هر آنچه در دل ها نهان باشد ، آگاه است . پس ، راهی و گریزگاهی [برای فرار] از او نیست. ستایش ، خدایی را که در سلطنتش بزرگ است ، در جایگاهش عزّتمند ، در پادشاهی اش قدرتمند و در حمله اش نیرومند؛ بر فراز عرشش جای دارد ، بر آفریدگانش مُشرف و آگاه است و به آنچه از علم خود که بخواهد ، می رسد. ستایش ، خدایی را که با کلمات او ، آسمان های سخت بر پا شدند ، زمین های صاف بر جا گشتند ، کوه های استوار و میخکوب شده [در زمین] ، برافراشته شدند ، بادهای بارورسازنده [ی گیاهان] ، روان شدند ، ابرها در فضای آسمان به حرکت درآمدند و دریاها در کرانه هایشان ایستادند ؛ او که دل ها از ترسش تپان و هراسان شد و خداوندان در برابر پروردگاری اش مقهور شدند. خجسته ای تو ، ای شمارنده قطرات باران و برگ های درختان ! و ای زنده کننده بدن های مردگان در رستاخیز!

عنها عليها السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ سَامِكٌ (١) السَّمَاءِ ، وَسَاطِحِ الْأَرْضِ ، وَحَاصِرِ الْبِحَارِ ، وَنَاصِدِ الْجِبَالِ ، وَبَارِي الْحَيَوَانِ ، وَخَالِقِ الشَّجَرِ ، وَفَاتِحِ يَنَابِعِ الْأَرْضِ ، وَمُدَبِّرِ الْأُمُورِ ، وَمُسَيِّرِ السَّحَابِ ، وَمُجْرِي الرِّيحِ وَالْمَاءِ وَالنَّارِ مِنْ أَغْوَارِ (٢) الْأَرْضِ مُتَّصِعِدَاتٍ فِي الْهَوَاءِ ، وَمُهَبِّطِ الْحَرِّ وَالْبَرْدِ ، الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَبَتَّمُ الصَّالِحَاتُ ، وَبِشُكْرِهِ نَسْتَوْجِبُ الزِّيَادَاتِ ، وَبِأَمْرِهِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ ، وَبِعِزَّتِهِ اسْتَقَرَّتِ الرَّاسِيَاتُ (٣) ، وَسَيَّبَحَتِ الْوُحُوشُ فِي الْفَلَوَاتِ (٤) ، وَالطَّيْرُ فِي الْوُكُنَاتِ . (٥) الْحَمْدُ لِلَّهِ رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ ، مُنْزِلِ الْآيَاتِ ، وَاسِعِ الْبَرَكَاتِ ، سَاتِرِ الْعُورَاتِ ، قَابِلِ الْحَسَنَاتِ ، مُقِيلِ الْعَثَرَاتِ ، مُنْفَسِ الْكُرْبَاتِ ، مُنْزِلِ الْبَرَكَاتِ ، مُجِيبِ الدَّعَوَاتِ ، مُحْيِي الْأَمْوَاتِ ، إِلَهٍ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتِ . الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَمْدٍ وَذِكْرٍ وَشُكْرٍ وَصَبْرٍ ، وَصَلَاةٍ وَزَكَاهٍ وَقِيَامٍ وَعِبَادَةٍ ، وَسَعَادَةٍ وَبَرَكَهٍ وَزِيَادَةٍ ، وَرَحْمَةٍ وَنِعْمَةٍ وَكَرَامَةٍ وَفَرِيضَةٍ ، وَسَيْرَاءٍ وَضَرَاءٍ وَشِدَّةٍ وَرَخَاءٍ ، وَمُصِيبَةٍ وَبَلَاءٍ ، وَعُسْرٍ وَيُسْرٍ وَغَنَاءٍ وَفَقْرٍ ، وَعَلَى كُلِّ حَالٍ وَفِي كُلِّ أَوَانٍ وَزَمَانٍ ، وَكُلِّ مَثْوَى وَمُنْقَلَبٍ وَمُقَامٍ . (٦)

١- سَمَكُ الشَّيْءِ يَسْمُكُهُ : إِذَا رَفَعَهُ . وَالسَّامِكُ : الْعَالِي الْمَرْتَفِعُ (النَّهْيَةُ : ج ٢ ص ٤٠٣ «سَمَكُ»).

٢- الْعُورُ : الْقَعْرُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ (الْقَامُوسُ الْمَحِيطُ : ج ٢ ص ١٠٥ «غور»).

٣- رَسَا الْجِبَلُ يَرَسُو : إِذَا ثَبَتَ أَصْلُهُ فِي الْأَرْضِ . وَجِبَالُ رَوَاسٍ وَرَاسِيَاتٍ (تَاجُ الْعُرُوسِ : ج ١٩ ص ٤٦١ «رَسَا»).

٤- الْفَلَاةُ : الْقَفْرُ مِنَ الْأَرْضِ ، وَقِيلَ : هِيَ التِّي لَا مَاءَ فِيهَا (لِسَانُ الْعَرَبِ : ج ١٥ ص ١٦٤ «فلا»).

٥- الْوُكُنَاتُ : جَمْعُ وَكْنَةٍ ؛ وَهِيَ عَشَّ الطَّائِرِ (النَّهْيَةُ : ج ٥ ص ٢٢٢ «وكن»).

٦- فَلَاحُ السَّائِلِ : ص ٤٤٠ ح ٣٠٣ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٨٦ ص ١١٥ ح ٢ .

فاطمه علیهاالسلام: ستایش ، خدایی را که فراموش نمی کند آن کس را که یاد او کند . ستایش ، خدایی را که ناکام نمی گرداند آن کس را که بخواندش . ستایش ، خدایی را که هر کس به او توکل کرد ، او کفایتش نمود . ستایش ، از آن خداست ؛ برافزنده آسمان و گستراننده زمین ، محاصره کننده دریاها و در کنار هم چیننده کوه ها ، پدید آورنده جانداران و آفریننده درختان ، گشاینده چشمه های زمین و گرداننده کارها ، حرکت دهنده ابرها و جاری کننده باد و آب و آتش از اعماق زمین که در هوا بالا روند ، و فرود آورنده گرما و سرما ؛ همان خدایی که با نعمت [و لطف] اوست که کارهای نیک انجام می پذیرد و با سپاس گزاری از اوست که سزاوار افزایش نعمتش می شویم ، به فرمان او آسمان ها برپاست و با عزت اوست که کوه های استوار پابرجایند ، و جانوران وحشی در بیابان ها و پرندگان در آشیانه هایشان ، تسبیح می گویند . ستایش ، خدای را که بالا برنده درجات است ، فرو فرستنده آیات است ، گستراننده برکات است ، پوشاننده عیب هاست ، پذیرنده خوبی هاست ، گذشت کننده از لغزش هاست ، زداینده اندوه هاست ، فرو فرستنده برکت هاست ، اجابت کننده دعاهاست ، زنده کننده مردگان است ، معبود همه زمینیان و آسمانیان است . سپاس و ستایش ، خدای را بابت هر ستایشی و یادی و سپاسی و شکیی ، و هر نمازی و زکاتی و برخاستنی و عبادتی ، و هر سعادت و برکتی و افزایشی ، و هر رحمتی و نعمتی و کرامتی و وظیفه ای ، و هر خوشی و ناخوشی و سختی و آسایشی ، و هر مصیبت و بلا و دشوار و آسانی ای ، و هر بی نیازی و نیازی ، و بر هر حالی و در هر لحظه ای و زمانی ، و در هر جایی و هر بازگشتگاهی و ماندگاهی .

عنها عليها السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي كَافِرًا لَأَنْعَمَهُ وَلَا جَاهِدًا لِفَضْلِهِ ، فَالْخَيْرُ مِنْهُ وَهُوَ أَهْلُهُ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حُجَّتِهِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ مِنْ مَنِّ أَطَاعَهُ وَمَنْ عَصَاهُ ، فَإِنْ رَحِمَ فَمِنْ مَنِّهِ ، وَإِنْ عَاقَبَ فَبِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ، وَمَا اللَّهُ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْمَكَانِ ، الرَّفِيعِ الْبُنْيَانِ ، الشَّدِيدِ الْأَرْكَانِ ، الْعَزِيزِ السُّلْطَانِ ، الْعَظِيمِ الشَّانِ ، الْوَاضِحِ الْبُرْهَانِ ، الرَّحِيمِ الرَّحْمَنِ ، الْمُنْعِمِ الْمَنَّانِ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي احْتَجَبَ عَنْ كُلِّ مَخْلُوقٍ يَرَاهُ بِحَقِيقَةِ الرَّبُوبِيَّةِ وَقُدْرَةِ الْوَحْدَانِيَّةِ ، فَلَمْ تُدْرِكْهُ الْأَبْصَارُ ، وَلَمْ تُحِطْ بِهِ الْأَخْبَارُ ، وَلَمْ يَقْسَهُ مِقْدَارٌ ، وَلَمْ يَتَوَهَّمْهُ اعْتِبَارٌ؛ لِأَنَّهُ الْمَلِكُ الْجَبَّارُ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِلْءَ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمِلْءَ طِبَاقِهِنَّ ، وَمِلْءَ الْأَرْضِينَ (١) السَّبْعِ ، وَمِلْءَ مَا بَيْنَهُمَا ، وَمِلْءَ عَرْشِ رَبَّنَا الْكَرِيمِ ، وَمِيزَانَ رَبَّنَا الْعَفَّارِ ، وَمِيزَانَ رَبَّنَا الْقَهَّارِ ، وَمِلْءَ الْجَنَّةِ وَمِلْءَ النَّارِ ، وَعَدَدَ الثَّرَى وَالْمَاءِ ، وَعَدَدَ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى . (٢)

١- في المصدر: «الأرض»، والتصويب من بحار الأنوار .

٢- فلاح السائل: ص ٣٥٨ ح ٢٤١ ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٨٥ ح ١١ .

فاطمه علیهاالسلام: ستایش ، خدای را که مرا ناسپاس در برابر نعمت هایش و منکر لطف و احسانش قرار نداد . پس خوبی ، از اوست و او اهل [و صاحب] آن است . ستایش ، خدای را از بهر حجت رسایش بر همه آفریدگانش ؛ از فرمان بردار و نافرمان . پس اگر رحم آورد ، از لطف اوست و اگر کیفر دهد ، بر اثر کردار خود آنان است ، و خداوند هرگز به بندگان ستم روا ندارد . ستایش ، خدای را که جایگاهش بلند است و بنیانش افراشته ، ارکانش استوار ، سلطنتش چیره ناشدنی ، مقامش بزرگ ، و برهانش روشن . مهربان است و مهرگستر ، نعمت ده است و بنده پرور . ستایش ، خدایی را که خود را از [دید] هر مخلوقی ، در پرده داشته است که او را [تنها] به حقیقت پروردگاری و قدرت یگانگی ببیند . پس آفریدگان ، او را در نمی یابند و خبرها بر او احاطه ندارند [و چنانی که باید و شاید ، معرفی اش نتوانند کرد] ، و به اندازه نیاید و در وهم نگنجد ؛ زیرا اوست پادشاه قدرتمند ... بار خدایا! تو را ستایش ، به گنجایی آسمان های هفتگانه و به گنجایی طبقات آنها ، و به گنجایی زمین های هفتگانه و ما بین آنها ، و به گنجایی عرش پروردگار بزرگوار ما و ترازوی پروردگار آمرزنده ما و گستره کلمات پروردگار همیشه چیره ما ، و به گنجایی بهشت و به گنجایی دوزخ ، و به عدد خاک و آب ، و به شمار هر آنچه دیده می شود و هر آنچه دیده نمی شود.

٥ / ١٤ المَحَامِدُ المَأثُورَةُ عَنِ الإِمَامِ الحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ المُجْتَبِي الإِمَامِ الحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ حَامِدٌ ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلَّمَا شَهِدَ لَهُ شَاهِدٌ . (١)

عنه عليه السلام: الحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ تَكَلَّمَ سَمِعَ كَلَامَهُ ، وَمَنْ سَيَّكَتَ عَلِمَ مَا فِي نَفْسِهِ ، وَمَنْ عَاشَ فَعَلَيْهِ رِزْقُهُ ، وَمَنْ مَاتَ فَإِلَيْهِ مَعَادَةٌ . (٢)

عنه عليه السلام مِنْ كَلَامٍ لَهُ فِي مَجْلِسِ مُعَاوِيَةَ : الحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَى أَوْلَكُمْ بِأَوْلَانَا ، وَآخَرَكُمْ بِآخِرِنَا ، وَصَيَّرَ لِي اللَّهُ عَلِيَّ جَدِّي مُحَمَّدٍ النَّبِيَّ وَآلِهِ وَسَلَّم . (٣)

١- الإِرشَاد : ج ٢ ص ١١ ، كَشْفُ الغَمِّه : ج ٢ ص ١٦٥ كِلاهُمَا عَنِ أَبِي إِسْحَاقِ السَّيِّعِيِّ وَغَيرِهِ ، بَحَارُ الأَنْوَارِ : ج ٤٤ ص ٤٦ ح ٥ ؛ شَرْحُ نَهْجِ البَلَاغَةِ : ج ١٦ ص ٤٠ .

٢- العَيْدُ القَوِيَّةُ : ص ٣٨ ح ٤٨ ، الإِقْبَالُ : ج ٢ ص ١٦٤ مِنْ دُونِ إِسْنَادٍ إِلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ البَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، نَزَهَةُ النَّاظِرِ : ص ٧٣ ح ١٧ ، كَشْفُ الغَمِّه : ج ٢ ص ١٩٨ ، بَحَارُ الأَنْوَارِ : ج ٧٨ ص ١١٤ ح ٨ .

٣- الاِحْتِجَاجُ : ج ٢ ص ٢٣ عَنِ الشَّعْبِيِّ وَأَبِي مَخْنَفٍ وَيزِيدُ بْنُ أَبِي حَبِيبٍ المِصْرِيِّ ، بَحَارُ الأَنْوَارِ : ج ٤٤ ص ٧٣ ح ١ .

۵ / ۴ ستایش های رسیده از امام حسن مجتبی علیه السلام

۴ / ۵ ستایش های رسیده از امام حسن مجتبی علیه السلام امام حسن علیه السلام: ستایش ، خدای را با همه آنچه هر ستایشگری او را ستوده باشد ، و گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ؛ تا هر آن گاه که هر گواهی دهنده ای گواهی دهد.

امام حسن علیه السلام: ستایش ، خدایی را که هر کس سخن بگوید ، او سخنش را می شنود و هر کس خاموش بماند ، او می داند که در درون او چه می گذرد و هر کس زندگی کند ، روزی اش بر عهده اوست و هر کس بمیرد ، بازگشتش به سوی اوست.

امام حسن علیه السلام در سخنانی نزد معاویه : ستایش ، خدای را که اولین کسانِ شما (بنی امیه) را به وسیله اولین کسانِ ما هدایت فرمود و آخرین کسانتان را به وسیله آخرین کسانِ ما . و درود خدا و سلام او ، بر جدّم محمّد و خاندانش باد.

عنه عليه السلام أيضا : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَىٰ بِنَا أَوْلَكُمْ ، وَحَقَّنَ (١) بِنَا دِمَاءَكُمْ . (٢)

عنه عليه السلام من خُطْبِهِ لَهُ بَعْدَ الصُّلْحِ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَوَحَّدَ فِي مُلْكِهِ ، وَتَفَرَّدَ فِي رُبُوبِيَّتِهِ ، يُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ يَشَاءُ وَيَنْزِعُهُ عَمَّنْ يَشَاءُ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَ بِنَا مُؤْمِنَكُمْ ، وَأَخْرَجَ مِنَ الشَّرِكِ أَوْلَكُمْ ، وَحَقَّنَ دِمَاءَ آخِرِكُمْ . (٣)

عنه عليه السلام مِنْ خُطْبِهِ لَهُ عِنْدَ مَلِكِ الرُّومِ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَا مَجُوسِيًّا ، وَلَا عَابِدًا لِلشَّمْسِ وَالْقَمَرِ ، وَلَا الصَّنَمِ وَالْبَقَرِ ، وَجَعَلَنِي حَنِيفًا (٤) مُسْلِمًا وَلَمْ يَجْعَلْنِي مِنَ الْمُشْرِكِينَ ، تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . (٥)

عنه عليه السلام فِي خُطْبَتِهِ بَعْدَ وَفَاةِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَانَ فِي أَوْلِيَّتِهِ وَحِدَايَتِنَا ، وَفِي أَرْزَلَتِهِ مُتَعَطِّمًا بِالْإِلَهِيَّةِ ، مُتَكَبِّرًا بِكِبْرِيَاءِهِ وَجَبْرُوتِهِ ، خَلَقَ جَمِيعَ مَا خَلَقَ عَلَىٰ غَيْرِ مِثَالٍ كَانَ سَبَقَ مِمَّا خَلَقَ ، رَبُّنَا اللَّطِيفُ بِالطُّفْلِ رُبُوبِيَّتِهِ ، وَبِعِلْمِ خَبْرِهِ (٦) فَتَقَرَّرَ ، وَبِإِحْكَامِ قُدْرَتِهِ خَلَقَ جَمِيعَ مَا خَلَقَ ، وَلَا زَوَالَ لِمُلْكِهِ وَلَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ ، فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ عِلَا ، وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ دَنَا ، فَتَجَلَّى لِخَلْقِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونَ يُرَى ، وَهُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى . اِحْتَجَبَ بِنُورِهِ ، وَسَيَّما فِي عُلُوِّهِ ، وَاسْتَتَرَ عَنْ خَلْقِهِ ، وَبَعَثَ إِلَيْهِمْ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ ، وَأَبْعَثَ (ابْتَعَثَ) فِيهِمُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ، لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَا مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ ، وَلِيَعْقِلَ الْعِبَادُ عَنْ رَبِّهِمْ مَا جَهَلُوهُ فَيَعْرِفُوهُ بِرُبُوبِيَّتِهِ بَعْدَ مَا أَنْكَرُوهُ . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْسَنَ الْخِلَافَةَ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ، وَعِنْدَ اللَّهِ نَحْتَسِبُ عَزَاءَنَا فِي خَيْرِ الْأَبَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَعِنْدَ اللَّهِ نَحْتَسِبُ عَزَاءَنَا فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (٧)

١- حَقَّنَ : مَنَعَهُ أَنْ يُسْفِكَ (الصحاح : ج ٥ ص ٢١٠٣ «حقن»).

٢- ذخائر العقبي : ص ٢٤١ .

٣- شرح نهج البلاغه : ج ١٦ ص ٢٨ عن أبي الحسن المدائني ؛ بحار الأنوار : ج ٤٤ ص ٤٢ .

٤- حنَفَ عَنِ الشَّيْءِ وَتَحَنَّفَ : مَالَ . وَالْحَنِيفُ : الْمُسْلِمُ الَّذِي يَتَحَنَّفُ عَنِ الْأَدْيَانِ ؛ أَي يَمِيلُ إِلَى الْحَقِّ (لسان العرب : ج ٩ ص ٥٧ «حنف»).

٥- تفسير القمى : ج ٢ ص ٢٦٩ ، بحار الأنوار : ج ١٠ ص ١٣٢ ح ٢ وج ٣٣ ص ٢٣٤ ح ٥١٧ .

٦- فِي الْمَصْدَرِ : «يَعْلَمُ خَيْرَهُ» ، وَمَا فِي الْمَتْنِ أَثْبَتَنَاهُ مِنْ بَحَارِ الْأَنْوَارِ .

٧- كُفَايَةُ الْأَثَرِ : ص ١٦٠ عَنْ هِشَامِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٤٣ ص ٣٦٣ ح ٦ .

امام حسن علیه السلام در سخنانی نزد معاویه : ستایش ، خدای را که پیشینیان شما را به وسیله ما هدایت کرد ، و به واسطه ما ، خون های شما را [از ریخته شدن] حفظ کرد .

امام حسن علیه السلام در خطبه ای که بعد از قرارداد صلح ایراد فرمود : ستایش ، خدایی را که در فرمان روایی اش یگانه است و در پروردگاری اش تک و یکتاست . فرمان روایی را به هر که خواهد ، دهد و آن را از هر که خواهد ، ستاند . ستایش ، خدایی را که به واسطه ما [اهل بیت] ، مؤمن شما را گرامی داشت و پیشینیان را از شرک بیرون آورد و خون آخرین کسان شما را حفظ کرد .

امام حسن علیه السلام در خطبه ای نزد پادشاه روم : ستایش ، خدایی را که مرا یهودی و نصرانی و مجوس و یا پرستنده مهر و ماه و یابت و گاو قرار نداد ؛ بلکه یکتاپرستی مسلمان قرار داد و در زمره مشرکانم نهاد ؛ خجسته خدایی که پروردگار اورنگ بزرگ است . ستایش ، خدایی را که پروردگار جهانیان است .

امام حسن علیه السلام در خطبه پس از وفات پدرش علیه السلام : ستایش ، خدایی را که در همان آغازش یگانه بود و در همان ازل ، به الوهیت نازان و به بزرگی و اقتدارش بالان . همه آنچه را آفرید ، بدون داشتن نمونه ای پیشین آفرید . پروردگار مهربان ما ، از سر مهر پروردگاری اش و با دانش بسیارش [موجودات را] پدید آورد ، و با توانایی استوارش همه مخلوقات را خلق کرد . پادشاهی اش هرگز زوال نگیرد و عمرش به سر نیاید . بالاتر از هر چیزی است و به هر چیزی نزدیک است . پس بر آفریدگان خویش آشکار است ؛ بی آن که دیده شود ، و در تماشای برین است . به واسطه نور خود ، در حجاب است و در بلند مرتبگی ، در اوج است . از آفریدگانش در پرده است و به سوی ایشان [رسول] فرستاد تا گواه بر آنان باشد و در میانشان پیامبران را برانگیخت که ایشان را نوید و بیم دهند تا هر که نابود شد ، به حجت نابود شود و هر که زنده ماند ، به حجت زنده ماند ، و برای این که بندگان آنچه را در باره پروردگارش نمی دانند ، بفهمند و او را به پروردگاری اش که پیش تر مُنکرش بودند بشناسند . ستایش ، خدایی را که خلافت را زبینه ما خاندان قرار داد . به سوگ نشینی خود را در مرگ بهترین پدران ، پیامبر خدا ، و سوگوارِ خویش را در از دست دادن امیر مؤمنان ، در راه خدا به شمار می آوریم .

التوحيد عن محمد بن أحمد بن يحيى عن بعض أصحابنا رفعه ، قال : جاء رجل إلى الحسن بن علي عليه السلام فقال له : يا بن رسول الله صف لي ربك حتى كأني أنظر إليه ! فأطرق الحسن بن علي عليه السلام مليا ، ثم رفع رأسه فقال : الحمد لله الذي لم يكن له أول معلوم ، ولا آخر مُتناه ، ولا قبل مُدرك ، ولا بعد محدود ، ولا أمد يَحْتَى ، ولا شخص فيتجزأ ، ولا اختلاف صفة فيتناهى ، فلا تدرك العقول وأوهامها ولا الفكر وخطراتها ولا الألباب وأذهانها صفة فتقول : متى ، ولا بدئ مما ، ولا ظاهر على ما ، ولا باطن فيما ، ولا تارك فهلا (١) ، خلق الخلق فكان يدينا يديعا ، ابتداء ما ابتدع وابتدع ما ابتدأ ، وفعل ما أراد وأراد ما استراد ، ذلكم الله رب العالمين . (٢)

الإمام الحسن عليه السلام : الحمد لله العزيز الجبار ، الواحد القهار ، الكبير المتعال «سواء منكم من أسر القول ومن جهر به ومن هو مُستخف بالليل وسارِب بالنهار» (٣) ، أحمدُه على حُسن البلاء ، وتظاهر النعماء ، وعلى ما أحببنا وكرهنا من شئدِه ورخاءِه . وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له ، وأن محمدا عبده ورسوله ، امتن علينا بنبوته ، واختصه برسالته ، وأنزل عليه وحيه ، واصطفاه على جميع خلقه ، وأرسله إلى الإنس والجن ، حين عبدت الأوثان وأطيع الشيطان وجحد الرحمن ، فصلى الله عليه وآله وجزاه أفضل ما جرى المرسلين . (٤)

-
- ١- أي لو كانت العقول تبلغ صفته لكان كسائر الممكنات ؛ فكان يصح أن يقال ... لشيء ترك : هلا فعل! تحضيضا وتحريضا على الفعل ، أو توييخا على تركه (بحار الأنوار : ج ٤ ص ٢٨٩ و ٢٩٠) .
 - ٢- التوحيد : ص ٤٥ ح ٥ ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ٢٨٩ ح ٢٠ .
 - ٣- الرعد : ١٠ .
 - ٤- شرح نهج البلاغه : ج ١٤ ص ١٢ عن تميم بن حذيم الناجي ؛ بحار الأنوار : ج ٣٢ ص ٨٨ ح ٥٨ .

التوحید به نقل از محمد بن احمد بن یحیی، از یکی از یارانمان که سند خود را نگفته: مردی نزد امام حسن علیه السلام آمد و گفت: ای فرزند پیامبر خدا! پروردگارت را آن گونه برایم وصف کن که گویی او را می بینم! امام حسن علیه السلام مدّتی دراز، سرش را پایین انداخت و سپس سر بلند کرد و گفت: «ستایش، خدایی را که آغاز شناخته شده ای ندارد و انجامش را پایانی نباشد. نه قبلی برایش ادراک می شود، و نه بعدی تعیین می گردد، و نه عمری که گفته شود تا کی هست؟ و نه جسمی که دارای اجزا باشد، و نه صفات گوناگون که در نتیجه، متناهی باشد. پس نه خردها و گمانه های خرد و نه اندیشه ها و خطورات اندیشه و نه مغزها و ادراکات آنها، چگونگی او را در نیابد تا بگویند: از کی بوده، از چه پدیده آمده، در چه آشکار است، در درون چه نهان است، و چرا چنین و چنان نکرد. (۱) مخلوقات را آفرید و در این آفریدن، آغازگر و ابداع کننده بود. آنچه را ابداع کرد، از هیچ آغازید و آنچه را از هیچ آغازید، ابداع کرد [و بدون الگو و نمونه قبلی آفرید]. هر چه را اراده کرد، انجام داد و هر چه را بر آفرینش افزود، به محض اراده پدید آورد. این است خداوند، پروردگار جهانیان».

امام حسن علیه السلام: ستایش، خدای را که با عزّت است و قدرتمند، یگانه است و چیره، بزرگ است و والا. «نزد او [یکسان است کسی از شما که سخن به راز گوید و کسی که آشکارش کند، و کسی که به شب نهان باشد یا در روز، روان] او را بر خوش نواختنش و پیایی بودنِ نعمت هایش و بر هر سخنی و آسایشی که دوست داریم و ناخوش می داریم، می ستایم. و گواهی می دهیم به این که معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست، و به این که محمد، بنده و فرستاده اوست. با پیامبر نمودن او، بر ما منت نهاد و پیام رسانی خود را به او اختصاص داد. وحی خویش را بر او فرو فرستاد و او را بر همه آفریدگانش برگزید. او را هنگامی به سوی انس و جن فرستاد، که بت ها پرستش می شدند و شیطان اطاعت می شد و خدای مهربان انکار می شد. پس درود خدا، بر او و خاندانش باد و برترین پاداشی را که به پیامبران داده است، عطایش کناد!

۱- یعنی: اگر خردها به وصف و چگونگی او می رسیدند، آن گاه، خداوند نیز همانند دیگر ممکنات بود و در نتیجه، درست بود که اگر کاری را ترک کرده باشد، برای تشویق به انجام دادن کار و یا سرزنش به جهت ترک کاری، گفته شود: چرا ترک کرد؟

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْغَالِبِ عَلَى أَمْرِهِ ، لَوْ أَجْمَعَ الْخَلْقُ جَمِيعًا عَلَىٰ أَلَّا يَكُونَ مَا هُوَ كَائِنٌ مَا اسْتَطَاعُوا . (١)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُسْتَحْمَدِ بِالْأَلَاءِ وَتَتَابِعِ النَّعْمَاءِ ، وَصَارِفِ الشَّدَائِدِ وَالْبَلَاءِ عِنْدَ الْفُهْمَاءِ وَغَيْرِ الْفُهْمَاءِ ، الْمُدْعَيْنِ مِنْ عِبَادِهِ لِامْتِنَاعِهِ بِجَلَالِهِ وَكِبْرِيائِهِ وَعُلُوِّهِ عَنِ لُحُوقِ الْأَوْهَامِ بِبِقَائِهِ ، الْمُرْتَفِعِ عَنِ كُنْهِ (٢) ظَنَانِهِ (٣) الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَنْ تُحِيطَ بِمَكْنُونِ غَيْبِهِ رَوِيَّاتٌ (٤) عُقُولِ الرَّائِينَ . (٥)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ بِغَيْرِ تَشْبِيهِ ، الدَّائِمِ بِغَيْرِ تَكْوِينِ ، الْقَائِمِ بِغَيْرِ كُلْفِهِ (٦) ، الْخَالِقِ بِغَيْرِ مَنْصِبِهِ ، الْمَوْصُوفِ بِغَيْرِ غَايِهِ ، الْمَعْرُوفِ بِغَيْرِ مَحْدُودِيَّتِهِ ، الْعَزِيزِ لَمْ يَزَلْ قَدِيمًا فِي الْقَدَمِ ، رُذِعَتِ الْقُلُوبُ لِهَيْبَتِهِ ، وَذَهَلَتِ (٧) الْعُقُولُ لِعِزَّتِهِ ، وَخَضَعَتِ الرَّقَابُ لِقُدْرَتِهِ ، فَلَيْسَ يَخْطُرُ عَلَىٰ قَلْبِ بَشَرٍ مَبْلَغُ جَبْرُوتِهِ ، وَلَا يَبْلُغُ النَّاسُ كُنْهَ جَلَالِهِ ، وَلَا يُفْصِحُ الْوَاصِفُونَ مِنْهُمْ لِكُنْهِ عَظَمَتِهِ . . . وَلَا تَبْلُغُهُ الْعُلَمَاءُ بِأَلْبَابِهَا ، وَلَا أَهْلُ التَّفَكُّرِ بِتَدْبِيرِ أُمُورِهَا ، أَعْلَمَ خَلْقِهِ بِهِ الَّذِي بِالْحَدِّ لَا يَصِفُهُ ، يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَلَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ ، وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ . (٨)

١- شرح نهج البلاغه : ج ١٦ ص ١٦ عن المدائني .

٢- كُنْهُ الشَّيْءِ : نَهَائِيَّتُهُ (الصَّحَاحُ : ج ٦ ص ٢٢٤٧ «كُنْه»).

٣- فِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ : «طِينَاتٌ» بَدَلَ «ظَنَانِهِ» .

٤- الرَّوِّيَّةُ : التَّفَكُّرُ فِي الْأَمْرِ . وَرَوِيَّتٌ فِي الْأَمْرِ تَرْوِيَةٌ : نَظَرْتُ وَفَكَّرْتُ بِتَأْنٍ (تَاجُ الْعُرُوسِ : ج ١٩ ص ٤٨١ «رَوِيٌّ»).

٥- الْأَمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ : ص ٥٦١ ح ١١٧٤ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ١٠ ص ١٣٩ ح ٥ .

٦- الْكُلْفَةُ : الْمَشَقَّةُ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ : ج ٣ ص ١٥٨٧ «كُلْفٌ»).

٧- ذَهَلَتْ عَنِ الشَّيْءِ : نَسِيَتْهُ وَغَفَلَتْ عَنْهُ ، وَأَذْهَلَنِي عَنْهُ كَذَا (الصَّحَاحُ : ج ٤ ص ١٧٠٢ «ذَهَلٌ»).

٨- تَفْسِيرُ فِرَاتٍ : ص ٧٩ ح ٥٥ عَنِ أَبِي جَعْفَرِ الْحَسَنِ وَالْحَسَنِ بْنِ حَبَاشٍ مَعْنَعْنَا عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٤٣ ص ٣٥١ ح ٢٤ .

امام حسن علیه السلام: ستایش ، خدای را که بر کار خویش چیره است [و آنچه او خواهد ، همان شود] . اگر همه خلق همدستان شوند بر این که آنچه شدنی است نشود ، نمی توانند [کاری از پیش برند] .

امام حسن علیه السلام: ستایش ، خدایی را که خواستار ستایش شدن در برابر نیکی ها و نعمت های پیاپی است . برطرف کننده سختی ها و بلا در نزد فهمیدگان و غیر فهمیدگان است . بندگانش اذعان می کنند که به او دست نتوان یافت ، به سبب شکوهناکی و سترگی اش و برتر بودنش از این که وهم ها به وجود او برسند . بالاتر از آن است که مخلوقات با عمق گمان و اندیشه هایشان ، به او دست یابند و یا اندیشه ورزی های خردهای خردمندان ، بر غیب ناپیدای او احاطه یابد .

امام حسن علیه السلام: ستایش ، خدای را که یگانه است و بی مانند ، پاینده است و ناآفریده ، برپاست بی سختی ، آفریننده است بی زحمت ، به بی پایانی موصوف است ، و به نامحدودی شناخته ؛ عزتمندی که در دیرینگی ، دیرین بوده است . دل ها از هیبتش رنگ ببازند ، خردها از عزتش پریشان شوند ، و گردن ها در برابر قدرتش فرود آیند . اندازه اقتدار او ، به دل هیچ بشری خطور نکند ، و مردمان به ژرفای شکوه او نرسند ، و وصف کنندگان نشان کنه عظمت او را بیان نتوانند کرد ... نه دانشمندان با مغزهای خود به او می رسند و نه اندیشمندان ، به تدبیر امورش . داناترین خلق او به او ، کسی است که به محدودیت وصفش نکند (همین اندازه می داند که او نامحدود است) . او دیدگان را درمی یابد ؛ ولی دیدگان ، او را در نمی یابند و او لطیف و آگاه است .

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ، وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأُثْنِي عَلَيْهِ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ... إِنَّ مِمَّا عَظَّمَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ مِنْ حَقِّهِ، وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ مِنْ نِعْمِهِ مَا لَا يُحْصَى ذِكْرُهُ، وَلَا يُؤَدَّى شُكْرُهُ، وَلَا يَبْلُغُهُ صِفَهُ وَلَا قَوْلٌ. (١)

٥ / ٥ المحامد المأثورة عن الإمام الحسين بن علي سيد الشهداء الإرشاد عن حميد بن مسلم: جَمَعَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَصْحَابَهُ عِنْدَ قُرْبِ الْمَسَاءِ. قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَدَنَوْتُ مِنْهُ لِأَسْمَعَ مَا يَقُولُ لَهُمْ وَأَنَا إِذْ ذَاكَ مَرِيضٌ، فَسَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: أَثْنَى عَلَى اللَّهِ أَحْسَنَ الثَّنَاءِ، وَأَحْمَدُهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلَى أَنْ أكرمْتَنَا بِالنَّبِيِّهِ، وَعَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ، وَفَقَّهْتَنَا فِي الدِّينِ، وَجَعَلْتَ لَنَا أَسْمَاعًا وَأَبْصَارًا وَأَفئِدَةً، فَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ. (٢)

١- وقعه صفين: ص ١١٣، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٤٠٥ ح ٣٦٩؛ شرح نهج البلاغه: ج ٣ ص ١٨٥ وليس فيه «وأثنى عليه بما هو أهله».

٢- الإرشاد: ج ٢ ص ٩١، إعلام الوری: ج ١ ص ٤٥٥ وليس فيه «وجعلت لنا أسماعا...»، روضه الواعظين: ص ٢٠٢، بحار الأنوار: ج ٤٤ ص ٣٩٢؛ تاريخ الطبری: ج ٥ ص ٤١٨ عن عبد الله بن شريك العامري عن الإمام زين العابدين عليه السلام وفيه «ولم تجعلنا من المشركين» بدل «فاجعلنا من الشاكرين».

۵ / ۵ ستایش های رسیده از امام حسین علیه السلام

امام حسن علیه السلام: ستایش ، خدایی را که معبودی جز او نیست ؛ یگانه است و بی انباز ، و او را چنان که سزای اوست ، ثنا گویم ... حقّ خداوند بر شما که بزرگش داشته ، و نعمت های بی شماری که به شما داده ، چنان اند که ذکر آنها به شماره نیاید و سپاسش گزارده نشود و به هیچ وصفی و گفتاری درنگنجد.

۵ / ۵ ستایش های رسیده از امام حسین علیه السلام: حمید بن مسلم : امام حسین علیه السلام نزدیک غروب ، یارانش را جمع کرد . امام زین العابدین علیه السلام فرمود : من نزدیک وی شدم تا بشنوم که به ایشان چه می گوید . من در آن هنگام بیمار بودم . شنیدم که پدرم به یارانش می فرماید : «خدای را به زیباترین ثنا می ستایم و او را بر خوشی و ناخوشی ، سپاس و ستایش می گویم . بارخدا یا ! تو را می ستایم که ما [خاندان] را به نبوت گرامی داشتی ، قرآن را به ما آموختی و در دین ، دانایمان ساختی و برایمان گوش و چشم و دل قرار دادی [تا حقیقت را بشنویم و بینیم و بپذیریم] . پس ما را از سپاس گزاران قرار بده...» .

الإمام الحسين عليه السلام: الحمد لله الذي ليس لقضائه دافع، ولا لِعَطائه مانع، ولا كَصْنَعِهِ صانع، وهو الجواد الواسع، فطرَ أجناسَ البدائع، وأتقنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ، لا يخفى عليه الطلائع، ولا تضيع عنده الودائع... اللهم لك الحمد كما خلقتني فجعلتني سميعاً بصيراً، ولك الحمد كما خلقتني فجعلتني حياً سويّاً رحمته بي وكنت عن خلقي غنياً... تباركت ربّي وتعاليت، فلك الحمد دائماً، ولك الشكر واصباً... (١). اللهم هذا ثنائي عليك ممجداً، وإخلاصي لك موحداً، وإقرارى بالائتك معي دداً، وإن كنت مقزراً أتى لا- أحصيها لكثرة وسبوغها، وتظاهرها وتقادُمها، إلى حادثٍ ما لم تزل تتعمدني به معها مذ خلقتني وبرأتني من أول العمر؛ من الإغناء بعد الفقر، وكشف الضر، وتسبب اليسر، ودفع العسر، وتفريج الكرب، والعافيه في البدن، والسلامه في الدين. ولو رفدني (٢) على قدر ذكر نعمك على جميع العالمين من الأولين والآخرين، لما قدرت ولا هم على ذلك، تقدست وتعاليت من رب عظيم كريم رحيم، لا تحصي آلاؤك، ولا يبلغ ثناؤك، ولا تكافي نعمائك، صل على مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وأتمم علينا نعمتك، وأسعدنا بطاعتك، سبحانك لا إله إلا أنت... تسبِّح لك السماوات والأرض ومن فيهن، وإن من شيء إلا يسبِّح بحمدك، فلك الحمد والمجد وعلو الجد، يا ذا الجلال والإكرام. (٣)

١- وَصَبَ: دَامَ وَتَبَّتْ (القاموس المحيط: ج ١ ص ١٣٧ «وصب»).

٢- الرَّفْدُ: الإِعَانَةُ (النهاية: ج ٢ ص ٢٤١ «رفد»).

٣- الإِقْبَالُ: ج ٢ ص ٧٤، البلد الأمين: ص ٢٥١، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢١٦ ح ٣، وأنظر تمام الدعاء فإنه من أعظم الأدعية في الثناء على الله تعالى وذكر آلائه ونعمائه.

امام حسین علیه السلام: ستایش ، خدایی را که هیچ چیز قضای او را بر نگرداند و چیزی مانع عطای او نشود و ساختن هیچ سازنده ای ، چونان ساختن او نباشد . اوست بخشنده گشاده دست که انواع پدیده ها را آفرید و با حکمت خویش ، ساخته ها [و مخلوقات] را استوار و محکم قرار داد . طلایه ها (۱) بر او پوشیده نیست ، و سپرده ها در نزد او از بین نرود بار خدایا ! تو را ستایش که مرا آفریدی و شنوا و بینایم گردانیدی . تو را ستایش که مرا آفریدی و از سر مهر به من ، مرا زنده و بی عیب قرار دادی ؛ در حالی که از آفریدن من ، بی نیاز بودی خجسته و والایی تو ، ای پروردگار من ! پس همواره تو را ستایش ، و همیشه تو را سپاس بار خدایا ! این است ثنای من بر تو در حالی که بزرگت می شمارم ، و اخلاص من نسبت به تو در حالی که به یکتایی ات می ستایم ، و اقرارم به نعمت هایت در حالی که آنها را بر می شمارم ؛ هر چند معترفم که از بسیاری و سرشاری این نعمت ها ، از عهده شمارش آنها بر نمی آیم ؛ همان نعمت هایی که از دیرباز تا کنون ، پیاپی به من رسیده اند و همواره از آن گاه که مرا آفریدی و پدیدم آوردی ، از آغاز عمر ، مرا در آنها غوطه ور ساخته ای : نیازمند بودم و بی نیازم ساختی ، گزند از من زدودی ، اسباب آسایش فراهم آوردی ، دشواری ها را برطرف ساختی ، اندوه را از بین بردی ، تنم را عافیت بخشیدی و دینم را سالم نگه داشتی . اگر همه جهانیان ، از آغاز تا انجام ، مرا در شمردن نعمت هایی که به من ارزانی داشته ای ، یاری رسانند ، نه من و نه آنان از عهده این کار بر نیایم . پاک و بلندمرتبه ای تو ، ای پروردگار بزرگ و کریم و مهربان ! نیکی هایت به شمار نیاید ، ثنای تو به جا آورده نشود ، و نعمت هایت جبران نگردد . بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست . نعمتت را بر ما تمام گردان و ما را از طاعتت بهره مند بدار . پاکی تو ، که معبودی جز تو نیست .. آسمان ها و زمین و هر آن که در آنهاست ، تو را به پاکی می ستایند ، و هیچ موجودی نیست مگر آن که تسبیح و ستایش تو می گوید . پس ستایش و بزرگی و بلندی مرتبت از آن توست ، ای صاحب شکوه و ارج .

۱- . طلایع : جمع طلیعه ، یعنی : پیشقراولان ؛ گروهی که در شب از شهر و سپاهیان پاسداری کنند ؛ جاسوس . شاید مراد ، چشم ها و نگاه ها باشد چنان که گفته شده : «العیون طلائع القلوب ؛ چشم ها پیشقراولان قلب اند» و یا مراد ، رازها و نشانه ها باشد .

٥ / ٦ المَحَامِدُ المَأْثُورَةُ عَنِ الإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ الحُسَيْنِ زَيْنِ العَابِدِينَ الإمامِ زَيْنِ العَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّعَاءِ: أُثْنِي عَلَيْكَ يَا سَيِّدِي ، وَمَا عَسَى أَنْ يَبْلُغَ فِي مَدْحِكَ ثَنَائِي مَعَ قَلْبِي وَعَمَلِي وَقَصِيرِ رَأْيِي ، وَأَنْتَ يَا رَبُّ ، الخَالِقُ وَأَنَا المَخْلُوقُ . . . يَا حِرْزَ (١) العَارِفِينَ وَأَمَانَ الخَائِفِينَ . (٢)

عنه عليه السلام: إلهي أَحْمَدُكَ وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَيَّ حُسْنِ صَنِيعِكَ إِلَيَّ ، وَشَيْبُوحِ نِعْمَائِكَ عَلَيَّ ، وَجَزِيلِ عَطَائِكَ عِنْدِي ، وَعَلَيَّ مَا فَضَّلْتَنِي بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَأَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ ، فَقَدِ اصْطَنَعْتَ عِنْدِي مَا يَعْجِزُ عَنْهُ شُكْرِي فَأَنْتَ عِنْدِي مَحْمُودٌ ، وَصَنِيعُكَ لَدَيَّ مَبْرُورٌ (٣) ، تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَلِسَانِي وَعَقْلِي حَمْدًا يَبْلُغُ الوَفَاءَ وَحَقِيقَةَ الشُّكْرِ ، حَمْدًا يَكُونُ مَبْلَغَ رِضَاكَ عَنِّي ، فَجَنِّبْنِي مِنْ سُخْطِكَ . (٤)

عنه عليه السلام: إلهي قَصَرَتِ الأَلْسُنُ عَنِ بُلُوغِ ثَنَائِكَ كَمَا يَلِيقُ بِجَلَالِكَ . (٥)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْكَ وَمِدْحِي إِيَّاكَ وَحَمْدِي لَكَ فِي كُلِّ حَالَتِي ، حَتَّى لَا أَفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا ، وَلَا أَحْزَنَ عَلَيَّ مَا مَنَعْتَنِي فِيهَا . (٦)

- ١- الحِرْزُ: المَوْضِعُ الحَصِينُ (القاموس المحيط: ج ٢ ص ١٧٢ «حرز»).
- ٢- المزار للمفيد: ص ١٥٤ ، مصباح المتهجد: ص ٦٩٠ ح ٧٧١ ، البلد الأمين: ص ٢٤٦ ، الإقبال: ج ٢ ص ١٠٣ ، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٢٨ ح ٤ .
- ٣- مبرورٌ: مقبول (تاج العروس: ج ٦ ص ٦٩ «برر»).
- ٤- الصحيفه السجاديّه: ص ٢١٧ الدعاء ٥١ ، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٤٢٢ ح ٤٣ نقلًا عن أصلٍ قديم من مؤلفات قدماء الأصحاب من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .
- ٥- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥٠ نقلًا عن بعض كتب الأصحاب .
- ٦- الصحيفه السجاديّه: ص ٩١ الدعاء ٢١ .

۵ / ۶ ستایش های رسیده از امام زین العابدین علیه السلام

۵ / ۶ ستایش های رسیده از امام زین العابدین علیه السلام در دعا: تو را ثنا گویم ای آقای من! ؛ اما با این کردار اندکم و اندیشه کوتاهم ، کجا تواند که ثنای من ، از پس ستایش تو برآید؟! تو ای پروردگار من ! آفریننده ای و من آفریده .. ای پناهگاه عارفان و ای مأمن بیمناکان!

امام زین العابدین علیه السلام: معبودا! تو را می ستایم و تو سزاوار ستایشی ؛ برای خوش رفتاری ات با من و فراوانی نعمت هایت بر من و بسیاری عطایت به من ، و برای رحمت که به من فزون بخشیده ای ، و نعمت هایت که بر من سرازیر کرده ای . همانا تو به من چندان نیکی کرده ای که از گزاردنِ شکر آن ناتوانم پس تو در نزد من ستوده ای و احسانت ، نزد من پذیرفته است . جان من و زبان و عقل من ، تو را می ستایند ؛ ستایشی که حقیقتِ شکر را به جا آورد ؛ ستایشی که به سر حدّ خشنودی تو از من برسد . پس مرا از خشم و ناخشنودی ات ، در امان بدار .

امام زین العابدین علیه السلام: معبودا ! زبان ها از گزاردن ثنای تو آن سان که درخورِ شکوه و بزرگی تو باشد قاصرند .

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا ! بر محمّد و خاندان او درود فرست ، و مرا چنان قرار ده که در همه احوالم ، ثنای تو گویم و به مدح تو پردازم و ستایش تو بر زبان رانم ، تا بر آنچه از دنیا به من بدهی ، شادمان نگردم و برای آنچه از دنیا به من ندهی ، اندوه نخورم .

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ ... فَلَمَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَقَيْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ ، وَلَمَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا حَوَّلْتَنَا مِنَ النَّعْمَاءِ حَمْدًا يُخَلِّفُ حَمْدَ الْحَامِدِينَ وَرَاءَهُ ، حَمْدًا يَمَلَأُ أَرْضَهُ وَسَمَاءَهُ ، إِنَّكَ الْمَنَّانُ بِجَسِيمِ الْمَنِّ ، الْوَهَّابُ لِعَظِيمِ النَّعْمِ ، الْقَابِلُ يَسِيرِ الْحَمْدِ ، الشَّاكِرُ قَلِيلِ الشُّكْرِ ، الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ ذُو الطَّلُولِ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ . (١)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي (٢) مِنَ التَّمَنِّيِّ وَالتَّظَنِّيِّ وَالْحَسِيدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ ، وَتَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ ، وَتَدْبِيرًا عَلَى عَيْدُوكَ ، وَمَا أُجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظِهِ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ (٣) ، أَوْ شَتَمٍ عَرَضٍ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ ، أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ ، نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ وَإِغْرَاقًا فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ ، وَذَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ وَشُكْرًا لِنِعْمَتِكَ ، وَاعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ وَإِحْصَاءً لِمَنِّكَ . (٤)

عنه عليه السلام فِي الدُّعَاءِ : أَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَحُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ لِسَانِي . (٥)

عنه عليه السلام أيضا : تَشْكُرُ مَنْ شَكَرَكَ وَأَنْتَ أَلْهَمْتَهُ شُكْرَكَ! وَتُكَافِي مَنْ حَمِدَكَ وَأَنْتَ عَلَّمْتَهُ حَمْدَكَ! ... فَلَكَ الْحَمْدُ مَا وَجَدَ فِي حَمْدِكَ مَيْذَهَبٌ ، وَمَا بَقِيَ لِلْحَمْدِ لَفْظٌ تَحْمِيدٌ بِهِ وَمَعْنَى يَنْصِيرُ إِلَيْهِ . يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَالْفَضْلِ ، وَعَمَّرَهُم بِالْمَنِّ وَالطَّلُولِ (٦) . (٧)

١- .الصحيفه السجاديّه : ص ١٤٢ الدعاء ٣٦ .

٢- .الرُّوعُ : القلب والعقل . يقال : وقع ذلك في رُوعِي ؛ أي في خلدِي وبالي (الصحاح : ج ٣ ص ١٢٢٣ «روع»).

٣- .«لا تقولوا هُجْرًا» أي فُحْشًا ، يقال : أهجر في منطقهِ يُهجر : إذا أفحش . وكذلك إذا أكثر الكلام في ما لا ينبغي (النهايه : ج ٥ ص ٢٤٥ «هجر»).

٤- .الصحيفه السجاديّه : ص ٨٤ الدعاء ٢٠ .

٥- .الصحيفه السجاديّه : ص ٩٨ الدعاء ٢٣ .

٦- .الطَّلُولُ : الفضل والعلو على الأعداء (النهايه : ج ٣ ص ١٤٥ «طول»).

٧- .الصحيفه السجاديّه : ص ١٧١ الدعاء ٤٥ ، المزار الكبير : ص ٦٢٠ ، الإقبال : ج ١ ص ٤٢٢ ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ١٧٣ ح

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! .. تو را ستایش که ما را از بلا ننگه داشتی ، و تو را سپاس برای نعمت هایی که به ما دادی ؛ ستایشی که ستایش دیگر ستایشگران را پشت سر نهد ؛ ستایشی که زمین و آسمانش را آکنده سازد . تو بخشنده بخشش های سترگی ، بخشنده نعمت های بزرگی ، پذیرنده اندک ستایشی ، سپاسگوی کمترین سپاسی ، نکوکار و احسان کننده و صاحب دهشی . معبودی جز تو نیست . بازگشت ، به سوی توست .

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا ! هر آرزو و گمان و حسدی که شیطان در دل من می افکند ، تو آن را به یاد کرد از بزرگی ات و اندیشیدن در توانایی ات و تدبیر بر ضد دشمنت بدل نمای . هر ناسزا یا زشتگویی یا دشنام به آبرو یا شهادت نادرست یا غیبت کردن از مؤمن یا ناسزا گفتن به او پیش رویش و مانند اینها که شیطان بر زبان من جاری می گرداند ، تو آن را به ستایشی از خودت و غرق شدن در ثنایت و بیان مجد و عظمتت و سپاس گذاری از نعمتت و اعتراف به احسانت و شمارش نعمت هایت مبدل گردان .

امام زین العابدین علیه السلام در دعا : [خدایا!!] زبان مرا به ستایش و سپاس و یاد و ثنا گویی از خودت ، گویا گردان .

امام زین العابدین علیه السلام: تو از کسی که سپاست گوید ، سپاس گذاری [و قدردانی] می کنی ؛ با آن که تو ، خود ، او را به سپاس گفتن الهام فرموده ای . و به کسی که تو را بستاید ، پاداش می دهی ؛ با آن که تو خود ، ستایش کردنت را به او آموخته ای! .. پس تو را ستایش ؛ تا هر زمان که برای ستودن تو ، راهی یافت شود و تا آن گاه که برای ستایش ، لفظی باقی مانده باشد که با آن ستوده شوی ، و معنایی که ستایش تو را باز گوید. ای آن که با نیکی و بخشش به بندگان ، آنها را به ستایش خویش بر انگیخته ای و ایشان را در نواخت و عطایت غرقه ساخته ای!

عنه عليه السلام: حُجَّتْكَ أَجَلٌ مِنْ أَنْ تَوْصَفَ بِكُلِّهَا ، وَمَجْدُكَ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ يُحَدَّ بِكُنْهِهِ ، وَنِعْمَتُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى بِأَسْرَهَا ، وَإِحْسَانُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْكَرَ عَلَى أَقْلِهِ . وَقَدْ قَصَّرَ بِي الشُّكُوتُ عَيْنَ تَحْمِيدِكَ ، وَفَهَّهْنِي (١) الْإِمْسَاكُ عَنْ تَمْجِيدِكَ ، وَقُصَارَايَ الْإِقْرَارُ بِالْحُسُورِ (٢) لَا رَغْبَةَ يَا إِلَهِي بَلْ عَجْزًا ، فَهَا أَنَا ذَا أُؤْمُكُ بِالْوِفَادَةِ (٣) ، وَأَسْأَلُكَ حُسْنَ الرَّفَادَةِ (٤) . (٥)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لَكَ عَلَى بَلَائِكَ ، وَالشُّكْرُ لَكَ عَلَى نِعْمَائِكَ ، وَذَلِكَ مَا تَكِلُ الْأَلْسُنُ عَنْ صِفَتِهِ ، وَتَعَجِزُ الْأَبْدَانُ عَنْ أَدَاءِ شُكْرِهِ . (٦)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيَجِيبُنِي وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ يَدْعُونِي ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلًا حِينَ يَسْتَفْرِضُنِي ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أُنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي ، وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَدْعُو (٧) غَيْرَهُ ، وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو (٨) غَيْرَهُ ، وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَمَا خَلَفَ رَجَائِي ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَلَّنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ فَيُهِينُونِي ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَأَنِّي لَا ذَنْبَ لِي ، فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَأَحَقُّ بِحَمْدِي . (٩)

١- فَهَّهْنِي : أَنَسَانِي (الصَّحَاح : ج ٦ ص ٢٢٤٥ «فَهه»).

٢- حَسَرَ يَحْسِرُ حُسُورًا : كَلَّ وَانْقَطَعَ (القَامُوسُ الْمُحِيط : ج ٢ ص ٨ «حسر»).

٣- وَفَدَ : وَرَدَ فَهُوَ وَافِدٌ ، وَالْإِسْمُ : الْوِفَادَةُ (الصَّحَاح : ج ٢ ص ٥٥٣ «وفد»).

٤- الرَّفْدُ : الْعَطَاءُ وَالصَّلَةُ (القَامُوسُ الْمُحِيط : ج ١ ص ٢٩٥ «رفد»).

٥- الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ : ص ١٨٤ الدَّعَاءُ ٤٦ ، مَصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ : ص ٣٧٠ ح ٥٠٠ ، جَمَالُ الْأَسْبُوعِ : ص ٢٦٣ عَنِ الْمُتَوَكَّلِ بْنِ هَارُونَ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنْهُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَكِلَاهُمَا نَحْوُهُ ، الْمَزَارُ الْكَبِيرُ : ص ٤٦٠ ؛ شَرْحُ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ : ج ٦ ص ١٨٠ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحْوُهُ .

٦- جَمَالُ الْأَسْبُوعِ : ص ٢٨٧ ، مَصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ : ص ٣٩٧ ح ٥١٩ وَفِيهِ «أَدْنَى» بَدَلُ «أَدَاءٍ» وَكِلَاهُمَا عَنِ جَابِرٍ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، الْبَلَدُ الْأَمِينُ : ص ٧٨ مِنْ دُونَ إِسْنَادٍ إِلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٩٠ ص ٨٠ ح ٢ .

٧- فِي الْإِقْبَالِ وَالْمَصْبَاحِ لِلْكَفْعَمِيِّ : «أَدْعُوهُ وَلَا أَدْعُو غَيْرَهُ» .

٨- فِي الْإِقْبَالِ وَالْمَصْبَاحِ لِلْكَفْعَمِيِّ : «أَرْجُوهُ وَلَا أَرْجُو غَيْرَهُ» .

٩- مَصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ : ص ٥٨٢ ح ٦٩١ ، الْإِقْبَالُ : ج ١ ص ١٥٧ ، الْمَصْبَاحُ لِلْكَفْعَمِيِّ : ص ٧٨١ كُلُّهَا عَنِ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٩٨ ص ٨٢ ح ٢ .

امام زین العابدین علیه السلام: حجت تو، بزرگ تر از آن است که همه اش به وصف درآید. عظمت برتر از آن است که گوهرش [شناخته و] تعریف شود. نعمت بسیارتر از آن است که سراسر شماره شود. نیکی هایت فزون تر از آن است که حتی بر کمترینش، سپاست توان گفت. خاموشی می گزینم؛ چرا که از ستایش تو ناتوانم، و زبان بر می بندم؛ از آن روی که از تمجید تو عاجزم. معبود من! نهایت کوشش من، اعتراف به درماندگی است؛ نه آن که نخواهم، بلکه چون نمی توانم. اینک آهنگ درگاه تو کرده ام و از تو هدیه ای خوب می خواهم.

امام زین العابدین علیه السلام: «تو را بر بلایت ستایش، و بر نعمت هایت سپاس!»؛ چرا که زبان ها در وصف او الکن اند، و بدن ها از گزاردنِ شکر او ناتوان اند.

امام زین العابدین علیه السلام: ستایش، خدایی را که می خوانمش و او پاسخ می دهد؛ با آن که هر گاه او مرا می خواند، دیر پاسخ می دهد. ستایش، خدایی را که از او درخواست می کنم و او به من عطا می کند؛ با آن که چون او از من قرض می خواهد، من بخل می ورزم. ستایش، خدایی را که هر گاه بخواهم، او را برای حاجتم می خوانم و هر گاه بخواهم، برای راز خویش، بدون واسطه با او خلوت می کنم و او حاجتم را بر می آورد. ستایش، خدایی را که غیر او را نمی خوانم، که اگر غیر او را بخوانم، پاسخ نمی دهد. ستایش، خدایی را که به غیر او امید نمی بندم، که اگر به غیر او امید ببندم، امیدم را ناامید می کند. ستایش، خدایی را که مرا به خودش واگذار کرد و گرامی ام داشت، و به مردم واگذارم نکرد که آنها خوارم دارند. ستایش، خدایی را که با من دوستی ورزید، با آن که از من بی نیاز است. ستایش، خدایی را که چندان از من گذشت می کند که گویی مرا هیچ گناهی نیست. پس پروردگار من، ستوده ترین موجود در نزد من و سزاوارترین کس به ستایش من است.

عنه عليه السلام في دُعائه إذا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ ، وَجَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ ، لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ ، وَلِيَجْزِينَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَانَا (١) بِدِينِهِ ، وَاخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ ، وَسَبَّلَنَا (٢) فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُكَهَا بِمَنِّهِ إِلَى رِضْوَانِهِ ، حَمْدًا يَنْتَقِبُهُ مِنَّا ، وَيَرْضَى بِهِ عَنَّا . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ رَمَضَانَ ، شَهْرَ الصَّيَامِ ، وَشَهْرَ الْإِسْلَامِ ، وَشَهْرَ الطَّهْوَرِ ، وَشَهْرَ التَّمْحِصِصِ (٣) ، وَشَهْرَ الْقِيَامِ . (٤)

عنه عليه السلام : الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِدِيَعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، رَبِّ الْأَرْبَابِ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَدُومُ بِدَوَامِكَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا يَنْعَمُ بِكَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يُوَازِي صُيُوعَكَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ ، وَشُكْرًا يَقْضِي عَنْهُ شُكْرَ كُلِّ شَاكِرٍ . حَمْدًا لَا يَنْبَغِي إِلَّا لَكَ ، وَلَا يُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ . حَمْدًا يُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ ، وَيُسْتَدْعَى بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ . حَمْدًا يَنْضَاعُ عَلَى كُرُورِ الْأَزْمِنَةِ وَيَتَزَايِدُ أضعافًا مُتْرَادِفَةً . حَمْدًا يَعْجِزُ عَنِ إِحْصَائِهِ الْحَفْظَةُ ، وَيَزِيدُ عَلَى مَا أَحْصَيْتَهُ فِي كِتَابِكَ الْكُتُبَةُ . حَمْدًا يُوَازِنُ عَرْشَكَ الْمَجِيدَ ، وَيُعَادِلُ كُرْسِيِّكَ الرَّفِيعَ . حَمْدًا يَكْمُلُ لِمَدِيكَ ثَوَابُهُ ، وَيَسْتَغْرِقُ كُلَّ جِزَاءٍ جِزَاؤُهُ . حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفَوْقَ لِبَاطِنِهِ ، وَبَاطِنُهُ وَفَوْقَ لِحَدِيقِ النَّبِيِّ . حَمْدًا لَمْ يَحْمِدْكَ خَلْقٌ مِثْلَهُ ، وَلَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ . حَمْدًا يُعَانُ مِنَ اجْتِهَادِ فِي تَعْدِيدِهِ ، وَيُؤَيِّدُ مَنْ أَعْرَقَ نَزْعًا (٥) فِي تَوْفِيئِهِ . حَمْدًا يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ ، وَيَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدُ . حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ ، وَلَا أَحْمَدَ مِمَّنْ يَحْمَدُكَ بِهِ . حَمْدًا يُوَجِّبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوُفُورِهِ ، وَتَصِلُهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ طَوْلًا مِنْكَ . حَمْدًا يَجِبُ لِكَرَمِ وَجْهِكَ ، وَيُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ . اللَّهُمَّ . . . وَأُوزِعْنِي (٦) أَنْ أُتْبِيَ بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ ، وَأُعْتَرَفَ بِمَا أَسْدَيْتَهُ (٧) إِلَيَّ ، وَاجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ ، وَحَمْدِي إِيَّاكَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ . (٨)

- ١- حبا فلانا : أعطاه بلا جزاء ولا من ، وحاباه : اختصه (القاموس المحيط : ج ٤ ص ٣١٥ «حبا»).
- ٢- السبيل : الطريق ، وسبيل الله عام يقع على كل عمل خالص سلك به طريق التقرب إلى الله تعالى بأداء الفرائض والنوافل وأنواع التطوعات (النهاية : ج ٢ ص ٣٣٨ «سبل»).
- ٣- التمحيص : الابتلاء والاختبار . وتمحيص الذنوب : تطهيرها (تاج العروس : ج ٩ ص ٣٥٩ و ٣٦٠ «محص»).
- ٤- الصحيفه السجاديّه : ص ١٦٥ الدعاء ٤٤ ، مصباح المتهجد : ص ٦٠٧ ح ٦٩٥ ، الإقبال : ج ١ ص ١١١ كلاهما نحوه .
- ٥- أغرق في النزاع : أي بالغ في الأمر وانتهى فيه . وأصله من نزع القوس ومدّها ، ثم استعير لمن بالغ في كل شيء (النهاية : ج ٥ ص ٣٦١ «غرق»).
- ٦- أوزعني : أي ألهمني . أوزع بالشئ يوزع : إذا اعتاده ، وأكثر منه ، وألهم (النهاية : ج ٥ ص ١٨١ «وزع»).
- ٧- أسدى : أولى وأعطى (النهاية : ج ٢ ص ٣٥٦ «سدا»).
- ٨- الصحيفه السجاديّه : ص ١٨٥ الدعاء ٤٧ ، الإقبال : ج ٢ ص ٨٧ وفيه «ويزيد على من ادعى في توفيته» بدل «يؤيد من أغرق نزعاً في توفيته» ، ينابيع المودّه : ج ٣ ص ٤٢١ مختصراً .

امام زین العابدین علیه السلام در دعای هنگام حلول ماه رمضان: ستایش، خدایی را که به ستایش خویش هدایت‌مان فرمود و ما را از اهل آن قرار داد تا از سپاس گزاران احسان او باشیم و برای این کار، به ما پاداش نیکوکاران را دهد. ستایش، خدایی را که دینش را به ما ارمغان داد، ما را به آیینش مفتخر ساخت، و ما را در راه های احسانش در آورد تا به لطف خود او، در راه خشنودی اش گام برداریم؛ ستایشی که از ما بپذیردش و بدان از ما خشنود گردد. ستایش، خدایی را که یکی از این راه ها را ماه رمضان قرار داد؛ همان ماه روزه، ماه اسلام، ماه پاکی، ماه تزکیه و پالایش، و ماه نماز.

امام زین العابدین علیه السلام: ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است. بار خدایا! تو را ستایش، که پدید آورنده آسمان ها و زمینی، شکوهمند و ورجامندی، خداوند خداوندانی ... تو را ستایش؛ ستایشی پایدار به پایندگی تو. تو را ستایش؛ ستایشی جاویدان به جاودانگی نعمت هایت. تو را ستایش؛ ستایشی به موازات نیکی تو. تو را ستایش؛ ستایشی که بر خشنودی تو بیفزاید. تو را ستایش؛ ستایشی همراه با ستایش هر ستایشگری و [تو را سپاس؛] سپاسی که سپاس هیچ سپاس گزاری به آن نرسد. [تو را ستایش؛] ستایشی که جز تو را نسزد و با آن، جز به تو تقرّب نتوان جست؛ ستایشی که [نعمت] پیشین، بدان پایدار گردد و پایداری [نعمت های تازه و] پسین، بدان خواسته شود؛ ستایشی که با گذشت زمان ها چند برابر شود و پیاپی افزون و افزون تر گردد؛ ستایشی که فرشتگان نگاه دارنده [ی اعمال]، از شمارش آن فرو مانند و بر آنچه فرشتگان نویسنده در کتاب تو ثبت کرده اند، فزونی گیرد؛ ستایشی که هموزن عرش بزرگ تو و همسنگ کرسی بلند پایه ات باشد؛ ستایشی که ثوابش در نزد تو کامل باشد و جزای آن هر جزایی را در خود غرقه سازد؛ ستایشی که آشکار آن، مطابق با نهانش باشد و نهانش همراه با درستی نیت؛ ستایشی که هیچ آفریده ای، تو را چنان نستوده باشد و هیچ کس جز تو، ارزش آن را نداند؛ ستایشی که هر کس در شمارش آن کوشید، باید [از جانب تو] یاری داده شود و هر کس که خواست برای به جا آوردن کامل آن، نهایت نیروی خویش را به کار برد، به پشتیبانی تو نیازمند باشد؛ ستایشی که هر آنچه را از ستایش آفریده ای، در بر بگیرد و هر ستایشی را که زین پس بیافرینی، در رشته خود کشد؛ ستایشی که هیچ ستایش دیگری، به سخن تو نزدیک تر از آن نباشد و هیچ کس به چنان ستایشی تو را نستوده باشد؛ ستایشی که موجب افزون تر شدن کرم تو شود و تو به بخشش خود، پی در پی بر آن بیفزایی؛ ستایشی که شایان بزرگواری روی تو باشد و با شکوه عزتمندی ات برابری کند. بار خدایا! ... به من الهام فرما که برای آنچه عطایم کرده ای، ثنایت گویم و به هر نیکی ای که به من کرده ای، اعتراف کنم. رغبت مرا به خودت، فراتر از رغبت هر راغبی قرار ده و ستایشم را از تو، فراتر از ستایش هر ستایشگری.

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَذْكُورِ بِكُلِّ لِسَانٍ، الْمَشْكُورِ عَلَى كُلِّ إِحْسَانٍ، الْمَعْبُودِ فِي كُلِّ مَكَانٍ، مُدَبَّرِ الْأُمُورِ، وَمُقَدَّرِ الدُّهُورِ، وَالْعَالِمِ بِمَا تُجِنُّهُ الْبُحُورُ، وَتُكِنُّهُ الصُّدُورُ، وَيُخْفِيهِ (١) الظُّلَامُ، وَيُبْدِيهِ النُّورُ. الَّذِي حَارَ فِي عِلْمِهِ الْعُلَمَاءُ، وَسَلَّمَ لِحُكْمِهِ الْحُكَمَاءُ، وَتَوَاضَعَ لِعِزَّتِهِ الْعُظَمَاءُ، وَفَاقَ بِسَعَةِ فَضْلِهِ الْكِرْمَاءُ، وَسَادَ بِعَظِيمِ حِلْمِهِ الْحَلَمَاءُ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُخْفِرُ (٢) مَنْ انْتَصَرَ بِحِدْمَتِهِ، وَلَا يُقَهِّرُ مَنْ اسْتَتَرَ بِعَظَمَتِهِ، وَلَا يُكْدِي (٣) مَنْ أذَاعَ شُكْرَ نِعْمَتِهِ، وَلَا يَهْلِكُ مَنْ تَعَمَّدَهُ بِرَحْمَتِهِ، ذِي الْمَنَنِ الَّتِي لَا يُحْصِيهَا الْعَادُونَ، وَالنَّعْمِ الَّتِي لَا يُجَازِيهَا الْمُجْتَهِدُونَ، وَالصَّنَائِعِ الَّتِي لَا يَسْتَطِيعُ دَفْعَهَا الْجَاحِدُونَ، وَالذَّلَائِلِ الَّتِي يَسْتَبْصِرُ بِنُورِهَا الْمَوْجُودُونَ. أَحْمَدُهُ جَاهِرًا بِحَمْدِهِ، شَاكِرًا لِرِفْدِهِ، حَمْدًا مُوَفَّقٍ لِرُشْدِهِ، وَاثِقًا بِعَدْلِهِ، لَهُ الشُّكْرُ الدَّائِمُ، وَالْأَمْرُ اللَّازِمُ ... الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ أَمْشَاجِ (٤) النَّسَمِ، وَمَوْلِجِ الْأَنْوَارِ فِي الظُّلْمِ، وَمُخْرِجِ الْمَوْجُودِ مِنَ الْعَيْدِ، وَالسَّابِقِ الْأَزَلِّيِّ بِالْقَدَمِ، وَالْجَوَادِ عَلَى الْخَلْقِ بِسَوَابِغِ النَّعْمِ، وَالْعَوَادِ عَلَيْهِمُ بِالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ، الَّذِي لَا يُعْجِزُهُ كَثْرَةُ الْإِنْفَاقِ، وَلَا يُمَسِّكُ خَشْيَةَ الْإِمْلَاقِ، وَلَا يَنْقُصُهُ إِدْرَارُ الْأَرْزَاقِ، وَلَا يُدْرِكُ بِأَنَاسِيٍّ (٥) الْأَحْدَاقِ، وَلَا يوصَفُ بِمُضَامَةٍ وَلَمَّا افْتَرَاقِ. أَحْمَدُهُ عَلَى جَزِيلِ إِحْسَانِهِ، وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ حُلُولِ خِذْلَانِهِ، وَأَسْتَهْدِيهِ بِنُورِ بُرْهَانِهِ، وَأَوْمِنُ بِهِ حَقَّ إِيمَانِهِ. (٦)

١- في المصدر: «وتخفيه»، والصواب ما أثبتناه.

٢- خفرت بالرجل: غدرت به. وأخفرت: نقضت عهده (المصباح المنير: ص ١٧٥ «خفر»).

٣- أكدي: خاب. وأكدي: افتقر بعد غنى (تاج العروس: ج ٢٠ ص ١١٧ «كدي»).

٤- أمشاج: أخلاط (لسان العرب: ج ٢ ص ٣٦٧ «مشج»).

٥- إنسان العين: حدفتها، والجمع أناسي (المصباح المنير: ص ٢٦ «أنس»).

٦- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥٣ ح ٢٢ نقلًا عن كتاب أنيس العابدين.

امام زین العابدین علیه السلام: ستایش ، خدای را که به هر زبانی یادش کنند ، بر هر احسانی سپاسش گویند و در هر مکانی او را پرستند . گرداننده امور است و مقدر کننده روزگاران است . به آنچه دریاها [در خود] پوشیده دارند و سینه ها پنهانش کنند و تاریکی ها پنهانش سازند و روشنایی آشکارش گرداند ، داناست . خدایی که دانشمندان در دانش او حیران اند و حاکمان در برابر حکم و فرمان او ، گردن نهاده اند و بزرگان در برابر قدرت او ، سر فرود آورده اند . و با بخشندگی بی کران خود ، بر دیگر بخشندگان برتر آمده و با بردباری بی اندازه خود ، بر دیگر بردباران آقایی کرده است . ستایش ، خدایی را که هر کس به زنهار او درآید ، زنهارش شکسته نشود ، و هر کس به عظمت او پناه جوید ، مقهور نگردد ، و هر کس پیوسته شکر نعمتش را به جای آورد ، نیازمند نشود ، و هر کس مشمول رحمت او شود ، به هلاکت نیفتد ؛ صاحب احسان هایی که شمارندگان ، آنها را شماره نتوانند کرد ، و صاحب نعمت هایی که کوشندگان [در عمل و عبادت] ، از عهده جبران آنها بر نیایند ، و صاحب نیکی هایی که منکران نتوانند آنها را نفی کنند ، و صاحب نشانه هایی که موجودات با نور آنها بینا شوند [و به وجود او پی برند] . او را می ستایم و فاش می ستایم و دهش هایش را سپاس می گویم ، چونان ستایش کردن کسی که توفیق هدایت او را یافته و به دادگری اش اعتماد دارد . سپاس همیشگی و فرمان بایسته ، تنها از آن اوست ستایش ، خدای را ؛ آفریننده موجود زنده از نطفه آمیخته ، فرو برنده روشنایی ها در تاریکی ها ، بیرون آورنده هستی از نیستی ، پیشی گیرنده بر ازل ، بخشنده نعمت های پیشین به خلق و سود رساننده به آنان با فضل و کرم ؛ خدایی که بسیاری انفاق و دهش ، او را ناتوان نسازد و از ترس ناداری ، بخشش خود را دریغ ندارد و سرازیر کردن روزی ها ، چیزی از [خزانه] او نکاهد ؛ با مردمک دیدگان ، دیده نشود و به پیوستن و جدایی ، وصف نگردد . او را بر احسان فراوانش می ستایم و از این که مرا به خود واگذارد و یاری ام نرساند ، به خود او پناه می برم . از پرتو برهانش هدایت می جویم و به او چنان که سزد ، ایمان دارم .

الإمام زين العابدين عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ ، وَالْآخِرِ بِلا آخِرٍ يَكُونُ بَعْدَهُ ، الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ ، وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِحِينَ . ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا ، وَاخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيئَتِهِ اخْتِرَاعًا ، ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ ، وَبَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ ، لا يَمْلِكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّمَ لَهُمْ إِلَيْهِ ، وَلا يَسْتَطِيعُونَ تَقَدُّمًا إِلَى ما أَخَّرَهُمْ عَنْهُ . وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوَّةً مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ ، لا يَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ ، وَلا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ . ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا ، وَنَصَبَ لَهُ أَمِيدًا مَحْدُودًا يَنْخَطُّ (١) إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمُرِهِ ، وَيَرْهَقُهُ بِأَعْوَامِ دَهْرِهِ ، حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَقْصَى أَثَرِهِ وَاسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ ، قَبَضَهُ إِلَى ما نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ «لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسْنَوْا بِمَا عَمِلُوا وَ يُجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى» (٢) عَدْلًا مِنْهُ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ وَتَظَاهَرَتْ آلاؤُهُ «لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْئَلُونَ» (٣) . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَى ما أْبْلَاهُمْ مِنْ مَنِّهِ الْمُتَتَابِعِهِ ، وَأَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ الْمُتَطَاهِرِهِ ؛ لَتَصَيَّرَفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحِمِدُوهُ ، وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ ، وَلَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ (٤) ، فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ : «إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (٥) . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى ما عَزَّفْنَا مِنْ نَفْسِهِ ، وَأَلْهَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ ، وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بُرُوبِيَّتِهِ ، وَدَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِحْلَاصِ لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ ، وَجَبَّتْنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَالشُّكِّ فِي أَمْرِهِ ، حَمْدًا نُعَمَّرُ بِهِ فَيَمُنُّ حَمْدُهُ مِنْ خَلْقِهِ ، وَنَسْبُقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَى رِضَاؤِهِ وَعَفْوِهِ ، حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرَزَخِ (٦) ، وَيُسَهِّلُ عَلَيْنَا بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ ، وَيُشَرِّفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ ، يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لا يُظْلَمُونَ (٧) ، «يَوْمَ لا يُعْنَى مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَ لا هُمْ يُنصَرُونَ» (٨) . حَمْدًا يَرْتَفِعُ مَعَنَا إِلَى أَعْلَى عِلِّيِّينَ ، فِي كِتَابِ مَرْقُومٍ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ . حَمْدًا تَقَرُّ بِهِ عُيُونُنَا إِذَا بَرَقَتِ الْأَبْصَارُ ، وَتَبْيَضُّ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ . حَمْدًا نَعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ . حَمْدًا نَزَاحِمُ بِهِ مَلَائِكَتَهُ الْمُقَرَّبِينَ ، وَنُضَامُ (٩) بِهِ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِي لا تَزُولُ ، وَمَحَلِّ كَرَامَتِهِ الَّتِي لا تَحُولُ . (١٠) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ ، وَأَجْرَى عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ ، وَجَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ ، فَكُلُّ خَلِيقَتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ ، وَصَائِرُهُ إِلَى طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ ، فَكَيْفَ نَطِيقُ حَمْدَهُ؟ أَمْ مَتَى نُؤَدِّي شُكْرَهُ؟ لا ، مَتَى؟ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِينَا آيَاتِ الْبَسْطِ ، وَجَعَلَ لَنَا أَدْوَاتِ الْقَبْضِ ، وَمَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَاةِ ، وَأَثَبَتْ فِينَا جِوَارِحَ الْأَعْمَالِ ، وَغَدَّانَا بِطَيِّبَاتِ الرِّزْقِ ، وَأَغْنَانَا بِفَضْلِهِ ، وَأَقَانَا (١١) بِمَنِّهِ ، ثُمَّ أَمَرَنَا لِيُخْتَبَرَ طَاعَتُنَا ، وَنَهَانَا لِيُبَيِّنَ شُكْرَنَا ، فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ ، وَرَكَبْنَا مَتُونَ زَجْرِهِ ، فَلَمْ يَبْتَدِرْنَا (١٢) بِعُقُوبَتِهِ ، وَلَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ ، بَلْ تَأَنَّنَا (١٣) بِرَحْمَتِهِ تَكْرُمًا ، وَانْتَظَرَ مُرَاجَعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ حِلْمًا . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ ، فَلَوْ لَمْ نَعْتَدِ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا ، لَقَدْ حَسَنَ بِلَاؤُهُ عِنْدَنَا ، وَجَلَّ إِحْسَانُهُ إِلَيْنَا ، وَجَسَمَ فَضْلُهُ عَلَيْنَا ، فَمَا هَكَذَا كَانَتْ سُنَّتُهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا ، لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا ما لا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ، وَلَمْ يُكَلِّفْنَا إِلَّا وُسْعًا ، وَلَمْ يُجَسِّمْنَا (١٤) إِلَّا يُسْرًا ، وَلَمْ يَدْعَ لِأَحَدٍ مِمَّنَّا حُجَّةً وَلا- عُذْرًا ، فَالْهَالِكُ مِمَّنَّا مَنْ هَلَكَ عَلَيْهِ ، وَالسَّعِيدُ مِمَّنَّا مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ ما حَمَدَهُ بِهِ أَدْنَى مَلَائِكَتِهِ إِلَيْهِ ، وَأَكْرَمُ خَلِيقَتِهِ عَلَيْهِ ، وَأَرْضَى حَامِدِيهِ لَدَيْهِ ، حَمْدًا يَفْضُلُ سَائِرَ الْحَمْدِ ، كَفَضْلِ رَبَّنَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ . ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ ، عِيدًا ما أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ ، وَمَكَانَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهَا عَدَدُهَا أضعافًا مُضَاعَفَةً أَبَدًا سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . حَمْدًا لا مُنْتَهَى لِحَدِّهِ ، وَلا حِسَابَ لِعَدَدِهِ ، وَلا مَبْلَغَ لِغَايَتِهِ ، وَلا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ . حَمْدًا يَكُونُ وُصْلَهُ إِلَى طَاعَتِهِ وَعَفْوِهِ ، وَسَبَبًا إِلَى رِضْوَانِهِ ، وَذَرِيعَةً إِلَى مَغْفِرَتِهِ ، وَطَرِيقًا إِلَى جَنَّتِهِ ، وَخَفِيرًا (١٥) مِنْ نِقْمَتِهِ ، وَأَمْنًا مِنْ غَضَبِهِ ، وَظَهِيرًا عَلَى طَاعَتِهِ ، وَحَاجِزًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ ، وَعَوْنًا عَلَى تَأْدِيَةِ حَقِّهِ وَوِطَائِفِهِ . حَمْدًا نَسْعُدُ بِهِ فِي السُّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيائِهِ ، وَنَصِيرُ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ ، إِنَّهُ وَلِيُّ حَمِيدٍ . (١٦)

- ١- كذا، والقياس: «يتخطى». قال ابن منظور: تخطيت إلى كذا، ولا- يقال: تخطأت بالهمز (لسان العرب: ج ١٤ ص ٢٣٢ «خط»).
- ٢- النجم: ٣١.
- ٣- الأنبياء: ٢٣.
- ٤- فى نسخه قديمه: «ولدخلوا فى حريم البهيميه»، وهو قريب من معنى الحدّ، فإنّ حريم الدار ما حولها من حقوقها ومرافقها، سمى بذلك لأنه يحرم غير مالکها أن يستبدّ بالارتفاق به (رياض السالكين فى شرح صحيفه سيد الساجدين: ج ١ ص ٣٠٨).
- ٥- الفرقان: ٤٤.
- ٦- البرزخ: ما بين الموت إلى القيامة (مفردات ألفاظ القرآن: ص ١١٨ «برزخ»).
- ٧- إشاره إلى الآيه ٢٢ من سوره الجاثيه.
- ٨- الدخان: ٤١.
- ٩- تضامّ القوم: إذا انضمّ بعضهم إلى بعض (الصحاح: ج ٥ ص ١٩٧٢ «ضمم»).
- ١٠- حال إلى مكان آخر: أى تحوّل (تاج العروس: ج ١٤ ص ١٨٦ «حول»).
- ١١- أفتاه الله: أعطاه (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٥١٨ «قنا»).
- ١٢- ابتدره: عاجله (القاموس المحيط: ج ١ ص ٣٦٩ «بدر»).
- ١٣- تأنى فى الأمر: أى ترقّق وتنظر (الصحاح: ج ٦ ص ٢٢٧٣ «أنا»).
- ١٤- لم يجشمنا إلّا يسرا: أى لم يكلفنا إلّا يسرا، من التجشم؛ وهو التكلف على مشقه (مجمع البحرين: ج ١ ص ٢٩٥ «جشم»).
- ١٥- الخفير: المجير (الصحاح: ج ٢ ص ٦٤٨ «خفر»).
- ١٦- الصحيفه السجاديّه: ص ١٩ الدعاء ١، البلد الأمين: ص ٤٣٨ عن عمير بن متوكل بن هارون عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام؛ شرح نهج البلاغه: ج ٦ ص ١٨٥ عن الإمام على عليه السلام وفيه من «والحمد لله بكلّ ما حمده به أدنى...»، ينابيع الموده: ج ٣ ص ٤١١ مختصرا.

امام زین العابدین علیه السلام: ستایش ، خدای را که نخستین بی پیشین است و آخرین بی پسین؛ خدایی که دیده بینندگان ، از دیدن او قاصر است و اندیشه وصف کنندگان ، از وصفش ناتوان. آفریدگان را به قدرت خویش پدید آورد و به خواست خویش ، آنها را اختراع کرد . سپس آنها را در مسیری که اراده خودش بود ، روان ساخت و در راه محبت خویش ، ره سپارشان کرد ، به طوری که نتوانند از آنچه او آنها را به سویی پیش رانده ، واپس گرایند و به سوی چیزی پیش بروند که او آنان را از آن واپس داشته است . برای هر جاننداری از ایشان ، قوت معین و قسمت شده ای از روزی خویش قرار داد ؛ آن سان که هیچ کس نتواند از [روزی] کسی که او افزونش داده ، بکاهد و یا بر کسی که او کم داده ، چیزی بیفزاید. سپس برای زندگی هر جاننداری ، زمانی معین قرار داد و مدتی محدود مقرر داشت ، که با [سپری کردن] روزهای عمرش ، به سوی آن [سر رسید] گام بر می دارد و با [گذراندن] سال های زندگی اش ، به آن می رسد ، و چون به پایان کارش رسید و پیمانۀ عمرش لبریز شد ، او را به سوی همان چیزی خواهد برد که بدان فرایش خوانده بود چه پاداش فراوانش و یا کیفرش که از آن بر حذر داشته شده ؛ «تا بدکاران را به کیفر کردارشان برساند ، و نیکوکاران را پاداش نیک دهد» و این خود ، از عدالت اوست ، که نام هایش مقدس اند و نعمت هایش پیاپی . «او از آنچه کند ، بازخواست نمی شود ؛ ولی آنان بازخواست می شوند» . ستایش ، خدایی را که اگر معرفت حمد خود را برای احسان های پیاپی ای که به بندگان خود کرده و نعمت های سرشاری که ارزانی شان داشته است ، از آنان باز می داشت ، بی گمان ، نعمت های او را به کار می گرفتند و ستایشش نمی کردند ، از خوان گسترده روزی او می خوردند و سپاسش نمی گفتند ، و اگر چنین می بودند ، هر آینه از دایره انسانیت خارج می شدند و به مرز حیوانیت در می آمدند و چنان می شدند که خداوند در کتاب استوارش فرموده است : «آنان همانند چارپایان اند؛ نه ، که از آنها هم گم راه ترند» . ستایش ، خداوند را که خود را به ما شناساند ، سپاس گزاری اش را به ما آموخت ، درهای شناخت پروردگاری اش را بر ما گشود ، راه اخلاص در توحیدش را به ما نمود و از الحاد و شک در کارش ، به دورمان داشت؛ ستایشی که با آن ، در میان دیگر مخلوقات ستاینده او زندگی کنیم و به وسیله آن ، از کسانی که به سوی خشنودی و بخشایش او می شتابند ، گوی سبقت برابیم؛ ستایشی که به سبب آن ، تاریکی های عالم برزخ را بر ما روشن گرداند ، راه رستاخیز را برای ما آسان و هموار سازد و در ایستگاه های گواهان ؛ (۱) مقام و منزلت ما را بالا برد ؛ در آن روزی که هر کس سزای کردار خویش را خواهد دید و به هیچ کس ستمی نخواهد شد ؛ «همان روزی که هیچ دوستی ، به کار دوست نیاید و کس یاری شان نکند» . ستایشی که در نامه عمل ما نبشته شود و فرشتگان مقرب ، بر آن گواهی دهند و تا اعلی علین بالا رود. ستایشی که آن گاه که چشم ها خیره می گردند ، دیدگان ما بدان روشن شود ، و آن گاه که چهره ها سیاه می گردند ، ما بدان ، رو سفید شویم. ستایشی که به واسطه آن ، از آتش دردناک خداوند آزاد شویم و در جوار کرم او بیاساییم . ستایشی که به واسطه آن ، با فرشتگان مقرب او هم نشین شویم و در سرای ماندگاری که هرگز زوال نپذیرد ، و در جایگاه کرامت او که هیچ گاه تغیر نگیرد ، با پیامبران مرسل او همدوش شویم. ستایش ، خدایی را که نیکویی های خلقت را برای ما برگزید (ما را خوش صورت و سیرت آفرید) ، و روزی های پاک و حلال را برای ما مقرر داشت ، و امتیاز پادشاهی بر همه مردم را به ما ارزانی داد ؛ چنان که به قدرت او ، همه آفریدگانش فرمان بردار ما هستند و به عزت او ، همگان سر در طاعت ما دارند. ستایش ، خدایی را که ما را از هر کس ، جز خودش ، بی نیاز گردانید . پس چگونه ستایش او توانیم ؟ یا کی از عهده شکر او برآیم ؟ نه ، کجا توانیم؟ ستایش ، خدایی را که در [بدن] ما ابزارهای گشادن نهاد ، وسایل بستن و گرفتن

برایمان قرار داد و از روح های زندگی بخش ، برخوردارمان ساخت و اندام های کارکردن را در ما پدید آورد ، و با روزی های پاکیزه تغذیه مان کرد و به فضل خود ، توانگرمان ساخت و به لطفش دارایی مان بخشید . سپس ما را به کارهایی فرمان داد تا از این طریق ، فرمان برداری ما را بیازماید ، و از چیزهایی نهی مان کرد تا سپاس گزاری ما را در بوته آزمایش نهد ؛ ولی ما از فرمان او سر تافتیم و نهی هایش را مرتکب شدیم . با این حال ، او در کیفر دادن ما شتاب نورزید و زود از ما انتقام نگرفت ؛ بلکه به رحمت و بزرگواری اش ، با ما مدارا کرد و از سر رأفت و بردباری اش ، منتظر بازگشت ما ماند . ستایش ، خدایی را که در توبه را به روی ما گشود و به لطف و فضل او ، از آن بهره مند شدیم ؛ و اگر از الطاف او ، تنها از همین یک لطف برخوردار شده بودیم ، باز هم در حق ما نیکی بسیار و احسان بزرگ و لطف عظیم کرده بود ؛ چرا که روش او در پذیرفتن توبه از ائمت های پیشین ، چنین نبود . او آنچه ما توانش را نداشتیم ، از عهده ما برداشت و جز به اندازه قدرتمان ، به ما تکلیف نداد و جز کارهای آسان ، وظیفه ای بر دوش ما نهداد و برای هیچ یک از ما ، جای عذر و بهانه ای باقی نگذاشت . پس هر یک از ما که به هلاکت در افتد ، مقصیر خود اوست . در میان ما ، خوش بخت کسی است که به او رو کند . ستایش ، خدای را به همه آنچه نزدیک ترین فرشتگانش و گرامی ترین آفریدگانش و پسندیده ترین ستایشگرانش در نزد او ، با آن ستایشش می کنند ؛ ستایشی که بر دیگر ستایش ها برتر آید ، همچون برتری خود پروردگار ما بر همه آفریدگانش . و باز ، ستایش باد او را به جای هر نعمتی که به ما و به همه بندگان رفته و مانده اش داده است ؛ [ستایشی] به شمار همه چیزهایی که او می داندشان ، و به جای هر یک از آنها ، و چند برابر شمار آن ؛ ستایشی ابدی و همیشگی تا روز رستاخیز . ستایشی که حد آن را پایانی نباشد ، عددش به شمار ناید ، نهایتش سر رسیدی نداشته باشد و مدتش تمام نشود . ستایشی که رشته پیوندی [برای ما] به طاعت و بخشایش او باشد ، و ریسمانی به سوی خشنودی اش ، و وسیله ای به سوی آمرزشش ، و راهی به سوی بهشتش ، و پناهی از کیفر او ، و ایمنی بخش از خشم او ، و پشتیبانی برای فرمان برداری از او ، و مانعی از نافرمانی او ، و کمک بر ادای حق او و گزاردن تکالیفش . ستایشی که به واسطه آن ، در زمره دوستان سعادت مند او قرار گیریم و بدان وسیله ، در صف کسانی جای بگیریم که با شمشیرهای دشمنان او به شهادت رسیده اند . همانا او سرپرستی ستوده است .

ص: ٣٩٧

..

ص: ٤٠٠

..

ص: ٤٠١

..

۵ / ۷ ستایش های نقل شده از امام باقر علیه السلام

۷ / ۵ ستایش های نقل شده از امام باقر علیه السلام: ستایش ، خدای را ؛ تا هر آن گاه که موجودی خدا را می ستاید ، و آن سان که خدا ، خود دوست دارد ستایش شود.

امام باقر علیه السلام: ستایش ، خدای را به شمار آنچه آفریده است . ستایش ، خدای را به مانند آنچه آفریده است . ستایش ، خدای را به اندازه همه آنچه آفریده است . ستایش ، خدای را به گستره کلماتش . ستایش ، خدای را به وزن عرشش . ستایش ، خدای را چندان که او را خشنود گرداند . معبودی جز خدای بردبار و بزرگواریست . معبودی جز خدای والا و با عظمت نیست . ستایش ، خدای را که پروردگار آسمان ها و زمین ها و ما بین آنهاست و پروردگار عرش بزرگ است.

امام باقر علیه السلام در بیان ستایشی که از هر ستایش دیگری ، بی نیاز می گرداند : بار خدایا ! تو را ستایش ، به همه ستایش هایت ، بر همه نعمت هایت ؛ تا ستایش به آن جا رسد که تو ای پروردگار ما ! دوست می داری و می پسندی.

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَمِدَ اللَّهُ بِهِذِهِ الْمَحَامِدِ ، فَأَوْحَى اللَّهُ جَلَّتْ عَظَمَتُهُ إِلَيْهِ : لَقَدْ شَغَلَتْ
الكاتبين . قَالَ : اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ ، كَمَا يَتَّبَعِي لَكَ أَنْ تُحَمِّدَ ، وَكَمَا يَتَّبَعِي لِكِرْمِ وَجْهِكَ وَعِزِّ جَلَالِكَ .

(١)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَالْتِنَاءُ وَالشُّكْرُ . . . وَلَكَ مَا زَكَ وَطَابَ وَطَهَّرَ مِنَ الثَّنَاءِ الطَّيِّبِ وَالْمَدِيحِ الْفَاخِرِ وَالْقَوْلِ الْحَسَنِ
الْجَمِيلِ ، الَّذِي تَرْضَى بِهِ عَن قَائِلِهِ وَيَرْضَى بِهِ قَائِلُهُ وَهُوَ رَضِيَ لَكَ . يَتَّصِلُ حَمْدِي بِحَمْدِ أَوْلِي الْحَامِدِينَ وَثَنَائِي بِثَنَاءِ أَوْلِي الْمُثْنِينَ

(٢)

عنه عليه السلام: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ ، بِيَدِهِ
الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ ، أَنْتَ نَوْرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَلَكَ الْحَمْدُ ، وَأَنْتَ قِوَامُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ فَلَكَ الْحَمْدُ ، وَأَنْتَ جَمَالُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَلَكَ الْحَمْدُ ، وَأَنْتَ زِينُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَلَكَ الْحَمْدُ ، وَأَنْتَ
صَرِيحُ الْمُسْتَصْرِخِينَ فَلَكَ الْحَمْدُ ، وَأَنْتَ غِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ فَلَكَ الْحَمْدُ ، وَأَنْتَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ فَلَكَ الْحَمْدُ ، وَأَنْتَ
أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ فَلَكَ الْحَمْدُ . (٣)

-
- ١- .قصص الأنبياء : ص ٢٧٨ ح ٣٤٠ عن محمد بن مروان ، قرب الإسناد : ص ٥ ح ١٤ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق
عنه عليهما السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢١٢ ح ١٣ و ص ٢٠٩ ح ١ .
 - ٢- .المصباح للكفعمي : ص ١٠٨ عن الإمام الصادق عليه السلام ، مصباح المتهجد : ص ٢٢٣ ح ٣٣٥ من دون إسناد إلى أحد
من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٦٧ ح ٤٤ و ج ٩٥ ص ٢٠٧ ح ٣٨ نقلًا عن الكتاب العتيق الغروي .
 - ٣- .مصباح المتهجد : ص ١٦٤ ح ٢٥٤ ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٢٥٨ ح ٤٣ .

امام باقر علیه السلام: پیامبری از پیامبران علیهم السلام، خداوند را با این ستایش ها ستود، پس خداوند عز و جل به او وحی فرمود که: «نویسندگان [اعمال] را مشغول ساختی». آن پیامبر چنین ستایش کرده بود: بار خدایا! ستایشت باد؛ ستایشی فراوان و پاک و خجسته، آن سان که شایسته توست که ستایش شوی، و آن چنان که سزاوار روی گرامی تو و عظمت شکوه توست.

امام باقر علیه السلام: بار خدایا! تو را ستایش و ثنا و سپاس... و تو راست هر آنچه پاک و خوش و پاکیزه است از ثنای پاکیزه و ستایش شکوهمند و سخن نیکو و زیبا؛ آن سان که هم تو آن را از گوینده اش بپسندی و هم گوینده اش آن را بپسندد و خود او نیز مورد رضایت تو باشد، و آن سان که ستایش مرا به ستایش نخستین ستایشگران پیوند دهد و ثنای مرا به ثنای اولین ثناگویان.

امام باقر علیه السلام: معبودی جز خداوند نیست که یگانه است و بی انباز. او راست فرمان روایی و او راست ستایش. زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می گرداند و او، خود، زنده نامیراست. خوبی، سراسر، در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. بار خدایا! تو را ستایش، ای پروردگار من! تو نور آسمان ها و زمینی، پس تو را ستایش باد. تو سبب برپایی آسمان ها و زمینی، پس تو را ستایش باد. تو زیبایی آسمان ها و زمینی، پس ستایشت باد. تو زیور آسمان ها و زمینی، پس ستایشت باد. تو فریادرس فریادخواهانی، پس ستایشت باد. تو دادرس دادخواهانی، پس ستایشت باد. تو اجابت کننده دعای بیچارگانی، پس ستایشت باد. و تو مهربان ترین مهربانان و مهرگستر مهربانی، پس ستایشت باد.

٥ / ٨ المَحَامِدُ المَأْثُورَةُ عَنِ الإِمَامِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمِهِ كُلِّهَا ، حَتَّى يَنْتَهَى الحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ رَبِّي وَيَرْضَى . (١)

عنه عليه السلام: الحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ رَبُّنَا وَكَمَا يَرْضَى كَثِيرًا طَيِّبًا . . . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا حَمِدَ اللَّهُ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحَمَدَ . (٢)

عنه عليه السلام: الحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عِلْمِهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى فَضْلِهِ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ ، وَكَانَ بِهِ كَرَمُ الفَضْلِ فِي ذَلِكَ مَا اللَّهُ بِهِ عَلِيمٌ . (٣)

عنه عليه السلام: الحَمْدُ لِلَّهِ وَلِيِّ الحَمْدِ وَأَهْلِهِ وَمُنْتَهَاهُ وَمَحَلُّهُ ، أَخْلَصَ مَنْ وَحَدَهُ ، وَاهْتَدَى مَنْ عَبَدَهُ ، وَفَازَ مَنْ أَطَاعَهُ ، وَأَمِنَ المُعْتَصِمُ بِهِ ، اللَّهُمَّ يَا ذَا الجُودِ وَالمَجْدِ وَالثَّنَاءِ الجَمِيلِ وَالْحَمْدِ . (٤)

الكافي عن علي بن حسان عن بعض أصحابه: سَأَلْتُ أبا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَدْنَى مَا يُجْزَى مِنَ التَّحْمِيدِ؟ قَالَ: تَقُولُ: الحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَفَقَهَرَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَفَقَدَرَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَّنَ فَخَبَّرَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُمِيتُ الأَحْيَاءَ وَيُحْيِي المَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (٥)

١- قرب الإسناد: ص ٤ ح ١٢ عن مسعده بن صدقه ، الكافي: ج ٢ ص ٥٤٧ ح ٥ ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٣٤ ، مصباح المتهجد: ص ٢٠٢ ح ٢٩٢ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٠٩ ح ١ .

٢- الإقبال: ج ٢ ص ١٢٤ عن سلمه بن الأكوع ، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٤٣ .

٣- قرب الإسناد: ص ٧ ح ٢١ عن مسعده بن صدقه ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٠ ح ١ .

٤- الكافي: ج ٢ ص ٥٩٠ ح ٣١ عن عبد الرحمن بن سنيابة .

٥- الكافي: ج ٢ ص ٥٠٤ ح ٧ ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٧٠ ح ١٣٥٤ ، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١١٧ ح ٤٣٨ كلاهما عن بكر بن محمد عن الإمام الصادق عليه السلام ، عدّه الداعي: ص ٢٤٦ ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٢١ ح ٤ .

۵ / ۸ ستایش های نقل شده از امام صادق علیه السلام

۵ / ۸ ستایش های نقل شده از امام صادق علیه السلام: ستایش ، خدای را با همه ستایش هایش ، بر همه نعمت هایش ، تا آن که ستایش بدان جا رسد که پروردگارم دوست می دارد و خشنود می شود .

امام صادق علیه السلام: ستایش ، خدای را آن سان که پروردگار ما دوست دارد و آن سان که او می پسندد ؛ ستایشی بسیار و پاک .. ستایش ، خدای را تا هر آن گاه که چیزی خدای را می ستاید ، و آن سان که خدا خود ، دوست دارد ستایش شود .

امام صادق علیه السلام: ستایش ، خدای را بر دانش او . ستایش ، خدای را بر لطف و دهش او به ما و به همه آفریدگانش ؛ لطف و دهشی چنان کریمانه که [فقط] خدا خود آن را می داند .

امام صادق علیه السلام: ستایش ، خدای را که صاحب ستایش و اهل آن و پایان آن و جایگاه آن است . اخلاص ورزید هر آن که او را یگانه داشت ، ره یافت هر آن که او را پرستید ، درست کار شد هر آن که از او فرمان برد ، و در امان ماند هر آن که به او پناه برد . بار خدایا ، ای صاحب جود و بزرگی و ثنای نیکو و ستایش!

الکافی به نقل از علی بن حسان ، از یکی از یارانش : از امام صادق علیه السلام پرسیدم : کمترین چیزی که در ستایشگویی خداوند بسنده می کند ، چیست؟ فرمود : «می گویی : ستایش ، خدایی را که برتر و چیره است . ستایش ، خدایی را که فرمان روایی مقتدر است . ستایش ، خدایی را که از نهران ها آگاه و باخبر است . ستایش ، خدایی را که زندگان را می میراند و مردگان را زنده می گرداند ، و او بر هر کاری تواناست» .

الإمام الصادق عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَقَهْرَهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَقْدَرَهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَّنَ فَخْبِرَهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِمَلَكَتِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ. (١)

عنه عليه السلام مِنْ مَحَامِدِهِ عِنْدَ تَجَدُّدِ الرَّزْقِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَعَّمَهُ تَغْدُو عَلَيْنَا وَتَرَوْحُ، وَنَظَلُّ بِهَا نَهَارًا وَنَبِيتُ فِيهَا لَيْلًا، فَنُصْبِحُ فِيهَا بِرَحْمَتِهِ مُسْلِمِينَ، وَنُمَسِّي فِيهَا بِمَنْتِهِ مُؤْمِنِينَ، مِنْ الْبَلَوَى مُعَافِينَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنْعِمِ الْمُفْضِلِ، الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ، ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، ذِي الْفَوَاضِلِ وَالنَّعَمِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْذُلْنَا عِنْدَ شِدَّةِ، وَلَمْ يَفْضَحْنَا عِنْدَ سَرِيرِهِ، وَلَمْ يُسْلِمْنَا عِنْدَ جَرِيرِهِ (٢). (٣)

الكافي عن صفوان عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: عَلَّمَنِي شَيْئًا أَقُولُهُ إِذَا أَصْبَحْتُ وَإِذَا أَمْسَيْتُ. فَقَالَ: قُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ، اللَّهُمَّ ادْخُلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ ادْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَأَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. (٤)

- ١- تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٧٢ ح ٢٣٠، الإقبال: ج ١ ص ٨٥، مصباح المتهجد: ص ٥٤٣ ح ٦٣٠ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٣٦٢ ح ١.
- ٢- الجريزة: الجنايه والذنب (النهايه: ج ١ ص ٢٥٨ «جرر»).
- ٣- قرب الإسناد: ص ٧ ح ٢٠ عن مسعده بن صدقه، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٠٩ ح ١.
- ٤- الكافي: ج ٢ ص ٥٢٩ ح ٢٢، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٩٥ ح ٥٦.

امام صادق علیه السلام: ستایش ، خدایی را که برتر و چیره است . ستایش ، خدایی را که فرمان روایی مقتدر است . ستایش ، خدایی را که از نهان ها آگاه و با خبر است . ستایش ، خدایی را که مردگان را زنده می کند و زندگان را می میراند ، و او بر هر چیز تواناست . ستایش ، خدایی را که همه چیز در برابر عظمت او کوچکی می کند . ستایش ، خدایی را که همه چیز در برابر عزّت او خوار است . ستایش ، خدایی را که همه چیز در برابر قدرت او تسلیم است . ستایش ، خدایی را که هر چیزی در برابر پادشاهی او مطیع است . ستایش ، خدایی را که آنچه بخواهد ، انجام می دهد و جز او کسی چنین نیست که هر چه بخواهد ، انجام دهد.

امام صادق علیه السلام در ستایش هنگام رسیدن روزی نو : ستایش ، خدایی را که نعمت هایش شب و روز به ما می رسد و روز را با آن سر می کنیم و شب را با آن به سر می آوریم ، و به مهر او ، با آن نعمت ها روز خود را با مسلمانی می آغازیم و به لطف او ، با آن نعمت ها روز خود را با ایمان و عافیت از گزند و بلا ، به شب می رسانیم . ستایش ، خدای را که نعمت می دهد و دهش می کند و احسان می نماید و نیکی می ورزد ، صاحب شکوه و کرم ورزی است ، پروردگار عطایا و نعمت هاست . ستایش ، خدایی را که در سختی ها ما را وانی گذارد و نهان ما را فاش نمی سازد ، و در هنگام گناه ، رهایمان نمی کند [بلکه دستمان را می گیرد و نجاتمان می دهد].

الکافی به نقل از صفوان ، از کسی که نامش را برد : به امام صادق علیه السلام گفتم : چیزی به من بیاموزید که هر بام و شام ، آن را بگویم . فرمود : «بگو: ستایش ، خدایی را که آنچه بخواهد ، انجام می دهد و جز او هیچ کس چنین نیست که آنچه بخواهد ، انجام دهد . ستایش ، خدای را آن گونه که خدا ، خود ، دوست دارد ستوده شود . ستایش ، خدای را آن سان که او شایسته آن است . بار خدایا ! مرا در هر خوبی ای که محمّد و خاندان محمّد را وارد آن فرمودی ، وارد کن ، و از هر بدی ای که محمّد و خاندان محمّد را از آن به در آوردی ، مرا نیز به در آور . درود خدا بر محمّد و خاندان محمّد باد» .

الكافي عن علي بن حسين عن بعض أصحابه عن الإمام الصادق عليه السلام: كُلُّ دُعَاءٍ لَا يَكُونُ قَبْلَهُ تَحْمِيدٌ فَهُوَ أَبْتَرُ، إِنَّمَا التَّحْمِيدُ ثُمَّ الثَّنَاءُ. قُلْتُ: مَا أَدْرَى مَا يُجْزَى مِنَ التَّحْمِيدِ وَالتَّمْجِيدِ؟ قَالَ: يَقُولُ: اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. (١)

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْتَى فِي كُلِّ كَرْبِهِ، وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدْدَةٍ، وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي تَقَهُ وَعُدَّةٌ، كَمَنْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤَادُ، وَتَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ، وَيَخْذُلُ عَنْهُ الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ، وَيَشْمَتُ بِهِ الْعِيدُ، وَتُعِينِي (٢) فِيهِ الْأُمُورُ، أَنْزَلْتَهُ بِحُكْمِكَ وَشَكْوَتِهِ إِلَيْكَ رَاغِبًا فِيهِ عَمَّنْ سِوَاكَ، فَفَرَّجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ وَكَفَيْتَنِيهِ، فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ، وَصَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ، وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ، فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيرًا وَلَكَ الْمَنْ فَاضِلًا. (٣)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَثْنِي عَلَيْكَ بِأَحْسَنِ مَا أَقْدِرُ عَلَيْهِ، وَأَشْكُرُكَ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ شُكْرِكَ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِكَ كُلِّهَا، وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَى. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عِيدًا مَا خَلَقْتَ وَعِيدًا مَا ذَرَأْتَ (٤)، وَلَكَ الْحَمْدُ عِيدًا مَا بَرَأْتَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عِيدًا مَا أَحْصَيْتَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عِيدًا مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَلَكَ الْحَمْدُ مِلءَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (٥)

- ١- الكافي: ج ٢ ص ٥٠٤ ح ٦، عده الداعي: ص ٢٤٥ وفيه «التمجيد» بدل «التحميد» في جميع المواضع، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٢١ ح ٤.
- ٢- في تهذيب الأحكام وبحار الأنوار: «وتعيني».
- ٣- الكافي: ج ٢ ص ٥٧٨ ح ٥، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٩٤ ح ٢٥٥ كلاهما عن بكر بن محمد، الأمالي للمفيد: ص ٢٧٣ ح ٤، الأمالي للطوسي: ص ٣٥ ح ٣٦ كلاهما عن الريان بن الصلت عن الإمام الرضا عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٣٦.
- ٤- ذرأ الله الخلق: إذا خلَقهم (النهاية: ج ٢ ص ١٥٦ «ذرأ»).
- ٥- الإقبال: ج ٢ ص ١٢٢ عن سلمه بن الأكوع، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٤٢.

الکافی به نقل از علی بن حسان ، از یکی از یارانش : امام صادق علیه السلام فرمود : «هر دعایی که پیش از آن ستایشی نباشد ، آن دعا نافرجام است . نخست ، ستایش باید و سپس ثنای او» . گفتم : من نمی دانم که چه اندازه از ستایش و تمجید کفایت می کند . فرمود : «[کسی که می خواهد دعا کند ،] بگوید : بار خدایا ! تو نخستینی و پیش از تو هیچ نبود ، و تو آخرین و پس از تو هیچ نبود . تو آشکارا برونی و چیزی آشکارتر و برون تر از تو نیست ، و تو نهان و درونی و چیزی نهان تر و درون تر از تو نیست ، و تو ارجمند و سنجیده کاری» .

امام صادق علیه السلام : بار خدایا ! تو در هر غم و اندوهی ، تکیه گاه منی . تو در هر سختی ای ، امید منی . تو در هر گرفتاری ای که به من رسد ، تکیه گاه و ساز و برگ منی . چه بسیار غم و اندوه ها که دل از تحمل آنها ناتوان است ، و چاره ای برای آنها یافت نمی شود ، و خویش و بیگانه خود را از آنها کنار می کشند [و به یاری ام نمی آیند و غم گساری نمی کنند] ، و دشمن از آنها شاد می شود ، و با وجود آنها کارها مرا رنج می دهند که به پیشگاه تو آوردم و از آنها به تو شکایت کردم و از غیر تو روی گرداندم ، و تو آنها را از من زدودی و برطرف ساختی و نجاتم دادی . پس تویی صاحب هر نعمتی ، و برآورنده هر حاجتی ، و نهایت هر خواستی . پس ستایش بسیار ، تو را ، و تویی که لطف فراوان داری .

امام صادق علیه السلام : بار خدایا ! تو را به نیکوترین ثنایی که در توان من است ، ثنا می گویم ، و به آن سپاسی که تو بر من منت نهادی و آن را به من آموختی ، سپاست می گویم . بار خدایا ! تو را ستایش ، با همه ستایش هایت ، بر همه نعمت هایت که به همه آفریدگانت داده ای ، تا بدان حد از ستایش که تو ای پروردگار ما ! که خودت دوست می داری و بدان خرسند می شوی . بار خدایا ! تو را ستایش ، به شمار آنچه آفریده ای و به تعداد آنچه پدید آورده ای . تو را ستایش ، به شمار آنچه ایجاد کرده ای . تو را ستایش ، به شمار آنچه شماره کرده ای . تو را ستایش ، به شمار آنچه در آسمان ها و زمین هاست . تو را ستایش ، به اندازه همه دنیا و آخرت .

مصباح المتهجد عن المفضل بن عمر: رَأَيْتُ أبا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَّى صَلَاةَ جَعْفَرٍ ، وَرَفَعَ يَدَيْهِ وَدَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ : . . . اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ ، وَأَنْطِقُ بِالثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَأُمَجِّدُكَ وَلَا غَايَةَ لِمَدْحِكَ ، وَأُثْنِي عَلَيْكَ ، وَمَنْ يَبْلُغْ غَايَةَ ثَنَائِكَ! وَأُمَجِّدُكَ ، وَأُثْنِي لِخَلْقِكَ كُنْهُ مَعْرِفِهِ مَجْدِكَ! وَأَيُّ زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحًا بِفَضْلِكَ ، مَوْصُوفًا بِمَجْدِكَ ، عَوَّادًا عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِحِلْمِكَ! تَخَلَّفَ سِوَاكَ أَرْضِيكَ عَنْ طَاعَتِكَ فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفًا بِجُودِكَ ، جَوَادًا بِفَضْلِكَ ، عَوَّادًا بِكَرَمِكَ ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام في دُعَاءٍ وَدَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ : اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا أَوَّلُهَا وَآخِرُهَا ، مَا قُلْتَ لِنَفْسِكَ مِنْهَا وَمَا قَالَ الْخَلَائِقُ؛ الْحَامِدُونَ الْمُجْتَهِدُونَ ، الْمَعْدُودُونَ (٢) الْمُؤَقَّرُونَ (٣) ذَكَرَكَ وَالشُّكْرَ لِمَكَ ، الَّذِينَ أَعْتَنَتْهُمْ عَلَى أَدَاءِ حَقِّكَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ؛ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ ، وَالنَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ ، وَأَصْنَافِ النَّاطِقِينَ وَالْمُسَبِّحِينَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ ، عَلَى أَنَّكَ بَلَّغْتَنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَعَلَيْنَا مِنْ نِعْمِكَ ، وَعِنْدَنَا مِنْ قِسْمِكَ وَإِحْسَانِكَ وَتَظَاهِرِ امْتِنَانِكَ ، فَبِذَلِكَ لَكَ مُنْتَهَى الْحَمْدِ الْخَالِدِ الدَّائِمِ الزَّائِدِ الْمُخَلَّدِ السَّرْمَدِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ طُولَ الْأَبَدِ ، جَلَّ ثَنَاؤُكَ أَعْتَنَّا عَلَيْهِ حَتَّى قَضَيْنا صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ مِنْ صِيَالِهِ ، وَمَا كَانَ مِنَّا فِيهِ مِنْ بَرٍّ أَوْ شُكْرٍ أَوْ ذِكْرٍ . (٤)

- ١- مصباح المتهجد : ص ٣١١ ح ٤١٩ ، جمال الأسبوع : ص ١٨٨ ، فتح الأبواب : ص ٢٧٦ ، البلد الأمين : ص ١٥٠ ، بحار الأنوار : ج ٩١ ص ٢٠٠ ح ٤ .
- ٢- المعدودون : أي الذين عددتهم من أوليائك ، أو أحصيت أسماءهم في شيعه الأئمة عليهم السلام (مرآه العقول : ج ١٦ ص ٤٠٢) .
- ٣- المؤقرون : أي المعظمون لذكرك . وفي تهذيب الأحكام : المؤثرون ؛ أي الذين يختارون ذكرك وشكرك على كل شيء (مرآه العقول : ج ١٦ ص ٤٠٢) .
- ٤- الكافي : ج ٤ ص ١٦٥ ح ٦ ، تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ١٢٣ ح ٢٦٧ و ٢٦٨ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ١٦٥ ح ٢٠٣٣ ، الإقبال : ج ١ ص ٤٣٠ كلها عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ١٧٦ ح ٢ .

مصباح‌المتهجد به نقل از مُفَضَّل بن عُمَر : امام صادق علیه السلام را دیدم که نماز جعفر [طیار] خواند ، سپس دستانش را بلند کرد و این دعا را خواند : «... بار خدایا ! سخن را با ستایش تو می آغازم ، ثنای تو را بر زبان می آورم و تو را تمجید می کنم ، در حالی که ستایش تو را نهایی نیست . تو را ثنا می گویم ، و کیست که به منتهای ثنای تو رسد! تو را تمجید می کنم ، و کجا مخلوق تو می تواند به عمق شناخت مجد و عظمت تو نایل آید! کی بوده است که تو به فضلت ستوده نشده باشی ، و به مجد و بزرگی موصوف نباشی ، و از سر بردباری ات به جانب گنهکاران باز نگشته باشی! ساکنان زمینت از اطاعت تو سر باز زدند ؛ ولی تو به جود خود ، آنان را نواختی و به فضلت برایشان جود نمودی و به کرمیت سودشان رساندی . ای آن که معبودی جز تو نیست ، و بنده پرور و شکوهمند و ارجمندی!» .

امام صادق علیه السلام در دعای وداع با ماه رمضان : بار خدایا ! تو را ستایش به همه ستایش هایت ، از اوّل تا آخر آنها ؛ چه آن ستایش ها که تو خود برای خویش گفته ای ویا آنچه آفریدگان گفته اند ؛ همان ستایشگران کوشا [در طاعت و عبادت] که شمارندگان (۱) و گرامی دارندگان یاد تو و سپاس تو هستند ؛ همانان که بر ادای حقت یاری شان دادی ، از انواع آفریدگانت : از فرشتگان مقرب تا پیامبران و رسولان ، و انواع گویندگان و تسبیح کنندگان تو ، از همه جهانیان ؛ [تو را ستایش] برای این که ما را به ماه رمضان رساندی و از نعمت هایت بر خورداریم . و بهره هایت و احسانت و الطاف پیاپی ات شامل حال ماست ؛ پس ، از بهر این همه ، تو را نهایت ستایش باد ؛ ستایشی جاویدان و همیشگی و ماندگار و مانا و بی پایان که هرگز تمام نشود . بزرگی تو! ما را در این ماه کمک کردی تا روزه و نمازهای آن را به جا آوردیم . هر کار نیکی یا سپاسی یا ذکری که در این ماه از ما سر زد ، به یاری تو انجام دادیم .

۱- در اصل عربی حدیث ، «المعدودون (شمردگان)» آمده است ؛ یعنی : کسانی که آنها را از اولیایت شمرده ای ، یا نام آنها را در زمره شیعیان ائمه علیهم السلام به شمار آورده ای (مرآة العقول : ج ۱۶ ص ۴۲) . در مستدرک الوسائل : ج ۷ ص ۴۷۸ ح ۸۷۰۰ «المعدودون (شمارندگان)» آمده است ، که مترجم ، بنا به قرائن ، این ضبط را ترجیح می دهد. در این صورت ، به معنای فرشتگانی است که مأمور شمارش آفریدگان یا نعمت های خدایند .

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا رَزَقْتَنِي ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا مَنَحْتَنِي ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَلْهَمْتَنِي ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا شَفَيْتَنِي ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا عَافَيْتَنِي ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا هَدَيْتَنِي ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً ، حَمْدًا كَثِيرًا دَائِمًا سِرْمَدًا أَبَدًا لَا يَنْقَطِعُ وَلَا يَفْنَى أَبَدًا ، حَمْدًا تَرْضَى بِحَمْدِكَ عَنَّا ، حَمْدًا يَصْعَدُ أَوَّلُهُ وَلَا يَفْنَى آخِرُهُ ، يَزِيدُ وَلَا يَبِيدُ . (١)

عنه عليه السلام: لَا أُحْصِي الثَّنَاءَ عَلَيْكَ وَلَوْ حَرَصْتُ ، وَأَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ . (٢)

عنه عليه السلام: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ ، وَلَا أُحْصِي مِدْحَتَكَ وَلَا الثَّنَاءَ عَلَيْكَ ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ ، وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ . (٣)

عنه عليه السلام: لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلُ قَائِلٍ ، أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ . (٤)

الكافي عن محمد بن مسلم: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ فِي كِتَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْمِدْحَةَ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ ، فَإِذَا دَعَوْتَ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ فَمَجِّدُهُ . قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ أُمَجِّدُهُ؟ قَالَ: تَقُولُ: يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ، يَا فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرَّةِ وَقَلْبِهِ (٥) ، يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ . (٦)

١- الإقبال: ج ٢ ص ١٤٢ ، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٥٧ .

٢- الإقبال: ج ١ ص ١٢١ عن أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري بإسناده ، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٣٢٨ ح ١ .

٣- مصباح المتهجد: ص ٨٣٨ ح ٨٩٩ ، المزار الكبير: ص ٤٠٩ ح ٤ كلاهما عن محمد بن صدقة العنبري عن الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٤١٢ ح ١ نقلاً عن الإقبال .

٤- الكافي: ج ٢ ص ٥٩٤ ح ٣٣ عن أبي بصير ، مصباح المتهجد: ص ٢٧٨ ح ٣٨٣ ، جمال الأسبوع: ص ١٤٤ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣٠٣ ح ١٠ .

٥- يحول بين المرء وقلبه: أي يملكك على قلبه ، فيصرفه كيف شاء ؛ فيغيّر نِيَّاتِهِ ، ويفسخ عزائمهُ ، ويبدله بالذکر نسياناً وبالنسيان ذكراً ، وبالخوف أمناً وبالأمن خوفاً (مجمع البحرين: ج ١ ص ٤٧٥ «حول»).

٦- الكافي: ج ٢ ص ٤٨٤ ح ٢ ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٦ ح ٢٠٢٩ ، فلاح السائل: ص ٩٠ ح ٢٢ ، عدّه الداعي: ص ١٤٨ وليس فيهما «يا فعلاً لما يريد» ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣١٥ ح ٢٠ .

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! تو را ستایش بر آنچه روزی من کردی. تو را ستایش بر آنچه به من بخشیدی. تو را ستایش بر آنچه به من الهام فرمودی. تو را ستایش بر توفیقاتی که به من دادی. تو را ستایش بر این که مرا شفا دادی. تو را ستایش بر این که عافیت و تن درستی عطایم کردی. تو را ستایش بر این که مرا هدایت نمودی. تو را ستایش بر خوشی و ناخوشی. تو را ستایش برای همه اینها. تو را ستایش بر هر نعمت پیدا و ناپیدایی که به من دادی؛ ستایش بسیار و همیشگی و بی پایان و ابدی که هرگز قطع نشود و از بین نرود؛ ستایشی که به سبب آن ستایشت، از ما خشنود شوی؛ ستایشی که اول آن [به درگاه تو] فراز آید و آخر آن پایان نیابد، افزون شود و نابود نگردد.

امام صادق علیه السلام: ثنای تو را شماره نتوانم؛ هر چند در این کار بکوشم. تو چنانی که خود ثنای خویش گفته ای. پاکا تو و ستایش باد تو را.

امام صادق علیه السلام: معبودی جز تو نیست. بزرگ است ثنای تو. من، نه ستایش تو را شماره توانم کرد و نه ثنای تو را. تو چنانی که خود در ثنای خویش گفته ای، و برتر از آنی که گویندگان [در وصف و ثنای تو] گویند.

امام صادق علیه السلام: سخن هیچ گوینده ای، از پس ستایش تو برنیاید. تو چنانی که خود می گویی و برتر از آنی که ما می گوئیم.

الکافی به نقل از محمد بن مسلم: امام صادق علیه السلام فرمود: «در کتاب امیر مؤمنان علیه السلام آمده است: ستایش، پیش از درخواست است. پس هر گاه به درگاه خداوند عز و جلدعا کردی، [نخست] او را بستای». من گفتم: چگونه او را بستایم؟ فرمود: «می گویی: ای آن که از رگ گردن؛ به من نزدیک تر است، ای آن که هر چه اراده کند، انجامش دهد، ای آن که میان انسان و دلش حایل گردد، ای آن که در تماشاگاه برین است، ای آن که چیزی همانند او نیست!».

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَلِيَّ الْحَمْدِ ، وَمُنْتَهَى الْحَمْدِ ، وَفِي الْحَمْدِ ، عَزِيزَ الْجُنْدِ ، قَدِيمَ الْمَجْدِ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ حِينَ لَا شَمْسٌ تُضِيءُ ، وَلَا قَمَرٌ يَسْرِي ، وَلَا بَحْرٌ يَجْرِي ، وَلَا رِيحٌ تَذْرَى (١) ، وَلَا سَمَاءٌ مَبِيئَةٌ ، وَلَا أَرْضٌ مَدْحِيَّةٌ ، وَلَا لَيْلٌ تَجُنُّ (٢) ، وَلَا نَهَارٌ يُكِنُّ ، وَلَا عَيْنٌ تَتَّبِعُ ، وَلَا صَوْتُ يُسْمَعُ ، وَلَا جَبَلٌ مَرْسِيٌّ ، وَلَا سَحَابٌ مُنْشَأٌ ، وَلَا إِنْسٌ مَبْرُؤٌ ، وَلَا جِنٌّ مَذْرُؤٌ ، وَلَا مَلَكٌ كَرِيمٌ ، وَلَا شَيْطَانٌ رَجِيمٌ ، وَلَا ظِلٌّ مَمْدُودٌ ، وَلَا شَيْءٌ مَعْدُودٌ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَحَمَدَ إِلَى مَنْ اسْتَحَمَدَهُ مِنْ أَهْلِ مَحَامِدِهِ ، لِيُحَمَدُوهُ عَلَى مَا بَدَّلَ مِنْ نَوَافِلِهِ الَّتِي فَاقَ مَدْحَ الْمَادِحِينَ مَا تُرَى مَحَامِدِهِ ، وَعَدَا وَصَفَ الْوَاصِفِينَ هَيْبَتَهُ جَلَالِهِ ، هُوَ أَهْلٌ لِكُلِّ حَمْدٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ ، الْوَاحِدُ الَّذِي لَا يَدَّ لَهُ ، الْمَلِكُ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ ، الرَّفِيعُ الَّذِي لَيْسَ فَوْقَهُ نَاطِقٌ ، ذُو (٣) الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ ، الْمَحْمُودُ لِيَذِلَّ نَوَائِلُهُ ، الْمَعْبُودُ بِهَيْبَتِهِ جَلَالِهِ ، الْمَيَذُورُ بِحُسْنِ آيَاتِهِ ، الْمَنَّانُ بِسِعَةِ فَوَاضِلِهِ ، الْمَرْغُوبُ إِلَيْهِ فِي تَمَامِ الْمَوَاهِبِ مِنْ خَزَائِنِهِ ، الْعَظِيمُ الشَّانِ ، الْكَرِيمُ فِي سُلْطَانِهِ ، الْعَلِيُّ فِي مَكَانِهِ ، الْمُحْسِنُ فِي امْتِنَانِهِ ، الْجَوَادُّ فِي فَوَاضِلِهِ . الْحَمْدُ لِلَّهِ بَارِي خَلْقِ الْمَخْلُوقِينَ بِعِلْمِهِ ، وَمُصَوِّرِ أَجْسَادِ الْعِبَادِ بِقُدْرَتِهِ ، وَمُخَالَفِ صُورٍ مَنْ خَلَقَ مِنْ خَلْقِهِ ، وَنَافِخِ الْأَرْوَاحِ فِي خَلْقِهِ بِعِلْمِهِ ، وَمُعَلِّمِ مَنْ خَلَقَ مِنْ عِبَادِهِ اسْمَهُ ، وَمُدَبِّرِ خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِعَظَمَتِهِ . الَّذِي وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَ كُرْسِيِّهِ ، وَعَلَا بِعَظَمَتِهِ فَوْقَ الْأَعْلَى ، وَقَهَرَ الْمُلُوكَ بِجَبَرَوْتِهِ ، الْجَبَّارِ الْأَعْلَى الْمَعْبُودِ فِي سُلْطَانِهِ ، الْمُنْتَسِلِ بِقُوَّتِهِ ، الْمُتَعَالَى فِي دُنُوِّهِ ، الْمُتَيَدَانِي كُلَّ شَيْءٍ فِي ارْتِفَاعِهِ ، الَّذِي نَفَذَ بَصِيرَتَهُ فِي خَلْقِهِ ، وَحَارَتِ الْأَبْصَارُ بِشُعَاعِ نُورِهِ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَلِيمِ الرَّشِيدِ ، الْقَوِيِّ الشَّدِيدِ ، الْمُبْدِيِّ الْمُعِيدِ ، الْفَعَّالِ لِمَا يُرِيدُ . الْحَمْدُ لِلَّهِ مُنْزِلِ الْآيَاتِ ، وَكَاشِفِ الْكُرْبَاتِ ، وَمُؤْتِي السَّمَاوَاتِ . الْحَمْدُ لِلَّهِ فِي كُلِّ مَكَانٍ ، وَفِي كُلِّ زَمَانٍ ، وَفِي كُلِّ أَوَانٍ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ ، وَلَا يُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ ، وَلَا يُيْذِلُّ مَنْ وَالَاهُ ، الَّذِي يَجْزِي بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا ، وَبِالصَّبْرِ نَجَاةً . «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَيَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَيَا فِي الْأَرْضِ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْبَاطِنِ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ» (٤) . «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَى أَجْنَحِهِ مِثْنَى وَ ثَلَاثَ وَ رُبْعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (٥) . (٦)

١- ذَرَّتُهُ الرِّيحُ وَأَذْرَتْهُ وَتَذْرِيهِ : إِذَا أَطَارَتْهُ (النهاية : ج ٢ ص ١٥٩ «ذرا»).

٢- جَنَّتُهُ اللَّيْلُ ، وَجَنَّ عَلَيْهِ يَجُنُّ : سَتَرَهُ (لسان العرب : ج ١٣ ص ٩٢ «جنن»).

٣- فِي الطَّبْعَةِ الْمُعْتَمَدَةِ : «ذِي» ، وَالتَّصْوِيبُ مِنْ طَبْعِهِ دَارِ الْكُتُبِ الْإِسْلَامِيَّةِ .

٤- سَبَأُ : ١ .

٥- فَاطِرُ : ١ .

٦- الْإِقْبَالُ : ج ٢ ص ١٢٢ عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْأَكْوَعِ ، بِحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٩٨ ص ٢٤٢ .

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! تو را ستایش ای صاحب ستایش و منتهای ستایش و در اوج ستایش، ای که سپاهش نیرومند است و شکوهش دیرینه! ستایش، خدایی را که عرش او بر آب بود؛ آن گاه که نه خورشیدی می درخشید و نه ماهی در شب می تابید، نه دریایی [و رودی] روان بود و نه بادی می وزید، نه آسمانی افراشته وجود داشت و نه زمینی گسترده، نه شبی که [همه جا را] در تاریکی خود فرو برد و نه روزی که پدیدار سازد، نه چشمه ای می جوشید و نه صدایی شنیده می شد، نه کوهی استوار و سر به فلک کشیده بود و نه ابری پدید آمده، نه انسانی آفریده شده بود و نه جَنّی خلق گشته بود، نه فرشته ای گرامی وجود داشت و نه شیطنی رانده شده، نه سایه ای گسترده پدید آمده بود و نه چیزی شمردنی. ستایش، خدایی را که اهل ستایش هایش را به ستایش خویش خواند تا او را بر نیکی ها و بخشش هایی که کرده است، بستایند؛ بخشش هایی که برتر از ستایش ستاینندگان اوصاف برجسته اوست و فراتر از توصیف وصف کنندگان هیبت شکوه او. او سزاوار هر ستایشی و منتهای هر خواستی است. یگانه ای است که آغازی برایش نباشد، پادشاهی است که او را زوال نباشد، و بلند مرتبه ای است که هیچ نگاهی به او نرسد. پروردگار آمرزش و مهر است. به سبب بخشش هایش، ستوده شود و به واسطه هیبت شکوهش، پرستیده شود. به سبب احسان هایش، از او یاد شود و به واسطه وسعت عطایایش، بر همگان منت دارد. از او خواهند که بخشش هایش را از خزانه هایش، به کمال دهد. عظیم الشأن است. در عین اقتدار و تسلط، بزرگوار است و در جایگاه خود، بلند مرتبه است. سخاوتمندانه نیکی می کند و عطا هایش را بی چشمداشت، ارزانی می دارد. ستایش، خدای را که به علم خویش، آفریدگان را آفرید و به قدرت خویش، بدن های بندگان را شکل بخشید و مخلوقاتش را شکل های گونه گون داد. به علم خویش، در آفریدگانش جان دمید و به آن کس از بندگانش که آفرید، نام خود را آموخت. با عظمت خویش، آفرینش آسمان ها و زمین را اداره می کند. خدایی که کرسی او، بر هر چیزی احاطه دارد و با عظمتش، بر همه برترین ها برتری جسته و با قدرتش پادشاهان را مقهور ساخته. آن قدرتمند برین که در قلمرو سلطنتش پرستیده شود و با نیرویش چیره است. در عین نزدیک بودن، بالا است و در عین بالا بودن، به هر چیزی نزدیک است. خدایی که نگاهش در خلق او نافذ است و دیدگان [خلق] به واسطه پرتو نور او خیره اند. ستایش، خدای را که بردبار و دانا است، نیرومند و محکم است، آغاز کننده و بازگرداننده است، و کننده هر کاری است که اراده کند. ستایش، خدای را که فرو فرستنده آیه ها و برطرف کننده اندوه ها و آفریننده آسمان هاست. ستایش، خدای را در هر مکانی و در هر زمانی و در هر آنی. ستایش، خدای را که هر کس را یاد او کند، از یاد نبرد و هر که را بخواندش، ناکام نگرداند و هر که را با او دوستی کند، خوار نسازد؛ خدایی که نیکی را به نیکی پاداش می دهد و شکیبایی را به رهایی. «ستایش، خدایی را که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین باشد، از آن اوست، و ستایش او راست در آخرت. و اوست حکیم کار آگاه». «ستایش، خدای را که آفریننده آسمان ها و زمین است؛ خدایی که فرشتگان را پیام رسانانی قرار داد دارای دو بال و سه بال و چهار بال؛ هر چه خواهد، در آفرینش می افزاید. خدا بر هر چیزی تواناست».

ص: ٤١٨

..

٥ / ٩ المَحَامِدُ المَأْثُورَةُ عَنِ الإِمَامِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الكَاظِمِ قَرِيبِ الإسْنَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ أُخِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ كَثِيرًا: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَبَتُّمُ الصَّالِحَاتِ. (١)

الإمام الكاظم عليه السلام: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا ، وَلَمْ یَكُنْ لَهُ شَرِیْکٌ فِی الْمُلْکِ ، الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی یَصِفُ وَلَا یُوصَفُ ، وَیَعْلَمُ وَلَا یُعْلَمُ ، یَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْیُنِ وَمَا تُخْفِی الصُّدُورُ. (٢)

عنه عليه السلام: اللّٰهُمَّ مَا أَصْبَحْتَ فِيهِ مِنْ عَافِيَةٍ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ ، فَأَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَنِي وَرَزَقْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي لَهُ وَسَتَرْتَنِي ، فَلَا حَمْدَ لِي يَا إِلَهِي فِيمَا كَانَ مِنِّي مِنْ خَيْرٍ ، وَلَا عُذْرَ لِي فِيمَا كَانَ مِنِّي مِنْ شَرٍّ ، اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَتَّكِلَ إِلَى مَا لَا حَمْدَ لِي فِيهِ أَوْ مَا لَا عُذْرَ لِي فِيهِ. (٣)

٥ / ١٠ المَحَامِدُ المَأْثُورَةُ عَنِ الإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی حَمِدَ فِي الْكِتَابِ نَفْسَهُ ، وَافْتَتَحَ بِالْحَمْدِ كِتَابَهُ ، وَجَعَلَ الْحَمْدَ أَوَّلَ جِزَاءِ مَحَلِّ نِعْمَتِهِ ، وَآخِرَ دَعْوَى أَهْلِ جَنَّتِهِ. (٤)

١- قرب الإسناد: ص ٣٠٠ ح ١١٧٩ ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٠ ح ٢ .

٢- الكافي: ج ٢ ص ٥٣٢ ح ٣٠ عن عبد الله بن إبراهيم الجعفرى وص ٥٦٩ ح ٤ ، المحاسن: ج ٢ ص ١١٨ ح ١٣٢٤ ، عده الداعي: ص ٢٥٤ كلها عن سليمان الجعفرى ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٥٩ ح ٢٨ .

٣- البلد الأمين: ص ١١٧ .

٤- الكافي: ج ٥ ص ٣٧٣ ح ٧ عن معاوية بن حكيم ، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٤٤٩ ح ١٥٤١ وفيه «جزاء أهل طاعته» بدل «آخر دعوى أهل جنّته» ، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ٢٦٤ ح ٤ .

۵ / ۹ ستایش های نقل شده از امام کاظم علیه السلام**۵ / ۱۰ ستایش های نقل شده از امام رضا علیه السلام**

۵ / ۹ ستایش های نقل شده از امام کاظم علیه السلام مقرب الاسناد به نقل از علی بن جعفر: برادرم [امام کاظم علیه السلام] بسیار می گفت: «ستایش، خدایی را که با نعمت او، کارهای نیک انجام می پذیرد».

امام کاظم علیه السلام: به نام خدای بخشایشگر مهربان. ستایش، خدایی را که فرزندی نگرفته و در جهاننداری شریک ندارد. ستایش، خدایی را که وصف می کند ولی خود، به وصف نمی آید؛ می داند ولی خود، دانسته نمی شود؛ خیانت چشم ها را و آنچه را سینه ها نهان می دارند، می داند.

امام کاظم علیه السلام: بار خدایا! هر عافیتی که در دین و دنیایم دارم، تو آن را به من داده ای و روزی ام کرده ای و به آن موقم داشته ای و تو [عیب های] من را پوشانده ای. پس ای معبود من! هر کار خوبی که از من سرزند، ستایشی متوجه من نیست، و هر بدی ای که از من سرزند، مرا در آن عذری نباشد. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که به چیزی تکیه کنم که برای آن، ستایشی از من سرزند، و یا در آن، عذری نداشته باشم.

۵ / ۱۰ ستایش های نقل شده از امام رضا علیه السلام امام رضا علیه السلام: ستایش، خدایی را که در کتاب [قرآن]، خودش را ستوده و کتابش را با ستایش [خویش] آغاز کرده، و ستایش را نخستین پاداش در سرای نعمتش (بهشت)، و آخرین دعاهاى اهل بهشتش قرار داده است.

الكافي عن محمد بن أحمد عن بعض أصحابنا: كَانَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْطُبُ فِي النِّكَاحِ : الْحَمْدُ لِلَّهِ إِجْلَالًا لِقُدْرَتِهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ خُضُوعًا لِعِزَّتِهِ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ ، إِنَّ اللَّهَ «خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا» إِلَى آخِرِ الْآيَةِ (١).
(٢)

٥ / ١١ المحامد الماثورة عن الإمام محمد بن علي الجواد الإمام الجواد عليه السلام: الحمد لله متم النعم برحمته ، والهادي إلى شكره بمنه . (٣)

عنه عليه السلام: الحمد لله إقرارا بنعمته ، ولا إله إلا الله إخلاصا لوحدايته ، وصلّى الله على محمد سيد بريته ، والأصفياء من عترته . (٤)

عنه عليه السلام: يُسْتَحَبُّ أَنْ تُكْتَبَ مِنْ أَنْ تَقُولَ فِي كُلِّ وَقْتٍ مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ مِنْ أَوَّلِ الشَّهْرِ [أَى شَهْرِ رَمَضَانَ] إِلَى آخِرِهِ : يَا ذَا الَّذِي كَانَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ ، ثُمَّ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ، ثُمَّ بَقِيَ وَيَفْنَى كُلَّ شَيْءٍ ، يَا ذَا الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ، وَيَا ذَا الَّذِي لَيْسَ فِي السَّمَاوَاتِ الْعُلَى وَلَا فِي الْأَرْضِينَ السُّفْلَى وَلَا فَوْقَهُنَّ وَلَا تَحْتَهُنَّ وَلَا يَبْنَهُنَّ إِلَهٌ يُعْبَدُ غَيْرُهُ . لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهِ إِلَّا أَنْتَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ . (٥)

١- الفرقان : ٥٤ .

٢- الكافي : ج ٥ ص ٣٧٤ ح ٨ .

٣- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ٣٩٨ ح ٤٣٩٩ ، مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٤٤٨ ح ١٥٤٠ ، بحار الأنوار : ج ١٠٣ ص ٢٦٤ ح ٣ وفيه «لما تزوج الرضا عليه السلام ابنه المأمون خطب لنفسه فقال ...» .

٤- الإرشاد : ج ٢ ص ٢٨٤ ، تحف العقول : ص ٤٥٢ وفيه «إجلالاً لعظمته» بدل «إخلاصاً لوحدايته» ، مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٤٥٠ ح ١٥٤٢ ، الاحتجاج : ج ٢ ص ٤٧٢ ح ٣٢٢ ، إعلام الوري : ج ٢ ص ١٠٣ كلاهما عن الريان بن شبيب ، بحار الأنوار : ج ١٠٣ ص ٢٦٥ ح ٥ و ص ٢٧٢ ح ٢٢ .

٥- المقنعه : ص ٣٢٠ ، التوحيد : ص ٤٧ ح ١١ نحوه وكلاهما عن علي بن مهزيار ، الإقبال : ج ١ ص ٣٤٨ من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٣ ص ٢٨٥ ح ٥ و ج ٩٤ ص ١٧٩ ح ٢ .

۵ / ۱۱ ستایش های نقل شده از امام جواد علیه السلام

الکافی به نقل از محمّد بن احمد ، از یکی از یارانمان : امام رضا علیه السلام در خطبه نکاح می فرمود : «ستایش ، خدای را سزد ؛ از سرِ بزرگداشت قدرت او . معبودی جز خدا نیست ؛ از بهر تسلیم در برابر عزّت او . و درود خدا بر محمّد و خاندان او ؛ به هنگام یاد کردن از او . خداوند «از آب ، بشری آفرید و او را خویشی و پیوند نهاد . و پروردگار تو همواره تواناست» .

۱۱ / ۵ ستایش های نقل شده از امام جواد علیه السلام امام جواد علیه السلام : ستایش ، خدای را که به مهرش ، نعمت ها را کامل کرده و با لطفش ، به سپاس گزاری از خود راه نما شده است.

امام جواد علیه السلام : ستایش ، خدای راست ؛ از سرِ اقرار به نعمتش . معبودی جز خدا نیست ؛ از بهر خالص گردانیدن یگانگی . و درود خدا بر محمّد ، سرور آفریدگانش ، و برگزیدگان از خاندان او.

امام جواد علیه السلام : مستحب است که از آغاز ماه [رمضان] تا پایان آن ، در هر وقتی از شب یا روز ، این دعا را زیاد بگویی : ای آن که پیش از هر چیز بود ، سپس هر چیز را آفرید ، آن گاه او می ماند و همه چیز از میان می رود ! ای آن که چیزی همانندش نیست ! ای آن که نه در آسمان های بالا و نه در زمین های پایین و نه بالای آنها و نه زیر آنها و نه میان آنها ، جز او خدایی نیست که پرستیده شود ! تو را ستایش ؛ ستایشی که جز تو هیچ کس بر شمارش آن توانا نباشد . پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست ؛ درودی که جز تو هیچ کس بر شمارش آن توانا نباشد .

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ بِإِلَهِ مَعْدُودِهِ ، وَالْآخِرُ بِإِلَهِ آخِرِيهِ مَحْدُودِهِ ، أَنْشَأْتَنَا لِإِعْلَهِ اقْتِسَارًا ، وَاخْتَرَعْتَنَا لِإِحَاجِهِ اقْتِدَارًا ، وَابْتَدَعْتَنَا بِحِكْمَتِكَ اخْتِيَارًا ، وَبَلَّوْتَنَا بِأَمْرِكَ وَنَهْيِكَ اخْتِبَارًا ، وَأَيْدَتْنَا بِالْأَلَاتِ وَمَنْحَتْنَا بِالْأَدْوَاتِ ، وَكَلَّفْتَنَا الطَّاقَةَ وَجَسَمَتْنَا (١) الطَّاعَةَ ، فَأَمَرْتَ تَخِيْرًا وَنَهَيْتَ تَحْذِيرًا ، وَخَوَّلْتَ كَثِيرًا وَسَأَلْتَ يَسِيرًا ، فَعَصَيْتَ أَمْرَكَ فَحَلُمْتَ ، وَجُهَلْتَ قَدْرَكَ فَتَكْرَمْتَ . فَأَنْتَ رَبُّ الْعِزَّةِ وَالْبَهَاءِ ، وَالْعِزْمَةِ وَالْكَبْرِيَاءِ ، وَالْإِحْسَانِ وَالنَّعْمَاءِ ، وَالْمَنْ وَالْآلَاءِ ، وَالْمَنْحِ وَالْعَطَاءِ ، وَالْإِنْجَازِ وَالْوَفَاءِ ، وَلَا تُحِيْطُ الْقُلُوبُ لَكَ بِكُنْهِ ، وَلَا تُدْرِكُ الْأَوْهَامُ لَكَ صِفَّهُ ، وَلَا يُشْبِهُكَ شَيْءٌ مِنْ خَلْقِكَ ، وَلَا يُمَثِّلُ بِكَ شَيْءٌ مِنْ صَنْعَتِكَ ، تَبَارَكَ أَنْ تُحَسَّ أَوْ تُمَسَّ أَوْ تُدْرِكَكَ الْحَوَاسُّ الْخَمْسُ ، وَأَنْتَ يُدْرِكُ مَخْلُوقٌ خَالِقُهُ؟! وَتَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلوًّا كَبِيرًا! (٢)

٥ / ١٢ المَحَامِدُ الْمَأْثُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَادِي الْإِمَامِ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ ، وَوَفَّقَنَا لِلْعَوْنِ عَلَى عِبَادَتِهِ . (٣)

١- جَسَمَتُهُ الْأَمْرُ: إِذَا كَلَّفْتَهُ إِيَّاهُ (الصَّحَاحُ: ج ٥ ص ١٨٨٨ «جَسَمَ»).

٢- مُهْجَ الدَّعَوَاتِ: ص ٨٠، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٨٥ ص ٢٢٥ ح ١.

٣- الْأَمْالِيُّ لِلطُّوسِيِّ: ص ٢٩٩ ح ٥٨٧، الْمَنَاقِبُ لِابْنِ شَهْرٍ أَشُوبَ: ج ٤ ص ٤١٤ كِلَاهِمَا عَنْ كَافُورِ الْخَادِمِ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٥٠ ص ١٢٦ ح ٤.

۵ / ۱۲ ستایش های نقل شده از امام هادی علیه السلام

امام جواد علیه السلام: بار خدایا! تو نخستینی بی آن که برایت آغازی توان شمرد، و واپسینی بی آن که برایت فرجامی تعیین توان کرد. ما را پدید آوردی، نه برای علّتی؛ بلکه به جبر. ما را اختراع کردی، نه برای نیازی؛ بلکه از سر قدرت [و قدرت نمایی]. ما را از سر حکمت ابداع کردی به اختیار، و امر و نهی مان کردی تا ما را بیازمایی، و به ابزارها مجهّزمان کردی و ادوات در اختیارمان نهادی، و نیرویمان بخشیدی و به فرمانبری مکلفان نمودی. پس فرمان دادی و مخیر گذاشتی، و نهی کردی و [با آن] بر حذر داشتی. (۱) بسیار عطا کردی و اندک خواستی. اما [با این همه،] فرمان تو برده نشد و تو بردباری ورزیدی، و قدر تو شناخته نشد و تو بزرگواری نمودی. پس تویی پروردگار عزّت و شوکت، و بزرگی و کبریا، و نیکی و نعمت، و لطف و احسان ها، و دهش و بخشش، و به جا آوردن و وفا کردن. دل ها به گوهر تو احاطه نیابند و اوهام به صفتی از تو نرسند. هیچ چیز از آفریدگانت، مانند تو نیست و هیچ چیز از ساخته هایت، مثل تو نباشد. تو برتر از آنی که به حس در آیی، یا لمس شوی و یا حواس پنجگانه به تو رسند. کجا آفریده ای تواند که آفریدگارش را دریابد؟! تو ای معبود من! بسیار بالاتر از آنی هستی که ستمکاران [و مشرکان] در حقّ تو می گویند.

۵ / ۱۲ ستایش های نقل شده از امام هادی علیه السلام: ستایش، خدایی را که ما را از اهل طاعتش قرار داد و با کمک برای عبادتش، توفیقمان بخشید.

۱- یعنی: امر تو، با تخییر همراه است و نهی تو، جنبه تحذیری دارد، نه این که در اطاعت از امر تو و باز ایستادن از نهی تو، مجبور و بی اختیار باشیم.

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَالِمِ بِمَا هُوَ كَائِنٌ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَدِينَ لَهُ مِنْ خَلْقِهِ دَائِنٌ ، فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، مُؤَلِّفِ الْأَسْبَابِ بِمَا جَرَتْ بِهِ الْأَقْلَامُ وَمَضَتْ بِهِ الْأَحْتَامُ (١) مِنْ سَابِقِ عِلْمِهِ وَمُقَدَّرِ حُكْمِهِ ، أَحْمَدُهُ عَلَى نِعْمِهِ وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ نِقْمِهِ ، وَأَسْتَهْدِي اللَّهَ الْهُدَى وَأَعُوذُ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَالرَّذَى ، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَقَدْ اهْتَدَى ، وَسَبَلِكَ الطَّرِيقَةَ الْمُنْتَهَى ، وَغَنِمَ الْغَنِيمَةَ الْعُظْمَى ؛ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهَ فَقَدْ حَارَ (٢) عَنِ الْهُدَى ، وَهَوَى إِلَى الرَّذَى . (٣)

عنه عليه السلام: إلهي تاهت أوهامُ الْمُتَوَهِّمِينَ ، وَقَصِيرَ طَرْفِ الطَّارِفِينَ ، وَتَلَاشَتِ أوصافُ الوَاصِفِينَ ، وَاضْمَحَلَّتْ أَقْوَابِلُ الْمُبْطِلِينَ عَنِ الدَّرَكِ لِعَجِيبِ شَأْنِكَ ، أَوْ الْوُقُوعِ بِالْبُلُوغِ إِلَى عُلوِّكَ ، فَأَنْتَ فِي الْمَكَانِ الَّذِي لَا يَتَنَاهَى ، وَلَمْ تَقَعْ عَلَيْكَ عُيُونَ بِإِشَارِهِ وَلَا- عِبَارِهِ ، هَيْهَاتَ ثُمَّ هَيْهَاتَ! يَا أَوْلَىٰ يَا وَحْدَانِي يَا فَرْدَانِي ، شَمَخْتَ (٤) فِي الْعُلُوِّ بِعِزِّ الْكِبَرِ ، وَارْتَفَعْتَ مِنْ وَرَاءِ كُلِّ غَوْرِهِ وَنَهَائِهِ بِجَبْرٍ فَخْرٍ (٥) . (٦)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ إِذْ جَعَلْتَنَا مِمَّنْ يَحْمَدُكَ حَقًّا . (٧)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَكُونُ أَحَقَّ الْحَمْدِ بِكَ ، وَأَرْضَى الْحَمْدِ لَكَ ، وَأَوْجِبَ الْحَمْدِ لَكَ ، وَأَحَبَّ الْحَمْدِ إِلَيْكَ . وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا أَنْتَ أَهْلُهُ ، وَكَمَا رَضِيَتْ لِنَفْسِكَ ، وَكَمَا حَمَدَكَ مَنْ رَضِيَتْ حَمْدَهُ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ . وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا حَمَدَكَ بِهِ جَمِيعُ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَمَلَائِكَتِكَ ، وَكَمَا يَتَّبَعِي لِعِزِّكَ وَكِبَرِيَّاتِكَ وَعَظَمَتِكَ . وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا تَكِلُ الْأَلْسُنُ عَنْ صِفَتِهِ ، وَيَقِفُ الْقَوْلُ عَنْ مُنْتَهَاهُ . وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا يَقْصِرُ عَنْ رِضَاكَ ، وَلَا يَفْضُلُهُ شَيْءٌ مِنْ مَحَامِدِكَ . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ ، وَالشَّدَّةِ وَالرِّخَاءِ ، وَالْعَافِيَةِ وَالْبَلَاءِ ، وَالسَّنِينَ وَالْدُّهُورِ . وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى آلائِكَ وَنِعْمَائِكَ عَلَى وَعِنْدِي ، وَعَلَى مَا أَوْلَيْتَنِي وَأَبْلَيْتَنِي وَعَافَيْتَنِي وَرَزَقْتَنِي وَأَعْطَيْتَنِي وَفَضَّلْتَنِي وَشَرَّفْتَنِي وَكَرَّمْتَنِي وَهَدَيْتَنِي لِتَدِينِكَ ، حَمْدًا لَا يَبْلُغُهُ وَصْفٌ وَاصِفٍ ، وَلَا- يُدْرِكُهُ قَوْلٌ قَائِلٍ . اللَّهُمَّ لِمَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا فِيمَا أَتَيْتَ إِلَى أَحَدٍ مِنْ إِحْسَانِكَ عِنْدِي ، وَإِفْضَالِكَ عَلَيَّ ، وَتَفْضِيلِكَ إِيَّايَ عَلَى غَيْرِي . وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا سَوَّيْتَ مِنْ خَلْقِي وَأَدْبَتَنِي فَأَحْسَنْتَ أَدْبِي ، مَنَّا مِنْكَ عَلَيَّ لَا لِسَابِقِهِ كَانَتْ مِنِّي . فَأَيُّ النَّعْمِ يَا رَبِّ لَمْ تَتَّخِذْ عِنْدِي! وَأَيُّ شُكْرِ لَمْ تَسْتَوْجِبْ مِنِّي! رَضِيَتْ بِلُطْفِكَ لُطْفًا ، وَبِكِفَايَتِكَ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ خَلْفًا . (٨) يَا رَبِّ ، أَنْتَ الْمُنْعِمُ عَلَيَّ ، الْمُحْسِنُ الْمُتَفَضِّلُ الْمُجْمَلُ ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، وَالْفَوَاضِلِ وَالنَّعْمِ الْعِظَامِ ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ . (٩)

١- الحتم: القضاء وإيجابه (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٩٣ «حتم»).

٢- حار: رجع (الصحاح: ج ٢ ص ٦٣٨ «حور»).

٣- الكافي: ج ٥ ص ٣٧٢ ح ٦ عن عبد العظيم بن عبد الله الحسني .

٤- شمخ: ارتفع وتكبر (النهاية: ج ٢ ص ٥٠٠ «شمخ»).

٥- الغور: القعر من كل شيء (القاموس المحيط: ج ٢ ص ١٠٥ «غور»). أي ارتفعت عن أن يدرك كنه ذاتك وصفاتك بالوصول إلى غور الأفكار ونهايتها بسبب جبروت وعظمه ذاتيه توجب الفخر (بحار الأنوار: ج ٣ ص ٢٩٩).

- ٦- التوحيد : ص ٦٦ ح ١٩ عن سهل بن زياد ، الاحتجاج : ج ٢ ص ٤٨٥ ح ٣٢٥ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٧٩ ح ٣ .
- ٧- الأمالى للطوسى : ص ٢٨٩ ح ٥٥٩ ، المناقب لابن شهر آشوب : ج ٤ ص ٤٢٧ عن الإمام العسكرى عليه السلام وكلاهما عن كافور الخادم ، بحار الأنوار : ج ٥٠ ص ١٢٦ ح ٣ .
- ٨- فى المصدر : «خلقاً» ، والتصويب من بحار الأنوار وبعض نسخ المصدر . والخلف : ما استخلفته من شىء ؛ تقول : أعطاك الله خلفاً مما ذهب لك (لسان العرب : ج ٩ ص ٨٤ «خلف»).
- ٩- مصباح المتهدج : ص ٣٤٣ ح ٤٥٣ ، جمال الأسبوع : ص ٢١٠ كلاهما عن يعقوب بن يزيد الكاتب الأنبارى ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ٤٩ ح ١٢ .

امام هادی علیه السلام: ستایش، خدایی را که به کائنات دانا بود، پیش از آن که از آفریدگانش کسی باشد که او را طاعت و دینداری کند. آفریننده آسمان ها و زمین است و فراهم آورنده سبب هاست برای [اجرای] آنچه قلم ها آن را رقم زدند و از قضای حتمی او گذشتند و او از پیش، به آنها علم داشت و حکم آن را مقزّر کرده بود. او را بر نعمت هایش می ستایم و از خشم و کيفر هایش، به خود او پناه می برم. از خدا هدایت می طلبم و از گم راهی و نابودی، به او پناه می برم. هر کس خدا هدایتش کند، بی گمان، هدایت شده است و راست ترین راه را پیموده و بزرگ ترین سود را برده است، و هر که خدا گم راهش کند، بی گمان، از راه راست بر گشته و به هلاکت در افتاده است.

امام هادی علیه السلام: معبودا! اندیشه های اندیشمندان، از درک مقام شگفت آور تو و رسیدن به جایگاه بلند تو، سرگشته اند و نگاه های نگرندگان، کوتاه و وصف های وصف کنندگان، بر باد رفته و گفته های باطل گرایان، فرو پاشیده؛ زیرا تو در جایگاهی نامتناهی هستی و چشم ها به اشارت و عبارت، بر تو نیفتند. هیهات و هیهات! ای آغازین، ای یگانه، ای یکتا! تو به واسطه عزّت کبریایت، در اوج بلندی هستی و به سبب جبروت فخرآفرینت، برتر از آنی که با فرو رفتن در ژرفای اندیشه و نهایت آن، به تو توان رسید.

امام هادی علیه السلام: بار خدایا! تو را ستایش که ما را از کسانی قرار دادی که به راستی، تو را می ستایند.

امام هادی علیه السلام: بار خدایا! تو را ستایش؛ ستایشی که سزامنندترین ستایش به تو، و پسندیده ترین ستایش به نزد تو، و واجب ترین ستایش برای تو، و محبوب ترین ستایش در نزد تو باشد. تو را ستایش، آن سان که تو اهل آنی، و آن سان که تو برای خود پسندی، و آن سان که دیگر آفریدگانت که ستایش آنها را پسندیده ای ستایشت کرده اند. تو را ستایش، آن سان که همه پیامبران و فرستادگان و فرشتگان، با آن تو را ستوده اند، و آن سان که شایسته عزّت و کبریا و عظمت توست. تو را ستایش؛ ستایشی که زبان ها از وصف آن فرو مانند و گفتار از رسیدن به نهایت آن باز ماند. تو را ستایش؛ ستایشی که از خشنود کردن تو فرو نمآند و هیچ یک از ستایش هایت، بر آن برتر نیاید. بار خدایا! تو را ستایش در خوشی و ناخوشی، در سختی و آسایش، در عافیت و بلا، و در سالیان و روزگاران. تو را ستایش بر لطف ها و نعمت هایت که بر من کرده ای و نزد من داری و بر احسان و نیکی و عافیت و روزی و دهش و فضیلت و شرافت و کرامتی که به من ارزانی داشته ای، و برای آن که مرا به دینت هدایت کرده ای؛ ستایشی که وصف هیچ وصف کننده ای به آن نرسد، و سخن هیچ گوینده ای آن را درنیابد. بار خدایا! ستایشت باد؛ ستایش برای هر احسانی که بر من کرده ای، و لطفی که به من نموده ای، و برتری ای که مرا بر غیر خودم داده ای. تو را ستایش که مرا بی عیب و نقص آفریدی و مرا پروردی و خوش پروردی، و این از سر لطف تو به من بود و نه این که من، خود، به واسطه پیشینه ای سزامنند آنها شده باشم. پس کدامین نعمت است ای پروردگار من! که نزد من نداشته باشی، و کدام سپاس است که مستوجب آن از من نباشی؟! لطف تو را بر هر لطفی پسندیدم، و بسندگی تو را به جای همه خلق برگزیدم. ای پروردگار من! تو به من نعمت داده ای، احسان کرده ای، لطف نموده ای، نیکی فرموده ای. تو خداوند شوکت و ارج و دهش ها و نعمت های بزرگی. پس تو را بر این همه، ستایش باد.

ص: ۴۲۹

..

٥ / ١٣ المحامد المأثورة عن الإمام الحسن بن علي العسكري عليه السلام: الحمد لله شكريا لنعمايه، واستدعاء لمزيديه، واستخلاصا له وبه (١) دون غيره، وعيادا به من كفرانه والإلحاد في عظمتيه وكبريائه، حمد من يعلم أن ما به من نعمائه فمن عند ربه، وما مشه من عقوبه فيسوء جنايه يده. (٢)

عنه عليه السلام في كتابه إلى إسحاق بن إسماعيل النيسابوري: فهتت كتابك يرحمك الله ونحن بحمد الله ونعمته أهل بيت نرق على أوليائنا، ونسبر بتتابع إحسان الله إليهم وفضله لمدبهم... وليس من نعمه وإن جل أمرها وعظم خطرها إلا والحمد لله تقدست أسماؤه عليها مؤد شكريها، وأنا أقول: الحمد لله أفضل ما حمده حامده إلى أبد الأبد، بما من الله عليك من رحمته، ونجاك من الهلكه، وسهل سبيلك على العقبة. (٣)

٥ / ١٤ المحامد المأثورة عن الإمام المهدي عليه السلام: اللهم يا ذا المن السابغ، والآلاء (٤) الوازعه، والرحمه الواسعه، والقدره الجامعه، والنعم الجسيمه، والمواهب العظيمه، والأيدى الجميله، والعطايا الجزيله. يا من لا ينعت بتمثيل، ولا يمثل بنظير، ولا يغلب بظهير. يا من خلق فرزق، وألهم فأنطق، وابتدع فشرع، وعلا فارتفع، وقدر فأحسن، وصور فأتقن، واحتيج فأبلغ، وأنعم فأسبح، وأعطى فأجزل، ومنح فأفضل. يا من ساء في العز ففات خواتر الأبصار ودنا في اللطف فجاز هواجس الأفكار. يا من توحد بالملك (في الملك) فلا نمد له في ملكوت سيطانه، وتفرد بالكبرياء والآلاء فلا ضد له في جبروت شأنه. يا من حارت في كبرياء هيئته دقائق لطائف الأوهام، وانحسرت دون إدراك عظمتيه خطائف أبصار الأنام. يا من عنت الوجوه لهيئته، وخضعت الرقاب لعظمتيه، ووجلت القلوب من خيفته، أسأ لك بهذه المدحه التي لا تنبغى إلا لك... (٥)

١- أي أحمدته طلبا لخلاص نفسى من العقوبات خالصا له مستعينا به، أو طلبا لإخلاص الدعاء والعباده له بعونه (بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٤٩).

٢- مهبج الدعوات: ص ٨٥، البلد الأمين: ص ٥٦٤ وفيه «واستجلابا لرزقه» بعد «... لمزيديه»، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٢٩.

٣- تحف العقول: ص ٤٨٤، رجال الكشي: ج ٢ ص ٨٤٤ ح ١٠٨٨ وفيه «... الحمد لله مثل ما حمد الله به حامد إلى...»، بحار الأنوار: ج ٥٠ ص ٣١٩ ح ١٦ وج ٧٨ ص ٣٧٥ ح ٢.

٤- الآلاء: النعم (النهايه: ج ١ ص ٦٣ «ألى»).

٥- الإقبال: ج ٣ ص ٢١٢ عن محمد بن أبي الرواد الرواسي، المزار الكبير: ص ١٤٤ عن علي بن محمد بن عبد الرحمن التستري، المزار للشهيد الأول: ص ٢٦٤ عن محمد بن عبد الرحمن التستري، مصباح المتهجد: ص ٨٠٢ ح ٨٦٥ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٣٩١ ح ١.

۵ / ۱۳ ستایش های نقل شده از امام حسن عسکری علیه السلام

۵ / ۱۴ ستایش های نقل شده از امام مهدی علیه السلام

۵ / ۱۳ ستایش های نقل شده از امام حسن عسکری علیه السلام: ستایش ، خدای را به شکرانه نعمت هایش ، و برای درخواست افزون دهی اش و خالص گردانیدن [دعا و عبادت] برای او و به کمک او ، و برای پناه بردن به او از ناسپاسی اش و از نادیده گرفتن بزرگی و کبریایش ؛ چونان ستایش کسی که می داند هر نعمتی که دارد ، از جانب پروردگارش آمده و هر کیفی که بر او رسد ، از روی کردار خود اوست.

امام حسن عسکری علیه السلام در نامه اش به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری: نامه ات را دریافتم ، خدایت رحمت کناد! ما بحمد الله و به لطف او خاندانی هستیم که بر دوستان خود دلسوزیم ، و از نیکی های پیاپی خداوند و بخشش او به آنها ، مسروریم ... و هیچ نعمتی نیست هر چند بزرگ و پرارزش ، مگر آن که ستایش گفتن خداوند عز و جل بر آن ، به جا آورنده شکر آن نعمت است ، و [لذا] من می گویم : ستایش ، خدای را به برترین ستایشی که هر ستاینده ای او را ستوده است ، تا همیشه همیشه ، برای مهربی که خداوند به تو ورزید و تو را از نابودی رهانید . او راه تو را در گردنه [ی قیامت] ، هموار گردانید.

۵ / ۱۴ ستایش های نقل شده از امام مهدی علیه السلام: بار خدایا ، ای صاحب نواخت های بسیار ، و نیکی های پخش شده ، و رحمت گسترده ، و قدرت فراگیر ، و نعمت های سترگ ، و مواهب بزرگ ، و احسان های زیبا ، و دهش های فراوان! ای آن که به مانند داشتن ، وصف نشود ، و همتا برایش نتوان آورد و به هیچ قدرتی مغلوب نشود! ای آن که آفرید و روزی داد ، الهام کرد و گویا ساخت ، ابداع کرد و آغاز نمود ، بلندی گرفت و رفعت یافت ، مقّرر ساخت و خوش مقدر ساخت ، صورت بخشید و استوار قرارداد ، حجت آورد و رسا بیان کرد ، نعمت داد و سرشار داد ، عطا کرد و بسیار عطا کرد ، بخشید و فزون بخشید! ای آن که در عزّت ، اوج گرفته است ، چنان که نگاه و خطورات اندیشه ها به او نرسد ، و در نهایت لطافت است ، آن سان که از خیالات اندیشه ها برگذرد! ای آن که در جهانداري ، یگانه است و او را در قلمرو و پادشاهی اش شریکی نباشد ، و در بزرگی و نعمت ها یکتاست و در مقام پرشکوهش بلامنازع است! ای آن که وهم های باریک و ظریف ، در بزرگی هیبت او حیران اند و نگاه های برق آسای مردمان ، از رسیدن به عظمت او فرو مانده اند! ای آن که روی ها در برابر هیبتش خوارند ، گردن ها در برابر عظمتش تسلیم اند ، و دل ها از ترسش هراسان اند! از تو درخواست می کنم به حقّ این ستایشی که شایسته کسی جز تو نیست ...

عنه عليه السلام: لَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي إِذْ خَلَقْتَنِي بَشَرًا سَوِيًّا ، وَجَعَلْتَنِي غَنِيًّا مَكْفِيًّا بَعْدَ مَا كُنْتُ طِفْلًا صَبِيًّا ، تَقَوُّتُنِي مِنَ الثُّدِيِّ لَبْنَا مَرِيئًا ، وَغَدَّيْتَنِي غِدَاءً طَيِّبًا هَنِيئًا ، وَجَعَلْتَنِي ذَكَرًا مِثْلًا سَوِيًّا . فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا إِنْ عُدَّ لَمْ يُحْصَ ، وَإِنْ وُضِعَ لَمْ يَتَّسِعْ لَهُ شَيْءٌ ، حَمْدًا يَفُوقُ عَلَى جَمِيعِ حَمْدِ الْحَامِدِينَ ، وَيَعْلُو عَلَى حَمْدِ كُلِّ شَيْءٍ ، وَيَفْخَمُ وَيَعْظُمُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ ، وَكُلَّمَا حَمِدَ اللَّهُ شَيْءٌ . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحَمِّدَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ ، وَزِنَةَ مَا خَلَقَ ، وَزِنَةَ أَجَلِ مَا خَلَقَ ، وَزِنَةَ أَحْفَ مَا خَلَقَ ، وَبِعَدَدِ أَكْبَرِ مَا خَلَقَ ، وَبِعَدَدِ أَصْغَرِ مَا خَلَقَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَتَّى يَرْضَى رَبُّنَا وَبَعْدَ الرِّضَا ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ يَغْفِرَ لِي ذَنْبِي ، وَأَنْ يَحْمَدَ لِي أَمْرِي ، وَيَتُوبَ عَلَيَّ ، إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ . (١)

١- .مُهَجِ الدَّعَوَاتِ : ص ٣٣٨ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْعُلُوِي الْحُسَيْنِيِّ الْمَصْرِيِّ ، الْبَلَدِ الْأَمِينِ : ص ٣٩٣ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٩٥ ص ٢٦٨ ح ٣٤ .

امام مهدی علیه السلام: ای معبود من! تو را ستایش که انسانی به اندامم آفریدی، و مرا که پسرکی خردسال بودم، بی نیاز و خودکفا گردانیدی؛ از پستان، شیری نوشین به من نوشاندی و با غذایی پاک و سالم و گوارا تغذیه ام کردی، و به مردی سالم و بی کاست تبدیل نمودی. پس تو را ستایش؛ ستایشی که اگر شمارش شود، به شمار ناید و اگر [در ظرفی] نهاده شود، هیچ چیز گنجایش آن را نداشته باشد؛ ستایشی که بر همه ستایش ستایشگران فایق آید و بر ستایش هر موجودی برتری گیرد، و از همه اینها بیشتر و بزرگ تر باشد؛ ستایشی تا آن گاه که هر چیزی خدا را ستایش کند. ستایش، خدای را آن گونه که خداوند، خود، دوست دارد ستایش شود. ستایش، خدای را به شمار آنچه آفریده، و به وزن آنچه آفریده، و به وزن سترگ ترین چیزی که آفریده، و به وزن سبک ترین چیزی که آفریده، و به شمار بزرگ ترین چیزهایی که آفریده، و به شمار کوچک ترین چیزهایی که آفریده است. ستایش، خدای را تا آن گاه که پروردگاران خشنود شود و حتی از آن هم برتر رود. از او می خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستد، و گناه مرا بیامرزد، کار مرا بپسندد و توبه ام را بپذیرد، که اوست توبه پذیر مهربان.

الإقبال عن أبي عمرو محمّد بن محمّد بن نصر السكوني: سألت أبا بكر أحمد بن محمّد بن عثمان البغدادي، أن يخرج إليّ أدعيه شهر رمضان التي كان عمه أبو جعفر محمّد بن عثمان بن السعيد العمري يدعو بها، فأخرج إليّ دفترًا مجلدًا بأحمر، فنسخت منه أدعيه كثيرة، وكان من جملتها: وتدعو بهذا الدعاء في كل ليلة من شهر رمضان؛ فإن الدعاء في هذا الشهر تسمعه الملائكة وتستغفر لصاحبه، وهو: اللهم إني أفتح الثناء بحمدك، وأنت مسدد للصواب بمنك، وأيقنت أنك أرحم الراحمين في موضع العفو والرحمة، وأشد المعاقبين في موضع النكال والتقمه، وأعظم المتخبرين في موضع الكبرياء والعظمة.... الحمد لله الذي لم يتخذ صاحبه ولا ولدا، ولم يكن له شريك في الملك، ولم يكن له ولي من الدل وكبره تكبيرا. الحمد لله بجميع محامده كلها على جميع نعمه كلها. الحمد لله الذي لا مضاد له في ملكه، ولا منازع له في أمره. الحمد لله الذي لا شريك له في خلقه ولا شبيه له في عظمته. الحمد لله الفاشي في الخلق أمره وحمده، الظاهر بالكرم مجده، الباسط بالجو يد، الذي لا تنقص خزائنه، ولا تزيد كثرة العطاء إلما جودا وكرما إنه هو العزيز الوهاب.... الحمد لله مالك الملك، مجرى الفلك، مسخر الرياح، فلق الإصباح، ديان الدين، رب العالمين. الحمد لله على حلمه بعد علمه، الحمد لله على عفوه بعد قدرته، الحمد لله على طول أناته (١) في غضبه وهو القادر على ما يريد. الحمد لله خالق الخلق، باسط الرزق، ذي الجلال والإكرام، والفضل والإنعام، الذي بعد فلا يرى، وقرب فشهد التجوى، تبارك وتعالى. الحمد لله الذي ليس له منازع يعادله، ولا شبيه يشاكله، ولا ظهير يعاضده، قهر بعزته الأعزاء، وتواضع لعظمته العظام، فبلغ بقدرته ما يشاء. الحمد لله الذي يجيبني حين أناديه، ويستتر على كل عوره وأنا أعصيه، ويعظم النعمة على فلا أجازيه، فكم من موهبه هنيهة قد أعطاني، وعظيمه مخوفه قد كفاني، وبهجه موقنه (٢) قد أراني، فأثني عليه حامدا وأذكره مسبحا. الحمد لله الذي لا يهتك حجاب، ولا يغلق باب، ولا يرد سائله، ولا يخيب آمله. الحمد لله الذي يؤمن الخائفين، وينجي الصالحين، ويرفع المستضعفين، ويضع المستكبرين، ويهلك ملوكا ويستخلف آخرين. والحمد لله قاصم الجبارين، مبير الظالمين، مديرك الهارين، نكال الظالمين، صريح المستصرخين، موضع حاجات الطالبين، معتمد المؤمنين. الحمد لله الذي من خشيته ترعد السماء وسكانها، وترجف الأرض وعمارها، وتموج البحار ومن يسبح في غماتها. (الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله). (٣) الحمد لله الذي يخلق، ولم يخلق، ويرزق ولا يرزق (٤)، ويطعم ولا يطعم، ويميت الأحياء ويحيي الموتى وهو حي لا يموت، بيده الخير وهو على كل شيء قدير. (٥)

١- تأتي في الأمر: أي ترفق وتنظر. والاسم: الأناه (الصحاح: ج ٦ ص ٢٢٧٣ «أنا»).

٢- الأثق: الفرح والسرور، والشيء الأنيق المعجب (النهاية: ج ١ ص ٧٦ «أثق»).

٣- ما بين القوسين لا يوجد في الطبعة المعتمدة، وأثبتناه من طبعه دار الكتب الإسلامية والبلد الأمين والمصباح للكفعمي.

٤- في الطبعة المعتمدة: «ولم يرزق»، والتصويب من طبعه دار الكتب الإسلامية والمصادر الأخرى.

٥- الإقبال: ج ١ ص ١٣٨، مصباح المتهجد: ص ٥٧٨ ح ٦٩٠، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٠٨ كلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٢٤ ص ١٦٦ ح ١٤.

الإقبال به نقل از ابو عمرو محمد بن محمد بن نصر سیکونی: از ابو بکر احمد بن محمد بن عثمان بغدادی خواستم دعاهای ماه رمضان را که عمویش ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری آنها را می خوانده است به من نشان دهد. او دفتری را که جلدی قرمز داشت، در اختیار من نهاد و من دعاهای فراوانی را از روی آن نوشتم، که یکی از آنها این است: «این دعا را در هر شب ماه رمضان می خوانی؛ زیرا در این ماه، فرشتگان دعا را می شنوند و برای دعا کننده آمرزش می طلبند. آن دعا این است: بار الها! ثنا را با ستایش تو آغاز می کنم، که تو به لطف خویش، به راه درست راه نمایی می کنی. من یقین دارم که تو در هنگام بخشش و مهرورزی، مهربان ترین مهربانانی و در وقت کیفر و انتقام، بی رحم ترین کیفر دهندگانی و در جایگاه کبریا و عظمت، بزرگ ترین متکبرانی ... ستایش، خدایی را که زن و فرزندی نگرفته است، و در جاندارای شریک ندارد، و ناتوان نبوده تا او را حامی و پشتیبانی باشد. و او را به بزرگی یاد کن. ستایش، خدای را با همه ستایش هایش، بر همه نعمت هایش. ستایش، خدایی را که در سلطنتش بی رقیب، و در فرمان رویی اش بلامنازع است. ستایش، خدایی را که در کار آفرینش، شریکی ندارد و در عظمتش بی همتاست. ستایش، خدای را که آفرینش، همه فرمان بردار و ستاینده اویند، کرم او نشان از بزرگی او دارد، و دستش به بخشش گشاده است؛ خدایی که خزانه هایش کاستی نگیرد، و فراوانی عطا، جز بر بخشندگی و کرم او نیفزاید، که او توانگر و پر بخشش است ... ستایش، خدای را که صاحب ملک [جهان] است، روان کننده کشتی هاست و رام کننده بادها، شکافنده صبحگاهان است و جزا دهنده، پروردگار جهانیان است. ستایش، خدای را بر بردباری اش با آن که می داند. ستایش، خدای را بر بخشودنش با آن که توانایی [بر گرفتن انتقام] دارد. ستایش، خدای را بر درنگ بسیارش در خشم گرفتن، در حالی که او آنچه اراده کند، می تواند انجام دهد. ستایش، خدای را که آفریننده آفرینش است و گستراننده روزی، پروردگار شکوه و ارج و دهش و نعمت است؛ خدایی که چون دور است، دیده دیده نمی شود و چون نزدیک است، گواه نجواست؛ خجسته و والاست. ستایش، خدایی را که نه ستیزنده ای دارد که با او برابری کند، و نه همانندی که با او همشکل باشد، و نه پشتیبانی که حمایتش نماید. با عزتش، عزتمندان را مقهور ساخته است و بزرگان، در برابر بزرگی او کوچکی کنند، و با قدرت خود به آنچه خواهد، دست یابد. ستایش، خدایی را که هر گاه صدایش زخم، پاسخ می دهد و هر عیبی را بر من می پوشاند؛ با آن که من نافرمانی او می کنم. به من نعمت های بزرگ می دهد، حال آن که من پاداشش نمی دهم. چه بسیار موهبت های گوارایی که به من عطا فرموده، و چه بسیار بلاهای ترسناکی که از من برطرف نموده، و چه بسیار زیبایی ها و شادی های دل پذیری که به من نشان داده است. پس ستایش کنان ثنایش می گویم، و تسیحگویان یادش می کنم. ستایش، خدایی را که حجابش کنار نرود، و در خانه اش بسته نشود. درخواست کننده از او، دست خالی باز گردانده نشود و آن که به او امید بسته، نومید باز نگردد. ستایش، خدایی را که بیمناکان را امان می دهد و درست کاران را نجات می بخشد، مستضعفان را بالا می برد و مستکبران را پست می گرداند، فرمان روایانی را نابود می کند و دیگرانی را جانشین آنها می سازد. ستایش، خدای را که در هم کوبنده گردن کشان، نابود کننده ستمگران، رسنده به گریختگان، کیفر دهنده ستمکاران، فریاد رس فریاد خواهان، کانون نیازهای جویندگان، و تکیه گاه مؤمنان است. ستایش، خدایی را که از ترس او، آسمان ها و ساکنان آنها می لرزند، زمین و جمعیت آن تکان می خورند، و دریاها و موجوداتی که در اعماق آنها شنا می کنند، موج بر می دارند. (ستایش، خدایی را که ما را به این [دین]، هدایت فرمود و اگر نبود که خدا هدایتمان فرموده، ما خود، هدایت نمی شدیم). ستایش، خدایی را

که می آفریند و خود ، آفریده نشده است ؛ روزی می دهد و خود ، روزی داده نمی شود ؛ می خوراند و خود ، خوراک نمی خورد ؛ زندگانی را می میراند و مردگان را زنده می کند و خود ، زنده نامیراست ؛ خوبی ها، همه در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.

ص: ٤٣٧

..

ص: ۴۳۹

..

بخش پنجم: تهلیل (گفتن «لا إله إلا الله»)

اشاره

بخش پنجم: تهلیل: (گفتن «لا- إله إلا الله») (۱) شامل: در آمد فصل یکم: ترغیب به گفتن «لا إله إلا الله» فصل دوم: شرط های گفتن «لا إله إلا الله» فصل سوم: برکت های «لا إله إلا الله» فصل چهارم: تهلیل های پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام

۱- توحید گوی او نه بنی آدم اند و بس هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد(م)

واژه‌شناسی «تهلیل»

درآمدواژه‌شناسی «تهلیل» واژه تهلیل، مصدر است از ریشه «هلل» و به معنای بلند کردن صداست، سپس این معنا توسع یافته و بر هر لفظ مشتمل بر حروف «هـاء» و «لام» که با صدای بلند ادا گردد، اطلاق شده است و در توسعی دیگر، بر کاربردی مشابه نیز «تهلیل» اطلاق شده است، آن جا که حتی بالا بردن صدا هم در کار نباشد، و از این باب است که کلمه توحید (یعنی «لا-إله إلا الله») «تهلیل» نامیده می‌شود. خلیل بن احمد فراهیدی، تهلیل را این گونه تفسیر کرده است: تهلیل یعنی گفتن «لا اله إلا الله» و «استهلال» به معنای صداست. هر «لا اله إلا الله» گویی، خواه با صدای بلند بگوید یا آهسته، مُهَلّ یا مُسْتَهَلّ است. (۱) و ابن فارس، در ریشه‌یابی معنای «تهلیل» آورده است: ماده «هلل» یک اصل معنایی صحیح دارد که دلالت بر بلند کردن صدا می‌کند. سپس دامنه آن توسعه داده شده و به چیزی که از آن صدایی یا پاره‌ای حروف هاء و لام درآید، اطلاق گردیده است و آن گاه، غیر آن را به آن، تشبیه می‌کنند و

تهلیل ، در قرآن و حدیث

اهمیت ذکر «تهلیل»

به آن می نامند . (۱) همچنین ، گاه با مصدر جعلی «هَيْلَلَه» ، به کلمه توحید اشاره می شود . جوهری در این باره می نویسد : هَلَّلَ الرَّجُلُ ، یعنی : آن مرد «لا الهَ إِلاَّ اللهُ» گفت . گفته می شود : «قد أَكثرتَ مِنَ الهَيْلَلِه» ، یعنی بسیار «لا الهَ إِلاَّ اللهُ» گفتم .

(۲)

تهلیل ، در قرآن و حدیثواژه «تهلیل» در احادیث اسلامی ، فراوان به کار رفته است ؛ لیکن در قرآن به کار نرفته است ؛ اما جمله «لا- إلهَ إِلاَّ اللهُ» ، دو بار (۳) ، جمله «لا إلهَ إِلاَّ هو» سی بار ، (۴) جمله «لا- إلهَ إِلاَّ أنا» ، سه بار (۵) و «لا إلهَ إِلاَّ أنت» ، یک بار (۶) در این کتاب آسمانی آمده است .

اهمیت ذکر «تهلیل» با عنایت به این که ذکر «تهلیل» ، اعتراف به یگانگی خداوند متعال است و ایمان با آن ، آغاز (۷) و تجدید (۸) می شود ، مهم تر از تسبیح و تحمید است (۹) ؛ بلکه

-
- ۱- معجم مقاییس اللغة : ج ۶ ص ۱۱ .
 - ۲- الصحاح : ج ۵ ص ۱۸۵۲ .
 - ۳- صافّات ، آیه ۳۵ ، محمّد ، آیه ۱۹ .
 - ۴- بقره : آیه ۱۶۳ و ۲۵۵ ، آل عمران : آیه ۲ ، ۶ و ۱۸ (۲ بار) ، نساء : آیه ۸۷ ، انعام : آیه ۱۰۲ و ۱۰۶ ، اعراف : آیه ۱۵۸ ، توبه : آیه ۳۱ و ۱۲۹ ، هود : آیه ۱۴ ، رعد : آیه ۳۰ ، طه : آیه ۸ و ۹۸ ، مؤمنون : آیه ۱۱۶ ، نمل : آیه ۲۶ ، قصص : آیه ۷۰ و ۸۸ ، فاطر : آیه ۳ ، زمر : آیه ۶ ، غافر : آیه ۳ ، ۶۲ و ۶۵ ، دخان : آیه ۸ ، حشر : آیه ۲۲ و ۲۳ ، تغابن : آیه ۱۳ و مزمل : آیه ۲۹ .
 - ۵- نحل : آیه ۲ ، طه : آیه ۱۴ و انبیاء : آیه ۲۵ .
 - ۶- انبیاء : آیه ۸۷ .
 - ۷- ر . ک : ص ۴۴۷ (آغاز ایمان) .
 - ۸- ر . ک : ص ۴۴۷ (نو کردن ایمان) .
 - ۹- ر . ک : ص ۴۴۷ ح ۱۴۴۰ .

سرور همه اذکار (۱) و برتر از همه اعمال (۲) و بهترین سخن (۳) شمرده می شود. عناوینی مانند: کلمه تقوا (۴)، بهترین عبادت (۵)، برترین دانش (۶)، کلید آسمان ها (۷)، که در توصیف ذکر تهلیل و تشویق به بهره گیری از آن آمده است، حاکی از اهمیت فوق العاده این ذکر و نقش بی بدیل آن در پرورش جان و صعود به قلّه انسانیت است. این ذکر، اگر صادقانه بر زبان جاری گردد، آثار و برکات فراوانی برای ذاکر به همراه دارد: گناهان را از جان می زداید (۸)، روان را از آفات شیطانی مصونیت می بخشد (۹)، بلاها را از انسان دور می کند، (۱۰) او را از آتش دوزخ، رها می سازد (۱۱) و شایسته ورود به بهشت می نماید، (۱۲) و در یک جمله: ذکر «تهلیل» می تواند عزّت، (۱۳) کامیابی (۱۴) و خیر دنیا و آخرت (۱۵) را نه تنها برای شخص ذاکر، بلکه برای جامعه اسلامی فراهم سازد.

۱- ر. ک: ص ۴۵۱ (سرور اذکار).

۲- ر. ک: ص ۴۵۳ (برترین اعمال).

۳- ر. ک: ص ۴۵۵ (برترین سخن).

۴- ر. ک: ص ۴۴۹ (گفتار پرهیزکاری).

۵- ر. ک: ص ۴۵۵ (بهترین عبادت).

۶- ر. ک: ص ۴۵۳ (برترین علم).

۷- ر. ک: ص ۴۵۹ (کلید آسمان ها).

۸- ر. ک: ص ۴۸۱ (نابودن کردن گناهان).

۹- ر. ک: ص ۴۸۷ (مصون ماندن از شیطان).

۱۰- ر. ک: ص ۴۸۷ (دفع بلا).

۱۱- راجع: ص ۴۸۹ (رهیدن از آتش).

۱۲- ر. ک: ص ۴۸۹ (رفتن به بهشت).

۱۳- ر. ک: ص ۴۹۳ (عزّت).

۱۴- ر. ک: ص ۴۹۳ (رستگاری).

۱۵- ر. ک: ص ۴۹۵ (خیر دنیا و آخرت).

شرط بهره‌گیری از برکات تهلیل

شرط بهره‌گیری از برکات تهلیلنکته مهم و قابل توجه، این است که احادیث فصل دوم، بهره‌گیری از برکات «تهلیل» را به: اخلاص، (۱) اطاعت خدا و رسول، (۲) محبت و ولایت اهل بیت، (۳) عمل صالح (۴) و اجتناب از محرّمات، (۵) مشروط کرده‌اند. با تأمل در این شروط، مشخص می‌شود که همه آنها در واقع به شرط اول، یعنی اخلاص در گفتن تهلیل باز می‌گردد و لذا غالب احادیث، اخلاص را به شروط یاد شده، تفسیر کرده‌اند. به بیان روشن‌تر، معنای اخلاص در تهلیل، اجتناب از شرک اعتقادی و عملی است و لازمه آن، اطاعت از خدا و رسول و لازمه آن، ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام و انجام دادن کارهای شایسته و اجتناب از کارهای ناشایست است.

-
- ۱- ر. ک: ص ۴۷۱ (اخلاص).
 - ۲- ر. ک: ص ۴۷۵ ح ۱۴۹۳.
 - ۳- ر. ک: ص ۴۷۳ (ولایت).
 - ۴- ر. ک: ص ۴۷۷ (کردار نیک).
 - ۵- ر. ک: ص ۴۷۹ (دوری کردن از حرام‌ها).

الفصلُ الأوَّلُ : الحثُّ على التَّهْلِيلِ ١ / ١ أوَّلُ الإِيمانِ الكتابُ «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لِمَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ» . (١)

الحديثُ بالإمام الرضا عليه السلام : إِنَّ التَّهْلِيلَ هُوَ إِقْرَارُ اللَّهِ تَعَالَى بِالتَّوْحِيدِ ، وَخَلْعُ الأَنْدَادِ مِنْ دُونِ اللَّهِ ، وَهُوَ أوَّلُ الإِيمانِ ، وَأَعْظَمُ مِنْ التَّسْبِيحِ وَالتَّحْمِيدِ . (٢)

١ / ٢ تجديدُ الإِيمانِ مسند ابن حنبل عن أبي هريره : قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : حَيِّدُوا إِيمانَكُمْ . قيلَ : يا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ نُجَدِّدُ إِيمانَنَا؟ قالَ : أَكثِرُوا مِنْ قَوْلِ : لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ . (٣)

١- . الأنبياء : ٢٥ .

٢- . عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ٢ ص ١٠٦ ح ١ ، علل الشرائع : ص ٢٥٩ ح ٩ كلاهما عن الفضل بن شاذان ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٦٧ ح ١ وج ٨٤ ص ١٤٤ ح ٣٩ .

٣- . مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٢٨١ ح ٨٧١٨ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ٢٨٥ ح ٧٦٥٧ ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص ٤١٧ ح ١٤٢٤ ، حليه الأولياء : ج ٢ ص ٣٥٧ ، كنز العمال : ج ١ ص ٤١٦ ح ١٧٦٨ .

فصل یکم: ترغیب به گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

۱ / ۱ آغاز ایمان

۱ / ۲ نو کردن ایمان

فصل یکم: ترغیب به گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ۱ / ۱ آغاز ایمان قرآن «و پیش از تو، هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر این که به او وحی کردیم که: «خدایی جز من نیست، پس مرا پرستید».

حدیث امام رضا علیه السلام: گفتنِ لا اله الا الله، در واقع، اقرار به یگانگیِ خداوند متعال است و نفی انبازان و همتایان از او. آن، آغاز ایمان است و از تسبیح و حمد گفتن، بزرگ تر است.

۱ / ۲ نو کردن ایمان مسند ابن حنبل به نقل از ابو هریره: پیامبر خدا فرمود: «ایمان های خود را نو گردانید». گفته شد: ای پیامبر خدا! چگونه ایمانمان را نو گردانیم؟ فرمود: «لا اله الا الله زیاد بگویید».

١ / ٣ اسم من أسماء الله عز وجل للإمام الرضا عليه السلام في بيان حكمه جميل الأذان: فإن قال قائل: فلم يجعل آخرها التهليل ولم يجعل آخرها التكبير كما جعل في أولها التكبير؟ قيل: لأن التهليل اسم الله في آخره فأحب الله تعالى أن يختم الكلام باسمه كما فتحه باسمه. (١)

١ / ٤ كلمته التقوي الكتاب «وألزمهم كلمته التقوى وكانوا أحق بها وأهلها». (٢)

الحديث سنن الترمذي عن كعب عن رسول الله صلى الله عليه وآله في بيان المراد من قوله تعالى: «وألزمهم كلمته التقوى»، قال: لا إله إلا الله. (٣)

١- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ١٠٦ ح ١، علل الشرائع: ص ٢٥٩ ح ٩ وفيه «في آخر الحرف منه» بدل «في آخره» وكلاهما عن الفضل بن شاذان، بحار الأنوار: ج ٦ ص ٦٧ ح ١.
٢- الفتح: ٢٦.

٣- سنن الترمذي: ج ٥ ص ٣٨٦ ح ٣٢٦٥، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٥٣ ح ٢١٣١٢ عن الطفيل عن أبيه، المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٥٠٠ ح ٣٧١٧ عن عبايه بن ربيع عن الإمام علي عليه السلام وزاد في آخره «والله أكبر»، كنز العمال: ج ٢ ص ٥٠٦ ح ٤٦٠٦؛ بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٣٧ ح ٣٥ نقلًا عن وقعه صفين عن سلام بن سويد عن الإمام علي عليه السلام.

۱ / ۳ نامی از نام های خدا

۱ / ۴ گفتار پرهیزگاری

۱ / ۳ نامی از نام های خدا امام رضا علیه السلام در بیان حکمت جملات اذان: اگر گوینده ای بگوید: چرا پایان آن، لا اله الا الله قرار داده شد و در آخر آن همانند آغازش، تکبیر نهاده نشد؟ گفته می شود: چون در آخر لا اله الا الله، نام خداست و خدای متعال دوست داشته که سخن را به نام خودش پایان بخشد، چنان که به نام خود آغازش کرد.

۱ / ۴ گفتار پرهیزگاری قرآن «و گفتار تقوا را ملازم آنان ساخت، و [در واقع،] آنان به [رعایت] آن [آرمان] سزاوارتر و شایسته [ی ائصاف به] آن بودند».

حدیثسنن الترمذی به نقل از کعب: پیامبر صلی الله علیه و آله در بیان مقصود از این فرموده خداوند: «و گفتار پرهیزگاری را ملازم آنان ساخت»، فرمود: «[همان جمله] لا إله إلا الله است».

رسول الله صلى الله عليه وآله لَمَّا سُرِّبَ عَنْ تَفْسِيرِ : سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ : . . . وَقَوْلُهُ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»
يَعْنِي وَحْدَانِيَّتَهُ ، لَا يَقْبَلُ الْأَعْمَالَ إِلَّا بِهَا ، وَهِيَ كَلِمَةُ التَّقْوَى ، يُثَقَّلُ اللَّهُ بِهَا الْمَوَازِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (١)

١ / ٥ سَيِّدُ الْأَذْكَارِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : سَيِّدُ الْقَوْلِ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ، وَخَيْرُ الْعِبَادَةِ الْإِسْتِغْفَارُ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : أَفْضَلُ الذِّكْرِ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : أَفْضَلُ الدُّعَاءِ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله : مَا مِنْ الذِّكْرِ شَيْءٍ أَفْضَلُ مِنْ قَوْلِ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله : مَا قُلْتُ وَلَا قَالَ الْقَائِلُونَ قَبْلِي مِثْلَ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . (٦)

١- .علل الشرائع : ص ٢٥١ ح ٨ عن الحسن بن عبد الله عن آبائه عن جدّه الإمام الحسن عليه السلام ، الأملالي للصدوق : ص

٢٥٥ ح ٢٧٩ عن الحسن بن عبد الله عن أبيه عن جدّه الإمام الحسن عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٦٧ ح ١ .

٢- .الجعفریات : ص ٢٢٨ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأحاديث للقمي : ص ٨٧ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام وليس فيه «وخير العباده الاستغفار» ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٠٤ ح ٤٣ نقلًا عن الإمامه والتبصره .

٣- .سنن الترمذی : ج ٥ ص ٤٦٢ ح ٣٣٨٣ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٤٩ ح ٣٨٠٠ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٦٧٦ ح ١٨٣٤ ، صحیح ابن حبان : ج ٣ ص ١٢٦ ح ٨٤٦ کلّها عن جابر ، کنز العمال : ج ١ ص ٤١٤ ح ١٧٤٨ .

٤- .الشکر لابن أبی الدنيا : ص ٥٣ ح ١٠٣ ، شعب الإيمان : ج ٤ ص ٩٠ ح ٤٣٧١ كلاهما عن جابر .

٥- .الدعوات : ص ٢٠ ح ١٧ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٠٤ ح ٤٢ ؛ کنز العمال : ج ١ ص ٤٢٣ ح ١٨١٦ نقلًا عن الطبرانی عن ابن عمر .

٦- .التوحيد : ص ١٨ ح ١ ، ثواب الأعمال : ص ١٧ ح ٩ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٨٣ ح ٢٢١٩ ، جامع الأحاديث للقمي : ص ١٩٧ کلّها عن أبی سعید الخدری ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٩٥ ح ١١ .

۱ / ۵ سرور اذکار

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به سؤال از تفسیر «پاکا خدا، و ستایش خدای را و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ تر است»: ... و جمله «معبودی جز خدا نیست»، به معنای یگانگی اوست. اعمال، جز با این عقیده، پذیرفته [ی درگاه الهی] نمی شود و آن، گفتار تقواست. در روز رستاخیز، خداوند با آن، کفّه اعمال را سنگین می گرداند.

۱ / ۵ سرور اذکار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سرور سخن، جمله «معبودی جز خدا نیست» و بهترین عبادت، استغفار کردن است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برترین ذکر، لا إله إلا الله است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین دعا، لا إله إلا الله است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ ذکری، برتر از گفتن لا إله إلا الله نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نه من و نه گویندگان پیش از من، سخنی چون لا إله إلا الله نگفته ایم.

الإمام الصادق عليه السلام: سَيِّدُ كَلَامِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. (١)

عنه عليه السلام: قَوْلُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» سَيِّدُ الْكَلَامِ. (٢)

١ / ٦ أفضل الأعمال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، لا يسبقها عمل، ولا تترك ذنبا. (٣)

١ / ٧ أفضل العلم الكتاب «فَاعْلَمُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ». (٤)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: أفضل العلم: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وأفضل الدعاء الاستغفار. (٥)

١- الدعوات: ص ٤٩ ح ١١٩، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٠٤ ح ٤٢.

٢- الدعوات: ص ٢٢ ح ٢٥، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣١٢ ح ١٧.

٣- سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٤٨ ح ٣٧٩٧ عن أم هانئ، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٨ ح ١٧٨١ وراجع المعجم الكبير: ج ٨ ص ١١٥ ح ٧٥٣٣.

٤- محمد: ١٩.

٥- جامع الأخبار: ص ١٣٤ ح ٢٧٣، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٢ ح ٢٣؛ الفردوس: ج ١ ص ٣٥٢ ح ١٤١٢ عن ابن عمر، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٥ ح ١٧٦٠.

۱ / ۶ برترین اعمال

۱ / ۷ برترین علم

امام صادق علیه السلام: سرور سخنانِ اولین و آخرین آدمیان ، جمله لا إله إلا الله است .

امام صادق علیه السلام: جمله «معبودی جز خدا نیست» ، سرور گفتارهاست.

۱ / ۶ برترین اعمال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ عملی ، بر «لا اله الا الله» پیشی ندارد و [گفتن آن] هیچ گناهی بر جای نمی گذارد .

۱ / ۷ برترین علمقرآن «پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست ، و برای گناه خویش ، آمرزش جوی و نیز برای مردان و زنان با ایمان [طلب مغفرت کن] . و خداست که فرجام و مآل [هر یک از] شما را می داند» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برترین علم ، این است که بدانی معبودی جز خدا نیست ، و برترین دعا آمرزش طلبیدن است.

١ / ٨ أَفْضَلُ الْكَلَامِ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: أَفْضَلُ الْكَلَامِ قَوْلُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَفْضَلُ الْخَلْقِ أَوْلُ مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ أَوْلُ مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؟ قَالَ: أَنَا، وَأَنَا نَوْرٌ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ، أَوْحَدُهُ وَأَسْبَحُهُ وَأَكْبَرُهُ وَأَقْدَسُهُ وَأَمَجَّدُهُ، وَيَتَلَوْنِي نَوْرٌ شَاهِدٌ مِنِّي. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ الشَّاهِدُ مِنْكَ؟ فَقَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. (١)

١ / ٩ أَصْدَقُ الْأَقْوَالِ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ سُئِلَ: أَيُّ الْقَوْلِ أَصْدَقُ؟: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. (٢)

١ / ١٠ خَيْرُ الْعِبَادَةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ: خَيْرُ الْعِبَادَةِ قَوْلُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. (٣)

-
- ١- كمال الدين: ص ٦٦٩ ح ١٤ عن الأصبغ بن نباته، بحار الأنوار: ج ٣٦ ص ٢٦٣ ح ٨٣.
 - ٢- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٨٣ ح ٥٨٣٣، معانى الأخبار: ص ١٩٩ ح ٤، الأمل للصدوق: ص ٤٧٩ ح ٦٤٤ كلها عن عبد الله بن بكر المرادي عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام الحسين عليهم السلام، والأخير لم ينسبه إلى الإمام الحسين عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٦ ح ٢١.
 - ٣- الكافي: ج ٢ ص ٥٠٦ ح ٥ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، التوحيد: ص ١٨ ح ٢، ثواب الأعمال: ص ١٧ ح ١٠، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٢ ح ٢٢١٢ كلها عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، الجعفریات: ص ٢٢٨ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، عدّه الداعي: ص ٢٤٦، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٩٥ ح ١٣ وص ٢٠٨ ح ١٤.

۸ / ۱ برترین سخن

۹ / ۱ راست ترین سخن

۱۰ / ۱ بهترین عبادت

۸ / ۱ برترین سخنامام علی علیه السلام: از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید: «برترین سخن، گفته لا اله الا الله است و برترین مخلوق، نخستین کسی است که گفت: لا اله الا الله». گفته شد: ای پیامبر خدا! نخستین کسی که گفت: لا اله الا الله، که بود؟ فرمود: «من. من نوری در پیشگاه خداوند عز و جل بودم که او را به یکتایی و پاکی و بزرگی می ستودم و تقدیس و تمجید می کردم، و پس از من نیز نوری بود که گواهی از خود من بود». گفته شد: ای پیامبر خدا! آن گواه از خود شما، که بود؟ فرمود: «علی بن ابی طالب».

۹ / ۱ راست ترین سخنامام علی علیه السلام در پاسخ به این پرسش که: راست ترین سخن ها کدام است؟: گواهی دادن به این که معبودی جز خدای یگانه نیست.

۱۰ / ۱ بهترین عبادت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین عبادت، گفتن «لا اله الا الله» است.

الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ قَوْلُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَخَيْرُ الدُّعَاءِ الْإِسْتِغْفَارُ. ثُمَّ تَلَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ» (١). (٢)

مسند ابن حنبل عن أبي ذرٍّ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَوْصِنِي. قَالَ: إِذَا عَمِلْتَ سَيِّئَةً، فَاتَّبِعْهَا حَسَنَةً تَمْحُهَا. قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَمِنْ الْحَسَنَاتِ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»؟ قَالَ: هِيَ أَفْضَلُ الْحَسَنَاتِ (٣).

الإمام الصادق عليه السلام: جَاءَ الْفُقَرَاءُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ الْأَغْنِيَاءَ لَهُمْ مَا يُعْتَقُونَ وَلَيْسَ لَنَا، وَلَهُمْ مَا يَحْجُونَ وَلَيْسَ لَنَا، وَلَهُمْ مَا يَتَصَدَّقُونَ وَلَيْسَ لَنَا، وَلَهُمْ مَا يُجَاهِدُونَ وَلَيْسَ لَنَا. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كَبَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِثْلَ مَرَّةٍ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ عَتَقِ مِثْلَ رَقَبَةٍ، وَمَنْ سَبَّحَ اللَّهَ مِثْلَ مَرَّةٍ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ سَبَّاحِ مِثْلَ يَدَيْنِهِ، وَمَنْ حَمَدَ اللَّهَ مِثْلَ مَرَّةٍ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ حُمَلَانِ مِثْلَ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِسُرْجِهَا وَلُجْمِهَا وَرُكْبِهَا، وَمَنْ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مِثْلَ مَرَّةٍ كَانَ أَفْضَلَ النَّاسِ عَمَلًا. ذَلِكَ الْيَوْمَ إِلَّا مَنْ زَادَ. قَالَ: فَبَلَغَ ذَلِكَ الْأَغْنِيَاءَ فَصَيَّرُوهُ. قَالَ: فَعَادَ الْفُقَرَاءُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ بَلَغَ الْأَغْنِيَاءَ مَا قُلْتُ، فَصَنَعُوهُ! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ (٤).

١- محمد: ١٩.

٢- المحاسن: ج ١ ص ٤٥٣ ح ١٠٤٥ عن السكوني، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٩٠ ح ٢٨.

٣- مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ١١٣ ح ٢١٥٤٣.

٤- الكافي: ج ٢ ص ٥٠٥ ح ١ عن هشام بن سالم وأبي أيوب الخزاز، ثواب الأعمال: ص ٢٥ ح ١، الأمالي للصدوق: ص ١٢٨ ح ١١٦ كلاهما عن مالك بن أنس عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام عليٍّ عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٠ ح ١١.

امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام: پیامبر خدا فرمود: «برترین عبادت، عبارت است از گفتن: معبودی جز خدا نیست، و هیچ نیرو و توانی نیست مگر به واسطه خدا. بهترین دعا نیز طلب آمرزش است». سپس پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت فرمود: «پس بدان که معبودی جز خدا نیست و برای گناهت، طلب آمرزش کن».

مسند ابن حنبل به نقل از ابو ذر: گفتم: ای پیامبر خدا! مرا سفارشی فرما. فرمود: «هر گاه بدی و گناهی کردی، در پی آن، کار نیکی انجام بده تا آن بدی را پاک گرداند». گفتم: ای پیامبر خدا! آیا گفتن لا اله الا الله، از کارهای نیک است؟ فرمود: «این، بهترین کار نیک است».

امام صادق علیه السلام: تهی دستان، نزد پیامبر خدا آمدند و گفتند: ای پیامبر خدا! ثروتمندان، مالی دارند که [بنده] آزاد کنند؛ ولی ما نداریم. آنها دارند که حج بگذارند؛ ولی ما نداریم. آنها دارند که صدقه دهند؛ ولی ما نداریم. آنها دارند که با آن جهاد کنند؛ ولی ما نداریم [پس ما از ثواب همه اینها محرومیم]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس صد مرتبه الله اکبر بگوید، بهتر از آزاد کردن صد بنده است. هر کس صد مرتبه تسبیح خدا بگوید، بهتر از قربانی کردن صد شتر [در حج] است. هر کس صد مرتبه حمد خدا بگوید، بهتر از تقدیم کردن صد اسب با زین و لگام و سوار آنها در راه خدا [برای جهاد] است. و هر کس صد مرتبه لا اله الا الله بگوید، در آن روز (قیامت)، برترین مردم از نظر کردار خواهد بود، از کسی که بیشتر بگوید». این خبر به گوش ثروتمندان رسید و آنها هم آن را به کار بستند. پس تهی دستان، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله باز آمدند و گفتند: ای پیامبر خدا! آنچه فرمودی، به گوش ثروتمندان نیز رسید و آنها هم به کارش بستند. پیامبر خدا فرمود: «این، فضل خداست که به هر که خود بخواهد، می دهد».

١ / ١١ أنس المؤمن رسول الله صلى الله عليه وآله: إن «لا إله إلا الله» أنس المؤمن في حياته ، وعند موته ، وحين يُبعث . (١)

١ / ١٢ مفتاح السماوات رسول الله صلى الله عليه وآله: لكل شيء مفتاح ، ومفتاح السماوات قول : لا إله إلا الله . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: ما قال عبداً : «لا إله إلا الله» قطُّ مُخْلِصاً ، إلا فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ حَتَّى تُفِضَ بِي (٣) إِلَى الْعَرْشِ ، مَا اجْتَنَبَ الْكِبَائِرَ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ : «لا إله إلا الله» فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ ، وَمَنْ تَلَاهَا بِ «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» تَهَلَّلَ وَجْهُ الْحَقِّ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى فَاسْتَبَشَّرَ بِحَدِّكَ ، وَمَنْ تَلَاهَا بِ «عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ» غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ بِعِيدِ قَطْرِ الْمَطَرِ . (٥)

١ / ١٣ شعار المسلمين على الصراط رسول الله صلى الله عليه وآله: شعار المسلمين على الصراط يوم القيامة: لا إله إلا الله ، وعلى الله فليتوكل المتوكلون . (٦)

١- ثواب الأعمال : ص ١٦ ح ٣ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٠١ ح ٣٢ .

٢- المعجم الكبير : ج ٢٠ ص ٢١٥ ح ٤٩٧ عن معقل بن يسار ، كنز العمال : ج ١ ص ٥٥ ح ١٧٣ .

٣- أفضى فلان إلى فلان : أى وصل إليه . والإفضاء فى الحقيقة : الانتهاء (لسان العرب : ج ١٥ ص ١٥٧ «فضا»).

٤- سنن الترمذى : ج ٥ ص ٥٧٥ ح ٣٥٩٠ عن أبى هريره ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٢٣ ح ١٨١٥ .

٥- الفضائل : ص ٨٠ عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج ٣٨ ص ٣١٨ ح ٢٧ .

٦- جامع الأحاديث للقمي : ص ٨٩ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٠٤ ح ٤٣ نقلاً عن الإمامه والتبصره .

۱ / ۱۱ همدم مؤمن

۱ / ۱۲ کلید آسمان ها

۱ / ۱۳ شعار مسلمانان در هنگام گذشتن از صراط

۱ / ۱۱ همدم مؤمنپيامبر خدا صلى الله عليه و آله: ذکر «لا اله الا الله» ، همدم مؤمن در زندگي او و در هنگام مرگش و در وقت برانگيخته شدن اوست.

۱ / ۱۲ کلید آسمان ها پيامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر چیزی کلیدی دارد و کلید آسمان ها ذکر «لا اله الا الله» است .

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله: هيچ گاه بنده ای از سرِ اخلاص ، «لا اله الا الله» نمی گوید ، مگر آن که درهای آسمان به رویش باز می شود تا آن که [آن ذکر] به عرش برسد ، به شرط آن که از گناهان بزرگ دوری کرده باشد.

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس بگوید: «معبودی جز خدا نیست» ، درهای آسمان برایش باز می شود ، و هر کس در پی آن بگوید: «محمّد پيامبر خداست» ، چهره خداوند عز و جلاز شادی می درخشد ، و هر کس به دنبال آن بگوید: «علی ولی خداست» ، خداوند گناهانش را می آمرزد؛ اگرچه به شمار قطرات باران باشد.

۱ / ۱۳ شعار مسلمانان در هنگام گذشتن از صراط پيامبر خدا صلى الله عليه و آله: شعار مسلمانان ، هنگام گذر از صراط در روز قیامت ، این است: معبودی جز خدا نیست ، و توکل کنندگان باید بر خدا توکل کنند.

١ / ١٤ لا يَعدِلُهُ شَيْءٌ رَّسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا وَلَهُ شَيْءٌ يَعدِلُهُ ، إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنَّهُ لَا يَعدِلُهُ شَيْءٌ ، وَ«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» فَإِنَّهُ لَا يَعدِلُهَا شَيْءٌ . (١)

الإمام الباقر عليه السلام: ما من شَيْءٍ أَعْظَمُ ثَوَابًا مِنْ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَعدِلُهُ شَيْءٌ ، وَلَا يَشْرَكُهُ فِي الْأُمُورِ أَحَدٌ . (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: الْأَعْمَالُ كُلُّهَا تَوَزَنُ ، إِلَّا قَوْلَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: ما قال القائلون أنا ومن سواي؛ الملائكة المقربون ، والأنبياء المرسلون ، والعباد الصالحون كلمه أحب إلى الله ولا أثقل في الميزان من: لا إله إلا الله . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: قال موسى عليه السلام: يا ربِّ عَلَّمَنِي شَيْئًا أَذْكَرُكَ بِهِ وَأَدْعُوكَ بِهِ . قال: يا موسى ، قُلْ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . قال موسى: يا ربِّ كُلُّ عِبَادِكَ يَقُولُ هَذَا! قال: قُلْ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . قال: لا إله إلا أنت ، إنما أريدُ شَيْئًا تُخْصِنِي بِهِ! قال: يا موسى ، لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ وَعَامِرَهُنَّ غَيْرِي وَالْأَرْضِينَ السَّبْعَ فِي كَفِّهِ ، وَ«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» فِي كَفِّهِ ، مَالَتْ بِهِنَّ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . (٥)

- ١- ثواب الأعمال: ص ١٧ ح ٦ عن جابر بن يزيد الجعفي عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٣١ ح ١٣ .
- ٢- الكافي: ج ٢ ص ٥١٦ ح ١ ، التوحيد: ص ١٩ ح ٣ ، ثواب الأعمال: ص ١٧ ح ٨ ، المحاسن: ج ١ ص ٩٨ ح ٦٦ كلها عن أبي حمزة ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٩٤ ح ٨ .
- ٣- مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٣٦٥ ح ٦٠٩٨ نقلًا عن القطب الراوندي في لبّ اللباب .
- ٤- جامع الأحاديث للقمي: ص ١٩٦ عن الإمام الباقر عليه السلام .
- ٥- السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٢٠٩ ح ١٠٦٧٠ ، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٧١٠ ح ١٩٣٦ ، حليه الأولياء: ج ٨ ص ٣٢٨ ، مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ١٣٥ ح ١٣٨٩ كلها عن أبي سعيد الخدري ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٤١ ح ١٩٠٧ ؛ ثواب الأعمال: ص ١٥ ح ١ عن أبي سعيد الخدري وفيه ذيله فقط وفيه «وعامرهنَّ عندي» بدل «وعامرهنَّ غيري» .

۱ / ۱۴ همتا ندارد

۱ / ۱۴ همتا ندارد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ چیزی نیست مگر این که چیز دیگری با آن برابری می کند، بجز خداوند عز و جل که هیچ چیز با آن برابری نمی کند، و نیز «لا اله الا الله» که چیزی با آن برابری نکند.

امام باقر علیه السلام: هیچ چیز ثوابش بزرگ تر از این نیست که شهادت بدهی هیچ معبودی جز خدا نیست. هیچ چیزی با خداوند عز و جل برابری نمی کند و هیچ کس در کارها شریک او نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همه کردارها وزن می شوند، بجز گفتن «لا اله الا الله».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گویندگان من و غیر من؛ یعنی فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل و بندگان شایسته سخنی نگفته اند که نزد خدا محبوب تر و در ترازو [ای اعمال،] سنگین تر از «لا اله الا الله» باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: موسی علیه السلام گفت: خداوندا! به من چیزی بیاموز که با آن، تو را یاد کنم و تو را با آن بخوانم. خداوند فرمود: «ای موسی! بگو: معبودی جز خدا نیست». موسی گفت: خداوندا! همه بندگان تو این را می گویند. فرمود: «بگو: معبودی جز خدا نیست». موسی گفت: معبودی جز تو نیست. [ولی] من فقط چیزی را می خواهم که به من اختصاصش دهی. فرمود: «ای موسی! اگر هفت آسمان و آباد گران آنها بجز من و هفت زمین، در یک کفه قرار گیرند و [ذکر] «معبودی جز خدا نیست» در کفه دیگر، «معبودی جز خدا نیست» بر آنها می چربد».

مستدرک الوسائل: قال موسى عليه السلام: يا رَبِّ ، دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ أُدْخِلُ بِهِ الْجَنَّةَ . فَقَالَ : قُلْ : «لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ» فَإِنَّهُ لَوْ وُضِعَتْ عَلَى السَّمَاوَاتِ لَقَمَصَتْهُنَّ (١) . (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ موسى عليه السلام كَانَ فيما يُناجِي رَبَّهُ قَالَ : رَبِّ كَيْفَ الْمَعْرِفَةُ بِكَ فَعَلَّمَنِي؟ قَالَ : تَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ . قَالَ : يا رَبِّ كَيْفَ الصَّلَاةُ؟ قَالَ لِموسى عليه السلام : قُلْ : لاَ إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ . قَالَ : يا رَبِّ فَأَيْنَ الصَّلَاةُ؟ قَالَ : قُلْ : لاَ إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ ، وَكَذَلِكَ يَقُولُهَا عِبَادِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، مَنْ قَالَهَا : فَلَوْ وُضِعَتْ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ السَّبْعُ فِي كَفِّهِ ، وَوُضِعَ «لاَ إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ» فِي كَفِّهِ أُخْرَى لَرَجَحَتْ بِهِنَّ ، وَلَوْ وُضِعَتْ عَلَيْهِنَّ أَمْثَالُهَا . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ نوحاً عليه السلام لَمَّا حَضَرَ تَهُ الْوَفَاةُ قَالَ لِابْنِهِ : إِنِّي قاصٌّ عَلَيْكَ الْوَصِيَّةَ : آمُرُكَ بِاثْنَتَيْنِ وَأَنْهَأُكَ عَنِ اثْنَتَيْنِ : آمُرُكَ بِ «لاَ إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ» ؛ فَإِنَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعَ لَوْ وُضِعَتْ فِي كَفِّهِ وَوُضِعَتْ «لاَ إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ» فِي كَفِّهِ ، رَجَحَتْ بِهِنَّ «لاَ إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ» ، وَلَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعَ كُنَّ حَلَقَةً مَبْهَمَةً ، قَصَمْتُهُنَّ «لاَ إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ» . و«سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» ؛ فَإِنَّهَا صَلَاةٌ كُلُّ شَيْءٍ ، وَبِهَا يُرْزَقُ الْخَلْقُ . (٤)

١- كذا ، والظاهر «لقصمتهن» . والقسم : كسر الشيء وإبانته (النهاية : ج ٤ ص ٧٤ «قسم»).

٢- مستدرک الوسائل : ج ٥ ص ٣٦٤ ح ٦٠٩٥ نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

٣- جامع الأخبار : ص ١٣٣ ح ٢٦٩ عن أنس ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٠٢ ح ٤١ .

٤- مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٥٧٥ ح ٦٥٩٤ ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ١١٢ ح ١٥٤ كلاهما عن عبد الله بن عمرو ، كنز العمال : ج ١٦ ص ١٠٧ ح ٤٤٠٧٨ .

مستدرک الوسائل: موسی علیه السلام گفت: خداوندا! کاری نشانم بده که با آن به بهشت روم فرمود: «بگو: معبودی جز خدا نیست؛ زیرا اگر این جمله بر آسمان ها نهاده شود، آنها را در هم می شکند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: موسی علیه السلام در مناجات خود با پروردگارش گفت: خداوندا! شناخت تو چگونه است؟ به من بیاموز. فرمود: «گواهی می دهی که: معبودی جز خدا نیست». گفت: خداوندا! نماز چگونه است؟ به موسی علیه السلام فرمود: «بگو: معبودی جز خدا نیست». و همین طور بندگان آن را تا قیامت بگویند. گفت: خداوندا! پس نماز چه؟ فرمود: «بگو: معبودی جز خدا نیست. و همین طور، بندگان نیز تا روز قیامت، آن را بگویند. [زیرا] هر کس این را بگوید، اگر آسمان ها و زمین های هفتگانه در یک کفه نهاده شوند و جمله معبودی جز خدا نیست را در کفه ای دیگر، این جمله بر آنها سنگینی می کند؛ هر چند به همان اندازه [ی هفت آسمان و زمین]، بر آن کفه افزوده شود».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیام آور خدا نوح علیه السلام، چون زمان مرگش فرا رسید، به فرزندش فرمود: من تو را وصیت می کنم. تو را به دو چیز فرمان می دهم و از دو چیز نهی می کنم. به گفتن «معبودی جز خدا نیست» فرمانت می دهم؛ زیرا اگر هفت آسمان و هفت زمین در یک کفه و «معبودی جز خدا نیست» در کفه ای دیگر نهاده شود، کفه «معبودی جز خدا نیست» بر کفه آنها سنگینی می کند و اگر هفت آسمان و هفت زمین، حلقه ای به هم پیوسته باشند، «معبودی جز خدا نیست» آنها را درهم می شکند. و به گفتن «منزه است خدا و ستایش باد او را» [نیز فرمانت می دهم]؛ زیرا آن، نماز هر موجودی است و به واسطه آن است که به خلق، روزی داده می شود.

١ / ١٥ التَّوَادِرُ رسول الله صلى الله عليه وآله :التَّسْبِيحُ نِصْفُ الْمِيزَانِ ، وَالْحَمْدُ يَمْلُؤُهُ ، و«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» لَيْسَ لَهَا دُونَ اللَّهِ حِجَابٌ حَتَّى تَخْلُصَ إِلَيْهِ (١) . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله :«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» نِصْفُ الْمِيزَانِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلُؤُهُ . (٣)

الإمام الكاظم عليه السلام :إِنَّ نوحا عليه السلام لَمَّا رَكِبَ السَّفِينَةَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ : يَا نُوحُ ، إِنْ خِفْتَ الْغَرَقَ فَهَلِّلْنِي أَلْفًا ثُمَّ سَلِّبْنِي النَّجَاةَ ، أَنْجِكَ مِنَ الْغَرَقِ وَمَنْ آمَنَ مَعَكَ . قَالَ : فَلَمَّا اسْتَوَى نُوحٌ وَمَنْ مَعَهُ فِي السَّفِينَةِ ، وَعَصِيفَتْ عَلَيْهِمُ الرِّيحُ ، فَلَمْ يَأْمَنْ نُوحٌ مِنَ الْغَرَقِ ، فَأَعْجَلَتْهُ الرِّيحُ فَلَمْ يُدْرِكْ أَنْ يَهْلَلْ أَلْفًا ، فَقَالَ بِالشَّرِيائِيَّةِ : «هَلُولِيَا أَلْفَا أَلْفًا ، يَا مَارِيَا أَتَقِنِ» ، قَالَ : فَاسْتَوَى الْقَلْسُ ، وَاسْتَمَرَّتِ السَّفِينَةُ . فَقَالَ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ كَلَامَا نَجَانِي اللَّهُ بِهِ مِنَ الْغَرَقِ لَحَقِيقٌ أَلَّا يُفَارِقَنِي ، فَنَقَشَ فِي خَاتَمِهِ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَلْفَ مَرَّةٍ يَا رَبِّ أَصْلِحْنِي . (٤)

رسول الله صلى الله عليه وآله :إِذَا قَالَ الْعَبْدُ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ، خَرَقَتْ سُقُوفَ السَّمَاءِ ، حَتَّى تَصِيرَ مِثْلَ الْقَمَرِ ، وَأَعْمَالُهُ حَوْلَهَا مِثْلُ الْكَوَاكِبِ . (٥)

١- يقال : خَلَصَ فُلَانٌ إِلَى فُلَانٍ : أَى وَصَلَ إِلَيْهِ (النهاية : ج ٢ ص ٦١ «خلص»).

٢- سنن الترمذى : ج ٥ ص ٥٣٦ ح ٣٥١٨ عن عبد الله بن يزيد بن عبد الله بن عمرو ، كترالعمّال : ج ١ ص ٤٦٢ ح ٢٠٠١ .

٣- الأمالى للمفيد : ص ٢٤٦ ح ١ عن شدّاد بن أوس ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٩٤ ح ٩ ؛ الفردوس : ج ٥ ص ٩ ح ٧٢٨٢ عن شدّاد بن أوس ، كترالعمّال : ج ١ ص ٦٤ ح ٢٢٨ .

٤- الخصال : ص ٣٣٥ ح ٣٦ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ٢ ص ٥٥ ح ٢٠٦ ، الأمالى للصدوق : ص ٥٤٢ ح ٧٢٦ كلّها عن الحسين بن خالد الصيرفى عن الإمام الرضا عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ١١ ص ٢٨٥ ح ١ .

٥- مستدرک الوسائل : ج ٥ ص ٣٦٤ ح ٦٠٩٨ نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

۱ / ۱۵ گوناگون

۱ / ۱۵ گوناگون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تسبیح [خدا] ، نیمه ترازو [ی اعمال] است ، و حمد [او] آن را پر می کند ، و میان «لا اله الا الله» و خداوند ، هیچ حجابی نباشد تا به درگاه او رسد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«لا إله إلا الله» ، نیمی از میزان [عمل] است ، و «الحمد لله» آن را پر می کند.

امام کاظم علیه السلام :نوح علیه السلام چون بر کشتی نشست ، خداوند عز و جل به او وحی فرمود که : «ای نوح! اگر از غرق شدن ترسیدی ، هزار مرتبه مرا به یگانگی یاد نما و آن گاه ، از من درخواست نجات کن ، تا تو و مؤمنان همراه تو را از غرق شدن برهانم» . چون نوح علیه السلام و همراهانش بر کشتی نشستند و طوفان بر آنان وزیدن گرفت ، نوح علیه السلام از غرق شدن بیمناک شد ؛ ولی باد به او فرصت نداد که هزار مرتبه «لا إله إلا الله» بگوید . پس به زبان سُرّیانی گفت : «هلولیا الفا الفایا ماریا اتقین» . پس طناب ها [ی بادبان کشتی] راست شدند و کشتی به راه خود ادامه داد. نوح علیه السلام گفت : سخنی که خداوند به واسطه آن مرا از غرق شدن رهانید ، سزاست که از من جدا نشود . پس بر انگشتری خود ، چنین نقش کرد :
معبودی جز خدا نیست ؛ هزار مرتبه . ای خداوند! مرا به سلامت دار. (۱)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بنده بگوید : «لا إله إلا الله» ، [این سخن] سقف های آسمان را می شکافد ، تا جایی که همانند قرص ماه شود و دیگر اعمال او ، چونان ستارگان ، پیرامون آن خواهند بود .

۱- این نقش انگشتری ، ترجمه همان جمله سُرّیانی است.

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» نَفَعَتْهُ يَوْمًا مِنْ دَهْرِهِ، أَصَابَهُ قَبْلَ ذَلِكَ مَا أَصَابَهُ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مِثْلَهُ مَرَّةً، إِلَّا بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَجْهَهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْيَدْرِ، وَلَمْ يُرْفَعِ لِأَحَدٍ يَوْمَئِذٍ عَمَلٌ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِهِ، إِلَّا مَنْ قَالَ مِثْلَ قَوْلِهِ أَوْ زَادَ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ كَثِيرَ الذِّكْرِ، لَقَدْ كُنْتُ أَمْشِي مَعَهُ وَإِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ، وَآكُلُ مَعَهُ الطَّعَامَ وَإِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ، وَلَقَدْ كَانَ يُحَدِّثُ الْقَوْمَ وَمَا يَشْغَلُهُ ذَلِكَ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ، وَكُنْتُ أَرَى لِسَانَهُ لَا زِقًا بِحَنَكِهِ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. (٣)

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ مِثْلَهُ مَرَّةً: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ»، أَعَادَهُ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ مِنَ الْفَقْرِ، وَآنَسَ وَحَشَهُ قَبْرِهِ، وَاسْتَجَلَبَ الْغِنَى، وَاسْتَقَرَّعَ بَابَ الْجَنَّةِ. (٤)

عنه عليه السلام: قَالَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: طُوبَى لِمَنْ قَالَ مِنْ أُمَّتِكَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ. (٥)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا أَفْصَحَ أَوْلَادُكُمْ فَعَلِّمُوهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. (٦)

- ١- شعب الإيمان: ج ١ ص ١٠٩ ح ٩٧، المعجم الأوسط: ج ٤ ص ١٢ ح ٣٤٨٦ وفيه «ولو بعد ما يصيبه العذاب» بدل «أصابه قبل ذلك ما أصابه» وكلاهما عن أبي هريره، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٨ ح ١٧٧٨.
- ٢- الفردوس: ج ٤ ص ٨ ح ٦٠٢١ عن أبي الدرداء، كنز العمال: ج ١ ص ٥٧ ح ١٨٤ عن أبي ذر.
- ٣- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٩ ح ١ عن ابن القداح، عدّه الداعى: ص ٢٣٣، بحار الأنوار: ج ٤٦ ص ٢٩٧ ح ٢٩.
- ٤- ثواب الأعمال: ص ٢٢ ح ١ عن مالك بن أعين، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٠٧ ح ٧.
- ٥- الكافي: ج ٢ ص ٥١٧ ح ١، المحاسن: ج ١ ص ٩٩ ح ٦٨، التوحيد: ص ٢١ ح ١٠، ثواب الأعمال: ص ١٩ ح ١ كلاهما عن جابر بن يزيد الجعفي عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٠٥ ح ٣.
- ٦- عمل اليوم والليله لابن السني: ص ١٥٠ ح ٤٢٣ عن عمرو بن شعيب، كنز العمال: ج ١٦ ص ٤٤٠ ح ٤٥٣٢٨.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بگوید: «لا إله إلا الله»، [این سخن] روزی به دادش می رسد؛ هر چند پیش از آن، هر بلایی به او رسیده باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که صد مرتبه بگوید: «لا إله إلا الله»، مگر آن که خداوند عز و جل در روز رستاخیز، او را با چهره ای چونان ماه شب چهارده بر می انگیزد. در آن روز، برای هیچ کس عملی برتر از عمل او بالا برده نخواهد شد، بجز برای کسی که همانند سخن او یا بیشتر گفته باشد.

امام صادق علیه السلام: پدرم علیه السلام بسیار ذکر می گفت. با او راه می رفتم و او ذکر خدا می گفت. با او غذا می خوردم و او ذکر خدا می گفت. با مردم سخن می گفت؛ ولی این کار، او را از ذکر خدا باز نمی داشت. من می دیدم که زبانش به کام او چسبیده است و «لا إله إلا الله» می گوید.

امام صادق علیه السلام: هر کس صد مرتبه بگوید: «معبودی جز خدا نیست؛ همان پادشاه راستین و آشکار»، خداوند عز و جل او را از فقر پناه می دهد و از وحشت قبر می رهاوند، و او [با این ذکر] توانگری جُسته، و در بهشت را کوبیده است.

امام صادق علیه السلام: جبرئیل علیه السلام به پیامبر خدا گفت: «خوشا به حال کسی از امت تو که بگوید: معبودی جز خدا نیست؛ یگانه معبود است، یگانه معبود است، یگانه معبود است».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه کودکان زبان باز کردند، به آنها «لا إله إلا الله» گفتن را بیاموزید.

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ رَبِّي صَغِيرًا حَتَّى يَقُولَ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» لَمْ يُحَاسِبْهُ اللَّهُ عِزُّ وَ جَلُّ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :إِفْتَحُوا عَلَيَّ صِبْيَانِكُمْ أَوَّلَ كَلِمَةٍ بِ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ، وَلَقِّنُوهُمْ عِنْدَ الْمَوْتِ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ؛ فَإِنَّهُ مَنْ كَانَ أَوَّلَ كَلَامِهِ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» وَ آخِرُ كَلَامِهِ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ، ثُمَّ عَاشَ أَلْفَ سَنَةٍ ، مَا سُئِلَ عَن ذَنْبٍ وَاحِدٍ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :أَكْثَرُوا فِي الْجَنَازَةِ قَوْلَ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . (٣)

الإمام الباقر عليه السلام :أَوَّلُ مَنْ اتَّخَذَ الرِّيَاضَاتِ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ [عَلَيْهَا] (٤) : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . (٥)

الإمام زين العابدين عليه السلام لِرَجُلٍ قَالَ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ : وَأَنَا أَقُولُ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ، فَإِذَا قَالَ أَحَدُكُمْ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» فَلْيَقُلْ : «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ؛ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ : «فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (٦) . (٧)

- ١- .المعجم الأوسط : ج ٥ ص ١٣٠ ح ٤٨٦٥ عن عائشه ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٤٥٦ ح ٤٥٤٠٨ .
- ٢- .شعب الإيمان : ج ٦ ص ٣٩٨ ح ٨٦٤٩ عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٤٤١ ح ٤٥٣٣٢ .
- ٣- .كنز العمال : ج ١٥ ص ٦٥٠ ح ٤٢٥٧٨ نقلاً عن الديلمي عن أنس .
- ٤- .ما بين القوسين أثبتناه من وسائل الشيعة : ج ١٥ ص ١٤٤ ح ٢٠١٧٦ .
- ٥- .تهذيب الأحكام : ج ٦ ص ١٧٠ ح ٣٢٨ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام .
- ٦- .غافر : ٦٥ .
- ٧- .الدعوات : ص ١٦٤ ح ٤٥٤ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٠٨ ح ١٣ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس کودکی را تربیت کند که «لا إله إلا الله» بگوید، خداوند عز و جلاز او حسابرسی نخواهد کرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین جمله ای که به کودکان می آموزید، کلمه «لا إله إلا الله» باشد، و هنگام مرگ نیز به آنها «لا اله الا الله» تلقین کنید، زیرا کسی که نخستین سخنش «لا إله إلا الله» و آخرین سخنش نیز «لا إله إلا الله» باشد، حتی اگر هزار سال زندگی کرده باشد، از یک گناه هم بازخواست نمی شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در تشییع جنازه، جمله «لا إله إلا الله» را زیاد بگویید.

امام باقر علیه السلام: نخستین کسی که پرچم ساخت، ابراهیم علیه السلام بود و بر آن نوشته شده بود: «لا إله إلا الله».

امام زین العابدین علیه السلام خطاب به مردی که گفت: «معبودی جز خدا نیست»: من هم می گویم: «معبودی جز خدا نیست و ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است». پس هر گاه یکی از شما گفت: «معبودی جز خدا نیست»، [به دنبال آن] بگوید: «و ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است»؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «پس او را بخوانید، در حالی که دین را برایش خالص گردانده باشید. ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است».

الفصل الثاني : شروط التَّهْلِيل ٢ / ١ الإِخْلَاصِ رسول الله صلى الله عليه و آله : أَسْعَدُ النَّاسِ بِشَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ قَالَ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» خَالِصًا مِنْ قَلْبِهِ أَوْ نَفْسِهِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» لَيْسَ لَهَا دُونَ اللَّهِ حِجَابٌ حَتَّى تَخْلُصَ إِلَيْهِ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» كَلِمَةٌ عَظِيمَةٌ كَرِيمَةٌ عَلَى اللَّهِ عِزُّهُ وَ جَلُّهُ ، مَنْ قَالَهَا مُخْلِصًا اسْتَوْجَبَ الْجَنَّةَ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» كَلِمَةٌ طَيِّبَةٌ مُبَارَكَةٌ ، مَنْ قَالَهَا مُخْلِصًا نَجَا مِنِّي وَ دَخَلَ الْجَنَّةَ . (٤)

-
- ١- صحيح البخارى : ج ١ ص ٤٩ ح ٩٩ عن أبى هريره ، كنز العمال : ج ١ ص ٤١٥ ح ١٧٥٨ .
 - ٢- سنن الترمذى : ج ٥ ص ٥٣٦ ح ٣٥١٨ عن عبد الله بن يزيد بن عبد الله بن عمرو ، تاريخ دمشق : ج ٣٤ ص ٣٤٥ ح ٧٠٢٣ عن أبى هريره ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٦٢ ح ٢٠٠١ .
 - ٣- التوحيد : ص ٢٣ ح ١٨ عن أحمد بن عبد الله الجويبارى عن الإمام الرضا عن آباءه عن الإمام على عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٣ ص ٥ ح ١٣ ؛ كنز العمال : ج ١ ص ٦٢ ح ٢٢٠ نقلًا عن ابن النجار عن أنس .
 - ٤- مستدرک الوسائل : ج ٥ ص ٣٦٤ ح ٦٠٩٤ نقلًا عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

فصل دوم: شرط های گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

۲ / ۱ / اخلاص

فصل دوم: شرط های گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ۲ / ۱ / اخلاص پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کامیاب ترین مردم از شفاعت من در روز رستاخیز ، کسی است که با خلوص نیت بگوید: «معبودی جز خدا نیست» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : میان ذکر «معبودی جز خدا نیست» و خدا ، هیچ حجابی نباشد و به پیشگاه او رسد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «معبودی جز خدا نیست» ، کلامی بزرگ و ارجمند به نزد خداوند عز و جلاست که هر کس از سرِ صدق ، آن را بگوید ، مستوجب بهشت می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «معبودی جز خدا نیست» ، سخن پاک و خجسته ای است که هر کس با صدق و اخلاص ، آن را بگوید ، از [مؤاخذة در باره] من برهد و به بهشت رود .

٢ / ٢ الولايها لتوحيد عن إسحاق بن راهويه: لَمَّا وَافَى أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِنِيسَابُورَ ، وَأَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ مِنْهَا إِلَى الْمَأْمُونِ ، اجْتَمَعَ إِلَيْهِ أَصْحَابُ الْحَدِيثِ ، فَقَالُوا لَهُ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ تَرِحِلُ عَنَّا وَلَا تُحَدِّثُنَا بِحَدِيثِ فَسْتَفِيدَهُ مِنْكَ؟ وَكَانَ قَدْ قَعِدَ فِي الْعَمَارِيَّةِ (١) ، فَأَطْلَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ : سَمِعْتُ أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : سَمِعْتُ أَبِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : سَمِعْتُ أَبِي عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : سَمِعْتُ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : سَمِعْتُ أَبِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : سَمِعْتُ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : سَمِعْتُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي ؛ فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي . قَالَ : فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا : بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا . (٢)

الأمالى للطوسى عن أبي الصلت الهروى: كُنْتُ مَعَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا دَخَلَ نِيسَابُورَ وَهُوَ رَاكِبٌ بَعْلَهُ شَهْبَاءَ (٣) ، وَقَدْ خَرَجَ عُلَمَاءُ نِيسَابُورَ فِي اسْتِقْبَالِهِ ، فَلَمَّا سَارَ (٤) إِلَى الْمَرْتَعَةِ ٥ تَعَلَّقُوا بِلِجَامِ بَعْلَتِهِ وَقَالُوا : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، حَدِّثْنَا بِحَقِّ آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ ، حَدِّثْنَا (٥) عَنْ آبَائِكَ صِلَمَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ . فَأَخْرَجَ رَأْسَهُ مِنَ الْهُودُجِ وَعَلِيهِ مِطْرَفٌ (٦) خَزٌّ ، فَقَالَ : حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : أَخْبَرَنِي جَبْرَائِيلُ الرُّوحَ الْأَمِينُ ، عَنْ اللَّهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ وَخِجَلٌ وَجْهُهُ قَالَ : إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدَى ، عِبَادِي فَاعْبُدُونِي ، وَلِيَعْلَمَنَّ مَنْ لَقِينِي مِنْكُمْ بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا بِهَا أَنَّهُ قَدْ دَخَلَ حِصْنِي ، وَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ عَذَابِي . قَالُوا : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، وَمَا إِخْلَاصُ الشَّهَادَةِ لِلَّهِ؟ قَالَ : طَاعَةُ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَوَلَايَةُ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ . (٧)

١- العَمَارِيَّةُ : شَيْءٌ يَشْبَهُ الْهُودُجَ تُرْبَطُ بِالْفَرَسِ وَالْبُغْلِ وَالْبَعِيرِ وَالْفِيلِ ، يُجْلَسُ عَلَيْهَا فِي السَّفَرِ (فرهنگ معین فارسی : ج ٢ ص ٢٣٥٠ «عماری»).

٢- التوحيد : ص ٢٥ ح ٢٣ ، ثواب الأعمال : ص ٢١ ح ١ ، معانى الأخبار : ص ٣٧١ ح ١ ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص ٧٩ ح ١ ، الأمالى للطوسى : ص ٢٧٩ ح ٥٣٦ كلاهما عن أحمد بن عامر الطائى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «لا إله إلا الله ... من عذابى» ، بحار الأنوار : ج ٣ ص ٧ ح ١٦ ؛ تاريخ دمشق : ج ٥ ص ٤٦٢ عن أحمد بن عامر الكنانى البصرى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، ربيع الأبرار : ج ٢ ص ٢٤٩ عن الإمام على عليه السلام وفيهما «لا إله إلا الله ... من عذابى» ، كنز العمال : ج ١ ص ٥ ح ١٥٨ وراجع عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ٢ ص ١٣٧ ح ٢ وعوالى اللالى : ج ٤ ص ٩٤ ح ١٣٤ .

٣- الشَّهْبَةُ فِي الْأَلْوَانِ : الْبَيَاضُ الَّذِي غَلَبَ عَلَى السَّوَادِ (الصحاح : ج ١ ص ١٥٩ «شهب»).

٤- فِي مَوَاضِعٍ مِنْ بَحَارِ الْأَنْوَارِ : «صَارَ» بَدَلَ «سَارَ» .

٥- فِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ : «حَدِيثًا» بَدَلَ «حَدَّثْنَا» .

٦- الْمِطْرَفُ وَالْمِطْرَفُ : وَاحِدُ الْمِطَارِفِ ، وَهِيَ أُرْدِيَةٌ مِنْ خَزٍّ مَرْبُوعَةٍ لَهَا أَعْلَامٌ (الصحاح : ج ٤ ص ١٣٩٤ «طرف»).

٧- الأمالى للطوسى : ص ٥٨٩ ح ١٢٢٠ ، بحار الأنوار : ج ٣ ص ١٤ ح ٣٩ وج ٢٧ ص ١٣٤ ح ١٣٠ وج ٤٩ ص ١٢٠ ح ١ .

۲ / ۲ ولایت التوحید به نقل از اسحاق بن راهویه: چون امام رضا علیه السلام به نیشابور رسید و خواست از آن جا به سوی مأمون [در مرو] خارج شود، اصحاب حدیث نزد او گرد آمدند و گفتند: ای پسر پیامبر خدا! از نزد ما می روی و برایمان حدیثی نمی گویی تا از شما بهره مند شویم؟! امام رضا علیه السلام که در کجاوه نشسته بود، سرش را بیرون آورد و فرمود: «از پدرم موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمود: از پدرم جعفر بن محمد علیه السلام شنیدم که می فرمود: از پدرم محمد بن علی علیه السلام شنیدم که می فرمود: از پدرم علی بن الحسین علیه السلام شنیدم که می فرمود: از پدرم حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که می فرمود: از پدرم امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که می فرمود: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: از جبرئیل علیه السلام شنیدم که می فرمود: از خداوند جلّ جلاله شنیدم که می فرمود: [کلمه] معبودی جز خدا نیست، دژ من است و هر کس وارد دژ من شود، از عذاب من در امان است». چون مرکب به راه افتاد، خطاب به ما بانگ زد: «این، شرط هایی دارد، و من یکی از شرط های آن هستم».

الأمالی، طوسی به نقل از ابوصلت هروی: هنگامی که امام رضا علیه السلام وارد نیشابور شد، من همراه ایشان بودم. امام بر استری خاکستری رنگ سوار بود. علمای نیشابور به استقبال او آمدند. چون به سوی مرتع حرکت کرد، آنان لگام استرش را گرفتند و گفتند: ای فرزند پیامبر خدا! تو را به حق پدران پاکت سوگند، برای ما حدیثی بگو. از پدران آن که دروهای خدا بر همگی ایشان باد برایمان حدیث بگو. امام رضا علیه السلام در حالی که ردایی از خز (۱) با حاشیه نگارین بر تن داشت، سرش را از کجاوه بیرون آورد و فرمود: پدرم موسی بن جعفر، از پدرش جعفر بن محمد، از پدرش محمد بن علی، از پدرش علی بن حسین، از پدرش حسین سرور جوانان اهل بهشت، از پدرش امیر مؤمنان برایم حدیث کرد که پیامبر خدا فرمود: جبرئیل روح الامین از جانب خداوند که نام هایش مقدّس و رویش بشکوه است به من خبر داد که فرمود: «منم خداوند. معبودی جز من نیست که یگانه ام. پس ای بندگان من! مرا پرستید. آن که با گواهی دادن از سر صدق و اخلاص به این که معبودی جز من نیست، دیدارم کند، هر آینه به دژ من درآمده است، و آن که به دژ من درآید، از عذابم در امان است». گفتند: ای فرزند پیامبر خدا! گواهی خالص دادن برای خدا چیست؟ فرمود: اطاعت کردن از خدا و پیامبر او و ولایت اهل بیتش علیهم السلام.

۱-.. خز، حیوانی شبیه سمور است که پوست آن لطیف و نرم و از این رو برای لباس مناسب است. به لباس حاصل از آن نیز خز می گویند (ر. ک: المصباح المنیر: ص ۱۶۸ و مجمع البحرین: ج ۱ ص ۵۰۸).

ص: ٤٧٥

..

الإمام الباقر عليه السلام عن جابر بن عبد الله الأنصاري: جاء أعرابي إلى النبي صلى الله عليه وآله ، فقال: يا رسول الله ، هل للجنة من ثمن؟ قال: نعم . قال: ما ثمنها؟ قال: «لا إله إلا الله» ، يقولها العبد الصالح مُخلصاً بها . قال: وما إخلاصها؟ قال: العمل بما بُعثت به في حقه ، وحبُّ أهل بيتي . قال: وحبُّ أهل بيتك لمن حَقَّها؟ قال: أجل ، إنَّ حُبَّهم لأعظم حَقَّها . (١)

٢ / ٣ العَمَلُ الصَّيِّغُ الحُرْسُولُ اللهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَوْعِظَتِهِ لِأَبْنِ مَسْعُودٍ: يَا بَنَ مَسْعُودٍ ، إِذَا تَكَلَّمْتَ بِ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» وَلَمْ تَعْرِفْ حَقَّهَا فَإِنَّهُ مَرْدُودٌ عَلَيْكَ ، وَلَا يَزَالُ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» يَرُدُّ غَضَبَ اللهِ عَنِ الْعِبَادِ ، حَتَّى إِذَا لَمْ يُبَالُوا مَا يَنْقُصُ مِنْ دِينِهِمْ بَعْدَ إِذْ سَلِمَتْ دُنْيَاهُمْ ، يَقُولُ اللهُ تَعَالَى: كَذَبْتُمْ كَذَبْتُمْ لَسْتُمْ بِهَا بِصَادِقِينَ فَإِنَّهُ يَقُولُ اللهُ تَعَالَى: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (٢) . (٣)

١- الأُمَالِي لِلطُّوسِي: ص ٥٨٣ ح ١٢٠٧ عن معتب عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٣ ص ١٣ ح ٣٠ وراجع تنبيه الغافلين: ص ٤١٥ ح ٦٣٤ .

٢- فاطر: ١٠ .

٣- بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٠٦ ح ١ نقلاً عن مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٥٧ ح ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود واللفظ فيه مضطرب .

۲ / ۳ کردار نیک

امام باقر علیه السلام به نقل از جابر بن عبد الله انصاری: عرب بادیه نشینی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! آیا بهشت، بهایی دارد؟ فرمود: «آری». گفت: بهایش چیست؟ فرمود: «[کلمه] لا إله إلا الله، که بنده شایسته، از سر اخلاص آن را بگوید». گفت: اخلاص آن چگونه است؟ فرمود: «گزاردن حق آنچه من برایش برانگیخته شده ام، و دوست داشتن اهل بیت من». گفت: آیا دوست داشتن اهل بیت شما هم، جزئی از حق آن است؟ فرمود: «آری، دوست داشتن آنها بزرگ ترین حق آن است».

۲ / ۳ کردار نیک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اندرز به ابن مسعود: ای پسر مسعود! هر گاه «لا إله إلا الله» بگویی و حق آن را شناسی، آن به خودت باز گردانیده می شود. کلمه «لا إله إلا الله»، همواره خشم خدا را از بندگان بر می گرداند، تا آن زمان که اگر دنیایشان سالم بماند، برایشان مهم نباشد که به دینشان کاستی ای وارد آید. [در این صورت،] خدای تعالی می فرماید: «دروغ می گوید، دروغ می گوید، شما صادق نیستید»؛ زیرا خدای متعال می فرماید: «سخن پاک، به سوی او بالا می رود و کردار نیک آن را بالا می برد».

الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: مَنْ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» فَلَنْ يَلِجَ مَلَكُوتَ السَّمَاءِ حَتَّى يُتِمَّ قَوْلَهُ بِعَمَلٍ صَالِحٍ. (١)

٢ / ١٤ اجتناب المحارم المعجم الأوسط عن زيد بن أرقم: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مُخْلِصًا دَخَلَ الْجَنَّةَ. قِيلَ: وَمَا إِخْلَاصُهَا؟ قَالَ: أَنْ تَحْجُزَهُ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ عِزُّو جَل. (٢)

-
- ١- الأمل للنفيد: ص ١٨٤ ح ٧ عن أبي سعيد الزهري، الزهد للحسين بن سعيد: ص ١٩ ح ٤١ عن أبي شيبه الزهري، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٤٠٢ ح ١٠٢.
- ٢- المعجم الأوسط: ج ٢ ص ٥٦ ح ١٢٣٥، حليه الأولياء: ج ٩ ص ٢٥٤ نحوه وكلاهما عن زيد بن أرقم، تاريخ بغداد: ج ١٢ ص ٦٤ عن أنس، كنز العمال: ج ١ ص ٦١ ح ٢٠٥.

۲ / ۴ دوری کردن از حرام ها

امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: هر کس بگوید: «معبودی جز خدا نیست»، این سخن هرگز به ملکوت آسمان وارد نشود ، تا این که سخن خود را با کرداری نیک کامل سازد.

۲ / ۴ دوری کردن از حرام ها المعجم الأوسط به نقل از زید بن ارقم: پیامبر خدا فرمود: هر کس از سر اخلاص بگوید: «معبودی جز خدا نیست»، به بهشت می رود. گفته شد: اخلاص آن چیست؟ فرمود: این که [این گفته،] او را از حرام های خداوند عز و جل باز دارد.

الفصل الثالث: بركات التهليل ٣ / ١ هدم الذنوب رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا قال العبد: «أشهد أن لا إله إلا الله»، قال الله تعالى: يا ملائكتي، علم عبدي أنه ليس له رب غيري، أشهدكم أنني غفرت له. (١)

الإمام الباقر عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لئن لم يهدم الذنوب: «لا إله إلا الله» فإنها تهدم الذنوب. فقالوا: يا رسول الله، فمن قال في صحتة؟ فقال: ذاك أهدم وأهدم وأهدم، إن «لا إله إلا الله» أنس المؤمنين في حياته، وعند موته، وحين يُبعث. وقال رسول الله صلى الله عليه وآله: قال جبرئيل: يا محمد، لو تراه حين يُبعثون؛ هذا مبيض وجهه يُنادى: «لا إله إلا الله وألله أكبر»، وهذا مسود وجهه يُنادى: يا ويلاه يا ثوراه. (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: «لا إله إلا الله» لا يسبقها عمل، ولا تترك ذنبا. (٣)

١- تاريخ دمشق: ج ٧ ص ٦١ ح ١٦١٧ عن أنس.

٢- ثواب الأعمال: ص ١٦ ح ٣ عن جابر، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٣٥ ح ١٣.

٣- سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٤٨ ح ٣٧٩٧ عن أم هانئ، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٨ ح ١٧٨١.

فصل سوم: برکت های «لا إله إلا الله»

۳ / ۱ نابود کردن گناهان

فصل سوم: برکت های «لا إله إلا الله» ۳ / ۱ نابود کردن گناهان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بنده بگوید: «گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست»، خدای تعالی می فرماید: «ای فرشتگان من! بنده ام دانست که پروردگاری جز من ندارد. گواه باشید که او را آمرزیدم».

امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «به مردگان خود، لا إله إلا الله را تلقین کنید؛ زیرا آن، گناهان [میت] را نابود می کند». گفتند: ای پیامبر خدا! پس کسی که در هنگام سلامتش [و حیاتش] آن را بگوید، چه؟ فرمود: «این که بیشتر و بیشتر و بیشتر نابود می کند. لا إله إلا الله، همدم مؤمن است در زندگی او و هنگام مرگش و در زمان برانگیخته شدنش». پیامبر صلی الله علیه و آله همچنین فرمود: «جبرئیل علیه السلام گفت: ای محمد! کاش آنان را می دیدی آن گاه که برانگیخته می شوند؛ این یکی چهره اش سپید است و بانگ می زند: معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ ترین است، و آن یکی چهره اش سیاه است و فریاد می زند: وای بر من! نابود شدم!».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [ذکر] «لا اله الا الله»، بر هر عمل پیشی [و فضیلت] دارد و هیچ گناهی را بر جای نمی گذارد

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ قَالَ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» فِي سَاعَةٍ مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ ، طَلَسَتْ (١) مَا فِي صَحِيفَتِهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :إِذَا قَالَ الْعَبْدُ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» طَمَسَتْ مَا قَبْلَهَا مِنَ السَّيِّئَاتِ ، يَقُولُ [اللَّهُ] (٣) : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي ، مَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ عَذَابِي . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ قَالَ عُذُوَّةً وَعَشِيًّا : «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» ، ضَمِنَتْ (٥) إِحْدَاهُمَا إِلَى الْأُخْرَى ، وَيُمْحَى مَا بَيْنَهُمَا مِنَ الذُّنُوبِ . (٦)

عنه صلى الله عليه و آله :مَا مِنَ الْكَلَامِ كَلِمَةٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَوْلٍ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ، وَمَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» يَمُدُّ بِهَا صَوْتَهُ فَيَفْرُغُ ، إِلَّا تَنَاطَرَتْ ذُنُوبُهُ تَحْتَ قَدَمَيْهِ كَمَا يَتَنَاطَرُ وَرَقُ الشَّجَرِ تَحْتَهَا . (٧)

عنه صلى الله عليه و آله :مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَقُولُ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» إِلَّا مُجِيتَ مَا فِي صَحِيفَتِهِ مِنَ سَيِّئَاتٍ حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى مِثْلِهَا مِنْ حَسَنَاتٍ . (٨)

الاحتجاج عن الأصبغ بن نباته :خَطَبْنَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى مِثْبَرِ الْكُوفَةِ ، فَحَمِدَ اللَّهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ، ثُمَّ قَالَ : أَيُّهَا النَّاسُ ، سَلُونِي فَإِنَّ بَيْنَ جَوَانِحِي عِلْمًا جَمًّا . فَقَامَ إِلَيْهِ ابْنُ الْكُوَاءِ فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ . . . كَمْ بَيْنَ مَوْضِعِ قَدَمِكَ إِلَى عَرْشِ رَبِّكَ؟ قَالَ : تَكَلَّمْتُكَ أُمَّكَ يَا بَنَ الْكُوَاءِ! سَلْ مُتَعَلِّمًا وَلَا تَسْأَلْ مُتَعَتِّيًا ، مِنْ مَوْضِعِ قَدَمِي إِلَى عَرْشِ رَبِّي أَنْ يَقُولَ قَائِلٌ مُخْلِصًا : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . قَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، فَمَا ثَوَابُ مَنْ قَالَ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؟ قَالَ : مَنْ قَالَ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مُخْلِصًا طَمَسَتْ ذُنُوبُهُ ، كَمَا يُطَمَسُ الْحَرْفُ الْأَسْوَدُ مِنَ الرَّقِّ الْأَبْيَضِ . فَإِنْ قَالَ ثَانِيَةً : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مُخْلِصًا خَرَقَتْ أَبْوَابَ السَّمَاوَاتِ وَصُيُفُوفَ الْمَلَائِكَةِ ، حَتَّى يَقُولَ الْمَلَائِكَةُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ : إِخْشَعُوا لِعَظْمَةِ اللَّهِ . فَإِذَا قَالَ ثَالِثَةً : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مُخْلِصًا [لَمْ] (٩) تَنْهَهُ دُونَ الْعَرْشِ ، يَقُولُ الْجَلِيلُ : أَسْكُنِي ، فَوَعَزَّتِي وَجَلَالِي لِأَغْفِرَنَّ لِقَائِلِكَ بِمَا كَانَ فِيهِ . ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ : «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (١٠) . يَعْنِي إِذَا كَانَ عَمَلُهُ صَالِحًا ارْتَفَعَ قَوْلُهُ وَكَلَامُهُ . (١١)

١- الطَّلَسُ : المَحُو (الصَّحَاحُ : ج ٣ ص ٩٤٤ «طلس»).

٢- التَّوْحِيدُ : ص ٢٣ ح ١٩ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْجَوَيْبَارِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٩٣ ص ١٩٤ ح ٧؛ مَسْنَدُ أَبِي يَعْلَى : ج ٣ ص ٤٤٥ ح ٣٥٩٩ نَحْوَهُ ، تَارِيخُ بَغْدَادَ : ج ٢ ص ٢١٣ وَليْسَ فِيهِ «فِي سَاعَةٍ مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ» وَزَادَ فِي آخِرِهِ «حَتَّى يَعُودَ إِلَى مِثْلِهَا» وَكِلَاهُمَا عَنْ أَنَسٍ ، كُنُزِ الْعَمَالِ : ج ١ ص ٦٠ ح ٢٠١ .

٣- فِي هَامِشِ الْمَصْدَرِ : «أَثْبَتْنَا مَا بَيْنَ الْمُعَقِّوفِينَ لِيَسْتَقِيمَ الْمَعْنَى» .

٤- مَسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ : ج ٥ ص ٣٦٣ ح ٦٠٩٣ نَقْلًا عَنِ الْقُطْبِ الرَّائِدِيِّ فِي لَبِّ اللَّبَابِ .

٥- كَذَا فِي الْمَصْدَرِ ، وَلَعَلَّ الصَّوَابَ : «ضَمَّتْ» .

- ٦- .مستدرك الوسائل : ج ٥ ص ٣٦٥ ح ٦٠٩٨ نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
- ٧- .التوحيد : ص ٢١ ح ١٤ ، ثواب الأعمال : ص ٢١ ح ٢ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٨٢ ح ٢٢١١ ، جامع الأحاديث للقمي : ص ١٩٦ نحوه وكلّها عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٩٦ ح ١٦ .
- ٨- .ثواب الأعمال : ص ١٨ ح ١١ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٨٤ ح ٢٢٢٠ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٠٢ ح ٣٧ .
- ٩- .الزيادة من بحار الأنوار . قال ابن منصور : النَّهْنَه : الكَفّ . وما نَهْنَهَا شَيْءٌ دُونَ العَرْشِ : ما منعها وكفّها عن الوصول إليه (لسان العرب : ج ١٣ ص ٥٥٠ «نهنه»).
- ١٠- .فاطر : ١٠ .
- ١١- .الاحتجاج : ج ١ ص ٦١٢ ح ١٣٩ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٩٨ ح ٢٥ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در هر ساعتی از شب یا روز بگوید: «معبودی جز خدا نیست»، [این سخن] هر گناهی را که در نامه اعمال اوست، پاک می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بنده «لا إله إلا الله» بگوید، گناهان پیش از آن از بین می روند. خداوند می فرماید: «[ذکر] لا إله إلا الله، دژ من است. هر کس وارد دژ من شود، از عذابم در امان می ماند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس صبح و عصر بگوید: «معبودی جز تو نیست»، هر یک از آن دو [صبح و عصر] به دیگری می پیوندد و گناهان ما بین آنها محو گردانیده می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از میان سخنان، هیچ سخنی نزد خداوند عز و جل محبوب تر از جمله «لا إله إلا الله» نیست. هیچ بنده ای نیست که بگوید: «لا إله إلا الله» و صدایش را به آن بکشد، مگر آن که به محض قطع شدن صدایش، گناهان او زیر پایش فرو می ریزد، همان گونه که برگ های درختان در پای آنها می ریزند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مؤمنی نیست که بگوید: «معبودی جز خدا نیست»، مگر آن که هر چه بدی و گناه در کارنامه اوست، محو می شود و به همان اندازه، برایش کار نیک [و ثواب] نوشته آید.

الاحتجاج به نقل از اصبح بن نباته: امیر مؤمنان علیه السلام بر منبر کوفه برای ما سخنرانی کرد. نخست خدای را ستایش و ثنا گفت، سپس فرمود: «ای مردم! از من بپرسید، که در سینه من دانش بسیار است». ابن کوّاء برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان! ... از جای پای تو تا عرش پروردگارت، چه قدر فاصله است؟ فرمود: «مادرت به عزایت بنشیند، ای پسر کوّاء! برای یادگیری بپرس، نه برای مچ گیری. فاصله جای پای من تا عرش پروردگارم، به این اندازه است که گوینده ای با اخلاص بگوید: «معبودی جز خدا نیست». ابن کوّاء گفت: ای امیر مؤمنان! اگر کسی بگوید: «معبودی جز خدا نیست»، پاداشش چیست؟ فرمود: «هر کس از سر اخلاص بگوید: «معبودی جز خدا نیست»، گناهانش زدوده می شود، همان گونه که حرف سیاه از پوست سفید زدوده می شود. اگر دو باره از سر اخلاص بگوید: «معبودی جز خدا نیست»، [سخنش] درهای آسمان ها و صفوف فرشتگان را می شکافد، تا جایی که فرشتگان به یکدیگر می گویند: برای عظمت خدا خشوع کنید. و اگر سه باره از سر اخلاص بگوید: «معبودی جز خدا نیست»، [این کلمه تا عرش خدا بالا می رود و] در برابر عرش بی تاب می کند، (۱) پس خداوند بزرگ می فرماید: آرام باش! به عزّت و جلالم سوگند، گوینده تو را با وجود همه گناهانش، می آمرزم». سپس این آیه را تلاوت کرد: «گفتار پاک، به سوی او بالا- می رود و کردار نیک آن را بالا- می برد»؛ یعنی اگر کردارش نیک و شایسته باشد، گفته و سخن او بالا می رود.

الإمام عليّ عليه السلام: ما من عبدٍ مُسلمٍ يقولُ: «لا إلهَ إلاَّ اللهُ» إلاَّ صَعِدَتْ تَحْرُوقُ كُلِّ سَقْفٍ ، لا تَمُرُّ بِشَيْءٍ مِنْ سَيِّئَاتِهِ إلاَّ طَلَسَتْهَا ، حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى مِثْلِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ فَتَقِفُ . (١)

١- التوحيد: ص ٢١ ح ١٢ ، ثواب الأعمال: ص ١٧ ح ٧ كلاهما عن أبي الطفيل ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٩٥ ح ١٤ .

امام علی علیه السلام: هیچ بنده مسلمانی نیست که بگوید: «معبودی جز خدا نیست»، مگر آن که [این گفته] هر سقفی را می شکافد و بر هر گناهی از گناهان او که بگذرد، نابودش می کند، تا آن که به همان اندازه از کارهای نیک برسد. آن گاه، متوقف می شود.

٣ / ٢ العِصْمَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، شَهَادَةٌ مُمْتَحِنًا إِخْلَاصُهَا ، مُعْتَقِدًا مُصَاصُهَا (١) ، نَتَمَسَّكُ بِهَا أَبَدًا مَا أَبْقَانَا ، وَنَدْخِرُهَا لِأَهْوِيلِ مَا يَلْقَانَا ، فَإِنَّهَا عَزِيمَةُ الْإِيمَانِ ، وَفَاتِحَةُ الْإِحْسَانِ ، وَمَرْضَاةُ الرَّحْمَنِ ، وَمَدْحَرَةُ الشَّيْطَانِ . (٢)

عنه عليه السلام في الحكم المنسوبة إليه : لَيْسَ شَيْءٌ أَقْطَعَ لِظَهْرِ إِبْلِيسَ مِنْ قَوْلٍ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ، كَلِمَةِ التَّقْوَى . (٣)

٣ / ٣ دَفْعُ الْبَلَاءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» تَدْفَعُ عَنْ قَائِلِهَا تِسْعَةَ وَتِسْعِينَ بَابًا مِنَ الْبَلَاءِ أَدْنَاهَا الْهَمُّ . (٤)

٣ / ١٤ الْأَمَانُ مِنَ الذُّرْسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَكْثَرُوا مِنْ قَوْلٍ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» وَالِاسْتِغْفَارِ ؛ فَإِنَّهُمَا أَمَانٌ فِي الدُّنْيَا مِنَ الذُّلِّ ، وَفِي الْآخِرَةِ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ . (٥)

١- المصاص : خالص كل شيء (النهاية : ج ٤ ص ٣٣٧ «مصص»).

٢- نهج البلاغه : الخطبه ٢ ، غررالحكم : ح ١٠٨٥٩ وفيه ذيله «لا إله إلا الله عزيمة الإيمان...» ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٣٣١ ح ١٩ ؛ مطالب السؤل : ص ٥٨ وليس فيه «ومدحره الشيطان» .

٣- شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٣١٦ ح ٦٣٠ .

٤- تاريخ دمشق : ج ١٧ ص ١٧٢ ح ٤٠٨٧ ، الفردوس : ج ٥ ص ٨ ح ٧٢٨٠ كلاهما عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ١ ص ٦٣ ح ٢٢٦ وراجع المقنع : ص ٢٩٧ .

٥- كنز العمال : ج ١٠ ص ١٧ ح ٢٨١٥٢ نقلًا عن الديلمي عن أنس .

۳ / ۲ مصون ماندن از شیطان

۳ / ۳ دفع بلا

۳ / ۴ در امان ماندن از خواری

۳ / ۲ مصون ماندن از شیطان امام علی علیه السلام: گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ، یگانه است و بی انباز ؛ گواهی ای که خلوص آن آزموده شده و ناب آن ، باور ماست . همواره و تا آن گاه که ما را زنده بدارد ، به این گواهی چنگ می زنیم و برای صحنه هولناکی که در پیش داریم ، اندوخته اش می کنیم؛ زیرا این گواهی ، عقیده ایمان است و سرآغاز احسان ، و مایه خشنودی خدای مهربان و سبب راندن شیطان.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : هیچ چیز برای ابلیس ، کمرشکن تر از گفتن کلمه تقوا ؛ یعنی «لا اله الا الله» نیست.

۳ / ۳ دفع بلا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «لا إله إلا الله» نود و هفت نوع بلا را از گوینده اش دفع می کند که کمترین آنها ، اندوه و نگرانی است.

۳ / ۴ در امان ماندن از خواری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «لا إله إلا الله» و «استغفر الله» را زیاد بگویید؛ زیرا این دو ، در دنیا مایه امان از خواری هستند ، و در آخرت سپر آتش .

٣ / ٥ النَّجَاهُ مِنَ النَّارِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنِّي لَأَعْلَمُ كَلِمَةً لَا يَقُولُهَا عَبْدٌ حَقًّا مِنْ قَلْبِهِ فَيَمُوتُ عَلَى ذَلِكَ، إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَى النَّارِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ عَلَى النَّارِ مَنْ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» يَتَغَيَّبُ بِذَلِكَ وَجَهَ اللَّهُ. (٢)

الإمام زين العابدين عليه السلام: إِذَا قُلْتَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» فَهِيَ كَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ الَّتِي لَا يَقُولُهَا عَبْدٌ إِلَّا أَعْتَقَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ، إِلَّا الْمُسْتَكْبِرِينَ وَالْجَبَّارِينَ. (٣)

٣ / ٦ دُخُولُ الْجَنَّةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كَانَ آخِرُ كَلَامِهِ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» دَخَلَ الْجَنَّةَ. (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عِنْدَ مَوْتِهِ، دَخَلَ الْجَنَّةَ. (٥)

رسول الله صلى الله عليه وآله: تَمَنَّ الْجَنَّةَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، نَجَا صَاحِبُ هَذِهِ الشَّهَادَةِ، يَقُولُ اللَّهُ عَبْدِي عَهْدِي إِلَيَّ فَأَنَا أَحَقُّ مَنْ وَفَى بِالْعَهْدِ، أَدْخِلُوا عَبْدِي الْجَنَّةَ. (٦)

١- المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ١٤٤ ح ٢٤٢، حلیه الأولیاء: ج ٢ ص ٢٩٦ وليس فيه «من قلبه فیموت علی ذلك» وكلاهما عن عمر بن الخطاب، کنز العمال: ج ١ ص ٥١ ح ١٤٩.

٢- صحیح البخاری: ج ١ ص ١٦٤ ح ٤١٥، صحیح مسلم: ج ١ ص ٤٥٦ ح ٣٣، السنن الکبری: ج ١٠ ص ٢١١ ح ٢٠٣٩٢ کلها عن عتبان بن مالک، کنز العمال: ج ١ ص ٥٠ ح ١٤٣.

٣- الخصال: ص ٢٩٩ ح ٧٢ عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٩٣ ح ٥.

٤- سنن أبي داود: ج ٣ ص ١٩٠ ح ٣١١٦، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٢٤٠ ح ٢٢٠٩٥ وفيه «وجبت له الجنة» بدل «دخل الجنة»، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٥٠٣ ح ١٢٩٩ کلها عن معاذ بن جبل، کنز العمال: ج ١ ص ٤١٨ ح ١٧٨٠؛ مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٣٦٥ ح ٦٠٩٨ وزاد في آخره «قيل: فإن قالها في حياته؟ قال: تلك أوجب وأوجب».

٥- المحاسن: ج ١ ص ١٠٣ ح ٧٩، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٣٦ ح ١٤.

٦- مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٣٦٤ ح ٦٠٩٧ نقلًا عن القطب الراوندي في لبّ اللباب؛ المعجم الكبير: ج ١٠ ص ١٩٩ ح ١٠٤٥٣ عن عبد الله وليس فيه صدره وفيه «يجاء بصاحبها يوم القيامة» بدل «نجا صاحب هذه الشهادة».

۳ / ۵ رهیدن از آتش

۳ / ۶ رفتن به بهشت

۳ / ۵ رهیدن از آتشیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من کلمه ای می شناسم که هر بنده ای از صمیم دلش آن را بگوید و بر آن از دنیا برود، خداوند او را بر آتش حرام می گرداند. آن کلمه، «لا إله إلا الله» است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند کسی را که «لا إله إلا الله» بگوید و نیتش از آن، خدا باشد، بر آتش حرام کرده است.

امام زین العابدین علیه السلام: هر گاه بگویی: «معبودی جز خدا نیست، یگانه است و بی انباز»، این، کلمه اخلاص [و توحید] است که هر بنده ای آن را بگوید، خداوند او را از آتش می رهاند، مگر خود برترینان و گردن کشان را.

۳ / ۶ رفتن به بهشتیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس واپسین گفته اش [در دم مرگ] «لا إله إلا الله» باشد، به بهشت می رود.

امام صادق علیه السلام: هر کس هنگام مرگش گواهی دهد که معبودی جز خدای یگانه نیست، به بهشت می رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهای بهشت، «لا إله إلا الله» است. کلید بهشت، «لا إله إلا الله» است. گوینده این شهادت، نجات یافته است. خداوند می فرماید: «بنده ام با من عهد بست، و من سزاوارترین کس به وفا کردن به عهد هستم؛ بنده ام را به بهشت ببرید».

عنه صلى الله عليه وآله لما سأله يهودي عن جزاء من قال: سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر: أما قوله: «لا إله إلا الله» فتمنّها الجنّة، وذلك قول الله تعالى: «هل جزاء الأئحسّن إلا الأئحسّن» (١) قال: هل جزاء من قال: «لا إله إلا الله» إلا الجنّة. فقال اليهودي: صدقت يا محمّد. (٢)

الإمام الكاظم عليه السلام فى جواب رايه قال له: مفاتيح الجنّة من ذهب أو فضّه؟: مفتاح الجنّة لسان العبد: لا إله إلا الله. (٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله: رأيت البارحة عجباً، رأيت رجلاً من أمّتي انتهى إلى أبواب الجنّة، فغلقت الأبواب دونّه، فجاءته شهادة أن لا إله إلا الله، ففتحت له الأبواب وأدخل الجنّة. (٤)

التوحيد عن زيد بن خالد: أرسلنى رسول الله صلى الله عليه وآله فقال لى: بشّر الناس أنّه من قال: «لا إله إلا الله وحده لا شريك له» فله الجنّة. (٥)

١- الرحمن: ٦٠.

٢- علل الشرايع: ص ٢٥١ ح ٨ عن الحسن بن عبد الله عن آباءه، الأمالى للصدوق: ص ٢٥٥ ح ٢٧٩ عن الحسن بن عبد الله عن أبيه وكلاهما عن الإمام الحسن عليه السلام، الاختصاص: ص ٣٤ عن الحسن بن عبد الله عن آباءه عن الإمام الحسين عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٧ ح ١.

٣- المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٣١٢، بحار الأنوار: ج ٤٨ ص ١٠٥ ح ٨.

٤- مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٣٦٥ ح ٦٠٩٨ نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب.

٥- التوحيد: ص ٢٢ ح ١٥، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٩٦ ح ١٧.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ پرسش مردی یهودی در باره پاداش کسی که بگوید: «سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر»: «این که بگوید: لا اله الا الله، بهایش بهشت است؛ بدان دلیل که خدای تعالی می فرماید: «آیا پاداش نیکی، جز نیکی است؟!». آیا پاداش کسی که بگوید: لا اله الا الله، چیزی جز بهشت است؟». یهودی گفت: درست گفتی، ای محمد!

امام کاظم علیه السلام در پاسخ راهبی که از وی پرسید: کلیدهای بهشت، از طلاست یا نقره؟: کلید بهشت، زبان بنده است: لا اله الا الله.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دیشب خواب عجیبی دیدم. دیدم مردی از امتم به سوی درهای بهشت رفت؛ اما درها به رویش بسته شد. شهادت «لا اله الا الله» نزدش آمد. پس درها برایش گشوده شد و به بهشت برده شد.

التوحید به نقل از زید بن خالد: پیامبر خدا مرا فرستاد و به من فرمود: «به مردم بشارت بده که هرکس بگوید: معبودی جز خدا نیست، یگانه است و بی انباز، به بهشت می رود».

المستدرك على الصحيحين عن أبي طلحة الأنصاري: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ قَالَ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» دَخَلَ الْجَنَّةَ وَوَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ ، وَمَنْ قَالَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» مِثَّهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَأَرْبَعًا وَعِشْرِينَ حَسَنَةً . قَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ إِذَا لَا يَهْلِكُ مِنَّا أَحَدٌ! قَالَ : بَلَى ، إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَجِيءُ بِالْحَسَنَاتِ لَوْ وُضِعَتْ عَلَى جَبَلٍ أَنْقَلْتَهُ ، ثُمَّ تَجِيءُ النُّعْمُ فَتَذْهَبُ بِتِلْكَ ، ثُمَّ يَتَطَاوَلُ الرَّبُّ بَعْدَ ذَلِكَ بِرَحْمَتِهِ . (١)

٣ / ١٧ العزُّها لإمام الباقر عليه السلام: «لا إله إلا الله» إعزازٌ لأهلِ دَعْوَتِهِ ، الصَّلَاةُ تَثْبِيْتُ لِلإِخْلَاصِ وَتَنْزِيَهُ عَنِ الكِبْرِ . (٢)

٣ / ١٨ الفلأخر رسول الله صلى الله عليه وآله : قولوا: «لا إله إلا الله» تفلحوا . (٣)

- ١- المستدرك على الصحيحين : ج ٤ ص ٢٧٩ ح ٧٦٣٨ ، كنز العمال : ج ١ ص ٦١ ح ٢١٠ .
- ٢- الأمالى للطوسى : ص ٢٩٦ ح ٥٨٢ ، بشاره المصطفى : ص ١٨٩ وفيه «أعوان» بدل «إعزاز» و«تبريه» بدل «تنزيه» ، الفضائل : ص ٧ وفيه «إعذار» بدل «إعزاز» وكلها عن جابر بن يزيد الجعفي ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٨٣ ح ٨ .
- ٣- مسند ابن حنبل : ج ٥ ح ٤٢٣ ح ١٦٠٢٣ ، المستدرك على الصحيحين : ج ١ ص ٦١ ح ٣٩ كلاهما عن ربيعة بن عباد ، صحيح ابن حبان : ج ١٤ ص ٥١٨ ح ٦٥٦٢ ، السنن الكبرى : ج ١ ص ١٢٣ ح ٣٥٨ كلها عن طارق بن عبد الله المحاربي ، كنز العمال : ج ١٢ ص ٤٤٩ ح ٣٥٥٣٨ ؛ المناقب لابن شهر آشوب : ج ١ ص ٥٦ ، بحار الأنوار : ج ١٨ ص ٢٠٢ .

۳ / ۷ عزت

۳ / ۸ رستگاری

المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو طلحه انصاری: پیامبر خدا فرمود: «هر کس بگوید: لا إله إلا الله، به بهشت می رود و بهشت حق او می شود، و هر کس صد مرتبه بگوید: سبحان الله وبحمده، خداوند برایش هزار و بیست و چهار ثواب می نویسد». اصحاب گفتند: بنا بر این، کسی از ما هلاک نخواهد شد، ای پیامبر خدا! فرمود: «آری، کسی از شما چندان کار نیک می آورد که اگر بر کوهی نهاده شوند، بر آن فشار می آورد؛ اما نعمت ها می آیند و همه آن کارهای نیک را از بین می برند؛ لیکن پس از آن، خداوند رحمت خود را شامل حال او می کند».

۳ / ۷ عزت تمام باقر علیه السلام: «لا إله إلا الله»، مایه عزت گوینده آن است. نماز، موجب استواری اخلاص و دور شدن از تکبر است.

۳ / ۸ رستگاری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بگویید: «معبودی جز خدا نیست» تا رستگار شوید.

٣ / ٩ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرِهَا الْمَحَاسِنُ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيْبِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا يَكُونُ بِهِ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَإِذَا كَرِبْتُمْ وَاعْتَمَمْتُمْ (١) دَعَوْتُمْ اللَّهَ بِهِ فَفَرَّجَ عَنْكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: قُولُوا: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا» ثُمَّ ادْعُوا بِمَا بَدَأَ لَكُمْ. (٢)

راجع: موسوعه العقائد الإسلاميه: ج ٣ ص ٣٥٩ (قيمه التوحيد).

١- في المصدر: «أغمتمم»، والتصويب من بحار الأنوار.

٢- المحاسن: ج ١ ص ١٠٠ ح ٧١، الدعوات: ص ٥٦ ح ١٤٣ كلاهما عن الإمام زين العابدين عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣١١ ح ١٤ وص ٢٠٨ ح ١١.

۳ / ۹ خیر دنیا و آخرت

۳ / ۹ خیر دنیا و آخرت المحاسن به نقل از سعید بن مسیب: پیامبر خدا فرمود: «آیا خبر ندهم شما را از چیزی که خیر دنیا و آخرت در آن است، و هر گاه افسرده و غمگین شدید، خدا را با آن بخوانید تا غم و اندوه شما را برطرف سازد؟». اصحاب گفتند: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود: «بگویید: معبودی جز خدا نیست. او پروردگار ماست و چیزی را شریکش قرار نمی دهیم. سپس هر دعایی به نظرتان رسید، بکنید».

ر. ک: دانش نامه عقاید اسلامی: ج ۵ ص ۱۱ (ارزش توحید).

الفصل الرابع: التهليلات المأثورة ٤ / ١ التهليلات المأثورة عن مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مِثَّةَ مَرَّةٍ، كَانَ أَفْضَلَ النَّاسِ عَمَلًا ذَلِكَ الْيَوْمَ، إِلَّا مَنْ زَادَ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِثَّةَ مَرَّةٍ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» اسْتَجَلَبَ بِهِ الْغِنَى، وَاسْتَدْفَعَ بِهِ الْفَقْرَ، وَسَدَّ عَنْهُ بَابَ النَّارِ، وَاسْتَفْتَحَ بِهِ بَابَ الْجَنَّةِ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ: «حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَأَكْفِيَنَّ عَبْدِي صَادِقًا كَانَ أَوْ كَاذِبًا. (٣)

١- الكافي: ج ٢ ص ٥٠٥ ح ١، الخصال: ص ٥٩٤ ح ٥، التوحيد: ص ٣٠ ح ٣٣، ثواب الأعمال: ص ١٨ ح ١ كلها عن هشام بن سالم وأبي أيوب عن الإمام الصادق عليه السلام والثلاثة الأخرى من دون إسناد إليه صلى الله عليه وآله، الأمالي للصدوق: ص ١٢٨ ح ١١٦ عن مالك بن أنس عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٠٣ ح ٤١.

٢- الأمالي للطوسي: ص ٢٧٩ ح ٥٣٤ عن أحمد بن عامر الطائي، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام: ص ٢٨٨ ح ٣٧ كلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، الدعوات: ص ١١٧ ح ٢٧١ عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٨ ح ١٣؛ تاريخ بغداد: ج ١٢ ص ٣٥٨ عن مالك بن أنس عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام نحوه.

٣- الدعاء للطبراني: ص ٣١٦ ح ١٠٣٨ عن يونس بن ميسره بن حلبس.

فصل چهارم: تهلیل های پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام

۴ / ۱ توحیدگویی های رسیده از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

فصل چهارم: تهلیل های پیامبر و اهل بیت ۴ / ۱ توحیدگویی های رسیده از پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس صد مرتبه بگوید: «معبودی جز خدا نیست»، در آن روز (قیامت) از نظر عمل، بهترین مردم است، مگر از کسی که زیادتر گفته باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در هر روز صد مرتبه بگوید: «معبودی جز خدا نیست؛ همان پادشاه راستین و آشکار» ، به برکت آن، توانگری جُسته، فقر را دفع کرده، دَرِ آتش را بر خود بسته، و دَرِ بهشت را با آن گشوده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بگوید: «خدا مرا بس است. معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم که او پروردگار عرش بزرگ است»، خداوند عز و جل می فرماید: هر آینه بنده ام را کفایت می کنم؛ چه راست گفته باشد، چه دروغ.

عنه صلى الله عليه وآله: لا إله إلا الله وحده، أعز جنده، ونصر عبده، وغلب الأحزاب وحده، فلا شيء بعده. (١)

البلد الأمين: دعاء التهليل مروى عن النبي صلى الله عليه وآله: بسمي وقل: لا إله إلا الله ثلاثا بعد كل تهليل هلله المهللون. (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: أفضل الدعاء دعاء يوم عرفه، وأفضل قولي وقول الأنبياء قبلي: لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، يحيى ويميت، بيده الخير وهو على كل شيء قدير. (٣)

الإمام علي عليه السلام: قال لي رسول الله صلى الله عليه وآله: ألا أعلمك كلمات إذا قلتها غفر الله لك، وإن كنت مغفورا لك؟ قال: قل: لا إله إلا الله العلي العظيم، لا إله إلا الله الحليم الكريم، لا إله إلا الله، سبحان الله رب العرش العظيم. (٤)

السنن الكبرى للنسائي عن ابن عباس: إن رسول الله صلى الله عليه وآله كان إذا خزبه أمر (٥) قال: «لا إله إلا الله الحليم العظيم، لا إله إلا الله رب العرش العظيم، لا إله إلا الله رب الأرض رب السماوات ورب العرش العظيم». ثم يدعو. (٦)

١- صحيح البخارى: ج ٤ ص ١٥٠٩ ح ٣٨٨٨، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٨٩ ح ٧٧، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٤٣٠ ح ١١٤٠٠، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٥٥٣ ح ١٠٤١١ وص ١٧٦ ح ٨٠٧٣؛ مجمع البيان: ج ٨ ص ٥٤١ كلها عن أبي هريره.

٢- البلد الأمين: ص ٣٧٤.

٣- شعب الإيمان: ج ٣ ص ٤٦٢ ح ٤٠٧٢ عن أبي هريره، سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٧٢ ح ٣٥٨٥، الأذكار: ص ١٥٨ كلاهما عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده نحوه، كنز العمال: ج ٥ ص ٦٦ ح ١٢٠٧٨ وص ٦٧ ح ١٢٠٨٠ وراجع فلاح السائل: ص ٨٥ ح ١٨ وبحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٥٦ ح ٢٦.

٤- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٢٩ ح ٣٥٠٤ عن الحارث، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٢٠٠ ح ٧١٢ عن عبد الله بن سلمه، المستدرک على الصحيحين: ج ٣ ص ١٤٩ ح ٤٦٧٠ عن عبد الرحمن بن أبي لیلی وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٣٧ ح ٣٩١٤؛ شرح الأخبار: ج ٢ ص ٣٠١ ح ٦١٩ نحوه.

٥- خزبه أمر: أى إذا نزل به مهم أو أصابه غم (النهاية: ج ١ ص ٣٧٧ «حزب»).

٦- السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١٦٧ ح ١٠٤٨٨، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٩٢ ح ٨٣، المعجم الأوسط: ج ١ ص ٣٠٢ ح ١٠١٠ كلاهما نحوه، الدعاء للطبراني: ص ٣١٢ ح ١٠٢٣.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: معبودی جز خدای یگانه نیست که سپاهش را قدرت بخشید، بنده اش را یاری داد و یک تنه؛ بر احزاب چیره آمد؛ پس هیچ چیزی پس از او نیست.

البلد الامین: دعای «لا إله إلا الله» که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده، چنین است: بسم الله بگو و سه مرتبه بگو: «لا اله الا الله»؛ به شمار هر «لا إله إلا الله»ی که «لا إله إلا الله» گویان گفته اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برترین دعا، دعای روز عرفه است و برترین سخن من و سخن پیامبران پیش از من، این است که: «معبودی جز خدا نیست. یگانه است و بی انباز. فرمان روایی و ستایش، حق اوست. زنده می کند و می میراند. خوبی، همه، در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست».

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا به من فرمود: «آیا کلماتی به تو نیاموزم که هر گاه آنها را بگویی، خداوند تو را بیامرزد هر چند تو آمرزیده ای؟». فرمود: «بگو: معبودی جز خدای والا و بزرگ نیست. معبودی جز خدای بردبار و بزرگوار نیست. معبودی جز خدا نیست. پاکا خدایی که پروردگار عرش بزرگ است».

السنن الکبری، نسائی به نقل از ابن عباس: هر گاه مشکلی برای پیامبر خدا پیش می آمد، می گفت: «معبودی جز خدای بردبار و بزرگ نیست. معبودی جز خدا نیست؛ همان پروردگار عرش بزرگ. معبودی جز خدا نیست؛ همان پروردگار عرش گرامی. معبودی جز خدا نیست؛ همان پروردگار آسمان ها و زمین، و پروردگار عرش بزرگ». سپس دعا می کرد.

الدعاء للطبراني عن جابر: عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ أَقُولَ خَلْفَ كُلِّ صَلَاةٍ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، وَمَا أَيْدَيْتُ وَمَا أَخْفَيْتُ، أَنْتَ إِلَهِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. (١)

مسند الشافعي عن عبد الله بن الزبير: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا سَلَّمَ مِنْ صَلَاتِهِ، يَقُولُ بِصَوْتِهِ الْأَعْلَى: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، [لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ] (٢) وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، لَهُ النِّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَخَلَ عَلَى رَجُلٍ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَهُوَ يَقْضِي (٤)، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قُلْ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، فَقَالَ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَهُ مِنَ النَّارِ. (٥)

- ١- الدعاء للطبراني: ص ٢١٥ ح ٦٧٨.
- ٢- ما بين المعقوفين أثبتناه من المصادر الأخرى.
- ٣- مسند الشافعي: ص ٤٤، الدعاء للطبراني: ص ٢١٦ ح ٦٨١، صحيح مسلم: ج ١ ص ٤١٥ ح ١٣٩، سنن النسائي: ج ٣ ص ٧٠، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٤٥٠ ح ١٦١٠٥، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٢٦٣ ح ٣٠١٥ وفي الأربعة الأخيره «ثم يقول ابن الزبير: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يهلل بهنّ دبر كلّ صلاة».
- ٤- في كتاب من لا يحضره الفقيه: «وهو في النزع».
- ٥- الكافي: ج ٣ ص ١٢٤ ح ٩ عن الحلبي، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ١٣١ ح ٣٤٣ وزاد فيه «وهذه الكلمات هي كلمات الفرج».

الدعاء ، طبرانی به نقل از جابر : پیامبر خدا به من آموخت که در پی هر نمازی بگویم : «معبودی جز خدا نیست . یگانه است و بی انباز . فرمان روایی و ستایش ، حقّ اوست و او بر هر چیزی تواناست . بار خدایا ! گناهانی را که تا کنون مرتکب شده ام ، و هر گناهی را که در دل یا آشکار انجام داده ام ، و آنچه را پیدا یا پنهان مرتکب شده ام ، بر من بیامرز . تویی معبود من ، و معبودی جز تو نیست» .

مُسْنَدُ الشَّافِعِيِّ به نقل از عبد الله بن زبیر : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه نمازش را سلام می داد ، با بلندترین صدایش می گفت : «معبودی جز خدا نیست . یگانه است و بی انباز . او راست پادشاهی و ستایش ، و او بر هر چیز تواناست . هیچ نیرو و توانی نیست مگر به یاری خدا . [معبودی جز خدا نیست] و جز او را بندگی نکنیم . او راست نعمت و او راست دِهش ، و او راست ثنای نیک . معبودی جز خدا نیست . دین را پاک از آنِ او دانیم ؛ هر چند کافران ناخوش دارند» .

امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا نزد مردی از بنی هاشم رفت که در حال جان کندن بود . پس به او فرمود : «بگو : معبودی جز خدای والا و بزرگ نیست . معبودی جز خدای بردبار و بزرگوار نیست . پاکای خدایی که پروردگار هفت آسمان و هفت زمین و ما بین آنهاست و پروردگار عرش بزرگ است . ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» . آن مرد این جملات را گفت . سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «ستایش و سپاس ، خدایی را که از آتش رهانیدش» .

الإمام الباقر عليه السلام مِمَّا نَقَلَهُ عَنْ جَابِرِ الْأَنْصَارِيِّ فِي صِفَةِ حَيْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: . . . فَيَدَأُ بِالصَّفَا فَرَقِيَ عَلَيْهِ حَتَّى رَأَى الْبَيْتَ ، فَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ فَوَحَّدَ اللَّهَ وَكَبَّرَهُ ، وَقَالَ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ» ، ثُمَّ دَعَا بَيْنَ ذَلِكَ . (١)

الدعاء للطبراني عن أبي شبل عن جده: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِمَعَاذِ بْنِ جَبَلٍ : كَمْ تَذْكُرُ رَبِّكَ عَزَّ وَجَلَّ كُلَّ يَوْمٍ؟ تَذْكُرُهُ عَشْرَةَ آلَافٍ مَرَّةٍ؟ قَالَ : كُلَّ ذَلِكَ أَفْعَلُ . قَالَ : أَفَلَا أَدُلُّكَ عَلَى كَلِمَاتٍ هُنَّ أَهْوَنُ عَلَيْكَ ، هُنَّ أَكْثَرُ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ وَعَشْرَةِ آلَافٍ وَعَشْرَةَ آلَافٍ؟ أَنْ تَقُولَ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ حِصَاةِ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ كَلِمَاتِهِ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ خَلْقِهِ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِثْلَ ذَلِكَ مَعَهُ ، لَا يُحْصِيهِ مُحْصِي مَلَكٌ وَلَا غَيْرُهُ . (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ نَوْرُ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَنَوْرُ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَنَوْرُ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ . لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَهْلِيلًا لَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ وَبَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ وَمَعَ كُلِّ أَحَدٍ . (٣)

- ١- . صحيح مسلم : ج ٢ ص ٨٨٨ ح ١٤٧ ، سنن أبي داود : ج ٢ ص ١٨٤ ح ١٩٠٥ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٠٢٣ ح ٣٠٧٤ ، سنن الدارمي : ج ١ ص ٤٧٥ ح ١٧٩٣ ، السنن الكبرى : ج ٥ ص ١٥١ ح ٩٣٣٧ وفي الأربعة الأخيره بزياده «يحيى ويميت» بعد «وله الحمد» وكلها عن حاتم بن إسماعيل عن الإمام الصادق عليه السلام .
- ٢- . الدعاء للطبراني : ص ٤٦٦ ح ١٦٣٠ ، أسد الغابه : ج ٦ ص ٣٥٢ وزاد فيه «لا- إله إلا الله زنه عرشه ، لا- إله إلا الله ملء سماواته ، لا إله إلا الله ملء أرضه» بعد «لا إله إلا الله عدد خلقه» وكلاهما عن أبي شبل عن جده .
- ٣- . مُهْجِ الدَعْوَاتِ : ص ١٧٠ عن إبراهيم بن أبي يحيى عن الإمام الصادق عن أبيه عن جده عن الإمام علي عليهم السلام وبأسانيد أخرى ، المصباح للكفعمي : ص ٣٦٨ ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٣٨٧ ح ٢٨ .

امام باقر علیه السلام به نقل از جابر انصاری ، در باره چگونگی حج گزاردن پیامبر صلی الله علیه و آله : .. از صفا آغاز کرد و بر آن بالا رفت ، تا خانه [ی کعبه] را دید . پس رو به قبله نمود و خدا را به یگانگی و بزرگی یاد کرد و گفت : «معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست . او راست پادشاهی و او راست ستایش ، و او بر هر چیزی تواناست . معبودی جز خدای یگانه نیست . وعده اش را تحقق بخشید و بنده اش را یاری داد و به تنهایی ، گروه ها [ی مشرک] را درهم شکست» . سپس در بین آن ، دعا کرد.

الدعاء ، طبرانی به نقل از ابو شبل ، از جدش : پیامبر صلی الله علیه و آله به معاذ بن جبل فرمود : «روزی چند بار پروردگار عزیز و ارجمندت را یاد می کنی؟ ده هزار بار یادش می کنی؟» . گفت : این همه یادش می کنم. فرمود : «آیا به تو کلماتی را نشان ندهم که هم برای آسان تر باشد و هم از ده هزار و ده هزار و ده هزار بار ، بیشتر؟ می گویی : معبودی جز خدا نیست ؛ به شمار ریگ هایش . معبودی جز خدا نیست ؛ به شمار کلماتش . معبودی جز خدا نیست ؛ به شمار آفریدگانش . معبودی جز خدا نیست ؛ به همه این اندازه ها ، آن سان که هیچ شمارنده ای ، از فرشته و غیر فرشته ، نتواند آن را برشمارد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : معبودی جز خدا نیست در علم او ، تا نهایت خشنودی اش . معبودی جز خدا نیست بعد از علم او ، تا نهایت خشنودی اش . معبودی جز خدا نیست با علم او ، تا نهایت خشنودی اش معبودی جز خدای بردبار و بزرگووار نیست . معبودی جز خدای والا و بزرگ نیست . معبودی جز خدا نیست که نور آسمان های هفتگانه و نور زمین های هفتگانه و نور عرش بزرگ است . معبودی جز خدا نیست ؛ بدان اندازه که جز خود او ، کسی از عهده شمارش آن بر نیاید ؛ پیش از هر کس و پس از هر کس و همراه با هر کس .

عنه صلى الله عليه وآله: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ لَا- إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِکُ الْمُبِیْنُ ، الْمُدَبِّرُ بِلاَ وَزِیْرٍ ، وَلَا خَلْقٍ مِنْ عِبَادِهِ یَسْتَشِیْرُ ، الْأَوَّلُ غَیْرُ مَصْرُوفٍ ، وَالْباقِیَ بَعْدَ فَنَاءِ الْخَلْقِ . . . فَأَنَا أَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ لَا رَافِعَ لِمَا وَضَعْتَ ، وَلَا مانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ ، وَلَا- مُعْطِیَ لِمَا مَنَعْتَ ، وَأَنْتَ اللّٰهُ لَا- إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، كُنْتَ إِذْ لَمْ تَكُنْ سَمَاءً مَبِیَّتَةً ، وَلَا- أَرْضٌ مَدْحِیَّةٌ . . . كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَیْءٍ ، وَكَوْنَتْ كُلُّ شَیْءٍ ، وَقَمَدَرْتَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ ، وَابْتَدَعْتَ كُلَّ شَیْءٍ ، وَأَغْنَيْتَ وَأَفْقَرْتَ ، وَأَمَّتْ وَأَحْيَيْتَ ، وَأَضْحَكْتَ وَأَبْكَيْتَ ، وَعَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ ، فَتَبَارَكَتَ يَا اللّٰهُ وَتَعَالَيْتَ . أَنْتَ اللّٰهُ الَّذِیْ لَا- إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، الْخَلْقُ الْمَعِیْنُ ، أَمْرُكَ غَالِبٌ ، وَعِلْمُكَ نَافِذٌ . . . أَنْتَ اللّٰهُ لَا- إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِیْنَ ، أَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ ، وَأَنْتَ الْمَالِکُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ ، وَأَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْعَبْدُ ، وَأَنْتَ الرَّازِقُ وَأَنَا الْمَرْزُوقُ . . . وَأَنَا أَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، الْمُعْطِیَ عِبَادَكَ بِلاَ سُؤَالٍ ، وَأَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ ، الْمُتَفَرِّدُ الصَّمَدُ الْفَرْدُ ، وَإِلَیْكَ الْمَصِیْرُ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَتْ لَهُ حَاجَةٌ فَلْيَضْمِ ثَلَاثَةَ آخِرِهَا الْجُمُعَةَ ، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ تَطَهَّرَ وَرَاحَ (٢) ، وَتَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ قَلَّتْ أَوْ كَثُرَتْ ؛ بِالرَّغِيفِ إِلَى مَا دُونَ ذِيكَ ، فَإِذَا صَلَّى الْجُمُعَةَ قَالَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، الَّذِیْ لَا- إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ ، الَّذِیْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ ، الَّذِیْ مَلَأَتْ عَظَمَتُهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، الَّذِیْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ، الَّذِیْ عَنَتَ لَهُ الْوُجُوهُ وَخَشَعَتَ لَهُ الْأَبْصَارُ ، وَوَجَلَّتِ الْقُلُوبُ مِنْ حَشِيَّتِهِ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي فِي كَذَا وَكَذَا . (٣)

- ١- مُهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص ١٥٨ عَنِ الْحَرِثِ بْنِ عَمِيرٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، الْمَصْبَاحُ لِلْكَفْعَمِيِّ : ص ٣٨١ ، الْبَلَدُ الْأَمِينُ : ص ٣٨٠ كِلَاهِمَا نَحْوَهُ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٨٦ ص ٣٣٢ ح ٧١ .
- ٢- قَالَ الْكَفْعَمِيُّ : لَمْ يُرِدْ بِقَوْلِهِ : «رَاحَ» الرَّوَّاحُ الَّذِي هُوَ آخِرُ النَّهَارِ ، بَلِ الْمُرَادُ : خَفَّ وَسَارَ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي يَصَلِّي فِيهِ الْجُمُعَةَ . قَالَ الْهَرَوِيُّ (بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٩٠ ص ٧٢) .
- ٣- الْمَصْبَاحُ لِلْكَفْعَمِيِّ : ص ٥٢٣ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٩٠ ص ٧١ ح ١٥ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به نام خدای مهر گستر مهربان. ستایش، خدایی را که معبودی جز او نیست. فرمان روای آشکار است. گرداننده [ی عالم] است، بی هیچ دستیاری و بی آن که با بنده ای از بندگانش رایزنی کند. آغازین است، بی هیچ دگرگونی ای، و بعد از نابود شدن همه خلق، او باقی است... پس من گواهی می دهم که تو آن خدایی هستی که آنچه را تو پایین آوری، کسی نمی تواند آن را بالا ببرد و آنچه تو بدهی، کسی نمی تواند مانع آن شود و آنچه تو ندهی، کسی نمی تواند بدهد. تویی خدا و معبودی جز تو نیست. تو بودی، آن گاه که نه آسمان افرشته ای بود و نه زمینی گسترده... پیش از هر چیز بوده ای، و هر چیزی را تو پدید آورده ای، و بر هر چیزی توانا گشتی، و هر چیزی را ابداع کردی. تویی که توانگر کنی و نیازمند گردانی. تویی که می میرانی و زنده می سازی، و می خندانی و می گریانی، و بر عرش [فرمان روایی عالم] قرار گرفته ای. پس خجسته و والایی تو، ای خدا! تو آن خدایی که معبودی جز تو نیست. آفریدگار و کمک رسانی، فرمانت چیره است و علمت نافذ... تویی خدا و معبودی جز تو نیست. پروردگار جهانیانی. تو آفریننده ای و من آفریده. تو مالکی و من مملوک. تو پروردگاری و من بنده. تو روزی دهنده ای و من روزی خوار... گواهی می دهم که تویی، تو، خدا که معبودی جز تو نیست و به بندگانت بی هیچ درخواستی، عطا می کنی. گواهی می دهم که تویی، تو، خدای یگانه یکتای تکی بی نیاز منحصر به فرد. و باز گشت، به سوی توست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس حاجتی داشت، سه روز روزه بگیرد، به طوری که آخرین روز آن جمعه باشد. روز جمعه که شد، وضو بگیرد و [به طرف نمازگاه جمعه] حرکت کند و صدقه ای، کم یا زیاد، بدهد؛ از گرده نانی تا پایین تر از آن. و چون نماز جمعه را خواند، بگوید: «بار خدایا! از تو درخواست می کنم به نام تو، به نام خدای مهر گستر مهربان؛ همو که معبودی جز او نیست، دانای نهان و آشکار است، مهر گستر و مهربان است؛ همو که معبودی جز او نیست، زنده پابرجاست و هرگز چرت و خوابش نگیرد؛ همو که بزرگی اش آسمان ها و زمین را آکنده است. از تو درخواست می کنم به نام تو، به نام خدای مهر گستر مهربان؛ همو که معبودی جز او نیست؛ همو که چهره ها [و جان ها] در برابرش خوار و فرمان بردارند، و دیدگان فرو افکنده، و دل ها از ترسش هراسان. [از تو درخواست می کنم که] بر محمد و خاندان او درود فرستی، و فلان و بهمان حاجت مرا برآوری».

عنه صلى الله عليه و آله من دُعَائِهِ يَوْمَ الْمُبَاهَلَةِ : اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ أَسْأَلُكَ ، يَا اللَّهُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، أَسْأَلُكَ بِبَهَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، أَسْأَلُكَ بِجَلَالِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، أَسْأَلُكَ بِكَمَالِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، أَسْأَلُكَ بِعَظَمَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، أَسْأَلُكَ بِشَرَفِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، أَسْأَلُكَ بِعِلَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، أَسْأَلُكَ بِعِزِّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، أَسْأَلُكَ بِبَلَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، يَا اللَّهُ يَا رَبَّاهُ حَتَّى يَنْقَطِعَ النَّفْسُ . (١)

١- الإقبال : ج ٢ ص ٣٥٨ عن الحسين بن خالد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ١١٥ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از دعای ایشان در روز مُباهله: بار خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حقّ آن چیزی که هر گاه با آن تو را بخوانم، پاسخم می‌دهی. ای خدا، ای آن که معبودی جز تو نیست! از تو درخواست می‌کنم به درخشندگی «معبودی جز تو نیست». ای آن که معبودی جز تو نیست! از تو درخواست می‌کنم به شکوه «معبودی جز تو نیست». ای آن که معبودی جز تو نیست! از تو درخواست می‌کنم به زیبایی «معبودی جز تو نیست». ای آن که معبودی جز تو نیست! از تو درخواست می‌کنم به بزرگی «معبودی جز تو نیست». ای آن که معبودی جز تو نیست! از تو درخواست می‌کنم به کمال «معبودی جز تو نیست». ای آن که معبودی جز تو نیست! از تو درخواست می‌کنم به سخن «معبودی جز تو نیست». ای آن که معبودی جز تو نیست! از تو درخواست می‌کنم به شرافت «معبودی جز تو نیست». ای آن که معبودی جز تو نیست! از تو درخواست می‌کنم به بلند مرتبگی «معبودی جز تو نیست». ای آن که معبودی جز تو نیست! از تو درخواست می‌کنم به کلمات «معبودی جز تو نیست». ای آن که معبودی جز تو نیست! از تو درخواست می‌کنم به ارجمنندی «معبودی جز تو نیست». ای آن که معبودی جز تو نیست! از تو درخواست می‌کنم به حقّ «معبودی جز تو نیست». ای آن که معبودی جز تو نیست، ای خدا، ای پروردگار! تا آن که نفس تمام شود.

٢ / ٤ التَهْلِيلَاتُ الْمَأْثُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الْإِمَامِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الشَّاكِرُ لِلْمُطِيعِ لَهُ ، الْمُمْلَى (١) لِلْمُشْرِكِ بِهِ ، الْقَرِيبُ مِمَّنْ دَعَا عَلَى حَالِ بُعْدِهِ ، وَالْبُرُّ الرَّحِيمُ بِمَنْ لَجَأَ إِلَى ظِلِّهِ وَاعْتَصَمَ بِحَبْلِهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمُجِيبُ لِمَنْ نَادَاهُ بِأَخْفَضِ صَوْتِهِ ، السَّمِيعُ لِمَنْ نَجَاهُ لِأَغْمَضِ سِرِّهِ ، الرَّؤُوفُ بِمَنْ رَجَاهُ لِتَفْرِيجِ هَمِّهِ ، الْقَرِيبُ مِمَّنْ دَعَاهُ لِتَنْفِيسِ كَرْبِهِ وَعَمِّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ عَمَّنْ أَلْحَدَ فِي آيَاتِهِ ، وَانْحَرَفَ عَنِ بَيِّنَاتِهِ ، وَدَانَ بِالْجُحُودِ فِي كُلِّ حَالَتِهِ . (٢)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَا شَيْءَ قَبْلَكَ ، وَأَنْتَ الْآخِرُ الَّذِي لَا يَهْلِكُ ، وَأَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ، وَالْخَالِقُ الَّذِي لَا يَعْجَزُ . . . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَقُّ الَّذِي لَا يُغَيِّرُكَ الْأَزْمِنَةُ ، وَلَا يُحِيطُ بِكَ الْأَمْكِنَةُ ، وَلَا يَأْخُذُكَ نَوْمٌ وَلَا سِنَةٌ (٣) ، وَلَا يُشْبِهُكَ شَيْءٌ ، وَكَيْفَ لَا يَكُونُ كَذَلِكَ وَأَنْتَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَكَ الْكَرِيمَ . . . أَسَأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ، أَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْعَبْدُ ، وَأَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ . . . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ . (٤)

عنه عليه السلام: نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، يَعْلَمُ مَا تُخْفِي النُّفُوسُ ، وَمَا تُجِنُّ (٥) الْبِحَارُ ، وَمَا تُوَارِي مِنْهُ ظُلْمَةُ ، وَلَا تَغِيبُ عَنْهُ غَائِبَةٌ ، وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقِهِ مِنْ شَجَرِهِ وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ، وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابَسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ، وَيَعْلَمُ مَا يَعْمَلُ الْعَامِلُونَ ، وَأَيُّ مَجْرَى يَجْرُونَ ، وَإِلَى أَيِّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ، وَنَسْتَهْدِي اللَّهَ بِالْهُدَى . (٦)

١- الإِمْلاءُ : الإِمهال والتأخير وإطاله العمر (النهاية : ج ٤ ص ٣٦٣ «ملا»).

٢- البلد الأمين : ص ٩٣ ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ١٣٩ ح ٧ .

٣- السُّنَّةُ : العَفْلَةُ وَالْعَفْوَةُ (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٨٧٢ «وسن»).

٤- المصباح للكفعمي : ص ١٣٣ ، مصباح المتهجد : ص ٢٦٥ ح ٣٧٧ وفيه «وأنت الآخر فلا شيء بعدك» بدل «وأنت الآخر الذي لا يهلك» ، البلد الأمين : ص ٦٦ ، جمال الأسبوع : ص ١٢٩ كلها من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٩ ص ٢٨٩ ح ٤ .

٥- تُجِنُّهُ : أَي تَغْطِيهِ وَتَسْتَرُهُ (النهاية : ج ١ ص ٣٠٨ «جنن»).

٦- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٥١٤ ح ١٤٨٢ ، مصباح المتهجد : ص ٦٥٩ ح ٧٢٨ عن عبد الله الأزدي عن أبيه ، بحار الأنوار : ج ٩١ ص ٣٠ ح ٥ .

۴ / ۲ توحیدگویی های رسیده از امام علی علیه السلام

۴ / ۲ توحیدگویی های رسیده از امام علی علیه السلام: معبودی جز خدا نیست؛ همو که از فرمان بردارِ خود، سپاس گزاری می کند، به انباز آورنده اش مهلت می دهد و به هر که او را بخواند، در عین دور بودنش، نزدیک است، و به آن که به سایه او پناه برد و به رشته اش چنگ زند، نیکوکار و مهربان است. معبودی جز خدا نیست؛ همو که به هر کس با آهسته ترین صدایش او را بخواند، پاسخ می دهد؛ نجوای هر کس را که از نهان ترین نهانش با او رازگویی کند، می شنود و به هر کس برای زدودن تشویشش بدو امید نبرد، دلسوز است، و به هر کس برای گساردن غم و اندوهش او را بخواند، نزدیک است. معبودی جز خدا نیست؛ همو که در برابر آن که آیاتش را انکار کند و از دلایل انکارناپذیرش سر باز زند و نفی گرابی را شیوه خود کند، بردباری می ورزد.

امام علی علیه السلام: بار خدایا! تو نخستینی و پیش از تو چیزی نبوده و نیست، و تو واپسینی و هرگز نابود نمی شوی. تو زنده ای هستی که هرگز نمیرد، و آفریننده ای هستی که هیچ گاه ناتوانی نگیرد... معبودی جز تو نیست. تو حقیقتی هستی که زمان ها دگرگونت نسازد، مکان ها در میانت نگیرد و هرگز خواب و چرت، به سراغت نیاید، و هیچ چیز همانند تو نیست. چگونه چنین نباشد، حال آن که تو آفریننده هر چیزی؟! معبودی جز تو نیست. هر چیزی نابود شدنی است، جز وجه گرامی تو... از تو درخواست می کنم که تویی، تو، خدای مهرورز بنده نواز، که معبودی جز تو نیست، پدیدآورنده آسمان ها و زمینی، خداوند شکوه و ارجی، دانای نهان و آشکاری، مهرگستر و مهربانی، تویی پروردگار و منم بنده، تویی مالک و منم مملوک... معبودی جز تو نیست. منزهی تو! من از ستمکاران بودم.

امام علی علیه السلام: گواهی می دهیم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است و بی انباز. آنچه را سینه ها نهان کنند و دریاها در خود بپوشانند، می داند. هیچ تاریکی ای چیزی را از او نمی پوشاند، و هیچ ناپیدایی بر او ناپیدا نیست. هیچ برگی از درختی فرو نمی افتد و هیچ دانه ای در دل تاریکی ها [ای خاک] نیست، مگر این که او از آن گاه است، معبودی جز او نیست. هیچ تر و خشکی نیست، مگر آن که در نبشته ای روشن (دیوان علم الهی) ثبت است و او می داند که عمل کنندگان، چه کاری انجام خواهند داد و در چه بستری گام برخواهند داشت و به چه فرجامی باز خواهند گشت. از خداوند می خواهیم که ما را به راه راست هدایت فرماید.

عنه عليه السلام في الحکم المنسوبه إليه : اللهم إن كنا قد قصرنا عن بلوغ طاعتك ، فقد تمسكنا من طاعتك بأحبتها إليك : لا إله إلا أنت ، جاءت بالحق من عندك . (١)

كتاب من لا يحضره الفقيه : روى أنه [عليا عليه السلام] يقول في سجده العزائم : « لا إله إلا الله حقا حقا ، لا إله إلا الله إيمانا وتصديقا ، لا إله إلا الله عبودية ورقما ، سجدت لعمرك يا رب تعبدنا ورقما ، لا مستنكفا ولا مستكبرا ، بل أنا عبد ذليل خائف مستجير » ، ثم يرفع رأسه ثم يكبر . (٢)

الإمام علي عليه السلام من قوله في كل يوم من أيام العشر من ذي الحجة : لا إله إلا الله عدد الليالي والدهور ، لا إله إلا الله عدد أمواج البحور ، لا إله إلا الله ورحمته خير مما يجمعون ، لا إله إلا الله عدد الشوك والشجر ، لا إله إلا الله عدد الشعر والوبر ، لا إله إلا الله عدد الحجر والمدر ، لا إله إلا الله عدد لمح العيون ، لا إله إلا الله في الليل إذا عسعس وفي الصبح إذا تنفس ، لا إله إلا الله عدد الرياح في البراري والصخور ، لا إله إلا الله من اليوم إلى يوم ينفخ في الصور (٣) . (٤)

١- شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٢٧٥ ح ١٧٤ .

٢- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٣٠٦ ح ٩٢٢ .

٣- قال السيد ابن طاووس قدس سره في ذيل الروايه : وفي روايتنا هذا التهليل بإسنادنا إلى ابن بابويه بإسناده إلى مولانا علي عليه السلام ، أنه كان يهلل الله تعالى في كل يوم من عشر ذي الحجة بهذا التهليل عشر مرات (الإقبال : ج ٢ ص ٤٨) .

٤- ثواب الأعمال : ص ٩٧ ح ١ ، عده الداعي : ص ٢٥٤ ، المزار الكبير : ص ٤٤١ ، الإقبال : ج ٢ ص ٤٧ ، أعلام الدين : ص ٣٦٧ ، بحار الأنوار : ج ٩٧ ص ١٢٠ ح ١ .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: بار خدایا! اگر چه از رسیدن به طاعت تو ناتوان مانده ایم، (۱) به چیزی از طاعتت چنگ زده ایم که در نزد تو محبوب ترین است؛ یعنی [کلمه] «معبودی جز تو نیست»، که به درستی از جانب تو آمده است.

کتابُ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه: روایت شده است که امام علی علیه السلام (۲) در سجده آیات سجده می گوید: «به راستی، به راستی که معبودی جز خدا نیست. از سرِ باور و تصدیق، [می گویم که] معبودی جز خدا نیست، بنده وار و سر سپرده، [می گویم که] معبودی جز خدا نیست. خداوندا! برای تو پیشانی بر خاک ساییدم، از سرِ بندگی و بردگی، و [از عبودیت در برابر تو،] خودداری و گردن کشی نکنم، که من بنده ای خوار و ترسان و پناهجو هستم». سپس سرش را از سجده بر می دارد و «اللَّهُ أَكْبَرُ» می گوید.

امام علی علیه السلام در نیایش هر روز خود، در دهه ذی حجه: معبودی جز خدا نیست؛ به شمار شب ها و روزگاران. معبودی جز خدا نیست؛ به شمار خیزابه های دریاها. معبودی جز خدا نیست و مهر او بهتر از هر آن چیزی است که گرد آورند. معبودی جز خدا نیست؛ به شمار هر آنچه خار و درخت است. معبودی جز خدا نیست؛ به شمار هر آنچه موی و کرک است. معبودی جز خدا نیست؛ به شمار هر آنچه سنگ و کلوخ است. معبودی جز خدا نیست؛ به شمار نگاه های دیدگان. معبودی جز خدا نیست؛ هم آن گاه که شب شود و هم صبحگاهان، آن گاه که بردم. معبودی جز خدا نیست؛ به شمار بادهای بیابان ها و کوهساران. و معبودی جز خدا نیست؛ از امروز تا آن روز که در شیپور [رستاخیز] دمیده شود.

۱- یا: آن را ترک کرده ایم.

۲- یا: «روایت شده است که قرائت کننده آیه سجده و یا استماع کننده آن بگوید: ...». به عبارت دیگر، فاعل «يقول» شخص قاری یا مستمع باشد، نه امام علی علیه السلام.

مستدرک الوسائل عن لبّ الباب: رُوِيَ أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَّ بِمَقْبَرِهِ ، فَقَالَ : السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، مِنْ أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، يَا أَهْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، كَيْفَ وَجَدْتُمْ كَلِمَةَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؟ فَهَتَفَ هَاتِفٌ : وَجَدْنَاهَا الْمُنْجِيَةَ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ . (١)

جامع الأخبار عن أصبغ بن نباته: كُنْتُ مَعَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَرَّ بِالْمَقَابِرِ ، فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، مِنْ أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، يَا أَهْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، كَيْفَ وَجَدْتُمْ كَلِمَةَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؟ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، إِغْفِرْ لِمَنْ قَالَ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرِهِ مَنْ قَالَ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : مَنْ قَالَهَا إِذَا مَرَّ بِالْمَقَابِرِ غُفِرَ لَهُ ذُنُوبُ خَمْسِينَ سَنَةً . فَقَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ ذُنُوبُ خَمْسِينَ سَنَةً؟ قَالَ : لِوَالِدَيْهِ وَإِخْوَانِهِ وَلِعَامَّةِ الْمُسْلِمِينَ . (٢)

الإمام عليّ عليه السلام لعبد الله بن جعفر: أَلَا أَحْبَبُكَ (٣) كَلِمَاتٍ وَاللَّهِ مَا حَدَّثْتُ بِهَا حَسِينًا وَلَا حُسَيْنًا؟ إِذَا كَانَتْ لَكَ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ تُحِبُّ قَضَائَهَا فَقُلْ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِكٌ مُقْتَدِرٌ ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، مَا تَشَاءُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَكُونُ ، ثُمَّ تَسْأَلُ حَاجَتَكَ . (٤)

- ١- مستدرک الوسائل : ج ٢ ص ٣٦٩ ح ٢٢١٤ نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ الباب .
- ٢- جامع الأخبار : ص ١٣٣ ح ٢٧٠ ، بحار الأنوار : ج ١٠٢ ص ٣٠١ نقلاً عن بعض مؤلفات أصحابنا نقلاً عن المفيد وفيه «دعاء عليّ عليه السلام لأهل القبور» وج ٩٣ ص ٢٠٣ ح ٤١ .
- ٣- حَبَاهُ كَذَا : إِذَا أُعْطِيَ (النهاية : ج ١ ص ٣٣٦ «حبا»).
- ٤- المحاسن : ج ١ ص ١٠٣ ح ٨٠ عن عبد الله بن ميمون القدّاح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عن عبد الله بن جعفر ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ١٥٧ ح ٦ .

مستدرک الوسائل به نقل از لُبُّ اللُّبَاب: روایت شده است که امام علی علیه السلام بر گورستانی گذشت و فرمود: «درود بر پیروان توحید، از پیروان توحید. ای پیروان توحید! سخن توحید را چگونه یافتید؟». پس، سروشی بانگ زد: آن را رهاننده از هر مهلکه ای یافتیم.

جامع الاخبار به نقل از اصبح بن نباته: با امام علی علیه السلام بودم که چون بر گورستان گذشت، فرمود: درود بر اهل لا إله إلا الله، از اهل لا إله إلا الله. ای اهل لا إله إلا الله! گفتار لا إله إلا الله را چگونه یافتید؟ ای لا إله إلا الله! به حق لا إله إلا الله، پیامر آن را که گفت: لا-إله إلا الله، و ما را در گروه آنان محشور فرما که گفتند: لا إله إلا الله. امام علی علیه السلام همچنین فرمود: از پیامبر خدا شنیدم که فرمود: «هر کس هنگام گذر از گورستان، این جملات را بگوید، گناهان پنجاه سال او آمرزیده می شود». گفتند: ای پیامبر خدا! کسی که گناه پنجاه سال نداشته باشد، چه؟ فرمود: «از گناهان پدر و مادرش و برادرانش و عموم مسلمانان آمرزیده می شود».

امام علی علیه السلام به عبد الله بن جعفر: آیا کلماتی را به تو ارمغان ندهم که به خدا سوگند آنها را به حسن و حسین نداده ام؟ هر گاه به خدا حاجتی داشتی و خواستی بر آورده اش سازد، بگو: «معبودی جز خدای بردبار بزرگوار نیست. معبودی جز خدای والا- و بزرگ نیست. پاک خدایی که پروردگار هفت آسمان است و آنچه در آسمان ها و آنچه میان آنها هست و پروردگار عرش بزرگ است، و ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است. بار خدایا! از تو درخواست می کنم؛ چرا که تو پادشاهی با اقتداری، و تو بر هر چیز توانایی؛ آنچه بخواهی، از هر چیزی، می شود». سپس حاجت را از او تقاضا می کنی.

٣ / ٤ التَّهْلِيلَاتُ الْمَأْثُورَةُ عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الطَّلُوعِ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الْبَقَاءِ الدَّائِمِ . (١)

عنها عليها السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ ، وَأَشْهَدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَأَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، يَا كَائِنٌ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ شَيْءٌ ، وَالْمُكُونُ لِكُلِّ شَيْءٍ ، وَالْكَائِنُ بَعْدَمَا لَا يَكُونُ شَيْءٌ . (٢)

٤ / ٤ التَّهْلِيلُ الْمَأْثُورُ عَنِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ بْنِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ فِي زُبُونِيهِ وَوُجُودِهِ وَوَحْدَانِيَّتِهِ ، صَمَدًا لَا شَرِيكَ لَهُ ، فَرْدًا لَا ظَهِيرَ (٣) لَهُ . (٤)

١- فلاح السائل: ص ٤٢٠ ح ٢٩٠ ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٠٢ ح ٨ .

٢- فلاح السائل: ص ٣٦٠ ح ٢٤١ ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٨٧ ح ١١ .

٣- الظَّهير: المُعِين (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٨٢ «ظهر»).

٤- الأمالى للطوسى: ص ٥٦٢ ح ١١٧٤ عن عبد الرحمن بن كثير عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ١٠ ص ١٣٩ ح ٥ .

۳ / ۴ توحیدگویی های رسیده از فاطمه زهرا علیهاالسلام

۴ / ۴ توحیدگویی های رسیده از امام حسن علیه السلام

۳ / ۴ توحیدگویی های رسیده از فاطمه زهرا علیهاالسلام فاطمه علیهاالسلام: معبودی جز خدا نیست که نخستین و واپسین است . معبودی جز خدا نیست که پیدا و پنهان است . معبودی جز خدا نیست که زنده کننده و میراننده است . خدا بزرگ ترین است و صاحب بخشش ، و خدا بزرگ ترین است و ماندگار و همیشگی .

فاطمه علیهاالسلام: بار خدایا! تو را گواه می گیرم ، فرشتگانت و بر دوش کشندگانِ عرشت را گواه می گیرم ، و هر کسی را که در آسمان هاست و هر کسی را که در زمین است ، گواه می گیرم که : تویی ، تو ، خدا که معبودی جز تو نیست ، یگانه ای و انبازی نداری . و محمّد ، بنده تو و فرستاده توست . از تو درخواست می کنم ؛ چرا که تورا ستایش ، معبودی جز تو نیست ، پدید آورنده آسمان ها و زمینی . ای که بودی پیش از آن که چیزی باشد ، و ای هستی بخش هر چیز ، و ای که خواهی بود پس از آن که هیچ چیز نباشد [و همه نابود شوند]!

۴ / ۴ توحیدگویی های رسیده از امام حسن علیه السلام امام حسن علیه السلام: گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست . در پروردگاری اش و هستی اش و یگانگی اش یکتاست ، بی نیاز است و شریکی ندارد ، تنهاست و او را [نیاز به] پشتیبانی نباشد.

٤ / ٥ التَّهْلِيلَاتُ الْمَأْثُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ بْنِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ مِنْكَ الْبَدْءُ وَلَكَ الْمَشِيئَةُ ، وَلَكَ الْحَوْلُ وَلَكَ الْقُوَّةُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، جَعَلْتَ قُلُوبَ أَوْلِيَائِكَ مَسْكَنًا لِمَشِيئَتِكَ وَمَكْمَلًا لِإِرَادَتِكَ ، وَجَعَلْتَ عُقُولَهُمْ مَنَاصِبَ أَوْامِرِكَ وَنَوَاهِيكَ . (١)

عنه عليه السلام: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُؤَحَّدِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ (٢) ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ الرَّاعِبِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهَلَّلِينَ الْمُسَبِّحِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأَوَّلِينَ . (٣)

٤ / ٦ التَّهْلِيلَاتُ الْمَأْثُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَبَارَكَتَ وَتَعَالَيْتَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ ، آمَنْتُ بِكَ ، وَصَدَّقْتُ رُسُلَكَ ، وَقَبِلْتُ كِتَابَكَ ، وَكَفَرْتُ بِكُلِّ مَعْبُودٍ غَيْرِكَ ، وَبَرِئْتُ مِمَّنْ عَبَدَ سِوَاكَ . (٤)

-
- ١- .مُهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص ٦٨ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٨٥ ص ٢١٤ ح ١ .
 - ٢- .الْوَجَلُ : الْخَوْفُ (الصَّحَاحُ : ج ٥ ص ١٨٤٠ «وَجَلٌ»).
 - ٣- .الْإِقْبَالُ : ج ٢ ص ٨٤ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٩٨ ص ٢٢٢ ح ٣ .
 - ٤- .الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ : ص ٢٢٢ الدَّعَاءُ ٥٢ .

۴ / ۵ توحیدگویی های رسیده از امام حسین علیه السلام

۴ / ۶ توحیدگویی های رسیده از امام زین العابدین علیه السلام

۴ / ۵ توحیدگویی های رسیده از امام حسین علیه السلام: بار خدایا! تویی سرآغاز، تو راست خواست، تو راست توش و تو راست توان. تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست. دل های دوستانت را جایگاه خواستت و نهانگاه اراده ات قرار دادی، و خردهای آنان را جایگاه امر و نهی هایت گردانیدی.

امام حسین علیه السلام: معبودی جز تو نیست، پاکی تو، من از ستمکارانم. معبودی جز تو نیست، پاکی تو، من از آمرزش خواهانم. معبودی جز تو نیست، پاکی تو، من از یکتا پرستانم. معبودی جز تو نیست، پاکی تو، من از بیمناکان [از تو] هستم. معبودی جز تو نیست، پاکی تو، من از امیدواران و راغبان [به تو] هستم. معبودی جز تو نیست، پاکی تو، من از درخواست کنندگان [از تو] هستم. معبودی جز تو نیست، پاکی تو، من از توحیدگویان و تسبیحگویان [تو] هستم. معبودی جز تو نیست که پروردگار من و پروردگار نیاکان من هستی.

۴ / ۶ توحیدگویی های رسیده از امام زین العابدین علیه السلام: خجسته ای و برینی تو. معبودی جز تو نیست که یگانه ای و بی انباز. به تو ایمان آوردم، فرستادگانت را تصدیق کردم، کتابت را پذیرفتم، به هر معبودی غیر تو کفر ورزیدم و از هر کس که غیر تو را پرستد، بیزارم.

عنه عليه السلام: أنت الله لا- إله إلا أنت ، الأَحِيدُ الْمُتَوَحِّدُ ، الْفَرْدُ الْمُتَفَرِّدُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا- إله إلا أنت الْكَرِيمُ الْمُتَكَرِّمُ ، الْعَظِيمُ الْمُتَعَظَّمُ ، الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا- إله إلا أنت ، الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِي ، الشَّدِيدُ الْمُحَالِ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إله إلا أنت ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ، الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا- إله إلا أنت ، السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ، الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا- إله إلا أنت ، الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ ، الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إله إلا أنت ، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إله إلا أنت ، الدَّانِي فِي عُلُوِّهِ ، وَالْعَالِي فِي دُنُوِّهِ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إله إلا أنت ، ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ ، وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إله إلا أنت ، الَّذِي أَنْشَأَ الْأَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ سِنَخٍ (١) ، وَصَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ ، وَابْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلَا احْتِدَاءٍ (٢) . (٣)

عنه عليه السلام: لا إله إلا أنت ، تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا . اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَأَنْتَ أَقْرَبُ الشَّاهِدِينَ ، وَأَشْهَدُ مَنْ حَضَرَ رَنِي مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ ، وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ، مِنْ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ، أَنِّي أَشْهَدُ بِسِرِّيهِ زَكِيَّهِ ، وَبَصِيرِهِ مِنَ الشَّكِّ بَرِيئِهِ ، شَهَادَةً أَعْتَقِدُهَا بِإِخْلَاصٍ وَإِيقَانٍ ، وَأَعِدُّهَا طَمَعًا فِي الْخَلَاصِ وَالْأَمَانِ ، أَسْبَغْتُهَا تَصَدِيقًا بِرُبُوبِيَّتِكَ ، وَأُظْهِرُهَا تَحْقِيقًا لَوْحَدَانِيَّتِكَ ، وَلَا أَصُدُّ عَنْ سَبِيلِهَا ، وَلَا أُلْحِدُ فِي تَأْوِيلِهَا ، أَنْكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِكَ أَحَدًا ، وَلَا أَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِدًا . (٤) لَا إله إلا الله وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، الْوَاحِدُ الَّذِي لَا يَدْخُلُ فِي عَدَدٍ ، وَالْفَرْدُ الَّذِي لَا يُقَاسُ بِأَحَدٍ ، عَلَا عَنِ الْمَشَاكِلِ وَالْمُنَاسِبَةِ ، وَخَلَا مِنَ الْأَوْلَادِ وَالصَّاحِبَةِ . (٥)

١- السُّنْخُ : الْأَصْلُ (الصَّحَاحُ : ج ١ ص ٤٢٣ «سِنَخٌ») .

٢- يَحْتَذِي عَلَى مِثَالِ فُلَانٍ : إِذَا اقْتَدَى بِهِ فِي أَمْرِهِ (لِسَانُ الْعَرَبِ : ج ١٤ ص ١٧٠ «حَذَا») .

٣- الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ : ص ١٨٥ الدَّعَاءُ ٤٧ ، الْإِقْبَالُ : ج ٢ ص ٨٧ ، الْمَصْبَاحُ لِلْكَفْعَمِيِّ : ص ٨٨٦ .

٤- مُلْتَحِدًا : أَيِ التَّجَاءِ ، أَوْ مَوْضِعِ التَّجَاءِ (مَفْرَدَاتُ أَلْفَاظِ الْقُرْآنِ : ص ٧٣٧ «لَحْدٌ») .

٥- بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٩٤ ص ١٥٤ ح ٢٢ نَقْلًا عَنْ بَعْضِ مَرْوِيَّاتِ أَصْحَابِنَا فِي كِتَابِ أَنْبِيَاءِ الْعَابِدِينَ مِنْ مَوْأَلَفَاتِ بَعْضِ قَدَمَائِنَا .

امام زین العابدین علیه السلام: تویی خدا، معبودی جز تو نیست، یگانه ای و تنها، تکی و بی همتا. تویی خدا، معبودی جز تو نیست، بزرگواری و باگذشت، بزرگی و مقام کبریایی داری، کبیری و متکبر. تویی خدا، معبودی جز تو نیست، والایی و برین، سخت پُرتوان. تویی خدا، معبودی جز تو نیست، مهرگستر و مهربانی، دانا و سنجیده کاری. تویی خدا، معبودی جز تو نیست، شنوا و بینایی، دیرین و آگاهی. تویی خدا، معبودی جز تو نیست، بزرگواری و بزرگواریترینی. پایدار و پایدارترینی، تویی خدا، معبودی جز تو نیست، نخستینی و پیش از هر کس، واپسینی و پس از هر عدد. تویی خدا، معبودی جز تو نیست؛ همانی که در عین بلندی، نزدیک و در عین نزدیکی، بلند است. تویی خدا، معبودی جز تو نیست، صاحب درخشندگی و شکوه و بزرگی و ستایش. تویی خدا، معبودی جز تو نیست، تویی که موجودات را از هیچ ریشه و مایه ای ایجاد کردی، و صورت ها را بی هیچ نمونه ای صورت بخشیدی، و نوپدیدها را بی هیچ تقلیدی [از کسی]، پدید آوردی.

امام زین العابدین علیه السلام: معبودی جز تو نیست. تو بسی برتری از آنچه ستمکاران (مشرکان و ..) می گویند. بار خدایا! تو را که نزدیک ترین گواهانی گواه می گیرم و نیز آنان را که نزد من حاضرند از فرشتگان مقرب و بندگان درست کارت؛ از جن و آدمی، همگی را گواه می گیرم که با نهادی پاک و بینشی پیراسته از شک، گواهی می دهم؛ گواهی ای که با اخلاص و یقین، بدان معتقدم و آن را به طمع رهایی و امان [از آتش و عذاب] آماده می کنم و از سر تصدیق به پروردگاری تو، در دل می پرورانم و از روی حقیقت دانستن یگانگی تو، به زبانش می آورم و راه را بر آن نمی بندم و در تأویل آن کجروی نمی کنم، [گواهی می دهم] که تو خدایی، پروردگار منی، احدی را شریک تو نمی دانم، و جز تو پناهی نمی شناسم. معبودی جز خدا نیست که یگانه است و بی انباز. یکی است که در عدد نیاید و فردی است که با هیچ کس سنجیده نشود. از همانندی و مناسبت، بالاتر است و از داشتن زن و فرزند، مبراست.

الملهوف في ذكر أحوال الإمام زين العابدين عليه السلام : حَدَّثَ مَوْلَى لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ بَرَزَ إِلَى الصَّحْرَاءِ يَوْمًا ، قَالَ : فَتَبِعْتُهُ ، فَوَجَدْتُهُ قَدْ سَجَدَ عَلَى حِجَارِهِ حَشِنَةً ، فَوَقَفْتُ وَأَنَا أَسْمَعُ شَهيقَهُ وَبُكَاءَهُ ، وَأَحْصَيْتُ عَلَيْهِ أَلْفَ مَرَّةٍ يَقُولُ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعْبُدًا وَرِقًّا ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا» . ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنْ سُجُودِهِ ، وَإِنَّ لِحِيَّتَهُ وَوَجْهَهُ قَدْ غُمِرَا مِنَ الدَّمْعِ . (١)

١٧ / ٤ التَّهْلِيلَاتُ الْمَأْثُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللَّهُ شَيْءٌ ، وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُهَلَّلَ . (٢)

عنه عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَهْدَى إِلَى عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَمْسَ دَعَوَاتٍ جَاءَ بِهَا جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَيَّامِ الْعَشْرِ فَقَالَ : يَا عَيْسَى ، أَدْعُ بِهَذِهِ الْخَمْسِ الدَّعَوَاتِ ؛ فَإِنَّهُ لَيَسْتَعْبَادُهُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ عِبَادَتِهِ فِي أَيَّامِ الْعَشْرِ يَعْنِي عَشَرَ ذِي الْحِجَّةِ : أَوَّلُهُنَّ : أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . وَالثَّانِيَةُ : أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا . وَالثَّلَاثَةُ : أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ . وَالرَّابِعَةُ : أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . وَالخَامِسَةُ : حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى ، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا ، لَيْسَ وَرَاءَ اللَّهِ مُنْتَهَى ، أَشْهَدُ لِلَّهِ بِمَا دَعَا ، وَأَنَّهُ بَرِيءٌ مِمَّنْ تَبَرَّى ، وَأَنَّ لِلَّهِ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى . (٣)

١- الملهوف على قتلى الطفوف : ص ٢٣٤ ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ١٦٦ ح ١٧ .

٢- الكافي : ج ٢ ص ٥٨٨ ح ٢٦ ، تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٧٦ ح ٢٣٤ ، مهج الدعوات : ص ٢١٦ كلَّها عن أبي حمزة الثمالي ، الإقبال : ج ٢ ص ١٢٤ عن سلمه بن الأكوع عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٢٦٩ ح ٣ .

٣- الإقبال : ج ٢ ص ٤٦ عن عبد الله بن عبد بن عمير ؛ الدعاء للطبراني : ص ٢٧٢ ح ٨٧٢ عن عبد الله بن عبيد بن عمير عن أبيه من دون إسنادٍ إلى الإمام الباقر عليه السلام نحوه وفيه «موسى عليه السلام» بدل «عيسى عليه السلام» .

۴ / ۷ توحیدگویی های رسیده از امام باقر علیه السلام

المهوف در بیان احوال امام زین العابدین علیه السلام : یکی از غلامان امام زین العابدین علیه السلام نقل کرد که روزی آن حضرت به صحرا رفت . من نیز در پی او رفتم و دیدم که بر سنگی درشت ، سجده کرده است . من ایستادم ، طوری که صدای ناله و گریه او را می شنیدم . شمردم ؛ هزار مرتبه گفتم : «به درستی ، به درستی که معبودی جز خدا نیست . از سر بندگی و بردگی می گویم که معبودی جز خدا نیست . از روی ایمان و راستی می گویم که معبودی جز خدا نیست» . سپس سر از سجده برداشت ، در حالی که ریش و رخسارش غرق در اشک شده بودند .

۴ / ۷ توحیدگویی های رسیده از امام باقر علیه السلام امام باقر علیه السلام : معبودی جز خدا نیست ؛ تا هر آن گاه که چیزی توحید خدا بگوید ، و آن سان که خدا ، خود ، دوست دارد توحیدش گویند .

امام باقر علیه السلام : خدای تعالی به عیسی بن مریم علیه السلام پنج دعا هدیه کرد که جبرئیل علیه السلام آنها را در دهه [ی ذی حجه] آورد ، و گفت : «ای عیسی ! با این دعاهای پنجگانه دعا کن ؛ زیرا هیچ عبادتی ، نزد خداوند محبوب تر از عبادت او در دهه یعنی ذی حجه نیست : اول : گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ، یگانه است و بی انباز ، او راست فرمان روایی و او راست ستایش . خوبی ها در دست اوست ، و او بر هر چیزی تواناست . دوم : گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ، یگانه است و بی انباز . یکتاست و بی نیاز ، و زن و فرزندی ندارد . سوم : گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ، یگانه است و بی انباز ، یکتاست و بی نیاز . نه فرزندی دارد و نه خود ، فرزند کسی است ، و هیچ کس همتای او نیست . چهارم : گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ، یگانه است و بی انباز ، او راست فرمان روایی و او راست ستایش . زنده می کند و می میراند و او خود ، زنده نامیراست . خوبی ، همه ، در اوست ، و او بر هر چیزی تواناست . پنجم : خدا مرا بس است و کفایت می کند . خدا بشنود [صدای] کسی را که بخواندش . فراسوی خدا پایانی نیست . گواهی می دهم برای خدا به آنچه فرا خواند ، و به این که او مبراست از هر کس که خود تبری جست ، و این که آخرت و دنیا از آن اوست .

٤ / ٨ التَّهْلِيلَاتُ الْمَأْتُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الرَّحْمَنُ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمُفْضَلُ الْمَنَّانُ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ذُو الطَّلُوعِ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ . (١)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كَمَا شَهِدْتَ لِنَفْسِكَ وَشَهِدْتَ لَكَ مَلَائِكَتُكَ وَأَوْلُو الْعِلْمِ ، بِأَنَّكَ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، وَكَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ . (٢)

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبودِيَّةً وَرِقًّا ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إيماناً وصِدْقاً» أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِوَجْهِهِ ، وَلَمْ يَصْرِفْ وَجْهَهُ عَنْهُ حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ . (٣)

١- الإقبال: ج ٢ ص ١٤٥ ، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٥٩ .

٢- قرب الإسناد: ص ٥ ح ١٣ عن مسعدة بن صدقة ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٧٩ ح ١ .

٣- الكافي: ج ٢ ص ٥١٩ ح ١ عن الأوزاعي ، ثواب الأعمال: ص ٢٤ ح ١ ، المحاسن: ج ١ ص ١٠٠ ح ٧٢ كلاهما عن الأوزاعي عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٩ ح ١٥ .

۴ / ۸ توحیدگویی های رسیده از امام صادق علیه السلام

۴ / ۸ توحیدگویی های رسیده از امام صادق علیه السلام: معبودی جز خدا نیست ، آن فرمان روای مهر گستر . معبودی جز خدا نیست ، آن دهشگر بنده نواز . معبودی جز خدا نیست ، آن آغازین و فرجامین . معبودی جز خدا نیست ، آن پروردگار بخشش . و بازگشت ، به سوی اوست . معبودی جز خدا نیست ، آن پیدای نهران .

امام صادق علیه السلام: بار خدایا ! من گواهی می دهم که تو چنانی که خود می گویی و برتر از آنی که دیگران می گویند . گواهی می دهم که تو چنانی که خود در حق خویش گواهی داده ای و فرشتگان و صاحبان دانش ، در حق تو گواهی داده اند [و گفته اند] که تو داداری و معبودی جز تو نیست ، و چنانی که خود در ثنای خویش گفته ای . پاکی تو و ستایش تو را .

امام صادق علیه السلام: هر کس در هر روز بگوید : «معبودی جز خدا نیست ؛ به درستی ، بدرستی . معبودی جز خدا نیست ؛ از سر بندگی و بردگی . معبودی جز خدا نیست ؛ از روی ایمان و راستی» ، خداوند به او رو می نماید و روی خویش از او نمی گرداند ، تا آن گاه که او به بهشت رود .

عنه عليه السلام: ما من أحدٍ يحضُرُهُ المَوْتُ إِلَّا وُكِّلَ بِهِ شَيْطَانٌ مِنْ شَيْطَانِيهِ يَأْمُرُهُ بِالْكَفْرِ وَيُشَكِّكُهُ فِي أَمْرِهِ وَدِينِهِ ، حَتَّى تَخْرُجَ نَفْسُهُ ، فَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا مُوَحَّدًا مُسْتَبْصِرًا لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ ، وَمَنْ كَانَ ضَعِيفًا فِي دِينِهِ شَكَّكَهُ فِي أَمْرِهِ وَدِينِهِ . فَإِذَا حَضَرْتُمْ مَوْتَكُمْ فَلَقِّنُوهُمْ كَلِمَةَ الْإِخْلَاصِ ، وَهِيَ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . (١)

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُمَجِّدُ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، فَمَنْ مَجَّدَ اللَّهَ بِمَا مَجَّدَ بِهِ نَفْسَهُ ثُمَّ كَانَ فِي حَالٍ شَقَوَةٍ حَوَّلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى سَعَادَةٍ ، يَقُولُ : أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ (الْعَلِيُّ) الْكَبِيرُ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَالِكُ يَوْمِ الدِّينِ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْكَ بَدَأَ الْخَلْقَ وَإِلَيْكَ يَعُودُ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَلَا تَزَالُ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ «الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ * هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (٢) ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ وَالْكَبِيرَاءُ رِدَاؤُكَ . (٣)

- ١- .طب الأئمة لابن بسطام : ص ٨٠ ، الكافي : ج ٣ ص ١٢٣ ح ٦ عن أبي خديجه ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ١٣٣ ح ٣٥٠ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ١٩٥ ح ٤٧ .
- ٢- .الحشر : ٢٣ و ٢٤ .
- ٣- .الكافي : ج ٢ ص ٥١٦ ح ٢ ، المحاسن : ج ١ ص ١٠٨ ح ٩٥ كلاهما عن عبد الله بن أعين ، ثواب الأعمال : ص ٢٩ ح ١ عن زرارة بن أعين ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٢٠ ح ٢ و ج ٨٦ ص ٣٧٠ ح ٣ .

امام صادق علیه السلام: در هنگام مردن هر کسی، یکی از شیطان هایش بر او گماشته می شود و به کفرش وا می دارد و او را در عقیده اش و دینش به شک می کشاند، تا آن که جانش کنده شود. پس آن که مؤمنی یکتاپرست و اهل بینش باشد، شیطان بر او چیره نمی شود؛ ولی آن که در دینش سست و ناتوان باشد، شیطان او را در عقیده اش و دینش دستخوش شک و تردید می کند. پس هر گاه بر بالین مردگان حاضر شدید، کلمه توحید را به آنها تلقین کنید و آن، چنین است: «معبودی جز خدای والا- و بزرگ نیست. معبودی جز خدای بردبار بزرگوار نیست. پاکا خدا، که پروردگار آسمان های هفتگانه است و پروردگار زمین های هفتگانه و آنچه در آنها و ما بین آنها و در زیر آنهاست، و پروردگار عرش بزرگ. و ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است.»

امام صادق علیه السلام: خداوند تبارک و تعالی در هر روز و شبی، سه مرتبه خود را می ستاید. پس هر کس خدا را به همان گونه که او خویشتن را ستوده است، بستاید، اگر در حال بدبختی باشد، خداوند عز و جل او را به خوش بختی درمی آورد. می گوید: «تویی خدا، معبودی نیست جز تو پروردگار جهانیان. تویی خدا، معبودی نیست جز تو مهرگستر مهربان. تویی خدا، معبودی نیست جز تو عزتمند (۱) [والا-] او بزرگ. تویی خدا، معبودی نیست جز تو صاحب روز جزا. تویی خدا، معبودی نیست جز تو آموزگار مهربان. تویی خدا، معبودی نیست جز تو عزتمند سنجیده کار. تویی خدا، معبودی نیست جز تو که آغاز آفرینش، از توست و به سوی تو باز می گردد. تویی خدا، معبودی نیست جز تو که ازلی و ابدی هستی. تویی خدا، معبودی نیست جز تو آفریننده نیک و بد. تویی خدا، معبودی نیست جز تو آفریننده بهشت و دوزخ. تویی خدا، معبودی نیست جز تو یگانه بی نیاز، که نه فرزندی داری و نه فرزند کسی هستی و هیچ کس همتای تو نیست. تویی خدا، معبودی نیست جز تو «پادشاه پاک بی عیب ایمنی بخش نگهبان چیره ناپذیر جبار متکبر. منزّه است خدا از آنچه با او شریک می گردانند. او خدای آفریننده نوساز صورتگر است. او راست نکوترین نام ها. آنچه در آسمان ها و زمین است، تسبیح او می گویند و اوست چیره ناپذیر سنجیده کار.» تویی خدا، معبودی نیست جز تو بزرگ که بزرگی، ردای توست.»

۱- عزیز: نیرومند شکست ناپذیر، چیره ناشدنی، محکم و استوار، دردانه و بی مانند.

الكافي عن عمرو بن أبي المقدم: أُملي عَلَيَّ هَذَا الدُّعَاءَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ جَامِعٌ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ : تَقُولُ بَعْدَ حَمْدِ اللَّهِ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ : اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَلِكُ الْجَبَّارُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحِيمُ الْعَفَّارُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ شَدِيدُ الْمِحَالِ (١) ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالَى ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنِيعُ الْقَدِيرُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الشَّكُورُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَدُودُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْخَنَّانُ الْمَتَّانُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَلِيمُ الدَّيَّانُ (٢) ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْجَوَادُ الْمَاجِدُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَائِبُ الشَّاهِدُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ . تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ ، وَبَسَّطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ ، رَبَّنَا وَجْهَكَ أَكْرَمُ الْوُجُوهِ ، وَجْهَتِكَ خَيْرُ الْجِهَاتِ ، وَعَطَيْتِكَ أَفْضَلَ الْعَطَايَا وَأَهْوَأَهَا ، تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ ، وَتُعْصَى رَبَّنَا فَتَغْفِرُ لِمَنْ شِئْتَ ، تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ ، وَتَكْشِفُ السُّوءَ ، وَتَقْبَلُ التَّوْبَةَ ، وَتَعْفُو عَنِ الذُّنُوبِ ، لَا تُجَازِي أَيَادِيكَ ، وَلَا تُحْصِي نِعَمَكَ ، وَلَا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلٌ قَائِلٍ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَرَوِّحْهُمْ وَرَاحَتَهُمْ وَسِيرُورَهُمْ ، وَأَذِقْنِي طَعْمَ فَرَجِهِمْ ، وَأَهْلِكَ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً ، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ صَدَّقُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ، وَتَبَتَّنِي بِالقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ، وَبَارِكْ لِي فِي الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ ، وَالْمَوْقِفِ وَالنُّشُورِ ، وَالْحِسَابِ وَالْمِيزَانِ ، وَأَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَسَلِّمْنِي عَلَى الصِّرَاطِ ، وَأَجِزْنِي عَلَيْهِ ، وَارْزُقْنِي عِلْمًا نَافِعًا ، وَيَقِينًا صَادِقًا ، وَثِقَى وَبِرًّا وَوَرَعًا وَخَوْفًا مِنْكَ ، وَفَرَقًا يُبَلِّغُنِي مِنْكَ زُلْفَى (٣) ، وَلَا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ ، وَأَحْبِبْنِي وَلَا تُبْغِضْنِي ، وَتَوَلَّنِي وَلَا تَخْذَلْنِي ، وَأَعْطِنِي مِنْ جَمِيعِ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ ، وَأَجِرْنِي مِنَ الشُّوءِ كُلِّهِ بِحِذَافِيرِهِ (٤) ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ . (٥)

١- المِحَال : القُوَّة والشِدَّة ، وقيل : الكيد والمكر (النهاية : ج ٤ ص ٣٠٣ «محل»).

٢- الدَّيَّان : قيل : هو القَهَّار . وقيل : هو الحاكم والقاضى ، وهو فَعَّالٌ ، من دان النَّاسَ : أى قهرهم على الطاعة (النهاية : ج ٢ ص ١٤٨ «دين»).

٣- الزُّلْفَى : القُرْبَى ، أزلفه : قرَّبه (المصباح المنير : ص ٢٥٤ «زلف»).

٤- بحِذَافِيرِهِ : بأُسْرِهِ ، أو بجوانبه (القاموس المحيط : ج ٢ ص ٧ «حذفر»).

٥- الكافي : ج ٢ ص ٥٨٣ ح ١٨ .

الکافی به نقل از عمرو بن ابی مقدم: این دعا را که دربر گیرنده [خیر و حاجات] دنیا و آخرت است، امام صادق علیه السلام به من دیکته فرمود: «پس از ستایش خدا و ثنای او، می گویی: بار خدایا! تویی خدا، معبودی نیست جز تو بردبارِ بزرگوار. تویی خدا، معبودی نیست جز تو عزتمند استوارِ کار. تویی خدا، معبودی نیست جز تو یکتای چیره گر. تویی خدا، معبودی نیست جز تو پادشاه جبار. تویی خدا، معبودی نیست جز تو مهربانِ آمرزنده. تویی خدا، معبودی نیست جز تو سخت پرتوان. تویی خدا، معبودی نیست جز تو بزرگ برتر. تویی خدا، معبودی نیست جز تو شنوای بیبا. تویی خدا، معبودی نیست جز تو دست نیافتنی توانا. تویی خدا، معبودی نیست جز تو آمرزگار سپاس گزار. تویی خدا، معبودی نیست جز تو ستودنی تحسین برانگیز. تویی خدا، معبودی نیست جز تو آمرزگارِ دوستدار. تویی خدا، معبودی نیست جز تو مهرورز بنده نواز. تویی خدا، معبودی نیست جز تو بردبارِ داور. تویی خدا، معبودی نیست جز تو بخشنده بی چشمداشت و شریف. تویی خدا، معبودی نیست جز تو یگانه یکتا. تویی خدا، معبودی نیست جز تو غایب حاضر. تویی خدا، معبودی نیست جز تو پیدای پنهان. تویی خدا، معبودی نیست جز تو که به همه چیز دانا و آگاهی. با نور کامل خود، هدایت می فرمایی و گشاده دستانه، دهش می کنی. ای پروردگار ما! روی تو، گرمی ترین روی هاست و سوی تو، بهترین سوی هاست و دهش تو، برترین و گواراترین دهش هاست. ای پروردگار ما! از تو فرمان برداری می شود و تو سپاس گزاری می کنی. ای پروردگار ما! نافرمانی می شوی و تو آن که را بخواهی، می آمرزی. درمانده را پاسخ می دهی، بدی و گزند را برطرف می سازی، توبه را می پذیری و گناهان را می بخشی. نیکی هایت را تلافی نتوان کرد و نعمت هایت را نمی توان شمرد و سخن هیچ گوینده ای، به ستایش تو نرسد. بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و در گشایش [و حکومت] و خوشی و آسایش و شادمانی آنان شتاب فرما، و طعم گشایش آنان را به من بچشان. دشمنانشان را، از جن و انس، نابود کن و ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیز نیکی عطا فرما و از عذاب آتش، نگاهمان بدار. ما را از آنانی قرار ده که بیمی بر ایشان نیست و اندوهگین نمی شوند، و مرا از کسانی قرار ده که شکیبایی ورزیدند و بر پروردگارشان توکل می کنند. در زندگی دنیا و در آخرت، مرا در گفتار [و عقیده]، استوار و پابرجا بدار. در زندگی و مرگ، در صحرای محشر، در وقت حسابرسی و وزن کردن اعمال و در دیگر صحنه های هرسناک روز رستاخیز، مرا نیرو ده و در صراط، نگهدارم باش و مرا از آن عبور بده. دانشی سودمند، یقینی درست، پرهیزگاری و نیکوکاری [یا: طاعت] او پارسایی و ترس از خودت را روزی ام کن و نیز هراسی که مرا به تو نزدیک گرداند و از تو دورم نکند. مرا دوست بدار و دشمنم مدار، حمایت کن و تنهائیم مگذار، و همه خیر دنیا و آخرت را چه آنها که می دانم و چه آنها که نمی دانم به من عطا فرما، و مرا از همه بدی ها یکسره؛ چه آنها که می دانم و چه آنها که نمی دانم در پناه خود بگیر.»

٩ / ٤ التَهْلِيلَاتُ المِاثُورَةُ عَنِ الإِمَامِ الكَاظِمِ فِلاحِ السَّائِلِ عَنِ يَحْيَى بْنِ الفَضْلِ النُوفَلِيِّ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِنِغْدَادٍ حِينَ فَرَّغَ مِنْ صَلَاةِ العَصْرِ، فَرَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَيْكَ زِيَادَةُ الْأَشْيَاءِ وَنُقْصَانُهَا، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَ الخَلْقَ بِغَيْرِ مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ وَلَا حَاجَةٍ إِلَيْهِمْ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْكَ المَشِيئَةُ وَإِلَيْكَ البَدْءُ. أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ قَبْلَ القَبْلِ وَخَالِقُ القَبْلِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَعْدَ البَعْدِ وَخَالِقُ البَعْدِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَمَحُّو مَا تَشَاءُ وَتُثَبِّتُ وَعِدَّتُكَ أُمُّ الكِتَابِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ غَايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا يَعْزُبُ (١) عَنْكَ الدَّقِيقُ وَلَا الجَلِيلُ. أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا تَخْفَى عَلَيْكَ اللُّغَاتُ وَلَا- تَنْشَابُهُ عَلَيْكَ الأصْوَاتُ، كُلُّ يَوْمٍ أَنْتَ فِي شَأْنٍ، لَا يَشْغَلُكَ شَأْنٌ عَنِ شَأْنٍ، عَالِمُ الغَيْبِ وَأَخْفَى، دَيَّانُ يَوْمِ الدِّينِ، مُدَبِّرُ الأُمُورِ، بَاعِثُ مَنْ فِي القُبُورِ، مُحْيِي العِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ، أَسَأَلُكَ بِاسْمِكَ المَكُونِ المَخْزُونِ الحَيِّ القَيُّومِ الَّذِي لَا يَخِيبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ، أَسَأَلُكَ أَنْ تُصَلِّمَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ المُتَتَمِّمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ، وَأَنْجِزَ لَّهُ مَا وَعَدْتَهُ يَا ذَا الجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. (٢)

١- عَزَبَ الشَّيْءُ مِنْ بَابِ قَعَدَ: بَعُدَ. وَعَزَبَ مِنْ بَابِي قَتَلَ وَضَرَبَ: غَابَ وَخَفِيَ (المصباح المنير: ص ٤٠٧ «عزب»).

٢- فِلاحِ السَّائِلِ: ص ٣٥٣ ح ٢٣٨، مصباح المتهجد: ص ٧٥ ح ١٢٤، المصباح للكفعمي: ص ٣٣، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٨٠ ح ٨.

۴ / ۹ توحیدگویی های رسیده از امام کاظم علیه السلام

۴ / ۹ توحیدگویی های رسیده از امام کاظم علیه السلام مفلح السائل به نقل از یحیی بن فضل نوفلی : در بغداد ، هنگامی نزد امام کاظم علیه السلام رفتم که نماز عصرش را تمام کرده بود . دست هایش را به آسمان برداشت و شنیدم که می گفت : «تویی خدا ، معبودی نیست جز تو آغازین و انجامین و آشکار و پنهان . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که افزایش و کاهش چیزها به تو باز می گردد . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که آفریدگان را ، بی هیچ کمکی از دیگری و هیچ نیازی به آنان ، آفریدی . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که مشیت ، از توست و آغاز نیز از تو . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که پیش از پیش و آفریننده پیش هستی . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که پس از پس و آفریننده پس هستی . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که آنچه بخواهی ، پاک می کنی و آنچه بخواهی ، بر جا می گذاری و اساس کتاب ، در نزد توست . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که غایت هر چیز و وارث آنی . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که هیچ ریز و درشتی از تو پنهان نیست . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که زبان ها بر تو پوشیده نیست و صداها بر تو مبهم و مشتبه نشود . هر روزی [و دمی] ، تو در کاری هستی ، و هیچ کاری تو را از کاری دیگر باز نمی دارد . دانای نهان و نهان تر هستی . جزا دهنده روز جزا هستی ، گرداننده کارهایی ، برانگیزنده کسان از گورهایی ، زنده کننده استخوان های پوسیده ای . از تو درخواست می کنم ، به حق آن نام نهان شده اندوخته و زنده و پاینده ، که هر کس تو را به آن نام بخواند ، محروم نمی شود . از تو درخواست می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و در فرج آن گیرنده انتقام تو از دشمنانت ، تعجیل فرمایی و آنچه را به او وعده داده ای ، برایش تحقق بخشی ، ای پروردگار شکوه و ارج .

الإمام الكاظم عليه السلام في كتاب كتبه للحسين بن خالد لما شكاه إليه دينا عليه: قل في دبر كل صلاة: اللهم إني أسألك يا لا إله إلا أنت، بحق لا إله إلا أنت، أن ترحمني بلا إله إلا أنت، اللهم إني أسألك يا لا إله إلا أنت، بحق لا إله إلا أنت، أن ترضى عني بلا إله إلا أنت، اللهم إني أسألك يا لا إله إلا أنت، بحق لا إله إلا أنت، أن تغفر لي بلا إله إلا أنت. (١)

١٠ / ٤ التَهْلِيلَاتُ المِأَثُورَةُ عَنِ الإِمَامِ الرِّضَا الإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ أَنْ عَلَّمَ هِشَامًا صِلَاةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ: وَالدُّعَاءُ بَعْدَهَا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْأُولَى، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَأَعَزَّ جُنْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ أَنْتَ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ قِيَامُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ... أَنْتَ إِلَهِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. (٢)

-
- ١- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٤٧ ح ٢٣٦٣ عن الحسين بن خالد، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣٠٢ ح ٥.
 - ٢- جمال الأسبوع: ص ١٦٢ عن هشام، البلد الأمين: ص ١٤٩، المصباح للكفعمي: ص ٥٣٨ وليس فيهما «وأعز جنده»، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ١٧٠ ح ١.

۴ / ۱۰ توحیدگویی های رسیده از امام رضا علیه السلام

امام کاظم علیه السلام در پاسخ به شکایت حسین بن خالد از بدهکاری خود، نزد ایشان: در پی هر نمازی بگو: بار خدایا! من از تو درخواست می کنم ای آن که معبودی جز تو نیست! به حق «معبودی جز تو نیست»، که بر من به حرمت «معبودی جز تو نیست»، رحم آوری. بار خدایا! من از تو درخواست می کنم ای آن که معبودی جز تو نیست! به حق «معبودی جز تو نیست»، که از من خشنود شوی، به حرمت «معبودی جز تو نیست». بار خدایا! من از تو درخواست می کنم ای آن که معبودی جز تو نیست! به حق «معبودی جز تو نیست»، که مرا بیامرزی به حرمت «معبودی جز تو نیست».

۴ / ۱۰ توحیدگویی های رسیده از امام رضا علیه السلام امام رضا علیه السلام پس از آموختن نماز پیامبر صلی الله علیه و آله به هشام: و دعای پس از آن، این است: «معبودی نیست جز خدایی که پروردگار ما و پروردگار نیاکان ماست. معبودی نیست جز خدایی که معبود است و یگانه، و ما تسلیم اویم. معبودی نیست جز خدا. تنها او را بندگی می کنیم و دین را یکسره از او می دانیم؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند. معبودی نیست جز خدا که یگانه است، یگانه است، یگانه است. وعده اش را تحقق بخشید، بنده اش را یاری داد، سپاهش را نیرومند ساخت و یک تنه، گروه ها [ی مشرک] را درهم شکست. پس او راست پادشاهی و او راست ستایش، و او بر هر چیزی تواناست. بار خدایا! تو نور آسمان ها و زمین و همه آسمانیان و زمینانی، پس تو راست ستایش. تو برپادارنده آسمان ها و زمین و همه آسمانیان و زمینانی، پس تو راست ستایش... تویی معبود من، معبودی جز تو نیست. بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا بیامرز و به من رحم آور، و توبه ام را بپذیر که تو توبه پذیر و مهربانی.

٤ / ١١ التَّهْلِيلَاتُ المِأَثُورَةُ عَنِ الإِمَامِ العَسْكَرِيِّ الإِمَامِ العَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الحَمْدَ لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ البَدِيءُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَأَنْتَ الحَيُّ القَيُّومُ ، وَلا إِلَهَ إِلا أَنْتَ الَّذِي لا يُدْرِكُكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ ، لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ خَالِقُ ما يُرَى وَما لا- يُرَى ، العالِمُ بِكُلِّ شَيْءٍ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ ، أَسْأَلُكَ بِأَلْيَتِكَ وَنِعْمَائِكَ بِأَنَّكَ اللَّهُ الرَّبُّ الوَاحِدُ ، لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ، وَأَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ الوَتْرُ الفَرْدُ الأَحَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ، وَأَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ اللَّهُ لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ اللَّطيفُ الخَبِيرُ ، القائِمُ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ ، الرَّقِيبُ الحَفِيفُ ، وَأَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ اللَّهُ الأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَالأَخِرُّ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَالباطِنُ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ ، الضَّارُّ النَّافِعُ ، الحَكِيمُ العَلِيمُ ، وَأَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ الحَيُّ القَيُّومُ ، الباعِثُ الوارِثُ ، الحَنانُ المَنَّانُ ، يَدْبَعُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ ، ذُو الجَلالِ وَالإِكْرامِ ، وَذُو الطُّولِ وَذُو العِزَّةِ وَذُو السُّلْطانِ ، لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ ، أَحَطَّتْ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَأَحْصَيْتْ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ . (١)

۴ / ۱۱ توحیدگویی های رسیده از امام عسکری علیه السلام

۴ / ۱۱ توحیدگویی های رسیده از امام عسکری علیه السلام: بار خدایا! از تو درخواست می کنم ، که تو راست ستایش و معبودی نیست جز تویی که آغازین و پیش از هر چیزی ، و تو زنده پایداری [یا : بیداری] . معبودی نیست جز تویی که هیچ چیز خوارت نسازد و تو هر روزی [و دمی] ، در کاری هستی . معبودی نیست جز تویی که آفریننده دیدنی ها و نادیدنی هایی . به هر چیز دانایی ، بی آن که تعلیم گرفته باشی . از تو درخواست می کنم به حق نواخت ها و نعمت های ، که تو خدایی ، پروردگار یکتایی . معبودی نیست جز تویی که مهرگستر و مهربانی . از تو درخواست می کنم ، که تویی ، تو خدا . معبودی نیست جز تو تک تنهای یکتای بی نیاز که نه زاده ای داری و نه زاده کسی هستی و نه هیچ کس همتای توست . از تو درخواست می کنم ، که تو خدایی ، معبودی نیست جز تو خردبین آگاه که مراقب هر شخص و کردارهای او هستی و ناظر و نگهبانی . از تو درخواست می کنم ، که تو خدایی ، پیش از هر چیز بوده ای و پس از هر چیز خواهی بود . از هر چیز نهانی ، زیان زننده و سودرسانی ، حکیم و دانایی . از تو درخواست می کنم ، که تویی ، تو خدا ، معبودی نیست جز تو زنده پاینده بر انگیزاننده [ی مردگان] و تویی ارث بر ، مهرورز بنده پرور ، پدید آورنده آسمان ها و زمین ، پروردگار شکوه و ارج ، و خداوند دهش و خداوند عزت و خداوند سلطه . معبودی نیست جز تو که به هر چیزی علم داری و شمار هر چیز را می دانی . بر محمد و خاندان محمد درود فرست .

١٢ / ٤ التَّهْلِيلَاتُ الْمَأْثُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي صِفَةِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَأَنِّي بِهِ قَدْ عَبَّرَ مِنْ وَادِي السَّلَامِ إِلَى مَسِيلِ السَّهْلَةِ عَلَى فَرْسٍ مُحَجَّلٍ لَهُ شَمْرَاخٌ (١). يَزْهَرُ ، يَدْعُو وَيَقُولُ فِي دُعَائِهِ : لا- إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعْبُدًا وَرِقًا ، اللَّهُمَّ مُعِزُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَحَيِّدٌ ، وَمُذِلُّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ ، أَنْتَ كَفَيْتَ حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ ، وَتَضَيِّقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحِبَتْ . اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَكُنْتَ غَتِيًّا عَن خَلْقِي ، وَلَوْلَا- نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِيْنَ ؛ يَا مُنْشِرَ الرَّحْمَةِ مِنَ مَوَاضِعِهَا ، وَمُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنَ مَعَادِنِهَا ، وَيَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوخِ الرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ ، يَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نِيرَ (٢) الْمَيْدَلِّهِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَيْطَوْتِهِ خَائِفُونَ ، أَسَأَ لَكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ فَكُلُّ لَكَ مُبْدِعِنُونَ ، أَسَأَ لَكَ أَنْ تُصَلِّئَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُنَجِّزَ لِي أَمْرِي ، وَتُعَجِّلَهُ لِي فِي الْفَرْجِ ، وَتُكَفِّينِي ، وَتُعَافِيَنِي ، وَتُقَفِّضَ لِي حَيَوَانِي ، السَّيِّئَةَ السَّاعَةَ ، اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (٣)

١- الشَّمْرَاخُ : عُزَّةُ الْفَرَسِ إِذَا دَقَّتْ وَطَالَتْ أَي حَتَّى جَلَّتْ الْخَيْشُومُ (تاج العروس : ج ٤ ص ٢٨٤ «شمرخ»).

٢- النَّيْرُ : الْخَشْبَةُ الْمَعْتَرِضَةُ فَوْقَ عُنُقِ الثَّوْرِ أَوْ عُنُقِ الثَّوْرِيْنَ الْمُقْرُونِيْنَ لِحِجْرِ الْمَحْرَاثِ أَوْ غَيْرِهِ (المعجم الوسيط : ج ٢ ص ٩٦٦ «نار»).

٣- الْعِيْدُ الْقَوِيَّةُ : ص ٧٥ ح ١٢٥ ، دلائل الإمامة : ص ٤٥٨ ح ٤٣٨ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٣٦٥ ح ٢ و ج ٥٢ ص ٣٩١ ح ٢١٤ .

۴ / ۱۲ توحیدگویی های رسیده از امام مهدی علیه السلام

۴ / ۱۲ توحیدگویی های رسیده از امام مهدی علیه السلام در وصف حضرت قائم علیه السلام : گویا می بینمش که سوار بر اسب پاسبیدی که از پیشانی تا بینی اش خط سپیدی می درخشد ، از وادی السلام به مسیل سهله گذشته است و دعا می کند و در دعایش می گوید: «حق که معبودی جز خدا نیست ، حقّ . ایمان دارم و از سر صدق می گویم که معبودی جز خدا نیست ، معبودی جز خدا نیست و من بنده و برده اویم . بار خدایا ! ای عزّتبخش هر مؤمن تنها ، و ای خوار کننده هر گردن کش خیره سر . تویی پناه من ، آن گاه که همه راه ها به رویم بسته شود و زمین با همه پهناوری اش ، بر من تنگ گردد. بار خدایا ! تو مرا آفریدی ، در حالی که از آفریدن من بی نیاز بودی ، و اگر تو مرا یاری نکرده بودی ، بی گمان ، من شکست خورده بودم . ای پراکنده رحمت از جایگاه های آن ، و بیرون آورنده برکت ها از کان هایشان ! ای کسی که اوج بلندی را ویژه خویش گردانید ، پس دوستانش از عزّت او عزّت می یابند . ای کسی که شاهان در برابرش طوع خواری بر گردن خویش افکنده اند و از هیبت او ترسانند ! از تو درخواست می کنم به حقّ آن نامت که با آن ، آفریدگانت را آفریدی و همگی فرمان بردار تو هستند . از تو درخواست می کنم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی ، و وعده ات را به من تحقّق بخشی ، و در فرج من تعجیل فرمایی ، و مرا کفایت کنی و در عافیت و سلامتم بداری ، و حاجت هایم را برآوری ؛ هم اینک هم اینک ، همین امشب همین امشب ، که تو بر هر چیز توانایی» .

جلد ۳

اشاره

ص: ۱

بخش ششم: تکبیر (گفتن «الله أكبر»)

اشاره

بخش ششم: تکبیر (گفتن «الله أكبر») شامل: در آمد فصل یکم: تفسیر «الله أكبر» فصل دوم: فضیلت «الله أكبر» گفتن و تشویق به آن فصل سوم: جایگاه های گفتن «الله أكبر» فصل چهارم: آداب تکبیر گفتن در نماز فصل پنجم: تکبیرهای رسیده از اهل بیت علیهم السلام

واژه‌شناسی «تکبیر»

درآمدواژه‌شناسی «تکبیر» کلمه «تکبیر» ، مصدر است از ریشه «کبر» . این ماده به معنای بزرگی ، اعم از مادی و معنوی است (۱) و هنگامی که به باب افعال ، تفعیل و یا استفعال برود ، به معنای بزرگ شمردن ، بزرگ یافتن ، بزرگ دیدن و به بزرگی یاد کردن می‌آید . ابن فارس ، در این باره می‌گوید : ماده «کبر» ، یک اصل صحیح معنایی دارد به معنای خلاف «صَغَر» (کوچکی) ... و از همین باب است «كَبِرَ» به معنای سال خوردگی . «كِبْر» یعنی عظمت... و گفته می‌شود: «أكبرتُ الشیء» (آن چیز را بزرگ یافتم) . (۲) ابن منظور ، گفته است : «استکبر الشیء» ، یعنی : آن چیز را بزرگ دید و در نظرش عظیم آمد ... و «كَبِرَ الأمر» ، یعنی : آن کار را بزرگ قرار داد ، یا آن را بزرگ گردانید . تکبیر

۱- به نظر می‌رسد که ماده «کبر» ، در اصل به معنای بزرگی مادی وضع شده ؛ لیکن از باب توسع ، در معانی متناسب با آن ، از جمله پیری و بزرگی معنوی نیز به کار رفته است .

۲- معجم مقاییس اللغة : ج ۵ ص ۱۵۳ .

تکبیر ، در قرآن و حدیث

به معنای بزرگداشت است . (۱) راغب نیز گفته است : و «أَكْبَرْتُ الشَّيْءَ» یعنی : آن چیز را بزرگ دیدم . خدای متعال می فرماید : «فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْتُهُ» (۲) و چون او را دیدند، بزرگش یافتند». تکبیر ، به همین معنا گفته می شود و برای بزرگداشت خداوند متعال می گویند : «اللَّهُ أَكْبَرُ» و همچنین برای عبادت خدا و حال تعظیم به خود گرفتن در برابر او . (۳)

تکبیر ، در قرآن و حدیث در قرآن ، واژه «تکبیر» ، فقط یک بار به کار رفته است : «وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِّنَ الدُّلِّ وَ كِبْرُهُ تَكْبِيرًا . (۴) و بگو : «ستایش ، خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهاننداری ، شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] دوستی داشته باشد» و او را بسیار بزرگ بشمار». این واژه در قرآن و حدیث نیز مانند لغت ، به معنای یاد کردن خداوند متعال به بزرگی و عظمت و نیز گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» است .

۱- لسان العرب : ج ۵ ص ۱۲۶ .

۲- یوسف : آیه ۳۱ .

۳- مفردات ألفاظ القرآن : ص ۶۹۸ .

۴- اسراء : آیه ۱۱۱ . نیز ، ر. ک : بقره : آیه ۱۸۵ ، حج : آیه ۳۷ و مدثر : آیه ۳ .

تفسیر «تکبیر»

تفسیر «تکبیر» احادیثی که «تکبیر» را تفسیر کرده اند، به چهار دسته تقسیم می شوند: ۱. احادیثی که در تفسیر این ذکر، تنها به یکتایی و بی نظیر بودن حضرت حق در عظمت اشاره کرده اند، مانند آنچه از پیامبر خدا روایت شده که در معنای تکبیر می فرماید: یعنی أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَكْبَرُ مِنْهُ. (۱) یعنی چیزی بزرگ تر از او نیست. ۲. احادیثی که بزرگ تر بودن خداوند را به معنای والاتر بودن او از توصیف می دانند. این احادیث، در واقع، تأکیدی هستند بر این که خداوند متعال، قابل مقایسه با هیچ چیز دیگر (مادی باشد یا معنوی) نیست؛ زیرا هر چیزی جز خداوند متعال، محدود است، چنان که امام صادق علیه السلام به شخصی که در حضور ایشان، «اکبر» را به «بزرگ تر از هر چیز» معنا کرد، فرمود: «[با این معنا] خداوند را محدود کردی» و هنگامی که آن شخص از تفسیر صحیح «الله اکبر» پرسید، فرمود: قُلْ: اللهُ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُوَصَّفَ. (۲) بگو: خدا بزرگ تر از آن است که وصف شود. ۳. احادیثی که «تکبیر» را به تنزیه خداوند متعال از صفات سلبی تفسیر کرده اند، مانند حدیثی که از امام علی علیه السلام نقل شده که در تفسیر «تکبیر» فرمود:

۱- ر. ک: ص ۱۶ ح ۱۵۷۴.

۲- ر. ک: دانش نامه عقاید اسلامی: ج ۵ ص ۱۶۵ (معنای الله اکبر).

خدا بزرگ تر از آن است که به ایستادن یا نشستن وصف شود، به حرکت یا سکون وصف شود، به جسم بودن وصف شود یا به چیزی مانند شود یا با اندازه ای سنجیده شود، محلّ أعراض واقع شود و یا دست خوش بیماری ها گردد، به جوهر یا عرض بودن وصف شود یا در چیزی حلول کند یا چیزی در او حلول کند، [و بزرگ تر از آن است که] آنچه بر موجودات حادث رواست (مثل زایل گشتن، جا به جایی و دگرگونی از حالی به حالی)، بر او روا باشد، و یا آن که به حواس پنجگانه درآید. (۱) ۴. احادیثی که «تکبیر» را به توصیف کردن خداوند متعال به صفات ثبوتی تفسیر نموده اند، مانند این که امام علی علیه السلام در تفسیری دیگر از این ذکر می فرماید: «اللّهُ أَكْبَرُ»، یعنی: دانا و آگاه است. آنچه را بوده است و آنچه را خواهد بود، پیش از آن که پدید آید، می داند. «اللّهُ أَكْبَرُ»، یعنی بر هر چیزی تواناست. آنچه بخواهد، می تواند، به قدرتش نیرومند است. بر آفریدگانش تواناست. به ذات خویش تواناست. توانایی او بر همه موجودات، حاکم است. هر گاه چیزی را بخواهد، به او می گوید: «هست شو» و آن، هست می شود. (۲) تأمّل در این احادیث، نشان می دهد که «تکبیر»، در واقع، تجلّی جلال و جمال حضرت حق در دل ذاکر است. از این رو، هر چه جلال و جمال خداوند متعال، جلوه بیشتری در دل داشته باشد، ذکر زبانی کامل تر خواهد بود.

۱- ر. ک: ص ۱۹ ح ۱۵۷۶.

۲- ر. ک: ص ۲۱ ح ۱۵۷۸.

اهمیت ذکر «تکبیر»

اهمیت ذکر «تکبیر» در اهمیت این ذکر، همین بس که بزرگ ترین مصداق ذکر یعنی «نماز»، با تکبیر آغاز و با تکبیر، پایان می یابد. افزون بر این، از پیامبر خدا روایت شده که می فرمود: **لِكُلِّ شَيْءٍ صِيْفَةٌ، وَصِيْفَةُ الصَّلَاةِ التَّكْبِيرَةُ الْأُولَى**. (۱) هر چیزی گزیده ای دارد و گزیده نماز، تکبیر آغازین [آن] است. این سخن، بدان معناست که توجه به عظمت جلال و جمال الهی در آغاز نماز، عصاره و شاهد نماز است که اگر همراه با جاری شدن ذکر تکبیر بر زبان نماز گزار تحقق یابد، وی را در برابر خداوند متعال، خاضع و خاشع می سازد و زمینه حضور قلب در نماز را فراهم می سازد. همچنین، معادل شمردن ارزش «تهلیل» و «تکبیر» در شماری از احادیث، نشانه دیگری از اهمیت بالای ذکر «اللَّهُ أَكْبَرُ» است، چنان که از امام علی علیه السلام در تفسیر «كَلِمَةَ التَّقْوَى» (۲) روایت شده است که: مقصود، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» است. (۳) نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده: **تَمَنُّ الْجَنَّةِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ**. (۴)

۱- ر. ک: ص ۳۲ ح ۱۵۹۷.

۲- فتح: آیه ۲۶.

۳- ر. ک: ص ۳۰ ح ۱۵۹۳.

۴- ر. ک: ص ۳۰ ح ۱۵۹۵.

جایگاه تکبیر

بهای بهشت ، «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» . و از امام صادق علیه السلام یا امام باقر علیه السلام روایت شده : أَكثَرُوا مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ ، فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ . (۱) «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» بسیار بگویند ؛ زیرا هیچ چیزی نزد خداوند ، محبوب تر از «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» نیست .

جایگاه تکبیر هر چند «تکبیر» و یاد کردن خداوند متعال به عظمت و بزرگی ، در هر حال و در همه جا نیکوست ، لیکن تأمل در نصوص اسلامی نشان می دهد که گفتن این ذکر ، هنگامی که انسان با اموری برخورد می کند که یادآور عظمت خدا هستند و یا توجه به عظمت الهی نقش خاصی در آنها ایفا می نماید ، از اهمیت بیشتری برخوردار است . مثلاً : توجه به عظمت الهی هنگام اذان و نماز ، موجب حضور قلب و خضوع و خشوع در نماز است . یا توجه به عظمت الهی در جهاد ، به رزمنده روحیه مقاومت می دهد و به هنگام پیروزی ، از آفات غرور ، پیشگیری می کند . یا توجه به عظمت الهی هنگام زفاف و اعیاد ، سبب می شود که خوشی ها موجب غفلت نگردند . توجه به عظمت الهی هنگام دیدن هلال نیز از این باب است که نظام حکیمانه

حاکم بر گردش ماه و زمین ، یکی از نشانه های بزرگ عظمت آفریدگار حکیم جهان است . همچنین سایر مواردی که ذکر «تکبیر» در آنها توصیه شده نیز حکمت خاص خود را دارند ، که با تأمل ، قابل فهم است .

الفصل الأول: تفسير التكبير رسول الله صلى الله عليه وآله لما سُئِلَ عَنْ تَفْسِيرِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ: ... وأما قوله: «اللَّهُ أَكْبَرُ»، فهي كلمة أعلى الكلمات وأجْبها إلى الله عز وجل، يعنى أنه ليس شىء أكبر منه، ولا- تصح الصلاة إلا بها لكرامتها على الله عز وجل، وهو الاسم الأعز الأكرم. (١)

الإمام على عليه السلام فى بيان معنى «اللَّهُ أَكْبَرُ» فى الأذنان: فَمَعْنَى «اللَّهُ»: أَنَّهُ يُخْرِجُ الشَّيْءَ مِنْ حَيْدِ الْعَيْدَمِ إِلَى حَيْدِ الْوُجُودِ، وَيَخْتَرِعُ الْأَشْيَاءَ لَمْ يَكُنْ مِنْ شَيْءٍ، وَكُلُّ مَخْلُوقٍ دُونَهُ يَخْتَرِعُ الْأَشْيَاءَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا اللَّهُ، فَهَذَا مَعْنَى «اللَّهُ»، وَذَلِكَ فَرْقٌ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْمُحَدَّثِ. وَمَعْنَى «أَكْبَرُ»: أَيْ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُوَصَفَ فِي الْأَوَّلِ، وَأَكْبَرُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ لَمَّا خَلَقَ الشَّيْءَ. (٢)

بحار الأنوار عن جابر بن عبد الله الأنصارى: كُنْتُ مَعَ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَأَى رَجُلًا قَائِمًا يُصَلِّي، فَقَالَ لَهُ: يَا هَذَا أَتَعْرِفُ تَأْوِيلَ الصَّلَاةِ؟ فَقَالَ: يَا مَوْلَايَ؟ وَهَلْ لِلصَّلَاةِ تَأْوِيلٌ غَيْرُ عِبَادَتِهِ؟ فَقَالَ: إِي وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالنُّبُوَّةِ، وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّهُ بِأَمْرٍ مِنَ الْأُمُورِ إِلَّا وَلَهُ تَشَابُهٌ وَتَأْوِيلٌ وَتَنْزِيلٌ، وَكُلُّ ذَلِكَ يَدُلُّ عَلَى التَّعَبُّدِ. فَقَالَ لَهُ: عَلَّمَنِي مَا هُوَ يَا مَوْلَايَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَأْوِيلُ تَكْبِيرَتِكَ الْأُولَى إِلَى إِحْرَامِكَ أَنْ تُخْطِرَ فِي نَفْسِكَ إِذَا قُلْتَ: اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُوَصَفَ بِقِيَامٍ أَوْ قُعُودٍ، وَفِي الثَّانِيَةِ: أَنْ يُوَصَفَ بِحَرَكَهٍ أَوْ جُمُودٍ، وَفِي الثَّلَاثَةِ: أَنْ يُوَصَفَ بِجِسْمٍ أَوْ يُشَبَّهَ بِشَيْءٍ أَوْ يُقَاسَ بِقِيَاسٍ، وَتُخْطِرُ فِي الرَّابِعَةِ: أَنْ تَحُلَّهُ الْأَعْرَاضُ أَوْ تُؤَلِّمَهُ الْأَمْرَاضُ، وَتُخْطِرُ فِي الْخَامِسَةِ: أَنْ يُوَصَفَ بِجَوْهَرٍ أَوْ بِعَرَضٍ أَوْ يُحَلَّ شَيْئًا أَوْ يُحَلَّ فِيهِ شَيْءٌ، وَتُخْطِرُ فِي السَّادِسَةِ: أَنْ يَجُوزَ عَلَيْهِ مَا يَجُوزُ عَلَى الْمُحَدَّثِينَ مِنَ الزَّوَالِ وَالْإِنْتِقَالِ وَالتَّغْيِيرِ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ، وَتُخْطِرُ فِي السَّابِعَةِ: أَنْ تَحُلَّهُ الْحَوَاسُّ الْخَمْسُ. (٣)

١- عُلل الشرايع: ص ٢٥١ ح ٨، الأمالى للصدوق: ص ٢٥٥ ح ٢٧٩ كلاهما عن الحسن بن عبد الله عن آبائه عن جدّه الإمام الحسن عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩ ص ٢٩٤ ح ٥.

٢- بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٧٠ ح ٧٣ نقلًا عن العلل لمحمد بن على بن إبراهيم.

٣- بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٥٣ ح ٥٢ نقلًا عن خطّ الشيخ محمد بن على الجبعى نقلًا من خطّ الشيخ الشهيد قدس سره.

فصل یکم: تفسیر «الله اکبر»

فصل یکم: تفسیر «الله اکبر» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به سؤال از تفسیر: «پاکا خدا، و ستایش، خدای را! معبودی جز خدا نیست. خدا، بزرگ تر است»... و سخن او «خدا بزرگ تر است»، عالی ترین سخنان و محبوب ترین آنها نزد خداوند عز و جل است؛ یعنی هیچ چیز، بزرگ تر از خدا نیست. این سخن نزد خداوند عز و جل چندان گرامی است که نماز، جز با آن، درست نیست. آن، ارجمندترین و گرامی ترین نام است.

امام علی علیه السلام در بیان معنای «خدا، بزرگ تر است» در اذان: «خدا»، یعنی آن که چیز را از مرز نیستی به مرز هستی می آورد و چیزها را از ناچیز، می آفریند. اما غیر او، هر مخلوقی چیزها را از چیز می سازد. این است معنای «خدا»، و این است فرق میان او و موجود حادث. معنای «بزرگ تر است» هم، یعنی بزرگ تر از آن است که گفته شود در آغاز، چون بوده است، و نیز پس از آن که عالم را آفرید، بزرگ تر از هر چیزی است.

بحار الأنوار به نقل از جابر بن عبد الله انصاری: با سرورمان امیر مؤمنان بودم که دید مردی به نماز ایستاده است. به او فرمود: «ای مرد! آیا تأویل نماز را می دانی؟». مرد گفت: سرورم! آیا نماز، تأویلی جز عبادت دارد؟ فرمود: «آری؛ سوگند به آن که محمّد را به پیامبری برانگیخت! خداوند، پیامبر خود را به هیچ کاری از کارها نفرستاد، مگر این که برای آن کار، تشابه و تأویل و تنزیلی است، و همه اینها، نشان از تعیّد دارد». مرد گفت: سرورم! تأویل آن را به من بیاموز. فرمود: «تأویل نخستین تکبیرت، این است که هرگاه گفتی: الله اکبر، در دلت بگذرانی که او بزرگ تر از آن است که به ایستادن یا نشستن، وصف شود. و در تکبیر دوم، [یعنی] بزرگ تر از آن است که به پویایی یا ایستایی وصف شود. و در تکبیر سوم، [یعنی] بزرگ تر از آن است که به جسم بودن، وصف شود یا به ماندنی همانند شود، یا با میزانی سنجیده شود. و در تکبیر چهارم، [یعنی] از دلت بگذرانی که: او بزرگ تر از آن است که اعراض، در او جای گیرند یا بیماری ها دردمندش کند. و در تکبیر پنجم، [یعنی] از ذهنت بگذرانی که: او، بزرگ تر از آن است که به جوهر یا عرض بودن، وصف گردد یا در چیزی حلول کند یا چیزی در او، حلول نماید. و در تکبیر ششم، [یعنی] از دلت بگذرانی که: او بزرگ تر از آن است که زوال و جا به جایی و دگرگونی (از حالی به حالی دیگر که بر موجودات حادث رواست). بر او روا باشد. و در تکبیر هفتم، [یعنی] از دلت بگذرانی که: او بزرگ تر از آن است که حواس پنجگانه، ادراکش کند».

الإمام على عليه السلام في بيان معنى «الله أكبر» في تكبيره الإفتتاح : هو أكبر من أن يلمس بالأخماس ، ويُدرَك بالحواس . ومعنى «الله» : هو الذي ذكرناه أنه يُخرج الشيء من حدّ العدم إلى الوجود . و«أكبر» : أكبر من أن يوصف . (١)

الإمام الحسين عليه السلام : كُنَّا جُلُوسًا فِي الْمَسْجِدِ ، إِذْ (٢) صَبَّحَ الْمُؤَذِّنُ الْمَنَارَةَ ، فَقَالَ : اللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ ، فَبَكَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَبَكَينَا بِبُكَائِهِ ، فَلَمَّا فَرَغَ الْمُؤَذِّنُ قَالَ : أَتَدْرُونَ مَا يَقُولُ الْمُؤَذِّنُ؟ قُلْنَا : اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَوَصِيَّتُهُ أَعْلَمُ! فَقَالَ : لَوْ تَعْلَمُونَ مَا يَقُولُ لَصَدَّحْتُمْ قَلِيلًا وَلَبَكَيْتُمْ كَثِيرًا ، فَلَقَوْلِهِ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» مَعَانٍ كَثِيرَةٌ ، مِنْهَا : إِنَّ قَوْلَ الْمُؤَذِّنِ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» يَقَعُ عَلَى قَدَمِهِ ، وَأَزَلَّتِيهِ ، وَأَيَّدَتِيهِ ، وَعَلِمِهِ ، وَقُوَّتِهِ ، وَقُدْرَتِهِ ، وَحِلْمِهِ ، وَكَرَمِهِ ، وَجُودِهِ ، وَعَطَائِهِ ، وَكِبْرِيائِهِ . فَإِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» فَإِنَّهُ يَقُولُ : اللَّهُ الَّذِي لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ، وَبِمَشِيئَتِهِ كَانَ الْخَلْقُ ، وَمِنْهُ كَانَ كُلُّ شَيْءٍ لِلْخَلْقِ ، وَإِلَيْهِ يَرْجِعُ الْخَلْقُ ، وَهُوَ الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ لَمْ يَزَلْ ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ لَا يَزَالُ ، وَالظَّاهِرُ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ لَا يُدْرَكُ ، وَالْبَاطِنُ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ لَا يُحِجُّ ، فَهُوَ الْبَاقِي وَكُلُّ شَيْءٍ دُونَهُ فَانٍ . وَالْمَعْنَى الثَّانِي «اللَّهُ أَكْبَرُ» : أَي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ ، عَلِمَ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ . وَالثَّلَاثُ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» أَي الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ ، يَقْدِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ ، الْقَوِيُّ لِقُدْرَتِهِ ، الْمُقْتَدِرُ عَلَى خَلْقِهِ ، الْقَوِيُّ لِإِمْدَانِهِ ، قُدْرَتُهُ قَائِمَةٌ عَلَى الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا ، إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ : كُنْ ، فَيَكُونُ . وَالرَّابِعُ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» عَلَى مَعْنَى حِلْمِهِ ، وَكَرَمِهِ ، يَحْلُمُ كَأَنَّهُ لَا يَعْلَمُ ، وَيَصْفَحُ كَأَنَّهُ لَا يَرَى ، وَيَسْتُرُ كَأَنَّهُ لَا يَعْصِي ، لَا يَعْبَلُ بِالْعُقُوبَةِ كَرَمًا وَصَفْحًا وَحِلْمًا . وَالْوَجْهُ الْآخِرُ فِي مَعْنَى «اللَّهُ أَكْبَرُ» : أَي الْجَوَادُ ، جَزِيلُ الْعَطَاءِ ، كَرِيمُ الْفِعَالِ . وَالْوَجْهُ الْآخِرُ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» فِيهِ نَفْيُ كَيْفِيَّتِهِ (٣) ، كَأَنَّهُ يَقُولُ : اللَّهُ أَجَلُّ مِنْ أَنْ يُدْرَكَ الْوَاصِ فَوْنَ قَدَرِ صِفَتِهِ الَّتِي هُوَ مَوْصُوفٌ بِهَا ، وَإِنَّمَا يَصِفُهُ الْوَاصِ فَوْنَ عَلَى قَدَرِهِمْ لَا عَلَى قَدْرِ عَظَمَتِهِ وَجَلَالِهِ ، تَعَالَى اللَّهُ عَنِ أَنْ يُدْرَكَ الْوَاصِ فَوْنَ صِفَتُهُ عُلُوًّا كَبِيرًا . وَالْوَجْهُ الْآخِرُ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» كَأَنَّهُ يَقُولُ : اللَّهُ أَعْلَى وَأَجَلُّ ، وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنِ عِبَادِهِ ، لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى أَعْمَالِ خَلْقِهِ . . . وَأَمَّا قَوْلُهُ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» (٤) ، فَإِنَّهُ يَقُولُ : اللَّهُ أَعْلَى وَأَجَلُّ مِنْ أَنْ يَعْلَمَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِهِ مَا عِنْدَهُ مِنَ الْكِرَامَةِ لِعَبْدٍ أَجَابَهُ وَأَطَاعَهُ وَأَطَاعَ وُلَاهُ أَمْرِهِ ، وَعَرَفَهُ وَعَبَّدَهُ وَاسْتَعَلَّ بِهِ وَبَعْدَ كَرِهِ ، وَأَحَبَّهُ وَأَنَسَ بِهِ ، وَاطْمَأَنَّ إِلَيْهِ وَوَثِقَ بِهِ ، وَخَافَهُ وَرَجَاهُ وَاشْتَاتَقَ إِلَيْهِ ، وَوَافَقَهُ فِي حُكْمِهِ وَقَضَائِهِ وَرَضِيَ بِهِ . وَفِي الْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» ، فَإِنَّهُ يَقُولُ : اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَعْلَى وَأَجَلُّ مِنْ أَنْ يَعْلَمَ أَحَدٌ مَبْلَغَ كِرَامَتِهِ لِأَوْلِيَائِهِ ، وَعُقُوبَتِهِ لِأَعْدَائِهِ ، وَمَبْلَغَ عَفْوِهِ وَغُفْرَانِهِ وَنِعْمَتِهِ لِمَنْ أَجَابَهُ وَأَجَابَ رَسُولَهُ ، وَمَبْلَغَ عِذَابِهِ وَنَكَالِهِ وَهَوَانِهِ لِمَنْ أَنْكَرَهُ وَجَحَدَهُ . (٥)

١- بحار الأنوار : ج ٨٤ ص ٣٨٠ ح ٣٥ نقلًا عن العليل لمحمد بن علي بن إبراهيم .

٢- في المصدر : «إذا» ، والتصويب من معاني الأخبار .

٣- في معاني الأخبار : «نفي صفته وكيفيته» .

٤- أي التي في أواخر الأذان .

٥- التوحيد : ص ٢٣٨ ح ١ ، معاني الأخبار : ص ٣٨ ح ١ كلاهما عن يزيد بن الحسن عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام

امام علی علیه السلام در بیان معنای «خدا، بزرگ تر است» در «تکبیره الإحرام» (۱): یعنی او بزرگ تر از آن است که با پنجه ها (۲) (انگشتان) لمس گردد و با حواس، ادراک شود. معنای «خدا» هم همان است که گفتیم، یعنی کسی که چیزها را از مرز نیستی به هستی می آورد. و «بزرگ تر است»، یعنی بزرگ تر از آن است که در وصف آید.

امام حسین علیه السلام: در مسجد نشسته بودیم که مؤذن، بالای مناره رفت و گفت: «خدا، بزرگ تر است. خدا، بزرگ تر است». امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام گریست و ما هم با گریه او گریستیم. چون مؤذن، اذانش را تمام کرد، امام علیه السلام فرمود: «آیا می دانید مؤذن چه می گوید؟». گفتیم: خدا و پیامبرش و وصی او بهتر می دانند. فرمود: «اگر بدانید که او چه می گوید، هر آینه، کم می خندید و بسیار می گریید. جمله خدا، بزرگ تر است، معانی بسیار دارد، از جمله: گفته «خدا، بزرگ تر است» مؤذن، نشان از دیرینگی و ازلی بودن و ابدی بودن و دانش و نیرو و توانایی و بردباری و بزرگواری و بخشندگی و دهبش و کبریایی خداوند دارد. پس وقتی مؤذن می گوید: «خدا، بزرگ تر است»، در واقع می گوید: خدا، همان کسی است که آفرینش و فرمایش، ویژه اوست و با خواست او، آفرینش، صورت می پذیرد و هر چیزی، از آفرینش از او سر می زند و آفرینش، به او باز می گردد و او، نخستین است و پیش از هر چیزی، پیوسته بوده است و واپسین است و پس از هر چیزی، همواره خواهد بود و آشکار است و برتر (/ آشکارتر) از هر چیزی است و ادراک نمی شود، و نهان است و نهان تر از هر چیزی است و محدود نمی گردد. پس او ماناست و هر چیزی جز او، نابود شدنی است. معنای دوم «خدا، بزرگ تر است»، یعنی دانا و آگاه است، آنچه را بوده و آنچه را که بود شود، پیش از آن که بود گردد، می داند. معنای سوم «خدا، بزرگ تر است»؛ یعنی او بر هر چیزی تواناست. در آنچه بخواهد، توانایی دارد، به توان خویش، نیرومند است. بر آفریدگانش اقتدار دارد. نیرومندی اش، ذاتی اوست. قدرتش بر همه موجودات، سایه افکنده است و چون چیزی را اراده کند، فقط می فرماید: «هست شو!» و آن، [بی درنگ]، هست می شود. معنای چهارم «خدا، بزرگ تر است»؛ یعنی بردبار و بزرگوار است، چنان بردباری می ورزد که گویا نمی داند [گناه و معصیتی شده است]، و چنان گذشت می کند که گویا نمی بیند، و چنان می پوشاند که گویا اصلاً نافرمانی نمی شود، از سر بزرگواری و گذشت و بردباری، در کیفر دادن، شتاب نمی ورزد. معنای دیگر «خدا، بزرگ تر است»، یعنی بخشنده بی چشمداشت است، پُر داد و دهبش است، رفتارش بزرگوارانه است. معنای دیگر «خدا، بزرگ تر است»، نفی چگونگی از اوست. گویا [مؤذن] می گوید: خدا، بزرگ تر از آن است که وصف کنندگان، به اندازه اوصاف او که بدانها موصوف است، دست یابند. وصف کنندگان، در حقیقت، به فراخور [درک و گنجایش] خودشان، او را وصف می کنند، نه به فراخور بزرگی و شکوه او. خداوند، بسی برتر و بزرگ تر از آن است که وصف کنندگان، به اوصاف او برسند. معنای دیگر «خدا، بزرگ تر است»، این است که گویا [مؤذن] می گوید: خدا، برترین و شکوهمندترین است، از بندگانش بی نیاز است، به کردارهای بندگانش نیازی ندارد... گفته «خدا، بزرگ تر است» (۳) مؤذن، یعنی این که می گوید: خدا، برتر و بزرگ تر از آن است که احدی از آفریدگانش بداند چه ارج و پاداشی دارد نزد او، آن بنده ای که پاسخش دهد و از او و اولیای امر او فرمان ببرد و او را بشناسد و بندگی اش کند و به او و به یاد او سرگرم شود، و دوستش بدارد و با او همدم شود، و به او اطمینان و اعتماد کند، و از او بترسد و به او امید بندد و مشتاق او باشد، و فرمان و قضای او را بپذیرد و بدان، راضی باشد. در «خدا، بزرگ تر

است» دوم، می گوید: خدا، بزرگ تر و برتر و بشکوه تر از آن است که کسی بداند چه اندازه کرامت برای دوستانش و کیفر برای دشمنانش فراهم آورده است، و برای کسی که او را و پیامبرش را اجابت کند، چه مقدار بخشش و آمرزش و نعمت، و برای آن که او را انکار و نفی کند، چه اندازه عذاب و کیفر و خواری در نظر گرفته است.

۱- منظور از «تکبیره الاحرام» یا «تکبیره الافتتاح»، تکبیری است که نماز گزار با آن، وارد نماز می گردد. چون با این تکبیر، نماز آغاز می شود.

۲- شاید مراد از «اخماس»، حواس پنجگانه ظاهری باشد و مراد از «حواس»، «حواس باطنی».

۳- یعنی «الله اکبر»های آخر اذان.

الكافي عن ابن محبوب عمّن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :قالَ رَجُلٌ عِنْدَهُ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» ، فَقَالَ : اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَيْ شَيْءٍ؟ فَقَالَ : مِنْ كُلِّ شَيْءٍ . فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَيْدَرْتَهُ! فَقَالَ الرَّجُلُ : كَيْفَ أَقُولُ؟ قَالَ : قُلْ : اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يَوْصَفَ . (١)

١- الكافي : ج ١ ص ١١٧ ح ٨ ، التوحيد : ص ٣١٣ ح ١ ، معاني الأخبار : ص ١١ ح ٢ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢١٩ ح ٢ .

الكافی به نقل از ابن محبوب ، از کسی که نامش را برد : مردی در حضور امام صادق علیه السلام گفت : «خدا ، بزرگ تر است» . امام فرمود : «خدا ، بزرگ تر از چیست؟». مرد گفت : از هر چیزی . امام صادق علیه السلام فرمود : «او را محدود کردی!». مرد گفت : پس ، چه بگویم؟ فرمود : «بگو : خدا ، بزرگ تر از آن است که به وصف درآید» .

الكافي عن جميع بن عمير: قال أبو عبد الله عليه السلام: أَيُّ شَيْءٍ «اللَّهُ أَكْبَرُ»؟ فَقُلْتُ: اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ. فَقَالَ: وَكَانَ تَمَّ شَيْءٌ فَيَكُونُ أَكْبَرَ مِنْهُ؟ فَقُلْتُ: وَمَا هُوَ؟ قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يوصَفَ. (١)

١- الكافي: ج ١ ص ١١٨ ح ٩، التوحيد: ص ٣١٣ ح ٢ عن جميع بن عمرو، معاني الأخبار: ص ١١ ح ١، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٨ ح ١.

الكافی به نقل از جمیع بن عمیر: امام صادق علیه السلام فرمود: «خدا، بزرگ تر است، یعنی چه؟» گفتم: یعنی خدا، بزرگ تر از همه چیز است. فرمود: «مگر اساساً چیزی وجود دارد که خدا، بزرگ تر از آن باشد؟». گفتم: پس به چه معناست؟ فرمود: «[یعنی] خدا، بزرگ تر از آن است که وصف شود».

الفصل الثاني: فضل التكبير والحثّ عليها صلى الله عليه وآله: مَنْ عَلَى رَبِّي وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ... جَعَلْتُ لَكَ وَلِأُمَّتِكَ الْأَرْضَ كُلَّهَا مَسْجِدًا، وَتُرَابَهَا طَهُورًا، وَأَعْطَيْتُ لَكَ وَلِأُمَّتِكَ التَّكْبِيرَ، وَقَرَنْتُ ذِكْرَكَ بِذِكْرِي، حَتَّى لَا يَذْكُرَنِي أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِكَ إِلَّا ذَكَرَكَ مَعِ ذِكْرِي، طُوبَى لَكَ يَا مُحَمَّدُ وَلِأُمَّتِكَ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ كَبَّرَ تَكْبِيرَةً عِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ رَافِعًا صَوْتَهُ، أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ بِعَدَدِ كُلِّ قَطْرَةٍ فِي الْبَحْرِ عَشْرَ حَسَنَاتٍ، وَمَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ، وَرَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ، مَا بَيْنَ الدَّرَجَتَيْنِ مَسِيرَةٌ مِثْلُ مَسِيرَةِ مِثَّةٍ بِالْفَرَسِ الْمُسْرِعِ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ هَبَطَ وَاذِيًا فَقَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» مَلَأَ اللَّهُ الْوَادِيَّ حَسَنَاتٍ، فَلْيَعْظُمِ الْوَادِيَّ بُعْدًا أَوْ لِيَصْغُرْ. (٣)

المستدرک علی الصحیحین عن أبی سعید الخدری: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: اسْتَكَثِرُوا مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ. قِيلَ: وَمَا هُنَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْمَلَّةُ. قِيلَ: وَمَا هِيَ؟ قَالَ: التَّكْبِيرُ، وَالتَّهْلِيلُ، وَالتَّسْبِيحُ، وَالتَّحْمِيدُ، وَ«لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (٤)

- ١- الخصال: ص ٤٢٥ ح ١، علل الشرايع: ص ١٢٨ ح ٣، معاني الأخبار: ص ٥١ ح ١ كلها عن جابر بن عبد الله، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٩٣ ح ٢٧.
- ٢- المعجم الكبير: ج ١٩ ص ٢٩ ح ٦٢، حليه الأولياء: ج ٣ ص ١٢٥ كلاهما عن إياس بن معاوية بن قره عن أبيه عن جدّه، كنز العمال: ج ٤ ص ٣٣٥ ح ١٠٧٧١.
- ٣- المحاسن: ج ١ ص ١٠١ ح ٧٥ عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٩ ح ٤.
- ٤- المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٩٤ ح ١٨٨٩، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٥٠ ح ١١٧١٣ نحوه، مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ١٣٢ ح ١٣٧٩، كنز العمال: ج ١٥ ص ٩٥١ ح ٤٣٦٥٤.

فصل دوم: فضیلت «الله اکبر» گفتن و تشویق به آن

فصل دوم: فضیلت «الله اکبر» گفتن و تشویق به آنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پروردگرم بر من مَنّت نهاد و فرمود: «ای محمّد! ... همه زمین را برای تو و امتت، سجده گاه و خاک آن را پاک کننده، قرار دادم و به تو و امتت الله اکبر را عطا کردم و نام تو را در کنار نام خودم نهادم، تا این که هیچ یک از امت تو نام مرا نبرد، مگر آن که نام تو را با نام من، یاد کند. ای محمّد! خوشا به حال تو و امتت!». .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس هنگام غروب آفتاب، در کنار دریا، یک بار با صدای بلند «الله اکبر» بگوید، خداوند به تعداد هر قطره دریا، ده ثواب به او مزد می دهد و ده گناه از او پاک می کند و او را ده درجه بالا می برد که فاصله هر درجه تا درجه دیگر، صد سال راه است که با اسب تیزتگ، پیموده می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس وارد وادی ای شود و بگوید: «معبودی جز خدا نیست و خدا، بزرگ تر است»، خداوند، آن وادی را پُر از نیکی و ثواب می کند، خواه آن وادی بزرگ و دراز باشد یا کوچک.

المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابوسعید خُدری: پیامبر خدا فرمود: «ماند گارهای نیک خود را زیاد کنید». گفته شد: ماند گارهای نیک، چیستند ای پیامبر خدا؟ فرمود: «آیین». گفته شد: آیین چیست؟ فرمود: «[گفتن] الله اکبر، و لا إله إلا الله، و سبحان الله، و الحمد لله، و لا حول و لا قوّة إلا بالله». .

رسول الله صلى الله عليه وآله: ما كَبُرَ مُكَبَّرٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ، إِلَّا مَلَأَ تَكْبِيرُهُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا كَبَّرَ الْعَبْدُ سَتَرَتْ تَكْبِيرَتُهُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ مِنْ شَيْءٍ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: كَلِمَتَانِ إِحْدَاهُمَا لَيْسَ لَهَا نِهَائِيَّةٌ دُونَ الْعَرْشِ، وَالْأُخْرَى تَمَلَأُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: التَّسْبِيحُ نِصْفُ الْمِيزَانِ، وَالْحَمْدُ يَمَلُؤُهُ، وَالتَّكْبِيرُ يَمَلَأُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَالصَّوْمُ نِصْفُ الصَّبْرِ، وَالطَّهْوَرُ نِصْفُ الْإِيمَانِ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا قَالَ الْعَبْدُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: صِدَقَ عَبْدِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَأَنَا أَكْبَرُ . (٥)

- ١- .كنز العمال : ج ٥ ص ١٩ ح ١١٨٦٦ نقلاً عن أبي الشيخ عن أبي الدرداء .
- ٢- .تاريخ بغداد : ج ١١ ص ٨٦ عن أبي الدرداء ، كنز العمال : ج ٧ ص ٤٣٠ ح ١٩٦٣٧ .
- ٣- .المعجم الكبير : ج ٢٠ ص ١٦٠ ح ٣٣٤ عن معاذ بن جبل ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٢١ ح ١٧٩٨ .
- ٤- .سنن الترمذى : ج ٥ ص ٥٣٦ ح ٣٥١٩ ، مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٣٧ ح ٢٣١٣٥ وص ٤٢ ح ٢٣١٦٠ ؛ الجعفریات : ص ١٦٩ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الكافي : ج ٢ ص ٥٠٦ ح ٣ عن السكونى عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام ، الدعوات : ص ٥٤ ح ١٣٦ وفيهما إلى «والأرض» ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٧٥ ح ٢٢ .
- ٥- .سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٤٦ ح ٣٧٩٤ ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ٤٦ ح ٨ كلاهما عن أبي هريره وأبي سعيد الخدرى ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٥٥٨ ح ٤٢١٦٨ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ تکبیر گویی در خشکی و دریا تکبیر نگفت، مگر آن که تکبیر او میان آسمان و زمین را پُر کرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه بنده، تکبیر بگوید، تکبیر او هر چیزی را میان آسمان و زمین، فرو می پوشاند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو جمله اند که یکی از آنها را پایانی جز عرش نیست، و دیگری، بین آسمان و زمین را پُر می کند: «معبودی جز خدا نیست» و «خدا، بزرگ تر است».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «سبحان الله»، نیمی از ترازوی اعمال را می گیرد، و «الحمد لله»، آن را پُر می کند، و «الله أكبر»، از زمین تا آسمان را آکنده می سازد. روزه، نیمی از شکیبایی است و وضو، نیمی از ایمان است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه بنده بگوید: «معبودی جز خدا نیست، و خدا، بزرگ تر است»، خداوند عز و جل می فرماید: «بنده ام راست گفت. معبودی جز من نیست. من، بزرگ ترم [از آن که وصف شوم]».

المعجم الأوسط عن أبي هريره عن رسول الله صلى الله عليه وآله ما أهلَّ مُهَلِّ قَطُّ إِلَّا بُشِّرَ ، ولا كَبَّرَ مُكَبِّرٌ قَطُّ إِلَّا بُشِّرَ . قيل : يا رَسُولَ اللَّهِ ، بِالْجَنَّةِ؟ قَالَ : نَعَمْ . (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله ما كَبَّرَ الْحَاجُّ مِنْ تَكْبِيرِهِ وَلَا هَلَّلَ مِنْ تَهْلِيلِهِ ، إِلَّا بُشِّرَ بِهَا تَبَشَّرَةً . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله ما مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ : « لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ » إِلَّا أَعْتَقَ اللَّهُ رُبْعَهُ مِنَ النَّارِ ، فَإِنْ قَالَهَا مَرَّتَيْنِ أَعْتَقَ اللَّهُ شَطْرَهُ مِنَ النَّارِ ، فَإِنْ قَالَهَا ثَلَاثًا أَعْتَقَ اللَّهُ ثَلَاثَةَ أَرْبَاعِهِ مِنَ النَّارِ ، فَإِنْ قَالَهَا أَرْبَعًا أَعْتَقَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ . (٣)

الإمام علي عليه السلام فى قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ : « وَ أَلْزَمَهُمُ كَلِمَةَ التَّقْوَى » (٤) ، قَالَ : لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ . (٥)

الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام : أَكْثَرُوا مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ ، فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ . (٦)

الإمام الصادق عليه السلام : تَمَنُّ الْجَنَّةِ : لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ . (٧)

-
- ١- المعجم الأوسط : ج ٧ ص ٣٧٩ ح ٧٧٧٩ ، كنز العمال : ج ٥ ص ٧ ح ١١٨٠٦ .
 - ٢- تاريخ دمشق : ج ٥٢ ص ٤٧ ح ١٠٩٣٤ عن ابن عمر ، كنز العمال : ج ٥ ص ١٩ ح ١١٨٦٥ .
 - ٣- المعجم الأوسط : ج ٨ ص ٣٨٢ ح ٨٩٤١ ، مجمع الزوائد : ج ١٠ ص ٩٧ ح ١٦٨٣٣ ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٤٢ ح ١٩٠٩ كلاهما نقلًا عن المعجم الكبير نحوه وكلها عن أبي الدرداء .
 - ٤- الفتح : ٢٦ .
 - ٥- المستدرک على الصحيحين : ج ٢ ص ٥٠٠ ح ٣٧١٧ عن عبايه بن ربيع ، كنز العمال : ج ٢ ص ٥٠٥ ح ٤٦٠٤ .
 - ٦- الكافي : ج ٢ ص ٥٠٦ ح ٢ عن فضيل ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢١٩ ح ٣ .
 - ٧- الكافي : ج ٢ ص ٥١٧ ح ١ عن يعقوب القمى .

المعجم الأوسط به نقل از ابوهزیره: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ لا إله إلا الله گویی لا إله إلا الله نگفت، مگر آن که به او نوید داده شد، و هیچ تکبیر گویی، تکبیر نگفت، مگر آن که به او نوید داده شد». گفته شد: ای پیامبر خدا! نوید بهشت؟ فرمود: «آری».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای هر تکبیر و «لا إله إلا الله» که حاجی بگوید، یک نوید به او داده می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که بگوید: «معبودی جز خدا نیست و خدا، بزرگ تر است»، مگر آن که خداوند، یک چهارم او را از آتش می رَهاند، و اگر بار دوم آن را بگوید، خداوند، نیمی از او را از آتش می رَهاند، و اگر بار سوم بگوید، خداوند، سه چهارم او را از آتش می رَهاند، و اگر بار چهارم بگوید، خداوند، او را [به طور کامل] از آتش می رَهاند.

امام علی علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل: «و گفتار پرهیزگاری را ملازم آنان ساخت»: یعنی این گفته را که «معبودی جز خدا نیست و خدا، بزرگ تر است».

امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» را بسیار بگویید؛ زیرا هیچ چیز نزد خداوند عز و جل دوست داشتنی تر از «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» نیست.

امام صادق علیه السلام: بهای بهشت، «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» است.

الفصل الثالث: مواضع التكبير ٣ / الأذاترسول الله صلى الله عليه وآله لَمَا سَأَلَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ تَفْسِيرِ الْأَذَانِ : يَا عَلِيُّ ، الْأَذَانُ حُجَّةٌ عَلَى أُمَّتِي ، وَتَفْسِيرُهُ : إِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ : «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ» فَإِنَّهُ يَقُولُ : اللَّهُمَّ أَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَيَّ مَا أَقُولُ ، يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ قَدْ حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَتَهَيَّؤُوا ، وَدَعُوا عَنْكُمْ شُغْلَ الدُّنْيَا . (١)

راجع : موسوعه ميزان الحكمه : ج ٢ (الأذان) .

٣ / ٢ الصَّلاهُرسول الله صلى الله عليه وآله : لِكُلِّ شَيْءٍ صَفْوَةٌ ، وَصَفْوَةُ الصَّلَاةِ التَّكْبِيرَةُ الْأُولَى . (٢)

١- .جامع الأخبار : ص ١٧١ ح ٤٠٥ ، بحار الأنوار : ج ٨٤ ص ١٥٣ ح ٤٩ .

٢- .مسند أبي يعلى : ج ٥ ص ٤٢٢ ح ٦١١٧ عن أبي هريره ، حليه الأولياء : ج ٥ ص ٦٧ عن عبد الله بن أبي أوفى ، كنز العمال : ج ٧ ص ٢٩٢ ح ١٨٩٣٧ نقلًا عن شعب الإيمان .

فصل سوم: جایگاه های گفتن «الله أكبر»

۳ / ۱ اذان

۳ / ۲ نماز

فصل سوم: جایگاه های گفتن «الله أكبر» ۳ / ۱ اذان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ پرسش امیر مؤمنان در باره تفسیر اذان : ای علی! اذان ، حجت [خدا] بر امت من است و تفسیر آن ، این است که : هر گاه مؤذن گفت : «خدا ، بزرگ تر است ؛ خدا ، بزرگ تر است» ، بدان وسیله می گوید : بار خدایا! تو خود بر آنچه می گویم ، گواهی . ای امت محمد! وقت نماز ، رسیده است . پس آماده شوید و کار دنیا را رها کنید .

ر . ک : دانش نامه میزان الحکمه : ج ۲ (اذان) .

۳ / ۲ نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر چیزی ، خلاصه و گزیده ای دارد و خلاصه نماز ، نخستین تکبیر است .

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ أَنْفَهُ (١)، وَإِنَّ أَنْفَهُ الصَّلَاةِ التَّكْبِيرَةُ الْأُولَى، فَحَافِظُوا عَلَيْهَا. (٢)

علل الشرائع عن هشام بن الحكم عن الإمام الكاظم عليه السلام، قال: قُلْتُ لَهُ: لَأَيِّ عِلَّةٍ صَارَ التَّكْبِيرُ فِي الْإِفْتِتَاحِ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ أَفْضَلَ؟ وَلَأَيِّ عِلَّةٍ يُقَالُ فِي الرُّكُوعِ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»، وَيُقَالُ فِي السُّجُودِ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ»؟ قال: يا هِشَامُ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ السَّمَاوَاتِ سَبْعًا، وَالْأَرْضِينَ سَبْعًا، وَالْحُجُبَ سَبْعًا، فَلَمَّا أُسْرِيَ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَانَ مِنْ رَبِّهِ كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، رُفِعَ لَهُ حِجَابٌ مِنْ حُجُبِهِ، فَكَبَّرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَعَلَ يَقُولُ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تُقَالُ فِي الْإِفْتِتَاحِ، فَلَمَّا رُفِعَ لَهُ الثَّانِي كَبَّرَ، فَلَمْ يَزَلْ كَذَلِكَ حَتَّى بَلَغَ سَبْعَ (٣) حُجُبٍ، وَكَبَّرَ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ، لِتِلْكَ الْعِلَّةِ يُكَبَّرُ فِي الْإِفْتِتَاحِ فِي الصَّلَاةِ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ. فَلَمَّا ذَكَرَ مَا رَأَى مِنْ عَظَمَةِ اللَّهِ ارْتَعِدَتْ فَرَائِضُهُ، فَابْتَرَكَ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَأَخَذَ يَقُولُ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»، فَلَمَّا اعْتَدَلَ مِنْ رُكُوعِهِ قَائِمًا نَظَرَ إِلَيْهِ فِي مَوْضِعٍ أَعْلَى مِنْ ذَلِكَ الْمَوْضِعِ، حَرَّ عَلَى وَجْهِهِ وَجَعَلَ يَقُولُ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ»، فَلَمَّا قَالَ سَبْعَ مَرَّاتٍ سَكَنَ ذَلِكَ الرَّعْبُ، فَلِذَلِكَ جَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ. (٤)

الإمام الرضا عليه السلام فيما رواه عنه الفضل بن شاذان من عِلَلِ الْفَرَائِضِ: إِنْ قَالَ [قَائِلٌ]: فَلِمَ جُعِلَتِ التَّكْبِيرُ فِي الْإِسْتِفْتِاحِ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ؟ قِيلَ: إِنَّمَا جُعِلَ ذَلِكَ لِأَنَّ التَّكْبِيرَ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى الَّتِي هِيَ الْأَصْلُ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ: تَكْبِيرَةُ الْإِسْتِفْتِاحِ، وَتَكْبِيرَةُ الرُّكُوعِ، وَتَكْبِيرَتَانِ لِلسُّجُودِ، وَتَكْبِيرَةُ أَيْضًا لِلرُّكُوعِ، وَتَكْبِيرَتَانِ لِلسُّجُودِ؛ فَإِذَا كَبَّرَ الْإِنْسَانُ أَوَّلَ الصَّلَاةِ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ فَقَدْ أَحْرَزَ التَّكْبِيرَ كُلَّهُ، فَإِنْ سَهَا فِي شَيْءٍ مِنْهَا أَوْ تَرَكَهَا لَمْ يَدْخُلْ عَلَيْهِ نَقْصٌ فِي صِلَاتِهِ... فَإِنْ قَالَ: فَلِمَ يَرْفَعُ الْيَدَيْنِ فِي التَّكْبِيرِ؟ قِيلَ: لِأَنَّ رَفْعَ الْيَدَيْنِ هُوَ ضَرْبٌ مِنَ الْإِيْتِهَالِ وَالتَّبْتُلِ وَالتَّضَرُّعِ، فَأَحَبُّ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ أَنْ يَكُونَ الْعَبْدُ فِي وَقْتِ ذِكْرِهِ لَهُ مُتَبَتِّلًا مُتَضَرِّعًا مُبْتَهَلًا، وَلِأَنَّ فِي رَفْعِ الْيَدَيْنِ إِحْضَارَ النَّيِّهِ، وَإِقْبَالَ الْقَلْبِ عَلَى مَا قَالَ وَقَصْدَهُ. (٥)

١- أنفه الشيء: ابتدأه، هكذا روى بضم الهمزة، قال الهروي: والصحيح بالفتح (النهاية: ج ١ ص ٧٥ «أنف»).

٢- المصنّف لابن أبي شيبة: ج ١ ص ٣٤٠ ح ٣ عن أبي الدرداء، كثر العمّال: ج ٧ ص ٤٣٠ ح ١٩٦٣٥.

٣- كذا في جميع المصادر، والقياس: «سبعة».

٤- علل الشرائع: ص ٣٣٢ ح ٤، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٣١٤، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٣٥٥ ح ٤.

٥- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ١٠٨ ح ١، علل الشرايع: ص ٢٦١ ح ٩ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٣٦٢ ح ١٥.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر چیزی ، آغازی دارد و آغاز نماز ، نخستین تکبیر است . پس آن را پاس بدارید .

علل الشرائع به نقل از هشام بن حکم : به امام کاظم علیه السلام گفتم : به چه علت ، گفتن هفت تکبیر در آغاز نماز ، فضیلت بیشتری دارد؟ و به چه علت ، در رکوع گفته می شود : «پاکا پروردگار بزرگ من و ستایش ، او را!» ، و در رکوع ، گفته می شود : «پاکا پروردگار برین من و ستایش ، او را!» ؟ فرمود : ای هشام! خداوند تبارک و تعالی آسمان را هفت تا آفرید و زمین را هفت تا و حجاب ها را هفت تا . شبی که پیامبر صلی الله علیه و آله به معراج رفت و تا یک قدمی و بلکه کمتر از آن به پروردگارش نزدیک شد ، یکی از حجاب ها برایش کنار زده شد . پیامبر خدا ، تکبیر گفت و شروع به گفتن کلماتی کرد که در آغاز [نماز] گفته می شود . چون حجاب دوم برایش کنار زده شد ، باز تکبیر گفت و همین طور تا کنار زده شدن هفت حجاب ، هفت تکبیر گفت . به همین علت ، در آغاز نماز ، هفت تکبیر گفته می شود . چون آنچه را که از عظمت خدا دید ، یاد آور شد ، لرزه بر اندامش افتاد و به زانو درآمد و شروع به گفتن «پاکا پروردگار بزرگ من و ستایش ، او را!» کرد و چون از رکوعش راست شد و ایستاد ، خداوند را در جایگاهی برتر و بالاتر از آن جایگاه [قبل] دید . پس به رو ، در افتاد و شروع کرد به گفتن «پاکا پروردگار برین من و ستایش ، او را!» . چون هفت مرتبه گفت ، آن وحشت ، فرو نشست . و این ، سنت [و قاعده] شد .

امام رضا علیه السلام در بیان علل واجبات ، به نقل از فضل بن شاذان : اگر گوینده ای گفت : «چرا تکبیرهای هفتگانه ، در آغاز [نماز] مقرر گشته است؟» . پاسخ داده می شود که : این هفت تکبیر ، مقرر شده است ، چون در رکعت اول نماز که اصل است ، هفت تکبیر گفته می شود : تکبیر آغازین (تکبیره الإحرام) ، تکبیر [قبل از] رکوع ، دو تکبیر سجده [ی اول] ، یکی قبل از آن و یکی بعد از آن] ، تکبیر دیگری برای رکوع [پس از برخاستن از رکوع] ، دو تکبیر دیگر برای سجده [ی دوم] ، یکی قبل و یکی بعد از آن] . پس هرگاه انسان در آغاز نماز ، هفت تکبیر بگوید ، همه تکبیرات [نماز] را به جا آورده است . از این رو ، اگر یکی از آنها را فراموش کرد یا ترک نمود ، نقصی در نمازش وارد نمی شود ... اگر [گوینده ای] گفت : «چرا در هنگام گفتن تکبیر ، نمازگزار دست ها را بلند می کند؟» ، پاسخ داده می شود که : چون بلند کردن دست ها ، نوعی التماس و درخواست و زاری کردن است ، پس خداوند عز و جل دوست دارد که بنده ، در هنگام نیایش و یادکرد او به حال زاری و التماس و درخواست باشد ، علت دیگر آن است که در بالا- بردن دست ها ، حضور ذهن و روی کردن دل است به آنچه می گوید و آهنگ آن کرده است .

سنن الدارمی عن عبد الله بن مسعود: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُكَبِّرُ فِي كُلِّ رَفْعٍ وَوَضْعٍ ، وَقِيَامٍ وَقُعُودٍ . (١)

٣ / ٣ الجهادُ رسول الله صلى الله عليه وآله : ثَلَاثَةٌ أَصْوَاتٍ يُبَاهِي اللَّهُ بِهِنَّ الْمَلَائِكَةَ : الْأَذَانَ ، وَالتَّكْبِيرُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَرَفْعُ الصَّوْتِ بِالتَّلْبِيَةِ . (٢)

المناقب لابن شهر آشوب عن ابن عباس : كَانَ جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسًا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ يَمِينِهِ إِذْ أَقْبَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَضَحِكَ جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ ، هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قَدْ أَقْبَلَ . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا جَبْرَيْلُ ، وَأَهْلُ السَّمَاوَاتِ يَعْرِفُونَهُ؟ قَالَ : يَا مُحَمَّدُ ، وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا ، إِنَّ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ لَأَشَدُّ مَعْرِفَةً لَهُ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ ، مَا كَبَّرَ تَكْبِيرَةً فِي غَزْوَةٍ إِلَّا كَبَّرْنَا مَعَهُ ، وَلَا حَمَلَ حَمَلَةً إِلَّا حَمَلْنَا مَعَهُ ، وَلَا ضَرَبَ بِسَيْفٍ إِلَّا ضَرَبْنَا مَعَهُ . (٣)

١- سنن الدارمی : ج ١ ص ٣٠٢ ح ١٢٢٩ ، سنن النسائي : ج ٢ ص ٢٣٣ ، مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٤٧ ح ٣٧٣٦ ، كنز العمال : ج ٨ ص ٢٢٢ ح ٢٢٦٥٨ .

٢- الجامع الصغير : ج ١ ص ٥٣٨ ح ٣٤٩٢ ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٨١٤ ح ٤٣٢٣٧ كلاهما نقلًا عن ابن النجار والفردوس عن جابر .

٣- المناقب لابن شهر آشوب : ج ٢ ص ٢٣٥ ، بحار الأنوار : ج ٣٩ ص ٩٨ ح ١٠ .

جهد ۳ / ۳

سنن الدارمی به نقل از عبد الله بن مسعود: پیامبر خدا را دیدم که در هر برداشتن و نهادنی، و هر برخاست و نشستی، تکبیر می گفت.

۳ / ۳ جهاد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه بانگ است که خداوند، به آنها بر فرشتگان، مباحثات می کند: اذان، تکبیر گفتن در راه خدا [جهاد]، و بلند کردن صدا به لئیک گویی [در حج].

المناقب، ابن شهر آشوب به نقل از ابن عباس: جبرئیل علیه السلام در سمت راست پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود که امیر مؤمنان، نمایان شد. جبرئیل علیه السلام خندید و گفت: ای محمد! این، علی بن ابی طالب است که می آید. پیامبر خدا فرمود: «ای جبرئیل! اهل آسمان ها هم او را می شناسند؟». جبرئیل علیه السلام گفت: ای محمد سوگند به آن که تو را به حق پیامبر کرد، اهل آسمان ها بیشتر از اهل زمین، او را می شناسند. در هیچ نبردی تکبیری نگفت، مگر آن که ما نیز هم صدا با او تکبیر گفتیم، و هیچ یورش نبرد، مگر آن که ما نیز همراه با او یورش بردیم، و هیچ شمشیری نزد، مگر آن که ما نیز با او ضربت زدیم.

المناقب لابن شهر آشوب عن ابن عباس في نقل ما رأى رسول الله صلى الله عليه وآله ليلة المعراج: ثُمَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَرَأَى مَا فِيهَا ، وَسَمِعَ صَوْتًا : آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ، قَالَ : هُوَ لَأَيِّ سَيِّحَرَهُ فِرْعَوْنَ . وَسَمِعَ : لَيْبِكَ اللَّهُمَّ لَيْبِكَ ، قَالَ : هُوَ لَأَيِّ الْحُجَّاجِ . وَسَمِعَ التَّكْبِيرَ ، فَقَالَ : هُوَ لَأَيِّ الْغُزَاهُ . وَسَمِعَ التَّسْبِيحَ ، قَالَ : هُوَ لَأَيِّ الْأَنْبِيَاءِ . (١)

٣ / ١٤ الظَّفَرُ الْمَغَازِي فِي أَخْبَارِ غَزْوِهِ أُحُدٍ : وَصَاحَ طَلْحَةُ بْنُ أَبِي طَلْحَةَ : مَنْ يُبَارِزُ؟ فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : هَلْ لَكَ فِي الْبِرَازِ؟ قَالَ طَلْحَةُ : نَعَمْ . فَبَرَزَا بَيْنَ الصَّفَيْنِ وَرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسٍ تَحْتَ الزَّايَةِ ؛ عَلَيْهِ دِرْعَانٌ وَمِغْفَرٌ وَبَيْضَةٌ ، فَالْتَقِيَا ، فَيَدِرُهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَضْرَبَهُ عَلَى رَأْسِهِ ، فَمَضَى السَّيْفُ حَتَّى فَلَقَ هَامَتَهُ حَتَّى انْتَهَى إِلَى لِحْيَتِهِ ، فَوَقَعَ طَلْحَةُ وَأَنْصَرَفَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ . فَقِيلَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَلَا دَفَّتَ (٢) عَلَيْهِ؟ قَالَ : إِنَّهُ لَمَّا صُرِعَ اسْتَقْبَلْتَنِي عَوْرَتُهُ ، فَعَطَفَنِي عَلَيْهِ الرَّحْمُ ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيَقْتُلُهُ ؛ هُوَ كَبَشُ الْكِنْيَةِ . . . فَلَمَّا قُتِلَ طَلْحَةُ سَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَطَهَرَ التَّكْبِيرَ ، وَكَبَّرَ الْمُسْلِمُونَ . (٣)

١- المناقب لابن شهر آشوب: ج ١ ص ١٧٨، بحار الأنوار: ج ١٨ ص ٣٨٢ ح ٨٦.

٢- تذييف الجريح: الإجهاز عليه وتحرير قتله (النهاية: ج ٢ ص ١٦٢ «ذفف»).

٣- المغازي: ج ١ ص ٢٢٥؛ بحار الأنوار: ج ٢٠ ص ١٢٧ ح ٥٠.

۳ / ۴ کسب پیروزی

المناقب ، ابن شهر آشوب از ابن عباس در نقل آنچه پیامبر خدا در شب معراج دید : سپس وارد بهشت شد و آنچه را در آن بود ، دید و آوازی شنید که می گوید : «به پروردگار جهانیان ، ایمان آوردیم» . [خداوند] فرمود : «اینها جادوگرانِ فرعون اند» و آوازی شنید که می گوید : «لَبَّيْكَ! بار خدایا ، لَبَّيْكَ!» . فرمود : «اینان ، حج گزاران اند» و تکبیری شنید . [خداوند] فرمود : «اینان ، رزمندگان اند» و آواز تسبیح شنید . [خداوند] فرمود : «اینان ، پیامبران اند» .

۳ / ۴ کسب پیروزیالمغازی در اخبار نبرد اُحد : طلحه بن ابی طلحه ، فریاد زد و مبارز طلبید . علی علیه السلام فرمود : «مبارز می خواهی؟» . طلحه گفت : آری . آن دو به میدان آمدند . پیامبر خدا ، در زیر پرچم ، نشسته بود . علی علیه السلام دو زره و کلاه خودی بر تن داشت . علی علیه السلام و طلحه ، رو یا روی شدند . علی علیه السلام پیش دستی کرد و ضربتی بر سرِ طلحه فرود آورد که شمشیر ، فرق سر او را تا چانه اش شکافت . طلحه بر زمین افتاد و علی علیه السلام باز گشت . به علی علیه السلام گفته شد : چرا کار او را تمام نکردی؟ فرمود : «چون بر زمین افتاد ، عورتش را به من نمود . دلم بر او رحم آمد و دانستم که خداوند تبارک و تعالی به زودی او را می کشد . او ، قوچ سپاه بود ...» . چون طلحه کشته شد ، پیامبر خدا ، شادمان شد و تکبیر گفت و مسلمانان ، تکبیر گفتند .

مجمع البيان: قال الزُّهْرِيُّ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ سَأَلُوهُ [بَنُو قُرَيْظَةَ] أَنْ يُحَكِّمَ فِيهِمْ رَجُلًا: اخْتَارُوا مَنْ شِئْتُمْ مِنْ أَصْحَابِي، فَاخْتَارُوا سَعِيدَ بْنَ مَعَاذٍ، فَرَضِيَتْ بِجَدِّكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ فَتَزَلُّوا عَلَى حُكْمِ سَعِيدِ بْنِ مَعَاذٍ. فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِسَلَاحِهِمْ فَجُعِلَ فِي قُبَّهِ، وَأَمَرَ بِهِمْ فَكُتِفُوا وَأُوثِقُوا وَجُعِلُوا فِي دَارِ أُسَامَةَ، وَبَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى سَعِيدِ بْنِ مَعَاذٍ فَجِيءَ بِهِ، فَحَكَّمَهُ فِيهِمْ بِأَنْ يَقْتُلَ مُقَاتِلِيَهُمْ، وَتُسَبِّ ذُرَارِيَهُمْ وَنِسَاءَهُمْ، وَتُغْنَمَ أَمْوَالُهُمْ، وَأَنْ عِقَارَهُمْ لِلْمُهَاجِرِينَ دُونَ الْأَنْصَارِ، وَقَالَ لِلْأَنْصَارِ: إِنَّكُمْ ذُوو عِقَارٍ وَلَيْسَ لِلْمُهَاجِرِينَ عِقَارٌ. فَكَبَّرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ لِسَعِيدٍ: لَقَدْ حَكَمْتَ فِيهِمْ بِحُكْمِ اللَّهِ عِزُّو جَلُّو. (١)

٣ / ٥ لَيْلَةُ الزُّفَافِ كِتَابٌ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ: لَمَّا زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ... فَلَمَّا كَانَتْ لَيْلَةُ الزُّفَافِ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِبَغْلَتِهِ الشَّهْبَاءِ، وَتَنَى عَلَيْهَا قَطِيفَةً (٢)، وَقَالَ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ: إِرْكَبِي، وَأَمَرَ سَلِمَانَ أَنْ يَقُودَهَا، وَالنَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسُوقُهَا، فَبَيْنَا هُوَ فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ، إِذْ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَبَةً (٣)؛ فَإِذَا هُوَ بِجَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا، وَمِيكَائِيلَ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا أَهْبَطَكُمْ إِلَى الْأَرْضِ؟ قَالُوا: جِئْنَا نَزْفُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ إِلَى زَوْجِهَا، وَكَبَّرَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَكَبَّرَ مِيكَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَكَبَّرَتِ الْمَلَائِكَةُ، وَكَبَّرَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَوَضِعَ التَّكْبِيرُ عَلَى الْعَرَائِسِ مِنْ تِلْكَ اللَّيْلَةِ. (٤)

١- مجمع البيان: ج ٨ ص ٥٥٢، بحار الأنوار: ج ٢٠ ص ٢١١.

٢- القَطِيفَةُ: كِسَاءٌ لَهُ حَمْلٌ (النَّهَائِيَّةُ: ج ٤ ص ٨٤ «قطف»).

٣- الْوَجْبَةُ: السَّقَطَةُ مَعَ الْهَدَّةِ (الصَّحَاحُ: ج ١ ص ٢٣٢ «وجب»).

٤- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٤٠١ ح ٤٤٠٢، الأُمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ: ص ٢٥٥ ح ٤٦٤ عن موسى بن إبراهيم المروزي عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدِّه عليهم السلام عن جابر بن عبد الله، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٤٥٢ ح ١٥٤٧، بحار الأنوار: ج ٤٣ ص ١٠٤ ح ١٥.

مجمع البیان: زُهری می گوید: هنگامی که بنی قریظه از پیامبر خدا خواستند که یک نفر را در باره آنان، حکم قرار دهد. فرمود: «هر یک از یاران مرا که خود می خواهید، انتخاب کنید». آنها سعد بن مُعاذ را انتخاب کردند. پیامبر خدا هم قبول کرد. بنی قریظه به داوری سعد بن مُعاذ، تن دادند. پیامبر خدا، دستور داد سلاح های آنها را گرفتند و در سرا پرده ای نهادند و فرمود تا دست های آنها را از پشت، بستند و به خانه اُسامه بردند. آن گاه، پیامبر خدا، در پی سعد بن مُعاذ فرستاد و او را آوردند. سعد حکم کرد که جنگجویانشان، کشته و زنان و فرزندانشان، اسیر شوند و اموالشان، به غنیمت گرفته شود و املاکشان، به مهاجران داده شود و به انصار، چیزی داده نشود. به انصار گفت: شما زمین دارید و مهاجران، زمینی ندارند. پیامبر خدا، تکبیر گفت و به سعد فرمود: «تو در باره آنها به حکم خداوند عز و جل حکم کردی».

۳ / ۵ شب عروسی کتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از جابر بن عبد الله انصاری: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را به همسری علی علیه السلام در آورد ... ، شب زفاف که شد، استر خاکستری اش را آورد و روانداز مخملی خویش را بر پشت آن انداخت و به فاطمه علیها السلام فرمود: «سوار شو» و به سلمان، دستور داد که افسار آن را بکشد و خود پیامبر صلی الله علیه و آله آن را می راند. در بین راه، صدای فرو افتادن چیزی را شنید. جبرئیل و میکائیل علیهما السلام بودند که هر یک با هفتاد هزار [فرشته] فرود آمدند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چه باعث شد که به زمین فرود بیایید؟». گفتند: آمده ایم که فاطمه علیها السلام را به خانه شوهرش ببریم. جبرئیل و میکائیل علیهما السلام فرشتگان، تکبیر گفتند و محمد صلی الله علیه و آله تکبیر گفت. از آن شب، تکبیر گفتن در عروسی ها رسم شد.

الإمام الباقر عليه السلام: حَدَّثَنِي جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ، قَالَ: لَمَّا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الَّتِي أَهْدَى فِيهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ إِلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامَ، دَعَا بِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامَ فَأَجْلَسَهُ عَنْ يَمِينِهِ، وَدَعَا بِهَا عَلَيْهَا السَّلَامَ فَأَجْلَسَهَا عَنْ شِمَالِهِ، ثُمَّ جَمَعَ رَأْسَيْهِمَا، ثُمَّ قَامَ وَقَامَا وَهُوَ بَيْنَهُمَا يُرِيدُ مَنَزِلَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامَ، فَكَبَّرَ جَبْرَائِيلُ فِي الْمَلَائِكَةِ، فَسَمِعَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ التَّكْبِيرَ فَكَبَّرَ، وَكَبَّرَ الْمُسْلِمُونَ، وَهُوَ أَوَّلُ تَكْبِيرٍ كَانَ فِي زِفَافٍ، فَصَارَتْ سُنَّةً. (١)

٣ / ١٦ الأعياد الكتاب «وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ». (٢)

الحديث الكافي عن سعيد النقاش: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِي: أَمَا إِنَّ فِي الْفِطْرِ تَكْبِيرًا وَلَكِنَّهُ مَسْتَوْرٌ، قَالَ: قُلْتُ: وَأَيْنَ هُوَ؟ قَالَ: فِي لَيْلَةِ الْفِطْرِ فِي الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ، وَفِي صِيَّالَةِ الْفَجْرِ، وَفِي صِيَّالَةِ الْعِيدِ، ثُمَّ يَقْطَعُ. قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ أَقُولُ؟ قَالَ: تَقُولُ: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا»، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ» يَعْنِي الصِّيَامَ «وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ». (٣)

١- دلائل الإمامة: ص ١٠٢ ح ٣١ عن علي بن مهدي عن الإمام الرضا عن أبيه عن جدّه عليهم السلام.

٢- البقره: ١٨٥.

٣- الكافي: ج ٤ ص ١٦٦ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٣٨ ح ٣١١، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ١٦٧ ح ٢٠٣٤ وفيهما «مسنون» بدل «مستور»، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ١١٦ ح ٢.

امام باقر علیه السلام: جابر بن عبد الله انصاری برایم چنین نقل کرد: شبی که پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را به خانه علی علیه السلام برد، علی علیه السلام را صدا زد و او را در سمت راست خود، نشانید و فاطمه علیها السلام را نیز صدا زد و در سمت چپ خود نشانید. سپس سرهای آن دو را به هم چسباند. آن گاه، هر سه برخاستند و در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله در بین آن دو بود، ره سپار خانه علی علیه السلام شدند. جبرئیل علیه السلام در میان فرشتگان، آواز تکبیر سر داد پیامبر صلی الله علیه و آله صدای تکبیر را شنید و تکبیر گفت و مسلمانان هم تکبیر گفتند. این، نخستین تکبیری بود که در یک شب زفاف گفته شد و از آن پس، رسم شد.

۳ / ۶ اعیاد قرآن «و تا شماره [ی مقرر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آن که هدایتان کرد، به بزرگی بستایید، و باشد که سپاس گزاری کنید».

حدیث الکافی به نقل از سعید نقاش: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «[عید] فطر، تکبیر دارد؛ اما پوشیده (/ مستحب) است». گفتم: وقتش کی است؟ فرمود: «پس از نماز مغرب و عشاء شب [عید] فطر و پس از نماز صبح و در نماز عید. سپس قطع می شود». گفتم: چگونه بگویم؟ فرمود: «می گویی: بزرگا خدا، بزرگا خدا! معبودی جز خدا نیست. بزرگا خدا، بزرگا خدا، و ستایش، خدای را! بزرگا خدا که ما را هدایت فرمود!، و این [تکبیر]، سخن خداوند عز و جل است که: «و تا مدت را کامل گردانید»، یعنی روزه را «و خدا را برای آن که شما را هدایت فرمود، به بزرگی یاد کنید»».

رسول الله صلى الله عليه وآله: زَيْنُوا أعيَادَكُمْ بِالتَّكْبِيرِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: زَيْنُوا العِيدِينَ بِالتَّهْلِيلِ وَالتَّقْدِيسِ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّكْبِيرِ . (٢)

سنن ابن ماجه عن سعد المؤذن: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُكَبِّرُ بَيْنَ أَضْعَافِ (٣) الْخُطْبَةِ ، يُكَثِّرُ التَّكْبِيرَ فِي خُطْبَةِ العِيدِينَ . (٤)

شعب الإيمان عن عبد الله: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَخْرُجُ مِنَ العِيدِينَ رَافِعًا صَوْتَهُ بِالتَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ . (٥)

المستدرک علی الصحیحین عن عبد الله بن عمر: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يُكَبِّرُ يَوْمَ الفِطْرِ مِنْ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ حَتَّى يَأْتِيَ المُصَلِّيَ . (٦)

الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يُكَبِّرُ لَيْلَةَ الفِطْرِ إِلَى أَنْ يَرِدَ المُصَلِّيَ . (٧)

١- المعجم الأوسط: ج ٤ ص ٣٣٩ ح ٤٣٧٣ ، المعجم الصغير: ج ١ ص ٢١٥ كلاهما عن أبي هريره ، كنز العمال: ج ٨ ص ٥٤٦ ح ٢٤٠٩٤ .

٢- حليه الأولياء: ج ٢ ص ٢٨٨ عن أنس ، كنز العمال: ج ٨ ص ٥٤٦ ح ٢٤٠٩٥ .

٣- أضعاف: أثناء (القاموس المحيط: ج ٣ ص ١٦٥ «ضعف»).

٤- سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٤٠٩ ح ١٢٨٧ ، المستدرک علی الصحیحین: ج ٣ ص ٧٠٣ ح ٦٥٥٤ ، كنز العمال: ج ٧ ص ٨٩ ح ١٨١٠٣ .

٥- شعب الإيمان: ج ٣ ص ٣٤٢ ح ٣٧١٤ ، كنز العمال: ج ٧ ص ٨٨ ح ١٨١٠١ عن عبد الله بن عمر .

٦- المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٤٣٨ ح ١١٠٥ ، السنن الكبرى: ج ٣ ص ٣٩٥ ح ٦١٣١ ، كنز العمال: ج ٧ ص ٨٩ ح ١٨١٠٤ .

٧- النوادر للراوندى: ص ١٩٧ ح ٣٦٧ عن الإمام الصادق عليه السلام ، الجعفریات: ص ٤٦ عن الإمام الكاظم عن أبيه عنه عليهم السلام وفيه «حتى يغدو» بدل «إلى أن يرد» وليس فيه «على صلوات الله عليه» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عیدهایتان را با تکبیر، زینت ببخشید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو عید [فطر و قربان] را با ذکرهای «لا إله إلا الله» و «سبحان الله» و «الحمد لله» و «الله أكبر» بیاراید .

سنن ابن ماجه به نقل از سعد مؤذن: پیامبر صلی الله علیه و آله به طور کلی در اثنای خطبه، تکبیر می گفت؛ ولی در خطبه دو عید، بسیار تکبیر می گفت .

شعب الایمان به نقل از عبد الله: پیامبر خدا، دو عید را با سردادن بانگ «لا إله إلا الله» و «الله أكبر»، پشت سر می نهاد .

المستدرک علی الصحیحین به نقل از عبد الله بن عمر: پیامبر خدا، در روز [عید] فطر، از زمانی که از خانه اش بیرون می آمد تا به نمازگاه می رسید، پیوسته تکبیر می گفت .

امام باقر علیه السلام: علی که درودهای خدا بر او باد، در شب [عید] فطر، تا زمانی که وارد نمازگاه می شد، تکبیر می گفت .

كتاب من لا يحضره الفقيه: حَظَبَ أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام في عيدِ الأضحى ، فَقَالَ : اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ ، لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا ، وَلَهُ الشُّكْرُ فِيمَا أَوْلَانَا ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمِهِ الْأَنْعَامِ . وَكَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَبْدَأُ بِالتَّكْبِيرِ إِذَا صَلَّى الظُّهْرَ مِنْ يَوْمِ النَّحْرِ ، وَكَانَ يَقْطَعُ التَّكْبِيرَ آخِرَ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ عِنْدَ الْغَدَاةِ ، وَكَانَ يُكَبِّرُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ فَيَقُولُ : اللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ ، لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ . فَإِذَا انْتَهَى إِلَى الْمُصَلِّي تَقَدَّمَ فَصَلَّى بِالنَّاسِ بِغَيْرِ أَذَانٍ وَلَا- إِقَامَةٍ ، فَإِذَا فَرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ صَلَّى بِعَدِّ الْمِثْبَرِ ، ثُمَّ يَبْدَأُ فَقَالَ : اللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ زِنَةَ عَرْشِهِ وَرِضَى نَفْسِهِ ، وَعِيدَدَ قَطْرِ سَمَائِهِ وَبِحَارِهِ ، لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَتَّى يَرْضَى ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا مُتَّكِبًا ، وَإِلَهَا مُتَّعِزًّا ، وَرَحِيمًا مُتَّحِنًّا ، يَعْفُو بَعْدَ الْقَدْرَةِ ، وَلَا- يَقْتَرِطُ مِنْ رَحْمَتِهِ إِلاَّ الضَّالُّونَ ، اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا ، وَلَا- إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ كَثِيرًا ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ حَنَا قَدِيرًا . (١)

الكافي عن زراره: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : التَّكْبِيرُ فِي أَيَّامِ التَّشْرِيقِ فِي دُبُرِ الصَّلَوَاتِ؟ فَقَالَ : التَّكْبِيرُ بِيَمِينِي فِي دُبُرِ خَمْسَ عَشْرَةَ (٢) صَلَاةً ، وَفِي سَائِرِ الْأَمْصَارِ فِي دُبُرِ عَشْرِ صَلَوَاتٍ ، وَأَوَّلُ التَّكْبِيرِ فِي دُبُرِ صَلَاةِ الظُّهْرِ يَوْمَ النَّحْرِ ؛ يَقُولُ فِيهِ : اللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ ، لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمِهِ الْأَنْعَامِ . (٣)

- ١- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥١٧ ح ١٤٨٣ وح ١٤٨٤ ، مصباح المتهجد: ص ٦٦٢ ح ٧٣٠ عن عبد الرحمن بن جندب عن أبيه نحوه ، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٩٩ ح ٤ .
- ٢- في المصدر: «خمس عشر» ، وما أثبتناه هو الصحيح كما في بحار الأنوار .
- ٣- الكافي: ج ٤ ص ٥١٦ ح ٢ ، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٣٩ ح ٣١٣ وح ٥ ص ٢٦٩ ح ٩٢١ ، الخصال: ص ٥٠٢ ح ٤ ، علل الشرايع: ص ٤٤٧ ح ١ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٣٠٧ ح ١٣ وح ١٥ .

کتاب من لا یحضره الفقیه: امیر مؤمنان، در عید قربان، خطبه خواند و گفت: «بزرگا خدا، بزرگا خدا! معبودی جز خدا نیست. بزرگا خدا، بزرگا خدا و ستایش، خدای را! بزرگا خدا که ما را هدایت فرمود! ستایش، او را که به ما نیکی نمود! ستایش، خدای را برای روزی کردن دام های زبان بسته به ما». علی علیه السلام هر گاه نماز ظهر عید قربان را می خواند، تکبیر را آغاز می کرد و هنگام نماز صبح آخرین روز ایام تشریق، تکبیر گفتن را قطع می کرد. پس از هر نمازی، تکبیر می گفت و می گفت: «بزرگا خدا، بزرگا خدا! معبودی جز خدا نیست. بزرگا خدا، بزرگا خدا و ستایش، خدای را!». و چون به نمازگاه می رسید، جلو می ایستاد و بدون گفتن اذان و اقامه، نماز جماعت را بر پا می داشت. پس از نماز بر منبر می رفت و سخن خود را چنین آغاز می کرد: «بزرگا خدا، بزرگا خدا، بزرگا خدا به وزن عرشش و چندان که خشنود شود! و به شمار قطرات باران و دریاهاش، برای او نیکوترین نام هاست. ستایش، خدای را چندان که خشنود شود. او ارجمند و آمرزگار است. بزرگا خدا که بزرگ و با کبریاست! معبودی سربلند است، مهربانی مهرورز است، با آن که [بر کیفر دادن و انتقام] تواناست، می بخشد و از رحمت او، جز گم راهان، کسی نومید نمی شود!». بزرگا خدای بزرگ! فراوان می گویم که معبودی جز او نیست. پاکا خدا که مهرورز و تواناست!».

الکافی به نقل از زُراه: از امام باقر علیه السلام در باره تکبیر گفتن پس از نمازها در ایام تشریق (۱) پرسیدم. فرمود: «در منا، پس از پانزده نماز، تکبیر گفته می شود و در سایر جاها پس از ده نماز. نخستین تکبیر، پس از نماز ظهر روز قربان است که در آن می گوید: بزرگا خدا، بزرگا خدا! معبودی جز خدا نیست. بزرگا خدا، بزرگا خدا و ستایش، خدای را! بزرگا خدا که ما را هدایت فرمود! بزرگا خدا برای روزی کردن دام های زبان بسته به ما!».

تهذيب الأحكام عن أبي الصباح: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ التَّكْبِيرِ فِي الْعِيدَيْنِ ، فَقَالَ : اِثْنَا عَشْرَةَ ؛ سَبْعٌ فِي الْأُولَى وَخَمْسٌ فِي الْآخِرَةِ ، فَإِذَا قُمْتَ فِي الصَّلَاةِ فَكَبِّرْ وَاحِدَةً ، تَقُولُ : أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ، اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ ، وَأَهْلُ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ ، وَالْقُدْرَةِ وَالسُّلْطَانِ وَالْعِزَّةِ ، أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا ، وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْرًا وَمَزِيدًا ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ ، وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ عِبَادُكَ الْمُرْسَلُونَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَادَ مِنْهُ (١) عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ . اللَّهُ أَكْبَرُ ، أَوَّلُ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرُهُ ، وَبَدِيعُ كُلِّ شَيْءٍ وَمُنْتَهَاهُ ، وَعَالِمُ كُلِّ شَيْءٍ وَمَعَادُهُ ، وَمَصِيرُ كُلِّ شَيْءٍ إِلَيْهِ وَمَرَدُّهُ ، وَمُدَبِّرُ الْأُمُورِ ، وَبَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ، قَابِلُ الْأَعْمَالِ ، مُبْدِي الْخَفِيَّاتِ ، مُعْلِنُ السَّرَائِرِ . اللَّهُ أَكْبَرُ ، عَظِيمُ الْمَلَكَوَاتِ ، شَدِيدُ الْجَبْرُوتِ ، حَتَّى لَا يَمُوتَ ، دَائِمٌ لَا يَزُولُ ، إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ . اللَّهُ أَكْبَرُ ، خَشَعَتْ لَكَ الْأَصْوَاتُ ، وَعَنْتَ (٢) لَكَ الْوُجُوهُ ، وَحَارَتْ دُونَكَ الْأَبْصَارُ ، وَكَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنِ عَظَمَتِكَ ، وَالنَّوَاصِي كُلُّهَا يَبِيدُكَ ، وَمَقَادِيرُ الْأُمُورِ كُلُّهَا إِلَيْكَ ، لَا يَقْضِي فِيهَا غَيْرُكَ ، وَلَا يَنْتَمُ مِنْهَا شَيْءٌ دُونَكَ . اللَّهُ أَكْبَرُ ، أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ حِفْظَكَ ، وَقَهَرَ كُلَّ شَيْءٍ عِزُّكَ ، وَنَفَذَ كُلَّ شَيْءٍ أَمْرُكَ ، وَقَامَ كُلُّ شَيْءٍ بِحُكْمِكَ ، وَتَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِكَ ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِكَ ، وَاسْتَسَلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِكَ ، وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِمُلْكِكَ . اللَّهُ أَكْبَرُ . وَيَقْرَأُ الْحَمْدَ وَ«سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» ، وَيُكَبِّرُ السَّابِعَةَ وَيَرْكُوعَ وَيَسْجُدُ ، وَيَقُومُ وَيَقْرَأُ الْحَمْدَ وَ«السَّمْسِ وَضُحَاهَا» ، وَيَقُولُ : اللَّهُ أَكْبَرُ ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ، اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْكِبْرِيَاءِ تُتِمُّهُ كُلُّهُ كَمَا قُلْتَ أَوَّلَ التَّكْبِيرِ يَكُونُ هَذَا الْقَوْلُ فِي كُلِّ تَكْبِيرِهِ حَتَّى يَتِمَّ خَمْسُ تَكْبِيرَاتٍ . (٣)

١- في المصدر : «به» ، والصواب ما أثبتناه كما في «كتاب من لا يحضره الفقيه» .

٢- عَنَا : خَضَعَ وَذَلَّ (الصحيح : ج ٦ ص ٢٤٤٠ «عنا») .

٣- تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ١٣٢ ح ٢٩٠ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٥١٢ ح ١٤٨١ و ص ٥٢٣ ح ١٤٨٧ نحوه وراجع الإقبال : ج ٢ ص ٢٠٢ .

تهذیب الأحکام به نقل از ابوالصباح: از امام صادق علیه السلام در باره تکبیر گفتن در عیدهای فطر و قربان پرسیدم. فرمود: «دوازده تکبیر است، هفت تا در رکعت اول و پنج تا در رکعت دوم، بدین ترتیب که چون به نماز ایستادی، یک تکبیر گوی و بگو: «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است و بی‌انبار. گواهی می‌دهم که محمد، بنده و فرستاده اوست. بار خدایا! تو اهل کبریا و عظمت، و اهل بخشندگی و جبروت، و اهل قدرت و سلطنت و عزتی. در این روز که آن را برای مسلمانان، عید قراردادی و برای محمد که درود خدا بر او و خاندانش باد اندوخته و مایه فزونی [بر مقام و منزلتش]، از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستی و بر فرشتگان مقربت و پیامبران مرسلت نیز درود فرستی، و ما و همه مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان را، از زنده و مرده‌شان، بیامیزی. بار خدایا! از تو درخواست می‌کنم هر آن خوبی‌ای را که بندگان فرستاده‌ات (پیامبران) از تو درخواست کردند، و پناه می‌برم به تو از هر آن بدی که بندگان باخلاصت از آن، به تو پناه بردند. بزرگ‌گاو خدا که آغاز و انجام هر چیزی است و آغازگرو پایان هر چیز و دانای هر چیز و بازگشتگاه آن است و همه چیز به سوی او می‌رود و رجوع می‌کند. گرداننده کارهاست و برانگیزاننده هر آن که در گورهاست، پذیرنده کردار، آشکارکننده پوشیده‌ها و هویداکننده نهان‌ها [و باطن‌ها] است. بزرگ‌گاو خدا که پادشاهی اش باعظمت است، پُرشوکت و توان است، زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد، پاینده‌ای که زوال نمی‌پذیرد، هر گاه خواهد که چیزی تحقق یابد، فقط به آن می‌گویی: «هست شو!» و آن، هست می‌شود. بزرگ‌گاو خدا که صداها در برابرت به خاموشی گرایند و چهره‌ها در پیشگاهت، خوارند و نگاه‌ها در تو حیران‌اند و زبان‌ها از بیان عظمتت، فرو مانده‌اند و پیشانی‌ها، همه در دست توست (۱) و مقدرات امور، تمام در چنگ توست. جز تو، هیچ کس در آنها حکم نمی‌کند و بدون [خواست] تو، چیزی از آنها انجام نمی‌پذیرد. بزرگ‌گاو خدا که نگهداری تو، همه چیز را در میان گرفته است و همه چیز، مقهور عزت توست و فرمان تو، در هر چیزی نافذ است و هر چیزی قائم به توست و همه چیز در برابر عظمت تو، کوچکی می‌کند و همه چیز، در برابر عزت تو، خوار است و همه چیز، تسلیم قدرت توست و همه چیز، در برابر پادشاهی تو، سر به فرمان است. بزرگ‌گاو خدا!». آن گاه، سوره حمد و «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» را می‌خواند و تکبیر هفتم را می‌گوید و رکوع و سجود، به جا می‌آورد و بر می‌خیزد و سوره حمد و «وَالشَّمْسُ وَضِحَاهَا» را می‌خواند و می‌گوید: بزرگ‌گاو خدا! گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست. یگانه و بی‌انبار است. [گواهی می‌دهم که] محمد، بنده و فرستاده اوست. بار خدایا! تویی اهل کبریا» و آن را همچنان که در تکبیر اول گفتی می‌خوانی. این جملات را در هر تکبیری می‌گویی تا پنج تکبیر، تمام شود.

۱- کنایه از «پیشانی نوشت» یا «زام اختیار» است.

٣ / ٧ زُوِيَهُ الْهَلَالِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ وَصِيَّتِهِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا عَلِيُّ ، إِذَا رَأَيْتَ الْهَلَالَ فَكَبِّرْ ثَلَاثًا وَقُلْ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي وَخَلَقَكَ ، وَقَدَّرَكَ مَنَازِلَ ، وَجَعَلَكَ آيَةً لِلْعَالَمِينَ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله كان إذا رأى الهلال قال : الله أكبر ، الحمد لله ، لا حول ولا قوة إلا بالله ، اللهم إني أسألك خير هذا الشهر ، وأعوذ بك من شر القدر ومن سوء الحشر . (٢)

الإمام علي عليه السلام أيضا : الله أكبر ، اللهم إني أسألك خير هذا الشهر وفتحته ونصرته ونوره ورزقه ، وأعوذ بك من شره وشر ما بعده . (٣)

١- تحف العقول : ص ١٠ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٦٤ ح ٥ .

٢- مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٤٢٤ ح ٢٢٨٥٥ ، المصنف لابن أبي شيبة : ج ٧ ص ١٢٠ ح ١ كلاهما عن عبادة بن الصامت ، كنز العمال : ج ٧ ص ٧٨ ح ١٨٠٤٣ .

٣- دعائم الإسلام : ج ١ ص ٢٧١ ، بحار الأنوار : ج ٩٦ ص ٣٨٢ ح ٨ ؛ كنز العمال : ج ٨ ص ٥٩٦ ح ٢٤٣١٠ نقلاً عن ابن النجار .

۳ / ۷ دیدن ماه نو

۳ / ۷ دیدن ماه نو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش ایشان به امیر مؤمنان علیه السلام: ای علی! هرگاه ماه نو را دیدی، سه تکبیر بگو و بگو: «ستایش، خدایی را که هم من و هم تو را آفرید و برایت، منزلگاه‌هایی معین کرد و تو را نشانه‌ای برای مردمان، قرار داد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هرگاه ماه نو را می‌دید، می‌فرمود: بزرگ‌ا خدا، ستایش، خدای را! هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا. بار خدایا! خوبی این ماه را از تو درخواست می‌کنم و از بدی تقدیر و از گزند محشر، به تو پناه می‌برم.

امام علی علیه السلام نیز: بزرگ‌ا خدا! بار خدایا! خوبی این ماه را و گشایش و پیروزی و نورانیت و روزی در این ماه را از تو درخواست می‌کنم و از بدی آن و بدی پس از آن، به تو پناه می‌برم.

٣ / ١٨ الرُّكُوبُصَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنِ ابْنِ عَمْرٍ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا اسْتَوَى عَلَى بَعِيرِهِ خَارِجًا إِلَى سَفَرٍ كَبْرٍ ثَلَاثًا ، ثُمَّ قَالَ : « سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ » . . . (١) . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام : إِذَا جَعَلْتَ رِجْلَكَ فِي الرَّكَابِ فَقُلْ : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، بِاسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ . (٣)

٣ / ١٩ الصُّعُودُالإمام الصادق عليه السلام : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي سَفَرِهِ إِذَا هَبَطَ سَبَّحَ ، وَإِذَا صَعِدَ كَبَّرَ . (٤)

المعجم الكبير عن سعيد بن العاص : إِنَّ عُثْمَانَ بْنَ مَظْعُونٍ قَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِئْتَدَن لِي فِي الإِخْتِصَاءِ ، فَقَالَ لَهُ : يَا عُثْمَانُ ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَبَدَلَنَا بِالرَّهْبَانِيَّةِ الْحَنِيفِيَّةِ (٥) السَّمْحَةَ وَالتَّكْبِيرَ عَلَى كُلِّ شَرَفٍ (٦) ، فَإِنْ كُنْتَ مِنَّا فَاصْنَعْ كَمَا نَصْنَعُ . (٧)

١- الزخرف : ١٣ و ١٤ .

٢- صحيح مسلم : ج ٢ ص ٩٧٨ ح ٤٢٥ ، سنن أبي داود : ج ٣ ص ٣٣ ح ٢٥٩٩ ، سنن الترمذی : ج ٥ ف ص ٥٠١ ح ٣٤٤٧ ، كنز العمال : ج ٦ ص ٧٣٤ ح ١٧٦٢٣ ؛ بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٢٩٣ ح ١٩ نقلًا عن عوالي اللآلي .

٣- الكافي : ج ٤ ص ٢٨٥ ح ٢ ، تهذيب الأحكام : ج ٥ ص ٥١ ح ١٥٤ كلاهما عن معاوية بن عمّار .

٤- الكافي : ج ٤ ص ٢٨٧ ح ٢ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٢٧٣ ح ٢٤٢٠ كلاهما عن معاوية بن عمّار ، مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٥٥٣ ح ١٩٠٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٢٥٤ ح ٤٨ .

٥- في المصدر : «الحنفيّة» ، وما أثبتناه من كنز العمال .

٦- الشَّرَفُ : المكان العالی (الصحاح : ج ٤ ص ١٣٧٩ «شرف») .

٧- المعجم الكبير : ج ٦ ص ٦٢ ح ٥٥١٩ ، كنز العمال : ج ٣ ص ٤٧ ح ٥٤١٩ .

۳ / ۸ هنگام سوار شدن

۳ / ۹ هنگام بالا رفتن بر بلندی

۳ / ۸ هنگام سوار شدن صحیح مسلم به نقل از ابن عمر: پیامبر خدا، هرگاه بر شتر خویش می نشست و برای سفری بیرون می رفت، سه بار تکبیر می گفت و سپس می فرمود: «پاکا آن خدایی که این را برای ما رام ساخت، در حالی که ما بر این کار، توانا نبودیم. و ما به سوی پروردگار خویش، باز می گردیم» ...» .

امام صادق علیه السلام: هرگاه پایت را در رکاب نهادی، بگو: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. به نام خدا. خدا، بزرگ تر است» .

۳ / ۹ هنگام بالا رفتن بر بلندیا امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، در سفرش هرگاه از سرازیری پایین می رفت، تسبیح می گفت و هرگاه بر بلندی بالا می رفت، تکبیر می گفت .

المعجم الکبیر به نقل از سعید بن عاص: عثمان بن مظعون گفت: ای پیامبر خدا! اجازه بده خودم را خواجه سازم. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «خداوند، به ما به جای رهبانیت، آیین یکتاپرستی آسان و تکبیر گفتن بر هر فرازی را عطا کرده است. پس، اگر از ما هستی، چنان رفتار کن که ما می کنیم» .

سنن الترمذى عن أبى هريره: إِنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَسَافِرَ فَأَوْصِنِي، قَالَ: عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَالتَّكْبِيرِ عَلَى كُلِّ شَرَفٍ. (١)

صحيح البخارى عن عبد الله بن عمر: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا قَفَلَ (٢) مِنْ غَزْوٍ أَوْ حَجٍّ أَوْ عُمَرِهِ يُكَبِّرُ عَلَى كُلِّ شَرَفٍ مِنَ الْأَرْضِ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ، ثُمَّ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، آيِبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ سَاجِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ، صَدَقَ اللَّهُ وَعَدَّهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ. (٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله: وَالَّذِي نَفْسُ أَبِي الْقَاسِمِ بِيَدِهِ، مَا هَلَّلَ اللَّهُ مُهَلَّلًا، وَلَا كَبَّرَ اللَّهُ مُكَبَّرًا عَلَى شَرَفٍ مِنَ الْأَشْرَافِ، إِلَّا هَلَّلَ مَا خَلْفَهُ وَكَبَّرَ مَا بَيْنَ يَدَيْهِ بِتَهْلِيلِهِ وَتَكْبِيرِهِ حَتَّى يَبْلُغَ مَقْطَعَ التُّرَابِ (٤). (٥)

- ١- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٠٠ ح ٣٤٤٥، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢١٤ ح ٨٣١٧، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٦١٤ ح ١٦٣٣، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ٩٢٦ ح ٢٧٧١، كنز العمال: ج ٣ ص ٩٠ ح ٥٦٣٣.
- ٢- قفَلَ من سَفَرِهِ: رَجَعَ (المصباح المنير: ص ٥١١ «قفَلَ»).
- ٣- صحيح البخارى: ج ٢ ص ٦٣٧ ح ١٧٠٣، سنن أبى داود: ج ٣ ص ٨٨ ح ٢٧٧٠، الموطأ: ج ١ ص ٤٢١ ح ٢٤٣، كنز العمال: ج ٧ ص ٩٩ ح ١٨١٥٤.
- ٤- مقطع التراب: أى منتهى الأرض (أنظر روضه المتقين: ج ٤ ص ٢١٤).
- ٥- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٧٣ ح ٢٤٢٢، المحاسن: ج ٢ ص ٩٤ ح ١٢٤٦ عن الإمام الصادق عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٥٤ ح ١٩١٠، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٥٤ ح ٤٨؛ كنز العمال: ج ٥ ص ١٩ ح ١١٨٦٧ نقلًا عن أبى الشيخ عن ابن عمر.

سنن الترمذی به نقل از ابو هُرَیره : مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : ای پیامبر خدا! می خواهم به سفر بروم . مرا سفارشی فرما . فرمود : «بر تو باد پروای الهی و تکبیر گفتن بر هر بلندی ای» .

صحيح البخاری به نقل از عبد الله بن عمر : پیامبر خدا ، هر گاه از جنگ یا حج و یا عمره باز می گشت ، به هر بلندی ای که می رسید ، سه بار تکبیر می گفت . سپس می فرمود : «معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست . او راست ، پادشاهی و او راست ، ستایش ، و او بر هر چیزی تواناست . باز می گردیم ، در حالی که توبه کنانیم و پرستنده و سجده کننده و ستاینده پروردگارمان . خداوند ، وعده اش را تحقق بخشید و بنده اش را یاری داد و به تنهایی ، گروه ها [ی مشرک] را درهم شکست» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سوگند به آن که جان ابوالقاسم در دست اوست ، هیچ کس بر فراز هیچ بلندی ای ، خدا را به یگانگی و بزرگی یاد نمی کند ، مگر این که با «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» گفتن او ، هر آنچه پشت سر اوست ، تا آن جا که خاک تمام می شود ، [\(۱\)](#) «لا إله إلا الله» می گوید ، و هر آنچه پیش روی اوست ، تا آن جا که خاک تمام می شود ، «الله أكبر» می گوید .

۱- مراد از خاک ، خشکی و یا کره زمین است . یعنی موجودات سرتاسر کره زمین با او هم نوا می شوند .

عنه صلى الله عليه وآله: الحجاج والعمار وفد الله، إن سألوا أعطوا، وإن دعوا أجيبوا، وإن أنفقوا أحلف لهم، والذي نفس أبي القاسم بيده، ما كبر مكبر على نثر (١) ولا أهل مهل على شرف من الأشراف، إلا أهل ما بين يديه وكبر حتى ينقطع به منقطع التراب. (٢)

٣ / ١٠ رمى الجمار الكافي عن يعقوب بن شعيب: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الجمار (٣)، فقال: قم عند الجمرتين ولا تقم عند جمره العقبة، قلت: هذا من السنه؟ قال: نعم، قلت: ما أقول إذا رميت؟ فقال: كبر مع كل حصاه. (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: كبر مع كل حصاه تكبيره إذا رميتها، ولا تقدم جمره على جمره، وقف بعد الفراغ من الرمي وادع بما قسم لك. (٥)

٣ / ١١ أيام التشريق بالإمام الصادق عليه السلام في قول الله عز وجل: «وَأذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ» (٦): هي أيام التشريق (٧)، كانوا إذا أقاموا بمنى بعد النحر تفاخروا، فقال الرجل منهم: كان أبي يفعل كذا وكذا، فقال الله جل ثناؤه: «فإذآ أفضتم من عرفت... فأذكروا الله كذكركم آباءكم أو أشد ذكرا» (٨)، قال: والتكبير: الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله والله أكبر، الله أكبر ولله الحمد، الله أكبر على ما هدانا، الله أكبر على ما رزقنا من بهيمه الأنعام. (٩)

١- النثر من الأرض: هو ما ارتفع وظهر (لسان العرب: ج ٥ ص ٤١٧ «نثر»).

٢- شعب الإيمان: ج ٣ ص ٤٧٥ ح ٤١٠٤ عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده، كنز العمال: ج ٥ ص ٩ ح ١١٨١٧.

٣- الجمار: جمع جمره من الحصى، ومنه جمار المناسك للحج. والجمرات: مجتمع الحصى بمنى، ففكل كومه من الحصى جمره (مجمع البحرين: ج ١ ص ٣٠٩ «جمر»).

٤- الكافي: ج ٤ ص ٤٨١ ح ٢، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٢٦١ ح ٨٨٩.

٥- دعائم الإسلام: ج ١ ص ٣٢٣، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٢٧٦ ح ٢٣.

٦- البقره: ٢٠٣.

٧- هي ثلاثة أيام تلى عيد النحر، سُميت بذلك من تشريق اللحم؛ وهو تقديده [أي تقطيعه] وبسطه في الشمس ليجف؛ لأن لحوم الأضاحي كان تُشرق فيها بمنى. وقيل: سُميت به لأن الهدى والضحايا لا تُنحر حتى تشرق الشمس؛ أي تطلع (النهاية: ج ٢ ص ٤٦٤ «شرق»).

٨- البقره: ١٩٨، ٢٠٠.

٩- الكافي: ج ٤ ص ٥١٦ ح ٣ عن منصور بن حازم.

۳ / ۱۰ هنگام رمی جمرات

۳ / ۱۱ روزهای تشریق

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حاجیان و عمره گزاران ، میهمانان خدای اند . اگر [از او] بخواهند ، به آنها عطا می شود و اگر بخوانند ، پاسخ می شنوند و اگر انفاق (خرج) کنند ، برایشان جایگزین می شود . سوگند به آن که جان ابوالقاسم در دست اوست ، هیچ تکبیر گویی بر بلندایی تکبیر نگفت و هیچ «لا إله إلا الله» گویی ، بر ارتفاعی از ارتفاعات ، خدا را به یگانگی یاد نمی کند ، مگر این که هر آنچه فرا پیش اوست ، تا انتهای خاک (زمین) ، «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» می گوید .

۳ / ۱۰ هنگام رمی جمرات الکافی به نقل از یعقوب بن شعیب : از امام صادق علیه السلام در باره رمی جمرات پرسیدم . فرمود : «نزد دو جمره [ی اولی و وسطی] توقف کن و نزد جمره عقبه ، توقف نکن» . گفتم : این ، از سنت است؟ فرمود : «آری» . گفتم : وقتی سنگ می اندازم ، چه بگویم ؟ فرمود : «با هر ریگی [که می اندازی] ، تکبیر بگو» .

امام صادق علیه السلام : با هر ریگی که می اندازی ، یک تکبیر بگو ، و جمره ای را بر جمره ای ، مقدم مدار [و در رمی آنها ، ترتیب را رعایت کن] و پس از پایان رمی ، توقف کن و آن مقدار که قسمت شده است ، دعا کن .

۳ / ۱۱ روزهای تشریق امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای عز و جل : «و در روزهایی تعیین شده ، خدا را یاد کنید» : مقصود ، روزهای تشریق (۱) است . [در جاهلیت] وقتی پس از قربانی کردن در منا توقف می کردند ، به فخر فروشی بر یکدیگر می پرداختند و هر یک می گفت : «پدر من ، چنین و چنان می کرد» . خداوند ، که ثنای او بزرگ است ، فرمود : «پس چون از عرفات کوچیدید ... همان گونه که از پدران خود یاد می کنید و بلکه با یاد کردنی بیشتر ، خدا را یاد کنید» . نحوه تکبیر گفتن هم چنین است : «بزرگ خدا ، بزرگ خدا! معبودی جز خدا نیست و بزرگ خدا! بزرگ خدا و ستایش ، خدای راست! بزرگ خدا که ما را هدایت فرمود! بزرگ خدا برای آن که از دام های زبان بسته روزی مان نمود!» .

۱- روزهای تشریق یا روزهای گوشت خشکانی ، عبارت اند از : سه روز پس از عید قربان ، وجه تسمیه ایام التشریق ، از «تشریق اللحم» گرفته شده است ؛ چون در این روزها گوشت های قربانی را در منا ، قطعه قطعه می کردند و در آفتاب ، پهن می نمودند تا خشک شود . بعضی گفته اند که وجه تسمیه اش این است که قربانی ها را زمانی ذبح می کردند که آفتاب از شرق برآید و طلوع کند .

الإمام عليّ عليه السلام: كَانَ [النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] يُكَبِّرُ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ صِيْلَةَ الْغَدَاةِ ، وَيَقْطَعُهَا صِيْلَةَ الْعَصْرِ آخِرَ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ . (١)

صحيح البخارى عن مالك عن محمد بن أبى بكر الثقفى: أَنَّهُ سَأَلَ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ وَهُمَا غَادِيَانِ مِنْ مِنَى إِلَى عَرَفَةَ : كَيْفَ كُنْتُمْ تَصْنَعُونَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ؟ فَقَالَ : كَانَ يُهَلُّ مِنْهُ الْمَهْلُ فَلَا يُنْكَرُ عَلَيْهِ ، وَيُكَبِّرُ مِنْهُ الْمُكَبِّرُ فَلَا يُنْكَرُ عَلَيْهِ . (٢)

كنز العمال عن عبيده: قَدِمَ عَلَيْنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَبَّرَ يَوْمَ عَرَفَةَ مِنْ صِيْلَةِ الْغَدَاةِ إِلَى صِيْلَةِ الْعَصْرِ مِنْ آخِرِ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ ، يَقُولُ : اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ الْحَمْدُ . (٣)

مستطرفات السرائر عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام: كَبَّرَ أَيَّامَ التَّشْرِيقِ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ . قُلْتُ لَهُ : كَمْ؟ قَالَ : كَمْ شِئْتَ ، إِنَّهُ لَيْسَ بِمَفْرُوضٍ . (٤)

-
- ١- المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٤٣٩ ح ١١١١ عن أبى الطفیل ، السنن الکبری: ج ٣ ص ٤٤٠ ح ٦٢٧٨ عن جابر ، کنز العمال: ج ٧ ص ٩٣ ح ١٨١٢١ .
 - ٢- صحیح البخاری: ج ٢ ص ٥٩٧ ح ١٥٧٦ ، صحیح مسلم: ج ٢ ص ٩٣٣ ح ٢٧٤ ، سنن الدارمی: ج ١ ص ٤٨٥ ح ١٨١٨ ، سنن النسائی: ج ٥ ص ٢٥١ ، الموطأ: ج ١ ص ٣٣٧ ح ٤٣ .
 - ٣- کنز العمال: ج ٥ ص ٢٤٠ ح ١٢٧٥٤ نقلاً عن ابن أبى الدنيا .
 - ٤- مستطرفات السرائر: ص ٣٠ ح ٢٧ ، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ١٢٦ ح ٢١ .

امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله از هنگام نماز صبح روز عرفه ، تکبیر می گفت و در نماز عصر آخرین روز از روزهای تشریق ، آن را پایان می داد .

صحیح البخاری به نقل از مالک ، از محمد بن ابی بکر ثقفی : او (محمد بن ابی بکر) صبحگاهان ، با انس بن مالک از منا به عرفه می رفت . از انس پرسید : در این روز ، با پیامبر خدا که بودید ، چه می کردید؟ گفت : اگر یکی از ما «لا إله إلا الله» می گفت ، ایشان به او اعتراضی نمی کرد و اگر کسی «الله أكبر» می گفت ، به او ایراد نمی گرفت .

کنز العمال به نقل از عیبه : علی بن ابی طالب علیه السلام بر ما وارد شد . او از نماز صبح روز عرفه تا نماز عصر آخرین روز تشریق ، تکبیر گفت . می گفت : «بزرگا خدا ، بزرگا خدا! معبودی جز خدا نیست . بزرگا خدا ، بزرگا خدا ، و ستایش ، خدای راست!»

مستطرفات السرائر به نقل از محمد بن مسلم امام باقر علیه السلام فرمود : «روزهای تشریق ، هنگام هر نمازی ، تکبیر بگو» .
گفتم : چند تا؟ فرمود : «هر تعداد که خواستی . تعیین شده نیست» .

٣ / ١٢ زُوِيَهُ الْجِنَازَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ اسْتَقْبَلَ جِنَازَةً أَوْ رَأَاهَا فَقَالَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ»، هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ زِدْنَا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ، وَقَهَرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ، لَمْ يَبْقَ فِي السَّمَاءِ مَلَكٌ إِلَّا بِكَى رَحْمَةً لِيَصَوْتِهِ. (١)

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: إِذَا رَأَيْتَ الْجِنَازَةَ فَقُلْ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ، هَذَا سَبِيلٌ لِأَبَدٍ مِنْهُ، إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، تَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ، وَرِضَاءً بِقَضَائِهِ، وَاحْتِسَابًا لِحُكْمِهِ، وَصَبْرًا لِمَا قَدْ جَرَى عَلَيْنَا مِنْ حُكْمِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا خَيْرَ غَائِبٍ نَنْتَظِرُهُ. (٢)

٣ / ١٣ الْخَوْفُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا وَقَعَتْ كَبِيرَةٌ (٣) أَوْ هَاجَتْ رِيحٌ مُظْلِمَةٌ فَعَلَيْكُمْ بِالتَّكْبِيرِ؛ فَإِنَّهُ يُجْلِي الْعِجَاجَ الْأَسْوَدَ. (٤)

-
- ١- الكافي: ج ٣ ص ١٦٧ ح ٣، تهذيب الأحكام: ج ١ ص ٤٥٢ ح ١٤٧١ كلاهما عن عنبسه بن مصعب، الدعوات: ص ٢٥٩ ح ٧٣٩ كلها عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٦٦ ح ٢٤.
 - ٢- الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ١٧٦، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٦٢ ح ١٤.
 - ٣- هي صفة لموصوف محذوف، تقديره: حادثه مثلاً.
 - ٤- مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ٣٦٩ ح ١٩٤٣، كنز العمال: ج ٧ ص ٨٣٠ ح ٢١٥٨١ نقلًا عن ابن السنن وكلاهما عن جابر.

۳ / ۱۲ هنگام دیدن جنازه**۳ / ۱۳ هنگام ترس**

۳ / ۱۲ هنگام دیدن جنازه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس با جنازه ای رو به رو شود یا آن را ببیند و بگوید: «بزرگا خدا! این ، همان است که خدا و پیامبرش به ما وعده دادند ، و خدا و پیامبر او ، راست گفته اند . بار خدایا! بر ایمان و تسلیم ما بیفزای . ستایش ، خدایی را که پُرتوان و نیرومند است و بندگان را با مرگ ، درهم شکست» ، هر فرشته ای که در آسمان است ، از مهر به صدای او گریه می کند .

الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: هرگاه جنازه ای را دیدی ، بگو: «بزرگا خدا! بزرگا خدا! این ، چیزی است که خدا و پیامبرش به ما وعده دادند ، و خدا و پیامبر او ، راست گفته اند . هر جانی ، چشنده مرگ است . این ، راهی است که گریزی از آن نیست . ما از خداییم و به سوی او باز گردیم . به فرمان او تسلیم هستیم و به قضایش ، راضی و به حکمش ، خشنود و بر هر حکمی که بر ما رانده است ، شکیباً . بار خدایا! او را برای ما ، بهترین سفر کرده ای که منتظرش هستیم ، قرار ده» .

۳ / ۱۳ هنگام ترس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه حادثه بزرگی اتفاق افتاد یا باد سیاهی برخاست ، تکبیر بگویند ؛ زیرا تکبیر گفتن ، غبار سیاه را برطرف می سازد .

كتاب من لا يحضره الفقيه عن كامل بن العلاء: كُنْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْعُرَيْضِ (١) فَهَبَّتْ رِيحٌ شَدِيدَةٌ ، فَجَعَلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُكَبِّرُ ، ثُمَّ قَالَ : إِنَّ التَّكْبِيرَ يَرُدُّ الرِّيحَ . (٢)

الإمام الباقر عليه السلام: ما بَعَثَ اللَّهُ عز و جل رِيحًا إِلَّا رَحِمَهُ أَوْ عَذَابًا ، فَإِذَا رَأَيْتُمُوهَا فَقُولُوا : «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسَأُ لَكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا أُرْسِلَتْ لَهُ ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا أُرْسِلَتْ لَهُ» ، وَكَبِّرُوا وَارْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ بِالتَّكْبِيرِ فَإِنَّهُ يَكْسِرُهَا . (٣)

رسول الله صلى الله عليه و آله لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا عَلِيُّ ، إِذَا رَأَيْتَ أَسَدًا وَاشْتَدَّ بِكَ الْأَمْرُ فَكَبِّرْ ثَلَاثًا ، وَقُلْ : «اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَجَلُّ وَأَعْظَمُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ، وَأَكْبَرُ وَأَعَزُّ مِنْ خَلْقِهِ وَأَقْدَرُ ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ» ، تَكْفِ شَرَّهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى . (٤)

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: إِذَا رَأَيْتَ الْأَسَدَ فَكَبِّرْ فِي وَجْهِهِ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ ، وَقُلْ : «اللَّهُ أَعَزُّ وَأَكْبَرُ وَأَجَلُّ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ» . (٥)

٣ / ١٤ زيارته مراقده أهل البيتهديب الأحكام عن موسى بن عبد الله النخعي: قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ : عَلَّمَنِي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلًا أَقُولُهُ بَلِيغًا كَامِلًا إِذَا زُرْتُ وَاحِدًا مِنْكُمْ . فَقَالَ : إِذَا صِرْتَ إِلَى الْبَابِ فَقِفْ وَاشْهَدْ الشَّهَادَتَيْنِ وَأَنْتَ عَلَى غُسْلٍ ، فَإِذَا دَخَلْتَ فَقِفْ وَقُلْ : اللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ ثَلَاثِينَ مَرَّةً ، ثُمَّ امْشِ قَلِيلًا ، وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ ، وَقَارِبْ بَيْنَ خُطَاكَ ، ثُمَّ قِفْ وَكَبِّرِ اللَّهَ عز و جل ثَلَاثِينَ مَرَّةً ، ثُمَّ ادْنُ مِنَ الْقَبْرِ وَكَبِّرِ اللَّهَ أَرْبَعِينَ تَكْبِيرَةً ؛ تَمَامَ الْمَنَّةِ تَكْبِيرِهِ ، ثُمَّ قُلْ : السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ... (٦)

١- العُرَيْضُ : وادٍ بالمدينة (معجم البلدان : ج ٤ ص ١١٤).

٢- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٥٤٤ ح ١٥١٨ ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٦٠ ح ٢ .

٣- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٥٤٤ ح ١٥١٩ ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٦٠ ح ٢ .

٤- مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ١٥٢ ح ٢٣٧٣ ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ١٤٥ ح ١٦ .

٥- الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص ٤٠٠ ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ١٤٣ ح ٩ .

٦- تهذيب الأحكام : ج ٦ ص ٩٥ ح ١٧٧ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٦٠٩ ح ٣٢١٣ ، عيون أخبار الرضا عليه

السلام : ج ٢ ص ٢٧٢ ح ١ ، بحار الأنوار : ج ١٠٢ ص ١٢٧ ح ٤ .

۳ / ۱۴ هنگام زیارت آرامگاه های اهل بیت علیهم السلام

کتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از کامل بن علاء: با امام باقر علیه السلام در عُریض (۱) بودم که باد سختی وزیدن گرفت. ایشان، شروع به تکبیر گفتن کرد. سپس فرمود: «تکبیر، باد را دفع می کند».

امام باقر علیه السلام: خداوند عز و جل هیچ بادی بر نینگیخت، مگر از سر مهر یا عذاب. پس هر گاه آن را دیدید، بگویید: «بار خدایا! ما خیر این باد را و خیر آنچه را این باد برایش فرستاده شده است، از تو درخواست می کنیم و از شرّ این باد و از شرّ آنچه برای آن فرستاده شده است، به تو پناه می بریم» و صدایتان را به تکبیر، بلند کنید؛ زیرا که آن، باد را درهم می شکند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام: ای علی! هرگاه با شیری مواجه شدی و کار بر تو سخت شد، سه بار تکبیر گوی و بگو: «خدا، بزرگ تر و با شکوه تر و با عظمت تر از هر چیزی است، و بزرگ تر و نیرومندتر و تواناتر از آفریدگان خویش است. به خدا پناه می برم از شرّ آنچه از آن می ترسم و حذر می کنم». به خواست خدا، از گزند آن، محفوظ خواهی ماند.

الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: هرگاه شیری را دیدی، سه مرتبه در روی او تکبیر گوی و بگو: «خداوند، نیرومندتر و بزرگ تر و شکوهمندتر از هر چیز است، و به خدا پناه می برم از آنچه می ترسم و حذر می کنم».

۳ / ۱۴ هنگام زیارت آرامگاه های اهل بیتهدیب الأحکام به نقل از موسی بن عبد الله نخعی: به علی بن محمّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام (امام هادی علیه السلام) گفتم: ای پسر پیامبر خدا! گفتاری رسا و کامل به من بیاموز که در هنگام زیارت یکی از شما، آن را بگویم. فرمود: «قبلاً غسل کن و چون به درگاه رسیدی، بایست و شهادتین بگو. چون داخل شدی، باز بایست و سی مرتبه تکبیر بگو. سپس با آرامش و وقار و با برداشتن گام های کوچک، اندکی پیش برو. آن گاه، توقّف کن و سی مرتبه تکبیر بگو. سپس به قبر نزدیک شو و چهل مرتبه تکبیر بگو تا مجموعاً صد تکبیر شود. آن گاه بگو: «درود بر شما، ای خاندان نبوت...!».

٣ / ١٥ الإعجاب بالإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَعْجَبَهُ شَيْءٌ مِنْ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَلْيُكَبِّرْ عَلَيْهِ ، فَإِنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ . (١)

راجع : ص ١٢٦ (بركات الحوقله / دفع العين) .

٣ / ١٦ النَّظَرُ فِي الْمِرَآهِرِ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ وَصِيَّتِهِ أَوْصَى بِهَا عَلَيْنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا عَلِيُّ ، إِذَا نَظَرْتَ فِي مِرْآهِ فَكَبِّرْ ثَلَاثًا وَقُلْ : اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي . (٢)

٣ / ١٧ شِرَاءُ الْمَتَاعِ بِالْإِمَامِ الْبَاقِرِ أَوْ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : إِذَا اشْتَرَيْتَ مَتَاعًا فَكَبِّرِ اللَّهَ ثَلَاثًا ، ثُمَّ قُلْ : «اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ أَلْتَمِسُ فِيهِ مِنْ خَيْرِكَ فَاجْعَلْ لِي فِيهِ خَيْرًا ، اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ أَلْتَمِسُ فِيهِ مِنْ فَضْلِكَ فَاجْعَلْ لِي فِيهِ فَضْلًا ، اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ أَلْتَمِسُ فِيهِ مِنْ رِزْقِكَ فَاجْعَلْ لِي فِيهِ رِزْقًا» ، ثُمَّ أَعِدْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ . (٣)

١- .طب الأئمة لابني بسطام : ص ١٢١ عن الحلبي ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ١٢٧ ح ٦ .

٢- .تحف العقول : ص ١١ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٦٥ ح ٥ .

٣- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ٢٠٠ ح ٣٧٥٧ عن محمد بن مسلم .

۳ / ۱۵ هنگام به چشم آمدن چیزی

۳ / ۱۶ هنگام نگریستن در آینه

۳ / ۱۷ هنگام خرید کالا

۳ / ۱۵ هنگام به چشم آمدن چیزی امام صادق علیه السلام: هر کس چیزی از برادر مؤمنش نظر او را گرفت ، برای آن ، تکبیر بگوید ؛ چرا که چشم زدن ، حقیقت دارد .

ر . ک : ص ۱۲۷ (برکت های لا حول و لا قوه إلا بالله / دفع چشم زخم) .

۳ / ۱۶ هنگام نگریستن در آینه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش ایشان به علی علیه السلام : ای علی ! هرگاه در آینه نگریستی ، سه مرتبه تکبیر گو و بگو : «بار خدایا ! همان گونه که خلقتم را نیکو قرار دادی ، اخلاقم را نیز نیک گردان» .

۳ / ۱۷ هنگام خرید کالا امام باقر یا امام صادق علیهما السلام : هرگاه کالایی خریدی ، سه مرتبه خدا را به بزرگی یاد کن . سپس بگو : «بار خدایا ! من ، این کالا را خریدم و در آن ، جویای خیر [و برکت] تو هستم . پس برایم در آن ، خیر قرار ده . بار خدایا ! من ، این کالا را خریدم و در آن ، جویای فضل تو هستم . پس برایم در آن فضل [و فزونی] قرار ده . بار خدایا ! من ، این کالا را خریدم و در آن ، جویای روزی تو هستم . پس برایم در آن ، روزی قرار ده» و هر یک از این جملات را سه بار تکرار کن .

٣ / ١٨ الخروج من المنزل للكافي عن أبي حمزة: رأيت أبا عبد الله عليه السلام يُحرِّكُ شَفْتَيْهِ حينَ أرادَ أن يخرُجَ وهو قائمٌ على البابِ ، فَقُلْتُ : إني رأيتُكَ تُحرِّكُ شَفْتَيْكَ حينَ خرَجْتَ ، فَهَلْ قُلْتَ شيئاً؟ قالَ : نَعَمْ ، إنَّ الإنسانَ إذا خرَجَ من منزلِهِ قالَ حينَ يُريدُ أن يخرُجَ : «اللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ ثَلَاثًا بِاللَّهِ أَخْرُجُ وَبِاللَّهِ أُدْخِلُ وَعَلَى اللَّهِ أَتَوَكَّلُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِي وَجْهِ هَذَا بِخَيْرٍ وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ ، وَقِنِي شَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتَيْهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» لَمْ يَزَلْ فِي ضَمَانِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يَرُدَّهُ اللَّهُ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي كَانَ فِيهِ . (١)

۳ / ۱۸ هنگام خارج شدن از خانه

۳ / ۱۸ هنگام خارج شدن از خانه کافى به نقل از ابو حمزه : امام صادق عليه السلام را ديدم که چون خواست از خانه خارج شود ، بر در خانه ايستاد و لبانش را مى جنبانيد . گفتم : شما را ديدم که چون بيرون آمدى ، لب ت را مى جنبانيدى . آيا چيزى گفتى ؟ فرمود : « آرى . هر گاه انسان ، وقتى مى خواهد از خانه اش خارج شود ، سه مرتبه بگويد : خدا ، بزرگ تر است . خدا ، بزرگ تر است . خدا بزرگ تر است و سه مرتبه بگويد : به يارى خدا ، خارج مى شوم و به يارى خدا ، داخل مى شوم و بر خدا ، توکّل مى کنم [سپس بگويد] بار خدايا! اين [در] را به خوبى بر من ، بگشاي و به خوبى بر من ، ببند و مرا از گزند هر جنبنده اى که کاکل [و مهار] آن در دست توست ، نگه دار . همانا پروردگار من بر راه راست است خداوند عز و جل ضامن حفظ او باشد تا آن گاه که وى را به جايى که بوده است ، برگرداند .

الفصل الرابع: أدب التكبير في الصلاة للإمام على عليه السلام: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ» (١) قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا جَبْرَائِيلُ مَا هَذِهِ النَّحِيرَةُ الَّتِي أَمَرَنِي بِهَا رَبِّي؟ قَالَ: إِنَّهَا لَيْسَتْ بِنَحِيرِهِ، وَلَكِنَّهُ يَأْمُرُكَ إِذَا تَحَرَّمْتَ لِلصَّلَاةِ أَنْ تَرْفَعَ يَدَيْكَ إِذَا كَبَّرْتَ وَإِذَا رَكَعْتَ وَإِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ الرُّكُوعِ؛ فَإِنَّهَا صِيْلَاتُنَا وَصِيْلَةُ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ فِي السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رَفَعَ الْأَيْدِي مِنَ الْإِسْتِكَانَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ» (٢). (٣)

سنن ابن ماجه عن أبي حميد الساعدي: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ، وَرَفَعَ يَدَيْهِ وَقَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ. (٤)

١- الكوثر: ١ و ٢ .

٢- المؤمنون: ٧٦ .

٣- المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٥٨٦ ح ٣٩٨١ عن الأصمغ بن نباته، کنز العمال: ج ٢ ص ٥٥٧ ح ٤٧٢١؛ مجمع البيان: ج ١٠ ص ٨٣٧ عن الأصمغ بن نباته .

٤- سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٢٦٤ ح ٨٠٣، سنن أبي داوود: ج ١ ص ١٩٨ ح ٧٤٤ عن عبيد الله بن أبي رافع عن الإمام على عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، سنن النسائي: ج ٣ ص ٣ كلاهما نحوه، کنز العمال: ج ٨ ص ٩٦ ح ٢٢٠٦٧ .

فصل چهارم: آداب تکبیر گفتن در نماز

فصل چهارم: آداب تکبیر گفتن در نماز امام علی علیه السلام: چون این آیه بر پیامبر خدا فرود آمد: «ما به تو کوثر دادیم. پس برای پروردگارت، نماز گزار و قربانی کن»، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای جبرئیل! این قربانی که پروردگارم مرا به آن فرمان داده است، چیست؟». جبرئیل علیه السلام گفت: آن قربانی نیست؛ بلکه به تو می فرماید که هرگاه تکبیره الإحرام نماز را گفتی، هنگامی که تکبیر می گویی و هنگامی که به رکوع می روی و هنگامی که سر از رکوع بر می داری، دستانت را بالا ببر؛ زیرا این [نحوه] نماز ما و نماز فرشتگان آسمان های هفتگانه است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بالا بردن دست ها، نشانه همان فروتنی ای است که خداوند عز و جل فرموده است: «نسبت به پروردگارشان فروتنی نکردند و به زاری در نیامدند»».

سنن ابن ماجه به نقل از ابو حُمَید ساعدی: پیامبر خدا، هرگاه به نماز می ایستاد، رو به قبله می کرد و دستانش را بالا می برد و می گفت: «اللَّهُ أَكْبَرُ».

الأصول الستة عشر: عَنْ زَيْدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ رَأَاهُ يُصَلِّي ، فَكَانَ إِذَا كَبَّرَ فِي الصَّلَاةِ أَلْزَقَ أَصَابِعَ يَدَيْهِ :
الإبهامَ والسَّبَابَهَ وَالْوُسْطَى وَالَّتِي تَلِيهَا ، وَفَرَّجَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ الْخِنْصِرِ ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ بِالتَّكْبِيرِ قُبَالَهُ وَجْهَهُ ، ثُمَّ يَلْقُمُ رُكْبَتَيْهِ كَفَّيْهِ ، وَيُفَرِّجُ
بَيْنَ الْأَصَابِعِ (١)

سنن الترمذى عن أبي هريره: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا كَبَّرَ لِلصَّلَاةِ نَشَرَ أَصَابِعَهُ . (٢)

علل الشرائع عن المفصل بن عمر: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِمَ رَفَعَ يَدَيْهِ بِالتَّكْبِيرِ بَعْدَ التَّسْلِيمِ ثَلَاثًا يَرْفَعُ بِهَا يَدَيْهِ؟ فَقَالَ:
لِأَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا فَتَحَ مَكَّةَ صَدَّى بِأَصْحَابِهِ الظُّهْرَ عِنْدَ الْحَجْرِ الْأَسْوَدِ ، فَلَمَّا سَلَّمَ رَفَعَ يَدَيْهِ وَكَبَّرَ ثَلَاثًا وَقَالَ: لَا إِلَهَ
إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ ، وَأَعَزَّ جُنْدَهُ ، وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، يُحْيِي وَيُمِيتُ
وَيُمِيتُ وَيُحْيِي ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: لَا تَدْعُوا هَذَا التَّكْبِيرَ وَهَذَا الْقَوْلَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ
مَكْتُوبَةٍ ، فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ بَعْدَ التَّسْلِيمِ ، وَقَالَ هَذَا الْقَوْلَ ، كَانَ قَدْ أَدَّى مَا يَجِبُ عَلَيْهِ مِنْ شُكْرِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ عَلَى تَقْوِيَةِ
الإِسْلَامِ وَجُنْدِهِ . (٣)

تهذيب الأحكام عن صفوان الجمال: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا كَبَّرَ فِي الصَّلَاةِ يَرْفَعُ يَدَيْهِ حَتَّى تَبْلُغَ أُذُنَيْهِ . (٤)

١- .الأصول الستة عشر: ص ٥٣ ، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٢٥ ح ١٢ .

٢- .سنن الترمذى: ج ٢ ص ٥ ح ٢٣٩ ، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٤٢ ح ٢٣١٨ ، كتر العمال: ج ٧ ص ٥٥ ح ١٧٩٢٧ .

٣- .علل الشرائع: ص ٣٦٠ ح ١ ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٢ ح ٢١ .

٤- .تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٦٦ ح ٢٣٥ .

الأصول السنّه عشر: از زید روایت شده است که دید امام کاظم علیه السلام نماز می خواند و هر گاه در نماز تکبیر می گوید ، انگشتان دست هایش ، یعنی شصت و نشانه و میانی و کناری آن را به هم می چسباند و انگشت کوچک را از آنها جدا می ساخت . سپس دست هایش را تا برابر صورتش بالا می برد و تکبیر می گفت . آن گاه [به رکوع می رفت و] کف دستانش را بر زانوهایش می گذاشت و انگشتانش را از هم باز می کرد

سنن ترمذی به نقل از ابو هُرَیره : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه برای نماز ، تکبیر می گفت ، انگشتانش را از هم باز می کرد .

علل الشرائع به نقل از مفضل بن عمر : به امام صادق علیه السلام گفتم : به چه علت ، نماز گزار ، پس از سلام دادن ، سه مرتبه دست هایش را بالا می برد و تکبیر می گوید؟ فرمود : «چون پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که مکه را فتح کرد ، نماز ظهر را با یارانش در کنار حجرالأسود برگزار کرد و سلام که داد ، دست هایش را سه مرتبه بلند کرد و تکبیر گفت و گفت : معبودی جز خدا نیست ، یگانه است یگانه ، وعده اش را تحقق بخشید و بنده اش را یاری داد و سپاهش را قدرت داد و یک تنه ، گروه ها [ی مشرک] را درهم شکست . پس او راست ، فرمان روایی و او راست ، ستایش . زنده می کند و می میراند ، و می میراند و زنده می گرداند ، و او بر هر چیزی تواناست » . سپس به یارانش رو کرد و فرمود : گفتن این تکبیر و این جملات را پس از هر نماز واجبی ، ترک مگویید ؛ زیرا هر کس پس از سلام دادن نماز ، چنین کند و این جملات را بگوید ، وظیفه خود را در سپاس گزاری از خداوند عز و جل برای تقویت اسلام و سپاهیانش ، به جا آورده است .

تهذیب الأحکام به نقل از صفوان جمال : امام صادق علیه السلام را دیدم که هر گاه در نماز ، تکبیر می گفت ، دستانش را تا نزدیک گوش هایش بالا می برد .

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا افْتَتَحَتِ الصَّلَاةَ فَارْفَعْ كَفَيْكَ ، وَلَا تُجَاوِزِ بِهِمَا أُذُنَيْكَ ، وَابْسُطْهُمَا بَسْطًا ثُمَّ كَبِّرْ . (١)

الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ حِينَ يُكَبِّرُ تَكْبِيرَهُ الْإِحْرَامِ حِذَاءَ أُذُنَيْهِ ، وَحِينَ يُكَبِّرُ لِلرُّكُوعِ ، وَحِينَ يَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ . (٢)

الأصول الستة عشر عن أبي بصير: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي ، فَإِذَا رَفَعَ يَدَيْهِ بِالتَّكْبِيرِ لِلإِفْتِتَاحِ وَالرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ يَرْفَعُهَا قِبَالَهِ وَجْهِهِ أَوْ دُونَ ذَلِكَ بِقَلِيلٍ . (٣)

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: إِذَا كُنْتَ إِمَامًا فَكَبِّرْ وَاحِدَةً تَجَهَّزْ فِيهَا ، وَتُسِّرُ السُّنَّةَ . (٤)

-
- ١- دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٥٧ ، الكافي: ج ٣ ص ٣١٠ ح ٧ ، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٦٧ ح ٢٤٤ كلاهما عن الحلبي عنه عليه السلام وليس فيهما «ولا تجاوز بهما أذنيك» ، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٣٧٦ ح ٣٠ .
 - ٢- دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٦٢ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٣٧٧ ح ٣٠ .
 - ٣- الأصول الستة عشر: ص ٥٣ ، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٣٨٢ ح ٣٩ .
 - ٤- الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ١١٢ ، بحار الأنوار: ج ٨٨ ص ٦٨ ح ٢٠ .

امام صادق علیه السلام: هرگاه نماز را آغاز کردی، دو دست را بالا ببر؛ اما آنها را از گوش هایت فراتر مبر، و انگشتان را از هم بگشا. سپس تکبیر بگو.

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا، هنگامی که تکبیره الأحرام می گفت، دست هایش را تا برابر گوش هایش بالا می برد؛ همچنین هنگامی که برای رفتن به رکوع تکبیر می گفت، یا هنگامی که از رکوع بر می خاست.

الأصول الستة عشر به نقل از ابو بصیر: امام صادق علیه السلام را دیدم که نماز می خواند و هرگاه دست هایش را برای آغاز نماز و رکوع و سجود به تکبیر بلند می کرد، آنها را تا برابر صورتش یا اندکی پایین تر، بالا می برد.

الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: هرگاه امام [جماعت] بودی، یک تکبیر را بلند بگو و شش تای دیگر را آهسته.

الفصل الخامس : التكميرات المأثورها لبلد الأمين : دُعَاءُ التَّهْلِيلِ مَرُورِيٌّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : بِسْمِ اللَّهِ وَقُلْ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثَلَاثًا ... وَاللَّهُ أَكْبَرُ ثَلَاثًا بِعَدَدِ كُلِّ تَكْبِيرٍ كَبْرَهُ الْمُكَبَّرُونَ . (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله : اللَّهُ أَكْبَرُ فِي عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ ... وَاللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرًا لَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ ، وَمَعَ كُلِّ أَحَدٍ ، وَبَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ . (٢)

الإمام علي عليه السلام : اللَّهُ أَكْبَرُ الْقَاهِرُ لِلْأَضْدَادِ ، الْمُتَعَالَى عَنِ الْأَنْدَادِ ، الْمُتَفَرِّدُ بِالْمِنَّةِ عَلَى جَمِيعِ الْعِبَادِ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ الْمُحْتَجِبُ بِالْمَلَكُوتِ وَالْعِزَّةِ ، الْمُتَوَحِّدُ بِالْجَبْرُوتِ وَالْقُدْرَةِ ، الْمُتَرَدِّدُ بِالْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ الْمُتَقَدِّسُ بِدَوَامِ السُّلْطَانِ ، وَالْغَالِبُ بِالْحُجَّةِ وَالْبُرْهَانِ ، وَنَفَاذِ الْمَشِيئَةِ فِي كُلِّ حِينٍ وَأَوَانٍ . (٣)

كنز العمال عن عبد الله بن يسار : كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ قَالَ : اللَّهُ أَكْبَرُ أَهْلٌ أَنْ يُكَبَّرَ ، وَأَهْلٌ أَنْ يُذَكَرَ ، وَأَهْلٌ أَنْ يُشْكَرَ ، مَنْ نَفَعَهُ نَفَعٌ وَضُرَّهُ ضُرٌّ . (٤)

١- البلد الأمين : ص ٣٧٤ .

٢- مَهْجَعُ الدَّعَوَاتِ : ص ١٧٠ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي يَحْيَى عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِأَسَانِيدٍ أُخْرَى ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٩٥ ص ٣٨٦ ح ٢٨ .

٣- البلد الأمين : ص ٩٣ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٩٠ ص ١٣٩ ح ٧ .

٤- كنز العمال : ج ١٥ ص ٥١١ ح ٤١٩٩٣ نقلًا عن الخرائطي .

فصل پنجم: تکبیرهای رسیده از اهل بیت علیهم السلام

فصل پنجم: تکبیرهای رسیده از اهل بیت‌البلد الامین: دعای «لا إله إلا الله» از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده [و در آن آمده است]: بسم الله گوی و بگو: معبودی جز خدا نیست (سه مرتبه) و خدا، بزرگ تر است (سه مرتبه)، به تعداد هر تکبیری که تکبیرگویان گفته اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدا بزرگ تر است، در علم او، تا نهایت خشنودی اش. خدا، بزرگ تر است پس از علم او تا نهایت خشنودی اش. خدا بزرگ تر است، با علم او، تا نهایت خشنودی اش... و خدا، بزرگ تر است، چندان که جز او، کسی آن را شماره نمی تواند بکند، پیش از هر کس و با هر کس و پس از هر کس.

امام علی علیه السلام: بزرگا خدایی که بر حریفان، چیره است، از داشتن همتایان، برتر است، بندگان، همه تنها رهین منت اویند! بزرگا خدایی که در حجاب پادشاهی و عزت (۱) است، در شکوهناکی و قدرت، یگانه است، ردای کبریا و عظمت، در پوشیده است! بزرگا خدایی که به پابندگی سلطنت، مقدّس است، دلیل و برهانش چیره است و مشیتش، همیشه و هر دم جاری است!

کنز العمال به نقل از عبد الله بن یسار: علی بن ابی طالب علیه السلام هرگاه شب بر می خاست، می گفت: بزرگا خدایی که شایسته است بزرگ دانسته شود و شایسته است که یاد شود و شایسته است که سپاس گزاری شود! کسی که سودش، سود است و زیانش، زیان.

۱- دائما او پادشاه مطلق است در حجاب عزّ خود مستغرق است

الإمام الباقر عليه السلام: اللهُ أَكْبَرُ كُلَّمَا كَبَّرَ اللهُ شَيْءً ، وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ أَنْ يُكَبَّرَ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: اللهُ أَكْبَرُ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِلْءَ عَرْشِهِ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ عَدَدَ مَا أَحْصَى كِتَابَهُ . (٢)

الكافي عن محمد بن خالد البرقي عن بعض أصحابه رفعه ، قال :تَقُولُ بَعْدَ الْفَجْرِ قَبْلَ أَنْ تَتَكَلَّمَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ مِثْلَ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِثْلَ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ . . (٣)

بحار الأنوار من دعاء الإخلاص : اللهُ أَكْبَرُ ، اللهُ أَكْبَرُ ، لا إله إلا اللهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَهْلُ الْجَبْرُوتِ وَالْعِزَّةِ ، اللهُ أَكْبَرُ وَلِيُّ الْغَيْثِ وَالرَّحْمَةِ ، اللهُ أَكْبَرُ مَلِكُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، اللهُ أَكْبَرُ عَظِيمُ الْمَلَكُوتِ ، اللهُ أَكْبَرُ شَدِيدُ الْجَبْرُوتِ ، اللهُ أَكْبَرُ عَزِيزُ الْقُدْرَةِ لَطِيفُ لِمَا يَشَاءُ ، اللهُ أَكْبَرُ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ ، اللهُ أَكْبَرُ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ ، اللهُ أَكْبَرُ مُبْدِي الْخَفِيَّاتِ ، اللهُ أَكْبَرُ مُعْلِنُ السَّرَائِرِ . اللهُ أَكْبَرُ أَوَّلُ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرُهُ ، اللهُ أَكْبَرُ بَدِيعُ كُلِّ شَيْءٍ وَمُنْتَهَاهُ ، اللهُ أَكْبَرُ مُدْرِكُ كُلِّ شَيْءٍ وَمَصِيرُهُ إِلَيْهِ ، اللهُ أَكْبَرُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَمَوْلَاهُ ، اللهُ أَكْبَرُ أَمَامَ كُلِّ شَيْءٍ وَخَلْفَ كُلِّ شَيْءٍ ، اللهُ أَكْبَرُ مُبْتَدِي كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ ، اللهُ أَكْبَرُ بَدءُ كُلِّ شَيْءٍ وَمُعِيدُهُ ، اللهُ أَكْبَرُ رَازِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَمُغِيثُهُ ، اللهُ أَكْبَرُ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَمُحْصِيهِ ، اللهُ أَكْبَرُ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَمُنْجِيهِ ، اللهُ أَكْبَرُ لَمْ يَكُ قَبْلَهُ شَيْءٌ ، اللهُ أَكْبَرُ كُلُّ شَيْءٍ بِرِيْدِهِ ، اللهُ أَكْبَرُ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ ، اللهُ أَكْبَرُ لَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ ، اللهُ أَكْبَرُ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا . اللهُ أَكْبَرُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ، اللهُ أَكْبَرُ مُكَبَّرًا مُعْظَمًا مُتَقَدِّسًا كَبِيرًا ، اللهُ أَكْبَرُ وَلَا شَرِيكَ لَهُ فِي تَكْبِيرِي إِيَّاهُ ، يَلِ أَقْوَلُ مُخْلِصًا : وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ، اللهُ أَكْبَرُ لَا نِدَّ لَهُ وَلَا ضِدَّ ، وَلَا شَبِيهَ لَهُ وَلَا شَرِيكَ ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . (٤)

- ١- الكافي : ج ٢ ص ٥٨٨ ح ٢٦ ، تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٧٦ ح ٢٣٤ ، مهج الدعوات : ص ٢١٦ كلها عن أبي حمزة الثمالي ، الإقبال : ج ٢ ص ١٢٤ عن سلمه بن الأكوع عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٢٦٩ ح ٣ .
- ٢- الإقبال : ج ٢ ص ١٤٥ ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٢٥٩ .
- ٣- الكافي : ج ٢ ص ٥٤٧ ح ٥ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٩١ ح ٥٢ .
- ٤- بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٤١٩ ح ٤٣ نقلًا عن أصل قديم من مؤلفات قدماء الأصحاب .

امام باقر علیه السلام: خدا بزرگ تر است ، هر زمان که چیزی خدا را به بزرگ تری یاد کند ، و آن سان که خدا ، خود ، دوست دارد که به بزرگ تری یاد شود .

امام صادق علیه السلام: خدا بزرگ تر است ، به گستره کلماتش . خدا بزرگ تر است ، به گنجایی عرشش . خدا بزرگ تر است ، به شمار آنچه کتاب او شماره کرده است .

الکافی به نقل از محمد بن خالد برقی ، از یکی از یارانش که سند حدیث را به اهل بیت علیهم السلام رسانده است : بعد از نماز صبح ، پیش از آن که سخنی بگویی ، می گویی : «ستایش ، خدای را به پُری ترازو و تا نهایت خشنودی [خدا] و به وزنِ عرش . پاک خدا به پُری ترازو تا نهایت خشنودی [خدا] و به وزن عرش! خدا ، بزرگ تر است به پُری ترازو و تا نهایت خشنودی [خدا] و به وزن عرش ...» .

بحار الأنوار بخشی از «دعای اخلاص» : خدا ، بزرگ تر است ، خدا ، بزرگ تر است . معبودی جز خدا نیست . بزرگا خدایی که اهل جبروت و عزت است! بزرگا خدایی که صاحب باران پُر خیر و برکت و صاحب رحمت است! بزرگا خدایی که پروردگار دنیا و آخرت است! بزرگا خدایی که پادشاهی اش با عظمت است! بزرگا خدایی که پُر جبروت است! بزرگا خدایی که قدرتش شکست ناپذیر است و به آنچه خواهد ، صاحب لطف است! بزرگا خدایی که گرداننده امور است! بزرگا خدایی که استخوان های پوسیده را زنده می گرداند! بزرگا خدایی که آشکار کننده پوشیده هاست! بزرگا خدایی که هویدا کننده نهان هاست ! بزرگا خدایی که آغاز و فرجام هر چیزی است! بزرگا خدایی که ابداع کننده هر چیز و مُنتهای آن است! بزرگا خدایی که دریابنده هر چیز است و حرکت هر چیز به سوی اوست! بزرگا خدایی که آفریننده هر چیز و سرپرست آن است! بزرگا خدایی که پیش هر چیز و پس از هر چیز است! بزرگا خدایی که پدید آورنده هر چیز و وارث آن است! بزرگا خدایی که آغاز کننده هر چیز و اعاده کننده آن است! بزرگا خدایی که روزی دهنده هر چیز و کمک کننده آن است! بزرگا خدایی که پروردگار هر چیز و شمارنده آن است! بزرگا خدایی که پروردگار هر چیز و نجات دهنده آن است! بزرگا خدایی که پیش از او چیزی نبوده است! بزرگا خدایی که همه چیز ، در دست [قدرت و اختیار] اوست! بزرگا خدایی که هر چیز ، نابود می شود ، جز روی او! بزرگا خدایی که غیر او ، آنچه می خواهد انجام دهد ، نمی تواند! بزرگا خدایی که همسر و فرزندی نگرفته است و در جهاننداری ، شریکی ندارد و خوار و ضعیف نبوده که حمایتگری داشته باشد! او را بزرگ و بزرگ بشمار . بزرگا خدایی که نه زاده است و نه زاده کسی است و هیچ کس همتای او نیست! بزرگا خدایی که بسی بزرگ و با عظمت و مقدس و کبیر است! بزرگا خدا! و در این بزرگداشتم ، کسی شریک او نیست ؛ بلکه از سر اخلاص می گویم : روی خود را به سوی کسی کردم که آفریننده آسمان ها و زمین است ، در حالی که یکتاپرست و مسلمانم و از مشرکان نیستم . بزرگا خدایی که او را همتا و رقیبی و مانند و شریکی نیست! پروردگار باشکوه و پُرج است . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا مرتبه و با عظمت .

ص: ٧٨

راجع : ص ٤٢ (مواضع التكبير / الأعياد) .

ص: ۷۹

ر. ک: ص ۴۳ (جایگاه های گفتن الله اکبر / اعیاد).

بخش هفتم: حوقله و استثناء (گفتن «لا حول و لا قوه إلیا بالله» و «إن شاء الله»)

اشاره

بخش هفتم: حوقله و استثناء (گفتن «لا حول و لا قوه إلیا بالله» و «إن شاء الله») شامل: در آمد فصل یکم: تفسیر «لا حول و لا قوه إلیا بالله» فصل دوم: ویژگی های «لا حول و لا قوه إلیا بالله» فصل سوم: برکت های «لا حول و لا قوه إلیا بالله» فصل چهارم: خطر برائت جستن از نیرو و توان خدا فصل پنجم: مهم ترین اوقات گفتن «لا حول و لا قوه إلیا بالله» فصل ششم: «لا حول و لا قوه إلیا بالله» های رسیده از اهل بیت علیهم السلام فصل هفتم: تشویق به گفتن: «ان شاء الله = اگر خدا بخواهد» فصل هشتم: فراموش کردن «اگر خدا بخواهد» و با تأخیر گفتن آن فصل نهم: گوناگون

درآمدواژه شناسی «حوقله» واژه «حوقله» ، به معنای گفتن یا نوشتن «لا حولَ و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» است و گاه به معنای خود این ذکر شریف (با ساخت اسم مصدری) به کار می رود که در اصطلاح علوم عربی ، به این ساختار و نظایر آن (مانند: «بَسْمَلَه» و «حَمْدَلَه») ، مصدر جعلی یا منحوت می گویند . گفتنی است که بیشتر لغت شناسان ، مصدر جعلی «لا حَوْلَ و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» را تنها «حوقله» می دانند ؛ ولی شماری از آنها «حوقله» را نیز مصدر جعلی این ذکر دانسته اند . (۱)

حوقله ، در قرآن و حدیث در قرآن کریم ، ذکر «حوقله» نیامده و آنچه آمده ، «مَآ شَاءَ اللّهُ لَأَقُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ» (۲) است ؛ لیکن در احادیث اسلامی ، غالباً کلمه «لا حول» به جمله «لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»

۱- ر. ک: ترتیب اصلاح المنطق: ص ۷۸ ، الصحاح: ج ۴ ص ۱۴۶۴ و ج ۵ ص ۱۸۵۴ ، النهایه: ج ۱ ص ۴۴۶ ، لسان العرب: ج ۱ ص ۶۷ .
 ۲- .کَهِف: آیه ۳۹ .

۱. معانی «حوقله»

افزوده شده است که در حقیقت تأکیدی است بر «لا-قوه» ای که در قرآن آمده است. در ارتباط با احادیثی که در این بخش می آیند، چند نکته قابل توجه است:

۱. معانی «حوقله» در احادیث، ذکر «لا حول ولا قوه إلا بالله»، به سه گونه تفسیر شده است: تفسیر اول، این که: مبدأ توان و قدرت انسان، خداست و او بدون کمک خداوند، نه می تواند از معصیت پروردگار، خودداری کند و نه می تواند اوامر او را اطاعت نماید. متن حدیث نبوی در این باره چنین است: لا حول (۱) عن معصیه الله إلا بقوه الله، ولا قوه علی طاعه الله إلا بعون الله. (۲) هیچ بازدارنده ای از معصیت خدا نیست مگر به نیروی خدا، و هیچ توانی بر طاعت خدا نیست مگر به کمک خدا. تفسیر دوم، سلب مالکیت عرضی از انسان در همه امور اعم از افعال و املاک است؛ بدین معنا که مالکیت انسان، در طول مالکیت خداوند متعال است، نه در عرض او، و در مالکیت طولی نیز خدا به مالکیت، اولی است تا انسان؛ زیرا مالکیت انسان، حدوثا و بقائا، وابسته به مشیت الهی است. از امام علی علیه السلام در تبیین معنای «حوقله» روایت شده است که: إنا لا نملک مع الله شیئا، ولا نملک إلا ما ملکنا، فممتی ملکنا ما هو أملک به منا

۱- فرق بین حول و قوه، طبق قولی، در این است که حول، توان تصرّف (تغییر) است، در حالی که قوه، منشأ افعال دشوار است و از مولایمان امیر مؤمنان در تفسیر «لا حول ولا قوه إلا بالله» روایت شده است که یعنی: «هیچ مانعی از معاصی و هیچ توانی بر عبادت نیست، مگر به خدا» یعنی: به یاری خدا و توفیق او (معجم الفروق اللغویّه: ص ۲۰۴).

۲- ر. ک: ص ۸۸ ح ۱۶۶۷.

كَلَّفْنَا ، وَمَتَى أَخَذَهُ مِنَّا وَضَعَ تَكْلِيفَهُ عَنَّا . (۱) ما در کنار خدا مالک چیزی نیستیم ، و تنها مالک آن چیزی هستیم که او به مالکیت ما درآورده است . پس تا آن گاه که او چیزی را که به مالکیت آن اولی از ماست در اختیار ما نهاده است ، ما را مکلف نموده و آن گاه که آن را از ما بگیرد ، تکلیف خود را نیز از عهده ما بر می دارد . تفسیر سوم ، تفسیر به لازم است ، بدین معنا که وقتی انسان باور کند که توان و مالکیت او در طول قدرت و مالکیت خداست و بدون اراده تکوینی خداوند متعال ، هیچ کاری از هیچ کس ساخته نیست و او تواناترین و بهترین کارگزار است ، همه کارهای خود را به او واگذار می نماید . پیامبر خدا می فرماید : إِذَا قَالَ الْعَبْدُ : «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» فَقَدْ فَوَّضَ أَمْرَهُ إِلَى اللَّهِ ، وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَكْفِيَهُ . (۲) هر گاه بنده بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست مگر به مدد خداوند» ، در واقع ، کار خود را به خدا وا گذاشته است و بر خداست که برایش کارسازی کند . بنا بر این ، تنها کسی می تواند این ذکر نورانی را حقیقتاً بر زبان ، جاری نماید که همه توان خود را در مسیری که خدا می خواهد ، به کار گیرد و البته تکیه گاه اصلی او برای رسیدن به مقصد ، خدا باشد ؛ چرا که او کارساز حقیقی و مسبب الأسباب است . به سخن دیگر ، کسی حقیقتاً شایستگی گفتن «لا حول و لا قوه إلا بالله» را دارد که به مرتبه توحید افعالی رسیده باشد ؛ زیرا تا به این پایه از توحید نرسد ،

۱- ر . ک : ص ۹۲ ح ۱۶۷۳ .

۲- ر . ک : ص ۹۲ ح ۱۶۷۴ .

۲. استثنا به مشیت الهی

نمی تواند به طور مطلق ، توان را از خود ، سلب و به خداوند متعال منسوب نماید .

۲. استثنا به مشیت الهی (۱) کسی که به مرتبه توحید افعالی رسید ، انجام شدن هر کاری را منوط به خواست الهی می داند . از این رو ، ادب عبودیت ، اقتضا می کند که موخید ، وقتی می خواهد بگوید : «فلان کار را انجام می دهم» ، آن را منوط به مشیت الهی نماید ، چنان که قرآن کریم در اشاره به این ادب می فرماید : «وَلَا تَقُولَنَّ لَشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكُمْ غَدًا * إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ . (۲) و زنهرا! در مورد چیزی مگو که : «من آن را انجام خواهم داد» ، مگر آن که خدا بخواهد» . همچنین پیامبر خدا ضمیمه کردن ذکر «استثنا» (یعنی گفتن *إن شاء الله*) به هر گونه سخن را نشانه کمال ایمان که همان توحید افعالی است می شمارد : *إِنَّ مِنْ إِمْتَامِ إِيْمَانِ الْعَبْدِ أَنْ يَسْتَثْنِي فِي كُلِّ حَدِيثٍ . (۳)* از کمال ایمان بنده است که در هر سخنی ، «*إن شاء الله*» بگوید . در احادیث اهل بیت ، ضمیمه کردن استثنا به نوشته ها نیز مورد تأکید قرار گرفته است . (۴)

-
- ۱- استثنا گفتن یا مشروط کردن اجرای هر قصدی به مشیت خدا ، در عرف شرع و متشرعه ، عبارت است از : گفتن جمله «*إن شاء الله*» . این اصطلاح ، از آیه های ۲۳ و ۲۴ سوره کهف اخذ شده است .
 - ۲- کهف : آیه ۲۳ و ۲۴ .
 - ۳- ر . ک : ص ۱۶۴ ح ۱۷۸۶ .
 - ۴- ر . ک : ص ۱۷۱ (نوشتن «اگر خدا بخواهد» در نوشتار) .

۳. نقش ذکر «حوقله» در زندگی

۴. خطر برائت از حول و قوه الهی

۳. نقش ذکر «حوقله» در زندگی مبارک «لا- حول و لا قوه إلا بالله» ، برکات فراوانی برای زندگی مادی و معنوی انسان دارد. مهم ترین برکات این ذکر که در احادیث فصل سوم بدانها تصریح شده عبارت اند از: دوام یافتن نعمت های الهی ، زوال فقر ، پاک شدن از گناهان ، دفع وسوسه ، فرو خفتن خشم ، پیشگیری از اندوه ، دفع چشم زخم و انواع بلاها . بدیهی است که گفتن این ذکر ، هر چه با حقیقت آن (توحید افعالی) بیشتر همراه باشد ، برکات بیشتری برای زندگی خواهد داشت . به دلیل اهمیت این ذکر و نقش مؤثر و سازنده آن ، احادیث اسلامی ، از آن با تعبیرهای بلندی (مانند: گنج سخن ، گنج بهشت ، گنج عرش ، تسبیح حاملان عرش و کلام اهل آسمان ها) یاد نموده ، مسلمانان را به بهره برداری از برکات آن ، تشویق کرده اند . همچنین بر گفتن این ذکر به هنگام شنیدن حَیَعَلَات («حَى عَلی»ها) در اذان و نیز بعد از نماز صبح و هنگام خروج از منزل و هنگام وارد شدن به مسجد و بازار ، تأکید نموده اند .

۴. خطر برائت از حول و قوه الهی نقطه مقابل «حوقله» که نشان دهنده توحید افعالی است و برکات فراوانی برای زندگی مادی و معنوی انسان دارد ، ابراز برائت از حول و قوه الهی است که فوق العاده خطرناک است . از این رو ، در واقعه ای ، کسی که امام صادق علیه السلام را متهم کرده بود ، هنگامی که به دروغ گفت : «از نیرو و توان خدا برائت می جویم و به نیرو و توان خودم تکیه می کنم که در آنچه می گویم ، راست و درستم» هنوز سخنش تمام نشده ، هلاک شد . (۱)

الفصل الأول: تفسير الحوقله ١ / لا حول ولا قوة إلا بالله صلى الله عليه وآله لمعاذ: يا معاذ ، أتدرى ما تفسير: لا حول ولا قوة إلا بالله؟ لا حول عن معصية الله إلا بقوة الله ، ولا قوة على طاعة الله إلا بعون الله . (١)

مجمع الزوائد عن عبد الله بن مسعود: كنت عند النبي صلى الله عليه وآله فقلت: لا حول ولا قوة إلا بالله ، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: تدرى ما تفسيرها؟ قلت: الله ورسوله أعلم! قال: لا حول عن معصية الله إلا بعصمه الله ، ولا قوة على طاعة الله إلا بعون الله . (٢)

الإمام علي عليه السلام حين سئل عن تأويل: لا حول ولا قوة إلا بالله: لا حول لنا عن معاصي الله إلا بعصمه الله ، ولا قوة لنا على طاعة الله إلا بعون الله . (٣)

-
- ١- الفردوس: ج ٥ ص ٣٧٥ ح ٨٤٧٨ عن ابن مسعود ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٥٩ ح ١٩٨٤ وج ٢ ص ٢٥١ ح ٣٩٤٦ .
 - ٢- مجمع الزوائد: ج ١٠ ص ١٢١ ح ١٦٩٠٧ نقلاً عن البزار ، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٥١ ح ٣٩٤٧ نقلاً عن ابن النجار نحوه .
 - ٣- الاحتجاج: ج ٢ ص ٤٩٤ ح ٣٢٨ عن الإمام العسكري عليه السلام في رسالته إلى أهل الأهواز حين سأله عن الجبر والتفويض ، تحف العقول: ص ٤٦٨ ، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٢٤ ح ٣٠ .

فصل یکم: تفسیر «لا حول ولا قوه الا بالله»

۱ / ۱ خودداری از معصیت و توانایی بر طاعت، جز با یاری خود خدا نیست

فصل یکم: تفسیر «لا حول ولا قوه الا بالله» ۱ / ۱ خودداری از معصیت و توانایی بر طاعت، جز با یاری خود خدا نیست پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مُعَاذ: ای مُعَاذ! آیا می دانی تفسیر «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» چیست؟ [این است که: [خودداری از معصیت خدا، جز با یاری خدا نیست و توانایی بر طاعت خدا نیز، جز با یاری خدا نیست.

مجمع الزوائد به نقل از عبد الله بن مسعود: در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله بودم و جمله «لا حول ولا قوه الا بالله» را بر زبان آوردم. پیامبر خدا فرمود: «می دانی تفسیر آن چیست؟» گفتم: خدا و پیامبرش داناترند. فرمود: «یعنی تنها با نگهداشتِ خداست که از معصیت خدا، می توان خودداری کرد و فقط با یاری خداست که بر طاعت خدا، توانایم.

امام علی علیه السلام در پاسخ به سؤال از تأویل «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»: یعنی از نافرمانی خدا، خودداری نمی توانیم کرد، مگر با نگهداشتِ خدا، و بر فرمان بُرداری از خدا، توانا نخواهیم بود، مگر با یاری خدا.

تاريخ دمشق عن الحارث: جاء رجلٌ إلى عليّ بن أبي طالبٍ عليه السلام فقال: يا أمير المؤمنين، أخبرني عن القدر، قال: ... أئهبها السائل، ألسنتُ تسألُ ربك العافية؟ قال: نعم، قال: فمن أيّ شيءٍ تسألُ له العافية؟ أمّن البلاء الذي ابتلاك به غيره؟ قال: من البلاء الذي ابتلاني به. قال: أئهبها السائل، تقول: لا حول ولا قوة إلا بالله العظيم. قال: فتعلم ما تفسرها؟ قال: تعلمني ممّا علمك الله يا أمير المؤمنين. قال: إن تفسرها: لا يقدر (١) على طاعه الله، ولا تكون له قوة في معصية في الأمرين جميعاً إلا بالله. (٢)

التوحيد عن جابر الجعفي عن الإمام الباقر عليه السلام، قال: سألتُه عن معنى: «لا حول ولا قوة إلا بالله» فقال: معناه لا حول لنا عن معصية الله إلا بعون الله، ولا قوة لنا على طاعه الله إلا بتوفيق الله عز وجل. (٣)

المحاسن عن الحسين بن علوان الكلبى عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سألتُه عن تفسير: «لا حول ولا قوة إلا بالله»، قال: لا يحول بيننا وبين المعاصى إلا الله، ولا يقوينا على أداء الطاعة والفرائض إلا الله. (٤)

-
- ١- فى المصدر: «ولا تقدر»، والتصويب من كنز العمال. وفى دستور معالم الحكم: «إن العبد لا يقدر...».
 - ٢- تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٥١٢، دستور معالم الحكم: ص ٨٨، كنز العمال: ج ١ ص ٣٤٦ ح ١٥٦١.
 - ٣- التوحيد: ص ٢٤٢ ح ٣، معانى الأخبار: ص ٢١ ح ١، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٧ ح ١١.
 - ٤- المحاسن: ج ١ ص ١١٣ ح ١١٠، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٩ ح ٢٤.

تاریخ دمشق به نقل از حارث: مردی نزد علی بن ابی طالب علیه السلام آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! مرا از قَدَر، آگاه فرما. فرمود: «... ای پرسنده! آیا نه این است که تو از پروردگارت عافیت می طلبی؟». گفت: چرا. فرمود: «عافیت از چه چیز، از او می طلبی؟ آیا از بلایی که غیر او، تو را به آن گرفتار کرده است؟». مرد گفت: از بلایی که او خود، مرا بدان گرفتار کرده است. فرمود: «ای پرسنده! می گویی: هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری چه کسی؟». گفت: مگر به یاری خداوند بلندمرتبه و باعظمت. فرمود: «می دانی تفسیر آن چیست؟». گفت: ای امیر مؤمنان! از آنچه خدایت به تو آموخته است، به من می آموزی؟ فرمود: «تفسیرش این است که: [بنده]، جز با یاری خدا، نه بر طاعت خداوند قادر است و نه بر [ترک] [معصیتی تواناست].»

التوحید به نقل از جابر جُعفی: از امام باقر علیه السلام در باره معنای «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» پرسیدم. فرمود: «معنایش این است که ما از معصیت خدا، باز نتوانیم ایستاد، مگر به یاری خود خداوند، و بر انجام دادن طاعت خدا، توانایی نداریم، جز با توفیق دهی خود خداوند عز و جل.»

المحاسن به نقل از حسین بن علوان کلبی: از امام صادق علیه السلام در باره تفسیر «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، پرسیدم. فرمود: «یعنی میان ما و معاصی حایل نمی گردد، مگر خداوند، و ما را بر انجام دادن طاعت و وظایف، نیرومند نمی گرداند، مگر خداوند.»

١ / ٢ لا نَمْلِكُ مَعَ اللَّهِ إِلَّا مَا مَلَكَنا الإِمامَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ سُئِلَ عَن مَعْنَى: لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ : إنا لا نَمْلِكُ مَعَ اللَّهِ شَيْئاً ، وَلا نَمْلِكُ إِلَّا ما مَلَكَنا ، فَمَتى مَلَكَنا ما هُوَ أَمْلِكُ بِهِ مِنّا كَلَّفَنا ، وَمَتى أَخَذَهُ مِنّا وَضَعَ تَكْلِيفَهُ عَنّا . (١)

١ / ٣ تَفْوِضُ الأَمْرِ إِلَى اللّهِ رَسُولِ اللّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قَالَ العَبْدُ : «لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ» فَقَدْ فَوَّضَ أَمْرَهُ إِلَى اللّهِ ، وَحَقُّ عَلَيَّ اللّهِ أَنْ يَكْفِيَهُ . (٢)

الإمام زين العابدين عليه السلام: مَنْ قال : «لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ» فَوَّضَ الأَمْرَ إِلَى اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ . (٣)

١- نهج البلاغه : الحكمة ٤٠٤ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٢٠٩ ح ٤٩ .

٢- المحاسن : ج ١ ص ١١٢ ح ١٠٨ عن محمد بن عمران عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٩ ح ٢٢ .

٣- الخصال : ص ٢٩٩ ح ٧٢ عن أبي حمزة الثمالي ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٧ ح ٩ وص ١٩٣ ح ٥ .

۱ / ۲ تنها مالک چیزی هستی که خداوند ، ما را مالک آن کرده است

۱ / ۳ وا گذاشتن کار به خدا

۱ / ۲ تنها مالک چیزی هستیم که خداوند ، ما را مالک آن کرده است امام علی علیه السلام در پاسخ به سؤال از معنای «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به کمک خدا»: یعنی ما در کنار خداوند ، مالک چیزی نیستیم (۱) و تنها مالک آن چیزی هستیم که او ، به مالکیت ما درآورده است . پس هرگاه او ما را مالک چیزی گردانید که خود به مالکیت آن ، اُولی از ماست . در باره آن به ما تکلیف می دهد ، و هرگاه آن را از ما بگیرد ، تکلیف آن را نیز از دوش ما برمی دارد .

۱ / ۳ وا گذاشتن کار به خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه بنده بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ، در واقع ، کار خود را به خدا وا نهاده است و بر خداست که برایش کارسازی کند .

امام زین العابدین علیه السلام : هر کس بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ، کار را به خداوند عز و جل سپرده است .

۱- یعنی مالکیت ما نسبت به اشیا ، در عرض مالکیت خداوند نیست ؛ بلکه در طول آن و حاصل تملیک او به ماست .

الفصل الثاني : خصائص الحوقله ٢ / ١ كُنْزُ الْحَدِيثِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ أَرَادَ كُنْزَ الْحَدِيثِ فَعَلَيْهِ بِ «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» . (١)

عنه صلى الله عليه وآله : أَحَبُّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ : سُبْحَانَ اللَّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَبِحَمْدِهِ . (٢)

٢ / ٢ كَلَامُ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : كَلَامُ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ : لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (٣)

-
- ١- معانى الأخبار : ص ١٣٩ ح ١ عن فضاله بن عبيد ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٧ ح ١٢ ؛ التاريخ الكبير : ج ٣ ص ٢٨٣ ح ٩٧٠ ، المعجم الكبير : ج ١٨ ص ٣٠١ ح ٧٧٣ كلاهما عن فضاله بن عبيد ، مجمع الزوائد : ج ١٠ ص ١٢٢ ح ١٦٩٠٨ ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٥٩ ح ١٩٨٢ كلاهما نقلاً عن المعجم الكبير وفيهما «الجنة» بدل «الحديث» .
 - ٢- الأدب المفرد : ص ١٩١ ح ٦٣٨ عن أبي ذرّ ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٦٥ ح ٢٠٢٢ .
 - ٣- تاريخ بغداد : ج ٨ ص ٣٣٣ عن أنس ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٥٤ ح ١٩٥٤ .

فصل دوم: ویژگی های «لا حول ولا قوه إلا بالله»

۱ / ۲ گنج سخن

۲ / ۲ سخن اهل آسمان ها

فصل دوم: ویژگی های «لا حول ولا قوه إلا بالله» ۱ / ۲ گنج سخنیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس گنج سخن (۱) را می خواهد ، بر او باد [گفتن] «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا»!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :محبوب ترین سخن در نزد خداوند ، این است : «پاکا خدایی که بی انباز است! پادشاهی و ستایش ، از آن اوست . او بر هر چیزی تواناست . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا و با ستایش او» .

۲ / ۲ سخن اهل آسمان های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سخن اهل آسمان ها این است : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» .

۱- .شاید هم مراد ، همان حدیث ، به معنای مصطلح آن ، باشد .

عنه صلى الله عليه وآله: ما نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكٌ وَلَا صَعِدَ إِلَى السَّمَاءِ مَلَكٌ حَتَّى يَقُولَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (١)

٢ / ٣ بابٌ مِنَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ سَنَّ التِّرْمِذِيُّ عَنْ قَيْسِ بْنِ سَعْدِ بْنِ عِبَادَةَ: مَرَّ بِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . . . وَقَالَ: أَلَا أُدُلُّكَ عَلَى بَابٍ مِنَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ؟ قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (٢)

٢ / ٤ غَرَسُ مِنَ غِرَاسِ الْجَنَّةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا خَلَقَ الْجَنَّةَ جَعَلَ غَرَسَهَا: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: لَمَّا أُسْرِيَ بِي مَرَرْتُ بِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ لِيَجْبُرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ هَذَا؟ قَالَ: مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَرَحَّبَ بِي وَسَلَّمَ عَلَيَّ، وَقَالَ: مَرُّ أُمَّتِكَ يُكْثِرُوا مِنَ غِرَاسِ الْجَنَّةِ، فَإِنْ تَرَبَّتْهَا طَيِّبَةٌ، وَأَرْضُهَا وَسِجَّةٌ قَالَ: قُلْتُ: وَمَا غِرَاسُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (٤)

-
- ١- الفردوس: ج ٤ ص ٧٧ ح ٦٢٣٧ عن أبي هريره، كنز العمال: ج ١ ص ٤٥٩ ح ١٩٨٣ .
 - ٢- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٧١ ح ٣٥٨١، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٢٥٦ ح ٢٢١٦٠ عن معاذ بن جبل، المستدرک على الصحيحين: ج ٤ ص ٣٢٣ ح ٧٧٨٧، المعجم الكبير: ج ١٨ ص ٣٥١ ح ٨٩٣ و ٨٩٤، كنز العمال: ج ١ ص ٤٥٧ ح ١٩٧٣ .
 - ٣- كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٩ ح ٢٠٤١ نقلاً عن الشيرازى فى الألقاب عن أنس .
 - ٤- شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٤٤ ح ٦٥٨ عن أبى أيوب الأنصارى، كنز العمال: ج ١ ص ٤٥٧ ح ١٩٧٤؛ الدعوات: ص ٤٦ ح ١١٣، روضه الواعظين: ص ٦٩ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٤ ح ٢١ .

۲ / ۳ دری از درهای بهشت**۲ / ۴ نهالی از نهال های بهشت**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ فرشته ای از آسمان ، فرود نیامد و هیچ فرشته ای به آسمان بالا نرفت ، مگر آن که گفت : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» .

۲ / ۳ دری از درهای بهشتسنن الترمذی به نقل از قیس بن سعد بن عباده :پیامبر صلی الله علیه و آله به من برخورد ... فرمود : «آیا تو را به دری از درهای بهشت ، راهنمایی نکنم؟ گفتم : چرا . فرمود : [گفتن] «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا!» .

۲ / ۴ نهالی از نهال های بهشتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل چون بهشت را آفرید ، نهال های آن را : «پاکا خدا!» ، و «ستایش ، خدای را!» و «معبودی جز خدا نیست» ، و «خدا ، بزرگ تر است» ، و «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» قرار داد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شبی که به آسمان برده شدم ، بر ابراهیم علیه السلام گذشتم . به جبرئیل علیه السلام گفتم : این کیست؟ گفت : محمّد . ابراهیم علیه السلام به من خوشامد گفت و سلام کرد و گفت : به امتت بفرما که بر نهال های بهشت ، بیفزایند ؛ زیرا که خاک بهشت ، پاک [و حاصلخیز] است و زمینش ، پهناور . من گفتم : نهال های بهشت ، چیست؟ گفت : «[ذکر] هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» .

٢ / ٥ كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ مِنْ كَنْزِ الْجَنَّةِ: إِخْفَاءُ الصَّدَقَةِ ، وَكِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ ، وَقَوْلٌ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: أَكْثَرُ مِنْ قَوْلٍ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» فَإِنَّهَا كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: أَكْثَرُوا مِنْ ذِكْرِ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» فَإِنَّهَا مِنْ كَنْزِ الْجَنَّةِ ، وَمَنْ أَكْثَرَ مِنْهُ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ ، وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (٣)

الإمام علي عليه السلام: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ ، أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى كَنْزٍ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ؟ قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ . قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (٤)

مستطرفات السرائر عن سلمان الفارسي: أَوْصَانِي خَلِيلِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِسَبْعٍ لَا أَدْعُهُنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ ... أَوْصَانِي أَنْ أَكْثَرَ مِنْ قَوْلٍ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» فَإِنَّهَا كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ . (٥)

- ١- تاريخ بغداد: ج ٣ ص ١٨٦ عن الحارث بن علي ، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٥٩ ح ٤٣٤٢٠ .
- ٢- سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٨٠ ح ٣٦٠١ ، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢٣١ ح ٨٤١٤ كلاهما عن أبي هريره ، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٥٧ ح ٣٨٢٦ عن حازم بن حرملة ، المعجم الكبير: ج ٤ ص ١٣٣ ح ٣٩٠٠ عن أبي أيوب وليس فيهما «كنز» ، السنن الكبرى: ج ١٠ ص ١٥٥ ح ٢٠١٨٦ عن أبي ذر وليس فيه «من كنوز» ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٥٤ ح ١٩٥٧ و ١٩٥٨ .
- ٣- تاريخ دمشق: ج ١٨ ص ١٢٥ ح ٤٢٠٦ ، معجم السفر: ص ١٨٤ ح ٥٨٧ نحوه وكلاهما عن أبي بكر ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٥٥ ح ١٩٦٢ ؛ بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٦١ ح ٤٠ نقلاً عن البلد الأمين .
- ٤- طب الأئمة لابني بسطام: ص ٣٩ ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٩٠ ح ٣٠ .
- ٥- مستطرفات السرائر: ص ١٦٤ ح ٩ ، المحاسن: ج ١ ص ٧٥ ح ٣٤ ، بشاره المصطفى: ص ٢٢٢ ، مشكاة الأنوار: ص ١٥٤ ح ٣٧٨ ، روضه الواعظين: ص ٤٠٧ وفيهما «أن أقول» بدل «أن أكثر» ، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٩٩ ح ٩٠ .

۲ / ۵ گنجی از گنج های بهشت

۲ / ۵ گنجی از گنج های بهشت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز از گنج های بهشت است: پنهانی دادن صدقه، پنهان داشتن مصیبت، صلّه رحم، و ذکر «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جمله «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا» را بسیار بگو؛ زیرا که آن، گنجی از گنج های بهشت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ذکر «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا» را بسیار بگویید؛ زیرا آن، یکی از گنج های بهشت است. هر کس این ذکر را بسیار بگوید، خداوند به او نظر می کند، و هر کس که خدا به او نظر کند، به خیر دنیا و آخرت رسیده است.

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا به من فرمود: «ای علی! آیا تو را به گنجی از گنج های بهشت، راه نمایی نکنم؟». گفتم: چرا، ای پیامبر خدا. فرمود: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا».

مستطرفات السرائر به نقل از سلمان فارسی: عزیزم پیامبر خدا، مرا به هفت چیز سفارش کرد که در هیچ حال، آنها را ترک نمی گویم... به من سفارش فرمود که ذکر «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا» را بسیار بگویم؛ زیرا گنجی از گنج های بهشت است.

الخصال عن أبي ذرّ: أوصاني رسول الله صلى الله عليه وآله بسبع: . . . أوصاني أن أستكثر من قول: «لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم» فإنها من كنوز الجنة. (١)

مسند ابن حنبل عن أبي هريره: كنت أمشي مع رسول الله صلى الله عليه وآله في نخل لبعض أهل المدينة . . . فقال: يا أبا هريره، ألا أدلك على كنز من كنوز الجنة؟ فقلت: بلى يا رسول الله، قال: قل: لا حول ولا قوة إلا بالله، ولا ملجأ من الله إلا إليه. (٢)

المستدرک علی الصحیحین عن أبي هريره: إن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: ألا أعلمكم أو قال: ألا أدلك على كلمه من تحت العرش من كنز الجنة؟ تقول: «لا حول ولا قوة إلا بالله»، فيقول الله عز وجل: أسلم عبدي واستسلم. (٣)

عده الداعي: قال النبي صلى الله عليه وآله: ألا أعلمكم خمس كلمات، خفيفات على اللسان ثقيات في الميزان، يرضين الرحمن ويطرذن الشيطان، وهن من كنوز الجنة من تحت العرش، وهن الباقيات الصالحات؟ قالوا: بلى يا رسول الله. فقال: قولوا: سبحان الله، والحمد لله، ولا إله إلا الله، والله أكبر، ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم. وقال صلى الله عليه وآله: خمس بخ بخ لهن، ما أثقلهن في الميزان. (٤)

المحاسن عن الحسن البصري عن الإمام الباقر عليه السلام: ألا أخبركم بخمس خصال هي من البر، والبر يدعو إلى الجنة؟ قلت: بلى! قال: . . . والإكثار من قول: «لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم» فإنه من كنوز الجنة. (٥)

١- الخصال: ص ٣٤٥ ح ١٢، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٧ ح ٩.

٢- مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١٨٠ ح ٨٠٩١، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٩٨ ح ١٩٠١، كنز العمال: ج ٣ ص ٧٣٠ ح ٨٥٩٦.

٣- المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧١ ح ٥٤، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢٣٤ ح ٨٤٣٤ نحوه، كنز العمال: ج ١ ص ٤٥٣ ح ١٩٥١؛ مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٣٧٤ ح ٦١٢٧ نقلاً عن ابن أبي الجمهور في درر الالكي نحوه.

٤- عده الداعي: ص ٢٤٧، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٥ ح ٢٢.

٥- المحاسن: ج ١ ص ٧٢ ح ٢٧، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٨ ح ١٧.

الخصال به نقل از ابو ذر: پیامبر خدا، مرا به هفت چیز سفارش فرمود: ... به من سفارش فرمود که ذکر: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای بلند مرتبه و بزرگ» را فراوان بگویم؛ زیرا که آن، از گنج های بهشت است.

مسند ابن حنبل به نقل از ابو هُرَیره: در نخلستان یکی از اهالی مدینه با پیامبر خدا راه می رفتم ... به من فرمود: «ای ابو هُرَیره! آیا تو را به گنجی از گنج های بهشت راهنمایی نکنم؟». گفتم: چرا، ای پیامبر خدا. فرمود: «بگو: هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا، و از خدا جز به خود او، پناه نمی توان بُرد».

المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو هُرَیره: پیامبر خدا فرمود: «آیا به تو نیاموزم» یا فرمود: «آیا تو را راه نمایی نکنم» به کلمه ای از زیر عرش که از گنج های بهشت است؟ می گویی: هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا. پس [چون این را بگویی] خداوند عز و جل می فرماید: بنده ام تسلیم شد و سر [در قدرت من] سپرد».

عده الداعی: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا پنج جمله به شما نیاموزم که بر زبان، سُبُک هستند و در ترازوی اعمال [سنگین اند، خدای مهربان را خشنود می سازند و شیطان را می رانند و از گنج های بهشت، در زیر عرش هستند و ماندگارهای نیک اند؟». گفتند: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود: «بگویید: پا کا خدا! ستایش، خدای را! معبودی جز خدا نیست. خدا، بزرگ تر است. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خداوند والا و بزرگ». و فرمود: «به به از این پنج سخن! چه سنگین اند در ترازوی اعمال!».

المحاسن به نقل از حسن بصری: امام باقر علیه السلام فرمود: «آیا شما را از پنج چیز، آگاه نگردانم که از نیکی (یا: طاعت) اند و نیکی و طاعت هم به بهشت می رساند؟». گفتم: بفرما. فرمود: «... و بسیار گفتن جمله هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ؛ زیرا که این جمله از گنج های بهشت است».

٦ / ٢ كُنُوزِ مِنَ الْكُنُوزِ الْعَرِشِيِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمَّا فَرَعْتُ مِمَّا أَمَرَنِي اللَّهُ بِهِ مِنْ أَمْرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، قُلْتُ : يَا رَبِّ ، إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ نَبِيٌّ قَبْلِي إِلَّا وَقَدْ كَرَّمْتَهُ ؛ جَعَلْتَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا ، وَمُوسَى كَلِيمًا ، وَسَخَّرْتَ لِدَاوُدَ الْجِبَالَ ، وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ وَالشَّيَاطِينَ ، وَأَحْيَيْتَ لِعِيسَى الْمَوْتَى ، فَمَا جَعَلْتَ لِي ؟ قَالَ : أَوْلَيْسَ قَدْ أُعْطَيْتَكَ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ ؟ أَنَّى لَا أَذْكُرُ إِلَّا ذُكِرْتَ مَعِيَ ، وَجَعَلْتُ صِدْقَ دُورِ أُمَّتِكَ أَنْجِيلَ (١) يَتَقَرَّوْنَ الْقُرْآنَ ظَاهِرًا ، وَلَمْ أُعْطِهَا أُمَّةً ، وَأُعْطَيْتَكَ كُنْزًا مِنْ كُنُوزِ عَرْشِي : لا - حَوْلَ وَلَا - قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . (٢)

الدر المنثور عن أبي هريره : سُئِلَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانٍ عَنْ مَقَالِيدِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، فَقَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» مِنْ كُنُوزِ الْعَرْشِ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام في ذكر حديث معراج النبي صلى الله عليه وآله : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا رَبِّ ، أُعْطِيَتْ أَنْبِيَاءُكَ فَضَائِلَ فَأَعْطِنِي . فَقَالَ اللَّهُ : قَدْ أُعْطَيْتَكَ فِيمَا أُعْطَيْتَكَ كَلِمَتَيْنِ مِنْ تَحْتِ عَرْشِي : «لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» و«لا مَنجى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ» . (٤)

-
- ١- إنجيل إفعيل من النجل ... وعين نجلاء أى واسعه وجمع الإنجيل: أنجيل (معانى القرآن للنحاس : ج ١ ص ٣٤٣). فالمراد أن قلوبهم واسعه مشروحه تسع القرآن فيحفظونه .
 - ٢- تفسير ابن كثير : ج ٨ ص ٤٥٢ ، البدايه والنهايه : ج ٦ ص ٢٨٣ كلاهما نقلاً عن أبي نعيم في دلائل النبوه عن أنس .
 - ٣- الدر المنثور : ج ٧ ص ٢٤٤ نقلاً عن الحارث بن أبي أسامه وابن مردويه ، كنز العمال : ج ٢ ص ٤٩٧ ح ٤٥٨٩ .
 - ٤- تفسير القمى : ج ٢ ص ١١ عن هشام بن سالم ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٦ ح ٧ .

۲ / ۶ گنجی از گنج های عرش

۲ / ۶ گنجی از گنج های عرش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون از مأموریتی که خداوند در باره آسمان ها و زمین به من داده بود، فراغت یافتم، گفتم: خداوندا! هیچ پیامبری پیش از من نبود، مگر آن که او را کرامتی بخشیدی: ابراهیم علیه السلام را دوست خود قرار دادی و موسی علیه السلام را همسخن خود، برای داوود علیه السلام کوه ها را مسخر ساختی و برای سلیمان علیه السلام باد و دیوان را، و برای عیسی علیه السلام مُردگان را زنده ساختی. برای من، چه قرار دادی؟ خداوند فرمود: «آیا نه این است که بهتر از همه اینها را به تو داده ام؟ از من یاد نمی شود، مگر آن که در کنار من، از تو نیز یاد شود، سینه های اُمّت را اناجیل (۱) قرار داده ام که قرآن را از بر می خوانند، در حالی که چنین چیزی را به هیچ اُمّتی نداده ام، و گنجی از گنج های عرش را به تو داده ام [و آن عبارت است از]: هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ.»

الدّرّ المشور به نقل از ابو هُرَیره: از عثمان بن عفّان، در باره کلیدهای آسمان ها و زمین، سؤال شد. گفت: پیامبر خدا فرمود: «پاکا خدا! ستایش خدای را! معبودی جز خدا نیست؛ خدا، بزرگ تر است؛ و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ از گنج های عرش اند.»

امام صادق علیه السلام در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا گفت: خداوندا! به پیامبران، مزایایی دادی. پس به من نیز عطا فرما. خداوند فرمود: «در میان آنچه به تو داده ام، دو کلمه از [کلمات] زیر عرش را هم دادم: هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا و و از تو نتوان رهید، مگر با گریختن به سوی خود تو.»

۱- اناجیل جمع انجیل است و مقصود آن است که سینه های امت تو را وسیع و گشاده قرار دادیم تا قرآن را بتوانند حفظ کنند.

راجع : ص ١٢٠ (بركات الحوقله / أمان من الهَم).

٢ / ٧ / تَسْبِيحُ حَمَلِهِ الْعَرْشِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَدْ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ : «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (١) : مَا تَحْمِلُهُ الْأَمْلاَكُ إِلَّا بِقَوْلٍ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ حَمَلَةَ الْعَرْشِ لَمَّا ذَهَبُوا يَنْهَضُونَ بِالْعَرْشِ لَمْ يَسْتَقْلَوْهُ (٣) ، فَأَلْهَمَهُمُ اللَّهُ : «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» فَنَهَضُوا بِهِ . (٤)

٢ / ٨ / التَّوَادِرُ الإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَلَأٍ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ : خُذُوا جُنَّتَكُمْ . (٥) فَقَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ حَضَرَ عَيْدُؤُ؟ قَالَ : لَا ، جُنَّتَكُمْ مِنَ النَّارِ . قَالَ : قُولُوا : «سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» فَإِنَّهُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُقَدَّمَاتٌ مُنْجِيَاتٌ وَمُعْتَبَاتٌ ، وَهُنَّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّالِحَاتُ الْبَاقِيَاتُ . (٦)

١- طه : ٥ .

٢- التوحيد : ص ٢٧٧ ح ١ عن الحسين بن زيد الهاشمي عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٥ ح ٢ .

٣- استقله : حَمَلَهُ وَرَفَعَهُ (القاموس المحيط : ج ٤ ص ٤٠ «قلل»).

٤- المحاسن : ج ١ ص ١١٢ ح ١٠٧ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٩ ح ٢١ .

٥- الجَنَّةُ : الدَّرْعُ . وَكُلُّ مَا وَقَاكَ جُنَّةً (لسان العرب : ج ١٣ ص ٩٤ «جنن»).

٦- الأُمَالِي لِلطُّوسِي : ص ٦٧٧ ح ١٤٣٥ عن بشير الدهان ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٧٤ ح ٢٠ .

۲ / ۷ تسبیح حاملان عرش

۲ / ۸ گوناگون

ر. ک: ص ۱۲۱ (برکت های «لا حول ولا قوه إلا بالله / ایمن ماندن از غم و اندوه).

۲ / ۷ تسبیح حاملان عرش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از تلاوت این آیه «[خدای] رحمان که بر عرش قرار گرفته است»: فرشتگان، آن [عرش] را حمل نمی کنند، مگر با گفته: «معبودی جز خدا نیست، و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا».

امام صادق علیه السلام: حاملان عرش، چون رفتند که عرش را بردارند، نتوانستند آن را بلند کنند. پس خداوند به ایشان «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا» را الهام فرمود. پس آن را برداشتند.

۲ / ۸ گوناگون امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، در جمعی از یارانش فرمود: «سپرهایتان را بگیرید». گفتند: مگر دشمنی آمده است، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «نه. سپرهایتان در برابر آتش را. بگویید: پا کا خدا و ستایش، خدای را! معبودی جز خدا نیست خدا، بزرگ تر است. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ؛ زیرا که این جملات، در روز قیامت، از پیش و از پس [آدمی] می روند و او را نجات می دهند، و در نزد خداوند، ماندگارهای نیک اند».

عنه عليه السلام: مَنْ بَخِلَ مِنْكُمْ بِمَالٍ أَنْ يُنْفِقَهُ ، وَبِالْجِهَادِ أَنْ يَحْضُرَهُ ، وَبِاللَّيْلِ أَنْ يُكَابِدَهُ ، فَلَا يَبْخُلِ بِ : سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (١)

تفسير فرات عن جعفر بن محمد الفزارى معننا عن الحسين بن عبد الله بن جندب ، قال : أَخْرَجَ إِلَيْنَا صَاحِبَهُ ، فَذَكَرَ أَنَّ أَبَاهُ كَتَبَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنِّي قَدْ كَبِرْتُ وَضَعُفْتُ وَعَجَزْتُ عَنْ كَثِيرٍ مِمَّا كُنْتُ أَقْوَى عَلَيْهِ ، فَأَحْبَبْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ أَنْ تُعَلِّمَنِي كَلَامًا يُقَرِّبُنِي مِنْ رَبِّي ، وَيَزِيدُنِي فَهْمًا وَعِلْمًا . فَكَتَبَ إِلَيْهِ : قَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكَ بِكِتَابٍ فَاقْرَأْهُ وَتَفَهَّمْهُ ، فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً لِمَنْ أَرَادَ اللَّهُ شِفَاءَهُ ، وَهُدًى لِمَنْ أَرَادَ اللَّهُ هُدَاهُ ، فَأَكْثِرْ مِنْ ذِكْرِ : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . (٢)

١- .المحاسن : ج ١ ص ١٠٧ ح ٩٣ عن داوود بن الحصين ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٧٢ ح ١٦ .

٢- .تفسير فرات : ص ٢٨٣ ح ٣٨٤ ، بحار الأنوار : ج ٢٣ ص ٣١٣ ح ٢٠ .

امام صادق علیه السلام: هر یک از شما از انفاق کردن مالی، یا حاضر شدن در صحنه جهاد، و یا تحمّل شب زنده داری، دریغ ورزد، [لا اقل] از گفتن این جملات، دریغ نورزد: پاکا خدا و ستایش، خدای را! و معبودی جز خدا نیست. خدا، بزرگ تر است. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا».

تفسیر فرات به نقل از جعفر بن محمد فزاری، با ذکر نام یکایک راویان، از حسین بن عبد الله بن جنذب: گفت: حسین بن عبد الله بن جنذب نوشته ای به ما نشان داد و گفت که پدرش به ابوالحسن علیه السلام نوشت: قربانت گردم! من، سالخورده و ناتوان گشته ام و دیگر نمی توانم بسیاری از اعمالی را که در گذشته توانایی انجام دادنشان را داشتم، به جا آوردم. از این رو فدایت شوم دوست دارم سخنی به من بیاموزی که مرا به پروردگارم نزدیک گرداند و بر فهم و دانش من، بیفزاید. امام علیه السلام به او نوشت: «نامه ای برایت می فرستم. آن را بخوان و نیک، آن را دریاب؛ زیرا که در آن، برای کسی که خداوند شفایش را بخواهد، شفاست، و برای کسی که خداوند، هدایتش را بخواهد، هدایت است. پس، این ذکر را بسیار بگو: به نام خداوند مهر گسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ».

الفصل الثالث: بركات الحوقله ٣ / ١ بقاء النعمالكتاب «وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا». (١)

الحديث المعجم الكبير عن عقبه بن عامر: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَأَرَادَ بَقَاءَهَا، فَلْيُكْثِرْ مِنْ قَوْلِ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (٢)

المعجم الصغير عن أنس عن رسول الله صلى الله عليه وآله: ما أنعم الله على عبد نعمة في مالٍ أو أهلٍ أو ولدٍ، فقال: «ما شاء الله لا قوة إلا بالله» فيرى فيها آفة دون الموت. وقراً: «لَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (٣)

١- الكهف: ٣٩.

٢- المعجم الكبير: ج ١٧ ص ٣١١ ح ٨٥٩، الدر المنثور: ج ٥ ص ٣٩٢ نقلاً عن ابن مردويه، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٦٥ ح ٦٤٧٦.

٣- المعجم الصغير: ج ١ ص ٢١٢، شعب الإيمان: ج ٤ ص ١٢٤ ح ٤٥٢٥ وليس فيه ذيله، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٥٣ ح ٦٤٠٨ نقلاً عن مسند أبي يعلى.

فصل سوم: برکت های «لا حول ولا قوه إلا بالله»

۳ / ۱ پابندگی نعمت ها

فصل سوم: برکت های «لا حول ولا قوه إلا بالله» ۳ / ۱ پابندگی نعمت هاقرآن «و چرا آن گاه که به باغت در آمدی ، نگفتی : «هر چه خدا بخواهد! نیرویی جز به یاری خدا نیست» ، اگر مرا از نظر مال و فرزند ، کمتر از خود می بینی؟» .

حدیثالمعجم الکبیر به نقل از عقبه بن عامر : پیامبر خدا فرمود : «هر کس که خداوند به او نعمتی ارزانی داشته است و می خواهد آن نعمت ، پایدار بماند ، بسیار بگوید : هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» . پیامبر خدا ، سپس این آیه را برخواند : «و چرا آن گاه که به باغت در آمدی ، نگفتی : هر چه خدا خواهد! نیرویی جز به یاری خدا نیست؟» .

المعجم الصغیر به نقل از انس : پیامبر خدا فرمود : «خداوند ، به هر بنده ای ، نعمتی ، از مال یا زن و یا فرزند ، ارزانی دارد و او بگوید : «هر چه خدا خواهد! نیرویی نیست ، جز به قدرت خدا» ، در آن نعمت ، آسیبی نمی آید ، بجز مرگ» . (۱) آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را خواند : «چرا آن گاه که به باغت در آمدی ، نگفتی : هر چه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست ، مگر به یاری خدا؟» .

۱- یا : تا زنده است ، به آن نعمت ، آسیبی و آفتی نمی رسد .

الإمام الصادق عليه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَتْهَا كَيْفَ لَا - يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؟ فَأِنْتِي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا: «إِنْ تَرَنْ أَنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا * فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ» الآية ، و«عَسَى» مُوجِبَةٌ . (١)

تفسير القمى: قَوْلُهُ: «وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَبٍ وَ حَفَفْنَهُمَا بِنَخْلٍ وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا» (٢) ، قَالَ : نَزَلَتْ فِي رَجُلٍ كَانَ لَهُ بُسْتَانَانِ كَبِيرَانِ عَظِيمَانِ كَثِيرَا الثَّمَارِ كَمَا حَكَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِمَا نَخْلٌ وَ زَرْعٌ ، وَكَانَ لَهُ جَارٌ فَقِيرٌ ، فَافْتَحَرَ الْغَنِيُّ عَلَى ذَلِكَ الْفَقِيرِ ، وَقَالَ لَهُ : «أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَ أَعَزُّ نَفَرًا * وَ دَخَلَ جَنَّتَهُ» أَيْ بُسْتَانَهُ وَقَالَ : «مَا أَظُنُّ أَنْ تَسِيدَ هَذِهِ أَيْدًا * وَ مَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَ لَيْنَ رُودَتْ إِلَى رَبِّي لِأَجْدَنِّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا» ، فَقَالَ لَهُ الْفَقِيرُ : «أَكْفَرْتَ بِاللَّهِ الَّذِى خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا * لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَ لَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا» . ثُمَّ قَالَ الْفَقِيرُ لِلْغَنِيِّ : «وَ لَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَمَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَنْ أَنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَالًا وَ وُلَدًا» ، ثُمَّ قَالَ الْفَقِيرُ : «فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَ يُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَيُضْرِبُ بِحِصَّةٍ عِيدًا زَلَقًا» أَيْ مُحْتَرِقًا «أَوْ يُضْرِبُ بِحِصَّةٍ مَأْوَها غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا» ، فَوَقَعَ فِيهَا مَا قَالَ الْفَقِيرُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ ، وَاصْبَحَ الْغَنِيُّ «يُقَلِّبُ كَفَيْهِ عَلَى مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ حَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَ يَقُولُ يَلَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا * وَ لَمْ تَكُنْ لَهُ فِتْنَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ مَا كَانَ مُنْتَصِرًا» (٣) ، فَهَذِهِ عُقُوبَةُ الْبَغْيِ (٤) . (٥)

- ١- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٣٩٣ ح ٥٨٣٥ ، الخصال : ص ٢١٨ ح ٤٣ كلاهما عن أبان بن عثمان وهشام بن سالم ومحمد بن حمران ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٥ ح ١ .
- ٢- الكهف : ٣٢ .
- ٣- الآيات من سورة الكهف : ٣٤ ٤٣ .
- ٤- فى بحار الأنوار : «الغنى» بدل «البغى» .
- ٥- تفسير القمى : ج ٢ ص ٣٥ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٥ ح ٣ .

امام صادق علیه السلام: در شگفتی از کسی که دنیا و زیور آن را می خواهد ، چگونه به این سخن خداوند متعال پناه نمی برد : «هر چه خدا بخواهد! نیرویی جز به یاری خدا نیست» ؟ چرا که می شنوم خداوند عز و جل در دنباله آن می فرماید : «اگر مرا از نظر مال و فرزند ، کمتر از خود می بینی . باشد که پروردگارم بهتر از باغ تو به من دهد» تا آخر آیه ، تعبیر «باشد» ، دلالت بر قطعیت دارد .

تفسیر القمی : این سخن خداوند متعال : «و برای ایشان ، آن دو مرد را نمونه بیاور که به یکی از آنها ، دو باغ انگور دادیم و پیرامون آن دو باغ را با درختان خرما پوشاندیم و میان آن دو را کشتزاری قرار دادیم» . فرمود : «در باره مردی فرود آمد که به فرموده خداوند عز و جل ، دارای دو باغ بزرگ پهناور و پرمیوه بود که در آنها ، نخلستان و کشتزاری وجود داشت . آن مرد را همسایه نیازمندی بود . صاحب آن باغ ها بر آن مرد نیازمند ، فخر فروخت . گفت : «مال من ، از تو بیشتر است و از حیث افراد ، از تو نیرومندترم . و داخل باغ خود شد» و گفت : «گمان نمی کنم که این نعمت ، هرگز زوال پذیرد و گمان نمی کنم که رستاخیز ، بر پا شود ، و اگر هم به سوی پروردگارم باز گردانده شوم ، قطعاً بهتر از این را در بازگشت ، خواهم یافت» . مرد نیازمند به او گفت : آیا به آن کسی که تو را از خاک ، سپس از نطفه آفرید ، آن گاه ، تو را به صورت مردی درآورد ، کافر شدی؟ امّا من [می گویم] : اوست خدا ، پروردگار من ، و هیچ کس را با پروردگارم شریک نمی گردانم» . سپس ، مرد نیازمند به آن مرد توانگر گفت : «چرا آن گاه که به باغت درآمدی ، نگفتی : آنچه خدا بخواهد! نیرویی جز به یاری خدا نیست ، اگر مرا از حیث مال و فرزند ، کمتر از خود می بینی؟» . مرد نیازمند ادامه داد : «امید است که پروردگارم بهتر از باغ تو به من دهد و بر آن [باغ تو] آفتی از آسمان بفرستد تا به زمین هموار و لغزنده ، تبدیل شود» ، یعنی بسوزد ، «یا آب آن [در زمین] فروکش کند تا هرگز نتوانی آن را به دست آوری» . پس آنچه نیازمند ، آن شب در باره باغ او گفته بود ، به وقوع پیوست . صبحگاهان ، مرد توانگر «برای [از کف دادن] آنچه در آن باغ ، هزینه کرده بود دست هایش را بر هم می زد ، در حالی که داریست های آن ، فرو ریخته بود ، و می گفت : ای کاش ، هیچ کس را شریک پروردگارم نمی ساختم! و او را در برابر خدا ، گروهی نبود تا یاری اش کنند و توانی نداشت که خود را یاری کند؟» . این است کیفر سرکشی .

٣ / ٢ غُفْرَانُ الذُّنُوبِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَكْثَرُوا مِنْ قَوْلِ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ فَإِنَّهُنَّ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ، وَهُنَّ يَحْطُطْنَ الْخَطَايَا كَمَا تَحْطُّ الشَّجَرَةُ وَرَقَاتُهَا، وَهُنَّ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمَ وَلَمَدَتْهُ أُمُّهُ، وَوُقِيَ سَبْعِينَ أَبَا مِنْ الْفَقْرِ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ، وَقَضَى لَهُ مِنْهُ حَاجَهُ، وَبَنَى لَهُ فِي الْجَنَّةِ مِنْهُ قَصْرًا. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» إِلَّا كَفَّرَتْ عَنْهُ خَطَايَاهُ، وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ (٤). (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، قَامَ مَغْفُورًا لَهُ. (٦)

١- كُنُوزِ الْعَمَالِ: ج ١ ص ٤٦٦ ح ٢٠٣١ نقلاً عن الرامهرمزي في الأمثال عن أبي الدرداء.

٢- مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٣٧٣ ح ٦١٢٣ نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب.

٣- مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٣٧٥ ح ٦١٣٢ نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب.

٤- الزَّيْدُ مِنَ الْبَحْرِ وَغَيْرِهِ: كَالرَّغْوَةِ (المصباح المنير: ص ٢٥٠ «زبد»).

٥- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٠٩ ح ٣٤٦٠، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٥٥١ ح ٦٤٨٩، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص

٦٨٢ ح ١٨٥٣ كلاهما بزياده «وسبحان الله والحمد لله» بعد «والله أكبر» وكلها عن عبد الله بن عمرو، كنز العمال: ج ١ ص

٤٥٥ ح ١٩٦٣؛ بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٧٥ ح ٤ نقلاً عن خطّ الشهيد.

٦- عمل اليوم والليلة لابن السنى: ص ٥٠ ح ١٢٩ عن أنس، كنز العمال: ج ٢ ص ١٣٥ ح ٣٤٨٣.

۳ / ۲ آموزش گناهان

۳ / ۲ آموزش گناهان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : گفتار : «پاکا خدا و ستایش ، خدای را! معبودی جز خدا نیست . خدا ، بزرگ تر است ؛ و هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» را بسیار بگویید ؛ زیرا اینها ماندگارهای نیک اند و گناهان را همچون برگ های درخت ، فرو می ریزند و از گنج های بهشت اند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به مدد خدای والا و بزرگ» ، همانند روزی که از مادر ، متولد شده است از گناهانش پاک گردد و از هفتاد نوع فقر محفوظ ماند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس روزی صد مرتبه بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، خداوند ، گناهانش را بیامرزد و صد حاجت از او برآورد و صد قصر در بهشت ، برایش بنا کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ کس در روی زمین نیست که بگوید : «معبودی جز خدا نیست . خدا ، بزرگ تر است . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، جز آن که گناهانش بخشوده می شود ، اگر چه به اندازه کف دریا باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس پس از پایان نمازش سه مرتبه بگوید : «پاکا خدای بزرگ و ستایش ، او را! هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، در حالی که آمرزیده شده است ، از جای خود برمی خیزد .

سنن الترمذى عن أبى سعيد وأبى هريره عن رسول الله صلى الله عليه وآله: «لا إله إلا الله والله أكبر» صَدَقَهُ رَبُّهُ . . . وإذا قال: «لا إله إلا الله، ولا حول ولا قوة إلا بالله» قال عز وجل: «لا إله إلا أنا، ولا حول ولا قوة إلا بى . وكان يقول: مَنْ قالها فى مَرَضِهِ ثُمَّ مات، لم تَطْعَمُهُ النَّارُ . (١)

٣ / ٣ / إقضاء الحوائج الإمام الصادق عليه السلام: إذا قال العبد: «لا حول ولا قوة إلا بالله» قال الله عز وجل للملائكة: استسلم عبدى، إقضوا حاجته . (٢)

عنه عليه السلام: إذا دعى الرجل فقال بعدما دعا: «ما شاء الله، لا حول ولا قوة إلا بالله» قال الله عز وجل: استسلم عبدى واستسلم لأمرى، إقضوا حاجته . (٤)

عنه عليه السلام: ما من رجل دعا فحتم بقول: «ما شاء الله، لا حول ولا قوة إلا بالله» إلا أُجيبَتْ حاجته . (٥)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ دعا بهؤلاء الكلمات الخمس لم يسأل الله شيئا إلا أعطاه: لا إله إلا الله والله أكبر، لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، لا إله إلا الله ولا حول ولا قوة إلا بالله . (٦)

- ١- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٤٩٢ ح ٣٤٣٠، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٣٢ ح ٣٨٩٥ .
- ٢- المحاسن: ج ١ ص ١١٣ ح ١٠٩ عن هشام بن سالم وح ١١١ عن يحيى بن أبى بكر عن بعض أصحابه نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٩ ح ٢٣ .
- ٣- فى القاموس: استبسل: طرح نفسه فى الحرب يريد أن يقتل أو يُقتل . وهو كناية عن غايه التسليم والانقياد وإظهار العجز فى كل ما أراد بدون تقدير رب العباد (مرآة العقول: ج ١٢ ص ٢١٤) .
- ٤- الكافى: ج ٢ ص ٥٢١ ح ١ عن هشام بن سالم .
- ٥- ثواب الأعمال: ص ٢٤ ح ١، الأمالى للصدوق: ص ٢٦٦ ح ٢٨٧ نحوه وكلاهما عن عمران الزعفرانى، روضه الواعظين: ص ٣٥٧، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٠٨ ح ٦ .
- ٦- المعجم الكبير: ج ١٩ ص ٣٦١ ح ٨٤٩، المعجم الأوسط: ج ٨ ص ٢٧٩ ح ٨٦٣٤ كلاهما عن معاوية بن أبى سفيان، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٢٥ ح ٣٨٦٦ .

۳ / ۳ برآوردن حوایج

سنن الترمذی به نقل از ابو سعید و ابو هُرَیْرَه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس بگوید: معبودی جز خدا نیست. خدا، بزرگ تر است، پروردگارش او را تصدیق می کند... و هر گاه بگوید: معبودی جز خدا نیست. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا، خداوند عز و جل می فرماید: [آری!] معبودی جز من نیست و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری من». و می فرمود: «هر کس در بیماری خود، این جملات را بگوید و سپس بمیرد، خوراک آتش نمی شود».

۳ / ۳ برآوردن حوایج امام صادق علیه السلام: هر گاه بنده بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، خداوند عز و جل به فرشتگان می فرماید: «بنده ام سر تسلیم فرود آورد. حاجتش را بر آورید».

امام صادق علیه السلام: هر گاه بنده دعا کند و پس از دعایش بگوید: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، خداوند عز و جل می فرماید: «بنده ام از خود، گذشت و تسلیم امر من شد. حاجتش را بر آورید».

امام صادق علیه السلام: هیچ مردی نیست که دعا کند و در پایان بگوید: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، جز آن که حاجتش بر آورده می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس با این پنج جمله دعا کند، آنچه از خدا خواهد، به او عطا می کند: «معبودی جز خدا نیست و خدا، بزرگ تر است. معبودی جز خدا نیست؛ یگانه است و بی انباز. او راست پادشاهی و او راست ستایش. او بر هر چیزی تواناست. معبودی جز خدا نیست و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا».

٣ / ٤ دفع الوسوسة به رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ آدَمَ شَكَأَ إِلَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ مَا يَلْقَى مِنْ حَدِيثِ النَّفْسِ وَالْحُزْنِ ، فَنَزَلَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ : يَا آدَمُ قُلْ : «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» ، فَقَالَهَا فَذَهَبَ عَنْهُ الْوَسْوَسَةُ وَالْحُزْنُ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله : أَلَا فَادْكُرُوا يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ مُحَمَّدًا وَآلَهُ عِنْدَ نَوَائِبِكُمْ وَشِدَائِدِكُمْ ، لِيُنصِرَ اللَّهُ بِهِ مَلَائِكَتَكُمْ عَلَى الشَّيَاطِينِ الَّذِينَ يَصُدُّونَكُمْ ؛ فَإِنَّ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَعَهُ مَلَكٌ عَنْ يَمِينِهِ يَكْتُبُ حَسَنَاتِهِ ، وَمَلَكٌ عَنْ يَسَارِهِ يَكْتُبُ سَيِّئَاتِهِ ، وَمَعَهُ شَيْطَانَانِ مِنْ عِنْدِ إِبْلِيسَ يُغْوِيَانِهِ ، فَإِذَا وَسَّوَسَا فِي قَلْبِهِ ، ذَكَرَ اللَّهُ وَقَالَ : «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ» خَنَسَ الشَّيْطَانَانِ ، ثُمَّ صَارَا إِلَى إِبْلِيسَ فَشَكَوَاهُ وَقَالَا لَهُ : قَدْ أَعْيَانَا أَمْرُهُ ، فَأَمِدْنَا بِالْمَرَدَةِ ! فَلَا يَزَالُ يَمُدُّهُمَا ، حَتَّى يُمِدَّهُمَا بِأَلْفِ مَرْدٍ فَيَأْتُونَهُ ، فَكَلَّمَا رَامُوهُ (٢) ذَكَرَ اللَّهُ وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ ، لَمْ يَجِدُوا عَلَيْهِ طَرِيقًا وَلَا مَنَفَذًا . (٣)

١- .الأمالى للصدوق : ص ٦٣٧ ح ٨٥٥ ، مُهَجَّ الدَّعَوَاتُ : ص ٣٦٣ كلاهما عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام والأخير نحوه ومن دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه وآله ، روضه الواعظين : ص ٣٦٠ ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ١٦٧ ح ٢٢ وراجع قصص الأنبياء : ص ٤٩ ح ١٨ .

٢- .رام الشىء : طلبه (لسان العرب : ج ١٢ ص ٢٥٨ «روم»).

٣- .التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص ٣٩٦ ح ٢٧٠ ، بحار الأنوار : ج ٦٣ ص ٢٧١ ح ١٥٨ .

۳ / ۴ از بین بردن وسوسه و خیالات

ر. ک: ص ۱۱۳ ح ۱۷۰۷.

۳ / ۴ از بین بردن وسوسه و خیالات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آدم علیه السلام به خداوند عز و جل از دچار شدن به خیالات و اندوه، شکوه کرد. پس جبرئیل علیه السلام بر او فرود آمد و به او گفت: ای آدم، بگو: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا». آدم علیه السلام این را گفت و وسوسه و اندوهش برطرف شد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هان! ای امت محمد، در هنگام رنج ها و سختی هایتان، محمد و خاندان او را یاد کنید تا خداوند، به واسطه او، فرشتگان را بر شیاطینی که شما را باز می دارند، یاری بخشد؛ زیرا هر یک از شما، فرشته ای در سمت راستش دارد که کارهای نیک او را می نویسد، و فرشته ای در سمت چپش که کارهای بدش را می نویسد. نیز با او دو شیطان از جانب ابلیس، همراه است که در گم راه کردنش می کوشند. پس هرگاه آن دو، در دلش وسوسه کردند و او بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا- و بزرگ. درود خدا بر محمد و خاندان پاکش باد!»، آن دو شیطان، دور می شوند و نزد ابلیس می روند و به او شکایت می کنند و به او گویند: ما از پس او بر نمی آییم. [شیطان های اعصیانگر را به یاری ما بفرست! و ابلیس، پیوسته، نیروی کمکی می فرستد تا شمارشان به هزار شیطان برسد و همگی نزد آن کس بیایند. و هر بار که آهنگ او کنند، او خدای را یاد می کند و بر محمد و خاندان پاکش، درود می فرستد. پس هیچ راه و روزنه ای به سوی او نمی یابند.

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الشَّيْطَانَ اثْنَانِ: شَيْطَانُ الْجَنِّ؛ وَيُبْعَدُ بِ «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، وشَيْطَانُ الْإِنْسِ؛ وَيُبْعَدُ بِالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ. (١)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَكَا إِلَى رَبِّهِ حَدِيثَ النَّفْسِ، فَقَالَ: أَكْثَرَ مِنْ قَوْلِ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (٢)
الكافي عن حمّاد بن عثمان: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَلَّمَهُ شَيْخٌ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ، فَقَالَ لَهُ: مَالِي أَرَى كَلَامَكَ مُتَغَيِّرًا؟ فَقَالَ لَهُ: سَقَطَتْ مَقَادِيمُ فَمَى فَنَقَصَ كَلَامِي. فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَأَنَا أَيْضًا قَدْ سَقَطَ بَعْضُ أَسْنَانِي، حَتَّى أَنَّهُ لَيُوسِسُ إِلَيَّ الشَّيْطَانُ فَيَقُولُ لِي: إِذَا ذَهَبَتِ الْبَقِيَّةُ فَبِأَيِّ شَيْءٍ تَأْكُلُ؟ فَأَقُولُ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (٣)

الكافي عن علي بن مهزيار: كَتَبَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَشْكُو إِلَيْهِ لَمَّا يَخْطُرُ عَلَى بَالِهِ، فَأَجَابَهُ فِي بَعْضِ كَلَامِهِ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِنْ شَاءَ تَبَتَّكَ فَلَا يَجْعَلُ لِبَلْبَلِيسَ عَلَيْكَ طَرِيقًا، قَدْ شَكَا قَوْمٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا يَعْرِضُ لَهُمْ؛ لِأَنَّ تَهْوِيَ بِهِمُ الرِّيحُ أَوْ يَقَطُّعُوا أَحْبَابَهُمْ مِنْ أَنْ يَتَكَلَّمُوا بِهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَتَجِدُونَ ذَلِكَ؟ قَالُوا: نَعَمْ. فَقَالَ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ ذَلِكَ لَصِيرِيحُ الْإِيمَانِ (٤)، فَأِذَا وَجِدْتُمُوهُ فَقُولُوا: آمَنَّا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (٥)

١- بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٣٦ ح ٤ نقلًا عن خطِّ الشهيد.

٢- المحاسن: ج ١ ص ١١٢ ح ١٠٦ عن أبان بن تغلب، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٩ ح ٢٠.

٣- الكافي: ج ٦ ص ٣٣٥ ح ٥، المحاسن: ج ٢ ص ٢٩٨ ح ١٩٨٦، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٨٨ ح ٣.

٤- أى: استعظامهم الكلام به هو صريح الإيمان. فإن استعظام هذا وشده الخوف منه، ومن النطق به فضلًا عن الاعتقاد به إنما يكون لمن استكمل الإيمان استكمالًا محققًا، وانتفت عنه الريبه والشكوك.

٥- الكافي: ج ٢ ص ٤٢٥ ح ٤.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان، دو گونه است: یکی شیطان جَنّی که با گفتن «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ»، دور گردانیده می شود، و دیگری، شیطان انسی، که با درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او دور می گردد.

امام صادق علیه السلام: آدم علیه السلام از وسوسه [و خیالات] به پروردگارش شکوه کرد. خدا فرمود: جمله: هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا را فراوان بگو.

الکافی به نقل از حمّاد بن عثمان: در محضر امام صادق علیه السلام بودم. پیرمردی از مردم عراق، شروع به سخن گفتن با ایشان کرد. امام علیه السلام فرمود: «چرا سخن گفتنت تغییر کرده است؟». گفت: دندان های جلو دهانم افتاده است. از این رو، نمی توانم خوب صحبت کنم. امام صادق علیه السلام به او فرمود: «من نیز بعضی از دندان هایم افتاده است، به طوری که شیطان، مرا وسوسه می کند و می گوید: بقیه دندان هایت که از بین رفت، چگونه غذا خواهی خورد؟ و من می گویم: هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا».

الکافی به نقل از علی بن مهزیار: مردی به امام جواد علیه السلام نامه ای نوشت و از وسوسه هایی که بر خاطرش می گذشت، شکوه کرد. امام علیه السلام در ضمن پاسخی که به او نوشت، چنین مرقوم فرمود: «خداوند عز و جل ان شاء الله استوارت بدارد و برای شیطان، بر تو راهی قرار ندهد. عده ای به پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت بردند که وسوسه هایی در دل آنها می گذرد که اگر توفان، آنان را در هم پیچد یا پاره پاره شوند، نزدشان خوش تر است تا این وسوسه ها را بر زبان آورند. پیامبر خدا فرمود: به راستی چنین احساسی دارید [که نبود شوید و این خطورات و وسوسه ها را به زبان نیاورید]؟ گفتند: آری. فرمود: سوگند به آن که جانم در دست اوست، این، عین ایمان است. پس هرگاه این وسوسه ها را در خود یافتید، بگویید: به خدا و پیامبر او ایمان آوردیم. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا».

٣ / ٥ تَسْكِينُ الْعَظِيمِ سَتَدْرِكُ الْوَسَائِلَ: فِي حَدِيثٍ أَنَّ إِبْلِيسَ قَالَ لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَإِيَّاكَ وَالْغَضَبَ، وَإِذَا غَضِبْتَ فَقُلْ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» يَسْكُنُ غَضْبَكَ. (١)

٣ / ٦ أَمَانٌ مِنَ الْهَمِّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ حَزَنَهُ أَمْرٌ فَلْيَقُلْ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام لِسَيِّفِيَانَ الثَّوْرِيِّ: يَا سَيِّفِيَانُ، إِذَا حَزَنَكَ أَمْرٌ مِنْ سُلْطَانٍ أَوْ غَيْرِهِ، فَأَكْثِرْ مِنْ قَوْلِ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» فَإِنَّهَا مِفْتَاحُ الْفَرَجِ، وَكَتْرٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ. (٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله من وصيَّته له أوصى بها علياً عليه السلام: يَا عَلِيُّ: أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْهَمِّ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنجَى مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ. (٤)

١- مستدرک الوسائل: ج ١٢ ص ١٥ ح ١٣٣٨٣ نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

٢- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٤٦ ح ١٧١ عن أحمد بن عامر الطائى وأحمد بن عبد الله الهروى وداوود بن سليمان الفراء، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام: ص ٢٥٨ ح ١٩٢ كلاهما عن الإمام الرضا عن آباءه عليهم السلام، كفايه الأثر: ص ٢٩٥ عن زيد بن على عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٧ ح ١٠؛ تاريخ بغداد: ج ٣ ص ١٨٠ عن ابن أبى حازم، شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٤١ ح ٦٥١ وج ٤ ص ١٠٨ ح ٤٤٤٦ كلاهما عن عبد العزيز بن أبى حازم وعبد العزيز بن محمّد الداوردى وكلّهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٥٩ ح ٦٤٤٢.

٣- كشف الغمّه: ج ٢ ص ٣٦٨ عن مالك بن أنس، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٠١ ح ٢٩؛ الدرّ المنثور: ج ٥ ص ٨ نقلاً عن أبى نعيم فى الحليه .

٤- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٧١ ح ٥٧٦٢ عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعاً، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٣٤ ح ٢٦٥٦ كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام على عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٥٨ ح ٣.

۳ / ۵ فرو نشاندن خشم

۳ / ۶ ایمن ماندن از اندوه و نگرانی

۳ / ۵ فرو نشاندن خشم مستدرک الوسائل: در حدیثی آمده است که ابلیس به موسی علیه السلام گفت: از خشم، دوری کن و هرگاه خشمگین شدی، بگو: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ»، خشم آرام می‌گیرد.

۳ / ۶ ایمن ماندن از اندوه و نگرانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس، چیزی او را اندوهگین سازد، بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا».

امام صادق علیه السلام به سفیان ثوری: ای سفیان! هرگاه ناراحتی ای از جانب حکومت یا جز آن به سراغت آمد، بسیار بگو: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»؛ چرا که این جمله، کلید گشایش و گنجی از گنج‌های بهشت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش‌های ایشان به علی علیه السلام: ای علی! جمله «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ». از خدا، جز به خود او پناه نمی‌توان برد و جز به او نجات نمی‌توان یافت»، مایه ایمنی امت من از غم و اندوه است.

عنه صلى الله عليه و آله : أَكْثَرُوا مِنْ قَوْلٍ : «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» فَإِنَّهَا تَدْفَعُ تِسْعَةَ وَتِسْعِينَ بَابًا مِنَ الضَّرِّ ؛ أَدْنَاهَا الْهَمُّ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : قَوْلٌ : «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» كُنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ ، وَهِيَ شِيفَاءٌ مِنْ تِسْعَةِ وَتِسْعِينَ دَاءً أَدْنَاهُ الْهَمُّ . (٢)

تيسير المطالب عن أبي ذرٍّ : أَوْصَانِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَنْ أَكْثَرَ مِنْ قَوْلٍ : «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» فَإِنَّهَا كُنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ ، وَيَدْفَعُ اللَّهُ بِهَا تِسْعًا وَتِسْعِينَ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ الْبَلَاءِ ، أَدْنَاهَا وَأَيْسَرُهَا الْهَمُّ وَالْحُزْنُ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِثَّةَ مَرَّةٍ : «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» دَفَعَ اللَّهُ بِهَا عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ الْبَلَاءِ ؛ أَيْسَرُهَا الْهَمُّ . (٤)

عنه عليه السلام : إِذَا تَوَالَتْ عَلَيْكَ الْهُمُومُ فَقُلْ : لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (٥)

عنه عليه السلام في أحوالِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَانَ إِذَا لَمْ يَأْتِهِ جَبْرَائِيلُ اغْتَمَّ وَحَزَنَ ، فَشَكَا ذَلِكَ إِلَى جَبْرَائِيلَ ، فَقَالَ : إِذَا وَجَدْتَ شَيْئًا مِنَ الْحُزَنِ فَقُلْ : لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (٦)

الدعوات عن ابن عبيّاس : جَاءَ عَوْنُ بَنِي مَالِكٍ الْأَشْجَعِيِّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنَّ ابْنِي قَدْ أَسِيرَهُ الْعِيدُ ، وَقَدْ اشْتَدَّ عَمِّي وَعَيْلَ صَبْرِي ، فَمَا تَأْمُرُنِي ؟ قَالَ : أَمُرُكَ أَنْ تُكْثِرَ مِنْ قَوْلٍ : «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فِي كُلِّ حَالٍ» . فَانصِرَفَ وَهُوَ يَقُولُ : «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ» ، فَبَيْنَا هُوَ كَذَلِكَ إِذْ أَتَاهُ ابْنُهُ ، مَعَهُ مِثَّةٌ مِنَ الْإِبِلِ غَضَلَ عَنْهَا الْمُشْرِكُونَ فَاسْتَأْقَمَهَا . فَأَتَى الْأَشْجَعِيُّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله ، فَذَكَرَ لَهُ ذَلِكَ ، فَنَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ : «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (٧) . (٨)

١- المعجم الأوسط : ج ٤ ص ٣٣ ح ٣٥٤١ ، المعجم الصغير : ج ١ ص ١٥٧ وزاد في آخره «والفقر» وكلاهما عن جابر بن عبد الله ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٥٥ ح ١٩٦١ .

٢- الجعفریات : ص ١٨٨ ، النوادر للراوندي : ص ٩٤ ح ٣٨ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، قرب الإسناد : ص ٧٦ ح ٢٤٤ عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٧ ح ٨ .

٣- تيسير المطالب : ص ٣١٨ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهما السلام .

٤- ثواب الأعمال : ص ١٩٥ ح ١ عن عمر بن يزيد ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٨ ح ١٦ .

٥- الدعوات : ص ٨٣ ح ٢١٠ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٧٤ ح ٢ .

٦- قصص الأنبياء : ص ٤٩ ح ١٨ عن أبان بن عيسى ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٨ ح ١٤ .

٧- الطلاق : ٢ و ٣ .

٨- الدعوات : ص ٢٩٦ ح ٦٣ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٧٤ ح ٢ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جمله «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» را بسیار بگویند ؛ زیرا این جمله ، نود و نه نوع گزند را دور می کند که کمترین آنها ، اندوه و نگرانی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جمله «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ» ، گنجی از گنج های بهشت ، و شفا دهنده نود و نه بیماری است که کمترین آنها ، اندوه [و نگرانی] است .

تیسیر المطالب به نقل از ابو ذر : پیامبر خدا به من توصیه فرمود که جمله «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» را فراوان بگویم ؛ زیرا که آن ، گنجی از گنج های بهشت است و به سبب آن ، خداوند ، نود و نه نوع از انواع رنج و گرفتاری را دفع می کند که کمترین و آسان ترین آنها ، نگرانی و اندوه است .

امام صادق علیه السلام : هر کس در هر روز ، صد مرتبه بگوید : «هیچ نیرو توانی نیست ، جز به یاری خدا» ، خداوند ، به واسطه آن ، هفتاد نوع بلا را از او دور می گرداند که آسان ترین آنها اندوه [و نگرانی] است .

امام صادق علیه السلام : هرگاه اندوه ها [و نگرانی ها] پیاپی به تو رسید ، بگو : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» .

امام صادق علیه السلام در احوال آدم علیه السلام : هرگاه جبرئیل علیه السلام نزدش نمی آمد ، غمگین و اندوهناک می شد . از این حالت ، به جبرئیل علیه السلام شکوه کرد . جبرئیل علیه السلام گفت : هرگاه دچار اندوهی شدی بگو : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» .

الدعوات به نقل از ابن عباس : عون بن مالک اشجعی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا! پسر مرا دشمن ، اسیر کرده است و از این بابت ، بسیار ناراحتم و شکیبایی ام به سرآمده است . چه به من دستور می دهی ؟ فرمود : «به تو دستور می دهم که جمله : در هر حال ، هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا را بسیار بگویی» . عون رفت و با خود می گفت : «در همه حال ، هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» . در همین حال که این جمله را می گفت ، به ناگاه ، پسرش با یکصد شتر که دور از چشم مشرکان ، آنها را با خود آورده بود ، نزد او آمد . اشجعی ، نزد پیامبر خدا آمد و ماجرا را برای ایشان گفت . این آیه فرود آمد : «و هر که از خدا پروا کند ، خداوند ، برایش راه خروجی قرار دهد و به او از جایی که گمان نمی کند ، روزی دهد» .

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: إِذَا حَزَنَكَ أَمْرٌ فَقُلْ سَبِّحْ مَرَاتٍ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» ، فَإِنْ كُفِيََتْ وَإِلَّا أَتَمَّتْ سَبْعِينَ مَرَّةً . (١)

٣ / ٧ / ٧ / ٧ : فَتَمَّتْ سَبْعِينَ مَرَّةً . (١) : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» ؛ يَنْفِي اللَّهُ عَنْهُ الْفَقْرَ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : قَوْلٌ : «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» يَذْهَبُ بِالْفَقْرِ . (٣)

-
- ١- الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص ٣٩٣ ح ١١٢ ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ١٩٠ ح ١٩ .
 - ٢- الكافي : ج ٨ ص ٩٣ ح ٦٥ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن : ج ١ ص ١١٤ ح ١١٣ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الجعفریات : ص ٢٣١ ، النوادر للراوندى : ص ١٢٤ ح ١٤٠ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام نحوه وكلها عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٢٩٦ ح ١٠ ؛ تاريخ بغداد : ج ٢ ص ٥٢ عن أنس نحوه ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٨٤٧ ح ٤٣٣٦٨ .
 - ٣- مستدرک الوسائل : ج ٥ ص ٣٧٤ ح ٦١٢٥ نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

۳ / ۷ از بین بردن فقر

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: هرگاه دست خوش اندوهی شدی ، هفت مرتبه بگو: «به نام خدای مهر گسترِ مهربان . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ». پس اگر رفع گرفتاری نشد ، هفتاد مرتبه بگو .

۳ / ۷ از بین بردن فقر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که نعمت ، او را فرا گیرد ، باید این ذکر را بسیار بگوید که : «ستایش ، خدا را». هر که اندوه ها [و نگرانی هایش] فزونی گیرد ، باید به آمرزش خواهی روی آورد ، و هر که فقر دامنگیرش شود و ذکر «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ» را بسیار بگوید ، خداوند ، فقر را از او برطرف می سازد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جمله: «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» فقر را می برد .

الإمام الصادق عليه السلام: فَقَدَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلًا مِنْ الْأَنْصَارِ فَقَالَ: مَا غَيَّبَكَ عَنَّا؟ فَقَالَ: الْفَقْرُ يَا رَسُولَ اللهِ، وَطُولُ السُّقْمِ. فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أَعْلَمُكَ كَلَامًا إِذَا قُلْتَهُ ذَهَبَ عَنكَ الْفَقْرُ وَالسُّقْمُ؟ فَقَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللهِ. فَقَالَ: إِذَا أَصْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ فَقُلْ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا. فَقَالَ الرَّجُلُ: فَوَاللَّهِ مَا قُلْتُهُ إِلَّا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، حَتَّى ذَهَبَ عَنِّي الْفَقْرُ وَالسُّقْمُ. (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ كُلَّ يَوْمٍ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» مِنْهُ مَرَّةً، لَمْ يُصِبْهُ فَقْرٌ أَبَدًا. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ أَلْفَ مَرَّةٍ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» رَزَقَهُ اللهُ الْحَيَّجَّ، فَإِنْ كَانَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُ أَخَّرَ اللهُ فِي أَجَلِهِ حَتَّى رَزَقَهُ الْحَيَّجَّ. (٣)

٣ / ٨ دَفْعَ الْعَيْرِ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ رَأَى شَيْئًا يُعْجِبُهُ فَقَالَ: «اللَّهُ، اللَّهُ، مَا شَاءَ اللهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» لَمْ يَضُرَّ شَيْئًا. (٤)

١- الكافي: ج ٨ ص ٩٣ ح ٦٥، المحاسن: ج ١ ص ١١٤ ح ١١٣ كلاهما عن السكوني، الأمالى للمفيد: ص ٢٢٩ ح ٢ عن محمد بن جعفر، الجعفریات: ص ٢٢٠ عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢٩٦ ح ١٠.

٢- بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٦١ ح ٤٠ نقلًا عن البلد الأمين، جامع الأخبار: ص ١٤٤ ح ٣١٠ عن الإمام الصادق عليه السلام.

٣- جامع الأخبار: ص ١٤٣ ح ٣٠٩، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٩١ ح ٣٣.

٤- مجمع البيان: ج ١٠ ص ٨٦٦ عن أنس، بحار الأنوار: ج ٦٣ ص ١٤؛ عمل اليوم والليله لابن السني: ص ٧٨ ح ٢٠٧ عن أنس، كنز العمال: ج ٦ ص ٧٤٦ ح ١٧٦٧٠.

۳ / ۸ دفع چشم زخم

امام صادق علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله مردی از انصار را مدتی ندید [و چون او را دید]، فرمود: «سبب چیست که تو را نمی بینیم؟». گفت: نیازمندی و به درازا کشیدن بیماری، ای پیامبر خدا! پیامبر خدا به او فرمود: «آیا سخنی به تو نیاموزم که هرگاه آن را بگویی، نیازخواهی و بیماری از تو می رود؟». گفت: چرا ای پیامبر خدا. فرمود: «هر بام و شام بگو: هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ. توکل کردم بر آن زنده نامیرا. ستایش، خدایی را که فرزندی نگرفته است و در جهاننداری، شریکی ندارد، و خوار و ناتوان نبود که حمایتگری داشته باشد و او را بسی بزرگ دار». مرد گفت: به خدا سوگند، این جمله را سه روز بیشتر نگفتم که نیازخواهی و بیماری، از من، برطرف شد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس روزی صد مرتبه بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، هرگز دچار فقر نمی شود.

امام صادق علیه السلام: هر کس هزار بار بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ». خداوند، حج را روزی او می کند، و اگر اجلش نزدیک شده باشد، خداوند، آن را به تأخیر می افکند تا حج را روزی اش نماید.

۳ / ۸ دفع چشم زخم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس چیزی را ببیند که نظرش را بگیرد، اما بگوید: «خدا، خدا! آنچه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست، مگر به یاری خدا»، گزندی نمی زند.

عمل اليوم والليله لابن السنن عن أنس عن رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ رَأَى شَيْئًا فَأَعْجَبَهُ فَقَالَ: «مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» لَمْ يَضُرَّهُ الْعَيْنُ يَعْنِي لَا يُصِيبُهُ الْعَيْنُ. (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فِي أَهْلِ وَمَالٍ وَوَلَدٍ فَأَعْجَبَهُ، فَقَالَ إِذَا رَأَى ذَلِكَ: «مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» إِلَّا رَفَعَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ كُلَّ آفَةٍ حَتَّى تَأْتِيَهُ مَمِيَّتُهُ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: الْعَيْنُ حَقٌّ، وَلَيْسَ تَأْمَنُهَا مِنْكَ عَلَى نَفْسِكَ وَلَا مِنْكَ عَلَى غَيْرِكَ، فَإِذَا خِفْتَ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَقُلْ: مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ثَلَاثًا. (٣)

٣ / ٩ صرّف أنواع البلاء رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، كَفَاهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ تَسَعَهُ وَتَسَعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ؛ أَيْسَرُهُنَّ الْخَنْقُ. (٤)

الإمام علي عليه السلام فِي وَصِيَّتِهِ لِكَمِيلِ بْنِ زِيَادٍ: يَا كَمِيلُ، قُلْ عِنْدَ كُلِّ شَيْءٍ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ تُكْفِيهَا. وَقُلْ عِنْدَ كُلِّ نِعْمَةٍ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»؛ تَزِدُّدَ مِنْهَا. وَإِذَا أَبْطَأَتِ الْأَرْزَاقُ عَلَيْكَ، فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ؛ يُوسِّعْ عَلَيْكَ فِيهَا. (٥)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ: «مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» سَبْعِينَ مَرَّةً، صَرَفَ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ؛ أَيْسَرُ ذَلِكَ الْخَنْقُ. (٦)

١- عمل اليوم والليله لابن السنن: ص ٧٨ ح ٢٠٧، كنز العمال: ج ٦ ص ٧٤٦ ح ١٧٦٧٠.

٢- كنز العمال: ج ١٠ ص ٦٥ ح ٢٨٣٨٥ نقلًا عن ابن صصري في أماليه عن أنس.

٣- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٣١ ح ٢٥٥٣، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٢٨ ح ٩.

٤- الكافي: ج ٨ ص ١٠٩ ح ٨٩، المحاسن: ج ١ ص ١١١ ح ١٠٤ كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام.

٥- تحف العقول: ص ١٧٤، بشاره المصطفى: ص ٢٧ عن كميل، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٧٠ ح ١.

٦- الكافي: ج ٢ ص ٥٢١ ح ٢ عن جميل، ثواب الأعمال: ص ١٩٤ ح ١ عن هشام بن أحمر نحوه وليس فيه «سبعين مرّة».

۳ / ۹ گرداندن انواع بلا

عمل الیوم واللیلہ ، ابن سنی به نقل از انس : پیامبر خدا فرمود : «هر کس چیزی را ببیند که نظرش را بگیرد ؛ اما بگوید : «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست ، جز به یاری خدا» ، چشم ، به آن گزند نمی زند» ، یعنی چشمش نمی زند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه خداوند متعال به زن و فرزند و مال بنده ای نعمتی دهد و آن چیز نظرش را بگیرد ، چنانچه با دیدن آن بگوید : «آنچه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست ، جز به یاری خدا» ، خداوند متعال ، هر گونه گزندی را از آن دور می کند تا آن گاه که از دنیا برود .

امام صادق علیه السلام : چشم زدن ، حقیقت دارد و از آن ، نه بر خودت و نه بر دیگری ، ایمن نیستی . (۱) پس هرگاه از چشم زخمی ترسیدی ، سه مرتبه بگو : «آنچه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ» .

۳ / ۹ گرداندن انواع بلا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس سه بار بگوید : «به نام خدای مهر گسترِ مهربان . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ» ، خداوند عز و جل نود و نه گونه بلا را از او می گرداند که آسان ترین آنها خفه شدن (۲) است .

امام علی علیه السلام در سفارشش به کمیل بن زیاد : ای کمیل! در هر سختی ای بگو : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، آن سختی از تو برطرف می شود ، و برای هر نعمتی بگو : «ستایش ، خدای را» ، آن نعمت ، افزون می شود ، و هرگاه روزی ات دیر رسید ، از خداوند آمرزش بخواه ، آن روزی بر تو فراخ می گردد .

امام صادق علیه السلام : هر کس هفتاد بار بگوید : «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، خداوند ، هفتاد نوع از انواع بلا را از او می گرداند که آسان ترین آنها ، خفه شدن است .

۱- یعنی هم خودت در معرض خطرِ چشم زخم از جانب خودت هستی و هم غیر خودت .

۲- ممکن است به معنای خُنَاق یا خَنَک باشد ؛ یعنی بیماری عدم نفوذِ نفس به سوی شش ، یا به معنای دیفتری .

رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام: يا علي، ألا أعلمك كلمات إذا وقعت في ورطه أو بليت فقل: «بسم الله الرحمن الرحيم، لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم»؛ فإن الله عز وجل يصرف بها عنك ما يشاء من أنواع البلاء. (١)

عنه صلى الله عليه وآله يقول الله عز وجل: «قل لأمتك يقولوا: لا حول ولا قوة إلا بالله» عشاء عند الصبح، وعشاء عند المساء، وعشاء عند النوم؛ يدفع عنهم عند النوم بلوى الدنيا، وعند المساء مكايده الشيطان، وعند الصبح من غصبي. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله لشيبه الهذيل (٣): إذا صليت الصبح فقل عشر مرات: «سبحان الله العظيم وبحمده، لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم»؛ فإن الله يعافيك بذلك من العمى والجنون والجذام والفقر والهزم. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله لقيصه بن مخارق الهلالى: قل ثلاث مرات إذا صليت العداة: «سبحان الله وبحمده، سبحان الله العظيم وبحمده، ولا حول ولا قوة إلا بالله»؛ فإنك إذا قلتها أمنت من عمى وجذام وبرص وفالج. (٥)

١- الكافي: ج ٢ ص ٥٧٣ ح ١٤ عن بكير عن الإمام علي عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٥٩ ح ٢٣٩١ وزاد بعد ذكر الحوقله «اللهم إياك نعبد وإياك نستعين»، الدعوات: ص ٥٢ ح ١٢٩ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وليس فيهما «ألا أعلمك كلمات»، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٩٥ ح ٢٩؛ عمل اليوم والليله لابن السني: ص ١٢١ ح ٣٣٦ عن سويد بن غفله، الفردوس: ج ٥ ص ٣٢٤ ح ٨٣٢٣ كلاهما عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ج ٢ ص ١٢٤ ح ٣٤٤٢.

٢- الفردوس: ج ٥ ص ٢٤٨ ح ٨٠٩٣ عن أبي بكر، كنز العمال: ج ٢ ص ١٧٠ ح ٣٦٠٧؛ بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٦١ ح ٤٠ نقلًا عن البلد الأمين.

٣- كذا في تهذيب الأحكام، وفي المصادر الأخرى: «الهدلى».

٤- تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٠٧ ح ٤٠٤، الأمالي للصدوق: ص ١١٠ ح ٨٥ كلاهما عن سلام المكي، ثواب الأعمال: ص ١٩١ ح ١ عن سالم المكي وفيه «الهدم» بدل «الهزم»، روضه الواعظين: ص ٥٢١ كلها عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٩ ح ١٨ وص ١٦٠ ح ٣٩.

٥- الخصال: ص ٢٢٠ ح ٤٥ عن ابن عباس، الدعوات: ص ٨٣ ح ٢٠٨ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢١ ح ٢٠؛ عمل اليوم والليله لابن السني: ص ٥٢ ح ١٣٤ عن ابن عباس نحوه، كنز العمال: ج ٢ ص ١٤٥ ح ٣٥٢١.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام: ای علی! آیا به تو جملاتی نیاموزم؟ هرگاه به مشکلی سخت یا گرفتاری ای افتادی، بگو: «به نام خدای مهرگستر مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خداوند والا و بزرگ». پس خداوند عز و جل به سبب آن، از انواع بلا، آنچه بخواهد، از تو می گرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل می فرماید: «به امتت بگو که صبحگاهان و شامگاهان و هنگام خوابیدن، هر بار ده مرتبه بگویند: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، در هنگام خوابیدن، بلاهای دنیا را از آنان، دور می کند، در شامگاهان، نیرنگ شیطان را، و در صبحگاهان، از خشم من، آنها را ننگه می دارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به شیبه هذیل: نماز صبح را که خواندی، ده بار بگو: «پاکا خدای بزرگ و ستایش، او را! هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خداوند والا و بزرگ»؛ زیرا به واسطه این ذکر، خداوند، تو را از کوری و دیوانگی و جذام و ناداری و فرتوتی به سلامت می دارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به قبیصه بن مُخارق هلالی: هرگاه نماز صبح را خواندی سه مرتبه بگو: «پاکا خدا و ستایش او را! پاکا خدای بزرگ و ستایش او را! و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»؛ زیرا هرگاه اینها را بگویی، از کوری و جذام و پیسی و فلج شدن، در امان خواهی ماند.

عنه صلى الله عليه وآله: ما من عبدٍ يُصَلِّي الفَجْرَ ثُمَّ يَقُولُ حِينَ يَنْصَرِفُ: «لا- حَوْلَ ولا- قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ ، ولا حَيَاةَ ولا احتِيَالَ ولا مَنْجىَ ولا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ ، إِلاَّ إِلَيْهِ» سَبَعَ مَرَّاتٍ ، إِلاَّ رُفِعَ عَنْهُ سَبْعُونَ نَوْعًا مِنَ البَلَاءِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ: «ما شاءَ اللَّهُ ، لا قُوَّةَ (٢) إِلاَّ بِاللَّهِ ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» ، رُزِقَ خَيْرَ ذَلِكَ اليَوْمِ وَصُرِفَ عَنْهُ شَرُّهُ . وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّيْلِ رُزِقَ خَيْرَ تِلْكَ اللَّيْلِ ، وَصُرِفَ عَنْهُ شَرُّهَا . (٣)

الإمام على عليه السلام: مَنْ قَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، ولا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ العَلِيِّ العَظِيمِ» سَبَعَ مَرَّاتٍ وَهُوَ ثَانِي رِجْلِهِ بَعْدَ المَغْرَبِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ ، وَبَعْدَ الصُّبْحِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ ، صَدَرَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ البَلَاءِ ؛ أَدْنَاهَا الجُذَامُ وَالبَرَصُ وَالسُّلْطَانُ وَالشَّيْطَانُ . (٤)

عنه عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِكَمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ: يَا كَمَيْلُ ، سَمِّ كُلَّ يَوْمٍ بِاسْمِ اللَّهِ ، وَقُلْ: «لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ» . . . تُكْفَى شَرُّ ذَلِكَ اليَوْمِ إِنْ شاءَ اللَّهُ . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، الحمدُ لِلَّهِ رَبِّ العَالَمِينَ ، تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الخَالِقِينَ ، ولا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ العَلِيِّ العَظِيمِ» دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ نَوْعًا مِنَ البَلَاءِ ؛ أَهْوَنُهَا الجُذَامُ . (٦)

١- الفردوس: ج ٤ ص ٩ ح ٦٠٢٥ عن أنس ، كنز العمال: ج ٢ ص ١٤٤ ح ٣٥١٩ .

٢- فى كنز العمال: «لا حول ولا قوة» .

٣- عمل اليوم والليلة لابن السنى: ص ٢٤ ح ٥٣ عن أبى هريره ، كنز العمال: ج ٢ ص ١٦٨ ح ٣٦٠١ .

٤- فلاح السائل: ص ٤٠٩ ح ٢٧٩ عن سعيد بن إسماعيل بن همام عن الإمام الرضا عليه السلام .

٥- تحف العقول: ص ١٧١ ، بشاره المصطفى: ص ٢٥ عن كميل ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤١٢ .

٦- السرائر: ج ٣ ص ١٤٣ ، دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١٣٧ ح ٤٨٣ وفيه «الجنون» بدل «الجذام» ، بحار الأنوار: ج ٦٢ ص ٢٧٦ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که نماز صبح را بخواند و پس از آن، هفت بار بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. زندگی و چاره و نجات و گریزی از خدا نیست، مگر به سوی خود او»، جز آن که هفتاد نوع بلا، از او برطرف شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس چون صبح کند، بگوید: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست، جز به یاری خدا. گواهی می دهم که خدا بر هر چیزی تواناست»، خیر آن روز، روزی او می شود و شرّش از او دور می گردد، و هر کس، شب هنگام، این جملات را بگوید، خیر آن شب، روزی اش می شود و شرّ آن، از او دور می گردد.

امام علی علیه السلام: هر کس پس از نماز مغرب، در حالی که همچنان دو زانو نشسته است، پیش از آن که سخنی بگوید، و نیز پس از نماز صبح، پیش از آن که سخنی بگوید، هفت بار بگوید: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ»، خداوند متعال، هفتاد نوع از انواع بلا را از او می گرداند که کمترین آنها جذام و پیسی و [گزند] سلطان و شیطان است.

امام علی علیه السلام در سفارشش به کمیل بن زیاد: ای کمیل! هر روز نام خدا را ببر و بگو: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا». ... به خواست خدا، از گزند آن روز، مصون خواهی ماند.

امام صادق علیه السلام: هر کس هر روز، سی بار بگوید: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است. زهی خدایی که بهترین آفرینندگان است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ»، خداوند، نود و نه نوع بلا را از او دور کند که آسان ترین آنها جذام است.

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الصُّبْحِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» يُعِيدُهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ، دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ؛ أَهْوَنُهَا الْجُدَامُ وَالْبَرَصُ. (١)

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ فِي دُبُرِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَدُبُرِ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ سَبْعَ مَرَّاتٍ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» دَفَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ؛ أَهْوَنُهَا الرِّيحُ وَالْبَرَصُ وَالْجُنُونُ، وَإِنْ كَانَ شَقِيحًا مُجِيًّا مِنَ الشَّقَاءِ وَكُتِبَ فِي الشُّعْدَاءِ. (٢)

عنه عليه السلام: إِذَا صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ وَالْغَدَاةَ فَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ؛ فَإِنَّهُ مَنْ قَالَهَا لَمْ يُصِبْهُ جُدَامٌ وَلَا بَرَصٌ وَلَا جُنُونٌ، وَلَا سَبْعُونَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ. (٣)

الإمام الكاظم عليه السلام: قَوْلُ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» يَدْفَعُ أَنْوَاعَ الْبَلَاءِ. (٤)

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حِينَ يُصْبِحُ، وَثَلَاثَ مَرَّاتٍ حِينَ يُمَسِي، لَمْ يَخَفْ شَيْطَانًا وَلَا سُلْطَانًا وَلَا جُدَامًا وَلَا بَرَصًا. وَأَنَا أَقُولُهَا مِئَةَ مَرَّةٍ. (٥)

١- الأمامي للطوسي: ص ٤١٥ ح ٩٣٥ عن محمد بن مسلم، جامع الأخبار: ص ١٤٤ ح ٣١٢، مشكاة الأنوار: ص ٥١٨ ح ١٧٤٣ كلاهما بزياده «ومن قالها إذا صلى المغرب قبل أن يتكلم دفع الله عنه سبعين نوعا من أنواع البلاء» بعد «أنواع البلاء»، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٩٥ ح ١.

٢- الكافي: ج ٢ ص ٥٣١ ح ٢٥ وح ٢٦ نحوه وكلاهما عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٣٢ ح ٩.

٣- الكافي: ج ٢ ص ٥٢٨ ح ٢٠ عن أبي بصير وص ٥٣١ ح ٢٨ عن سماعه.

٤- الدعوات: ص ٨٣ ح ٢٠٩، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٧٤ ح ٢.

٥- المحاسن: ج ١ ص ١١٢ ح ١٠٥، الكافي: ج ٢ ص ٥٣١ ح ٢٧ كلاهما عن الحسن بن الجهم، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٥٧ ح ٢٧.

امام صادق علیه السلام: هر کس پس از نماز صبح، پیش از آن که سخنی بگوید، بگوید: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ» و هفت مرتبه آن را تکرار کند، خداوند، هفتاد نوع بلا را از او دفع می کند که آسان ترین آنها جذام و پیسی است.

امام صادق علیه السلام: هر کس در پی نماز صبح و در پی نماز مغرب، هفت بار بگوید: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ»، خداوند عز و جل هفتاد نوع از انواع بلا را از او دور می کند که کمترین آنها باد و پیسی و دیوانگی است، و اگر از تیره بختان است، نامش از دفتر تیره بختان پاک و در شمار نیک بختان، نوشته شود.

امام صادق علیه السلام: چون نماز مغرب و صبح را خواندی، هفت بار بگو: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خداوند والا و بزرگ»؛ زیرا هر کس این را بگوید، به جذام و پیسی و دیوانگی و هفتاد نوع از انواع بلا، دچار نمی شود.

امام کاظم علیه السلام: ذکر «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، انواع بلا را دور می کند.

امام کاظم علیه السلام: هر کس در صبحگاهان و در شامگاهان، سه مرتبه بگوید: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ»، از [گزند] شیطان و سلطان و [دچار شدن به] جذام و پیسی نترسد. من، خود، صد مرتبه آن را می گویم.

الكافي عن سعد بن زيد عن أبي الحسن عليه السلام: إِذَا صَيَّيْتِ الْمَغْرِبَ فَلَا تَبْسُطِ رِجْلَكَ وَلَا تُكَلِّمِ أَحَدًا حَتَّى تَقُولَ مِنْهُ مَرَّةً : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، لا- حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» ، وَمِنْهُ مَرَّةً فِي الْعَمْدَاءِ ، فَمَنْ قَالَهَا دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ مِنْهُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ ؛ أَدْنَى نَوْعٍ مِنْهَا الْبَرَصُ وَالْجُدَامُ وَالشَّيْطَانُ وَالسُّلْطَانُ . (١)

رسول الله صلى الله عليه و آله في حِرْزِ اسْتِخْرَجَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ الْعَزِيزِ : تَحَصَّنْتُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ، وَاسْتَعَصِمْتُ بِالْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ، وَرَمَيْتُ كُلَّ عَدُوٍّ لَنَا بِلا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . (٢)

الإمام زين العابدين عليه السلام من حِرْزِهِ فِي كُلِّ صَيَّاحٍ وَمَسَاءٍ : بِاسْمِ اللَّهِ ، تَحَصَّنْتُ بِالْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ، مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ ، وَرَمَيْتُ مَنْ يُرِيدُ بِي سُوءًا أَوْ مَكْرُوهًا مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ بِلا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . (٣)

الكافي عن جميل عن الإمام الصادق عليه السلام ، قَالَ : سَمِعْتُهُ يَقُولُ : مَنْ قَالَ : «مَا شَاءَ اللَّهُ ، لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» سَبْعِينَ مَرَّةً ، صَرَفَ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ ؛ أَيْسَرُ ذَلِكَ الْحَقُّ . قُلْتُ : جُعِلَتْ فِدَاكَ وَمَا الْحَقُّ؟ قَالَ : لا يَعْتَلُّ بِالْجُنُونِ فَيُخَنَقَ . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام فِي دُعَاءِ الْإِسْتِخَارَةِ : اللَّهُمَّ . . . وَأَبْرَمَ مِنْ قُدْرَتِكَ كُلِّ نَحْسٍ يَعْرِضُ بِحَاجِزٍ حَتْمٍ مِنْ قَضَائِكَ يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَهُ ، وَيُبَاعِدُهُ مِنِّي وَيُبَاعِدُنِي مِنْهُ ، فِي دِينِي وَنَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي ، وَأَعِزَّنِي مِنَ الْأَوْلَادِ وَالْأَمْوَالِ وَالْبَهَائِمِ وَالْأَعْرَاضِ (٥) ، وَمَا أَحْضَرُهُ وَمَا أَغْيَبَ عَنْهُ ، وَمَا أَسْتَصْحِبُهُ وَمَا أَخْلَفَهُ ، وَحَصَّنِي مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِعِيَاذِكَ مِنَ الْآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ وَالْبَلِيَّاتِ ، وَمِنَ التَّغْيِيرِ وَالتَّبْدِيلِ ، وَالتَّقِمَاتِ وَالمَثَلَاتِ (٦) ، وَمِنَ كَلِمَتِكَ الْحَالِقَةِ (٧) ، وَمِنَ جَمِيعِ الْمَخُوفَاتِ ، وَمِنَ سُوءِ الْقَضَاءِ ، وَمِنَ دَرَكِ الشَّقَاءِ ، وَمِنَ شِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ ، وَمِنَ الْخَطَأِ وَالزَّلْمِ فِي قَوْلِي وَفِعْلِي ، وَمَلَكْنِي الصَّوَابَ فِيهِمَا ؛ بِلا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، بِلا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ حِرْزِي وَعَسْكَرِي ، بِلا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ سُلْطَانِي وَمَقْدَرْتِي ، بِلا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ عِزِّي وَمَنْعَتِي . (٨)

- ١- الكافي : ج ٢ ص ٥٣١ ح ٢٩ عن سعد بن زيد ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٠١ ح ٦ .
- ٢- مَهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص ٣٨ عن مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ الْإِسْكَانْدَرِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، بِحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٨٦ ص ٣٠٤ ح ٦٢ .
- ٣- مَهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص ٢٧ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٣١١ ح ٦٣ .
- ٤- الكافي : ج ٢ ص ٥٢١ ح ٢ .
- ٥- الأَعْرَاضُ : جَمْعُ عَرَضٍ ؛ وَهُوَ الْحَالُ وَالْمَتَاعُ وَالْغَنِيمَةُ (بحار الأنوار : ج ٩١ ص ٢٧٤) .
- ٦- المَثَلَةُ : الْعُقُوبَةُ ، وَالْجَمْعُ المَثَلَاتُ (الصَّحَاحُ : ج ٥ ص ١٨١٦ «مثل»)
- ٧- مِنْ كَلِمَتِكَ الْحَالِقَةِ : أَي حَكْمِكَ بِالْعُقُوبَةِ الْمَسْتَأْصَلَةِ ، قَالَ فِي النِّهَايَةِ : ... الْحَالِقَةُ : الْخِصْلَةُ الَّتِي مِنْ شَأْنِهَا أَنْ تَحْلُقَ ؛ أَي تَهْلِكَ وَتَسْتَأْصِلُ (بحار الأنوار : ج ٩١ ص ٢٧٤) .

٨- .فتح الأبواب : ص ١٩٩ ، بحار الأنوار : ج ٩١ ص ٢٧١ ح ٢٣ .

الکافی به نقل از سعد بن زید از ابو الحسن علیه السلام (۱): چون نماز مغرب را خواندی، پیش از آن که پایت را دراز کنی [و از حالت تشهّد خارج شوی] و با کسی سخنی بگویی، صد مرتبه می گویی: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا- و بزرگ» و صد بار نیز پس از نماز صبح می گویی؛ زیرا هر کس آن را بگوید، خداوند، صد نوع از انواع بلا را از او دور می کند که کمترین نوع آنها پسی و جذام و [گزند] شیطان و سلطان است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در جرزی که آن را از کتاب خداوند عزیز، استخراج کرده است: خود را در حمایت خدای بزرگ در آوردم و به آن زنده ای که هرگز نمی میرد، پناهنده شدم، و هر دشمنی خود را با [تیر] «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ»، هدف قرار دادم.

امام زین العابدین علیه السلام از حرز ایشان در هر بامداد و شامگاه: به نام خدا. خود را در حمایت زنده ای که هرگز نمی میرد، در آوردم از گزند آنچه می ترسم و بیمناکم، و هر که را از پیش رویم بخواهد به من بدی یا گزند برساند با [تیر] «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» هدف قرار دادم.

الکافی به نقل از جمیل: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: «هر کس هفتاد بار بگوید: هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، خداوند، هفتاد نوع بلا را از او می گرداند که آسان ترین آنها حنق است». گفتیم: قربانت کردم! حنق چیست؟ فرمود: «به دیوانگی مبتلا نشود که در نتیجه، خفه می گردد».

امام صادق علیه السلام در دعای طلب خیر از خدا: بار خدایا!... به قدرت خود، هر گونه پیشامد شومی را که برای دینم و جانم و مالم و فرزندانم و برادرانم رُخ دهد، و به واسطه مانع حتمی از قضایت که میان من و آن پیشامد، سد شود و آن را از من، و مرا از آن دور گرداند، دفع کن، و فرزندان و اموال و حیوانات و کالاهای مرا، و آنچه را حاضر دارم و آنچه را حاضر ندارم، و آنچه را همراه من است و آنچه را از خود بر جای نهاده ام، در پناه خویش دار، و با پناه دهی خویش، مرا در همه اینها از آفت ها و بیماری ها و فاجعه ها و از دگرگونی و جایگزینی و خشم ها و کیفرها، و از فرمان ریشه کن کننده ات و از کلیه حوادث وحشتناک، و از قضای بد، و از رنج و بدبختی دامنگیر، و از دشمن شادی و از خطا و لغزش در گفتار و کردار، مرا مصون بدار و مرا در گفتار و کردارم به طریق صواب بدار، به حق «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ». به حق «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» که سنگر و لشکر من است. به حق «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» که قدرت و توان من است. به حق «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، که مایه نیرو و اقتدار من است.

الفصل الرابع: خطر البراءة من حول الله وقوتهم هج الدعوات عن صفوان بن مهران الجمال: رَفَعَ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشِ الْمَدِينَةِ مِنْ بَنِي مَخْرُومٍ إِلَى أَبِي جَعْفَرِ الْمَنْصُورِ وَذَلِكَ بَعْدَ قَتْلِ لِمُحَمَّدٍ وَإِبْرَاهِيمَ ابْنَيْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ: أَنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعَثَ مَوْلَاهُ الْمُعَلَّى بْنَ خُنَيْسٍ لِحَبَابَةِ الْأَمْوَالِ مِنْ شَيْعَتِهِ، وَأَنَّهُ كَانَ يُمِدُّ بِهَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، فَكَادَ الْمَنْصُورُ أَنْ يَأْكُلَ كَفَّهُ عَلَى جَعْفَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ غِيظًا، وَكَتَبَ إِلَى عَمِّهِ دَاوُدَ بْنِ عَلِيٍّ وَدَاوُدُ إِذْ ذَاكَ أَمِيرُ الْمَدِينَةِ أَنْ يُسَيِّرَ إِلَيْهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا يُرَخِّصَ لَهُ فِي التَّلَاوُمِ (١) وَالْمَقَامِ، فَبَعَثَ إِلَيْهِ دَاوُدُ بِلِثَابِ الْمَنْصُورِ وَقَالَ لَهُ: اِعْمِدْ عَلَى الْمَسِيرِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي غَدٍ وَلَا تَتَأَخَّرْ. قَالَ صِفْوَانُ: وَكُنْتُ بِالْمَدِينَةِ يَوْمَئِذٍ فَأَنْفَذْتُ إِلَيْ جَعْفَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَصِرْتُ إِلَيْهِ، فَقَالَ لِي: تَعَهَّدْ رَاحِلَتَنَا فَإِنَّا غَادُونَ فِي غَدٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ إِلَى الْعِرَاقِ، وَنَهَضَ عَن وَقْتِهِ وَأَنَا مَعَهُ إِلَى مَسْجِدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَكَانَ ذَلِكَ بَيْنَ الْأُولَى وَالْعَصْرِ، فَزَكَّعَ فِيهِ رَكَعَاتٍ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ فَحَفِظْتُ يَوْمَئِذٍ مِنْ دُعَائِهِ (٢): يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ ابْتِدَاءٌ وَلَا انْقِضَاءٌ، يَا مَنْ... (٣) قَالَ صِفْوَانُ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَنْ يُعِيدَ الدُّعَاءَ عَلَيَّ فَأَعَادَهُ وَكَتَبْتُهُ، فَلَمَّا أَصْبَحَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَحَلْتُ لَهُ النَّاقَةَ، وَسَارَ مُتَوَجِّهًا إِلَى الْعِرَاقِ حَتَّى قَدِمَ مَدِينَةَ أَبِي جَعْفَرَ، وَأَقْبَلَ حَتَّى اسْتَأْذَنَ فَأُذِنَ لَهُ. قَالَ صِفْوَانُ: فَأَخْبَرَنِي بَعْضُ مَنْ شَهِدَهُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرَ، قَالَ: فَلَمَّا رَأَى أَبُو جَعْفَرَ قَرْبَهُ وَأَدْنَاهُ، ثُمَّ اسْتَدْعَى (٤) قِصَّةَ الرَّافِعِ عَلِيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي قِصَّتِهِ: إِنَّ مُعَلَّى بْنَ خُنَيْسٍ مَوْلَى جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ يَجِبِي لَهُ الْأَمْوَالُ مِنْ جَمِيعِ الْأَفَاقِ، وَإِنَّهُ مِيدٌ بِهَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ فَدَفَعَ إِلَيْهِ الْقِصَّةَ فَقَرَأَهَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ الْمَنْصُورُ فَقَالَ: يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، مَا هَذِهِ الْأَمْوَالُ الَّتِي يَجِبِيهَا لَكَ مُعَلَّى بْنُ خُنَيْسٍ؟ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَعَاذَ اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! قَالَ لَهُ: تَحْلِفُ عَلَيَّ بِرَاءَتِكَ مِنْ ذَلِكَ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَعَمْ، أَحْلِفُ بِاللَّهِ أَنَّهُ مَا كَانَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ. قَالَ أَبُو جَعْفَرَ: لَا، بَلْ تَحْلِفُ بِالطَّلَاقِ وَالْعِتَاقِ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا تَرْضَى يَمِينِي بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ؟ قَالَ أَبُو جَعْفَرَ: فَلَا تَتَفَقَّهُ عَلَيَّ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَأَيْنَ تَذْهَبُ بِالْفِقْهِ مِنِّي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ لَهُ: دَعِ عَنكَ هَذَا، فَإِنِّي أَجْمَعُ السَّاعَةَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ الرَّجُلِ الَّذِي رَفَعَ عَنكَ حَتَّى يُوَاجِهَكَ. فَأَتُوا بِالرَّجُلِ وَسَأَلُوهُ بِحَضْرَةِ جَعْفَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: نَعَمْ هَذَا صَاحِبٌ، هَذَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالَّذِي قُلْتُ فِيهِ كَمَا قُلْتُ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَحْلِفُ أَيُّهَا الرَّجُلُ إِنَّ هَذَا الَّذِي رَفَعْتَهُ صَاحِبٌ؟ قَالَ: نَعَمْ؛ ثُمَّ ابْتَدَأَ الرَّجُلُ بِالْيَمِينِ فَقَالَ: وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الطَّالِبُ الْغَالِبُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ. فَقَالَ لَهُ جَعْفَرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا- تَعَجَلْ فِي يَمِينِكَ فَإِنِّي أَنَا اسْتَحْلِفُ. قَالَ الْمَنْصُورُ: وَمَا أَنْكَرْتَ مِنْ هَذِهِ الْيَمِينِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَيٌّ (٥) كَرِيمٌ، يَسْتَحْيِي مِنْ عَبْدِهِ إِذَا أَثْنَى عَلَيْهِ أَنْ يُعَاجِلَهُ بِالْعُقُوبَةِ لِمُدْحِهِ لَهُ، وَلَكِنْ قُلْ يَا أَيُّهَا الرَّجُلُ: أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ حَوْلِهِ وَقُوَّتِهِ، وَأَلْجَأُ إِلَى حَوْلِي وَقُوَّتِي أَنِّي لَصَادِقٌ بَرٌّ فِي مَا أَقُولُ. فَقَالَ الْمَنْصُورُ لِلْقُرَشِيِّ: احْلِفْ بِمَا اسْتَحْلَفَكَ بِهِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَحْلَفَ الرَّجُلُ بِهَذِهِ الْيَمِينِ، فَلَمْ يَسْتَتِمِ الْكَلَامَ حَتَّى أَجْذَمَ وَخَرَّ مَيِّتًا. فَرَأَى أَبُو جَعْفَرَ (٦) ذَلِكَ وَارْتَعِدَتْ فَرَائِضُهُ، فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، سَرَّ مِنْ غَدٍ إِلَى حَرَمِ حَيْدُكَ إِنْ اخْتَرْتَ ذَلِكَ، وَإِنْ اخْتَرْتَ الْمَقَامَ عِنْدَنَا لَمْ نَأَلْ فِي إِكْرَامِكَ وَبِرِّكَ، فَوَ اللَّهُ لَا قِبْلَتَ عَلَيْكَ قَوْلَ أَحَدٍ بَعْدَهَا أَبَدًا. (٧)

١- التَّلَاوُمُ: الانتظار والتَّمَكُّثُ (الصَّحاح: ج ٥ ص ٢٠٣٤ «لوم»).

٢- في المصدر: «ومن دعائه»، والتصويب من بحار الأنوار.

- ٣- أنظر تتمه الدعاء في المصدر : ص ٢٤٦ .
- ٤- في بحار الأنوار : «ثم أسند قصه ...» .
- ٥- في المصدر : «حيّ» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- ٦- في المصدر : «أبو جعفر» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- ٧- مَهَج الدعوات : ص ٢٤٥ ، بحار الأنوار : ج ٤٧ ص ٢٠٠ ح ٤١ وج ٩٤ ص ٢٩٦ .

فصل چهارم: خطر براءت جستن از نیرو و توان خدا

فصل چهارم: خطر براءت جستن از نیرو و توان خدائمهج الدعوات به نقل از صفوان بن مهران جمال: مردی از قریش مدینه، از بنی مخزوم، به ابو جعفر منصور گزارش داد و این پس از آنی بود که وی، محمد و ابراهیم، پسران عبد الله بن حسن را به قتل رساند که: جعفر بن محمد علیه السلام وابسته خود، معلی بن خنیس را برای جمع آوری وجوهات از شیعیانش فرستاده است و با این وجوهات به محمد بن عبد الله، کمک می کرده است. منصور، از شدت خشم بر امام صادق علیه السلام چیزی نمانده بود که دست خود را بخورد. به عمویش داوود بن علی (داوود در آن زمان امیر مدینه بود)، نوشت که جعفر بن محمد علیهما السلام را نزد او روانه سازد و اجازه درنگ کردن و تعلل به او ندهد. داوود، نامه منصور را نزد امام علیه السلام فرستاد و گفت: فردا بی درنگ، آماده حرکت به سوی امیر مؤمنان شو. صفوان گفت: من در آن روز، در مدینه بودم. امام صادق علیه السلام مرا احضار کرد. من نزد ایشان رفتم. به من فرمود: «شترمان را آماده کن؛ زیرا فردا، به خواست خدا، عازم عراق هستیم» و در دم، برخاست و با هم به مسجد النبی صلی الله علیه و آله رفتیم. بین نماز ظهر و عصر بود. امام علیه السلام چند رکعت نماز در مسجد خواند، سپس دستانش را به سوی آسمان برداشت و دعایی کرد که من (یعنی صفوان) آن روز، قسمتی از دعایش را حفظ کردم: «ای کسی که او را آغاز و پایانی نیست! ای کسی که ..!». (۱) از امام صادق علیه السلام خواهش کردم که دعایش را برایم تکرار کند و ایشان، تکرار کرد و من، آن را نوشتم. صبح روز بعد، ناچه را نزد امام علیه السلام بردم. ایشان به سوی عراق حرکت کرد و به شهر ابوجعفر درآمد و اجازه خواست. ابو جعفر به امام علیه السلام اجازه ورود داد. صفوان گفت: یکی از کسانی که شاهد وارد شدن امام صادق بر ابو جعفر بود، به من خبر داد و گفت: چون چشم ابو جعفر به امام علیه السلام افتاد، به ایشان احترام گذاشت و نزدیک خود نشاند. سپس گزارشی را که در باره امام صادق علیه السلام به او نوشته بودند، خواست. در آن گزارش آمده بود که: معلی بن خنیس، وابسته جعفر بن محمد علیهما السلام، وجوهات را از اطراف و کناف، برایش گرد می آورد و او با آن وجوهات، به محمد بن عبد الله کمک می کرده است. گزارش را به دست امام صادق علیه السلام داد. امام علیه السلام آن را خواند. منصور، رو به ایشان کرد و گفت: ای جعفر بن محمد! این اموالی که معلی بن خنیس برای تو گرد می آورد، چیست؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «پناه به خدا از این گزارش، ای امیر مؤمنان!». منصور گفت: سوگند می خوری که این گزارش، صحّت ندارد؟ فرمود: «آری. به خدا سوگند می خورم که چنین چیزی نبوده است». ابو جعفر گفت: نه. به طلاق و عتاق (۲)، سوگند بخور. امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا سوگندم به خدای یگانه را نمی پذیری؟». ابوجعفر [منصور] گفت: دین شناسی (فقه) خود را به رخ من مکش. امام صادق علیه السلام فرمود: «پس برای دین شناسی من، چه شأنی قائلی، ای امیر مؤمنان؟». گفت: دست بردار. هم اکنون، تو را با آن مردی که گزارش داده است، رو به رو می کنم. آن گاه، آن مرد را آوردند و در حضور امام صادق علیه السلام از او پرسیدند. مرد گفت: آری. صحّت دارد. این، جعفر بن محمد است و آنچه در باره اش گفته ام، حقیقت دارد. امام صادق علیه السلام فرمود: «ای مرد! سوگند می خوری که آنچه گزارش داده ای، صحّت دارد؟». گفت: آری. سپس، شروع به سوگند خوردن کرد و گفت: سوگند می خورم به خدایی که معبودی نیست، جز او که جوینده است و چیره و زننده و جاویدان. امام صادق علیه السلام به او فرمود: «در سوگندت شتاب مکن؛ زیرا من می گویم که چگونه

سوگند بخوری». منصور گفت: کجای این سوگند، ایراد دارد؟ فرمود: «خداوند متعال، باحیا و بزرگواری است. هرگاه بنده اش او را ثنا گوید، به خاطر ستایشی که از او کرده است، شرم می کند او را زود کیفر دهد؛ بلکه ای مرد، بگو: «از نیرو و قدرت خدا، برائت می جویم، و به نیرو و قدرت خودم پناه می برم که در آنچه می گویم، راستگو و صادق هستم». منصور به آن مرد قُرشی گفت: همان گونه که ابو عبد الله [صادق] خواست، سوگند بخور. مرد با این سوگند، سوگند یاد کرد؛ اما هنوز سخنش تمام نشده بود که کلامش قطع شد و جنازه اش بر زمین افتاد. این صحنه، ابو جعفر [منصور] را وحشت زده کرد و بدنش به لرزه افتاد. گفت: ای ابا عبد الله! همین فردا اگر خواستی، به سوی حرم جدت [مدینه] برو، و اگر هم خواستی نزد ما بمانی، در گرامیداشت و نیکی به تو، کوتاهی نخواهیم کرد. به خدا سوگند که از این پس، هرگز سخن هیچ کس را بر ضد تو نمی پذیرم.

۱- ادامه این دعا را در مأخذ (مهج الدعوات: ص ۲۴۶) ببینید.

۲- سوگند طلاق و عتاق، به این صورت است که بگوید: «زنم مطلقه یا برده ام آزاد باشد، اگر چنین و چنان نباشد یا باشد»

ص: ١٤٢

..

ص: ١٤٣

..

ص: ١٤٤

..

الفصلُ الخامسُ : أهمّ مواضع الحوقله ٥ / ١ عند الأذان رسول الله صلى الله عليه وآله : من قال إذا أذّن المؤذّن مثل ما يقول ، فقال : حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ ، حَيَّ عَلَى الفَّلَاحِ ، قَالَ : «لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» مُخْلِصًا ، دَخَلَ الجَنَّةَ . (١)

الإمام زين العابدين عليه السلام : إنَّ رَسولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا سَمِعَ الْمُؤَذِّنَ قَالَ كَمَا يَقُولُ ، فَإِذَا قَالَ : حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ ، حَيَّ عَلَى الفَّلَاحِ ، حَيَّ عَلَى خَيْرِ العَمَلِ ، قَالَ : لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (٢)

٥ / ٢ بعدَ صَلَاةِ الفَجْرِ الإمام الرضا عليه السلام : مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الفَجْرِ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ العَلِيِّ العَظِيمِ» مِثَّةَ مَرَّةٍ ، كَانَ أَقْرَبَ إِلَى اسْمِ اللَّهِ العَظِيمِ مِنْ سَوَادِ العَيْنِ إِلَى بَيَاضِهَا ، وَإِنَّهُ دَخَلَ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ العَظِيمِ . (٣)

١- . كترالعمال : ج ٧ ص ٧٠٣ ح ٢١٠١٣ نقلًا عن سنن سعيد بن منصور عن حفص بن عاصم مرسلاً .

٢- . دعائم الإسلام : ج ١ ص ١٤٥ ، بحار الأنوار : ج ٨٤ ص ١٧٩ ح ١١ ؛ مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٢٣٠ ح ٢٣٩٢٧ عن أبي رافع عن رسول الله صلى الله عليه وآله ، كترالعمال : ج ٨ ص ٣٦٢ ح ٢٣٢٧٦ نقلًا عن مسند أنس عن أبي الشيخ .

٣- . بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٢٣ عن سليمان بن جعفر الجعفرى .

فصل پنجم: مهم ترین اوقات گفتن «لا حول ولا قوه إلا بالله»

۵ / ۱ هنگام اذان

۵ / ۲ پس از نماز صبح

فصل پنجم: مهم ترین اوقات گفتن «لا حول ولا قوه إلا بالله» ۵ / ۱ هنگام اذان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس هنگامی که مؤذن اذان گفت، گفته های او را بازگو کند، و چون گفت: «به نماز بشتاب! به سوی رستگاری بشتاب!»، او از سرِ اخلاص بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، به بهشت می رود.

امام زین العابدین علیه السلام: پیامبر خدا هر گاه صدای مؤذن را می شنید، گفته های او را بازگو می کرد، و چون می گفت: «به نماز بشتاب؛ به سوی رستگاری بشتاب؛ به سوی بهترین کار، بشتاب!»، امام علیه السلام می گفت: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا».

۵ / ۲ پس از نماز صبح امام رضا علیه السلام: هر کس بعد از نماز صبح، صد مرتبه بگوید: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ». به نام اعظم خدا، نزدیک تر از سیاهی چشم به سفیدی آن باشد. نام اعظم خدا، در این جمله جای دارد.

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ: «مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» مِثَّهُ مَرَّةً حِينَ يُصَلِّيُ الْفَجْرَ، لَمْ يَرِ يَوْمَهُ ذَلِكَ شَيْئًا يَكْرَهُهُ. (١)

٥ / ٣ عِنْدَ الْخُرُوجِ مِنَ الْبَيْتِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ قَالَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ: «بِسْمِ اللَّهِ» قَالَ الْمَلَكُانِ: هُدَيْتَ. فَإِنْ قَالَ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» قَالَا: وَقِيَتْ. فَإِنْ قَالَ: «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ» قَالَا: كُفَيْتَ. فَيَقُولُ الشَّيْطَانُ: كَيْفَ لِي بِعَبْدٍ هُدِيَ وَوُقِيَ وَكُفِيَ؟! (٢)

سنن ابن ماجه عن أبي هريره: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ قَالَ: بِاسْمِ اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، التُّكْلَانُ عَلَى اللَّهِ. (٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ مِنْ بَيْتِهِ فَلْيَقُلْ: بِاسْمِ اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. (٤)

الكافي عن أبي حمزه عن الإمام الباقر عليه السلام: أَنَّهُ كَانَ إِذَا خَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ قَالَ: بِاسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ، وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (٥)

١- الكافي: ج ٢ ص ٥٣٠ ح ٢٤ عن حماد بن عثمان، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٦٢ ح ٤٢.

٢- ثواب الأعمال: ص ١٩٥ ح ١ عن أبي سعيد الخدري، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ٣٩٨ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٦٧ ح ٦؛ سنن أبي داود: ج ٤ ص ٣٢٥ ح ٥٠٩٥ عن أنس، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٧٨ ح ٣٨٨٦ عن أبي هريره وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج ١٥ ص ٣٩٧ ح ٤١٥٣٧.

٣- سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٧٨ ح ٣٨٨٥، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٧٠٠ ح ١٩٠٨، عمل اليوم والليله لابن السني: ص ٦٧ ح ١٧٧ مع تقديم وتأخير، كنز العمال: ج ٧ ص ١٤٣ ح ١٨٤١٧.

٤- المعجم الكبير: ج ٢٢ ص ٣٩٦ ح ٩٨٤ عن يزيد بن خصيفه عن أبيه عن جدّه، كنز العمال: ج ١٥ ص ٣٩٨ ح ٤١٥٣٩.

٥- الكافي: ج ٢ ص ٥٤٣ ح ١٠، المحاسن: ج ٢ ص ٩٠ ح ١٢٣٨ عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام وزاد في آخره «قال محمد بن سنان: فكان أبو الحسن الرضا عليه السلام يقول ذلك إذا خرج من منزله».

۵ / ۳ هنگام بیرون رفتن از خانه

امام صادق علیه السلام: هر کس هنگامی که نماز صبح را می خواند، [پس از نماز] صد بار بگوید: «هر چه خدا خواهد، همان می شود. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ»، در آن روز، ناراحتی نمی بیند.

۵ / ۳ هنگام بیرون رفتن از خانه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس هنگامی که از خانه اش خارج شد، بگوید: «به نام خدا»، دو فرشته می گویند: «هدایت شدی»، و چون بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، می گویند: «نگهداری شدی»، و چون بگوید: «بر خدا توکل کردم»، می گویند: «کفایت شدی». پس شیطان می گوید: «من با بنده ای که هدایت و نگهداری و کفایت شده است، چه کنم؟!».

سنن ابن ماجه به نقل از ابو هریره: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه از خانه اش خارج می شد، می گفت: «به نام خدا. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. توکل بر خدا».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه یکی از شما از خانه اش خارج شد، بگوید: «به نام خدا. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا. هر چه خدا خواهد! بر خدا توکل کردم. خدا، مرا بس است و او نیکو کارگزار است».

الکافی به نقل از ابو حمزه، در باره امام باقر علیه السلام: هرگاه از خانه خارج می شد، می گفت: «به نام خدا. خارج شدم و بر خدا، توکل کردم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا».

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ يَخْرُجُ فِي سَيْفٍ وَحَدَهُ فَلْيَقُلْ: مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ أَنْسِ وَحَشْتِي، وَأَعِنِّي عَلَى وَحَدَتِي، وَأُدِّ غَيْبَتِي (١). (٢)

الإمام الرضا عليه السلام: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ لَا بِحَوْلِ مَنِّي (٣) وَلَا قُوَّتِي، بَلْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا رَبِّ، مُتَعَرِّضًا لِرِزْقِكَ، فَأَتْنِي بِهِ فِي عَافِيَةٍ. (٤)

عنه عليه السلام: إِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِكَ فِي سَيْفٍ أَوْ خَضِرٍ، فَقُلْ: «بِاسْمِ اللَّهِ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، فَتَلَقَّاهُ (٥) الشَّيَاطِينُ فَتَنْصِرِفُ، وَتَضْرِبُ الْمَلَائِكَةُ وُجُوهَهَا، وَتَقُولُ: مَا سَبَّلُكُمْ عَلَيْهِ وَقَدْ سَمِيَ اللَّهُ، وَآمَنَ بِهِ، وَتَوَكَّلَ عَلَيْهِ، وَقَالَ: مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؟ (٦)

١- قال العلامة المجلسي قدس سره: «وَأُدِّ غَيْبَتِي»: الإسناد مجازي؛ أي أَدْنِي [بمعنى أرجعني وأوصلني] عن غَيْبَتِي (مرآة العقول: ج ١٧ ص ١٨٢، وانظر لسان العرب: ج ١٤ ص ٢٦ «أد»).

٢- الكافي: ج ٤ ص ٢٨٨ ح ٤ عن عيسى بن عبد الله القمي، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٧٦ ح ٢٤٣١، المحاسن: ج ٢ ص ٩٨ ح ١٢٥٦ كلاهما عن سليمان بن جعفر عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٢٨ ح ٤.

٣- في بعض النسخ: «بلا حول مني» كما في هامش المصدر.

٤- الكافي: ج ٢ ص ٥٤٢ ح ٧، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٦ ح ١١، المحاسن: ج ٢ ص ٩١ ح ١٢٤١ كلها عن محمد بن سنان، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٦٩ ح ١٣.

٥- «فتلقاه» قيل: في الكلام حذف؛ يعني: فإن من قال ذلك تلقاه، ويحتمل سقوطه. وقيل: الفاء للبيان، والضمير الغائب منصوب عائد إلى قائل هذا الكلام، وفيه التفات من الخطاب إلى الغيبة، إشارته إلى أن الحكم غير مخصوص بالمخاطب (مرآة العقول: ج ١٢ ص ٣٣٠).

٦- الكافي: ج ٢ ص ٥٤٣ ح ١٢ عن الحسن بن الجهم، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٧٢ ح ٢٤١٦، المحاسن: ج ٢ ص ٨٨ ح ١٢٣٥ كلاهما عن علي بن أسباط، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٢٥ ح ١٨٣٠، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٥٠ ح ٤٦.

امام صادق علیه السلام: هر کس به تنهایی سفر کرد، بگوید: هر چه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست، جز به یاری خدا. بار خدایا! انیس بی کسی من باش و بر تنهایی ام کمک فرما و مرا به سلامت، باز گردان.»

امام رضا علیه السلام: پدرم [امام کاظم علیه السلام] هرگاه از خانه اش خارج می شد، می گفت: «به نام خدای مهرگستر مهربان. به نیرو و توان خدا، خارج شدم، نه به نیرو و توان خود، که به نیرو و توان تو ای پروردگار من، در جستجوی روزی تو. پس آن را به سلامت، به من برسان.»

امام رضا علیه السلام: هرگاه از خانه ات خارج شدی، در سفر باشد یا غیر سفر، بگو: «به نام خدا. به خدا ایمان دارم و به خدا توکل می کنم. هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، پس [هر کس چنین گوید و] شیاطین به او برخوردند، بر می گردند و فرشتگان، بر چهره آنها می زنند و می گویند: چه راه تسلطی است شما را بر او، در صورتی که نام خدا را برده و به او ایمان آورده و بر او توکل کرده و گفته است: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»؟

٥ / ٤ عند دخول المسجد جامع الأخبار: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ يَضَعُ رِجْلَهُ الْيُمْنَى وَيَقُولُ: بِاسْمِ اللَّهِ، وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (١)

٥ / ٥ السَّوْقُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: السَّوْقُ دَارُ سَهْوٍ وَغَفْلَةٍ، فَمَنْ سَبَّحَ فِيهَا تَسْبِيحَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَمَنْ قَالَ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» كَانَ فِي جِوَارِ اللَّهِ تَعَالَى عِزٌّ وَجَلٌّ حَتَّى يُمَسِّيَ . (٢)

-
- ١- جامع الأخبار: ص ١٧٥ ح ٤١٧، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٦ ح ١٩.
 - ٢- الفردوس: ج ٢ ص ٣٤٤ ح ٣٥٥٧ عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ج ٤ ص ١٢٦ ح ٩٨٦٨ وراجع صحيفه الإمام الرضا عليه السلام: ص ١٥٠ ح ٨٧ ومسند زيد: ص ٣٩٨.

۴ / ۵ هنگام وارد شدن به مسجد

۵ / ۵ در بازار

۴ / ۵ هنگام وارد شدن به مسجد جامع الأخبار: پیامبر خدا، هرگاه وارد مسجد می‌شد، نخست، پای راستش را می‌گذاشت و می‌گفت: «به نام خدا. بر خدا توکل کردم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا...».

۵ / ۵ در بازار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بازار، سرای فراموشی و غفلت است. پس هر که در آن، یک «سبحان الله» بگوید، خداوند به ازای آن، برایش هزار هزار نیکی [و ثواب] می‌نویسد، و هر که بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، تا شب در پناه خدای متعال باشد.

الفصل السِّدِسُ : الحوقلات المأثورهرسول الله صلى الله عليه وآله : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَنِ يَمِينِي ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَنِ شِمَالِي ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بَيْنَ يَدَيَّ ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ خَلْفِي ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَابِضٌ عَلَى نَاصِيَتِي ، أَعُوذُ بِاللَّهِ وَبِعَظَمَتِهِ ، وَبِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ ، وَبِعِزَّةِ اللَّهِ وَسُلْطَانِهِ ، وَبِعِزَّةِ جَلَالِ اللَّهِ ، وَبِعِزَّةِ عِزِّ اللَّهِ ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَأَ وَبَرَأَ ، وَمِنْ شَرِّ مَا تَحَتَّ الثَّرَى ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، قُوَّةٌ كُلُّ ضَعِيفٍ وَعَوْنٌ كُلُّ فَاقِرٍ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، مَلَجًا كُلَّ هَارِبٍ وَمَأْوَى كُلِّ خَائِفٍ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، غِيَاثٌ كُلُّ مَلْهُوفٍ وَرَجَاءٌ كُلُّ مُضْطَرٍّ . لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَقَى بِهَا نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَجَمِيعَ نِعَمِ إلهِي وَمَوْلَايَ وَسَيِّدِي عِنْدِي ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَنْجُو بِهَا مِنْ إِبْلِيسَ وَخَيْلِهِ وَرَجْلِهِ (١) وَشَيْطَانِهِ وَمَرَدَّتِهِ وَأَعْوَانِهِ وَجَمِيعِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ وَشُرُورِهِمْ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَمْتَنُ بِهَا مِنْ ظَلَمٍ مَنْ أَرَادَ ظَلَمِي مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أُنْعَسُ (٢) بِهَا حَيْدٌ مَنْ بَغَى عَلَيَّ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَكْفُ بِهَا عُيُودَانَ مَنْ أَعْتَدَى عَلَيَّ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَضْعَفُ بِهَا كَيْدَ مَنْ كَادَنِي مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَزِيلُ بِهَا مَكْرَ مَنْ مَكَّرَنِي مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَبْطُلُ بِهَا سَيْحَى مَنْ سَيَّحَى عَلَيَّ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَذِلُّ بِهَا جَمِيعَ مَنْ تَعَزَّزَ عَلَيَّ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أُوهِنُ بِهَا مُسْتَوْهِنِي مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَقْصِمُ بِهَا ظَالِمِي مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَقْدِرُ بِهَا عَلَى ذَوِي الْقُدْرَةِ عَلَيَّ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَدْفَعُ بِهَا شَرَّ مَنْ أَرَادَنِي مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، اسْتِعَانَهُ بِعِزَّةِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، اسْتِجَارَةَ بِقُدْرَةِ اللَّهِ . لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَسْتَعِينُ بِهَا عَلَى مَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَعِنْدَ نُزُولِ الْمَوْتِ وَمُعَالَجَةِ سَيِّئَاتِي وَغَمْرَاتِي ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَحْصُنُ بِهَا رُوحِي وَأَعْضَائِي وَشَعْرِي وَبَشْرِي إِذَا دَخَلْتُ قَبْرِي فَرِيدًا وَحِيدًا خَالِيًا بِعَمَلِي ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَسْتَعِينُ بِهَا عَلَى مَحْشَرِي إِذَا نُشِرْتُ لِي صِيحْفِي وَرَأَيْتُ ذُنُوبِي وَخَطَايَايَ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، إِذَا طَالَ فِي الْقِيَامَةِ وَقُوفِي وَاشْتَدَّ عَطْشِي ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَثْقِلُ بِهَا الْمِيزَانَ عِنْدَ الْجَزَاءِ إِذَا اشْتَدَّ خَوْفِي ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَجُوزُ بِهَا الصِّرَاطَ مَعَ الْأَوْلِيَاءِ وَأُثْبِتُ بِهَا قَدَمِي . لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَسْتَقِرُّ بِهَا فِي دَارِ الْقَرَارِ مَعَ الْأَبْرَارِ ، عِيدَدَ مَا قَالَهَا وَمَا يَقُولُهَا الْقَائِلُونَ مُنْذُ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ ، وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ ، وَأَضْعَافَ ذَلِكَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً ، وَكُلُّ ضِعْفٍ يَتَضَاعَفُ أَضْعَافَ ذَلِكَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً أَيْدِ الْأَبِيدِينَ ، وَمُنْتَهَى الْعِيدِ بِلا أَمَدٍ ، عَدَدًا لَا يُحْصِيهِ إِلَّا هُوَ ، وَلَا يُحِيطُ بِهِ إِلَّا عِلْمُهُ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . (٣)

١- .خَيْلِهِ وَرَجْلِهِ : أَي فُرْسَانِهِ وَرَجَالَتِهِ ، فَالرَّجُلُ اسْمُ جَمْعٍ لِلرَّجُلِ (أَنْظُرْ مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ : ج ٢ ص ٦٨١ «رَجُلٌ»).

٢- .التَّعَسُ : الْهَلَاكُ وَالْعَثَارُ وَالسَّقُوطُ وَالْإِنْحِطَاطُ (الْقَامُوسُ الْمَحِيطُ : ج ٢ ص ٢٠٢ «تَعَسُ»).

٣- .الْبَلَدُ الْأَمِينُ : ص ٣٧٣ ، الْمَصْبَاحُ لِلْكَفَعْمِيِّ : ص ٣٦٤ .

فصل ششم: «لا حول ولا قوه الا بالله» های رسیده از اهل بیت علیهم السلام

فصل ششم: «لا حول ولا قوه الا بالله» های رسیده از اهل بیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «به نام خدای مهر گسترِ مهربان» از سمت راستم. «به نام خدای مهر گسترِ مهربان» از سمت چپم. «به نام خدای مهر گسترِ مهربان» از پیش رویم. «به نام خدای مهر گسترِ مهربان» از پشت سرم. «به نام خدای مهر گسترِ مهربان» که مهار من، در کف اوست. پناه می برم به خدا و بزرگی او، و به عزت خدا و نیروی او، و به عزت خدا و سلطنت او، و به عزت شکوه خدا، و به عزت خدا از گزند آنچه آفرید و هستی بخشید و پدید آورد، و از گزند آنچه زیر زمین است، و از گزند هر جنبنده ای که پروردگار من، زمام او را گرفته است. به راستی که پروردگار من، در راه راست است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والای بزرگ که نیروی هر ناتوانی و کمک هر نیازمندی است. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ که پناهگاه هر گریزنده ای و آسودگاه هر ترسانی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ که یاریگر هر غم زده ای و امید هر بی چاره ای است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن (ذکر «لا حول و ..».) خودم را و دینم را و خانواده ام را و دارایی ام را و همه نعمت هایی را که معبودم و سِرورم و آقايم به من داده است، نگه می دارم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، از ابلیس و لشکر سواره و پیاده او و اهریمنان و دیوهای او (دار و دسته اش) و یارانش و همه آدمیان و جنیان و گزندهای آنها می رهم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، خود را از ستم هر که بخواهد به من ستم کند، از همه آفریدگان خدا، حفظ می کنم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، هر یک از آفریدگان خدا را که بخواهد بر من ستم کند، ناکام و نگون بخت می سازم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، تجاوز هر یک از آفریدگان خدا را که بر من تعدی کند، باز می دارم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، نیرنگ هر یک از آفریدگان خدا را که با من نیرنگ کند، ناکارآمد می گردانم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، فریبکاری هر یک از آفریدگان خدا را که بخواهد فریبم دهد، از بین می برم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، مکر هر یک از آفریدگان خدا را که علیه من بکوشد، خنثا می کنم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، هر یک از آفریدگان خدا را که بر من بزرگی بفروشد، خوار می گردانم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، هر یک از آفریدگان خدا را که بخواهد مرا سست کند، سست می گردانم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، هر یک از آفریدگان خدا را که بر من ستم کند، در هم می شکنم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، بر هر یک از آفریدگان خدا که بر من توانا باشد، فائق می آیم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، گزند هر یک از آفریدگان خدا را که بخواهد به من گزند برساند، دفع می کنم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، از عزت خدا کمک می جویم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. با آن، خود را در پناه قدرت خدا در می آورم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. از آن، در زیستنم و مُردنم و هنگام فرا رسیدن مرگ و فرو رفتن در بیهوشی ها و دهشت زایی های مرگ، کمک می گیرم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، روحم و اندام هایم و مویم و پوستم را، آن گاه که یکه و تنها و تهی دست از عمل به گورم در آیم، حفظ می کنم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز

به یاری خدا. از آن، در رستاخیزم، آن گاه که کارنامه ام برایم گشوده شود و گناهان و خطاهایم را ببینم، کمک می گیرم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، آن گاه که در قیامت، درنگم [در محشر و رسیدگی به اعمال] به درازا کشد و تشنگی ام شدت گیرد. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. با آن، ترازوی [اعمال] خود را در آن هنگام که بخواهند پاداش دهند و ترسم بالا- می گیرد، سنگین می کنم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. با آن، همراه با اولیا (/دوستان) از صراط بگذرم و به واسطه آن، گامم را استوار گردانم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، همراه با نیکان، در سرای ماندگاری جای می گیرم، به شمار آنچه گویندگان، از آغاز روزگار تا پایان آن [ذکر «لا حول و ...»] گفته اند و خواهند گفت، و به شمار آنچه کتاب او بر شمرده و علم او، آنها را در میان گرفته است و [بلکه] چند برابر آنها، و هر چند برابر آنها، چندین و چند برابر تا همیشه همیشه، و تا بی شماران بی زمان، شماری که جز او، کسی از عهده شمارش آنها بر نمی آید و جز او، کسی بدان علم نداشته باشد. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ.

البلد الأمين: دُعَاءُ التَّهْلِيلِ ، مَرُورِيٌّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : بِسْمِ اللَّهِ وَقُلْ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثَلَاثًا . . . وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ثَلَاثًا بَعْدَ مَا قَالَهُ الْقَائِلُونَ . . . (١)

سنن أبي داوود عن عائشة بنت سعد بن أبي وقاص عن أبيها: أَنَّهُ دَخَلَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى امْرَأَةٍ وَبَيْنَ يَدَيْهَا نَوِيٌّ أَوْ حَصِيٌّ تُسَبِّحُ بِهِ ، فَقَالَ : أُخْبِرُكَ بِمَا هُوَ أَيْسَرُ عَلَيْكَ مِنْ هَذَا أَوْ أَفْضَلُ . فَقَالَ : سُبْحَانَ اللَّهِ عِيدَدَ مَا خَلَقَ فِي السَّمَاءِ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ عِيدَدَ مَا خَلَقَ فِي الْأَرْضِ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ عِيدَدَ مَا خَلَقَ بَيْنَ ذَلِكَ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ عِيدَدَ مَا هُوَ خَالِقٌ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِثْلَ ذَلِكَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِثْلَ ذَلِكَ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ . (٢)

الكافي عن ابن الطيَّار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّهُ كَانَ فِي يَدِي شَيْءٌ تَفَرَّقَ وَضِيقًا شَدِيدًا . فَقَالَ لِي أَلَيْكَ حَانُوتٌ فِي السُّوقِ؟ قُلْتُ : نَعِيمٌ ، وَقَدْ تَرَكْتُهُ . فَقَالَ : إِذَا رَجَعْتَ إِلَى الْكُوفَةِ فَاقْعُدْ فِي حَانُوتِكَ وَاكْنُسْهُ ، فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى سَوْقِكَ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ، ثُمَّ قُلْ فِي دُبُرِ صَلَاتِكَ : تَوَجَّهْتُ بِهَا حَوْلَ مَنْنِي وَلَا قُوَّةَ وَلَكِنْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ ، أBRأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ إِلَّا بِكَ ، فَأَنْتَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي . (٣)

١- .البلد الأمين : ص ٣٧٤ ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ٢٠٢ ح ٣٣ .

٢- .سنن أبي داوود : ج ٢ ص ٨١ ح ١٥٠٠ ، سنن الترمذی : ج ٥ ص ٥٦٢ ح ٣٥٦٨ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٧٣٢ ح ٢٠٠٩ نحوه ، کنز العمال : ج ٢ ص ٩٩٢ ح ٣٧٠٧ .

٣- .الكافي : ج ٣ ص ٤٧٤ ح ٣ ، تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٣١٢ ح ٩٦٧ عن أبي الطيَّار ، بحار الأنوار : ج ٤٧ ص ٣٦٧ ح ٨٤ .

البلد الأمين: دعای «معبودی جز خدا نیست» از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده [و در آن آمده است]: «بگو به نام خدا و بگو: معبودی جز خدا نیست (سه مرتبه) و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ (سه مرتبه) به شمار آنچه گویندگان، گفته اند...».

سنن أبی داوود به نقل از عایشه دختر سعد بن ابی وقاص پدر او (عایشه) با پیامبر صلی الله علیه و آله بر زنی وارد شد که در برابرش مقداری هسته یا ریگ بود و با آنها تسبیح می گفت. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «تو را چیزی بیاموزم که برایت آسان تر یا بهتر از این باشد؟». آن گاه فرمود: «پاکا خدا، به شمار آنچه در آسمان، آفریده است! پاکا خدا، به شمار آنچه در زمین، آفریده است! پاکا خدا، به شمار آنچه میان آن دو آفریده است! پاکا خدا، به شمار آفرینندگی او! بزرگا خدا، به همین اندازه ها. ستایش، خدای را، به همین اندازه ها. معبودی جز خدا نیست، به همین اندازه ها. هیچ نیرو و توانی نیست، به همین اندازه ها.»

الکافی به نقل از ابن طیار: به امام صادق علیه السلام گفتم: سرمایه ای داشتم که بر باد رفت و در مضیقه شدیدی به سر می برم. امام علیه السلام به من فرمود: «آیا دکانی در بازار داری؟». گفتم: آری؛ اما رهایش کرده ام. فرمود: «چون به کوفه برگشتی، دکانت را بگشا و آن را جارو کن. هرگاه خواستی برای رفتن به دکانت در بازار، از خانه خارج شوی، دو یا چهار رکعت نماز بخوان و سپس در پی نمازت بگو: بیرون می روم، نه با تکیه بر نیرو و توان خودم؛ بلکه با نیرو و توان تو. از هر نیرو و توانی براثت می جویم، جز نیرو و توان تو، که تو نیروی منی و توان من، از توست.»

الإمام الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ ، فَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا أَرَدْتَ التَّوَجُّهَ فِي يَوْمٍ قَدْ خُذِرْتَ فِيهِ ٢ ، فَتَقَدَّمْ أَمَامَ تَوَجُّهِكَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ . . . قُلْ : اللَّهُمَّ بِحُكْمِكَ يَصُولُ الصَّائِلُ ، وَبِقُدْرَتِكَ يَطْوِلُ الطَّائِلُ ، وَلَا حَوْلَ لِكُلِّ ذِي حَوْلٍ إِلَّا بِكَ ، وَلَا قُوَّةَ يَمْتَازُهَا (٢) ذُو قُوَّةٍ إِلَّا مِنْكَ . (٣)

الإقبال في دُعَاءِ يَوْمِ عَرَفَةَ : لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ قُوَّةَ كُلِّ ضَعِيفٍ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ عِزُّ كُلِّ ذَلِيلٍ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ غِنَى كُلِّ فَقِيرٍ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ عَوْنُ كُلِّ مَظْلُومٍ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مَوْنِسُ كُلِّ وَاحِدٍ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَكَاكُ كُلِّ أُسِيرٍ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مَلَجَا كُلِّ مَهْمُومٍ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ دَافِعُ كُلِّ سَيِّئَةٍ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ كَاشِفُ كُلِّ كُرْبَةٍ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ صَاحِبُ كُلِّ سَرِيرَةٍ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مَوْضِعُ كُلِّ رَزِيَةٍ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْفَعَالُ لِمَا يُرِيدُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ رَازِقُ الْعِبَادِ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ غَايَةُ كُلِّ طَالِبٍ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ سَرْمَدًا أَبَدًا لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ عَدَدَ الشَّفْعِ وَالْوَتْرِ . (٤)

١- الاعتقادات للصدوق : ص ٩٩ ، بحار الأنوار : ج ٢٥ ص ٣٤٣ ح ٢٥ .

٢- يمتازها : أى يمتاز بها. وفي الدرود الواقية والبحار فى ثلاثه مواضع : «يمتارها» . قال المجلسى قدس سره : الامتياز : جلب الطعام ، واستعير هنا لطلب المعونه والقوه (بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٥٠) .

٣- الأمالى للطوسى : ص ٢٧٧ ح ٥٢٩ عن سليمان الديلمى ، مصباح المتهجد : ص ٢١٢ ، الدرود الواقية : ص ٤٩ ، بحار الأنوار : ج ٥٩ ص ٢٥ ح ٧ .

٤- الإقبال : ج ٢ ص ١٦١ ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٢٧٠ .

امام رضا علیه السلام: بار خدایا! من از [هر] نیرو و توانی [، جز نیرو و توان تو] به درگاه تو براثت می جویم؛ زیرا هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری تو.

امام صادق علیه السلام: هرگاه خواستی در روزی که در آن [از کار خاصی] برحذر داشته شده ای، ۱ بیرون بروی، پیش از خارج شدن، بگو: «ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است» و معوذتین (سوره فلق و ناس) را بخوان و... بگو: «بار خدایا! به [نیرودهی] توست که حمله گر، حمله می کند، و با توان توست که توانمند، غلبه می کند، و هیچ نیرومندی را، جز به واسطه تو نیرویی نیست، و هیچ توانمندی را توانی متمایز نباشد، مگر از جانب تو.

الاقبال در دعای «روز عرفه»: هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که توان هر ناتوانی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که عزتبخش هر خواری است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که مایه توانگری هر درویشی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که یاور هر ستم دیده ای است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که مونس هر تنهایی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که پناهگاه هر خسته دلی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که دور کننده هر بدی ای است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که زداینده هر رنجی [و اندوهی] است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که با هر رازی [و نهانی] است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که جایگاه هر بلایی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که آنچه اراده کند، انجام می دهد. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که روزی ده بندگان است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، به شمار آنچه آفرید. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که مقصد نهایی هر جوینده ای است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا برای همیشه و تا ابد و هرگز قطع نمی شود. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، به شمار جفت و تک.

بحار الأنوار فى دُعاء الإِخْلاصِ : لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ العَلِيِّ العَظِيمِ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ قُوَّةِ كُلِّ ضَعِيفٍ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ عِزِّ كُلِّ ذَلِيلٍ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ غِنَى كُلِّ فَقِيرٍ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ فَرَجِ كُلِّ مَكْرُوبٍ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ وَلِيِّ كُلِّ نِعْمَةٍ وصاحبِ كُلِّ حَسَنَةٍ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ كاشِفِ كُلِّ كُرْبَةٍ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ المَطَّلِعِ على كُلِّ خَفِيَّةٍ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ المُحِيطِ بِكُلِّ سِرِّيَرَةٍ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ الشَّاهِدِ لِكُلِّ نَجْوَى ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ اللطيفِ بِعبادِهِ على فَقْرِهِم وغِنائِهِم ومَلَكَتِهِ إِياهُم ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ تَفْويضاً إلى اللَّهِ ولِجأً إِليه ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ اعْتِزازاً وتَوَكُّلاً عَلَيْهِ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ اسْتِغاثَةً بِاللَّهِ وغِناءً عن كُلِّ أَحَدٍ سِواهُ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ تَمَسُّكاً بِاللَّهِ واعْتِصاماً بِحَبْلِهِ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ العَلِيِّ العَظِيمِ ، الحَلِيمِ الكَرِيمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ البَصِيرُ . (١)

١- بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٤١٩ ح ٤٣ نقلاً عن أصل قديم من مؤلفات قدماء الأصحاب .

بحار الأنوار در «دعای اخلاص»: هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که نیرو دهنده هر ناتوانی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که عزتبخش هر خواری است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که بی نیاز کننده هر نیازخواهی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که شاد کننده هر غم زده ای است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که صاحب هر نعمت و دارنده هر نیکی ای است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که برطرف کننده هر رنجی [و اندوهی] است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که از هر پوشیده ای آگاه است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که بر هر رازی (نهانی) احاطه دارد. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که گواه هر نجوایی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که با بندگانش با آن که نیازمندند و او از آنها بی نیاز است و مالک آنهاست، مهرورز است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، برای وا گذاردن [کارهایم] به خدا و پناه بردن به او. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، برای نازیدن به او و توکل کردن بر او. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، برای کمک جستن از خدا و بی نیازی از هر کس جز او. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، برای دست یازیدن به دامن خدا و چنگ زدن به ریسمان او. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والای بزرگ بردبار بزرگوار مهر گسترِ مهربانی که هیچ چیز همانندش نیست و شنوا و بیناست.

الفصل السابع: الحث على الاستثناء بمشيئة الله ٧ / الاستثناء في الكلام الكتاب «وَلَا تَقُولَنَّ لَشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا * إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْخُرَ رَبِّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِّي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا». (١)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: إن من إيمان العبد أن يستثنى (٢) في كل حديث (٣).

عنه صلى الله عليه وآله: لا يتيم إيمان عبد حتى يستثنى في كل حديثه أو كلامه (٤).

الدرّ المشهور عن ابن عباس: إن قريشا بعثوا خمسة رهط منهم عقبه بن أبي معيط والنضر بن الحارث إلى المدينة، يسألون اليهود عن رسول الله صلى الله عليه وآله، ووصفوا لهم صفته، فقالوا لهم: نجد نعته وصفته ومبعثه في التوراه، فإن كان كما وصفتم لنا فهو نبي مرسل وأمره حق فاتبعوه، ولكن سلوه عن ثلاث خصال، فإنه يخبركم بخصلتين ولا يخبركم بالثالثة إن كان نبيا، فإننا قد سألنا مسيلم الكذاب عن هؤلاء الثلاث فلم يدر ما هي. فرجعت الرسل إلى قريش بهذا الخبر من اليهود، فأتوا رسول الله صلى الله عليه وآله، فقالوا: يا محمد، أخبرنا عن ذي القرنين الذي كان بلغ المشرق والمغرب، وأخبرنا عن الروح، وأخبرنا عن أصحاب الكهف. فقال: أخبركم بذلك غدا. ولم يقل: إن شاء الله. فأبطأ عليه جبريل عليه السلام خمسة عشر يوما فلم يأتيه لترك الاستثناء، فسق ذلك على رسول الله صلى الله عليه وآله، ثم أتاه جبريل عليه السلام بما سأله، فقال: يا جبريل، أبطأت علي! فقال: بتركك الاستثناء، ألا تقول: إن شاء الله، قال: «وَلَا تَقُولَنَّ لَشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا * إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» ثم أخبره بخبر ذي القرنين وخبر الروح وأصحاب الكهف. ثم أرسل إلى قريش فأتوه فأخبرهم عن حديث ذي القرنين، وقال لهم: الروح من أمر ربي، يقول: من علم ربي لا- علم لي به. فلم يوافق قول اليهود أنه لا- يخبركم بالثالث «قالوا سيخران تطهرا» تعاونوا يعنون التوراه والفرقان «وقالوا إنا بكل كافرين» (٥). وحدثهم بحديث أصحاب الكهف (٦).

١- الكهف: ٢٣ و ٢٤.

٢- أي يعقب كل حديث يمكن تعليقه بقوله: إن شاء الله (فيض القدير: ج ٢ ص ٦٨١).

٣- المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٣٧١ ح ٧٧٥٦ عن أبي هريره، كنز العمال: ج ٣ ص ٥٥ ح ٥٤٦٨.

٤- الفردوس: ج ٥ ص ١٥٧ ح ٧٨٠٦ عن أبي هريره.

٥- القصص: ٤٨.

٦- الدرّ المشهور: ج ٥ ص ٣٥٧ نقلاً عن أبي نعيم في الدلائل.

فصل هفتم: تشویق به گفتن: «ان شاء الله = اگر خدا بخواهد»

۱ / ۷ گفتن «اگر خدا بخواهد» در گفتار

فصل هفتم: تشویق به گفتن: (ان شاء الله «اگر خدا بخواهد») ۱ / ۷ گفتن «اگر خدا بخواهد» در گفتار قرآن «و زنهرا! در مورد چیزی مگوی که: «من، آن را فردا انجام خواهم داد»، مگر با «اگر خدا بخواهد». و چون فراموش کردی، پروردگارت را یاد کن و بگو: «امید که پروردگارم مرا به راهی که نزدیک تر از این به صواب است، هدایت کند».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نشانه کامل بودن ایمان بنده، آن است که در هر سخنی بگوید: «اگر خدا خواهد (ان شاء الله)».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ایمان هیچ بنده ای کامل نیست، مگر آن که در هر سخنش یا گفتارش، جمله «اگر خدا خواهد» را بگوید.

الدر المنثور به نقل از ابن عباس: قریش، یک گروه پنج نفره، از جمله عقبه بن ابی معیط و نضر بن حارث را به مدینه فرستادند تا از یهود، در باره پیامبر خدا پرسند. آنان، اوصاف و خصوصیات پیامبر صلی الله علیه و آله را برایشان، بازگو کردند. یهودیان به آن گروه گفتند: خصوصیت و اوصاف و معبوث شدن او در تورات، آمده است. اگر به راستی او چنان است که شما بر ایمان وصف کردید. پس او پیامبر و فرستاده الهی است و بر حق است. پس، از او پیروی کنید؛ اما در باره سه موضوع از او سؤال کنید. اگر پیامبر باشد، در باره دو موضوع آن به شما خبر می دهد و از سومی خبر نمی دهد؛ زیرا ما از مسیلمه کذاب، در باره این سه موضوع پرسیدم و او از آنها چیزی نمی دانست. فرستادگان، با این پاسخ یهود، نزد قریش باز گشتند و نزد پیامبر خدا آمدند و گفتند: ای محمّد! ما را از ذوالقرنین که به مشرق و مغرب رسیده بود و از روح و از اصحاب کهف، خبر ده. حضرت فرمود: «فردا از اینها به شما خبر می دهم» و نگفت: اگر خدا خواهد! به سبب ترک همین جمله «اگر خدا خواهد»، جبرئیل علیه السلام پانزده روز پیامبر صلی الله علیه و آله را منتظر گذاشت و بر او فرود نیامد. این امر، پیامبر خدا را اندوهگین ساخت. پس از پانزده روز، جبرئیل علیه السلام پاسخ پرسش های آنها را برای ایشان آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دیر کردی، جبرئیل!». جبرئیل گفت: چون «اگر خدا خواهد» نگفتی. چرا نگفتی: «اگر خدا خواهد!». [سپس] گفت: «و زنهرا! در مورد چیزی مگوی که: «من، آن را فردا انجام خواهم داد»، مگر با «اگر خدا بخواهد»». سپس داستان ذوالقرنین و روح و اصحاب کهف را به او گزارش داد. آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله، در پی قریش فرستاد. قریش آمدند و ایشان، داستان ذوالقرنین را به آنان، خبر داد و فرمود: «روح، از امر پروردگار من است»؛ یعنی از علم پروردگار من است و من، از آن آگاهی ندارم». قریش، چون دیدند پاسخ پیامبر صلی الله علیه و آله با این سخن یهود که گفته بودند او شما را از پرسش سوم خبر نمی دهد، سازگار درآمد، «گفتند: دو جادو با هم ساخته اند» (مقصودشان تورات و قرآن بود) «و گفتند: ما همه را منکریم». سپس پیامبر صلی الله علیه و آله داستان اصحاب کهف را هم

برایشان گفت .

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَوْلَا أَنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ قَالُوا: « وَ إِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ » (١) مَا أُعْطُوا أَبْدَانًا. (٢)

١- البقره : ٧٠ .

٢- الدرّ المثلث: ج ١ ص ١٨٩ عن ابن أبي حاتم وابن مردويه عن أبي هريره .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر بنی اسرائیل نگفته بودند : «وما ، اگر خدا خواهد ، حتما هدایت خواهیم شد» ، هرگز به خواسته شان (دست یافتن به گاو مورد نظر) نمی رسیدند .

سنن ابن ماجه عن أسامه بن زيد: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ لِأَصْحَابِهِ: أَلَا مُشَمَّرٌ لِلجَنَّةِ؟ فَإِنَّ الجَنَّةَ لَا حَظَرَ لَهَا (١)، هِيَ وَرَبُّ الكَعْبَةِ نُورٌ يَتَلَأَأُ، وَرِيحَانَةٌ تَهْتَرُ، وَقَصْرٌ مَشِيدٌ، وَنَهْرٌ مُطَّرِدٌ، وَفَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ نَضِيجَةٌ، وَزَوْجَةٌ حَسَنَاءٌ جَمِيلَةٌ، وَحُلٌّ كَثِيرَةٌ فِي مَقَامٍ أَيْدَا، فِي حَبْرَةٍ وَنَظْرَةٍ، فِي دَوْرٍ عَالِيَةٍ سَلِيمَةٍ بِهِيَّةٍ. قَالُوا: نَحْنُ المُشَمَّرُونَ لَهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: قُولُوا: إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (٢)

الإمام الباقر عليه السلام: جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَائِلٌ يَسْأَلُهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: هَلْ مِنْ أَحَدٍ عِنْدَهُ سَلَفٌ؟ فَقَامَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ مِنْ بَنِي الْحُبَلِيِّ (٣) فَقَالَ: عِنْدِي يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: فَأَعْطِ هَذَا السَّائِلَ أَرْبَعَةَ أَوْسَاقٍ (٤) تَمْرٍ، قَالَ: فَأَعْطَاهُ. قَالَ: ثُمَّ جَاءَ الْأَنْصَارِيُّ بَعْدُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَفَاضَاهُ، فَقَالَ لَهُ: يَكُونُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِ الثَّانِيَةَ، فَقَالَ لَهُ: يَكُونُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِ الثَّلَاثَةَ، فَقَالَ: يَكُونُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. فَقَالَ: قَدْ أَكْثَرْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ قَوْلٍ: يَكُونُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ! قَالَ: فَضَحِكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَقَالَ: هَلْ مِنْ رَجُلٍ عِنْدَهُ سَلَفٌ؟ قَالَ: فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: عِنْدِي يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: وَكَمْ عِنْدَكَ! قَالَ: مَا شِئْتُ. قَالَ: فَأَعْطِ هَذَا ثَمَانِيَةَ أَوْسَاقٍ مِنْ تَمْرٍ، فَقَالَ الْأَنْصَارِيُّ: إِنَّمَا لِي أَرْبَعَةٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَأَرْبَعَةٌ أَيْضًا. (٥)

١- لا حَظَرَ لَهَا: أى لا عَوَضَ لَهَا ولا مِثْل (النهاية: ج ٢ ص ٤٦ «خطر»).

٢- سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٤٤٨ ح ٤٣٣٢، كنز العمال: ج ٤ ص ٤٤٧ ح ١١٣٣٦ وج ١٤ ص ٤٥٢ ح ٣٩٢٢٧.

٣- بنو الحبلى: بطن من الخزرج من الأنصار، والحبلى: لقب أبيهم سالم بن غنم بن عوف بن الخزرج، لُقِّبَ به لعظم بطنه (تاج العروس: ج ١٤ ص ١٣٧ «حبل»).

٤- الوَسَقُ: مكيال قدره ستون صاعاً؛ حوالى ١٨٠ كغم (معجم ألفاظ الفقه الجعفرى: ص ٤٤٤). والأصل فى الوسق: الجِمل (النهاية: ج ٥ ص ١٨٥ «وسق»).

٥- قرب الإسناد: ص ٩٠ ح ٣٠٣ عن الإمام الصادق عليه السلام، الأصول الستة عشر: ص ٨٣ عن ذريح عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٢١٨ ح ٧ وج ١٠٣ ص ١٥٧ ح ٤.

سنن ابن ماجه به نقل از أسامه بن زید : روزی پیامبر خدا به یارانش فرمود : «آیا کسی نیست که برای بهشت ، دامن همت به کمرزند؟ زیرا که هیچ چیز ، جای بهشت را نمی گیرد . به خداوند کعبه سوگند که بهشت ، نوری است که می درخشد ، و گلزاری است که پیچ و تاب می خورد ، و کاخی است افراشته ، و رودی است روان ، و میوه زاری است انبوه ، با میوه های رسیده ، و همسرانی زیبا و خوش سیما ، و جامه هایی فراوان در جایبایی جاویدان ، با شادمانی و خرمی ، در خانه هایی بلند و بی نقص و باشکوه! یاران گفتند : ما برای آن ، دامن همت به کمر می زنیم ، ای پیامبر خدا . حضرت فرمود : «بگوئید ، اگر خدا خواهد!» .

امام باقر علیه السلام : مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از او ، چیزی خواست . پیامبر خدا فرمود : «آیا کسی هست که قرض دهد؟» . مردی از انصار ، از تیره بنی حُبلی (۱) ، برخاست و گفت : من ، ای پیامبر خدا . فرمود : «پس چهار بار شتر ، خرما به این مرد بده» . او داد . پس از مدتی ، آن مرد انصاری نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و طلبش را خواست . پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود : «باشد ، اگر خدا خواهد!» . برای بار دوم آمد و طلبش را خواست ، پیامبر صلی الله علیه و آله دوباره فرمود : باشد ، اگر خدا بخواند! بار سوم آمد و طلبید . باز فرمود : «باشد ، اگر خدا خواهد! مرد گفت : ای پیامبر خدا! چه قدر فرمودی : باشد ، اگر خدا خواهد؟! پیامبر خدا ، خندید و فرمود : «آیا مردی هست که قرض بدهد؟» . مردی برخاست و گفت : من ، ای پیامبر خدا . فرمود : «چه قدر داری؟» . گفت : هر قدر بخواهی . فرمود : «پس ، هشت بار شتر ، خرما به او بده» . مرد انصاری گفت : من فقط چهار بار طلب داشتم ، ای پیامبر خدا . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آن چهار بار اضافی هم مال تو» .

۱- بنو حُبلی ، تیره ای از خزرج از انصار بوده است . حُبلی ، لقب پدرشان سالم بن غنم بن عوف بن خزرج است که چون شکم بزرگی داشت ، به این لقب ، نامیده شد .

الإمام الصادق عليه السلام: ما سئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَيْئًا قَطُّ فَقَالَ: لَا؛ إِنْ كَانَ عِنْدَهُ أُعْطَاهُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ قَالَ: يَكُونُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (١)

رجال الكشي عن داوود الرقي: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنَّهُ وَاللَّهِ مَا يَلْجُ فِي صَدْرِي مِنْ أَمْرِكَ شَيْءٌ، إِلَّا حَدِيثًا سَمِعْتُهُ مِنْ ذَرِيحٍ يَرَوِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. قَالَ لِي: وَمَا هُوَ؟ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: سَابِعُنَا قَائِمُنَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ! قَالَ: صَدَقْتَ، وَصَدَقَ ذَرِيحٌ، وَصَدَقَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَازْدَدْتُ وَاللَّهِ شُكًّا. ثُمَّ قَالَ: يَا دَاوُودَ بْنَ أَبِي خَالِدٍ، أَمَا وَاللَّهِ لَوْلَا أَنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِلْعَالِمِ: «سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا» (٢) مَا سَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ، وَكَذَلِكَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، لَوْلَا أَنْ قَالَ: «إِنْ شَاءَ اللَّهُ» لَكَانَ كَمَا قَالَ. قَالَ: فَقَطَعْتُ عَلَيْهِ. (٣)

٧ / ١٢ الاستثناء في الكتاب الكافي عن مرزم بن حكيم: أَمَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِكِتَابٍ فِي حَاجِهِ، فَكُتِبَ ثُمَّ عُرِضَ عَلَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ فِيهِ اسْتِثْنَاءٌ، فَقَالَ: كَيْفَ رَجَوْتُمْ أَنْ يَتِمَّ هَذَا وَلَيْسَ فِيهِ اسْتِثْنَاءٌ؟ أَنْظَرُوا كُلَّ مَوْضِعٍ لَا يَكُونُ فِيهِ اسْتِثْنَاءٌ فَاسْتِثْنُوا فِيهِ. (٤)

١- تفسير العياشي: ج ١ ص ٢٦١ ح ٢١٢ عن زيد الشحام، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٣٤٠ ح ٣٠.

٢- الكهف: ٦٩.

٣- رجال الكشي: ج ٢ ص ٦٧١ ح ٧٠٠، بحار الأنوار: ج ٤٨ ص ٢٦٠ ح ١٣.

٤- الكافي: ج ٢ ص ٦٧٣ ح ٧، مشكاة الأنوار: ص ٢٥١ ح ٧٣٨، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٤٨ ح ٧٣.

۷ / ۲ نوشتن «اگر خدا بخواهد»، در نوشتار

امام صادق علیه السلام: هرگز چیزی از پیامبر خدا درخواست نشد که بگوید: «نه (ندارم یا نمی‌دهم)»؛ بلکه اگر خودش داشت، آن را می‌داد و اگر نداشت، می‌فرمود: «باشد، اگر خدا خواهد!».

رجال الکشی به نقل از داوود رقی: به ابوالحسن الرضا علیه السلام گفتم: فدایت شوم! به خدا سوگند که هرگز در هیچ امری از امور شما، دو دل نگشته‌ام، جز در باره حدیثی که از ذریح شنیده‌ام که از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند. فرمود: «چه حدیثی؟». گفتم [م]: از او شنیدم که می‌گوید: «هفتمین ما، قائم ماست، اگر خدا بخواهد!». فرمود: «راست می‌گویی. ذریح هم راست گفته است. امام باقر علیه السلام هم راست فرموده است». [داوود رقی گفت:] به خدا سوگند تردیدم بیشتر شد! سپس فرمود: «ای داوود بن ابی‌خالد! به خدا سوگند که اگر موسی علیه السلام به آن مرد دانا (خضر علیه السلام) نگفته بود: «به خواست خدا، مرا از شکیبایان خواهی یافت»، دیگر هرگز از او سؤالی نمی‌کرد. امام باقر علیه السلام نیز اگر نمی‌گفت: اگر خدا خواهد، همان می‌شد که فرموده بود». (۱) پس به امامت ایشان (امام رضا علیه السلام) یقین حاصل کردم. (۲)

۷ / ۲ نوشتن «اگر خدا بخواهد»، در نوشتار الکافی به نقل از مرّازم بن حکیم: امام صادق علیه السلام فرمود تا برای کاری نامه ای بنویسند. نامه را نوشتند و آن را به رؤیت ایشان رساندند. در نامه «اگر خدا خواهد» نوشته نشده بود. فرمود: «چگونه امید دارید که این کار، انجام پذیرد، در حالی که در آن، «اگر خدا خواهد» نیامده است؟ بینید هر کجا که در آن «اگر خدا خواهد» نیامده است، «اگر خدا خواهد» بنویسید.

۱- یعنی امام هفتم علیه السلام قائم می‌شد.

۲- منظور وی این است که: دانستم که امام هفتم، قائم علیه السلام نیست و نباید در او توقّف کرد، چنان که واقفیه کردند.

تهذيب الأحكام عن مرزم: دَخَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا إِلَى مَنْزِلٍ مُعْتَبٍ وَهُوَ يُرِيدُ الْعُمْرَةَ ، فَتَنَاوَلَ لَوْحًا فِيهِ كِتَابٌ ، فِيهِ تَسْمِيَةُ أَرْزَاقِ الْعِيَالِ وَمَا يُخْرِجُ لَهُمْ ، فَإِذَا فِيهِ : لِفُلَانٍ وَفُلَانٍ وَفُلَانٍ ، وَلَيْسَ فِيهِ اسْتِثْنَاءٌ . فَقَالَ : مَنْ كَتَبَ هَذَا الْكِتَابَ وَلَمْ يَسْتِثِنِ فِيهِ؟ كَيْفَ ظَنَّ أَنَّهُ يَتِمُّ؟! ثُمَّ دَعَا بِالِدَّوَاهِ ، فَقَالَ : أَلْحِقْ فِيهِ «إِنْ شَاءَ اللَّهُ» ، فَأَلْحَقَ فِيهِ فِي كُلِّ اسْمٍ «إِنْ شَاءَ اللَّهُ» . (١)

٧ / ٣ دُمَّ تَرَكَ الْإِسْتِثْنَاءَ الْإِمَامَ الْبَاقِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أَسْكَنَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ ، فَقَالَ لَهُ : يَا آدَمُ ، لَا تَقْرَبْ هَذِهِ الشَّجَرَةَ ، فَقَالَ : نَعَمْ يَا رَبِّ ، وَلَمْ يَسْتِثِنِ ، فَأَمَرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : «وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ ءِ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا * إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادُّكِرَ رَبُّكَ إِذَا نَسِيتَ» (٢) وَلَوْ بَعْدَ سَنَةٍ . (٣)

عنه عليه السلام في قول الله عز وجل : «وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا» (٤) : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا قَالَ لِآدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ادْخُلِ الْجَنَّةَ ، قَالَ لَهُ : يَا آدَمُ ، لَا تَقْرَبْ هَذِهِ الشَّجَرَةَ . قَالَ : وَأَرَأَيْتَ إِيَّاهَا ، فَقَالَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَبِّهِ : كَيْفَ أَقْرَبُهَا وَقَدْ نَهَيْتَنِي عَنْهَا أَنَا وَزَوْجَتِي؟! فَقَالَ لَهُمَا : لَا تَقْرَبَاهَا يَعْنِي لَا تَأْكُلَا مِنْهَا . فَقَالَ آدَمُ وَزَوْجَتُهُ : نَعَمْ يَا رَبَّنَا لَا نَقْرَبُهَا وَلَا نَأْكُلُ مِنْهَا ، وَلَمْ يَسْتِثِنَا فِي قَوْلِهِمَا : نَعَمْ . فَوَكَّلَهُمَا اللَّهُ فِي ذَلِكَ إِلَى أَنْفُسِهِمَا وَإِلَى ذِكْرِهِمَا . وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْكِتَابِ : «وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ ءِ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا * إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» أَلَّا أَفْعَلَهُ ، فَتَسْبِقُ مَشِيئَتَهُ اللَّهُ فِي أَلَّا أَفْعَلَهُ فَلَا أَقْدِرُ عَلَى أَنْ أَفْعَلَهُ . فَلِذَلِكَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : أَيِ اسْتِثْنٍ مَشِيئَتَهُ اللَّهُ فِي فِعْلِكَ . (٥)

- ١- تهذيب الأحكام : ج ٨ ص ٢٨١ ح ١٠٣٠ ، مستطرفات السرائر : ص ١٣٣ ح ٧ ، النوادر للأشعري : ص ٥٧ ح ١٠٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٣٠٧ ح ٨ .
- ٢- الكهف : ٢٣ و ٢٤ .
- ٣- تفسير العياشي : ج ٢ ص ٣٢٤ ح ١٥ عن أبي حمزه ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٣٠٥ ح ٣ وراجع المستدرک علی الصحیحین : ج ٤ ص ٣٣٦ ح ٧٨٣٣ والدر المنثور : ج ٥ ص ٣٧٧ .
- ٤- طه : ١١٥ .
- ٥- الكافي : ج ٧ ص ٤٤٨ ح ٢ ، النوادر للأشعري : ص ٥٥ ح ١٠٧ كلاهما عن سلام بن المستنير ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٣٠٦ ح ٤ و ج ١٠٤ ص ٢٣١ ح ٧٣ .

۷ / ۳ نکوهش ترک «اگر خدا بخواهد»

تهذیب الأحکام به نقل از مرازم: روزی امام صادق علیه السلام به خانه مُعْتَب که آهنگ عمره داشت در آمد. لوحی را برداشت که در آن، موجب عائله و خرجی آنها نوشته شده و در آن آمده بود: «برای فلانی و فلانی و فلانی [فلان مقدار]» و در آن، «اگر خدا خواهد»، نیامده بود. فرمود: چه کسی این نوشته را نوشته که در آن، «اگر خدا خواهد» نگفته است؟ چگونه گمان برده که آنچه نوشته، تحقق می یابد؟! سپس دوات خواست و فرمود: «اگر خدا خواهد» را اضافه کن. پس، برای هر نامی، «اگر خدا خواهد» افزوده می شد.

۷ / ۳ نکوهش ترک «اگر خدا بخواهد» امام باقر علیه السلام: چون خداوند، آدم علیه السلام را در بهشت جای داد، به او فرمود: «ای آدم! به این درخت، نزدیک مشو». آدم علیه السلام گفت: «اطاعت، ای پروردگار»، و «اگر خدا خواهد!»، نگفت. از این رو، خداوند به پیامبرش [محمد صلی الله علیه و آله] فرمان داده، فرمود: «و زنهار! در باره چیزی مگو: «من، فردا آن کار را خواهم کرد»، مگر با «اگر خدا خواهد» و هر گاه فراموش کردی، پروردگارت را یاد کن»، حتی اگر پس از یک سال باشد.

امام باقر علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل: «و پیش تر، به آدم سفارش کردم، ولی او فراموش کرد و برای او عزمی [استوار] نیافتیم»: چون به آدم علیه السلام فرمود: «به بهشت، در آی» به او فرمود: ای آدم! به این درخت، نزدیک مشو» و آن را به او نشان داد. آدم علیه السلام به پروردگارش گفت: چگونه نزدیکش شوم، در حالی که تو، مرا و همسر مرا از آن، نهی کرده ای؟! پس به آن دو فرمود: «به آن نزدیک شوید»؛ یعنی از آن، مخورید. آدم و همسرش گفتند: باشد ای پروردگار ما. به آن، نزدیک نمی شویم و از آن، نمی خوریم؛ ولی چون گفتند: باشد و «اگر خدا خواهد» نگفتند، خداوند، آن دو را در این کار، به خودشان و به یاد خودشان، وا گذاشت. خداوند عز و جل در قرآن به پیامبرش فرمود: «و زنهار! در باره چیزی مگو: «من، فردا آن کار را خواهم کرد». مگر با «اگر خدا خواهد» که آن را انجام ندهم. پس اگر خواست خدا، این بود که آن کار را انجام ندهم، نخواهم توانست که انجامش دهم. از این رو، خداوند عز و جل فرمود: «در کاری که می خواهی انجام دهی، اگر خدا خواهد بگو».

الفصل الثامن: التراخي في الاستثناء مع النسيان السنن الكبرى عن ابن عباس: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: وَاللَّهِ لَأَعْرُوْنَ قُرَيْشًا، وَاللَّهِ لَأَعْرُوْنَ قُرَيْشًا، ثُمَّ سَكَتَ سَاعَةً، ثُمَّ قَالَ: إِنْ شَاءَ اللهُ. (١)

تفسير العياشي عن حمزة بن حمران: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «وَأَذْكُرُ رَبِّكَ إِذَا نَسِيتَ» فَقَالَ: أَنْ تَسْتَنِي (٢)، ثُمَّ ذَكَرْتَ بَعْدُ، فَاسْتَنْ حِينَ تَذْكُرُ. (٣)

الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام في قول الله عز وجل: «وَأَذْكُرُ رَبِّكَ إِذَا نَسِيتَ»: إِذَا حَلَفَ الرَّجُلُ فَنَسِيَ أَنْ يَسْتَنِي، فَلَيْسَتْ إِذَا ذَكَرَ. (٤)

الكافي عن حمزة بن حمران: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عز وجل: «وَأَذْكُرُ رَبِّكَ إِذَا نَسِيتَ»، قَالَ: ذَلِكَ فِي الْيَمِينِ؛ إِذَا قُلْتَ: وَاللَّهِ لَا أَفْعَلُ كَذَا وَكَذَا، فَإِذَا ذَكَرْتَ أَنَّكَ لَمْ تَسْتَنْ فَقُلْ: إِنْ شَاءَ اللهُ. (٥)

-
- ١- السنن الكبرى: ج ١٠ ص ٨٢ ح ١٩٩٢٧ وح ١٩٩٢٨ عن شريك وفيه «سكته» بدل «ساعه» وح ١٩٩٢٩ وح ١٩٩٣٠ كلاهما عن عكرمه، كنز العمال: ج ٤ ص ٤٣٨ ح ١١٣٠٤؛ عوالي اللآلي: ج ٣ ص ٤٤٣ ح ١.
 - ٢- أي: إذا نسيت أن تستني.
 - ٣- تفسير العياشي: ج ٢ ص ٣٢٥ ح ١٩، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٣٠٦ ح ٥ وج ١٠٤ ص ٢٢٩ ح ٦٥.
 - ٤- الكافي: ج ٧ ص ٤٤٧ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٨ ص ٢٨١ ح ١٠٢٧ كلاهما عن محمد الحلبي وزاره ومحمد بن مسلم، تفسير العياشي: ج ٢ ص ٣٢٥ ح ١٨ عن زواره ومحمد بن مسلم، النوادر للأشعري: ص ٥٦ ح ١٠٨ عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٢٨٩ ح ١٤٨.
 - ٥- الكافي: ج ٧ ص ٤٤٨ ح ٣، تهذيب الأحكام: ج ٨ ص ٢٨١ ح ١٠٢٦.

فصل هشتم: فراموش کردن «اگر خدا بخواهد» و با تأخیر گفتن آن

فصل هشتم: فراموش کردن «اگر خدا بخواهد» و با تأخیر گفتن آنالسنن الکبری به نقل از ابن عباس: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به خدا سوگند، به قریش حمله می کنم! به خدا سوگند، به قریش حمله می کنم!». سپس لختی سکوت کرد. آن گاه فرمود: «اگر خدا بخواهد!».

تفسیر العیاشی به نقل از حمزه بن حرمان: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند پرسیدم که: «و پروردگارت را یاد کن، هرگاه فراموش کردی». فرمود: «یعنی [او را یاد کن، هرگاه فراموش کردی] که اگر خدا خواهد بگویی. پس هرگاه یادت آمد، همان وقت، «اگر خدا خواهد» بگو.

امام باقر و امام صادق علیهما السلام در باره این سخن خداوند: «پروردگارت را یاد کن، هرگاه فراموش کردی»: هرگاه مرد، سوگند بخورد و فراموش کند که «اگر خدا خواهد!» گوید، هر زمان که یادش آمد، باید «اگر خدا خواهد!» بگوید.

الکافی به نقل از حمزه بن حرمان: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم: «و پروردگارت را یاد کن، هرگاه فراموش کردی». فرمود: «این، در سوگند است. هرگاه گفتی: به خدا سوگند که چنین و چنان می کنم، هر زمان که یادت آمد، اگر خدا خواهد نگفته ای، بگو: اگر خدا خواهد!».

الكافي عن الحسين بن زرارة: سألتُ أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عز و جل: «وَأذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ» فقال: إذا حلفت على يمينٍ ونسيت أن تستنني، فاستنني إذا ذكرت. (١)

الإمام علي عليه السلام: إذا حلف الرجل بالله فله ثنياها إلى أربعين يوماً، وذلك أن قوماً من اليهود سألوا النبي صلى الله عليه وآله عن شيء، فقال: إبتوني غداً ولم يستن حتى أخبركم، فاحتبس عنه جبرئيل عليه السلام أربعين يوماً، ثم أتاه، وقال: «وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا * إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادُّرَّكَ رَبُّكَ إِذَا نَسِيتَ». (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: للعبد أن يستنني ما بينه وبين أربعين يوماً إذا نسي، إن رسول الله صلى الله عليه وآله أتاه ناسٌ من اليهود فسألوه عن أشياء، فقال لهم: تعالوا غداً أحدثكم، ولم يستن، فاحتبس جبرئيل عليه السلام عنه أربعين يوماً، ثم أتاه فقال: «وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا * إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادُّرَّكَ رَبُّكَ إِذَا نَسِيتَ». (٣)

الدرّ المنثور عن ابن عباس: إن النبي صلى الله عليه وآله حلف على يمين فمضى له أربعون ليلةً، فأنزل الله: «وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا * إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ»، واستنني النبي صلى الله عليه وآله بعد أربعين ليلةً. (٤)

- ١- الكافي: ج ٧ ص ٤٤٩ ح ٨، تفسير العياشي: ج ٢ ص ٣٢٥ ح ٢٢ عن حمزة بن حمران وفيه «إذا حلفت ناسياً ثم ذكرت بعد، فاستننه حين تذكر» بدل «إذا حلفت...»، بحار الأنوار: ج ١٠٤ ص ٢٢٩ ح ٦٨.
- ٢- تفسير العياشي: ج ٢ ص ٣٢٤ ح ١٤ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، دعائم الإسلام: ج ٢ ص ٩٧ ح ٣٠٦ عن الإمام الصادق عليه السلام، النوادر للأشعري: ص ٥٥ ح ١٠٥ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٣٠٥ ح ٢.
- ٣- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٣٦٢ ح ٤٢٨٤، تهذيب الأحكام: ج ٨ ص ٢٨١ ح ١٠٢٩ وفيه صدره إلى «إذا نسي»، النوادر للأشعري: ص ٥٥ ح ١٠٥ كلها عن عبد الله بن ميمون، بحار الأنوار: ج ١٠٤ ص ٢٣٠ ح ٧١.
- ٤- الدرّ المنثور: ج ٥ ص ٣٧٧ نقلاً عن ابن مردويه.

الکافی به نقل از حسین بن زراره: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل: «و پروردگارت را یاد کن، هرگاه فراموش کردی»، پرسیدم. فرمود: «هرگاه سوگندی خوردی و فراموش کردی اگر خدا خواهد بگویی، هر زمان که یادت آمد، بگو: اگر خدا خواهد!».

امام علی علیه السلام: هرگاه شخصی به خدا سوگند خورد، تا چهل روز، مهلت دارد که «اگر خدا خواهد» آن را بگوید. علتش آن است که گروهی از یهود، از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسش هایی کردند. ایشان فرمود: «فردا بیاید تا پاسخ آنها را به شما بگویم»؛ و «اگر خدا خواهد» نگفت. بدین سبب، جبرئیل علیه السلام چهل روز بر وی فرود نیامد و پس از چهل روز آمد و گفت: «و زنهار! در باره چیزی مگو: «من، فردا آن را انجام خواهم داد»، مگر با «اگر خدا خواهد» و هرگاه فراموش کردی، پروردگارت را یاد کن».

امام صادق علیه السلام: بر بنده فرض است که اگر چهل روز هم بین او و جایی که گفتن «اگر خدا خواهد» را فراموش کرده، فاصله افتاد، [باز هم] آن را بگوید. گروهی از یهود، به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و درباره چند چیز از ایشان پرسیدند. به آنان فرمود: «فردا بیاید که با شما سخن خواهم گفت» و نفرمود: «اگر خدا خواهد». پس چهل روز، جبرئیل علیه السلام به سراغ ایشان نیامد و سپس آمد و [این آیه را] آورد: «و در هیچ کاری، مگو که: «من این را انجام خواهم داد»، مگر [آن که بیفزایی:] «اگر خدا خواهد» و چون پروردگار خویش را از یاد بُردی، او را [دیگر باز] یاد کن».

الدر المنثور به نقل از ابن عباس: پیامبر صلی الله علیه و آله [برای موضوعی] سوگندی یاد کرد و چهل شب بر او گذشت [و وحی ای نازل نشد]. سپس خداوند، این آیه را نازل فرمود: «و زنهار! در باره چیزی مگو: «فردا، آن را انجام خواهم داد»، مگر با «اگر خدا خواهد» و پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از چهل شب، «اگر خدا خواهد» گفت.

الإمام الصادق عليه السلام: قال أمير المؤمنين عليه السلام: الاستثناء في اليمين متى ما ذكر وإن كان بعد أربعين صباحا، ثم تلا هذه الآية: «وَأذْكَرُ رَبِّكَ إِذَا نَسِيتَ». (١)

عنه عليه السلام في قوله تعالى: «وَلَا تَقُولَنَّ لِيْ شَيْءٍ إِيَّائِي فَاعِلٌ ذَلِكْ غَدًا * إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَاذْكَرُ رَبِّكَ إِذَا نَسِيتَ»: أن تقول: «إِلَّا» من بعد الأربعين، فللعبد الاستثناء في اليمين ما بينه وبين الأربعين يوما إذا نسي. (٢)

عنه عليه السلام: الاستثناء جائز بعد أربعين يوما، أو بعد السنه. (٣)

-
- ١- الكافي: ج ٧ ص ٤٤٨ ح ٦ عن ابن القداح، تفسير العياشي: ج ٢ ص ٣٢٥ ح ٢٣ عن القداح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج ١٠٤ ص ٢٣٠ ح ٦٩.
 - ٢- تفسير العياشي: ج ٢ ص ٣٢٤ ح ١٦ عن عبد الله بن ميمون، بحار الأنوار: ج ١٠٤ ص ٢٢٩ ح ٦٢.
 - ٣- دعائم الإسلام: ج ٢ ص ٩٨ ح ٣١١.

امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: اگر خدا خواهد را در سوگند، باید گفت، هر زمان که شخص یادش بیاید؛ اگر چه پس از چهل روز باشد. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «و پروردگارت را یاد کن، هرگاه فراموش کردی».

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «و زنهرا! در باره چیزی مگو که: «فردا، آن را انجام خواهم داد» مگر با «اگر خدا خواهد» و پروردگارت را یاد کن، هرگاه فراموش کردی»: [مقصود، این است] که بگویی «اگر»، هر چند بعد از چهل روز. پس هرگاه بنده فراموش کند که در سوگندش اگر خدا خواهد بگوید، حتی اگر چهل روز از سوگندش بگذرد، باید آن را بگوید.

امام صادق علیه السلام: «اگر خدا خواهد» را، بعد از چهل روز و حتی یک سال می توان گفت.

الفصل التيسع: النوادر الكافي عن يونس بن عبد الرحمن: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ نَقْشِ خَاتَمِهِ وَخَاتَمِ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، قَالَ : نَقَشُ خَاتَمِي : « مَا شَاءَ اللَّهُ ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ » ، وَنَقَشُ خَاتَمِ أَبِي « حَسْبِيَ اللَّهُ » . (١)

الخصال عن عبد خير: كَانَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعَةُ خَوَاتِيمَ يَتَخَتَّمُ بِهَا : يَاقُوتٌ لِنَبِيهِ ، وَفِيروزَجٌ لِنُصْرَتِهِ ، وَالحديدُ الصِّينِيُّ لِقُوَّتِهِ ، وَعَقِيْقٌ لِحِرْزِهِ . وَكَانَ نَقَشُ الْيَاقُوتِ : « لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ » ، وَنَقَشُ الْفِيروزَجِ : « اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ » ، وَنَقَشُ الْحَدِيدِ الصِّينِيِّ : « الْعِزَّةُ لِلَّهِ جَمِيعًا » ، وَنَقَشُ الْعَقِيْقِ ثَلَاثَةٌ أُسْطَرٌ : « مَا شَاءَ اللَّهُ ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ » . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكْتُمَ مَالَهُ وَوَلَعْدَهُ وَيُوسِعَ رِزْقَهُ عَلَيْهِ ، فَلْيَتَّخِذْ فَصًّا مِنْ عَقِيْقٍ ، وَلْيَنْقُشْ عَلَيْهِ : « مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَنِ أَنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا » (٣) ، وَيَقْرَأُ : « اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا » (٤) . (٥)

١- الكافي: ج ٦ ص ٤٧٣ ح ٥ .

٢- الخصال: ص ١٩٩ ح ٩ ، علل الشرايع: ص ١٥٧ ح ١ ، بحار الأنوار: ج ٤٢ ص ٦٨ ح ١٧ ؛ كنز العمال: ج ٦ ص ٦٨٦ ح ١٧٤٠٧ نقلاً عن الحاكم في المستدرک وعن الصابوني في المأثورين وعن أبي عبد الرحمن السلمی فی أماليه وفيها «لنيله» بدل «لنيله» .

٣- الكهف: ٣٩ .

٤- نوح: ١٠ .

٥- جامع الأخبار: ص ٣٧١ ح ١٠٢٩ .

فصل نهم: گوناگون

فصل نهم: گوناگونالکافی به نقل از یونس بن عبد الرحمان : از امام رضا علیه السلام در باره نقش انگشتری خود ایشان و انگشتری پدرش پرسیدم . فرمود : «نقش انگشتری من ، «ما شاء الله ، لا قوه إلا بالله » است و نقش انگشتری پدرم «حسبى الله » بود .

الخصال به نقل از عبد خیر : علی علیه السلام چهار انگشتری داشت که آنها را در انگشت می کرد : یکی [نگینش از] یاقوت بود ، برای ارزش داشتنش ؛ یکی از فیروزه بود ، برای یاری رساندنش ؛ یکی از آهن چینی ، برای نیرو بخشیدنش ؛ و یکی از عقیق ، برای محافظتش . نقش یاقوت : «لا- إله إلا الله المَلِكُ الحق المبین» بود ، نقش فیروزه : «الله المَلِكُ الحق» ، نقش آهن چینی ، «العزّة لله جميعا» و نقش عقیق ، در سه سطر : «ما شاء الله ، لا قوه إلا بالله ، أستغفر الله » .

امام صادق علیه السلام : هر که می خواهد دارایی و فرزندانش بسیار شوند و روزی اش فراخ گردد ، نگینی از عقیق انتخاب کند و آیه «ما شاء الله ، لا قوه إلا بالله ، ان ترن انا اقل منک مالا وولدا» را بر آن ، نقش کند و بخواند : «استغفروا ربکم انه کان غفارا» .

عنه عليه السلام: مَنْ كَتَبَ عَلَى خَاتِمِهِ : «مَا شَاءَ اللَّهُ ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» ، أَمِنَ مِنَ الْفَقْرِ الْمُدْقِعِ (١) . (٢)

عنه عليه السلام: بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَى قَوْمٍ وَأَمَرَهُ أَنْ يُقَاتِلَهُمْ ، فَشَكَا إِلَى اللَّهِ الضَّعْفَ . . . فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : إِنَّ النَّصْرَ يَأْتِيكَ بَعْدَ خَمْسِ عَشْرَةَ (٣) سَنَةً . فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَنِي بِقِتَالِ بَنِي فُلَانٍ فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ الضَّعْفَ ! فَقَالُوا : لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . فَقَالَ لَهُمْ : إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْحَى إِلَيَّ أَنَّ النَّصْرَ يَأْتِينِي بَعْدَ خَمْسِ عَشْرَةَ سَنَةً ! فَقَالُوا : مَا شَاءَ اللَّهُ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . قَالَ : فَأَتَاهُمُ اللَّهُ بِالنَّصْرِ فِي سَنَتِهِمْ تِلْكَ ، لِتَفْوِضِهِمْ إِلَى اللَّهِ ، وَقَوْلِهِمْ : مَا شَاءَ اللَّهُ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (٤)

عنه عليه السلام: أَرْبَعٌ لِأَرْبَعٍ ، فَوَاحِدَةٌ لِلْقَتْلِ وَالْهَزِيمَةِ : حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ؛ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ : «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ * فَمَا نَقَلَبُوا بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ مِنْ اللَّهِ وَفَضَّلِ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ» (٥) . وَالْأُخْرَى لِلْمَكْرِ وَالسُّوءِ : «وَأَفْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ» (٦) ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ ؛ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : «فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِثَالِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ» (٧) . وَالثَّالِثَةُ لِلْحَرْقِ وَالْغَرَقِ : مَا شَاءَ اللَّهُ ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ؛ وَذَلِكَ أَنَّهُ يَقُولُ : «وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتِكَ قُلْتِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (٨) . وَالرَّابِعَةُ لِلْغَمِّ وَالْهَمِّ : لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ؛ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ : «فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» (٩) . (١٠)

١- .فقير مُدْقِعٌ : أى شديد يُفْضَى بِصَاحِبِهِ إِلَى الدَّقْعَاءِ ؛ وَهُوَ التَّرَابُ (النَّهَائِيه : ج ٢ ص ١٢٧ «دفع»).

٢- .ثواب الأعمال : ص ٢١٤ ح ١ ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٢٩٤ ح ٤ .

٣- .فى المصدر : «خمسة عشر» ، وما أثبتناه هو الصحيح .

٤- .مشكاة الأنوار : ص ٥٥ ح ٥٥ ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٦ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٩١ ح ٣٤ .

٥- .آل عمران : ١٧٣ و ١٧٤ .

٦- .غافر : ٤٤ .

٧- .غافر : ٤٥ .

٨- .الكهف : ٣٩ .

٩- .الأنبياء : ٨٨ .

١٠- .تهذيب الأحكام : ج ٦ ص ١٧٠ ح ٣٢٩ عن كرام .

امام صادق علیه السلام: هر کس بر انگشتی اش بنویسد: «ما شاء الله، لا قوه الا بالله، اَسْتَغْفِرُ الله»، از فقر شدید، در امان است.

امام صادق علیه السلام: خداوند، پیامبری را سوی قومی فرستاد و به او فرمود که با آنان بجنگد. او از ناتوانی، به خدا شکایت کرد... خداوند عز و جل به او وحی فرمود که: «پانزده سال دیگر، پیروزی به سراغت خواهد آمد». آن پیامبر به یارانش فرمود: «خداوند عز و جل به من دستور داد که با بنی فلان بجنگم و من، از ناتوانی [خود در برابر آنها] به او شکایت کردم». یارانش گفتند: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا». به آنان فرمود: «خدا به من وحی فرمود که پانزده سال دیگر، پیروزی نصیبم خواهد شد». یارانش گفتند: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا». پس خداوند، در همان سال، به آنان پیروزی داد؛ چرا که کار را به خدا سپردند و گفتند: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا».

امام صادق علیه السلام: چهار چیز، برای چهار چیز است: یکی برای [دفع] کشته شدن و شکست خوردن، و آن جمله این است: «خدا، ما را بس است و او نیکو کارسازی است». خداوند می فرماید: «همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: مردمان، برای [جنگ با] شما گردآمده اند. پس از آنان بترسید؛ ولی [این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: خدا، ما را بس است و او نیکو کارسازی است. پس با نعمت و بخششی از جانب خدا [از میدان نبرد] باز گشتند، در حالی که هیچ آسیبی به آنها نرسیده بود». دومی، برای [دفع] نیرنگ و گزند [و آن، گفتن]: «و کار خویش را به خدا، وا می گذارم» و کار خویش را به خدا وا گذاردم. خدای عز و جل می فرماید: «پس، خدا، او را از عواقب سوء آنچه نیرنگ می کردند، نگه داشت و فرعونیان را عذاب سخت، فرو گرفت». و سومی، برای [مصون ماندن از] سوخته شدن و غرق گشتن است [و آن، گفتن]: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست جز به یاری خدا»؛ زیرا [خداوند] می فرماید: «چرا آن گاه که به باغ خود در آمدی، نگفتی: «آنچه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست، جز به یاری خدا»؟». و چهارمی برای [رفع] نگرانی و اندوه است [و آن، این است]: «خدایی جز تو نیست. مُنْزَهی تو! همانا من از ستم پیشگان بودم». خداوند که منزّه است می فرماید: «پس [دعای] او را اجابت کردیم و او را از اندوه، رهایی بخشیدیم و بدین گونه، مؤمنان را نجات می دهیم».

بخش هشتم: استعاذه (گفتن «أعوذ بالله»)

اشاره

بخش هشتم: استعاذه (پناه بردن به خدا) شامل: در آمد فصل یکم: تشویق به پناه بردن به خدا و متوسل شدن به او فصل دوم: آداب پناه بردن فصل سوم: برکت های پناه بردن به خدا فصل چهارم: چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد فصل پنجم: اوقات پناه بردن به خدا فصل ششم: پناه خواهی های نقل شده از اهل بیت علیهم السلام

واژه‌شناسی «استعاذه»

درآمدواژه‌شناسی «استعاذه» کلمه «استعاذه» از ماده «عوذ» به معنای التجا و پناه بردن است. این ماده وقتی به باب استفعال برده شود، به معنای پناه جستن و پناهجویی و نیز به معنای گفتن «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم» است. ابن فارس در این باره می‌گوید: ماده «عوذ»، یک اصل صحیح است و بر یک معنا دلالت دارد و آن پناه بردن به چیزی است. سپس بر هر چیزی که به چیزی بچسبد یا همراه آن باشد، اطلاق می‌شود. خلیل می‌گوید: می‌گویی: «أعوذ بالله جل ثناؤه»، یعنی: به او تبارک و تعالی ملتجی شدم. مصدر آن، عَوَذَ و عِیَازٌ است. (۱) ابن منظور، در تبیین معنای «عوذ» و «استعاذه» می‌گوید: عوذ که عاذ به، یعوذ، عوذاً، عیاذاً و معاذاً از آن است یعنی: به او پناه برد و ملتجی شد و متمسک گردید... و «استعدتُ به»، یعنی: به او پناه بردم. جمله «معاذ الله»، یعنی: به خدا پناه می‌برم... در قرآن آمده است: «فَإِذَا قَرَأْتَ

۱- معجم مقاییس اللغة: ج ۴ ص ۱۸۳.

استعاذه، در قرآن و حدیث

اشاره

الْقُرْءَانَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ (۱) پس هر گاه قرآن خواندی، از شیطانِ رانده شده به خدا پناه بر؛ یعنی هر گاه خواستی قرآن بخوانی، بگو: از شیطانِ رانده شده و وسوسه های او به خدا پناه می برم. (۲)

استعاذه، در قرآن و حدیث در قرآن کریم، ماده «عوذ» هفده بار به صورت های گوناگون به کار رفته است. این کتاب آسمانی در چهار آیه با جمله «قُلْ أَعُوذُ» (۳) و در چهار آیه با جمله «فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ» (۴) بر بهره گیری از برکات ذکر «استعاذه» تأکید دارد. استعاذه در قرآن و حدیث، در واقع، نوعی استعانت انسان از آفریدگار جهان برای مقابله با آفات، خطرها و دشمنان درونی و بیرونی است. گاه نیز استعاذه، استعانت از برخی از صفات خداوند متعال برای مصونیت از آثار برخی از صفات دیگر اوست، مانند آنچه پیامبر خدا به خداوند متعال می گوید: «أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ نَقْمَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ». (۵) از ناخشنودی تو به خشنودی ات پناه می برم، از خشم و کین تو به مهترت پناه می برم، و از تو به خود تو پناه می برم. پیش از ملاحظه آنچه در باره استعاذه در این بخش آمده است، توجه به سه نکته ضروری است:

۱- نحل، آیه ۹۸.

۲- لسان العرب: ج ۳ ص ۴۹۸.

۳- مؤمنون: آیه ۹۷، ۹۸، فلق: آیه ۱، ناس: آیه ۱.

۴- اعراف: آیه ۲۰۰، نحل: آیه ۹۸، غافر: آیه ۵۶، فصلت: آیه ۳۶.

۵- ر. ک: ص ۴۹۸ ح ۲۳۸۹.

۱. حقیقت استعاذه

۱. حقیقت استعاذه حقیقت استعاذه، این است که کسی خود را در پناه مستعاذ قرار دهد و این، گاه مادی و گاه معنوی است. هنگامی که انسان برای حفاظت خود در میدان نبرد، لباس ضد گلوله می پوشد یا وارد سنگر می شود، خود را در پناه لباس ضد گلوله و سنگر قرار می دهد، که این، استعاذه مادی است؛ اما استعاذه معنوی، حالت روانی ویژه ای است که انسان را در پناه خداوند متعال قرار می دهد و از آفاتی که او را تهدید می کنند، مصونیت می بخشد و جمله «أعوذ بالله»، در واقع، بیانگر آن حالت درونی است. بر این اساس، برای پیدایش این حالت درونی، در گام نخست باید موانع آن برطرف شوند. موانع پیدایش این حالت در موارد مختلف، متفاوت اند. مثلاً کسی که از شر آفریده های مادی به خدا پناه می برد، نمی تواند دست در سوراخ مار کند و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ» (۱) بخواند! بنا بر این، شرط اول تحقق حقیقت استعاذه، اجتناب از موانع پناهجویی است، و چه زیبا گفته شده است که: تا زبان، چون جوارح و ارکان استعاذت کند به وفق جنان نه که گویی «أعوذ» و تازی تیز سوی شیطان و نفس شورانگیز نه که گویی «أعوذ» و آری روی سوی بدسیرتان ناخوش خوی تا ز هر بد، عنانت کوتاه نیست یک أعوذت، «أعوذ بالله» نیست بلکه آن، پیش صاحب عرفان نیست الا «أعوذ بالشیطان» گاه گویی «أعوذ» و گه «لا حول» لیک فعلت بود مکذب قول بر دهان، جام زهر مرگ آمیز بر زبان، آن که می کنم پرهیز چند باشی به حيله و تلییس منزل دیو و شیخه ابلیس سوی خویشت دو اسبه می راند بر زبانت «أعوذ» می خواند طرفه حالی که دزد بیگانه گشته همراه صاحب خانه می کند همچو او فغان و نفیر در به در، کو به کو، که: دزد بگیر! (۲) پس از اجتناب از موانع استعاذه، هر قدر که انسان خدا را بهتر بشناسد و از آفاتی که او را تهدید می کند، بیشتر احساس خطر نماید، حقیقت پناهجویی در او بیشتر تحقق می یابد.

۱- سوره فلق، آیه ۱ و ۲.

۲- هفت اورنگ، عبد الرحمان جامی.

۲. نقش استعاذه در زندگی

۲. نقش استعاذه در زندگینقش استعاذه در زندگی ، نقش سنگر در میدان نبرد است . این ذکر ، اگر توأم با حقیقت باشد ، انسان را در دژ محکم خداوند قرار می دهد ، شیطان را از او دور می سازد ، درهای نافرمانی خدا را می بندد ، توطئه دشمنان را خنثی می کند ، عصبانیت را فرو می نشاند ، بلا ، بیماری و غم را زایل می نماید و سرانجام ، آدمی را از انواع آفات و شرور و مهم تر از همه از آتش دوزخ ، حفظ می کند و از رحمت الهی بهره مند می سازد . (۱) البته باید توجه داشت که استعاذه ، دعاست و دعا در فرهنگ اسلام ، در کنار مسئولیت است ، نه در برابر آن . از این رو نمی توان به بهانه استعاذه ، مسئولیت های عملی برای مبارزه با خطرها و آفات را رها کرد . استمداد از خداوند متعال در کنار مسئولیت شناسی ، علاوه بر تقویت روان در

۳. مهم ترین ادب استعاده

مبارزه با آفات ، انسان را از امدادهای غیبی در مواردی که ابزارها و علل طبیعی کاربرد ندارند ، بهره مند می سازد .

۳. مهم ترین ادب استعاده مهم ترین ادب استعاده ، شناخت است ؛ شناخت این حقیقت که تنها دژ استواری که می تواند انسان را از انواع آسیب ها و خطرها در دنیا و آخرت حفظ کند ، خداوند متعال است ، و این که اساسا پناهگاهی جز او وجود ندارد و هر کس به غیر او پناه برد ، زیان خواهد دید . این شناخت ، به طور طبیعی ، زمینه رغبت به بهره گیری از پناه خداوند را که ادب دوم است و تلاش برای بهره مندی از پناه او را که ادب سوم است فراهم می سازد . لازمه رعایت این آداب ، ترک تمایلاتی است که مانع پیدایش حقیقت استعاده اند و این ، ادب چهارم محسوب می گردد . پس از پیدایش حال و حقیقت استعاده ، توسل به آن دسته از اسما و صفات الهی که مناسب با پناهجویی اند (مانند : رب ، عزّت ، نور قدس خداوند و...) ، ادب دیگری است که در قرآن و احادیث ، به آن ، اشاره شده است . در استعاده به قصد پناهجویی از خطرهایی که جامعه را تهدید می کنند ، تجمع مؤمنان نیز مفید و مؤثر است . (۱)

الفصل الأول: الحث على الاستعاذه بالله والالتجاء إليه ١ / ١١ الاستعاذه للنفس الكتاب «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ * وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ * وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّثَاتِ فِي الْعُقَدِ * وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ». (١)

«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ * مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّهِ وَالنَّاسِ». (٢)

«وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ * وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ». (٣)

«وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». (٤)

«وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». (٥)

١- الفلق : ٥١ .

٢- الناس : ٦١ .

٣- المؤمنون : ٩٧ و ٩٨ .

٤- الأعراف : ٢٠٠ .

٥- فصلت : ٣٦ .

فصل یکم: تشویق به پناه بردن به خدا و متوسل شدن به او

۱ / ۱ پناه خواستن برای خود

فصل یکم: تشویق به پناه بردن به خدا و متوسل شدن به او ۱ / ۱ پناه خواستن برای خود قرآن «بگو: «پناه می برم به پروردگار سپیده دم، از گزند آنچه آفرید، و از گزند تاریکی، چون فرا گیرد، و از گزند دَمندگان افسون در گره ها، و از گزند هر حسود، آن گاه که حسد ورزد»» .

«بگو: «پناه می برم به پروردگار مردم، پادشاه مردم، معبود مردم، از گزند وسوسه گرِ پش رونده . همو که در سینه های مردم، وسوسه می کند؛ چه از جنّ و [چه از] انس»» .

«و بگو: «ای پروردگار من! به تو پناه می آورم از وسوسه های شیطان ها . و به تو پناه می برم ای پروردگار من، از این که به نزد من بیایند»» .

«و اگر از جانب شیطان، وسوسه ای تو را برانگیخت، از خدا پناه بخواه که او شنوایِ داناست» .

«و اگر از سوی شیطان، وسوسه ای تو را برانگیخت، از خدا پناه بخواه که او شنوا و داناست» .

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾. (١)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: افزعوا إلى الله في حوائجكم ، والجأوا إليه في ملماتكم (٢) ، وتضرعوا إليه وادعوه ؛ فإن الدعاء مخرج العباد. (٣)

الإمام علي عليه السلام: من آمن بالله لجأ إليه. (٤)

عنه عليه السلام: ألجئ نفسيك في الأمور كلها إلى الله الواحد القهار ، فإنك تلجئها إلى كهف حصين ، وحرز حريز ، ومانع عزيز. (٥)

عنه عليه السلام: توق سخط من لا ينجيك إلا طاعته ، ولا يرديك (٦) إلا معصيته ، ولا يسعك إلا رحمته ، والتجئ إليه وتوكل عليه. (٧)

الإمام الحسين عليه السلام في قنوته : اللهم من أوى إلى مأوى فأنت مأوى ، ومن لجأ إلى ملجأ فأنت ملجئ. (٨)

عنه عليه السلام فيما نُسب إليه من دعاء عرفه : إلهي ... وأنت الذي أزلت الأعمار عن قلوب أجبانك حتى لم يحبوا سواك ، ولم يلجؤوا إلى غيرك. (٩)

١- النحل : ٩٨ .

٢- الملممة : النازله من نوازل الدنيا (الصحاح : ج ٥ ص ٢٠٣٢ «لمم»).

٣- عدّه الداعي : ص ٣٤ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٣٠٢ ح ٣٩ .

٤- غرر الحكم : ح ٨٠٦٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٣٢ ح ٧٤٤٤ .

٥- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٣٨٦ ح ٥٨٣٤ ، نهج البلاغه : الكتاب ٣١ ، تحف العقول : ص ٦٩ ، كشف المحجّه :

ص ٢٢٢ وليس فيها «حصين ، وحرز» ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢١٨ ح ٢ ؛ دستور معالم الحكم : ص ٦١ وليس فيه «حصين ،

وحرز» ، كنز العمال : ج ١٦ ص ١٦٩ ح ٤٤٢١٥ نقلاً عن وكيع والعسكري في المواعظ .

٦- ترويه : أي توفقه في مهلكه (النهايه : ج ٢ ص ٢١٦ «ردا»).

٧- غرر الحكم : ح ٤٥٥٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٠٤ ح ٤١٣١ .

٨- مَهْج الدعوات : ص ٦٩ ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ٢١٤ ح ١ .

٩- الإقبال (طبعه دار الكتب الإسلاميه) : ص ٣٤٩ ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٢٢٦ ح ٣ .

«و هر گاه قرآن می خوانی ، از شیطان رانده شده ، به خدا پناه ببر» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در نیازهایتان ، به خدا پناه ببرید و در مشکلاتتان ، به او متوسل شوید و به او التماس کنید و او را بخوانید ؛ زیرا دعا ، مغز عبادت است .

امام علی علیه السلام : هر که به خدا ایمان آورد ، به او پناه برده است .

امام علی علیه السلام : در همه کارها ، خویشتن را در پناه خدای یگانه همواره چیره در آور ؛ که در این صورت ، خود را در پناه غاری استوار و دژی نفوذناپذیر و مانعی محکم ، در آورده ای .

امام علی علیه السلام : بپرهیز از خشم و ناخشنودی آن کسی (خدایی) که جز فرمان برداری از او ، چیزی تو را نمی رهاند و جز نافرمانی از او ، چیزی به نابودی ات نمی کشاند و جز مهر او ، چیزی به داد تو نمی رسد . به او متوسل شو و بر او توکل کن .

امام حسین علیه السلام در قنوتش : بار خدایا! هر کس به پناهگاهی پناه بُرد ، تو پناهگاه منی ، و هر کس به تکیه گاهی روی آورد ، تو تکیه گاه منی .

امام حسین علیه السلام در دعای عرفه منسوب به ایشان : معبود من! ... تویی که اغیار را از دل های دوستارانت ، بیرون کردی ، چندان که جز تو ، کسی را دوست نداشته اند و به جز تو ، پناه نبرده اند .

الإمام زين العابدين عليه السلام فى مُناجاةِ التَّوَابِينَ : إلهى ... فَإِن طَرَدْتَنى مِن بَابِكَ فَبِمَن أَلُوذُ ؟ ! وَإِن رَدَدْتَنى عَن جَنَابِكَ فَبِمَن أَعُوذُ ؟! (١)

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ فى عَرَفَةَ : ها أنا ذا بَيْنَ يَدَيْكَ ، صاغِراً ذَليلاً خاضِعاً خاشِعاً خائِفاً ، مُعْتَرِفاً بِعَظِيمِ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتُهُ ، وَجَلِيلِ مِنَ الخَطَايَا اجْتَرَمْتُهُ ، مُسْتَجِيراً بِصَفْحِكَ (٢) ، لا إِثْمَدا بِرَحْمَتِكَ ، موقِناً أَنَّهُ لا يُجِيرُنى مِنكَ مُجِيراً ، ولا يَمْنَعُنى مِنكَ ما نَع . (٣)

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ لُوَلَدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ : وَاجْعَلْنى فى جَميعِ ذَلِكِ مِنَ المُصْلِحِينَ بِسُؤالى إِياكَ ، المُنْجِحِينَ بِالطَّلَبِ إِليكِ ، غَيرِ المَمْنُوعِينَ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيكِ ، المُعَوِّدِينَ (٤) بِالتَّعَوُّذِ بِكَ . (٥)

الإمام الباقر عليه السلام : إلهى ... أَنْتَ رَبِّى وَسِيدِى ، وَمَفزَعِى وَمَلجئِى ، وَالْحافِظُ لى ، وَالذَّابُّ (٦) عَنى ، وَالرَّحيمُ بى ، وَالْمُتَكَفِّلُ بِرِزقى . (٧)

الإمام الصادق عليه السلام مِن دُعائِهِ لَهُ : أَلُوذُ بِعِزَّتِكَ ، وَأَسْتَظِلُّ بِفِئائِكَ ، وَأَسْتَجِيرُ بِقُدْرَتِكَ ، وَأَسْتَعِيثُ بِرَحْمَتِكَ ، وَأَعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ ، وَلا أَثقُ إِلا بِكَ ، وَلا أَلجأُ إِلا إِليكِ ، يا عَظِيمَ الرِّجاءِ ، يا كاشِفَ البَلاءِ ، يا أَحَقَّ مَن تَجاوزَ وَعفا . اللَّهُمَّ إِن ظَلَمْتَنى مُسْتَجِيرٌ بِعَفْوِكَ ، وَخوفى مُسْتَجِيرٌ بِأمانِكَ ، وَفقرى مُسْتَجِيرٌ بِغناكَ ، وَوَجِهُى البالى الفانى مُسْتَجِيرٌ بِوَجْهِكَ الدائمِ الباقى الَّذى لا يَفنى وَلا يَزولُ ، يا مَن لا يَشغَلُهُ شَأْنٌ عَن شَأْنٍ . (٨)

- ١- بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٤٢ ح ٢١ نقلاً عن بعض كتب الأوصحاب .
- ٢- صَفَحَتْ عَن فلانٍ : إِذا أَعرضَتْ عَن ذنبه (الصحاب : ج ١ ص ٣٨٣ «صفح»).
- ٣- الصحيفه السَّجَّادِيَّة : ص ١٩٣ الدعاء ٤٧ ، الإقبال : ج ٢ ص ٩٤ ، المصباح للكفعمى : ص ٨٩٣ ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٢٦٤ عن الإمام الصادق عليه السلام .
- ٤- قال السَّيِّدُ على خان الحسينى : أَكثَرُ النسخِ يا هَمالِ الدالِ مِنَ «المُعَوِّدِينَ» ، وَهُوَ اسمُ مَفْعُولٍ مَن عَوَّدْتَهُ كذا ، أَى صَيَّرْتَهُ لَهُ عادَهُ . وَنسخه ابن إدريس بالذال المعجمه (رياض السالكين : ج ٤ ص ١٢٩) .
- ٥- الصحيفه السَّجَّادِيَّة : ص ١٠٧ الدعاء ٢٥ ، المصباح للكفعمى : ص ٢٢٠ نحوه .
- ٦- الذَّبُّ : المَنْعُ وَالذَّفْعُ (الصحاب : ج ١ ص ١٢٦ «ذب»).
- ٧- الكافى : ج ٢ ص ٥٥٨ ح ٨ ، عدّه الداعى : ص ٢٦٠ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام .
- ٨- الإقبال : ج ٢ ص ١٣٩ عن سلمه بن الأكوغ ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٢٥٤ .

امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات توبه گران»: معبود من! ... اگر تو مرا از در گاهت برانی ، به که پناه برم؟! و اگر تو مرا از پیشگاهت باز گردانی ، به چه کسی متوسل شوم!؟

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در عرفه : آنک ، من در پیشگاه تو ایستاده ام ، خوار و زبون و فروتن و خاکسار و ترسان ، و به گناهان بزرگی که بر دوش دارم و خطاهای بزرگی که مرتکب گشته ام، اعتراف دارم و به گذشت تو ، پناه آورده ام و دست به دامن مهر تو شده ام و یقین دارم که هیچ کس ، نمی تواند مرا [از خشم و عذاب تو] در پناه خویش گیرد . هیچ مانعی نمی تواند تو را از من ، باز دارد .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان برای فرزندانش : و چنان کن که در همه اینها (تقاضاهایم) به خواهشم از تو ، دست یابم و به درخواستم از تو ، کامیاب شوم و از توکل کردن بر تو ، محروم نگردم و به پناه بردن به تو ، خو گیرم .

امام باقر علیه السلام : معبود من! ... تویی پروردگار و آقای من ، و پناه و ملجأ من ، و نگهبان من ، و حامی من ، و مهربان به من ، و متکفل روزی من .

امام صادق علیه السلام در یکی از دعاهايش : به عزت تو پناه می برم و در آستان تو بست می نشینم و به قدرت تو پناهنده می شوم و از رحمت تو یاری می طلبم و به ریسمان تو چنگ می زنم و جز به تو اعتماد نمی کنم و جز به تو پناه نمی آورم ، ای بزرگ ترین امید ، ای زداينده بلا ، و ای سزاوارترین کس به گذشت و بخشایش! بار خدایا! از ستم خود به بخشایش تو پناه می برم ، از ترس خود ، به امتیت تو پناه می برم ، از فقر خود ، به توانگری تو پناه می برم و وجود پوسنده و فناپذیر خویش را در پناه وجود پاینده و جاویدان تو که نیستی و زوال نمی پذیرد ، در می آورم ، ای کسی که [توجه به] چیزی ، او را از چیزی دیگر ، باز نمی دارد!

الإمام الكاظم عليه السلام في جوابه: مَوْلَايَ اسْتَسَلَمْتُ إِلَيْكَ فَلَا تُسَلِّمْنِي ، وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فَلَا تَخْذُلْنِي ، وَلَجَأْتُ إِلَى ظِلِّكَ الْبَسِيطِ (١) فَلَا تَطْرَحْنِي ، أَنْتَ الْمَطْلُبُ ، وَإِلَيْكَ الْمَهْرَبُ . (٢)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ أَنْتَ مَلَاذِي فَبِكَ أَلُوذُ ، وَأَنْتَ مَعَاذِي فَبِكَ أَعُوذُ . (٣)

عنه عليه السلام في دُعَاءِ الْجَوْشَنِ: فَبِمَنْ أَعُوذُ يَا رَبِّ وَبِمَنْ أَلُوذُ؟! لَا-أَحِيدَ لِي إِلَّا أَنْتَ ، أَفْتَرُدُّنِي وَأَنْتَ مُعَوْلِي (٤) ، وَعَلَيْكَ مُعْتَمَدِي؟! (٥)

الإمام الرضا عليه السلام من دُعَاءٍ يُدْعَى بِهِ لَيْلَةَ السَّبْتِ ، لِدَفْعِ الْعَدُوِّ الْحَاسِدِ ، وَكَيْدِ السُّلْطَانِ: ... فَإِنِّي بِكَ اللَّهُمَّ أَعُوذُ وَالْوَدُ ، وَبِكَ أَثِقُ وَعَلَيْكَ أَعْتَمِدُ وَأَتَوَكَّلُ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاصْرِفْهُ عَنِّي ، فَإِنَّكَ غِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ ، وَجَارُ الْمُسْتَجِيرِينَ ، وَلَجَأُ اللَّاجِئِينَ ، وَأَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ . (٦)

عنه عليه السلام في دُعَاءٍ كَانَ يَدْعُو بِهِ بَعْدَ الثَّمَانِي رَكَعَاتٍ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ مَنْ عَاذَ بِكَ مِنْكَ ، وَلَجَأَ إِلَى عِزِّكَ ، وَاسْتِظْلَ بِفَيْتِكَ ، وَاعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ ، وَلَمْ يَثِقْ إِلَّا بِكَ ، يَا جَزِيلَ الْعَطَايَا ، يَا مُطْلِقَ الْأَسَارِي ، يَا مَنْ سَمِيَ نَفْسَهُ مِنْ جُودِهِ وَهَابَا ، أَدْعُوكَ رَغْبًا وَرَهْبًا ، وَخُوفًا وَطَمَعًا ، وَإِلْحَاحًا وَإِلْحَافًا (٧) ، وَتَضَرُّعًا وَتَمَلُّقًا ، وَقَائِمًا وَقَاعِدًا ، وَرَاكِعًا وَسَاجِدًا ، وَرَاكِبًا وَمَاشِيًا ، وَذَاهِبًا وَجَائِيًا ، وَفِي كُلِّ حَالَتِي ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا . (٨)

١- بَسِطُ الشَّيْءِ: نَشْرُهُ (الصحاح: ج ٣ ص ١١١٦ «بسطة»).

٢- مُهْجِ الدَّعَوَاتِ: ص ٣٥٨ ، المصباح للكفعمي: ص ٢٩٣ ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٧٦ ح ١ .

٣- مُهْجِ الدَّعَوَاتِ: ص ٢٩٤ و ص ٣٠٣ عن الإمام الرضا عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٣٠ ح ٣ .

٤- عَوَّلَ عَلَيْهِ مَعْوَلًا: اتَّكَلَّ وَعَاتَمَدَ (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٢٢ «عال»).

٥- مُهْجِ الدَّعَوَاتِ: ص ٢٧٥ ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٢٦ وراجع الإقبال: ج ١ ص ١٣٠ والدروع الواقية: ص ٢٤٥ .

٦- مصباح المتهجد: ص ٤٢٤ ح ٥٤٤ ، جمال الأسبوع: ص ١١٢ كلاهما عن الحسن بن محبوب ، البلد الأمين: ص ١٥٥ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٣٣١ ح ٤٥ .

٧- أَلْحَفَ السَّائِلُ: أَلْحَ (الصحاح: ج ٤ ص ١٤٢٦ «لحف»).

٨- مصباح المتهجد: ص ١٥٠ ح ٢٣٩ و ص ٥٦٦ ح ٦٦٩ ، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٩١ ح ٢٥٠ ، الإقبال: ج ١ ص ٣٢٩ كلُّها من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٥٧ ح ٦١ .

امام کاظم علیه السلام در «دعای حجاب (محافظت)» (۱): سِرور من! خودم را به تو سپردم . پس مرا وا مگذار . بر تو توکل کردم . پس مرا تنها مگذار . به سایه گسترده تو پناه آورم . پس مرا دور مینداز . تویی مطلوب ، و به سوی تو باید گریخت .

امام کاظم علیه السلام: بار خدایا! تویی گریزگاه من . پس به سوی تو می گریزم . تویی پناهگاه من . پس به تو پناه می آورم .

امام کاظم علیه السلام در دعای «جوشن»: به که پناه برم ، ای پروردگار من! و به چه کسی متوسل شوم؟! جز تو کسی را ندارم . آیا تو که تکیه گاه منی و اعتمادم به توست ، دست رد به سینه ام می زنی؟!!

امام رضا علیه السلام از دعایی که در شب شنبه ، برای دفع دشمن حسود و دسیسه سلطان ، خوانده می شود : ... خداوندا! من به تو پناهنده و متوسل می شوم ، و به تو تکیه و اعتماد و توکل می کنم . پس بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست و آن [دشمن حسود و دسیسه سلطان] را از من ، دور کن ، که تو فریادرس فریادخواهان ، و حامی حمایت خواهان ، و پناه پناهجویان و مهربان ترین مهربانانی .

امام رضا علیه السلام در دعایی که بعد از هشت رکعت نماز شب می خواند : بار خدایا! از تو می خواهم به حرمت کسی که از تو به تو ، پناه آورده است و به عزت تو ، پناهنده شده و در سایه تو ، جای گرفته و به ریسمان تو ، چنگ آویخته و جز به تو ، اعتماد نکرده است ، ای پُردهش ، ای رهاننده بندیان ، ای کسی که از شدت بخشنده گی اش خویشتن را دَهِشگر نامیده است! تو را می خوانم با امید و بیم ، و ترس و طمع ، و سماجت و پافشاری ، و زاری و چاپلوسی ، و ایستاده و نشسته ، و در رکوع و سجود ، و سواره و پیاده ، و آینده و رونده ، و در همه حالا-تم ، و از تو درخواست می کنم که بر محمد و خاندان محمد ، درود فرستی و به من ، چنین و چنان کنی .

۱- واژه «حجاب» که در متن عربی حدیث آمده ، به معنای حِرز و دعایی است که برای دفع چشم زخم یا تأثیر سلاح و مانند آن ، بر خود می آویزند .

الإمام الهادي عليه السلام في دُعَاءٍ لَهُ : أَنْتِ ثِقَتِي وَرَجَائِي ، وَإِلَيْكَ مَهْرَبِي وَمَلْجَأِي ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ ، وَبِكَ اعْتَصَمْتُ وَعِيَاذِي .
(١)

١ / ١٢ الاستِعَاذَةُ لِلْآخِرِينَ بِالْأَمْوَالِ لِلْمَحَامِلِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ : قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَخْبِرْنِي بِأَفْضَلِ مَنْزِلَتِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ؟ قَالَ : نَعَمْ . قَالَ : بَيْنَا أَنَا نَائِمٌ عِنْدَهُ وَهُوَ يُصَيِّمُنِي ، فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ صِيَلَاتِهِ قَالَ : يَا عَلِيُّ ! مَا سَأَلْتُ اللَّهَ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا سَأَلْتُ لَكَ مِثْلَهُ ، وَمَا اسْتَعَدْتُ اللَّهَ مِنَ الشَّرِّ إِلَّا اسْتَعَدْتُ لَكَ مِثْلَهُ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام : حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ وَأَحْرِزُوهُمْ بِهَذِهِ ، وَقُولُوا بَعْدَ صِيَلِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ : «أُعِيدُ نَفْسِي وَذُرِّيَّتِي وَأَهْلَ بَيْتِي وَمَالِي بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ ، مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ» ، وَهِيَ الْعَوْدَةُ الَّتِي عَوَّذَ بِهَا (٣) جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ . (٤)

-
- ١- المصباح للكفعمي : ص ٥٣١ ، بحار الأنوار : ج ١٠٢ ص ٢٥٣ ح ١١ نقلاً عن البلد الأمين عن الإمام العسكري عليه السلام .
 - ٢- الأُمَالِي لِلْمَحَامِلِيِّ : ص ٣٦٨ ح ٤١٨ ، تاريخ دمشق : ج ٤٢ ص ٣٠٩ ، ذخائر العقبى : ص ١١٥ ، كنز العمّال : ج ١٣ ص ١٥١ ح ٣٦٤٧٤ .
 - ٣- في المصدر : «بهما» ، والتصويب من بحار الأنوار .
 - ٤- طبّ الأئمّة لابن بسطام : ص ١١٩ عن محمّد بن مسلم ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٢٧ ح ٩ .

۱ / ۲ پناه خواستن برای دیگران

امام هادی علیه السلام در یکی از دعاهایش: تو، مورد اعتماد من و امید منی، و گریزگاه و پناهگاهم، تویی. تو کلمه به دوست و به تو چنگ زدم و به تو پناه می آورم.

۱ / ۲ پناه خواستن برای دیگران الامالی، محاملی به نقل از عبد الله بن حارث: به علی بن ابی طالب علیه السلام گفتم: از بالاترین منزلت در نزد پیامبر خدا به من خبرده. فرمود: «باشد. من، نزد ایشان خوابیده بودم و ایشان، نماز می خواند. چون نمازش را تمام کرد، فرمود: ای علی! هر خوبی ای که از خدا خواستم، همانند آن را برای تو نیز درخواست کردم، و از هر بدی ای که به خدا پناه بردم، برای تو نیز [از خداوند] پناه خواستم.»

امام صادق علیه السلام: دارایی هایتان و خانواده تان را با این [دعا] نگهداری و محافظت کنید، و بعد از نماز عشا، آن را بگویید: «خودم و فرزندانم و خانواده ام و اموالم را از گزند هر شیطانی و هر جانور گزنده ای، و از هر چشم بدی، در پناه کلمات تام خداوند در می آورم». این، همان دعایی است که جبرئیل علیه السلام با آن، حسن و حسین علیهما السلام را تعویذ کرد.

سنن أبي داوود عن ابن عباس: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُعَوِّذُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: «أَعِيذُكُمْ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ ، مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ» ، ثُمَّ يَقُولُ : كَانَ أَبُوكُمْ (١) يُعَوِّذُ بِهِمَا إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ . (٢)

الإمام علي عليه السلام: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُعَوِّذُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ بِهِذِهِ الْعَوْدَةَ ، وَكَانَ يَأْمُرُ بِمِثْلِهَا أَصْحَابَهُ ، وَهُوَ هَذَا : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، أَعِيذُ نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي وَخَوَّلَنِي ، بِعِزَّةِ اللَّهِ ، وَعَظَمَةِ اللَّهِ ، وَجَبْرُوتِ اللَّهِ ، وَشَيْطَانِ اللَّهِ ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ ، وَرَأْفَةِ اللَّهِ ، وَغُفْرَانِ اللَّهِ ، وَقُوَّةِ اللَّهِ ، وَقُدْرَةِ اللَّهِ ، وَبِآلَاءِ اللَّهِ ، وَبِضَيْعِ اللَّهِ ، وَبِأَرْكَانِ اللَّهِ ، وَبِجَمْعِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ ، وَبِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَقُدْرَةِ اللَّهِ عَلَيَّ مَا يَشَاءُ ، مِنْ شَرِّ السَّمَاءِ وَالْهَامَةِ ، وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ، وَمِنْ شَرِّ مَا دَبَّ فِي الْأَرْضِ ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي أَخَذَ بِنَاصِيَتَيْهَا ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ . (٣)

١- أي إبراهيم عليه السلام .

٢- سنن أبي داوود: ج ٤ ص ٢٣٥ ح ٤٧٣٧ ، صحيح البخاري: ج ٣ ص ١٢٣٣ ح ٣١٩١ نحوه ، سنن الترمذي: ج ٤ ص ٣٩٦ ح ٢٠٦٠ ، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٥٨٠ ح ٢٤٣٤ ؛ العمدة: ص ٣٩٦ ح ٧٩٥ ، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٣ ص ٣٨٣ عن علقمه بن عبد الله وابن عمر نحوه ، دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١٣٩ ح ٤٨٨ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار: ج ٤٣ ص ٢٨٢ ح ٤٩ .

٣- مَهْجِجُ الدَّعَوَاتِ: ص ٢٢ ، الْخِصَالُ: ص ٦٣١ ح ١٠ نحوه وكلاهما عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٦٤ ح ١ .

سنن أبی داوود به نقل از ابن عباس: پیامبر صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهما السلام را با این دعا تعویذ می کرد: «شما دو تن را از گزند هر شیطانی و جانور گزنده ای، و از هر چشم بدی در پناه کلمات تامّ خدا در می آورم». سپس می فرمود: «پدرتان (۱) با این دعا، اسماعیل و اسحاق علیهما السلام را تعویذ می کرد».

امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهما السلام را با این دعا تعویذ می کرد و اصحابش را نیز به آن، توصیه می فرمود. آن تعویذ، این است: «به نام خدای مهر گسترِ مهربان. خودم و دینم و همسرم و اموالم و فرزندانم و فرجام های کارم و آنچه را که پروردگارم به من روزی کرده و عطایم فرموده است، در پناه عزّت خدا و بزرگی خدا و شکوه خدا و سلطنت خدا و مهر خدا و رأفت خدا و آمرزش خدا و توانایی خدا و نیروی خدا و الطاف خدا و احسان خدا و ارکان خدا و همه [ذات و صفات] خداوند عز و جل، و پیامبر خدا و قدرت خدا، بر آنچه خواهد، در آوردم، از گزند خزندگان زهردار و حشرات موزی، و از گزند جنّ و انس، و از گزند هر جنبنده ای در زمین، و از گزند آنچه از زمین بیرون می آید، و از گزند آنچه از آسمان فرود می آید یا به آسمان بالا می رود، و از گزند هر جنبنده ای که کاکُل (زمام) آن در دست پروردگار من است، که پروردگار من، بر راهی راست است، و او بر هر چیزی تواناست، و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ. درود خدا بر سرورمان محمّد و همه خاندانش باد!».

المعجم الكبير عن بلال بن سعد عن أبيه: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيْنَ بَنُوكَ؟ قُلْتُ: هَا هُمْ أَوْلَاءِي، قَالَ: فَاتَّيَنِي بِهِمْ. فَأَمَرْتُ أَهْلِي فَأَلْبَسْتَهُمْ قُمُصًا بِيضًا، ثُمَّ أَتَيْتُهُ بِهِمْ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعِيذُكَ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالضَّلَالَةِ، وَمِنَ الْفَقْرِ الَّذِي يُصِيبُ بَنِي آدَمَ. (١)

١- المعجم الكبير: ج ٦ ص ٤٥ ح ٥٤٦٢، تاريخ دمشق: ج ٢٠ ص ٢٢٨، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٠٥ ح ٣٧٧٠.

المعجم الكبير به نقل از بلال بن سعد ، از پدرش : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «فرزندان کجایند؟». گفتم : همین جا . فرمود : «آنها را نزد من بیاور». من به همسرم گفتم که جامه های سفید بر آنها پوشاند . پس آنها را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آوردم . فرمود : «بار خدایا! اینان را از کفر و گم راهی ، و از فقر که به فرزندان آدم می رسد ، در پناه تو در آوردم» .

الفصل الثاني: آداب الاستعاذه ٢ / ١ معرفته المستعاذ والمُلتجأ اللهُ حصن اللاجئ رسول الله صلى الله عليه وآله: يا الله، يا من هو حصن لأهل السماوات والأرض. (١)

الإمام زين العابدين عليه السلام في مُناجاة المعتصمين: اللهم يا ملاذ اللائذين، ويا معاذ العائدين... ويا حصن اللاجئين، إن لم أعذ بعزتك فبمن أعوذ؟ وإن لم ألد بقدرتك فبمن ألوذ؟! (٢)

الإمام الصادق عليه السلام في دُعاء اليوم العشرين من الشهر: أنت جارُّ المُستجيرين، ولجأ اللاجئين. (٣)

عنه عليه السلام في عمَل ليله النصف من شعبان: يا من إليه ملجأ العباد في المهمات. (٤)

-
- ١- البلد الأمين: ص ٤٢٠، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٦٥ ح ١ وفيه «ملجأ» بدل «حصن».
 - ٢- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥٢ نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.
 - ٣- الدرر والواقية: ص ١٣٢ و ص ٩٨ و ص ١٨٨ كلاهما نحوه و ص ٢٢١، العدد القوي: ص ٢١٧ كلها من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ١٦٥.
 - ٤- مصباح المتهجد: ص ٨٣١ ح ٨٩١، الأمالى للطوسى: ص ٢٩٧ ح ٥٨٣، المزار الكبير: ص ٤٠٦، الإقبال: ج ٣ ص ٣١٥ كلها عن أبي يحيى و ص ٣١٧ عن محمد بن علي الطرازي، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٨٦ ح ٥.

فصل دوم: آداب پناه بردن

۱ / ۲ شناخت کسی که به او پناه برده می شود

الف خدا ، دژ پناهندگان

فصل دوم: آداب پناه بردن ۱ / ۲ شناخت کسی که به او پناه برده می شودالف خدا ، دژ پناهندگانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله ای خدا ، ای آن که دژ آسمانیان و زمینیان است !

امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات متوسّل شونندگان»: بار خدایا ، ای پناهگاه پناهجویان ، و ای حامی حمایت خواهان ... وای دژ پناهندگان! اگر به عزّت تو پناه نیاورم ، پس به چه کسی پناه برم؟! و اگر به قدرت تو پناهنده نشوم ، پس به چه کسی پناهنده شوم!؟

امام صادق علیه السلام در دعای روز بیستم ماه : تو حامی حمایت خواهان ، و پناه پناه جویانی .

امام صادق علیه السلام در اعمال شب نیمه شعبان : ای کسی که بندگان ، در سختی ها به او پناه می برند!

عنه عليه السلام في الدعاء عند شهر رمضان: يا من لم يلد إلا لئلا يذوق بمثله . (١)

الإمام الهادي عليه السلام: إن الله تعالى علم منا أننا لا نلجأ في المهمات إلا إليه ... وعودنا إذا سألنا الإجابة . (٢)

ب ملجأ المضطر ينرسول الله صلى الله عليه وآله في دعاء الجوشن الكبير: يا ملجئ عند اضطراري ، يا معيني عند مفزعي ... يا من إليه يلجأ المتحيرون . (٣)

الإمام علي عليه السلام من دعاء علمه إياه رسول الله صلى الله عليه وآله: يا ملجأ كل طريد ، يا مأوى كل شريد . (٤)

عنه عليه السلام: أوصيكم بتقوى الله ؛ فإنها غبطة للطلاب الرجى ، وثقة للهارب اللاجى . (٥)

عنه عليه السلام: إلهي إن كنت لا ترحم إله المجددين في طاعتك ، فإلى من يفزع المقصرون ؟ وإن كنت لا تقبل إله من المجتهدين ، فإلى من يلتجئ المقرطون ؟ (٦) ! (٧)

- ١- الإقبال: ج ١ ص ١٢٩ عن هارون بن موسى التلعكبري ، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٣٣٤ ح ١ .
- ٢- الأمالى للطوسى : ص ٢٨٦ ح ٥٥٥ ، بشاره المصطفى : ص ١٣٥ ، المناقب لابن شهر آشوب : ج ٤ ص ٤١١ كلها عن عيسى بن أحمد بن عيسى ، عده الداعى : ص ٥٧ وفيه «عودنا أن» بدل «علم منا أنا» ، بحار الأنوار: ج ٥٠ ص ١٢٧ ح ٥ .
- ٣- البلد الأمين : ص ٤٠٣ ، المصباح للكفعمى : ص ٣٣٥ ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٨٥ .
- ٤- متهج الدعوات : ص ١٩٦ ، المصباح للكفعمى : ص ٣٥١ كلاهما عن الإمام الحسين عليه السلام ، البلد الأمين : ص ٣٣٨ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام و ص ٣٦١ وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٤٠٠ ح ٣٣ .
- ٥- تحف العقول : ص ٢٠٢ ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٩ ح ١٦ .
- ٦- المقرط بالتشديد : المقصر في العمل (النهاية : ج ٣ ص ٤٣٤ «فرط»).
- ٧- البلد الأمين : ص ٣١٤ ، المصباح للكفعمى : ص ٤٨٩ كلاهما عن الإمام العسكرى عن آبائه عليهم السلام ، ف بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٠٣ ح ١٤ .

ب پناه در ماندگان

امام صادق علیه السلام در دعای ماه رمضان: ای کسی که پناهندگان، به کسی همچون او پناه نبرده اند!

امام هادی علیه السلام: خدای متعال می داند که ما در سختی ها، جز به او پناه نمی بریم... و ما را عادت داده است که هرگاه [از او] بخواهیم، اجابت کند.

ب پناه در ماندگان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای «جوشن کبیر»: ای پناه من در هنگام درماندگی ام، ای کمک کننده به من در هنگام وحشتم!... ای کسی که سرگشتگان، به او پناه می برند!

امام علی علیه السلام از دعایی که پیامبر خدا به او آموخت: ای پناهگاه هر رانده شده ای! ای سرپناه هر آواره ای!

امام علی علیه السلام: شما را به پروای از خدا سفارش می کنم؛ زیرا که پروای از خدا، مایه شادمانی هر جوینده امیدوار، و تکیه گاه فراری پناه خواه است.

امام علی علیه السلام: معبود من! اگر تو، جز به کوشندگان در طاعتت رحم نکنی، پس تقصیرکاران به چه کسی پناه برند؟ و اگر جز از تلاشگران نپذیری، پس سستی ورزان به چه کسی پناهنده شوند؟

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ ... أَنْتَ مَلَجَأُ الْخَائِفِ الْغَرِيقِ ، وَأَرْأَفُ مِنْ كُلِّ شَفِيقٍ ، إِلَيْكَ قَصِدْتُ سَيِّدِي ، وَأَنْتَ مُنْتَهَى الْقَصْدِ لِلْقَاصِدِينَ . (١)

الإمام الحسن عليه السلام في قُتُوبِهِ : يَا حَاضِرَ كُلِّ غَيْبٍ ، وَعَالِمَ كُلِّ سِرٍّ ، وَمَلْجَأَ كُلِّ مُضْطَرٍّ ، ضَلَّتْ فِيكَ الْفُهْمُ ، وَتَقَطَّعَتْ دُونَكَ الْعُلُومُ . (٢)

الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ الْخَاضِعِ الدَّلِيلِ ، وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ الْعَائِدِ الْمُسْتَقِيلِ (٣) . (٤)

عنه عليه السلام في دُعَاءٍ لَهُ : يَا مَنْ كُلُّ هَارِبٍ إِلَيْهِ يَلْتَجِي ، وَكُلُّ طَالِبٍ إِيَّاهُ يَرْتَجِي . (٥)

عنه عليه السلام أيضا : بَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي ، وَفِيمَا خَوَّلْتَنِي ، وَفِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ ، وَاجْعَلْنِي فِي كُلِّ حَالَتِي مَحْفُوظًا ، مَكْلُوءًا (٦) ، مَسْتُورًا ، مَمْنُوعًا (٧) ، مُعَاذًا ، مُجَارًا . (٨)

١- البلد الأمين : ص ٩٦ ، العدد القويّه : ص ٣٠٣ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ١٤٦ ح ٩ .

٢- مُهَجَّج الدعوات : ص ٦٦ ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ٢١٢ .

٣- استقاله : طلب إليه أن يُقِيله ، وأقال الله عثرتك ، أي : صفح عنك (تاج العروس : ج ١٥ ص ٦٤٤ «قيل»).

٤- بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٣٨ ح ٢٠ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي ، مصباح المتهجد : ص ١٤٨ ح ٢٣٨ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .

٥- بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٤٤ نقلاً عن بعض كتب الأصحاب .

٦- كَلَاءَةُ اللَّهِ : أي حفظه وحرسه (الصحاح : ج ١ ص ٦٩ «كلأ»).

٧- المانع : من صفات الله تعالى ، أنه تبارك وتعالى يحفظ أهل دينه ، أي يحوطهم وينصرهم (لسان العرب : ج ٨ ص ٣٤٣ «منع»).

٨- الصحيفه السجاديّه : ص ٩٤ الدعاء ٢٢ .

امام علی علیه السلام: بار خدایا! ... تو پناهگاه ترسانِ غرق گشته ای ، و از هر دلسوزی ، مهرورزتری . من ، آهنگِ کوی تو کرده ام ای آقای من که تو فرجامین مقصد رهپویانی .

امام حسن علیه السلام در دعای قنوت : ای حاضرِ در هر نهان ، و ای دانای هر راز ، و ای پناه هر بی چاره و درمانده! فهم ها در تو سرگردان اند و دانش ها در باره تو درمانده اند .

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! از تو درخواست می کنم ، چونان درخواست کرنشگرِ زبون! از تو درخواست می کنم ، به سان درخواستِ پناهجوی پوزشخواه .

امام زین العابدین علیه السلام در یکی از دعاهایش : ای آن که هر گریزنده ای به او پناه می برد و هر جوینده ای امیدش به اوست !

امام زین العابدین علیه السلام در یکی از دعاهایش : در آنچه روزی من کرده ای و در آنچه به من داده ای و در هر نعمتی که ارزانی ام داشته ای ، برکت ده و در همه اوضاع و احوال ، از من نگهداری و پاسداری و مراقبت و دفاع کن ، و مرا در پناه و حمایت خویش ، در آور .

الإمام الصادق عليه السلام في الدعاء: أَسْتَخِيرُكَ اللَّهُمَّ بِعِلْمِكَ ، وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ ، وَأَلْجَأُ إِلَيْكَ فِي كُلِّ أَمْرٍ ، وَأَبْرَأُ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ إِلَّا بِكَ ، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ ، وَأَنْتَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ . (١)

عنه عليه السلام أيضا: سَيِّدِي إِلَيْكَ يَلْجَأُ الْهَارِبُ ، وَمِنْكَ يَلْتَمِسُ الطَّالِبُ ، وَعَلَى كَرَمِكَ يُعَوَّلُ الْمُسْتَقِيلُ التَّائِبُ . (٢)

عنه عليه السلام مِنْ حِرْزِ لَهْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مُدْرِكَ الْهَارِبِينَ ، وَيَا مَلْجَأَ الْخَائِفِينَ (٣)

الإمام الكاظم عليه السلام في قنوته: فَمَعَاذَ الْمَظْلُومِ مِنَّا بِكَ ، وَتَوَكَّلْ الْمَقْهُورِ مِنَّا عَلَيْكَ ، وَرُجُوعُهُ إِلَيْكَ ، وَيَسْتَعِيْثُ بِكَ إِذَا خَذَلَهُ الْمُغِيْثُ ، وَيَسْتَصْرِخُكَ إِذَا قَعَدَ عَنْهُ النَّصِيْرُ ، وَيَلُوذُ بِكَ إِذَا نَفَثَ الْأَفِيْهُ ، وَيَطْرُقُ بِابِكَ (٤) إِذَا أُغْلِقَتْ عَنْهُ الْأَبْوَابُ الْمُرْتَجَةُ (٥) ، وَيَصِلُ إِلَيْكَ إِذَا احْتَجَبَتْ (٦) عَنْهُ الْمُلُوكُ الْغَافِلَةُ . (٧)

عنه عليه السلام في قنوته: يَا مَفْرَعِ الْفَارِعِ ، وَمَأْمَنِ الْهَالِعِ (٨) ، وَمَطْمَعِ الطَّامِعِ ، وَمَلْجَأِ الضَّارِعِ (٩) . (١٠)

١- فتح الأبواب: ص ١٦١ ، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٢٣٦ ح ١ .

٢- الإقبال: ج ٣ ص ٣١٦ عن أبي يحيى ، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٤١٠ ح ١ .

٣- مَهْجِجِ الدَّعَوَاتِ: ص ٢٢٣ و ٢٤٣ كلاهما عن الربيع ، البلد الأمين: ص ٣٨٢ و ص ٣٦١ عن الإمام علي عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٧٣ ح ١ .

٤- في المصدر: «بَكَ» ، والتصويب من بحار الأنوار .

٥- ارتجت الباب: أغلقته (الصحيح: ج ١ ص ٣١٧ «رتج»).

٦- في المصدر: «احتجب» ، والتصويب من بحار الأنوار .

٧- مَهْجِجِ الدَّعَوَاتِ: ص ٧٥ و ص ٣٢٠ عن زرافه عن الإمام الهادي عليه السلام ، البلد الأمين: ص ٣٤١ ، المصباح للكفعمي: ص ٢٨٢ ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٢٠ .

٨- الْهَلْعُ: أشد الجزع (النهاية: ج ٥ ص ٢٦٩ «هلع»).

٩- ضَرَعَ إِلَيْهِ ضَرَاعَهُ: خَضَعَ وَذَلَّ ، فَهُوَ ضَارِعٌ ، وَتَضَرَّعَ إِلَى اللَّهِ ، أَيْ: ابْتَهَلَ (لسان العرب: ج ٨ ص ٢٢٢ «ضرع»).

١٠- مَهْجِجِ الدَّعَوَاتِ: ص ٧٤ ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢١٩ .

امام صادق علیه السلام در دعا: بار خدایا! از تو خیر می طلبم که تو می دانی، و از تو قدرت می طلبم که تو قدرت داری، و از فضل تو درخواست می کنم، و در همه کارهایم به تو پناه می آورم، و از هر نیرو و توانی برائت می جویم، جز به یاری تو، و به تو توکل می کنم، که تو مرا بسنده ای و نیکو کارسازی هستی.

امام صادق علیه السلام در دعا: سِرْوَر من! گریزنده، به سوی تو می گریزد و خواهنده، از تو درخواست می کند و بخشایش طلب توبه گر، به بزرگواری تو تکیه می کند.

امام صادق علیه السلام در یکی از حرزهایش: بار خدایا! از تو درخواست می کنم، ای رسنده به گریزندگان و ای پناه بیمناکان!

امام کاظم علیه السلام در دعای قنوت: ستم دیده ما، به تو پناه می آورد و شکست خورده ما، بر تو توکل می کند و به سوی تو باز می آید، و هرگاه کمک کننده تنهایش گذارد، از تو کمک می طلبد و هرگاه یاریگر، از یاری او باز ایستد، از تو یاری می جوید و هرگاه از درگاه ها رانده شود، به درگاه تو پناهنده می شود و هرگاه درهای امید به روی او بسته گردد، در خانه تو را می کوبد و هرگاه شاهان بی خبر [از تو] به او بار ندهند، خود را به تو می رساند.

امام کاظم علیه السلام در دعای قنوت: ای پناهگاه ترسایان، و مأمن وحشت زدگان بی قرار، و امید امیدواران، و پناهگاه لابه کنندگان!

عنه عليه السلام من دُعَاءٍ لَهُ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ مِنَ النَّهَارِ : يَا مَنْ دَعَاهُ الْمُضْطَرُّونَ ، وَلَجَأَ إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ ، وَسَأَلَهُ الْمُؤْمِنُونَ ، وَعَبَدَهُ الشَّاكِرُونَ ، وَحَمِدَهُ الْمُخْلِصُونَ . (١)

ج لَا مَلْجَأَ إِلَّا اللَّهُ الْكَتَابُ «وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» . (٢)

«اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ» . (٣)

الحديث للإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ لَهُ : ... يَا عَيْسَى أَنْتَ الْمَسِيحُ (٤) بِأَمْرِي ، وَأَنْتَ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي ، وَأَنْتَ تُحْيِي الْمَيُوتَ بِكَلَامِي ، فَكُنْ إِلَيَّ رَاغِبًا ، وَمِنِّي رَاهِبًا ؛ فَإِنَّكَ لَنْ تَجِدَ مِنِّي مَلْجَأً إِلَّا إِلَيَّ . (٥)

١- مصباح المتهجد: ص ٥١٥ ح ٥٩٦ و ص ٥١٦ ح ٥٩٨ ، البلد الأمين: ص ١٤٤ ، المصباح للكفعمي: ص ١٨٨ كلها عن الإمام الجواد عليه السلام نحوه و ص ١٨٦ ، مَهْجَج الدعوات: ص ٨٣ عن الإمام الهادي عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٣٤٨ .

٢- التوبة: ١١٨ .

٣- الشورى: ٤٧ .

٤- الْمَسِيحُ: سُمِّيَ بِذَلِكَ لِأَنَّهُ كَانَ يَمْسَحُ بِيَدِهِ عَلَى الْعَلِيلِ وَالْأَكْمَهِ وَالْأَبْرَصِ فَيَبْرِئُهُ بِإِذْنِ اللَّهِ (لسان العرب: ج ٢ ص ٥٩٤ «مسح»).

٥- الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ: ص ٦٠٦ ح ٨٤١ عن أَبِي بَصِيرٍ ، الْكَافِي: ج ٨ ص ١٣١ ح ١٠٣ عن عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، تحف العقول: ص ٤٩٦ من دون إسنادٍ إلى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٨٩ ح ١٤ .

ج پناهی جز خدا نیست

امام کاظم علیه السلام از دعای ایشان در ساعت هفتم روز: ای کسی که درماندگان، او را می خوانند و بیمناکان، به او پناه برند و مؤمنان، از او درخواست کنند و سپاس گزاران، او را بندگی کنند و اهل اخلاص، او را می ستایند.

ج پناهی جز خدا نیستقرآن«و بر آن سه تن که بر جای مانده بودند [و قبول توبه شان به تعویق افتاد] تا آن جا که زمین با همه فراخی اش بر آنان تنگ گردید و از خود به تنگ آمدند و دانستند که پناهی از خدا، جز به خود او نیست. پس خدا به آنان [توفیق] توبه داد تا توبه کنند. بی تردید، خداوند توبه پذیر مهربان است».

«پیش از آن که روزی فرارسد که آن را از جانب خدا برگشتی نباشد، پروردگارتان را اجابت کنید. آن روز، نه برای شما پناهی، و نه برایتان [مجال] انکاری هست».

حدیثامام صادق علیه السلام:از اندرزهای خداوند تبارک و تعالی به عیسی بن مریم علیه السلام این بود که به او فرمود: «... ای عیسی! تو با فرمان [و اجازه من] مسیح (۱) هستی و با اجازه من، از گل به صورت پرنده می آفرینی و با سخن من است که مُردگان را زنده می سازی. پس به من امیدوار باش و از من بترس؛ زیرا که تو هرگز گریزی از من، جز به سوی خود من نمی یایی».

۱- ایشان را مسیح نامیدند، چون معلول و کور مادرزاد و پیسی گرفته را مسح می کرد و به اذن خدا، او را شفا می بخشید.

مسند ابن حنبل عن أبي هريره : كُنْتُ أَمْشِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي نَخْلٍ لِبَعْضِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ ... فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا أَبَا هُرَيْرَةَ ، أَلَا- أَذُكُّكَ عَلَى كَنْزٍ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ ؟ فَقُلْتُ : بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ . قَالَ : قُلْ : لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، وَلَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ . (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله :اللَّهُمَّ ... لَكَ الْحَمْدُ فِي كُلِّ مَا قَضَيْتَ ، وَلَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ ، يَا وَاسِعَ النِّعَمَاءِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله :أَنَا سَيِّدُ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، يَدْعُونِي رَبِّي فَأَقُولُ : لَبَّيْكَ وَسَيِّدَيْكَ ، تَبَارَكَ رَبُّكَ وَحَنَانِيكَ ، وَالْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ ، وَعَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ ، تَبَارَكَ رَبُّ الْبَيْتِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله :ما مِنْ عَبْدٍ يُصَلِّيَ الْفَجْرَ ، ثُمَّ يَقُولُ حِينَ يَنْصَرِفُ : «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، لَا حِيلَةَ وَلَا اِحْتِيَالَ وَلَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَى مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ ، إِلَّا دَفَعَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ الْبَلَاءِ . (٤)

الإمام علي عليه السلام :تَحَرَّى (٥) رَضَى اللَّهُ وَتَجَنَّبَ سَخَطَهُ ؛ فَإِنَّهُ لَا يَدَ لَكَ بِنِقْمَتِهِ ، وَلَا غِنَى بِكَ عَنِ مَغْفِرَتِهِ ، وَلَا مَلْجَأَ لَكَ مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ . (٦)

١- .مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ١٨٠ ح ٨٠٩١ و ص ٦١٧ ح ١٠٧٩٩ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٦٩٨ ح ١٩٠١ ، المصنّف لعبد الرزاق : ج ١١ ص ٢٨٣ ح ٢٠٥٤٧ ، مسند الطيالسی : ص ٣٢٢ ح ٢٤٥٦ نحوه ، كنز العمّال : ج ١ ص ٤٥٨ ح ١٩٧٧ .

٢- .البلد الأمين : ص ٣٥٠ ، المصباح للكفعمی : ص ٣٥٦ ، مستدرک الوسائل : ج ٢ ص ٢٣٦ .

٣- .المستدرک علی الصحیحین : ج ٤ ص ٦١٨ ح ٨٧١٢ ، المعجم الأوسط : ج ٢ ص ٩ ح ١٠٥٨ ، حلیه الأولیاء : ج ٤ ص ٣٤٩ كلاهما نحوه وكلها عن حذيفه ، كنز العمّال : ج ١١ ص ٤٣٤ ح ٣٢٠٤٢ .

٤- .الدعاء للطبرانی : ص ٢١٢ ح ٦٦٦ عن أنس ، كنز العمّال : ج ٢ ص ١٤٤ ح ٣٥١٩ .

٥- .التحرّی : القصد والاجتهاد فی الطلب (النهاية : ج ١ ص ٣٧٦ «حرا»).

٦- .غرر الحكم : ح ٤٥٥٣ ، عیون الحكم والمواعظ : ص ٢٠٤ ح ٤١٣٠ .

مسند ابن حنبل به نقل از ابو هُرَیره : با پیامبر خدا ، در نخلستان یکی از اهالی مدینه قدم می زدم ... که به من فرمود : «ای ابو هُرَیره! آیا تو را به گنجی از گنج های بهشت ، ره نمون نشوم؟» . گفتم : چرا ، ای پیامبر خدا! فرمود : «بگو : هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا ، و هیچ گریزی از خدا ، جز به سوی خود او نیست» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار خدایا! ... تو را ستایش ، برای هر آنچه حکم فرمودی ، و گریزی از تو ، جز به خود تو نیست ، ای که نعمت گسترده است !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : من [با آن که] سرور همه مردمان تا روز رستاخیز هستم؛ [لیکن چون] پروردگارم مرا می خواند ، می گویم : «آری . در خدمتم . فرهمندا! گوش به فرمانم ، مهرورزا! ره یافته ، آن کسی است که تو راه نمایی اش کرده ای . بنده ات در اختیار توست . پناه و گریزی از تو ، جز به خود تو نیست . خجسته ای ، ای پروردگار کعبه!» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ بنده ای نیست که نماز صبح را بخواند و پس از پایان آن ، هفت مرتبه بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . هیچ چاره و اندیشه گری و پناه و گریزی از خدا نیست ، جز به خود او» ، مگر آن که خداوند متعال ، هفتاد نوع بلا را از او بگرداند .

امام علی علیه السلام : خشنودی خدا را بجوی و از خشمش دوری کن ؛ زیرا در برابر کیفر او ، از تو هیچ کاری ساخته نیست و از آمرزش او ، بی نیاز نیستی و تو را گریزی از او ، جز به خود او نباشد .

عنه عليه السلام في تفسير «أشهد أن لا إله إلا الله»: أشهد أنه لا ملجأ من الله إلا إليه ، ولا منجى من شر كل ذي شر ، وفتنه كل ذي فتنه ، إلا بالله . (١)

عنه عليه السلام: هل من مناصب أو خلاص ، أو معاذ أو ملاذ ، أو فرار أو محار (٢) . (٣)

الإمام زين العابدين عليه السلام: اللهم فلو كان لي مهرب لهربت ، ولو كان لي مصعد في السماء أو مسلك في الأرض لسلكت ، ولكنني لا مهرب لي ولا ملجأ ولا منجى ولا مأوى منك إلا إليك . (٤)

د خسر من استعاذ بغير الله الكتاب «و أنه كان رجال من الأئمة يعوذون برجال من الجن فزادوهم رهقاً» . (٥)

الحديث للإمام الصادق عليه السلام في قنوته: يا مامن الخائف ، وكهف اللاهف (٦) ، وجنة العائذ ، وغوث اللائذ ، خاب من اعتمد سواك ، وخسر من لجأ إلى دونك . (٧)

- ١- التوحيد : ص ٢٣٩ ح ١ ، معاني الأخبار : ص ٣٩ ح ١ ، فلاح السائل : ص ٢٦٤ ح ١٥٦ كلها عن أبي يزيد بن الحسن عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٤ ص ١٣٢ ح ٢٤ .
- ٢- المحار : الرجوع (القاموس المحيط : ج ٢ ص ١٥ «حور») .
- ٣- نهج البلاغه : الخطبه ٨٣ ، تحف العقول : ص ٢٠٢ ، نزهه الناظر : ص ٤٩ ح ١٨ عن جابر بن عبد الله نحوه ، غرر الحكم : ح ١٠٠٣٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥١٢ ح ٩٣١٩ وفيه «قرار» بدل «فرار» ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٣٩ ح ١٥ .
- ٤- الإقبال : ج ٢ ص ١١٤ ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٢٣٧ .
- ٥- الجن : ٦ .
- ٦- اللاهف : المظلوم المضطر يستغيث ويتحسر . ويقال : هو لهيف القلب ولاهفه ؛ أي محترقه (القاموس المحيط : ج ٣ ص ١٩٧ «لهف») .
- ٧- مَهج الدعوات : ص ٧٤ ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ٢١٩ .

د زیانکار شدن آن که از غیر خدا پناه جوید

امام علی علیه السلام در تفسیر «گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست»: [یعنی] گواهی می دهم که از خداوند ، گریزی ، جز به خود او نیست ، و جز به یاری خدا ، از گزند هر گزندرسانی و فتنه هر فتنه گری نمی توان رهید .

امام علی علیه السلام: آیا هیچ گریزی یا نجاتی یا پناهگاهی یا ملجأی یا فراری یا بازگشتی [از عذاب الهی] هست؟!

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! اگر مرا گریزگاهی (/گریزی) بود ، می گریختم ، و اگر می توانستم به آسمان بروم یا در زمین ، راهی می یافتم ، آن راه را می پیمودم ؛ امّا مرا گریزی و پناهی و نجاتی و مأوایی از [عذاب] تو ، جز به درگاه خود تو نیست .

د زیانکار شدن آن که از غیر خدا پناه جوید قرآن «و مردانی از آدمیان ، به مردانی از جن پناه می بردند و بر سرکشی آنها می افزودند» .

حدیث امام صادق علیه السلام در دعای قنوتش : ای مأمن ترسان ، و پناه ستم دیده غمناک ، و سپر پناهنده ، و یاور حمایت خواه! نومید شد آن که به غیر تو تکیه کرد ، و زیان کرد آن که به کسی جز تو پناه بُرد .

عنه عليه السلام مِنْ دُعَاءٍ يُدْعَى بِهِ بَعْدَ زِيَارَةِ عَاشُورَاءَ: وَكَفِنِي يَا كَافِي مَا لَا يَكْفِي سِوَاكَ ، فَإِنَّكَ الْكَافِي لَا كَافِي سِوَاكَ ، وَمُفَرِّجٍ لَا- مُفَرِّجٍ سِوَاكَ ، وَمُغِيثٍ لَا مُغِيثٍ سِوَاكَ ، وَجَارٍ لَا جَارٍ سِوَاكَ ، خَابَ مَنْ كَانَ جَارُهُ سِوَاكَ ، وَمُغِيثُهُ سِوَاكَ ، وَمَفْرَعُهُ إِلَى سِوَاكَ ، وَمَهْرَبُهُ إِلَى سِوَاكَ ، وَمَلَجُؤُهُ إِلَى غَيْرِكَ ، وَمَنْجَاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ غَيْرِكَ ، فَأَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي ، وَمَفْرَعِي ، وَمَهْرَبِي ، وَمَلَجَتِي وَمَنْجَايَ . (١)

عنه عليه السلام مِمَّا كَانَ يَدْعُو بِهِ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنَ الْإِسْتِخَارَةِ: اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَ أَقْوَامًا يَلْحِقُونَ إِلَى مَطَالِعِ النُّجُومِ لِأَوْقَاتِ حَرَكَاتِهِمْ وَسِيَّكُونِهِمْ وَتَصَيُّرُفِهِمْ وَعَقْدِهِمْ وَحَلِّهِمْ ، وَخَلَقْتَنِي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ اللَّجَأِ إِلَيْهَا ، وَمِنْ طَلَبِ الْإِخْتِيَارَاتِ بِهَا ، وَأَتَيِّقُنُ (٢) أَنَّكَ لَمْ تُطَلِّعْ أَحَدًا عَلَى غَيْبِكَ فِي مَوَاقِعِهَا ، وَلَمْ تُسَهِّلْ لَهُ السَّبِيلَ إِلَى تَحْصِيلِ أَفَاعِيلِهَا ، وَأَنَّكَ قَادِرٌ عَلَى نَقْلِهَا فِي مَدَارَاتِهَا فِي مَسِيرِهَا عَنِ السُّعُودِ الْعَامَّةِ وَالْخَاصَّةِ إِلَى النُّحُوسِ ، وَمِنَ النُّحُوسِ الشَّامِلَةِ وَالْمُفْرَدَةِ إِلَى السُّعُودِ ، لِأَنَّكَ تَمَحُّو مَا تَشَاءُ وَتُثَبِّتُ ، وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ (٣) . (٤)

٢ / ١٢ الرَّغْبَةُ وَالْإِجْتِهَادُ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ مَصَائِرُ الْخَلْقِ ، وَعَوَاقِبُ الْأَمْرِ ، نَحْمَدُهُ عَلَى عَظِيمِ إِحْسَانِهِ ... وَنُؤْمِنُ بِهِ إِيْمَانًا مِّن رَّجَاهُ مَوْقِنًا ... وَلَاذِّ بِهِ رَاغِبًا مُجْتَهِدًا . (٥)

- ١- مصباح المتهجد : ص ٧٧٩ ح ٨٥٢ عن صفوان بن مهران الجمال ، البلد الأمين : ص ٢٧٢ ، المصباح للكفعمي : ص ٦٤٦ ، بحار الأنوار : ج ١٠١ ص ٢٩٨ ح ٣ .
- ٢- في المصدر : «أيقن» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- ٣- أم الكتاب : اللوح المحفوظ (المصباح المنير : ص ٢٣ «أمم») .
- ٤- فتح الأبواب : ص ١٩٨ عن الشيخ محمد بن علي بن محمد في كتاب له ، بحار الأنوار : ج ٩١ ص ٢٧٠ ح ٢٣ .
- ٥- نهج البلاغه : الخطبه ١٨٢ عن نوف البكالي ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ٣١٣ ح ٤٠ .

۲ / ۲ خواستن و کوشیدن

امام صادق علیه السلام از دعایی که بعد از «زیارت عاشورا» خوانده می شود: مرا کفایت کن، ای کفایت کننده چیزی که جز تو، کسی آن را کفایت نمی کند؛ زیرا که تویی کفایت کننده و کفایت کننده ای جز تو نیست! تویی گره گشا و گره گشایی جز تو نیست. تویی کمک کننده و کمک کننده ای جز تو نیست. تویی حمایتگر و حمایتگری جز تو نیست. ناکام ماند آن که حامی اش و کمک کننده اش جز تو باشد، و به غیر تو پناه برد، و به درگاه غیر تو بگریزد، و به غیر تو ملتجی شود، و از مخلوقات و نه تو رهایی جوید؛ تویی تکیه گاه و امید من و پناهجای و گریزگاه و ملجأ و مایه نجات من.

امام صادق علیه السلام از دعایی که پس از استخاره (// طلب خیر کردن از خدا) می خواند: بار خدایا! تو مردمانی را آفریده ای که برای حرکات و سکنات خود و اقدامات و تصمیم گیری هایشان، به طالع اختران پناه می برند؛ لیکن مرا چنان آفریده ای که از پناه بردن به آنها و تعیین نیک و بد از طریق آنها، به پیشگاه تو براثت می جویم و یقین دارم که تو، هیچ کس را از طریق جایگاه های اختران، بر غیب خویش آگاه نساخته ای و راه رسیدن به تأثیرات آنها را بر کسی هموار نکرده ای. تو قدری که اختران را در مدار هایشان، از سعد بودن عام و خاص به نحوست، و از نحوست همگانی و موردی، به سعد بودن منتقل کنی؛ زیرا که تو آنچه را بخواهی، پاک می کنی و آنچه را بخواهی، نگه می داری، و لوح محفوظ (مامنامه) در نزد توست.

۲ / ۲ خواستن و کوشیدن امام علی علیه السلام: ستایش، خدایی را که بازگشت آفریدگان و فرجام کارها به سوی اوست. او را بر احسان شگرفش می ستاییم... و به او چونان ایمان کسی که از سر یقین بدو امیدوار است... و خواهان و کوشان به او پناه برده است، ایمان داریم.

مصباح الزائر فيما يُدعى بِهِ بَعْدَ زيارِهِ الإمامِ الكاظمِ عليه السلام : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ مَنْ عَاذَ بِكَ مِنْكَ ، وَلَجَأَ إِلَى عِزِّكَ ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَلَا تَرُدَّنِي مِنْ هَذَا الْمَقَامِ خَائِبًا ، فَإِنَّ هَذَا مَقَامٌ تُغْفَرُ فِيهِ الذُّنُوبُ الْعِظَامُ ، وَتُرْجَى فِيهِ الرَّحْمَةُ مِنَ الْكَرِيمِ الْعَلَامِ ، مَقَامٌ لَا يَخِيبُ فِيهِ السَّائِلُونَ ، وَلَا يُجِبُهُ بِالرَّدِّ الرَّاعِبُونَ ، مَقَامٌ مَنْ لاذَ بِمَوْلَاهُ رَغْبَةً ، وَتَبَتَّلَ إِلَيْهِ رَهْبَةً . (١)

٢ / ٣ ترك الشَّهْوَةِ للإمام الرضا عليه السلام : مَنْ تَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَلَمْ يَتْرِكِ الشَّهَوَاتِ ، فَقَدِ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ . (٢)

٢ / ٤ التَّوَسَّلُ بِتِلْكَ الْأَسْمَاءِ الْكُتُبِ «وَإِنِّي عُدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ» . (٣)

«قَالَتُ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» . (٤)

«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ» . (٥)

١- مصباح الزائر : ص ٣٨٣ ، بحار الأنوار : ج ١٠٢ ص ١٨ ح ١٠ .

٢- كنز الفوائد : ج ١ ص ٣٣٠ عن أيوب بن نوح ، معدن الجواهر : ص ٥٩ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١١٠ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٣٥٦ ح ١١ .

٣- الدخان : ٢٠ .

٤- مريم : ١٨ .

٥- الناس : ٣١ .

۲ / ۳ ترک شهوت**۲ / ۴ متوسل شدن به این نام ها**

مصباح الزائر در دعایی که پس از زیارت امام کاظم علیه السلام خوانده می شود: بار خدایا! به حرمت کسی که از تو به تو پناه آورده و دست به دامن عزت تو گشته است... از تو درخواست می کنم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستی و مرا از این مکان [شریف]، ناکام باز مگردانی؛ زیرا این جا مکانی است که گناهان بزرگ، در آن آمرزیده می شود و از بزرگوار دانا، امید رحمت می رود. [این جا] مکانی است که در آن، درخواست کنندگان، نومید بر نمی گردند. و خواهندگان، پاسخ رد نمی شوند؛ مکان کسی است که امیدوارانه، به سرورش پناه آورد و بیمناکانه، به درگاه او زاری کرد.

۲ / ۳ ترک شهوت تمام رضا علیه السلام: هر که از آتش دوزخ به خدا پناه ببرد، امّا ترک شهوات نکند، در واقع، خود را ریشخند کرده است.

۲ / ۴ متوسل شدن به این نام هاقرآن: «و من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم از این که مرا، سنگباران کنید».

«[مریم] گفت: «اگر پرهیزگاری، من از تو به خدای مهرگستر، پناه می برم»».

«بگو: «پناه می برم به پروردگار مردم، پادشاه مردم، معبود مردم»».

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله أنه كان يقول: أعوذ بعزتك الذي لا إله إلا أنت، الذي لا يموت، والجن والإنس يموتون (١).

عنه صلى الله عليه وآله: اللهم إني أعوذ بنور قُدسِكَ ، وَعَظْمِهِ طَهَارَتِكَ ، وَبَرَكَهَ جَلَالِكَ ، مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعَاهَةٍ ، وَمِنْ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ ... (٢).

عنه صلى الله عليه وآله: اللهم... أعوذ بنور وجهك الذي أشرقت له الظلمات وصلى عليه أمر الدنيا والآخرة أن تنزل بي غضبك، أو تحل علي سخطك، لك العتبي (٣) حتى ترضى، ولا حول ولا قوة إلا بك. (٤).

صحيح البخاري عن جابر بن عبد الله: لما نزلت هذه الآية: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ» قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أعوذ بوجهك، فقال: «أومن تحت أرجلكم» فقال النبي صلى الله عليه وآله: أعوذ بوجهك، قال: «أو يلبسكم شيئاً» ٥ فقال النبي صلى الله عليه وآله: هذا أيسر. (٥).

- ١- صحيح البخاري: ج ٦ ص ٢٦٨٨ ح ٦٩٤٨ عن ابن عباس، كتر العمال: ج ١ ص ٤٨٥ ح ٢١٢٣.
- ٢- مَهْج الدعوات: ص ٩٥، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢١٢ ح ٨؛ تاريخ دمشق: ج ٥١ ص ٣١٩ ح ١٠٨٩٨ نحوه.
- ٣- «لك العتبي»: بمعنى المؤاخذه. المعنى: أنت حقيق بأن تؤاخذني بسوء عملي (مجمع البحرين: ج ٢ ص ١١٥٩ «عتب»).
- ٤- الدعاء للطبراني: ص ٣١٥ ح ١٠٣٦، تاريخ دمشق: ج ٤٩ ص ١٥٢ ح ١٠٥١٤ كلها عن عبد الله بن جعفر، كتر العمال: ج ٢ ص ٢٠٢ ح ٣٧٥٦.
- ٥- صحيح البخاري: ج ٦ ص ٢٦٩٤ ح ٦٩٧١ و ٢٦٦٧ ح ٦٨٨٣، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٢٦١ ح ٣٠٦٥، السنن الكبرى للنسائي: ج ٤ ص ٤١٢ ح ٧٧٣١، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٤٠ ح ١٤٣٢٠، صحيح ابن حبان: ج ١٦ ص ٢٠٣ ح ٧٢٢٠.

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیوسته می گفت: پناه می برم به عزّت تویی که معبودی جز تو نیست؛ همو که هرگز نمی میرد، در حالی که جن و انس می میرند!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! پناه می برم به روشنایی قُدست، و شگرفی پاکی ات، و افزونی شکوهت، از هر بیماری و معلولیتی، و از در آمدن بلاهای شب و روز بر من، مگر آنچه برای خیر درآید....

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! ... من، به روشنایی رویت که تاریکی ها از آن، روشن شد و کار دنیا و آخرت، با آن ساز آمد، پناه می برم از این که خشم را بر من، فرود آوری یا مورد ناخشنودی ات قرارم دهی. از تو پوزش می طلبم، چندان که خشنود شوی. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری تو.

صحیح البخاری به نقل از جابر بن عبد الله: چون این آیه فرود آمد: «بگو: او تواناست که از بالای سرتان، عذابی را بر شما فرستد»، پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: پناه می برم به سوی تو» و چون خداوند فرمود: «یا از زیر پاهایتان»، پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «پناه می برم به روی تو» و [چون] خداوند فرمود: «یا شما را، گروه گروه، به هم اندازد»، [\(۱\)](#) پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «این یکی، آسان تر است».

۱- شیخ طبرسی قدس سره می گوید: «یا شما را، گروه گروه، به هم اندازد»، یعنی شما را به گروه ها و فرقه هایی با گرایش ها و عقاید گوناگون، تقسیم کند، به طوری که گروه واحد و یک پارچه ای نباشید و اتحاد نداشته باشید. به قولی، منظور این است که شما را به خودتان، وا می گذارد و الطافش را که به آن ایمان دارید، از شما دریغ می دارد و این محرومیت از الطاف به سبب گناهان پیشین شماست. به قولی، مقصود این است که با افکندن عداوت و تعصّب میان شما، شما را به جان یکدیگر می اندازد. این قول از امام صادق علیه السلام روایت شده است.

الإمام عليّ عليه السلام: رَقِيَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَسَنًا وَحُسَيْنًا فَقَالَ: أُعِيدُكُمْ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ، وَأَسْمَائِهِ الْحُسْنَى كُلِّهَا عَامَّةً، مِنْ شَرِّ السَّامَةِ (١) وَالْهَامَةِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ عَيْنٍ لَامَةٍ، وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ. ثُمَّ التَفَّتِ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَيْنَا فَقَالَ: هَكَذَا كَانَ يُعَوِّذُ إِبْرَاهِيمُ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (٢)

عنه عليه السلام في حُطْبِهِ لَهُ: نَعُوذُ بِرَبِّ قَدِيرٍ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَصِيرٍ... عُدْتُ بِرَبِّ رَحِيمٍ مِنْ شَرِّ كُلِّ رَجِيمٍ. (٣)

الإمام زين العابدين عليه السلام من دُعَاءِ لَهُ: ... فَإِنْ يَكُ ذَلِكَ يَا إِلَهِي مِنْ سَخَطِكَ عَلَيَّ، فَأَعُوذُ بِحِلْمِكَ مِنْ سَخَطِكَ. (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ، اللَّائِيذِ بِعَفْوِكَ، الْمُسْتَجِيرِ بِعِزِّ جَلَالِكَ، قَدْ رَأَى أَعْلَامَ قُدْرَتِكَ، فَأَرَاهُ آثَارَ رَحْمَتِكَ. (٥)

عنه عليه السلام لِأَبِي بَصِيرٍ: قُلْ أَعُوذُ بِعِزِّهِ اللَّهُ، وَأَعُوذُ بِقُدْرَتِهِ اللَّهُ، وَأَعُوذُ بِجَلَالِهِ اللَّهُ، وَأَعُوذُ بِعَظَمَتِهِ اللَّهُ، وَأَعُوذُ بِعَفْوِهِ اللَّهُ، وَأَعُوذُ بِمَغْفِرَتِهِ اللَّهُ، وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِهِ اللَّهُ، وَأَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَأَعُوذُ بِكَرَمِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَكُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَشَرِّ كُلِّ قَرِيبٍ أَوْ بَعِيدٍ أَوْ ضَعِيفٍ أَوْ شَدِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ وَالْعَامَةِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ، بَلِيلٍ أَوْ نَهَارٍ، وَمِنْ شَرِّ فُسَّاقِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ. (٦)

١- السَّامَةُ: مَا يُسْمُ وَلَا يُقْتَلُ، مِثْلُ الْعَقْرَبِ وَالزَّنْبُورِ وَنَحْوَهُمَا. وَالْجَمْعُ سَوَامٌ (النهاية: ج ٢ ص ٤٠٤ «سم»).

٢- الكافي: ج ٢ ص ٥٦٩ ح ٣ عن القَدَّاحِ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَدَّهُ الدَّاعِي: ص ٢٦٥ ح ٦، بحار الأنوار: ج ٤٣ ص ٣٠٦ ح ٦٧.

٣- المصباح للكفعمي: ص ٩٧٠، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٤٢؛ شرح نهج البلاغة: ج ١٩ ص ١٤٢ نحوه، كنز العمال: ج ١٦ ص ٢١٢ ح ٤٤٢٣٤.

٤- الدعوات: ص ١٧٦ ح ٤٩١، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٣٧ ح ١٩ نقلًا عن الكتاب العتيق الغروي.

٥- مَهَجُ الدَّعَوَاتِ: ص ٢٢٨ عَنِ الرَّبِيعِ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٧٨ ح ١.

٦- الكافي: ج ٢ ص ٥٦٩ ح ٢ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ وَص ٥٣٧ ح ٨ عَنِ مَعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ، طَبَّ الْأَثَمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: ص ١٢٠ عَنِ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ [أَوْ] الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ نَحْوَهُ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٢٧ ح ٩.

امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهما السلام را با این جملات، تعویذ کرد: «شما دو تن را در پناه کلمات تامّ خدا و همه نام های نیکوی او در آوردم، از گزند هر گزنده و خزنده زهرداری، و از گزند هر چشم بدی، و از گزند هر حسودی، آن گاه که حسادت ورزد. پیامبر صلی الله علیه و آله سپس رو به ما کرد و فرمود: «ابراهیم علیه السلام این چنین اسماعیل و اسحاق علیهما السلام را تعویذ می کرد».

امام علی علیه السلام در یکی از سخنرانی هایش: پناه می بریم به پروردگار توانا، از شرّ هر فرجامی! ... پناه بردم به پروردگار مهربان، از شرّ هر رانده شده ای [از درگاه الهی]!

امام زین العابدین علیه السلام در یکی از دعاهایش: ... معبود من! اگر این، از خشم و ناخشنودی تو بر من باشد، پس من از خشم تو به بردباری ات پناه می برم.

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! این، جایگاه کسی است که به تو پناهنده گشته و به بخشایش تو، پناه آورده است و از عزّت جلال تو، حمایت می طلبد. نشانه های قدرت تو را دیده است. پس تو نیز نشانه های مهربانی ات را به او بنمایان.

امام صادق علیه السلام به ابو بصیر: بگو: «پناه می برم به عزّت خدا! پناه می برم به توانایی خدا! پناه می برم به شکوه خدا! پناه می برم به بزرگی خدا! پناه می برم به گذشت خدا! پناه می برم به آمرزش خدا! پناه می برم به مهر خدا! پناه می برم به سلطنت خدایی که بر هر چیزی چیره و تواناست! پناه می برم به بزرگواری خدا! پناه می برم به تمامی خدا، از شرّ هر گردنکش خودکامه، و هر شیطان متمرد، و از شرّ هر نزدیک [و خویشی] یا دور [و بیگانه ای] یا ناتوانی یا نیرومندی، و از گزند گزندگان و خزندگان و همگان، و از گزند هر جنبنده ای کوچک یا بزرگ، در شب یا روز، و از گزند نابه کاران عرب و غیر عرب، و از گزند نابه کاران جنّ و انس!».

موسى عليه السلام لَمَّا وَقَفَ عَلَى فِرْعَوْنَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِخَيْرِكَ مِنْ شَرِّهِ ، وَأَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ مِنْ خَيْرِهِ . (١)

المصنّف لابن أبي شيبة عن زيد العمى: لَمَّا رَأَى يَوْسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَزِيْزَ (٢) مِصْرَ ، قَالَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ مِنْ خَيْرِهِ ، وَأَعُوذُ بِقُوَّتِكَ مِنْ شَرِّهِ . (٣)

٢ / ١٥ الاجتماع للإمام الصادق عليه السلام: مَا اجْتَمَعَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَصَاعِدًا ، إِلَّا حَضَرَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مِثْلُهُمْ ؛ فَإِنْ دَعَا بِخَيْرٍ أَمَّنُوا ، وَإِنْ اسْتَعَاذُوا مِنْ شَرٍّ دَعَا اللَّهُ لِيَصْرِفَهُ عَنْهُمْ ، وَإِنْ سَأَلُوا حَاجَةً تَشَفَّعُوا إِلَى اللَّهِ وَسَأَلُوهُ قَضَاهَا . (٤)

٢ / ٦ صِيغَةُ الْإِسْتِعَاذَةِ عَوَالِي اللَّالِي عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ: قَرَأْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ: أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ ، فَقَالَ لِي: يَا بَنَ أُمَّ عَبْدِ ، قُلْ: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» ، هَكَذَا أَقْرَأَنِيهِ جَبْرِئِيلُ . (٥)

١- مَهْجُ الدَّعَوَاتِ: ص ٣٧٠ .

٢- عَزِيْزُ كَأَمِيرٍ: الْمَلِكُ ؛ مَأْخُوذٌ مِنَ الْعِزِّ وَهُوَ الشَّدَّةُ وَالْقَهْرُ (تاج العروس: ج ٨ ص ١٠٥ «عزز»).

٣- المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ١٤٥ ح ١ ، الدعاء للطبراني: ص ٣٢٤ ح ١٠٦٢ ، تفسير القرطبي: ج ٩ ص ٢١١ ؛ مجمع البيان: ج ٥ ص ٣٧٠ ، بحار الأنوار: ج ١٢ ص ٢٩٤ نقلًا عن العرائس وفيها «بك» بدل «بقوتك» .

٤- الكافي: ج ٢ ص ١٨٧ ح ٦ عن غياث بن إبراهيم .

٥- عوالى اللالى: ج ٢ ص ٤٧ ح ١٢٤ ، مستدرک الوسائل: ج ٤ ص ٢٦٥ ح ٤٦٥٨ ؛ تفسير القرطبي: ج ١ ص ٨٧ نحوه .

۲ / ۵ گرد هم آمدن

۲ / ۶ عبارت پناه خواهی

موسی علیه السلام آن گاه که در برابر فرعون قرار گرفت: بار خدایا! از بدی او به خوبی تو پناه می برم و به خوبی خودت، خوبی او را از تو می طلبم.

المصنف، ابن ابی شیبیه به نقل از زید عمی: چون یوسف علیه السلام چشمش به عزیز (۱) مصر افتاد، گفت: «بار خدایا! به خوبی خودت، خوبی او را از تو می طلبم و از شر او، به نیروی تو پناه می برم».

۲ / ۵ گرد هم آمدن امام صادق علیه السلام: هیچ گاه سه مؤمن یا بیشتر، گرد هم نمی آیند، مگر این که به همان اندازه، از فرشتگان [در جمعشان] حاضر می شوند، و چون آن مؤمنان، دعای خیری کنند، فرشتگان، «آمین» می گویند، و اگر از شری [به خدا] پناه جویند، فرشتگان، دعا می کنند تا خدا، آن شر را از آنان بگرداند، و اگر حاجتی درخواست کنند، فرشتگان، نزد خداوند شفاعت می نمایند و برآورده شدن آن را از او می خواهند.

۲ / ۶ عبارت پناه خواهی العالی اللالی به نقل از عبد الله بن مسعود: نزد پیامبر خدا به قرائت پرداختم و گفتم: پناه می برم به خدای شنوای دانا! به من فرمود: «ای پسر امّ عبد! بگو: پناه می برم به خدا، از شیطان رانده شده! . جبرئیل علیه السلام این گونه به من خواندن آموخت .

۱- عزیز، یعنی پادشاه، و مأخوذ از «عزّ» است، به معنای نیرو و چیرگی .

تفسير العياشى عن سماعه عن الإمام الصادق عليه السلام فى قول الله: «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (١):
قُلْتُ: كَيْفَ أَقُولُ؟ قَالَ: تَقُولُ: «أَسْتَعِذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». (٢)

٢ / ٧ هَيْئَةُ الْإِسْتِعَاذِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ ، فَاسْأَلُوهُ بِبَاطِنِ الْكَفَّيْنِ ، وَإِذَا اسْتَعِذْتُمُوهُ ، فَاسْتَعِذُوهُ
بِظَاهِرِهِمَا . (٣)

مسند ابن حنبل عن خلاد بن السائب الأنصارى: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا سَأَلَ جَعَلَ بَاطِنَ كَفَّيْهِ إِلَيْهِ ، وَإِذَا اسْتَعَاذَ
جَعَلَ ظَاهِرَهُمَا إِلَيْهِ . (٤)

الإمام على عليه السلام: إِذَا سَأَلْتَ اللَّهَ فَاسْأَلْهُ بِبَطْنِ كَفِّكَ ، وَإِذَا تَعَوَّذْتَ فَبِظَهْرِ كَفِّكَ ، وَإِذَا دَعَوْتَ فَبِإِصْبَعَيْكَ . (٥)

الكافى عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الدُّعَاءِ وَرَفْعِ اليَدَيْنِ ، فَقَالَ: عَلَى أَرْبَعَةٍ أَوْجِهٍ: أَمَّا التَّعَوُّذُ
فَتَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ بِبَاطِنِ كَفِّكَ ، وَأَمَّا الدُّعَاءُ فِى الرِّزْقِ فَتَبْسِطُ كَفِّكَ وَتُفَضِّى بِبَاطِنِهِمَا إِلَى السَّمَاءِ ، وَأَمَّا التَّبَتُّلُ (٦) فَإِيْمَاءٌ
بِإِصْبَعَيْكَ السَّيَّئَةِ ، وَأَمَّا الْإِبْتِهَالُ (٧) فَرَفْعُ يَدَيْكَ تُجَاوِزُ بِهِمَا رَأْسَيْكَ ، وَدُعَاءُ التَّضَرُّعِ أَنْ تُحَرِّكَ إِصْبَعَكَ السَّيِّئَةَ مِمَّا يَلِى
وَجْهَكَ ، وَهُوَ دُعَاءُ الْخَيْفَةِ . (٨)

١- النحل: ٩٨ .

٢- تفسير العياشى: ج ٢ ص ٢٧٠ ح ٦٧ ، بحار الأنوار: ج ٦٣ ص ٢٥٥ ح ١٢٢ .

٣- الجعفریات: ص ٢٢٦ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ١٨٧ ح ٢ .

٤- مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٥٦٥ ح ١٦٥٦٤ ، كنز العمال: ج ٧ ص ٧٢ ح ١٨٠١٨ .

٥- قرب الإسناد: ص ١٤٥ ح ٥٢١ عن أبى البخترى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٣٧ ح

٢ .

٦- تَبَتَّلَ إِلَى الْعِبَادَةِ: تَفَرَّغَ لَهَا وَانْقَطَعَ (المصباح المنير: ص ٣٥ «بتل»).

٧- الْإِبْتِهَالُ: التَّضَرُّعُ وَالْمَبَالِغَةُ فِي السُّؤَالِ (النهاية: ج ١ ص ١٦٧ «بهل»).

٨- الكافى: ج ٢ ص ٤٨١ ح ٥ ، عدّه الداعى: ص ١٨٣ وفيه «على خمسه أوجه» بدل «على أربعه أوجه» ، مكارم الأخلاق: ج

٢ ص ١٥ ح ٢٠٢٧ عن هارون بن خارجه ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٣٩ ح ٨ .

۷ / ۲ چگونه پناه بردن

تفسیر العیاشی به نقل از سماعه امام صادق علیه السلام، در باره این سخن خداوند: «پس هر گاه قرآن قرائت کردی، از شیطان رانده شده به خدا پناه ببر»: [سماعه گوید: [گفتم: چگونه بگوییم؟ فرمود: «می گویی: پناه می برم به خدای شنوای دانا، از شیطان رانده شده!»].

۷ / ۲ چگونه پناه بردن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه از خدا درخواست کردید، با کف دست هایتان از او بخواهید و هر گاه از او پناه خواستید، با پشت دست هایتان از او پناه بخواهید.

مسند ابن حنبل به نقل از خلّاد بن سائب انصاری: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه [از خداوند] درخواست می کرد، کف دو دستش را به سوی او (به سمت آسمان) می کرد و هر گاه پناه می خواست، پشت دست هایش را به جانب او (به جانب آسمان) قرار می داد.

امام علی علیه السلام: هر گاه از خدا درخواست کردی، با کف دستانت از او درخواست کن و هر گاه پناه خواستی، با پشت دستانت پناه ببر و هر گاه دعا کردی، با [بلند کردن] دو انگشت، دعا کن.

الکافی به نقل از ابو بصیر: از امام صادق علیه السلام در باره دعا کردن و بالا بردن دست ها پرسیدم. فرمود: بر چهار گونه است: برای پناه بردن به خدا، کف دست هایت را به سوی قبله می کنی، برای دعا کردن جهت روزی، دستانت را می گشایی و کف آنها را به سوی آسمان می بری، برای تبّئ، (۱) با انگشت نشانه، اشاره می شود و برای ابتهال، (۲) دست هایت را بلند می کنی، به طوری که از سرت بگذرانی. دعای تضرّع هم این است که انگشت نشانه ات را در برابر صورتت حرکت می دهی، و این، دعای ترس است.

۱- عبارت «تبّئ إلى العباده» که در روایت آمده، یعنی با تمام وجود، به عبادت روی آورد و خود را وقف عبادت کرد.

۲- ابتهال، یعنی التماس و درخواست کردن و پافشاری بر آن، نیز چیزی را با زاری خواستن.

الكافي عن محمد بن مسلم وزراره: قُلْنَا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ الْمَسْأَلَةُ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؟ قَالَ: تَبَسُّطُ كَفِّكَ .
قُلْنَا: كَيْفَ الْإِسْتِعَاذَةُ؟ قَالَ: تُفْضَى بِكَفِّكَ . وَالتَّبْتُلُ الْإِيمَاءُ بِالْإِصْبَعِ ، وَالتَّضْرُّعُ تَحْرِيكُ الْإِصْبَعِ ، وَالْإِبْتِهَالُ أَنْ تَمِيدَ يَدَيْكَ
جَمِيعًا . (١)

راجع: نهج الدعاء: ص ٢١٨ (توضيح حول الأحوال المتناسبة للدعاء).

الكافی به نقل از محمد بن مسلم و زراره : به امام صادق علیه السلام گفتیم : درخواست کردن از خداوند تبارك و تعالی به چه نحو است؟ فرمود : «كفِ دستانت را می گشایی». گفتیم : پناه خواستن ، به چه نحو است؟ فرمود : «كفِ دستانت را به سوی آسمان می کنی . در تبّیل ، با انگشت ، اشاره می کنی ، در تضرّع ، انگشت [های دست هایت] را تکان می دهی و در ابتهال ، هر دو دستت را با هم می کشی» .

ر . ك : نهج الدعاء : ج ۱ ص ۴۰۷ (توضیحی در باره حالت های متناسب با نیایش) .

الفصل الثالث: بركات الاستعاذه ٣ / ١١ التَّحْصُنُ فِي حِصْنِ اللّهِرَسُولِ اللّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنَنِي بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَلَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ، فَمَازَا أَحَبَّبْتُهُ كُنْتُ سَمِعُهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصِيرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا، وَإِنْ سَأَلَنِي لِأَعْطَيْتُهُ، وَلَئِنْ اسْتَعَاذَنِي لِأُعِيدَنَّهُ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إلهي، مَنْ ذَا الَّذِي اسْتَصْرَحَكَ فَلَمْ تُصْرِخْهُ! إلهي، مَنْ الَّذِي اسْتَعْفَرَكَ فَلَمْ تَغْفِرْ لَهُ! إلهي، مَنْ الَّذِي اسْتَعَاذَ بِكَ فَلَمْ تُعِدَّهُ! (٢)

عنه صلى الله عليه وآله مِنْ دُعَاءِ عَلَمَةٍ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... وَأَنْتَ جَارٌ مِنْ لَدَى بَيْتِكَ وَتَضَرَّعَ إِلَيْكَ، عِصْمَةٌ مِنْ اعْتَصَمَ بِكَ. (٣)

-
- ١- صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٨٥ ح ٦١٣٧، السنن الكبرى: ج ٣ ص ٤٨٢ ح ٦٣٩٥ و ج ١٠ ص ٣٧٠ ح ٢٠٩٨٠، تفسير ابن كثير: ج ٤ ص ٥٠٨، تفسير القرطبي: ج ٦ ص ١٣٥ كلُّها عن أبي هريره، كنز العمال: ج ٧ ص ٧٧٠ ح ٢١٣٢٧.
 - ٢- بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٣٤٢ ح ٥٤ نقلاً عن اختيار ابن الباقي.
 - ٣- مُهَيِّجُ الدَّعَوَاتِ: ص ١٥٩ عن الحرث بن عمير عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٣٣٣ ح ٧١.

فصل سوم: برکت های پناه بردن به خدا

۳ / ۱ جای گرفتن در دژ خداوند

فصل سوم: برکت های پناه بردن به خدا ۳ / ۱ جای گرفتن در دژ خداوند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل فرمود: «هر که با دوست من ، دشمنی کند ، به او اعلان جنگ می دهم . بهترین وسیله تقرّب بنده ام به من ، چیزی است که بر او واجب ساخته ام . بنده ام از طریق نافله ها ، پیوسته به من نزدیک می شود تا آن جا که دوستدار او می شوم ، و چون دوستدار [و عاشقش] شدم ، گوش او می شوم که با آن می شنود ، و چشم او که با آن می بیند ، و دست او که با آن کار می کند و پایش که با آن راه می رود . (۱) اگر از من بخواهد ، حتما به او می دهم و اگر از من پناه بخواهد ، بی گمان ، پناهش می دهم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مناجات : معبود من! کیست که از تو فریاد خواسته باشد و تو به فریادش نرسیده باشی؟! معبود من! کیست که از تو آمرزش خواسته باشد و تو او را نیامرزیده باشی؟! معبود من! کیست که از تو پناه خواسته باشد و تو پناهش نداده باشی!؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی که آن را به امام علی علیه السلام آموخت : ... آن که به تو پناه آورد و به درگاه تو زاری کند ، تو از او حمایت می کنی ، و آن که دست به دامن تو شود ، تو نگهدار اوئی .

۱- . یعنی : من ، همه چیز او می شوم و عشق به من ، تمام وجود او را فرا می گیرد و همه حرکات و سکناتش خدایی می شود

عنه صلى الله عليه و آله فَقَصَى اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ أَنَّهُ مَنْ آمَنَ بِهِ هَدَاهُ ... وَمَنِ التَّجَأَ إِلَيْهِ آوَاهُ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله فى دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ : يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ ، يَا ظَهَرَ اللَّاجِئِينَ ، يَا مُدْرِكَ الْهَارِبِينَ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله مِمَّا اسْتَعَاذَ بِهِ فى يَوْمِ وادى الْقُرَى : لَا يَزِيدُ مَنْ اعْتَمَدَ عَلَيْكَ ، وَلَا يُضَامُّ (٣) مَنْ لَجَأَ إِلَيْكَ ، وَلَا يَفْتَقِرُ سَائِلُكَ . (٤)

الإمام على عليه السلام مِنْ دُعَاءِ كَانَ يَدْعُو بِهِ بَعْدَ الْفَجْرِ وَفِي الْمُهَيَّمَاتِ : يَا يَدَ الْوَائِقِينَ ، يَا ظَهَرَ اللَّاجِينَ ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ ، وَيَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ . (٥)

عنه عليه السلام : إِنَّ لِقَمَانَ الْحَكِيمِ قَالَ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ : يَا بَنِيَّ مَنْ أَلْدَى ابْتَغَى اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ فَلَمْ يَجِدْهُ ؟! وَمَنْ ذَا الَّذِي لَجَأَ إِلَى اللَّهِ فَلَمْ يُدَافِعْ عَنْهُ ؟! (٦)

عنه عليه السلام فى حِرْزٍ لَهُ : رَبِّ وَأَعِزَّنِي بِعِيَاذِكَ ، بِكَ امْتَنَعَ (٧) عَائِدُكَ . (٨)

عنه عليه السلام فى حِجَابِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَمِنْ مَنْ اسْتَجَارَ بِاللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (٩)

- ١- مستدرک الوسائل : ج ١١ ص ٢١٨ ح ١٢٧٩٢ نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
- ٢- المصباح للكفعمى : ص ٣٤٤ ، البلد الأمين : ص ٤٠٨ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٣٩٣ .
- ٣- الضَّيْمُ : الظُّلْمُ ، وَضَامُهُ حَقُّهُ ضَيْمًا : نَقَصَهُ إِيَّاهُ (لسان العرب : ج ١٢ ص ٧٣٥٩ «ضيم»).
- ٤- مُهْجَ الدَّعَوَاتِ : ص ١٠٠ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٢١٨ ح ١٧ .
- ٥- البلد الأمين : ص ٣٦١ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٣٣٥ ح ٧٢ وراجع مصباح المتهجد : ص ٥٤٤ ح ٦٣٢ والإقبال : ج ١ ص ٩٢ والمصنّف لابن أبى شيبه : ج ٧ ص ٨٥ ح ٨ وتاريخ دمشق : ج ٣٤ ص ٣٨٥ .
- ٦- كنز الفوائد : ج ٢ ص ٦٨ ، بحار الأنوار : ج ١٣ ص ٤٣٣ ح ٢٥ وفيه عن أبى ذرّ عن رسول الله صلى الله عليه و آله .
- ٧- المانع : من صفات الله تعالى ، والمعنى أنه تبارك وتعالى يمنع أهل دينه وينصرهم ؛ إذ لا مَنَعَةَ لِمَنْ لَمْ يَمْنَعَهُ اللَّهُ ، وَلَا يَمْتَنِعُ مَنْ لَمْ يَكُنْ اللَّهُ لَهُ مَانِعًا (لسان العرب : ج ٨ ص ٣٤٣ «منع»).
- ٨- مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٢٩٤ ح ٢٦٥٢ ، مُهْجَ الدَّعَوَاتِ : ص ٤٠ عن الفضل بن الربيع عن الإمام الكاظم عليه السلام وفيه «فبعيذك» بدل «بك» ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٩٥ .
- ٩- مُهْجَ الدَّعَوَاتِ : ص ٣٥٥ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٣٧٣ ح ١ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، وظیفه خود قرار داده است که هر کس را به او ایمان آورد ، هدایت کند ... و هر کس را به او پناه ببرد ، پناه دهد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای جوشن کبیر : ای مقصد نهایی جویندگان ، ای پشتیبان پناهندگان ، ای گیرنده گریختگان !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی که در حادثه وادی القُری ، با آن ، خود را در پناه خدا درآورد : آن که به تو تکیه کند ، خوار نگردد ، و آن که به تو پناه آورد ، ستم نبیند ، و درخواست کننده از تو ، فقیر نشود .

امام علی علیه السلام در دعایی که بعد از نماز صبح [یا : بعد از سپیده] و در گرفتاری ها ، آن را می خواند : ای دست اعتماد کنندگان ، ای پشت پناهندگان ، ای کمک کمک خواهان ، و ای پناه پناهجویان !

امام علی علیه السلام : لقمان حکیم در اندرز به فرزندش گفت : «پسرم ! کیست که خدای را جست و نیافت؟! و کیست که به خدا پناه بُرد و خدا از او دفاع نکرد؟!» .

امام علی علیه السلام در یکی از حُرزهایش : پروردگارا! مرا در پناهگاهت پناه ده ، که پناهنده تو ، در حمایت توست .

امام علی علیه السلام در تعویذش : کسی که از خدا پناه جوید ، در امان است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا .

عنه عليه السلام من دُعَاءٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ وَتُزُولِ الْحَوَادِثِ : لَا تَقْرَعُ (١) الْقَوَارِعُ (٢) مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعْقِلِ (٣) الْإِنْتِصَارِ بِكَ . (٤)

الإمام زين العابدين عليه السلام من دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَوْقِفِ : يَا ... ظَهَرَ اللَّاجِئِينَ ، وَجَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ ، وَطَالِبِ الْغَادِرِينَ . (٥)

عنه عليه السلام فِي دُعَاءٍ لَهُ : يَا مَنْ قَصَيْدَهُ الضَّالُّونَ فَأَصَابُوهُ مُرْشِدًا ، وَأُمَّهُ الْخَائِفُونَ فَوَجَدُوهُ مَعْقِلًا ، وَلَجَأَ إِلَيْهِ الْعَائِدُونَ (٦) فَوَجَدُوهُ مَوْثِلًا (٧) . (٨)

عنه عليه السلام من دُعَاءٍ لَهُ فِي دَفْعِ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ : نَادَيْتَكَ يَا إِلَهِي مُسْتَغِيثًا بِكَ ، وَاثِقًا بِشِرْعِهِ إِجَابَتِكَ ، عَالِمًا أَنَّهُ لَا يُضْطَهَدُ مَنْ أَوَى إِلَى ظِلِّ كَنْفِكَ (٩) ، وَلَا يَفْرَعُ مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعْقِلِ إِنْتِصَارِكَ ، فَحَصَّنْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ . (١٠)

عنه عليه السلام فِي مُنَاجَاةٍ لَهُ : سَيِّدِي ... أَعْلَمُ أَنَّكَ لَا تَكِلُ اللَّاجِئِينَ إِلَيْكَ إِلَى غَيْرِكَ ، وَلَا تُخْلِي الرَّاجِينَ لِحُسْنِ تَطَوُّلِكَ مِنْ نَوَافِلِ بِرِّكَ . (١١)

- ١- في المصدر : «يقرع» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- ٢- قَرَعَهُ أَمْرٌ : إِذَا أَتَاهُ فِجَاءً ، وَجَمَعَهَا : قَوَارِعُ (النهاية : ج ٤ ص ٤٥ «قرع»).
- ٣- المَعْقِلُ : الْحُصُونُ ، وَاحِدُهَا مَعْقِلٌ (النهاية : ج ٣ ص ٢٨١ «عقل»).
- ٤- مُهْجَ الدَّعَوَاتِ : ص ١٦٢ ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٢٦٠ ح ٣٣ .
- ٥- مصباح المتهجد : ص ٦٩١ ح ٧٧١ ، المزار للمفيد : ص ١٥٥ ، الإقبال : ج ٢ ص ١٠٤ ، المصباح للكفعمي : ص ٨٧٩ ، المزار الكبير : ص ٤٤٧ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٢٢٩ .
- ٦- في بعض نسخ المصدر الخطية : «العائدون» كما أشار إليه في هامش المصدر ، وفي فتح الأبواب وبحار الأنوار : «العابدون» .
- ٧- المَوْثِلُ : الْمَلْجَأُ (الصحاح : ج ٥ ص ١٨٣٨ «وأل»).
- ٨- الخرائج والجرائح : ج ١ ص ٢٦٦ ح ٩ ، المناقب لابن شهر آشوب : ج ٤ ص ١٤٢ ، فتح الأبواب : ص ٢٤٧ نحوه وكلها عن حماد بن حبيب الكوفي ، بحار الأنوار : ج ٤٦ ص ٤٠ .
- ٩- كَنَفُ اللَّهِ : حِرْزُهُ وَسِتْرُهُ (تاج العروس : ج ١٢ ص ٤٦٦ «كف»).
- ١٠- الصحيفه السجادية : ص ٢١٣ الدعاء ٤٩ ، الأملالي للمفيد : ص ٢٤١ ح ٣ ، الأملالي للطوسي : ص ١٦ ح ١٩ كلاهما عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام ، مُهْجَ الدَّعَوَاتِ : ص ٢٠٢ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٣٢١ .
- ١١- بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٧١ ح ٢٢ نقلًا عن كتاب أنيس العابدين .

امام علی علیه السلام در دعایی برای هنگام سختی ها و هجوم حوادث: کسی که به دژ یاری خواهی از تو پناه آورد، بلاهای ناگهانی، او را در هم نمی کوبند.

امام زین العابدین علیه السلام در دعایی در موقوف (عرفات): ای ... پشتیبان پناهندگان، و حامی حمایت خواهان، و تعقیب کننده پیمان شکنان!

امام زین العابدین علیه السلام در دعا: ای آن که گم راهان سوی او شدند و او را راه نما یافتند، بیمناکان آهنگ کوی او کردند و او را قلعه استوار یافتند و بازگشتگان، به او پناه بردند و او را پناهگاه یافتند!

امام زین العابدین علیه السلام در دعا برای دفع نیرنگ دشمنان: تو را خواندم ای معبود من! و از تو یاری خواستم، و اطمینان داشتم که زود اجابت می کنی و دانستم که هر کس به سایه حمایت تو پناه آورد، به او ستم نخواهد شد و آن که به دژ یاری خواهی از تو پناه برد، هراسی به او راه نخواهد یافت، پس به قدرت خود، مرا از آسیب او (دشمن) مصون داشتی.

امام زین العابدین علیه السلام در مناجات: آقای من! ... می دانم که تو پناهندگان به درگاہت را به غیر خود وا نمی گذاری، و امیدواران به حسن بخشش را از فزونی های احسانت بی بهره نمی داری.

عنه عليه السلام: إلهي ومولاي وغايه رجائي ، أشرقت من عرشك على أرضيك وملائكتك وسكان سماواتك ، وقد انقطعت الأصوات وسكنت الحركات ، والأحياء في المضاجع كالأموات ، فوجدت عبادك في شتى الحالات : فمنه (١) خائف لجاجاً إليك فآمنتته ، وميذب دعاك للمغفره فأجبتته ، وراقد استودعك نفسه فحفظته ، وضال استرشدك فأرشدته ، ومسافر لاذ بكفك فأوتيته ، وذو (٢) حاجه ناداك لها فلبيتته ، وناسك (٣) أفنى بذكرك ليله فأحظيته (٤) وبالفوز جازيته ، وجاهل ضل عن الرشد وعول على الجلد (٥) من نفسه فخلتته . (٦)

الإمام الصادق عليه السلام من دعاء له في القنوت : يا مامن الخائف ، وكهف اللاهف ، وجنة العائذ ، وغوث اللائذ ، خاب من اعتمد سواك ، وخسر من لجأ إلى دونك . (٧)

الكافي عن عبد الله بن أبان : دخلنا على أبي عبد الله عليه السلام فسألنا : أيكم أريد عنده علم عمي زيد بن علي ؟ فقال رجل من القوم : أنا عندي علم من علم عمك ؛ كنا عنده ذات ليله في دار معاوية بن إسحاق الأنصاري إذ قال : انطلقوا بنا نصلي في مسجد السهله . فقال أبو عبد الله عليه السلام : وفعل ؟ فقال : لا ، جاءه أمر فشغله عن الذهاب . فقال عليه السلام : أما والله لو أعاد (٨) الله به حولا لأعاده . (٩)

- ١- كذا في المصدر ، والصواب : «فمنهم» .
- ٢- في المصدر : «وذى حاجه» ، والصواب ما أثبتناه .
- ٣- التُّسْك والتُّسْك : الطاعه والعباده (النهايه : ج ٥ ص ٤٨ «نسك»).
- ٤- الحظوة : بلوغ المرام (مجمع البحرين : ج ١ ص ٤٢٥ «حظا»).
- ٥- الجلد : الصلابه والجلاده (لسان العرب : ج ٣ ص ١٢٥ «جلد»).
- ٦- بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٣٠ ح ١٩ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي .
- ٧- مَهج الدعوات : ص ٧٤ ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ٢١٩ .
- ٨- الإعاده بمعنى الاستعاذه ، كما تقول : أعوذ بالله (مرآه العقول : ج ١٥ ص ٤٩١) .
- ٩- الكافي : ج ٣ ص ٤٩٤ ح ١ ، المزار الكبير : ص ١٣٣ ح ٣ نحوه وفيه «لو استعاذ الله حولا لأعاده سنين» بدل «لو أعاد الله به حولا لأعاده» ، بحار الأنوار : ج ١١ ص ٥٧ ح ٥٨ وراجع قصص الأنبياء : ص ٧٩ ح ٦٢ .

امام زین العابدین علیه السلام: معبودا و سِروروا و ای فرجامین امید من! از فراز اورنگ خویش ، بر زمین هایت و فرشتگان و ساکنان آسمان تابدی ، و آواها خاموش شد و جنبش ها آرام گرفت و زندگان در بسترها چونان مردگان شدند ، و تو بندگانت را در حالات گونه گون یافتی : یکی را ترسانی که به تو پناه آورده ، پس او را ایمن داشتی ، دیگری را گنهکاری که برای آمرزش ، تو را خوانده ، پس اجابتش کردی ، دیگری را خفته ای که جان خویش را به تو سپرده ، پس او را نگهداری کردی ، دیگری را گم راهی که از تو راه نمایی خواسته ، پس راه نمایی اش کردی ، دیگری را مسافری که به سایه تو پناه آورد ، پس پناهش دادی ، دیگری را نیازمندی که از تو نیاز خواسته ، پس نیازش را برآوردی ، دیگری را عبادت پیشه ای که شب خود را به یاد تو سپری کرده ، پس او را کام روا ساختی و رستگاری را به او پاداش دادی ، و دیگری را نادانی که از راه به در رفته و بر قدرت خویش تکیه کرده ، پس او را به خود وانهادی .

امام صادق علیه السلام در دعا هنگام قنوت : ای مأمن ترسان ، و پناه غمناک ، و سپر پناهنده ، و کمک کننده حمایت خواه! ناکام شد آن که به غیر تو تکیه کرد ، و زیان کرد آن که به جز تو پناه برد .

الکافی به نقل از عبدالله بن ابان : خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم . از ما پرسید : «آیا در میان شما کسی هست که در باره عمویم زید بن علی ، مطلبی بداند؟» . مردی از میان جمع گفت : من از عموی شما مطلبی می دانم . شبی در خانه معاویه بن اسحاق انصاری ، نزد زید بودیم که گفت : برویم در مسجد سهله نماز بگذاریم . امام صادق علیه السلام فرمود : «این کار را کرد؟» . مرد گفت : خیر ، کاری برایش پیش آمد که او را از رفتن بازداشت . فرمود : «به خدا سوگند که اگر با آن [عمل] ، یک سال هم از خدا پناه خواسته بود ، به او پناه می داد» . (۱)

۱- یعنی : اگر به آن مسجد رفته بود و نماز می خواند و در آن جا از خداوند به مدت یک سال پناه می خواست ، خداوند ، او را پناه می داد و به شهادت نمی رسید . م .

الإمام الهادى عليه السلام فى قُنُوتِهِ : أَنْتَ اللَّهُمَّ بِالْمَرْصِدِ مِنَ الْمَكَارِ (١) ، اللَّهُمَّ وَغَيْرُ مُهْمَلٍ مَعَ الْإِمهَالِ ، وَاللَّاتِئِدُ بِكَ آمِنٌ ، وَالزَّاعِبُ إِلَيْكَ غَانِمٌ ، وَالْقَاصِدُ اللَّهُمَّ لِإِبَائِكَ سَالِمٌ . (٢)

عنه عليه السلام فى قُنُوتِهِ : يَا مَنْ دَعَاهُ الْمُضْطَرُونَ فَأَجَابَهُمْ ، وَلَجَأَ إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ فَأَمَّنَهُمْ . (٣)

٣ / ٢ التَّنَعُّمُ بِرَحْمَةِ اللَّهِ الْإِمَامِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الشَّاكِرُ لِلْمُطِيعِ لَهُ ، الْمُمْلَى لِلْمُشْرِكِ بِهِ ، الْقَرِيبُ مِمَّنْ دَعَاهُ عَلَى حَالِ بُعْدِهِ ، وَالْبَرُّ الرَّحِيمُ بِمَنْ لَجَأَ إِلَى ظِلِّهِ ، وَاعْتَصَمَ بِحَبْلِهِ . (٤)

عنه عليه السلام : إلهي ، إِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرَ مَجْهُولٍ ، وَمَنْ لَازَ بِكَ غَيْرَ مَخْذُولٍ ، وَمَنْ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ غَيْرَ مَمْلُولٍ . (٥) إلهي إِنَّ مَنْ انْتَهَجَ بِكَ لِمُسْتَنْيرٍ ، وَإِنَّ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ لِمُسْتَجِيرٍ ، وَقَدْ لُدَّتْ بِكَ يَا إلهي فَلَا تُحَيِّبْ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَلَا تَحْجُبْنِي عَنْ رَأْفَتِكَ . (٦)

١- المکر : احتیال فى خفيه ، والمکُرُّ : الخديعه والاحتیال ، ورجلٌ مکرٌّ : ما کُرُّ (لسان العرب : ج ٥ ص ١٨٣ «مکر»).

٢- مُهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص ٨٢ ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ٢٢٦ .

٣- مُهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص ٨٣ ، المصباح للكفعمي : ص ١٨٨ عن الإمام الجواد عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ٢٢٧ .

٤- البلد الأمين : ص ٩٣ ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ١٣٩ ح ٧ .

٥- فى المصدر : «مملوك» ، والتصويب من بحار الأنوار .

٦- الإقبال : ج ٣ ص ٢٩٨ عن الحسين بن خالويه ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٩٨ ح ١٢ .

۳ / ۲ بهره مند شدن از رحمت خدا

امام هادی علیه السلام در قنوتش: تو خداوندی در کمین نیرنگبازانی، و خدایا! با آن که مهلت می دهی، [آنان را] آرهای نمی کنی. آن که به تو پناه آورد، در امان است. آن که به تو علاقه داشته باشد، سود می برد و آن که خدایا آهنگ درگاه تو کند، در سلامت است.

امام هادی علیه السلام در قنوتش: ای کسی که درماندگان، او را خواندند و پاسخشان داد و بیمناکان، به او پناه بردند و در امانشان داشت.

۳ / ۲ بهره مند شدن از رحمت خدا امام علی علیه السلام: معبودی نیست جز خدایی که سپاس گزار فرمان بردار خویش است و به آن که بدو شرک ورزد، فرصت می دهد و به آن که او را در حال دوری اش بخواند، نزدیک است، و به آن که به سایه او پناه برد و به ریسمان او چنگ زند، دلسوز و مهربان است.

امام علی علیه السلام: معبود من! آن که به تو شناخته شود، ناشناخته نیست و آن که به تو پناه برد، بی یاری نمی ماند و آن که تو به او روی آوری، ملال آور نباشد. معبود من! آن که به واسطه تو، ره پوید، در روشنایی حرکت می کند و آن که به تو پناه آورد، در پناه است، و من به تو پناه آوردم ای معبود من!، پس امید مرا به رحمت، نوید مگردان و مرا از مهرورزی ات محروم مساز.

الإمام زين العابدين عليه السلام في الدعاء: يا راحم ربه (١) العليل ... أنت مجيب من دعا وراحم من لاذ بك وشكا ، أستعطفك علي ، وأطلب رحمتك لفاقتي ، فقد غلبت الأمور قلبه حيلتي . (٢)

عنه عليه السلام في الدعاء: يا خير من رجاء الزاجون ، وأرأف من لجأ إليه اللاجون ، وأكرم من قصده المحتاجون ، ارحمني إذا انقطع معلوم عمري . (٣)

مصباح الشريعة فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام: إذا علم الله عز وجل من قلبك صدق الالتجاء إليه ، نظر إليك بعين الرأفة والرحمة واللطف ، ووفقك لما يحب ويرضى . (٤)

الكافي عن علي بن عيسى رفعه ، قال: إن موسى عليه السلام نجاه الله تبارك وتعالى فقال له في مناجاته: يا موسى ، مر عبادي يدعونني على ما كان ، بعد أن يقروا لي أنني أرحم الراحمين ... فمن لجأ إليك وانصوى إليك من الخاطئين فقل: أهلاً وسهلاً ، يا رحب الفناء (٥) بفناء رب العالمين ، واستغفر لهم ، وكن لهم كأحداهم ، ولا تستطبل عليهم بما أنا أعطيتك فضله . (٦)

٣ / ٣ السلامه من الشيطان رسول الله صلى الله عليه وآله :تعوذوا بالله من الشيطان الرجيم ، فإن من تعوذ بالله منه أعاده الله ، وتعوذوا من همزاته (٧) ونفخاته ونفثاته (٨) . (٩)

- ١- الرنة: الصوت (الصحاح: ج ٥ ص ٢١٢٧ «رن»).
- ٢- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٢١ ح ١٩ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي .
- ٣- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٦١ ح ٢٢ نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .
- ٤- مصباح الشريعة: ص ٨٩ ، بحار الأنوار: ج ٨٣ ص ٣٧٤ ح ٤٠ .
- ٥- قد يُقرأ في بعض نسخ الحديث: «أرحب الفناء» والظاهر هو الأصح (هامش المصدر) . هذا وفي تحف العقول: «أرحب الفناء نزلت بفناء رب العالمين» .
- ٦- الكافي: ج ٨ ص ٤٨ ح ٨ ، تحف العقول: ص ٤٩٥ ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٨ ح ٧ .
- ٧- الهمز: الغمز والضغط والدفع والضرب ، وفسر النبي صلى الله عليه وآله و آله همز الشيطان بالموته ، أي: الجنون ؛ لأنه يحصل من نخسه وغمزه (القاموس المحيط: ج ٢ ص ١٩٦ «همز»).
- ٨- النَّفْثُ: شبه النفخ في الرقيه ولا ريق معه ، فإن كان معه ريق فهو الثقل (تاج العروس: ج ٣ ص ٢٧٢ «نفث»).
- ٩- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ٥٨٤ ح ٣٤٧ ، بحار الأنوار: ج ٦٣ ص ٢٠٤ ح ٢٩ .

۳ / ۳ ایمن ماندن از شیطان

امام زین العابدین علیه السلام در دعا: ای رحم کننده بر ناله بیمار! ... تو آن را که بخواندت، پاسخ می دهی و بر آن که به تو پناه آورد و شکوه کند، رحم می کنی. از تو می خواهم که بر من مهر بورزی، و تقاضا دارم که بر بینوایی ام رحم آوری؛ چرا که مشکلات، بر ناچیزی چاره گری من چیره گشته اند.

امام زین العابدین علیه السلام در دعا: ای بهترین کسی که امیدواران، به او امید بسته اند و [ای] دلسوزترین کسی که پناهجویان، به او پناه برده اند و [ای] آفاترین کسی که نیازمندان، آهنگ درگاه او کرده اند! در آن هنگام که رشته عمر من بگسلد، بر من رحم فرما.

مصباح الشریعه در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده است: هرگاه خداوند عز و جل بداند که از سویدای دل، به او پناهنده گشته ای، به دیده رأفت و مهربانی و لطف، به تو می نگرد و تو را به آنچه دوست دارد و می پسندد، توفیق می دهد.

الکافی به نقل از علی بن عیسی، در حدیثی که سند آن را به یکی از اهل بیت علیهم السلام رسانده است: خداوند تبارک و تعالی با موسی علیه السلام به نجوا سخن گفت و در نجوایش به او فرمود: «ای موسی! به بندگانم دستور بده، پس از این که اقرار کردند که من مهربان ترین مهربانانم، در هر حال [حتی با همه گناهان و خطاهایی که کرده اند]، مرا بخوانند ... پس هر کس از گنهکاران که به تو پناه آورد و دست به دامن تو شد، بگو: به فراخ ترین درگاه، درگاه پروردگار جهانیان، خوش آمدی، و برایشان آمرزش بخواه و با آنان، چونان یکی از خودشان باش و با آنچه برتری اش را من عطایت کرده ام، بر آنان برتری مفروش».

۳ / ۳ ایمن ماندن از شیطان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از اهریمن رانده شده، به خدا پناه ببرید؛ زیرا هر که از او به خدا پناه ببرد، خداوند او را در پناه می دارد. از فشارها و دمیدن ها و وسوسه های او، [به خدا] پناه ببرید.

عنه صلى الله عليه و آله : إِذَا لَعِنَ الشَّيْطَانُ قَالَ : لَعَنْتَ مَلْعُونًا ، وَإِذَا اسْتَعَدَّتْ اللَّهُ مِنْهُ قَالَ : كَسَرْتَ ظَهْرِي . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ تَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، ثُمَّ قَرَأَ آخِرَ سُورَةِ الْحَشْرِ ، بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَطْرُدُونَ عَنْهُ شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ ، إِنْ كَانَ لَيْلًا حَتَّى يُصْبِحَ ، وَإِنْ كَانَ نَهَارًا حَتَّى يُمَسِيَ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ اسْتَعَاذَ بِاللَّهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ ، وَكَلَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِ مَلَكًا يَذُبُّ (٣) عَنْهُ الشَّيْطَانَ ، كَمَا يَذُبُّ أَحَدُكُمْ الْغَرِيبَ مِنَ الْإِبِلِ عَنِ الْحَوْضِ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله : مَا مِنْ رَجُلٍ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي أَوَّلِ لَيْلِهِ وَأَوَّلِ نَهَارِهِ ، إِلَّا عَصَمَهُ اللَّهُ مِنْ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ : بِاسْمِ اللَّهِ ذِي الشَّانِ ، عَظِيمِ الْبُرْهَانِ ، شَدِيدِ السُّلْطَانِ ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ . (٥)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ : «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» أُجِيرَ مِنَ الشَّيْطَانِ حَتَّى يُمَسِيَ . (٦)

١- .كنز العمال : ج ١ ص ٤٨٦ ح ٢١٢٧ نقلًا عن الديلمي عن أبي هريره .

٢- .الدرّ المنثور : ج ٨ ص ١٢٢ نقلًا عن ابن مردويه عن أبي أمامه ؛ بحار الأنوار : ج ٩٢ ص ٣٠٩ ح ٣ .

٣- .الذَّبُّ : الْمَنْعُ وَالذَّفْعُ (الصحاح : ج ١ ص ١٢٦ «ذب»).

٤- .الفردوس : ج ٣ ص ٦٠٣ ح ٥٨٩٠ عن أنس ؛ مستدرک الوسائل : ج ٥ ص ٣٧٦ ح ٦١٣٥ نقلًا عن الشيخ أبي الفتوح الرازي في تفسيره نحوه .

٥- .تاريخ دمشق : ج ٤٠ ص ٢٦٨ ح ٨١٠٩ عن أبي الزبير بن العوام ، كنز العمال : ج ٢ ص ٢٢٥ ح ٣٨٦٢ .

٦- .كنز العمال : ج ٢ ص ١٦١ ح ٣٥٧٨ نقلًا عن ابن السني عن أنس .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه شیطان لعنت شود، می گوید: لعنت شده ای را لعنت کردی. هر گاه از او به خدا پناه ببری، می گوید: کمرم را شکستی.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس سه مرتبه از شیطان به خدا پناه ببرد و سپس پایان سوره حشر را بخواند، خداوند هفتاد هزار فرشته به سوی او می فرستد که اهریمنان انس و جن را از او می رانند؛ اگر شب باشد، تا صبح، و اگر روز باشد، تا شب [شیاطین را از او دور می کنند].

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در هر روز، ده بار به خدا پناه برد، خداوند تبارک و تعالی فرشته ای را بر او می گمارد که شیطان را از وی براند، همان گونه که هر یک از شما شتر بیگانه را از آبگیر دور می سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مردی نیست که در آغاز شب و آغاز روزش این دعا را بخواند، مگر آن که خداوند او را از اهریمن و لشکریانش مصون می دارد: «به نام خدایی که مقامش بلند، برهانش بزرگ و سلطنتش نیرومند است. آنچه خدا بخواهد، همان می شود. از شیطان به خدا پناه می برم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس که چون صبح کند، بگوید: «به خدای شنوای دانا پناه می برم از اهریمن رانده شده»، تا شب، از گزند شیطان در پناه خدا خواهد بود.

الإمام علي عليه السلام: مَنْ تَعَوَّذَ مِنَ الشَّيْطَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي دُبُرِ صِيْلَةِ الْعَدَاةِ ، بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكَ يَحْرُسَانِ بَيْتَهُ حَتَّى يُمَسِّيَ ، وَمَنْ قَالَهَا بَعْدَ الْمَغْرِبِ ، فَمِثْلُهَا حَتَّى يُصْبِحَ . (١)

تفسير الطبري عن يزيد بن قسيط: كَانَتِ الْأَنْبِيَاءُ لَهُمْ مَسَاجِدُ خَارِجَةٌ مِنْ قُرَاهِمُ ، فَإِذَا أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْبِيءَ رَبَّهُ عَنْ شَيْءٍ ، خَرَجَ إِلَى مَسْجِدِهِ فَصَلَّى مَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ، ثُمَّ سَأَلَ مَا بَدَأَ لَهُ ، فَبَيْنَمَا نَبِيُّ فِي مَسْجِدِهِ ، إِذْ جَاءَ عَدُوُّ اللَّهِ حَتَّى جَلَسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْقِبْلَةِ ، فَقَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» . فَقَالَ عَدُوُّ اللَّهِ : أَرَأَيْتَ الَّذِي تَعُوذُ مِنْهُ ، فَهُوَ هُوَ . فَقَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» ، فَرَدَّدَ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ . فَقَالَ عَدُوُّ اللَّهِ : أَخْبِرْنِي بِأَيِّ شَيْءٍ تَنْجُو مِنْهُ ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : بَلْ أَخْبِرْنِي بِأَيِّ شَيْءٍ تَغْلِبُ ابْنَ آدَمَ ؟ مَرَّتَيْنِ ، فَأَخَذَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا عَلَى صَاحِبِهِ . فَقَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ يَقُولُ : «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَنٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ» (٢) . قَالَ عَدُوُّ اللَّهِ : قَدْ سَمِعْتُ هَذَا قَبْلَ أَنْ تَوْلِدَ ! قَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ : «وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (٣) ، وَإِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْسَسْتُ بِكَ قَطُّ إِلَّا اسْتَعَذْتُ بِاللَّهِ مِنْكَ . فَقَالَ عَدُوُّ اللَّهِ : صَدَقْتَ ، بِهَذَا تَنْجُو مِنْهُ . فَقَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَأَخْبِرْنِي بِأَيِّ شَيْءٍ تَغْلِبُ ابْنَ آدَمَ ؟ قَالَ : آخُذُهُ عِنْدَ الْعَضْبِ ، وَعِنْدَ الْهَوَى . (٤)

١- كنز العمال: ج ٢ ص ٢٦١ ح ٣٩٧٣ نقلاً عن أبي عمرو الزاهد محمد بن عبد الواحد في فوائده .

٢- الحجر: ٤٢ .

٣- الأعراف: ٢٠٠ .

٤- تفسير الطبري: ج ٨ الجزء ١٤ ص ٣٤ ، تفسير ابن كثير: ج ٤ ص ٤٥٤ ، الدر المنثور: ج ٥ ص ٨٠ .

امام علی علیه السلام: هر کس در پی نماز صبح، ده بار از شیطان [به خدا] پناه برد، خداوند دو فرشته به سوی او می فرستد که تا شب، خانه او را پاسداری کنند، و هر کس بعد از نماز مغرب آن را بگوید، تا صبح این چنین است.

تفسیر الطبری به نقل از یزید بن قسیط: پیامبران در بیرون از آبادی های خود، مسجدهایی داشتند. هر گاه پیامبری می خواست از پروردگارش در باره چیزی خبر بگیرد، به مسجدش می رفت و نمازی را که خدا بر او نوشته [و واجب کرده] بود، به جای می آورد و سپس آنچه می خواست، درخواست می کرد. روزی پیامبری در مسجدش نشسته بود که دشمن خدا (شیطان) آمد و میان او و قبله نشست. آن پیامبر علیه السلام گفت: «پناه می برم به خدا از شیطان رانده شده!». دشمن خدا گفت: آیا کسی را که از او [به خدا] پناه می بری، دیده ای؟ خود اوست. (خود من هستم). پیامبر علیه السلام گفت: «پناه می برم به خدا از شیطان لعین!» و سه بار آن را باز گفت. دشمن خدا گفت: به من بگو که با چه چیز، از من می رهی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله دو بار گفت: «نه، تو به من بگو که با چه چیزی، بر آدمیزاد چیره شوی؟». سپس هر یک از آن دو، با دیگری گلاویز شد. پیامبر علیه السلام گفت: «خدای بلند آوازه می فرماید: «تو را بر بندگان من، تسلطی نیست، مگر [بر] کسانی از گم راهان که تو را پیروی کنند»». دشمن خدا گفت: این را پیش از آن که تو به دنیا بیایی، شنیده ام! پیامبر علیه السلام گفت: «خدای بلند آوازه می فرماید: «و اگر از شیطان وسوسه ای به تو می رسد، به خدا پناه ببر؛ زیرا او شنوای داناست». به خدا سوگند که من هرگز وجود تو را احساس نکردم، مگر آن که از تو به خدا پناه جستم». دشمن خدا گفت: راست گفتمی، با همین [کارت]، از من می رهی. پیامبر علیه السلام گفت: «حال، تو به من بگو که چگونه بر آدمیزاد چیره می شوی؟». گفت: در هنگام خشم و در هنگام هوس، او را فرو می گیرم.

مصباح الشريعة فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام: إذا أتاك الشيطانُ مَوْسوساً لِيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ الْحَقِّ، وَيُنْسِيكَ ذِكْرَ اللَّهِ، فَاسْتَعِذْ مِنْهُ بِرَبِّكَ وَرَبِّهِ، فَإِنَّهُ يُؤَيِّدُ الْحَقَّ عَلَى الْبَاطِلِ، وَيَنْصُرُ الْمَظْلُومَ بِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَنٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (١)، وَلَنْ تَقْدِرَ عَلَى هَذَا وَمَعْرِفَةِ إِيَابِهِ وَمَذَاهِبِ وَسْوَئِهِ إِلَّا بِدَوَامِ الْمُرَاقَبَةِ وَالِاسْتِقَامَةِ عَلَى بَسَاطَةِ الْحِدْمَةِ، وَهَيْبَةِ الْمُطَّلَعِ، وَكَثْرَةِ الذِّكْرِ. وَأَمَّا الْمُهْمِلُ لِأَوَقَاتِهِ فَهُوَ صَيْدُ الشَّيْطَانِ، وَاعْتَبِرْ بِمَا فَعَلَ بِنَفْسِهِ مِنَ الْإِغْوَاءِ وَالِاسْتِكْبَارِ، حَيْثُ غَرَّهُ وَأَعَجَبَهُ عَمَلُهُ وَعِبَادَتُهُ وَبَصِيرَتُهُ وَجُرْأَتُهُ عَلَيْهِ، قَدْ أَوْرَثَتْهُ عَمَلُهُ وَمَعْرِفَتُهُ وَاسْتِدْلَالُهُ بِمَعْقُولِهِ اللَّعْنَةَ عَلَيْهِ إِلَى الْأَيْدِ، فَمَا ظَنُّكَ بِنَصِيحَتِهِ وَدَعْوَتِهِ غَيْرَهُ. فَاعْتَصِمِ بِحَبْلِ اللَّهِ الْأَوْثِقِ، وَهُوَ الْإِلْتِجَاءُ وَالِاضْطِرَارُ بِصَحَّةِ الْإِفْتِقَارِ إِلَى اللَّهِ فِي كُلِّ نَفْسٍ، وَلَا يُغَرِّتُكَ تَزْيِينُهُ الطَّاعَاتِ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ يَفْتَحُ لَكَ تِسْعَةَ وَتِسْعِينَ بَاباً مِنَ الْخَيْرِ، لِيُظْفَرَ بِكَ عِنْدَ تَمَامِ الْمِئَةِ، فَقَابِلُهُ بِالْخِلَافِ وَالصَّدِّ عَنِ سَبِيلِهِ، وَالْمُضَادَّةِ بِأَهْوَائِهِ. (٢)

راجع: ص ٢٨٢ (ما ينبغي الاستعاذه منه / الشيطان).

٣ / ٤ إغلاق أبواب المعصية الإمام الصادق عليه السلام: أغلقوا أبواب المعصية بالاستعاذه، وافتحوا أبواب الطاعة بالتسميه. (٣)

١- النحل: ٩٩.

٢- مصباح الشريعة: ص ٢٢٧، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ١٢٥ ح ٢.

٣- الدعوات: ص ٥٢ ح ١٣٠، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢١٦ ح ٢٤.

۳ / ۴ بستن درهای گناه و نافرمانی خدا

مصباح الشریعه در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده است: هر گاه شیطان وسوسه کنان به نزدت آمد تا تو را از راه حق به در برد و یاد خدا را فراموشت سازد، از او به پروردگار خودت و پروردگار او پناه ببر؛ زیرا او حق را در برابر باطل حمایت می کند و ستم دیده را یاری می رساند، که فرمود: «او را بر کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل می کنند، تسلطی نیست» و تو هرگز توان این کار (پناه بردن از شیطان به خدا) را نداری و نحوه آمدن او و راه های وسوسه اش را نمی شناسی، مگر با مراقبت همیشگی و ایستادگی بر بساط چاکری [خدا] و ترس از صحرای محشر، و بسیاری یاد [خدا]. اما آن که مراقب اوقاتش نباشد، شکار شیطان است. از آنچه شیطان بر اثر اغواگری و گردن فرازی با خود کرد، عبرت بگیر. آن جا که عمل او و عبادتش و بینشش و گستاخی اش او را فریفت و خودبینش کرد، عملش و معرفتش و استدلالات عقلی اش، او را تا ابد گرفتار لعنت کرد. حال [که او با خود چنین کرد،] در باره نصیحت و دعوت او نسبت به دیگران، چه خیال می کنی؟! پس به استوارترین ریسمان خدا چنگ بزن که همان پناه بردن به خداست و این که [بدانی] در هر دمی، به او نیازمندی و تو را از او گزیری نیست. زنهار که شیطان با زیبا جلوه دادن طاعات در نظر تو، فریبت ندهد؛ چرا که شیطان نود و نه در از خوبی را بر تو می گشاید تا در صدمین در، بر تو چیره گردد. پس با ناسازگاری و بستن راه بر شیطان و مخالفت با خواهش هایش، با او مقابله کن.

ر. ک: ص ۲۸۳ (چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد / شیطان).

۳ / ۴ بستن درهای گناه و نافرمانی خدا امام صادق علیه السلام: با پناه جستن [از خداوند]، درهای نافرمانی را ببندید و با بردن نام او، درهای فرمانبری را بگشاید.

٣ / ٥ الصَّيَانَةُ مِنْ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَرَادَهُ إِنْسَانٌ بِسُوءٍ ، فَأَرَادَ أَنْ يَحْجُزَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ ، فَلْيَقُلْ حِينَ يَرَاهُ : «أَعُوذُ بِحَوْلِ (١) اللَّهِ وَقُوَّتِهِ ، مِنْ حَوْلِ خَلْقِهِ وَقُوَّتِهِمْ ، وَأَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ» ، ثُمَّ يَقُولُ مَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (٢) ؛ صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ كَيْدَ كُلِّ كَائِدٍ ، وَمَكْرَ كُلِّ مَكْرٍ ، وَحَسَدَ كُلِّ حَاسِدٍ ، وَلَا يَقُولَنَّ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ إِلَّا فِي وَجْهِهِ ، فَإِنَّ اللَّهَ يَكْفِيهِ بِحَوْلِهِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله ليزيد بن أرقم ، في الاستعاذه من الأعداء : إن أردت ألا يصيبك شرهم ، ولا ينالك مكرهم ، فقل إذا أصبحت : «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم» ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يُعِيدُكَ مِنْ شَرِّهِمْ . (٤)

الأمان عن ابن عباس : قُلْتُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْلَةَ صَفَيْنَ : أَمَا تَرَى الْأَعْدَاءَ قَدْ أَحَدَقُوا بِنَا ؟ فَقَالَ : وَقَدْ رَاعَكَ هَذَا ؟ قُلْتُ : نَعَمْ . فَقَالَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَضَامَ فِي سَيْطَانِكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَفْتَقَرَ فِي غِنَاكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَضِيعَ فِي سَيِّئَاتِكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُغْلَبَ وَالْأَمْرُ لَكَ . أَقُولُ أَنَا : فَكَفَاهُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ أَمْرَهُمْ . (٥)

١- الحَوْلُ : الْحِيلَةُ وَالْقُوَّةُ (الصَّحَاحُ : ج ٤ ص ١٦٧٩ «حول»).

٢- التَّوْبَةُ : ١٢٩ .

٣- طَبَّ الْأَثَمَةَ لِابْنِي بَسْطَامَ : ص ١٢٢ عَنْ الشَّعْبِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٩٥ ص ٢٢٠ ح ١٨ .

٤- التَّفْسِيرُ الْمُنْسُوبُ إِلَى الْإِمَامِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ص ١٩ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٨٦ ص ٢٦٠ ح ٢٩ .

٥- الْأَمَانُ : ص ١٢٦ ، الْمَصْبَاحُ لِلْكَفَعْمِيِّ : ص ٤٠٢ ، مُهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص ١٣٤ وَلَيْسَ فِيهِمَا ذِيْلُهُ مِنْ «أَقُولُ ...» ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ :

ج ٧٦ ص ٢٥٩ ح ٥٢ .

۳ / ۵ مصون ماندن از توطئه دشمنان

۳ / ۵ مصون ماندن از توطئه دشمنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس که شخصی نسبت به او قصد بدی داشته باشد و او بخواهد که خداوند مانع [گزند رسانی] او شود، هر گاه چشمش به او افتاد، بگوید: «به نیرو و توان خدا پناه می برم از نیرو و توان مخلوق او، و به پروردگار سپیده دم پناه می برم از شر آنچه آفریده است». سپس همان چیزی را بگوید که خداوند عز و جل به پیامبرش صلی الله علیه و آله فرموده است: «پس اگر روی برتافتند، بگو: خداوند مرا بس است که هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است». [با گفتن این کلمات،] خداوند توطئه هر توطئه گر و نیرنگ هر نیرنگباز و بدخواهی هر بدخواهی را از او دور می سازد. این جملات را فقط باید در روی او بگوید؛ چرا که خداوند با نیروی خود، او را نگه می دارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به زید بن ارقم، در باره پناه بردن به خدا از دشمنان: اگر خواستی گزند آنان به تو نرسد و نیرنگشان در تو اثر نکند، هر گاه صبح کردی، بگو: «به خدا پناه می برم از شیطان رجیم». [در این صورت،] خداوند تو را از گزندشان در پناه خود می دارد.

الأمان به نقل از ابن عباس: در شب صفین، به امیر مؤمنان گفتم: نمی بینی که دشمنان، ما را در میان گرفته اند؟! فرمود: «این، تو را ترسانده است؟». گفتم: آری. گفت: «بار خدایا! به تو پناه می برم از این که با وجود قدرت تو، به من ستم شود. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که با وجود راه نمایی تو، گم راه شوم. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که با وجود توانگری تو، نیازمند شوم. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که با وجود سلامت تو، تباه شوم. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که اختیار و فرمان روایی با تو باشد و با این حال، من مغلوب شوم». من (راوی) می گویم: پس خداوند عز و جل او را در کار آنان کفایت فرمود [و شرشان را دفع کرد].

راجع : ص ٣٣٤ (ما ينبغي الاستعاذه منه / شر كل ذي شر / شر الأعداء) .

٣ / ٦ دَفَعِ الْبَلَاءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا بَلَاءٌ وَفِتْنَةٌ ، وَمَا نَجَا مَنْ نَجَا إِلَّا بِصِدْقِ الْإِلْتِجَاءِ . (١)

الإمام زين العابدين عليه السلام من دُعَائِهِ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ : وَإِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَانجِنِي مِنْهَا لِيُؤَادِيَ (٢) بِكَ ، وَإِذْ لَمْ تُقِمْنِي مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقِمْنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ . (٣)

٣ / ٧ كَظُمَ الْغَيْظُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَوْ يَقُولُ أَحَدُكُمْ إِذَا غَضِبَ «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» ذَهَبَ عَنْهُ غَضَبُهُ . (٤)

سنن الترمذى عن معاذ بن جبل : اسْتَبَّ رَجُلَانِ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى عُرِفَ الْغَضَبُ فِي وَجْهِ أَحَدِهِمَا . فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنِّي لَأَعْلَمُ كَلِمَةً لَوْ قَالَهَا لَذَهَبَ غَضَبُهُ : أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . (٥)

١- مصباح الشريعة : ص ١٦٨ ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ٣٢٦ ح ٢٠ .

٢- اللواذ : الالتجاء (المصباح المنير : ص ٥٦٠ «لوذ»).

٣- الصحيفة السجادية : ص ١٩٩ الدعاء ٤٧ ، الإقبال : ج ٢ ص ٩٩ ، المصباح للكفعمي : ص ٨٩٩ .

٤- المعجم الصغير : ج ٢ ص ٩١ ، تاريخ بغداد : ج ٣ ص ٣٩٩ كلاهما عن ابن مسعود ، كنز العمال : ج ٣ ص ٥٢٣ ح ٧٧٢٠
وص ٥١٩ ح ٧٦٩٢ نقلًا عن الكامل في ضعفاء الرجال عن أبي هريره نحوه ؛ الدعوات : ص ٥٢ ح ١٣٢ ، بحار الأنوار : ج ٩٥
ص ٣٣٩ ح ٢ .

٥- سنن الترمذى : ج ٥ ص ٥٠٤ ح ٣٤٥٢ ، سنن أبي داوود : ج ٤ ص ٢٤٨ ح ٤٧٨٠ ، السنن الكبرى للنسائي : ج ٦ ص ١٠٤ ح ١٠٢٢١ ، مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٢٥٩ ح ٢٢١٧٢ كلها نحوه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٨٢٧ ح ٨١٦٩ .

۳ / ۶ دفع بلا

۳ / ۷ فرو نشاندن خشم

ر. ک: ص ۳۳۵ (چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد / گزند دشمنان).

۳ / ۶ دفع بلا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از دنیا جز بلا و فتنه، چیزی باقی نماند، و هر که رهید، تنها با پناهنده شدن صادقانه [به خدا] رهید.

امام زین العابدین علیه السلام در دعای خود در روز عرفه: [خدایا!] هر گاه خواستی بر مردمی فتنه ای یا آسیبی برسانی، مرا در حالی که به تو پناه آورده ام، از آن رهایی ده، و همچنان که در دنیایت مرا در جایگاه رسوایی بر پانداشتی، در آخرت نیز در چنان جایگاهی برپایم مدار.

۳ / ۷ فرو نشاندن خشم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر یک از شما آن گاه که به خشم می آید، اگر بگوید: «به خدا پناه می برم از شیطانِ رانده شده»، خشمش از بین خواهد رفت.

سنن الترمذی به نقل از معاذ بن جبل: دو مرد در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله چندان به یکدیگر ناسزا گفتند که خشم در چهره یکی از آن دو نمایان شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من عبارتی را می شناسم که اگر گفته بود، خشمش فرو می نشست: پناه می برم به خدا از شیطانِ رانده شده».

صحيح البخارى عن سليمان بن سرد: كُنْتُ جَالِسًا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَجُلَانِ يَسْتَبَانِ ، فَأَحَدُهُمَا أَحْمَرٌ وَجْهُهُ وَانْتَفَخَتْ أوداجُهُ (١) ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنِّي لَأَعْلَمُ كَلِمَةً لَوْ قَالَهَا ذَهَبَ عَنْهُ مَا يَجِدُ ، لَوْ قَالَ : «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ» ذَهَبَ عَنْهُ مَا يَجِدُ . (٢)

٣ / ٨ ذَهَابُ الْخُزْنِ لِإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : دَعَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْهَرِيرِ (٣) حِينَ اشْتَدَّ عَلَى أَوْلِيَائِهِ الْأَمْرُ دُعَاءَ الْكَرْبِ ، مَنْ دَعَا بِهِ وَهُوَ فِي أَمْرٍ قَدْ كَرِبَهُ وَعَمَّهُ نَجَاةُ اللَّهِ مِنْهُ ، وَهُوَ : اللَّهُمَّ لَا تُحِبِّبْ إِلَيَّ مَا أَبْغَضْتَ ، وَلَا تُبْغِضْ إِلَيَّ مَا أَحْبَبْتَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَرْضَى سَخَطَكَ ، أَوْ أَسْخَطَ رِضَاكَ ، أَوْ أَرُدَّ قِضَاءَكَ ، أَوْ أَعْدُو قَوْلَكَ ، أَوْ أَنْصَحَ أَعْدَاءَكَ ، أَوْ أَعْدُو أَمْرَكَ فِيهِمْ ، اللَّهُمَّ مَا كَانَ مِنْ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْ رِضْوَانِكَ ، وَيُبَاعِدُنِي مِنْ سَخَطِكَ ، فَصَبِّرْنِي لَهُ وَاحْمِلْنِي عَلَيْهِ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (٤)

-
- ١- الأوداج : هى ما أحاط بالعنق من العروق التى يقطعها الذابح ، واحداها : وَدَج (النهاية : ج ٥ ص ١٦٥ «ودج»).
 - ٢- صحيح البخارى : ج ٣ ص ١١٩٥ ح ٣١٠٨ و ج ٥ ص ٢٢٦٧ ح ٥٧٦٤ ، صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٠١٥ ح ١١٠ ، السنن الكبرى للنسائى : ج ٦ ص ١٠٤ ح ١٠٢٢٥ ، الأدب المفرد : ص ٣٨١ ح ١٣١٩ كَلَّمَا نَحْوَهُ ، كنز العمال : ج ٣ ص ٥٢٣ ح ٧٧٢١
 - ٣- يومُ الْهَرِيرِ : يوم من أيام وقعه صفين بين عليّ عليه السلام ومعاوية (أنظر : موسوعه الإمام عليّ بن أبى طالب عليه السلام : ج ٦ ص ١٧٣ ١٨١ «أشدّ الأيام»).
 - ٤- مُهَجَّ الدَّعَوَاتِ : ص ١٢٨ عن مُحَمَّدِ بْنِ النِّعْمَانِ الْأَحْوَلِ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٢٣٧ ح ٩ .

۳ / ۸ رفع غم و اندوه

صحیح البخاری به نقل از سلیمان بن صُرَد: با پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودم که دو مرد به یکدیگر ناسزا می گفتند . چون یکی از آنها رخسارش سرخ شد و رگ های گردنش برآمد ، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «من گفته ای را می شناسم که اگر گفته بود ، عصبانیتش از بین می رفت . اگر گفته بود : از شیطان به خدا پناه می برم ، عصبانیتش از بین می رفت» .

۳ / ۸ رفع غم و اندوه امام صادق علیه السلام : آن گاه که کار بر یاران علی علیه السلام زار شد در روز هریر (۱) امیر مؤمنان دعای اندوه را خواند . هر کس وقتی مشکل برایش پیش آید که سبب غم و اندوهش شود ، این دعا را بخواند ، خداوند او را از آن می رهاند . آن دعا این است : «بار خدایا! آنچه را که تو ناپسند می داری ، محبوب من مگردان و آنچه را که تو می پسندی ، منفور من مساز . بار خدایا! به تو پناه می برم از این که ناخشنودی تو را بپسندم ، یا خشنودی تو را ناخوش بدارم ، یا قضای تو را نپذیرم ، یا گفته تو را فرو نهم ، (۲) یا با دشمنان تو دوستی ورزم ، یا از فرمان تو در باره آنان چشم بپوشم . بار خدایا! هر کرداری یا گفتاری که مرا به خشنودی تو نزدیک سازد و از خشم و ناخشنودی ات دور گرداند ، مرا بر آن شکیبیا ساز و به آن وا دار ، ای مهربان ترین مهربانان!» .

۱- از سخت ترین روزهای جنگ صفین که میان امام علی علیه السلام و معاویه در گرفت .

۲- یا : از گفته تو فراتر روم .

الإمام زين العابدين عليه السلام من دُعائه في التضرُّع والاستِكانَةِ: لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ، تَسْمَعُ مَنْ شَكَا إِلَيْكَ ، وتَلْقَى مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ ، وَتُخَلِّصُ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ ، وَتُفَرِّجُ عَمَّنْ لاذَ بِكَ . (١)

عنه عليه السلام ممَّا كانَ يَدْعُو بِهِ فِي أَسْحارِ شَهْرِ رَمَضانَ: سَيِّدِي فَبِمَنْ أَسْتَعِيثُ إِنْ لَمْ تُقَلِّني عَثْرَتِي! وإِلى (٢) مَنْ أَفْرَعُ إِنْ فَقَدْتُ عِنائَتَكَ فِي ضَجَعَتِي! وإِلى مَنْ أَلْتَجِيءُ إِنْ لَمْ تُنْفِئْ كُرْبَتِي! (٣)

٣ / ٩ دَفْعُ الأَمراضِ رسولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ما مِنْ مَرِيضٍ لَمْ يَحْضُرْ أَجْلُهُ ، تَعَوَّذَ بِهَذِهِ الكَلِماتِ ، إِلَّا خَفَّ عَنْهُ: «بِاسْمِ اللهِ العَظيمِ ، أَسأَلُ اللهُ العَظيمِ ، رَبَّ العَرشِ العَظيمِ ، أَنْ يَشْفِيَهُ» سَبْعَ مَرَّاتٍ . (٤)

عنه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: هؤُلاءِ الكَلِماتُ دَوَاءٌ مِنْ كُلِّ داءٍ: أَعوذُ بِكَلِماتِ اللهِ التَّامَّياتِ ، وَأَسْمائِهِ كُلِّها عَامَّةً ، مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالهاَمَةِ ، وَمِنْ شَرِّ العَيْنِ اللَّامَةِ (٥) ، وَمِنْ شَرِّ حاسِدٍ إِذا حَسَدَ ، وَمِنْ شَرِّ أَبِي قِترَةَ (٦) وما وَلَدَ . (٧)

- ١- .الصحيحه السجاديّه : ص ٢١٩ الدعاء ٥١ .
- ٢- .في المصدر : «فإلى» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- ٣- .مصباح المتهدّد : ص ٥٩٣ ح ٦٩١ ، الإقبال : ج ١ ص ١٧٠ كلاهما عن أبي حمزه الثمالي ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٩٠ .
- ٤- .كنز العمّال : ج ٩ ص ٢٠٩ ح ٢٥٦٩٥ نقلاً عن ابن النجار عن الإمام عليّ عليه السلام وراجع السنن الكبرى للنسائي : ج ٦ ص ٢٥٩ ح ١٠٨٨٣ والمستدرّك على الصحيحين : ج ٤ ص ٢٣٧ ح ٧٤٨٩ والمصنّف لابن أبي شيبة : ج ٥ ص ٤٤٣ ح ٥ ومكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٢٤٥ ح ٢٥٩٤ والدعوات : ص ٢٢٣ ح ٦١٣ .
- ٥- .العين اللّامه : المصيبة بسوءٍ ، أو هي كلّ ما يُخاف من فزعٍ وشَرٍّ (القاموس المحيط : ج ٤ ص ١٧٧ «لمم»).
- ٦- .في الخبر : «نعوذُ بالله من قِترَةَ وما وَلَدَ» هو اسم إبليس لعنه اللهُ (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٤٣٨ «قتر»).
- ٧- .المعجم الأوسط : ج ٦ ص ١٦٦ ح ٦٠٩٣ ، مسند أبي يعلى : ج ٣ ص ٣٥ ح ٢٤١٢ ، الفردوس : ج ٤ ص ٣٣٠ ح ٦٩٥٨ كلّها عن ابن عبّاس .

۳ / ۹ درمان بیماری ها

امام زین العابدین علیه السلام در دعا به قصد زاری و اظهار خواری در درگاه خدا گوش به فرمانم ، گوش به فرمانم! تو [صدای] هر که را به تو شکایت آورده ، می شنوی و هر که را به تو تو کمال کرده ، می پذیری و هر که را دست به دامن تو شده ، رهایی می بخشی و اندوه را از هر که به تو پناه آورده ، می زدایی .

امام زین العابدین علیه السلام در یکی از دعاهاى خود در سحرهای ماه رمضان : آقای من! اگر تو از لغزش من نگذری ، پس ، از که یاری بخوام؟! و اگر در هنگام افتادگی ام عنایت تو را از دست دهم ، پس به که پناه ببرم؟! و اگر تو غم و اندوه مرا نزدایی ، پس به چه کسی متوسل شوم!؟

۳ / ۹ درمان بیماری های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر بیماری که اجلش نرسیده باشد ، اگر هفت مرتبه با این جملات خود را تعویذ کند ، از بیماری اش کاسته می شود : «به نام خدای بزرگ ، از خدای بزرگ ، پروردگار عرش بزرگ ، درخواست می کنم که شفایش بخشد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : این کلمات ، داروی هر دردی است : «به کلمات تامّ خدا و همه نام های او جملگی ، پناه می برم از گزند خزندگان زهردار و بی زهر ، و از گزند چشم بد ، و از گزند هر حسودی آن گاه که حسد ورزد ، و از گزند ابو قتره (۱) و زاده هایش» .

۱- ابو قتره : نام ابلیس ملعون است (مجمع البحرین : ج ۳ ص ۱۴۳۸ «قتر»).

سنن ابن ماجه عن عثمان بن أبى العاص: قَدِمْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِى وَجَعٌ قَدِ كَادَ يُبْطِنُنِي ، فَقَالَ لِي النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اجْعَلْ يَدَكَ الْيَمْنَى عَلَيْهِ وَقُلْ : «بِاسْمِ اللهِ ، أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَقُدْرَتِهِ ، مِنْ شَرِّ مَا أُجِدُّ وَأُحَاذِرُ» سَبَّحَ مَرَّاتٍ . فَقُلْتُ ذَلِكَ ، فَشَفَانِي اللهُ . (١)

تاريخ بغداد عن عثمان بن عفان: مَرِضْتُ مَرَضًا وَكَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَعُوذُنِي ، فَعَوَّذَنِي يَوْمًا فَقَالَ : «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، أَعُوذُكَ بِالْأَحَدِ الصَّمَدِ (٢) ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ، مِنْ شَرِّ مَا تَجِدُ» ، فَبَرِئْتُ فَشَفَانِي اللهُ . فَلَمَّا شَفَانِي ، قَالَ لِي : يَا عُثْمَانُ تَعَوَّذْ بِهِنَّ ، فَمَا تَعَوَّذْتُمْ بِمِثْلِهِنَّ . (٣)

المعجم الأوسط عن عثمان: بَعَثَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفَدَا إِلَى الْيَمَنِ ، فَأَمَرَ عَلَيْهِمْ أَمِيرًا مِنْهُمْ وَهُوَ أَصْغَرُهُمْ ، فَمَكَثَ أَيَّامًا لَمْ يَسِرْ . فَلَقِيَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلًا مِنْهُمْ فَقَالَ : يَا فُلَانُ مَا لَكَ ، أَمَا انْطَلَقْتَ ؟ قَالَ : يَا رَسُولَ اللهِ ، أَمِيرُنَا يَشْتَكِي رِجْلَهُ . فَأَتَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذْ نَفَثَ عَلَيْهِ : «بِاسْمِ اللهِ وَبِاللَّهِ ، أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَقُدْرَتِهِ ، مِنْ شَرِّ مَا فِيهَا» سَبَّحَ مَرَّاتٍ ، فَبَرَأَ الرَّجُلُ . (٤)

سنن ابن ماجه عن عائشه: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَعَوَّذُ بِهَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ : أَذْهِبِ الْبَأْسَ رَبِّ النَّاسِ ، وَاشْفِ أَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ ، شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَيْقَمًا . فَلَمَّا ثَقُلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَرَضِهِ الَّذِي مَاتَ فِيهِ ، أَخَذَتْ بِيَدِهِ فَجَعَلَتْ أَمْسِيحُهُ وَأَقُولُهَا ، فَفَزَعَ يَدَهُ مِنْ يَدِي ثُمَّ قَالَ : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَالْحِقْنِي بِالرَّفِيقِ الْأَعْلَى . قَالَتْ : فَكَانَ هَذَا آخِرَ مَا سَمِعْتُ مِنْ كَلَامِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (٥)

- ١- .سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١١٦٤ ح ٣٥٢٢ ، المعجم الكبير: ج ٩ ص ٤٥ ح ٨٣٤١ ، الدعاء للطبراني: ص ٣٤٥ ح ١١٣٢ كلاهما نحوه ، المصنّف لابن أبى شيبة: ج ٥ ص ٤٤٤ ح ١٦ ، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ١٤٨ ح ٣٨٢ ، كنز العمال: ج ١٠ ص ٨٣ ح ٢٨٤٦٤ ؛ مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٤٥ ح ٢٥٩١ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٦ ح ١٦ .
- ٢- .الصَّمَدُ: الدائمُ الباقي ، وقيل: الذى يُصمد فى الحوائج إليه ؛ أى يُقصد (النهاية: ج ٣ ص ٥٢ «صمد»).
- ٣- .تاريخ بغداد: ج ١٣ ص ٢٨٦ ، الدعاء للطبراني: ص ٣٤٠ ح ١١٢١ و ١١٢٢ ، نوادر الأصول: ج ١ ص ٢٨٤ كلّها نحوه ، كنز العمال: ج ١٠ ص ١٠٠ ح ٢٨٥١٧ .
- ٤- .المعجم الأوسط: ج ٧ ص ١٥٠ ح ٧١٢٦ ، نوادر الأصول: ج ٢ ص ٢٣٩ ، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٨٦ ح ٤٠٢ .
- ٥- .سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٥١٧ ح ١٦١٩ ، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٢٩٦ ح ٢٤٢٣٧ ، المصنّف لابن أبى شيبة: ج ٥ ص ٤٤٢ ح ٣ و ج ٧ ص ٧٧ ح ١ ، الطبقات الكبرى: ج ٢ ص ٢١٠ ، كنز العمال: ج ٧ ص ٢٦٦ ح ١٨٨٣٥ .

سنن ابن ماجه به نقل از عثمان بن ابی العاص : خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم و چنان دردی داشتم که تقریباً مرا از کار انداخته بود . پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود : دست راست را روی آن [موضع درد] بگذار و هفت مرتبه بگو : «به نام خدا ، به عزّت و قدرت خدا پناه می برم از شرّ آنچه احساس می کنم و از آن حذر دارم» . من این را گفتم و خداوند شفایم داد .

تاریخ بغداد به نقل از عثمان بن عفّان : به مرضی دچار شدم و پیامبر خدا به عیادت می آمد . روزی مرا تعویذ کرد و فرمود : «به نام خدای مهر گستر مهربان! تو را از شرّ آنچه احساس می کنی ، در پناه یکتای بی نیاز در می آورم که نه زاده است و نه زاده کسی است و نه کسی همانند اوست» . پس بهبود یافتم و خداوند شفایم بخشید . پس از شفا یافتن ، به من فرمود : «ای عثمان! با این [دعا] خود را تعویذ کن که به چیزی مانند آن ، تعویذ نکرده اید» .

المعجم الاوسط به نقل از عثمان : پیامبر صلی الله علیه و آله هیأتی را مأمور رفتن به یمن کرد و یکی از آنها را که از همه کوچک تر بود ، سالارشان قرار داد . چند روزی گذشت و آن هیأت ره سپار نشدند . پیامبر صلی الله علیه و آله مردی از آنان را دید و فرمود : «فلانی! چه شده است ، چرا نرفتید؟» . گفت : ای پیامبر خدا! سالارمان دچار پا درد گشته است . پیامبر صلی الله علیه و آله نزد او رفت و هفت مرتبه این کلمات را خواند و بر او دمید : «به نام خدا و به یاری خدا ، به عزّت و قدرت خدا پناه می برم از شرّ آنچه در پای اوست» . پس آن مرد بهبود یافت .

سنن ابن ماجه به نقل از عایشه : پیامبر صلی الله علیه و آله با این جملات ، خود را تعویذ می کرد : «آسیب را برطرف فرما ای پروردگار مردم! و شفا ده که شفا دهنده تویی و هیچ شفایی جز شفای تو نیست ؛ شفایی که هیچ مرضی را بر جای نمی گذارد» . زمانی که حال پیامبر صلی الله علیه و آله در بیماری منتهی به مرگش وخیم شد ، من دست او را گرفتم و بر آن دست می کشیدم و این کلمات را می گفتم . ایشان دستش را از دست من کشید و فرمود : «بار خدایا! مرا بیامرز و به جمع برین (پیامبران) ملحقم فرما» . عایشه گفت : این ، آخرین سخنی بود که از ایشان شنیدم .

الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَصَابَهُ أَلَمٌ فِي جَسَدِهِ فَلْيَعُوذْ نَفْسَهُ ، وَلْيَقُلْ : «أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَى الْأَشْيَاءِ ، أَعِيذُ نَفْسِي بِجَبَّارِ السَّمَاءِ ، أَعِيذُ نَفْسِي بِمَنْ لَا يَضُرُّهُ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ ، أَعِيذُ نَفْسِي بِالَّذِي اسْمُهُ بَرَكَهٌ وَشِفَاءٌ» ؛ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِكَ لَمْ يَضُرَّهُ أَلَمٌ وَلَا دَاءٌ .
(١)

طَبَّ الْأَثَمَةَ لابْنِي بَسْطَامٍ عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ : شَكَوْتُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْمًا وَوَجَعًا فِي جَسَدِي ، فَقَالَ : إِذَا اشْتَكَيْتَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ : «بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ ، أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَى مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ» ؛ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِكَ ، صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ الْأَذَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى . (٢)

الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ اشْتَكَى رَأْسَهُ فَلْيَمْسَحْهُ بِيَدِهِ ، وَلْيَقُلْ : «أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ، وَمَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» سَبْعَ مَرَّاتٍ ؛ فَإِنَّهُ يُرْفَعُ عَنْهُ الْوَجَعُ . (٣)

طَبَّ الْأَثَمَةَ لابْنِي بَسْطَامٍ عَنِ يُونُسَ بْنِ زُبَيْرٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ : شَكَوْتُ إِلَيْهِ وَجَعًا فِي أُذُنِي ، فَقَالَ : ضَعْ يَدَكَ عَلَيْهِ وَقُلْ : «أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَالسَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» سَبْعَ مَرَّاتٍ ؛ فَإِنَّهُ يَبْرَأُ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى . (٤)

-
- ١- .طَبَّ الْأَثَمَةَ لابْنِي بَسْطَامٍ : ص ١٧ عَنِ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٩٥ ص ٥٣ ح ١٢ .
 - ٢- .طَبَّ الْأَثَمَةَ لابْنِي بَسْطَامٍ : ص ١٧ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٩٥ ص ٥٣ ح ١٣ .
 - ٣- .طَبَّ الْأَثَمَةَ لابْنِي بَسْطَامٍ : ص ١٨ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْقَصِيرِ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٩٥ ص ٥٤ ح ١٤ .
 - ٤- .طَبَّ الْأَثَمَةَ لابْنِي بَسْطَامٍ : ص ٢٢ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٩٥ ص ٦٠ ح ٣١ .

امام علی علیه السلام: هر کس به دردی در بدنش دچار شد، خود را تعویذ کند و بگوید: «به عزت خدا و توانایی او بر موجودات، پناه می برم. خودم را در پناه پادشاه آسمان در می آورم. خودم را در پناه کسی در می آورم که با وجود نام او، هیچ دردی زیان نمی زند. خودم را در پناه کسی در می آورم که نامش برکت و بهبود است». هر گاه این را بگوید، هیچ درد و مرضی به او آسیب نمی زند.

طَبِّ الاثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از حارث اعور، ابنا بسطام: از ناراحتی و دردی که در بدنم داشتم، به امیر مؤمنان شکایت کردم. فرمود: هر گاه یکی از شما دردی داشت، بگوید: «به نام خدا و به یاری خدا، و صلوات خدا بر پیامبر خدا و آل او باد. به عزت خدا و توانایی او بر آنچه بخواهد، پناه می برم از گزند آنچه احساس می کنم». چون این را گفت، خداوند رنج و گزند را از او دور می کند، ان شاء الله تعالی.

امام باقر علیه السلام: هر کس سرش درد کرد، دستش را بر سر خود بگذارد و هفت بار بگوید: «پناه می برم به خدایی که آنچه در خشکی و دریا است و آنچه در آسمان ها و زمین است، برای او آرام می گیرد، و او شنوای داناست». دردش برطرف می شود.

طَبِّ الاثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ابنا بسطام به نقل از یونس بن ظبیان: از دردی در گوش خود، به امام صادق علیه السلام شکایت کردم. فرمود: دستت را بر آن بگذار و هفت بار بگو: «پناه می برم به خدایی که آنچه در خشکی و دریا و آسمان ها و زمین است، برای او آرام می گیرد، و او شنوای داناست». پس به اذن خداوند بزرگ، بهبود می یابد.

طَبَّ الْأَثَمَةَ لابْنِي بَسْطَامٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ عَادَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ وَهُوَ شَاكٍ فَقَالَ لَهُ: «أُعِيدُكَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، رَبِّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ عَرِيقٍ نَفَّارٍ، وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ» فَكَانَ فِي أَجَلِهِ تَأْخِيرًا، إِلَّا خَفَّفَ اللَّهُ عَنْهُ. (١)

الكافي عن إبراهيم بن عبد الحميد عن رجل: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ وَجَعًا بِي، فَقَالَ: قُلْ: «بِاسْمِ اللَّهِ» ثُمَّ امْسِحْ يَدَكَ عَلَيْهِ وَقُلْ: «أَعُوذُ بِعِزِّهِ اللَّهُ، وَأَعُوذُ بِقُدْرَتِهِ اللَّهُ، وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِعَظَمَتِهِ اللَّهُ، وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ، مِنْ شَرِّ مَا أَحَدَرُ، وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي» تَقُولُهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ. قَالَ: فَفَعَلْتُ فَأَذْهَبَ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ بِهَا الْوَجَعُ عَنِّي. (٢)

طَبَّ الْأَثَمَةَ لابْنِي بَسْطَامٍ عَنْ دَاوُودِ الرَّقِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الْكَاسِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، لَا أزالُ أَجِدُ فِي رَأْسِي شَكَاةً، وَرُبَّمَا أَسْهَرْتَنِي وَشَغَلْتَنِي عَنِ الصَّلَاةِ بِاللَّيْلِ. قَالَ: يَا دَاوُودَ، إِذَا أَحْسَيْتَ بِشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ فَامْسِحْ يَدَكَ عَلَيْهِ، وَقُلْ: «أَعُوذُ بِاللَّهِ، وَأُعِيدُ نَفْسِي مِنْ جَمِيعِ مَا اعْتَرَانِي بِاسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ، وَكَلِمَاتِهِ التَّامَّاتِ، الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، أُعِيدُ نَفْسِي بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَبِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، اللَّهُمَّ بِحَقِّهِمْ عَلَيَّكَ، إِلَّا أَجْرْتَنِي مِنْ شَكَاتِي هَذِهِ»؛ فَإِنَّهَا لَا تَضُرُّكَ بَعْدُ. (٣)

طَبَّ الْأَثَمَةَ لابْنِي بَسْطَامٍ عَنْ خَالِدِ الْعَبْسِيِّ: عَلَّمَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذِهِ الْعُودَةَ، وَقَالَ: عَلَّمَهَا إِخْوَانُكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ فَإِنَّهَا لِكُلِّ أَلَمٍ، وَهِيَ: أُعِيدُ نَفْسِي بِرَبِّ الْأَرْضِ وَرَبِّ السَّمَاءِ، أُعِيدُ نَفْسِي بِالَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ، أُعِيدُ نَفْسِي بِالَّذِي يَأْتِيهِ بَرَكَهٌ وَشِفَاءٌ. (٤)

١- طَبَّ الْأَثَمَةَ لابْنِي بَسْطَامٍ: ص ١٢٠، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢٣ ح ١٠.

٢- الكافي: ج ٢ ص ٥٦٦ ح ٨، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٤١ ح ٢٥٨٢، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٥٠ ح ٢.

٣- طَبَّ الْأَثَمَةَ لابْنِي بَسْطَامٍ: ص ١٨، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٥٤ ح ١٧.

٤- طَبَّ الْأَثَمَةَ لابْنِي بَسْطَامٍ: ص ٤١، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٨ ح ٥.

طَبِّ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، ابنا بسطام به نقل از حرّیز از امام صادق از پدران بزرگوارش علیهم السلام : هر مؤمنی که به دیدار برادر مؤمن بیمار و دردمندش برود و به او بگوید : «تو را در پناه خدای بزرگ ، پروردگار عرش بزرگ ، در می آورم از گزند هر رگ برآمده ای ، و از گزند گرمای آتش» ، اگر اجل او هنوز نرسیده باشد ، خداوند بهبودش می بخشد .

الکافی به نقل از ابراهیم بن عبد الحمید ، از مردی : خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و از دردی که داشتم ، به ایشان شکوه کردم . فرمود : بگو : «به نام خدا» ، سپس دستت را بر آن [موضع درد] بگذار و بگو : «به عزّت خدا پناه می برم ، به قدرت خدا پناه می برم ، به شکوه خدا پناه می برم ، به بزرگی خدا پناه می برم ، به فراهم آوردن خدا پناه می برم ، به پیامبر خدا پناه می برم و به نام های خدا پناه می برم ، از گزند آنچه بیمناکم و از گزند آنچه بر جان خویش می هراسم» . این جملات را هفت بار می گویی . آن مرد گفت : من چنین کردم و خداوند عز و جل به واسطه این کلمات ، درد را از من برد .

طَبِّ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، ابنا بسطام به نقل از داود رقی : به امام کاظم علیه السلام گفتم : ای فرزند پیامبر خدا! پیوسته سرم درد می کند و گاه شب ها [از درد] نمی خوابم و مرا از نماز شب باز می دارد . فرمود : ای داوود! هر گاه احساس دردی کردی ، دستت را بر آن بگذار و بگو : «به خدا پناه می برم . خودم را از هر آنچه به سراغم می آید ، در پناه نام بزرگ خدا و کلمات تامّ او در می آورم ؛ کلماتی که هر نیکوکار و بدکاری را در میان گرفته اند . خودم را در پناه خدای عز و جل و پیامبر خدا که درود خدا بر او و بر خاندان پاک و نیکش باد در می آورم . بار خدایا! به حقّ ایشان بر خودت ، مرا از این دردم در پناه خویش بگیر» . دیگر آن درد ، تو را آزار نخواهد داد .

طَبِّ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، ابنا بسطام به نقل از خالد عبسی : امام رضا علیه السلام این تعویذ را به من آموخت و فرمود : آن را به برادران مؤمنت هم بیاموز ؛ زیرا شفای هر دردی است . آن تعویذ ، این است : «خویشتن را در پناه پروردگار زمین و پروردگار آسمان در می آورم . خویشتن را در پناه کسی در می آورم که با وجود نام او ، هیچ دردی زیان نمی زند . خویشتن را در پناه کسی در می آورم که نامش برکت و شفاست» .

راجع : ص ٤٥٤ (مواطن الاستعاذه / تلك الحالات / المرض) .

٣ / ١٠ دَفَعُ شَرَّ الْهَوَامِّ وَالِدَّوَابِّ وَالسَّبَاعِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ : «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ» (١) لَمْ يَضُرَّهُ عَقْرَبٌ حَتَّى يُمَسِيَ . وَمَنْ قَالَهَا حِينَ يُمَسِي لَمْ يَضُرَّهُ حَتَّى يُصْبِحَ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ : «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَبَرًّا وَذَرًّا» إِلَّا عُصِمَ مِنْ شَرِّ الثَّقَلَيْنِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ، وَإِنْ لُدِغَ لَمْ يَضُرَّهُ شَيْءٌ حَتَّى يُمَسِيَ ، وَإِنْ قَالَهَا حِينَ يُمَسِي كَانَ كَذَلِكَ حَتَّى يُصْبِحَ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا عَلِيُّ ، إِذَا رَأَيْتَ أَسَدًا وَاشْتَدَّ بِكَ الْأَمْرُ ، فَكَبِّرْ ثَلَاثًا وَقُلْ : اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَجَلُّ وَأَعْظَمُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ، وَأَكْبَرُ وَأَعَزُّ مِنْ خَلْقِهِ وَأَقْدَرُ ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأُحْذَرُ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ نَزَلَ مَنَزِلًا يَتَخَوَّفُ فِيهِ السَّبْعَ ، فَقَالَ : «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سَبْعٍ» إِلَّا آمَنَ مِنْ شَرِّ ذَلِكَ السَّبْعِ حَتَّى يَرْحَلَ مِنْ ذَلِكَ الْمَنَزِلِ ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى . (٥)

١- .زاد في كنز العمال وبعض نسخ المصدر : «ثلاث مرّات» .

٢- .مسند أبي حنيفة لأبي نعيم الأصبهاني : ص ٢٥٧ ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٦٧ ح ٣٦٠٠ نقلاً عن الكامل لابن عدى والإبانة لأبي نصر السجزي وكلاهما عن أبي هريره .

٣- .كنز العمال : ج ٢ ص ١٦٥ ح ٣٥٩٣ نقلاً عن أبي الشيخ عن عبد الرحمن بن عوف .

٤- .مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ١٥٢ ح ٢٣٧٣ عن الإمام عليّ عليه السلام ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص ٤٠٠ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ١٤٣ ح ٩ ؛ الفردوس : ج ٥ ص ٣٢٦ ح ٨٣٢٩ عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله .

٥- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٢٩٤ ح ٢٥٠٠ ، المحاسن : ج ٢ ص ١١٦ ح ١٣٢٠ عن عمر بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص ٤٠٠ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٢٤٧ ح ٣٨ .

۳ / ۱۰ دفع گزند گزندگان و جنبندگان و درندگان

ر. ک: ص ۴۵۵ (اوقات پناه بردن به خدا / بیماری).

۳ / ۱۰ دفع گزند گزندگان و جنبندگان و درندگان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس که صبح هنگام بگوید: «به کلمات تام خدا پناه می برم از شر آنچه آفریده است»، تا شب، کژدم او را نیش نمی زند، و هر کس که شبانگاه این جمله را بگوید، تا صبح کژدم به او گزندی نمی رساند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس که صبح هنگام بگوید: «به کلمات تام خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری، از آنها خارج نیست پناه می برم از شر آنچه آفرید و ساخت و پدید آورد»، تا شب از شر دو جماعت جن و انس مصون می ماند و اگر نیش زده شود، آسیبی به او نمی رسد. چنانچه هنگام شب این جملات را بگوید، تا صبح به همین سان [در امان] خواهد بود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام: ای علی! هر گاه به شیری برخوردی و کار بر تو دشوار آمد، سه تکبیر بگو و بگو: «خدا بزرگ تر و بشکوه تر و با عظمت تر از هر چیز است، و بزرگ تر و نیرومندتر و تواناتر از آفریدگان خویش است. به خدا پناه می برم از شر آنچه می ترسم و حذر می کنم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در منزلگاهی فرود آید که در آن جا بیم درنده داشته باشد و بگوید: «گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست. یگانه است و بی انباز. پادشاهی از آن اوست و ستایش اوراست. خوبی، همه در دست اوست و او بر هر چیز تواناست. بار خدایا! من از گزند هر درنده ای به تو پناه می آورم»، به خواست خدای بزرگ، از گزند آن درنده در امان می ماند تا وقتی از آن منزلگاه کوچ کند.

صحيح مسلم عن أبي هريره: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله، ما لقيت من عقربٍ لدغتنى البارحة! قال صلى الله عليه وآله: أما لو قلت حين أمسيت: «أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق» لم تضرك. (١)

الإمام علي عليه السلام: إذا لقيت السبع فقل: أعوذ برب دانيال (٢) والجُبِّ، من شر كل أسدٍ مستأيدٍ (٣). (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: أتى رسول الله صلى الله عليه وآله قوم يشكون العقارب وما يلقون منها، فقال: قولوا إذا أصبحتم وإذا أمسيتم: «أعوذ بكلمات الله التامات كلها، التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر، الذي لا يخفر (٥) جاره، من شر ما ذرأ، ومن شر ما برأ، ومن شر الشيطان وشركه، ومن شر كل دابٍ هو آخذ بناصيتها، إن ربي على صراطٍ مستقيم» سبع مرات. (٦)

- ١- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٨١ ح ٥٥، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١١٦٢ ح ٣٥١٨ نحوه، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١٥٢ ح ١٠٤٢٣، صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ٢٩٨ ح ١٠٢٠، كنز العمال: ج ٢ ص ١٥٧ ح ٣٥٦١ و ٣٥٦٢.
- ٢- كان دانيال محبوباً في الجب في زمن بخت نصر، وطرحت معه السباع فلم تدن منه (مرآة العقول: ج ١٢ ص ٤٤٠).
- ٣- يقال: أسدٌ واستأسد إذا اجتراً (النهاية: ج ١ ص ٤٨ «أسد»).
- ٤- الكافي: ج ٢ ص ٥٧١ ح ٩، عده الداعي: ص ٢٦٣ كلاهما عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن ج ٢ ص ١١٧ ح ١٣٢٢ عن ثوير بن أبي فاخته عن أبيه، الأمان: ص ١٣٠ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣٧٨ ح ٢١؛ كنز العمال: ج ٢ ص ٦٥٦ ح ٤٩٩٧ نقلاً عن الخرائطي نحوه.
- ٥- خفرت الرجل: إذا كنت له خفيراً؛ أي حامياً وكفياً. والخفاره: الدمام. وأخفرت الرجل: إذا نقضت عهده وذمامه؛ والهمزة فيه للإزالة، أي أزلت خفارته (النهاية: ج ٢ ص ٥٢ «خفر»).
- ٦- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٨٣ ح ٢٦٤٠، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٤٦ ح ١٦؛ تاريخ دمشق: ج ٥٠ ص ١٦٦ نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام.

صحیح مسلم به نقل از ابو هُرَیره: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! دیشب کژدمی مرا نیش زد و بیچاره ام کرد! پیامبر خدا فرمود: اگر زمانی که شب را آغاز کردی، گفته بودی: «به کلمات تامّ خدا پناه می برم از گزند آنچه آفریده است»، به تو گزند نمی زد.

امام علی علیه السلام: هر گاه به درنده ای برخوردی، بگو: «به خداوند دانیال و چاه، (۱) پناه می برم از گزند هر شیر ژیانی».

امام صادق علیه السلام: عده ای نزد پیامبر خدا آمدند و از گزند رسانی کژدم ها به خود، شکایت کردند. ایشان فرمود: هر صبح و شام، هفت مرتبه بگوئید: «به همه کلمات تامّ خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از حیطة آنها برون نیست، خدایی که هر کس به او پناه ببرد، امانش باطل شدنی نیست، پناه می برم از گزند آنچه آفرید، و از شرّ آنچه پدید آورد، و از شرّ شیطان و دام های او، و از شرّ هر جنبنده ای که مهار آن در دست خداست. راستی که پروردگار من، بر راهی راست است».

۱- بُخْتُ نَصْرَ بَرای از بین بردن جناب دانیال، دستور داد که او را در چاه شیران افکندند؛ اما شیرها به او نزدیک نشدند.

الإمام الباقر عليه السلام: عَوَّذَ نَفْسِيكَ مِنَ الْهَوَامِّ بِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، أَعُوذُ بِعِزِّهِ اللَّهُ ، أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ عَلَى مَا يَشَاءُ ، مِنْ شَرِّ كُلِّ هَامَّةٍ تَدْبُّ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . (١)

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ ، فَأَنَا ضَامِنٌ أَلَّا يُصِيبَهُ عَقْرَبٌ وَلَا هَامَّةٌ حَتَّى يُصْبِحَ : أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ ، الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ ، مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ ، وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتَيْهَا ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ فَاتَّهَيْتُ إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ . . . نُوْدِيْتُ : يَا مُحَمَّدُ . . . وَمَنْ خَافَ شَيْئًا مِمَّا فِي الْأَرْضِ مِنْ سَيْبٍ أَوْ هَامَّةٍ ، فَلْيَقُلْ فِي الْمَكَانِ الَّذِي يَخَافُ ذَلِكَ فِيهِ : « يَا ذَارِيٌّ مَا فِي الْأَرْضِ كُلِّهَا بِعِلْمِهِ ، بِعِلْمِكَ يَكُونُ مَا يَكُونُ مِمَّا ذَرَأَتْ ، لَكَ السُّلْطَانُ عَلَى مَا ذَرَأَتْ ، وَلَكَ السُّلْطَانُ الْقَاهِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ دُونَكَ ، يَا عَزِيزُ يَا مَنِيْعُ ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَبِقُدْرَتِكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَضُرُّ ، مِنْ سَيْبٍ أَوْ هَامَّةٍ أَوْ عَارِضٍ مِنْ سَائِرِ الدَّوَابِّ ، يَا خَالِقَهَا بِفِطْرَتِهِ ادْرَأَهَا عَنِّي ، وَاحْجِزْهَا وَلَا تُسَيِّطْهَا عَلَيَّ ، وَعَافِنِي مِنْ شَرِّهَا وَبَأْسَتِهَا ، يَا اللَّهُ ذَا الْعِلْمِ الْعَظِيمِ ، حُطِنِي بِحِفْظِكَ مِنْ مَخَاوِفِي يَا رَحِيمٌ » ، فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِكَ ، لَمْ تَضُرَّهُ دَوَابُّ الْأَرْضِ الَّتِي تُرَى وَالَّتِي لَا تُرَى . (٣)

١- طب الأئمة لابن بسطام: ص ١١٩ عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٤٣ ح ١١.

٢- تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١١٧ ح ٤٣٩، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٧١ ح ١٣٥٧ كلاهما عن سعد الإسكاف، الكافي: ج ٢ ص ٥٧٠ ح ٧ عن سعد الإسكاف مضمرا، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٤٧ ح ٢١١١، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٤٤ ح ١٥.

٣- البلد الأمين: ص ٥٠٤ ٥٠٧ عن الإمام الباقر عن الإمام عليّ عليهما السلام، المصباح للكفعمي: ص ٢٥٥، الأمان: ص ١٣٧ نحوه وكلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣١١ ح ١.

امام باقر علیه السلام: خودت را از گزندگان ، در پناه این کلمات در آور : «به نام خدای مهر گستر مهربان . به نام خدا و به یاری خدا . محمّد فرستاده خداست . به عزّت خدا پناه می برم ، به توانایی خدا بر هر چیز که بخواهد ، پناه می برم از گزند هر گزنده ای که در شب و روز می خزد . راستی که پروردگار من ، بر راهی راست است» .

امام باقر علیه السلام: هر کس این جملات را بگوید ، من تضمین می دهم که دیگر هیچ کژدم و گزنده ای تا صبح ، به او آسیبی نرساند : «به کلمات تامّ خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از حیطة آنها بیرون نیست ، پناه می برم از گزند آنچه آفرید و از گزند آنچه پدید آورد ، و از گزند هر جنبنده ای که مهار آن در دست خداست . راستی که پروردگار من ، بر راهی راست است» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شبی که به آسمان برده شدم ، چون به آسمان هفتم رسیدم ... ندا آمد که : ای محمّد! ... هر کس که از آنچه در روی زمین است ، از درنده و خزنده ، می ترسد ، در آن مکانی که بیم بودن آن چیز را دارد ، بگوید : «ای آن که آنچه را در سرتاسر زمین است ، به علم خویش پدید آورد! همه موجوداتی که آفریده ای ، به علم تو پدید آمده اند . تو بر آنچه پدید آورده ای ، تسلّط داری . تو را بر هر آنچه غیر توست ، تسلّطی قهر آمیز است . ای چیرگی ناپذیر ، ای مغلوب ناشدنی ! به تو و به توانایی تو بر هر چیز ، پناه می برم از هر چیزی که آسیب می رساند ، از درنده و گزنده و دیگر جانوران مهاجم . ای خدایی که با آفرینندگی خویش ، این موجودات را آفریده ای! آنها را از من دور بدار و مانعشان شو و بر من مسلّطشان مگردان ، و مرا از گزند و آسیب آنها به سلامت دار . ای خدا ، ای صاحب علم شگرف! به نگهداری خود ، مرا از آنچه می ترسم ، محافظت فرما ، ای مهربان!» . هر گاه این جملات را بگوید ، جانوران مرئی و نامرئی زمین به او گزندی نخواهند رساند .

١١ / ٣ دَفَعَ الْفَرْعَ وَالْأَرْقَالَ مَعْجَمِ الْأَوْسَطِ عَنْ خَالِدِ بْنِ خَالِدِ بْنِ الْوَلِيدِ: كُنْتُ أَفْرَعُ بِاللَّيْلِ ، فَآتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ : إِنِّي أَفْرَعُ بِاللَّيْلِ ، فَأَخَذَ سَيْفِي فَلَا أَلْقَى شَيْئًا إِلَّا ضَرَبْتُهُ بِسَيْفِي . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلَا أَعَلَّمُكَ كَلِمَاتٍ عَلَّمَنِي الرُّوحُ الْأَمِينُ . فَقُلْتُ : بَلَى . فَقَالَ : قُلْ : أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ ، الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ ، مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ، وَمِنْ شَرِّ فِتَنِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، وَمِنْ كُلِّ طَارِقٍ ، إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ ، يَا رَحْمَنُ . (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا فرع أحدكم في النوم فليقل: «أعوذ بكلمات الله التامات، من غضبه وعقابه وشر عباده، ومن همزات الشياطين وأن يحضرون» فإنها لن تضره. (٢)

طب الأئمة لابن بسطام عن الحلبي: قال رجل لأبي عبد الله الصادق عليه السلام: إنني إذا خلوت بنفسي تداخلني وحشه وهم، وإذا خالطت الناس لا أحس بشيء من ذلك. فقال: ضع يديك على فؤادك وقل: «باسم الله، باسم الله، باسم الله» ثم امسح يديك على فؤادك وقل: «أعوذ بعزه الله، وأعوذ بقدره الله، وأعوذ بجلاله الله، وأعوذ بعظمه الله، وأعوذ بجمع الله، وأعوذ برسول الله، وأعوذ بأسماء الله، من شر ما أهدر، ومن شر ما أخاف على نفسي» تقول ذلك سبع مرات. قال: ففعلت ذلك، فأذهب الله عني الوحشه، وأبدلني الأنس والأمن. (٣)

- ١- المعجم الأوسط: ج ٥ ص ٣١٥ ح ٥٤١٥، المعجم الكبير: ج ٤ ص ١١٥ ح ٣٨٣٨، المصنف لابن أبي شيبة: ج ٥ ص ٤٤٩ ح ٢، المصنف لعبد الرزاق: ج ١١ ص ٣٥ ح ١٩٨٣١ كلها نحوه.
- ٢- سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٤١ ح ٣٥٢٨، سنن أبي داود: ج ٤ ص ١٢ ح ٣٨٩٣ وليس فيه ذيله، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١٩١ ح ١٠٦٠١، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٦٠٠ ح ٦٧٠٨، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧٣٣ ح ٢٠١٠ والثلاثة الأخيره نحوه وكلها عن شعيب عن أبيه، كنز العمال: ج ١٥ ص ٣٦٥ ح ٤١٣٩٧؛ مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٤٥ ح ٢١٠٤ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٩٦ ح ١٢.
- ٣- طب الأئمة لابن بسطام: ص ١١٧، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٣٨ ح ٢.

۳ / ۱۱ رفع ترس و بی خوابی

۳ / ۱۱ رفع ترس و بی خوابی المعجم الاوسط به نقل از خالد بن ولید: من شب ها می ترسیدم. خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و گفتم: من شب ها می ترسم. لذا شمشیرم را بر می دارم و به هر چه بر می خورم، آن را با شمشیرم می زنم. پیامبر خدا فرمود: «آیا کلماتی را که جبرئیل علیه السلام به من آموخت، به تو نیاموزم؟». گفتم: چرا. فرمود: «بگو: به کلمات تائم خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از حیطة آن برون نیست، پناه می برم از شر آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه در آسمان بالا می رود، و از شر بلاهای شب و روز و از هر وارد شونده ای در شب، مگر وارد شونده ای که به خیر و خوبی وارد شود، ای مهر گستر!».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه کسی از شما در خواب ترسید، بگوید: «به کلمات تائم خدا پناه می برم از خشم و کيفر او و از شر بندگانش، و از وسوسه های شیاطین و از این که نزد من آیند». با گفتن این جملات، هرگز به او گزندى نخواهند زد.

طَبِّ الاِئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از حلبی، ابنا بسطام: مردی به امام صادق علیه السلام گفت: وقتی تنها می شوم، وحشت و اندوه مرا فرا می گیرد، ولی هر گاه در میان مردم هستم، چنین حالاتی به من دست نمی دهد. امام صادق علیه السلام فرمود: دستت را روی قلبت بگذار و بگو: «به نام خدا، به نام خدا، به نام خدا». سپس دستت را بر سینه ات بکش و بگو: «پناه می برم به عزت خدا، پناه می برم به قدرت خدا، پناه می برم به شکوه خدا، پناه می برم به بزرگی خدا، پناه می برم به تمامی خدا، پناه می برم به پیامبر خدا، پناه می برم به نام های خدا از شر آنچه بیمناکم، و از شر آنچه بر خویش می هراسم». هفت مرتبه این جملات را می گویی. آن مرد گفت: من چنین کردم. پس خداوند، وحشت را از من برد و به جای آن، احساس آرامش و امنیت به من بخشید.

٣ / ١٢ دَفَعُ شَرُّ كُلِّ ذِي شَرٍّ الْمَعْجَمِ الْأَوْسَطِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَعِيبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمَلِكُ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِي يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَأَ وَبَرَأَ، مَنْ قَالَهُنَّ عُصِمَ مِنْ كُلِّ سَاحِرٍ، وَكَاهِنٍ، وَشَيْطَانٍ، وَحَاسِدٍ. (١)

عَدَّهُ الدَّاعِي: رُوِيَ عَنِ ابْنِ الدَّرْدَاءِ أَنَّهُ قِيلَ لَهُ ذَاتَ يَوْمٍ: احْتَرَقَتْ دَارُكَ، فَقَالَ: لَمْ تُحْرَقْ. فَجَاءَهُ مُخْبِرٌ آخَرَ فَقَالَ: احْتَرَقَتْ دَارُكَ، فَقَالَ: لَمْ تُحْرَقْ. فَجَاءَهُ ثَالِثٌ فَأَجَابَهُ بِمِثْلِكَ، ثُمَّ انْكَشَفَ الْأَمْرُ عَنِ احْتِرَاقِ جَمِيعِ مَا حَوْلَهَا سِوَاهَا! فَقِيلَ لَهُ: بِمَا عَلِمْتَ بِذَلِكَ؟ قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: مَنْ قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ صَبِيحَهُ يَوْمِهِ لَمْ يُصِبْهُ سُوءٌ فِيهِ، وَمَنْ قَالَهَا فِي مَسَاءٍ لَيْلَتِهِ لَمْ يُصِبْ بِهِ سُوءٌ فِيهَا، وَقَدْ قُلْتُمَا، وَهِيَ هَذِهِ: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَمِنْ شَرِّ قَضَاءِ السُّوءِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. (٢)

-
- ١- المعجم الأوسط: ج ٤ ص ٣١٠ ح ٤٢٩١، الدعاء للطبراني: ص ١٢٩ ح ٣٤٤، كنز العمال: ج ٢ ص ١٦١ ح ٣٥٨٠.
 - ٢- عدده الداعي: ص ٢٥٥، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٩٧ ح ٥٨؛ تاريخ دمشق: ج ٣٧ ص ٤ ح ٧٤١٣ و ج ٦٤ ص ١١٩ ح ١٣٠٧٠ كلاهما نحوه، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٣٨ ح ٤٩٦٠.

۳ / ۱۲ دفع گزند هر گزندرسانی

۳ / ۱۲ دفع گزند هر گزندرسانی المعجم الاوسط به نقل از عمرو بن شعيب ، از پدرش از جدش : پیامبر خدا فرمود : «شب خود را در حالی آغاز کردیم که پادشاهی ، از آن خداست و ستایش ، از آن خدا به خدایی که آسمان را باز می دارد از این که بر زمین فرو افتد مگر به اذن خود او ، پناه می برم از گزند آنچه آفریده و پدید آورده و ایجاد کرده است» . هر کس این را بگوید ، از هر جادوگر و پیشگو و اهریمن و حسودی ، ایمن نگه داشته می شود .

عده الداعی: از ابن دردا روایت شده است که روزی به او گفته شد: خانه ات سوخت. او گفت : نسوخت . کسی دیگر خبر آورد و گفت : خانه ات سوخت . او گفت : نسوخت . سومی آمد و او همین پاسخ را به او داد . بعد معلوم شد که هر چه پیرامون خانه او بوده ، سوخته است بجز خانه او! از او پرسیدند : از کجا این را دانستی؟ گفت : از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید : «هر کس صبح هر روزی این کلمات را بگوید ، در آن روز به او گزندی نمی رسد و هر کس شامگاه هر روزی آنها را بگوید ، در آن شب گزندی به او نمی رسد» و من آنها را [آن روز] گفته بودم . آن کلمات اینهاست : «بار خدایا! تویی پروردگار من . معبودی جز تو نیست . بر تو توکل کردم و تو پروردگار عرش بزرگی . هیچ نیرو و توانی نیست جز به مدد خدای والا و بزرگ . آنچه خدا خواست ، همان می شود و آنچه نخواست ، نمی شود . می دانم که خدا بر هر چیزی تواناست و خدا به هر چیزی علم دارد . بار خدایا! به تو پناه می برم از شرّ خودم ، و از شرّ قضای بد ، و از شرّ هر اهل شرّی ، و از شرّ جنّ و انس ، و از شرّ هر جنبنده ای که مهار آن در دست توست . راستی که پروردگار من ، بر راهی راست است» .

الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ فِي ذِمَّتِكَ وَجِوَارِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَنَفْسِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأَهْلِي وَمَالِي، وَأَعُوذُ بِكَ يَا عَظِيمٌ مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ جَمِيعًا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يُبْلِسُ (١) بِهِ إِبْلِيسُ وَجُنُودُهُ»، إِذَا قَالَ هَذَا الْكَلَامَ، لَمْ يَضُرَّهُ يَوْمَهُ ذَلِكَ شَيْءٌ، وَإِذَا أَمْسَى فَقَالَ، لَمْ يَضُرَّهُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ شَيْءٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. (٢)

٣ / ١٣ النَّجَاةُ مِنَ النَّارِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنْظِرُوا فِي دِيْوَانِ عَبْدِي، فَمَنْ رَأَيْتُمُوهُ سَأَلَنِي الْجَنَّةَ أُعْطِيْتُهُ، وَمَنْ اسْتَعَاذَنِي مِنَ النَّارِ أَعَدْتُهُ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: ما من عبدٍ يقولُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعَ مَرَّاتٍ: «أَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِهِ مِنَ النَّارِ» إِلَّا قَالَتِ النَّارُ: يَا رَبِّ أَعِزَّهُ مِنِّي. (٤)

راجع: ص ٣٨٤ (ما ينبغي الاستعاذه منه / عذاب النار).

١- الإِبْلَاسُ: الحَيْرَةُ، يقال: أَبْلَسَ يُبْلِسُ: إِذَا تَحَيَّرَ (مجمع البحرين: ج ١ ص ١٨٤ «بلس»).

٢- الكافي: ج ٢ ص ٥٢٨ ح ١٩، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٩٤ ح ٥٥.

٣- حليه الأولياء: ج ٦ ص ١٧٥ و ص ٢٢٦ كلاهما عن أنس، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٩ ح ٣١٦٤.

٤- الدعوات: ص ٣٩ ح ٩٦ عن ربيعة بن كعب، الأمالي للصدوق: ص ١٥٨ ح ١٥٣ عن زيد الشحام عن الإمام الصادق عليه

السلام، روضه الواعظين: ص ٣٥٧ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٩٧ ح ٥.

۳ / ۱۳ رهیدن از آتش

امام باقر علیه السلام: هر کس که صبح هنگام بگوید: «بار خدایا! در زنهار و پناه تو، صبح خویش را می آغازم. بار خدایا! دینم و خودم و دنیايم و آخرتم و خانواده ام و اموالم را به تو سپردم. به تو پناه می آورم ای بزرگ! از گزند همه آفریدگانت، و به تو پناه می آورم از گزند هر آنچه ابلیس و لشکریانش وسوسه می کنند»، هر گاه این کلمات را بگوید، در آن روز، هیچ چیز به او گزندی نمی رساند و چنانچه در آغاز شب این کلمات را بگوید، در آن شب، هیچ چیز به او آسیبی نخواهد رساند، إن شاء الله.

۳ / ۱۳ رهیدن از آتش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای تعالی می فرماید: «در دفتر بنده ام بنگرید. پس هر کس را دیدید که بهشت را از من تقاضا کرده است، آن را به او می دهم و هر کس که از آتش به من پناه آورده باشد، او را پناه می دهم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که روزی هفت بار بگوید: «بهشت را از خدا می خواهم و از آتش به او پناه می برم»، مگر آن که آتش می گوید: ای پروردگار من! او را از من در پناه خویش در آور.

ر. ک: ص ۳۸۵ (چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد / عذاب آتش).

الفصل الرابع: ما ينبغي الاستعاذه منه ٤ / الشيطان الكتاب «وَأِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نِزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». (١)

«وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ * وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ». (٢)

«وَأِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نِزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ * إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ». (٣)

«فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ». (٤)

«إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَى وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذَرَيْتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». (٥)

١- فصلت: ٣٦.

٢- المؤمنون: ٩٧ و ٩٨.

٣- الأعراف: ٢٠٠ و ٢٠١.

٤- النحل: ٩٨ و ٩٩.

٥- آل عمران: ٣٥ و ٣٦.

فصل چهارم: چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد

۴ / ۱ شیطان

فصل چهارم: چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد ۴ / ۱ شیطانقرآن «و اگر وسوسه ای از جانب شیطان تو را جنباند ، پس به خدا پناه ببر که اوست شنوای دانا» .

«و بگو : ای پروردگار من! از وسوسه های شیطان ، به تو پناه می برم . و به تو پناه می برم ای پروردگار من! از این که به نزد من حاضر شوند» .

«و اگر وسوسه ای از جانب شیطان تو را جنباند پس به خدا پناه ببر که او شنوای داناست . آنان که پرهیزگارند ، هر گاه وسوسه ای از سوی شیطان به ایشان رسد ، متذکر [خدا] می شوند و ناگاه ، بینا می گردند» .

«پس هر گاه قرآن خواندی ، از شیطانِ رانده شده ، به خدا پناه ببر . [زیرا] او را بر کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل می کنند ، تسلطی نیست» .

«آن گاه که زن عمران گفت : «ای پروردگارم! من آنچه را در شکم خود دارم ، نذر تو کردم تا آزاد شده باشد . پس ، از من بپذیر که تو شنوای دانایی» . پس که فرزندش را بزاد ، گفت : «ای پروردگارم! من دختر زاده ام و خدا به آنچه او زایید ، داناتر بود و پسر چون دختر نیست ، و من او را مریم نامیدم و او و فرزندانش را از شیطانِ رانده شده ، به تو پناه می دهم»» .

الحديث تفسير القمى فى قوله تعالى: «وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ»: قَالَ: مَا يَفْعُ فِي قَلْبِكَ مِنْ وَسْوَسَةِ الشَّيَاطِينِ .
(١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا تَسُبُّوا الشَّيْطَانَ ، وَتَعُوذُوا بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَزْهَدَ النَّاسِ فِي الْعَالِمِ أَهْلُهُ حَتَّى يُفَارِقَهُمْ ، وَإِنَّهُ يَشْفَعُ فِي أَهْلِهِ وَجِيرَانِهِ ، فَإِذَا مَاتَ خَلَا عَنْهُمْ مِنْ مَرَدِهِ (٣) الشَّيَاطِينِ أَكْثَرُ مِنْ عَدَدِ رَبِيعَةَ وَمُضَرَ ، قَدْ كَانُوا مُشْتَغِلِينَ بِهِ ، فَأَكْثَرُوا التَّعُوذَ بِاللَّهِ مِنْهُمْ . (٤)

سنن أبى داود عن أبى سعيد الخدرى: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ كَبَّرَ ثُمَّ يَقُولُ: ... أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، مِنْ هَمَزِهِ وَنَفْخِهِ وَنَفْثِهِ . (٥)

مسند ابن حنبل عن أبى أمامة الباهلى: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ مِنَ اللَّيْلِ كَبَّرَ ثَلَاثًا ، وَسَبَّحَ ثَلَاثًا ، وَهَلَّلَ ثَلَاثًا ، ثُمَّ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، مِنْ هَمَزِهِ وَنَفْخِهِ وَشَرْكِهِ . (٦)

١- تفسير القمى: ج ٢ ص ٩٣ ، بحار الأنوار: ج ٩ ص ٢٢٧ ح ١١٣ .

٢- الفردوس: ج ٥ ص ١١ ح ٧٢٩٠ عن أبى هريره ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٨٤ ح ٢١٢٠ .

٣- المارد من شياطين الجن والإنس: المتعزى من الخيرات ، من قولهم: شجر أمرد: إذا تعزى من الورق (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٧٦٤ «مرد»).

٤- الدرّ المنثور: ج ٦ ص ٣٢٩ نقلاً عن ابن مردويه وابن عساكر والديلمى عن عبد الواحد الدمشقى عن أبى الدرداء .

٥- سنن أبى داود: ج ١ ص ٢٠٦ ح ٧٧٥ ، سنن الترمذى: ج ٢ ص ٩ ح ٢٤٢ ، سنن الدارمى: ج ١ ص ٢٩٩ ح ١٢١٩ ، صحيح ابن خزيمة: ج ١ ص ٢٣٨ ح ٤٦٧ ، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٠٤ ح ٣٧٦٦ .

٦- مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٢٧٧ ح ٢٢٢٣٩ ، تاريخ دمشق: ج ٦٨ ص ١٢١ ح ١٣٦٧٦ ، كنز العمدة: ج ٨ ص ٤٠١ ح ٢٣٤٣٩ .

حدیث تفسیر القمّی در باره این سخن خدای تعالی: «و بگو: ای پروردگار من! از همزات شیاطین، به تو پناه می برم»: امام علیه السلا (۱) فرمود: یعنی وسوسه های شیطان که در دل تو می افتد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان را دشنام ندهید؛ بلکه از شرّ او به خدا پناه ببرید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بی اعتناترین مردم به دانشمند (دین شناس)، خانواده او هستند، تا آن گاه که از میان آنها برود. او برای خانواده و همسایگانش شفاعت می کند. پس هر گاه بمیرد، شیاطین سرکش که شمارشان بیش از شمار [دو قبیله] مُضَر و ربیعہ است و سرگرم [تلاش برای گم راهی] او بودند به سراغ خانواده و همسایگانش می روند. پس تا می توانید، از آنها به خدا پناه ببرید.

سنن أبی داوود به نقل از ابو سعید خُدَری: پیامبر خدا هر گاه شب [برای عبادت] بر می خاست، تکبیر می گفت. سپس می گفت: «پناه می برم به خداوند شنوای دانا، از وسوسه و دمیدن و اغواگری شیطانِ رانده شده».

مسند ابن حنبل به نقل از ابو امامه باهلی: پیامبر خدا هر گاه به نماز شب می ایستاد، سه تکبیر و سه سبحان الله و سه لا إله إلا الله می گفت، سپس می گفت: «بار خدایا! به تو پناه می برم از شیطانِ رانده شده، از وسوسه او و دمیدنش و شریک شدنش».

۱- م. در مصدر، به نام امام، تصریح نشده است.

رسول الله صلى الله عليه وآله: يَأْتِي الشَّيْطَانُ أَحَدَكُمْ فَيَقُولُ: مَنْ خَلَقَ كَذَا؟ مَنْ خَلَقَ كَذَا؟ حَتَّى يَقُولَ: مَنْ خَلَقَ رَبَّكَ؟ فَإِذَا بَلَغَهُ، فَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ وَلِيَتَنَّهُ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: يُوَشِّئُكَ النَّاسُ أَنْ يَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ، حَتَّى يَقُولَ قَائِلُهُمْ: هَذَا اللَّهُ خَلَقَ الْخَلْقَ، فَمَنْ خَلَقَ اللَّهُ؟ فَإِذَا قَالُوا ذَلِكَ فَقُولُوا: «اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمِيدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (٢)، ثُمَّ لِيَتَفَلَّحْ عَنِ يَسَارِهِ ثَلَاثًا، وَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلشَّيْطَانِ لَمَمَهُ (٤) بِابْنِ آدَمَ، وَلِلْمَلَكِ لَمَمَهُ؛ فَأَمَّا لَمَمُ الشَّيْطَانِ فَيَاعَادُ بِالشَّرِّ وَتَكْذِيبِ الْحَقِّ، وَأَمَّا لَمَمُ الْمَلَكِ فَيَاعَادُ بِالْخَيْرِ وَتَصَدِيقِ الْحَقِّ، فَمَنْ وَجَدَ ذَلِكَ فَلْيَعْلَمْ أَنَّهُ مِنَ اللَّهِ، فَلْيَحْمِدِ اللَّهَ، وَمَنْ وَجَدَ الْآخِرَى، فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (٥)

الإمام علي عليه السلام: قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، الرَّجُلُ مِمَّا يَصُومُ وَيُصَلِّي فَيَأْتِيهِ الشَّيْطَانُ، فَيَقُولُ: إِنَّكَ مُرَاءٍ! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَلْيَقُلْ أَحَدُكُمْ عِنْدَ ذَلِكَ: أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَشْرِكَ بِكَ شَيْئًا وَأَنَا أَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا أَعْلَمُ. (٦)

١- صحيح البخارى: ج ٣ ص ١١٩٤ ح ٣١٠٢، صحيح مسلم: ج ١ ص ١٢٠ ح ٢١٤، الدعاء للطبرانى: ص ٣٧٩ ح ١٢٦٥، السنن لابن أبى عاصم: ص ٢٩٤ ح ٦٥١ كلها عن أبى هريره، كنز العمال: ج ١ ص ٢٤٥ ح ١٢٣٥؛ بحار الأنوار: ج ٥٨ ص ٣٢٥.

٢- الإخلاص: ٤١.

٣- السنن الكبرى للنسائى: ج ٦ ص ١٧٠ ح ١٠٤٩٧، سنن أبى داود: ج ٤ ص ٢٣١ ح ٤٧٢٢ نحوه وكلاهما عن أبى هريره، كنز العمال: ج ١ ص ٢٤٥ ح ١٢٣٦ وراجع صحيح مسلم: ج ١ ص ١١٩ ح ٢١٢.

٤- اللَّمَمَةُ: الهَمَّةُ وَالْخَطَرَةُ تَقَعُ فِي الْقَلْبِ (النهاية: ج ٤ ص ٢٧٣ «لمم»).

٥- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٢١٩ ح ٢٩٨٨، السنن الكبرى للنسائى: ج ٦ ص ٣٠٥ ح ١١٠٥١، صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ٢٧٨ ح ٩٩٧، المعجم الكبير: ج ٩ ص ١٠١ ح ٨٥٣٢ نحوه، مسند أبى يعلى: ج ٥ ص ١٩ ح ٤٩٧٨ كلها عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج ١ ص ٢٤٦ ح ١٢٤٠.

٦- النوادر للراوندى: ص ٢٣٨ ح ٤٨٨ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الجعفریات: ص ٥٢ عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عنهم عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٣٠٣ ح ٤٨.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان نزد یکی از شما می آید و [وسوسه کنان] می گوید: «فلان چیز را که آفرید؟ همان چیز را که آفرید؟». تا این که می گوید: «پروردگارت را چه کسی آفرید؟». هر گاه به این جا رسید، [آن شخص] به خدا پناه ببرد و دیگر ادامه ندهد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زودی، مردم از یکدیگر پرسش می کنند، تا آن که گوینده ای از ایشان می گوید: «جهان آفرینش را خدا آفرید، خدا را چه کسی آفرید؟». هر گاه این را گفتند، شما بگویید: «خدا یکی است؛ خدایی که بی نیاز است؛ نه زاده است و نه زاده شده است و هیچ کس همتای او نیست». سپس سه بار از سمت چپ خود، آب دهان بیندازید و از شیطان به خدا پناه ببرید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان به آدمی القا می کند و فرشته نیز القا می کند. القای شیطان، وعده دادن [و وسوسه کردن] به بدی و تکذیب حق است و القای فرشته، وعده دادن [و راه نمایی کردن] به خوبی و تصدیق حق است. پس هر کس این [دومی] را احساس کرد، بداند که آن از جانب خداست و خداوند را سپاس و ستایش بگوید، و هر کس آن دیگری را احساس کرد، از شیطان رانده شده به خدا پناه ببرد.

امام علی علیه السلام: گفتیم: ای پیامبر خدا! شخصی از ما روزه می گیرد و نماز می خواند، و شیطان نزد او می آید و می گوید: تو ریا کاری! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر یک از شما در این حالت بگوید: «خدایا! پناه می برم به تو از این که دانسته، چیزی را شریکت گردانم، و برای آنچه ندانسته شریکت ساخته ام نیز، از تو آمرزش می خواهم».

عنه عليه السلام: إذا وسوس الشيطان إلى أحدكم فليتعوذ بالله، وليقل: آمنت بالله وبرسوله مخلصا له الدين. (١)

عنه عليه السلام في وصيته لكميل: يا كميل، إذا وسوس الشيطان في صدرك، فقل: «أعوذ بالله القوي، من الشيطان الغوي» (٢)، وأعوذ بمحمد الرضوي، من شر ما قدر وقضى، وأعوذ بالله الناس، من شر الجنه والناس أجمعين؛ وسلم، تكف مؤونه (٣) إبليس والشياطين معه، ولو أنهم كلهم أبالسه مثله. (٤)

عنه عليه السلام: علمني رسول الله صلى الله عليه وآله إذا دخلت الكنيف أن أقول: اللهم إني أعوذ بك من الخبيث المخبث، النجس الرجس، الشيطان الرجيم. (٥)

عنه عليه السلام في وصف المؤمنين: من علامه أحدهم (٦) أن يكون له خزم في لين، وإيمان في يقين، وحرص في تقوى... واعتصام بالله من متابعه الشهوات، واستعاذه به من الشيطان الرجيم. (٧)

الإمام زين العابدين عليه السلام من دُعائه بالعافيه: وأعذني وذريتي من الشيطان الرجيم. (٨)

- ١- الخصال: ص ٦٢٤ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢١١ ح ٢٥٣٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٣٨ ح ٣١٣٧، بحار الأنوار: ج ١٠ ص ١٠٢ ح ١.
- ٢- الغي: الضلال والانهماك في الباطل (النهاية: ج ٣ ص ٣٩٧ «غوا»).
- ٣- المؤمنه: التعب والشده، والمؤونه: الثقل (الصحاح: ج ٦ ص ٢١٩٨ «مأن»).
- ٤- بشاره المصطفى: ص ٢٧ عن كميل بن زياد، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٧١ ح ١.
- ٥- الجعفریات: ص ١٣، النوادر للراوندي: ص ٢٢٧ ح ٤٦٣ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الكافي: ج ٣ ص ١٦ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ١ ص ٢٥ ح ٦٣ كلاهما عن معاوية بن عمارة عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٢٣ ح ٣٧ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٠ ص ١٨٨ ح ٤٤.
- ٦- في المصدر: «من علاماتهم»، والتصويب من بحار الأنوار.
- ٧- مطالب السؤل: ص ٥٣؛ بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٥ ح ٨٩.
- ٨- الصحيفه السجاديّه: ص ٩٨ الدعاء ٢٣ و ص ١٠٦ الدعاء ٢٥، المصباح للكفعمي: ص ٢١٩.

امام علی علیه السلام: هر گاه شیطان یکی از شما را وسوسه کرد، به خدا پناه ببرد و بگوید: «به خدا و پیامبرش ایمان دارم، و دین [خود] را برای او خالص کرده ام».

امام علی علیه السلام در سفارشش به کمیل: ای کمیل! هر گاه شیطان در سینه ات وسوسه کرد، بگو: «پناه می برم به خداوند نیرومند، از شیطان گم راه. پناه می برم به محمد پسندیده [ی خداوند]، از شر آنچه قلم قضا و قدر رقم زده است. پناه می برم به خدای مردم، از شر همه جن و انس» و تسلیم [خدا] بشو، که [با این کار] رنج و زحمت ابلیس و شیاطین او، از تو دور می شود؛ اگر چه همه آنها ابلیس هایی همانند او باشند.

امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله به من آموخت که هر گاه به آبریزگاه می روم، بگویم: «بارخدا یا! به تو پناه می برم از آن پلید پلیدگر، نجس ناپاک، شیطان رانده شده».

امام علی علیه السلام در وصف مؤمنان: از نشانه های هر یک از آنان این است که در عین نرمی، قاطع اند، ایمانی توأم با یقین دارند، در پرهیزگاری حریص اند، ... از پیروی کردن خواهش های نفسانی، دست به دامن خدا می شوند و از شیطان رانده شده، به خدا پناه می برند.

امام زین العابدین علیه السلام در دعای هنگام عافیت: مرا و نسل مرا، از شیطان رانده شده، در پناه خویش بگیر.

عنه عليه السلام من دُعائه في شهرِ رَمَضانَ : اللَّهُمَّ أَعِزَّنِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، وَهَمَزِهِ وَلَمَزِهِ ، وَنَفَثِهِ وَنَفْحِهِ ، وَوَسْوَاسِهِ وَكَيْدِهِ ، وَمَكْرِهِ وَحِيلَتِهِ ، وَأَمَانِيَّتِهِ وَخُدَعِهِ ، وَغُرُورِهِ وَفِتْنَتِهِ ، وَرَجَلَتِهِ (١) وَشَرَكَهِ ، وَأَعْوَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ ، وَأَخْدَانِهِ (٢) وَأَشْيَاعِهِ ، وَأَوْلِيَائِهِ وَشُرَكَائِهِ ، وَجَمِيعِ كَيْدِهِمْ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام : لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ يَمُرُّ عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ صَبَاحًا ، إِلَّا حَادَتْ (٤) نَفْسُهُ ، فَلْيَصِلْ رَكَعَتَيْنِ ، وَلَيْسْتَ عِدَّ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ . (٥)

٤ / ٢ شَيَاطِينُ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ الْكَتَابُ «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ» . (٦)

«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ * مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ» . (٧)

١- رَجَلُهُ : أَي رَجَالَتُهُ ، فَالرَّجَلُ : اسْمُ جَمْعٍ لِلرَّجَلِ (مجمع البحرين : ج ٢ ص ٦٨١ «رجل»).

٢- الْخِدْنُ وَالْخَدِينُ : الصَّدِيقُ (النهاية : ج ٢ ص ١٥ «خدن»).

٣- الكافي : ج ٤ ص ٧٥ ح ٧ ، تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ١١٢ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ١٠٥ ح ١٨٤٩ ، الإقبال : ج ١ ص ٢٠٣ كلُّها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٧ ص ٣٦٠ ح ١ .

٤- قال العلامة المجلسي قدس سره : المراد بحديث النفس : الوسواس الشيطاني في العقائد والقضاء والقدر ، والخطورات التي يوجب التكلم بها الكفر (بحار الأنوار : ج ٩١ ص ٣٥٤).

٥- مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ١١٤ ح ٢٣١٧ ، بحار الأنوار : ج ٩١ ص ٣٥٤ ح ١٧ .

٦- الأنعام : ١١٢ .

٧- الناس : ٦١ .

۴ / ۲ شیطان های انس و جن

امام زین العابدین علیه السلام در دعای خود در ماه رمضان: بار خدایا! در این ماه، مرا از شیطانِ رانده شده و از تحریکات و انگیزش ها و اغواگری ها و دمیدن هایش، و از وسوسه ها و نیرنگ و دسیسه و حيله هایش، و از آرزوها و فریب ها و گم راه سازی و فتنه گری اش، و از پیادگانش و دام هایش، و از یاران و دنباله روها و دوستان و پیروانش، و از حامیان و شریکانش و از همه نیرنگ هایشان، در پناه خویش بگیر.

امام صادق علیه السلام: بر هیچ مؤمنی چهل بامداد نمی گذرد مگر آن که اندیشه های شیطانی (۱) به سراغش می آیند. پس [در این حالت،] دو رکعت نماز بخواند و از آنها به خدا پناه برد.

۴ / ۲ شیطان های انس و جنقرآن «و این چنین، برای هر پیامبری دشمنی از [میان] شیاطین انس و جن قرار دادیم که برای فریب، به یکدیگر سخنان آراسته القا می کنند، و اگر پروردگار تو می خواست، چنین نمی کردند. پس، آنان را با آنچه به دروغ می سازند، واگذار».

«بگو: پناه می برم به پروردگار مردم. پادشاه مردم. معبود مردم. از شرّ وسوسه گر نهانی. همان کس که در سینه های مردم وسوسه می کند. چه از جن و [چه از] انس».

۱- یعنی: حدیث نفس. علامه مجلسی می گوید: مراد از اندیشه های شیطانی، وسوسه های شیطان است در عقاید و قضا و قدر و نیز خطورات ذهنی ای که به زبان آوردن آنها موجب کفر می گردد.

الحديث مسند ابن حنبل عن أبي أمامه في ذكر حديث أبي ذرٍّ مع النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . . . فَقَالَ [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] يَا أبا ذرٍّ ، تَعَوَّذَ مِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ . قَالَ : يَا نَبِيَّ اللهِ وَهَيْلَ لِلْإِنْسِ شَيَاطِينُ ؟! قَالَ : نَعَمْ ، شَيَاطِينُ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوْحَى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا . (١)

تنبيه الغافلين عن أبي ذرٍّ عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا أبا ذرٍّ ، اسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، وَمِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ . فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللهِ ، أَوْ مِنَ الْإِنْسِ شَيَاطِينُ ؟ قَالَ : أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ تَعَالَى : «شَيْطَانِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ» ثُمَّ سَكَتَ . (٢)

الإمام عليّ عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ بَعْدَ نَافِلِهِ الْفَجْرِ : اسْتَمْسَكَتْ بِعُرْوَةِ اللهِ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انفِصَامَ لَهَا ، وَاعْتَصَمْتُ بِحَبْلِ اللهِ الْمَتِينِ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ . (٣)

١- .مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٣٠١ ح ٢٢٣٥١ ، المعجم الكبير : ج ٨ ص ٢١٧ ح ٧٨٧١ كلاهما عن أبي أمامه ، سنن النسائي : ج ٨ ص ٢٧٥ عن أبي ذرٍّ ، تفسير الطبري : ج ٥ الجزء ٨ ص ٥ عن أبي ذرٍّ وقتاده وليس فيهما ذيله من «شياطين الإنس والجن يوحى» .

٢- .تنبيه الغافلين : ص ٥٨٥ ح ٩٤٠ .

٣- .مسند زيد : ص ١٦٠ ، دعائم الإسلام : ج ١ ص ١٦٦ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٣٥٥ ح ٢٢ .

حدیث‌مسند ابن حنبل به نقل از ابو امامه : در بیان گفتگوی ابوذر با پیامبر صلی الله علیه و آله : ... ایشان فرمود : «ای ابوذر! از شرّ شیطان های جنّ و انس ، [به خدا] پناه ببر». ابوذر گفت : ای پیامبر خدا! آیا انسان ها هم شیاطین دارند؟! فرمود : «آری ، شیطان های انس و جنّ ، برای فریب ، به یکدیگر سخنان آراسته القا می کند» .

تنبیه الغافلین به نقل از ابو ذر : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «ای ابوذر! از شیطانِ رانده شده و از شرّ شیطان های انس و جنّ ، به خدا پناه ببر». گفتم : ای پیامبر خدا! آیا در انسان ها هم شیاطین وجود دارد؟ فرمود : «مگر نشنیده ای این فرموده خدای تعالی را : «شیطان های انس و جنّ»؟». آن گاه ساکت شد .

امام علی علیه السلام در دعای پس از نافله صبح : محکم ترین دستگیره خدا را که هرگز گسسته نخواهد شد ، گرفتم و به ریسمان استوار خدا چنگ زدم ، و از شرّ شیطان های انس و جن ، به خدا پناه می برم . از شرّ تبهکاران عرب و غیر عرب ، به خدا پناه می آورم .

٤ / ٣ النَّفْسُ الْأَمَارَةُ بِالسُّوءِ الْكِتَابُ «إِنَّ النَّفْسَ لِأَمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي». (١)

«وَرَوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (٢).

الحديث رسول الله صلى الله عليه و آله لِحُصَيْنِ لَمَّا أَسْلَمَ وَقَالَ لَهُ : عَلَّمَنِي الْكَلِمَتَيْنِ اللَّتَيْنِ وَعَدْتَنِي ! : قُل : اللَّهُمَّ أَلْهِمْنِي رُشْدِي ، وَأَعِزَّنِي مِنْ شَرِّ نَفْسِي . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَخَطِيئِي وَعَمْدِي ... اللَّهُمَّ اسْتَهْدِكْ لِرُشْدِ أَمْرِي ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي . (٤)

السنن الكبرى عن عمران بن حصين : جَاءَ حُصَيْنٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَبْلَ أَنْ يُسَلِّمَ ... ثُمَّ إِنَّ حُصَيْنًا قَالَ : يَا مُحَمَّدُ ، مَاذَا تَأْمُرُنِي أَنْ أَقُولَ ؟ قَالَ : تَقُولُ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعِزَّمَ (٥) لِي عَلَى رُشْدِ (٦) أَمْرِي . (٧)

١- يوسف : ٥٣ .

٢- يوسف : ٢٣ .

٣- سنن الترمذى : ج ٥ ص ٥٢٠ ح ٣٤٨٣ ، التاريخ الكبير : ج ٣ ص ١ ، المعجم الكبير : ج ١٨ ص ١٧٤ ح ٣٩٦ وفيه «أعدنى رشد» بدل «أعدنى من شر» ، المعجم الأوسط : ج ٢ ص ٢٨٠ ح ١٩٨٥ كلها عن عمران بن حصين ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٩٤ ح ٣٧١٣ .

٤- مسند ابن حنبل : ج ٥ ص ٤٨٩ ح ١٦٢٦٩ و ج ٦ ص ٢٦٩ ح ١٧٩٢٥ ، المصنف لابن أبي شيبة : ج ٧ ص ٦٢ ح ٥ ، صحيح ابن حبان : ج ٣ ص ١٨٣ ح ٩٠١ ، المعجم الكبير : ج ٩ ص ٥٣ ح ٨٣٦٩ كلها عن عثمان بن أبي العاص ، كنز العمال : ج ٢ ص ٢٠٥ ح ٣٧٧٢ .

٥- عزم الله لى : أى خلق لى قوّة و صبرا . وفيه «خير الأمور عزائمها» وهى ما وكدت رأيك وعزمك عليه ، ووفيت بعهد الله فيه (النهاية : ج ٣ ص ٢٣١ ٢٣٢ «عزم»).

٦- فى أكثر المصادر : «أرشد» بدل «رشد».

٧- السنن الكبرى للنسائى : ج ٦ ص ٢٤٧ ح ١٠٨٣٢ ، المصنف لابن أبي شيبة : ج ٧ ص ٥٥ ح ٣ ، المعجم الصغير : ج ١ ص ٢٤٣ نحوه ، مسند الشهاب : ج ٢ ص ٣٣٧ ح ١٤٨٠ ، كنز العمال : ج ٢ ص ٦٨٧ ح ٥٠٨٣ و ح ٥٠٨٥ .

۴ / ۳ نفس بد فرما

۴ / ۳ نفس بد فرما قرآن «راستی که نفس ، فرمان دهنده به بدی است ، مگر آن که پروردگارم رحم کند» .

«و آن [بانو] که وی در خانه اش بود ، خواست از او کام گیرد و درها را چفت کرد و گفت : «اینک بیا!». [یوسف] گفت : «پناه بر خدا! او ارباب من است ، به من جای نیکو داده است . قطعاً ستمکاران رستگار نمی شوند» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به حُصَیْن ، آن گاه که اسلام آورد و به ایشان گفت : آن دو کلمه ای را که وعده ام داده بودی ، به من بیاموز! : بگو : «بار خدایا! راه درست را به من الهام فرما ، و مرا از شرّ نفسم در پناه خود بگیر» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار خدایا! گناهم را و هر بدی ای را که به خطا یا عمد از من سرزد ، بیامرز ... بار خدایا! از تو می خواهم که مرا به درست ترین کارم راه نمایی فرمایی و از گزند نفسم ، به تو پناه می آورم» .

السنن الکبری به نقل از عمران بن حُصَیْن : [پدرم] حُصَیْن پیش از آن که اسلام آورد ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد ... سپس گفت : ای محمّد! دستور می دهی چه بگوییم؟ فرمود : «می گویی : بار خدایا! از شرّ نفسم ، به تو پناه می آورم و از تو درخواست می کنم که مرا در راه دُرستم مصمّم و استوار بداری» .

رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: «اللَّهُمَّ . . . أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي ، وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّ كَرِهِ» ، قُلْهَا إِذَا أَصْبَحْتَ ، وَإِذَا أَمْسَيْتَ ، وَإِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله في خُطْبِهِ حَجَّةَ الْوَدَاعِ : الْحَمْدُ لِلَّهِ ، نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَتُوبُ إِلَيْهِ ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا ، وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا ، مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ ، وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَا هَادِيَ لَهُ . (٣)

-
- ١- الدعاء للطبراني : ص ١٢٩ ح ٣٤٣ ، تاريخ دمشق : ج ٣٧ ص ٤ ح ٧٤١٣ ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٦٣ ح ٣٥٨٣ ؛ عده الدعوى : ص ٢٥٦ كلها عن أبي الدرداء ، مصباح المتهجد : ص ٥٧ ح ٨٧ و ص ٩٠ ح ١٤٩ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، مهج الدعوات : ص ١٧ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٢١٤ ح ١٠ .
 - ٢- سنن أبي داود : ج ٤ ص ٣١٧ ح ٥٠٦٧ ، السنن الكبرى للنسائي : ج ٤ ص ٤٠٨ ح ٧٧١٥ و ج ٦ ص ٦ ح ٩٨٣٩ ، مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٣١ ح ٥١ و ص ٣٤ ح ٦٣ ، سنن الدارمي : ج ٢ ص ٧٤٦ ح ٢٥٨٩ كلها عن أبي هريره ، سنن الترمذي : ج ٥ ص ٥٤٢ ح ٣٥٢٩ عن عبد الله بن عمرو بن العاص نحوه ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٩٨ ح ٣٧٣٤ .
 - ٣- تحف العقول : ص ٣٠ ، الكافي : ج ٣ ص ٤٢٢ ح ٦ عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص ٣٣٠ عن أبي هريره وعبد الله بن عتياس ، الغارات : ج ١ ص ١٥٥ عن الإمام علي عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٣٤٨ ح ١٣ ؛ سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٦٠٩ ح ١٨٩٢ عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٩٤١ ح ٤٣٦١٩ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از شرّ نفسم و از شرّ هر جنبنده ای که مهار آن در دست توست ، به تو پناه می برم .
راستی که پروردگار من بر راهی راست است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «بار خدایا! ... از شرّ نفسم و از شرّ شیطان و دام های او ، به تو پناه می برم» . این جملات را هر
صبحگاه و شامگاه و آن گاه که به رخت خوابت می روی ، بگو .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در خطبه حجّه الوداع : سپاس و ستایش ، خدای را . او را می ستاییم و از او کمک می جوییم و
از او آمرزش می طلبیم و به درگاه او توبه می کنیم ، و از گزندهای نفس و بدی های کردار خویش ، به خدا پناه می بریم .
هر که را خدا هدایت کند ، هیچ کس نمی تواند گمراهش کند و هر که او گمراهش کند ، هیچ کس هدایتگرش نخواهد
بود .

الإمام زين العابدين عليه السلام من دُعائه يوم الثلاثاء: الْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَالْحَمْدُ حَقُّهُ كَمَا يَسْتَحِقُّهُ حَمْدًا كَثِيرًا ، وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ نَفْسِي ، إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَٰهًا مَا رَحِمَ رَبِّي ، وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الَّذِي يَزِيدُنِي ذَنْبًا إِلَى ذَنْبِي ، وَأَحْتَرِزُ بِهِ مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ فَاجِرٍ ، وَسُلْطَانٍ جَائِرٍ ، وَعَدُوٍّ قَاهِرٍ . (١)

٤ / ٤ أئمة الجور الكتاب «وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ * وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ» . (٢)

«إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَنٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَلِّغِيهِ فَاستَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» . (٣)

الحدِيثُ للإمام الحسين عليه السلام يَوْمَ الطَّفِّ : . . . إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ ، أَعُوذُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ . (٤)

رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَيْمَةِ الْحَرْجِ (٥) ، الَّذِينَ يُحْرِجُونَ أُمَّتِي إِلَى الظُّلْمِ . (٦)

١- البلد الأمين: ص ١٢٣ ، المصباح للكفعمي: ص ١٦٣ ، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٨٧ ح ٢٥ .

٢- غافر: ٢٦ و ٢٧ .

٣- غافر: ٥٦ .

٤- الإرشاد: ج ٢ ص ٩٨ ، مثير الأبحان: ص ٥١ ، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٦٨ ، إعلام الوري: ج ١ ص ٤٥٩ ، بحار الأنوار: ج ٤٥ ص ٧ .

٥- الحَرْجُ فِي الْأَصْلِ: الضيق ، ويقع على الإثم والحرام (النهاية: ج ١ ص ٣٦١ «حرج»).

٦- المعجم الأوسط: ج ٥ ص ٩٦ ح ٤٧٧٧ عن عمر بن الخطاب ، مجمع الزوائد: ج ٥ ص ٤٢٧ ح ٩٢٠٤ .

۴ / ۴ پیشوایان ستم و کجروی

امام زین العابدین علیه السلام در دعای روز سه شنبه: سپاس و ستایش فراوان، خدای را که ستایش، سزاوار اوست آن سان که او سزاوار آن است. از شرّ نفسم به او پناه می برم که نفس، پیوسته به بدی فرمان می دهد، مگر آن که پروردگارم رحم کند. و از شرّ شیطان که گناهی بر گناه می افزاید به او پناه می برم، و از هر قدرتمند نابکاری و پادشاه ستمکاری و دشمن زورگویی، خود را در پناه او در می آورم.

۴ / ۴ پیشوایان ستم و کجرو یقرآن «و فرعون گفت: «بگذارید موسی را بکشم و او پروردگارش را بخواند، [زیرا] من می ترسم که آیین شما را دیگرگون سازد یا در این سرزمین، تباهی افکند». و موسی گفت: «من از هر گردن فرازی که به روز حساب باور ندارد، به پروردگار خود و پروردگار شما پناه برده ام».

«آنان که در باره نشانه های خدا بی آن که حجتی برایشان آمده باشد مجادله می کنند، در دل هایشان جز تکبر نیست. آنان به آن نخواهند رسید. پس به خدا پناه جوی، که او شنوا و بیناست».

حدیث امام حسین علیه السلام در روز عاشورا: ... من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم از این که مرا سنگباران کنید. به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم از هر گردن فرازی که به روز حساب باور ندارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از پیشوایان زور که امت مرا به ستم وا می دارند، به تو پناه می برم.

الإمام على عليه السلام من وصيته لكميل بن زياد: يا كميل، إياك والتطرق إلى أبواب الظالمين، والاختلاط بهم، والاكتساب منهم... يا كميل، إن اضطرت إلى حضورها، فداوم ذكر الله تعالى والتوكل عليه، واستعد بالله من شرهم، وأطرق (١) عنهم، وأنكر بقلبك فعلهم... يا كميل سخط الله تعالى محيط بمن لم يحتز منهم باسمه ونبيه، وجمع عزائمهم (٢) وعوذهم جل وعز، وصلى الله على نبيه وآله وسلم. (٣)

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: إذا دخلت على شيطان تخاف شره، فقل: اللهم إني أسألك خير فلان، وأعوذ بك من شره، وأسألك بركته، وأعوذ بك من فتنته، اللهم اجعل حاجتي أولها صلاحا، وأوسطها فلاحا، وآخرها نجاحا. (٤)

الأدب المفرد عن ابن عباس: إذا أتيت سلطانا مهيبا تخاف أن يسطو بك، فقل: الله أكبر، الله أعز من خلقه جميعا، الله أعز مما أخاف وأحذر، وأعوذ بالله الذي لا إله إلا هو، الممسك السماوات السبع أن يقعن على الأرض إلا بإذنه، من شر عبداك فلان، وجنوده وأتباعه وأشياعه من الجن والإنس، اللهم كن لي جارا من شرهم، جل ثناؤك، وعز جاروك، وتبارك اسمك، ولا إله غيرك ثلاث مرات. (٥)

- ١- أطرق الرجل: إذا سكت فلم يتكلم، وأطرق، أى أرخى عينيه ينظر إلى الأرض (الصحاح: ج ٤ ص ١٥١٥ «طرق»).
- ٢- عزائم الأمور: أى فرائضها التى عزم الله عليك بفعلها (النهاية: ج ٣ ص ٢٣١ «عزم»).
- ٣- بشاره المصطفى: ص ٢٦ عن كميل بن زياد، تحف العقول: ص ١٧٣ نحوه.
- ٤- الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ٤٠٠، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢١٩ ح ١٥.
- ٥- الأدب المفرد: ص ٢١٢ ح ٧٠٨، المعجم الكبير: ج ١٠ ص ٢٥٨ ح ١٠٥٩٩، المصنف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٢٥ ح ٢، حليه الأولياء: ج ١ ص ٣٢٢، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٦٠ ح ٥٠٠٦.

امام علی علیه السلام در سفارش به کمیل بن زیاد: ای کمیل! از نزدیک شدن به درگاه ستمگران و آمیختن با آنان و کسب درآمد از آنان، پرهیز... ای کمیل! اگر از حاضر شدن در درگاه آنان ناگزیر شدی، پیوسته خدای تعالی را یاد کن و بر او توکل نمای و از شرّشان به خدا پناه ببر، و در برابرشان خاموش بمان [و در مدح و تأییدشان سخنی مگوی] و در دلت با کردار آنان مخالفت کن... ای کمیل! کسی که با نام خدا و پیامبر او و [با به کار بستن] همه واجبات الهی و تعویذهای او که پرشکوه و شکست ناپذیر است، از آنان (ستمگران) پرهیز نکند، خشم خدای تعالی او را در میان گرفته است. درود خدا و سلام او، بر پیامبر او و خاندانش باد.

الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: هر گاه نزد فرمان روایی رفتی که از گزند او بیم داری، بگو: «بار خدایا! من خوبی فلانی را از تو درخواست می کنم و از بدی و گزندش، به تو پناه می برم. برکتش را از تو درخواست می کنم و از بد رفتاری و آزارش، به تو پناه می برم. بار خدایا! آغاز حاجت مرا درستی، میانش را رستگاری، و پایانش را کامیابی قرار ده».

الأدب المفرد به نقل از ابن عباس: هر گاه بر فرمان روایی ترسناک وارد شدی و بیم آن داشتی که بر تو خشم بگیرد، سه بار بگو: «خدا بزرگ تر است. خدا از همه آفریدگانش نیرومندتر است. خدا از آنچه می ترسم و بیمناکم، نیرومندتر است. به [تو] خدایی که معبودی جز او نیست و آسمان های هفتگانه را نگه داشته است که مبادا جز به اذن او، بر زمین فرو افتند، پناه می برم از شرّ فلان بنده ات و از شرّ سپاهیان و پیروان و رهروانش، چه جنّ [باشند] و چه انس. بار خدایا! مرا از شرّ آنان در پناه خویش بگیر، که ثنای تو بزرگ است و پناه تو استوار و نامت خجسته، و معبودی جز تو نیست».

٤ / ٥ الجَهْلُ الكِتَابُ «قَالَ يُنُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْتَمِنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْظَمُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ * قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْئَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَسِرِينَ». (١)

«وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بقرَهُ قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ». (٢)

الحديثسنن النسائي عن أم سلمة: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ قَالَ: بِاسْمِ اللَّهِ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَزِلَّ ، أَوْ أُضِلَّ ، أَوْ أُظْلَمَ أَوْ أُظْلَمَ ، أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ . (٣)

الإمام علي عليه السلام من دُعائه يومَ الهَرِيرِ بِصَفَيْنَ: اللَّهُمَّ إِنِّي ... أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجَهْلِ وَالْهَزْلِ ، وَمِنْ شَرِّ الْقَوْلِ وَالْفِعْلِ . (٤)

عنه عليه السلام: إلهي ... أَعُوذُ بِكَ مِنْ قُوَّتِي ، وَالْوَدُ بِكَ مِنْ جُرْأَتِي ، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ مِنْ جَهْلِي ، وَأَتَعَلَّقُ بِعُرَى أَسْبَابِكَ مِنْ ذَنْبِي . (٥)

١- هود: ٤٦ و ٤٧ .

٢- البقره: ٦٧ .

٣- سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦٨ ، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٧٨ ح ٣٨٨٤ ، مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ٢٢٠ ح ٢٦٧٦٦ .

٤- مَهَج الدعوات: ص ١٣٢ عن محمد بن النعمان الأحول عن الإمام الصادق عليه السلام .

٥- بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٤٦ ح ٥٦ نقلاً عن كتاب اختيار ابن الباقي .

۴ / ۵ نادانی

۴ / ۵ نادانیقرآن [خداوند] گفت: ای نوح! او (پسرت) از کسان تو نیست. او [دارای] کرداری ناشایسته است. پس چیزی را که بدان علم نداری، از من مخواه. من به تو اندرز می‌دهم که مبادا از نادانان باشی. نوح گفت: «ای پروردگار من! به تو پناه می‌برم [از این] که از تو چیزی بخواهم که بدان علم ندارم. و اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی، از زیانکاران خواهم بود».

«و آن گاه که موسی به قومش گفت: «خدا به شما دستور می‌دهد که ماده گاوی را سر ببرید». آنان گفتند: «آیا ما را به ریشخند می‌گیری؟». گفت: «به خدا پناه می‌برم [از این] که از نادانان باشم».

حدیثسنن النسائی به نقل از اُمِّ سَیْلَمَه: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه از خانه اش خارج می‌شد، می‌گفت: «به نام خدا. خداوند! به تو پناه می‌برم از این که بلغزم یا گم راه شوم یا ستم کنم یا به من ستم شود، یا نادانی کنم یا با من به نادانی رفتار شود».

امام علی علیه السلام در دعایی که روز هریر در جنگ صفین خواند: بار خدایا! من ... به تو پناه می‌برم از نادانی کردن و شوخی [بیجا] نمودن، و از گفتار و کردار بد.

امام علی علیه السلام: معبود من! ... از نیروی خود، به تو پناه می‌برم و از گستاخی ام، به تو پناه می‌دهم می‌شوم و از نادانی خود، از تو امان می‌جویم و از گناه خویش، به دستگیره های ریسمان های تو چنگ می‌زنم.

عنه عليه السلام: أَعُوذُ بِكَ رَبِّي أَنْ أَشْتَرِيَ الْجَهْلَ بِالْعِلْمِ كَمَا اشْتَرَى غَيْرِي ، أَوْ السَّفَهَ بِالْحِلْمِ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام فيما يُدعى بِهِ فِي الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ : اللَّهُمَّ بِكَ نُمَسِي وَبِكَ نُصْبِحُ ، وَبِكَ نَحْيَا ، وَبِكَ نَمُوتُ ، وَإِلَيْكَ نَصِيرُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُذِلَّ أَوْ أُذَلَّ ، أَوْ أُضِلَّ أَوْ أُضِلَّ ، أَوْ أُظْلَمَ أَوْ أُظْلَمَ ، أَوْ أُجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ . (٢)

الكافي عن عبد الرحمن بن سيابه: أعطاني أبو عبد الله عليه السلام هذا الدعاء: الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلِيُّ الْحَمْدِ وَأَهْلِهِ وَمُنْتَهَاهُ وَمَحَلُّهُ ... وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَشْتَرِيَ الْجَهْلَ بِالْعِلْمِ ، وَالْجَفَاءَ بِالْحِلْمِ ، وَالْجَوْرَ بِالْعَدْلِ ، وَالْقَطِيعَةَ بِالْبِرِّ ، وَالْجَزَعَ بِالصَّبْرِ . (٣)

٤ / ٦ عِلْمٌ لَا يَنْفَعُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ . (٤)

مسند ابن حنبل عن أنس: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ ، وَعَمَلٍ لَا يُرْفَعُ ، وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ ، وَقَوْلٍ لَا يُسْمَعُ . (٥)

مصباح الشريعة فيما نَسَبَهُ إِلَى الإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ» ، وَهُوَ الْعِلْمُ الَّذِي يُضَادُّ الْعَمَلَ بِالإِخْلَاصِ ، وَاعْلَمْ أَنَّ قَلِيلَ الْعِلْمِ يَحْتَاجُ إِلَى كَثِيرِ الْعَمَلِ ، لِأَنَّ عِلْمَ سَاعَةٍ يُلْزِمُ صَاحِبَهُ اسْتِعْمَالَ طَوْلِ عُمُرِهِ (٦) . (٧)

١- .مُهْج الدعوات : ص ١٢٦ ، مستدرک الوسائل : ج ١١ ص ١١١ ح ١٢٥٥٦ .

٢- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٣٣٧ ح ٩٨٢ عن عمّار بن موسى .

٣- .الكافي : ج ٢ ص ٥٩٠ و ص ٥٩٢ ح ٣١ وراجع مصباح المتهجد : ص ٢٧٧ .

٤- .السنن الكبرى للنسائي : ج ٤ ص ٤٤٤ ح ٧٨٦٧ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٦٣ ح ٣٨٤٣ نحوه ، صحيح ابن حبان : ج ١ ص ٢٨٣ ح ٨٢ ، المعجم الأوسط : ج ٩ ص ٣٢ ح ٩٠٥٠ كلها عن جابر بن عبد الله و ج ٧ ص ١٥٤ ح ٧١٣٩ عن عائشه ، كنز العمال : ج ٢ ص ٢١٠ ح ٣٨٠٤ .

٥- .مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ٥٠٧ ح ١٣٦٧٥ ، صحيح ابن حبان : ج ١ ص ٢٨٤ ح ٨٣ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٧ ص ١٨ ح ٨ ، مسند أبي يعلى : ج ٣ ص ٢٠٧ ح ٢٨٣٧ ، كنز العمال : ج ٢ ص ٦٩٣ ح ٥١٠٥ .

٦- .في المصدر : «استعمال طول العمر» ، والتصويب من بحار الأنوار .

٧- .مصباح الشريعة : ص ٣٤٤ ، بحار الأنوار : ج ٢ ص ٣٢ ح ٢٣ .

۴ / ۶ دانش بی سود

امام علی علیه السلام: ای پروردگار من! به تو پناه می برم از این که نادانی را به جای دانایی بخرم چنان که دیگران خریدند ، یا سبکسری را به جای خردمندی .

امام صادق علیه السلام در دعای صبح و شام : بار خدایا! به یاری تو ، روز را به شب و شب را به روز می رسانیم ، و به کمک تو زنده ایم ، و به قدرت تو می میریم ، و به سوی تو حرکت می کنیم . به تو پناه می برم از این که خوار شوم یا [کسی را] خوار گردانم ، یا گم راه شوم یا گم راه گردانم ، یا ستم کنم یا به من ستم شود ، یا نادانی کنم یا با من به نادانی رفتار شود .

الکافی به نقل از عبد الرحمان بن سیابه : امام صادق علیه السلام این دعا را به من داد : «ستایش ، خدایی را که صاحب ستایش و سزای آن و پایانه و جایگاه آن است ... و [خدایا!] به تو پناه می برم از این که نادانی را به جای دانایی بخرم ، و تندی را به جای بردباری ، و ستم را به جای دادگری ، و بریدن از خویشان را به جای نیکی به آنان ، و ناشکیبی را به جای شکیبایی .

۴ / ۶ دانش بی سود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار خدایا! دانشی سودمند از تو درخواست می کنم و از دانشی که سود نبخشد ، به تو پناه می برم .

مسند ابن حنبل به نقل از انس : پیامبر خدا می گفت : «بار خدایا! من از دانشی که سود نبخشد و کرداری که [به درگاه تو] بالا نرود و دلی که خشوع نداشته باشد و سخنی که شنیده نشود ، به تو پناه می برم» .

مصباح الشریعه در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده است : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «به خدا پناه می بریم از دانشی که سود نبخشد» و آن ، دانشی است که با عمل خالصانه ، در تضاد باشد . بدان که : اندک دانش ، نیاز به عمل بسیار دارد ؛ زیرا دانش [آموخته شده در] یک ساعت ، صاحب خود را وا می دارد که در تمام عمرش آن را به کار بندد .

٧ / ٤ الشُّرْكُمسند ابن حنبل عن أبي موسى الأشعري: حَطَبْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، اتَّقُوا هَذَا الشُّرْكَ، فَإِنَّهُ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ. فَقَالَ لَهُ مَنْ شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَقُولَ: وَكَيْفَ تَنْقِيهِ وَهُوَ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ، يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: قُولُوا: اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نُشْرِكَ بِكَ شَيْئًا نَعْلَمُهُ، وَنَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا نَعْلَمُ. (١)

٨ / ٤ مُضِيَّاتُ الْفِتْنِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ دُعَاءٍ كَانَ يَدْعُو بِهِ: أَعُوذُ بِكَ مِنْ ضَرَاءٍ مُضِيَّرَةٍ، وَفِتْنَةٍ مُضِيَّلَةٍ، اللَّهُمَّ زَيِّنَا بِزِينَةِ الْإِيمَانِ، وَاجْعَلْنَا هُدَاةً مُهْتَدِينَ. (٢)

عنه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ (٣)، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَفِتْنَةِ الْمَمَاتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ (٤). (٥)

- ١- مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ١٤٦ ح ١٩٦٢٥، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٨٨ ح ١، تفسير ابن كثير: ج ٤ ص ٣٣٤، كنز العمال: ج ٣ ص ٤٨١ ح ٧٥٢١.
- ٢- سنن النسائي: ج ٣ ص ٥٥، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٣٦٦ ح ١٨٣٥٣ فيه «مهديين» بدل «مهتدين» وكلاهما عن عمّار بن ياسر، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٨٨ ح ٥٠٨٦.
- ٣- دَجَلٌ: إِذَا لَبَسَ وَمَوَّهٌ، وَالدَّجَالُ: مَنْ أَبْنِيهِ الْمَبَالِغَةُ: أَي يَكْثُرُ مِنْهُ الْكُذْبُ وَالتَّلْبِيسُ، وَالدَّجَالُ هُوَ الَّذِي يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يَدْعِي الْأُلُوْهِيَّةَ (النهاية: ج ٢ ص ١٠٢ «دجل»).
- ٤- الْمَغْرَمُ كَالْمُغْرَمِ، وَهُوَ الْمَدِينُ، وَيُرِيدُ بِهِ مَا اسْتُدِينُ فِيمَا يَكْرَهُهُ اللَّهُ، أَوْ فِيمَا يَجُوزُ ثُمَّ عَجَزَ عَنْ أَدَائِهِ، فَأَمَّا دِينَ احْتِجَاجٍ إِلَيْهِ، وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى أَدَائِهِ، فَلَا يَسْتَعَاذُ مِنْهُ (النهاية: ج ٣ ص ٣٦٣ «غرم»).
- ٥- صحيح البخاري: ج ١ ص ٢٨٦ ح ٧٩٨، صحيح مسلم: ج ١ ص ٤١٢ ح ١٢٩، سنن أبي داود: ج ١ ص ٢٣٣ ح ٨٨٠، سنن النسائي: ج ٣ ص ٥٦ كلّها عن عائشة و ج ٤ ص ١٠٤، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٢٥ ح ٣٤٩٤، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٦٢ ح ٣٨٤٠ والثلاثة الأخيره عن ابن عباس وليس فيها ذيله، كنز العمال: ج ١ ص ٤٨٧ ح ٢١٣٣.

۴ / ۷ شرک

۴ / ۸ فتنه های گم راه کننده

۴ / ۷ شریک‌مسند ابن حنبل به نقل از ابو موسی اشعری: روزی پیامبر خدا برای ما سخنرانی کرد و فرمود: «ای مردم! از این شرک پرهیزید؛ چرا که آن از خزیدن مورچه هم ناپیداتر است». کسی که خدا خواست بگوید گفت: ای پیامبر خدا! حال که از خزیدن مورچه هم ناپیداتر است، چگونه از آن پرهیزیم؟ فرمود: «بگویید: بار خدایا! به تو پناه می‌بریم از این که چیزی را دانسته، شریک تو گردانیم، و برای آنچه ندانسته چنین می‌کنیم، از تو آمرزش می‌طلبیم».

۴ / ۸ فتنه های گم راه کننده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی که همواره می‌خواند: از سختی های گزند رساننده و از فتنه های گم راه کننده، به تو پناه می‌برم. بار خدایا! ما را به زیور ایمان بیارای، و راه نمایانی ره یافته قرارمان ده.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از عذاب قبر به تو پناه می‌برم، از فتنه مسیح دروغین به تو پناه می‌برم، از فتنه زندگی و فتنه مردن به تو پناه می‌برم. بار خدایا! از گنهکاری و بدهکاری [بیش] (۱) به تو پناه می‌برم.

۱- منظور، بدهکار بودن بابت چیزی است که خداوند از آن، ناخشنود باشد و یا بدهی فراوانی که دیگر نتوان آن را پس داد، هر چند گرفتن آن، جایز بوده باشد. م.

الإمام عليّ عليه السلام: إلهي أسألك مسألة من يعرفك كنه معرفتك ، من كل خير يتبغى للمؤمن أن يسلكه ، وأعوذ بك من كل شرّ وفتنه أعدت بها أجبائك من خلقك ، إنك على كل شيء قديرٌ . (١)

عنه عليه السلام: نعوذ بالله من سوء كمال الرّيب (٢) ، وظلم الفتن ، ونستغفره من مكاسب الذنوب ، ونستعصمه من مساوي الأعمال ، ومكاره الآمال . (٣)

عنه عليه السلام: نعوذ بالله من مضيق مضايق السُّبُلِ على أهلها بعد اتساع مناهج الحقّ ، لطمس آيات منير الهدى ، بلبس ثياب مُضَلَّاتِ الفتن (٤) . (٥)

عنه عليه السلام: لا يقولنّ أحدكم: «اللهم إني أعوذ بك من الفتنه»؛ لأنه ليس أحدٌ إلّا وهو مُشْتَمِلٌ على فتنه ، ولكن من استعاذ فليستعذ من مُضَلَّاتِ الفتن ، فإنّ الله سبحانه يقول: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا آمَوَ لَكُمْ وَأَوْلَدَ كُمْ فِتْنَةً» (٦) . (٧)

١- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٩٦ ح ١٢ نقلًا عن الكتاب العتيق الغروي .

٢- الرّيبُ: الشُّكُّ (النهاية: ج ٢ ص ٢٨٦ «ريب»).

٣- الكافي: ج ٨ ص ١٧٥ ح ١٩٤ ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٥٣ ح ٣١ .

٤- في المصدر: «تلبس ثيابه مُضَلَّاتِ العمل» ، وما أثبتناه من بحار الأنوار .

٥- الغارات: ج ١ ص ١٥٧ عن أبي زكريّا ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢ ح ٥٠ .

٦- الأنفال: ٢٨ .

٧- نهج البلاغه: الحكمة ٩٣ ، مجمع البيان: ج ٤ ص ٨٢٤ ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٩٧ ح ٦ .

امام علی علیه السلام: معبودا! از تو به سان درخواست کردنِ کسی که تو را عمیقا شناخته است درخواست می کنم هر خیری را که سزاوار است مؤمن آن را بپویید ، و به تو پناه می برم از هر شرّ و فتنه ای که آفریدگان محبوبت را از آنها در پناه خود گرفتی . به راستی که تو بر هر چیزی توانایی .

امام علی علیه السلام: از بدی هر شکی و از تاریکی های فتنه ها ، به خدا پناه می بریم و برای گناهانی که کرده ایم ، از او آمرزش می طلبیم ، و از او می خواهیم که ما را از کردارهای بد و آرزوهای ناخوشایند ، مصون بدارد .

امام علی علیه السلام: پناه می بریم به خدا از این که پس از فراخ شدنِ شاه راه های حق ، بر اثر محو سایه افکندنِ فتنه های گم راه کننده بر همه جا ، نشانه های راه راست و روشن ، محو شوند و بدین سبب ، راه ها [ی حق] بر رهروانشان تنگ گردند .

امام علی علیه السلام: هیچ یک از شما نگوید : «بار خدایا! از فتنه به تو پناه می برم» ؛ زیرا هیچ کس نیست مگر آن که فتنه ای در بردارد . پس اگر کسی خواست [به خدا] پناه ببرد ، از فتنه های گم راه کننده [به او] پناه بَرَد ؛ چرا که خداوند سبحان می فرماید : «بدانید که دارایی ها و فرزندان شما فتنه اند» .

الإمام الصادق عليه السلام: سَمِعَ أمير المؤمنين عليه السلام رجلاً يقول: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ . قَالَ: أَرَاكَ تَتَعَوَّذُ مِنْ مَالِكَ وَوَلَدِكَ ؛ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (١) ! وَلَكِنْ قُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ . (٢)

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ، وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ، وَأَنْ أُشْرِكَ بِكَ مَا لَمْ تُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا ، وَأَنْ أَقُولَ عَلَيْكَ مَا لَا أَعْلَمُ... وَأَعُوذُ بِدِرْعِكَ الْحَصِينَةِ الَّتِي لَا تُرَامُ (٣) . (٤)

الإمام الكاظم عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مَالٍ يَكُونُ عَلَيَّ فِتْنَةً ، وَمِنْ وَلَدٍ يَكُونُ لِي عَدُوًّا . (٥)

٤ / ٩ الضَّلَالَةَ بَعْدَ الْهِدَايَةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِعِزَّتِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُضِلَّنِي ، أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ، وَالْجَنُّ وَالْإِنْسُ يَمُوتُونَ . (٦)

١- .التغابن: ١٥ .

٢- .الأمالى للطوسى: ص ٥٨٠ ح ١٢٠١ عن عبد الله بن محمد بن عبيد ، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٧٢ ، أعلام الدين: ص ٢١٠ كلاهما عن محمد بن عجلان وكلها عن الإمام الهادي عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٢٥ ح ٧ .

٣- .رمتُ الشيء: طلبته (المصباح المنير: ص ٢٤٦ «روم»).

٤- .مصباح المتهجد: ص ٧٦ ح ١٢٤ ، فلاح السائل: ص ٣٦٢ ح ٢٤٢ ، البلد الأمين: ص ٢٠ كلها عن معاوية بن عمّار ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٨٩ ح ١٢ .

٥- .مصباح المتهجد: ص ٥٠٣ ح ٥٨٤ ، البلد الأمين: ص ١٠١ ، المصباح للكفعمي: ص ١٤٦ ، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٥٣ .

٦- .صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٨٦ ح ٦٧ ، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٦٤٦ ح ٢٧٤٨ ، صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ١٨١ ح ٨٩٨ ، السنن الكبرى للنسائي: ج ٤ ص ٣٩٩ ح ٧٦٨٤ نحوه وكلها عن ابن عباس ، كنز العمال: ج ٢ ص ١٨٠ ح ٣٦٣٦ .

۴ / ۹ گم راهی پس از ره یافتن

امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان شنید که مردی می گوید: بار خدایا! من از فتنه به تو پناه می برم. فرمود: «می بینم که از مال و فرزندی پناه می ببری! [چرا که] خدای تعالی می فرماید: «دارایی ها و فرزندان شما فتنه اند». پس [به جای آن] بگو: بار خدایا، من از فتنه های گم راه کننده به تو پناه می برم».

امام صادق علیه السلام در دعای بعد از نماز عصر: بار خدایا! من از فتنه های گم راه کننده، چه آشکار و چه پنهانش، و از گناه و تجاوز به ناحق، به تو پناه می برم، و [به تو پناه می برم] از این که چیزی را شریک تو گردانم که بر درستی آن، حجتی قرار نداده ای، و از این که چیزی را به تو نسبت دهم که نمی دانم... و پناه می برم به جوشن استوار و نفوذناپذیر تو.

امام کاظم علیه السلام: بار خدایا! از مالی که برای من فتنه، و از فرزندی که دشمن من باشد، به تو پناه می برم.

۴ / ۹ گم راهی پس از ره یافتن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا، ای آن که معبودی جز تو نیست! به عزت تو پناه می برم از این که مرا گم راه سازی. تو آن زنده ای هستی که هرگز نمی میرد، در حالی که جن و انس می میرند.

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ... وَأَعِزَّنَا أَنْ نَرْجِعَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا ضَالِّينَ مُضَلِّينَ ، وَأَجْرِنَا مِنَ الْحَيْرَةِ فِي الدِّينِ ، وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ ، وَأَلْحِقْنَا بِالصَّالِحِينَ . (١)

الإمام علي عليه السلام في خطبته يوم الفطر: نَسْتَهْدِي اللَّهَ بِالْهُدَى ، وَنَعُوذُ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَالرَّذَى . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام في جواب خطبته النكاح: وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْعَمَى بَعْدَ الْهُدَى ، وَالْعَمَلِ فِي مَضَلَّاتِ الْهَوَى . (٣)

١٠ / ٤ مساوي الأخلاق الكبر رسول الله صلى الله عليه وآله في بيان آفة الكبر: أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْخَةِ الْكِبَرِيَاءِ . (٤)

الإمام علي عليه السلام من خطبته في التحذير من إبليس لعنه الله: اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ لَوَاقِحِ الْكِبَرِ ، كَمَا تَسْتَعِيدُونَ مِنْ طَوَارِقِ الدَّهْرِ . (٥)

ب الرِّيَاءِ شَعْبُ الْإِيمَانِ عَنْ أَبِي بَكْرٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ خُشُوعِ التَّفَاقِ . قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَمَا خُشُوعُ التَّفَاقِ؟ قَالَ: خُشُوعُ الْبَدَنِ وَتَفَاقُ الْقَلْبِ . (٦)

١- الدرور الواقيه: ص ١١٤ ، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ١٥٤ .

٢- مصباح المتهدج: ص ٦٦٠ ح ٧٢٨ عن عبد الله الأزدي ، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٣٠ ح ٥ .

٣- الكافي: ج ٥ ص ٣٧٢ ح ٥ .

٤- إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٥٠٠؛ بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٩٣ .

٥- نهج البلاغه: الخطبه ١٩٢ ، غرر الحكم: ح ٢٥٥٦ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٨٨ ح ٢١٠١ ، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٤٦٨ ح ٣٧ .

٦- شعب الإيمان: ج ٥ ص ٣٦٤ ح ٦٩٦٧ ، نوادر الأصول: ج ١ ص ٣٨٩ و ج ٢ ص ٢٠٨ ، الفردوس: ج ٢ ص ٤٩ ح ٢٢٨٠ نحوه ، كنز العمال: ج ٨ ص ١٩٦ ح ٢٢٥٢٥ .

۴ / ۱۰ خوی های زشت

الف تکبر

ب ریا

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! ... ما را در پناه خویش بگیر تا مبادا بعد از آن که هدایتمان فرموده ای ، دوباره گم راه و گم راه کننده شویم ، و از سرگشتگی در دین ، پناهمان ده . ما را مسلمان بمیران و به نیکان ملحق فرما .

امام علی علیه السلام در خطبه روز فطر: از خداوند می خواهیم که ما را به راه راست ، راه نمایی کند ، و از گم راهی و هلاکت به او پناه می بریم .

امام صادق علیه السلام در جواب خطبه ازدواج: از کوریِ پس از هدایت و از عمل در گم راهی های هوای نفس ، به خدا پناه می بریم .

۴ / ۱۰ خوی های زشتالف تکبرپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان آفت تکبر: از باد تکبر ، به تو پناه می برم .

امام علی علیه السلام در خطبه خود برای برحذر داشتن از ابلیس لعین: از بارور کننده های تکبر ، به خدا پناه ببرید ؛ همان سان که از بلاهای روزگار ، به او پناه می برید .

ب ریاشعب الإیمان به نقل از ابو بکر: پیامبر خدا فرمود: «از خشوع منافقانه ، به خدا پناه ببرید» . [اصحاب] گفتند: ای پیامبر خدا! خشوع منافقانه چیست؟ فرمود: «این که تن خاشع باشد و دل منافق» .

منه المرید: قال صلى الله عليه و آله : اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ جُبِّ (١) الْخِزْيِ ، قِيلَ : وَمَا هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟ قَالَ : وادٍ فِي جَهَنَّمَ أَعَدَّ لِلْمُرَائِنِ . (٢)

سنن الترمذی عن أبي هريره : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ جُبِّ الْحُزْنِ . قالوا : يا رسول الله وما جُبُّ الْحُزْنِ ؟ قال : وادٍ فِي جَهَنَّمَ ، تَعَوَّذُ مِنْهُ جَهَنَّمُ كُلُّ يَوْمٍ مِثَّةَ مَرَّةٍ . قلنا : يا رسول الله ، وَمَنْ يَدْخُلُهُ ؟ قال : الْقُرَاءُ الْمُرَاوُونَ بِأَعْمَالِهِمْ . (٣)

الإمام علي عليه السلام :اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تَحْسَنَ فِي لَامِعَةِ الْعُيُونِ عَلَانِيَتِي ، وَتَقْبِيحَ فِيمَا أَبْطُنُ لَكَ سِرِّيَّتِي ، مُحَافِظًا عَلَي رِثَائِ (٤) النَّاسِ مِنْ نَفْسِي بِجَمِيعِ مَا أَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَيْهِ مِنِّي ، فَأَبْدِي لِلنَّاسِ حُسْنَ ظَاهِرِي ، وَأَفْضِي إِلَيْكَ بِسَوْءِ عَمَلِي ، تَقَرُّبًا إِلَى عِبَادِكَ ، وَتَبَاعُداً مِنْ مَرْضَاتِكَ . (٥)

الإمام زين العابدين عليه السلام في دُعَاءِ يَوْمِ عَرَفَةَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ تَحْسَنَ فِي رَامِقَةِ الْعُيُونِ عَلَانِيَتِي ، وَتَفْتِيحَ (٦) فِيمَا أَخْلُو لَكَ سِرِّيَّتِي ، مُحَافِظًا عَلَي رِثَائِ النَّاسِ مِنْ نَفْسِي ، مُضَيِّعًا مَا أَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَيْهِ مِنِّي ، فَأَبْدِي لَكَ بِأَحْسَنِ أَمْرِي ، وَأَخْلُو لَكَ بِسِرِّي فَعَلِي ، تَقَرُّبًا إِلَى الْمَخْلُوقِينَ بِحَسَنَاتِي ، وَفِرَارًا مِنْهُمْ إِلَيْكَ بِسَيِّئَاتِي ، حَتَّى كَأَنَّ الثَّوَابَ لَيْسَ مِنْكَ ، وَكَأَنَّ الْعِقَابَ لَيْسَ إِلَيْكَ ، قَسْوَةً مِنْ مَخَافَتِكَ مِنْ قَلْبِي ، وَزَلَلًا عَن قُدْرَتِكَ مِنْ جَهْلِي ، فَيُحِلُّ بِي غَضَبُكَ ، وَيُنَالُنِي مَقْتُكَ (٧) ، فَأَعِزَّنِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ ، وَقِنِي بِوَقَاتِكَ الَّتِي وَقَيْتَ بِهَا عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ . (٨)

١- الجُبُّ : البئر ، وقيل : هي البئر الكثيره الماء ، البعيده القعر (لسان العرب : ج ١ ص ٢٥٠ «جب»).

٢- منه المرید : ص ٣١٨ ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ٣٠٣ ح ٥٠ .

٣- سنن الترمذی : ج ٤ ص ٥٩٣ ح ٢٣٨٣ ، سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٩٤ ح ٢٥٦ ، المعجم الأوسط : ج ٣ ص ٢٦١ ح ٣٠٩٠ و ج ٦ ص ٢٠٢ ح ٦١٨٩ ، تهذيب الكمال : ج ٣٤ ص ٣٠٢ والثلاثة الأخيره نحوه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٤٧٩ ح ٧٥١٥ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ٢ ص ٦١ ح ٢٤٢ عن التميمي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام وفيه صدره فقط ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٥٨ ح ٢ .

٤- في المصدر : «رثاء» ، والتصويب من بحار الأنوار .

٥- نهج البلاغه : الحكمة ٢٧٦ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٢٣١ ح ٧ .

٦- كذا في المصدر والظاهر أنه تصحيف ، والصواب : «تفتيح» كما في الروايه السابقه .

٧- المقت : أشد البغض (النهايه : ج ٤ ص ٣٤٦ «مقت»).

٨- الإقبال : ج ٢ ص ١١٦ ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٢٣٨ وراجع كشف الغمّه : ج ٢ ص ٢٨٧ وتاريخ دمشق : ج ٤١ ص ٤٠٩ وسير أعلام النبلاء : ج ٤ ص ٣٩٦ وتاريخ دمشق : ج ٤١ ص ٤٠٩ .

منیه المرید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «از چاه رسوایی، به خدا پناه ببرید». گفته شد: آن چیست، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «دره ای در دوزخ که برای ریاکاران آماده شده است».

سنن الترمذی به نقل از ابو هریره: پیامبر خدا فرمود: «از چاه اندوه، به خدا پناه ببرید». [اصحاب] گفتند: چاه اندوه چیست، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «دره ای است در دوزخ که خود دوزخ نیز روزی صد مرتبه، از آن به خدا پناه می برد». گفتیم: ای پیامبر خدا! چه کسی وارد آن می شود؟ فرمود: «قاریانی که در کارهای خود، ریا کنند».

امام علی علیه السلام: خداوندا! پناه می برم به تو از این که بیرونم را در نگاه چشم ها [ای مردم] نیکو بنمایی، ولی درونم را که برای تو آشکار است، زشت گردانی. و این در حالی خواهد بود که خود را ریاکارانه، در نزد مردم به چیزهایی وادار کنم که تو خود از نسبت من با آنها آگاهی، پس ظاهر نیکویم را برای مردم آشکار دارم و بدی کردارم را نزد تو آورم تا بدین سان، به بندگان نزدیک شوم و از خشنودی تو به دور مانم.

امام زین العابدین علیه السلام در دعای روز عرفه: خداوندا! به تو پناه می برم از این که بیرونم را در نگاه چشم ها نیکو بنمایی، ولی درونم را که با تو خلوت دارم، زشت گردانی. آن در حالی خواهد بود که خویشتن را در چشم مردم ننگه دارم و آن [ثبت و اعمال نهانی ام] را که تو از آن آگاهی، تباه کنم، پس نیکوترین کارم را برایت آشکار سازم و بدترین کردارم را برای خلوت تو بگذارم تا بدین ترتیب، با خوبی هایم خود را به مخلوقین نزدیک سازم و با بدی هایم از آنان به سوی تو بگریزم چندان که گویی پاداش و کیفر دادن، در دست تو نیست؛ از آن رو که نسبت به ترس از تو، سنگ دل گشته باشم و از سر جهل و نادانی، قدرت تو را نادیده گرفته باشم و در نتیجه، خشم تو بر من فرود آید، و کین تو مرا در رسد. پس مرا از همه اینها، در پناه خویش در آور و با نگهداری خود که بندگان شایسته ات را با آن ننگه داشته ای مرا ننگه دار.

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَعْمَلَ مِنْ طَاعَتِكَ قَلِيلاً - أو كثيراً أريدُ بهِ أَحَدًا غَيْرَكَ ، أو أَعْمَلَ عَمَلًا يُخَالِطُهُ رِيَاءٌ . (١)

ج الحِرْصُ وَالطَّمَعُ رسول الله صلى الله عليه وآله :إِسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنَ الرَّغْبِ (٢) . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله :إِسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ طَمَعٍ يَهْدِي إِلَى طَمَعٍ (٤) ، وَمِنْ طَمَعٍ يَهْدِي إِلَى غَيْرِ مَطْمَعٍ ، وَمِنْ طَمَعٍ حَيْثُ لَا طَمَعٍ . (٥)

١- الإقبال : ج ١ ص ١٢٠ ، بحار الأنوار : ج ٩٧ ص ٣٢٧ ح ١ .

٢- الرُّغْبُ شَوْمٌ : أى الشَّرُّ والحِرْصُ على الدُّنْيَا ، وقيل : سَعَةُ الأَمَلِ وطلب الكثير (النهاية : ج ٢ ص ٢٣٨ «رغب»).

٣- الدعاء للطبرانى : ص ٤١٣ ح ١٣٩٦ ، نوادر الأصول : ج ٢ ص ١٤٢ وفيه «تعوذوا» بدل «استعيدوا» ، الفردوس : ج ١ ص ٨٦ ح ٢٧٣ وفيه «الزغب» بدل «الرغب» وكلها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٩٩ ح ٦١٦٠ .

٤- أى يُوَدِّى إلى شَيْنٍ وَعَيْبٍ ، وَالطَّبْعُ بالتحريك : الدَّنَسُ ، وأصله من الوسخ والدَّنَس يغشيان السَّيْفَ ، ثم استعمل فيما يشبه ذلك من الأوزار والآثام وغيرها من المقابح (النهاية : ج ٣ ص ١١٢ «طبع»).

٥- مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٢٣٧ ح ٢٢٠٨٢ و ص ٢٦٦ ح ٢٢١٨٩ ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ٧١٦ ح ١٩٥٦

كلاهما نحوه ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص ٧٠ ح ١١٥ كلها عن معاذ بن جبل ، كنز العمال : ج ٣ ص ٤٩٥ ح ٧٥٧٧ وراجع المعجم الكبير : ج ١٨ ص ٥٣ ح ٩٤ والتاريخ الكبير : ج ٨ ص ٢٦٦ ومسند الشاميين : ج ٣ ص ٩٨ ح ١٨٧٢ .

ج آزمندی و فزون خواهی

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! به تو پناه می برم از این که طاعت تو را ، اندک یا بسیار ، به کار بندم ، ولی نیتم از آن کسی جز تو باشد ، یا عملی انجام دهم که آمیخته با ریا باشد .

ج آزمندی و فزون خواهی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از آزمندی به خدا پناه ببرید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به خدا پناه ببرید از طمعی که به ننگ و پستی کشاند ، و از طمعی که به چیز ناخواسته ای بیانجامد ، و از طمع به چیزی که هرگز تحقق نیابد .

الإمام علي عليه السلام: نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْمَطَامِعِ الدِّيَنِيَّةِ ، وَالْهَمَمِ الْغَيْرِ الْمَرْضِيَّةِ . (١)

الإمام زين العابدين عليه السلام من دُعَائِهِ فِي الظُّلُمَاتِ : صَيَّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَيِّدْنِي مِنْكَ بِنَيْتِهِ صَادِقِهِ ، وَصَيِّرْ دَائِمًا ، وَأَعِزَّنِي مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ ، وَهَلِّعْ (٢) أَهْلَ الْجِرْصِ . (٣)

د البُخْرَسُولِ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ . (٤)

علل الشرائع عن أبي بصير: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَعَوَّذُ مِنَ الْبُخْلِ ؟ فَقَالَ : نَعَمْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ ، فِي كُلِّ صَيْبٍ وَمَسَاءٍ ، وَنَحْنُ نَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنَ الْبُخْلِ ، يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (٥) . (٦)

المصنّف لابن أبي شيبه عن أنس: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَتَعَوَّذُ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ . (٧)

ه سَكْرَةُ الْغِنْيَا لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ مِنْ سَكْرَةِ الْغِنْيِ ؛ فَإِنَّ لَهُ سَكْرَةَ بَعِيدَةِ الْإِفَاقِ . (٨)

١- غرر الحكم : ح ٩٩٧٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٩٨ ح ٩١٧٣ .

٢- الهلّع : أشدّ الجزع والضجر (النهاية : ج ٥ ص ٢٦٩ «هلّع»).

٣- الصحيفه السجاديّه : ص ٦٣ الدعاء ١٤ ، المصباح للكفعمي : ص ٢٨٠ .

٤- تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٧٢ .

٥- التغبان : ١٦ .

٦- علل الشرائع : ص ٥٤٨ ح ٤ ، تفسير العياشي : ج ٢ ص ٢٤٤ ح ٢٦ ، قصص الأنبياء : ص ١١٨ ح ١١٨ نحوه ، بحار الأنوار :

ج ١٢ ص ١٤٧ ح ١ .

٧- المصنّف لابن أبي شيبه : ج ٧ ص ١٩ ح ١٧ و ج ٣ ص ٢٥١ ح ١٢ ، كنز العمال : ج ٢ ص ٢٦٤ ح ٣٩٧٩ .

٨- غرر الحكم : ح ٢٥٥٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٨٨ ح ٢١٠١ .

د بخل**ه سرمستی توانگری**

امام علی علیه السلام: از طمع های پست و خواست ها و آرزوهای ناپسند ، به خدا پناه می بریم .

امام زین العابدین علیه السلام در دعای خود در باره ستم ها و حق کشی ها : [خدایا!] بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا از جانب خودت ، با نیتی راستین و شکیبی همیشگی ، یاری ده و از خواهش های بد و بی قراری آزمندان ، در پناه خود بگیر .

د بخل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوندا! از بخل ، به تو پناه می برم .

علل الشرائع به نقل از ابو بصیر : به امام باقر علیه السلام گفتم : آیا پیامبر خدا نیز از بخل ، به خدا پناه می برد؟ فرمود : «آری ای ابو محمد در هر بام و شام . ما نیز از بخل ، به خدا پناه می بریم . خداوند عز و جل می فرماید : «و کسانی که از بخل نفس خویش مصون مانند ، آنان اند که رستگارند» .

المصنّف ، ابن ابی شیبہ به نقل از انس : پیامبر صلی الله علیه و آله از ترسویی و بخل و از فتنه زندگی و مرگ و از عذاب قبر ، به خدا پناه می برد .

ه سرمستی توانگریامام علی علیه السلام : از سرمستی [ناشی از] توانگری ، به خدا پناه ببرید ؛ زیرا مستی آن ، دیر زایل می شود

وَعِدَاوَةُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَوَلَايَةُ أَعْدَائِهَا لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَعَادِيَ لَكَ وَلِيًّا ، أَوْ أُوَالِيَ لَكَ عَدُوًّا ، أَوْ أَرْضِيَ لَكَ سَخَطًا أَبَدًا . (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ مِنْ مَحَبَّةِ أَعْدَائِنَا ، وَعِدَاوَةِ أَوْلِيَانَا ، فَتَعَاذُوا مِنْ بُعْضِنَا وَعِدَاوَتِنَا ؛ فَإِنَّهُ مَنْ أَحَبَّ أَعْدَاءَنَا فَقَدْ عَادَانَا ، وَنَحْنُ مِنْهُ بُرَاءٌ ، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّمَنَّهُ بَرِيءٌ . (٢)

مصباح المتهجد عن الشيخ أبي عمرو العمرى فيما يُدعى بِهِ فِي غَيْبِهِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اللَّهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ خُصْمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ وَالْغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِزَّنِي ، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي . (٣)

ز تِلْكَ الْخِصَالُ لِلْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَعَوَّذُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ سِتِّ خِصَالٍ : مِنَ الشُّكِّ وَالشَّرِكِ ، وَالْحَمِيَّةِ ٤ وَالغَضَبِ ، وَالْبَغْيِ وَالْحَسَدِ . (٤)

رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُنْكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ وَالْأَعْمَالِ وَالْأَهْوَاءِ . (٥)

- ١- الأُمَالِي لِلْمُفِيدِ : ص ١٦٦ ح ٦ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ ، الْمُجْتَنِي : ص ٥٨ ، الْبَلَدِ الْأَمِينِ : ص ٩٩ مِنْ دُونَ إِسْنَادٍ إِلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نَحْوَهُ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٩٥ ص ٣٥٥ ح ١٠ .
- ٢- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص ٥٨٤ ح ٣٤٧ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٢٧ ص ٥٩ ح ٢٠ .
- ٣- مصباح المتهجد : ص ٤١٦ ح ٥٣٦ ، كَمَالُ الدِّينِ : ص ٥١٥ ح ٤٣ ، جَمَالُ الْأَسْبُوعِ : ص ٣١٩ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٩٥ ص ٣٣٠ ح ٣ .
- ٤- الخصال : ص ٣٢٩ ح ٢٤ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانَ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٧٢ ص ١٢٦ ح ٧ .
- ٥- سنن الترمذی : ج ٥ ص ٥٧٥ ح ٣٥٩١ ، صَحِيحُ ابْنِ حَبَّانَ : ج ٣ ص ٢٤٠ ح ٩٦٠ ، الْمُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحِينَ : ج ١ ص ٧١٤ ح ١٩٤٩ ، الْمَعْجَمُ الْكَبِيرُ : ج ١٩ ص ١٩ ح ٣٦ ، تَارِيخُ دِمَشْقَ : ج ٣٦ ص ٣٩٠ ح ٧٣٧٥ كُلُّهَا عَنْ قُطَيْبِ بْنِ مَالِكٍ نَحْوَهُ ، كَنْزُ الْعَمَالِ : ج ٢ ص ١٨٦ ح ٣٦٧١ .

و دشمنی با دوستان خدا و دوستی با دشمنان او

ز چند خصلت دیگر

و دشمنی با دوستان خدا و دوستی با دشمنان او امام علی علیه السلام: بار خدایا! پناه می برم به تو از این که با دوست تو دشمنی کنم ، یا با دشمن تو دوستی ورزم ، یا به ناخوشنودی تو رضایت دهم [و آنچه را تو نمی پسندی ، پسندم] .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از دوست داشتن دشمنان ما و دشمن داشتن دوستان ما ، به خدا پناه جوئید تا از بغض به ما و دشمنی با ما ، در پناه خدا قرار بگیری ؛ زیرا کسی که دشمنان ما را دوست بدارد ، با ما دشمنی ورزیده است و ما از او بیزاریم و خدای عز و جل نیز از او بیزار است .

مصباح المتهجد به نقل از شیخ ابو عمرو عمری ، در دعایی که در غیبت امام مهدی علیه السلام خوانده می شود : بار خدایا! مرا از خصومت ورزان با خاندان محمد صلی الله علیه و آله قرار مده . مرا از دشمنان خاندان محمد صلی الله علیه و آله قرار مده . مرا از کینه توزان و خشم آوران بر خاندان محمد صلی الله علیه و آله قرار مده . من از اینها به تو پناه می آورم . پس مرا پناه بده ، و خود را در سایه حمایت تو در می آورم . پس مرا در حمایت خود بگیر .

ز چند خصلت دیگر امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا هر روز ، از شش خصلت به خدا پناه می برد : از شک و شرک و تعصب و خشم و ستم و حسادت .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از خوی ها و کردارها و خواهش های ناپسند ، به تو پناه می برم .

عنه صلى الله عليه و آله :اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ وَسُوءِ الْأَخْلَاقِ . (١)

مجمع الزوائد عن قطبه :أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَعَوَّذُ مِنَ الْأَسْوَءِ وَالْأَهْوَاءِ . (٢)

١١ / ٤ مَسَاوِي الْأَعْمَالِ الظُّلْمَا لِكِتَاب «قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ * قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَّعْنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذَا لَطَلْمُونَ» . (٣)

الحديث للإمام الباقر عليه السلام مِمَّا كَانَ يَقُولُ فِي سُجُودِهِ : يَا كَرِيمُ يَا جَبَّارُ ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُخِيبَ أَوْ أُحْمَلَ ظُلْمًا . (٤)

ب أنواع الذنوب رسول الله صلى الله عليه و آله :اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَمْنَعُ إِجَابَتِكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَمْنَعُ رِزْقَكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُحِلُّ النَّقْمَ . (٥)

- ١- سنن أبي داود : ج ٢ ص ٩١ ح ١٥٤٦ ، سنن النسائي : ج ٨ ص ٢٦٤ كلاهما عن أبي هريره ، المصنّف لعبد الرزاق : ج ١٠ ص ٤٤٠ ح ١٩٦٣٩ عن زيد بن أسلم ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٨٩ ح ٣٦٩٠ .
- ٢- مجمع الزوائد : ج ١٠ ص ٣٠٣ ح ١٧٤٥٣ نقلًا عن البزار .
- ٣- يوسف : ٧٨ و ٧٩ .
- ٤- الكافي : ج ٣ ص ٣٢٧ ح ٢١ ، قرب الإسناد : ص ٥ ح ١٥ ، مصباح المتهجد : ص ١٧٤ ح ٢٦١ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، دعائم الإسلام : ج ١ ص ٢١٢ كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٣٥ ح ٥٨ .
- ٥- الدعاء للطبراني : ص ٤١٠ ح ١٣٨٥ عن أنس .

۴ / ۱۱ کردارهای زشت

الف ستم و حق کشی

ب انواع گناهان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از ناسازی و دورویی و خوی های بد ، به تو پناه می برم .

مجمع الزوائد: قطبه شنید که پیامبر صلی الله علیه و آله از بدی ها و هوس ها ، به خدا پناه می برد .

۴ / ۱۱ کردارهای زشتالف ستم و حق کشیقرآن «برادران یوسف» گفتند: ای عزیز! او پدری پیر و سال خورده دارد . بنا بر این ، یکی از ما را به جای او بگیر ، که تو را از نیکوکاران می بینیم». [یوسف] گفت: «پناه به خدا که جز آن کس را که کالای خود را نزد او یافته ایم ، بازداشت کنیم ؛ [زیرا] در آن صورت ، قطعاً ستمکار خواهیم بود» .

حدیثامام باقر علیه السلام از دعاهایی که در سجودش می گفت : بزرگوارا! پُر توانا! به تو پناه می برم از این که نومید و ناکام شوم ، یا ستمی را بر دوش کشم .

ب انواع گناهانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از گناهانی که مانع اجابت تو می شوند ، به تو پناه می برم . بار خدایا! از گناهانی که مانع روزی تو می شوند ، به تو پناه می برم . بار خدایا! از گناهانی که کیفر و عذاب ها را می آورند ، به تو پناه می برم .

مسند ابن حنبل عن عائشه وقد سُئِلَتْ عَنْ دُعَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : كَانَ يَقُولُ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَمِلْتُهُ نَفْسِي . (١)

الإمام علي عليه السلام : اللَّهُمَّ ... وَأَعُوذُ بِكَ عِنْدَ ذَلِكَ مِنَ الذَّنْبِ الْمُحْبِطِ لِلْأَعْمَالِ . (٢)

الكافي عن أبي حمزه الثمالي : قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خُطْبَتِهِ : أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ ، فَقَامَ إِلَيْهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْكَوَّاءِ الْيَشْكُرِيُّ ، فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ : أَوْ تَكُونُ ذُنُوبٌ تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ ؟ فَقَالَ : نَعَمْ وَيَلْسُكَ ؛ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ ، إِنَّ أَهْلَ الْبَيْتِ لَيَجْتَمِعُونَ وَيَتَوَاسُونَ وَهُمْ فَجْرَةٌ فَيَرزُقُهُمُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلًّا ، وَإِنَّ أَهْلَ الْبَيْتِ لَيَتَفَرَّقُونَ وَيَقْطَعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فَيَحْرِمُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ أَتْقِيَاءُ . (٣)

الدعوات : كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أُعْطِيَ مَا فِي بَيْتِ الْمَالِ أَمَرَ بِهِ فَكُنِسَ ، ثُمَّ صَدَّقَ فِيهِ ، ثُمَّ يَدْعُو فَيَقُولُ فِي دُعَائِهِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يُحْبِطُ الْعَمَلَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يُعَجِّلُ النَّفْسَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يُغَيِّرُ النَّعْمَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يَمْنَعُ الرِّزْقَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يَمْنَعُ الدُّعَاءَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يَمْنَعُ التَّوْبَةَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يَهْتِكُ الْعِصْمَةَ (٤) ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يورثُ النَّدَمَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يَحْبِسُ الْقِسْمَ . (٥)

١- مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٢٧٢ ح ٢٤٠٨٨ .

٢- تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٨٢ ح ٢٣٧ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، الكافي : ج ٥ ص ٤٦ ح ١ عن ميمون عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام ، مصباح المتهجد : ص ٥٥٦ ح ٦٤٩ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، الإقبال : ج ١ ص ٣١٩ عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عنهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٤٥٣ ح ٦٦٤ .

٣- الكافي : ج ٢ ص ٣٤٧ ح ٧ ، الدعوات : ص ٦١ ح ١٥١ عن ابن الكوّاء نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ١٣٧ ح ١٠٧ .

٤- العِصْمَةُ : الْمَنْعَةُ ، أَيْ مَا يَعْصِمُهُ مِنَ الْمَهَالِكِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (النهاية : ج ٣ ص ٢٤٩ «عصم»).

٥- الدعوات : ص ٦٠ ح ١٥٠ ، بحار الأنوار : ج ٩١ ص ٣٨٢ ح ٨ .

مسند ابن حنبل به نقل از عایشه در پاسخ به پرسش در باره دعای پیامبر صلی الله علیه و آله : می فرمود : «خدایا! من از شرّ کارهایی که نفسم کرده است ، به تو پناه می برم» .

امام علی علیه السلام : بار خدایا! ... در این هنگام ، از گناه بر باد دهنده اعمال ، به تو پناه می برم .

الکافی به نقل از ابو حمزه ثمالی : امیر مؤمنان در خطبه اش فرمود : «پناه می برم به خدا از گناهایی که مرگ را پیش می افکنند» . عبدالله بن کوّاء یشکری برخاست و گفت : ای امیر مؤمنان! مگر گناهایی هم هست که مرگ را پیش افکنند؟ فرمود : «وای بر تو! آری ؛ بریدن از خویشان . خانواده ای هستند که گرد هم می آیند و به یکدیگر کمک و یاری می کنند و با این که اهل تقوا نیستند ، خداوند عز و جل آنها را روزی می دهد و [در مقابل،] خانواده ای پراکنده اند و از یکدیگر می بُرند ، چنین خانواده ای را با آن که پرهیزگارند ، خداوند [از روزی خود] محروم می سازد» .

الدعوات : امیر مؤمنان هر گاه دارایی بیت المال را به مردم می داد ، می فرمود که آن را جارو کنند ، سپس در بیت المال نماز می خواند . آن گاه ، به دعا می پرداخت و در دعایش می گفت : «بار خدایا! به تو پناه می برم از گناهی که عمل را بر باد می دهد . به تو پناه می برم از گناهی که کیفرها و عذاب ها را شتاب می بخشد . به تو پناه می برم از گناهی که نعمت ها را دیگرگونه می سازد . به تو پناه می برم از گناهی که مانع روزی می شود . به تو پناه می برم از گناهی که مانع دعا می شود . (۱) به تو پناه می برم از گناهی که مانع توبه می شود . به تو پناه می برم از گناهی که پرده عصمت را می درد . به تو پناه می برم از گناهی که پشیمانی می آورد . و به تو پناه می برم از گناهی که بهره های الهی [را] از رسیدن به شخص [باز می دارد]

۱- ممکن است گناه ، توفیق دعا کردن را سلب کند و یا مانع اجابت آن گردد . م .

الإمام زين العابدين عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي التَّضَرُّعِ وَالِاسْتِكَانَةِ : اَتَّصِلْ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي قَدْ أَوْبَقْتَنِي (١) ، وَأَحَاطَتْ بِي فَأَهْلَكْتَنِي ، مِنْهَا فَوْرَتْ إِلَيْكَ رَبِّ تَائِبًا قَتْبَ عَلَيَّ ، مُتَعَوِّذًا فَأَعِدْنِي ، مُسْتَجِيرًا فَلَا تَخْذَلْنِي . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام : كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ ، وَتُقَرِّبُ الْأَجَالَ ، وَتُخْلِي الدِّيَارَ ؛ وَهِيَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ ، وَالْعُقُوقُ ، وَتَرَكَ الْبِرِّ . (٣)

تهذيب الأحكام فيما يُقالُ بَعْدَ نَوَافِلِ شَهْرِ رَمَضَانَ : أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُحْدِثُ النَّقْمَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَوْرِثُ النَّدَمَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَحْبِسُ الْقِسْمَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَمْنَعُ الْقَضَاءَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُدِيلُ (٤) الْأَعْدَاءَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَوْرِثُ الشَّقَاءَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَكْشِفُ الْغَطَاءَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ . (٥)

ج : الإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ الإمام زين العابدين عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي الْإِعْتِرَافِ : إِنَّ أَحَبَّ عِبَادِكَ إِلَيْكَ ، مَنْ تَرَكَ الْإِسْتِكْبَارَ عَلَيْكَ ، وَجَانَبَ الْإِصْرَارَ ، وَلَزِمَ الْإِسْتِغْفَارَ ، وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَنْ أُسْتَكْبِرَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُصِرَّ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا قَصَّرْتُ فِيهِ . (٦)

١- الموبقات ، أى الذنوب المهلكات ، يقال : وَبَقَى ، إِذَا هَلَكَ (النهاية : ج ٥ ص ١٤٦ «وبق»).

٢- الصحيفه السجاديّه : ص ٢١٨ الدعاء ٥١ .

٣- الكافي : ج ٢ ص ٤٤٨ ح ٢ عن إسحاق بن عمّار .

٤- الإداله : الغلبه (النهاية : ج ٢ ص ١٤١ «دول»).

٥- تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٩٥ ح ٢٥٧ ، مصباح المتهجد : ص ٥٧٢ ح ٦٨١ ، الإقبال : ج ١ ص ٣٣٤ ، ف المصباح للكفعمي : ص ٧٦٦ كلها من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ١٣٧ .

٦- الصحيفه السجاديّه : ص ٥٥ الدعاء ١٢ ، المصباح للكفعمي : ص ٥٠٧ .

ج پافشاری در گناه

امام زین العابدین علیه السلام در دعا به قصد زاری و اظهار خواری در درگاه خدا: از آن گناهانم که خوار و تباهم ساخته اند و مرا در میان گرفته اند و به نابودی ام کشانده اند، به سوی تو می آیم. از آنها ای پروردگار من توبه کنان به سوی تو می گیریم. پس توبه ام را بپذیر! و به تو پناه می آورم. پس پناه ده! و از تو حمایت می جویم. پس مرا وا مگذار!

امام صادق علیه السلام: پدرم [امام باقر] علیه السلام می فرمود: «پناه می بریم به خدا از گناهانی که نابودی را شتاب می بخشند، و اجل ها را نزدیک می سازند، و خانه ها را [از صاحبانشان] خالی می کنند». آن گناهان، عبارت اند از: بریدن از خویشان، بدرفتاری با پدر و مادر، و ترک نیکی (/ طاعت).

تهذیب الأحکام در دعای پس از نافله های ماه رمضان: [خدایا!] به تو پناه می برم از گناهانی که کیفرها را پدید می آورند. به تو پناه می برم از گناهانی که پشیمانی به بار می آورند. به تو پناه می برم از گناهانی که قسمت ها را باز می دارند. به تو پناه می برم از گناهانی که پرده های عصمت را می درند. به تو پناه می برم از گناهانی که جلو قضا [ی الهی] را می گیرند. به تو پناه می برم از گناهانی که بلا را نازل می کنند. به تو پناه می برم از گناهانی که دشمنان را چیره می گردانند. به تو پناه می برم از گناهانی که مانع [استجابت] دعا می شوند. به تو پناه می برم از گناهانی که نابودی را شتاب می بخشند. به تو پناه می برم از گناهانی که امید را قطع می کنند. به تو پناه می برم از گناهانی که رنج و بدبختی می آورند. به تو پناه می برم از گناهانی که فضا را تیره و تار می سازند. به تو پناه می برم از گناهانی که پرده را کنار می زنند [و آدمی را رسوا می کنند]. به تو پناه می برم از گناهانی که باران آسمان را [از ریزش] باز می دارند.

ج پافشاری در گناهانم زین العابدین علیه السلام در دعای به قصد اعتراف [به گناه]: محبوب ترین بندگانت در نزد تو، کسی است که بزرگی نمودن بر تو را فرو هلد، از پای فشردن [بر گناه] دوری کند و به آمرزش خواهی [از تو] چنگ درزند. و من از بزرگی نمودن به درگاه تو، اعلام براءت می کنم و از پای فشردن [در گناه]، به تو پناه می برم و برای تقصیرات خود، از تو آمرزش می طلبم.

١٢ / ٤ أَعَدُّمُ الْإِنْتِفَاعِ بِصَالِحِ الْأَعْمَالِ سَنَنْ أَبِي دَاوُودَ عَنْ أَنَسٍ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَلَاةٍ لَا تَنْفَعُ. (١)

رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَؤُلَاءِ الْأَرْبَعِ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ... وَصَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ، وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ، وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ. (٣)

الإمام علي عليه السلام مِنْ كِتَابِهِ لِأَحَدِ أَصْحَابِهِ: نَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا نَعِظُ بِهِ ثُمَّ نَقْصُرُ عَنْهُ. (٤)

-
- ١- سنن أبي داود: ج ٢ ص ٩٢ ح ١٥٤٩، موارد الظمان: ص ٦٠٥ ح ٢٤٤١، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٠٠ ح ٣٧٤٩؛ الكافي: ج ٢ ص ٥٨٦ ح ٢٤ عن ابن أبي يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٧٢ ح ٦٨.
 - ٢- سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥١٩ ح ٣٤٨٢ عن عبد الله بن عمر، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦٤، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٥٦٥ ح ١٤٠٢٥ كلاهما عن أنس، سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٩٢ ح ٢٥٠، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧١٧ ح ١٩٥٨ كلاهما عن أبي هريره وكلها نحوه، كنز العمال: ج ٢ ص ١٧٩ ح ٣٦٣١.
 - ٣- فلاح السائل: ص ٤٢٦ ح ٢٩١، مصباح المتهجد: ص ١٠٥ كلاهما عن معاوية بن عمّار، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٠٩ ح ٩.
 - ٤- مستطرفات السرائر: ص ١٤٢ ح ٤ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٦ ص ١٣٤ ح ٣٤؛ كنز العمال: ج ١٦ ص ٢٠٠ ح ٤٤٢٢١ نقلًا عن العسکری فی المواعظ.

۴ / ۱۲ بهره مند نشدن از کارهای نیک

۴ / ۱۲ بهره مند نشدن از کارهای نیکسنان ابي داوود به نقل از انس : پيامبر خدا مي گفت : «خدايا! پناه مي برم به تو از نمازي که سود نبخشد» .

پيامبر خدا صلي الله عليه و آله :خدايا! پناه مي برم به تو ، از دلي که خشوع نداشته باشد ، از دعائي که به اجابت نرسد ، از نفسي که سير نشود ، و از دانشي که سود نبخشد . از اين چهار چيز ، به تو پناه مي برم .

امام صادق عليه السلام :خدايا! به تو پناه مي برم از نفسي که قانع نباشد ... و نمازي که [به درگاه تو] فراز نيابد ، و کرداري که سود نبخشد ، و دعائي که پذيرفته نگردد .

امام علي عليه السلام در نامه خود به يکي از يارانش : پناه مي بريم به خدا از اندرزي که [به ديگران] بدهيم و سپس خود ، آن را فرو گذاريم .

٤ / ١٣ شَرُّ كُلِّ ذِي شَرٍّ أَخْلِيلُ السَّوِّءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ ... مِنْ خَلِيلٍ (١) مَا كَرِهَ، عَيْنَاهُ تَرَانِي، وَقَلْبُهُ يَرَعَانِي، إِنْ رَأَى خَيْرًا دَفَنَهُ، وَإِنْ رَأَى شَرًّا أَدَاعَهُ. (٢)

الزهد لابن المبارك عن يحيى بن أبي كثير: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَاحِبِ غَفْلَةٍ، وَقَرِينِ سَوِّءٍ، وَزَوْجِ آذَى (٣). (٤)

ب جَارِ السَّوِّءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ جَارِ السَّوِّءِ فِي دَارِ إِقَامَتِهِ، تَرَاكَ عَيْنَاهُ وَيَرَعَاكَ قَلْبُهُ، إِنْ رَاكَ بِخَيْرٍ سَاءَهُ، وَإِنْ رَاكَ بِشَرٍّ سَرَّهُ. (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَارِ السَّوِّءِ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ، فَإِنَّ جَارَ الْبَادِيَةِ يَتَحَوَّلُ. (٦)

١- الخَلِيلُ: الصديق (النهاية: ج ٢ ص ٧٢ «خلل»).

٢- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٥٥٨ ح ٤٩١٧؛ الدعاء للطبراني: ص ٣٩٩ ح ١٣٣٩ عن أبي هريره، تاريخ دمشق: ج ١٧ ص ١٠٧ عن سعيد بن أبي سعيد وفيه «كان من دعاء داود عليه السلام» وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج ٢ ص ١٨٥ ح ٣٦٦٦.

٣- في المصدر: «أذى»، والصواب ما أثبتناه كما أشار إليه في هامش المصدر.

٤- الزهد لابن المبارك: ص ٣٠٣ ح ٨٧٥.

٥- الكافي: ج ٢ ص ٦٦٩ ح ١٦، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٤٣ ح ١١٤ كلاهما عن إسحاق بن عمار عن الإمام الصادق عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٣٧٥ ح ١٢٣٣ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ١٥٢ ح ١٣.

٦- المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧١٤ ح ١٩٥١، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٧٤ نحوه، الدعاء للطبراني: ص ٣٩٩ ح ١٣٤٠، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٦ ص ١٠١ ح ٦، مسند أبي يعلى: ج ٦ ص ٨٣ ح ٦٥٠٥ كلّها عن أبي هريره، كنز العمال: ج ٩ ص ١٨٧ ح ٢٥٦١٧.

۴ / ۱۳ گزند هر گزند رسانی

الف دوست بد

ب همسایه بد

۴ / ۱۳ گزند هر گزند رسانیاالف دوست بد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدایا! به تو پناه می برم ... از دوست نیرنگباز که چشمانش مرا می بیند و دلش مرا می پاید ؛ اگر خوبی ببیند ، آن را می پوشاند و اگر بدی ببیند ، آن را پخش می کند .

الزهد ، ابن مبارک به نقل از یحیی بن ابی کثیر : پیامبر خدا می گفت : «خدایا! از یار غافل و همنشین بد و همسر آزار رسان ، به تو پناه می برم» .

ب همسایه بد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به خدا پناه می برم از همسایه بد در خانه ای که جای ماندن باشد . چشمانش تو را می بیند و دلش تو را می پاید ؛ اگر تو را در خوبی و خوشی ببیند ، ناراحت می شود و اگر تو را در بدی و ناخوشی ببیند ، خوش حال می گردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدایا! از همسایه بد در خانه ای که جای ماندن باشد ، به تو پناه می برم ؛ اما همسایه بادیه ، منتقل می شود .

عنه صلى الله عليه و آله :تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ جَارِ الْمَقَامِ ، فَإِنَّ جَارَ الْمُسَافِرِ إِذَا شَاءَ أَنْ يُزَالَ زَالَ . (١)

الدرّ المنثور عن سعيد بن أبى سعيد :كَانَ مِنْ دُعَاءِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجَارِ السَّوِّءِ . (٢)

ج زَوْجَهُ السَّوِّءِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :كَانَ مِنْ دُعَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : أَعُوذُ بِكَ مِنْ امْرَأَةٍ تُشَيَّبُنِي قَبْلَ مَشِيئِي . (٣)

رسول الله صلى الله عليه و آله :اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ النِّسَاءِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام :تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ طَالِحَاتِ (٥) نِسَائِكُمْ . (٦)

د جَوْرُ كُلِّ جَائِرٍ الْإِمَامُ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ :اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ ، وَالْعَزِيمَةَ عَلَى الرُّشْدِ ، وَالشُّكْرَ عَلَى نِعْمَتِكَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ ، وَبَغْيِ كُلِّ بَاغٍ ، وَحَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ ، بِكَ أَصُولُ عَلَى الْأَعْدَاءِ ، وَبِكَ أَرْجُو لِأَيَّةِ الْأَجْبَاءِ (٧) . (٨)

١- .مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٢٥٤ ح ٨٥٦١ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٧١٥ ح ١٩٥٢ كلاهما عن أبى هريره ، كنز العمال : ج ٩ ص ٦٠ ح ٢٤٩٣٩ .

٢- .الدرّ المنثور : ج ٧ ص ١٧٣ نقلاً عن ابن أبى شيبه .

٣- .الكافي : ج ٥ ص ٣٢٦ ح ٣ عن السكوني ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٣٣٥ ح ٩٨١ و ج ٣ ص ٥٥٨ ح ٤٩١٧ ، مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٤٤٣ ح ١٥٢٤ وفي الثلاثة الأخيره زياده «أوان» قبل «مشيبي» ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٨٧ ح ٤٩ .

٤- .كنز العمال : ج ٢ ص ١٨٩ ح ٣٦٨٧ نقلاً عن الخرائطي في اعتلال القلوب عن سعد .

٥- .طَلَحٌ : فَسَدٌ وَهُوَ طَالِحٌ ، وَالطَّلَاحُ : ضِدُّ الصَّلَاحِ (تاج العروس : ج ٤ ص ١٤٢ «طَلَحٌ») .

٦- .الكافي : ج ٥ ص ٥١٧ ح ٧ و ص ٥١٨ ح ١٢ وفيه «استعينوا بالله من شرار نساءكم» .

٧- .في المصدر : «الأحياء» ، والتصويب من بحار الأنوار .

٨- .مُهَجُّ الدَّعَوَاتِ : ص ١٤١ عن ابن عباس وعبد الله بن جعفر و ص ١٥١ عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٢٤٥ ح ٣١ .

ج همسر بد

د ستم هر ستمگری

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از بدی همسایه خانه ، به خدا پناه ببرید ؛ اما همسایه مسافر ، هر گاه شخص بخواهد از او جدا شود ، جدا می شود .

الدرّ المنثور به نقل از سعید بن ابی سعید : یکی از دعاهای داوود علیه السلام ، این بود : «بار خدایا! از همسایه بد ، به تو پناه می برم» .

ج همسر بد امام صادق علیه السلام: یکی از دعاهای پیامبر صلی الله علیه و آله این بود : «به تو پناه می برم از همسری که پیش از پیر شدنم ، مرا پیر کند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار خدایا! به تو پناه می برم از فتنه زنان ، و به تو پناه می برم از عذاب قبر .

امام صادق علیه السلام: از زنان تباهکار خود ، به خدا پناه ببرید .

د ستم هر ستمگری امام علی علیه السلام: بار خدایا ! پایداری در کارها ، استواری در راه راست ، و سپاس گزاری از نعمت هایت را از تو درخواست می کنم ، و از ستم هر ستمکاری و زور گویی هر زور گویی و حسادت هر حسودی ، به تو پناه می برم . به یاری توست که بر دشمنان می تازم و به واسطه توست که به دوستی دوستان امید دارم .

الإمام زين العابدين عليه السلام: بِاسْمِ اللَّهِ كَلِمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ ، وَمَقَالِهِ الْمُتَحَرِّزِينَ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ حَيُورِ الْجَائِرِينَ ، وَكَيْدِ الْحَاسِدِينَ ، وَبَغْيِ الطَّاغِينَ ، وَأَحْمَدُهُ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ . (١)

ه شَرُّ الْأَعْدَاءِ سَنَّ أَبُو دَاوُودَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قَيْسٍ : إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا خَافَ قَوْمًا قَالَ : اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ . (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله فيما عَلَّمَهُ عَلَيْنَا عِنْدَ النَّبِيِّ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرَأُ (٣) بِكَ فِي نَحْرِهِ ، وَأَسْتَعِيدُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِ ، يَا كَافِي يَا شَافِي يَا مُعَافِي ، اكْفِنِي كُلَّ شَيْءٍ ، حَتَّى لَا أَخَافَ مَعَكَ شَيْئًا . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله مِنْ دُعَاءٍ طَوِيلٍ لِجَمِيعِ الْخَوَاتِمِ : اللَّهُمَّ اطْمِسْ عَلَى أَبْصَارِ أَعْدَائِنَا كُلِّهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ، وَاجْعَلْ عَلَى بَصِيرِهِ غِشَاوَةً ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِهِ ، وَأَسْتَعِيدُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِ ، فَكَفِّنِيهِ كَيْفَ شِئْتَ ، وَأَنْتَ (٥) شِئْتَ . (٦)

الإمام الحسن عليه السلام فِي الدُّعَاءِ عَلَى مُعَاوِيَةَ وَأَصْحَابِهِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي نُحُورِهِمْ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِمْ ، فَكَفِّنِيهِمْ بِمَا شِئْتَ ، وَأَنْتَ شِئْتَ ، مِنْ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (٧)

١- البلد الأمين : ص ١٠٠ ، المصباح للكفعمي : ص ١٤٤ ، بحار الأنوار : ج ٩ ص ١٥٢ ح ١١ .

٢- سنن أبي داوود : ج ٢ ص ٨٩ ح ١٥٣٧ ، السنن الكبرى للنسائي : ج ٥ ص ١٨٨ ح ٨٦٣١ عن أبي موسى و ج ٦ ص ١٥٤ ح ١٠٤٣٧ ، مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ١٦٩ ح ١٩٧٤١ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ٢ ص ١٥٤ ح ٢٦٢٩ ، صحیح ابن حبان : ج ١١ ص ٨٣ ح ٤٧٦٥ ، كنز العمال : ج ٧ ص ٦٩ ح ١٨٠٠٢ .

٣- درأ : إِذَا دَفَعَ ، أَدْرَأُ بِكَ فِي نُحُورِهِمْ : أَي أَدْفَعُ بِكَ فِي نُحُورِهِمْ لِتَكْفِينِي أَمْرَهُمْ (النهاية : ج ٢ ص ١٠٩ «درأ»).

٤- بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٣١٢ نقلًا من خط الشهيد الأول عن الإمام الصادق عليه السلام .

٥- أنى : أَي مِنْ أَيْ وَجْهِ وَطَرِيقِ (المصباح المنير : ص ٢٨ «أنا»).

٦- مُهْجَ الدَّعَوَاتِ : ص ٢١٤ عَنْ وَهْبِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٨٦ ص ٣٢٥ ح ٦٩ .

٧- الاحتجاج : ج ٢ ص ١٩ ح ١٥ ، بحار الأنوار : ج ٤٤ ص ٧١ ح ١ ؛ شرح نهج البلاغه : ج ٦ ص ٢٨٦ نحوه .

ه گزند دشمنان

امام زین العابدین علیه السلام: به «نام خدا» که سخن پناهجویان است و گفتار کسانی است که می خواهند خود را در سایه حمایت [خدا] در آورند. از ستم ستمگران و نیرنگ بدخواهان و تجاوز سرکشان، به خدا پناه می برم و او را فراتر از ستایش ستاینندگان، می ستایم.

ه گزند دشمنانسنن اُبی داوود به نقل از عبدالله بن قیس: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه از مردمی می ترسید، می گفت: «بار خدایا! ما تو را سپر خود در برابر آنها قرار می دهیم و از گزندهای آنان، به تو پناه می بریم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی که برای روبه رو شدن با پیشامد تلخ، به علی علیه السلام آموخت: بار خدایا! به واسطه تو، آن [پیشامد] را پس می زنم، و از شرّ آن به تو پناه می آورم، و در برابر آن از تو کمک می جویم. ای بسنده، ای شفا دهنده، ای عافیت بخش! مرا از هر چیزی نگه دار تا با وجود تو، از هیچ چیز نترسم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی طولانی برای همه حاجت ها: بار خدایا! چشم های همه دشمنان ما را، از جن و انس، کور بگردان و بر دیده اش پرده ای بیفکن ... بار خدایا! به واسطه تو، آن [دشمن] را واپس می زنم، و از گزندش به تو پناه می آورم، و در برابرش از تو یاری می طلبم. پس مرا هر گونه که خود خواهی و به هر طریق که خواهی از [گزند] او نگه بدار.

امام حسن علیه السلام در نفرین بر معاویه و یارانش: بار خدایا! به واسطه تو، آنان را دفع می کنم، و از گزندهاشان به تو پناه می آورم، و در برابرشان از تو کمک می جویم. پس با نیرو و توان خودت هر گونه و از هر راه که خود می خواهی، مرا از آنان نگه دار، ای مهربان ترین مهربانان!

الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ... أَدْرَأُ بِكَ فِي نُحُورِ أَعْدَائِي، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِمْ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ، وَالْجَأُ إِلَيْكَ فِيمَا أَشْفَقْتُ عَلَيْهِ مِنْهُمْ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَجْرِنِي مِنْهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (١)

عنه عليه السلام فيما دعا به حين بلغه توجهه مسرف بن عقبة إلى المدينة: يَا ذَا النِّعَمَاءِ الَّتِي لَا تُحْصَى عِدَادًا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَادْفَعْ عَنِّي شَرَّهُ، فَإِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِهِ، وَأَسْتَعِيدُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ. (٢)

الكافي عن معاوية بن عمارة والعلاء بن سيباه وظريف بن ناصح: لَمَّا بَعَثَ أَبُو الدَّوَانِيقِ (٣) إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، رَفَعَ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّكَ حَفِظْتَ الْغُلَامِينَ بِصِيْلَاحِ أَبِيهِمَا، فَاحْفَظْنِي بِصِيْلَاحِ آبَائِي مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِهِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ. (٤)

الإمام الصادق عليه السلام من دعائه عند دخوله على المنصور: اللَّهُمَّ أَنْتَ أَكْبَرُ وَأَجَلُّ وَمِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ، اللَّهُمَّ بِكَ أَدْفَعْ فِي نَحْرِهِ، وَأَسْتَعِيدُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ. (٥)

١- مَهْجِ الدَّعَوَاتِ: ص ٢٥، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٣٠٩ ح ٦٣.

٢- الإِرشَاد: ج ٢ ص ١٥٢ عن عمر بن علي بن الحسين عليهما السلام، شرح الأخبار: ج ٣ ص ٢٧٤ ح ١١٨٤، بحار الأنوار: ج ٤٦ ص ١٢٢ ح ١٤؛ كُنْزُ الْعَمَالِ: ج ٢ ص ٦٦٢ ح ٥٠١٤ نقلًا عن ابن النجار نحوه.

٣- الدَّوَانِيقِيُّ: لُقِبَ لِأَبِي جَعْفَرِ الْمَنْصُورِ، وَهُوَ الثَّانِي مِنْ خُلَفَاءِ بَنِي الْعَبَّاسِ، وَيُقَالُ لَهُ: أَبُو الدَّوَانِيقِ (مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ: ج ١ ص ٦١٣ «دقيق»).

٤- الْكَافِي: ج ٢ ص ٥٦٣ ح ٢٢، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٢٠٨ ح ٥١.

٥- كَشْفُ الْغَمِّ: ج ٢ ص ٣٧١ عن الربيع، مَهْجِ الدَّعَوَاتِ: ص ٢٣١، الْمَصْبَاحُ لِلْكَفَعْمِيِّ: ص ٣١٦ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ١٨٢ ح ٢٨.

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! ... به یاری تو، دشمنانم را پس می‌زنم، و در برابر آنان از تو کمک می‌جویم، و از گزندهایشان به تو پناه می‌آورم، و در آنچه از آنها بیمناکم، به تو پناهنده می‌شوم. و درود خدا بر محمد و خاندان او باد. مرا از آنان (دشمنانم) پناه ده، ای مهربان‌ترین مهربانان!

امام زین العابدین علیه السلام در دعایی که وقتی به او خبر رسید مُسرف بن عُقبه به سوی مدینه حرکت کرده است، آن را خواند: ای صاحب نعمت‌های بی‌شمار! بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و شرّ او (مُسرف) را از من دور بگردان؛ که من به واسطه تو، او را دفع می‌کنم و از گزندش به تو پناه می‌آورم.

الکافی به نقل از معاویه بن عمّار و علاء بن سیّابه و ظریف بن ناصح: چون منصور دوانیقی (دومین خلیفه عباسی) در پی امام صادق علیه السلام فرستاد، ایشان دست خود را به سوی آسمان برداشت و گفت: «بار خدایا! تو آن دو پسرک را به خاطر خوب بودن پدر و مادرشان نگه داشتی. پس مرا نیز به خاطر خوبی پدرانم محمد و علی و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی نگه بدار. بار خدایا! به واسطه تو، او را دفع می‌کنم و از شرّش به تو پناه می‌آورم».

امام صادق علیه السلام در دعایی که هنگام رفتن نزد منصور دوانیقی خواند: بار خدایا! تو بزرگ‌تر و بشکوه‌تر از آن چیزی هستی که من از آن می‌ترسم و حذر می‌کنم. بار خدایا! به واسطه تو، او را دفع می‌کنم و از گزندش به تو پناه می‌آورم.

عنه عليه السلام حين دَخَلَ عَلَى الْمَهْدِيِّ الْعَبَّاسِيِّ : اِمْتَنَعْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ ، وَأَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ، وَأَقُولُ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . (١)

عنه عليه السلام : اِتَّخَذَ مَسْجِدًا فِي بَيْتِكَ ، فَإِذَا خِفْتَ شَيْئًا ، فَالْبَسْ ثَوْبَيْنِ غَلِيظَيْنِ مِنْ أَغْلَظِ ثِيَابِكَ ، وَصَلِّ فِيهِمَا ، ثُمَّ اجْثُ عَلَى رُكْبَتَيْكَ فَاصْرُخْ إِلَى اللَّهِ ، وَسِئَلُهُ الْجَنَّةَ ، وَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ الَّذِي تَخَافُهُ . وَإِيَّاكَ أَنْ يَسْمَعَ اللَّهُ مِنْكَ كَلِمَةً بَغِيٍّ (٢) ، وَإِنْ أَعْجَبَتْكَ نَفْسُكَ (٣) وَعَشِيرَتُكَ . (٤)

الإمام الكاظم عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ لِلنَّجَاهِ مِنْ كَيْدِ هَارُونَ : يَا ذَا النُّعْمِ الَّتِي لَا تُحْصَى عَدَدًا ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، اللَّهُمَّ بِعَيْكَ أَدْفَعْ وَأَدْرَأْ فِي نَحْرِهِ ، وَأَسْتَعِذُ بِعَيْكَ مِنْ شَرِّهِ ... وَأَسْأَلُ لُبَّكَ أَنْ تَجْعَلَنِي فِي كَنْفِكَ (٥) وَفِي جِوَارِكَ ، وَفِي حِفْظِكَ وَحِرْزِكَ (٦) وَبِعِيَاذِكَ ، عَزَّ جَارُكَ ، وَحِجْلَ ثَنَاؤِكَ ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ ... رَبِّ فَأَعِزَّنِي بِبِعِيَاذِكَ ، فَبِعِيَاذِكَ اِمْتَنِعْ عَائِدُكَ ، وَأَدْخِلْنِي فِي جِوَارِكَ ، عَزَّ جَارُكَ ، وَحِجْلَ ثَنَاؤِكَ ... أَعِزُّ نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي ، وَمَنْ يَلْحَقُهُ عِنَايَتِي ، وَجَمِيعَ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدِي ، بِبِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ ، وَبِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَافَتْهُ الصُّدُورُ ، وَوَجَلَتْ مِنْهُ النُّفُوسُ ، وَبِالِاسْمِ الَّذِي نَفَسَ عَنْ دَاوُدَ كُرْبَتَهُ ، وَبِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي قَالَ لِلنَّارِ كُونِي بَرْدًا وَسِلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ ، وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمْ الْأَخْسَرِينَ ، وَبِعِزِّمَةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تُحْصَى ، وَبِقُدْرَةِ اللَّهِ الْمُسْتَطِيلَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ ، مِنْ شَرِّ فُلَانٍ ، وَمِنْ شَرِّ مَا خَلَقَهُ الرَّحْمَنُ ، وَمِنْ شَرِّ مَكْرِهِمْ وَكَيْدِهِمْ ، وَحَوْلِهِمْ وَقُوَّتِهِمْ وَحِيلَتِهِمْ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (٧)

١- بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٣١٤ نقلًا من خطِّ الشهيد الأول .

٢- البغى : التعدى ، وبغى الرجل : عدل عن الحقِّ واستطال . والبغى : الظلمُ والفسادُ (لسان العرب : ج ١٤ ص ٧٨ ٧٩ «بغا»).

٣- الظاهر أنَّ فاعل أعجبتك الضمير الراجع إلى الكلمة ونفسك بالنصب تأكيد للضمير وعشيرتك عطف عليه . وقيل : نفسك فاعل أعجبت والأول أظهر (بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ٢٧٩).

٤- الكافي : ج ٣ ص ٤٨٠ ح ٢ ، تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٣١٤ ح ٩٧٣ كلاهما عن حريز .

٥- الكنف بالتحريك : الجانب والتأحية (النهاية : ج ٤ ص ٢٠٥ «كنف»).

٦- أحرزتُ الشيء : إذا حَفَظْتُهُ وضممته إليك وصننته عن الأخذ (النهاية : ج ١ ص ٣٦٦ «حرز»).

٧- مُهَجَّ الدعوات : ص ٣٩ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٣٣٣ ح ٥ .

امام صادق علیه السلام خطاب به مهدی عباسی ، هنگامی که نزد او رفت : خویشتن را از نیرو و توان تو ، در پناه نیرو و توان خدا در آوردم و به پروردگار سپیده دمان پناه می برم از شر آنچه آفرید ، و می گویم : آنچه خدا بخواهد ، همان می شود و هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به مدد خدای والا و بزرگ .

امام صادق علیه السلام : در خانه ات جایی مخصوص نماز در نظر بگیر . پس هر گاه از چیزی بیمناک شدی ، دو جامه زبر از زبرترین جامه هایت بپوش و با آنها نماز بخوان . سپس زانو بزنی و به درگاه خدا زاری کن . از او درخواست بهشت کن و از گزند آنچه می ترسی ، به خدا پناه ببر . مبدا که خداوند از تو سخن زوری بشنود ؛ هر چند خوشایند تو و عشیره ات باشد .

امام کاظم علیه السلام در دعا برای رستن از توطئه هارون : ای صاحب نعمت های بی شمار! بر محمد و خاندان محمد درود فرست . بار خدایا! به یاری تو ، او را دفع می کنم و به سینه اش می زنم و از گزندش ، به تو پناه می آورم ... و از تو درخواست می کنم که مرا در کنار حوضش و در حمایت خویش ، در حفاظت و پاسداری و پناه خودت قرار بدهی ، [ای کسی] که پناهنده تو سرافراز است ، ثنای تو بزرگ است ، و معبودی جز تو نیست ... ای پروردگار من! مرا با پناهندگی ات پناه ده ؛ چرا که پناهنده تو ، در پناه تو بی گزند است . مرا در حمایت خودت در آور ، [ای کسی] که تحت الحمایه تو نیرومند است ، و ثنای تو بزرگ است ... خودم را و دینم را و زن و فرزندان و اموالم را و هر که را مورد عنایت من است و همه نعمت هایی را که از خداوند دارم ، در پناه نام خدایی در آوردم که گردن ها تسلیم اویند ، در پناه نام خدایی که سینه ها از او بیمناک و جان ها از او هراسان اند ، در پناه نامی که اندوه داوود علیه السلام را از او زدود ، در پناه نام خدایی که به آتش فرمود : بر ابراهیم ، سرد و بی گزند شو . در حالی که آنها (نمرودیان) خواستند به او نیرنگی بزنند ، ولی ما آنها را زیانکارترین قرار دادیم ، در پناه افسون بی شمار خدا ، در پناه قدرت خدا که همه آفریدگانش را در میان گرفته است ؛ از شر فلاخن کس و از شر هر آنچه آن مهر گستر آفریده است ، و از شر نیرنگ و ترفند آنها ، و از نیرو و قدرت و حيله آنان . به راستی که تو بر هر چیز توانایی .

الإمام الرضا عليه السلام مِنْ حِجَابِهِ : اِخْتَابُنِي اللَّهُمَّ فِي سِتْرِكَ عَنْ شَرَارِ خَلْقِكَ ، وَاعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ أذَى وَسُوءٍ بِمَنْكَ ، وَاكْفِنِي شَرَّ كُلِّ ذِي شَرٍّ بِقُدْرَتِكَ ، اللَّهُمَّ مَنْ كَادَنِي أَوْ أَرَادَنِي فَمَائِي أَدْرَأُ بِمَكَ فِي نَحْرِهِ ، وَأَسْتَعِينُ بِمَكَ مِنْهُ ، وَأَسْتَعِيدُ مِنْهُ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ . (١)

و شَرُّ الْعِبَادِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي دُعَاءٍ عَلَّمَهُ عَلَيْنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ عِبَادِكَ . (٢)

١- .مُهْج الدعوات : ص ٣٥٨ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٣٧٦ ح ١ .

٢- .الدعاء للطبراني : ص ٣١١ ح ١٠١٨ عن عبد الله بن جعفر عن الإمام علي عليه السلام ، كنز العمال : ج ٢ ص ٦٥٥ ح ٤٩٩٦ نقلًا عن الخرائطي في مكارم الأخلاق ؛ الإقبال : ج ٣ ص ٣٧ نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .

و شرّ بندگان

امام رضا علیه السلام در دعای حرز خود: بار خدایا! مرا از [شرّ] آفریدگان بد کردارت، در پس پرده [حفاظت] خویش پنهان گردان. به لطف خود، مرا از هر آزار و گزند مصون بدار و به قدرت خود، مرا از شرّ هر شروری نگه دار. بار خدایا! هر کس با من نیرنگ بزند یا قصد جان مرا کند، من به واسطه تو، او را دفع می‌کنم و در برابرش از تو یاری می‌خواهم و از دست او، به نیرو و توان تو پناه می‌آورم.

و شرّ بندگان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی که به علی علیه السلام آموخت: بار خدایا! من از شرّ بندگان، به تو پناه می‌برم.

ز شَرُّ الْعَيْنِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْعَيْنِ (١)، فَإِنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ. (٢)

عنه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْعَيْنُ وَالنَّفْسُ (٣) كَادَا يَسْبِقَانِ الْقَدَرَ، فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الْعَيْنِ وَالنَّفْسِ. (٤)

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ جَبْرِيلَ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَوَافَقَهُ مُغْتَمًا، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، مَا هَذَا الْعَمُّ الَّذِي أَرَاهُ فِي وَجْهِكَ؟ قَالَ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ أَصَابَتْهُمَا عَيْنٌ. قَالَ: صَدَّقَ بِالْعَيْنِ؛ فَإِنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ، أَفَلَا عَوَّذْتَهُمَا بِهِؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ؟ قَالَ: وَمَا هُنَّ يَا جَبْرِيلُ؟ قَالَ: قُلْ: اللَّهُمَّ يَا ذَا السُّلْطَانِ الْعَظِيمِ، ذَا الْمَنْنِ الْقَدِيمِ، ذَا الْوَجْهِ الْكَرِيمِ، وَلِيَّ الْكَلِمَاتِ التَّامَّاتِ وَالِدَعَوَاتِ الْمُسْتَجَابَاتِ، عَافِ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ مِنَ أَنْفُسِ الْجِنَّ وَأَعْيُنِ الْإِنْسِ. فَقَالَهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَامَا يَلْعَبَانِ بَيْنَ يَدَيْهِ. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَوَّذُوا أَنْفُسَكُمْ وَنِسَاءَكُمْ وَأَوْلَادَكُمْ بِهَذَا التَّعْوِيدِ، فَإِنَّهُ لَمْ يَتَعَوَّذِ الْمُتَعَوِّذُونَ بِمِثْلِهِ. (٥)

مجمع البيان: رُوِيَ أَنَّ بَنِي جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ كَانُوا غِلْمَانًا بِيضًا، فَقَالَتْ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ الْعَيْنَ إِلَيْهِمْ سَرِيعَةٌ، أَفَأَسْتَرْقِي لَهُمْ مِنَ الْعَيْنِ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَعَمْ. وَرُوِيَ أَنَّ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَقِيَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَّمَهُ الرُّقِيَةَ، وَهِيَ: بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ عَيْنٍ حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ. وَرُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: لَوْ كَانَ [شَيْءٌ] (٦) يَسْبِقُ الْقَدَرَ لَسَبَقْتُهُ الْعَيْنُ. (٧)

- ١- أصابت فلانا عينٌ، إذا نظر إليه عدوٌّ أو حسودٌ، فأثرت فيه ومرض بسببها (النهاية: ج ٣ ص ٣٣٢ «عين»).
- ٢- المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٢٣٩ ح ٧٤٩٧، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١١٥٩ ح ٣٥٠٨ وليس فيه «من العين»، المعجم الأوسط: ج ٦ ص ١٠٧ ح ٥٩٤٥ كلها عن عائشه، كنز العمال: ج ٦ ص ٧٤٥ ح ١٧٦٦١.
- ٣- النفس: العين. يقال: أصابت فلانٌ نفسٌ؛ أي عين (النهاية: ج ٥ ص ٩٦ «نفس»).
- ٤- الفردوس: ج ٣ ص ٧٨ ح ٤٢١٩ عن عبد الله بن جراد، كنز العمال: ج ١٠ ص ٦٦ ح ٢٨٣٨٩.
- ٥- تفسير ابن كثير: ج ٨ ص ٢٣٤، تاريخ دمشق: ج ٢٤ ص ٤٦١ ح ٥٣٢٢، كنز العمال: ج ١٠ ص ١٠٨ ح ٢٨٥٤٦؛ المجتبی: ص ٩٣ كلها عن الحارث، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٣٢ ح ١٢ نقلًا عن جنّه الأمان للكفعمي وليس فيه ذيله من «فقالها النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ...».
- ٦- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار، وقد سقط من المصدر.
- ٧- مجمع البيان: ج ٥ ص ٣٨٠، بحار الأنوار: ج ٦٣ ص ٦.

ز گزند چشم

ز گزند چشم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از [گزند] چشم ، به خدای بزرگ پناه ببرید ؛ چرا که چشم زخم ، حقیقت دارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چشم زخم و نفوس بد زدن ، نزدیک است که از تقدیر ، پیشی بگیرند . پس ، از چشم [بد] و نفوس بد ، به خدا پناه ببرید .

امام علی علیه السلام : جبرئیل علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد . چون او را اندوهگین یافت ، گفت : ای محمد ! این اندوه چیست که در چهره ات می بینم ؟ فرمود : «حسن و حسین را چشم زده اند» . جبرئیل علیه السلام گفت : چشم زخم را باور کن ؛ زیرا چشم زدن ، حقیقت دارد . آیا آن دو را با این جملات ، تعویذ نکردی ؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «کدام جملات ، ای جبرائیل ؟» . گفت : بگو : «بار خدایا ، ای پروردگار سلطنت بزرگ ، ای خداوند نعمت دیرین ، ای خداوند روی گرامی ، ای صاحب کلمات کامل و دعاهای پذیرفته شده ! حسن و حسین را از نفوس بد جنیان و چشم زخم های آدمیان ، بهبود بخش» . پیامبر صلی الله علیه و آله این جملات را گفت و بی درنگ ، حسن و حسین برخاستند و در برابر ایشان به بازی پرداختند . پیامبر صلی الله علیه و آله [به اصحاب خود] فرمود : خودتان و زنان و فرزندانان را با این جملات ، تعویذ کنید ؛ زیرا تعویذ کنندگان ، به چیزی همانند این دعا خود را تعویذ نکرده اند» .

مجمع البیان : نقل شده است که فرزندان جعفر بن ابی طالب ، پسرکانی سفید روی بودند . اسماء دختر عُمیس گفت : ای پیامبر خدا ! اینان زود چشم می خورند . آیا بر آنان دعای چشم زخم بیندم ؟ فرمود : «آری» . همچنین نقل شده است که جبرئیل علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله را افسون کرد و آن افسون را به او آموخت . افسون ، این بود : «به نام خدا ، افسونت می کنم از هر چشم حسودی . خدایت شفا دهد!» . نیز نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «اگر بنا بود چیزی از تقدیر پیشی بگیرد ، چشم زخم ، از آن پیشی می گرفت» .

ح شَرُّ الأَعْضَاءِ وَالْجَوَارِحِ سنن الترمذی عن ابن حمید: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللهِ عَلَّمَنِي تَعَوُّذًا أَتَعَوَّذُ بِهِ . قَالَ: فَأَخَذَ بِيَدِي فَقَالَ: قُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ سَمْعِي ، وَمِنْ شَرِّ بَصَرِي ، وَمِنْ شَرِّ لِسَانِي ، وَمِنْ شَرِّ قَلْبِي ، وَمِنْ شَرِّ مَيِّبِي يَعْنِي فَرْجَهُ . (١)

ط شَرُّ دَوَابِّ الأَرْضِ وَهَوَامِّهَا رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَنْ يَمْشِي عَلَيَّ بَطْنِهِ ، وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَمْشِي عَلَيَّ رِجْلَيْنِ ، وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَمْشِي عَلَيَّ أَرْبَعِ . (٢)

مسند ابن حنبل عن عبد الله بن عمر: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا غَزَا أَوْ سَافَرَ فَأَدْرَكَهُ اللَّيْلُ ، قَالَ: يَا أَرْضُ ، رَبِّي وَرَبُّكَ اللهُ ، أَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شَرِّكَ ، وَشَرِّ مَا خَلَقَ فِيكَ ، وَشَرِّ مَا فِيكَ ، وَشَرِّ مَا دَبَّ عَلَيْكَ ، أَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شَرِّ سَاكِنِ البَلَدِ ، وَمِنْ شَرِّ الوَالِدِ وَمَا وَلَدَ ، وَمِنْ شَرِّ أَسَدٍ وَأَسْوَدَ ، وَحَيِّهِ وَعَقْرَبٍ . (٣)

١- سنن الترمذی: ج ٥ ص ٥٢٣ ح ٣٤٩٢ ، سنن أبي داود: ج ٢ ص ٩٢ ح ١٥٥١ ، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٥٥ و ٢٥٩ ، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٢٩١ ح ١٥٥٤١ نحوه ، المعجم الكبير: ج ٧ ص ٣١٠ ح ٧٢٢٥ ، كنز العمال: ج ٢ ص ١٨١ ح ٣٦٤١

٢- المعجم الأوسط: ج ٩ ص ١٢١ ح ٩٣٠٤ عن ابن عباس ، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٠٨ ح ٣٧٩٠؛ المناقب لابن شهر آشوب: ج ١ ص ١٣٦ وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار: ج ١٧ ص ٣٩١ ح ١ .

٣- مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٤٩ ح ١٢٢٥١ و ج ٢ ص ٤٩١ ح ٦١٦٩ ، سنن أبي داود: ج ٣ ص ٣٥ ح ٢٦٠٣ كلاهما نحوه ، السنن الكبرى للنسائي: ج ٤ ص ٤٤٣ ح ٧٨٦٢ ، المستدرک على الصحيحين: ج ٢ ص ١١٠ ح ٢٤٨٧ ، كنز العمال: ج ٦ ص ٧٣٥ ح ١٧٦٢٤ ؛ الأمان: ص ١٤٠ عن حمزه بن علي بن عثمان القرشي المخزومي ، عوالي اللآلي: ج ١ ص ١٥٦ ح ١٣٣ ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٦١ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٦٠ ح ٥٥ .

ح شر اعضا و اندام ها ط گزند چارپایان زمین و گزندگان سمی آن

ح شر اعضا و اندام هاسنن الترمذی به نقل از ابن حمید : خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و گفتم : ای پیامبر خدا! مرا تعویذی بیاموز که خود را با آن ، حفظ کنم (در امان بدارم) . ایشان شانه ام را گرفت و فرمود : «بگو : بار خدایا! به تو پناه می برم از شر گوشم ، و از شر چشمم ، و از شر زبانم ، و از شر دلم ، و از شر آبم»، یعنی آلتش .

ط گزند چارپایان زمین و گزندگان سمی آنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! به تو پناه می برم از گزند موجوداتی که به شکم راه می روند ، و از گزند موجوداتی که بر دو پا راه می روند ، و از گزند موجوداتی که بر چهار پا راه می روند .

مسند ابن حنبل به نقل از عبد الله بن عمر : پیامبر خدا هر گاه به جنگ یا سفری می رفت ، شب که فرا می رسید ، می فرمود : «ای زمین! پروردگار من و تو ، خداست . از شر تو و شر آنچه در تو آفرید و شر آنچه در توست و شر آنچه بر روی تو می جنبد ، به خدا پناه می برم . از شر ساکن بیابان (۱) ، و از شر زاینده و آنچه زاده است (۲) ، و از شر شیر و اژدها و مار و کژدم ، به خدا پناه می برم».

-
- ۱- مراد از «بیابان» ، مأوای جانوران است ، خواه در آن منزلگاه و بنایی باشد یا نباشد ، و مراد از ساکن بیابان ، جن است .
 - ۲- احتمال دارد مراد از «زاینده» ، ابلیس باشد و از «آنچه زاده است» شیاطین باشند (المجموع ، نووی : ج ۴ ص ۳۹۸) .

راجع : ص ٢٧٠ (بركات الاستعاذه / دفع شرّ الهوامّ والدوابّ والسباع) .

ي شَرُّ الدُّنْيَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الدُّنْيَا ، فَإِنَّ الدُّنْيَا تَمْنَعُ الْآخِرَةَ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله :اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ ، وَمِنْ حَيَاةٍ تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْعَمَلِ . (٢)

الإمام عليّ عليه السلام في الحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ : اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا لِي سِجْنًا ، وَلَا فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا ؛ أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَحْرِمُنِي الْآخِرَةَ ، وَمِنْ أَمَلٍ يَحْرِمُنِي الْعَمَلَ ، وَمِنْ حَيَاةٍ تَحْرِمُنِي خَيْرَ الْمَمَاتِ . (٣)

الإمام زين العابدين عليه السلام من دُعَاءِ لَهُ : أَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ مَا فِيهَا ، لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا ، وَلَا فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا ، أَخْرِجْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا مَرْضِيًّا عَنِّي ، مَقْبُولًا فِيهَا عَمَلِي ، إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ وَمَسَاكِنِ الْأَخْيَارِ ، وَأَبْدِلْنِي بِالدُّنْيَا الْفَائِئِيهِ نَعِيمِ الدَّارِ الْبَاقِيَةِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَزْلِهَا (٤) ، وَزَلْزَلِهَا ، وَسَيْطَوَاتِ شَيَاطِينِهَا وَسَلْطَانِيهَا وَنَكَالِهَا (٥) ، وَمِنْ بَغْيٍ مَن بَغَى عَلَيَّ فِيهَا . (٦)

١- مشكاة الأنوار : ص ٤٧١ ح ١٥٧٨ ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٢٩٢ ح ٦ .

٢- تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٢٧٣ ؛ ذم الدنيا لابن أبي الدنيا : ص ٩٤ ح ٢٥٢ ، الإصابه : ج ٢ ص ١٨٥ وفيهما صدره فقط ، الزهد لابن حنبل : ص ٤٧٢ وفيه «العمل» بدل «الآخرة» وليس فيه ذيله .

٣- شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٢٨١ ح ٢٢٤ .

٤- الأزل : الشدة والضيقة (النهاية : ج ١ ص ٤٦ «أزل»).

٥- النكال : العقوبة التي تنكل الناس عن فعل ما جُعِلَتْ له جزاءً ، ونكل به : إذا جعله عبرةً لغيره (النهاية : ج ٥ ص ١١٧ «نكل»)

٦- الكافي : ج ٢ ص ٥٥٤ ح ١٣ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، مصباح المتهجد : ص ٣٥١ ح ٤٦٦ ، الإقبال : ج ١ ص ١٣٤ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، جمال الأسبوع : ص ٢٤١ عن أبي يحيى الصنعاني عن الإمام الباقر عليه السلام و ص ٢٩٥ عن عبد الله بن مهران عن أبيه عن الإمام الصادق عليه السلام من دون إسنادٍ إلى الإمام زين العابدين عليه السلام وكلها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ٤ ح ١ .

ی گزند دنیا

ر. ک: ص ۲۷۱ (برکت های پناه بردن به خدا/دفع گزند گزندگان و جنبندگان و درندگان).

ی گزند دنیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! من از دنیا به تو پناه می برم؛ زیرا دنیا مانع آخرت می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به تو پناه می برم از دنیایی که مانع خیر آخرت شود و از زندگی ای که مانع خیر مرگ گردد، و به تو پناه می برم از آرزویی که مانع کار نیک شود.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: بار خدایا! دنیا را زندان من، و جدایی از آن را مایه اندوهم قرار مده. به تو پناه می برم از دنیایی که مرا از آخرت، محروم سازد و از آرزویی که مرا از عمل، محروم دارد و از زندگی ای که مرا از خیر مردن، محروم نماید.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان: معبودا، از شرّ دنیا و شرّ آنچه در دنیاست، به تو پناه می برم. دنیا را بر من، زندان مگردان و جدا شدن از آن را مایه اندوهم مساز. مرا از این فتنه سرا، در حالی که از من خشنودی و کردارم در آن، پذیرفته توست، به زندگی سرا و محلّ سکونت خوبان ببر، و به جای دنیای نیست شونده، نعمت سرای جاویدان را ارزانی ام بدار. بار خدایا! به تو پناه می برم از رنج و سختی دنیا، و یورش های اهریمنان و زورمندان و کيفرهای دنیا، و از ستم کسی که در دنیا [بخواهد] به من ستم کند.

عنه عليه السلام فى مُناجاةِ الرَّاهِدِينَ : إلهى أَسْكَنْتَنَا داراً حَفَرْتَ لَنَا حُفْرَةَ مَكْرِها ، وَعَلَّقْتَنَا بِأَيْدِي المَنائِيا فى حَبائِلِ غَدْرِها ، فَأَلَيْكَ نَلْتَجِئُ مِنْ مَكائِدِ حُدْعِها ، وَبِكَ نَعْتَصِمُ مِنَ الإِغْتِرارِ بِزُخارِفِ زِينَتِها . (١)

الإمام الصادق عليه السلام :اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيا تَمْنَعُ خَيْرَ الآخِرَةِ ، وَمِنْ عَاجِلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الآجِلِ ، وَحِياهِ تَمْنَعُ خَيْرَ المَماتِ ، وَأَمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ العَمَلِ . (٢)

كَ مَساوِيءِ الأَسقامِ رسولُ الله صلى الله عليه و آله :اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ البَرَصِ (٣) وَالجُنونِ وَالجُدامِ (٤) ، وَمِنْ سَيِّئِ الأَسقامِ . (٥)

الكافى عن على بن مهزيار : كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبراهِيمَ إِلى أَبِي الحَسَنِ عليه السلام : إِنْ رَأَيْتَ يا سَيِّدى أَنْ تُعَلِّمَنى دُعاءً أَدْعُو بِهِ فى دُبُرِ صِلَواتى ، يَجْمَعُ اللهُ لى بِهِ خَيْرَ الدُّنْيا وَالآخِرَةِ فَكَتَبَ عَلَيْهِ السلام : تَقولُ : أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الكَرِيمِ ، وَعِزَّتِكَ الَّتى لا تُرامُ ، وَقُدْرَتِكَ الَّتى لا يَمْتَنِعُ مِنْها شَيْءٌ ، مِنْ شَرِّ الدُّنْيا وَالآخِرَةِ ، وَمِنْ شَرِّ الأَوْجاعِ كُلِّها . (٦)

١- بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٥٢ نقلاً عن بعض كتب الأصحاب .

٢- مصباح المتهجد : ص ٦٤ ح ١٠١ ، فلاح السائل : ص ٣٢٠ ح ٢١٥ كلاهما عن معاوية بن عمّار ، الإقبال : ج ٢ ص ١٤٦ .

٣- البرص : بياض يظهر فى ظاهر البدن لفساد مزاج (القاموس المحيط : ج ٢ ص ٢٩٥ «برص»).

٤- الجذام : علمه تحدث من انتشار السوداء فى البدن كله فيفسد مزاج الأعضاء وهياتها ، وربما انتهى إلى تأكل الأعضاء وسقوطها (القاموس المحيط : ج ٤ ص ٨٨ «جذم»).

٥- سنن أبى داود : ج ٢ ص ٩٣ ح ١٥٥٤ ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ٣٨٤ ح ١٣٠٠٣ ، صحيح ابن حبان : ج ٣ ص ٢٩٥ ح

١٠١٧ ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج ٧ ص ١٨ ح ٩ ، مسند أبى يعلى : ج ٣ ص ٢٢٠ ح ٢٨٩٠ كلها عن أنس ، كنز العمال : ج ٢

ص ١٨٩ ح ٣٦٩١ .

٦- الكافى : ج ٣ ص ٣٤٦ ح ٢٨ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٤٨ .

ک بیماری های بد

امام زین العابدین علیه السلام در مناجات زهدورزان: معبود من! ما را در سرایی جای دادی که چاله های نیرنگش را برای ما حفر کرده و با ریسمان های بی وفایی اش ، ما را بر دستان مرگ ، آویخته است . پس ، از ترفندهای فریبنده آن به تو پناه می بریم و از این که فریفته زرق و برق زیورهای آن گردیم ، به تو متوسل می شویم.

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! پناه می برم به تو از دنیایی که مانع خیر آخرت شود ، و از اکنونی که مانع خیر آینده شود ، و از زندگی ای که مانع خیر مردن شود ، و از آرزویی که مانع عمل نیک گردد .

ک بیماری های بد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! من از پیسی و دیوانگی و خوره ، و از بیماری های بد به تو پناه می برم .

الکافی به نقل از علی بن مهزیار: محمد بن ابراهیم به ابو الحسن علیه السلام (۱) نوشت: سرورم! اگر صلاح می دانید ، به من دعایی بیاموزید که آن را در تعقیبات نمازهایم بخوانم تا خداوند به سبب آن ، خیر دنیا و آخرت را به من عطا فرماید . امام علیه السلام نوشت: «می گویی: به روی گرامی تو و به نیروی احاطه ناپذیر تو و به قدرت تو که هیچ چیز از آن سر بر نمی تابد ، پناه می برم از شرّ دنیا و آخرت و از شرّ همه دردها» .

۱- مقصود از ابو الحسن در این جا، امام کاظم یا امام رضا علیهما السلام می باشد .

راجع: ص ٤٥٤ (مواطن الاستعاذه / تلك الحالات / المرض). ص ٢٦٢ (بركات الاستعاذه / دفع الأمراض).

ل جَهْدِ الْبَلَاءِ مَجْمَعُ الْبَيَانِ عَنِ الْحَسَنِ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا ذُكِرَ أَمَامَهُ أَصْحَابُ الْأَخْدُودِ (١)، تَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ. (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ (٣)، وَدَرَكِ الشَّقَاءِ، وَسُوءِ الْقَضَاءِ، وَشَمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ. (٤)

م الْحَرْبِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يُصْبِحُ الْمُؤْمِنُ أَوْ يُمَسِي عَلَى ثُكُلٍ (٥)، خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يُصْبِحَ أَوْ يُمَسِيَ عَلَى حَرْبٍ (٦)، فَتَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ الْحَرْبِ. (٧)

١- كانوا قوما يعبدون صنما، وكان معهم قوم يعبدون الله عز وجل ويوحّدونه ويكتمون إيمانهم، فعلموا بهم فخذوا لهم أخذودا، وملأوه نارا وقذفوا بهم في تلك النار، فتقحموها ولم يرتدوا عن دينهم، ثبوتا على الإسلام، والأخذود: الحفرة المستطيلة في الأرض (تاج العروس: ج ٤ ص ٤٣٣ «خذد»).

٢- مجمع البيان: ج ١٠ ص ٧٠٦، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٤٤٣؛ المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ١٢٩ ح ٣٢.

٣- الجهد: المشقة. وجهد البلاء: حاله الشاقه (النهاية: ج ١ ص ٣٢٠ «جهد»).

٤- صحيح البخاري: ج ٦ ص ٢٤٤٠ ح ٦٢٤٢ و ج ٥ ص ٢٣٣٦ ح ٥٩٨٧، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٨٠ ح ٥٣، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٧٠، الأدب المفرد: ص ٢٠١ ح ٦٦٩ كلها عن أبي هريره نحوه، كنز العمال: ج ٦ ص ٤٩٣ ح ١٦٦٨٥؛ الإقبال: ج ٢ ص ٥٤ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، مصباح المتهجد: ص ١٥٤ ح ٢٤٢ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٧٣ ح ٦٩.

٥- الثكل: الموت، والهلاك، وفقدان الحبيب أو الولد (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٣٤٣ «ثكل»).

٦- الحرب بالتحريك: نهب مال الإنسان، وتركه لا شيء له (النهاية: ج ١ ص ٣٥٨ «حرب»).

٧- الكافي: ج ٥ ص ٧٢ ح ١٢ عن الإمام الصادق عليه السلام.

ل بلاى طاقت فرسا م تاراج شدن

ر . ك : ص ۴۵۵ (اوقات پناه بردن به خدا / بيمارى) ، ص ۲۶۳ (بركت هاى پناه بردن به خدا / درمان بيمارى ها) .

ل بلاى طاقت فرسامجمع البيان به نقل از حسن : هر گاه در حضور پيامبر صلى الله عليه و آله از اصحاب اُحدود (۱) سخن به ميان مى آمد ، ايشان از بلاى طاقت فرسا به خدا پناه مى برد .

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : از بلاى طاقت فرسا و بدبختى دامنگير و قضای بد و شماتت دشمن ، به خدا پناه ببريد .

م تاراج شدنپيامبر خدا صلى الله عليه و آله : مؤمن ، روز و شب خود را در سوگ عزيزش به سر برد ، برايش بهتر است تا اين که روز و شب در معرض تاراج قرار گيرد . پس ، از تاراج شدن ، به خدا پناه مى بريم .

۱- در زمان هاى گذشته ، مردمى بت پرست زندگى مى کردند که در ميان آنها عده اى يکتاپرست بودند ؛ اما ايمانشان را پوشيده مى داشتند . چون ايمانشان بر ديگران معلوم گشت ، آن قوم گودال هاىي کردند و آنها را از آتش آکندند و آن مؤمنان را درون آتش افکندند ؛ ليک آن يکتاپرستان بر آيين خویش پايدارى کردند و از دينشان بر نگشتند . اُحدود ، به معنای گودال هاى مستطيل شکل است (تاج العروس : ج ۴ ص ۴۳۳) .

ن الْفَقْرُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ، وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ ، مِنْ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ . (١)

سنن النسائي عن أبي سعيد الخدري عن رسول الله صلى الله عليه وآله: أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ . فَقَالَ رَجُلٌ : وَيَعْدِلَانِ ؟ قَالَ : نَعَمْ . (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الْفَقْرِ وَالْقَلَّةِ وَالذُّلِّ ، وَأَنْ تَظَلَّمَ أَوْ تُظَلَّمَ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَفْتَقِرَ فِي غِنَاكَ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ إِلَّا إِلَيْكَ ، وَمِنَ الذُّلِّ إِلَّا لَكَ . (٥)

كنز الفوائد: قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشَقَى الْأَشْقِيَاءِ ؟ قَالُوا : بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ . قَالَ : مَنْ اجْتَمَعَ عَلَيْهِ فَقْرُ الدُّنْيَا ، وَعَذَابُ الْآخِرَةِ ، تَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ . (٦)

-
- ١- .كنز العمال : ج ٢ ص ١٨٨ ح ٣٦٨٥ و ص ٢٠٥ ح ٣٧٧٣ نقلًا عن الطبراني في السنن عن عبد الرحمن بن أبي بكر .
 - ٢- .سنن النسائي : ج ٨ ص ٢٦٧ ، موارد الضمان : ص ٦٠٤ ح ٢٤٣٨ ، تهذيب الكمال : ج ١٠ ص ١٧٢ كلها عن أبي سعيد الخدري ، كنز العمال : ج ٦ ص ٤٩٣ ح ١٦٦٨٧ .
 - ٣- .سنن النسائي : ج ٨ ص ٢٦١ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٦٣ ح ٣٨٤٢ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٦٤٨ ح ١٠٩٧٣ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٧١٣ ح ١٩٤٧ ، موارد الضمان : ص ٦٠٥ ح ٢٤٤٢ كلها عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ٦ ص ٤٩٣ ح ١٦٦٨٨ .
 - ٤- .مُهَجَّ الدعوات : ص ١٣٤ ، نهج البلاغه : الخطبه ٢١٥ ، الأمان : ص ١٢٦ ، المصباح للكفعمي : ص ٤٠٢ والثلاثة الأخيره عن ابن عباس عن الإمام علي عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٢٤٢ ح ٩ .
 - ٥- .شرح نهج البلاغه : ج ٦ ص ١٩١ ؛ العدد القويّه : ص ٩٤ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٧ ص ٢٣٣ .
 - ٦- .كنز الفوائد : ج ٢ ص ١٩٣ ، معدن الجواهر : ص ٢٥ ، إرشاد القلوب : ج ١ ص ١٩ عن الإمام علي عليه السلام وكلاهما نحوه ، أعلام الدين : ص ١٥٩ ، بحار الأنوار : ج ١٠٣ ص ٢٠ ح ٣ .

ن ناداری

ن ناداری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از کفر و ناداری، به روی گرامی و نام بزرگ تو پناه می برم.

سنن النسائی به نقل از ابو سعید خُدَری: پیامبر خدا می فرمود: «بار خدایا! من از کفر و ناداری، به تو پناه می برم». مردی گفت: این دو، همسنگ اند؟ فرمود: «آری».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از ناداری و کمبود و خواری و این که ستم کنید یا به شما ستم شود، به خدا پناه ببرید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از این که با وجود توانگری تو، درویش شوم، به تو پناه می برم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به تو پناه می برم از این که به غیر تو، نیازمند شوم و در برابر جز تو، خوار گردم.

کنز الفوائد: [پیامبر صلی الله علیه و آله] فرمود: «آیا شما را از شور بخت ترین شوربختان خبر ندهم؟». گفتند: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود: «کسی که فقر دنیا و عذاب آخرت در او جمع شوند. از این امر، به خدا پناه می بریم».

كنز العميال عن أبي هريره: جاءت فاطمة عليها السلام إلى النبي صلى الله عليه وآله تسأله خادما، فقال: ألا أدلك على ما هو خير لك من خادم؟ تسبحين الله ثلاثا وثلاثين تسيحه، وتكبرين أربعاً وثلاثين تكبيره، وتحمدين ثلاثا وثلاثين تحميدة، وتقولين: اللهم رب السموات السبع، ورب العرش العظيم، ربنا ورب كل شيء، منزل التوراه والإنجيل والقرآن أعوذ بك من شر كل شيء أنت آخذ بناصيته، اللهم أنت الأول فليس قبلك شيء، وأنت الآخر فليس بعدك شيء، وأنت الظاهر فليس فوقك شيء، وأنت الباطن فليس دونك شيء، اقض عني الدين، وأعدني من الفقر. (١)

الإمام علي عليه السلام: اللهم صل على محمد وآل محمد، وقنني بحلالك عن حرامك، وأعدني من الفقر. (٢)

عنه عليه السلام لابنه محمد بن الحنفية: يا بني، إني أخاف عليك الفقر، فاستعد بالله منه؛ فإن الفقر منقصة للدين، مدهشة (٣) للعقل، داعية للمقت (٤). (٥)

عنه عليه السلام: من ابتلى بالفقر فقد ابتلى بأربع خصال: بالضعف في يقينه، والنقصان في عقله، والرقة في دينه، وقلة الحياء في وجهه، فعوذ بالله من الفقر. (٦)

الإمام الصادق عليه السلام: تعوذوا بالله من الفقر. (٧)

١- كنز العمال: ج ١٥ ص ٥٠٩ ح ٤١٩٨٦ نقلاً عن ابن جرير.

٢- البلد الأمين: ص ٥٥٢، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٦١ ح ٥.

٣- دهش الرجل بالكسر دهشا: تحير، والدهش: ذهاب العقل (لسان العرب: ج ٦ ص ٣٠٣ «دهش»).

٤- المقت: أشد البغض (النهاية: ج ٤ ص ٣٤٦ «مقت»).

٥- نهج البلاغة: الحكمة ٣١٩، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٥٣ ح ٨٣.

٦- جامع الأخبار: ص ٣٠٠ ح ٨١٨، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٤٨ ح ٥٨.

٧- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٢٦٩ ح ٣٩٧١، الكافي: ج ٥ ص ١٦٧ ح ٣ وفيه «نعوذ بالله...»، تهذيب الأحكام: ج ٧ ص ١٦٣ ح ٧٢٠ وفيه «أعوذ بالله...» وكلها عن أبي الصباح الكناني.

کنز العمال به نقل از ابو هريره : فاطمه عليها السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از ایشان خدمتکاری خواست . [پیامبر صلی الله علیه و آله] فرمود : « آیا تو را به چیزی که برایت از خدمتکار ، بهتر است ، راه نمایی نکنم؟ سی و سه بار خدا را سبحان الله می گویی و سی و چهار بار الله اکبر و سی و سه بار الحمد لله . آن گاه می گویی : خدایا! ای پروردگار هفت آسمان و ای پروردگار عرش بزرگ! ای پروردگار ما و پروردگار همه موجودات! ای فرو فرستنده تورات و انجیل و قرآن! به تو پناه می برم از گزند هر چیزی که زمام اختیار آن ، در دست توست . خدایا! تو آغازینی و چیزی پیش از تو نبوده است ، و تو فرجامینی و چیزی پس از تو نیست ، و تو آشکاری و چیزی آشکارتر از تو نیست ، و تو نهانی و چیزی نهان تر از تو نیست . قرض مرا ادا کن و مرا از ناداری ، در پناه خویش گیر» .

امام علی علیه السلام: بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا به حلال خود ، قانع گردان تا به حرمت روی نیاورم ، و مرا از ناداری ، پناه ده .

امام علی علیه السلام به فرزندش محمّد بن حنفیه : پسرم! من از فقر بر تو می ترسم . پس ، از آن به خدا پناه ببر ؛ چرا که فقر ، کاهنده دین و برنده خرد و برانگیزنده کین است .

امام علی علیه السلام: هر که به ناداری گرفتار آید ، به چهار چیز دچار می گردد : به سستی در یقینش ، کاستی در خردش ، نازکی در دینش ، و بی آزمی در رویش . پس ، از ناداری ، به خدا پناه می بریم .

امام صادق علیه السلام: از ناداری ، به خدا پناه برید .

س غَلَبَهُ الدِّينُ الْخِصَالُ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْكُفْرِ وَالذِّينِ»، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيْعِدُكَ الدِّينُ بِالْكَفْرِ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَعَمْ. (١)

صحيح البخارى عن عائشه: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَدْعُو فِي الصَّلَاةِ وَيَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ (٢)»، فَقَالَ لَهُ قَائِلٌ: مَا أَكْثَرَ مَا تَسْتَعِيدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنَ الْمَغْرَمِ؟ قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا غَرِمَ، حَدَّثَ فَكَذَبَ، وَوَعَدَ فَأَخْلَفَ. (٣)

سنن النسائي عن عبد الله بن عمرو: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَدْعُو بِهَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدِّينِ، وَغَلَبَةِ الْعَدُوِّ، وَشِمَاتِهِ (٤) الْأَعْدَاءِ. (٥)

الإمام علي عليه السلام: اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ مِنْ غَلَبَةِ الدِّينِ. (٦)

عنه عليه السلام: اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ ضَلَعِ الدِّينِ، وَغَلَبَةِ الرَّجَالِ. (٨)

١- الخصال: ص ٤٤ ح ٣٩، علل الشرايع: ص ٥٢٨ ح ٣، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ١٤١ ح ٢؛ سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦٤، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٧٧ ح ١١٣٣٣، صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ٣٠٢ ح ١٠٢٥، كنز العمال: ج ١ ص ٤٨٧ ح ٢١٣٧.

٢- المغرّم: الدّين (النهاية: ج ٣ ص ٣٦٣ «غرم»).

٣- صحيح البخارى: ج ٢ ص ٨٤٤ ح ٢٢٦٧ و ج ١ ص ٢٨٦ ح ٧٩٨، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٥٨ و ٢٦٤، مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ٩٠ ح ٢٦١٣٤، المصنّف لعبد الرزاق: ج ١٠ ص ٤٣٨ ح ١٩٦٣٠، شعب الإيمان: ج ٤ ص ٤٠٦ ح ٥٥٦٥ كلّها نحوه.

٤- الشّماتة: فرح العدوّ بيليّه تنزل بمن يعاديه (النهاية: ج ٢ ص ٤٩٩ «شمت»).

٥- سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦٥ و ٢٦٨، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٥٨٤ ح ٦٦٢٩، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٧١٣ ح ١٩٤٥، الدعاء للطبراني: ص ٣٩٨ ح ١٣٣٦، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٢١ ح ٣١ عن مجاهد وفيه «بوار الأئيم» بدل «شّماتة الأعداء»، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٨٣ ح ٥٠٦٦.

٦- تحف العقول: ص ١١٣.

٧- ضلع الدّين: أى ثقله (النهاية: ج ٣ ص ٩٦ «ضلع»).

٨- الخصال: ص ٦٢٢ ح ١٠ عن أبى بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٣٤ ح ٢.

س چیره شدن بدهکاری

س چیره شدن بدهکاری بالخصال به نقل از ابو سعید خُدري: از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید: «به خدا پناه می برم از کفر و قرض». گفته شد: ای پیامبر خدا! آیا قرض، با کفر، همسنگ است؟ فرمود: «آری».

صحيح البخاری به نقل از عایشه: پیامبر خدا در نماز، دعا می کرد و می گفت: «بار خدایا! از گنهکاری و بدهکاری، به تو پناه می برم». گوینده ای گفت: ای پیامبر خدا! شما چه قدر از بدهکاری، به خدا پناه می برید؟ فرمود: «مرد، هر گاه بدهکار باشد، هم دروغ می گوید و هم بدقولی می کند».

سنن النسائی به نقل از عبد الله بن عمرو: پیامبر خدا با این کلمات، دعا می کرد: «بار خدایا! از چیره شدن قرض و چیره شدن دشمن و شتمت دشمنان، به تو پناه می برم».

امام علی علیه السلام: از قرض بالا آوردن، به خدا پناه برید.

امام علی علیه السلام: از فشار قرض و چیره آمدن مردان (اوباش)، به خدا پناه برید.

الإمام زين العابدين عليه السلام من دُعائه في المَعُونَةِ عَلَى قَضَاءِ الدِّينِ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَهَبْ لِي العَافِيَةَ مِنْ دَيْنٍ تُخَلِّقُ (١) بِهِ وَجْهِي ، وَيَحَارُ فِيهِ ذَهْنِي ، وَيَتَشَدَّبُ لَهُ فِكْرِي ، وَيَطُولُ بِمُمارَسَتِهِ شُغْلِي . وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ هَمِّ الدِّينِ وَفِكْرِهِ ، وَشُغْلِ الدِّينِ وَسَهْرِهِ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَعِزَّنِي مِنْهُ ، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ ذِلَّتِهِ فِي الحَيَاةِ ، وَمِنْ تَبَعْتِهِ بَعْدَ الوَفَاةِ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام مِمَّا عَلَّمَهُ عَبْدَ اللَّهِ بْنُ سَيِّدَانٍ لِقَضَاءِ دِينِهِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ البُؤْسِ وَالْفَقْرِ ، وَمِنْ غَلَبَةِ الدِّينِ وَالسُّقْمِ ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُعِينَنِي عَلَى أداءِ حَقِّكَ إِلَيْكَ وَإِلَى النَّاسِ . (٣)

عنه عليه السلام : تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ غَلَبَةِ الدِّينِ ، وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ ، وَبِوَارِ الأَيْمِ (٤) . (٥)

عِ الذَّلَّةِ وَالخِزْيُرسول الله صلى الله عليه وآله مِمَّا عَلَّمَهُ إِيَّاهُ جَبْرَائِيلُ : رَبِّ أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُذِلَّ أَوْ أُخْزَى . (٦)

الإمام الحسين عليه السلام مِمَّا كَانَ يَقُولُهُ فِي قُنُوتِ الوَتْرِ : اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى وَلَا تُرَى ، وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الأَعْلَى ، وَإِنَّ إِلَيْكَ الرُّجْعَى ، وَإِنَّ لَكَ الآخِرَةَ وَالأُولَى ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نَذَلَّ وَنَخْزَى . (٧)

١- .خَلَقَ الثَّوْبُ : إِذَا بَلَى ، فَهُوَ خَلَقَ (المصباح المنير : ص ١٨٠ «خلق»).

٢- .الصحيحه السَّجَّادِيَّة : ص ١٢١ الدعاء ٣٠ ، المصباح للكفعمي : ص ٢٣٠ ، مستدرک الوسائل : ج ١٣ ص ٣٨٨ ح ١٥٦٨٤ .

٣- .تفسير العياشي : ج ٢ ص ٣٢٠ ح ١٨٢ عن عبد الله بن سنان ، مصباح المتهجد : ص ٢١٥ ح ٣٢٤ نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٣٢ ح ٨ .

٤- .بِوَارِ الأَيْمِ : أَى كَسَادُهَا ، وَالأَيْمُ : الَّتِي لَا زَوْجَ لَهَا ، وَهِيَ مَعَ ذَلِكَ لَا يَرِغِبُ فِيهَا أَحَدٌ (النهاية : ج ١ ص ١٦١ «بور»).

٥- .الكافي : ج ٥ ص ٩٢ ح ١ ، تهذيب الأحكام : ج ٦ ص ١٨٣ ح ٣٧٧ وفيه «نعوذ» بدل «تعوذوا» ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ١٨١ ح ٣٦٧٩ كُلُّهَا عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ .

٦- .مَهْجَعِ الدَّعَوَاتِ : ص ٢١٦ عَنْ جَابِرٍ عَنِ الإِمَامِ البَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ؛ الفَرْدُوسُ : ج ١ ص ٤٤٢ ح ١٨٠٢ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ نَحْوَهُ ، كَنْزُ العَمَالِ : ج ٢ ص ٢٠٧ ح ٣٧٨٢ .

٧- .المصنَّف لابن أبي شيبه : ج ٢ ص ٢٠٠ ح ٣ وَج ٧ ص ١١٣ ح ٢ ، كَنْزُ العَمَالِ : ج ٨ ص ٨٢ ح ٢١٩٩٢ ؛ مصباح المتهجد : ص ١٣٥ ح ٢٢٠ عَنْ الإِمَامِ زَيْنِ العابدين عليه السلام وَص ٩٩ ح ١٦٦ ، فلاح السائل : ص ٤١٦ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام والثلاثة الأخيره نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٩٢ ح ١١ .

ع خواری و رسوایی

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در یاری خواستن برای ادای قرض: بار خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا از قرضی که به واسطه آن، چهره ام دژم، خاطرم پریشان، و اندیشه ام پراکنده گردد و پیوسته بدان سرگرم باشم، رهایی بخش. پروردگارا! به تو پناه می برم از اندوه و اضطراب قرض، و دل مشغولی به قرض و بی خوابی کشیدن به خاطر آن. پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از قرض، در پناه خویش بدار. ای پروردگار من! به تو پناه می برم از خواری بدهکاری در زندگی و از عواقب آن پس از مرگ.

امام صادق علیه السلام از دعایی که به عبد الله بن سنان برای ادا شدن قرضش آموخت: بار خدایا! از بینوایی و ناداری، و از دامنگیر شدن قرض و بیماری، به تو پناه می برم و از تو می خواهم که در ادای حق خودت و حق مردم، به من کمک کنی.

امام صادق علیه السلام: از چیره شدن قرض و چیره شدن مردان (اوباش) و بی مشتری ماندن زنان بی شوهر، به خدا پناه برید.

ع خواری و رسوایی مبر خدا صلی الله علیه و آله از دعایی که جبرئیل به ایشان آموخت: بار خدایا! به تو پناه می برم از این که خوار یا رسوا شوم.

امام حسین علیه السلام از دعای ایشان در قنوت نماز وتر: بار خدایا! تو می بینی و خود، دیده نمی شوی. تو، در چشم انداز برینی و بازگشت [همگان]، به سوی توست و آخرت و دنیا از آن تواند. بار خدایا! به تو پناه می بریم از این که خوار و رسوا شویم.

الإمام الصادق عليه السلام فيما يُقالُ عِنْدَ الْحَجْرِ الْأَسْوَدِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ ، وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (١)

ف تِلْكَ الْأُمُورُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ مِنَ الْمَفَاقِرِ : الإمام الجائر ؛ الَّذِي إِذَا أَحْسَنْتَ لَمْ يَقْبَلْ ، وَإِذَا أَسَأْتَ لَمْ يَتَجَاوَزْ . وَمِنْ جَارِ السَّوِّءِ ؛ الَّذِي عَيْنُهُ تَرَاكَ وَقَلْبُهُ يَرَعَاكَ ، إِنْ رَأَى خَيْرًا أَدَمَّهُ (٢) ، وَإِنْ رَأَى شَرًّا أَدَاعَهُ . وَمِنْ الْمَشِيْبِ ؛ زَوْجِهِ السَّوِّءِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ ثَلَاثِ فَوَاقِرَ : تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ مُجَاوَرَةِ جَارِ سَوِّءٍ ؛ إِنْ رَأَى خَيْرًا كَتَمَهُ وَإِنْ رَأَى شَرًّا أَدَاعَهُ . وَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ زَوْجِهِ سَوِّءٍ ؛ إِنْ دَخَلَتْ عَلَيْهَا لَسَانَتُكَ (٤) كَذَا قَالَ وَإِنْ غَبَتْ عَنْهَا خَائِتُكَ . وَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ إِمَامٍ سَوِّءٍ ؛ إِنْ أَحْسَنْتَ (٥) لَمْ يَقْبَلْ ، وَإِنْ أَسَأْتَ لَمْ يَغْفِرَ . (٦)

عنه صلى الله عليه وآله لِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ : أَفَلَا أُعَلِّمُكَ كَلَامًا إِذَا أَنْتَ قُلْتَهُ أَذْهَبَ اللَّهُ عِزَّ وَجِلْهَمَكَ ، وَقَضَى عَنْكَ دَيْنَكَ ؟... قُلْ إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أَمْسَيْتَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحُزْنِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَالِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلْبَةِ الدِّينِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ . (٧)

١- الكافي : ج ٤ ص ٤٠٣ ح ١ عن معاوية بن عمّار ، تهذيب الأحكام : ج ٥ ص ١٠٢ ح ٣٢٩ ، مصباح المتهجد : ص ٦٨١ ح ٧٥٠ ، المقنعه : ص ٤٠١ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ؛ كنز العمال : ج ٥ ص ١٧٢ ح ١٢٥٠٣ نقلًا عن الأزرقى .

٢- أَدَمَّهُ : وجدته ذميما مذموما (لسان العرب : ج ١٢ ص ٢٢٠ «ذمم»).

٣- كنز العمال : ج ١٦ ص ٤٧ ح ٤٣٨٧٥ نقلًا عن الديلمي عن أبي هريره .

٤- فى المصدر : «السنتك» ، والتصحيح من كنز العمال . و«لَسَانَتُكَ» أى أَخَذْتُكَ بِلسانِهَا يَصِفُهَا بِالسَّلَاطَةِ وَكَثْرَةِ الْكَلَامِ وَالْبَدَاءِ (النهاية : ج ٤ ص ٢٤٩ «لسن»).

٥- فى المصدر : «أحسنته» ، والتصحيح من كنز العمال .

٦- شعب الإيمان : ج ٧ ص ٨٢ ح ٩٥٥٤ عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ٩ ص ٤٤ ح ٢٤٨٥١ .

٧- سنن أبى داود : ج ٢ ص ٩٣ ح ١٥٥٥ عن أبى سعيد الخدرى ، تهذيب الكمال : ج ٢٣ ص ١٠٦ ، الأذكار للنووى : ص ٧٩ ، كنز العمال : ج ٦ ص ٢٣٩ ح ١٥٥١٩ .

ف این چند چیز

امام صادق علیه السلام از دعایی که در نزد حجر الأسود گفته می شود: بار خدایا! از کفر و فقر، و جایگاه های رسوایی در دنیا و آخرت، به تو پناه می برم.

ف این چند چیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از بلاهای کمرشکن، به خدا پناه ببرید: از پیشوای ستمگری که اگر خوبی کنی، نمی پذیرد و اگر بدی کنی، گذشت نمی کند؛ از همسایه بد، که چشمش تو را می بیند و دلش تو را می پاید و اگر کار خوبی ببیند، آن را بد می بیند و اگر کار بدی ببیند، آن را جار می زند؛ و از پیر شدن [با آزارهای] همسر بد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از سه بلای کمرشکن، به خدا پناه ببرید: از همسایگی با همسایه بد، به خدا پناه ببرید، که اگر خوبی ببیند، می پوشاند و اگر بدی ببیند، فاش می گرداند؛ از همسر بد، به خدا پناه ببرید، که در حضورت با تو بدزبانی می کند و در غیاب تو، به تو خیانت می ورزد؛ و از پیشوای بد، به خدا پناه ببرید، که اگر خوبی کنی، نمی پذیرد و اگر بدی کنی، نمی بخشاید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مردی از انصار: آیا گفتاری به تو نیاموزم که هر گاه آن را بگویی، خداوند عز و جل غم تو را بزدايد و قرض تو را ادا کند؟ ... هر صبح و شام بگو: «بار خدایا! از غم و اندوه، به تو پناه می برم، و از ناتوانی و سستی به تو پناه می برم، و از ترسویی و بخل، به تو پناه می برم، و از چیره شدن قرض و غلبه یافتن مردان (اوباش) به تو پناه می برم».

تيسير المطالب عن عبد الله بن مسعود: عَلَّمَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سِتَّ دَعَوَاتٍ ، قَالَ : عَلَّمُوهُنَّ أَنْفُسِيَّكُمْ وَأَزْوَاجَكُمْ وَأَوْلَادَكُمْ : أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ صَاحِبِ يُغْوَى (١) ، وَهَوَى يُرْدَى ، وَعَمَلٍ يُخْزَى ، وَفَقْرٍ يُنْسَى ، وَغِنَى يُطْغَى ، وَجَارٍ يُؤْذَى . (٢)

المصنّف لابن أبي شيبة عن زيد بن ثابت عن رسول الله صلى الله عليه وآله : «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ النَّارِ» ثَلَاثًا ، قُلْنَا : نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ النَّارِ . «وَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ ، تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الْفِتَنِ ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ، تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَالِ» . قُلْنَا : نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَالِ . (٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله : خَمْسٌ إِنْ أَدْرَكَتْمُوهُنَّ فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْهُنَّ : لَمْ تَظْهَرْ الْفَاحِشَةُ فِي قَوْمٍ قَطُّ حَتَّى يُعْلِنُوهَا ، إِلَّا ظَهَرَ فِيهِمُ الطَّاعُونَ وَالْأَوْجَاعُ الَّتِي لَمْ تَكُنْ فِي أَسْلَافِهِمُ الَّذِينَ مَضَوْا . وَلَمْ يَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِلَّا أَخَذُوا بِالسِّنِينَ (٤) ، وَشَدَّهَ الْمُؤُونَةَ ، وَجَوَرَ السُّلْطَانَ . وَلَمْ يَمْنَعُوا الرِّكَاهَ إِلَّا مُبِعُوا الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ ، وَلَوْ لَمَّا الْبِهَائِمُ لَمْ يُمَطَّرُوا . وَلَمْ يَنْقُضُوا عَهْدَ اللَّهِ وَعَهْدَ رَسُولِهِ إِلَّا سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَيْدُوهُمْ ، وَأَخَذُوا بَعْضَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ . وَلَمْ يَحْكُمُوا بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَيْنَهُمْ بَيْنَهُمْ . (٥)

١- غوى : أى ضلّ . والغنى : الضلال والانهماك فى الباطل (النهاية : ج ٣ ص ٣٩٧ «غوا»).

٢- تيسير المطالب : ص ٢٣٤ .

٣- المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٧ ص ١٧ ح ١ ، كنز العمال : ج ٢ ص ٢٦٣ ح ٣٩٧٥ .

٤- السنّة : الجذب (النهاية : ج ٢ ص ٤١٣ «سنه»).

٥- الكافى : ج ٢ ص ٣٧٣ ح ١ عن الإمام الباقر عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص ٣٠١ ح ٢ عن أبان الأحمر عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٣٧٦ ح ١٣ ؛ سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٣٣٣ ح ٤٠١٩ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ٥٨٣ ح ٨٦٢٣ كلاهما عن عبد الله بن عمر نحوه ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٨٠ ح ٤٤٠١٠

تیسیر المطالب به نقل از عبد الله بن مسعود: پیامبر خدا، [این] شش دعا را به ما آموخت و فرمود: «آنها را به خودتان و همسرانتان و فرزندانان بیاموزید»: از دوستی که گم راه می کند، و از هوسی که نابود می گرداند، و از کاری که رسوا می سازد، و از فقری که [خدا را] از یاد می برد، و از توانگری و ثروتی که سرکشی می آورد، و از همسایه ای که آزار می دهد، به خدا پناه می برم.

المصنّف، ابن ابی شیبیه به نقل از زید بن ثابت: پیامبر خدا سه بار فرمود: «از عذاب آتش، به خدا پناه ببرید». گفتیم: از عذاب آتش، به خدا پناه می بریم. [پیامبر صلی الله علیه و آله ادامه داد: «و از عذاب قبر، به خدا پناه ببرید. از فتنه های آشکار و نهان، به خدا پناه ببرید. از فتنه دجال، به خدا پناه ببرید». ما گفتیم: از فتنه دجال، به خدا پناه می بریم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج چیز است که اگر به آنها برخوردید، از آنها به خدا پناه ببرید: هیچ گاه در میان مردمی زنا پیدا نشد و آن را شایع نکردند، مگر آن که طاعون و دردهایی که در گذشتگان نشان نبوده است، در میان آنان پدیدار گردید. [هیچ گاه] از پیمان و ترازو نکاستند [و کم فروشی نکردند]، مگر آن که به قحطی و سختی در معیشت و ستم حاکم دچار شدند. [هیچ گاه] از دادن زکات خودداری نکردند، مگر آن که از باران آسمان، محروم گشتند و اگر به خاطر چارپایان نبود، هرگز باران بر آنها نمی بارید. [هیچ گاه] پیمان با خدا و پیمان با پیامبر او را نشکستند، مگر آن که خداوند، دشمنانشان را بر ایشان مسلط گردانید و آنها قسمتی از اموالشان را گرفتند. و [هیچ گاه] بر خلاف آنچه خداوند عز و جل فرو فرستاده است، حکم نکردند، مگر آن که خداوند عز و جل آنها را به جان یکدیگر افکند.

معانى الأخبار عن سليمان بن خالد عن الإمام الصادق عليه السلام: أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ السَّيِّئَةِ وَالْهَامَةِ وَالْعَامَةِ وَاللَّامَةِ»، فَقَالَ: السَّامَةُ الْقَرَابَةُ، وَالْهَامَةُ هَوَامُّ الْأَرْضِ، وَاللَّامَةُ لَمَمُ الشَّيَاطِينِ، وَالْعَامَةُ عَامَّةُ النَّاسِ. (١)

الإقبال من دعاء إدريس عليه السلام: أَعُوذُ بِكَ مِنْ سُقْمٍ مُصْرِعٍ، وَفَقْرٍ مُدْقِعٍ (٢)، وَمِنْ الذُّلِّ (٣).

ص شَرُّ عَاقِبِهِ الْأُمُورِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَسَأَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ وَالتَّقْوَى، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ عَاقِبَةِ الْأُمُورِ (٤).

الإمام علي عليه السلام من كتابه لِمَالِكِ الْأَشْتَرِ: تَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنْ دَرَكِ (٥) الشَّقَاءِ (٦).

عنه عليه السلام عِنْدَ طَوَافِهِ عَلَى الْقَتْلِ فِي وَقَعِهِ الْجَمَلِ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُوءِ الْمَصْرَعِ (٧).

- ١- معانى الأخبار: ص ١٧٣ ح ١، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٤١ ح ٢.
- ٢- فى المصدر: «مقرع»، وما فى المتن أثبتناه من بحار الأنوار. وفقر مدقع: أى شديد يفضى بصاحبه إلى الدعاء أى التراب (النهاية: ج ٢ ص ١٢٧ «دقع»).
- ٣- الإقبال: ج ١ ص ١٨٢، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٩٩.
- ٤- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٤٠٢ ح ٥٨٦٨، الأمالى للصدوق: ص ٥٧٦ ح ٧٨٨ كلاهما عن أبى الصباح الكناني عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١١٤ ح ٨.
- ٥- الدرر ك: اللحاق والوصول إلى الشيء، أدركته إدراكا (النهاية: ج ٢ ص ١١٤ «درك»).
- ٦- تحف العقول: ص ١٢٧، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٤١ ح ١.
- ٧- الإرشاد: ج ١ ص ٢٥٤، الجمل: ص ٣٩٢، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٢٠٧ ح ١٦٣.

ص بدفرجامی کارها

معانی الأخبار به نقل از سلیمان بن خالد: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن پیامبر خدا سؤال شد: «به تو پناه می برم از گزند سأمه و هامه و عامه و لامه». فرمود: «سأمه، خویشاوندان اند. هامه، خزندگان اند. لامه، وسوسه های شیاطین اند و عامه، توده (عوام) مردم».

الإقبال از دعای ادريس عليه السلام: از بیماری زمینگیر کننده و فقر شدید و از خواری، به تو پناه می برم.

ص بدفرجامی کارها پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ایمان و پرهیزگاری از خدا می طلبم و از بدفرجامی کارها، به خدا پناه می برم.

امام علی علیه السلام از نامه ایشان به مالک اشتر: از دامنگیر شدن بدبختی، به خدا پناه ببر.

امام علی علیه السلام هنگام گشت زدن در میان کشتگان جنگ جمل: از بر خاک افتادن [چنین] بد، به خدا پناه می برم.

عنه عليه السلام من كتاب له: متى كنتم يا معاوية ساسه الزعيه، وولاه أمر الأمه؟! بغير قدم سابق، ولا شرفٍ باسقى (١)، ونعوذ بالله من لزوم سوايق الشقاء، وأحذر ك أن تكون متماديا في غره (٢) الأميه، مختلف العلابيه والسريه (٣).

الإمام الصادق عليه السلام: اللهم صل على محمد وآل محمد، وأعدنا أن تخيب آمالنا، وتحبط أعمالنا (٤).

الإمام الهادي عليه السلام في قنوته: اللهم أسعدنا بالشكر، وأمنحنا النصر، وأعدنا من سوء البدار (٥) والعاقبه والختر (٦). (٧).

ق الشتر كلهم رسول الله صلى الله عليه وآله: نزل جبرئيل عليه السلام فقال: إن خير الدعاء أن تقول في الصلاه: اللهم لك الحمد كله، ولك الملك كله، ولك الخلق كله، وإليك يرجع الأمر كله، وأعوذ بك من الشر كله (٨).

عنه صلى الله عليه وآله: اللهم إني أسألك من الخير كله، ما علمت منه وما لم أعلم، وأعوذ بك من الشر كله، ما علمت منه وما لم أعلم (٩).

- ١- الباسق: المرتفع في علوه، والبسوق: علو ذكر الرجل في الفضل (النهايه: ج ١ ص ١٢٨ «بسق»).
- ٢- الغرّه: الغفله (النهايه: ج ٣ ص ٣٥٤ «غر»).
- ٣- نهج البلاغه: الكتاب ١٠، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ١٠١ ح ٤٠٦.
- ٤- الدرور الواقيه: ص ٩٦، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ١٤٤.
- ٥- بادر مبادره وبادار: أي عجل إلى فعل ما يرغب فيه (تاج العروس: ج ٦ ص ٦٣ «بدر»). وفي بحار الأنوار: «البداء».
- ٦- الختر: العذر (النهايه: ج ٢ ص ٩ «ختر»).
- ٧- مهج الدعوات: ص ٨٢، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٢٧.
- ٨- شعب الإيمان: ج ٤ ص ٩٧ ح ٤٤٠٠ عن أبي سعيد الخدرى، كنز العمال: ج ٧ ص ٥٣١ ح ٢٠١١٢.
- ٩- المعجم الكبير: ج ٢ ص ٢٥٢ ح ٢٠٥٨، الدعاء للطبراني: ص ٢٠٨ ح ٦٥٥ كلاهما عن جابر بن سمره و ص ٤٢٢ ح ١٤٢٨ عن أنس، مسند الطيالسي: ص ٢٨ ح ٢٠٠ عن سعد، كنز العمال: ج ٢ ص ١٧٨ ح ٣٦٢٣.

ق همه بدی ها

امام علی علیه السلام از نامه ایشان به معاویه : معاویه! از کی ، شما سیاستمدار مردم و زمامدار امت شده اید، در حالی که نه پیشینه ای درخشان و نه امتیازی والا- دارید؟! پناه می بریم به خدا از شقاوتی دامنگیر! تو را از این که در فریب آرزو غرقه گردی و آشکارت با نهنانت ناهمساز باشد ، بر حذر می دارم .

امام صادق علیه السلام :بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و ما را از این که امیدها و آرزوهایمان بر باد رود و اعمالمان بی حاصل شود ، در پناه خویش بدار .

امام هادی علیه السلام در دعای قنوتش : بار خدایا! ما را از [نعمت] سپاس گزاری ، بهره مند گردان و فیروزی خویش را ارزانی مان دار و ما را از بدی شتابکاری و فرجام خیانت ، در پناه خویش نگه دار .

ق همه بدی هایمبر خدا صلی الله علیه و آله :جبرئیل علیه السلام فرود آمد و گفت : بهترین دعا ، این است که در نماز بگویی : «بار خدایا! ستایش ، همه از آن توست و فرمان روایی همه ، از آن توست و آفرینش ، همه از آن توست و کارها همه به تو باز می گردند . از همه بدی ها به تو پناه می برم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! همه خوبی ها چه آنها که من می دانم و چه آنها که نمی دانم را از تو درخواست می کنم و از همه بدی ها چه آنها که می دانم و چه آنها که نمی دانم ، به تو پناه می برم .

صحيح مسلم عن عائشه: كَانَ [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَمِلْتُ ، وَمِنْ شَرِّ مَا لَمْ أَعْمَلْ . (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله مِمَّا كَانَ يَقُولُهُ إِذَا فَرَّغَ مِنْ صَلَاتِهِ : أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا تَعَلَّمُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعَلَّمُ ، فَإِنَّكَ تَعَلَّمُ وَلَا نَعَلَّمُ ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله مِنْ دُعَائِهِ بَعْدَ التَّشَهُُّدِ فِي الْفَرِيضَةِ : اللَّهُمَّ إِنَّا نَسَأُ لَكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ ، مَا عَلِمْنَا مِنْهُ وَمَا لَمْ نَعْلَمْ ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ ، عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ ، مَا عَلِمْنَا مِنْهُ وَمَا لَمْ نَعْلَمْ ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسَأُ لَكَ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ ، وَنَسْتَعِيدُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ خَزَائِنُهُ بِيَدِكَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ خَزَائِنُهُ بِيَدِكَ . (٤)

١- . صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٠٨٥ ح ٦٥ ، سنن أبي داوود : ج ٢ ص ٩٢ ح ١٥٥٠ ، سنن النسائي : ج ٣ ص ٥٦ و ج ٨ ص ٢٨١ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٦٢ ح ٣٨٣٩ ، مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٣٩٦ ح ٢٤٧٣٨ و ص ٤٦٨ ح ٢٥١٣٨ ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٧٩ ح ٣٦٢٨ .

٢- . الكافي : ج ٢ ص ٥٤٩ ح ٦ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٣٢٨ ح ٩٦٠ كلاهما عن محمد بن الفرغ عن الإمام الجواد عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢ ح ٢ ؛ سنن الترمذى : ج ٥ ص ٤٧٦ ح ٣٤٠٧ ، سنن النسائي : ج ٣ ص ٥٤ ، مسند ابن حنبل : ج ٦ ص ٧٦ ح ١٧١١٣ و ص ٨٠ ح ١٧١٣٣ والأربعة الأخرى عن شداد بن أوس نحوه ، كنز العمال : ج ٢ ص ٢٣٧ ح ٣٩١٣ .

٣- . المعجم الأوسط : ج ٧ ص ٣٠٦ ح ٧٥٧١ عن عبد الله بن مسعود ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٦٤ ح ٣٨٤٦ ، مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٤٨٢ ح ٢٥١٩١ ، صحيح ابن حبان : ج ٣ ص ١٥٠ ح ٨٦٩ ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ٧٠٣ ح ١٩١٤ كلها عن عائشه نحوه ، كنز العمال : ج ٢ ص ٦٨٥ ح ٥٠٧٣ .

٤- . المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ٧٠٦ ح ١٩٢٤ ، الدعاء للطبراني : ص ٤٢٦ ح ١٤٤٥ كلاهما عن ف ابن مسعود ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٨٧ ح ٣٦٧٩ .

صحیح مسلم به نقل از عایشه: [پیامبر خدا] می گفت: «بار خدایا! از بدی آنچه به جا آورده ام و از بدی آنچه به جا نیاورده ام، به تو پناه می برم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعایی که پس از پایان نماز می خواند: خوب ترین چیزی را که می دانی، از تو درخواست می کنم و از بدترین چیزی که می دانی، به تو پناه می برم؛ چرا که تو می دانی و ما نمی دانیم، و تو دانای نمان هایی.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعای ایشان پس از تشهد نمازهای واجب: بار خدایا! همه خوبی ها در حال و آینده (/دنیا و آخرت) چه آنها که می دانیم و چه آنها که نمی دانیم، از تو درخواست می کنیم و از همه بدی ها در حال و آینده چه آنها که می شناسیم و چه آنها که نمی دانیم، به تو پناه می بریم. بار خدایا! آنچه را بندگان درستکارت از تو خواستند، ما نیز از تو درخواست می کنیم و از آنچه بندگان درستکارت از آن به تو پناه آوردند، ما نیز به تو پناه می آوریم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از هر خوبی که خزانه های آن در دست توست، از تو درخواست می کنم و از هر بدی که خزانه هایش در دست توست، به تو پناه می برم.

عنه صلى الله عليه و آله :أعوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتَيْهِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ ، وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْهِ ، وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتَيْهَا ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . (٢)

بحار الأنوار: رُوِيَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ رَأَى رَجُلًا يَدْعُو مِنْ دَفْتَرِ دُعَاءٍ طَوِيلًا ، فَقَالَ لَهُ : يَا هَذَا الرَّجُلُ ، إِنَّ الَّذِي يَسْمَعُ الْكَثِيرَ هُوَ يُجِيبُ عَنِ الْقَلِيلِ . فَقَالَ الرَّجُلُ : يَا مَوْلَايَ ، فَمَا أَصْنَعُ ؟ قَالَ : قُلْ : الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ شَرٍّ ، وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي نَوَافِلِ شَهْرِ رَمَضَانَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ . (٤)

عنه عليه السلام فيما يُقَالُ فِي زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ ... مِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ، وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَنْصِبُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ الْعَدَاوَةَ ، وَمِنْ أَنْ يَفْرُطُوا (٥) عَلَيَّ أَوْ أَنْ يَطْغَوْا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ عَيُونِ الظَّلَمَةِ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ . (٦)

١- سنن أبي داود : ج ٤ ص ٣١٢ ح ٥٠٥١ ، صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٠٨٤ ح ٦١ وفيه «شئ» بدل «ذی شرّ» ، سنن الترمذی : ج ٥ ص ٤٧٢ ح ٣٤٠٠ ، السنن الكبرى للنسائي : ج ٤ ص ٣٩٥ ح ٧٦٦٨ و ٧٦٦٩ كلها عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٩٤ ح ٣٧١٥ .

٢- قصص الأنبياء : ص ٣١٤ ح ٣٩٢ عن ابن عباس ، الخرائج والجرائح : ج ٢ ص ٥٠٦ ح ١٩ ، بحار الأنوار : ج ١٧ ص ٤٠٥ ح ٢٤ .

٣- بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٢٤٢ ح ١٠ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي .

٤- تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٧٥ ح ٢٣٣ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ١٥٤ ح ٢٣٧٧ نحوه ، الإقبال : ج ١ ص ١٠٥ ، بحار الأنوار : ج ٩٧ ص ٣٧٦ .

٥- فَرَطٌ عَلَيْهِ : أَي عَجِلَ وَعَدَا (الصحاح : ج ٣ ص ١١٤٨ «فرط»).

٦- كامل الزيارات : ص ٣٩٥ ح ٦٣٩ عن أبي حمزه الثمالي ، بحار الأنوار : ج ١٠١ ص ١٧٤ ح ٣٠ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از گزند هر گزندرسانی که پیشانی (سرنوشت) آن در دست توست، به تو پناه می برم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به تو پناه می برم از گزند هر آن موجودی که بر شکم خویش راه می رود، و از گزند هر آن موجودی که بر دو پا راه می رود، و از گزند هر آن موجودی که بر چهار پا راه می رود، و از گزند هر گزندرسانی، و از گزند هر جنبنده ای که پیشانی اش (سرنوشتش) در دست توست. راستی که پروردگار من، بر راهی راست است.

بحار الأنوار: روایت شده است که امیر مؤمنان علیه السلام، مردی را دید که از روی نوشته ای، دعایی طولانی می خواند. به او فرمود: «ای مرد! آن که زیاد را می شنود، اندک را هم پاسخ می دهد». مرد گفت: سرورم! پس چه کنم؟ فرمود: «بگو: ستایش، خدای را بر هر نعمتی، و هر خوبی را از خدا می خواهم و از هر بدی، به خدا پناه می برم و از هر گناهی، از خدا آمرزش می طلبم».

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در نمازهای نافله ماه رمضان: بار خدایا! همه خوبی ها را از تو درخواست می کنم و از همه بدی ها، به تو پناه می برم.

امام صادق علیه السلام در زیارت امام حسین علیه السلام: بار خدایا! به تو پناه می برم... از گزند اهریمنان جن و انس، و از گزند هر آن که با دوستان خدا به دشمنی برمی خیزد، و از این که بر من آسیبی رسانند یا آن که سرکشی کنند، و به تو پناه می برم از گزند جاسوسان ستمگران، و از گزند هر گزندرسانی.

عنه عليه السلام لِزَيْدِ الزَّرَادِ : إِذَا نَظَرْتَ إِلَى السَّمَاءِ فَتَقُلْ : . . . وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَعْرُجُ فِيهَا ، وَمِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ (١) فِي الْأَرْضِ ، وَمِنْ شَرِّ مَا خَرَجَ مِنْهَا ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (٢)

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي الْيَوْمِ السَّادِسِ وَالْعِشْرِينَ مِنَ الشَّهْرِ : أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ ؛ مَا أَدْعُو وَمَا لَمْ أَدْعُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَحْدَرُ . (٣)

تهذيب الأحكام عن محمد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَكَ وَخَيْرَ مَا أَرْجُو ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَحْدَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَا أَحْدَرُ . (٤)

الإمام الجواد عليه السلام مِنْ حِرْزِهِ لَهُ : أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ خَيْرًا مِمَّا أَرْجُو ، وَأَعُوذُ بِعِزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأَحْدَرُ وَمَا لَا أَحْدَرُ . (٥)

١٤ / ٤ سَخَطَ اللَّهُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ ، وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ ، لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ . (٦)

١- ذرأ الله الخلق : إذا خلقهم (النهاية : ج ٢ ص ١٥٦ «ذرأ»).

٢- الأصول الستة عشر : ص ٥٧ عن زيد الزرّاد ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ١٨٦ ، آداب القيام إلى صلاة الليل والدعاء عند ذلك

٣- الدرر والواقية : ص ١٥٤ ، العدد القويّ : ص ٣٢٥ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٧ ص ١٧٧ .

٤- تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٩٢ ح ٢٥٢ ، مصباح المتهجد : ص ٥٦٧ ح ٦٧٢ ، المصباح للكفعمي : ص ٧٦٤ كلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، الإقبال : ج ١ ص ٣٣٠ ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ١٣٤ .

٥- الأمان : ص ٧٨ ، مَهَج الدعوات : ص ٥٦ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٣٥٨ ح ١ .

٦- صحيح مسلم : ج ١ ص ٣٥٢ ح ٢٢٢ ، سنن أبي داود : ج ١ ص ٢٣٢ ح ٨٧٩ ، سنن الترمذي : ج ٥ ص ٥٢٤ ح ٣٤٩٣ ، سنن النسائي : ج ١ ص ١٠٢ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٦٣ ح ٣٨٤١ كلّها عن عائشه ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٨٣ ح ٣٦٥٢ .

۴ / ۱۴ ناخشودی خدا

امام صادق علیه السلام به زید زراد: هر گاه به آسمان نگریستی، بگو: «... و به خدا پناه می برم از گزند آنچه از آسمان فرود می آید، و از گزند آنچه به آسمان بر می شود، و از گزند آنچه در زمین آفرید، و از گزند آنچه از زمین بیرون می آید، و هیچ نیرو و توانی نیست مگر به یاری خدا.

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در روز بیست و ششم ماه: بار خدایا! همه خوبی ها خواه آنچه از بهر آن دعا کنم یا دعا نکنم را از تو می خواهم و از گزند آنچه [از آن] می ترسم، به تو پناه می برم.

تهذیب الأحکام به نقل از محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: بار خدایا! خوبی تو را و خوبی آنچه را [بدان] امید دارم، از تو درخواست می کنم و از بدی آنچه می ترسم و از بدی آنچه نمی ترسم، به تو پناه می برم.

امام جواد علیه السلام از حرز ایشان: از خوبی تو، آن خوبی را که بدان امید دارم، از تو درخواست می کنم و از بدی آنچه می ترسم و حذر دارم و آنچه حذر ندارم، به عزت و قدرت تو پناه می برم.

۴ / ۱۴ ناخشودی خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از ناخشودی تو به خشنودی ات و از کيفرت به بخشایش پناه می برم و از تو به خود تو، پناه می برم. ثنای تو را شماره نتوانم. تو چنانی که خود در ثنای خویش گفته ای.

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ ، وَتَشَعَّبَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ ، وَصَلَحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ، أَنْ تُحْلِلَ عَلَيَّ غَضَبَكَ ، أَوْ تُنَزِّلَ عَلَيَّ سَخَطَكَ ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ ، وَفُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ ، وَتَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ ، وَجَمِيعِ سَخَطِكَ ، لَكَ الْعُتْبَى (١) فِيمَا اسْتَطَعْتُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ . (٢)

الإمام علي عليه السلام: إلهي ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ ، وَحُلُولِ سَخَطِكَ . (٣)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ ؛ رِضْوَانِكَ وَالْجَنَّةَ ، وَأَعُوذُ مِنْكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ ؛ سَخَطِكَ وَالنَّارِ . (٤)

الإمام زين العابدين عليه السلام: أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ الْيَوْمَ مِنْ غَضَبِكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِزَّنِي ، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ الْيَوْمَ مِنْ سَخَطِكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَجْرِنِي . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَوَاتِكَ (٦) ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جَمِيعِ غَضَبِكَ وَسَخَطِكَ ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ . (٧)

١- العتبي: الاسم من أعتبني فلان: إذا عاد إلى مسرتي راجعا عن الإساءة. واستعتبته فأعتبني: أى استرضيته فأرضاني (مجمع البحرين: ج ٢ ص ١١٥٩ «عتب»).

٢- مصباح المتهجد: ص ٨٤٠ ح ٩٠٤ عن عائشه، فضائل الأشهر الثلاثة: ص ٦٢ ح ٤٤ عن حمزه بن حرمان عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، الإقبال: ج ٣ ص ٣٢٦، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٨٩ ح ١٦.

٣- الإقبال: ج ٣ ص ٢٩٦، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٩٧ ح ١٢.

٤- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٩٢ ح ١٤١٢، مصباح المتهجد: ص ٧٦٢ ح ٨٤٤ عن الحسين بن خالد عن الإمام الصادق عليه السلام وص ٥٤ ح ٧٧، الإقبال: ج ١ ص ٢٢١ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٤٥ ح ٥٤.

٥- الصحيفه السجاديّه: ص ٢٠٨ الدعاء ٤٨، مصباح المتهجد: ص ٣٧٤ ح ٥٠١، المزار الكبير: ص ٤٧١، جمال الأسبوع: ص ٢٦٦، الإقبال: ج ١ ص ٥٠١ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢١٨ ح ٦٥.

٦- السَطْو: القهْرُ والبَطْشُ (النهاية: ج ٢ ص ٣٦٦ «سطا»).

٧- الكافي: ج ٣ ص ٣٢٧ ح ٢١، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٠٠ ح ٢٥٩ و ٢٦٠، مصباح المتهجد: ف ص ٥٧٧ ح ٦٨٩ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، الإقبال: ج ١ ص ٣٣٩، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٣٤ ح ٥٨.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به نور روی تو که آسمان ها و زمین از آن روشن شد [و هستی یافت] و به سبب آن ، تاریکی ها از هم پاشید و به واسطه آن ، کار اولین و آخرین سامان یافت ، پناه می برم از این که خشم را بر من در آوری ، یا ناخشنودی ات را بر من فرو فرستی . به تو پناه می برم از زوال یافتن نعمت ، و فرود آمدن ناگهانی خشم ، و برگشتن عافیت [از من] ، و همه ناخشنودی ات . با همه [وجود و] توانم ، از تو پوزش می خواهم ، و هیچ نیرو و توانی نیست جز به یاری تو .

امام علی علیه السلام: معبود من! از خشم تو و دامنگیر شدن ناخشنودی ات ، به تو پناه می برم .

امام علی علیه السلام: بار خدایا! خوب ترین خوب ها ، [یعنی] خشنودی ات و بهشت را از تو درخواست می کنم و از بدترین بدها ، [یعنی] ناخشنودی ات و آتش ، به تو پناه می برم .

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! امروز از خشم تو ، به تو پناه می آورم . پس بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا پناه ده . امروز از ناخشنودی ات ، از تو پناهندگی می جویم . پس بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا در پناه خویش بدار .

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! از یورش های تو ، به تو پناه می برم و از همه خشم و ناخشنودی ات ، به تو پناه می آورم . پاکی تو . معبودی جز تو پروردگار جهانیان نیست .

الكافي عن أبي أسامه عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : سَمِعْتُهُ يَقُولُ : تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ سَطَوَاتِ اللَّهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ . قَالَ : قُلْتُ لَهُ : وَمَا سَطَوَاتُ اللَّهِ ؟ قَالَ : الْأَخْذُ عَلَى الْمَعَاصِي . (١)

الإمام الكاظم عليه السلام : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَالنَّارِ . (٢)

١٥ / ٤ مِيتَةُ السَّوِّءِ الْمُعْجَمِ الْكَبِيرِ عَنْ أَبِي أَمَامَةَ : كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَعَوَّذُ مِنْ مَوْتِ الْفَجَاءِ ، وَكَانَ يُعِجِبُهُ أَنْ يَمْرَضَ قَبْلَ أَنْ يَمُوتَ . (٣)

مسند ابن حنبل عن عبد الله بن عمرو : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اسْتَعَاذَ مِنْ سَبْعِ مَوَاتٍ : مَوْتِ الْفَجَاءِ ، وَمِنْ لَدَغِ الْحَيَّةِ ، وَمِنْ السَّبْعِ ، وَمِنْ الْحَرَقِ ، وَمِنْ الْغَرَقِ ، وَمِنْ أَنْ يَخْرَجَ عَلَى شَيْءٍ أَوْ يَخْرَجَ عَلَيْهِ شَيْءٌ ، وَمِنْ الْقَتْلِ عِنْدَ فِرَارِ الرَّحْفِ . (٤)

رسول الله صلى الله عليه وآله : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَمُوتَ غَمًّا أَوْ هَمًّا ، أَوْ أَنْ أَمُوتَ غَرَقًا ، أَوْ أَنْ يَتَخَبَّنِي الشَّيْطَانُ عِنْدَ الْمَوْتِ ، أَوْ أَنْ أَمُوتَ لَدِيغًا . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَيْدَمِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ التَّرْدَى (٦) ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْغَرَقِ وَالْحَرَقِ وَالْهَرَمِ ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ يَتَخَبَّنِي الشَّيْطَانُ عِنْدَ الْمَوْتِ ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَمُوتَ فِي سَبِيلِكَ مُدْبِرًا ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَمُوتَ لَدِيغًا . (٧)

١- الكافي : ج ٢ ص ٢٦٩ ح ٦ ، الأُمَالِي لِلْمُفِيدِ : ص ١٨٤ ح ٨ ، الزهد للحسين بن سعيد : ص ١٨ ح ٣٩ كلاهما عن زيد الشحام وفيهما «احذروا» بدل «تعوذوا» ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٣٦٠ ح ٨٤ .

٢- مصباح المتهجد : ص ٥٠٢ ح ٥٨٣ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ١٥٤ ح ٢٣٧٧ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ١٣٥ ح ٣ وراجع المصباح للكفعمي : ص ١٣٩ .

٣- المعجم الكبير : ج ٨ ص ١٣٢ ح ٧٦٠٣ ، مسند الشاميين : ج ٤ ص ٣٢٢ ح ٣٤٣٧ ، كنز العمال : ج ٧ ص ٧٧ ح ١٨٠٣٩ .

٤- مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٥٧٩ ح ٦٦٠٥ و ج ٦ ص ٢٤٤ ح ١٧٨٣٥ ، المعجم الأوسط : ج ١ ص ٦٢ ح ١٧٣ ، كنز العمال : ج ٢ ص ٢٠٧ ح ٣٧٨٦ .

٥- يَتَخَبَّنِي الشَّيْطَانُ : أَي يَصْرَعُنِي وَيَلْعَبُ بِي (النهاية : ج ٢ ص ٨ «خبط»).

٦- مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٢٧٤ ح ٨٦٧٥ عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ٢ ص ٢٠٨ ح ٣٧٩٢ .

٧- تَرْدَى : أَي سَقَطَ ، مِنَ الرَّدَى : الْهَلَاكُ (النهاية : ج ٢ ص ٢١٦ «ردا»).

٨- سنن أبي داود : ج ٢ ص ٩٢ ح ١٥٥٢ ، مسند ابن حنبل : ج ٥ ص ٢٨٦ ح ١٥٥٢٣ وزاد فيه «الغم» قبل «والغرق» ، وح ١٥٥٢٤ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٧١٣ ح ١٩٤٨ كلاهما نحوه ، المعجم الكبير : ج ١٩ ص ١٧٠ ح ٣٨١ كلها عن أبي اليسر السلمي ، سنن النسائي : ج ٨ ص ٢٨٣ ح ٢٠٦ ح ٣٧٨٠ .

۴ / ۱۵ مرگ بد

الکافی به نقل از ابو أسامه : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید : «از غافلگیر کردن خدا در شب و روز ، به خدا پناه ببرید» . من گفتم : غافلگیر کردن خدا چیست؟ فرمود : «ناگهانی گرفتن بر گناهان» .

امام کاظم علیه السلام : بار خدایا! خشنودی ات و بهشت را از تو درخواست می کنم و از ناخشنودی ات و آتش ، به تو پناه می برم .

۴ / ۱۵ مرگ بدالمعجم الکبیر به نقل از ابو امامه : پیامبر از مرگ ناگهانی ، به خدا پناه می بُرد و خوش داشت که پیش از آن که بمیرد ، بیمار شود .

مسند ابن حنبل به نقل از عبد الله بن عمرو : پیامبر خدا از هفت نوع مردن به خدا پناه می برد : مرگ ناگهانی ، مارگزیدگی ، حمله درنده ، سوختن ، غرق شدن ، سقوط کردن یا افتادن چیزی روی او ، و کشته شدن به هنگام گریختن از میدان جهاد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار خدایا! به تو پناه می برم از این که از غم و اندوه بمیرم . یا با غرق شدن بمیرم ، یا هنگام مردن ، شیطان مرا بازی دهد (/ آشفته سر سازد) ، یا از مار گزیدگی بمیرم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار خدایا! از رفتن به زیر آوار ، به تو پناه می برم . از سقوط کردن [از بلندی] ، به تو پناه می برم . از غرق شدن و سوخته شدن و فرتوتی ، به تو پناه می برم . از این که در هنگام مردن ، بازیچه شیطان شوم ، به تو پناه می برم . از این که در حال فرار از راه تو [در میدان جهاد] بمیرم ، به تو پناه می برم . و از این که بر اثر گزیده شدن بمیرم ، به تو پناه می برم .

الإمام الباقر عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِدِرْعِكَ الْحَصِينَةِ ، وَأَعُوذُ بِجَمْعِكَ ، أَنْ تُمَيِّنَنِي غَرَقًا ، أَوْ حَرَقًا ، أَوْ شَرَقًا (١) ، أَوْ قَوْدًا (٢) ، أَوْ صَبْرًا ، أَوْ مَسِيحًا ، أَوْ تَرْدِيًا فِي بئرٍ ، أَوْ أَكِيلَ السَّبْعِ ، أَوْ مَوْتَ الْفَجْأَةِ ، أَوْ بِشَىءٍ مِنْ مِيتَاتِ السَّوْءِ ، وَلَكِنْ أُمِتْنِي عَلَى فِرَاشِي فِي طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، مُصِيبًا لِلْحَقِّ غَيْرَ مُخْطِئٍ ، أَوْ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعْتَهُمْ فِي كِتَابِكَ : «كَانَتْهُمْ بُيُوتٌ مَرْضُوضٌ» (٣) . (٤)

٤ / ١٦ عَذَابُ الْقَبْرِ رسول الله صلى الله عليه وآله: أَيُّهَا النَّاسُ! أَظَلَّتْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ . أَيُّهَا النَّاسُ! لَوْ تَعَلَّمُونَ مَا أَعَلَّمْ لَبَكَيْتُمْ كَثِيرًا وَضَحِكْتُمْ قَلِيلًا . أَيُّهَا النَّاسُ! اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ ، فَإِنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ حَقٌّ . (٥)

١- .شَرِقَ بَرِيقِهِ : إِذَا غَصَّ بِهِ (النهاية : ج ٢ ص ٤٦٥ «شرق»).

٢- .الْقَوْدُ : الْقِصَاصُ (النهاية : ج ٤ ص ١١٩ «قود»).

٣- .الصَّفِّ : ٤ .

٤- .الكافي : ج ٢ ص ٥٢٦ ح ١٣ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، مصباح المتهجد : ص ٩٤ ح ١٥٢ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام و ص ٧٧ ح ١٢٤ ، فلاح السائل : ص ٣٦٤ ح ٢٤٢ كلاهما عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٢٦ ح ٢٠٥٩ ، الدعوات : ص ١٣٣ ح ٣٣١ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام والأربعة الأخيره نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٩٠ ح ١٢ .

٥- .مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٣٦٣ ح ٢٤٥٧٤ عن عائشه ، كنز العمال : ج ١١ ص ١٥٦ ح ٣١٠١٣ .

۴ / ۱۶ عذاب قبر

امام باقر علیه السلام: بار خدایا! به زره استوار تو پناه می برم و به جامعیت تو پناه می برم از این که مرا با غرق شدن ، یا سوختن ، یا خفه شدن ، یا قصاص ، یا کشته شدن در اسارت ، یا مسموم شدن (گزیده شدن)، یا افتادن در چاه ، یا طعمه درندگان شدن ، یا مرگ ناگهانی و یا به هر یک از مردن های بد و دل خراش بمیرانی . مرا در بستم ، در حالی که فرمان بردار تو و فرمان بردار پیامبر تو هستم و در راه درست هستم و نه بر خطا ، یا در صف آنان که در کتاب خود در وصف آنان فرموده ای : «گویا ساختمانی استوارند» ، بمیران .

۴ / ۱۶ عذاب قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای مردم! فتنه ها چونان پاره های شب تار بر شما سایه افکنده اند. ای مردم! اگر آنچه را من می دانم ، شما می دانستید ، بی گمان ، بسیار مویه می کردید و اندک می خندیدید . ای مردم! از عذاب قبر ، به خدا پناه ببرید ؛ چرا که عذاب قبر ، راست است .

شعب الإيمان عن ميمونه مولاة النبي صلى الله عليه وآله : قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا مَيْمُونَةُ ، تَعَوَّذِي بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ . قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَإِنَّهُ لَحَقٌّ ؟ قَالَ : نَعَمْ يَا مَيْمُونَةُ ، وَإِنَّ مِنْ أَشَدِّ عَذَابِ الْقَبْرِ يَا مَيْمُونَةُ ، الْغَيْبَةُ وَالْبَوْلُ . (١)

مسند ابن حنبل عن أم مبشر: دَخَلَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَا فِي حَائِطٍ مِنْ حَوَائِطِ بَنِي النَّجَّارِ ، فِيهِ قُبُورٌ مِنْهُمْ قَدْ مَاتُوا فِي الْجَاهِلِيَّةِ ، فَسَمِعْتُهُمْ وَهُمْ يُعَذِّبُونَ ، فَخَرَجَ وَهُوَ يَقُولُ : اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ . قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَإِنَّهُمْ لَيُعَذِّبُونَ فِي قُبُورِهِمْ ؟ قَالَ : نَعَمْ ، عَذَابًا تَسْمَعُهُ الْبَهَائِمُ . (٢)

بحار الأنوار: كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ فِي آخِرِ صَلَاتِهِ : وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ (٣) . (٤)

صحيح البخارى عن أم خالد بنت خالد: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَعَوَّذُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ . (٥)

١- شعب الإيمان: ج ٥ ص ٣٠٣ ح ٦٧٣١، الطبقات الكبرى: ج ٨ ص ٣٠٥، الفردوس: ج ٥ ص ٤٣٦ ح ٨٦٦٢، كنز العمال: ج ٣ ص ٥٩٣ ح ٨٠٦٠.

٢- مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ٢٩٦ ح ٢٧١١٢ و ج ٩ ص ٢٩٦ ح ٢٤٢٣٣، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٣ ص ٢٥٠ ح ١ كلاهما عن عائشة نحوه و ص ٢٥١ ح ١٠، المعجم الكبير: ج ٢٥ ص ١٠٣ ح ٢٦٨، مسند إسحاق بن راهويه: ج ٥ ص ٩٦ ح ٢٢٠١، السنّة لابن أبي عاصم: ص ٤١٠ ح ٨٧٥، كنز العمال: ج ١٥ ص ٧٣٨ ح ٤٢٩٣٧.

٣- قال صاحب المحجّة البيضاء في مذهب آل العباء: ما روى عنه صلى الله عليه وآله من الاستعاذه عن عذاب القبر، فذلك للمبالغة في إظهار الافتقار إلى الله تعالى، وقيل: هو تحكّم محض لجواز أن يقال: آمن الرسول بما أنزل إليه من ربه، فكما جاز أن يسأل المؤمن عمّا آمن به فيقال: من ربك وما دينك؟ فكذا الرسول يسأل عمّا آمن به، فعلم أنّ حمل الاستعاذه على المبالغة تحكّم بغير دليل، ولأنّ النبي صلى الله عليه وآله صاحب عهده عظيمه؛ لأنّه إنما بعث لبيان الشرائع وصرف القلوب إلى الله تعالى، فلم لا يجوز أن يسأل عمّا كان في عهده؟ حتّى قيل: وسؤالهما الأنبياء بهذه العبارة: على ماذا تركتم أمّتكم؟ والحقّ أن الأئمّة كالأنبياء صلوات الله عليهم أجمعين في هذه الأمور كلّها، ولم أر في كتب الإمامية هذه المسألة لا نفيًا ولا إثباتًا، والذي يطمئن إليه قلبى أنّهم مع الأئمّة سلام الله عليهم مستثنون من هذه الأحكام. انتهى (بحار الأنوار: ج ٦ ص ٢٧٨).

٤- بحار الأنوار: ج ٦ ص ٢٠٥.

٥- صحيح البخارى: ج ٥ ص ٢٣٤١ ح ٦٠٠٣ و ج ١ ص ٤٦٣ ح ١٣١٠، السنن الكبرى للنسائي: ج ٤ ص ٤١٠ ح ٧٧٢٠ وزاد فيه «بالله» بعد «يتعوذ»، مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ٣٠٠ ح ٢٧١٢٦، المستدرک على الصحيحين: ج ٣ ص ٢٨٠ ح ٥٠٩، مسند إسحاق بن راهويه: ج ٥ ص ١١٠ ح ٢٢١٥، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٢٠ ح ٢٦، كنز العمال: ج ١٥ ص ٧٣٨ ح ٤٢٩٣٦.

شعب الایمان به نقل از میمونه ، کنیز آزادشده پیامبر صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا به من فرمود : «میمونه! از عذاب قبر ، به خدا پناه ببر» . گفتم : ای پیامبر خدا! آن ، حقیقت دارد؟ فرمود : «آری ، ای میمونه! از سخت ترین [عوامل] عذاب قبر ای میمونه غیبت کردن و [پرهیز نکردن از ترشحات] ادرار است» .

مسند ابن حنبل به نقل از اُمّ مبشّر : من در بوستانی از بوستان های بنی نجار بودم که پیامبر خدا در آمد . در این بوستان ، قبرهایی از بنی نجار بود که در زمان جاهلیت مرده بودند . پیامبر صلی الله علیه و آله فریاد آنها را که عذاب می شدند ، شنید . پس بیرون رفت ، در حالی که می فرمود : «از عذاب قبر ، به خدا پناه برید» . من گفتم : ای پیامبر خدا! اینها در گورهایشان عذاب می شوند؟ فرمود : «آری ؛ عذابی که چارپایان ، آن را می شنوند» .

بحار الأنوار : پیامبر صلی الله علیه و آله در پایان نمازش می گفت : «از عذاب قبر ، به تو پناه می برم» . ۱

صحیح البخاری به نقل از اُمّ خالد ، دختر خالد : شنیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله از عذاب قبر ، به خدا پناه می برد .

رسول الله صلى الله عليه وآله: عوذوا بالله من عذاب الله ، عوذوا بالله من عذاب القبر ، عوذوا بالله من فتنه المسيح الدجال ، عوذوا بالله من فتنه المحيا والممات . (١)

صحيح مسلم عن زيد بن ثابت :بينما النبي صلى الله عليه وآله في حائط ليني النجار . . . وإذا أقبر سيته . . . فقال : إن هذه الأمة تبتلى في قبورها ، فلولا ألا تدافنوا (٢) لدعوت الله أن يسمعكم من عذاب القبر الذي أسمع منه . ثم أقبل علينا بوجهه ، فقال : تعوذوا بالله من عذاب النار ، قالوا : نعوذ بالله من عذاب النار ، فقال : تعوذوا بالله من عذاب القبر ، قالوا : نعوذ بالله من عذاب القبر ، قال : تعوذوا بالله من الفتن ما ظهر منها وما بطن ، قالوا : نعوذ بالله من الفتن ما ظهر منها وما بطن ، قال : تعوذوا بالله من فتنه الدجال ، قالوا : نعوذ بالله من فتنه الدجال . (٣)

الكافي عن أبي بصير: قلت لأبي عبد الله عليه السلام : أيفلت من ضغطة القبر أحد؟ فقال : نعوذ بالله منها ، ما أقل من يفلت من ضغطة القبر . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام فيما يقال على الصفا : اللهم بارك لي في الموت ، وفي ما بعد الموت ، اللهم إني أعوذ بك من ظلمه القبر ووحشته ، اللهم أظنني في ظل عرشك يوم لا ظل إلا ظلك . (٥)

- ١- صحيح مسلم : ج ١ ص ٤١٣ ح ١٣٢ ، سنن النسائي : ج ٨ ص ٢٧٨ و ص ٢٧٧ ، مسند الحميدي : ج ٢ ص ٤٣٢ ح ٩٨٠ ، مسند أبي يعلى : ج ٥ ص ٤٧١ ح ٦٢٥٠ كلها عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٨٤ ح ٢١١٩ .
- ٢- في الكلام حذف ؛ يعنى : لولا مخافه ألا تتدافنوا
- ٣- صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٢٠٠ ح ٢٨٦٧ ، مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ١٥٤ ح ٢١٧١٥ نحوه ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص ١١١ ح ٢٥٤ ، صحيح ابن حبان : ج ٣ ص ٢٨٢ ح ١٠٠٠ عن أبي سعيد الخدرى نحوه ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٦٣٨ ح ٤٢٥١٣ ؛ بحار الأنوار : ج ٦٤ ص ١٩١ .
- ٤- الكافي : ج ٣ ص ٢٣٦ ح ٦ ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٢٦١ ح ١٠٢ .
- ٥- الكافي : ج ٤ ص ٤٣١ ح ١ ، تهذيب الأحكام : ج ٥ ص ١٤٦ ح ٤٨١ كلاهما عن معاوية بن عمّار ، مصباح المتهجد : ص ٦٨٤ ح ٧٦٠ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از عذاب خدا به خدا پناه ببرید . از عذاب قبر ، به خدا پناه ببرید . از فتنه مسیح دجال (دروغین) ، به خدا پناه ببرید . از فتنه زندگی و مرگ ، به خدا پناه ببرید .

صحیح مسلم به نقل از زید بن ثابت : روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در باغی از بنی نجار بود ... و در آن باغ ، شش قبر وجود داشت فرمود : «این امت در گورهایشان دچار بلا- [و عذاب] می شوند و اگر نبود [بیم] آن که یکدیگر را دفن نکنید ، از خدا می خواستم تا از عذاب قبری که من می شنوم ، به شما بشنواند» . سپس رو به ما کرد و فرمود : «از عذاب آتش ، به خدا پناه ببرید» . حاضران گفتند : از عذاب آتش ، به خدا پناه می بریم . آن گاه فرمود : «از عذاب قبر ، به خدا پناه ببرید» . حاضران گفتند : از عذاب قبر ، به خدا پناه می بریم . فرمود : «از فتنه ها ، آشکار و نهانش ، به خدا پناه ببرید» . حاضران گفتند : از فتنه ها ، آشکار و نهانش ، به خدا پناه می بریم . فرمود : «از فتنه دجال ، به خدا پناه ببرید» . حاضران گفتند : از فتنه دجال ، به خدا پناه می بریم .

الکافی به نقل از ابو بصیر : به امام صادق علیه السلام گفتم : آیا کسی از فشار قبر می رهد ؟ فرمود : «پناه می بریم به خدا از آن! بسیار اندک اند کسانی که از فشار قبر می رهند» .

امام صادق علیه السلام در دعایی که بر کوه صفا خوانده می شود : بار خدایا! مرگ و پس از مرگ را بر من خجسته گردان . بار خدایا! از تاریکی و تنهایی گور ، به تو پناه می برم . بار خدایا! در آن روز که سایه ای جز سایه تو نیست ، مرا در سایه عرش خویش در آور .

١٧ / ٤ عَذَابُ النَّارِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ حَالِ أَهْلِ النَّارِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله مِمَّا كَانَ يَقُولُهُ عِنْدَ كُلِّ فَجْرٍ عَلَى بَابِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ : نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ ، نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ صَبَاحِ النَّارِ ، نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ مَسَاءِ النَّارِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله :اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ ، وَرَبَّ إِسْرَافِيلَ ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ حَزِّ النَّارِ ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله :إِنَّ اللَّهَ يَعْجَبُ مِنْ سَائِلٍ يَسْأَلُ غَيْرَ الْجَنَّةِ ، وَمِنْ مُعْطٍ يُعْطِي لِغَيْرِ اللَّهِ ، وَمِنْ مُتَعَوِّذٍ يَتَعَوَّذُ مِنْ غَيْرِ النَّارِ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله :إِذَا صَلَّى الْعَبْدُ ، وَلَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ تَعَالَى الْجَنَّةَ ، وَلَمْ يَسْتَعِذْهُ مِنَ النَّارِ ، قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ : أَغْفَلَ الْعَظِيمَتَيْنِ : الْجَنَّةَ ، وَالنَّارَ . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله :إِذَا صَلَّى الْعَبْدُ فَلَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ الْجَنَّةَ ، قَالَتِ الْجَنَّةُ : يَا وَيْحَ (٦) هَذَا ، أَمَا كَانَ يَتَّبِعِي لَهُ أَنْ يَسْأَلَ رَبَّهُ الْجَنَّةَ ؟! فَإِذَا لَمْ يَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ ، قَالَتِ النَّارُ : يَا وَيْحَ هَذَا ، أَمَا كَانَ يَتَّبِعِي لَهُ أَنْ يَتَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنِّي ؟! (٧)

١- .سنن الترمذى : ج ٥ ص ٥٧٨ ح ٣٥٩٩ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٦٠ ح ٣٨٣٣ وفيه «عذاب النار» بدل «حال أهل النار» و ص ١٢٥٠ ح ٣٨٠٤ ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص ٤١٥ ح ١٤١٩ ، الدعاء للطبرانى : ص ٤١٥ ح ١٤٠٤ كلها عن أبى هريره ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٨١ ح ٣٦٣٨ .

٢- .الأمالى للصدوق : ص ٢٠٨ ح ٢٣٠ عن إسماعيل بن أبى زياد السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٤٦ ح ٦ .

٣- .سنن النسائى : ج ٨ ص ٢٧٨ ، مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٣٢٦ ح ٢٤٣٧٨ ، المعجم الأوسط : ج ٤ ص ١٥٦ ح ٣٨٥٨ ، تفسير القرطبى : ج ٢ ص ٣٩ كلها عن عائشه ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٨٦ ح ٣٦٦٨ .

٤- .تاريخ بغداد : ج ٩ ص ٢٦٧ عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه ، كنز العمال : ج ٢ ص ٨٥ ح ٣٢٦٠ .

٥- .الجعفرىات : ص ٤٢ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، مستدرک الوسائل : ج ٥ ص ٦٥ ح ٥٣٧٠ .

٦- .وَيْحٌ : كلمه ترخّم وتوجّع (النهايه : ج ٥ ص ٢٣٥ «ويح»).

٧- .الفردوس : ج ١ ص ٢٩٠ ح ١١٤١ عن أبى أمامه ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٣٦ ح ٣٤٨٤ .

۴ / ۱۷ عذاب آتش

۴ / ۱۷ عذاب آتش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از حال و روز دوزخیان ، به خدا پناه می برم !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سخنی که هر سپیده دم بر در خانه علی و فاطمه علیهما السلامی گفت : به خدا پناه می بریم از آتش . به خدا پناه می بریم از بامداد آتش . به خدا پناه می بریم از شامگاه آتش .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار الها! ای پروردگار جبرائیل و میکائیل ، و ای پروردگار اسرافیل! از تَفِ آتش و از شکنجه گور ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند از خواهشگری که جز بهشت را می خواهد ، و از دهنده ای که برای جز خدا دَهش می کند ، و از پناهجویی که از جز آتش [به خدا] پناه می جوید ، به شگفت می آید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه بنده نماز بگزارد و از خداوند بزرگ بهشت را درخواست نکند و از آتش به او پناه نبرد ، فرشتگان می گویند : «دو بزرگ ، [یعنی] بهشت و آتش را از یاد برد!» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه بنده نماز بخواند و بهشت را از خدا نخواهد ، بهشت می گوید : «افسوس! آیا سزاوار نبود که از پروردگارش بهشت را تقاضا کند؟!» و هر گاه از آتش به خدا پناه نبرد ، آتش می گوید : «افسوس! آیا سزاوار نبود که از من به خدا پناه ببرد؟!» .

الإمام عليّ عليه السلام: أَعَاذَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنَ النَّارِ ، وَرَزَقَنَا وَإِيَّاكُمْ مُرَافَقَةَ الْأَبْرَارِ ، وَغَفَرْنَا وَلَكُمْ جَمِيعًا ، إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ .
(١)

فاطمه عليها السلام مِنْ دُعَائِهَا بَعْدَ صِيَالِهِ الْعَصْرِ : رَبِّ اسْتَجِرْكَ مِنَ النَّارِ فَأَجِرْنِي ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعِدْنِي ، رَبِّ أَفْرَعْ
إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ فَأَبْعِدْنِي . (٢)

الإمام زين العابدين عليه السلام: إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... كَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَرْتَعِدُ فَرَائِضُهُ (٣) بَيْنَ يَدَي رَّبِّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ ، وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ اضْطَرَبَ اضْطَرَبَ السَّلِيمِ (٤) ، وَسَأَلَ اللَّهَ تَعَالَى الْجَنَّةَ ، وَتَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النَّارِ . (٥)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ ... وَأَعِدْنَا مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ . (٦)

الكافي عن زراره عن الإمام الباقر عليه السلام: لا- تَنْسُوا الْمَوْجِبَاتِ أَوْ قَالَ : عَلَيْكُمْ بِالْمَوْجِبَاتِ فِي دُبُرِ كُلِّ صِيَالِهِ . قُلْتُ : وَمَا
الْمَوْجِبَاتِ ؟ قَالَ : تَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ ، وَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ . (٧)

-
- ١- مصباح المتهجد : ص ٣٨٥ ح ٥١٠ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٩ ص ٢٣٤ ح ٦٧ .
 - ٢- فلاح السائل : ص ٤٢٢ ح ٢٩٠ ، تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٨٨ ح ٢٤٧ عن الإمام الكاظم عليه السلام ، مصباح المتهجد : ص ٥٦٣ ح ٦٦٢ ، الإقبال : ج ١ ص ٣٢٦ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٠٤ ح ٨ .
 - ٣- الفريضة : لحمه في وسط الجنب عند منبض القلب ، وهما فريستان ترتعدان عند الفرع (لسان العرب : ج ٧ ص ٦٤ «فرص»)
 - ٤- السليم : اللديغ (النهاية : ج ٢ ص ٣٩٦ «سلم»).
 - ٥- الأمالي للصدوق : ص ٢٤٤ ح ٢٦٢ ، فلاح السائل : ص ٤٦٩ ح ٣١٨ ، عدّه الداعي : ص ١٣٩ كلها عن المفضل بن عمر عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج ٤٣ ص ٣٣١ ح ١ .
 - ٦- الصحيفه السّجاديّه : ص ١٠٧ الدعاء ٢٥ .
 - ٧- الكافي : ج ٣ ص ٣٤٣ ح ١٩ ، تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ١٠٨ ح ١٧٦ ، معاني الأخبار : ص ١٨٣ ح ١ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٦ ح ٢٨ .

امام علی علیه السلام: خداوند، ما و شما را از آتش پناه دهد و همراهی با نیکان را روزی ما و شما کند و ما و شما را سراسر، پیامرزد، که او آمرزگاری مهربان است!

فاطمه علیها السلام از دعای ایشان پس از نماز عصر: پروردگارا! در برابر آتش [دوزخ]، از تو حمایت می‌جویم. پس حمایت کن. پروردگارا! از آتش به تو پناه می‌آورم. پس پناهم ده. پروردگارا! از آتش به سوی تو می‌گریزم. پس مرا [از آن] دور بدار.

امام زین العابدین علیه السلام: حسن بن علی علیهما السلام... هرگاه به نماز می‌ایستاد، بدنش در پیشگاه پروردگارش عز و جل به لرزه می‌افتاد و هرگاه از بهشت و دوزخ یاد می‌کرد، چون مارگزیده بی‌قراری می‌کرد و از خداوند بزرگ، بهشت را می‌طلبید و از آتش به او پناه می‌برد.

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! ... ما را از عذاب دوزخ، در پناه خویش دار.

الکافی به نقل از زراره: امام باقر علیه السلام فرمود: «در تعقیبات هر نماز، دو واجب کننده (۱) را از یاد مبرید» و یا فرمود: «[در تعقیبات نماز] بر شما باد دو واجب کننده». گفتم: دو واجب کننده چیست؟ فرمود: «این که بهشت را از خدا بخواهی و از آتش، به خدا پناه ببری».

۱- مراد از وجوب، استحباب مؤکد است که از آن، تعبیر به وجوب کرده است (ر.ک: پاورقی الکافی: ج ۳ ص ۳۴۹).

الإمام الصادق عليه السلام وقد سُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ : ... النَّارُ ، أَعَادَنَا اللَّهُ مِنَ النَّارِ ، وَمِنْ عَمَلٍ يَقْرَبُ مِنَ النَّارِ . (١)

الكافي عن سليمان بن خالد : حَضَرْتُ عَشَاءَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّيْفِ ، فَأَتَى بِخِوَانٍ (٢) عَلَيْهِ خُبْزٌ ، وَأَتَى بِقَصْعَةٍ ثَرِيدٍ وَلَحْمٍ ، فَقَالَ : هَلُمَّ إِلَى هَذَا الطَّعَامِ ، فَدَنَوْتُ ، فَوَضَعَ يَدَهُ فِيهِ وَرَفَعَهَا وَهُوَ يَقُولُ : أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ ، هَذَا مَا لَا نَصْبِرُ عَلَيْهِ فَكَيْفَ النَّارُ ؟ هَذَا مَا لَا نَقْوَى عَلَيْهِ فَكَيْفَ النَّارُ ؟ هَذَا مَا لَا نُطِيقُهُ فَكَيْفَ النَّارُ ؟ قَالَ : وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُكْرِرُ ذَلِكَ حَتَّى أَمَكَّنَ الطَّعَامُ ، فَأَكَلَ وَأَكَلْنَا مَعَهُ . (٤)

الكافي عن زياد بن مروان : كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي سَجْدِهِ : أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ حَرُّهَا لَا يُطْفَأُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ جَدِيدُهَا لَا يَبْلَى ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ عَطْشَانُهَا لَا يَرَوَى ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ مَسْلُوبُهَا لَا يُكْسَى . (٥)

الإمام الكاظم عليه السلام مِمَّا عَلَّمَهُ مُحَمَّدُ بْنُ سَيِّدَانٍ لِيَوْمِ الْجُمُعَةِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ تُسَوِّءَ خَلْقِي ، وَأَنْ تُرَدِّدَ رُوحِي فِي الْعَذَابِ . (٦)

١- الكافي : ج ٤ ص ١٤٧ ح ٦ عن عبيد بن زراره .

٢- الخِوَانُ : وهو ما يوضع عليه الطعام عند الأكل (النهاية : ج ٢ ص ٨٩ «خون») .

٣- في المصدر : «لم نقوى» ، والتصويب من بحار الأنوار .

٤- الكافي : ج ٦ ص ٣٢٢ ح ٥ و ج ٨ ص ١٦٤ ح ١٧٤ ، المحاسن : ج ٢ ص ١٧٤ ح ١٤٨٩ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٦٦ ص ٤٠٣ ح ١٤ .

٥- الكافي : ج ٣ ص ٣٢٨ ح ٢٢ ، المزار الكبير : ص ١٤٨ ، المزار للشهيد الأول : ص ٢٦٨ كلاهما عن طاووس اليماني عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، مصباح الزائر : ص ١١١ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وليس فيها ذيله ونحوه ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٣٨ ح ٦٠ .

٦- جمال الأسبوع : ص ١٥٢ عن محمد بن سنان ، بحار الأنوار : ج ٨٩ ص ٣٣٢ ح ٥ .

امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال از روزه روز عاشورا: ... [مجازاتش] آتش [است]؛ خداوند، ما را از آتش و از هر کاری که به آتش نزدیک می گرداند، در پناه خویش قرار دهد!

الکافی به نقل از سلیمان بن خالد: در تابستانی، شام بر امام صادق علیه السلام در آمدم. سفره ای نان با کاسه ای آب گوشت آوردند. فرمود: «پیش آی و تناول کن». پس جلو رفتم. امام علیه السلام دستش را در کاسه برد و بیرون آورد و فرمود: «پناه می برم به خدا از آتش. پناه می برم به خدا از آتش. پناه می برم به خدا از آتش. ما تحمل این داغی را نداریم، چه رسد به آتش دوزخ! ما تاب این را نداریم، چه رسد به آتش! ما طاقت این را نداریم، چه رسد به آتش!» و پیوسته این جملات را گفت تا آن که غذا قابل خوردن شد و تناول کردیم.

الکافی به نقل از زیاد بن مروان: امام کاظم علیه السلام در سجده اش می گفت: «پناه می برم به تو از آتشی که گرمای آن نمی فسرد. پناه می برم به تو از آتشی که تازه آن، کهنه نمی شود. پناه می برم به تو از آتشی که تشنه آن، سیراب نمی شود و پناه می برم به تو از آتشی که برهنه آن، پوشانده نمی شود».

امام کاظم علیه السلام از دعایی که به محمد بن سنان برای روز جمعه آموخت: بار خدایا! به تو و به نور روی تو پناه می برم از این که قیافه ام را بدریخت گردانی و از این که روحم را در عذاب بگردانی.

الفصل الخامس : مواطن الاستعاذه ٥ / إقرأه القرآن الكتاب «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» . (١)

الحديث تفسير العياشي عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : سَأَلْتُهُ عَنِ التَّعَوُّذِ مِنَ الشَّيْطَانِ عِنْدَ كُلِّ سُورَةٍ نَفَتْحُهَا ؟ قَالَ : نَعَمْ ، فَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ : اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّقْوَةِ فِي حَمَلِهِ ، وَالْعَمَى عَنِ عَمَلِهِ ، وَالْجَوْرِ عَنِ حُكْمِهِ ، وَالْعُلُوِّ عَنِ قَصْدِهِ ، وَالتَّقْصِيرِ دُونَ حَقِّهِ ... اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَخَلُّفِهِ فِي قُلُوبِنَا ، وَتَوَسُّدِهِ عِنْدَ رُقَادِنَا ، وَنَبْذِهِ وَرَاءَ ظُهُورِنَا ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ قَسَاوَةِ قُلُوبِنَا لِمَا بِهِ وَعَظَّتْنَا . (٣)

١- النحل : ٩٨ .

٢- تفسير العياشي : ج ٢ ص ٢٧٠ ح ٦٨ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢١٥ ح ١٦ .

٣- الكافي : ج ٢ ص ٥٧٤ ح ١ .

فصل پنجم: اوقات پناه بردن به خدا

۵ / ۱ هنگام خواندن قرآن

فصل پنجم: اوقات پناه بردن به خدا ۵ / ۱ هنگام خواندن قرآن «و هر گاه قرآن خواندی ، از شیطانِ رانده شده به خدا پناه ببر» .

حدیث تفسیر العیاشی به نقل از حلبی : از امام صادق علیه السلام پرسیدم : آیا هر وقت تلاوت سوره ای را آغاز می کنیم ، از شیطان به خدا پناه ببریم؟ فرمود : «آری ، از شیطانِ رانده شده به خدا پناه ببر» .

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در هنگام خواندن قرآن : بار خدایا! پناه می بریم به تو از شقاوت در حمل آن (قرآن) ، (۱) و چشم پوشیدن از عمل به آن ، و انحراف از حکم آن ، و دور شدن از راه آن ، و کوتاهی کردن در [گزاردن] حق آن بار خدایا! پناه می بریم به تو از غایب بودن آن (قرآن) در دل هایمان ، و بالش سرمان قرار دادن آن ، و افکندن آن در پشت سرمان ، و پناه می بریم به تو از سخت دلی [و متأثر نشدن] در برابر اندرزهایی که به ما داده ای .

۱- ظاهراً مقصود ، این است که حامل قرآن به دلیل عمل نکردن به آن ، شقی می گردد . بنا بر این ، بقیه عبارت ، توضیح این جمله محسوب می شود .

تفسير الفخر الرازي: قَالَ جَعَفَرُ الصِّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّهُ لَا يُدَّ قَبْلَ الْقِرَاءَةِ مِنَ التَّعَوُّذِ، وَأَمَّا سَائِرُ الطَّلَاعَاتِ فَإِنَّهُ لَا يَتَعَوَّذُ فِيهَا»، وَالْحِكْمَةُ فِيهِ: أَنَّ الْعَبْدَ قَدْ يَنْجَسُ لِسَانُهُ بِالْكَذِبِ وَالْغِيْبَةِ وَالنَّمِيمَةِ، فَأَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى الْعَبْدَ بِالتَّعَوُّذِ لِيَصِيرَ لِسَانُهُ طَاهِرًا، فَيَقْرَأَ بِلِسَانٍ طَاهِرٍ كَلَامًا أَنْزَلَ مِنْ رَبِّ طَيِّبٍ طَاهِرٍ. (١)

٥ / ٢ قِرَاءَةُ آيَاتِ الْعَذَابِ بِالمَصْنُفِ لابن أبي شيبه عن عبد الله: إِذَا مَرَّ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ بِذِكْرِ النَّارِ، فَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، وَإِذَا مَرَّ بِذِكْرِ الْجَنَّةِ، فَلْيَسْأَلِ اللَّهَ الْجَنَّةَ. (٢)

السنن الكبرى عن عائشه: كُنْتُ أَقُومُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي اللَّيْلِ، فَيَقْرَأُ بِالبَقْرَةِ وَآلِ عِمْرَانَ وَالنِّسَاءِ، فَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا اسْتِبْشَارٌ دَعَا وَرَغِبَ، وَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا تَخْوِيفٌ دَعَا وَاسْتَعَاذَ. (٣)

سنن أبي داوود عن عوف بن مالك الأشجعي: قُمْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَيْلَةً، فَقَامَ فَقَرَأَ سُورَةَ البَقْرَةِ، لَا يَمُرُّ بِآيَةٍ رَحِمَهُ إِلَّا وَقَفَ فَسَأَلَ، وَلَا يَمُرُّ بِآيَةٍ عَذَابٌ إِلَّا وَقَفَ فَتَعَوَّذَ. (٤)

-
- ١- تفسير الفخر الرازي: ج ١ ص ١٠٢.
 - ٢- المصنّف لابن أبي شيبه: ج ٢ ص ١١٥ ح ٤.
 - ٣- السنن الكبرى: ج ٢ ص ٤٣٩ ح ٣٦٨٨، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٣٨١ ح ٢٤٦٦٣ و ص ٤٣١ ح ٢٤٩٢٩، الزهد لابن المبارك: ص ٤٢١ ح ١١٩٦، تاريخ دمشق: ج ٤ ص ١٤٦ والأربعة الأخيره نحوه، شعب الإيمان: ج ٢ ص ٣٧٦ ح ٢٠٩٤.
 - ٤- سنن أبي داوود: ج ١ ص ٢٣١ ح ٨٧٣، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٧٣ ح ٢٣٣٠٠، سنن الدارمي: ج ١ ص ٣١٨ ح ١٢٨١، صحيح ابن خزيمة: ج ١ ص ٢٧٣ ح ٥٤٣، صحيح ابن حبان: ج ٦ ص ٣٤٠ ح ٢٦٠٥ كلّها عن حذيفه نحوه، كتر العمال: ج ٨ ص ١٦٠ ح ٢٢٣٨٤.

۵ / ۲ هنگام خواندن آیات عذاب

تفسیر الفخر الرازی: امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است: «پیش از قرائت [قرآن]، باید به خدا پناه برد؛ ولی در دیگر عبادات، پناه بردن به خدا لازم نیست». دلیلش هم این است که: بنده با دروغ گفتن و غیبت کردن و سخن چینی، زبانش نجس (آلوده) می شود. از این رو، خدای متعال بنده را به پناه بردن به او فرمان داده است تا زبانش پاک گردد و گفتاری را که از سوی خداوندی پاک و پاکیزه فرود آمده است، با زبانی پاک قرائت کند.

۵ / ۲ هنگام خواندن آیات عذاب المصنّف، ابن ابی شیبیه به نقل از عبد الله: هر گاه یکی از شما در نماز به نام آتش [و دوزخ] ابر خورد، از آتش به خدا پناه ببرد و هر گاه به نام بهشت بر خورد، از خداوند بهشت درخواست کند.

السنن الکبری به نقل از عایشه: من نیز با پیامبر خدا شب [به عبادت] بر می خاستم. او سوره بقره و آل عمران و نساء را می خواند و هر گاه در آنها به نویدی می رسید، دعا می کرد و آن را از خدا می طلبید و هر گاه در آن به تهدیدی بر می خورد، دعا می کرد و به خدا پناه می برد.

سنن أبی داوود به نقل از عوف بن مالک اشجعی: شبی با پیامبر خدا [برای عبادت] برخاستم. ایشان شروع به خواندن سوره بقره [در قرائت نماز] کرد. به هر آیه رحمتی که می رسید، درنگ می کرد و [آن را از خدا] درخواست می نمود و به هر آیه عذابی که می رسید، درنگ می کرد و به خدا پناه می برد.

مسند ابن حنبل عن حذيفه: صَلَّيْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ... وَكَانَ إِذَا مَرَّ بِآيَةِ رَحْمَةٍ سَأَلَ ، وَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا عَذَابٌ تَعَوَّذُ ، وَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا تَنْزِيهٌُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . (١)

سنن ابن ماجه عن أبي لیلی: صَلَّيْتُ إِلَى جَنْبِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ تَطَوُّعًا فَمَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا عَذَابٌ فَقَالَ : أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ ، وَوَيْلٌ لِأَهْلِ النَّارِ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا مَرَّتْ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ فَاسْأَلِ اللَّهَ الْجَنَّةَ ، وَإِذَا مَرَّتْ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ فَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ . (٣)

عنه عليه السلام: يَتَّبِعِي لِلْعَبْدِ إِذَا صَلَّى أَنْ يُرْتَلَ (٤) فِي قِرَائَتِهِ ، فَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ وَذِكْرُ النَّارِ ، سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ ، وَتَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ . (٥)

عنه عليه السلام: إِنَّ الْقُرْآنَ لَا يُقْرَأُ هَذْرَمَةً (٦) وَلَكِنْ يُرْتَلُ تَرْتِيلاً ، فَإِذَا مَرَّتْ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ فَقِفْ عِنْدَهَا ، وَسَلِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ الْجَنَّةَ ، وَإِذَا مَرَّتْ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ فَقِفْ عِنْدَهَا ، وَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ . (٧)

الكافي عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ مَعَ الْإِمَامِ ، فَيَمُرُّ بِالْمَسْأَلَةِ ، أَوْ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ جَنَّةٍ أَوْ نَارٍ . قَالَ : لَا بَأْسَ بِأَنْ يَسْأَلَ عِنْدَ ذَلِكَ ، وَيَتَعَوَّذَ فِي الصَّلَاةِ مِنَ النَّارِ ، وَيَسْأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ . (٨)

١- مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٧٧ ح ٢٣٣٢١ ، صحيح مسلم: ج ١ ص ٥٣٧ ح ٢٠٣ ، سنن النسائي: ج ٣ ص ٢٢٦ ، سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٤٢٩ ح ١٣٥١ كلها نحوه ، صحيح ابن خزيمة: ج ١ ص ٢٧٢ ح ٥٤٢ ، كتر العمال: ج ٧ ص ٥١ ح ١٧٩٠٦ .

٢- سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٤٣٠ ح ١٣٥٢ ، سنن أبي داوود: ج ١ ص ٢٣٣ ح ٨٨١ ، مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٣٥ ح ١٩٠٧٧ ، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٤٤٠ ح ٣٦٩٠ ، المعجم الكبير: ج ٧ ص ٧٩ ح ٦٤٢٧ و ص ٨٠ ح ٦٤٣٠ كلها نحوه ، كتر العمال: ج ٧ ص ٥١ ح ١٧٩٠٧ .

٣- مجمع البيان: ج ١٠ ص ٥٦٩ ، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢١٦ ح ٢٠ .

٤- ترتيلُ القراءة: التأتى فيها والتمهل وتبيين الحروف (النهاية: ج ٢ ص ١٩٤ «رتل»).

٥- تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٢٤ ح ٤٧١ ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣٤ .

٦- الهدرمة: الشرة في القراءة (الصحيح: ج ٥ ص ٢٠٥٧ «هدرم»).

٧- الكافي: ج ٢ ص ٦١٧ ح ٢ و ص ٦١٨ ح ٥ كلاهما عن علي بن أبي حمزة ، أعلام الدين: ص ١٠١ عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما نحوه .

٨- الكافي: ج ٣ ص ٣٠٢ ح ٣ .

مسند ابن حنبل به نقل از حدیفه : با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز گزاردم ... ایشان هر گاه به آیه مهرآمیزی می رسید، [آن را] درخواست می کرد و هر گاه به آیه ای برمی خورد که در آن از عذاب یاد شده بود ، به خدا پناه می برد و هر گاه از آیه ای می گذشت که در آن خداوند عز و جل تنزیه شده بود ، تسبیح می گفت .

سنن ابن ماجه به نقل از ابو لیلی : در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله که مشغول خواندن نماز شب بود به نماز ایستادم . ایشان به آیه عذابی رسید و گفت : «از آتش ، به خدا پناه می برم . بدا به حال اهل آتش!» .

امام صادق علیه السلام : هر گاه بر آیه ای گذشتی که در آن از بهشت یاد شده است ، از خداوند بهشت بخواه و هر گاه بر آیه ای گذشتی که در آن از دوزخ یاد شده است ، از دوزخ به خدا پناه ببر .

امام صادق علیه السلام : شایسته است که بنده هر گاه نماز می خواند ، قرائتش را شمرده بخواند ، و چون به آیه ای رسید که در آن از بهشت و دوزخ سخن به میان آمده است ، از خداوند بهشت را بخواهد و از دوزخ به خدا پناه ببرد .

امام صادق علیه السلام : قرآن را نباید با شتاب خواند ؛ بلکه باید شمرده قرائت کرد . هر گاه به آیه ای رسیدی که در آن از بهشت یاد شده است ، [از خواندن] درنگ کن و از خداوند عز و جل بهشت بخواه ، و هر گاه به آیه ای رسیدی که در آن از آتش یاد شده است ، درنگ کن و از آتش ، به خدا پناه ببر .

الکافی به نقل از حلبی : از امام صادق علیه السلام در باره مردی پرسیدم که پشت سر امام [جماعت] به نماز ایستاده است و امام به درخواستی یا به آیه ای که در آن از بهشت یا دوزخ یاد شده است ، می رسد . فرمود : «اشکالی ندارد که در آن هنگام ، [مأموم از خدا] درخواست کند و در نماز ، از آتش به خدا پناه برد و از خداوند ، بهشت را درخواست نماید» .

الإمام الصادق عليه السلام فى قوله تعالى : «يَتْلُوَنَّهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ» (١) : إِنَّ حَقَّ تِلَاوَتِهِ هُوَ الْوُقُوفُ عِنْدَ ذِكْرِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ، يَسْأَلُ فِى الْأُولَى ، وَيَسْتَعِيدُ مِنَ الْآخِرَى . (٢)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبى الضحّاح : كَانَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِى طَرِيقِ خُرَاسَانَ ، يُكَثِّرُ بِاللَّيْلِ فِى فِرَاشِهِ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ ، فَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ جَنَّةٍ أَوْ نَارٍ بَكَى ، وَسَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَتَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النَّارِ . (٣)

٥ / ٣ افتتاح الصلاة المصنّف لعبد الرزّاق عن أبى سعيد الخدرى : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ فَاسْتَفْتَحَ صَلَاتَهُ كَبَّرَ ، ... ثُمَّ يَهْلُلُ ثَلَاثًا ، وَيُكَبِّرُ ثَلَاثًا ، ثُمَّ يَقُولُ : أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . (٤)

مسند ابن حنبل عن أبى أمامة الباهلى : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ فِى الصَّلَاةِ مِنَ اللَّيْلِ كَبَّرَ ثَلَاثًا ، وَسَبَّحَ ثَلَاثًا ، وَهَلَّلَ ثَلَاثًا ، ثُمَّ يَقُولُ : اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، مِنْ هَمَزِهِ وَنَفْخِهِ وَشُرْكَهِ . (٥)

١- البقره : ١٢١ .

٢- مجمع البيان : ج ١ ص ٣٧٥ ، تفسير العياشى : ج ١ ص ٥٧ ح ٨٤ عن أبى بصير وفيه صدره ، بحار الأنوار : ج ٩٢ ص ٢١٤ ح ١٢ .

٣- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ٢ ص ١٨٢ ح ٥ ، بحار الأنوار : ج ٩٢ ص ٢١٠ ح ٣ و ص ٢١٨ ح ٢ .

٤- المصنّف لعبد الرزّاق : ج ٢ ص ٧٥ ح ٢٥٥٤ ، السنن الكبرى : ج ٢ ص ٥٢ ح ٢٣٤٩ ، تفسير ابن كثير : ج ١ ص ٢٨ كلاهما نحوه ، كنز العمال : ج ٨ ص ١٠١ ح ٢٢٠٨٥ .

٥- مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٢٧٧ ح ٢٢٢٣٩ ، تاريخ دمشق : ج ٦٨ ص ١٢١ ح ١٣٦٧٦ ، كنز العمّال : ج ٨ ص ٤٠١ ح ٢٣٤٣٩ .

۵ / ۳ آغاز نماز

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «آن را چنان که حق تلاوت آن است تلاوت می کنند»: حق تلاوت آن (قرآن)، درنگ کردن در هنگام یاد شدن از بهشت و آتش است. در اولی (یاد شدن از بهشت)، [آن را] از خدا بخواهد و از دومی (آتش) به او پناه برد.

عیون اخبار الرضا علیه السلام به نقل از رجاء بن ابی ضحاک: امام رضا علیه السلام در راه خراسان، شب هنگام در بسترش قرآن زیاد تلاوت می کرد و هر گاه به آیه ای می گذشت که در آن از بهشت یا دوزخ یاد شده بود، می گریست و بهشت را از خدا مسئلت می کرد و از آتش به او پناه می برد.

۵ / ۳ آغاز نماز المصنّف، عبد الرزاق به نقل از ابو سعید خُدَری: پیامبر خدا هر گاه شب بر می خاست و نمازش را آغاز می کرد، تکبیر می گفت ...، سپس سه مرتبه «لا إله إلا الله» و سه مرتبه «الله أكبر» می گفت و آن گاه می فرمود: «از شیطان لعین به خدای شنوای دانا پناه می برم».

مسند ابن حنبل به نقل از ابو امامه باهلی: پیامبر خدا هر گاه داخل در نماز شب می شد، سه «الله أكبر»، سه «سبحان الله» و سه «لا إله إلا الله» می گفت و سپس می فرمود: «بار خدایا! از شیطان لعین، از وسوسه اش و دمیدنش و شریک شدنش، به تو پناه می برم».

المستدرک علی الصحیحین عن جبیر بن مطعم: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا افْتَتِحَ الصَّلَاةَ قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (١) ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، مِنْ هَمْزِهِ وَنَفْثِهِ وَنَفْخِهِ (٢).

مسند ابن حنبل عن ربيعة الجرشي: سَأَلْتُ عَائِشَةَ فَقُلْتُ: مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ؟ وَبِمَ كَانَ يَسْتَفْتِحُ؟ قَالَتْ: كَانَ يُكَبِّرُ عَشْرًا، وَيُسَبِّحُ عَشْرًا، وَيُهَلِّلُ عَشْرًا، وَيَسْتَغْفِرُ عَشْرًا، وَيَقُولُ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَاهْدِنِي، وَارزُقْنِي» عَشْرًا، وَيَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الصَّيْقِ يَوْمَ الْحِسَابِ» عَشْرًا. (٣)

الإمام الصادق عليه السلام لِرَجُلٍ: تَعَوَّذْ بَعْدَ التَّوَجُّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ، تَقُولُ: أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (٤)

عنه عليه السلام: إِذَا افْتَتَحْتَ الصَّلَاةَ فَارْفَعْ كَفَيْكَ، ثُمَّ ابْسُطْهُمَا بَسْطًا، ثُمَّ كَبِّرْ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ، ثُمَّ قُلْ: اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ ... ثُمَّ تُكَبِّرُ تَكْبِيرَتَيْنِ، ثُمَّ قُلْ: لَبَّيْكَ وَسَيِّدَيْكَ ... ثُمَّ تُكَبِّرُ تَكْبِيرَتَيْنِ، ثُمَّ تَقُولُ: وَجْهْتُ وَجْهِي ... ثُمَّ تَعُوذُ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، ثُمَّ اقْرَأْ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ. (٥)

- ١- بُكْرَةً وَأَصِيلًا: أَيُ غَدَاءٍ [صباحاً] ومساءً (مجمع البحرين: ج ١ ص ١٧٧ «بكر»).
- ٢- المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٣٦٠ ح ٨٥٨، سنن أبي داود: ج ١ ص ٢٠٣ ح ٧٦٤، سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٢٦٥ ح ٨٠٧، صحيح ابن حبان: ج ٥ ص ٨٠ ح ١٧٨٠، كلها نحوه، كنز العمال: ج ٧ ص ٤٣١ ح ١٩٦٤٢.
- ٣- مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٤٧٥ ح ٢٥١٥٦، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٢١٨ ح ١٠٧٠٦، المعجم الأوسط: ج ٨ ص ٢١١ ح ٨٤٢٧ وفيهما بزياده «ويحمد عشرا» بعد «يكبر عشرا».
- ٤- دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٥٧، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٤٨ ح ٤٢.
- ٥- الكافي: ج ٣ ص ٣١٠ ح ٧، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٦٧ ح ٢٤٤ كلاهما عن الحلبي.

المستدرک علی الصحیحین به نقل از جبیر بن مُطعم : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه نماز را شروع می کرد ، می گفت : «خدا بسی بزرگ است و ستایش بسیار ، خدای راست و پا کا خدا هر بام و شام! (سه بار) . بار خدایا! من از شیطان لعین ، از وسوسه اش و افسونش و القائاتش ، به تو پناه می برم» .

مسند ابن حنبل به نقل از ربیعہ جرشی : از عایشه پرسیدم : پیامبر خدا شب ها که [برای نماز] بر می خاست ، چه می گفت و با چه چیزی [نمازش را] آغاز می کرد؟ عایشه گفت : ده مرتبه «الله أكبر» ، ده مرتبه «سبحان الله» ، ده مرتبه «لا إله إلا الله» می گفت و ده مرتبه استغفار می کرد و ده مرتبه می فرمود : «بار خدایا! مرا بیامرز و هدایتم کن و روزی ام ده» و ده مرتبه می فرمود : «بار خدایا! از سختی و تنگنای روز حسابرسی ، به تو پناه می برم» .

امام صادق علیه السلام به مردی : پس از توجّه (گفتن «وَجَّهت وجهی للذی فطر...») ، از شیطان ، به خدا پناه می بری و می گویی : «از شیطان رانده شده ، به خدای شنوای دانا پناه می برم» .

امام صادق علیه السلام : چون نماز را آغاز کردی ، دو دست را بلند کن و آنها را نیک بگشای . سپس سه تکبیر بگو و آن گاه بگو : «بار خدایا! تویی پادشاه...» . باز دو تکبیر بگو و آن گاه بگو : «در خدمتم . گوش به فرمانم...» . دگر بار دو تکبیر بگو و آن گاه بگو : «روی خویش نمودم به سوی...» . سپس از شیطان لعین ، به خدا پناه ببر و آن گاه فاتحه الکتاب را بخوان .

تهذيب الأحكام عن حنان بن سدير: صَلَّيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتَعَوَّذُ بِإِجْهَارٍ ، ثُمَّ جَهَرَ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ .
(١)

تهذيب الأحكام عن عثمان بن عيسى عن سماعة: سَأَلْتُهُ (٢) عَنِ الرَّجُلِ يَقُومُ فِي الصَّلَاةِ فَيَنْسِي فَاتِحَةَ الْكِتَابِ ، قَالَ : فَلْيُقَلِّ :
أَسْتَعِيذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ، ثُمَّ لِيَقْرَأْهَا . (٣)

الإمام المهدي عليه السلام في حَوَابِ الْحَمِيرِيِّ وَقَدْ كَتَبَ يَسْأَلُهُ عَنِ التَّوَجُّهِ فِي الصَّلَاةِ : التَّوَجُّهُ كُلُّهُ لَيْسَ بِفَرِيضَةٍ ، وَالسُّنَّةُ
الْمُؤَكَّدَةُ فِيهِ الَّتِي هِيَ كَالِإِجْمَاعِ الَّذِي لَا - خِلَافَ فِيهِ : وَجَّهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا ... أَعُوذُ بِاللَّهِ
السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . ثُمَّ تَقْرَأُ الْحَمْدَ . (٤)

٥ / ٤ بعد كلِّ صَلَاةٍ مَسْنَدُ ابْنِ حَنْبَلٍ عَنْ أَبِي بَكْرَةَ : إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ
بِكَ مِنَ الْكُفْرِ ، وَالْفَقْرِ ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ . (٥)

١- تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٢٨٩ ح ١١٥٨ ، قرب الإسناد: ص ١٢٤ ح ٤٣٦ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٧٩ ح ١٦ .

٢- هكذا جاء مضمرا .

٣- تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٤٧ ح ٥٧٤ .

٤- الاحتجاج: ج ٢ ص ٥٧٥ ح ٣٥٦ ، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٣٥٩ ح ٧ .

٥- مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٣١٢ ح ٢٠٤٣١ ، صحيح ابن خزيمة: ج ١ ص ٣٦٧ ح ٧٤٧ ، المستدرک علی الصحیحین: ج ١
ص ٣٨٣ ح ٩٢٧ ، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٣ ص ٢٥١ ح ٦٠٦ و ٦٠٧ ص ١٩ ح ١٨ ، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٤٣ ح ٤٩٧٣ .

۵ / ۴ پس از هر نماز

تهذیب الأحکام به نقل از حنّان بن سدیر: پشت سر امام صادق علیه السلام به نماز ایستادم. ایشان نخست با صدای بلند استعاذه گفت و سپس بلند گفت: «بسم الله الرحمن الرحيم».

تهذیب الأحکام به نقل از عثمان بن عیسی، از سماعه: از ایشان (۱) در باره مردی پرسیدم که به نماز می ایستد و فاتحه الکتاب را فراموش می کند. فرمود: «بگوید: از شیطان رانده شده به خدا پناه می برم، که خداوند، شنوای دانا است و سپس آن (فاتحه الکتاب) را بخواند».

امام مهدی علیه السلام در پاسخ جمیری که در نامه ای از ایشان در باره خواندن «وَجْهت وَجْهی للذی فطر السماوات...» در نماز پرسیده بود: همه آن، واجب نیست؛ بلکه سنّت مؤکّد در آن که به منزله اجماع است و اختلافی در آن نیست، این است: «روی خویش نمودم به سوی آن که آسمان ها و زمین را آفرید، از سر یکتاپرستی و مسلمانی و تسلیم... به خدای شنوای دانا پناه می برم از شیطان رانده شده. به نام خدای مهرگستر مهربان». سپس حمد را می خوانی.

۵ / ۴ پس از هر نماز مسند ابن حنبل به نقل از ابو بکره: پیامبر صلی الله علیه و آله در پایان هر نماز می گفت: «بار خدایا! از کفر و فقر و عذاب قبر، به تو پناه می برم».

۱- در منبع به همین صورت، ضمیر اشاره آمده است.

مسند ابن حنبل عن ابن عباس: إِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَتَعَوَّذُ فِي دُبُرِ صَلَاتِهِ مِنْ أَرْبَعٍ ، يَقُولُ : أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ النَّارِ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْفِتَنِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ فِتْنَةِ الْأَعْوَرِ الْكَذَّابِ . (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله في دُبُرِ الصَّلَاةِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ ، وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ ، وَنَفْسٍ لَا تَشْبَعُ ، وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَوْلِيئِكَ الْأَرْبَعِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ : اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطِيئَتِي كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ ، اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ أَنْ تَصُدَّ عَنِّي وَجْهَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنْ خَطِيئَتِي كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ ، اللَّهُمَّ أَحِينِي مُسْلِمًا وَأَمْتِنِي مُسْلِمًا . (٣)

الإمام الباقر عليه السلام : أَقَلُّ مَا يُجْزئُكَ مِنَ الدُّعَاءِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ أَنْ تَقُولَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام : لَا تَدْعُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ : أَعِيذُ نَفْسِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ حَتَّى تَخْتِمَهَا وَأَعِيذُ نَفْسِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ النَّاسِ حَتَّى تَخْتِمَهَا . (٥)

- ١- مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٦٢٧ ح ٢٦٦٧ و ص ٦٥٣ ح ٢٧٧٩ ، التاريخ الكبير : ج ٢ ص ١١٩ ح ١٨٩٦ ، المعجم الكبير : ج ١٢ ص ١٢٩ ح ١٢٧٧٩ ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص ٢٣٤ ح ٧٠٧ ، كنز العمال : ج ٢ ص ٢٦٤ ح ٣٩٧٧ .
- ٢- الدعاء للطبراني : ص ٤٠٧ ح ١٣٦٩ ، السنن الكبرى للنسائي : ج ٤ ص ٤٤٥ ح ٧٨٧٠ و ص ٤٥٢ ح ٧٩٠٥ ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ٥٦٥ ح ١٤٠٢٥ ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ١٨٦ ح ٣٥٦ كلُّها عن أنس وليس فيها «في دبر الصلوات» ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٧٩ ح ٣٦٣١ ؛ كنز الفوائد : ج ١ ص ٣٨٥ عن أنس ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٨ ح ١٥ .
- ٣- المعجم الكبير : ج ٧ ص ٢٥٨ ح ٧٠٤٨ عن سمره ، كنز العمال : ج ٧ ص ٤٣٢ ح ١٩٦٤٣ .
- ٤- الكافي : ج ٣ ص ٣٤٣ ح ١٦ و ج ٢ ص ٥٧٨ ح ٣ وليس فيه «أقل ما يجزئك من الدعاء بعد الفريضة أن تقول» ، تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ١٠٧ ح ٤٠٧ كلُّها عن زرارة ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٣٢٣ ح ٩٤٨ ، معاني الأخبار : ص ٣٩٤ ح ٤٦ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٢ ح ٢٠٧٢ والثلاثة الأخيره عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٣٣ ح ٣٧ .
- ٥- الكافي : ج ٣ ص ٣٤٣ ح ١٨ و ص ٣٤٦ ح ٢٧ ، تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ١٠٨ ح ٤٠٩ كلُّها عن محمد الواسطي ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٥١ .

مسند ابن حنبل به نقل از ابن عباس: پیامبر خدا در پایان نمازش از چهار چیز به خدا پناه می برد. می فرمود: «به خدا پناه می برم از عذاب قبر. به خدا پناه می برم از عذاب آتش. به خدا پناه می برم از فتنه های آشکار و پنهان. و به خدا پناه می برم از فتنه آن یک چشم دروغگو (دَجَال)».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بعد از نمازها: بار خدایا! به تو پناه می برم از دانشی که سود نبخشد، و دلی که خاشع نباشد، و نفسی که سیر نشود و دعایی که شنیده [و اجابت] نگردد. بار خدایا! از این چهار چیز به تو پناه می برم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما نماز خواند، بگوید: «بار خدایا! میان من و گناهانم، چنان دوری افکن که میان مشرق و مغرب افکنده ای. بار خدایا! پناه می برم به تو از این که در روز رستاخیز از من روی بگردانی. بار خدایا! مرا از گناهانم پاکیزه گردان، آن سان که جامه سپید را از چرک، پاک گردانیده ای. بار خدایا! مرا مسلمان، زنده بدار و مرا مسلمان بمیران».

امام باقر علیه السلام: کمترین دعایی که تو را بعد از نماز واجب کفایت کند، این است که بگویی: «بار خدایا! از تو می خواهم هر خیری را که تو کاملاً به آن آگاهی، و به تو پناه می برم از هر شرّی که تو از آن کاملاً آگاهی. بار خدایا! از تو می خواهم که به همه کارهایم عافیت [و سلامت از عیب و نقص] ببخشی و از خواری در دنیا و عذاب آخرت، به تو پناه می برم».

امام صادق علیه السلام: در پی هر نمازی، این دعا را فرو مگذار: «خودم را و آنچه را که پروردگارم روزی من کرده است، در پناه خدای یکتای بی نیاز» تا پایان آن (سوره توحید) را بگو «در می آورم. خودم را و آنچه را که پروردگارم روزی من کرده است، در پناه پروردگار سپیده دم» تا پایان آن (سوره فلق) بگو «در می آورم. و خودم را و آنچه پروردگارم روزی من کرده است، در پناه پروردگار مردم» تا پایان آن (سوره ناس) بگو «در می آورم».

عنه عليه السلام: إِنَّ مِنَ الدُّعَاءِ مَا يَنْبَغِي لِصَاحِبِهِ إِذَا نَسِيَهُ أَنْ يَقْضِيَهُ ؛ يَقُولُ بَعْدَ الْعَدَاةِ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَحَدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
وَيَقُولُ : «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ» عَشْرَ مَرَّاتٍ ، فَإِذَا نَسِيَ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا كَانَ عَلَيْهِ قِضَاؤُهُ . (١)

عنه عليه السلام: تَمَسَّحُ بِيَدِكَ الْيُمْنَى عَلَى جَبْهَتِكَ وَوَجْهِكَ فِي دُبُرِ الْمَغْرِبِ وَالصَّلَوَاتِ ، وَتَقُولُ : بِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ،
عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ ، وَالسُّقْمِ وَالْعَيْدِمِ ، وَالصَّغَارِ وَالذُّلِّ ، وَالْفَوَاحِشِ مَا
ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ . (٢)

عنه عليه السلام: إِذَا أَمْسَيْتَ وَأَصْبَحْتَ ، فَقُلْ فِي دُبُرِ الْفَرِيضَةِ فِي صَلَاةِ الْمَغْرِبِ وَصَلَاةِ الْفَجْرِ : «أَسْتَعِيدُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»
عَشْرَ مَرَّاتٍ أَسْتَعِيدُ بِاللَّهِ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ وَيَوْمِي هَذَا ، مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْأَوْصِيَاءُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ ، وَأَرْغَبُ
إِلَى اللَّهِ فِيمَا رَغِبُوا فِيهِ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (٣)

١- الكافي : ج ٢ ص ٥٣٣ ح ٣٣ عن العلاء بن كامل ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٨٤ ح ٤٦ .

٢- الكافي : ج ٣ ص ٣٤٥ ح ٢٤ ، تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ١١٥ ح ٤٢٩ كلاهما عن محمد بن مروان ، البلد الأمين : ص ١٨
نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٣٢ ح ٥٧ .

٣- فلاح السائل : ص ٤٠٧ ح ٢٧٧ عن محمد بن عجلان ، الكافي : ج ٢ ص ٥٢٢ ح ٤ عن يزيد بن كلثمة عن الإمام الصادق أو
عن الإمام الباقر عليهما السلام ، مصباح المتهجد : ص ٢٠٦ ح ٢٩٩ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلاهما
نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٩٦ ح ٥ .

امام صادق علیه السلام: برخی از دعاهاست که سزاوار است اگر انسان آن را فراموش کرد، قضایش را به جا آورد، این که بعد از [نماز] صبح، ده مرتبه بگوید: «معبودی جز خدا نیست، یگانه است و بی انباز...» و ده مرتبه بگوید: «به خدای شنوای دانا پناه می برم». اگر چیزی از اینها را فراموش کرد، باید قضایش را به جا آورد.

امام صادق علیه السلام: بعد از نماز مغرب و [سایر] نمازها (/دعاها)، دست راست را بر پیشانی و صورتت می کشی و می گویی: «به نام خدایی که معبودی جز او نیست و دانای نهان و پیداست و مهرگستر و مهربان است. بار خدایا! به تو پناه می برم از نگرانی و اندوه، و بیماری و ناداری، و خواری و ناتوانی، و گناهان آشکار و پنهان.

امام صادق علیه السلام: هر بام و شام، پس از نماز مغرب و نماز صبح، ده بار بگو: «از شیطانِ رانده شده، به خدا پناه می برم»... «در این شب و این روزم، به خدا پناه می برم از آنچه محمد و علی و فاطمه و اوصیا (امامان) که درود خدا بر ایشان باد از آن به خدا پناه جستند، و از خدا آن چیزی را می خواهم که آنان از او خواستند، و هیچ نیرو و توانی نیست مگر به یاری خدا».

عنه عليه السلام بَعَدَ صِيْلَهُ الْفَجْرِ : ... أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ، وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ... وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمٍ أَوَّلُهُ فَرْعٌ ، وَأَوْسَطُهُ جَزَعٌ ، وَآخِرُهُ وَجَعٌ ، اللَّهُمَّ صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَارْزُقْنِي خَيْرَ يَوْمِي هَذَا وَخَيْرَ مَا فِيهِ ، وَخَيْرَ مَا قَبْلَهُ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا فِيهِ ، وَشَرِّ مَا قَبْلَهُ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ . (١)

راجع : ص ٣٤٨ ح ٢١٠٠ .

٥ / هُنْتُ صِيْلَهُ الْوَتْرِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْوَتْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً ، وَيَقُولُ : «هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ . (٢)

الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ فِي وَتْرِهِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ ، وَأَعُوذُ بِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ ، لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ . (٣)

الْإِمَامُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ دُعَاءِ ذِكْرِهِ لِقُنُوتِ الْوَتْرِ : ثُمَّ تَقُولُ فِي قُنُوتِ الْوَتْرِ بَعْدَ هَذَا : «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» سَبْعِينَ مَرَّةً ، وَتَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ كَثِيرًا . (٤)

- ١- مصباح المتهجد : ص ٢١٨ ح ٣٣١ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٦٩ ح ٢١٧٢ ، المصباح للكفعمي : ص ٩٩ ، البلد الأمين : ص ٥٣ كلها عن معاوية بن عمارة ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٦٣ ح ٤٣ .
- ٢- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٤٨٩ ح ١٤٠٦ عن عبد الله بن أبي يعفور ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٢٨٧ ح ٧٩ .
- ٣- سنن الترمذي : ج ٥ ص ٥٦١ ح ٣٥٦٦ ، السنن الكبرى للنسائي : ج ٤ ص ٤١٧ ح ٧٧٥٢ و ٧٧٥٣ ، مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٢٠٨ ح ٧٥١ ، التاريخ الكبير : ج ٨ ص ١٩٥ ، المصنف لابن أبي شيبة : ج ٧ ص ١١٤ ح ١ كلها عن عبد الرحمن بن الحارث ، كنز العمال : ج ٨ ص ٦٣ ح ٢١٨٨٥ .
- ٤- الأمل للطوسي : ص ٤٣٣ ح ٩٧١ ، الأمل للصدوق : ص ٤٧٥ ح ٦٣٩ عن زرارة ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ١٩٨ ح ٦ .

۵ / ۵ دعای قنوتِ نماز و تر

امام صادق علیه السلام بعد از نماز صبح : ... به خدای شنوای دانا پناه می برم از شیطانِ رانده شده ، و از وسوسه های شیطان ها ، و به تو پناه می برم ای خداوند از این که آنان در نزد من آیند ، و هیچ نیرو و توانی نیست جز به یاری خدای والا- و بزرگ ... و به تو پناه می برم از روزی که آغازش ترس باشد و میانش پریشان خاطری و پایانش درد . بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست و خیر این روز و خیر آنچه در این روز است ، و خیر پیش از آن و خیر پس از آن را روزی من فرما و از شرّ این روز و شرّ آنچه در این روز است و شرّ پیش از آن و شرّ پس از آن ، به تو پناه می برم .

ر . ک : ص ۳۴۹ ح ۲۱۰۰ .

۵ / ۵ دعای قنوتِ نماز و تر امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا در نماز و تر ، هفتاد مرتبه از خدا آمرزش می طلبید و هفت مرتبه می فرمود : « این ، جایگاه کسی است که از آتش به تو پناه آورده است » .

امام علی علیه السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز و ترش می گفت : « بار خدایا! از ناخشنودی تو ، به خشنودی ات پناه می برم و از کیفیت ، به بخشایش پناه می برم و از تو ، به خودت پناه می آورم . ثنای تو را شماره نتوانم . تو چنانی که خود در ثنای خویش گفته ای .

امام باقر علیه السلام بعد از دعایی که برای قنوت نماز و تر فرمود : پس از این ، در قنوت نماز و تر هفت بار می گویی : « از خدا آمرزش می خواهم و به درگاهش توبه می کنم » و بسیار از آتش ، به خدا پناه میبری .

٥ / ٦ قنوت صلاه العيدنا لامام الصادق عليه السلام فى قنوت صلاه العيد : اللهم انى اسألك من خير ما سألَكَ عبادك الصالحون ، وأعوذ بك من شر ما عاذ منه عبادك المخلصون . (١)

٥ / ٧ الفراع من التلبيهالسنن الكبرى عن خزيمه بن ثابت : إن النبى صلى الله عليه وآله كان إذا فرغ من تلبيته ، سأل الله رضوانه ومغفرته ، واستعاذ برحمته من النار . (٢)

٥ / ٨ زيارة أهل البيت الإمام الباقر عليه السلام : كان أبى على بن الحسين عليه السلام يقف على قبر النبى صلى الله عليه وآله فيسأل عليه ، ويشهد له بالبلاغ ، ويدعو بما حضره ... ويسند ظهره إلى القبر ويستقبل القبلة فيقول : اللهم إليك ألجأت ظهري ، وإلى قبر محمد عبدك ورسولك أسندت ظهري . . . اللهم انى أعوذ بك من أن تبدل اسمى ، أو تغير جسمى ، أو تزيل نعمتك عنى ، اللهم كرمنى بالتقوى ، وجملى بالنعم ، واغمرنى بالعافية . (٣)

-
- ١- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٥١٣ ح ١٤٨١ و ص ٥٢٣ ح ١٤٨٧ ، تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ١٣٣ ح ٢٩٠ كلها عن أبى الصباح الكناني وفيه «المرسلون» بدل «الصالحون» ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ٣٧٩ ح ٢٩ .
 - ٢- السنن الكبرى : ج ٥ ص ٧٢ ح ٩٠٣٨ ، كنز العمال : ج ٧ ص ٩١ ح ١٨١١٠ .
 - ٣- الكافي : ج ٤ ص ٥٥١ ح ٢ ، كامل الزيارات : ص ٥٢ ح ٢٩ و ص ٥٦ ح ٣٤ كلها عن على بن جعفر عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهما السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٥٦٧ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وفيهما : «ألجأت أمرى» بدل «ألجأت ظهري» ، بحار الأنوار : ج ١٠٠ ص ١٥٣ ح ٢٠ .

۵ / ۶ دعای قنوت نماز عید فطر و قربان

۵ / ۷ پس از لَبیک گویی [در حج]

۵ / ۸ پس از زیارت اهل بیت

۵ / ۶ دعای قنوت نماز عید فطر و قربان امام صادق علیه السلام در دعای نماز عید: بار خدایا! از تو می خواهم هر آن خوبی را که بندگان شایسته ات از تو خواستند و به تو پناه می برم از هر آن بدی که بندگان شایسته ات از آن به تو پناه بردند.

۵ / ۷ پس از لَبیک گویی [در حج] السنن الکبری به نقل از خزیمه بن ثابت: پیامبر صلی الله علیه و آله چون لَبیک گویی اش را به پایان می برد، از خداوند خشنودی و آمرزش می طلبید و از آتش، به رحمت او پناه می جست.

۵ / ۸ پس از زیارت اهل بیت امام باقر علیه السلام: پدرم علی بن الحسین علیهما السلام کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می ایستاد و به ایشان سلام می کرد و به ابلاغ مأموریتش گواهی می داد و هر دعایی که به ذهنش می رسید، می کرد... و پشت به قبر و رو به قبله می کرد و می گفت: «بار خدایا! پشتم را در پناه تو در آوردم و به قبر محمّد، بنده و فرستاده ات تکیه کردم... بار خدایا! به تو پناه می برم از این که نامم را بگردانی، یا جسمم را دگرگونه سازی، یا نعمت را از من بگیری. بار خدایا! مرا به پرهیزگاری، گرامی بدار و به نعمت ها برازنده ام ساز و در عافیت و بهبود، غوطه ورم کن».

الإمام الصادق عليه السلام فيما يُقال في السَّفَرِ إلى زيارته الحُسَيْنِ عليه السلام: إِذَا كُنْتَ رَاكِبًا أَوْ مَاشِيًا فَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَوَاتِ (١) النَّكَالِ (٢)، وَعَوَاقِبِ الْوَبَالِ (٣)، وَفِتْنَةِ الضَّلَالِ، وَمِنْ أَنْ نَلْقَى بِمَكْرُوهِهِ. وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَبْسِ وَاللَّبْسِ، وَمِنْ وَسْوَسَةِ الشَّيْطَانِ، وَطَوَارِقِ السَّوْءِ، وَشَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَمِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَنْصِبُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ الْعَدَاوَةَ، وَمِنْ أَنْ يَفْرُطُوا عَلَيَّ أَوْ أَنْ يَطْعُوا. وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ عُيُونِ الظُّلْمَةِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَشَرِّكَ إِبْلِيسَ، وَمِنْ أَنْ يَرُدَّ عَنِ الْخَيْرِ بِاللِّسَانِ وَالْيَدِ. (٤)

٥ / ٩ تِلْكَ الْأَفْعَالُ الْخُطْبَةُ الْأَمَالِي لِلْمَفِيدِ عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ: أَمَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُنَادِيًا فَنَادَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً، فَاجْتَمَعَ النَّاسُ وَخَرَجَ حَتَّى عَلَا الْمِئْبَرُ، وَكَانَ أَوَّلُ مَا تَكَلَّمَ بِهِ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. (٥)

١- السَّطُوءُ: الْقَهْرُ وَالْبَطْشُ (النهاية: ج ٢ ص ٣٦٦ «سطا»).

٢- النَّكَالُ: الْعُقُوبَةُ (النهاية: ج ٥ ص ١١٧ «نكل»).

٣- الْوَبَالُ: الْعَذَابُ فِي الْآخِرَةِ (النهاية: ج ٥ ص ١٤٦ «وبل»).

٤- كَامِلُ الزِّيَارَاتِ: ص ٣٩٥ ح ٦٣٩ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِي، بِحَارِ الْأَنْوَارِ: ج ١٠١ ص ١٧٤ ح ٣٠.

٥- الْأَمَالِي لِلْمَفِيدِ: ص ٧٧ ح ٢ وَ ص ٣٤٦ ح ٢، الْأَمَالِي لِلطُّوسِيِّ: ص ١١٨ ح ١٨٥، كَشْفُ الْغَمِّهِ: ج ٢ ف ص ٩، بِحَارِ الْأَنْوَارِ: ج ٣٨ ص ١١٣ ح ٥١.

۵ / ۹ و هنگام این چند کار

الف سخنرانی

امام صادق علیه السلام در دعا به هنگام سفر برای زیارت امام حسین علیه السلام: سواره بودی یا پیاده، بگو: «بار خدایا! از یورش های کيفرها و پیامدهای عذاب و بلای گم راهی و از این که با ناملایمات برخورد کنیم، به تو پناه می برم. به تو پناه می برم از در هم آمیختگی [حق و باطل] و شبهه، و از وسوسه شیطان و پیشامدهای بد و گزند هر گزندرسانی، و از گزند شیاطین جن و انس، و از گزند کسی که با دوستان خدا به دشمنی برمی خیزد، و از این که به من آسیبی رسانند یا آن که سرکشی کنند. و پناه می برم به تو از گزند جاسوسان ستمگران، و از گزند هر گزندرسانی، و [از] دام ابلیس و از این که با دست و زبان، مانع خیر شود».

۵ / ۹ و هنگام این چند کار الف سخنرانی الالمالی، مفید به نقل از جابر جعفی، از امام باقر علیه السلام، از جابر بن عبد الله انصاری: پیامبر صلی الله علیه و آله به جار زنی فرمود و او در میان مردم صدا در داد. مردم، گرد آمدند و پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون آمد و بر منبر رفت. نخستین چیزی که فرمود، این بود: «از شیطان رانده شده، به خدا پناه می برم. به نام خدای مهر گستر مهربان».

الإمام علي عليه السلام في خطبته طويلاً: أَسْتَعِيدُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . (١)

عنه عليه السلام من خطبته في الجمعة بالكوفة والمدينه: الْحَمْدُ لِلَّهِ ، أَحْمَدُهُ وَأَسْتَعِينُهُ وَأَسْتَهْدِيهِ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الضَّلَالَةِ ، مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ . (٢)

عنه عليه السلام في خطبته الجمعة: الْحَمْدُ لِلَّهِ ذِي الْقُدْرَةِ وَالسُّلْطَانِ ، وَالرَّأْفَةِ وَالْإِمْتِنَانِ ، أَحْمَدُهُ عَلَى تَتَابُعِ النِّعَمِ ، وَأَعُوذُ بِهِ مِنَ الْعَذَابِ وَالنَّقَمِ . (٣)

عنه عليه السلام في خطبته الجمعة: إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ ، وَأَبْلَغَ الْمَوْعِظَةِ ، كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْفَتْاحُ الْعَلِيمُ ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، ثُمَّ يَبْدَأُ بَعْدَ الْحَمْدِ بِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» أَوْ بِ «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» أَوْ ... (٤)

الكافي عن عبد العظيم بن عبد الله: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْطُبُ بِهَذِهِ الْخُطْبَةِ : ... أَحْمَدُهُ عَلَى نِعَمِهِ ، وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ نِقَمِهِ ، وَأَسْتَهْدِي اللَّهَ الْهُدَى ، وَأَعُوذُ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَالرَّدَى (٥) . (٦)

١- الكافي: ج ٨ ص ١٧٥ ح ١٩٤ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٥٢ ح ٣١.

٢- الغارات: ج ٢ ص ٧٢٨، وقعه صفين: ص ١٠ كلاهما عن سليمان بن المغيرة عن الإمام زين العابدين عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٣٥٦ ح ٣٣٧؛ الأخبار الطوال: ص ١٥٢، شرح نهج البلاغة: ج ٣ ص ١٠٨ عن نصر.

٣- مصباح المتهجد: ص ٣٨٤ ح ٥١٠ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٣٤ ح ٦٧.

٤- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٣١ ح ١٢٦٣، مصباح المتهجد: ص ٣٨٢ ح ٥٠٨ عن زيد بن وهب نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٣٤ ح ٦٧.

٥- الرّدى: الهلاك (النهاية: ج ٢ ص ٢١٦ «ردا»).

٦- الكافي: ج ٥ ص ٣٧٢ ح ٦ وراجع الإقبال: ج ٢ ص ٢٢٤ وبحار الأنوار: ج ٩١ ص ٨٠ والأخبار الطوال: ص ١٥٣.

امام علی علیه السلام در خطبه ای بلند: از شیطانِ رانده شده، به خدا پناه می برم. به نام خدای مهرگستر مهربان.

امام علی علیه السلام از خطبه نماز جمعه ایشان در کوفه و مدینه: ستایش، خدای را. او را می ستایم و از او کمک می خواهیم و راه نمایی می جویم و از گم راهی به خدا پناه می برم، که هر که را خدا راه نمایی کند، کس نتواند گم راهش کند و هر که را خدا گم راه گرداند، کس نتواند به راهش آورد.

امام علی علیه السلام در خطبه نماز جمعه: ستایش، خدای را که دارای توان و چیرگی، و مهرورزی و بنده نوازی است. او را بر نعمت های پیاپی اش ستایش می گویم و از عذاب و کیفرها به او پناه می برم.

امام علی علیه السلام در خطبه نماز جمعه: راستی که خوش ترین سخن و رساترین پند، کتاب خداست. از شیطانِ رانده شده، به خدا پناه می برم، که خدا گشایشگر و داناست. به نام خدای مهرگستر مهربان. سپس بعد از [خواندن] سوره حمد، سوره «قل هو الله احد» یا «قل یا ایها الکافرون» یا ... را قرائت می کرد.

الکافی به نقل از عبد العظیم بن عبد الله: از امام هادی علیه السلام شنیدم که این خطبه را می خواند: «... او را بر نعمت هایش می ستایم، و از کیفرهایش به او پناه می برم، و از خدا هدایت و راه نمایی می جویم، و از گم راهی و تباهی، به او پناه می برم».

ب شَرَاءِ الدَّابَّةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ اشْتَرَى . . . دَابَّةً فَلْيَضَعْ يَدَهُ عَلَى نَاصِيَتَيْهَا ، ثُمَّ يَقُولُ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهَا وَخَيْرِ مَا جَبَلْتَهَا (١) عَلَيْهِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا جَبَلْتَهَا عَلَيْهِ . وَإِذَا اشْتَرَى بَعِيرًا فَلْيَضَعْ يَدَهُ عَلَى ذِرْوَةِ سِنَامِهِ ، ثُمَّ يَقُولُ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا جَبَلْتَهُ عَلَيْهِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا جَبَلْتَهُ عَلَيْهِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : إِذَا اشْتَرَى أَحَدُكُمْ بَعِيرًا فَلْيَأْخُذْ بِذِرْوَةِ سِنَامِهِ ، وَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ . (٣)

ج دُخُولِ السُّوقِ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا اشْتَرَيْتُمْ مَا تَحْتَاجُونَ (٤) إِلَيْهِ مِنَ السُّوقِ ، فَقُولُوا حِينَ تَدْخُلُونَ الْأَسْوَاقَ : أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَفْقِهِ خَاسِرِهِ ، وَيَمِينِ فَاجِرِهِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ بَوَارِ الْأَيْمِ (٥) . (٦)

- ١- .جُبلت عليه : أى خُلقت وطُبعت عليه (النهاية : ج ١ ص ٢٣٦ «جبل»).
- ٢- .تاريخ دمشق : ج ٢١ ص ٤٧٩ ح ٤٨٦٣ ، الدعاء للطبراني : ص ٣٩٠ ح ١٣٠٨ ، تاريخ أصبهان : ج ١ ص ٣٣١ كلاهما نحوه وكلها عن أبي هريره ، كتر العمال : ج ٩ ص ٨٧ ح ٢٥٠٩٦ .
- ٣- . كتر العمال : ج ٩ ص ٦٣ ح ٢٤٩٥٥ نقلًا عن سنن أبي داوود عن ابن عمر وراجع سنن أبي داوود : ج ٢ ص ٢٤٨ ح ٢١٦٠ .
- ٤- .فى المصدر : «يحتاجون» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- ٥- .بوار الأييم : أى كسادها ، والأييم التى لا زوج لها وهى مع ذلك لا يرغب فيها أحد (النهاية : ج ١ ص ٦١ «بور»).
- ٦- .الخصال : ص ٦٣٤ ح ١٠ عن أبى بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص ١٢٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ١٧٢ ح ١ .

ب خرید دام**ج وارد شدن به بازار**

ب خرید دامپيامبر خدا صلی الله عليه و آله: هر کس ... چارپایی خرید، دستش را بر پیشانی آن بگذارد و بگوید: «بار خدایا! خیر این را و خیر آنچه را که در وجود این چارپا نهاده ای، از تو می خواهم و از شرّ آن و شرّ آنچه در وجودش سرشته ای، به تو پناه می برم». و هر گاه شتری خرید، دستش را روی نوک کوهانش بگذارد و بگوید: «بار خدایا! خیر این و خیر آنچه را در وجود این شتر نهاده ای، از تو می خواهم و از شرّ این و شرّ آنچه در وجودش سرشته ای، به تو پناه می برم».

پيامبر خدا صلی الله عليه و آله: هر گاه یکی از شما شتری خرید، نوک کوهان آن را بگیرد و از شیطان به خدا پناه ببرد.

ج وارد شدن به بازار امام علی علیه السلام: هر گاه مایحتاج خود را از بازار خریدید، هنگام وارد شدن به بازارها بگویید: «گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست، و گواهی می دهم که محمّد، بنده و فرستاده اوست. بار خدایا! از معامله زیانبار و سوگند دروغ، به تو پناه می برم و از بی مشتری ماندن زنان بی شوی به تو پناه می برم».

د غَسْلُ الْيَدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا غَسَيْتَ يَدَكَ بَعْدَ الطَّعَامِ فَامْسَحْ وَجْهَكَ وَعَيْنَيْكَ قَبْلَ أَنْ تَمْسَحَ بِالْمِنْدِيلِ ،
وَتَقُولَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَةَ وَالْمَحَبَّةَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَقْتِ (١) وَالْبَغْضَةِ . (٢)

ه التَّهْنِئَةُ لِلْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا أَخَذْتَ الدُّهْنَ عَلَى رَاخَتِكَ فَقُلْ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَ وَالزَّيْنَةَ وَالْمَحَبَّةَ ، وَأَعُوذُ بِكَ
مِنَ الشَّيْنِ (٣) وَالشَّنَانِ (٤) وَالْمَقْتِ . (٥)

و الزَّوْجُرُ سَوْ لَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ عِنْدَ زَوَاجِهِمَا : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعِيدُهُمَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهُمَا مِنَ الشَّيْطَانِ
الرَّجِيمِ ... اللَّهُمَّ ! إِنِّي أَعِيدُهُمَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهُمَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ... (٦)

الإمام علي عليه السلام في حديث تزويج فاطمة عليها السلام : ثُمَّ أَتَانِي فَأَخَذَ بِيَدِي فَقَالَ : قُمْ بِاسْمِ اللَّهِ ، وَقُلْ : عَلَى بَرَكَهِ اللَّهِ ،
وَمَا شَاءَ اللَّهُ ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ . ثُمَّ جَاءَنِي حِينَ أَفْعَيْدَنِي عِنْدَهَا عَلَيْهَا السَّلَامَ ، ثُمَّ قَالَ : اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا أَحَبُّ خَلْقِكَ
إِلَيَّ ، فَأَجِبْهُمَا وَبَارِكْ فِي ذُرِّيَّتِهِمَا ، وَاجْعَلْ عَلَيْهِمَا مِنْكَ حَافِظًا ، وَإِنِّي أَعِيدُهُمَا وَذُرِّيَّتَهُمَا بِكَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . (٧)

١- المَقْتُ : أَشَدُّ الْبَغْضِ (النهاية : ج ٤ ص ٣٤٦ «مقت»).

٢- المحاسن : ج ٢ ص ٢٠٤ ح ١٦٠٣ ، الدعوات : ص ١٤٣ ح ٣٦٩ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٦٦ ص ٣٥٩ ح ٢٧ .

٣- الشَّيْنُ : الْعَيْبُ (النهاية : ج ٢ ص ٥٢١ «شين»).

٤- الشَّنَاءُ : الْبُغْضُ وَقَدْ شَنَّاهُ شَنًّا وَشَنَانًا (الصحاح : ج ١ ص ٥٧ «شأن»).

٥- الكافي : ج ٦ ص ٥١٩ ح ٦ عن مهزم الأسدي ، مكارم الأخلاق : ج ١ ص ١١١ ح ٢٤٧ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ١٤٥ ح ٣ .

٦- صحيح ابن حبان : ج ١٥ ص ٣٩٤ ح ٦٩٤٤ ، المعجم الكبير : ج ٢٢ ص ٤١٠ ح ١٠٢١ كلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج ١٣ ص ٦٨٤ ح ٣٧٧٥٥ .

٧- الأمالي للطوسي : ص ٤٠ ح ٤٤ ، بشاره المصطفى : ص ٢٦٢ كلاهما عن الضحَّاك بن مزاحم ، المناقب لابن شهر آشوب :
ج ٣ ص ٣٥٥ وفيه ذيله من «اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا أَحَبُّ ...» ، بحار الأنوار : ج ٤٣ ص ٩٣ ح ٤ .

د شستن دست ها

ه روغن زدن

و ازدواج

د شستن دست های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پس از غذا چون دستت را شستی، آن را پیش از خشک کردن با حوله، به صورت و چشمانت بکش و بگو: «بار خدایا! آراستگی و دوستی را از تو می خواهم و از نفرت و دشمنی، به تو پناه می برم».

ه روغن زدن امام صادق علیه السلام: چون روغن (۱) را در کف دست نهادی، بگو: «بار خدایا! آراستگی و زیور و دوستی را از تو درخواست می کنم و از زشتی و دشمنی و کینه، به تو پناه می برم».

و ازدواج پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حقّ علی و فاطمه علیهما السلام هنگام ازدواج آن دو: بار خدایا! این [فاطمه] را و فرزندانش را از شیطان رانده شده در پناه تو در می آورم... بار خدایا! این [علی] را و فرزندانش را از شیطان رانده شده، در پناه تو در می آورم... .

امام علی علیه السلام در حدیث در آوردن فاطمه علیها السلام به همسری وی: سپس [پیامبر صلی الله علیه و آله] نزد من آمد و دستم را گرفت و فرمود: «به نام خدا برخیز و بگو: به برکت خدا و هر چه خدا خواهد. هیچ نیرویی نیست جز به یاری خدا. به خدا توکل کردم». و چون مرا کنار او (فاطمه علیها السلام) نشانند، نزدیکم آمد و فرمود: «بار خدایا! این دو، محبوب ترین خلق تو نزد من اند. پس تو نیز آنان را دوست بدار و به فرزندانشان برکت ده، و از جانب خود بر این دو، نگهبانی بگمار، که من این دو و فرزندانشان را از شیطان رانده شده، در پناه تو در آوردم».

۱- امروزه، شاید کرم زدن به دست و صورت، مصداق روغن زدن باشد.

الإمام الصادق عليه السلام: كُنْتُ أَرَى أَبِي إِذَا زَوَّجَ أَوْ تَزَوَّجَ يَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَا مَهْدِيَ لَهُ مِنْ هَادٍ. (١)

ز الجماع الكافي عن الحلبي، قال: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّجُلِ إِذَا أَتَى أَهْلَهُ فَخَشِيَ أَنْ يُشَارِكَهُ الشَّيْطَانُ، قَالَ: يَقُولُ: «بِاسْمِ اللَّهِ»، وَيَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ. (٢)

تفسير العياشي عن سليمان بن خالد: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» (٣)؟ قَالَ: فَقَالَ: قُلْ فِي ذَلِكَ قَوْلًا: أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (٤)

ح الولادها الكتاب «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَى وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». (٥)

-
- ١- الجعفریات: ص ٩٣ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مستدرک الوسائل: ج ١٤ ص ٢٠٢ ح ١٦٥٠٨ وراجع الكافي: ج ٣ ص ٤٢٢ ح ٦ ومصباح المتهجد: ص ٦٦٢ ح ٧٢٩ وتحف العقول: ص ٣٠.
 - ٢- الكافي: ج ٥ ص ٥٠٢ ح ١.
 - ٣- الإسراء: ٦٤.
 - ٤- تفسير العياشي: ج ٢ ص ٣٠٠ ح ١٠٧، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ٢٩٤ ح ٤٧.
 - ٥- آل عمران: ٣٥ و ٣٦.

ز آمیزش ح زادن فرزند

امام صادق علیه السلام: من شاهد بودم که پدرم هر گاه کسی را همسر می داد یا خود، همسر اختیار می کرد، می گفت: «ستایش، خدا را. او را می ستاییم و از او کمک می جوییم و آموزش می طلبیم، و از بدی های خودمان به او پناه می بریم. کسی که خدا هدایتش کند، هیچ کس نمی تواند گم راهش سازد، و کسی که خدا گم راهش گرداند، هیچ کس نمی تواند به راهش آورد».

ز آمیزش الکافی به نقل از حلبی: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر گاه مرد با همسرش نزدیکی کند و بیم آن داشته باشد که شیطان شریک او شود، بگوید: به نام خدا، و از شیطان به خدا پناه ببرد».

تفسیر العیاشی به نقل از سلیمان بن خالد: به امام صادق علیه السلام گفتم: این سخن خدای عز و جل: «و در دارایی ها و فرزندان، شریک آنان بشو» به چه معناست؟ فرمود: «در آن هنگام بگو: پناه می برم به خدای شنوای دانا از شیطان رانده شده».

ح زادن فرزند قرآن «و هنگامی را [یاد کن] که زن عمران گفت: «پروردگارا! آنچه در شکم خود دارم، نذر تو کردم تا آزادشده [از مشاغل دنیا و پرستشگر تو] باشد. پس، از من بپذیر، که تو شنوای دانایی». پس چون فرزندش را بزاد، گفت: «پروردگارا! من دختر زاده ام» و خدا به آنچه او زایید، داناتر بود «و پسر، چون دختر نیست، و نامش را مریم نهادم، و او و فرزندان او را از شیطان رانده شده، به تو پناه می دهم».

الحديث تفسير الطبرى: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا مِنْ مَوْلُودٍ يُولَدُ إِلَّا وَقَدِ عَصَرَهُ الشَّيْطَانُ عَصْرَةً أَوْ عَصْرَتَيْنِ ، إِلَّا عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ وَمَرْيَمَ ، ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «إِنِّي أُعِيدُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» . (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلُّ مَوْلُودٍ مِنْ وُلْدِ آدَمَ لَهُ طَعْنَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ ، وَبِهَا يَسْتَهْلُ الصَّبِيُّ ، إِلَّا مَا كَانَ مِنْ مَرْيَمَ ابْنَةِ عِمْرَانَ وَوَلَدِهَا ، فَإِنَّ أُمَّهَا قَالَتْ حِينَ وَضَعَتْهَا : «إِنِّي أُعِيدُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» فَضَرَبَ دُونَهُمَا حِجَابًا ، فَطَعَنَ فِي الْحِجَابِ . (٢)

الإمام عليّ عليه السلام فى ذِكْرِ وِلَادِهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَأَتَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ... وَقَالَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أُعِيدُهُ بِكَ وَوَلَدَهُ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . (٣)

ط العقيقتها الإمام الصادق عليه السلام: يُقَالُ عِنْدَ الْعَقِيقَةِ : «اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ مَا وَهَبْتَ وَأَنْتَ أَعْطَيْتَ ، اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنَّا عَلَى سُنَّتِهِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَنَسْتَعِيدُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» ، وَتُسَمَّى وَتَدْبَحُ وَتَقُولُ : «لَكَ سِفْكَتِ الدَّمَاءِ لَا شَرِيكَ لَكَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، اللَّهُمَّ احْسَبْ (٤) الشَّيْطَانَ الرَّجِيمِ» . (٥)

١- تفسير الطبرى: ج ٣ الجزء ٣ ص ٢٣٩ ، تفسير ابن كثير: ج ٢ ص ٢٧ ، مسند أبى يعلى: ج ٥ ص ٣٦٤ ح ٥٩٤٥ ، تاريخ دمشق: ج ٤٧ ص ٣٥٥ ح ١٠٢٥٣ كلاهما نحوه وكلها عن أبى هريره ، كنز العمال: ج ١١ ص ٥٠٤ ح ٣٢٣٥٦ وراجع صحيح البخارى: ج ٣ ص ١٢٦٥ ح ٣٢٤٨ وصحيح مسلم: ج ٤ ص ١٨٣٨ ح ١٤٦ .

٢- تفسير الطبرى: ج ٣ الجزء ٣ ص ٢٣٩ عن أبى هريره ، كنز العمال: ج ١١ ص ٥٠٣ ح ٣٢٣٥٤ و ٣٢٣٥٥ .

٣- كشف الغمّة: ج ٢ ص ١٥١ و ص ١٧٧ ، بحار الأنوار: ج ٤٣ ص ٢٥٦ ح ٣٣ .

٤- خسأت الكلب: أى طردته وأبعدته (النهاية: ج ٢ ص ٣١ «خسأ»).

٥- الكافى: ج ٦ ص ٣١ ح ٥ عن محمّد بن مارد ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٤٨٧ ح ٤٧٢٣ .

ط عقیقه کردن

حدیث تفسیر الطبری: پیامبر خدا فرمود: «هر کودکی که به دنیا می آید، شیطان یک یا دو بار او را می فشارد، جز عیسی بن مریم و خود مریم [که چنین نبودند]». پیامبر خدا سپس این آیه را خواند: «من او و فرزندانش را از شیطان رانده شده، به تو پناه می دهم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر نوزادی از فرزندان آدم [در هنگام ولادت]، ضربتی از شیطان می خورد و گریه کودک در هنگام تولد، به همین سبب است، جز مریم دختر عمران و فرزندش [که در باره آنها چنین نشد]؛ زیرا مادر مریم، زمانی که او را زایید، گفت: «من او را و فرزندانش را از شیطان رانده شده، به تو پناه می دهم». پس میان آن دو، پرده ای زده شد و شیطان به آن پرده ضربه زد.

امام علی علیه السلام در بیان متولد شدن حسن علیه السلام از فاطمه علیها السلام: پس، پیامبر صلی الله علیه و آله نزد او (حسن علیه السلام) آمد... و گفت: «بار خدایا! من او و فرزندانش را از شیطان رانده شده، در پناه تو در می آورم».

ط عقیقه کردنامام صادق علیه السلام: در هنگام عقیقه کردن گفته می شود: «آنچه بخشیدم، از توست و برای توست و تو خود، آن را داده ای. بار خدایا! از ما بپذیر، که این سنت (روش) پیامبر توست. و از شیطان رانده شده، به تو پناه می آوریم». [سپس] نام خدا را می بری و ذبح می کنی و می گویی: «این خون ها تنها برای تو ریخته شد. تو را شریکی نیست و ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است. بار خدایا! شیطان رانده شده را دور ران».

ي لبس الثوب الجديد سنن أبي داود عن أبي سعيد الخدري: كَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا اسْتَجَدَّ ثَوْبًا سَمَّاهُ بِاسْمِهِ ،
إِمَّا قَمِيصًا أَوْ عِمَامَةً ، ثُمَّ يَقُولُ : اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ كَسَوْتَنِيهِ ، أَسَأُ لُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا صُنِعَ لَهُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ
مَا صُنِعَ لَهُ . (١)

ك الخروج من البيت سنن الترمذي عن أم سلمة: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ قَالَ : بِاسْمِ اللَّهِ ، تَوَكَّلْتُ عَلَى
اللَّهِ ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نَزِلَّ أَوْ نَضِلَّ ، أَوْ نَظْلَمَ أَوْ نُظْلَمَ ، أَوْ نَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيْنَا . (٢)

سنن أبي داود عن أم سلمة: مَا خَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ بَيْتِي قَطُّ إِلَّا رَفَعَ طَرْفَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ
أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضِلَّ ، أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزِلَّ ، أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ ، أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ . (٣)

الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ قَالَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ : «بِاسْمِ اللَّهِ ، حَسْبِيَ اللَّهُ ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسَأُ لُكَ خَيْرَ
أُمُورِي كُلِّهَا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الآخِرَةِ» كَفَاهُ اللَّهُ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاةٍ وَآخِرَتِهِ . (٤)

١- سنن أبي داود: ج ٤ ص ٤١ ح ٤٠٢٠ ، سنن الترمذي: ج ٤ ص ٢٣٩ ح ١٧٦٧ ، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٠٠ ح ١١٤٦٩ ،
المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٢١٣ ح ٧٤٠٨ كلها بزياده «أو رداء» بعد «عمامة» ، كنز العمال: ج ٧ ص ١١٨ ح
١٨٢٦٧ .

٢- سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٩٠ ح ٣٤٢٧ ، مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ٢٠١ ح ٢٦٦٧٨ ، كنز العمال: ج ٧ ص ١٤٣ ح ١٨٤١٨ .

٣- سنن أبي داود: ج ٤ ص ٣٢٥ ح ٥٠٩٤ ، المعجم الكبير: ج ٢٤ ص ٩ ح ١١ ، المعجم الأوسط: ج ٣ ص ٣٤ ح ٢٣٨٣ ،
الدعاء للطبراني: ص ١٤٨ ح ٤١٩ كلها عن ميمونه .

٤- الكافي: ج ٢ ص ٥٤١ ح ٣ ، المحاسن: ج ٢ ص ٩٠ ح ١٢٣٩ ، الأمان: ص ١٠٦ ، مَهَج الدعوات: ص ٢١٨ وليس فيه ذيله
من «كفاه الله...» ، عدّه الداعي: ص ٢٦٦ كلها عن أبي حمزة الثمالي ، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٧١ ح ٢٠ .

ی پوشیدن جامه نو ک بیرون رفتن از خانه

ی پوشیدن جامه نوسنن اُبی داوود به نقل از ابو سعید خُدری : پیامبر خدا هر گاه جامه ای نو ، پیراهن یا دستار ، می پوشید ، نام آن را می برد و سپس می گفت : «بار خدایا! ستایش ، تو راست . تو این را بر من پوشاندی . خیر این و خیر آنچه را برایش ساخته شده است ، از تو می خواهم و از شرّ این و شرّ آنچه برایش ساخته شده است ، به تو پناه می برم» .

ک بیرون رفتن از خانهسنن الترمذی به نقل از اُم سلمه : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه از اتاقش خارج می شد ، می گفت : «به نام خدا . بر خدا توکل کردم . بار خدایا! به تو پناه می بریم از این که بلغزیم یا گم راه شویم ، ستم کنیم یا بر ما ستم شود ، و نادانی کنیم یا در باره ما نادانی شود .

سنن اُبی داوود به نقل از اُم سلمه : هیچ گاه پیامبر صلی الله علیه و آله از اتاق من خارج نشد ، مگر این که نگاهش را به آسمان برداشت و گفت : «بار خدایا! به تو پناه می برم از این که گم راه شوم یا گم راهم کنند ، بلغزم یا لغزنده شوم ، ستم کنم یا به من ستم شود ، و نادانی کنم یا بر من نادانی شود» .

امام باقر علیه السلام : هر کس هنگامی که از منزلش خارج می شود ، بگوید : «به نام خدا . خدا مرا بس است . بر خدا توکل کردم . بار خدایا! خیر همه کارهایم را از تو می خواهم و از خواری در دنیا و عذاب آخرت ، به تو پناه می برم» ، خداوند خواست های دنیا و آخرت او را برمی آورد .

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ بَابِ دَارِهِ: «أَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ (١) مِنْ شَرِّ هَذَا الْيَوْمِ الْجَدِيدِ الَّذِي إِذَا غَابَتْ شَمْسُهُ لَمْ تَعُدْ، وَمِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ غَيْرِي، وَمِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ، وَمِنْ شَرِّ مَنْ نَصَبَ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ، وَمِنْ شَرِّ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ السَّبَاعِ وَالْهَوَامِّ، وَمِنْ شَرِّ رُكُوبِ الْمَحَارِمِ كُلِّهَا، أُجِيرُ نَفْسِي بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ شَرٍّ»، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَتَابَ عَلَيْهِ، وَكَفَاهُ اللَّهُ، وَحَجَزَهُ عَنِ السُّوءِ، وَعَصَمَهُ مِنَ الشَّرِّ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِكَ فَقُلْ: بِاسْمِ اللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا خَرَجْتُ لَهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَرَجْتُ لَهُ، اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَأَتِمِّمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ، وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (٣)

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، بِاسْمِ اللَّهِ دَخَلْتُ وَبِاسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ، وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ افْتِحْ لِي فِي وَجْهِ هَذَا بِخَيْرٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ غَيْرِي، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»، كَانَ فِي ضَمَانِ اللَّهِ حَتَّى يَرْجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ. (٤)

١- في كتاب من لا يحضره الفقيه: «أعوذ بالله مما عاذت منه ملائكة الله».

٢- الكافي: ج ٢ ص ٥٤١ ح ٤، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٧٢ ح ٢٤١٧ نحوه، المحاسن: ج ٢ ص ٨٩ ح ١٢٣٦، الأمان: ص ١٠٥، عدّه الداعي: ص ٢٦٦ كلّها عن أبي بصير، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٢٦ ح ١٨٣١، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٧٠ ح ١٧.

٣- الكافي: ج ٢ ص ٥٤٢ ح ٥، المحاسن: ج ٢ ص ٩١ ح ١٢٤٠، الأمان: ص ١٠٥ كلّها عن معاوية بن عمّار، الأمالى للطوسي: ص ٣٧١ ح ٧٩٩ عن عليّ بن رزين عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٧٠ ح ١٦.

٤- مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٢٧ ح ١٨٣٤، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٥١ ح ٤٦.

امام باقر علیه السلام: هر کس هنگامی که از سرایش خارج می شود، بگوید: «پناه می برم به کسی که فرشتگان خدا بر او پناه بردند، از شرّ این روز جدیدی که چون خورشیدش غروب کند، باز نمی گردد، و از شرّ خودم و از شرّ جز خودم، و از شرّ شیاطین، و از شرّ کسی که با دوستان خدا به دشمنی برخاسته، و از شرّ جن و انس، و از شرّ درندگان و گزندگان، و از شرّ دست یازیدن به سراسر حرام ها. خود را از هر شرّی، در پناه خدا در می آورم»، خداوند او را می آمرزد و توبه اش را می پذیرد، و نگرانی هایش را می زداید، و از بدی دورش می دارد و از گزند، مصونش می دارد.

امام صادق علیه السلام: هر گاه از منزلت بیرون می روی، بگو: «به نام خدا. به خدا توکل کردم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. بار خدایا! خیر آنچه (کار و روزی ام) را که برایش بیرون می روم، از تو می خواهم و از شرّ آنچه برایش بیرون می روم، به تو پناه می برم. بار خدایا! از فضل خود، به زندگی من گشایش ده، و نعمت را بر من کامل گردان، و مرا در طاعتت به کار گیر، و خواست مرا در چیزی که نزد توست، قرار ده، و مرا بر دین خودت و دین پیامبرت صلی الله علیه و آله بمیران».

امام صادق علیه السلام: هر کس زمانی که از منزلش خارج می شود، بگوید: «اللّهُ أَكْبَرُ، اللّهُ أَكْبَرُ، اللّهُ أَكْبَرُ». به نام خدا وارد شدم و به نام خدا خارج می شوم و بر خدا توکل می کنم. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ. درود خدا بر محمّد و خاندان او باد. بار خدایا! این [در] ارا برایم به خیر بگشای. بار خدایا! از شرّ خودم و از شرّ جز خودم و از شرّ هر حیوانی که زمام آن در دست توست، به تو پناه می برم. راستی که پروردگار من، بر راهی راست است»، در پناه خدا خواهد بود تا آن گاه که به منزلش باز گردد.

لِ الْخُرُوجِ إِلَى السَّفَرِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ دُعَائِهِ إِذَا أَرَادَ سَفَرًا: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثِ السَّفَرِ ، وَكَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ ، وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ ، اللَّهُمَّ اطْوِ لَنَا الْأَرْضَ ، وَهَوِّنْ عَلَيْنَا السَّفَرَ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله إذا أراد أن يخرج في سفرٍ: اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الضُّبْنَةِ (٣) فِي السَّفَرِ ، وَالْكَآبَةِ فِي الْمُنْقَلَبِ . (٤)

الإمام علي عليه السلام من كلام له عند عزمه على المسير إلى الشام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثِ السَّفَرِ ، وَكَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ ، وَسُوءِ الْمَنْظَرِ (٥) فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ . اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ ، وَأَنْتَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ ، وَلَا يَجْمَعُهُمَا غَيْرُكَ ، لِأَنَّ الْمُسْتَخْلَفَ لَا يَكُونُ مُسْتَصْحَبًا وَالْمُسْتَصْحَبُ لَا يَكُونُ مُسْتَخْلَفًا . (٦)

١- وَعْثَاءُ السَّفَرِ: أَي شِدَّتُهُ وَمَشَقَّتُهُ (النَّهْيَةُ: ج ٥ ص ٢٠٦ «وعث»).

٢- سنن أبي داود: ج ٣ ص ٣٣ ح ٢٥٩٨ ، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١٢٨ ح ١٠٣٣٤ ، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٤٢٨ ح ٩٦٠٥ ، الدعاء للطبراني: ص ٢٥٦ ح ٨٠٨ وفيه «البعيد» بدل «الأرض» وكلها عن أبي هريرة ، كنز العمال: ج ٦ ص ٧٣٢ ح ١٧٦١٦ .

٣- الضُّبْنَةُ: مَا تَحْتَ يَدِكَ مِنْ مَالٍ وَعِيَالٍ وَمَنْ تَلْزَمُكَ نَفَقَتُهُمْ ، أَي تَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ كَثْرَةِ الْعِيَالِ فِي مِظَنَّةِ الْحَاجَةِ وَهُوَ السَّفَرُ (النَّهْيَةُ: ج ٣ ص ٧٣ «ضبن»).

٤- مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٥٥٠ ح ٢٣١١ ، صحيح ابن حبان: ج ٦ ص ٤٣١ ح ٢٧١٦ ، السنن الكبرى: ج ٥ ص ٤١٠ ح ١٠٣٠٤ ، المعجم الكبير: ج ١١ ص ٢٢٣ ح ١١٧٣٥ ، مسند أبي يعلى: ج ٣ ص ١٥ ح ٢٣٤٩ كلها عن ابن عباس ، كنز العمال: ج ٦ ص ٧٣٥ ح ١٧٦٢٦ .

٥- قوله: «وسوء المنظر» ، المنظر مصدر ميمي أو اسم مكان ، وحاصله الاستعاذه من أن ينظر في سفره أو بعد رجوعه في أهله وماله وولده إلى شيء يسوؤه (بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ١١٤) .

٦- نهج البلاغة: الخطبة ٤٦ ، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٣٩١ ح ٣٦٢ .

ل رفتن به سفر

ل رفتن به سفر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعای ایشان در هنگامی که آهنگ سفر داشت: بار خدایا! از دشواری های سفر، و اندوه بازگشت (/ دل تنگی بازگشت) و روبه رو شدن با منظره ناخوش در خانواده و اموال، به تو پناه می برم. بار خدایا! زمین را برایمان در هم پیچ (راه را کوتاه نما). و سفر را برایمان آسان گردان.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه می خواست به سفری برود: بار خدایا! تو، هم یار سفر هستی و هم جانشین [مسافر] در خانواده [اش]. بار خدایا! از [بدرفتاری با] همسفران (۱) در سفر، و افسردگی در بازگشت، به تو پناه می برم.

امام علی علیه السلام از گفتار ایشان در هنگامی که آهنگ حرکت به سوی شام کرد: بار خدایا! از سختی سفر، و ناراحتی در بازگشت، و مواجه شدن با منظره ناخوشایند در زن و دارایی و فرزند، به تو پناه می برم. بار خدایا! تو، هم رفیق سفر هستی و هم جانشین در خانواده، و جز تو، کسی این دو حالت را هم زمان ندارد؛ زیرا آن که جانشین است، همراه نیست و آن که همراه است، جانشین نیست.

۱- واژه «ضَبْنَه» در متن عربی، به معنای دوستانی است که مخارج راه ندارند. بنا بر این، منظور، این است: خدایا! به تو پناه می برم که به آنان ناسزا بگویم. نیز در معنای عائله تحت تکفل به کار می رود. در این صورت، مراد این است که: پناه می برم به تو از این که در سفر، مخارج عائله زیاد باشد.

عنه عليه السلام في دُعائه إذا بَرَزَ لِلسَّفَرِ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ، وَجَعَلَنَا مِنْ خَيْرِ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ، «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ» (١). اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ، وَكَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ، وَسَوْءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ، وَالْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأَمْرِ، اطْوِ لَنَا الْبَعِيدَ، وَسَهِّلْ لَنَا الْحُزُونََ (٢) وَاكْفِنَا الْمَهْمَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا خَرَجْتَ مِنْ بَيْتِكَ تُرِيدُ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، فَادْعُ دُعَاءَ الْفَرَجِ وَهُوَ: ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ، وَكَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ، وَسَوْءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضُدِي وَنَاصِرِي، بِكَ أَهْلٌ وَبِكَ أَسِيرٌ. (٤)

م نَزُولِ الْمُسَافِرِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا نَزَلَ أَحَدُكُمْ مَنْزِلًا فَلْيَقُلْ: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ»، فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّهُ شَيْءٌ حَتَّى يَرْتَحِلَ مِنْهُ. (٥)

الأمان: رَوَيْنَا فِي كِتَابِ مِصْبَاحِ الزَّائِرِ وَجَنَاحِ الْمُسَافِرِ وَغَيْرِهِ مِنَ النَّقْلِ الظَّاهِرِ أَنَّ الْمُسَافِرَ إِذَا نَزَلَ بَعْضِ الْمَنَازِلِ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ أَنْزِلْنِي مَنْزِلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ»، وَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ بِالْحَمْدِ وَمَا يَشَاءُ مِنَ السُّورِ الْقِصَارِ، وَيَقُولُ: «اللَّهُمَّ ارزُقْنَا خَيْرَ هَذِهِ الْبُقْعَةِ وَأَعِدْنَا مِنْ شَرِّهَا، اللَّهُمَّ أَطْعِمْنَا مِنْ جَنَاهَا، وَأَعِدْنَا مِنْ وَبَاهَا» (٦)، وَحَبَّبْنَا إِلَى أَهْلِهَا، وَحَبَّبْ صَالِحِي أَهْلِهَا إِلَيْنَا»، وَيَقُولُ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَنَةَ مِنْ وُلْدِهِ أَيْمَنَةً، أَتَوَلَّاهُمْ وَأَبْرَأُ مِنْ أَعْدَائِهِمْ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الْبُقْعَةِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ دُخُولِنَا هَذَا صِيْلًا حَا، وَأَوَّلَ سَيْطَةٍ فَلَاحَا، وَآخِرَهُ نَجَاحًا». (٧)

١- الزخرف: ١٣.

٢- الحزن: المكان الغليظ الخشن، والحزونه: الخشونه (النهاية: ج ١ ص ٣٨٠ «حزن»).

٣- دعائم الإسلام: ج ١ ص ٣٤٧، مستدرک الوسائل: ج ٨ ص ١٤٠ ح ٩٢٤٦.

٤- الكافي: ج ٤ ص ٢٨٤ ح ٢، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٥٠ ح ١٥٤ كلاهما عن معاوية بن عمّار، مصباح المتهجد: ص ٧١٧ ح ٧٧٩ عن صفوان نحوه وليس فيه ذيله، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ١٠٨ ح ١٣.

٥- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٨١ ح ٥٥ و ص ٢٠٨٠ ح ٥٤، سنن الترمذی: ج ٥ ص ٤٩٦ ح ٣٤٣٧ نحوه، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١١٧٤ ح ٣٥٤٧، مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ٣٢٠ ح ٢٧١٩٢ و ص ٣٦٩ ح ٢٧٣٧٩، سنن الدارمی: ج ٢ ص ٧٤٣ ح ٢٥٨٠ كلّها عن خوله بنت حكيم السلمية، كنز العمال: ج ٦ ص ٧٠٩ ح ١٧٥١٢.

٦- الوبا: بالقصر والمد والهمز، الطاعون والمرض العام (النهاية: ج ٥ ص ١٤٤ «وبا»).

٧- الأمان: ص ١٣٦، مصباح الزائر: ص ٣٧، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٦١ ح ٥٦.

م فرود آمدن مسافر

امام علی علیه السلام در دعای ایشان ، هر گاه برای سفر ، خارج می شد : گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست ، و گواهی می دهم که محمّد ، بنده و فرستاده اوست . ستایش ، خدایی را که به اسلام ، هدایتان فرمود و ما را از بهترین امت هایی قرار داد که برای مردم ، پدید آورده شدند «پاکا خدایی که این را رام ما ساخت ، در حالی که ما بر آن توانا نبودیم» . بار خدایا! از دشواری سفر ، و اندوه در بازگشت ، و صحنه ناخوشایند در باره زن و خواسته و فرزند ، به تو پناه می برم . بار خدایا! تویی یار سفر و جانشین در خانواده و آن که در کارها از او کمک گرفته می شود . دور را برایمان نزدیک نمای ، و ناهمواری ها را برایمان هموار گردان ، و نیازهایمان را برآورده ساز ، که تو بر هر چیز ، توانایی .

امام صادق علیه السلام : هر گاه به خواست خدا از خانه ات برای حج و عمره خارج شدی ، دعای فرج را بخوان ، و آن ، این است : « ... بار خدایا! از دشواری سفر ، و اندوه در بازگشت ، و مواجه شدن با صحنه ناخوشایند در باره زن و خواسته و فرزند ، به تو پناه می برم . بار خدایا! تویی بازو و یاور من . به یاری تو ، بار می افکنم و به مدد تو ، حرکت می کنم» .

م فرود آمدن مسافر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه یکی از شما در منزلگاهی فرود آمد ، بگوید : «به کلمات تامّ خدا پناه می برم از گزند آنچه آفریده است» . در این صورت ، تا زمانی که از آن جا بکوچد ، هیچ چیز به او گزندی نمی رساند .

الأمان : در کتاب مصباح الزائر و جناح المسافر و جز آن ، از نقل ظاهر ، روایت کرده ایم که مسافر ، هر گاه در منزلگاهی فرود آمد ، بگوید : «بار خدایا! مرا در جایی پُربرکت فرود آور ، که تو بهترین فرودآوردگانی» و دو رکعت نماز با حمد و هر سوره کوتاهی که می خواهد ، بخواند و بگوید : «بار خدایا! خیر این سرزمین را روزی ما فرما و ما را از شرّ آن در پناه خود بدار . بار خدایا! ما را از میوه [و حاصل] آن ، خوراک ده و از بیماری و بای آن ، در پناه خود بدار و نزد اهل این سرزمین ، محبوبمان گردان و اهالی نیک آن را محبوب ما بدار» و بگوید : «گواهی می دهم که معبودی جز خدای یکتا و بی انباز نیست و محمّد ، بنده و فرستاده اوست و علی ، امیر مؤمنان ، و امامان از نسل او پیشوا هستند . آنان را دوست می دارم و از دشمنانشان بیزارم . بار خدایا! خیر این سرزمین را از تو درخواست می کنم و از شرّ آن به تو پناه می برم . بار خدایا! آغاز در آمدنمان به این مکان را دوستی قرار ده و میانش را رستگاری و پایانش را کامیابی» .

ن دُخُولِ الْمُسَافِرِ الْمَدِينَةَ أَوْ الْقَرْيَةَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِّيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا عَلِيُّ ، إِذَا أَرَدْتَ مَدِينَتَهُ أَوْ قَرْيَتَهُ فَقُلْ حِينَ تُعَايِنُهَا : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا ، اللَّهُمَّ حَبِّبْنَا إِلَى أَهْلِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِي أَهْلِهَا إِلَيْنَا . (١)

السنن الكبرى عن صهيب : إِنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ يَرَ قَرْيَةً يُرِيدُ دُخُولَهَا إِلَّا قَالَ حِينَ يَرَاهَا : اللَّهُمَّ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظْلَلَنَ ، وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا أَقْلَلَنَ ، وَرَبِّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضَلَّلَنَ ، وَرَبِّ الرِّيَّاحِ وَمَا ذَرَبَنَ (٢) ، فَإِنَّا نَسَأُ لَكَ خَيْرَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَخَيْرَ أَهْلِهَا ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ أَهْلِهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا . (٣)

١- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٢٩٨ ح ٢٥٠٩ ، المحاسن : ج ٢ ص ١٢٣ ح ١٣٤٤ عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عليهم السلام وزاد فيه «اللهم أطعمنا من جناها ، وأعدنا من وبائها» بعد «من شرّها» ، مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٥٥٣ ح ١٩٠٨ ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٢٤٨ ح ٤١ .

٢- دَرْتُهُ الرِّيحُ : أَي أَطَارَتُهُ (النّهاية : ج ٢ ص ١٥٩ «ذرا»).

٣- السنن الكبرى للنسائي : ج ٦ ص ١٣٩ ح ١٠٣٧٧ و ص ١٤٠ ح ١٠٣٧٨ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ١١٠ ح ٢٤٨٨ و ج ٢ ص ٦١٤ ح ١٦٣٤ ، صحیح ابن حبان : ج ٦ ص ٤٢٦ ح ٢٧٠٩ ؛ المحاسن : ج ٢ ص ١٢٤ ح ١٣٤٦ عن علي بن المغيرة عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٢٤٨ ح ٤٣ .

ن وارد شدن مسافر به شهر یا روستا

ن وارد شدن مسافر به شهر یا روستا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام: ای علی! هر گاه آهنگ شهر یا روستایی کردی، زمانی که چشمت به آن افتاد، بگو: «بار خدایا! خیر آن را از تو درخواست می کنم و از بدی هایش، به تو پناه می برم. بار خدایا! ما را در نزد اهالی آن، محبوب گردان و اهالی نیک آن را محبوب ما بدار».

السنن الکبری به نقل از صهیب: پیامبر خدا، محمد صلی الله علیه و آله، هر گاه روستایی را که می خواست وارد آن شود، می دید، با دیدن آن می گفت: «بار خدایا! ای پروردگار هفت آسمان و آنچه در زیر آنهاست، و ای پروردگار هفت زمین و آنچه بر روی آنهاست، و ای پروردگار شیاطین و هر آن کس که گم راهش کردند، و ای پروردگار بادهای و آنچه بادهای افشانند! خوبی این روستا و خوبی اهالی آن را از تو درخواست می کنیم و از بدی آن و بدی اهالی اش و بدی آنچه در آن است، به تو پناه می بریم».

المعجم الكبير عن أبي معتب بن عمرو: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا أَشْرَفَ عَلَى خَيْرٍ قَالَ لِأَصْحَابِهِ وَأَنَا فِيهِمْ: قِفُوا، ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَمَا أَظْلَمَنَّ، وَرَبَّ الْأَرْضِينَ وَمَا أَقْلَمَنَّ، وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضْلَمَنَّ، وَرَبَّ الرِّيَاحِ وَمَا ذَرَيْنَ، أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَخَيْرِ أَهْلِهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ أَهْلِهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا، أَقْدَمُوا (١) بِاسْمِ اللَّهِ»، وَكَانَ يَقُولُهَا لِكُلِّ قَرِيْبِهِ يَدْخُلُهَا (٢).

مروج الذهب عن المنذر بن الجارود: لَمَّا قَدِمَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْبَصْرَةَ ... فَسَارُوا حَتَّى نَزَلُوا الْمَوْضِعَ الْمَعْرُوفَ بِالزَّوَايَةِ، فَصَيَّلِي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، وَعَفَّرَ خَدَيْهِ عَلَى التُّرَابِ وَقَدْ خَالَطَ ذَلِكَ دُمُوعُهُ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ يَدْعُو: اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَمَا أَظْلَمَنَّ، وَالْأَرْضِينَ وَمَا أَقْلَمَنَّ، وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، هَذِهِ الْبَصْرَةُ، أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا، اللَّهُمَّ أَنْزِلْنَا فِيهَا خَيْرَ مُنْزَلٍ وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزَلِينَ (٣).

س رُجُوعُ الْمُسَافِرِ الْمَعْجَمِ الْأَوْسَطِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: قَفَلَ (٤) النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَلَمَّا دَنَا مِنَ الْمَدِينَةِ قَالَ: آيُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ، وَكَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ، وَسُوءِ الْمُنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ (٥).

١- في المصدر: «قدموا»، والتصويب من السير النبوي.

٢- المعجم الكبير: ج ٢٢ ص ٣٥٩ ح ٩٠٢، السير النبوي لابن هشام: ج ٣ ص ٣٤٣، أسد الغابه: ج ٦ ص ٢٨٧.

٣- مروج الذهب: ج ٢ ص ٣٦٨ ٣٧٠؛ مستدرک الوسائل: ج ٨ ص ٢٣١ ح ٩٣٢٥.

٤- قَفَلَ مِنْ سَفَرِهِ: رَجَعَ (المصباح المنير: ص ٥١١ «قفل»).

٥- المعجم الأوسط: ج ٦ ص ١٤٧ ح ٦٠٤٤، الطبقات الكبرى: ج ٢ ص ٧٩ نحوه؛ وقعه صفين: ص ٥٢٨ عن عبد الرحمن

بن جندب عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٥٥٠ ح ٤٦٢ وراجع مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٥٣ ح ١٩٠٧.

س بازگشت مسافر

المعجم الكبير به نقل از ابو معتب بن عمرو: پیامبر خدا چون نزدیک خیبر رسید، به یارانش که من نیز در میان آنان بودم فرمود: «بایستید» و سپس گفت: «بار خدایا! ای پروردگار آسمان ها و آنچه در زیر آنهاست، و ای پروردگار زمین ها و آنچه بر روی آنهاست، و ای پروردگار شیاطین و کسانی که گم راهشان کردند، و ای پروردگار بادها و آنچه بادها افشانند! خوبی این آبادی و خوبی اهالی آن را از تو می خواهم و از بدی آن و بدی اهالی اش و بدی آنچه در این آبادی است، به تو پناه می برم. به نام خدا، حرکت کنید». ایشان به هر آبادی ای که وارد می شد، این دعا را می خواند.

مروج الذهب به نقل از منذر بن جارود: چون علی علیه السلام به بصره در آمد ...، حرکت کردند تا در محل معروف به «زاویه» فرود آمدند. [امام علیه السلام] چهار رکعت نماز گزارد و گونه هایش را بر خاک نهاد و اشک هایش با خاک در آمیخت. سپس دستانش را برداشت و دعا کرد: «بار خدایا! ای پروردگار آسمان ها و آنچه در زیر آنهاست، و ای پروردگار زمین ها و آنچه در روی آنهاست، و ای پروردگار عرش بزرگ! این، بصره است. خوبی آن را از تو می خواهم و از بدی آن به تو پناه می برم. بار خدایا! ما را در آن، فرودی فرخنده آر، که تو بهترین فرودآورندگان». .

س بازگشت مسافر المعجم الأوسط به نقل از جابر بن عبد الله: پیامبر صلی الله علیه و آله بازگشت و چون نزدیک مدینه رسید، فرمود: «باز آئیده، توبه کننده، پرستنده و ستاینده پروردگار خویشیم. بار خدایا! از رنج سفر، و اندوه بازگشت و روبه رو شدن با صحنه ناخوشایند در خانواده و اموال، به تو پناه می برم». .

ع رُوِيَهُ الْهَلَالِ مَسْنَدُ ابْنِ حَنْبَلٍ عَنْ عِبَادِهِ بْنِ الصَّامِتِ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا رَأَى الْهَلَالَ قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الشَّهْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْقَدْرِ، وَمِنْ سُوءِ الْحَشْرِ. (١)

الإمام علي عليه السلام: إِذَا رَأَيْتَ الْهَلَالَ فَلَا تَبْرَحْ (٢) وَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الشَّهْرِ وَفَتْحَهُ وَنُورَهُ وَنَصْرَهُ وَبَرَكَتَهُ وَطَهْوَرَهُ وَرِزْقَهُ، وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِيهِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ، اللَّهُمَّ ادْخُلْهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْبَرَكَهِ وَالتَّوْفِيقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى. (٣)

عنه عليه السلام أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا رَأَى الْهَلَالَ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَنَصْرَهُ، وَبَرَكَتَهُ، وَفَتْحَهُ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ. (٤)

- ١- مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٤٢٤ ح ٢٢٨٥٥، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٢ ص ٥٠٩ ح ١ و ج ٧ ص ١٢٠ ح ١، السنّة لابن أبي عاصم: ص ١٦٩ ح ٣٨٧، كنز العمال: ج ٧ ص ٧٨ ح ١٨٠٤٣.
- ٢- أى لا تزال على مكانك حتى تدعو بهذا الدعاء (مرآة العقول: ج ١٦ ص ٢٢٨). وقال الجوهري: برح: أى زال، ولا أبرحُ أفعلُ ذلك: أى لا أزال أفعله، وبرح مكانه: أى زال عنه (الصحاح: ج ١ ص ٣٥٥ «برح»).
- ٣- الكافي: ج ٤ ص ٧٦ ح ٨، تهذيب الأحكام: ج ٤ ص ١٩٧ ح ٥٦٤، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ١٠٠ ح ١٨٤٥، الإقبال: ج ١ ص ٦٥، دعائم الإسلام: ج ١ ص ٢٧١ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٦ ص ٣٨٢ ح ٨.
- ٤- الأمالى للطوسى: ص ٦٤٧ ح ١٣٤١ عن عبيد بن صهيب عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣٤٦ ح ٧؛ المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ١٢١ ح ٤ عن أبي عبيده، كنز العمال: ج ٨ ص ٥٩٦ ح ٢٤٣١٠ نقلاً عن ابن النجار عن الحارث.

ع دیدن ماه نو

ع دیدن ماه نومسند ابن حنبل به نقل از عباده بن صامت : پیامبر خدا هرگاه ماه نو را می دید ، می فرمود : «خدا بزرگ تر از هر توصیفی است . ستایش خدای را . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . بار خدایا! خیر این ماه را از تو می خواهم و از بدی تقدیر ، و از بد محشور شدن [در قیامت] به تو پناه می برم» .

امام علی علیه السلام :هرگاه ماه نو را دیدی ، از جای خود تکان نخور و بگو : «بار خدایا! خوبیِ این ماه و گشایش و روشنایی و فیروزی و خجستگی و پاکی و روزیِ آن را از تو می خواهم و خوبیِ آنچه در این ماه است و خوبیِ ماه های پس از آن را از تو درخواست می کنم و از بدی این ماه و بدی ماه های پس از آن ، به تو پناه می برم . بار خدایا! این ماه را با امنیت و ایمان و سلامت و اسلام و برکت و توفیق برای آنچه تو دوست داری و می پسندی ، بر ما در آور» .

امام علی علیه السلام آن گاه که ماه نو را می دید : بار خدایا! خوبی و فیروزی و خجستگی و گشایشِ این ماه را روزیِ ما فرما و از بدی این ماه و بدی ماه های پس از آن ، به تو پناه می بریم .

ف رُؤْيُهُ الْمُبْتَلِيَّ الْفَقْهَ الْمُنْسُوبَ لِلْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا نَظَرْتَ إِلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ فَقُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَلَوْ شَاءَ لَفَعَلَ، وَأَنَا أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْهَا وَمِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ. (١)

مشكاة الأنوار: عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يُسْمَعَ مِنَ الْمُبْتَلَى التَّعَوُّدَ مِنَ الْبَلَاءِ (٢). (٣)

ص دَفَنُ الْمُتَيْسِنِ أَبِي دَاوُدَ عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ: خَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي جِنَازَةِ رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ فَاتَّهَيْنَا إِلَى الْقَبْرِ وَلَمَّا يُلْحَدُ، فَجَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَلَسْنَا حَوْلَهُ كَأَنَّمَا عَلَى رُؤُوسِنَا الطَّيْرُ، وَفِي يَدِهِ عِوْدٌ يَنْكُتُ (٤) بِهِ فِي الْأَرْضِ، فَزَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ: اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا. (٥)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا وَضَعْتَهُ [الْمَيِّتَ] فِي لِحْدِهِ فَلْيُكِّنْ أَوْلَى النَّاسِ بِهِ مِمَّا يَلِي رَأْسَهُ، لِيَذْكُرَ اسْمَ اللَّهِ وَيُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَيَتَعَوَّذَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَلِيَقْرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ، وَالْمُعَوَّذَتَيْنِ، وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ. (٦)

الكافي عن علي بن يقطين: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا تَنْزِلْ فِي الْقَبْرِ وَعَلَيْكَ الْعِمَامَةُ وَالْقَلَنْسُوَةُ، وَلَا الْجِذَاءُ وَلَا الطَّلِيسَانُ، وَحُلَّ أَرْزَارِكَ، وَبِذَلِكَ شَيْئُهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَرَتْ، وَآلِهِ جَرَتْ، وَلِيَتَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَلِيَقْرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ، وَالْمُعَوَّذَتَيْنِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ. (٧)

- ١- الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ٣٩٩، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٧ ح ٣.
- ٢- المراد بهذه الرواية مع الأخذ بنظر الاعتبار الرواية السابقة هو أن تكون الاستعاذه عند رؤيه المبتلى بنحو بحيث لا يلتفت إليها نفس المبتلى.
- ٣- مشكاة الأنوار: ص ٦٧ ح ١٠٣، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ١٦ ح ١١.
- ٤- النكت: أن تضرب في الأرض بقضيب فيؤثر فيها (القاموس المحيط: ج ١ ص ١٥٩ «نكت»).
- ٥- سنن أبي داود: ج ٤ ص ٢٣٩ ح ٤٧٥٣، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٤١٣ ح ١٨٥٥٩ و ص ٤٣٠ ح ١٨٦٣٧، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٩٣ ح ١٠٧ كلاهما نحوه، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٣ ص ٢٥٦ ح ١.
- ٦- تهذيب الأحكام: ج ١ ص ٣١٧ ح ٩٢٢ و ص ٣١٣ ح ٩٠٩، علل الشرايع: ص ٣٠٦ ح ١ كلاهما نحوه وكلها عن محمد بن عجلان، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ٢٨ ح ١٥.
- ٧- الكافي: ج ٣ ص ١٩٢ ح ٢ وراجع علل الشرايع: ص ٣٠٥ ح ١ و بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ٣٠ ح ١٦.

ف دیدن گرفتاران و آسیب دیدگان ص خاکسپاری مرده

ف دیدن گرفتاران و آسیب دیدگانالفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: هر گاه آسیب دیده ای را دیدی، [پیش خود، آهسته] سه مرتبه بگو: «ستایش، خدای را که مرا از آنچه تو را بدان دچار ساخت، به سلامت داشت، که اگر می خواست، چنان می کرد. پناه می برم به خدا از این [آسیب] و از آنچه تو را بدان دچار ساخت. و ستایش، خدای را که مرا بر بسیاری از آفریدگان برتری بخشید».

مشکاه الأنوار: در باره امام باقر علیه السلام روایت شده است که ایشان دوست نداشت که آسیب دیده، پناه بردن [او] به خدا از آسیب را بشنود. (۱)

ص خاکسپاری مردهسنن أبی داوود به نقل از براء بن عازب: با پیامبر خدا در پی جنازه مردی از انصار خارج شدیم و به محل گور رسیدیم. چون او را در لحد نهادند، پیامبر خدا نشست و ما نیز گرد ایشان آرام نشستیم و تکان نمی خوردیم. در دست پیامبر صلی الله علیه و آله چوبی بود و با نوک آن به زمین می زد [و در حال تفکر بود]. پس، سرش را بلند کرد و دو یا سه بار فرمود: «از عذاب قبر، به خدا پناه ببرید».

امام صادق علیه السلام: چون او (مرده) را در گورش نهادی، نزدیک ترین کس به او (ولی او) در طرف سرش قرار گیرد و نام خدا را ببرد و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرستد و از شیطان رانده شده، به خدا پناه ببرد و فاتحه الکتاب و معوذتین و «قل هو الله أحد» و آیه الکرسی بخواند.

الکافی به نقل از علی بن یقطين: از امام کاظم علیه السلام شنیدم که می فرماید: «با دستار و کلاه و کفش و طیلسان، داخل قبر مشو و دکمه هایت را باز کن، که پیامبر خدا چنین عمل می کرد. و [شخصی که برای نهادن مرده در لحد، وارد قبر می شود] از شیطان رانده شده به خدا پناه ببرد و باید فاتحه الکتاب و معوذتین و «قل هو الله أحد» و آیه الکرسی بخواند.

۱- یعنی امام علیه السلام هنگام دیدن شخص آسیب دیده، با صدای بلند، استعاذه نمی کرد که او بشنود.

٥ / ١٠ تِلْكَ الْحَالَاتُ الْعَضُّ بِالْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قُلْ عِنْدَ الْغَضَبِ: اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي غَيْظَ قَلْبِي، وَاعْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَأَجْرِنِي مِنْ مُضْطَلَّاتِ الْفِتَنِ، أَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سَيِّئِ خَطِّكَ، أَسْأَلُكَ جَنَّتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ، أَسْأَلُكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ تَبَّتْ بِنْتِي عَلَى الْهُدَى وَالصَّوَابِ، وَاجْعَلْنِي رَاضِيًا مَرْضِيًّا، غَيْرَ ضَالٍّ وَلَا مُضِلًّا. (١)

راجع: ص ٢٥٨ (بركات الاستعاذه / كظم الغيظ).

ب النَّوْمُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أُوتِيَ إِلَى فِرَاشِكَ، فَتَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمِنْ شَرِّ الْحِسَابِ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَنْتَ أُوتِيَ إِلَى فِرَاشِكَ، فَتَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْءِ الْحِسَابِ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أُوتِيَ إِلَى فِرَاشِكَ فَقُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيَّ فَأَفْضَلَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ كُلُّ شَيْءٍ، أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ. (٤)

١- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٥٤ ح ٢٣٧٧، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣٣٨ ح ١.

٢- الدرّ المنثور: ج ٨ ص ٤٤٣ نقلاً عن ابن مردويه عن أبي هريره.

٣- تفسير الطبري: ج ١٥ الجزء ٣٠ ص ٩٣، تفسير ابن كثير: ج ٨ ص ٣٧٠ كلاهما عن أبي هريره، كنز العمال: ج ٤ ص ١٥١ ح ٩٩٥٣.

٤- كنز العمال: ج ١٥ ص ٣٣٠ ح ٤١٢٦٠ نقلاً عن البزار عن بريده.

۵ / ۱۰ و هنگام این چند حالت**الف حالت خشم****ب حالت خفتن**

۵ / ۱۰ و هنگام این چند حالت خشم امام صادق علیه السلام: در هنگام خشم بگو: «بار خدایا! خشم دلم را از من ببر، و گناهم را بپامرز، و مرا از فتنه های گم راه کننده، در پناه خود بدار. خشنودی تو را از تو می خواهم و از ناخشنودی ات، به تو پناه می آورم. بهشت را از تو می خواهم و از آتشت به تو پناه می آورم. همه خوبی را از تو می خواهم و از همه بدی، به تو پناه می آورم. بار خدایا! مرا بر راستی و درستی، پایدار بدار و چنانم گردان که از تو خشنود باشم و تو از من خشنود باشی، و گم راه و گم راهگر نباشم».

ر. ک: ص ۲۵۹ (برکت های پناه بردن به خدا / فرو نشاندن خشم).

ب حالت خفتن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون به بستر خود رفتی، از گزند [و سختی] روز رستاخیز و از سختی حسابرسی، به خدا پناه ببر.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه به رختخواب رفتی، از اندوه های روز رستاخیز و سختی حسابرسی، به خدا پناه ببر.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه به بسترت رفتی، بگو: «ستایش خدای را که به من نعمت داد و لطف نمود، و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است؛ پروردگار همه چیز و معبود همگان. از آتش، به خدا پناه می برم».

عنه صلى الله عليه وآله: لِيَقْل أَحَدُكُمْ حِينَ يُرِيدُ أَنْ يَنَامَ: آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ (١)، وَعَدُّ اللَّهِ حَقٌّ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ،
اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ طَوَارِقِ هَذَا اللَّيْلِ، إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ. (٢)

الإمام علي عليه السلام: كَانَ [النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] يَقُولُ عِنْدَ مَضَجِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَكَلِمَاتِكَ
التَّامَّةِ، مِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ... (٣)

المعجم الصغير عن عائشه: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ وَلَوْعَا (٤)،
وَمِنَ الْجُوعِ ضَجِيعًا. (٥)

رسول الله صلى الله عليه وآله إذا أوى إلى فراشه: اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَرَبَّ الْأَرْضِ، وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، فَالِقَ (٦) الْحَبِّ وَالنَّوَى
، مُنَزَّلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ. (٧)

١- الطاغوت: هو الشيطان أو ما يزين لهم أن يعبدوه من الأصنام وغيرها (النهاية: ج ٣ ص ١٢٨ «طغا»).

٢- المعجم الكبير: ج ٣ ص ٢٩٧ ح ٣٤٥٤، مسند الشاميين: ج ٢ ص ٤٤٨ ح ١٦٧٦ كلاهما عن أبي مالك الأشعري، كنز
العمال: ج ١٥ ص ٣٣٦ ح ٤١٢٨٧.

٣- سنن أبي داود: ج ٤ ص ٣١٢ ح ٥٠٥٢ عن الحرث وأبي ميسره، السنن الكبرى للنسائي: ج ٤ ص ٤١٢ ح ٧٧٣٢، المعجم
الصغير: ج ٢ ص ٨٤، الدعاء للطبراني: ص ٩٧ ح ٢٣٧ كلها عن الحرث وأبي ميسره، كنز العمال: ج ١٥ ص ٥١٠ ح ٤١٩٨٨.

٤- وَلَعْتُ بِالشَّيْءِ وَلَوْعَا: أى مُغْرَى بِهِ وَمِنْهُ الْحَدِيثُ «كَانَ مُولِعًا بِالسَّوَاكِ» (النهاية: ج ٥ ص ٢٢٦ «ولع»).

٥- المعجم الصغير: ج ٢ ص ٤٧، المعجم الأوسط: ج ٧ ص ١٧٣ ح ٧١٩٦ وراجع الإقبال: ج ٢ ص ٢١٨ و بحار الأنوار: ج
٩١ ص ٧٥ ح ٣.

٦- فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى: أى الذى يشقُّ حَبَّهُ الطَّعَامِ وَنَوَى التَّمْرِ لِلانْبَاتِ (النهاية: ج ٣ ص ٤٧١ «فلق»).

٧- سنن أبي داود: ج ٤ ص ٣١٢ ح ٥٠٥١، سنن الترمذى: ج ٥ ص ٤٧٢ ح ٣٤٠٠، الأذدب المفرد: ص ٣٥٤ ح ١٢١٢،
السنن الكبرى للنسائي: ج ٤ ص ٣٩٥ ح ٧٦٦٨، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٣٢٥ ح ٨٩٦٩ كلها عن أبي هريره، كنز العمال: ج
٢ ص ١٩٤ ح ٣٧١٥.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر یک از شما هنگامی که خواست بخوابد، بگوید: «به خداوند یکتا ایمان دارم و به شیطان کافر. وعده خدا راست است و پیامبران، راست گفته اند. بار خدایا! از پیشامدهای این شب، به تو پناه می برم، مگر پیشامد خوب».

امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام خفتن می گفت: «بار خدایا! پناه می برم به روی گرامی تو و به کلمات تاقت، از گزند هر آنچه کاکل آن در دست توست ...».

المعجم الصغیر به نقل از عایشه: پیامبر خدا هر گاه به بستر می رفت، می گفت: «بار خدایا! به تو پناه می برم از شرّ اغوا کننده و از خفتن با گرسنگی (۱)».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن گاه که به بسترش می رفت: بار خدایا! ای پروردگار آسمان ها و ای پروردگار زمین، و ای پروردگار همه چیز! ای شکافنده دانه و هسته! ای فرو فرستنده تورات و انجیل و قرآن! از گزند هر گزندسانی که مهارش در دست توست، به تو پناه می برم.

۱- احتمال دارد منظور، خوابیدن از شدت گرسنگی باشد. احتمال هم دارد کنایه از ناداری و تهی دستی باشد و ممکن است کنایه از چنان ناتوانی ای باشد که شخص، رمق بر آوردن هیچ حاجتی را ندارد.

المعجم الكبير عن جندب بن عبد الله: سافرنا مع رسول الله صلى الله عليه وآله سَيفراً فَأَتَاهُ قَوْمٌ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَهَوْنَا عَنِ الصَّلَاةِ فَلَمْ نُصَلِّ حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَوَضَّؤُوا وَصَلُّوا، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ هَذَا لَيْسَ بِالسَّهْوِ إِنَّ هَذَا مِنَ الشَّيْطَانِ، إِذَا أَخَذَ أَحَدُكُمْ مَضْجَعَهُ مِنَ اللَّيْلِ فَلْيَقُلْ: بِاسْمِ اللَّهِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (١)

الإمام علي عليه السلام: إذا أرادَ أَحَدُكُمْ النَّوْمَ فَلَا يَضَعَنَّ جَنْبَهُ عَلَى الْأَرْضِ حَتَّى يَقُولَ: أَعِيذُ نَفْسِي وَدِينِي، وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَمَالِي، وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي، وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي وَخَوَّلَنِي، بِعِزِّهِ اللَّهُ، وَعَظَمِهِ اللَّهُ، وَجَبْرُوتِ اللَّهِ، وَسُلْطَانِ اللَّهِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ، وَرَأْفَةِ اللَّهِ، وَغُفْرَانِ اللَّهِ، وَقُوَّةِ اللَّهِ، وَقُدْرَةِ اللَّهِ، وَجَلَالِ اللَّهِ، وَبِضَيْعِ اللَّهِ، وَأَرْكَانِ اللَّهِ، وَبِجَمْعِ اللَّهِ، وَبِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِقُدْرَةِ اللَّهِ عَلَى مَا يَشَاءُ، مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ (٢)، وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَدْبُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. (٣)

كنز العمال عن أبي عبيد الله الجدلي: كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أُوِيَ إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: «عُدْتُ بِالَّذِي يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ. (٤)

- ١- المعجم الكبير: ج ٢ ص ١٧٦ ح ١٧٢٢، كنز العمال: ج ٨ ص ٢٢٩ ح ٢٢٦٨١ و ج ٧ ص ٥٤٠ ح ٢٠١٥٦.
- ٢- الهامة: كل ذات سم يقتل، وأما ما يسم ولا يقتل فهو السامة، كالعقرب والزنبور (النهاية: ج ٥ ص ٢٧٥ «همم»).
- ٣- الخصال: ص ٦٣١ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، عدّه الداعي: ص ٢٦٦ ح ٩، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٩١ ح ١.
- ٤- كنز العمال: ج ١٥ ص ٥١١ ح ٤١٩٩٢ نقلاً عن الخرائطي في مكارم الأخلاق.

المعجم الكبير به نقل از جنبد بن عبد الله: با پیامبر خدا به سفری رفتیم. عده ای نزد ایشان آمدند و گفتند: ای پیامبر خدا! از نماز غافل گشتیم و نماز نخواندیم، تا آن که خورشید طلوع کرد. پیامبر خدا فرمود: «وضو سازید و نماز بگزارید» و سپس فرمود: «این، از غفلت نیست. این، کار شیطان است. هر گاه یکی از شما شب به بسترش رفت، بگوید: به نام خدا. از شیطان رانده شده، به خدا پناه می برم.»

امام علی علیه السلام: هر گاه یکی از شما خواست بخوابد، پیش از آن که پهلویش را بر زمین نهد، بگوید: «خودم و دینم را و زن و فرزندان و دارایی ام را و آخرین اعمالم را و آنچه را که پروردگارم روزی ام کرده و به من داده است، در پناه عزت خدا و بزرگی خدا و اقتدار خدا و سلطنت خدا و مهر خدا و رأفت خدا و آمرزش خدا و نیروی خدا و توانایی خدا و شکوه خدا و سازندگی خدا و ارکان خدا و جمع [کردن] خدا، و در پناه پیامبر خدا و در پناه توانا بودن خدا بر آنچه می خواهد، در می آورم، از گزند زهرداران ناگشوده و کُشنده، و از گزند جن و انس، و از گزند هر آنچه بر روی زمین می جنبد و آنچه از زمین بیرون می آید، و از گزند هر آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه به آسمان بالا می رود، و از گزند هر جانوری که پیشانی (سرنوشت) آن، در دست توست. به راستی که پروردگار من، بر راه راست است و او بر هر چیزی تواناست، و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ.»

کنز العمال به نقل از عبید الله جدلی: علی بن ابی طالب علیه السلام هر گاه به بسترش می رفت، هفت بار می گفت: «به آن خدایی که آسمان را از افتادن بر زمین نگه داشته است (مگر او خود اجازه اش دهد)، پناه می برم از شیطان رانده شده.»

الإمام زين العابدين عليه السلام: مَنْ قَالَ إِذَا أُوِيَ إِلَى فِرَاشِهِ: «اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَا شَيْءَ قَبْلَكَ ... أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» نَفَى اللَّهُ عَنْهُ الْفَقْرَ، وَصَرَفَ عَنْهُ شَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ. (١)

الكافي عن مفضل بن عمر: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ اسْتَطَعْتَ أَلْمَا تَبَيْتَ لَيْلَهُ حَتَّى تَعُوذَ بِأَحَدِ عَشَرَ حَرْفًا. قُلْتُ: أَخْبِرْنِي بِهَا؟ قَالَ: قُلْ: «أَعُوذُ بِعِزِّهِ اللَّهُ، وَأَعُوذُ بِقُدْرَتِهِ اللَّهُ، وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِجَمَالِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِدَفْعِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِمَنْعِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِمُلْكِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَبَرَأَ وَذَرَأَ»، وَتَعُوذُ بِهِ كُلَّمَا شِئْتَ. (٢)

كتاب من لا يحضره الفقيه عن محمد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام: لَا يَدْعُ الرَّجُلُ أَنْ يَقُولَ عِنْدَ مَنَامِهِ: «أُعِيدُ نَفْسِي وَذُرِّيَّتِي، وَأَهْلَ بَيْتِي وَمَالِي، بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَاتِ، مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَةٍ» فَذَلِكَ الَّذِي عَوَّذَ بِهِ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. (٣)

ج الاستيقاظ رسول الله صلى الله عليه وآله إذا قام من الليل: أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، مِنْ هَمْزِهِ (٤) وَنَفْخِهِ (٥). (٦)

- ١- فلاح السائل: ص ٤٩٤ ح ٣٤٥ عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢١٤ ح ٢٣.
- ٢- الكافي: ج ٢ ص ٥٣٧ ح ٩، فلاح السائل: ص ٤٧٧ ح ٣٢٣، طب الأئمة لابني بسطام: ص ١١٩، مصباح المتهجد: ص ١٢٠، البلد الأمين: ص ٣٣، المصباح للكفعمي: ص ٦٦ والثلاثة الأخيره من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٠٥ ح ٢٣.
- ٣- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٧٠ ح ١٣٥٢، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١١٦ ح ٤٣٦ وليس فيه «الحسن و»، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٤٤ ح ٢١٠١، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٩٦ ح ١٢.
- ٤- همزات الشياطين: خطراته التي يخطر بها قلب الإنسان (الصحاح: ج ٣ ص ٩٠٢ «همز»).
- ٥- النَّفْثُ: قذف الريق القليل، وهو أقل من التفل (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٨١٦ «نفث»).
- ٦- سنن أبي داود: ج ١ ص ٢٠٦ ح ٧٧٥، سنن الترمذي: ج ٢ ص ١٠ ح ٢٤٢، سنن الدارمي: ج ١ ص ٣٠٠ ح ١٢١٩، صحيح ابن خزيمة: ج ١ ص ٢٣٨ ح ٤٦٧ كلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٠٤ ح ٣٧٦٦.

ج بیدار شدن از خواب

امام زین العابدین علیه السلام: هر کس هنگامی که به رخت خوابش می رود، بگوید: «بار خدایا! تو نخستینی و چیزی پیش از تو نیست از گزند هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن، در دست توست، به تو پناه می برم، که تو به راه راستی»، خداوند فقر را از او می برد، و خطر هر جنبنده ای را از او می گرداند.

الکافی به نقل از مفضل بن عمر: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «تا می توانی، هیچ شبی سر بر بالین مگذار، مگر آن که با یازده کلمه به خدا پناه ببری». گفتم: مرا از آنها آگاه کنید. فرمود: «بگو: به عزت خدا پناه می برم، به توانایی خدا پناه می برم، به شکوه خدا پناه می برم، به سلطنت خدا پناه می برم، به زیبایی خدا پناه می برم، به دفع خدا [از بدی و عذاب] پناه می برم، به بازدارندگی خدا پناه می برم، به جمع کردن خدا پناه می برم، به دارایی خدا پناه می برم، به روی خدا پناه می برم و به پیامبر خدا پناه می برم از گزند آنچه خدا آفریده و پدید آورده و ایجاد کرده است. هر زمان که خواستی، به اینها پناه ببر و اینها به اوقات معینی اختصاص ندارند».

کتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از محمد بن مسلم، از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: شخص در هنگام خوابیدن، این دعا را فرو نگذارد: «خودم و فرزندانم را و خانواده ام و دارایی ام را در پناه کلمات کامل خدا در آوردم از هر شیطانی و هر گزنده کشنده ای، و از هر چشم زخم زننده ای»؛ زیرا این، دعایی است که جبرئیل علیه السلام حسن و حسین علیهما السلام را با آن تعویذ کرد.

ج بیدار شدن از خواب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه شب بر می خاست: به خدای شنوای دانا پناه می برم از شیطانِ رانده شده، از وسوسه ها و القائات و زهرافکنی او.

عنه صلى الله عليه وآله أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا اسْتَيْقَظَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ وَنُورَهُ ، وَهُدَاهُ وَبَرَكَتَهُ ، وَطَهْرَهُ وَمُعَافَاتِهِ ،
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهُ وَخَيْرَ مَا فِيهِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ . (١)

د الرُّؤْيَا الْمَكْرُوهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ رَأَى فِي مَنَامِهِ خَيْرًا فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ وَلْيَشْكُرْهُ ، وَمَنْ رَأَى غَيْرَ ذَلِكَ فَلْيَسْتَعِذْ
بِاللَّهِ فَلَا يَذْكُرْهَا ، فَإِنَّهَا لَا تَضُرُّهُ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ فِي مَنَامِهِ مَا يَكْرَهُ ، فَلْيَنْفُثْ (٣) عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثًا ، وَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِمَّا رَأَى . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله : إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ رُؤْيَا يَكْرَهُهَا فَلْيَتَحَوَّلْ ، وَلْيَتْفَلَّ عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثًا ، وَلْيَسْأَلِ اللَّهَ مِنْ خَيْرِهَا ، وَلْيَتَعَوَّذْ مِنْ
شَرِّهَا . (٥)

١- مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٩٤ ح ١٨١ ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٢٠٢ ح ١٩ .

٢- كنز العمال : ج ١٥ ص ٣٧٣ ح ٤١٤٣٧ نقلًا عن الدارقطني في الأفراد عن أبي هريره .

٣- فلينفث ؛ أى فليتنفل تفلاً خفيفاً وإن لم يخرج معه شيء من البزاق (بحار الأنوار : ج ٦١ ص ١٩٣) .

٤- السنن الكبرى للنسائي : ج ٦ ص ٢٢٥ ح ١٠٧٤١ ، المعجم الكبير : ج ٢٣ ص ٢٦٠ ح ٥٤٤ كلاهما عن أم سلمه ، كنز العمال
: ج ١٥ ص ٣٧٣ ح ٤١٤٣٥ .

٥- سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٨٦ ح ٣٩١٠ عن أبي هريره وح ٣٩٠٩ عن أبي قتاده ، وح ٣٩٠٨ عن جابر بن عبد الله وكلاهما
نحوه ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٣٦٣ ح ٤١٣٨٧ .

د دیدن خواب ناخوش

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن گاه که از خواب بیدار می شد: بار خدایا! خوبیِ این روز و روشنایی آن را و هدایت و برکتش را و پاکی و سلامتیش را از تو درخواست می کنم. بار خدایا! خوبیِ این روز و خوبی آنچه را در آن است، از تو می خواهم و از بدی آن و بدی روزهای پس از آن، به تو پناه می برم.

د دیدن خواب ناخوش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خواب خوشی دید، خدا را بستاید و سپاسش بگوید، و هر کس غیر آن دید، به خدا پناه برد و خوابش را بازگو نکند، که در این صورت، به او آسیبی نخواهد رساند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما خواب ناخوشایندی دید، سه بار در سمت چپ خود، بدمد ۱ و از آنچه دیده است، به خدا پناه برد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما خواب ناخوشایندی دید، به پهلوئی دیگر بچرخد و سه بار در سمت چپش آب دهان بیندازد و از خدا خیر بودن آن خواب را بخواهد و از شرّ آن به او پناه برد.

عنه صلى الله عليه و آله : إذا رأى أحدكم رؤيا يُحِبُّهَا فَإِنَّمَا هِيَ مِنَ اللَّهِ ، فَلِيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَيْهَا وَلِيُحَدِّثَ بِهَا ، وَإِذَا رَأَى غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا يَكْرَهُ فَإِنَّمَا هِيَ مِنَ الشَّيْطَانِ ، فَلْيَسْتَعِذْ مِنْ شَرِّهَا وَلَا يَذْكُرْهَا لِأَحَدٍ ، فَإِنَّهَا لَا تَضُرُّهُ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :الرُّؤْيَا الْحَسَنَةُ مِنَ اللَّهِ ، فَإِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ مَا يُحِبُّ فَلَا يُحَدِّثُ بِهِ إِلَّا مَنْ يُحِبُّ ، وَإِذَا رَأَى مَا يَكْرَهُ فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهَا وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ ، وَلْيَتَفَلَّ ثَلَاثًا ، وَلَا يُحَدِّثُ بِهَا أَحَدًا ، فَإِنَّهَا لَنْ تَضُرَّهُ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : إذا رأى أحدكم رؤيا يكرهها فليتنفل عن يساره ثلاث مراتٍ ، ثم ليقل : «اللهم إني أعوذ بك من علم الشيطان ، وسيئات الأحلام» ، فإنها لا تكون شيئا . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله : إذا رأى أحدكم في منامه ما يكره فليقل : «أعوذ بما عادت به ملائكة الله ورُسُلُهُ مِمَّا رَأَيْتُ فِي مَنَامِي هَذَا ، أَنْ يُصِيبَنِي بَلَاءٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» ، وَلْيَتَفَلَّ عَنْ شِمَالِهِ ثَلَاثًا ، فَإِنَّهَا لَا تَضُرُّهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى . (٤)

الإمام الباقر عليه السلام : قال رسول الله صلى الله عليه و آله لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي رُؤْيَاهَا الَّتِي رَأَتْهَا : قَوْلِي : «أَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ ، وَأَنْبِيَآؤُهُ الْمُرْسَلُونَ ، وَعِبَادَةُ الصَّالِحِينَ ، مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ ، أَنْ يُصِيبَنِي مِنْهُ سُوءٌ أَوْ شَيْءٌ أَكْرَهُهُ» ، ثُمَّ انْقَلِبِي (٥) عَنْ يَسَارِكِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ . (٦)

١- . صحيح البخارى : ج ٦ ص ٢٥٦٣ ح ٦٥٨٤ و ص ٢٥٨٢ ح ٦٦٣٨ ، سنن الترمذى : ج ٥ ص ٥٠٥ ح ٣٤٥٣ ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ١٩ ح ١١٠٥٤ ، السنن الكبرى للنسائى : ج ٦ ص ٢٢٣ ح ١٠٧٢٩ كلها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٣٦٥ ح ٤١٣٩٦ .

٢- . صحيح البخارى : ج ٦ ص ٢٥٨٢ ح ٦٦٣٧ ، صحيح مسلم : ج ٤ ص ١٧٧٢ ح ٤ ، مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٣٧٣ ح ٢٢٦٤٦ ، سنن الدارمى : ج ١ ص ٥٦١ ح ٢٠٦٦ كلها عن أبى قتاده وفيها «الصالحه» بدل «الحسنه» ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٣٧٢ ح ٤١٤٣١ ؛ عدّه الداعى : ص ٢٦١ عن أبى قتاده ، بحار الأنوار : ج ٦١ ص ١٧٤ ح ٣٤ .

٣- . كذا فى المصدر ، وفى الأذكار للنوى : «عمل الشيطان» .

٤- . عمل اليوم والليلة لابن السنّى : ص ٢٦٩ ح ٧٧٠ عن أبى هريره ، الأذكار للنوى : ص ٩٥ ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٣٦٤ ح ٤١٣٨٨ .

٥- . كنز العمال : ج ١٥ ص ٣٧٣ ح ٤١٤٣٦ نقلاً عن الفردوس عن أبى هريره .

٦- . فى فلاح السائل : «واتفلى» بدل «وانقلى» . وقال العلامة المجلسى قدس سره معلقاً : الظاهر أنه كان «ثم اتفلى عن يسارك ثلاث مرّات» وعليه لعل المراد الانقلاب عن اليمين إلى اليسار ثلاث مرّات ؛ بأن ينقلب أولاً إلى اليسار ثم إلى اليمين ثم إلى اليسار وهكذا ، ويحتمل أن يكون متعلقاً بالقول فقط ؛ أى يقوله ثلاث مرّات ثم ينقلب (مرآه العقول : ج ٢٥ ص ٣٤٣) .

٧- . الكافى : ج ٨ ص ١٤٢ ح ١٠٧ عن أبى الورد ، فلاح السائل : ص ٥٠٢ ح ٣٥٨ عن عبد الله بن عثمان عن الإمام الباقر

والصديق عليهما السلامنحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٢٢٠ ح ٢٩ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه یکی از شما خوابی دید که دوست دارد، آن خواب از خداست. پس خدا را بر آن بستاید و خوابش را بازگو کند، و هر گاه خوابی دید که دوست ندارد، آن خواب از جانب شیطان است. پس، از شرّ آن به خدا پناه ببرد و برای کسی بازگویی نکند، که در این صورت، به او آسیبی نخواهد رساند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رؤیای خوب، از جانب خداست. پس هر گاه یکی از شما خوابی دید که دوست دارد، آن را جز به کسی که دوستش دارد، نگوید، و هر گاه خوابی دید که دوست ندارد، از شرّ آن و از شرّ شیطان، به خدا پناه ببرد و سه مرتبه آب دهان بیندازد و خوابش را به کسی نگوید؛ زیرا در این صورت، هرگز به او آسیبی نخواهد رساند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما خواب بدی دید، سه مرتبه از سمت چپ خود، آب دهان بیندازد و سپس بگوید: «بار خدایا! از آگاهی شیطان و رؤیاهای بد، به تو پناه می برم». در این صورت، اتّفاقی نخواهد افتاد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه کسی از شما در خوابش چیزی دید که خوش ندارد، بگوید: «از آنچه در این خوابم دیدم، پناه می برم به چیزی که فرشتگان خدا و پیامبرانش به آن پناه بردند، از این که در دنیا و آخرت به من صدمه ای رسد» و سه بار از سمت چپ خود، آب دهان بیندازد. در این صورت، به خواست خدا، صدمه ای به او نخواهد رسید.

امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا به فاطمه علیها السلام در باره خوابی که دیده بود، فرمود: «بگو: پناه می برم به آنچه فرشتگان مقرب خدا، و پیامبران فرستاده او و بندگان شایسته اش پناه بردند، از شرّ خوابی که امشب دیدم، از این که از آن به من صدمه ای یا ناخوشایندی ای رسد». سپس، سه مرتبه از سمت چپ بچرخ. (۱)

۱- در فلاح السائل، به جای «انقلبی (بچرخ)»، «اتفلی (آب دهان بینداز)» آمده است. علامه مجلسی رحمه الله در توضیح مطلب می گوید: ظاهر، این است که: «سپس از سمت چپ، سه بار آب دهان بینداز». ... بنا بر این، شاید مراد از چرخ زدن، سه بار برگشتن از دست راست به دست چپ باشد، به این ترتیب که اول به سمت چپ برگردد، سپس به راست و سپس به چپ و به همین ترتیب. احتمال هم دارد که عبارت سه مرتبه، به گفتن مربوط باشد؛ یعنی سه مرتبه آن جملات را بگوید و سپس برگردد.

الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ جَبْرَائِيلُ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قُلْ يَا مُحَمَّدُ إِذَا رَأَيْتَ فِي مَنَامِكَ شَيْئًا تَكْرَهُهُ، أَوْ رَأَى أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَلْيَقُلْ: «أَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ، وَأَنْبِيَاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ، وَعِبَادُهُ الصَّالِحُونَ، مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ مِنْ رُؤْيَايَ»، وَيَقْرَأُ الْحَمْدَ، وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ، وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَيَتْفُلُّ عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثَ تَفْلَاتٍ، فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّهُ مَا رَأَى. (١)

عنه عليه السلام: إِذَا رَأَى الرَّجُلُ مَا يَكْرَهُهُ فِي مَنَامِهِ فَلْيَتَحَوَّلْ عَنْ شِقِّهِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ نَائِمًا وَلْيَقُلْ: «إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ لَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا مَا بِإِذْنِ اللَّهِ» (٢) ثُمَّ لْيَقُلْ: عِيدَتْ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ، وَأَنْبِيَائُهُ الْمُرْسَلُونَ، وَعِبَادُهُ الصَّالِحُونَ، مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ، وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (٣)

١- تفسير القمى: ج ٢ ص ٣٥٦ عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٤٣ ص ٩١ ح ١٤.

٢- المجادلة: ٩.

٣- الكافي: ج ٨ ص ١٤٢ ح ١٠٦، فلاح السائل: ص ٥٠١ ح ٣٥٧ كلاهما عن معاوية بن عمّار، مصباح المتعبد: ص ١٢٧ ح ٢٠٦ نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢١٩ ح ٢٨.

امام صادق علیه السلام: جبرئیل به محمّد صلی الله علیه و آله گفت: ای محمّد! هر گاه تو یا یکی از مؤمنان، خواب ناخوشایندی دیدی، بگو: «از شرّ خوابی که دیدم، به چیزی پناه می برم که فرشتگان مقرب خدا و پیامبران فرستاده خدا و بندگان نیک او به آن پناه بردند» و سوره های حمد و معوذتین و «قل هو الله احد» را بخوانید و از سمت چپ خود، سه بار آب دهان بیندازید، که در این صورت، خوابی که دیده اید، به شما گزندی نخواهد رساند.

امام صادق علیه السلام: هر گاه مردی خواب بدی دید، از آن سمت بدنش که خوابیده است، به سمت دیگر برگردد و بگوید: «به راستی که نجوا کردن، کار شیطان است تا مؤمنان را اندوهگین سازد، در حالی که به آنان هیچ گزندی نمی زند، مگر با اجازه خدا» و سپس بگوید: «از گزند خوابی که دیدم و از گزند شیطان رانده شده به آن پناه می برم که فرشتگان مقرب خدا و پیامبران فرستاده او و بندگان شایسته اش پناه بردند».

ه الفَرْعُ وَالْوَحْشَهُ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ: إِنْ فَرَعَتْ مِنَ اللَّيْلِ فَقُلْ عَشْرَ مَرَّاتٍ: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ مِنْ غَضَبِهِ ، وَمِنْ عِقَابِهِ ، وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ [وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ] (١) أَنْ يَحْضُرُونِ» فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَأْمُرُ بِهِ . (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا أَصَابَ أَحَدًا مِنْكُمْ وَحْشَةٌ ، أَوْ نَزَلَ بِأَرْضٍ مَجَنَّةٍ (٣) فَلْيَقُلْ : أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا - فَاجِرٌ ، مِنْ شَرِّ مَا يَلْتَجِعُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يُخْرِجُ مِنْهَا ، وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ، وَمِنْ فِتْنِ اللَّيْلِ وَمِنْ طَوَارِقِ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ . (٤)

و الْمُصَيَّبُهَا لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دُعَاءٍ يَلْحِجُّ فِيهِ إِلَى اللَّهِ لِيَهْدِيَهُ إِلَى الرَّشَادِ : اللَّهُمَّ إِنَّكَ آتَسُ الْآنِسِينَ لِأَوْلِيَائِكَ ... إِنْ أَوْحَشَتْهُمْ الْغُرْيَةَ آتَسِيَهُمْ ذِكْرُكَ ، وَإِنْ صُيِّبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَصَائِبُ لَحِوْا إِلَى الْإِسْتِجَارَةِ بِكَ ، عَلِمًا بِأَنَّ أَرْزَمَةَ الْأُمُورِ بِيَدِكَ ، وَمَصَادِرُهَا عَن قَضَائِكَ . (٥)

عنه عليه السلام: إلهي ، كُلُّ مَكْرُوبٍ إِلَيْكَ يَلْتَجِي ، وَكُلُّ مَحْرُومٍ لَكَ يَرْتَجِي . (٦)

-
- ١- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .
 - ٢- مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٤٥ ح ٢١٠٤ ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ١٩٦ ح ١٢ .
 - ٣- أرض مجنَّة : ذات جن (الصحاح : ج ٥ ص ٢٠٩٤ «جن»).
 - ٤- الدرر المنتور : ج ٨ ص ٣٠٠ نقلًا عن أبي نصر السجزي في الإبانة عن ابن عباس ؛ بحار الأنوار : ج ٦٣ ص ١١٩ ح ٩٩ .
 - ٥- نهج البلاغة : الخطبه ٢٢٧ ، مصباح المتهجد : ص ٣٥٥ ح ٤٧٣ ، جمال الأسبوع : ص ٢٣٧ كلاهما عن الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٣٢٩ ح ٤٠ .
 - ٦- المزار الكبير : ص ١٥٢ ، المزار للشهيد الأوّل : ص ٢٧٤ كلاهما عن ميثم ، البلد الأمين : ص ٣١٣ عن الإمام فالعسكري عن آباؤه عليهم السلام وفيه «محزون» بدل «محروم» ، بحار الأنوار : ج ١٠٠ ص ٤٥١ ح ٢٦ .

ه ترس و دلهره و مصیبت

ه ترس و دلهره مکارم الأخلاق: اگر از شب ترسیدی، ده مرتبه بگو: «پناه می برم به کلمات خدا از خشم او و از کيفرش و از گزند بندگانش و از وسوسه های شیاطین [و به تو پناه می برم ای پروردگار من] از این که شیاطین، نزد من آیند»؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله به این کار دستور می داد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما وحشت زده شد، یا در سرزمینی جن دار فرود آمد، بگوید: «به کلمات کامل خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از آنها فراتر نمی رود، پناه می برم از گزند هر آنچه در زمین فرو می رود و آنچه از آن برون می آید، و آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه در آن بر می شود، و از فتنه های شب و پیشامدهای روز، مگر پیشامد خوب».

و مصیبت امام علی علیه السلام در دعایی که در آن به خدا پناه می برد تا او را به راستی و درستی، ره نمون شود: بار خدایا! تو برای دوستانت، انیس ترین انیسانی ... اگر تنهاییِ غربتِ آنان را فراگیرد، یاد تو مونس ایشان است و اگر مصیبت ها بر آنان فرو ریزد، به حمایت خواهی از تو پناه می برند؛ چرا که می دانند زمام کارها در دست توست و خاستگاه آنها، فرمان توست.

امام علی علیه السلام: معبود من! هر غم زده ای به تو پناه می آورد و هر محرومی، امیدش به توست.

ز المَرَضُرسول الله صلى الله عليه وآله: ضَع يَدَكَ عَلَى الَّذِي تَأَلَّمَ مِنْ جَسَدِكَ ، وَقُل : «بِاسْمِ اللَّهِ» ثَلَاثًا ، وَقُل سَبْعَ مَرَّاتٍ : «أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ» . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ أَلْمًا فَلْيَضَعْ يَدَهُ حَيْثُ يَجِدُ أَلْمَهُ ، ثُمَّ لِيَقُلْ سَبْعَ مَرَّاتٍ : أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ ، مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ . (٢)

مكارم الأخلاق: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا رَأَى فِي جِسْمِهِ بَثْرَةً (٣) عَاذَ بِاللَّهِ ، وَاسْتَكَانَ لَهُ ، وَجَارَ (٤) إِلَيْهِ ، فَيُقَالُ لَهُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هُوَ بِأَسُّ ! فَيَقُولُ : إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُعْظِمَ صَغِيرًا عَظَّمَ ، وَإِذَا أَرَادَ أَنْ يُصَغِّرَ عَظِيمًا صَغَّرَ . (٥)

سنن الترمذى عن ابن عباس: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يُعَلِّمُهُمْ مِنَ الْحُمَى وَمِنَ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا أَنْ يَقُولَ : بِاسْمِ اللَّهِ الْكَبِيرِ ، أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ، مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَعَارٍ (٦) ، وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ . (٧)

١- . صحيح مسلم: ج ٤ ص ١٧٢٨ ح ٦٧ ، السنن الكبرى للنسائى: ج ٦ ص ٢٤٩ ح ١٠٨٣٩ ، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١١٦٤ ح ٣٥٢٢ وليس فيه «ثلاثا» ، صحيح ابن حبان: ج ٧ ص ٢٣١ ح ٢٩٦٤ و ص ٢٣٣ ح ٢٩٦٧ كلها عن عثمان بن أبى العاص ، كنز العمالي: ج ١٠ ص ٦٢ ح ٢٨٣٧٤ ؛ مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٤٥ ح ٢٥٩١ نحوه وليس فيه «ثلاثا وقل سبع مرات» ، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٦ ح ١٦ .

٢- . مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ٣٣٩ ح ٢٧٢٤٩ ، المعجم الكبير: ج ١٩ ص ٩٣ ح ١٧٩ ، الدعاء للطبرانى: ص ٣٤٥ ح ١١٣٤ كلها عن كعب بن مالك ، كنز العمال: ج ١٠ ص ٥٨ ح ٢٨٣٤٧ .

٣- . بَثْرُ الْجِلْدِ: خَرَجَ بِهِ خُرُوجَ صَغِيرٍ ، وَاحِدَتُهُ: بَثْرَةٌ (المصباح المنير: ص ٣٦ «بثر»).

٤- . الْجَوَارُ: رَفَعُ الصَّوْتِ وَالِاسْتِغَاثَةُ ، جَارٌ يَجَارُ (النهاية: ج ١ ص ٢٣٢ «جأر»).

٥- . مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٦٩ ح ٢٤١٥ ، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢١١ ح ٣٠ .

٦- . عِرْقٌ نَعَارٌ: فَارَ مِنْهُ الدَّمُ ، أَوْ صَوَّتَ لِخُرُوجِ الدَّمِ (القاموس المحيط: ج ٢ ص ١٤٥ «نعر»).

٧- . سنن الترمذى: ج ٤ ص ٤٠٥ ح ٢٠٧٥ ، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١١٦٥ ح ٣٥٢٦ ، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٦٤٣ ح ٢٧٢٩ ، المستدرک على الصحيحين: ج ٤ ص ٤٥٩ ح ٨٢٧٤ ، كنز العمال: ج ٧ ص ١٣٥ ح ١٨٣٧٠ ؛ بحار الأنوار: ج ٦٣ ص ٢٠ ح ١٢ نقلًا عن الشهاب .

ز بیماری

ز بیماری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دستت را بر جایی از بدنت که درد می کند، بگذار و سه بار بگو: «به نام خدا» و هفت بار بگو: «به خدا و توانایی او پناه می برم از گزند آنچه احساس می کنم و می پرهیزم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما دردی داشت، دست خود را بر موضع دردش بگذارد و سپس هفت بار بگوید: «به عزت خدا و توانایی او بر هر چیز، پناه می برم از شر آنچه احساس می کنم».

مکارم الأخلاق: پیامبر خدا هر گاه در بدن خود، جوش چرکینی می دید، به خدا پناه می برد و بر این خواری می نمود و به درگاهش زار می زد. به ایشان می گفتند: این که چیز مهمی نیست، ای پیامبر خدا! ایشان می فرمود: «خداوند اگر بخواهد کوچکی را بزرگ کند، بزرگش می سازد و اگر بخواهد بزرگی را کوچک کند، کوچکش می گرداند».

سنن الترمذی به نقل از ابن عباس: پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان می آموخت که هنگام تب و هر دردی بگویند: «به نام خدای بزرگ. پناه می برم به خدای با عظمت از گزند هر رگ جهنده ای، و از گزند گرمای آتش».

مكارم الأخلاق عن ابن عباس: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُعَلِّمُنَا مِنَ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا وَالْحُمَى وَالصُّدَاعَ: بِاسْمِ اللَّهِ الْكَبِيرِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ عَرِقٍ نَعَّارٍ، وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ. وَإِذَا رَفَعْتَ يَدَكَ فَقُلْ: بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَى مَا يَشَاءُ، مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ. (١)

الإمام الباقر عليه السلام: إِذَا اشْتَكَى الْإِنْسَانُ فَلْيَقُلْ: بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَمُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَعُوذُ بِعِزِّهِ اللَّهُ، وَأَعُوذُ بِقُدْرَتِهِ اللَّهُ عَلَى مَا يَشَاءُ، مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ. (٢)

الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: إِذَا دَخَلْتَ عَلَى مَرِيضٍ فَقُلْ: «أُعِيدُكَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ عَرِقٍ نَعَّارٍ (٣)، وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ. (٤)

طَبَّ الْأَثَمَةَ لابْنِي بَسْطَامَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ: دَخَلَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ عَرَّضَ لَهُ حَبْلٌ (٥)، فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَدْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ إِذَا أُوتِيَ إِلَى فِرَاشِكَ: بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَنَامِي وَيَقَظَّتِي، أَعُوذُ بِعِزِّهِ اللَّهُ وَجَلَالِهِ مِمَّا أَجِدُ وَأُحْذَرُ. (٦)

مكارم الأخلاق عن عثمان بن عيسى: شَكَا رَجُلٌ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ بِي زَحِيرًا (٧) لَا يَسْكُنُ! فَقَالَ: إِذَا فَرَعْتَ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ فَقُلْ: اللَّهُمَّ مَا كَانَ مِنْ خَيْرٍ فَمِنْكَ لَا حَمْدَ لِي فِيهِ، وَمَا عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ فَقَدْ خَدَّرْتَنِيهِ وَلَا تُعَذِّرْ لِي فِيهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَتَكَلَّ عَلَى مَا لَا حَمْدَ لِي فِيهِ، أَوْ آمَنَ مَا لَا عُذْرَ لِي فِيهِ. (٨)

- ١- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٦٢ ح ٢٦١٦، الدعوات: ص ٢٠٨ ح ٥٦٥ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢٨ ح ١٢.
- ٢- الكافي: ج ٢ ص ٥٦٧ ح ١٣، طَبَّ الْأَثَمَةَ لابْنِي بَسْطَامَ: ص ٣٩ كلاهما عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٧ ح ٤.
- ٣- في مكارم الأخلاق والمقنع: «نَعَّارٍ» بدل «نَفَّارٍ» وهو الأنسب، كما في أحاديث متقدمه.
- ٤- الكافي: ج ٢ ص ٥٦٧ ح ١٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٤٤ ح ٢٥٨٩ كلاهما عن زراره، طَبَّ الْأَثَمَةَ لابْنِي بَسْطَامَ: ص ١١٨ عن حريز بن عبد الله السجستاني عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، المقنع للصدوق: ص ٥٤، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٢٨ ح ٤٠.
- ٥- الخَبْلُ بسكون الباء: فسادُ الأعضاء، يُقَالُ: خَبَلَ الحَبُّ قلبه: إِذَا أَفْسَدَهُ (النهاية: ج ٢ ص ٨ «خبيل»).
- ٦- طَبَّ الْأَثَمَةَ لابْنِي بَسْطَامَ: ص ١٠٧، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٤٩ ح ٥.
- ٧- الزَّحِيرُ: استطلاق البطن (الصحيح: ج ٢ ص ٦٦٨ «زحر»).
- ٨- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٧٦ ح ٢٦٣٤، الدعوات: ص ١٩٩ ح ٥٤٧، طَبَّ الْأَثَمَةَ لابْنِي بَسْطَامَ: ص ١٠٠ نحوه وفيه «قرقره» بدل «زحيرا»، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٧٦ ح ٢.

مکارم الأخلاق به نقل از ابن عباس: پیامبر صلی الله علیه و آله برای [رفع] کلیه دردها و تب و سردرد، این دعا را به ما می آموخت: «بگو:» به نام خدای بزرگ. به خدای باعظمت، پناه می برم از گزند هر رگ جهنده ای و از گزند گرمای آتش. و هر گاه دستت را بالا بردی، بگو: به نام خدا و به یاری خدا. محمد، پیامبر خداست. به خدا و توانایی او بر هر چیز، پناه می برم از گزند آنچه [از درد] احساس می کنم».

امام باقر علیه السلام: هر گاه انسان دردمند شد، بگوید: «به نام خدا و به کمک خدا. محمد، فرستاده خداست. به عزت خدا پناه می برم و به توانایی خدا بر آنچه می خواهد، پناه می برم از گزند آنچه احساس می کنم».

امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام: هر گاه به نزد بیماری رفتی، هفت بار بگو: «تو را در پناه خدای بزرگ، پروردگار عرش بزرگ، در می آورم از گزند هر رگ آماسیده ای و از گزند تف آتش».

طَبُّ الْأَثَمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ابنا بسطام به نقل از محمد بن ابراهیم: مردی که دچار سستی اندام بود، بر امام صادق علیه السلام درآمد. امام علیه السلام به او فرمود: «هر گاه به بسترت رفتی، این دعا را بخوان: به نام خدا و به یاری خدا. به خدا ایمان آوردم و به اهریمن کافرم. بار خدایا! مرا در خواب و بیداری ام محافظت فرما. به عزت و جلال خدا پناه می برم از آنچه می یابم و [از آن] حذر دارم».

مکارم الأخلاق به نقل از عثمان بن عیسی: مردی به ابوالحسن علیه السلام (۱) شکایت کرد و گفت: مدتی است دچار اسهال هستم و قطع نمی شود. فرمود: «پس از خواندن نماز شب، بگو: بار خدایا! هر خوبی ای که [در من] هست، از توست و هیچ ستایشی در باره آن متوجه من نیست، و هر بدی که انجام داده ام، تو [پیش تر] مرا از آن پرهیز داده ای و در انجام دادن آن، عذری ندارم. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که به چیزی تکیه کنم که در آن، ستایشی متوجه من نیست، یا از چیزی در امان باشم که مرا در آن، عذری نیست».

۱- منظور، امام کاظم یا امام رضا علیهما السلام است.

ح الإحتضارُ طَبَّ الأئمَّة لابنى بسطام عن حريز بن عبد الله عن الإمام الباقر عليه السلام: إذا دَخَلْتَ عَلَى مَرِيضٍ وَهُوَ فِي النَّزَعِ الشَّدِيدِ فَقُلْ لَهُ: أُدْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ يُخَفِّفِ اللَّهُ عَنْكَ: «أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، رَبِّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ، مِنْ كُلِّ عَرِقٍ نَفَّارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ لَقْنَهُ كَلِمَاتِ الْفَرَجِ . (١)

٥ / ١١ تِلْكَ الْأَوْقَاتُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا الإمام الصادق عليه السلام: تَقُولُ: «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ، إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» عَشْرَ مَرَّاتٍ، قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ، فَإِنْ نَسِيتَ فَصَيِّتْ كَمَا تَقْضِي الصَّلَاةَ إِذَا نَسَيْتَهَا . (٢)

كتاب من لا يحضره الفقيه عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ إبليسَ إِنَّمَا يَبُتُّ جُنُودَ اللَّيْلِ مِنْ حِينَ تَغِيْبُ الشَّمْسُ إِلَى مَغِيْبِ الشَّفَقِ، وَيَبُتُّ جُنُودَ النَّهَارِ مِنْ حِينَ يَطْلُعُ الْفَجْرُ إِلَى مَطْلَعِ الشَّمْسِ . وَذَكَرَ أَنَّ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ: أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي هَاتَيْنِ السَّاعَتَيْنِ، وَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ شَرِّ إبليسَ وَجُنُودِهِ، وَعَوَّذُوا صَهْغَارَكُمْ فِي هَاتَيْنِ السَّاعَتَيْنِ؛ فَإِنَّهُمَا سَاعَتَا غَفْلَةٍ . (٣)

١- .طبَّ الأئمَّة لابنى بسطام: ص ١١٨، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٣٧ ح ٢١ .

٢- .الكافي: ج ٢ ص ٥٣٣ ح ٣١ عن أبي خديجه وح ٣٢ عن محمّد بن مروان، تفسير العياشى: ج ٢ ص ٤٥ ح ١٣٦ عن الحسين بن المختار وح ١٣٧، فلاح السائل: ص ٣٨٦ ح ٢٦٠ عن أبي خديجه وكلّها نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٦٨ ح ٣٨ .

٣- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥٠١ ح ١٤٤٠، الكافي: ج ٢ ص ٥٢٢ ح ٢ نحوه، عدّه الدّاعى: ص ٢٤٢، بحار الأنوار: ج ٦٣ ص ٢٥٧ ح ١٢٧ .

ح فرا رسیدن مرگ

۵ / ۱۱ و در این چند وقت

الف پیش از طلوع و غروب خورشید

ح فرا رسیدن مرگ طَبَّ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، ابنا بسطام به نقل از حریر بن عبد الله امام باقر علیه السلام فرمود : «هر گاه بر مریضی وارد شدی که به سختی در حال جان کندن است ، به او بگو : هفت مرتبه این دعا را بخوان ، که خداوند تو را سُبُک می سازد : به خدای بزرگ ، پروردگار عرش ارجمند ، پناه می برم از هر رگک جهنده ای و از شرّ گرمای آتش دوزخ . سپس کلمات فرج را به او تلقین کن» .

۵ / ۱۱ و در این چند وقتالف پیش از طلوع و غروب خورشید امام صادق علیه السلام : پیش از طلوع و غروب خورشید ، ده مرتبه می گویی : «به خدای شنوای دانا پناه می برم از وسوسه های شیطان ها . پناه می برم به تو ای پروردگارم از این که شیطان ها نزد من آیند . به راستی که خدا شنوای داناست» . اگر فراموش کردی ، قضاییش را به جای آر ، همچنان که نماز را هر گاه فراموش کنی ، قضاییش می نمایی .

کتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از جابر : امام باقر علیه السلام فرمود : «ابلیس ، از زمانی که خورشید غروب می کند تا ناپدید شدن شفق ، سپاهیان شب را [همه سو] می پراکند ، و از طلوع سپیده تا طلوع خورشید ، سپاهیان روز را [همه سو] می پراکند» . و فرمود که پیامبر خدا می فرمود : «در این دو وقت ، خداوند عز و جل را بسیار یاد کنید و از گزند ابلیس و سپاهیانش ، به خدای عز و جل پناه ببرید ، و در این دو وقت ، کودکان خود را در پناه خدا در آوردید ؛ چرا که این دو وقت ، اوقات غفلت اند» .

الكافي عن سليمان الجعفرى: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِذَا أَمْسَيْتَ فَتَنَظَّرْتَ إِلَى الشَّمْسِ فِي غُرُوبٍ وَإِدْبَارٍ فَقُلْ: «بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ... وَأَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْكَرِيمِ، وَبِاسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ، مِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَذَرَأَ، وَمِنْ شَرِّ مَا تَحْتَ الثَّرَى، وَمِنْ شَرِّ مَا بَطَّنَ وَظَهَرَ، وَمِنْ شَرِّ مَا وَصَفْتُ وَمَا لَمْ أَصِفْ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ذَكَرَ أَنَّهَا أَمَانٌ مِنْ كُلِّ سَعٍ، وَمِنْ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَكُلِّ مَا عَضَّ أَوْ لَسَعَ، وَلَا يَخَافُ صَاحِبُهَا إِذَا تَكَلَّمَ بِهَا لَصًّا وَلَا غَوْلًا (١). (٢)

ب كُلِّ صَيْبَاحٍ وَمَسَاءٍ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا أَصْبَحَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ: «أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ، فَتَحَهُ وَنَصَرَهُ، وَنُورَهُ وَبَرَكَتَهُ وَهُدَاهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ، وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ»، ثُمَّ إِذَا أَمْسَى فَلْيَقُلْ مِثْلَ ذَلِكَ. (٣)

-
- ١- الغُولُ: جنس من الجنِّ والشیاطین (النهاية: ج ٣ ص ٣٩٦ «غول»).
 - ٢- الكافي: ج ٢ ص ٥٦٩ ح ٤ و ص ٥٣٢ ح ٣٠ عن عبد الله بن إبراهيم الجعفرى، المحاسن: ج ٢ ص ١١٨ ح ١٣٢٤ كلاهما نحوه، عدّه الداعى: ص ٢٥٤، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٥٩ ح ٢٨.
 - ٣- سنن أبى داوود: ج ٤ ص ٣٢٢ ح ٥٠٨٤، المعجم الكبير: ج ٣ ص ٢٩٦ ح ٣٤٥٣، مسند الشاميين: ج ٢ ص ٤٤٧ ح ١٦٧٥ كلّها عن أبى مالك الأشعري، كنز العمال: ج ٢ ص ١٣٨ ح ٣٤٩٤.

ب هر بام و شام

الكافی به نقل از سلیمان جعفری: از ابو الحسن علیه السلا (۱) شنیدم که می فرماید: «چون هنگام شب رسید و خورشید را در حال غروب کردن و رفتن دیدی، بگو: به نام خدا و به [یاری] خدا... و به روی بزرگوار خدا و به نام خدای بزرگ، پناه می برم از گزند آنچه آفریده و پدید آورده است، و از گزند آنچه زیر خاک است، و از گزند آنچه پنهان و آشکار است، و از گزند آنچه یاد کردم و یاد نکردم، و ستایش، از آن خداست که پروردگار جهانیان است». فرمود: «این دعا، ایمن می دارد از هر درنده و از شیطان رانده شده و فرزندان او، و از هر جانور گاز گیرنده یا گزنده، و گوینده این دعا، هر گاه آن را خواند، از دزد و دیو نترسد [که دیگر از آنان گزند نمی یابد]».

ب هر بام و شام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر یک از شما چون صبح می کند، بگوید: «صبح کردیم، در حالی که پادشاهی، از آن خدا، پروردگار جهانیان، است. بار خدایا! خوبی این روز و گشایش و فیروزی و روشنایی و برکت و هدایت آن را از تو درخواست می کنم و از شر آنچه در این روز است و از شر روزهای پس از آن، به تو پناه می برم». شب که شد نیز همین را بگوید.

المعجم الكبير عن البراء بن عازب: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ وَأَمْسَى: أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسَأُ لَكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ هَذَا الْيَوْمِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَسُوءِ الْكِبَرِ (١)، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ. (٢)

صحيح مسلم عن عبد الله ج بن مسعود ج: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَصْبَحَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمَلِكُ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرِ مَا فِيهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ، وَسُوءِ الْكِبَرِ، وَفِتْنَةِ الدُّنْيَا، وَعَذَابِ الْقَبْرِ. (٣)

مسند أبي يعلى عن أنس: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَدْعُو بِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَصْبَحَ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَجَاءِ الْخَيْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فَجَاءِ الشَّرِّ»، فَإِنَّ الْعَبْدَ لَا يَدْرِي مَا يَفْجُؤُهُ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَصْبَحَ. (٤)

رسول الله صلى الله عليه وآله فيما يُقَالُ عِنْدَ الصُّبْحِ وَالْمَسَاءِ: اللَّهُمَّ... فَإِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ أَنْفُسِنَا، وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَشَرِّهِ، وَأَنْ نَقْتَرِفَ سُوءًا عَلَى أَنْفُسِنَا، أَوْ نَجْرَهُ إِلَى مُسْلِمٍ. (٥)

١- الكِبَرُ فِي السُّنَنِ، وَقَدْ كَبَّرَ الرَّجُلُ كَبْرًا: أَيِ اسْتَنَّ (الصَّحاح: ج ٢ ص ٨٠١ «كبر»).

٢- المعجم الكبير: ج ٢ ص ٢٤ ح ١١٧٠، كنز العمال: ج ٢ ص ١٥٩ ح ٣٥٧٢.

٣- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٨٩ ح ٧٦، سنن الترمذی: ج ٥ ص ٤٦٦ ح ٣٣٩٠، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١٤٨ ح ١٠٤٠٨ كلاهما نحوه، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٤٠ ح ٣، مسند أبي يعلى: ج ٥ ص ٢٥ ح ٤٩٩٣، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٣٣ ح ٤٩٤٩.

٤- مسند أبي يعلى: ج ٣ ص ٣٦٠ ح ٣٣٥٨، كنز العمال: ج ٧ ص ٧١ ح ١٨٠١٠.

٥- سنن أبي داوود: ج ٤ ص ٣٢٢ ح ٥٠٨٣ عن أبي مالك و ص ٣١٧ ح ٥٠٦٧، سنن الترمذی: ج ٥ ص ٥٤٢ ح ٣٥٢٩، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٣٩ ح ٨١، الأدب المفرد: ص ٣٥٢ ح ١٢٠٤ كلّها عن أبي بكر نحوه، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٣٤ ح ٤٩٥٠.

المعجم الكبير به نقل از براء بن عازب: پیامبر خدا هر صبح و شام می گفت: «صبح کردیم، در حالی که پادشاهی، از آن خداست و ستایش، از آن خداست که معبودی جز خدا نیست و یگانه است و بی انباز. بار خدایا! خوبی این روز و خوبی پس از آن را از تو می خواهیم و از بدی این روز و بدی پس از آن، به تو پناه می بریم. بار خدایا! از تبلی و بدی (عوارض) پیری، به تو پناه می برم و از عذاب آتش، به تو پناه می آورم».

صحیح مسلم به نقل از عبد الله [بن مسعود]: پیامبر خدا، هر گاه شب هنگام می رسید، می فرمود: «به شب در آمدیم، در حالی که پادشاهی، از آن خداست. ستایش، از آن خداست که معبودی جز خدا نیست و یگانه است و بی انباز. بار خدایا! خوبی این شب و خوبی آنچه را در آن است، از تو درخواست می کنم و از بدی این شب و بدی آنچه در آن است، به تو پناه می برم. بار خدایا! از سستی و پیری، و بدی سال خوردگی و فریبندگی دنیا و عذاب قبر، به تو پناه می آورم».

مسند ابی یعلیٰ به نقل از انس: پیامبر خدا هر صبح و شام، این دعاها را می خواند: «بار خدایا! غافلگیری خیر را از تو درخواست می کنم و از غافلگیری شر، به تو پناه می برم»؛ چرا که بنده نمی داند چون صبح کرد یا به شب در آمد، چه چیزی او را غافلگیر خواهد کرد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی که هر صبح و شام گفته می شود: بار خدایا! ... به تو پناه می بریم از شرّ نفعمان و از شرّ شیطان رانده شده و شریک شدنش [در اموال و اولادمان]، و از این که مرتکب بدی نسبت به خود شویم، یا آن (بدی) را به سوی مسلمانی بکشانیم.

سنن أبي داوود عن ابن عمر: لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدْعُ هَوْلًا دَعْوَاتِ حِينَ يُمَسِّي وَحِينَ يُصْبِحُ : ... اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي ، وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي وَمِنْ فَوْقِي ، وَأَعُوذُ بِعَظَمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِي يَعْنِي الْخُسْفَ . (١)

رسول الله صلى الله عليه و آله :مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ : «رَبِّي اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ... أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِي يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ ، مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» لَمْ يُصَبِّهْ فِي نَفْسِهِ وَلَا أَهْلِهِ وَلَا مَالِهِ شَيْءٌ يَكْرَهُهُ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ : «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» ، وَقَرَأَ ثَلَاثَ آيَاتٍ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْحَشْرِ ، وَكَلَّمَ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ ، يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يُمَسِّي ، وَإِنْ مَاتَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَاتَ شَهِيدًا . وَمَنْ قَالَهَا حِينَ يُمَسِّي ، كَانَ بِنَتِكَ الْمَنْزِلَةَ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام :إِنَّ عَلَيْنَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، كَانَ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ» ثَلَاثًا ، «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ ، وَمِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ ، وَمِنْ فَجَاءِ نِقْمَتِكَ ، وَمِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ ، وَمِنْ شَرِّ مَا سَبَقَ فِي اللَّيْلِ ...» . (٤)

عنه عليه السلام :إِذَا أَصْبَحْتَ فَقُلْ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ وَبَرَأْتَ فِي بِلَادِكَ وَعِبَادِكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ وَجَمَالِكَ ، وَحِلْمِكَ وَكَرَمِكَ ، كَذَا وَكَذَا . (٥)

١- سنن أبي داوود : ج ٤ ص ٣١٩ ح ٥٠٧٤ ، السنن الكبرى للنسائي : ج ٦ ص ١٤٦ ح ١٠٤٠١ وليس فيه صدره ، الأدب المفرد : ص ٣٥١ ح ١٢٠٠ ، صحيح ابن حبان : ج ٣ ص ٢٤١ ح ٩٦١ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٦٩٨ ح ١٩٠٢ ، كنز العمال : ج ٢ ص ٦٣٦ ح ٤٩٥٧ .

٢- كنز العمال : ج ٢ ص ١٥٩ ح ٣٥٧٣ نقلًا عن ابن السني عن أبي الدرداء .

٣- سنن الترمذی : ج ٥ ص ١٨٢ ح ٢٩٢٢ ، مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ٢٨٧ ح ٢٠٣٢٨ ، المعجم الكبير : ج ٢٠ ص ٢٢٩ ح ٥٣٧ ، تهذيب الكمال : ج ٢٩ ص ٢٩٥ كلها عن معقل بن يسار ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٣٨ ح ٣٤٩١ ؛ جامع الأخبار : ص ١٢٨ ح ٢٤٩ نحوه .

٤- الكافي : ج ٢ ص ٥٢٧ ح ١٦ عن عبد الله بن ميمون و ص ٥٣٢ ح ٣٠ عن عبد الله بن إبراهيم الجعفری عن الإمام الكاظم عليه السلام ، المصباح للكفعمی : ص ١١٧ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وفيهما «الكتاب» بدل «الليل» ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٨٣ ح ٤٦ .

٥- الكافي : ج ٢ ص ٥٢٧ ح ١٥ عن عيسى بن عبد الله ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٩٢ ح ٥٣ .

سنن اُبی داوود به نقل از ابن عمر: پیامبر خدا هر شام و بام، این دعاها را می خواند: ... «بار خدایا! مرا از پیش رو و از پشت سر و از سمت راست و از سمت چپ و از بالای سرم محافظت فرما. به تو پناه می برم که از زیر پایم، ناگهان هلاک شوم». مقصود ایشان، فرو رفتن در کام زمین بود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس هنگامی که صبح می کند، بگوید: «پروردگار من، خداست. معبودی جز او نیست ... به خدایی که نمی گذارد آسمان بر زمین افتد (مگر به اذن او)، پناه می برم از گزند هر جنبنده ای که مهارش در دست توست. به راستی که پروردگار من، بر راه راست است»، پیشامد ناگواری برای خودش و خانواده اش و اموالش نمی افتد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس هنگامی که صبح خود را آغاز می کند، سه مرتبه بگوید: «به خدای شنوای دانا پناه می برم از شیطانِ رانده شده» و سه آیه پایانی سوره حشر را بخواند، خداوند هفتاد هزار فرشته بر او می گمارد که تا شب بر او درود بفرستند، و اگر در آن روز بمیرد، شهید مرده است. و هر کس شب هنگام اینها را بگوید، همین وضع را دارد.

امام صادق علیه السلام: علی علیه السلام که دروذهای خدا بر او باد هرگاه صبح خود را آغاز می کرد، می گفت: «پاکا خدا، آن پادشاه مقدّس! (سه مرتبه). بار خدایا! به تو پناه می برم از زوال یافتن نعمت، و از بین رفتن عافیت، و فرود آمدن ناگهانی کیفیت، و دامنگیر شدن بدبختی. و از شرّ آنچه در شب گذشت ...».

امام صادق علیه السلام: چون صبح کردی، بگو: «بار خدایا! پناه می برم به تو از شرّ آنچه در شهرهایت و بندگانت آفریدی و پدید آوردی و ایجاد کردی. بار خدایا! به حقّ شکوه مندی و زیبایی ات، و بردباری و بزرگواری ات، فلان و بهمان چیز را از تو درخواست می کنم».

عنه عليه السلام: تَقُولُ إِذَا أَصْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ: اللَّهُمَّ بِكَ تُمَسَّى وَبِكَ تُصْبِحُ، وَبِكَ نَحْيَا وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ نَصِيرٌ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَذِلَّ أَوْ أُذَلَّ، أَوْ أَضِلَّ أَوْ أُضِلَّ، أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلِمَ، أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ. (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله فيما يُقَالُ كُلَّ يَوْمٍ عِنْدَ الصُّبْحِ: أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلِمَ، أَوْ أَعْتَدِي أَوْ يُعْتَدَى عَلَيَّ، أَوْ أَكْتَسِبَ خَطِيئَةً مُحِبَّطَةً (٢) أَوْ ذَنْبًا لَا يُعْفَرُ. (٣)

ج كُلُّ يَوْمٍ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَقُولُ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُشْرِكَ وَأَنَا أَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا أَعْلَمُ. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعَ مَرَّاتٍ: «أَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ، وَأَعُوذُ بِهِ مِنَ النَّارِ» إِلَّا قَالَتِ النَّارُ: يَا رَبِّ أَعِذْهُ مِنِّي. (٥)

١- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٣٣٧ ح ٩٨٢ عن عمّار بن موسى، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٨٧ ح ٤٨.

٢- حَبِطَ عَمَلُهُ: بَطُلَ ثَوَابُهُ (الصحاح: ج ٣ ص ١١١٨ «حبط»).

٣- مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ١٥٧ ح ٢١٧٢٤، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٩٧ ح ١٩٠٠ وليس فيه «محبطه»، المعجم الكبير: ج ٥ ص ١١٩ ح ٤٨٠٣ وفيه «مخطئه» بدل «محبطه»، مسند الشاميين: ج ٢ ص ٣٥٢ ح ١٤٨١ وفيه «محيطه» بدل «محبطه» وكلها عن زيد بن ثابت.

٤- مسند أبي يعلى: ج ١ ص ٦١ ح ٥٤ و ص ٦٢ ح ٥٥، تفسير ابن كثير: ج ٤ ص ٣٤٤ كلها عن أبي بكر، الأدب المفرد: ص ٢١٤ ح ٧١٦ عن معقل بن يسار وليس فيها صدره، كنز العمال: ج ٣ ص ٤٧٦ ح ٧٥٠٣.

٥- الدعوات: ص ٣٩ ح ٩٦ عن ربيعه، الأموال للصدوق: ص ١٥٨ ح ١٥٣ عن زيد الشحام، روضه الواعظين: ص ٣٥٧ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٩٧ ح ٥.

ج هر روز

امام صادق علیه السلام: هر صبحگاه و شبانگاه می گویی: «بار خدایا! به کمک تو، شب خود را آغاز می کنیم و به کمک تو صبح خویش را آغاز می کنیم، و به کمک تو، زندگی می کنیم و به واسطه تو می میریم و به سوی تو ره سپاریم. به تو پناه می برم از این که خوار شوم یا خوارم کنند، گم راه شوم یا گم راهم کنند، ستم کنم یا به من ستم شود و نادانی کنم یا به من نادانی [و جسارت] شود».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی که هر صبحگاه خوانده می شود: به تو پناه می برم ای خدا از این که ستم کنم یا بر من ستم شود، تعدی کنم یا بر من تعدی شود، و خطایی بر باد دهنده اعمال یا گناهی نابخشودنی مرتکب شوم.

ج هر روز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر روز، سه بار می گویی: «بار خدایا! من به تو پناه می برم که دانسته شرک و رزم، و از شرک و رزی ندانسته هم از تو آمرزش می طلبم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر بنده ای که روزی هفت مرتبه بگوید: «از خداوند، بهشت می طلبم و از آتش، به او پناه می برم»، آتش می گوید: پروردگارا! او را از من، در پناه خویش دار.

د يَوْمِ الْجُمُعَةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَيَانِ فَضْلِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ: الْيَوْمُ الْمَوْعُودُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَالْيَوْمُ الْمَشْهُودُ يَوْمَ عَرَفَةَ ، وَالشَّاهِدُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ، وَمَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ وَلَا غَرَبَتِ عَلَى يَوْمٍ أَفْضَلَ مِنْهُ ، فِيهِ سَاعَةٌ لَا يُوَافِقُهَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ يَدْعُو اللَّهَ بِخَيْرٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ ، وَلَا يَسْتَعِيدُ مِنْ شَرِّ إِلَّا أَعَاذَهُ اللَّهُ مِنْهُ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ جَبْرَيْلَ أَتَانِي ... قَالَ: هَذِهِ الْجُمُعَةُ ... لَكُمْ فِيهَا سَاعَةٌ لَا يُوَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ مَسْأَلَةً فِيهَا وَهِيَ لَهُ قِسْمٌ فِي الدُّنْيَا إِلَّا أَعْطَاهَا ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ قِسْمٌ فِي الدُّنْيَا ذُخِرَتْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ أَفْضَلُ مِنْهَا ، وَإِنْ تَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا هُوَ عَلَيْهِ مَكْتُوبٌ صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ مَا هُوَ أَعْظَمُ مِنْهُ . (٢)

ه لَيْلَةُ السَّبْتِ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ دُعَائِهِ فِي لَيْلَةِ السَّبْتِ بَعْدَمَا صَلَّى مَا شَاءَ: يَا رَبِّ ، أَعُوذُ بِكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ ، مِنْ كُلِّ سُوءٍ فَأَعِزَّنِي ، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي ، وَأَسْتَتِرُ بِكَ مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ فَاسْتُرْنِي ، وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ ذُنُوبِي فَاعْفِرْ لِي ، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ ، وَأَنْتَ الْعَظِيمُ الْعَظِيمُ الْعَظِيمُ ، أَعْظَمُ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ . (٣)

و يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ الْإِمَامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ دُعَائِهِ فِي يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ: اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِي هَذَا صِيًّا لِحَا ، وَأَوْسَطَهُ فَلَاحًا ، وَآخِرَهُ نَجَاحًا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمٍ أَوَّلُهُ فَرْعٌ (٤) ، وَأَوْسَطُهُ جَزَعٌ (٥) ، وَآخِرُهُ وَجَعٌ . (٦)

- ١- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٤٣٦ ح ٣٣٣٩ ، المعجم الأوسط: ج ٢ ص ١٨ ح ١٠٨٧ كلاهما عن أبي هريره ، كنز العمال: ج ٢ ص ١٣ ح ٢٩٤٠ .
- ٢- جامع الأحاديث للقمي: ص ١٤٦ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٨٠ ح ٢٧ ؛ المصنف لابن أبي شيبة: ج ٢ ص ٥٨ ح ١٠ عن أنس نحوه ، كنز العمال: ج ٧ ص ٧١٤ ح ٢١٠٦٣ .
- ٣- مصباح المتهجد: ص ٤٢٣ ح ٥٤٢ ، جمال الأسبوع: ص ١١١ ، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٣٣٠ ح ٤٥ .
- ٤- الفزع: الذعر (الصحاح: ج ٣ ص ١٢٥٨ «فزع»).
- ٥- الجزع: الحزن والخوف (النهاية: ج ١ ص ٢٦٩ «جزع»).
- ٦- البلد الأمين: ص ١١٧ ، مصباح المتهجد: ص ٢١٩ ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٧٠ ح ٢١٧٢ كلاهما عن معاوية بن عمارة عن الإمام الصادق عليه السلام ، المصباح للكفعمي: ص ١٥٨ ، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٧٧ ح ١٩ .

د روز جمعه**ه شب شنبه****و روز دوشنبه**

د روز جمعہپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان فضیلت روز جمعہ: روز موعود، روز رستاخیز است روز مشهور، روز عرفه است و شاهد، روز جمعہ است. خورشید به هیچ روزی، طلوع و غروب نکرده است که برتر از این روز (جمعہ) باشد. در این روز، ساعتی است که هر بنده مؤمنی آن را در یابد و در آن ساعت به درگاه خداوند دعای خیر کند، حتما دعایش مستجاب می شود و از هر شری به خدا پناه برد، حتما خداوند او را از آن شر در پناه خود می گیرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل نزد من آمد... و گفت: این جمعہ... ساعتی در آن است که هر بنده مسلمانی آن را در یابد و در آن ساعت از خدا درخواستی کند و آن خواسته در دنیا قسمتش شده باشد، حتماً آن را به او عطا می کند، و اگر در دنیا قسمتش نشده باشد، بهتر از آن برای آخرتش ذخیره می شود، و اگر از شر آنچه برایش نوشته [و مقدر] شده است، به خدا پناه برد، خداوند شری بدتر از آن را از او می گرداند.

ه شب شنبه امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در شب شنبه بعد از گزاردن قدری نماز: ای پروردگار من! در این شب و در این روز، از هر بدی، به تو پناه می برم. پس پناهم ده. و از تو حمایت می جویم. پس مرا در حمایت خویش گیر. و از شر آفریدگانت، خویشتن را در پوشش تو در می آورم. پس مرا پوشش ده. و از گناهانم از تو آمرزش می طلبم. پس مرا بیامرز، که [گناه] بزرگ را جز بزرگ نمی آمرزد، و تو بزرگ و بزرگ و بزرگی، بزرگ تر از هر بزرگی.

و روز دوشنبه امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در روز دوشنبه: بار خدایا! آغاز امروزم را درستی، و میانش را رستگاری، و پایانش را کامیابی قرار ده. و به تو پناه می برم از روزی که آغازش هراس باشد، و میانش بی تابی، و پایانش درد.

زَ شَهْرَ رَمَضَانَ لِإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامِ مِنْ دُعَاءٍ كَانَ يَدْعُو بِهِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنَ الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ : إلهي ، وأعوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ، وَبِجَلَالِكَ الْعَظِيمِ ، أَنْ تَنْقِضِيَ أَيَّامَ شَهْرِ رَمَضَانَ وَلِيَالِيهِ ، وَلَكَ قَبْلِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُؤَاخِذُنِي بِهِ ، أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تَقْتَضِيَهَا مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي . (١)

عنه عليه السلام : تَقُولُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ : أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقِضِيَ عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ ، أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ ، وَلَكَ قَبْلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبِعَةٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ . (٢)

عنه عليه السلام : مَنْ وَدَّعَ شَهْرَ رَمَضَانَ فِي آخِرِ لَيْلَةٍ مِنْهُ ، وَقَالَ : «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِي لِشَهْرِ رَمَضَانَ ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ يَطْلُعَ فَجْرُ هَذِهِ اللَّيْلَةِ ، إِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَ لِي» غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ قَبْلَ أَنْ يُصْبِحَ ، وَرَزَقَهُ الْإِنَابَةَ إِلَيْهِ . (٣)

عنه عليه السلام : إِذَا كَانَتْ آخِرُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَقُلْ : اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَقَدْ تَصَيَّرَمَ (٤) ، وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ يَا رَبِّ ، أَنْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ ، أَوْ يَتَصَرَّمَ شَهْرُ رَمَضَانَ ، وَلَكَ قَبْلِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبُنِي بِهِ يَوْمَ الْقَاكِ . (٥)

١- الإقبال : ج ١ ص ٣٦٤ عن مرازم ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ١٥٥ .

٢- الكافي : ج ٤ ص ١٦٠ ح ١ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ١٦١ ح ٢٠٣٢ ، الإقبال : ج ١ ص ٣٦٥ كلاهما عن ابن أبي عمير ، المقنعه : ص ١٨٩ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ١٥٦ .

٣- الإقبال : ج ١ ص ٤٣٦ عن أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ١٨١ ح ٢ .

٤- تَصَرَّمٌ : ذَهَبَ (المصباح المنير : ص ٣٣٩ «صرم») .

٥- الكافي : ج ٤ ص ١٦٤ ح ٥ عن عمّار بن موسى ، الإقبال : ج ١ ص ٤٤٧ نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .

ز ماه رمضان

ز ماه رمضان امام صادق علیه السلام از دعای ایشان که در هر شب دهه آخر ماه رمضان می خواند: «معبودا! به روی گرامی تو، و به شکوه سترگت پناه می برم از این که روزها و شب های رمضان بگذرد و در حقّ تو بدی یا گناهی کرده باشم که مرا به سبب آن مؤاخذه کنی، یا خطایی کرده باشم که بخواهی تقاص آن را از من بگیری و آن را بر من نبخشوده باشی».

امام صادق علیه السلام: در دهه آخر ماه رمضان، هر شب می گویی: «به شکوه روی گرامی تو، پناه می برم از این که ماه رمضان بر من سپری شود یا سپیده این شب طلوع کند و در حقّ تو، گناهی یا بدی کرده باشم که مرا به سبب آن عذاب کنی».

امام صادق علیه السلام: هر کس با ماه رمضان در آخرین شب آن وداع کند و بگوید: «بار خدایا! این ماه را آخرین ماه رمضان عمر من قرار مده، و به تو پناه می برم از این که سپیده این شب بدمد و مرا نیامرزیده باشی»، خداوند متعال، پیش از آن که صبح کند، او را می آمرزد و بازگشت به سویش را روزی او می کند.

امام صادق علیه السلام: چون آخرین شب ماه رمضان شد، بگو: «بار خدایا! اینک ماه رمضان که قرآن را در آن فرو فرستادی، در آستانه رفتن است. به روی گرامی تو پناه می برم ای پروردگار من از این که سپیده این شب بدمد یا ماه رمضان سپری شود و در حقّ تو بدی یا گناهی کرده باشم و تو بخواهی در آن روزی که دیدارت می کنم، به سبب آن عذابم کنی».

رسول الله صلى الله عليه وآله في فضل شهر رمضان: أَيُّهَا النَّاسُ ... لَا غِنَى بِكُمْ عَنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ ، خَصَلْتَيْنِ تُرْضَوْنَ اللَّهُ بِهِمَا ، وَخَصَلْتَيْنِ لَا غِنَى بِكُمْ عَنْهُمَا ... وَأَمَّا اللَّتَانِ لَا غِنَى بِكُمْ عَنْهُمَا : فَتَسْأَلُونَ اللَّهَ فِيهِ حَوَائِجَكُمْ وَالْجَنَّةَ ، وَتَسْأَلُونَ الْعَافِيَةَ ، وَتَعُودُونَ بِهِ مِنَ النَّارِ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (٢): هِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ ... وَهِيَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ، فَمَنْ أَدْرَكَهَا أَوْ قَالَ شَهَدَهَا عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، يُصَلِّيَ عِنْدَهُ رَكَعَتَيْنِ أَوْ مَا تَيَسَّرَ لَهُ ، وَسَأَلَ اللَّهَ تَعَالَى الْجَنَّةَ ، وَاسْتَعَاذَ بِهِ مِنَ النَّارِ ، آتَاهُ اللَّهُ تَعَالَى مَا سَأَلَ ، وَأَعَادَهُ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ . (٣)

ح يَوْمَ عَرَفَةَ الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَلَا أَعْلَمُكَ دُعَاءَ يَوْمِ عَرَفَةَ ، وَهُوَ دُعَاءٌ مَنْ كَانَ قَبْلِي مِنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ؟ قَالَ : تَقُولُ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ ، وَمِنَ وَسَاوِسِ الصُّدُورِ ، وَمِنَ شَتَاتِ الْأَمْرِ ، وَمِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَّاحِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَجِيءُ بِهِ الرِّيَّاحُ ، وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ . (٤)

١- الكافي: ج ٤ ص ٦٧ ح ٤ ، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٥٩ ح ١٩٨ و ج ٤ ص ١٥٢ ح ٤٢٣ ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٩٥ ح ١٨٣١ ، الخصال: ص ٢٥٩ ح ١٣٥ ، ثواب الأعمال: ص ٩٠ ح ٧ كلها عن أبي الورد عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٩٦ ص ٣٥٩ ح ٢٦ ؛ صحيح ابن خزيمة: ج ٣ ص ١٩١ ح ١٨٨٧ عن سلمان نحوه ، كنز العمال: ج ٨ ص ٥٨٤ ح ٢٤٢٧٦ .

٢- الدخان: ٤ .

٣- الإقبال: ج ١ ص ٣٨٣ عن زيد بن أبي أسامة ، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٦٦ و ج ١٠١ ص ٩٩ ح ٣٠ .

٤- تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٨٣ ح ٦١٢ ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٤٢ ح ٣١٣٥ عن معاوية بن عمارة نحوه ، مصباح المتهجد: ص ٦٨٨ ح ٧٧٠ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، الإقبال: ج ٢ ص ٧٢ ، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢١٥ ح ٣ ؛ السنن الكبرى: ج ٥ ص ١٩٠ ح ٩٤٧٥ ، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٤ ص ٤٧٣ ح ٣ كلاهما عن عبد الله بن عبيد عن الإمام علي عليه السلام .

ح روز عرفه

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در فضیلت ماه رمضان: ای مردم! ... شما از چهار چیز، بی نیاز نیستید: با دو چیز، خدا را خشنود می سازید و به دو چیز هم نیازمندید ... آن دو چیزی که حتماً به آن نیاز دارید، این است که در این ماه، حاجت هایتان و بهشت را از خدا بخواهید و عافیت را از خدا بخواهید و از آتش، به او پناه ببرید».

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «در آن شب، هر [گونه] کاری [به گونه ای] استوار، فیصله می یابد»: مقصود، شب قدر است ... و این شب، در دهه آخر ماه رمضان قرار دارد. پس، هر که در کنار قبر حسین علیه السلام این شب را درک کند (یا: شاهد آن باشد) و آن جا دو رکعت، یا هر اندازه توانست، نماز بخواند و از خدای متعال بهشت را بخواهد و از آتش به او پناه برد، خدای متعال آنچه را خواسته است، به او می دهد و او را از آنچه پناه جسته است، پناه می دهد.

ح روز عرفه امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا به علی علیه السلام فرمود: «آیا دعای روز عرفه را که دعای پیامبران پیش از من بوده است، به تو نیاموزم؟ می گویی: معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست ... بار خدایا! از فقر، و از وسوسه های سینه ها، و از آشفتگی کارها، و از عذاب قبر، به تو پناه می برم. بار خدایا! خوبی (برکت) بادهای را از تو می خواهم، و از بدی آنچه بادهای می آورند، به تو پناه می برم، و خوبی روز و خوبی شب را از تو درخواست می کنم».

ط يَوْمَ الْقِتَالِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ دُعَائِهِ يَوْمَ أُحُدٍ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ النَّعِيمَ الْمُقِيمَ الَّذِي لَا يَحُولُ (١) وَلَا يَزُولُ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ النَّعِيمَ يَوْمَ الْعَيْلَةِ (٢) ، وَالْأَمْنَ يَوْمَ الْخَوْفِ ، اللَّهُمَّ [إِنِّي] (٣) عَائِدٌ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أُعْطِينَا وَشَرِّ مَا مَنَعْتَنَا ، اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيْنَا الْإِيمَانَ وَزَيِّنْهُ فِي قُلُوبِنَا . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله في دُعَائِهِ يَوْمَ الْأَحْزَابِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِنُورِ قُدْسِكَ ، وَعَظْمَةِ طَهَارَتِكَ ، وَبَرَكَهَ جَلَالِكَ ، مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعَاهَةٍ . (٥)

الإمام علي عليه السلام من دُعَائِهِ عِنْدَ الْقِتَالِ : اللَّهُمَّ وَأَعُوذُ بِكَ عِنْدَ ذَلِكَ مِنَ الْجُبْنِ عِنْدَ مَوَارِدِ الْأَهْوَالِ ، وَمِنَ الضَّعْفِ عِنْدَ مُسَاوَرَةِ الْأَبْطَالِ ، وَمِنَ الذَّنْبِ الْمُحِبِّ لِلْأَعْمَالِ فَاحْجِمْ مِنْ شَكِّ ، أَوْ أَمْضِي (٧) بِغَيْرِ يَقِينٍ ، فَيَكُونَ سَعْيِي فِي تَبَابِ (٨) وَعَمَلِي غَيْرَ مَقْبُولٍ . (٩)

١- حَالَ يَحُولُ : إِذَا تَحَرَّكَ (النهاية : ج ١ ص ٤٦٣ «حول»).

٢- عَالَ يَعِيلُ عَيْلَةً : إِذَا افْتَقَرَ (النهاية : ج ٣ ص ٣٣٠ «عيل»).

٣- ما بين المعقوفين أثبتناه من مسند ابن حنبل .

٤- السنن الكبرى للنسائي : ج ٦ ص ١٥٦ ح ١٠٤٤٥ ، مسند ابن حنبل : ج ٥ ص ٢٧٨ ح ١٥٤٩٢ ، الأدب المفرد : ص ٢٠٩ ح

٦٩٩ كلها عن رفاعه الزرقى ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ٦٨٧ ح ١٨٦٨ عن عبيد بن رفاعه بن رافع الزرقى عن أبيه و

ج ٣ ص ٢٦ ح ٤٣٠٨ عن عبيد بن رافع الزرقى عن أبيه ، كنز العمال : ج ١٠ ص ٤٣٤ ح ٣٠٠٤٧ .

٥- كنز العمال : ج ١٠ ص ٤٥٣ ح ٣٠٠٩٦ نقلاً عن مسند ابن عمر .

٦- سَاوَرَهُ : وَائْتَبَهُ (الصحيح : ج ٢ ص ٦٩٠ «سور»).

٧- فى المصدر : «مضى» ، والتصويب من بحار الأنوار ووسائل الشيعة : ج ١٥ ص ١٣٧ ح ٢٠١٥٨ .

٨- التَّبَابُ : الْخُسْرَانُ وَالْهَلَاكُ (الصحيح : ج ١ ص ٩٠ «تب»).

٩- الكافي : ج ٥ ص ٤٦ ح ١ عن ابن القدّاح عن أبيه ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٤٥٢ ح

ط روز جنگ

ط روز جنگ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعای ایشان در روز اُحُد: بار خدایا! آن نعمت ماندگاری را که جابه جایی و زوال نمی پذیرد، از تو درخواست می کنم. بار خدایا! نعمت را در روز نیازمندی، و امنیت و آرامش را در روز ترس، از تو درخواست می کنم. بار خدایا! از شر آنچه به ما داده ای و از شر آنچه از دادن آن خودداری کرده ای، به تو پناه می برم. بار خدایا! ایمان را محبوب ما بدار و آن را در [نگاه] دل های ما زیبا دار.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعای ایشان در روز احزاب: بار خدایا! به نور قدس تو، و عظمت پاکی ات، و افزونی شکوهت، پناه می برم از هر آسیب و معلولیتی.

امام علی علیه السلام از دعای ایشان در هنگام نبرد: بار خدایا! به تو پناه می برم در این هنگام از دچار ترس شدن در صحنه های هولناک، و از سست شدن در وقت یورش آوردن پهلوانان، و از گناه بر باد دهنده اعمال [نیک] و در نتیجه، واپس نشستن از سر تردید [در حقانیت راهمان]، یا در گذشتن بدون یقین، پس، کوششم تباه شود و عملم ناپذیرفته گردد.

ي عِنْدَ هُبُوبِ الرِّيحِ العاصِفِ رسولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله : لا تَسُبُّوا الرِّيحَ ، وعودوا بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهَا . (١)

عنه صلى الله عليه وآله : لا تَسُبُّوا الرِّيحَ ، فَإِذَا رَأَيْتُمْ ما تَكْرَهُونَ فَقولوا : اللَّهُمَّ إِنَّا نَسَأُ لُكَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ الرِّيحِ وَخَيْرِ ما فِيها ، وَخَيْرِ ما أَمَرْتَ بِهِ ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ هَذِهِ الرِّيحِ وَشَرِّ ما فِيها ، وَشَرِّ ما أَمَرْتَ بِهِ . (٢)

صحيح مسلم عن عائشه : كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله إِذا عَصَيْفَتِ الرِّيحُ قالَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأُ لُكَ خَيْرَها وَخَيْرَ ما فِيها وَخَيْرَ ما أُرْسَلَتْ بِهِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّها وَشَرِّ ما فِيها وَشَرِّ ما أُرْسَلَتْ بِهِ . (٣)

الدعاء للطبراني عن عثمان بن أبي العاص : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِذا اشْتَدَّتِ الرِّيحُ الشَّمالُ قالَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما أُرْسَلَتْ بِهِ . (٤)

١- مسند الشافعي : ص ٨١ عن صفوان بن سليم ، كنز العمال : ج ٧ ص ٨٣١ ح ٢١٥٨٤ .

٢- سنن الترمذي : ج ٤ ص ٥٢١ ح ٢٢٥٢ ، السنن الكبرى للنسائي : ج ٦ ص ٢٣٢ ح ١٠٧٧٠ ، مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٢٣ ح ٢١١٩٦ وفيه «أرسلت» بدل «أمرت» في كلا الموضعين ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص ٨٧ ح ١٦٧ نحوه وكلها عن أبي بن كعب ، كنز العمال : ج ٣ ص ٦٠١ ح ٨١١٠ .

٣- صحيح مسلم : ج ٢ ص ٦١٦ ح ١٥ ، سنن الترمذي : ج ٥ ص ٥٠٣ ح ٣٤٤٩ ، السنن الكبرى للنسائي : ج ٦ ص ٢٣٣ ح ١٠٧٧٦ ، السنن الكبرى : ج ٣ ص ٥٠٣ ح ٦٤٦٣ ، كنز العمال : ج ٧ ص ٧٥ ح ١٨٠٣٢ .

٤- الدعاء للطبراني : ص ٣٠١ ح ٩٧٠ ، المعجم الكبير : ج ٩ ص ٤٧ ح ٨٣٤٦ ، كنز العمال : ج ٧ ص ٧٥ ح ١٨٠٣١ .

ی هنگام وزیدن تندبادهای

ی هنگام وزیدن تندبادهای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به باد، ناسزا مگویید و از گزند آن، به خدا پناه ببرید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به باد، ناسزا مگویید؛ بلکه هر گاه باد ناخوشایندی را دیدید، بگویید: «بار خدایا! خیر این باد و خیر آنچه را در آن است و خیر آنچه را این باد بدان مأمور است، از تو می خواهیم و از شرّ این باد و شرّ آنچه در آن است و شرّ آنچه بدان مأمور است، به تو پناه می بریم».

صحیح مسلم به نقل از عایشه: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه تندباد می وزید، می گفت: «بار خدایا! خیر این باد و خیر آنچه در آن است و خیر آنچه را که برای آن فرستاده شده است، از تو می خواهم و از شرّ آن و شرّ آنچه در آن است و شرّ آنچه برای آن فرستاده شده است، به تو پناه می برم».

الدعاء، طبرانی به نقل از عثمان بن ابی العاص: پیامبر خدا در مواقعی که باد شمال شدّت می گرفت، می گفت: «بار خدایا! از شرّ آنچه این باد برای آن فرستاده شده است، به تو پناه می برم».

رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الرِّيحِ وَمِنْ شَرِّ مَا تَجِيءُ بِهِ الرِّيحُ ، وَمِنْ رِيحِ الشَّمَالِ فَإِنَّهَا الرِّيحُ الْعَقِيمُ (١) . (٢)

المعجم الكبير عن ابن عباس: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا هَاجَتْ رِيحٌ اسْتَقْبَلَهَا بِوَجْهِهِ ، وَجَثَا عَلَى رُكْبَتَيْهِ ، وَمَرَدَّ يَدَيْهِ ، وَقَالَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الرِّيحِ وَخَيْرَ مَا أُرْسِلَتْ بِهِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا أُرْسِلَتْ بِهِ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا رَحْمَةً وَلَا تَجْعَلْهَا عَذَابًا ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا رِيحًا (٣) وَلَا تَجْعَلْهَا رِيحًا . (٤)

الإمام علي عليه السلام: الرِّيحُ خَمْسَةٌ ، مِنْهَا الْعَقِيمُ ، فَاعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهَا . (٥)

الإمام الباقر عليه السلام: مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رِيحًا إِلَّا رَحْمَةً أَوْ عَذَابًا ، فَإِذَا رَأَيْتُمُوهَا فَقُولُوا : «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا أُرْسِلَتْ لَهُ ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا أُرْسِلَتْ لَهُ» ، وَكَبِّرُوا ، وَارْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ بِالتَّكْبِيرِ فَإِنَّهُ يَكْسِرُهَا . (٦)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا هَبَّتِ الرِّيحُ فَأَكْثِرِ مِنَ التَّكْبِيرِ ، وَقُلْ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا هَاجَتْ بِهِ الرِّيحُ وَخَيْرَ مَا فِيهَا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا عَلَيْنَا رَحْمَةً وَعَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ . (٧)

١- ريح عقيم: لا تلتح سحابا ولا شجرا (الصحيح: ج ٥ ص ١٩٨٩ «عقم»).

٢- المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٥٠٧ ح ٣٧٣٩ عن جابر، مسند أبي يعلى: ج ٣ ص ٥٥ ح ٢٤٦٣ عن ابن عباس وفيه «الرسال» بدل «الريح» في الموضوع الثاني وليس فيه ذيله، كنز العمال: ج ٧ ص ٨٣١ ح ٢١٥٨٢.

٣- المواضع التي ذكر الله تعالى فيها إرسال الريح بلفظ الواحد فعباره عن العذاب، وكل موضع ذكر فيه بلفظ الجمع فعباره عن الرِّحْمَة (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٣٧٠ «روح»).

٤- المعجم الكبير: ج ١١ ص ١٧٠ ح ١١٥٣٣، الدعاء للطبراني: ص ٣٠٣ ح ٩٧٧ وليس فيه «ومد يديه»، تاريخ بغداد: ج ٧ ص ١٠٠، كنز العمال: ج ٧ ص ٧٥ ح ١٨٠٣٣.

٥- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥٤٧ ح ١٥٢٤، بحار الأنوار: ج ١١ ص ٣٥٣ ح ٥.

٦- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥٤٤ ح ١٥١٩، بحار الأنوار: ج ٦ ص ٦٠ ح ٢.

٧- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٦٠ ح ٢٣٩٣، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٣٣٦ ح ١٩.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! پناه می برم به تو از شرّ باد و از شرّ آنچه باد آن را می آورد و [نیز] از باد شمال؛ چرا که بادی سترون (۱) است.

المعجم الکبیر به نقل از ابن عباس: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه بادی بر می خاست، رو به سوی آن می کرد و زانو می زد و دستانش را به سوی آسمان بر می داشت و می گفت: «بار خدایا! خیر این باد و خیر آنچه را برای آن فرستاده شده است، از تو می طلبم و از شرّ آن و شرّ آنچه برای آن فرستاده شده است، به تو پناه می برم. بار خدایا! آن را رحمت قرار ده و آن را عذاب قرار مده. بار خدایا! آن را بادها [رحمت] قرار ده و باد [عذاب] قرارش مده. (۲)

امام علی علیه السلام: بادها، پنج گونه اند که یکی از آنها سترون است. پس، از شرّ آنها به خدا پناه می بریم.

امام باقر علیه السلام: خداوند عز و جل هر بادی را که می فرستد، یا رحمت است یا عذاب. پس هر گاه باد برخاست، بگوئید: «بار خدایا! خیر آن را و خیر آنچه را که [این باد] برای آن فرستاده شده است، از تو می خواهیم و از شرّ آن و شرّ آنچه برای آن فرستاده شده است، به تو پناه می بریم» و «الله أكبر» بگوئید و صداهایتان را به تکبیر، بلند کنید؛ زیرا این کار، باد را می شکند.

امام صادق علیه السلام: زمانی که بادها وزیدن می گیرند، بسیار تکبیر بگو و بگو: «بار خدایا! خیر آنچه را بادها برایش برخاسته و خیر آنچه را که در آن است، از تو می خواهم و از شرّ آن و شرّ آنچه در آن است، به تو پناه می برم. بار خدایا! این باد را برای ما رحمت و برای کافران، عذاب گردان. درود خدا بر محمد و خاندان محمد باد».

۱- باد سترون گویند؛ چون نه ابری را بارور می کند و نه درختی را گلشن می سازد.

۲- در قرآن، هر جا که خداوند متعال از فرستادن باد، به لفظ مفرد، یاد کرده، عذاب را بیان کرده است، و هر جا به صورت جمع (ریاح) آورده، رحمت را اراده کرده است (مفردات ألفاظ القرآن: ص ۳۷۰).

كَ عِنْدَ سَمَاعٍ صَوْتِ بَعْضِ الْحَيَوَانَاتِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا سَمِعْتُمْ نُبَاحَ الْكِلَابِ وَنَهَيْقَ الْحُمْرِ بِاللَّيْلِ ، فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ ، فَإِنَّهُنَّ يَرِينَ مَا لَا تَرُونَ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله : إِذَا سَمِعْتُمْ نُبَاحَ الْكِلَابِ وَنَهَيْقَ الْحَمِيرِ ، فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، فَإِنَّهُمْ يَرُونَ وَلَا تَرُونَ ، فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : إِيَّاكُمْ وَالسَّمَرَ (٣) بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ ، وَإِذَا تَنَاهَقَتِ الْحُمْرُ مِنَ اللَّيْلِ ، فَاسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله : إِذَا سَمِعْتُمْ صِيَاخَ الدَّيْكَهِ ، فَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ ؛ فَإِنَّهَا رَأَتْ مَلَكًا ، وَإِذَا سَمِعْتُمْ نَهَيْقَ الْحِمَارِ ، فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ ؛ فَإِنَّهُ رَأَى شَيْطَانًا . (٥)

١- .سنن أبي داوود : ج ٤ ص ٣٢٧ ح ٥١٠٣ ، الأدب المفرد : ص ٣٦١ ح ١٢٣٤ و ص ٣٦٠ ح ١٢٣٣ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٧ ص ١٣٠ ح ٢ كلّها عن جابر ، مسند أبي يعلى : ج ٦ ص ١٠ ح ٦٢٢٧ عن أبي هريره وزاد فيه «وصوت ديك» قبل «بالليل» وكلّها نحوه ، تاريخ أصبهان : ج ١ ص ١٩٤ الرقم ٢٤١ عن أبي بكره ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٤٢٠ ح ٤١٦٦١ .

٢- .علل الشرايع : ص ٥٨٣ ح ٢٣ عن الإمام عليّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٦٥ ص ٦٤ ح ٢١ .

٣- .في بعض نسخ المصدر وكنز العمال : «السهر» بدل «السمر» . والسَّمَرُ : هو الحديث بالليل (النهاية : ج ٢ ص ٤٠٠ «سمر») .

٤- .المصنّف لعبد الرزاق : ج ١ ص ٥٦٣ ح ٢١٣٩ ، حليه الأولياء : ج ٣ ص ٣١٥ عن عطاء من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وليس فيه صدره ، كنز العمال : ج ٧ ص ٨٠٣ ح ٢١٤٨٣ .

٥- .صحيح البخارى : ج ٣ ص ١٢٠٢ ح ٣١٢٧ ، صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٠٩٢ ح ٨٢ ، سنن أبي داوود : ج ٤ ص ٣٢٧ ح ٥١٠٢ ، سنن الترمذى : ج ٥ ص ٥٠٨ ح ٣٤٥٩ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ١٧٥ ح ٨٠٧٠ نحوه وكلّها عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ١٢ ص ٣٣٣ ح ٣٥٢٧٢ .

ک هنگام شنیدن بانگ برخی جانوران

ک هنگام شنیدن بانگ برخی جانوران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه عوعو سگان و عرعر خران را در شب شنیدید ، به خدا پناه ببرید ؛ زیرا اینها چیزهایی را می بینند که شما نمی بینید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه عوعو سگ و عرعر خر را شنیدید ، از شیطانِ رانده شده ، به خدا پناه ببرید ؛ زیرا آنها می بینند و شما نمی بینید . پس دستوری را که به شما داده می شود ، انجام دهید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از داستان سرایی در شب (شب نشینی) بعد از نماز خفتن پرهیزید و هرگاه در شب ، صدای عرعر خران بلند شد ، از شیطان به خدا پناه ببرید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه بانگ خروس را شنیدید ، خدای را از فضلش طلب کنید ؛ چرا که آن خروس ، فرشته ای را دیده است ، و هرگاه عرعر الاغ را شنیدید ، از شیطان به خدا پناه ببرید ؛ چرا که آن الاغ ، شیطانی را دیده است .

١٢ / ٥ تِلْكَ الْأَمْكِنُ عَرَفَاتُ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَفَ بِعَرَفَاتٍ ، فَلَمَّا هَمَّتِ الشَّمْسُ أَنْ تَغِيبَ قَبْلَ أَنْ تَنْدَفِعَ (١) قَالَ (٢): اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ تَشْتُّتِ الْأَمْرِ ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، أَمْسَى ظَلَمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ ، وَأَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ ، وَأَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ ، وَأَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي ، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ ، وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ ، جَلَّلَنِي بِرَحْمَتِكَ ، وَأَلْبَسَنِي عَافِيَتِكَ ، وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ . (٣)

عنه عليه السلام: إِذَا وَقَفَتْ بِعَرَفَاتٍ ، فَاحْمَدِ اللَّهَ وَهَلِّلْهُ ، وَمَجِّدْهُ وَأَثْنِ عَلَيْهِ ، وَكَبِّرْهُ مِنْهُ تَكْبِيرَهُ ، وَاقْرَأْ: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» مِنْهُ مَرَّةً ، وَتَخَيَّرْ لِنَفْسِكَ مِنَ الدُّعَاءِ مَا أَحْبَبْتَ ، وَاجْتَهِدْ فَإِنَّهُ يَوْمٌ دُعَاءٍ وَمَسْأَلَةٍ ، وَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَنْ يُذْهِلَكَ (٤) فِي مَوْضِعٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يُذْهِلَكَ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ . (٥)

١- اندفع: أي أسرع في سيره (الصحاح: ج ٣ ص ١٢٠٨ «دفع»).

٢- في قرب الإسناد: «دعا النبي صلى الله عليه وآله يوم عرفه حين غابت الشمس ، وكان آخر كلامه هذا الدعاء ، وهملت عيناه بالبكاء ثم قال: ...» .

٣- الكافي: ج ٤ ص ٤٦٤ ح ٥ عن عبد الله بن ميمون ، قرب الإسناد: ص ٢١ ح ٧٢ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، فلاح السائل: ص ٣٨٣ ح ٢٥٤ عن سلام بن أبي عمر عن الإمام الباقر عليه السلام ، محاسبه النفس لابن طاووس: ص ٣٠ ، عدّه الداعي: ص ٢٥٣ كلاهما عن الإمام الباقر عليه السلام وكلّهما نحوه ، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٢٥١ ح ٥ .

٤- ذَهَلْتُ عَنِ الشَّيْءِ: نَسَيْتُهُ وَغَفَلْتُ عَنْهُ (الصحاح: ج ٤ ص ١٧٠٢ «ذهل»).

٥- الكافي: ج ٤ ص ٤٦٤ ح ٤ عن معاوية بن عمّار .

۵ / ۱۲ و این چند مکان

الف عرفات

۵ / ۱۲ و این چند مکانالف عرفاتامام صادق علیه السلام: پیامبر خدا در عرفات ، وقوف کرد . خورشید که خواست غروب کند ، پیش از آن که شتاب گیرد ، گفت : «بار خدایا ، من از فقر و از پراکندگی امور و از شرّ آنچه در شب و روز رخ می دهد ، به تو پناه می برم . امشب از ستم خویش ، به بخشش تو پناه می برم . امشب از ترس خویش ، به امنیت تو پناه می برم . امشب از خواری خویش ، به عزّت تو پناه می برم . امشب ، روی نیست شونده ام را به روی جاویدان تو پناه می دهم . ای بهترین کسی که از او درخواست می شود! ای بخشنده ترین عطا کننده! مرا در پوشش رحمت خود قرار ده و جامه عافیتت را بر تن من بپوشان و گزند همه آفریدگانت را از من دور گردان» .

امام صادق علیه السلام: هر گاه در عرفات وقوف کردی ، خدای را بستای و او را به یگانگی یاد کن و مجد و ثنای او بگو و صد مرتبه تکبیر بگو و «قل هو الله احد» را صد بار بخوان و هر دعایی که دوست داشتی ، برای خودت انتخاب کن و [در نیایش و عبادت] بکوش ؛ زیرا آن روز ، روز دعا و خواستن است ، و از شیطان به خدا پناه ببر ؛ زیرا شیطان در هیچ مکانی ، به اندازه آن مکان دوست ندارد که از یاد خدا غافل گرداند .

الكافي عن هارون بن خارجه ، قال : سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي آخِرِ كَلَامِهِ حِينَ أَفَاضَ (١) : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ ، أَوْ أَقْطَعَ رَحِمًا ، أَوْ أُوذِيَ جَارًا . (٢)

بِالْكَعْبَةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِمَّا كَانَ يَقُولُهُ إِذَا مَرَّ بِالرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ : بِاسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ أَكْبَرُ ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ وَاللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَالذُّلِّ ، وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً ، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام من دُعَائِهِ فِي الْكَعْبَةِ وَهُوَ سَاجِدٌ : أَعُوذُ بِكَ الْيَوْمَ فَأَعِدْنِي ، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيَّ الضَّرَاءِ فَأَعِنِّي ، وَأَسْتَنْصِرُكَ فَانصُرْنِي ، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ فَكَفِنِي . (٤)

عنه عليه السلام لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ : إِذَا كُنْتَ فِي الطَّوَافِ السَّابِعِ فَانْتَهِ الْمَتَعَوِّذَ (٥) ، وَهُوَ إِذَا قُمْتَ فِي دُبُرِ الْكَعْبَةِ حِذَاءَ الْبَابِ ، فَقُلْ : «اللَّهُمَّ ، الْبَيْتُ بَيْتُكَ ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ ، اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ (٦) وَالْفَرَجُ» ، ثُمَّ اسْتَلِمِ الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ ، ثُمَّ آتِ الْحَجَرَ فَأَخْتِمِ بِهِ . (٧)

١- الإفاضه : يفيض من منى إلى مكة فيطوف ، أفاض القوم : إذا اندفعوا فيه (النهايه : ج ٣ ص ٤٨٥ «فيض»).

٢- الكافي : ج ٤ ص ٤٦٧ ح ٣ .

٣- كنز العمال : ج ٥ ص ١٧٢ ح ١٢٥٠٣ عن الأزرقي .

٤- تهذيب الأحكام : ج ٥ ص ٢٧٧ ح ٩٤٦ عن ذريح ، مصباح المتعبد : ص ٧٠٦ ح ٧٨٥ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .

٥- قال العلامة المجلسي قدس سره : «المتعوذ» اسم مكان سمى الملتزم به ؛ لأنه يتعوذ عنده من النار ، والمستجار ؛ لأنه يطلب عنده الإجاره من العذاب ، والروح والراحه والرحمه (مرآه العقول : ج ١٨ ص ٢٧ ح ٣) .

٦- رَوْحُ اللَّهِ : أى فرجه ورحمته ، وَالرُّوحُ : التَّنْفُسُ ، وقد أراح الإنسان إذا تنفَّسَ (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٣٦٩ «روح»).

٧- الكافي : ج ٤ ص ٤١٠ ح ٣ ، تهذيب الأحكام : ج ٥ ص ١٠٧ ح ٣٤٧ كلاهما عن عبد الله بن سنان .

ب کعبه

الکافی به نقل از هارون بن خارجه: شنیدم امام صادق علیه السلام در آخرین سخنش به هنگام کوچیدن [از منا به سوی مکه] می گوید: «بار خدایا! به تو پناه می برم از این که ستم کنم یا به من ستم شود، یا رشته خویشاوندی را ببرم، یا همسایه ای را بیزارم».

ب کعبه امام علی علیه السلام از سخنانی که هنگام گذر بر رکن یمانی می فرمود: به نام خدا، و خدا، برتر از توصیف است. درود و رحمت و برکات خدا بر پیامبر خدا باد. بار خدایا! از کفر و فقر و خواری و از جایگاه های رسوایی در دنیا و آخرت، به تو پناه می برم. پروردگارا! به ما در دنیا نیکی، و در آخرت هم نیکی، ارزانی دار و ما را از عذاب آتش، محافظت فرما.

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در کعبه در حال سجده: بار خدایا! امروز به تو پناه می آورم. پس پناهم ده. و از تو حمایت می خواهم. پس حمایت کن. و در برابر سختی، از تو کمک می جویم. پس کمک کن. و از تو یاری می طلبم. پس یاری ام ده. و بر تو توکل می کنم. پس برایم کارسازی کن.

امام صادق علیه السلام به عبد الله بن سنان: در طواف هفتم، نزد مُتَعَوِّذ (۱) (یعنی همان جایی که پشت کعبه و رو به روی در آن است) برو و بگو: «بار خدایا! این خانه، خانه تو و این بنده، بنده تو و این جا، جایگاه پناه بردن از آتش به توست. بار خدایا! رحمت و گشایش، از جانب توست». سپس رکن یمانی را لمس کن و آن گاه کنار حجر [الأسود] برو و [طواف را] در آن جا پایان ده.

۱- مجلسی رحمه الله می گوید: «مُتَعَوِّذ» نام دیگر مکان «ملتزم» است و چون در آن محل، از آتش دوزخ به خدا پناه برده می شود، به آن «متعوذ (جایگاه پناه بردن)» گفته اند. «مستجار» هم به آن گفته اند؛ چون در آن محل، از عذاب، پناهندگی خواسته می شود. (مرآة العقول: ج ۱۸ ص ۲۷ ح ۳)

عنه عليه السلام: إذا فرغت من طوافك ، وبلغت مؤخر الكعبة وهو بحذاء المستجار دون الركن اليماني بقليل فابسط يديك على البيت ، وألصق بطنك وخدك بالبيت ، وقل : «اللهم ، البيت بيتك ، والعبد عبدك ، وهذا مكان العائذ بك من النار» ، ثم أقر لربك بما عملت ، فإنه ليس من عبد مؤمن يقر لربه بذنوبه في هذا المكان ، إلا غفر الله له إن شاء الله ... ثم تستجير بالله من النار ، وتخير لنفسك من الدعاء . (١)

ج المسجد رسول الله صلى الله عليه وآله : إذا دخل العبد المسجد وقال : «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم» ، قال الشيطان الرجيم : كسر ظهري ، وكتب الله له بها عبادة سنة . وإذا خرج من المسجد وقال مثل ذلك ، كتب الله له بكل شعره على بدنه مئة حسنة ، ورفع له مئة درجة . (٢)

جامع الأخبار: كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا دخل المسجد يضع رجله اليمنى ويقول : «باسم الله وعلى الله توكلت ، ولا حول ولا قوة إلا بالله» ، وإذا خرج يضع رجله اليسرى ويقول : «باسم الله ، أعوذ بالله من الشيطان الرجيم» . ثم قال : يا علي ، من دخل المسجد وقال كما قلت ، تقبل الله [صلاته] (٣) . (٤)

رسول الله صلى الله عليه وآله ميا كان يقوله إذا دخل المسجد : أعوذ بالله العظيم ، وبوجهه الكريم ، وسيلطانه القديم ، من الشيطان الرجيم . (٥)

١- الكافي : ج ٤ ص ٤١١ ح ٥ عن معاوية بن عمارة .

٢- جامع الأخبار : ص ١٧٦ ح ٤١٨ ، بحار الأنوار : ج ٨٤ ص ٢٦ ح ١٩ .

٣- أثبتنا ما بين المعقوفين من بحار الأنوار .

٤- جامع الأخبار : ص ١٧٥ ح ٤١٧ ، بحار الأنوار : ج ٨٤ ص ٢٦ ح ١٩ .

٥- سنن أبي داود : ج ١ ص ١٢٧ ح ٤٦٦ ، تفسير ابن كثير : ج ٦ ص ٧٠ ، تفسير القرطبي : ج ١٢ ص ٢٧٣ كلها عن عبد الله بن عمرو ، كنز العمال : ج ٧ ص ٦١ ح ١٧٩٦١ .

امام صادق علیه السلام: چون از طواف آسوده گشتی و به انتهای کعبه (یعنی جایی که رو به روی مستجار و اندکی قبل از رکن یمانی است) رسیدی، دستانت را بگشای و بر خانه بگذار و شکم و گونه ات را به خانه بچسبان و بگو: «بار خدایا! این خانه، خانه تو و این بنده، بنده توست و این جا، جایگاه پناه بردن از آتش به توست». سپس به کارهایی (گناهای) که کرده ای، در پیشگاه پروردگارت اعتراف کن؛ زیرا هیچ بنده مؤمنی نیست که در این مکان به گناهان خود در پیشگاه پروردگارش اعتراف کند، مگر آن که خداوند، او را می آمرزد، إن شاء الله... سپس از آتش، به خدا پناه ببر و هر دعایی خواستی، برای خودت بکن.

ج مسجد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بنده وارد مسجد شود و بگوید: «از شیطان رانده شده، به خدا پناه می برم»، شیطان رانده شده می گوید: «کرم را شکست» و خداوند به ازای آن، برایش عبادت یک سال را می نویسد، و چون در هنگام خارج شدن از مسجد نیز همین را بگوید، خداوند به تعداد هر موی بدنش، [ثواب] صد کار نیک برایش می نویسد و مقامش را صد درجه بالا می برد.

جامع الأخبار: پیامبر خدا هر گاه وارد مسجد می شد، نخست پای راستش را داخل می گذاشت و می فرمود: «به نام خدا. به خدا توکل کردم و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» و هر گاه از مسجد خارج می شد، پای چپش را بیرون می گذاشت و می فرمود: «به نام خدا. از شیطان رانده شده، به خدا پناه می برم». سپس فرمود: «ای علی! هر کس وارد مسجد شود و آنچه را من گفتم، بگوید، خداوند [نمازش را] می پذیرد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگام وارد شدن به مسجد: به خدای بزرگ و به روی گرامی او و سلطنت ازلی اش پناه می برم از شیطان رانده شده.

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ تَدَاعَتْ (١) جُنُودُ إِبْلِيسَ وَأَجْلَبَتْ (٢) ، وَاجْتَمَعَتْ كَمَا تَجْتَمِعُ النَّحْلُ عَلَى يَعْسُوبِهَا ، فَإِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ ، فَلْيَقُلْ : «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ» فَإِنَّهُ إِذَا قَالَهَا لَمْ يَضُرَّهُ . (٣)

د الْحَمَامِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : نَعَمَ الْبَيْتُ يَدْخُلُهُ الْمُسْلِمُ بَيْتِ الْحَمَامِ ، وَذَاكَ أَنَّهُ إِذَا دَخَلَهُ يَعْنِي سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ ، وَاسْتَعَاذَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام فيما يُقالُ عِنْدَ دُخُولِ الْحَمَامِ : إِذَا دَخَلْتَ الْبَيْتَ الْأَوَّلَ فَقُلْ : «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَأَسْتَعِيدُ بِكَ مِنْ أَذَاهُ» ... وَإِذَا دَخَلْتَ الْبَيْتَ الثَّلَاثَ فَقُلْ : «نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَنَسَأُ لَهُ الْجَنَّةَ» تُرَدُّهَا إِلَى وَقْتِ خُرُوجِكَ . ٥

١- تَدَاعَتْ عَلَيْكُمْ : أَى اجْتَمَعُوا وَدَعَا بَعْضُهُمْ بَعْضًا (النهاية : ج ٢ ص ١٢٠ «دعا»).

٢- أَجْلَبَ عَلَيْهِ : إِذَا صَاحَ بِهِ وَاسْتَحْتَهُ (النهاية : ج ١ ص ٢٨٢ «جلب»).

٣- عمل اليوم والليله لابن السنّى : ص ٥٩ ح ١٥٥ ، الأذكار للنووى : ص ٣٨ كلاهما عن أبى أمامه ، كنز العمال : ج ٧ ص ٦٦٠ ح ٢٠٧٨٦ .

٤- تاريخ دمشق : ج ٨ ص ١٨٨ ح ٢١٥٨ ، تفسير القرطبي : ج ١٢ ص ٢٢٥ كلاهما عن أبى هريره ، كنز العمال : ج ٩ ص ٣٩٣ ح ٢٦٦٤٤ .

د گرمابه

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما بخواهد از مسجد خارج شود، سپاهیان ابلیس یکدیگر را فرا می خوانند و هیاهو به راه می اندازند و همچون زنبوران عسل که بر گرد ملکه خود گرد می آیند، گرد می آیند. بنا بر این، هر گاه یکی از شما بر در مسجد رسید، بگوید: «بار خدایا! از ابلیس و سپاهیانش، به تو پناه می برم»؛ چون با گفتن آن، ابلیس به او گزندی نخواهد رساند.

د گرمابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوب خانه ای است حَمَام برای مسلمان که وارد آن می شود؛ چون هر گاه وارد آن می شود، از خداوند بهشت می طلبد و از آتش، به خدا پناه می برد!

امام صادق علیه السلام آنچه هنگام وارد شدن به حَمَام گفته می شود: چون به خانه اوّل [که ظاهراً رختکن است] در آمدی، بگو: «بار خدایا! از شرّ نفسم به تو پناه می برم، و به تو پناه می برم از این که آزارش دهم»... و چون به خانه سوم در آمدی، بگو: «از آتش، به خدا پناه می بریم و از او بهشت می طلبیم» و تا هنگام بیرون رفتن، این را تکرار می کنی. (۱)

۱- در کتاب التعریف صفوانی آمده است: هر گاه خواستی وارد حَمَام شوی، بگو: «به نام خدا و به یاری خدا، و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. بار خدایا! مرا از گرما و رنج آن در پناه خود بدار، و مرا از گناهانم پاک گردان، چنان که چرک مرا در این جا می زدایی، ای پروردگار جهانیان». و هنگام در آوردن لباس هایت بگو: «بار خدایا! برهنگی (عیب) مرا بیوشان و بر من پرده افکن و از گناهان، برهنه ام ساز. ای مهربان ترین مهربانان!» و چون وارد شدی، در خانه میانی، اندکی بنشین؛ زیرا برای سلامت تن، مفیدتر است، و بر دو پایت منشین و رو به دیوار کن، و محلّی را که می خواهی در آن جا بنشینی، ابتدا بشوی و چون وارد گرم خانه شدی، بگو: «از خشم خدا، به خدا پناه می برم. بار خدایا! از آتش و هر گفتار و کرداری که به آتش نزدیک می گرداند، به تو پناه می برم».

ه السُّوقُ رسولُ الله صلى الله عليه وآله مِمَّا كَانَ يَقُولُهُ إِذَا دَخَلَ السُّوقَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذَا السُّوقِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفُسُوقِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله أيضا : بِاسْمِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ السُّوقِ وَخَيْرَ مَا فِيهَا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُصِيبَ فِيهَا يَمِينًا فَاجِرَةً ، أَوْ صَفْقَةً خَاسِرَةً . (٢)

الغارات عن النعمان بن سعد : كَانَ [الإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَام] يَخْرُجُ إِلَى السُّوقِ وَمَعَهُ الدَّرَّةُ (٣) ، فَيَقُولُ : إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفُسُوقِ ، وَمِنْ شَرِّ هَذِهِ السُّوقِ . (٤)

كتاب من لا يحضره الفقيه عن سدير : قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا أَبَا الْفَضْلِ ، أَمَا لَكَ فِي السُّوقِ مَكَانٌ تَقْعُدُ فِيهِ تُعَامِلُ النَّاسَ ؟ قَالَ : قُلْتُ : بَلَى . قَالَ : ائْتِمْ أَنَّهُ مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْدُو وَيَرُوحُ إِلَى مَجْلِسِهِ وَسُوقِهِ فَيَقُولُ حِينَ يَضَعُ رِجْلَهُ فِي السُّوقِ : «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ أَهْلِهَا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ أَهْلِهَا» إِلَّا وَكَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مَنْ يَحْفَظُهُ وَيَحْفَظُ عَلَيْهِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ ، فَيَقُولُ لَهُ : قَدْ أَجْرْتُكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ أَهْلِهَا يَوْمَكَ هَذَا . فَإِذَا جَلَسَ مَكَانَهُ حِينَ يَجْلِسُ فَيَقُولُ : «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ حَلَالًا طَيِّبًا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ صِفْقَةٍ خَاسِرَةٍ ، وَيَمِينٍ كَاذِبَةٍ» فَإِذَا قَالَ ذَلِكَ ، قَالَ الْمَلِكُ الْمُوَكَّلُ : أَبَشِّرْ فَمَا فِي سُوقِكَ الْيَوْمَ أَحَدٌ أَوْفَرَ نَصِييَا مِنْكَ ، وَسَيَأْتِيكَ مَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ مُؤَفَّرًا حَلَالًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ . (٥)

- ١- المعجم الأوسط : ج ٥ ص ٣٧١ ح ٥٥٨٩ ، الدعاء للطبراني : ص ٢٥٢ ح ٧٩٤ كلاهما عن بريده ؛ مستدرک الوسائل : ج ١٣ ص ٢٦٥ ح ١٥٣٠٩ نقلًا عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
- ٢- المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ٧٢٣ ح ١٩٧٧ ، المعجم الكبير : ج ٢ ص ٢١ ح ١١٥٧ ، المعجم الأوسط : ج ٥ ص ٣٥٤ ح ٥٥٣٤ ، الدعاء للطبراني : ص ٢٥٢ ح ٧٩٥ كلها عن بريده ، كنز العمال : ج ٧ ص ١٤٩ ح ١٨٤٥٦ .
- ٣- الدرّة : السُّوط (المصباح المنير : ص ١٩٢ «در»).
- ٤- الغارات : ج ١ ص ١١٤ ، بحار الأنوار : ج ١٠٣ ص ١٠٢ ح ٤٦ .
- ٥- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ٢٠٠ ح ٣٧٥٤ ، الكافي : ج ٥ ص ١٥٥ ح ١ وليس فيه «وأعوذ بك من شرّها وشرّ أهلها» نحوه .

• بازار

ه بازار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعاهایی که هنگام وارد شدن به بازار می خواند: بار خدایا! خیر این بازار را از تو درخواست می کنم و از کفر و گناه، به تو پناه می برم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعاهایی که هنگام وارد شدن به بازار می خواند: به نام خدا. بار خدایا! خیر این بازار و خیر آنچه را در آن است، از تو می خواهم و از شرّ آن و شرّ آنچه در آن است، به تو پناه می برم. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که در این جا مرتکب سوگند دروغ، یا دچار معامله ای زیانمند شوم.

الغارات به نقل از نعمان بن سعد: [امام علی علیه السلام] شَلَّاق در دست، به بازار می رفت و می فرمود: «از گناه و از بدی این بازار، به تو پناه می برم».

کتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از سدید: امام باقر علیه السلام فرمود: «ای ابا فضل! آیا در بازار، جایی نداری که در آن بنشینی و با مردم، داد و ستد کنی؟ گفتم: چرا. فرمود: «بدان که هر کس به دکان و بازارش رفت و آمد کند و هنگامی که وارد بازار شد، بگوید: بار خدایا! خیر این بازار و خیر اهل آن را از تو درخواست می کنم و از شرّ آن و شرّ اهلش به تو پناه می برم، خداوند عز و جل کسی را بر او می گمارد تا از وی محافظت کند تا به منزلش باز گردد، و به او می فرماید: من امروز، تو را از شرّ این بازار و شرّ اهل آن، در پناه خود داشتم. و هنگامی که در دکان خود نشست، بگوید: گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست و یگانه و بی انباز است و گواهی می دهم که محمّد، بنده و فرستاده اوست. بار خدایا! از فضل تو، روزی حلال و پاک می طلبم و از این که ستم کنم یا ستم ببینم، به تو پناه می برم، و از معامله زیانمند و سوگند دروغ خوردن، به تو پناه می برم. هر گاه این را گفت، فرشته گماشته بر او می گوید: مُژده ات باد که امروز در بازار، هیچ کس پُر بهره تر از تو نخواهد بود و آنچه خدا برایت قسمت کرده، به وفور و حلال و پاک و بابرکت، به تو خواهد رسید!».

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ دَخَلَ سَوْقًا فَقَالَ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الظُّلْمِ وَالْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ (١)» كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ عَدَدَ مَنْ فِيهَا مِنْ فَصِيحٍ وَأَعْجَمٍ. (٢)

عنه عليه السلام: إِذَا دَخَلْتَ سَوْقَكَ فَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهَا وَخَيْرِ أَهْلِهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ أَهْلِهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلِمَ، أَوْ أَبْغَى أَوْ يُبْغَى عَلَيَّ، أَوْ أَعْتَدِي أَوْ يُعْتَدَى عَلَيَّ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ، وَشَرِّ فِسْقِهِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَحَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. (٣)

وَالْخَلَاءُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ هَذِهِ الْحُشُوشَ (٤) مُحْتَضَرَةٌ، فَإِذَا أَتَى أَحَدُكُمْ الْخَلَاءَ فَلْيَقُلْ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ. (٥)

- ١- الْمَعْرَمُ: كَالْعُزْمِ وَهُوَ الدِّينُ (النَّهْيَةُ: ج ٣ ص ٣٦٣ «غرم»).
- ٢- الْأَمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ: ص ١٤٥ ح ٢٣٨ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَثْمَانَ بْنِ زَيْدِ بْنِ بَكَّارِ بْنِ الْوَلِيدِ الْجَهَنِيِّ، بِحَارِ الْأَنْوَارِ: ج ٧٦ ص ١٧٣ ح ٣.
- ٣- الْكَافِيُّ: ج ٥ ص ١٥٦ ح ٢، تَهذِيبُ الْأَحْكَامِ: ج ٧ ص ٩ ح ٣٢ كِلَاهِمَا عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ.
- ٤- الْحُشُوشُ: يَعْنِي الْكُنُفَ وَمَوَاضِعَ قِضَاءِ الْحَاجَةِ، الْوَاحِدُ حَشٌّ (النَّهْيَةُ: ج ١ ص ٣٩٠ «حشش»).
- ٥- سَنَّ أَبُو دَاوُودَ: ج ١ ص ٢ ح ٦، سَنَّ ابْنُ مَاجَةَ: ج ١ ص ١٠٨ ح ٢٩٦، مَسْنَدُ ابْنِ حَنْبَلٍ: ج ٧ ص ٧٩ ح ١٩٣٠٦ وَليْسَ فِيهِمَا «الْخَلَاءُ» وَ ص ٨٧ ح ١٩٣٥١، صَحِيحُ ابْنِ حَبَّانَ: ج ٤ ص ٢٥٣ ح ١٤٠٦ كَلَّهَا عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ، كُنْتَ الْعَمَّالَ: ج ٩ ص ٢٦٣٨٩.

و مستراح

امام صادق علیه السلام: هر کس به بازاری در آید و بگوید: «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست و محمد، بنده او و فرستاده اوست. بار خدایا! از ستم و گناه و بدهکاری، به تو پناه می‌برم»، خداوند به شمار هر که در آن بازار است، از عرب و غیر عرب، برایش نیکی می‌نویسد.

امام صادق علیه السلام: هر گاه به بازاری در آمدی، بگو: «بار خدایا! خیر آن و خیر اهل آن را از تو می‌طلبم و از شرّ آن و شرّ اهلش به تو پناه می‌آورم. بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که ظلم کنم یا به من ظلم شود، سرکشی کنم یا به من سرکشی شود، تعدّی کنم یا بر من تعدّی شود. بار خدایا! از شرّ ابلیس و لشکریانش و از شرّ بزهکاران عرب و غیر عرب، به تو پناه می‌آورم. خدایی که جز او معبودی نیست، مرا بس است. بر او توکل کردم، که او پروردگار عرش بزرگ است».

و مستراح پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: این جایگاه‌های قضای حاجت، حضورگاه [جن و شیاطین] اند. بنا بر این، هرگاه کسی از شما به مستراح رفت، بگوید: «از شیاطین پلید نر و ماده، به خدا پناه می‌برم».

صحيح البخارى عن أنس: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ. (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا يَعِجْزُ أَحَدُكُمْ إِذَا دَخَلَ مِرْفَقَهُ (٢) أَنْ يَقُولَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ، الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ، الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (٣)

كتاب من لا يحضره الفقيه: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَرَادَ دُخُولَ الْمُتَوَضَّأِ (٤) قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ، الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ، الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، اللَّهُمَّ أَمِطْ (٥) عَنِّي الْأَذَى، وَأَعِزَّنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (٦)

الكافي عن أبي أسامة: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَأَلَهُ رَجُلٌ مِنَ الْمُغِيرِيَّةِ (٧) عَن شَيْءٍ مِنَ السُّنَنِ فَقَالَ: مَا مِنْ شَيْءٍ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ وُلْدِ آدَمَ إِلَّا وَقَدِ جَرَتْ فِيهِ مِنَ اللَّهِ وَمِنْ رَسُولِهِ سِنَّةٌ، عَرَفَهَا مَنْ عَرَفَهَا وَأَنْكَرَهَا مَنْ أَنْكَرَهَا. فَقَالَ رَجُلٌ: فَمَا السُّنَّةُ فِي دُخُولِ الْخَلَاءِ؟ قَالَ: تَذَكُّرُ اللَّهِ، وَتَتَعَوُّذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (٨)

- ١- صحيح البخارى: ج ١ ص ٦٦ ح ١٤٢ و ج ٥ ص ٢٣٣٠ ح ٥٩٦٣، سنن الترمذى: ج ١ ص ١١ ح ٦، سنن النسائى: ج ١ ص ٢٠، سنن ابن ماجه: ج ١ ص ١٠٩ ح ٢٩٨، كنز العمال: ج ٧ ص ٤٤ ح ١٧٨٧٣.
- ٢- مرافق الدار: من المغتسل والكنيف ونحوه (لسان العرب: ج ١٠ ص ١١٨ «رفق»).
- ٣- سنن ابن ماجه: ج ١ ص ١٠٩ ح ٢٩٩، المعجم الكبير: ج ٨ ص ٢١٠ ح ٧٨٤٩، الدعاء للطبرانى: ف ص ١٣٤ ح ٣٦٦ كلها عن أبي أمامه و ح ٣٦٥ عن أنس، كنز العمال: ج ٩ ص ٣٥٢ ح ٢٦٤٠٥؛ الكافي: ج ٣ ص ١٦ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ١ ص ٢٥ ح ٦٣ كلاهما عن معاوية بن عمارة عن الإمام الصادق عليه السلام و ص ٣٥١ ح ١٠٣٨ عن أبي بصير عن أحدهما عليهما السلامو كلها نحوه.
- ٤- المتوضأ: الكنيف والمستراح (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٩٤٥ «وضأ»).
- ٥- فى المصدر: «أمت»، والتصويب من المصادر الأخرى. قال الفيومى: ما ط: تَبَاعَيْدَ، وَأَمَاطُهُ غَيْرُهُ، وَمِنْهُ إِمَاطُهُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ؛ وَهِيَ التَّنْحِيهِ (المصباح المنير: ص ٥٨٧ «ميط»).
- ٦- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٢٣ ح ٣٧، مسند زيد: ص ٧٦، دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٠٤ كلاهما عن الإمام على عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٠ ص ١٩٣ ح ٥١.
- ٧- الْمُغِيرِيَّةُ: هُمُ أَصْحَابُ الْمُغِيرَةِ بْنِ سَعِيدِ الْعَجَلِي، ادَّعَى أَنَّ الْإِمَامَ بَعْدَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ، وَكَانَ الْمُغِيرَةُ مَوْلَى لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ خَالِدِ الْقَصْرِيِّ (هامش المصدر).
- ٨- الكافي: ج ٣ ص ٦٩ ح ٣، علل الشرايع: ص ٢٧٦ ح ٤، المحاسن: ج ١ ص ٤٣٣ ح ١٠٠٤، بحار الأنوار: ج ٨٠ ص ١٦٤ ح ٤٠.

صحیح البخاری به نقل از انس : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه وارد مستراح می شد ، می گفت : «بار خدایا! از شیطان های پلید نر و ماده ، به تو پناه می آورم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه یکی از شما به آبریزگاه رفت ، از این که بگوید : «بار خدایا! از آلوده ناپاک پلید پلیدگر ، شیطان رانده شده به تو پناه می برم» ، سستی نکند .

کتاب من لا یحضره الفقیه : پیامبر خدا هر گاه می خواست به آبریزگاه وارد شود ، می گفت : «بار خدایا! از آلوده ناپاک پلید پلیدگر ، شیطان رانده شده ، به تو پناه می برم . بار خدایا! آزار [نجاست] را از من دور گردان ، و مرا از شیطان رانده شده ، در پناه خود دار» .

الکافی به نقل از ابو اسامه : در خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی از مغیریان (۱) در باره پاره ای آداب ، از ایشان سؤال کرد . فرمود : «هیچ چیزی نیست که فردی از افراد آدمی به آن نیاز داشته باشد ، مگر آن که آدابی از جانب خدا و پیامبرش در باره آن وارد شده است . برخی ، آنها را می دانند و برخی نمی دانند» . مردی گفت : آداب وارد شدن به آبریزگاه چیست؟ فرمود : «[این که] خدا را یاد کنی و از شیطان رانده شده ، به خدا پناه ببری» .

۱- مغیریان ، به یاران مغیره بن سعد عجلی ، هم پیمان عبد الله بن خالد قصری ، گفته می شود . او مدعی بود که پس از امام باقر علیه السلام ، محمد بن عبد الله بن حسن ، امام است .

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ كَثُرَ عَلَيْهِ السَّهُوُ فِي الصَّلَاةِ ، فَلْيَقُلْ إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ : بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ ، الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ ، الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . (١)

١- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٢٥ ح ٤٢ .

امام صادق علیه السلام: هر که در نماز زیاد سهو می کند ، باید هنگامی که وارد آبریزگاه می شود ، بگوید : «به نام خدا و به یاری خدا . از آلوده ناپاک و پلید پلید گر ، شیطانِ رانده شده ، به خدا پناه می برم» .

الفصل السادس: الاستعاذات المأثورة ٦ / الاستعاذات المأثورة عن النبي صلى الله عليه وآله رسول الله صلى الله عليه وآله
:اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ ، وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ ، وَفُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ ، وَجَمِيعِ سَخَطِكَ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله مِمَّا دَعَا بِهِ فِي السُّجُودِ لِيَلَّا : أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ ، وَأَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ ، وَأَعُوذُ
بِرَحْمَتِكَ مِنْ نِقْمَتِكَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ ، لَا أُبَلِّغُ مِدْحَكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ
إِلَيْكَ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله :اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ ، وَالْكَسَلِ ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ . (٣)

١- صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٠٩٧ ح ٩٦ ، سنن أبي داوود : ج ٢ ص ٩١ ح ١٥٤٥ ، السنن الكبرى للنسائي : ج ٤ ص ٤٦٣ ح ٧٩٥٥ ، الأدب المفرد : ص ٢٠٥ ح ٦٨٥ كلها عن عبد الله بن عمر ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٨٠ ح ٣٦٣٤ .

٢- الكافي : ج ٣ ص ٣٢٤ ح ١٢ عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٢٢ ص ٢٤٥ ح ١٤ ؛ سنن الترمذي : ج ٥ ص ٥٦١ ح ٣٥٦٦ ، مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٢٠٨ ح ٧٥١ كلاهما عن عبد الرحمن بن الحارث عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، صحيح ابن حبان : ج ٥ ص ٢٥٨ ح ١٩٣٢ عن عائشه وكلها نحوه ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٨٦ ح ٢١٣١ .

٣- سنن الترمذي : ج ٥ ص ٥٢٨ ح ٣٥٠٣ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٧١٥ ح ١٩٥٤ كلاهما عن مسلم بن أبي بكره ، كنز العمال : ج ٢ ص ٢٠٣ ح ٣٧٦٣ .

فصل ششم: پناه خواهی های نقل شده از اهل بیت علیهم السلام

۶ / ۱ پناه خواهی های نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله

فصل ششم: پناه خواهی های نقل شده از اهل بیت ۶ / ۱ پناه خواهی های نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از زوال نعمت، و از دست رفتن عافیت، و فرود آمدن ناگهانی کیفیت، و همه ناخشنودی ات، به تو پناه می برم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعای ایشان در سجده های نماز شب: از کیفر تو، به گذشتت پناه می برم، از ناخشنودی تو، به خشنودی ات پناه می برم، از انتقام تو، به رحمت پناه می برم، از تو، به خود تو پناه می برم. از عهده ستایش و ثنای تو بر نمی آیم. تو چنانی که خود، در ثنای خویش گفته ای. از تو آمرزش می طلبم و به درگاه تو، باز می آیم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از اندوه [و نگرانی] و تنبلی و عذاب قبر، به تو پناه می برم.

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ ، وَالْهَرَمِ ، وَفِتْنَةِ الصَّدْرِ ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ ، وَالْهَرَمِ ، وَالْجُبَنِ ، وَالْبُخْلِ ، وَفِتْنَةِ الدَّجَالِ ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ . (٢)

سنن النسائي عن عمر: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَعَوَّذُ مِنْ خَمْسٍ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبَنِ ، وَالْبُخْلِ ، وَسُوءِ الْعُمْرِ ، وَفِتْنَةِ الصَّدْرِ ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ ، وَفِتْنَةِ الْمَحْيَا ، وَفِتْنَةِ الْمَمَاتِ . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشُّكِّ بَعْدَ الْيَقِينِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ مُقَارَنَةِ الشَّيَاطِينِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الدِّينِ . (٦)

- ١- المعجم الكبير: ج ١٢ ص ٨٤ ح ١٢٦١٤ عن ابن عباس ، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٠٦ ح ٣٧٨١ .
- ٢- سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٥٧ ، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٤٠٠ ح ١٣٠٧٤ و ص ٤٠٩ ح ١٣١٣١ و ص ٤٧٠ ح ١٣٤٧٢ كلها عن أنس ، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٠٠ ح ٣٧٤٧ .
- ٣- سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦٧ ، سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٩٠ ح ١٥٣٩ ، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٦٣ ح ٣٨٤٤ وفيه «وأرذل العمر» بدل «وفتنه الصدر» ، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٥٨ ح ١٤٥ وفيه «وسوء العمل» بدل «وسوء العمر» ، صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ٣٠١ ح ١٠٢٤ ، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٦١ ح ٣٩٧١ .
- ٤- مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٣١٦ ح ٢٠٤٥٢ ، الأذنب المفرد: ص ٢١٠ ح ٧٠١ ، سنن أبي داوود: ج ٤ ص ٣٢٤ ح ٥٠٩٠ ، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٩٠ ح ٩٩ وليس فيه ذيله وكلها عن أبي بكره ، كنز العمال: ج ٢ ص ١٨١ ح ٣٦٤٢ .
- ٥- المعجم الكبير: ج ٩ ص ٥٩ ح ٨٣٨٨ ، الدعاء للطبراني: ص ٤٠٩ ح ١٣٧٩ كلاهما عن عثمان بن أبي العاص ، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٠٠ ح ٣٧٤٦ .
- ٦- المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٢٠ ح ٢٤ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، تاريخ أصبهان: ج ٢ ص ٢١٩ عن البراء بن عازب نحوه ، كنز العمال: ج ٢ ص ٢١٣ ح ٣٨١٧ نقلاً عن ابن صصري في أماليه عن البراء .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از تنبلی و سالخوردگی و وسوسه سینه و عذاب قبر، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از تنبلی و سالخوردگی و بُردلی و بُخل و فتنه دَجّال و عذاب قبر، به تو پناه می برم .

سنن النسائی به نقل از عمر: پیامبر خدا، از پنج چیز به خدا پناه می بُرد . بار خدایا! از ترسویی و بخل و بدی عمر و وسوسه سینه و عذاب قبر، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از کفر و فقر، به تو پناه می برم . بار خدایا! از عذاب قبر، به تو پناه می برم .
معبودی جز تو نیست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! من، از فقر و عذاب قبر و فتنه (رنج) زیستن و فتنه مُردن، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از شکّ پس از یقین، به تو پناه می برم . از همدمی با شیاطین، به تو پناه می برم، و از عذاب روز جزا، به تو پناه می برم .

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ ، وَغَلَبَةِ العَدُوِّ ، وَشَمَاتِهِ (١) الأعداءِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ ، وَمِنْ بَوَارِ الأَيِّمِ ، وَمِنْ الجَوْعِ ؛ فَإِنَّهُ بِئْسَ الضَّجِيعُ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الجَوْعِ ؛ فَإِنَّهُ بِئْسَ الضَّجِيعُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الخِيَانَةِ ؛ فَإِنَّهَا بئسَتِ البِطَانَةُ (٤) .

(٥)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ النَّارِ ، وَعَذَابِ النَّارِ ، وَمِنْ شَرِّ الغِنَى وَالْفَقْرِ . (٦)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ القَبْرِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ المَسِيحِ

الدَّجَالِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ المَحْيَا وَالمَمَاتِ . (٧)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الهَمِّ ، وَالحَزَنِ ، وَالعَجْزِ ، وَالكَسَلِ ، وَالجُبْنِ ، وَالبُخْلِ ، وَضَلَعِ الدَّيْنِ (٨) ،

وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ . (٩)

١- الشَّمَاتَةُ: فَرَحُ العَدُوِّ ببلِيهِ تنزل بمن يعاديه (النهاية: ج ٢ ص ٤٩٩ «شمت»).

٢- سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦٨ ، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٥٨٤ ح ٦٦٢٩ ، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧١٣ ح

١٩٤٥ ، صحیح ابن حبان: ج ٣ ص ٣٠٣ ح ١٠٢٧ کلها عن عبد الله بن عمرو .

٣- الجعفریات: ص ٢١٩ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، مستدرک الوسائل: ج ١٣ ص ٣٨٧ ح ١٥٦٧٨ .

٤- بَطَانَةُ الرَّجُلِ: صَاحِبُ سِرِّهِ (النهاية: ج ١ ص ١٣٦ «بطن»).

٥- سنن أبي داود: ج ٢ ص ٩١ ح ١٥٤٧ ، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١١١٣ ح ٣٣٥٤ ، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦٣ کلها عن

أبي هريره ، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧١٦ ح ١٩٥٧ عن ابن مسعود نحوه ، كنز العمال: ج ٢ ص ١٨٩ ح ٣٦٨٩ ؛

الجعفریات: ص ٢١٩ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «الجزع» بدل «الجوع» ، مستدرک

الوسائل: ج ٩ ص ٨١ ح ١٠٢٧٠ .

٦- سنن أبي داود: ج ٢ ص ٩١ ح ١٥٤٣ ، مسند أبي يعلى: ج ٤ ص ٣٥٠ ح ٤٦٤٦ نحوه ، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٠٦ ح

٣٧٧٨ .

٧- سنن أبي داود: ج ٢ ص ٩١ ح ١٥٤٢ و ج ١ ص ٢٥٩ ح ٩٨٤ ، سنن الترمذی: ج ٥ ص ٥٢٥ ح ٣٤٩٤ ، سنن النسائي: ج

٤ ص ١٠٤ ، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٦٢ ح ٣٨٤٠ ، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٥٢١ ح ٢١٦٨ کلها عن ابن عباس و ص ٥٥٧

ح ٢٣٤٢ عن أبي هريره ، كنز العمال: ج ٢ ص ١٩٠ ح ٣٦٩٥ .

٨- ضَلَعِ الدَّيْنِ: أَى ثِقْلُهُ . وَالضَّلْعُ: الأَعْوَجَاؤُ ؛ أَى يثقله حتى يميل صاحبه عن الاستواء والاعتدال (النهاية: ج ٣ ص ٩٦

«ضلع».

٩- صحیح البخاری: ج ٥ ص ٢٣٤٢ ح ٦٠٠٨ و ص ٢٣٤٠ ح ٦٠٠٢، سنن الترمذی: ج ٥ ص ٥٢٠ ح ٣٤٨٤، سنن النسائی: ج ٨ ص ٢٦٥، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٤٥١ ح ١٣٣٦٤ و ص ٤٤٠ ح ١٣٣٠٣، الأدب المفرد: ص ٢٠٢ ح ٦٧٢ کلها عن أنس، کنز العمال: ج ٢ ص ٢٦٣ ح ٣٩٧٤؛ مصباح المتهدّج: ص ٢٢٥ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٤٢ ح ٢٤.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از چیرگی قرض و چیرگی دشمن و دشمن شاد شدن، به تو پناه می برم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از چیره آمدن قرض و از بی شوی ماندن بی شوهر (۱) و از گرسنگی، به تو پناه می برم، که گرسنگی، بد همخوابه ای است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! من از گرسنگی به تو پناه می برم، که گرسنگی، بد همخوابه ای است و از خیانت، به تو پناه می برم که خیانت، بد هم رازی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از گرفتار آمدن در آتش و عذاب آتش، و از شرّ توانگری و ناداری، به تو پناه می برم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از عذاب دوزخ، به تو پناه می برم، از عذاب قبر، به تو پناه می برم، از فتنه مسیح دجال، به تو پناه می برم، و از فتنه زندگی و مرگ، به تو پناه می برم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از نگرانی و اندوه و ناتوانی و تنبلی و ترسویی و بخل و فشار قرض و چیره آمدن مردان (اوباش)، به تو پناه می برم.

۱- واژه «ایم» در متن عربی حدیث، به معنای زنان بی شوهر است، اعم از بیوگان و دختران.

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمِ السَّوِّءِ ، وَمِنْ لَيْلِهِ السَّوِّءِ ، وَمِنْ سَاعَةِ السَّوِّءِ ، وَمِنْ صَاحِبِ السَّوِّءِ ، وَمِنْ جَارِ السَّوِّءِ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله مِنْ مُنَاجَاتِهِ فِي طَلَبِ الْحَاجَةِ : أَعِزَّنِي اللَّهُمَّ رَبِّ بِكَرَمِكَ مِنَ الْخَبِيَةِ (٢) وَالْقُنُوطِ (٣) ، وَالْأَنَاهِ (٤) وَالتَّشْيِيطِ (٥) ، بِهَنْئِ إِجَابَتِكَ وَسَابِغِ مَوْهَبَتِكَ ، إِنَّكَ وَلِيٌّ ، وَبِالْمَنَاحِحِ الْجَزِيلَةِ مَلِيٌّ ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَبِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ . (٦)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ ، وَمِنْ دَرَكِ (٧) الشَّقَاءِ ، وَشِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ . (٨)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ ، وَسُوءِ الْقَدَرِ ، وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ . (٩)

- ١- المعجم الكبير: ج ١٧ ص ٢٩٤ ح ٨١٠، الدعاء للطبراني: ص ٣٩٩ ح ١٣٣٨ كلاهما عن عقبه بن عامر، كنز العمال: ج ٢ ص ١٨٣ ح ٣٦٥١.
- ٢- الخبيّة: الجرمان والخسران (النهاية: ج ٢ ص ٩٠ «خيب»).
- ٣- القنوط: أشد اليأس من الشيء (النهاية: ج ٤ ص ١١٣ «قنط»).
- ٤- يُقال: لا تُؤنِ فُرصَتَكَ ، أى: لا تؤخرها، وكلّ شيء أخرته فقد آتته (لسان العرب: ج ١٤ ص ٤٨ «أنى»).
- ٥- التشييط: هو التعويق والشغل عن المراد (النهاية: ج ١ ص ٢٠٧ «تبط»).
- ٦- الدعوات: ص ٥٩ ح ١٤٧، مُهَجَّج الدعوات: ص ٣١٧ عن الإمام الجواد عليه السلام، المصباح للكفعمي: ص ٥٢٧ عن الإمام الرضا عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٦٤ ح ١٧.
- ٧- الدَّرَكُ: اللِّحَاقُ والوصول إلى الشيء (النهاية: ج ٢ ص ١١٤ «درک»).
- ٨- الدعاء للطبراني: ص ٣٩٨ ح ١٣٣٥ عن أبي هريره.
- ٩- جامع الأخبار: ص ٣٦٤ ح ١٠١٢، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣٦٠ ح ١٦.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از روز بد و از شب بد ، و از ساعت بد و از دوست بد و از همسایه بد در محلّ اقامت ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از مناجات ایشان برای حاجتخواهی : بار خدایا! ای پروردگار من! به بزرگواری ات مرا از ناکامی و نومیدی و کُندی و تأخیر در اجابت شیرینت و عطای سرشارت ، در پناه خویش بدار ، که به راستی تو حمایتگری ، و در دَهش های فراوان ، توانگری ، و تو بر هر چیزی توانایی و به هر چیزی احاطه داری .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از فرود آمدن بلا و دامنگیر شدن بدبختی و دشمن شاد شدن، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از بدی قضا و بدی تقدیر ، مواجه شدن با منظره بد در باره زن و مال و فرزند ، به تو پناه می برم .

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْقِلَّةِ وَالذُّلِّ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أُرْدَلِ الْعُمْرِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ ، وَالْكَسَلِ ، وَالْجُبْنِ ، وَالْهَرَمِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ ، وَالْمَأْتَمِ وَالْمَعْرَمِ ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ ، وَمِنْ فِتْنَةِ النَّارِ وَعَذَابِ النَّارِ ، وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْغِنَى ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَقْرِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ . (٤)

١- .سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٩١ ح ١٥٤٤ ، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦١ و ٢٦٢ ، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١٧٣ ح ٨٠٥٩ و ص ٢١٤ ح ٨٣١٨ ، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧٢٥ ح ١٩٨٣ کلها عن أبي هريره ، كنز العمال: ج ٢ ص ١٨٩ ح ٣٦٨٨ .

٢- .أرذل العُمر: أي آخره في حال الكبر والعجز والخرف (النهاية: ج ٢ ص ٢١٧ «رذل»).

٣- .صحیح البخاری: ج ٥ ص ٢٣٤٢ ح ٦٠٠٩ و ص ٢٣٤٧ ح ٦٠٢٧ ، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٥٦ ، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٣٨٧ ح ١٥٨٥ و ص ٣٩٥ ح ١٦٢١ ، صحیح ابن حبان: ج ٣ ص ٢٨٤ ح ١٠٠٤ و ج ٥ ص ٣٧١ ح ٢٠٢٤ ، صحیح ابن خزيمة: ج ١ ص ٣٦٧ ح ٧٤٦ کلها عن سعد بن أبي وقاص ، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٠٠ ح ٣٧٤٨ .

٤- .صحیح البخاری: ج ٥ ص ٢٣٤١ ح ٦٠٠٦ و ج ٣ ص ١٠٣٩ ح ٢٦٦٨ ، صحیح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٧٩ ح ٥٠ ، سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٩٠ ح ١٥٤٠ ، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٥٧ و ٢٥٨ ، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٢٧ ح ١٢١١٤ و ص ٤١٦ ح ١٣١٧١ کلها عن أنس ، كنز العمال: ج ٢ ص ١٩٠ ح ٣٦٩٤ .

٥- .صحیح البخاری: ج ٥ ص ٢٣٤٢ ح ٦٠٠٧ و ص ٢٣٤٤ ح ٦٠١٤ ، صحیح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٧٨ ح ٤٩ ، سنن الترمذی: ج ٥ ص ٥٢٥ ح ٣٤٩٥ ، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦٢ کلها عن عائشه نحوه ، كنز العمال: ج ٢ ص ١٧٧ ح ٣٦١٨ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از ناداری و کمبود و خواری ، به تو پناه می برم ، و به تو پناه می برم از این که ستم کنم یا ستم بینم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از بخل ، به تو پناه می برم ، از ترسویی ، به تو پناه می برم و از رسیدن به فروترین روزهای عمر (پیری و فرتوتی) ، به تو پناه می برم . از فتنه دنیا به تو پناه می برم و از عذاب قبر ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از ناتوانی و تنبلی و بُزدلی و سالخوردگی ، به تو پناه می برم . از عذاب قبر ، به تو پناه می برم و از فتنه [و رنج] زیستن و مُردن ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از سستی و سالخوردگی و گناهکاری و بدهکاری ، و از فتنه قبر و عذاب قبر ، و از فتنه آتش و عذاب آتش ، و از شرّ فتنه توانگری ، به تو پناه می برم . از فتنه فقر ، به تو پناه می برم ، و از فتنه مسیح دجال ، به تو پناه می برم .

عنه صلى الله عليه وآله أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ ، وَالْكَسَلِ ، وَالْجُبْنِ ، وَالْبَخْلِ ، وَالْهَرَمِ ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ ، اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا ، وَزَكَّهَا أَنْتَ خَيْرٌ مِنْ زَكَّاهَا ، أَنْتَ وَلِيِّهَا وَمَوْلَاهَا ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ ، وَمِنْ دَعْوَةٍ لَا يُسْتَجَابُ لَهَا . (١)

عنه صلى الله عليه وآله : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الصَّمَمِ وَالْبُكْمِ (٢) ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَيْأْتِمِ وَالْمَغْرَمِ ، (٣) وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُوعِ فَإِنَّهُ بِئْسَ الضَّجِيعُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخِيَانَةِ فَإِنَّهَا بِئْسَتِ الْبِطَانَةُ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله فِي الدُّعَاءِ الْمَعْرُوفِ بِدُعَاءِ الْأَمَانِ : أَعُوذُ بِاللَّهِ وَبِعَظَمَتِهِ ، وَبِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ ، وَبِعِزِّ اللَّهِ وَسُلْطَانِهِ ، وَبِعِزِّ جَلَالِ اللَّهِ ، وَبِعِزِّ عِزِّ اللَّهِ ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَأَ وَبَرَأَ ، وَمِنْ شَرِّ مَا تَحْتَ الثَّرَى ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتَيْهَا ، إِنْ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ شَدِيدٍ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ (٦) ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ، وَمِنْ شَرِّ قَضَاءِ السَّوَاءِ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتَيْهَا ، إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ . (٧)

١- صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٠٨٨ ح ٧٣ ، سنن النسائي : ج ٨ ص ٢٦٠ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٧ ص ١٧ ح ٤ ، المعجم الكبير : ج ٥ ص ٢٠٢ ح ٥٠٨٨ ، وزاد فيه «وفتنه الدجال» بعد «القبر» وكلّها عن زيد بن أرقم ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٧٧ ح ٣٦١٩ .

٢- البكّم : الخرس مع عي وبليّه (لسان العرب : ج ١٢ ص ٥٣ «بكم»).

٣- زاد في كنز العمال هنا : «وأعوذ من موت الغمّ ، وأعوذ بك من موت الهزم ، وأعوذ بك من موت الهدم» .

٤- الدعاء للطبراني : ص ٤٠٥ ح ١٣٦٠ ، الفردوس : ج ١ ص ٤٦١ ح ١٨٧٤ ، كنز العمال : ج ٢ ص ٢٠٥ ح ٣٧٧٥ نقلًا عن ابن النجار وكلّها عن أبي هريره .

٥- البلد الأمين : ص ٣٧٣ ، المصباح للكفعمي : ص ٣٦٤ .

٦- المارد والمريد من شياطين الجن والإنس : المتعري من الخيرات (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٧٦٤ «مرد»).

٧- مّهوج الدعوات : ص ١٠١ عن أنس ، المصباح للكفعمي : ص ١٠٤ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٣١٤ ح ٦٦ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیوسته می گفت: بار خدایا! از ناتوانی و تبلی و ترسویی و بخل و سالخوردگی و عذاب قبر، به تو پناه می برم. بار خدایا! به نفس من، پروا ده و آن را پاک گردان، که تو بهترین پاک کننده آن هستی. تو، صاحب و سرور آن هستی. بار خدایا! به تو پناه می برم از دانشی که سود نبخشد، و از دلی که خشوع نداشته باشد، و از نفسی که سیر نشود، و از دعایی که مستجاب نگردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از کُری و گنگی، به تو پناه می برم. از گنهکاری و بدهکاری، به تو پناه می برم. از گرسنگی، به تو پناه می برم که گرسنگی، بدهمخواه ای است و از خیانت، به تو پناه می برم؛ زیرا که خیانت، بد هم رازی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای معروف به «دعای امان»: به خدا و بزرگی او، و به عزت خدا و قدرت او، و به عزت خدا و سلطنت او، و به ارجمندی شکوه خدا، و به عزت عزت خدا پناه می برم، از شر آنچه آفریده و پدید آورده و ایجاد کرده است، و از شر آنچه زیر زمین است، و از شر هر جنبه ای که پیشانی (سرنوشت) آن را پروردگارم در دست دارد، و به راستی که پروردگار من، بر راه راست است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! پناه می برم به تو، از شرّ نفسم، و از شرّ هر سلطان نیرومند و خشنی، و از شرّ هر شیطان گردنکشی، و از شرّ هر زورگوی خیره سری، و از شرّ قضای بد، و از شرّ هر جنبه ای که پیشانی (سرنوشت) آن، در دست توست. به راستی که تو بر راه راستی و تو بر هر چیز، نگهبانی.

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غِنَى يُطْغِينِي ، وَفَقْرٍ يُنْسِينِي ، وَهَوًى يُرْدِينِي ، وَعَمَلٍ يُخْزِينِي ، وَجَارٍ يُؤْذِينِي .
(١)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ عَمَلٍ يُخْزِينِي ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ صَاحِبٍ يُرْدِينِي ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ أَمَلٍ يُلْهِينِي ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ فَقْرٍ يُنْسِينِي ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ غِنَى يُطْغِينِي . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَلَدٍ يَكُونُ عَلَيَّ رَبًّا (٣) ، وَمِنْ مَالٍ يَكُونُ عَلَيَّ ضَيَاعًا ، وَمِنْ زَوْجَةٍ تُشِيْبُنِي قَبْلَ أَوَانٍ مَشِيْبِي ، وَمِنْ خَلِيلٍ مَا كَرَّ عَيْنَاهُ تَرَانِي وَقَلْبُهُ يَرَعَانِي ، إِنْ رَأَى خَيْرًا دَفَنَهُ وَإِنْ رَأَى شَرًّا أذَاعَهُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ وَجَعِ الْبَطْنِ .
(٤)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ ، وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ ، وَالْبُخْلِ وَالْجُبْنِ ، وَضَلَعِ الدِّينِ ، وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ ، وَبَوَارِ الْأَيْمِ ، وَالْغَفْلَةِ وَالذُّلَّةِ ، وَالْقَسْوَةِ وَالْعَيْلَةِ وَالْمَسْكَنَةِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ ، وَمِنْ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ ، وَمِنْ صَيْلَةٍ لَا تَنْفَعُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ امْرَأَةٍ تُشِيْبُنِي قَبْلَ أَوَانٍ مَشِيْبِي ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ وَلَدٍ يَكُونُ عَلَيَّ رَبًّا (٥) ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ مَالٍ يَكُونُ عَلَيَّ عَيْذَابًا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ صَاحِبٍ تَحْدِيْعِهِ ، إِنْ رَأَى حَسِيْنَةً دَفَنَهَا ، وَإِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَفْشَاهَا ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ عِنْدِي يَدًا وَلَا مَنَّةً . (٦)

- ١- .جامع الأخبار : ص ٣٦٤ ح ١٠١٢ ، العدد القويّ : ص ٣٠٦ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وليس فيه ذيله ، مُهْج الدعوات : ص ١٣٢ عن الإمام عليّ عليه السلام وليس فيه ذيله من «وعمل...» ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٣٦٠ ح ١٦ .
- ٢- .عمل اليوم والليله لابن السنّي : ص ٤٧ ح ١٢٠ ، الدعاء للطبراني : ص ٢٠٩ ح ٦٥٧ ، مسند أبي يعلى : ج ٤ ص ٢٤٠ ح ٤٣٣٥ ، الفردوس : ج ١ ص ٤٦٢ ح ١٨٧٨ كلّها عن أنس .
- ٣- .الرّبُّ : المولى والسيد (النهايه : ج ٢ ص ١٧٩ «رب»).
- ٤- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ٥٥٨ ح ٤٩١٧ ، مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٤٤٣ ح ١٥٢٤ وليس فيه ذيله من «ومن خليل...» ، الجعفریات : ص ٢١٩ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه ؛ الدعاء للطبراني : ص ٣٩٩ ح ١٣٣٩ عن أنس نحوه .
- ٥- .في المصدر : «رباء» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- ٦- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٣٣٥ ح ٩٨١ عن حفص بن البختري ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٨٦ ح ٤٩ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به تو پناه می برم از توانگری ای که مرا به سرکشی وا دارد، و از فقری که مرا به فراموشی [از تو و یاد تو] بکشاند، و از هوس می که مرا به تباهی اندازد، و از کرداری که رسوایم سازد، و از همسایه ای که مرا بیازارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به تو پناه می برم از هر عملی که مرا، خوار و رسوا گرداند. به تو پناه می برم از هر دوستی که مرا به تباهی کشاند. به تو پناه می برم از هر آرزویی که مرا، سرگرم [و از یاد تو غافل] سازد. به تو پناه می برم از هر فقری که مرا به فراموشی [از یاد تو] اندازد، و به تو پناه می برم از هر توانگری ای که مرا به سرکشی کشاند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به تو پناه می برم از فرزندی که بر من سِروروی کند، و از مالی که مایه تباهی من شود، و از همسری که پیش از فرا رسیدن زمان پیری ام، مرا پیر گرداند، و از دوست نیرنگبازی که چشمانش مرا می بیند و دلش مرا می پاید که اگر خوبی [از من] دید، آن را می پوشاند و اگر بدی دید، افشا می کند؛ و به تو پناه می برم از درد شکم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به تو پناه می برم از نگرانی و اندوه و ناتوانی و تنبلی و بخل و ترسویی و فشار قرض و چیره آمدن مردان (اوباش)، و بی شوهر ماندن زنان، و از غفلت و خواری، و سنگ دلی و تنگ دستی و بی چیزی. به تو پناه می برم از نفسی که سیر نشود، و از دلی که خاشع نباشد، و از چشمی که اشک نریزد، و از دعایی که شنیده [و پذیرفته] نشود، و از نمازی که سود نبخشد. به تو پناه می برم از زنی که پیش از فرا رسیدن زمانی پیری ام، مرا پیر سازد. به تو پناه می برم از فرزندی که بر من، سِروروی کند. به تو پناه می برم از مالی که مایه عذاب من شود. به تو پناه می برم از [دوست] دغلكار اگر خوبی ببیند، آن را می پوشاند و اگر بدی ببیند، افشا می کند. بار خدایا! مرا مدیون نیکی و احسان هیچ تبهکاری قرار مده.

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ، وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ، وَالْبُخْلِ، وَالْهَرَمِ، وَالْقَسْوَةِ، وَالْغَفْلَةِ، وَالْعَيْلِ (١)،
وَالذُّلِّ، وَالْمَسْكَنَةِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَالْكَفْرِ، وَالْفُسُوقِ، وَالشُّقَاقِ، وَالنَّفَاقِ، وَالسُّمْعَةِ، وَالرِّيَاءِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الصَّمَمِ،
وَالْبُكْمِ، وَالْجُنُونِ، وَالْجُذَامِ، وَالْبَرَصِ، وَسَيِّئِ الْأَسْقَامِ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله من دُعَاءٍ كَانَ يَدْعُو بِهِ: أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَائِي نَاصِيئَتِهَا بِيَدِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِثْمِ وَالْكَسَلِ، وَمِنْ
عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ عَذَابِ النَّارِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْغِنَى، وَمِنْ فِتْنَةِ الْفَقْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْثِمِ وَالْمَغْرَمِ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله من دُعَائِهِ إِذَا سَافَرَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثِ السَّفَرِ (٤)، وَكَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ، وَمِنْ الْحَوْرِ ٥ بَعْدَ الْكُورِ
، وَدَعْوَةِ الْمَظْلُومِ، وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ. (٥)

١- عَالَ يَعِيلُ عَيْلَةً: إِذَا افْتَقَرَ (النهاية: ج ٣ ص ٣٣٠ «عيل»).

٢- المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧١٢ ح ١٩٤٤، الدعاء للطبرانی: ص ٤٠٠ ح ١٣٤٣ نحوه وكلاهما عن أنس، كنز
العمال: ج ٢ ص ١٨٨ ح ٣٦٨١.

٣- المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٢٩ ح ٢٢١١ و ج ١ ص ٧٠٥ ح ١٩٢٢ نحوه وكلاهما عن أم سلمة، المعجم الكبير:
ج ٢٣ ص ٣١٦ ح ٧١٧، المعجم الأوسط: ج ٦ ص ٢١٣ ح ٦٢١٨ وليس فيه «ومن عذاب النار»، تاريخ دمشق: ج ٥ ص ٤٥٦ ح
١٣٥٥ وزاد فيه «ومن فتنه العدو» بعد «عذاب القبر».

٤- وَعْثَاءُ السَّفَرِ: أَي شِدَّتُهُ وَمَشَقَّتُهُ (النهاية: ج ٥ ص ٢٠٦ «وعث»).

٥- مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٣٩٧ ح ٢٠٨٠٧ و ص ٣٩٦ ح ٢٠٨٠٢، سنن الترمذی: ج ٥ ص ٤٩٨ ح ٣٤٣٩ وفيه «الكون» بدل
«الكور»، السنن الكبرى: ج ٥ ص ٤١٠ ح ١٠٣٠٣، صحيح ابن خزيمة: ج ٤ ص ١٣٨ ح ٢٥٣٣ كلها عن عبد الله بن سرجس.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از ناتوانی و سستی و بُزدلی و بخل و سالخوردگی و سنگ دلی و غفلت و تنگ دستی و خواری و درماندگی ، به تو پناه می برم . از فقر و کفر و کج روی و ناسازگاری و دورویی و آوازه خواهی و خودنمایی ، به تو پناه می برم . از گری و گُنگی و دیوانگی و خوره و پیسی و بیماری های بد ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعایی که ایشان می خوانند: از گزند هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن ، در دست توست . به تو پناه می برم از گناه و تنبلی و از عذاب قبر ، و از عذاب آتش ، و از آزمایش توانگری ، و از آزمایش ناداری ، به تو پناه می برم . از گنهکاری و بدهکاری ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعای ایشان ، هنگامی که به مسافرت می رفت: بار خدایا! از رنج سفر ، و افسردگی در بازگشت ، و از کاستی پس از فزونی و نفرین ستم دیده و [رو به رو شدن با] منظره بد ، در میان خانواده و اموال به تو پناه می برم .

عنه صلى الله عليه وآله: أَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ أَنْ تَبْتَلِيَنِي بِبَيْتِي تَحْمِلُنِي ضَرُورَتُهَا عَلَى التَّعَوُّثِ بِشَيْءٍ مِنْ مَعَاصِيكَ ، وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ أَنْ أَكُونَ فِي حَالِ عُسْرٍ أَوْ يُسْرٍ أَظُنُّ (١) أَنَّ مَعَاصِيكَ أَنْجَحَ فِي طَلِبَتِي مِنْ طَاعَتِكَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ تَكْلُفٍ مَا لَمْ تُقَدِّرْ (٢) لِي فِيهِ رِزْقًا . وَمَا قَدَّرْتَ لِي مِنْ رِزْقٍ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَآتِنِي بِهِ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَفْتَقِرَ فِي غِنَاكَ ، أَوْ أَضِلَّ فِي هُدَاكَ ، أَوْ أُذَلَّ فِي عِزِّكَ ، أَوْ أُضَامَ (٤) فِي سُلْطَانِكَ أَوْ أُضْطَهَدَ وَالْأَمْرُ إِلَيْكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَقُولَ زُورًا (٥) ، أَوْ أَغْشَى فُجُورًا ، أَوْ أَكُونَ بِكَ مَغْرُورًا . (٦)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَدْمِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ التَّرْدَى ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَرَقِ وَالْحَرَقِ وَالْهَرَمِ ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ يَتَخَبَّنِي الشَّيْطَانُ عِنْدَ الْمَوْتِ ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَمُوتَ فِي سَبِيلِكَ مُدْبِرًا ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَمُوتَ لَدَيْغًا . (٧)

- ١- في المصدر: «ظن»، والتصويب من مصباح المتهجد .
- ٢- في المصدر: «لا تقدر»، والصواب ما أثبتناه كما في مصباح المتهجد وبحار الأنوار نقلًا عن المصدر .
- ٣- فلاح السائل: ص ٢٥٥ ح ١٥٤ عن فاطمة بنت الحسن عليه السلام عن أبيها ، مصباح المتهجد: ص ٤٣ ح ٥١ ، قرب الإسناد: ص ١ ح ١ عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام عليّ عليهم السلام وفيه صدره إلى «معاصيك»، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٦٦ ح ١٩ .
- ٤- الضَّيْمُ: الظُّلْمُ (الصَّحاح: ج ٥ ص ١٩٧٣ «ضيم»).
- ٥- الزُّورُ: الكَذِبُ ، وَزُورَ كَلَامُهُ: أَيْ زَخَرَفَهُ (المصباح المنير: ص ٢٦٠ «زور»).
- ٦- مُهْجَ الدَّعَوَاتِ: ص ١٣٤ ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٤٢ ح ٩ .
- ٧- سنن أبي داود: ج ٢ ص ٩٢ ح ١٥٥٢ ، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٢٨٦ ح ١٥٥٢٣ ، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧١٣ ح ١٩٤٨ ، الدعاء للطبرانی: ص ٤٠٦ ح ١٣٦٣ كلَّها عن أبي اليسر نحوه ، كتر العمال: ج ٢ ص ٢٠٦ ح ٣٧٨٠ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به تو پناه می برم ای پروردگار من از این که مرا در چنان وضعیت دشواری افکنی که ناگزیر شوم به چیزی از معصیت تو پناه برم! به تو پناه می برم ای پروردگار من از آن که در حالت تنگی یا گشایش، گمان برم معصیت تو، در برآوردن خواستم مؤثرتر از طاعت توست! به تو پناه می برم از آن که خود را برای چیزی به رنج افکنم که آن را برایم مقدر نکرده ای! بر محمّد و خاندان او درود فرست و آن روزی ای را هم که برایم مقدر ساخته ای، به آسانی و عافیت برایم برسان، ای مهربان ترین مهربانان!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به تو پناه می برم از این که با وجود توانگری تو، نیازمند شوم یا با وجود هدایت تو، گم راه شوم یا با وجود عزّت تو، خوار شوم یا با وجود قدرت تو، با من بدرفتاری شود یا در حالی که فرمان با توست، من مورد ستم واقع شوم. بار خدایا! پناه می برم به تو از این که دروغ بگویم، یا تردامنی کنم، یا به تو غرّه شوم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به تو پناه می برم از زیر آوار ماندن. به تو پناه می برم از سقوط از بلندی. به تو پناه می برم از غرق شدن و سوختن و سالخورده گی! به تو پناه می برم از این که در هنگام مُردن، شیطان، آشفته سرم کند. به تو پناه می برم از این که در حال فرار از راه تو (جهاد) بمیرم. و به تو پناه می برم از این که با گزیده شدن بمیرم.

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِنورِ قُدْسِكَ ، وَعَظْمَةِ طَهَارَتِكَ ، وَبَرَكَه جَلالِكَ ، مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعَاهَةٍ ، وَمِنْ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ . اللَّهُمَّ أَنْتَ غِيَاثِي فَبِكَ أَسْتَعِيثُ ، وَأَنْتَ مَلَاذِي فَبِكَ أَلُوذُ ، وَأَنْتَ مَعَاذِي فَبِكَ أَعُوذُ ، يَا مَنْ ذَلَّتْ لَهُ رِقَابُ الْجَبَابِرَةِ ، وَخَضَعَتْ لَهُ مَقَالِيدُ الْفِرَاعِنَةِ ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِكَ ، وَمِنْ كَشْفِ سِتْرِكَ ، وَمِنْ نِسْيَانِ ذِكْرِكَ ، وَالْإِنْصِرَافِ عَيْنِ شُكْرِكَ . أَنَا فِي حِرْزِكَ (١) فِي لَيْلِي وَنَهَارِي ، وَظَعْنِي (٢) وَأَسْفَارِي ، وَنَوْمِي وَقَرَارِي ، ذِكْرُكَ شِعَارِي وَتِثَابِي ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُلِمَاتِ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ ، وَأَهْوَالِ عِظَائِمِ الضَّرَّاءِ ، فَأَعِزَّنِي رَبِّ مِنْ صِدْرَةِ الْبُؤْسِ ، وَاحْجُبْنِي عَنِ سَيِّطَاتِ الْبَلَاءِ ، وَنَجِّنِي مِنْ مُفَاجِئَاتِ النَّقَمِ ، وَاحْرُسْنِي مِنْ زَوَالِ النِّعَمِ ، وَمِنْ زَلَلِ الْقَدَمِ ، وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ رَبِّ فِي حِمَى عِزِّكَ ، وَحِياطِهِ حِرْزِكَ ، مِنْ مُبَاغِتَةِ الدَّوَابِّ (٤) ، وَمُعَاجَلَةِ الْبَوَائِبِ . (٥) اللَّهُمَّ رَبِّ وَأَرْضِ الْبَلَاءِ فَاحْصِفْهَا ، وَجِبَالِ السُّوءِ فَانْسِفْهَا ، وَكُرْبِ الدَّهْرِ فَاكْثِفْهَا ، وَعَوَائِقِ الْأُمُورِ فَاصْرِفْهَا ، وَأُورِدْنِي حِيَاضَ السَّلَامَةِ ، وَاحْمِلْنِي عَلَى مَطَايَا الْكِرَامَةِ ، وَاصْحَبْنِي إِقْبالَةَ الْعَثْرَةِ ، وَاشْمَلْنِي سِتْرَ الْعَوْرَةِ ، وَجِدْ عَلَيَّ رَبِّ بِالْإِيتِكَ ، وَكَشِفِ بِلَائِكَ ، وَدَفِعِ ضَرَائِكَ ، وَادْفَعْ عَنِّي كَلالَةَ عِيَابِكَ ، وَاصْرِفْ عَنِّي أَلِيمَ عِقَابِكَ ، وَأَعِزَّنِي مِنْ بَوَائِقِ (٦) الدُّهُورِ ، وَأَنْقِذْنِي مِنْ سُوءِ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ ، وَاحْرُسْنِي مِنْ جَمِيعِ الْمَحْذُورِ ، وَاصْدَعْ صِفاهَ الْبَلَاءِ عَنِّي ، وَأَسْلِلْ يَدَهُ عَنِّي مَدَى عُمْرِي ، إِنَّكَ الرَّبُّ الْمَجِيدُ ، الْمُبْدِيُّ الْمُعِيدُ ، الْفَعَّالُ لِمَا يُرِيدُ . (٧)

١- الحِرْزُ: المَوْضِعُ الحَصِينُ (الصَّحاح: ج ٣ ص ٨٧٣ «حرز»).

٢- ظَعَنَ ظَعْنًا: ذَهَبَ وَسَارَ (تاج العروس: ج ١٨ ص ٣٦٢ «ظعن»).

٣- مُهَيِّجُ الدَّعَوَاتِ: ص ٩٥ ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٠٩ نقلًا من خَطِّ الشَّهِيدِ نَحْوَهُ وَ ص ٢١٢ ح ٨ ؛ تَارِيخُ دِمَشْقَ: ج ٥١ ص ٣١٩ ح ١٠٨٩٨ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو نَحْوَهُ .

٤- الدَّائِرَةُ: الْهَزِيمَةُ ، يُقَالُ: عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ (الصَّحاح: ج ٢ ص ٦٦١ «دور»).

٥- بَارَ فُلَانًا ، أَيْ: هَلَكَ ، وَأَبَارَهُ اللَّهُ: أَهْلَكَهُ ، وَقَوْمٌ بَوْرٌ: أَيْ هَلَكَ (الصَّحاح: ج ٢ ص ٥٩٧ «بور»).

٦- بَوَائِقُهُ: أَيْ غَوَائِلُهُ وَشُرُورُهُ (النَّهَائِيه: ج ١ ص ١٦٢ «بوق»).

٧- الدَّعَوَاتُ: ص ٨٢ ح ٢٠٧ ، مُهَيِّجُ الدَّعَوَاتِ: ص ٣١٣ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَارِثِ عَنِ الْإِمَامِ الْجَوَادِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، الْمَصْبَاحُ لِلْكَفَعْمِيِّ: ص ٣٣٠ كِلَاهِمَا نَحْوَهُ ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٨٢ ح ٤٥ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به نور قداست تو و عظمت پاکی تو، و افزونی شکوه تو، پناه می برم از هر گزند و آسیبی، و از پیشامدهای شب و روز، مگر پیشامدی که به نیکی آید. بار خدایا! تو یاری کننده من هستی. پس از تو کمک می خواهم. تو حامی منی. پس دست به دامن تو می شوم. تو پناهگاه منی، پس به تو پناه می آورم. ای کسی که گردن های زورگویان، تسلیم اویند و مهار فرعونان، در اختیار اوست! به تو پناه می برم از این که خوار و رسوایم کنی و پرده ام را کنار زنی، و از این که یاد تو را فراموش کنم و از سپاسگزاری تو روی بگردانم. من در شب و روزم، و کوچیدن و سفرهایم، و در هنگام خوابیدن و استراحت کردنم، در پناه تو هستم. یاد تو، زیرپوش من است و ثنایت، بالاپوشم. معبودی جز تو نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از بلاهای سخت فلاکت بار و از مصیبت های بزرگ هراس انگیز، به تو پناه می برم. پس ای پروردگار من از این که سختی ها مرا به خاک افکند، در پناه خویش بدار و از ضربات بلا، نگه دار و از کیفرهای نامنتظره، بَرهان و از زوال نعمت ها و از لغزیدن گام ها پاس بدار و مرا بار خدایا! پروردگارا از شیخون بلاها و در رسیدن بی امان مهلکه ها، در پناه عزّت و حصار نگهداشتت قرار ده. بار خدایا، پروردگارا! زمین بلا را درهم فرو ریز و کوه های بدی را درهم شکن و رنج های روزگار را بزدای و مشکلات کارها را برطرف ساز و ما را به حریم های سلامت برسان و بر مرکب های کرامت، بر نشان و همواره، در لغزش ها دستم را بگیر و بر عیب هایم پرده در افکن و نعمتهایت را ای پروردگار بر من ببخشای و بلایت را از من، بگردان و گزندت را از من، دور ساز و سنگینی های عذابت را از من، بردار و کیفر دردناکت را از من، دفع کن. مرا از بدی های روزگاران، در پناه خویش بدار و از بدی فرجام کارها رهایی ام بخش و از هرگونه دشواری، نگاهم دار و خرسنگ بلا را از کار من، بردار و دستش را در تمام عمرم، از من کوتاه کن، که به راستی، تو پروردگار بزرگواری، آغاز کننده و بازگرداننده ای (/آفریننده و باز آفرینی) و هر آنچه خواهی، انجام می دهی.

المعجم الكبير عن عائشه بنت قدامه بن مظعون: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْأَعْمِيَيْنِ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الْأَعْمِيَانِ؟ قَالَ: السَّيْلُ وَالْبَعِيرُ الصَّوُولُ. (١)

٦ / ١٢ الاستعاذات المأثوره عن الإمام علي عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أفتَقِرَ فِي غِنَاكَ، أو أضِلَّ فِي هُدَاكَ، أو أضامَّ فِي سُلْطَانِكَ، أو أضطَهَدَ وَالْأَمْرُ لَكَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي أَوَّلَ كَرِيمَةٍ تَنْتَزِعُهَا مِنْ كَرَامِي (٢)، وَأَوَّلَ وَدِيْعَةٍ تَرْتَجِعُهَا مِنْ وَدَائِعِ نَعْمِكَ عِنْدِي. اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذْهَبَ عَنْ قَوْلِكَ، أو أَنْ نَفْتِنَ عَنْ دِينِكَ، أو تَتَابَعِ بِنَا أَهْوَاؤُنَا دُونَ الْهُدَى الَّذِي جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ. (٣)

عنه عليه السلام من دُعائه فِي قُنُوتِ الْوَتْرِ: يَا مَنْ كَرَّمَنِي وَشَرَّفَنِي وَنَعَّمَنِي، أَعُوذُ بِكَ مِنَ الزَّقُومِ (٤)، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَمِيمِ (٥)، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ مَقِيلٍ فِي النَّارِ بَيْنَ أَطْبَاقِ النَّارِ، فِي ظِلَالِ النَّارِ يَوْمَ النَّارِ، يَا رَبَّ النَّارِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأُ لُكَ مَقِيلًا فِي الْجَنَّةِ، بَيْنَ أَنْهَارِهَا وَأَشْجَارِهَا، وَثِمَارِهَا وَرِيحَانِهَا، وَخَدَمِهَا وَأَزْوَاجِهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأُ لُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ: رِضْوَانِكَ وَالْجَنَّةَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ: سَخَطِكَ وَالنَّارِ، هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. (٦)

- ١- المعجم الكبير: ج ٢٤ ص ٣٤٤ ح ٨٥٨، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٩٩ ح ٥١٢٣ نقلاً عن الرامهرمزي عن ابن عمر وفيه «المغتلّم» بدل «الصَّوُول» و ص ١٨٣ ح ٣٦٤٩.
- ٢- أي إذا أردت أن تستردّ مني بعضَ أعضائي، فقبل أن تنتزع عقلي وبعض جوارحي التي عليها اعتمادُ بدني وقوامه وزينته، فانزع نفسي (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٥٦٥ «كرم»).
- ٣- نهج البلاغه: الخطبه ٢١٥، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٣٠ ح ٤.
- ٤- الزَّقُوم: شجره غبراء صغيره الورق، ذفره مرّه (لسان العرب: ج ١٢ ص ٢٦٩ «زقم»).
- ٥- الْحَمِيمُ: الماء الشديد الحرارة (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٢٥٤ «حمم»).
- ٦- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٩٢ ح ١٤١٢، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٧٠ ح ٦٧.

۶ / ۲ پناه خواهی های نقل شده از امام علی علیه السلام

المعجم الکبیر به نقل از عایشه دختر قدامه بن مَظعون: از پیامبر خدا شنیدم که می گوید: «بار خدایا! از شرّ دو کور، به تو پناه می برم». گفته شد: ای پیامبر خدا! دو کور چیستند؟ فرمود: «سیل و شتر مست».

۶ / ۲ پناه خواهی های نقل شده از امام علی علیه السلام: بار خدایا! پناه می برم به تو از این که با وجود توانگری تو، نیازمند شوم یا با وجود هدایت تو، در گم راهی به سر برم یا با وجود سلطنت تو، به من بیداد شود یا با وجود فرمان روایی تو، به من ستم [و بد رفتاری] شود. بار خدایا! جان مرا نخستین عضو از اعضای گرامی من قرار ده که از من می گیری (۱) و نخستین نعمتی بدار که به من سپرده ای و از من، باز می ستانی. بار خدایا! به تو پناه می بریم از این که از گفتارت، بیرون رویم یا از دینت، گم راه شویم یا هوس هایمان، ما را به غیر راهی ببرد که از جانب تو آمده است.

امام علی علیه السلام از دعای ایشان در دعای قنوت نماز وَتَر: ای آن که مرا گرامی داشت و بزرگی بخشید و نعمت داد! از زَقُوم (۲) به تو پناه می برم، از آب جوشان [دوزخ] به تو پناه می برم و از خوابگاه نیم روزی در آتش در میان طبقات آتش، در سایه های آتش، در روز آتش، به تو پناه می برم، ای پروردگار آتش! بار خدایا! از تو خواهم خوابگاهی نیم روزی در بهشت، در میان جویباران و درختانش، و میوه ها و گل هایش، و چاکران و همسرانش. بار خدایا! بهترین بهترین ها را از تو خواهم: خشنودی ات و بهشت را. و از بدترین بدترین ها به تو پناه می برم: ناخشنودی ات و آتش. این جا کسی ایستاده که از آتش، به تو پناه آورده است (سه مرتبه).

۱- یعنی هرگاه خواستی برخی اعضای مرا باز گیری، پیش از آن که عقل مرا و اعضای اصلی مرا که تکیه و قوام و زینت بدن من به آنهاست بگیری، جان مرا بگیر.

۲- درختی است در جهنم دارای میوه بسیار تلخ که دوزخیان از آن خورند (لغت نامه دهخدا).

عنه عليه السلام من دُعائه بعد صلاه العشاء: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَمِنْ جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ، وَحَسِيدٍ كُلِّ حَاسِدٍ، وَبَغِي كُلِّ بَاغٍ، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي، وَجَمِيعِ مَا حَوَّلْتَنِي مِنْ نِعْمِكَ. (١)

عنه عليه السلام في الحکم المنسوبه إليه: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَقُولَ حَقًّا لَيْسَ فِيهِ رِضَاكَ، أَلْتَمِسُ بِهِ أَحَدًا سِوَاكَ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَتَزَيَّنَ لِلنَّاسِ بِشَيْءٍ يَشِينُنِي عِنْدَكَ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ عِبْرَةً لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ يَكُونَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ أَسْعَدَ بِمَا عَلَّمْتَنِي مِنِّي. (٢)

عنه عليه السلام قبل رفع المصاحف يوم صَفَيْنَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْغَمِّ وَالْحَزَنِ، وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ، وَسُوءِ الْخُلُقِ، وَضَلَعِ الدِّينِ، وَعَلَبَةِ الرِّجَالِ، وَعَلَبَةِ الْعِيدِ، وَتَوَالِي الْأَيَّامِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ، وَيَلِيهِ لَا أَسْتَطِيعُ عَلَيْهَا صَبْرًا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ زَحَرَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ، أَوْ بَاعَدَ مِنْكَ، أَوْ صَيَّرَ عَنِّي وَجْهَكَ، أَوْ نَقَصَ بِهِ مِنْ حَظِّي عِنْدَكَ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ تَحُولَ خَطَايَايَ أَوْ ظُلْمِي أَوْ إِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي، وَأَتَّبَاعِ هَوَايَ، وَاسْتِعْمَالِ شَهْوَتِي، دُونَ رَحْمَتِكَ وَبِرِّكَ وَفَضْلِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَمَوْعِدِكَ عَلَى نَفْسِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَاحِبِ سُوءِ فِي الْمَغِيبِ وَالْمَحْضَرِ، فَإِنَّ قَلْبَهُ يَرَعَانِي، وَعَيْنَاهُ تُبْصِرَانِي، وَأُذُنَاهُ تَسْمَعَانِي، إِنْ رَأَى حَسَنَةً أَطْفَاها (٣)، وَإِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَبْدَاهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ طَمَعٍ يُدْنِي إِلَى طَمَعٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ضَلَالَةٍ تُرْدِينِي، وَمِنْ فِتْنَةٍ تَعْرِضُ لِي، وَمِنْ خَطِيئَةٍ لَا تَوْبَةَ مَعَهَا، وَمِنْ مَنْظَرٍ سُوءٍ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ، وَعِنْدَ غَضَاضِهِ الْمَيُوتِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالشُّكِّ، وَالْبَغْيِ وَالْحَمِيَّةِ وَالغَضَبِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ غِنَى يُطْغِينِي، وَمِنْ فَقْرٍ يُنْسِينِي، وَمِنْ هَوَى يُرْدِينِي، وَمِنْ يَوْمٍ أَوْلَهُ فَرْعٌ، وَآخِرُهُ جَزَعٌ، تَسْوَدُّ فِيهِ الْوُجُوهُ، وَتَجِفُّ فِيهِ الْأَكْبَادُ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَعْمَلَ ذَنْبًا مُحِيطًا لَا تَغْفِرُهُ أَيْدَا، وَمِنْ ذَنْبٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ، وَمِنْ أَمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْعَمَلِ، وَحَيَاةٍ تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجَهْلِ وَالْهَزَلِ، وَمِنْ شَرِّ الْقَوْلِ وَالْفِعْلِ، وَمِنْ سُقْمٍ يَشْغَلُنِي، وَمِنْ صَحْحَةٍ تُلْهِينِي، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ التَّعَبِ وَالنَّصَبِ، وَالْوَصَبِ وَالضَّيْقِ وَالضَّنْكِ، وَالضَّلَالَةِ وَالْغَائِلَةِ، وَالذَّلَّةِ وَالْمَسْكَنَةِ، وَالرِّيَاءِ وَالشُّمْعِيَّةِ، وَالنَّدَامَةَ وَالْحَزْنَ، وَالْخُشُوعَ وَالْبَغْيَ وَالْفِتْنَ، وَمِنْ جَمِيعِ الْآفَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ، وَبِلَاءِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ وَسْوَسَةِ الْأَنْفُسِ مِمَّا لَا تُحِبُّ (٤) مِنَ الْقَوْلِ وَالْفِعْلِ وَالْعَمَلِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَالْحَسِّ وَاللَّبْسِ، وَمِنْ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَأَنْفُسِ الْجِنِّ وَأَعْيُنِ الْإِنْسِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَمِنْ شَرِّ لِسَانِي، وَمِنْ شَرِّ سَمْعِي، وَمِنْ شَرِّ بَصْرِي، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَصِيْلَةٍ لَا تُرْفَعُ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ، وَلَا تُرَدِّنِي فِي ضَلَالَةٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ بِشِدَّةِ مُلْكِكَ، وَعِزَّةِ قُدْرَتِكَ، وَعَظْمَةِ سُلْطَانِكَ، وَمِنْ شَرِّ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ. (٥)

١- فلاح السائل: ص ٤٣٨ ح ٣٠٢، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١١٣ ح ١.

٢- شرح نهج البلاغه: ج ٢٠ ص ٣٤٨ ح ٩٩٣.

٣- وفي نسخه: «أخفاها».

٤- في المصدر: «مما تُحِبُّ»، والتصويب من بحار الأنوار.

٥- .مُهَج الدعوات : ص ١٣١ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٢٣٩ ح ٩ .

امام علی علیه السلام از دعای ایشان پس از نماز عشا: بار خدایا! از پیشامدهای نامنتظره شب و روز، و از بیداد هر بیدادگری، و حسادت هر حسودی، و ستم هر ستمگری به تو پناه می برم. بار خدایا! مرا و خانواده ام را، و دارایی ام را و هر آن نعمتی را که به من داده ای، محافظت فرما.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: بار خدایا! به تو پناه می برم از این که حقی را نه برای خشنودی تو، که برای جلب خشنودی غیر تو بگویم! به تو پناه می برم از این که خویشتن را برای مردم به چیزی بیاریم که مرا در نزد تو، زشت می گرداند! به تو پناه می برم از این که مایه عبرت خلق تو شوم! به تو پناه می برم از این که احدی از خلق تو، به آنچه مرا آموخته ای، سعادت مندتر از خود من باشد!

امام علی علیه السلام پیش از بالا بردن قرآن ها در جنگ صفین: بار خدایا! به تو پناه می برم از غم و اندوه و ناتوانی و سستی و ترسویی و بخل و بدخویی و فشار قرض و چیرگی مردان (اوباش) و چیره آمدن دشمن و در پی هم آمدن روزها، (۱) و از شرّ کارهایی که ستمگران در زمین می کنند و از گرفتاری ای که تاب تحمل آن را ندارم! به تو پناه می برم از هر چیزی که میان من و، تو جدایی افکند یا از تو، دور گرداند یا تو را از من، روی گردان سازد یا به سبب آن، از بهره من در نزد تو کاسته شود! و به تو پناه می برم از این که خطاهایم یا ستمم یا فزونکاری ام بر خویشتن، و پیروی از هوسم و به کار بستن خواهش نفسم، مانع رحمت و احسان و لطف و برکت های تو و وعده ای که بر عهده گرفته ای، [از من] شود. بار خدایا! به تو پناه می برم از یار بد در غیاب و حضور؛ [یاری] که دلش مرا می پاید و چشمانش مرا می بیند و گوش هایش [سخنان] مرا می شنود که اگر خوبی [از من] ببیند، آن را می پوشاند و اگر بدی ببیند، آشکارش می سازد. به تو پناه می برم از طمعی که مرا به پستی کشاند. به تو پناه می برم از گم راهی ای که مرا به نابودی کشاند و از فتنه ای که برایم پیش آید و از گناهی که با آن، توبه ای نباشد و از پیشامد بد برای خانواده و دارایی و فرزندان، و در هنگام خواری مرگ! به تو پناه می برم از کفر و شکّ و ستم و تعصّب و خشم. به تو پناه می برم از ثروتی که مرا به سرکشی کشاند، و از فقری که مرا به فراموشی [از یاد تو] اندازد، و از هوسمی که مرا به نابودی افکند. [به تو پناه می برم] از روزی که آغازش هراس باشد و میانش بی تابی؛ روزی که در آن روی ها سیاه و جگرها [از تشنگی] تفتیده می شود. به تو پناه می برم از این که گناهی مرتکب شوم که اعمال را بر باد می دهد و هرگز، آن را نمی بخشی، و از گناهی که مانع رسیدن به خیر آخرت می شود، و از آرزویی که از عمل نیک، باز می دارد، و از زیستنی که مانع خوب مُردن می شود. به تو پناه می برم از نادانی کردن و شوخی، و از گفتار و کردار بد، و از بیماری ای که مرا به خود، مشغول دارد، و از تندرستی ای که مرا [از یاد تو] غافل گرداند. به تو پناه می برم از خستگی و فرسودگی و رنجوری و تنگنایی و زندگی جانکاه، و گم راهی و تیره روزی و خواری و بینوایی و خودنمایی و شهرت طلبی و پشیمانی و اندوه و شکستگی و ستم و فتنه ها، و از همه گزندها و بدی ها، و از بلای دنیا و آخرت. به تو پناه می برم از زشتکاری های آشکار و پنهان. به تو پناه می برم از هر گفتار و کردار و رفتاری که تو دوست نداری و نفس به آنها وسوسه می کند. بار خدایا! به تو پناه می برم از جنّ و آدمی، و فریب و درهم آمیختگی، و از پیشامدهای شب و روز، و از چشم زخم جنیان و آدمیان. بار خدایا! به تو پناه می برم از شرّ نفسم، و از شرّ زبانم، و از شرّ گوشم، و از شرّ چشمم. بار خدایا! به تو پناه می برم از نفسی که سیر نشود، و از دلی که خاشع نباشد، و از دعایی که مستجاب نشود، و از نمازی که

[به درگاه خدا] بالا نرود . بار خدایا! مرا به هیچ عذابت ، گرفتار مساز ، و در هیچ گم راهی ای میفکن . بار خدایا! به تو پناه می برم ، به استواری پادشاهی ات ، و شکست ناپذیری قدرتت ، و بزرگی سلطنتت ، و از شر همه آفریدگانت .

۱- .شاید مراد از «روزها» جنگ و درگیری و روزهای دشوار باشد .

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي خُطْبِهِ صِيْلَاهِ الْإِسْتِسْقَاءِ : اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّكَ وَهُوَادِيهِ ، وَالظُّلْمِ وَدَوَاهِيهِ (١) ، وَالْفَقْرِ وَدَوَاعِيهِ . (٢)

عنه عليه السلام أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ : أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ ، وَدَرْكِ الشَّقَاءِ ، وَشِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ السَّجْنِ وَالْقَيْدِ وَالسَّوْطِ . (٣)

عنه عليه السلام : نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سَيِّئَاتِ الْأَعْمَالِ . (٤)

عنه عليه السلام مِنْ خُطْبِهِ لَهُ : نَحْمَدُكَ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعْمَائِهِ كُلِّهَا ، وَنَسْتَهِدِيهِ لِمَرَاثِدِ أُمُورِنَا ، وَنَعُوذُ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا ، وَنَسْتَغْفِرُهُ لِلذُّنُوبِ الَّتِي سَبَقَتْ مِنَّا . (٥)

١- دواهي الدهر : ما يصيب الناس من عظيم نوائبه وحوادثه (الصحاح : ج ٦ ص ٢٣٤٤ «دها»).

٢- تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ١٥٣ ح ٣٢٨ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٥٣٢ ح ١٥٠١ ، مصباح المتعجب : ص ٥٢٨ ح ٦١١ ، بحار الأنوار : ج ٩١ ص ٢٩٤ ح ٢ .

٣- كنز العمال : ج ٢ ص ٦٧٨ ح ٥٠٥٤ نقلاً عن يوسف القاصي .

٤- الأمالي للصدوق : ص ٧٢٢ ح ٩٨٨ عن المفضل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٣٩٥ ح ١٣ .

٥- الكافي : ج ١ ص ١٤٢ ح ٧ ، التوحيد : ص ٣٣ ح ١ وفيه «سلفت» بدل «سبقت» وكلاهما عن الحارث الأعور ، بحار الأنوار : ج ٤ ص ٢٦٦ ح ١٤ .

امام علی علیه السلام از دعای ایشان در خطبه نماز طلب باران: بار خدایا! از شرک و پیشروان آن ، و از ستم و پیامدهای مصیبت بار آن، و از فقر و اسباب آن ، به تو پناه می بریم .

امام علی علیه السلام همواره می گفت : از بلای جانکاه ، و دامنگیر شدن بدبختی [و رنج] ، و شماتت دشمن ، به تو پناه می برم ! از زندان و زنجیر و تازیانه ، به تو پناه می برم .

امام علی علیه السلام: از بدگُشتی ها به خدا پناه می بریم .

امام علی علیه السلام در سخنرانی ای از ایشان : او را با همه ستایش هایش ، سراسر ، بر همه نعمت هایش ، یکسر می ستاییم و در رسیدن به درستی کارهایمان ، از او راه نمایی می جوییم و از کردارهای بد خویش ، به او پناه می بریم و برای گناهان پیشین خود ، از او آمرزش می طلبیم .

عنه عليه السلام فى الحِكمِ الْمَنسُوبِ إِلَيْهِ : اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ بِيَاتِ غَفْلَةٍ ، وَصَبَاحِ نَدَامَةٍ . (١)

عنه عليه السلام : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ زَحَزَحَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ ، أَوْ صُرِفَ بِهِ عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ . (٢)

عنه عليه السلام : اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذْهَبَ عَنْ قَوْلِكَ ، أَوْ أَنْ نُفْتَنَ عَنْ دِينِكَ ، أَوْ تَتَابَعِ بِنَا أَهْوَاؤُنَا دُونَ الْهُدَى الَّذِى جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ . (٣)

عنه عليه السلام : نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ (٤) الْعَقْلِ ، وَقُبْحِ الزَّلَلِ ، وَبِهِ نَسْتَعِينُ . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام : كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِحْتِلَامِ ، وَمِنْ سُوءِ الْأَحْلَامِ ، وَأَنْ يَلْعَبَ بِي الشَّيْطَانُ فِي الْيَقَظَةِ وَالْمَنَامِ . (٦)

الإمام على عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ الْمَعْرُوفِ بِدُعَاءِ الْأَمَانِ : أَنَا يَا رَبِّ مُسْتَكِينٌ مُتَضَرِّعٌ إِلَيْكَ ، عَائِدٌ بِكَ ، مُتَوَكِّلٌ عَلَيْكَ ... لَا تُهْلِكْنِي إِنْ عَزِدْتُ بِكَ ، وَأُذِدْتُ وَأَنْخْتُ بِفَنَائِكَ ، وَاسْتَجَرْتُ بِكَ ، إِنْ دَعَوْتُكَ يَا مَوْلَايَ فَبِدَلِكِ أَمَرْتَنِي ، وَأَنْتَ ضَمِنْتَ لِي ، وَإِنْ سَأَلْتُكَ فَأَعْطِنِي ، وَإِنْ طَلَبْتُ مِنْكَ فَلَا تَحْرِمْنِي . (٧)

- ١- شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٣٤٨ ح ٩٩١ .
- ٢- تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٨٤ ح ٢٣٩ عن محمد بن على بن عبد الله عن الإمام الحسين عليه السلام ، مصباح المتهجد : ص ٥٥٨ ح ٦٥٣ ، الإقبال : ج ١ ص ٣٢١ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ١٢٨ ح ٣ .
- ٣- نهج البلاغه : الخطبه ٢١٥ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٢٣٠ ح ٤ .
- ٤- السببات : النوم الثقيل . وَسَبَّتْ : غَشِيَ عَلَيْهِ ، وَأَيْضًا : مَاتَ (المصباح المنير : ص ٢٦٢ «سبت»).
- ٥- نهج البلاغه : الخطبه ٢٢٤ ، بحار الأنوار : ج ٤١ ص ١٦٣ ح ٥٧ ، غرر الحكم : ح ٩٩٧٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٩٨ ح ٩١٧٤ وفيهما «سببات» بدل «سبات» ، بحار الأنوار : ج ٤١ ص ١٦٣ ح ٥٧ .
- ٦- الكافي : ج ٢ ص ٥٣٦ ح ٥ عن عبد الله بن ميمون ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٤٧١ ح ١٣٥٨ عن معاوية بن عمّار ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٤٦ ح ٢١٠٧ ، فلاح السائل : ص ٤٨٣ ح ٣٢٩ عن بكر بن محمد وفيه «شَرُّ الْأَحْلَامِ» بدل «سوء الأحلام» ، مصباح المتهجد : ص ١٢٢ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وليس فيها «كان أمير المؤمنين عليه السلام يقول» ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ١٩٧ .
- ٧- مصباح الزائر : ص ٩٤ ٩٥ ، بحار الأنوار : ج ١٠٠ ص ٤٢٢ ح ٦٩ .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: بار خدایا! از شام غفلت و بام پشیمانی ، به تو پناه می بریم .

امام علی علیه السلام: بار خدایا! پناه می برم به تو از هر آن چیزی که میان من و تو ، جدایی افکند یا روی گرامی تو را از من بگرداند .

امام علی علیه السلام: بار خدایا! به تو پناه می بریم که از گفتارت ، بیرون رویم یا از دینت ، گم راه شویم یا هوس هایمان ، ما را به غیر راهی ببرد که از جانب تو آمده است .

امام علی علیه السلام: از خوابیدن (۱) خرد ، و زشتی لغزش ، به خدا پناه می بریم و از او کمک می جوئیم .

امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان می گفت : «بار خدایا! به تو پناه می برم از محتلم شدن ، و از خواب های بد ، و از این که شیطان در بیداری و خواب ، با من بازی کند .

امام علی علیه السلام از دعای ایشان معروف به «دعای امان» : من ای پروردگار بیچاره ای هستم که به تو التماس می کنم و به تو پناه آورده ام . و بر تو توکل کرده ام ... مرا که به تو پناه آورده ام و به تو متوسل گشته ام و در آستان تو ، بست نشسته ام و دست به دامان تو شده ام ، هلاک مگردان . اگر تو را می خوانم سِرْوَرَم از آن روست که به این کار ، فرمانم داده ای و خود [اجابتش را] برایم ضمانت کرده ای . از تو می خواهم ، پس عطایم کن ، و از تو می طلبم ، پس محرومم مکن .

۱- واژه «سُبَات» که در متن عربی حدیث آمده ، به معنای بیهوشی ، چرت ، خواب ، رخوت و بی حالی است .

٦ / ٣ الاستعاذات المأثورة عن فاطمة الزهراء عليها السلام: اللهم افتح لنا خزائن رحمتك ، وهب لنا اللهم رحمة لا تعدُّبنا بعدها في الدنيا والآخرة ، وارزقنا من فضلك الواسع رزقا حلالاً طيباً ، ولا تحوجنا ولا تُفقرنا إلى أحدٍ سواك ، وزدنا لك (١) شكراً ، وإليك فاقه وفقرا ، وبك عمّن سواك غنىً وبقينا . اللهم وسّع علينا في الدنيا ، اللهم إنا نعوذ بك أن تزوي (٢) وجهك عنا في حالٍ ونحن نرغب إليك فيه ، اللهم صل على محمد وآل محمد ، وأعطنا ما تُحبُّ واجعله لنا قوّة فيما تُحبُّ ، يا أرحم الراحمين . (٣)

عنها عليها السلام في الدعاء : رَبِّ اسْتَجِرْكَ مِنَ النَّارِ فَأَجِرْنِي ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعِزَّنِي ، رَبِّ أَفْزِعْ إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ فَأَبْعِدْنِي ... أَفُزُّ إِلَيْكَ هَارِباً مِنَ الدُّنُوبِ فَأَقْبَلْنِي ، وَأَلْتَجِي مِنْ عَيْدِكَ إِلَى مَغْفِرَتِكَ فَأَدْرِكْنِي ، وَأُلْتَأِذُ (٤) بِعَفْوِكَ مِنْ بَطْشِكَ فَاَمْنَعْنِي . (٥)

عنها عليها السلام : أَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنَ الْحَوْرِ (٦) بَعْدَ الْكُورِ . (٧)

- ١- في المصدر : «ذلك» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- ٢- زَوَيْتَ عَنِّي : أَي صَرَفْتَهُ عَنِّي وَقَبَضْتَهُ (النهاية : ج ٢ ص ٣٢٠ «زوى»).
- ٣- البلد الأمين (طبعه طهران مكتبة الصدوق) : ص ١٠١ ذكره في الحاشية ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ٣٣٨ ح ٤٨ .
- ٤- لاذ يلوذ : إذا التجأ إليه وانضم واستغاث (النهاية : ج ٤ ص ٢٧٦ «لوذ»).
- ٥- فلاح السائل : ص ٤٢٢ ح ٢٩٠ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٠٤ ح ٨ .
- ٦- في المصدر : «الجور» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- ٧- كفايه الأثر : ص ٢٠٠ ، بحار الأنوار : ج ٣٦ ص ٣٥٤ ح ٢٢٤ .

۶ / ۳ پناه خواهی های نقل شده از فاطمه زهرا علیها السلام

۶ / ۳ پناه خواهی های نقل شده از فاطمه زهرا علیها السلام مفاطمه علیها السلام: بار خدایا! گنجینه های رحمت را برای ما بگشا و به ما ای خدا چنان رحمتی ارزانی دار که از آن پس ، ما را در دنیا و آخرت ، عذاب نکنی ، و از فضل گسترده ات به ما روزی پاک و پاکیزه روزی کن ، و ما را محتاج و نیازمند احدی غیر از خودت مگردان ، و بر سپاس گذاری ما از خودت ، و نیازمندی و درویشی ما به تو ، و بی نیازی ما از غیر تو و یقینمان به خودت بیفزای . بار خدایا! در دنیا ، برای ما گشایش قرار ده . بار خدایا! به تو پناه می بریم از این که در هیچ حالی ، روی خویش را از ما بگردانی ؛ بلکه همواره توجه تو را خواهانیم . بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست و آنچه را تو خود دوست داری ، به ما عطا کن و آن را نیروی ما برای آنچه تو دوست داری ، قرار ده ، ای مهربان ترین مهربانان !

فاطمه علیها السلام در دعا : پروردگارا! در برابر آتش [دوزخ] ، از تو درخواست حمایت می کنم . پس مرا در حمایت خویش بدار ، و پروردگارا از آتش ، به تو پناه می برم . پس مرا پناه ده . پروردگارا! از آتش به تو متوسل می شوم ، پس مرا از آن ، دور بدار از گناهان به درگاه تو می گریزم . پس مرا بپذیر . از عدالت تو به آمرزش تو پناه می آورم ، پس مرا دریاب . از سختگیری تو ، به گذشت تو پناهنده می شوم ، پس مرا حفظ کن .

فاطمه علیها السلام: پروردگارا! از کاستی پس از فزونی ، به تو پناه می برم .

١٤ / ٦ الاستعاذات المأثورة عن الإمام زين العابدين عليه السلام في مناجاة العارفين: إلهي ما ألدَّ حَواطِرَ الإلهامِ بِذِكْرِكَ عَلَى القلوبِ ، وما أحلَى المسيرِ إِلَيْكَ بِالْأوهامِ فِي مَسالِكِ الغُيوبِ ، وما أطيَّبَ طَعْمَ حُبِّكَ ، وما أَعذَبَ شَرِبَ قُرْبِكَ ، فَأَعِدْنَا مِنْ طَرْدِكَ وَإِبعادِكَ ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَحْصِ عارِفِكَ وَأَصْلِحِ عبادِكَ ، وَأَصْدِقِ طائِعِكَ ، وَأَخْلِصِ عبادِكَ (١).

عنه عليه السلام من دُعاء الرزق: اللَّهُمَّ سَأَلْتُ عِبادَكَ قَرُضًا مِمَّا تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيْهِمْ ، وَضَمِنْتَ لَهُمْ مِنْهُ خَلْفًا ، وَوَعَدْتَهُمْ عَلَيْهِ وَعَدَا حَسِينًا ، فَجَلُّوا عَنْكَ ، فَكَيْفَ بَمَنْ هُوَ دُونَكَ إِذَا سَأَلْتَهُمْ؟ فَالْوَيْلُ لِمَنْ كَانَتْ حاجَتُهُ إِلَيْهِمْ ، فَأَعُوذُ بِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَكِلَنِي إِلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ ، فَإِنَّهُمْ لَوْ يَمْلِكُونَ خَزائِنَ رَحْمَتِكَ لَأَمْسَكُوا خَشِيَةَ الإِنْفاقِ بِمَا وَصَفْتَهُمْ ، وَكَانَ الإِنْسَانُ قَتُورًا (٢). (٣)

عنه عليه السلام من دُعاءه في يوم عرفة: أَعِزَّنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ ، وَيَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ حَظِّي مِنْكَ ، وَيَصُدُّنِي عَمَّا أَحاولُ لَدَيْكَ ، وَسَهِّلْ لِي مَسْلَكَ الخِيراتِ إِلَيْكَ ، وَالْمُسابِقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتَ . (٤)

عنه عليه السلام من دُعاءه في الموقف: هَذَا مَكَانُ البائِسِ الفَقيرِ ، هَذَا مَكَانُ المُضطرِّ إِلَى رَحْمَتِكَ ، هَذَا مَكَانُ المُستَجيرِ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقوبَتِكَ ، هَذَا مَكَانُ العائِدِ بِكَ مِنْكَ ، أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ ، وَمِنْ فَجْأَةِ نِقْمَتِكَ . (٥)

١- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥١ نقلًا عن بعض كتب الأصحاب .

٢- إشاره للآية ١٠٠ من سورة الإسراء .

٣- بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢٩٨ ح ١٧ نقلًا عن الكتاب العتيق الغروي .

٤- الصحيفه السجاديّه: ص ١٩٦ الدعاء ٤٧، الإقبال: ج ٢ ص ٩٦، المصباح للكفعمي: ص ٨٩٦.

٥- مصباح المتهجد: ص ٦٩٥ ح ٧٧١، المزار للمفيد: ص ١٦١، المزار الكبير: ص ٤٥٣ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من

أهل البيت عليهم السلام، الإقبال: ج ٢ ص ١٠٨، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٣٢ .

۶ / ۴ پناه خواهی های نقل شده از امام زین العابدین علیه السلام

۶ / ۴ پناه خواهی های نقل شده از امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات عارفان»: معبودا! چه لذتبخش است گذر نام و یاد تو بر دل ها! و چه شیرین است ره پیمودن به سوی تو با وهم ها در راه ها و گذرگاه های غیب ها! و چه خوش است طعم محبت تو! و چه گواراست شراب قرب تو! پس ما را از این که از خود برانی و دورمان کنی ، پناه ده و ما را از ویژه ترین عارفان و شایسته ترین بندگانت و راستین ترین فرمانبرانت و خالص ترین پرستندگان قرار ده .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای روزی : بار خدایا! تو از آنچه خود به بندگانت بخشیدی ، از آنان وام خواستی و جبران آن را برای ایشان ضمانت کردی و برای آن [وام] ، وعده ای نیکو به ایشان دادی ، و آنان ، از تو مضایقه کردند . پس چه رسد به این که غیر تو از آن ، درخواست [وام] کند؟ بیچاره کسی که نیازش به آنان باشد! پس به تو پناه می برم سرورم از این که مرا به کسی از بندگانت وا گذاری ، که آنان ، اگر گنجینه های رحمت [و ثروت] تو را می داشتند ، باز از بیم تهی دستی ، بخل ورزیدند که آدمی ، بسی بخیل است .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در روز عرفه : مرا از هر آنچه از تو دورم می سازد و میان من و بهره ای که از سوی تو به من می رسد ، حایل می گردد و مرا از آنچه برای تو می کوشم ، باز می دارند ، در پناه خود دار و راه خوبی ها را که به تو می انجامد و پیشی گرفتن به سوی آنها را که تو خود ، بدان فرمان داده ای ، برابم آسان [و هموار] گردان .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در موقف : این جا ، جایگاه بینوای درویش است . این جا ، جایگاه نیازمند به رحمت توست . این جا ، جایگاه کسی است که از کیفر تو به گذشت تو پناه می آورد . این جا ، جایگاه کسی است که از تو به تو پناهنده می شود . از ناخشنودی تو و غافلگیری خشم و انتقامت ، به گذشت تو پناه می برم .

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ بِالْعَافِيَةِ : أَعِذْنِي وَذَرِّبْتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، وَمِنْ شَرِّ السَّمَاءِ وَالْهَامَّةِ ، وَاللَّائِمَةِ وَالْعَامَّةِ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مُتَرَفٍ حَفِيدٍ (١) ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ضَعِيفٍ وَشَدِيدٍ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَرِيفٍ وَوَضِيعٍ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ قَرِيبٍ وَبَعِيدٍ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَلِأَهْلِ بَيْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَائِهِ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا ، إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . (٢)

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ : أَعِذْنِي مِنْ شِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ ، وَمِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ ، وَمِنْ الذُّلِّ وَالْعَنَاءِ ، [و] (٣) تَعَمَّدَنِي فِيمَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَعَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْلَا حِلْمُهُ ، وَالْآخِذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ (٤) لَوْلَا - أَنْتَهُ ، وَإِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَتَنِّجْنِي مِنْهَا لَوْذَا بِكَ ، وَإِذْ لَمْ تُقِمْنِي مَقَامَ فَضِيحِهِ فِي دُنْيَاكَ ، فَلَا تُقِمْنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ . (٥)

عنه عليه السلام مِنْ مُنَاجَاتِهِ فِي أَسْحَارِ شَهْرِ رَمَضَانَ : أَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ ، هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ ، مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا ... اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ ، وَأَعِذْنَا مِنْ سَخَطِكَ ، وَأَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ ، وَارْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ ، وَأَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَالِ وَالْفَسَلِ ، وَالْهَمِّ وَالْحَزَنِ ، وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ ، وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ ، وَالذُّلِّ وَالْمَسْكَنَةِ ، وَالْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ ، وَكُلِّ بَلِيَّةٍ ، وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ ، وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ ، وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ ، وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ ، وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ ، [وَصِيْلَةٌ لَا تُرْفَعُ] (٦) ، وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي وَدِينِي وَمَالِي ، وَعَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي ، مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . (٧)

- ١- الحفدُ : الخدمَةُ وَالْعَمَلُ ، وَرَجُلٌ مَحْفُودٌ : أَي مَخْدُومٌ (لسان العرب : ج ٣ ص ١٥٣ ١٥٤ «حفد»).
- ٢- الصحيفه السجاديّه : ص ٩٨ الدعاء ٢٣ .
- ٣- أثبتنا ما بين المعقوفين من الإقبال ومصباح المتهجد .
- ٤- الجريره : الجنايه والذنب (النهايه : ج ١ ص ٢٥٨ «جرر»).
- ٥- الصحيفه السجاديّه : ص ١٩٩ الدعاء ٤٧ ، الإقبال : ج ٢ ص ٩٨ ، المصباح للكفعمي : ص ٨٩٩ .
- ٦- أثبتنا ما بين المعقوفين من بحار الأنوار .
- ٧- الإقبال : ج ١ ص ١٥٩ ١٧٤ عن أبي حمزه الثمالي ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٩٣ ٨٤ .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در طلب عافیت: مرا و فرزندان مرا از شیطان رانده شده و از گزند هر جانور زهردار کُشنده و غیر کُشنده، و از چشم بد (۱) و از گزند همه چیز و همه کس، و از گزند هر شیطان سرکش، و از گزند هر پادشاه ستمگر، و از گزند هر مرفّه دارای خَدَم و حَشَم، و از گزند هر ناتوان و زورمند، و از گزند هر بلندپایه و دون پایه، و از گزند هر خُرد و کلان، و از گزند هر نزدیک و دور [و خویش و بیگانه]، و از گزند هر آن کس که به جنگ با پیامبر تو و خاندانش برخاسته است، از پری (جن) و آدمی، و از گزند هر جنبنده ای که زمامش در دست توست، در پناه خویش بدار، که تو بر راه راستی.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در روز عرفه: مرا از شماتت دشمنان، و از گرفتار آمدن در بلا، و از خواری و رنج، در پناه خودبدار، و از خطاهای من که خود از آنها آگاهی، درگذر، چونان کسی که می تواند انتقام گیرد، اما بردباری اش مانع می شود، و می تواند بر گناه کیفر دهد، لیکن شکیبایی اش نمی گذارد. و هرگاه خواستی مردمی را عذاب کنی یا به آنها گزند رسانی، مرا که به تو پناه بسته ام، از آن رهایی ده، همچنان که در دنیایت، مرا در جایگاه رسوایان، بر پا نداشتی، در آخرت نیز در مقام رسوایان بر پا مدار.

امام زین العابدین علیه السلام از مناجات ایشان در سحرهای ماه رمضان: سِرورم! من به فضل تو پناه آورده ام، از تو به خود تو گریخته ام و بی گمان، تو به وعده گذشت از کسی که به تو گمان نیک برَد، جامه عمل می پوشانی ... بار خدایا! ما را به یاد خودت، مشغول بدار و از خشم، پناه ده و از عذابت، نگاهمان مدار و از موهبت هایت، روزی مان کن و از فضل خویش، ارزانی مان دار ... بار خدایا! من از تنبلی و سستی و نگرانی و اندوه و ترسویی و بخل و غفلت و سنگ دلی و خواری و بیچارگی و ناداری و تنگ دستی و از هر بلایی، و از زشتی های آشکار و نهان، به تو پناه می برم. و به تو پناه می برم از نفسی که قانع نباشد، و شکمی که سیر نشود، و دلی که [نرم و] خاشع نباشد، و دعایی که شنیده نشود، و عملی که سود نبخشد [و نمازی که بالا نرود]، و از گزند شیطان رانده شده به خودم و دینم و اموالم و همه آنچه روزی ام کرده ای، به تو پناه می برم ای پروردگار من که به راستی، تو شنوا و دانایی.

۱- یا: نوعی جنون که عارض انسان می شود؛ یا: هر چیزی که موجب بیم و هراس شود.

عنه عليه السلام مِمَّا كَانَ يَقُولُ بَعْدَ صِيَالِهِ اللَّيْلِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغْلِظُ بِهَا عَلَى مَنْ عَصَاكَ ، وَتَوَعَّدَتْ بِهَا مَنْ صَدَفَ (١) عَنْ رِضَاكَ ، وَمِنْ نَارٍ نَوْرُهَا ظُلْمَةٌ ، وَهَيْئُهَا أَلِيمٌ ، وَبَعِيدُهَا قَرِيبٌ ، وَمِنْ نَارٍ يَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضًا ، وَيَصُولُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ ، وَمِنْ نَارٍ تَذُرُّ الْعِظَامَ رَمِيمًا (٢) ، وَتَسْقِي أَهْلِهَا حَمِيمًا ، وَمِنْ نَارٍ لَا تَبْقَى عَلَى مَنْ تَضَرَّعَ إِلَيْهَا ، وَلَا تَرْحَمُ مَنْ اسْتَعَطَفَهَا ، وَلَا تَقْدِرُ عَلَى التَّخْفِيفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَاسْتَسَلَّمَ إِلَيْهَا ، تَلْقَى سُكَّانَهَا بِأَحْرَّ مَا لَدَيْهَا مِنْ أَلِيمِ النَّكَالِ (٣) ، وَشَدِيدِ الْوَبَالِ (٤) ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَقَارِبِهَا الْفَاغِرَةِ (٥) أَفْوَاهُهَا ، وَحَيَاتِهَا الصَّالِقَةِ (٦) بِأَنْبَابِهَا ، وَشَرَابِهَا الَّذِي يَقَطُّعُ أَمْعَاءَ وَأَفْتِدَةَ سُكَّانِهَا وَيَنْزِعُ قُلُوبَهُمْ ، وَأَسْتَهْدِيكَ لِمَا بَاعَدَ مِنْهَا وَأَحْرَّ عَنْهَا . (٧)

١- صَدَفَتْ عَنْهُ أَصْدِفٌ : أَعْرَضَتْ (المصباح المنير : ص ٣٣٥ «صدف»).

٢- الرميم : العظم البالي (النهاية : ج ٢ ص ٢٦٧ «رمم»).

٣- النَّكَال : العقوبة (النهاية : ج ٥ ص ١١٧ «نكل»).

٤- الْوَبَالُ : الثَّقَلُ وَالْمَكْرُوه (النهاية : ج ٥ ص ١٤٦ «وبل»).

٥- فَغَرَّتْ الْفَمَّ : فَتَحَتْهُ (المصباح المنير : ص ٤٧٨ «فغر»).

٦- صَلَّقَ نَابَهُ صَلْقًا : حَكَّهُ بِالْآخِرِ ، فَحَدَّثَ بَيْنَهُمَا صَوْت (تاج العروس : ج ٣ ص ٢٧٥ «صلق»).

٧- الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ : ص ١٣٣ الدِّعَاءُ ٣٢ ، مِصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ : ص ١٩١ نَحْوُهُ ، الْمِصْبَاحُ لِلْكَفْعَمِيِّ : ص ٨٥ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج

٨ ص ٣٢٤ ح ١٠٠ .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان بعد از نماز شب: بار خدایا! به تو پناه می برم از آتشی که با آن، بر کسی که نافرمانی ات کند، درشتی نموده ای و آن را که از خشنودی تو دوری گزیند، بدان، تهدید کرده ای. از آتشی که روشنایی آن، تاریکی است و آسان آن، دردناک است و دورش، نزدیک؛ از آتشی که زبانه هایش یکدیگر را فرو می خورند و بر یکدیگر می تازند؛ از آتشی که استخوان ها را خاکستر می کند و اهل خود را آب جوشان می نوشاند؛ از آتشی که نه بر آن که به او زاری کند، ابقا می کند، و نه بر آن که به او التماس نماید، رحم می آورد، و نه به آن که در برابرش گرنش کند و تسلیمش شود، می تواند تخفیف دهد؛ بلکه با ساکنان خود به سوزناک ترین عذابی که نزد خویش از کیفر دردناک و مجازات های سخت دارد، برخورد می کند. به تو پناه می برم از کژدم های دوزخ که دهان های خویش را گشوده اند، و از مارهای آن که نیش هایشان را به هم می ساینند، و از نوشیدنی آن که احشا و امعای ساکنانشان را تگه تگه می کند و قلب هایشان را بر می گند! از تو می خواهم مرا به راهی ببری که از این آتش، دور گرداند و از آن، بر کنار دارد.

عنه عليه السلام من مُناجاتِهِ: رَبَّنَا فَادَوْنَا قَبْلَ التَّعَلُّلِ ، وَاسْتَعْمِلْنَا بِطَاعَتِكَ قَبْلَ انصِرَامِ (١) الأَجَلِ ، وَارْحَمْنَا قَبْلَ أَنْ يُحَجَّبَ دُعَاؤُنَا فِيمَا نَسْأَلُ ، وَآمُنْ عَلَيْنَا بِالنَّشَاطِ ، وَأَعِزَّنَا مِنَ الْفَشَلِ وَالْكَسَلِ ، وَالْعَجْزِ وَالْعَلَلِ ، وَالضَّرَرِ وَالضَّجْرِ وَالْمَلَمَلِ ، وَالرِّيَاءِ وَالشَّمْعَةِ ، وَالْهَوَى وَالشَّهْوَةَ ، وَالْأَشْرَ (٢) وَالْبَطْرَ ، وَالْمَرَحَ وَالْخِيَلَةَ (٣) ، وَالْجِدَالَ وَالْمِرَاءَ (٤) ، وَالسَّفَهَ وَالْعُجْبَ ، وَالطَّيْشَ وَسُوءَ الْخُلُقِ ، وَالغَدْرَ ، وَكَثْرَةَ الْكَلَامِ فِيمَا لَا تُحِبُّ ، وَالتَّشَاغُلَ بِمَا لَا يَعُودُ عَلَيْنَا نَفْعُهُ ، وَطَهَّرْنَا مِنْ اتِّبَاعِ الْهَوَى ، وَمُخَالَطَةِ السُّفَهَاءِ ، وَعِصْيَانِ الْعُلَمَاءِ ، وَالرَّغْبَةِ عَنِ الْقُرَاءِ ، وَمُجَالَسَةِ الدُّنَاهِ ... وَأَعِزَّنَا مِنَ الْمِيلِ إِلَى أَهْلِ الدُّنْيَا ، وَالتَّصَنُّعِ لَهُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ . (٥)

عنه عليه السلام من دُعَائِهِ فِي الْإِسْتِعَاذَةِ مِنَ الْمَكَارِهِ وَسَيِّئِ الْأَخْلَاقِ وَمِذَامِ الْأَفْعَالِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحِرْصِ ، وَسُورَةِ الْعُصْبِ ، وَعَلْتَبَةِ الْحَسَدِ ، وَضَعْفِ الصَّبْرِ ، وَقَلْبِهِ الْقَنَاعَةِ ، وَشَكَاسَةِ الْخُلُقِ ، وَإِلْحَاحِ الشَّهْوَةِ ، وَمَلَكَهِ الْحَمِيَّةِ ، وَمُتَابَعَةِ الْهَوَى ، وَمُخَالَفَةِ الْهُدَى ، وَسِتْنَةِ الْغَفْلَةِ ، وَتَعَاطِي الْكُلْفَةِ ، وَإِيشَارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ ، وَالْإِصْرَارِ عَلَى الْمَيْثَمِ ، وَاسْتِصْغَارِ الْمَعْصِيَةِ بِهِ ، وَاسْتِكْبَارِ الطَّعَاغَةِ وَمُبَاهَاةِ الْمُكْثَرِينَ وَالْإِيزْرَاءِ بِالْمَقْلِينَ ، وَسُوءِ الْوِلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ أَيْدِينَا ، وَتَرْكِ الشُّكْرِ لِمَنْ اصْطَنَعَ الْعَارِفَةَ (٦) عِنْدَنَا ، أَوْ أَنْ نَعُضِدَ ظَالِمًا ، أَوْ نَخْذَلَ مَلْهُوفًا (٧) ، أَوْ نَرُومَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقِّ ، أَوْ نَقُولَ فِي الْعِلْمِ بغيرِ عِلْمٍ . وَنَعُوذُ بِكَ أَنْ نَنْطَوِيَ عَلَى غِشٍّ أَحِيدٍ ، وَأَنْ نُعْجَبَ بِأَعْمَالِنَا ، وَنُؤَمِّدَ فِي آمَالِنَا ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ السَّرِيرَةِ ، وَاحْتِقَارِ الصَّغِيرَةِ ، وَأَنْ يَسْتَحْوِذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ ، أَوْ يَنْكَبِنَا الزَّمَانُ ، أَوْ يَنْهَضَمَنَا (٨) السُّلْطَانُ . وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ ، وَمِنْ فِقْدَانِ الْكِفَافِ ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ ، وَمِنْ الْفَقْرِ إِلَى الْأَكْفَاءِ ، وَمِنْ مَعِيشِهِ فِي شِدَّةٍ ، وَمِيتِهِ عَلَى غَيْرِ عُدَّةٍ ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَسْرَةِ الْعُظْمَى ، وَالْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى ، وَأَشَقَى الشَّقَاءِ ، وَسُوءِ الْمَأْبِ ، وَحِرْمَانِ الثَّوَابِ ، وَحُلُولِ الْعِقَابِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَعِزَّنِي مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ ، وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (٩)

- ١- إنصرام أى انقطاع وانقضاء (النهاية : ج ٣ ص ٢٦ «صرم»).
- ٢- أَشْرَ أَشْرًا: بَطْرَ وَكَفَرَ النَّعْمَةَ فَلَمْ يَشْكُرْهَا (المصباح المنير: ص ١٥ «أشْر»).
- ٣- اختال الرجل ، وبه خيلاء ، وهو الكبرُ والإعجاب (المصباح المنير: ص ١٨٦ «خيل»).
- ٤- المِرَاءُ: الجدالُ ، والتَّمارى والمماراةُ: المجادلةُ على مذهب الشكِّ والرَّيبِ (النهاية: ج ٤ ص ٣٢٢ «مرا»).
- ٥- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٢٥ ح ١٩ نقلًا عن الكتاب العتيق الغروي .
- ٦- العارِفَةُ: المعروف (الصحاح: ج ٣ ص ١٤٠٢ «عرف»).
- ٧- المَلْهُوفُ: المَظْلُومُ يَسْتَعِيثُ (الصحاح: ج ٤ ص ١٤٢٩ «لهف»).
- ٨- هَضَمَهُ حَقَّةً وَاهْتَضَمَهُ: إِذَا ظَلَمَهُ وَكَسَرَ عَلَيْهِ حَقَّةً (الصحاح: ج ٥ ص ٢٠٥٩ «هضم»).
- ٩- الصحيفه السَّجَّادِيَّةُ: ص ٤٥ الدعاء ٨؛ شرح نهج البلاغه: ج ٦ ص ١٨٥ عن الإمام عليّ عليه السلام نحوه .

امام زین العابدین علیه السلام از راز و نیاز ایشان با خداوند: پروردگارا! ما را پیش از دچار آمدن به بیماری، درمان کن و قبل از سرآمدن عمر، ما را در طاعت خود، به کار گیر و پیش از آن که دعای ما برای آنچه می خواهیم، از درگاهت محبوب مآند، بر ما رحم آور و شادی و خرمی را به ما ارزانی دار، و از سستی و تبلی و ناتوانی و ناخوشی ها و زیان و آزرده‌گی و دلگیری و خودنمایی و شهرت طلبی و هوس و شهوت و ناسپاسی و سرمستی و نازش و تکبر و کشمکش و ستیزه‌گری و نابخردی و خودپسندی و سبک سری و بدخویی و خیانت و نیرنگ و پُرگویی در آنچه تو دوست نداری، و پرداختن به آنچه برایمان سودی ندارد، ما را در پناه خویش بدار، و از دنبال هوس رفتن و آمیختن با نادانان و نافرمانی از دانایان و بیزاری از قاریان و همنشینی با فرومایگان... پاکمان گردان و از گرایش به دنیاپرستان و ظاهرآرایی برای آنان به چیزی از چیزها، در پناه خود بدار.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در پناه جستن به خدا از ناخوشایندها و خوی های بد و رفتارهای نکوهیده: بار خدایا! به تو پناه می برم از برانگیختگی آز، و تندی خشم، و چیره آمدن حسد، و سستی شکیبایی، و اندک بودن قناعت، و بدی خلق و خوی، و پافشاری شهوت، و مسلط شدن تعصب، و پیروی از هوس، و سرپیچی از طاعت، و [فرو رفتن در] خواب غفلت، و افتادن در رنج و زحمت، و برگزیدن باطل بر حق، و پای فشردن بر گناه، و خُرد شمردن معصیت ها و بزرگ شمردن طاعت، و نازیدن توانگران و خوار داشتن درویشان، و سوء سرپرستی نسبت به کسانی که زیر دست ما هستند، و سپاس نگزاردن از کسی که به ما نیکی کرده است، یا این که ستمگری را یاری دهیم، یا ستم دیده ای را تنها گذاریم یا چیزی را بخواهیم که حق ما نیست، یا دم از علمی بزنیم که نمی دانیم. به تو پناه می بریم از این که در سر، خیال فریب کسی را پیوریم و به کردارهای خویش، مغرور شویم و به آرزوهای دور و دراز، گرفتار آییم. به تو پناه می بریم از بدی نهاد و ناچیز شمردن گناهان کوچک، و از این که شیطان بر ما چنگ افکند یا روزگار، ما را پایمال کند یا پادشاه، به ما ستم ورزد. به تو پناه می بریم از اسرافکاری و از نداشتن کفاف. به تو پناه می بریم از شماتت دشمن، و از نیازمند شدن به همگان، و از زندگی در سختی، و مُردن بی آمادگی و بدون توشه. به تو پناه می بریم از بزرگ ترین دریغ، و سخت ترین مصیبت، و بدترین [رنج و شوربختی]، و بدی بازگشتگاه، و محرومیت از پاداش، و گرفتار شدن به کیفر. بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست، و به رحمت خویش، مرا و همه مردان و زنان باایمان را از همه اینها [که گفته شد] در پناه خود، نگه دار، ای مهربان ترین مهربانان!

عنه عليه السلام من دُعائه لِلْمَهْمَاتِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْمَحْمَدِيَّةِ الرَّفِيعَةِ ، وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالْعَلَوِيَّةِ الْبِيضَاءِ ، فَأَعِزَّنِي مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ ، وَشَرِّ مَنْ يُرِيدُ بِي سُوءًا ، فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وُجْدِكَ ، وَلَا يَتَكَادُكَ (١) فِي قُدْرَتِكَ ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الرِّيَاءِ وَالسُّمْعِيَّةِ ، وَالْكِبْرِيَاءِ وَالتَّعَظُّمِ ، وَالخِيَلَاءِ وَالْفَخْرِ ، وَالْبَذْخِ وَالْأَشْرِ وَالْبَطْرِ ، وَالْإِعْجَابِ بِنَفْسِي ، وَالْجَبْرِيَّةِ ، رَبِّ فَجَنِّبْنِي . وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْبُخْلِ ، وَالشُّحِّ وَالْحَسَدِ ، وَالْحِرْصِ وَالْمُنَافَسَةِ وَالْغِشِّ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الطَّمَعِ وَالطَّبَعِ (٢) ، وَالْهَلَعِ وَالْجَزَعِ ، وَالزَّيْغِ وَالْقَمَعِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبَغْيِ وَالظُّلْمِ ، وَالْإِعْتِدَاءِ وَالْفَسَادِ ، وَالْفُجُورِ وَالْفُسُوقِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخِيَانَةِ وَالْعِدْوَانِ وَالطُّغْيَانِ . رَبِّ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَعْصِيَةِ وَالْقَطِيعَةِ وَالسَّيِّئَةِ ، وَالْفَوَاحِشِ وَالذُّنُوبِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِثْمِ وَالْمِائِثِمِ ، وَالْحَرَامِ وَالْمَحْرَمِ ، وَالْخَبْثِ وَكُلِّ مَا لَا تُحِبُّ . رَبِّ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَمَكْرِهِ ، وَبَغْيِهِ وَظُلْمِهِ ، وَعِيدَاوَتِهِ وَشَرَكَهِ ، وَزَبَانِيَّتِهِ وَجُنْدِهِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ مِنْ دَابَّةٍ وَهَامَّةٍ ، أَوْ جِنٍّ أَوْ إِنْسٍ مِمَّا يَنْحَرُكَ . وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ، وَمِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ كَاهِنٍ وَسَاحِرٍ وَرَاكِبٍ (٣) ، وَنَافِثٍ وَرَاقٍ . رَبِّ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ حَاسِدٍ وَطَاغٍ ، وَبَاغٍ وَنَافِسٍ (٤) ، وَظَالِمٍ وَمُعْتَدٍ وَجَائِرٍ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَمَى وَالصَّمَمِ ، وَالْبَكَمِ وَالْبَرَصِ وَالْحِيَامِ ، وَالشَّكِّ وَالزَّيْبِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسْبِ وَالْفَسْخِ ، وَالْعَجْزِ وَالْتَفْرِيطِ ، وَالْعَجَلَةِ وَالْتَضْيِيعِ وَالْتَقْصِيرِ وَالْإِبْطَاءِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى . رَبِّ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْحَاجَةِ ، وَالْفَاقَةِ وَالْمَسْأَلَةِ ، وَالضَّيْعَةِ وَالْعَائِلَةِ (٥) . وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْقَلَّةِ وَالذَّلَّةِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الضِّيْقِ وَالشَّدَّةِ ، وَالْقَيْدِ وَالْحَبْسِ ، وَالْوَثَاقِ وَالشُّجُونِ وَالْبَلَاءِ ، وَكُلِّ مُصِيبَةٍ لَا صَبْرَ لِي عَلَيْهَا ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ . اللَّهُمَّ أَعْطِنَا كُلَّ الَّذِي سَأَلْنَاكَ ، وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ عَلَى قَدْرِ جَلَالِكَ وَعَظَمَتِكَ ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . (٦)

١- يتكادُكَ : أى يصعب عليك ويشقُّ (النهاية : ج ٤ ص ١٣٧ «كأد»).

٢- الطَّبَعُ : بالتحريك الدنس (النهاية : ج ٣ ص ١١٢ «طبع»).

٣- الرِّكْزُ : الصوت الخفى ، أى لا يرى لهم عينٌ ولا يُسمع لهم صوت (مجمع البحرين : ج ٢ ص ٧٢٧ «ركز»).

٤- النَّفْسُ : العين ، يقال : أصابت فلانا نفسٌ : أى عين ، ويقال للعائن : نَافِسٌ (النهاية : ج ٥ ص ٩٦ «نفس»).

٥- العائل : الفقير ، وقد عالَ : إذا افتقر ، ومنه الحديث : «ما عالَ مقتصدٌ ولا يعيلُ» والعائلةُ : الفقراء ، جمع عائل (النهاية : ج ٣ ص ٣٣١ «عيل»).

٦- الأُمَالَى لِلْمَفِيدِ : ص ٢٤١ ٢٤٣ ح ٣ ، الأُمَالَى لِلطُّوسَى : ص ١٦ ١٨ ح ١٩ كلاهما عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ١٨٢ ١٨٤ ح ١ .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در گرفتاری های بزرگ : بار خدایا! به مقام (دین) بلند محمدی به تو تقرّب می جویم و به طریقت درخشان علوی ، به تو روی می آورم ؛ پس مرا از گزند آنچه آفریده ای ، و از گزند هر آن کس که بخواهد به من بدی رساند ، پناه ده ، که این کار در برابر توان تو ، بر تو تنگ نمی آید و در برابر قدرت تو ، بر تو دشوار نیست ، که تو بر هر چیزی توانایی بار خدایا! از خودنمایی و آوازه خواهی و تکبر و خود بزرگ بینی و غرور و فخر فروشی و گردن فزایی و ناسپاسی و سرمستی و خودپسندی و نخوت ، به تو پناه می برم! پس ای پروردگار مرا [از این همه] برهان . از ناتوانی و بخل و تنگ چشمی و حسد و آزمندی و همچشمی و دغلی ، به تو پناه می برم! از طمع و پستی و ناشکیبی و بی تابی و کج روی و جلوگیری [از حق] ، به تو پناه می برم! از زورگویی و ستم و تجاوزگری و تباهی و فسق و فجور ، به تو پناه می برم . از خیانت و دشمنی و سرکشی ، به تو پناه می برم ! پروردگار! از معصیت و جدایی و بدی و زشتکاری ها و گناهان ، به تو پناه می برم! از بزه و بزهکاری و ناروا و قدغن شده ها ، و از پلیدی و هر آنچه که تو دوست نمی داری ، به تو پناه می برم ! پروردگار! از گزند و نیرنگ شیطان ، و زورگویی و ستم او ، و دشمنی و دام او ، و گزّمه ها و سپاه او ، به تو پناه می برم! از گزند هر آنچه آفریده ای ، از چارپا و گزنده ، و از هر جنبنده ای از جن و انس (پری و آدمی) ، به تو پناه می برم! از گزند آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه به آسمان بر می شود ، و از گزند آنچه در زمین آفریده شده و آنچه از زمین برون می آید ، به تو پناه می برم! از گزند هر پیشگو و جادوگر و وسوسه گر و افسونگر و طلسم کننده ای به تو پناه می برم . پروردگار! از گزند هر بدخواه و سرکش و یاغی و شورچشم و ستمگر و متجاوز و منحرفی ، به تو پناه می برم . از کوری و گری و گنگی و پیسی و خوره و دودلی و تردید ، به تو پناه می برم . از تنبلی و سستی و ناتوانی و کوتاهی کردن و شتابکاری و ضایع کردن و تقصیر و گندی ، به تو پناه می برم . از گزند آنچه در آسمان ها و زمین و بین آنها و آنچه زیر زمین آفریده ای ، به تو پناه می برم . پروردگار! از درویشی و نیازمندی و تهی دستی و خواهش و تلف شدن و عیالواری (/بینوایی) به تو پناه می برم . از کمبود و خواری ، به تو پناه می برم . از تنگی و سختی و زنجیر و حبس و بند و زندان و گرفتاری و هر مصیبتی که مرا بر آن شکیب نباشد ، به تو پناه می برم . آمین ، ای پروردگار جهانیان ! بار خدایا! همه آنچه را از تو خواستیم ، به ما عطا فرما و به فراخور شکوه و بزرگی ات ، از فضل خویش بر ما بیفزای ، به حقّ این که «معبودی نیست ، جز تو که نیرومند و استواری» .

ص: ٥٤١

..

عنه عليه السلام من دُعائه إذا ذَكَرَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَعَاذَ مِنْهُ وَمِنْ عَدَاوَتِهِ وَكَيْدِهِ : اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَغَاتِ (١) الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، وَكَيْدِهِ وَمَكَائِدِهِ ، وَمِنْ الثَّقَةِ بِأَمَانِيَّتِهِ وَمَوَاعِيدِهِ ، وَغُرُورِهِ وَمَصَائِدِهِ ، وَأَنْ يُطْمَعِ نَفْسَهُ فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ ، وَآمَتِهَانَا بِمَعْصِيَتِكَ ، أَوْ أَنْ يَحْسُنَ عِنْدَنَا مَا حَسَنَ لَنَا ، أَوْ أَنْ يَتَقَلَّ عَلَيْنَا مَا كَرِهَ إِلَيْنَا ، اللَّهُمَّ اخْسَأْهُ (٢) عَنَّا بِعِبَادَتِكَ ، وَآكِبْتَهُ بِجُدُوبِنَا فِي مَحَبَّتِكَ ، وَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ سِتْرًا لَا يَهْتِكُهُ ، وَرَدِّمْنَا مُصِمَّتًا لَا يَفْتُقُّهُ . . . وَأَعِدْنَا وَأَهَالِينَا وَإِخْوَانَنَا وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِمَّا اسْتَعَدْنَا مِنْهُ ، وَأَجْرِنَا مِمَّا اسْتَجْرْنَا بِكَ مِنْ خَوْفِهِ ، وَاسْمَعْ لَنَا مَا دَعَوْنَا بِهِ ، وَأَعْطِنَا مَا أَعْفَلْنَا ، وَاحْفَظْ لَنَا مَا نَسِينَا ، وَصَيِّرْنَا بِذَلِكَ فِي دَرَجَاتِ الصَّالِحِينَ وَمَرَاتِبِ الْمُؤْمِنِينَ ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ . (٣)

عنه عليه السلام في حِرْزِ مُسْتَخْرَجٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، وَهُوَ الْحِرْزُ الْكَامِلُ الَّذِي يُقْرَأُ كُلَّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، اللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ ، وَأَعَزُّ وَأَجَلُّ وَأَعْظَمُ مِمَّا أَخَافُ وَأُحْذَرُ ، أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ ، عَزَّ جَارُ اللَّهِ ، وَجَلَّ ثَنَاءُ اللَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَثِيرًا . اللَّهُمَّ بِكَ أَعِيدُ نَفْسِي وَدِينِي ، وَأَهْلِي وَمَالِي ، وَوُلْدِي وَمَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ ، اللَّهُمَّ بِكَ أَعُوذُ ، وَبِكَ الْوُدُ ، وَبِكَ أَصُولُ ، وَإِيَّاكَ أَعْبُدُ وَإِيَّاكَ أَسْتَعِينُ ، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ ، وَأَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِ أَعْدَائِي ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِمْ ، وَأَسْتَكْفِيكُهُمْ فَكَفِينِهِمْ بِمَا شِئْتِ ، وَأَنْتِ شِئْتِ وَكَيْفَ شِئْتِ ، وَحَيْثُ شِئْتِ ، بِحَقِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ «فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (٤) ، «قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكَ سُلْطَانًا فَلَا يَصْلُونَ إِلَيْكُمَا بِثَابِتِنَا أَنْتُمَا وَمَنْ اتَّبَعَكُمَا الْغُلَبُونَ» (٥) ، «قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَ أَرَى» (٦) ، «قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» (٧) ، «اخْسِئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُون» (٨) . . . اللَّهُمَّ احْرُسْنَا بِعَيْتِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ ، وَاكْفُنَا (٩) بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ ، وَأَعِدْنَا بِسُلْطَانِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ ، وَارْحَمْنَا بِقُدْرَتِكَ يَا رَحْمَنُ ، اللَّهُمَّ لَا تَهْلِكْنَا وَأَنْتَ حَسْبُنَا يَا بَرُّ يَا رَحْمَنُ . . . اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ فِي حِمَاكَ الَّذِي لَا يُسْتَبَاحُ ، وَذِمَّتِكَ الَّتِي لَا تُخْفَرُ (١٠) ، وَجِوَارِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ ، أَنْ تَجْعَلَنِي فِي حِرْزِكَ وَجِوَارِكَ ، وَأَمِيكَ وَعِيَاذِكَ ، وَعِيدَتِكَ (١١) وَعَقْدِكَ (١٢) ، وَحِفْظِكَ وَأَمَانِكَ ، وَمَنْعِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ ، وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُسْتَطَاعُ ، مِنْ غَضَبِكَ وَسُوءِ عِقَابِكَ ، وَسُوءِ أَحْدَاثِ النَّهَارِ ، وَطَوَارِقِ اللَّيْلِ ، إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ ، يَا رَحْمَنُ . اللَّهُمَّ يَدُكَ فَوْقَ كُلِّ يَدٍ ، وَعِزَّتُكَ أَعَزُّ مِنْ كُلِّ عِزٍّ ، وَقُوَّتُكَ أَقْوَى مِنْ كُلِّ قُوَّةٍ ، وَسُلْطَانُكَ أَجَلُّ وَأَمْنَعُ مِنْ كُلِّ سُلْطَانٍ ، أَدْرَأُ بِكَ فِي نُحُورِ أَعْدَائِي ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِمْ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سُرُورِهِمْ ، وَالْجَأُ إِلَيْكَ فِيمَا أَشْفَقْتُ عَلَيْهِ مِنْهُمْ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَجْرِنِي مِنْهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . . . أَعِيدُ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَجَمِيعَ مَا تَلَحُّقُهُ عِنَايَتِي ، وَجَمِيعَ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدِي ، بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، بِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَضَعَتْ لَهُ الرَّقَابُ ، وَبِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَافَتْهُ الصُّدُورُ ، وَبِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي نَفَسَ عَنْ دَاوُودَ كُرْبَتَهُ ، وَبِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي وَجَلَّتْ مِنْهُ النَّفُوسُ ، وَبِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي قَالَ بِهِ لِلنَّارِ كُونِي بَرْدًا وَسَيِّئًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ ، «وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ» (١٣) . . . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَضْعَاثِ (١٤) الْأَحْلَامِ ، وَأَنْ يَلْعَبَ بِي الشَّيْطَانُ فِي الْيَقْظَةِ وَالْمَنَامِ ، بِاسْمِ اللَّهِ تَحَصَّنْتُ بِالْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ، مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأُحْذَرُ ، وَرَمَيْتُ مَنْ يُرِيدُ بِي سُوءًا أَوْ مَكْرُوهًا مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ ، بِ «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّكُمْ ، وَشَرِّكُمْ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ ، وَخَيْرِكُمْ بَيْنَ أَعْيُنِكُمْ ، وَأَعِيدُ نَفْسِي وَمَا أَعْطَانِي رَبِّي ، وَمَا مَلَكَتْهُ يَدِي ، وَذَوِي عِنَايَتِي ، بِرُكْنِ اللَّهِ الْأَشَدِّ ، وَكُلِّ أَرْكَانِ رَبِّي شِدَادًا . اللَّهُمَّ تَوَسَّلْتُ بِكَ إِلَيْكَ ، وَتَحَمَّلْتُ بِكَ عَلَيْكَ ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَكَ إِلَّا بِكَ ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّئِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَنْ تَكْفِينِي شَرَّ مَا أُحْذَرُ ، وَمَا لَا يَبْلُغُهُ حِذَارِي ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَهُوَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ ، جِبْرَائِيلُ عَنِ يَمِينِي ، وَمِيكَائِيلُ عَنِ شِمَالِي ، وَإِسْرَافِيلُ أَمَامِي ، وَلَا

- ١- النَّزْغُ : هو الطَّعن والفساد ، نزغ الشيطان بينهم : أى أفسد وأغرى (النهايه : ج ٥ ص ٤٢ «نزغ»).
- ٢- خَسَأَتْهُ : أى طردته وأبعدته (النهايه : ج ٢ ص ٣١ «خسأ»).
- ٣- الصحيفه السَّجَادِيَّةِ : ص ٧٣ و ٧٥ الدعاء ١٧ ، المصباح للكفعمى : ص ٣١٠.
- ٤- البقره : ١٣٧ .
- ٥- القصص : ٣٥ .
- ٦- طه : ٤٦ .
- ٧- مريم : ١٨ .
- ٨- المؤمنون : ١٠٨ .
- ٩- الكَنَفُ بالتحريك : الجانب والناحيه ، وهذا تمثيل لجعله تحت ظلِّ رحمته (النهايه : ج ٤ ص ٢٠٥ «كنف»).
- ١٠- أَخْفَرَتِ الرَّجُلَ : إذا نقضتْ عهده وذمامه (النهايه : ج ٢ ص ٥٢ «خفر»).
- ١١- يقالُ : عِدَادَةٌ فى بنى فلان ؛ أى يعدُّ منهم ومعهم ، والعِدَّةُ : الجماعه ، قَلَّتْ أو كَثُرَتْ (تاج العروس : ج ٥ ص ٩٧ «عدد»).
- ١٢- العَقْدُ بفتح فسكون : الضَّمَانُ والعهد (تاج العروس : ج ٥ ص ١١٥ «عقد»).
- ١٣- الأنبياء : ٧٠ .
- ١٤- ضَغَتْ : عمل مختلط غير خالص ، ومنه قيل للأحلام الملتبسه أضغاث (النهايه : ج ٣ ص ٩٠ «ضغث»).
- ١٥- مُهَّجَ الدعوات : ص ٢٤ ٢٧ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٣٠٧ ٣١١ ح ٦٣ .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان، هر گاه که نام شیطان برده می شد و ایشان، از او و از دشمنی و نیرنگش به خدا پناه می برد: بار خدایا! ما به تو پناه می بریم از اغواگری های شیطان رانده شده، و از نیرنگ و دسیسه های او، و از تکیه کردن به آرزوها و وعده ها و فریبندگی ها و دام های او، و از این که در از راه به در بردن ما در طاعت تو و به خواری افکنده مان با معصیت تو طمع ورزد، یا آنچه را [از گناه] در نظر ما نیکو نموده است، به راستی در نزد ما نیکو آید، یا آنچه را [از طاعت تو] برای ما ناخوشایند گردانیده است، [انجام دادنش] بر ما گران آید. بار خدایا! در پرتو بندگی [ما نسبت به] تو، شیطان را از ما بران و با خو گرفتن ما به محبتت، او را درهم شکن، و میان ما و او پرده ای بیفکن که هرگز نتواند آن را بدرد، و سدی چنان محکم که هیچ گاه نتواند در آن، رخنه افکند. ما را و خانواده ما را و برادرانمان را و همه مردان و زنان مؤمن را از همه آنچه از گزندش به تو پناه آوردیم، در پناه خویش دار، و از همه آنچه از بیم آن از تو زنده طلبیدیم، در زنده خویش دار، و آنچه را دعا کردیم، از ما بشنو [و بپذیر]، و آنچه را هم از یاد کردش غفلت ورزیدیم، به ما عطا فرما، و آنچه را فراموش کردیم، برایمان نگهدار و بدین سان، ما را به درجات شایستگان و مرتبه های مؤمنان برسان. آمین، ای پروردگار جهانیان!

امام زین العابدین علیه السلام در حرزی استخراج شده از کتاب خداوند عز و جل که حرزی کامل است و هر صبح و شام، خوانده می شود: به نام خدای مهر گستر مهربان. خدا، بزرگ تر است. خدا، بزرگ تر است. خدا، بزرگ تر و نیرومندتر و شکوهمندتر و با عظمت تر است از آنچه می ترسم و بیم دارم. به خدا پناه می برم که پناهنده به خدا، نیرومند است، و ثنای خدا، بشکوه است، و معبودی جز خدا نیست. یگانه و بی انباز است، و درود خدا بر محمد و خاندان او، و درود بسیار بر او باد! بار خدایا! من خودم را و دینم را و همسرم (/ کسانم) را و اموالم را و فرزندانم را و هر آن کس را که کارش به من مربوط می شود، در پناه تو در می آورم. بار خدایا! به تو پناه می برم، و به تو متوسل می شوم، و به یاری تو یورش می برم، و تو را می پرستم و از تو یاری می خواهم، و بر تو توکل می کنم، و به کمک تو دشمنانم را دفع می کنم، و در برابر آنان، از تو یاری می طلبم. پس به آنچه خواهی و هر گاه که خواهی و هر گونه که خواهی و هر جا که خواهی، شر او را از من، دور گردان، به حق خودت که معبودی جز تو نیست، و به راستی تو بر هر چیزی توانایی. «زودا که خداوند، تو را در کارشان بسنده شود، و او شنوا و داناست!». «گفت: بازوی تو را به برادرت، نیرو بخشیم و برایتان پیروزی ای می نهیم. پس به سبب نشانه هایمان بر شما دست نمی یابند. شما دو تن و کسانی که از شما پیروی کرده اند، چیره اید». «گفت: مترسید که من با شما دو تن هستم، می شنوم و می بینم». «[مریم] گفت: من از تو به خدای مهربان، پناه می برم، اگر پرهیزگار باشی». «در آن (دوزخ) گم شوید و با من، سخن مگویید»... بار خدایا! ما را با چشمت که هرگز نمی خوابد، پاسداری کن و در پناه تکیه گاهت که کسی نمی تواند بدان آسیب رساند، محافظت نما، و ما را در پناه پادشاهی ات که هرگز گزندی بدان نمی رسد، در آور و به قدرتت بر ما رحم آور، ای مهربان! بار خدایا! ما را به هلاکت میفکن که تو ما را بسنده ای، ای نیکوکار، ای مهربان!... بار خدایا! خود را در قرق و حریم تو که روا شمرده نمی شود، و در زنده تو که شکسته نمی گردد، و در حمایت تو که کس بدان تعدی نمی تواند کرد، در آوردم. بار خدایا! به حق قدرت و عزتت، از تو می خواهم که مرا از خشم و کيفر سخت و رخدادهای بد روز و پیشامدهای شب، مگر پیشامدهای نیک آن، در پاسداشت و

حمایت خود و امتیّت و پناهِت ، و مراقبت و پیمانَت ، و نگهداشت و زنده‌داری ، و دژ دست‌نیافتنی و قدرت‌چیره‌ناشدنی ات قرار دهی ، ای مهربان! بار خدایا! دست تو ، بالای هر دستی است و عزّت تو ، برتر از هر عزّتی است و نیرویت ، نیرومندتر از هر نیرویی است و سلطنتت ، بشکوه‌تر و مستحکم‌تر از هر سلطنتی است . به یاری تو ، دشمنانم را دفع می‌کنم و در برابر آنان ، از تو کمک می‌جویم و از گزندهایشان ، به تو پناه می‌برم و در آنچه از ایشان بیمناکم ، به تو پناه می‌آورم . درود خدا بر محمّد و خاندان او باد! مرا از آنان (دشمنانم) در حمایت خویش گیر ، ای مهربان‌ترین مهربانان! خودم را و همسرم را و اموالم را و فرزندانم را و همه آنچه را به من تعلق دارد و همه نعمت‌هایی را که خداوند به من عطا کرده است ، در پناه «به نام خدای مهرگستر مهربان» در آوردم . به نام خدایی که گردن‌ها در برابرش فرود آمده‌اند . به نام خدایی که سینه‌ها از او هراسان‌اند . به نام خدایی که از داوود ، اندوهش را برطرف کرد . به نام خدایی که جان‌ها از او ترسان‌اند . به نام خدایی که به آن نام به آتش فرمود که بر ابراهیم ، سرد و بی‌گزند باش «و [نمرودیان] خواستند به او نیرنگی بزنند ، ولی ما آنها را زیانکارترین ، قرار دادیم» بار خدایا! از خواب‌های آشفته و از این که شیطان ، در بیداری و خواب مرا بازی دهد ، به تو پناه می‌برم . به نام خدا ، خود را از گزند آنچه می‌ترسم و بیمناکم ، در سنگر آن زنده‌نامیرا در آوردم و آن را که بخواهد از رو به رویم به من ، بدی یا صدمه ای رساند ، با تیر «لا حول و لا قوه الا بالله العلیّ العظیم ؛ هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ» هدف قرار دادم . از شرّ شما به خدا پناه می‌برم . شرّتان ، زیرگام‌هایتان و خیرتان ، فراچشمتان باد! خودم را و آنچه را که پروردگارم به من عطا کرده است و آنچه را دست‌آورده‌اند و کسانی را که مورد عنایت من هستند ، در پناه استوارترین رُکن خدا که همه ارکان او استوار است ، در آوردم . بار خدایا! تو ، خود را وسیله خویش به درگاهت قرار می‌دهم ، و تو ، خود را شفیع خویش در پیشگاهت می‌آورم ؛ زیرا به آنچه نزد توست ، جز به وسیله تو نمی‌توان رسید . از تو می‌خواهم که بر محمّد و خاندان او درود فرستی و مرا از گزند آنچه اندیشناکم و آنچه اندیشناکی ام به آن نمی‌رسد ، نگه دار ، که به راستی تو بر هر چیزی توانایی و آن ، بر تو آسان است . جبرئیل علیه السلام در سمت راست من ، میکائیل علیه السلام در سمت چپ من و اسرافیل علیه السلام پیش روی من باد! هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ .

ص: ٥٤٤

..

٥ / ٦ الاستعاذات المأثورة عن الإمام الباقر عليه السلام في الدعاء المسمى بالجامع: اللهم إني أعوذ بك من الشرِّ وأنواع الفواحشِ كُلِّها، ظاهرها وباطنِها وغفلاتِها، وجميع ما يُريدُنِي بِهِ الشَّيْطَانُ الرَّجِيمُ، وما يُريدُنِي بِهِ السُّلْطَانُ العَنِيدُ، مِمَّا أَحْطَتْ بِعِلْمِهِ، وَأَنْتَ القَادِرُ عَلَى صِيْرْفِهِ عَنِّي. اللهم إني أعوذ بِكَ مِنْ طَوَارِقِ الجِنِّ وَالإِنْسِ، وَزَوَابِعِهِمْ وَيَوَائِقِهِمْ وَمَكَائِدِهِمْ، وَمَشَاهِدِ الفَسَقَةِ مِنَ الجِنِّ وَالإِنْسِ، وَأَنْ أُسْتَزَلَّ عَنْ دِينِي فَتَفْسُدَ عَلَيَّ آخِرَتِي، وَأَنْ يَكُونَ ذَلِكَ مِنْهُمْ ضَرًّا عَلَيَّ فِي مَعَاشِي، أَوْ يَعْزِضَ بِلَاءٌ يُصَيِّبُنِي مِنْهُمْ لَا قُوَّةَ لِي بِهِ، وَلَا صَبْرَ لِي عَلَى احْتِمَالِهِ، فَلَا تَبْتَلْنِي يَا إِلَهِي بِمُقَاسَاتِهِ فَيَمْنَعَنِي ذَلِكَ عَنْ ذِكْرِكَ، وَيَشْغَلَنِي عَنْ عِبَادَتِكَ، أَنْتَ العَاصِمُ المَانِعُ الدَّافِعُ الوَاقِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ. (١)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْزُنُ هَذَا الدُّعَاءَ وَيُحَبِّئُهُ وَلَا يُطْلِعُ عَلَيْهِ أَحَدًا «أعوذُ بِدِرْعِ اللَّهِ الحَصِينَةِ الَّتِي لَا تُرَامُ، وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ مِنْ كَذَا وَكَذَا» وَقَوْلُوا: كَلِمَاتِ الفَرَجِ. (٢)

١- الكافي: ج ٢ ص ٥٨٨ ح ٢٦، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٧٦ ح ٢٣٤، موهج الدعوات: ص ٢١٧ كُلِّها عن أبي حمزة الثمالي، مصباح المتهجد: ص ٥٤٩ ح ٦٤٠ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٦٩ ح ٣.

٢- الدعوات: ص ٤٦ ح ١١٢، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٦٣ ح ١٧.

۶ / ۵ پناه خواهی های نقل شده از امام باقر علیه السلام

۶ / ۵ پناه خواهی های نقل شده از امام باقر علیه السلام در دعای نامیده شده به «دعای جامع»: بار خدایا! به تو پناه می برم از شرّ و از همه انواع زشتی ها ، پیدا و نهانش و آنچه از سرِ غفلت سرزند ، و از هر آنچه [از شرّ و گزند که] شیطان رانده شده ، بدان ، آهنگ من کند ، و از هر گزندی که سلطان کینه توز بخواهد بر من بزند ، از آنچه علم تو بدان احاطه دارد و تو بردور کردنش از من ، توانایی . بار خدایا! به تو پناه می برم از شب روان (۱) جن و انس (پری و آدمی) ، و توفان ها و مصیبت ها و نیرنگ هایشان ، و از بزم های تبهکاران جن و انس ، و از این که از دین خود ، لغزانده شوم و در نتیجه ، آخرتم بر من تباه گردد ، و از این که در امور معاش و زندگی ام ، از جانب آنان به من زیانی برسد ، یا بلایی از ایشان به من برسد که بر آن ، توانایی ندارم و تاب تحمل آن را نمی آورم . پس ای معبود من مرا به رنج آن ، گرفتار مساز که در نتیجه ، مرا از یاد تو منع کند و از عبادتت ، باز دارد . تویی نگهدار و باز دارنده و جلوگیری کننده و محافظت کننده از همه اینها .

امام صادق علیه السلام: پدرم [امام باقر علیه السلام] این دعا را پنهان و پوشیده می داشت و آخیدی را از آن ، آگاه نمی ساخت: «به جوشن محکم آسیب ناپذیر خدا ، پناه می برم و به جامعیت خدا پناه می برم از چه و چه» و کلمات گشایش را بگویید .

۱- واژه «طوارق» که در متن عربی حدیث آمده ، جمع طارق است ، به معنای : به شب آینده ، حادثه شدید ، شب رو و شب گرد ، دزد و ساحر .

عنه عليه السلام: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ: بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَإِلَى اللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ ضَغْطِهِ الْقَبْرِ وَمِنْ ضَيْقِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سَيِّطَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَرَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَرَبَّ الْحِجْلِ وَالْحَرَامِ، أْبَلِّغْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَنِّي السَّلَامَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِدِرْعِكَ الْحَصِينَةِ، وَأَعُوذُ بِجَمْعِكَ، أَنْ تُمَيِّنَنِي غَرْقًا أَوْ حَرْقًا أَوْ شَرْقًا، أَوْ قَوْدًا (١) أَوْ صَبْرًا (٢) أَوْ مَسَمًا (٣)، أَوْ تَرْدِيًا فِي بَيْتٍ، أَوْ أَكِيلَ السَّبْعِ، أَوْ مَوْتَ الْفَجَاءِ، أَوْ بِشْيءٍ مِنْ مِيتَاتِ السَّوْءِ، وَلَكِنْ أُمْتِنِي عَلَى فِرَاشِي فِي طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مُصِيبًا لِلْحَقِّ غَيْرَ مُخْطِئٍ، أَوْ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعْتَهُمْ فِي كِتَابِكَ: «كَأَنَّهُمْ بُنِينَ مَرْصُوصٌ» (٤). أَعِيذُ (٥) نَفْسِي وَوَلَدِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي بِ «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» حَتَّى يَخْتِمَ السُّورَةَ. وَيَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ اللَّهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ مَا خَلَقَ [اللَّهُ] (٦)، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رِضًا نَفْسِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ، وَمِنْ شَمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْوَقْرِ (٧)، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ. وَيُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ (٨).

- ١- القَوْدُ: الْقِصَاصُ وَقَتْلُ الْقَاتِلِ بِدَلِّ الْقَتِيلِ (النهاية: ج ٤ ص ١١٩ «قود»).
- ٢- قتل الشيء صبراً: هو أن يمسك شيء من ذوات الروح حياً ثم يرمى بشيء حتى يموت (النهاية: ج ٣ ص ٨ «صبر»).
- ٣- قال المجلسي قدس سره: في بعض النسخ: «سَمًا» وهو أظهر (مرآة العقول: ج ١٢ ص ٢٤٦).
- ٤- الصَّفِّ: ٤.
- ٥- زاد في مكارم الأخلاق هنا: «أَعِيذُ نَفْسِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ».
- ٦- ما بين المعقوفين أثبتناه من المصادر الأخرى.
- ٧- الوَقْرُ: الثِقْلُ فِي الْأُذُنِ (الصحاح: ج ٢ ص ٨٤٨ «وقر»).
- ٨- الكافي: ج ٢ ص ٥٢٥ ح ١٣ عن أبي بصير، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٦ ح ٢٠٥٩ وليس فيه صدره، مصباح المتهجد: ص ٩٤ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ونحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٦٣ ح ٣٤.

امام صادق علیه السلام: پدرم [امام باقر علیه السلام] هرگاه صبح خود را آغاز می کرد، می گفت: «به نام خدا، و به یاری خدا، و به سوی خدا، و در راه خدا، و بر دین پیامبر خدا... بار خدایا! من از عذاب قبر و از فشار قبر و از تنگی قبر، به تو پناه می آورم. از شبیخون بلای شب و روز، به تو پناه می برم. بار خدایا، ای پروردگار مشعر الحرام، و ای پروردگار شهر حرام (مکه)، و ای پروردگار حِلّ و حرم! (۱) از من به محمّد و خاندان محمّد، درود رسان. بار خدایا! به جوشن محکم تو پناه می برم و به جامعیت تو پناه می برم از این که مرا با غرق شدن یا سوختن یا گلوگیر شدن یا قصاص یا زجرگش شدن یا زهرخور شدن یا افتادن در چاه یا طعمه درندگان شدن یا مرگ ناگهانی یا به یکی از مُردن های بد، بمیرانی؛ بلکه مرا در بسترم، در حالی که فرمان بُردار تو و فرمان بُردار پیامبر تو و بر حق هستم، و نه بر خطا، بمیران، یا در صف کسانی قرار ده که آنان را در کتابت چنین وصف فرموده ای: «گویی بنایی از سیرب هستند». خودم را و فرزندانم را و آنچه را پروردگارم روزی من کرده است، در پناه «بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده دم...» (تا آخر سوره فلق را می خوانند) در می آورم. خودم را و فرزندانم را و آنچه را پروردگارم روزی من کرده است، در پناه «بگو: پناه می برم به پروردگار مردم...» (تا آخر سوره ناس را می خوانند) در می آورم. و می گفت: «ستایش، خدای را به شمار آنچه آفریده است. ستایش، خدای را به مانند آنچه آفریده است. ستایش، خدای را به اندازه آنچه آفریده است. ستایش، خدای را به گستره کلماتش. ستایش، خدای را به وزن عرشش. ستایش، خدای را چندان که خشنود شود. معبودی جز خدای بردبار بزرگوار نیست. معبودی جز خدای والا- و بزرگ نیست. پاکا خدایی که پروردگار آسمان ها و زمین ها و بین آنها و پروردگار عرش بزرگ است! بار خدایا! از درافتادن به [رنج] و بدبختی و از شماتت دشمن، به تو پناه می برم. از ناداری و سنگینی گوش، به تو پناه می برم. از پیشامد بد برای زن و دارایی و فرزند، به تو پناه می برم». و [پدرم] ده بار بر محمّد و خاندان محمّد، درود می فرستاد.

٦ / ٦ الإستعاذات المأثورة عن الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ ،
وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ ، وَالْعَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ ، وَالْفَتْرَةِ وَالْمَسْكَنَةِ ، وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا
يُسْمَعُ ، وَمِنْ صَلَاةٍ لَا تَنْفَعُ ، وَأَعِيذُ بِكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ ، وَلَا أَجِدُ مِنْ
دُونِكَ مُلْتَحِداً (١) . (٢)

عنه عليه السلام من دعاء له : أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتَنِ كُلِّهَا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ ، وَمِنْ رَفِيعِ الْمَطْعَمِ وَالْمَشْرَبِ ، وَمِنْ شَرِّ مَا أَعْلَمُ
وَمِنْ شَرِّ مَا لَا أَعْلَمُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَشْتَرِيَ الْجَهْلَ بِالْعِلْمِ ، وَالْجَفَاءَ بِالْحِلْمِ ، وَالْجَوْرَ بِالْعَدْلِ ، وَالْقَطِيعَةَ بِالْبِرِّ ، وَالْجَزَعَ بِالصَّبْرِ ،
وَالْهُدَى بِالضَّلَالَةِ ، وَالْكَفْرَ بِالْإِيمَانِ . (٣)

١- المُلْتَحِدُ : المُلْجَأُ (الصحاح : ج ٢ ص ٥٣٥ «لحد»).

٢- الكافي : ج ٢ ص ٥٨٦ ح ٢٤ عن ابن أبي يعفور ، مصباح المتهجد : ص ١٤٤ نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت
عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٢٧٢ ح ٤٨ .

٣- الكافي : ج ٢ ص ٥٩٢ ح ٣١ عن عبد الرحمن بن سيابة وفي ذيله عن جميل بن صالح أنه ذكر أيضا مثله وذكر أنه دعاء
علي بن الحسين عليه السلام ، وزاد في آخره «أمين رب العالمين» ، مصباح المتهجد : ص ٢٧٧ ح ٣٨٣ ، جمال الأسبوع : ص
١٤٣ كلاهما نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٩ ص ٣٠٢ ح ١٠ .

۶ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از امام صادق علیه السلام

۶ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از امام صادق علیه السلام: بار خدایا! من از تنبلی و فرتوتی و کم دلی و بخل و غفلت و سنگ دلی و سستی و بیچارگی ، به تو پناه می برم! و به تو پناه می برم ای خداوندگار من از نفسی که سیر نشود ، و از دلی که [نرم و] فروتن نباشد ، و از دعایی که شنیده نشود ، و از نمازی که سود نبخشد . خودم را و همسرم را و فرزندانم را از شیطان رانده شده ، در پناه تو در می آورم! بار خدایا! هیچ کس مرا در برابر تو پناه نمی تواند داد . جز تو هیچ پناهی نمی یابم .

امام صادق علیه السلام در دعایی از ایشان : به تو پناه می برم از تمامی فتنه ها (گناهان) ، آشکار یا نهانش ، و از خورد و نوش های اشرافی ، و از شرّ آنچه می دانم و از شرّ چیزهایی که نمی دانم . به تو پناه می برم از این که دانایی را به نادانی بفروشم ، و بردباری را به درشتی ، و دادگری را به ستم ، و نیکی کردن [به ارحام و بستگان] را به قطع رابطه و بدرفتاری ، و شکیبایی را به ناشکیبی ، و هدایت را به گم راهی ، و ایمان را به کفر .

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ لَوْلَا رَجَائِي لِعَفْوِكَ لَصَيَّمْتُ عَنِ الدُّعَاءِ ، وَلَكِنَّكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ يَا إِلَهِي غَايَةُ الطَّالِبِينَ ، وَمُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ ، وَاسْتِعَاذَةِ الْعَائِدِينَ ، اللَّهُمَّ فَأَنَا أَسْتَعِيدُكَ مِنْ غَضَبِكَ ، وَسَوْءِ سَخَطِكَ ، وَعِقَابِكَ وَنِقْمَتِكَ ، وَمِنْ شَرِّ نَفْسِي ، وَشَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ ، وَأَسْأَلُكَ الْغَنِيمَةَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي بِالْعَافِيَةِ ، أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي . (١)

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ بَعْدَ صِيْلَاهِ الطُّهْرِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ ، وَمِنْ عَاجِلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْآجِلِ ، وَحَيَاةٍ تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ ، وَأَمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْعَمَلِ . (٢)

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ بَعْدَ صِيْلَاهِ الْمَغْرِبِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ ، وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ ، وَعَيْنٍ لَا تَدْمَعُ ، وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ ، وَصَلَاةٍ لَا تُرْفَعُ ، وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ ، وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سَوْءِ الْقَضَاءِ ، وَدَرْكِ الشَّقَاءِ ، وَشِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ ، وَجَهْدِ الْبَلَاءِ ، وَمِنْ عَمَلٍ لَا يُرْضَى ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْقَهْرِ ، وَالْكَفْرِ وَالْوَقْرِ وَالْغَدْرِ ، وَضَيْقِ الصَّدْرِ ، وَسَوْءِ الْأَمْرِ ، وَمِنْ بَلَاءٍ لَيْسَ لِي عَلَيْهِ صَبْرٌ ، وَمِنْ الدَّاءِ الْعُضَالِ (٣) ، وَغَلْبَةِ الرَّجَالِ ، وَخِيْبَةِ الْمُنْقَلَبِ ، وَسَوْءِ الْمَنْظَرِ فِي النَّفْسِ وَالْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالدِّينِ وَالْوَلَدِ ، وَعِنْدَ مُعَايَنَةِ مَلِكِ الْمَوْتِ . وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ إِنْسَانٍ سَوْءٍ وَجَارٍ سَوْءٍ وَقَرِينٍ سَوْءٍ وَيَوْمٍ سَوْءٍ وَسَاعَةٍ سَوْءٍ ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا ، وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ، وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبَّى آخِذٌ بِنَاصِيَتَيْهَا ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ «فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (٤) ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صَلَاةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا . (٥)

١- مُهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص ٢٦٣ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٣٨١ ح ٣ .

٢- مصباح المتهجد : ص ٦٤ ح ١٠١ ، فلاح السائل : ص ٣٢٠ ح ٢١٥ كلاهما عن معاوية بن عمّار ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٧١ ح ٥ .

٣- العُضَالُ : الشَّدِيدُ الْمُعْجِزُ . وَيُقَالُ : دَاءٌ عُضَالٌ : لَا طَبَّ لَهُ (المعجم الوسيط : ج ٢ ص ٦٠٧ «عضل»).

٤- البقره : ١٣٧ .

٥- مصباح المتهجد : ص ١٠٥ ح ١٧٢ ، فلاح السائل : ص ٤٢٦ ح ٢٩١ ، المصباح للكفعمي : ص ٥٩ ، البلد الأمين : ص ٣٠ .
كلها عن معاوية بن عمّار ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٠٩ ح ٩ .

امام صادق علیه السلام: ای معبود من بار خدایا! اگر امید من به گذشت تو نبود، بی گمان، دم از دعا فرو می بستم؛ اما تو همواره، مقصد جویندگانی، و خواست نهایی خواهندگان و پناه پناهجویانی. بار خدایا! پس من از خشم تو و از شدت ناخشنودی و کيفر و انتقامت، و از شرّ خودم، و از شرّ هر شرّسانی به تو پناه می آورم و از همه گناهان، از تو آمرزش می طلبم و از تو می خواهم که در باقی مانده عمرم، تا زمانی که مرا زنده بداری، از عافیت برخوردارم داری.

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان بعد از نماز ظهر: بار خدایا! به تو پناه می برم از دنیایی که مانع خیر آخرت شود، و از اکنونی که مانع خیر آینده گردد، و از زندگی ای که مانع خوب مردن شود، و از آرزویی که مانع کردار نیک گردد.

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان پس از نماز مغرب: بار خدایا! به تو پناه می برم از نفسی که قانع نباشد، و از شکمی که سیر نشود، و از چشمی که اشک نریزد، و از دلی که [نرم و] فروتن نباشد، و از نمازی که [به درگاه تو] بالا نرود، و از کرداری که سود نبخشد، و از دعایی که شنیده نشود. و به تو پناه می برم از قضای بد و دچار شدن به [رنج و] بدبختی، و شماتت دشمن، و بلای جانکاه، و از کرداری که پسند [تو] نیفتد! و به تو پناه می برم از ناداری و مقهور شدن و کفر و سنگینی گوش و پیمان شکنی و دل تنگی و بدحالی، و از بلایی که مرا بر آن شکیب نیست، و از درد بی درمان و چیره آمدن مردان (اوباش) و ناکامی در بازگشت [از سفر، یا بازگشتگاه قیامت]، و [مواجه شدن با] منظره بد نسبت به خودم و همسر و مال و دین و فرزندان [م]، و در هنگام دیدن فرشته مرگ! به خدا پناه می برم از انسان بد و همسایه بد و همدم بد و روز بد و ساعت بد، و از شرّ آنچه در زمین، فرو می رود و آنچه از آن، بیرون می آید، و آنچه از آسمان، فرود می آید و آنچه به آسمان، بالا می رود، و از شرّ پیشامدهای سخت شب و روز، مگر پیشامدی که خیر به همراه داشته باشد، و از شرّ هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست پروردگار من است، که به راستی، که پروردگار من، بر راه راست است. «و زودا که خدا، شما را از آنان، بسنده کند! و او شنوا و داناست». ستایش، خدایی را که به کمک او نمازی را که در اوقاتی معین بر مؤمنان واجب کرده است، گزاردم.

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ ، وَالصِّدْقَ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ . وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ تَبْتَلِيَنِي بِبَلِيَّةٍ تَحْمِلُنِي ضَرُورَتُهَا عَلَى التَّعْيُودِ بِشَيْءٍ مِنْ مَعَاصِيكَ ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي حَالٍ كُنْتُ أَوْ أَكُونُ فِيهَا فِي عُسْرٍ أَوْ يُسْرٍ أَظُنُّ أَنَّ مَعَاصِيكَ أَنْجِيحُ لِي مِنْ طَاعَتِكَ ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَقُولَ قَوْلًا حَقًّا مِنْ طَاعَتِكَ أَلْتَمِسُ بِهِ سِوَاكَ ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ تَجْعَلَنِي عِظَةً لِعَيْرِي ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ يَكُونَ أَحَدٌ أَسْعَدَ بِمَا آتَيْتَنِي بِهِ مِنِّي . وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَتَكَلَّفَ طَلَبَ مَا لَمْ تَقْسِمْ لِي ، وَمَا قَسِمْتَ لِي مِنْ قِسْمٍ ، أَوْ رَزَقْتَنِي مِنْ رِزْقٍ ، فَآتَيْتَنِي بِهِ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ ، حَلَالًا طَيِّبًا . وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ زَحَرَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ ، وَبَاعَدَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ ، أَوْ نَقَصَ بِهِ حَظِّي عِنْدَكَ ، أَوْ صَدَّرَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي . وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ تَحُولَ خَطِيئَتِي أَوْ ظُلْمِي ، أَوْ جُرْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي ، وَأَتَّبِعَ هَوَايَ وَاسْتَعْجَالَ شَهْوَتِي ، دُونَ مَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ ، وَثَوَابِكَ وَنَائِلِكَ ، وَبَرَكَاتِكَ وَمَوْعِدِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ عَلَى نَفْسِكَ . (١)

١- تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٧٤ ح ٢٣٣ ، مصباح المتهجد: ص ٥٤٦ ح ٦٣٦ ، الإقبال: ج ٢ ص ٢٩٩ نحوه ، المصباح للكفعمي: ص ٧٥٢ كلها من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٣٧٢ .

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! گمان نیک بردن به تو، و توکل راستین بر تو را از تو درخواست می کنم. پناه می برم به تو از این که مرا به بلایی گرفتار سازی که ناچار شوم به چیزی از معصیت تو پناه ببرم. پناه می برم به تو از این که مرا در وضعیتی، دشوار یا آسان، در آوری که گمان برم معصیت های تو برایم کارسازتر از طاعت توست. پناه می برم به تو از این که سخن درست از طاعت تو بگویم و قصدم از آن، غیر تو باشد. پناه می برم به تو از این که مرا درس عبرتی برای دیگران قرار دهی. پناه می برم به تو از این که دیگران از آنچه به من داده ای، بهره مندتر از خود من باشند. و پناه می برم به تو از این که در طلب آنچه قسمت من نکرده ای، خویشان را به رنج افکنم؛ بلکه آنچه را قسمت من کرده ای، یا رزقی را که روزی ام نموده ای، به آسانی و با عافیت و حلال و پاک به من برسان. و پناه می برم به تو از هر آنچه میان من و تو جدایی بیفکند و مرا از تو دور کند یا بهره مرا در نزد تو بکاهد یا روی گرامی ات را از من بگرداند. و پناه می برم به تو از این که خطایم یا ستمم یا جرمم و زیاده روی ام در باره خودم، و پیروی از هوسم، و در پی شهوت دویدم، مانع آمرزش و خشنودی و پاداش و دَهِش و برکات تو و وعده نیکو و زیبایی که بر عهده گرفته ای، شود.

عنه عليه السلام فيما يُقال في اليومِ السِّدِّاسِ وَالْعِشْرِينَ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ: أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَالِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّكِّ وَالْفُجُورِ وَالْكَسْبِ وَالْعَجْزِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ وَالسَّرْفِ وَالسَّرَفِ وَالْفَقْرِ ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا أَدْعُ وَمَا لَمْ أَدْعُ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا أَرْجُو ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ ، وَشَرِّ مَا لَا أَحْذَرُ ... وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ أَوْ مِنْ خَلْفِي ، أَوْ عَنْ يَمِينِي أَوْ عَنْ شِمَالِي ، أَوْ مِنْ فَوْقِي أَوْ مِنْ تَحْتِي . (١)

عنه عليه السلام مِمَّا يُقَالُ عِنْدَ حُضُورِ شَهْرِ رَمَضَانَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَبِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَمُلْكِكَ الْعَظِيمِ ، أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ مِنْ يَوْمِي هَذَا أَوْ يَنْقُضَ بَقِيَّةَ هَذَا الْيَوْمِ ، أَوْ يَطَّلَعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ أَوْ يَخْرُجَ هَذَا الشَّهْرُ ، وَلَمَّا كَبَلْتَنِي مَعَهُ تَبِعَهُ أَوْ ذَنْبٌ أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تُقَايَسَنِي بِذَلِكَ (٢) ، أَوْ تُؤَاخِذَنِي بِهِ ، أَوْ تُفَنِّئَنِي بِهِ مَوْقِفَ خِزْيٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، أَوْ تُعَذِّبَنِي بِهِ يَوْمَ الْقَاكِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ يَكُونَ جَزَاءَ إِحْسَانِكَ الْإِسَاءَةَ مِنِّي ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُصْلِحَ عَمَلِي فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَ النَّاسِ وَأُفْسِدَهُ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ تَحُولَ سَرِيرَتِي بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَوْ تَكُونَ مُخَالَفَةً لِطَاعَتِكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ يَكُونَ شَيْءٌ مِنَ الْأَشْيَاءِ آتَرَ عِنْدِي مِنْ طَاعَتِكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَعْمَلَ مِنْ طَاعَتِكَ قَلِيلاً أَوْ كَثِيراً أُرِيدُ بِهِ أَحْجِداً غَيْرَكَ ، أَوْ أَعْمَلَ عَمَلاً يُخَالِطُهُ رِيَاءٌ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَوَى يُرْدِي مَنْ يَرْكَبُهُ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُجْعَلَ شَيْئاً مِنْ سُكْرِي فِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ لِغَيْرِكَ ، أَطْلُبُ بِهِ رِضَا خَلْقِكَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُنْعَدَى حَدّاً مِنْ حُدُودِكَ أَتَزَيَّنُ بِذَلِكَ لِلنَّاسِ ، وَأُرَكَّنُ بِهِ إِلَى الدُّنْيَا ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ ، وَأَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَيِّئَاتِكَ ، وَأَعُوذُ بِطَاعَتِكَ مِنْ مَعْصِيَتِكَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ ، جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ ، لَا أُحْصِي الثَّنَاءَ عَلَيْكَ وَلَوْ حَرَصْتُ ، وَأَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ... أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَوَى قَدْ غَلَبَنِي ، وَمِنْ عَدُوٍّ قَدْ اسْتَكَلَبَ عَلَيَّ ، وَمِنْ دُنْيَا قَدْ تَزَيَّنَتْ لِي ، وَمِنْ نَفْسٍ أَمَارَةٍ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي ، فَإِنْ كُنْتُ سَيِّدِي قَدْ رَحِمْتَ مِثْلِي فَارْحَمْنِي ، وَإِنْ كُنْتُ سَيِّدِي قَدْ قَبِلْتَ مِثْلِي فَاقْبَلْنِي . (٣)

- ١- العدد القويّ: ص ٣٢٤ ٣٢٧ ، مصباح المتهجد: ص ٣٣٤ من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، الدرود الواقية: ص ١٥٢ ١٥٤ وليس فيهما ذيله من «وأعوذ بك أن أغتال...» وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٢٩٢ .
- ٢- أي تجزئني بمقداره ، وأصل القياس تقدير الشئ على مثاله (بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٤) . وفي طبعه دار الكتب الإسلامية: «أن تقابلني بذلك» .
- ٣- الإقبال: ج ١ ص ١١٩ ١٢٨ عن أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري ، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٣٢٧ ٣٣٣ .

امام صادق علیه السلام در دعای روز بیست و ششم هر ماه: از آتش دوزخ، به تو پناه می برم. از عذاب قبر، به تو پناه می برم. از بدی زندگی و مرگ، به تو پناه می برم. از ناملايمات دنیا و آخرت، به تو پناه می برم. از فتنه دجال، به تو پناه می برم. از دودلی و هرزگی و تبلی و ناتوانی، به تو پناه می برم. از بخل و گزافکاری و سالخوردگی و ناداری... به تو پناه می برم. بار خدایا! هر چه خوبی است، زود یا دیر (/این جهانی یا آن جهانی) آن را، و آنچه را می دانم و نمی دانم، از تو درخواست می کنم. و از هر چه بدی است، زود یا دیر (/این جهانی یا آن جهانی) آن را، و از آنچه می دانم و نمی دانم، به تو پناه می برم. بار خدایا! هر چه خوبی است، چه آنهایی را که برایشان دعا کنم یا دعا نکنم، از تو درخواست می کنم. بار خدایا! خیر آنچه را بدان امیدوارم، از تو می خواهم، و از شر آنچه از آن اندیشناکم و از شر آنچه از آن اندیشناک نیستم، به تو پناه می برم... به تو پناه می برم از این که از پیش رویم یا از پشت سرم یا از سمت راستم یا از جانب چپم یا از بالای سرم یا از زیر پایم، غافلگیر شوم.

امام صادق علیه السلام از دعایی که هنگام فرا رسیدن ماه رمضان، خوانده می شود: بار خدایا! پناه می برم به تو و روی گرمی تو و پادشاهی باعظمتت، از این که خورشید این روز، غروب کند یا باقی مانده این روز بگذرد، یا سپیده این شب بر دمید یا این ماه، سپری شود و در برابر تو، کوتاهی یا گناهی و یا خطایی کرده باشم که بخواهی برای آن، از من حساب بکشی یا سرزنش کنی یا در دنیا و آخرت، رسوایم کنی یا در روزی که دیدارت می کنم، به سبب آن، عذابم نمایی، ای مهربان ترین مهربانان!... بار خدایا! به تو پناه می برم از این که نیکی تو را به بدی پاداش دهم. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که در رفتارم با مردم، درست عمل کنم و در رابطه ام با تو، بد عمل کنم. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که باطنم میان من و تو حایل شود یا برخلاف طاعت تو باشد. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که چیزی از چیزها را بر طاعت تو ترجیح دهم. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که طاعت تو را، کم یا بسیار، به جا آورم و قصدم از آن، غیر تو باشد یا عملی آمیخته با ریا انجام دهم. بار خدایا! به تو پناه می برم از هوسی که هر که از آن پیروی کند، به نابودی می افکند. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که برای نعمتی که تو به من ارزانی داشته ای، دیگری را سپاس گویم و با این کار، خشنودی خلقت را بجویم. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که برای جلب تحسین و خوشایند مردم، و میل به دنیا، از حدی از حدود تو تعدی کنم. بار خدایا! از کیفر تو به گذشت تو پناه می برم. از ناخشنودی تو به خشنودی ات پناه می برم. از نافرمانی تو به فرمانبری ات پناه می برم و از تو به خود تو پناه می برم. بشکوه است ثنای روی تو! ثنای تو را شماره نمی توانم کرد، هر چند در آن کوشم. تو چنانی که خود در ثنای خویش گفته ای. پاک تو، و ستایش، تو را باد!... به تو پناه می برم از هوسی که بر من، چیره گشته است و از دشمنی که بر من، حمله ور شده، و از دنیایی که خود را برایم آراسته، و از نفسی که همواره به بدی فرمان می دهد، مگر آن که پروردگارم بر من رحم آورد. سرور من! اگر بر همانند من رحم آورده ای، پس بر من نیز رحم آور. سرور من! اگر امثال مرا پذیرفته ای، پس مرا نیز بپذیر.

عنه عليه السلام من دُعائه في يوم عَرَفَةَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّسيانِ وَالنَّكسَلِ وَالتَّوَانِي فِي طَاعَتِكَ ، وَمِنَ عِقَابِكَ الأَدْنَى ، وَعِذابِكَ الأَكْبَرِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيا تَمَنَعُ خَيْرَ الآخِرَةِ ، وَمِنَ حِياهِ تَمَنَعُ خَيْرَ المَماتِ ، وَمِنَ أَمَلٍ يَمَنَعُ خَيْرَ العَمَلِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لا- تَشْبَعُ ، وَمِنَ قَلْبٍ لا- يَخشَعُ ، وَمِنَ دُعاءٍ لا- يُرْفَعُ ، وَمِنَ صِلاهٍ لا- تُقْبَلُ ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاكفِنِي ما أَهَمَّنِي وَعَمَّنِي ، وَلا- تَكِلْنِي إِلى نَفْسِي ، وَأَعِزَّنِي مِنْ شَرِّ ما خَلَقْتَ وَذَرَأَتْ وَبَرَأَتْ ، وَالْبِسْني دِرْعَكَ الحَصينَةَ مِنْ شَرِّ جَميعِ خَلْقِكَ ، وَاقضِ عَنِّي دَينِي ، وَوَفِّقْني لِما يُرْضِيكَ عَنِّي ، وَاحْرُسْني وَذَرِّبْني وَأَهْلِي ، وَقَراباتي وَجَميعِ إِخواني فيكَ ، وَأَهْلَ حُرْائِي (١) ، مِنْ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ ، وَمِنَ شَرِّ فَسَقَةِ العَرَبِ وَالعَجَمِ ، وَشَياطينِ الإنسِ وَالجِنِّ ، وَانصُرْني عَلَي مَنْ ظَلَمَني . (٢)

١- الحُرائَةُ : عيالُ الرَّجُلِ الَّذين يُتَحَزَّنُ بِأمرِهِم (الصَّحاحُ : ج ٥ ص ٢٠٩٨ «حزن»).

٢- الإقبالُ : ج ٢ ص ١٤٦ ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٢٦٠ .

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در روز عرفه: بار خدایا! من از فراموشی و تنبلی و سستی در طاعت تو، و از کیفی نزدیک تر و عذاب بزرگ تر، به تو پناه می برم. به تو پناه می برم از دنیایی که مانع خیر آخرت شود، و از زندگی ای که مانع خوب مُردن شود، و از آرزویی که مانع کار نیک شود. به تو پناه می برم از نفسی که سیر نشود، و از دلی که [نرم و] خاشع نباشد، و از دعایی که بالا نرود، و از نمازی که پذیرفته نگردد... بار خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست، و تو خود در هم و غم، مرا بسنده باش، و مرا به خودم وا مگذار، و مرا از شر آنچه آفریده ای و پدید آورده ای و ایجاد کرده ای، در پناه خویش بدار، و زره خود را که از گزند همه آفریدگانت نگه می دارد، بر من بپوشان، و دینم را پرداز، و در آنچه تو را از من خشنود می سازد، توفیقم ده، و مرا و فرزندانم و همسر و نزدیکانم و همه برادران دینی ام و بستگانم را از شیطان رانده شده و از شرّ تهبکاران عرب و عجم و شیاطین انس و جن، محافظت فرما، و مرا در برابر آن که بر من ستم کند، یاری رسان.

عنه عليه السلام في الدعاء المروي عنه في الصباح: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُمْتَنِعًا ، وَبِعِزَّتِهِ مُحْتَجِبًا ، وَبِأَسْمَائِهِ عَائِدًا مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَالسُّلْطَانِ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتَيْهَا ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ أَعُوذُ بِاللَّهِ وَبِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ وَرُسُلُهُ ، مِنْ شَرِّ هَذَا الْيَوْمِ وَمَا يَأْتِي بَعْدَهُ ، وَمِنْ الشَّيْطَانِ وَالسُّلْطَانِ ، وَرُكُوبِ الْحَرَامِ وَالْآثَامِ ، وَمِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ ، وَالْعَيْنِ اللَّامَةِ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتَيْهَا ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . وَأَعُوذُ بِاللَّهِ وَبِكَلِمَاتِهِ ، وَعَظَمَتِهِ وَحَوْلِهِ ، وَقُوَّتِهِ وَقُدْرَتِهِ ، مِنْ غَضَبِهِ وَسَخَطِهِ وَعِقَابِهِ ، وَأَخْذِهِ وَبَأْسِهِ ، وَسَيْطَوْتِهِ وَنَقَمَتِهِ ، وَمِنْ جَمِيعِ مَكَارِهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَامْتَنَعْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِ خَلْقِهِ جَمِيعًا وَقُوَّتِهِمْ ، وَبِرَبِّ الْفَلَقِ (١) ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ، وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ (٢) إِذَا وَقَبَ (٣) ، وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ، وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ، وَبِرَبِّ النَّاسِ ، مَلِكِ النَّاسِ ، إِلَهِ النَّاسِ ، مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (٤) ، الَّذِي يُوسِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ، مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ، فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ . (٥)

١- الفَلَقُ : الصُّبْحُ ، وَالْفَلَقُ : شَقُّ الشَّيْءِ (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٦٤٥ «فلق»).

٢- غَسَقُ اللَّيْلِ : شَدَّهُ ظُلْمَتِهِ (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٦٠٦ «غسق»).

٣- وَقَبَتِ الشَّمْسُ : غَابَتْ (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٨٧٩ «وقب»).

٤- الْخَنَّاسُ : أَيْ الشَّيْطَانُ الَّذِي يَخْنَسُ أَيْ يَنْقُبُ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٣٠٠ «خنس»).

٥- مصباح المتهجد : ص ٢٣٠ ٢٣٢ ح ٣٣٨ و ٣٣٩ ، البلد الأمين : ص ٦١ ٦٣ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٧٩ ١٨١ ح ٤٦ .

امام صادق علیه السلام در دعای صبحگاه هر روز ایشان: به نام خدای مهرگسترِ مهربان. صبح کردم در حالی که خود را در حمایت خدا در آوردم و در پسِ پرده عزّت او قرار دادم. به نام های او پناه بردم از شرّ شیطان و سلطان، و از شرّ هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست پروردگار من است، که به راستی، پروردگار من، بر راهی راست است. به خدا و به آنچه فرشتگان و فرستادگان به او پناه برده اند، پناه می برم، از شرّ این روز و آنچه پس از آن می آید، و از شرّ شیطان و سلطان، و از دست یازیدن به حرام و گناهان، و از شرّ زهرداران کُشنده و غیر کُشنده، و چشم حسود، و از شرّ هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن، در دست پروردگار من است، که به راستی، پروردگار من بر راه راست است. به خدا و به کلمات او، و به بزرگی و نیروی او، و زور و توانایی او پناه می برم از خشم و ناخشنودی و کيفر او، و مؤاخذه و عذاب او، و یورش و انتقام او، و از همه ناملايمات دنیا و آخرت. خود را در پناه نیرو و توان خدا در آوردم از نیرو و توان همه آفریدگانش، و در پناه پروردگار سپیده دم [در آوردم] از شرّ آنچه آفریده است، و از شرّ شب، آن گاه که همه جا تیره و تاریک شود، و از شرّ دَمندگانِ درگیره ها، و از شرّ حسود، آن گاه که حسادت بورزد، و در پناه پروردگار مردم، پادشاه مردم، معبود مردم، از شرّ وسوسه گرِ نُهان؛ آن که وسوسه می کند در سینه های مردمان، از جن و انس. پس اگر روی گردانند، بگو: خدا، مرا بس است. معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم، و او پروردگارِ عرش بزرگ است.

عنه عليه السلام من دُعائه في يوم عَرَفَةَ : يا رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَوْلِ الْمُطَّلَعِ (١) ، وَمِنْ شِدَّةِ الْمَوْقِفِ يَوْمَ الدِّينِ ، فَإِنَّكَ تُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْكَ ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ ، اللَّهُمَّ لَا تُعْرِضْ عَنِّي حِينَ أَدْعُوكَ ، وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ حِينَ أَسْأَلُكَ ، فَلَا رَبَّ لِي سِوَاكَ ، وَأَعْطِنِي مَسْأَلَتِي ، وَأَمِنْ خَوْفِي يَوْمَ الْقَاكَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ فَأَعِدْنِي ، فَإِنِّي ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ بِإِسْ فَقِيرٌ ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ ، اللَّهُمَّ اكشِفْ ضُرًّا مَا اسْتَعِذْتُكَ مِنْهُ ، وَأَلْبِسْنِي رَحْمَتَكَ ، وَجَلِّلْنِي عَافِيَتَكَ ، وَأَمِّنِّي بِرَحْمَتِكَ ، فَإِنَّكَ تُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْكَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَحْشَةِ الْقَبْرِ وَمِنْ خَلْوَتِهِ ، وَمِنْ ظُلْمَتِهِ وَضَيْقِهِ وَعِزَابِهِ ، وَمِنْ هَوْلِ مَا أَتَخَوَّفُ بَعْدَهُ ، يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ مَا اسْتَعْفَيْتُكَ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَسْتَعْفِكَ مِنْهُ ، وَتَوَجُّبُ عَلَيَّ بِهِ النَّارَ وَسَخَطَكَ ، فَأَعْفُنِي مِنْهُ ، وَمَا عُذْتُ مِنَ الْمَخَازِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَسُوءِ الْمُطَّلَعِ إِلَى مَا فِي الْقُبُورِ ، فَأَعِدْنِي مِنْهُ وَأَعِدْنَا مِنَ الْأَذَى وَالْعَدَى وَالضَّرِّ ، وَسُوءِ الْقَضَاءِ وَشِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ ، وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْمَالِ وَالدِّينِ ، وَالْأَهْلِ وَالْوَالِدِ ، وَعِنْدَ مُعَايِنَةِ الْمَوْتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُوَالِيَ لَكَ عَدُوًّا ، أَوْ أُعَادِيَ لَكَ وَلِيًّا ، أَوْ أَسْخَطَ لَكَ رِضًى ، أَوْ أَرْضَى لَكَ سَخَطًا ، أَوْ أَقُولَ لِحَقِّ هَذَا بَاطِلًا ، أَوْ أَقُولَ لِبَاطِلِ هَذَا حَقًّا ، أَوْ أَقُولَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هُؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا . (٢)

-
- ١- الْمُطَّلَعُ : الْمَاتِي . يُقَالُ : أَيْنَ مُطَّلِعٌ هَذَا الْأَمْرُ ، أَيْ مَاتَاهُ ، وَهُوَ مَوْضِعُ الْإِطْلَاعِ مِنْ إِشْرَافٍ إِلَى انْحِدَارٍ ، وَفِي الْحَدِيثِ : «مَنْ هَوْلَ الْمُطَّلَعُ» شَبَّهَ مَا أُشْرِفَ عَلَيْهِ مِنْ أَمْرِ الْآخِرَةِ بِذَلِكَ (الصَّحَاحُ : ج ٣ ص ١٢٥٤ «طَلَعُ»).
 - ٢- الْإِقْبَالُ : ج ٢ ص ١٢٨ ١٤٠ عن سلمه بن الأكوع ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٢٤٦ ٢٥٥ .

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در روز عرفه: ای پروردگار من! از هراس مشاهده صحنه قیامت، و از سختی توقّفگاه روز جزا، به تو پناه می برم؛ زیرا که تو پناه می دهی و از تو به کسی پناه نمی توان برد، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من! بار خدایا! آن گاه که تو را می خوانم، از من اعراض مکن، و آن گاه که از تو درخواست می کنم، رویت را از من مگردان؛ زیرا که مرا پروردگاری جز تو نیست. خواسته ام را برآور و در آن روز که دیدارت می کنم، ترس مرا به آرامش بدل فرما. بار خدایا! من به تو پناه می برم. پس پناهم ده؛ زیرا که من، ناتوان و ترسان و پناهخواه و بینوا و درویشم، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من! بار خدایا! گزند آنچه را از آن به تو پناه جستم، برطرف فرما، و جامه رحمت و ردای عافیت را بر من بپوشان و به رحمت، مرا در امان دار؛ زیرا تو پناه می دهی و از تو به کس پناه نمی توان برد. بار خدایا، به تو پناه می برم از وحشت و تنهایی قبر، و از تاریکی و تنگی و رنج و عذاب آن، و از هراس های پس از آن، ای پروردگار جهانیان، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من! ... بار خدایا! از آنچه در باره اش از تو عفو خواستم و از آنچه در باره اش از تو عفو نخواسته ام و به سبب آن، مرا مستوجب آتش و خشم می گردانی، مرا عفو کن و از خواری ها و رسوایی های روز رستاخیز و مشاهده صحنه های بد و هولناک قبرها که از تو پناه خواستم، پناهم ده ... ما را از آزار و دشمنی و گزند، و قضای بد و شماتت دشمن، و مشاهده صحنه بد نسبت به مال و دین و زن و فرزند، و هنگام دیدن مرگ، در پناه خویش بدار ... بار خدایا! من به تو پناه می برم از این که با دشمن تو دوستی کنم، یا با دوست تو دشمنی ورزم، یا پسند تو را نپسندم، یا آنچه را ناپسندت دوست، بپسندم، یا به حقّی بگویم: «این، باطل است»، یا به باطلی بگویم: «این، حقّ است»، یا در باره کسانی که کافرند، بگویم: «اینان، از مؤمنان ره یافته ترند».

عنه عليه السلام من حِرْزِهِ الْجَلِيلِ الَّذِي رَوَاهُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: أَعِيدُ نَفْسِي وَشَعْرِي ، وَبَشْرِي وَدِينِي ، وَأَهْلِي وَمَالِي ، وَوُلْدِي وَذُرِّيَّتِي ، وَدُنْيَايَ وَجَمِيعَ مَنْ أَمْرُهُ يَعْنِينِي ، مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ يُؤْذِنِي . أَعِيدُ نَفْسِي ، وَجَمِيعَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي ، وَمَا أُغْلِقْتَ عَلَيْهِ أَبْوَابِي ، وَأَحَاطَتْ بِهِ جُدْرَانِي ، وَجَمِيعَ مَا أَتَقَلَّبُ فِيهِ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِحْسَانِهِ ، وَجَمِيعَ إِخْوَانِي وَأَخْوَاتِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، وَبِأَسْمَائِهِ التَّامَّةِ الْكَامِلَةِ ، الْمُتَعَالِيَةِ الْمُتَنَفِّهِ ، الشَّرِيفَةِ الشَّافِيَةِ ، الْكَرِيمَةِ الطَّيِّبَةِ ، الْفَاضِلَةِ الْمُبَارَكَةِ ، الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ ، الْعَظِيمَةِ الْمَخْزُونَةِ الْمَكْنُونَةِ ، الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرْ وَلَا- فَاجِرٌ ، وَبِأَمِّ الْكِتَابِ وَفَاتِحَتِهِ ، وَخَاتِمَتِهِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ سُورَةِ شَرِيفَةٍ ، وَآيَةٍ مُحْكَمَةٍ ، وَشِفَاءٍ وَرَحْمَةٍ ، وَعُودَةٍ وَبَرَكَةٍ ، وَبِالتَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ ، وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ ، وَبِصِيْحَةِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ، وَبِكُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ، وَبِكُلِّ رَسُولٍ أَرْسَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ، وَبِكُلِّ بُرْهَانٍ أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ، وَبِآلَاءِ اللَّهِ ، وَعِزِّهِ اللَّهُ ، وَقُدْرَتِهِ اللَّهُ ، وَجَلَالِ اللَّهِ ، وَقُوَّةِ اللَّهِ ، وَعَظَمَةِ اللَّهِ ، وَسُلْطَانِ اللَّهِ ، وَمَنْعَةِ اللَّهِ ، وَمَنْ اللَّهِ ، وَحِلْمِ اللَّهِ ، وَعَفْوِ اللَّهِ ، وَغُفْرَانِ اللَّهِ ، وَمَلَائِكَةِ اللَّهِ ، وَكُتُبِ اللَّهِ ، وَأَنْبِيَاءِ اللَّهِ ، وَرُسُلِ اللَّهِ ، وَمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ وَعِقَابِهِ ، وَسَخَطِ اللَّهِ وَنَكَالِهِ (١) ، وَمِنْ نِقَمِهِ اللَّهُ وَإِعْرَاضِهِ ، وَصُدُودِهِ وَخِذْلَانِهِ ، وَمِنْ الْكُفْرِ وَالنَّفَاقِ ، وَالْحَيْرَةِ وَالشَّرِكِ ، وَالشَّكِّ فِي دِينِ اللَّهِ ، وَمِنْ شَرِّ يَوْمِ الْحَشْرِ وَالنُّشُورِ ، وَالْمَوْقِفِ وَالْحِسَابِ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ كِتَابٍ قَدْ سَبَقَ ، وَمِنْ زَوَالِ النَّعْمَةِ ، وَحُلُولِ النَّقْمَةِ ، وَتَحَوُّلِ الْعَاقِبَةِ ، وَمَوْجِبَاتِ الْهَلَكَةِ ، وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ وَالْفَضِيحَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . وَأَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ هَوَى مُرِدِّ ، وَقَرِينِ سَوْءٍ مُكَدِّ ، وَجَارٍ مُؤَذِّ ، وَغِنَى مُطْغٍ ، وَفَقْرٍ مُنْسٍ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ ، وَصَيْلَةٍ لَا تَنْفَعُ ، وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ ، وَعَيْنٍ لَا- تَدْمَعُ ، وَبَطْنٍ لَا- يَشْبَعُ ، وَمِنْ نَصَبٍ وَاجْتِهَادٍ يُوجِبَانِ الْعِذَابَ ، وَمِنْ مَرَدِّ إِلَى النَّارِ ، وَسَوْءِ الْمَنْظَرِ فِي النَّفْسِ وَالْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ ، وَعِنْدَ مُعَاتِيَتِهِ مَلَكِ الْمَوْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . وَأَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتَيْهَا ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ ، وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ ، وَمِنْ شَرِّ فَسَيْقِهِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالشَّيَاطِينِ ، وَمِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ ، وَأَشْيَاعِهِ وَأَتْبَاعِهِ ، وَمِنْ شَرِّ السَّلَاطِينِ وَأَتْبَاعِهِمْ ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَلْمِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سَيْقَمٍ وَآفَةٍ وَغَمٍّ وَهَمٍّ ، وَفَاقِهِ وَعُجْدَمٍ ، وَمِنْ شَرِّ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ، وَمِنْ شَرِّ الْفُسَاقِ وَالْفُجَّارِ ، وَالذُّعَارِ (٢) وَالْحُسَادِ وَالْأَشْرَارِ وَالشُّرَاقِ وَاللُّصُوصِ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتَيْهَا ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْتَجِجُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْتَهُ ، وَأَحْتَرِسُ بِكَ مِنْهُمْ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنَ الْحَرَقِ وَالْغَرَقِ ، وَالشَّرْقِ وَالْهَدْمِ ، وَالْخَسْفِ وَالْمَسْخِ وَالْجُنُونِ ، وَالْحِجَارَةِ وَالصَّيْحَةِ وَالزَّلَازِلِ ، وَالْفِتَنِ وَالْعَيْنِ وَالصَّوَاعِقِ ، وَالْحَيْذَامِ وَالْبَرَصِ ، وَالْأَمْرَاضِ وَالْآفَاتِ (٣) ، وَالْعَاهَاتِ وَالْمُصِيبَاتِ ، وَأَكْلِ السَّبْعِ وَمِيتَةِ السَّوِّءِ ، وَجَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَايَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . وَأَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ ، وَالْأَنْبِيَاءُ الْمُرْسَلُونَ ، وَخَاصَّةً مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُعْطِنِي مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلُوا ، وَأَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذُوا ، وَأَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ ، مَا عَلِمْتَ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ . (٤)

١- النَّكَالُ : الْعُقُوبَةُ الَّتِي تَنْكُلُ النَّاسَ عَنْ فِعْلٍ مَا جُعِلَتْ لَهُ جَزَاءٌ (النِّهَايَةُ : ج ٥ ص ١١٧ «نكل»).

٢- الدُّعَارَةُ : الْفَسَادُ وَالشَّرُّ (النِّهَايَةُ : ج ٢ ص ١١٩ «دعر»).

٣- فِي الْمَصْدَرِ : «الْعَاقَاتِ» ، وَالتَّصْوِيبُ مِنْ بَحَارِ الْأَنْوَارِ .

٤- .مُهَج الدعوات : ص ٢٥٠ و ص ٣٤ نحوه ، المصباح للكفعمى : ص ٣٢٠ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٣٠١ ح ٦٢ .

امام صادق علیه السلام از حِرز مهمّ ایشان که از پدرانِش علیهم السلام روایت کرده است: خودم و مویم و پوستم را، و دینم را، و زن و اموال و فرزندان و ذریّه ام را، و دنیایم را، و همه کسانی را که به من مربوط می شوند، از شرّ هر شرّسانی که آزارم برساند، در پناه تو در می آورم. خودم را و همه آنچه را پروردگارم روزی من کرده است، و آنچه را که درهای [خانه] من بر روی آنها بسته می شود، و [آنچه را] دیوارهای خانه ام آنها را در میان گرفته اند، و همه نعمت ها و احسان خداوند عز و جل را که در آن غوطه ورم، و همه برادران و خواهران مؤمنم را در پناه خدای بلندپایه و بزرگ و در پناه نام های تامّ و کامل و والا و بالا و شریف و شفافبخش و بزرگوار و خوب و برجسته و خجسته و پاک و پاکیزه و بزرگ و اندوخته و نهفته او که هیچ نیکوکار و بدکاری (/مطیع و نافرمانی) از حیثه آنها بیرون نیست، و در پناه اُمّ الکتاب و همه سوره های گرامی و آیات استوار و شفافبخش و مهرآمیز و محافظت کننده و برکت آمیز آن از آغاز تا پایانش، و در پناه تورات و انجیل و زبور و قرآن بزرگ، و در پناه صُحُف ابراهیم و موسی، و در پناه هر کتابی که خدای عز و جل نازل کرده، و در پناه هر فرستاده ای که خدای عز و جل فرستاده، و در پناه هر برهانی که خدای عز و جل آشکار ساخته، و در پناه نعمتهای خدا و عزّت خدا و قدرت خدا و شکوه خدا و نیروی خدا و بزرگی خدا و سلطنت خدا و توانمندی خدا و لطف خدا و بردباری خدا و گذشت خدا و آمرزش خدا و فرشتگان خدا و کتابهای خدا و پیامبران خدا و فرستادگان خدا و محمّد پیامبر خدا، در می آورم. به خدا پناه می برم از خشم و کيفر خدا، و از ناخشنودی و تنبیه خدا، و از انتقام و روی گردانی خدا، و از پشت کردن و یاری نرساندن خدا، و از کفر و نفاق، و سرگردانی و انبازآوری، و شکّ در دین خدا، و از شرّ روز رستاخیز و توقّفگاه [قیامت] و حسابرسی، و از شرّ نوشته ای [و تقدیری] که پیش تر رقم خورده است، و از زوال آمدن نعمت، و فرود آمدن عذاب، و از دست رفتن عافیت، و از آنچه موجب نابودی می شود، و از جایگاه های خواری و رسوایی در دنیا و آخرت. به خدای بزرگ، پناه می برم از هوس نابود کننده، و دوست بد مضایقه گر، و همسایه آزاررسان، و ثروت طغیان آور، و فقر از یاد برنده [ی خدا]. به خدای بزرگ، پناه می برم از دلی که [نرم] و فروتن نباشد، و از نمازی که سود نبخشد، و دعایی که شنیده نشود، و دیده ای که اشک نریزد، و شکمی که سیر نشود، و از [زحمت و] تلاشی که موجب عذاب شوند، و از بازگشت به سوی آتش، و صحنه بد نسبت به خودم و زن و دارایی و فرزندان [م]، و هنگام دیدن فرشته مرگ. به خدای بزرگ پناه می برم از شرّ هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست اوست، و از شرّ هر صاحب شرّی، و از شرّ آنچه می ترسم و اندیشناکم، و از شرّ نابه کاران عرب و عجم، و از شرّ نابه کاران جنّ و انس و شیاطین، و از شرّ ابلیس و لشکریانش و پیروان و دنباله روانش، و از شرّ سلاطین و پیروان آنها، و از شرّ آنچه از آسمان، فرود می آید و آنچه در آن، بالا می رود، و از شرّ آنچه در زمین، فرو می رود و آنچه از آن، بیرون می آید، و از شرّ هر بیماری و آفت و غم و اندوه و فقر و ناداری، و از شرّ آنچه در خشکی و در ریاست، و از شرّ فاسقان و فاجران و هرزگان و اشرار و سارقان و دزدان، و از شرّ هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست اوست، که به راستی، پروردگار من در راه راست است. بار خدایا! از شرّ هر چیزی که آفریده ای، خود را در پناه حمایت تو در می آورم و از تو می خواهم که مرا از آنها محافظت کنی. به خدای بزرگ پناه می برم از سوختن و غرق شدن و گلوگیر شدن و زیر آوار ماندن و در کام زمین فرو رفتن و مسخ شدن و دیوانگی و سنگسار شدن و غریو [عذاب] و زمین لرزه ها و فتنه ها و چشم [زخم] و صاعقه ها و خوره و پیسی و بیماری ها و آفتها و معلولیت ها و مصیبت ها و صدمات و طعمه درنده شدن و مُردن بد و همه انواع بلاهای دنیوی و اخروی. به خدای

بزرگ پناه می برم از شر آنچه فرشتگان مقرب و پیامبران مُرسل ، از آن [به او] پناه برده اند ، بویژه از آنچه بنده ات و فرستاده ات محمّد صلی الله علیه و آله از آن پناه برده است . از تو می خواهم که خیر آنچه را آنها از تو درخواست کردند ، به من نیز عطا کنی ، و از شر آنچه از آن به تو پناه آوردند ، مرا نیز پناه دهی . هر گونه خیر را در دنیا و آخرت ، چه آن خیری را که می دانم و چه آن را که نمی دانم ، از تو می خواهم .

عنه عليه السلام فيما علّمه أبا يحيى ليدعوه به في ليله النصف من شعبان: اللهم واخصصني من كرمك بجزيل قسيمك، وأعوذ بعفوك من عقوبتك، واغفر لي الذنب الذي يحبس علي الخلق، ويضيّق علي الرزق، حتى أقوم بصالح رضاك، وأنعم بجزيل عطايتك، وأسعد بسابغ نعمائك، فقد لُذت بحرّمك، وتعرّضت لكرمك، واستعدت بعفوك من عقوبتك، وبِحلمك من غضبك، فجد بما سألتك، وأنل ما التمس منك، أسألُك بك لا بشيء هو أعظم منك. (١)

٦ / ١٧ الاستعاذات المأثورة عن الإمام الكاظم عليه السلام بالإمام الكاظم عليه السلام: اللهم إني أعوذ بك من العديله (٢) عند الموت، ومن شرّ المرجع في القبور، ومن الندامة يوم الآزفة (٣). (٤)

-
- ١- مصباح المتهجد: ص ٨٣٢ ح ٨٩١، الإقبال: ج ٣ ص ٣١٦ كلاهما عن أبي يحيى، البلد الأمين: ص ١٧٤، المصباح للكفعمي: ص ٧١٩، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٤١٠ ح ١.
 - ٢- العديله: أي العُدول عن الحق (مجمع البحرين: ج ٢ ص ١١٧٦ «عدل»).
 - ٣- أَرْفَ: اقْتَرَبَ. وَالْآزِفَةُ: الْقِيَامَةُ؛ لِقُرْبِهَا وَإِنْ اسْتَبَعَدَ النَّاسُ مَدَاهَا (لسان العرب: ج ٩ ص ٤ «أزف»).
 - ٤- مصباح المتهجد: ص ٧٩٩ ح ٨٥٩، الإقبال: ج ٣ ص ١٨٧ كلاهما عن علي بن حديد، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٨٩ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ١٤١ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٣٨١ ح ٢.

۶ / ۷ پناه خواهی های نقل شده از امام کاظم علیه السلام

امام صادق علیه السلام در دعایی که به ابو یحیی آموخت تا آن را در شب نیمه شعبان بخواند: بار خدایا! از کرم خویش، بهره های فراوانت را نصیب من گردان. از کیفر تو، به بخشش تو پناه می برم. گناہانی را که خلق را از من دور می کند و روزی را بر من تنگ می گرداند، بیامرز تا رضایت تو را به درستی جلب کنم و از دَهِش بسیار تو برخوردار شوم و از نعمت های سرشار تو بهره مند گردم؛ زیرا به حریم تو پناه آورده ام و خود را در معرض کَرم تو قرار داده ام، و از کیفر تو به گذشتت، و از خشم تو به بردباری ات پناهنده گشته ام. پس آنچه را از تو درخواست کردم و آنچه را از تو تقاضا نمودم، ارزانی ام دار. به حق تو، از تو درخواست می کنم، نه به چیزی که از تو با عظمت تر باشد.

۶ / ۷ پناه خواهی های نقل شده از امام کاظم علیه السلام: بار خدایا! از برگشتن از حق در هنگام مرگ و از بدی بازگشت در قبر و از پشیمانی در روز قیامت، به تو پناه می برم.

عنه عليه السلام فيما عَلَّمَهُ لِعَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ أَنْ يَدْعُوَ بِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مُسْتَقْبِلًا دُخُولَ السَّنَةِ : أَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي أَنْ تُحِيطَ بِي (١) خَطِيئَتِي ، وَظَلَمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي ، وَاتِّبَاعِي لِهَوَايَ وَاشْتِغَالِي بِشَهْوَاتِي ، فَيَحُولَ ذَلِكُ بَيْنِي وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ وَرِضَاؤِكَ ، فَأَكُونَ مَنْسِيًا عِنْدَكَ ، مُتَعَرِّضًا لِسَخَطِكَ وَنَقْمَتِكَ . (٢)

الكافي عن زياد بن مروان : كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي سُجُودِهِ : أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ حَرُّهَا لَا يُطْفَأُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ جَدِيدُهَا لَا يَبُلَى ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ عَطْشَانُهَا لَا يَرَوَى ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ مَسْلُوبُهَا لَا يُكْسَى . (٣)

الإمام الكاظم عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي يَوْمِ الْأَرْبَعَاءِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُضِلَّ أَوْ أُضِلَّ ، أَوْ أُذِلَّ أَوْ أُذِلَّ ، أَوْ أُظْلَمَ أَوْ أُظْلَمَ ، أَوْ أُجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ ، أَوْ أُجَوَّرَ أَوْ يُجَارَ عَلَيَّ ، أَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا مَغْفُورًا لِي [ذَنْبِي ، وَمَقْبُولًا] (٤) عَمَلِي ، وَأَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي ، وَاحْشُرْنِي فِي زَمَرَةِ نَبِيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَثِيرًا ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ . (٥)

١- في المصدر : «به» ، والصواب ما أثبتناه كما في المصادر الأخرى .

٢- الكافي : ج ٤ ص ٧٣ ح ٣ ، تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ١٠٨ ح ٢٦٦ كلاهما عن علي بن رثاب ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ١٠٤ ح ١٨٤٨ ، مصباح المتهجد : ص ٦٠٦ ح ٦٩٤ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٧ ص ٣٤٢ ح ٢ .

٣- الكافي : ج ٣ ص ٣٢٨ ح ٢٢ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٣٨ ح ٦٠ .

٤- ما بين المعقوفين سقط من المصدر وأثبتناه من بحار الأنوار وبقية المصادر .

٥- مصباح المتهجد : ص ٥١٠ ح ٥٨٨ ، المصباح للكفعمي : ص ١٧٠ ، البلد الأمين : ص ١٣٢ ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ٢٠٢ ح ٣٢ .

امام کاظم علیه السلام در دعایی که به علی بن رئاب آموخت تا در ماه رمضان و استقبال از حلول سال (۱)، آن را بخواند :
 معبودا! به تو پناه می برم از این که گناهم و ستمم و زیاده روی ام در حق خویشتن و پیروی ام از هوسم و پرداختنم به خواهش
 های نفسانی ام ، مرا در میان گیرند و میان من و رحمت و خشنودی تو ، حایل شوند و در نتیجه ، نزد تو از یاد بروم و در
 معرض ناخشنودی و کیفر تو قرار گیرم .

الکافی به نقل از زیاد بن مروان : ابوالحسن علیه السلام (۲) در سجده اش می گفت : «به تو پناه می برم از آتشی که شعله اش
 فروکش نمی کند . به تو پناه می برم از آتشی که تازه آن ، کهنه نمی شود . به تو پناه می برم از آتشی که تشنه آن ، سیراب
 نمی شود . به تو پناه می برم از آتشی که برهنه آن ، پوشیده نمی شود» .

امام کاظم علیه السلام از دعای ایشان در روز چهارشنبه : بار خدایا! به تو پناه می برم از این که گم راه باشم یا به گم راهی
 کشانده شوم ، خوار باشم یا خوار داشته شوم ، حق گُشی کنم یا نسبت به من حق گُشی شود ، نادانی کنم یا بر من نادانی شود
 ، بیداد کنم یا بر من بیداد شود . مرا در حالی از دنیا ببر که گناهم آمرزیده و عملم پذیرفته شده باشد و نامه [ی اعمال] مرا به
 دست راستم ده و مرا در گروه پیامبرم محمد و خاندان او که درود و سلام فراوان خدا بر او و خاندانش باد محشور فرما ، که
 به راستی ، تو ستودنی و بزرگواری .

۱- یعنی در هنگام حلول سال قمری ؛ زیرا احتمال دارد که ماه رمضان ، آغاز سال قمری باشد .

۲- منظور از ابوالحسن ، در این جا، امام کاظم علیه السلام است .

عنه عليه السلام من دُعائه في يوم الخميس: أَصْبَحْتُ أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْكَرِيمِ ، وَاسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ ، وَكَلِمَتِهِ التَّامَّةِ ، مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ وَالْعَيْنِ اللَّامَةِ ، وَمِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَأَ وَبَرَأَ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ فَأَعِزَّنِي ، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ فِي جَمِيعِ أُمُورِي فَاحْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْ ، وَمِنْ خَلْفِي ، وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي ، وَلَا تَكِلْنِي فِي حَوَائِجِي إِلَى عَبْدٍ مِنْ عِبَادِكَ فَيَخْذُلْنِي ، أَنْتَ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي ، فَلَا تُخَيِّبْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ ، وَتَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ ، اسْتَعْنُتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِ خَلْقِهِ وَقُوَّتِهِمْ ، وَأَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ، حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ . (١)

٦ / ٨ الاستعاذه المأثوره عن الإمام الرضا عليه السلام الإمام الرضا عليه السلام من دعاء كتبه لأحد أصحابه: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ ، وَتَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ ، وَمِنْ فَجَاءِ نِقْمَتِكَ ، وَمِنْ شَرِّ كِتَابٍ قَدْ سَبَقَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ، وَأَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا . (٢)

-
- ١- مصباح المتهجد: ص ٥١١ ح ٥٨٩ ، المصباح للكفعمي: ص ١٧٥ ، البلد الأمين: ص ١٣٩ وليس فيهما «فأعزني» ، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٢١٢ ح ٣٨ .
- ٢- الكافي: ج ٢ ص ٥٦٢ ح ١٩ عن الحسين .

۶ / ۸ پناه خواهی نقل شده از امام رضا علیه السلام

امام کاظم علیه السلام از دعای ایشان در روز پنج شنبه: صبح خود را آغاز می کنم، در حالی که به روی گرامی خدا و نام بزرگ خدا و کلمه تآم او پناه می برم از گزند جانوران سمّی کُشنده و غیر کُشنده، و از چشم بد، و از گزند آنچه آفریده و پدید آورده و ایجاد کرده است، و از گزند هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست پروردگار من است، که به راستی، پروردگار من بر راه راست است. بار خدایا! از همه آفریدگانت به تو پناه می آورم، پس پناهم ده، و در همه کارهایم بر تو توکل می کنم، پس مرا از پیش رو و پشت سر و از بالای سر و از زیر پایم محافظت فرما و در حاجت هایم، مرا به بنده ای از بندگانت حواله مده که دستم را نگیرد. تویی سرور و آقای من! پس مرا از رحمت، نومید مساز. بار خدایا! از زوال آمدن نعمت و گرفتن عافیت از من، به تو پناه می برم. به جای نیرو و توان خلق خدا، از نیرو و توان او کمک می گیرم و از گزند آنچه آفریده است، به پروردگار سپیده دم، پناه می برم. خدا، مرا بس است و نیکوکار گزاری است.

۶ / ۸ پناه خواهی نقل شده از امام رضا علیه السلام امام رضا علیه السلام از دعایی که برای یکی از یارانش نوشت: بار خدایا! به تو پناه می برم از زوال آمدن نعمت، و برگشتن عافیت، و از فرود آمدن ناگهانی خشم، و از شرّ نوشته ای که پیش تر مقدر شده است. بار خدایا! از شرّ نفسم، و از شرّ هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست توست، به تو پناه می برم، که تو بر هر چیزی توانایی. خداوند، بر هر چیزی احاطه علمی دارد و آمار هر چیزی را می داند.

١٩ / ٦ الاستعاذات المأثورة عن الإمام الجواد عليه السلام: أَعِيدُ نَفْسِي بِاللَّهِ الَّذِي «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَمَّا تَأْخُذُهُ سِتَّتُهُ وَلَمَّا نَوْمٌ لَهُ مِافِي السَّمَوَاتِ وَمِافِي الْأَرْضِ مِنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» (١) ... أَعِيدُ نَفْسِي وَمَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ بِاللَّهِ مَالِكُ الْمُلْكِ ، يُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ يَشَاءُ وَيَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ يَشَاءُ ، وَيُعِزُّ مَنْ يَشَاءُ وَيُذِلُّ مَنْ يَشَاءُ ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ ، وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ، وَيُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ . (٢)

عنه عليه السلام من عوذته في يوم الإثنين: أَعِيدُ نَفْسِي بِرَبِّي الْأَكْبَرِ ، مِمَّا يَخْفَى وَمِمَّا يَظْهَرُ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ أَنْثَى وَذَكَرٍ ، وَمِنْ شَرِّ مَا رَأَتْ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ... (٣)

عنه عليه السلام من عوذته في يوم الثلاثاء: أَعِيدُ نَفْسِي بِاللَّهِ الْأَكْبَرِ ، رَبِّ السَّمَاوَاتِ الْقَائِمَاتِ بِلَا عَمَدٍ ، وَبِالَّذِي خَلَقَهَا فِي يَوْمَيْنِ وَقَضَى فِي كُلِّ سَبْعٍ أَمْرَهَا ، وَخَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا ، وَجَعَلَ فِيهَا جِبَالًا أَوْتَادًا وَجَعَلَهَا فِجَاجًا سُبُلًا ، وَأَنْشَأَ السَّحَابَ وَسَيَّخَرَهُ ، وَأَجْرَى الْفُلُوكَ وَسَيَّخَرَ الْبَحْرَ ، وَجَعَلَ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا ، مِنْ شَرِّ مَا يَكُونُ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، وَتَعَقَّدَ عَلَيْهِ الْقُلُوبُ وَتَرَاهُ الْعُيُونُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ... (٤)

١- البقره: ٢٥٥ .

٢- البلد الأمين: ص ١٠٢ ، المصباح للكفعمي: ص ١٤٧ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٥٥ .

٣- مصباح المتهجد: ص ٤٦٠ ح ٥٦١ ، البلد الأمين: ص ١١٨ ، المصباح للكفعمي: ص ١٦٠ ، الدعوات: ص ١٠٠ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٠٢ .

٤- مصباح المتهجد: ص ٤٦٨ ، البلد الأمين: ص ١٢٥ ، المصباح للكفعمي: ص ١٦٦ ، الدعوات: ص ١٠١ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٩٠ .

۶ / ۹ پناه خواهی های نقل شده از امام جواد علیه السلام

۶ / ۹ پناه خواهی های نقل شده از امام جواد علیه السلام: خویشتن را در پناه خدایی در می آورم که : «معبودی جز او نیست . آن زنده پاینده که نه چرتش می بَرَد و نه خواب ، او را می گیرد . آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است ، از آن اوست . در نزد او ، شفاعت ، جز به اذن او که کند ؟ آنچه را که در پیش رو و در پشت سرشان است ، می داند . از دانشش به چیزی دست نمی یابند ، جز آنچه خود بخواهد» اُورنگ [سلطنت] او آسمان ها و زمین را در بر گرفته و نگهداری شان بر او گران نمی آید و او والا و بزرگ است خودم را و هر آن کس را که کارش به من مربوط است ، در پناه خدای صاحب مُلک در آوردم . مُلک را به هر که خواهد ، می دهد و از هر که خواهد ، مُلک را می ستاند . هر که را خواهد ، عزّت می بخشد و هر که را خواهد ، خوار می گرداند . خوبی ها در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست . شب را در کام شب فرو می برد و روز را در دل شب ، و زنده را از مُرده بیرون می آورد و مُرده را از زنده بیرون می کشد .

امام جواد علیه السلام از تعویذ ایشان در روز دوشنبه : خویشتن را در پناه پروردگار بزرگ ترینم در آوردم از [گزند] آنچه ناپیدا و پیداست ، و از گزند هر ماده و نری ، و از گزند هر آنچه خورشید و ماه ، دیده است

امام جواد علیه السلام از تعویذ ایشان در روز سه شنبه : خودم را در پناه خدا در آوردم که بزرگ ترین است . پروردگار آسمان هایی است که بی هیچ ستونی بر پایند ، به خدایی که آنها (آسمانها) را در دو روز آفرید و برای هر آسمانی فرمانش را نوشت . زمین را در دو روز آفرید و روزی هایش را در آن ، به اندازه نهاد و در آن ، کوه هایی میخ سان قرار داد و در آن ، درّه ها و راه ها پدیدار ساخت . ابرها را ایجاد کرد و رامشان نمود . کشتی را روان ساخت و دریا را آرام گردانید . در زمین ، کوه ها و جویبارها پدید آورد . [به چنین خدایی پناه می برم] از شرّ آنچه در شب و روز است و دل ها بدانها باور دارند و چشم ها آنها را می بینند ، از جنّ و انس

عنه عليه السلام من عَوَذْتِهِ فِي يَوْمِ الْأَرْبَعَاءِ : أُعِيذُ نَفْسِي بِالْأَحَدِ الصَّامِدِ ، مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ، وَمِنْ شَرِّ ابْنِ قَيْتَرَةَ (١) . وَمَا وَلَدَ ، أَسْتَعِيذُ بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الْأَعْلَى ، مِنْ شَرِّ مَا رَأَتْ عَيْنِي وَمَا لَمْ تَرَهُ ، أَسْتَعِيذُ بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْفَرْدِ ، الْكَبِيرِ الْأَعْلَى ، مِنْ شَرِّ مَنْ أَرَادَنِي بِأَمْرِ عَسِيرٍ . (٢)

عنه عليه السلام من عَوَذْتِهِ فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ : أُعِيذُ نَفْسِي بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ ، مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ ، وَقَائِمٍ وَقَاعِدٍ ، وَعَدُوٍّ وَحَاسِدٍ وَمُعَانِدٍ . (٣)

٦ / ١٠ الاستعاذه المأثوره عن الإمام الهادي عليه السلام الإمام الهادي عليه السلام مما دعا به في قنوته : يَا مَنْ تَفَرَّدَ بِالرُّبُوبِيَّةِ ، وَتَوَحَّدَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ ... بِحُكِّ اعْتَصِمْتُ وَتَعَوَّذْتُ مِنْ نَفَثَاتِ الْعِنْدَةِ وَرَضِيَدَاتِ الْمُلْحِدَةِ ، الَّذِينَ أَلْحَدُوا فِي أَسْمَائِكَ وَرَضِيَدُوا بِالْمَكَارِهِ لِأَوْلِيَائِكَ ، وَأَعَانُوا عَلَى قَتْلِ أَنْبِيَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ ، وَقَصَبُوا لِأَطْفَاءِ نوركِ بِإِذَاعِهِ سِرِّكَ ، وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ ، وَصَدَّوْا عَنْ آيَاتِكَ ، وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِكَ وَدُونِ رَسُولِكَ وَدُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَليجَه (٤) ، رَغْبَةً عَنكَ ، وَعَبَدُوا طَوَاعِيَّتَهُمْ وَجَوَابِيَّتَهُمْ (٥) . بَدَلًا مِنْكَ ... أَعُوذُ بِحُكِّكَ مِنْ كُلِّ لَبِيسٍ مَلْبُوسٍ ، وَمِنْ كُلِّ قَلْبٍ عَن مَعْرِفَتِكَ مَحْبُوسٍ ، وَمِنْ كُلِّ نَفْسٍ تَكْفُرُ إِذَا أَصَابَهَا بُؤْسٌ ، وَمِنْ وَاصِفٍ عَدِلَ عَمَلُهُ عَنِ الْعَدْلِ مَعْكُوسٍ ، وَمِنْ طَالِبٍ لِلْحَقِّ وَهُوَ عَنِ صَفَاتِ الْحَقِّ مَنكُوسٍ ، وَمِنْ مُكْتَسِبٍ إِثْمٍ بِإِثْمِهِ مَرَكُوسٍ (٦) ، وَمِنْ وَجِهٍ عِنْدَ تَتَابُعِ النُّعْمِ عَلَيْهِ عَبُوسٍ ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ ، وَمِنْ نَظِيرِهِ وَأَشْكَالِهِ وَأَشْبَاهِهِ وَأَمْثَالِهِ إِنَّكَ عَلِيُّ عَلِيمٌ حَكِيمٌ . (٧)

١- قَيْتَرَةُ : اسْمُ إِبْلِيسَ (النهاية : ج ٤ ص ١٢ «قتر»).

٢- مصباح المتهجد : ص ٤٧٩ ح ٥٧١ ، البلد الأمين : ص ١٣٣ ، المصباح للكفعمي : ص ١٧١ ، الدعوات : ص ١٠١ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ٢٠٣ ح ٣٤ .

٣- مصباح المتهجد : ص ٤٨٩ ح ٥٧٦ ، البلد الأمين : ص ١٤١ ، المصباح للكفعمي : ص ١٧٧ ، الدعوات : ص ١٠٢ والثلاثة الأخيره من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ٢١٤ ح ٣٩ .

٤- وليجَه الرجل : بطانته ودخلاؤه وخاصته (النهاية : ج ٥ ص ٢٢٤ «ولج»).

٥- الجِبْتُ : قيل : هو كلُّ معبودٍ سوى الله . ويقال : الجِبْتُ والطاغوتُ : الكهنه والشياطينُ ، وفي الدعاء : «اللهم العن الجوابيت والطواغيت» (مجمع البحرين : ج ١ ص ٢٦٥ «جبت»).

٦- رَكَسْتُ الشَّيْءَ : قَلْبَتُهُ وَرَدَدْتُ أَوَّلَهُ عَلَى آخِرِهِ (المصباح المنير : ص ٢٣٧ «ركس»).

٧- مُهَجَّ الدعوات : ص ٨٢ ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ٢٢٧ .

۶ / ۱۰ پناه خواهی نقل شده از امام هادی علیه السلام

امام جواد علیه السلام از تعویذ ایشان در روز چهارشنبه : خویشان را در پناه یگانه بی نیاز در آوردم از شرّ دَمندگان در کوه ها ، و از شرّ ابنِ قِتره (۱) و بچه هایش . به خدای یکتای یگانه والا پناه می برم از شرّ آنچه چشم ، آن را ببیند و آنچه نبیند . به خدای یکتای تکِ بزرگِ والا پناه می برم از شرّ آنچه بخواهد مرا به کاری سخت افکند .

امام جواد علیه السلام از تعویذ ایشان در روز پنج شنبه : خویشان را در پناه پروردگار خاورها و باخترها در می آورم ، از شرّ هر شیطان سرکشی ، و هر ایستاده و نشسته ای ، و هر دشمنی و حسودی و کینه توزی .

۶ / ۱۰ پناه خواهی نقل شده از امام هادی علیه السلام امام هادی علیه السلام از دعای ایشان در قنوتش : ای آن که در پروردگاری ، تک هستی و در یگانگی ، یکتا! ... به تو چنگ آویختم و به تو پناه آوردم از وسوسه های حق ستیزان و کمین های کج روان ؛ همانان که در نام های تو کج روی کردند ، برای آزار رساندن به دوستانت کمین کردند ، در کشتن پیامبران و برگزیدگان کمک کردند ، با فاش ساختن راز تو ، آهنگ خاموش کردن نور تو را کردند ، فرستادگان را تکذیب کردند ، از نشانه های تو چشم پوشیدند و به تو پشت کرده ، جز تو و پیامبر تو و مؤمنان ، کسی را [یار و] هم راز خویش گرفتند و به جای تو ، طاغوت ها و بت ها را پرستیدند ... به تو پناه می برم از هر شبهه پوشیده ای ، و از هر دلی که از شناخت تو ، باز داشته شده است ، و از هر نفسی که هرگاه به فقر افتد ، به کفر می گراید ، و از هر دم زننده از عدالتی که کردارش به وارونه عدالت باشد ، و از هر جوینده حقی که خود ، بر خلاف صفات حق باشد ، و از مرتکب شونده گناهی که بر اثر گناهش تبه و نگویند شود ، و از هر چهره ای که چون نعمت ها پیایی بر او رسد [در برابر نیازمندان و فقرا] اخم آلود شود . از همه اینها و از مثل و مانند و شبیه و نظیر اینها ، به تو پناه می برم ، که به راستی ، تو بلندمرتبه و دانا و فرزانه ای .

۱- .قِتره : نام ابلیس است . در فرهنگ لاروس آمده است : ابنِ قِتره ، مار خطرناکی است که هر کس را نیش بزند ، جان به سلامت به دَر نمی بَرَد .

١١ / ٦ الاستعاذه الماثوره عن الإمام المهدي عليه السلام مِمَّا عَلَّمَهُ لِلْعَلَوِيِّ الْمِصْرِيِّ : يَا قَرِيبُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ ، وَتُقَرِّبَنِي مِنْ عَفْوِكَ اللَّهُمَّ بِكَ أَعُوذُ وَبِكَ الْوُدُ ، وَبِكَ أَعْبُدُ وَإِيَّاكَ أَرْجُو ، وَبِكَ أَسْتَعِينُ وَبِكَ أَسْتَكْفِي ، وَبِكَ أَسْتَعِثُّ وَبِكَ أَسْتَنْقِذُ ، وَمِنْكَ أَسْأَلُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ إلهي وهذا مقام العائذ بك من النار ، والهارب منك إليك من ذنوب تهجمته ، وعيوب فضحته ، فصل على محمد وآل محمد ، وانظر إلى نظرة رحيمه أفوز بها إلى جنتك ، واعطف علي عطفه أنجو بها من عقابك . (١)

١- .مُهَج الدعوات : ص ٣٤١ ٣٥٠ ، البلد الأمين : ص ٣٩٦ ٤٠٢ ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٢٧١ ٢٧٨ ح ٣٤ .

۶ / ۱۱ پناه خواهی نقل شده از امام مهدی علیه السلام

۶ / ۱۱ پناه خواهی نقل شده از امام مهدی علیه السلام از دعایی که به عَلَوی مصری آموخت : ای نزدیک! از تو می خواهم که بر مُحَمَّد و خاندان مُحَمَّد ، درود فرستی و مرا از گزند آفریدگانت ، در پناه خویش داری و به بخشایش ، نزدیکم گردانی بار خدایا! به تو پناه می برم و دست به دامن تو می شوم ، و تو را می پرستم و به تو امید می بندم ، و از تو یاری می جویم و از تو می خواهم که مرا بسنده باشی ، و از تو فریاد می طلبم و درخواست نجات می کنم ، و از تو می خواهم که بر مُحَمَّد و خاندان مُحَمَّد ، درود فرستی معبود من! در این جا کسی ایستاده است که از آتش ، به تو پناه آورده است و از گناهانی که بر او یورش آورده اند و عیب هایی که رسوایش کرده اند، از [عذاب] تو به سوی تو گریخته است . پس بر مُحَمَّد و خاندان مُحَمَّد ، درود فرست و به من با چنان نگاه مهر آمیزی بنگر که به سبب آن ، به بهشت تو دست یابم ، و بر من چنان توجهی فرما که با آن ، از کیفر تو برهم .

١٢ / ٦ جوامع الاستعاذات رسول الله صلى الله عليه وآله : قولوا : اللَّهُمَّ إِنَّا نَسَأُ لَكَ مِمَّا سَأَلَكَ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ ، وَنَسْتَعِيدُ
مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله بَعَدَ أَنْ دَعَا بِدُعَاءٍ طَوِيلٍ : أَلَا - أَدُلُّكُمْ عَلَى مَا يَجْمَعُ ذَلِكُ كُلُّهُ ؟ نَقُولُ : اللَّهُمَّ إِنَّا نَسَأُ لَكَ مِنْ خَيْرِ مَا
سَأَلَكَ مِنْهُ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ ، وَعَلَيْكَ الْبَلَاغُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله لِعَائِشَةَ : عَلَيْكَ بِالْكَوَامِلِ ... قَوْلِي : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسَأُ لَكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ
أَعْلَمْ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ ، عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ ، وَأَسَأُ لَكَ الْجَنَّةَ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ ،
وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ ، وَأَسَأُ لَكَ مِنَ الْخَيْرِ مَا سَأَلَكَ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
، وَأَسْتَعِيدُكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَأَسَأُ لَكَ مَا قَضَيْتَ لِي مِنْ أَمْرٍ أَنْ تَجْعَلَ عَاقِبَتَهُ
رَشَدًا . (٣)

الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام : تَقُولُ إِذَا أَصْبَحْتَ : أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا ، عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ ، وَدِينِ عَلِيٍّ وَسُنَّتِهِ ،
وَدِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَسُنَّتِهِمْ ، آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ ، وَشَاهِدِهِمْ وَغَائِبِهِمْ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ ، وَعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَالْأَوْصِيَاءِ ، وَأَرْغَبُ إِلَى اللَّهِ فِيمَا رَغِبُوا إِلَيْهِ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (٤)

- ١- المعجم الأوسط : ج ٧ ص ٢٤٠ ح ٧٣٨٦ ، الدعاء للطبراني : ص ٤٢٦ ح ١٤٤٤ كلاهما عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ٢
ص ٢٢٢ ح ٣٨٥٢ نقلًا عن الخرائطي في مكارم الأخلاق عن أبي هريره .
- ٢- سنن الترمذي : ج ٥ ص ٥٣٧ ح ٣٥٢١ ، المعجم الكبير : ج ٨ ص ١٩٢ ح ٧٧٩١ ، مسند الشاميين : ج ٣ ص ٢٨٦ ح ٢٢٧٨
كلاهما نحوه وكلها عن أبي أمامه ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٩٣ ح ٣٧٠٨ .
- ٣- مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٤٨١ ح ٢٥١٩١ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٦٤ ح ٣٨٤٦ ، الأدب المفرد : ص ١٩٢ ح ٦٣٩ ،
صحيح ابن حبان : ج ٣ ص ١٥٠ ح ٨٦٩ كلها عن عائشه نحوه ، كنز العمال : ج ٢ ص ١٧٣ ح ٣٦١٠ .
- ٤- الكافي : ج ٢ ص ٥٢٢ ح ٤ عن يزيد بن كلثمه ، تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ١٤٠ ، المزار الكبير : ص ٦٣٩ ، مصباح
المتهجد : ص ٢٠٦ ح ٢٩٩ و ص ٦٥٥ ح ٧٢٦ ، الإقبال : ج ١ ص ٤٦٩ كلها نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم
السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٨٨ ح ٤٩ .

۶ / ۱۲ پناه خواهی های جامع

۶ / ۱۲ پناه خواهی های جامع پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بگوئید: «بار خدایا! از تو آن می خواهیم که محمّد، بنده و فرستاده ات، از تو خواست، و از آن به تو پناه می بریم که محمّد، بنده و فرستاده ات، به تو پناه برد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از خواندن دعایی طولانی: آیا شما را به دعایی ره نمون نشوم که جامع همه این دعا باشد؟ می گوئیم: «بار خدایا! آن خیری را که پیامبرت محمّد از تو خواست، از تو می خواهیم، و از شرّ آنچه پیامبرت محمّد به تو پناه آورد، ما هم از آن به تو پناه می آوریم، که یاری از تو بایستد خواست و بر عهده توست رساندن، و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به عایشه: بر تو باد دعاهای کامل! ... بگو: «بار خدایا! همه خوبی را، زود یا دیر آن را، آنچه را از آن می دانم و آنچه را نمی دانم، از تو درخواست می کنم، و از همه بدی، زود یا دیر آن و آنچه را از آن می دانم و آنچه را نمی دانم، به تو پناه می برم، و بهشت را و هر گفتار یا کرداری را که موجب نزدیک شدن به آن شود، از تو درخواست می کنم، و از آتش و از هر گفتار یا کرداری که مایه نزدیک شدن به آن باشد، به تو پناه می برم، و هر آن خیری را که بنده و فرستاده ات محمّد از تو خواست، از تو می خواهم، و از هر آنچه بنده و فرستاده ات محمّد به تو پناه برد، من نیز از آن به تو پناه می برم. از تو می خواهم که هر کاری را که برایم مقدر کرده ای، عاقبتش را نیک و درست قرار دهی».

امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: چون صبح کردی، می گویی: «صبح خویش را آغاز کردم، در حالی که به خدا ایمان دارم، و بر آیین محمّد صلی الله علیه و آله و آیین علی علیه السلام و آیین اوصیا (امامان معصوم) هستم. به نهان و آشکار آنان و پیدا و پنهانشان، ایمان دارم، و از آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و اوصیا به خدا پناه بردند، من نیز به او پناه می برم و آنچه آنان از او خواستند، من نیز می خواهم. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا».

الإمام الصادق عليه السلام من دُعائه الَّذِي كَانَ يَقْرُؤُهُ عِنْدَ دُخُولِهِ عَلَى الْمَنْصُورِ: أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ، وَالْأَنْبِيَاءُ الْمُرْسَلُونَ، وَخَاصَّةً مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُعْطِنِي مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلُوا، وَأَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذُوا، وَأَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ. (١)

عنه عليه السلام فيما يُدعى بِهِ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنْ صَلَاةِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلَكَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَآلُهُ، وَأَسْتَعِيدُ بِكَ مِنْ كُلِّ مَا اسْتَعَاذَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَآلُهُ، اللَّهُمَّ أَعْطِنِي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ خَيْرًا، وَأَصْرِفْ عَنِّي كُلَّمَا فَضَيْتَ مِنْ شَرِّ أَوْ فِتْنَةٍ. (٢)

عنه عليه السلام: تَقُولُ بَيْنَ كُلِّ تَكْبِيرَتَيْنِ فِي صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ: اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِزَّةِ، وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ، وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ، أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا، وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْرًا وَمَزِيدًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مِنْ عِبَادِكَ، وَصَلَّ عَلَيَّ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَرُسُلِكَ، وَاغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ عِبَادُكَ الْمُرْسَلُونَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَاذَ بِكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُرْسَلُونَ. (٣)

١- مُهْجَ الدَّعَوَاتِ: ص ٢٥١ و ص ٣٦ نحوه وكلاهما عن محمد بن عبد الله الإسكندري، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٠٢.

٢- الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ١٥٦ عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٢١٠ ح ١٣.

٣- تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٣٩ ح ٣١٤ عن محمد بن عيسى بن أبي منصور وح ٣١٥ عن جابر عن الإمام الباقر عن الإمام عليّ عليهما السلام، مصباح المتهجد: ص ٦٥٤ وفيه «الصالحون» بدل «المرسلون» في كلا- الموضوعين، المقنعة: ص ١٩٤ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ١٣٢ كلّها نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٣٨٠ ح ٣٠.

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان که هنگام وارد شدن بر منصور، آن را می خواند: به خدای بزرگ پناه می برم از شر آنچه فرشتگان مقرب و پیامبران مُرسَل، از آن پناه بردند، بویژه از آنچه بنده ات و فرستاده ات محمد صلی الله علیه و آله از آن به تو پناه برد. از تو می خواهم که هر خیری را که آنان از تو خواستند، به من نیز عطا کنی، و از شر آنچه به تو پناه آوردند، مرا نیز در پناه خود داری. همه خوبی را، زود یا دیر آن را و آنچه را از آن می دانم و آنچه را نمی دانم، از تو درخواست می کنم.

امام صادق علیه السلام در دعایی که پس از پایان نماز جعفر بن ابی طالب، خوانده می شود: بار خدایا! هر آنچه را که محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او از تو خواستند، من نیز از تو می خواهم، و از هر آنچه محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او از آن به تو پناه جستند، من نیز به تو پناه می جویم. بار خدایا! از هر خوبی ای خوب ترش را به من عطا فرما و هر گاه بدی یا فتنه ای را مقدر فرموده ای، آن را از من، دور بدار.

امام صادق علیه السلام: ما بین هر دو تکبیر در نماز عیدین (عید فطر و قربان) می گویی: «بار خدایا! ای اهل بزرگی و عظمت، و ای اهل بخشش و قدرت، و ای اهل گذشت و مهربانی، و ای اهل پروا و آمرزش! در این روزی که آن را برای مسلمانان، عید و برای محمد صلی الله علیه و آله اندوخته و افزونی قرار داده ای، از تو می خواهم که همانند برترین درودی که بر بنده ای از بندگانت فرستاده ای، بر محمد و خاندان او بفرستی، و بر فرشتگان مقرب و فرستادگانت نیز درود فرست، و مردان و زنان مؤمن، و مردان و زنان مسلمان، زنده و مُرده شان را بیامرزد. بار خدایا! هر آن خیری را که بندگان فرستاده ات از تو درخواست کرده اند، من نیز از تو درخواست می کنم، و از هر آن شری که بندگان فرستاده ات از آن به تو پناه آورده اند، من نیز به تو پناه می آورم».

سرشناسه: محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -

عنوان و نام پدیدآور: نهج الذکر: فارسی - عربی / محمدی ری شهری؛ باهمکاری رسول افقی؛ ترجمه حمیدرضا شیخی.

مشخصات نشر: قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۷ -

مشخصات ظاهری: ج.

فروست: پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ ۱۵۴.

شابک: ۲۵۰۰۰ ریال: دوره: ۸-۳۰۲-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۱: ۵-۳۰۳-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۲: ۲-۳۰۴-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸؛

ج. ۳: ۹-۳۰۵-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۴: ۶-۳۰۶-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری.

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: ج. ۲، ۳ و ۴ (چاپ اول: ۱۳۸۷).

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: ذکر -- احادیث

موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۴

شناسه افزوده: افقی، رسول، ۱۳۴۵ -

شناسه افزوده: شیخی، حمیدرضا، ۱۳۳۷ -، مترجم

رده بندی کنگره: BP۱۳۶/۹ م/۹ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۸۱۸۴۹

بخش نهم: استغفار (آمزش خواهی از خدا)

اشاره

بخش نهم: استغفار (آمزش خواهی از خدا) شامل: در آمدفصل یکم: حقیقت آمزش خواهیفصل دوم: تشویق به آمزش خواهی و برحذر داشتن از وا نهادن آنفصل سوم: ویژگی های آمزش خواهیفصل چهارم: برکت های آمزش خواهیفصل پنجم: اوقات مناسب برای آمزش خواهیفصل ششم: مواقع مناسب برای آمزش خواهیفصل هفتم: عبادت هایی که سزاوار است در آنها طلب آمزش کردفصل هشتم: آمزش خواهی برای دیگرانفصل نهم: آمزش خواهی های رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام

ص: ٨

..

واژه‌شناسی «استغفار»

درآمدواژه‌شناسی «استغفار» واژه «استغفار»، مصدر است از ماده «غفر». اصل این ماده، به معنای «پوشاندن» و «پوشیده داشتن» است؛ لیکن گاه توسطِ جاعا در معانی نزدیک و متناسب با آن نیز به کار می‌رود. بنا بر این، «استغفار» به معنای درخواست پوشش است. ابن فارس در این باره می‌گوید: ماده «غفر»، اغلب به معنای پوشش است، به استثنای مواردی که ذکر می‌شود. پس «غفر»، یعنی پوشاندن. غفران و غفر به یک معنا هستند. گفته می‌شود: «غفر الله ذنبه (خدا گناهش را پوشاند)». غفر و غفران و مغفره، مصدر هستند... مَغْفَر، یعنی: کلاه خود. (۱) همچنین ابن منظور می‌گوید: غفر در اصل، به معنای پوشیدن و سرپوش نهادن است. «غفر الله ذنوبه»، یعنی: خداوند، گناهانش را پوشاند و او را رسوای عام نکرد... به هر

۱- معجم مقایس اللغة: ج ۴ ص ۳۸۵.

جامه ای که با آن چیزی پوشانده شود، «غفاره» گویند. (۱) گفتنی است که بررسی موارد استعمال مادّه «غفر» نشان می دهد که به هر نوع پوشاندن، «غفر» اطلاق نمی شود؛ بلکه «غفر»، ستری است که در آن، نوعی مصلحت مورد نظر باشد، مانند: «اغفر ثوبک فی الوعاء (جامه ات را در ظرف بپوشان و پنهان کن)» که در آن، مصلحت لباس، مورد نظر است، یا «اغفر لی ذنوبی (گناهانم را برایم بپوشان)» که در آن، مصلحت مغفور له در نظر گرفته شده، یا «قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ» (۲) به کسانی که ایمان آورده اند، بگو از کسانی که به روزهای جپیروزیج خدا امید ندارند، دوری کنند» که در آن، مصلحت غافر و یا مصلحت غافر و مغفور له، هر دو، منظور گردیده است. شاید با در نظر گرفتن نکته ای که بدان اشارت رفت، راغب، مادّه «غفر» را چنین معنا کرده است: غفر، پوشاندن چیزی است که او را از آلودگی نگه دارد. و از همین معنا گفته می شود: «اغفر ثوبک فی الوعاء (جامه ات را در ظرف بپوشان و پنهان کن)» و «اصبغ ثوبک؛ فإِنَّهُ أَغْفَرَ لَلْوَسْخِ (جامه ات را رنگ کن؛ زیرا این کار، چرک آن را بهتر می پوشاند)». «المغفره من الله»، به این معناست که خداوند، بنده را از این که عذاب به او رسد، نگه می دارد... گاه گفته می شود: «غفر له»، هر گاه در ظاهر، از او دوری کند، هر چند در باطن از او دوری ننماید. مانند: «قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ؛ به کسانی که ایمان آورده اند، بگو از کسانی که به روزهای جپیروزیج خدا امید ندارند، دوری کنند». استغفار، یعنی: طلب

۱- لسان العرب: ج ۵ ص ۲۵.

۲- جاثیه: آیه ۱۴.

استغفار، در قرآن و حدیث

۱. روح استغفار

پوشاندن به گفتار و کردار. (۱) با توجه به آنچه گذشت، ماده «غفر» و «استغفار» از نظر لغوی، به باب معاصی اختصاص ندارند، هر چند در قرآن و حدیث، بیشترین کاربرد آنها در این باره است.

استغفار، در قرآن و حدیث در قرآن کریم، مشتقات ماده «غفر»، ۲۳۴ بار تکرار شده است. این کتاب آسمانی، هفت بار (۲) به صورت های مختلف، پیروان خود را به درخواست مغفرت تشویق کرده است. همچنین، از خداوند متعال ۹۱ بار با صفت «غفور»، پنج بار با صفت «غفار» (۳) و یک بار با صفت «غافر» (۴) یاد کرده است، که این همه در برخورد با خطاکاران، حاکی از گستردگی رأفت و رحمت الهی است. با عنایت به آنچه در تبیین واژه «استغفار» آمد، این واژه در قرآن و حدیث به معنای درخواست پوشش و آمرزش گناهان از خداوند متعال است. در این باره، چند نکته قابل توجه است:

۱. روح استغفار روح و حقیقت «استغفار برای خود»، ندامت قلبی است؛ زیرا تا انسان نسبت به خطای خود نادم نباشد، نمی تواند حقیقتاً از خداوند متعال، طلب مغفرت نماید. امام رضا علیه السلام می فرماید:

۱- مفردات ألفاظ القرآن: ص ۶۰۹.

۲- بقره: آیه ۱۹۹، هود: آیه ۳ و ۵۲ و ۹۲، نوح: آیه ۱۰، مؤمل: آیه ۲۰، فصلت: آیه ۶.

۳- غافر: آیه ۴۲، ص: آیه ۶۶، زمر: آیه ۵، نوح: آیه ۱۰، طه: آیه ۸۹.

۴- غافر: آیه ۳.

مَنْ اسْتَغْفَرَ لِبَلْسَانِهِ وَلَمْ يَنْدَمْ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ . (۱) هر کس به زبانش استغفار کند در حالی که پشیمان نباشد ، در حقیقت ، خودش را ریشخند کرده است . بر این پایه ، امام علی علیه السلام «ندامت قلبی» را یکی از ستون های توبه می شمرد . (۲) نقش ندامت در تحقق حقیقی استغفار و توبه ، تا آن جاست که در حدیثی از پیامبر خدا آمده است : النَّدْمُ تَوْبَةٌ . (۳) پشیمانی ، یک نوع توبه است . در حدیثی از امام علی علیه السلام نیز آمده است : النَّدْمُ اسْتِغْفَارٌ . (۴) پشیمانی ، نوعی آمرزش خواهی است . این سخن ، مبالغه نیست ؛ زیرا ندامت حقیقی ، تصمیم بر تکرار نکردن گناه و جبران نمودن گذشته را به دنبال خود دارد . بنا بر این ، همه حدود ششگانه ای که در حدیث امام علی علیه السلام برای استغفار بیان شده است ، (۵) با ندامت حقیقی که روح استغفار و توبه است همراه است . البته این ، در صورتی است که انسان برای خود ، طلب مغفرت نماید ؛ اما طلب مغفرت برای دیگران (۶) تنها به معنای

۱- ر. ک : ص ۲۲ ح ۲۵۰۴ .

۲- ر. ک : ص ۳۰ ح ۲۵۱۹ .

۳- کنز العمال : ج ۴ ص ۲۳۲ ح ۱۰۳۰۱ . نیز ، ر. ک : میزان الحکمه با ترجمه فارسی : (توبه / پشیمانی ، نوعی توبه است) .

۴- ر. ک : ص ۳۰ ح ۲۵۲۱ .

۵- ر. ک : ص ۱۹ ح ۲۴۹۶ .

۶- ر. ک : ص ۱۸۱ (آمرزش خواهی برای دیگران) .

۲. معنای غفران الهی

۳. نقش استغفار در زندگی مادی و معنوی

آمزش خواهی برای آنها از خداوند متعال است .

۲. معنای غفران الهیپیش از این ، روشن شد که مغفرت به معنای پوشاندن و پوشیده داشتن است ؛ اما باید توجه داشت که پرده پوشی و پوشاندگی گناهان انسان توسط خداوند ، نه تنها با گذشت و پوشش بشری متفاوت است ، بلکه قابل قیاس با آن هم نیست . پرده پوشی خداوند متعال نسبت به گناه ، به معنای از بین بردن آثار و تبعات آن است و حتی خداوند مَنان ، در شرایطی ، برای گنهکار ، با تبدیل کردن گناهان او به کارهای نیک ، پرده پوشی می کند ، چنان که خداوند متعال با اشاره به شماری از کسانی که مرتکب گناهی بزرگ شده اند و مستحقّ عذاب مضاعف در دوزخ گردیده اند ، می فرماید : «إِلَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا . (۱) مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند . پس خداوند ، بدی های اینان را به نیکی تبدیل می کند و خدا همواره آمرزنده مهربان است» . پرده پوشی و غفران ، بدین سان ، بالاترین نوع ستّاری و مغفرت است که فوق تصوّر ماست و تنها از آفریدگار جهان بر می آید و بس .

۳. نقش استغفار در زندگی مادی و معنویاز منظر قرآن و احادیث اسلامی ، استغفار ، افزون بر پاکسازی گناهان ، شیطان را

از انسان دور می کند، دل را جلا می دهد، نور علم را در دل جلوه گر می سازد، غم و اندوه را از دل می برد، به روزی وسعت می بخشد و در یک جمله، از انواع آفات مادی و معنوی پیشگیری می نماید و انواع برکات دنیوی و اخروی را برای انسان به ارمغان می آورد. (۱) از این رو، تکرار این ذکر با حضور قلب در هر فرصتی که پیش آید، خصوصاً لحظات حسّاس و پُربرکت (مانند: سحرها، قنوت نماز وتر، ثلث آخر شب، پنجشنبه و جمعه، پیش از غروب در صحرائ عرفات، روز عید قربان، ماه های رجب، شعبان و رمضان) توصیه شده است. (۲) ذکر استغفار، همچنین قبل از خواب، پس از بیدار شدن، در آغاز خطبه نماز جمعه، در کنار مُلتَزَم، هنگام بالا رفتن از کوه صفا، و هنگام برخاستن از جا، هنگام تعریف کردن دیگری از انسان، هنگام احساس حسد در خود، هنگام دیدار و خداحافظی با برادران دینی، و هنگام حرکت برای سفر، مورد تأکید قرار گرفته است. (۳) نیز هنگام وضو گرفتن، هنگام حرکت به قصد نماز جماعت، هنگام وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آن، در آغاز نماز، در اثنای نماز، در سجده، بین دو سجده، در قنوت، در تعقیب نمازهای واجب، به دنبال تسبیح، در حج و عمره، در نماز استسقا، هنگام زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله، هنگام طواف خانه خدا، هنگام حرکت از عرفات به مَشْعَر و از مَشْعَر به مِنا، تکرار ذکر استغفار، توصیه شده است. (۴)

۱- ر. ک: ص ۵۹ (برکت های آموزش خواهی).

۲- ر. ک: ص ۱۰۱ (اوقات مناسب برای آموزش خواهی).

۳- ر. ک: ص ۱۳۳ (مواقع مناسب برای آموزش خواهی).

۴- ر. ک: ص ۱۵۳ (عبادت هایی که سزاوار است در آنها طلب آموزش کرد).

تأمل در استغفارهای رسیده از پیامبر خدا و اهل بیت آن بزرگوار که در فصل هشتم آمده است به روشنی، نشان دهنده اهتمام فراوان آنان به این ذکر سازنده و پُربرکت است. (۱)

۱- ر. ک: ص ۲۴۱ (آمزش خواهی های رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام).

الفصل الأول: حقيقه الاستغفار ١ / ١ أخذ الاستغفار تحف العقول عن كميل بن زياد: قلت: يا أمير المؤمنين، العبد يُصيب الذنب فيستغفر الله منه، فما حيد الاستغفار؟ قال: يابن زياد: التَّوبَةُ، قلت: بس (١)؟ قال: لا، قلت: فكيف؟ قال: إن العبد إذا أصاب ذنبا يقول: «أستغفر الله» بالتحريك، قلت: وما التحريك؟ قال: الشفتان واللسان، يريد أن يتبع ذلك بالحقيقه، قلت: وما الحقيقه؟ قال: تصديق في القلب، وإضمام أن لا يعود إلى الذنب الذي استغفر منه. قال كميل: فإذا فعلت ذلك فأنا من المستغفرين؟ قال: لا. قال كميل: فكيف ذاك؟ قال: لأنك لم تبلغ إلى الأصل بعد، قال كميل: فأصل الاستغفار ما هو؟ قال: الرجوع إلى التَّوبَةِ مِنَ الذَّنْبِ الَّذِي اسْتَغْفَرْتَ مِنْهُ، وَهِيَ أَوَّلُ دَرَجَةِ الْعَابِدِينَ، وَتَرْكُ الذَّنْبِ، وَالِاسْتِغْفَارُ اسْمٌ وَقَعَ لِمَعَانٍ سِتٍّ: أَوَّلُهَا: النَّدْمُ عَلَى مَا مَضَى، وَالثَّانِي: الْعَزْمُ عَلَى تَرْكِ الْعُودِ أَبَدًا، وَالثَّلَاثُ: أَنْ تُؤَدِّيَ حُقُوقَ الْمَخْلُوقِينَ الَّتِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ، وَالرَّابِعُ: أَنْ تُؤَدِّيَ حَقَّ اللَّهِ فِي كُلِّ فَرَضٍ، وَالخَامِسُ: أَنْ تُذَيِّبَ اللَّحْمَ الَّذِي نَبَتَ عَلَى الشَّحْتِ وَالْحَرَامِ حَتَّى يَرْجِعَ الْجِلْدُ إِلَى عَظْمِهِ، ثُمَّ تُنْشِئَ فِيمَا بَيْنَهُمَا لَحْمًا جَدِيدًا، وَالسَّادِسُ: أَنْ تُذَيِّقَ الْبَدَنَ أَلْمَ الطَّاعَاتِ، كَمَا أَذَقْتَهُ لَذَاتِ الْمَعَاصِي. (٢)

١- بس بمعنى حسب، ليس بعربي، وقد صححها بعض أئمة اللغة، فarsiهه تقولها العامه (تاج العروس: ج ٨ ص ٢٠٤ «بس»)

٢- تحف العقول: ص ١٩٧، بحار الأنوار: ج ٦ ص ٢٧ ح ٢٨.

فصل یکم: حقیقت آموزش خواهی

۱ / ۱ معنای آموزش خواهی

فصل یکم: حقیقت آموزش خواهی ۱ / ۱ معنای آموزش خواهیتحف العقول به نقل از کمیل بن زیاد : گفتم : ای امیر مؤمنان! بنده ، گناه می کند و برای آن از خدا آموزش می طلبد . معنای آموزش خواهی چیست؟ فرمود : «توبه، ای پسر زیاد!». گفتم : همین و بس؟ فرمود : «نه» . گفتم : پس چه؟ فرمود : «بنده ، هر گاه گناهی کند ، بگویند : از خدا آموزش می خواهم با جنابانیدن» . گفتم : جنابانیدن چه؟ فرمود : «لب ها و زبان ، و قصدش این باشد که آن را به حقیقت بیونداند» . گفتم : حقیقت چیست؟ فرمود : «باور داشتن در دل و تصمیم گرفتن بر این که گناهی را که از آن آموزش خواسته است ، دیگر تکرار نکند» . کمیل [می گوید که] گفت [م] : اگر چنین کردم ، آن گاه ، من از آموزش خواهان هستم؟ فرمود : «نه» . کمیل [می گوید که] گفت [م] : چرا؟ فرمود : «چون هنوز به اصل [آموزش خواهی] نرسیده ای . کمیل [می گوید که] گفت [م] : اصل آموزش خواهی چیست؟ فرمود : «روی آوردن به توبه از گناهی که از آن ، آموزش خواسته ای و این ، نخستین درجه عبادت پیشگان و ترک کردن گناه است . آموزش خواهی ، نامی است دارای شش معنا : اول ، پشیمانی از گذشته ؛ دوم ، تصمیم بر این که دیگر ، هرگز بدان گناه برنگردی ؛ سوم ، این که حقوق هر مخلوقی را که برگردن توست ، ادا کنی ؛ چهارم ، این که حقّ خدا را در هر واجبی به جا آوری ؛ پنجم ، این که گوشتی را که از ناروا و حرام برتنت روییده است ، آب کنی ، چندان که پوست به استخوان بچسبد و سپس ، گوشت تازه میان آنها برود ؛ و ششم ، این که رنج طاعات را به بدنت بپشانی ، چنان که لذت گناهان را به آن چشانده ای» .

الإمام علي عليه السلام لقائلٍ قال بِحَضْرَتِهِ : أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ : ثَكَلَتْكَ أُمَّكَ ، أَتَدْرِي مَا الْإِسْتِغْفَارُ ؟ الْإِسْتِغْفَارُ دَرَجَةُ الْعَلِيِّينَ . وَهُوَ اسْمٌ وَاقِعٌ عَلَى سِتِّهِ مَعَانٍ : أَوَّلُهَا : النَّدَمُ عَلَى مَا مَضَى . وَالثَّانِي : الْعَزْمُ عَلَى تَرْكِ الْعَوْدِ إِلَيْهِ أَبَدًا . وَالثَّلَاثُ : أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ حُقُوقَهُمْ حَتَّى تَلْقَى اللَّهَ أَمَلَسَ لَيْسَ عَلَيْكَ تَبِعُهُ . وَالرَّابِعُ : أَنْ تَعْمِدَ إِلَى كُلِّ فَرِيضَةٍ عَلَيْكَ ضَائِعَتِهَا فَتُؤَدِّيَ حَقَّهَا . وَالخَامِسُ : أَنْ تَعْمِدَ إِلَى اللَّحْمِ الَّذِي نَبَتَ عَلَى الشُّحِّ فَتُذَيِّبَهُ بِالْأَحْزَانِ حَتَّى تُلْصِقَ الْجِلْدَ بِالْعَظْمِ ، وَيَنْشَأَ بَيْنَهُمَا لَحْمٌ جَدِيدٌ . وَالسَّادِسُ : أَنْ تُدَيِّقَ الْجِسْمَ أَلَمَ الطَّاعَةِ ، كَمَا أَدَقَّتْهُ حَلَاوَةُ الْمَعْصِيَةِ . فَعِنْدَ ذَلِكَ تَقُولُ : أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ . (١)

١- نهج البلاغه : الحكمه ٤١٧ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٩١ ح ٢٢٥٨ ، فلاح السائل : ص ٣٥٠ ح ٢٣٣ نحوه ، روضه الواعظين : ص ٥٢٥ ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٣٦ ح ٥٩ .

امام علی علیه السلام به گوینده ای که در حضور ایشان گفت: از خدا آمرزش می خواهم: مادرت به عزایت بنشیند! آیا می دانی آمرزش خواهی چیست؟ آمرزش خواهی، درجه بلندپایگان است، و آن، نامی است که متضمّن شش معناست: اول، پشیمانی از گذشته؛ دوم، تصمیم بر این که دیگر، هرگز به گناه باز نگردی؛ سوم، این که حقوق مردمان را به آنان ادا کنی، به طوری که خداوند را در حالی دیدار کنی که کاملاً پاک باشی و هیچ حقی از مردم برگردنت نباشد؛ چهارم، این که هر وظیفه [و واجبی] را که فرو گذارده ای، حقّ آن را به جا آوری. پنجم، این که گوشتی را که از حرام [بر تنت] روئیده است، با غم و اندوه ها آب کنی تا جایی که پوست به استخوان بچسبد و دوباره، گوشتی تازه میانشان برآید. و ششم، این که درد [ورنج] طاعت را به تن بچشانی، همچنان که شیرینی گناه را به آن چشانده ای. در این هنگام، بگو: از خدا آمرزش می خواهم.»

١ / ٢ ذم الاستغفار بلا حقيقه رسول الله صلى الله عليه وآله :المستغفر باللسان دون القلب كالمستهزي بربه . (١)

عنه صلى الله عليه وآله :التائب من الذنب كمن لا ذنب له ، والمستغفر من الذنب وهو مقيم عليه كالمستهزي بربه . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله ... المستغفر من الذنب وهو مقيم عليه كالمستهزي بربه ، وإن الرجل إذا قال : أستغفرَكَ وأتوبُ إليك ، ثم عادَ فقالها ، ثم عادَ ثلاثَ مرَّاتٍ كُتِبَ في الرِّبَعِ مِنَ الكَذَابِينَ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله فيما أوصى به علينا عليه السلام : وأن لا تُصِرَّ عَلَى الذُّنُوبِ مَعَ الاسْتِغْفَارِ ، فَتَكُونَ كَالْمُسْتَهْزِئِ بِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرُسُلِهِ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله :يُؤْتَى بِعَصَائِهِ مِنْ أُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُمْ الْقُرَاءُ فَيَقَالُ لَهُمْ : مَنْ كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ؟ قالوا : إِيَّاكَ رَبَّنَا ، قَالَ : فَمَنْ كُنْتُمْ تَسْأَلُونَ ؟ قالوا : إِيَّاكَ رَبَّنَا ، قَالَ : فَمَنْ كُنْتُمْ تَسْتَغْفِرُونَ ؟ قالوا : إِيَّاكَ رَبَّنَا ، فَيَقُولُ عَزَّ وَجَلَّ : كَذَبْتُمْ ، عَيَّدْتُمُونِي بِالْكَلامِ ، وَاسْتَغْفَرْتُمُونِي بِاللِّسَنِ ، وَفَرَرْتُمْ مِنِّي بِالْقُلُوبِ ؛ فَيَنْظُمُونَ فِي سِلْسَلَةٍ ثُمَّ يُطَافُ بِهِمْ عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِقِ فَيَقَالُ : هَؤُلَاءِ كَذَّبُوا أُمَّهَ مُحَمَّدٍ . (٥)

١- ربيع الأبرار : ج ١ ص ٧٣٨ .

٢- شعب الإيمان : ج ٥ ص ٤٣٦ ح ٧١٧٨ ، تاريخ دمشق : ج ٥٤ ص ٧٢ ح ١١٣٦٠ كلاهما عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ٤ ص ٢٠٨ ح ١٠١٧٦ ؛ الكافي : ج ٢ ص ٤٣٥ ح ١٠ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٩٠ ح ٢٢٥٣ عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيهما «بربه» ، عدّه الداعي : ص ٢٥٠ عن الإمام الرضا عليه السلام وليس فيه صدره ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٨١ ح ٢٢ .

٣- تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٢٢٣ ؛ الفردوس : ج ١ ص ٢٨٧ ح ١١٢٥ نحوه وليس فيه صدره ، كنز العمال : ج ٤ ص ٢٢٨ ح ١٠٢٩٠ .

٤- الخصال : ص ٥٤٣ ح ١٩ عن إسماعيل بن الفضل الهاشمي وإسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج ٢ ص ١٥٥ ح ٧ .

٥- كنز العمال : ج ١٠ ص ٢٧١ ح ٢٩٤١٨ نقلاً عن أبي الشيخ في كتاب الثواب عن أبان .

۱ / ۲ نکوهش آمرزش خواهی غیر حقیقی

۱ / ۲ نکوهش آمرزش خواهی غیر حقیقی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که [تنها] با زبان آمرزش خواهد ، نه با دل ، همانند کسی است که پروردگارش را ریشخند کرده باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : توبه کننده از گناه ، مانند کسی است که اصلاً گناه نکرده باشد ، و کسی که از گناه ، آمرزش خواهد ، اما همچنان بر آن گناه بماند ، چونان کسی است که پروردگارش را ریشخند کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ... کسی که از گناه ، آمرزش خواهد ، اما همچنان بر آن گناه پای فشارد ، همانند کسی است که پروردگارش را ریشخند کند . هرگاه شخص بگوید : از خدا آمرزش می خواهم و به درگاه او توبه می کنم و دوباره گناه کند و باز ، تا سه بار همان جمله را بگوید ، در بار چهارم از دروغگویان قلمداد می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش های ایشان به علی علیه السلام : دیگر این که با وجود آمرزش خواهی ، بر گناهان پافشاری نکنی ؛ زیرا در این صورت ، همانند کسی خواهی بود که خدا و آیات او و پیامبرانش را ریشخند کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در روز رستاخیز ، گروهی از امت من (یعنی قاریان) را می آورند و به آنان گفته می شود : شما چه کسی را می پرستیدید؟ . آنان گویند : تو را ، ای پروردگار ما! خداوند به آنان می فرماید : از چه کسی درخواست می کردید؟ ؛ می گویند : از تو ، ای پروردگار ما! خداوند می فرماید : از چه کسی آمرزش می طلبیدید؟ . می گویند : از تو ، ای پروردگار ما! خداوند عز و جل می فرماید : دروغ می گویید . شما در حرف ، مرا پرستیدید و به زبان ، از من آمرزش طلبیدید ؛ اما با دل از من گریختید . در این هنگام ، آنان را به زنجیر می کشند و در برابر خلائق می چرخانند و گفته می شود : اینان ، دروغگویان امت محمدند .» .

الإمام علي عليه السلام: الإِسْتِغْفَارُ مَعَ الإِصْرَارِ ذُنُوبٌ مُجَدَّدَةٌ. (١)

عنه عليه السلام: مَنِ العَزَّه بِاللَّهِ أَنْ يُصِرَّ العَبْدُ (٢) عَلَى المَعْصِيَةِ ، وَيَتَمَنَّى عَلَى اللَّهِ المَغْفِرَةَ . (٣)

الإمام الرضا عليه السلام: سَبَعُهُ أَشْيَاءٌ بَغَيْرِ سَبْعِهِ أَشْيَاءٌ مِنَ الإِسْتِهْزَاءِ : مَنْ اسْتَغْفَرَ بِلسَانِهِ وَلَمْ يَنْدَمْ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ ... (٤)

١- تحف العقول : ص ٢٢٣ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٦٣ ح ١٥٠ .

٢- فى المصدر : «إِنَّ مِنَ العَزَّةِ بِاللَّهِ أَنْ يَصْبِرَ ...» ، والتصويب من بحار الأنوار والمصادر الأخرى .

٣- الأُمَالِي لِلطُّوسِي : ص ٥٨٠ ح ١٢٠٠ عن عبد الله بن محمّد بن عبيد عن الإمام الهادى عن آبائه عن الإمام الصادق عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٥١ و ص ٧٢ ، أعلام الدين : ص ٢١٠ ، غرر الحكم : ح ٩٤٠٤ ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ١٨٨ ح ٥٢ ؛ دستور معالم الحكم : ص ٢٥ .

٤- كنز الفوائد : ج ١ ص ٣٣٠ عن أيوب بن نوح ، معدن الجواهر : ص ٥٩ نحوه ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١١٠ وفيهما بزياده «بقلمه» بعد «يندم» ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٣٥٦ ح ١١ .

امام علی علیه السلام: آمرزش خواستن با وجود ادامه دادن [برگناه] ، گناهانی نو شونده اند .

امام علی علیه السلام: از گستاخی [و بی توجهی] به خداست که بنده ، بر گناه و نافرمانی او پای فشارد و [با این حال] توقع آمرزش از خدا داشته باشد .

امام رضا علیه السلام: هفت چیز ، بدون هفت چیز ، نشانه ریشخند کردن است : کسی که به زبانش آمرزش بطلبد ، ولی [از گناهش] پشیمان نباشد ، در واقع ، خود را ریشخند کرده است ...

الفصل الثاني: الحث على الاستغفار والتحذير من تركه ٢ / الحث على الاستغفار الكتاب «وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ». (١)

«وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ». (٢)

«قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَحَدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوا لَهُ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ». (٣)

«فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ». (٤)

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ * وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا». (٥)

١- هود: ٩٠.

٢- المزمّل: ٢٠.

٣- فصلت: ٦.

٤- غافر: ٥٥.

٥- النصر: ٣١.

فصل دوم: تشویق به آموزش خواهی و برحذر داشتن از وا نهادن آن

۲ / ۱ تشویق به آموزش خواهی

فصل دوم: تشویق به آموزش خواهی و برحذر داشتن از وا نهادن آن ۲ / ۱ تشویق به آموزش خواهی قرآن «و از پروردگارتان آموزش بخواهید، سپس به سوی او بازگردید، که پروردگار من ، مهربان و دوستدار است» .

«و از خدا آموزش بخواهید، که خدا آمرزگار و مهربان است» .

«بگو: من هم بشری مانند شما هستم که به من ، وحی می شود ، که معبود شما در حقیقت ، معبودی یکتاست . پس به سوی او بایستید و از او آموزش بخواهید ؛ و وای بر مشرکان» .

«پس شکیبیا باش که وعده خدا ، راست است ، و برای گناهت آموزش بخواه و در شامگاهان و بامدادان ، پروردگارت را به پاکی بستای» .

«هرگاه یاری خدا و پیروزی فرا رسد . و کسان را می بینی که گروه گروه ، به دین خدا درمی آیند . پس پروردگارت را به پاکی بستای و از او آموزش بخواه که او توبه پذیر است» .

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله من وصيته لعلِّي عليه السلام : وَعَلَيْكَ بِالِاسْتِغْفَارِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله أيضا : وَعَلَيْكَ بِالِاسْتِغْفَارِ فَإِنَّهَا الْمَنْجَاهُ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : عَوَّدُوا أَلْسِنَتَكُمْ الْإِسْتِغْفَارَ ، فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يُعَلِّمَكُمُ الْإِسْتِغْفَارَ إِلَّا وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يَغْفِرَ لَكُمْ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تُكْثِرُوا مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ فَافْعَلُوا ، فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَنْجَحَ عِنْدَ اللَّهِ وَلَا أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْهُ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله : إِذَا مَاتَ أَحَدُكُمْ فَقَدْ قَامَتْ قِيَامَتُهُ ، فَاعْبُدُوا اللَّهَ كَأَنَّكُمْ تَرَوْنَهُ ، وَاسْتَغْفِرُوهُ كُلَّ سَاعَةٍ . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ أَحَبَّ أَنْ تَسْرَهُ صَحِيفَتُهُ ، فَلْيُكْثِرْ فِيهَا مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ . (٦)

عنه صلى الله عليه وآله : الْإِسْتِغْفَارُ فِي الصَّحِيفَةِ يَتَأَلَّأُ نُورًا . (٧)

١- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٣٦١ ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٢٦ ح ٢٦٥٦ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، كنز العمال : ج ٢ ص ٢٥٨ ح ٣٩٦٦ .

٢- الجعفریات : ص ١٨٦ ، النوادر للراوندى : ص ٩٢ ح ٢٩ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الدعوات : ص ٢٢٧ ح ٦٢٩ ، جامع الأحاديث للقمي : ص ٨٦ وفيه «محاها» بدل «منجها» ، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٤٠٣ ح ١٠٥ .

٣- تاريخ بغداد : ج ١٤ ص ٢٠٦ عن سلمان ؛ الدعوات : ص ٣١ ح ٦٤ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٨٣ ح ٣٠ .

٤- كنز العمال : ج ١ ص ٤٧٧ ح ٢٠٨٠ نقلاً عن الحكيم عن أبي الدرداء .

٥- الفردوس : ج ١ ص ٢٨٥ ح ١١١٧ ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٦٨٦ ح ٤٢٧٤٨ نقلاً عن ابن لال في مكارم الأخلاق وكلاهما عن أنس .

٦- المعجم الأوسط : ج ١ ص ٢٥٦ ح ٨٣٩ ، الدعاء للطبراني : ص ٥٠٦ ح ١٧٨٧ ، شعب الإيمان : ج ١ ص ٤٤١ ح ٦٤٨ كلّها عن الزبير بن العوام ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٧٥ ح ٢٠٦٥ .

٧- الفردوس : ج ١ ص ١٢٤ ح ٤٢٩ عن معاوية بن حيدة ، تاريخ دمشق : ج ٢٢ ص ١٧٧ ح ٤٩١١ عن بهز بن حكيم عن أبيه عن جدّه ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٧٥ ح ٢٠٦٤ .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام: بر تو باد آمرزش خواهی!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر تو باد آمرزش خواهی؛ زیرا آن، وسیله نجات است!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زبان هایتان را به آمرزش خواهی عادت دهید؛ زیرا خداوند، آمرزش خواهی را به شما نیاموخت، مگر برای این که می خواهد شما را بیامرزد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر توانستید بسیار آمرزش خواهی کنید، چنین کنید؛ زیرا در نزد خداوند، چیزی مؤثرتر و دوست داشتنی تر از آن نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه یکی از شما بمیرد، [همان دم] قیامتش برپا می شود. پس خدا را چنان پرستید که گویی او را می بینید و هر دم، از او آمرزش بطلبید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دوست دارد که نامه اعمالش او را خوش حال گرداند، پس بر آمرزش خواهی در آن بیفزاید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آمرزش خواهی، در نامه اعمال، چون نور می درخشد.

عنه صلى الله عليه و آله :عَلَيْكُمْ بِإِلَهِ إِلَا اللَّهُ وَالِاسْتِغْفَارِ ، فَأَكْثَرُوا مِنْهُمَا ؛ فَإِنَّ إِبْلِيسَ قَالَ : أَهْلَكْتُ النَّاسَ بِالذُّنُوبِ فَأَهْلِكُونِي بِإِلَهِ إِلَا اللَّهُ وَالِاسْتِغْفَارِ ، فَلَمَّا رَأَيْتُ ذَلِكَ ، أَهْلَكْتُهُمْ بِالْأَهْوَاءِ ، وَهُمْ يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ . (١)

مجمع الزوائد عن أنس :جاءَ رَجُلٌ إلى رَسولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَقَالَ : يا رَسولَ اللَّهِ ، إِنِّي أَذْنَبْتُ ، فَقَالَ رَسولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله : إذا أَذْنَبْتَ فَاسْتَغْفِرْ رَبَّكَ ، قَالَ : فَإِنِّي أَسْتَغْفِرُهُ ثُمَّ أَعُوذُ فَأُذِنُّ ، قَالَ : فَإِذَا أَذْنَبْتَ فَعُدْ فَاسْتَغْفِرْ رَبَّكَ ، قَالَ : فَإِنِّي أَسْتَغْفِرُهُ ثُمَّ أَعُوذُ فَأُذِنُّ ، قَالَ : إذا أَذْنَبْتَ فَعُدْ فَاسْتَغْفِرْ رَبَّكَ ، فَقَالَهَا فِي الرَّابِعَةِ ، فَقَالَ : إذا أَذْنَبْتَ فَاسْتَغْفِرْ رَبَّكَ حَتَّى يَكُونَ الشَّيْطَانُ هُوَ المَحْسُورُ . (٢)

الإمام عليّ عليه السلام :عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْنَطُ وَمَعَهُ الْإِسْتِغْفَارُ . (٣)

الدعوات :قالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام :العَجَبُ لِمَنْ يَهْلِكُ وَالنَّجَاهُ مَعَهُ ، قِيلَ : وما هِيَ ؟ قالَ : الْإِسْتِغْفَارُ . (٤)

الإمام عليّ عليه السلام :الْإِسْتِغْفَارُ أَعْظَمُ جِزَاءٍ وَأَسْرَعُ مَثَوْبَةٍ . (٥)

عنه عليه السلام مِنْ مَواظِبِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَطْعِ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فِي كُلِّ حَالٍ ، وَلَا تُخَلِّ قَلْبَكَ مِنْ خَوْفِهِ وَرَجَائِهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ ، وَالزَّمِ الْإِسْتِغْفَارَ . (٦)

١- .مسند أبي يعلى : ج ١ ص ٩٩ ح ١٣١ ، السنّة لابن أبي عاصم : ج ١ ص ٩ ح ٧ ، الفردوس : ج ٣ ص ١٥ ح ٤٠١٩ كلاهما بزياده «فلا يستغفرون» في آخره وكلها عن أبي بكر ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٢٠ ح ١٧٩٢ .

٢- .مجمع الزوائد : ج ١٠ ص ٣٣٢ ح ١٧٥٣٢ نقلاً عن البزار ، الدعاء للطبراني : ص ٥٠٤ ح ١٧٨٢ ، تفسير ابن كثير : ج ٢ ص ١٠٥ كلاهما نحوه وفيهما «المحسور» بدل «المخسور» .

٣- .نهج البلاغه : الحكمه ٨٧ ، غرر الحكم : ح ٦٢٥٨ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٨٤ ح ٣١ .

٤- .الدعوات : ص ٣١ ح ٦٥ ، الأمالى للطوسى : ص ٨٨ ح ١٣٤ وفيه «الممحاء» بدل «النجاه» ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٨٩ ح ٢٢٤٥ وفيهما «يقنط» بدل «يهلك» ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٨٣ ح ٣٠ ؛ كنز العمّال : ج ٢ ص ٢٥٨ ح ٣٩٦٥ نقلاً عن الدينورى .

٥- .غرر الحكم : ح ١٤٩٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٨ ح ٣٦٨ وفيه «أجرا» بدل «جزاء» .

٦- .غرر الحكم : ح ٢٤٤٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٨٦ ح ٢٠٦٠ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد گفتن «لا إله إلا الله» و طلب آمرزش. این دو را بسیار بگویید؛ زیرا ابلیس گفت: من، مردم را با گناهان نابود کردم و آنان با «لا إله إلا الله» و طلب آمرزش، مرا نابود کردند. پس چون چنین دیدم، آنان را با هوا و هوس نابود کردم، در حالی که گمان می کنند در راه راست هستند.

مجمع الزوائد به نقل از آنس: مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من مرتکب گناه شده ام. پیامبر خدا فرمود: «هرگاه گناهی کردی، از پروردگارت طلب آمرزش کن». مرد گفت: من از او طلب آمرزش می کنم، امّا دوباره مرتکب گناه می شوم. فرمود: «چون دوباره گناه کردی، دوباره از پروردگارت طلب آمرزش کن». مرد گفت: طلب آمرزش می کنم؛ ولی باز هم گناه می کنم. فرمود: «چون گناه کردی، باز هم از پروردگارت طلب آمرزش کن». مرد بار چهارم همان جمله را گفت. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چون گناه کردی، باز از پروردگارت طلب آمرزش کن، چندان که [سرانجام] شیطان، بازنده [و مأیوس] (/ گم و گور) شود».

امام علی علیه السلام: در شکفتم از کسی که آمرزش خواهی را دارد و با این حال، نومید می شود!

الدعوات: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «تعجب است از کسی که [وسیله] نجات را با خود دارد و با این حال، نابود می شود». گفته شد: آن وسیله نجات چیست؟ فرمود: «آمرزش خواهی».

امام علی علیه السلام: آمرزش خواهی، بزرگ ترین و سریع ترین پاداش را در پی دارد.

امام علی علیه السلام: از اندرزه‌های ایشان: خداوند سبحان را در همه حال، اطاعت کن و یک چشم به هم زدن، دل خود را از بیم و امید او تهی مدار، و پیوسته آمرزش بخواه.

عنه عليه السلام: ثلاثٌ يُبلغنَ بِالْعَبْدِ رِضْوَانَ اللَّهِ : كَثْرَةُ الْإِسْتِغْفَارِ ، وَخَفْضُ الْجَانِبِ ، وَكَثْرَةُ الصَّدَقَةِ . (١)

عنه عليه السلام: التَّوْبَةُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ : نَدَمٌ بِالْقَلْبِ ، وَاسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ ، وَعَزْمٌ أَنْ لَا يَعُودَ . (٢)

تحف العقول: قيلَ لَهُ [لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ] : مَا التَّوْبَةُ النَّصُوحُ ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : نَدَمٌ بِالْقَلْبِ ، وَاسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ ، وَالْقَصْدُ عَلَى أَنْ لَا يَعُودَ . (٣)

الإمام عليّ عليه السلام: النَّدَمُ اسْتِغْفَارٌ . (٤)

الإمام زين العابدين عليه السلام في ذِكْرِ أَحْوَالِ أَبِيهِ لَيْلَةَ عَاشُورَاءَ : رَجَعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مَكَانِهِ ، فَقَامَ اللَّيْلَ كُلَّهُ يُصَلِّي وَيَسْتَغْفِرُ وَيَدْعُو وَيَتَضَرَّعُ ، وَقَامَ أَصْحَابُهُ كَذَلِكَ يُصَلُّونَ وَيَدْعُونَ وَيَسْتَغْفِرُونَ . (٥)

الإمام الباقر عليه السلام في وَصِيَّتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِجَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ : وَاسْتَرْجِعْ سَالِفَ الذُّنُوبِ بِشِدَّةِ النَّدَمِ وَكَثْرَةِ الْإِسْتِغْفَارِ ، وَتَعَرَّضْ لِلرَّحْمَةِ وَعَفْوِ اللَّهِ بِحُسْنِ الْمُرَاجَعَةِ ، وَاسْتَعِنْ عَلَى حُسْنِ الْمُرَاجَعَةِ بِخَالِصِ الدُّعَاءِ وَالْمُنَاجَاةِ فِي الظُّلَمِ . (٦)

الإمام الصادق عليه السلام في ذِكْرِ جُنُودِ الْعَقْلِ وَالْجَهْلِ : ... وَالتَّوْبَةُ وَضِدُّهَا الْإِصْرَارُ ، وَالْإِسْتِغْفَارُ وَضِدُّهُ الْإِغْتِرَارُ . (٧)

١- . كشف الغمّة : ج ٣ ص ١٣٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٨١ ح ٧٤ .

٢- . كشف الغمّة : ج ٣ ص ١٣٩ ، غرر الحكم : ح ٢٠٧٢ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٨١ ح ٧٤ .

٣- . تحف العقول : ص ٢١٠ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٤٨ ح ٦٦ .

٤- . غرر الحكم : ح ١٧٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٦٠ ح ١٥٣٩ .

٥- . الإرشاد : ج ٢ ص ٩٤ ، إعلام الوري : ج ١ ص ٤٥٧ ، بحار الأنوار : ج ٤٥ ص ٣ .

٦- . تحف العقول : ص ٢٨٥ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٦٤ ح ١ .

٧- . الكافي : ج ١ ص ٢٢ ح ١٤ ، الخصال : ص ٥٩١ ح ١٣ ، علل الشرايع : ص ١١٥ ح ١٠ ، المحاسن : ج ١ ص ٣١٤ ح ٦٢٠

كلّها عن سماعه بن مهران ، بحار الأنوار : ج ١ ص ١١١ ح ٧ .

امام علی علیه السلام: سه چیز است که بنده را به خشنودی خدا می رساند: بسیار آمرزش خواستن، فروتن بودن، و بسیار صدقه دادن.

امام علی علیه السلام: توبه، بر چهار ستون استوار است: پشیمانی در دل، آمرزش خواهی به زبان، تحقق بخشیدن [به آن] در عمل، و تصمیم گرفتن به تکرار نکردن [گناه].

تحف العقول: به امام علی علیه السلام گفته شد: توبه خالص (نصوح) چیست؟ فرمود: «پشیمانی در دل، آمرزش خواهی به زبان، و تصمیم بر باز نگشتن [به گناه]».

امام علی علیه السلام: پشیمانی [از گناه]، همان آمرزش خواهی است.

امام زین العابدین علیه السلام در بیان احوال پدرش امام حسین علیه السلام در شب عاشورا: به جای خویش باز گشت و سراسر شب را به نماز و آمرزش خواهی و دعا و زاری پرداخت، و یارانش نیز نماز می خواندند و دعا می کردند و آمرزش می خواستند.

امام باقر علیه السلام در سفارش به جابر بن یزید جُعیفی: و از گناهان گذشته ات، در نهایتِ پشیمانی و با آمرزش خواهی بسیار، دست بردار و با بازگشت درست [از گناهان] خود را در معرض رحمت و بخشایش خداوند قرار ده و برای بازگشت درست، از دعای خالصانه و راز و نیاز در دلِ تاریکی ها [شب]، کمک بگیر.

امام صادق علیه السلام در بیان لشکریان خرد و نادانی: توبه و ضدّ آن، که پافشاری [بر گناه] است، و آمرزش خواهی و ضدّ آن، که غفلت زدگی است.

عنه عليه السلام : إذا أحسنتم فاحمدوا الله ، وإذا أسأتم فاستغفروا الله . (١)

عنه عليه السلام من وصية نبيه لعبد الله بن جندب : يابن جندب ، حق على كل مسلم يعرفنا أن يعرض عمله في كل يوم وليه على نفسه ، فيكون محاسب نفسه ، فإن رأى حسنه استزاد منها ، وإن رأى سيئه استغفر منها ؛ لئلا يخزي يوم القيامة . (٢)

عنه عليه السلام : ثلاث لا يضرن معهن شيء : الدعاء عند الكرب ، والاستغفار عند الذنب ، والشكر عند النعمه . (٣)

الإمام العسكري عليه السلام من دعائه في الصباح : وأعني على استغفارك واستقالتك ، قبل أن يفنى الأجل ، وينقطع الأمل .

(٤)

٢ / الحث على كثرة الاستغفار أكثره استغفار النبي صلى الله عليه وآله الحسن عليه وآله الحسن عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢١٣ ح ١٧ .
أكثر أن يقول : «استغفر الله وأتوب إليه» من رسول الله صلى الله عليه وآله . (٥)

١- مشكاة الأنوار : ص ٦٦ ح ٩٥ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢١٣ ح ١٧ .

٢- تحف العقول : ص ٣٠١ ، إرشاد القلوب : ص ١٨٢ عن أبي الحسن عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٢٧٩ ح ١ .

٣- الكافي : ج ٢ ص ٩٥ ح ٧ ، الأمالي للطوسي : ص ٢٠٤ ح ٣٤٩ كلاهما عن عبيد الله بن الوليد ، إرشاد القلوب : ص ٨٤ ، أعلام الدين : ص ١١٩ عن محمد بن أبي زينب وليس فيه صدره وزاد في آخره «من أخلاق المؤمنين» ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٨٩ ح ٦ .

٤- مهج الدعوات : ص ٣٣٣ ، المصباح للكفعمي : ص ١١٥ ، البلد الأمين : ص ٦١ وفيهما «العمل» بدل «الأمل» ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٧٦ ح ٤٥ .

٥- السنن الكبرى للنسائي : ج ٦ ص ١١٨ ح ١٠٢٨٨ ، صحيح ابن حبان : ج ٣ ص ٢٠٧ ح ٩٢٨ ، مسند الشاميين : ج ١ ص ١٦٩ ح ٢٨٤ ، عمل اليوم والليله لابن السني : ص ١٣٠ ح ٣٦٣ ، تاريخ دمشق : ج ١٦ ص ١٢٠ كلها عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ٢ ص ٢٦١ ح ٣٩٧٠ .

۲ / ۲ تشویق به آموزش خواهی بسیار

الف بسیار آموزش خواستن پیامبر صلی الله علیه و آله

امام صادق علیه السلام: هرگاه کار نیکی کردید، خدا را ستایش گویند، و هرگاه کار بد [و گناهی] کردید، از خدا آموزش بخواهید.

امام صادق علیه السلام ایشان به عبد الله بن جندب: ای پسر جندب! بر هر مسلمانی که به ما اعتقاد دارد، لازم است که در روز و شب، کردار خود را بر خویشتن عرضه کند و حسابرس خود باشد. اگر نیکی دید، بر آن بیفزاید و اگر کردار بدی از خود مشاهده کرد، از آن آموزش بخواهد تا در روز رستاخیز، سرافکنده نشود.

امام صادق علیه السلام: سه چیز است که با وجود آنها، هیچ چیز گزندی نمی رساند: دعا کردن در هنگام رنج [و گرفتاری]، آموزش خواستن در هنگام گناه، و سپاس گزاری در هنگام برخورداری از نعمت.

امام عسکری علیه السلام از دعای ایشان در صبحگاه: کمکم فرما تا از تو آموزش و پوزش بخواهم، پیش از آن که عمر به سرآید و امید، قطع شود.

۲ / ۲ تشویق به آموزش خواهی بسیار الف بسیار آموزش خواستن پیامبر صلی الله علیه و آلهالسنن الکبری، نسائی به نقل از ابوهریره: هیچ کس را ندیدم که بیشتر از پیامبر خدا بگوید: «از خدا آموزش می طلبم و به درگاه او، توبه می کنم».

صحيح البخارى عن عائشه: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُكثِرُ أَنْ يَقُولَ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي. (١)

صحيح مسلم عن عائشه: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُكثِرُ أَنْ يَقُولَ قَبْلَ أَنْ يَمُوتَ: سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ. (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْيَوْمِ سَبْعِينَ مَرَّةً. (٣)

الكافي عن الحارث بن المغيرة عن الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً، وَيَتُوبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَبْعِينَ مَرَّةً. قَالَ: قُلْتُ: كَانَ يَقُولُ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ؟ قَالَ: كَانَ يَقُولُ: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» سَبْعِينَ مَرَّةً، وَيَقُولُ: «وَأَتُوبُ إِلَى اللَّهِ، وَأَتُوبُ إِلَى اللَّهِ» سَبْعِينَ مَرَّةً. (٤)

رسول الله صلى الله عليه وآله: وَاللَّهِ، إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ أَكْثَرَ مِنْ سَبْعِينَ مَرَّةً. (٥)

- ١- صحيح البخارى: ج ٤ ص ١٩٠١ ح ٤٦٨٤، صحيح مسلم: ج ١ ص ٣٥٠ ح ٢١٧، سنن أبى داود: ج ١ ص ٢٣٢ ح ٨٧٧، سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٢٨٧ ح ٨٨٩، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٢٩٣ ح ٢٤٢١٨، كنز العمال: ج ٨ ص ٢٢٦ ح ٢٢٦٧٠.
- ٢- صحيح مسلم: ج ١ ص ٣٥١ ح ٢١٨، المعجم الصغير: ج ١ ص ٢٤١ عن أم سلمه، تفسير الطبرى: ج ١٥ الجزء ٣٠ ص ٣٣٤، مسند إسحاق بن راهويه: ج ٣ ص ٨٠٧ ح ١٤٤٢، كنز العمال: ج ٢ ص ٥٦١ ح ٤٧٣١.
- ٣- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٣٨٣ ح ٣٢٥٩، شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٣٨ ح ٦٣٨ كلاهما عن أبى هريره، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٥٤ ح ٣٨١٦ عن أبى موسى وزاد فيه «وأتوب إليه» بعد «لأستغفر الله»، الدعاء للطبرانى: ص ٥١٥ ح ١٨٣٦ عن أنس، كنز العمال: ج ١ ص ٤٧٧ ح ٢٠٧٧.
- ٤- الكافي: ج ٢ ص ٥٠٥ ح ٥، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٩٢ ح ٢٢٦٠، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٧٣ ح ١٩٥، عده الدعوى: ص ٢٥٠ كلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٩٧ ح ٥٨.
- ٥- صحيح البخارى: ج ٥ ص ٢٣٢٤ ح ٥٩٤٨، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١٢٣ ح ٧٧٩٨، شعب الإيمان: ج ٥ ص ٣٨٠ ح ٧٠٢٣، حليه الأولياء: ج ٧ ص ٣٢٥، تاريخ دمشق: ج ٤٣ ص ٢٠٥ ح ٩١٥٤ كلها عن أبى هريره، كنز العمال: ج ١ ص ٤٧٦ ح ٢٠٧٠.

صحیح البخاری به نقل از عایشه: پیامبر خدا، در رکوع و سجودش بسیار می گفت: پاکا تو خدایا، پروردگارا و ستایش، تو را! بار خدایا! مرا بیامرز».

صحیح مسلم به نقل از عایشه: پیامبر خدا، پیش از آن که درگذرد، فراوان می گفت: «پاکا تو و ستایش، تو را! از تو آمرزش می خواهم و به درگاه تو، توبه می کنم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من، در روز، هفتاد بار از خدا آمرزش می خواهم.

الکافی به نقل از حارث بن مغیره: امام صادق علیه السلام فرمود: «پیامبر خدا، روزی هفتاد بار از خداوند عز و جل آمرزش می طلبید و هفتاد بار به درگاه او، توبه می کرد». گفتم: می فرمود: «از خدا آمرزش می خواهم و به درگاه او، توبه می کنم»؟ (۱) فرمود: «نه، بلکه» هفتاد بار می گفت: از خدا، آمرزش می خواهم. از خدا، آمرزش می خواهم و هفتاد بار می گفت: و به درگاه خدا، توبه می برم. به درگاه خدا، توبه می برم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به خدا سوگند، من در روز، بیش از هفتاد بار از خدا آمرزش می طلبم و به درگاهش، توبه می کنم.

۱- یعنی: این دو جمله را، با هم، هفتاد بار می گفت؟

عنه صلى الله عليه وآله: إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ مِئَةَ مَرَّةٍ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّهُ لَيُغَانُ (٢) عَلَى قَلْبِي ، وَإِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْيَوْمِ مِئَةَ مَرَّةٍ . (٣)

السنن الكبرى للنسائي عن حذيفه بن اليمان: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي رَجُلٌ ذَرِبْتُ (٤) اللِّسَانَ، وَإِنَّ عَامَّةَ ذَلِكَ عَلَى أَهْلِي، قَالَ: فَأَيْنَ أَنْتَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ؟ إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْيَوْمِ أَوْ قَالَ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ مِئَةَ مَرَّةٍ . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ مِئَةَ مَرَّةٍ مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ . (٦)

١- سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٥٤ ح ٣٨١٥، سنن الترمذى: ج ٥ ص ٣٨٣ ح ٣٢٥٩ وليس فيه «وأَتُوبُ إِلَيْهِ»، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١١٤ ح ١٠٢٦٨، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٧٠ ح ٤ كلّها عن أبي هريره، كنز العمال: ج ١ ص ٤٨٣ ح ٢١١٤.

٢- العَيْنُ لُغَةٌ فِي الْعَيْمِ، وَغَانَ عَلَى قَلْبِي كَذَا: أَي غَطَّاهُ... قَالَ الْقَاضِي: لَمَّا كَانَ قَلْبُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَمَّ الْقُلُوبِ صَفَاءً... وَكَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَبِينًا مَعَ ذَلِكَ لِشَرَائِعِ الْمَلَّةِ وَتَأْسِيسِ السُّنَّةِ، مَيْسِرًا غَيْرَ مَعْسَرٍ، لَمْ يَكُنْ لَهُ بُدٌّ مِنَ النُّزُولِ إِلَى الرُّخَصِ وَالِاتِّفَاتِ إِلَى حُظُوظِ النَّفْسِ، مَعَ مَا كَانَ مَتَمِّعًا بِهِ مِنْ أَحْكَامِ الْبَشَرِيَّةِ، فَكَأَنَّهُ إِذَا تَعَاطَى شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ أَسْرَعَ كدوره مَا إِلَى الْقَلْبِ لِكَمَالِ رَقَّتِهِ، وَفَرَطَ نُورَانِيَّتِهِ... وَكَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَحْسَسَ بِشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ عَدَّهُ عَلَى النَّفْسِ ذَنْبًا فَاسْتَغْفَرَ مِنْهُ، انْتَهَى (مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ: ج ٢ ص ١٣٤٩ «غَيْن»).

٣- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٧٥ ح ٤١، سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٨٥ ح ١٥١٥، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١١٦ ح ١٠٢٧٦، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٢٥٦ ح ٧٨٦٥ كلّها عن الأَعْرَضِ الْمُزَنِّيِّ، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٦ ح ٢٠٧٥؛ المجازات النبويّة: ص ٣٩٠ ح ٣٠٦، جامع الأخبار: ص ١٤٧ ح ٣٣١، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٢ ح ٢٣.

٤- الذَّرِبُ: الْحَادُّ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ. وَلِسَانٌ ذَرِبٌ وَفِيهِ ذَرَابَةٌ: أَي جَدَّهُ (الصَّحاح: ج ١ ص ١٢٧ «ذرب»).

٥- السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١١٧ ح ١٠٢٨٢، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٩١ ح ١٨٨١، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٥٤ ح ٣٨١٧، سنن الدارمی: ج ٢ ص ٧٥٨ ح ٢٦٢٣، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ١٠٢ ح ٢٣٤٣١ والثلاثة الأخيره نحوه.

٦- الكافي: ج ٢ ص ٤٥٠ ح ٢، معاني الأخبار: ص ٣٨٤، تفسير القمّي: ج ٢ ص ٢٧٧ كلّها عن عليّ بن رثاب، بحار الأنوار: ج ٤٤ ص ٢٧٦ ح ٤.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من، روزی صد بار از خدا طلب آمرزش می کنم و به درگاهش، توبه می برم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گاه دلم را تیرگی می گیرد و من، روزی صد بار، از خدا آمرزش می طلبم. (۱)

السنن الکبری، نسائی به نقل از حُذیفه بن یمان: گفتم: ای پیامبر خدا! من، مردی تند زبانم و بیشتر هم با خانواده ام (/ همسر) چنین ام. فرمود: «پس آمرزش خواهی ات کجا رفته است؟ من، خود، در روز (یا فرمود: در شبانه روز) صد بار از خداوند، آمرزش می طلبم.

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، شبانه روزی صد مرتبه به درگاه خدا، توبه می کرد و از او آمرزش می طلبید، بدون آن که گناهی از ایشان، سر زده باشد.

۱- قاضی گفته است: با وجود این که دل پیامبر صلی الله علیه و آله که پاک ترین دل هاست ... و با همین، شرایع دین را تشریح می کند و سنت و سیره آسان و بی درد سر، بنیاد می گذارد، چاره ای هم ندارد که رخصت گاه هایی را برای خود، در نظر بگیرد و به نصیب و بهره نفس هم توجه نماید. از سوی دیگر، مشغول احکام بشری هم هست. گویی وقتی با چنین اموری، داد و ستد برقرار می کند، به دلیل رقت قلب و نورانیت فراوان آن، تیرگی در جانش پدید می آید و هنگامی که احساس تیرگی می کند، آن را برای خود، گناه به شمار می آورد و از آن، طلب آمرزش می نماید.

ب كَثْرَهُ اسْتِغْفَارِ أَبِي الْحَسَنِ الْكَاظِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الزَّهْدَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي اسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسَةَ آلَافٍ مَرَّةً. ثُمَّ قَالَ لِي: خَمْسَةُ آلَافٍ كَثِيرٌ. (١)

٢ / أَفْضَلُ الْمُسْتَغْفِرِ الْكِتَابُ «وَزَنَّ دَاوُدُ أَنْمَا فَتَنَهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ رَاكِعًا وَ أَنَابَ * فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَ إِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَى وَ حُسْنَ مَثَابٍ». (٢)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: أفلح من وجد في صحيفته استغفارا كثيرا. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: طوبى لمن وجد في صحيفته استغفارا كثيرا. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: طوبى لمن وجد في صحيفته عمله يوم القيامة تحت كل ذنب: استغفر الله. (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: إن المؤمن إذا أحسن استبشر، وإذا أساء استغفر. (٦)

١- الزهد للحسين بن سعيد: ص ٧٤ ح ١٩٩، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٢ ح ٢٦.

٢- ص: ٢٤ و ٢٥.

٣- الفردوس: ج ١ ص ٤٢١ ح ١٧١٠ عن أبي الدرداء، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٢٥ ح ٤٣٢٨٠.

٤- سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٥٤ ح ٣٨١٨، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١١٨ ح ١٠٢٨٩، الدعاء للطبراني: ص ٥٠٦ ح ١٧٨٩، شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٤٠ ح ٦٤٧ كلها عن عبد الله بن بسر، كنز العمال: ج ١ ص ٤٧٩ ح ٢٠٨٨.

٥- ثواب الأعمال: ص ١٩٧ ح ٥ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٩٠ ح ٢٢٥٠ عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٠ ح ١٥.

٦- عوالي اللآلى: ج ١ ص ٤٣٧ ح ١٥١، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٢٤ عن إبراهيم بن أبي محمود عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٢٥٩ ح ٢.

ب بسیار آموزش خواستن امام کاظم علیه السلام

۲ / ۳ فضیلت شخص آموزش خواه

ب بسیار آموزش خواستن امام کاظم علیه السلام از ابراهیم بن ابی البلاد: امام کاظم علیه السلام فرمود: «من، در هر روز، پنجاه هزار مرتبه از خدا، طلب آموزش می کنم». سپس به من فرمود: «پنج هزار بار هم بسیار است».

۲ / ۳ فضیلت شخص آموزش خواهقرآن «و داوود دانست که ما، وی را آزموده ایم. پس از پروردگار خود، آموزش خواست و به خاک افتاد و به سوی ما بازگشت. و ما هم این را بر او بخشودیم، و او را در نزد ما منزلتی و بازگشتی نیکوست».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رستگار، کسی است که در کارنامه اش، آموزش خواهی بسیار یابد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوشا آن که در کارنامه اش، آموزش خواهی بسیار یابد!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوشا به حال کسی که روز رستاخیز، در نامه عملش، زیر هر گناهی «استغفر الله» بیابد!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن، هرگاه کار نیک کند، شاد می شود و هرگاه بد کند، آموزش می طلبد.

عنه صلى الله عليه و آله :خَيْرُ أُمَّتِي الَّذِينَ إِذَا أَسَأَوْا اسْتَغْفَرُوا ، وَإِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا . (١)

سنن ابن ماجه عن عائشه :إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ :اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا ، وَإِذَا أَسَأَوْا اسْتَغْفَرُوا . (٢)

رسول الله صلى الله عليه و آله :إِنَّ الْمُسْلِمَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ مِنْ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ إِلَى أَنْ يَقَوْمَ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ، فَإِنْ وَافَى اللَّهَ بِشَهَادَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ صَادِقًا ، أَوْ بِاسْتِغْفَارٍ صَادِقًا ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله :ما من أمتي أو هذه الأمة عبدٌ يَعْمَلُ حَسَنَةً فَيَعْلَمُ أَنَّهَا حَسَنَةٌ ، وَأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَلَّازِيهِ بِهَا خَيْرًا ، وَلَا يَعْمَلُ سَيِّئَةً فَيَعْلَمُ أَنَّهَا سَيِّئَةٌ ، وَاسْتَغْفَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهَا ، وَيَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَغْفِرُ إِلَّا هُوَ ، إِلَّا وَهُوَ مُؤْمِنٌ . (٤)

الإمام علي عليه السلام :المؤمنُ مُنِيبٌ مُسْتَغْفِرٌ تَوَّابٌ . (٥)

عنه عليه السلام :إِنَّمَا الْكَيْسُ (٦) مَنْ إِذَا أَسَاءَ اسْتَغْفَرَ ، وَإِذَا أَذْنَبَ نَدِمَ . (٧)

عنه عليه السلام :طوبى لِنَفْسٍ أَذَّتْ إِلَى رَبِّهَا فَرَضَهَا ، وَعَزَّكَتْ بِجَنْبِهَا بُؤْسَهَا (٨) ، وَهَجَرَتْ فِي اللَّيْلِ غَمَضَهَا ، حَتَّى إِذَا غَلَبَ الْكُرَى (٩) عَلَيْهَا افْتَرَشَتْ أَرْضَهَا ، وَتَوَسَّدَتْ كَفَّهَا ، فِي مَعْشَرٍ أَسْهَرَ عْيُونَهُمْ خَوْفُ مَعَادِهِمْ ، وَتَجَافَتْ عَنْ مَضَاجِعِهِمْ جُنُوبُهُمْ ، وَهَمَّهَمَتْ بِعِدِّ كِرِّ رَبِّهِمْ شَيْفَاهُهُمْ ، وَتَفَشَّعَتْ بِطَوْلِ اسْتِغْفَارِهِمْ ذُنُوبُهُمْ «أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (١٠) . (١١)

- ١- المعجم الأوسط : ج ٦ ص ٣٣٤ ح ٦٥٥٨ عن جابر ، المصنّف لعبد الرزاق : ج ٢ ص ٥٦٦ ح ٤٤٨١ نحوه ، الزّهد لهناد : ج ٢ ص ٣٦٣ ح ٦٩٢ كلاهما عن عروه بن رويم .
- ٢- سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٥٥ ح ٣٨٢٠ ، مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٤٥٠ ح ٢٥٠٣٤ ، مسند الطيالسي : ص ٢١٥ ح ١٥٣٣ ، مسند إسحاق بن راهويه : ج ٣ ص ٧٣١ ح ١٣٣٦ .
- ٣- مسند البزار : ج ٣ ص ٢٥٢ ح ١٠٤٢ عن أبي سلمه بن عبد الرحمن عن أبيه ، كنز العمال : ج ١ ص ٧٦ ح ٣٠١ .
- ٤- مسند ابن حنبل : ج ٥ ص ٤٧٠ ح ١٦١٩٤ ، مسند الشاميين : ج ١ ص ١٨٥ ح ٣٢١ ، تاريخ دمشق : ج ٥٣ ص ٧٢ ح ١١١٦٧ كلاهما نحوه وكلّها عن أبي رزين العقيلي ، كنز العمال : ج ١ ص ١٦٠ ح ٨٠٠ .
- ٥- غرر الحكم : ح ١٢٨٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٧ ح ١١٨٤ .
- ٦- الكيس : العاقل (النهاية : ج ٤ ص ٢١٧ «كيس»).
- ٧- غرر الحكم : ح ٣٨٩٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٧٧ ح ٣٦٤٠ .
- ٨- عَزَّكَتْ بِجَنْبِهَا بُؤْسَهَا : أى صَبِرَتْ عَلَيْهِ (شرح نهج البلاغه : ج ١٦ ص ٢٩٥) .

٩- الكرى : النُّعاس (الصحاح : ج ٦ ص ٢٤٧٢ «كرى»).

١٠- المجادله : ٢٢ .

١١- نهج البلاغه : الكتاب ٤٥ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٣٦ وليست فيه الآيه الشريفه ، بحار الأنوار : ج ٤٠ ص ٣٤٢ ح ٢٧ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین های اُمّت من ، کسانی هستند که هر گاه بد کنند ، آمرزش بخواهند و هر گاه کار نیک کنند ، شادمان شوند.

سنن ابن ماجه به نقل از عایشه : پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: «بار خدایا! مرا از کسانی قرار ده که هر گاه کار نیک کنند ، شادمان می شوند و هر گاه بد کنند ، آمرزش می طلبند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مسلمان، از آن روزی که مادرش او را می زاید تا روزی که در پیشگاه خداوند تبارک و تعالی می ایستد، در پناه [و زنهار] خداست . پس اگر با شهادت راستین به یگانگی خدا، یا آمرزش خواهی راستین بر خدا وارد شود ، خداوند برایش ، برات آزادی از آتش می نویسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر بنده ای از اُمّت من (یا : این اُمّت) کار نیکی کند و بداند آن کار ، نیک است و خداوند عز و جل برای آن به او پاداش نیک می دهد، یا کار بدی کند و بداند آن کار ، بد است و برای آن از خداوند عز و جل آمرزش بخواهد و بداند که آمرزگاری جز او نیست، بی گمان ، او مؤمن است.

امام علی علیه السلام :مؤمن، بازگردنده [به درگاه خدا]، آمرزش خواه و توبه گر است.

امام علی علیه السلام :زیرک [و خردمند] کسی است که هر گاه بد کند ، آمرزش بخواهد و هر گاه گناه کند، پشیمان گردد.

امام علی علیه السلام :خوشا آن که وظیفه اش را در قبال پروردگارش به جا می آورد و رنج [و سختی] را به جان می خورد و در شب ، از خواب دوری می ورزد و چون چُرت بر او چیره گردد ، زمین را بستر خود می سازد و سر بر کف خویش می نهد و در میان جماعتی است که از بیم رستاخیز ، شب ها دیدگان نشان نمی خوابد و پهلوهایشان از بسترهایشان کناره می گیرد و لبانشان به یاد پروردگارشان زمزمه کنان می شود و از آمرزش خواهی های بسیار ، گناهانشان زدوده می شود . «اینان اند گروه خدا ؛ و آگاه باشید که گروه خدا ، رستگارانند» .

عنه عليه السلام في ذكر أحوال أهل الدنيا في الآخرة: «وَسَبَقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا» (١) قَدْ أُمِنَ الْعَذَابُ ، وَانْقَطَعَ الْعِتَابُ ، وَزُحِرَ حَوْا عَنِ النَّارِ ، وَاطْمَأَنَّتْ بِهِمُ الدَّارُ ، وَرَضُوا الْمَثْوَى وَالْقَرَارَ . الَّذِينَ كَانَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا زَاكِيَةً ، وَأَعْيُنُهُمْ بَاكِيَةً . وَكَانَ لِيْلُهُمْ فِي دُنْيَاهُمْ نَهَارًا تَخَشُّعًا وَاسْتِغْفَارًا ، وَكَانَ نَهَارُهُمْ لَيْلًا تَوْحُّشًا وَانْقِطَاعًا ، فَجَعَلَ اللَّهُ لَهُمُ الْجَنَّةَ مَأْبَا ، وَالْجَزَاءَ ثَوَابًا ، وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا ، فِي مُلْكٍ دَائِمٍ ، وَنَعِيمٍ قَائِمٍ . (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرْيَةٍ قَدْ أَسْرَفُوا فِي الْمَعَاصِي ، وَفِيهَا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ، نَادَاهُمْ جَلَّ جَلَالُهُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ : يَا أَهْلَ مَعْصِيَتِي ، لَوْلَا مَنْ فِيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَاتِّينَ بِجَلَالِي ، الْعَامِرِينَ بِصَلَاتِهِمْ أَرْضِي وَمَسَاجِدِي ، وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ خَوْفًا مِنِّي ، لَأَنْزَلْتُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَا أَبَالِي . (٣)

١- الزمر: ٧٣ .

٢- نهج البلاغه: الخطبه ١٩٠ ، بحار الأنوار: ج ٧ ص ٢٠٧ ح ٩٥ .

٣- الأمل للصدوق: ص ٢٦٧ ح ٢٨٩ ، علل الشرايع: ص ٢٤٦ ح ١ كلاهما عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٧٣ ح ١٣٦٩ عن الإمام علي عليه السلام ، ثواب الأعمال: ص ٢١٢ ح ١ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، المحاسن: ج ١ ص ١٢٦ ح ١٤٣ عن موسى بن سابق عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام الثلاثه الأخيره نحوه ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٣٨١ ح ٣ وراجع شعب الإيمان: ج ٣ ص ٨٢ ح ٢٩٤٦ .

امام علی علیه السلام در بیان احوال مردم دنیا در آخرت: «آنان را که از پروردگارشان پروا کرده بودند، گروه گروه، به بهشت می برند»، در حالی که از عذاب، ایمن شده اند و سرزنش به پایان رسیده و از آتش، دور گشته اند و سرا [ی بهشت]، به ایشان آرام گرفته است و ایشان، از آن خانه و کاشانه خشنودند. اینان، کسانی هستند که کردارهایشان، در دنیا، پاک بوده و چشمانشان، گریان، و شب هایشان [چونان] روز بوده است زیرا سراسر آن را به عبادت و آمرزش خواهی می گذرانده اند، و روزهایشان [چونان] شب بوده؛ چرا که در تنهایی و جدایی [از خلق] به سر می برده اند. از این رو، خداوند، بهشت را فرجام آنان و پاداششان قرار داده است و البته، اینان، سزاوارترین کس به بهشت اند و شایستگی آن را دارند تا در مُلکی پاینده و نعمتی جاویدان باشند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند تبارک و تعالی هرگاه مردم آبادی ای را ببند که در گناه [و نافرمانی] از اندازه گذشته اند و سه نفر مؤمن در میان ایشان به سر می برد، آن پُرشکوه پاک نام، ندایشان می دهد که: «ای نافرمانان از من! اگر نبود وجود چند مؤمن در میان شما که به خاطر من، دوستدار یکدیگرند و با نماز خود، زمین و مسجدهایم را آباد دارند و سحرگاهان، از ترس من به آمرزش خواهی می پردازند، بی هیچ ملاحظه ای، عذابم را بر شما فرو می فرستادم.

الإمام زين العابدين عليه السلام: مَنْ قَالَ: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» فَلَيْسَ بِمُسْتَكْبِرٍ وَلَا جَبَّارٍ، إِنَّ الْمُسْتَكْبِرَ الَّذِي يُصِرُّ عَلَى الذَّنْبِ الَّذِي قَدْ غَلَبَهُ هَوَاهُ فِيهِ، وَآثَرَ دُنْيَاهُ عَلَى آخِرَتِهِ. (١)

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي الْإِعْتِرَافِ: وَأَنْ أَحَبَّ عِبَادِكَ إِلَيْكَ مَنْ تَرَكَ الْإِسْتِكْبَارَ عَلَيْكَ، وَجَانَبَ الْإِصْرَارَ، وَلَزِمَ الْإِسْتِغْفَارَ. وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَنْ أَسْتَكْبِرَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُصِرَّ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا قَصَّرْتُ فِيهِ. (٢)

عنه عليه السلام أَيْضًا: يَا أَرْحَمَ مَنْ انْتَابَهُ الْمُسْتَرْحِمُونَ، وَيَا أَعْطَفَ مَنْ أَطَافَ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ. (٣)

عنه عليه السلام وَمِنْ دُعَائِهِ لِلْعِيدِينَ وَالْجُمُعَةِ: وَلَا يَشْقَى بِنِقْمَتِكَ الْمُسْتَغْفِرُونَ، رِزْقَكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ، وَجِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ (٤)، عَادَتُكَ الْإِحْسَانَ إِلَى الْمُسِيئِينَ، وَسُنَّتُكَ الْإِبْقَاءَ عَلَى الْمُعْتَدِينَ. (٥)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا أَكْثَرَ الْعَبْدُ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ، رُفِعَتْ صَحِيفَتُهُ وَهِيَ تَتَأَلَّأُ (٦). (٧)

عنه عليه السلام: يَدْخُلُ رَجُلَانِ الْمَسْجِدَ، أَحَدُهُمَا عَابِدٌ وَالْآخَرُ فَاسِقٌ، فَيَخْرُجَانِ مِنَ الْمَسْجِدِ وَالْفَاسِقُ صِدِّيقٌ وَالْعَابِدُ فَاسِقٌ، وَذَلِكَ أَنَّهُ يَدْخُلُ الْعَابِدُ الْمَسْجِدَ وَهُوَ مُدِلٌّ (٨) بِعِبَادَتِهِ وَفِكْرَتُهُ فِي ذَلِكَ، وَيَكُونُ فِكْرُهُ الْفَاسِقِ فِي التَّنَدُّمِ عَلَى فِسْقِهِ، فَيَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ ذُنُوبِهِ. (٩)

١- الخصال: ص ٢٩٩ ح ٧٢ عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٧٧ ح ٣.

٢- الصحيفه السجاديّه: ص ٥٥ الدعاء ١٢، المصباح للكفعمي: ص ٥٠٧.

٣- الصحيفه السجاديّه: ص ٥٤ الدعاء ١٢، المصباح للكفعمي: ص ٥٠٦.

٤- ناواه: أي عاده، وأصله الهمز؛ لأنه من التَّوَهُ وهو النهوض (النهايه: ج ٦ ص ٢٥١٧ «نوى»).

٥- الصحيفه السجاديّه: ص ١٨٢ الدعاء ٤٦، مصباح المتهجد: ص ٣٦٩ ح ٥٠٠، المزار الكبير: ص ٤٥٨، جمال الأسبوع: ص ٢٦٢ عن المتوكل بن هارون عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام؛ شرح نهج البلاغه: ج ٦ ص ١٧٩ عنه وعن الإمام عليّ عليهما السلام.

٦- في المصدر: «يتألأأ»، والتصويب من بحار الأنوار.

٧- الكافي: ج ٢ ص ٥٠٤ ح ٢ عن عبيد بن زرار، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٩٠ ح ٢٢٥١، عدّه الداعي: ص ٢٥٠ عن زرار، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٤ ح ٣٢.

٨- دلّ يدلُّ: إذا منَّ بعبائه، والأدلُّ: المَنَّانُ بعمله (تاج العروس: ج ١٤ ص ٢٤٢ «دلل»).

٩- علل الشرائع: ص ٣٥٤ ح ١، الكافي: ج ٢ ص ٣١٤ ح ٦ عن أحدهما عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٣١٦ ح

امام زین العابدین علیه السلام: کسی که بگوید: «از خدا، آمرزش می طلبم و به درگاهش، توبه می برم»، گردن فراز و متکبر نیست. گردن فراز، کسی است که بر گناهی که در آن مغلوب هوس خویش گشته است، پای بفشارد و دنیای خود را بر آخرتش برگزیند.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در اعتراف به درگاه خدا: محبوب ترین بندگانت در نزد تو، کسی است که گردن فرازی بر تو را فرو گذارد و از پافشاری [برگناه] دوری کند و به آمرزش خواهی در آویزد. من، در پیشگاه تو اعلام براءت می کنم از این که گردن فرازی کنم، و به تو پناه می برم از این که [برگناه] پای فُشُرم، و برای تقصیرات خود، از تو آمرزش می طلبم.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در اعتراف به درگاه خدا: ای مهربان ترین کسی که مهرجویان، پیاپی، آهنگ او می کنند، و ای با محبت ترین کسی که آمرزش خواهان، گرد او می چرخند.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در روز عید قربان و فطر و روز جمعه: آمرزش خواهان، به خشم تو گرفتار نمی آیند. [خوان] روزی ات برای آن هم که تو را نافرمانی کند، گسترده است و بردباری ات، آن را که با تو دشمنی ورزد، در بر می گیرد. عادت تو، نیکی کردن به بدکاران است، و شیوه ات، شفقت بر متجاوزان [از فرمان و حدودت].

امام صادق علیه السلام: هر گاه بنده، بسیار طلب آمرزش کند، نامه اعمالش در حالی که می درخشد، بالا برده می شود.

امام صادق علیه السلام: دو مرد به مسجد در می آیند: یکی عبادت پیشه و دیگری گنهکار، و از مسجد بیرون روند در حالی که آن گنهکار، مؤمنی راستین گشته است و آن دیگری، عبادت پیشه گنهکار؛ از آن رو که عبادت پیشه، در حالی به مسجد در آمده است که به عبادت خویش، می نازیده و به آن می اندیشیده است؛ اما گنهکار، پیوسته در اندیشه پشیمانی از گنهکاری خویش بوده است. لذا خداوند، گناهان او را می آمرزد.

٢ / ٤ التَّحذِيرُ مِنْ تَرْكِ الْإِسْتِغْفَارِ الْكِتَابِ «قَالَ يَقَوْمٍ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» . (١)

الحدِيثُ رِسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ لَا يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ ، وَمَنْ لَا يَتُوبُ لَا يَتُوبُ (٢) اللَّهُ عَلَيْهِ ، وَمَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يَرْحَمُهُ اللَّهُ . (٣)

الكافي عن سماعه بن مهران : سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «سَنَسِيئَتِهِمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» (٤) ؟ قَالَ : هُوَ الْعَبْدُ يُذِنُ الذَّنْبَ فَتَجِدُ لَهُ النُّعْمَةَ مَعَهُ ، تَلْهِيهِ تِلْكَ النُّعْمَةُ عَنِ الْإِسْتِغْفَارِ مِنْ ذَلِكَ الذَّنْبِ . (٥)

١- النمل : ٤٦ .

٢- في المصدر : «لا يتب» في كلا الموضعين ، والصواب ما أثبتناه كما في كثر العمال .

٣- الفردوس : ج ٣ ص ٦٢٩ ح ٥٩٦٧ عن عمر بن الخطّاب ، كثر العمّال : ج ٤ ص ٢٢٧ ح ١٠٢٨٤ نقلاً عن أبي الشيخ عن جرير .

٤- الأعراف : ١٨٢ . ونستدرجهم معناه : نأخذهم درجةً فدرجةً ، وذلك إدناؤهم من الشيء شيئاً فشيئاً ، كالمراقى والمنازل في ارتقائها ونزولها ، عبارته عن إغفالهم (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٣١٠ «درج»).

٥- الكافي : ج ٢ ص ٤٥٢ ح ٣ و ٢ ، مشكاة الأنوار : ص ٥٧٩ ح ١٩٢٧ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٢١٨ ح ١١ وراجع مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٩٠ ح ٢٢٥٤ ومجمع البيان : ج ١٠ ص ٥١٠ .

۲ / ۴ بر حذر داشتن از ترک آموزش خواهی

۲ / ۴ بر حذر داشتن از ترک آموزش خواهیقرآن گفت: «ای مردم! چرا پیش از نیکی به بدی می شتابید؟ چرا از خدا، آموزش نمی خواهید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید؟» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که از خدا آموزش نخواهد، خدا او را نمی آموزد، و کسی که به درگاه خدا بازنگردد، خدا هم به سوی او باز نمی گردد، و کسی که رحم نکند، خدا هم به او رحم نمی کند.

الکافی به نقل از سماعه بن مهران: از حضرت صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم: «به زودی، آنان را از جایی که نمی دانند، تدریجاً غافلگیر می کنیم»؟ فرمود: «بنده، گناه می کند و با آن گناه، نعمتی تازه به او داده می شود و آن نعمت، او را از طلب آموزش برای آن گناه، غافل می سازد» .

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَأَذَنَبَ ذَنْبًا أُتْبِعَهُ بِتَقْمِهِ ، وَيَذَكَّرُهُ الْإِسْتِغْفَارَ ، وَإِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ شَرًّا فَأَذَنَبَ ذَنْبًا أُتْبِعَهُ بِنِعْمِهِ لِئِنْسِيئِهِ الْإِسْتِغْفَارَ ، وَيَتِمَادَى بِهَا ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «سَنَسِيئَتِهِمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» بِالنَّعْمِ عِنْدَ الْمَعَاصِي .
(١)

عنه عليه السلام: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ : «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِدُنُوبِهِمْ» (٢) صَعِدَ إِبْلِيسُ جَبَلًا بِمَكَّةَ يُقَالُ لَهُ : ثَوْرٌ ، فَصَرَخَ بِأَعْلَى صَوْتِهِ بِعَفَارِيَّتِهِ ، فَاجْتَمَعُوا إِلَيْهِ ، فَقَالُوا : يَا سَيِّدَنَا لِمَ دَعَوْتَنَا ؟ قَالَ : نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ ، فَمَنْ لَهَا ؟ فَقَامَ عَفْرِيْتُ مِنَ الشَّيَاطِينِ فَقَالَ : أَنَا لَهَا بِكَذَا وَكَذَا ، قَالَ : لَسْتَ لَهَا ، فَقَامَ آخَرُ فَقَالَ : مِثْلَ ذَلِكَ ، فَقَالَ : لَسْتَ لَهَا ، فَقَالَ الْوَسْوَاسُ الْخَنَاسُ : أَنَا لَهَا ، قَالَ : بِمَاذَا ؟ قَالَ : أَعَدُّهُمْ وَأَمْنِيهِمْ حَتَّى يُوَاقِعُوا الْخَطِيئَةَ ، فَإِذَا وَاقَعُوا الْخَطِيئَةَ أَنْسَيْتُهُمُ الْإِسْتِغْفَارَ ، فَقَالَ : أَنْتَ لَهَا ، فَوَكَّلَهُ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . (٣)

حياه الحيوان عن وهيب بن الورد: بَلَّغْنَا أَنَّ إِبْلِيسَ تَمَثَّلَ لِحَيِّى بِنِ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ : أَنْصَحُكَ ؟ فَقَالَ لَهُ : لَا أُرِيدُ ذَلِكَ ، وَلَكِنْ أَخْبَرَنِي عَنْ بَنِي آدَمَ ، فَقَالَ : هُمْ عِنْدَنَا ثَلَاثَةٌ أَصْنَافٍ : صِنْفٌ مِنْهُمْ هُمْ أَشَدُّ الْأَصْنَافِ عِنْدَنَا ، نُقْبِلُ عَلَى أَحَدِهِمْ حَتَّى نَفْتِنَهُ فِي دِينِهِ وَتَتَمَكَّنَ مِنْهُ ، فَيَفْرَعُ إِلَى الْإِسْتِغْفَارِ وَالتَّوْبَةِ فَيُفْسِدُ عَلَيْنَا كُلَّ شَيْءٍ نُصِيبُهُ مِنْهُ ، ثُمَّ نَعُودُ إِلَيْهِ فَيَعُودُ ، فَلَا نَحْنُ نِيَّاسٌ مِنْهُ ، وَلَا نَحْنُ نُدْرِكُ مِنْهُ حَاجَتَنَا ، فَنَحْنُ مَعَهُ فِي عَنَاءٍ . وَصِنْفٌ مِنْهُمْ فِي أَيْدِي صَيَّانِكُمْ نَتَلَقُّهُمْ كَيْفَ شِئْنَا ، قَدْ كَفَوْنَا مُؤْنَةَ (٤) أَنْفُسِهِمْ . وَصِنْفٌ مِنْهُمْ مِثْلُكَ مَعْصُومُونَ لَا نَقْدِرُ مِنْهُمْ عَلَى شَيْءٍ . (٥)

- ١- الكافي : ج ٢ ص ٤٥٢ ح ١ ، علل الشرائع : ص ٥٦١ ح ١ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٦٠ كلُّها عن سفيان بن السمط ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٣٨٧ ح ١ .
- ٢- آل عمران : ١٣٥ .
- ٣- الأمالي للصدوق : ص ٥٥١ ح ٧٣٦ عن فطر بن خليفة ، روضه الواعظين : ص ٥٢٦ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٣٥١ ح ٤٨ .
- ٤- اختلف في «المونيه» تُهْمَزُ وَلَا تُهْمَزُ ؛ مِنَ الْأَيْنِ وَهُوَ التَّعَبُ وَالشَّدَّةُ (تاج العروس : ج ١٨ ص ٥٢٢ «مأن»).
- ٥- حياه الحيوان الكبرى : ج ١ ص ٢٦٥ ؛ بحار الأنوار : ج ٦٣ ص ٢٦٥ ح ١٥٠ .

امام صادق علیه السلام: خداوند، هر گاه خیر بنده ای را بخواهد و او گناهی کند، در پی آن، کیفرش می دهد و آمرزش خواهی را به یادش می آورد، و هر گاه شرّ بنده ای را بخواهد و او گناهی کند، در پی آن، به او نعمتی می دهد تا آمرزش خواهی را از یادش برد و به آن حال، ادامه دهد. این است معنای این سخن خداوند عز و جل: «به زودی آنان را از جایی که نمی دانند، تدریجاً غافلگیر می کنیم»؛ یعنی با نعمت دادن در هنگام ارتکاب گناهان.

امام صادق علیه السلام: چون این آیه: «و کسانی که هر گاه کار زشت کنند یا به خود ستم ورزند، خدا را یاد می کنند و برای گناهانشان، آمرزش می طلبند»، فرود آمد، ابلیس بر فراز کوهی در مکه به نام ثور رفت و با فریاد هر چه بلندتر، عفریت های خویش را صدا زد و آنان، همگی جمع شدند و گفتند: سَـرور! برای چه ما را فرا خوانده ای؟ ابلیس گفت: این آیه فرود آمده است. کیست که از پس آن برآید؟ عفریتی از شیاطین گفت: من، در برابر آن، چنین و چنان می کنم. ابلیس گفت: تو از پس آن بر نمی آیی. دیگری برخاست و همانند آن گفت. ابلیس گفت: تو هم از عهده اش بر نمی آیی. وسوسه گر خناس گفت: من، از پس آن بر می آیم. ابلیس گفت: چگونه؟ گفت: به آنان وعده [ی توبه] می دهم و امیدوارشان می کنم تا آن که مرتکب گناه شوند و چون در گناه افتادند، آمرزش خواهی را از یادشان می برم. ابلیس گفت: تو از عهده آن، بر می آیی. آن گاه، او را تا روز قیامت، بر این کار گماشت.

حیاه الحیوان به نقل از وهیب بن ورد: آورده اند که ابلیس، در برابر یحیی بن زکریا علیه السلام مجسم شد و گفت: می خواهی به تو پندی دهم؟ یحیی علیه السلام به او گفت: «نمی خواهم؛ اما مرا از فرزندان آدم، خبر ده». ابلیس گفت: آنان، از نظر ما سه دسته اند: دسته ای از آنان، در نظر ما سرسخت ترین اند. به سراغ یکی از آنان می رویم تا او را از دینش گم راه سازیم و بر او مسلط شویم؛ ولی او به آمرزش خواهی و توبه، پناه می برد و هر چه در باره او رفته ام، پنبه می کند. بار دیگر به سراغش می رویم و او، باز چنین می کند. نه از او نومید می شویم و نه در باره اش به هدف خود می رسیم. پس از او در زحمتیم. دسته ای دیگر از آنان، چونان گویی که در دست کودکان است، در دستان ما هستند و هر گونه که بخواهیم، آنها را می چرخانیم. اینان، برای ما زحمتی ندارند. و دسته ای دیگر از ایشان، معصوم اند و هیچ کاری با آنان نمی توانیم بکنیم.

الفصل الثالث : خصائص الاستغفار ٣ / ١ خَيْرُ الْعِبَادِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : خَيْرُ الْعِبَادَةِ الْإِسْتِغْفَارُ ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ : «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ» (١) . (٢)

٣ / ٢ خَيْرُ الدُّعَاءِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : خَيْرُ الدُّعَاءِ الْإِسْتِغْفَارُ وَخَيْرُ الْعِبَادَةِ قَوْلُ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» . (٣)

١- . محمد : ١٩ .

٢- . الكافي : ج ٢ ص ٥١٧ ح ٢ ، المحاسن : ج ١ ص ٩٨ ح ٦٧ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٩١ ح ٢٢٥٧ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، عدّه الداعى : ص ٢٥٠ وفيهما بزياده «وقول لا إله إلا الله» بعد «الاستغفار» ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٠١ ح ٣٥ .

٣- . الجعفریات : ص ٢٢٨ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الكافي : ج ٢ ص ٥٠٤ ح ١ عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وليس فيه ذيله ؛ الفردوس : ج ٢ ص ١٧٩ ح ٢٨٩٧ ، كتر العمال : ج ١ ص ٤٧٨ ح ٢٠٨٥ نقلاً عن الحاكم فى تاريخه وكلاهما عن الإمام على عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله .

فصل سوم: ویژگی های آموزش خواهی

۱ / ۳ بهترین پرستش

۲ / ۳ بهترین نیایش

فصل سوم: ویژگی های آموزش خواهی ۳ / ۱ بهترین پرستش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین پرستش، آموزش خواهی است؛ زیرا این ، سخن خداوند عز و جل در کتابش است که فرموده: «بدان که معبودی جز خدا نیست و برای گناهت ، آموزش بخواه» .

۳ / ۲ بهترین نیایش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین نیایش، آموزش خواهی است، و بهترین پرستش ، گفتن: «لا إله إلا الله ؛ معبودی جز خدا نیست» .

المحاسن عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ قَوْلُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، وَخَيْرُ الدُّعَاءِ الْإِسْتِغْفَارُ. ثُمَّ تَلَمَّا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ». (١)

الدعوات: قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا مِنْ الذِّكْرِ شَيْءٍ أَفْضَلُ مِنْ قَوْلِ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، وَمَا مِنْ الدُّعَاءِ شَيْءٍ أَفْضَلُ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ. ثُمَّ تَلَا: «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ». (٢)

٣ / ٣ أجمع الدعاء الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ مِنْ أَجْمَعِ الدُّعَاءِ الْإِسْتِغْفَارَ. (٣)

٣ / ٤ أفضل التوسل للإمام علي عليه السلام: أفضل التوسل للإستغفار. (٤)

عنه عليه السلام: نِعَمَ الْوَسِيلَةَ الْإِسْتِغْفَارُ. (٥)

- ١- المحاسن: ج ١ ص ٤٥٣ ح ١٠٤٥، جامع الأخبار: ص ١٣٤ ح ٢٧٣ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٢ ح ٢٣؛ الفردوس: ج ١ ص ٣٥٢ ح ١٤١٢ عن ابن عمر وليس فيه ذيله، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٥ ح ١٧٦٠.
- ٢- الدعوات: ص ٢٠ ح ١٧، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٠٤ ح ٤٢؛ كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٣ ح ١٨١٦ نقلاً عن المعجم الكبير عن ابن عمرو وليس فيه ذيله.
- ٣- بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٣ ح ٣٠ وج ٩٥ ص ١٦٣ ح ١٧ كلاهما نقلاً عن الدعوات: ص ٤٩ ح ١١٩ وفيهما «إِنَّ مِنْ أَجْمَعِ الدُّعَاءِ أَنْ يَقُولَ الْعَبْدُ الْإِسْتِغْفَارَ».
- ٤- غرر الحكم: ح ٢٨٨٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ١١١ ح ٢٤٠٦.
- ٥- غرر الحكم: ح ٩٩٣٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٩٣ ح ٩٠٩٢.

۳ / ۳ جامع ترین نیایش

۳ / ۴ برترین توسل

المحاسن به نقل از سکونی ، از امام صادق علیه السلام ، از پدران بزرگوارش علیهم السلام : پیامبر خدا فرمود: «برترین پرستش ، گفتن «معبودی جز خدا نیست . نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» است، و بهترین نیایش ، آمرزش خواهی است» . پیامبر صلی الله علیه و آله سپس این آیه را تلاوت فرمود: «بدان که معبودی جز خدا نیست ، و برای گناهت ، آمرزش بخواه» .

الدعوات : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ ذکری ، برتر از گفتن «معبودی جز خدا نیست» نباشد ، و هیچ دعایی ، برتر از آمرزش خواهی نیست» . سپس این آیه را تلاوت کرد: «بدان که معبودی جز خدا نیست ، و برای گناهت ، آمرزش بخواه» .

۳ / ۳ جامع ترین نیایش امام صادق صلی الله علیه و آله : یکی از جامع ترین نیایش ها، آمرزش خواهی است.

۳ / ۴ برترین توسل امام علی علیه السلام : برترین توسل، آمرزش خواهی است.

امام علی علیه السلام : خوب و سیله ای [برای شفاعت نزد خدا] است آمرزش خواهی!

٣ / ٥ سلاح المذبذباالإمام على عليه السلام: سلاح المذبذباالإستغفار. (١)

٣ / ٦ شفيع المذبذباالإمام على عليه السلام: لا شفيع أنجح من الإستغفار. (٢)

١- غرر الحكم: ح ٥٥٦٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٤ ح ٥١٢٦.

٢- غرر الحكم: ح ١٠٦٥٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٣٧ ح ٩٩٠٤.

۳ / ۵ حربه گنهکار

۳ / ۶ میانجی گنهکار

۳ / ۵ حربه گنهکار امام علی علیه السلام: حربه گنهکار، آموزش خواهی است.

۳ / ۶ میانجی گنهکار امام علی علیه السلام: هیچ میانجی ای مؤثرتر از آموزش خواهی نیست.

الفصل الرابع: بركات الاستغفار ٤ / اغفران الله الكتاب «وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا» .

(١)

«وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ لَا يَكُنْ عَلَيْهِمْ إِسْرٌ وَمَنْ يَفْعَلْ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ» . (٢)

«وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» . (٣)

«وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» . (٤)

«فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا» . (٥)

«أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» . (٦)

١- النساء: ١١٠ .

٢- آل عمران: ١٣٥ .

٣- النساء: ١٠٦ .

٤- البقره: ١٩٩ ، المزمل: ٢٠ .

٥- نوح: ١٠ .

٦- المائده: ٧٤ .

فصل چهارم: برکت های آموزش خواهی

۴ / ۱ آموزش خدا

فصل چهارم: برکت های آموزش خواهی ۴ / ۱ آموزش خداقرآن «و هر کس کار بدی کند یا بر خویشتن ستم ورزد ، سپس از خدا آموزش بخواهد ، خدای را آموزش گاری مهربان می یابد» .

«و کسانی که هر گاه فحشایی کنند یا بر خویش ستم ورزند ، خدای را به یاد می آورند و از گناهانشان آموزش می طلبند و جز خدا ، کیست که گناهان را بیامزد؟ و بر آنچه کرده اند ، آگاهانه اصرار نمی ورزند» .

«و از خدا آموزش بخواه ، که خدا ، همواره آموزش گاری مهربان بوده است» .

«و از خدا آموزش بخواهید ، که خدا ، آموزش گاری مهربان است» .

«پس گفتم: «از پروردگارتان آموزش بخواهید ، که او آموزنده مهربان است»» .

«پس چرا به درگاه خدا توبه نمی بریم و از او آموزش نمی خواهیم، در حالی که خدا ، آموزش گاری مهربان است؟» .

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ اسْتَغْفَرَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ عز و جل: يَا بَنَ آدَمَ ، إِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ عَلَى مَا كَانَ فِيكَ وَلَا أُبَالِي ، يَا بَنَ آدَمَ ، لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ ، وَلَا أُبَالِي . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الشَّيْطَانَ قَالَ: وَعِزَّتِكَ يَا رَبِّ ، لَا أَبْرُحُ أُغْوِي عِبَادَكَ مَا دَامَتْ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ . قَالَ الرَّبُّ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي ، لَا أزالُ أُغْفِرُ لَهُمْ مَا اسْتَغْفَرُونِي . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: يَا عِبَادِي ... كُلُّكُمْ مُذْنِبٌ إِلَّا مَنْ عَافَيْتُ ، فَمَنْ عَلِمَ مِنْكُمْ أَنِّي ذُو قُدْرَةٍ عَلَى الْمَغْفِرَةِ فَاسْتَغْفِرْنِي ، غَفَرْتُ لَهُ وَلَا أُبَالِي . (٤)

صحيح مسلم: عَنِ أَبِي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيمَا رَوَى عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنَّهُ قَالَ: ... يَا عِبَادِي! إِنَّكُمْ تُخْطِئُونَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، وَأَنَا أُغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا ، فَاسْتَغْفِرُونِي أُغْفِرْ لَكُمْ . (٥)

١- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥١٣ ح ٣٤٧٠ ، السنن الكبرى للنسائى: ج ٦ ص ٤٨ ح ٩٩٨٧ و ٩٩٨٨ ، السنن الكبرى: ج ٨ ص ٥٧٧ ح ١٧٦١٨ كلها عن ابن عمر ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٣ ح ٢٠١٤ ؛ معانى الأخبار: ص ٤١١ ح ٩٨ عن أنس ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٨ ح ٧ .

٢- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٤٨ ح ٣٥٤٠ عن أنس ، المعجم الكبير: ج ١٢ ص ١٦ ح ١٢٣٤٦ ، حليه الأولياء: ج ٤ ص ٣٠١ كلاهما عن ابن عباس نحوه ، كنز العمال: ج ٣ ص ١٤٦ ح ٥٩٠٢ .

٣- مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٥٨ ح ١١٢٣٧ ، المستدرک على الصحيحين: ج ٤ ص ٢٩٠ ح ٧٦٧٢ ، تفسير ابن كثير: ج ٣ ص ٥٩٠ ، تفسير القرطبي: ج ١٠ ص ٢٧ نحوه وكلها عن أبي سعيد الخدرى ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٧٦ ح ٢٠٧٢ .

٤- سنن الترمذى: ج ٤ ص ٦٥٦ ح ٢٤٩٥ ، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٤٢٢ ح ٤٢٥٧ ، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ١٢٨ ح ٢١٥٩٦ ، تاريخ دمشق: ج ٣٦ ص ٤٨١ ح ٧٤١١ كلها عن أبي ذر نحوه ، كنز العمال: ج ١٥ ص ٩٢٥ ح ٤٣٥٩١ .

٥- صحيح مسلم: ج ٤ ص ١٩٩٤ ح ٥٥ ، تهذيب الكمال: ج ١٦ ص ٣٧٨ ، تفسير القرطبي: ج ٤ ص ٢٨٥ كلها عن أبي ذر ، كنز العمال: ج ١٥ ص ٩٢٤ ح ٤٣٥٩٠ .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس آمرزش بخواهد، خدا او را می آمرزد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل فرمود: «ای پسر آدم! تا آن گاه که مرا بخوانی و به من ، امیدوار باشی ، با وجود همه گناهایی که داشته ای، تو را می آمرزم و باکی ندارم. ای پسر آدم! اگر گناهانت سر به آسمان بزنند، سپس از من آمرزش بخواهی ، تو را می آمرزم و باکی ندارم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان گفت: به عزّت سوگند ای پروردگار که بندگانت را تا جان در بدن دارند ، گم راه می کنم! پروردگار فرمود: «به عزّت و جلالم سوگند که من هم تا هر زمان از من آمرزش خواهند ، آنان را می آمرزم!» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال می فرماید: «بندگان من!... همه شما گناهکارید ، مگر کسی که من از گناه به سلامتت دارم. پس هر یک از شما بدانند که من ، بر آمرزیدن توانایم و از من ، آمرزش بخواهد، باک ندارم و او را می آمرزم» .

صحیح مسلم به نقل از ابوذر: پیامبر صلی الله علیه و آله از خداوند تبارک و تعالی روایت کرده که فرمود: «... ای بندگان من! شما شب و روز ، گناه می کنید، و من [کسی هستم که] همه گناهان را می آمرزم. پس، از من آمرزش بخواهید تا شما را بیامرزم» .

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْعَبْدَ لَيَقُولُ: يَا رَبِّ اغْفِرْ لِي وَقَدْ أَذْنَبْتُ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ، إِنَّهُ لَيْسَ لِدَلِكِ بِأَهْلٍ! قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: لِكِنِّي أَهْلٌ أَنْ أُغْفِرَ لَهُ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله لِعَلِّيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ يَعْجَبُ مِنْ عَبْدِهِ إِذَا قَالَ: «رَبِّ اغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» يَقُولُ: يَا مَلَائِكَتِي، عَبْدِي هَذَا قَدْ عَلِمَ أَنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ غَيْرِي، إِشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أُعْطِيَ الْإِسْتِغْفَارَ أُعْطِيَ الْمَغْفِرَةَ؛ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا». (٣)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ أَصَابَ الْمَغْفِرَةَ. (٤)

٤ / ٢ عَيْدَمُ كِتَابِهِ السِّيَّئَاتِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ صَاحِبَ الشُّمَالِ لَيَرْفَعُ الْقَلَمَ سِتِّ سَاعَاتٍ عَنِ الْعَبْدِ الْمُسْلِمِ الْمُخْطِئِ أَوْ الْمُسِيءِ، فَإِنْ نَدِمَ وَاسْتَغْفَرَ اللَّهَ مِنْهَا أَلْقَاهَا، وَإِلَّا كُتِبَتْ وَاحِدَةً. (٥)

- ١- نوادر الأصول: ج ٢ ص ٢٠٠، كنز العمال: ج ١ ص ٤٨٠ ح ٢٠٩٧.
- ٢- تحف العقول: ص ١٣، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٦٧ ح ٦.
- ٣- المعجم الأوسط: ج ٧ ص ١١٨ ح ٧٠٢٣، المعجم الصغير: ج ٢ ص ٩٢، تاريخ بغداد: ج ١ ص ٢٤٨، شعب الإيمان: ج ٤ ص ١٢٦ ح ٤٥٢٩، كلُّها عن ابن مسعود، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٧٤ ح ٤٣٤٧٣.
- ٤- غرر الحكم: ح ٨٣٧٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٨ ح ٧٩٢٤.
- ٥- المعجم الكبير: ج ٨ ص ١٨٥ ح ٧٧٦٥ عن أبي أمامه، كنز العمال: ج ٤ ص ٢١٠ ح ١٠١٩٢؛ مجمع البيان: ج ٩ ص ٢١٦ عن أبي أمامه، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٣٢١.

۴ / ۲ نوشتن گناهان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده گنهکار می گوید: پروردگارا! مرا بیامرز. فرشتگان می گویند: پروردگارا! او سزاوار این کار نیست. خدای متعال می فرماید: «اما من، سزاوار آن هستم که او را بیامرزم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام: ای علی! خدا از بنده ای که بگوید: پروردگارا! مرا بیامرز؛ زیرا گناهان را جز تو کسی نمی آمرزد، خوشش می آید و می فرماید: ای فرشتگان من! این بنده ام دانست که جز من، کسی گناهان را نمی آمرزد. گواه باشید که من هم او را آمرزیدم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به هر کس آمرزش خواهی داده شود، آمرزش عطا شود؛ زیرا خداوند می فرماید: «از پروردگارتان، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است».

امام علی علیه السلام: هر کس از خدا آمرزش طلبد، به آمرزش می رسد.

۴ / ۲ نوشتن گناهان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرشته دست چپ، تا شش ساعت از نوشتن گناه بنده مسلمان خطا کار یا بدکار، خودداری می کند. اگر [در این مدت] پشیمان شد و از خدا آمرزش خواست، آن [گناه] را دور می افکند؛ و گرنه، یک گناه برایش نوشته می شود.

عنه صلى الله عليه و آله :المَلَكُ الَّذِي عَلَى الْيَمِينِ أَمِيرٌ عَلَى الْمَلَكِ الَّذِي عَلَى الشَّمَالِ ، فَإِذَا عَمِلَ حَسَنَةً قَالَ لِصَاحِبِ الشَّمَالِ :
أَكْتَبَهَا ، وَإِذَا عَمِلَ سَيِّئَةً ، قَالَ لَهُ : دَعَهَا لَا تَكْتُبَهَا سَبْعَ سَاعَاتٍ ، لَعَلَّهُ يَسْتَغْفِرُ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله فى تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى : «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» (٢) : صَاحِبُ الْيَمِينِ أَمِيرٌ عَلَى صَاحِبِ
الشَّمَالِ ، فَإِذَا عَمِلَ حَسَنَةً كَتَبَهَا لَهُ صَاحِبُ الْيَمِينِ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا ، وَإِذَا عَمِلَ سَيِّئَةً فَأَرَادَ صَاحِبُ الشَّمَالِ أَنْ يَكْتُبَهَا ، قَالَ لَهُ صَاحِبُ
الْيَمِينِ : أَمْسِكْ ، فَيَمْسِكُ عَنْهُ سَبْعَ سَاعَاتٍ ؛ فَإِنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهَا ، لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ شَيْءٌ ، وَإِنْ لَمْ يَسْتَغْفِرِ اللَّهُ كُتِبَ لَهُ سَيِّئَةٌ وَاحِدَةٌ
(٣) .

الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً أُجِّلَ فِيهَا سَبْعَ سَاعَاتٍ مِنَ النَّهَارِ ، فَإِنْ قَالَ : «اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ . (٤)

عنه عليه السلام : إِنْ الْعَبْدُ إِذَا أَذْنَبَ ذَنْبًا أُجِّلَ مِنْ عُذْوِهِ إِلَى اللَّيْلِ ، فَإِنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ . (٥)

عنه عليه السلام : إِذَا هَمَّ الْعَبْدُ بِحَسَنَةٍ كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ ، فَإِذَا عَمَلَهَا كُتِبَتْ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ ، وَإِذَا هَمَّ بِسَيِّئَةٍ لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ ، فَإِذَا
عَمَلَهَا أُجِّلَ تِسْعَ (٦) سَاعَاتٍ ، فَإِنْ نَدِمَ عَلَيْهَا وَاسْتَغْفَرَ وَتَابَ لَمْ تُكْتَبْ (٧) عَلَيْهِ ، وَإِنْ لَمْ يَنْدَمْ وَلَمْ يَتُبْ مِنْهَا كُتِبَتْ عَلَيْهِ سَيِّئَةٌ
وَاحِدَةٌ . (٨)

١- الزهد لهناد : ج ٢ ص ٤٦٢ ح ٩٢٠ عن أبي أمامه ، كنز العمال : ج ٤ ص ٢٢٨ ح ١٠٢٩٢ .

٢- بق : ١٨ .

٣- مجمع البيان : ج ٩ ص ٢١٦ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٣٢١ ؛ المعجم الكبير : ج ٨ ص ٢٤٧ ح ٧٩٧١ عن أبي أمامه نحوه ،
كنز العمال : ج ٤ ص ٢١٤ ح ١٠٢١٢ .

٤- الكافي : ج ٢ ص ٤٣٨ ح ٥ و ص ٤٣٧ ح ٢ ، الزهد للحسين بن سعيد : ص ٧١ ح ١٩٠ وليس فيهما «وأتوب إليه» وكلها عن
أبي بصير ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٣٨ ح ٦٥ .

٥- الكافي : ج ٢ ص ٤٣٧ ح ١ عن زراره ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٩١ ح ٢٢٥٥ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٤١ ح ٧٦ .

٦- الظاهر أنه تصحيف «سبع» .

٧- فى المصدر : «يُكْتَبُ» ، والتصويب من بحار الأنوار .

٨- الخصال : ص ٤١٨ ح ١١ عن سليمان بن مهران ، بحار الأنوار : ج ٧ ص ٢٤٦ ح ٢ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرشته دست راست، فرمانده فرشته دست چپ است. هر گاه شخص، کار نیکی انجام دهد، او به فرشته دست چپ می گوید: «آن را بنویس»، و هر گاه کار بدی انجام دهد، به او (فرشته دست چپ) می گوید: «دست نگه دار و آن را تا هفت ساعت ننویس. شاید آمرزش بخواهد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در تفسیر سخن خداوند متعال: «هیچ سخنی بر زبان نمی آورد، جز آن که نزد او، نگاهبانی آماده است»: فرشته دست راست، فرمانده فرشته دست چپ است. هر گاه شخص کار نیکی انجام دهد، فرشته دست راست، آن را ده برابر می نویسد، و هر گاه کار بدی کند و فرشته دست چپ بخواهد آن را بنویسد، فرشته دست راست به او می گوید: «دست نگه دار»، و او تا هفت ساعت، دست نگه می دارد. اگر در این مدّت از خدا آمرزش خواست، چیزی برای او نمی نویسد، و اگر از خدا آمرزش نخواست، تنها یک گناه برایش می نویسد.

امام صادق علیه السلام: هر کس گناهی کند، هفت ساعت از روز به او مهلت داده شود. اگر [در این مدّت] سه بار گفت: «از خدایی که معبودی جز او زنده جاویدان نیست، آمرزش می خواهم و به درگاهش توبه می برم»، آن گناه برایش نوشته نمی شود.

امام صادق علیه السلام: هر گاه بنده، آهنگ کار نیکی کند، برایش یک کار نیک نوشته می شود، و هر گاه آن را انجام دهد، ده کار نیک برایش نوشته شود. و هر گاه [بنده] آهنگ گناه کند، برایش نوشته نمی شود و چون آن را انجام داد تا نه (۱) ساعت به او مهلت داده می شود. اگر از آن پشیمان شد و آمرزش خواست و توبه کرد، برایش نوشته نمی شود، و اگر پشیمان نشد و از آن توبه نکرد، فقط یک گناه برایش نوشته می شود.

امام صادق علیه السلام: هر گاه بنده ای قصد انجام دادن کار نیکی (حَسَنَه ای) را داشته باشد، آن کار نیک، برایش ثبت می شود، و اگر آن را انجام دهد، ده کار نیک برایش ثبت می شود؛ اما اگر قصد انجام دادن گناهی را داشته باشد، هیچ چیزی برایش ثبت نمی شود، و اگر آن را انجام دهد، نه ساعت به او فرصت داده می شود. اگر پشیمان شد و درخواست آمرزش کرد و توبه نمود، برایش ثبت نمی شود، و اگر پشیمان نشد و توبه نمود، برایش جز یک گناه، ثبت نمی شود.

۱- «تسع» که در متن حدیث آمده، ظاهراً تصحیف «سبع (هفت)» است.

الكافي عن حفص: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُذْنِبُ ذَنْبًا إِلَّا أُجِلَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ سَاعَاتٍ مِنَ النَّهَارِ، فَإِنْ هُوَ تَابَ لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَإِنْ هُوَ لَمْ يَفْعَلْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَيِّئَةً. فَأَتَاهُ عَبَادُ الْبَصْرِيِّ فَقَالَ لَهُ: بَلَّغْنَا أَنَّكَ قُلْتَ: مَا مِنْ عَبْدٍ يُذْنِبُ ذَنْبًا إِلَّا أُجِلَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ سَاعَاتٍ مِنَ النَّهَارِ. فَقَالَ: لَيْسَ هَكَذَا قُلْتُ، وَلَكِنِّي قُلْتُ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ، وَكَذَلِكَ كَانَ قَوْلِي (١).

٤ / ٣ تمحيصُ الذُّنُوبِ رسولُ الله صلى الله عليه وآله: الاستِغْفَارُ مَمْحَاةٌ لِلذُّنُوبِ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكَ بِالِاسْتِغْفَارِ فَإِنَّهَا مَمْحَاةٌ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ، وَدَوَاءُ الذُّنُوبِ الْإِسْتِغْفَارُ. (٤)

-
- ١- الكافي: ج ٢ ص ٤٣٩ ح ٩، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٦٩ ح ١٨٥، قرب الإسناد: ص ٢ ح ٤ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٦ ص ٣٨ ح ٦٣.
 - ٢- تفسير القرطبي: ج ١٨ ص ٣٠١، الفردوس: ج ١ ص ١٢٤ ح ٤٢٨ كلاهما عن حذيفة بن اليمان، كنز العمال: ج ١ ص ٤٧٦ ح ٢٠٧١؛ المجازات النبوية: ص ٢٣٢ ح ١٨٨ وفيه «مهدمه» بدل «ممحاه».
 - ٣- جامع الأحاديث للقمي: ص ٨٦، الجعفریات: ص ١٨٦، النوادر للراوندي: ص ٩٢ ح ٢٩ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الدعوات: ص ٢٢٧ ح ٦٢٩ وفيها «المنجاه» بدل «ممحاه»، بحار الأنوار: ج ٦ ص ٤٠٣ ح ١٠٥.
 - ٤- ثواب الأعمال: ص ١٩٧ ح ١ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الكافي: ج ٢ ص ٤٣٩ ح ٨، الجعفریات: ص ٢٢٨ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٧٩ ح ١١؛ الفردوس: ج ٣ ص ٣٣٦ ح ٥٠١١ عن جابر، كنز العمال: ج ١ ص ٤٧٩ ح ٢٠٨٩.

۴ / ۳ پاک کردن گناهان

الکافی به نقل از حفص: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: «هیچ مؤمنی نیست که گناهی کند، مگر آن که خداوند عز و جل هفت ساعت از روز را به او مهلت می دهد. اگر توبه کرد، چیزی برایش نوشته نمی شود، و اگر نکرد، خداوند یک گناه برایش می نویسد». عباد بصری، نزد امام علیه السلام آمد و گفت: شنیده ایم که شما گفته ای: «هیچ بنده ای نیست که گناهی کند، مگر آن که خداوند عز و جل هفت ساعت از روز را به او مهلت می دهد؟». فرمود: «من چنین نگفته ام؛ بلکه گفته ام: هیچ مؤمنی نیست. سخن من، این گونه بود».

۴ / ۳ پاک کردن گناهان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آمرزش خواهی، پاک کننده گناهان است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر تو باد آمرزش خواهی، که آن پاک کننده است!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر دردی درمانی دارد و درمان گناهان، آمرزش خواهی است.

عنه صلى الله عليه و آله :أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ دَائِكُمْ وَدَوَائِكُمْ ، أَلَا إِنَّ دَاءَكُمْ الذُّنُوبُ ، وَدَوَاءَكُمْ الْإِسْتِغْفَارُ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :لَا تَنْسِيَنَّ الْإِسْتِغْفَارَ فِي صَلَاتِكَ ؛ فَإِنَّهَا مَمْحَاءٌ لِلْخَطَايَا بِرَحْمَةِ اللَّهِ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ ظَلَمَ أَحَدًا فَفَاتَهُ ، فَلْيَسْتَغْفِرِ اللَّهَ لَهُ فَإِنَّهُ كَفَّارَةٌ لَهُ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله :مَا كَبِيرَةٌ بِكَبِيرِهِ مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ ، وَلَا صَغِيرَةٌ بِصَغِيرِهِ مَعَ الْإِصْرَارِ . (٤)

الإمام الباقر عليه السلام :كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْإِسْتِغْفَارُ لَكُمْ حِصْنَيْنِ حَصِينَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ ، فَمَضَى أَكْبَرُ الْحِصْنَيْنِ وَيَقَى الْإِسْتِغْفَارُ ، فَأَكْثَرُوا مِنْهُ ؛ فَإِنَّهُ مَمْحَاءٌ لِلذُّنُوبِ ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (٥) . (٤)

الإمام عليّ عليه السلام :الْإِسْتِغْفَارُ دَوَاءُ الذُّنُوبِ . (٧)

١- .شعب الإيمان : ج ٥ ص ٤٢٨ ح ٧١٤٧ ، الفردوس : ج ١ ص ١٣٦ ح ٤٧٨ كلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٧٩ ح ٢٠٩٢ ، جامع الأخبار : ص ١٤٨ ح ٣٣٦ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٨٢ ح ٢٣ .

٢- .الأمالى للطوسى : ص ٣٤٦ ح ٧١٤ عن أبى المنذر الجهنى ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ٢٠٠ ح ١١ و ج ٨٦ ص ٢٥٠ ح ١٤ .

٣- .الكافى : ج ٢ ص ٣٣٤ ح ٢٠ عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص ٣٢٣ ح ١٥ عن السكونى ، الاختصاص : ص ٢٣٥ كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ٣١٣ ح ٢٧ .

٤- .تاريخ دمشق : ج ٦ ص ٣٩٤ ح ١٥٦٧ عن عائشه ، مسند الشهاب : ج ٢ ص ٢٠٤ ح ٧٥٢ عن أبى هريره ، كنز العمال : ج ٤ ص ٢١٧ ح ١٠٢٣٢ .

٥- .الأنفال : ٣٣ .

٦- .بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٧٩ ح ١٣ نقلاً عن ثواب الأعمال : ص ١٩٧ ح ٣ وفيه : «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : مَقَامِي فِيكُمْ وَالْإِسْتِغْفَارُ لَكُمْ حِصْنٌ حَصِينٌ مِنَ الْعَذَابِ . . .» وما اخترناه من نسخه بحار الأنوار هو الصواب ، تفسير العياشى : ج ٢ ص ٥٤ ح ٤٤ وفيه «منجاه» بدل «ممحاه» وكلاهما عن عبد الله بن محمّد الجعفى .

٧- .غرر الحكم : ح ٩١٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣١ ح ٥٢١ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آیا شما را به دردتان و درمانتان، راه نمایی نکنم؟ بدانید که درد شما، گناهان است و درمانتان، آمرزش خواهی.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آمرزش خواهی در نمازت را هیچ گاه از یاد مبر؛ زیرا که آن، به لطف خداوند، خطاها را پاک می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به شخصی ستم کند و [برای جلب رضایت او] به او دسترس نداشته باشد، از خدا برایش طلب آمرزش کند؛ زیرا این، کفاره [ستم] اوست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ گناه بزرگی با وجود آمرزش خواهی، بزرگ نیست، و هیچ گناه کوچکی، با وجود ادامه دادن به آن، کوچک نیست.

امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا و آمرزش خواهی، دو سنگر مستحکم در برابر آتش برای شما بودند. سنگر بزرگ تر رفت و آمرزش خواهی ماند. پس آن را فراوان بگویید؛ زیرا پاک کننده گناهان است. خداوند عز و جل فرموده است: «تا تو در میان آنانی، خدا عذابشان نمی کند، و تا زمانی که آمرزش بخواهند، خداوند عذاب کننده ایشان نباشد».

امام علی علیه السلام: آمرزش خواهی، داروی گناهان است.

عنه عليه السلام: الذُّنُوبُ الدَّاءُ ، وَالِدُّوَاءُ الْإِسْتِغْفَارِ ، وَالشِّفَاءُ أَلَّا تَعُودَ . (١)

عنه عليه السلام: الْإِسْتِغْفَارُ يَمْحُو الْأَوْزَارَ (٢) . (٣)

عنه عليه السلام: حُسْنُ الْإِسْتِغْفَارِ يُمَحِّصُ (٤) الذُّنُوبَ . (٥)

عنه عليه السلام: يَسِيرُ التَّوْبَةُ وَالْإِسْتِغْفَارِ ، يُمَحِّصُ الْمَعَاصِيَ وَالْإِصْرَارَ . (٦)

عنه عليه السلام: عَوَّدَ نَفْسَكَ الْإِسْتِهْتَارَ (٧) بِالذِّكْرِ وَالْإِسْتِغْفَارِ ، فَإِنَّهُ يَمْحُو عَنْكَ الْحَوْبَةَ (٨) ، وَيُعْظِمُ لَكَ الْمَثُوبَةَ . (٩)

عنه عليه السلام: تَعَطَّرُوا بِالْإِسْتِغْفَارِ ، لَا تَفْضَحْكُمْ رَوَائِحُ الذُّنُوبِ . (١٠)

الإمام الباقر عليه السلام: الْإِحْوَا فِي الْإِسْتِغْفَارِ ، فَإِنَّهُ مَمْحَاةٌ لِلذُّنُوبِ . (١١)

-
- ١- غرر الحكم : ح ١٨٩٠ .
 - ٢- الوزرُ : الحملُ والثقل ، وأكثر ما يطلق في الحديث على الذنب والإثم ، وجمعه أوزار (النهاية : ج ٥ ص ١٧٩ «وزر»).
 - ٣- غرر الحكم : ح ٣٤٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٣ ح ٥٩٦ .
 - ٤- تمحيص الذنوب أى : إزالتها (النهاية : ج ٤ ص ٣٠٢ «محص»).
 - ٥- غرر الحكم : ح ٤٨٦٣ و ٤٩٤١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٢٨ ح ٤٣٩٩ .
 - ٦- غرر الحكم : ح ١٠٩٩٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٥٥ ح ١٠٢٣٩ .
 - ٧- المستهترون بذكر الله : يعنى الذين أولعوا به . ومستهتر : أى مولع به لا يتحدث بغيره ، ولا يفعل غيره (النهاية : ج ٥ ص ٢٤٣ «هتر»).
 - ٨- حوبتى : إثمى ، ومنه «اغفر لنا حوبنا» أى إثمنا (النهاية : ج ١ ص ٤٥٥ «حوب»).
 - ٩- غرر الحكم : ح ٦٢٣٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٤٠ ح ٥٧٩٢ وفيه «الاستكثار بالاستغفار» بدل «الاستهتار بالذكر والاستغفار» .
 - ١٠- الأمالى للطوسى : ص ٣٧٢ ح ٨٠١ عن على بن على بن رزين عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام الحسين عليهم السلام عن النزال بن سبره ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٥٤ ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٢٢ ح ١٨ ؛ شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٢٨١ ح ٢٢٥ .
 - ١١- تحف العقول : ص ٢٩٨ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٧٨ ح ٥٣ .

امام علی علیه السلام: گناهان، بیماری اند و دارو [ی آنها] آمرزش خواهی است، و شفاییش، [در] این است که [به آنها] باز نگردی.

امام علی علیه السلام: آمرزش خواهی، بار سنگین گناهان را از بین می برد.

امام علی علیه السلام: آمرزش خواهی نیکو (راستین)، گناهان را می زداید.

امام علی علیه السلام: اندکی توبه و آمرزش خواهی، گناهان و پافشاری [بر آنها] را می زداید.

امام علی علیه السلام: خویشتن را به آزمندی بر یاد خدا و آمرزش خواهی عادت ده؛ زیرا این کار، گناه را از تو می زداید و پاداشت را بزرگ می گرداند.

امام علی علیه السلام: به عطر آمرزش خواهی معطر شوید تا بوی گناهان، شما را رسوا نسازد.

امام باقر علیه السلام: در آمرزش خواهی پافشاری کنید؛ زیرا که آن، پاک کننده گناهان است.

٤ / ٤ جلاء القلوب رسول الله صلى الله عليه و آله : إِنَّ لِلْقُلُوبِ صَدَأً كَصَدَأِ النُّحَاسِ ، فَاجْلُوهَا بِالِاسْتِغْفَارِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَخْطَأَ حَظِيئَهُ نُكِّتَتْ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ سَوْدَاءٌ ، فَإِذَا هُوَ نَزَعَ وَاسْتَغْفَرَ وَتَابَ سِيقَلَ (٢) قَلْبُهُ ، وَإِنْ عَادَ زِيدَ فِيهَا حَتَّى تَعْلُو قَلْبَهُ ، وَهُوَ الرَّانُ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (٣) . (٤)

٤ / ٥ تباعد الشيطان فضائل الأشهر الثلاثة عن يونس بن ظبيان : قُلْتُ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا الَّذِي يُبَاعِدُ عَنَّا إِبْلِيسَ ؟ قَالَ : الصَّوْمُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ ... وَالِاسْتِغْفَارُ يَقْطَعُ وَتِينَهُ (٥) . (٦)

- ١- عدّه الداعى : ص ٢٤٩ ، نزهه الناظر : ص ٢٨ ح ٨٢ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٨٤ ح ٣٢ ؛ المعجم الصغير : ج ١ ص ١٨٤ وفيه «الحديد» بدل «النحاس» ، تاريخ دمشق : ج ٦٢ ص ٨٠ ح ١٢٧١٤ كلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٧٦ ح ٢٠٧٤ .
- ٢- السَّقْلُ هو مثل الصقل للسيف والثوب ونحوهما ، بالسین والصاد جميعا (تاج العروس : ج ١٤ ص ٣٤٩ «سقل»).
- ٣- المطففين : ١٤ .
- ٤- سنن الترمذى : ج ٥ ص ٤٣٤ ح ٣٣٣٤ ، السنن الكبرى للنسائى : ج ٦ ص ٥٠٩ ح ١١٦٥٨ ، صحيح ابن حبان : ج ٧ ص ٢٧ ح ٢٧٨٧ كلّها عن أبى هريره ، كنز العمال : ج ٤ ص ٢١٠ ح ١٠١٨٩ .
- ٥- الوتين : عرق فى القلب إذا انقطع مات صاحبه (القاموس المحيط : ج ٤ ص ٢٧٤ «وتن»).
- ٦- فضائل الأشهر الثلاثة : ص ٩٢ ح ٧١ و ص ٧٦ ح ٥٨ ، بحار الأنوار : ج ٩٦ ص ٢٥٦ ح ٣٩ .

۴ / ۴ صیقل دادن دل ها

۴ / ۵ دور کردن شیطان

۴ / ۴ صیقل دادن دل های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دل ها همانند مس، (۱) زنگار می بندند. پس آنها را با آمرزش خواهی ، صیقل دهید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده ، هر گاه گناهی کند ، نقطه ای سیاه در دلش پدید می آید. اگر دست برداشت و آمرزش طلبید و توبه کرد ، دلش صیقل می یابد؛ ولی اگر دوباره آن را انجام داد ، بر آن نقطه افزوده می شود تا جایی که تمام دلش را می پوشاند. این ، همان زنگاری است که خداوند فرموده است: «نه ؛ بلکه آنچه کرده اند ، زنگار بر دل هاشان بسته است» .

۴ / ۵ دور کردن شیطان فضائل الأشهر الثلاثة به نقل از یونس بن ظبیان : به امام صادق علیه السلام گفتم : چه چیز ، شیطان را از ما دور می گرداند؟ فرمود: «روزه ، روی او را سیاه می کند... و آمرزش خواهی ، شاه رگش را قطع می کند» .

۱- در المعجم الصغیر ، به جای «مس» ، «آهن» آمده است.

٤ / ١٦ الأمان من العذاب والبلايا الكتاب «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ». (١)

«وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا». (٢)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يزال العبد آمناً من عذاب الله ما استغفر الله. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله في دعائه له وقد انكسرت الشمس: رَبِّ! أَلَمْ تَعِدْنِي أَنْ لَا تُعَذِّبَهُمْ وَأَنَا فِيهِمْ؟ أَلَمْ تَعِدْنِي أَنْ لَا تُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ؟ (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: أكثروا من قول: لا إله إلا الله والاستغفار؛ فإنهما أمان في الدنيا من الذل، وفي الآخرة جنة من النار. (٥)

عنه صلى الله عليه وآله في الأرض أمانان: أنا أمان، والاستغفار أمان، وأنا مذهب بى، ويبقى أمان الاستغفار عند كل حدث وذنب. (٦)

١- الأنفال: ٣٣.

٢- الكهف: ٥٥.

٣- تاريخ دمشق: ج ٥٥ ص ٨٦ عن فضالة بن عبيد، كنز العمال: ج ١ ص ٤٧٩ ح ٢٠٩٤.

٤- سنن أبي داود: ج ١ ص ٣١٠ ح ١١٩٤، السنن الكبرى للنسائي: ج ١ ص ١٩٦ ح ٥٤٧، صحيح ابن خزيمة: ج ٢ ص ٣٢٢ ح ١٣٩٢ وفيه «ونحن نستغفرك» بدل «وهم يستغفرون»، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٣٥٨ ح ٣٣٦٢ كلها عن عبد الله بن عمرو، كنز العمال: ج ١١ ص ٤٥٦ ح ٣٢١٤١.

٥- كنز العمال: ج ١٠ ص ١٧ ح ٢٨١٥٢ نقلاً عن الديلمي عن أنس.

٦- الفردوس: ج ٣ ص ١٣٦ ح ٤٣٦٦ عن عثمان بن أبي العاص، كنز العمال: ج ١ ص ٤٧٩ ح ٢٠٩٣.

۴ / ۶ ایمنی از عذاب و بلاها

۴ / ۶ ایمنی از عذاب و بلاها قرآن «تا تو در میان آنانی ، خداوند ، عذابشان نمی کند، و تا زمانی که آمرزش بطلبند ، خداوند عذاب کننده ایشان نباشد» .

«و چیزی مانع مردم نشد از این که وقتی هدایت به سویشان آمد ، ایمان بیاورند و از پروردگارشان آمرزش بخواهند ، جز این که [مستحق شوند] تا سُنّت [خدا در مورد عذاب] پیشینیان، در باره آنان [نیز] به کار رود یا عذاب ، رویارویشان بیاید» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بنده ، تا زمانی که از خدا آمرزش بطلبند ، از عذاب خدا در امان خواهد بود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی از ایشان در هنگام خورشید گرفتگی : پروردگارا! مگر به من ، وعده ندادی که تا من در میان آنان هستم ، عذابشان نکنی؟ مگر به من وعده ندادی که تا وقتی آمرزش می طلبند ، عذابشان نکنی؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جمله «معبودی جز خدا نیست» را بسیار بگویند و فراوان آمرزش بطلبند؛ زیرا این دو در دنیا ، امان از خواری اند و در آخرت ، سپر در برابر آتش اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در زمین ، دو امان وجود دارد: من ، یک امان هستم و آمرزش خواهی ، امان دیگر. من ، بُرده می شوم و امان آمرزش خواهی ، در هنگام هر زُخداد و گناهی بر جای می ماند.

عنه صلى الله عليه وآله: أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ أَمَانِينَ لِيَأْتَنِي : «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» ،
فَإِذَا (١) مَضَيْتُ تَرَكْتُ فِيهِمْ الْإِسْتِغْفَارَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . (٢)

الإمام علي عليه السلام: لَوْ أَنَّ النَّاسَ حِينَ عَصَوْا أَنَابُوا وَاسْتَغْفَرُوا ، لَمْ يُعَذِّبُوا وَلَمْ يُهْلَكُوا . (٣)

عنه عليه السلام: كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانَانِ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ ، وَقَدْ رُفِعَ أَحَدُهُمَا فَدُونُكُمْ الْآخَرَ فَتَمَسَّكُوا بِهِ . أَمَّا الْأَمَانُ الَّذِي رُفِعَ فَهُوَ
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَأَمَّا الْأَمَانُ الْبَاقِي فَالْإِسْتِغْفَارُ ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ
مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» . (٤)

عنه عليه السلام: أَرْبَعٌ لِلْمَرْءِ لَا عَلَيْهِ : الْإِيمَانُ ، وَالشُّكْرُ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ : «مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَعَآمَنْتُمْ» (٥) ،
وَالْإِسْتِغْفَارُ ؛ فَإِنَّهُ قَالَ : «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» ، وَالدُّعَاءُ ؛ فَإِنَّهُ قَالَ : «قُلْ مَا يَعْجُبُ
بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» (٦) . (٧)

الإمام الصادق عليه السلام: مَا ضَاعَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا بِنَضِيحِ الزَّكَاةِ ، فَحَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ ، وَدَاوُوا مَرَضَكُمْ بِالصَّدَقَةِ ،
وَادْفَعُوا نَوَائِبَ الْبَلَايَا بِالْإِسْتِغْفَارِ . (٨)

١- في المصدر: «إذا»، وما أثبتناه هو الصحيح كما في كنز العمال .

٢- سنن الترمذی: ج ٥ ص ٢٧٠ ح ٣٠٨٢ ، تفسير ابن كثير: ج ٣ ص ٥٩٠ كلاهما عن أبي موسى ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٧٧ ح ٢٠٨١ .

٣- غرر الحكم: ح ٧٥٨٣ .

٤- نهج البلاغه: الحكمة ٨٨ ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٩٢ ح ٢٢٥٩ ، مجمع البيان: ج ٤ ص ٨٢٩ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٤ ح ٣١ .

٥- النساء: ١٤٧ .

٦- الفرقان: ٧٧ .

٧- الأمالي للطوسي: ص ٤٩٣ ح ١٠٨١ عن عمر بن صبيح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٤٩ ح ٦٥ .

٨- المحاسن: ج ١ ص ٤٥٩ ح ١٠٦٢ ، الأصول الستة عشر: ص ٧٧ وفيه «أبواب» بدل «نوائب» ، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٩٣ ح ٧٣ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند دو امان برای امت بر من نازل کرد: «تا تو در میان ایشان هستی ، خداوند عذابشان نمی کند، و تا زمانی که آمرزش می طلبند ، خداوند عذاب کننده ایشان نخواهد بود». پس، هر گاه من رفتم ، آمرزش خواهی را تا روز قیامت ، در میانشان بر جای می گذارم.

امام علی علیه السلام : اگر مردم ، زمانی که نافرمانی [خدا] کردند ، توبه می نمودند و آمرزش می طلبیدند ، عذاب نمی شدند و هلاک نمی گشتند.

امام علی علیه السلام : در زمین ، دو مایه ایمنی از عذاب خدا وجود داشت که یکی از آن دو برده شد . پس آن دیگری را دریابید و بدان ، چنگ زنید. آن مایه ایمنی که برده شد ، پیامبر خدا بود، و آن مایه ایمنی باقی مانده ، آمرزش خواهی است. خداوند متعال فرموده است: «تا تو در میان ایشان هستی ، خداوند عذابشان نمی کند، و تا زمانی که آمرزش می طلبند ، خداوند عذاب کننده ایشان نخواهد بود».

امام علی علیه السلام : چهار چیز است که به سود آدمی است ، نه به زیان او: ایمان، و سپاس گذاری؛ زیرا خداوند متعال فرموده است: «اگر سپاس بگزارید و ایمان آورید ، خدا می خواهد با عذاب شما چه کند؟» ؛ [سوم] ، آمرزش خواهی؛ زیرا فرموده است: «و تا تو در میان ایشان هستی ، خداوند عذابشان نمی کند ، و تا زمانی که آمرزش بخواهند ، خداوند عذاب کننده ایشان نخواهد بود» ؛ و [چهارم] دعا؛ زیرا فرموده: «بگو: اگر دعای شما نباشد ، پروردگرم هیچ اعتنایی به شما نمی کند» .

امام صادق علیه السلام : هیچ مالی در خشکی و دریا از بین نرفت ، مگر به سبب نپرداختن زکات . پس ، اموال خود را با پرداخت زکات ، نگه دارید، و بیمارانتان را با دادن صدقه ، درمان کنید، و بلاهای سخت را با آمرزش خواهی ، از خود دور نمایید.

٤ / ٧ دفع الهموم رسول الله صلى الله عليه وآله من استبطأ الرزق فليكثر من التكبير ، ومن كثرت همومه وغممه فليكثر من الاستغفار .

(١)

عنه صلى الله عليه وآله : من ظهرت عليه النعمة فليكثر ذكر «الحمد لله» ، ومن كثرت همومه فعليه بالاستغفار ، ومن ألمح عليه الفقر فليكثر من قول : «لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم» ينفي عنه الفقر . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : من ألبسه الله نعمة فليكثر من : «الحمد لله» ، ومن كثرت همومه فليستغفر الله ، ومن أبطأ عنه رزقه فليكثر من قول : «لا حول ولا قوة إلا بالله» ، ومن نزل مع قوم فلا يصومن إلا بإذنهم . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : من أكثر من الاستغفار جعل الله له من كل هم فرجا ، ومن كل ضيق مخرجا ، ويرزقه من حيث لا يحتسب . (٤)

الدعوات عن محمد بن الريان : كتبت إلى أبي الحسن الثالث عليه السلام أسأله أن يعلمني دعاء للشدائد والنوازل (٥) والمهمات وقضاء حوائج الدنيا والآخرة ، وأن يخصني كما خص آباؤه مواليتهم . فكتب إلي : الزم الاستغفار . (٦)

١- . كنز العمال : ج ٤ ص ٢٧ ح ٩٣٢٥ نقلاً عن الديلمي عن أنس .

٢- . الكافي : ج ٨ ص ٩٣ ح ٦٥ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن : ج ١ ص ١١٤ ح ١١٣ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، النوادر للراوندي : ص ١٢٤ ح ١٤٠ ، معدن الجواهر : ص ٥٠ عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٢٩٦ ح ١٠ ؛ تاريخ بغداد : ج ٢ ص ٥٢ نحوه عن أنس ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٨٤٧ ح ٤٣٣٦٨ .

٣- . المعجم الأوسط : ج ٦ ص ٣٣٣ ح ٦٥٥٥ ، تاريخ دمشق : ج ٤٧ ص ٥٨ ح ١٠١٤٩ كلاهما عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٩٣٨ ح ٤٣٦١٢ .

٤- . السنن الكبرى للنسائي : ج ٦ ص ١١٨ ح ١٠٢٩٠ ، سنن أبي داود : ج ٢ ص ٨٥ ح ١٥١٨ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٥٥ ح ٣٨١٩ وفيهما «لزم» بدل «أكثر من» ، مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٥٣٥ ح ٢٢٣٤ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ٢٩١ ح ٧٦٧٧ كلها عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٧٦ ح ٢٠٦٩ .

٥- . التنازل : الشديده من شدائد الدهر تنزل بالناس ، الجمع نوازل (الصحاح : ج ٥ ص ١٨٢٨ «نزل») .

٦- . الدعوات : ص ٤٩ ح ١٢٠ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٨٣ ح ٣٠ .

۴ / ۷ زدودن غم و اندوه

۴ / ۷ زدودن غم و اندوه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در رسیدن روزی کُندی دید، بسیار تکبیر بگوید، و هر کس غم و اندوهش بسیار شد، طلب آمرزش کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نعمت، او را فرا گرفت، ذکر «الحمد لله؛ ستایش، برای خداست» را بسیار بگوید، و هر کس غم هایش بسیار شد، به آمرزش خواهی رو آورد، و هر کس فقر دامنگیرش شد، جمله «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا» را بسیار بگوید، فقر را از او می‌زداید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس که خداوند بر او نعمتی بپوشاند، باید [جمله] «ستایش، برای خداست» را بسیار بگوید، و هر کس که [غم و] اندوه هایش فزونی گیرد، باید از خدا آمرزش بطلبد، و هر کس روزی اش دیر به او برسد، باید جمله «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا» را فراوان بگوید، و هر کس میهمان قومی شود، نباید جز با اجازه آنها روزه [مستحبی] بگیرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بسیار آمرزش خواهی کند، خداوند برای هر غم، او گشایشی، و برای هر تنگنای او، برون رفتی قرار می‌دهد و او را از جایی که گمان نمی‌برد، روزی می‌دهد.

الدعوات به نقل از محمّد بن ریّان: به امام هادی علیه السلام نوشتم و درخواست کردم که دعایی برای سختی‌ها و بلاها و گرفتاری‌ها و برآورده شدن حوائج دنیا و آخرت، به من بیاموزد و به من، عنایت خاصّ ورزد، چنان که پدرانش به دوستانشان عنایت ویژه داشتند. امام علیه السلام به من نوشت: «آمرزش خواهی را وامگذار».

٤ / ٨ دَفَع الشَّدَاةَ إِذَا الْفَرَجَ بَعْدَ الشَّدَاةِ : حَدَّثَنِي أَيُّوبُ بْنُ عَبَّاسِ بْنِ الْحَسَنِ بِإِسْنَادٍ كَثِيرٍ ، أَنَّ أَعْرَابِيًّا شَكَى إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَكْوَى لِحِقَّتِهِ ، وَضَيْقَا فِي الْحَالِ وَكَثْرَةَ مِنَ الْعِيَالِ ، فَقَالَ لَهُ : عَلَيْكَ بِالِاسْتِغْفَارِ ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ : «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا» (١) الْآيَاتِ . فَمَضَى الرَّجُلُ وَعَادَ إِلَيْهِ ، فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، إِنِّي قَدْ اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ كَثِيرًا وَلَمْ أَرْ فَرْجًا مِمَّا أَنَا فِيهِ ! فَقَالَ لَهُ : لَعَلَّكَ لَا تُحْسِنُ الْإِسْتِغْفَارَ . قَالَ : عَلَّمَنِي . فَقَالَ : أَخْلِصْ نِيَّتَكَ ، وَأَطِعْ رَبَّكَ ، وَقُلْ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ قَوِيَ عَلَيْهِ يَدْنِي بِعَافِيَتِكَ ، أَوْ نَالَهُ قُدْرَتِي بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ ، أَوْ بَسَّطْتُ إِلَيْهِ يَدِي بِسَابِغِ رِزْقِكَ ، وَاتَّكَلْتُ فِيهِ عِنْدَ خَوْفِي مِنْهُ عَلَى أَمَانِكَ ، وَوَثِقْتُ فِيهِ بِحِلْمِكَ ، وَعَوَّلْتُ فِيهِ عَلَى كَرِيمِ عَفْوِكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ خُنْتُ (٢) فِيهِ أَمَانَتِي ، أَوْ بَخَسْتُ فِيهِ نَفْسِي ، أَوْ قَدَّمْتُ فِيهِ لَدَّتِي ، أَوْ آثَرْتُ فِيهِ شَهْوَتِي ، أَوْ سَعَيْتُ فِيهِ لِغَيْرِي ، أَوْ اسْتَغْوَيْتُ إِلَيْهِ مَنْ تَبِعَنِي ، أَوْ غَلَبْتُ فِيهِ بِفَضْلِ حِيلَتِي ، أَوْ أَحَلْتُ فِيهِ عَلَى مَوْلَايَ فَلَمْ يُعَاجِلْنِي عَلَى فِعْلِي ، إِذْ كُنْتُ سَبِّحَانَكَ كَارِهَا لِمَعْصِيَتِي غَيْرَ مُرِيدِهَا مِنِّي ، لَكِنْ سَبَقَ عِلْمُكَ فَيَّ بِاخْتِيَارِي وَاسْتِعْمَالِ مُرَادِي ، وَإِثَارِي ، فَحَلَمْتَ عَنِّي ، وَلَمْ تُدْخِلْنِي فِيهِ جَبْرًا وَلَمْ تَحْمِلْنِي عَلَيْهِ قَهْرًا ، وَلَمْ تَظْلِمْنِي عَلَيْهِ شَيْئًا ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي ، يَا مُؤْنِسِي فِي وَحْدَتِي ، يَا حَافِظِي فِي غُرْبَتِي ، يَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي ، يَا كَاشِفَ كُرْبَتِي ، يَا مُسْتَمِعَ دَعْوَتِي ، يَا رَاحِمَ عِبْرَتِي ، يَا مُقِيلَ عَثْرَتِي ، يَا إِلَهِي بِالْتَّحْقِيقِ ، يَا رُكْنِي الْوَثِيقَ ، يَا رَجَائِي لِلضَّيْقِ (٣) ، يَا مَوْلَايَ الشَّفِيقَ ، يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ، أَخْرِجْنِي مِنْ حَلْقِ الْمَضِيقِ إِلَى سَبْعَةِ الطَّرِيقِ ، بِفَرْجٍ مِنْ عِنْدِكَ قَرِيبٍ وَثِيقٍ ، وَكَاشِفٍ عَنِّي كُلِّ شِدَّةٍ وَضَيْقٍ ، وَكَافِيٍّ مَا أُطِيقُ وَمَا لَا أُطِيقُ . اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَغَمٍّ ، وَأَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ حُزْنٍ وَكَرْبٍ ، يَا فَارِجَ الْهَمِّ وَيَا كَاشِفَ الْغَمِّ ، وَيَا مُنْزِلَ الْقَطْرِ ، وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّ ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ ، وَفَرِّجْ عَنِّي مَا ضَاقَ بِهِ صَدْرِي ، وَعَيْلَ مَعَهُ صَبْرِي ، وَقَلَّتْ فِيهِ حِيلَتِي ، وَضَعُفَتْ لَهُ قُوَّتِي ، يَا كَاشِفَ كُلِّ ضُرٍّ وَبَلِيٍّ ، يَا عَالِمَ كُلِّ سِرٍّ وَخَفِيٍّ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ «وَأَفْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (٤) ، وَمَا تَوَفَّقِي إِلَّا بِاللَّهِ ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ . قَالَ الْأَعْرَابِيُّ : فَاسْتَغْفَرْتُ بِذَلِكَ مَرَارًا فَكَشَفَ اللَّهُ عَنِّي الْغَمَّ وَالضَّيْقَ ، وَوَسَّعَ عَلَيَّ فِي الرِّزْقِ ، وَأَزَالَ الْمِحْنَةَ . (٥)

١- نوح : ١٠ .

٢- في المصدر : «خفت» ، والتصويب من دستور معالم الحكم وكنز العمال .

٣- في كنز العمال : «يا جاري اللصيق» .

٤- غافر : ٤٤ .

٥- الفرج بعد الشدة للتوخي : ج ١ ص ٤٢ ، دستور معالم الحكم : ص ٩٠ نحوه وليس فيه ذيله من «يا أرحم الراحمين ، يا صاحبي في شدتي...» ، كنز العمال : ج ٢ ص ٢٥٨ ح ٣٩٦٦ نقلًا عن ابن النجار .

۴ / ۸ برطرف ساختن سختی ها

۴ / ۸ برطرف ساختن سختی ها الفرج بعد الشده: ایوب بن عباس بن حسن ، با اسناد بسیار ، برایم نقل کرد که بادیه نشینی به امیر مؤمنان علی علیه السلام از رنجوری و تنگ دستی و عیالواری اش شکایت کرد . ایشان به او فرمود: «بر تو باد آرمزش خواهی ؛ زیرا خداوند عز و جلمی فرماید: «از پروردگارتان ، آرمزش بخواهید که او آرمزنده است» (تا آخر آیات)». مرد رفت و [پس از چندی] باز آمد و گفت: ای امیر مؤمنان، من از خداوند ، بسیار آرمزش طلبیدم ؛ اما گشایشی در وضع خود ندیدم! فرمود: «شاید آرمزش خواهی را نیکو (درست) انجام نمی دهی» . گفت: به من بیاموز. فرمود: «نیتت را خالص گردان» و از پروردگارت ، فرمان بیر و بگو: «بار خدایا! از تو آرمزش می طلبم از هر گناهی که تنم، به لطف عافیت بخشی تو، بر آن توانا گشت، یا نیرویم که با نعمت تو آن را به دست آورده ام به آن رسید، یا دستم، بر اثر برخورداری از نعمت فراوان تو، به سوی آن کشیده شد، و آن گاه که خواستم از آن گناه بترسم ، به امان دهی تو تکیه کردم و به بردباری تو پشت گرم شدم و به عفو کریمانه تو اعتماد کردم. بار خدایا! از تو آرمزش می طلبم از هر گناهی که در آن ، در امانتم خیانت کردم، یا خویشتن را حقیر گردانیدم، یا در آن ، لذت خود را مقدم داشتم، یا خواسته ام را ترجیح دادم، یا در آن ، برای غیر خودم کوشیدم، یا پیروانم را گم راه کرده ، به سوی آن کشانیدم، یا به لطف چاره گری ام بر آن چیره آمدم، یا در آن ، با سیرورم [خداوند] از در فریب در آمدم ، ولی او مرا بی درنگ ، به کیفر این کردارم نرساند؛ زیرا که تو ای پروردگار پاک ، نافرمانی مرا خوش نمی داشتی و آن را از من نمی خواستی ؛ بلکه علم ازلی تو ، به اختیار من و به کار گرفتن اراده ام و انتخابگری ام تعلق گرفت . پس نسبت به من ، بردباری ورزیدی و به جبر ، در آن [گناه] واردم نکردی، و به زور ، بر آنم و نداشتی و در باره آن ، بر من ستمی نکردی [، بلکه خود بر خویشتن ستم کردم]، ای مهربان ترین مهربانان، ای یار سختی های من، ای مونس تنهایی من، ای نگهدار من در غربت، ای ولی نعمت من، ای زداينده اندوه من، ای شنونده دعای من، ای رحم آوردنده بر گریه من، ای گذشت کننده از لغزش من، ای معبود راستین من، ای تکیه گاه استوار من، ای امید من در تنگناها، ای سیرور دلسوز من، ای پروردگار خانه کهن (کعبه)! با گشایشی نزدیک و استوار از جانب خودت، مرا از تنگه تو در تو ، به راه فراخ ، بیرون بر، و هر گونه سختی و تنگنایی را از من بزداي و گرفتاری هایم را، چه آن گرفتاری ای که آن را برمی تابم یا بر نمی تابم، برطرف فرما. بار خدایا! هر نگرانی و غمی را از من ، دور گردان، و مرا از هر اندوه و رنجی برهان، ای زداينده نگرانی و ای برطرف کننده اندوه، و ای فرو فرستنده باران، و ای اجابت کننده دعای درمانده، و ای مهرگستر در دنیا و آخرت! بر محمّد، این برگزیده تو از میان آفریدگانت، و بر خاندان پاک و پاکیزه او درود فرست ، و آنچه را که مرا به تنگ آورده و شکیبایی را از کفم رُبوده و از چاره گری در آن ، فرو مانده ام و در رفع آن ، ناتوان گشته ام، از من برطرف فرما، ای برطرف کننده هر گزند و بلایی، ای دانای هر راز و نهانی، ای مهربان ترین مهربانان! «من ، کار خویش را به خدا و می گذارم ، که خدا برکار بندگان بیناست» ، و موفقیتیم ، جز به توفیق دهی خدا نیست . بر او توکل کردم ، و او پروردگار عرش بزرگ است . . بادیه نشین گفت: من ، با این دعا بارها آرمزش خواستم و سرانجام ، خداوند ، اندوه و تنگنا از من بُرد و در روزی را بر من گشود، و رنج و محنت را زدود.

٩ / ٤ سَعَهُ الرَّزْقَ الْكَتَابَ «وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ» . (١)

«وَيَقُومِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» . (٢)

«وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ» . (٣)

«فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» . (٤)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : أَكثِرُوا الْإِسْتِغْفَارَ ؛ فَإِنَّهُ يَجْلِبُ الرَّزْقَ . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ تَعَالَىٰ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ تَعَالَىٰ ، وَمَنْ اسْتَبَطَّ (٦) الرَّزْقَ فَلْيَسْتَغْفِرِ اللَّهَ . (٧)

١- هود: ٣ .

٢- هود: ٥٢ .

٣- هود: ٦١ .

٤- نوح: ١٢١٠ .

٥- كنز الفوائد: ج ٢ ص ١٩٧ ، الخصال: ص ٦١٥ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام وفيه «تجلبوا» بدل «فإنه يجلب» ، تحف العقول: ص ١٠٦ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ٢١ ح ١٤ .

٦- في المصدر: «استبطاً عليه» ، والتصويب من بحار الأنوار .

٧- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٤٦ ح ١٧١ عن داود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، الأمل للطوسي: ص ٤٨٠ ح ١٠٤٨ عن عبد العزيز بن محمد بن الدراوردي عن الإمام الصادق عليه السلام ، كشف الغمّة: ج ٢ ص ٣٦٩ عن ابن أبي حازم عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٤٥ ح ٤٩ ؛ شعب الإيمان: ج ٤ ص ١٠٨ ح ٤٤٤٦ عن عبد العزيز بن محمد الدراوردي عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٥٩ ح ٦٤٤٢ .

۴ / ۹ گشایش روزی

۴ / ۹ گشایش روزیقرآن» و این که از پروردگارتان آمرزش خواهید ، سپس به سوی او باز آید تا شما را تا سر رسیدی تعیین شده، از بهره ای نیکو برخوردار کند و فزون هر فزونمندی (/پاداش هر بخشنده ای) را بدو دهد . و اگر پشت کنند ، من از کیفر روزی بزرگ ، بر شما بیم دارم» .

«ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید . سپس به سوی او باز آید تا باران پیاپی ، بر شما فرو ریزد و نیرویی بر نیروتان بیفزاید ؛ و بزهکارانه ، پشت مکنید» .

«و به سوی ثمود ، برادرشان صالح [را فرستادیم] . گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید که جز او ، شما را معبودی نیست . او ، شما را از زمین پدید آورد و شما را در آن ، به آبادانی وا داشت . پس از او آمرزش بخواهید . سپس به سوی او باز آید که پروردگار من ، نزدیک و اجابت کننده است»» .

«پس گفتم: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او آمرزنده است، تا باران را بر شما پیاپی ، فرو فرستد . و شما را با مال و فرزندان ، یاری دهد و برایتان باغ ها پدید آورد و نهرا جاری سازد»» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بسیار آمرزش بخواهید ؛ زیرا این کار ، روزی می آورد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس که خدای متعال به او نعمتی داد، خدای متعال را سپاس گوید، و هر کس در رسیدن روزی گُندی دید ، از خدا آمرزش طلبد .

الإمام علي عليه السلام: اسْتَغْفِرُ تُرْزَقُ . (١)

عنه عليه السلام: الاستغفارُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ . (٢)

عنه عليه السلام لِكُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ: إِذَا أَبْطَأَتِ الْأَرْزَاقُ عَلَيْكَ فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ ، يُوسِّعْ عَلَيْكَ فِيهَا . (٣)

عنه عليه السلام: قَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْإِسْتِغْفَارَ سَبِيلاً لِدُرُورِ الرِّزْقِ ، وَرَحْمَةً الْخَلْقِ ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَ يَجْعِلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (٤) فَرَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا اسْتَقْبَلَ تَوْبَتَهُ ، وَاسْتَقَالَ خَطِيئَتَهُ ، وَبَادَرَ مَبِيئَتَهُ . (٥)

الإمام الباقر عليه السلام: إِذَا أَبْطَأَ عَلَيْكَ رِزْقٌ فَقُلْ: اسْتَغْفِرُ اللَّهَ . (٦)

الإمام الصادق عليه السلام لِسُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ: يَا سُفْيَانُ ، إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِنِعْمَةٍ فَأَحْبَبْتَ بَقَاءَهَا ، فَأَكْثَرَ مِنَ الْحَمْدِ وَالشُّكْرِ عَلَيْهَا ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» (٧) . وَإِذَا اسْتَبْطَأَتِ الرِّزْقَ فَأَكْثَرَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ» يَعْنِي فِي الدُّنْيَا «وَ يَجْعِلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ» فِي الْآخِرَةِ . يَا سُفْيَانُ ، إِذَا حَزَنَكَ أَمْرٌ مِنْ شَيْطَانٍ أَوْ غَيْرِهِ ، فَأَكْثِرْ مِنْ قَوْلِ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» ؛ فَإِنَّهَا مِفْتَاحُ الْفَرَجِ ، وَكَثْرٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ . (٨)

١- غرر الحكم : ح ٢٢٢٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٧٨ ح ١٨٩١ .

٢- الخصال : ص ٥٠٥ ح ٢ عن سعيد بن علاقه ، مشكاة الأنوار : ص ٢٣٠ ح ٦٤٥ ، روضه الواعظين : ص ٤٩٩ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٧٧ ح ٤ .

٣- تحف العقول : ص ١٧٤ ، بشاره المصطفى : ص ٢٧ عن كميل بن زياد ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢٧٠ ح ١ و ص ٤١٥ ح ٣٨ .

٤- نوح : ١٢١٠ .

٥- نهج البلاغه : الخطبه ١٤٣ ، أعلام الدين : ص ٢٨٥ عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩١ ص ٣١٣ ح ٣ .

٦- نثر الدرّ : ج ١ ص ٣٤٥ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٨٧ ح ٣٠ .

٧- إبراهيم : ٧ .

٨- كشف الغمّه : ج ٢ ص ٣٦٨ عن مالك بن أنس ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٢٠١ ح ٢٩ .

امام علی علیه السلام: آمرزش بخواه تا روزی داده شوی.

امام علی علیه السلام: آمرزش خواهی، روزی را بسیار می کند.

امام علی علیه السلام به کمیل بن زیاد: هر گاه روزی ات دیر به تو رسید، آمرزش بخواه تا در آن، به تو گشایش داده شود.

امام علی علیه السلام: خداوند پاک، آمرزش خواهی را سبب سرازیر شدن روزی، و مهر آوردن بر آفریدگان قرار داد و فرمود: «از پروردگارتان، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است، تا باران را پیاپی بر شما فرو فرستد و با مال و فرزندان، شما را یاری رساند و برایتان، باغ ها پدید آورد و برایتان، جویبارها روان می سازد». پس رحمت خدا بر آن کسی که به توبه رو آورد و از خطایش دست بکشد و پیش از مرگش کاری بکند!

امام باقر علیه السلام: هر گاه روزی ای به تو دیر رسید، بگو: «از خدا آمرزش می طلبم».

امام صادق علیه السلام به سفیان ثوری: ای سفیان! هر گاه خداوند به تو نعمتی بخشید و دوست داشتی برایت بماند، [خدا را] بر آن، بسیار ستایش و سپاس گو؛ زیرا خداوند عز و جل در کتاب ارجمندش فرموده است: «اگر سپاس بگزارید، به شما بیشتر می دهم»، و هر گاه در رسیدن روزی، کُندی یافتی، بسیار آمرزش خواهی کن؛ چرا که خداوند عز و جل در کتابش می فرماید: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او آمرزنده است، تا باران پیاپی بر شما فرو فرستد و با مال و فرزندان، شما را یاری رساند»، یعنی در دنیا. «و برایتان باغ ها قرار دهد»، [یعنی] در آخرت. ای سفیان! هر گاه از جانب سلطان یا غیر او، تو را پیشامدی ناراحت کننده رسید، جمله «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» را بسیار بگو؛ زیرا که آن، کلید گشایش و گنجی از گنج های بهشت است.

الكافي عن إبراهيم بن صالح ، عن رجل من الجعفرين : كَانَ بِالْمَدِينَةِ عِنْدَنَا رَجُلٌ يُكْنَى أَبُو الْقَمِقَامِ ، وَكَانَ مُحَارِفًا (١) ، فَأَتَى أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَشَكَا إِلَيْهِ حِرْفَتَهُ ، وَأَخْبَرَهُ أَنَّهُ لَا يَتَوَجَّهُ فِي حَاجَةٍ فَتَقْضَى (٢) لَهُ ! فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قُلْ فِي آخِرِ دُعَائِكَ مِنْ صِيَلِهِ الْفَجْرِ : «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ» عَشْرَ مَرَّاتٍ . قَالَ أَبُو الْقَمِقَامِ : فَلَزِمْتُ ذَلِكَ ، فَوَاللَّهِ مَا لَبِثْتُ إِلَّا قَلِيلًا - حَتَّى وَرَدَ عَلَيَّ قَوْمٌ مِنَ الْبَادِيَةِ ، فَأَخْبَرُونِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ قَوْمِي مَاتَ وَلَمْ يُعْرِفْ لَهُ وَاثِرٌ غَيْرِي ، فَاَنْطَلَقْتُ فَتَقَبَّضْتُ مِيرَاثَهُ وَأَنَا مُسْتَعْنٍ . (٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله في صِيَلِهِ الْإِسْتِغْفَارِ : إِذَا رَأَيْتَ فِي مَعَاشِكَ ضَيْقًا ، وَفِي أَمْرِكَ التَّيَأَتَا (٤) ، فَأَنْزِلْ حَاجَتَكَ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، وَلَا تَدْعُ صَلَاةَ الْإِسْتِغْفَارِ . وَهِيَ رَكْعَتَانِ : تَفْتَتِحُ الصَّلَاةَ وَتَقْرَأُ الْحَمْدَ وَ«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» مَرَّةً وَاحِدَةً فِي كُلِّ رَكْعَةٍ ، ثُمَّ تَقُولُ بَعْدَ الْقِرَاءَةِ : «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً ، ثُمَّ تَرَكُّعٌ فَتَقُولُهَا عَشْرًا ، عَلَى هَيْئِهِ صِيَلِهِ جَعْفَرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ؛ يُصَلِّحُ اللَّهُ لَكَ شَأْنَكَ كُلَّهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى . (٥)

- ١- رجل مُحَارِفٌ بفتح الزاء : أى محدود محروم ، وهو خلاف قولك مبارك . وقد حُورِفَ كسب فلان : إذا شَدَّدَ عليه في معاشه ، كأنه ميلٌ برزقه عنه (الصحيح : ج ٤ ص ١٣٤٢ «حرف»).
- ٢- فى المصدر : «فيقضى» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- ٣- الكافي : ج ٥ ص ٣١٥ ح ٤٦ ، عدّه الداعى : ص ٢٥١ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٤٨ ص ١٧٣ ح ١٤ .
- ٤- الالتياث : الاختلاط والالتفاف والإبطاء (القاموس المحيط : ج ١ ص ١٧٤ «لوث»).
- ٥- مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ١١٥ ح ٢٣٢٠ ، بحار الأنوار : ج ٩١ ص ٣٥٤ ح ١٨ .

الکافی به نقل از ابراهیم بن صالح ، از مردی از جعفریان : در مدینه ، مردی داشتیم که به او «ابوقمقام» می گفتند و آدم محروم و بدبختی بود. خدمت ابوالحسن علیه السلام (۱) آمد و از محرومیت و بدبختی خود به ایشان ، شکایت کرد و گفت که دست به هر کاری می زند ، گرفتاری اش برطرف نمی شود . ابوالحسن علیه السلام به او فرمود: «در پایان دعای نماز صبحت ، ده مرتبه بگو: «پاکا خدای بزرگ! از خدا آمرزش می طلبم و از فضل او درخواست می کنم». ابوقمقام گفت: من بر این امر ، مداومت ورزیدم و به خدا سوگند ، طولی نکشید که عده ای از بادیه نردم آمدند و به من خبر دادند که مردی از قومم مُرده و جز من ، وارثی برای او شناخته نشده است و من رفتم و میراث او را گرفتم و بی نیاز شدم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در نماز آمرزش خواهی : هر گاه در زندگی خود ، مضیقه و در کارهایت ، کُنُدی [و گِرهی [دیدی، حاجتت را به نزد خداوند عز و جل ببر و نماز آمرزش خواهی را وا مگذار. و آن ، دو رکعت است: نماز را آغاز می کنی و سوره حمد و «أنا انزلناه» را یک بار در هر رکعت می خوانی. سپس، بعد از قرائت ، پانزده مرتبه «استغفر الله» می گویی . آن گاه به رکوع می روی و باز ، پانزده مرتبه آن را می گویی، به شیوه نماز جعفر که خداوند از او خشنود باد خداوند إن شاء الله تعالی تمام گرفتاری های تو را برطرف می کند.

۱- منظور از ابو الحسن ، در اینجا امام کاظم یا امام رضا علیهما السلام است .

راجع : ص ٨٠ (الفصل الرابع : بركات الاستغفار / دفع الشدائد) .

٤ / ١٠ كَثْرَةُ الْعِلْمِ أَوْ الْمَالِ لِإِمَامٍ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ قَالَ كُلَّ يَوْمٍ أَرْبَعِينَ مَرَّةً مُدَّةَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعِينَ ، رُزِقَ كَنْزًا مِنْ عِلْمٍ أَوْ كَنْزًا مِنْ مَالٍ ، وَهُوَ : أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ، الْحَيُّ الْقَيُّومُ ، يَدْبَعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، مِنْ جَمِيعِ جُرْمِي وَظُلْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي ، وَأَتُوبُ إِلَيْهِ . (١)

٤ / ١١ أَقْضَاءُ الدُّنْيَا لِلْكَافِي عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَهْلٍ : كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) : إِنِّي قَدِ لَزِمْتُ دَيْنَ فَادِحٍ ، فَكَتَبَ : أَكْثَرَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ ، وَرَطَّبَ لِسَانَكَ بِقِرَاءَةِ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» . (٢)

١- المصباح للكفعمي : ص ٩٣ ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٢٠ ح ٢١ .

٢- الكافي : ج ٥ ص ٣١٦ ح ٥١ ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص ٣٩٩ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٢ ص ٣٢٩ ح ٨

۴ / ۱۰ بسیاری دانش و دارایی

۴ / ۱۱ پرداخته شدن بدهی ها

ر. ک: ص ۸۱ (برکت های آموزش خواهی / برطرف ساختن سختی ها).

۴ / ۱۰ بسیاری دانش و دارایی امام صادق علیه السلام: هر کس دو ماه بیایی، روزی چهارصد مرتبه بگوید: «از خدایی که معبودی نیست، جز او که مهر گستر مهربان، زنده پاینده و پدید آورنده آسمان ها و زمین است، آموزش می طلبم از همه جرم ها و ستم هایم و زیاده روی هایم در حق خودم، و به درگاه او توبه می کنم»، گنجی از دانش یا گنجی از دارایی، روزی اش می شود.

۴ / ۱۱ پرداخته شدن بدهی ها الکافی به نقل از اسماعیل بن سهل: به امام باقر که دروذهای خدا بر او باد نوشتم: بدهی سنگینی دامنگیرم شده است. ایشان [، در پاسخ من] نوشت: «بسیار آموزش بخواه و زبانت را به تلاوت «انا انزلناه» تر و تازه بدار.

١٢ / ٤ إفادته الولد الكتاب «فقلت استغفروا ربكم إنه كان غفارا * يُرسل السماء عليكم مدرارا * ويمددكم بأموال وبنين و يجعل لكم جنات و يجعل لكم أنهارا». (١)

الحدیث بالإمام علی علیه السلام: إذا أردت الولد فتوضأ وضوءا سابغا، وصل ركعتين، وحسنهما، واسجد بعدهما سجدة، وقل: «استغفر الله» إحدى وسبعين مرة، ثم تغش امرأتك وقل: «اللهم إن ترزقني ولدا لاسميه باسم نبيك» فإن الله يفعل ذلك؛ فأني أمرتك بالطهور، وقد قال الله تعالى: «ويحب المتطهرين» (٢)، وأمرتك بالصلاة، وقد سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: «أقرب ما يكون العبد من ربه إذا رآه ساجدا وراكعا»، وأمرتك بالاستغفار، وقد قال الله تعالى: «استغفروا ربكم إنه كان غفارا * يُرسل السماء عليكم مدرارا * ويمددكم بأموال وبنين»، وقال تعالى لبيته صلى الله عليه وآله: «إن تستغفروا لهم سبعين مرة فلن يغفر الله لهم» (٣) فأمرتك أن تزيد على السبعين. (٤)

مكارم الأخلاق عن الإمام الحسن عليه السلام: أنه وفد على معاوية، فلما خرخ تبعه بعض حجاجه وقال: إني رجل ذو مال ولا يولد لي، فعلمني شيئا لعل الله يرزقني ولدا. فقال: عليك بالاستغفار. فكان يكثر الاستغفار، حتى رُبما استغفر في اليوم سبعين مرة، فولد له عشرة بنين. فبلغ ذلك معاوية فقال: هلا سألته مم قال ذلك؟ فوفده وفده أخرى، فسأله الرجل فقال: ألم تسمع قول الله عز اسمه في قصه هود عليه السلام: «ويزدكم قوة إلی قوتكم» (٥)، وفي قصه نوح عليه السلام: «ويزدكم بأموال وبنين» (٦). (٧)

١- نوح: ١٢١٠.

٢- البقرة: ٢٢٢.

٣- التوبة: ٨٠.

٤- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٣٣ ح ٢٣٤٤، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٣٦٣ ح ٢٣.

٥- هود: ٥٢.

٦- نوح: ١٢.

٧- مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٤٨٣ ح ١٦٧٢، تفسير جوامع الجامع: ج ٢ ص ١٥١، المصباح للكفعمي: ص ٢١٨، بحار الأنوار: ج ١٠٤ ص ٨٦ ح ٥١.

۴ / ۱۲ روزی شدن فرزند

۴ / ۱۲ روزی شدن فرزند قرآن «و گفتم: «از پروردگارتان ، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است ، تا برای شما از آسمان ، باران پیاپی فرو فرستد و شما را به اموال و فرزندان ، یاری کند و برایتان ، باغ ها قرار دهد و برای شما نهرها جاری سازد» .

حدیث امام علی علیه السلام : هر گاه فرزند خواستی ، وضویی شاداب بساز و دو رکعت نماز نیکو بگزار و در پایان ، به سجده برو و هفتاد و یک بار بگو: «از خدا آمرزش می خواهم» . سپس با همسرت هم بستر شو و بگو: «بار خدایا! اگر مرا فرزندی روزی کردی ، او را به نام پیامبرت می نامم» . پس خدا به تو فرزندی خواهد داد. این که گفتم : «وضو بساز» ، چون خداوند متعال فرموده است: «و [خدا] پاکیزگان را دوست می دارد» . و این که گفتم : «نماز بخوان» ؛ چون از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید: «نزدیک ترین حالت بنده به پروردگارش ، هنگامی است که او را در حال سجده و رکوع ببیند» . و این که تو را به آمرزش خواهی فرمان دادم ، چون خداوند متعال فرموده است: «از پروردگارتان ، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است ، تا بر شما از آسمان ، باران پیاپی فرو فرستد و شما را به اموال و فرزندان ، یاری کند و برایتان باغ ها قرار دهد و برای شما نهرها پدید آورد» . و خداوند متعال به پیامبرش صلی الله علیه و آله فرموده است: «اگر هفتاد مرتبه هم برایشان آمرزش بخواهی ، هرگز خداوند ، آنان را نخواهد آمرزید» . لذا گفتم از هفتاد بار بیشتر آمرزش بخواهی.

مکارم الأخلاق : امام حسن علیه السلام بر معاویه وارد شد و چون از نزد او بیرون آمد ، یکی از پرده داران معاویه ، دنبال ایشان آمد و گفت: من ، مردی ثروتمندم ؛ اما بچه دار نمی شوم . به من چیزی بیاموز ؛ بلکه خداوند ، مرا فرزندی روزی کند. فرمود: «بر تو باد آمرزش خواهی!» . آن شخص ، آمرزش خواهی می کرد تا جایی که گاه روزی هفتصد مرتبه ، آمرزش می طلبید و ده پسر ، روزی اش شد. این خبر به معاویه رسید . به آن مرد گفت: چرا دلیل سخنش را از او (امام حسن علیه السلام) نپرسیدی؟ بار دیگر که امام علیه السلام به نزد معاویه آمد ، آن مرد ، [دلیلش را] از ایشان پرسید . فرمود: «آیا سخن خداوند در داستان هود علیه السلام را نشنیده ای که: «و نیرویی بر نیرویتان می افزاید» ؟ و در داستان نوح علیه السلام [این سخن را] که: «و شما را با اموال و فرزندان ، یاری می رساند» ؟» .

الإمام زين العابدين عليه السلام لبعض أصحابه: قُلْ فِي طَلَبِ الْوَلَدِ: «رَبِّ لَأَتَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ»، وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي فِي حَيَاتِي، وَيَسْتَغْفِرُ لِي بَعْدَ مَوْتِي، وَاجْعَلْهُ لِي خَلْقًا سَوِيًّا، وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ» سَبْعِينَ مَرَّةً. فَإِنَّهُ مِنْ أَكْثَرِ مِنْ هَذَا الْقَوْلِ، رَزَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى مَا تَمَنَّى مِنْ مَالٍ وَوَلَدٍ، وَمِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ يَقُولُ: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا* وَ يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (١). (٢).

الكافي عن ابن أبي عمير عن بعض أصحابه: شَكَا الأَبْرَشُ الكَلْبِيُّ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ لَا يُولَدُ لَهُ، فَقَالَ لَهُ: عَلَّمَنِي شَيْئًا. قَالَ: اسْتَغْفِرِ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ (٣) فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِئَةَ مَرَّةٍ، فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا» إِلَى قَوْلِهِ: «وَ يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ». (٤).

١- نوح: ١٢١٠.

٢- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٤٧٤ ح ٤٦٦٠، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٤٨١ ح ١٦٦٦ وفيه «يبرّ بي» بدل «يرثني»، المصباح للكفعمي: ص ٢١٧، بحار الأنوار: ج ١٠٤ ص ٨٤ ح ٤٥.

٣- في نسخه: «أو» بدل «و».

٤- الكافي: ج ٦ ص ٨ ح ٤.

امام زین العابدین علیه السلام به یکی از یارانش : برای درخواست فرزند ، بگو: «پروردگارا! مرا تنها مگذار و تو بهترین ارث برندگان» . و از جانب خودت برایم جانشینی قرار ده که در زمان حیاتم ، وارث من شود و پس از مرگم ، برایم آمرزش طلبد، و او را مخلوقی سالم قرار ده، و برای شیطان ، در او بهره ای قرار مده. بار خدایا! از تو آمرزش می طلبم و به سوی تو باز می گردم، که تو آمرزگاری مهربانی». این را هفتاد مرتبه بگو؛ زیرا هر کس این گفتار را بسیار بگوید ، خداوند متعال ، آنچه از دارایی و فرزند و خیر دنیا و آخرت، آرزو کند ، روزی او می گرداند؛ زیرا می فرماید: «از پروردگارتان، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است ، تا از آسمان ، بر شما باران فراوان فرو فرستد و با اموال و فرزندان ، یاریتان رساند و برایتان ، باغ ها قرار دهد و نهرها جاری سازد» .

الکافی به نقل از ابن ابی عمیر ، از یکی از یارانش : اُبْرَش کلبی به امام باقر علیه السلام شکره کرد که بچه دار نمی شود، و گفت : به من ، دعایی بیاموز. فرمود: «در هر روز و هر شب ، صد مرتبه از خدا آمرزش بخواه؛ زیرا خداوند می فرماید: «از پروردگارتان ، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است» تا: «و شما را با اموال و فرزندان ، یاری رساند» .

مجمع البيان عن محمد بن يوسف عن أبيه: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا عِنْدَهُ فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنِّي كَثِيرُ الْمَالِ وَلَيْسَ يَوْلَدُ لِي وَلَدٌ، فَهَلْ مِنْ حِيلَةٍ؟ قَالَ: نَعَمْ، اسْتَغْفِرِ رَبَّكَ سَنَةً فِي آخِرِ اللَّيْلِ مِثْلَ مَرَّةٍ، فَإِنْ صَيَّعَتْ ذَلِكَ بِاللَّيْلِ فَاقْضِهِ بِالنَّهَارِ، فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ» إِلَى آخِرِهِ. (١)

طَبَّ الْأَيْمَةَ لابن بسطام عن سليمان بن جعفر الجعفري عن الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ رَجُلًا شَكَا إِلَيْهِ قَلَّةَ الْوَلَدِ، وَأَنَّهُ يَطْلُبُ الْوَلَدَ مِنَ الْإِمَاءِ وَالْحَرَائِرِ فَلَا يُرْزَقُ لَهُ، وَهُوَ ابْنُ سَبْتِينَ سِنَةً، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قُلْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي ذُبُرِ صِيْلَاتِكَ الْمَكْتُوبَةِ، صِيْلَةَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ، وَفِي ذُبُرِ صِيْلَةِ الْفَجْرِ: «سُبْحَانَ اللَّهِ» سَبْعِينَ مَرَّةً، وَ«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» سَبْعِينَ مَرَّةً، وَتَخْتِمُهُ بِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَبَيْنَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهْرًا» (٢). (٣)

الكافي عن زرارة عن الإمام الباقر عليه السلام: أَنَّهُ وَفَدَ إِلَى هِشَامِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ فَأَبْطَأَ عَلَيْهِ الْإِذْنَ حَتَّى اغْتَمَّ، وَكَانَ لَهُ حَاجِبٌ كَثِيرُ الدُّنْيَا وَلَا يَوْلَدُ لَهُ، فَدَنَا مِنْهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: هَلْ لَكَ أَنْ تُوَصِّلَنِي إِلَى هِشَامٍ وَأَعْلَمَكَ دُعَاءً يَوْلَدُ لَكَ؟ قَالَ: نَعَمْ. فَأَوْصَلَهُ إِلَى هِشَامٍ وَقَضَى لَهُ جَمِيعَ حَوَائِجِهِ، قَالَ: فَلَمَّا فَرَغَ قَالَ لَهُ الْحَاجِبُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ الدُّعَاءَ الَّذِي قُلْتَ لِي. قَالَ لَهُ [الباقر عليه السلام]: نَعَمْ، قُلْ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِذَا أَصْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ» سَبْعِينَ مَرَّةً، وَتَسْتَغْفِرُ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَتُسَبِّحُ تِسْعَ مَرَّاتٍ، وَتَخْتِمُ الْعَاشِرَةَ بِالْإِسْتِغْفَارِ، ثُمَّ تَقُولُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَبَيْنَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهْرًا» (٤). فَقَالَهَا الْحَاجِبُ، فَزُرِقَ ذُرِّيَّةً كَثِيرَةً، وَكَانَ بَعْدَ ذَلِكَ يَصِلُ أَبَا جَعْفَرٍ وَأَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. فَقَالَ سُلَيْمَانُ: فَقُلْتُهَا وَقَدْ تَزَوَّجْتُ ابْنَةَ عَمِّ لِي فَأَبْطَأَ عَلَيَّ الْوَلَدَ مِنْهَا وَعَلَّمْتُهَا أَهْلِي، فَزُرِقَتْ وَوَلَدًا. وَزَعَمَتِ الْمَرْأَةُ أَنَّهَا مَتَى تَشَاءُ أَنْ تَحْمِلَ حَمَلَتْ إِذَا قَالَتْهَا، وَعَلَّمْتُهَا غَيْرَ وَاحِدٍ مِنَ الْهَاشِمِيِّينَ مِمَّنْ لَمْ يَكُنْ يَوْلَدُ لَهُمْ، فَوَلَدَ لَهُمْ وَلَدٌ كَثِيرٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ. (٥)

١- مجمع البيان: ج ١٠ ص ٥٤٣، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٢١ ح ٣٠.

٢- نوح: ١٢١٠.

٣- طب الأئمة لابن بسطام: ص ١٢٩، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٣٠ ح ٤.

٤- نوح: ١٢١٠.

٥- الكافي: ج ٦ ص ٨ ح ٥، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٤٨١ ح ١٦٦٧، بحار الأنوار: ج ١٠٤ ص ٨٥ ح ٤٦.

مجمع البیان به نقل از محمّد بن یوسف ، از پدرش : من در محضر امام باقر علیه السلام بودم که مردی به ایشان گفت : قربانت گردم! من ، ثروت بسیار دارم ؛ اما بچه دار نمی شوم . آیا راه چاره ای وجود دارد؟ فرمود: «آری. به مدّت یک سال، در آخر شب ، صد مرتبه از پروردگارت آمرزش بخواه، و اگر شب آن را از دست دادی ، روز ، قضایش را به جای آور؛ زیرا خداوند می فرماید: «از پروردگارتان ، آمرزش بخواهید» تا آخر آیه».

طّب الاثمه علیهم السلام ، ابنا بسطام به نقل از سلیمان بن جعفر جعفری : مردی از کمی فرزند به امام باقر علیه السلام شکایت نمود و گفت که شصت سال دارد و از کنیزان و زنان آزاد خود ، در جستجوی فرزند است ؛ اما فرزندی روزی اش نمی شود. امام علیه السلام به او فرمود: «به مدّت سه روز، بعد از نماز واجب، نماز عشا و نیز بعد از نماز صبح ، هفتاد مرتبه سبحان الله و هفتاد مرتبه استغفر الله بگو و در پایان آن ، این فرموده خداوند عز و جل را بخوان: «از پروردگارتان ، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است ، تا از آسمان ، بر شما باران فراوان فرو فرستد و شما را با اموال و فرزندان ، یاری رساند و برایتان باغ ها قرار دهد و نهرها جاری سازد» .

الکافی به نقل از زراره : امام باقر علیه السلام به دیدار هشام بن عبد الملک رفت و او دیر به ایشان ، اجازه [ی وارد شدن بر او] داد ، به طوری که امام علیه السلام غمگین شد. هشام ، درباری داشت که ثروت بسیار داشت ؛ اما بچه دار نمی شد. امام باقر علیه السلام نزدیک او رفت و فرمود: «حاضری مرا نزد هشام ببری و [در عوض] من ، دعایی به تو بیاموزم که بچه دار شوی؟». گفت : آری . امام علیه السلام را نزد هشام بُرد و همه حوایجش را برآورده ساخت. کار که تمام شد ، دربان به امام علیه السلام گفت : قربانت گردم! دعایی که به من وعده دادی ، امام باقر علیه السلام به او فرمود: «بله . هر روز ، چون صبح و شام خود را آغاز کردی، هفتاد بار سبحان الله بگو، ده بار آمرزش بخواه، نه بار تسبیح بگو و بارِ دهم ، آمرزش بخواه . سپس این فرموده خداوند عز و جل را بگو: «از پروردگارتان ، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است ، تا از آسمان ، بر شما باران فراوان فرو فرستد و با اموال و فرزندان ، یاریتان رساند و برایتان باغ ها پدید آورد و نهرها جاری سازد» . دربان ، اینها را گفت و فرزندان بسیاری ، روزی او شد. از آن پس ، او به امام باقر و امام صادق علیهما السلام ابراز محبت می کرد. من (سلیمان بن جعفر) هم که با دختر عمویم ازدواج کرده و هنوز از او بچه دار نشده بودم، اینها را گفتم و به همسرم نیز آموختم، و فرزندی روزی ام شد. همسرم گفت: هر گاه بخواهد حامله شود ، اینها را می گوید و حامله می شود. این دعا را به چند نفر از هاشمیان که فرزند دار نمی شدند ، نیز آموختم و فرزندان بسیاری برایشان متولّد شد. خدا را سپاس!

الكافي عن سعيد بن يسار: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَوْلِدُ لِي، فَقَالَ: اسْتَغْفِرِ رَبَّكَ فِي السَّحَرِ مِنْهُ مَرَّةً، فَإِنْ نَسِيَتْهُ فَاقْضِيهِ. (١)

الكافي عن عمر بن أبي حسنه الجمّال: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَلَّةَ الْوَلَدِ، فَقَالَ لِي: اسْتَغْفِرِ اللَّهَ، وَكُلِّلِ الْبَيْضَ بِالْبَصَلِ. (٢)

٤ / ١٣ مُرَافَقَهُ أَهْلَ الْبَيْتِ ثَوَابِ الْأَعْمَالِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَهْلٍ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَّمَنِي شَيْئًا إِذَا أَنَا قُلْتُهُ كُنْتُ مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، قَالَ: فَكَتَبَ بِخَطِّهِ أَعْرِفُهُ: أَكْثَرَ مِنْ تِلَاوَةِ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ»، وَرَطَّبَ شَفَتَيْكَ بِالِاسْتِغْفَارِ. (٣)

١- الكافي: ج ٦ ص ٩ ح ٦.

٢- الكافي: ج ٦ ص ٣٢٤ ح ٢، المحاسن: ج ٢ ص ٢٧٦ ح ١٨٨٥، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٤٦ ح ١١.

٣- ثواب الأعمال: ص ١٩٧ ح ٤، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٩٠ ح ٢٢٤٩، الدعوات: ص ٤٩ ح ١٢١ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٣٢٨ ح ٥.

۴ / ۱۳ همراه بودن با اهل بیت علیهم السلام

الکافی به نقل از سعید بن یسار: مردی به امام صادق علیه السلام گفت: فرزندی برایم متولّد نمی شود. فرمود: «در هنگام سحر، صد بار از پروردگارت آمرزش بخواه و اگر [در آن هنگام] فراموش کردی، قضایش را به جا آور.»

الکافی به نقل از عمر بن ابی حسنه جمّال: به ابوالحسن علیه السلام (۱) از کمی فرزند، شکایت کردم. فرمود: «از خدا آمرزش بخواه و تخم مرغ همراه با پیاز بخور.»

۴ / ۱۳ همراه بودن با اهل بیت‌الاعمال به نقل از اسماعیل بن سهل: به امام جواد علیه السلام نوشتم: چیزی به من بیاموز که چون آن را بگویم، در دنیا و آخرت، با شما باشم. امام علیه السلام با خطّ خودش که آن را می شناختم، [برای من] نوشت: «اَنَا انزلناه» را بسیار تلاوت کن و لبانت را به آمرزش خواهی، تر و تازه بدار.

۱- منظور از ابوالحسن، در این جا امام کاظم یا امام رضا علیهما السلام است.

الفصل الخامس : ما ينبغي فيه الاستغفار من الأوقات ٥ / الأسحار الكتاب «الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ * الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» . (١)

«كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ الَّذِينَ مَا يَهْجَعُونَ * وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» . (٢)

«... أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ * قَالُوا يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ نَدْعُوا إِلَهُاتِنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ * قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» . (٣)

الحديث الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ أَفْضَلَ مَا دَعَوْتُمْ اللَّهَ بِالْأَسْحَارِ ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : «وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» . (٤)

١- آل عمران : ١٧ ١٦ .

٢- الذاريات : ١٧ ١٨ .

٣- يوسف : ٩٦ ٩٨ .

٤- قصص الأنبياء : ص ١٨٩ ح ٢٣٥ عن الفضل بن أبي قره السمندي ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ١٦٥ ح ٧ .

فصل پنجم: اوقات مناسب برای آموزش خواهی

۵ / ۱ سحرگاهان

فصل پنجم: اوقات مناسب برای آموزش خواهی ۵ / ۱ سحرگاهانقرآن «آنان که می گویند: «ای پروردگار ما! ما به تو ایمان آوردیم . پس گناهانمان را بیامرز و ما را از عذاب آتش ، ننگه دار» ؛ [آنان،]شکیبایان و راستگویان و فرمان برداران و انفاق کنندگان و آموزش خواهان در سحرگاهان [هستند]» .

«اندکی از شب را می خوابند و در سحرگاهان ، آموزش می خواهند» .

«... آیا به شما نگفتم که من ، از کار خدا چیزی دانم که شما نمی دانید؟ گفتند: «ای پدر ما! از گناهانمان ، آموزش خواه که ما گنهکار بودیم» . گفت: «به زودی ، از پروردگارم برایتان آموزش می خواهم که او آمرزگاری مهربان است» .» .

حدیثامام صادق علیه السلام: بهترین زمان برای دعا کردن شما به درگاه خدا ، سحرگاهان است. خداوند متعال، فرموده است: «... و آموزش خواهان در سحرگاهان» .

تفسير العياشي عن مفضل بن عمر: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، تَفَوُّتِي صِيْلَةَ اللَّيْلِ فَأُصِيْلِي الْفَجْرَ، فَلِي أَنْ أُصِيْلِي بَعْدَ صِيْلَةِ الْفَجْرِ مَا فَاتَنِي مِنَ الصَّلَاةِ، وَأَنَا فِي صِيْلَةِ (١) قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُ بِهِ أَهْلَكَ فَيَتَّخِذُونَهُ (٢) سُنَّةً، فَيَبْطُلُ قَوْلُ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ «وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ». (٣)

أعلام الدين: سُئِلَ أَبُو جَعْفَرٍ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ وَقْتِ صَلَاةِ اللَّيْلِ، فَقَالَ: الْوَقْتُ الَّذِي جَاءَ عَنِ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: فِيهِ يُنَادِي مُنَادِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: هَيْلٌ مِنْ دَاعٍ فَأُجِيبُهُ؟ هَيْلٌ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَعْفِرُ لَهُ؟ قَالَ السَّائِلُ: وَمَا هُوَ؟ قَالَ: الْوَقْتُ الَّذِي وَعَدَ يَعْقُوبُ فِيهِ بَنِيهِ بِقَوْلِهِ: «أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي» (٤). قَالَ: مَا هُوَ؟ قَالَ: الْوَقْتُ الَّذِي قَالَ اللَّهُ فِيهِ: «وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ». إِنَّ صِيْلَةَ اللَّيْلِ فِي آخِرِهِ أَفْضَلُ مِنْهَا قَبْلَ ذَلِكَ، وَهُوَ وَقْتُ الْإِجَابَةِ، وَهِيَ هَدِيَّةُ الْمُؤْمِنِ إِلَى رَبِّهِ، فَأَحْسِنُوا هَدَايَاكُمْ إِلَى رَبِّكُمْ، يُحْسِنِ اللَّهُ جَوَائِزَكُمْ؛ فَإِنَّهُ لَا يُوَاطِبُ عَلَيْهَا إِلَّا مُؤْمِنٌ أَوْ صِدِّيقٌ. (٥)

الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَيْرُ وَقْتٍ دَعَوْتُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ الْأَسْحَارُ، وَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ فِي قَوْلِ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي» وَقَالَ: أَخْرَجَهُمْ إِلَى السَّحْرِ. (٦)

رسول الله صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ مَعْصُومُونَ مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ: الذَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَالْمُسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ، وَالْبَاكُونَ مِنْ حَشْيِهِ اللَّهِ. (٧)

١- في مستدرک الوسائل ج ٣ ص ١٥٨ ح ٣٢٥٩ نقلاً عن المصدر: «مُصَلَّيَّ»، وهو الأنسب .

٢- في المصدر: «فتتخذونه»، والتصويب من بحار الأنوار .

٣- تفسير العياشي: ج ١ ص ١٦٥ ح ١٧، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٢٧٢ ح ١٠٨٥ وليس فيه ذيله من «فيبطل قول الله...»، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٢٦ ح ٣٧ .

٤- يوسف: ٩٨ .

٥- أعلام الدين: ص ٢٦٢، إرشاد القلوب: ص ٩٢ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٢٢ ح ٣٢ .

٦- الكافي: ج ٢ ص ٤٧٧ ح ٦ عن الفضل بن أبي قره، بحار الأنوار: ج ١٢ ص ٢٦٦ ح ٣٤ .

٧- كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٤١ ح ٤٣٣٤٣ نقلاً عن أبي الشيخ في الثواب عن ابن عباس .

تفسیر العیاشی به نقل از مفضل بن عمر: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم! نماز شب را از دست می دهم و نماز صبحم را می خوانم. آیا می توانم بعد از نماز صبح تا پیش از طلوع آفتاب که همچنان بر سجاده هستم، نماز از دست رفته شب را بخوانم؟ فرمود: «آری؛ اما این را به خانواده ات نگو که آن را سنت نکنند، و این فرموده خداوند عز و جل از بین برود که: «... و آمرزش خواهان در سحرگاهان»».

أعلام الدین: از امام باقر علیه السلام در باره وقت نماز شب، سؤال شد. فرمود: «آن، وقتی است که از جدم پیامبر خدا، در باره اش وارد شده است که فرمود: «در این وقت، منادی خداوند عز و جل بانگ می زند: آیا دعا کننده ای هست تا اجابتش کنم؟ آیا آمرزش خواهی هست تا او را بیامرزم؟». [پرسنده] گفت: آن، چه وقتی است؟ فرمود: «همان وقتی است که یعقوب علیه السلام در آن به فرزندانش وعده داد و گفت: «به زودی، از پروردگارم برایتان آمرزش می طلبم»». گفت: چه وقتی بود؟ فرمود: «وقتی که خداوند، در باره اش فرموده است: «و آمرزش خواهان در سحرگاهان»». نماز شب در آخر شب، با فضیلت تر از قبل آن است. این زمان، زمان اجابت [دعا] است و نماز شب، هدیه مؤمن است به پروردگارش. پس به پروردگارتان، هدیه های نیکو دهید تا خداوند، جایزه های نیکو به شما دهد. بر نماز شب، مواظبت نمی کند، مگر مؤمن یا صدیق».

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «بهترین زمانی که در آن، خداوند عز و جل را می خوانید، سحرگاهان است». این آیه را که گفته یعقوب علیه السلام است، تلاوت کرد: «به زودی، از پروردگارم برایتان آمرزش می طلبم». و فرمود: «[یعقوب علیه السلام] آمرزش خواهی برای آنان را تا سحرگاه، به تأخیر انداخت».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه گروه اند که از گزند ابلیس و سربازانش مصون اند: کسانی که شب و روز خداوند را بسیار یاد می کنند، آمرزش خواهان در سحرگاهان، و گریه کنندگان از ترس خدا.

عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ أَصْوَاتٍ يُجِبُّهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : صَوْتُ الدَّيِّكِ ، وَصَوْتُ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ ، وَصَوْتُ المُسْتَغْفِرِينَ بِالأَسْحَارِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله لِعَلِّيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا عَلِيُّ ، صَلِّ مِنَ اللَّيْلِ وَلَوْ قَدَرَ حَلْبُ شَاهٍ ، وَبِالأَسْحَارِ فَادُعْ ؛ لَا تُرَدُّ لَكَ دَعْوَةٌ ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ : «وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالأَسْحَارِ» . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله مِنْ وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ يَا أبا ذَرٍّ ، يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : إِنَّ أَحَبَّ العِبَادِ إِلَيَّ المُتَحَابِّونَ مِنْ أَجْلِى ، المُتَعَلِّقَةُ قُلُوبُهُمْ بِالمَسَاجِدِ ، وَالمُسْتَغْفِرُونَ بِالأَسْحَارِ ، أَوْلَيْكَ إِذَا أَرَدْتُ بِأَهْلِ الأَرْضِ عِقُوبَةً ذَكَرْتُهُمْ فَصَرَفْتُ العِقُوبَةَ عَنْهُمْ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى المُسْتَغْفِرِينَ وَالمُتَسَحِّرِينَ بِالأَسْحَارِ ؛ فَلْيَتَسَحَّرْ أَحَدُكُمْ وَلَوْ بِشَرْبِهِ مِنْ مَاءٍ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله : السَّحُورُ بَرَكَهٌ ، وَلِلَّهِ مَلَائِكَةٌ يُصَلُّونَ عَلَى المُسْتَغْفِرِينَ بِالأَسْحَارِ ، وَعَلَى المُتَسَحِّرِينَ . (٥)

عَدَّة الدَّاعِي عَنْهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ : الأَصْلَوَاتُ اللَّهُ عَلَى المُتَسَحِّرِينَ وَالمُسْتَغْفِرِينَ بِالأَسْحَارِ . (٦)

١- مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٨٩ ح ٢٢٤٦ ، بحار الأنوار : ج ٦٥ ص ٨ ح ١٣ ؛ الفردوس : ج ٢ ص ١٠١ ح ٢٥٣٨ عن أم سعد ، كنز العمال : ج ١٢ ص ٣٣٥ ح ٣٥٢٨٥ .

٢- مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٥٤ ح ٢١٣٤ ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ١٦٧ ح ١١ .

٣- مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٧٥ ح ٢٦٦١ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٦٢ وفيه «بحلال» بدل «من أجلى» وكلاهما عن أبي ذرّ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٨٦ .

٤- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ١٣٦ ح ١٩٦١ ، المقنع : ص ٢٠٤ كلاهما عن الإمام عليّ عليه السلام ، المقنع : ص ٣١٦ ، الأمالي للطوسي : ص ٤٩٧ ح ١٠٩٠ عن عمرو بن جميع عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الإقبال : ج ١ ص ١٨٥ عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج ٩٦ ص ٣١٣ ح ١١ .

٥- دعائم الإسلام : ج ١ ص ٢٧١ عن الإمام عليّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٦ ص ٣١١ ح ٤ .

٦- عدّة الداعي : ص ٢٥١ ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٢٢١ ح ٣١ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه آوازند که خداوند عز و جل آنها را دوست می دارد: آواز خروس، آواز کسی که قرآن می خواند، و آواز آمرزش خواهان در سحرگاهان.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام : ای علی! پاسی از شب را نماز بخوان ، حتّی اگر به اندازه زمان دوشیدن گوسفندی باشد. در سحرگاهان ، دعا کن که دعایت رد نمی شود؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی می فرماید : «و آمرزش خواهان در سحرگاهان» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش ایشان به ابو ذر : ای ابوذر! خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «محبوب ترین بندگان در نزد من ، آنان اند که به خاطر من ، یکدیگر را دوست می دارند، دل بسته مسجدهایند، و آمرزش خواهان در سحرگاهان اند. اینان اند که هرگاه بخواهم اهل زمین را کیفر دهم ، به یاد ایشان می افتم و از کیفر دادنشان ، منصرف می شوم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند تبارک و تعالی و فرشتگانش ، بر کسانی که در سحرگاهان آمرزش می طلبند و سَحری می خورند ، درود (رحمت) می فرستند. پس، هر یک از شما ، حتّی اگر شده با جرعه ای آب ، سَحری بخورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سَحری ، برکت است. خداوند ، فرشتگانی دارد که به آمرزش خواهان در سحرگاهان و بر سَحری خوران ، درود می فرستند.

عَدّه الداعی از معصومان علیهم السلام : هان! دروهای خدا بر کسانی که سَحری می خورند و در سحرگاهان ، آمرزش می طلبند!

المعجم الأوسط عن أنس: أَمَرْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ نَسْتَغْفِرَ بِالْأَسْحَارِ سَبْعِينَ مَرَّةً . (١)

الكافي عن أحمد بن عبد العزيز: حَدَّثَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنْ آخِرِ رَكَعِهِ الْوَتْرِ قَالَ: «هَذَا مَقَامٌ مِنْ حَسَنَاتِهِ نِعْمَةٌ مِنْكَ ، وَشُكْرُهُ ضَعِيفٌ ، وَذَنْبُهُ عَظِيمٌ ، وَلَيْسَ لَهُ إِلَّا دَفْعُكَ وَرَحْمَتُكَ ، فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (٢) ، طَالَ هُجُوعِي ، وَقَلَّ قِيَامِي ، وَهَذَا السَّحَرُ ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ لِذَنْبِي اسْتَغْفَارَ مَنْ لَمْ يَجِدْ لِنَفْسِهِ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ، وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا» ، ثُمَّ يَخْرُ سَاجِدًا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ . (٣)

٥ / أَقْنُوْتُ الْوَتْرِ كِتَابٌ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه: (٤) كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسْتَغْفِرُ اللَّهُ فِي الْوَتْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً وَيَقُولُ: «هَذَا مَقَامٌ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ . (٥)

الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ دَاوَمَ عَلَى صَلَاةِ اللَّيْلِ وَالْوَتْرِ ، وَاسْتَغْفَرَ اللَّهَ فِي كُلِّ وَتْرٍ سَبْعِينَ مَرَّةً ، ثُمَّ وَاظَبَ عَلَى ذَلِكَ سَنَةً ، كُتِبَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ . (٦)

- ١- المعجم الأوسط: ج ٩ ص ١٨٣ ح ٩٤٨٤ ، تفسير الطبري: ج ٣ الجزء ٣ ص ٢٠٨ ، تفسير القرطبي: ج ٤ ص ٣٩ وفيهما «أمرنا أن نستغفر» .
- ٢- الذاريات: ١٧ و ١٨ .
- ٣- الكافي: ج ٣ ص ٣٢٥ ح ١٦ ، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٣٢ ح ٥٠٨ ، علل الشرائع: ص ٣٦٥ ح ٣ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٨١ ح ٧٣ .
- ٤- أورد المصنّف هذا الحديث في ذيل ح ١٤٠٦ المروى عن عبد الله بن أبي يعفور عن أبي عبد الله عليه السلام . وقال محقق الكتاب في هامشه: «الظاهر أنه من تتمه خبر ابن أبي يعفور ، ويمكن أن يكون خبراً آخر» .
- ٥- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٨٩ ح ١٤٠٦ ، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٨٧ ح ٧٩ .
- ٦- تفسير العياشي: ج ١ ص ١٦٥ ح ١٢ عن زرارة ، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٢٥ ح ٣٧ .

۵ / ۲ دعای قنوت نماز وُتْر

المعجم الاوسط به نقل از انس : پیامبر خدا به ما فرمود که در سحر گاهان ، هفتاد مرتبه آمرزش بطلبیم.

الکافی به نقل از احمد بن عبد العزیز : یکی از شیعیان برایم نقل کرد که امام کاظم علیه السلام هر گاه سرش را از رکوع نماز وُتْر بر می داشت ، می گفت: «این جا ، کسی ایستاده است که نیکی هایش ، نعمتی از جانب توست، و سپاس گذاری اش ، اندک است، و گناهش بزرگ است و جز حمایت و رحمت تو ، کسی را ندارد؛ زیرا تو در کتابت که بر پیامبر مُرسل خود فرو فرستاده ای، فرموده ای: «و اندکی از شب را می خوابند و در سحر گاهان ، آمرزش می خواهند»، و من ، بیشتر [شب را] می خوابم و اندکی از آن را به عبادت می گذرانم، و در این سحر گاه ، از تو برای گناهم آمرزش می طلبم، همچون آمرزش خواهی کسی که اختیار هیچ گزند و سودی ، و مرگ و زندگی و رستاخیزی را برای خود ندارد». سپس به سجده می رفت دروهای خدا بر او باد .

۵ / ۲ دعای قنوت نماز وُتْر کتاب من لایحضره الفقیه : پیامبر خدا ، در [دعای قنوت] نماز وُتْر ، هفتاد مرتبه از خدا آمرزش می طلبید و هفت مرتبه می گفت: «این جا ، کسی ایستاده که از آتش به تو پناه آورده است».

امام باقر علیه السلام : هر کس بر نماز شب و [نماز] وُتْر مداومت ورزد و در هر وُتْری ، هفتاد بار از خدا آمرزش بخواهد و یک سال به این کار ادامه دهد، از آمرزش خواهان در سحر گاهان ، نوشته می شود.

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ فِي وَتْرِهِ إِذَا أَوْتَرَ: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» سَبْعِينَ مَرَّةً، وَوَاطَبَ عَلَى ذَلِكَ حَتَّى تَمِضِيَ سَنَةٌ، كَتَبَهُ اللَّهُ عِنْدَهُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ، وَوَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَالْمَغْفِرَةُ مِنَ اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ. (١)

عنه عليه السلام: الْقُنُوتُ فِي الْوَتْرِ الْإِسْتِغْفَارُ، وَفِي الْفَرِيضَةِ الدُّعَاءُ. (٢)

تهذيب الأحكام عن أبي بصير، قال: قُلْتُ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَالْمُسْتِغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ». فَقَالَ: اسْتَغْفَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي وَتْرِهِ سَبْعِينَ مَرَّةً. (٣)

تهذيب الأحكام عن معاوية بن عمَّار: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ «وَالْمُسْتِغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتِغْفِرُونَ»: فِي الْوَتْرِ فِي آخِرِ اللَّيْلِ سَبْعِينَ مَرَّةً. (٤)

تهذيب الأحكام عن أبي بكر بن أبي سَمَّكٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ لِي: فِي قُنُوتِ الْوَتْرِ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا، وَعَافِنَا وَعَافِ عَنَّا، فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (٥)

١- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٨٩ ح ١٤٠٥، الخصال: ص ٥٨١ ح ٣، ثواب الأعمال: ص ٢٠٤ ح ١، المحاسن: ج ١ ص ١٢٦ ح ١٤٢، تفسير العياشي: ج ١ ص ١٦٥ ح ١٤ و ١٥ كلُّها عن عمر بن يزيد نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٠٥ ح ١٤.

٢- الكافي: ج ٣ ص ٤٥٠ ح ٣٢ و ص ٣٤٠ ح ٩، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٣١ ح ٥٠٣، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٩١ ح ١٤١١ كلُّها عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٦٩ ح ٦٧.

٣- تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٣٠ ح ٥٠١، تفسير العياشي: ج ١ ص ١٦٥ ح ١٣، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ١٢١ و ص ٢٢٥ ح ٣٧.

٤- تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٣٠ ح ٤٩٨، علل الشرائع: ص ٣٦٤ ح ١ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٠٧ ح ١٩ و ص ١٢١.

٥- تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٩٢ ح ٣٤٢.

امام صادق علیه السلام: هر کس در رکعت آخر از سه رکعت نماز وُتْر، هفتاد بار بگوید: «از خداوند پروردگارم، آمرزش می‌طلبم و به درگاه او توبه می‌برم» و به این کار ادامه دهد تا یک سال بگذرد، خداوند، او را جزو آمرزش خواهان در سحرگاهان می‌نویسد و بهشت و آمرزش الهی بر او واجب می‌گردد.

امام صادق علیه السلام: قنوت در [نماز] وُتْر [برای] آمرزش خواهی است و در نماز واجب، [برای] دعا کردن.

تهذیب الاحکام به نقل از ابو بصیر: از امام علیه السلام (۱) در باره «و آمرزش خواهان در سحرگاهان» پرسیدم. فرمود: «پیامبر خدا، در [نماز] وُتْرش هفتاد بار استغفار می‌کرد».

تهذیب الاحکام به نقل از معاویه بن عمّار: از امام صادق علیه السلام شنیدم که در باره این فرموده خداوند عز و جل «و آمرزش خواهان در سحرگاهان» می‌فرماید: یعنی در [نماز] وُتْر آخر شب، هفتاد مرتبه استغفار می‌کنند.

تهذیب الاحکام به نقل از ابو بکر بن ابی سَمّاک: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «در قنوت [نماز] وُتْر، چنین گفته شود: بار خدایا! ما را بیامرز، و بر ما رحمت آور، و ما را عافیت بخش، و از ما در گذر، در دنیا و آخرت».

۱- منظور امام صادق یا امام کاظم علیهما السلام است.

٣ / ٥ حين يمضى ثلث الليلا الإمام الباقر عليه السلام: يُنادى مُنادٍ حين يمضى ثلث الليل: «يا باغى الخير أقبِل ، يا طالب الشر أقصر ، هل من تائب يُتاب عليه ؟ هل من مُستغفر يُغفر له ؟ هل من سائلٍ فيعطى ؟» حتى تطلع الشمس . (١)

٥ / ٤ الثلث الأخير من كحلّ ليلهم رسول الله صلى الله عليه وآله : إن الله تبارك وتعالى ينزل ملكا إلى السماء الدنيا كل ليلة في الثلث الأخير ، وليلة الجمعة في أول الليل ، فيأمره فينادى : «هل من سائلٍ فأعطيه ؟ هل من تائبٍ فأتوب عليه ؟ هل من مُستغفرٍ فأغفر له ؟ يا طالب الخير أقبِل ، ويا طالب الشر أقصر (٢)» ، فلا يزال يُنادى بهذا حتى يطلع الفجر . (٣)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبي الضحّاك في ذكر سيره الإمام الرضا عليه السلام وهو في طريقه إلى خراسان : فإذا كان الثلث الأخير من الليل ، قام من فراشه بالتسبيح والتحميد والتكبير والتهليل والإستغفار ، فاستاك ، ثم تَوَضَّأ ، ثم قام إلى صلاه الليل ... ثم يقول : «أستغفر الله وأسأله التوبة» سبعين مرة ، فإذا سلّم جلس في التعقيب ما شاء الله ... وكان قنوته في جميع صلواته : رب اغفر وارحم ، وتجاوز عما تعلم ، إنك أنت الأعزُّ الأجلُّ الأكرم . (٤)

١- دعائم الإسلام : ج ١ ص ٢١٠ ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ١٦٧ ح ١٠ .

٢- أقصر فلان عن الشيء يقصر إقصارا إذا كف عنه وانتهى (لسان العرب : ج ٥ ص ٩٧ «قصر»).

٣- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٤٢١ ح ١٢٤٠ عن إبراهيم بن أبي محمود عن الإمام الرضا عليه السلام ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ١ ص ١٢٦ ح ٢١ ، الاحتجاج : ج ٢ ص ٣٨٦ ح ٢٩٣ كلاهما عن إبراهيم بن أبي محمود عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، التوحيد : ص ١٧٦ ح ٧ عن الإمام الرضا عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج ٣ ص ٣١٤ ح ٧ .

٤- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ٢ ص ١٨١ ح ٥ ، بحار الأنوار : ج ٤٩ ص ٩١ ح ٧ .

۳ / ۵ هنگام سپری شدن یک سوم شب

۴ / ۵ یک سوم آخر هر شب

۳ / ۵ هنگام سپری شدن یک سوم شبامام باقر علیه السلام: چون یک سوم شب بگذرد، آواز دهنده ای [غیبی] آواز می دهد که: «ای جوینده خوبی، بشتاب! ای خواهان بدی، دست بردار! آیا توبه گری هست تا توبه او پذیرفته شود؟ آیا آمرزش خواهی هست تا آمرزیده شود؟ آیا خواهنده ای هست تا به او عطا شود؟» و تا طلوع خورشید، ادامه می دهد.

۴ / ۵ یک سوم آخر هر شبپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند تبارک و تعالی هر شب، در ثلث آخر آن، و شب جمعه، در آغاز شب، فرشته ای به آسمان پایین، فرو می فرستد و به او دستور دهد که بانگ زند: «آیا درخواست کننده ای هست تا عطایش کنم؟ آیا توبه کننده ای هست تا توبه اش را بپذیرم؟ آیا آمرزش خواهی هست تا او را بیامرزم؟ ای جوینده خوبی، بشتاب! ای جوینده بدی، دست بردار!» و پیوسته این را ندا می دهد تا آن گاه که سپیده بر دمَد.

عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از رجاء بن ابی ضحاک، در یادکرد رفتار امام رضا علیه السلام در راه سفر به خراسان: چون ثلث آخر شب می شد، با ذکر «سبحان الله» و «الحمد لله» و «الله أكبر» و «لا إله إلا الله» و آمرزش خواهی، از بسترش بر می خاست و مسواک می زد و وضو می گرفت. سپس به نماز شب می ایستاد... آن گاه، هفتاد مرتبه می گفت: «از خدا، آمرزش می خواهم و از او، توبه می طلبم». و چون سلام می داد، می نشست و ساعت ها تعقیبات می گفت... دعای قنوت ایشان در همه نمازهایش این بود: «پروردگارا! بیامرز و رحم کن، و از آنچه [از گناهانم] می دانی، در گذر که تو عزیزترین و بزرگ ترین و کریم ترینی».

٥ / ٥ / يَوْمَ الْخَمِيْسِ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ صَلَّى يَوْمَ الْخَمِيْسِ مَا بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ رَكَعَتَيْنِ ، يَقْرَأُ فِي أَوَّلِ رَكَعِهِ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَآيَةِ الْكُرْسِيِّ مِنْهُ مَرَّةً ، وَفِي الرَّكَعَةِ الثَّانِيَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ«قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» مِنْهُ مَرَّةً ، فَإِذَا فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ اسْتَغْفَرَ اللهُ مِنْهُ مَرَّةً ، وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْهُ مَرَّةً ؛ لَا يَقُومُ مِنْ مَقَامِهِ حَتَّى يَغْفِرَ اللهُ لَهُ الْبَتَّةَ . (١)

٥ / ٦ / لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ الْإِمَامُ الْبَاقِرُ وَالْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : إِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ أَمَرَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّمَ لِكَا فَنَادَى مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ إِلَى آخِرِهِ ، وَيُنَادَى فِي كُلِّ لَيْلَةٍ غَيْرِ لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ مِنْ ثُلُثِ اللَّيْلِ الْآخِرِ : هَيْلٌ مِنْ سَائِلٍ فَمَا عَطِيَّتُهُ ؟ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ ؟ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ ؟ يَا طَالِبَ الْخَيْرِ أَقْبِلْ ، يَا طَالِبَ الشَّرِّ أَقْصِرْ . (٢)

١- مصباح المتهجد : ص ٢٥٦ ، جمال الأسبوع : ص ٧٩ كلاهما عن ابن مسعود ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ٣١٣ ح ٤٣ .

٢- دعائم الإسلام : ج ١ ص ١٨٠ ، بحار الأنوار : ج ٨٩ ص ٢٧٩ ح ٢٥ .

۵ / ۵ روز پنج شنبه**۵ / ۶ شب جمعه**

۵ / ۵ روز پنج شنبه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس روز پنج شنبه ، در فاصله میان نماز ظهر و عصر ، دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول ، «فاتحه الكتاب» را با صد مرتبه «آیه الکرسی» ، و در رکعت دوم «فاتحه الكتاب» را با صد مرتبه «قل هو الله أحد» بخواند و پس از نمازش ، صد مرتبه از خدا طلبِ آمرزش کند و صد مرتبه بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود بفرستد، پیش از آن که از جایش بلند شود ، خداوند ، حتماً او را می آمرزد.

۵ / ۶ شب جمع‌ه امام باقر و امام صادق علیهما السلام :چون شب جمعه شود ، خداوند عز و جل به فرشته ای فرمان دهد که از اول شب تا آخر آن ، و در شب های دیگر، غیر از شب جمعه، از ثلثِ آخر شب ، ندا دهد که: «آیا درخواست کننده ای هست تا به او عطا کنم؟ آیا توبه کننده ای هست تا توبه اش را بپذیریم؟ آیا آمرزش خواهی هست تا او را ببامرزم؟ ای طالب خوبی ، بیا! ای طالب بدی ، دست بردار!». .

٧ / ٥ يومُ الجُمُعهِ رسولُ الله صلى الله عليه و آله : إِنَّ فِي الجُمُعَةِ سَاعَةً لَا يُؤَافِقُهَا عَبْدٌ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِيهَا إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ . (١)

المعجم الكبير عن سمره بن جندب : كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسْتَغْفِرُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ ، كُلَّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ قَالَ بَيْنَ رَكَعَتَيْ الْفَجْرِ إِلَى الْغَدَاةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ : «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» مِنْهُ مَرَّةً ، بَنَى اللَّهُ لَهُ مَسْكَنًا فِي الْجَنَّةِ . (٣)

عنه عليه السلام : مَنْ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ تَعَالَى يَوْمَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ الْعَصْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً ، يَقُولُ : «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» غَفَرَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ لَهُ ذَنْبَهُ فِيمَا سَلَفَ ، وَعَصَمَهُ فِيمَا بَقِيَ ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ ذَنْبٌ ، غَفَرَ لَهُ ذُنُوبَ الْيَوْمِ وَالْيَوْمِ . (٤)

عنه عليه السلام : مِنَ السُّنَنِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَلْفَ مَرَّةٍ ، وَفِي غَيْرِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ مِنْهُ مَرَّةً ، وَمَنْ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ مِنْهُ صَلَاةٌ وَأَسْتَغْفَرَ مِنْهُ مَرَّةً ، وَقَرَأَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» مِنْهُ مَرَّةً ، غُفِرَ لَهُ الْبَتَّةَ . (٥)

جمال الأسبوع : رُوِيَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ أَمَرَ رَجُلًا أَنْ يُصَلِّيَ الضُّحَى يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ : يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ عَشْرَ مَرَّاتٍ ، وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» عَشْرَ مَرَّاتٍ . ثُمَّ قَالَ : فَإِذَا سَلَّمْتَ ، اسْتَغْفِرِ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ سَبْعِينَ مَرَّةً ، وَقُلْ : سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . (٦)

- ١- السنن الكبرى للنسائي : ج ٦ ص ١٢٢ ح ١٠٣٠٥ ، الدعاء للطبراني : ص ٧٠ ح ١٧٥ ، عمل اليوم والليله لابن السني : ص ١٣٣ ح ٣٧٣ كلها عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ٧ ص ٧٦٤ ح ٢١٣٠٥ .
- ٢- المعجم الكبير : ج ٧ ص ٢٦٤ ح ٧٠٧٩ .
- ٣- جامع الأحاديث للقمي : ص ١٥٤ ، جمال الأسبوع : ص ٢٤٨ عن أبي حمزه نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨٩ ص ٣١٣ ح ١٨ .
- ٤- جمال الأسبوع : ص ٢٧٨ عن موسى بن أكيل الثميري ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ٩١ ح ٤ .
- ٥- جامع الأحاديث للقمي : ص ١٥٨ ، بحار الأنوار : ج ٨٩ ص ٣٥٥ ح ٣٣ .
- ٦- جمال الأسبوع : ص ٩٢ ، بحار الأنوار : ج ٨٩ ص ٣٦٧ ح ٦٢ .

۵ / ۷ روز جمعه

۵ / ۷ روز جمعه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در جمعه ، ساعتی است که هر بنده ای در آن ساعت از خدا آمرزش بطلبد ، خداوند ، حتماً او را می آمرزد.

المعجم الكبير به نقل از سَیْمَرَه بن جُنْدَب : پیامبر صلی الله علیه و آله در هر روز جمعه ، برای مردان و زنان مؤمن و مسلمان ، طلب آمرزش می کرد.

امام صادق علیه السلام: هر کس در روز جمعه ، پس از دو رکعت نماز صبح تا آغاز روز [در مابین الطلوعین] ، صد مرتبه بگوید: «پاکا پروردگار بزرگ من و ستایش ، او را! از پروردگارم آمرزش می خواهم و به درگاه او توبه می کنم»، خداوند ، برای او در بهشت خانه ای بنا می کند .

امام صادق علیه السلام: هر کس در روز جمعه، بعد از نماز عصر ، هفتاد مرتبه از خداوند متعال ، آمرزش بخواهد، بگوید: «از خدا ، آمرزش می خواهم و به درگاه او توبه می کنم» ، خداوند عز و جل گناهان گذشته اش را می آمرزد، و در آینده ، او را [از گناه] مصون می دارد، و اگر گناهی نداشته باشد، گناهان پدر و مادر او را می آمرزد.

امام صادق علیه السلام: از سنت است (/مستحب است) که در روز جمعه ، هزار مرتبه و در غیر روز جمعه ، صد مرتبه بر محمد ، درود فرستاده شود. هر کس در روز جمعه ، صد مرتبه بر محمد و خاندان محمد ، درود فرستد و صد مرتبه طلب آمرزش کند و صد مرتبه «قل هو الله احد» را بخواند، قطعاً آمرزیده شود.

جمال الأسبوع: روایت شده است که امیر مؤمنان ، به مردی دستور داد در روز جمعه هنگام چاشت ، چهار رکعت نماز بخواند: در هر رکعت ، ده مرتبه «فاتحه الكتاب» و ده مرتبه «قل هو الله احد» را. سپس فرمود: «چون سلام دادی، هفتاد مرتبه از خداوند عز و جل طلب آمرزش کن و بگو: پاکا خدا و ستایش ، خدا را! معبودی جز خدا نیست . خدا ، بزرگ تر است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای بلندمرتبه و بزرگ » .

٥ / ٨ قَبْلَ الْغُرُوبِ فِي عَرَفَاتِ الْإِقْبَالِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: كُنْتُ قَرِيبًا مِنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْمَوْقِفِ ، فَلَمَّا هَمَّتِ الشَّمْسُ لِلْغُرُوبِ أَخَذَ بِيَدِهِ الْيَسْرَى بِمَجَامِعِ ثَوْبِهِ ثُمَّ قَالَ : «اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ ، إِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِأَمْرِ قَدْ سَلَفَتْ مِنِّي ، وَأَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ بِرُمَّتِي ، وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي فَأَهْلُ الْعَفْوِ أَنْتَ يَا أَهْلَ الْعَفْوِ ، يَا أَحَقَّ مَنْ عَفَا ، اغْفِرْ لِي وَلِلْأَصْحَابِي» ، وَحَرَكَكَ دَابَّتَهُ فَمَرَّ .

(١)

٥ / ٩ يَوْمُ النَّحْرِ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خُطْبَتِهِ يَوْمَ النَّحْرِ (٢) : إِنَّ هَذَا يَوْمٌ حُرْمَتُهُ عَظِيمَةٌ ، وَبَرَكَتُهُ مَأْمُولَةٌ ، وَالْمَغْفِرَةُ فِيهِ مَرْجُوءَةٌ ، فَأَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ تَعَالَى وَاسْتَغْفِرُوهُ ، وَتُوبُوا إِلَيْهِ ، إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ . (٣)

١- الإقبال : ج ٢ ص ٧٣ ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٢١٥ ح ٣ .

٢- يوم النحر : هو يوم العاشر من ذي الحجة (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٧٥٩ «نحر»).

٣- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٥٢٠ ح ١٤٨٤ ، مصباح المتهجد : ص ٦٦٤ ح ٧٣٠ عن عبد الرحمن بن جندب عن أبيه نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩١ ص ١٠٠ ح ٤ .

۵ / ۸ پیش از غروب در عرفات**۵ / ۹ روز قربان**

۵ / ۸ پیش از غروب در عرفات لاقبال به نقل از حمّاد بن عبد الله : در موقف ، نزدیک امام کاظم علیه السلام بودم. نزدیک غروب خورشید که شد ، امام علیه السلام با دست چپ خود ، گوشه های جامه اش را گرفت و گفت: «بار خدایا! من ، بنده تو و فرزند بنده تو هستم. اگر عذابم کنی ، به سبب اموری است که پیش تر ، از من سرزده است ، و اینک ، من با تمام وجودم در اختیار توام . اگر مرا ببخشی ، تو اهل بخشایشی . ای اهل بخشایش ، ای سزاوارترین کس به گذشت کردن! مرا و یاران مرا بیامرز» و مرکبش را هی زد و رفت.

۵ / ۹ روز قربان امام علی علیه السلام در خطبه اش در روز [عید] قربان : این ، روزی است که حرمتش بسیار است و برکتش انتظار می رود و به آمرزش در آن ، امید است. بنا بر این ، خداوند متعال را فراوان یاد کنید و از او آمرزش بخواهید و به درگاهش توبه کنید ، که او توبه پذیری مهربان است.

٥ / ١٠ الصَّبَاحُ وَالْمَسَاءُ رسول الله صلى الله عليه و آله : ما مِنْ صَبَاحٍ إِلَّا وَمَلَكَانِ يُنَادِيَانِ يَقُولَانِ : « يَا بَاغِيَ الْخَيْرِ هَلُمَّ ، يَا بَاغِيَ الشَّرِّ انْتَه ، هَيْلٌ مِنْ دَاعٍ فَيَسْتَجَابُ لَهُ ؟ هَيْلٌ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَيَغْفِرُ لَهُ ؟ هَيْلٌ مِنْ تَائِبٍ فَيَتَابُ عَلَيْهِ ؟ هَلْ مِنْ مَغْمُومٍ فَيَنْفَسُ عَنْهُ غَمُّهُ ؟ اللَّهُمَّ عَجِّلْ لِلْمُنْفِقِ مَالَهُ خَلْفًا ، وَلِلْمُؤْسِكِ تَلْفًا ، فَهَذَا دُعَاؤُهُمَا حَتَّى تَعْرُبَ الشَّمْسُ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : ما أَصْبَحْتُ غَدَاةً قَطُّ ، إِلَّا اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ فِيهَا مِنْهُ مَرَّةً . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ اسْتَغْفَرَ إِذَا وَجَبَتْ (٣) الشَّمْسُ سَبْعِينَ مَرَّةً غَفَرَ اللَّهُ لَهُ سَبْعِمِئَةَ ذَنْبٍ ، وَلَا يُذْنِبُ مُؤْمِنٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فِي يَوْمِهِ وَلَيْلَتِهِ سَبْعِمِئَةَ ذَنْبٍ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله : ما مِنْ عَبْدٍ حَتَمَ صَحِيفَتَهُ عِنْدَ مَغِيبِ الشَّمْسِ بِالِاسْتِغْفَارِ ، إِلَّا مَحَا مَا دُونَهَا . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام : مَهْمَا تَرَكْتَ مِنْ شَيْءٍ فَلَا تَتْرُكْ أَنْ تَقُولَ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَسْتَغْفِرُكَ فِي هَذَا الصَّبَاحِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ لِأَهْلِ رَحْمَتِكَ ، وَأَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَهْلِ لَعْنَتِكَ ... اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ مُنْقَلَبَهُمْ وَمَثْوَاهُمْ . (٦)

١- الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ : ص ٧٠١ ح ٩٥٨ عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، روضه الواعظين : ص ٣٦٠ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٣٨٠ ح ٣ .

٢- السنن الكبرى للنسائي : ج ٦ ص ١١٥ ح ١٠٢٧٥ ، المعجم الأوسط : ج ٤ ص ١١٠ ح ٣٧٣٧ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٨ ص ٢٣٩ ح ٥ ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص ١٩٦ ح ٥٥٨ كلّها عن أبي بردة عن أبيه ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٧٧ ح ٢٠٧٩ .

٣- وجبت الشَّمْسُ : أى غابت (الصحاح : ج ١ ص ٢٣٢ «وجب»).

٤- كنز العمال : ج ١ ص ٤٨١ ح ٢٠٩٩ نقلًا عن الديلمي عن أبي هريره وراجع الفردوس : ج ٣ ص ٦٠٤ ح ٥٨٩١ .

٥- الفردوس : ج ٤ ص ١٦ ح ٦٠٤٦ عن أبي الدرداء ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٨٠ ح ٢٠٩٨ .

٦- الكافي : ج ٢ ص ٥٢٩ ح ٢٣ عن فرات بن الأحنف ، مصباح المتهجد : ص ٢١٣ ح ٣١٩ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٥٠ ح ٣٤ .

۵ / ۱۰ بامدادان و شامگاهان

۵ / ۱۰ بامدادان و شامگاهان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بامدادی نیست، مگر آن که دو فرشته، بانگ برآورده، می گویند: «ای جویای خوبی، بیا! ای در پی بدی، دست [از بدی] بدار! آیا دعا کننده ای هست تا دعایش مستجاب شود؟ آیا آمرزش خواهی هست تا آمرزیده شود؟ آیا توبه گری هست تا توبه اش پذیرفته شود؟ آیا غم زه ای هست تا غم او زُدوده شود؟ بار خدایا! به آن که مال خویش را انفاق می کند، هر چه زودتر، عوض عطا کن، و به آن که از انفاق، خودداری می ورزد، در تلف کردن مال او تعجیل فرما»، و تا غروب آفتاب، دعای آن دو این باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ گاه صبحی را آغاز نکردم، مگر این که در آن، صد مرتبه از خدا آمرزش طلبیدم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس، چون خورشید غروب کرد، هفتاد بار آمرزش بخواهد، خداوند، هفتصد گناه از او می آمرزد، و هیچ مؤمنی اگر خدا خواهد در شبانه روز، هفتصد گناه نمی کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که در هنگام غروب آفتاب، کارنامه اش را به آمرزش خواهی ختم کند، مگر آن که گناهان پیش از آن را پاک می کند.

امام صادق علیه السلام: هر چه را ترک کردی، این را ترک مکن که در هر بامداد و شامگاه بگویی: «بار خدایا! روز خود را آغاز می کنم و در این بامدادان و در این روز، برای آنان که سزاوار رحمت تو هستند، از تو آمرزش می طلبم و از آنان که سزاوار و مشمول نفرین تو هستند، در پیشگاه تو اعلام بیزاری می کنم... بار خدایا! مرا و پدر و مادرم را بیامرزد و آن دو را رحمت کن که مرا در کودکی پروردند. بار خدایا! مردان و زنان مؤمن، و مردان و زنان مسلمان را، زنده و مُرده شان را بیامرزد. بار خدایا! تو از جایگاه و مکان بازگشت آنان، آگاهی.

٥ / ١١ شهر رَجَبٍ ولا سَيِّمًا لَيْلَهُ النَّصْفِ مِنْهُرِ سَؤْلِ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَكْثَرُوا مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ فِي شَهْرِ رَجَبٍ ، فَإِنَّ لِلّهِ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْهُ عِتْقَاءً (١) مِنَ النَّارِ ، وَإِنَّ لِلّهِ مَدَائِنَ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ صَامَ [شَهْرًا] (٢) رَجَبٍ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله : رَجَبٌ شَهْرُ الْإِسْتِغْفَارِ لِأُمَّتِي ، أَكْثَرُوا فِيهِ الْإِسْتِغْفَارَ ، فَإِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ، وَشَعْبَانُ شَهْرِي ، اسْتَكْثَرُوا فِي رَجَبٍ مِنْ قَوْلٍ : «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» ، وَأَسَأَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ الْإِقَالَهَ وَالتَّوْبَةَ فِيمَا مَضَى ، وَالْعِصْمَةَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ آجَالِكُمْ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ صَامَ أَيَّامَ الْبَيْضِ مِنْ رَجَبٍ أَوْ قَامَ (٥) لَيْلَيْهَا ، وَيُصَلِّي لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْهُ رَكَعَهُ ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعِهِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» عَشْرَ مَرَّاتٍ ، فَإِذَا فَرَغَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ اسْتَغْفَرَ سَبْعِينَ مَرَّةً ، رُفِعَ عَنْهُ شَرُّ أَهْلِ السَّمَاءِ ، وَشَرُّ أَهْلِ الْأَرْضِ ، وَشَرُّ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ ، وَإِنْ مَاتَ فِي هَذَا الشَّهْرِ مَاتَ [شَهِيدًا] (٦) ، وَيَقْضَى اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَاجَةٍ . (٧)

١- .في المصدر : «منها عتقا» ، والتصويب من كثر العمال .

٢- .ما بين المعقوفين أثبتناه من كثر العمال .

٣- .الفردوس : ج ١ ص ٨١ ح ٢٤٧ عن الإمام علي عليه السلام ، كثر العمال : ج ١ ص ٤٨١ ح ٢١٠١ .

٤- .النوادر للأشعري : ص ١٧ ح ٢ عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٧ ص ٣٨ ح ٢٤ .

٥- .في مستدرک الوسائل : «وقام» .

٦- .ما بين المعقوفين أثبتناه من مستدرک الوسائل .

٧- .بحار الأنوار : ج ٩٧ ص ٥٠ ح ٣٨ ، مستدرک الوسائل : ج ٧ ص ٥٣٣ ح ٨٨٢٩ كلاهما نقلًا عن كتاب النوادر للراوندي عن ابن عباس .

۵ / ۱۱ ماه رجب ، بویژه شب نیمه آن

۵ / ۱۱ ماه رجب ، بویژه شب نیمه آنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در ماه رجب ، بسیار طلب آموزش کنید؛ زیرا در هر ساعتی از این ماه ، خداوند ، عده ای را از آتش می رهاند . برای خدا شهرهایی است که تنها کسانی وارد آنها می شوند که [ماه] رجب را روزه بگیرند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رجب، ماه آموزش خواهی امت من است . پس در این ماه ، بسیار آموزش بخواید که خدا ، آموزگاری مهربان است. شعبان ، ماه من است . در رجب ، جمله «استغفر الله» را فراوان بگویید و از خداوند ، در باره [گناهان] گذشته ، پوزش و توبه بخواید، و برای باقی مانده عمرتان ، مصونیت [از گناه].

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در ایام البیض ماه رجب ، روزه بگیرد یا شب های آن را به عبادت بگذراند و شب نیمه [ی این ماه] صد رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت ، ده مرتبه «قل هو الله احد» بخواند و پس از این نماز ، هفتاد مرتبه آموزش بطلبد، گزند آسمانیان و گزند زمینیان و گزند ابلیس و سربازانش ، از او دور داشته می شود ، و اگر در این ماه بمیرد ، شهید مُرده است، و خداوند ، هزار حاجت او را بر آورده می سازد.

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ صَيَّمْ لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ رَجَبٍ عَشْرَ رَكَعَاتٍ ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً ، وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ثَلَاثِينَ مَرَّةً ، فَإِذَا اسْتَغْفَرَ اللَّهَ وَسَجَدَ وَسَبَّحَهُ وَمَجَّدَهُ وَكَبَّرَهُ مِثْلَهُ مَرَّةً ، لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ خَطِيئَتُهُ إِلَى مِثْلِهَا مِنَ الْقَابِلِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَصَبَ فِي السَّمَاءِ الشَّيْبَةَ مَلَكًا يُقَالُ لَهُ: الدَّاعِي ، فَإِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَجَبٍ يُنَادِي ذَلِكَ الْمَلَكُ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْهُ إِلَى الصَّبَاحِ: طُوبَى لِلذَّاكِرِينَ ، طُوبَى لِلطَّائِعِينَ . وَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا جَلِيسٌ مَنْ جَالَسَنِي ، وَمُطِيعٌ مَنْ أَطَاعَنِي ، وَغَافِرٌ مَنْ اسْتَغْفَرَ نِي . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: أَلَا- إِنَّ فِي شَهْرِ رَجَبٍ لَيْلَةً ، مِنْ حَرَمِ النَّوْمِ عَلَى نَفْسِهِ وَقَامَ فِيهَا حَرَمَ اللَّهِ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ ، وَصَافِحُهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ ، وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ إِلَى يَوْمِ مِثْلِهِ ، فَإِنْ عَادَ عَادَتِ الْمَلَائِكَةُ . (٣)

٥ / ١٢ شَهْرُ شَعْبَانَ وَلَا سَيِّمًا لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا كَانَ لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ نَادَى مُنَادٍ (٤): هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ؟ هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيَهُ؟ فَلَا يَسْأَلُ أَحَدٌ إِلَّا أُعْطِيَ ، إِلَّا زَانِيَةً بَفَرْجِهَا أَوْ مُشْرِكٌ . (٥)

-
- ١- بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٥٠ ح ٣٩ نقلًا عن كتاب النوادر للراوندى عن أنس .
 - ٢- الإقبال: ج ٣ ص ١٧٤ ، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٣٧٧ ح ١ .
 - ٣- بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٤٧ ح ٣٣ نقلًا عن النوادر للراوندى عن ابن عباس .
 - ٤- فى المصدر: «فإذا منادٍ» ، والتصويب من كنز العمال وبعض نسخ المصدر الخطية .
 - ٥- شعب الإيمان: ج ٣ ص ٣٨٣ ح ٣٨٣٦ عن عثمان بن أبي العاص ، كنز العمال: ج ١٢ ص ٣١٤ ح ٣٥١٧٨ .

۵ / ۱۲ ماه شعبان ، بویژه شب نیمه آن

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس شب نیمه ماه رجب ، ده رکعت نماز بگزارد، در هر رکعتی یک مرتبه «فاتحه الكتاب» و سی مرتبه «قل هو الله احد» را بخواند و چون [نمازش را تمام کرد و] از خدا، آمرزش بخواهد و سجده کند و او را تسبیح و تمجید گفته ، صد مرتبه «الله أكبر» بگوید ، تا رجب آینده ، گناهی برایش نوشته نمی شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند متعال، در آسمان هفتم ، فرشته ای منصوب کرده است که به آن ، «دعوتگر» گفته شود. چون ماه رجب در آید ، آن فرشته ، هر شب تا صبح بانگ می زند: «خوشا به حال ذکرگویان [خدا]! خوشا به حال فرمان برداران!». و خداوند متعال می فرماید: «من همنشین کسی هستم که با من ، همنشینی کند، و فرمان بردار کسی هستم که از من ، فرمان برد ، و آمرزنده کسی هستم که از من ، آمرزش بخواهد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هان! در ماه رجب ، شییی است که هر کس در آن شب ، خواب را بر خود حرام کند و به عبادت پردازد خداوند ، بدن او را بر آتش ، حرام می گرداند و هفتاد هزار فرشته با او دست می دهند و تا روزی چنان (یعنی ماه رجب سال آینده) برایش طلب آمرزش می کنند، و اگر دوباره گناه کرد ، فرشتگان ، دوباره برایش آمرزش می خواهند.

۵ / ۱۲ ماه شعبان ، بویژه شب نیمه آنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه شب نیمه شعبان شود ، منادی ای ندا می دهد : آیا آمرزش خواهی هست تا او را بیامرزم؟ آیا درخواست کننده ای هست تا به او عطا کنم؟ پس هر کسی درخواست کند ، به او عطا می شود ، بجز زن زناکار یا شخص مشرک.

عنه صلى الله عليه وآله: إذا كانَ لَيْلَةُ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ فقوموا لَيْلَتِهَا ، و صوموا يَوْمَهَا ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ : أَلَا مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ ؟ أَلَا مِنْ مُسْتَرْزِقٍ فَأَرْزُقَهُ ؟ أَلَا مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيَهُ ؟ أَلَا كَذَا ؟ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ . (١)

مصباح المتهجد عن زيد بن علي : كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَجْمَعُنَا جَمِيعًا لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ ، ثُمَّ يُجَزِّي اللَّيْلَ أَجْزَاءً ثَلَاثَةً ، فَيُصَلِّي بِنَا جُزْءًا ، ثُمَّ يَدْعُو وَنُؤْمِنُ عَلَى دُعَائِهِ ، ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَسْأَلُهُ لَهُ الْجَنَّةَ حَتَّى يَنْفَجِرَ الصُّبْحُ . (٢)

مصباح المتهجد عن محمد بن أبي حمزة عن الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ سَبْعِينَ مَرَّةً : أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ ، كَتَبَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْأَفْقِ الْمُبِينِ . قُلْتُ : وَمَا الْأَفْقُ الْمُبِينُ ؟ قَالَ : قَاعَ بَيْنَ يَدَيِ الْعَرْشِ ، فِيهِ أَنْهَارٌ تَطْرُدُ فِيهِ مِنَ الْقِدْحَانِ عَدَدَ النُّجُومِ . (٣)

الإمام الرضا عليه السلام : مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ سَبْعِينَ مَرَّةً ، حُشِرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي زُمْرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَوَجِبَتْ لَهُ مِنَ اللَّهِ الْكَرَامَةُ . (٤)

١- شعب الإيمان : ج ٣ ص ٣٧٩ ح ٣٨٢٢ عن عبد الله بن جعفر عن الإمام علي عليه السلام وراجع سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٤٤٤ ح ١٣٨٨ والفردوس : ج ١ ص ٢٥٩ ح ١٠٠٧ وكنز العميال : ج ١٢ ص ٣١٤ ح ٣٥١٧٧ والإقبال : ج ٣ ص ٣٢٣ وبحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٤١٥ ح ١ .

٢- مصباح المتهجد : ص ٨٥٣ ، بحار الأنوار : ج ٨٣ ص ١١٥ ح ٣٢ .

٣- مصباح المتهجد : ص ٨٢٩ ح ٨٨٩ ، الخصال : ص ٥٨٢ ح ٥ ، معاني الأخبار : ص ٢٢٩ ح ١ ، فضائل الأشهر الثلاثة : ص ٥٦ ح ٣٥ ، الإقبال : ج ٣ ص ٢٩٥ ، بحار الأنوار : ج ٩٧ ص ٩١ ح ٤ .

٤- الخصال : ص ٥٨٢ ح ٦ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ١ ص ٢٥٥ ح ٦ كلاهما عن العباس بن هلال ، فضائل الأشهر الثلاثة : ص ٤٤ ح ٢١ ، الأمالي للصدوق : ص ٦٨ ح ٣٤ ، الإقبال : ج ٣ ص ٢٩٤ والثلاثة الأخيره عن الحسن بن علي بن فضال نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٧ ص ٧٢ ح ١٦ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه شب نیمه شعبان رسید، آن شب را به عبادت بگذارید و روزش را روزه بگیرید؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: «آیا آمرزش خواهی هست تا او را بیامرزم؟ آیا روزی خواهی هست تا او را روزی دهم؟ آیا درخواست کننده ای هست تا به او عطا کنم؟ آیا چنین، آیا چنان؟»، تا آن گاه که سپیده بزند.

مصباح المتهجد به نقل از زید بن علی: امام زین العابدین علیه السلام در شب نیمه شعبان، همه ما را جمع می کرد. آن گاه، شب را به سه بخش تقسیم می کرد، در یک بخش، برایمان نماز می خواند، آن گاه، دعا می کرد و ما «آمین» می گفتیم. سپس از خدا آمرزش می طلبید و ما هم آمرزش می طلبیدیم و بهشت را از او درخواست می کردیم، تا آن گاه که سپیده صبح می دمید.

مصباح المتهجد به نقل از محمّد بن ابی حمزه: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس در هر روز از [ماه] شعبان، هفتاد مرتبه بگوید: آمرزش می طلبم از خدایی که معبودی نیست، جز او مهر گستر مهربان، زنده پاینده، و به درگاهش توبه می کنم»، خداوند متعال، نامش را در افق مبین می نویسد». گفتم: افق مبین چیست؟ فرمود: «دستی است در برابر عرش که در آن، جویبارها روان است و جاهایی به شمار ستارگان».

امام رضا علیه السلام: هر کس در هر روز از ماه شعبان، هفتاد بار از خدا آمرزش بخواهد، روز قیامت، در گروه پیامبر خدا محشور شود و کرامت خدا بر او واجب می گردد.

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ سَبْعِينَ مَرَّةً: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ» كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ، وَجَوَازًا عَلَى الصَّرَاطِ، وَأَحَلَّهُ دَارَ الْقَرَارِ. (١)

فضائل الأشهر الثلاثة عن إبراهيم بن ميمون: قُلْتُ [لَهُ عَلَيْهِ السَّلَام]: فَمَا أَفْضَلُ الدُّعَاءِ فِي هَذَا الشَّهْرِ؟ فَقَالَ: الْإِسْتِغْفَارُ، إِنَّ مَنْ اسْتَغْفَرَ فِي شَعْبَانَ كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً، كَانَ كَمَنْ اسْتَغْفَرَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ. قُلْتُ: فَكَيْفَ أَقُولُ؟ قَالَ: قُلْ: اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ. (٢)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن عبد السلام بن صالح الهروي: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي آخِرِ جُمُعَةٍ مِنْ شَعْبَانَ، فَقَالَ لِي: يَا أَبَا الصَّلْتِ، إِنَّ شَعْبَانَ قَدْ مَضَى أَكْثَرُهُ، وَهَذَا آخِرُ جُمُعَةٍ مِنْهُ، فَتَيْدَارَكَ فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ تَقْصِيرَكَ فِيمَا مَضَى مِنْهُ، وَعَلَيْكَ بِالْإِقْبَالِ عَلَى مَا يَعْنِيكَ وَتَرْكِ مَا لَا يَعْنِيكَ، وَأَكْثَرِ مِنَ الدُّعَاءِ وَالْإِسْتِغْفَارِ وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، وَتُبِّإِلَى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِكَ لِتُقْبَلَ شَهْرُ اللَّهِ إِلَيْكَ وَأَنْتَ مُخْلِصٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (٣)

٥ / ١٣ شَهْرُ رَمَضَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تُفْتَحُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ فِي أَوَّلِ لَيْلِهِ مِنْ رَمَضَانَ إِلَى آخِرِ لَيْلِهِ، وَتُعَلُّ فِيهِ مَرَدَةُ الشَّيَاطِينِ، وَيَبْعَثُ اللَّهُ مُنَادِيًا يُنَادِي: يَا بَاغِيَ الْخَيْرِ هَلُمَّ، هَلْ مِنْ دَاعٍ يُسْتَجَابُ لَهُ؟ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ يُغْفَرُ لَهُ؟ هَلْ مِنْ تَائِبٍ يُتَابُ عَلَيْهِ؟ (٤)

- ١- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٥٧ ح ٢١٢، الأمالى للصدوق: ص ٧٢٧ ح ٩٩٤ كلاهما عن الريان بن الصلت، روضه الواعظين: ص ٤٤١، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٩٠ ح ٢.
- ٢- فضائل الأشهر الثلاثة: ص ٥٦ ح ٣٤، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٩١ ح ٥.
- ٣- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٥١ ح ١٩٨، الإقبال: ج ١ ص ٤٢، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٧٣ ح ١٧.
- ٤- كنز العمال: ج ٨ ص ٤٦٨ ح ٢٣٧٠٠ نقلًا عن ابن صصرى فى أماليه وابن النجار عن ابن عمر و ح ٢٣٧٠٤، تاريخ بغداد: ج ١ ص ٢٨٤ عن ابن عباس، شعب الإيمان: ج ٣ ص ٣٠٤ ح ٣٦٠٦ عن ابن مسعود وكلها نحوه.

امام رضا علیه السلام: هر کس در هر روز ماه شعبان ، هفتاد بار بگوید: «از خدا ، آمرزش می طلبم و از او توبه می خواهم»، خداوند متعال ، برایش برات آزادی از آتش و عبور از صراط را می نویسد و او را در سرای جاویدان ، جای می دهد.

فضائل الأشهر الثلاثة به نقل از ابراهیم بن میمون : به امام علیه السلام (۱) گفتم : بهترین دعا در این ماه (شعبان) چیست؟ فرمود: «آمرزش خواستن . هر کس در ماه شعبان ، روزی هفتاد بار آمرزش بطلبد ، همانند کسی که در دیگر ماه ها هفتاد هزار بار طلب آمرزش نماید». گفتم : چگونه بگویم؟ فرمود: «بگو: از خدا ، آمرزش می طلبم و از او توبه می خواهم» .

عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از عبد السلام بن صالح هروی : در آخرین جمعه ماه شعبان ، بر امام رضا علیه السلام در آمدم . به من فرمود: «ای ابا صلت! شعبان ، بیشترش گذشت و این ، آخرین جمعه آن است. پس در باقی مانده این ماه ، کوتاهی های خویش در ایام سپری شده آن را جبران کن . بر تو باد انجام دادن آنچه به حال تو سودمند است و فرو نهادن آنچه برایت سودی ندارد! بسیار دعا کن و آمرزش بخواه و قرآن بخوان و از گناهانت به درگاه خدا ، توبه کن تا ماه خدا (رمضان) در حالی بر تو در آید که خود را برای خداوند عز و جل خالص گردانیده باشی.

۵ / ۱۳ ماه رمضان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : درهای بهشت ، در نخستین شب ماه رمضان ، باز می شود و تا آخرین شب آن ، همچنان باز می ماند . در این ماه ، شیطان های یاغی ، به زنجیر کشیده می شوند و خداوند ، منادی ای را می فرستد تا ندا سر دهد که: «ای جویای خوبی ، بیا! آیا دعا کننده ای هست تا دعایش مستجاب شود؟ آیا آمرزش خواهی هست تا آمرزیده شود؟ آیا توبه کننده ای هست تا توبه اش پذیرفته گردد؟».

۱- منظور از امام در اینجا امام صادق علیه السلام می باشد چون ابراهیم بن میمون فقط از امام صادق علیه السلام روایت می کند .

عنه صلى الله عليه وآله يقولُ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ : هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيَهُ سُؤْلَهُ ؟ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ ؟ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ ؟ (١)

عنه صلى الله عليه وآله : شَهْرُ رَمَضَانَ لَيْسَ كَالشُّهُورِ ؛ لِمَا تُضَاعَفُ فِيهِ مِنَ الْأَجُورِ ، هُوَ شَهْرُ الصِّيَامِ ، وَشَهْرُ الْقِيَامِ ، وَشَهْرُ التَّوْبَةِ وَالِاسْتِغْفَارِ ... (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : أَيُّهَا النَّاسُ ! إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ ... يَا أَيُّهَا النَّاسُ ! إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ فَفَكُّوْهَا بِاسْتِغْفَارِكُمْ ، وَظَهُورِكُمْ ثَقِيلَةٌ مِنْ أَوْزَارِكُمْ (٣) فَخَفِّفُوا عَنْهَا بِطَوْلِ سُجُودِكُمْ . (٤)

الإمام عليّ عليه السلام : عَلَيْكُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِكَثْرَةِ الْإِسْتِغْفَارِ وَالِدُّعَاءِ ؛ فَأَمَّا الدُّعَاءُ فَيُدْفَعُ بِهِ عَنْكُمْ الْبَلَاءُ ، وَأَمَّا الْإِسْتِغْفَارُ فَيَمْحَى (٥) ذُنُوبَكُمْ . (٦)

١- . الأُمَالِي لِلْمَفِيدِ : ص ٢٣٠ ح ٣ ، فضائل الأشهر الثلاثة : ص ١٢٦ ح ١٣٣ نحوه ، الإقبال : ج ١ ص ٢٤ ، بحار الأنوار : ج ٩٦ ص ٣٣٨ ح ١ ، فضائل الأوقات للبيهقي : ص ٦٤ ح ١٢٩ ، تاريخ دمشق : ج ٥٢ ص ٢٩٢ ح ١١٠٢٠ كلّها عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ٨ ص ٥٨٦ ح ٢٤٢٨١ .

٢- . فضائل الأشهر الثلاثة : ص ١٠٠ ح ٨٦ عن ابن عباس .

٣- . الوزر : الذنب والإثم (النهاية : ج ٥ ص ١٧٩ «وزر»).

٤- . فضائل الأشهر الثلاثة : ص ٧٧ ح ٦١ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ١ ص ٢٩٥ ح ٥٣ ، الأُمَالِي لِلْمَفِيدِ : ص ١٥٤ ح ١٤٩ ، الإقبال : ج ١ ص ٢٦ كلّها عن الحسن بن عليّ بن فضال عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٦ ص ٣٥٦ ح ٢٥ .

٥- . مَحَا الشَّيْءَ يَمْحُوهُ وَيَمْحَاهُ : أَذْهَبَ أَثْرَهُ (لسان العرب : ج ١٥ ص ٢٧١ «محا»). وفي المصادر الأخرى : «فتمحى به ذنوبكم» .

٦- . الكافي : ج ٤ ص ٨٨ ح ٧ عن حصين عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ١٠٨ ح ١٨٥٨ ، فضائل الأشهر الثلاثة : ص ٧٦ ح ٥٩ ، الأُمَالِي لِلْمَفِيدِ : ص ١١٨ ح ١٠٣ كلاهما عن حصين عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام ، الإقبال : ج ١ ص ٦٩ عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٦ ص ٣٧٨ ح ٢ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند تبارک و تعالی در هر شب ماه رمضان ، سه بار می فرماید: «آیا درخواست کننده ای هست تا خواسته اش را به او بدهم؟ آیا توبه کننده ای هست تا توبه اش را بپذیرم؟ آیا آمرزش خواهی هست تا او را بیامرزم؟».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ماه رمضان ، همچون دیگر ماه ها نیست. در این ماه ، مزدها دو چندان می شود. این ماه، ماه روزه است، ماه شب زنده داری است، ماه توبه و آمرزش خواهی است... .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای مردم! ماه خدا ، با برکت و رحمت و آمرزش ، به شما رو آورده است ای مردم ! جان های شما ، در گرو کردارهای شماست . پس با آمرزش خواهی خود ، آنها را آزاد کنید . پشت های شما از بار گناهانتان ، گران بار گشته است . با سجده های طولانی خویش ، آنها را سُبُک کنید.

امام علی علیه السلام : در ماه رمضان ، بسیار آمرزش خواهی و دعا کنید؛ زیرا به واسطه دعا ، بلا از شما دور می شود، و آمرزش خواهی ، گناهانتان را پاک می کند.

رسول الله صلى الله عليه وآله قال: قال موسى عليه السلام: ... إلهي أريد النجاة من النار. قال: ذلك لمن استغفر في ليله القدر.

(١)

١- الإقبال: ج ١ ص ٣٤٥، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٤٥ ح ٣.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :موسی علیه السلام گفت: معبود من! رهایی از آتش را می خواهم. خدا فرمود: «این ، برای کسی است که در شب قدر ، طلب آمرزش کند».

الفصل السادس: ما ينبغي فيه الاستغفار من الأحوال ٦ / أقبل التَّوَمُّا للإمام علي عليه السلام: دَعَانِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، إِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ فَعَلَيْكَ بِالإِسْتِغْفَارِ، وَالصَّلَاةِ عَلَيَّ. (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا أُوْتِيَ إِلَى فِرَاشِهِ قُلْ: بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ وَضَعْتُ جَنْبِي، طَهَّرَ (٢) لِي قَلْبِي، وَطَيَّبَ كَسْبِي، وَاغْفِرْ ذَنْبِي. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ حِينَ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الْعَظِيمَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ. (٤)

السنن الكبرى للنسائي عن عبد الله بن عمرو عن رسول الله صلى الله عليه وآله: أَنَّهُ كَانَ إِذَا اضْطَجَعَ لِلنَّوْمِ يَقُولُ: اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ رَبِّ وَضَعْتُ جَنْبِي، فَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي. (٥)

١- الدعوات: ص ٨٤ ح ٢١٤، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٢٠ ح ٣١.

٢- في المصدر: «وطهَّر»، وما أثبتناه هو الصواب كما في كنز العمال.

٣- عمل اليوم والليله لابن السني: ص ٢٤٨ ح ٧٠٩ عن ابن عباس، كنز العمال: ج ١٥ ص ٣٣٠ ح ٤١٢٦١.

٤- سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٧٠ ح ٣٣٩٧، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٣ ح ١١٠٧٤، مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ١١٤ ح ١٣٣٤

كلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج ١٥ ص ٣٣٣ ح ٤١٢٧٥؛ جامع الأخبار: ص ٥١٧ ح ١٤٦٢، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٠٤ ح ٢٢.

٥- السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١٩٢ ح ١٠٦٠٦، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٥٨٤ ح ٦٦٣١، الدعاء للطبراني: ص ١٠٤ ح

٢٥٨، كنز العمال: ج ١٥ ص ٤٩٨ ح ٤١٩٧٠.

فصل ششم: مواقع مناسب برای آموزش خواهی

۶ / ۱ پیش از خواب

فصل ششم: مواقع مناسب برای آموزش خواهی ۶ / ۱ پیش از خواب امام علی علیه السلام: پیامبر خدا، مرا فرا خواند و فرمود: «ای علی! هرگاه به بستر خویش رفتی، به آموزش خواهی و درود فرستادن بر من پرداز».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه به بسترت رفتی، بگو: بار خدایا! به نام تو، پهلویم را نهادم. دلم را پاک و درآمدم را پاکیزه [و حلال] گردان و گناهانم را بیامرز.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرکس هنگامی که به بسترش می رود، سه مرتبه بگوید: «از خدای بزرگی که معبودی جز او، زنده پاینده نیست، آموزش می طلبم و به درگاهش توبه می کنم»، خداوند، گناهان او را می آمرزد، اگرچه به اندازه کف دریا باشد.

السنن الکبری، نسائی به نقل از عبد الله بن عمرو: پیامبر خدا، هرگاه برای خواب به بستر می رفت، می گفت: بار خدایا، پرورگارا! به نام تو، پهلویم را نهادم. پس گناهانم را بیامرز.

رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ خَلَقْتَ نَفْسِي وَأَنْتَ تَوَفَّاهَا ، لَكَ مَمَاتُهَا وَمَحْيَاهَا ، إِنْ أَحْيَيْتَهَا فَاحْفَظْهَا ، وَإِنْ أَمَتَّهَا فَاغْفِرْ لَهَا ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ مِنْهُ مَرَّةً حِينَ يَنَامُ ، بَاتَ وَقَدْ تَحَاتَّتِ (٢) الذُّنُوبُ كُلُّهَا عَنْهُ ، كَمَا يَتَحَاتُّ الْوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ ، وَيُصْبِحُ وَلَيْسَ عَلَيْهِ ذَنْبٌ . (٣)

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ حِينَ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مِنْهُ مَرَّةً ، بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ . وَمَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ حِينَ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ مِنْهُ مَرَّةً ، تَحَاتَّتْ ذُنُوبُهُ كَمَا يَسْقُطُ وَرَقُ الشَّجَرِ . (٤)

٦ / ٢ بَعْدَ الْإِسْتِيقَاضِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا رَدَّ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ إِلَى الْعَبْدِ الْمُسْلِمِ نَفْسَهُ مِنَ اللَّيْلِ ، فَسَبَّحَهُ وَاسْتَغْفَرَهُ وَدَعَاهُ ، تَقَبَّلَ مِنْهُ . (٥)

١- صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٠٨٣ ح ٦٠ ، السنن الكبرى للنسائي : ج ٦ ص ١٩٩ ح ١٠٦٣٢ ، مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٣٧٤ ح

٥٥٠٣ . كَلَّهَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍ ، كَنْزُ الْعَمَالِ : ج ١٥ ص ٣٣٧ ح ٤١٢٩٢ .

٢- فِي الْمَصْدَرِ : «تَحَاتَّتْ» ، وَالتَّصْوِيبُ مِنْ بَحَارِ الْأَنْوَارِ . [يُقَالُ : حَتَّ الرَّجُلُ الْوَرَقَ وَغَيْرَهُ حَتًّا : أزاله . وَتَحَاتَّتِ الشَّجَرَةُ : تَسَاقَطَ وَرَقُهَا (المصباح المنير : ص ١٢٠ «حتت») .

٣- ثَوَابُ الْأَعْمَالِ : ص ١٩٧ ح ٢ عَنْ سَلَامِ الْحَنَاطِ ، مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ : ج ٢ ص ٨٩ ح ٢٢٤٧ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٧٦ ص ٢٠١ ح ١٧ .

٤- الْخِصَالُ : ص ٥٩٤ ح ٦ ، ثَوَابُ الْأَعْمَالِ : ص ١٨ ح ٢ ، الْأَمْالِيُّ لِلصَّدُوقِ : ص ٢٦٥ ح ٢٨٥ كَلَّهَا عَنْ سَلَامِ بْنِ غَانِمٍ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٧٦ ص ١٩٢ ح ٣ .

٥- عَمَلُ الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ لِابْنِ السَّنِيِّ : ص ٢٦٣ ح ٧٥٣ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، الْأَذْكَارُ لِلنَّوَوِيِّ : ص ٩٣ ، كَنْزُ الْعَمَالِ : ج ٧ ص ٧٨١ ح ٢١٣٨٤ .

۶ / ۲ بعد از بیدار شدن

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بارخدا یا! تو جان مرا آفریدی، و تو آن را می ستانی . مرگ و زندگی آن ، برای (در دست) توست . تا هرگاه زنده اش داشتی ، نگهدارش باش، و هرگاه میراندی ، آن را بیامرزم . بارخدا یا! من از تو عافیت درخواست می کنم.

امام صادق علیه السلام: هر کس هنگامی که می خوابد ، صد مرتبه از خدا آمرزش بخواهد، آن شب را در حالی به سر برد که همه گناهانش، همچنان که برگ از درخت می ریزد، از او فرو ریزند، و چون صبح کند ، هیچ گناهی در او نباشد.

امام صادق علیه السلام: هر کس هنگامی که به بسترش می رود ، صد بار بگوید: «معبودی جز خدا نیست» ، خداوند برای او در بهشت ، خانه ای بنا می کند، و هر کس هنگامی که به بسترش می رود ، صد بار از خدا آمرزش بخواهد گناهانش، همانند فرو ریختن برگ های درخت، فرو می ریزند.

۶ / ۲ بعد از بیدار شدن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه خداوند عز و جل جان بنده مسلمان را که در شب از او گرفته است ، [صبحگاهان] به او باز گرداند و او خدای را تسبیح گوید و از او آمرزش بخواهد و به درگاهش دعا کند، [آنها را] از او می پذیرد.

عنه صلى الله عليه وآله: ما من مسلم يتعازر (١) من الليل فيقول: «لا إله إلا الله، والله أكبر، والحمد لله، وسبحان الله رب العالمين، اللهم اغفر لي» إلا غفر له، فإن هو عزم فقام فتوضأ فدعا الله استجاب له. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: ما من مسلم يتعازر من جوف الليل فيقول: «الله أكبر وسبحان الله ولا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، يحيى ويميت، وهو على كل شيء قدير، ولا حول ولا قوة إلا بالله، أستغفر الله الغفور الرحيم» إلا سألحه الله من ذنوبه كيوم ولدته أمه. (٣)

مسند ابن حنبل عن ربيعة الجرشي: سألت عائشة فقالت: ما كان رسول الله صلى الله عليه وآله يقول إذا قام من الليل؟ وبم كان يستفتح؟ قالت: كان يكبر عشرا، ويسبح عشرا، ويهلل عشرا، ويستغفر عشرا، ويقول: «اللهم اغفر لي واهدني وارزقني» عشرا، ويقول: «اللهم إني أعوذ بك من الضيق يوم الحساب» عشرا. (٤)

٦ / ٣١ بدء الخطبة رسول الله صلى الله عليه وآله في خطبه صلاه الجمعة: الحمد لله، أحمدته وأستعينه، وأستغفره وأشهد به، وأؤمن به ولا أكفره. (٥)

١- تعازر من الليل: أى هب من نومه واستيقظ. ولا- يكون إلا يقظة مع كلام (النهاية: ج ١ ص ١٩٠ «تعرا» و ج ٣ ص ٢٠٤ «عر»). .

٢- المعجم الأوسط: ج ٤ ص ٢٨٣ ح ٤٢١٠ عن أبي هريره .

٣- كنز العمال: ج ١٥ ص ٣٥٤ ح ٤١٣٤٩ نقلاً عن الخرائطي في مكارم الأخلاق؛ مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٢٠٢ ح ٥٦٩٣ نقلاً عن درر اللآلى وكلاهما عن عباده بن الصامت .

٤- مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٤٧٥ ح ٢٥١٥٦، سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٤٣١ ح ١٣٥٦، سنن النسائي: ج ٣ ص ٢٠٩، صحيح ابن حبان: ج ٦ ص ٣٣٧ ح ٢٦٠٢ والثلاثة الأخيره عن عاصم بن حميد نحوه .

٥- مجمع البيان: ج ١٠ ص ٤٣٢، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٣٢ ح ٦٦؛ تفسير القرطبي: ج ١٨ ص ٩٨ .

۶ / ۳ آغاز سخنرانی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مسلمانی نیست که چون شب از خواب بیدار شود و بگوید: «معبودی جز خدا نیست . خدا بزرگ تر است . ستایش ، خدای را . پاکای خدای ، پروردگار جهانیان! بار خدایا! مرا بیامرز» ، مگر آن که خدا او را می آمرزد، و اگر تصمیم گرفت و برخاست و وضو ساخت و به درگاه خدا دعا کرد، دعایش را مستجاب می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مسلمانی نیست که در دل شب از خواب بیدار شود و بگوید: «خدا ، بزرگ تر است . پاکای خدا! معبودی جز خدای یگانه بی انباز نیست . او راست پادشاهی و او راست ستایش . زنده می کند و می میراند، و او بر هر چیزی تواناست . هیچ نیرو و توان نیست ، مگر به یاری خدا . از خدای آمرزگار مهربان ، آمرزش می طلبم» ، مگر آن که خداوند ، او را از گناهانش پاک می کند، همانند روزی که از مادرش زاده شده است.

مسند ابن حنبل به نقل از ربیع جرشى : از عایشه پرسیدم: پیامبر خدا ، هر گاه شب برمی خاست ، چه می گفت؟ و نخستین سخنش چه بود؟ عایشه گفت: ده بار ، تکبیر می گفت و ده بار «سبحان الله»، ده بار «لا- إله إلا الله» . و ده بار آمرزش می خواست و ده بار می فرمود: «بار خدایا! مرا بیامرز و هدایت کن و روزی ام ده» و ده بار می فرمود: «بار خدایا! از سختی روز حسابرسی به تو پناه می برم».

۶ / ۳ آغاز سخنرانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در خطبه نماز جمعه : ستایش ، خدای راست او را می ستایم و از او یاری می جویم . از او آمرزش و هدایت می طلبم . به او ایمان دارم و منکرش نیستم .

عنه صلى الله عليه وآله من خُطْبَتِهِ فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ، وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَتُوبُ إِلَيْهِ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا، وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا. (١)

الإمام الباقر عليه السلام: خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهَذِهِ الْخُطْبَةِ فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ، أَحْمَدُهُ وَأَسْتَعِينُهُ، وَأَسْتَغْفِرُهُ وَأَسْتَهْدِيهِ، وَأُؤْمِنُ بِهِ، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ. (٢)

الإمام عليّ عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاصِلِ الْحَمْدَ بِالنَّعْمِ، وَالنَّعْمَ بِالشُّكْرِ... وَنَسْتَغْفِرُهُ مِمَّا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ، وَأَحْصَاهُ كِتَابُهُ، عِلْمٌ غَيْرٌ قَاصِرٍ، وَكِتَابٌ غَيْرٌ مُغَادِرٍ. (٣)

٤ / ٦ عِنْدَ الْمُتَرَمِّمِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَقْرُوا عِنْدَ الْمُتَرَمِّمِ (٤) بِمَا حَفِظْتُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ، وَمَا لَمْ تَحْفَظُوا فَقُولُوا: «وَمَا حَفِظْتُهُ عَلَيْنَا حَفِظْتِكَ وَنَسِينَاهُ فَاغْفِرْهُ لَنَا»؛ فَإِنَّهُ مَنْ أَقْرَ بِذَنْبِهِ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ وَعَدَّهُ وَذَكَرَهُ وَاسْتَغْفَرَ اللَّهَ مِنْهُ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ أَنْ يَغْفِرَهُ لَهُ. (٥)

الكافي عن معاوية بن عمار عن أبي عبد الله عليه السلام أنه كان إذا انتهى إلى المتترم قال لِمَوَالِيهِ: أَمِطُوا عَنِّي حَتَّى أَقْرَ لِرَبِّي بِذُنُوبِي فِي هَذَا الْمَكَانِ، فَإِنَّ هَذَا مَكَانٌ لَمْ يُقَرَّ عَبْدٌ لِرَبِّهِ بِذُنُوبِهِ، ثُمَّ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ، إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ. (٦)

١- تحف العقول: ص ٣٠، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٣٤٨ ح ١٣؛ شرح نهج البلاغة: ج ١ ص ١٢٦.

٢- الكافي: ج ٥ ص ٣٧١ ح ٣ عن جابر، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥١٤ ح ١٤٨٢ و ص ٤٢٨ ح ١٢٦٣ و ص ٥١٨ ح ١٤٨٤ كلها عن الإمام عليّ عليه السلام، مصباح المتهجد: ص ٦٦٣ ح ٧٣٠ عن جندب وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٩٩ ح ٤.

٣- نهج البلاغة: الخطبة ١١٤.

٤- المتترم: دَبَّرَ الْكَعْبَةَ، سُمِّيَ بِهِ لِأَنَّ النَّاسَ يَعْتَقُونَهُ؛ أَيِ يَضْمُونَهُ إِلَى صَدُورِهِمْ (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٣٠ «لزم»).

٥- الخصال: ص ٦١٧ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ١٩٤ ح ٣.

٦- الكافي: ج ٤ ص ٤١٠ ح ٤.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از خطبه ایشان در حَجَّه الوداع: ستایش، خدای راست. او را می ستاییم و از او یاری می جویم. از او آمرزش می طلبیم و به درگاهش توبه می بریم. از بدی های نفس خویش، و از کردارهای بد خود، به او پناه می بریم.

امام باقر علیه السلام: امیر مؤمنان، این خطبه را ایراد کرد و گفت: «ستایش، خدای راست. او را می ستایم و از او یاری می جویم. از وی آمرزش و راه نمایی می خواهیم. به او ایمان دارم و بر او توکل می کنم.

امام علی علیه السلام: ستایش، خدای را که ستایش را به نعمت ها، و نعمت ها را به سپاس گزاری پیوسته است (۱)... و از هر آن گناهی که علم او بدان احاطه دارد و در کتابش ثبت کرده است، علمی که قاصر نیست و کتابی که [هیچ گناه ریز و درشتی را] فروگذار نمی کند، آمرزش می طلبم.

۶ / ۴ در محل مُلتَزَم امام علی علیه السلام: در جایگاه مُلتَزَم (۲) به آنچه از گناهانتان که در یاد دارید و ندارید، اعتراف کنید و بگویید: «آنچه را یادداشت کنندگان تو، یادداشت کرده اند و ما آن را فراموش کرده ایم، بر ما بیامرز؛ زیرا هر کس در این مکان به گناهانش اعتراف کند و آنها را برشمارد و نام ببرد و برای آنها از خدا آمرزش بطلبد، بر خداوند عز و جلاست که او را بیامزد.

الکافی به نقل از معاویه بن عمّار: امام صادق علیه السلام هر گاه به ملتزم می رسید، به همراهانش می فرمود: «از من دور شوید تا در این مکان، در برابر پروردگرم به گناهان خود اعتراف کنم؛ زیرا این جا، مکانی است که هر بنده ای اگر به گناهان خود در برابر پروردگارش اعتراف کند و از خدا آمرزش بطلبد، حتماً خداوند او را می آمرزد».

۱- برای نعمت ها، ستایش واجب ساخته و سپاس گزاری را سبب افزونی نعمت ها قرار داده است.

۲- مُلتَزَم: جایی است در پشت کعبه. آن را مُلتَزَم گفته اند، چون مردم، آن را در آغوش می گیرند و سینه خود را به آن می چسبانند.

الإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا طَافَ آدَمُ بِالْبَيْتِ ، وَانْتَهَى إِلَى الْمُلتَزَمِ ، قَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا آدَمُ ، أَقَرَّ لِرَبِّكَ بِذُنُوبِكَ فِي هَذَا الْمَكَانِ ، قَالَ : فَوَقَفَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامَ فَقَالَ : يَا رَبِّ ، إِنَّ لِكُلِّ عَامِلٍ أَجْرًا ، وَقَدْ عَمِلْتُ فَمَا أُجْرِي ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ : يَا آدَمُ قَدْ غَفَرْتُ ذَنْبَكَ . قَالَ : يَا رَبِّ ، وَلَوْلَدِي أَوْ لِدُرِّيْتِي ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ : يَا آدَمُ ، مَنْ جَاءَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ إِلَى هَذَا الْمَكَانِ ، وَأَقَرَّ بِذُنُوبِهِ ، وَتَابَ كَمَا تُبْتُ ، ثُمَّ اسْتَغْفَرَ ، غَفَرْتُ لَهُ . (١)

٦ / ٥ عِنْدَ صُعودِ الصَّفا الكافي عن علي بن النعمان يرفعه: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا صَعِدَ الصَّفا اسْتَقْبَلَ الكَعْبَةَ ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ ، ثُمَّ يَقُولُ : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ ، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْتُ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ . (٢)

٦ / ٦ خِتَامُ الْمَجَالِسِ رسول الله صلى الله عليه وآله ما جَلَسَ قَوْمٌ فِي مَجْلِسٍ ، فَخَاضُوا (٣) فِي حَدِيثٍ ، وَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَبْلَ أَنْ يَتَفَرَّقُوا ، إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُمْ مَا خَاضُوا فِيهِ . (٤)

-
- ١- الكافي : ج ٤ ص ١٩٤ ح ٣ عن معاوية بن عمّار وجميل بن صالح ، قصص الأنبياء : ص ٤٧ ح ١٣ عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٩ ص ٢٠٣ ح ١٣ .
 - ٢- الكافي : ج ٤ ص ٤٣٢ ح ٥ ، تهذيب الأحكام : ج ٥ ص ١٤٧ ح ٤٨٢ .
 - ٣- الخوض : اللبس في الأمر . والخوض من الكلام : ما فيه الكذب والباطل (لسان العرب : ج ٧ ص ١٤٧ «خوض»).
 - ٤- عمل اليوم والليله لابن السني : ص ١٦٠ ح ٤٥١ عن أبي أمامه ، كنز العمال : ج ٩ ص ١٥٠ ح ٢٥٤٦٦ .

۶ / ۵ هنگام بالا رفتن از صفا**۶ / ۶ در پایان مجلس**

امام صادق علیه السلام: چون آدم علیه السلام خانه خدا را طواف کرد، به مُلتزم که رسید، جبرئیل علیه السلام به او فرمود: «ای آدم! در این جایگاه، به گناهان خود در برابر پروردگارت اعتراف کن». آدم علیه السلام ایستاد و گفت: پروردگارا! هر کارگری را مزدی است. من هم کار کرده ام. مزد من چیست؟ خداوند عز و جل به او وحی فرمود که: «ای آدم! گناهت را آمرزیدم». آدم علیه السلام گفت: پروردگارا! فرزندانم یا ذریه من، چه؟ خداوند عز و جل به او وحی فرمود که: «ای آدم! هر یک از ذریه تو که به این مکان بیاید و به گناهانش اعتراف کند و همچون تو توبه نماید، سپس آمرزش بخواند، او را هم می آمرزم».

۶ / ۵ هنگام بالا رفتن از صفا الکافی به نقل از علی بن نعمان، که سند حدیث را به امام باقر علیه السلام می رساند: امیر مؤمنان، هر گاه بالای صفا می رفت، رو به کعبه می کرد، سپس دستانش را بالا می برد و می گفت: «بار خدایا! هر گناهی را که مرتکب شده ام، بر من ببخشای، و اگر دوباره مرتکب شدم، دوباره مرا بیامرز؛ زیرا تو آمرزگاری مهربانی».

۶ / ۶ در پایان مجلس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه گروهی گرد هم بنشینند و به سخنان آمیخته به دروغ و باطل پردازند و پیش از آن که پراکنده شوند، از خداوند عز و جل آمرزش بطلبند، خداوند، آنها را بر ایشان می آمرزد.

عنه صلى الله عليه وآله: كَفَّارَةُ الْمَجْلِسِ أَنْ يَقُولَ الْعَبْدُ بَعْدَ أَنْ يَقُومَ: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ جَلَسَ فِي مَجْلِسٍ كَثُرَ فِيهِ لَغَطُهُ (٢) فَقَالَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ: «سُبْحَانَكَ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ ثُمَّ أَتُوبُ إِلَيْكَ» إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا كَانَ فِي مَجْلِسِهِ ذَلِكَ. (٣)

عمل اليوم والليله لابن السنن عن أبي أمامه: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا جَلَسَ فَأَرَادَ أَنْ يَقُومَ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ عَشْرًا إِلَى خَمْسَ عَشْرَةَ. (٤)

عمل اليوم والليله لابن السنن عن عبد الله الحضرمي: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قَامَ مِنَ الْمَجْلِسِ اسْتَغْفَرَ عَشْرِينَ مَرَّةً فَأَعْلَى. (٥)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ لَا يَقُومُ مِنْ مَجْلِسٍ وَإِنْ خَفَّ حَيْتَى يَسْتَغْفِرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خَمْسًا وَعَشْرِينَ مَرَّةً. (٦)

١- المعجم الأوسط: ج ٢ ص ٥٤ ح ١٢٢٧، المعجم الكبير: ج ١٠ ص ١٦٤ ح ١٠٣٣٣ نحوه وكلاهما عن ابن مسعود، كنز العمال: ج ٩ ص ١٤١ ح ٢٥٤١٧.

٢- اللُّغَطُ وَيَحْرَكُ: الصَّوْتُ وَالْجَلْبَةُ، وَأَصْوَاتٌ مَبْهَمَةٌ لَا تُفْهَمُ، وَفِيهِ: «لَهُمْ لَغَطٌ فِي أَسْوَاقِهِمْ»، مَا لَا طَائِلَ تَحْتَهُ مِنَ الْكَلَامِ (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٣٥ «لغط»).

٣- مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٥٥٤ ح ١٠٤٢٠، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧٢٠ ح ١٩٦٩، المعجم الأوسط: ج ٦ ص ٣٤٦ ح ٦٥٨٤، شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٣٥ ح ٦٢٨ كلها عن أبي هريره، كنز العمال: ج ٩ ص ١٤٢ ح ٢٥٤١٨.

٤- عمل اليوم والليله لابن السنن: ص ١٦٠ ح ٤٥٢، كنز العمال: ج ٧ ص ١٥٢ ح ١٨٤٧٧.

٥- عمل اليوم والليله لابن السنن: ص ١٦١ ح ٤٥٣، كنز العمال: ج ٧ ص ١٥٣ ح ١٨٤٧٨.

٦- الكافي: ج ٢ ص ٥٠٤ ح ٤ عن طلحه بن زيد، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٩٠ ح ٢٢٥٢، عدّه الداعي: ص ٢٥٠، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨١ ح ٢٢.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کفار هر مجلسی این است که بنده، بعد از بلند شدن از آن بگوید: «پاکا تو ای خدا و ستایش تو را! معبودی جز تو نیست. از تو آمرزش می طلبم و به درگاہت، توبه می کنم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در مجلسی بنشیند که در آن، بیهوده گویی بسیار شود، و پیش از آن که برخیزد و بگوید: «پاکا تو ای پروردگار ما و ستایش تو را! معبودی جز تو نیست. از تو آمرزش می طلبم و به درگاہت، توبه می کنم»، مگر آن که خداوند، آنچه را در آن مجلس از او سرزده است، بر وی می آمرزد.

عمل الیوم و اللیلہ، ابن السنی به نقل از ابوامامه: پیامبر خدا، هر گاه جلوس می کرد، چون می خواست برخیزد، ده تا پانزده بار، از خدا آمرزش می طلبید.

عمل الیوم و اللیلہ، ابن السنی به نقل از عبد الله خضرمی: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه از مجلس برمی خاست، بیست بار و بیشتر، طلب آمرزش می کرد.

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، از هیچ مجلسی، هر چند کوتاه، بر نمی خاست تا آن که بیست و پنج مرتبه از خداوند عز و جل آمرزش می طلبید.

المعجم الأوسط عن رافع بن خديج: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يَقُومُ مِنْ مَجْلِسٍ حَتَّى يَقُولَ: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ» ثُمَّ يَقُولُ: إِنَّهَا كَفَّارَةٌ لِمَا يَكُونُ فِي الْمَجْلِسِ. (١)

سنن الترمذى عن ابن عمر: كَانَ يُعَدُّ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْمَجْلِسِ الْوَاحِدِ مِثَّةَ مَرَّةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَقُومَ: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الْغَفُورُ. (٢)

منه المريد: [رَوَى] أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا فَرَغَ مِنْ حَدِيثِهِ وَأَرَادَ أَنْ يَقُومَ مِنْ مَجْلِسِهِ، يَقُولُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا مَا أَخْطَأْنَا وَمَا تَعَمَّدْنَا، وَمَا أَسْرَرْنَا وَمَا أَعْلَنَّا، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخَّرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. (٣)

راجع: ج ١ ص ٢٠٠ (أهم مواطن الذكر / عند القيام).

٦ / ٧ تزكية الناس رسول الله صلى الله عليه وآله لعللى عليه السلام: يَا عَلِيُّ، إِذَا أَثْنَيْتَ عَلَيْكَ فِي وَجْهِكَ فَقُلْ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي خَيْرًا مِمَّا يَظُنُّونَ، وَاغْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا يَقُولُونَ. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا قِيلَ فِيكَ مَا فِيكَ، فَاعْلَمْ أَنَّهُ ذَنْبٌ ذُكِّرَتْهُ فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ مِنْهُ، وَإِنْ قِيلَ فِيكَ مَا لَيْسَ فِيكَ، فَاعْلَمْ أَنَّهُ حَسَنَةٌ كُتِبَتْ لَكَ لَمْ تَتَّعَبْ فِيهَا. (٥)

١- المعجم الأوسط: ج ٤ ص ٣٧٢ ح ٤٤٤٧، المعجم الكبير: ج ٤ ص ٢٨٧ ح ٤٤٤٥، الدعاء للطبرانى: ص ٥٣٧ ح ١٩١٨.
٢- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٤٩٤ ح ٣٤٣٤، سنن أبى داود: ج ٢ ص ٨٥ ح ١٥١٦، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٥٣ ح ٣٨١٤، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٢٤٤ ح ٤٧٢٦ وص ٣٨٥ ح ٥٥٤٨ كلها نحوه، كنز العمال: ج ٢ ص ٤٨٩ ح ٥٠٩١ وص ٤٩٩ ح ٥١٢٢.

٣- منه المريد: ص ٢٢٠، بحار الأنوار: ج ٢ ص ٤٣ ح ١٣؛ المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٧٠٩ ح ١٩٣٤ عن ابن عمر نحوه.

٤- تحف العقول: ص ١٢، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤٥ ح ٥.

٥- الأمالى للصدوق: ص ٤٠٣ ح ٨٣٧ عن إبراهيم بن محمد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٨٧ ح ١١.

۶ / ۷ هنگام ستایش مردم

المعجم الأوسط به نقل از رافع بن خدیج: پیامبر صلی الله علیه و آله از هیچ مجلسی بر نمی خاست، مگر آن که می گفت: «پاکا تو ای خدا و ستایش، تو را! از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت، توبه می کنم». سپس می فرمود: «این، کفّاره چیزی (گناه و خطاهایی) است که در مجلس می گذرد».

سنن الترمذی به نقل از ابن عمر: برای پیامبر خدا در یک مجلس، صد بار شمرده می شد که پیش از آن که برخیزد، می گفت: «خدایا! مرا بیامرز و توبه ام را بپذیر که تو، توبه پذیر آمرزگاری».

منیه المرید: [روایت شده است که] پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه از سخن گفتن، فارغ می شد و می خواست از جای خود برخیزد، می گفت: «بار خدایا! هر آن گناهی را که به خطا یا عمدا مرتکب شدیم، و هر آنچه را در نهان یا آشکار از ما سر زده است و تو از ما بدان داناتری، بیامرز، که پس و پیش کردن امور، در دست توست. معبودی جز تو نیست».

ر. ک: ج ۱ ص ۲۰۱ (مهم ترین اوقات یاد خدا/ هنگام برخاستن).

۶ / ۷ هنگام ستایش مردم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام: ای علی! هر گاه در پیش رویت از تو ستایش شد، بگو: «بار خدایا! مرا از آنچه [مردم] می پندارند، بهتر قرار ده، و آنچه را نمی دانند، بر من بیامرز، و بدانچه می گویند، مرا مؤاخذه مفرما».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام: عیسی بن مریم علیه السلام به یحیی بن زکریا علیه السلام گفت: «اگر در باره تو چیزی گفته شد که در تو هست، بدان که گناهی به تو یادآوری شده است. پس برای آن، از خدا آمرزش بخواه، و اگر در باره تو چیزی گفته شد که در تو نیست، بدان که ثوابی بی رنج [و زحمت] برایت نوشته شده است».

الإمام علي عليه السلام من خُطبته في وصفِ الْمُتَّقِينَ : إن زُكِّي أَحَدُهُمْ خَافَ مِمَّا يَقُولُونَ ، وَيَسْتَغْفِرُ اللَّهُ مِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ، وَقَالَ : أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْ غَيْرِي ، وَرَبِّي أَعْلَمُ مِنِّي بِنَفْسِي ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا يَقُولُونَ ، وَاجْعَلْنِي خَيْرًا مِمَّا يَظُنُّونَ ، وَاغْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ ، فَإِنَّكَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ، وَسَاتِرُ الْعُيُوبِ . (١)

الإمام زين العابدين عليه السلام في وصفِ الْمُؤْمِنِ : إن زُكِّي خَافَ مِمَّا يَقُولُونَ ، وَيَسْتَغْفِرُ اللَّهُ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ ، لَا يَغُرُّهُ قَوْلُ مَنْ جَهَلَهُ ، وَيَخَافُ إِحْصَاءَ مَا عَمِلَهُ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام : كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي سُجُودِهِ : اللَّهُمَّ إِنَّ ظَنَّ النَّاسِ بِي حَسَنٌ فَاعْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ ، وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا يَقُولُونَ ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ . (٣)

٦ / ٨ الحَسْدُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا حَسَدَتْ فَاسْتَغْفِرِ اللَّهُ . (٤)

١- الأُمالي للصدوق : ص ٦٦٨ ح ٨٩٧ ، صفات الشيعة : ص ٩٨ ح ٣٥ كلاهما عن عبد الرحمن بن كثير الهاشمي عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، نهج البلاغه : الخطبة ١٩٣ ، تحف العقول : ص ١٦٠ ، كنز الفوائد : ج ١ ص ٩١ كلها نحوه وليس فيها «ويستغفر الله مما لا يعلمون» ، بحار الأنوار : ج ٦٧ ص ٣٤٣ ح ٥١ .

٢- الكافي : ج ٢ ص ٢٣١ ح ٣ ، الأُمالي للصدوق : ص ٥٨٢ ح ٨٠٢ كلاهما أبي حمزة الثمالي ، بحار الأنوار : ج ٦٧ ص ٢٩١ ح ١٤ .

٣- قرب الإسناد : ص ٨ ح ٢٣ عن مسعدة بن صدقة ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٢٨ ح ٤٨ .

٤- المعجم الكبير : ج ٣ ص ٢٢٨ ح ٣٢٢٧ ، تفسير ابن كثير : ج ٧ ص ٣٥٧ كلاهما عن حارثة بن النعمان .

امام علی علیه السلام از خطبه ایشان در وصف پرهیزگاران: اگر یکی از آنان، ستوده شود، از آنچه [در ستایش او] می‌گویند، می‌ترسد و برای آنچه [از عیب و گناه او] نمی‌دانند، از خدا آمرزش می‌طلبد و می‌گوید: «من، خویشتن را بهتر از دیگران می‌شناسم و پروردگارم، مرا بهتر از خودم می‌شناسد. بار خدایا! به آنچه می‌گویند، مرا مؤاخذه مفرما، و مرا بهتر از آن بدار که آنان می‌پندارند، و آنچه را از من نمی‌دانند، بر من بیامرز، که تو دانای نهران ها و پوشاننده عیب‌هایی».

امام زین العابدین علیه السلام در وصف مؤمن: اگر ستوده شود، از آنچه می‌گویند، می‌ترسد و از آنچه نمی‌دانند، به پیشگاه خدا آمرزش می‌طلبد. سخن کسی که او را نشناخته [می‌ستاید]، فریبش نمی‌دهد و از ثبت کردارهای خود، بیمناک است.

امام صادق علیه السلام: پدرم [امام کاظم علیه السلام] در سجودش می‌گفت: «بار خدایا! مردم به من، گمان نیک می‌برند. پس آنچه را [از گناهان من] نمی‌دانند، بر من بیامرز، و مرا به آنچه [از خوبی در باره من] می‌گویند، مؤاخذه مفرما، که تو دانای نهران‌هایی».

۶ / ۸ حسادت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه حسادت ورزیدی، از خدا آمرزش بخواه.

١٩ / ٦ لِإِلْتِقَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا التَّقِيُّ الْمُسْلِمَانِ فَتَصَافَحَا ، وَحَمِدَا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَاسْتَغْفَرَاهُ ، غَفَرَ لَهُمَا . (١)

١٠ / ٦ الْوِدَاعُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا التَّقِيْتُمْ فَتَلَاقُوا بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصَافِحِ ، وَإِذَا تَفَرَّقْتُمْ فَتَفَرَّقُوا بِالِاسْتِغْفَارِ . (٢)

١١ / ٦ الْخُرُوجُ إِلَى السَّفَرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ ، إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ يَرَكُبُ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ ، ثُمَّ يَقْرَأُ آيَةَ السُّخْرَةِ (٣) ، ثُمَّ يَقُولُ: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي ، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» إِلَّا قَالَ السَّيِّدُ الْكَرِيمُ: يَا مَلَأْتِكُنِي ، عَبْدِي يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ غَيْرِي ، إِشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ ذُنُوبَهُ . (٤)

١- .سنن أبي داود: ج ٤ ص ٣٥٤ ح ٥٢١١ ، السنن الكبرى: ج ٧ ص ١٦٠ ح ١٣٥٦٩ ، مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ٢٨٥ ح ١٦٦٩ كلها عن البراء بن عازب ، كنز العمال: ج ٩ ص ١٣٠ ح ٢٥٣٤٣ .

٢- .الكافي: ج ٢ ص ١٨١ ح ١١ ، الأمل للطوسي: ص ٢١٥ ح ٣٧٤ كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، مشكاة الأنوار: ص ٣٤٥ ح ١١٠٤ ، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٠ ح ٤ .

٣- .آية السُّخْرَةِ هِيَ: «إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ...» (الأعراف: ٥٤ ٥٦) . ولكن المراد هنا من آية السُّخْرَةِ هِيَ: «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ...» (الزخرف: ١٣ و ١٤) .

٤- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٧٣ ح ٢٤١٩ ، المحاسن: ج ٢ ص ٩٢ ح ١٢٤٢ ، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٢٨ ح ١٨٣٧ ، الأمل للصدوق: ص ٥٩٧ ح ٨٢٤ وفيه «آية الكرسي» بدل «آية السُّخْرَةِ» و كلها عن الأصبغ بن نباته ، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٩٤ ح ٢١ .

۶ / ۹ به هم رسیدن

۶ / ۱۰ خداحافظی

۶ / ۱۱ بیرون رفتن برای سفر

۶ / ۹ به هم رسیدن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه دو مسلمان به هم می رسند، با هم دست بدهند و خداوند عز و جل را ستایش گویند و از او آمرزش بطلبند، خدا آن دو را می آمرزد.

۶ / ۱۰ خداحافظی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه به یکدیگر بر خوردید، با سلام کردن و دست دادن برخورد کنید، و چون از هم جدا شدید، با آمرزش خواهی کردن، جدا شوید.

۶ / ۱۱ بیرون رفتن برای سفر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! هیچ کس نیست که بر مَرکبی که خدا به او بخشیده است، سوار شود، سپس آیه تسخیر (۱) را بخواند، آن گاه بگوید: «از خدایی که معبودی جز او زنده پاینده نیست، آمرزش می طلبم و به درگاهش توبه می برم. بار خدایا! گناهان مرا بیامرز، که گناهان را کسی جز تو نمی آمرزد»، جز این که آن آقای بزرگوار می فرماید: «ای فرشتگان من! بنده ام می داند که گناهان را کسی جز من نمی آمرزد. گواه باشید که گناهان او را آمرزیدم».

۱- آیه تسخیر، این آیه است: «پروردگارشما، الله است که آسمانها و زمین را آفرید...» (اعراف: آیه ۵۴ و ۵۶). اما در این جا مراد از آیه تسخیر، این آیه است: «منزه است آن که این [مرکوب] را رام ما ساخت، در حالی که ما بر آن توانا نبودیم...» (زخرف: آیه ۱۳ و ۱۴).

السنن الكبرى عن أنس: لَم يُرِدْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سِيفًا إِلَّا قَالَ حِينَ يَنْهَضُ مِنْ جُلُوسِهِ: «اللَّهُمَّ، بِعِكَ انْتَشَرْتُ، وَإِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ... اللَّهُمَّ زَوِّدْنِي التَّقْوَى، وَاعْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَوَجِّهْنِي إِلَى الْخَيْرِ حَيْثُ مَا تَوَجَّهْتُ» ثُمَّ يَخْرُجُ. (١)

الأمالي للطوسي عن علي بن ربيعة الأسدي: رَكِبَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمَّا وَضَعَ رِجْلَهُ فِي الرَّكَابِ قَالَ: «بِاسْمِ اللَّهِ» ، ... ثُمَّ سَبَّحَ اللَّهُ ثَلَاثًا، وَحَمَدَ اللَّهُ ثَلَاثًا، وَكَبَّرَ اللَّهُ ثَلَاثًا. ثُمَّ قَالَ: «رَبِّ اغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ»، ثُمَّ قَالَ: فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَذَا وَأَنَا رَدِيفُهُ. (٢)

-
- ١- السنن الكبرى: ج ٥ ص ٤١٠ ح ١٠٣٠٦، مسند أبي يعلى: ج ٣ ص ١٨٢ ح ٢٧٦٢، كنز العمال: ج ٦ ص ٧٣٧ ح ١٧٦٣٦؛ مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٢٦ ح ١٨٣٢، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٥٠ ح ٤٦.
 - ٢- الأمالي للطوسي: ص ٥١٥ ح ١١٢٦، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٩٥ ح ٢٣، السنن الكبرى للنسائي: ج ٥ ص ٢٤٧ ح ٨٧٩٩، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٢٠٨ ح ٧٥٣، صحيح ابن حبان: ج ٦ ص ٤١٥ ح ٢٦٩٨، كنز العمال: ج ٩ ص ١٩٤ ح ٢٥٦٤٠.

السنن الکبریٰ به نقل از آنس : پیامبر خدا ، هیچ گاه آهنگ سفری نکرد ، مگر این که چون از جایش بلند می شد ، می گفت : «بار خدایا! به نام و یاری تو سفر می کنم ، و به سوی تو روی می آوردم... بار خدایا! ره توشه ام را پرهیزگاری قرار ده ، و گناهانم را بیامرز ، و به هر سوی که رفتم ، مرا در جهت خیر قرار ده...» . سپس بیرون می رفت .

الأمالی ، طوسی به نقل از علی بن ربیعہ اسدی : علی بن ابی طالب علیه السلام بر مرکب نشست . چون پایش را در رکاب نهاد ، گفت : «به نام خدا»... سپس ، سه بار خدا را تسبیح گفت و سه بار حمد گفت و سه بار تکبیر . آن گاه گفت : «پروردگارا! مرا بیامرز ، که گناهان را کسی جز تو نمی آمرزد» . سپس فرمود : «من در ترک پیامبر خدا نشسته بودم که ایشان ، این گونه عمل کرد» .

الفصل السابع: ما ينبغي فيه الاستغفار من العبادات ٧ / ١ الوضوء رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من مسلم يتوضأ ثم يقول عند فراغه من وضوئه: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ، وَاغْفِرْ لِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» إِلَّا كُتِبَتْ فِي رِقِّ ثُمَّ خُتِمَ عَلَيْهَا، ثُمَّ وُضِعَتْ تَحْتَ الْعَرْشِ، حَتَّى تَدْفَعَ إِلَيْهِ بِخَاتِمِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (١)

٧ / ٢ الخروج إلى الصلاة رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ إِلَى الصَّلَاةِ فَقَالَ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ السَّائِلِينَ عَلَيْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَمَشَايَ هَذَا، فَإِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا، وَلَا رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً، وَخَرَجْتُ اتِّقَاءً سَيِّئِ خَطِّكَ، وَابْتِغَاءً مَرْضَاتِكَ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تُعِيدَنِي مِنَ النَّارِ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِوَجْهِهِ، وَاسْتَغْفَرَ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ. (٢)

- ١- مسند زيد: ص ٧٨ عن الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٠٥ عن الإمام علي عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٠ ص ٣٢٧ ح ١٣؛ السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٢٥ ح ٩٩٠٩، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧٥٣ ح ٢٠٧٢ كلاهما عن أبي سعيد الخدري نحوه، كنز العمال: ج ١ ص ٥٧٧ ح ٢٦١٢.
- ٢- سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٢٥٦ ح ٧٧٨، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٤٢ ح ١١١٥٦، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٢٩ ح ٣، مسند ابن الجعد: ص ٢٩٩ ح ٢٠٣١ والثلاثة الأخيره من دون إسناده إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وكلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج ١٥ ص ٣٩٦ ح ٤١٥٣٥.

فصل هفتم: عبادت هایی که سزاوار است در آنها طلب آمرزش کرد

۱ / ۷ وضو

۲ / ۷ بیرون رفتن برای نماز

فصل هفتم: عبادت هایی که سزاوار است در آنها طلب آمرزش کرد ۷ / ۱ وضو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مسلمانی نیست که وضو بگیرد و چون وضویش را تمام کرد، بگوید: «پاکا تو ای خدا و ستایش، تو را! گواهی می دهم که معبودی جز تو نیست. از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت، توبه می آورم. بار خدایا! مرا از توبه گران و از پاکیزگان، قرار ده، و مرا بیامرزد. به راستی که تو بر هر چیزی توانایی»، جز آن که این دعا، در نازک پوستی نوشته می شود، سپس بر آن مهر زده شده، در زیر عرش نهاده می شود تا آن که در روز قیامت، آن را همچنان مهر شده به او می دهند.

۲ / ۷ بیرون رفتن برای نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از خانه اش برای نماز گزاردن [در مسجد] خارج شود و بگوید: «بار خدایا! به حقّ درخواست کنندگان از تو، از تو می خواهم، و به حقّ این رفتنم، از تو درخواست می کنم؛ زیرا که من، از سرِ غرور و سرمستی یا خودنمایی و شهرت طلبی بیرون نیامده ام؛ بلکه برای حفظ خود از خشم و ناخشنودی تو و طلب خشنودی ات بیرون آمده ام. پس از تو درخواست می کنم که مرا از آتش [دوزخ] در پناه خود بداری و گناهانم را بیامرزی، که گناهان را کسی جز تو نمی آمرزد»، خداوند به او رو می کند و هفتاد هزار فرشته، برایش آمرزش می طلبند.

٧ / ٣ دُخُولِ الْمَسْجِدِ وَالْخُرُوجِ مِنْهُ الْمَعْجَمُ الْأَوْسَطُ عَنْ ابْنِ عَمْرِو: عَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَيَقُولُ : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا ، وَافْتَحْ لَنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ . (١)

فاطمه عليها السلام : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ يَقُولُ : «بِسْمِ اللَّهِ ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي ، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ . وَإِذَا خَرَجَ قَالَ : «بِسْمِ اللَّهِ ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي ، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ» . (٢)

٧ / ٤ افْتِتَاحُ الصَّلَاةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَأُمِّ رَافِعٍ لَمَّا قَالَتْ لَهُ : دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ يَأْجُرُنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ : يَا أُمَّ رَافِعٍ ، إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَسَبِّحِي اللَّهَ عَشْرًا ، وَهَلِّبِي عَشْرًا ، وَاحْمَدِيهِ عَشْرًا ، وَكَبِّرِيهِ عَشْرًا ، وَاسْتَغْفِرِيهِ عَشْرًا . فَإِنَّكَ إِذَا سَبَّحْتِ عَشْرًا ، قَالَ : هَذَا لِي . وَإِذَا هَلَّلْتِ ، قَالَ : هَذَا لِي ، وَإِذَا حَمَدْتِ ، قَالَ : هَذَا لِي . وَإِذَا كَبَّرْتِ ، قَالَ : هَذَا لِي . وَإِذَا اسْتَغْفَرْتِ ، قَالَ : قَدْ غَفَرْتُ لَكَ . (٣)

-
- ١- المعجم الأوسط : ج ٦ ص ٣٥٨ ح ٦٦١٢ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ١ ص ٣٧٣ ح ٣ و ج ٧ ص ١٢٤ ح ٣ كلاهما عن النعمان بن سعد عن الإمام عليّ عليه السلام نحوه ، كنز العمال : ج ٧ ص ٦٦٠ ح ٢٠٧٨٩ .
 - ٢- سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٢٥٣ ح ٧٧١ ، سنن الترمذی : ج ٢ ص ١٢٨ ح ٣١٤ نحوه ، مسند ابن حنبل : ج ١٠ ص ١٥٩ ح ٢٦٤٧٩ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ١ ص ٣٧٣ ح ١ ، كنز العمّال : ج ٧ ص ٦١ ح ١٧٩٦٢ ؛ الأما لي للطوسی : ص ٤٠١ ح ٨٩٤ نحوه وكلّها عن عبد الله بن الحسن عن أمّه فاطمه بنت الحسين عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٤ ص ٢٢ ح ١١ .
 - ٣- عمل اليوم والليلة لابن السني : ص ٤٢ ح ١٠٧ عن أم رافع ، المعجم الكبير : ج ٢٤ ص ٣٠٢ ح ٧٦٦ ، الدعاء للطبراني : ص ٤٩٢ ح ١٧٣١ كلاهما عن سلمى أم بني أبي رافع نحوه ، كنز العمال : ج ٧ ص ٥٣١ ح ٢٠١١٣ .

۷ / ۳ وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آن

۷ / ۴ آغاز کردن نماز

۷ / ۳ وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آنالمعجم الأوسط به نقل از ابن عمر: پیامبر خدا، به حسن بن علی علیهماالسلام آموخت که هر گاه وارد مسجد شد، بر پیامبر درود بفرستد و بگوید: «بار خدایا! گناهان ما را بیامرز و درهای رحمت را بر ما بگشای».

فاطمه علیهاالسلام: پیامبر خدا، هر گاه وارد مسجد می شد، می گفت: «به نام خدا. درود بر پیامبر خدا! بار خدایا! گناهان مرا بیامرز و درهای رحمت را برایم بگشا...»، و هر گاه خارج می شد، می گفت: «به نام خدا. درود بر پیامبر خدا! بار خدایا! گناهان مرا بیامرز و درهای فضل خود را برایم بگشای».

۷ / ۴ آغاز کردن نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امّ رافع که به ایشان گفت: مرا به عملی راه نمایی فرما که خداوند عز و جل برای آن به من مزد دهد: ای امّ رافع! هر گاه برای نماز ایستادی، ده بار سبحان الله بگو، ده بار لا إله إلا الله، ده بار الحمد لله، ده بار الله أكبر، و ده بار استغفر الله زیرا چون ده بار تسبیح بگویی، خداوند می فرماید: «این، از آن من است. چون لا إله إلا الله بگویی، می فرماید: این، از آن من است. چون ستایش بگویی، می فرماید: این، از آن من است. چون تکبیر بگویی، می فرماید: این، از آن من است، و چون آمرزش بطلبی، می فرماید: تو را آمرزیدم».

عنه صلى الله عليه وآله لِبُرَيْدَةَ : يَا بُرَيْدَةُ ، إِذَا كَانَ حِينَ تَفْتَحُ الصَّلَاةَ فَقُلْ : سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفِرْ لِي ، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ . (١)

الإمام عليّ عليه السلام : كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا اسْتَفْتَحَ الصَّلَاةَ قَالَ : لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ ، ظَلَمْتُ نَفْسِي وَعَمِلْتُ سُوءًا ، فَاعْفِرْ لِي ، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ . (٢)

٧ / ٥ أثناء الصلاة رسول الله صلى الله عليه وآله : لَا يُنْسِيَنَّكَ (٣) الْإِسْتِغْفَارَ فِي صَلَاةٍ فَإِنَّهَا مَمْحَاةٌ لِلْخَطَايَا بِرَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى . (٤)

مسند ابن حنبل عن زاذان عن رجل من أصحاب النبي صلى الله عليه وآله من الأنصار : أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي صَلَاةٍ وَهُوَ يَقُولُ : «رَبِّ اغْفِرْ لِي» قَالَ شُعْبَةُ : أَوْ قَالَ : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي «وَتُبَّ عَلَيَّ ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الْعَفُورُ» مِنْهُ مَرَّةً . (٥)

١- مجمع الزوائد : ج ٢ ص ٣٢١ ح ٢٨٠١ نقلًا عن البزار عن بريدة .

٢- السنن الكبرى : ج ٢ ص ٥٠ ح ٢٣٤٦ عن الحارث ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ١ ص ٢٦٣ ح ١٩ من دون إسنادٍ إلى النبي صلى الله عليه وآله نحوه ، كنز العمال : ج ٨ ص ٩٩ ح ٢٢٠٧٩ .

٣- في المصدر : «لا تنسينك» ، وما أثبتناه من كنز العمال . أى لا ينسينك الشيطان الاستغفار .

٤- الفردوس : ج ٥ ص ٣٧٨ ح ٨٤٨٦ ، كنز العمال : ج ٢ ص ٦٨٦ ح ٥٠٧٩ نقلًا عن أبي نعيم و كليهما عن أبي المنذر الجهني .

٥- مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٥٢ ح ٢٣٢١٠ ، السنن الكبرى للنسائي : ج ٦ ص ٣١ ح ٩٩٣٢ نحوه .

۷ / ۵ در میان نماز

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به بُریده : ای بُریده! هرگاه نماز را آغاز کردی ، بگو: «پاکا تو ای خدا و ستایش تو راست! هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . معبودی جز تو نیست . من بر خویشتن ، ستم کردم . پس مرا بیامرز ، که گناهان را جز تو کسی نمی آمرزد.

امام علی علیه السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه نماز را آغاز می کرد ، می گفت: معبودی جز تو نیست . منزهی تو! من بر خود ، ستم نمودم و بد کردم . پس مرا بیامرز ، که گناهان را کسی جز تو نمی آمرزد.

۷ / ۵ در میان نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : زنهار [شیطان] آمرزش خواهی در نماز را از یادت نبرد؛ زیرا که آمرزش خواهی در نماز، به لطف خداوند متعال، گناهان را پاک می کند.

مسند ابن حنبل به نقل از زاذان ، از مردی انصاری که از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است : [وی] از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده که در نمازی صد بار می گفته است : «ای خداوند من! مرا بیامرز . (شعبه می گوید: یا گفت : بار خدایا! مرا بیامرز) و توبه ام را بپذیر که تو ، توبه پذیر مهربانی».

تهذيب الأحكام عن عبيد بن زراره: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّكَعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ مِنَ الظُّهْرِ . قَالَ : تُسَبِّحُ وَتُحَمِّدُ اللَّهَ وَتَسْتَغْفِرُ لِدُنْبِكَ ، وَإِنْ شِئْتَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ ، فَإِنَّهَا تَحْمِيدٌ وَدُعَاءٌ . (١)

٧ / ٦ فِي السَّجْدِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ قَالَ وَهُوَ سَاجِدٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ : « رَبِّ اغْفِرْ لِي » لَمْ يَرْفَعْ رَأْسَهُ حَتَّى يَغْفِرَ لَهُ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ إِذَا وَضَعَ وَجْهَهُ لِلسُّجُودِ : اللَّهُمَّ مَغْفِرَتِكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي ، وَرَحْمَتِكَ أَرْجَى عِنْدِي مِنْ عَمَلِي ، فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ . (٣)

الأمالى للصدوق عن الأصبغ بن نباته: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي سُجُودِهِ : أَنَا جِيكَ يَا سَيِّدِي كَمَا يُنَاجِي الْعَبْدُ الذَّلِيلُ مَوْلَاهُ ، وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ طَلَبَ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّكَ تُعْطِي وَلَا يَنْقُصُ مِمَّا عِنْدَكَ شَيْءٌ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ ، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ تَوَكُّلَ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (٤)

١- تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٩٨ ح ٣٦٨، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٩٠.

٢- كنز العمال: ج ٧ ص ٤٦٥ ح ١٩٨٠٨ نقلاً عن أبي عبد الله بن مخلد الدوري العطار في جزئه، والديلمي عن أبي سعيد.

٣- بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢١٨ ح ٣٣ نقلاً عن خطِّ الشهيد عن الجعفریات عن عبد الله بن سنان.

٤- الأمالى للصدوق: ص ٣٢٧ ح ٣٨٥، المزار الكبير: ص ٢٦٠، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٢٧ ح ٤٧.

۷ / ۶ در سجده

تهذیب الأحکام به نقل از عبید بن زراره: از امام صادق علیه السلام در باره دو رکعت آخر نماز ظهر پرسیدم. فرمود: «خدا را تسبیح و ستایش می‌گویی و از گناهانت، آمرزش می‌خواهی، و اگر هم خواستی، فاتحه‌الکتاب را می‌خوانی؛ زیرا آن نیز ستایش و دعاست».

۷ / ۶ در سجده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در سجده، سه بار بگوید: «پروردگارا! مرا بیامرز»، سرش را [از سجده] برنداشته، خدا او را می‌آمرزد.

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، هرگاه صورتش را برای سجده می‌نهاد، می‌گفت: «بار خدایا! آمرزش تو، از گناهان من گسترده‌تر است، و به رحمت تو امیدوارترم تا به عمل خویش. پس گناهان مرا بیامرز، ای زنده نامیرا!».

الأمالی، صدوق به نقل از اصبح بن نباته: امیر مؤمنان، در سجده اش می‌گفت: «آقای من! با تو آهسته سخن می‌گویم، آن گونه که بنده خوار با خواجه اش می‌گوید. از تو تقاضا می‌کنم، همچون تقاضای کسی که می‌داند تو عطا می‌کنی و از آنچه نزد توست، هیچ کاسته نمی‌شود. از تو آمرزش می‌خواهم، همچون آمرزش خواهی کسی که می‌داند گناهان را فقط تو می‌آمرزی و بس. بر تو توکل می‌کنم، همچون توکل کردن کسی که می‌داند تو بر هر چیزی توانایی».

الإمام الكاظم عليه السلام فى سُجُودِهِ : يا مَنْ عَلاَ فَلَاشَىءَ فَوْقَهُ ، يا مَنْ دَناَ فَلَاشَىءَ دَوْنَهُ ، اغْفِرْ لى ولِأَصْحابى . (١)

٧ / ٧ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ الإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الْقُعُودِ مِنَ السُّجُودِ : اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ . (٢)

سنن أبى داوود عن ابن عبّاس : أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لى وَارْحَمْنى ، وَعافِنى وَاهْدِنى وَارزُقْنى . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام : إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ فَقُلْ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لى ، وَارْحَمْنى ، وَأَجِرْنى وَادْفَعْ عَنى ، إِنّى لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ، تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ . (٤)

٧ / ٨ القنوتُ كتاب من لا يحضره الفقيه : سَأَلَ الْحَلْبِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْقُنُوتِ ، فِيهِ قَوْلٌ مَعْلُومٌ ؟ فَقَالَ : أَثْنِ عَلَى رَبِّكَ ، وَصَلِّ عَلَى نَبِيِّكَ ، وَاسْتَغْفِرْ لِدُنْبِكَ . (٥)

-
- ١- التوحيد : ص ٦٧ ح ٢١ عن إبراهيم بن عبد الحميد ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٢٩ ح ٥٠ .
 - ٢- الكافى : ج ٣ ص ٣١٢ ح ٨ ، تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ٨٢ ح ٣٠١ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٣٠٢ ح ٩١٥ ، الأمالى للصدوق : ص ٤٩٩ ح ٦٨٤ كلها عن حمّاد بن عيسى ، بحار الأنوار : ج ٨٤ ص ١٨٦ ح ١ .
 - ٣- سنن أبى داوود : ج ١ ص ٢٢٤ ح ٨٥٠ ، سنن الترمذى : ج ٢ ص ٧٦ ح ٢٨٤ ، سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٢٩٠ ح ٨٩٨ ، مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٦٧٦ ح ٢٨٩٧ ، السنن الكبرى : ج ٢ ص ١٧٦ ح ٢٧٥١ عن سليمان التميمى عن الإمام على عليه السلام وكلها نحوه ، كنز العمال : ج ٨ ص ١٢٨ ح ٢٢٢٢٨ .
 - ٤- الكافى : ج ٣ ص ٣٢١ ح ١ ، تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ٧٩ ح ٢٩٥ كلاهما عن الحلبي ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٣١٣ ح ٩٢٩ عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ١٣٧ .
 - ٥- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٣١٦ ح ٩٣٣ ، وسائل الشيعة : ج ٤ ص ٩٠٨ ح ٤ .

۷ / ۷ میان دو سجده

۷ / ۸ هنگام قنوت

امام کاظم علیه السلام در سجده اش: ای آن که بالا است و بالاتر از او، هیچ نیست، ای آن که نزدیک است و نزدیکتر از او، چیزی نیست! مرا و یارانم را بیامرزد.

۷ / ۷ میان دو سجده امام صادق علیه السلام هنگام نشستن بعد از سجده: از پروردگرم خدا آمرزش می طلبم و به درگاهش، توبه می برم.

سنن اُبی داوود به نقل از ابن عباس: پیامبر خدا، مابین دو سجده می گفت: «بار خدایا! مرا بیامرزد و به من، رحم کن و عافیتم بخش و هدایتم فرما و روزی ام ده».

امام صادق علیه السلام: هرگاه سرت را [از سجده] برداشتی، میان دو سجده بگو: «بار خدایا! مرا بیامرزد، و بر من، رحم آور و پناهم ده و از من، حمایت کن که من به هر خیری بر من بفرستی، نیازمندم. بزرگ و خجسته است خدایی که پروردگارِ جهانیان است».

۷ / ۸ هنگام قنوت کتاب من لا یحضره الفقیه: حلبی از امام صادق علیه السلام در باره قنوت پرسید و گفت: آیا ذکرِ معینی دارد؟ فرمود: «پروردگارت را ثنا گو و بر پیامبرت درود فرست و از گناهانت، آمرزش بخواه».

السنن الكبرى عن عبد الرحمن بن سويد الكاهلي: كَدَأْتِي أَسْمَعُ عَلَيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْفَجْرِ حِينَ قَنَتَ، وَهُيَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: يُجْزِيكَ فِي الْقُنُوتِ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا، وَعَافِنَا وَعَافِ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (٢)

٩ / ٧ عَقِيبَ الصَّلَاةِ لِلْسَّنَنِ الْكُبْرَى لِلنَّسَائِيِّ عَنْ زَادَانَ: حَدَّثَنِي رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ فِي دُبْرِ الصَّلَاةِ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الْغَفُورُ» حَتَّى بَلَغَ مِثَّةَ مَرَّةٍ . (٣)

صحيح مسلم عن ثوبان: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا انصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ اسْتَغْفَرَ ثَلَاثًا، وَقَالَ: اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكَذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ . (٤)

-
- ١- السنن الكبرى: ج ٢ ص ٢٩١ ح ٣١١٦، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٢ ص ٢١٣ ح ٣ و ج ٧ ص ١١٥ ح ٤ كلاهما نحوه، كنز العمال: ج ٨ ص ٧٩ ح ٢١٩٧٣؛ المزار للشهيد الأول: ص ٢٧٦، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٤٥٢ ح ٢٧.
 - ٢- الكافي: ج ٣ ص ٣٤٠ ح ١٢، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٨٧ ح ٣٢٢ كلاهما عن سعد بن أبي خلف، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٠٠ ح ١١٨٩ عن أبي بكر بن أبي سمّال، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٠٧.
 - ٣- السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٣١ ح ٩٩٣١ و ح ٩٩٣٤ نحوه، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٣٩ ح ١٥، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٤٥ ح ٤٩٨٠.
 - ٤- صحيح مسلم: ج ١ ص ٤١٤ ح ١٣٥، سنن الترمذي: ج ٢ ص ٩٨ ح ٣٠٠، سنن النسائي: ج ٣ ص ٦٨، سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٣٠٠ ح ٩٢٨، كنز العمال: ج ٧ ص ٤٨ ح ١٧٨٨٩.

۷ / ۹ در پی نمازها

السنن الکبریٰ به نقل از عبد الرحمان بن سوید کاهلی : گویا هم اکنون صدای علی علیه السلام را می شنوم که در دعای قنوت نماز صبح می گوید: «بار خدایا! از تو یاری می جویم و از تو آمرزش می خواهیم» .

امام صادق علیه السلام: در دعای قنوت ، این دعا تو را کفایت می کند: «بار خدایا! مرا بیامرز و بر ما رحم آور و ما را عافیت بخش و در دنیا و آخرت ، از ما درگذر ، که به راستی تو بر هر چیزی توانایی» .

۷ / ۹ در پی نمازها السنن الکبریٰ ، نسائی به نقل از زاذان : مردی از انصار برایم گفت: از پیامبر خدا شنیدم که در پی نماز می گوید: «بار خدایا! مرا بیامرز و توبه ام را بپذیر ، که تو توبه پذیر و آمرزگاری» تا به صد مرتبه رسید.

صحیح مسلم به نقل از ثوبان : پیامبر خدا ، هرگاه نمازش را به پایان می رساند ، سه بار آمرزش می طلبید و می گفت: «تویی سلام، و از توست سلام . بزرگی تو ، ای خداوند شکوه و ارج!

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ بَعْدَ الْعَصْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ سَبْعِينَ سَنَةً . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً وَاحِدَةً : «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً عَبْدٍ ذَلِيلٍ ، خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ ، لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا ، وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا» . أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى الْمَلَائِكَةَ بِتَخْرِيقِ صَحِيفَتِهِ كَائِنَمَا كَانَتْ . (٢)

الإمام علي عليه السلام: قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، عَلَّمَنِي عَمَلًا لَا يُحَالُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ ؟ قَالَ : لَا تَغْضَبُ ، وَلَا تَسْأَلَ النَّاسَ شَيْئًا ، وَارْضَ لِلنَّاسِ مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ . فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، زِدْنِي . قَالَ : إِذَا صَلَّيْتَ الْعَصْرَ فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ سَبْعًا وَسَبْعِينَ مَرَّةً ؛ تَحُطُّ عَنْكَ سَبْعٌ وَسَبْعِينَ سَنَةً . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعْدَ الْعَصْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ سَبْعِمِئَةَ ذَنْبٍ ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ فَلَأَبِيهِ ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لِأَبِيهِ فَلَأُمِّهِ ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لِأُمِّهِ فَلَأَخِيهِ ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لِأَخِيهِ فَلَأَخْتِهِ ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لِأَخْتِهِ فَلَأَقْرَبِ فَلَأَقْرَبِ . (٤)

-
- ١- جامع الأخبار: ص ١٤٧ ح ٣٢٧ عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٧٩ ح ٥ .
 - ٢- فلاح السائل: ص ٣٥٥ ح ٢٣٩ عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، مصباح المتهجد: ص ٧٥ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٣٣٩ ح ٢٥ .
 - ٣- الأمل للطوسي: ص ٥٠٨ ح ١١١٠ عن محمد بن فضيل الصيرفي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٢٣ ح ٢٦ .
 - ٤- الأمل للصدوق: ص ٣٢٧ ح ٣٨٦ عن سفيان بن خالد ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٩ ح ٢٢٤٨ ، فلاح السائل: ص ٣٥١ ح ٢٣٥ وليس فيه ذيله من «فإن لم يكن له...» ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٧٨ ح ٢ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بعد از نماز عصر، هفتاد بار آمرزش بخواند، خداوند، گناهان هفتاد سال او را می آمرزد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس هر روز بعد از نماز عصر، یک بار بگوید: «آمرزش می طلبم از خدایی که معبودی نیست، جز او زنده جاویدان، مهر گستر مهربان، خداوند شکوه و ارج. از او می خواهم که توبه مرا بپذیرد؛ توبه بنده خوار خاکسار نادار بینوای مستمند بیچاره پناه خواهی را که اختیار هیچ سود و زیانی، و مرگ و زندگی و رستاخیزی را برای خود ندارد»، خداوند متعال، به دو فرشته [ی متوکل او] دستور دهد که کارنامه او را، هر چه می خواهد باشد [و هر اندازه آکنده از گناه باشد]، پاره کنند.

امام علی علیه السلام: مردی به پیامبر خدا گفت: ای پیامبر! به من عملی را بیاموز که هیچ چیز میان آن و بهشت، نتواند مانع شود. فرمود: «خشمگین مشو، از مردم چیزی نخواه، و برای مردم آن بپسند که برای خویش می پسندی». گفت: باز هم بگو، ای پیامبر خدا! فرمود: «نماز عصر را که خواندی، هفتاد و هفت بار از خدا آمرزش بخواه، گناه هفتاد و هفت سال از تو می ریزد».

امام صادق علیه السلام: هر کس بعد از نماز عصر، هفتاد بار از خداوند عز و جل آمرزش بخواند، خداوند در آن روز، هفتصد گناه او را می آمرزد، و اگر خودش این اندازه گناه نداشته باشد، از گناهان پدرش می آمرزد، و اگر پدرش گناهی نداشت، از [گناه] مادرش می آمرزد، و اگر مادرش نداشت، از [گناه] برادرش می آمرزد، و اگر برادرش نداشت، از [گناه] خواهرش می آمرزد و اگر خواهرش گناهی نداشت، از خویشانش، به ترتیب نزدیک تری به او می آمرزد.

١٠ / ٧ اعقِبِ التَّسْبِيحَ الْكِتَابَ «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا» (١). ٢.

راجع: الأعراف: ١٤٣ والأنبياء: ٨٧.

الحدِيثُ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» إِلَّا كُتِبَتْ كَمَا قَالَهَا، ثُمَّ عُلِّقَتْ بِالْعَرْشِ، لَا يَمْحُوها ذَنْبٌ عَمَلُهُ صَاحِبُهَا حَتَّى يَلْقَى اللهُ، وَهِيَ مَخْتَوْمَةٌ كَمَا قَالَهَا. (٢).

مَسْنَدُ ابْنِ حَنْبَلٍ عَنِ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ مِمَّا يُكْتَبُ أَنْ يَقُولَ: «سُبْحَانَكَ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي». قَالَ: فَلَمَّا نَزَلَتْ: «إِذَا جَاءَ نَصِيرُ اللهِ وَالْفَتْحُ» (٣) قَالَ: «سُبْحَانَكَ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ». (٤).

١- النصر: ٣.

٢- المعجم الكبير: ج ١٢ ص ١٣٥ ح ١٢٧٩٩ عن ابن عباس، كنز العمال: ج ١ ص ٤٨٢ ح ٢١٠٨.

٣- النصر: ١.

٤- مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٤٣ ح ٣٧١٩، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٨١ ح ١٨٤٩، مسند أبي يعلى: ج ٥ ص ١٠٩ ح ٥٢٠٨ كلاهما نحوه، مسند الطيالسی: ص ٤٥ ح ٣٣٩، كنز العمال: ج ٢ ص ٥٦٠ ح ٤٧٢٨.

۱۰ / ۷ در پی تسبیح گفتن

۱۰ / ۷ در پی تسبیح گفتن قرآن «پس پروردگارت را تسبیح و ستایش گوی، و از او آمرزش بخواه، که او توبه پذیر است». ۱ .

ر . ک : اعراف: آیه ۱۴۳ و انبیا : آیه ۸۷ .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بگوید: «پاکا خدا و ستایش ، او را! از خدا آمرزش می خواهم و به سوی او ، توبه می برم»، این جمله اش عینا نوشته و بر عرش ، آویخته می شود . هیچ گناهی که گوینده اش مرتکب شود ، آن را از بین نمی برد تا آن که خدا را دیدار کند، و آن نوشته ، همچنان سر به مُهر باشد.

مسند ابن حنبل به نقل از عبد الله بن مسعود : از جمله اذکاری که پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار می گفت، این بود: «پاکا تو ای پروردگار ما و ستایش ، تو را . بار خدایا! مرا بیامرز». و چون «اذا جاء نصر الله و الفتح» نازل شد، می گفت: «پاکا تو ای پروردگار ما و ستایش ، تو را . بار خدایا! مرا بیامرز، که تو توبه پذیر مهربانی».

صحيح البخارى عن عائشه: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُكْتَبُ أَنْ يَقُولَ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي»، يَتَأَوَّلُ الْقُرْآنَ. (١)

صحيح مسلم عن عائشه: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُكْتَبُ مِنْ قَوْلِ «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ». قَالَتْ: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَرَأَيْكَ تُكْتَبُ مِنْ قَوْلِ «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ؟». فَقَالَ: خَبَّرَنِي رَبِّي أَنِّي سَأَرَى عَلَامَةً فِي أُمَّتِي، فَإِذَا رَأَيْتَهَا أَكْثَرْتُ مِنْ قَوْلِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، فَقَدْ رَأَيْتَهَا: «إِذَا جَاءَ نَصِيرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» فَتُحَ مَكَّةَ، «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا» (٢). (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ ثَلَاثًا: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» قَرَعَتِ الْعَرْشَ كَمَا تَقْرَعُ السَّلْسِلَةُ الطُّشْتَ (٤). (٥)

- ١- صحيح البخارى: ج ١ ص ٢٨٢ ح ٧٨٤، صحيح مسلم: ج ١ ص ٣٥٠ ح ٢١٧، سنن أبى داود: ج ١ ص ٢٣٢ ح ٨٧٧، سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٢٨٧ ح ٨٨٩، سنن النسائى: ج ٢ ص ١٩٠، كنز العمال: ج ٨ ص ٢٢٦ ح ٢٢٦٧٠.
- ٢- النصر: ٣١.
- ٣- صحيح مسلم: ج ١ ص ٣٥١ ح ٢٢٠، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٢٧٧ ح ٢٤١٢٠، مسند إسحاق بن راهويه: ج ٣ ص ٨٠٧ ح ١٤٤٢، تفسير الطبرى: ج ١٥ الجزء ٣٠ ص ٣٣٤ والثلاثة الأخرى نحوه، كنز العمال: ج ٢ ص ٥٦١ ح ٤٧٣١ وراجع مجمع البيان: ج ١٠ ص ٨٤٤.
- ٤- الطُّسْتُ: من آنيه الصُّفْرِ، وحكى بالشين المعجمه وهى الطشت، وهى الأصل (تاج العروس: ج ٣ ص ٩٠ «طست»).
- ٥- الزهد للحسين بن سعيد: ص ٧٥ ح ٢٠٢ عن إبراهيم بن عمر، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٢ ح ٢٧.

صحیح البخاری به نقل از عایشه: پیامبر صلی الله علیه و آله در رکوع و سجودش بسیار می گفت: «پاکا تو ای خدا، ای پروردگار ما و ستایش، تو را! بار خدایا! مرا بیامرزد»، قرآن را تفسیر و تأویل می کرد. (۱)

صحیح مسلم به نقل از عایشه: پیامبر خدا، جمله «پاکا خدا و ستایش، او را! از خدا آمرزش می خواهم و به درگاهش، توبه می کنم» را بسیار می گفت. من گفتم: ای پیامبر خدا! می بینم که جمله «پاکا خدا و ستایش، او را! از خدا آمرزش می خواهم و به درگاه او توبه می کنم» را بسیار می گویی. فرمود: «پروردگارم به من خبر داد که به زودی، علامتی را در امتم خواهم دید و هرگاه آن را دیدم، جمله «پاکا خدا و ستایش، او را! از خدا آمرزش می خواهم و به درگاهش توبه می برم» را بسیار گویم، و من، آن را دیدم: «هرگاه یاری خدا و فتح، فرارسد»، یعنی فتح مکه. «و مردم را دیدی که گروه گروه، به دین خدا درمی آیند. پس پروردگارت را تسبیح و ستایش گوی و از او آمرزش بخواه، که او توبه پذیر است».

امام صادق علیه السلام: هر کس سه مرتبه بگوید: «پاکا پروردگار بزرگ من و ستایش، او را! از پروردگارم الله آمرزش می طلبم و به درگاهش توبه می کنم»، این جمله، عرش را به صدا در می آورد، همچنان که با کوبیدن زنجیر بر تشت، از آن صدا بر می خیزد.

۱- یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله با این ذکر، در واقع، به این فرمان خدا عمل می کرد که به او فرمود: «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ...» و مضمون آن را به نمایش گذارد.

الكافي عن هلقام بن أبي هلقام: أتيتُ أبا إبراهيم عليه السلام فقلتُ له: جَعَلْتُ فِدَاكَ ، عَلَّمَنِي دُعَاءَ جَامِعًا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَوْجِزَ . فَقَالَ : قُلْ فِي دُبُرِ الْفَجْرِ إِلَى أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ : سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ ، اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ . (١)

الإمام الباقر عليه السلام: الْكَلِمَاتُ الَّتِي تَلْقَاهُنَّ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ (٢) وَهَدَى ، قَالَ : سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ إِنِّي عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ، اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ، إِنِّي عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي ، فَأَغْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ . (٣)

عنه عليه السلام: مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ ثُمَّ اسْتَغْفَرَ غُفْرًا لَهُ ، وَهَيَّ مَثَّهُ بِاللِّسَانِ ، وَأَلْفَ فِي الْمِيزَانِ ، وَتَطَرَّدُ الشَّيْطَانَ ، وَتَرْضَى الرَّحْمَنَ . (٤)

١- الكافي : ج ٢ ص ٥٥٠ ح ١٢ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٣٢٨ ح ٩٦٢ ، المقنعه : ص ١٣٧ ، عدّه الداعي : ص ٢٥١ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٣١ ح ٧ .

٢- إشاره للآية ٣٧ من سورة البقرة: «فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ» .

٣- تفسير العياشي : ج ١ ص ٤١ ح ٢٥ عن محمد بن مسلم ، الكافي : ج ٨ ص ٣٠٤ ح ٤٧٢ عن كثير بن كلثم عن أحدهما عليهما السلام ، مجمع البيان : ج ١ ص ٢٠٠ ، تفسير القمّي : ج ١ ص ٤٤ عن أبان بن عثمان عن الإمام الصادق عليه السلام وكلّهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ١٩٢ ح ٢١ .

٤- ثواب الأعمال : ص ١٩٦ ح ٢ عن محمد بن مسلم ، جامع الأخبار : ص ١٤٣ ح ٣٠٧ ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ٣٣٢ ح ١٠ .

الکافی به نقل از هَلَقام بن ابی هَلَقام : خدمت امام کاظم علیه السلام رسیدم و گفتم : فدایت شوم! به من دعایی کوتاه بیاموز که در برگیرنده [خیر] دنیا و آخرت باشد. فرمود: «پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب بگو: پاکای خدای بزرگ و ستایش ، او را! از خدا آمرزش می خواهم و از فضل او می طلبم» .

امام باقر علیه السلام: آن سخنانی که آدم علیه السلام از پروردگارش دریافت کرد و [به سبب آنها] خدا، توبه اش را پذیرفت و هدایتش کرد، اینهاست: «پاکای تو ای خدا و ستایش ، تو راست! من ، بد کردم و بر خویش ، ستم نمودم . پس مرا بیامرز ، که تو بهترین آمرزندگان. بار خدایا! معبودی جز تو نیست . پاکای تو و ستایش، تو راست . من ، بد کردم و بر خویش ، ستم نمودم . پس مرا بیامرز که تو آمرزگاری مهربانی» .

امام باقر علیه السلام: هر کس تسبیحات زهرا علیها السلام را بگوید ، سپس طلبِ آمرزش کند ، آمرزیده می شود. این تسبیحات ، صد بار گفته می شود ؛ اما در میزان [اعمال] ، هزار به شمار می آید و شیطان را می راند و خدای مهربان را خشنود می سازد.

١١ / ٧ الْحَجُّ وَالْعُمْرُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْحُجَّاجُ وَالْعُمَّارُ وَفَدُّ اللَّهِ ، إِنَّ دَعْوَةَ أَجَابَهُمْ ، وَإِنْ اسْتَغْفَرُوا غَفَرَ لَهُمْ . (١)

١٢ / ٧ صَلَاةُ الْإِسْتِسْقَاءِ الْمَعْجَمِ الْكَبِيرِ عَنِ الشِّفَاءِ بِنْتِ خَلْفٍ : أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اسْتَسْقَى يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي الْمَسْجِدِ ، وَرَفَعَ يَدَيْهِ وَقَالَ : «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا» وَحَوَّلَ رِدَاءَهُ . (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله : اللَّهُمَّ صَاحَتْ (٣) بِأَدُنَا ، وَاعْبَرْتَ أَرْضَنَا ، وَهَامَتِ دَوَابُّنَا ، اللَّهُمَّ مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ مِنْ أَمَاكِنِهَا ، وَنَاشِئِ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا بِالْغَيْثِ الْمَغِيثِ ، أَنْتَ الْمُسْتَغْفَرُ لِلْآثَامِ ، فَاسْتَغْفِرْكَ لِلْجَمَاتِ (٤) مِنْ ذُنُوبِنَا ، وَتَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ عَظِيمِ خَطَايَانَا ، اللَّهُمَّ أَرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْنَا مِدْرَارًا ... (٥)

الإمام علي عليه السلام في خطبه صِيْلَاهِ الْإِسْتِسْقَاءِ : يَا مُعْطَى الْخَيْرَاتِ مِنْ أَمَاثِلِهَا ، وَمُرْسِلَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا ، مِنْكَ الْغَيْثُ الْمَغِيثُ ، وَأَنْتَ الْغِيَاثُ الْمُسْتَعَاثُ ، وَنَحْنُ الْخَاطِئُونَ وَأَهْلُ الذُّنُوبِ ، وَأَنْتَ الْمُسْتَغْفَرُ الْعَفَّارُ ، نَسْتَغْفِرُكَ لِلْجَهَالَاتِ مِنْ ذُنُوبِنَا ، وَتَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ عَوَامِّ خَطَايَانَا ... (٦)

١- .سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ٩٦٦ ح ٢٨٩٢ ، السنن الكبرى : ج ٥ ص ٤٣٠ ح ١٠٣٨٨ ، المعجم الأوسط : ج ٦ ص ٢٤٧ ح

٦٣١١ كلها عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ٥ ص ١٥ ح ١١٨٤٣ .

٢- .المعجم الكبير : ج ٢٤ ص ٣١٢ ح ٧٨٧ .

٣- .لعل الصواب : «انصاحت» ، قال الجزري : وفي حديث الاستسقاء : «اللهم انصاحت جبالنا» أى تشققت وجفت لعدم المطر .

يقال : صاحهُ يصرحهُ فهو مُنْصَاح ؛ إذا شقَّهُ ، وصَوَّحَ النَّبَاتُ ؛ إذا يبس وانشقَّ (النهايه : ج ٣ ص ٥٨ «صوح») .

٤- .الجَمُّ : الكثيرُ ، والجَمَاتُ جمع جَمَّة (مجمع البحرين : ج ١ ص ٣١٨ «جمم») .

٥- .كنز العمال : ج ٧ ص ٨٣٤ ح ٢١٦٠٠ نقلًا عن الخطابي في غريب الحديث وابن عساكر عن ابن عباس .

٦- .تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ١٥٣ ح ٣٢٨ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٥٣٢ ح ١٥٠١ و ص ٥٣٧ ح ١٥٠٤ عن

الإمام الحسين عليه السلام ، قرب الإسناد : ص ١٥٧ ح ٥٧٦ عن أبي البختری وهب بن وهب القرشي عن الإمام الصادق عن أبيه

عن جدّه عن الإمام الحسين عليهم السلام وكلها نحوه ، مصباح المتهجد : ص ٥٢٨ ح ٦١١ ، بحار الأنوار : ج ٩١ ص ٢٩٤ ح ٢ .

۷ / ۱۱ حج و عمره

۷ / ۱۲ نماز باران

۷ / ۱۱ حج و عمره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حاجیان و عمره گزاران ، میهمان خدا هستند. اگر او را بخوانند ، پاسخشان می دهد، و اگر از او آمرزش بخواهند ، آنان را می آمرزد.

۷ / ۱۲ نماز باران المعجم الکبیر به نقل از شفاء دختر خلف : پیامبر صلی الله علیه و آله روز جمعه ، در مسجد ، نماز باران خواند و دستانش را [به آسمان] بلند کرد و گفت: «از پروردگارتان ، آمرزش بطلبید که او بسی آمرزنده است»، و عبایش را وارونه ساخت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار خدایا! آبادی های ما خشک شدند، و زمین های ما از گیاه و علف ، تهی شدند ، و چارپایانمان ، تلف شدند. بار خدایا! ای فرو فرستنده برکت ها از جایگاه هایشان، و ای پخش کننده رحمت از معادن آنها با باران یاری دهنده! تویی آن که برای گناهان ، از او آمرزش می خواهند . پس ما برای انبوه گناهانمان ، از تو آمرزش می خواهیم و از خطاهای بزرگمان ، به درگاہت توبه می آوریم. بار خدایا! آسمان را بر ما پیاپی فرو باران... .

امام علی علیه السلام در خطبه نماز باران : ای دهنده خیرات از بهترین راه های آن، و ای فرستنده برکت ها از معادن آن! باران کمک کننده ، از جانب توست، و تویی آن کمک رسانی که از او کمک می خواهند، و ما خطاکار و اهل گناهانیم. تویی آمرزنده ای که از او آمرزش می خواهند . برای گناہانی که از روی نادانی مرتکب گشته ایم ، از تو آمرزش می طلبیم، و از عموم خطاهایمان به درگاه تو ، توبه می آوریم.... .

راجع: المصباح للكفعمي: ص ٥٤٨ والبلد الأمين: ص ١٦٦.

٧ / ١٣ زيارة قبر النبي الكتاب «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنْهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا». (١)

الحديث للإمام علي عليه السلام: قَدِمَ عَلَيْنَا أَعْرَابِيٌّ بَعْدَمَا دَفَنَّا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ، فَرَمَى بِنَفْسِهِ عَلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَخَشَا عَلَى رَأْسِهِ مِنْ تُرَابِهِ ؛ فَقَالَ : قُلْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَسَجِعْنَا قَوْلَكَ ، وَوَعَيْتَ عَنِ اللَّهِ فَوَعَيْنَا عَنْكَ ، وَكَانَ فِيهَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ : «وَلَوْ أَنْهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ» الْآيَةَ ، وَقَدْ ظَلَمْتُ نَفْسِي ، وَجِئْتُكَ تَسْتَغْفِرُ لِي . فَنُودِيَ مِنَ الْقَبْرِ : إِنَّهُ قَدْ غُفِرَ لَكَ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام مِمَّا أَمَرَ بِهِ أَنْ يُقَالَ عِنْدَ قَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ : «وَلَوْ أَنْهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» ، وَإِنِّي أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي ، وَإِنِّي أَتُوجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي . (٣)

١- النساء: ٦٤ .

٢- تفسير القرطبي: ج ٥ ص ٢٦٥ عن أبي صادق ، كنز العميال: ج ٢ ص ٣٨٦ ح ٤٣٢٢ ؛ المزار للشهيد الأول: ص ٣ عن السمعاني .

٣- الكافي: ج ٤ ص ٥٥١ ح ١ ، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٦ ح ٨ ، كامل الزيارات: ص ٥٠ ح ٢٧ نحوه وكلها عن معاوية بن عمّار ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٦٧ ، مصباح المتهجد: ص ٧١٠ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ١٥٠ ح ١٧ .

۷ / ۱۳ زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله

ر. ک: المصباح ، کفعمی : ص ۵۴۸، البلد الأمين : ص ۱۶۶.

۷ / ۱۳ زیارت قبر پیامبر قرآن «ما هیچ پیامبری را نفرستادیم ، مگر برای آن که به فرمان خدا فرمانش برَند. اگر آنان ، آن گاه که بر خود ستم کردند ، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر ، برایشان آمرزش می خواست ، خداوند را توبه پذیری مهربان می یافتند» .

حدیث امام علی علیه السلام : سه روز پس از آن که پیامبر خدا را به خاک سپردیم ، بادیه نشینی نزد ما [در مدینه] آمد و خودش را روی قبر پیامبر خدا انداخت و از خاک آن ، بر سر خود ریخت و گفت : ای پیامبر خدا! تو گفتی و ما گفته تو را شنیدیم . تو از خدا گرفتی و ما از تو گرفتیم . از چیزهایی که خدا بر تو فرو فرستاد ، این است : «و اگر آن گاه که به خود ، ستم کردند...» ، و من به خود ، ستم کرده ام و نزد تو آمده ام تا که برایم طلبِ آمرزش کنی . در این هنگام از قبر صدایی آمد که : «آمرزیده شدی» .

امام صادق علیه السلام از چیزهایی که فرمود در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله خوانده شود : بار خدایا! تو فرموده ای : «اگر آنها آن گاه که به خود ستم کردند ، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر صلی الله علیه و آله برایشان آمرزش می طلبید ، بی گمان ، خدا را توبه پذیری مهربان می یافتند» ، و من ، نزد پیامبر آمده ام و از گناهان خویش ، آمرزش می خواهم و توبه می کنم . من به واسطه تو ، به خدا که پروردگار من و توست ، رو می آورم تا گناهان مرا بیامرزد» .

٧ / ١٤ طواف البيتكنز العمّال عن عبد الأعلى التميمي: قالت خديجة بنت خويلد: يا رسول الله، ما أقول وأنا أطوف بالبيت؟ قال: قولي: اللهم اغفر لي ذنوبي وخطاياي، وعمدي وإسرافي في أمري، إنك إن لا تغفر لي تهلكني. (١)

٧ / ١٥ الإفاضة من عرفات إلى المشعر الكتاب «ثم أفيضوا من حيث أفاض الناس واستغفروا الله إن الله غفور رحيم». (٢)

الحديث للإمام الصادق عليه السلام: إذا غربت الشمس فأفرض مع الناس وعليك السكينة والوقار، وأفرض بالاستغفار، فإن الله عز وجل يقول: «ثم أفيضوا من حيث أفاض الناس واستغفروا الله إن الله غفور رحيم». (٣)

١- كتر العمّال: ج ٥ ص ٥٧ ح ١٢٠٣٣ نقلاً عن شعب الإيمان عن عبد الأعلى التميمي.

٢- البقره: ١٩٩.

٣- الكافي: ج ٤ ص ٤٦٧ ح ٢، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٨٧ ح ٦٢٣ كلاهما عن معاوية بن عمّار، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٤٣ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، دعائم الإسلام: ج ١ ص ٣٢١ كلّها نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٢٦٩ ح ١٥.

۷ / ۱۴ طواف خانه خدا

۷ / ۱۵ کوچیدن از عرفات به مشعر

۷ / ۱۴ طواف خانه خدا کثر العَمَل به نقل از عبد الأعلى تمیمی: خدیجه دختر حُوَیْلِد گفت: ای پیامبر خدا! هنگامی که طواف خانه خدا می کنم، چه بگویم؟ فرمود: «بگو: بار خدایا! گناهان و خطاهای مرا و بدی هایی را که به عمد از من، سر زده است، و زیاده روی ام در کارم را ببامرز، که اگر تو مرا نیامرزی، مرا هلاک کرده ای (/گناهان و... مرا به هلاکت می افکنند)».

۷ / ۱۵ کوچیدن از عرفات به مشعر قرآن «پس از همان جا که مردم روانه می شوند، شما نیز روانه شوید و از خدا آمرزش بخواهید، که خدا آمرزگاری مهربان است».

حدیث امام صادق علیه السلام: چون خورشید، غروب کرد، با مردم روانه شو و آرامش و وقار داشته باش، و با آمرزش خواهی روانه شو؛ زیرا خداوند عز و جل می فرماید: «سپس، از همان جا که مردمان روانه می شوند، روانه شوید و از خدا آمرزش بخواهید، که خدا آمرزگاری مهربان است».

١٦ / ٧ الإِفاضة مِنَ المَشعرِ إلى مِثْلِالإمام الصادق عليه السلام في ذِكْرِ الإِفاضة مِنَ المَشعرِ : كانَ أهلُ الجاهِلِيَّةِ يَقولونَ : أشرقَ ثَبيرُ يَعنونَ الشَّمسَ كما نُغَيِّرُ . (١) وإِنَّمَا أَفاضَ رَسولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عليه وآله خِلافَ أهلِ الجاهِلِيَّةِ ، كانوا يُفِيضونَ بِإِجافِ الخَيْلِ وإِضاعِ الإِبِلِ ، فَأَفاضَ رَسولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عليه وآله خِلافَ ذَلِكَ ؛ بِالسَّكِينَةِ وَالوَقارِ وَالدَّعَةِ ، فَأَفضَ بِذِكرِ اللَّهِ وَالِإِسْتِغْفارِ ، وَحَرَّكَ بِهِ لِسانَكَ . (٢)

١- في المصدر : «تغير» ، والصواب ما أثبتناه كما في علل الشرائع .

٢- تهذيب الأحكام : ج ٥ ص ١٩٢ ح ٦٣٧ ، علل الشرائع : ص ٤٤٤ ح ١ نحوه وكلاهما عن معاوية بن عمّار ، بحار الأنوار : ج ٩٩ ص ٢٦٧ ح ٥ .

۷ / ۱۶ کوچیدن از مشعر به مِنا

۱۶ / ۷ کوچیدن از مشعر به مِنا امام صادق علیه السلام در بیان کوچیدن از مشعر: مردم جاهلیت می گفتند: «طلوع کن، ای ثبیر (یعنی خورشید) تا [به سوی مِنا و قربانگاه] بشتابیم»؛ اما پیامبر خدا، بر خلاف [شیوه] مردم جاهلیت، ره سپار می شد. آنها با دوآیندن اسب‌ها و شتاباندن شترها [به سرعت] حرکت می کردند، و پیامبر خدا، بر خلاف این شیوه، با آرامش و وقار و طمأنینه، ره سپار می شد. پس تو نیز با یاد کردن از خدا و آمرزش خواهی، روانه شو و پیوسته، این اذکار را بر زبان جاری کن.

الفصل الثامن: الاستغفار للآخرين ٨ / ١ من يتبع الاستغفار للهيا الوالدان الكتاب «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ». (١)

«رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ». (٢)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: استغفار الولد لأبيه من بعد الموت من البر. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الرَّجُلَ لَتَرْفَعَ دَرَجَتَهُ فِي الْجَنَّةِ فَيَقُولُ: أَنَّى هَذَا؟ فَيُقَالُ: بِاسْتِغْفَارِ وَلَدِكَ لَكَ. (٤)

١- إبراهيم: ٤١.

٢- نوح: ٢٨.

٣- كنز العمال: ج ١٦ ص ٤٦٣ ح ٤٥٤٤٩ نقلاً عن ابن النجار عن أبي أسيد مالك بن زرارته.

٤- سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٠٧ ح ٣٦٦٠، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٥٨٤ ح ١٠٦١٥، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٣ ص

٢٦١ ح ٥ كلاهما نحوه و ج ٧ ص ١٢٠ ح ٣ كلهما عن أبي هريره.

فصل هشتم: آموزش خواهی برای دیگران

۸ / ۱ کسانی که باید برایشان ، آموزش خواست

الف پدر و مادر

فصل هشتم: آموزش خواهی برای دیگران ۸ / ۱ کسانی که باید برایشان ، آموزش خواستالف پدر و مادرقرآن «ای پروردگار ما! مرا و پدر و مادرم را و مؤمنان را در آن روز که حساب برپا می شود، بیامرز» .

«ای پروردگار من! مرا ، و پدر و مادرم را ، و هر مؤمنی را که به سرایم درآید ، و مردان و زنان باایمان را بیامرز» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آموزش خواهی فرزند برای پدرش پس از مرگ او ، از [مصادیق [نیکی [به والدین [است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بر درجه شخص در بهشت افزوده می شود و او می گوید: این ، از کجا آمد؟ به او گفته می شود: «از آموزش خواهی فرزندت برای تو».

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ الرَّجُلَ يَمُوتُ وَالِدَاهُ أَوْ أَحَدَهُمَا ، وَإِنَّهُ لِعَاقٌ لَّهُمَا ، فَلَا يَزَالُ يَدْعُو لَّهُمَا ، وَيَسْتَغْفِرُ لَهُمَا ، حَتَّى يَكْتُبَهُ اللَّهُ بَرًّا . (١)

المعجم الكبير عن أبي كاهل : قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : . . . اِعْلَمَنَّ يَا أَبَا كَاهِلٍ ؛ أَنَّهُ مَنْ بَرَّ وَالِدَيْهِ حَيًّا وَمَيِّتًا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَرْضِيَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . قَالَ : قُلْتُ : كَيْفَ يَبْرُّ وَالِدَيْهِ إِذَا كَانَا مَيِّتَيْنِ ؟ قَالَ : بَرُّهُمَا أَنْ يَسْتَغْفِرَ لَوَالِدَيْهِ ، وَلَا يَسُبَّ وَالِدَيْ أَحَدٍ فَيُسَبَّ وَالِدَيْهِ . (٢)

الإمام الباقر عليه السلام : إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ بَارًّا بِوَالِدَيْهِ فِي حَيَاتِهِمَا ، ثُمَّ يَمُوتَانِ فَلَا يَقْضَى عَنْهُمَا ذُيُوبُهُمَا ، وَلَا يَسْتَغْفِرُ لَهُمَا ، فَيَكْتُبُهُ اللَّهُ عَاقًا . وَإِنَّهُ لَيَكُونُ عَاقًا لَهُمَا فِي حَيَاتِهِمَا ، غَيْرَ بَارٍّ بِهِمَا ، فَإِذَا مَاتَا قَضَى دَيْنَهُمَا وَاسْتَغْفَرَ لَهُمَا ، فَيَكْتُبُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَارًّا . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام : مِيرَاثُ اللَّهِ مِنْ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ ، الْوَلَدُ الصَّالِحُ يَسْتَغْفِرُ لَهُ . (٤)

بِ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ الْكِتَابِ «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ» . (٥)

١- . كنز العمال : ج ١٦ ص ٤٧٧ ح ٤٥٥٣٤ نقلاً عن ابن عساكر عن أنس .

٢- . المعجم الكبير : ج ١٨ ص ٣٦٢ ح ٩٢٨ .

٣- . الكافي : ج ٢ ص ١٦٣ ح ٢١ ، الزهد للحسين بن سعيد : ص ٣٣ ح ٨٧ كلاهما عن محمد بن مسلم ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٨١ ح ٨٤ .

٤- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ٤٨١ ح ٤٦٨٩ ، مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٤٧١ ح ١٦١٠ ، بحار الأنوار : ج ١٠٤ ص ٩٠ ح ٢ .

٥- . محمد : ١٩ .

ب مردان و زنان مؤمن

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انسان، پدر و مادرش یا یکی از آن دو می میرد و او نسبت به آنان، نافرمان و بدرفتار بوده است؛ ولی پیوسته، برایشان دعا می کند و آمرزش می طلبد تا آن که خداوند، او را نیکوکار می نویسد.

المعجم الکبیر به نقل از ابو کاهل: پیامبر خدا به من فرمود: «... بدان ای ابو کاهل که هر کس به پدر و مادرش، زنده باشند یا مُرده، نیکی کند، بر خداست که در روز قیامت، او را خوشنود سازد. من گفتم: چگونه به پدر و مادرش که مُرده اند، نیکی کند؟ فرمود: «نیکی کردن به آنها به این است که برای پدر و مادرش، طلبِ آمرزش کند، و [نیز] به پدر و مادر کسی ناسزا نگوید تا او به پدر و مادرش ناسزا گوید».

امام باقر علیه السلام: بنده، در زمان حیات پدر و مادرش، با آنان خوش رفتار است؛ اما چون می میرند، نه دیون آن دو را می پردازد و نه برایشان آمرزش می طلبد. پس خداوند، او را بدرفتار و نافرمان می نویسد، و [برعکس] در زمان حیاتشان، نسبت به آن دو نافرمان و بدرفتار است و به آنان، نیکی نمی کند؛ ولی چون از دنیا رفتند، دین آنها را ادا می کند و برایشان، آمرزش می طلبد. پس خداوند عز و جل او را نیکوکار [به والدین] می نویسد.

امام صادق علیه السلام: میراث خدا از بنده مؤمنش، فرزند شایسته ای است که برای او آمرزش می طلبد.

ب مردان و زنان مؤمنقرآن «پس بدان که معبودی جز خدا نیست، و برای گناهت و برای مردان و زنان باایمان، طلب آمرزش کن، و خدا، فرجام و مآل شما را می داند».

«رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ» . (١)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله :مَنْ اسْتَغْفَرَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ حَسَنَةً . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : ما من مؤمنٍ أو مؤمنةٍ مضى من أول الدهر ، أو هو آتٍ إلى يوم القيامة ، إلا وهم شفعاء لمن يقول في دعائه : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ . وَإِنَّ الْعَبْدَ لَيُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَسْحَبُ ، فَيَقُولُ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ : يَا رَبَّنَا هَذَا الَّذِي كَانْ يَدْعُو لَنَا فَشَفَّعْنَا فِيهِ ، فَيُشَفَّعُهُمُ اللَّهُ فِيهِ فَيَنْجُو . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَالٌ يَتَصَدَّقُ بِهِ ، فَلَيْسَتْغْفِرَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، فَإِنَّهَا صَدَقَةٌ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ اسْتَغْفَرَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعًا وَعِشْرِينَ مَرَّةً ، كَانَ مِنَ الَّذِينَ يُسْتَجَابُ لَهُمْ ، وَيُرْزَقُ بِهِمْ أَهْلُ الْأَرْضِ . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ قَالَ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسًا وَعِشْرِينَ مَرَّةً : «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ» كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِعَدَدِ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَضَى ، وَكُلِّ مُؤْمِنَةٍ مَضَى إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَسَنَةً ، وَمَحَا عَنْهُ سَيِّئَةً ، وَرَفَعَ لَهُ دَرَجَةً . (٦)

١- الحشر : ١٠ .

٢- مسند الشاميين : ج ٣ ص ٢٣٤ ح ٢١٥٥ عن عباد بن الصامت ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٧٥ ح ٢٠٦٧ .

٣- الأُمالي للصدوق : ص ٥٤١ ح ٧٢٤ عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، ثواب الأعمال : ص ١٩٤ ح ٤ عن محمد بن حماد الحرثي عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه ، روضه الواعظين : ص ٣٥٩ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٣٨٥ ح ١٠ .

٤- المعجم الأوسط : ج ٣ ص ١٢٨ ح ٢٦٩٣ ، الدعاء للطبراني : ص ٥١٩ ح ١٨٤٩ كلاهما عن أبي هريره .

٥- كنز العمال : ج ١ ص ٤٧٦ ح ٢٠٦٨ نقلًا عن المعجم الكبير عن أبي الدرداء .

٦- ثواب الأعمال : ص ١٩٤ ح ٣ ، الأُمالي للطوسي : ص ٤٢٤ ح ٩٤٩ ، الأُمالي للصدوق : ص ٤٦٢ ح ٦١٧ كلها عن عبد الله بن سنان ، روضه الواعظين : ص ٣٥٨ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٣٨٦ ح ١٤ .

«ای پروردگار ما! ما را و برادران ما را که پیش از ما ایمان آوردند ، بیامرز» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس برای مردان و زنان مؤمن ، آمرزش بخواهد ، خداوند به ازای هر مرد و زن مؤمنی ، یک کار نیک برایش می نویسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر مرد یا زن مؤمنی که از اوّل روزگار بوده یا تا روز قیامت خواهد آمد ، برای کسی که در دعایش بگوید: «بار خدایا! مردان و زنان مؤمن را بیامرز»، شفاعت خواهند کرد. در روز قیامت، فرمان داده می شود که فلان بنده را به سوی آتش ببرند و او را کِشَانُ کِشَانُ می برند . در این هنگام ، مردان و زنان مؤمن می گویند: «پروردگارا! این ، کسی است که برای ما دعا می کرد . پس شفاعت ما را در باره او بپذیر» ، و خداوند ، شفاعت آنان را در حقّ او می پذیرد و او نجات می یابد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس مالی ندارد که صدقه بدهد، برای مردان و زنان ، آمرزش بخواهد؛ زیرا این کار، خود، صدقه است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس روزی بیست و هفت بار برای مؤمنین و مؤمنان ، طلب آمرزش کند ، از کسانی است که دعایشان مستجاب می گردد و به سبب آنان ، زمینیان ، روزی داده می شوند.

امام صادق علیه السلام :هر کس روزی بیست و پنج مرتبه بگوید: «بار خدایا! مردان و زنان باایمان و مردان و زنان مسلمان را بیامرز» ، خداوند ، به عدد هر مرد مؤمنی که در گذشته است، و به شمار هر مرد و زن مؤمنی که تا روز قیامت می آید ، یک کار نیک برایش می نویسد و یک گناه ، از او پاک کند و یک درجه او را بالا می برد» .

عنه عليه السلام: إذا قال الرَّجُلُ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَجَمِيعِ الْأَمْوَاتِ» رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بِعَدَدِ مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ مِنْ كُلِّ إِنْسَانٍ دَعْوَةً. (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من مسلمٍ يَدْعُو لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْعَيْبِ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ، أَخِي فُلَانٌ فَاغْفِرْ لَهُ» إِلَّا قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: آمِينَ، وَلَكَ بِمِثْلِ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: يَتَبَغَى لِلْإِمَامِ الَّذِي يَخْطُبُ النَّاسَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَنْ ... يُصَيِّمَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلَى أُمَّهِ الْمُسْلِمِينَ، وَيَسْتَغْفِرَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ. (٣)

ج المِذْبُورِ رسول الله صلى الله عليه وآله: يَلْزَمُ الْحَقُّ لِأُمَّتِي فِي أَرْبَعٍ: يُجَبِّونَ التَّيَابِ، وَيَرْحَمُونَ الضَّعِيفَ، وَيُعِينُونَ الْمُحْسِنَ، وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلْمُذْنِبِ. (٤)

المعجم الأوسط عن ابن عمر: كُنَّا نُمَسِّكُ عَنِ الْإِسْتِغْفَارِ لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ، حَتَّى سَمِعْنَا نَبِيَّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: إِنِّي أَدَّخَرْتُ شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَأَمْسَكْنَا عَنْ كَثِيرٍ مِمَّا كَانَ فِي أَنْفُسِنَا، وَرَجَوْنَا لَهُمْ. (٥)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَطَّلَعَ مِنْ مُؤْمِنٍ عَلَى ذَنْبٍ أَوْ سَيِّئَةٍ، فَأَفْشَى ذَلِكَ عَلَيْهِ وَلَمْ يَكْتُمْهَا، وَلَمْ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ لَهُ، كَانَ عِنْدَ اللَّهِ كَعَامِلِهَا، وَعَلَيْهِ وَزُرُ ذَلِكَ الَّذِي أَفْشَاهُ عَلَيْهِ، وَكَانَ مَغْفُورًا لِعَامِلِهَا، وَكَانَ عِقَابُهُ مَا أَفْشَى عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا، مَسْتَوْرٌ عَلَيْهِ فِي الْآخِرَةِ، ثُمَّ يَجِدُ اللَّهَ أَكْرَمَ مَنْ أَنْ يُنْتَنَى عَلَيْهِ عِقَابًا فِي الْآخِرَةِ. (٦)

١- فلاح السائل: ص ١١٠ ح ٥٠، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٩١ ح ٢٤.

٢- تاريخ دمشق: ج ٢٥ ص ١٢٦ عن أبي الدرداء، كنز العمال: ج ٢ ص ١١٠ ح ٣٣٨٦ نقلاً عن المعجم الكبير عن أبي الدرداء.

٣- الكافي: ج ٣ ص ٤٢١ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٢٤٣ ح ٦٥٥ كلاهما عن سماعه، وسائل الشيعة: ج ٥ ص ٣٨ ح ٩٥٣٢.

٤- الخصال: ص ٢٣٩ ح ٨٨ عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٢٦٣ ح ٧٨٠ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٨٤ ح ٧.

٥- المعجم الأوسط: ج ٦ ص ١٠٦ ح ٥٩٤٢، تفسير ابن كثير: ج ٢ ص ٢٩٠ نحوه.

٦- الاختصاص: ص ٣٢، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٢١٦ ح ١٦.

ج گنهکار

امام صادق علیه السلام: هر گاه شخصی بگوید: «بار خدایا! مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان، زندگانشان و همه مُردگانشان را بیامرز»، خداوند به شمارِ هر انسانی که در گذشته و هر انسانی که باقی است، یک دعا به او برمی گرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مسلمانی نیست که پشتِ سر برادرش برای او دعا کند و بگوید: «بار خدایا! برادرم فلانی را بیامرز»، مگر آن که فرشتگان می گویند: «آمین! و تو را نیز چنان باد!».

امام صادق علیه السلام: شایسته است امامی که در روز جمعه برای مردم، خطبه [ی نماز] می خواند... بر محمّد و بر پیشوایان مسلمانان، درود بفرستد و برای مردان و زنان مؤمن، طلب آمرزش کند.

ج گنهکار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در باره چهار گروه، وظایفی بر عهده امت من است: توبه کننده را دوست بدارند، به ناتوان [و فقیر] رحم کنند، به نیکوکار کمک رسانند، و برای گنهکار آمرزش بخواهند.

المعجم الأوسط به نقل از ابن عمر: ما از آمرزش خواهی برای مرتکبان گناهان کبیره، خودداری می کردیم تا آن که شنیدیم پیامبرمان صلی الله علیه و آله می فرماید: «من شفاعتم را برای مرتکبان گناهان کبیره از امتم در روز قیامت، اندوخته ام. لذا بسیاری از چیزهایی را که در دل های ما بود، کنار نهادیم، و به [آمرزش] آنان، امیدوار شدیم».

امام صادق علیه السلام: هر کس بر گناهی یا بدی ای از مؤمنی مطلع شود و آن را فاش سازد و پوشیده اش ندارد و برای او از خدا طلب آمرزش نکند، در نزد خدا، چون کننده آن گناه یا بدی است، و گناه چیزی که فاش ساخته است، بر گردن اوست و آن مؤمن، آمرزیده می شود، و کیفرش، همان فاش شدن [و بی آبرو شدن او] در دنیا است، و در آخرت، بر او پوشیده می شود، و خداوند را بزرگوارتر از آن می یابد که دوباره، در آخرت هم او را کیفر دهد.

د الْمُغْتَابِ لِإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا كَفَّارَةُ الْإِغْتِيَابِ؟ قَالَ: تَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِمَنْ اغْتَبْتَهُ كُلَّمَا ذَكَرْتَهُ (١).

رسول الله صلى الله عليه وآله: كَفَّارَةُ الْإِغْتِيَابِ أَنْ تَسْتَغْفِرَ لِمَنْ اغْتَبْتَهُ. (٢).

ه الْمُحْتَضِرُ وَالْمَيِّتُ سَنَدُ ابْنِ حَنْبَلٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ: لَمَّا قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كُنَّا نُؤَذِّنُهُ (٣) لِمَنْ حَضَرَ مِنْ مَوْتَانَا، فَيَأْتِيهِ قَبْلَ أَنْ يَمُوتَ، فَيَحْضُرُهُ وَيَسْتَغْفِرُ لَهُ وَيَنْتَظِرُ مَوْتَهُ. قَالَ: فَكَانَ ذَلِكَ رُبَّمَا حَبْسَهُ الْحَبْسَ الطَّوِيلَ، فَشَقَّ عَلَيْهِ، قَالَ: فَكُنَّا: إِنَّهُ أَرْفَقَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَلَمَّا نُؤَذِّنُهُ بِالْمَيِّتِ حَتَّى يَمُوتَ، قَالَ: فَكُنَّا إِذَا مَاتَ مِنَّا الْمَيِّتُ آذَنَّا بِهِ، فَجَاءَ فِي أَهْلِهِ فَاسْتَغْفَرَ لَهُ، وَصَلَّى عَلَيْهِ، ثُمَّ إِنْ يَدَا لَهُ أَنْ يَشْهَدَهُ انْتَظَرَ شُهُودَهُ، وَإِنْ بَدَا لَهُ أَنْ يَنْصِيرِفَ انْصِيرِفَ. قَالَ: فَكُنَّا عَلَى ذَلِكَ طَبَقَهُ أُخْرَى، قَالَ فَكُنَّا: إِنَّهُ أَرْفَقَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ نَحْمِلَ مَوْتَانَا إِلَى بَيْتِهِ، وَلَا نُشْخِصَهُ وَلَا نُعْنِيَهُ. قَالَ: فَفَعَلْنَا ذَلِكَ فَكَانَ الْأَمْرُ. (٤).

-
- ١- الكافي: ج ٢ ص ٣٥٧ ح ٤، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٣٧٧ ح ٤٣٢٧ كلاهما عن حفص بن عمر، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٢٤١ ح ٤.
 - ٢- الأمالى للمفيد: ص ١٧٢ ح ٧، الأمالى للطوسى: ص ١٩٢ ح ٣٢٥ كلاهما عن أنس، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٢٥٣ ح ٢٩؛ تاريخ بغداد: ج ٧ ص ٣٠٣ عن أنس، كنز العمال: ج ٣ ص ٥٩٣ ح ٨٠٦٣.
 - ٣- آذنته إيدانا: أعلمته (المصباح المنير: ص ١٠ «أذن»).
 - ٤- مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٣٢ ح ١١٦٢٨، صحيح ابن حبان: ج ٧ ص ٢٧٥ ح ٣٠٠٦ نحوه.

د غیبت شونده:**ه شخص در حال مرگ و مُرده**

د غیبت شونده: امام صادق علیه السلام: از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیده شد: کفار غیبت کردن چیست؟ فرمود: «این که هر زمان به یاد شخصی که از او غیبت کرده ای، افتادی، از خداوند برایش طلب آمرزش کنی».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کفار غیبت، این است که برای شخصی که از او غیبت کرده ای، طلب آمرزش کنی.

ه شخص در حال مرگ و مُرده: مسند ابن حنبل به نقل از ابوسعید خُدری: زمانی که پیامبر خدا [به مدینه] آمد، هرگاه کسی از ما مرگش فرا می رسید، به اطلاع ایشان می رساندیم و ایشان، پیش از این که آن شخص از دنیا برود، می آمد و بر بالین او حاضر می شد و برایش طلب آمرزش می کرد و منتظر می ماند تا از دنیا برود. اما این کار، گاه پیامبر صلی الله علیه و آله را مدتی طولانی نگه می داشت و ایشان، به زحمت می افتاد. لذا به خاطر رعایت حال پیامبر صلی الله علیه و آله گفتیم که بهتر است به ایشان اطلاع ندهیم تا زمانی که محتضر از دنیا برود. بنا بر این، طرف که از دنیا می رفت، آن را به اطلاع ایشان می رساندیم و پیامبر صلی الله علیه و آله به نزد خانواده او می آمد و برای درگذشته، طلب آمرزش می کرد و بر او نماز می خواند. سپس اگر صلاح می دید که در تشییع او شرکت کند، منتظر تشییعش می ماند؛ و گرنه می رفت. مدتی هم بر این روال گذشت. سپس گفتیم که بهتر است برای رعایت حال پیامبر خدا، ما مُرده هایمان را به خانه پیامبر ببریم و ایشان را به خانه شخص مُرده نکشیم و باعث زحمت پیامبر خدا نشویم. این کار را کردیم و از آن پس، چنین مرسوم شد.

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا الْمَيِّتُ فِي قَبْرِهِ إِلَّا يُشْبَهُهُ الْغَرِيقُ الْمُتَهَوِّبُ (١)، يَنْتَظِرُ دَعْوَةَ مَنْ أَبٍ أَوْ أُمَّ أَوْ وَلَدٍ أَوْ صَدِيقٍ ثَقَّهِ ، فَإِذَا لَحِقَتْهُ كَانَتْ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا . وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَدْخُلُ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ مِنْ دُعَاءِ أَهْلِ الْوُدِّ أَمْثَالَ الْجِبَالِ ، وَإِنَّ هَدِيَّةَ الْأَحْيَاءِ لِلْأَمْوَاتِ الْإِسْتِغْفَارُ لَهُمْ ، وَالصَّدَقَةُ عَنْهُمْ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَوَّلَ مَا يُبَشَّرُ بِهِ الْمُؤْمِنُ أَنْ يُقَالَ لَهُ: قَدِمْتَ خَيْرَ مَقَدِّمٍ ، قَدْ غَفَرَ اللَّهُ لِمَنْ شِيعَكَ ، وَاسْتَجَابَ لِمَنْ اسْتَعْفَرَ لَكَ ، وَقَبِلَ مِمَّنْ شَهِدَ لَكَ . (٣)

سنن أبي داود عن عثمان بن عفان: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا فَرَغَ مِنْ دَفْنِ الْمَيِّتِ ، وَقَفَ عَلَيْهِ فَقَالَ: اسْتَغْفِرُوا لِأَخِيكُمْ وَسَلُّوا لَهُ بِالتَّشْيِيتِ ؛ فَإِنَّهُ الْآنَ يُسَأَلُ . (٤)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا صَلَّى ثَلَاثَةَ صُفُوفٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى رَجُلٍ مُسْلِمٍ ، يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ ، إِلَّا أَوْجَبَ (٥) . (٦)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّهُ كَانَ يَخْرُجُ إِلَى الْبَقِيعِ لَيْلًا ، فَيَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ ! وَآتَاكُمْ مَا تَوْعَدُونَ غَدًا مُؤَجَّلُونَ ، وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَهْلِ بَقِيعِ الْغَرَقِدِ . (٧)

١- الهوبُّ: البُعد . ويُقال: تركته في هوبِّ دابرٍ ، أى: بحيث لا يُدرى أين هو (تاج العروس: ج ٢ ص ٤٩٨ «هوب»).

٢- الفردوس: ج ٤ ص ١٠٣ ح ٦٣٢٣ عن ابن عباس ، كنز العمال: ج ١٥ ص ٦٩٤ ح ٤٢٧٨٣ .

٣- فلاح السائل: ص ١٦٩ ح ٨١ ، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ٥١ ح ٤١؛ المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ٣٦١ ح ٣١٣ عن الطيّب المبارك نحوه ، كنز العمال: ج ١٥ ص ٥٩٦ ح ٤٢٣٥٥ .

٤- سنن أبي داود: ج ٣ ص ٢١٥ ح ٣٢٢١ ، السنن الكبرى: ج ٤ ص ٩٣ ح ٧٠٦٤ ، تفسير ابن كثير: ج ٤ ص ١٣٥ ، كنز العمال: ج ٧ ص ١٥٨ ح ١٨٥١٤ .

٥- يقال: أَوْجَبَ الرَّجُلُ إِذَا فَعَلَ فَعَلًا وَجِبَتْ لَهُ بِهِ الْجَنَّةُ أَوْ النَّارُ (النهاية: ج ٥ ص ١٥٣ «وجب»).

٦- السنن الكبرى: ج ٤ ص ٤٨ ح ٦٩٠٥ ، تاريخ دمشق: ج ٥٦ ص ٥١١ ح ١١٨٩٦ كلاهما عن مالك بن هبيرة ، كنز العمال: ج ١٥ ص ٥٨٨ ح ٤٢٣٠٨ وراجع مسند أبي يعلى: ج ٦ ص ٢٠٦ ح ٦٧٩٦ .

٧- صحيح مسلم: ج ٢ ص ٦٦٩ ح ١٠٢ ، سنن النسائي: ج ٤ ص ٩٤ ، صحيح ابن حبان: ج ٧ ص ٤٤٤ ح ٣١٧٢ كلاهما نحوه ، السنن الكبرى: ج ٤ ص ١٣٢ ح ٧٢١٠ كلّها عن عائشة ، كنز العمال: ج ١٥ ص ٦٤٨ ح ٤٢٥٦٢ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مُرده در گور خود، به سانِ شخص غرق شده و دور افتاده است. چشم به راه دعایی از جانب پدر یا مادر یا فرزند یا یک دوست صمیمی است. هرگاه چنین دعایی به او برسد، برایش از دنیا و آنچه در دنیا است، دوست داشتنی تر است. خداوند عز و جل، بر اثر دعای عزیزان و دوستان، [بخشش ها و ثواب هایی] به اندازه کوه ها بر اهل قبور وارد می کند، و هدیه زندگان به مُردگان، آمرزش خواهی برای آنان و صدقه دادن از جانب ایشان است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین بشارتی که به مؤمن داده می شود، این است که به او گفته می شود: «خوش آمدی! خداوند، تشییع کنندگان تو را آمرزید و دعای کسانی را که برایت طلب آمرزش کردند، مستجاب فرمود و شهادت کسانی را که برایت شهادت دادند، پذیرفت».

سنن أبی داوود به نقل از عثمان بن عفان: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه از خاک سپاری میت آسوده می شد، بر قبر او می ایستاد و می فرمود: «برای برادرتان، طلب آمرزش کنید و [از خدا] برایش پایداری بخواهید؛ زیرا هم اکنون، از او سؤال می شود».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر هیچ مرد مسلمانی، سه ردیف از مسلمانان نماز نخواندند و برایش آمرزش نطلبیدند، مگر آن که مستوجب آمرزش شد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شبانه به [قبرستان] بقیع می رفت و می فرمود: درود بر شما، ای خانه مردمانی مؤمن! آنچه به شما وعده داده شده است، فردای قیامت به شما داده خواهد شد، و ما نیز، به خواست خدا، به شما خواهیم پیوست. بار خدایا! اهل بقیع غرقد را بیامرز.

الإمام علي عليه السلام وقد مرَّ ببعض القبور عند مُنصرفه من صَفَيْنَ : السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ ، أَنْتُمْ لَنَا سَلَفٌ فَارِطٌ (١) ، وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ عَمَّا قَلِيلٍ لَاحِقٌ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَلَهُمْ ، وَتَجَاوَزْ بَعْفُوكَ عَنَّا وَعَنْهُمْ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ الْمَيِّتَ لَيَفْرُحُ بِالتَّرْحُمِ عَلَيْهِ ، وَالِاسْتِغْفَارِ لَهُ ، كَمَا يَفْرُحُ الْحَيُّ بِالْهَدْيِ تَهْدِي إِلَيْهِ . (٣)

٨ / ٢ من لا- يَتَّبِعِي الْإِسْتِغْفَارَ لَهَا الْمُشْرِكُ وَالْكَافِرُ الْكِتَابِ «مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أَوْلَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ * وَ مَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَاهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّهٌ حَلِيمٌ» . (٤)

١- يُقَالُ : فَرِطَ يَفْرِطُ فَهُوَ فَارِطٌ ، إِذَا تَقَدَّمَ وَسَبَقَ الْقَوْمَ (النهاية : ج ٣ ص ٤٣٤ «فرط»).

٢- المعجم الكبير : ج ٤ ص ٥٦ ح ٣٦١٨ ، أسد الغابه : ج ٢ ص ١٤٩ كلاهما عن زيد بن وهب ، شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٢٥٦ ح ١٤ ؛ وقعه صَفَيْنَ : ص ٥٣١ عن عبد الرحمن بن جندب ، بحار الأنوار : ج ٨٢ ص ١٧٩ ح ٢٤ .

٣- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ١٨٣ ح ٥٤٤ عن عمر بن يزيد ، عوالي اللآلي : ج ٢ ص ٥٣ ح ١٤٢ ، بحار الأنوار : ج ٨٢ ص ٦٢ ح ١ .

٤- التوبة : ١١٣ و ١١٤ .

۸ / ۲ کسانی که نباید برایشان آموزش خواست**الف - مشرک و کافر**

امام علی علیه السلام در گذر از گورستانی به هنگام بازگشت از حنین فرمود: درود بر شما، ای مؤمنان و ای مسلمانانی که در این خانه ها خفته اید! شما پیش گام و پیشرو ما هستید و ما نیز به زودی، در پی شما به شما خواهیم پیوست. بار خدایا! ما و ایشان را بیمارز و با بخشایش خود، از ما و ایشان در گذر.

امام صادق علیه السلام: میت، از طلب رحمت و آموزش برای او خوش حال می شود، همچنان که زنده، از دریافت هدیه خوش حال می گردد.

۸ / ۲ کسانی که نباید برایشان آموزش خواستالف - مشرک و کافرقرآن «بر پیامبر و کسانی که ایمان آورده اند، سزاوار نیست برای مشرکان پس از آن که برایشان آشکار گردید که آنان اهل دوزخ اند، طلب آموزش کنند، هر چند خویشاوند [آنان] باشند. و طلب آموزش ابراهیم برای پدرش، جز برای وعده ای که به او داده بود، نبود؛ ولی هنگامی که برای او روشن شد که وی، دشمن خداست، از او بیزاری جست. راستی که ابراهیم، دلسوزی بردبار بود».

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: أَوْحَى إِلَيَّ كَلِمَاتٌ فَدَخَلَنَ فِي أُذُنِي ، وَوَقَّرَنَ فِي قَلْبِي : أَمَرْتُ أَلَّا أَسْتَغْفِرَ لِمَنْ مَاتَ مُشْرِكًا ، وَمَنْ أَعْطَى فَضْلَ مَالِهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ ، وَمَنْ أَمْسَكَ فَهُوَ شَرٌّ لَهُ ، وَلَا يَلُومُ اللَّهُ عَلَى كِفَافٍ . (١)

الإمام علي عليه السلام: سَمِعْتُ رَجُلًا يَسْتَغْفِرُ لِأَبِيهِ وَهُمَا مُشْرِكَانِ ، فَقُلْتُ لَهُ : أَسْتَغْفِرُ لِأَبِيكَ وَهُمَا مُشْرِكَانِ ؟ فَقَالَ : أَوْ لَيْسَ اسْتَغْفَرَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ ؟ وَهُوَ مُشْرِكٌ ، فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَزَلَّتْ : «مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ» (٢) . (٣)

تفسير العياشي عن أبي إسحاق الهمداني ، عن رجل: صَيَّأَ رَجُلٌ إِلَى رَجُلٍ إِلَى جَنْبِي فَاسْتَغْفَرَ لِأَبِيهِ وَكَانَا مَاتَا فِي الْجَاهِلِيَّةِ ، فَقُلْتُ : تَسْتَغْفِرُ لِأَبِيكَ وَقَدْ مَاتَا فِي الْجَاهِلِيَّةِ ؟ فَقَالَ : قَدْ اسْتَغْفَرَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ ! فَلَمْ أَدْرِ مَا أُرِدُّ عَلَيْهِ . فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ «وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَاهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ» (٤) ، قَالَ : لَمَّا مَاتَ تَبَيَّنَ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ ، فَلَمْ يَسْتَغْفِرْ لَهُ . (٥)

تفسير العياشي عن إبراهيم بن أبي البلاد ، عن بعض أصحابه: قَالَ أَبُو عَبِيدٍ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا يَقُولُ النَّاسُ فِي قَوْلِ اللَّهِ : «وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَاهَا إِيَّاهُ» ؟ قُلْتُ : يَقُولُونَ : إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَعَدَّ أَبَاهُ لِيَسْتَغْفِرَ لَهُ . قَالَ : لَيْسَ هُوَ هَكَذَا ، إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَعَدَّهُ أَنْ يُسَلِّمَ فَاسْتَغْفَرَ لَهُ ، «فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ» . (٦)

١- تفسير الطبري: ج ٧ الجزء ١١ ص ٤٣ ، تفسير ابن كثير: ج ٤ ص ١٦١ كلاهما عن قتاده ، كنز العمال: ج ٦ ص ٣٨٣ ح ١٦١٦٥ .

٢- التوبة: ١١٣ .

٣- سنن الترمذي: ج ٥ ص ٢٨١ ح ٣١٠١ ، سنن النسائي: ج ٤ ص ٩١ وفيه «ما كان استغفار إبراهيم...» بدل «ما كان للنبي والذين...» ، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٢٧٦ ح ١٠٨٥ و ص ٢١٢ ح ٧٧١ نحوه ، المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٣٦٥ ح ٣٢٨٩ كلها عن أبي الخليل ، كنز العمال: ج ٢ ص ٤٢١ ح ٤٣٩٩ .

٤- التوبة: ١١٤ .

٥- تفسير العياشي: ج ٢ ص ١١٤ ح ١٤٨ ، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٣٩٠ ح ٩ .

٦- تفسير العياشي: ج ٢ ص ١١٤ ح ١٤٦ ، بحار الأنوار: ج ١١ ص ٨٨ ح ١٤ .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چند سخن به من وحی شد که از گوشم گذشتند و در دلم نشستند: فرمان یافتم تا برای آن که مشرک می میرد، آمرزش نخواهم، و [دیگر آن که:] هر کس فزونیِ دارایی خویش را ببخشد، این به سود اوست، و هر کس نگه دارد، این به زیان اوست، و خدا برای اندازه کفایت، سرزنش نمی کند.

امام علی علیه السلام: شنیدم که مردی برای پدر و مادر مشرکش آمرزش می طلبد. به او گفتم: برای پدر و مادر مشرک خود، آمرزش می خواهی؟ گفت: مگر نه این است که ابراهیم علیه السلام برای پدرش آمرزش طلبید، در حالی که او مشرک بود؟ من، این موضوع را به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم. پس این آیه نازل شد: «بر پیامبر و کسانی که ایمان آورده اند، سزاوار نیست که برای مشرکان، آمرزش بخواهند».

تفسیر العیاشی به نقل از ابو اسحاق همدانی، از مردی: مردی در کنار من نماز می خواند. او برای پدر و مادرش که در جاهلیت مُرده بودند طلب آمرزش کرد. گفتم: برای پدر و مادرت که در جاهلیت مُرده اند، آمرزش می خواهی؟ گفت: ابراهیم علیه السلام [هم] برای پدرش آمرزش خواست. من ندانستم چه جوابی به او دهم. این را برای پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم. پس خداوند، این آیه را فرو فرستاد: «و طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش، جز برای وعده ای که به او داده بود، نبود؛ ولی وقتی برایش روشن شد او دشمن خداست، از وی بیزاری جست». [امام علیه السلام] فرمود: «یعنی وقتی مُرد، روشن شد که او دشمن خداست و دیگر، برایش آمرزش نخواست».

تفسیر العیاشی به نقل از ابراهیم بن ابی البلاد، از یکی از یارانش: امام صادق علیه السلام فرمود: «مردم، در باره این سخن خداوند: «و طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش، جز برای وعده ای که به او داده بود، نبود»، چه می گویند؟». گفت: می گویند که ابراهیم علیه السلام به پدرش وعده داده بود که برایش طلب آمرزش کند. امام علیه السلام فرمود: «چنین نیست؛ بلکه ابراهیم علیه السلام به او وعده داد که [اگر] مسلمان (موحد) شود، برایش طلب آمرزش کند؛ «ولی چون برایش معلوم شد او دشمن خداست، از وی بیزاری جست...»».

قرب الإسناد عن علي بن جعفر عن أخيه الإمام الكاظم عليه السلام ، قال :سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ مُسْلِمٍ وَأَبَوَاهُ كَافِرَانِ ، هَلْ يَصْلُحُ أَنْ يَسْتَغْفِرَ لَهُمَا فِي الصَّلَاةِ ؟ قَالَ : إِنْ كَانَ فَارَقَهُمَا وَهُوَ صَغِيرٌ لَا يَدْرِي أَسْلَمَا أَمْ لَا ؟ فَلَا بَأْسَ ، وَإِنْ عَرَفَ كُفْرَهُمَا فَلَا يَسْتَغْفِرُ لَهُمَا ، وَإِنْ لَمْ يَعْرِفْ فَلْيَدْعُ لَهُمَا . (١)

ب المُنَافِقَاتِ الْكِتَابِ « وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّأُ رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ * سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ » . (٢)

«اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ » . (٣)

الحدِيثُ لِلْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ» فَاسْتَغْفَرَ لَهُمْ مِنْهُ مَرَّةً لِيَغْفِرَ لَهُمْ ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ : «سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ» ، وَقَالَ : «وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ» (٤) ، فَلَمْ يَسْتَغْفِرْ لَهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ ، وَلَمْ يَقُمْ عَلَى قَبْرِ أَحَدٍ مِنْهُمْ . (٥)

١- .قرب الإسناد : ص ٢٨٦ ح ١١٣١ ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٦٧ ح ٣٨ .

٢- .المنافقون : ٥ و ٦ .

٣- .التوبة : ٨٠ .

٤- .التوبة : ٨٤ .

٥- .تفسير العياشي : ج ٢ ص ١٠٠ ح ٩٢ عن العباس بن هلال ، بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ٣٩٠ ح ٨ .

ب منافق

قرب الإسناد به نقل از علی بن جعفر، برادر امام کاظم علیه السلام: از امام کاظم علیه السلام در باره مرد مسلمانی که پدر و مادرش کافرند، پرسیدم و گفتم: آیا درست است که او در نماز، برای آنها طلب آمرزش کند؟ فرمود: «اگر در کودکی آنها را از دست داده است و نمی داند که اسلام آورده بودند یا نه، عیبی ندارد، و اگر می داند کافر بوده اند، برایشان طلب آمرزش نکند، ولی اگر نمی داند، برایشان دعا کند».

ب منافققرآن «و هرگاه به ایشان گفته شود که بیایید تا پیامبر خدا، برای شما آمرزش خواهی کند، سرهای خود را بر می گردانند و آنان را می بینی که تکبرکنان، روی بر می تابند. برای آنان، یکسان است: چه برایشان، آمرزش خواهی و چه برایشان آمرزش نخواهی. خدا، هرگز برایشان نخواهد بخشود. خدا، گروه فاسقان را راه نمایی نمی کند».

«برایشان آمرزش خواهی یا برایشان آمرزش نخواهی [فرقی نمی کند]. اگر هفتاد بار هم برایشان آمرزش خواهی، خداوند، هرگز آنان را نمی آمرزد. این، بدان سبب است که به خدا و پیامبر او کافر شدند، و خدا، گروه فاسقان را هدایت نمی کند».

حدیث امام رضا علیه السلام: خداوند متعال به محمد صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر هفتاد بار هم برایشان آمرزش خواهی، خداوند، هرگز آنان را نخواهد آمرزد». پس پیامبر صلی الله علیه و آله صد مرتبه برایشان طلب آمرزش کرد تا [خداوند] ایشان را بیامرزد؛ ولی خدا این آیه را فرو فرستاد: «برای آنان، یکسان است. چه برایشان، آمرزش خواهی و چه برایشان آمرزش نخواهی، خداوند، هرگز آنان را نمی آمرزد» و فرمود: «و بر هر یک از آنان که بمیرد، هرگز نماز مخوان، و بر سر قبرش نایست». از آن پس، پیامبر صلی الله علیه و آله برایشان طلب آمرزش نکرد و بر سر قبر هیچ یک از آنان هم نایستاد.

٨ / ٣ من يَتَّبِعِي طَلَبُ الْإِسْتِغْفَارِ مِنْهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِمَا كِتَابٌ «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا». (١)

الحدِيثُ رِسَالَةُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِحَرَمَلَةَ بْنِ زَيْدٍ وَقَدْ عَرَضَ عَلَى النَّبِيِّ أَنْ يَدُلَّهُ عَلَى الْمُنَافِقِينَ مِنْ قَوْمِهِ : لَا ، مَنْ جَاءَنَا كَمَا جِئْنَا اسْتَغْفِرْنَا لَهُ كَمَا اسْتَغْفِرْنَا لَكَ ، وَمَنْ أَصْرَّ عَلَى ذَنْبِهِ فَاللَّهُ أَوْلَى بِهِ ، وَلَا تَخْرِقْ عَلَى أَحَدٍ سِتْرًا . (٢)

كنز العمال عن يزيد بن الأسود: إِنَّ أَحَدَ الرَّجُلَيْنِ اللَّذَيْنِ صَيَّلِيَا فِي رِحَالِهِمَا قَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، اسْتَغْفِرِ اللَّهَ لِي . قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : غَفَرَ اللَّهُ لَكَ ! قَالَ : وَأَخَذَ بِيَدِهِ فَوَضَعَهَا فِي صِدْرِي ، فَوَجِدْتُ بَرْدَهَا فِي ظَهْرِي ، قَالَ : مَا شَمَمْتُ رِيحًا قَطُّ أَطْيَبَ مِنْ يَدِهِ ، وَلَقَدْ كَانَتْ أَبْرَدَ مِنَ الثَّلْجِ . (٣)

١- النساء: ٦٤ .

٢- المعجم الكبير: ج ٤ ص ٤ ح ٣٤٧٥ ، أسد الغابة: ج ١ ص ٧١٥ كلاهما عن ابن عمر ، تفسير ابن كثير: ج ٤ ص ١٤٣ ، تاريخ دمشق: ج ٦٧ ص ٢٣ ح ١٣٤٨١ و ص ٩٧ ح ١٣٥١١ والثلاثة الأخيره عن أبي الدرداء نحوه ، كنز العمال: ج ٤ ص ٢٤٦ ح ١٠٣٧٢ .

٣- كنز العمال: ج ١٢ ص ٣٨١ ح ٣٥٤٠٣ نقلاً عن بقي بن مخلد .

۸ / ۳ کسانی که باید از آنان ، درخواست آموزش خواهی کرد

الف پیامبر صلی الله علیه و آله

۸ / ۳ کسانی که باید از آنان ، درخواست آموزش خواهی کرد الف پیامبر صلی الله علیه و آلهقرآن «و اگر زمانی که به خوبستن ستم کردند ، نزد تو می آمدند و از خدا ، طلب آموزش می کردند و پیامبر هم برایشان طلب آموزش می کرد، بی گمان ، خدا را توبه پذیری مهربان می یافتند» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به حمله بن یزید که به پیامبر صلی الله علیه و آله پیشنهاد کرد منافقان قومش را به ایشان معرفی کند : نه . هر کس ، همچنان که تو نزد ما آمدی ، نزد ما بیاید، همان گونه که برای تو طلب آموزش کردم ، برای او نیز طلب آموزش می کنیم، و هر کس بر گناه خویش ، پای فشارد ، خدا خود، بهتر می داند با او چه کند، و تو نسبت به هیچ کس ، پرده دری مکن.

کنز العمّال به نقل از یزید بن أسود : یکی از آن دو مردی که در خانه اش نماز خوانده بود، (۱) به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای پیامبر خدا! برایم از خداوند ، آموزش بخواه. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا تو را بیامرزد!». سپس ، دستش را بر سینه ام نهاد و خُئکی آن را در پشتم احساس کردم. هرگز بویی خوش تر از بوی دست ایشان ، استشمام نکرده بودم، و دستش خُئک تر از یخ بود.

۱- در نماز جماعت حاضر نشده بود.

راجع: نهج الدعاء: (الفصل الرابع / الباب الرابع: من دعا له النبي صلى الله عليه وآله).

ب الأبالكتاب «قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ * قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ». (١)

الحديث علل الشرائع عن إسماعيل بن الفضل الهاشمي: قُلْتُ لِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْبِرْنِي عَنْ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا قَالَ لَهُ بَنُوهُ: «يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ * قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي» فَأَخَّرَ الْإِسْتِغْفَارَ لَهُمْ! وَيُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا قَالُوا لَهُ: «تَاللَّهِ لَقَدْ ءَاثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِن كُنَّا لَخَاطِئِينَ * قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ» (٢)! قَالَ: لِأَنَّ قَلْبَ الشَّابِّ أَرْقُ مِنْ قَلْبِ الشَّيْخِ، وَكَانَتْ جِنَايَةُ وُلْدِ يَعْقُوبَ عَلَى يُوسُفَ، وَجِنَايَتُهُمْ عَلَى يَعْقُوبَ إِنَّمَا كَانَتْ بِجِنَايَتِهِمْ عَلَى يُوسُفَ، فَبَادَرَ يُوسُفُ إِلَى الْعَفْوِ عَنْ حَقِّهِ، وَأَخَّرَ يَعْقُوبُ الْعَفْوَ لِأَنَّ عَفْوَهُ إِنَّمَا كَانَ عَنْ حَقِّ غَيْرِهِ، فَأَخَّرَهُمْ إِلَى السَّحْرِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ (٣).

١- يوسف: ٩٧ و ٩٨.

٢- يوسف: ٩١ و ٩٢.

٣- علل الشرائع: ص ٥٤ ح ١، بحار الأنوار: ج ١٢ ص ٢٨٠ ح ٥٧.

ب پدر

ر. ک: نهج الدعاء: (فصل چهارم / باب چهارم: کسانی که پیامبر صلی الله علیه و آله برایشان دعا کرد).

ب پدر قرآن [برادران یوسف] گفتند: «ای پدر! برای گناهان ما آمرزش بخواه که ما خطاکار بودیم». [یعقوب] گفت: «به زودی، از پروردگارم برای شما آمرزش می خواهم، که او آمرزگار و مهربان است».

حدیث علل الشرائع به نقل از اسماعیل بن فضل هاشمی: به امام صادق علیه السلام گفتم: بفرما که چرا وقتی پسران یعقوب علیه السلام به او گفتند: «ای پدر! برای گناهان ما آمرزش بخواه، که ما خطاکار بودیم، [یعقوب] گفت: به زودی، از پروردگارم برای شما آمرزش خواهم خواست» و آمرزش خواهی برای آنان را به تأخیر افکند؛ ولی یوسف علیه السلام وقتی برادرانش به او گفتند: «به خدا سوگند که خدا، تو را بر ما برتری داده است و ما خطاکار بودیم، گفت: امروز، بر شما سرزنشی نیست. خدا، شما را می آمرزد و او مهربان ترین مهربانان است»؟ فرمود: «چون دل جوان، نازک تر از دل پیران است، و [ثانیا] جنایت فرزندان یعقوب علیه السلام [در اصل] بر یوسف علیه السلام بود و جنایتشان به یعقوب علیه السلام از آن رو بود که به یوسف علیه السلام جنایت کردند. بنا بر این، یوسف علیه السلام بی درنگ، از حق خود گذشت کرد؛ ولی یعقوب علیه السلام بخشودن را به تأخیر افکند، چون بخشودن او، در حقیقت، گذشت کردن از حق غیر خود بود. لذا [آمرزش خواهی برای] آنان را تا سحر گاه شب جمعه به تأخیر افکند.

ج الميؤمنن التقي الخفي الإمام على عليه السلام في وصف المؤمنين: المؤمنون هم الذين عرفوا ما أماتهم، فذبلت شفاهم، وغشيت عيونهم، وشحبت ألوانهم، حيتي عرفت في وجوههم غبره الخاشعين. فهم عباد الله الذين مشوا على الأرض هونا، واتخذوها بساطا، وترابها فراشا، فرفضوا الدنيا، وأقبلوا على الآخرة، على منهاج المسيح بن مريم، إن شهدوا لم يعرفوا، وإن غابوا لم يفتقدوا، وإن مرضوا لم يعادوا، صوام الهواجر (١)، قوام الدياجر (٢). يضمحل عندهم كل فتنة، وينجلي عنهم كل شبهة، أولئك أصحابي، فأطلبوهم في أطراف الأرضين، فإن لقيتم منهم أحدا فاسألوه أن يستغفر لكم. (٣)

د الحاجرسول الله صلى الله عليه وآله: إذا لقيت الحاج فسلم عليه، وصافحه، ومرة أن يستغفر لك قبل أن يدخل بيته؛ فإنه مغفور له. (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: إن الله عز وجل ليغفر للحاج ولأهل بيت الحاج، ولعشيرته الحاج، ولمن يستغفر له الحاج، بقيته ذيا الحج، والمحرّم، وصفر، وشهر ربيع الأول، وعشر من ربيع الآخر. (٥)

-
- ١- الهاجره: هي نصف النهار، وإنما تكون في القيظ، وهي قبل الظهر بقليل أو بعدها بقليل (لسان العرب: ج ٥ ص ٢٥٥ «هجر»).
 - ٢- الديجور: الظلام، ووصفوا به الليل فقالوا: ليل ديجور، ويقال: أقبل الليل بدياجره (تاج العروس: ج ٦ ص ٣٩٤ «دجر»).
 - ٣- بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٥ ح ٩٠ نقلاً عن مطالب السؤل: ص ٥٣.
 - ٤- مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٣٥١ ح ٥٣٧١ و ص ٤٨٢ ح ٦١٢٠ كلاهما عن ابن عمر، كنز العمال: ج ٥ ص ١٠ ح ١١٨٢٣.
 - ٥- ثواب الأعمال: ص ٧٠ ح ١ عن السكوني، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٢١ ح ٨١.

ج مؤمن پرهیزگار گم نام

د حاجی

ج مؤمن پرهیزگار گم نام امام علی علیه السلام در توصیف مؤمنان: مؤمنان، آنان اند که آنچه را، [از زندگی آخری] آفرا پیش آنهاست، شناختند و در نتیجه، لبانشان [از کثرت روزه داری] خشکید و چشمانشان [از شدت گریه] سفید شد و رنگ رخسارشان پرید، آن سان که گرد و غبار خاکساران، بر چهره هایشان پیداست. آنان، همان بندگان خدایند که در زمین، آرام [و بی تکبر] راه می روند، آن را فرش خود ساخته اند و خاکش را بستر خویش. دنیا را فرو نهاده اند و به آخرت، رو آورده اند، به شیوه مسیح پسر مریم علیه السلام. اگر [در جمع] حاضر باشند، شناخته نمی شوند، و اگر غایب باشند، کسی جویای آنان نمی شود، و اگر بیمار شوند، کسی به عیادتشان نمی رود. روزهای داغ را به روزه داری می گذرانند و شب های تار را به عبادت. فتنه ها در برابر آنان، از هم فرو می پاشد، و شُبّهات، از آنان برکنار می ماند. اینان اند یاران من! ایشان را در گوشه و کنار جهان بجوید، و اگر یکی از ایشان را دیدار کردید، از او بخواهید که برایتان، طلب آمرزش کند.

د حاجی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه به حاجی [هنگام آمدن از حج] برخوردی، بر او سلام کن و با او دست بده و از وی بخواه تا پیش از آن که به خانه اش وارد شود، برایت طلب آمرزش کند؛ زیرا او آمرزیده است.

امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل حاجی و خانواده حاجی و عشیره حاجی و کسی را که حاجی برایش طلب آمرزش کند، در بقیه ماه ذی حجّه و محرّم و صفر و ربیع اوّل و ده روز از ربیع ثانی، مورد آمرزش قرار می دهد.

٨ / ٤ من يَسْتَغْفِرُ لَهُ النَّبِيُّ وَأَهْلُ بَيْتِهِ الْمُسْلِمُونَ الْكِتَابُ «فَبِمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ». (١)

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنَ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرَ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ». (٢)

«يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ». (٣)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله من خطبه له : أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ تَعَالَى لِي وَلَكُمْ . (٤)

١- آل عمران : ١٥٩ .

٢- النور : ٦٢ .

٣- الممتحنة : ١٢ .

٤- الأمل للنفيد : ص ٣٤٧ ح ٢ ، بشاره المصطفى : ص ٦٥ و ص ١١١ ، الفضائل : ص ٧ كلها عن جابر الجعفي عن الإمام الباقر عليه السلام عن جابر بن عبد الله الأنصاري ، بحار الأنوار : ج ٣٨ ص ١١٤ ح ٥١ .

۸ / ۴ کسانی که پیامبر و اهل بیت علیهم السلام او برایشان طلب آموزش کرده اند

الف مسلمانان

۸ / ۴ کسانی که پیامبر و اهل بیت او برایشان طلب آموزش کرده اند الف مسلمانان قرآن «پس به [برکت] رحمتی که از جانب خدا بود، تو با آنان نرم خو شدی، و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان، آموزش بخواه و در کار[ها] با آنان، ریزنی کن و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن که خدا، توکل کنندگان را دوست می دارد».

«مؤمنان، در حقیقت، کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند و زمانی که با او بر سر کاری اجتماع می کنند، تا از وی کسب اجازه نکنند، نمی روند. در حقیقت، کسانی که از تو کسب اجازه می کنند، آنان اند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند. پس چون برای برخی کارهایشان از تو اجازه خواستند، به هر کس از آنان که خواستی، اجازه ده و برایشان، آموزش بخواه، که خدا آمرزنده مهربان است».

«ای پیامبر! چون زنان باایمان، نزد تو بیایند که [با این شرط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند، و بچه های حرام زاده ای را که پس انداخته اند، با بهتان [و حيله] به شوهر نبندند و در [کار] نیک، از تو نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا، برایشان آموزش بخواه، که خداوند، آمرزنده و مهربان است».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سخنرانی ایشان: از خداوند متعال، برای خودم و برای شما آموزش می طلبیم.

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِأُمَّتِي ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِأُمَّتِي ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله لِأَصْحَابِهِ : حَيَاتِي خَيْرٌ لَكُمْ ، تُحَدِّثُونَ وَنُحَدِّثُ لَكُمْ ، وَمَمَاتِي خَيْرٌ لَكُمْ ، تُعَرِّضُ عَلَيَّ أَعْمَالَكُمْ ، فَإِنْ رَأَيْتُ حَسَنًا جَمِيلًا حَمِدْتُ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ ، وَإِنْ رَأَيْتُ غَيْرَ ذَلِكَ اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ لَكُمْ . (٢)

الإمام عليّ عليه السلام في نهايه خطبه : أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ . (٣)

الإمام الهادي عليه السلام في آخر خطبه له : أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ ، وَلِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ . (٤)

ب شيعته الإمام عليّ عليه السلام رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ اللَّهَ مَثَلٌ لِي أُمَّتِي فِي الطَّيْنِ ، وَعَلَّمَنِي أَسْمَاءَهُمْ كَمَا عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ، فَمَرَّ بِي أَصْحَابُ الزَّيَاةِ ، فَاسْتَغْفَرْتُ لِعَلِّيَّ وَشِيعَتِهِ . (٥)

ج الْمُؤَذِّنُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الْإِمَامُ ضَامِنٌ ، وَالْمُؤَذِّنُ مُؤْتَمَنٌ ، اللَّهُمَّ ارشِدِ الْأَيُّمَةَ ، وَاغْفِرْ لِلْمُؤَذِّنِينَ . (٦)

١- تفسير القمّي : ج ١ ص ٢٩١ ، الاختصاص : ص ٣٤٣ ، بحار الأنوار : ج ٢١ ص ٢١٢ ح ٢ ؛ تاريخ دمشق : ج ٥١ ص ٢٤١ ح ١٠٨٧٤ عن عقبه بن عامر الجهني ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٩٣٠ ح ٤٣٥٩٥ .

٢- بصائر الدرجات : ص ٤٤٤ ح ٤ عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام و ص ٤٤٤ ح ٣ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه ، بحار الأنوار : ج ٢٢ ص ٥٥١ ح ٧ ؛ الطبقات الكبرى : ج ٢ ص ١٩٤ عن بكر بن عبد الله نحوه ، كنز العمال : ج ١١ ص ٤٠٧ ح ٣١٩٠٣ .

٣- نهج البلاغه : الخطبه ١٩٧ ، الخصال : ص ١٨٧ ح ٢٥٧ ، كمال الدين : ص ٢٩١ كلاهما عن كميل بن زياد ، التوحيد : ص ٣٤ ح ١ عن الحارث الأعور ، بحار الأنوار : ج ٣٨ ص ٩٤ ح ١٠ .

٤- الكافي : ج ٥ ص ٣٧٣ ح ٦ عن عبد العظيم بن عبد الله .

٥- الكافي : ج ١ ص ٤٤٣ ح ١٥ عن محمّد الحلبى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالى للطوسى : ص ٦٤٩ ح ١٣٤٧ ، الأمالى للمفيد : ص ١٢٦ ح ٤ كلاهما عن جابر بن عبد الله الأنصارى و ص ٨٩ ح ٥ عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، فضائل الشيعة : ص ٦٨ ح ٢٧ عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٢٧ ص ١٣٥ ح ١٣٢ .

٦- سنن أبي داود : ج ١ ص ١٤٣ ح ٥١٧ ، سنن الترمذى : ج ١ ص ٤٠٢ ح ٢٠٧ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ١٢ ح ٧١٧٢ و ص ١٢٧ ح ٧٨٢٣ ، السنن الكبرى : ج ١ ص ٦٣٢ ح ٢٠٢٢ و ٢٠٢١ كلّها عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ٧ ص ٥٨٩ ح ٢٠٣٩١ .

ب پیروان امام علی علیه السلام**ج مؤذّن**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! مرا و امتم را بیمارز. بار خدایا! مرا و امتم و را بیمارز. از خداوند، برای خودم و شما آمرزش می طلبم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به یارانش: [هم] زندگی من برای شما خیر [و برکت] است، [چون] با یکدیگر، گفتگو می کنیم [و از سخنان من، بهره مند می شوید] و [هم] مرگ من برای شما خیر و [برکت] است؛ [زیرا] اعمال شما بر من عرضه می شود. اگر کردار نیکو و زیبایی دیدم، خداوند را بر آن، ستایش می گویم، و اگر جز آن دیدم، برایتان از خدا آمرزش می طلبم.

امام علی علیه السلام در پایان سخنرانی ای: از خداوند برای خودم و شما، آمرزش می طلبم.

امام هادی علیه السلام در پایان یکی از سخنرانی هایش: از خداوند، برای خودم و شما و برای همه مسلمانان، طلب آمرزش می کنم.

ب پیروان امام علی علیه السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، امت مرا در گِل (عالم طینت) برایم مجسم ساخت و نام های ایشان را به من آموخت، همچنان که به آدم علیه السلام همه نام ها را آموخت. آن گاه، پرچمداران از برابرم گذشتند و من، برای علی و پیروانش آمرزش خواستم.

ج مؤذّن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیش نماز، ضامن [قرائت] است و مؤذّن، مورد اعتماد است. بار خدایا! امامان [جماعت] را راه نمایی فرما و مؤذّنان را بیمارز.

د الحاجرسول الله صلى الله عليه و آله :اللَّهُمَّ اغْفِرِ لِلْحَاجِّ ، وَلِمَنْ اسْتَغْفَرَ لَهُ الْحَاجُّ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام :قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَوْمَ الْحُدَيْبِيَّةِ : «اللَّهُمَّ اغْفِرِ لِلْمُحَلِّقِينَ» مَرَّتَيْنِ . قيل : وللمُقَصِّرِينَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟ قال : «وللمُقَصِّرِينَ» . (٢)

ه زُوَارُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ تَحْضُرُ لَزُوَارِ قَبْرِ ابْنِهَا الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَتَسْتَغْفِرُ لَهُمْ ذُنُوبَهُمْ . (٣)

٨ / ٥ مَنْ يَسْتَغْفِرُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ مَنْ فِي الْأَرْضِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْكِتَابُ «تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» . (٤)

«الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا فَاعْفُ عَنَّا لِلَّذِينَ ءَاتَيْنَاكَ سَبِيلَكَ وَ قِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ» . (٥)

١- . كنز العمال : ج ٥ ص ١٣٩ ح ١٢٣٨٣ نقلاً عن ابن زنجويه عن مجاهد .

٢- . تهذيب الأحكام : ج ٥ ص ٢٤٣ ح ٨٢٢ عن حرير ؛ مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٢٧٣ ح ٤٨٩٧ عن ابن عمر و ج ٤ ص ٤١ ح ١١١٤٩ عن أبي سعيد الخدري ، الطبقات الكبرى : ج ٢ ص ١٠٤ عن مالك بن ربيعة والثلاثة الأخيره نحوه ، كنز العمال : ج ٥ ص ٢٣٧ ح ١٢٧٣٩ .

٣- . كامل الزيارات : ص ٢٣١ ح ٣٤٣ عن داوود بن كثير ، بحار الأنوار : ج ١٠١ ص ٥٥ ح ١٤ .

٤- . الشورى : ٥ .

٥- . غافر : ٧ .

د حاجی

ه زائران قبر حسین علیه السلام

۸ / ۵ کسانی که فرشتگان ، برایشان آمرزش می خواهند

الف مؤمنان در زمین

د حاجی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار خدایا! حاجی و آن کس را که حاجی برایش طلب آمرزش کند، بیامرزد.

امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا ، در روز حدیبیه ، دوبار گفت : «بار خدایا! سر تراشیدگان را بیامرزد». گفته شد : کوتاه کنندگان مو چه ، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «و کوتاه کنندگان مو را [نیز بیامرزد]».

ه زائران قبر حسین علیه السلام : فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله نزد زائران قبر فرزندش حسین علیه السلام حاضر می شود و برای گناهانشان ، طلب آمرزش می کند.

۸ / ۵ کسانی که فرشتگان ، برایشان آمرزش می خواهند الف مؤمنان در زمینقرآن «چیزی نمانده که آسمان ها از فرازشان بشکافند ، در حالی که فرشتگان خداوند ، کارشان را به پاکی می ستایند و برای کسانی که در زمین هستند ، آمرزش می طلبند. آگاه باش که خدا ، آمرزگار و مهربان است» .

«کسانی که عرش [خدا] را حمل می کنند و آنها که پیرامون آن اند ، پروردگارشان را به پاکی می ستایند و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده اند ، طلب آمرزش می کنند . پروردگارا! دست و دانش تو ، بر هر چیزی احاطه دارد . کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده اند ، ببخش و آنها را از عذاب آتش ، ننگه دار» .

الحدِيثُ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَبِّي أَنَّهُ قَالَ: مَا أَمَرْتُ أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِي أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِي، إِلَّا اسْتَجَبْتُ لَهُمْ فِيهِ. (١)

عنه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَقَدْ صَلَّتِ الْمَلَائِكَةُ عَلَيَّ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ سَبْعَ سِنِينَ، وَذَلِكَ أَنَّهُ لَمَّا يُؤْمِنُ بِي ذَكَرْتُ قَبْلَهُ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ: «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ» (٢) «وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ» (٣). (٤)

الإمام عليّ عليه السلام: لَقَدْ مَكَثَتِ الْمَلَائِكَةُ سِنِينَ لَا تَسْتَغْفِرُ إِلَّا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلِيِّهِ. وَفِينَا نَزَلَتْ: «وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ» (٥) «وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِلَى قَوْلِهِ: الْحَكِيمُ» (٦). (٥). (٦)

١- المحاسن: ج ١ ص ١٤٩ ح ٢١٤ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٦ ص ٢٥٣ ح ٢٦ وراجع الكافي: ج ٤ ص ٦٤ ح ١١ وكتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٧٦ ح ١٧٧٨ وفضائل الأشهر الثلاثة: ص ١٢١ ح ١٢٣

٢- غافر: ٧. وَنَصَّ الْآيَةَ: «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا...».

٣- الشورى: ٥. وَنَصَّ الْآيَةَ: «... وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ...». تعليق: يحتمل أن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلِيِّهِ وَدَمَجَ بَيْنَهُمَا لِبَيَانِ الْمُنَاسَبَةِ، وَيَحْتَمِلُ أَيْضًا أَنَّهُ وَقَعَ خَلْطٌ مِنَ النَّسَاجِ، وَهُوَ الْأَقْرَبُ.

٤- المناقب لابن شهر آشوب: ج ٢ ص ١٦، شرح الأخبار: ج ٢ ص ٤٠٩ ح ٧٥٥ نحوه وكلاهما عن أبي أيوب الأنصاري، وراجع الفصول المختارة: ص ٢٦٢ وكنز الفوائد: ج ١ ص ٢٧٢ وبحار الأنوار: ج ٣٨ ص ٢٠٤ ح ١.

٥- غافر: ٧ و ٨ وأنظر التعليق المذكور في هامش الحديث السابق.

٦- المناقب لابن شهر آشوب: ج ٢ ص ١٦ عن زياد بن المنذر عن الإمام الباقر عليه السلام، تأويل الآيات الظاهرة: ج ٢ ص ٥٢٧ ح ٢ عن أبي الجارود عن الإمام الباقر عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٣٨ ص ٢٠٤ ح ١.

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل علیه السلام از جانب پروردگارم به من خبر داد که فرمود: «هیچ یک از فرشتگانم را فرمان ندادم که برای کسی از آفریدگانم آموزش بخواهد، مگر این که آموزش خواهی آنان را در باره او پذیرفتم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرشتگان، مدت هفت سال بر من و بر علی بن ابی طالب، درود فرستادند؛ زیرا او نخستین مردی بود که به من، ایمان آورد، و این است گفته خداوند: «کسانی که عرش [خدا] را حمل می کنند و آنها که پیرامون آن اند، پروردگارشان را به پاکی می ستایند» و برای کسانی که در زمین اند، طلب آموزش می کنند».

امام علی علیه السلام: فرشتگان، چند سالی فقط برای پیامبر خدا و من، طلب آموزش می کردند، و این آیات، در باره ما نازل شد: «و فرشتگان، پروردگارشان را به پاکی می ستایند» و برای کسانی که ایمان آورده اند، آموزش می طلبند [و می گویند]: ای پروردگار ما! تا فرموده او «فرزانه».

تفسير القمى عن حماد عن الإمام الصادق عليه السلام: أَنَّهُ سِئِلَ: هَلِ الْمَلَائِكَةُ أَكْثَرُ، أَمْ بَنُو آدَمَ؟ فَقَالَ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَعَدُّ مَلَائِكَةِ اللَّهِ فِي السَّمَاوَاتِ أَكْثَرُ مِنْ عَدَدِ التُّرَابِ فِي الْأَرْضِ، وَمَا فِي السَّمَاءِ مَوْضِعٌ قَدَّمَ إِلَّا وَفِيهَا مَلَكٌ يُسَبِّحُهُ وَيُقَدِّسُهُ، وَلَا فِي الْأَرْضِ شَجَرَةٌ وَلَا مَيْدَرٌ إِلَّا وَفِيهَا مَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِهَا، يَأْتِي اللَّهَ كُلَّ يَوْمٍ بِعَمَلِهَا، وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِهَا. وَمَا مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا وَيَتَقَرَّبُ كُلَّ يَوْمٍ إِلَى اللَّهِ بِوَلَاتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَيَسْتَغْفِرُ لِمُحِبِّينَا، وَيَلْعَنُ أَعْدَاءَنَا، وَيَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ إِرْسَالًا. (١)

ب طالبُ العِلْمِ رسولُ الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ تَبَسُّطُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ أَجْنَحَتَهَا، وَتَسْتَغْفِرُ لَهُ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ يَطْلُبُ عِلْمًا، شَيَعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ. (٣)

الإمام علي عليه السلام: طَالِبُ الْعِلْمِ تَسْتَغْفِرُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ، وَتَدْعُو لَهُ (٤) فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ. (٥)

ج الْمُؤَدُّنُ رسولُ الله صلى الله عليه وآله: أَلَا- وَإِنَّ الْمِيوَدْنَ إِذَا قَالَ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ، وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ، وَكَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ، حَتَّى يَفْرَغَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ الْخَلَائِقِ. (٦)

١- تفسير القمى: ج ٢ ص ٢٥٥، تأويل الآيات الظاهرة: ج ٢ ص ٥٢٨ ح ٦، بحار الأنوار: ج ٢٤ ص ٢١٠ ح ٧.

٢- كنز العمال: ج ١٠ ص ١٤٦ ح ٢٨٧٤٥ نقلًا عن البزار عن عائشه.

٣- الأمالي للطوسي: ص ١٨٢ ح ٣٠٦ نقلًا عن أبي قلابه.

٤- فى بحار الأنوار: «يدعو له من...».

٥- الإرشاد: ج ١ ص ٢٣١ عن الحارث الأعور، بحار الأنوار: ج ٢ ص ٤٤ ح ١٢.

٦- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ١٧ ح ٤٩٦٨، الأمالي للصدوق: ص ٥١٨ ح ٧٠٧ وفيه «تسعون ألف» وكلاهما عن

الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣١٨ ح ٢٦٥٥ عن الإمام الصادق عن

آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، روضه الواعظين: ص ٣٤٣، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٣٠ ح ٢٢.

ب دانشجو

ج مؤذن

تفسیر القمّی به نقل از حمّاد: از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: آیا فرشتگان بیشترند یا آدمیان؟ فرمود: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، شمار فرشتگان خدا در آسمان ها، بیشتر از شمار خاک ها در زمین است. در آسمان، هیچ جای پایی نیست، مگر این که در آن، فرشته ای مشغول تسبیح و تقدیس خداست، و در زمین، هیچ بوته ای و کلوخی نیست، مگر این که فرشته ای بر آن گماشته شده است و هر روز، کار آن را نزد خدا می برد، و البته خدا، خود، به [کار] آن داناتر است. هیچ یک از فرشتگان نیست، مگر این که هر روز، با توسّل به ولایت ما خاندان، خود را به خدا نزدیک می سازد و برای دوستداران ما، آمرزش می خواهد و بر دشمنانمان، لعنت می فرستد و از خدا درخواست می کند که بر آنان، دمام، عذاب بفرستد.

ب دانشجو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرشتگان، بال های خود را برای طالب علم، می گسترانند و برای او آمرزش می طلبند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در جستجوی دانشی از خانه خویش بیرون رود، هفتاد هزار فرشته، او را مشایعت می کنند و برایش آمرزش می طلبند.

امام علی علیه السلام: برای طالب علم، فرشتگان آمرزش می طلبند و در آسمان و زمین، برایش دعا می کنند.

ج مؤذّن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آگاه باشید که مؤذّن، هر گاه بگوید: «گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست»، هفتاد هزار فرشته بر او درود می فرستند و برایش آمرزش می خواهند و روز قیامت، در سایه عرش باشد تا آن که خداوند، حسابرسی مردمان را به پایان برَد.

عنه صلى الله عليه و آله فى فضلِ مُؤذِنِ الْمَسْجِدِ : إِذَا أذَنَ الْمُؤذِّنُ فَقَالَ : «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» اكَتَنَفَهُ أَرْبَعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ ، كُلُّهُمْ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ ، وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ ، وَكَانَ فِي ظِلِّ اللَّهِ حَتَّى يَفْرُغَ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ الْمَلَائِكَةَ إِذَا سَمِعُوا الْأَذَانَ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ قَالُوا : هَذِهِ أَصْوَاتُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِتَوْحِيدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، وَيَسْتَغْفِرُونَ لِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى يَفْرُغُوا مِنْ تِلْكَ الصَّلَاةِ . (٢)

د خَادِمُ الْمَسْجِدِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ أَسْرَجَ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ سِرَاجًا ، لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ وَحَمَلَةُ الْعَرْشِ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ ، مَا دَامَ فِي الْمَسْجِدِ ضَوْءٌ مِنْ ذَلِكَ السِّرَاجِ . (٣)

ه مَنْ شَهِدَ شَهْرَ رَمَضَانَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ ، أَمَرَ اللَّهُ حَمَلَةَ الْعَرْشِ أَنْ يَكْفُوا عَنِ التَّسْبِيحِ ، وَيَسْتَغْفِرُوا لِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ وَالْمُؤْمِنِينَ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله مِنْ خُطْبِهِ لَهُ فِي بَيَانِ فَضْلِ اللَّيْلَةِ الْأُولَى مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ : مَنْ شَهِدَ رَمَضَانَ اسْتَغْفَرَ لَهُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ ، مِنْ صَلَاةِ الْغَدَاةِ إِلَى أَنْ تَوَارَى بِالْحِجَابِ (٥) . (٦)

- ١- . ثواب الأعمال : ص ٣٤٣ ح ١ عن أبى هريره وابن عباس ، بحار الأنوار : ج ٨٤ ص ١٢٣ ح ١٠ .
- ٢- . الكافى : ج ٣ ص ٣٠٧ ح ٣١ ، تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ٥٨ ح ٢٠٦ كلاهما عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٢٨٦ ح ٨٨٤ عن الإمام الباقر عليه السلام .
- ٣- . تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٢٦١ ح ٧٣٣ ، ثواب الأعمال : ص ٤٩ ح ١ كلاهما عن أنس ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٢٣٧ ح ٧١٦ ، بحار الأنوار : ج ٨٤ ص ١٥ ح ٩٤ .
- ٤- . كنز العمال : ج ٨ ص ٤٧٩ ح ٢٣٧١٦ نقلًا عن الديلمى عن الإمام على عليه السلام .
- ٥- . قوله تعالى : «حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» (سوره ص : ٣٢) أى استترت بالليل ، يعنى الشمس (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٩٢٨ «ورى»).

- ٦- . فضائل الأوقات للبيهقى : ص ٤٠ ح ٦٠ ، شعب الإيمان : ج ٣ ص ٣١٤ ح ٣٦٣٥ وفيه «من شهر رمضان» بدل «من شهد رمضان» وكلاهما عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمال : ج ٨ ص ٤٧٠ ح ٢٣٧٠٦ ؛ فضائل الأشهر الثلاثة : ص ١٣٣ ح ١٤١ عن أبى سعيد الخدرى نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٦ ص ٣٤٥ ح ٨ .

د خادم مسجد**ه هر مسلمانی که ماه رمضان را درک کند**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان فضیلت مؤذن مسجد : هر گاه مؤذن ، اذان دهد و بگوید: « گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست» ، چهل هزار فرشته ، او را در میان می گیرند ، و بر او درود می فرستند و برایش طلب آمرزش می کنند و [روز قیامت] در سایه خدا باشد تا [آن که از حسابرسی] فارغ شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : فرشتگان ، هر گاه بانک اذان را از مردم زمین بشنوند ، می گویند: «اینها بانگ های امت محمد صلی الله علیه و آله در توحید خداوند عز و جل است. و برای امت محمد صلی الله علیه و آله آمرزش می طلبند تا آن گاه که از آن نماز ، فراغت یابند.

د خادم مسجد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در مسجدی از مسجدهای خدا چراغی بیفروزد ، تا زمانی که پرتوی از آن چراغ در مسجد است ، فرشتگان و حاملان عرش ، پیوسته برایش طلب آمرزش می کنند.

ه هر مسلمانی که ماه رمضان را درک کند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چون ماه رمضان فرا رسد ، خداوند به حاملان عرش دستور می دهد که از تسیح گویی ، باز ایستند و به آمرزش خواهی برای امت محمد و مؤمنان پردازند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سخنرانی ایشان در بیان فضیلت شب اول ماه رمضان : هر کس به ماه رمضان وارد شود ، هر روز ، هفتاد هزار فرشته ، از نماز صبح تا غروب آفتاب ، برایش آمرزش می خواهند.

و الصَّائِرُ رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من صائمٍ يَحْضُرُ قَوْمًا يَطْعَمُونَ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ أَعْضَاؤُهُ ، وَكَانَتْ صَلَاةُ الْمَلَائِكَةِ عَلَيْهِ ، وَكَانَتْ صَلَاتُهُمْ اسْتِغْفَارًا . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَصْبَحَ صَائِمًا سَبَّحَتْ لَهُ أَعْضَاؤُهُ ، وَأَضَاءَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ نُورًا ، وَاسْتَغْفَرَ لَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ ، فَإِنْ سَبَّحَ أَوْ هَلَّلَ تَلَقَّاهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ ، يَكْتُبُونَهَا إِلَيْهِ أَنْ تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ . (٢)

ز المصلي رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَجَابَ دَاعِيَ اللَّهِ اسْتَغْفَرَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ ، وَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا يَزَالُ الْعَبْدُ فِي صَلَاةٍ مَا كَانَ فِي مُصَلَّاهُ يَنْتَظِرُ الصَّلَاةَ ، وَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ : «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ ، اللَّهُمَّ ارْحَمَهُ» ، حَتَّى يَنْصَرِفَ أَوْ يُحَدِّثَ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنْ الْعَبْدَ إِذَا جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ بَعْدَ الصَّلَاةِ ، صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ ، وَصَلَاتُهُمْ عَلَيْهِ : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ ، اللَّهُمَّ ارْحَمَهُ . وَإِنْ جَلَسَ يَنْتَظِرُ الصَّلَاةَ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ ، وَصَلَاتُهُمْ عَلَيْهِ : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ ، اللَّهُمَّ ارْحَمَهُ . (٥)

- ١- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٨٧ ح ١٨٠٥ ، ثواب الأعمال: ص ٧٧ ح ١ ، الأمل للصدوق: ص ٦٨٣ ح ٩٣٦ كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار: ج ٩٦ ص ٢٤٧ ح ٤ .
- ٢- كنز العمال: ج ١٥ ص ٩١١ ح ٤٣٥٧٤ نقلاً عن وهب بن وهب أبي البختری عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جدّه ، المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٣٦٨ ح ٧٧٤٩ ، المعجم الصغير: ج ٢ ص ٢٦ كلاهما عن عائشه نحوه .
- ٣- جامع الأخبار: ص ١٧٣ ح ٤١٤ ، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٥٥ ح ٤٩ .
- ٤- صحيح مسلم: ج ١ ص ٤٥٩ ح ٢٧٤ ، سنن أبي داود: ج ١ ص ١٢٨ ح ٤٧١ ، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٣٩٢ ح ٩٣٨٥ كلها عن أبي هريره و ج ٤ ص ١٩٠ ح ١١٩٠٧ عن أبي سعيد الخدري ، كنز العمال: ج ٧ ص ٣٢٤ ح ١٩٠٨٤ .
- ٥- مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٣٠٣ ح ١٢١٨ ، شعب الإيمان: ج ٣ ص ٨٦ ح ٢٩٦١ كلاهما عن أبي عبد الرحمن عن الإمام علي عليه السلام ، المصنّف لابن أبي شيبه: ج ١ ص ٤٤٠ ح ٩ نحوه ، كنز العمال: ج ٧ ص ٣٢٢ ح ١٩٠٧٢ .

و روزه دار ز نماز گزار

و روزه دار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ روزه داری نیست که در جمع گروهی در حال خوردن غذا حاضر شود، مگر این که اعضایش برای او تسبیح [خدا] می گویند و درود [و دعای] فرشتگان، نثار او می شود، و درود آنها هم طلبِ آمرزش است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس روز خود را با روزه آغاز کند، اعضایش برای او تسبیح می گویند و آسمان ها برایش نورافشان می شوند و همه فرشتگان آسمان، برایش طلبِ آمرزش می کنند. اگر «سبحان الله» یا «لا إله إلا الله» بگوید، هفتاد هزار فرشته، آنها را می گیرند و [طلبِ آمرزش] می نویسند، تا آن گاه که غروب شود.

ز نماز گزار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به ندای دعوت کننده خدا (مؤذن) پاسخ دهد [و نماز بگزارد]، فرشتگان برایش آمرزش می طلبند و بدون حسابرسی وارد بهشت می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده، تا زمانی که در نماز گاهش منتظر نماز باشد، در حال نماز است و فرشتگان می گویند: «بار خدایا! او را بیامرز، بار خدایا! بر او رحمت آور» تا آن که نماز گاهش را ترک کند یا حدّثی از او سر بزنند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده، هر گاه بعد از نماز در جانمازش بنشیند، فرشتگان بر او درود می فرستند و درودشان بر او: «بار خدایا! او را بیامرز. بار خدایا! بر او رحمت آور» است. اگر هم منتظر نماز بنشیند، باز فرشتگان بر او درود می فرستند، و درودشان بر او «بار خدایا! او را بیامرز؛ بار خدایا! بر او رحمت آور» است.

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ صَلَّى الْفَجْرَ ثُمَّ جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ ، صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ . وَصَلَاتُهُمْ عَلَيْهِ : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ ، اللَّهُمَّ ارْحَمَهُ (١) .

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ صَلَّى الْفَجْرَ فِي جَمَاعَةٍ ، وَقَعِدَ فِي مُصَلَّاهُ ، وَقَرَأَ ثَلَاثَ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ سُورَةِ الْأَنْعَامِ ، وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ مَلَكًا ، يُسَبِّحُونَ اللَّهَ ، وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :أَلَا- وَمَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ يَطْلُبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ ، كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ ، وَيُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذِكِّكَ . فَإِنْ مَاتَ وَهُوَ عَلَى ذِكِّكَ ، وَكَلَّ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ ، يَعُودُونَهُ فِي قَبْرِهِ ، وَيُبَشِّرُونَهُ وَيُؤْنِسُونَهُ فِي وَحْدَتِهِ ، وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يُبْعَثَ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ كَانَ فِي صَلَاةٍ مَا كَانَتِ الصَّلَاةُ تَحْبِسُهُ ، وَالْمَلَائِكَةُ يُصَلُّونَ عَلَى أَحَدِكُمْ مَا دَامَ فِي مَجْلِسِهِ الَّذِي صَلَّى فِيهِ ، يَقُولُونَ : «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ ، اللَّهُمَّ ارْحَمَهُ ، اللَّهُمَّ تَبَّ عَلَيْهِ» ، مَا لَمْ يُحْدِثْ فِيهِ ، مَا لَمْ يُؤْذِ فِيهِ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله :أَلَا- أَذَلُّكُمْ عَلَى مَا يُكْفِّرُ اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا ، وَيَزِيدُ بِهِ فِي الْحَسَنَاتِ ؟! ... إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ ، وَكَثْرَةُ الْخُطَى إِلَى هَذِهِ الْمَسَاجِدِ ، وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ . مَا مِنْكُمْ مِنْ رَجُلٍ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ مُتَطَهِّرًا ، فَيَصِلَ لِي مَعَ الْمُسْلِمِينَ الصَّلَاةَ ، ثُمَّ يَجْلِسُ فِي الْمَسْجِدِ (٥) يَنْتَظِرُ الصَّلَاةَ الْآخَرَى ، [إِلَّا] (٦) أَنْ الْمَلَائِكَةُ تَقُولُ : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ ، اللَّهُمَّ ارْحَمَهُ . (٧)

١- .مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٣٠٩ ح ١٢٥٠ عن أبي عبد الرحمن السلمى عن الإمام عليّ عليه السلام ، كتر العَمَال : ج ٢ ص ١٥٣ ح ٣٥٥٠ .

٢- .كتر العَمَال : ج ٢ ص ١٤٤ ح ٣٥١٦ نقلًا عن الديلمي عن ابن مسعود .

٣- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ١٧ ح ٤٩٦٨ ، الأمالى للصدوق : ص ٥١٧ ح ٧٠٧ كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣١٧ ح ٢٦٥٥ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج ٨٨ ص ٨ ح ١١ .

٤- .سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٢٦٢ ح ٧٩٩ ، سنن أبي داود : ج ١ ص ١٥٣ ح ٥٥٩ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٥٧ ح ٧٤٣٤ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ١ ص ٤٤٠ ح ٨ كلّها عن أبي هريره ، كتر العَمَال : ج ٧ ص ٥٥٣ ح ٢٠٢١٧ .

٥- .فى المصدر : «المجلس» ، والتصويب من كتر العَمَال .

٦- .ما بين المعقوفين لم يرد فى المصدر ، وأثبتناه من كتر العَمَال .

٧- .مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ٧ ح ١٠٩٩٤ ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ٣٠٥ ح ٦٨٩ نحوه ، السنن الكبرى : ج ٢ ص ٢٥ ح ٢٢٦٥ كلّها عن أبي سعيد الخدرى ، كتر العَمَال : ج ١٥ ص ٨٣٦ ح ٤٣٣٢٥ ؛ الأمالى للصدوق : ص ٤٠٠ ح ٥١٦ عن أبي سعيد الخدرى ، روضه الواعظين : ص ٣٦٦ ، بحار الأنوار : ج ٨٨ ص ٧ ح ٩ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بعد از خواندن نماز صبح، در جانمازش بنشیند، فرشتگان بر او درود می فرستند، و درودشان بر او: «بار خدایا! او را بیامرز؛ بار خدایا! بر او رحمت آور» است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نماز صبح را با جماعت بگذارد و [سپس] در جانمازش بنشیند و سه آیه آغازین سوره انعام را بخواند، خداوند، هفتاد فرشته بر او می گمارد که خدا را تسبیح گویند و تا روز قیامت، برای او طلب آمرزش کنند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آگاه باشید که هر کس برای شرکت در نماز جماعت، ره سپار مسجدی شود، برای هر قدمی، او را هفتاد هزار ثواب باشد، و همین اندازه، درجه اش بالا می رود. و اگر در این حال بمیرد، خداوند عز و جل هفتاد هزار فرشته بر او می گمارد که در قبرش به دیدار او بروند و پیوسته بشارتش بدهند و همدم تنهایی او باشند و برایش، آمرزش می طلبند تا آن گاه که برانگیخته شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر یک از شما هر گاه وارد مسجد شود تا زمانی که نماز او را نگه داشته باشد (۱)، در حال نماز است، و هر یک از شما تا زمانی که در مکانی که در آن نماز خوانده، نشسته باشد، فرشتگان بر او درود می فرستند، می گویند: «بار خدایا! او را بیامرز. بار خدایا! او را رحمت کن. بار خدایا! توبه اش را بپذیر» تا زمانی که در آن [مسجد]، حدّثی از او سر نزنند، تا زمانی که در آن [مسجد]، آزاری نرساند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آیا شما را به چیزی راه نمایی نکنم که خداوند به سبب آن، گناهان را می پوشاند و بر نیکی ها می افزاید؟!... گرفتن وضوی کامل در شرایط سخت، آمد و شد بسیار به این مسجدها، و نشستن به انتظار نماز، پس از نماز. هیچ مردی از شما نیست که با وضو از خانه اش بیرون رود و با مسلمانان، نماز بگذارد، سپس در مسجد به انتظار نماز بعد بنشیند، مگر آن که فرشتگان می گویند: «بار خدایا! او را بیامرز. خدایا! بر او رحم آور».

۱- یعنی نماز او را در مسجد، نگه داشته است و به خاطر نماز، مسجد را ترک نکرده و منتظر فرا رسیدن وقت نماز است.

عنه صلى الله عليه وآله في وصيته لأبي ذر: يا أبا ذر، إن ربك عز وجل يهاهي الملائكة بثلاثه نفر: رجل يصبغ في الأرض فرداً، فيؤذن ثم يصلي، فيقول ربك للملائكة: أنظروا إلى عبدى، يصلى ولا يراه أحد غيرى، فينزل سبعون ألف ملك يصيرون وراءه، ويستغفرون له إلى العدم من ذلك اليوم... (١).

ح المصلى على النبي وآله عليهم السلام رسول الله صلى الله عليه وآله من صلى على في كتاب، لم تزل الملائكة تستغفر له مادام اسمى في ذلك الكتاب. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: الصدقة ليلة الجمعة ويومها بألف، والصلاة على محمد وآله ليلة الجمعة بألف من الحسنات، ويحط الله فيها ألفاً من السيئات، ويرفع فيها ألفاً من الدرجات. وإن المصلى على النبي وآله في ليلة الجمعة يزهو نوره في السماوات إلى يوم الساعة، وإن ملائكة الله عز وجل في السماوات ليستغفرون له، ويستغفرون له الملك الموكل بقبر رسول الله صلى الله عليه وآله إلى أن تقوم الساعة. (٣)

- ١- الأمالى للطوسى: ص ٥٣٤ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٧٢ ح ٢٦٦١ كلاهما عن أبي ذر، عده الداعى: ص ١٤٤ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١١٦ ح ١٣.
- ٢- المعجم الأوسط: ج ٢ ص ٢٣٢ ح ١٨٣٥، تاريخ دمشق: ج ٦ ص ٨١ ح ١٤٢٣ كلاهما عن أبي هريره و ص ٣٥ ح ٣٨٥ عن محمد بن جبير عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «من صلى على رسول الله صلى الله عليه وآله...»، تفسير القرطبي: ج ١٤ ص ٢٣٥، كنز العمال: ج ١ ص ٥٠٧ ح ٢٢٤٣؛ منه المرید: ص ٣٤٧، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٧١ ح ٦٥.
- ٣- المقنعه: ص ١٥٦، جامع الأحاديث للقمي: ص ١٥١ وفيه ذيله من «إن المصلى»، روضه الواعظين: ص ٣٦٥، تأويل الآيات الظاهره: ج ٢ ص ٤٦٤ ح ٣٥، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣١٤ ح ٢١.

ح درود فرستنده بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارشش به ابو ذر: ای ابو ذر! پروردگار عز و جل تو به سه نفر، بر فرشتگان می نازد: مردی که در جایی تنها باشد و خود، اذان گوید سپس نماز بخواند. پروردگارت به فرشتگان می فرماید: «ببینید بنده ام را. با آن که کسی او را نمی بیند، نماز می خواند». سپس هفتاد هزار فرشته فرود می آیند و پشت سرش نماز می خوانند و تا فردای آن روز، برایش آمرزش خواهند... .

ح درود فرستنده بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در نوشته ای بر من درود گوید، تا زمانی که نام من در آن نوشته است، فرشتگان، پیوسته برایش آمرزش می طلبند.

امام صادق علیه السلام: صدقه دادن در شب و روز جمعه، برابر با هزار کار نیک است، و درود فرستادن بر محمد و خاندان او در شب جمعه، برابر با هزار کار نیک است و در آن شب، خداوند، هزار گناه [از درود فرستنده] می زُدايد و هزار درجه [او را] بالا می برد. نور درود فرستنده بر پیامبر و خاندان او در شب جمعه، تا روز قیامت در آسمان ها می درخشد و فرشتگان خدای عز و جل برایش طلب آمرزش می کنند، و فرشته گماشته شده بر قبر پیامبر خدا، تا قیام قیامت، برایش آمرزش می طلبد.

ط زائر أمير المؤمنين عليه السلام الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ زَارَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ ، غَيْرَ مُتَجَبِّرٍ وَلَا مُتَكَبِّرٍ ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ مِائَةِ أَلْفِ شَهِيدٍ ... وَاسْتَقْبَلَتْهُ الْمَلَائِكَةُ ، فَأَيَّامًا انصَرَفَ شَيْعَتُهُ إِلَى مَنْزِلِهِ ، فَإِنْ مَرَضَ عَادُوهُ ، وَإِنْ مَاتَ تَبِعُوهُ بِالِاسْتِغْفَارِ إِلَى قَبْرِهِ . (١)

ي زائر الإمام الحسين عليه السلام الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ وَكَلَّ بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَلَكًا فِي أَرْبَعَةِ آلَافٍ مَلَكٍ يَبْكُونُهُ ، وَيَسْتَغْفِرُونَ لِرُؤُوسِهِ ، وَيَدْعُونَ اللَّهَ لَهُمْ . (٢)

عنه عليه السلام: وَكَلَّ اللَّهُ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ ، شُعْثٌ غَيْرٌ يَبْكُونُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، فَمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ شَيْعُوهُ حَتَّى يُبْلِغُوهُ مَأْمَنَهُ ، وَإِنْ مَرَضَ عَادُوهُ ، غُدُوهُ وَعَشِيَّتُهُ ، وَإِنْ مَاتَ شَهِدُوا جِنَازَتَهُ ، وَاسْتَغْفَرُوا لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . (٣)

١- الأُمَالِي لِلطُّوسِي : ص ٢١٤ ح ٣٧٢ ، بشاره المصطفى : ص ١٠٩ كلاهما عن محمد بن مسلم ، كشف الغمّة : ج ٢ ص ٢١ ، بحار الأنوار : ج ٥٩ ص ١٧٦ ح ٩ .

٢- كامل الزيارات : ص ١٧٦ ح ٢٣٨ عن مالك الجهني ، بحار الأنوار : ج ١٠١ ص ٥٧ ح ٢٤ .

٣- الكافي : ج ٤ ص ٥٨١ ح ٦ ، ثواب الأعمال : ص ١١٣ ح ١٧ ، الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ : ص ٢٠٦ ح ٢٢٤ كلّها عن هارون بن خارجه و ص ٦٤ ح ٢٨ عن هارون بن حمزه الغنوي ، كامل الزيارات : ص ١٧٦ ح ١٥ عن محمد بن مروان نحوه ، بحار الأنوار : ج ١٠١ ص ٦٣ ح ٤٤ .

ط زائر امیر مؤمنان علیه السلام**ی زائر امام حسین علیه السلام**

ط زائر امیر مؤمنان علیه السلام امام صادق علیه السلام: هر کس، با شناخت حقّ امیر مؤمنان و به دور از غرور و تکبر، او را زیارت کند، خداوند، برایش مزد صد هزار شهید می نویسد... و فرشتگان، به استقبال او می روند، و چون بازگردد، او را تا خانه اش بدرقه کنند، و اگر بیمار شود به عیادتش می روند، و چون بمیرد، آمرزش خواهان، او را تا گورش تشییع می کنند.

ی زائر امام حسین علیه السلام امام صادق علیه السلام: خداوند، فرشته ای را با چهار هزار فرشته بر [آرامگاه] حسین علیه السلام گماشته است که بر او می گریند و برای زائرانش آمرزش می طلبند و برایشان، دعا می کنند.

امام صادق علیه السلام: خداوند، چهار هزار فرشته ژولیده و غبار گرفته بر قبر حسین علیه السلام گماشته است که تا روز قیامت، بر او می گریند. پس هر که با معرفت حقّ او به زیارتش برود، [در مراجعت] آن فرشتگان، او را تا سرپناهِش بدرقه می کنند، و اگر بیمار شود، صبح و شب به عیادتش می روند، و چون از دنیا برود، در تشییع جنازه اش حاضر می شوند و تا روز قیامت، برایش آمرزش می طلبند.

ك ذاكِرُ أمرِ الإمامِها الأُمالي للطوسي عن معتب مولى الإمام الصادق عليه السلام ، قال : سَمِعْتُهُ يَقُولُ لِداوود بنِ سِرْحانَ : يا داوودُ ، أبلغ مَوالِي عَنِّي السَّلامَ وأتَى أقولُ : رَحِمَ اللهُ عبداً اجْتَمَعَ مَعَ آخَرَ فَتَذاكرا أمرنا ، فَإِنَّ ثالِثَهُما مَلَكٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُما وما اجْتَمَعَ اثنانِ على ذِكْرنا ، إلّا باهى اللهُ تَعالي بِهُما المَلائِكَةَ . فَإِذا اجْتَمَعْتُم فَاسْتَغْلُوا بِالذِّكْرِ ، فَإِنَّ فِي اجْتِماعِكُم وإِحياءنا ، وخَيْرُ النَّاسِ مِن بَعَدنا مَن ذاكَرَ بِأمرنا ، ودَعا إلى ذِكْرنا . (١)

ل شِيعَةُ عَلِيٍّ عليه السَّلامَ ومُحِبِّهِ رسولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عليه وآله يا عَلِيُّ ، إِنَّ الجَنَّةَ مُشْتاقَةٌ إِلَيْكَ وإلى شِيعَتِكَ ، وَإِنَّ مَلائِكَةَ العَرشِ المُقَرَّبِينَ يَفْرَحُونَ بِقُدومِهِم ، وَالْمَلائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُم . يا عَلِيُّ ، شِيعَتُكَ الَّذِينَ يَخافُونَ اللهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلانِيَةِ . (٢)

عنه صَلَّى اللهُ عليه وآله : أَلَا وَمَن أَحَبَّ عَلِيًّا اسْتَغْفَرَتْ لَهُ المَلائِكَةُ ، وَفُتِحَتْ لَهُ أبوابُ الجَنَّةِ الثَّمانِيَةِ ، يَدْخُلُها مِن أَيِّ بابٍ شاءَ بِغَيْرِ حِسابٍ . (٣)

الإمام الصادق عليه السَّلامَ لِقَوْمٍ مِن شِيعَتِهِ : إِنَّ لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلَمَلائِكَهُ يَسْتَغْفِرُونَ لَكُمْ ، حَتَّى تَساقَطَ ذُنوبُكُمْ ؛ كما يَتَساقَطُ وَرَقُ الشَّجَرِ فِي يَوْمِ رِيحٍ ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللهِ تَعالي : «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ العَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا» (٤) هُم شِيعَتُنَا ، وَهِيَ وَاللهِ لَهُم . (٥)

١- الأُمالي للطوسي : ص ٢٢٤ ح ٣٩٠ ، بشاره المصطفى : ص ١١٠ ، بحار الأنوار : ج ١ ص ٢٠٠ ح ٨ .

٢- بحار الأنوار : ج ٦٨ ص ٤١ ح ٨٥ نقلاً عن رياض الجنان لفضل الله بن محمود الفارسي عن الإمام الصادق عليه السلام وراجع بشاره المصطفى : ص ١٨١ وبحار الأنوار : ج ٦٨ ص ٤٦ ح ٩١ .

٣- فضائل الشيعة : ص ٤٦ ح ١ ، مائه منقبه : ص ٨٨ ، بشاره المصطفى : ص ٣٧ ، تأويل الآيات الظاهرة : ج ٢ ص ٨٦٣ ح ١ كلُّها عن ابن عمر ، بحار الأنوار : ج ٦٨ ص ١٢٤ ح ٥٣ .

٤- غافر : ٧ .

٥- تفسير فرات : ص ٣٧٧ ح ٥٠٦ عن سليمان الأعمش ، بحار الأنوار : ج ٦٨ ص ٩٧ ح ٤ .

ک یاد کنندگان از موضوع امامت ل پیروان و دوستان علی علیه السلام

ک یاد کنندگان از موضوع امامت‌الأمالی، طوسی به نقل از معتب غلام امام صادق علیه السلام: شنیدم که امام [صادق علیه السلام] به داوود بن سرحان می فرماید: «ای داوود! از جانب من به پیروانم سلام برسان و [بگو که] من می گویم: رحمت خدا بر آن بنده ای که با دیگری گرد آید و از موضوع ما (امامت) یاد کنند؛ زیرا سومین آنها فرشته ای است که برایشان آموزش می طلبد، و هیچ گاه دو نفر برای یاد کردن از ما گرد هم نیامدند، مگر آن که خداوند متعال به آن دو، بر فرشتگان مباحثات کرد. پس هرگاه گرد هم آمدید، به یاد کردن [از ما] پردازید؛ زیرا در گردهمایی شما و گفتگویتان، زنده داشتن ماست، و بهترین مردم پس از ما، کسی است که از موضوع ما یاد کند و دیگران را به یاد و نام ما بخواند.

ل پیروان و دوستان علی علیه السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! بهشت، مشتاق تو و پیروان توست، و عرشیان مقرب [درگاه الهی]، از آمدن آنها شادمان می شوند، و فرشتگان، برایشان آموزش می طلبند. ای علی! پیروان تو آنان اند که در نهران و آشکار، از خدا می ترسند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هان! هر که علی را دوست داشته باشد، فرشتگان، برایش آموزش می طلبند و هفت در بهشت، به روی او باز می شود، و از هر دری که خواهد، بدون حسابرسی، به آن وارد می شود.

امام صادق علیه السلام به گروهی از پیروانش: خداوند عز و جل فرشتگانی دارد که برای شما آموزش می طلبند تا جایی که گناهانتان، همچون ریزش برگ درختان در روز توفانی، فرو می ریزد. این سخن خداوند متعال است: «کسانی که عرش را حمل می کنند و آنان که پیرامون آن اند، پروردگارشان را به پاکی می ستایند و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده اند، آموزش می طلبند». اینان، پیروان ما هستند. به خدا سوگند، این، در باره آنهاست!

م قاضى حاجه المؤمن الإمام الصادق عليه السلام: تنافسوا فى المعروف لئلا خوانكم ، وكونوا من أهله ، فإنَّ للجنه بابا يقال له : «المعروف» ، لا يدخله إلا من اصطنع المعروف فى الحياه الدنيا . فإنَّ العبد ليمشى فى حاجه أخيه المؤمن ، فيؤكل الله عز و جل به ملكين : واحدا عن يمينه ، وآخر عن شماله ، يستغفران له ربه ، ويدعوان بقضاء حاجته . (١)

رسول الله صلى الله عليه و آله : من كسا أحدا من فقراء المسلمين ثوبا من عري ، أو أعانه بشيء مما يقوته من معيشته ، وكلَّ الله عز و جل به سبعين ألف ملك من الملائكه ، يستغفرون (٢) لكلِّ ذنب عملة ، إلى أن ينفخ فى الصور . (٣)

كتر العمال عن أنس : لقي أبى بن كعب البراء بن مالك ، فقال : يا أخى ما تشتهى ؟ قال : سويقا و تمرا ، فجاء فأكل حتى شبع ، فذكر البراء بن مالك ذلك لرسول الله صلى الله عليه و آله ، فقال : اعلم يا براء ، أن المرء إذا فعل ذلك بأخيه لوجه الله ، لا يريد بذلك جزاء ولا شكورا ، بعث الله إلى منزله عشرة من الملائكه يقدسون الله ويهللونهُ ويكبرونهُ ويستغفرون له حولا ، فإذا كان الحول ، كتبت له مثل عبادته أولئك الملائكه ، وحق على الله أن يطعمهم من طيبات الجنة ، فى جنه الخلد وملك لا يبىد . (٤)

١- الكافى : ج ٢ ص ١٩٥ ح ١٠ عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٣٢٨ ح ٩٩ .

٢- فى المصدر : «تستغفرون» ، والتصويب من بحار الأنوار .

٣- الكافى : ج ٢ ص ٢٠٥ ح ٣ عن أبى حمزه عن الإمام الباقر عليه السلام و ص ٢٠٤ ح ٢ عن عبد الله بن جعفر بن إبراهيم عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «سبعة آلاف» بدل «سبعين ألف» ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٣٨٠ ح ٨٤ .

٤- كتر العميال : ج ٩ ص ٢٦٩ ح ٢٥٩٧٧ نقلًا عن أبى نعيم و ص ٢٤٩ ح ٢٥٨٨٣ نقلًا عن حليه الأولياء وليس فيه صدره إلى «ذلك لرسول الله صلى الله عليه و آله» .

م برآورنده نیاز مؤمن

م برآورنده نیاز مؤمنام صادق علیه السلام: در نیکی کردن به برادرانتان، با یکدیگر رقابت کنید و اهل نیکوکاری باشید؛ زیرا بهشت را دری است که به آن «نیکی (معروف)» می گویند و تنها کسی از آن وارد شود که در زندگی دنیا، نیکی کرده باشد. بنده ای که در راه برآوردن نیاز برادر مؤمنش گام بر می دارد، خداوند عز و جل دو فرشته بر او می گمارد: یکی را در سمت راست او و دیگری را در سمت چپ او، که از پروردگارش برای او آموزش می طلبند و برای برآورده شدن حاجتش دعا می کنند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس مسلمان نیازمندی را از برهنگی بپوشاند، یا به معیشت او کمکی کند، خداوند عز و جل هفتاد هزار فرشته از فرشتگان بر او می گمارد که تا زمانی که در صور دمیده شود، برای هر گناهی که می کند، [از خداوند] آموزش بخواهند.

کنز العمّال به نقل از آنس: اُبی بن کعب به براء بن مالک برخورد. گفت: چه میل داری، برادر؟ گفت: سَویق و خرما. آمد و خورد تا سیر شد. براء بن مالک، این ماجرا را به پیامبر خدا گفت. ایشان فرمود: «بدان ای براء که انسان، هرگاه این کار را برای برادرش به خاطر خدا انجام دهد و پاداش و سپاسی از او انتظار نداشته باشد، خداوند، ده فرشته به خانه او می فرستد تا به مدّت یک سال، خدا را به پاکی و یگانگی و بزرگی بستایند و برایش طلب آموزش کنند، و پس از یک سال، به اندازه عبادت آن فرشتگان، برای او نوشته می شود، و بر خداست که از خوردنی های پاک بهشت، در بهشت جاویدان و مُلکی ابدی، به آنان بخوراند.

ن مُدْخِلِ الشُّرُورِ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ سُورًا ، خَلَقَ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ الشُّرُورِ خَلْقًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . (١)

س عائِدُ الْمَرِيضَةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ عَادَ مَرِيضًا مَشَى فِي خِرَافِ (٢) الْجَنَّةِ ، فَإِذَا جَلَسَ عِنْدَهُ اسْتَنْقَعَ فِي الرَّحْمَةِ ، فَإِذَا خَرَجَ مِنْ عِنْدِهِ وَكَلَّ بِهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ . (٣)

مسند ابن حنبل عن عبد الله بن نافع: عادَ أبو موسى الأشعريُّ الحسنَ بنَ عليٍّ عليه السلامَ فقالَ لَهُ عليٌّ عليه السلامَ: أعائدا جئتَ أم زائرا؟ فقالَ أبو موسى: بَلِ جئتُ عائدا . فقالَ عليٌّ عليه السلامَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: مَنْ عَادَ مَرِيضًا بَكَرًا (٤)؛ شَيَّعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ كُلُّهُمْ يَسْتَغْفِرُ لَهُ حَتَّى يُمَسِّيَ ، وَكَانَ لَهُ خَرِيفٌ (٥) فِي الْجَنَّةِ . وَإِنْ عَادَهُ مَسَاءً؛ شَيَّعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ ، كُلُّهُمْ يَسْتَغْفِرُ لَهُ حَتَّى يُصْبِحَ ، وَكَانَ لَهُ خَرِيفٌ فِي الْجَنَّةِ . (٦)

الإمام الباقر عليه السلام: أَيْمًا مُؤْمِنٍ عَادَ مُؤْمِنًا خَاصَ فِي الرَّحْمَةِ خَوْضًا ، فَإِذَا جَلَسَ غَمَرَتْهُ الرَّحْمَةُ ، فَإِذَا انصَرَفَ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ ، وَيَسْتَرْحِمُونَ عَلَيْهِ . (٧)

١- .كنز العمال: ج ١٦ ص ٣٧٩ ح ٤٤٩٩٥ نقلاً عن أبي الشيخ عن جابر .

٢- .في خِرافِ الْجَنَّةِ وَخِرافَتِهَا: أَى فِي اجْتِنَاءِ ثَمَرِهَا ؛ أَى إِنْ الْعَائِدِ فِيهَا يَجُوزُ مِنَ الثَّوَابِ ، كَأَنَّهُ عَلَى نَخْلِ الْجَنَّةِ يَخْتَرِفُ ثَمَارِهَا (النهاية: ج ٢ ص ٢٤ «خرف»).

٣- .مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٢٩٢ ح ١١٦٦ ، شعب الإيمان: ج ٦ ص ٥٣٢ ح ٩١٧٥ نحوه وكلاهما عن الإمام عليٍّ عليه السلام ، كنز العمال: ج ٩ ص ١٠١ ح ٢٥١٧٧ .

٤- .كلُّ من أسرع إلى شيء فقد بكر إليه ، وأول كلِّ شيء باكورتته (النهاية: ج ١ ص ١٤٨ «بكر»).

٥- .خريف: أَى مسافه تقطع ما بين الخريف إلى الخريف (النهاية: ج ٢ ص ٢٤ «خرف»).

٦- .مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٢٥٦ ح ٩٧٥ ، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٥٠١ ح ١٢٩٤ ، السنن الكبرى: ج ٣ ص ٥٣٤ ح ٦٥٨٥؛ الأمالى للطوسى: ص ٤٠٣ ح ٩٠١ من دون إسنادٍ إلى رسول الله صلى الله عليه وآله وكلها نحوه ، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢١٥ ح ٨ .

٧- .الكافي: ج ٣ ص ١٢٠ ح ٣ عن أبي حمزة .

ن کسی که خانواده اش را شاد کند س عیادت کننده از بیمار

ن کسی که خانواده اش را شاد کند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به خانواده اش شادی برساند، خداوند، از آن شادی مخلوقی می آفریند که تا روز قیامت، برایش آمرزش بخواند.

س عیادت کننده از بیمار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به عیادت بیماری برود، در نخلستان پُربار بهشت، گام برداشته است، و اگر نزد او بنشیند، در رحمت نشست است، و چون از نزد او برود، هفتاد هزار فرشته بر او گماشته می شوند که آن روز را برایش آمرزش بطلبند.

مسند ابن حنبل به نقل از عبد الله بن نافع: ابوموسی اشعری، به عیادت حسن بن علی علیه السلام رفت. علی علیه السلام به او فرمود: «برای عیادت آمده ای یا برای دیدن؟». ابوموسی گفت: برای عیادت آمده ام. علی علیه السلام فرمود: «از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «هر کس صبحگاه، به عیادت بیماری برود، هفتاد هزار فرشته، او را مشایعت می کنند و همگی تا شب برایش آمرزش می طلبند و برایش بُستانی (نخلستانی) در بهشت باشد، و اگر شب هنگام به عیادتش برود، باز هم هفتاد هزار فرشته، بدرقه اش می کنند و همگی تا صبح، برایش آمرزش می طلبند و او را بستانی در بهشت باشد».

امام باقر علیه السلام: هر مؤمنی به عیادت مؤمنی برود، وارد رحمت می شود، و چون [در کنار او] بنشیند، رحمت، او را فرو می پوشاند، و چون برود، خداوند، هفتاد هزار فرشته بر او می گمارد که برایش آمرزش و رحمت می طلبند.

الإمام الصادق عليه السلام: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ عَادَ مُؤْمِنًا فِي اللَّهِ عِزٍّ وَجَلٍّ فِي مَرَضِهِ ، وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا مِنَ الْعُودِ يَعُودُهُ فِي قَبْرِهِ ، وَيَسْتَغْفِرُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . (١)

ع مُشَيِّعٍ جِنَازَهُ الْمُؤْمِنِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ شَيْعٍ جِنَازَهُ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنَزَلِهِ مِئَةُ أَلْفِ حَسَنَةٍ ، وَيُمحَى عَنْهُ مِئَةُ أَلْفِ سَيِّئَةٍ ، وَيُرْفَعُ لَهُ مِئَةُ أَلْفِ دَرَجَةٍ ، فَإِنْ صَيَّلِي عَلَيْهَا شَيْعَهُ فِي جِنَازَتِهِ مِئَةُ أَلْفِ كَلُّهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يَرْجِعَ ، فَإِنْ شَهِدَ دَفَنَهَا وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ أَلْفَ مَلَكٍ كَلُّهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ ، حَتَّى يُبَعَثَ مِنْ قَبْرِهِ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ شَيَّعَ جِنَازَةَ مُؤْمِنٍ حَتَّى يُدْفَنَ فِي قَبْرِهِ ، وَكَلَّ اللَّهُ عِزٍّ وَجَلٍّ بِهِ سَبْعِينَ مَلَكًا مِنَ الْمُشَيِّعِينَ ، يُشَيِّعُونَهُ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ إِلَى الْمَوْقِفِ . (٣)

ف قَارِئُ الْقُرْآنِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ عِنْدَ مَنَامِهِ : «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (٤) سَطَعَ لَهُ نُورٌ إِلَى الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ، حَشَوُ ذَلِكَ النَّوْرَ مَلَائِكَةٌ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يُصْبِحَ . (٥)

- ١- الكافي: ج ٣ ص ١٢٠ ح ٤.
- ٢- ثواب الأعمال: ص ٣٤٥ ح ١ عن أبي هريره وابن عباس، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٣٨٤ ح ٤٤.
- ٣- الكافي: ج ٣ ص ١٧٣ ح ٢، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ١٦٢ ح ٤٥٥، الأمالي للصدوق: ص ٢٨٦ ح ٣١٧ عن داوود بن كثير الرقي، روضه الواعظين: ص ٥٣٥، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٥٧ ح ١.
- ٤- الكهف: ١١٠.
- ٥- تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٧٥ ح ٦٩٩، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٧٠ ح ١٣٥٥، فلاح السائل: ص ٤٨٩ ح ٣٣٨، عدّه الداعي: ص ٢٨٢، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٨٢ ح ٣.

ع تشییع کننده جنازه مؤمن**ف قرائت کننده قرآن**

امام صادق علیه السلام: هر مؤمنی به خاطر خداوند عز و جل از مؤمن بیماری عیادت کند، خداوند، فرشته ای از فرشتگان عیادت کننده، بر او می گمارد که در قبرش به عیادت او برود و تا روز قیامت، برایش آمرزش بطلبد.

ع تشییع کننده جنازه مؤمن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس جنازه ای را تشییع کند، برای هر گامش تا زمانی که به خانه اش برگردد صد هزار ثواب باشد، و صد هزار گناه، از او زُدوده می شود، و صد هزار هزار درجه او را بالا می برند، و اگر بر آن [مُرده] نماز بخواند، صد هزار [فرشته] در تشییع جنازه او شرکت می کنند و همگی، تا زمانی که برگردد، برایش طلب آمرزش می کنند، و اگر شاهد دفن او باشد، خداوند، هزار فرشته بر او می گمارد که همگی تا آن گاه که از قبرش برانگیخته شود، برایش آمرزش بطلبد.

امام صادق علیه السلام: هر کس جنازه مؤمنی را تشییع کند تا آن گاه که او را به خاک سپارند، خداوند عز و جل هفتاد فرشته از فرشتگانی که کارشان تشییع است، بر او می گمارد که تا هنگامی که از قبرش به سوی موقف خارج می شود، او را مشایعت کنند و برایش آمرزش بطلبد.

ف قرائت کننده قرآن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در هنگام خوابیدن، این آیه را بخواند: «بگو: من، در حقیقت، بشری مانند شما هستم که به من، وحی می شود. معبود شما، معبودی یگانه است. پس هر که به دیدار پروردگارش امید دارد، باید که کار شایسته کند و در پرستش پروردگارش، اَحَدی را شریک نگرداند»، برایش نوری تا مسجد الحرام تابیدن می گیرد که درون آن نور، فرشتگانی هستند که تا صبح، برایش طلب آمرزش می کنند.

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَرَأَ «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَمَّا إِلَهُ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (١) عِنْدَ مَنَامِهِ ، خَلَقَ اللَّهُ لَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . (٢)

ص ذَاكِرُ اللَّهِ عِنْدَ النَّوْمِ لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ النَّوْمَ فَلْيَضَعْ يَدَهُ الْيَمْنَى تَحْتَ خَدِّهِ الْأَيْمَنِ ، وَلْيَقُلْ : بِاسْمِ اللَّهِ ، وَضَعْتُ جَنْبِي لِلَّهِ (٣) ، عَلَى مِثْلِ إِبْرَاهِيمَ ، وَدِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَوَلَايَةِ مَنْ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ ، وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ . فَمَنْ قَالَ ذَلِكَ عِنْدَ مَنَامِهِ ، حُفِظَ مِنَ اللَّصِّ ، وَالْمُغِيرِ (٤) ، وَالْهَدْمِ ، وَاسْتَغْفِرَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ . (٥)

ق مَنْ بَاتَ مُتَطَهِّرًا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : طَهَّرُوا هَذِهِ الْأَجْسَادَ طَهَّرَكُمُ اللَّهُ ، فَإِنَّهُ لَيْسَ عَبْدٌ بَيِّتُ طَاهِرًا إِلَّا بَاتَ مَعَهُ مَلَكٌ فِي شِعَارِهِ (٦) ، لَا يَنْقَلِبُ سَاعَةً مِنَ اللَّيْلِ إِلَّا قَالَ : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِعَبْدِكَ ، فَإِنَّهُ بَاتَ طَاهِرًا . (٧)

١- آل عمران : ١٨ .

٢- تفسير القرطبي : ج ٤ ص ٤٢ ؛ مجمع البيان : ج ٢ ص ٧١٧ وفيه «ألف خلق» بدل «ألف ملك» وكلاهما عن أنس ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ١٧٩ ح ٨ نقلًا عن البلد الأمين .

٣- فى المصدر : «الله» ، والتصويب من بحار الأنوار .

٤- المغير : اسم فاعل من أغار إذا نهب ، وفيه «من دَخَلَ إِلَى طَعَامٍ لَمْ يُدْعَ إِلَيْهِ ، دَخَلَ سَارِقًا وَخَرَجَ مُغِيرًا» شَبَّهَ دَخُولَهُ عَلَيْهِمْ بِدَخُولِ السَّارِقِ ، وَخُرُوجِهِ بِمَنْ أَغَارَ عَلَى قَوْمٍ وَنَهَبَهُمْ (النهاية : ج ٣ ص ٣٩٤ «غور») .

٥- الخصال : ص ٦٣١ ح ١٠ عن محمد بن مسلم وأبى بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص ١٢٠ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٤٥ ح ٢١٠٥ ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ١٩١ ح ١ .

٦- الشعار : الثوب الذى يلى الجسد ، لأنه يلى شعره (النهاية : ج ٢ ص ٤٨٠ «شعر») .

٧- المعجم الكبير : ج ١٢ ص ٣٤١ ح ١٣٦٢٠ و ص ٣٤٢ ح ١٣٦٢١ ، صحيح ابن حبان : ج ٣ ص ٣٢٨ ح ١٠٥١ نحوه ، مسند الشاميين : ج ٣ ص ٤٠٢ ح ٢٥٥٢ كلها عن ابن عمر ، المعجم الأوسط : ج ٥ ص ٢٠٤ ح ٥٠٨٧ عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ٩ ص ٢٧٧ ح ٢٦٠٠٣ .

ص یاد کننده از خدا در هنگام خوابیدن ق کسی که شب را پاک و با وضو به سر برد

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در هنگام خوابش آیه «خدا که همواره به عدل قیام دارد، گواهی می دهد که جز او معبودی نیست، و فرشتگان و دانشوران [نیز گواهی می دهند که:] جز او که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست» را بخواند، خداوند، هفتاد هزار فرشته برایش خلق می کند که تا روز قیامت، برای او آموزش بطلبند.

ص یاد کننده از خدا در هنگام خوابیدن امام علی علیه السلام: هرگاه یکی از شما خواست بخوابد، دست راست خود را زیر گونه راستش بگذارد و بگوید: «به نام خدا. پهلویم را [بر زمین] گذاشتم برای خدا، در حالی که بر آیین ابراهیم و دین محمد صلی الله علیه و آله و پیروی از کسی هستم که خداوند، اطاعت از او را واجب فرموده است. آنچه خدا خواهد، همان می شود، و آنچه او نخواهد، نمی شود». هر کس این را در هنگام خوابیدن بگوید، از دزد و غارتگر و رفتن زیر آوار، محفوظ می ماند و فرشتگان، برایش آموزش می طلبند.

ق کسی که شب را پاک و با وضو به سر برد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: این بدن ها را پاک گردانید، خدا، شما را پاک می گرداند؛ زیرا هیچ بنده ای نیست که شب را پاک به سر برد، مگر آن که فرشته ای در زیر پوشش با او باشد و هر ساعتی از شب، غلتی بخورد، آن فرشته می گوید: «بار خدایا! بنده ات را بیامرز؛ زیرا او امشب، در پاکی به سر می برد».

رَمَنَ أَكَلَ الْحَلَالَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ ، قَامَ عَلَى رَأْسِهِ مَلَكٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ أَكْلِهِ . (١)

شَ مَنْ قَلَّمَ أَظْفِيرَهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ... رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ قَلَّمَ أَظْفِيرَهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ، وَأَخَذَ مِنْ شَارِبِهِ ، وَاسْتَاكَ ، وَأَفْرَغَ عَلَى رَأْسِهِ مِنَ الْمَاءِ حِينَ يَرُوحُ إِلَى (٢) الْجُمُعَةِ ، شَيَّعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ ، كُلُّهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ ، وَيَشْفَعُونَ لَهُ . (٣)

٨ / ٦ مَنْ يَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ أَطَالِبُ الْعِلْمِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ لَيَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ ، حَتَّى حَيْتَانُ الْبَحْرِ ، وَهَوَامُّ الْأَرْضِ ، وَسِبَاعُ الْبَرِّ وَأَنْعَامُهُ ؛ فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ فَإِنَّهُ السَّبَبُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . (٤)

عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيهِ عِلْمًا ، سَلَكَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ ، وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا لِطَالِبِ الْعِلْمِ رِضًا بِهِ ، وَإِنَّهُ يَسْتَغْفِرُ لَطَالِبِ الْعِلْمِ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ حَتَّى الْحَوْتِ فِي الْبَحْرِ . (٥)

- ١- مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٣٢٠ ح ١٠٢٨ و ص ٤١٣ ح ١٣٩٦ عن أنس وفيه «الخل» بدل «الحلال»، الدعوات: ص ٢٤ ح ٣٥، روضه الواعظين: ص ٥٠١، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣١٤ ح ٦.
- ٢- في المصدر: «يروح الجمعة»، والتصويب من بحار الأنوار.
- ٣- جامع الأخبار: ص ٣٣٤ ح ٩٣٩ عن أنس، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٢٤ ح ١٣.
- ٤- الأمالي للمفيد: ص ٢٩ ح ١، الأمالي للطوسي: ص ٥٢١ ح ١١٤٨ كلاهما عن محمد بن جعفر عن ف أبيه الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ١ ص ١٧٢ ح ٢٥.
- ٥- الكافي: ج ١ ص ٣٤ ح ١ عن القداح عن الإمام الصادق عليه السلام، ثواب الأعمال: ص ١٥٩ ح ١ عن عبد الله بن ميمون القداح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله؛ سنن أبي داود: ج ٣ ص ٣١٧ ح ٣٦٤١، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٨ ح ٢٦٨٢ كلاهما عن أبي الدرداء، كنز العمال: ج ١٠ ص ١٤٦ ح ٢٨٧٤٦.

**ر کسی که حلال بخورد
ش کسی که در روز جمعه ، ناخن هایش را بگیرد و ...**

۸ / ۶ کسانی که همه موجودات ، برایشان آموزش می طلبند

الف جوینده دانش

ر کسی که حلال بخورد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس از حلال بخورد ، فرشته ای بالای سر او می ایستد و برایش آموزش می خواهد تا آن گاه که از خوردن ، دست کشد.

ش کسی که در روز جمعه ، ناخن هایش را بگیرد و ... پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که در روز جمعه ناخن هایش را بگیرد، سیلش را کوتاه کند، مسواک بزند ، و زمانی که به نماز جمعه می رود ، آب بر سرش بریزد ، هفتاد هزار فرشته ، او را بدرقه می کنند و همگی برایش آموزش می طلبند و شفاعت می کنند.

۸ / ۶ کسانی که همه موجودات ، برایشان آموزش می طلبند الف جوینده دانش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : همه موجودات، حتی ماهیان دریا و خزندگان زمین و ددان و دام ها، برای جوینده دانش ، آموزش می طلبند . پس دانش بجوید، زیرا دانش ، رشته پیوند میان شما و خدای عز و جل است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس راهی را در جستجوی دانشی پیماید ، خداوند ، او را در راهی به سوی بهشت می برد . فرشتگان ، بال های خود را با خشنودی برای جوینده دانش ، می گسترند، و اهل آسمان و زمین، حتی ماهیان دریا، برای جوینده دانش ، آموزش می طلبند.

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عِتْقَاءِ اللَّهِ مِنَ النَّارِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى الْمُتَعَلِّمِينَ، فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، مَا مِنْ مُتَعَلِّمٍ يَخْتَلِفُ إِلَى بَابِ الْعَالِمِ، إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ عِبَادَةَ سَنَةٍ، وَبَنَى اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ، وَيَمْشِي عَلَى الْأَرْضِ وَهِيَ تَسْتَغْفِرُ لَهُ، وَيُمْسِي وَيُصْبِحُ مَغْفُورًا لَهُ، وَشَهِدَتِ الْمَلَائِكَةُ أَنَّهُمْ عِتْقَاءُ اللَّهِ مِنَ النَّارِ. (١)

الإمام علي عليه السلام مِنْ وَصِيَّتِهِ لَوْلِيِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ: وَعَلِمَ أَنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، حَتَّى الطَّيْرُ فِي جَوْ السَّمَاءِ، وَالْحَوْتُ فِي الْبَحْرِ. (٢)

بِالْعَالِمِ الْعَامِلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: صَاحِبُ الْعِلْمِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، حَتَّى الْحَوْتُ فِي الْبَحْرِ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ، يُحِبُّهُمْ أَهْلُ السَّمَاءِ، وَيَسْتَغْفِرُ لَهُمْ الْحَيَاتُ فِي الْبَحْرِ إِذَا مَاتُوا، إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: عُلَمَاءُ هَذِهِ الْأُمَّةِ رَجُلَانِ: رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ عِلْمًا، فَبَدَّلَهُ لِلنَّاسِ وَلَمْ يَأْخُذْ عَلَيْهِ طَمَعًا (٥)، وَلَمْ يَشْتَرِ بِهِ ثَمَنًا، فَذَلِكَ تَسْتَغْفِرُ لَهُ حَيَاتُ الْبَحْرِ، وَدَوَابُّ الْبَرِّ، وَالطَّيْرُ فِي جَوْ السَّمَاءِ، وَيَقْدَمُ عَلَى اللَّهِ سَيِّدًا شَرِيفًا، حَتَّى يُرَافِقَ الْمُرْسَلِينَ. وَرَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ عِلْمًا فَبِخَلَ بِهِ عَنْ عِبَادِ اللَّهِ، وَأَخَذَ عَلَيْهِ طَمَعًا، وَاشْتَرَى بِهِ ثَمَنًا، فَذَلِكَ يُلْجِمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ، وَيُنَادِي مُنَادٍ: هَذَا الَّذِي آتَاهُ اللَّهُ عِلْمًا فَبِخَلَ بِهِ عَنْ عِبَادِ اللَّهِ، وَأَخَذَ عَلَيْهِ طَمَعًا، وَاشْتَرَى بِهِ ثَمَنًا، وَكَذَلِكَ حَتَّى يُفْرَغَ مِنَ الْحِسَابِ. (٦)

١- منيه المريد: ص ١٠٠، بحار الأنوار: ج ١ ص ١٨٤ ح ٩٥.

٢- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٨٧ ح ٥٨٣٤، بصائر الدرجات: ص ٤ ح ٣ عن عبد الرحمن بن الحجاج عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ١ ص ١٧٣ ح ٣٠، كنز العمال: ج ١٠ ص ١٣١ ح ٢٨٦٥٣ عن ابن عبد البر عن أنس.

٣- كنز العمال: ج ١٠ ص ١٤٥ ح ٢٨٧٣٧ نقلًا عن وكيع عن أنس.

٤- تفسير القرطبي: ج ٤ ص ٤١ عن البراء، كنز العمال: ج ١٠ ص ١٣٥ ح ٢٨٦٧٩ نقلًا عن ابن النجار عن أنس.

٥- الطَّمَعُ: رِزْقُ الْجُنْدِ، جَمْعُ: أَطْمَاعٍ. يُقَالُ: أَخَذَ الْجُنْدُ أَطْمَاعَهُمْ أَيْ أَرْزَاقَهُمْ (تاج العروس: ج ١١ ص ٣٢٧ «طمع»).

٦- المعجم الأوسط: ج ٧ ص ١٧١ ح ٧١٨٧ عن ابن عباس، إحياء علوم الدين: ج ١ ص ٩٢، كنز العمال: ج ١٠ ص ٢٠٦ ح

٢٩٠٩٠؛ روضه الواعظين: ص ١٥، منيه المريد: ص ١٣٦ وفيه «طعما» بدل «طمعا» في المواضع الثلاثة، بحار الأنوار: ج ٢ ص

٥٤ ح ٢٥ وراجع جامع بيان العلم وفضله: ج ١ ص ٣٨.

ب عالمی که به علم خویش ، عمل کند

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دوست دارد آزاد کرده شدگانِ خدا از آتش را ببیند ، به علم آموزان بنگرد. سوگند به آن که جانم در دست اوست ، هیچ علم آموزی نیست که به خانه عالم آمد و شد کند ، مگر آن که خداوند برای هر قدمش عبادت یک سال را می نویسد و برای هر قدمش ، شهری در بهشت برای او می سازد و زمینی که بر آن راه می رود ، برایش آموزش می طلبد، و روز را در حالی به شب می رساند و شب را به روز که آرمزیده است ، و فرشتگان ، گواهی می دهند که اینان ، آزاد شدگان خدا از آتش اند.

امام علی علیه السلام از سفارش های ایشان به فرزندش محمد بن حنفیه : بدان که برای جوینده دانش ، هر موجودی که در آسمان ها و زمین است، حتی پرندگان آسمان و ماهیان دریا، طلبِ آموزش می کنند.

ب عالمی که به علم خویش ، عمل کند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر موجودی ، حتی ماهی دریا ، برای دانشمند ، (۱) آموزش می طلبد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دانشمندان [دینی] وارثان پیامبران اند . آسمانیان ، آنان را دوست دارند و هر گاه بمیرند، ماهیان دریا تا روز قیامت ، برایشان آموزش می طلبند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دانشمندان این امت ، دو دسته اند: یکی مردی که خداوند ، به او دانشی داده است و او ، آن را به مردم می بخشد و برای آن ، مزدی نمی ستاند و آن را به بهایی نمی فروشد. برای چنین عالمی ، ماهیان دریا و چارپایان خشکی و مرغان آسمان ، آموزش می طلبند، و با آقایی و بزرگواری ، بر خداوند وارد می شود تا آن که با پیامبران مُرسَل ، همنشین می گردد. و دوم ، مردی است که خداوند ، به او دانشی داده است و او ، آن را از بندگان خدا دریغ می کند و برای آن ، مزد می گیرد و آن را به بها می فروشد. بر چنین کسی در روز قیامت ، لگامی از آتش زده می شود و آواز دهنده ای ، آواز می دهد که: این ، کسی است که خدا به او دانشی بخشید و او ، آن را از بندگان خدا ، دریغ ورزید و برای [آموختن] آن، مزد ستاند و آن را به پول فروخت، و پیوسته چنین می گوید تا آن گاه که حسابرسی او به پایان برسد.

۱- با عنایت به روایات دیگر ، مقصود از این روایت پس از آن ، عالم عامل است ، نه مطلق عالم .

ج مُعَلِّمُ الْخَيْرِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ مُعَلِّمَ الْخَيْرِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ دَوَابُّ الْأَرْضِ ، وَحَيْتَانُ الْبَحْرِ ، وَكُلُّ ذِي رُوحٍ فِي الْهَوَاءِ ، وَجَمِيعُ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ . (١)

د الْمُؤَذِّنُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَغْفِرُ اللَّهُ لِلْمُؤَذِّنِ مُنْتَهَى أذَانِهِ ، وَيَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلُّ رَطْبٍ وَيَابِسٍ سَمِعَ صَوْتَهُ . (٢)

ه مَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ ، اسْتَغْفَرَتْ لَهُ مَلَائِكَةُ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ ، وَمَنْ صَامَ أَرْبَعَةَ عَشَرَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ ، أَلْهَمَتِ الدَّوَابُّ وَالسَّبَاعُ حَتَّى الْحَيْتَانُ فِي الْبُحُورِ أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لَهُ . (٣)

١- بصائر الدرجات : ص ٣ ح ١ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام و ص ٤ ح ٥ عن جابر عن الإمام الصادق عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص ١٥٩ ح ١ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما نحوه ، المعجم الأوسط : ج ٦ ص ٢١٤ ح ٦٢١٩ عن جابر نحوه ، كنز العمال : ج ١٠ ص ١٤٥ ح ٢٨٧٣٩ .

٢- مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٥٠٠ ح ٦٢١٠ عن ابن عمر ، كنز العمال : ج ٧ ص ٦٨٧ ح ٢٠٩٢٦ .

٣- ثواب الأعمال : ص ٨٧ ح ١٦ ، فضائل الأشهر الثلاثة : ص ٤٧ ح ٢٤ ، الأموال للصدوق : ص ٧٦ ح ٤٣ ، روضه الواعظين : ص ٤٤٣ كلها عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج ٩٧ ص ٦٩ ح ٧ .

ج آموزگار خوبی ها

د مؤذن

ه کسی که سیزده روز از ماه شعبان را روزه بگیرد

ج آموزگار خوبی های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای آموزگار خوبی ها، جانوران زمین و ماهیان دریا و هر جاننداری در هوا، و همه اهل آسمان و زمین، آمرزش می طلبند.

د مؤذنی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، مؤذن را به مقدار بلندی صدای اذانش می آمرزد (۱) و هر تر و خشکی که صدای او را بشنود، برایش آمرزش می طلبد.

ه کسی که سیزده روز از ماه شعبان را روزه بگیرد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس سیزده روز از شعبان را روزه بگیرد، فرشتگان هفت آسمان، برایش آمرزش می طلبند، و هر کس چهارده روز از شعبان را روزه بگیرد، به چارپایان و درندگان و حتی ماهیان دریاها، الهام می شود که برای او آمرزش بطلبند.

۱- احتمال دارد به این معنا باشد که هر مقدار صدای اذان مؤذن بلندتر باشد، آمرزش بیشتری شامل حال او می شود.

الفصل التاسع: الاستغفارات المأثورة ٩ / الاستغفارات المأثورة عن النبي رسول الله صلى الله عليه وآله: اللهم اغفر لي ذنبي كله، دقه وجله (١)، وأوله وآخره، وعلايته وسره (٢).

سنن النسائي عن عائشه: فقدت رسول الله صلى الله عليه وآله فظننت أنه أتى بعض جواريه، فطلبتُه، فإذا هو ساجد يقول: رب اغفر لي ما أسررت وما أعلنت (٣).

مسند ابن حنبل عن عمران بن حصين: كان عامه دعاء نبي الله صلى الله عليه وآله: اللهم اغفر لي ما أخطأت وما تعمدت، وما أسررت وما أعلنت، وما جهلت وما علمت (٤). (٥)

-
- ١- دِقُّهُ وَجِلُّهُ: قليله وكثيره (الصحيح: ج ٤ ص ١٤٧٥ «دق»).
 - ٢- صحيح مسلم: ج ١ ص ٣٥٠ ح ٢١٦، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٣٩٥ ح ٩٦٩، صحيح ابن حبان: ج ٥ ص ٢٥٨ ح ١٩٣١، صحيح ابن خزيمة: ج ١ ص ٣٣٥ ح ٦٧٢ كلها عن أبي هريره، كنز العمال: ج ٢ ص ٢١٠ ح ٣٨٠٥.
 - ٣- سنن النسائي: ج ٢ ص ٢٢٠، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٤٨٢ ح ٢٥١٩٤، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٣٤٣ ح ٨٠٧، المصنّف لابن أبي شيبه: ج ٧ ص ٣٤ ح ٧ كلاهما نحوه، كنز العمال: ج ٨ ص ٢٢٦ ح ٢٢٦٦٩.
 - ٤- فى المصدر: «وما تعمدت»، والتصويب من كنز العمال.
 - ٥- مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٢١٤ ح ١٩٩٤٥، المعجم الكبير: ج ١٨ ص ١٢١ ح ٢٤٢، مسند الشهاب: ج ٢ ص ٣٣٧ ح ١٤٧٩، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٨٧ ح ٥٠٨٣.

فصل نهم: آمرزش خواهی های رسیده از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام

۹ / ۱ آمرزش خواهی های پیامبر صلی الله علیه و آله

فصل نهم: آمرزش خواهی های رسیده از پیامبر و اهل بیت ۹ / ۱ آمرزش خواهی های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! همه گناهان مرا، از ریز و درشت، و اوّل و آخر، و آشکار و پنهانش، بیامرز.

سنن النسائی به نقل از عایشه: یک بار متوجه شدم پیامبر خدا نیست. گمان بردم نزد یکی از کنیزانش رفته است. در جستجوی ایشان برآمدم. دیدم به سجده افتاده است و می گوید: «خداوندا! هر خطایی را که در نهان یا آشکار، از من سر زده است، بر من بیخشای».

مسند ابن حنبل به نقل از عمران بن حصین: دعای پیامبر خدا، معمولاً این بود: «بار خدایا! هر آن گناهی را که به خطا یا به عمد، در نهان یا آشکار، و ندانسته یا دانسته از من سر زده است، بیامرز».

الإمام الجواد عليه السلام: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ إِذَا فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي ... وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ قَلْبًا سَلِيمًا، وَلِسَانًا صَادِقًا، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا تَعَلَّمْتُ، وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا تَعَلَّمْتُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعَلَّمْتُ، فَإِنَّكَ تَعَلَّمْتَ وَلَا نَعَلَّمُ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ. (١)

صحيح البخارى عن أبى موسى الأشعري عن النبي صلى الله عليه وآله مما كَانَ يَدْعُو بِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَبِّ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَجَهْلِي، وَإِسْرَافِي فِي أَمْرِي كُلِّهِ، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي خَطَايَايَ وَعَمْدِي وَجَهْلِي، وَهَزْلِي (٢)، وَكُلَّ ذَلِكَ عِنْدِي. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (٣)

مسند ابن حنبل عن أبى أمامة الباهلي: نَخَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ... فَكَأَنَّا اشْتَهَيْنَا أَنْ يَدْعُوَ اللَّهُ لَنَا، فَقَالَ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا، وَارْضَ عَنَّا وَتَقَبَّلْ مِنَّا، وَأَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ وَنَجِّنَا مِنَ النَّارِ، وَأَصْلِحْ لَنَا شَأْنَنَا كُلَّهُ»، فَكَأَنَّا اشْتَهَيْنَا أَنْ يَزِيدَنَا، فَقَالَ: قَدْ جَمَعْتُ لَكُمْ الْأَمْرَ. (٤)

الإمام الحسن عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ بَيْنَ كُلِّ رَكَعَتَيْنِ مِنْ صَلَاةِ الرَّوَالِ، الرَّكَعَتَانِ الْأُولَيَانِ (٥): اللَّهُمَّ ... لَمَكَ عِنْدِي طَلِبَاتٌ مِنْ ذُنُوبِ أَنَا بِهَا مُرْتَهَنٌ، وَقَدْ أَوْقَرْتُ (٦) ظَهْرِي وَأَوْبَقْتَنِي (٧)، وَإِلَّا تَرَحَّمْنِي وَتَغْفِرْ لِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ. اللَّهُمَّ اعْتَمِدْتُكَ فِيهَا تَائِبًا إِلَيْكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا، قَدِيمَهَا وَحَدِيثَهَا، سِرَّهَا وَعَلَانِيَتَهَا، خَطَايَاهَا وَعَمْدَهَا، صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا، وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَأَنَا مُدْتَبِّئُهُ، مَغْفِرَةً عَزَمًا جَزَمًا لَا تُغَادِرُ ذَنْبًا وَاحِدًا، وَلَا أَكْتَسِبُ بَعْدَهَا مُحَرَّمًا أَبَدًا، وَأَقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ، وَتَجَاوَزْ لِي عَنِ الْكَثِيرِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ، يَا عَظِيمَ، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمَ ... (٨)

١- الكافي: ج ٢ ص ٥٤٨ ح ٦، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٣٢٧ ح ٩٦٠ كلاهما عن محمد بن الفرج، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣١ ح ٢٠٦٩ من دون إسناد إلى الإمام الجواد عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢ ح ٢؛ مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٧٦ ح ١٧١١٣، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٨٨ ح ١٨٧٢ كلاهما عن شداد بن أوس عنه صلى الله عليه وآله وفيهما ذيله من «وأسألك يا رب...» نحوه، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٣٧ ح ٢٩١٣.

٢- في مَهَجِ الدَّعَوَاتِ: «... وهزلي وجدلي»، وهو الأنسب.

٣- صحيح البخارى: ج ٥ ص ٢٣٥٠ ح ٦٠٣٥، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٨٧ ح ٧٠، الأدب المفرد: ص ٢٠٥ ح ٦٨٨، كنز العمال: ج ٢ ص ١٧٧ ح ٣٦٢٠؛ مَهَجِ الدَّعَوَاتِ: ص ١٦٩ عن الإمام علي عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣٩٤ ح ٣٢.

٤- مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٢٧٨ ح ٢٢٢٤٣، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٦١ ح ٣٨٣٦ نحوه، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٥٥ ح ٢، الدعاء للطبراني: ص ٤٢٥ ح ١٤٤٢، تاريخ دمشق: ج ٢٤ ص ٦٦ ح ٥١٦٢، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٢١ ح ٤٩١١.

٥- فى المصدر : «الأولتان» ، والصواب ما أثبتناه .

٦- الوِقْرُ : الحِمْلُ الثقيل ، وقيل : هو الثقل يحمل على ظهر أو رأس (تاج العروس : ج ٧ ص ٥٩٦ «وقر»).

٧- أَوْبَقَهُ : حبسه ، أو أوبقه : أهلكه (تاج العروس : ج ١٣ ص ٤٧٢ «وبق»).

٨- فلاح السائل : ص ٢٥٣ ح ١٥٤ عن فاطمه بنت الإمام الحسن عليه السلام ، المقنعه : ص ٤٢٩ نحوه ، مصباح المتهجد : ص

٤٠ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٦٤ ح ١٩ .

امام جواد علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه نمازش را تمام می کرد، می گفت: «بار خدایا! هر گناهی را که از پیش تاکنون، و در نهان و آشکار مرتکب شده ام، و هر ستمی را که بر خویشتن کرده ام، و هر خطایی را که تو بدان از من داناتری... بیامرز. خداوندا! دلی سالم و زبانی راستگو از تو درخواست دارم، و برای آنچه تو خود می دانی، از تو آمرزش می خواهم، و خوبی آنچه را می دانی، از تو درخواست می کنم، و از شر آنچه می دانی، به تو پناه می برم؛ زیرا تو می دانی و ما نمی دانیم، و تو دانای نهان هایی.»

صحیح البخاری به نقل از ابو موسی اشعری: از دعاهای همیشگی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این بود: ای پروردگار من! خطا و نادانی مرا و زیاده روی ام در همه کارهایم را، و آنچه را که تو از من، بدان داناتری، بر من بیامرز. بار خدایا! هر گناهی را که به خطا یا به عمد، یا از سر نادانی یا شوخی از من سر زده است و همگی نزد توست، بر من بیامرز. بار خدایا! هر گناهی را که از پیش تاکنون، یا در نهان و آشکار، انجام داده ام، بر من بیامرز، که پس و پیش کردن امور، در دست توست و تو بر هر چیزی توانایی.»

مسند ابن حنبل به نقل از ابو امامه باهلی: پیامبر خدا به سوی ما بیرون آمد... گویا دلمان خواست که برایمان دعایی کند. ایشان گفت: «بار خدایا! ما را بیامرز و بر ما رحم آور و از ما خشنود باش و از ما بپذیر و ما را به بهشت، در آور و از آتش، نجاتمان ده و همه کارهای ما را اصلاح فرما...». دلمان خواست که بیشتر دعا کند. ایشان فرمود: «دعایی جامع، برایتان کردم.»

امام حسن علیه السلام: پیامبر خدا، بین هر دو رکعت از نماز ظهر، دو رکعت اول، این دعا را می خواند: «بار خدایا!... تو را از من، مطالبات [و بازخواست هایی] است، به سبب گناهایی که مرتکب گشته ام و اکنون، در بند آنها هستم؛ گناهایی که کرم را خم نموده اند و مرا به خواری و نابودی کشانده اند. و اگر تو بر من رحم نکنی و مرا نیامرزی، از زیانکاران خواهم بود. بار خدایا! در این گناهان، تکیه و امیدم به توست و به درگاه تو، باز آمده ام. پس بر محمد و خاندان او درود فرست و همه گناهان مرا، از قدیم و جدیدش، و پنهان و آشکارش، و خطا و عمدش، و کوچک و بزرگش، و هر گناهی را که مرتکب شده ام و مقصیرش من هستم، بیامرز. آمرزش قطعی و حتمی، به طوری که حتی یک گناه هم بر جای نگذاری و از آن پس، من نیز هرگز حرامی را به جای نیاورم. طاعت اندکم را از من، بپذیر و از نافرمانی های بسیارم در گذر ای بزرگ که گناه بزرگ را جز شخص بزرگ نمی بخشد...».

رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ ، إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (١)

٩ / ١٢ الاستغفارات المأثورة عن الإمام علي بن أبي طالب من كلمات كان يدعو بها الإمام علي عليه السلام: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي ، فَإِنْ عُدْتُ فَعِيدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا وَأَيْتُ (٢) مِنْ نَفْسِي وَلَمْ تَجِدْ لَهُ وَفَاءً عِنْدِي . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ بِلِسَانِي ثُمَّ خَالَفَهُ قَلْبِي . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي رَمَزَاتِ (٣) الْأَلْحَاطِ ، وَسَيِّقَاتِ الْأَلْفَاظِ ، وَشَهَوَاتِ الْجَنَانِ ، وَهَفَوَاتِ اللِّسَانِ . (٤)

- ١- مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ١٢٤ ح ١٩٥٠٦ ، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٩٢ ح ١٨٨٣ كلاهما عن أبي موسى الأشعري ، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٠٨ ح ٣٧٩١؛ العدد القويّه: ص ١٠١ ، الإقبال: ج ٢ ص ٢٢١ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام نحوه .
- ٢- الوأى: الوعد الذي يوثقه الرجل على نفسه ، ويعزم الوفاء به (النهاية: ج ٥ ص ١٤٤ «وأى»).
- ٣- الرَّمَزُ: الإشارة والإيماء بالشفيتين والحاجب (الصحاح: ج ٣ ص ٨٨٠ «رمز»).
- ٤- نهج البلاغه: الخطبه ٧٨ ، المصباح للكفعمي: ص ٤٠٢ وفيه «سهوات» بدل «شهووات» ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٢٩ ح ٣؛ المناقب للخوارزمي: ص ٣٧٦ وفيه ذيله من «اللهم اغفر لي رمزات» .

الف پاره ای از دعاهای ایشان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! برای هر گناهی که از پیش تاکنون، و هر آنچه در نهان یا آشکار انجام داده ام، از تو آموزش می خواهم، که پس و پیش کردن امور، در دست توست و تو بر هر چیزی توانایی.

۹ / ۲ آموزش خواهی امام علیالف پاره ای از دعاهای ایشان امام علی علیه السلام: بار خدایا! آنچه را [از گناهان و خطاهایم] که تو بدانها از من داناتری، بر من بیامرز، و اگر تکرارشان کردم، تو هم آموزشت را بر من، تکرار کن. بار خدایا! آنچه را با خود عهد کردم، امّا نسبت به آن، وفایی از من ندیدی، بر من بیامرز. بار خدایا! هر آنچه را که به زبان برای تقرّب به تو انجام دادم، ولی در دلم خلاف آن می گذشت، بر من بیامرز. بار خدایا! اشاره های چشم و ابرو [برای تمسخر و آزار دیگران]، و گفتارهای بیهوده و خواهش ها و آرزوهای دل و لغزش های زبان را بر من، بیامرز.

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ ، آمَنْتُ بِكَ مُخْلِصًا لَكَ عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ، أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ سُوءِ عَمَلِي ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِذُنُوبِي الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ ... (١)

بِ مِنْ اسْتِغْفَارِهِ فِي السَّحْرِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامِ مِمَّا كَانَ يَدْعُو بِهِ فِي سَحْرِ كُلِّ لَيْلَةٍ بَعَثَ رَكَعَتِي الْفَجْرِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ جَرَى بِهِ عَلْمِيكَ فِيَّ وَعَلَيَّ إِلَى آخِرِ عُمْرِي ، بِجَمِيعِ ذُنُوبِي لِأَوْلِيهَا وَآخِرِهَا ، وَعَمْدِهَا وَخَطِيئِهَا ، وَقَلْبِهَا وَكَثِيرِهَا ، وَدَقِيقِهَا وَجَلِيلِهَا ، وَقَدِيمِهَا وَخَدِيثِهَا ، وَسِرِّهَا وَعَلَانِيَتِهَا ، وَجَمِيعِ مَا أَنَا مُذْتَبِّهُ ، وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّئَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ مَا أَحْصَيْتَ مِنْ مَظَالِمِ الْعِبَادِ قَبْلِي ، فَإِنَّ لِعِبَادِكَ عَلَيَّ حُقُوقًا أَنَا مُرْتَهَنٌ بِهَا ، تَغْفِرُهَا لِي كَيْفَ شِئْتَ ، وَأَنْتَ شَيْءٌ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (٢)

١- .مُهَجَّ الدعوات : ص ١٥٣ وفي أوله «الدعاء المفضل على كل دعاء لأمر المؤمنين عليه السلام ، وكان يدعو به أمير المؤمنين والباقر والصادق عليهم السلام» ، الإقبال : ج ١ ص ٢٧١ نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٤٠٢ ح ٣٤ .

٢- .المصباح للكفعمي : ص ٩١ ، البلد الأمين : ص ٤٦ ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٣٢٥ ح ١٤ .

ب برخی از آموزش خواهی های ایشان در سحرگاهان

امام علی علیه السلام: خدایا! تو پروردگار منی و من ، بنده تو هستم . به تو ایمان دارم و تا توان دارم ، بر پیمان و وعده تو ، صمیمانه وفادار می مانم. از کردار بدم ، به درگاہت توبه می آورم و به خاطر گناهانم ، از تو آموزش می طلبم ؛ گناہانی که آنها را جز تو ، کسی نمی آموزد....

ب برخی از آموزش خواهی های ایشان در سحرگاهانامام علی علیه السلام از دعاہای ہمیشگی ایشان در سحرگاه هر شب ، پس از دو رکعت نماز صبح : بار خدایا! برای هر گناہی که علم تو ، آن را در من و بر من تا پایان عمرم جاری ساخت، از تو آموزش می خواهم، برای همه گناہانم، از آغاز و انجام آن ، و عمد و خطایش ، و اندک و بسیارش ، و ریز و درشتش ، و قدیم و جدیدش ، و پنهان و پیدایش، و هر آن گناہی که من ، مقصیرش بوده ام، و به درگاہ تو ، توبه می کنم. و از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد ، درود فرستی و تمام مظالم بندگان را که بر گردن من است و تو آنها را شماره کرده ای ، بر من بیامرزی؛ زیرا بندگان را بر من ، حقوقی است که من ، ضامن آنها هستم . اینها را بیامرزی ، آن گونه که خواهی و هر زمان که خواهی، ای مهربان ترین مهربانان!

عنه عليه السلام مِمَّا كَانَ يَقُولُهُ فِي سَيَّحِرِ كُلِّ لَيْلِهِ وَبَعْدَ رَكْعَتِي الْفَجْرِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِمَّا تُبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا أَرَدْتُ بِهِ وَجَهَّكَ فَخَالَطَنِي فِيهِ مَا لَيْسَ لَكَ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِلنَّعْمِ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَوَّيْتُ بِهَا عَلَى مَعَاصِيكَ ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ، لِكُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ ، وَلِكُلِّ مَعْصِيَةٍ ارْتَكَبْتُهَا . اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَقْلاً كَامِلاً ، وَعَزْماً ثَابِقاً (١) ، وَلُباً (٢) رَاجِحاً ، وَقَلْباً زَكِيّاً (٣) ، وَعِلْماً كَثِيراً ، وَأَدْباً بَارِعاً ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ لِي ، وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (٤)

البلد الأمين: كَانَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسْتَغْفِرُ سَبْعِينَ مَرَّةً فِي سَيَّحِرِ كُلِّ لَيْلَةٍ بِعَقِبِ رَكْعَتِي الْفَجْرِ: [١]. اللَّهُمَّ إِنِّي أُثْنِي عَلَيْكَ بِمَعُونَتِكَ عَلَيَّ مَا نِلْتُ بِهِ الشَّاءَ عَلَيْكَ ، وَأُقِرُّ لَكَ عَلَى نَفْسِي بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ ، وَالْمُسْتَوْجِبُ لَهُ فِي قَدْرِ فَسَادِ نَيْتِي وَضَعْفِ يَقِينِي . اللَّهُمَّ نِعْمَ الْإِلَهَ أَنْتَ ، وَنِعْمَ الرَّبُّ أَنْتَ ، وَنِسَّ الْمَرْبُوبُ أَنَا ، وَنِعْمَ الْمَوْلَى أَنْتَ ، وَنِسَّ الْعَبْدُ أَنَا ، وَنِعْمَ الْمَالِكُ أَنْتَ ، وَنِسَّ الْمَمْلُوكُ أَنَا ، فَكَمْ قَدْ أَذْنَبْتُ فَعَفَوْتَ عَن ذَنْبِي ، وَكَمْ قَدْ أَجْرَمْتُ فَصَفَحْتَ عَن جُرْمِي ، وَكَمْ قَدْ أَخْطَأْتُ فَلَمْ تُؤَاخِذْنِي ، وَكَمْ قَدْ تَعَمَّدْتُ فَتَجَاوَزْتَ عَنِّي ، وَكَمْ قَدْ عَثَرْتُ فَأَقْلَنْتَنِي عَثْرَتِي وَلَمْ تَأْخِذْنِي عَلَيَّ غِثْرَتِي ، فَأَنَا الظَّالِمُ لِنَفْسِي ، الْمُقِرُّ بِذَنْبِي ، الْمُعْتَرِفُ بِخَطِيئَتِي ، يَا غَافِرَ الذُّنُوبِ أَسْتَغْفِرُكَ لِذَنْبِي ، وَأَسْتَقِيلُكَ لِعَثْرَتِي ، فَأَحْسِنِ إِجَابَتِي ، فَإِنَّكَ أَهْلُ الْإِجَابَةِ ، وَأَهْلُ التَّقْوَى ، وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ . [٢]. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ قَوَّيْتُ يَدِي عَلَيْهِ بِعَافِيَتِكَ ، أَوْ نَالَتهُ قُدْرَتِي بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ ، أَوْ بَسَيْطْتُ إِلَيْهِ يَدِي بِتَوَسُّعِهِ رِزْقَكَ ، أَوْ احْتَجَبْتُ فِيهِ مِنَ النَّاسِ بِسِتْرِكَ ، أَوْ أَتَكَلَّمْتُ فِيهِ عِنْدَ خَوْفِي مِنْهُ عَلَيَّ أَنْتَ ، وَوَثِقْتُ مِنْ سَيْطَوْتِكَ عَلَيَّ فِيهِ بِحِلْمِكَ ، وَعَوَّلْتُ فِيهِ عَلَيَّ كَرَمَ عَفْوِكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٣]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَدْعُو إِلَيَّ غَضَبِكَ ، أَوْ يُدْنِي مِنِّي سَخَطِكَ ، أَوْ يَمِيلُ بِي إِلَى مَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ ، أَوْ يَبْنَى بِي (٥) عَمَّا دَعَوْتَنِي إِلَيْهِ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٤]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَمَلْتُ إِلَيْهِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ بِغَوَايَتِي ، أَوْ خَدَعْتُهُ بِحِيلَتِي ، فَعَلَّمْتُهُ مِنْهُ مَا جَهَلَ ، وَعَمَّيْتُ عَلَيْهِ مِنْهُ مَا عَلِمَ ، وَلَقَيْتُكَ عَدَا بِأَوْزَارِي وَأَوْزَارٍ مَعَ أَوْزَارِي ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٥]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَدْعُو إِلَيَّ الْغِيَّ (٦) ، وَيُضِلُّ عَنِ الرُّشْدِ ، وَيُقْتَلُ الرُّزْقَ ، وَيَمْحَقُ التَّلَدَّ (٧) ، وَيُخَيِّمُ الذُّكْرَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٦]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَتَعَبْتُ فِيهِ جَوَارِحِي فِي لَيْلِي وَنَهَارِي ، وَقَدْ اسْتَرْتُ مِنْ عِبَادِكَ بِسِتْرِي ، وَلَا سِتْرَ إِلَّا مَا سَتَرْتَنِي ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٧]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ رَصَدْنِي فِيهِ أَعْدَائِي لِهَتَكِي ، فَصَرَفَتْ كَيْدَهُمْ عَنِّي ، وَلَمْ تُعْنِهِمْ عَلَيَّ فَضِيحَتِي ، كَأَنِّي لَمَكْتُ وَلِيٌّ ، فَصَيَّرْتَنِي ، وَإِلَى مَتَى يَا رَبُّ أَعْصَى قَتْمَهُنِي ، وَطَالَمَا عَصَيْتُكَ فَلَمْ تُؤَاخِذْنِي ، وَسَأَلْتُكَ عَلَيَّ سَوْءَ فَعَلِي فَأَعْطَيْتَنِي ، فَأَيُّ شُكْرِ يَقُومُ عِنْدَكَ بِنِعْمِهِ مِنْ نِعْمِكَ عَلَيَّ ! فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٨]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ قَدَّمْتُ إِلَيْكَ فِيهِ تَوْبَتِي ، ثُمَّ وَاجَهْتُ بِتَكْرُمِ قَسَمِي بِكَ (٨) ، وَأَشْهَدْتُ عَلَيَّ نَفْسِي بِذَلِكَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ عِبَادِكَ أَنِّي غَيْرُ عَائِدٍ إِلَى مَعْصِيَتِكَ ، فَلَمَّا قَصَيْتَنِي بِكَيْدِ الشَّيْطَانِ ، وَمَالَ بِي إِلَيْهِ (٩) الْخِذْلَانَ ، وَدَعَوْتَنِي نَفْسِي إِلَى الْعِصْيَانِ ، اسْتَرْتُ حَيَاءً مِنْ عِبَادِكَ ، جُرْأَةً مِنِّي عَلَيْكَ ، وَأَنَا أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَكُنُّنِي مِنْكَ سِتْرٌ وَلَا بَابٌ ، وَلَا يَحْجُبُ نَظْرَكَ إِلَيَّ حِجَابٌ ، فَخَالَفْتُكَ فِي الْمَعْصِيَةِ إِلَيْهِ مَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ ، ثُمَّ كَشَفْتَ السِّتْرَ عَنِّي ، وَسَاوَيْتُ أَوْلِيَاءَكَ كَأَنِّي لَمْ أَزَلْ لَكَ طَائِعًا ، وَإِلَى أَمْرِكَ مُسَارِعًا ، وَمِنْ وَعِيدِكَ فَازِعًا ، فَلَبَّسْتُ عَلَيَّ عِبَادَكَ ، وَلَا يَعْرِفُ بِسِيرَتِي غَيْرُكَ ، فَلَمْ تَسْمَعْ بِي بِغَيْرِ سَمْتِهِمْ ، بَلْ أَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِثْلَ نِعْمِهِمْ ، ثُمَّ فَضَّلْتَنِي فِي ذَلِكَ عَلَيْهِمْ ، كَأَنِّي عِنْدَكَ فِي دَرَجَتِهِمْ ، وَمَا ذَلِكَ إِلَّا بِحِلْمِكَ وَفَضْلِ نِعْمَتِكَ ، فَلَكَ الْحَمْدُ مَوْلَايَ ،

فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ كَمَا سَتَرْتَهُ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا ، أَلَّا تَفْضَحَنِي بِهِ فِي الْقِيَامَةِ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . [٩] اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ سَهَرْتُ لَهُ لَيْلِي فِي النَّاتِي لِأَتْيَانِهِ ، وَالتَّخَلُّصِ إِلَى وُجُودِهِ ، حَتَّى إِذَا أَصْبَحْتُ تَخَطَّاتُ إِلَيْكَ بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ ، وَأَنَا مُضْمِرٌ خِلَافَ رِضَاكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [١٠] اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ ظَلَمْتُ بِسَبَبِهِ وَلِيَا مِنْ أَوْلِيَائِكَ ، أَوْ نَصَرْتُ بِهِ عَدُوًّا مِنْ أَعْدَائِكَ ، أَوْ تَكَلَّمْتُ فِيهِ بِغَيْرِ مَحَبَّتِكَ ، أَوْ نَهَضْتُ فِيهِ إِلَى غَيْرِ طَاعَتِكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [١١] اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَخَالَفْتُكَ إِلَيْهِ ، أَوْ حَذَرْتَنِي إِيَّاهُ فَأَقَمْتُ عَلَيْهِ ، أَوْ قَبَحْتَهُ لِي فَزَيَّنْتُهُ لِنَفْسِي ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [١٢] اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ نَسِيْتُهُ فَأَحْصَيْتُهُ ، وَتَهَاوَنْتُ بِهِ فَأَثَبْتَهُ ، وَجَاهَرْتُكَ (١٠) فِيهِ فَسَتَرْتَهُ عَلَيَّ ، وَلَوْ تَبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ لَعَفَرْتَهُ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [١٣] اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوَقَّعْتُ فِيهِ قَبْلَ انْقِضَائِهِ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ ، فَأَمَهَلْتَنِي وَأَدَلَيْتَ عَلَيَّ سِتْرًا ، فَلَمْ أَلْ (١١) فِي هَتِكِهِ عَنِّي جَهْدًا ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [١٤] اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَصْرِفُ عَنِّي رَحْمَتَكَ ، أَوْ يُحِلُّ بِي نِقْمَتَكَ ، أَوْ يَحْرِمُنِي كَرَامَتَكَ ، أَوْ يُزِيلُ عَنِّي نِعْمَتَكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [١٥] اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يورِثُ الْفَنَاءَ ، أَوْ يُجِلُّ الْبَلَاءَ ، أَوْ يُشِمُّ الْأَعْدَاءَ ، أَوْ يَكْشِفُ الْغَطَاءَ ، أَوْ يَحْبِسُ قَطْرَ السَّمَاءِ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [١٦] اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ عَيَّرْتُ بِهِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ ، أَوْ قَبَحْتُهُ مِنْ فِعْلِ أَحَدٍ مِنْ بَرِيَّتِكَ ، ثُمَّ تَقَحَّمْتُ عَلَيْهِ وَانْتَهَكْتُهُ ، جُرْأَةً مِنِّي عَلَيَّ مَعْصِيَتِكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [١٧] اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تَبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ، وَأَقَدَمْتُ عَلَيَّ فِعْلِهِ ، فَاسْتَحْيَيْتُ مِنْكَ وَأَنَا عَلَيْهِ ، وَرَهَيْتُكَ وَأَنَا فِيهِ ، ثُمَّ اسْتَقَلَّتْكَ مِنْهُ وَعِدْتُ إِلَيْهِ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [١٨] اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ ثَوَّرَكَ عَلَيَّ (١٢) ، وَوَجَّحْتُ فِي فِعْلِي بِسَبَبِ عَهْدِ عَاهِدَتِكَ عَلَيْهِ ، أَوْ عَقَدِ عَقْدَتَهُ لَكَ ، أَوْ ذَمَّهُ آلَيْتُ بِهَا مِنْ أَجْلِكَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ ، ثُمَّ نَقَضْتُ ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرُورِهِ لِرَغْبَتِي فِيهِ ، يَلِيَّ اسْتَزَلَّنِي عَنِ الْوَفَاءِ بِهِ الْبَطْرُ (١٣) ، وَاسْتَحَطَّنِي عَنِ رِعَايَتِهِ الْأَشْرَ (١٤) ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [١٩] اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ لِحَقْنِي بِسَبَبِ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ ، فَقَوَيْتُ بِهَا عَلَيَّ مَعْصِيَتِكَ ، وَخَالَفْتُ بِهَا أَمْرَكَ ، وَقَدِمْتُ بِهَا عَلَيَّ وَعَيْدِكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٢٠] اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ قَدَّمْتُ فِيهِ شَهْوَتِي عَلَيَّ طَاعَتِكَ ، وَآثَرْتُ فِيهِ مَحَبَّتِي عَلَيَّ أَمْرَكَ ، وَأَرْضَيْتُ نَفْسِي فِيهِ بِسَخَطِكَ ، إِذْ رَهَبْتَنِي مِنْهُ بِنَهْيِكَ ، وَقَدِمْتُ إِلَيْكَ فِيهِ بِإِعْذَارِكَ ، وَاحْتَجَجْتُ عَلَيَّ فِيهِ بِوَعِيدِكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٢١] اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ عَلِمْتُهُ مِنْ نَفْسِي ، أَوْ نَسِيْتُهُ أَوْ ذَكَرْتُهُ ، أَوْ تَعَمَّدْتُهُ أَوْ أَخْطَأْتُ ، فِيمَا لَا أَشْكُ أَنَّكَ سَأَلْتَنِي عَنْهُ ، وَأَنَّ نَفْسِي بِهِ مُرْتَهَنَةٌ لِمَدْيِكَ ، وَإِنْ كُنْتُ قَدْ نَسِيْتُهُ وَعَفَلْتُ عَنْهُ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٢٢] اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ وَاجَهْتُكَ بِهِ ، وَقَدْ أَيْقَنْتُ أَنَّكَ تَرَانِي عَلَيْهِ ، وَأَغْفَلْتُ أَنْ أَتُوبَ إِلَيْكَ مِنْهُ ، وَأَنْسَيْتُ أَنْ أَسْتَغْفِرُكَ لَهُ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٢٣] اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ دَخَلْتُ فِيهِ بِحَسَنِ ظَنِّي بِكَ أَلَّا تُعَيِّدَنِي عَلَيْهِ ، وَرَجَوْتُكَ لِمَغْفِرَتِهِ فَأَقَدَمْتُ عَلَيْهِ ، وَقَدْ عَوَّلْتُ نَفْسِي عَلَيَّ مَعْرِفَتِي بِكَرَمِكَ ، أَلَّا تَفْضَحَنِي بَعْدَ أَنْ سَتَرْتَهُ عَلَيَّ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٢٤] اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَوْجَبْتُ مِنْكَ بِهِ رَدَّ الدُّعَاءِ ، وَحِرْمَانَ الْإِجَابَةِ ، وَخِيَبَةَ الطَّمَعِ ، وَانْفِسَاخَ الرَّجَاءِ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٢٥] اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُعَقِّبُ الْحَسْرَةَ ، وَيورِثُ النَّدَامَةَ ، وَيَحْبِسُ الرِّزْقَ ، وَيُرَدُّ الدُّعَاءَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٢٦] اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يورِثُ الْأَسْقَامَ وَالْفَنَاءَ ، وَيوجبُ النَّقْمَ وَالْبَلَاءَ ، وَيَكُونُ فِي الْقِيَامَةِ حَسْرَةً وَنَدَامَةً ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٢٧] اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مِدَحْتُهُ بِلِسَانِي ، أَوْ

أَضْمَرَهُ جَنَانِي ، أَوْ هَشَّتْ (١٥) إِلَيْهِ نَفْسِي ، أَوْ أَتَيْتُهُ بِفَعَالِي ، أَوْ كَتَبْتُهُ بِيَدِي ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٢٨]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ خَلَوْتُ بِهِ فِي لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ ، وَأُرَخِيتُ عَلَيَّ فِيهِ الْأَسْتَارَ ، حَيْثُ لَا يَرَانِي إِلَّا أَنْتَ يَا جَبَّارُ ، فَارْتَابَتْ فِيهِ نَفْسِي ، وَمَيَّزْتُ بَيْنَ تَرْكِهِ لِخَوْفِكَ وَانْتِهَاكِهِ لِحُسْنِ الظَّنِّ بِكَ ، فَسَوَّلْتُ لِي نَفْسِي الْإِقْدَامَ عَلَيْهِ ، فَوَاقَعْتُهُ وَأَنَا عَارِفٌ بِمَعْصِيَتِي فِيهِ لِمَكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٢٩]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَقْلَلْتُهُ أَوْ اسْتَكْرَهْتُهُ ، أَوْ اسْتَعْظَمْتُهُ أَوْ اسْتَصْغَرْتُهُ ، أَوْ وَرَطَنْتِي بِهِ فِيهِ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٣٠]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مَالَأْتُ (١٦) فِيهِ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ ، أَوْ أَسَأْتُ بِسَبَبِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ بَرِيَّتِكَ ، أَوْ زَيَّنْتُهُ لِي نَفْسِي ، أَوْ أَشْرْتُ بِهِ إِلَى غَيْرِي ، أَوْ ذَلَلْتُ عَلَيَّ سِوَايَ ، أَوْ أَصْرَرْتُ عَلَيْهِ بِعَمْدِي ، أَوْ أَقَمْتُ عَلَيْهِ بِجَهْلِي ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٣١]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ خُنْتُ فِيهِ أَمَانَتِي ، أَوْ بَخَسْتُ بِفِعْلِهِ نَفْسِي ، أَوْ أَخْطَأْتُ بِهِ عَلَيَّ يَدَنِي ، أَوْ أَثَرْتُ فِيهِ شَهْوَانِي ، أَوْ قَدَّمْتُ فِيهِ لَذَاتِي ، أَوْ سَعَيْتُ فِيهِ لِغَيْرِي ، أَوْ اسْتَعْوَيْتُ إِلَيْهِ مِنْ تَابَعْنِي ، أَوْ كَاثَرْتُ فِيهِ مَنْ مَنَعْنِي ، أَوْ قَهَرْتُ عَلَيْهِ مَنْ غَالَبَنِي ، أَوْ غَلَبْتُ عَلَيْهِ بِحِيلَتِي ، أَوْ اسْتَرْلَنْتِي إِلَيْهِ مِيلِي ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٣٢]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَعَنْتُ عَلَيْهِ بِحِيلَةٍ تُدْنِي مِنْ غَضَبِكَ ، أَوْ اسْتَظْهَرْتُ بِنِيلِهِ عَلَيَّ أَهْلَ طَاعَتِكَ ، أَوْ اسْتَمَلْتُ بِهِ أَحَدًا إِلَى مَعْصِيَتِكَ ، أَوْ رَأَيْتُ فِيهِ عِبَادَكَ ، أَوْ لَبَسْتُ عَلَيْهِمْ بِفَعَالِي ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٣٣]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ كَتَبْتُهُ عَلَيَّ بِسَبَبِ عَجَبٍ كَانَ مِنِّي بِنَفْسِي ، أَوْ رِيَاءٍ ، أَوْ سُمْعَةٍ ، أَوْ خِيَلَاءٍ ، أَوْ فَرْحٍ ، أَوْ حَقْدٍ ، أَوْ مَرَحٍ ، أَوْ أَشْرٍ ، أَوْ بَطْرٍ ، أَوْ حِمِيَةٍ ، أَوْ عَصِيَّةٍ ، أَوْ رِضَا ، أَوْ سَخَطٍ ، أَوْ سَخَاءٍ ، أَوْ شُحٍّ ، أَوْ ظُلْمٍ ، أَوْ خِيَانَةٍ ، أَوْ سِرْقَةٍ ، أَوْ كَذِبٍ ، أَوْ نَمِيمَةٍ ، أَوْ لَهْوٍ ، أَوْ لَعِبٍ ، أَوْ نَوْعٍ مِمَّا يُكْتَسَبُ بِمِثْلِهِ الذُّنُوبُ ، وَيَكُونُ فِي اجْتِرَاحِهِ الْعَطْبُ (١٧) ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٣٤]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ سَبَقَ فِي عِلْمِكَ أَنْتَى فَاعِلُهُ ، بِقُدْرَتِكَ الَّتِي قَدَّرْتَ بِهَا عَلَيَّ كُلَّ شَيْءٍ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٣٥]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ رَهَبْتُ فِيهِ سِوَاكَ ، أَوْ عَادَيْتُ فِيهِ أَوْلِيَاءَكَ ، أَوْ وَالَيْتُ فِيهِ أَعْدَاءَكَ ، أَوْ خَدَلْتُ فِيهِ أَحْبَابَكَ ، أَوْ تَعَرَّضْتُ فِيهِ لِشَيْءٍ مِنْ غَضَبِكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٣٦]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تُبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ، ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ ، وَنَقَضْتُ الْعَهْدَ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ جُرْأَةً مِنِّي عَلَيْكَ ، لِمَعْرِفَتِي بِكَرَمِكَ وَعَفْوِكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٣٧]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَدْنَانِي مِنْ عِيَابِكَ ، أَوْ نَانِي (١٨) عَنْ ثَوَابِكَ ، أَوْ حَجَبَ عَنِّي رَحْمَتِكَ ، أَوْ كَادَّرَ عَلَيَّ نِعْمَتِكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٣٨]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ حَلَلْتُ بِهِ عَقْدًا شَدَدْتُهُ ، أَوْ حَزَمْتُ بِهِ نَفْسِي خَيْرًا وَعَدَدْتَنِي بِهِ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٣٩]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ ارْتَكَبْتُهُ بِشُمُولِ عَافِيَتِكَ ، أَوْ تَمَكَّنْتُ مِنْهُ بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ ، أَوْ قَوَيْتُ عَلَيْهِ بِسَابِغِ رِزْقِكَ ، أَوْ خَيْرٍ أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ ، فَخَالَطَنِي فِيهِ وَشَارَكَ فِعْلِي مَا لَا يَخْلُصُ لَكَ ، أَوْ وَجَبَ عَلَيَّ مَا أَرَدْتُ بِهِ سِوَاكَ ، فَكَثِيرٌ مَا يَكُونُ كَذَلِكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٤٠]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ دَعَيْتَنِي الرُّحْصَةَ فَحَلَلْتُهُ لِنَفْسِي ، وَهُوَ فِيمَا عِنْدَكَ مُحَرَّمٌ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٤١]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ خَفَيْ عَنْ خَلْقِكَ ، وَلَمْ يَعْرُبْ عَنْكَ ، فَاسْتَقْلَلْتِكَ مِنْهُ فَاقْلَتَنِي ، ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ فَسَرَّتَهُ عَلَيَّ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٤٢]. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ خَطَوْتُ إِلَيْهِ بِرَجْلِي ، أَوْ مَدَدْتُ إِلَيْهِ يَدِي ، أَوْ تَأَمَّلْتُه بَصْرِي ، أَوْ أَصْغَيْتُ إِلَيْهِ بِسَمْعِي ، أَوْ نَطَقْتُ بِهِ لِسَانِي ، أَوْ أَنْفَقْتُ فِيهِ مَا رَزَقْتَنِي ، ثُمَّ اسْتَرْزَقْتِكَ عَلَيَّ عِصْيَانِي فَرَزَقْتَنِي ، ثُمَّ اسْتَعَنْتُ بِرِزْقِكَ عَلَيَّ مَعْصِيَتِكَ فَسَرَّتَ عَلَيَّ ، ثُمَّ سَأَلْتُكَ الزِّيَادَةَ فَلَمْ تُحَيِّنِي ، وَجَاهَرْتُكَ فِيهِ فَلَمْ تَفْضَحْنِي ، فَلَا أَزَالُ مُصِرًّا عَلَيَّ مَعْصِيَتِكَ ، وَلَا تَزَالُ عَائِدًا عَلَيَّ بِحِلْمِكَ وَمَغْفِرَتِكَ ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ

الغافرين . [٤٣] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُوْجِبُ عَلَيَّ صَغِيرُهُ أَلِيمَ عَذَابِكَ ، وَيُجَلِّ بِي كَبِيرُهُ شَدِيدَ عِقَابِكَ ، وَفِي إِيَابِهِ تَعَجِيلُ نَقْمَتِكَ ، وَفِي الْإِصْرَارِ عَلَيْهِ زَوَالُ نِعْمَتِكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٤٤] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ سِوَاكَ ، وَلَا عَلِمَهُ أَحَدٌ غَيْرُكَ ، وَلَا يُنَجِّنِي مِنْهُ إِلَّا حِلْمُكَ ، وَلَا يَسِيْعُهُ إِلَّا عَفْوُكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٤٥] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُزِيلُ النَّعْمَ ، أَوْ يُجَلِّ النَّقْمَ ، أَوْ يُعَجِّلُ الْعَيْدَ ، أَوْ يُكْثِرُ النَّدَمَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٤٦] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَمَحُوقُ الْحَسَنَاتِ ، وَيُضَاعِفُ السَّيِّئَاتِ ، وَيُعَجِّلُ النَّقْمَاتِ ، وَيُعْضِبُكَ يَا رَبَّ السَّمَاوَاتِ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٤٧] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَنْتَ أَحَقُّ بِمَعْرِفَتِهِ إِذْ كُنْتَ أَوْلَى بِسِتْرَتِهِ ، فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٤٨] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تَجَهَّمْتُ (١٩) فِيهِ وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِكَ ، مُسَاعِدَةً فِيهِ لِأَعْدَائِكَ ، أَوْ مِيلًا مَعَ أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ عَلَى أَهْلِ طَاعَتِكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٤٩] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَلْبَسَنِي كِبْرَهُ (٢٠) ، وَإِنْهَمَا كَى فِيهِ ذَلَّةً ، أَوْ آيَسَنِي مِنْ وُجُودِ رَحْمَتِكَ ، أَوْ قَصَّرَ بِي الْيَأْسُ عَنِ الرَّجُوعِ إِلَى طَاعَتِكَ ، لِمَعْرِفَتِي بِعَظِيمِ جُرْمِي وَسُوءِ ظَنِّي بِنَفْسِي ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٥٠] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَوْرَدَنِي الْهَلَكَةَ لَوْلَا رَحْمَتُكَ ، وَأَحْلَنِي دَارَ الْبُورِ لَوْلَا تَعَمُّدُكَ ، وَسَيَّلَكَ بِي سَبِيلَ النَّجَى لَوْلَا رُشْدُكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٥١] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَلْهَانِي عَمَّا هَيَّدَيْتَنِي إِلَيْهِ ، أَوْ أَمَرْتَنِي بِهِ أَوْ نَهَيْتَنِي عَنْهُ ، أَوْ دَلَلْتَنِي عَلَيْهِ فِيمَا فِيهِ الْحَظُّ لِي لِلْبُلُوغِ رِضَاكَ ، وَإِثَارِ مَحَبَّتِكَ ، وَالْقُرْبِ مِنْكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٥٢] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَرُدُّ عَنْكَ دُعَائِي ، أَوْ يَقَطِّعُ مِنْكَ رَجَائِي ، أَوْ يُطِيلُ فِي سَخَطِكَ عَنَّا ، أَوْ يَقْصُرُ عِنْدَكَ أَمْلِي ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٥٣] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُمِيتُ الْقَلْبَ ، وَيُشْعِلُ الْكَرْبَ (٢١) ، وَيُرِضِي الشَّيْطَانَ ، وَيُسَخِّطُ الرَّحْمَنَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٥٤] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُعَقِّبُ الْيَأْسَ مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَالْقُنُوطَ مِنْ مَغْفِرَتِكَ ، وَالْحِرْمَانَ مِنْ سَعَةِ مَا عِنْدَكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٥٥] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مَقَّتْ نَفْسِي عَلَيْهِ إِجْلَالًا لَكَ ، فَأَظْهَرْتُ لَكَ التَّوْبَةَ فَقَبِلْتَ ، وَسَأَلْتُكَ الْعَفْوَ فَعَفَوْتَ ، ثُمَّ مَالَ بِي الْهَوَى إِلَى مُعَاوَدَتِهِ طَمَعًا فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ وَكَرِيمِ عَفْوِكَ ، نَاسِيًا لِوَعِيدِكَ ، رَاجِيًا لِجَمِيلِ وَعْدِكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٥٦] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يورثُ سَوَادَ الْوُجُوهِ ، يَوْمَ تَبَيَّضُ وُجُوهُ أَوْلِيَائِكَ وَتَسْوَدُ وُجُوهُ أَعْدَائِكَ ، إِذْ أَقْبَلَ «بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَوَّمُونَ» (٢٢) ، فَقِيلَ لَهُمْ : «لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيْيَ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ» (٢٣) فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٥٧] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَدْعُو إِلَى الْكُفْرِ ، وَيُطِيلُ الْفِكْرَ ، وَيُورِثُ الْفَقْرَ ، وَيَجْلِبُ الْعُسْرَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٥٨] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُدْنِي الْأَجَالَ ، وَيَقَطِّعُ الْأَمَالَ ، وَيَبْتَرُ الْأَعْمَارَ ، فَهَتْ بِهِ أَوْ صَيَّمَتْ عَنْهُ ، حَيَاءً مِنْكَ عِنْدَ ذِكْرِهِ ، أَوْ أَكْنَنَتْهُ فِي صَدْرِي ، أَوْ عَلِمْتَهُ مِنِّي ، فَإِنَّكَ تَعَلَّمُ السَّرَّ وَأَخْفَى ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٥٩] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَكُونُ فِي اجْتِرَاحِهِ قَطْعُ الرِّزْقِ ، وَرُدُّ الدُّعَاءِ ، وَتَوَاتُرُ الْبَلَاءِ ، وَوُرُودُ الْهَمُومِ ، وَتَضَاعُفُ الْعُمُومِ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٦٠] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُبَغِّضُنِي إِلَى عِبَادِكَ ، وَيُنْفِرُ عَنِّي أَوْلِيَاءَكَ ، أَوْ يُوْحِشُ مِنِّي أَهْلَ طَاعَتِكَ ، لِوَحْشِهِ الْمَعَاصِي ، وَرُكُوبِ الْحُوبِ (٢٤) ، وَكَآبِهِ الدُّنُوبِ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٦١] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ دَلَّسْتُ بِهِ مِنِّي مَا أَظْهَرْتَهُ ، أَوْ كَشَفْتُ عَنِّي بِهِ مَا سَتَرْتَهُ ، أَوْ قَبَّحْتُ بِهِ مِنِّي مَا زَيَّنْتَهُ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٦٢] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ لَا يُنَالُ بِهِ عَهْدُكَ ، وَلَا يُؤْمَنُ مَعَهُ غَضَبُكَ ، وَلَا تَنْزِلُ مَعَهُ رَحْمَتُكَ ، وَلَا تَدُومُ

مَعَهُ نِعْمَتُكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٦٣] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَخَفَيْتَ لَهُ ضَوْءَ النَّهَارِ مِنْ عِبَادِكَ ، وَبَارَزْتُ بِهِ فِي ظُلْمَةِ اللَّيْلِ جُرْأَةً مَنَى عَلَيْكَ ، عَلَى أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّ السِّرَّ عِنْدَكَ عَلَانِيَةً ، وَأَنَّ الْخَفِيَّةَ عِنْدَكَ بَارِزَةٌ ، وَأَنَّهُ لَنْ يَمْنَعَنِي مِنْكَ مَانِعٌ ، وَلَا يَنْفَعَنِي (٢٥) عِنْدَكَ نَافِعٌ ، مِنْ مَالٍ وَبَنِينَ ، إِلَّا أَنْ أَتَيْتَكَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٦٤] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُوْرِثُ النَّسْيَانَ لِذِكْرِكَ ، وَيُعَقِّبُ الْغَفْلَةَ عَن تَحْذِيرِكَ ، أَوْ يُمَادِي فِي الْأَمْنِ مِنْ مَكْرِكَ ، أَوْ يُطْمِعُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنْ عِنْدِ غَيْرِكَ ، أَوْ يُؤَيِّسُ مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٦٥] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ لِحَقْنِي بِسَبَبِ عَتْبِي عَلَيْكَ فِي احْتِبَاسِ الرِّزْقِ عَنِّي ، وَإِعْرَاضِي عَنكَ وَمِيلِي إِلَى عِبَادِكَ بِالِاسْتِكَانِهِ (٢٦) لَهُمْ وَالتَّضَرُّعِ إِلَيْهِمْ ، وَقَدْ أَسْمَعْتَنِي قَوْلَكَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ «فَمَا اسْتَكَانُوا لِزُبَيْهِمْ وَمَا يَنْضَرُّعُونَ» (٢٧) ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٦٦] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ لَزِمَنِي بِسَبَبِ كُرْبِهِ اسْتَعْنَتْ عِنْدَهَا بِغَيْرِكَ ، أَوْ اسْتَبَدَدْتُ بِأَحَدٍ فِيهَا دُونَكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٦٧] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ حَمَلَنِي عَلَى الْخَوْفِ مِنْ غَيْرِكَ ، أَوْ دَعَانِي إِلَى التَّوَاضُعِ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ ، أَوْ اسْتِمَالَنِي إِلَيْهِ الطَّمْعُ فِيمَا عِنْدَهُ ، أَوْ زَيْنَ لِي طَاعَتَهُ فِي مَعْصِيَتِكَ اسْتِجْرَارًا لِمَا فِي يَدِهِ ، وَأَنَا أَعْلَمُ بِحَاجَتِي إِلَيْكَ ، لَا غِنَى لِي عَنكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٦٨] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مَدَحْتَهُ بِلِسَانِي ، أَوْ هَشَّتْ إِلَيْهِ نَفْسِي ، أَوْ حَسَنْتُهُ بِفَعَالِي ، أَوْ حَثَّتْ عَلَيْهِ بِمَقَالِي ، وَهُوَ عِنْدَكَ قَبِيحٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٦٩] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مَثَلْتُهُ فِي نَفْسِي اسْتِقْلَالًا لَهُ ، وَصَيَّرْتُ لِي اسْتِصْغَارَهُ ، وَهَيَّوْنَتُ عَلَيَّ الْإِسْتِخْفَافَ بِهِ حَتَّى أَوْزَطْنِي (٢٨) فِيهِ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . [٧٠] . اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ جَرَى بِهِ عَلَيَّ ، فِيَّ وَعَلَيَّ إِلَى آخِرِ عُمُرِي بِجَمِيعِ ذُنُوبِي لِأَوْلَاهَا وَآخِرِهَا ، وَعَمْدِهَا وَخَطِيئَتِهَا ، وَقَلِيلِهَا وَكَثِيرِهَا ، وَدَقِيقِهَا وَجَلِيلِهَا ، وَقَدِيمِهَا وَخَدِيثِهَا ، وَسِرِّهَا وَعَلَانِيَتِهَا ، وَجَمِيعِ مَا أَنَا مُذْنِبُهُ ، وَأَتُوبُ إِلَيْكَ ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ مَا أَحْصَيْتَ مِنْ مَظَالِمِ الْعِبَادِ قَبْلِي ، فَإِنَّ لِعِبَادِكَ عَلَيَّ حُقُوقًا أَنَا مُرْتَهَنٌ بِهَا ، تَغْفِرُهَا لِي كَيْفَ شِئْتَ وَأَنِّي شِئْتُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (٢٩)

١- .الثَّاقِبُ : الْمُضْيء (تاج العروس : ج ١ ص ٣٣٩ «ثقب»).

٢- .اللُّبُّ : الْعَقْل (الصحاح : ج ١ ص ٢١٦ «لب»).

٣- .فِي الْمَصْدَرِ : «ذَكِيَا» ، وَالتَّصْوِيبُ مِنْ بَحَارِ الْأَنْوَارِ .

٤- .الْمَصْبَاحُ لِلْكَفْعَمِيِّ : ص ٩٢ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٨٧ ص ٣٢٥ ح ١٤ ؛ شَرْحُ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ : ج ٦ ص ١٩٧ نَحْوَهُ وَليْسَ فِيهِ ذِيْلَهُ مِنْ «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي» .

٥- .يُنَآئِي : يُبْعِدُنِي (أنظر : لسان العرب : ج ١٥ ص ٣٠٠ «نأى»). . وَفِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ : «يُنَآئِي بِي» .

٦- .الْعَيُّ : الضَّلَالُ وَالْإِنْهَمَاقُ فِي الْبَاطِلِ (النهاية : ج ٣ ص ٣٩٧ «غوا»).

٧- .التَّلْمُدُ وَالتَّلْمُدُ : مَا وُلِدَ عِنْدَكَ مِنْ مَالِكَ أَوْ تُنْتِجُ (لسان العرب : ج ٣ ص ٩٩ «تلد»). . وَفِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ : «يَمْحُو الْبِرْكَه» بِدَلِ «يَمْحَقُ التَّلْد» .

٨- .«بِتَكْرَمِ قِسْمِي بِكَ» أَي بَتَنَزَّهِي عَنِ الذَّنْبِ مَقْرُونًا بِقِسْمِي وَحَلْفِي بِكَ ، يُقَالُ : تَكْرَمَ عَنْهُ أَي تَنَزَّهَ أَوْ يَظْهَرُ الْكِرْمَ وَالْجُودَ

- من الناس وتكَلَّفهما بترك الذنب مقرونا بالقسم ، يقال : تكَرَّم أى تكَلَّف الكرم أو بتكَلَّف إظهار كرامه الاسم عنده حيث حلف به ، ولا يبعد أن يكون : «يتكَّر» بالراءين (بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٣٣٦) .
- ٩- «مال إليه» أى إلى الشيطان أو العصيان ، والأوّل أظهر . والخذلان أى خذلانك وسلبك التوفيق منى (بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٣٣٦) .
- ١٠- فى بحار الأنوار : «جاهرت به» بدل «جاهرتك فيه» .
- ١١- ما ألوتُ جهداً ، أى لم أَدع جهداً ، وما ألوتُ الشىء : ما تركته (تاج العروس : ج ١٩ ص ١٦٤ «ألو»)
- ١٢- «تورك على» أى هَيَّجك وأغضبك ، ولعلّ الأظهر : تورك . قال الفيروزآبادى : «تورك بالمكان : أقام ، وعلى الأمر : قدر ، وورَّكه توريكاً : أوجبه ، والذنب عليه : حملة» (بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٣٣٦) .
- ١٣- البَطْرُ : الطغيان عند النعمة وطول الغنى (النهاية : ج ١ ص ١٣٥ «بطر»)
- ١٤- الأَشْرُ : البَطْرُ ، وقيل : أشدّ البطر (النهاية : ج ١ ص ٥١ «أشر»)
- ١٥- هَشَّ لهذا الأمر : إذا فرح به واستبشر (النهاية : ج ٥ ص ٢٦٤ «هشش»)
- ١٦- مالات : ساعدت أو عاونت (أنظر تاج العروس : ج ١ ص ٢٥٣ «ملا»)
- ١٧- العَطَبُ : الهلاك (النهاية : ج ٣ ص ٢٥٦ «عطب»)
- ١٨- نَأَى : أبعدنى (أنظر : لسان العرب : ج ١٥ ص ٣٠٠ «نأى»)
- ١٩- يتجهَّمُنَى : أى يلقانى بالغلظه والوجه الكريه (النهاية : ج ١ ص ٣٢٣ «جهم»)
- ٢٠- الكَبِيرَةُ : كَالِكَبْرِ ، التأنيث للمبالغه (لسان العرب : ج ٥ ص ١٢٩ «كبر»)
- ٢١- الكَرْبُ : الحُزْنُ والغَمُّ الذى يأخذ بالنفس (تاج العروس : ج ٢ ص ٣٦٦ «كرب»)
- ٢٢- القلم : ٣٠ .
- ٢٣- بق : ٢٨ .
- ٢٤- الحَوْبُ : الإثم وتُفتَح الحاء وتُضمّ (النهاية : ج ١ ص ٤٥٥ «حوب»)
- ٢٥- فى المصدر : «يسعنى» ، وما فى المتن أثبتناه من بحار الأنوار .
- ٢٦- استَكَانَ : خَضَعَ وذَلَّ (تاج العروس : ج ١٨ ص ٢٨٩ «سكن»)
- ٢٧- المؤمنون : ٧٦ .
- ٢٨- وَرَطَ : إذا وقع فى بليته يعسر المخرج منها (النهاية : ج ٥ ص ١٧٤ «ورط»)
- ٢٩- البلد الأمين : ص ٣٨ ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٣٢٦ ح ١٦ .

امام علی علیه السلام از دعای ایشان در سحرگاه هر شب، پس از نماز صبح: بار خدایا! برای آنچه از آن توبه کردم، اما دگر باره انجامش دادم، از تو آمرزش می خواهم. برای آنچه قصدم از آن، رضایت تو بود؛ امّا غیر تو با آن آمیخته شد، از تو آمرزش می خواهم. برای نعمت هایی که به من ارزانی داشتی؛ امّا از آن، در معاصی تو کمک گرفتم. از تو آمرزش می خواهم، از خدایی که معبودی نیست، جز او زنده جاویدان و دانای نهان و آشکار و مهرگستر مهربان، برای هر گناهی که انجام دادم و برای هر نافرمانی ای که مرتکب شدم، آمرزش می خواهم. بار خدایا! مرا خردی کامل و تصمیمی روشن و اندیشه ای وزین و دلی پاک و دانشی بسیار و ادبی سرآمد، روزی فرما، و این همه را به سود من قرار ده و بر زیانم مدار، به رحمت، ای مهربان ترین مهربانان.

البلد الامین امام علی علیه السلام در سحرگاهان هر شب، پس از نماز صبح، هفتاد بار، آمرزش می طلبید: [۱]. بار خدایا! تو را ثنا می گویم، با آن ثنایی که به کمک خود تو، بدان دست یافته ام و در پیشگاه تو، علیه خود اعتراف می کنم به چیزی که تو، سزاوار آن هستی و مستوجب آنی، به اندازه نیت تباہ و یقین ضعیفم. بار خدایا! چه نیکو معبودی هستی تو! چه نیکو سروری هستی تو، و چه بد غلامی هستم من! چه نیکو سروری هستی تو، و چه بد بنده ای هستم من! چه نیکو مالکی هستی تو. و چه بد مملوکی هستم من؛ زیرا، چه بسیار گناهانی که کردم و تو، گناهانم را بخشیدی، و چه بسیار جرم ها که کردم و تو از جرمم در گذشتی، و چه بسیار اشتباهاتی که از من، سرزد و تو، مؤاخذه ام نکردی، و چه بسیار نافرمانی ها که به عمد، مرتکب شدم و تو، از من گذشت کردی، و چه بسیار لغزش ها که داشتم و تو، از لغزش هایم چشم پوشیدی و غافلگیرم نساختی! پس، این منم که بر خویشتم، ستم کردم. به گناه خویش، اقرار دارم و به خطاهای خود، معترفم. اینک ای آمرزنده گناهان، برای گناهانم از تو آمرزش می طلبم و برای لغزش هایم، از تو پوزش می خواهم. پس، نیکو اجابت فرما که تو، اهل اجابت کردن و شایسته پرهیزگاری و اهل آمرزشی. [۲]. بار خدایا! من، از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که بدنم، در سایه عافیت بخشی تو، بر آن توانا گشت، یا توانایی ام به لطف نعمت تو، به آن رسید، یا دستم را به سبب گشایش روزی تو، به سوی آن دراز کردم، یا بر اثر پرده پوشی تو، مردم، از آن گناه من، آگاه نشدند، یا آن گاه که از آن ترسیدم، بر شکیبایی تو تکیه کردم، و بردباری تو، به من اطمینان داد که برای آن گناه، بر من یورش نمی آوری و به عفو کریمانه تو، پشت گرم بودم. پس، بر محمّد و خاندان او درود فرست و این گناهانم را بر من، بیامر، ای بهترین آمرزندگان! [۳]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که باعث خشم تو شود، یا به ناخشنودی تو نزدیک سازد، یا مرا به آنچه از آن نهی ام کردی، متمایل گرداند، یا مرا از آنچه بدان فرایم خوانده ای، دور کند. پس، بر محمّد و خاندان او درود فرست و چنین گناهی را بر من بیامر، ای بهترین آمرزندگان! [۴]. بار خدایا! و از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که با اغواگری خود، فردی از آفریدگانت را به آن کشاندم، یا با حيله گری خود، او را فریتم و از آن گناه، چیزهایی را هم که او نمی دانست، به او یاد دادم، یا چیزهایی را که در باره آن می دانست، چشمانش را بر آنها بستم، و فردا [ای قیامت] با بار گناهان خودم و دیگران، به دیدار تو بیایم. پس، بر محمّد و خاندان او درود فرست و چنین گناهی را بر من بیامر، ای بهترین آمرزندگان! [۵]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که به گم راهی کشاندم و از راه راست، به در برد و روزی را بکاهد و برکت از مال و دام ببرد و گم نامی آورد. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و چنین

گناهی را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۶]. بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که شب و روز، اعضای بدنم را در آن، خسته کردم و خود را با پوشش خویش، از بندگان تو پوشاندم، و در حقیقت، این پوشش [و ستیاریت] تو بود که مرا پوشاند [و در میان مردم، رسوایم نساخت]. پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و چنین گناهی را بر من بیامرز، ای بهترین آفرینندگان! [۷]. بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که دشمنانم در آن، به کمین من نشستند تا رسوایم کنند؛ ولی تو نیرنگ آنان را از من، دور ساختی و بر رسوا نمودم، کمکشان نکردی، [چنان که] گویی من، دوست تو هستم و یاری ام کردی. تا کی ای پروردگار، من تو را نافرمانی کنم و تو مهلتم دهی. بارها تو را نافرمانی کردم و تو، مرا مؤاخذه نکردی و با همه بدکرداری ام از تو خواستم و تو، عطایم کردی. پس، کدام شکر است که از عهده نعمتی از نعمت های تو به من بر آید؟! پس، بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و چنین گناهانی را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۸]. بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که از آن، به درگاه تو توبه آوردم و سوگند خوردم که از آن، دوری کنم و دوستان از بندگان تو را هم در این باره، گواه گرفتم که دیگر، از تو نافرمانی نخواهم کرد؛ امّا چون شیطان، با نیرنگ خویش به سراغ من آمد و بی توفیقی هم مرا به سوی او متمایل ساخت و نفسم به نافرمانی فرایم خواند، در پس پرده به گناه پرداختم که از بندگانت شرم کردم؛ لیکن بر تو گستاخی نمودم، در حالی که می‌دانم هیچ پرده ای و هیچ دری، مرا از تو نمی‌پوشاند، و هیچ حجابی نمی‌تواند مانع دیدن من به وسیله تو شود؛ لیکن من از تو نافرمانی کردم و به آنچه مرا از آن نهی کرده بودی، روی آوردم، و با این حال، آن گاه که پرده را از من کنار زدی، خودم را با دوستانت برابر دیدم، چنان که گویی همواره فرمان بردار تو بوده‌ام و پیوسته، در انجام دادن فرمان تو می‌شتافتم ام و از تهدیدات تو، بیمناک بوده‌ام. از این رو، بر بندگانت پوشیده ماندم و غیر از تو، کسی سیرت مرا نمی‌شناسد؛ زیرا مرا با نشانی غیر از نشان آنان، نشاندار نساختی [و نشان نافرمانی و گنهکاری بر من نهادی که در نتیجه، از بقیه متمایز شوم]؛ بلکه مرا نیز همچون آنان، غرق در نعمت‌ها ساختی، و حتی در این باره، بر آنان برتری ام دادی. گویی من در نزد تو، هم درجه ایشانم. و این نیست، جز بر اثر بردباری تو و به لطف بنده نوازی ات. پس، تو را ستایش، ای سرور من! از تو درخواست می‌کنم ای خدا تا همچنان که در دنیا بر من پرده پوشی کردی، در قیامت نیز رسوایم نگردانی، ای مهربانان! [۹]. بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که شب خویش را با حوصله بیدار ماندم تا آن گناه را انجام دهم و بدان، دست زدم، و چون صبح کردم، در جامه خوبان، به سوی تو آمدم، در حالی که خلاف رضایت تو را در دل می‌پروراندم، ای پروردگار جهانیان! پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و چنین گناه مرا بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۱۰]. بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که به سبب آن، بر دوستی از دوستانت ستم کردم، یا به دشمنی از دشمنانت یاری رساندم، یا در آن به غیر دوستی تو سخن گفتم، یا به غیر طاعت تو پرداختم. پس، بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و این گناه مرا بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۱۱]. بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که مرا از آن، نهی کردی و من در آن، از تو سرپیچی کردم، یا مرا از آن بر حذر داشتی و من به آن پرداختم، یا آن را در نظرم زشت داشتی؛ لیکن من، آن را برای خود، زیبا جلوه دادم. پس، بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و این گناه را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۱۲]. بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که من، آن را فراموش کرده‌ام و تو، شماره اش کرده‌ای و من، آن را کوچک شمردم و تو، یادداشتش کردی و من، در آن با تو پرده دری کردم و تو، پرده پوشی کردی و اگر از آن به درگاه تو توبه آورده بودم، بی گمان، آن را می‌آمرزیدی. پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۱۳]. بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم

برای هر گناهی که انتظار داشتم [حتی] پیش از به پایان رسیدنش، کیفرده‌ی، اما تو مهلتم دادی و بر من، پرده پوشی کردی و من، در پرده دری، از هیچ کوششی مضایقه نکردم. پس، بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آموزندگان! [۱۴]. بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که رحمت تو را از من، باز می‌دارد، یا خشم تو را بر من، فرود می‌آورد، یا مرا از کرامت تو، محروم می‌سازد، یا نعمت را از من، زایل می‌گرداند. پس، بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آموزندگان! [۱۵]. بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که نیستی بر جای نهد، یا بلا فرود آورد، یا دشمنان را شاد سازد، یا پرده را کنار زند، یا بارش آسمان را بند آورد. پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آموزندگان! [۱۶]. بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که مخلوقی از مخلوقات را برای آن، سرزنش کرده‌ام، یا سر زدن آن را از یکی از آفریدگانت، زشت شمرده‌ام، و با این حال من، از روی دلیری بر نافرمانی تو، گستاخانه، بر آن اقدام کردم و مرتکبش شدم. پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آموزندگان! [۱۷]. بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که از آن به درگاه تو، توبه آوردم؛ گناهی که بر انجام دادن آن، دلیر شده بودم و با این که از تو شرم داشتم، به آن کار پرداختم و در عین آن که از تو بیم داشتم، مشغول آن گناه شدم. سپس در باره آن از تو پوزش خواستم؛ لیکن دوباره به آن روی آوردم. پس، بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آموزندگان! [۱۸]. بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که تو را بر من برانگیخت، و برای هر وظیفه‌ای که به سبب پیمانی که با تو بستم، یا قراری که با تو نهادم، یا پیمانی که به خاطر تو با یکی از مخلوقات بر عهده گرفتم، بر من واجب آمد؛ اما بی هیچ ضرورتی، بلکه به دلخواه، آن را نقض کردم و سرمستی، مرا از پایبندی به آن، لغزاند و سرخوشی [از نعمت]، مرا از ایستادن بر سر آن، به زیر کشاند. پس، بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آموزندگان! [۱۹]. بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که به سبب نعمتی که به من ارزانی داشتی، دچارش شدم و به برکت آن نعمت، بر نافرمانی تو، توانا گشتم و بر اثر آن، از فرمان تو سر پیچیدم و به واسطه آن، گرفتار تهدید تو (کیفر و عذاب) شدم. پس، بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آموزندگان! [۲۰]. بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که در آن، هوس خویش را بر طاعت تو، مقدم داشتم و دلخواه خود را بر فرمان تو، برگزیدم و با به خشم آوردن تو، خویشتن را خشنود ساختم؛ زیرا تو با نهی خود، مرا از آن [گناه] ترساندی و پیشاپیش، برای من عذر آوردی و با تهدید [به عذاب و مجازات] خود، حجتت را بر من تمام کردی. پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آموزندگان! [۲۱]. بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که از خویش می‌دانم، فراموشش کرده باشم یا به یادش داشته باشم، به عمد انجامش داده باشم یا به خطا، و شک ندارم که تو، در باره آن، از من بازخواست خواهی کرد و به سبب آن، جانم گروگان توست، اگر چه من، آن را از یاد برده و از آن، غافل شده باشم. پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آموزندگان! [۲۲]. بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که در برابر تو انجامش دادم و یقین داشتم که تو، مرا با آن می‌بینی، اما غفلت کردم که از آن، به درگاه تو توبه کنم و فراموش کردم که برایش، از تو آمرزش بخواهم. پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آموزندگان! [۲۳]. بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که وارد آن شدم، زیرا به تو گمان نیک داشتم که برای آن، عذاب نمی‌کنی و به آمرزش آن، به تو امیدوار بودم. از این رو، به آن اقدام کردم و به شناختنم از بزرگواری تو، تکیه کردم که چون آن را بر من پوشانده‌ای، دیگر رسوایم نمی‌کنی. پس بر

محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۲۴]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که به سبب آن، از جانب تو مستوجب ردّ دعا و محرومیت از اجابت و قطع آرزو و گسیختن رشته امید گشتم. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۲۵]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که افسوس در پی دارد و پشیمانی می آورد و روزی را بند می آورد و دعا را رد می کند. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۲۶]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که بیماری ها و مرگ را بر جای می گذارد و موجب کیفرها و بلا می شود و در قیامت، مایه افسوس و پشیمانی است. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۲۷]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که با زبانم آن را ستوده ام یا آن را در دل، پرورده ام یا جانم به آن، شادمان گشته است یا آن را در کردارم آورده ام، یا با دستم نوشته ام. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۲۸]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که در شب یا روز، با آن تنها شدم و در زمانی که تو پرده ها را بر روی من، فرو افکندی، آن سان که مرا، جز تو کسی نمی دید، ای جبار! پس، نفسم در انجام دادن آن، دچار دودلی شد و ماندم که از بیم تو، آن را واگذارم یا بر اثر خوش گمانی ام به تو، انجامش دهم. نفسم مرا به انجام دادن آن، وسوسه کرد و من هم انجامش دادم، در حالی که می دانستم با آن کار، تو را نافرمانی کرده ام. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۲۹]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم، برای هر آن گناهی که آن را اندک شمردم یا بسیار، بزرگ دانستم یا کوچک، یا نادانی ام مرا گرفتار آن کرد. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۳۰]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که در آن، ضدّ فردی از مخلوقات، کمک کردم یا به سبب آن، به یکی از آفریدگانت بدی نمودم یا نفسم آن را در نظرم زیبا نمود، یا آن را به دیگری توصیه کردم یا دیگری را به آن راه نمایی کردم، یا آگاهانه بر آن، پای فشردم، یا ندانسته بر آن، اصرار ورزیدم. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۳۱]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که در آن، به امانت خیانت ورزیدم یا با انجام دادن آن، خودم را حقیر ساختم یا با آن، بر بدنم تعدی کردم یا در آن، هوس هایم را برگزیدم یا لذت هایم را مقدّم داشتم یا در آن، برای غیر خودم کوشیدم یا پیروانم را به آن، اغوا کردم، یا علی رغم کسی که مرا منع کرد، بیشتر آن را انجام دادم، یا کسی را که با من ستیزه کرد، بر آن مجبور ساختم یا با حيله ام، بر آن چیره آمدم یا گرایشم، مرا به جانب آن لغزاند. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۳۲]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که با حيله ای که به خشم تو نزدیک می گرداند، بر انجام دادن آن کمک گرفتم، یا با رسیدن به آن، بر اهل طاعت تو چیرگی یافتم یا به سبب آن، کسی را به نافرمانی تو متمایل ساختم یا در آن، با بندگان تو دورویی نمودم یا با کردار خود، آنان را اغفال کردم. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و آن را بر من بیامرز ای بهترین آمرزندگان. [۳۵]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که به سبب خودپسندی من، یا ریاکاری یا شهرت طلبی یا تکبر یا سرخوشی یا کینه توزی یا شنگولی یا سرمستی یا گستاخی یا ننگ داشتن [بی جا] تعصّب [بی جا] یا خوش حالی یا ناراحتی یا گشاده دستی [بی جا] یا بخل یا ستم یا خیانت یا دزدی یا دروغ یا سخن چینی یا سرگرمی یا بازی یا هر نوع دیگری که باعث کسب گناه می شود و در ارتکاب آن، هلاکت است، برایم نوشتی. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۳۴]. بار خدایا! از

تو آرمزش می خواهم برای هر گناهی که پیش تر در علم تو گذشته بود که من ، با قدرت تو که به سبب آن بر هر چیزی توانایی، آن را انجام خواهم داد. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترین آرمزندگان!

[۳۵ .] بار خدایا! از تو آرمزش می خواهم برای هر آن گناهی که در آن ، از غیر تو ترسیدم یا با دوستان تو دشمنی ورزیدم یا با دشمنان تو دوستی نمودم یا در آن ، دوستانت را تنها گذاشتم، یا خود را در معرض چیزی از خشم تو قرار دادم. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترین آرمزندگان! [۳۶ .] بار خدایا! از تو آرمزش می خواهم ، برای هر آن گناهی که از آن ، به درگاہت توبه کردم . سپس به آن ، باز گشتم و پیمانی را که میان من و تو بود، گستاخانه شکستم ، چون کرم و عفو تو را می شناختم . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترین آرمزندگان! [۳۷ .] بار خدایا! از تو آرمزش می خواهم برای هر آن گناهی که مرا به عذاب تو ، نزدیک کرد یا از پاداش تو ، دور ساخت یا رحمت را از من ، باز داشت یا نعمت را بر من ، مکدر ساخت. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترین آرمزندگان! [۳۸ .] بار خدایا! از تو آرمزش می خواهم برای هر آن گناهی که با آن ، گری [و قرار] را که بسته بودم ، باز کردم، یا خودم را از خیری که وعده اش را به من داده بودی ، محروم ساختم . پس، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترین آرمزندگان! [۳۹ .] بار خدایا! از تو آرمزش می خواهم برای هر آن گناهی که به سبب برخورداری از عافیت تو، آن را مرتکب شدم، یا به لطف نعمت تو ، بر آن توانا گشتم یا در سایه روزی فراوان تو، از پس آن برآمدم، و [آرمزش می خواهم] برای هر کار نیکی که قصدم از آن ، رضای تو بود ، اما ناخالصی به نیت و کردارم راه یافت یا ناچار شدم به نیت غیر تو ، کاری کنم که بسیاری اوقات ، چنین می شود . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترین آرمزندگان! [۴۰ .] بار خدایا! از تو آرمزش می خواهم برای هر آن گناهی که رخصت ، مرا بدان فراخواند و آن را برای خودم ، روا شمردم، در حالی که [در واقع] نزد تو حرام بوده است . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترین آرمزندگان! [۴۱ .] بار خدایا! از تو آرمزش می خواهم برای هر آن گناهی که از خلق تو پنهان است ، ولی از نظر تو دور نمانده و من ، برایش از تو پوزش خواستم و تو ، مرا بخشیدی . پس بدان باز گشتم و تو ، باز آن را بر من پوشاندی . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترین آرمزندگان! [۴۲ .] بار خدایا! از تو آرمزش می خواهم برای هر آن گناهی که گامم را به سوی آن برداشتم یا دستم را به سوی آن ، دراز کردم یا چشمم به آن نگریست یا با گوشم به آن ، گوش دادم یا زبانم به آن ، گویا شد یا آنچه را تو روزی من کرده بودی ، در راه آن ، خرج کردم . سپس از تو ، روزی خواستم و تو، با وجود نافرمانی ام، روزی ام دادی و من ، باز از روزی تو در نافرمانی تو ، کمک گرفتم و تو بر من ، پرده پوشی کردی. سپس از تو [روزی] بیشتر خواستم و تو ، محرومم نکردی و آن گناه را در برابر تو ، انجام دادم و تو ، رسوایم نساختی و من ، پیوسته بر نافرمانی تو ، پای می فشارم و تو ، پیوسته ، بردباری و آرمزشت را شامل حال من می کنی، ای کریم ترین کریمان! پس، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترین آرمزندگان! [۴۳ .] بار خدایا! از تو آرمزش می خواهم برای هر آن گناهی که کوچک آن ، مرا مستوجب عذاب دردناک تو می کند و بزرگش ، عذاب سخت تو را بر من ، روا می سازد و به جا آوردنش ، کیفر تو را شتاب می بخشد و ادامه دادن به آن ، نعمت ها را به زوال می آورد . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترین آرمزندگان! [۴۴ .] بار خدایا! از تو آرمزش می خواهم برای هر آن گناهی که تنها ، تو شاهد آن بوده ای و تنها تو ، آن را می دانی و تنها بردباری تو ، مرا از آن می رها کند و فقط عفو تو ، آن را در بر می گیرد . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترین آرمزندگان! [۴۵ .]

بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که نعمت ها را می بزد، یا کيفرها [ای الهی] را می آورد، یا به نابودی و مرگ، شتاب می بخشد، یا پشیمانی می افزاید. پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۴۶]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که کارهای نیک را از بین می برد و کارهای بد را دو چندان می کند و به کيفرها شتاب می بخشد و تو را ای صاحب آسمان ها در خشم می کند. پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان. [۴۷]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که تو به دانستن آن، سزاوارتری، چون به پوشاندن آن، سزاوارتر بوده ای، که تو اهل پروا و اهل آمرزشی. پس، بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۴۸]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که در آن، با دوستی از دوستانت، چهره درهم کشیدم، تا به دشمنان تو، کمک کرده باشم، یا با اهل نافرمانی تو، در برابر فرمان برداران از تو، همراهی کرده باشم. پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۴۹]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که جامه تکبر بر من پوشاند و غرق شدنم در آن، مرا به خواری کشاند یا از وجود رحمت تو، نومیدم ساخت یا چنان نومید شدم که از بازگشت به فرمان تو، دست شستم، که می دانستم جرمم بسی بزرگ است و به خود، گمان بد داشتم. پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۵۰]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که اگر نبود رحمت تو، مرا به هلاکت در افکنده بود و اگر لطف تو نبود، مرا به سرای نابودی در آورده بود و اگر راهنمایی تو نبود، مرا به کج راهه و گم راهی برده بود. پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۵۱]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که مرا به خود، وا داشت از آنچه بدان، راه نمایی ام کردی یا به آن، فرمانم دادی یا از آن، نهی فرمودی یا به آن، دلالتم کردی و موجب می شد به خشنودی تو دست یابم و محبت تو را برگزینم و به تو نزدیک شوم، باز داشت. پس، بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۵۲]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که دعای مرا از درگاه تو، پس می زند و امیدم را از تو، قطع می کند یا رنج و عذاب ناشی از خشم تو را در من، به درازا می کشاند یا آرزوی مرا به تو، کوتاه می سازد. پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان. [۵۳]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم، برای هر آن گناهی که دل را می میراند و اندوه را بر می افروزد و شیطان را خشنود می سازد و خدای مهربان را ناخشنود می گرداند. پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۵۴]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که یأس از رحمت تو و نومیدی از آمرزشت و محرومیت از پاداش ها و نعمت های بی کرانی را که نزد توست، در پی دارد. پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۵۵]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که به احترام تو، نفسم را از آن متنفر ساختم و در پیشگاهت، اظهار توبه کردم و تو پذیرفتی، و از تو بخشش خواستم و تو هم بخشیدی، اما سپس، هوسم مرا به سوی تکرار آن کشاند، از آن رو که به رحمت عالمگیر و عفو کریمانه تو، طمع بستم و تهدیدات تو را فراموش کردم و به وعده های خوش تو، امیدوار بودم. پس بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۵۶]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که روسیاهی می آورد در آن روزی که دوستانت، روسفید می شوند و دشمنانت، سیه روی، آن گاه که: «بعضی شان، رو به بعضی دیگر آورند و یکدیگر را به نکوهش می گیرند» و به آنها گفته شود که: «در پیشگاه من، با یکدیگر ستیزه گری مکنید، که از پیش، به شما هشدار داده بودم». پس بر

محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۵۷]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که به کفر می خواند و فکر [و خیالات] را به درازا می کشاند و فقر بر جای می گذارد و سختی می آورد. پس، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۵۸]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که اَحِل را نزدیک، امید را قطع و عمر را کوتاه می کند، خواه آن را به زبان آورده باشم یا به خاطر شرم از تو، از ذکر آن، خودداری ورزیده باشم، یا در سینه ام نهفته اش داشته باشم و یا تو، آن را می دانی؛ چرا که تو، هر چیز نهان و نهان تر را می دانی. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۵۹]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که در ارتکاب آن، قطع شدن روزی و رد شدن دعا و پیاپی آمدن بلا و هجوم آوردن اندوه ها و چند برابر شدن غم هاست. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۶۰]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که مرا نزد بندگانت، منفور می سازد و دوستانت را از من، می رماند یا اهل طاعت را از من، می گریزند؛ زیرا از نافرمانی ها و بدکرداری، و افسردگی [ناشی از] گناهان گریزان اند. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۶۱]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که به سبب آن، آنچه را تو از من آشکار ساخته بودی، پوشاندم، یا آنچه را تو از من پوشانده بودی، به سبب آن، آشکار ساختم، یا آنچه را تو در من زیبا ساخته بودی، من با [ارتکاب] آن گناه، زشتش ساختم. پس، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۶۲]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که با وجود آن، به عهد [با] تو وفا نمی شود و از خشم تو، ایمنی نیست و رحمت تو، فرود نمی آید و نعمت، پایدار نمی ماند. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۶۳]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که در روشنایی روز، انجامش ندادم تا از بندگانت ببوشانم و در تاریکی شب، به جایش آوردم و این، گستاخی ای بود از جانب من به تو، با آن که می دانم نهان، در نزد تو آشکار است و پنهان، در نزد تو پیداست و هیچ چیزی نمی تواند مانع من از تو شود و هیچ چیز، از مال و فرزند، در پیشگاه تو به کار من نمی آید، جز دل پاک و سالمی که به نزد تو آورم. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۶۴]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که فراموشی یاد تو را به بار می آورد و غفلت از هشدار تو را در پی دارد یا [شخص را] دچار احساس ایمنی از عذاب تو می گرداند، یا امید به طلب روزی از نزد غیر تو را ایجاد می کند یا از خیری که نزد توست، نومید می سازد. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۶۵]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که به سبب اعتراض به تو، در بازداشتن روزی از من و روی گردانی ام از تو و روی آوردن به بندگانت و خواری و زاری نمودن در برابر آنها [برای به دست آوردن روزی بیشتر]، گریبانگیرم شد، در حالی که تو، گفته ات را در کتاب استواری به گوش من رساندی که: «نسبت به پروردگارشان، خواری نکردند و به زاری در نیامدند». پس، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۶۶]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که به سبب کمک گرفتن از غیر تو، در گرفتاری ها یا مدد جُستن از جز تو در آنها، مرتکب شدم. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان! [۶۷]. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که مرا به ترس از غیر تو، وا داشت یا به فروتنی در برابر مخلوقی از مخلوقات خواند یا طمع به داشته های او، مرا به جانب او کشاند یا برای بیرون کشیدن آنچه در دست اوست، فرمائبری از او را، با آن که

نافرمانی تو بود، در نظرم نیکو نمود، در حالی که می دانم من ، به تو محتاجم و هرگز از تو ، بی نیاز نیستم. پس، بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترین آموزندگان! [۶۸ .] بار خدایا! از تو آموزش می خواهم برای هر آن گناهی که به زبانم ، آن را ستودم یا جانم به آن ، شاد شد یا با کردارم ، آن را تحسین کردم یا با گفتارم ، به آن ترغیب نمودم، در حالی که آن گناه ، نزد تو زشت است و مرا بر آن ، عذاب می کنی. پس بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترین آموزندگان! [۶۹ .] بار خدایا! از تو آموزش می خواهم برای هر آن گناهی که نفسم ، آن را در نظرم اندک آورد و برایم کوچک جلوه داد و سبک شمردن آن را بر من ، آسان نمود تا آن که مرا در ورطه آن افکند. پس بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترین آموزندگان! [۷۰ .] بار خدایا! از تو آموزش می خواهم برای هر آن گناهی که علم تو ، آن را در من و بر من تا آخر عمرم جاری ساخت، برای همه گناهانم، از اول تا به آخر آنها، عمد و غیر عمدش، اندک و بسیارش، ریز و درشتش، قدیم و جدیدش، پنهان و آشکارش، و برای همه گناهانی که من ، مرتکب آنها شدم [از تو آموزش می خواهم] و به درگاہت توبه می کنم، و از تو مسئلت دارم که بر محمد و خاندان محمد ، درود فرستی و همه حق و حقوقی را که بندگان بر گردن من دارند و تو آنها را بر شمردی ، بر من بیامرزی؛ زیرا بندگان را بر من ، حقوقی است که [به جا نیاوردم و ادا نمودم و] گروگان آنها هستم . همه اینها را بر من بیامرز ، هر گونه که خود می خواهی و هر زمان که می خواهی، ای مهربان ترین مهربانان!

ص: ٢٥٠

..

ص: ٢٧١

..

ج من استغفاره في قنوت الوتر بحار الأنوار عن مصباح الكفعمي والبلد الأمين والاختيار لابن باقى: يُسْتَحَبُّ أَنْ يَقُولَ فِي قُنُوتِ
الوتر ما كانَ أمير المؤمنين عليه السلام يقول في الاستغفار: اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُحْكَمِ الْمُنَزَّلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ ،
وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: «كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (١)، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ
وَتَعَالَيْتِ : «ثُمَّ أَفِضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (٢) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ
تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَنِتَّةِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسِيءِينَ بِاللَّسَاتِرِ» (٣) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ
تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَمْ يَكُنْ لَمْ يَصِرُوا
عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (٤) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ
فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (٥) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «وَلَوْ
أَنْتُمْ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا» (٦) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ .
وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَّحِيمًا» (٧) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ
إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (٨) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ
تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (٩) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «اسْتَغْفِرُوا
لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرُوا لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرُوا لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ» (١٠) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ
: «وَمَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أَوْلَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أُصِيبُوا بِالْجَحِيمِ» (١١) ،
وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأبيه إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَاهُ إِنِّي أَهْلٌ مِّنَ الْمُنِظِرِينَ» (١٢) ، وَأَنَا
أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «وَ أَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُغْفِرْ لَهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَيَسْتَعْمِرْ لَهُمْ
يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ» (١٣) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ
فِيهَا فَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ» (١٤) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «وَ اسْتَغْفِرُوا
رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ» (١٥) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا
إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَ لَمَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (١٦) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ
تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «وَ اسْتَغْفِرْ لِدُنْيِكَ إِنَّكَ كُنْتَ مِنَ الْخَاطِئِينَ» (١٧) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ
: «يَا بَنَاءَ اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ» (١٨) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي
إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (١٩) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ
وَ يَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ» (٢٠) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «سَلِّمْ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي
حَفِيًّا» (٢١) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «فَأَذِنَ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
رَّحِيمٌ» (٢٢) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «يَقُومُ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ
لَعَلَكمُ تَرْحَمُونَ» (٢٣) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «وَ ظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ رَاكِعًا وَ
أَنَابَ» (٢٤) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ
وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا» (٢٥) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ : «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ
وَ اسْتَغْفِرْ لِذُنُوبِكُمْ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ» (٢٦) ، وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . وَقُلْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتِ :

«فَاسْتَغْفِرُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ» (٢٧)، وأنا أستغفرُكَ وأتوبُ إليك . وقلتُ تباركتُ وتعاليتُ : «وَالْمَلِكُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (٢٨)، وأنا أستغفرُكَ وأتوبُ إليك . وقلتُ تباركتُ وتعاليتُ : «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَمَّا إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبِكُمْ وَ مَثْوَاكُمْ» (٢٩)، وأنا أستغفرُكَ وأتوبُ إليك . وقلتُ تباركتُ وتعاليتُ : «سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلْنَا أَمْوَالَنَا وَ أَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا» (٣٠)، وأنا أستغفرُكَ وأتوبُ إليك . وقلتُ تباركتُ وتعاليتُ : «حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَ مَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ عَلَيْكَ آئِبْنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ» (٣١)، وأنا أستغفرُكَ وأتوبُ إليك . وقلتُ تباركتُ وتعاليتُ : «وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (٣٢)، وأنا أستغفرُكَ وأتوبُ إليك . وقلتُ تباركتُ وتعاليتُ : «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوُوا رُءُوسَهُمْ وَ رَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ» (٣٣)، وأنا أستغفرُكَ وأتوبُ إليك . وقلتُ تباركتُ وتعاليتُ : «سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفِرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ» (٣٤)، وأنا أستغفرُكَ وأتوبُ إليك . وقلتُ تباركتُ وتعاليتُ : «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا» (٣٥)، وأنا أستغفرُكَ وأتوبُ إليك . وقلتُ تباركتُ وتعاليتُ : «وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَ أَعْظَمَ أَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (٣٦)، وأنا أستغفرُكَ وأتوبُ إليك . وقلتُ تباركتُ وتعاليتُ : «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا» (٣٧)، وأنا أستغفرُكَ وأتوبُ إليك . (٣٨)

١- الذاريات : ١٧ و ١٨ .

٢- البقره : ١٩٩ .

٣- آل عمران : ١٧ .

٤- آل عمران : ١٣٥ .

٥- آل عمران : ١٥٩ .

٦- النساء : ٦٤ .

٧- النساء : ١١٠ .

٨- المائده : ٧٤ .

٩- الأنفال : ٣٣ .

١٠- التوبه : ٨٠ .

١١- التوبه : ١١٣ .

١٢- التوبه : ١١٤ .

١٣- هود : ٣ .

١٤- هود : ٦١ .

١٥- هود : ٩٠ .

١٦- هود : ٥٢ .

١٧- يوسف : ٢٩ .

- ١٨- . يوسف : ٩٧ .
- ١٩- . يوسف : ٩٨ .
- ٢٠- . الكهف : ٥٥ .
- ٢١- . مريم : ٤٧ .
- ٢٢- . النور : ٦٢ .
- ٢٣- . النمل : ٤٦ .
- ٢٤- . ص : ٢٤ .
- ٢٥- . غافر : ٧ .
- ٢٦- . غافر : ٥٥ .
- ٢٧- . فضلت : ٦ .
- ٢٨- . الشورى : ٥ .
- ٢٩- . محمد : ١٩ .
- ٣٠- . الفتح : ١١ .
- ٣١- . الممتحنة : ٤ .
- ٣٢- . الممتحنة : ١٢ .
- ٣٣- . المنافقون : ٥ .
- ٣٤- . المنافقون : ٦ .
- ٣٥- . نوح : ١٠ .
- ٣٦- . المزمل : ٢٠ .
- ٣٧- . النصر : ٣ .
- ٣٨- . بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٢٨٢ ح ٧٥ ، البلد الأمين : ص ٣٦ ، المصباح للكفعمي : ص ٨٧ وفيهما «يستحب أن يستغفر الله تعالى في سحر كل ليلة ، ثم قل ما كان أمير المؤمنين علي عليه السلام يقوله في الاستغفار» .

ج از آموزش خواهی های ایشان در قنوت نماز و تَر

ج از آموزش خواهی های ایشان در قنوت نماز وَ تَر بحار الأنوار به نقل از المصباح کفعمی و بلد الأمين و الإختیار ابن باقی : مستحب است در قنوت نماز و تَر ، آن چیزی گفته شود که امیر مؤمنان ، در طلب آموزش می گفت: «بار خدایا! تو در کتاب استوار خود که بر پیامبر مُرسلت فرو فرستاده شده است ، گفته ای، و گفته تو درست است که: «اندکی از شب را می خوابند و در سحرگاهان ، آموزش می خواهند» ، و من ، از تو آموزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می آورم. و گفته ای ای بلند مرتبه متعالی که: «سپس از آن جا که مردم می کوچند، بکوچید و از خدا آموزش بخواهید که خدا آموزگاری مهربان است» و من از تو آموزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلند مرتبه متعالی که: «شکیبایان و راستگویان و فرمان بُرداران و انفاق کنندگان و آموزش خواهان در سحرگاهان» و من از تو آموزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلند مرتبه متعالی که: «و آنان که هرگاه کار زشتی (فحشا) کنند یا به خویشتن ستم ورزند ، خدا را یاد کنند و برای گناهانشان ، آموزش بخواهند و جز خدا ، کیست که گناهان را بیامزد. و بر آنچه انجام دادند ، دانسته پای نفرسردند» ، و من ، از تو آموزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای، ای بلندمرتبه متعالی، که: «از آنان ، درگذر و برایشان آموزش بخواه و در کارها ، با ایشان ، رایزنی کن و چون تصمیم گرفتی ، بر خدا توکل نما که خداوند ، توکل کنندگان را دوست می دارد» و من از تو، آموزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «اگر آن گاه که به خود ستم کردند ، نزد تو می آمدند و از خدا ، آموزش می خواستند و پیامبر [نیز] برایشان آموزش می طلبد ، بی گمان ، خدا را توبه پذیری مهربان می یافتند» و من از تو ، آموزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلند مرتبه متعالی که: «و هر کس بدی کند یا به خود ستم نماید ، سپس از خدا آموزش خواهد ، خدا را آموزگاری مهربان می یابد» و من از تو آموزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلند مرتبه متعالی که: «چرا به درگاه خدا ، توبه نمی کنند و از وی ، آموزش نمی خواهند ، در حالی که خدا ، آمرزنده مهربان است؟...» و من از تو آموزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلند مرتبه متعالی که: «و تا آنان ، آموزش می طلبند، خدا ، عذاب کننده ایشان ، نخواهد بود» و من از تو آموزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «برای آنان ، آموزش خواهی یا برایشان آموزش نخواهی [فرقی نمی کند]. اگر هفتاد بار هم آموزش بخواهی ، خدا ، هرگز ایشان را نمی آموزد» ، و من از تو آموزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «بر پیامبر و کسانی که ایمان آورده اند ، سزاوار نیست برای مشرکان پس از آن که برایشان آشکار گردید که آنان ، اهل دوزخ اند ، آموزش خواهند، هر چند خویشاوند [آنان] باشند» و من از تو آموزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلند مرتبه متعالی که: «و آموزش خواهی ابراهیم برای پدرش ، جز برای وعده ای که به او داده بود، نبود» و من ، از تو آموزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «از پروردگارتان ، آموزش بخواهید . سپس به سوی او توبه برید تا این که شما را با بهره مندی نیکویی تا سر رسیدی معین ، بهره مند سازد و به هر شایسته نعمتی ، از کرم خود ، عطا کند» ، و من ، از تو آموزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلند مرتبه متعالی که: «او شما را از زمین ، پدید آورد و شما را در آن ، استقرار داد . پس ، از او آموزش خواهید . سپس به سوی او توبه برید که

پروردگار من ، نزدیک و اجابت کننده است» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاہت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «از پروردگارتان ، آمرزش خواهید . سپس به سوی او توبه برید که پروردگار من ، مهربان و صمیمی است» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاہت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «از پروردگارتان ، آمرزش بخواید . سپس به سوی او توبه برید تا از آسمان ، بر شما باران فراوان فرستد و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید ، و تبہکارانه ، روی بر مگردانید» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاہت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «برای گناہت آمرزش بخواه که تو از خطا کاران بودی» ، و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاہت ، توبه می کنم. و [از زبان فرزندان یعقوب] گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «پدرجان! برای گناہان ما آمرزش بخواه که ما خطا کار بودیم...» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاہت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «به زودی ، برای شما از پروردگارم آمرزش می خواهم که او آمرزگاری مهربان است» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاہت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «و چیزی مانع مردم نشد از این که وقتی ہدایت به سویشان آمد ، ایمان بیاورند و از پروردگارشان ، آمرزش بخواهند» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاہت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «درود بر تو باد! به زودی از پروردگارم برای تو آمرزش خواهم که او ہموارہ با من ، پُر مہر ہودہ است» و من از تو آمرزش می خواهم و به درگاہت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «پس ، به ہر کہ از ایشان خواهی ، اجازہ بدہ و برایش از خدا ، آمرزش بخواه کہ خدا ، آمرزگاری مہربان است» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاہت ، توبہ می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی کہ: «ای مردم من! چرا پیش از [جُستن] نیکی ، شتابزده ، خواهان بدی ہستید؟ چرا از خدا آمرزش نمی خواہید ، باشد کہ مورد رحمت قرار گیرید» و من ، از تو آمرزش می خواہم و بہ درگاہت ، توبہ می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی کہ: «و داوود دانست کہ ما ، در حقیقت ، او را آزمایش کردہ ایم . پس ، از پروردگارش آمرزش خواست و بہ رو درافتاد و توبہ کرد» و من ، از تو آمرزش می خواہم و بہ درگاہت ، توبہ می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی کہ: «کسانی کہ عرش را حمل می کنند و آنہا کہ پیرامون آن اند ، پروردگارشان را تسبیح و ستایش می گویند و بہ او ایمان دارند و برای کسانی ہم کہ ایمان آورده اند ، آمرزش می طلبند» و من ، از تو آمرزش می خواہم و بہ درگاہت ، توبہ می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی کہ: «پس ، شکبیا باش کہ وعدہ خدا ، راست است و برای گناہت ، آمرزش بخواہ . پروردگارت را تسبیح و ستایش گوی در شامگاہان و بامدادان» و من ، از تو آمرزش می خواہم و بہ درگاہت ، توبہ می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی کہ: «پس مستقیما بہ سوی او ہشتابید و از او آمرزش بخواہید» و من ، از تو آمرزش می خواہم و بہ درگاہت ، توبہ می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی کہ: «و فرشتگان ، پروردگارشان را تسبیح و ستایش می گویند و برای کسانی کہ در زمین اند ، آمرزش می خواہند . بدانید کہ خداوند ، آمرزگار و مہربان است» و من ، از تو آمرزش می خواہم و بہ درگاہت ، توبہ می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی کہ: «بدان کہ معبودی جز خدا نیست و برای گناہت ، آمرزش بخواہ و [نیز] برای مردان و زنان مؤمن . و خدا ، فرجام و مآل شما را می داند» و من ، از تو آمرزش می خواہم و بہ درگاہت ، توبہ می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی کہ: «بر جای ماندگانِ بادبہ نشین ، بہ زودی بہ تو خواہند گفت: اموال ما و کسانمان ، ما را گرفتار کردند . پس برایمان آمرزش بخواہ» و من ، از تو آمرزش می خواہم و بہ درگاہت ، توبہ می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی کہ: «تا وقتی کہ فقط بہ خدا ایمان آورید ، جز در سخن ابراہیم [کہ] بہ [نا]پدر[ی] خود [گفت:] حتما برای تو ، آمرزش خواہم خواست با آن کہ در برابر خدا ، اختیار چیزی را برای تو ندارم. ای پروردگار ما! بر تو اعتماد کردیم و بہ سوی تو باز گشتیم و فرجام ، بہ سوی توست» و من از تو آمرزش می

خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «و در کار نیک ، از تو نافرمانی نکنند، با آنان (زنان) بیعت کن و برایشان آمرزش بخواه که خدا ، آمرزگاری مهربان است» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «هرگاه به ایشان گفته شود: «بیایید تا پیامبر خدا ، برایتان آمرزش بخواهد»، سرهای خود را بر می گردانند و آنان را می بینی که تکبرکنان ، روی بر می گردانند» ، و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «برایشان یکسان است که برای آنان ، آمرزش بخواهی یا برایشان آمرزش نخواهی . هرگز ، خدا آنها را نمی بخشد» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او بسی آمرزنده است» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «هر آن خوبی که برای خود پیش فرستید ، آن را نزد خدا ، بهتر و با پاداشی بیشتر ، خواهید یافت . و از خدا آمرزش بخواهید که خدا ، آمرزگاری مهربان است» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «پس پروردگارت را تسبیح و ستایش گوی و از او آمرزش بخواه که او توبه پذیر است» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. (۱)

۱- در المصباح للکفعمی (ص ۸۷) آمده است: مستحب است که در سحر هر شب ، از خدای بزرگ آمرزش بخواهی و سپس آنچه را امیر مؤمنان علی علیه السلام در استغفار می گفت ، بگویی.

د من دُعَائِهِ بَعْدَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ بِالْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي مَا كَانَ صَالِحًا ، وَأَصْلِحْ مِنِّي مَا كَانَ فَاسِدًا . اللَّهُمَّ لَا تُسَلِّطْنِي عَلَى فُسَادٍ مَا أَصْلَحْتَ مِنِّي ، وَأَصْلِحْ لِي مَا أَفْسَدْتَهُ مِن نَفْسِي . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ قَوِيَ عَلَيْهِ يَدْنِي بِعَافِيَتِكَ ، وَنَالَتْهُ يَدِي بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ ، وَبَسَطْتُ إِلَيْهِ يَدِي بِسَعَةِ رِزْقِكَ ، وَاحْتَجَبْتُ فِيهِ عَنِ النَّاسِ بِسِتْرِكَ ، وَاتَّكَلْتُ فِيهِ عَلَى كَرِيمِ عَفْوِكَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ تَبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ، وَنَدِمْتُ عَلَى فِعْلِهِ ، وَاسْتَحْيَيْتُ مِنْكَ وَأَنَا عَلَيْهِ ، وَرَهَبْتُكَ وَأَنَا فِيهِ ، رَاجِعْتُهُ وَعُدْتُ إِلَيْهِ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ عَلِمْتُهُ أَوْ جَهَلْتُهُ ، ذَكَرْتُهُ أَوْ نَسَيْتُهُ ، أَخْطَأْتُهُ أَوْ تَعَمَّدْتُهُ ، هُوَ مِنِّي أَمْ لَا - أَشُكُّ أَنَّ نَفْسِي مُرْتَهَنَةٌ بِهِ ، وَإِنْ كُنْتُ نَسَيْتُهُ وَغَفَلْتُ عَنْهُ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ جَنَيْتُهُ عَلَى يَدِي ، وَآثَرْتُ فِيهِ شَهْوَتِي ، أَوْ سَعَيْتُ فِيهِ لِغَيْرِي ، أَوْ اسْتَغْوَيْتُ فِيهِ مَن تَابَعَنِي ، أَوْ كَابَرْتُ فِيهِ مَن مَنَعَنِي ، أَوْ قَهَرْتُهُ بِجَهْلِي ، أَوْ لَطَفْتُ فِيهِ بِحِيلِهِ غَيْرِي ، أَوْ اسْتَرْزَنْتُ إِلَيْهِ مَيْلِي وَهَوَايَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَخَالَطَنِي فِيهِ مَا لَيْسَ لَكَ (١) ، وَشَارَكَنِي فِيهِ مَا لَمْ يَخْلُصْ لَكَ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ بِمَا عَقَدْتُهُ عَلَى نَفْسِي ، ثُمَّ خَالَفَهُ هَوَايَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَعْتِنِي مِنَ النَّارِ ، وَجِدْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ الْبَاقِي الْبَاقِي الَّذِي أَشْرَقَتْ بِنُورِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ ، وَكُشِفَتْ بِهِ ظُلُمَاتُ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ، وَدُبِّرَتْ بِهِ أُمُورُ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُصَلِّحَ شَأْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (٢)

- ١- بيان : «فخالطني فيه ما ليس لك» أي نيه لا- ترضاها ، أو لا ترجع إليك كما إذا كان الغرض الجنّه أو الخلاص من النار ، فإنهما يرجعان إليه تعالى أو بدعه لا توافق أمرك ورضاك ، وكذا الفقرة التي تليها (بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٠٢) .
- ٢- فلاح السائل : ص ٤١٩ ح ٢٨٩ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٠١ ح ٧ ؛ كنز العمّال : ج ٢ ص ٢٥٨ ح ٣٩٦٦ نقلاً عن كتاب الفرج بعد الشدّه للتوخى نحوه .

د از دعای ایشان بعد از نماز مغرب

د از دعای ایشان بعد از نماز مغرب امام علی علیه السلام: بار خدایا! آنچه از [اعمال] من، نیک بوده است، بپذیر و آنچه را تباه بوده است، اصلاح فرما. بار خدایا! مرا بر تباه کردن آنچه تو از من اصلاح کرده ای، توانایی مده و آنچه را من خود، تباهش کرده ام، تو بر ایم اصلاح فرما. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که بدن من، به لطف عافیت بخشی تو، بر آن توانا گشت و دستانم، به فضل نعمت تو، به آن رسید و در سایه گشایش روزی تو، به آن دست یازیدم و با پرده پوشی تو، مردم از آن گناه من، آگاه نشدند و در [ارتکاب] آن، به گذشت بزرگوارانه تو تکیه کردم. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که از آن، به پیشگاه تو توبه کردم و از انجام دادن آن، پشیمان گشتم و در حالی که آن را انجام می دادم، از تو شرم می کردم و با آن که آن را به جا می آوردم، از تو می ترسیدم، به آن باز گشتم و دوباره انجامش دادم. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که به آن، آگاهی داشتم یا نداشتم، به یادش داشتم یا فراموشش کرده بودم، به خطا انجام دادم یا به عمد، مرتکبش شدم. شک ندارم که جانم، اسیر و گروگان چنین گناهی است، اگر چه آن را فراموش کرده یا از آن، غافل شده بودم. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که با آن به دست خودم، بر خویش ستم کردم و در آن، هوسم را برگزیدم، یا در آن، برای غیر خودم کوشیدم یا با آن، کسانی را که از من دنباله روی کردند، به گم راهی کشاندم یا با کسی که مرا از آن بازداشت، خیره سری کردم یا با نادانی خود، او را شکست دادم یا با حيله گری، دیگری را به آن وا داشتم یا گرایش و هوای نفسم، مرا به سوی آن، لغزاند. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن چیزی که قصدم از آن، تو بودی؛ امّا آنچه برای تو نیست، با آن آمیخته شد (۱) و آنچه خالص برای تو نبود، در آن [عمل] شریک من شد. و از تو آمرزش می خواهم برای هر آنچه بر عهده گرفتم، سپس هوای نفسم، مرا به خلاف آن، وا داشت. بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و مرا از آتش، آزاد گردان و فضل خود را بر من، ارزانی دار. بار خدایا! به روی [ذات] گرمای مانای پاینده ات که با نور آن، آسمان ها و زمین، روشن شد و تاریکی های خشکی و دریا، برطرف شد و کارهای جنّ و انس، اداره شد، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستی و کار مرا به سامان آوری، به حقّ رحمت ای مهربان ترین مهربانان!

۱- «آنچه برای تو نیست با آن، آمیخته شد»، یعنی نیتی که تو آن را نمی پسندی یا به تو باز نمی گردد یا چنان که هر گاه غرض رسیدن به بهشت یا رهایی از آتش باشد؛ زیرا این دو، در نهایت، به خدا بر می گردند، یا به معنای بدعتی است که با فرمان و رضایت تو، سازگاری نداشته باشد. جمله بعد هم به همین معناست.

ه من دُعَائِهِ إِذَا حَزَبَهُ أَمْرُ الْإِمَامِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ إِذَا حَزَبَهُ (١) أَمْرٌ خَلَا فِي بَيْتٍ وَيَقُولُ: يَا كَهيعص ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ ، يَا حَيُّ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ وَرَدَّهَا ثَلَاثًا اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُحِلُّ النَّقَمَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَيِّرُ النَّعَمَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَوْرِثُ النَّدَمَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الْقِسَمَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقَطِّعُ الرَّجَاءَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُمَسِّكُ غَيْثَ السَّمَاءِ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ . (٢)

١- حَزَبَهُ أَمْرٌ: أَي إِذَا نَزَلَ بِهِ مُهِمٌّ أَوْ أَصَابَهُ غَمٌّ (النَّهَائِيه: ج ١ ص ٣٧٧ «حزب»).

٢- الْفَرَجُ بَعْدَ الشَّدَّةِ لِابْنِ أَبِي الدُّنْيَا: ص ٤٧ ح ٦٨ عَنِ الْحَارِثِ الْعَكْلِيِّ ، كُنْزُ الْعَمَالِ: ج ٢ ص ٦٥٦ ح ٤٩٩٩؛ الْمَجْتَنِي: ص ٦١ عَنِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحْوَهُ .

ه از دعای ایشان در هنگام گرفتار سختی و اندوهی شدن

ه از دعای ایشان در هنگام گرفتار سختی و اندوهی شدن امام علی علیه السلام هرگاه دشواری و گرفتاری ای برایش پیش می آمد، در اتاقی خلوت می کرد و می گفت: ای کاف هاء یاء عین صاد، ای روشنایی، ای پاک، ای زنده، ای خدا، ای مهرگستر! (و این کلمات را سه بار می گفت) بر من، بیامرز گناهانی را که خشم و کيفرها[ی تو] را فرود می آورند. بر من بیامرز گناهانی را که نعمت ها را می برند. بر من بیامرز گناهانی را که پشیمانی بر جای می گذارند. بر من بیامرز گناهانی را که بهره ها[ی تو] را [از من] باز می دارند. بر من بیامرز گناهانی را که پرده ها را می دَرَنَد. بر من بیامرز گناهانی را که بلا، نازل می کنند. بر من بیامرز گناهانی را که مرگ و نابودی را شتاب می بخشند. بر من بیامرز گناهانی را که دشمنان را چیره می گردانند. بر من بیامرز گناهانی را که امید را قطع می کنند. بر من بیامرز گناهانی را که دعا را بر می گردانند. بر من بیامرز گناهانی را که باران، آسمان را بند می آورند. بر من بیامرز گناهانی را که هوا را تیره و تار می کنند. بر من بیامرز گناهانی را که پرده را کنار می زنند [و رسوایی به بار می آورند].

٩ / ١٣ الاستغفارات المأثورة عن فاطمة الزهراء فاطمة عليها السلام في الدعاء عقيب العصر: أنت الرب الجواد بالمغفرة، تجد من تعذب غيري ولا أجد من يغفر لي غيرك، وأنت غيبي عن عذابي وأنا فقير إلى رحمتك... اللهم إني أستهديك لارشاد أمري، وأعوذ بك من شر نفسي. اللهم عملت سوءا وظلمت نفسي، فاعفر لي إنّه لا يغفر الذنوب إلّا أنت... اللهم إلى رحمتك رفعت بصيري، وإلى جودك بسطت كفي، فلا تحرمني وأنا أسألك، فلا تعذبني وأنا أستغفرك، اللهم فاعفر لي فإنك بي عالم، ولا تعذبني فإنك عليّ قادر، برحمتك يا أرحم الراحمين. (١)

عنها عليها السلام في دعائها عقيب صلاة المغرب: رب أستجيرك من النار فأجرتني، رب أعوذ بك من النار فأعدني، رب أفرع إليك من النار فأبعدني، رب أسترحمتك مكروبا فأرحمني، رب أستغفرك لما جهلت فأغفر لي. (٢)

٩ / ١٤ الاستغفارات المأثورة عن الإمام زين العابدين عليه السلام في المناجاة المعروفة بمناجاة الذّاكرين: إلهي... أستغفرك من كلّ لئذه بغير ذكرك، ومن كلّ راحه بغير أنسك، ومن كلّ سيور بغير قربك، ومن كلّ شغل بغير طاعتك. (٣)

-
- ١- فلاح السائل: ص ٣٥٨ ح ٢٤١، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٨٦ ح ١١.
 - ٢- فلاح السائل: ص ٤٢٢ ح ٢٩٠، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٠٤ ح ٨.
 - ٣- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥١ نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.

۳ / ۹ آموزش خواهی های فاطمه زهرا علیها السلام
 ۴ / ۹ آموزش خواهی های امام زین العابدین علیه السلام

۳ / ۹ آموزش خواهی های فاطمه زهرا فاطمه علیها السلام در دعای پس از نماز عصر: تو پروردگاری هستی که آموزش می بخشی، تو جز من، کسی را می یابی که عذاب کنی؛ لیکن من، غیر از تو کسی را نمی یابم که مرا بیامرزد. تو را به عذاب کردن من، نیازی نیست، در حالی که من به رحمت تو نیازمندم... بار خدایا! از تو می خواهم که مرا در کارهایم ارشاد و راه نمایی کنی و از شرّ نفسم به تو پناه می برم. بار خدایا! بد کردم و بر خویشتم، ستم ورزیدم. پس مرا بیامرز که گناهان را کسی جز تو نمی آموزد... بار خدایا! به رحمت تو، چشم دوخته ام و به سوی بخشش تو، دست گشوده ام. پس مرا که از تو گدایی می کنم، محروم مگردان، و مرا که از تو آموزش می طلبم، عذاب مکن. بار خدایا! مرا بیامرز که تو به حال من، دانایی و مرا عذاب مکن که تو بر من، توانایی، به حقّ مهتر، ای مهربان ترین مهربانان!

فاطمه علیها السلام از دعای ایشان پس از نماز مغرب: پروردگارا! در برابر آتش دوزخ، از تو حمایت می جویم. پس حمایت فرما. پروردگارا! از آتش به تو پناه می برم. پس پناهم ده. پروردگارا! از آتش به سوی تو می گریزم. پس مرا [از آن]، دور نگه دار. پروردگارا! من، غم زده رنجور، از تو رحم می خواهم. پس، به من رحم کن. پروردگارا! برای نادانی هایی که از من سر زده است، از تو آموزش می خواهم. پس مرا بیامرز.

۴ / ۹ آموزش خواهی های امام زین العابدین علیه السلام در مناجات معروف به «مناجات ذاکران»: معبود من!... از هر لذّتی که از غیر یاد تو باشد و از هر آرامشی که از غیر انس با تو باشد و از هر شادمانی ای که از غیر نزدیک شدن به تو باشد و از هر سرگرمی ای به غیر طاعت تو، از تو آموزش می طلبم.

عنه عليه السلام فى دُعائه : اللَّهُمَّ إِنَّ الْإِسْتِغْفَارَ لَكَ مَعَ الْإِصْرَارِ عَلَى الذَّنْبِ لَوْمْ ، وَإِنَّ تَرْكِي الْإِسْتِغْفَارَ مَعَ عِلْمِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ عَجْزٌ ، فَكَمْ تَتَجَبَّبُ إِلَيَّ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ عَنِّي ، وَكَمْ أَتَبَعُّهُ إِلَيْكَ وَأَنَا الْفَقِيرُ إِلَيْكَ ، فَيَا مَنْ إِذَا تَوَعَّدَ عَفَا ، وَإِذَا وَعَدَ وَفَى ، صَيَّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي أَوْلَى الْأَمْرِينَ بِكَ . (١)

عنه عليه السلام : اللَّهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفَارِي إِيَّاكَ وَأَنَا مُصِرٌّ عَلَى مَا نَهَيْتَ قَلْبَهُ حَيَاءً ، وَتَرْكِي الْإِسْتِغْفَارَ مَعَ عِلْمِي بِسَعَةِ حِلْمِكَ (٢) تَضْيِيعٌ لِحَقِّ الرَّجَاءِ . اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي تُؤَيِّسُنِي أَنْ أَرْجُوكَ ، وَإِنَّ عِلْمِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ يُؤْمِنُنِي أَنْ أَحْشَاكَ . فَصَيَّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَحَقِّقْ رَجَائِي لَكَ ، وَكَذِّبْ خَوْفِي مِنْكَ ، وَكُنْ لِي عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي بِحُكْمِكَ ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ ، وَأَيَّدِنِي بِالْعِصْمَةِ ، وَأَنْطِقْ لِسَانِي بِالْحِكْمَةِ ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْدُمُ عَلَى مَا ضَيَّعَهُ فِي أَمْسِهِ ... (٣)

٩ / ١٥ الاستغفارات المأثورة عن الإمام الصادق عليه السلام : يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ ، اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُحِلُّ النَّقْمَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ (٤) الْأَعْدَاءَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقَطِّعُ الرَّجَاءَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ غَيْثَ السَّمَاءِ . (٥)

- ١- نزله الناظر : ص ٩٤ ح ٣٠ ، كشف الغمّة : ج ١ ص ٤٤ ، مصباح المتهجد : ص ٥٦٦ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٢٥ ص ٢٣٨ ح ٢١ .
- ٢- فى المصباح للكفعمي : «بسعه رحمتك» .
- ٣- البلد الأمين : ص ٤٦ ، المصباح للكفعمي : ص ٩١ ، مصباح الزائر : ص ٢٢٩ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٢٨٥ ح ٧٧ .
- ٤- الإداله : الغلبه (النهايه : ج ٢ ص ١٤١ «دول»).
- ٥- الكافي : ج ٢ ص ٥٨٩ ح ٢٩ عن يعقوب بن شعيب ، تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٩٥ ح ٢٥٧ نحوه ومن دون إسنادٍ إلى الإمام الصادق عليه السلام .

۹ / ۵ آموزش خواهی های امام صادق علیه السلام

امام زین العابدین علیه السلام در دعای ایشان: بار خدایا! آموزش خواستن از تو و ادامه دادن به گناه، از فرومایگی است و وا نهادن آموزش خواهی توسّیّت من، با آن که می دانم رحمت تو گسترده است، کاهلی است؛ چه دوستی ها و ابراز محبّت ها که تو با من می کنی، در حالی که از من، بی نیازی! و چه دشمنی ها که من با تو می کنم، در حالی که من به تو نیازمندم! پس، ای کسی که هرگاه تهدید کند، در می گذرد و هرگاه وعده دهد، به جا می آورد، بر محمّد، درود فرست و آن کاری را که زیننده توست، با من بکن.

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! آموزش خواهی من از تو، در عین حال، ادامه دادنم به آنچه از آن نهی کرده ای، بی حیایی است و وا نهادن آموزش خواهی من با آن که می دانم بردباری تو گسترده است، پایمال کردن حقّ امید است. بار خدایا! [از یک سو] گناهانم مرا از امیدوار شدن به تو، نومید می گرداند و [از سوی دیگر] علم من به گستردگی رحمت، ترسیدن از تو را از دلم می بزد. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و مرا به خودت امیدوار گردان و ترس مرا از خودت، بیجا بدار و برایم چنان باش که بهترین گمانم به توست، ای کریم ترین کریمان! مرا در پناه صیانت خود، قرار ده و زبانم را به حکمت، گویا ساز و از آنان قرارم ده که از آنچه در دیروزشان تزییع کرده اند، پشیمان اند.

۹ / ۵ آموزش خواهی های امام صادق علیه السلام: ای روشنایی، ای پاک، ای نخستین نخستینیان، و ای واپسین واپسینیان، ای مهرگستر، ای مهربان! بر من بیامرز گناهانی را که نعمت ها را می بزند، بر من بیامرز گناهانی را که عذاب ها را فرود می آورند! بر من بیامرز گناهانی را که پرده ها را می دَرند! بر من بیامرز گناهانی را که بلا نازل می کنند! بر من بیامرز گناهانی را که دشمنان را چیره و پیروز می گردانند! بر من بیامرز گناهانی را که مرگ [و نیستی] را شتاب می بخشند! بر من بیامرز گناهانی را که امید را قطع می کنند! بر من بیامرز گناهانی را که هوا را تیره و تار می کنند! بر من بیامرز گناهانی را که پرده را کنار می زنند! بر من بیامرز گناهانی را که دعا را [از درگاه تو] بر می گردانند! و بر من بیامرز گناهانی را که باران آسمان را بند می آورند!

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي ، وَرَحْمَتَكَ أَرْجَى عِنْدِي مِنْ عَمَلِي ، فَاعْفِرْ لِي ، يَا حَيُّ وَمَنْ لَا تَمُوتُ . (١)

عنه عليه السلام مِمَّا كَانَ يَقُولُ فِي سُجُودِهِ : سَجَدَ وَجْهِي الْبَالِي لَوَجْهِكَ الْبَاقِي الدَّائِمِ الْعَظِيمِ ، سَجَدَ وَجْهِي الدَّلِيلُ لَوَجْهِكَ الْعَزِيزِ ، سَجَدَ وَجْهِي الْفَقِيرُ لَوَجْهِ رَبِّي الْغَنِيِّ الْكَرِيمِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، رَبِّ اسْتَغْفِرْكَ مِمَّا كَانَ ، وَاسْتَغْفِرْكَ مِمَّا يَكُونُ . (٢)

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ بَعْدَ صِيَالِهِ الْفَجْرِ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْ لِي مَغْفِرَةً عَزَمَ جَزْمًا لَا تُغَادِرُ لِي ذَنْبًا وَلَا خَطِيئَةً وَلَا إِثْمًا . اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ تَبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عَمِدْتُ فِيهِ ، وَاسْتَغْفِرُكَ لِمَا أَعْطَيْتَكَ مِنْ نَفْسِي وَلَمْ أَفِ لَكَ بِهِ ، وَاسْتَغْفِرُكَ لِمَا أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَخَالَطَهُ مَا لَيْسَ لَكَ . فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاعْفِرْ لِي يَا رَبِّ وَلِوَالِدَيْ وَمَا وُلِدْتُ وَمَا تَوَالَدُوا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ ، وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ ، وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا ، رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ . (٣)

١- الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص ١٤١ ، مصباح المتهجد : ص ١٧٣ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٢٩ ح ٥١ .

٢- الكافي : ج ٣ ص ٣٢٧ ح ٢١ ، تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٩٩ ح ٢٥٩ عن إدريس بن عبد الله ، مصباح المتهجد : ص ٥٧٧ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٣٤ ح ٥٨ .

٣- مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٧٠ ح ٢١٧٢ ، مصباح المتهجد : ص ٢١٩ ، البلد الأمين : ص ٥٤ كلها عن معاوية بن عمارة وفي الأخيرين من دون إسنادٍ إلى الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٦٤ ح ٤٣ .

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! آمرزش تو ، گسترده تر از گناهان من است و امید من به رحمت تو ، بیشتر از امیدم به کردار خویش است . پس مرا بیامرز، ای زنده، ای کسی که هرگز نمی میرد!

امام صادق علیه السلام از دعاهایی که در سجودش می گفت : روی پوسنده [و نابود شونده] من ، برای روی [ذات] جاویدان و پاینده و بزرگ تو به خاک افتاده است. روی خوار من ، برای روی ارجمند تو به خاک افتاده است. روی نیازمند من ، برای روی پروردگار بی نیاز و بزرگوار و والا و بزرگ من ، به خاک افتاده است. پروردگارا! از آنچه (خطا و گناهی) که از من سر زده است و از آنچه از من سر خواهد زد ، از تو آمرزش می خواهم.

امام صادق علیه السلام از دعاهای ایشان بعد از نماز صبح : بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست و مرا بیامرز؛ آمرزشی قاطع و حتمی که هیچ گناه و خطا و جرمی را بر جای نگذارد (/نگذاری). بار خدایا! برای هر گناهی که از آن توبه کرده ام و دگر باره انجامش داده ام ، از تو آمرزش می خواهم. برای هر پیمانی که با تو بستم و بدان وفا نکردم ، از تو آمرزش می خواهم و برای هر آن کاری که خواستم برای تو انجامش دهم ، اما آنچه برای تو نیست (تیت غیر خدایی) با آن آمیخت ، از تو آمرزش می خواهم. پس بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست و مرا ای پروردگار من و پدر و مادرم را و فرزندان آنها و فرزندان مرا ، و مردان و زنان مؤمنی را که فرزندان آنها و من به دنیا آورده اند ، از زنده و مُرده شان ، بیامرز و [نیز بیامرز] برادران مؤمن پیشین ما را، و در دل های ما نسبت به کسانی که ایمان آورده اند ، کینه ای مگذار، ای پروردگار ما! به راستی که تو رؤوف و مهربانی.

عنه عليه السلام في دُعَاءِ يَوْمِ عَرَفَةَ : ... صَدَّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي الَّتِي نَظَرْتَ إِلَيْهَا عَيْنَايَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي الَّتِي نَطَقَ بِهَا لِسَانِي . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي الَّتِي اِكْتَسَبَتْهَا يَدَيَّ ، وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي الَّتِي بَاشَرَهَا جِلْدِي ، وَاغْفِرْ اللَّهُمَّ ذُنُوبِي الَّتِي احْتَطَبْتُ بِهَا عَلَى يَدَيَّ ، وَاغْفِرْ اللَّهُمَّ ذُنُوبِي الَّتِي قَدَّمْتَهَا يَدَايَ ، وَاغْفِرْ اللَّهُمَّ ذُنُوبِي الَّتِي أَحْصَاهَا كِتَابِيكَ ، وَاغْفِرْ اللَّهُمَّ ذُنُوبِي الَّتِي سَتَرْتَهَا مِنَ الْمَخْلُوقِينَ وَلَمْ أُسْتَرَّهَا مِنْكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي أَوْلَاهَا وَآخِرَهَا ، صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا ، دَقِيقَهَا وَجَلِيلَهَا ، مَا أَعْرَفُ مِنْهَا وَمَا لَا أَعْرَفُ . مَوْلَايَ عَظَّمْتَ ذُنُوبِي وَجَلَلْتَ ، وَهَيَّ صَغِيرَةً فِي جَنبِ عَفْوِكَ ، فَاعْفُ عَنِّي فَقَدْ قَيَّدْتَنِي ، وَاشْتَهَرْتَ عُيُوبِي ، وَغَرَقْتَنِي خَطَايَايَ ، وَأَسَلَمْتَنِي نَفْسِي إِلَيْكَ ، بَعْدَمَا لَمْ أَجِدْ مَلْجَأً وَلَا مَنَاجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ . مَوْلَايَ اسْتَوْجِبْتُ أَنْ أَكُونَ لِعُقُوبَتِكَ غَرَضًا ، وَلِنَقِمَتِكَ مُسْتَحِقًّا . إِلَهِي قَدْ غَيَّرَ عَقْلِي فِيمَا وَجَلْتُ مِنْ مُبَاشَرَةِ عَصِيَانِكَ ، وَبَقِيْتُ حَيْرَانًا مُتَعَلِّقًا بِعَمُودِ عَفْوِكَ ، فَأَقْلِنِي يَا مَوْلَايَ وَإِلَهِي بِالْإِعْتِرَافِ ، فَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَاضِعٌ صَاحِرٌ دَاخِرٌ (١) رَاغِمٌ ، إِنْ تَرَحَّمْنِي فَقَدِيمًا شَمَلْنِي عَفْوُكَ ، وَأَلْبَسْتَنِي عَافِيَتِكَ ، وَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأِنِّي لِذَلِكَ أَهْلٌ ، وَهُوَ مِنْكَ يَا رَبَّ عَيْدٌ ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ قَوِيَ عَلَيْهِ يَدِي بِعَافِيَتِكَ ، أَوْ نَالَتُهُ قُدْرَتِي بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ ، أَوْ بَسَّطْتُ إِلَيْهِ يَدِي بِسَابِغِ رِزْقِكَ ، أَوْ اتَّكَلْتُ عِنْدَ خَوْفِي مِنْهُ عَلَى أَنَاتِكَ ، أَوْ وَثَقْتُ فِيهِ بِحَوْلِكَ ، أَوْ عَوَّلْتُ فِيهِ عَلَى كَرِيمِ عَفْوِكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ خُنْتُ فِيهِ أَمَانَتِي ، أَوْ نَحَسْتُ بِفِعْلِهِ نَفْسِي ، أَوْ احْتَطَبْتُ بِهِ عَلَى يَدَيَّ ، أَوْ قَدَّمْتُ فِيهِ لَذَّتِي ، أَوْ آثَرْتُ فِيهِ شَهْوَاتِي ، أَوْ سَيَّعَيْتُ فِيهِ لِعَيْرِي ، أَوْ اسْتَفْوَيْتُ فِيهِ مَنْ تَبِعَنِي ، أَوْ غَلَبْتُ عَلَيْهِ بِفَضْلِ حِيلَتِي ، أَوْ احْتَلْتُ عَلَيْكَ فِيهِ مَوْلَايَ ، فَلَمْ تَغْلِبْنِي عَلَى فِعْلِي ، إِذْ كُنْتُ كَارِهًا لِمَعْصِيَتِي ، لَكِنْ سَبَقَ عِلْمِيكَ فِي فِعْلِي ، فَحَلَمْتَ عَنِّي ، لَمْ تُدْخِلْنِي يَا رَبَّ فِيهِ جَبْرًا ، وَلَمْ تَحْمِلْنِي عَلَيْهِ قَهْرًا ، وَلَمْ تَظْلِمْنِي فِيهِ شَيْئًا . أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ مَنْ غَمَرَتْهُ مَسَاغِبُ الْإِسَاءِ ، فَأَيَقَنَ مِنَ إِلَهِهِ بِالْمُجَازَاهِ . أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ مَنْ تَهَوَّرَ تَهَوُّرًا فِي الْغِيَابِ (٢) ، وَتَدَاخَصَ (٣) لِلشُّقُوهِ فِي أَوْدَاءِ (٤) الْمَذَاهِبِ . أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ مَنْ أَوْرَطَهُ الْإِيفْرَاطُ فِي مَيَآئِمِهِ ، وَأَوْتَقَهُ الْإِرْتِبَاكُ فِي لُجَجِ جَرَائِمِهِ . أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ مَنْ أَنَافَ (٥) عَلَى الْمَهَالِكِ بِمَا اجْتَرَمَ . أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ مَنْ أَوْحَدَتْهُ الْمَيِّتَةُ فِي حُفْرَتِهِ ، فَأَوْحَشَ بِمَا اقْتَرَفَ مِنْ ذَنْبٍ اسْتَكْفَفَ ، فَاسْتَرْحَمَ هُنَالِكَ رَبَّهُ وَاسْتَعَطَفَ . أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ مَنْ لَمْ يَتَزَوَّدْ لِإِبْعَادِ سَفَرِهِ زَادًا ، وَلَمْ يُعِدَّ لِمَظَاحِنِ تَرْحَالِهِ إِعْدَادًا . أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ مَنْ شَسَعَتْ (٦) شُقَّتُهُ ، وَقَلَّتْ عُدَّتُهُ ، فَغَشَّيْتُهُ هُنَالِكَ كُرْبَتَهُ . أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ مَنْ خَالَطَ كَسْبَهُ التَّدَالِسَ (٧) ، وَقَرَنَ بِأَعْمَالِهِ التَّبَاخُسَ . (٨) أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ مَنْ لَا يَعْلَمُ عَلَى أَىِّ مَنْزِلَتِهِ هَاجِمٌ ، أَوْ فِي النَّارِ يُصَلِّي ، أَمْ فِي الْجَنَّةِ نَاعِمٌ يَحْيَا . أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ مَنْ غَرِقَ فِي لُجَجِ الْمَآئِمِ ، وَتَقَلَّبَ فِي أَظَالِيلِ مَقْتِ الْمَحَارِمِ . أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ مَنْ عَنَدَ عَنِ لَوَائِحِ حَقِّ الْمَنَهِجِ ، وَسَلَّكَ سَوَادِفَ (٩) سُبُلِ الْمُرْتَجِحِ . أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ مَنْ لَمْ يَهْمَلْ شُكْرِي ، وَلَمْ يَضْرِبْ عَنْهُ صَيْفَهَا . أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ مَنْ لَمْ يُنْجِهِ الْمَفْرُءُ مِنْ مُعَانَاهِ ضَنْكَ الْمُنْقَلَبِ ، وَلَمْ يُجِرْهُ الْمَهْرَبُ مِنْ أَهْوِيلِ عِبِّ الْمَكْسَبِ . أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ مَنْ تَمَرَّدَ فِي طُغْيَانِهِ عُدْوًا ، وَبَارَزَهُ بِالْخَطِيئَةِ عُدْوًا . أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ مَنْ أَحْصَى عَلَيْهِ كُرُورَ لَوَافِظِ السِّنْتَةِ ، وَزِنَةَ مَخَانِقِ (١٠) الْجَنَّةِ . أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ مَنْ لَا يَرْجُو سِوَاهُ . أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ مِمَّا أَحْصَاهُ الْعُقُولُ ، وَالْقَلْبُ الْجَهُولُ ، وَاقْتَرَفْتُهُ الْجَوَارِحُ الْخَاطِئَةُ ، وَاکْتَسَبَتْهُ الْيَدُ الْبَاغِيَةُ . أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ بِمَقْدَارٍ وَمَقْيَاسٍ وَمِكْيَالٍ وَمَبْلَغٍ مَا أَحْصَى وَعَدِدَ مَا خَلَقَ وَمَا فَلقَ ، وَذَرَأَ وَبَرَأَ وَأَنْشَأَ وَصَوَّرَ وَدَوَّنَ . وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ أَضْعَافَ ذَلِكَ ، وَأَضْعَافًا مُضَاعَفَةً ، وَأَمْثَالًا مُمَثَّلَةً ، حَتَّى أَبْلُغَ رِضَا اللَّهِ وَأَفُوزَ بِعَفْوِهِ . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي لِدِينِهِ الَّذِي لَا يَقْبَلُ عَمَلًا - إِلَّا بِهِ ، وَلَا يَغْفِرُ ذَنْبًا إِلَّا لِأَهْلِهِ . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مُسْلِمًا لَهُ وَلِرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيمَا أَمَرَ بِهِ وَنَهَى عَنْهُ . (١١)

- ١- الداخِرُ : الدليل المٌهان (النهايه : ج ٢ ص ١٠٧ «دخر»).
- ٢- الغَيْهَبُ : الظلام (النهايه : ج ٣ ص ٣٩٨ «غهب»).
- ٣- الدَّحَضُ : الزَّلَقُ (لسان العرب : ج ٧ ص ١٤٨ «دحض»).
- ٤- الوُدْأُ : الهلاك (لسان العرب : ج ١ ص ١٩٢ «ودأ»).
- ٥- أناف على الشيء : أشرف (لسان العرب : ج ٩ ص ٣٤٢ «نوف»).
- ٦- شاسعُ الدار : أى بعيدها (النهايه : ج ٢ ص ٤٧٢ «شسع»).
- ٧- التدليس : إخفاء العيب (النهايه : ج ٢ ص ١٣٠ «دلس»).
- ٨- البِخْسُ : النقص والظلم . وتباخسوا : تَغَابَنُوا (القاموس المحيط : ج ٢ ص ١٩٩ «بخس»).
- ٩- السُدْفَةُ : الظلمه (النهايه : ج ٢ ص ٣٥٥ «سدف»).
- ١٠- المَخْتَقَه : القِلاده ، يقال : فى جيدها مخنقه (تاج العروس : ج ١٣ ص ١٢٩ «خنق»).
- ١١- الإقبال : ج ٢ ص ١٤١ ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٢٥٦ .

امام صادق علیه السلام در دعای روز عرفه: ... بر محمد و خاندان او درود فرست و آن گناهان مرا که با چشمانم مرتکب آنها شده ام، بیامرز. بر محمد و خاندان او درود فرست و آن گناهان را که زبانم مرتکب آنها شده است، بیامرز! بر محمد و خاندان او درود فرست و آن گناهان مرا که با دستانم مرتکب آنها شده ام، بیامرز، و گناهی را که پوستم آنها را لمس کرده است، بر من بیامرز! بار خدایا! آن گناهان مرا که آنها را [هیمه وار] بر پشت خود بار کرده ام، بیامرز. بار خدایا! آن گناهان مرا که دستانم پیش فرستاده اند، بر من بیامرز. بار خدایا! آن گناهان مرا که نوشته تو، آنها را آمار کرده است، بر من بیامرز. بار خدایا! آن گناهان مرا که تو از مردمان پوشاندی و من آنها را از تو نپوشاندم، بر من بیامرز. بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و گناهان مرا، از اول تا به آخر، و کوچک و بزرگ، و ریز و درشت، چه آنهایی را که می دانم و چه آنهایی را که نمی دانم، بر من بیامرز. سرور من! گناهان من، بزرگ و سترگ اند؛ لیکن در کنار گذشت و بخشایش تو خردند. پس مرا ببخش که گناهان، مرا در بند کشیده اند و عیب هایم، بر ملا گشته اند و خطاهایم، مرا غرق در خود ساخته اند و نفسم، مرا تسلیم تو کرده است، پس از آن که پناهی و نجاتی از [خشم و عذاب] تو، جز به خود تو نیافتم. سرور من! من، مستوجب آنم که هدف کیفر تو و مستحق خشم تو باشم. معبود من! ترس از پرداختن به نافرمانی تو، خرد مرا دگرگون ساخته است و سرگشته، به ستون عفو تو چنگ زده ام. پس ای سرور و ای معبود من با این اعترافم، از من در گذر. اینک من، در پیشگاه تو، بنده ای خوار و خاکسار و زبون و ناچیز و بی اختیارم. اگر بر من رحم آوری [تازگی ندارد؛ زیرا] از دیرباز، عفو تو شامل حال من بوده است و جامه عافیت را بر من پوشانده ای، و اگر عذاب کنی، من، سزاوار آنم و این عذاب ای پروردگار من از جانب تو، عین عدالت است... بار خدایا! از تو آرزو می خواهم از هر گناهی که بدنم، به لطف عافیت بخشی تو، بر آن توانا شد، یا توانم، به برکت نعمت تو، به آن رسید، یا دستانم، در سایه روزی سرشار تو، به آن دراز شد، یا آن گناه که از آن ترسیدم به بردباری تو تکیه کردم [و مرتکب آن گناه شدم]، یا به نیروی تو (دگرگون سازی تو) اعتماد کردم، یا به عفو کریمانه تو تکیه نمودم. بار خدایا! از تو آرزو می خواهم از هر گناهی که در آن به امانت خود، خیانت کردم، یا با انجام دادن آن، بر خویشتم ستم نمودم یا آن را بر پشت خود جمع کردم، یا در آن، لذت خود را مقدم داشتم، یا هوس خویش را ترجیح دادم، یا در آن برای غیر خود کوشیدم، یا با آن، کسی را که پیرو من بود، به گم راهی کشاندم، یا با چاره گری ام، بر آن چیره آمدم، یا در آن، با تو از در حيله گری در آمدم ای آقای من در حالی که تو، مرا بر کردارم مجبور نساختی؛ زیرا نافرمانی مرا ناخوش می داشتی، امیا پیش تر، تو از کرده من آگاه بودی و با این حال، در باره من، بردباری ورزیدی، و مرا ای پروردگار من به اجبار، در آن [گناه] در نیوردی، و به زور، بر آن وادارم نکردی، و از این بابت، کمترین ستمی در حق من روا نداشتی [بلکه با اختیار خودم به خویشتم ستم کردم]. از خدا آرزو می خواهم، چونان آرزو خواهی کسی که حرص و ولع به بدی کردن، او را فرا گرفته و یقین یافته که معبودش، او را مجازات خواهد کرد. از خدا آرزو می خواهم، چونان آرزو خواهی کسی که در تاریکی ها فرو رفته و در بیراهه های هلاکتبار، فرو لغزیده است. از خدا آرزو می خواهم، چونان آرزو خواهی کسی که زیاده روی در گناهانش، او را در ورطه نابودی افکنده و فرو رفتن در اعماق جرم هایش، او را در بند کشیده است. از خدا آرزو می خواهم، چونان آرزو خواهی کسی که به سبب بزهکاری هایش در آستانه هلاکتگاه ها قرار گرفته است. از خدا آرزو می خواهم، چونان آرزو خواهی کسی که مرگ، او را در گورش به دست تنهایی سپرده و بر اثر گناهی که مرتکب شده است، وحشترده است و در آن هنگام، از

پروردگارش طلب رحم و عطوفت می کند. از خدا آمرزش می خواهم، چونان آمرزش خواهی کسی که برای سفر دور و دراز خود، توشه ای برنداشته و برای مسیرهای سفرش، ساز و برگ فراموش نیاورده است. از خدا آمرزش می خواهم، چونان آمرزش خواهی کسی که راهش دور، و ساز و برگش، اندک است و غم و اندوه، او را فرا گرفته است. از خدا آمرزش می خواهم، چونان آمرزش خواهی کسی که فریبکاری و تقلب را در کسب و کارش آمیخته و زیانکاری را با اعمالش، همراه ساخته است. از خدا آمرزش می خواهم، چونان آمرزش خواهی کسی که نمی داند در کدام منزلگاهش وارد می شود: آیا در آتش، فرو می افتد یا در بهشت، آسوده زندگی خواهد کرد؟ از خدا آمرزش می خواهم، چونان آمرزش خواهی کسی که در گرداب های گناهان، فرو رفته و در میان امواج نفرت انگیز حرام ها، دست و پا می زند. از خدا آمرزش می خواهم، چونان آمرزش خواهی کسی که از جاده روشن حق، بیرون رفته و راه های تنگ و تاریک را پیموده است. از خدا آمرزش می خواهم، چونان آمرزش خواهی کسی که سپاس گزاری از مرا، فرو نگذاشت و از آن، روی برتافت. از خدا آمرزش می خواهم، چونان آمرزش خواهی کسی که گریختن، او را از رنج سختی [و تنگی] بازگشتگاه، نجات نداد و فرار کردن، او را از بارهای وحشتناک دستاوردها [ی اعمالش] پناه نداد. از خدا آمرزش می خواهم، چونان آمرزش خواهی کسی که دشمنانه، در برابر او علم شورش افراشت و سرکشانه، با گناه به مبارزه با او برخاست. از خدا آمرزش می خواهم، چونان آمرزش خواهی کسی که [خدا] سخنانی را که پایی از زبان های او بیرون آمده، شماره کرده و وزن گلوبندهای بهشت را در حساب دارد. از خدا آمرزش می خواهم، چونان آمرزش خواهی کسی که به غیر او امید ندارد؛ از خدایی که جز او زنده جاویدان نیست، آمرزش می خواهم از آنچه خردها و دل نادان، آن را ضبط کرده اند و اندام های خطاکار، مرتکبان شده اند و دست تجاوزگر، کسب کرده است. از خدایی که معبودی جز او نیست، آمرزش می خواهم، به اندازه و میزان و پیمان و قدر آنچه شمارش کرده است، و به شمار آنچه آفریده و شکافته و پدید آورده و ایجاد کرده و صورت بخشیده و تدوین کرده است. از خدا آمرزش می خواهم، چند برابر اینها، و چندین و چند برابر اینها، و هزاران بار بیشتر از اینها، تا آن که به رضایت خدا دست یابم و عفو او را به دست آورم. ستایش، خدایی را که مرا به دین خود، راه نمایی کرد، همان دینی که هیچ عملی را جز با آن نمی پذیرد، و هیچ گناهی را جز از کسی که پیرو آن است، نمی آمرزد. ستایش، خدایی را که مرا تسلیم اوامر و نواهی خودش و پیامبرش قرار داد.

ص: ٣٠١

..

٩ / ١٦ الاستغفارات المأثورة عن الإمام الكاظم عليه السلام الإمام الكاظم عليه السلام من دعائه في عمل أول ليله من رجب وهو ساجد بعد فراغه من صلاة الليل: اللهم صل على محمد وآله الأئمة ينابيع الحكمة، وأولى النعمه، ومعادن العصمه، واعصمني بهم من كل سوء، ولا تأخذني على غره ولا غفله، ولا تجعل عواقب أعمالى حسره، وارض عني فإن مغفرتك للظالمين وأنا من الظالمين، اللهم اغفر لي ما لا يضرك، وأعطني ما لا ينقصك، فإنك الواسع رحمته، البديع حكمته. (١)

عنه عليه السلام: اللهم اغفر لي كل ذنب يحبس رزقي، ويحبب مسألتى، أو يقصير بي عن بلوغ مسألتى، أو يصيد بوجهك الكريم عني. اللهم اغفر لي وارزقني وارحمني واجبرني وعافني واعف عني، وارفعني واهدني وانصبرني، وألق في قلبي الصبر والنصر، يا مالِك الملِك، فإنه لا يملك ذلك غيرك ... (٢)

١- مصباح المتهجد: ص ٧٩٩ ح ٨٥٩، الإقبال: ج ٣ ص ١٨٧ كلاهما عن علي بن حديد، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٣٨١ ح ٢

٢- مصباح المتهجد: ص ٥٠٢ ح ٥٨٣، البلد الأمين: ص ٨٨، المصباح للكفعمي: ص ١٣٩، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٣٥ ح

۹ / ۶ آموزش خواهی های امام کاظم علیه السلام

۹ / ۶ آموزش خواهی های امام کاظم علیه السلام از دعای ایشان در اعمال نخستین شب ماه رجب و در سجده پس از اقامه نماز شب: بار خدایا! بر محمّد و خاندان او، [یعنی] امامان، چشمه های حکمت و صاحبان نعمت و معدن های عصمت، درود فرست و به حقّ خاندان آنان، مرا از هر بدی و گزندى نگه دار، و بی خبر و غافلگیر، بر من متاز، و عاقبت کارهایم را مایه دریغ و افسوس من، قرار مده و از من خشنود باش، که آموزش تو برای ستمکاران [بر خویش] است و من هم از ستمکارانم. بار خدایا! مرا بیامرز، که آمرزیدن من، به تو زیانی نمی رساند، و به من عطا کن، که عطا کردن، از تو چیزی نمی کاهد؛ زیرا تو کسی هستی که رحمتش بی انتهاست و حکمتش نو [و بی مانند] است.

امام کاظم علیه السلام: بار خدایا! بر من بیامرز هر گناهی را که روزی مرا باز می دارد، و مانع [اجابت] درخواست من می شود، یا مرا از رسیدن به درخواستم باز می دارد، یا روی بزرگوار تو را از من، بر می گرداند. بار خدایا! مرا بیامرز و به من روزی ده. بر من رحم آور و احوال مرا اصلاح گردان و به من، عافیت بخش و از من، درگذر و مرا رفعت بخش و هدایتم کن و یاری ام ده و شکیبایی و پیروزی را در دلم بیفکن، ای مالکِ مُلکِ هستی که این همه، در اختیار کسی جز تو نیست!...

٩ / ٧ استغفار الخضر كثر العمال عن ابن عمر: كان رسول الله صلى الله عليه وآله كثيرا ما يقول لنا: معاشر أصحابي، ما يمنعكم أن تكفروا ذنوبكم بكلمات يسيره؟ قالوا: يا رسول الله، وما هي؟ قال: تقولون مقالة أخي الخضر. قلنا: يا رسول الله: ما كان يقول؟ قال: كان يقول: اللهم إني استغفرك لما تبت إليك منه ثم عدت فيه، واستغفرك لما أعطيتك من نفسي ثم لم أوف لك به، واستغفرك للنعم التي أنعمت بها علي فتفويت بها علي معاصيك، واستغفرك لكل خير أردت به وجهك فخالطني فيه ما ليس لك، اللهم لا تخزني فإنك بي عالم، ولا تعذبني فإنك علي قادر. (١)

٩ / ٨ سيّد الاستغفار صحيح البخاري عن شداد بن أوس عن النبي صلى الله عليه وآله: سيّد الاستغفار أن تقول: اللهم أنت ربّي لا إله إلا أنت، خلقتني وأنا عبدك وأنا على عهدك ووعدك ما استطعت، أعوذ بك من شر ما صنعت، أبوء لك بنعمتك عليّ، وأبوء لك بذنبي، فأغفر لي فإنه لا يغفر الذنوب إلا أنت. قال: ومن قالها من النهار موقنا بها فمات من يومه قبل أن يمسي فهو من أهل الجنة، ومن قالها من الليل وهو موقن بها فمات قبل أن يصبح فهو من أهل الجنة. (٢)

١- كثر العمال: ج ٢ ص ٧٠٠ ح ٥١٢٦ نقلاً عن الديلمي.

٢- صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٢٤ ح ٥٩٤٧، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٦٧ ح ٣٣٩٣، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٧٩، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٧٥ ح ١٧١١٠، صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ٢١٣ ح ٩٣٣ كلها نحوه، كثر العمال: ج ١ ص ٤٧٨ ح ٢٠٨٧.

۹ / ۷ آموزش خواهی خضر علیه السلام

۹ / ۸ سرور آموزش خواهی ها

۹ / ۷ آموزش خواهی خضر کنز العمال به نقل از ابن عمر: پیامبر خدا، بارها به ما می فرمود: «ای یاران من! چرا گناهانتان را با کلماتی اندک، از بین نمی برید؟» می گفتند: آن کلمات چیست، ای پیامبر خدا؟ می فرمود: «گفته برادرم خضر علیه السلام را بگویند». می گفتیم: او چه می گفت، ای پیامبر خدا؟ می فرمود: «می گفت: بار خدایا! برای هر آن بدی [و گناهی] که از آن توبه کردم، سپس بدان بازگشتم، از تو آموزش می خواهم. برای هر وعده ای که به تو دادم و به آن عمل نکردم، از تو آموزش می خواهم. برای نعمت هایی که به من ارزانی داشتی و من از آنها در نافرمانی تو کمک گرفتم، از تو آموزش می خواهم. برای هر کار نیکی که قصدم از آن تو بودی، سپس به آنچه برای تو نبود، آمیخته شد، از تو آموزش می خواهم. بار خدایا! مرا خوار و سر شکسته مکن؛ زیرا تو به [منویات و اعمال] من دانایی، و مرا عذاب مکن؛ زیرا تو بر من، توانایی».

۹ / ۸ سرور آموزش خواهی هاصحیح البخاری به نقل از شداد بن اوس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سرور آموزش خواهی، این است که بگویی: بار خدایا! تو پروردگار منی. معبودی جز تو نیست. تو مرا آفریده ای و من، تا بتوانم بر پیمان و وعده ام با تو وفادار می مانم. از شر آنچه به جا آورده ام، به تو پناه می برم. به لطف نعمت های تو بر من، به پیشگاهت اعتراف می کنم و به گناهانم معترفم. پس مرا بیامرز، که گناهان را جز تو کسی نمی آمرزد». [سپس] فرمود: «هر کس در هنگام روز، این جملات را با یقین به آنها بگوید و آن روز، پیش از آن که شب فرا رسد، بمیرد، اهل بهشت است و هر کس در هنگام شب و با یقین به این جملات، آنها را بگوید و آن شب، پیش از آن که صبح شود، از دنیا برود اهل بهشت است».

رسول الله صلى الله عليه وآله: أَكْثَرُ مِنْ قَوْلِ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، فَإِنَّهَا سَيِّدُ
الِاسْتِغْفَارِ، وَإِنَّهَا مَمْحَاةٌ لِلْخَطَايَا أَحْسَبُهُ قَالَ: مَوْجِبَةٌ لِلْجَنَّةِ. (١)

٩ / ٩ النُّوَادِرُ رسول الله صلى الله عليه وآله في دُعَاءِ اللَّيْلِ الْعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِمَّا مَضَى مِنْ ذُنُوبِي فَأَنْسِيْتُهَا
وَهِيَ مُثَبَّتَةٌ عَلَيَّ يُحْصِيهَا عَلَيَّ الْكِرَامُ الْكَاتِبُونَ يَعْلَمُونَ مَا أَفْعَلُ، وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ مَوْبِقَاتِ الذُّنُوبِ، وَأَسْتَغْفِرُهُ مِنْ مُفْطَعَاتِ (٢)
الذُّنُوبِ، وَأَسْتَغْفِرُهُ مِمَّا فَرَضَ عَلَيَّ فَتَوَانَيْتُ، وَأَسْتَغْفِرُهُ مِنْ نَسْيَانِ الشَّيْءِ الَّذِي بَاعِدَنِي مِنْ رَبِّي. وَأَسْتَغْفِرُهُ مِنَ الزَّلَمَاتِ (٣)
وَالضَّلَالَاتِ وَمِمَّا كَسَبَتْ يَدَايَ، وَأَوْمِنُ بِهِ وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ كَثِيرًا، وَأَسْتَغْفِرُهُ وَأَسْتَغْفِرُهُ وَأَسْتَغْفِرُهُ وَأَسْتَغْفِرُهُ وَأَسْتَغْفِرُهُ
وَأَسْتَغْفِرُهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَعْفُو عَنِّي وَتَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي، وَاسْتَجِبْ يَا سَيِّدِي دُعَائِي، فَإِنَّكَ أَنْتَ
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. (٤)

صحيح البخارى عن أبى بكر: أَنَّهُ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَّمَنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي صَيِّلَاتِي. قَالَ [صلى الله عليه وآله]
آله: [قُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاعْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. (٥)

- ١- مجمع الزوائد ج: ١٠ ص ١٠٠ ح ١٦٨٤٢ نقلًا عن البزار عن أبى المنذر الجهنى .
- ٢- فُطِعَ الْأَمْرُ فَهُوَ فَطِيعٌ: أَى شَدِيدٌ شَنِيعٌ جَاوَزَ الْمَقْدَارَ (الصَّحَاحُ: ج ٣ ص ١٢٥٩ «فَطِعَ»).
- ٣- الزَّلَمَ: الْخَطَأَ وَالذَّنْبَ (النَّهَائِيه: ج ٢ ص ٣١٠ «زَلَمَ»).
- ٤- الإِقْبَالُ: ج ١ ص ٣٥٣، الْبَلَدُ الْأَمِينُ: ص ١٩٨ نحوه، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٩٨ ص ٥١ و ص ٧٨ ح ٢ .
- ٥- صحيح البخارى ج ١ ص ٢٨٧ ح ٧٩٩، صحيح مسلم ج ٤ ص ٢٠٧٨ ح ٤٨، سنن الترمذى ج ٥ ص ٥٤٣ ح ٣٥٣١، سنن النسائى ج ٣ ص ٥٣، سنن ابن ماجه ج ٢ ص ١٢٦١ ح ٣٨٣٥، كنز العمال ج ٢ ص ١٩٩ ح ٣٧٣٩ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: این گفتار را بسیار بگو که: «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و لا حول و لا قوه إلا بالله؛ پاکا خدا، و ستایش، خدای را! معبودی جز خدا نیست. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا؛ زیرا این گفتار، سیرور آمرزش خواهی و از بین برنده گناهان است.» و گمانم فرمود: «و بهشت را [بر شخص،] واجب می گرداند».

۹ / ۹ گوناگون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای شب بیستم ماه رمضان: برای گناهان گذشته ام که از یادشان برده ام، ولی برایم ثبت شده اند و آن نویسندگان گرامی، هر چه انجام دهم، می دانند و آنها را به حساب من نوشته اند، از خدا آمرزش می خواهم. برای گناهان نابود کننده، از خدا آمرزش می خواهم. برای گناهان بس نفرت انگیز و زشت، از او آمرزش می خواهم. برای آنچه بر من واجب ساخت و در به جا آوردن آن، سستی کردم، از او آمرزش می خواهم. برای فراموش کردن چیزهایی که مرا از پروردگارم دور کرده اند، از او آمرزش می خواهم. از لغزش ها و گم راهی ها و گناهانی که انجام داده ام، از او آمرزش می خواهم، و به او ایمان دارم و بسیار بر او توکل می کنم و از او آمرزش می خواهم، آمرزش می خواهم، آمرزش می خواهم، آمرزش می خواهم، آمرزش می خواهم، آمرزش می خواهم، و مرا ببخش، و گناهان گذشته ام را بیامرز، و دعایم را ای سیرور من مستجاب فرما، که تو بی گمان، توبه پذیر و مهربانی.

صحیح البخاری در باره ابو بکر: او (ابوبکر) به پیامبر خدا گفت: مرا دعایی بیاموز تا با آن در نماز دعا کنم. فرمود: «بگو: بار خدایا! من به خود بسی ستم کردم، و تنها تویی که آمرزنده گناهانی. پس با آمرزشی از نزد خود، مرا بیامرز و به من رحم کن، که به راستی تو آمرزگار و مهربانی.»

رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَخَطِيئِي وَعَمْدِي . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً وَاحِدَةً: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ، بَائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ، لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا» أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى الْمَلَائِكَةَ بِتَخْرِيقِ صَحِيفَتِهِ كَائِنَةً مَا كَانَتْ . (٢)

الإمام علي عليه السلام: مِنْ أَحَبِّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَقُولَ الْعَبْدُ وَهُوَ سَاجِدٌ: رَبِّ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفِرْ لِي . (٣)

عنه عليه السلام: مِنْ كَلِمَاتٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَقُولَهُنَّ الْعَبْدُ (٤): اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ لَا أَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاكَ، اللَّهُمَّ لَا أُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا، اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ . (٥)

١- .مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٤٨٩ ح ١٦٢٦٩، صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ١٨٣ ح ٩٠١، المعجم الكبير: ج ٩ ص ٥٣ ح ٨٣٦٩، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٦٢ ح ٥، الدعاء للطبراني: ص ٤١٢ ح ١٣٩٢ كلّها عن عثمان بن أبي العاص، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٠٥ ح ٣٧٧٢ .

٢- .فلاح السائل: ص ٣٥٥ ح ٢٣٩ عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، عدّه الداعي: ص ٢٥١ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، مصباح المتّجّد: ص ٧٥، البلد الأمين: ص ٢٠ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام فيهما صدره وذيله، المصباح للكفعمي: ص ٥٤٨ وفيه «أفضل القنوت ما روى عن النبي صلى الله عليه وآله وهو...»، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٨٢ ح ٩ .

٣- .الدعاء للطبراني: ص ١٩٥ ح ٦٠٨، المصنّف لعبد الرزاق: ج ٢ ص ١٥٥ ح ٢٨٧٧ كلاهما عن زرّ بن حبّيش، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٧٦ ح ٥٠٤٨؛ بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٨٦ ح ٢١٧ ح ٣٣ نقلًا من خطّ الشهيد .

٤- .في الزهد وكنز العمال: «ما من كلماتٍ أحبّ إلى الله من أن يقول: ...» .

٥- .المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٨٤ ح ٥، الزهد لهناد: ج ٢ ص ٤٦٣ ح ٩٢٥ كلاهما عن ربعي بن خراش، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٧٨ ح ٥٠٥٣؛ الإقبال: ج ١ ص ٣٢٦ عن الإمام الكاظم عليه السلام نحوه وليس فيه صدره، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! گناه مرا و هر آن بدی ای که به خطا یا به عمد از من سر زده است، بر من بیامرزد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس هر روز بعد از نماز عصر، صد مرتبه بگوید: «از خدایی که معبودی نیست، جز او زنده جاویدان، مهر گسترِ مهربان، خداوند گار شُکوه و ارج، آمرزش می خواهم و از او درخواست می کنم که توبه مرا بپذیرد؛ توبه بنده خوار و خاکسارِ نادار بینوای مستمندِ بیچاره و پناه خواهی که برای خود، اختیار هیچ سود و زیان، و مرگ و زندگی و رستاخیزی را ندارد»، خداوند متعال به دو فرشته [ی گماشته شده بر او] می فرماید که نامه [اعمال] او را پاره کنند، هر چه باشد.

امام علی علیه السلام: از محبوب ترین سخنان نزد خداوند عز و جل این است که بنده، در حال سجده بگوید: «پروردگارا! به خودم ستم کردم. مرا بیامرزد».

امام علی علیه السلام: از جملاتی که در نزد خدا محبوب ترند، این است که بنده بگوید: «بار خدایا! معبودی جز تو نیست. بار خدایا! جز تو را نمی پرستم. بار خدایا! چیزی را شریک تو قرار نداده ام. بار خدایا! به خود ستم کرده ام. پس گناهانم را بیامرزد، که گناهان را جز تو کسی نمی آمرزد».

عنه عليه السلام من دُعاء الأمان : ... اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ النَّاطِقِ ، عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ الصَّادِقِ ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «فَمَا اسْتَيْكُنُوا لِرَبِّهِمْ وَ مَا يَتَضَرَّعُونَ» (١) ، فَمَا أَنَا يَا رَبِّ مُسْتَكِينٌ مُتَضَرِّعٌ إِلَيْكَ ، عَائِدٌ بِكَ ، مُتَوَكِّلٌ عَلَيْكَ . وَقُلْتَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ : «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» (٢) ، وَأَنَا يَا سَيِّدِي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ وَأَبُوءُ بِذَنْبِي ، وَأَعْتَرِفُ بِخَطِيئَتِي ، وَأَسْتَقِيلُكَ عَثْرَتِي ، فَهَبْ لِي مَا أَنْتَ بِهِ خَبِيرٌ . وَقُلْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ : «يَعْبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (٣) ، فَلْيَبِكْ اللَّهُمَّ لَبِيكَ وَسَعْدِيكَ ، وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ . أَنَا يَا سَيِّدِي الْمُسْرِفُ عَلَى نَفْسِي ، قَدْ وَقَفْتُ مَوْقِفَ الْأَذِلَّةِ الْمُذْنِبِينَ الْعَاصِينَ الْمُتَجَرِّبِينَ عَلَيْكَ ، الْمُسْتَخْفِينَ بِوَعْدِكَ وَوَعِيدِكَ ، اللَّاهِينَ عَن طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ ، فَأَيُّ جُرْأَةٍ اجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ ! وَأَيُّ تَعَزُّرٍ غَزَرْتُ بِنَفْسِي ! فَأَنَا الْمُتْرِبُ بِذَنْبِي ، الْمُرْتَهَنُ بِعَمَلِي ، الْمُتَحَيِّرُ عَن قَصْدِي ، الْمُتَهَوِّزُ فِي خَطِيئَتِي ، الْغَرِيقُ فِي بُحُورِ ذُنُوبِي ، الْمُتَنْقِطِعُ بِي ، لَا أَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا ، وَلَا لِتَوْبَتِي قَابِلًا ، وَلَا لِإِنْدَائِي سَامِعًا ، وَلَا لِعَثْرَتِي مُقْبِلًا ، وَلَا لِعَوْرَتِي سَاتِرًا ، وَلَا لِذَعَائِي مُجِيبًا غَيْرَكَ يَا سَيِّدِي ، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا مُجِدْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ أَسْرَفٍ عَلَى نَفْسِهِ وَعَصَاكَ ثُمَّ تَرْضَاكَ ، وَلَا تُهْلِكْنِي إِنْ عُدْتُ بِكَ وَلَذْتُ وَأَنْخْتُ بِفِنَائِكَ وَاسْتَجَرْتُ بِكَ . إِنْ دَعَوْتُكَ يَا مَوْلَايَ فَبِذَلِكَ أَمَرْتَنِي وَأَنْتَ ضَمِنْتَ لِي ، وَإِنْ سَأَلْتُكَ فَأَعْطِنِي ، وَإِنْ طَلَبْتُ مِنْكَ فَلَا تَحْرِمْنِي ، إِلَهِي ، اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ وَارْضَ عَنِّي ، وَإِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّي فَاعْفُ عَنِّي ، فَقَدْ لَا يَرْضَى الْمَوْلَى عَن عَبْدِهِ ثُمَّ يَعْفُو عَنْهُ ، لَيْسَ تُشْبِهُ مَسْأَلَتِي مَسْأَلَةَ السُّؤَالِ ؛ لِأَنَّ السَّائِلَ إِذَا سَأَلَ وَرُدَّ وَمُنِعَ امْتَنَعَ وَرَجَعَ ، وَأَنَا أَسَأَلُ لَكَ وَالْإِخَّ عَلَيْكَ بِكَرَمِكَ وَجُودِكَ وَجَنَابِكَ مِنْ رَدِّ سَائِلٍ مُسْتَعِطٍ ، يَتَعَرَّضُ لِمَعْرِفِكَ ، وَيَلْتَمِسُ صِدْقَتَكَ ، وَيُنِيخُ بِفِنَائِكَ ، وَيَطْرُقُ بِأَبْكَ . وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ يَا سَيِّدِي ، لَوْ طَبَّقْتَ ذُنُوبِي بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَخَرَقْتَ النُّجُومَ ، وَبَلَغْتَ أَسْفَلَ الثَّرَى ، وَجَاوَزْتَ الْأَرْضِينَ السَّابِعَةَ السُّفْلَى ، وَأَوْفَتْ عَلَيَّ الرَّمْلَ وَالْحَصَى ، مَا رَدَّنِي الْيَأْسُ عَن تَوْقِعِ غُفْرَانِكَ ، وَلَا صَيَّرَفَنِي الْقَنُوطُ عَنِ انْتِظَارِ رِضْوَانِكَ . إِلَهِي وَسَيِّدِي دَلَلْتَنِي عَلَى سُؤَالِ الْجَنَّةِ ، وَعَرَفْتَنِي فِيهَا الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ ، وَأَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِتِلْكَ الْوَسِيلَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ . أَفْتِيدُكَ عَلَيَّ خَيْرِكَ وَنَوَالِكَ السُّؤَالِ ثُمَّ تَمْنَعُهُمْ ، وَأَنْتَ الْكَرِيمُ الْمَحْمُودُ فِي كُلِّ الْأَفْعَالِ ! كَلِمَا وَعِزَّتِكَ يَا مَوْلَايَ ، إِنَّكَ أَكْرَمُ مِنْ ذَلِكَ وَأَوْسَعُ فَضْلًا . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي ، وَارْضَ عَنِّي وَتُبْ عَلَيَّ ، وَاعْصِمْنِي وَاعْفُ عَنِّي ، وَسَيِّدِنِي وَوَفِّقْ لِي وَخِرْ لِي ، وَاجْعَلْ لِي ذِمَّتَكَ وَلَا تُعَذِّبْنِي ... (٤)

١- المؤمنون : ٧٦ .

٢- النساء : ٦٤ .

٣- الزمر : ٥٣ .

٤- مصباح الزائر : ص ٩٤ ، بحار الأنوار : ج ١٠٠ ص ٤٢٢ .

امام علی علیه السلام از دعای امان: ... بار خدایا! تو در کتاب استوار گویایت، از زبان پیامبر راستگویت که درودهای تو بر او و خاندانش باد، فرموده ای: «نسبت به پروردگارشان، فروتنی نکردند و به زاری در نیامدند». اینک من ای پروردگارم، فروتنانه به تو زاری می کنم، به تو پناه آورده ام، بر تو توکل کرده ام. و فرموده ای ای آقا و سرور من: «اگر آن گاه که به خود ستم کردند، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر، برایش آمرزش می طلبید، بی گمان، خدا را توبه پذیری مهربان می یافتند»، و من ای آقای من، از تو آمرزش می خواهم و از گناهانم، توبه و بازگشت می کنم، و به خطاهایم اعتراف دارم، و از لغزشم پوزش می طلبم. پس بر من ببخش آنچه را که تو خود، از آن آگاهی. و فرموده ای ای آن که ستایشت بزرگ و نام هایت مقدس است: «ای بندگان من که بر خویشتن، زیاده روی روا داشته اید! از رحمت خداوند، نومید نشوید. خداوند، همه گناهان را می آمرزد، که او آمرزگار و مهربان است». به چشم ای خداوند به چشم! اطاعت می شود [نومید نمی شوم]. خوبی، همه در دست توست. سرور! من بر خویشتن، زیاده روی روا داشتم. اینک، چونان زبونان گنهکار نافرمان گستاخ بر تو همانان که به نویدها و تهدیدهای تو اعتنا نکردند و به اطاعت از تو و اطاعت از پیامبرت بی توجهی نمودند، ایستاده ام. چه گستاخی ها که بر تو نمودم، و چه فریب ها که خود را دادم! اینک به گناه خویش معترفم، در گرو کردار خویشم، از راه درست خود، منحرف گشته ام، در خطاهای خویش، فرو رفته ام، در دریاهای گناهانم، غرقه گشته ام، از پافتاده ام (/تکیه گاهی جز تو ندارم). آقای من! جز تو کسی را نمی یابم که گناهانم را بیامرزد، توبه ام را بپذیرد، آوازم را بشنود، از لغزشم درگذرد (/دست من افتاده را بگیرد)، عیب هایم را بپوشاند و دعایم را اجابت کند. پس مرا از آنچه به کسی که بر خویشتن زیاده روی روا داشت و تو را نافرمانی کرد و سپس خشنودی تو را به دست آورد، جود و بخشش کرده ای، محروم مگردان و مرا که به تو پناه آورده ام و به تو متوسل گشته ام و به آستان تو بار افکنده ام و از تو حمایت خواسته ام، به هلاکت میفکن. سرور! تو را می خوانم که تو خود، مرا بدان فرمان داده ای و [اجابتم را] برای من، ضمانت کرده ای. از تو می خواهم، پس عطایم فرما. از تو تقاضا می کنم، پس محروم مگردان. مرا بیامرز و توبه ام را بپذیرد و از من، خشنود شو، و اگر خشنود هم نمی شوی، [لااقل] مرا عفو فرما؛ چه گاه سرور از بنده اش خشنود نمی شود؛ لیکن او را عفو می کند. خواهش من، به خواهش گدایان نمی ماند؛ زیرا گدا، هرگاه درخواستی کند و دست رد به سینه او زده شود و از دَهِش به او خودداری گردد، دست بر می دارد و در پی کار خویش می رود، آری من از تو درخواست می کنم و پای می فُشُرم که تو کریم و بخشنده ای، و از ساحت تو به دور است که گدای حاجتمندی را که دست به سوی احسان تو دراز کرده و صدقه تو را می طلبد و به درگاه تو بار افکنده و در خانه تو را می کوبد، رد کنی. به عزت و جلالت سوگند سرورم که اگر گناهان من، میان آسمان و زمین را پُر کنند و از ستارگان درگذرند و [یا] به زیر زمین برسند و از زمین های هفتگانه زیرین بگذرند و از شن ها و ریگ ها افزون شوند، از چشمداشتِ آمرزش تو، مأیوس نمی شوم و از انتظار خشنودی تو، نومید نمی گردم. معبودا و سرور! تو خود، مرا به بهشت خواهی ره نمون شدی و وسیله رسیدن به آن را به من معرفی کردی، و اینک، من با آن وسیله، یعنی محمد و خاندان او که درود خدا بر همه آنان باد، به تو متوسل می شوم. مگر می شود تو درخواست کنندگان را به احسان و دَهِش خود، راهنمایی کنی و آن گاه، آنها را از ایشان، دریغ داری، در حالی که کریمی و در همه کارها [یت] ستوده ای؟! نه. به عزت سوگند ای سرور من، تو کریم تری و فضل و بخشش تو گسترده تر از این است. بار خدایا! مرا بیامرز و بر من، رحم آور، و از من، خشنود شو و توبه ام را بپذیر، و مرا مصون بدار و

از من ، درگذر، و به راه راستم بپر و توفیقم ده و برای من ، انتخاب کن، و مرا در زنده‌ها خود بدار و عذابم مکن... .

الإمام الباقر عليه السلام من دعاء كان عليه السلام يُسَمِّيهِ الجَمَاعَ : اللَّهُمَّ ما قَدَّمْتُ وما أَخَرْتُ ، وما أَغْفَلْتُ وما تَعَمَّدْتُ ، وما تَوَانَيْتُ وما أَعْلَنْتُ وما أَسْرَرْتُ ، فَاغْفِرْهُ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (١)

الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، الْمَنَّانُ يَدِيحُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ دُؤُ الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، إِنِّي سَائِلٌ فَكِيرٌ ، وَخَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ ، وَتَائِبٌ مُسْتَغْفِرٌ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا ، قَدِيمَهَا وَحَدِيثَهَا ، وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ ، اللَّهُمَّ لَا تُجْهِدْ بِلَائِي ، وَلَا تُشْمِتْ بِي أَعْدَائِي ، فَإِنَّهُ لَا دَافِعَ وَلَا مَانِعَ إِلَّا أَنْتَ . (٢)

الكافي عن علي بن رثاب عن الإمام الكاظم عليه السلام : أَدْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مُسْتَقْبِلَ (٣) دُخُولِ السَّنَةِ وَذَكَرَ أَنَّهُ مَنْ دَعَا بِهِ مُحْتَسِبًا لَمْ تُصِبْهُ فِي تِلْكَ السَّنَةِ فِتْنَةٌ وَلَا آفَةٌ يُضْرَبُ بِهَا دِينُهُ وَبَدَنُهُ ، وَوَقَاهُ اللَّهُ عَزَّ ذِكْرَهُ شَرَّ مَا يَأْتِي بِهِ تِلْكَ السَّنَةِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَانَ (٤) لَهُ كُلُّ شَيْءٍ ، وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ ، وَبِعِظَمَتِكَ الَّتِي تَوَاضَعُ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي خَضَعُ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ ، وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ ، وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ ، يَا نَوْرُ يَا قُدُّوسُ (٥) ، يَا أَوَّلَ قَبْلِ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا بَاقِيَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ . يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ النِّقَمَ ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقَطِّعُ الرَّجَاءَ ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي يُسْتَحَقُّ بِهَا نَزُولُ الْبَلَاءِ (٦) ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحِسُّ غَيْثَ السَّمَاءِ ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَوَرِّثُ النَّدَمَ ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ ... (٧)

- ١- الكافي : ج ٢ ص ٥٨٩ ح ٢٦ ، تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٧٧ ح ٢٣٤ ، مَهَجُجِ الدَّعَوَاتِ : ص ٢١٨ كُلَّهَا عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ ، الْإِقْبَالَ : ج ١ ص ١٠٨ عَنْ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، مَصْبَاحِ الْمُتَهَيِّجِ : ص ٥٥٠ مِنْ دُونَ إِسْنَادٍ إِلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٩٤ ص ٢٧٠ ح ٣ .
- ٢- تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٨٩ ح ٢٤٨ عَنْ بَرِيدِ بْنِ مَعَاوِيَةَ الْعَجَلِيِّ ، مَصْبَاحِ الْمُتَهَيِّجِ : ص ٥٦٥ مِنْ دُونَ إِسْنَادٍ إِلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، الْإِقْبَالَ : ج ١ ص ٣٢٧ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٩٨ ص ١٣٢ .
- ٣- مستقبل : هُوَ إِذَا بَكَسَرَ الْبَاءَ أَوْ بِالْفَتْحِ ، وَعَلَى التَّقْدِيرِينَ هُوَ مَبْنِي عَلَى أَنَّ السَّنَةَ الشَّرْعِيَّةَ أَوَّلُهَا شَهْرُ رَمَضَانَ (مَرَّاهُ الْعُقُولُ : ج ١٦ ص ٢١٩) . وَرَاجِعُ : شَهْرُ اللَّهِ فِي الْكِتَابِ وَالسَّنَةِ : (الْمُدْخَلُ / خِصَائِصُ شَهْرِ رَمَضَانَ وَبِرَكَاتِهِ / أَوَّلُ السَّنَةِ) .
- ٤- دان : ذَلَّ وَأَطَاعَ (الْقَامُوسُ الْمُحِيطُ : ج ٤ ص ٢٢٥ «دان»)
- ٥- الْقُدُّوسُ : الطَّاهِرُ الْمَنْزُوعُ مِنَ الْعِيُوبِ (النِّهَايَةُ : ج ٤ ص ٢٣ «قدس»)
- ٦- فِي كِتَابٍ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهُ وَالْإِقْبَالَ : «وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَنْزِلُ الْبَلَاءَ» .
- ٧- الكافي : ج ٤ ص ٧٢ ح ٣ ، تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ١٠٦ ح ٢٦٦ ، كِتَابُ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهُ : ج ٢ ص ١٠٢ ح ١٨٤٨ ، الْمَقْنَعَةُ : ص ٣٢٠ ، الْإِقْبَالَ : ج ١ ص ١١٥ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٩٧ ص ٣٤١ ح ٢ .

امام باقر علیه السلام از دعایی که آن را «دعای جامع» می نامید: بار خدایا! هر آن گناهی را که از پیش تاکنون مرتکب گشته ام، و هر آنچه را از سرِ غفلت یا به عمد، از من سر زده است، و هر آن سستی ای که کرده ام، و هر آن گناهی را که در آشکار یا نهان به جا آورده ام، بر من بیامرز، ای مهربان ترین مهربانان!

امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: بار خدایا! از تو می خواهم. تویی که ستایش، از آن توست. معبودی جز تو نیست. نعمت بخشی و پدید آورنده آسمان ها و زمین، و خداوندگار شکوه و ارج. من، گدایی درویش، ترسان و پناه خواه و توبه گر و آمرزش خواهم. بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و همه گناهان مرا از قدیم و جدید، و هر جرمی را که مرتکب شده ام، بر من بیامرز. بار خدایا! بلا [و گرفتاری ها]ی مرا سخت [و طاقت فرسا] مساز، و دشمن شادم مگردان، که دفاع کننده و بازدارنده ای جز تو نیست.

الکافی به نقل از علی بن رئاب: امام کاظم علیه السلام فرمود: «در ماه رمضان، آغازین ماه سال، (۱) این دعا را بخوان». و فرمود: «هر کس با خلوص نیت، این دعا را بخواند، در آن سال به فتنه و گزندگی که به دین و جسم او صدمه برسد، دچار نخواهد شد و خداوند عز و جل او را از شرّ حوادث آن سال، حفظ خواهد کرد. [بگو:] بار خدایا! از تو درخواست می کنم به نام تو که همه چیز در برابرش خاضع است، و به رحمت تو که همه چیز را در بر گرفته است، و به عزّت تو که با آن، همه چیز را مقهور خود ساخته ای، و به عظمت تو که همه چیز در برابرش فروتن است، و به نیروی تو که همه چیز در برابرش تسلیم است، و به جبروت و قدرت تو که همه چیز را مغلوب کرده است، و به علم تو که بر همه چیز، احاطه دارد، ای روشنایی، ای پاک [از هر عیب]، ای آن که هیچ چیز نبود و تو بودی، و ای آن که همه چیز، نابود می شود و تو می مانی! ای خدا، ای مهرگستر، ای خدا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست، و آن گناهانم را که نعمت ها را می بزند، بر من بیامرز. آن گناهانم را که کیفرها [ی تو] را فرود می آورند، بر من بیامرز. آن گناهانم را که امید را قطع می کنند، بر من بیامرز. آن گناهانم را که دشمنان را چیره می سازند، بر من بیامرز. آن گناهانم را که دعا را بر می گردانند، بر من بیامرز. آن گناهانم را که به سبب آنها، فرود آمدن بلا سزاوار می شود، بر من بیامرز. آن گناهانم را که باران آسمان را بند می آورند، بر من بیامرز. آن گناهانی را که پرده دری می کنند، بر من بیامرز. آن گناهانی را که مرگ و نابودی را شتاب می بخشند، بر من بیامرز. آن گناهانی را که پشیمانی می آورند، بر من بیامرز. آن گناهانی را که پرده ها را می دَرند، بر من بیامرز...».

ص: ٣١٩

..

بخش دهم: صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او و بر دیگر پیامبران علیهم السلام

اشاره

بخش دهم: صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او و بر دیگر پیامبران شامل: در آمدفصل یکم: تفسیر صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آلهفصل دوم: فضیلت صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او و تشویق به آنفصل سوم: آداب صلوات فرستادن بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهفصل چهارم: برکت های صلوات فرستادن بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلامفصل پنجم: صلوات فرستادن بر پیامبران علیهم السلامفصل ششم: صلوات های رسیده از پیشوایان بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

ص: ۳۲۲

..

واژه‌شناسی «صلاه»

درآمدواژه‌شناسی «صلاه» برخی از واژه‌شناسان برای ماده «صلو / صلی» دو معنا ذکر کرده‌اند: یکی آتش و مشابه آن، و دیگری نوعی عبادت. ابن فارس، در این باره می‌گوید: ماده «صلی (صاد و لام و حرف معتل)»، دو اصل معنایی دارد: یکی آتش و مانند آن چون تب و گرما، و دیگری از جنس عبادت است. در معنای اول گفته می‌شود: «صَلَّيْتُ الْعُودَ بِالنَّارِ (چوب را با آتش سوزاندم)»... معنای دوم، صیلات به معنای دعا کردن است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر گاه یکی از شما به غذایی دعوت شد، اجابت کند. اگر روزه نداشت، از آن غذا بخورد و اگر روزه داشت برایشان دعای خیر و برکت کند»... صیلات شرعی، عبارت است: از رکوع و سجود و دیگر حدود و ارکان نماز. صلات از جانب خدا، به معنای رحمت است... (۱) راغب نیز در تبیین معنای دعا می‌گوید: بسیاری از اهل لغت گفته‌اند: «صلاه» به معنای دعا و برکت خواستن برای کسی و تمجید است. گفته می‌شود: «صَلَّيْتُ عَلَيْهِ»، یعنی: برایش دعا

۱- معجم مقاییس اللغة: ج ۳ ص ۳۰۰.

کردم و او را به پاکی ستودم . [پیامبر خدا] صلی الله علیه و آله فرمود : «إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى طَعَامٍ فَلْيَجِبْ وَ إِنْ كَانَ صَائِمًا فَلْيَصِلْ ؛ هر گاه یکی از شما به غذایی دعوت شد بپذیرد و اگر روزه داشت برای دعوت کننده ، دعا کند» . جدر قرآن آمده است : ج «وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صِلَاةَكَ سَكَنٌ لَهُمْ»؛ (۱) بر ایشان درود فرست که درود فرستادن تو، مایه آرامش آنان است» و «يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ»؛ (۲) بر پیامبر درود می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید [شما نیز] بر او درود فرستید» صلوات پیامبر و خدا بر مسلمانان ، در حقیقت ، تزکیه آنهاست ، و می فرماید : «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ»؛ (۳) آنان [کسانی هستند] که درودها و رحمت از خدایشان بر ایشان باد» . صلوات فرشتگان و مردم ، به معنای دعا کردن و آمرزش خواستن است . خداوند متعال می فرماید : «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ»؛ (۴) خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند» . صَلَات ، به معنای آن عبادت مخصوص (نماز) ، در اصل به معنای دعاست ، و نماز را صلوات گفته اند از باب نام گذاری شیء به اسم جزئی از آن . صلوات (نماز) ، از عباداتی است که در همه شرایع آسمانی وجود داشته است ، هر چند شکل آن در هر شریعتی ، متفاوت با شریعت دیگر بوده است . لذا فرمود : «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا»؛ ۵ نماز بر مؤمنان، در اوقات معین، مقرر شده بود» . بعضی گفته اند: «صلوه» در اصل از «صلی» گرفته شده است و معنای «صلی الرجل» ، این است که شخص با این عبادت ، «صلی» را که به معنای آتش برافروخته الهی است ، از خود ، دفع کرده است . بنای «صلی» (دور کردن آتش از

۱- توبه : آیه ۱۰۳ .

۲- احزاب : آیه ۵۶ .

۳- بقره : آیه ۱۵۷ .

۴- نساء : آیه ۱۰۳ .

صلاه، در قرآن و حدیث

۱. معنای صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله

خود) مانند «مَرَضٌ» است که به معنای برطرف کردن بیماری است. (۱) بر این اساس، مقصود از صلوات (درود) فرستادن بر پیامبر خدا و اهل بیت آن بزرگوار، دعا کردن برای آنهاست.

صلاه، در قرآن و حدیث بررسی مواردی از قرآن و حدیث که کلمه «صلاه» در آنها به کار رفته، نشان می دهد که معنای جامع این واژه، توجه توأم با ستایش و اظهار تعظیم و تکریم است. علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله در این باره می گوید: معنای جامع کلمه «صلاه» آن گونه که از موارد کاربرد آن استفاده می شود، انعطاف است. پس این معنا برحسب اختلاف مواردی که به آن نسبت داده می شود، فرق می کند. به همین جهت گفته شده است: «صلاه» از جانب خدا به معنای رحمت است، و از جانب فرشتگان به معنای طلب آمرزش و از جانب مردم به معنای دعا کردن؛ لیکن صلاتی که در قرآن به خدا نسبت داده شده، به معنای رحمت خاص بر مؤمنان است که سعادت آخرت و رستگاری ابدی، بر آن مترتب است. به همین جهت، جخداندرج در تعلیل صلوات فرستادن خود بر آنان می فرماید: «لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ؛ (۲) تا شما را از تاریکی ها به سوی روشنایی ببرد و خدا نسبت به مؤمنان مهربان است». (۳) پیش از ملاحظه احادیث این بخش، چند نکته قابل توجه است:

۱. معنای صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آلهبر پایه آنچه در تبیین معنای «صلاه» ذکر شد، معنای صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله، اظهار

۱- مفردات ألفاظ القرآن: ص ۴۹۰.

۲- احزاب: آیه ۴۳.

۳- المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۱۶ ص ۳۲۹.

۲. پیام سیاسی درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله

محبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و تعظیم و تکریم ایشان است. از این رو، آنچه در احادیث در تفسیر صلوات بر ایشان آمده است (مانند: رحمت، (۱) ستایش، (۲) دعا، (۳) پاک دانستن پیامبر صلی الله علیه و آله از کاستی ها و آفات، (۴) و وفا نمودن به پیمان الهی در پذیرفتن نبوت ایشان (۵)) در واقع، مصادیق معنای جامع صلوات بر پیامبر خداست.

۲. پیام سیاسی درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آلهها اندکی تأمل در تأکید و تشویق قرآن و احادیث اسلامی به درود فرستادن بر پیامبر خدا، بویژه در احادیثی که در باره کیفیت و ادب صلوات بر ایشان وارد شده و بر ضمیمه کردن اهل بیت به پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام فرستادن صلوات تأکید دارند، روشن می گردد که این ذکر مبارک، افزون بر بُعد اعتقادی و معنوی، دارای بُعد سیاسی و حکومتی است، بدین گونه که تداوم اظهار محبت حقیقی اُمت اسلامی به پیامبر خدا و اهل بیت آن بزرگوار، زمینه تداوم حاکمیت اسلام به رهبری خاندان رسالت را در جامعه فراهم می سازد. از این رو، صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله تنها یک عبادت نیست؛ بلکه یک شعار سیاسی نیز هست و به همین جهت در حدیث نبوی، بر بلند کردن صدا در گفتن این ذکر (همانند همه شعارهای سیاسی) تأکید شده است: **إِرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ؛ فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالنِّفَاقِ**. ۶ صدایتان را به صلوات بر من بلند کنید؛ چرا که نفاق را از بین می برد.

۱- ر. ک: ص ۳۲۹ ح ۲۹۳۴ و ۲۹۳۵.

۲- ر. ک: ص ۳۳۱ ح ۲۹۳۶.

۳- ر. ک: ص ۳۳۱ ح ۲۹۳۷.

۴- ر. ک: ص ۳۳۱ ح ۲۹۳۸.

۵- ر. ک: ص ۳۷۱ ح ۳۰۱۶.

۳. حکمت درود فرستادن بر همه انبیا علیهم السلام

۴. مهم ترین برکات درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله

این سخن، بدان معناست که شخص منافق نمی تواند همیشه این شعار سیاسی را بلند تکرار کند؛ چرا که تکرار این شعار به صورت آشکارا و بلند، سبب می گردد بیماری نفاق به تدریج علاج شود و انسان به ایمان حقیقی دست یابد.

۳. حکمت درود فرستادن بر همه انبیا علیهم السلام درود فرستادن بر پیامبران سلف، هر چند پیام سیاسی درود فرستادن بر خاتم انبیا و خاندان او را ندارد، متضمن پیام اعتقادی و اجتماعی مهمی است؛ زیرا احترام به همه انبیا، نشانه عقیده مند بودن مسلمانان به صداقت آنان و زمینه ساز نزدیک شدن هر چه بیشتر پیروان ادیان به یکدیگر است.

۴. مهم ترین برکات درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله در فصل چهارم، آثار و برکات فراوانی برای صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر شده است، مانند: آموزش گناهان، عافیت (آسایش)، اجابت دعا، درمان بیماری نفاق، کفایت امور مادی و معنوی و...؛ لیکن به نظر می رسد که مهم ترین اثر این ذکر پُربرکت، درود فرستادن خداوند متعال و سلام دادن پیامبر ختمی مرتبت بر صلوات فرستنده است که در واقع، باید گفت سایر برکات صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله نیز ریشه در همین اثر دارد.

الفصل الأول: تفسير الصلاه على النبي الكتاب «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» .
(١)

الحدِيثِ مَعَانِي الْأَخْبَارِ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» فَقَالَ: الصَّلَاةُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رَحْمَةٌ، وَمِنَ الْمَلَائِكَةِ تَرْكِيَةٌ، وَمِنَ النَّاسِ دُعَاءٌ. وَأَمَّا قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» فَإِنَّهُ يَعْنِي التَّسْلِيمَ لَهُ فِيمَا وَرَدَ عَنْهُ. (٢)

ثَوَابُ الْأَعْمَالِ عَنْ ابْنِ الْمَغِيرَةِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ سُئِلَ عَنْ مَعْنَى صَلَاةِ اللَّهِ وَصَلَاةِ مَلَائِكَتِهِ وَصَلَاةِ الْمُؤْمِنِينَ: صَلَاةُ اللَّهِ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ (٣)، وَصَلَاةُ مَلَائِكَتِهِ تَرْكِيَةٌ مِنْهُمْ لَهُ، وَصَلَاةُ الْمُؤْمِنِينَ دُعَاءٌ مِنْهُمْ لَهُ. (٤)

١- الأَحْزَابُ: ٥٦.

٢- مَعَانِي الْأَخْبَارِ: ص ٣٦٨ ح ١، الاعتقادات: ص ٢٥، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٥٥ ح ٢٧.

٣- فِي جَامِعِ الْأَخْبَارِ: «رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لَهُ».

٤- ثَوَابُ الْأَعْمَالِ: ص ١٨٧ ح ١ عَنْ ابْنِ الْمَغِيرَةِ، جَامِعِ الْأَخْبَارِ: ص ١٥٩ ح ٣٨١ عَنْ أَبِي الْمَغِيرَةِ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٩٥ ح ٣ و ج ٩٤ ص ٥٨ ح ٣٨.

فصل یکم: تفسیر صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله

فصل یکم: تفسیر صلوات بر پیامبر قرآن «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند . ای کسانی که ایمان آورده اید! [شما نیز] بر او درود فرستید و درودی کامل گوید» .

حدیث معانی الأخبار به نقل از ابو حمزه : از امام صادق علیه السلام در باره این فرموده خداوند عز و جل پرسیدم که: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند . ای کسانی که ایمان آورده اید! [شما نیز] بر او درود فرستید و درودی کامل گوید» . فرمود: «درود ، از جانب خدا رحمت است و از جانب فرشتگان ، تزکیه (۱) و از جانب مردم ، دعا». و فرمود: «درودی کامل گوید» ، یعنی به آنچه می گوید ، گردن نهد.

ثواب الأعمال به نقل از ابن مغیره : ابوالحسن علیه السلام ، (۲) در پاسخ به پرسش از معنای درود خدا و درود فرشتگانش و درود مؤمنان : درود خدا ، رحمت از جانب خداست . درود فرشتگانش ، تزکیه آنها نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله است و درود مؤمنان ، دعای آنها برای اوست.

-
- ۱- تزکیه: تأیید و تصدیق کردن کسی ؛ گواهی دادن به حقیقت و اعتبار کسی ؛ امین و درست کردار خواندن کسی.
 - ۲- منظور از ابوالحسن علیه السلام در این جا امام کاظم یا امام رضا علیهما السلام است .

الإمام الصادق عليه السلام في قول الله تعالى: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»: أثنوا عليه وسلّموا له. (١)

جمال الأسبوع عن عبد الرحمن بن كثير: سألته (٢) عن قول الله تبارك وتعالى: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»، فقال: صَلَّواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ تَزَكِيَّتُهُ لَهُ فِي السَّمَاءِ. قُلْتُ: ما معنى تَزَكِيَّتِهِ اللَّهُ إِيَّاهُ؟ قال: زَكَاةُ بَأَنْ بَرَّاهُ مِنْ كُلِّ نَقْصٍ وَأَفَّهِ يَلْزَمُ مَخْلُوقًا. قُلْتُ: فَصَلَاةُ الْمُؤْمِنِينَ؟ قال: يُبَيِّرُ وُجُوهُهُ وَيُعَرِّفُونَهُ بِأَنَّ اللَّهَ قَدْ بَرَّاهُ مِنْ كُلِّ نَقْصٍ هُوَ فِي الْمَخْلُوقِينَ، مِنَ الْآفَاتِ الَّتِي تُصِيبُهُمْ فِي بَنِيهِ خَلْقِهِمْ، فَمَنْ عَرَّفَهُ وَوَصَّيْهُ بِغَيْرِ ذَلِكَ فَمَا صَلَّيَ عَلَيْهِ. قُلْتُ: فَكَيْفَ نَقُولُ نَحْنُ إِذَا صَلَّيْنَا عَلَيْهِمْ؟ قال: تَقُولُونَ: اللَّهُمَّ إِنَّا نَصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَمَرْتَنَا بِهِ، وَكَمَا صَلَّيْتَ أَنْتَ عَلَيْهِ، فَكَذَلِكَ صَلَّاتُنَا عَلَيْهِ. (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَمَعْنَاهُ: إِنِّي أَنَا عَلَى الْمِيثَاقِ وَالْوَفَاءِ الَّذِي قَبَلْتُ حِينَ قَوْلِهِ: «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى» (٤). (٥)

١- المحاسن: ج ٢ ص ٥٣ ح ١١٥٦.

٢- هكذا جاءت مضمرة.

٣- جمال الأسبوع: ص ١٥٥، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٧١ ح ٦٦.

٤- آل عمران: ١٧٢.

٥- معاني الأخبار: ص ١١٥ ح ١ عن يزيد بن الحسن عن الإمام الكاظم عليه السلام، فلاح السائل: ص ٢٢٦ ح ١٢٦، مختصر بصائر الدرجات: ص ١٥٩ كلاهما عن زيد بن الحسن عن الإمام الكاظم عنه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٥٤ ح ٢٥.

امام صادق علیه السلام در باره سخن خدای متعال که: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند . ای کسانی که ایمان آورده اید! [شما نیز] بر او درود فرستید و درودی کامل گوئید»: [یعنی] او را بستائید و در برابرش تسلیم باشید.

جمال الأسبوع به نقل از عبد الرحمان بن کثیر: از امام علیه السلام (۱) در باره این سخن خداوند تبارک و تعالی پرسیدم: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر ، درود می فرستند . ای کسانی که ایمان آورده اید! بر او درود فرستید و درودی کامل گوئید». فرمود: درود فرستادن خدا بر او ، تزکیه او در آسمان است». گفتم: تزکیه خدا از او ، به چه معناست؟ فرمود: «تأیید می کند که او را از هر کاستی و آسیبی که لازمه مخلوق است ، مبرا داشته است». گفتم: درود فرستادن مؤمنان ، چه؟ فرمود: «او را تبرئه کرده ، چنین معرّفی می کنند که خداوند ، وی را از هر نقصی که خاصّ [دیگر] مخلوقات [انسانی] است، یعنی از آفت هایی [و امراضی] که به ساختمان بدنشان می رسد ، مبرا کرده است . پس هر که او را به غیر از این ، وصف و معرّفی کند ، بر او درود نفرستاده است». گفتم: پس هر گاه بر ایشان درود می فرستیم، چگونه بگوئیم؟ فرمود: «می گوئید: بار خدایا! ما بر پیامبرت محمّد و بر خاندان محمّد ، درود می فرستیم، همان گونه که تو ما را بدان ، فرمان داده ای، و همان سان که تو خود ، بر او درود فرستاده ای . چنین است درود فرستادن ما بر او» .

امام صادق علیه السلام: هر که بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستد ، معنایش این است که: من ، بر آن پیمان و وفایی که پذیرفتم، هستم ؛ آن گاه که [خداوند] فرمود: «آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا ...» .

الفصل الثاني: فضل الصلاة على النبي وآله والحث عليها ٢ / اقيمه الصلاة على النبي وآله رسول الله صلى الله عليه وآله من سره أن يلقى الله غدا راضيا فليكثر الصلاة على . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: أولى الناس بي في يوم القيامة أكثرهم على صلاة . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: صلاتكم على مجوزة لدعائكم ، ومرضاة لربكم ، وزكاة لأبدانكم . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: ما من دعاء إلا بينه وبين السماء حجاب حتى يصلي على النبي وعلى آل محمد ، فإذا فعل ذلك خرق ذلك الحجاب ودخل الدعاء ، فإذا لم يفعل ذلك رجع الدعاء . (٤)

١- . كنز العمال: ج ١ ص ٥٠٤ ح ٢٢٢٩ نقلاً عن الديلمي عن عائشه .

٢- . سنن الترمذي: ج ٢ ص ٣٥٤ ح ٤٨٤ ، التاريخ الكبير: ج ٥ ص ١٧٧ الرقم ٥٥٩ كلاهما عن عبد الله بن مسعود ؛ مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٨ ح ٢٢٤٠ ، جامع الأخبار: ص ١٥٣ ح ٣٤٦ عن عبد الله بن مسعود .

٣- . الجعفریات: ص ٢١٥ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، جمال الأسبوع: ص ١٥٩ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، جامع الأخبار: ص ١٥٦ ح ٣٦٦ وفيهما «لأعمالكم» بدل «لأبدانكم» ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٦٤ ح ٥٢ و ٦٨ ح ٥٦ ؛ فردوس الأخبار: ج ٢ ص ٥٤٦ ح ٣٥٥٤ .

٤- . بشاره المصطفى: ص ٢٣٦ عن الحرث عن الإمام علي عليه السلام ، جامع الأخبار: ص ١٥٦ ح ٣٦٧ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ٢٥٨ ح ٧ ؛ الفردوس: ج ٤ ص ٤٧ ح ٦١٤٨ عن الإمام علي عليه السلام وليس فيه «وعلى آل محمد» ، كنز العمال: ج ٢ ص ٨٨ ح ٣٢٧٠ .

فصل دوم: فضیلت صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او و تشویق به آن

۲ / ۱ ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام

فصل دوم: فضیلت صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او و تشویق به آن ۲ / ۱ ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دوست دارد که فردا [ای قیامت]، خدای را در حالی دیدار کند که از او خوشنود است، بر من بسیار درود بفرستد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نزدیک ترین مردم به من در روز رستاخیز، کسی است که بیشتر بر من درود فرستد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: درود فرستادن شما بر من، مجوز [پذیرفته شدن] دعای شما و مایه خوشنودی پروردگارتان و زکات بدن های شماست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ دعایی نیست، مگر این که میان آن و آسمان (درگاه خداوند)، پرده ای است، تا آن گاه که بر پیامبر و بر خاندان پیامبر، درود فرستاده شود. چون این کار صورت گیرد، آن پرده می شکافد و دعا [به درگاه خداوند] داخل می شود، و اگر این کار نشود، دعا برمی گردد.

المصنّف لعبد الرزاق عن يعقوب بن زيد التيمي: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَتَانِي آتٍ مِنْ رَبِّي فَقَالَ: لَا يُصَلِّي عَلَيْكَ عَبْدٌ صَلَاةً إِلَّا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا. فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلَا أَجْعَلُ نِصْفَ دُعَائِي لَكَ؟ قَالَ: إِنْ شِئْتَ. قَالَ: أَلَا أَجْعَلُ كُلَّ دُعَائِي لَكَ؟ قَالَ: إِذَا يَكْفِيكَ اللَّهُ هَمَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (١)

الكافي عن أبي بصير: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا مَعْنَى: أَجْعَلُ صِيْلَوَاتِي كُلَّهَا لَكَ؟ فَقَالَ: يُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَي كُلِّ حَاجٍ، فَلَا يَسْأَلُ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ شَيْئًا حَتَّى يَبْدَأَ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَيُصَلِّيَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَسْأَلُ اللَّهَ حَوَائِجَهُ. (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَقِينِي جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَشَّرَنِي، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: مَنْ صِيَلَى عَلَيْكَ صِيَلْتُ عَلَيْهِ، وَمَنْ سَلَّمَ عَلَيْكَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ، فَسَجَدْتُ لِدَلِكِ. (٣)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ صَلَّى عَلَي مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَمِعَهُ النَّبِيُّ وَرُفِعَتْ دَعْوَتُهُ. (٤)

عنه عليه السلام: صَلُّوا عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقْبَلُ دُعَاءَكُمْ عِنْدَ ذِكْرِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَدُعَائِكُمْ لَهُ وَحِفْظِكُمْ إِيَّاهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (٥)

١- المصنّف لعبد الرزاق: ج ٢ ص ٢١٥ ح ٣١١٤، فضل الصلاة على النبي صلى الله عليه وآله: ص ٢٨ ح ١٣، تفسير ابن كثير: ج ٦ ص ٤٥٦ كلاهما نحوه.

٢- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٢ ح ٤، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٨ ح ٢٠٣٨ عن أبي بصير وابن الحكم، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣١٦ ح ٢١.

٣- جامع الأخبار: ص ١٥٧ ح ٣٧١، تيسير المطالب: ص ٣٥٣ عن عبد الرحمن بن عوف، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٦٥ ح ٥٢.

٤- الخصال: ص ٦٣٠ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، عدّه الداعي: ص ١٥٢ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٥٠ ح ١٤.

٥- الخصال: ص ٦١٣ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص ١٠٣ وفيه «ورعايتكم له» بدل «ودعائكم له...»، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٠٩ ح ٧ و ج ٩٤ ص ٥٠ ح ١٤.

المصنّف ، عبد الرزّاق به نقل از یعقوب بن زید تیمی : پیامبر خدا فرمود: «یکی از جانب پروردگارم نزد من آمد و گفت: هر بنده ای بر تو درود فرستد ، خداوند ، ده بار بر او درود می فرستد .» . مردی گفت : ای پیامبر خدا! آیا نصف دعایم را به شما اختصاص ندهم؟ فرمود: «هر طور مایلی». گفت : آیا همه دعایم را به شما اختصاص ندهم؟ فرمود: «در این صورت، خداوند ، تو را از دغدغه دنیا و آخرت ، خلاص می کند» .

الکافی به نقل از ابو بصیر : از امام صادق علیه السلام پرسیدم: معنای جمله «همه درودهایم را به شما اختصاص می دهم» چیست؟ فرمود: «یعنی او را پیشاپیش هر حاجت خود قرار دهد ، و هر چه از خداوند عز و جل درخواست می کند ، نخست از پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز کند و بر او درود بفرستد و سپس حاجت های خود را از خدا بخواهد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جبرئیل علیه السلام به دیدار من آمد و مرا مژده داد و گفت: خدای عز و جلمی فرماید: «هر که بر تو درود بفرستد ، من بر او درود می فرستم، و هر که بر تو سلام فرستد ، من بر او سلام می فرستم» و من به شکرانه آن ، سجده کردم.

امام علی علیه السلام : هر کس بر پیامبر ، محمّد صلی الله علیه و آله ، درود فرستد، پیامبر صلی الله علیه و آله آن را می شنود و دعایش [به درگاه خداوند] بالا برده می شود.

امام علی علیه السلام : بر محمّد و خاندان محمّد ، درود بفرستید؛ چرا که در هنگام بردن نام محمّد صلی الله علیه و آله و دعا کردن شما برای او و پاسداشتن از او، خداوند عز و جلدعایتان را می پذیرد.

عنه عليه السلام : إذا قرأتم : «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ» فَصَلُّوا عَلَيْهِ ؛ فِي الصَّلَاةِ كُنْتُمْ أَوْ فِي غَيْرِهَا . (١)

عنه عليه السلام : بِالشَّهَادَتَيْنِ تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ ، وَبِالصَّلَاةِ تَنَالُونَ الرَّحْمَةَ ، أَكْثَرُوا مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى نَبِيِّكُمْ «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» . (٢)

عنه عليه السلام لِيَهُودِيٍّ قَالَ لَهُ : إِنَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسَجَدَ لِلَّهِ الْمَلَائِكَةَ لَهُ ، فَهَلْ فَضَّلَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمِثْلِ ذَلِكَ؟ : قَدْ كَانَ ذَلِكَ ، وَلَئِنْ أَسَجَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَادَمَ مَلَائِكَتَهُ ، فَإِنَّ ذَلِكَ لِمَا أَوْدَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ الْأَنْوَارِ وَالشَّرَفِ ، إِذْ كَانَ هُوَ الْوَعَاءُ ، وَلَمْ يَكُنْ سِجُودُهُمْ عِبَادَةً لَهُ ، وَإِنَّمَا كَانَ سُجُودُهُمْ طَاعَةً لِأَمْرِ اللَّهِ وَتَكْرِمَةً وَتَحِيَّةً ، مِثْلَ السَّلَامِ مِنَ الْإِنْسَانِ عَلَى الْإِنْسَانِ ، وَاعْتِرَافًا لِأَدَمَ بِالْفَضِيلَةِ . وَلَقَدْ أُعْطِيَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ ؛ وَهُوَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى صَلَّى عَلَيْهِ وَأَمَرَ مَلَائِكَتَهُ أَنْ يُصَلُّوا عَلَيْهِ ، وَأَمَرَ جَمِيعَ خَلْقِهِ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، فَقَالَ حِجْلٌ ثَنَاؤُهُ : «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» فَلَا يُصَلِّي عَلَيْهِ فِي حَيَاتِهِ أَحَدٌ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ إِلَّا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِذَلِكَ عَشْرًا ، وَأَعْطَاهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ عَشْرًا بِكُلِّ صَلَاةٍ صَلَّى عَلَيْهِ ، وَلَا أَحَدٌ يُصَلِّي عَلَيْهِ بَعْدَ وَفَاتِهِ إِلَّا وَهُوَ يَعْلَمُ بِذَلِكَ ، وَيُرَدُّ عَلَى الْمُصَلِّيِّ وَالْمُسَلَّمِ مِثْلَ ذَلِكَ ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ دُعَاءَ أُمَّتِهِ فِيمَا يَسْأَلُونَ رَبَّهُمْ حِجْلٌ ثَنَاؤُهُ مَرْفُوعًا مِنْ إِبْرَاهِيمَ ، حَتَّى يُصَلُّوا فِيهِ عَلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَهَذَا أَكْبَرُ وَأَعْظَمُ مِمَّا أُعْطِيَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِأَدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (٣)

- ١- الخصال : ص ٦٢٩ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص ١١٩ ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ١٩ ح ٩ .
- ٢- التوحيد : ص ٧٣ ح ٢٧ ، الأمالي للصدوق : ص ٣٩٩ ح ٥١٥ كلاهما عن جابر بن يزيد الجعفي عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام ، الكافي : ج ٨ ص ١٩ ح ٤ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام وفيه «بالشهادة» ، تحف العقول : ص ٩٢ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٤٨ ح ٣ .
- ٣- إرشاد القلوب : ص ٤٠٨ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٦٩ ح ٥٩ وج ١٦ ص ٣٤٣ ح

امام علی علیه السلام: هر گاه «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند» را خواندید ، بر او درود فرستید، در نماز بودید یا غیر نماز.

امام علی علیه السلام: با شهادتین ، به بهشت می روید و با صلوات (نماز) ، به رحمت [خداوند] نایل می شوید . بر پیامبران بسیار درود بفرستید . «خدا و فرشتگان او بر پیامبر ، درود می فرستند . ای کسانی که ایمان آورده اید! [شما نیز] بر او درود بفرستید و سلامی کامل بگویید» .

امام علی علیه السلام به مردی یهودی که به ایشان گفت: خداوند برای آدم علیه السلام فرشتگان را به سجده واداشت. آیا برای محمد صلی الله علیه و آله چنین امتیازی هست؟ : چنین است. اگر خداوند عز و جل فرشتگانش را به سجده در برابر آدم واداشت، به خاطر انوار و شرافتی بود که خداوند عز و جل در پشت او نهاد؛ زیرا او ظرف بود . و سجده فرشتگان برای پرستش آدم نبود ؛ بلکه سجده شان، در واقع، اطاعت از فرمان خدا و [نوعی] احترام و درود فرستادن، همانند سلام گویی انسان بر انسان بود و اعتراف به برتری آدم بود. خداوند ، برتر از این را به محمد صلی الله علیه و آله عطا فرمود و آن ، این است که خدای متعال، خود بر او درود فرستاد و به فرشتگانش فرمود که بر او درود بفرستند و همه آفریدگانش را نیز دستور داد که تا روز قیامت بر او درود بفرستند . او که نقاش بزرگ است فرمود: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر ، درود می فرستند . ای کسانی که ایمان آورده اید! [شما نیز] بر او درود بفرستید و سلامی کامل بگویید» . پس، هر که بر او ، چه در زمان حیاتش و چه پس از وفاتش، درود فرستد ، خداوند ده بار بر او درود می فرستد و برای هر درودی که فرستاده است ، ده حسنه عطايش می کند. و هر که بعد از وفات ایشان بر او درود فرستد ، او درود وی را می فهمد و جواب درود فرستنده و سلام گوینده را به همان سان می دهد. خدای متعال ، دعای امت او را برای آنچه از پروردگارشان عز و جل می خواهند ، از اجابت دور نگه می دارد تا آن که در آن دعا بر او درود بفرستند و این ، بزرگ تر و مهم تر از آن چیزی است که خدای تبارک و تعالی به آدم علیه السلام عطا فرمود.

جمال الأسبوع عن أبي عبد الله البرقي يرفعه: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَمَا وَصَفَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ: «يَسْبِجُونَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ» (١) ثُمَّ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»، كَيْفَ لَا يَفْتُرُونَ وَهُمْ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله ؟ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا خَلَقَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ فَقَالَ: أَنْقِصُوا مِن ذِكْرِي بِمِقْدَارِ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ، [فَقَوْلُ الرَّجُلِ: صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ] (٢) فِي الصَّلَاةِ مِثْلَ قَوْلِهِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ. (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: أَفْضَلُ الدُّعَاءِ الصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله. (٤)

عنه عليه السلام: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ كُتِبَتْ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ، وَ مَنْ ذَكَرَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله كُتِبَتْ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ؛ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَرَنَ رَسُولَهُ بِنَفْسِهِ. (٥)

الكافي عن عبد السلام بن نعيم: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي دَخَلْتُ الْبَيْتَ وَ لَمْ يَحْضُرْنِي شَيْءٌ مِنَ الدُّعَاءِ إِلَّا الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ لَمْ يَخْرُجْ أَحَدٌ بِأَفْضَلٍ مِمَّا خَرَجَتْ بِهِ. (٦)

١- الأنبياء: ٢٠.

٢- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.

٣- جمال الأسبوع: ص ١٥٦، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٧١ ح ٦٦.

٤- جامع الأحاديث للقمي: ص ١٨٦ عن الإمام الرضا عليه السلام، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ٣٤٥ عن العالم عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٩٦ ح ٢٣ وص ٣٢٢ ح ٣٥.

٥- علل الشرائع: ص ٥٧٩ ح ٧ عن عبد الحميد، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٥٤ ح ٢٤.

٦- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٤ ح ١٧، ثواب الأعمال: ص ١٨٦ ح ٢، عدّه الداعي: ص ١٥٠ عن عبد الله بن نعيم، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٣٦٩ ح ٥ وج ٩٤ ص ٥٧ ح ٣٤.

جمال الأسبوع به نقل از ابو عبد الله برقی، در حدیثی که سند آن را به امام صادق علیه السلام رسانده است: مردی به امام صادق علیه السلام گفت: قربانت گردم! مرا از این سخن خدای تبارک و تعالی و آنچه در باره فرشتگان فرموده است، آگاه فرما که: «شب و روز، بی وقفه، تسبیح می گویند» و سپس [در جایی دیگر] فرموده است: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر، درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید! [شما نیز] بر او درود بفرستید و سلامی کامل بگویید». چگونه از تسبیح، باز نمی ایستند، در حالی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود می فرستند؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «خدای تبارک و تعالی چون محمد صلی الله علیه و آله را آفرید، به فرشتگان فرمود: به اندازه درود فرستادن بر محمد، از ذکر من بکاهید. [بنا بر این، این گفته آدمی: درود خدا بر محمد باد] در نماز، همسنگ این است که بگویید: پاکا خدا و ستایش، خدای را! معبودی جز خدا نیست. خدا بزرگ تر است».

امام صادق علیه السلام: برترین دعا، درود فرستادن بر پیامبر خداست.

امام صادق علیه السلام: هر که یاد خدا کند، ده نیکی برایش نوشته می شود، و هر که یاد پیامبر خدا کند، [نیز] ده نیکی برایش نوشته می شود؛ چرا که خدای متعال پیامبرش را در کنار خودش قرار داده است.

الکافی به نقل از عبد السلام بن نعیم: به امام صادق علیه السلام گفتم: من به خانه (کعبه) در آمدم؛ اما هیچ دعایی جز درود فرستادن بر محمد و خاندان محمد، به یادم نیامد. فرمود: «بدان که هیچ کس با چیزی (و پاداشی) برتر از آنچه تو با آن بیرون آمدی، بیرون نیامده است».

تهذيب الأحكام عن أبي بصير: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَا سَاجِدٌ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، هُوَ مِثْلُ سُبْحَانَ اللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ. (١)

الكافي عن عبد الله بن سليمان: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَذْكُرُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ إِقْمَا رَاكِعًا وَإِمَامًا سَاجِدًا، فَيَصِيءُ عَلَيْهِ وَهُوَ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، إِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَهَيْئَةِ التَّكْبِيرِ وَالتَّسْبِيحِ، وَهِيَ عَشْرُ حَسَنَاتٍ، يَبْتَدِرُهَا ثَمَانِيَةَ عَشَرَ مَلَكًا أَيُّهُمْ يُبَلِّغُهَا إِلَيْهِ. (٢)

الإمام الكاظم عليه السلام: أَفْضَلُ الدُّعَاءِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ، ثُمَّ الدُّعَاءُ لِلْإِخْوَانِ، ثُمَّ الدُّعَاءُ لِنَفْسِكَ فِيمَا أَحْبَبْتَ. (٣)

الكافي عن عبيد الله بن عبد الله: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لِي: مَا مَعْنَى قَوْلِهِ: «وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» (٤)؟ قُلْتُ: كُلَّمَا ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ قَامَ فَصَلَّى. فَقَالَ لِي: لَقَدْ كَلَّفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَذَا شَطَطًا (٥)! فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ فَكَيْفَ هُوَ؟ فَقَالَ: كُلَّمَا ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. (٦)

-
- ١- تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٣١٤ ح ١٢٧٩ .
 - ٢- الكافي: ج ٣ ص ٣٢٢ ح ٥، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٢٩٩ ح ١٢٠٦ عن عبد الله بن سنان .
 - ٣- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٣٨ ح ٢٥٧٧، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ٣٤٥، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٢٢ ح ٣٥ وص ٢٩٦ ح ٢٣ .
 - ٤- الأعلى: ١٥ .
 - ٥- كَلَّفَتْنِي شَطَطًا: أَي أَمْرًا شَاقًّا (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٩٥٢ «شطط»).
 - ٦- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٤ ح ١٨ .

تهذیب الأحكام به نقل از ابو بصیر: به امام صادق علیه السلام گفتم: در حال سجده، بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود بفرستم؟ فرمود: «آری. آن، همانند سبحان الله و الله أكبر است».

الکافی به نقل از عبد الله بن سلیمان: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: انسان در حال گزاردن نماز واجب، در رکوع یا سجود، نام پیامبر صلی الله علیه و آله را می برد. آیا در آن حال، بر او درود بفرستد؟ فرمود: «آری. درود فرستادن بر پیامبر خدا، همانند گفتن الله أكبر و سبحان الله است و ده ثواب دارد و هجده فرشته به سوی آن ثواب ها می شتابند تا هر یک زودتر از دیگری آنها را به او برسانند».

امام کاظم علیه السلام: بهترین دعا، درود فرستادن بر محمد و خاندان محمد است که درود خدا بر ایشان باد. سپس دعا کردن برای برادران و آن گاه دعا کردن برای خودت در باره آنچه دوست داری.

الکافی به نقل از عبید الله بن عبد الله: بر امام رضا علیه السلام در آمدم. به من فرمود: «معنای این سخن خداوند: «و نام پروردگارش را برد و نماز گزارد» چیست؟». گفتم: یعنی هر زمان که نام پروردگارش را بُرد، برخیزد و نماز بگزارد. به من فرمود: «پس خداوند، تکلیف فراتر از توان کرده است!». گفتم: قربانت گردم! پس معنایش چیست؟ فرمود: «یعنی هر گاه نام پروردگارش را برد، بر محمد و خاندان او درود رستد».

الإمام الرضا عليه السلام: الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلَالَتُسَيِّحَ وَالتَّهْلِيلُ وَالتَّكْبِيرُ. (١)

الإمام الهادي عليه السلام: إِنَّمَا اتَّخَذَ اللَّهُ عِزُّهُ وَجَلُّ إِبراهيمَ خَلِيلاً لِكَثْرَةِ صَلَاتِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ. (٢)

راجع: ص ٣٧٢ (بركات الصلاة على رسول الله وأهل بيته).

٢ / ٢ قِيمَةُ الصَّلَاةِ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَلَيْتَ هَارِ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَكْثَرُوا عَلَى الصَّلَاةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: أَكْثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَى يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَلَيْلَةِ الْجُمُعَةِ؛ فَمَنْ صَلَّى عَلَى صَلَاةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: أَكْثَرُوا مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَلَيْلَةِ الْجُمُعَةِ؛ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كُنْتُ لَهُ شَهِيدًا وَشَافِعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

(٥).

عنه صلى الله عليه وآله: أَكْثَرُوا عَلَى مِنَ الصَّلَاةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ؛ فَإِنَّ صَلَاةَ أُمَّتِي تُعْرَضُ عَلَى فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ، فَمَنْ كَانَ

أَكْثَرَهُمْ عَلَى صَلَاةٍ كَانَ أَقْرَبَهُمْ مِنِّي مَنَزَلَةً. (٦)

١- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ٢٩٤ ح ٥٢، الأمل للصدوق: ص ١٣٢ ح ١٢٤ كلاهما عن الحسن بن علي بن

فضال، روضه الواعظين: ص ٣٥٣، جامع الأخبار: ص ١٥٥ ح ٣٥٩، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٤٧ ح ٢.

٢- علل الشرائع: ص ٣٤ ح ٣ عن عبد العظيم بن عبد الله الحسني، بحار الأنوار: ج ١٢ ص ٤ ح ٩.

٣- عمل اليوم والليلة لابن السني: ص ١٣٥ ح ٣٧٩، مسند الشاميين: ج ٤ ص ١٨ ح ٢٦ كلاهما عن أنس، فضل الصلاة على

النبي صلى الله عليه وآله للجهمي: ص ٤٠ عن الحسن، المصنّف لعبد الرزاق: ج ٣ ص ٢٠٥ ح ٥٣٣٨ وفيه «عن أبي عمران

الجوني قال: بلغني أنّ رسول الله صلى الله عليه وآله كان يقول...».

٤- السنن الكبرى: ج ٣ ص ٣٥٣ ح ٥٩٩٤، فضائل الأوقات للبيهقي: ص ١٣٦ ح ٣٢١ كلاهما عن أنس، كنز العمال: ج ١ ص

٤٩٤ ح ٢١٧٩.

٥- كنز العمال: ج ١ ص ٤٨٩ ح ٢١٤٢، الجامع الصغير: ج ١ ص ٢٠٩ ح ١٤٠٥ كلاهما نقلًا عن البيهقي في شعب الإيمان عن

أنس.

٦- السنن الكبرى: ج ٣ ص ٣٥٣ ح ٥٩٩٥ عن أبي أمامه، كنز العمال: ج ١ ص ٤٨٨ ح ٢١٤١؛ بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣٥٨

نقلًا عن رساله للشهيد الثاني.

۲ / ۲ ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او علیه السلام در روز و شب جمعه

امام رضا علیه السلام: درود فرستادن بر محمد و خاندان محمد، در نزد خداوند، همسنگ گفتن «سبحان الله» و گفتن «لا إله إلا الله» و گفتن «الله أكبر» است.

امام هادی علیه السلام: خداوند عز و جل به این دلیل، ابراهیم علیه السلام را خلیل خود کرد که بر محمد و خاندان او که درودهای خدا بر ایشان باد زیاد درود می فرستاد.

ر. ک: ص ۳۷۳ (برکت های صلوات فرستادن بر پیامبر خدا و اهل بیت او).

۲ / ۲ ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او در روز و شب جمعه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در روز جمعه، فراوان بر من درود بفرستید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در روز و شب جمعه، فراوان بر من درود بفرستید؛ زیرا هر کس بر من یک درود بفرستد، خداوند، ده درود بر او می فرستد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در روز و شب جمعه، فراوان بر من درود بفرستید، که هر کس چنین کند، در روز قیامت، گواه و شفیع او می شوم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در روزهای جمعه، فراوان بر من درود بفرستید؛ زیرا درودهای امّتم، در هر روز جمعه به من ارائه می شود. پس هر کس بیشتر بر من درود فرستد، مقامش به من نزدیک تر است.

عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ؛ فَأَكْثَرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ، فَإِنَّ صَلَاتِكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ. (١)

الإمام علي عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَكْثَرُوا مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ؛ فَإِنَّهُ يَوْمٌ تُضَاعَفُ فِيهِ الْأَعْمَالُ، وَاسْأَلُوا اللَّهَ تَعَالَى لِي الدَّرَجَةَ الْوَسِيلَةَ (٢) مِنَ الْجَنَّةِ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الدَّرَجَةُ الْوَسِيلَةُ مِنَ الْجَنَّةِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: هِيَ أَعْلَى دَرَجَةٍ فِي الْجَنَّةِ لَا يَنْأَلُهَا إِلَّا نَبِيٌّ، وَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ. (٣)

رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ صَلَّى عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا، اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ. (٤)

عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ صَلَّى عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِئَةَ مَرَّةٍ، جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَعَهُ نَوْزٌ لَوْ قُسِّمَ ذَلِكَ النُّورُ بَيْنَ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ لَوَسِعَهُمْ. (٥)

عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ صَلَّى عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِئَةَ مَرَّةٍ، فَضَى اللَّهُ لَهُ سِتِّينَ حَاجَةً؛ ثَلَاثُونَ مِنْهَا لِلدُّنْيَا، وَثَلَاثُونَ لِلْآخِرَةِ. (٦)

١- سنن أبي داود: ج ٢ ص ٨٨ ح ١٥٣١ وج ١ ص ٢٧٥ ح ١٠٤٧، سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٥٢٤ ح ١٦٣٦، سنن النسائي: ج ٣ ص ٩١، صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ١٩١ ح ٩١٠، السنن الكبرى: ج ٣ ص ٣٥٣ ح ٥٩٩٣ كلها عن أوس بن أوس.

٢- في جامع الأخبار: «الدرجة والوسيلة».

٣- مسند زيد: ص ١٥٦، جامع الأخبار: ص ١٥٧ ح ٣٧٠ وراجع دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٧٩ وبحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٦٥ ح ٥٢.

٤- المحاسن: ج ١ ص ١٣٢ ح ١٦١ عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام.

٥- حليه الأولياء: ج ٨ ص ٤٧ عن محمد بن عجلان عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن الإمام علي عليهم السلام، كنز العمال: ج ١ ص ٥٠٧ ح ٢٢٤٠.

٦- ثواب الأعمال: ص ١٨٧ ح ١ عن محمد بن الفضيل عن الإمام الرضا عليه السلام، المصباح للكفعمي: ص ٤٢١ بهامشه، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣٥١ ح ٢٨.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یکی از بافضیلت ترین روزهای شما روز جمعه است. پس در این روز، فراوان بر من درود بفرستید؛ زیرا درود شما به من عرضه می شود.

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «در روز جمعه، فراوان بر من درود بفرستید؛ زیرا جمعه روزی است که در آن، اعمال، دو چندان محاسبه می شوند. از خداوند بزرگ برای من درجه وسیله را در بهشت، مسئلت کنید». گفته شد: ای پیامبر خدا! درجه «وسیله» در بهشت چیست؟ فرمود: «آن، بالاترین درجه بهشت است و جز پیامبر، کسی به آن مقام نمی رسد و امیدوارم که من، آن پیامبر باشم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در روز جمعه، از روی ایمان و برای رضای خدا، بر من درود فرستد، کار را از نو آغاز کرده است. (۱)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در روز جمعه، صد مرتبه بر من درود فرستد، روز قیامت با چنان نوری بیاید که اگر آن نور در میان همه خلائق تقسیم شود، همگان را جوابگو خواهد بود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در روز جمعه صد بار بر من درود فرستد، خداوند، شصت حاجت او را برمی آورد: سی حاجت دنیوی و سی حاجت اُخروی.

۱- .کنایه از این که تمام گناهانش آمرزیده شده است.

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ صَلَّى عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ، كَانَتْ شَفَاعَةً لَهُ عِنْدِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام :إِنَّ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ أَلْفَ مَرَّةٍ ، وَفِي سَائِرِ الْأَيَّامِ مِئَةَ مَرَّةٍ . (٢)

عنه عليه السلام لِعُمَرَ بْنِ يَزِيدٍ : يَا عُمَرُ ، إِنَّهُ إِذَا كَانَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَلَائِكَةٌ بِعِدَدِ الذَّرِّ ، فِي أَيْدِيهِمْ أَقْلَامُ الذَّهَبِ وَقَرَاتِيصُ الْفِضَّةِ ، لَا يَكْتُبُونَ (٣) إِلَى لَيْلَةِ السَّبْتِ إِلَّا الصَّلَاةَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ ، فَأَكْثَرَ مِنْهَا . (٤)

٢ / ٣ قِيمَةُ الصَّلَاةِ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ عِنْدَ الدُّعَاءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا تَجْعَلُونِي كَقَدْحِ الزَّارِكِ ٥ ؛ فَإِنَّ الزَّارِكِ يَمَلَأُ قَدْحَهُ فَيَشْرِبُهُ إِذَا شَاءَ . اجْعَلُونِي فِي أَوَّلِ الدُّعَاءِ وَفِي آخِرِهِ وَفِي وَسْطِهِ . (٥)

١- . كنز العمال : ج ١ ص ٥٠٦ ح ٢٢٣٩ نقلاً عن الديلمي عن عائشه .

٢- . الكافي : ج ٣ ص ٤١٦ ح ١٣ ، تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٤ ح ٩ ، جمال الأسبوع : ص ١٢٤ كلها عن عمر بن يزيد ، جامع الأحاديث للقمي : ص ١٥٨ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨٩ ص ٣١٥ ح ٢٤ .

٣- . في الكافي : «لا تكتبون» ، والتصويب من بحار الأنوار والمصادر الأخرى .

٤- . الكافي : ج ٣ ص ٤١٦ ح ١٣ ، تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٤ ح ٩ ، جمال الأسبوع : ص ١٢٣ كلها عن عمر بن يزيد ، بحار الأنوار : ج ٨٩ ص ٣١٤ ح ٢٤ وراجع كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٤٢٤ ح ١٢٥١ والخصال : ص ٣٩٣ ح ٩٥ .

٥- . الكافي : ج ٢ ص ٤٩٢ ح ٥ عن ابن القداح ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ١٩ ح ٢٠٣٩ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٣١٦ ح ٢١ ؛ المصنّف لعبد الرزاق : ج ٢ ص ٢١٦ ح ٣١١٧ ، شعب الإيمان : ج ٢ ص ٢١٦ ح ١٥٧٨ كلاهما عن جابر نحوه ، كنز العمال : ج ١ ص ٥٠٩ ح ٢٢٥٣ .

۲ / ۳ ارزش صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام در هنگام دعا

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در روز جمعه، بر من درود بفرستد، در روز قیامت، آن درود، شفیع او در نزد من خواهد بود (به واسطه آن، شفاعتش خواهم کرد).

امام صادق علیه السلام: از سنت است که در هر روز جمعه، هزار مرتبه و در دیگر روزها، صد مرتبه بر محمد و اهل بیت او درود بفرستی.

امام صادق علیه السلام به عمر بن یزید: ای عمر! چون شب جمعه می شود، به شمار مورچگان از آسمان، فرشته فرود می آید و در دستانشان خامه های زرین و کاغذهای سیمین است و تا شب شنبه، جز درود بر محمد و خاندان محمد که درود خدا به او و بر ایشان باد، چیزی را نمی نویسند. پس فراوان درود بفرست.

۲ / ۳ ارزش صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او در هنگام دعای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مرا به سان پیاله سواره قرار ندهید (۱) که هر گاه می خواهد [و تشنه می شود]، پیاله اش را پُر می کند و می نوشد؛ [بلکه] مرا در آغاز دعا و در پایان و در میان آن، جای دهید.

۱- یعنی برای یاد کردن من، اهمیت قائل شوید، نه این که هر گاه دلتان خواست، به گمان این که یاد من اهمیتی ندارد، از من یاد کنید.

عنه صلى الله عليه و آله :الدُّعَاءُ مَحْجُوبٌ عَنِ اللَّهِ حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام :كُلُّ دُعَاءٍ يُدْعَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مَحْجُوبٌ عَنِ السَّمَاءِ ، حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ . (٢)

عنه عليه السلام :مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَةٌ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، ثُمَّ يَسْأَلْ حَاجَتَهُ ، ثُمَّ يَخْتِمُ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَقْتِيلَ الطَّرْفَيْنِ وَيَدْعَ الْوَسِيطَ ، إِذَا كَانَتِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَا تُحَجَّبُ عَنْهُ . (٣)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبي الضحّاك :كَانَ [الرُّضَا] عَلَيْهِ السَّلَامُ يَبْدَأُ فِي دُعَائِهِ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَيُكْتَبُ مِنْ ذَلِكَ فِي الصَّلَاةِ وَغَيْرِهَا . (٤)

راجع : ص ٣٣٢ (قيمة الصلاة على النبي وآله) .

٢ / ٤ قِيمَةُ الصَّلَاةِ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ فِي الْكِتَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :مَنْ صَلَّى عَلَيَّ فِي كِتَابِهِ ، لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تُصَلِّيُ عَلَيْهِ مَا دَامَ اسْمِي فِي ذَلِكَ الْكِتَابِ . (٥)

١- .شُعْبُ الْإِيمَانِ : ج ٢ ص ٢١٦ ح ١٥٧٦ عن الحارث ، كنز العمال : ج ٢ ص ٧٨ ح ٣٢١٥ نقلاً عن أبي الشيخ وكلاهما عن الإمام عليّ عليه السلام ؛ عوالي اللآلي : ج ٢ ص ٢٢٣ ح ٣١ وفيه «كلّ دعاء» بدل «الدعاء» .

٢- .الكافي : ج ٢ ص ٤٩٣ ح ١٠ عن صفوان الجمال ، ثواب الأعمال : ص ١٨٦ ح ٣ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٨٨ ح ٢٢٣٨

كلاهما عن الحارث الأعور عن الإمام عليّ عليه السلام وليس فيهما «يدعى الله عز وجل به» ، بحار الأنوار : ج ٢٧ ص ٢٦٠ ح

١٥ ؛ المعجم الأوسط : ج ١ ص ٢٢٠ ح ٧٢١ ، شُعْبُ الْإِيمَانِ : ج ٢ ص ٢١٦ ح ١٥٧٥ كلاهما عن الحارث وعاصم بن ضميره

عن الإمام عليّ عليه السلام وليس فيهما «يدعى الله عز وجل به» ، كنز العمال : ج ٢ ص ٢٦٩ ح ٣٩٨٨ .

٣- .الكافي : ج ٢ ص ٤٩٤ ح ١٦ عن ابن جمهور عن أبيه عن رجاله ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ١٩ ح ٢٠٤٠ ، بحار الأنوار : ج

٩٣ ص ٣١٦ ح ٢١ .

٤- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ٢ ص ١٨٢ ح ٥ ، بحار الأنوار : ج ٤٩ ص ٩٤ ح ٧ .

٥- .تاريخ دمشق : ج ٦ ص ٨٠ ح ١٤٢٢ عن أبي هريره ، تفسير القرطبي : ج ١٤ ص ٢٣٥ ؛ جامع الأخبار : ص ١٥٧ ح ٣٧٣ عن

أبي هريره .

۲ / ۴ ارزش صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام در نوشتار

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دعا به درگاه خدا نمی رسد، تا آن گاه که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستاده شود.

امام صادق علیه السلام: هر دعایی به درگاه خدای عز و جل از رفتن به آسمان، ممنوع است تا آن گاه که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستاده شود.

امام صادق علیه السلام: هر کس به خداوند عز و جل حاجتی داشت، نخست بر محمد و خاندان او درود فرستد، سپس حاجت خود را بخواهد و در پایان، بر محمد و خاندان محمد، درود فرستد؛ زیرا خدای عز و جل کریم تر از آن است که دو سوی [دعا] را بپذیرد و میان [آن] را وا نهد؛ چرا که درود فرستادن بر محمد و خاندان محمد، از درگاه خداوند، منع نمی شود.

عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از رجاء بن ابی ضحاک: امام رضا علیه السلام دعایش را با درود فرستادن بر محمد و خاندان او آغاز می کرد و در نماز و غیر نماز، فراوان درود می فرستاد.

ر. ک: ص ۳۳۳ (ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او).

۲ / ۴ ارزش صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او در نوشتار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در نوشته اش بر من درود فرستد، تا زمانی که نام من در آن نوشته باشد، فرشتگان بر او درود می فرستند.

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ صَلَّى عَلَيَّ فِي كِتَابٍ ، لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا دَامَ اسْمِي فِي ذَلِكَ الْكِتَابِ . (١)

٢ / ٥ / بُلُوغُ صَلَاةِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى النَّبِيِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله :صَلُّوا عَلَيَّ وَسَلِّمُوا ؛ فَإِنَّ صَلَاتِكُمْ وَسَلَامَكُمْ يَبْلُغُنِي أَيْنَمَا كُنْتُمْ .

(٢)

عنه صلى الله عليه و آله :حَيْثُمَا كُنْتُمْ فَصَلُّوا عَلَيَّ ؛ فَإِنَّ صَلَاتِكُمْ تَبْلُغُنِي . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عِنْدَ قَبْرِي سَمِعْتُهُ ، وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ نَائِبًا أَبْلَغْتُهُ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً سَيَّاحِينَ فِي الْأَرْضِ ، يُبَلِّغُونِي مِنْ أُمَّتِي السَّلَامَ . (٥)

١- .المعجم الأوسط : ج ٢ ص ٢٣٢ ح ١٨٣٥ عن أبي هريره ، ربيع الأبرار : ج ٢ ص ٢٤٨ ، كنز العمال : ج ١ ص ٥٠٧ ح ٢٢٤٣ ؛ منيه المرید : ص ٣٤٧ .

٢- .مسند أبي يعلى : ج ٦ ص ١٧١ ح ٦٧٢٨ عن العلاء بن عبد الرحمن عن الإمام الحسن عليه السلام ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٩٨ ح ٢١٩٩ نقلاً عن الحكيم عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ؛ كنز الفوائد : ج ٢ ص ١٥٢ عن الأشج عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج ٨٣ ص ٣٢٤ ح ٢٤ .

٣- .مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٢٩٧ ح ٨٨١٢ عن أبي هريره ، المعجم الكبير : ج ٣ ص ٨٢ ح ٢٧٢٩ عن الحسن بن الإمام الحسن بن علي بن أبي طالب عن أبيه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ؛ كنز الفوائد : ج ٢ ص ١٥٢ عن الأشج عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله .

٤- .شعب الإيمان : ج ٢ ص ٢١٨ ح ١٥٨٣ ، تاريخ بغداد : ج ٣ ص ٢٩٢ كلاهما عن أبي هريره ؛ الفصول المختاره : ص ١٣٠ وفيه «من سلم» بدل «من صلى» ؛ الأمالي للطوسي : ص ١٦٧ ح ٢٧٩ نحوه ، بحار الأنوار : ج ١٠٠ ص ١٨٢ ح ٤ .

٥- .سنن النسائي : ج ٣ ص ٤٣ ، مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ١٦٩ ح ٤٣٢٠ وص ١٤٦ ح ٤٢١٠ ، سنن الدارمي : ج ٢ ص ٧٧٣ ح ٢٦٧٢ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٢ ص ٤٥٦ ح ٣٥٧٦ ، شعب الإيمان : ج ٢ ص ٢١٨ ح ١٥٨٢ ؛ الأمالي للصدوق : ص ٣٨٩ ح ٥٠١ كلها عن عبد الله بن مسعود .

۲ / ۵ رسیدن صلوات مؤمنان به پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در نوشته ای بر من درود فرستد ، تا آن گاه که نام من در آن نوشته است ، فرشتگان ، پیوسته برایش آمرزش می طلبند.

۲ / ۵ رسیدن صلوات مؤمنان به پیامبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر من درود و سلام بفرستید ؛ زیرا درود و سلام شما ، هر کجا که باشید ، به من می رسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر جا که بودید ، بر من درود بفرستید؛ چون درود شما به من می رسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در کنار قبرم بر من درود بفرستد ، آن را می شنوم و هر کس از دور بر من درود فرستد ، درودش به اطلاع من رسانده می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند ، فرشتگانی دارد که در زمین می گردند و سلام امتم را به من می رسانند.

عنه صلى الله عليه وآله: أَكثَرُوا عَلَيَّ الصَّلَاةَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ يُصَلِّي عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِلَّا عَرِضْتُ عَلَيَّ صِيَلَاتُهُ .
(١)

سنن ابن ماجه عن أبي الدرداء: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَكثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ؛ فَإِنَّهُ مَشْهُودٌ تَشْهَدُهُ الْمَلَائِكَةُ، وَإِنَّ أَحَدًا لَنْ يُصَلِّي عَلَيَّ إِلَّا عَرِضْتُ عَلَيَّ صِيَلَاتُهُ حَتَّى يَفْرَغَ مِنْهَا. قُلْتُ: وَبَعْدَ الْمَوْتِ؟ قَالَ: وَبَعْدَ الْمَوْتِ، إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيَّ الْأَرْضَ أَنْ تَأْكُلَ أَجْسَادَ الْأَنْبِيَاءِ، فَنَبِيُّ اللَّهِ حَتَّى يُرْزَقَ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: صَلُّوا إِلَى جَانِبِ قَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَإِنْ كَانَتْ صَلَاةُ الْمُؤْمِنِينَ تَبْلُغُهُ أَيْنَمَا كَانُوا. (٣)

عنه عليه السلام: مَنْ صَلَّى عَلَيَّ النَّبِيِّ وَآلِهِ مَرَّةً فِي كُلِّ يَوْمٍ، أَسَدَاهَا (٤) سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يُبَلِّغُهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَبْلَ صَاحِبِهِ. (٥)

راجع: ص ٣٤٢ (قيمة الصلاة عليه وعلى آله يوم الجمعة وليلتها).

١- المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٤٥٧ ح ٣٥٧٧ عن أبي مسعود الأنصاري، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٢ ص ٣٩٩ ح ٦ عن الحسن وفيه «فإنها معروضه عليّ» بدل «فإنه ليس...»، فضل الصلاة على النبي صلى الله عليه وآله للجهمي: ص ٤٠ عن الحسن وفيه «فإنها تعرض عليّ»، كنز العمال: ج ١ ص ٤٩٤ ح ٢١٧٨ وص ٥٠٦ ح ٢٢٣٥.

٢- سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٥٢٤ ح ١٦٣٧، البدايه والنهايه: ج ٥ ص ٢٧٦؛ مجمع البيان: ج ١٠ ص ٧٠٨.

٣- الكافي: ج ٤ ص ٥٥٣ ح ٧، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٧ ح ١١ كلاهما عن معاوية بن وهب، الأصول الستة عشر: ص ٨٣ عن ذريح المحاربي، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ١٥٦ ح ٣٠.

٤- السدو: مدّ اليد نحو الشيء (لسان العرب: ج ١٤ ص ٣٧٤ «سدا»).

٥- جامع الأخبار: ص ١٥٥ ح ٣٥٣ عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٦٣ ح ٥٢.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در روز جمعه، فراوان بر من درود بفرستید؛ زیرا هیچ کس نیست که در روز جمعه بر من صلوات بفرستد، مگر آن که درودش به من رسانده می شود.

سنن ابن ماجه به نقل از ابودرداء: پیامبر خدا فرمود: «در روز جمعه، فراوان بر من درود بفرستید؛ زیرا در روز جمعه، فرشتگان، همه جا حاضر می شوند، و هر کس بر من درود فرستد، درودش به من ابلاغ می شود، تا آن گاه که از درود فرستادن، فارغ شود». من گفتم: حتی بعد از مرگ؟ فرمود: «حتی بعد از مرگ؛ [چون] خداوند، زمین را ممنوع کرده است که جسدهای پیامبران را بخورد. پس، پیامبر خدا زنده است و روزی می خورد».

امام صادق علیه السلام: در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله، درود بفرستید، هر چند که درود مؤمنان، هر کجا که باشند، به ایشان می رسد.

امام صادق علیه السلام: هر کس در هر روز، صد مرتبه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او درود بفرستد، هفتاد هزار فرشته دست هایشان را به سوی آن صلوات ها دراز می کنند تا هر یک، زودتر از دیگری، آنها را به پیامبر خدا برسانند.

ر. ک: ص ۳۴۳ (ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او در روز و شب جمعه).

٢ / ٤٦ ذمُّ تَرْكِ الصَّلَاةِ عِنْدَ ذِكْرِ النَّبِيِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ الْبَخِيلَ كُلَّ الْبَخِيلِ الَّذِي إِذَا ذُكِرَتْ عِنْدَهُ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ .
(١)

عنه صلى الله عليه و آله :كَفَى بِهِ شُحًا أَنْ أُذْكَرَ عِنْدَهُ ثُمَّ لَا يُصَلِّي عَلَيَّ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ الْجَفَاءِ أَنْ أُذْكَرَ عِنْدَ الرَّجُلِ فَلَا يُصَلِّي عَلَيَّ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله فى حَدِيثٍ يَذْكَرُ فِيهِ أَبْخَلَ النَّاسِ وَ... وَأَجْفَى النَّاسِ : وَأَمَّا أَجْفَى النَّاسِ ، فَرَجُلٌ ذُكِرَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ ، دَخَلَ النَّارَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ . (٥)

عنه صلى الله عليه و آله :نَادَانِي جِبْرِيلُ مِنْ تَلْقَاءِ الْعَرْشِ ، فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ ، الرَّحْمَنُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ لَكَ : مَنْ ذُكِرَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيْكَ دَخَلَ النَّارَ . (٦)

عنه صلى الله عليه و آله :رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ . (٧)

١- الإرشاد: ج ٢ ص ١٦٩ ، معانى الأخبار: ص ٢٤٦ ح ٩؛ سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٥١ ح ٣٥٤٦ ، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٤٢٩ ح ١٧٣٦ ، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٧٣٤ ح ٢٠١٥ كلها عن عبد الله بن علي بن الحسين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام .

٢- المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٢ ص ٣٩٩ ح ٧ عن الحسن .

٣- المصنّف لعبد الرزاق: ج ٢ ص ٢١٧ ح ٣١٢١ عن محمد بن عليّ .

٤- عدّه الداعى: ص ٣٤ ، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٣٧ ، إرشاد القلوب: ص ٨٠ ، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٥٧ ح ٥٥ .

٥- الكافى: ج ٢ ص ٤٩٥ ح ١٩ ، الأمالى للصدوق: ص ٦٧٦ ح ٩١٨ ، المحاسن: ج ١ ص ١٧٩ ح ٢٨٠ كلها عن محمد بن هارون ، ثواب الأعمال: ص ٢٤٦ ح ١ عن محمد بن مروان وكلها عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، روضه الواعظين: ص ٣٥٥ ، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٧٤ ح ٦٢؛ صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ١٨٨ ح ٩٠٧ عن أبي هريره ، المعجم الكبير: ج ٢ ص ٢٤٣ ح ٢٠٢٢ عن جابر وكلاهما نحوه .

٦- الفردوس: ج ٤ ص ٢٨١ ح ٦٨٣١ عن عبد الله بن جرّاد .

٧- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٥٠ ح ٣٥٤٥ ، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٦١ ح ٧٤٥٥ ، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٧٣٤ ح ٢٠١٦ كلها عن أبي هريره ؛ جامع الأحاديث للقمى: ص ٨٣ ، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٨٦ ح ١٠٠ نقلاً عن كتاب الإمامه والتبصره .

۲ / ۶ نکوهش صلوات نفرستادن در هنگام برده شدن نام پیامبر صلی الله علیه و آله

۲ / ۶ نکوهش صلوات نفرستادن در هنگام برده شدن نام پیامبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بخیل واقعی ، کسی است که هرگاه نام من در نزد او برده شود ، بر من درود نفرستد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بُخِل شخص ، همین بس که نام من در نزد او برده شود و بر من ، درود نفرستد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از بی مهري [به من] است که نزد کسی نام من برده شود و او بر من ، درود نفرستد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی که در آن ، بخیل ترین مردم و... و بی مهترین آنان را معرفی می کند: و بی مهترین مردم ، مردی است که در حضور او نام من برده شود و او بر من ، درود نفرستد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نام من در نزد او برده شود و بر من درود نفرستد، به آتش می رود و خدا او را [از رحمت خود] دور می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل علیه السلام از برابر عرش به من بانگ داد که: ای محمّد! خدای مهرگستر به تو می فرماید: «کسی که نام تو در حضورش برده شود و بر تو درود نفرستد ، به دوزخ می رود» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوار باد آن که نام من در نزدش برده شود و بر من ، درود نفرستد!

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ ذَكَرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ ، أخطأَ طَرِيقَ الْجَنَّةِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ ذَكَرْتُ عِنْدَهُ فَانْسَى الصَّلَاةَ عَلَيَّ ، حُطِيَ بِهِ طَرِيقَ الْجَنَّةِ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :يا عَلِيُّ ، مَنْ نَسِيَ الصَّلَاةَ عَلَيَّ فَقَدْ أخطأَ طَرِيقَ الْجَنَّةِ . (٣)

٢ / ٧ لا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ النَّبِيِّ وَآلِهِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :لا صَلَاةَ لِمَنْ لَا يُصَلِّي عَلَيَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ صَلَّى صَلَاةً لَمْ يُصَلِّ فِيهَا عَلَيَّ وَلَا عَلَيَّ أَهْلَ بَيْتِي ، لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام :مَنْ صَلَّى وَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَرَكَ ذَلِكَ مُتَعَمِّدًا ، فَلَا صَلَاةَ لَهُ . (٦)

- ١- .جامع الأخبار : ص ١٥٧ ح ٣٦٨ ، الجعفریات : ص ٢١٥ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله .
- ٢- .الكافي : ج ٢ ص ٤٩٥ ح ١٩ عن محمّد بن هارون وح ٢٠ عن أبي بصير ، ثواب الأعمال : ص ٢٤٦ ح ١ عن محمّد بن مروان وكلّهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٦٠ ح ٤٤ .
- ٣- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٣٧٣ ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الأمالي للطوسي : ص ١٤٥ ح ٢٣٦ عن بشر بن سالم البجلي ومحمّد بن عمران الذهلي عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ؛ سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٢٩٤ ح ٩٠٨ ، المعجم الكبير : ج ١٢ ص ١٣٩ ح ١٢٨١٩ كلاهما عن ابن عباس ، السنن الكبرى : ج ٩ ص ٤٨١ ح ١٩١٧٧ عن أبي هريره وليس في الثلاثة الأخيره «يا عليّ» .
- ٤- .سنن ابن ماجه : ج ١ ص ١٤٠ ح ٤٠٠ ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ٤٠٢ ح ٩٩٢ ، السنن الكبرى : ج ٢ ص ٥٢٩ ح ٣٩٦٧ ، المعجم الكبير : ج ٦ ص ١٢١ ح ٥٦٩٩ كلّها عن سهل بن سعد الساعدي ؛ عوالي اللآلي : ج ٢ ص ٢٢٢ ح ٣٠ .
- ٥- .سنن الدارقطني : ج ١ ص ٣٥٥ ح ٦ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام عن أبي مسعود الأنصاري ، عوالي اللآلي : ج ٢ ص ٤٠ ح ١٠١ عن جابر الجعفي عن الإمام الباقر عليه السلام عن ابن مسعود الأنصاري ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ٢٧٩ .
- ٦- .تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ١٥٩ ح ٦٢٥ وج ٤ ص ١٠٨ ح ٣١٤ ، الاستبصار : ج ١ ص ٣٤٣ ح ١٢٩٢ كلّها عن زراره ، روضه الواعظين : ص ٣٩٢ ، عوالي اللآلي : ج ٢ ص ٣٨ ح ٩٥ عن أبي بصير .

۲ / ۷ پذیرفته نشدن نماز کسی که بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام صلوات نفرستد

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که نام من در حضورش برده شود و بر من درود نفرستد ، از راه بهشت دور افتاده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس نام من در نزدش برده شود و او درود فرستادن بر من را فراموش کند، از راه بهشت ، به بیراهه رفته است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای علی! هر کس درود فرستادن بر من را فراموش کند ، راه بهشت را گم کرده است.

۲ / ۷ پذیرفته نشدن نماز کسی که بر پیامبر و خاندان او صلوات نفرستد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نماز کسی که [در آن] بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود نفرستد ، نماز نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که نماز بخواند و در آن ، بر من و اهل بیتم درود نفرستد ، نمازش پذیرفته نمی شود.

امام صادق علیه السلام : کسی که نماز بخواند و [در آن] بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود نفرستد و این کار را عمدا نکند، نمازش نماز نیست.

عنه عليه السلام: إذا صَلَّى أَحَدُكُمْ وَلَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ وَآلَهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي صَلَاتِهِ، يُسَلِّكُ بِصَلَاتِهِ غَيْرَ سَبِيلِ الْجَنَّةِ . (١)

الصواعق المحرقة عن الشافعي: يَا أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ جُبُّكُمْ فَرَضَ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ كَفَاكُمْ مِنْ عَظِيمِ الْقَدْرِ أَنْتُمْ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ . (٢)

-
- ١- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٥ ح ١٩، الأملی للصدوق: ص ٦٧٦ ح ٩١٧، المحاسن: ج ١ ص ١٧٩ ح ٢٨٠ کلها عن محمد بن هارون، ثواب الأعمال: ص ٢٤٦ ح ١ عن محمد بن مروان، روضه الواعظین: ص ٣٥٥، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٨٠ ح ١.
 - ٢- الصواعق المحرقة: ص ١٤٨، نور الأبصار: ص ١٢٧.

امام صادق علیه السلام: هر گاه یکی از شما نماز بخواند و در نمازش از پیامبر و خاندان او یاد نکند، نمازش به سبب آن به راه غیر بهشت، برده می شود.

الصواعق المَحْرَقَه به نقل از شافعی: ای خاندان پیامبر خدا! دوست داشتن شما از جانب خدا در قرآنی که فرو فرستاده، واجب گشته است. در بزرگی مقام و منزلت شما، همین بس که هر کس بر شما درود نفرستد، نمازش نماز نیست.

الفصل الثالث: أدب الصَّيْلَاهِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ٣ / اَضْمُ آلِ النَّبِيِّ إِلَيْهِ فِي الصَّلَاةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: صَيَّلُوا عَلَيَّ وَاجْتَهَدُوا فِي الدُّعَاءِ، وَقُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. (١)

صحيح البخارى عن كعب بن عجره: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَمَا السَّلَامُ عَلَيْكَ فَقَدْ عَرَفْنَا، فَكَيْفَ الصَّلَاةُ؟ قَالَ: قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. (٢)

١- السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١٩ ح ٩٨٨١، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٤٢٣ ح ١٧١٤ نحوه وكلاهما عن زيد بن خارجه، كنز العمال: ج ١ ص ٤٩٢ ح ٢١٦٩.

٢- صحيح البخارى: ج ٤ ص ١٨٠٢ ح ٤٥١٩ وج ٣ ص ١٢٣٣ ح ٣١٩٠ وج ٥ ص ٢٣٣٨ ح ٥٩٩٦ كلاهما نحوه، صحيح مسلم: ج ١ ص ٣٠٥ ح ٦٦ و ٦٥ عن بشير بن سعد، سنن أبي داود: ج ١ ص ٢٥٧ ح ٩٧٦، سنن الترمذى: ج ٢ ص ٣٥٢ ح ٤٨٣، سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٢٩٣ ح ٩٠٤، سنن النسائي: ج ٣ ص ٤٧، سنن الدارمى: ج ١ ص ٣٢٩ ح ١٣١٦ و ١٣١٧ عن أبي مسعود الأنصارى، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٣٢٠ ح ١٨١٢٧، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٧٥ ح ٣٩٩٤.

فصل سوم: آداب صلوات فرستادن بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

۳ / ۱ ضمیمه کردن خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به پیامبر در صلوات

فصل سوم: آداب صلوات فرستادن بر پیامبر خدا / ۳ / ضمیمه کردن خاندان پیامبر به پیامبر در صلوات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر من درود بفرستید و در دعا کردن بکوشید، و بگویید: «بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست».

صحیح البخاری به نقل از کعب بن عجره: [به پیامبر خدا] گفته شد: ای پیامبر خدا! سلام کردن بر شما را می دانیم؛ درود فرستادن، چگونه است؟ فرمود: «بگویید: بار خدایا! بر محمد و بر خاندان محمد، درود فرست، همچنان که بر خاندان ابراهیم، درود فرستادی، که به راستی، تو ستودنی و بزرگواری. بار خدایا! به محمد و به خاندان محمد برکت ده، همچنان که به خاندان ابراهیم برکت دادی، که به راستی، تو ستودنی و بزرگواری».

صحيح البخارى عن أبى سعيد الخدرى: قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذَا السَّلَامُ عَلَيْكَ، فَكَيْفَ نُصَلِّي عَلَيْكَ؟ قَالَ: قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ. (١)

صحيح البخارى عن عبد الرحمن بن أبى ليلى: لَقِيتُنِي كَعْبُ بْنُ عُجْرَةَ فَقَالَ: أَلَا أُهْدَى لَكَ هَدِيَّةً سَمِعْتُهَا مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ فَقُلْتُ: بَلَى، فَأَهْدِيهَا لِي. فَقَالَ: سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ عَلَّمَنَا كَيْفَ نُصَلِّيْكُمْ عَلَيْكُمْ؟ قَالَ: قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. (٢)

معانى الأخبار عن أبى حمزه: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ... فَقُلْتُ لَهُ: فَكَيْفَ نُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ؟ قَالَ: تَقُولُونَ: صَلَّوْا اللَّهُ وَصَلَّوْا مَلَائِكَتِهِ وَأَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ وَجَمِيعَ خَلْقِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. قَالَ: فَقُلْتُ: فَمَا ثَوَابُ مَنْ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ بِهَذِهِ الصَّلَاةِ؟ قَالَ: الْخُرُوجُ مِنَ الذُّنُوبِ وَاللَّهُ كَهَيِّتِهِ يَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ. (٣)

١- صحيح البخارى: ج ٥ ص ٢٣٣٩ ح ٥٩٩٧ وج ٤ ص ١٨٠٢ ح ٤٥٢٠ وفيه «التسليم» بدل «السلام عليك»، صحيح مسلم: ج ١ ص ٣٠٥ ح ٦٥، سنن الدارمى: ج ١ ص ٣٣٠ ح ١٣١٧ كلاهما عن بشير بن سعد، سنن النسائى: ج ٣ ص ٤٩ والثلاثة الأخيره نحوه.

٢- صحيح البخارى: ج ٣ ص ١٢٣٣ ح ٣١٩٠ وج ٤ ص ١٨٠٢ ح ٤٥١٩، صحيح مسلم: ج ١ ص ٣٠٥ ح ٦٦، سنن أبى داود: ج ١ ص ٢٥٧ ح ٩٧٦، سنن الترمذى: ج ٢ ص ٣٥٢ ح ٤٨٣، سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٢٩٣ ح ٩٠٤ كلها نحوه؛ روضه الواعظين: ص ٣٥٣ نحوه وراجع تحف العقول: ص ٤٣٣.

٣- معانى الأخبار: ص ٣٦٨ ح ١، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٥٥ ح ٢٧.

صحیح البخاری به نقل از ابوسعید خُدَری: گفتم: ای پیامبر خدا! در سلام کردن به شما می گوئیم: «السلام علیک». چگونه بر شما درود بفرستیم؟ فرمود: «بگوئید: بار خدایا! بر بنده و فرستاده ات محمّد، درود فرست، چنان که بر ابراهیم، درود فرستادی، و به محمّد و خاندان محمّد برکت ده، چنان که به ابراهیم و خاندان ابراهیم، برکت دادی».

صحیح البخاری به نقل از عبد الرحمان بن ابی لیلی: کعب بن عُجره به من برخورد و گفت: آیا هدیه ای تو را ارمغان نکنم که آن را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم؟ گفتم: چرا، ارمغانم کن. گفت: از پیامبر خدا سؤال کردیم و گفتیم: ای پیامبر خدا! درود فرستادن بر شما خاندان، چگونه است، که سلام کردن بر شما را خداوند به ما آموخته است؟ فرمود: «بگوئید: بار خدایا! بر محمّد و بر خاندان محمّد، درود فرست، چنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، درود فرستادی، که به راستی، تو ستودنی و بزرگواری. بار خدایا! به محمّد و خاندان محمّد برکت ده، چنان که به ابراهیم و خاندان ابراهیم، برکت دادی، که به راستی، تو ستودنی و بزرگواری».

معانی الأخبار به نقل از ابو حمزه: از امام صادق علیه السلام پرسیدم ... و گفتم: چه سان بر محمّد و خاندان او درود بفرستیم؟ فرمود: «می گوئید: درود خدا و درود فرشتگان او و پیامبران و فرستادگان او و همه آفریدگانش بر محمّد و خاندان محمّد باد، و سلام و رحمت و برکات خدا بر او و بر ایشان باد!». گفتم: پاداش کسی که با این درود، بر پیامبر و خاندانش درود فرستد، چیست؟ فرمود: «پاک شدن از گناهان به خدا سوگند، درست همانند روزی که مادرش او را زایید».

قرب الإسناد عن بكر بن محمّد: سَمِعْتُ أبا عبد الله عليه السلام يَقُولُ وَقَالَ بَعْضُ أَصْحَابِهِ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا، وَلَكِنْ: كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ (١). (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَا أُبَشِّرُكَ؟ قَالَ: بَلَى، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي! فَإِنَّكَ لَمْ تَزَلْ مُبَشِّرًا بِكُلِّ خَيْرٍ. فَقَالَ: أَخْبَرَنِي جِبْرِئِيلُ أَنَّفَا بِالْعَجَبِ! فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَمَا الَّذِي أَخْبَرَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: أَخْبَرَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَّى عَلَيَّ، وَاتَّبَعَ بِالصَّلَاةِ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي، فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَصَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ سَبْعِينَ صَلَاةً... فَإِذَا صَلَّى عَلَيَّ، وَلَمْ يُتَبَعَ بِالصَّلَاةِ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي، كَانَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ السَّمَاءِ سَبْعُونَ حِجَابًا، وَيَقُولُ اللَّهُ حَيْلٌ جَلِيلَةٌ: «لَا- لَيْبِكَ وَلَا- سَيِّدِيكَ، يَا مَلَائِكَتِي، لَا تُصْعِدُوا دُعَاءَهُ إِلَّا أَنْ يُلْحِقَ بِالنَّبِيِّ عِزَّتَهُ»، فَلَا يَزَالُ مَحْجُوبًا حَتَّى يُلْحِقَ بِأَهْلِ بَيْتِي. (٣)

-
- ١- قال الشيخ الحرّ العاملي رحمه الله بعد نقل هذه الرواية: المراد من هذه الأحاديث بيان أفضل الكيفيات، وهو ظاهر (وسائل الشيعة: ج ٤ ص ١٢١٤ ح ٤).
 - ٢- قرب الإسناد: ص ٤٠ ح ١٣٠، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٤٩ ح ١٠.
 - ٣- ثواب الأعمال: ص ١٨٨ ح ١، الأمالى للصدوق: ص ٦٧٦ ح ٩١٦، جمال الأسبوع: ص ١٥٧ كلّها عن عبد الله بن سنان، روضه الواعظين: ص ٣٥٤، جامع الأخبار: ص ١٦٠ ح ٣٨٣، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٥٦ ح ٣٠.

قرب الإسناد به نقل از بکر بن محمّد: از امام صادق علیه السلام شنیدم که وقتی یکی از یارانش گفت: بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، چونان درودی که بر ابراهیم فرستادی، فرمود: «نه؛ بلکه بگو: چونان برترین درودی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی و برکتی که به او و آنها دادی، که به راستی، تو ستودنی و بزرگواری». (۱)

امام صادق علیه السلام: روزی پیامبر خدا به امیر مؤمنان فرمود: «آیا تو را نویدی ندهم؟». گفت: چرا، پدر و مادرم به فدایت! شما همیشه نوید به خوبی می دهی. فرمود: «چند لحظه پیش، جبرئیل به من خبر شگفتی داد». امیر مؤمنان گفت: چه خبری به شما داد، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «به من خبر داد که هر گاه فردی از اتم بر من درود فرستد و در پی آن، بر خاندانم درود فرستد، درهای آسمان برایش گشوده می شوند و فرشتگان، هفتاد درود بر او می فرستند... و هر گاه بر من درود فرستد و به دنبال آن بر خاندانم درود نفرستد، میان درود او و آسمان، هفتاد پرده قرار می گیرد و خداوند عز و جل فرماید: نه، هرگز، ای فرشتگان من! دعای او را بالا نیاورید، مگر آن که عترت پیامبر را نیز به او ملحق کند. پس همچنان درودش در پرده است، تا آن گاه که خاندانم را به من ضمیمه کند».

۱- شیخ حرّ عاملی، بعد از نقل این روایت می گوید: مراد از این احادیث، چنان که پیداست، بیان برترین کیفیت درود فرستادن است (وسائل الشیعه: ج ۴ ص ۱۲۱۴ ح ۲۴).

الإمام الحسن عليه السلام من حُطِبِهِ لَهُ لَمَّا عَزَمَ عَلَى الصُّلْحِ : وَفَرَضَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَالِ الصَّلَاةِ عَلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى كَافَّةِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، كَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَيْكَ؟ فَقَالَ : «قُولُوا : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» ، فَحَقُّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْنَا مَعَ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَرِيضَةً وَاجِبَةً . (١)

مسند زيد عن أبي خالد : عَدَّهَنَّ فِي يَدَيَّ زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ ، وَقَالَ زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ : عَدَّهَنَّ فِي يَدَيَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَدَّهَنَّ فِي يَدَيَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَدَّهَنَّ فِي يَدَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : عَدَّهَنَّ فِي يَدَيَّ جَبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَقَالَ جَبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : هَكَذَا نَزَلَتْ بِهِنَّ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَرْشِ عِزُّ وَجَلُّ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ . وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ . وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ . وَتَحَنَّنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا تَحَنَّنْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ . وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ . قَالَ أَبُو خَالِدٍ : عَدَّهَنَّ بِأَصَابِعِ الْكَفِّ مَضْمُومَةً ، وَاحِدَةً وَاحِدَةً مَعَ الْإِبْهَامِ . (٢)

١- الأُمَالِي لِلطُّوسِي : ص ٥٦٤ ح ١١٧٤ عن عبد الرحمن بن كثير عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ١٠ ص ١٤١ ح ٥ .

٢- مسند زيد : ص ٤٢٩ ، تيسير المطالب : ص ٣٥٣ ، مستدرک الوسائل : ج ٥ ص ٣٤٨ ح ٦٠٥٨ نقلًا عن مجموعته الشهيد الأول .

امام حسن علیه السلام از سخنان آن حضرت آن گاه که تصمیم به صلح گرفت : خداوند عز و جل درود فرستادن بر پیامبرش صلی الله علیه و آله را بر همه مؤمنان ، واجب گردانید. مؤمنان گفتند : ای پیامبر خدا! درود فرستادن بر شما چگونه است؟ فرمود: «بگویید: بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست .» بنا بر این ، وظیفه هر مسلمانی است که در کنار درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله ، بر ما نیز درود فرستد و این ، یک تکلیف واجب است.

مسند زید به نقل از ابو خالد : زید بن علی با دستان من بر شمر و گفت: [پدرم] امام زین العابدین علیه السلام با دستان من بر شمر و فرمود: «حسین بن علی علیه السلام با دستان من بر شمر و فرمود: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام با دستان من بر شمر و فرمود: پیامبر خدا با دستان من بر شمر و فرمود: جبرئیل با دستان من بر شمر و گفت: این گونه اینها را از نزد پروردگار عزت فرود آوردم. بار خدایا! بر محمد و بر خاندان محمد درود فرست ، آن سان که بر ابراهیم و بر خاندان ابراهیم ، درود فرستادی ، که به راستی ، تو ستودنی و بزرگواری. و به محمد و خاندان محمد برکت ده ، آن سان که به ابراهیم و خاندان ابراهیم ، برکت دادی ، که به راستی ، تو ستودنی و بزرگواری. و بر محمد و بر خاندان محمد رحم آور ، آن سان که بر ابراهیم و بر خاندان ابراهیم ، رحم آوردی ، که به راستی ، تو ستودنی و بزرگواری . و بر محمد و بر خاندان محمد مهر و رز ، آن سان که بر ابراهیم و بر خاندان ابراهیم ، مهر ورزیدی ، که به راستی ، تو ستودنی و بزرگواری. و بر محمد و بر خاندان محمد درود فرست ، آن سان که بر ابراهیم و بر خاندان ابراهیم ، درود فرستادی ، که به راستی ، تو ستودنی و بزرگواری .» او این [دعاها] را با انگشتان دست ، در حالی که آنها را به هم چسبانیده بود، یکی یکی به همراه انگشت شستش ، بر شمر د.

٣ / ٢ النَّهْيُ عَنِ الصَّلَاةِ الْبِتْرَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا تُصَلُّوا عَلَيَّ صَلَاةً مَبْتُورَةً إِذَا صَلَّيْتُمْ عَلَيَّ ، بَلِ صَلُّوا عَلَيَّ أَهْلَ بَيْتِي ، وَلَا تَقْطَعُوهُمْ مِنِّي ؛ فَإِنَّ كُلَّ سَبَبٍ وَنَسَبٍ مُنْقَطِعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا سَبَبِي وَنَسَبِي . (١)

الإمام الرضا عليه السلام: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : . . . مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَصَلَّى عَلَيَّ وَلَمْ يُغْفِرْ لَهُ فَأَبَعَدَهُ اللَّهُ . قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، كَيْفَ يُصَلِّي عَلَيْكَ وَلَمْ يُغْفِرْ لَهُ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى عَلَيَّ وَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ آلِي ، لُقِّتِ تِلْكَ الصَّلَاةُ وَضُرِبَ بِهَا وَجْهُهُ ، وَإِذَا صَلَّى عَلَيَّ وَعَلَى آلِي غُفِرَ لَهُ . (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ آلِي لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ ، وَإِنَّ رِيحَهَا لَيُوجَدُ مِنْ مَسِيرِهِ خَمْسِمِئَةٍ عَامٍ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: سَمِعَ أَبِي رَجُلًا مُتَعَلِّقًا بِالْبَيْتِ ، وَهُوَ يَقُولُ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ . فَقَالَ لَهُ أَبِي : يَا عَبْدَ اللَّهِ لَا تَبْتُرْهَا ، لَا تَظْلِمُنَا حَقَّنَا ، قُلْ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ . (٤)

راجع: ص ٣٥٦ (لا صلاة لمن لم يصل على النبي وآله) .

١- بحار الأنوار: ج ٥ ص ٢٠٩ ح ٤٨ وج ٩٣ ص ١٤ كلاهما نقلًا عن تفسير النعماني عن إسماعيل بن جابر عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام .

٢- فضائل الأشهر الثلاثة: ص ١١٥ ح ١٠٩ عن الحسن بن عليّ بن فضال ، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٨١ ح ٤٧ .

٣- الأُمالي للصدوق: ص ٢٦٧ ح ٢٩١ عن أبان بن تغلب عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام ، روضه الواعظين: ص ٣٥٤ ، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٨٦ ح ١٥٠ .

٤- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٥ ح ٢١ ، عده الداعي: ص ١٤٩ كلاهما عن ابن القدّاح .

۳ / ۲ نهی از صلوات فرستادن به طور ناقص

۳ / ۲ نهی از صلوات فرستادن به طور ناقص پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بر من درود فرستادید، درود ناقص نفرستید؛ بلکه بر خاندانم نیز درود بفرستید و آنان را از من بُرید؛ چرا که در روز قیامت، هر گونه پیوند خویشاوندی قطع می شود، جز پیوند خویشاوندی من.

امام رضا علیه السلام: پدرم از جدش علیه السلام برایم باز گفت که پیامبر خدا فرمود: «... هر کس نام من در نزدش برده شود و بر من، درود فرستد، اما آمرزیده نشود، خدایش دور گرداند!». گفته شد: ای پیامبر خدا! چگونه ممکن است بر شما درود بفرستد؛ اما آمرزیده نشود؟ فرمود: «بنده، هر گاه بر من درود بفرستد و بر خاندانم صلوات نفرستد، آن درود، مچاله و به صورت او زده می شود، و هر گاه بر من و بر خاندانم درود فرستد، آمرزیده می شود».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بر من درود بفرستد و بر خاندانم درود نفرستد، بوی بهشت را که از فاصله پانصد سال راه به مشام می رسد استشمام نمی کند.

امام صادق علیه السلام: پدرم از مردی که به خانه (کعبه) آویخته بود، شنید که می گوید: بار خدایا! بر محمد، درود فرست. پدرم به او فرمود: «ای بنده خدا! صلوات را ناقص مکن و در حق ما ستم روا مدار (حق ما را تباه مگردان). بگو: بار خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست».

ر. ک: ص ۳۵۷ (پذیرفته نشدن نماز کسی که بر پیامبر و خاندان او صلوات نفرستد).

٣ / ٣ رَفَعِ الصَّوْتِ بِالصَّلَاةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ارْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ؛ فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالنُّفَاقِ. (١)

راجع: ص ٣٨٨ (بركات الصلاة على رسول الله وأهل بيته / ذهاب النفاق).

١- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٣ ح ١٣، ثواب الأعمال: ص ١٩٠ ح ١ كلاهما عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام،
مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٨ ح ٢٢٤٣، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٥٩ ح ٤١.

۳ / ۳ صلوات فرستادن با صدای بلند

۳ / ۳ صلوات فرستادن با صدای بلند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: صداهایتان را به درود بر من بلند کنید؛ زیرا این کار، نفاق را از بین می برد.

ر. ک: ص ۳۸۹ (برکت های صلوات فرستادن بر پیامبر خدا و اهل بیت او / زدوده شدن نفاق).

الفصل الرابع: بركات الصلوة على رسول الله وأهل بيته ٤ / ١ صلوات الله على المصطفى ليرسول الله صلى الله عليه وآله من صلى على صلاة، صلى الله عليه بها عشرا. (١)

سنن النسائي عن أبي طلحة: إن رسول الله صلى الله عليه وآله جاء ذات يوم والبشرى في وجهه، فقلنا: إنا لنرى البشرى في وجهك! فقال: إنه أتاني الملك فقال: يا محمد، إن ربك يقول: أما يرضيك أنه لا يصلي عليك أحد إلا صليت عليه عشرا، ولا يسلم عليك أحد إلا سلمت عليه عشرا؟ (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الله أعطى ملكا من الملائكة أسماء الخلائق كلهم وأسماء آبائهم، فهو قائم على قبري إذا مت إلى يوم القيامة، فليس أحد يصلي علي صلاة إلا قال: يا محمد! صلى عليك فلان بن فلان بكذا وكذا، وإن ربي كفّل لي أن يصلي علي ذلك العبد بكل واحد عشرا. (٣)

-
- ١- صحيح مسلم: ج ١ ص ٢٨٨ ح ١١، سنن أبي داود: ج ١ ص ١٤٤ ح ٥٢٣، سنن النسائي: ج ٢ ص ٢٥ كلها عن عبد الله بن عمرو بن العاص، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٠٦ ح ١١٩٩٨، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٧٣٥ ح ٢٠١٨ كلاهما عن أنس، كنز العمال: ج ٧ ص ٧٠٠ ح ٢٠٩٩٨.
 - ٢- سنن النسائي: ج ٣ ص ٤٤، سنن الدارمي: ج ٢ ص ٧٧٣ ح ٢٦٧١، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٥١١ ح ١٦٣٦٣، المستدرک على الصحيحين: ج ٢ ص ٤٥٦ ح ٣٥٧٥، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٢ ص ٣٩٨ ح ١، كنز العمال: ج ١ ص ٥٠٣ ح ٢٢٢٢ وراجع الصراط المستقيم: ج ٣ ص ٢٠١ ح ٣١ وعوالي اللآلي: ج ١ ص ٢٣٩ ح ١٥٧.
 - ٣- جمال الأسبوع: ص ١٦١ عن عمّار بن ياسر، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٦٨ ح ٥٦ وراجع مسند البرّار: ج ٤ ص ٢٥٤ ح ١٤٢٥

فصل چهارم: برکت های صلوات فرستادن بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

۴ / ۱ درود فرستادن خدا بر فرستنده صلوات

فصل چهارم: برکت های صلوات فرستادن بر پیامبر خدا و اهل بیت او ۴ / ۱ درود فرستادن خدا بر فرستنده صلوات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بر من یک درود بفرستد ، خداوند در برابر آن ، ده درود بر او می فرستد.

سنن النسائی به نقل از ابو طلحه : روزی پیامبر خدا با چهره ای نویدبخش آمد. گفتیم : در چهره شما نوید می بینیم! فرمود: «فرشته نزد من آمد و گفت: ای محمد! پروردگارت می فرماید: آیا این ، خشنودت نمی سازد که هر کس بر تو درود فرستد ، من ده درود بر او می فرستم و هر کس بر تو درود بگوید ، من ده درود بر او می گویم؟» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند به فرشته ای از فرشتگان ، نام های همه آدمیان و نام های پدرانشان را داد و هر گاه من مُردم ، آن فرشته تا روز قیامت بر سر قبرم می ایستد، و هر کس بر من درودی فرستد، فرشته می گوید: «ای محمد! فلان پسر فلان ، چندین و چند درود بر تو فرستاد» و پروردگارم به من ضمانت داده است که به ازای هر یک ، ده درود بر آن بنده بفرستد.

مسند ابن حنبل عن عبد الرحمن بن عوف: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَتَوَجَّهَ نَحْوَ صَدَقَتِهِ ، فَدَخَلَ فَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ ، فَخَرَّ سَاجِدًا ، فَأَطَالَ الشُّجُودَ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَلَبَضَ نَفْسَهُ فِيهَا ، فَدَنَوْتُ مِنْهُ فَجَلَسْتُ ، فَرَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ : مَنْ هَذَا؟ قُلْتُ : عَبْدُ الرَّحْمَنِ . قَالَ : مَا شَأْنُكَ؟ قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، سَجَدْتُ سَجْدَةً خَشِيْتُ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ قَبِضَ نَفْسَكَ فِيهَا ! فَقَالَ : إِنَّ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَانِي فَبَشَّرَنِي ، فَقَالَ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ : مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ صَلَّى عَلَيَّ ، وَمَنْ سَلَّمَ عَلَيْكَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ . فَسَجَدْتُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ شُكْرًا . (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: ما صَلَّى عَلَيَّ عَبْدٌ مِنْ أُمَّتِي صِيْلَةً صَادِقًا بِهَا فِي قَلْبِ نَفْسِهِ ، إِلَّا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرَ صَلَوَاتٍ ، وَكَتَبَ لَهُ بِهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ ، وَرَفَعَ لَهُ بِهَا عَشْرَ دَرَجَاتٍ ، وَمَحَا عَنْهُ بِهَا عَشْرَ سَيِّئَاتٍ . (٢)

٢ / ٤ سلامُ النَّبِيِّ الإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ سَأَلَ اللَّهَ أَنْ يُعْطِيَهُ سَمْعَ الْعِبَادِ ، فَأَعْطَاهُ اللَّهُ ، فَذَلِكَ الْمَلِكُ قَائِمٌ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ : صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، إِلَّا قَالَ الْمَلِكُ : وَعَلَيْكَ السَّلَامُ ، ثُمَّ يَقُولُ الْمَلِكُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنَّ فُلَانًا يُقْرِئُكَ السَّلَامَ ، فَيَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ : وَعَلَيْهِ السَّلَامُ . (٣)

-
- ١- مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٤٠٧ ح ١٦٦٤ ، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٥١٨ ح ٣٩٣٦ نحوه ، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧٣٥ ح ٢٠١٩ وفيه ذيله ، كنز العمال: ج ١ ص ٥٠٢ ح ٢٢٢٠ .
 - ٢- المعجم الكبير: ج ٢٢ ص ١٩٦ ح ٥١٣ عن أبي بردة ، كنز العمال: ج ١ ص ٥٠٣ ح ٢٢٢٣ ؛ روضه الواعظین: ص ٣٥٤ وراجع سنن النسائي: ج ٣ ص ٥٠ و مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٥٠٩ ح ١٦٣٥٢ .
 - ٣- الأُمالي للطوسي: ص ٦٧٨ ح ١٤٣٧ عن جابر ، عدّه الداعي: ص ١٥٢ ، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٨٣ كلاهما عن جابر عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٧٠ ح ٦١ .

۴ / ۲ درود پیامبر صلی الله علیه و آله

مسند ابن حنبل به نقل از عبد الرحمان بن عوف : پیامبر خدا بیرون شد و به سوی صدقه اش (زکاتش) رفت و به آن در آمد و رو به قبله کرد و به سجده افتاد و سجده اش را چندان به درازا کشانید که گمان بردم خداوند عز و جل او را قبض روح کرده است. نزدیک ایشان رفتم و نشستم . سرش را برداشت و فرمود: «کیستی؟». گفتم : عبد الرحمان . فرمود: «چه می خواهی؟». گفتم : ای پیامبر خدا! چنان سجده ای کردید که ترسیدم خداوند عز و جل جان شما را در آن حال گرفته باشد! فرمود: «جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و مژده ام داد و گفت: خداوند عز و جل می فرماید: هر کس بر تو درود فرستد ، من بر او درود می فرستم و هر کس بر تو سلام فرستد ، من بر او سلام می فرستم . از این رو، برای خداوند عز و جل سجده شکر گزاردم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر بنده ای از امتم بر من درود فرستد و در درون جانش به آن باور داشته باشد ، خداوند در برابر آن ، ده صلوات بر او می فرستد و به ازای آن ، ده کار نیک برایش می نویسد و به واسطه آن ، او را ده درجه بالا می برد و ده گناه از او می زداید.

۴ / ۲ درود پیامبر صلی الله علیه و آلهامام باقر علیه السلام : فرشته ای از فرشتگان از خداوند درخواست کرد که گوش [و شنوایی] بندگان را به او بدهد و خداوند ، آن را به او داد. آن فرشته تا قیام قیامت ، همچنان ایستاده است و هر مؤمنی بگوید: «درود و سلام خدا بر او (پیامبر) و خاندانش باد»، فرشته می گوید: «و بر تو سلام!» و فرشته سپس می گوید: «ای پیامبر خدا! فلانی به تو سلام می فرستد» و پیامبر خدا می فرماید: «سلام بر او!»

٣ / ٤ صَلَوَاتُ الْمَلَائِكَةِ وَجَمِيعِ الْخَلْقِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ وَمَلَائِكَتُهُ، وَمَنْ شَاءَ فَلْيَقُلْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَكْثِرْ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: ما من مسلمٍ يُصَلِّي عَلَيَّ إِلَّا صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ مَا صَلَّى عَلَيَّ، فَلْيَقُلْ الْعَبْدُ مِنْ ذَلِكَ أَوْ لِيَكْثِرْ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: إذا ذُكِرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَكْثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيْهِ؛ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَاةً وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي أَلْفِ صَفٍّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَلَمْ يَبْقَ شَيْءٌ مِمَّا خَلَقَهُ اللَّهُ إِلَّا صَلَّى عَلَيَّ الْعَبْدُ لِصَلَاةِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَصَلَاةِ مَلَائِكَتِهِ، فَمَنْ لَمْ يَرْغَبْ فِي هَذَا فَهُوَ جَاهِلٌ مَغْرُورٌ قَدْ بَرَّئَ اللَّهُ مِنْهُ وَرَسُولُهُ وَأَهْلُ بَيْتِهِ. (٣)

عنه عليه السلام للإسحاق بن فروخ: مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَشْرًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَمَلَائِكَتُهُ مِثْلَهُ مَرَّةً، وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مِثْلَهُ مَرَّةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَمَلَائِكَتُهُ أَلْفًا، أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» (٤)؟ (٥)

١- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٢ ح ٧ عن ابن القداح عن الإمام الصادق عليه السلام.

٢- سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٢٩٤ ح ٩٠٧، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٣٢٥ ح ١٥٦٨٩، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٢ ص ٣٩٨ ح ٢ نحوه وكلها عن عامر بن ربيعة، كنز العمال: ج ١ ص ٥٠٣ ح ٢٢٢٤ وص ٤٩٩ ح ٢٢٠١.

٣- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٢ ح ٦، ثواب الأعمال: ص ١٨٥ ح ١، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٧ ح ٢٢٣٦، جمال الأسبوع: ص ١٥٦ كلها عن أبي بصير، جامع الأخبار: ص ١٥٨ ح ٣٧٥، بحار الأنوار: ج ١٧ ص ٣٠ ح ١١.

٤- الأحزاب: ٤٣.

٥- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٣ ح ١٤ عن إسحاق بن فروخ مولى آل طلحة.

۴ / ۳ درود فرستادن فرشتگان و همه خلائق

۴ / ۳ درود فرستادن فرشتگان و همه خلائق پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بر من درود بفرستد، خدا و فرشتگانش بر او درود می فرستند. حال، هر که می خواهد، اندک بگوید و هر که می خواهد، بسیار بگوید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر مسلمانی بر من درود بفرستد، تا زمانی که بر من درود می فرستد، فرشتگان بر او درود می فرستند. حال، بنده خواه اندک بگوید، خواه بسیار.

امام صادق علیه السلام: هر گاه نام پیامبر صلی الله علیه و آله برده شد، بر او فراوان درود فرستید؛ زیرا هر کس یک درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله بفرستد، خداوند هزار درود در هزار صف از فرشتگان بر او می فرستد، و به سبب درود فرستادن خدا و فرشتگانش بر او، هر موجودی که خدا آفریده است نیز بر او درود می فرستد. پس، هر که به چنین چیزی راغب نباشد، نادانی فریب خورده [ی شیطان] است و خدا و پیامبرش و اهل بیت او، از وی بیزارند.

امام صادق علیه السلام به اسحاق بن فروخ: هر کس بر محمد و خاندان محمد ده درود بفرستد، خداوند و فرشتگانش صد درود بر او می فرستند و هر کس بر محمد و خاندان محمد، صد بار درود بفرستد، خداوند و فرشتگانش هزار بار بر او درود می فرستند. مگر نشنیده ای این سخن خدای عز و جل را که: «او و فرشتگانش بر شما درود می فرستند تا شما را از تاریکی ها به روشنایی برد و خدا به مؤمنان، مهربان است»؟

٤ / ٤ غُفْرَانُ الذُّنُوبِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ صَلَّى عَلَيَّ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، وَكُلَّ لَيْلَةٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، حُبَّابِي وَشَوْقًا إِلَيَّ ، كَانَ حَقًّا عَلَيَّ اللَّهُ أَنْ يَغْفِرَ لَهُ ذُنُوبَهُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَذَلِكَ الْيَوْمَ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : أَكْثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ ؛ فَإِنَّ صَلَاتِكُمْ عَلَيَّ مَغْفِرَةٌ لِدُنُوبِكُمْ ، وَاطْلُبُوا لِي الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ ؛ فَإِنَّ وَسِيلَتِي عِنْدَ رَبِّي شَفَاعَةٌ لَكُمْ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ أُمَّتِي يَذْكُرُنِي ثُمَّ صَلَّى عَلَيَّ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَإِنْ كَانَ (٣) أَكْثَرَ مِنْ رَمَلٍ عَالِجٍ (٤) . (٥)

الإمام الحسن عليه السلام : قَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَرَأَيْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ» (٦) ؟ قَالَ : إِنَّ هَذَا لِمِنْ الْمَكْتُومِ ، وَلَوْلَا أَنْكُمْ سَأَلْتُمُونِي عَنْهُ مَا أَخْبَرْتُكُمْ . إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَكُلَّ بِي مَلَائِكَةٍ ، لَا أذْكَرُ عِنْدَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ فَيُصَلِّي عَلَيَّ ، إِلَّا قَالَ ذَانَاكَ الْمَلَائِكَةُ : غَفَرَ اللَّهُ لَكَ ، وَقَالَ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ جَوَابًا لِدَيْنِكَ الْمَلَائِكَةِ : آمِينَ . (٧)

١- المعجم الكبير: ج ١٨ ص ٣٦٢ ح ٩٢٨ عن أبي كاهل؛ الدعوات: ص ٨٦ ح ٢٢٦، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٧٠ ح ٦٣.

٢- تاريخ دمشق: ج ٦١ ص ٣٨١ ح ٢٢٦٦١ عن أبي صالح عن الإمام الحسن عليه السلام، كنز العمال: ج ١ ص ٤٨٩ ح ٢١٤٣.

٣- في إرشاد القلوب: «كانت».

٤- عالج: رمال معروفه بالبادية (لسان العرب: ج ٢ ص ٣٢٧ «عالج»).

٥- جامع الأخبار: ص ١٥٥ ح ٣٥٥ عن أنس، إرشاد القلوب: ص ١٩٠ وفيه «مثل» بدل «أكثر من».

٦- الأحزاب: ٥٦.

٧- المعجم الكبير: ج ٣ ص ٨٩ ح ٢٧٥٣، تفسير ابن كثير: ج ٦ ص ٤٦٥ كلاهما عن أم أنيس، تفسير القرطبي: ج ١٤ ص

٢٣٣، كنز العمال: ج ٢ ص ٣٥ ح ٣٠٢٧؛ عوالي اللآلي: ج ٢ ص ٣٨ ح ٩٧، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٨٧ ح ٦ نقلًا عن الدر

المنثور عن الإمام الحسين عليه السلام.

۴ / ۴ آمرزش گناهان

۴ / ۴ آمرزش گناهانی‌پامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از روی محبت و شوق به من، هر روز، سه مرتبه و هر شب، سه مرتبه بر من درود فرستد، بر خداست که گناهان آن شب و آن روز او را بیامزد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر من، فراوان درود بفرستید؛ زیرا درود فرستادن شما بر من، مایه آمرزش گناهان شماست، و برای من [از خداوند]، درجه و وسیله درخواست کنید؛ زیرا وسیله من در نزد پروردگرم، شفاعت کردن برای شماست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر فردی از امت من که نام مرا ببرد و آن گاه بر من درود بفرستد، بی گمان، خداوند، گناهانش را می‌آمرزد، اگرچه بیشتر از ریگ های ریگزار [عالج \(۱\)](#) باشد.

امام حسن علیه السلام: گفتند: ای پیامبر خدا! معنای این سخن خدای عز و جل چیست: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر، درود می‌فرستند»؟ فرمود: «این، از نهفتنی هاست و اگر نبود که در باره آن از من سؤال کردید، هیچ گاه به شما خبر نمی‌دادم. خدای عز و جل دو فرشته برای من گماشته است که هر گاه نزد بنده مسلمانی نام من برده شود و او بر من، درود فرستد، آن دو فرشته می‌گویند: خدایت بیامزد! و خدا و فرشتگانش در جواب آن دو فرشته می‌گویند: آمین.»

الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَا أُبَشِّرُكَ؟ قَالَ: بَلَى يَا أَبَى أَنْتَ وَأُمِّي، فَإِنَّكَ لَمْ تَزَلْ مُبَشَّرًا بِكُلِّ خَيْرٍ. فَقَالَ: أَخْبَرَنِي جَبْرَائِيلُ أَنْفًا بِالْعَجَبِ. فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَمَا الَّذِي أَخْبَرَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: أَخْبَرَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَّى عَلَيَّ وَأَتَمَّ بِالصَّلَاةِ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي، فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَصَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ سَبْعِينَ صَلَاةً، وَإِنَّهُ لَمُذْنِبٌ وَخَطَاءٌ (١)، ثُمَّ تَحَاتُّ عَنْهُ الذُّنُوبُ كَمَا يَتَحَاتُّ مِنَ الشَّجَرِ مِنَ الْوَرَقِ، وَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: لَتَيْكَ عَبْدِي وَسَعْدِيكَ، يَا مَلَائِكَتِي أَنْتُمْ تُصَلُّونَ عَلَيْهِ سَبْعِينَ صَلَاةً وَأَنَا أُصَلِّي عَلَيْهِ سَبْعِمِئَةَ صَلَاةٍ. (٢)

الإمام علي عليه السلام: الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمْحَقُ (٣) لِلْخَطَايَا مِنَ الْمَاءِ لِلنَّارِ، وَالسَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَفْضَلُ مِنْ عِتْقِ رِقَابٍ. (٤)

الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى مَا يُكْفِّرُ بِهِ ذُنُوبَهُ، فَلْيَكْثِرْ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ؛ فَإِنَّهَا تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَدْمًا. (٥)

١- في المصدر: «وإنه للذنوب خطأ»، وهو تصحيف ظاهر، وقد صححناه طبقا لما في جمال الأسبوع، وفي الأمالي للصدوق: «وإن كان مذنبًا خطاءً».

٢- ثواب الأعمال: ص ١٨٨ ح ١، الأمالي للصدوق: ص ٦٧٥ ح ٩١٦، جمال الأسبوع: ص ١٥٧ كلها عن عبد الله بن سنان، جامع الأخبار: ص ١٦٠ ح ٣٨٣، روضه الواعظين: ص ٣٥٤، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٥٦ ح ٣٠.

٣- الممحق: النقص والمحو والإبطال (النهاية: ج ٤ ص ٣٠٣ «محق»).

٤- ثواب الأعمال: ص ١٨٥ ح ١ عن عاصم بن ضميره، جامع الأخبار: ص ١٥٨ ح ٣٧٤ وفيه «وآله» بعد «النبي» في كلا الموضوعين، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٥٧ ح ٣٣.

٥- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ٢٩٤ ح ٥٢، الأمالي للصدوق: ص ١٣١ ح ١٢٣ كلاهما عن الحسن بن علي بن فضال، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٥٦، جامع الأخبار: ص ١٥٤ ح ٣٥٠، روضه الواعظين: ص ٣٥٣، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٤٧ ح ٢ و ص ٦٣ ح ٥٢.

امام صادق علیه السلام: روزی پیامبر خدا به امیر مؤمنان فرمود: «آیا خبر خوشی به تو ندهم؟». [امیر مؤمنان] گفت: چرا، پدر و مادرم به فدایت؛ چون شما همیشه خبر خوش می دهی! فرمود: «چند لحظه پیش، جبرئیل خبر شگفتی به من داد». امیر مؤمنان گفت: چه خبری به شما داد، ای پیامبر خدا؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به من خبر داد که هر گاه مردی از امتم بر من درود فرستد و در پی آن بر خاندانم درود فرستد، درهای آسمان برایش گشوده می شوند و فرشتگان، هفتاد درود بر او می فرستند، با آن که گنهکار و خطاکار است. سپس گناهانش همچون برگ درخت از او فرو می ریزند و خدای تبارک و تعالی می فرماید: بله بنده ام، بله! ای فرشتگان من! شما هفتاد درود بر او می فرستید و من هفتصد درود بر وی می فرستم».

امام علی علیه السلام: درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله گناهان را زودتر نابود می کند تا آب آتش را، و سلام کردن بر پیامبر صلی الله علیه و آله فضیلتش بیشتر از آزاد کردن بنده است.

امام رضا علیه السلام: هر کس توانایی دادن کفاره برای گناهانش را نداشت، بر محمد و خاندان او فراوان صلوات بفرستد؛ زیرا درود، گناهان را به کلی از بین می برد.

٤ / ٥ العافيه رسول الله صلى الله عليه وآله من صلى عليّ مرّة ، فتح الله عليه بابا من العافيه . (١)

٤ / ٦ زكاة المصلّي رسول الله صلى الله عليه وآله صلّوا عليّ فإنّها زكاة لكم . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : أيّما رجلٍ مسلمٍ لم يكن عنده صِدْقَةٌ ، فليقل في دعائه : «اللهم صلّ على محمدٍ عبدك ورسولك ، وصلّ على المؤمنين والمؤمنات ، والمسلمين والمسلمات» ؛ فإنّها له زكاة . (٣)

٤ / ٧ إجابته الدعاء رسول الله صلى الله عليه وآله صلّاتكم عليّ إجابته لدعائكم ، وزكاة لأعمالكم . (٤)

-
- ١- .جامع الأخبار : ص ١٥٣ ح ٣٤٤ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٦٣ ح ٥٢ .
 - ٢- .مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٢٩٢ ح ٨٧٧٨ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٢ ص ٣٩٩ ح ١٠ ، مسند أبي يعلى : ج ٦ ص ٤٨ ح ٦٣٨٣ كلّها عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٩٢ ح ٢١٦٧ .
 - ٣- .الأدب المفرد : ص ١٩٢ ح ٦٤٠ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ١٤٤ ح ٧١٧٥ ، صحيح ابن حبان : ج ٣ ص ١٨٥ ح ٩٠٣ كلّها عن أبي سعيد الخدری ، كنز العمال : ج ٤ ص ٩٢٠٢ ح ٩٢٠٢ .
 - ٤- .الأمالی للطوسی : ص ٢١٥ ح ٣٧٦ عن محمد بن مروان عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٥٤ ح ٢٢ .

۴ / ۵ آسایش

۴ / ۶ رشد یافتن فرستنده صلوات

۴ / ۷ پذیرفته شدن دعا

۴ / ۵ آسایش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس یک صلوات بر من بفرستد ، خداوند یک در از عافیت (آسایش) را برایش می گشاید.

۴ / ۶ رشد یافتن فرستنده صلوات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر من صلوات بفرستید ؛ زیرا صلوات ، مایه رشد شماست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر مرد مسلمانی که صدقه [و زکات برای دادن] نداشت، در دعایش بگوید: «بار خدایا! بر بنده و فرستاده ات ، محمد ، درود فرست و بر مردان و زنان مؤمن، و بر مردان و زنان مسلمان ، درود فرست» ؛ زیرا این برای او ، زکات (/مایه رشد) است.

۴ / ۷ پذیرفته شدن دعا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: درود فرستادن شما بر من ، سبب اجابت دعا می شود و زکات (/مایه رشد) اعمالتان است.

الإمام علي عليه السلام: مَنْ قَالَ ثَلَاثَ مَرَاتٍ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» قَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ. (١)

مستدرک الوسائل عن تفسير أبي الفتوح الرازي: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَا تَدْعُ بِدُعَاءٍ إِلَّا أَنْ تَقُولَ فِي أَوَّلِهِ: «صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا». وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَفْعَلُ كَذَلِكَ، فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ، فَقَالَ: الدُّعَاءُ مَعَ الصَّلَاةِ مَقْرُونٌ بِالْإِجَابَةِ، وَاللَّهُ تَعَالَى يَسْتَحْيِي أَنْ يَسْأَلَ عَنْهُ الْعَبْدُ حَاجَتَيْنِ يُجِيبُ إِحْدَاهُمَا وَيُرُدُّ الْأُخْرَى. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ دَعَا وَلَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَفَرَفَ الدُّعَاءُ عَلَى رَأْسِهِ، فَإِذَا ذَكَرَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَفَعَ الدُّعَاءُ. (٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا يَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوبًا حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَيَّ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِي. (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: لَا يَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوبًا حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. (٥)

عنه عليه السلام: إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَيَقُولُ: اِفْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا؛ فَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا قَالَ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ» اسْتَجَابَ لَهُ، فَإِذَا قَالَ: «اِفْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا» كَانَ أَجُودَ مِنْ أَنْ يُرَدَّ بَعْضًا وَيَسْتَجِيبَ بَعْضًا. (٦)

١- مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٢٢٧ ح ٥٧٥٤ نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

٢- مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٢٢٧ ح ٥٧٥٦ .

٣- الكافى: ج ٢ ص ٤٩١ ح ٢ عن السكونى، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٨ ح ٢٠٣٦، الجعفریات: ص ٢١٦ عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام، جمال الأسبوع: ص ١٦٠ عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، عدّه الداعى: ص ١٥٤، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣١٦ ح ٢١ وج ٩٤ ص ٦٨ ح ٥٦ .

٤- كفايه الأثر: ص ٣٩، الصراط المستقيم: ج ٢ ص ١١٨ كلاهما عن أبى ذرّ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٦٦ ح ٥٣ .

٥- الكافى: ج ٢ ص ٤٩١ ح ١، الأمالى للطوسى: ص ٦٦٢ ح ١٣٧٩ وزاد فيه «عن السماء» بعد «محبوباً»، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٨ ح ٢٠٣٥، عدّه الداعى: ص ١٥٣ كلّها عن هشام بن سالم، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣١٢ ح ١٦ .

٦- جمال الأسبوع: ص ١٦٠ عن عبدالمملك بن عتبه، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٦٨ ح ٥٦ .

امام علی علیه السلام: هر کس سه بار بگوید: «بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست»، خداوند، حاجتش را برآورده می‌سازد.

مستدرک الوسائل به نقل از تفسیر ابو الفتوح رازی: از امیر مؤمنان روایت شده است که فرمود: «هیچ دعایی مکن، مگر آن که در آغازش بگویی: بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و با من، چنین و چنان کن». خود ایشان هم چنین می‌کرد. علت را از ایشان، جویا شدند. فرمود: «دعای همراه با صلوات، اجابت می‌شود. خداوند متعال شرم می‌کند از این که بنده، دو حاجت از او بخواهد و او یکی را بپذیرد و دیگری را رد کند».

امام صادق علیه السلام: هر کس دعا کند و از پیامبر صلی الله علیه و آله یاد نکند، آن دعا بر فراز سر او [مانند پرنده ای] می‌چرخد، و چون از پیامبر صلی الله علیه و آله یاد کند (صلوات بفرستد)، دعا بالا می‌رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دعا همچنان در حجاب است، تا آن گاه که بر من و بر اهل بیت من، درود فرستاده شود [که در این هنگام، حجاب کنار می‌رود و دعا به درگاه الهی می‌رود].

امام صادق علیه السلام: دعا پیوسته در حجاب است، تا آن گاه که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستاده شود.

امام صادق علیه السلام: هر گاه یکی از شما دعا کرد، نخست بر محمد صلی الله علیه و آله درود بفرستد و آن گاه بگوید: «فلان و فلان حاجتم را بر آور»؛ زیرا بنده چون بگوید: «بار خدایا! بر محمد و بر خاندان او درود فرست»، دعایش مستجاب می‌شود و چون بگوید: «فلان و فلان حاجت مرا بر آور»، خداوند، بخشاینده تر از آن است که قسمتی [از حاجت او] را رد کند و قسمتی را بپذیرد.

٤ / ٨ قضاء الحاجه الإمام الصادق عليه السلام: من قال: «يا رب صل على مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ» مِنْهُ مَرَّةً ، قُضِيَ لَه مِنْهُ حَاجَه ؛ ثلاثونَ لِلدُّنْيَا وَالْباقِي لِلْآخِرَةِ . (١)

عنه عليه السلام: من صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَآلِ النَّبِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَرَّةً وَاحِدَةً بَيْنِي وَإِخْلَاصٍ مِنْ قَلْبِي ، قَضَى اللَّهُ سُبْحَانَهُ لَهُ مِنْهُ حَاجَه ؛ مِنْهَا ثَلَاثُونَ لِلدُّنْيَا وَسَبْعُونَ لِلْآخِرَةِ . (٢)

٤ / ٩ كفاية أمر الدنيا والآخرة الكافي عن مرزم: قال أبو عبد الله عليه السلام: إن رجلاً أتى رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله، إني جعلت ثلث صلواتي لك، فقال له خيراً. فقال له: يا رسول الله، إني جعلت نصف صلواتي لك، فقال له: ذاك أفضل. فقال: إني جعلت كل صلواتي لك، فقال: إذا يكفيك الله عز وجل ما أهمك من أمر الدنيا وآخرتك. فقال له رجل: أصلحك الله، كيف يجعل صلواته له؟ فقال أبو عبد الله عليه السلام: لا يسأل الله عز وجل شيئاً إلا بدأ بالصلاة على مُحَمَّدٍ وآله . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: جاء رجل إلى رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: أجعل نصف صلواتي لك؟ قال: نعم. ثم قال: أجعل صلواتي كلها لك؟ قال: نعم. فلما مضى قال رسول الله صلى الله عليه وآله: كُفِيَ هَمَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (٤)

١- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٣ ح ٩، ثواب الأعمال: ص ١٩٠ ح ١ كلاهما عن معاوية بن عمّار، جامع الأخبار: ص ١٦١ ح ٣٨٥، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٥٩ ح ٤٠.

٢- الدعوات: ص ٨٩ ح ٢٢٥، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٧٠ ح ٦٣.

٣- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٣ ح ١٢ وص ٤٩١ ح ٣ عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ نَحْوَهُ، ثواب الأعمال: ص ١٨٨ ح ١، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٦٠ ح ٤٢.

٤- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٣ ح ١١ عن أبي بكر الحضرمي عمن سمعه.

۴ / ۸ بر آورده شدن حاجت

۴ / ۹ کارسازی در دنیا و آخرت

۴ / ۸ بر آورده شدن حاجت امام صادق علیه السلام: هر کس صد بار بگوید: «خداوندا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست» ، صد حاجت او بر آورده می شود: سی حاجت برای دنیا و بقیه برای آخرت.

امام صادق علیه السلام: هر کس با نیت و اخلاص قلبی، یک بار بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستد، خداوند پاک، صد حاجت برای او برمی آورد: سی حاجت از آنها برای دنیا و هفتاد تا برای آخرت.

۴ / ۹ کارسازی در دنیا و آخرت: امام صادق علیه السلام فرمود: «مردی خدمت پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من یک سوم دعاهایم را به شما اختصاص دادم. [پیامبر صلی الله علیه و آله] فرمود: نیکوست. گفت: ای پیامبر خدا! نصف دعایم را به شما اختصاص دادم. فرمود: این، نیکوتر است. گفت: همه دعاهایم را به شما اختصاص دادم. فرمود: در این صورت، خداوند عز و جل در دنیا و آخرت برایت کارسازی می کند». «مردی به امام صادق علیه السلام گفت: به سلامت باشید! چگونه کسی دعاهایش را به ایشان، اختصاص می دهد؟ فرمود: «[این گونه که] هر حاجتی از خداوند عز و جل خواست، نخست بر محمد و خاندان او درود بفرستد».

امام صادق علیه السلام: مردی خدمت پیامبر خدا آمد و گفت: نصف دعاهایم را به شما اختصاص بدهم؟ فرمود: «آری». دوباره گفت: همه دعاهایم را به شما اختصاص بدهم؟ فرمود: «آری». چون آن مرد رفت، پیامبر خدا فرمود: «دنیا و آخرتش تضمین شد».

مسند ابن حنبل عن أبي بن كعب: قَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَرَأَيْتَ إِنْ جَعَلْتُ صَلَاتِي كُلَّهَا عَلَيْكَ؟ قَالَ: إِذَا يَكْفِيكَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَا أَهَمَّكَ مِنْ دُنْيَاكَ وَآخِرَتِكَ. (١)

سنن الترمذی عن أبي بن كعب: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا ذَهَبَ ثُلَاثًا اللَّيْلِ قَامَ فَقَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! اذْكُرُوا اللَّهَ، اذْكُرُوا اللَّهَ، جَاءَتِ الرَّاجِفَةُ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ، جَاءَ الْمَوْتُ بِمَا فِيهِ، جَاءَ الْمَوْتُ بِمَا فِيهِ. قَالَ أَبِي: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي أَكْثَرُ الصَّلَاةِ عَلَيْكَ، فَكَمْ أَجْعَلُ لَكَ مِنْ صَلَاتِي؟ فَقَالَ: مَا شِئْتَ، قَالَ: قُلْتُ: الرَّبْعُ؟ قَالَ: مَا شِئْتَ، فَإِنْ زِدْتَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ. قُلْتُ: النَّصْفُ؟ قَالَ: مَا شِئْتَ، فَإِنْ زِدْتَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ. قَالَ: قُلْتُ: فَالثُّلُثِينَ؟ قَالَ: مَا شِئْتَ، فَإِنْ زِدْتَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ. قُلْتُ: أَجْعَلُ لَكَ صَلَاتِي كُلَّهَا؟ قَالَ: إِذَا تَكْفَى هَمَّكَ، وَيُعْفِرَ لَكَ ذَنْبَكَ. (٢)

راجع: ص ٣٣٤ ح ٢٩٤٣ و ٢٩٤٤.

١٠ / ٤ اذْهَابُ النَّفَاقِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الصَّلَاةُ عَلَيَّ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِي تَذْهَبُ بِالنَّفَاقِ. (٣)

راجع: ص ٣٧٠ (أدب الصلاة على رسول الله / رفع الصوت بالصلاة).

١- مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٥٠ ح ٢١٣٠٠، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٢ ص ٣٩٩ ح ١٢، المعجم الكبير: ج ٤ ص ٣٥ ح ٣٥٧٤ عن حبان بن منقذ نحوه، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٧٨ ح ٤٠٠١.

٢- سنن الترمذی: ج ٤ ص ٦٣٦ ح ٢٤٥٧، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ٨٩ ح ١٧٠ وفيه «ربع» بدل «ثلثا»، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٧٦ ح ٣٩٩٧.

٣- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٢ ح ٨ عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام.

۴ / ۱۰ زدوده شدن نفاق

مسند ابن حنبل به نقل از اَبی بن کعب : مردی گفت: ای پیامبر خدا! آیا اجازه می دهید همه دعایم را به شما اختصاص دهم؟ فرمود: «در این صورت، خداوند تبارک و تعالی در دنیا و آخرت، برایت کارسازی می کند».

سنن الترمذی به نقل از اَبی بن کعب : دو سوم شب که می گذشت، پیامبر خدا بر می خاست و می فرمود: «ای مردم! خدا را یاد کنید، خدا را یاد کنید [و برای نماز و نیایش برخیزید] که لرزنده آمده است و از پی آن، لرزه ای دگر خواهد آمد! مرگ با همه پیامدهایش در راه است. مرگ با همه پیامدهایش در راه است!». گفتم: ای پیامبر خدا! من فراوان بر شما درود می فرستم. چه قدر از دعایم را به شما اختصاص دهم؟ فرمود: «هر چه خواستی». گفتم: یک چهارم؟ فرمود: هر چه خواستی؛ اما اگر بیشتر باشد، برایت بهتر است». گفتم: نصف؟ فرمود: «هر چه خواستی؛ ولی اگر بیشتر باشد، برای تو بهتر است». گفتم: دو سوم؟ فرمود: «هر چه خواستی؛ امّا اگر بیشتر باشد، برای تو بهتر است». گفتم: همه دعایم را به شما اختصاص بدهم؟ فرمود: «در این صورت، به مراد خود می رسی و گناهانت آمرزیده می شوند».

ر. ک: ص ۳۳۵ ح ۲۹۴۳ و ۲۹۴۴.

۴ / ۱۰ زدوده شدن نفاق پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: درود فرستادن بر من و بر خانواده ام، نفاق را می برد.

ر. ک: ص ۳۷۱ (صلوات فرستادن با صدای بلند).

١١ / ٤ نورُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ زَيَّنَا مَجَالِسَكُمْ بِالصَّلَوَاتِ عَلَيَّ ؛ فَإِنَّ صَلَوَاتِكُمْ عَلَيَّ نُوْرٌ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .
(١)

عنه صلى الله عليه و آله :الصَّلَاةُ عَلَيَّ نُورٌ عَلَي الصُّرَاطِ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :أَكْثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ ؛ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيَّ نُورٌ فِي الْقَبْرِ ، وَنُوْرٌ عَلَي الصُّرَاطِ ، وَنُوْرٌ فِي الْجَنَّةِ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ صَيَّمْ عَلَيَّ مَرَّةً ؛ خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَي رَأْسِهِ نُورًا ، وَعَلَى يَمِينِهِ نُورًا ، وَعَلَى شِمَالِهِ نُورًا ، وَمِنْ فَوْقِهِ نُورًا ، وَمِنْ تَحْتِهِ نُورًا ، وَفِي جَمِيعِ أَعْضَائِهِ نُورًا . (٤)

١٢ / ٤ النَّجَاةُ مِنْ أَهْوَالِ الْقِيَامَةِ رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :يَا أَيُّهَا النَّاسُ ! إِنَّ أَنْجَاكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ أَهْوَالِهَا وَمَوَاطِنِهَا ، أَكْثَرُكُمْ عَلَيَّ صَلَاةً فِي دَارِ الدُّنْيَا . (٥)

-
- ١- .الفردوس : ج ٢ ص ٢٩١ ح ٣٣٣٠ عن ابن عمر ، كنز العمال : ج ٩ ص ١٤١ ح ٢٥٤١٥ .
 - ٢- .جامع الأخبار : ص ١٥٦ ح ٣٦٣ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٦٤ ح ٥٢ ؛ الفردوس : ج ٢ ص ٤٠٨ ح ٣٨١٤ عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٩٠ ح ٢١٤٩ نقلًا عن الدارقطني في الأفراد .
 - ٣- .الدعوات : ص ٢١٦ ح ٥٨١ ، بحار الأنوار : ج ٨٢ ص ٦٤ ح ٨ .
 - ٤- .جامع الأخبار : ص ١٥٥ ح ٣٦٠ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٦٤ ح ٥٢ .
 - ٥- .الفردوس : ج ٥ ص ٢٧٧ ح ٨١٧٥ عن أنس ، كنز العمال : ج ١ ص ٥٠٤ ح ٢٢٢٨ .

۴ / ۱۱ روشنایی روز رستاخیز

۴ / ۱۲ رهایی از هراس های رستاخیز

۴ / ۱۱ روشنایی روز رستاخیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مجلس های خود را با درود فرستادن بر من ، زینت بخشید ؛ زیرا درودهای شما بر من ، در روز رستاخیز ، برای شما نور [و روشنایی] است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: درود فرستادن بر من ، نوری بر روی صراط است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فراوان بر من درود بفرستید ؛ زیرا درود فرستادن بر من ، نوری در قبر ، و نوری بر صراط، و نوری در بهشت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس یک درود بر من بفرستد ، خداوند بزرگ در روز رستاخیز ، یک نور بر فراز سرش و یک نور در سمت راستش و یک نور در سمت چپش و یک نور در بالایش و یک نور در پایین پایش و نوری هم در همه اندام هایش می آفریند .

۴ / ۱۲ رهایی از هراس های رستاخیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هان ، ای مردم! رهنده ترین شما در روز رستاخیز از هراس ها و ایستگاه های آن ، کسی است که در سرای دنیا بیشتر بر من درود بفرستد.

١٣ / ٤ ثَقُلَ الْمِيزَانِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي فِضَائِلِ شَهْرِ رَمَضَانَ: مَنْ أَكْثَرَ فِيهِ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ، ثَقُلَ اللَّهُ مِيزَانَهُ يَوْمَ تَخْفُ الْمَوَازِينُ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: أَنَا عِنْدَ الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ ثَقُلَتْ سَيِّئَاتُهُ عَلَيَّ حَسَنَاتِهِ جِئْتُ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ حَتَّى أُثْقَلَ بِهَا حَسَنَاتِهِ. (٢)

الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: مَا فِي الْمِيزَانِ شَيْءٌ أَثْقَلَ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَتَوْضَعُ أَعْمَالُهُ فِي الْمِيزَانِ فَتَمِيلُ بِهِ، فَيُخْرِجُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ فَيَضَعُهَا فِي مِيزَانِهِ فَيَرْجَحُ بِهِ. (٣)

الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: أَثْقَلَ مَا يَوْضَعُ فِي الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ. (٤)

١٤ / ٤ شَفَاعَةُ النَّبِيِّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ صَلَّى عَلَيَّ حِينَ يُصْبِحُ عَشْرًا، وَحِينَ يُمَسِي عَشْرًا؛ أَدْرَكَتُهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (٥)

١- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ٢٩٦ ح ٥٣، الأمالي للصدوق: ص ١٥٥ ح ١٤٩، فضائل الأشهر الثلاثة: ص ٧٨ ح ٦١ كلّها عن الحسن بن عليّ بن فضال عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، المصباح للكفعمي: ص ٨٣٦، روضه الواعظين: ص ٣٧٩، بحار الأنوار: ج ٩٦ ص ٣٥٧ ح ٢٥.

٢- ثواب الأعمال: ص ١٨٦ ح ١ عن أبي البختري عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، المقنع: ص ٢٩٧، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٧ ح ٢٢٣٧، جامع الأخبار: ص ١٥٨ ح ٣٧٦ كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٧ ص ٣٠٤ ح ٧٢.

٣- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٤ ح ١٥، عدّه الداعي: ص ١٥٢ كلاهما عن محمّد بن مسلم.

٤- قرب الإسناد: ص ١٤ ح ٤٥ عن إبراهيم بن عبد الحميد، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٤٩ ح ٩.

٥- كنز العمال: ج ١ ص ٤٩١ ح ٢١٦٤ نقلًا عن الطبراني عن أبي الدرداء.

۴ / ۱۳ سنگین کردن ترازوی اعمال

۴ / ۱۴ شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله

۴ / ۱۳ سنگین کردن ترازوی اعمال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در فضایل ماه رمضان: هر کس در این ماه، زیاد بر من درود فرستد، خداوند، در آن روزی که ترازوها سبک اند، ترازوی او را سنگین می گرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در روز قیامت، من کنار ترازو هستم. هر کس بدی هایش بر خوبی هایش سنگینی کند، درودی را که بر من فرستاده است، می آورم و با آن، [کفه] خوبی هایش را سنگین می گردانم.

امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: در ترازوی اعمال، عملی سنگین تر از درود فرستادن بر محمد و خاندان محمد وجود ندارد. آدمی، اعمالش در ترازو نهاده می شود و سبک است. پیامبر صلی الله علیه و آله درودهای او را بیرون می آورد و در ترازویش می گذارد و به سبب آن، سنگین می شود.

امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: سنگین ترین چیزی که روز قیامت در ترازو نهاده می شود، درود فرستادن بر محمد و بر اهل بیت اوست.

۴ / ۱۴ شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و آله پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس صبحگاهان، ده درود و شامگاهان نیز ده درود بر من بفرستد، روز قیامت شفاعتم به او می رسد.

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَقَالَ : «اللَّهُمَّ أَنْزِلْهُ الْمَقْعَدَ الْمُقَرَّبَ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ قَالَ : «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ ، وَبَارِكْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ ، وَتَرَحَّمْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا تَرَحَّمْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ » شَهِدْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالشَّهَادَةِ ، وَشَفَعْتُ لَهُ . (٢)

١٥ / ٤ دُخُولُ الْجَنَّةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :مَنْ صَلَّى عَلَيَّ فِي يَوْمِ أَلْفِ مَرَّةٍ ، لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله :جَاءَنِي جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ : إِنَّهُ لَا يُصَيَّلُنِي عَلَيْكَ أَحَدٌ إِلَّا وَيُصَيَّلُنِي عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ ، وَمَنْ صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ كَانَ آخِرُ كَلَامِهِ الصَّلَاةَ عَلَيَّ وَعَلَى عَلِيٍّ ، دَخَلَ الْجَنَّةَ . (٥)

- ١- .مسند ابن حنبل : ج ٦ ص ٤٦ ح ١٦٩٨٨ ، مسند البزار : ج ٦ ص ٢٩٩ ح ٢٣١٥ ، المعجم الكبير : ج ٥ ص ٢٦ ح ٤٤٨٠ و ٤٤٨١ كلها عن زُوَيْفِعِ بْنِ ثَابِتٍ ، كُنْزُ الْعَمَالِ : ج ١ ص ٤٩٧ ح ٢١٨٩ .
- ٢- .الأدب المفرد : ص ١٩٢ ح ٦٤١ عن أَبِي هُرَيْرَةَ ؛ بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٨٧ ح ٦ .
- ٣- .الترغيب والترهيب : ج ٢ ص ٥٠١ ح ٢٢ نقلاً عن أَبِي حَفْصِ بْنِ شَاهِينَ عَنْ أَنَسٍ .
- ٤- .جامع الأخبار : ص ١٥٦ ح ٣٦٤ عن عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٦٤ ح ٥٢ .
- ٥- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ٢ ص ٦٤ ح ٢٧٣ عن الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ الرَّازِيِّ التَّمِيمِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الرُّضَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

۴ / ۱۵ رفتن به بهشت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بر محمد، درود فرستد و بگوید: «بار خدایا! در روز رستاخیز، او را در جایگاه نزدیک خودت بنشان»، شفاعتم برای او واجب می گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بگوید: «بار خدایا! بر محمد و بر خاندان محمد، درود فرست، چنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، درود فرستادی، و به محمد و خاندان محمد برکت ده، چنان که به ابراهیم و خاندان ابراهیم، برکت دادی، و بر محمد و خاندان محمد رحم کن، چنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، رحم کردی»، روز قیامت، به شهادت دادن او، شهادت می دهم و برایش شفاعت می کنم.

۴ / ۱۵ رفتن به بهشت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس روزی هزار بار بر من درود فرستد، نمی میرد تا آن که جایگاه خود در بهشت را می بیند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و گفت: هر کس بر تو درود فرستد، هفتاد هزار فرشته بر او درود می فرستند، و کسی که هفتاد هزار فرشته بر او درود بفرستند، اهل بهشت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس پایان سخنش، درود بر من و بر علی باشد، به بهشت می رود.

الفصل الخامس: الصلاة على الأنبياء رسول الله صلى الله عليه وآله: صَلُّوا عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَهُمْ كَمَا بَعَثَنِي. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا صَلَّيْتُمْ عَلَى الْمُرْسَلِينَ فَصَلُّوا عَلَيَّ مَعَهُمْ؛ فَإِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (٢)

الإمام علي عليه السلام في كتاب كتبه لابنه الحسن عليه السلام: وَنَسَأَ لَهُ أَنْ يُصَيِّمِي عَنَّا عَلَى نَبِيِّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَعَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، بِصَلَاةِ جَمِيعِ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ مِنْ خَلْقِهِ. (٣)

عنه عليه السلام في الدعاء: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ أَجْمَعِينَ. (٤)

فاطمه عليها السلام من دعاء لها بعد صلاه الظهر: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ أَجْمَعِينَ. (٥)

-
- ١- شعب الإيمان: ج ١ ص ١٤٨ ح ١٣١، المصنّف لعبد الرزاق: ج ٢ ص ٢١٦ ح ٣١١٨ وليس فيه «كما بعثني» وكلاهما عن أبي هريره، تاريخ بغداد: ج ٧ ص ٣٨١ عن أنس، كنز العمال: ج ١ ص ٤٩٢ ح ٢١٧٠.
 - ٢- كنز العمال: ج ١ ص ٥٠٧ ح ٢٢٤٤ نقلاً عن الديلمي عن أنس.
 - ٣- تحف العقول: ص ٧٢، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٢٠ ح ٢.
 - ٤- تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٨٣ ح ٢٣٩ عن علي بن عبد الله عن أبيه عن جدّه عن الإمام الحسين عليه السلام، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ١٠٩، الإقبال: ج ١ ص ٣٢١، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٢٨.
 - ٥- فلاح السائل: ص ٣١٤ ح ٢١٢، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٦٨ ح ٤.

فصل پنجم: صلوات فرستادن بر پیامبران علیهم السلام

فصل پنجم: صلوات فرستادن بر پیامبران خدا صلی الله علیه و آله: بر پیامبران و فرستادگان خدا درود بفرستید؛ زیرا آنها هم مانند من، فرستاده خدا هستند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بر فرستادگان خدا درود فرستادید، همراه با آن بر من نیز درود بفرستید؛ زیرا من هم فرستاده پروردگار جهانیان هستم.

امام علی علیه السلام در نامه ای که به فرزندش حسن علیه السلام نوشت: و از او [خدا] می خواهیم که از جانب ما بر پیامبران صلی الله علیه و آله و بر اهل بیت او و بر پیامبران و فرستادگانش درود فرستد، با صلوات همه کسانی از آفریدگانش که بر او درود فرستاده اند.

امام علی علیه السلام در دعا: بار خدایا! بر فرشتگان مقربت، و بر پیامبران و فرستادگانت، همگی، درود فرست.

فاطمه علیها السلام از دعای ایشان بعد از نماز ظهر: بار خدایا! بر خاتم پیامبران، محمد، و بر همه پیامبران و فرستادگان و بر تمامی فرشتگان، درود فرست.

الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَصَلِّ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ ، وَأَنْبِيَائِكَ وَالصَّادِقِينَ ، وَأَوْلِيَ الْعِزْمِ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ، الَّذِينَ أُودُوا فِي جَنبِكَ ، وَجَاهَدُوا فِيكَ حَقَّ جِهَادِكَ ، وَقَامُوا بِأَمْرِكَ وَوَحْدِكَ وَعَيْدِكَ حَتَّى أَتَاهُمُ الْيَقِينُ . (١)

عنه عليه السلام في القنوت: اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَيِّبُ الْبَائِئُ ، وَأَنْتَ الْمَكِينُ الْمَاكِنُ الْمَمَكُنُ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى آدَمَ يَدِيْعِ فِطْرَتِكَ ، وَرُكْنِ حُجَّتِكَ ، وَلِسَانِ قُدْرَتِكَ ، وَالْخَلِيفَةِ فِي بَسِيْطَتِكَ ، وَأَوَّلِ مُجْتَبَى النَّبِيِّ لِتُحِبُّهُ بِرَحْمَتِكَ ، وَسَاحِفِ (٢) شَعْرِ رَأْسِهِ تَدْلُلًا لَكَ فِي حَرَمِكَ لِعِزَّتِكَ ، وَمُنْشَأٍ مِنَ التُّرَابِ نَطَقَ إِعْرَابًا بِوَحْدَانِيَّتِكَ ، وَعَبَدَ لَكَ أَنْشَأَتَهُ لِأُمَّتِكَ ، وَمُسْتَعِيدٍ بِكَ مِنْ مَسِّ عُقُوبَتِكَ . وَصَلِّ عَلَى آيَةِ الْخَالِصِ مِنْ صِفْوَتِكَ ، وَالْفَاحِصِ عَنْ مَعْرِفَتِكَ ، وَالْغَائِصِ مِنَ الْيَآمُونَ عَنْ مَكْنُونِ سِرِّيْرَتِكَ ، بِمَا أَوْلَيْتَهُ مِنْ نِعْمِكَ وَمَعُونَتِكَ ، وَعَلَى مَنْ بَيْنَهُمَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ . (٣)

عنه عليه السلام في الصلاه على آدَمَ عليه السلام: اللَّهُمَّ وَآدَمَ (٤) بَدِيْعِ فِطْرَتِكَ ، وَأَوَّلِ مُعْتَرِفٍ مِنَ الطَّيْنِ بِرُبُوبِيَّتِكَ ، وَبِكُرِّ (٥) حُجَجِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَبِرِّيَّتِكَ ، وَالذَّلِيلِ عَلَى الْإِسْتِجَارَةِ بِعَفْوِكَ ، وَالنَّاهِجِ سُيْلَ تَوْبَتِكَ ، وَالْوَسِيْلَةَ بَيْنَ الْخَلْقِ وَبَيْنَ مَعْرِفَتِكَ ، وَالَّذِي لَقِّنْتَهُ (٦) مَا رَضِيَتْ بِهِ عَنْهُ بِمَنْكَ عَلَيْهِ وَرَحْمَتِكَ لَهُ ، وَالْمُنِيبِ الَّذِي لَمْ يُصَرِّ عَلَى مَعْصِيَتِكَ ، وَسَابِقِ الْمُتَيَدِّلِينَ بِخَلْقِ رَأْسِهِ فِي حَرَمِكَ ، وَالْمُتَوَسِّلِ بَعْدَ الْمَعْصِيَةِ بِالطَّاعَةِ إِلَى عَفْوِكَ ، وَأَبُو الْأَنْبِيَاءِ الَّذِينَ أُودُوا فِي إِجَابَتِكَ ، وَأَكْثَرُ سَاكِنِي سِيْكَانِ الْأَرْضِ سَيِّعِيَا [وَ] أَنْشَاطًا فِي طَاعَتِكَ ، فَصَلِّ أَنْتَ عَلَيْهِ يَا رَحْمَنُ وَمَلَائِكَتُكَ وَسَاكِنُو سَمَاوَاتِكَ وَأَرْضِكَ ، كَمَا عَظَّمْتَ حُرْمَاتِكَ ، وَدَلَّلْنَا عَلَى سَبِيلِ مَرْضَاتِكَ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (٧)

١- مصباح المتهجد: ص ١٣٦ ح ٢٢٠ ، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٤١ ح ٥٠ .

٢- سَحَفَ رَأْسَهُ : أَي حَلَقَهُ (الصحيح: ج ٤ ص ١٣٧٢ «سحف»).

٣- مُهْجِ الدَعَوَاتِ : ص ٧٠ ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢١٥ ح ١ .

٤- في المصدر: «اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى آدَمَ...» ، والتصويب من بقيته المصادر .

٥- الْبِكْرُ : أَوَّلُ كُلِّ شَيْءٍ (القاموس المحيط: ج ١ ص ٣٧٦ «بكر»).

٦- في المصدر: «لَقِيْتَهُ» ، والتصويب من بعض النسخ .

٧- البلد الأمين: ص ٤٤٣ ، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٢٩٢ وجاء في أوله «يناسب أن يتلى عند ضريح آدم عليه السلام أو بعد الصلاه لزيارته الدعاء المروي عن سيد الساجدين صلوات الله عليه المشتمل على الصلاه عليه صلى الله عليه ، وهو مما ألحق ببعض نسخ الصحيفة» ؛ ينابيع الموده: ج ٣ ص ٤٢٧ .

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و بر فرشتگان مقربت، و بر پیامبران و گروندگان راستین، و بر فرستادگان اولو العزم همانان که از بهر تو آزارها دیدند، و در راه تو، چنان که باید، جهاد کردند، و فرمان تو را بر پا داشتند و تو را به یگانگی شناختند و تا لحظه مرگ، تو را بندگی نمودند درود فرست.

امام زین العابدین علیه السلام در دعای قنوت: بار خدایا! تو پیدایی و هویدا، و تو توانایی و نیرومند و نیروبخش. بار خدایا! بر آدم، این آفریده شگفت انگیزت، و ستون حجّت، و زبان قدرت، و جانشین [تو] در زمینت، و نخستین کسی که از سر لطف و رحمت برای پیامبری برگزیدی، و نخستین کسی که برای اظهار خواری برای تو و عزّت تو، در حرمت، موی سرش را تراشید، و نخستین کسی که از خاک، پدید آمد و زبان به یکتایی تو گشود، و نخستین بنده ات که برای امتت ایجادش کردی، و نخستین کسی که از گرفتار آمدن به کیفر تو به تو پناه بُرد، درود فرست. و بر فرزندش [محمّد]، این برگزیده خالص تو و جستجوگر معرفت تو، و غوّاص امین ذات نهران تو با لطف و یاری تو که ارزانی اش داشتی درود فرست، و نیز بر پیامبران و فرستادگان و راست باوران و گواهان و درستکارانی که میان آن دو [از آدم تا خاتم صلی الله علیه و آله] بوده اند، درود فرست.

امام زین العابدین علیه السلام در درود فرستادن بر آدم علیه السلام: بار خدایا! آدم، پدیده شگفت آفرینش توست، و نخستین موجود خاکی ای که به پروردگاری تو اعتراف نمود، و آغازین حجّت تو بر بندگان و آفریدگانت، و نشان دهنده راه پناه بردن به بخشایش تو، و پیماینده راه های توبه تو، و وسیله میان خلق و شناخت تو؛ همو که از سر لطف و مهّرت بر او، آنچه را که به واسطه آن از او خشنود گشتی، به وی تلقین و الهام فرمودی؛ توبه گری که بر نافرمانی از تو پای نفشرد؛ نخستین کسی که با تراشیدن سرش در حرم تو [در پیشگاهت] خواری نمود؛ نخستین کسی که پس از نافرمانی، به وسیله فرمان برداری، به دامن بخشایش تو چنگ زد؛ پدر پیامبرانی که در راه اجابت تو آزارها دیدند؛ همو که بیش از همه ساکنان زمین، در طاعت تو کوشید و تلاش کرد. پس تو ای مهرگستر و فرشتگان و ساکنان آسمان هایت و زمینت، بر او درود فرستید، که او حرمت های تو را بزرگ داشت و ما را به راه های خشنودی تو ره نمون شد، ای مهربان ترین مهربانان! (۱)

۱- در آغاز این درود، آمده است: «مناسب است که در نزد آرامگاه آدم علیه السلام یا بعد از نماز زیارت، او دعایی را که از امام زین العابدین و سید الساجدین صلوات الله علیه روایت شد و مشتمل بر درود بر آن بزرگوار است، خوانده شود. این دعا، به برخی نسخه های صحیفه سجّادیه الحاق شده است.

الأمالى للطوسى عن معاوية بن عمّار: ذَكَرْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْضَ الْأَنْبِيَاءِ فَصَلَّيْتُ عَلَيْهِ ، فَقَالَ : إِذَا ذَكَرْتَ أَحَدًا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ فَابْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ ثُمَّ عَلَيْهِ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام فى دعاء أم داوود : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَيْنَا آدَمَ يَدِيح (٢) فَطَرَيْكَ ، الَّذِي كَرَّمْتَهُ بِسُجُودِ مَلَائِكَتِكَ وَأَبْحَثَهُ جَنَّتِكَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّنَا حَوَاءَ الْمُطَهَّرَةِ مِنَ الرَّجْسِ ، الْمُصَيَّفَةِ مِنَ الدَّنَسِ ، الْمُفْضَلَةِ مِنَ الْإِنْسِ ، الْمُتَرَدِّدَةِ بَيْنَ مَحَالِّ الْقُدْسِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى هَابِلَ ، وَشَيْثَ ، وَإِدْرِيسَ ، وَنُوحَ ، وَهُودَ ، وَصَالِحَ ، وَإِبْرَاهِيمَ ، وَإِسْمَاعِيلَ ، وَإِسْحَاقَ ، وَيَعْقُوبَ ، وَيُوشَعَ ، وَالْأَسْبَاطِ ، وَلُوطَ ، وَشُعَيْبَ ، وَأَيُّوبَ ، وَمُوسَى ، وَهَارُونَ ، وَيُوشَعَ ، وَمِيشَا ، وَالْخَضِرَ ، وَذِي الْقَرْنَيْنِ ، وَيُونُسَ ، وَإِيَّاسَ ، وَالْيَسَعَ ، وَذِي الْكِفْلِ ، وَطَالُوتَ ، وَدَاوُودَ ، وَشَيْلِيمَانَ ، وَزَكَرِيَّا ، وَشَعِيَا ، وَيَحْيَى ، وَتُورَخَ ، وَمَتَّى ، وَأَرْمِيَا ، وَحَقِيقَ ، وَدَانِيَالَ ، وَعُزَيْرَ ، وَعِيسَى ، وَشَمْعُونَ ، وَجَرَجِيسَ ، وَالْحَوَارِيِّينَ ، وَالْأَتْبَاعَ ، وَخَالِدَ ، وَخَنْظَلَةَ ، وَلُقْمَانَ . (٣)

١- الأمالى للطوسى : ص ٤٢٤ ح ٩٥١ ، الأمالى للصدوق : ص ٤٦٣ ح ٦١٩ ، روضه الواعظين : ص ٣٥٣ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٤٨ ح ٥ .

٢- البديع : المبتدع . بدع الشيء : أنشأه وبدأه (لسان العرب : ج ٨ ص ٦ «بدع»).

٣- الإقبال : ج ٣ ص ٢٤٤ ، مصباح المتهجد : ص ٨٠٨ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ١١ ص ٥٩ ح ٦٥ .

الأمالی ، طوسی به نقل از معاویه بن عمار : در محضر امام صادق علیه السلام از پیامبری یاد کردم و بر او درود فرستادم . ایشان فرمود: «هر گاه از یکی از پیامبران یاد شد ، نخست بر محمد ، درود بفرست و سپس بر او درود خدا بر محمد و خاندان او و بر همه پیامبران باد!» .

امام صادق علیه السلام در دعای اُمّ داوود : بار خدایا! بر پدرمان آدم ، این پدیده شگفت آفرینش، همو که به سجده فرشتگان گرامی اش داشتی و بهشتت را بر او روا ساختی، درود فرست . بار خدایا! بر مادرمان ، حوای پاک از آلودگی، پالوده از پلیدی، برگزیده از انسان، رفت و آمد کننده در میان جایگاه های قدسی ، درود فرست. بار خدایا! بر هابیل و شیث و ادريس و نوح و هود و صالح و ابراهيم و اسماعيل و اسحاق و يعقوب و يوسف و اسباط و لوط و شعيب و ايوب و موسى و هارون و يوشع و ميسا و خضر و ذو القرنين و يونس و الياس و يسع و ذو الكفل و طالوت و داوود و سليمان و زكريا و شعيا و يحيى و تورخ و متى و ارميا و حيقوق و دانيال و عزير و عيسى و شمعون و جرجيس و حواريان و پروان و خالد و حنظله و لقمان درود فرست.

عنه عليه السلام فيما يُقال عند الأسطوانه الخامسه من مسجد الكوفه: السَّلامُ على أينا آدمَ وأمنا حواءَ ، السَّلامُ على هابيلَ المقتولِ ظلماً وعُمدوانا على مواهبِ اللهِ ورضوانه ، السَّلامُ على شِيثِ صِفْوهِ اللهِ المُختارِ الأمينِ وعلى الصَّفْوهِ الصَّادِقِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ أَوْلِيهِمْ وَآخِرِهِمْ ، السَّلامُ على إبراهيمَ وإسماعيلَ وإسحاقَ ويعقوبَ وعلى ذُرِّيَّتِهِمُ الْمُختارينَ ، السَّلامُ على موسى كليمِ اللهِ ، السَّلامُ على عيسى روحِ اللهِ ، السَّلامُ على مُحَمَّدٍ حبيبِ اللهِ ، السَّلامُ على المُصطَفِينَ على العالمينَ ، السَّلامُ على أميرِ المؤمنينِ وَذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَرَحْمَةَ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ ، السَّلامُ عَلَيْكَ فِي الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ، السَّلامُ على فاطمهَ الزَّهراءِ ، السَّلامُ على الرَّقِيبِ الشَّاهِدِ على الأَمَمِ لله رَبِّ العالمينَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ على مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاكْتُبْني عِنْدَكَ مِنَ الْمُقبولينَ ، وَاجْعَلْني مِنَ الْفائِزِينَ الْمُطْمَئِنِّينَ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ . (١)

الإمام الرضا عليه السلام: السَّلامُ على أبويَّ آدمَ ونوحِ ، السَّلامُ على أبويَّ إبراهيمَ وإسماعيلَ ، السَّلامُ على أبويَّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ ، السَّلامُ على عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ . (٢)

١- المزار للشهيد الأوّل : ص ٢٣٨ ، المزار الكبير : ص ١٦٧ ، بحار الأنوار : ج ١٠٠ ص ٣٨٨ ح ١١ .

٢- كشف الغمّه : ج ٣ ص ٥٥ ، بحار الأنوار : ج ٤٩ ص ١٧١ ؛ مطالب السؤل : ص ٨٦ .

امام صادق علیه السلام از زیارتی که در کنار پنجمین ستون (۱) مسجد کوفه خوانده می شود: درود بر پدرمان آدم و مادرمان حوا! درود بر هابیل که از روی ستم و تجاوز به دَهِش های خدا و خشنودی او [نسبت به وی] آکشته شد! درود بر شیث، برگزیده خالص و امین خدا و بر برگزیدگان راستین از نسل پاک او، از اولین تا آخرین آنها! درود بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و بر تبار برگزیده آنان! درود بر موسی، هم سخن خدا! درود بر عیسی، روح خدا! درود بر محمد، دوست و محبوب خدا! درود بر برگزیدگان بر جهانیان! درود بر امیر مؤمنان و فرزندان پاک و پاکیزه او، و رحمت و برکات خدا [بر ایشان]! درود بر تو، در میان پیشینیان و پسینیان! درود بر فاطمه زهرا! درود بر ناظر و گواه بر امت ها از بهر خدای پروردگار جهانیان! بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و مرا در نزد خود، از پذیرفته شدگان، رقم زن و مرا از رستگاران آسوده جان، همانان که آنان را نه ترسی می رسد و نه اندوهگین می شوند، قرار ده.

امام رضا علیه السلام: درود بر پدرانم، آدم و نوح! درود بر پدرانم، ابراهیم و اسماعیل! درود بر پدرانم، محمد و علی! درود بر بندگان شایسته خدا!

۱- پنجمین ستون، جایگاهی است که خداوند به آدم علیه السلام توفیق توبه عطا فرمود.

الفصل السِّدَّاسُ: الصَّلَوَاتُ المَأْثُورَةُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ ٦ / ١ الصَّلَوَاتُ المَأْثُورَةُ عَنِ النَّبِيِّمَسْنَدُ ابْنِ حَنْبَلٍ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ: إِيْتِنِي بِرُؤُوسِكِ وَأَبْنِيكِ، فَجَاءَتْ بِهِمْ، فَأَلْقَى عَلَيْهِمْ كِسَاءً فَدَكِيَا، ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِمْ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ آلُ مُحَمَّدٍ، فَاجْعَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. (١)

البلد الأمين: دُعَاءُ التَّهْلِيلِ مَرُورِيٌّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ: بِسْمِ اللَّهِ وَقُلْ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثَلَاثًا... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ثَلَاثًا بَعْدَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ الْمُصَلِّونَ. (٢)

راجع: ص ٥٠١ (أدب الصَّلاة على رسول الله / ضمَّ آل النبي إليه في الصَّلاة).

-
- ١- مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ٢٢٨ ح ٢٦٨٠٨، المعجم الكبير: ج ٣ ص ٥٣ ح ٢٦٦٤ وج ٢٣ ص ٣٣٦ ح ٧٧٩، تاريخ دمشق: ج ١٣ ص ٢٠٣ ح ٣١٨٢، ذخائر العقبى: ص ٥٦، كنز العمالي: ج ١٣ ص ٦٤٥ ح ٢٧٦٢٩؛ العمدة: ص ٣٣ ح ١٣، بحار الأنوار: ج ٢٥ ص ٢٤٢ ح ٢٣.
- ٢- البلد الأمين: ص ٣٧٤.

فصل ششم: صلوات های رسیده از پیشوایان بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

۶ / ۱ صلوات های رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله

فصل ششم: صلوات های رسیده از پیشوایان بر پیامبر خدا و اهل بیت او ۶ / ۱ صلوات های رسیده از پیامبر مسند ابن حنبل به نقل از اُمّ سلمه: پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمود: «شوهرت و دو پسرت را نزد من بیاور». او آنان را آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله جامه ای فدکی بر روی آنان افکند. سپس دست خود را بر ایشان نهاد، آن گاه فرمود: «بار خدایا! اینان، خاندان (آل) محمدند. پس درودها و برکت هایت را بر محمد و بر خاندان محمد قرار ده، که تو ستودنی و بزرگواری».

البلد الأمين: دعای هنگام «لا إله إلا الله» گفتن که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده [چنین است]: بگو: «بسم الله» و بگو: «لا إله إلا الله؛ معبودی جز خدا نیست» (سه مرتبه).... بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست (سه مرتبه). به آن شمار که درود فرستندگان بر او درود فرستاده اند.

ر. ک: ج ۲ ص ۵۰۱ (آداب درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله / ضمیمه کردن خاندان پیامبر به ایشان در درود).

٦ / ٢ الصَّلَاةُ الْمَأْتُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دُعَائِهِ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَهُ مَقْسِيَةً مِنْ عَدْلِكَ ، وَاجْزِهِ مُضَاعَفَاتِ الْخَيْرِ مِنْ فَضْلِكَ . اللَّهُمَّ أَعْلِ عَلَى بِنَاءِ الْبَانِينَ بِنَاءَهُ ، وَأَكْرِمْ لَدَيْكَ نُزْلَهُ ، وَشَرِّفْ عِنْدَكَ مَنَزَلَهُ ، وَآتِهِ الْوَسِيلَةَ وَأَعْطِهِ السَّنَاءَ وَالْفَضِيلَةَ ، وَاحْشُرْنَا فِي زَمْرَتِهِ غَيْرَ خَزَايَا وَلَا نَادِمِينَ ، وَلَا نَاكِبِينَ (١) وَلَا نَاكِبِينَ (٢) ، وَلَا ضَالِّينَ وَلَا مُضِلِّينَ وَلَا مَفْتُونِينَ . (٣)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ دَاخِي الْمَدْحُوتِ (٤) ، وَدَاعِمِ الْمَسْمُوكَاتِ (٥) ، وَجَابِلِ الْقُلُوبِ عَلَى فِطْرَتِهَا ؛ شَقِيهَا وَسَيِّعِيهَا ، اجْعَلْ شَرَائِفَ صَلَوَاتِكَ وَنَوَامِي بَرَكَاتِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ ، الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ ، وَالْفَاتِحِ لِمَا انْغَلَقَ (٧) ، وَالْمُعَلِّمِ الْحَقِّ بِالْحَقِّ ، وَالِدَّافِعِ جَيْشَاتِ (٨) الْأَبَاطِيلِ ، وَالِدَّمَاعِ صَوْلَاتِ الْأَضَالِيلِ كَمَا حُمِّلَ ، فَاضْطَلَعَ قَائِمًا بِأَمْرِكَ ، مُسْتَوْفِرًا (٩) فِي مَرْضَاتِكَ ، غَيْرِ نَاكِلٍ عَنِ قُدَمٍ ، وَلَا وَاهٍ فِي عَزْمٍ ، وَاعِيًا لَوْحِيكَ ، حَافِظًا لِعَهْدِكَ ، مَاضِيًا عَلَى نَفَازِ أَمْرِكَ ، حَتَّى أُورَى قَبَسَ الْقَابِسِ (١٠) ، وَأَضَاءَ الطَّرِيقِ لِلْخَابِطِ (١١) ، وَهُدَيْتِ بِهِ الْقُلُوبَ بَعْدَ خَوْضَاتِ الْفِتَنِ وَالْآثَامِ ، وَأَقَامَ بِمَوْضِعَاتِ الْأَعْلَامِ وَنِيَّاتِ الْأَحْكَامِ . فَهُوَ أَمِينُكَ الْمَأْمُونُ ، وَخَازِنُ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ ، وَشَهِيدُكَ (١٢) يَوْمَ الدِّينِ ، وَبَعِيثُكَ (١٣) بِالْحَقِّ ، وَرَسُولُكَ إِلَى الْخَلْقِ . اللَّهُمَّ افْسَحْ لَهُ مَفْسَحًا فِي ظِلِّكَ ، وَاجْزِهِ مُضَاعَفَاتِ الْخَيْرِ مِنْ فَضْلِكَ ، اللَّهُمَّ وَأَعْلِ عَلَى بِنَاءِ الْبَانِينَ بِنَاءَهُ ، وَأَكْرِمْ لَدَيْكَ مَنَزَلَهُ ، وَأَتِمِّمْ لَهُ نُورَهُ ، وَاجْزِهِ مِنْ ابْتِعَاتِكَ لَهُ مَقْبُولِ الشَّهَادَةِ ، وَمَرْضِيَّ الْمَقَالَةِ ، ذَا مَنْطِقٍ عَدْلٍ ، وَخُطْبَةٍ فَصْلِ . اللَّهُمَّ اجْمَعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ فِي بَرْدِ الْعَيْشِ ، وَفَرَارِ النَّعْمَةِ ، وَمُنَى الشَّهَوَاتِ ، وَأَهْوَاءِ اللَّذَاتِ ، وَرِخَاءِ الدَّعَةِ ، وَمُنْتَهَى الطَّمَأْنِينَةِ ، وَتُحْفِ الْكِرَامَةِ . (١٤)

١- نَكَبَ عَنِ الطَّرِيقِ : عَدَلَ (الصحاح : ج ١ ص ٢٢٨ «نكب»).

٢- النَّكْتُ : نَقَضَ الْعَهْدَ (النهاية : ج ٥ ص ١١٤ «نكث»).

٣- نَهَجَ الْبَلَاغَةَ : الْخُطْبَةَ ١٠٦ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ١٦ ص ٣٨١ ح ٩٣ .

٤- الدَّخُو : الْبَسَطُ ، وَالْمَدْحُوتَاتُ : الْأَرْضِينَ ؛ أَيْ بَسَطَ وَوَسَّعَ الْأَرْضِينَ (النهاية : ج ٢ ص ١٠٦ «دحا»).

٥- الْمَسْمُوكَاتُ : السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ (النهاية : ج ٢ ص ٤٠٣ «سمك»).

٦- جَبَلَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى : خَلَقَهُمْ . وَجَبَلَهُ عَلَى الشَّيْءِ : طَبَعَهُ (القاموس المحيط : ج ٣ ص ٣٤٥ «جبل»).

٧- الْفَاتِحُ لِمَا انْغَلَقَ : أَيْ فَتَحَ مَا انْغَلَقَ وَأُبْهَمَ عَلَى النَّاسِ مِنْ مَسَائِلِ الدِّينِ وَالتَّوْحِيدِ وَالشَّرَائِعِ (بحار الأنوار : ج ١٦ ص ٣٧٨).

٨- جَيْشَاتُ : جَمْعُ جَيْشِهِ ، وَهِيَ الْمَرَّةُ مِنْ جَاشَ ؛ إِذَا ارْتَفَعَ (النهاية : ج ١ ص ٣٢٤ «جيش»).

٩- الْوَفْزُ : الْعَجَلَةُ (الصحاح : ج ٣ ص ٩٠١ «وفز»).

١٠- قَالَ ابْنُ الْأَثِيرِ : وَمِنْهُ حَدِيثُ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «حَتَّى أُورَى قَبَسًا لِقَابِسٍ» ؛ أَيْ أَظْهَرَ نُورًا مِنَ الْحَقِّ لِطَالِبِهِ . وَالْقَابِسُ : طَالِبُ

النَّارِ ، وَهُوَ فَاعِلٌ مِنْ قَبَسَ (النهاية : ج ٤ ص ٤ «قبس»).

١١- الْخَبْطُ : الْمَشْيُ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ (مجمع البحرين : ج ١ ص ٤٩١ «خبط»).

١٢- شَهِيدُكَ يَوْمَ الدِّينِ : أَيْ شَهِدَكَ عَلَى أُمَّتِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (النهاية : ج ٢ ص ٥١٣ «شهد»).

١٣- بَعِيثُكَ : أَيْ مَبْعُوثُكَ الَّذِي بَعَثْتَهُ إِلَى الْخَلْقِ ، فَهُوَ فَعِيلٌ بِمَعْنَى مَفْعُولٍ (النهاية : ج ١ ص ١٣٨ «بعث»).

١٤- نهج البلاغه : الخطبه ٧٢، الغارات : ج ١ ص ١٥٩ نحوه، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٨٣ ح ٣ و ح ٤؛ المصنّف لابن أبي شيبه : ج ٧ ص ٨٢ ح ٣، شرح نهج البلاغه : ج ١٩ ص ١٣٥، كنز العمّال : ج ٢ ص ٢٧٠ ح ٣٩٨٩ نقلاً عن المعجم الأوسط وأبي نعيم في عوالي سعيد بن منصور وكلاهما عن سلامه الكندي وكلّهما نحوه .

۶ / ۲ صلوات های رسیده از امام علی علیه السلام

۶ / ۲ صلوات های رسیده از امام علیامام علی علیه السلام در دعایش برای پیامبر صلی الله علیه و آله : بار خدایا! از عدل خویش برای او بهره ای [بزرگ] قرار ده، و از بخشایشت ، چند چندان ، نیکی پاداشش ده. بار خدایا! بنای [دین] او را بر بنای بناکنندگان (ادیان پیشین) ، بلندی بخش، و از او در نزد خویش ، به گرمی پذیرایی فرما، و منزلت او را بزرگ دار ، و وسیله (بالا-ترین درجه بهشت) و بلندی و برتری عطا فرما ، و ما را در گروه او محشور کن ، در حالی که نه سرافکنده باشیم، نه پشیمان، نه منحرف، نه پیمان شکن، نه گم راه، نه گم راه کننده، و نه فریب خورده [و گناه آلود].

امام علی علیه السلام : بار خدایا! ای گستراننده گسترده ها (زمین های هفتگانه) و ای نگه دارنده افراشته ها (هفت آسمان) ، و ای آفریننده دل ها بر سرشتشان : شوربخت و نیک بخت! درودهای ارزنده ات را و برکت های فزاینده ات را بر محمد ، بنده ات و فرستاده ات ، قرار ده ؛ همو که پایان بخش [شرایع] پیشین است و گشاینده بسته ها و آشکار کننده حق با حق، و دفع کننده خروش های باطل، و فرو کوبنده یورش های گم راهی ، آن گونه که [مسئولیتش] بر دوش او نهاده شد و قدرتمندانه ، به فرمان تو برخاست (/فرمان تو را اجرا کرد) و در راه خشنودی تو شتافت، بی آن که گامی به پس رود، یا در عزم او سستی راه یابد ؛ بلکه وحی تو را فرا گرفت و پیمان تو را پاس داشت و فرمان تو را به کار بست تا آن که برای جوینده شعله آتش [معرفت] ، شعله افروخت، و برای آن که در بیراهه می رفت ، راه را روشن نمود، و دل های فرو رفته در گمراهی ها و گناهان ، به واسطه او هدایت شدند و آن بزرگوار ، نشانه های روشنگر و احکام نورانی را بر پا داشت. پس او امانتدار مورد اعتماد توست و گنجینه دار گنج دانش تو، گواه تو در روز جزا ، فرستاده بر حق تو، و پیک تو به سوی مردمان است . بار خدایا! برای او در سایه ات ، جایی فراخ بگشا و از بخشایشت ، دو چندان ، نیکی پاداشش ده . بار خدایا! بنای [شریعت] او را بر بنای [دیگر] بنیان گذاران (پیامبران) ، بلندی بخش، و مقام او را در نزد خویش ، پُر ارج دار، و نورش را کامل گردان ، و پاداش برانگیخته شدنش به رسالت را پذیرفته شدن گواهی، و پسندیدگی گفتار او سخن درست و حکم قطعی قرار ده. بار خدایا! ما را با او در زندگانی خوش، و نعمت جاویدان، و خواهش های مطلوب، و لذت های خواستنی، و رهایی بسیار، و آرامش بیکران، و ارمغان های کرامت ، گرد هم بیاور .

الإمام على عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ صَلَاةً نَامِيَةً زَاكِيَةً ، تَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتَهُ وَتُبَيِّنُ بِهَا فَضْلَهُ .
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ ،
إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ . (١)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ ، وَأَعْطِهِ الْيَوْمَ أَفْضَلَ الْوَسَائِلِ ، وَأَشْرَفَ الْعَطَاءِ وَأَعْظَمَ الْجِبَاءِ وَالْمَنَازِلِ ،
وَأَسْعَدَ الْجُدُودِ وَأَقْرَ الْأَعْيُنِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، الَّذِينَ أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمْ ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا .
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، الَّذِينَ أَلْهَمْتَهُمْ عِلْمَكَ ، وَاسْتَحْفَظْتَهُمْ كُتُبَكَ ، وَاسْتَرْعَيْتَهُمْ عِبَادَكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَحَبِيبِكَ وَخَلِيلِكَ ، وَسَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ وَالْآخِرِينَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْخَلْقِ أَجْمَعِينَ ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الَّذِينَ
أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمْ ، وَأَوْجَبْتَ عَلَيْنَا حَقَّهُمْ وَمَوَدَّتَهُمْ . (٢)

١- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٤٣٢ ح ١٢٦٣ ، مصباح المتهجد : ص ٣٨٣ عن زيد بن وهب ، بحار الأنوار : ج ٨٩
ص ٢٣٩ ح ٦٨ .

٢- البلد الأمين : ص ٩٣ ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ١٤٠ ح ٧ .

امام علی علیه السلام: بار خدایا! بر بنده و فرستاده و پیامبرت محمد، درود فرست؛ درودی بالنده و فزاینده و پاک که با آن، درجه اش را بالا ببری و برتری اش را آشکارا سازی. بر محمد و خاندان محمد، درود فرست، و به محمد و خاندان محمد، برکت ده، چنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، درود فرستادی و برکت دادی و مهر آوردی، که تو ستوده خصال و بزرگواری.

امام علی علیه السلام: بار خدایا! بر محمد، بنده و فرستاده ات، درود فرست و امروز، برترین وسیله ها و باارزش ترین دهنش و بزرگ ترین ارمغان و جایگاه ها، و خوش ترین بخت ها، و روشن ترین چشم ها (شادترین دل ها) را عطایش فرما. بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست؛ همانان که به فرمان برداری از ایشان، فرمان دادی، و آلودگی را از ایشان برده، پاک پاکشان گردانیدی. بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست؛ همانان که دانش خود را در اختیارشان نهادی و آنان را نگهبان کتاب هایت و سرپرست بندگانت قرار دادی. بار خدایا! بر محمد، بنده ات و فرستاده ات و عزیزت و دوستت و سرور اولین و آخرین آدمیان از پیامبران و فرستادگان و همه خلق، و بر خاندان پاک او، همانان که بر فرمان برداری از ایشان فرمان داده، حق آنان و دوستی شان را بر ما واجب ساختی، درود فرست.

عنه عليه السلام في الحکم المنسوبه إليه : اللهم صل على محمد وآل محمد كلما ذكره الذاكرون ، وصل على محمد وآل محمد كلما غفل عن ذكره الغافلون ، اللهم صل على محمد وآل محمد عدد كلماتك وعدد معلوماتك ، صلاه لا نهائيه لها ولا غايه لأمدها . (١)

عنه عليه السلام : اللهم فبدر جيتك الرفيعه ومحلتيك المنيعه ، وفضلك البالغ وسبيلك الواسع ، أسألك أن تصلي على محمد وآل محمد كما دان لك ودعا إلى عبادتك ، وأوفى بعهودك وأنفذ أحكامك وأتبع أعلامك (٢) ، عبدك ونيك ، وأمينك على عهدك إلى عبادك ، القائم بأحكامك ، ومؤيد من أطاعك ، وقاطع عذر من عصاك . اللهم فاجعل محمدا صلى الله عليه وآله أجزل من جعلت له نصيبا من رحمتك ، وأنصر من أشرق وجهه بسجال (٣) عطيتك ، وأقرب الأنبياء زلفه (٤) يوم القيامة عندك ، وأوفرهم حظا من رضوانك ، وأكثرهم ضيوف أمه في جناتك ، كما لم يسجد للأحجار ولم يعتكف للأشجار ، ولم يستحل السبأ (٥) ولم يشرب الدماء . (٦)

- ١- شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٣٤٨ ح ٩٩٦ .
- ٢- أعلامك : أى آثارك وشرائعك وطرائقك الظاهره (ملاذ الأختيار : ج ٥ ص ٢٣٠) .
- ٣- السجال : جمع السجل ؛ وهو الدلو إذا ملئ ماءً ، وذكره لأن غسل الوجه بالماء يوجب النضاره [الحسن والبهاء] (بحار الأنوار : ج ٢ ص ٣٤٤) .
- ٤- الزلفه : المنزله (القاموس المحيط : ج ٣ ص ١٤٩ «زلف»)
- ٥- السبأ : الخمر (القاموس المحيط : ج ١ ص ١٧ «سبأ»)
- ٦- تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ١٥١ ح ٣٢٨ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٥٢٨ ح ١٥٠١ وفيه «السابع» بدل «البالغ» ، مصباح المتهجد : ص ٥٢٧ ح ٦١١ ، بحار الأنوار : ج ٩١ ص ٢٩٣ ح ٢ .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست، هر آن زمان که یادکنندگان یادش کنند، و بر محمد و خاندان محمد، درود فرست، هر آن زمان که غافلان از یادش غفلت ورزند. بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست، به شمار کلمات و به عدد معلومات؛ درودی که مدت آن را پایانی و انجामी نباشد.

امام علی علیه السلام: بار خدایا! به حق پایگاه بلندی و جایگاه دست نیافتنی ات و بخشایش فراگیری و راه پهناورت، از تو می خواهم بر محمد و خاندان محمد، درود فرستی، که او تو را فرمان برد، و به پرستش تو فرا خواند، و به پیمان هایت وفا کرد، و فرمان هایت را روان ساخت، و نشانه هایت را دنبال کرد؛ بر بنده ات و پیامبرت و امین تو در رساندن پیامت به بندگان، بر پا دارنده احکامت، و پشتیبان هر آن که از تو فرمان برد، و گیرنده عذر [و بهانه] از کسی که تو را نافرمانی کرد. پس ای خداوند محمد صلی الله علیه و آله را برخوردارترین کسانی قرار ده که از رحمت خود، بهره مندشان ساخته ای، و شادمان ترین کسی که از دهنش سرشار تو، چهره اش شگفته است و در روز قیامت، او را از همه پیامبران به خود، نزدیک تر گردان، و بهره مندترینشان از خشنودی ات قرار ده، و صفوف امتش را در پیشگاهت از صنوف امت های آنان، افزونتر گردان؛ زیرا او برای سنگی (بُتی) سجده نکرد و درختی را نپرستید و میخوارگی را روا نشمرد و خونی نیاشامید.

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى طَيْبِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، الْمُتَنَجِّبِ الْفَاتِقِ الرَّاتِقِ . (١) اللَّهُمَّ فَخُصَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالذِّكْرِ الْمَحْمُودِ وَالْحَوْضِ الْمَمْرُودِ ، اللَّهُمَّ آتِ مُحَمَّدًا صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْوَسِيلَةَ وَالرَّفْعَةَ وَالْفَضِيلَةَ ، وَاجْعَلْ فِي الْمُصْطَفِينَ مَحَبَّتَهُ ، وَفِي الْعَلِيِّينَ دَرَجَتَهُ ، وَفِي الْمُقَرَّبِينَ كَرَامَتَهُ . اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ أَفْضَلَ تِلْكَ الْكَرَامَةِ ، وَمِنْ كُلِّ نَعِيمٍ أَوْسَعَ ذَلِكَ النَّعِيمِ ، وَمِنْ كُلِّ عَطَاءٍ أَجْزَلَ ذَلِكَ الْعَطَاءِ ، وَمِنْ كُلِّ يُسْرٍ أَنْضَرَ (٢) ذَلِكَ الْيُسْرِ ، وَمِنْ كُلِّ قِسْمٍ أَوْفَرَ ذَلِكَ الْقِسْمِ ، حَتَّى لَا يَكُونَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ أَقْرَبَ مِنْهُ مَجْلِسًا ، وَلَا أَرْفَعَ مِنْهُ عِنْدَكَ ذِكْرًا وَمَنْزِلَةً ، وَلَا أَعْظَمَ عَلَيْكَ حَقًّا ، وَلَا أَقْرَبَ وَسِيلَةً مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، إِمَامِ الْخَيْرِ وَقَائِدِهِ وَالِدَاعِي إِلَيْهِ ، وَالْبَرَكَهَ عَلَى جَمِيعِ الْعِبَادِ وَالْبِلَادِ ، وَرَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ . اللَّهُمَّ اجْمَعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَرْدِ الْعَيْشِ ، وَتَرَوْحِ (٣) الرُّوحِ (٤) ، وَقَرَارِ النَّعْمَةِ ، وَشَهْوَةِ الْأَنْفُسِ ، وَمُنَى الشَّهَوَاتِ ، وَنِعَمِ اللَّذَاتِ ، وَرِجَاءِ الْفَضِيلَةِ ، وَشُهُودِ الطَّمَأْنِينَةِ ، وَسُودَدِ (٥) الْكَرَامَةِ ، وَقُرَّةِ الْعَيْنِ ، وَنَضْرَةِ النَّعِيمِ ، وَبَهْجَةِ لَا- تُشْبِهُ بِهَجَاتِ الدُّنْيَا ، نَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ الرِّسَالَةَ ، وَأَدَّى النَّصِيحَةَ ، وَاجْتَهَدَ لِلْأُمَّةِ ، وَأَوْذَى فِي جَنِبِكَ ، وَجَاهِدَ فِي سَبِيلِكَ ، وَعَيْدَكَ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينُ ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ . اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ ، وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ، وَرَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ ، وَرَبَّ الْجِلِّ وَالْحَرَامِ ، بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنَّا السَّلَامَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ ، وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ أَجْمَعِينَ ، وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى الْحَفَظَةِ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ ، وَعَلَى أَهْلِ طَاعَتِكَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَأَهْلِ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَجْمَعِينَ . (٦)

١- الفاتق الراتق : يعنى فاتق الجور وممزقه ، وراتق الخلل الذى وقع فى الدين . والكلام استعاره (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٣٥٩ «فتق»).

٢- فى الإقبال : «أيسر» بدل «أنضر» .

٣- فى الإقبال ومصباح المتهجد : «برد» بدل «تروح» .

٤- الرُّوحُ : بَرْدٌ نَسِيمِ الرِّيحِ (لسان العرب : ج ٢ ص ٤٥٧ «روح»).

٥- السُّودَدُ : الْمَجْدُ وَالشَّرْفُ (تاج العروس : ج ٥ ص ٣٢ «سود»).

٦- تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٨٣ ح ٢٣٩ عن علي بن عبد الله عن أبيه عن جدّه ، الإقبال : ج ١ ص ٣٢٠ كلاهما عن الإمام الحسين عليه السلام ، مصباح المتهجد : ص ٥٥٧ ح ٦٥١ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ١٢٧ ح ٣ ؛ العقد الفريد : ج ٣ ص ١٢٦ نحوه .

امام علی علیه السلام: ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است، و درود خدا بر خوب ترین پیامبران، محمد بن عبد الله ، آن برگزیده و رتق و فتق کننده امور . بار خدایا! یاد پسندیده و حوضی را که [تشنگان] بر آن وارد می شوند ، بر محمد ویژه گردان . بار خدایا! به محمد که درودهای تو بر او و خاندانش باد ، وسیله (بالا ترین درجه بهشت) و بلندی و برتری ارزانی دار و او را در میان برگزیدگان ، محبوب گردان و با بلند پایگان ، هم درجه و در میان مقربان ، گرامی [و ارجمند]. بار خدایا! به محمد که درودهای تو بر او و خاندانش باد ، از هر کرامتی ، برترین آن را عطا فرما، و از هر نعمتی ، گسترده ترین آن را، و از هر دَهشی ، فراوان ترین آن را، و از هر آسایشی ، با طراوت ترین آن را، و از هر بهره ای ، بیشترین آن را، چندان که هیچ یک از آفریدگانت ، نزدیک تر از او به تو نباشد، و نه نام و جایگاهش در نزد تو بلندتر، و نه حَقش بر تو بیشتر، نه واسطه اش کوتاه تر از محمد که درودهای تو بر او و خاندانش باد این پیشوا و جلودار خوبی ها و دعوت کننده به آنها ، و برکت برای همه بندگان و سرزمین ها، و رحمت برای جهانیان. بار خدایا! ما را در خُنکای زندگی، و نسیم رحمت، و جایگاه نعمت ، و خواسته جان ها، و خواسته های مطلوب ، و نعمت های لذتبخش ، و امید برتری ، و رسیدن به آرامش و آقایی کرامت و روشنایی چشم (شادمانی و خوشی) و خرمی نعمت ها ، و زیبایی و درخشندگی ای که شبیه زیبایی ها و درخشندگی های دنیا نیست ، با محمد که درودهای تو بر او و خاندانش باد گرد آور. گواهی می دهیم که او پیام [تو] را رساند و راه نمایی و خیرخواهی نمود، و برای امت کوشید، و از برای تو آزار دید، و در راه تو جهاد کرد، و تو را پرستید تا آن گاه که از سرای دنیا کوچید. پس درود خدا بر او و خاندان پاکش باد! بار خدایا! ای پروردگار سرزمین حرام (مکه) ، و ای پروردگار رُکن و مقام، و ای پروردگار مشعر الحرام، و ای پروردگار حلّ و حرام! از جانب ما به روان محمد، درود رسان. بار خدایا! بر فرشتگان مقربت ، و بر پیامبران و فرستادگانت، همگی ، درود فرست . بار خدایا! بر گرامی نگهبانانِ نویسنده (فرشتگان حافظ و نویسنده اعمال بندگان)، و بر تمامی فرمان بردارانت از اهل آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه، درود فرست.

عنه عليه السلام: فَصَلِّ عَلَى خَيْرِ نَبِيِّكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصِفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ بِأَفْضَلِ الصَّلَوَاتِ ، وَبَارِكْ عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ الْبَرَكَاتِ ، بِمَا بَلَغَ عَنْكَ مِنَ الرِّسَالَاتِ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَدَعَا إِلَيْكَ ، وَأَفْصَحَ بِالذَّلَائِلِ عَلَيْكَ بِالْحَقِّ الْمُبِينِ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ ، صَيَّمَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الْأَوَّلِينَ ، وَصَيَّمَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ، وَعَلَى آلِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ ، وَاخْلُفُهُ فِيهِمْ بِأَحْسَنِ مَا خَلَفْتَ بِهِ أَحَدًا مِنَ الْمُرْسَلِينَ بِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . . . فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّهَا اللَّهُمَّ بِدَوَامٍ وَابْدَأْهَا بِتَمَامٍ ، إِنَّكَ وَاسِعُ الْجِبَاءِ (١) كَرِيمُ الْعَطَاءِ . (٢)

١- حَبَوْتُ الرَّجُلَ جِبَاءً : أَعْطَيْتُهُ الشَّيْءَ بِغَيْرِ عَوَظٍ (المصباح المنير : ص ١٢٠ «جبا»).

٢- مُهَجَّ الدَّعَوَاتِ : ص ١٥٥ ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٤٠٤ ح ٣٤ .

امام علی علیه السلام: بر منتخب خود از میان آفریدگان، و برگزیده ات از میان مردمانت، و امین تو بر وحی ات، برترین درودها را بفرست، و افزون ترین برکت ها را ارزانی اش بدار، به پاداش پیام هایی که از جانب تو رساند، و فرمان تو را اجرا کرد و به سوی تو فرا خواند، و نشانه های وجود تو را به درستی و آشکارا نشان داد تا آن گاه که یقین (مرگ) به سراغش آمد. درود خدا بر او در میان پیشینیان، و درود خدا بر او در میان پسینیان، و بر خاندان و خانواده پاک او باد! [بار خدایا!] برای او در میان خاندانش جانشینی کن، بهتر از هر جانشینی که برای یکی از فرستادگان کرده ای، ای مهربان ترین مهربانان! بر محمد و اهل بیت محمد، درود فرست و آن را ای خداوند، پیوسته برقرار بدار، و به کمال و تمام، آغازش کن، که بخشش تو گسترده و دَهشت، کریمانه است.

٦ / ١٣ الصَّلَاةُ الْمَأْتُورَةُ عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنْ دُعَاءِ لَهَا بَعْدَ صِيْلِهِ الْعَصْرِ : اللَّهُمَّ ذَا الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ ، وَالصَّلَاةِ النَّافِعَةِ الرَّافِعَةِ ، صِيْلٌ عَلَى أَكْرَمِ خَلْقِكَ عَلَيَّكَ ، وَأَحَبِّهِمْ إِلَيْكَ ، وَأَوْجَهَهُمْ لَمَدْيِكَ ؛ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ ، الْمَخْصُوصِ بِفَضَائِلِ الرِّسَالَةِ ، أَشْرَفِ وَأَكْرَمِ وَأَرْفَعِ وَأَعْظَمِ وَأَكْمَلِ مَا صِيَلْتِ عَلَى مُبْلَغِ عَنَّا وَمُؤْتَمِنِ عَلَيَّ وَحِيَّكَ . اللَّهُمَّ كَمَا سِيَدَدْتَ بِهِ الْعَمَى وَفَتَحْتَ بِهِ الْهُدَى ، فَاجْعَلِ مَنَاهَجَ سُبُلِهِ لَنَا سِيْنَا ، وَحُجَجَ بُرْهَانِهِ لَنَا سِيْبَا ، نَأْتَمُّ بِهِ إِلَى الْقُدُومِ عَلَيَّكَ . . . اللَّهُمَّ وَاجْعَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَمَنَّكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَفَضْلِكَ وَسِيْلَامَتِكَ وَذِكْرَكَ وَنُورَكَ وَشَرَفَكَ وَنِعْمَتَكَ وَخَيْرَتَكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ ، كَمَا صِيَلْتِ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ . اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيْلَةَ الْعُظْمَى ، وَكَرِيْمَ جَزَائِكَ فِي الْعُقْبَى ، حَتَّى تُشْرِفَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا إِلَهَ الْهُدَى . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى جَمِيْعِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ ، سِيْلَامٌ عَلَى جِبْرِيْلَ وَمِيكَائِيْلَ وَإِسْرَافِيْلَ وَحَمَلَةَ الْعَرْشِ وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِيْنَ وَالْكَرَامِ الْكَاتِبِيْنَ وَالْكَرْوَبِيِّيْنَ (١) ، وَسِيْلَامٌ عَلَى مَلَائِكَتِكَ أَجْمَعِيْنَ ، وَسِيْلَامٌ عَلَى أَبِيْنَا آدَمَ وَعَلَى أُمَّنَا حَوَاءَ ، وَسِيْلَامٌ عَلَى النَّبِيِّيْنَ أَجْمَعِيْنَ وَالصُّدِّيْقِيْنَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِيْنَ ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِيْنَ أَجْمَعِيْنَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ . (٢)

عنها عليها السلام من دعاء لها بعد صيلاه الظهر : اللَّهُمَّ صِيْلٌ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ وَعَلَى جَمِيْعِ الْأَنْبِيََاءِ وَالْمُرْسَلِيْنَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ أَجْمَعِيْنَ ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ ، وَعَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى أَجْمَعِيْنَ ، آمِيْنَ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا هَيَدَيْتَنَا بِهِ ، وَصِيْلٌ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَنَا بِهِ ، وَصِيْلٌ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا عَزَّزْتَنَا بِهِ ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا فَضَّلْتَنَا بِهِ ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ ، وَصِيْلٌ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَصَّرْتَنَا بِهِ ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَنْعَدْتَنَا بِهِ مِنْ شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ . اللَّهُمَّ بِيْضِ وَجْهِهِ ، وَأَعْلَى كَعْبِهِ (٣) وَأَفْلَاحِ حُجَّتِهِ (٤) ، وَأَتِمِّمْ نُورَهُ ، وَثَقِّلْ مِيزَانَهُ ، وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ ، وَافْسِحْ لَهُ حَيْتَى يَرْضَى ، وَبَلِّغْهُ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيْلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ ، وَابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ ، وَاجْعَلْهُ أَفْضَلَ النَّبِيِّيْنَ وَالْمُرْسَلِيْنَ عِنْدَكَ مَنزِلَةً وَوَسِيْلَةً ، وَاقْضِ صَبْرًا نَارَهُ ، وَاسْقِنَا بِكَاسِهِ ، وَأُورِدْنَا حَوْضَهُ ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ ، وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ ، وَاسْلُكْ بِنَا سَبِيْلَهُ ، وَاسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ ، غَيْرَ خَزَايَا وَلَا نَادِمِيْنَ وَلَا شَاكِيْنَ وَلَا مُبْدَلِيْنَ . (٥)

١- الكروبيون : هم سادة الملائكة ، والمقربون منهم (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٥٦٠ «كرب»).

٢- فلاح السائل : ص ٣٦٠ ح ٢٤١ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٨٧ ح ١١ .

٣- وأعل كعبه : هو دعاء له بالشرف والعلو . والأصل فيه كعب القناه ؛ وهو أنبوبها ، وما بين كل عقدتين منها كعب . وكل شيء علا وارتفع فهو كعب (النهاية : ج ٤ ص ١٧٩ «كعب»).

٤- الفلج : الظفر والفوز (الصحاح : ج ١ ص ٣٣٥ «فلج»).

٥- فلاح السائل : ص ٣١٤ ح ٢١٢ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٦٨ ح ٤ .

۶ / ۳ صلوات های رسیده از فاطمه زهرا علیها السلام

۳ / ۶ صلوات های رسیده از فاطمه زهرا فاطمه علیها السلام از دعای ایشان پس از نماز عصر: بار خدایا! ای صاحب رحمت گسترده، و درود سودمند رفعت بخش، ارجمندترین و گرامی ترین و بلند مرتبه ترین و بزرگ ترین و کامل ترین درودی را که بر پیامبری از پیامبرانت، و امینی از اُمَنای وحی ات فرستاده ای؛ گرامی ترین و محبوب ترین و معتبرترین آفریده ات در نزدت، محمّد، بنده ات و فرستاده ات و برگزیده برای [ابلاغ] پیام های ارزنده ات، بفرست. بار خدایا! همچنان که به وسیله او گم راهها به راستی و راه راست را گشودی، راه های روشن او را رسم و راه ما، و دلایل آشکار او را دستاویزمان قرار ده تا برای وارد شدن بر تو، از او پیروی کنیم... بار خدایا! درودها و برکت هایت را، و احسان و آمرزش و مهر و خشنودی و فزونی و سلامت را، و یادت را، و روشنایی و بزرگی و نعمت و خوبی هایت را بر محمّد و بر خاندان محمّد، قرار ده، چنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، درود فرستادی و برکتشان دادی و مورد مهر خود، قرارشان دادی، که به راستی تو ستودنی و بزرگواری. بار خدایا! بزرگ ترین وسیله را و پاداش های کریمانه ات را در آخرت، به محمّد عطا فرما تا در روز رستاخیز، او را شرافت بخشی، ای خدای هدایت! بار خدایا! بر محمّد و بر خاندان محمّد و بر همه فرشتگان و پیامبرانت و فرستادگان، درود فرست. سلام بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حاملان عرش و فرشتگان مقرب و نویسندگان گرامی [اعمال] و کزویمان! (۱) سلام بر همه فرشتگان! سلام بر پدرمان آدم و بر مادرمان حوّا! سلام بر پیامبران، همگی، و تصدیق کنندگان [پیامبران] و گواهان (/شهیدان) و نیکان! درود بر همه فرستادگان و ستایش، خدای را که پروردگارِ جهانیان است.

فاطمه علیها السلام از دعای ایشان پس از نماز ظهر: بار خدایا! بر محمّد، خاتم پیامبران، و بر همه پیامبران و فرستادگان، و بر همه فرشتگان، و بر خاندان نیک و پاک او، بر همه پیشوایان هدایت، درود فرست. آمین، ای پروردگارِ جهانیان! بار خدایا! بر محمّد درود فرست که به واسطه او ما را راه نمایی فرمودی. بر محمّد درود فرست که به واسطه او بر ما مهرورزی کردی. بر محمّد درود فرست که به واسطه او، ما را عزّت بخشیدی. بر محمّد درود فرست که به واسطه او، ما را برتری دادی. بر محمّد درود فرست که به واسطه او، ما را شرافت دادی. بر محمّد درود فرست که به واسطه او، ما را بینایی و بینش بخشیدی. بر محمّد درود فرست که به واسطه او، ما را از لبه مغاکی از آتش رهانیدی. بار خدایا! او را رو سپید گردان، و مقام و آوازه اش را بلند بخش، و حجّتش را پیروز دار، و روشنایی اش را کامل ساز، و ترازویش را سنگین کن، و برهانش را بزرگ گردان، و چندان گشایش عطایش فرما تا راضی شود، و او را در بهشت، به درجه و وسیله (عالی ترین مقام) برسان. به مقام پسندیده ای که او را وعده داده ای، برسان، و او را با منزلت ترین و بلند پایه ترین پیامبران و فرستادگان در نزد خودت قرار ده، و ما را دنبال او گردان، و از جام او به ما بنوشان و بر حوض [کوثر] او، واردمان ساز، و در گروه او محشورمان فرما، و ما را بر دین او بمیران، و رهرو راه او و عمل کننده به سنتش، قرارمان ده، و مگذار که خوار و پشیمان و دودل و تغییر دهنده [ی دین او] شویم.

۱- کروبیان سرور فرشتگان و مقربان آنها هستند.

عنها عليها السلام من دُعاء لها بعد صلاة المغرب: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً يَشْهَدُ الْأَوْلُونَ مَعَ الْأَبْرَارِ، وَسَيِّدِ الْمُتَّقِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَقَائِدِ الْخَيْرِ وَمِفْتَاحِ الرَّحْمَةِ. اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَالشَّهْرِ الْحَرَامِ، وَرَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ، بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنَّا التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ، سَيِّلَامٌ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَيِّلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، فَهُوَ كَمَا وَصَفْتَهُ بِالْمُؤْمِنِينَ رُوُوفٌ رَحِيمٌ، اللَّهُمَّ أَعْطِهِ مَا سَأَلَكَ وَأَفْضَلَ مَا سَأَلْتَ لَهُ وَأَفْضَلَ مَا أَنْتَ مَسْئُولٌ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. (١)

١- فلاح السائل: ص ٤٢٤ ح ٢٩٠، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٠٤ ح ٨.

فاطمه علیهاالسلام از دعای ایشان بعد از نماز مغرب: بار خدایا! بر محمد و بر خاندان محمد، درود فرست؛ درودی که نخستینان، همراه با نیکان و سیرور پرهیزگاران و خاتم پیامبران و پیشرو خوبی و کلید رحمت، شاهد آن باشند. بار خدایا! ای پروردگار خانه حرام و ماه حرام، و ای پروردگار مشعرالحرام، و ای پروردگار رُکن و مقام، و ای پروردگار حلّ و حرام! از جانب ما به روح محمد، تحیت و درود برسان. سلام بر تو، ای فرستاده خدا! سلام بر تو، ای امین خدا! سلام بر تو، ای محمد بن عبدالله! سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد؛ زیرا او همچنان که تو [ای خدا] وصفش کرده ای، نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است. بار خدایا! آنچه را از تو خواسته و برترین چیزی را که از تو برای او درخواست شده، و برترین چیزی را که تا روز قیامت از تو برای درخواست خواهد شد، به او عطا فرما. آمین، ای پروردگار جهانیان!

عنها عليها السلام من دُعاءٍ لها بعدَ صِيْلَةِ العِشاءِ : صَيَّلَى اللهُ عَلَى البَشِيرِ النَّذِيرِ ، وَالسَّرَاجِ المُنِيرِ ، وَعَلَى جَمِيعِ المَلَائِكَةِ وَالنَّبِيِّينَ .
اللَّهُمَّ دَاحِيَ المَدْحُوتِ ، وَبَارِي المَسْمُوكَاتِ ، وَجَبَالَ القُلُوبِ عَلَى فِطْرَتِهَا ؛ شَقِيَّتِهَا وَسَعِيدِهَا ، اجْعَلْ شَرَائِفَ صَلَوَاتِكَ ، وَنَوَامِي
بَرَكَاتِكَ ، وَرَأْفَةَ تَحِيَّتِكَ ، عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأُمِّيَّتِكَ عَلَى وَحْيِكَ ، القَائِمِ بِحُجَّتِكَ ، وَالذَّابِّ عَن حَرَمِكَ ،
وَالصَّادِعِ بِأَمْرِكَ ، وَالْمَشِيدِ بِآيَاتِكَ ، وَالْمُوفِي لِنَدْرِكَ . اللَّهُمَّ فَأَعْطِهِ بِكُلِّ فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ ، وَنَقِيَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ ، وَحَالٍ مِنْ أَحْوَالِهِ
، وَمَنْزِلَةٍ مِنْ مَنْزِلِهِ رَأَيْتَ مُحَمَّدًا لَكَ فِيهَا نَاصِرًا ، وَعَلَى كُلِّ مَكْرُوهٍ بَلَائِكَ صَابِرًا ، وَلِمَنْ عَادَاكَ مُعَادِيًا ، وَلِمَنْ وَالَاكَ مُوَالِيًا ،
وَعَمَّا كَرِهْتَ نَائِيًا ، وَإِلَى مَا أَحْبَبْتَ دَاعِيًا فَضَائِلٍ مِنْ جَزَائِكَ ، وَخَصَائِصٍ مِنْ عَطَائِكَ وَحِبَائِكَ ، تُسْنِي (١) بِهَا أَمْرَهُ ، وَتُعَلِي بِهَا
دَرَجَتَهُ ، مَعَ القَّوَامِ بِقِسْطِكَ وَالدَّابِّينَ عَن حَرَمِكَ ، حَتَّى لَا يَبْقَى سَنَاءٌ وَلَا بَهَاءٌ وَلَا رَحْمَةٌ وَلَا كَرَامَةٌ إِلَّا خَصَصْتَ مُحَمَّدًا بِذَلِكَ ،
وَأَتَيْتَهُ مِنْهُ الذُّرَى (٢) ، وَبَلَّغْتَهُ المَقَامَاتِ العُلَى ، آمِينَ رَبَّ العَالَمِينَ . (٣)

١- أسناه : رَفَعَهُ وَأَعْلَاهُ (الصَّحاح : ج ٦ ص ٢٣٨٤ «سنا»).

٢- ذُرَى الشَّيْءِ : أَعَالِيهِ (الصَّحاح : ج ٦ ص ٢٣٤٥ «ذرا»).

٣- فَلَاحِ السَّائِلِ : ص ٤٤٣ ح ٣٠٣ ، بَحَارِ الأَنْوَارِ : ج ٨٦ ص ١١٦ ح ٢ .

فاطمه علیهاالسلام از دعای ایشان پس از نماز عشا: درود خدا بر نویددهنده هشدارده و چراغ تابان، و بر همه فرشتگان و پیامبران! بار خدایا، ای گستراننده زمین ها و آفریننده آسمان ها و سرشونده دل ها بر خوشبختی و شوربختی! درودهای ارزنده و برکت های بالنده و درود مهرآمیزت را بر محمّد، بنده ات و فرستاده ات و امین وحی ات، بر پا دارنده حجّت، و دفاع کننده از حرم [و حریم] ات، و اجرا کننده فرمانت، و معمار نشانه هایت، و عمل کننده به نذرت قرار ده. بار خدایا! برای هر فضیلتی از فضیلت هایش و هر خوبی ای از خوبی هایش، و هر حالی از احوالش، و هر منزلتی از منزلت هایش که دیدن محمّد در آنها تو را یاری می کند، و بر هر بلای ناخوشایند تو شکیباست، و با دشمن تو، دشمنی می ورزد و با دوست تو، دوستی می کند، و از آنچه تو خوشی نداری، دوری می کند، و به آنچه تو دوست داری، فرا می خواند، از پاداش های برترت و دَهِش ها و بخشش های ویژه ات، ارزانی اش دار؛ پاداش ها و دَهِش ها و بخشش هایی که با آنها، مقام او را والا گردانی و درجه اش را بالا-بری، همراه با بر پا دارندگان عدالتت و دفاع کنندگان از حریمت، تا جایی که هیچ والایی و تابناکی و رحمت و کرامتی نماند، مگر آن که آنها را به محمّد، اختصاص دهی، و بالا-ترین مرتبه شان را به او دهی، و به مقامات بلندش برسانی. آمین، ای پروردگار جهانیان!

٦ / ١٤ الصَّلَاةُ الْمَأْثُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ الْمُجْتَبِيَّ لِلْإِمَامِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ دُعَائِهِ لَهُ فِي قُنُوتِهِ : أَسْأَلُكَ بِمُعَيَّنَاتٍ عَلِمَكَ فِي بَوَاطِنِ أَسْرَارِ سِرَائِرِ الْمُسْرِينَ إِلَيْكَ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً يَسْبِقُ بِهَا مِنْ اجْتِهَادِ مَنْ الْمُتَقَدِّمِينَ ، وَيَتَجَاوَزُ (١) فِيهَا مَنْ يَجْتَهِدُ مِنَ الْمُتَأَخِّرِينَ . (٢)

٦ / ١٥ الصَّلَاةُ الْمَأْثُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ دُعَائِهِ يَوْمَ عَرَفَةَ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ . . . اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيِّهِ الَّتِي شَرَّفَتْهَا وَعَظَّمَتْهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرِ رِجَالِكَ وَأَمِيَّتِكَ عَلَيَّ وَحِيَّتِكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّرَاحِ الثَّمِيرِ ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ الْمُسْلِمِينَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ . اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلُ ذَلِكِ يَا عَظِيمُ ، فَصِّلْ عَلَيَّ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ الْمُتَجَبِّينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ . (٣)

٦ / ١٦ الصَّلَاةُ الْمَأْثُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دُونَ الْأَسْمِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ ، بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَعْجُزُ عَنْ شَيْءٍ وَإِنْ عَظُمَ ، وَلَا يَفُوتُهَا شَيْءٌ وَإِنْ لَطْفَ (٤) ، فَخَتَمَ بِنَا عَلَيَّ جَمِيعَ مَنْ ذَرَأَ ، وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَيَّ مِنْ جَحِيدٍ ، وَكَثَرْنَا بِمَنْنِهِ عَلَيَّ مِنْ قَلٍّ . اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ أَمِيَّتِكَ عَلَيَّ وَحِيَّتِكَ ، وَنَجِيَّتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَصِيَّتِكَ مِنْ عِبَادِكَ ، إِمَامِ الرَّحْمَةِ ، وَقَائِدِ الْخَيْرِ ، وَمِفْتَاحِ الْبِرِّ ، كَمَا نَصَبَ لَأَمْرِكَ نَفْسَهُ ، وَعَرَّضَ فِيكَ لِلْمَكْرُوهِ يَدَنَهُ ، وَكَاشَفَ فِي الدُّعَاءِ إِلَيْكَ حَامَتَهُ (٥) ، وَحَارَبَ فِي رِضَاكَ أَسْرَتَهُ ، وَقَطَعَ فِي إِحْيَاءِ دِينِكَ رَحْمَهُ ، وَأَقْصَى الْأَدْنَى عَلَى جُحُودِهِمْ ، وَقَرَّبَ الْأَقْصَى عَلَى اسْتِجَابَتِهِمْ لِمَكَ ، وَوَالَى فِيكَ الْأَبْعَدِينَ ، وَعَادَى فِيكَ الْأَقْرَبِينَ ، وَأَدَابَ (٦) نَفْسَهُ فِي تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ ، وَأَتَعَبَهَا بِالِدُّعَاءِ إِلَى مِلَّتِكَ ، وَشَغَلَهَا بِالنُّصْحِ لِأَهْلِ دَعْوَتِكَ ، وَهَاجَرَ إِلَى بِلَادِ الْغُرْبَةِ وَمَحَلِّ النَّأْيِ (٧) عَنْ مَوْطِنِ رَحْلِهِ وَمَوْضِعِ رِجْلِهِ ، وَمَسْقَطِ رَأْسِهِ وَمَأْنَسِ نَفْسِهِ ، إِرَادَةً مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِينِكَ ، وَاسْتِنصَارًا عَلَيَّ أَهْلِ الْكُفْرِ بِمَكَ ، حَتَّى اسْتَبَّ لَهُ مَا حَاوَلَ فِي أَعْدَائِكَ ، وَاسْتَتَمَّ لَهُ مَا دَبَّرَ فِي أَوْلِيَائِكَ ، فَتَهَدَّ (٨) إِلَيْهِمْ مُسْتَفْتِحًا بِعَوْنِكَ ، وَمُتَّقِيًا عَلَيَّ ضِعْفَهُ بِنَصْرِكَ ، فَغَزَاهُمْ فِي عَقْرِ دِيَارِهِمْ ، وَهَجَمَ عَلَيْهِمْ فِي بُجُوحِهِ (٩) قَرَارِهِمْ ، حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُكَ وَعَلَتْ كَلِمَتُكَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ . اللَّهُمَّ فَارْفَعُهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ ، حَتَّى لَا يُسَاوَى فِي مَنْزِلِهِ وَلَا يُكَافَأُ فِي مَرْتَبَتِهِ ، وَلَا يُوَازِيَهُ لَدَيْكَ مَلِكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ ، وَعَرَفَهُ فِي أَهْلِ الطَّاهِرِينَ وَأُمَّتِهِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَةِ أَجَلًا مَا وَعَدْتَهُ ، يَا نَافِذَ الْعِدَّةِ ، يَا وَافِيَ الْقَوْلِ ، يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ . (١٠)

١- في بحار الأنوار: «... صلاةً نسبقُ بها... ونتجاوزُ فيها...»، وهو الأنسب.

٢- مُهَجَّ الدعوات: ص ٦٨، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢١٣ ح ١.

٣- الإقبال: ج ٢ ص ٨٥، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٢٣ ح ٣.

٤- لُطْفٌ: صَغُرَ وَدَقَّ (القاموس المحيط: ج ٣ ص ١٩٥ «لطف»).

٥- الحامه: الخاصه. وحامه الرجل: أقرباؤه (الصحيح: ج ٥ ص ١٩٠٧ «حم»).

- ٦- أذأَبَ الرجل الدأَبه : أتعبها ، دأَب : جدّ وتعَب (تاج العروس : ج ١ ص ٤٧٦ «دأَب»).
- ٧- النَّأَى : البُعد (لسان العرب : ج ١٥ ص ٣٠٠ «نأى»).
- ٨- نَهَدَ : نهض (النهايه : ج ٥ ص ١٣٤ «نهْد»).
- ٩- البُجْبُوحه : وسط المَحَلّه ، وُجْبُوحُه الدار : وسطها (لسان العرب : ج ٢ ص ٤٠٧ «بجح»).
- ١٠- الصحيفه السجّاديه : ص ٢٥ الدعاء ٢ ؛ شرح نهج البلاغه : ج ٦ ص ١٨٦ عن الإمام عليّ عليه السلام وليس فيه «فختم بنا على جميع ... بمنّه على ما قلّ» .

۶ / ۴ صلوات رسیده از امام مجتبی علیه السلام**۶ / ۵ صلوات رسیده از امام حسین علیه السلام****۶ / ۶ صلوات های رسیده از امام زین العابدین علیه السلام**

۴ / ۶ صلوات رسیده از امام مجتبیامام حسن علیه السلام از دعای ایشان در قنوتش : از تو درخواست می کنم به حق علم غیبت از اعماق رازهای درون نجواکنندگان با تو، از تو درخواست می کنم که بر محمد و خاندان او درود فرستی ؛ درودی که با آن بر کوشندگان پیشین ، پیشی گیرد و در آن ، از کوشندگان آینده هم بگذرد.

۵ / ۶ صلوات رسیده از امام حسینامام حسین علیه السلام از دعای ایشان در روز عرفه : بار خدایا! بر محمد ، بنده ات و فرستاده ات و پیامبرت، و بر خاندان وارسته و پاک او، همگی شان، درود فرست ... بار خدایا! در این شامگاهی که آن را ارج و بزرگی بخشیدی ، به محمد پیامبرت و فرستاده ات و برگزیده ات و امین تو بر وحی ات، به درگاه تو رو می کنم. بار خدایا! بر آن نوید بخش هشدار دهنده و آن چراغ تابان که نعمت وجود او را به مسلمانان ، ارزانی داشتی و برای جهانیان ، رحمت قرار دادی ، درود فرست. بار خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست که محمد ، سزاوار آن است، ای بزرگ! بر او و بر خاندان برگزیده و وارسته و پاک او، همگی شان، درود فرست.

۶ / ۶ صلوات های رسیده از امام زین العابدینامام زین العابدین علیه السلام : ستایش ، خدای را که با توانایی اش که از هیچ چیز و هیچ کاری هر چند بزرگ ، در نمی ماند ، و هیچ چیزی ، هر چند خرد ، از آن نمی رهد . پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله را به ما ، نه امت های گذشته و نسل های پیشین، بخشید، و ما را [امت] خاتم همه آفریدگانش قرار داد، و گواهان بر منکران، و به لطف خویش ، ما را بر همگان ، فزونی بخشید. بار خدایا! بر محمد ، آن امین وحی ات و مخلوق برگزیده ات و بنده خالصت، پیشوای مهر و پیشاهنگ نیک، و کلید برکت ، درود فرست که او همه توان و تلاش خود را در راه فرمان تو به کار گرفت، و به خاطر تو ، تن خویش را آماج هر گونه آزار ساخت و در راه دعوت به سوی تو ، با بستگانش در افتاد، و از برای خشنودی تو با خاندانش جنگید و برای زنده داشتن دین تو ، از ارحامش بُرید، و نزدیکان را چون [تو را] انکار می کردند ، از خود دور ساخت، و دوران [و بیگانگان] را از آن رو که به دعوت تو پاسخ دادند ، به خویش نزدیک داشت، و به خاطر تو ، با بیگانگان دوستی کرد و با نزدیکان دشمنی ورزید . در رساندن پیام تو ، خویشتن را به رنج افکند، و در فراخوانی به آیین تو ، خود را خسته کرد، و به راه نمایی پذیرندگان دعوت پرداخت، و برای تقویت دین تو و پیروز شدن بر کفرورزان به تو ، به دیار غربت و جایگاه دور از خانه و کاشانه و زادگاهش و سرزمینی که با آن انس گرفته بود، هجرت کرد تا آن که کوشش های او در برابر دشمنانت ، بر وفق مراد او شد، و اندیشه هایش در باره دوستانت به بار نشست . پس با کمک خواستن از تو و نیرو طلبیدن از یاری تو به سبب ناتوانی اش، به سوی دشمنانت حرکت کرد و در عمق خانه هایشان ، بر آنها تاخت و در قلب سرزمینشان ، بر آنها یورش بُرد تا آن که علی رغم خواست مشرکان ، فرمانت آشکار شد و دینت چیره

گشت. بار خدایا! پس او را به پاداش رنجی که در راه تو کشید، به بالاترین درجه بهشت بر آور، تا هیچ کس در منزلت ، با او برابری نکند و به مرتبه او نرسد، و هیچ فرشته مقرب و پیامبر مُرسلی در نزد تو ، همتراز او نباشد، و حُسن شفاعت او را در حقّ خاندان پاک و اّمت خدا باورش ، بیش از آنچه وعده اش داده ای ، به او نشان بده، ای عمل کننده به وعده ، ای وفا کننده به قول، ای تبدیل کننده بدی ها [و گناهان] به چندین برابرشان از خوبی! راستی که تو ، صاحب بخشش بزرگی.

ص: ٤٢٤

..

ص: ٤٢٥

..

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَكْمَلَ صَلَوَاتِكَ وَأَشْرَفَهَا ، وَأَجْمَلَ تَحِيَّاتِكَ وَأَلْطَفَهَا ، وَأَشْمَلَ بَرَكَاتِكَ وَأَعْطَفَهَا ، وَأَجَلَ هَبَاتِكَ وَأَرَأَفَهَا عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ، وَأَكْرَمَ الْأُمِّيِّينَ ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَصْفِيَاءِ الطَّاهِرِينَ ، وَعِزَّتِهِ النَّجْبَاءِ الْمُخْتَارِينَ ، وَشِيعَتِهِ الْأَوْفِيَاءِ الْمُوَازِرِينَ ، مِنْ أَنْصَارِهِ وَالْمُهَاجِرِينَ ، وَأَدْخِلْنَا فِي شَفَاعَتِهِ يَوْمَ الدِّينِ ، مَعَ مَنْ دَخَلَ فِي زَمْرَتِهِ مِنَ الْمُؤَحِّدِينَ ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (١)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، صِيْلَاهُ عَالِيَهُ عَلَى الصَّلَوَاتِ ، مُشْرِفَهُ فَوْقَ التَّحِيَّاتِ ، صِلَاهُ لَا يَنْتَهِي أَمْدُهَا وَلَا يَنْقَطِعُ عَدْدُهَا ، كَاتَمٌ مَا مَضَى مِنْ صَلَوَاتِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ ، إِنَّكَ الْمَنَّانُ (٢) الْحَمِيدُ ، الْمُبْدِيُّ الْمُعِيدُ ، الْفَعَالُ لِمَا تُرِيدُ . (٣)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ ، وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ ، وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلِسًا ، وَأَمَكْنَهُمْ مِنْكَ شَفَاعَةً ، وَأَجْلَهُمْ عِنْدَكَ قَدْرًا ، وَأَوْجَهُهُمْ عِنْدَكَ جَاهًا . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَشَرِّفْ بُنْيَانَهُ ، وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ ، وَثَقِّلْ مِيزَانَهُ ، وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ ، وَقَرِّبْ وَسِيلَتَهُ ، وَبَيِّضْ وَجْهَهُ ، وَأَتِمِّمْ نُورَهُ ، وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ ، وَأَحِينَا عَلَى سُنَّتِهِ ، وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ ، وَخُذْ بِنَا مِنْهَاجَهُ ، وَاسْلُكْ بِنَا سَبِيلَهُ ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ ، وَاحْشُرْنَا فِي زَمْرَتِهِ ، وَأُورِدْنَا حَوْضَهُ ، وَاسْقِنَا بِكَأْسِهِ . وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، صِيْلَاهُ تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَفَضْلِكَ وَكَرَامَتِكَ ، إِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَفَضْلٍ كَرِيمٍ . اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَتِكَ ، وَأَدِّى مِنْ آيَاتِكَ ، وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ ، وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ ، أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ ، وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ الْمُصْطَفِينَ ، وَالسَّلَامَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ . (٤)

١- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٦٠ ح ٢٢ نقلًا عن كتاب أنيس العابدين من مؤلفات بعض قدمائنا .

٢- المَنَّانُ: هو الذى يبدأ بالنوال قبل السؤال (مجمع البحرين: ج ١ ص ٤٦٨ «من»).

٣- الصحيفه السجاديّه: ص ١١٥ الدعاء ٢٧ .

٤- الصحيفه السجاديّه: ص ١٦١ الدعاء ٤٢ ، مصباح المتهجد: ص ٥٢٢ ح ٦٠٣ ، الإقبال: ج ١ ص ٤٥٣ عن محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني بإسناده ، المصباح للكفعمي: ص ٦٢١ .

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! کامل ترین و پُراج ترین درودهایت، و زیباترین و خوش ترین تحیت ها و فراگیرترین و مهرآمیزترین برکت هایت، و بزرگ ترین و با رأفت ترین دَهشهایت را برای محمّد ، خاتم پیامبران و گرامی ترین درس ناخواندگان، و بر خانواده ناب و پاک او ، و عترت برگزیده و منتخب او، و پیروان وفادار و پشتیبان او از مهاجر و انصار، قرار ده، و در روز رستاخیز ، ما را نیز همانند دیگر یکتاپرستانِ گروه او ، از شفاعتش برخوردار گردان، ای بزرگوارترین بزرگوران، و ای مهربان ترین مهربانان!

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! بر محمّد ، بنده و فرستاده ات و بر خاندان محمّد ، درود فرست ؛ درودی بلندتر از همه درودها و بالاتر از همه درودها ؛ درودی که نه زمانش به سر آید ، و نه شمارش به پایان رسد ؛ درودی چون کامل ترین درودی که در گذشته بر یکی از دوستان فرستاده ای، که به راستی ، تو بسیار بخشنده و ستودنی و آغاز کننده [ی آفرینش] و باز گرداننده ای، و آنچه خواهی ، انجام می دهی.

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! بر محمّد ، بنده و فرستاده ات ، درود فرست که او پیام تو را رسانید، و فرمان تو را اجرا کرد، و برای بندگانت خیرخواهی نمود. بار خدایا! در روز رستاخیز ، پیامبر ما را که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد ، از همه پیامبران به خودت نزدیک تر دار، و شفاعتش را پذیرفته تر، و قدر و منزلتش را بزرگ تر، و جاهتش را بیشتر بدار . بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست، و بنای او را بلند گردان ، و بُرهانش را بزرگ دار ، و ترازویش را سنگین کن، و شفاعتش را بپذیر، و درجه اش را [به خود] نزدیک کن، و او را روسپید ساز، و نورش را کامل گردان، و درجه اش را بالا ببر، و ما را بر روش او زنده دار، و بر آیین او بمیران . ما را در راه او بدار، و در مسیر او بپر ، و از فرمان بُردارانش قرار ده، و در گروه او محشورمان فرما، و ما را بر حوض او وارد ساز، و از جام او سیرابمان گردان. بار خدایا! بر محمّد و خاندان او ، درود فرست، درودی که با آن ، او را به برترین نیکی و بخشش و کرامت که امید آن را داشت ، برسانی . به راستی که تو دارای رحمت گسترده و بخشش بزرگواران هستی. بار خدایا! به پاس آن که پیام هایت را رسانید، و آیات را ابلاغ کرد، و بندگانت را راه نمایی فرمود، و در راه تو کوشش کرد، او را پاداش ده، بهترین پاداشی را که به یکی از فرشتگان مقربت و پیامبران مُرسل و برگزیده ات داده ای. سلام و مهر و نیکی های افزون خداوند ، بر او و بر خاندان نیک و پاک او باد!

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى ، وَعَلَى عَلِيِّ الْمُتَرْتَضَى ، وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ، وَخَدِيجَةَ الْكُبْرَى ، وَالْحَسَنَ الْمُجْتَبَى ، وَالْحُسَيْنَ الشَّهِيدَ بِكَرْبَلَاءَ ، وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاطِمِ ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ التَّقِيِّ ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْعَسْكَرِيِّ ، وَالْحُجَّجَةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ ابْنَ الْحَسَنِ ، الْإِمَامَ الْمُتَنْتَظِرَ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ . اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمْ ، وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ ، وَاخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُمْ ، وَالْعَنَ مَنْ ظَلَمَهُمْ ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَانصُرْ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَهْلِكَ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَارزُقني رُؤْيَاهُ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلني مِنْ أَتْبَاعِهِ وَأَشْيَاعِهِ ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (١)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ، وَأَفْضَلْ مِنْ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ ، صَلَاةً تَبْلُغُنَا بِرَكَّتِهَا ، وَيُنَالُنَا نَفْعُهَا ، وَيُسْتَجَابُ لَهَا دُعَاؤُنَا ، إِنَّكَ أَكْرَمُ مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ ، وَأَكْفَى مَنْ تُوَكَّلَ عَلَيْهِ ، وَأَعْطَى مَنْ سُئِلَ مِنْ فَضْلِهِ ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (٢)

-
- ١- .مُهْج الدعوات : ص ٢٩ و ص ٢٨١ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٢٦٥ ح ١ .
 - ٢- .الصحيفة السجادية : ص ١٧٩ الدعاء ٤٥ ، مصباح المتهجد : ص ٦٤٧ ح ٧١٨ ، الإقبال : ج ١ ص ٤٢٩ كلاهما نحوه ، المزار الكبير : ص ٦٢٧ ، البلد الأمين : ص ٤٨٣ ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ١٧٦ ح ١ .

امام زین العابدین علیه السلام: درود فرست بر محمد مصطفی، و بر علی مرتضی و فاطمه زهرا و خدیجه کبرا و حسن مجتبی و حسین شهید کربلا، و بر علی بن الحسین زین العابدین و محمد بن علی باقر و جعفر بن محمد صادق و موسی بن جعفر کاظم و علی بن موسی الرضا و محمد بن علی تقی، و علی بن محمد نقی، و حسن بن علی عسکری و حجت قائم مهدی بن الحسن، امام منتظر که دروهای خدا بر همه ایشان باد. بار خدایا! آن را که دوستشان بدارد، دوست بدار، و آن را که دشمنشان دارد، دشمن بدار، و آن را که یاری شان دهد، یاری ده، و آن را که تنهایشان بگذارد، تنها و [بی یار] گذار، و آن را که بر ایشان ستم کند، نفرین فرما، و هر چه زودتر خاندان محمد را در گشایش قرار ده، و پیروان خاندان محمد را یاری بخش، و دشمنان خاندان محمد را نابود کن، و دیدن قائم خاندان محمد را روزی ام فرما، و مرا از پیروان و شیعیانش، و رضایتمندان از کردار او قرار ده، به حق مهربانی ات، ای مهربان ترین مهربانان!

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! بر پیامبر ما محمد و خاندان او، درود فرست، چونان که بر فرشتگان مقربت، درود فرستادی. بر او و خاندانش درود فرست، چونان که بر پیامبران مرسلت درود فرستادی. بر او و خاندانش درود فرست، چونان که بر بندگان شایسته ات درود فرستادی، و برتر از آن [درودها] ای پروردگار جهانیان، چنان درودی که برکتش به ما برسد و سودش دست ما را نیز بگیرد و به واسطه آن، دعای ما پذیرفته شود. به راستی که تو کریم ترین کسی هستی که از او تقاضا می کنند، و کار سازترین کسی هستی که بر او توکل کنند، و دهنده ترین کسی هستی که از فضل او درخواست می کنند، و تو بر هر چیزی توانایی.

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ ، كَصَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَتَحِيَّاتِكَ عَلَى أَصْفِيائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ ، وَعَجَلِ الْفَرَجِ وَالرَّوْحِ وَالنُّصْرَةَ وَالتَّمَكِينَ وَالتَّأْيِيدَ لَهُمْ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ صَلَّى وَدَعَا ، ثُمَّ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ فَقَالَ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، شَجَرَهُ النَّبِيُّ ، وَمَوْضِعَ الرُّسَالَةِ ، وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ ، وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ ، وَأَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ فِي اللَّجَجِ (٢) الْغَامِرَةِ (٣) ، يَا مَنْ مَنْ رَكِبَهَا وَيَغْرُقُ مَنْ تَرَكَهَا ، الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ (٤) ، وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ ، وَاللَّعَازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، الْكَهْفِ الْحَصِينِ ، وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّينَ ، وَمَلْجَأِ الْهَارِبِينَ ، وَمَنْجَى الْخَائِفِينَ ، وَعِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، صِيْلَةٌ كَثِيرَةٌ تَكُونُ لَهُمْ رِضَى وَلِحَقٌّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَدَاءً وَقَضَاءً ، بِحَوْلِ مِنْكَ وَقُوَّةِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، الَّذِينَ أُوجِبَتْ حَقُّهُمْ وَمَوَدَّتُهُمْ وَفَرَضَتْ طَاعَتُهُمْ وَوَلَّيْتَهُمْ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ وَلَا تُخْزِهِ بِمَعْصِيَتِكَ ، وَارْزُقْنِي مُوَاسَاةً مَنْ قَتَرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ مِمَّا وَسَعَتْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ . الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ ، وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ (٥) . (٦)

١- .الصحيفة السجادية: ص ٢٠٦ الدعاء ٤٨ .

٢- .التج البحر: تلاطمت أمواجه (النهاية: ج ٤ ص ٢٣٣ «لجج»).

٣- .غَمَرَ الْمَاءُ: كَثُرَ . وَغَمَرَهُ الْمَاءُ: غَطَّاهُ (القاموس المحيط: ج ٢ ص ١٠٤ «غمر»).

٤- .الْمَارِقُ: الْخَارِجُ عَنِ الدِّينِ (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٨٩ «مرق»).

٥- .هَالَهُ الشَّيْءُ: أَفْزَعَهُ (الصحاح: ج ٥ ص ١٨٥٥ «هول»).

٦- .مصباح المتهجد: ص ٣٦١ ح ٤٨٥ ، جمال الأسبوع: ص ٢٥٠ ، الإقبال: ج ٣ ص ٣٠٠ عن العباس بن مجاهد عن أبيه نحوه وفيه «كان علي بن الحسين عليهما السلام يدعو عند كل زوال من أيام شعبان ، وفي ليله النصف منه ، ويصلي على النبي صلى الله عليه وآله بهذه الصلوات...» ، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٩ ح ٣ .

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست به راستی که تو ستودنی و بزرگواری، همچون درودها و برکت‌ها و تحیت‌هایت بر برگزیدگان ابراهیم و خاندان ابراهیم. و هر چه زودتر در کار آنان، گشایش و شادمانی و یاری و قدرت و تأیید، عطا فرما.

امام صادق علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام چون خورشید زوال می‌یافت، نماز می‌خواند و دعا می‌کرد. سپس بر پیامبر و خاندانش درود می‌فرستاد و می‌فرمود: «بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست؛ همانان که درخت نبوت، و جایگاه رسالت، و محلّ آمد و شد فرشتگان، و معدن دانش، و اهل بیت وحی هستند. بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست؛ همانان که [به سان] کشتی روان در آب‌های انبوه و خروشان اند که هر کس در آن بنشیند ایمن باشد و هر کس آن را واگذارد، غرق می‌شود. آن که از ایشان پیشی گیرد، از دین خارج می‌شود، و آن که از ایشان واپس ماند، نابود می‌شود، و آن که همراه ایشان باشد، به مقصد می‌رسد. بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست؛ همانان که پناهگاه استوارند، و یاریگر درماندگان، و پناه گریختگان، و نجاتبخش بیمناکان، و حامی پناه‌جویان اند. بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست؛ درود بسیار که پسند آنان باشد، و حقّ محمّد و خاندان محمّد را به جا آورد و بپردازد، به نیرو و توانت، ای پروردگار جهانیان! بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست؛ همانان که حقّ آنان و دوستی‌شان را واجب ساختی، و فرمانبری از آنان و ولایتشان را لازم شمردی. بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، و دلم را به طاعت، آباد گردان، و آن را با نافرمانی از تو، خوار و رسوا مکن، و توفیقم ده تا از رزقی که به فضل خویش بر من وسعت داده‌ای، به کسی که روزی ات را بر او تنگ داشته‌ای، کمک رسانم. خدای را بر هر نعمتی ستایش می‌گویم، و از هر گناهی از خدا آمرزش می‌طلبم، و در برابر هر [ترس و] هراسی، جز از نیرو و توان خداوند، کمک نمی‌توان گرفتم.

الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ إِذَا ذُكِرَ الْأَبْرَارُ ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ ، صَلَاةً لَا يَنْقَطِعُ مَدَدُهَا وَلَا يُحْصَى عَدَدُهَا ، صَلَاةً تَشْحَنُ الْهَوَاءَ ، وَتَمَلُّ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ . صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَرْضَى ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ الرِّضَا ، صَلَاةً لَا حَدَّ لَهَا وَلَا مُنْتَهَى ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (١)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَكُلِّ أَوَانٍ وَعَلَى كُلِّ حَالٍ ، عِدَدَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ ، وَأَضْعَافَ ذَلِكَ كُلِّهِ بِالْأَضْعَافِ الَّتِي لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ ، إِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ . (٢)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا اسْتَنْقَدْنَا بِهِ ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَهُوَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ . (٣)

١- .الصحيفه السجاديّه : ص ١٣٤ الدعاء ٣٢ .

٢- .الصحيفه السجاديّه : ص ١٧٠ الدعاء ٤٤ .

٣- .الصحيفه السجاديّه : ص ١٢٨ الدعاء ٣١ .

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! هر آن گاه که از نیکان یاد شود، بر محمّد و خاندان او درود بفرست. تا شب و روز در گردش است، بر محمّد و خاندان او درود بفرست؛ درودی بی پایان و بی شمار؛ درودی که فضا را آکنده سازد و زمین و آسمان را پُر کند. درود خدا بر او تا آن که خشنود شود. درود خدا بر او و خاندانش، پس از خشنودی؛ درودی بی کران و بی پایان، ای مهربان ترین مهربان!

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست، در هر گاه و هر آن و هر حال، به شمار درودهایی که بر هر کس فرستاده ای، و [بلکه] چندین برابر همه آنها؛ چندین برابری که جز خود تو، کسی از عهده شمارش آنها بر نمی آید، که به راستی تو آنچه خواهی، انجام می دهی.

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست، که ما را به واسطه او هدایت کردی. بر محمّد و خاندان او درود فرست که به واسطه او، ما را نجات بخشیدی. بر محمّد و خاندان او درود فرست؛ چنان درودی که در روز رستاخیز و روز نیازمندی ما به تو، ما را شفاعت کند، که به راستی تو بر هر کاری توانایی، و آن برای تو آسان است.

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ ، وَآتِهِ عَنَّا أَفْضَلَ مَا آتَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ ، وَاجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ وَأَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَنْ أُمَّتِهِ ، إِنَّكَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْجَسِيمِ ، الْغَافِرِ لِلْعَظِيمِ ، وَأَنْتَ أَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ ، فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَنْجِيَيْنِ . (١)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ ، وَأَنْتَ مُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً ، وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ . (٢)

عنه عليه السلام: صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً دَائِمَةً نَامِيَةً ، لَا انْقِطَاعَ لِأَبْدِهَا وَلَا مُنْتَهَى لِأَمْدِهَا ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ عَوْنًا لِي وَسَبَبًا لِنَجَاحِ طَلِبَتِي ، إِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ ، وَمِنْ حَاجَتِي يَا رَبِّ كَذَا وَكَذَا . (٣)

عنه عليه السلام: رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْمُتَّخِذِ الْمُصْطَفَى الْمُكَرَّمِ الْمُقَرَّبِ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ ، وَبَارِكْ عَلَيْهِ أَنْتُمْ بَرَكَاتِكُمْ ، وَتَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْعَ رَحْمَاتِكَ . رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً زَاكِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أَزْكَى مِنْهَا ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أُنْمَى مِنْهَا ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً فَوْقَهَا . رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، صَلَاةً تُرْضِيهِ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرْضِيكَ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرْضِيكَ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ لَهُ ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا تُرْضِي لَهُ إِلَّا بِهَا ، وَلَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا . رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَكَ ، وَيَتَّصِلُ اتِّصَالُهَا بِبِقَائِكَ ، وَلَا يَنْفَعُ كَمَا لَا تَنْفَعُ كَلِمَاتُكَ . رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ ، وَتَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّتِكَ وَإِنْسِكَ وَأَهْلِ إِجَابَتِكَ ، وَتَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةٍ كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ مِنْ ذُرَاةٍ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ . رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالَفِهِ وَمُسْتَأْنَفِهِ ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ صَلَاةً مَرْضِيَةً لَكَ وَلِمَنْ دُونَكَ ، وَتُنْشِئُ مَعَ ذَلِكَ صَلَاةً تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا ، وَتَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفٍ لَا يُعْدُّهَا غَيْرُكَ . رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ ، وَجَعَلْتَهُمْ حَزَنَةَ عِلْمِكَ ، وَحَفَظْتَ دِينَكَ ، وَخُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ ، وَحُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ ، وَطَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَالذَّنَسِ تَطْهِيرًا بِإِرَادَتِكَ ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ ، وَالْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ . رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِخْلِكَ (٤) وَكَرَامَتِكَ ، وَتُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَنَوَافِلِكَ (٥) ، وَتُوَفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحَظَّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَفَوَائِدِكَ . رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ صَلَاةً لَا أَمَدَ فِي أَوَّلِهَا ، وَلَا غَايَةَ لِأَمْدِهَا ، وَلَا نِهَايَةَ لِآخِرِهَا . رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِنَةً عَرَشَكَ وَمَا دُونَهُ ، وَمِلءَ سَمَاوَاتِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ ، وَعَدَدَ أَرْضِيكَ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ ، صَلَاةً تُقَرِّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى ، وَتَكُونُ لَكَ وَلَهُمْ رِضَى ، وَمُتَّصِلَةً بِنِظَائِرِهِنَّ أَبَدًا . اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ ، بِإِمَامِ أَقَمْتَهُ عَلَمَا لِعِبَادِكَ ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ ، بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ ، وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ ، وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ ، وَحَدَّرْتَ مَعْصِيَتَهُ ، وَأَمَرْتَ بِإِمْتِثَالِ أَوْامِرِهِ ، وَالْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ ، وَالْمَا يَنْتَقِدُمُهُ مُتَقَدِّمٌ ، وَلَا يَتَأَخَّرُ عَنْهُ مَتَأَخَّرٌ ، فَهَيِّؤْ عِصْمَةَ اللَّائِيذِينَ ، وَكَهْفَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَعُرْوَةَ الْمُتَمَسِّكِينَ ، وَبَهَاءَ الْعَالَمِينَ . اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ (٦) لَوْلِيكَ شُكْرًا مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ ، وَأَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ ، وَآتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا ، وَأَعِنِّهِ بِرُكْبَتِكَ الْأَعَزِّ ، وَاشْدُدْ أَرْزَهُ ، وَقَوِّ عَضُدَهُ ، وَرَاعِهِ بِعَيْنِكَ ، وَاحْمِهِ بِحِفْظِكَ ، وَانصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ ، وَأَمِدْهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ ، وَأَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ وَسُنَنَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَأَحْيِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ ، وَاجْلُ بِهِ صِدْقَ الْحَيِّورِ عَنْ طَرِيفَتِكَ ، وَأَبِنِ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ ، وَأَرِلْ بِهِ التَّائِكِينَ عَنْ صِرَاطِكَ ، وَامْحَقْ بِهِ بُغَاةَ

قَصِدَكَ عَوْجًا ، وَالنَّ جَائِبُهُ لِأَوْلِيَائِكَ ، وَابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَتَعَطَّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ ، وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ ، وَفِي رِضَاهُ سَاعِينَ ، وَإِلَى نُصْرَتِهِ وَالْمُدَافَعَةِ عَنْهُ مُكِنِّينَ (٧) ، وَإِلَيْكَ وَإِلَى رَسُولِكَ صِلَاؤُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ . اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ ، الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ ، الْمُقْتَفِينَ آثَارَهُمْ ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ ، الْمُؤْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمْ ، الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ ، الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ ، الْمَادِينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمْ ، [وَاحْفَظْهُمْ بِ] (٨) الصَّلَاةِ الْمُبَارَكَةِ الزَّاكِيَةِ النَّامِيَةِ الْغَادِيَةِ الزَّائِحَةِ ، وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ ، وَاجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ ، وَأَصْلِحْ لَهُمْ شُؤُونَهُمْ ، وَتُبْ عَلَيْهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ وَخَيْرُ الْغَافِرِينَ ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (٩)

- ١- .الصحيفه السجاديّه : ص ٤٢ الدعاء ٦ .
- ٢- .الصحيفه السجاديّه : ص ٨٧ الدعاء ٢٠ .
- ٣- .الصحيفه السجاديّه : ص ٥٩ الدعاء ١٣ .
- ٤- .النُّحْلَه : الْعَطِيَه (لسان العرب : ج ١١ ص ٦٥٠ «نحل»).
- ٥- .النوافل : العطايا والفواضل (لسان العرب : ج ١١ ص ٦٧٢ «نفل»).
- ٦- .أوزعنى : أى ألهمنى وأولعنى (النهايه : ج ٥ ص ١٨١ «وزع»).
- ٧- .كَنَفَهُ : صَانَهُ وَحَفِظَهُ وَحَاطَهُ وَأَعَانَهُ ، كَأَكْنَفَهُ (القاموس المحيط : ج ٣ ص ١٩٢ «كنف»).
- ٨- .ما بين المعقوفين أثبتناه من الإقبال .
- ٩- .الصحيفه السجاديّه : ص ١٨٩ الدعاء ٤٧ ، الإقبال : ج ٢ ص ٩٠ ، المصباح للكفعمى : ص ٨٨٩ .

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست ، افزون ترین درودی را که بر یکی از آفریدگانت فرستاده ای ، و از جانب ما به او عطا فرما، بهترین چیزی را که به کسی از بندگانت عطا کرده ای، و از جانب ما پاداشش ده ، برترین و ارجمندترین پاداشی را که به یکی از پیامبرانت از جانب امتش داده ای، که به راستی تو بخشنده نعمت های سترگی، آمرزنده [گناهان] بزرگی، و تو مهربان تر از هر مهربانی. پس بر محمّد و خاندان خوب و پاک و نیک و والای او درود فرست.

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست، چون برترین درودی که پیش از او بر آفریده ای از آفریدگانت فرستاده ای و پس از او بر کسی خواهی فرستاد، و در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی، و به رحمت خود ، ما را از عذاب آتش ، ننگه دار.

امام زین العابدین علیه السلام: بر محمّد و خاندان او درود فرست ؛ درودی پاینده و بالنده و ابدی و پایان ناپذیر، و آن را کمک و سببی برای رسیدن به مطلوبم قرار ده ، که به راستی ، تو گشایش بخش و بزرگواری . از جمله حاجت های من ای پروردگار ، این و آن است.

امام زین العابدین علیه السلام: ای پروردگار من! برترین درودهایت را بر محمّد و خاندان محمّد که برگزیده و پسندیده و گرمی و مقرب [در نزد تو] است ، بفرست و کامل ترین برکت هایت را به او ده، و لذتبخش ترین (پر بهره ترین) رحمت هایت را ارزانی اش دار. پروردگار من! بر محمّد و خاندان او درود فرست ؛ درودی پاک که پاک تر از آن ، درودی نباشد . بر او درود فرست ؛ درودی بالنده که بالنده تر از آن ، درودی نباشد . بر او درود فرست ؛ درودی خوشنودتر سازد . بر او درود فرست ؛ درودی که تو را خوشنود و خوشنودتر سازد . بر او درود فرست ؛ درودی که تو را خوشنود و خوشنودتر سازد . بر او درود فرست ؛ درودی که تو را خوشنود و خوشنودتر سازد . بر او درود فرست ؛ درودی که جز آن را برای او نپسندی و جز او ، کسی دیگر را شایسته آن نبینی. پروردگار من! بر محمّد و خاندان او درود فرست ؛ درودی که از خوشنودی ات در گذرد و به جاودانگی تو بیوندد و همچون کلمات ، پایان ناپذیر باشد. پروردگار من! بر محمّد و خاندانش درود فرست ؛ درودی که درودهای فرشتگان و پیامبرانت و فرستادگانت و فرمان بُردارانت را به رشته خود کشد، و [همه] درودهای بندگانت، از جنّ و انس و پذیرندگان را در برگیرد، و درود هر آن کس را که آفریده ای و پدید آورده ای، از هرگونه مخلوق، در خود گرد آور . پروردگار من! بر او و خاندانش درود فرست ؛ درودی که همه درودهای گذشته و جدید را در میان گیرد . بر او و خاندانش درود فرست ؛ درودی که پسند تو و جز تو باشد، و همراهش درودی پدید آوری که با آن، آن درودها [پیشین] را چند برابر گردانی و با گردش ایام ، چندین و چند برابرشان بیفزایی ، که جز تو ، کسی نمی تواند آنها را بشمارد. پروردگار من! بر پاک ترین خاندانش درود فرست که آنان را برای کار [و دین] خود برگزیدی و خزانه داران دانشت و نگهبانان دینت و جانشینان خود در زمینت و حجّت های خویش بر بندگانت قرارشان دادی، و به خواست خود ، آنان را از پلیدی و آلودگی به کَلّی پاک گردانیدی، و وسیله ای به سوی خودت و راهی برای رسیدن به بهشتت قرارشان دادی. پروردگار من! بر محمّد و خاندان او درود فرست ؛ درودی که به سبب آن ،

پیشکش‌ها و ارجداشت را برای ایشان، فراوان گردانی، و دَهِش‌ها و بخشش‌هایت را به آنان، کامل سازی، و بهره‌شان را از سودها و فوایدت، بسیار کنی. پروردگار من! بر او و بر ایشان درود فرست؛ درودی که آغازش را نقطه‌ای و عمرش را سرآمدی و آخرش را پایانی نباشد. پروردگار من! بر ایشان درود فرست، به وزن عرشت و آنچه زیر آن است، و به حجم آسمان‌هایت و آنچه بالای آنهاست، و به شمار زمین‌هایت و آنچه زیر آنها و ما بین آنهاست؛ درودی که آنان را به تو نزدیک گرداند، تو و ایشان را پسند آید، و تا ابد به همانندهای آن درودها پیوسته باشد. بار خدایا! تو در هر زمان، دینت را به وسیله پیشوایی کمک رساندی که او را نشانه‌ای برای بندگانت و چراغ فروزانی در شهرهایت قرار دادی، پس از آن که رشته‌اش را به رشته خودت پیوستی، و او را دستاویزی به سوی خشنودی ات گردانیدی و اطاعتش را واجب ساختی، و از سرکشی در برابرش بر حذر داشتی، و به اجرای اوامرش و خودداری از انجام دادن نهی‌هایش، فرمان دادی، و این که هیچ کس نباید بر او پیشی گیرد (به دستور او باید به هر کاری اقدام کند) یا از او پس ماند (نباید خلاف دستورش رفتار کند). پس او نگهبان پناه جویان، و پناه مؤمنان، و دستاویز چنگ زندگان، و روشنایی جهانیان است. بار خدایا! پس ولی [و پیشوایان دین] خود را سپاس گزار نعمت‌هایی که به او ارزانی داشته‌ای، قرار ده، و ما را نیز سپاس گزار نعمت وجود او بدار (/ ما را نیز در نعمتی که به ما بخشیده‌ای، سپاس گزار قرار ده)، و از جانب خود، به او قدرتی (/حجتی) یاریگر عطا فرما، و برایش فتحی آسان فراهم آر، و به نیرومندترین تکیه گاهت، او را کمک کن، و پشتش را قوی دار، و بازویش را پُر توان ساز، و از او مراقبت فرما، و با نگهداشت خود، حمایتش کن، و با فرشتگانت، یاری‌اش ده، و با ظفرمندترین سربازانت، او را مدد رسان، و به واسطه او کتابت و احکامات و قوانینت و سنت‌های پیامبرت را که درودهای تو، ای خداوند، بر او و خاندانش باد، بر پا بدار، به وسیله او تعالیم دینت را که ستمگران میرانده‌اند، زنده گردان، به واسطه او، زنگار کج روی در راهت را بزدای، به واسطه او سختی (/کوری) را از مسیرت کنار زن، به واسطه او منحرفان از خطت را نابود کن، به وسیله او، آنان را که خواهان کثرتی در راه راست تو هستند، از میان بردار، او را نسبت به دوستانت، نرم خو گردان، و دستش را بر دشمنانت بگشای، و رأفت و مهربانی و عطوفت و دلسوزی‌اش را به ما ببخش، و ما را حرف شنو و فرمان‌بردار او و کوشا در جهت جلب رضایت او، و آماده یاری دادن و دفاع از او قرار ده و بدین ترتیب، ما را به خودت و پیامبرت که درودهای تو، ای خدا، بر او و خاندانش باد، نزدیک گردان. بار خدایا! بر دوستان ایشان که به مقام آنان اعتراف دارند، و راهشان را می‌پویند، و از پی آنان می‌روند، و به دستاویز ایشان چنگ می‌زنند، و به رشته ولایتشان آویخته‌اند، و آنان را به پیشوایی خود گرفته‌اند و به فرمان آنان، گردن نهاده‌اند، و در فرمانبری از آنان کوشایند، و چشم به راه دولت آنان هستند، و چشمانشان به سوی آنان دوخته شده است، درود فرست، [و آنان را محافظت فرما] با درودهای خجسته و فزاینده و بالنده و شبانه روزی، و بر آنان و بر جان‌هایشان، درود فرست، و آنان را بر پایه پرهیزگاری فراهم آور، و امورشان را سامان ده، و توبه آنان را بپذیر، که تو توبه‌پذیری مهربان و بهترین آمرزندگان، و ما را در سرای بی‌گزند (بهشت) با آنان قرار ده، به حق مهربانی ات، ای مهربان‌ترین مهربانان!

ص: ٤٣٦

..

ص: ٤٣٧

..

ص: ٤٣٨

..

ص: ۴۳۹

..

عنه عليه السلام: أشهد أن مُحَمَّدًا نَبِيُّهُ الْمُرْسَلُ ، وَوَيْتُهُ الْمَفْضَلُ ، وَشَهِيدُهُ الْمُسْتَعْدَلُ ، الْمُؤَيَّدُ بِالنُّورِ الْمُضِيءِ ، وَالْمُسَدَّدُ بِالْأَمْرِ الْمَرْضِيِّ ، بَعَثَهُ بِالْأَوْامِرِ الشَّافِيَةِ ، وَالزُّوْجِرِ النَّاهِيَةِ ، وَالذَّلَائِلِ الْهَادِيَةِ ، الَّتِي أَوْضَحَ بُرْهَانَهَا ، وَشَرَحَ بُنْيَانَهَا ، فِي كِتَابٍ مُهِمِّينٍ عَلَى كُلِّ كِتَابٍ ، جَامِعٍ لِكُلِّ رُشْدٍ وَصَوَابٍ ، فِيهِ نَبَأُ الْقُرُونِ ، وَتَفْصِيلُ الشُّؤْنِ ، وَفَرَضُ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ ، وَالْفَرْقُ بَيْنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ فَدَعَا إِلَى خَيْرِ سَبِيلٍ ، وَشَفَى مِنْ هِيَامِ الْغَلِيلِ ، حَتَّى عَلَا الْحَقُّ وَظَهَرَ ، وَزَهَقَ الْبَاطِلُ وَانْحَسِرَ ، صَدَّقَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، صَلَاةً دَائِمَةً مُمَهَّدَةً لَا تَنْقُضِي لَهَا مُدَّةً ، وَلَا يَنْحَصِرُ لَهَا عِدَّةٌ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، مَا جَرَتْ النُّجُومُ فِي الْأَبْرَاجِ ، وَتَلَاطَمَتِ (١) الْبُحُورُ بِالْأَمْوَاجِ ، وَمَا ادْلَهَمَ (٢) لَيْلٌ دَاجٍ ، وَأَشْرَقَ نَهَارٌ ذُو ابْتِلَاجٍ ، وَصَدَّلَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَعَاقَبَتِ الْأَيَّامُ ، وَتَنَاوَبَتِ الْأَعْوَامُ ، وَمَا خَطَرَتِ الْأَوْهَامُ ، وَتَدَبَّرَتِ الْأَفْهَامُ ، وَمَا بَقِيَ الْأَنَامُ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ ، وَآلِهِ الْبَرَرَةِ الْأَتْقِيَاءِ ، وَعَلَى عِتْرَتِهِ النَّجْبَاءِ ، صَلَاةً مَعْرُوفَةً بِالتَّمَامِ وَالنَّمَاءِ ، وَبَاقِيَةَ بِلَا فَنَاءٍ وَانْقِضَاءٍ . (٣)

١- في المصدر: «طلاطمه»، والتصويب من الصحيفه السجاديّه الجامعه: ص ٤٣٨ .

٢- ادلهّم الظلام: كُتِفَ (القاموس المحيط: ج ٤ ص ١١٣ «دلهم»).

٣- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥٤ ح ٢٢ نقلاً عن كتاب أنيس العابدين من مؤلفات بعض قدمائنا .

امام زین العابدین علیه السلام: گواهی می دهم که محمد، پیامبر فرستاده شده اوست، و برترین دوست و ولی او، و گواه عادل اوست. با نور تابناک، تأیید شده و با دستور پسندیده، راه نمایی شده است. [خداوند] او را با فرمان های شفابخش و نهی های باز دارنده و دلیل های راه نما فرستاد، و برهان آنها را روشن نمود و ساختمانشان را تشریح کرد، در کتابی که حاکم (/نگهبان) بر هر کتابی است و در بردارنده هرگونه درستی و صوابی خبر نسلها [ی پیشین] و تفصیل امور، و وجوب نماز و روزه، و فرق میان حلال و حرام در آن آمده است. او به بهترین راه، فرا خواند، و عطش سوزان تشنگان را فرو نشاند، تا آن که حق، برآمد و نمایان شد و باطل، نابود و ناپدید گشت. درود خدا بر او و خاندانش باد، درودی پاینده و آماده که مدتش به سر نمی آید و به شماره ای محدود نمی شود. بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست، تا هر آن گاه که ستارگان در برج ها روان اند، و دریاها به موج، خروشان، و تا هر آن گاه که شبی تار در کار است و روزی روشن می تابد! بر او و خاندانش درود فرست تا زمانی که روزها و سال ها از پی هم می آیند، و تا هر آن گاه که اوام، خطور می کنند و اندیشه ها می اندیشند، و مردمان به سر می برند. بار خدایا! بر محمد، خاتم پیامبران، و بر خاندان پاک و پرهیزگار او، و بر دودمان و الاتبارش درود فرست؛ درودی با وصف کمال و بالندگی و ماندگار و به دور از نیستی و پایان پذیری.

٦ / ٧ الصَّلَوَاتُ الْمَأْتُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا اللَّهُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً ، اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ جَمِيعَ الْخَيْرِ كُلِّهِ ، وَاصْرِفْ عَن مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ جَمِيعَ الشَّرِّ كُلِّهِ . (١)

عنه عليه السلام: إِذَا صَلَّيْتَ الْعَصْرَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقُلْ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ ، وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ ، وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» . مَنْ قَالَهَا فِي دُبْرِ الْعَصْرِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِئَةَ أَلْفِ حَسَنَةٍ ، وَمَحَا عَنْهُ مِئَةَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ ، وَقَضَى لَهُ مِئَةَ أَلْفِ حَاجَةٍ ، وَرَفَعَ لَهُ بِهَا مِئَةَ أَلْفِ دَرَجَةٍ . (٢)

٦ / ٨ الصَّلَوَاتُ الْمَأْتُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا صَلَّيْتَ الْعَصْرَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقُلْ: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ ، وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» مِئَةَ مَرَّةٍ . (٣)

١- مصباح المتهجد: ص ٣٦٥ ح ٤٩١ ، جمال الأسبوع: ص ٢٥٦ كلاهما عن أبي حمزة الثمالي ، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٥٠

٢- تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٩ ح ٦٨ ، ثواب الأعمال: ص ٦٠ ح ١ ، الأمل للطوسي: ص ٤٤٠ ح ٩٨٦ ، الأمل للصدوق: ص ٤٨٤ ح ٦٥٦ ، جمال الأسبوع: ص ٢٧٥ ح ٤ كلها عن ناجيه ، مستطرفات السرائر: ص ٦٠ ح ٣٠ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٩٢ ح ٥ و ج ٨٦ ص ٧٩ ح ٤ .

٣- جمال الأسبوع: ص ٢٧٨ ح ٩ عن زيد الشحام وص ٢٧٧ ح ٨ عن حفص بن أبي البختري نحوه ، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٩١ ح ٤ .

۶ / ۷ صلوات های رسیده از امام باقر علیه السلام

۶ / ۸ صلوات های رسیده از امام صادق علیه السلام

۶ / ۷ صلوات های رسیده از امام باقر امام باقر علیه السلام: ای خدایی که هیچ چیز چون او نیست! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست؛ درودی بسیار و پاک و بابرکت. بار خدایا! هر چه خوبی است، سراسر، به محمد و خاندان محمد، عطا فرما، و هر چه بدی است، سراسر، از محمد و خاندان محمد، دور دار.

امام باقر علیه السلام: هر گاه نماز عصر روز جمعه را خواندی، بگو: «بار خدایا! برترین درودهایت را بر محمد و خاندان محمد، این اوصیای پسندیده، بفرست و برترین برکت هایت را به آنان، ارزانی دار. درود و رحمت خدا و برکات او بر آنان و بر جان ها و تن های آنان باد!». هر کس بعد از نماز عصر، این دعا را بگوید، خداوند، صد هزار ثواب برایش می نویسد، و صد هزار گناه از او پاک کند، و صد هزار حاجت، از او برآورده سازد، و صد هزار درجه او را بالا می برد.

۶ / ۸ صلوات های رسیده از امام صادق امام صادق علیه السلام: چون نماز عصر روز جمعه را خواندی، صد مرتبه بگو: «بار خدایا! درودهای خودت و درودهای فرشتگان و پیامبران و فرستادگان را بر محمد اُمّی و بر خانواده او بفرست. درود و رحمت خدا و برکات او بر ایشان باد!».

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ بَعْدَ صِيَّ لَاهِ الْفَجْرِ أَوْ بَعْدَ صِيَّ لَاهِ الظُّهْرِ: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ ذَنْبٌ سَنَةً». (١)

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ بَعْدَ صِيَّ لَاهِ الْفَجْرِ وَبَعْدَ صِيَّ لَاهِ الظُّهْرِ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ» لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمَ. (٢)

عنه عليه السلام فِي فَضْلِ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بَعْدَ فَرِيضَةِ الْعَصْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى الْأَيَّامَ، وَيَبْعَثُ الْجُمُعَةَ أَمَامَهَا... فَتَقِفُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ وَالْأَيَّامُ خَلْفَهَا، فَيَشْفَعُ لِكُلِّ مَنْ أَكْثَرَ الصَّلَاةَ فِيهَا عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ... تَقُولُ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ» مِنْهُ مَرَّةً. (٣)

عنه عليه السلام: مَنْ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حِينَ يُصَلِّي الْعَصْرَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ قَبْلَ أَنْ يَنْفَتِلَ مِنْ صَلَاتِهِ (٤) عَشْرَ مَرَّاتٍ، يَقُولُ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ، وَعَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» صَيَّ لَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ تِلْكَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ الْمُقْبِلَةِ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ. (٥)

عنه عليه السلام: الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ الْعَصْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ تَقُولُ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَارْفَعْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَتْهُمْ تَطْهِيرًا». (٦)

- ١- مصباح المتهجد: ص ٣٦٨ ح ٤٩٧، جمال الأسبوع: ص ٢٦١، المصباح للكفعمي: ص ٥٥٧، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣٣١ ح ٤.
- ٢- مصباح المتهجد: ص ٣٦٨ ح ٤٩٨، جمال الأسبوع: ص ٢٦١، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٧٧ ح ١١.
- ٣- جمال الأسبوع: ص ٢٧٧ عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٩١ ح ٤.
- ٤- انفتل فلان عن صلاته: انصرف (لسان العرب: ج ١١ ص ٥١٤ «فتل»).
- ٥- جمال الأسبوع: ص ٢٧٤ ح ١ عن أبي إسماعيل الصيقل، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٩٠ ح ٤.
- ٦- جمال الأسبوع: ص ٢٧٥ ح ٣ عن عمر بن يزيد، مصباح المتهجد: ص ٣٨٦ ح ٥١٣ من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٩٠ ح ٤.

امام صادق علیه السلام: هر کس بعد از نماز صبح یا پس از نماز ظهر بگوید: «بار خدایا! درودهای خودت و درودهای فرشتگان و فرستادگان را بر محمد و خاندان محمد بفرست»، تا یک سال برایش گناهی نوشته نمی شود.

امام صادق علیه السلام: هر کس بعد از نماز صبح و پس از نماز ظهر بگوید: «بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و دولت آنان را شتاب بخش»، نمی میرد تا قائم را دریابد.

امام صادق علیه السلام: در ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او، پس از نماز عصر روز جمعه: چون روز رستاخیز شود، خدای متعال، روزها را زنده می گرداند، و جمعه را پیشاپیش آنها می فرستد... و او بر در بهشت می ایستد و دیگر روزها، در پس او. برای هر کس که در آن، بیشتر بر محمد و خاندان محمد، درود فرستاده است، شفاعت می کند. [پس بعد از نماز عصر جمعه] صد مرتبه می گویی: «بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و در فرج آنان، تعجیل فرما».

امام صادق علیه السلام: هر کس چون نماز عصر روز جمعه را خواند، پیش از آن که از حالت نمازش روی گردان شود، ده بار بگوید: «بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، این اوصیای پسندیده [ی خداوند]، برترین درودهایت را بفرست و برترین برکت هایت را نثار آنان کن. درود و رحمت و برکات خدا بر او و بر ایشان و بر جان ها و تن هایشان باد!»، فرشتگان، از آن جمعه تا جمعه آینده، در همان ساعت بر او درود می فرستند.

امام صادق علیه السلام: درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از نماز عصر روز جمعه چنین است که می گویی: «بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست، و به محمد و خاندان محمد، برکت ده، و به محمد و خاندان محمد، رحمت آور، و محمد و خاندان محمد را، همانان که پلیدی را از ایشان بُردی و پاک پاک شان کردی، بلندی بخش».

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، كَمَا صَلَّيْتَ وَرَحِمْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَأئِمَّةِ الْهُدَى ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْدَالِ (١) وَالْأَوْلَادِ ، وَالشُّيَاحِ وَالْعُبَادِ ، وَالْمُخْلِصِينَ وَالزُّهَادِ ، وَأَهْلِ الْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ ، وَاخْصِيصْ مُحَمَّدًا وَأَهْلَ بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ ، وَأَجْزَلِ كَرَامَاتِكَ ، وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ مِنِّي تَحِيَّةً وَسِلَاقًا ، وَزِدْهُ فَضْلًا وَشَرَفًا وَإِكْرَامًا ، حَتَّى تُبَلِّغَهُ أَعْلَى دَرَجَاتِ أَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْأَفْاضِلِ الْمُقَرَّبِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مَن سَمَّيْتُ وَمَن لَمْ أَسْمُ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ ، وَأَوْصِلْ صَلَوَاتِي إِلَيْهِمْ وَإِلَى أُرْوَاحِهِمْ ، وَاجْعَلْهُمْ إِخْوَانِي فِيكَ وَأَعْوَانِي عَلَى دُعَائِكَ . (٢)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ ، وَأَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَسَلَامٌ كَثِيرًا . (٣)

١- الأبدال: قوم بهم يقيم الله الأرض ... لا يموت أحدهم إلّا قام مكانه آخر من سائر الناس (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٣٣٣ «بدل»).

٢- الإقبال: ج ٣ ص ٢٤٤ ، مصباح المتهجد: ص ٨٠٩ ح ٨٧٢ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ٤٨ وج ٩٨ ص ٤٠١ ح ١ .

٣- تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٧٢ ح ٢٣٠ ، الإقبال: ج ١ ص ٨٥ ، مصباح المتهجد: ص ٥٤٣ ح ٦٣٠ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٣٦٢ ح ١ .

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست، و به محمد و خاندان محمد، رحمت آور، و به محمد و خاندان محمد، برکت ده، همچنان که بر ابراهیم و آل ابراهیم، درود فرستادی و رحمت آوردی و برکت دادی، به راستی که تو ستودنی و بزرگواری. بار خدایا! بر جانشینان و نیک بختان و گواهان و پیشوایان هدایت، درود فرست. بار خدایا! بر ابدال (۱) و اوتاد (۲) و سائحان (۳) و عابدان و مخلصان و زاهدان و اهل کوشش و تلاش [در عمل و طاعت]، درود فرست، و برترین درودهایت و بیشترین کرامت هایت را به محمد و اهل بیت او اختصاص ده، و از جانب من، به جان و جسم او تحیت و درود فرست، و بر برتری و بزرگی و بزرگداشت او بیفزای، چندان که او را به بالاترین درجه بزرگان از پیامبران و فرستادگان و برترین مقربان [در گاهت] برسانی. بار خدایا! بر فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و اهل طاعت، چه آن که نام بردم و چه آن که نام نبردم، درود فرست، و درودهای مرا به آنان و به روان هایشان برسان، و ایشان را برادران من در راه خودت و کمک کنندگان به من در دعا به درگاه خود، قرار ده.

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست، و هر آن خوبی ای که محمد و خاندان محمد را به آن در آوردی، مرا نیز به آن در آور، و هر آن بدی ای که محمد و خاندان محمد را که درود خدا بر او و بر ایشان باد، بیرون بردی، مرا نیز از آن بیرون ببر. درود فراوان و رحمت و برکات خدا بر او و برایشان باد!

۱- ابدال، جماعتی هستند که خداوند به برکت وجود آنان، زمین را نگه داشته است... و هر یک از آنها بمیرد، دیگری جای او را بگیرد.

۲- اوتاد، در اصل به معنای میخ هاست و در اصطلاح، گروهی از اولیاء الله هستند که به منزله ارکان عالم اند.

۳- سائحان در اصل گردشگران هستند ولی طبق نظر مفسران در قرآن وحیث به معنای روزه داران می باشد.

جمال الأسبوع عن حريز: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ ، كَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ؟ ... فقال لي : إِنَّكَ لِحَافِظٌ يَا حَرِيزُ ، فَقُلْ كَمَا أَقُولُ لَكَ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ أَلْهَمْتَهُمْ عِلْمَكَ وَاسْتَحْفَظْتَهُمْ كِتَابَكَ وَاسْتَرَعَيْتَهُمْ عِبَادَكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمْ وَأَوْجَبْتَ حُبَّهُمْ وَمَوَدَّتَهُمْ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ وُلاةَ أَمْرِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ . (١)

تهذيب الأحكام عن عبيد الله الحلبي: قال (٢) في قنوت الجمعة: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ خَلَقْتَهُ لِدِينِكَ ، وَمِمَّنْ خَلَقْتَهُ لِجَنَّتِكَ . قُلْتُ : أَسْمَى الْأَيْمَةِ؟ قال : سَمَّهُمْ جُمْلَةً . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ ، السَّرَاحِ الْمُنِيرِ ، الطُّهْرِ الطَّاهِرِ ، الْخَيْرِ الْفَاضِلِ ، خَاتَمِ أَنْبِيَائِكَ ، وَسَيِّدِ أَصْفِيائِكَ ، وَخَالِصِ أَخْلَاقِكَ ، ذِي الْوَجْهِ الْجَمِيلِ ، وَالشَّرَفِ الْأَصِيلِ ، وَالْمَنْبَرِ النَّبِيلِ ، وَالْمَقَامِ الْمَحْمُودِ ، وَالْمَنْهَلِ الْمَشْهُودِ ، وَالْحَوْضِ الْمَمْرُودِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ ، وَجَاهِدَ فِي سَبِيلِكَ ، وَنَصَّحَ لِأُمَّتِهِ ، وَعَبَدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ ، الْأَتْقِيَاءِ الْأَبْرَارِ ، الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ لِدِينِكَ ، وَأَصْطَفَيْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ ، وَائْتَمَنْتَهُمْ عَلَى وَحْيِكَ ، وَجَعَلْتَهُمْ خُزَانَ عِلْمِكَ ، وَتَرَاجِمَهُ وَحْيِكَ ، وَأَعْلَامَ نوركِ ، وَحَفَظَهُ سِرِّكَ ، وَأَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا . اللَّهُمَّ انْفَعْنَا بِحُبِّهِمْ ، وَاحْشُرْنَا فِي زَمَرَتِهِمْ وَتَحْتَ لَوَائِهِمْ ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ ، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ . (٤)

١- جمال الأسبوع: ص ١٥٨ ، الإقبال: ج ٢ ص ١٧٤ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٦٧ ح ٥٥ .

٢- كذا جاء مضمرًا ، والحلبي من كبار أصحاب الإمام الصادق عليه السلام .

٣- تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٨ ح ٦٣ .

٤- مصباح المتعبد: ص ١٠٣ ح ١٧٢ ، فلاح السائل: ص ٤٢٤ ح ٢٩١ ، المصباح للكفعمي: ص ٥٨ كلها عن معاوية بن عمارة ،

بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٠٨ ح ٩ .

جمال الأسبوع به نقل از حریر: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم! درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه است؟ به من فرمود: «تو حافظه ای نیکو داری، ای حریر! پس آن گونه بگو که برایت می گویم. [بگو]: بار خدایا! بر محمد و اهل بیت او که پلیدی را از ایشان بردی و کاملاً پاکشان گردانیدی، درود فرست... بار خدایا! بر محمد و خانواده او که دانش خود را به ایشان الهام فرمودی و نگهداری از کتابت و سرپرستی بندگان را به آنان سپردی، درود فرست، بار خدایا! بر محمد و اهل بیت او که به فرمانبری از آنان، فرمان دادی و محبت و دوستی ایشان را واجب ساختی، درود فرست. بار خدایا! بر محمد و اهل بیت او که آنان را اولیای امر خود پس از پیامبر درود خدا بر او و بر خانواده اش قرار دادی، درود فرست».

تهذیب الأحکام به نقل از عبید الله حلبی (۱): [امام علیه السلام] در دعای قنوت نماز جمعه گفت: «بار خدایا! بر محمد و بر امامان مسلمانان، درود فرست. بار خدایا! مرا از کسانی قرار ده که برای دین خود آفریدی، و از آنان که برای بهشت، خلق کردی». گفتم: نام امامان را ببرم؟ فرمود: «به طور کلی از آنها نام ببر». (۲)

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! درود فرست بر محمد، آن بشارتگر هشداردهنده، چراغ تابان، پاک و پاکیزه، نیکوکار برجسته، خاتم پیامبران و آقای برگزیدگان، و ناب ترین دوستان، صاحب روی زیبا، و بزرگی اصیل، و جایگاه والا و شریف، و مقام پسندیده و چشمه همگانی، و حوضی که [برای سیراب شدن] بر آن در آیند. بار خدایا! بر محمد، درود فرست که او پیام تو را رسانید، و در راه تو کوشید، و امتش را راه نمایی کرد، و تازنده بود، تو را پرستید. بر محمد و خاندان پاک و نیک و پرهیزگار و نیکوکار او درود فرست؛ همانان که ایشان را برای دین خود پسندیدی، و از میان آفریدگان برگزیدی، و وحی خود را نزد آنان، به امانت نهادی، و خزانه داران دانش و مترجمان وحی ات، و نشانه های نورت و نگهداران رازت قرارشان دادی و آلودگی را از ایشان بردی و پاک پاکشان ساختی. بار خدایا! ما را از دوستی آنان، سودمند دار، و در گروه آنان و زیر پرچم ایشان، محشورمان فرما. ما را از آنان، جدا مساز، و مرا به واسطه آنان، نزد خودت در دنیا و آخرت، آبرومند و از نزدیکانی گردان که بیمی برایشان نیست و اندوهگین نمی شوند.

۱- حلبی از اصحاب برجسته امام صادق علیه السلام بوده است.

۲- یعنی: بگو: امامان؛ همه امامان.

عنه عليه السلام: إذا أردت أن تخرج من مكة وتأتي أهلَكَ فودِّع البيت . . . واحمِدِ الله وأثنِ عليه ، وصلِّ على النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله ، ثم قل : اللَّهُمَّ صلِّ على مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ ، وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ ، وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ (١) وخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، اللَّهُمَّ كما بَلَغَ رسالاتِكَ ، وجَاهَدَ في سَبِيلِكَ ، وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ ، وَأُوذِيَ في جَنبِكَ ، وَعَبَدَكَ حَتَّى أَتَاهُ اليَقِينُ (٢)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَصَيفِيكَ وَنَجِيِّكَ وَدَلِيلِكَ ، وَالِدَاعِي إِلَى سَبِيلِكَ ، وَعَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ مِنْ بَعْدِ رَسُولِكَ ، وَعَلَى أَوْصِيَاءِهِمَا الْمُسْتَحْفَظِينَ دِينِكَ ، الْمُسْتَوْدَعِينَ حَقِّكَ ، وَالْمُسْتَرَعِينَ خَلْقَكَ ، وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ السَّلَامَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . (٣)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ سامِكِ الْمَسْمُوكَاتِ ، وَداجِيِ الْمَدْحُوتَاتِ ، خَالِقِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتِ ، أَخَذْتَ عَلَيْنَا عَهْدَكَ وَاعْتَرَفْنَا بِبُؤْهِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله ، وأَقْرَبْنَا بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ، وَأَمَرْتَنَا بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ فَعَلِمْنَا أَنَّ ذَلِكَ حَقٌّ فَاتَّبَعْنَاهُ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَأَشْهَدُ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالثَّمَانِيَةَ حَمَلَةَ الْعَرْشِ ، وَالْأَرْبَعَةَ الْأَمْلاكَ خَزَنَةَ عِلْمِكَ ، أَنَّ فَرَضَ صَلَاتِي لَوَجْهِكَ ، وَنَوَافِلِي وَزَكَاتِي وَمَا طَابَ لِي مِنْ قَوْلٍ وَعَمَلٍ عِنْدَكَ فَعَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ . وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَنْ تَوْصِيَنِي بِهِمْ وَتَقْرَبَنِي بِهِمْ لَدَيْكَ ، كما أَمَرْتَنِي بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ ، وَأَشْهَدُكَ أَنِّي مُسَلِّمٌ لَهُ وَلِأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ ، فَزَكْنَا بِصِيْلَاتِكَ وَصِيْلَةِ مَلَائِكَتِكَ ، إِنَّهُ فِي وَعْدِكَ وَقَوْلِكَ : «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا * تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَ أَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا» (٤) فَأَرْزَلْنَا (٥) بِتَحِيَّتِكَ وَسَلَامِكَ ، وَآمَنَّا عَلَيْنَا بِأَجْرِ كَرِيمٍ مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَاخْصَصْنَا مِنْ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَآلِهِ بِأَفْضَلِ صِيْلَاتِكَ ، «وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صِيْلَتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ» (٦) ، وَزَكْنَا بِصِيْلَاتِهِ وَصَلَوَاتِ أَهْلِ بَيْتِهِ ، فَاجْعَلْ مَا آتَيْتَنَا مِنْ عِلْمِهِمْ وَمَعْرِفَتِهِمْ مُسْتَقْرًا عِنْدَكَ ، مَشْفُوعًا لَا مُسْتَوْدَعًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (٧)

١- في تهذيب الأحكام : «ونجيبك» .

٢- الكافي : ج ٤ ص ٥٣٠ ح ١ ، تهذيب الأحكام : ج ٥ ص ٢٨٠ ح ٩٥٧ كلاهما عن معاوية بن عمّار .

٣- الإقبال : ج ١ ص ٢٣٤ عن علي بن ميمون الصائغ أبي الأكراد ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٧ ح ٢ و ج ٩٢ ص ٢٠٨ ح ٤ .

٤- الأحزاب : ٤٣ و ٤٤ .

٥- أزلف الشيء : قرّبه . والزلفى : القربى والدرجة والمنزلة (لسان العرب : ج ٩ ص ١٣٨ «زلف»).

٦- التوبة : ١٠٣ .

٧- جمال الأسبوع : ص ١٥٨ عن عبد الله بن سنان ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٦٦ ح ٥٤ .

امام صادق علیه السلام: هرگاه خواستی از مکه خارج شوی و نزد خانواده ات بروی، با خانه [ی کعبه] بدرود گوی... و خدای را بستای و ثنایش گوی و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست . سپس بگو: «بار خدایا! بر محمد، بنده ات و فرستاده ات و پیامبرت و امانتدارت و محبوبت و هم رازت و برگزیده ات، از میان آفریدگانت، درود فرست بار خدایا، زیرا او پیام های تو را رسانید، و در راه تو سخت کوشید، و فرمان تو را به کار بست، و برای تو آزار دید، و تازنده بود، تو را پرستید...» .

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! بر محمد، پیامبرت و برگزیده ات و هم رازت و راه نمایت و دعوتگر به راهت، درود فرست، و هم بر امیر مؤمنان، ولی تو و جانشینت بعد از پیامبرت، و بر جانشینان آنان که نگهبانان دینت قرارشان داده ای و حقت را به دست آنان سپرده ای و به سرپرستی خلقت گماشته ای که درود و رحمت و برکات خدا بر همه ایشان باد! .

امام صادق علیه السلام: بار خدایا، ای بر افرازانده آسمان های بلند، و گستراننده زمین های پهناور، ای آفریننده زمین و آسمان ها! تو از ما پیمان ستاندی و ما به پیامبری محمد صلی الله علیه و آله اعتراف کردیم، و به ولایت علی بن ابی طالب اقرار نمودیم، و شنیدیم و فرمان بردیم . به ما فرمودی که بر ایشان، درود فرستیم و ما دانستیم که این، حق است و پیروی اش کردیم. بار خدایا! تو را گواه می گیرم، و محمد و علی و هشت [فرشته] بردارنده عرش، و چهار فرشته خزانه دار دانش تو را هم گواه می گیرم که نمازهای واجب و مستحب، و زکاتم و هر گفتار و کردار خوبی که نزد تو دارم، [همه] از آن محمد و خاندان محمد باشد. از تو می خواهم ای خداوند، که مرا به آنان، بیبندی و به واسطه ایشان، در نزد خویش، مقربم داری، همچنان که مرا به درود فرستادن بر او فرمان دادی. تو را گواه می گیرم که من، تسلیم او و اهل بیتش هستم، بی هیچ سرپیچی و گردنکشی. پس با درود فرستادن خودت و درود فرستادن فرشتگانت [بر ما] ما را پاک گردان که این خود، در وعده و گفتار توست: «اوست کسی که با فرشتگان خود، بر شما درود می فرستد تا شما را از تاریکی ها به سوی روشنایی بر آورد و نسبت به مؤمنان، همواره مهربان است. درودشان، روزی که دیدار کنند، سلام خواهد بود و برای آنان، پاداشی نیکو آماده کرده است». پس با درود و سلام خود، ما را به مقام قرب رسان، و پاداشی نیکو از رحمت به ما ارزانی دار، و برترین درودهایت را توسط محمد صلی الله علیه و آله به ما عطا فرما [چرا که خودت به ایشان فرموده ای:] «و بر ایشان، درود فرست که درود فرستادن تو، مایه آرامش آنان است». و با درود (دعای) او و درودهای اهل بیتش، ما را پاک گردان و آنچه از دانش و شناخت ایشان به ما داده ای، نزد خودت ثابت و استوار و شفاعت شده، و نه عاریتی، نگه دار، ای مهربان ترین مهربانان!

عنه عليه السلام: تقولُ وأنتِ على بابِ المسجدِ [الحرام] : ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ ، وَعَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ ، وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ ، وَسَلِّمْ عَلَيَّ وَعَلَى الْمُرْسَلِينَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . (١)

١- الكافي : ج ٤ ص ٤٠٢ ح ٢ ، تهذيب الأحكام : ج ٥ ص ١٠٠ ح ٣٢٨ كلاهما عن أبي بصير .

امام صادق علیه السلام: زمانی که بر درگاه مسجد [الحرام] قرار گرفتی ، می گویی: «... بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست . به محمد و خاندان محمد ، برکت ده . بر محمد و خاندان محمد ، رحمت آور، همچنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم ، درود فرستادی و برکت دادی و رحمت آوردی ، که به راستی ، تو ستوده و بزرگی . بار خدایا! بر بنده و فرستاده ات محمد و خاندان محمد، و بر دوستت ابراهیم، و بر پیامبرانت و فرستادگانت درود و سلام فرست . درود بر فرستادگان، و ستایش ، خدای را پروردگار جهانیان.

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا لَاحَ الْجَدِيدَانِ (١) ، وَمَا أَطْرَدَ الْخَافِقَانِ (٢) ، وَمَا حَادَا الْحَادِيَانِ (٣) ، وَمَا عَسَعَسَ لَيْلٌ (٤) وَادَلَّهُمْ ظَلَامٌ ، وَمَا تَنَفَّسَ صُبْحٌ وَمَا أَضَاءَ فَجْرٌ . (٥)

عنه عليه السلام: صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ الَّذِي صَدَعَ بِأَمْرِكَ ، وَبَالَغْ فِي إِظْهَارِ دِيْنِكَ ، وَأَكِّدْ مِيثَاقَكَ ، وَنَصِّحْ لِعِبَادِكَ ، وَبَدِّلْ جُهْدَهُ فِي مَرْضَاتِكَ ، اللَّهُمَّ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ ، وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ . اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وُلاهِ الْأَمْرِ بَعْدَ نَبِيِّكَ ، تَرَاجِمِهِ وَحِيكَ ، وَخُزَّانِ عِلْمِكَ ، وَأُمْنَانِيَّتِكَ فِي بِلَادِكَ ، الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ ، وَفَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ عَلَى بَرِيَّتِكَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ صِيْلًا دَائِمَةً بَاقِيَةً . اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى السُّيَاحِ وَالْعُبَادِ ، وَأَهْلِ الْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ . (٦)

١- الجديدان : الليل والنهار (القاموس المحيط : ج ١ ص ٢٨١ «جدد»).

٢- الخافقان : طرفا السماء والأرض ، وقيل : المغرب والمشرق (النهاية : ج ٢ ص ٥٦ «خفق»).

٣- الحاديان : هما الليل والنهار ، كأنهما يحدوان بالناس للسير إلى قبورهم (مجمع البحرين : ج ١ ص ٣٧٦ «حدا»).

٤- عسعس الليل : أقبل ظلامه أو أدبر (القاموس المحيط : ج ٢ ص ٢٣١ «عسس»).

٥- مصباح المتعجد : ص ٧٥ ح ١٢٤ ، فلاح السائل : ص ٣٦٢ ح ٢٤٢ ، المصباح للكفعمي : ص ٥٢ كلها عن معاوية بن عمار ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٨٨ ح ١٢ .

٦- الإقبال : ج ٢ ص ١٥٠ ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٢٦٣ .

امام صادق علیه السلام: ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است و درود خدا بر محمد ، خاتم پیامبران و بر خاندان پاک او باد! بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست در شب ، آن گاه که پرده افکند ، بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست در روز ، آن گاه که روشن شود. بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست در آخرت و دنیا . بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست تا زمانی که دو نوشونده (شب و روز) ، پدیدار شوند و طلوع و غروب در پی هم آید، و دو ساربان ، حُدی (آواز) می خوانند ، (۱) و تا آن گاه که شبی فرا رسد و تاریکی ، فرو پوشاند و تا آن گاه که صبحی بر دمید و سپیده ای روشن شود .

امام صادق علیه السلام: بر محمد ، بنده ات و فرستاده ات ، درود فرست ؛ همو که فرمان تو را اجرا کرد ، و در آشکار [و پیروز گردانیدن] دین تو ، نهایت کوشش خود را به کار بُرد ، و پیمان تو را استوار ساخت ، و برای بند گانت ، خیرخواهی نمود ، و همه نیروی خود را در راه خشنودی تو صرف کرد ، بار خدایا! بنای او را بلند گردان ، و بُرهانش را عظمت بخش . بار خدایا! بر اولیای امر پس از پیامبرت ، و بیان کنندگان وحی ات ، و خزانه داران دانشت ، و اُمنای تو در شهرهایت ، درود فرست ؛ همانان که به دوستی شان فرمان دادی و اطاعت از آنان را بر آفرید گانت واجب ساختی . بار خدایا! بر ایشان درود فرست ؛ درودی پاینده و ماندگار . بار خدایا! بر زاهدان و عابدان و اهل کوشش و تلاش [در عبادت] هم درود فرست .

۱- مقصود از دو ساربان ، شب و روز است که به ساربان تشبیه شده اند که کاروان آدمیان را به سوی گورهایشان پیش می برند، چنان که ساربان برای شتاب دادن به حرکت قافله اشتران ، برایشان آواز (حُدی) می خوانند .

عنه عليه السلام: يا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ ، يا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ ، يا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ ، (و) يا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ ، يا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، كَأَفْضَلِ وَأَجْزَلِ وَأَوْفَى وَأَحْسَنِ وَأَجْمَلِ وَأَكْرَمِ وَأَطْهَرَ وَأَزْكَى وَأَنْوَرَ وَأَعْلَى وَأَبْهَى وَأَسْنَى وَأَنْمَى وَأَدْوَمَ وَأَعَمَّ وَأَبْقَى مَا صَيَلَيْتَ وَبَارَكْتَ وَمَنْنْتَ وَسَيَلَّمْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ . اللَّهُمَّ ائْمُنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنْنْتَ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ ، وَسَيَلَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَيَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ، اللَّهُمَّ وَأُورِدْ عَلَيْهِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَأَزْوَاجِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَصْحَابِهِ وَأَتْبَاعِهِ مَنْ تَقَرَّبَ بِهِ عَيْنُهُ ، وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ وَمَنْ تَسْقِيهِ بِكَأْسِهِ وَتُورِدُهُ حَوْضَهُ ، وَاحْشُرْنَا فِي زَمَرَتِهِ وَاجْعَلْنَا تَحْتَ لُؤَائِهِ ، وَأَدْخِلْنَا فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ ، وَأَخْرِجْنَا مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا ، وَلَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ . (١)

عنه عليه السلام: يُسْتَحَبُّ أَنْ يُصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ الْعَصْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ بِهَذِهِ الصَّلَاةِ: اللَّهُمَّ إِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا وَصَّيْتَهُ فِي كِتَابِكَ حَيْثُ تَقُولُ: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» (٢)، فَأَشْهَدُ أَنَّهُ كَذَلِكَ ، وَأَنَّكَ لَمْ تَأْمُرْ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ إِلَّا بَعْدَ أَنْ صَيَلَيْتَ عَلَيْهِ أَنْتَ وَمَلَائِكَتُكَ ، وَأَنْزَلْتَ فِي مُحْكَمِ قُرْآنِكَ: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (٣) لَا لِحَاجَةٍ إِلَى صَلَاةِ أَحَدٍ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ بَعْدَ صَلَاتِكَ عَلَيْهِ ، وَلَا إِلَى تَرْكِيهِمْ إِيَّاهُ بَعْدَ تَرْكِيَتِكَ ، بَلِ الْخَلْقُ جَمِيعًا هُمُ الْمُحْتَاجُونَ إِلَى ذَلِكَ ؛ لِأَنَّكَ جَعَلْتَهُ بَابِكَ الَّذِي لَا يَقْبَلُ لِمَنْ أَتَاكَ إِلَّا مِنْهُ ، وَجَعَلْتَ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ قُرْبَةً مِنْكَ وَوَسِيلَةً إِلَيْكَ وَزُلْفَةً عِنْدَكَ ، وَدَلَلْتَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ ، وَأَمَرْتَهُمْ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ لِيُزَادُوا بِهَا أَثَرَهُ (٤) لَدَيْكَ وَكَرَامَةً عَلَيْكَ ، وَوَكَّلْتَ بِالْمُصَلِّينَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِكَ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ وَيُبَلِّغُونَهُ صَلَاتَهُمْ وَتَسْلِيمَتَهُمْ . . . اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْدَأُ بِالشَّهَادَةِ لَهُ تَمَّ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ ، وَإِنْ كُنْتُ لَا أَبْلُغُ مِنْ ذَلِكَ رِضَى نَفْسِي ، وَلَا يُعْبِرُهُ لِسَانِي عَنْ ضَمِيرِي . . . اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَوَلِيِّكَ وَنَجِيِّكَ وَصَفِيِّكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ لِرِسَالَتِكَ ، وَاسْتَخْلَصْتَهُ لِإِدْنِكَ ، وَاسْتَرْعَيْتَهُ عِبَادَكَ ، وَاتَّمَنَنْتَهُ عَلَى وَحِيكَ ، عَلَّمَ الْهُدَى ، وَبَابِ التَّقَى وَالنُّهَى ، وَالْعُرْوَةَ الْوُثْقَى فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ خَلْقِكَ ، الشَّاهِدِ لَهُمُ الْمُهَيْمِينَ عَلَيْهِمْ ، أَشْرَفَ وَأَفْضَلَ وَأَزْكَى وَأَطْهَرَ وَأَنْمَى وَأَطْيَبَ مَا صَيَلَيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ ، وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ ، وَأَصْفِيَائِكَ وَالْمُخْلِصِينَ مِنْ عِبَادِكَ . اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَغُفْرَانِكَ وَرِضْوَانِكَ وَمُعَافَاتِكَ وَكَرَامَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَمَنِّكَ وَفَضْلِكَ وَسَيِّئَاتِكَ وَسِرْفَكَ وَإِعْظَامَكَ وَتَبَجِيلَكَ ، وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا ، وَأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا فَوْقَهُمَا وَمَا تَحْتَهُمَا ، وَمَا بَيْنَ الْخَافِقِينَ وَمَا بَيْنَ الْهَوَاءِ وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالنُّجُومِ وَالْجِبَالِ وَالشَّجَرِ وَالذُّوَابِّ ، وَمَا سَبَّحَ لَكَ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَفِي الظُّلْمَةِ وَالضِّيَاءِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَفِي آثَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ وَسَاعَاتِهِ ، عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ ، وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ ، وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ ، وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ ، وَمَوْلَى الْمُسْلِمِينَ ، وَقَائِدِ الْعُرَى الْمُحَجَّلِينَ (٥) ، وَرَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ إِلَى الْجَنِّ وَالْإِنْسِ وَالْأَعْجَمِينَ (٦) ، وَالشَّاهِدِ الْبَشِيرِ الْأَمِينِ ، النَّذِيرِ الدَّاعِي إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ السَّرَاحِ الْمُنِيرِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ يَوْمَ الدِّينِ ؛ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا اسْتَنْقَدْتَنَا بِهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَنْعَشْتَنَا (٧) بِهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَحْيَيْتَنَا بِهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَعَزَّزْتَنَا بِهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا فَضَّلْتَنَا بِهِ . . . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَعْطِهِ مِنَ الْوَسِيلَةِ وَالْفَضِيلَةِ وَالشَّرْفِ وَالْكَرَامَةِ مَا يَغْبِطُهُ

(٨) بِهِ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ ، وَالنَّبِيُّونَ وَالْمُرْسَلُونَ ، وَالْخَلْقُ أَجْمَعُونَ . . . اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ ، كَأَفْضَلِ مَا صَيَّلْتِ وَرَحِمْتِ وَبَارَكْتِ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ . اللَّهُمَّ وَآمِنِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، كَأَفْضَلِ مَا مَنَنْتِ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ . اللَّهُمَّ وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، كَأَفْضَلِ مَا سَلَّمْتِ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ ، الْأَوْلِينَ مِنْهُمْ وَالْآخِرِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا ، وَأَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيمًا ، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا ، اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَهْلِكَ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأَزْوَاجِهِ الطَّيِّبِينَ الْأَخْيَارِ ، الطَّاهِرِينَ الْمُطَهَّرِينَ ، الْهَدَاهِ الْمَهْدِيِّينَ ، غَيْرِ الضَّالِّينَ وَلَا الْمُضِلِّينَ ، الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَوْلِيِّينَ ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ ، وَصَلِّ عَلَيْهِمْ فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى ، وَصَلِّ عَلَيْهِمْ أَيْدِ الْأَبْدِينَ ، صِيْلَهُ لَا مُنْتَهَى لَهَا وَلَا أَمَدَ دُونَ رِضَاكَ ، آمِينَ آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ . . . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْوُلَاءِ السَّادَةِ الْكُفَاهِ (٩) ، الْكُهُولِ (١٠) الْكِرَامِ ، الْقَادَةِ الْقَمَائِمِ (١١) الضُّخَامِ ، اللَّيُوثِ الْأَبْطَالِ ، عِصْمَةَ لِمَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ ، وَإِجَارَةَ لِمَنْ اسْتَجَارَ بِهِمْ ، وَالْكَهْفِ الْحَصِينِ ، وَالْفَلَكَ الْجَارِيَةِ فِي اللَّحْجِ الْغَامِرَةِ ، الرَّاعِبِ عَنْهُمْ مَارِقًا ، وَالْمُتَأَخِّرِ عَنْهُمْ زَاهِقًا ، وَاللَّعَازِمِ لَهُمْ لَاحِقًا ، رِمَاحِكَ فِي أَرْضِكَ ، وَصَلِّ عَلَى عِبَادِكَ فِي أَرْضِكَ الَّذِينَ أَنْقَذْتَ بِهِمْ مِنَ الْهَلَكَةِ وَأَنْتَ بِهِمْ مِنَ الظُّلْمَةِ ، شَجَرَهُ الثُّبُوهَ وَمَوْضِعَ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، آمِينَ آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ . (١٢)

- ١- مصباح المتهجد : ص ٦٣ ح ١٠١ ، فلاح السائل : ص ٣١٩ ح ٢١٥ ، المصباح للكفعمي : ص ٤٥ كلها عن معاوية بن عمار ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٧٠ ح ٥ .
- ٢- التوبة : ١٢٨ .
- ٣- الأحزاب : ٥٦ .
- ٤- الأثره والمأثره والمأثره : المَكْرَمَةُ لِأَنَّهَا تُؤَثِّرُ أَيْ تُذَكِّرُ وَيَأْتُرُهَا قَرْنٌ عَنْ قَرْنٍ يَتَحَدَّثُونَ بِهَا ، وَفِي الْمُحْكَمِ : الْمَكْرَمَةُ الْمُتَوَارِثَةُ (لسان العرب : ج ٤ ص ٧ «أثر»).
- ٥- الْعُرَّ الْمُحَجَّلُونَ : أَيْ بِيضُ مَوَاضِعِ الْوَضُوءِ مِنَ الْأَيْدِي وَالْوَجْهِ وَالْأَقْدَامِ ، اسْتِعَارَ أَثَرَ الْوَضُوءِ فِي فِ الْوَجْهِ وَالْيَدَيْنِ وَالرِّجْلَيْنِ لِلإِنْسَانِ مِنَ الْبِيضِ الَّذِي يَكُونُ فِي وَجْهِ الْفَرَسِ وَيَدَيْهِ وَرِجْلَيْهِ (النهاية : ج ١ ص ٣٤٦ «حجل»).
- ٦- يريد بالأعجمين الذين لا يفصحون ، لا العجم الذين هم خلاف العرب ؛ لِأَنَّ الْعَجْمَ مِنَ الْإِنْسِ ، وَالْأَعْجَمِي : الَّذِي لَا يَفْصَحُ سِوَاءَ كَانِ مِنَ الْعَرَبِ أَوْ الْعَجْمِ لِأَنَّهُ لَا يَتَّبِعُ كَلَامَهُ (بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ٨٨) .
- ٧- نَعَشَهُ اللَّهُ : رَفَعَهُ ، كَأَنَعَشَهُ (القاموس المحيط : ج ٢ ص ٢٩٠ «نعش»).
- ٨- يَقَالُ : غَبَطْتُ الرَّجُلَ أَغْبَطُهُ غَبَطًا ، إِذَا اشْتَهَيْتَ أَنْ يَكُونَ لَكَ مِثْلَ مَا لَهُ ، وَأَنْ يَدُومَ عَلَيْهِ مَا هُوَ فِيهِ (النهاية : ج ٣ ص ٣٣٩ «غبط»).
- ٩- رَجُلٌ كَفِيٌّ : أَيْ كَافٍ (لسان العرب : ج ١٥ ص ٢٢٧ «كفي»). وَقَالَ الْعَلَّامَةُ الْمَجْلِسِيُّ قَدَسَ سِرُّهُ : الْكُفَاهُ : جَمْعُ الْكُفَى ؛ وَهُوَ الَّذِي يَكْفِيكَ الشُّرُورَ وَالْآفَاتِ ، وَفِي بَعْضِ النُّسخِ : «الْكُمَاهُ» ؛ وَهُوَ جَمْعُ الْكَيْمِيِّ ؛ وَهُوَ الشُّجَاعُ (بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ٩٠)

١٠- الكَهْلُ : الحليم العاقل (النهايه : ج ٤ ص ٢١٣ «كهل»).

١١- القَمَمَاق : السيد . والقَمَمَاق : العدد الكثير ، ويقال : سيدُّ قَمَمَاقٌ لكثيره خيره (الصحاح : ج ٥ ص ٢٠١٥ «قمم»).

١٢- مصباح المتهجد : ص ٣٨٧ ح ٥١٧ ، البلد الأمين : ص ٧٢ ، جمال الأسبوع : ص ٢٨٨ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٤٣ ح ٢٦

نقلًا عن أصل قديم من مؤلف قدماء الأصحاب نحوه وكلاهما عن مهرا ن بن جعفر بن محمد ، وج ٩٠ ص ٨٢ ح ٣ .

امام صادق علیه السلام: ای شنواترین شنوندگان، ای بیناترین بینندگان، ای سریع ترین حسابگران، ای بخشنده ترین بخشنندگان، و ای بزرگوارترین بزرگواران! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست، همانند برترین و بیشترین و کامل ترین و نیکوترین و زیباترین و کریمانه ترین و پاک ترین و ناب ترین و نورانی ترین و والاترین و درخشان ترین و شکوهمندترین و بالنده ترین و پاینده ترین و فراگیرترین و ماندگارترین درود و برکت و لطف و درود و رحمتی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی، که به راستی تو، ستوده و بزرگواری. بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، منت نه، چنان که بر موسی و هارون، منت نهادی، و بر محمد و خاندان محمد، درود فرست، چنان که بر نوح در میان جهانیان، درود فرستادی. بار خدایا! از فرزندان او و همسرانش و خانواده اش و یارانش و پیروانش، کسانی را بر [حوض کوثر] او در آور که دیدگانش بدانها روشن شود، و ما را از ایشان و از کسانی قرار ده که با جام او سیرایشان می کنی و بر حوض او وارد می کنی. ما را در گروه او محشور فرما و زیر پرچم او در آور، و ما را در هر آن خوبی ای که محمد و خاندان محمد را به آن داخل کردی، داخل کن، و از هر بدی ای که محمد و خاندان محمد را از آن بیرون بردی، بیرونمان ببر، و هرگز ما را از محمد و خاندان محمد، چشم بر هم زدنی و نه کمتر و بیشتر از آن، جدا مکن.

امام صادق علیه السلام: مستحب است که بعد از نماز عصر روز جمعه، با این صلوات، بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستاده شود: «بار خدایا! محمد صلی الله علیه و آله چنان است که تو، خود، در کتابت او را وصف کرده ای، آن جا که فرمایی: «برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید. به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان، دلسوز و مهربان است». من، گواهی دهم که او چنین است، و تو به درود فرستادن بر او فرمان ندادی، مگر پس از آن که تو خود و فرشتگانت، بر او درود فرستادید، و در قرآن محکمت، فرو فرستادی که: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید! شما نیز بر او درود فرستید و درودی کامل گوید»، نه این که با وجود درود فرستادن تو بر او، به درود فرستادن احدی از مخلوقات، نیاز باشد، و با وجود ستایش تو از او، به ستایش آنان از او حاجتی باشد؛ بلکه این جمله خلاق اند که به این کار (درود فرستادن بر او) نیاز دارند؛ زیرا تو، او (پیامبر) را درگاه خود قرار دادی، به طوری که جز آن کس را که از این در در آید، نپذیری، و درود فرستادن بر او را مایه نزدیک شدن به خودت و وسیله ای به سویت، و منزلتی در نزدت قراردادی، و مؤمنان را بدان راه نمایی کردی، و به درود فرستادن بر او فرمانشان دادی تا بدان وسیله، بر ارجمندی و شرافت خویش در پیشگاه تو بیفزایند، و فرشتگانت را بر درود فرستندگان بر او گماشتی که بر او درود فرستند و درودها و سلام های آنان را به او برسانند... بار خدایا! من، نخست به [نبوت و حقانیت] او گواهی می دهم. سپس بر او درود می فرستم، اگر چه با این کار، هنوز به رضایت خاطر نمی رسم و زبانم [چنان که باید]، گویای دروغ نیست... بار خدایا! بر محمد، بنده ات و فرستاده ات و پیامبرت و دوست و هم رازت و برگزیده ات و بهترینت و منتخب تو از میان آفریدگانت، درود فرست؛ همو که برای [ابلاغ] پیام هایت برگزیدی، و برای دینت گزینش کردی، و سرپرستی بندگانت را به او سپردی، و امین وحی خود قرارش دادی؛ آن نشانی راه، و در پرهیزگاری و خردمندی، و استوارترین دستگیره رشته میان تو و آفریدگانت، گواه آنان و نگهبان ایشان؛ بهترین و برترین و ناب ترین و پاک ترین و بالنده ترین و خوش ترین درودی را که بر یکی از آفریدگانت و پیامبرانت و فرستادگانت و برگزیدگانت و بندگان مخلصت فرستاده ای.

بار خدایا! درودها و آمرزش و خشنودی و عافیت و کرامت و رحمت و لطف و فضل و سلام و ارج و بزرگداشت و گرامیداشت را، و درودهای فرشتگان و فرستادگان و پیامبران و جانشینان [پیامبران] و گواهی دهندگان و تصدیق کنندگان و بندگان شایسته ات که نیکو رفیقانی هستند، و اهل آسمان ها و زمین ها و هر آنچه میان آنها و بالای آنها و زیر آنهاست، و آنچه میان مشرق و مغرب و میان هوا و خورشید و ماه و ستارگان و کوه ها و درختان و جنندگان اند، و آنچه را در خشکی و آب و در تاریکی و روشنایی، هر بام و شام و در ساعات شب و اوقات روز، تو را تسبیح می گویند. [درود همه اینان را] بر محمد بن عبدالله قرار ده، او که سرور فرستادگان، و خاتم پیامبران، و پیشوای پرهیزگاران، و آقای مؤمنان، و حامی و سرپرست مسلمانان، و پیشرو بی همتایان، و فرستاده پروردگار جهانیان به سوی جن و انس و بی زبانان، و گواه و بشارتگر و امین و هشدار دهنده و دعوت کننده به سوی تو با اجازه تو، و چراغ تابان بود. بار خدایا! در میان نخستینان، بر محمد و خاندان محمد، درود فرست. بار خدایا! در میان پسنیان، بر محمد و خاندان محمد، درود فرست. بار خدایا! در روز جزا روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند، بر محمد و خاندان محمد، درود فرست. بار خدایا! بر محمد درود فرست که به واسطه او، ما را هدایت کردی. بار خدایا! بر محمد، درود فرست که به واسطه او، ما را نجات بخشیدی. بار خدایا! بر محمد درود فرست که به واسطه او، ما را رفعت بخشیدی. بار خدایا! بر محمد درود فرست که به واسطه او ما را زنده ساختی. بار خدایا! بر محمد، درود فرست که به واسطه او، ما را بزرگی بخشیدی. بار خدایا! بر محمد، درود فرست که به واسطه او ما را عزت دادی. بار خدایا! بر محمد، درود فرست که به واسطه او ما را برتری عطا کردی... بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست، و به او چنان وسیله (منزلت والا) و برتری و بزرگی و ارجمندی عطا فرما که فرشتگان مقرب و پیامبران و فرستادگان و همه خلایق، بر او غبطه بخورند... بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست، و بر محمد و خاندان محمد، رحمت آور، همچون برترین درود و رحمت و برکتی که نثار ابراهیم و خاندان ابراهیم کردی، که به راستی، تو ستوده و بزرگواری. بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، منت نه، همچون برترین متی که بر موسی و هارون نهادی. بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست، همچون برترین درودی که بر نوح در میان جهانیان فرستادی. بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد و بر امامان مسلمانان، نخستین و واپسین آنان، درود فرست. بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد و بر امام مسلمانان درود فرست، و او را از پیش رو و از پشت سر و از راست و از چپ و از بالا- و از پایین [از شش جهت]، نگهداری کن و برایش فتحی آسان فراهم آور و به نصرتی نیرومند، یاری اش ده و از نزد خود، برایش تسلطی یاری بخش قرار ده. بار خدایا! به فرج [دولت] خاندان محمد، شتاب ببخش و دشمنان آنان را، از جن و انس، نابود کن. بار خدایا! بر محمد و اهل بیت او و ذریه و همسرانش درود فرست، که خوب و نیک و پاک و مطهر و هدایتگر و هدایت شده اند، نه گم راه و نه گم راه کننده، همانان که پلیدی را از ایشان بردی و پاک پاکشان نمودی. بار خدایا! در میان نخستینان، بر محمد و خاندان محمد درود فرست. در میان پسنیان، بر محمد و خاندان محمد درود فرست. در جمع آسمانیان، بر آنان درود فرست. تا همیشه همیشه، بر آنان درود فرست؛ درودی که نهایت و پایانی جز رضایت تو نداشته باشد. آمین، آمین، ای پروردگار جهانیان! بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست؛ این خاندان فرمان فرما، آقا، کفایت کننده، دانا، بزرگواری، پیشوا، مهتر، بزرگ، شیر دل، پهلوان، نگهدار کسی که به آنان پناه برد، حامی کسی که از آنان امان بخواهد، غار مستحکم، کشتی روان در آب های ژرف و متلاطم؛ همانان که هر کس از ایشان روی گرداند، از دین خارج گشته است و هر که از آنان واپس ماند، نابود می شود و کسی که همراه ایشان باشد، به مقصد می رسد؛ همانان که نیزه های تو در زمین تو هستند. درود فرست بر آن بندگان خود در زمینت که به واسطه آنان، [دیگر بندگان را] از هلاکت رهانیدی و

به نور وجود آنان ، تاریکی را زدودی ؛ همانان که درخت نبوت ، جایگاه رسالت ، محل آمد و شد فرشتگان ، و کان دانش اند . درود خدا بر او و بر ایشان ، همگی! آمین ، آمین ، ای پروردگار جهانیان .

ص: ٤٥٨

..

٩ / ٦ الصَّلَوَاتُ الْمَأْتُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاطِمِ الْإِمَامِ الْكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ قَالَ فِي دُبْرِ صَلَاةِ الصُّبْحِ وَصَلَاةِ الْمَغْرِبِ قَبْلَ أَنْ يَتَنَبَّى (١) رَجُلِيهِ أَوْ يُكَلِّمَ أَحَدًا: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَذُرِّيَّتِهِ» قَضَى اللَّهُ لَهُ مِنْهُ حَاجَهُ؛ سَبْعُونَ فِي الدُّنْيَا وَثَلَاثُونَ فِي الْآخِرَةِ. (٢)

-
- ١- أراد قبل أن يصرف رجله عن حالته التي عليها في التشهد (النهاية: ج ١ ص ٢٢٦ «ثنى»).
 - ٢- ثواب الأعمال: ص ١٨٧ ح ١ عن ابن المغيرة، جامع الأخبار: ص ١٥٩ ح ٣٨١ عن أبي المغيرة، فلاح السائل: ص ٤٠٨ ح ٢٧٨ عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٩٥ ح ٣ و ص ٩٧ ح ٥.

۶ / ۹ صلوات های رسیده از امام کاظم علیه السلام

۶ / ۹ صلوات های رسیده از امام کاظم علیه السلام: هر کس در پی نماز صبح و نماز مغرب ، پیش از آن که پاهایش را از حالت تشهّد خارج سازد یا با کسی حرفی بزند ، بگوید : «خدا و فرشتگان او بر پیامبر درود می فرستند . ای کسانی که ایمان آورده اید! شما نیز بر او درود فرستید و سلامی کامل دهید» . بار خدایا! بر محمد پیامبر و نسل او درود فرست ، خداوند صد حاجت او را بر می آورد ؛ هفتاد در دنیا و سی در آخرت .

عنه عليه السلام: مِنْ سِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلِينَ. اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ الْوَسِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ وَالذَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ، اللَّهُمَّ إِنِّي آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَمْ أَرَهُ، فَلَا تَحْرِمْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ رُؤْيَيْتَهُ، وَارزُقْنِي صُحْبَتَهُ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ، وَاسْقِنِي مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَبًا رَوِيًّا سَائِغًا هَيْنًا لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَدًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ كَمَا آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَمْ أَرَهُ فَعَرَّفْنِي فِي الْجَنَانِ وَجْهَهُ، اللَّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا». فَإِنَّ مَنْ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِهَذِهِ الصَّلَوَاتِ هُدِمَتْ ذُنُوبُهُ، وَمُحِيَّتْ خَطَايَاهُ، وَدَامَ سِرُّورُهُ، وَاسْتَجِيبَ دُعَاؤُهُ، وَأَعْطِيَ أَمَلَهُ، وَبُسِّطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ، وَأُعِينَ عَلَى عَيْدُوِّهِ، وَهَيَّئْ لَهُ سَبَبَ أَنْوَاعِ الْخَيْرِ، وَيُجْعَلْ مِنْ رُفَقَاءِ نَبِيِّهِ فِي الْجَنَانِ الْأَعْلَى. يَقُولُهُنَّ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ غَدْوَةً، وَثَلَاثَ مَرَّاتٍ عَشِيَّةً. (١)

١- ثواب الأعمال: ص ١٨٧ ح ١ عن ابن المغيرة، جامع الأخبار: ص ١٥٩ ح ٣٨١ عن أبي المغيرة، المصباح للكفعمي: ص ٥٥٩ عن الإمام الصادق عليه السلام وفي صدره «من أراد أن يسرَّ محمدًا وآله في الصلاة عليهم فليقل: اللَّهُمَّ يَا أَجُودَ مَنْ أَعْطَى، وَيَا خَيْرَ مَنْ سَأَلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْحَمَ، اللَّهُمَّ صَلِّ...» وليس فيه من «فإنَّ من صَلَّى على النبي صلى الله عليه وآله...»، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٩٦ ح ٣ وج ٩٤ ص ٨٥ ح ٥.

امام کاظم علیه السلام: از اسرار خاندان محمد در درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او [] ، در این جملات نهفته است: «بار خدایا! در میان پیشینیان ، بر محمد و خاندان محمد درود فرست . در میان پسینیان ، بر محمد و خاندان محمد درود فرست! در میان جمع برین (عالم بالا- و نزد فرشتگان) ، بر محمد و خاندان محمد درود فرست ، و در میان فرستادگان [الهی] ، بر محمد و خاندان محمد درود فرست . بار خدایا! به محمد و خاندان محمد ، مقام والای قرب و بلند پایگی و برتری و درجه بزرگ عطا فرما . بار خدایا! من در حالی به محمد صلی الله علیه و آله ایمان آورده ام که او را ندیده ام ، پس در روز رستاخیز ، مرا از دیدن او محروم مگردان و همراهی با او را روزی ام کن . مرا بر آیین او بمیران ، و از حوض او به من بنوشان ؛ نوشی شاداب و لذیذ و گوارا که پس از آن ، هرگز تشنه نشوم . به راستی که تو بر هر چیز توانایی . بار خدایا! من در حالی به محمد صلی الله علیه و آله ایمان آورده ام که او را ندیده ام ، پس در باغ های بهشت ، رخسار او را به من بنمایان . بار خدایا! از جانب من ، تحیت و درود بسیار ، به روان محمد برسان» . هر کس با این صلوات ها ، بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستد ، گناهانش در هم فرو می ریزد ، خطاهایش پاک می شود ، شادمانی اش ماندنی می شود ، دعایش مستجاب می گردد ، آرزویش برآورده می شود ، در روزی اش گشایش داده می شود ، در برابر دشمنش کمک می شود ، اسباب هر گونه خیر و خوبی ، برایش فراهم می گردد و در بهشت های برین ، از همدمان پیامبرش قرار داده می شود . این صلوات ها را سه بار در صبح و سه بار در هنگام شب می گوید .

عنه عليه السلام: يا مَنْ لا- تَخْفَى عَلَيْهِ اللُّغَاتُ ، ولا- تَشَابَهُ عَلَيْهِ الأَصْوَاتُ . . . أَسَأَ لَكَ بِغِنَاكَ عَنِ خَلْقِكَ ، وَبِحَاجَتِهِمْ إِلَيْكَ ، وَبِفَقْرِهِمْ وَفَاقَتِهِمْ إِلَيْكَ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الأَتْمَّةِ الرَّاشِدِينَ . . . أَسَأَ لَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ ، وَخَاصَّتِكَ وَخَالِصَتِكَ وَصِدْقَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَأَمِينِكَ عَلَيَّ وَحِيكَ وَمَوْضِعِ سِرِّكَ ، وَرَسُولِكَ الَّذِي أَرْسَلْتَهُ إِلَى عِبَادِكَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ وَنُورًا اسْتَضَاءَ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ؛ فَبَشِّرْ بِالْجَزِيلِ مِنْ ثَوَابِكَ ، وَأَنْذِرْ بِالْأَلِيمِ مِنْ عِقَابِكَ . اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ بِكُلِّ فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ ، وَبِكُلِّ مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنْاقِبِهِ ، وَبِكُلِّ حَالٍ مِنْ حَالَاتِهِ ، وَبِكُلِّ مَوْقِفٍ مِنْ مَوَاقِفِهِ صَلَاةً تُكْرَمُ بِهَا وَجْهَهُ ، وَأَعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَالرَّوَسِيلَةَ وَالرَّفْعَةَ وَالْفَضِيلَةَ . اللَّهُمَّ شَرِّفْ فِي الْقِيَامَةِ مَقَامَهُ ، وَعَظِّمْ بُنْيَانَهُ ، وَأَعْلِ دَرَجَتَهُ ، وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ ، وَأَعْطِهِ سُؤْلَهُ ، وَارْفَعُهُ فِي الْفَضِيلَةِ إِلَى غَايَتِهَا . اللَّهُمَّ صِلْ عَلَيَّ أَهْلَ بَيْتِهِ أَنَّمَهُ الْهُدَى وَمَصَابِيحِ الدُّجَى ، وَأَمْنَائِكَ فِي خَلْقِكَ وَأَصْفِيائِكَ مِنْ عِبَادِكَ ، وَحُجَجِكَ فِي أَرْضِكَ وَمَنَارِكَ فِي بِلَادِكَ ، الصَّابِرِينَ عَلَى بَلَائِكَ ، الطَّالِبِينَ رِضَاكَ الْمَوْفِينَ بِوَعْدِكَ ، غَيْرَ شَاكِينَ فِيكَ وَلَا جَاهِدِينَ عِبَادَتِكَ ، وَأَوْلِيائِكَ وَسَيِّدَائِكَ أَوْلِيائِكَ ، وَخُرَّانِ عِلْمِكَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ مَفَاتِيحَ الْهُدَى وَنُورَ مَصَابِيحِ الدُّجَى؛ صِلْ مَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَعَلَى مَنَارِكَ فِي عِبَادِكَ الدَّاعِيَ إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الْمُوَدَّى عَنِ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ . اللَّهُمَّ إِذَا أَظْهَرْتَهُ فَأَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ ، وَسُقْ إِلَيْهِ أَصْحَابَهُ ، وَأَنْصُرْهُ وَقُوِّ نَاصِرِيهِ ، وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ ، وَأَعْطِهِ سُؤْلَهُ ، وَجَدِّدْ بِهِ عَنِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ بَعْدَ الذُّلِّ الَّذِي قَدْ نَزَلَ بِهِمْ بَعْدَ نَبِيِّكَ؛ فَصَارُوا مَقْتُولِينَ مَطْرُودِينَ مُشَرَّدِينَ خَائِفِينَ غَيْرَ آمِنِينَ ، لَقُوا فِي جَنبِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَطَاعَتِكَ الأَذَى وَالتَّكْذِيبِ ، فَصَبَرُوا عَلَيَّ مَا أَصَابَهُمْ فِيكَ ، رَاضِينَ بِذَلِكَ مُسَلِّمِينَ لَكَ فِي جَمِيعِ مَا وَرَدَ عَلَيْهِمْ وَمَا يَرِدُ عَلَيْهِمْ . اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ قَائِمِهِمْ بِأَمْرِكَ ، وَأَنْصُرْهُ وَأَنْصِرْ بِهِ دِينَكَ الَّذِي غَيَّرَ وَبَدَّلَ ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْهُ وَبَدَّلَ بَعْدَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . اللَّهُمَّ صِلْ عَلَيَّ جَمِيعَ الأنبياءِ وَالمُرْسَلِينَ؛ الَّذِينَ بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَى وَاعْتَقَدُوا لَكَ المَوَاقِفَ بِالطَّاعَةِ ، اللَّهُمَّ صِلْ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ ، وَأَوْلَى الْعَزْمِ مِنْ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ ، وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ أَجْمَعِينَ . (١)

١- جمال الأسبوع : ص ١٨٣ عن الحسن بن القاسم العباسي ، مصباح المتهجد : ص ٣٠٦ ٣١٠ ح ٤١٧ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٩١ ص ١٩٥ ح ٣ .

امام کاظم علیه السلام: ای کسی که زبان ها بر او پوشیده نیست و در تشخیص صداها، دچار اشتباه نمی شود! ... به [حق] بی نیازی ات از آفریدگانت و نیازمندی آنان به تو، و به فقیری و تنگ دستی آنان نزد تو، از تو می خواهم که بر محمد، این برگزیده تو از میان آفریدگانت، و بر خاندان پاک او، این پیشوایان ره یافته، درود فرستی ... از تو می خواهم که بر محمد، بنده ات و فرستاده ات و پیامبرت و بنده خاص و خالصت و دوست صمیمی ات و برگزیده تو از میان خلقت، و امین تو بر وحی ات و محرم رازت، و فرستاده تو که او را به سوی بندگانت فرستادی و او را رحمتی برای جهانیان قرار دادی و نوری برای مؤمنان که از روشنایی اش استفاده می کنند، و او [مردمان را] به پاداش فراوان تو بشارت داد و از کیفر دردناکت بیم داد. بار خدایا! پس به ازای هر فضیلتی از فضایلش و برای هر منقبتی از مناقبش و هر حالی از حالاتش و هر موضعی از مواضعش، بر او درود فرست؛ چنان درودی که با آن، او را سرفراز کنی و به او درجه و مقام والای قرب و بلندی و برتری عطا فرمایی. بار خدایا! در رستاخیز، مقامش را بلند گردان، بنایش را شکوهمند بدار، درجه اش را بالا ببر، شفاعتش را در حق امتش پذیر، خواسته اش را بر آور، و او را تا نهایت برتری، بالا ببر. بار خدایا! درود فرست بر اهل بیت او، این پیشوایان راه راست و چراغ های تاریکی ها و امنای تو در میان خلقت و برگزیدگان تو از میان بندگانت و حجت های تو در زمینت و نشانه های تو در شهرهایت، آنان که شکیب بر بالای تو و جوینده خشنودی تو و وفاکننده به وعده تو هستند، در تو تردید ندارند و منکر بندگی [خود در برابر] تو نیستند، دوستان تو و فرزندان دوستان تویند، و خزانه داران دانش تو هستند؛ همانان که کلیدهای هدایت و روشنایی چراغ های تاریکی ها قرارشان دادی. درودهای تو و رحمت و خشنودی تو، بر ایشان باد. بار خدایا! درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و بر آن که نشانه ات در میان بندگانت و با اجازه تو، به سوی تو فرا می خواند و فرمان تو را برپا می دارد و از جانب پیامبرت که بر او و خاندانش درود باد انجام وظیفه می کند. بار خدایا! هر گاه آشکارش نمودی، وعده ای را که به او داده ای، تحقق بخش و یارانش را به سوی او روان کن، او را یاری ده و یارانش را نیرو بخش، او را به بزرگ ترین آرزویش برسان و خواسته اش را به او عطا کن و به واسطه او، محمد و خاندانش را که پس از پیامبرت به خواری افتادند و کشته و رانده و آواره شدند و در ترس و ناامنی به سر می بردند و به خاطر خشنودی و طاعت تو، آزارها دیدند و تکذیب شدند، ولی آنان بر آنچه در راه تو به آنان رسید، شکیبایی ورزیدند و بدان راضی بودند و در تمام رنج و گزندهایی که به آنان رسید و می رسد، تسلیم [حکم] تو بودند دوباره نیرو و عزت بخش. بار خدایا! به ظهور قائم آنان که بر پا دارنده فرمان توست شتاب بخش و او را یاری ده و به واسطه او، دینت را که در آن تغییر و تحوّل داده اند، یاری کن و به واسطه او، هر بخشی از دینت را که پس از پیامبرت صلی الله علیه و آله محو یا جای گزین شده است، از نو احیا کن. بار خدایا! بر همه پیامبران و فرستادگان که از جانب تو هدایت کردند و با تو پیمان طاعت بستند، درود فرست. بار خدایا! بر ایشان و بر جان و جسم ایشان درود فرست؛ درود بر آنان باد و رحمت و برکات خدا. بار خدایا! بر فرشتگان مقربت و بر آن پیامبران فرستاده ات که اولوالعزم بوده اند و برندگان شایسته ات، همگی، درود فرست.

١٠ / ٦ الصَّلَاةُ الْمَأْتُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ،
شَهَادَةً أَخْلَصْتُهَا لَهُ وَأَدَّخَرْتُهَا عِنْدَهُ ، وَصَيَّمْتُ اللَّهَ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّهِ وَخَيْرِ الْبَرِيَّةِ ، وَعَلَى آلِهِ آلِ الرَّحْمَةِ وَشَجَرِهِ النَّعْمَةِ وَمَعْدِنِ
الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ . (١)

١- الكافي: ج ٥ ص ٣٧٣ ح ٧ عن معاوية بن حكيم، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٤٤٩ ح ١٥٤١ وفيه «أثمه الرحمة ومعادن الحكمة» بدل «آل الرحمة...»، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ٢٦٤ ح ٤.

۶ / ۱۰ صلوات های رسیده از امام رضا علیه السلام

۶ / ۱۰ صلوات های رسیده از امام رضا امام رضا علیه السلام: گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ، یگانه است و بی انباز ؛ گواهی ای که آن را از سرِ اخلاص می گویم و نزد تو انداخته ام می کنم . و دروهای خدا بر محمد ، خاتم پیامبران و بهترین مردمان و بر خاندان او که خاندان رحمت و درخت نعمت و مهد رسالت و محل آمد و شد فرشتگان اند .

قرب الإسناد عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن الإمام الرضا عليه السلام ، قال : قُلْتُ لَهُ : كَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي دُبُرِ الْمَكْتُوبَةِ ، وَكَيْفَ السَّلَامُ عَلَيْهِ ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : تَقُولُ : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَيْتَ لِأُمَّتِكَ ، وَجَاهِدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ ، وَعَدَيْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ ، فَجَزَاكَ اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ . (١)

٦ / ١١ الصَّلَاةُ الْمِيْثُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْجَوَادِ الْإِمَامِ الْجَوَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْحَمْدُ لِلَّهِ مُتِمَّ النَّعْمِ بِرَحْمَتِهِ ، وَالْهَادِي إِلَى شُكْرِهِ بِمَنِّهِ ، وَصَيَّلَى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَيْرِ خَلْقِهِ ؛ الَّذِي جَمَعَ فِيهِ مِنَ الْفَضْلِ مَا فَرَّقَهُ فِي الرُّسُلِ قَبْلَهُ ، وَجَعَلَ تَرَاتُّهُ إِلَى مَنْ خَصَّهُ بِخِلَافَتِهِ وَسَلَّم تَسْلِيمًا . (٢)

١- .قرب الإسناد : ص ٣٨٢ ح ١٣٤٤ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٤ ح ٢٥ .

٢- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ٣٩٨ ح ٤٣٩٩ ، مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٤٤٨ ح ١٥٤٠ ، بحار الأنوار : ج ١٠٣ ص ٢٤٤ ح ٣ .

۶ / ۱۱ صلوات رسیده از امام جواد علیه السلام

قرب الاسناد به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر: به امام رضا علیه السلام گفتم: درود فرستادن و سلام دادن بر پیامبر خدا پس از نماز واجب، چگونه است؟ فرمود: می گویی: «درود بر تو، ای فرستاده خدا! و رحمت و برکات خدا بر تو باد. درود بر تو، ای محمد بن عبدالله. درود بر تو، ای برگزیده خدا. درود بر تو، ای محبوب خدا. درود بر تو، ای دُرْدانه خدا. درود بر تو، ای امین خدا! گواهی می دهم که تو فرستاده خدا هستی. گواهی می دهم که تو محمد بن عبدالله ای. گواهی می دهم که تو برای امتت خیرخواهی کردی و در راه پروردگارت جهاد نمودی و سخت کوشیدی و تا زنده بودی، او را پرستش و بندگی کردی. پس خداوند به تو ای فرستاده خدا! برترین پاداشی را دهد که به پیامبری از جانب امتش داده است. بار خدایا! برترین درودی را که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی، بر محمد و خاندان محمد بفرست، که تو ستوده و بزرگواری».

۶ / ۱۱ صلوات رسیده از امام جواد امام جواد علیه السلام: سپاس و ستایش، خدای را که به رحمت خویش، نعمت ها را [بر بنده اش] تمام می کند و به لطف خویش، به سپاس گزاری اش ره نمون می شود، و درود خدا بر بهترین آفریده اش محمد که هر فضیلتی را که در پیامبران پیش از او پراکنده بود، در وجود او یک جا فراهم آورد و میراث او را به کسی داد که جانشینی اش را به او بخشید، و درود فراوان بر او باد.

١٢ / ٦ الصَّلَاةُ الْمَأْتُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَادِي الْإِمَامِ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ إِنَّ أَوَّلَ مَا أَسَأَلُكَ مِنْ حَاجَتِي ، وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ مِنْ رَغْبَتِي ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهِ بَيْنَ يَدَيِ مَسْأَلَتِي ، وَأَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَيْكَ بَيْنَ يَدَيِ طَلِبَتِي ، الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَسَأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ كَأَفْضَلِ مَا أَمَرْتَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ ، وَكَأَفْضَلِ مَا سَأَلْتُكَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ ، وَكَمَا أَنْتَ مَسْئُولٌ لَهُ وَلَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ بِعِدَدِ مَنْ صَلَّى ، وَبِعِدَدِ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِمْ ، وَبِعِدَدِ مَنْ لَا يُصَلِّي عَلَيْهِمْ ، صِيْلَةٌ دَائِمَةٌ تَصِلُهَا بِالْوَسِيلَةِ وَالرَّفْعَةِ وَالْفَضِيلَةِ ، وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ، وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا . اللَّهُمَّ وَمِنْ جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَنْتَ لَا تُحِبُّ مَنْ طَلَبَ إِلَيْكَ وَسَأَلَكَ وَرَغِبَ فِيمَا عِنْدَكَ ، وَتُبْغِضُ مَنْ لَمْ يَسَأَلَكَ ، وَلَيْسَ أَحَدٌ كَذَلِكَ غَيْرُكَ ، وَطَمَعِي يَا رَبِّ فِي رَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَثِقَنِي بِإِحْسَانِكَ وَفَضْلِكَ حِدَانِي عَلَى دُعَائِكَ وَالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَإِنْزَالِ حَاجَتِي بِكَ ، وَقَدْ قَدَّمْتُ أَمَامَ مَسْأَلَتِي التَّوَجُّهَ بِنَبِيِّكَ الَّذِي جَاءَ بِالْحَقِّ وَالصِّدْقِ مِنْ عِنْدِكَ ، وَنُورِكَ وَصِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ ؛ الَّذِي هَدَيْتَ بِهِ الْعِبَادَ ، وَأَحْيَيْتَ بِنُورِهِ الْبِلَادَ ، وَخَصَّصْتَهُ بِالْكَرَامَةِ وَأَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ ، وَبَعَثْتَهُ عَلَى حِينِ فِتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . اللَّهُمَّ وَإِنِّي مُؤْمِنٌ بِسِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ ، وَسِرِّ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا وَعَلَانِيَتِهِمْ ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَقْطَعْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَاجْعَلْ عَمَلِي بِهِمْ مُتَقَبَّلًا . (١)

١- . مصباح المتهجد : ص ٣٤٤ ح ٤٥٣ ، جمال الأسبوع : ص ٢١١ كلاهما عن يعقوب بن يزيد الكاتب الأنباري ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ٥٠ ح ١٢ .

۶ / ۱۲ صلوات های رسیده از امام هادی علیه السلام

۶ / ۱۲ صلوات های رسیده از امام هادی علیه السلام: بار خدایا! نخستین حاجتی که از تو می خواهم و نخستین امیدی که به تو دارم و پیش از بیان خواسته ام، به آن توسّل می جویم و آن را وسیله تقرّبم به درگاهت قرار می دهم، درود بر محمّد و خاندان اوست. از تو می خواهم بر او و بر ایشان درود فرستی، برترین درودی که دستور داده ای بر آنان فرستاده شود و برترین درودی که [تاکنون] آفریده ای از آفریدگانت از تو خواسته است و تا روز قیامت از تو برای او و برای آنان خواسته خواهد شد. بار خدایا! بر آنان درود فرست، به شمار کسانی که درود فرستاده اند و به شمار کسانی که بر ایشان درود نفرستاده اند و به شمار کسانی که بر ایشان درود نمی فرستند؛ درودی همیشگی که آن را به مقام قرب به خداوند و بلندی و برتری، وصل کنی. همچنین بر همه پیامبران و فرستادگان و بندگان شایسته ات درود فرست و خدایا بر محمّد و خاندان او درود فرست و سلام شان گوی. بار خدایا! از بخشندگی و بزرگواری توست که هر که را از تو درخواست کرد و آنچه را نزد توست [از ثواب و پاداش و کرامت] آرزو کرد، ناکام نمی گردانی، و آن را که از تو درخواست نکند، دشمن می داری، و جز تو، کسی چنین نیست. ای پروردگار من! طمع من به رحمت و آمرزش تو و اعتمادم به نیکی و لطف تو، مرا وا داشت که تو را بخوانم و از تو درخواست کنم و نیازم را به نزد تو آورم. پیش از بیان درخواستم، به پیامبرت توجه نمودم؛ همو که از جانب تو، حق و راستی و نیز روشنایی و راه راست تو را آورد؛ همو که به واسطه اش بندگان را هدایت کردی، و با فروغ او، سرزمین ها را زندگی بخشیدی، و به او کرامت عطا کردی و به شهادت، (۱) مفتخرش ساختی، و پس از مدّت ها که پیامبری نیامده بود، او را فرستادی. درود خدا بر او و بر خاندانش باد! بار خدایا! من به نهان و آشکار او، و به نهان خاندانش همانان که پلیدی را از ایشان بردی و یکباره پاکشان گردانیدی و به آشکار آنان، ایمان دارم. بار خدایا! پس بر محمّد و خاندان او درود فرست و در دنیا و آخرت، میان من و آنان جدایی مینداز و به برکت وجود ایشان، عمل مرا پذیرفتنی دار.

۱- شاید به معنای «شهود و اطلاع از عالم غیب» باشد، یا «گواهی دادن خداوند بر حقانیت و نبوت ایشان».

عنه عليه السلام في الزياره الجامعه : بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ
وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأَوْلُو الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُتَّجِبُ وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى ،
أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ . اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صِلَواتِكَ وَأَكْمَلَهَا ، وَأَنْمِ بَرَكاتِكَ
وَأَعْمَمَهَا ، وَأَزْكِ تَحِيَّاتِكَ وَأَتَمِّمَهَا عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَوَلِيِّكَ وَرِضِيِّكَ وَصِيْفِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ
وَخَاصَّتِكَ وَخَالِصَتِكَ ، وَأَمِينِكَ الشَّاهِدِ لَكَ وَالِدَالِ عَلَيْكَ ، وَالصَّادِعِ بِأَمْرِكَ وَالنَّاصِحِ لَكَ ، وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ وَالذَّابِّ
عَنِ دِينِكَ ، وَالْمَوْضِعِ لِبراهيْمَتِكَ وَالْمَهْدِيِّ إِلَى طاعَتِكَ ، وَالْمُرْتَبِدِ إِلَى مَرْضاتِكَ وَالْواعِي لَوْحِيَّتِكَ ، وَالْحَافِظِ لِعَهْدِكَ
وَالْمَاضِي عَلَى إِنْفاذِ أَمْرِكَ ، الْمُؤَيَّدِ بِالنُّورِ الْمُضِيِّ ، وَالْمُسَيِّدِ بِالْأَمْرِ الْمَرْضِيِّ ، وَالْمَعْصُومِ مِنْ كُلِّ خَطَأٍ وَزَلَلٍ ، الْمُتَزَهِّجِ مِنَ كُلِّ
دَنْسٍ وَخَطَلٍ (١) ، وَالْمَبْعُوثِ بِخَيْرِ الْأَدْيَانِ وَالْمَلَلِ ، مُقَوِّمِ الْمِيلِ وَالْعُوجِ ، وَمُقِيمِ الْبَيْنَاتِ وَالْحَجَجِ ، الْمَخْصُوصِ بِظُهُورِ الْفَلَجِ (٢)
وَإِيضاحِ الْمَنْهَجِ ، الْمُظْهِرِ مِنْ تَوْحِيدِكَ مَا اسْتَتَرَ ، وَالْمُحْيِي مِنْ عِبَادَتِكَ مَا دَثَرَ (٣) ، وَالْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَالْفَاتِحِ لِمَا انْغَلَقَ ،
الْمُجْتَبَى مِنْ خَلائِقِكَ وَالْمُعْتَمَدِ (٤) لِكَشْفِ حَقائِقِكَ ، وَالْمَوْضِعِ بِهِ أَشْرَاطِ الْهُدَى ، وَالْمَجْلُوبِ بِهِ غَرِيبُ (٥) الْعَمَى ، دَافِعِ
جَيْشَانِ الْأَبْطِيلِ ، وَدَامِغِ (٦) صَوْلَاتِ الْأَضْلَالِ ، الْمُخْتَارِ مِنْ طِينِهِ الْكَرَمِ وَسَيِّلَةِ الْمَجْدِ الْأَقْدَمِ ، وَمَغْرَسِ الْفَخَارِ الْمُعْرِقِ (٧) ،
وَفَرَعِ الْعُلَمَاءِ الْمُثْمَرِ الْمَوْرِقِ ، الْمُتَّجِبِ مِنْ شَجَرِهِ الْأَصْفِيَاءِ وَمِشْكَاهِ الضِّيَاءِ وَذُؤَابِهِ (٨) الْعَلِيَاءِ وَسَيْرِهِ الْبَطْحَاءِ (٩) ، بَعِيَّتِكَ بِالْحَقِّ
وَبُرْهَانَتِكَ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ ، خَاتِمِ أَنْبِيائِكَ وَحُجَّتِكَ الْبَالِغَةِ فِي أَرْضِكَ وَسَيِّمَاتِكَ . اللَّهُمَّ صِلْ عَلَيْهِ صِيْلَةَ نِعْمَتِكَ فِي جَنبِ
انْتِفَاعِهِ بِهَا قَدْرَ الْإِنْتِفَاعِ ، وَيَجُوزُ (١٠) مِنْ بَرَكَاتِهِ التَّلَقُّ بِسَبَبِهَا مَا يَفُوقُ قَدْرَ الْمُتَعَلِّقِينَ بِسَبَبِهِ ، وَزِدْهُ بَعْدَ ذَلِكَ مِنَ الْإِكْرَامِ وَالْإِجْلَالِ
مَا يَتَقَاصَرُ عَنْهُ فَسِيحُ الْأَمَالِ ، حَتَّى يَعْلُوَ مِنْ كَرَمَتِكَ أَعْلَى مَحَالِّ الْمَرَاتِبِ ، وَيَرْقَى مِنْ نِعْمَتِكَ أَسْنَى مَنَازِلِ الْمَوْاهِبِ ، وَخُذْ لَهُ
اللَّهُمَّ بِحَقِّهِ وَوِاجِبِهِ مِنْ ظالِمِيهِ وَظالِمِي الصَّفْوَةِ مِنْ أَقارِبِهِ . اللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَى وَلِيِّكَ وَذِيانِ دِينِكَ ، وَالْقائِمِ بِالْقِسْطِ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ
، عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ ، وَسَيِّدِ الْوَصِيَّةِ وَيَعْسُوبِ (١١) الدِّينِ ، وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ ، قَبْلَهُ الْعَارِفِينَ
وَعَلَّمَ الْمُهْتَدِينَ ، وَعُرْوَتِكَ الْوُثْقَى وَحَبْلِكَ الْمَتِينَ ، وَخَلِيفَتِكَ رَسُولِكَ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ ، وَوَصِيِّهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، الصِّدِّيقِ
الْأَكْبَرِ فِي الْأَنْبِيَاءِ ، وَالْفَارُوقِ الْأَزْهَرِ بَيْنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ ، نَاصِرِ الْإِسْلَامِ وَمُكَسِّرِ الْأَصْنَامِ ، مُعَزِّ الدِّينِ وَحامِيهِ ، وَوَأَقِي الرِّسُولِ
وَكَافِيهِ ، الْمَخْصُوصِ بِمُؤاخاتِهِ يَوْمَ الْإِخاءِ ، وَمَنْ هُوَ مِنْهُ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى ، خَامِسِ أَصْحَابِ الْكِساءِ ، وَبَعْلِ سَيِّدَةِ النِّساءِ ،
الْمُؤَثِّرِ بِالْقُوَّةِ بَعْدَ ضَرْ الطَّوِيِّ (١٢) ، وَالْمَشْكُورِ سَعِيَّتِهِ فِي «هَلْ أَتَى» ، مُصْبِحِ الْهُدَى وَمَأْوَى الثَّقَلَيْنِ ، وَمَحَلِّ الْحِجَى (١٣) وَطُودِ
(١٤) النَّهْيِ (١٥) ، السَّادِعِ إِلَى الْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى ، وَالطَّاعِنِ (١٦) إِلَى الْغايَةِ الْقُصُوى ، وَالسَّامِي إِلَى الْمَجْدِ وَالْعُلَى ، وَالْعَالِمِ
بِالتَّأْوِيلِ وَالذِّكْرَى ، الَّذِي أَخْدَمَتْهُ خِواصَّ مَلَائِكَتِكَ بِالطَّاسِ وَالْمِنْدِيلِ حَتَّى تَوْضَأَ ، وَرَدَدَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ بَعْدَ دُنُوقِ غُرُوبِهَا حَتَّى
أَدَّى فِي أَوَّلِ الْوَقْتِ لَكَ فَرْضًا ، وَأَطْعَمَتْهُ مِنْ طَعَامِ أَهْلِ الْجَنَّةِ حِينَ مَنَحَ الْمُقَدَّادُ قَرْضًا ، وَبَاهَيْتَ بِهِ خِواصَّ مَلَائِكَتِكَ إِذْ شَرَى
نَفْسَهُ ابْتِغَاءً مَرْضاتِكَ لِتَرْضَى ، وَجَعَلْتَ وَلايَتَهُ إِحْدَى فَرائِضِكَ فَالْشَّقِيُّ مَنْ أَقْرَبَ بَعْضٍ وَأَنْكَرَ بَعْضًا . عُنْصُرِ الْأَبْرارِ وَمَعْدِنِ الْفَخارِ
وَقَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ، صَاحِبِ الْأَعْرافِ وَأَبِي الْأَيْمَةِ الْأَشْرافِ ، الْمَظْلُومِ الْمُغْتَصَبِ وَالصَّابِرِ الْمُحْتَسِبِ ، وَالْمَوْتُورِ (١٧) فِي نَفْسِهِ
وَعِزَّتِهِ ، الْمَقْصُودِ فِي رَهْطِهِ (١٨) وَأَعَزَّتِهِ ، صِيْلَةَ لَأْ انْقِطاعِ لِمَزِيدِهَا وَلَأْ اتِّضاعِ لِمَسِيدِهَا . اللَّهُمَّ أَلْبِسْهُ حُلَّ الْإِنْعَامِ ، وَتَوَجَّهُ تاجِ
الْإِكْرَامِ ، وَارْفَعْهُ إِلَى أَعْلَى مَرْتَبَتِهِ وَمَقامِ ، حَتَّى يَلْحَقَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ السَّلَامُ ، وَاحْكُمْ لَهُ اللَّهُمَّ عَلَى ظالِمِيهِ ، إِنَّكَ الْعَدْلُ
فِيما تَقْضِيهِ . اللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَى الطَّاهِرَةِ الْبَتُولِ ، الرَّهْراءِ ابْنَةِ الرِّسُولِ ، أُمِّ الْأَيْمَةِ الْهادِيَةِ ، وَسَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ ، وَارْتِهَ خَيْرِ الْأَنْبِياءِ ،
وَقَرِينِهِ خَيْرِ الْأَوْصِياءِ ، الْقادِمَةِ عَلَيْكَ مُتَأَلِّمَةً مِنْ مُصابِها بِأَبِيها ، مُتَّظَلِّمَةً مِمَّا حَلَّ بِها مِنْ غاصِبِها ، ساخِطَةً عَلَى أُمَّه لَمْ تَرَ حَقَّكَ

فِي نُصْرَتِهَا ، بِحَدَلِيلِ دَفْنِهَا لَيْلًا- فِي حُفْرَتِهَا ، الْمُغْتَصَبِ بِهِ حَقِّهَا ، الْمُغْتَصَبِ بِرَيْقِهَا ، صِيْلَةٌ لَا غَايَةَ لِأَمْرِهَا ، وَلَا نِهَايَةَ لِمَدِيدِهَا ، وَلَا انْقِصَاءَ لِعِيدِهَا . اللَّهُمَّ فَتَكْفُلْ لَهَا عَنْ مَكَارِهِ (١٩) دَارِ الْفَنَاءِ فِي دَارِ الْبَقَاءِ بِأَنْفَسِ الْأَعْوَاضِ ، وَأَنْلِهَا مِمَّنْ عَانَدَهَا نِهَايَةَ الْأَمَالِ وَغَايَةَ الْأَغْرَاضِ ، حَتَّى لَا- يَبْقَى لَهَا وَلِيٌّ سَاخِطٌ لِسَيِّئِهَا إِلَّا وَهُوَ رَاضٍ ، إِنَّكَ أَعَزُّ مِنْ أَجَابِ الْمَظْلُومِينَ وَأَعْدَلُ قَاضٍ ، اللَّهُمَّ الْحَقِّهَا فِي الْإِكْرَامِ بِبِعْلِهَا وَأَبِيهَا وَخُذْ لَهَا الْحَقَّ مِنْ ظَالِمِيهَا . اللَّهُمَّ وَصِلْ عَلَى الْأَيْمَةِ الرَّاشِدِينَ ، وَالْقَادَةَ الْهَادِينَ ، وَالسَّادَةَ الْمَعْصُومِينَ ، الْأَنْفِيَاءَ الْأَبْرَارِ ، مَاوَى السَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ ، وَخُزَانَ الْعِلْمِ وَمُنْتَهَى الْجِلْمِ وَالْفَخَارِ ، وَسَاسَةَ الْعِبَادِ ، وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ ، وَأَدْلَةَ الرَّشَادِ ، الْأَلْبَاءَ (٢٠) الْأَمْجَادِ ، الْعُلَمَاءَ بِشَرَعِكَ الزُّهْرِيَّاتِ ، مَصَابِيحَ الظُّلَمِ ، وَيَنَابِيعَ الْحِكْمِ ، وَأَوْلِيَاءَ النَّعْمِ ، وَعِصْمَ الْأَمَمِ ، قُرْنَاءَ التَّنْزِيلِ وَآيَاتِهِ ، وَأَمْنَاءَ التَّأْوِيلِ وَوُلَاتِهِ ، وَتَرَاجِمَهُ الْوَحْيِ وَدَلَالَاتِهِ . أَيْمَةُ الْهُدَى ، وَمَنَارِ الدُّجَى ، وَأَعْلَامِ التَّقَى ، وَكُهُوفِ الْوَرَى ، وَحَفَظَةِ الْإِسْلَامِ ، وَحُجَجِكَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْامِ : الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَسِبْطِي نَبِيِّ الرَّحْمَةِ ، وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ السَّجَّادِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ الدِّينِ ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْأَمِينِ ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاطِمِ الْحَلِيمِ ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا الْوَفِيِّ ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَرِّ التَّقِيِّ ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَنَجِّبِ الرَّكِيِّ ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَادِي الرَّضِيِّ ، وَالْحُجَّجَةِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَنِ ، وَصِيِّ الْأَوْصِيَاءِ وَبَقِيَّةِ الْأَنْبِيَاءِ ، الْمُسْتَرِّبِ عَنْ خَلْقِكَ وَالْمُؤَمِّلِ لِإِظْهَارِ حَقِّكَ ، الْمَهْدِيِّ الْمُنْتَظَرِ وَالْقَائِمِ الَّذِي بِهِ تَنْصِرُ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ صَلَاةً بَاقِيَةً فِي الْعَالَمِينَ ، تُبَلِّغُهُمْ (٢١) بِهَا أَفْضَلَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ ، اللَّهُمَّ الْحَقِّهُمُ فِي الْإِكْرَامِ بِحُدُودِهِمْ وَأَبِيهِمْ ، وَخُذْ لَهُمُ الْحَقَّ مِنْ ظَالِمِيهِمْ إِلَى أَنْ قَالَ : اللَّهُمَّ فَكَمَا وَفَّقْتَنِي لِلْإِيمَانِ بِنَبِيِّكَ وَالتَّصَدِيقِ لِتَدْعَوْتِهِ ، وَمَنْنْتَ عَلَيَّ بِطَاعَتِهِ وَاتِّبَاعِ مِلَّتِهِ ، وَهَدَيْتَنِي إِلَى مَعْرِفَتِهِ وَمَعْرِفَةِ الْأَيْمَةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ ، وَأَكْمَلْتَ بِمَعْرِفَتِهِمُ الْإِيمَانَ ، وَقَبِلْتَ بِوَلَايَتِهِمْ وَطَاعَتِهِمُ الْأَعْمَالَ ، وَاسْتَعْبَدْتَ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ عِبَادَكَ ، وَجَعَلْتَهُمْ مِفْتَاحًا لِلدُّعَاءِ وَسَبَبًا لِلْإِجَابَةِ ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ . (٢٢)

- ١- الخَطْلُ : المنطق الفاسد (النهاية : ج ٢ ص ٥٠ «خطل»).
- ٢- الفَلْجُ : الظَّفَرُ والفوز (الصحاح : ج ١ ص ٣٣٥ «فلج»).
- ٣- دَثْرٌ : قَدَمٌ وَدَرَسٌ وَعَفَا (تاج العروس : ج ٦ ص ٣٩٢ «دثر»).
- ٤- المعتمام : المختار (مجمع البحرين : ج ٢ ص ١٣٠٠ «عيم»).
- ٥- الغريب : الشديد السواد (الصحاح : ج ١ ص ١٩٢ «غرب»). أي المكشوف به ظلم الظلام (بحار الأنوار : ج ٢٩ ص ٥٩٨).
- ٦- في بحار الأنوار : «... دافع جيشات الأباطيل ودافع صولات...» ، وهو الأنسب .
- ٧- أعرق الرجل : صار عريقا ، وهو الذي له عرق في الكرم. وأعرق الشجرُ : امتدت عروقه في الأرض (تاج العروس : ج ١٣ ص ٣٢٨ «عرق»).
- ٨- الذؤابة : وهي الشعر المصفور من شعر ، وذؤابه الجبل : أعلاه . ثم استعير للعرز والشرف (النهاية : ج ٢ ص ١٥١ «ذأب»)
- ٩- قوله : «وسرّه البطحاء» أي أشرف من نشأ ببطحاء مكة ؛ فإنَّ السرّه في وسط الإنسان ، وخير الأمور أوسطها (بحار الأنوار : ج ١٠٢ ص ١٨٦).
- ١٠- في بحار الأنوار : «ويحوز» بدل «ويجوز».
- ١١- اليعسوب : السيّد والرئيس والمقدّم . وأصله : فحل النحل (النهاية : ج ٣ ص ٢٣٤ «عسب»).

- ١٢- طَوَى يطوى فهو طَاوٍ : أى خالى البطن جائع لم يأكل (النهايه : ج ٣ ص ١٤٦ «طوا»).
- ١٣- الحَجَبَى : العَقْل (المصباح المنير : ص ١٢٣ «حجا»).
- ١٤- الطَّوْدُ : الجبل العظيم (الصحاح : ج ٢ ص ٥٠٢ «طود»).
- ١٥- التُّهَى : العقول والألباب ؛ سَمَّيت بذلك لأنها تنهى صاحبها عن القبيح (النهايه : ج ٥ ص ١٣٩ «نها»).
- ١٦- ظعن : ذهب وسار (لسان العرب : ج ١٣ ص ٢٧٠ «ظعن»).
- ١٧- المَوْتُور : أى صاحب الوتر ، الطالب بالثأر (النهايه : ج ٥ ص ١٤٨ «وتر»).
- ١٨- المقصود فى رهطه : أى الذى يقصده الناس لكشف مشكلاتهم من بين رهطه ، أو يقصده رهطه . ولعله تصحيف المقهور (بحار الأنوار : ج ١٠٢ ص ١٨٦).
- ١٩- فى المصدر : «مكان» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- ٢٠- اللَّيْب : العاقل ، الجمع ألباء (القاموس المحيط : ج ١ ص ١٢٧ «لب»).
- ٢١- فى المصدر : «تبليغ» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- ٢٢- مصباح الزائر : ص ٤٧٦ ، بحار الأنوار : ج ١٠٢ ص ١٧٨ .

امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه: به نام خدای مهر گستر مهربان. گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست و یگانه و بی انباز است، همچنان که خدا خود در حق خویش گواهی داده است، و فرشتگانش و آفریدگان دانشمندش در حق او گواهی داده اند. معبودی جز او که نیرومند و استوار است نیست. گواهی می دهم که محمد، بنده برگزیده و فرستاده پسندیده اوست. او را با راه راست و دین درست فرستاد تا آن را بر همه دین ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان، خوش نداشته باشند. بار خدایا! برترین و کامل ترین درودهایت، و گسترده ترین و فراگیرترین آنها، و افزون ترین و تام ترین سلام هایت را بر آقای ما، محمد قرار ده؛ همو که بنده و فرستاده و پیامبر و همراز و دوست و پسند تو و دُرَدانه و برگزیده و بنده خاص و ناب تو، و امانتدار تو و گواه و راه نمای به توست؛ همو که فرمان تو را به کار بست و برای تو خیرخواهی و راه نمایی کرد، و در راه تو و دفاع از دین تو، جهاد [و تلاش] نمود؛ او که بیان کننده برهان های تو و هدایت شده به طاعت تو، و ارشاد کننده به موجبات خشنودی تو، و دریافت کننده وحی تو، و نگهدار پیمان تو، و پیگیر در اجرای فرمان تو، تأیید شده به نور تابان، و راه نمایی (/تقویت) شده با امر پسندیده بود؛ کسی که مصون از هر خطا و لغزش، و پاک از هر آلودگی و ژاژخایی، و فرستاده شده با بهترین دین ها و آیین ها، و راست کننده انحراف و کژی، و اقامه کننده دلیل های و حجت ها بود؛ همو که مخصوص شده به ظهور پیروزی [حق] و روشن ساختن راه بود و آشکار کننده آنچه از توحید تو پنهان شده بود، و زنده کننده آنچه از عبادت تو کهنه شده بود، و پایان دهنده گذشته، و گشاینده بسته ها، و برگزیده از میان آفریدگانت و انتخاب شده برای مکشوف ساختن حقایقت بود؛ کسی که به واسطه او نشانه های راه هدایت، پیدا شد و تاریکی کوری [و گم راهی ها] زدوده گشت، و فرو نشاننده جوششهای باطل ها، و سرکوب کننده یورش های گم راهی ها بود؛ او که برگزیده از سرشت بزرگواری و تبار بزرگی دیرین، و نهالستان افتخارات ریشه دار، و شاخه پر بار و برگ رفعت، و گلچین شده از درخت برگزیدگان و چراغدان تابان و کاکل سرافرازی و کانون بطحا (/وادی مکه) بود؛ همان که فرستاده بر حق تو، و برهان تو بر همه خلق، پایان بخش پیامبرانت و حجت رسای تو در زمین و آسمانت بود. بار خدایا! بر او درودی فرست که هیچ کس به مانند او از چنان درودی بهره مند نشده باشد، و برکت چنگ آویختن به رشته آن، از اندازه چنگ زندگان به آن، فراتر رود، و پس از آن بر گرامیداشت و بزرگداشت او، چندان بیفزای که در پهنه آرزوها هم ننگجد، تا آن که به کرم تو، به بالاترین رتبه ها دست یابد، و به لطف تو تا بلندترین جایگاه های بخشش فراز آید. بار خدایا! حق و وظیفه او را از کسانی که به او و به بهترین نزدیکانش ستم کردند، بستان. بار خدایا! بر دوست و داور و فرمان روا در دینت، و برپا دارنده برابری و داد بعد از پیامبرت، بر علی بن ابی طالب، امیر مؤمنان و پیشوای پرواپیشگان، مهتر اوصیا و پیشوای دین، رهبر بی همانندان، قبله عارفان و نشان رهجویان، دستگیره استوار و رشته محکم تو، جانشین پیامبر تو در میان همه مردمان، وصی او در دنیا و دین، بزرگ ترین تصدیق کننده [حق] در عالم و روشن ترین جداکننده میان حلال و حرام، یاور اسلام و در هم شکننده بت ها، تقویت کننده و حامی دین، حافظ و جان فدای پیامبر درود فرست؛ همان که پیامبر صلی الله علیه و آله در روز برادرخواندگی، او را به برادری خویش برگزید، و همان که برای او چونان هارون برای موسی بود؛ پنجمین یاران کسا و شوهر سرور بانوان؛ کسی که با وجود گرسنگی شدید خویش، خوراکش را ایثار کرد، و کسی که در سوره «هل اتی» از کار او قدردانی شده است؛ چراغ راه و مهد پروا، و جایگاه خرد و کوه بلند خردمندی؛ دعوت کننده به سوی بزرگ ترین مقصد (/راه)، و حرکت کننده به جانب نهایی ترین هدف، و بالا رونده به سوی بزرگی و بلندی، و دانا به

معنا و باطن [قرآن]؛ کسی که فرشتگان مخصوصت را با کاسه و حوله به خدمتش فرستادی تا وضو گرفت، و خورشید را که نزدیک غروبش بود، برایش برگرداندی تا نمازش را اول وقت برایت بگزارد، و آن گاه که به مقداد، وام بخشید، از خوراک بهشتیان به او خوردندی، و آن گاه که جانش را در طبق اخلاص نهاد تا تو خشنود شوی، به وجود او بر فرشتگان مخصوصت نازیدی، و ولایت (دوستی) او را یکی از واجبات قرار دادی و بدبخت، کسی که به پاره ای اقرار کند و پاره ای دیگر را انکار نماید؛ ریشه خوبان و کان افتخارات و تقسیم کننده بهشت و دوزخ، صاحب اعراف (۱) و پدر امامان بزرگوار؛ آن ستم دیده ای که حقش غصب شد و برای خدا شکیبایی ورزید؛ آن خونخواه انتقام ناگرفته خویش و خاندانش؛ آن که در میان خویشان و عزیزانش مقصود بود (۲)؛ درودی که افزایش آن، پایان نپذیرد و بلندی آن فرود نمی گیرد. بار خدایا! جامه های انعام خویش را بر او بپوشان، و تاج گرامیداشت را بر سرش نه، و او را به بالاترین مرتبه و مقام برسان تا آن که به پیامبرت که بر او و بر خاندانش درود باد برسد، و ای خداوند در برابر ستمگران بر او، به سود وی حکم ده، که تو در حکمی که می دهی، دادگری. بار خدایا! بر آن بانوی پاک بریده از دنیا و نورانی، دخت پیامبر، مام پیشوایان هدایتگر و سرور بانوان عالم، وارث بهترین پیامبران، و همسر بهترین اوصیا درود فرست؛ همان که در حالی بر تو وارد شد که از مصیبت پدرش دردمند بود و دادخواه از آنچه غصب کنندگان حقش بر سر او آورده بودند و ناخرسند از امتی که وظیفه الهی خود را در یاری دادنش به جا نیاوردند و دلیلش هم این است که شبانه به خاک سپرده شد و حقش غصب شد، و از غصه دق کرد درودی که زمان آن را پایانی و مدتش را نهایی و شمارش را به سر آمدنی نباشد. بار خدایا! به جای ناملایماتی که درسرای نابودی کشید، بهترین عوض ها را در سرای جاودانگی به او عطا فرما، و او را در باره کسانی که با او کینه توزی کردند، به نهایت آرزوها و غایت خواسته هایش برسان، تا آن که هر دوستدار او که بر اثر خشم او، در خشم بوده، خشنود شود، که به راستی، تو قوی ترین کسی هستی که به داد ستم دیدگان رسیده ای، و دادگرترین داورانی. بار خدایا! او را نیز در گرامیداشت، به پایه شوهرش و پدرش برسان و حق او را از ستمگران بر او، بستان. بار خدایا! بر امامان ره یافته و راهبران هدایتگر و مهتران مصون از خطا، پرواپیشگان نیکوکار، مهد آرامش و وقار، خزانه داران علم و نهایت بردباری (خردمندی) و افتخار، مریبان بندگان و ارکان سرزمین ها و راه نمایان راه، خردمندان بزرگمنش، عالمان به شریعت تو و زهدپیشگان، چراغ های تاریکی ها و چشمه های فرزادگی ها و صاحبان نعمت ها و پناه امت ها، همگنان قرآن و آیات آن، و امینان و فرمان روایان تأویل [و معانی باطنی] آن، و مترجمان وحی و دلالت های آن، پیشوایان راه راست و چراغ خانه های تاریکی ها و نشانه های پروا و پناهگاه های مردمان، و نگهبانان اسلام و حجت های تو بر همه آدمیان: حسن و حسین، سروران جوانان بهشتی و نوادگان پیامبر رحمت، و علی بن الحسین، سجاد زین العابدین، و محمد بن علی، شکافنده علم دین، و جعفر بن محمد، آن راستگوی درستکار، و موسی بن جعفر، آن فرو خورنده خشم و بردبار، و علی بن موسی، آن خشنود وفادار، و محمد بن علی، آن نیکوکار پرهیزگار، و علی بن محمد، آن برگزیده پاک، و حسن بن علی، آن هدایتگر پسندیده، و حجه بن الحسن، امام روزگار و زمان، جانشین جانشینان و یادگار پیامبران، آن که از خلق تو نهان است و برای پیروز گردانیدن حق تو، بدو امید بسته شده است، آن مهدی منتظر و آن قیام کننده ای که به واسطه او انتقام خواهی کشید، درود فرست. بار خدایا! بر ایشان، سراسر، درود فرست؛ درودی که در میان جهانیان، باقی بماند و با آن، آنان را به برترین جایگاه گرامیان برسانی. بار خدایا! ایشان را در گرامیداشت، به مرتبه جدشان و پدرشان برسان و حق آنان را از ستمگرانشان بستان. ... بار خدایا! تو که به من توفیق ایمان آوردن به پیامبرت و تصدیق دعوتش را دادی، و نعمت فرمانبری از او و پیروی از دینش را ارزانی ام داشتی، و به شناخت او و شناخت امامان از نسل او ره نمونم شدی، و شناخت آنان را شرط کمال ایمان

قرار دادی، و پذیرش اعمال را منوط به ولایت و اطاعت از آنان دانستی، و بندگانت را به درود فرستادن بر ایشان فرمان دادی، و آنان را سرآغاز دعا و سبب اجابت نهادی، بر همه ایشان درود فرست و به واسطه آنان، مرا در دنیا و آخرت نزد خودت با آبرو و از نزدیکان [درگاهت] قرار ده.

۱- اعراف، مکانی است میان بهشت و جهنم.

۲- یعنی کسی که مردم برای حلّ مشکلات خود، از میان خویشاوندانش، به او مراجعه می کنند، یا خویشاوندانش به او رجوع می کنند. شاید کلمه «مقصود»، تصحیف شده «مقهور» باشد.

ص: ٤٧٨

..

ص: ٤٧٩

..

٦ / ١٣ الصَّلَاةُ الْمَأْتُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ الْإِمَامِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِهِ وَرَسُولِهِ
وَخَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ ، وَذُرِّيَعِهِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى رَحْمَتِهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَوَلَاهِ أَمْرِهِ . (١)

١- مَهْجِجُ الدَّعَوَاتِ : ص ٨٥ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٨٥ ص ٢٢٨ .

۶ / ۱۳ صلوات های رسیده از امام حسن عسکری علیه السلام

اشاره

۶ / ۱۳ صلوات های رسیده از امام حسن عسکریامام عسکری علیه السلام: درود خدا بر محمد ، بنده و فرستاده و برگزیده او از میان آفریدگانش ، و وسیله مؤمنان برای رسیدن به رحمت او ، و [درود] بر خاندان پاک او که اولیای امر اویند !

مصباح المتهجد عن أبي محمد عبد الله بن محمد العابد: سألت مولاي أبا محمد الحسن بن علي عليه السلام في منزله بـ «سيرة من رأى» سبته خمس وخمسين ومئتين أن يملى علي من الصلاة على النبي وأوصيائه عليه وعليهم السلام، وأحضرت معي قرطاسا كثيرا، فأملى علي لفظا من غير كتاب:

أ الصلاة على النبي صلى الله عليه وآله اللهم صل على محمد كما حمل وحيك وبلغ رسالتك، وصل على محمد كما أحل حلالك وحرّم حرامك وعلم كتابك، وصل على محمد كما أقام الصلاة وآتى الزكاة ودعا إلى دينك، وصل على محمد كما صدق بوعدك وأشفق من وعيدك، وصل على محمد كما غفرت به الذنوب وسرت به العيوب وفرجت به الكرب، وصل على محمد كما دفعت به الشفاء وكشفت به الغم (١) وأجبت به الدعاء ونجيت به من البلاء، وصل على محمد كما رحمت به العباد وأحييت به البلاد وقصمت به الجبابرة وأهلكت به الفراعنة، وصل على محمد كما أضعفت به الأموال وأحرزت (٢) به من الأهوال وكسرت به الأصنام ورحمت به الأنام، وصل على محمد كما بعثته بخير الأديان، وأعزرت به الإيمان، وتبّرت (٣) به الأوثان، وعظمت به البيت الحرام، وصل على محمد وأهل بيته الطاهرين الأخيار وسلّم تسليما.

١- في بحار الأنوار: «العماء» بدل «الغماء».

٢- في جمال الأسبوع وبحار الأنوار: «وحدّرت» بدل «وأحرزت».

٣- تبّرت: أي كسرت وأهلكه (النهاية: ج ١ ص ١٧٩ «تبر»).

الف صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله

مصباح المتهجد به نقل از ابو محمد عبد الله بن محمد عابد: در سال دویست و پنجاه و پنج، از آقایم ابومحمد حسن بن علی علیهما السلام، در منزل ایشان در سامرا تقاضا کردم که درود فرستادن بر پیامبر و اوصیای ایشان را که درود بر او و بر ایشان باد به من املا بفرماید، و مقدار زیادی کاغذ هم با خودم آورده بودم. ایشان بدون آن که از روی کتاب و نوشته ای بخواند، به من، چنین املا کرد:

الف صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله «بار خدایا! بر محمد درود فرست، که او حامل وحی تو بود و پیام های تو را [به خلق] رساند. بر محمد درود فرست که او حلال تو را حلال و حرام تو را حرام گردانید و کتاب تو را تعلیم داد. بر محمد درود فرست، که نماز گزارد و زکات پرداخت و به دین تو فرا خواند. بر محمد درود فرست، که وعده تو را راست شمرد و از تهدید تو بیم داشت. بر محمد درود فرست، که به واسطه او، گناهان [بندگان] را آمرزیدی و عیب ها و بدی ها را پوشانیدی و رنج و اندوه ها را زدودی. بر محمد درود فرست که به برکت وجود او، بدبختی را دفع کردی و غم را برطرف ساختی و دعاها [ای بندگان] را اجابت فرمودی و از بلاها رهانیدی. بر محمد درود فرست، که به واسطه او، بر بندگان، رحمت آوردی و آبادی ها را زنده گردانیدی و پادشاهان را در هم شکستی و فرعونان را نابود کردی. بر محمد درود فرست، که به واسطه او، دارایی ها را افزون ساختی و [مردمان را] از هراس ها ننگه داشتی و به واسطه او بت ها را شکستی و به مردم، مهر ورزیدی. بر محمد درود فرست، که او را با بهترین دین ها فرستادی و ایمان را تقویت کردی و بت ها را از میان بردی و بیت الحرام را بزرگ داشتی. بر محمد و خانواده پاک و نیک او، درود و سلام کامل فرست.»

ب الصَّلَاةِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، أَخِي نَبِيِّكَ وَوَصِيِّهِ وَوَلِيِّهِ وَصِيْفِيهِ وَوَزِيرِهِ ، وَمُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَبَابِ حِكْمَتِهِ ، وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَالِدَاعِي إِلَى شَرِيْعَتِهِ ، وَخَلِيْفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ وَمُفْرَجِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ ، قَاصِمِ الْكُفْرَةِ وَمُرْغِمِ الْفَجْرِهِ ، الَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلِهِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى . اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ ، وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ ، وَاخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ ، وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ، وَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

ج الصَّلَاةِ عَلَى السَّيِّدَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ صَلِّ عَلَى الصَّديْقَةِ فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ ، حَبِيْبَةِ حَبِيْبِكَ وَنَبِيِّكَ ، وَأُمَّ أَجْنَابِكَ وَأَصْفِيَائِكَ ، الَّتِي انْتَجَبْتَهَا وَفَضَّلْتَهَا وَاخْتَرْتَهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ . اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا ، وَكُنِ الثَّائِرَ اللَّهُمَّ بِبَدَمِ أَوْلَادِهَا . اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أَنْتُمْ هُدَى ، وَخَلِيْلَةَ صَاحِبِ اللُّوَاءِ ، وَالْكَرِيْمَةَ عِنْدَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى ، فَصَلِّ عَلَيْهَا وَعَلَى أُمَّهَا خَدِيْجَةَ الْكُبْرَى ، صِيْلَةَ تُكْرَّمُ بِهَا وَجَهَ أَيْبَاهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَتُقَرَّبُ بِهَا أَعْيُنُ دُرِّيَّتِهَا ، وَأُبْلَغُهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ .

د الصَّلَاةِ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنَيْ رَسُولِكَ وَسِبْطِي الرَّحْمَةِ وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلَادِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ ابْنِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَوَصِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ ، عِشْتَ مَظْلُومًا وَمَضَيْتَ شَهِيدًا ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ ، قَتِيلِ الْكُفْرَةِ وَطَرِيحِ الْفَجْرِهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، أَشْهَدُ مَوْقِنًا أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ ، قَتِلْتَ مَظْلُومًا وَمَضَيْتَ شَهِيدًا ، وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى الطَّالِبُ بِثَارِكَ ، وَمُنْجِزُ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَالتَّأْيِيدِ فِي هَلَاكِكَ عَدُوِّكَ وَإِظْهَارِ دَعْوَتِكَ ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ ، لَعَنَّ اللَّهُ أُمَّهُ قَتَلْتِكَ ، وَلَعَنَّ اللَّهُ أُمَّهُ خَذَلْتِكَ ، وَلَعَنَّ اللَّهُ أُمَّهُ أَلْبَتَ (١) عَلَيْكَ ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِمَّنْ أَكْذَبَكَ وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّكَ وَاسْتَحَلَّ دَمِيكَ ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، لَعَنَّ اللَّهُ قَاتِلَكَ ، وَلَعَنَّ اللَّهُ خَاذِلَكَ ، وَلَعَنَّ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ وَاعْتَبَكَ (٢) فَلَمْ يُجِبِكَ وَلَمْ يَنْصُرِكَ ، وَلَعَنَّ اللَّهُ مَنْ سَبَى نِسَاءَكَ ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَمِمَّنْ وَالَاهُمْ وَمَالَاهُمْ (٣) وَأَعَانَهُمْ عَلَيْهِ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ وَالْأَيْمَةُ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَبَابُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا ، وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِمَنْزِلَتِكُمْ مَوْقِنٌ ، وَلَكُمْ تَابِعٌ بِدَاتِ نَفْسِي وَشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَمُنْقَلَبِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي .

١- التآلب: التحريض والإفساد. وألب بينهم: أفسد. وهم عليه ألب واحد: أي مجتمعون عليه بالظلم والعداوة (تاج العروس: ج ١ ص ٣٠٦ «ألب»).

٢- الواعية: الصراخ والصوت (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٤٠٠ «وعى»).

٣- مالأه على الأمر : ساعده وشايعه أى أعانه وقواه . يقال للقوم إذا تتابعوا برأيهم على أمر : قد تمالؤوا عليه (تاج العروس : ج ١ ص ٢٥٣ «مأ») .

ب صلوات بر امیر مؤمنان علی علیه السلام

ج صلوات بر فاطمه زهرا علیها السلام

د صلوات بر امام حسن و امام حسین علیهما السلام

ب صلوات بر امیر مؤمنان علی علیه السلام «بار خدایا! بر امیر مؤمنان ، علی بن ابی طالب ، برادر پیامبرت و وصی و یار و دوست خالص و دستیار او ، و مخزن علم و سپردگاه راز و دَرِ [شهر] حکمت او ، و بیان کننده حجت او و دعوت کننده به شریعت او ، و جانشین او در میان امتش و زداینده غم از چهره او ، و در هم شکننده کافران و به تسلیم کشاننده کجروان ، همو که او را برای پیامبرت به منزله هارون برای موسی قرار دادی ، درود فرست . بار خدایا! هر که را دوستش می دارد ، دوست بدار و هر که را دشمنش می دارد ، دشمن بدار ، و هر که را یاری اش می کند ، یاری کن و هر که را او می گذاردش ، او گذار ، و کسانی را که با او به دشمنی برمی خیزند ، از اولین تا آخرین آدمیان ، لعنت فرما ، و برترین درودی را که بر یکی از اوصیای پیامبرانت فرستاده ای ، بر او نیز بفرست ، ای پروردگار جهانیان!» .

ج صلوات بر فاطمه زهرا علیها السلام «بار خدایا! بر بانوی راستین و پارسا و وارسته ، دوست داشتنی نزد دوست و پیامبرت ، مادر عزیزان و دوستان برگزیده ات ، همو که او را برگزیدی و بر زنان عالم ، برتری و امتیازش دادی ، درود فرست . بار خدایا! تو خود ، حقّ او را از کسانی که به وی ستم کردند و حق [و حرمتش] را سبک شمردند ، بستان و تو خود ای خداوند انتقام خون فرزندان را بگیر . بار خدایا! تو که او را مام پیشوایان هدایت ، و همسر پرچمدار [حق] ، و گرامی در نزد فرشتگان عالم بالا قرار دادی ، بر او و بر مادرش خدیجه کبری درود فرست ؛ درودی که با آن ، پدرش را عزیز داری و دیدگان فرزندان را روشن گردانی ، و در این لحظه از جانب من ، برترین تحیت و درود را به آن بزرگواران نیز برسان» .

د صلوات بر امام حسن و امام حسین علیهما السلام «بار خدایا! بر حسن و حسین ، این دو بنده ات و دو دوستت و فرزندان فرستاده ات و نوادگان [پیامبر] رحمت و دو آقای جوانان اهل بهشت ، درود فرست ؛ برترین درودی که بر فرزندی از فرزندان پیامبران و فرستادگانت فرستاده ای . بار خدایا! بر حسن ، فرزند مهتر پیامبران و وصی امیر مؤمنان ، درود فرست . درود بر تو ، ای فرزند پیامبر خدا! درود بر تو ، ای فرزند مهتر اوصیا! گواهی می دهم که تو ای فرزند امیر مؤمنان امین خدا و فرزند امین خدا هستی ، مظلومانه زیستی و شهید از دنیا رفتی . گواهی می دهم که تو پیشوای پاک و هدایتگر و هدایت شده ای . بار خدایا! بر او درود فرست و در این لحظه از جانب من ، برترین درود و سلام را به جان و تن او برسان . بار خدایا! بر حسین بن علی ، آن ستم دیده شهید که با شمشیر کافران به قتل رسید و به دست منحرفان بر خاک افتاده شد ، درود فرست . درود بر تو ، ای ابا عبد الله ! درود بر تو ، ای فرزند پیامبر خدا! درود بر تو ، ای فرزند امیر مؤمنان! از سر یقین ، گواهی می دهم که تو امین خدا و فرزند امین خدا هستی . به ستم ، کشته شدی و شهید از دنیا رفتی . گواهی می دهم که خدای متعال خونخواه توست و وعده یاری و پشتیبانی ای را که در باره نابودی دشمنانت و آشکار ساختن دعوتت به تو داده بود ، تحقق بخشید . گواهی می دهم که تو به پیمان با خدا وفا کردی و در راه خدا کوشیدی و تا زنده بودی ، خدا را با اخلاص پرستیدی . لعنت خدا بر آن مردمی که تو را کشتند! لعنت خدا بر مردمی که از یاری رساندن به تو ، خودداری ورزیدند ، و لعنت خدا بر مردمی که علیه تو دست به تحریک زدند! من به پیشگاه خدا اعلام برائت می کنم از کسی که تو را تکذیب کرد و حق [و حرمت] را سبک

شمرد و [ریختن] خونت را روا دانست . پدر و مادرم به فدایت ، ای ابا عبدالله ! خدا لعنت کند قاتل تو را! خدا لعنت کند و گذارنده تو را! خدا لعنت کند کسی را که فریاد تو را شنید ؛ ولی آن را پاسخ نداد و یاری ات نرساند ، و خدا لعنت کند کسانی را که زنان [اهل بیت] تو را به اسیری بردند! من از آنان و از هر آن کس که یاری و پیروی شان کرد و در این کارها به کمک آنان شتافت ، در پیشگاه خدا اعلام بیزاری می کنم . گواهی می دهم که تو و امامان از فرزندان تو ، مظهر پروا و دروازه راه (هدایت) و دستگیره استوار و حجت بر مردمان دنیا هستید ، و گواهی می دهم که به شما ایمان دارم و به مقام شما یقین دارم ، و در درون جانم و در احکام دینم و خاتمه های کارم و بازگشتم در دنیا و آخرتم ، پیرو شما هستم» .

ص: ٤٩٠

..

ص: ٤٩١

..

ه الصَّلَاةُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ ، الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَجَعَلْتَ مِنْهُ أُمَّةَ الْهُدَى الَّذِينَ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (١) ، الَّذِي اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَاصْطَفَيْتَهُ وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا مَهْدِيًا . اللَّهُمَّ فَضَّلْ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَةِ أَنْبِيَائِكَ ، حَتَّى يَبْلُغَ بِهِ مَا تَقَرَّرَ بِهِ عَيْنُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ .

و الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ الْعِلْمِ وَإِمَامِ الْهُدَى ، وَقَائِدِ أَهْلِ التَّقْوَى ، وَالْمُنْتَجِبِ (٢) مِنْ عِبَادِكَ . اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ ، وَمَنَارًا لِبِلَادِكَ ، وَمَسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِكَ ، وَمُتَرَجِّمًا لَوْحِيكَ ، وَأَمْرًا بِطَاعَتِهِ وَخِذْرَتًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ ، فَضَّلْ عَلَيْهِ يَا رَبِّ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَةِ أَنْبِيَائِكَ وَأَصْفِيَاءِكَ وَرُسُلِكَ وَأَمْنَائِكَ ، يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ .

ز الصَّلَاةُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصِّادِقِ ، خَازِنِ الْعِلْمِ ، الدَّاعِي إِلَيْكَ بِالْحَقِّ ، النُّورِ الْمُبِينِ . اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ مَعْدِنَ كَلَامِكَ وَوَحْيِكَ ، وَخَازِنَ عِلْمِكَ وَلِسَانَ تَوْحِيدِكَ ، وَوَلِيَّ أَمْرِكَ وَمُسْتَحْفِظَ دِينِكَ ، فَضَّلْ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَاءِكَ وَحُجَجِكَ ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ .

١- وبه يعدلون : أى وبالحق يحكمون ويعدلون فى حكمهم (بحار الأنوار : ج ١٣ ص ١٧٢) .

٢- الْمُنتَجِبُ : الْمُخْتَارُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ، وَقَدْ انْتَجَبَ فُلَانٌ فُلَانًا : إِذَا اسْتَخْلَصَهُ وَاصْطَفَاهُ اخْتِيَارًا عَلَى غَيْرِهِ (لسان العرب : ج ١ ص ٧٤٨ «نجب»).

ه صلوات بر امام زین العابدین علیه السلام
و درود بر امام باقر علیه السلام
ز صلوات بر امام صادق علیه السلام

ه صلوات بر امام زین العابدین علیه السلام «بار خدایا! بر علی بن الحسین ، سالار عبادت پیشگان ، درود فرست ؛ همان که او را برای خود برگزیدی ، و پیشوایان هدایتگر را که به حق هدایت می کنند و به حق حکم می کنند ، از نسل او قرار دادی ؛ همان که او را برای خود انتخاب کردی و از آلودگی پاکش ساختی و او را خالص گردانیدی و هدایتگری هدایت شده قرارش دادی . بار خدایا! پس برترین درودی را که بر یکی از فرزندان پیامبرانت فرستاده ای ، بر او بفرست تا با آن به مرتبه ای برسد که در دنیا و آخرت ، دیده اش روشن [و دلش شاد] گردد ، که به راستی ، تو نیرومند و دانایی» .

و درود بر امام باقر علیه السلام «بار خدایا! بر محمد بن علی ، آن شکافنده دانش و پیشوای هدایت و رهبر تقوای پیشگان و برگزیده از میان بندگان ، درود فرست . بار خدایا! از آن روی که او را نشانه راه بندگان و مناره شهرهایت و سپردگاه حکمت و مترجم وحیت قرار دادی و به اطاعت از او فرمان دادی و از نافرمانی اش بر حذر داشتی ، پس ای پروردگار من برترین درودی را که بر یکی از فرزندان پیامبران و برگزیدگان و فرستادگان و امینان فرستاده ای ، بر او نیز بفرست ، ای پروردگار جهانیان!» .

ز صلوات بر امام صادق علیه السلام «بار خدایا! بر جعفر بن محمد صادق ، آن خزانه دار دانش و دعوت کننده به سوی تو با حق ، و آن نور روشنگر ، درود فرست . بار خدایا! از آن روی که او را کان سخن و وحیت ، و خزانه دار علمت و زبان توحیدت ، و ولی امرت و نگهبان دینت قرار دادی ، برترین درودی را که به یکی از دوستان خالصت و حجت هایت فرستاده ای ، بر او نیز بفرست ، که به راستی ، تو ستودنی و بزرگواری» .

ح الصَّلَاةُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَمِينِ الْمُؤْتَمَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ، الْبَرِّ الْوَفِيِّ ، الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ ، النُّورِ الْمُبِينِ ، الْمُجْتَهِدِ الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ عَلَى الْأَذَى فِيكَ . اللَّهُمَّ وَكَمَا بَلَغَ عَنْ آبَائِهِ مَا اسْتَوْدَعَ مِنْ أَمْرِكَ وَنَهَيْكَ ، وَحَمَلَ عَلَى الْمَحَجَّةِ (١) ، وَكَابَدَ (٢) أَهْلَ الْعِزَّةِ (٣) وَالشَّدَّةِ فِيمَا كَانَ يَلْقَى مِنْ جُهَالِ قَوْمِهِ ، رَبِّ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِمَّنْ أَطَاعَكَ وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ ، إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ .

ط الصَّلَاةُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا ، الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ وَرَضَيْتَ بِهِ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ . اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ ، وَقَائِمًا بِأَمْرِكَ ، وَنَاصِرًا لِدِينِكَ ، وَشَاهِدًا عَلَى عِبَادِكَ ، وَكَمَا نَصَحَ لَهُمْ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ ، وَدَعَا إِلَى سَبِيلِكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسِنَةِ ، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ .

-
- ١- المَحَجَّةُ : جَادَهُ الطَّرِيقَ (الصَّحاح : ج ١ ص ٣٠٤ «حجج»).
 - ٢- كَابَدْتُ الْأَمْرَ : إِذَا قَاسَيْتَ شِدَّتَهُ (الصَّحاح : ج ٢ ص ٥٣٠ «كبد»).
 - ٣- فِي جَمَالِ الْأَسْبُوعِ : «الْعِزَّةُ» بَدَلَ «الْعِزَّةُ» .

ح صلوات بر امام کاظم علیه السلام ط صلوات بر امام رضا علیه السلام

ح صلوات بر امام کاظم علیه السلام «بار خدایا! بر امانتدار مورد اعتماد، موسی بن جعفر، آن نیکوکار وفادار (تمام عیار)، پاک و ارسته، نور آشکار و آن که از بهر تو کوشید و بر آزارهایی که در راه تو دید، شکیب ورزید، درود فرست. بار خدایا! از آن روی که اوامر و نواهی تو را که از پدرانش به او سپرده شده بود، [به مردم] ابلاغ کرد و همگان را به راه روشن و داشت و از نادانان قدرتمند و زورمند قومش رنج ها دید، پس ای پروردگار من برترین و کامل ترین درودی را که بر یکی از آنان که از تو اطاعت کرده و بندگانت را ارشاد کرده اند، فرستادی، بر او نیز بفرست، که تو آمرزگاری و مهربانی».

ط صلوات بر امام رضا علیه السلام «بار خدایا! بر علی بن موسی الرضا که از او خشنود گشتی و به امامت او برای هر کس از خلقت که خواستی، رضایت دادی، درود فرست. بار خدایا! از آن روی که او را حجت بر بندگانت و برپا دارنده فرمانت و یاور دینت و گواه بر بندگانت قرار دادی، و از آن روی که او در نهان و آشکار، خیرخواهی آنان کرد و با حکمت و اندرز نیکو، به راه تو دعوت کرد، پس، برترین درودی را که بر یکی از دوستان و بهترین آفریدگانت فرستادی، بر او بفرست، که به راستی، تو بخشنده ای بزرگواری».

ي الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى ، عَلِمَ التَّقَى ، وَنُورِ الْهُدَى ، وَمَعْدِنِ الْوَفَاءِ ، وَفِرْعِ الْأَزْكِيَاءِ ، وَخَلِيفَةِ الْأَوْصِيَاءِ ، وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ . اللَّهُمَّ وَكَمَا هَدَيْتَ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ ، وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ الْحَيْرَةِ (١) ، وَأرشدتَ بِهِ مِنْ اهْتَدَى ، وَرَزَيْتَ مَنْ تَزَكَّى ، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ ، إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ .

ك الصَّلَاةُ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصِيِّ الْأَوْصِيَاءِ ، وَإِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ ، وَخَلْفِ أَيْمَةِ الدِّينِ ، وَالْحُجَّجَةِ عَلَى الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ . اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَهُ نُورًا يَسْتَضِيءُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ ، فَبَشِّرْ بِالْجَزِيلِ مِنْ ثَوَابِكَ ، وَأَنْذِرْ بِالْأَلِيمِ مِنْ عِقَابِكَ ، وَخَيِّرْ بَأْسِيكَ وَذَكَّرْ بِأَيَّامِكَ (٢) ، وَأَحِلِّ حَلَالَمَكَ وَحَرِّمْ حَرَامِيكَ ، وَبَيِّنْ شَرَائِعَكَ وَفَرَائِضَكَ ، وَحَضِّ (٣) عَلَى عِبَادَتِكَ ، وَأْمُرْ بِطَاعَتِكَ وَنَهَى عَنِ مَعْصِيَتِكَ ، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَذُرِّيَّتِهِ أَنْبِيَاءِكَ ، يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ . قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْيَمَنِيُّ : فَلَمَّا انْتَهَيْتَ إِلَى الصَّلَاةِ عَلَيْهِ أَمْسَكَ ، فَقُلْتُ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ : لَوْلَا أَنَّهُ دِينَ أَمَرَنَا اللَّهُ تَعَالَى أَنْ نَفْعَلَهُ (٤) وَنُؤَدِّيَهُ إِلَى أَهْلِهِ لِأَحَبِّتِ الْإِمْسَاكَ ، وَلِكِنَّهُ الدِّينُ ، أُكْتُبُ :

- ١- في جمال الأسبوع : «الجهالة» بدل «الحيرة» .
- ٢- في جمال الأسبوع وبحار الأنوار : «بآياتك» بدل «بأيامك» .
- ٣- الحَضُّ عَلَى الشَّيْءِ : الْحَثُّ عَلَى الشَّيْءِ (النهاية : ج ١ ص ٤٠٠ «حَضُّ»).
- ٤- في جمال الأسبوع وبحار الأنوار : «نبلغه» بدل «نفعله» .

ی صلوات بر امام جواد علیه السلام ک صلوات بر امام هادی علیه السلام

ی صلوات بر امام جواد علیه السلام «بار خدایا! بر محمد بن علی بن موسی ، آن نشانه پروا و نور هدایت و معدن وفا و شاخه پاکان و جانشین اوصیا و امین تو بر وحیت ، درود فرست . بار خدایا! از آن روی که به واسطه او [مردمان را] از گم راهی به راه آوردی و از سرگردانی نجات بخشیدی و هدایتجویان را ارشاد کردی و طالبانِ پاکی را پاک ساختی ، پس ، برترین درودی را که بر یکی از اولیای فرستاده ای ، بر او بفرست ، که به راستی ، تو قدرتمند و دانایی» .

ک صلوات بر امام هادی علیه السلام «بار خدایا! بر علی بن محمد ، آن وصی اوصیا و پیشوای تقوای پیشگان و جانشین (زاده) پیشوایان دین ، و حجت بر همه آفریدگان ، درود فرست . بار خدایا! از آن روی که او را نوری قرار دادی که مؤمنان از آن پرتو گیرند ، و او به پاداش شایان تو مُژده داد و از کیفر دردناک تو بیم داد ، و از خشم تو بر حذر داشت و روزهای (/نشانه های) تو را یادآور شد ، و حلال تو را حلال و حرام را حرام شمرد ، و احکام و واجبات را بیان کرد ، و به عبادت تشویق نمود ، و به فرمان برداری از تو فرمان داد و از نافرمانی ات باز داشت ، پس برترین درودی را که بر یکی از اولیای و فرزندان پیامبران فرستاده ای ، بر او بفرست ، ای معبود جهانیان!» . چون نوبت صلوات بر خود ایشان (امام عسکری) رسید ، ادامه نداد . من بر ادامه آن اصرار ورزیدم . فرمود : «اگر نبود که این [بیان صلوات ها] از دین است و خداوند متعال به ما فرمان داده است که آن را به اهلش برسانیم ، دوست داشتم که دیگر ادامه ندهم ؛ اما این ، از دین است . بنویس :

لِ الصَّلَاةِ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ ، الْبَرِّ التَّقِيِّ ، الصَّادِقِ الْوَفِيِّ ، النُّورِ الْمُضِيِّ ، حَازِنِ عِلْمِكَ ، وَالْمُذَكِّرِ بِتَوْحِيدِكَ ، وَوَلِيِّ أَمْرِكَ ، وَخَلْفِ أَيْمَةِ الدِّينِ الْهَدَاهِ الرَّاشِدِينَ ، وَالْحُجَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا ، فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبِّ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَاءِكَ وَحُجَجِكَ وَأَوْلَادِ رُسُلِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ .

مِ الصَّلَاةِ عَلَى وَلِيِّ الْأَمْرِ الْمُنتَظَرِ عَلَيْهِ السَّلَامِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَائِكَ وَابْنِ أَوْلِيَاءِكَ ، الَّذِينَ فَرَضَتْ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبَتْ حَقَّهُمْ وَأَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَتْهُمْ تَطْهِيراً . اللَّهُمَّ انْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ ، وَانصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ . اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ ، وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ ، وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ أَنْ يُوَصِّلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعِدْلَ ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ ، وَانصُرْ نَاصِرِيهِ ، وَاخْذُلْ خَازِلِيهِ ، وَأَقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِهِ ، وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا وَأَيْنَ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا ، وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عِدْلاً ، وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ ، وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَاتَّبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ ، وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ . (١)

١- . مصباح المتهجد : ص ٣٩٩ ، جمال الأسبوع : ص ٢٩٦ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٧٣ ح ١ .

ل صلوات بر امام حسن عسکری علیه السلام م صلوات بر ولی امر منتظر علیه السلام

ل صلوات بر امام حسن عسکری علیه السلام خدایا! بر حسن بن علی بن محمد، این نیکوکار پرهیزگار، و راستگوی وفادار، و نور تابان و خزانه دار دانش تو و یادآور توحید تو و ولی امر تو، و یادگار پیشوایان هدایتگر و ره یافته دین، و حجّت [تو] بر مردم دنیا، درود فرست و ای پروردگار من برترین درودی را که بر یکی از برگزیدگان و حجّت هایت و فرزندان فرستادگان فرستاده ای، بر او نیز بفرست، ای معبود جهانیان!». .

م صلوات بر ولی امر منتظر علیه السلام «بار خدایا! بر ولی خود و فرزند اولیای خود، درود فرست؛ همانان که اطاعت از آنان را فریضه شمردی و حق آنان را واجب دانستی و پلیدی را از ایشان بردی و پاک پاکشان گردانیدی. بار خدایا! به واسطه او دینت را یاری رسان و به وسیله او دوستان خود و دوستان او و پیروان و طرفدارانش را نصرت بخش و ما را نیز در زمره ایشان قرار ده. بار خدایا! او را از گزند هر ستمگر و سرکشی و از گزند همه خلقت در پناه خویش بدار، و از پیش رو و از پشت سر و از راست و از چپش محافظت فرما، و از این که به او بدی رسد، حراست و نگهداری اش کن، و پیامبر و خاندان پیامبرت را در وجود او نگه دار، و به واسطه او، عدالت را آشکار گردان، و او را یاری رسان، و یاورانش را یاری ده، و فروگذارندگانش را فرو گذار، و به واسطه او، فرمان روایان کفر را در هم کوب، و کافران و منافقان و همه بی دینان را هر که باشند و در هر کجای زمین، از شرق و غرب و خشکی و آب، که باشند به قتل رسان، و به واسطه او، زمین را از دادگری آکنده ساز، و دین پیامبرت را که بر او و خاندانش درود باد آشکار و پیروز گردان، و مرا ای خدا از طرفداران و یاران و پیروان و شیعیان او بدار، و مرا شاهد رسیدن خاندان محمد به آرزوهایشان و شاهد آنچه دشمنان آنان از آن می ترسیدند [یعنی نابودی شان] قرار ده. آمین، ای معبود راستین!». .

١٤ / ٦ الصَّلَاةُ الْمَأْتُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مَصْبَاحِ الْمُتَهَجِّدِ : دُعَاءُ آخَرَ مَرُورِيٍّ عَنِ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، خَرَجَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الضَّرَابِ الْأَصْفَهَانِيِّ بِمَكَّةَ ، بِإِسْنَادٍ لَمْ نَذْكُرْهُ اخْتِصَارًا ، نُسَخَّتُهُ : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ ، وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، الْمُتَّجِبِ فِي الْمِيثَاقِ ، الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ ، الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ ، الْبَرِيِّ مِنَ كُلِّ عَيْبٍ ، الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاهِ ، الْمُرْتَجَى لِلشَّفَاعَةِ ، الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ . اللَّهُمَّ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ ، وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ ، وَأَفْلِحْ حُجَّتَهُ ، وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ ، وَأَضِيءْ نُورَهُ ، وَبَيِّضْ وَجْهَهُ ، وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ ، وَالْوَسِيلَةَ وَالْدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغِطُّهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ . وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَقَائِدِ الْعُرَى الْمُحَجَّبِينَ ، وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ عَلَى الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيْمَةِ الْهَادِينَ [الْمَهْدِيِّينَ] (١) ، الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ ، [الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ] (٢) ، الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ ، دَعَائِمِ دِينِكَ ، وَأَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ ، وَتَرَاجِمِهِ (٣) وَحَيْكَ ، وَحُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ ، وَخُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ ، الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ ، وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ ، وَارْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ ، وَخَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ ، وَجَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ ، وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ ، وَرَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ ، وَغَذَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ ، وَأَلْبَسْتَهُمْ نُورَكَ ، وَرَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ ، وَحَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ وَشَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ صِيْلَةَ زَاكِيَّةٍ نَامِيَّةٍ كَثِيرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً ، لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ ، وَلَا يَسْبِعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ ، وَلَا يُحْصِيهَا إِلَّا غَيْرُكَ . اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُحْيِي سَيِّدَتِكَ ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ ، الدَّاعِي إِلَيْكَ ، الدَّلِيلِ عَلَيْكَ ، حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ ، وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ ، وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ . اللَّهُمَّ أَعِزَّنَا نَصْرَهُ ، وَمُيِّدْنَا فِي عُمُرِهِ ، وَزَيَّنْنَا الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ . اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ ، وَأَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ الْكَافِرِينَ ، وَازْجُرْ (٤) عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ ، وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ . اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَشِيعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ وَخَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ وَعِيدُوهُ وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا مَا تَقَرَّبَ بِهِ عَيْنُهُ ، وَتَسَبَّرَ بِهِ نَفْسُهُ ، وَبَلَغَهُ أَفْضَلُ مَا أَمَّلَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ ، وَأَحْيِ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ كِتَابِكَ ، وَأُظْهِرْ بِهِ مَا غَيَّرَ مِنْ حُكْمِكَ ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًا جَدِيدًا خَالِصًا مُخْلِصًا ، لَا شَكَّ فِيهِ وَلَا شُبْهَةَ مَعَهُ ، وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ وَلَا بَدْعَهُ لَدَيْهِ . اللَّهُمَّ نُورِ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ ، وَهُدِّدْ بِرُكْنِهِ كُلَّ بَدْعَةٍ ، وَاهْدِمْ بِعِزَّتِهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ ، وَاقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ ، وَأَخْمِدْ بِسَيِّفِهِ كُلَّ نَارٍ ، وَأَهْلِكْ بِعِدْلِهِ كُلَّ جَوْرٍ ، وَأَجْرِ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ ، وَأَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ . اللَّهُمَّ أَذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ (٥) ، وَأَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ ، وَامْكُرْ بِمَنْ كَادَاهُ ، وَاسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَهُ حَقَّهُ ، وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ ، وَسَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ وَأَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ الْمُصْطَفَى ، وَعَلَى الْمُؤْتَمِنِينَ ، وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ، وَالْحَسَنِ الرُّضَا ، وَالْحُسَيْنِ الْمُصْطَفَى ، وَجَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ ، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى ، وَأَعْلَامِ الْهُدَى ، وَمَنَارِ التَّقَى ، وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى ، وَالْحَبْلِ الْمَتِينِ ، وَالصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ ، وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ ، وَوَلَاةِ عَهْدِكَ ، وَالْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ ، وَمُيِّدِ فِي أَعْمَارِهِمْ ، وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ ،

وَبَلَّغَهُمْ أَقْصَىٰ آمَالِهِمْ دِينًا وَدُنْيَا وَأٰخِرَةً ، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (٤)

١- أثبتنا ما بين المعقوفين من الغيبة للطوسي وبحار الأنوار .

٢- أثبتنا ما بين المعقوفين من دلائل الإمامه .

٣- تَرَاجِمُهُ وَخَيْكُ : هي جمع تَرْجُمان ؛ وهو المترجم المفسر للسان ، يقال : ترجم فلان كلامه : بينه وأوضحه (مجمع البحرين : ج ١ ص ٢٢٢ «ترجم»).

٤- في الغيبة للطوسي ودلائل الإمامه : «وادحر» بدل «وازجر» .

٥- ناوأة : فاخره وعاداه (القاموس المحيط : ج ١ ص ٣١ «ناء»).

٦- مصباح المتهدج : ص ٤٠٦ ح ٥٣٤ ، الغيبة للطوسي : ص ٢٧٧ ح ٢٣٨ ، دلائل الإمامه : ص ٥٤٩ ح ٥٢٤ ، جمال الأسبوع : ص ٣٠٤ ، البلد الأمين : ص ٧٩ ، بحار الأنوار : ج ٥٢ ص ٢٠ ح ١٤ وج ٩٤ ص ٨١ ح ٢ .

۶ / ۱۴ صلوات های رسیده از امام مهدی علیه السلام

۱۴ / ۶ صلوات های رسیده از امام مهدی مصباح المتهجد: این ، دعای دیگری است که از امام زمان علیه السلام روایت شده و از ناحیه ایشان برای ابو الحسن ضرباب اصفهانی در مکه فرستاده شده است ، و ما به جهت رعایت اختصار ، اسناد آن را ذکر نمی کنیم . متن دعا ، چنین است : «به نام خداوند مهر گستر مهربان . بار خدایا! درود فرست بر محمد ، سالار فرستادگان و خاتم پیامبران و حجت پروردگار جهانیان ، درود فرست ؛ آن که در همان گاه پیمان ستانی (عهد آلت) برگزیده شد ، و در [عالم] سایه ها [مثال] گلچین شد ؛ همو که از هر آفتی پاک ، و از هر عیبی مبرا است ، و امید رهایی [از دوزخ] است ، و چشم شفاعت به او دوخته شده ، و [اختیار] دین خدا به او سپرده شده است . بار خدایا! بنای [دین] او را بلند ، و برهانش را بزرگ ، و حجتش را آشکار گردان ، و درجه اش را بالا ببر ، و نورش را تابان ، و رویش را سپید کن ، و برتری و فضیلت و مقام قرب به خداوند و درجه رفیع به او عطا فرما ، و در چنان جایگاه ستودنی ای برانگیزش که همگان در آن بر او غبطه خورند . و بر امیر مؤمنان ، و وارث فرستادگان [الهی] ، و رهبر سرافرازان ، و سالار جانشینان ، و حجت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر حسن بن علی ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر حسین بن علی ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر محمد بن علی ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر جعفر بن محمد ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر موسی بن جعفر ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر علی بن موسی ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر محمد بن علی ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر حسن بن علی ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر علی بن محمد ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر حسن بن علی ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر علی بن محمد ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر یادگار هدایتگر هدایت شده ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجت پروردگار جهانیان ، درود فرست . بار خدایا! بر محمد و اهل بیت او ، این پیشوایان هدایتگر [هدایت شده] ، و دانشمندان راستگو و راستین [، و جانشینان پسندیده] ، و نیکوکاران پرهیزگار ، و ستون های دینت ، و ارکان توحیدت ، و مترجمان وحیت ، و حجت های تو بر خلقت ، و یادگاران تو در زمینت ، درود فرست ؛ همانان که آنان را برای خویش برگزیدی ، و آنان را بر بندگانت برتری دادی ، و آنان را برای دینت پسندیدی ، و شناختت را به آنان بخشیدی (اختصاص دادی) و خلعت گرامیداشتت را بر آنان پوشاندی ، و پرده رحمتت را بر ایشان افکندی ، و آنان را به نعمت خود پروردی ، و با حکمت تغذیه شان کردی ، و آنان را در نور خود پوشاندی ، و در ملکوت خویش بالایشان بردی ، و آنان را در احاطه فرشتگان قرار دادی ، و به وجود پیامبرت که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد شرافتشان بخشیدی . بار خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست ؛ درودی فزاینده و بالنده و فراوان و پاینده و پاک ، که جز تو کسی بر آن احاطه نداشته باشد ، و در علم کسی جز تو نگنجد ، و کسی جز تو از عهده شمارش آن بر نیاید . بار خدایا! و بر ولی خود ، آن زنده کننده [آیین و] روش تو ، و بر پادارنده فرمانت ، و فراخواننده به سوی تو ، و راه نما به تو ، و حجت تو بر خلقت ، و جانشین تو در زمینت ، و گواه تو بر

بندگانت ، درود فرست . بار خدایا! او را نصرتی نیرومند عطا کن ، و عمرش را دراز گردان ، و زمین را به طول عمر او زینت بخش . بار خدایا! او را از حسد حسودان نگه دار ، و از شرّ توطئه گران ، در پناه خویش بدار ، و بدسگالی ستمگران را از او دفع کن ، و از دست خود کامگان ، نجاتش ده . بار خدایا! در باره خودش و فرزندانش و شیعیانش و رعیتش و خاصّیگانش و عموم مردمانش و دشمنانش و همه مردم دنیا به او آن عطا فرما که با آن ، دیده او را روشن گردانی ، و دل و جانش را شاد سازی ، و او را به برترین آرمان و آرزویش در دنیا و آخرت برسان ، که به راستی ، تو بر هر چیز ، توانایی . بار خدایا! به واسطه او آنچه از دینت محو شده است ، نو گردان ، و آنچه از کتابت دگرگون شده است ، دوباره زنده کن ، و آنچه از احکامت تغییر داده شده است ، آشکار ساز تا آن که دین تو به وسیله او و با دست او ، دگرباره تازه و نو و ناب و پیراسته گردد و هیچ شک و شبهه ای در آن نماند ، و در آن ، هیچ باطل و بدعتی وجود نداشته باشد . بار خدایا! به نور او ، هر تاریکی را روشن گردان ، و با قدرت او ، هر بدعتی را از میان بردار ، و به نیروی او ، هر گم راهی ای را در هم شکن ، و به وسیله او ، هر زورگویی را در هم کوب ، و با شمشیر او ، هر آتشی را خاموش گردان ، و با دادگری او ، هر بیدادی را نابود کن ، و فرمان او را بر هر فرمانی حاکم گردان ، و با سلطنت او ، هر سلطانی (/سلطنتی) را خوار کن . بار خدایا! هر آن کس را که با او می ستیزد ، خوار گردان ، و هر آن کس را که با او دشمنی می ورزد ، نابود کن ، و با هر کس که با او نیرنگ می زند ، نیرنگ زن ، و هر آن کس را که حقّ او را انکار می کند و فرمان او را خوار می دارد و در خاموش کردن نور او می کوشد و می خواهد نام و یاد او را خاموش کند ، ریشه کن فرما . بار خدایا! بر محمّد مصطفی و علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن رضا و حسین مصفّاً و همه اوصیا ، این چراغ های تاریکی ها و نشانه های راه و مناره های پروا و دستگیره استوار و رشته محکم و راه راست ، درود فرست ، و بر ولیّ خود و اولیای عهدت و امامان از نسل او ، درود فرست ، و زندگی شان را دراز گردان ، و بر عمرهایشان بیفزای ، و به نهایت آرزوهایشان در دین و دنیا و آخرت برسان ، که به راستی ، تو بر هر چیز ، توانایی» .

ص: ٥٠٣

..

الإمام المهدي عليه السلام: أسألك أن تُصليَ على مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ الَّذِينَ بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَى ، وَأَعْقَدُوا لَكَ الْمَوَاقِيقَ بِالطَّاعَةِ ، وَصَلِّ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ . (١)

الإقبال عن أبي عمرو محمد بن محمد بن نصر السكوني: سألت أبا بكر أحمد بن محمد بن عثمان البغدادي أن يُخرج إليّ أدعيته شهر رمضان التي كان عمه أبو جعفر محمد بن عثمان بن سعيد العمري يدعو بها ، فأخرج إليّ دفترًا مُجلدًا بأحمر ، فنسخت منه أدعيته كثيرة ، وكان من جملتها: وتدعو بهذا الدعاء في كل ليلة من شهر رمضان ؛ فإن الدعاء في هذا الشهر تسمعه الملائكة وتستغفر لصاحبه ، وهو: اللَّهُمَّ إِنِّي أفتِّحُ الشَّاءَ بِحَمْدِكَ وَأَنْتَ مُسَيِّدُ الصَّوَابِ بِمَنْكَ . . . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَصِيْفِيكَ وَحَبِيبِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَحَافِظِ سِرِّكَ وَمُبْلِغِ رِسَالَتِكَ ، أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ وَأَزْكَى وَأَنْمَى وَأَطْيَبَ وَأَطَهَرَ وَأَسْنَى وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصِيْفَوْتِكَ وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَأَخِي رَسُولِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَأَيْتِكَ الْكُبْرَى وَالنَّبَأِ الْعَظِيمِ . (٢) وَصَلِّ عَلَى الصَّدِيقِ الطَّاهِرِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ عَلَى سِبْطِي الرَّحْمَةِ وَإِمَامِي الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ . وَصَلِّ عَلَى أُمَّهِ الْمُسْلِمِينَ : عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَالْخَلْفِ الْمَهْدِيِّ (٣) ، حُجَجِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَأُمَّنَائِكَ فِي بِلَادِكَ ، صِيْلَةَ كَثِيرَةً دَائِمَةً . اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ ، وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ ، وَحُفَّةِ بَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ ، وَأَيِّدُهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ . (٤)

١- مُهَجَّجِ الدَّعَوَاتِ : ص ٩٢ ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ٢٣٥ ح ١ .

٢- فِي مَصْبَاحِ الْمُتَهَجِّدِ وَتَهْذِيبِ الْأَحْكَامِ وَالْبَلَدِ الْأَمِينِ لَا يُوْجَدُ قَوْلُهُ : «عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ ... الْعَظِيمِ» .

٣- فِي مَصْبَاحِ الْمُتَهَجِّدِ وَتَهْذِيبِ الْأَحْكَامِ لَا يُوْجَدُ قَوْلُهُ : «عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ... الْمَهْدِيِّ» .

٤- الْإِقْبَالُ : ج ١ ص ١٣٨ ، مَصْبَاحِ الْمُتَهَجِّدِ : ص ٥٧٨ ح ٦٩٠ ، تَهْذِيبِ الْأَحْكَامِ : ج ٣ ص ١٠٨ كِلَاهِمَا مِنْ دُونِ إِسْنَادٍ إِلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، بحار الأنوار : ج ٢٤ ص ١٦٦ ح ١٤ .

امام مهدی علیه السلام: از تو درخواست می کنم که بر محمد و خاندان محمد، این برگزیدگان تو از میان بر همه آفریدگانت، درود فرستی. پس برترین درودهایت را بر ایشان بفرست، و بر همه پیامبران و فرستادگان که از جانب تو به هدایت پرداختند و برایت [از مردم] پیمان بر طاعت گرفتند، درود فرست، و بر بندگان شایسته ات نیز درود فرست.

الإقبال به نقل از ابو عمرو، محمد بن محمد بن نصر سیکونی: از ابوبکر احمد بن محمد بن عثمان بغدادی خواستم تا دعاهای ماه رمضان را که عمویش ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، آنها را می خوانده است، در اختیار من بگذارد. او دفتری با جلد قرمز به من داد و من دعاهای بسیاری را از روی آن نوشتم، از جمله این را: این دعا را در هر شب ماه رمضان می خوانی؛ زیرا فرشتگان، دعا در این ماه را می شنوند و برای دعا کننده آمرزش می طلبند، و دعا این است: «بار خدایا! ثناگویی را با ستایش تو آغاز می کنم، و تویی که به لطف خویش، به راه درست ره نمون می شوی... بار خدایا! بر محمد بنده ات و فرستاده ات و امینت و دوست صمیمی ات و محبوبت و برگزیده تو از میان خلقت و نگهبان رازت و رساننده پیام هایت [به مردم]، برترین و نیکوترین و زیباترین و کامل ترین و فزاینده ترین و بالنده ترین و خوش ترین و پاک ترین و عالی ترین و بیشترین درودی را بفرست که بر یکی از بندگان و پیامبران و فرستادگان و دوستان صمیمی ات و آن کس از خلقت که در نزد تو گرامی و ارجمند است، فرستاده ای و به او برکت داده ای و رحم آورده ای و مهر ورزیده ای و درود فرستاده ای. بار خدایا! بر علی، امیر مؤمنان و وصی فرستاده پروردگار جهانیان، آن بنده تو و ولی تو و برادر پیامبر تو و حجت تو بر خلقت و بزرگ ترین آیت تو و آن خبر بزرگ، درود فرست. و بر آن بانوی راستین ایمان و پاک، فاطمه، بانوی زنان عالم، درود فرست. و بر دو نوه [پیامبر] رحمت، و دو پیشوای هدایت، حسن و حسین، آقای جوانان بهشتی، درود فرست. و بر پیشوایان مسلمانان: علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و جانشین [او] مهدی، این حجت های تو بر بندگان و معتمدان تو در شهرهایت، درود فرست؛ درودی بسیار و پایدار. بار خدایا! بر ولی امر خود که همگان آرزوی ظهور او را دارند و در انتظار عدالت اویند درود فرست و او را در احاطه فرشتگان مقرب خود قرار ده، و با روح القدس، پشتیبانی اش فرما، ای پروردگار جهانیان!

الاحتجاج عن محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري من توقيع خراج من الناحية المقدسة بعد الزياره المعروفه بزياره آل ياسين :
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ (١) حُجَّجِكَ فِي أَرْضِكَ ، وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ ، وَالدَّاعِيَ إِلَى سَبِيدِكَ ، وَالْقَائِمَ بِقِسْطِكَ ، وَالتَّائِبِ
 بِأَمْرِكَ ، وَلِئِى الْمُؤْمِنِينَ ، وَبِوَارِ الكَافِرِينَ ، وَمُجَلِّى الظُّلْمِ ، وَمُنِيرِ الحَقِّ ، وَالسَّاطِعِ بِالحِكْمَةِ وَالصُّدْقِ ، وَكَلِمَتِكَ التَّيَامَةِ فِي
 أَرْضِكَ ، الْمُرتَقِبِ الخَائِفِ ، وَالوَلِى النَّاصِحِ ، سَيْفِيهِ النَّجَاهِ ، وَعَلَمِ الهُدَى ، وَنورِ أَبْصَارِ الوَرَى ، وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارتدى ،
 وَمُجَلِّى العَمَى ، الَّذِى يَمَلَأُ الأَرْضَ عدلاً وَقِسْطاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلماً وَجوراً ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ
 أَوْلِيائِكَ ، الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً . اللَّهُمَّ انصُرْ [هـ] وَأَنْتَصِرْ بِهِ [لِدِينِكَ ،
 وَانصُرْ بِهِ] (٢) أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ . اللَّهُمَّ أعِزَّهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ باغٍ وَطَاغٍ ، وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ ،
 وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ ، وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوَصَّلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ
 رَسُولِكَ ، وَأَظْهِرْ بِهِ العِدَلَ ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ ، وَاحْذُلْ خَاذِلِيهِ ، وَأَقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الكَفْرِ (٣) ، وَاقْتُلْ بِهِ الكُفَّارَ
 وَالمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ المُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا فِي مَشَارِقِ الأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا ، بَرِّهَا وَبَحْرِهَا ، وَامَلَأْ بِهَا الأَرْضَ عدلاً وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ ،
 وَاجْعَلْنِى اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ ، وَأَرِنِى فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ ، إِلَهَ
 الحَقِّ آمِينَ ، يَا ذَا الجَلَالِ وَالإِكْرَامِ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (٤)

١- فى بعض نسخ المصدر الخطيه : «اللهم صل على م ح م د ابن الحسن المنتظر ...» .

٢- أثبتنا ما بين المعقوفين من بحار الأنوار .

٣- فى بعض نسخ المصدر الخطيه وبحار الأنوار : «جبابره الكفر» .

٤- الاحتجاج : ج ٢ ص ٥٩١ ح ٣٥٨ ، بحار الأنوار : ج ٥٣ ص ١٧١ ح ٥ وج ١٠٢ ص ٨١ ح ١ وراجع مصباح الزائر : ص ٤٣٠ والمزار الكبير : ص ٥٦٦ ٥٧٣ .

الاحتجاج به نقل از محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری ، از توقیعی که پس از زیارت معروف به «زیارت آل یاسین» از ناحیه مقدّسه صادر شد : بار خدایا! بر محمد ، این حجّت تو در زمینت ، و جانشین تو در سرزمینت ، و دعوت کننده به راه تو ، و برپادارنده عدالت تو ، و خونخواه (/قیام کننده) به فرمان تو ، و سرپرست مؤمنان ، و نابود کننده کافران ، و زداینده تاریکی ها ، و روشن کننده حق ، و برافروزنده [چراغ] حکمت و راستی ، و کلمه تامّ تو در زمینت ، آن نگران بیمناک ، و دوست خیرخواه ، و کشتی نجات ، و نشان هدایت ، و نور دیدگان مردم ، و بهترین کسی که پیراهن و ردا بر تن کرده است ، و برطرف کننده کوری ، همان که زمین آکنده از ستم و بیداد را پُر از عدالت و داد می کند ، درود فرست ، که به راستی ، تو بر هر چیز ، توانایی . بار خدایا! بر ولیّ ات و فرزند اولیایت ، همانان که اطاعت از ایشان را فریضه قرار دادی و حقّشان را واجب گردانیدی و پلیدی را از ایشان بردی و پاک پاکشان ساختی ، درود فرست . بار خدایا! او را یاری ده ، و به وسیله او [دینت را] یاری رسان و به وسیله او دوستانت و دوستان و شیعیان و هواداران او را [یاری رسان] ، و ما را در زمره ایشان قرار ده . بار خدایا! او را از گزند هر ستمگر و سرکشی ، و از گزند همه آفریدگانت ، در پناه خویش دار ، و از پیش رو و از پشت سر و از راست و از چپش او را محافظت فرما ، و از این که به او بدی و آسیبی رسد ، پاسداری و نگهداری اش کن ، و در وجود او ، پیامبر و خاندان پیامبرت را نگه دار ، و به واسطه او ، عدالت را آشکار گردان ، و با نصرت خویش مددش رسان ، و یاوران او را یاری رسان ، و واگذارند گانش را واگذار ، و به وسیله او ، سردمداران کافران را نابود کن ، و کافران و منافقان و همه بی دینان را در هر کجای زمین ، شرق و غرب و خشکی و دریای آن ، که باشند به قتل رسان ، و به واسطه او ، زمین را از عدالت ، آکنده ساز ، و دین پیامبرت را آشکار (چیره) گردان ، و مرا ای خداوند در زمره یاران و کمککاران و پیروان و شیعیان او در آور ، و مرا شاهد رسیدن خاندان محمد صلی الله علیه و آله به آرزوهایشان ، و آنچه دشمنانشان از آن بیمناکند قرار ده . آمین ، ای معبود راستین ، ای پروردگار شکوه و ارج ، ای مهربان ترین مهربانان!» .

ص: ۵۱۳

..

ص: ۵۳۱

..

ص: ۵۳۲

..

ص: ٥٣٤

..

ص: ۵۳۹

..

ص: ٥٤١

..

ص: ٥٤٢

..

ص: ٥٤٣

..

ص: ٥٤٤

..

ص: ٥٤٧

..

ص: ٥٤٩

..

ص: ۵۵۵

..

ص: ٥٧٢

..

ص: ٥٧٣

..

ص: ٥٧٤

..

فهرست منابع و مآخذ

- فهرست منابع و مآخذ ١. الآداب ، أحمد بن حسين البيهقي (م ٤٥٨ ق) ، تعليق : أبو عبد الله السعيد المندوه ، بيروت : المؤسسه الثقافيه ، ١٤٠٨ ق / ١٩٩٨ م . ٢. إثبات الوصيه للإمام علي بن أبي طالب عليه السلام ، [المنسوب إلى] علي بن الحسين المسعودي (م ٣٤٦ ق) ، بيروت : دار الأضواء ، ١٤٠٩ ق ، دوم . ٣. الاحتجاج على أهل اللجاج ، أحمد بن علي الطبرسي (م ٦٢٠ ق) ، تحقيق : إبراهيم البهادري ومحمّد هادي به ، تهران : دار الأسوه ، ١٤١٣ ق ، أوّل . ٤. إحقاق الحقّ وإزهاق الباطل ، نور الله بن السيّد شريف الشوشتری (القاضي التستري) (م ١٠١٩ ق) ، با تصحيح و تعليق : السيّد شهاب الدين المرعشي ، قم : مكتبه آيه الله المرعشي ، ١٤١١ ق ، أوّل . ٥. إحياء علوم الدين ، محمّد بن محمّد الغزالي (م ٥٠٥ ق) ، بيروت : دار الهادي ، ١٤١٢ ق ، أوّل . ٦. الاخبار الطوال ، أحمد بن داوود الدينوري (م ٢٨٢ ق) ، تحقيق : عبد المنعم عامر ، قم : الشريفيالرضي ، ١٤٠٩ ق ، أوّل . ٧. الاختصاص ، [المنسوب إلى] محمّد بن محمّد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (م ٤١٣ ق) ، تحقيق : علي أكبر الغفاري ، قم : مؤسسه النشر الإسلامي ، ١٤١٤ ق ، چهارم . ٨. اختيار معرفه الرجال (رجال الكشي) ، محمّد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م ٤٦٠ ق) ، تحقيق : السيّد مهدي الرجائي ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، ١٤٠٤ ق ، أوّل . ٩. أدب الإملاء والاستملاء ، عبد الكريم بن محمّد السمعاني (م ٥٦٢ ق) ، بيروت : دار الكتابالعلميه ، ١٤٠١ ق ، أوّل .

١٠. الاءدب المفرد ، محمّد بن إسماعيل البخارى (م ٢٥٦ ق) ، تحقيق : محمّد بن عبد القادر عطا ، بيروت : دار الكتب العلميه .
١١. الاءذكار النوويه ، محيى الدين أبو زكريا يحيى بن شرف التّوى (م ٦٧١ ق) ، بيروت : دار الفكر . ١٢ . إرشاد القلوب ، الحسن بن محمّد الديلمى (م ٧١١ ق) ، بيروت : مؤسسه الأعلمى ، ١٣٩٨ ق ، چهارم . ١٣ . الاءرشاد فى معرفه حجج الله على العباد ، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخالمفيد) (م ٤١٣ ق) ، تحقيق : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، ١٤١٣ ق ، أوّل . ١٤ . أسباب نزول القرآن ، على بن أحمد الواحدى النيسابورى (م ٤٦٨ ق) ، تحقيق : كمال بسيونيزغلول ، بيروت : دار الكتب العلميه . ١٥ . الاستبصار فى ما اختلف من الأخبار ، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م ٤٦٠ ق) ، تحقيق : حسن الموسوى الخرسان ، تهران : دار الكتب الإسلاميه ، أوّل . ١٦ . أسد الغابه فى معرفه الصحابه ، على بن أبى الكرم محمّد الشيبانى (ابن الأثير الجزرى) (م ٦٣٠ ق) ، تحقيق : على محمّد معوض وعادل أحمد عبد الموجود ، بيروت : دار الكتب العلميه ١٤١٥ ق ، أوّل . ١٧ . الاءسماء و الصفات ، أحمد بن الحسين بن علىّ البيهقى ، تحقيق : عبد الله بن محمّد الراشدى ، جدّه : مكتبه السوادى . . الاءشعثيات = الجعفریات . ١٨ . الاءصابه فى تميز الصحابه ، أحمد بن علىّ العسقلانى (ابن حجر) (م ٨٥٢ ق) ، تحقيق : عادلاًحمد عبد الموجود وعلى محمّد معوض ، بيروت : دار الكتب العلميه ، ١٤١٥ ق ، أوّل . ١٩ . إصلاح المنطق ، يعقوب بن إسحاق بن السكّيت (م ٢٤٤ ق) ، شرح و تحقيق : أحمد محمّد شاکر ، عبد السلام محمّد هارون ، قاهره : دار المعارف ، ١٣٤٩ ه . ق ١٩٧٠ م . ٢٠ . الأصول السنّه عشر ، نخبه من الرواه ، قم : دار الشبستري ، ١٤٠٥ ق ، دوم . ٢١ . الاءعتقادات ، محمّد بن علىّ ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق) ، تحقيق : عاصم عبد السّيد ، قم : المؤتمر العالمى لألفيه الشيخ المفيد ، ١٤١٣ ق ، أوّل . ٢٢ . أعلام الدين فى صفات المؤمنين ، الحسن بن محمّد الديلمى (م ٧١١ ق) ، تحقيق : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام .

- ٢٣ . إعلام الورى بأعلام الهدى ، الفضل بن الحسن الطُّبرسى (م ٥٤٨ ق) ، تحقيق : مؤسس آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسس مؤسس آل البيت عليهم السلام ، ١٤١٧ ق ، أول . ٢٤ . الاعمال بالأعمال الحسنه فى ما يعمل مرّه فى السنه : على بن موسى الحلّى (السيد ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق) ، تحقيق : السيد جواد القيوّمى ، قم : مكتب الإعلام الإسلامى ، ١٤١٤ ق ، أول . ٢٥ . الزهد ، عبد الله بن المبارك الحنظلى المروزى (ابن المبارك) (م ١٨١ ق) ، تحقيق : حبيب الرحمن الأعظمى ، بيروت : دار الكتب العلميه . ٢٦ . الاعمالى ، محمّد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق) ، تحقيق : مؤسس البعثه ، قم : مؤسس البعثه ، ١٤٠٧ ق ، أول . ٢٧ . الاعمالى ، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م ٤٦٠ ق) ، تحقيق : مؤسس البعثه ، قم : دار الثقافه ، ١٤١٤ ق ، أول . ٢٨ . الاعمالى ، حسين بن إسماعيل المحاملى (م ٣٣٠ ق) تحقيق : إبراهيم إبراهيم القيس ، أردن : المكتبة الإسلاميه ، ١٤١٢ ق / ١٩٩١ م . ٢٩ . الاعمالى ، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م ٤١٣ ق) ، تحقيق : حسين أستاذ ولى وعلى أكبر الغفارى ، قم : مؤسس النشر الإسلامى ، ١٤٠٤ ق ، دوم . ٣٠ . الاعمالى (الأمالى الخميسيه) ، يحيى بن الحسين الشجرى (م ٤٩٩ ق) ، بيروت : عالم الكتب ، ١٤٠٣ ق ، سوم . ٣١ . الاعمال من أخطار الأسفار و الأزمان ، على بن موسى الحلّى (السيد ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق) ، تحقيق : مؤسس آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسس آل البيت عليهم السلام . ٣٢ . الاعمالى ، عبد الله بن محمّد القُرشى (ابن أبى الدنيا) (م ٢٨١ ق) ، تحقيق : محمّد السعيد بسيونيز غلول ، بيروت : مؤسس الكتب الثقافيه ، ١٤١٣ ق / ١٩٩٣ م . ٣٣ . اهل بيت در قرآن و حديث ، محمّد محمّد رى شهرى ، ترجمه : حميد رضا شيخى و حميد رضا آثير ، قم : دار الحديث ، ١٣٧٩ ش ، أول . ٣٤ . أهل البيت فى آيه التطهير ، السيد جعفر مرتضى العاملى ، بيروت : دار الأمير للثقافه والعلوم ، ١٤١٣ ق ، أول . ٣٥ . بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار عليهم السلام ، محمّد باقر بن محمّد تقى المجلسى (العلامة المجلسى) (م ١١١١ ق) ، بيروت : مؤسس الوفاء ، ١٤٠٣ ق ، دوم .

٣٦. البدايه و النهايه ، إسماعيل بن عمر الدمشقى (ابن كثير) (م ٧٧٤ ق) ، تحقيق : مكتبه المعارف ، بيروت : مكتبه المعارف .
٣٧. البرهان فى تفسير القرآن (تفسير البرهان) ، السيدهاشم بن سليمان البحرانى (م ١١٠٧ ق) ، تحقيق : مؤسسه البعثه ، ١٤١٥ق ،
- أول. ٣٨. بشاره المصطفى لشيعة المرتضى ، محمّد بن محمّد الطبرى (م ٥٢٥ ق) ، نجف : المطبعه الحيدرّيّه ، ١٣٨٣ ق ، دوم
٣٩. بصائر الدرجات ، محمّد بن الحسن الصفّار القمى (ابن فزوخ) (م ٢٩٠ ق) ، قم : مكتبه آيه الله المرعشى ، ١٤٠٤ ق ،
- أول. ٤٠. البلد الأمين و الدرع الحصين ، إبراهيم بن على الحارثى العاملى (الكفعمى) (م ٩٠٥ ق) . ٤١. تاج العروس من
- جواهر القاموس ، السيد محمّد المرتضى بن محمّد الحسينى الزبيدى (م ١٢٠٥ ق) ، تحقيق : على شيرى ، بيروت : دار الفكر ،
- ١٤١٤ ق ، أول. ٤٢. تاريخ أصبهان ، أحمد بن عبد الله الأصبهاني (أبو نعيم) (م ٤٣٠ ق) ، تحقيق : سيد كسروى حسن ،
- بيروت : دار الكتب العلميه . ٤٣. تاريخ الطبرى (تاريخ الأمم و الملوك) ، محمّد بن جرير الطبرى (م ٣١٠ ق) ، تحقيق : محمّد
- أبو الفضل إبراهيم ، مصر : دار المعارف . ٤٤. التاريخ الكبير ، محمّد بن إسماعيل البخارى (م ٢٥٦ ق) ، بيروت : دار الفكر .
٤٥. تاريخ المدينه المنوره ، عمر بن شَبّه النُميرى البصرى (م ٢٦٢ ق) ، تحقيق : فهيم محمّد شلتوت ، بيروت : دار التراث ،
- ١٤١٠ ق ، أول. ٤٦. تاريخ بغداد أو مدينه السلام ، أحمد بن على الخطيب البغدادى (م ٤٦٣ ق) ، مدينه : المكتبه السلفيه . ٤٧
- . تاريخ دمشق ، على بن الحسن بن هبه الله الدمشقى (ابن عساكر) (م ٥٧١ ق) ، تحقيق : على شيرى ، بيروت : دار الفكر ،
- ١٤١٥ ق ، أول . ٤٨. تأويل الآيات الظاهره فى فضائل العتره الطاهره (كنز جامع الفوائد) ، السيدعلى الغروى الحسينى
- الإسترآبادى (م ٩٤٠ ق) ، تحقيق : مدرسه الإمام المهدي عليه السلام ، قم : مدرسه الإمام المهدي عليه السلام ، ١٤٠٧ ق ، أول.
٤٩. التحصين ، على بن موسى الحلّى (السيد ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق) ، قم : مؤسسه دار الكتاب ، ١٤١٣ ق .

٥٠. تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه وآله ، الحسن بن علي الحرّاني (ابن شعبه) (م ٣٨١ ق) ، تحقيق : علي أكبر الغفّاري ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى ، ١٤٠٤ ق ، دوم . ٥١. تذكره الخواصّ (تذكره خواصّ الأئمّه فى خصائص الأئمّه عليهم السلام) ، يوسف بن فزّعلّى (سبط ابن الجوزى) (م ٦٥٤ ق) ، مقدمه : السيّد محمّد صادق بحر العلوم ، تهران : مكتبه نينوى الحديثه . ٥٢. ترجمه و شرح غرر الحكم و درر الكلم ، آقا جمال خوانسارى ، تحقيق : مير جلال الدين محدث أرموى ، تهران : دانشگاه تهران ، ١٣٦٠ ش ، سوم . ٥٣. الترغيب و الترهيب من الحديث الشريف ، عبدالعظيم بن عبد القوى المنذرى الشامى (م ٦٥٦ ق) ، تحقيق : مصطفى محمّد عماره ، بيروت : دار إحياء التراث ، ١٣٨٨ ق ، سوم . ٥٤. تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم) ، إسماعيل بن عمر البصروى الدمشقى (م ٧٧٤ ق) ، تحقيق : عبد العزيز غنيم و محمّد أحمد عاشور و محمّد إبراهيم البنا ، قاهره : دار الشعب . . تفسير ابوالفتوح رازى = روض الجنان و روح الجنان . . تفسير البرهان = البرهان فى تفسير القرآن . ٥٥. تفسير البيضاوى ، عبد الله بن عمر البيضاوى (م ٦٨٥ ق) ، بيروت : مؤسّسه الأعلّمى ، ١٤١٠ ق / ١٩٩٠ م . ٥٦. تفسير الثعلبى (الجواهر الحسان فى تفسير القرآن) ، عبد الرحمان بن محمّد الثعلبى ، تحقيق : علي محمّد معوّض و عادل أحمد عبد الموجود و عبد الفتاح أبو سنه ، بيروت : دار إحياء التراث و مؤسّسه التاريخ العربى ، ١٤١٨ ق / ١٩٩٧ م . . تفسير الطبرى = جامع البيان عن تأويل آى القرآن . ٥٧. تفسير العيّاشى ، محمّد بن مسعود السلمى السمرقندى (العيّاشى) (م ٣٢٠ ق) ، تحقيق : السيّد هاشم الرسولى المحلّاتى ، تهران : المكتبه العلميه ، ١٣٨٠ ق ، أوّل . . تفسير الفخر الرازى = التفسير الكبير و مفاتيح الغيب . . تفسير القرآن العظيم = تفسير ابن كثير . . تفسير القرطبى = الجامع لأحكام القرآن . ٥٨. تفسير القمّى ، علي بن إبراهيم القمّى (م ٣٠٧ ق) ، به كوشش : السيّد الطيّب الموسوى الجزائرى ، نجف : مطبعه النجف الأشرف . ٥٩. التفسير الكبير و مفاتيح الغيب (تفسير الفخر الرازى) ، محمّد بن عمر الرازى (الفخر الرازى) (م ٦٠٤ ق) ، بيروت : دار الفكر ، ١٤١٠ ق ، أوّل .

٦٠. التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ، تحقيق : مدرسه الإمام المهدي عليه السلام ، قم : مدرسه الإمام المهدي عليه السلام ، ١٤٠٩ ق ، أول . . تفسير الميزان = الميزان في تفسير القرآن . ٦١ . تفسير فرات الكوفى ، فرات بن إبراهيم الكوفى (ق ٤ ق) ، به كوشش : محمّد الكاظم ، تهران : وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامى ، ١٤١٠ ق ، أول . . تفسير مجمع البيان = مجمع البيان . . تفسير نور الثقلين = نور الثقلين . ٦٢ . تلخيص الحبير ، أحمد بن على العسقلانى (ابن حجر) (ت ٨٥٢ هـ . ق) ، بيروت : دار المعرفة . ٦٣ . التمهيد ، محمّد بن همّام الإسكافى (ابن همّام) (م ٣٣٦ ق) ، تحقيق : مدرسه الإمام المهدي عليه السلام ، قم : مدرسه الإمام المهدي عليه السلام . ٦٤ . التمهيد لما فى الموطأ من المعانى والأسانيد ، يوسف بن عبد الله القرطبى (ابن عبد البر) (م ٤٦٣ ق) ، تحقيق : مصطفى العلوى و محمّد عبد الكبير البكرى ، جدّه : مكتبة السوادى ، ١٣٨٧ ق . ٦٥ . تنبيه الخواطر و نزاهه النواظر (مجموعه ورام) ، ورام بن أبى فراس الحمدان (م ٦٠٥ ق) ، بيروت : دار التعارف و دار صعب . ٦٦ . تنبيه الغافلين ، نصر بن محمّد السمرقندى (م ٣٧٢ ق) ، تحقيق : يوسف على بديوى ، بيروت : دار ابن كثير ، ١٤١٣ ق ، أول . ٦٧ . التوحيد ، محمّد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق) ، تحقيق : السيدهاشم الحسينى الطهرانى ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، ١٣٩٨ ق ، أول . ٦٨ . تهذيب الأحكام فى شرح المقنعه ، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م ٤٦٠ ق) ، بيروت : دار التعارف ، ١٤٠١ ق ، أول . ٦٩ . تهذيب الكمال فى أسماء الرجال ، يونس بن عبد الرحمان المزى (م ٧٤٢ ق) ، تحقيق : بشّار عوّاد معروف ، بيروت : مؤسسه الرساله ، ١٤٠٩ ق ، أول . ٧٠ . تيسير المطالب فى أمالى الإمام أبى طالب ، يحيى بن الحسين الزيدى اليمانى (الإمام أبوطالب) (م ٣٨٤ ق) ، گردآورى : أحمد بن سعد الدين المسورى (ق ٥ ق) ، بيروت : مؤسسه الأعلمى ، ١٣٩٥ ق ، أول .

٧١. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ، محمّد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق) ، تحقيق : علي أكبر الغفاري ، تهران : مكتبة الصدوق . ٧٢. جامع الأحاديث ، جعفر بن أحمد القمي (ابن الرازي) (ق ٤ ق) ، تحقيق : السيد محمّد الحسيني النيسابوري ، مشهد : مؤسّسه الطبع والنشر التابعه للحضرة الرضويّه المقدّسه ، ١٤١٣ ق ، أوّل . ٧٣. جامع الأخبار أو معارج اليقين في أصول الدين ، محمّد بن محمّد الشعيري السبزواري (ق ٧ ق) ، تحقيق : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، ١٤١٤ ق ، أوّل . ٧٤. جامع البيان عن تأويل آي القرآن (تفسير الطبري) ، محمّد بن جرير الطبري (م ٣١٠ ق) ، بيروت : دار الفكر ، ١٤٠٨ ق ، أوّل . ٧٥. الجامع الصغير في أحاديث البشير النذير ، عبد الرحمان بن أبي بكر السيوطي (م ٩١١ ق) ، بيروت : دار الفكر ، ١٤٠١ ق ، أوّل . ٧٦. الجامع لأحكام القرآن (تفسير القرطبي) ، محمّد بن أحمد الأنصاري (م ٦٧١ ق) ، تحقيق : محمّد عبد الرحمان المرعشلي ، بيروت : دار إحياء التراث العربي ، ١٤٠٥ ق ، دوم . ٧٧. الجامع لأخلاق الراوي ، أحمد بن علي الخطيب البغدادي (م ٤٦٣ ق) ، تصحيح: محمّد عجاج الخطيب ، بيروت : مؤسّسه الرساله . ٧٨. الجعفريات (الأشعثيات) ، محمّد بن محمّد بن الأشعث الكوفي (ق ٤ ق) ، تهران : مكتبة نينوى (چاپ شده به همراه : قرب الإسناد) . ٧٩. جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع ، علي بن موسى الحلّي (السيد ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق) ، تحقيق : السيد جواد القيومي ، قم : مؤسّسه الآفاق ، ١٣٧١ ش ، أوّل . ٨٠. الجمل و النصره لسيد العتره في حرب البصره ، محمّد بن محمّد بن نعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (م ٤١٣ ق) ، تحقيق : السيد علي مير شريفى ، قم : المؤتمر العالمى لألفيته الشيخ المفيد ، ١٤١٣ ق ، أوّل . ٨١. جوامع الجامع ، الفضل بن الحسن الطّبرسي (م ٥٤٨ ق) ، تهران: مؤسّسه الطبع والنشر التابعه لجامعه طهران ، ١٣٧١ ش . . الجواهر الحسان في تفسير القرآن = تفسير الثعلبي . ٨٢. جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام ، محمّد حسن النجفي الإصفهاني (م ١٢٦٦ ق) ، بيروت : مؤسّسه المرتضى العالميه .

٨٣. جواهر المطالب في مناقب الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام (المناقب لابن الدمشقي)، محمّد بن أحمد الباعوني (م ٨٧١ ق)، تحقيق: محمّد باقر المحمودي، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلاميّة، ١٤١٥ ق، أوّل. ٨٤. جهش ها، محمّد رضا حكيمي، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ١٣٦٦ ش. ٨٥. الحاوي للفتاوى في الفقه و علوم القرآن و الحديث و الأصول و العقائد و التصوّف و النحو و غيرها، عبد الرحمان بن أبي بكر السيوطي (م ٩١١ ق)، بيروت: دار الكتاب العربي. ٨٦. الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، يوسف بن أحمد البحراني (م ١١٨٦ ق)، تحقيق: محمّد تقى الإيرواني، نجف: دار الكتب الإسلاميّة، ١٣٧٧ ق. ٨٧. حليه الأولياء و طبقات الأصفياء، أحمد بن عبد الله الأصبهاني (أبو نعيم) (م ٤٣٠ ق)، بيروت: دار الكتاب العربي، ١٣٨٧ ق، دوم. ٨٨. حياه الحيوان الكبرى، محمّد بن موسى الدّميري (م ٨٠٨ ق)، بيروت: دار إحياء التراث العربي. ٨٩. الخرائج و الجرائح، سعيد بن هبة الله الراوندي (قطب الدين الراوندي) (م ٥٧٣ ق)، تحقيق: مؤسسّه الإمام المهدي عليه السلام، قم: مؤسسّه الإمام المهدي عليه السلام، ١٤٠٩ ق، أوّل. ٩٠. الخصال، محمّد بن علي ابن بابويه القمّي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، قم: مؤسسّه النشر الإسلامي، ١٤١٤ ق، چهارم. ٩١. الدرّ المنثور في التفسير المأثور، عبد الرحمان بن أبي بكر السيوطي (م ٩١١ ق)، بيروت: دار الفكر، ١٤١٤ ق، أوّل. ٩٢. الدرّ المنثور في التفسير المأثور، عبد الرحمان بن أبي بكر السيوطي (م ٩١١ ق)، بيروت: دار الفكر، ١٤١٤ ق، أوّل. ٩٣. دستور معالم الحكم و مأثور مكارم الشيم، محمّد بن سلامه (القاضي القضاعي) (م ٤٥٤ ق)، بيروت: دار الكتاب العربي، ١٤٠١ ق، أوّل. ٩٤. دعائم الإسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، النعمان بن محمّد التميمي المغربي (القاضي أبو حنيفه) (م ٣٦٣ ق)، تحقيق: آصف بن علي أصغر فيضي، مصر: دار المعارف، ١٣٨٩ ق، سوم. ٩٥. الدعاء، سليمان بن أحمد الطبراني (م ٣٦٠ ق)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلميّة، ١٤١٣ ق، أوّل.

٩٦. الدعوات ، سعيد بن هبه الله الراوندى (قطب الدين الراوندى) (م ٥٧٣ ق) ، تحقيق : مؤسسسه الإمام المهدي عليه السلام ، قم : مؤسسسه الإمام المهدي عليه السلام ، ١٤٠٧ ق ، أول . ٩٧ . دلائل الإمامه ، محمد بن جرير الطبرى الإمامى (ق ٥ ق) ، تحقيق : مؤسسسه البعثه ، قم : مؤسسسه البعثه . ٩٨ . دلائل النبوه ، أحمد بن عبد الله الأصبهاني (أبو نعيم) (م ٤٣٠ ق) تحقيق : محمد رؤاس قلعي و عبد البر عبّاس ، بيروت : دار النفائس ، ١٤٠٦ ق ، دوم . ٩٩ . ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى ، أحمد بن عبد الله الطبرى (م ٦٩٣ ق) ، تحقيق : أكرم البوشى ، جدّه : مكتبه الصحابه ، ١٤١٥ ق ، أول . ١٠٠ . ذم الدنيا ، عبد الله بن محمد القُرشي (ابن أبى الدنيا) (م ٢٨١ ق) ، تحقيق : محمد السعيد بسيونى زغلول ، بيروت : مؤسسسه الكتب الثقافيه ، ١٤١٣ ق / ١٩٩٣ م . ١٠١ . ربيع الأبرار و نصوص الأخبار ، محمود بن عمر الزمخشري (م ٥٣٨ ق) ، تحقيق : سليم النعيمى ، قم : منشورات الشريف الرضى ، ١٤١٠ ق ، أول . رجال الكششى = اختيار معرفه الرجال . ١٠٢ . روض الجنان و روح الجنان (تفسير ابو الفتوح رازى) ، حسين بن على رازى (ق ٦ ق) ، مشهد : آستان قدس رضوى ، ١٣٧١ ش ، أول . ١٠٣ . روضه الممتقين ، محمّد تقي المجلسى (م ١٠٧٠ ق) ، تصحيح : السيّد حسين الموسوى الكرمانى و على پناه الإشتهاردى ، تهران : بنياد فرهنگ اسلامى كوشان پور . ١٠٤ . روضه الواعظين ، محمّد بن الحسن الفتّال النيسابورى (م ٥٠٨ ق) ، تحقيق : حسين الأعلمى ، بيروت : مؤسسسه الأعلمى ، ١٤٠٦ ق ، أول . ١٠٥ . رياض السالكين فى شرح صحيفه سيّد الساجدين ، السيّد على خان الحسينى المدنى الشيرازى (م ١١٢٠ ق) ، تصحيح : السيّد محسن الحسينى الأمينى ، قم : مؤسسسه النشر الإسلامى . ١٠٦ . الزهد ، أحمد بن محمد الشيبانى (ابن حنبل) (م ٢٤١ ق) ، بيروت : دار الكتب العلميه . ١٠٧ . الزهد ، حسين بن سعيد الكوفى الأهوازى (ق ٣ ق) ، قم : المطبعه العلميه . ١٠٨ . سنن ابن ماجه ، محمّد بن يزيد القزوينى (ابن ماجه) (م ٢٧٥ ق) ، تحقيق : محمّد فؤاد عبد الباقي ، بيروت : دار إحياء التراث ، ١٣٩٥ ق ، أول . ١٠٩ . سنن أبى داوود ، سليمان بن أشعث السجستانى الأزدى (م ٢٧٥ ق) ، تحقيق : محمّد محبى الدين عبد الحميد ، بيروت : دار إحياء السنّه النبويه .

١١٠. سِيْنِ التَّرْمِذِي (الجامع الصحيح)، مُحَمَّد بن عيسى الترمذى (أبو عيسى) (م ٢٧٩ ق)، تحقيق: أحمد محمّد شاكر، بيروت: دار إحياء التراث. ١١١. سنن الدارقطنى، على بن عمر البغدادى (الدارقطنى) (م ٢٨٥ ق)، تحقيق: أبو الطيّب محمّد آبادى، بيروت: عالم الكتب، ١٤٠٦ ق، چهارم. ١١٢. سنن الدارمى، عبد الله بن عبد الرحمان الدارمى (م ٢٥٥ ق)، تحقيق: مصطفى ديب البغا، بيروت: دار القلم، ١٤١٢ ق، أوّل. ١١٣. السنن الكبرى، أحمد بن الحسين البيهقى (م ٤٥٨ ق)، تحقيق: محمّد عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤١٤ ق، أوّل. ١١٤. السنن الكبرى، أحمد بن شعيب النسائى (م ٣٠٣ ق)، تحقيق: عبد الغفار سليمان البندارى، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤١١ ق، أوّل. ١١٥. سنن النسائى، أحمد بن شعيب النسائى (م ٣٠٣ ق)، بيروت: دار المعرفه، ١٤١٤ ق، سوم. ١١٦. السنّه، أحمد بن عمرو الشيبانى (ابن أبى عاصم) (م ٢٧٨ ق)، بيروت: المكتب الإسلامى، ١٤١٣ ق، سوم. ١١٧. سير أعلام النبلاء، محمّد بن أحمد الذهبى (م ٧٤٨ ق)، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسه الرساله، ١٤١٤ ق، دهم. ١١٨. السيره النبويه، عبد الملك بن هشام الحميرى (ابن هشام) (م ٢١٨ ق)، تحقيق: مصطفى السقّا و إبراهيم الأبيارى، قم: مكتبه المصطفى، ١٣٥٥ ق، أوّل. ١١٩. شرح الأخبار فى فضائل الأئمه الأطهار، النعمان بن محمّد المصرى (القاضى أبو حنيفه) (م ٣٦٣ ق)، تحقيق: السيد محمّد الحسينى الجلالى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، ١٤١٢ ق، أوّل. ١٢٠. شرح الأسماء الحسنى، هادى بن مهدى سبزوارى (ملا هادى) (م ١٢٨٩ ق)، قم: مكتبه بصيرتى، ١٢٦٧ ق، أوّل. ١٢١. شرح نهج البلاغه، عبد الحميد بن محمّد المعتزلى (ابن أبى الحديد) (م ٦٥٦ ق)، تحقيق: محمّد أبو الفضل إبراهيم، بيروت: دار إحياء التراث، ١٣٨٧ ق، دوم. ١٢٢. شرح نهج البلاغه، ميثم بن على البحرانى (ابن ميثم) (م ٦٨٩ ق)، بيروت: دار الآثار للنشر، ١٤٠٢ ق. ١٢٣. شعب الإيمان، أحمد بن الحسين البيهقى (م ٤٥٨ ق)، تحقيق: محمّد السعيد بسيونى زغلول، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤١٠ ق، أوّل.

- ١٢٤ . الشفا بتعريف حقوق المصطفى ، عياض بن موسى اليحصبي (القاضي عياض) (م ٥٤٤ ق) ، بيروت : دارالكتب العلمية .
- ١٢٥ . الشكر ، عبد الله بن محمد القرشي (ابن أبي الدنيا) (م ٢٨١ ق) ، تحقيق : طارق الطنطاوى ، قاهره : مكتبه القرآن . ١٢٦ .
- شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ، عبيد الله بن عبد الله النيسابورى (الحاكم الحسنى) (ق ٥ ق) ، تحقيق : محمد باقر المحمودى ، تهران : مؤسسه الطبغ والنشر التابعه لوزاره الثقافه والإرشاد الإسلامى ، ١٤١١ ق ، أول . ١٢٧ . الصحاح (تاج اللغه وصحاح العربيه) ، إسماعيل بن حماد الجوهري (م ٣٩٨ ق) ، تحقيق : أحمد بن عبد الغفور عطار ، بيروت : دار العلم للملايين ، ١٤١٠ ق ، چهارم . ١٢٨ . صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان ، محمد بن احمد بن حبان (م ٣٥٤ ق) ، ترتيب : على بن بلبان الفارسى (م ٧٣٩ ق) ، تحقيق : شعيب الأرنؤوط ، بيروت : مؤسسه الرساله ، ١٤١٤ ق ، دوم . ١٢٩ . صحيح ابن خزيمه ، محمد بن إسحاق السلمى النيسابورى (ابن خزيمه) (م ٣١١ ق) ، تحقيق : محمد مصطفى الأعظمى ، بيروت : المكتب الإسلامى ، ١٤١٢ ق ، سوم . ١٣٠ . صحيح البخارى ، محمد بن إسماعيل البخارى (م ٢٥٦ ق) ، تحقيق : مصطفى ديب البغا ، بيروت : دار ابن كثير ، ١٤١٠ ق ، چهارم . ١٣١ . صحيح مسلم ، مسلم بن الحجاج القشيري النيسابورى (م ٢٦١ ق) ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي ، قاهره : دار الحديث ، ١٤١٢ ق ، أول . ١٣٢ . صحيفه الإمام الرضا عليه السلام ، [المنسوب إلى] الإمام الرضا عليه السلام ، تحقيق : مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام ، قم : مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام ، ١٤٠٨ ق ، أول . ١٣٣ . الصحيفه السجاديّه ، [المنسوب إلى] الإمام على بن الحسين عليه السلام ، تصحيح : على أنصاريان ، دمشق : المستشاريه الثقافيه للجمهوريه الإسلاميه الإيرانيه ، ١٤٠٥ ق . ١٣٤ . الصراط المستقيم إلى مستحقى التقديم ، على بن يونس النباطى البياضى (م ٨٧٧ ق) ، به كوشش : محمد باقر البهردى ، تهران : المكتبه المرتضويه ، ١٣٨٤ ق ، أول . ١٣٥ . صفات الشيعه ، محمد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق) ، تحقيق : مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام ، قم : مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام . ١٣٦ . صفه الصفوه ، عبد الرحمان بن على (ابن الجوزى) (م ٥٩٧ ق) ، تحقيق : عبد السلام محمد هارون ، بيروت : دار الفكر ، ١٤١٣ ق ، أول .

١٣٧ . الصواعق المحرقة فى الردّ على أهل البدع و الزندقه ، أحمد بن حجر الهيثمى الكوفى (م ٩٧٤ ق) ، به كوشش : عبد الوهّاب عبد اللطيف ، مصر : مكتبه القايره ، ١٣٨٥ ق ، دوم . ١٣٨ . طبّ الأئمّه عليهم السلام ، ابنا بسطام النيسابوريان ، تحقيق : محسن عقيل ، بيروت : دار المحجّه البيضاء و دار الرسول الأ-كرم . ١٣٩ . طبّ النبى صلى الله عليه و آله ، جعفر بن محمّد المستغفرى (أبو العبّاس) (٥٥ ق) ، بيروت : مؤسّسه أهل البيت عليهم السلام . ١٤٠ . الطبقات الكبرى ، محمّد بن سعد (كاتب الواقدى) (م ٢٣٠ ق) ، بيروت : دار صادر . ١٤١ . العدد القويّه لدفع المخاوف اليوميّه ، الحسن بن يوسف الحلّى (العلامه) (م ٧٢٦ ق) ، تحقيق : السيّد مهدي الرجائى ، قم : مكتبه آيه الله المرعشى ، ١٤٠٨ ق ، أوّل . ١٤٢ . عدّه الداعى و نجاح الساعى ، أحمد بن محمّد الحلّى الأسدى (ابن فهد) (م ٨٤١ ق) ، تحقيق : أحمد الموحّدى ، تهران : مكتبه وجدانى . ١٤٣ . العزله ، حمد بن محمّد الخطّابى البستى (م ٣٨٨ ق) ، تحقيق : عبد الغفار بندارى ، بيروت : دار الكتب العلميه . . العسل المصفّى فى تهذيب زين الفتى = زين الفتى . ١٤٤ . العقد الفريد ، أحمد بن محمّد الأندلسى (ابن عبد ربّه) (م ٣٢٨ ق) ، تحقيق : أحمد الزين و إبراهيم الأبيارى ، بيروت : دار الأندلس ، ١٤٠٨ ق ، أوّل . ١٤٥ . علل الشرائع ، محمّد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق) ، بيروت : دار إحياء التراث ، ١٤٠٨ ق ، أوّل . العمده = عمده عيون صحاح الأخبار فى مناقب إمام الأبرار . ١٤٦ . عمده عيون صحاح الأخبار فى مناقب إمام الأبرار (العمده) ، يحيى بن الحسن الأسدى الحلّى (ابن البَطْرِيق) (م ٦٠٠ ق) ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى ، ١٤٠٧ ق ، أوّل . ١٤٧ . عمل اليوم و الليله ، أحمد بن شعيب النسائى (م ٣٠٣ ق) ، تحقيق : فاروق حماده ، بيروت : مؤسّسه الرساله ، ١٤٠٧ ق ، سوم . ١٤٨ . عمل اليوم و الليله ، أحمد بن محمّد الدينورى (م ٤٦٤ ق) ، تحقيق : حمدي عبد المجيد السلفى ، بيروت : مؤسّسه الكتب الثقافيه ، ١٤٠٨ ق ، أوّل . ١٤٩ . عوالى اللآلى العززيّه فى الأحاديث الدينيه ، محمّد بن على الأحسانى (ابن أبى جمهور) (م ٩٤٠ ق) ، تحقيق : مجتبى العراقى ، قم : مطبعه سيّد الشهداء عليه السلام ، ١٤٠٣ ق ، أوّل .

١٥٠. العين ، خليل بن أحمد الفراهيدي (م ١٧٥ ق) ، تحقيق : مهدي المخزومي ، قم : دار الهجرة ، ١٤٠٩ ق ، أول. ١٥١ .
 عيون أخبار الرضا عليه السلام ، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق) ، تحقيق : السيد مهدي الحسيني
 اللاجوردي ، تهران : جهان . ١٥٢ . عيون الحكم و المواعظ ، علي بن محمد الليثي الواسطي (ق ٦ ق) ، تحقيق : حسين الحسيني
 البيرجندی ، قم : دار الحديث ، ١٣٧٦ ش ، أول. ١٥٣ . الغارات ، إبراهيم بن محمد الثقفي (ابن هلال) (م ٢٨٣ ق) ، تحقيق :
 مير جلال الدين المحمّد الأرموي ، تهران : انجمن آثار ملی ، ١٣٩٥ ق ، أول. ١٥٤ . الغدير في الكتاب و السنّه و الأدب ، عبد
 الحسين بن أحمد الأميني (م ١٣٩٠ ق) ، بيروت : دار الكتاب العربي ، ١٣٨٧ ق ، سوم . . غرر الحكم و درر الكلم ، عبد الواحد
 الأمدي التميمي (م ٥٥٠ ق) = ترجمه و شرح غرر الحكم . ١٥٥ . الغيبة ، محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م ٤٦٠ ق
) ، تحقيق : عباد الله الطهراني و علي أحمد ناصح ، قم : مؤسسه المعارف الإسلاميه ، ١٤١١ ق ، أول. ١٥٦ . فتح الأبواب ، علي
 بن موسى الحلّي (السيد ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق) ، تحقيق : حامد الخفاف ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، ١٤٠٩ ق ،
 أول. ١٥٧ . الفرج بعد الشده ، علي بن محمد التنوخي (م ٣٨٤ ق) ، بيروت : مؤسسه النعمان ، ١٤١٠ ق ، أول. ١٥٨ . الفردوس
 بمأثور الخطاب ، شيرويه بن شهردار الديلمي الهمداني (م ٥٠٩ ق) ، تحقيق : محمد السعيد بسيوني زغلول ، بيروت : دار
 الكتب العلميه ، ١٤٠٦ ق ، أول. ١٥٩ . فرهنگ فارسي ، محمد معين (م ١٣٥٠ ش) ، تهران : اميركبير ، ١٣٧١ ش . ١٦٠ . الفصول
 المختاره من العيون و المحاسن ، السيد علي بن الحسين الموسوي (الشريف المرتضى) (م ٤٣٦ ق) ، قم : المؤتمر العالمي
 بمناسبة ذكرى ألقية الشيخ المفيد ، ١٤١٣ ق ، أول. ١٦١ . الفضائل ، شاذان بن جبرئيل القمي (م ٦٦٠ ق) ، نجف : المطبعه
 الحيدريه ، ١٣٣٨ ق . ١٦٢ . فضائل الأشهر الثلاثه ، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق) ، تحقيق :
 غلامرضا عرفانيان ، قم : مطبعه الآداب ، ١٣٩٦ ق ، أول . ١٦٣ . فضائل الأوقات ، أحمد بن حسين البيهقي (م ٤٥٨ ق) ، تحقيق :
 عدنان عبد الرحمان مجيد القيسي ، مكّه : مكتبه المناره ، ١٤١٠ ق / ١٩٩٠ م .

١٦٤. فضائل الشيعة ، محمّد بن علي ابن بابويه القمّي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق) ، تحقيق : مؤسّسه الإمام المهدي عليه السلام ، قم : مؤسّسه الإمام المهدي عليه السلام ، ١٤١٠ ق ، أوّل. ١٦٥. فضائل الصحابه ، أحمد بن محمّد بن حنبل (ابن حنبل) (م ٢٤١ ق) ، تحقيق : وصى الله بن محمّد عتّاس ، مكّه : جامعه أم القرى ، ١٤٠٣ ق ، أوّل. ١٦٦. فضائل القرآن ، قاسم بن سلام (م ٢٢٤ ق) ، تحقيق: مروان العطيّه و محسن ضرابه و وفاء تقى الدين ، دمشق : دار ابن كثير ، ١٤١٥ ق/ ١٩٩٥ م . ١٦٧. فضل الصلاه على النبي ، إسماعيل بن إسحاق (م ٢٨٢ ق) ، تحقيق : ناصر الدين الآلباني . ١٦٨. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام ، تحقيق : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، مشهد : المؤتمر العالمي للإمام الرضا عليه السلام . . الفقيه = كتاب من لا يحضره الفقيه . ١٦٩. الفقيه و المتفقه ، احمد بن علي الخطيب البغدادي (م ٤٦٣ ق) ، تحقيق: الأنصاري ، بيروت: دار الكتب العلميه . ١٧٠. فلاح السائل ، علي بن موسى الحلّي (السيد ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق) ، تحقيق : غلامحسين مجيدي ، قم : مكتب الإعلام الإسلامي ، ١٤١٩ ق ، أوّل. ١٧١. فيض القدير ، محمّد عبد الرؤوف المناوي (ق ١٠ ق) ، بيروت : دار الفكر . ١٧٢. القاموس المحيط ، محمّد بن يعقوب الفيروز آبادي (م ٨١٧ ق) ، بيروت : دار الفكر . ١٧٣. قرب الإسناد ، عبد الله بن جعفر الحميري القمّي (م بعد از ٣٠٤ ق) ، تحقيق : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، ١٤١٣ ق ، أوّل. ١٧٤. قصص الأنبياء ، سعيد بن هبه الله الراوندي (قطب الدين الراوندي) (م ٥٧٣ ق) تحقيق : غلامرضا عرفانيان ، مشهد : مجمع البحوث الإسلاميّه التابع لمؤسّسه الآستانه الرضويّه ، ١٤٠٩ ق ، أوّل. ١٧٥. الكافي ، محمّد بن يعقوب الكليني الرازي (ت ٣٢٩ هـ . ق) ، تحقيق : علي أكبر الغفّاري ، تهران : دار الكتب الإسلاميّه ، ١٣٨٩ ق ، دوم . ١٧٦. كامل الزيارات ، جعفر بن محمّد (ابن قولويه) (م ٣٦٧ ق) ، تحقيق : جواد القيّومي ، قم : نشر الفقاهه ، ١٤١٧ ق ، أوّل. ١٧٧. الكامل في التاريخ ، علي بن محمّد الشيباني الموصلي (ابن الأثير) (م ٦٣٠ ق) ، تحقيق : علي شيري ، بيروت : دار إحياء التراث العربي ، ١٤٠٨ ق ، أوّل.

١٧٨ . كتاب من لا يحضره الفقيه ، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق) ، تحقيق : علي أكبر الغفاري ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، دوم . ١٧٩ . الكشاف ، محمود بن عمر الزمخشري (م ٥٣٨ ق) ، بيروت : دار المعرفه . ١٨٠ . كشف الخفاء و الألباس عميا اشتهر من الأحاديث على ألسنه الناس ، إسماعيل بن محمّد العجلونى الجراحى (م ١١٦٢ ق) ، بيروت : دار الكتب العلميه ١٤٠٨ ق . ١٨١ . كشف الغمّه فى معرفه الأئمّه ، على بن عيسى الإربلى (م ٦٨٧ ق) ، تصحيح : السيد هاشم الرسولى المحلّاتى ، بيروت : دار الكتاب ، ١٤٠١ ق ، أوّل . ١٨٢ . كشف المحجّه لثمره المّهجه ، على بن موسى الحلّى (السيد ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق) ، تحقيق : محمّد الحسون ، قم : مكتب الإعلام الإسلامى ، ١٤١٢ ق ، أوّل . ١٨٣ . الكشف و البيان ، أحمد بن محمّد الثعلبى (م ٤٢٧ ق) ، تحقيق : أبو محمّد بن عاشور ، بيروت : دار إحياء التراث العربى ، ١٤٢٢ ق / ٢٠٠٢ م . ١٨٤ . كفايه الأثر فى النصّ على الأئمّه الاثنى عشر ، على بن محمّد الخزاز القمى (ق ٤ ق) ، تحقيق : السيد عبد اللطيف الحسينى الكوه كمرى ، قم : بيدار ، ١٤٠١ ق . ١٨٥ . كمال الدين و تمام النعمه ، محمّد بن علي ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق) ، تحقيق : علي أكبر الغفاري ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، ١٤٠٥ ق ، أوّل . ١٨٦ . كنز العمال فى سنن الأقوال و الأفعال ، على المتقى بن حسام الدين الهندى (م ٩٧٥ ق) ، تصحيح : صفوه السقا ، بيروت : مكتبه التراث الإسلامى ، ١٣٩٧ ق ، أوّل . ١٨٧ . كنز الفوائد ، محمّد بن علي الكراجكى الطرابلسى (م ٤٤٩ ق) ، به كوشش : عبد الله نعمه ، قم : دار الذخائر ، ١٤١٠ ق ، أوّل . . كنز جامع الفوائد = تأويل الآيات الظاهره فى فضائل العتره الطاهره . ١٨٨ . لسان العرب ، محمّد بن مكرّم المصرى الأنصارى (ابن منظور) (م ٧١١ ق) ، بيروت : دار صادر ، ١٤١٠ ق ، أوّل . ١٨٩ . لسان الميزان ، أحمد بن علي العسقلانى (ابن حجر) (م ٨٥٢ ق) ، مؤسسه الأعلمى ، ١٤٠٦ ق ، سوم . ١٩٠ . لغت نامه ، على اكبر دهخدا و ديگران ، تهران : دانشگاه تهران ، ١٣٧٣ ش . ١٩١ . مائه كلمه للإمام أميرالمؤمنين على ، عمرو بن بحر الكنانى (الجاحظ) (م ٢٥٥ ق) ، تحقيق : رياض مصطفى العبدالله ، دمشق : دارالحكمه ، ١٤١٦ ق .

١٩٢ . مائه منقبه من مناقب أمير المؤمنين علي بن أبي طالب و الأئمه من ولده عليهم السلام ، محمّد بن أحمد القمّي (ابن شاذان) (ق ٥ ق) ، تحقيق : نبيل رضا علوان ، قم : أنصاريان . ١٩٣ . المبسوط في فقه الإماميه ، محمّد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م ٤٦٠ ق) ، تحقيق : محمّد علي الكشفي ، تهران : المكتبة المرتضويه ، ١٣٨٧ ق ، سوم . ١٩٤ . مثير الأحران ، محمّد بن جعفر الحلّي (ابن الحلّي) (م ٦٤٥ ق) ، قم : مدرسه الإمام المهدي عليه السلام . ١٩٥ . المجازات النبويه ، محمّد بن الحسين الموسوي (الشريف الرضي) (م ٤٠٦ ق) ، تحقيق وشرح : طه محمّد الزيني ، قم : مكتبه بصيرتي . ١٩٦ . المجتني من الدعاء المجتبي ، علي بن موسى الحلّي (السيد ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق) ، تحقيق : صفاء الدين البصري ، مشهد : مجمع البحوث الإسلاميه ، ١٤١٣ ق . ١٩٧ . مجمع البحرين ، فخر الدين الطريحي (م ١٠٨٥ ق) ، تحقيق : السيد أحمد الحسيني ، تهران : مكتبه نشر الثقافه الإسلاميه ، ١٤٠٨ ق ، دوم . ١٩٨ . مجمع البيان في تفسير القرآن (تفسير مجمع البيان) ، الفضل بن الحسن الطبرسي (أمين الإسلام) (م ٥٤٨ ق) ، تحقيق : السيد هاشم الرسولي المحلاتي والسيد فضل الله اليزدي الطباطبائي ، بيروت : دار المعرفه ، ١٤٠٨ ق ، دوم . ١٩٩ . مجمع الزوائد و منبع الفوائد ، علي بن أبي بكر الهيثمي (م ٨٠٧ ق) ، تحقيق : عبد الله محمّد درويش ، بيروت : دار الفكر ، ١٤١٢ ق ، أول . مجموعه ورام = تنبيه الخواطر و نزّهه النواظر . ٢٠٠ . محاسبه النفس ، عبد الله بن محمّد القرشي (ابن أبي الدنيا) (م ٣٠٨ ق) ، تحقيق : مجدى السيد إبراهيم ، القاهره : مكتبه القرآن . ٢٠١ . المحاسن ، أحمد بن محمّد البرقي القمّي (م ٢٨٠ ق) ، تحقيق : السيد مهدي الرجائي ، قم : المجمع العالمى لأهل البيت عليهم السلام ، ١٤١٣ ق ، أول . ٢٠٢ . المحبّه في الكتاب والسنة ، محمّد الزّيشهرى ، بمساعده : محمّد التقديرى ، بيروت : دار الحديث ، ١٤٢١ ق ، أول . ٢٠٣ . المحبّه البيضاء في تهذيب الإحياء ، محمّد محسن بن شاه مرتضى (الفيض الكاشاني) (م ١٠٩١ ق) ، با حاشيه : علي أكبر الغفّارى ، قم : جماعه المدرسين فى الحوزه العلميه ، ١٣٨٣ ق .

٢٠٤ . مختلف الشيعة في أحكام الشريعة ، حسن بن يوسف الحلّي (م ٧٢٦ ق) ، تهران : مكتبة نينوى الحديثه ، ١٣٢٣ ق . ٢٠٥ .
 مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول ، محمّد باقر بن محمّد تقى المجلسى (العلامة المجلسى) (م ١١١١ ق) ، تحقيق : السيّد
 هاشم الرسولى المحلّاتى ، تهران : دار الكتب الإسلاميه ، ١٣٧٠ ش ، سوم . ٢٠٦ . المراسيل ، سليمان بن الأشعث السجستانى (م
 ٢٧٥ ق) ، تحقيق: عبد العزيز عزّ الدين السيروان ، بيروت: دار القلم ، ١٤٠٦ ق . ٢٠٧ . مروج الذهب و معادن الجواهر ، على بن
 الحسين المسعودى (م ٣٤٦ ق) ، تحقيق : محمّد محبى الدين عبد الحميد ، قاهره : مطبعه السعاده ، ١٣٨٤ ق ، چهارم . ٢٠٨ .
 المزار ، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م ٤١٣ ق) ، تحقيق : محمّد باقر الأبطحى ، قم : المؤتمر
 العالمى لألفيه الشيخ المفيد ، ١٤١٣ ق ، أوّل . ٢٠٩ . المزار ، محمّد بن مكّى العاملى (الشهيد الأوّل) (م ٧٨٦ ق) ، تحقيق :
 مدرسه الإمام المهدي عليه السلام ، قم : مدرسه الإمام المهدي عليه السلام ، ١٤١٠ ق . ٢١٠ . المزار الكبير ، محمّد بن جعفر
 المشهدى (ق ٦ ق) ، تحقيق : السيّد جواد القيومى الإصفهانى ، قم : قیوم ، ١٤١٩ ق ، أوّل . ٢١١ . مستدرک الوسائل و مستنبط
 المسائل ، ميرزا حسين النورى الطّبرسى (م ١٣٢٠ ق) ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، ١٤٠٧ ق ، أوّل . ٢١٢ . المستدرک
 على الصحيحين ، محمّد بن عبد الله الحاكم النيسابورى (م ٤٠٥ ق) ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، بيروت : دار الكتب
 العلميه ، ١٤١١ ق ، أوّل . مستطرفات السرائر = النوادر . ٢١٣ . مسکن الفؤاد ، زين الدين بن علىّ الجبعى العاملى (الشهيد
 الثانى) (م ٩٦٥ ق) ، تحقيق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، ١٤١٢ ق ، دوم . ٢١٤ .
 المسند ، أحمد بن محمّد الشيبانى (ابن حنبل) (م ٢٤١ ق) ، تحقيق : عبد الله محمّد الدرويش ، بيروت : دار الفكر ، ١٤١٤ ق ،
 دوم . ٢١٥ . مسند ابن جعد ، على بن الجعد الجوهري (م ٢٣٠ ق) ، بيروت : مؤسسه ناور ، ١٤١٠ ق . ٢١٦ . مسند أبى داوود
 الطيالسى (مسند الطيالسى) ، سليمان بن داوود البصرى (أبو داوود الطيالسى) (م ٢٠٤ ق) ، بيروت : دار المعرفه .

٢١٧. مسند أبي يعلى الموصلى ، أحمد بن على التميمى الموصلى (أبو يعلى) (م ٣٠٧ ق) ، تحقيق : إرشاد الحق الأثرى ، جدّه : دار القبله ، ١٤٠٨ ق ، أوّل . ٢١٨ . مسند إسحاق بن راهويه ، إسحاق بن إبراهيم الحنظلى المروزى (ابن راهويه) (م ٢٣٨ ق) ، تحقيق : عبد الغفور عبد الحق حسين البلوشى ، مدينه : مكتبه الإيمان ، ١٤١٢ ق ، أوّل . ٢١٩ . مسند الإمام زيد (مسند زيد) ، [المنسوب إلى] زيد بن على بن الحسين عليهما السلام (م ١٢٢ ق) ، بيروت : منشورات دار مكتبه الحياه ، ١٩٦٦ م ، أوّل . ٢٢٠ . مسند البزّار (البحر الزخّار) ، أحمد بن عمرو العتقى البزّار (م ٢٩٢ ق) ، تحقيق : محفوظ الرحمان زين الله ، بيروت : مؤسسه علوم القرآن ، ١٤٠٩ ق ، أوّل . ٢٢١ . مسند الحميدى ، عبد الله بن الزبير الحميدى (م ٢١٩ ق) ، تحقيق : حبيب الرحمان الأعظمى ، مدينه : المكتبه السلفيه . ٢٢٢ . مسند الرويانى ، محمّد بن هارون الرويانى (م ٣٠٧ ق) ، تحقيق : أيمن على أبويمانى ، مصر : مؤسسه قرطبه ، ١٤١٦ ق ، أوّل . ٢٢٣ . مسند الشافعى ، محمّد بن إدريس الشافعى (م ٢٠٤ ق) ، بيروت : دار الكتب العلميه . ٢٢٤ . مسند الشاميين ، سليمان بن احمد الطبرانى (م ٣٦٠ ق) ، تحقيق : حمدى عبد المجيد السلفى ، بيروت : مؤسسه الرساله . ٢٢٥ . مسند الشهاب ، محمّد بن سلامه (القاضى القضاعى) (م ٤٥٤ ق) ، بيروت : مؤسسه الرساله . ٢٢٦ . مسند أبى حنيفه ، أحمد بن عبد الله الأصبهانى (أبو نعيم) (م ٤٣٠ ق) ، قاهره : مكتبه الآداب ، ١٩٨١ م . ٢٢٧ . مسند أبى يعلى ، أحمد بن على التميمى الموصلى (أبو يعلى) (م ٣٠٧ ق) ، دمشق : دار المأمون للتراث ، ١٤١٠ ق / ١٩٨٩ م . ٢٢٨ . مشارق أنوار اليقين فى أسرار أمير المؤمنين عليه السلام ، رجب البُرسى (ق ٨ ق) ، قم : منشورات الشريف الرضى ، ١٤١٥ ق ، أوّل . ٢٢٩ . مشاهير علماء الأمصار ، محمّد بن حَبان البُستى (م ٣٥٤ ق) ، تحقيق : رزوق على إبراهيم ، بيروت : دار الوفاء ، ١٤١١ ق ، أوّل . ٢٣٠ . مشكاه الأنوار فى غرر الأخبار ، على بن الحسن الطُّبرسى (ق ٧ ق) ، تحقيق : مهدي هوشمند ، قم : دار الحديث ، ١٤١٨ ق ، أوّل .

٢٣١. مشكاه المصاييح ، محمّد بن عبد الله العمري الخطيب التبريزي (ق ٨ ق) ، تحقيق: محمّد ناصر الدين الآباني ، دمشق: المكتب الإسلامي . ٢٣٢. مصباح الزائر ، على بن موسى الحلّي (السيد ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق) ، تحقيق : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، ١٤١٧ ق ، أوّل. ٢٣٣. مصباح الشريعة و مفتاح الحقيقه ، [المنسوب إلى] الإمام الصادق عليه السلام ، شرح : عبد الرزاق گيلاني ، (م ١٠٨٩ ق) ، تصحيح : جلال الدين محدث أرموى ، تهران : صدوق ، ١٤٠٧ ق ، سوم. ٢٣٤. مصباح المتهجّد ، محمّد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م ٤٦٠ ق) ، تحقيق : على أصغر مرواريد ، بيروت : مؤسّسه فقه الشيعة ، ١٤١١ ق ، أوّل. ٢٣٥. المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي ، أحمد بن محمّد الفيومي (م ٧٧٠ ق) ، قم : مؤسّسه دار الهجرة ، ١٤١٤ ق ، دوم. ٢٣٦. المصباح في الأدعية و الصلوات و الزيارات ، إبراهيم بن علي الحارثي العاملي (الكفعمي) (م ٩٠٠ ق) ، قم : الشريف الرضي . ٢٣٧. المصنّف ، عبد الرزاق بن همام الصنعاني (م ٢١١ ق) ، تحقيق : حبيب الرحمان الأعظمي ، بيروت : منشورات المجلس العلمي . ٢٣٨. المصنّف في الأحاديث والآثار ، عبد الله بن محمّد العبسي الكوفي (ابن أبي شيبه) (م ٢٣٥ ق) ، تحقيق : سعيد محمّد اللّحام ، بيروت : دار الفكر . ٢٣٩. مطالب السؤل في مناقب آل الرسول ، محمّد بن طلحه النصيبي الشافعي (م ٦٥٢ ق) ، تحقيق : ماجد أحمد العطيّه ، بيروت : مؤسّسه أم القرى ، ١٤٢٠ ق . ٢٤٠. المطالب العاليه بزوائد المسانيد الثمانية ، أحمد بن علي العسقلاني (ابن حجر) (م ٨٥٢ ق) ، تحقيق : حبيب الرحمان الأعظمي ، بيروت : دار المعرفة ، ١٤١٤ ق ، أوّل. ٢٤١. معاني الأخبار ، محمّد بن علي ابن بابويه القمّي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق) ، تحقيق : علي أكبر الغفّاري ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامي ، ١٣٦١ ش ، أوّل. ٢٤٢. المعجم الأوسط ، سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (م ٣٦٠ ق) ، تحقيق : طارق بن عوض الله و عبد الحسن بن إبراهيم الحسيني ، قاهره : دار الحرمين ، ١٤١٥ ق . ٢٤٣. معجم البلدان ، ياقوت بن عبد الله الحموي الرومي (م ٦٢٦ ق) ، بيروت : دار إحياء التراث العربي ، ١٣٩٩ ق ، أوّل.

- ٢٤٤ . معجم السفر ، احمد بن محمد السلفى (م ٥٧٣ ق) ، شرح: عبد الله عمر البارودى ، بيروت: دار الفكر ، ١٤١٤ ق . ٢٤٥ .
- المعجم الصغير ، سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (م ٣٦٠ ق) ، تحقيق : محمد عثمان ، بيروت : دار الفكر ، ١٤٠١ ق ، دوم .
- ٢٤٦ . معجم الفروق اللغويّه ، حسين بن عبد الله العسكري (أبو هلال) (ق ٤ ق) ، تحقيق : مؤسسه النشر الإسلامى ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، ١٤١٢ ق . ٢٤٧ . المعجم الكبير ، سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (م ٣٦٠ ق) ، تحقيق : حمدى عبد المجيد السلفى ، بيروت : دار إحياء التراث العربى ، ١٤٠٤ ق ، دوم . ٢٤٨ . المعجم الوسيط ، مجمع اللغة العربيه فى القاهره ، تهران : ناصر خسرو (افست) . ٢٤٩ . معجم مقاييس اللغة ، أحمد بن فارس الرازى (م ٣٩٥ ق) ، تحقيق : عبدالسلام محمد هارون ، مصر : شرکه مكتبه مصطفى البابى و أولاده . ٢٥٠ . معدن الجواهر و رياضه الخواطر ، محمد بن على الكراجكى (م ٤٤٩ ق) ، تحقيق: السيد أحمد الحسينى ، تهران: المكتبه المرتضويه ، ١٣٩٤ ق ، دوم . ٢٥١ . المغازى ، محمد بن عمر بن واقد (الواقدى) (م ٢٠٧ ق) ، تحقيق : مارسدن جونس ، بيروت : عالم الكتب ، ١٤٠٤ ق ، سوم . ٢٥٢ . المغنى ، عبد الله بن أحمد الدمشقى (ابن قدامه) (م ٦٢٠ ق) ، بيروت : دار الكتاب العربى . ٢٥٣ . المغنى عن حمل الأسفار ، عبد الرحيم بن الحسين العراقى (م ٨٠٦ ق) ، تحقيق: أشرف بن عبد المقصود ، رياض: مكتبه دار طبريه ، ١٤١٥ ق . ٢٥٤ . مفتاح الفلاح فى عمل اليوم والليلة ، محمد بن حسين العاملى (الشيخ البهائى) (م ١٠٣٠ ق) ، تحقيق : السيد مهدي الرجائى ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، ١٤١٥ ق . ٢٥٥ . مفردات ألفاظ القرآن ، حسين بن محمد الراغب الإصفهانى (م ٥٠٢ ق) ، تحقيق : صفوان عدنان داوودى ، بيروت : دار القلم ، ١٤١٢ ق ، أول . ٢٥٦ . المقنعه ، محمد بن محمد بن نعمان العُكبرى البغدادي (الشيخ المفيد) (م ٤١٣ ق) ، تحقيق : مؤسسه النشر الإسلامى ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، ١٤١٠ ق ، دوم . ٢٥٧ . مكائد الشيطان ، عبد الله بن محمد القرشى (ابن أبى الدنيا) (م ٣٠٨ ق) ، قاهره : مكتبه القرآن . ٢٥٨ . مكارم الأخلاق ، الفضل بن الحسن الطبرسى (أمين الإسلام) (م ٥٤٨ ق) ، تحقيق : علاء آل جعفر ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، ١٤١٤ ق ، أول .

٢٥٩. ملاذ الأخيار في فهم تهذيب الأخبار، محمد باقر بن محمد تقى المجلسى (م ١١١١ ق) تحقيق: السيد مهدي الرجائي، قم: مكتبة آية الله المرعشى النجفى، ١٤٠٦ ق، أول. ٢٦٠. الملهوف على قتلى الطفوف، على بن موسى الحلّى (السيد ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق)، تحقيق: فارس تبريزيان، تهران: دار الأسوه، ١٤١٤ ق، أول. ٢٦١. مناقب آل أبى طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، محمد بن على المازندراني (ابن شهر آشوب) (م ٥٨٨ ق)، قم: المطبعة العلميه. ٢٦٢. مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام (المناقب للكوفى)، محمد بن سليمان الكوفى القاضى (م ٣٠٠ ق)، تحقيق: محمد باقر المحمودى، قم: مجمع إحياء الثقافه الإسلاميه، ١٤١٢ ق، أول. ٢٦٣. المناقب (المناقب للخوارزمى)، الموفق بن أحمد المكى الخوارزمى (م ٥٦٨ ق) تحقيق: مالك المحمودى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، ١٤١٤ ق، دوم. ٢٦٤. مناقب على بن أبى طالب عليه السلام (المناقب لابن المغازلى)، على بن محمد الواسطى الشافعى (ابن المغازلى) (م ٤٨٣ ق)، به كوشش: محمد باقر البهبودى، تهران: المكتبة الإسلاميه، ١٤٠٢ ق، دوم. المناقب لابن الدمشقى = جواهر المطالب فى مناقب الإمام على بن أبى طالب عليه السلام. المناقب لابن شهر آشوب = مناقب آل أبى طالب. المناقب للكوفى = مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام. ٢٦٥. مناقب مرتضى، محمد صالح بن عبد الله حسنى ترمذى (م ١٠٦٠ ق)، تحقيق: كورش منصورى، تهران: روزنه، ١٣٨٠ ش. ٢٦٦. المنتخب من مسند عبد بن حميد، عبد بن حميد (م ٢٤٩ ق)، تحقيق: السيد صبحى البدرى السامرائى ومحمود محمد خليل الصعدي، قاهره: مكتبة السنه، ١٤٠٨ ق، أول. ٢٦٧. المنتقى من أخبار المصطفى، عبد السلام بن تيميه الحرانى (م ٦٥٢ ق) تصحيح: محمد حامد الفقى، بيروت: دار المعرفه. ٢٦٨. المنجد فى اللغه، لويس معلوف، بيروت: دار المشرق، ١٩٧٣ م، بيست و يكم. ٢٦٩. منيه المريد، زين الدين على العاملى (الشهيد الثانى) (م ٩٦٥ ق) قم: مكتب الإعلام الإسلامى، ١٤١٥ ق. ٢٧٠. موارد الظمان إلى زوائد ابن حبان، على بن أبى بكر الهيشمى (م ٨٠٧ ق)، تحقيق: عبد الرزاق حمزه، بيروت: دار الكتب العلميه.

٢٧١ . موسوعه الإمام على عليه السلام فى الكتاب والسنة والتاريخ ، محمّد الرّيشهرى و آخرون، قم و بيروت : دار الحديث ، ١٤٢٢ ق ، أوّل . ٢٧٢ . موسوعه العقائد الإسلاميه ، محمّد الرّيشهرى ، قم : دار الحديث ، ١٤٢٥ ق ، أوّل . ٢٧٣ . الموطأ ، مالك بن أنس (م ١٥٨ ق) ، تحقيق : محمّد فؤاد عبد الباقي ، بيروت : دار إحياء التراث العربى ، ١٤٠٦ ق ، أوّل . ٢٧٤ . مهج الدعوات و منهج العبادات ، على بن موسى الحلّى (السيد ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق) تحقيق : حسين الأعلمى ، بيروت : مؤسسه الأعلمى ، ١٤١٤ ق ، أوّل . ٢٧٥ . المهذب ، عبد العزيز بن البرّاج الطرابلسى (م ٤٨١ ق) ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرّسين ، ١٤٠٦ ق . ٢٧٦ . الميزان فى تفسير القرآن (تفسير الميزان) ، السيد محمّد حسين الطباطبائى (م ١٤٠٤ ق) ، قم : إسماعيليان ، ١٣٩٤ ق ، سوم . ٢٧٧ . نثر الدرّ ، منصور بن الحسين الآبى (أبو سعيد الوزير) (م ٤٢١ ق) ، تحقيق : محمّد على قرنه ، مصر : الهيئه المصريه العامه ، ١٩٨١ م ، أوّل . ٢٧٨ . نزهه الناظر وتنبيه خاطر ، الحسين بن محمّد الحلوانى (ق ٥ ق) تحقيق : مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام ، قم : مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام ، ١٤٠٨ ق ، أوّل . ٢٧٩ . النوادر ، أحمد بن محمّد الأشعرى القمى (م ٢٨٠ ق) ، تحقيق : مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام ، قم : مدرسه الإمام المهدي عليه السلام ، ١٤٠٨ ق . ٢٨٠ . النوادر ، فضل الله بن على الحسينى الراوندى (م ٥٧١ ق) ، تحقيق : سعيدرضا على عسكرى ، قم : دار الحديث ، ١٣٧٧ ش ، أوّل . ٢٨١ . نوادر الأصول فى معرفه أحاديث الرسول ، محمّد بن على بن سوره الترمذى (م ٣٢٠ ق) ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، بيروت : دار الكتب العلميه ، ١٤١٣ ق ، أوّل . ٢٨٢ . النوادر (مستطرفات السرائر) ، محمّد بن أحمد الحلّى (ابن ادريس) (م ٥٩٨ ق) ، تحقيق : مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام ، قم : مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام ، ١٤٠٨ ق ، أوّل . ٢٨٣ . نور الأبصار فى مناقب آل بيت النبى المختار صلى الله عليه و آله ، مؤمن بن حسن مؤمن الشبلنجى (م ١٢٩٨ ق) ، بيروت : دار الكتب العلميه ، ١٣٩٨ ق ، أوّل . ٢٨٤ . نور الثقلين (تفسير نور الثقلين) ، على بن جعمره العروسى الحويزى (م ١١١٢ ق) ، تحقيق : السيد هاشم الرسولى المحلّاتى ، قم : إسماعيليان ، ١٤١٢ ق ، چهارم .

٢٨٥ . النهاية في غريب الحديث و الأثر ، مبارك بن محمّد الجَزْرِي (ابن الأثير) (م ٦٠٦ ق) ، تحقيق : طاهر أحمد الزاوي ، قم : إسماعيليان ، ١٣٦٧ ش ، چهارم . ٢٨٦ . النهاية في مجرّد الفقه و الفتاوى ، محمّد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م ٤٦٠ ق) ، بيروت : دار الكتاب العربي ، ١٣٩٠ ق . ٢٨٧ . وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة ، محمّد بن الحسن الحرّ العاملي (م ١١٠٤ ق) ، تحقيق : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، ١٤٠٩ ق ، أوّل . ٢٨٨ . وقعه صفّين ، نصر بن مزاحم المنقرى (م ٢١٢ ق) ، تحقيق : عبد السلام محمّد هارون ، قم : مكتبة آية الله المرعشي ، ١٣٨٢ ق ، دوم . ٢٨٩ . الهداية ، محمّد بن علي ابن بابويه القمّي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق) ، قم و تهران : مؤسّسه المطبوعات الدينيه و المكتبة الإسلاميه ، ١٣٣٧ ق . ٢٩٠ . ينابيع المودّه لذوى القربى ، سليمان بن إبراهيم القنّدوزى الحنفى (م ١٢٩٤ ق) ، تحقيق : علي جمال أشرف الحسينى ، تهران : دار الأسوه ، ١٤١٦ ق ، أوّل .

ص: ۶۰۱

فهرست تفصیلی

فهرست تفصیلی

.

ص: ٦٠٢

..

ص: ٦٠٣

..

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفاً ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

